

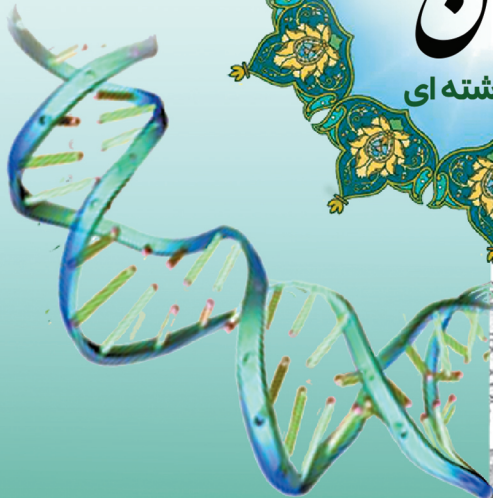


دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی ساری

مجموعه مقالات
دومین همایش ملی
پژوهش‌های

قرآن و انگاره‌های علوم زیستی

میان رشته‌ای



محورهای همایش

الف) مبانی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن کریم

- چپستی، چرائی و ضرورت مطالعات میان‌رشته‌ای
- تفسیرپذیری تجربی آیات قرآن
- رابطه قرآن با دانش بشری
- روش‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای قرآن و علوم
- رهیافت‌های تحول‌آفرین قرآن در کشاورزی

ب) قرآن و علوم زیستی

- قرآن، علوم و فرآورده‌های گیاهی
- قرآن، غذا و تغذیه
- قرآن، دام و طیور و آبزیان
- قرآن، آب و خاک
- قرآن، منابع طبیعی
- قرآن، محیط زیست
- قرآن، آب و هوا و تغییرات اقلیمی
- قرآن، علوم نوین زیستی، موجودات تراریخته
- قرآن، حقوق موجودات زنده
- قرآن، تکامل موجودات زنده

گردآوری:

دکتر اسداله تیموری یانسنری

آدرس سایت همایش:

<http://qans2.sanru.ac.ir>

آدرس دبیرخانه: ساری کیلومتر ۹ جاده دریا
دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

تلفکس: ۱۱۳۳۶۸۷۷۴۶



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مجموعه مقالات دومین همایش ملی



گردآوری:

دکتر اسداله تیموری یانسری

بهار ۱۴۰۱



سرشناسه	:	همایش ملی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن و انگاره‌های علوم زیستی (دومین : ۱۴۰۰ : ساری)
عنوان و نام پدیدآور	:	مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش‌های میان‌رشته‌ای قرآن و انگاره‌های علوم زیستی / گردآوری اسدالله تیموری یانسری؛ اعضای کمیته دبیران همایش قربانعلی نعمت‌زاده، سیدعلی هاشمی خانعباسی، سیدیوسف موسوی طغانی؛ [برای] مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی.
مشخصات نشر	:	ساری: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۲۵ص.
شابک	:	978-622-6860-60-4
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	کتابنامه.
موضوع	:	قرآن و علوم زیستی -- کنگره‌ها Qur'an and life sciences -- Congresses*
شناسه افزوده	:	تیموری یانسری، اسدالله، ۱۳۵۲-، گردآورنده
شناسه افزوده	:	موسوی، سیدیوسف، ۱۳۴۷-
شناسه افزوده	:	هاشمی خانعباسی، سیدعلی، ۱۳۴۳-
شناسه افزوده	:	نعمت‌زاده، قربانعلی، ۱۳۳۳-
شناسه افزوده	:	دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری. مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی
شناسه افزوده	:	دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
رده بندی کنگره	:	BP ۱۰۳/۶
رده بندی دیویی	:	۲۹۷/۱۵۸
شماره کتابشناسی ملی	:	۸۸۵۱۷۰۹
اطلاعات رکورد کتابشناسی	:	فیپا

داوری علمی و تأیید شده در معاونت پژوهشی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

مجموعه مقالات دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و انگاره‌های علوم زیستی	
گردآوری	: اسداله تیموری یانسری
اعضای کمیته دبیران همایش	: قربانعلی نعمت زاده، سیدعلی هاشمی خانعباسی، سید یوسف موسوی طغانی
ناشر	: دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
تیراژ	: ۱۰۰۰ نسخه
نوبت چاپ	: اول، ۱۴۰۱
قیمت	:
چاپ	: نوروزی

هر گونه چاپ و تصویربرداری به هر شکل و تکثیر صفحات کتاب ممنوع می‌باشد.

مرکز نشر و پخش: تلفن: ۰۱۱۳۳۶۸۷۴۲۷؛ فاکس: ۰۱۱۳۳۶۸۷۴۴۲



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای
قرآن و انگاره‌های علوم زیستی
۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی ساری

اعضای کمیته دبیران همایش



دکتر قربانعلی نعمت‌زاده (دبیر همایش)



دکتر سید علی هاشمی خانباسه (دبیر علمی همایش)



دکتر سید یوسف موسوی طغانه (دبیر اجرایی همایش)



اعضای کمیته داوران

جعفری صیادی علی‌رضا	انصاری مقدم مجتبی
حاجیها عباس	چاشنی دل یدالله
حسینی نصر سید محمد	حدادی نژاد مهدی
خاکزاد شاهاندشتی سید غلامحسین	حلیمی جلودار حبیب‌اله
دهستانی کلاگر علی	خالخیلی طاهر عزیزی
عمادی سید مصطفی	رنجبر غلامعلی
فرهمندفر رضا	فرمانی جمشید
فلاح سلوکلائی محمد	فضل اولی رامین
قاسمی طوسی محمد اسماعیل	قاسمی حمید محمد
متدین عباس	کاظمی فرد محمد
معلمی مصطفی	مرادی حسین
موسوی سید رمضان	مودب سید رضا
نعمت زاده قراخیلی قربانعلی	موسوی طغانی سید یوسف
نوروز ولاشدی رضا	نقیبی سید ابوالقاسم
هاشمی خانعباسی سید علی	وهاب زاده کبریا قربان



اعضای کمیته علمی همایش

ردیف	نام و نام خانوادگی	مرتبۀ علمی	محل خدمت
۱	اسدی نسب محمد علی	استاد	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۲	اسفندیاری فرزاد	استادیار	دانشگاه پیام نور ایلام
۳	اشرفی عباس	دانشیار	دانشگاه علامه طباطبائی
۴	تجری محمد علی	دانشیار	دانشگاه قم
۵	جعفری صیادی علی رضا	استادیار	دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
۶	حلیمی جلودار حبیب الله	استادیار	دانشگاه مازندران
۷	خسرو پناه عبدالحسین	دانشیار	مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران
۸	رحمان ستایش محمد کاظم	دانشیار	دانشگاه قم
۹	رضایی اصفهانی محمد علی	استاد	جامعه المصطفی العالمیه
۱۰	رنجبر غلامعلی	دانشیار	دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
۱۱	زکوی علی اصغر	دانشیار	دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۱۲	عبدالکریم بهجت پور	استاد	پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی
۱۳	قاسمی طوسی محمد اسماعیل	استادیار	دانشگاه مازندران
۱۴	قربانیا محسن	استادیار	دانشگاه کاشان
۱۵	متقی نیا قاسم	استادیار	دانشگاه علوم پزشکی لرستان
۱۶	محمد فلاح سلوکلائی	استادیار	سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران
۱۷	محمد قاسمی حمید	دانشیار	دانشگاه آزاد واحد ساری
۱۸	محمدی ابوذر پور	استادیار	دانشگاه قم
۱۹	مستر حمه سید عیسی	استادیار	جامعه المصطفی العالمیه
۲۰	معلمی مصطفی	استادیار	دانشگاه علوم پزشکی مازندران
۲۱	مودب سید رضا	استاد	دانشگاه قم
۲۲	نعمت زاده قراخیلی قربانعلی	استاد	دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
۲۳	نقیبی سید ابوالقاسم	استاد	دانشگاه شهید مطهری
۲۴	هاشمی خانعباسی سید علی	استادیار	دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری



اعضای کمیته اجرایی همایش (خادمین قرآن)

اسدی تپه سری اکبر	ابوالقاسم پور امین
اسفندیاری احمد	اسدی سهیل
افخمی قادی عمّار	اشرفی سید یاسر
امامی قرا مریم	اکبری دزایی علی
بابایی یوسفعلی	آقاجانی مجتبی
بوالحق صابر	بابائی زاد ولی‌اله
تازه‌کام شعبان	پیردشتی حشمت‌الله
تیموری یانسری اسدالله	تمرتاش رضا
چاشنی دل یدالله	جعفری صیادی علیرضا
حمیدی سید صادق	حسینی سید جابر
خرسند مرتضی	خاکزاد شاهاندشتی سید غلامحسن
رحمانی محمد امین	درزی خلردی صغری
ساجدی مریم	رستمی اتویی حسین
سید یاسر غضنفری	سرانجام میثم
شجاعی لنگردی سیده بنین	شاه حسینی امیر هوشنگ
فدایی محمدعلی	علی نژاد هادی
کاملی سیده فاطمه	قربانی زهرا
مشهدی خلردی علیرضا	متدین عباس
موسوی سید رمضان	مطهری طبری سید ابراهیم
مومنی لاریمی علی رضا	موسوی طغانی سید یوسف
نعمت‌زاده قراخیلی قربانعلی	نصیری سعید
نوراللهی جعفر	نوبخت احسان
نوروزی زهرا	نوروز ولانندی رضا
ورامین پور علی	نونهال رضا
هاشمی خانعباسی سید علی	وفایی نژاد صفیه
یخکشی غلامعلی	هاشمی سید احمد



متن سخنرانه آقامه دکتر اسداله تیموری رئیس همایش و رئیس محترم دانشگاه

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

در ابتدا بر خود لازم می‌دانم از همه همکاران ارجمندی که برای شکل‌گیری اولین همایش گام برداشته و با پی‌گیری مجدانه و خالصانه این فعالیت ارزشمند را به گام دوم و برپایی این همایش رسانده‌اند، قدردانی نمایم. امید که ثمرات این خیر بزرگ موجب گسترش پیام معنوی این همایش شود. هم‌چنین از توجه و محبت فرهیختگان و نخبگان علمی حوزوی و دانشگاهی که با ارائه مقاله بر وزن علمی همایش افزودند سپاس‌گزاری می‌نمایم. قرآن کریم، کتابی است که در مجموع کائنات عالم استثناست؛ منحصر به فرد است. همه چیز عالم در قرآن نهفته و جمع شده است. ولی زبان قرآن نوعاً زبان مجمل است و کلیات فراوانی در آن به کار رفته است. این قرآن که ظاهرش زیبا و باطنش عمیق است و به معنایی هم دست یافتنی و بسیار کاربردی است و هم در عمق دست نیافتنی و ناپیدا است باید توسط کسانی زیبایی قرآن در اختیار و در محضر عموم مردم قرار گیرد. بر این اساس پیامبر مهربانی و رحمت حضرت محمد ﷺ به عنوان بزرگ‌ترین انسان تاریخ در حدیث ثقلین از قرآن و عترت به عنوان امانت‌هایی که از خود به‌جا گذاشت، یاد می‌کند. حدیث ثقلین از احادیثی است که اهل سنت و شیعه، هر دو با سندهای متعدد از رسول خدا ﷺ روایت کرده‌اند.

پیغمبر اکرم ﷺ بارها در طول زندگانی خویش به ویژه در روزهای پایانی عمر خود، مسلمانان را به دو چیز، قرآن و اهل بیت (علیهم‌السلام) سفارش کردند و راه سعادت ملت اسلامی را در پیروی از این دو با هم دانستند. امروزه بیش‌تر مصایب امت اسلامی در این است که گروهی بین این دو امانت بزرگ جدایی انداخته‌اند به صورتی که عده‌ای از مسلمانان به دنبال قرآن رفته و اهل بیت (علیهم‌السلام) را کنار گذاشته‌اند و عده دیگر نیز اهل بیت را گرفته و قرآن را رها کرده‌اند که همه ما وظیفه داریم در برقراری پیوند بین این دو امانت سعی وافر نماییم. باید پذیرفت قرآن کامل‌ترین کتاب و مرجع علمی برای تمام ادوار و اعصار می‌باشد که هر کسی به اندازه فهم خود در دوره مختلف تفسیری از آن را ارائه می‌دهد و داده‌های علمی آن را استخراج می‌کند؛ اما چگونه است با وجود چنان عظمتی در این کتاب، پیامبر ﷺ از گروه عظیمی از مسلمانان به پیشگاه خدا شکایت می‌برد که این قرآن در میان



امت مهجور و به دست فراموشی سپرده شده است؛ در حالی که قرآنی که رمز حیات است و وسیله نجات، قرآنی که عامل پیروزی و حرکت و ترقی است، قرآنی که مملو از برنامه‌های زندگی است. قرآن را رها ساخته و حتی برای قوانین ابتدایی مدنی و جزائی دست به سوی دیگران دراز کرده‌اند. هم اکنون، اگر به وضع بسیاری از کشورهای اسلامی، مخصوصاً آنها که زیر سلطه فرهنگی شرق و غرب زندگی می‌کنند، نظر بیفکنیم، می‌بینیم قرآن در میان آنها به صورت یک کتاب تشریفاتی درآمده است، تنها الفاظش را با صدای جالب پخش می‌کنند، در کاشی کاری‌های مساجد به‌عنوان هنر معماری است، برای افتتاح خانه نو یا حفظ مسافر، شفای بیماران و حداکثر برای تلاوت، به‌عنوان ثواب از آن استفاده می‌کنند. حتی گاه که با قرآن استدلال می‌نمایند، هدف‌شان اثبات پیش‌داوری‌های خود به کمک آیات با استفاده از روش انحرافی تفسیر به رأی است. در حالی که قرآن هم طرح می‌دهد و هم شیوه اجرا و الگو معرفی می‌کند، هم تشویق دارد، هم هشدار می‌دهد، هم برای خواص نکته‌ها دارد، هم برای عوام، هم غیب دارد و هم شهود، هم عوامل عزت و هم عوامل ذلت را را مطرح می‌کند. از حضرت امام رضا (علیه السلام) روایت کرده‌اند که فرموده‌اند: خداوند قرآن را برای زمان خاصی نازل نفرمود و همین طور برای مردم معینی نفرستاد، زیرا قرآن در هر زمانی جدید و تازه است، و برای هر قومی تا قیامت نوآوری و خرمی و شادابی دارد. مورد دیگری که باید مدنظر قرار گیرد آن است که از پیامدهای دنیای مدرن، بروز بحران و عدم تعادل و توازن در زمینه‌های فرهنگی، اخلاقی و ارزش‌های معنوی است. انسان مدرن با اصالت دادن به رشد اقتصادی و مادی از معنویت و مذهب دور شده و در رویارویی با انواع مخاطره‌ها و ناامنی‌ها، احساس بی‌هویتی، تنهایی، خلأ معنوی و بداخلاقی مواجهه شده است. تفکر مدرن با تقلیل دادن ادراکات به سطح ذهنی، کمی و تجربه‌پذیر، هرگونه ارتباط معنوی انسان و جهان هستی با مبدأ غیبی را نادیده می‌انگارد. به‌عبارت دیگر، هرگونه ارتباطی میان خدا و جهان را نفی کرده است. موضوع ارتباط یا جدایی بین علم و معنویت از گذشته وجود داشته و در حال حاضر نیز منشأ بحث‌های فراوانی بین اندیشمندان است، از این‌رو، در جهان فراروی ما به علت داشتن روح تنازع در همه سطوح معنوی، فکری و مادی، زمینه پیوندهای مشترک علم و دین کمرنگ شده است در این میان افرادی که درصدد توسعه صلح و هماهنگی امور در سطوح مختلف معارف بشری و دینی هستند، غالباً به توافق و همگرایی بین علم و معنویت می‌اندیشند، زیرا به خوبی می‌دانند که هرچند انسان با قوای علم (عقل) می‌تواند بر بسیاری از علوم مادی فائق آید و مجهولات آن را کشف کند، اما هیچ‌گاه نمی‌تواند با یکی از این دو قوای نیرومند بر اسرار خلقت و آرامش درونی خود



دسترسی یابد. در واقع، رنج امروزی جوامع بشری ناشی از تضعیف روح معنوی به عنوان گوهر طلایی در مسائل دینی است. چه بسا در مواجهه با علم، یکی به نفع دیگری مصادره به مطلوب می‌گردد، لذا شایسته است به تناسب علم، معنویت در تعامل با مباحث اجتماعی، سیاسی و فرهنگی قرار گیرد و از محدوده شخصی افراد فراتر رود. در غیر این صورت با رشد تک‌بعدی، مسلماً عواقب و چالش‌هایی از قبیل خرافه‌پرذاری یا خردگرایی مطلق را به همراه خواهد داشت.

آن‌چه به جهت پرهیز از چنین چالش‌هایی مطرح می‌شود این است که علم با تجربه‌های حسی و امور معنوی با تجربه‌های فراحسی و دینی می‌توانند در معرفت‌زایی فرد، مستقیماً به صورت مکمل یکدیگر مطرح گردند. آن‌چه بدیهی است علم و معنویت به‌عنوان دو بال آدمی در کمال انسان لازم و مؤثر است؛ اما با توجه به مسائل تاریخی، سیاسی و اجتماعی شاهد تغییراتی خاص در مؤلفه‌های آن هستیم که پرداختن به این موضوع نیازمند وقت دیگری است. به کارگیری عقل محض و بدون معنویت، پایه تمام باورها را سست و بی‌روح می‌کند بدون آن که بتواند جای امور فزادنی فرد را بگیرد. به همین جهت یکی از مهم‌ترین پیام‌های این گونه همایش‌ها توجه به این امر و دریافت این مطلب بوده که دین همان علم است و جدا از آن نیست. جهان امروز زمانی از این چالش‌های عظیم و به نظر درمان‌ناپذیر خارج خواهد شد که بتواند در پرتو دین و راهبری قرآن و ائمه اطهار به صراط مستقیم روی آورد. از خدا بزرگ می‌خواهم همه ما را در پرتو هدایت قرآن و همراه همیشگی و جدایی‌ناپذیرش اهل بین نبوت ﷺ در مسیر مستقیمی که سرانجامش قرآنی بودن و قرآنی شدن است حفظ نماید. آمین یا رب العالمین.

به امید سلامتی و بهروزی

دکتر اسداله تیموری یانسری

رئیس همایش و رئیس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری



سخن آقامه دکتر قربانعلی نعمت‌زاده دبیر محترم همایش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قرآن کریم کتابی مبارک، تدبر، تفکر، تذکر و کتاب هستی‌شناسی است. از سوی دیگر، عقل یک مواهب الهی است که دارای ظرفیت علمی بوده و فقط به نوع انسان ارزانی شده تا با به‌کارگیری عقل و علم، مسیر سعادت و کمال را به پیماید. عقل، تفکر، علم و اراده سرمایه‌گران بهایی هستند که در میان همه مخلوقات عالم هستی فقط به نوع انسان عطا گردید و به همین دلیل انسان به‌عنوان اشرف مخلوقات (بالقوه) قدرت تسخیرعالم طبیعی را به‌دست آورد (وَسَخَّرَ لَكُمَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِمَّا هُنَّ لِذِكِّ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَقِرُونَ).

قرآن کریم به‌عنوان آخرین گفتگوی خداوند سبحان با انسان (نبی مکرم اسلام ﷺ) در آیه ۱۸ سوره مبارکه زمر می‌فرماید: الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ. آن بندگان که سخن بشنوند و به نیکوتر آن عمل کنند، آنان هستند که خدا آنها را (به لطف خاص خود) هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند.

همین نکته برتری مطلق دین مبین اسلام، عظمت قرآن مجید و حقانیت اهل‌البيت (علیهم‌السلام) راه اعلام جهانی در همه اعصار می‌نماید. باید با قرآن مأنوس شد و از چشمه زلال و پاک آن نوشید تا راه سعادت را باز یافت. در این جهان پرتلاطم و در این امواج سهمگین ایسم‌های رنگ و وارنگ جوامع و اداره فکری، تنها روشنایی نور قرآن کریم است که سره از ناسره را می‌توان شناخت و در حریم امن فکری آن (قرآن کریم و سیره اهل‌البيت (علیهم‌السلام)) حرکت و به سعادت رسید.

به همین دلیل، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری و مرکز بین رشته‌ای قرآن و علوم طبیعی مفتخر است که شاگرد چنین مکتب تعالی بخش می‌باشد و تلاش مستمر دارد تا نسل جوان و جویای راه حقیقی را هرچه جامع‌تر با چنین گنجینه‌های حقیقی عالم هستی آشنا کند. برپایی همایش‌های قرآنی کوچک‌ترین گام در این مسیر متعالی است (انشاء...).

با احترام
قربانعلی نعمت‌زاده
دبیر همایش



سخن آقامه دکتر سید علمه هاشمه خانعباسه دبیر محترم علمه همایش

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

انسان پیچیده‌ترین، عمیق‌ترین و اندیشمندترین مخلوق هستی است و هیچ پدیده‌ای چون انسان و به قدر وی، دارای ظرفیت سر و حکمت نیست و از جنس اوست خلیفه اوست...؛ اما در شرایطی در چنبره بحران‌های زیستی، اجتماعی، علمی و فرهنگی محصور شده است و چون جستجوگر و کنجکاو است، راه‌های برون‌رفت از این بن‌بست آهنین را بی می‌جوید و به‌طور فطری چاره‌جوی غم اسارت خویش است. اسارتی که حاصل و ارمغان دوره امپراطوری صنعت و سود و سرمایه و عصر هژمونی زر و زور و تزویر بوده و او را در هزارتوی مصائب و مذلت گرفتار کرده است و ناامید در بوادی حیرانی و تسلسل از خود بیگانگی هم چون شتر آسیاب، برگرد خود می‌گردد. به راستی چگونه می‌تواند چاره‌جویی غم در بند و اسارت خویش گردد و خود را از همه ابعاد بخصوص در حوزه دانش و اندیشه، برهاند و در نتیجه مسیر کمال را بییماید! با این وجود و در عصر تشنگی و فرسودگی، ندهایی از عمق تاریخ شکوفای اسلام و از متن قرآن همواره به گوش می‌رسد: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيرٍ
تو را ز کنگره عرش می‌زنند

صفیر ندانمت که در این دامگه چه افتاده است

این ندای ملکوتی هم از ضمیر ناخودآگاه انسان بلند است و هم در تاریخی به بلندای ۱۵ قرن از قرآن سامت و ناطق، گوش‌ها و هوش‌ها را تسخیر کرده و مسیر مصیر را که همان رهایی از بحران‌ها و رسیدن به رستگاری است به انسان افتاده در دام جهل و زندان غرور نشان داده است و آن حکمت است وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا که گمشده انسان به‌خصوص او که محصور در علوم تجربی و ساینس و بریده از اخلاق و مذهب نگاه داشته شده است؛ اما قرآن کتابی نیست که فقط بشود با یک روش و براساس برخی از مبانی خاص مورد استفاده قرار گیرد بلکه قرآن علاوه بر زیبایی بی‌بدیل ظاهری، از بطن عمیق برخوردار است إِنَّ الْقُرْآنَ ظَاهِرُهُ أَيْقُنٌ وَبَاطِنُهُ عَمِيقٌ و برای فهم نسبی آن می‌بایست از روش‌ها و مبانی متعدد فلسفی، عرفانی، روایی و غیره بهره جست که یکی از آن روش‌ها و مبانی روش و مبانی، روش و مبانی علوم تجربی و زیستی است. البته همه این مبانی در طول مبانی تفسیری قرآنی و روایی قرار دارند. اگر چه از روش استقلالی برخوردارند اما مبنایی مستقل و در عرض قرآن و روایت نخواهند بود. مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری در بهره‌مندی از خرمن پر برکت قرآن از روش و مبانی ترکیبی استفاده می‌نماید و مشتاقان قرآن را بر سر سفره معرفتی آن به اشکال مختلف دعوت می‌نماید؛ گاهی در شکل میزگردهای علمی، قرآن‌آموزی می‌نماید و زمانی در قالب جلسات و کارگاه‌های معرفت‌افزایی و در برخی موارد به اقتضای شرایط در قالب



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و انگاره‌های علوم زیستی

۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی ساری

همایش، ضمن استفاده از معارف بلند قرآن، به ترویج آموزه‌های آن می‌پردازد که تاکنون سه همایش برگزار شده است: یکی مقدماتی و دو تای دیگر همایش ملی بوده است که این مجموعه مقالات حاصل دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و انگاره‌های علوم زیستی است که امیدواریم مورد قبول حضرت حق قرار گرفته باشد.

سید علی هاشمی خانباسی
دبیر علمی همایش



بیانیه دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و انگاره‌های علوم زیست‌

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و انگاره‌های علوم زیستی با مجوز شورای پژوهشی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری اطلاع‌رسانی و فراخوان مقالات از طریق سایت مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی دانشگاه و سایت همایش مذکور و نیز از طریق پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) به کلیه دانشگاه‌ها، مراکز و مؤسسات علمی و سازمان‌های اجرایی ارسال شد. بیش از ۱۶۵ مقاله کامل از سراسر کشور به دبیرخانه همایش ارسال و توسط داوران مورد بررسی قرار گرفته، تعداد ۱۳۵ مقاله در بخش سخنرانی و نمایش پوستری انتخاب شدند. این همایش در تاریخ ۲۸ مهر ماه ۱۴۰۰ به صورت نیمه‌حضوری و در معیت پژوهشگران و محققین کشور در محل دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری برگزار گردید. نتایج همایش پس از سخنرانی میهمانان علمی و ارائه مقالات برگزیده به صورت سخنرانی و پوستر با انتشار بیانیه‌ای به شرح ذیل اعلام گردید.

- ۱- لازم است قرآن کریم این آخرین و بزرگ‌ترین معجزه الهی به عنوان کتاب زندگی در حوزه‌های مختلف علوم مورد توجه جدی دانشگاهیان و اندیشمندان قرار گیرد.
- ۲- از آنجایی که تعداد فراوانی از آیات قرآن کریم متعرض موضوعات علوم تجربی شده، لازم است پژوهشگران و محققین مراکز علمی با گرایش‌های مختلف از زوایای گوناگون آیات کریمه آن را مورد مذاقه قرار دهند.
- ۳- با راه‌اندازی «پژوهشکده کاربردی میان رشته‌ای قرآن و علوم زیستی» در دانشگاه، شرایط و زیر ساخت‌های تحقیقات در زمینه‌های مشترک قرآن و علوم طبیعی فراهم گردد.
- ۴- برای تبادل اطلاعات و یافته‌های قرآنی بین مراکز علمی، لازم است تفاهم نامه‌های همکاری در سطوح ملی و فرا ملی تنظیم و عملیاتی گردد.
- ۵- برای تقویت و تعمیق هر چه بیش‌تر پژوهش‌های قرآنی، کارگاه‌ها و همایش‌های قرآنی در طول سال در دانشگاه در سطح ملی و بین‌المللی برگزار گردد.
- ۶- لازم است وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تمهیداتی فراهم آورند تا مراکز علمی تابعه به معارف قرآن کریم خصوصاً در موضوعات بین‌رشته‌ای با اهتمام



بیش‌تری پرداخته تا جایی که زمینه استفاده از این معارف به عنوان سرفصل واحدهای درسی و منابع علمی فراهم گردد.

۷- برای بسط و توسعه فرهنگ قرآن در علوم طبیعی خاصه علوم زیستی ضروری است که اساتید محترم بخشی از پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌ها دانشجویان را در مقاطع تحصیلات تکمیلی در زمینه مباحث میان‌رشته‌ای هدایت نمایند.

والسلام علیکم ورحمته الله و برکاته

دبیرخانه دومین همایش ملی

پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن

و انگاره‌های علوم زیستی



فهرست مطالب

۱	اثر تغییر اقلیم و دیدگاه قرآن کریم
	سعید رضا عرب، مریم آقامحمدی، امان محمد کمالی
۱۱	محیط زیست از منظر قرآن کریم
	سیدرضا شمس‌الدینی، هرمز اسدی کوه‌باد، عبدالکریم گل‌گون
۳۲	مطالعه و تحلیل نقش مدیریت آب بخش کشاورزی در برون‌رفت از بحران با تاکید بر آیات قرآن
	معصومه پازکی
۴۱	تبیین آیات شریفه ۶۸ و ۶۹ سوره نحل «در آینه روایات تفسیری و آرای مفسران امامی»
	علی محمدیان و بتول سلحشور
۵۱	پژوهشی پیرامون آیه چهارم سوره مدثر «وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ» در آینه روایات و تفاسیر شیعی
	علی محمدیان و بتول سلحشور
۶۱	نظری اجمالی بر اعجاز کلام وحی از منظر علم ژنتیک
	محمد رضاپور
۶۷	خاک، آفرینش انسان و جایگاه آن در قرآن کریم
	هوشنگ خسروی
۷۵	اهمیت غذا و تغذیه در آیات و روایات
	مریم گرامی‌فرد و میثم معتمدی
۸۸	جستاری درباره حیوانات در قرآن کریم
	علیرضا جعفری صیادی، سیده عظمت میری و فاطمه جعفری صیادی
۱۰۰	جایگاه علم در قرآن با تاکید بر علوم زیستی
	صغری درزی خلردی، مریم نظرچوب مسجدی، فاطمه درزی خلردی
۱۰۸	جایگاه محیط زیست از منظر قرآن و آموزه‌های دینی
	مهرداد برون
۱۱۷	دیدگاه قرآن کریم در مورد نظریه تکامل (با تکیه بر تفسیرالمیزان و دیدگاه علامه طباطبایی)
	سید ابوالفضل موسوی‌زاده
۱۳۱	جنین‌شناسی در قرآن
	محسن خدادادی، محسن عباسی، حسین خدادادی
۱۴۰	بررسی ظرفیت‌های دینی پیشگیرانه در حوزه بحران آب
	علی طاهری دهنوی و سیدمجتبی جلالی
۱۶۲	قرآن و سبک زندگی اسلامی با تاکید بر فعالیت‌های ورزشی
	محمد تقی خورند
۱۶۷	نیرومندی و آمادگی دفاعی در قرآن
	محمد تقی خورند



- ۱۷۱ الگوگیری از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل موجودات زنده از منظر قرآن
سیدعسکری فهیم علوی
- ۱۸۵ رابطه قرآن با دانش بشری
محمد اسماعیل مجلسی، فاطمه زینلی‌پور
- ۲۱۳ علوم و فرآورده‌های گیاهی در قرآن
محمد اسماعیل مجلسی، فاطمه زینلی‌پور
- ۲۳۷ قرآن، آب و خاک
محمد اسماعیل مجلسی، فاطمه زینلی‌پور
- ۲۷۰ قرآن و حقوق موجودات زنده
محمد اسماعیل مجلسی، فاطمه زینلی‌پور
- ۳۰۰ امنیت غذایی از دیدگاه قرآن
نیما خالدی
- ۳۰۴ اهمیت محیط زیست از دیدگاه اسلام
نیما خالدی
- ۳۰۸ نقش اسلام در حمایت از محیط زیست
نیما خالدی
- ۳۱۴ اسالیب ادبی در آیات واجد واژه الأرض در قرآن کریم با عنایت به مبانی زمین‌شناسی تاریخی و زیست‌دیرینه‌شناسی
عبدالحسین کنگازیان، اکرم‌السادات میرممتاز، امین رضایی صدر
- ۳۲۳ آب در قرآن
طیبه مهدوی خانوکی و مهدی عبداللهی‌پور
- ۳۳۶ بررسی تاثیر تغذیه حلال و حرام بر شخصیت انسان در آینه قرآن و روایات
مهدی عبداللهی‌پور و مهدیه نصیری
- ۳۴۶ امنیت غذایی و احتکار از منظر قرآن
سمیراء جوادی باغی، محمدکریم معتمد، فاطمه قربانی پیرعلیدهی
- ۳۶۱ اهمیت خاک از دیدگاه قرآن کریم
مجید دانش
- ۳۶۸ فرسایش آبی از دیدگاه قرآن کریم
مجید دانش
- ۳۷۳ آب در قرآن حکیم
حسن رهنما و محمد مهدوی
- ۳۹۰ اخلاق و صلاحیت‌های موردنیاز مروجین کشاورزی از دیدگاه قرآن
محمد یحیائی
- ۳۹۶ بررسی فطری‌بودن گرایش به خدا و نقش ژنتیک در گرایش‌های مذهبی از منظر قرآن
فاطمه مقصودی و حسین مرادی
- ۴۰۵ بررسی تغییر در خلقت زیستی موجودات (تراریخته) از نگاه قرآن
فاطمه مقصودی و حسین مرادی



- ۴۱۵ بررسی گیاهان قرآنی از دیدگاه علم گیاهشناسی ناصر صادقیان، فاطمه راسخ، محمد حسن دشتی خویدکی، سعدیه دهقانی فیروزآبادی، فاطمه دانشمند، امیرعباس مینایی‌فر
- ۴۲۸ تجزیه و تحلیل سوره‌های قرآنی حاوی نام گیاهان با استفاده از نرم‌افزارهای آماری ناصر صادقیان، فاطمه راسخ، محمد حسن دشتی خویدکی، سعدیه دهقانی فیروزآبادی، فاطمه دانشمند، امیرعباس مینایی‌فر
- ۴۳۴ تحلیل مفاهیم کشاورزی پایدار و ارگانیک با تأکید بر آیات قرآن کریم فاطمه قربانی پیرعلیدهی
- ۴۴۶ قرآن و علوم طبیعی با رویکرد کشاورزی فرشید مظلوم زوارق
- ۴۵۳ حقوق موجودات زنده در قرآن و روایات با تأکید بر حقوق گیاهان و حیوانات سیدحسن حسینی
- ۴۶۵ جستاری در باب رابطه قرآن با علوم بشری سیدحسن حسینی
- ۴۷۴ پیشگیری و کنترل عفونت‌های نوپدید با الهام از تعالیم قرآن کریم محمد ربانی خوراسگانی، ستاره پدرام
- ۴۸۴ بررسی موضوعی محصولات تراریخته از دیدگاه قرآن کریم و مستندات علمی زهرا سبحانی دماوندی‌فر
- ۴۸۷ حفاظت محیط زیست از منظر قرآن زهرا نوری آکندی
- ۴۹۴ بررسی علمی برخی پدیده‌های هواشناسی در قرآن راضیه پهلوان
- ۵۰۸ بررسی تربیت زیستی از منظر قرآن کریم سیدحسن میردیلمی، علی غلامی فیروزجایی، مریم خانی، سیدمصطفی میردیلمی
- ۵۱۵ حفاظت از محیط زیست در سایه آیات قرآنی صفیه رستگار، نگین ناصح، عارفه سالاری
- ۵۲۴ بررسی سیستم‌های کشت و خاک‌ورزی در حفاظت از محیط زیست و تطبیق آن با آموزه‌های قرآن کریم محمد حسین ایزدی و یحیی امام
- ۵۳۰ بررسی تطبیقی آیات خلقت موجودات و نظریه‌ی تکامل انواع داروین مرضیه قنبری و سمیه محمدی
- ۵۴۲ اهمیت حفظ و احیای منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه قرآن کریم معصومه عزیزی
- ۵۵۰ مقایسه فرضیه تکامل با آموزه‌های قرآن کریم محمد قاسمی شوب
- ۵۶۲ عوارض آلودگی صوتی از منظر دین و علم فیزیک کبری بهار، زهرا محمدی
- ۵۷۴ بررسی تطبیقی مشابَهت‌های توحید و آفرینش در قرآن و عهدین محمد صالح رضایی



- ۵۸۹ قراءات و نقش آن در تفسیر ابوالفتح رازی محمد صالح رضایی و جمال فرزند وحی
- ۵۹۸ رابطه قرآن و بهداشت روانی سید قاسم حسینی و سایه شفیق‌زاده
- ۶۰۵ زمینه‌های روانشناختی حجاب از منظر قرآن الهه هدایتی و سید محمود حسینی
- ۶۱۷ تبیین پالایش زیست محیطی با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی آمنه شاهنده
- ۶۲۲ حرکات خورشید از دیدگاه علمی و قرآنی سیده لیلا حسینی کرانی، فرشته شهریاری و سید قاسم حسینی
- ۶۳۱ خاک‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات حمیده مقربی و قاسم حسینی
- ۶۳۸ نگرشی بر موضوع پیدایش حیات با محوریت قرآن و شیمی پیش‌حیاتی آرش وجود، محمد خدادادی مقدم، داود نقی‌زاده باقی، علی شامل، غلامرضا ابراهیم‌زاده رجائی، سحر مهاجری
- ۶۴۷ نقش احکام اسلام (وضو، روزه، غسل) در سلامت جسم از منظر علم و دین سمانه علیپور قادیکلایی، فاطمه یوسف‌پور، سید قاسم حسینی
- ۶۵۹ محیط زیست از منظر قرآن شهریار کاظمی و علی احمدی فیروزجایی
- ۶۶۷ بررسی تطبیقی نظریه حقوق طبیعی از دیدگاه جان‌لاک و قرآن کریم محمدمهدی کریمی‌نیا، حمیدرضا طوسی و نجیب‌الله حکیمی
- ۶۸۲ قلمرو حریم خصوصی خانواده از منظر قرآن کریم و حقوق بشر محمدمهدی کریمی‌نیا و نجیب‌الله حکیمی
- ۶۹۳ اعجاز قرآن کریم در تشریح و تنظیم حقوق کودک محمدمهدی کریمی‌نیا و نجیب‌الله حکیمی
- ۷۰۸ بررسی پدیده نوظهور تغییرجنسیت از دیدگاه قرآن کریم و بیان احکام و آثار فقهی آن محمدمهدی کریمی‌نیا
- ۷۲۸ تبیین آموزه‌های قرآن کریم در همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان آسمانی محمدمهدی کریمی‌نیا
- ۷۴۲ تبیین روش‌شناسی تفسیر فقهی قرآن کریم محمدمهدی کریمی‌نیا
- ۷۶۴ اهمیت آب در قرآن و اخلاق اسلامی علی اسماعیلی ابولی
- ۷۷۶ بررسی انحاء الصاق علوم تجربی نامعتبر بر قرآن کریم مجتبی انصاری‌مقدم، سیدامین موسوی بیدلی، مرتضی فاضلی
- ۷۸۵ رابطه قرآن و علوم بشری فرهان سعیدی فر و محمدنبی احمدی



- جایگاه زنبورعسل و عسل در قرآن کریم و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام ۷۹۳
سامان مهدوی و علی آذر
- تلمیحات قرآنی در دیوان اشعار علامه علی‌اکبر دهخدا ۸۰۱
هژیر حیاتی
- واکاوی تلمیح به قصص قرآنی مطالعه موردی: دیوان اشعار علامه علی‌اکبر دهخدا ۸۰۵
هژیر حیاتی و طاهره شاه حسینی
- رفع معضلات زیست محیطی و مدیریت منابع انرژی در کشاورزی در سایه آموزه‌های قرآنی و سبک زندگی اسلامی ۸۱۶
مجید نامداری
- بررسی رابطه آزمایشات قرآنی با پدیده‌های ژنتیکی و اپی‌ژنتیکی ۸۲۵
غلامعلی رنجبر
- اثر شفابخشی دعا بر امراض و بیماری صعب‌العلاج بر اساس قرآن و احادیث ۸۳۳
اختر سلطانی و علی خاتون‌بیگی
- قرآن، محیط زیست ۸۴۳
هادی اسماعیل‌زاده و محبوبه نیکبخت
- قرآن، غذا و تغذیه ۸۵۱
هادی اسماعیل‌زاده و محبوبه نیکبخت
- قرآن، آب و خاک ۸۶۰
محبوبه نیکبخت و هادی اسماعیل‌زاده
- قرآن، تکامل موجودات ۸۶۷
محبوبه نیکبخت و هادی اسماعیل‌زاده
- رابطه قرآن با دانش بشری ۸۷۴
هادی اسماعیل‌زاده
- قرآن و آب و هوا و تغییر اقلیم ۸۸۴
هادی اسماعیل‌زاده و محبوبه نیکبخت
- نشانه‌هایی از نگاه قرآن کریم به علوم طبیعی و زیستی ۸۹۶
سعید صفدری
- واقعیت هستی در نگاه مکانیک کوانتومی و قرآن کریم: تعارض یا توافق؟ ۹۰۸
مطهره‌السادات حسینیان و مجید شمس
- رابطه قرآن با دانش بشری ۹۱۵
سید باقر حسینی و محسنعلی شهرکی
- حقوق حیوانات از دیدگاه قرآن و احادیث ۹۲۳
سمیه قهاری، سجاد قهاری، سعید قهاری
- جستارهایی بر پایه‌های دانش اخلاق زیست محیطی در قرآن ۹۳۸
بتول میرزایی‌پور
- جواز یا عدم جواز استفاده از محصولات تراریخته از منظر قرآن ۹۴۵
سید ابوالقاسم نقیبی، بهنام قنبرپور، جابررضایی جنید



- ۹۵۸ اهمیت و جایگاه طعام از منظر قرآن کریم
مریم رضازاده و رضا فرهمندفر
- ۹۶۲ نقش تعلیمات قرآنی بر تربیت جامعه دوستدار محیط زیست
مریم میرمحمدی
- ۹۷۱ اهداف و زمینه‌های ذکر پدیده‌های طبیعی در قرآن کریم
زهره بابا احمدی میلانی
- ۹۸۳ خدانشناسی (براهین اثبات وجود خدا و معرفی برخی از اسماء حسناء الهی) در پرتو پدیده‌های طبیعی در عالم تکوین
زهره بابا احمدی میلانی
- ۹۹۵ بررسی تطابق زیست محیطی زنبور عسل با ابعاد وحیانی آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل
علی محمد کاملی
- ۱۰۳۴ جوانه‌های ساینس از درخت علم
قربانعلی نعمت‌زاده قراخیلی
- ۱۰۵۸ جستاری در علم و ساینس
قربانعلی نعمت‌زاده قراخیلی
- ۱۰۷۷ حق زیبایی و آراستگی در موجودات با نگاه ویژه به انسان از منظر قرآن
رعنا خلیلی و غلامعلی یخکشی
- ۱۰۹۳ تفسیرپذیری تجربی آیات قرآن کریم
مریم نقدی نسب، محمد سعید فیاض، حجت نقدی نسب
- ۱۰۹۹ جایگاه و اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست از منظر قرآن
متین شکوری
- ۱۱۰۹ آیه‌شناسی و دسته‌بندی تحلیلی آیات قرآن مرتبط با حوزه زیست فناوری با تاکید بر پیشرفت‌های نوین زیستی و ...
ابوالفضل میرزاپور ارمکی
- ۱۱۱۵ اهمیت حفاظت از منابع طبیعی از دیدگاه قرآن کریم
سیده معصومه زمانی و رضا حاجی حسنی
- ۱۱۲۴ قرآن، آب و خاک
رقیه خلیلی و روح‌الله آدینه
- ۱۱۳۷ قرآن، غذا و تغذیه
رقیه خلیلی
- ۱۱۴۹ بررسی عوامل اصلی تأمین آب در قرآن کریم با رویکرد تربیتی و هدایتی
سینا فرد مرادی نیا و محمد مقیمی اسکویی
- ۱۱۵۸ بررسی اهمیت محیط زیست و منابع آب در آیات قرآن کریم و روایات با تاکید بر سیره ائمه اطهار (ع)
محمدصادق رهبانی و محمدرضا رهبانی
- ۱۱۶۸ مروری بر ضروریات مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم
ایمان محمدپور نیک‌بین



- ۱۱۷۶ اثربخشی آموزه‌های قرآنی - اعتقادی و فرهنگی دانشجویان بر سطح نگرش به ملاحظات زیست‌محیطی و ...
- فاطمه رزاقی بورخانی و طاهر عزیزی خالخلی
- ۱۱۸۵ بهداشت تغذیه از منظر قرآن کریم و تطبیق آن با یافته‌های علمی پزشکی نوین
- محمدامین شبانی، سیده‌زینب رضوی، سمانه حکم‌الهی، زهرا طاهری خرامه
- ۱۱۹۷ محصولات تراریخته از منظر اسلام
- شیدا علیدوست و بابک پورقهرمانی
- ۱۲۰۴ اهمیت حفاظت از محیط زیست از دیدگاه قرآن کریم و ضرورت آموزش آن به کودکان
- الیه کشاورز، عاطفه انواری، زهرا جنتی
- ۱۲۱۹ بررسی ضرورت مشاوره ژنتیک در پیشگیری از بیماریهای مادرزادی و پیش‌آگهی سرطان جهت تشخیص و ...
- محمد سجاد معظمی گودرزی، دکتر فاطمه کشاورز، فاطمه داودآبادی، جواد عرب‌پور و محمدعلی رنجبر
- ۱۲۲۷ بررسی زیست شناسانه نهی قرآن و ادیان الهی از همزیستی انسان با سگ
- زینب شریفی اسدی، فاطمه پژوم، مریم امامی قرا
- ۱۲۴۴ حقوق حیوانات در آینه فلسفه غرب و قرآن
- دکتر اعلی تورانی
- ۱۲۵۵ راههای بهره‌مندی انسان از تجلی علم خدا در تکامل موجودات از منظر قرآن کریم
- سید جابر حسینی
- ۱۲۷۸ حجاب‌گریزی و بدحجابی از منظر قرآن کریم
- فریبا حسن زاده و زهرا ملکان
- ۱۲۹۷ بررسی تطبیقی میوه‌های گرمسیری و نیمه گرمسیری منطبق با میوه‌های قرآنی جهت ارائه طبقه‌بندی ...
- رضا نوروز ولاشیدی، سیدعلی هاشمی خانعباسی، مهدی حدادی نژاد
- ۱۳۱۰ واکاوی تطبیقی نظریات علمی با قرآن پیرامون خلقت زمین
- علی‌اصغر شعاعی، مهیار خانی‌مقدم
- ۱۳۲۲ عوارض آلودگی صوتی از منظر آموزه‌های قرآن و علم فیزیک
- سید قاسم حسینی، کبری بهاری، زهرا محمدی
- ۱۳۳۵ سیمای محیط زیست از منظر قرآن و اهمیت آن در زندگی بشر
- حسین محمدی
- ۱۳۴۶ بررسی حق بر محیط زیست سالم در پرتو کرامت انسانی از منظر قرآن
- فاطمه پیرامن
- ۱۳۵۸ اهمیت تنوع زیستی گیاهان و جانوران از منظر قرآن کریم
- علیرضا جعفری، آمنه رحیمی دادوکلائی، محمدعلی فدایی و سمیه نامدار آزادگله
- ۱۳۶۸ اهمیت حفظ محیط زیست از منظر قرآن کریم
- علیرضا جعفری، سیدعباس میراحمدی، علی جعفری و رقیه رحیمی دادوکلائی
- ۱۳۹۰ اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم و ضرورت آموزش حفاظت از آن به دانش‌آموزان مقطع ابتدایی در درس ...
- پری موسی پورمیاندهی، عاطفه انواری، مائده خوشحال بهمدانی



- ۱۴۱۰ رابطه قرآن و بهداشت روانی عباس اکبری
- ۱۴۱۸ نقش احکام اسلام در سلامت جسم از منظر علم و دین عباس اکبری
- ۱۴۳۱ بررسی خاصیت آنتی‌اکسیدانی انار به‌عنوان یک میوه قرآنی راضیه رضوی، رضا اسماعیل‌زاده کناری
- ۱۴۳۸ محیط زیست از دیدگاه قرآنی مرضیه رضوی، راضیه رضوی، تهمینه گودرزی
- ۱۴۴۲ اعجاز علمی قرآن، فرایند جوانه‌زنی گیاهان الهام یونسی، قربانعلی نعمت‌زاده و ایوب فرهادی
- ۱۴۵۰ بررسی مزاج گیاهان ذکر شده در قرآن کریم و خواص دارویی آنها ماندانا بهیپهانی
- ۱۴۵۵ قرآن و تغذیه سالم سیداسماعیل هاشمی اندبیلی و اصغر محمدی
- ۱۴۶۲ قرآن، غذا و تغذیه سیداسماعیل هاشمی اندبیلی و اصغر محمدی
- ۱۴۶۹ ارائه راهکارهایی معنوی از منظر قرآن کریم جهت توسعه پایدار در کشاورزی رضا نوروز ولاشدی، میترا روشن‌روز طوسی
- ۱۴۷۷ بررسی واژگان غریب قرآن درباره کوه، دریا، ابر و باران اعظم فرجامی و مرضیه اکبری
- ۱۴۹۲ شناسه کارکرد طبیعت و چگونگی تعامل انسان با آن از منظر قرآن و سنت محمد اسماعیل قاسمی طوسی
- ۱۵۰۷ بررسی ارزش و اهمیت گیاهان دارویی در درمان بیماری‌های انسان از منظر قرآن و حدیث مریم امامی قرا و رقیه اصغرزاده
- ۱۵۱۵ جایگاه کشاورزی در تمدن اسلامی با تکیه بر آیات قرآن محمد فلاح سلوکلابی

اثر تغییر اقلیم و دیدگاه قرآن کریم

سعید رضا عرب^۱، مریم آقامحمدی^۲، امان محمد کمالی^۳

کارشناس ارشد هواشناسی کشاورزی، اداره کل هواشناسی استان مرکزی (نویسنده مسوول: saeedrezaarab@yahoo.com)
دبیر اداره کل آموزش و پرورش استان مرکزی
مدیر کل هواشناسی استان مرکزی

چکیده

یکی از مهمترین مسایل قرن حاضر، مسئله گرمایش جهانی است. گرمایش جهانی به دلیل اثر گلخانه‌ای تشدید شده و انتظار می‌رود که موجب تغییراتی در متغیرهای اقلیمی مختلف نظیر دما، بارش، رطوبت هوا و تابش خورشیدی گردد. دمای هوا یکی از مهمترین شاخص‌های تغییر اقلیم در مقیاس جهانی و منطقه‌ای است. الگوهای مکانی و زمانی این تغییرات به‌طور کامل مشخص نیستند. مطالعات زیادی در سرتاسر دنیا در این زمینه در حال انجام می‌باشد مدل‌های اقلیمی نشان می‌دهند که دمای زمین در دهه‌های آتی افزایش خواهد یافت. با افزایش دما، نوع بارش به‌سوی بارش مایع تغییر می‌یابد و زمان ماندن آب در حوضه‌ها کاهش می‌یابد. کاهش میزان بارندگی سبب افزایش طول دوره خشک می‌شود. و با افزایش دما تبخیر نیز افزایش یافته و مقدار بیشتری از بارش‌های دریافتی از دسترس خارج می‌شود. تغییر اقلیم دارای عواقب گسترده برای زندگی بشر بویژه کشاورزی، منابع آب، امنیت غذایی، محیط زیست، اقتصاد، سلامت، بهداشت، انرژی و ... است که بیشترین تأثیر را روی زندگی انسان‌ها می‌گذارد. تغییر اقلیم به‌طور مستقیم به متغیرهای اقلیمی نظیر دمای هوا، رطوبت، تابش آفتاب و جریان هوا (سرعت باد) ارتباط دارد. با کمی تأمل در آیات الهی به راحتی می‌توان دریافت که نگاه به موضوعات اقلیم پنهان نمانده است و خداوند در آیات نورانی قرآن به آن اشاره داشته است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، گرمایش جهانی، تغییر اقلیم، اثرات تغییر اقلیم

مقدمه

آب و هوا می‌تواند به‌عنوان «خلاصه وضعیت سازمان‌یافته از سیاره زمین، اتمسفر و سیستم آبی در طول زمان» تعریف شود. برای فهم کامل مساله تغییرات آب و هوا و پیامدهای ناشی از آن، این امر حایز اهمیت است که از لحاظ واژه‌شناسی بین دو واژه «اقلیم» (آب و هوا) و «اوضاع جوی» تفاوت، وجود دارد. اوضاع جوی عبارت است از حالت نوسان جو اطراف ما که با پارامترهای جوی مانند دما، رطوبت، فشار، باد، ابر، بارش و غیره توصیف می‌شود. اقلیم (آب و هوا) یک مفهوم احساسی است و می‌توان آن را متوسط وضعیت هوا در یک منطقه دانست. اقلیم یک منطقه معمولاً فقط با دو پارامتر دما و بارندگی سنجیده می‌شود. تغییرات آب و هوا ممکن است ناشی از فرآیندهای طبیعی باشد یا

شناسایی اقلیم (آب و هوا) و بررسی آن در مکان‌ها و زمان‌های متفاوت از جمله اهداف و آرزوی بشر برای دستیابی بر طبیعت بوده است. اقلیم عبارت است از هوای غالب یک محل در درازمدت که مصداق خاص مکانی را نشان می‌دهد. بنابراین اقلیم نه تنها یکی از عوامل مهم زندگی انسان را شامل می‌شود، بلکه مهم‌ترین عامل محیطی محسوب می‌شود. به‌همین دلیل جغرافی دانان همواره به‌عنوان یکی از اجزا اصلی چشم‌انداز، به اقلیم توجه داشته و مطالعه ویژگی‌های اقلیمی را به‌صورت علمی و دقیق در سرلوحه مطالعات خود قرار داده، به‌طوریکه امروزه شناسایی اقلیم به‌صورت یک رشته کاملاً محرز علمی درآمده است.



انرژی را به صورت اشعه نور مرئی منتشر کند، اما اشعه‌های گرمایی را منتشر می‌کند. گازهای گلخانه‌ای در جو مانع بازگشت اشعه‌های گرمایی از سطح زمین به فضا می‌شوند. گازهای گلخانه‌ای اصلی شامل بخار آب، دی‌اکسید کربن، ازن، تروپوسفری، متان، اکسید نیتروژن و ... می‌باشند. این گازها از نظر تابشی دارای اهمیت زیادی هستند زیرا بر موازنه گرمایی کل زمین تاثیر می‌گذارند. این گازها گرما را در تروپوسفر (لایه اول جو) به دام انداخته و مانع فرار آن به فضا می‌شوند. شیشه‌های پنجره که در گلخانه برای به دام انداختن گرما به کار می‌روند خاصیت جذب و بازتاب مشابهی دارند، بنابراین به این گازها ((گازهای گلخانه‌ای)) گفته می‌شود. در واقع گازهای گلخانه‌ای گرمای خورشید را در جو پایینی به دام انداخته و زمین را گرم نگه می‌دارند. تا زمانی که مقدار انرژی ورودی خورشید و مقدار گازهای گلخانه‌ای در جو به طور نسبی ثابت باشد، دمای زمین در حالت تعادل باقی می‌ماند. به هر حال با افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو مقدار بیشتری تابش طول موج بلند (گرما) در جو پایینی به دام می‌افتد. غلظت گازهای گلخانه‌ای در جو طی زمان دست‌خوش تغییرات طبیعی و مصنوعی (انسان‌ساز) می‌شود و تغییر اقلیم به شدت تابع این تغییرات است. بنابراین «تغییر اقلیم» تغییری در اقلیم است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در اثر فعالیت‌های انسان به وجود می‌آید و ترکیب جو جهانی را تغییر می‌دهد. در اثر فعالیت‌های بشر گازهای گلخانه‌ای متفاوتی تولید می‌شود که در تغییر اقلیم نقش دارند. طی ۱۵۰ سال گذشته فعالیت‌های بشر باعث رشد و انتشار گازهای گلخانه‌ای شده است. این فعالیت‌ها شامل استخراج و احتراق کربن فسیل شده (زغال سنگ، نفت و گاز) برای سوخت، جنگل‌زدایی و

بر اثر مداخله بشر در طبیعت ایجاد شود. فرایندهای طبیعی می‌تواند شامل آئروسول‌ها ناشی از فعالیت آتشفشانی و ... باشد، ولی عواملی همچون تقلیل لایه ازن، انتشار گازهای گلخانه‌ای و افزایش تراکم آن‌ها در جو ناشی از مداخله بشر در طبیعت است. آنچه در قالب و چارچوب ملل متحد و جامعه بین‌المللی در برابر تغییرات آب‌وهوا صورت گرفته است، پاسخ به تغییرات ناشی از مداخله بشر است. به همین دلیل است که بند ۲ ماده ۱ کنوانسیون کلیات ۱۹۹۲، تغییر آب‌وهوا را به معنی: تغییری در آب‌وهوا که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از فعالیت‌های بشری است و سبب متغیر کردن ترکیب اتمسفر جهان شده است و جدا از تغییرات طبیعی آب‌وهوا در دوره‌های مختلف زمانی، قلمداد کرده است. در مقیاس سیاره‌ای تغییرات آب و هوا و در نتیجه تغییرات دمایی به عنوان ویژگی جدایی‌ناپذیر سیستم اقلیمی محسوب می‌شود. گرم شدن زمین عبارت است از روندی است که طی آن میانگین دمای هوای نزدیک سطح زمین در اثر فعالیت‌های انسانی و یا به طور طبیعی افزایش می‌یابد. بنابراین تغییر اقلیم تغییری است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در اثر فعالیت‌های انسان به وجود می‌آید و ترکیب جو جهانی را تغییر می‌دهد.

اثر گلخانه‌ای و تغییر اقلیم

آب‌وهوای کره زمین با جریان‌های دائمی انرژی خورشیدی جریان می‌یابد. این انرژی به صورت اشعه مرئی به زمین می‌رسد که حدود ۳۰ درصد آن به فضا منعکس می‌شود و بقیه آن از اتمسفر عبور می‌کند و به سطح زمین می‌رسد. زمین باید این انرژی را به صورت امواج فرو سرخ به فضا بازپس فرستد. اما به دلیل دمای بسیار کم زمین نسبت به خورشید، زمین قادر نیست که این



کرده است و بسیاری از مطالعات اخیر حاکی از تأثیر چشم‌گیر انسان بر اقلیم جهانی است. نتایج مطالعات مربوط به تغییر اقلیم که در طی سال‌های اخیر در ایران انجام شده، همگی مؤید بروز این پدیده در کشور بوده‌اند (کوچکی و کمالی، ۱۳۸۹). دستیابی به اطلاعات دقیق‌تر در مورد پدیده تغییر اقلیم در ایران، مستلزم انجام مطالعات گسترده در مقیاس منطقه‌ای و پیش‌بینی واکنش سیستم‌های تولید کشاورزی هر منطقه به این تغییرات می‌باشد (کوچکی و نصیری، ۱۳۸۷). با این حال در ایران تنها مطالعات اندکی در رابطه با تغییر اقلیم در بخش کشاورزی صورت گرفته است. از آنجائیکه تولید محصولات زراعی مستقیماً به شرایط اقلیمی وابسته است، کشاورزی یکی از اولین بخش‌هایی است که تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار می‌گیرد. اگرچه کشاورزان قادر نیستند شرایط اقلیمی را کنترل کنند، ولی مدیریت و تغییر در فاکتورهایی چون آبیاری، خاک، رقم محصول، فعالیت‌ها و تکنولوژی‌های مورد استفاده در کشت محصولات زراعی، می‌تواند در کاهش اثرات مضر تغییر اقلیم بر رشد، نمو و عملکرد محصولات کشاورزی نقش به‌سزایی داشته باشد (ازکان و آکاز، ۲۰۰۲).

تخفیف و سازگاری دو روش شناخته شده برای کاهش اثرات منفی تغییر اقلیم می‌باشد. استراتژی‌های تخفیف به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای از طریق فعالیت‌های مدیریتی مختلف از قبیل کاهش کاربرد کودهای شیمیایی (ورج و همکاران، ۲۰۰۷) مکانیزاسیون، افزایش ترسیب کربن، کشت و کار گیاهان زراعی باهدف تولید سوخت‌های زیستی اشاره می‌کند. منظور از سازگاری نیز استراتژی‌های است که رشد و نمو گیاه طوری تنظیم شود که کمتر در معرض تغییرات اقلیمی به‌وقوع پیوسته قرار بگیرد (روزنوبگ و همکاران، ۲۰۰۷). راهکارهای

آتش‌سوزی جنگل‌ها، دامپروری، دفن زباله و کودهای ازته کشاورزی است. نتیجه این امر افزایش شدید گازهای گلخانه‌ای و به‌دنبال آن افزایش گرما در جو می‌باشد. یکی از مهم‌ترین مسایل قرن حاضر، مسئله گرمایش جهانی است. گرمایش جهانی به‌دلیل اثر گلخانه‌ای تشدید شده و انتظار می‌رود که موجب تغییراتی در متغیرهای اقلیمی مختلف نظیر دما، بارش، رطوبت هوا و تابش خورشیدی گردد. دمای هوا یکی از مهم‌ترین شاخص‌های تغییر اقلیم در مقیاس جهانی و منطقه‌ای است. الگوهای مکانی و زمانی این تغییرات به‌طور کامل مشخص نیستند. مطالعات زیادی در سرتاسر دنیا در این زمینه در حال انجام می‌باشد. گرمایش جهانی پیامدهایی مانند افزایش رخداد مخاطرات جوی- اقلیمی، وقوع بارش‌های سنگین و غیرمترقبه (علی‌رغم کاهش کلی میانگین بارش)، افزایش رخداد طوفان، کاهش عملکرد محصولات زراعی و باغی، کاهش امنیت غذایی، حذف یا جابجایی برخی گونه‌های جانوری و گیاهی، افزایش انواع بیماری‌های انسان، دام و گیاه، کاهش تنوع زیستی و موجودات دریایی، کاهش چشم‌گیر پهنه‌های اقلیم مرطوب و افزایش اقلیم خشک کشور، افزایش روند بیابان‌زایی، کاهش کیفیت شاخص زیست‌اقلیمی و کم‌رونق شدن گردشگری، افزایش بیماری‌های مناطق گرمسیری مانند مالاریا، افزایش ریسک سرمایه‌گذاری در بخش‌های کشاورزی، افزایش هزینه حوادث غیرمترقبه، بی‌اعتمادی به برنامه‌ریزی و بودجه سالانه و همچنین افزایش مهاجرت از مناطق در معرض مخاطرات اقلیمی را در کشور به‌دنبال خواهد داشت (رحیمی و همکاران، ۱۳۹۲).

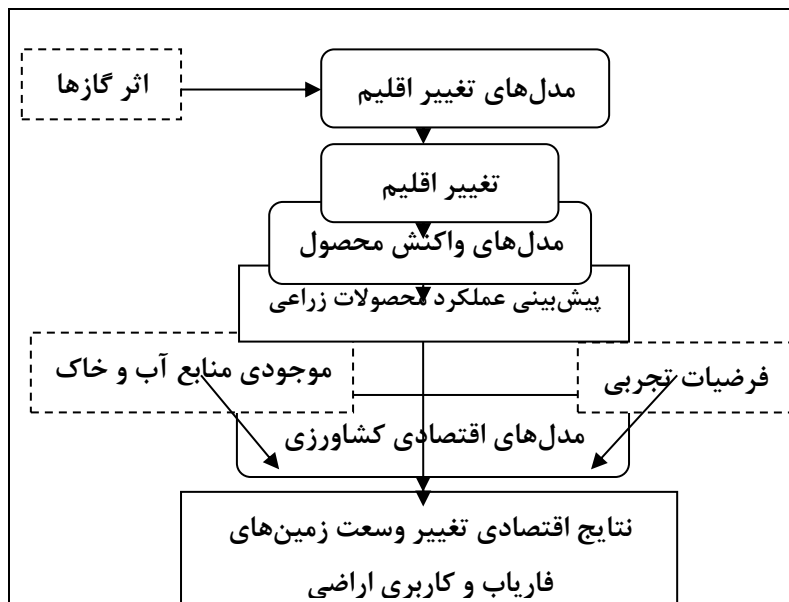
اثر تغییر اقلیم بر کشاورزی

تغییر جهانی اقلیم یکی از مواردی است که در دهه‌های اخیر توجه محققان را به‌خود معطوف



آن است. عوامل تأثیرگذار بر تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی شامل عوامل اقلیمی (دما، بارش، غلظت دی‌اکسیدکربن و ازون) و عوامل غیراقلیمی (حاصلخیزی خاک، آبیاری، کود، رشد جمعیت، اقتصاد، اجتماع و سیاست) می‌باشند. تغییر اقلیم با تأثیر بر عوامل ذکر شده می‌تواند بر امنیت غذایی تأثیرگذار باشد. در خصوص عوامل اقلیمی، اثرات متقابل عوامل مؤثر بر رشد و نمو و عملکرد گیاهان حائز اهمیت بوده و می‌بایست مدنظر قرار گیرد. به‌کمک برخی از مدل‌های اقتصادی می‌توان اثرات تغییر اقلیم بر بخش اقتصاد کشاورزی را برآورد کرد. مدل‌های اقتصادی کشاورزی، متغیرهای زیادی را برای برآورد اثر تغییرات بر تولید مواد غذایی، مصرف، درآمد، اشتغال و تولید ناخالص ملی با یکدیگر ترکیب می‌کنند. رهیافت کلی به این صورت است که: اولاً، مدل‌های تغییر اقلیم به‌منظور پیش‌بینی عملکرد محصول در پاسخ به تغییر اقلیم با مدل‌های واکنش محصول پیوند می‌خورند. سپس عملکردهای پیش‌بینی شده محصول به‌همراه تاثیرات عرضه و تقاضا بر روی قیمت و اثر آن بر تجارت خارجی، به‌عنوان ورودی مدل‌های اقتصادی کشاورزی جهت پیش‌بینی تغییر مساحت زمین‌های زیر کشت و پیامدهای اقتصادی به‌کار می‌روند (شکل ۱).

سازگاری بسته به سیستم کشاورزی، منطقه و سناریوهای تغییر اقلیمی متفاوت می‌باشد. بر اساس آخرین گزارش مجمع بین‌دولت تغییر اقلیم، میانگین درجه حرارت جهان تا ۵۰ سال آینده ۲/۵-۰/۶ درجه سانتی‌گراد و تا پایان قرن حاضر ۶/۴-۱/۱ سانتی‌گراد افزایش می‌یابد و دامنه این افزایش درجه حرارت در مقیاس منطقه‌ای بسیار زیاد خواهد بود (IPCC, ۲۰۰۷). باوجودی که تغییر اقلیم در برخی از مناطق جهان به‌ویژه نواحی واقع در عرض‌های شمالی بالاتر از ۵۵ درجه اثرات مثبتی بر تولیدات کشاورزی به‌همراه خواهد داشت (اگل و همکاران، ۲۰۰۵) ولی اثرات منفی این تغییرات در مناطق گرم و خشک بسیار شدید، خواهد بود (هادلی، ۲۰۰۶) و (استرن، ۲۰۰۶) به‌طوری‌که در کشورهای در حال توسعه افزایش درجه حرارت و کاهش بارندگی، شدیدتر بوده و به‌علاوه فراوانی و شدت وقوع پدیده‌های نادر اقلیمی (خشکسالی، گرما، سرما و سیل) نیز تشدید خواهد شد (IPCC, ۲۰۰۷). پورتر و همکاران (۲۰۱۴)، در بررسی‌های خود (بر اساس گزارش هیئت بین‌الدول تغییر اقلیم در سال ۲۰۱۳) بیان می‌کنند، تجمیع پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر آن است که اثرات منفی تغییر اقلیم بر کشاورزی و تولیدات مواد غذایی بیش از اثرات مثبت



شکل ۱- رهیافت عمومی برای مدل‌سازی اثرات تغییر اقلیم بر کشاورزی (Rosenzweig C and Daniel M 1990).

مدیریت آب

حال حاضر با مشکلات کمبود آب مواجه هستند، ایجاد می‌کند. گرمایش، تبخیر از سطح اقیانوس‌ها را تسریع کرده و بارش میانگین جهانی را در کل افزایش می‌دهد. اما تغییرات فصلی و منطقه‌ای دارای اهمیت زیادی است و به‌طور کلی ممکن است نسبت به متوسط جهانی تفاوت بسیاری داشته باشد. بنابراین تغییر اقلیم سبب ایجاد تغییراتی در موجودی آب، نیاز آبی و کیفیت آب خواهد شد. تغییر اقلیم به‌همراه رشد جمعیت انسان و افزایش تقاضا برای آب، چالش‌های جدیدی را در مدیریت آب ایجاد خواهد کرد مدیریت آب برای مصارف انسانی یک فعالیت چالش‌برانگیز و پرهزینه بوده است. انسان به ناچار بایستی با افزایش سیلاب‌ها در بعضی مناطق و افزایش خشکسالی‌ها در سایر مناطق سازگار شود. احتمالاً تغییر اقلیم، کشمکش بر سر منابع آب را وخیم‌تر خواهد کرد (شکل ۲). اگرچه تغییر اقلیم بر بسیاری از اجزاء چرخه آب‌شناسی تاثیر خواهد داشت اما احتمالاً رشد

به‌طور کلی تغییرپذیری احتمالی ناشی از تغییرات اقلیم در بارش، رواناب سطحی و رطوبت خاک بر سیستم‌های طبیعی و جمعیت‌های بشری تأثیرات عمده‌ای می‌گذارد. زندگی بر روی زمین به‌مقدار آب شیرین رودخانه‌ها و دریاچه‌ها بستگی دارد. تفاوت الگوهای بارش به‌همراه دما به‌صورت گسترده‌ای، توزیع جغرافیایی اکوسیستم‌های زمینی از بیابان گرفته تا جنگل پر باران را تعیین می‌کند. منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی، آب موردنیاز انسان در بخش کشاورزی، صنعت، حمل و نقل و تولید برق آبی را تامین می‌کند. سکونت‌گاه‌های انسان ارتباط بسیار نزدیکی با قابلیت دسترسی به آب شیرین دارد. به‌علت اهمیت بنیادی آب برای سیستم‌های زنده، تغییرات مقدار آن یکی از جدی‌ترین نتایج بالقوه گرمایش ناشی از گازهای گلخانه‌ای محسوب می‌شود. گرمایش جهانی چالش‌های جدیدی را برای مناطقی که در



روان‌آب‌های موجود تا حدود ۱۰ درصد افزایش می‌یابد در حالیکه جمعیت تا حدود ۳۳ درصد افزایش خواهد یافت.

جمعیت بشر و توسعه اقتصادی طی دهه‌های آینده بیش از تغییر اقلیم بر سرانه آب قابل دسترس موثر خواهد بود (وروس‌مارتی و همکاران، ۲۰۰۰). در سی سال آینده



شکل ۲- اثرات تغییر اقلیم بر موجودی و تقاضای آب (Smith JB and Tirpak DA eds 1990).

است. سناریوی A2 به‌عنوان یک سناریوی حداکثر که نشان‌دهنده رشد سریع جهان همراه با رشد اقتصادی ناهمگن بوده و سناریوی B1 به‌عنوان سناریوی حداقل است. سناریوی اخیر هم‌گرایی جمعیت در سطح جهان را در دوره‌های آتی مدنظر قرار داده و تغییر ساختار اقتصادی با کاهش مواد آلاینده و معرفی منابع فناوری پاک را ارائه می‌دهد، در حالی که A1B، یک سناریوی خوش‌بینانه و حدوسط محسوب می‌گردد (IPCC، ۲۰۰۷). جدول (۱) بعضی از ویژگی‌های

سناریوهای انتشار گازهای گلخانه‌ای

مهم‌ترین ورودی مدل‌های GCM میزان انتشار گازهای گلخانه‌ای در آینده می‌باشد که بر اساس سناریوهای مختلف توسعه اقتصادی-اجتماعی برآورد می‌گردند، که به آن‌ها سناریوهای انتشار گویند. از جمله آن‌ها سناریوهای انتشار خانواده SRES می‌باشند که امروزه به‌شکل گسترده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرند (IPCC، ۱۹۹۹). سه سناریوی A2 (سناریوی حداکثر)، A1B (سناریوی حد وسط) و B1 (سناریوی حداقل)

۴ سناریوی شاخص از مجموع این سناریوها را
در سال ۲۱۰۰ نشان می‌دهد.

جدول ۱- مشخصات سناریوهای اقلیمی

B2	B1	A2	A1	۱۹۹۰	خصوصیت سناریو
۱۰/۴	۷/۰	۱۵/۱	۷/۱	۵/۲۵۲	جمعیت (میلیون نفر)
۶۰۱	۵۴۷	۸۳۴	۶۸۰	۳۵۴	غلظت CO2 (ppmv)
(۱/۳-۵/۱) ۲/۱	(۱/۳-۴/۰) ۲/۰	(۲/۴-۱/۴) ۳/۱	(۱/۳-۷/۷) ۲/۵	-	تغییر متوسط دمای میانگین کره زمین (0C)
(۹۳-۲۰) ۵۲	(۹۰-۱۹) ۵۰	(۱۰۷-۲۷) ۶۲	(۱۰۱-۲۳) ۵۸	-	افزایش جهانی سطح آب دریا (m)
۲۳۵	۳۲۸	۲۴۳	۵۵۰	۲۱	GDP جهانی (10 ¹² s)

برونداد مدلی که کمترین خطا را در شبیه‌سازی پارامترهای اقلیم دوره گذشته داشته، توسط مدل LARS-WG ریزمقیاس شده و پارامترهای اقلیمی دوره‌های (۲۰۳۰-۲۰۱۱، ۲۰۶۵-۲۰۴۶ و ۲۰۹۹-۲۰۸۰) پیش‌بینی و با دوره پایه (۲۰۱۲-۱۹۸۴) مورد مقایسه قرار دادند. در منطقه مطالعاتی مدل MPHE5 دارای بیشترین توانایی در شبیه‌سازی اقلیمی بوده است و نتایج نشان‌دهنده افزایش ۰/۸، ۲/۱ و ۴/۹ سانتی‌گرادی متوسط دمای سالانه در دوره‌های نام‌برده می‌باشد. سالمون و همکاران (۲۰۰۹)، بیان می‌کنند، تغییر اقلیم به تغییر مشخصی در الگوهای میانگین اقلیمی که در یک دوره طولانی مدت در یک منطقه خاص یا برای کل اقلیم جهانی رخ دهد اطلاق می‌شود. فان و وانگ (۲۰۱۱)، دما و بارش چین را طی یک دوره ۵۵ ساله بررسی و به این نتیجه دست یافتند که طی ۵۰ سال گذشته دما ۱/۲ درجه سلسیوس افزایش و بارش ۹۹/۲ میلی‌متر کاهش داشته است. استوکر و همکاران (۲۰۱۳)، در گزارشی اعلام نمودند، فعالیت‌های انسانی به احتمال ۹۵ درصد عامل اصلی گرمایش جهانی از اواسط قرن بیستم به‌شمار می‌رود. در گزارش مذکور تأکید گردیده است که با توجه به تغییرات بی‌سابقه

بررسی‌های انجام‌شده در زمینه تغییر اقلیم بر
اساس سناریوهای انتشار

دستورانی و همکاران (۱۳۹۰)، پدیده تغییر اقلیم در حوزه سد طرق مشهد را، با استفاده از مدل HADCM3 تحت دو سناریوی A2 و B2 مورد بررسی قرار دادند. با استفاده از داده‌های دمای روزانه دوره ۱۹۶۱-۱۹۹۰ و دو سناریوی A2 و B2، داده‌های روزانه مربوط به دوره‌های آتی را ریزمقیاس نمائی نمودند. درنهایت، با مقایسه نتایج دو سناریو ملاحظه شد که سناریوهای A2 و B2 دمای هوا را برای دوره ۲۰۱۰-۲۰۳۹ به ترتیب ۲/۵ و ۱/۶۱ درجه سانتی‌گراد و برای دوره ۲۰۶۹-۲۰۴۰ به ترتیب ۳/۶۳ و ۲/۴۶ درجه سانتی‌گراد بیشتر از دمای متوسط سالانه مشاهداتی پیش‌بینی کردند، که نشان از افزایش دما در دوره‌های آتی دارد. در ضمن مقایسه تغییرات فصلی دما در آینده نیز حاکی از افزایش دما در تمام فصول را دارد. اما شدت آن در فصل‌های بهار و تابستان بیشتر از سایر فصول می‌باشد. بحری و همکاران (۱۳۹۴)، در مطالعه‌ای باهدف ارزیابی عملکرد مدل‌های گردش عمومی جو و انتخاب بهترین آن‌ها جهت پیش‌بینی اقلیم دهه‌های آتی شهرستان مینودشت پس از سنجش خطای ده مدل GCM،



افزایش یافته است و گازهای گلخانه‌ای که در اثر به دام انداختن گرما، تولید گرما می‌کند، نقشی کلیدی در تنظیم دمای زمین دارند.

تغییرات اقلیم از دیدگاه قرآنی

امروزه آنچه که در ارتباط با تغییرات اقلیم و پدیده‌های مستمر خشکسالی، سیلاب در جهان مطرح می‌باشد این است که علل این پدیده‌ها چیست؟ و چرا مانند سال‌های قبل بارش‌های متناوب، متوالی نداریم؟ تحلیل بازه‌های زمانی ۳۰ یا ۴۰ ساله ثبت آمار نشان‌دهنده چند دوره خشک، متوسط و ترسالی است، علت خشکسالی‌های متوالی در سال‌های اخیر محصول چه چیزی است؟ دلیل این تغییرات اقلیم چه می‌باشد؟ قرآن کریم می‌فرماید: وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بَقْدَرٍ و از آسمان آبی به اندازه آمعین [فرود آوردیم. بر طبق این آیه قرآن کریم میزان بارش در جهان ثابت است و همچنین خداوند در سوره ذاریات می‌فرماید: وَالذَّارِيَاتِ ذُرُوءًا ﴿۱﴾ سوگند به بادهای ذره‌افشان (۱) فَأَلْحَمَاتِ وَفُرًا ﴿۲﴾ و ابرهای گرانبار (۲) فَأَلْجَارِيَاتِ يَسْرًا ﴿۳﴾ و سبک سیران (۳) فَأَلْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا ﴿۴﴾ و تقسیم‌کنندگان کار [ها] (۴). تقسیم همه چیز از جمله بارش باران در نقاط مختلف آن براساس حکمت، عدل و نظام الهی است. لذا بارش نزولات سالیانه چیزی نیست که کم و یا زیاد شود و این ثابت شده است. اگر بخواهیم در طی این چندین سال خشکسالی، محاسبه بیلان داشته باشیم بهمان میزان نزولات ثابت در دنیا تبخیر و تعرق صورت گرفته است. پس چرا شاهد پدیده خشکسالی و تغییرات اقلیم در بخش خاکی کره زمین هستیم؟ هرگونه دخل و تصرف توسط انسان‌ها در محیط زندگی باید براساس عقل، اندیشه و

مشاهده شده، همچون گرمایش جو و اقیانوس، کاهش یخ و برف، افزایش سطح آزاد دریاها و افزایش غلظت گازهای گلخانه‌ای طی دهه‌ها و سده‌ها، گرمایش ابر دستگاه اقلیم قطعی است. همچنین هریک از سه دهه اخیر به‌طور متوالی گرم‌ترین دهه‌های ثبت‌شده از سال ۱۸۵۰ به‌شمار می‌روند. IPCC (۲۰۱۳)، در آخرین گزارش خود در سال ۲۰۱۳ بیان داشت که جو زمین و اقیانوس‌ها به‌مراتب گرم‌تر از سال‌های گذشته شده‌اند. بر اساس گزارش این هیئت، دوره ۱۹۸۳-۲۰۱۲ گرم‌ترین دوره سی‌ساله طی ۱۴۰ سال گذشته بوده است. در این گزارش نشان داده شده است که کشور ایران به‌ویژه در بخش‌های شرقی بیشترین افزایش دما در سطح زمین را طی دوره ۱۹۰۱ تا ۲۰۱۰ تجربه نموده است. بنابراین طی دو دهه گذشته اهمیت ارزیابی اثر رویدادهای وخیم اقلیمی بر دستگاه‌های طبیعی و جامعه به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. پورتر و همکاران (۲۰۱۴)، در بررسی‌های خود (بر اساس گزارش هیئت بین‌الدول تغییر اقلیم در سال ۲۰۱۳) بیان می‌کنند، تجمیع پژوهش‌های انجام‌شده بیانگر آن است که اثرات منفی تغییر اقلیم بر کشاورزی و تولیدات مواد غذایی بیش از اثرات مثبت آن است. عوامل تأثیرگذار بر تولیدات کشاورزی و امنیت غذایی شامل عوامل اقلیمی (دما، بارش، غلظت دی‌اکسیدکربن و ازون) و عوامل غیر اقلیمی (حاصل‌خیزی خاک، آبیاری، کود، رشد جمعیت، اقتصاد، اجتماع و سیاست) می‌باشند. تغییر اقلیم با تأثیر بر عوامل ذکرشده می‌تواند بر امنیت غذایی تأثیرگذار باشد. در خصوص عوامل اقلیمی، اثرات متقابل عوامل مؤثر بر رشد و نمو و عملکرد گیاهان حائز اهمیت بوده و می‌بایست مدنظر قرار گیرد. IPCC (۲۰۱۴)، در مطالعات نشان می‌دهد که طی دهه‌های اخیر دمای هوا



روایات از نقش و اهمیت باران و باد و ابر گفته شده است. باران رحمت الهی است، خداوند با فرو فرستادن این عامل حیات، سرسبزی نشاط و شادابی را برای همگان رقم زده است باران و سودمندی‌های آن بارها در قرآن و روایات اسلامی مطرح شده است. محیط‌زیست بشر، به‌عنوان سکونت‌گاه انسان‌ها، درگیر مشکلات و معضلات عدیده‌ای شده است که عامل آن خود انسان‌ها هستند. استفادهٔ بیش‌ازحد از سوخت‌های فسیلی و جنگل‌زدایی، منجر به برهم خوردن تعادل گازهای گلخانه‌ای در اتمسفر شده است و این مساله به تدریج گرمایش جهانی کرهٔ زمین را به دنبال داشته است. تغییرات آب‌وهوایی یکی از پدیده‌هایی است که ناشی از پیشرفت‌های صنعتی بشر و افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای می‌باشد و حفاظت از محیط‌زیست را با خطر مواجه نموده است. تغییر اقلیم، پدیده‌ای است که در حال حاضر و طی سالیان آینده اجتناب‌ناپذیر بوده و تأثیرات خود را بر مولفه‌های زندگی بشر از جمله محصولات کشاورزی و منابع آب می‌گذارد. با توجه به اینکه اثرات تغییر اقلیم بر زندگی انسان کمتر موردتوجه قرار گرفته، مقابله با تغییر اقلیم مستلزم ارائه راه‌کارهایی برای سازگاری با شرایط آینده است. بنابراین ارزیابی راه‌کارهای مختلف سازگاری در شرایط آینده اقلیمی نیز به‌نوبه خود از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در ضمن باید اقدام‌های مؤثرتری در راستای مقابله با اثرات نامطلوب تغییرات آب‌وهوایی صورت پذیرد.

درک صحیح از مسائل محیط‌زیست باشد، در غیر این صورت تصرف در عوامل طبیعی، از بین بردن جنگل‌ها، مراتع، بستر رودخانه، برداشت‌های غیرمجاز از سفره‌های آب زیرزمینی منجر به حوادثی از قبیل سیلاب، کاهش جریان‌های سطحی، فرونشست زمین، کاهش ذخیره آبخوان‌های آبرفتی، کاهش کیفیت براساس برداشت بی‌رویه از منابع، هجوم آب‌های شور، فرسایش خاک و اثر آن از نظر کمی و کیفی بر منابع و آلودگی منابع خاک و آب خواهد شد. از نکات علمی که می‌تواند در ارتباط با تغییر اقلیم اتفاق افتاده، افزایش دما به‌طور نسبی است. از نظر پوشش برفی کمترین پوشش را در سالیان گذشته داشته‌ایم. در مناطق کوهستانی که غالباً پوشش‌های برفی دائمی داریم بارش‌ها عمدتاً به‌صورت باران بوده است و پوشش کم برفی باعث شده در دوران آبیاری و کشت جریان سطحی در رودخانه‌ها حداقل شود. دلایل این موضوع نیز تصرفات بشری است. تولید گازهای گلخانه‌ای و از بین رفتن لایه اوزون باعث افزایش دما به‌میزان ۱ تا ۲ درجه در دنیا شده است.

نتیجه‌گیری

در قرآن کریم در آیات متعددی به ویژگی‌های اقلیمی (نحوه تشکیل باران، برف و تگرگ، دلایل نزول باران و ...) و اثرات آن بر زندگی بشر اشاره شده است. خداوند در بسیاری از آیات قرآن از پدیده‌های طبیعی مثل زمین، آسمان، باد، باران، ابر و غیره نام برده است. همچنین در بسیاری از

منابع

۱. قرآن کریم
۲. بحری، م.، احمدی توانا، ب.، سرمدی، ع.، ا.، (۱۳۹۴). ارزیابی توانایی مدل‌های گردش عمومی جو در پیش‌بینی تغییرات اقلیمی (مطالعه موردی: شهرستان مینودشت، استان گلستان). پنجمین کنفرانس منطقه‌ای تغییر اقلیم، گرمایش جهانی، خشکسالی و طوفان‌های گرد و خاک، تهدیدی برای آینده، سازمان هواشناسی کشور.



۳. دستورانی، م.، ت.، طالبی، ع.، حیدری، ع.، پورمحمدی، س. (۱۳۹۰). بررسی تأثیرات پدیده تغییر اقلیم بر وضعیت دمایی حوزه سد طرق مشهد، پنجمین کنفرانس سراسری آبخیزداری و مدیریت منابع آب و خاک. اسفند ۱۳۹۰ انجمن مهندسی آبیاری و آب ایران.
۴. کوچکی، ع.، ر.، کمالی، غ. ع. (۱۳۸۹). تغییر اقلیم و تولید گندم در ایران. مجله پژوهش‌های زراعی ایران. جلد هشتم، ۵۲۰-۵۰۸.
۵. کوچکی، ع.، نصیری محلاتی، م. (۱۳۸۷). تاثیر تغییر اقلیم همراه با افزایش غلظت CO2 بر عملکرد گندم در ایران و ارزیابی راه کارهای سازگاری. مجله پژوهش‌های زراعی ایران، جلد ششم، ۱۵۳-۱۳۹.
6. IPCC, (2013), *Summary for Policymakers*. In: Climate Change (2013): The Physical Science Basis. Contribution of Working Group I to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change [Stocker, T. F., D. Qin, G. -K. Plattner, M. Tignor, S. K. Allen, J. Boschung, A. Nauels, Y. Xia, V. Bex and P. M. Midgley (eds.)]. Cambridge University Press, Cambridge, United Kingdom and New York, NY, USA.
7. IPCC, (2014), *Summary for policymakers*. In: *Climate Change 2014: Impacts, Adaptation, and Vulnerability*. Part A: Global and Sectoral Aspects. Contribution of Working Group II to the Fifth Assessment Report of the Intergovernmental Panel on Climate Change [Field, C. B., V. R. Barros, D. J. Dokken, K. J. Mach, M. D. Mastrandrea, T. E. Bilir, M. Chatterjee, K. L. Ebi, Y. O. Estrada, R. C. Genova, B. Girma, E. S. Kissel, A. N. Levy, S. MacCracken, P. R. Mastrandrea, and L. L. White (eds.)]. Cambridge University Press, Cambridge, United Kingdom and New York, NY, USA, pp.1-32.
8. IPCC. (2007). *Summary for Policy Makers*. Climate Change 2007, The Physical Science Basis. Contribution of Working Group I to the Fourth Assessment Report. Cambridge University Press. Cambridge
9. IPCC-TGCI. (1999). *Guidelines in the use of scenario data for climate impact and adaptation assessment*. Eds. Carter, T. R., Hulme, M. and Lal, M., Version 1, 69 pp. Intergovernmental Panel on Climate Change, Task Group on Scenarios for Climate Impact Assessment.
10. Ozkan, B., and Akcaoz, H. (2002). *Impacts of climate factors on yields for selected crops in southern Turkey*. Mitig Adapt Strat Glob Change, 7, 367-380.
11. Rosenzweig, C., and Tubiello, FN. (2007). *Adaptation and mitigation strategies in agriculture. an analysis of potential synergies*. Mitig Adapt Strat Glob Change, 12, 855-873.
12. Rosenzweig, C, Daniel M and US EPA, office of Rescarch and Development 1990 Agriculture In: smith J and Tirpak D, eds the potential Effects of Global Climate Change on the United States. Washington, DC: Hemisphere Publishing ,pp.367-417
13. Stocker, Th. F et. al (2013), *Climate Change 2013(The physical science basis) Working Group (WG) 1, Fifth assessment report of the Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC)*, Cambridge University Press, 1535pp.
14. Smith JB and Tirpak DA eds 1190 The Potential Effects of Smith JB and Tirpak DA eds United States New York : Hemisphere Publishing
15. Susan Solomon, Gian-Kasper Plattner, Reto Knutti, and Pierre Friedlingstein (2009). *Irreversibl climate change due to carbon dioxide emission*. Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America (Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America), (106)6, 1704.

محیط زیست از منظر قرآن کریم

سیدرضا شمس‌الدینی^۱ هرمز اسدی کوه‌باد^۲ عبدالکریم گل‌گون^۳

۱- دانشجوی دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران
۲- استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران
۳- دکتری تخصصی، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران
(نویسنده مسوول: ak.golgoun@yahoo.com)

چکیده

از مهم‌ترین موضوعات زندگی بشر، محیط زیست و حفاظت از آن می‌باشد. داشتن محیط زیست سالم، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت هر جامعه است. افزایش جمعیت و توسعه تمدن صنعتی، سلامت محیط نسل‌های کنونی و آینده را در معرض تهدید قرار داده است. یکی از راه‌های مهم حفاظت از محیط زیست و ارتقای سلامت آن، افزایش سطح آگاهی جامعه است. قرآن مجید به‌عنوان کتاب هدایت، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به‌منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است. این مطالعه با هدف بررسی جایگاه محیط زیست از منظر قرآن و اهمیت آن در زندگی بشر و بیان اهمیت آموزش برای حفاظت از محیط زیست انجام شده است. مطالعه و بررسی در قرآن کریم نشانگر آن است که محیط زیست مورد عنایت ویژه کتاب الهی است. رعایت نظم و اعتدال در استفاده از مواهب طبیعی، همگانی بودن مسئولیت حفاظت از محیط زیست، توجه به آب و جوانب بهداشتی آن (صرفه‌جویی، پاک‌کنندگی آب، اهمیت آب گوارا، آلوده نکردن آب و ...)، ویژگی‌های مسکن بهداشتی (تأمین آرامش و آفتاب‌گیر بودن آن)، پاکیزگی مکان‌های عمومی، توجه به عناصر اصلی محیط زیست (آب، باد، زمین، هوا، خاک، گیاهان و ...)، حمایت از حیوانات، امر به آبادانی زمین، احیای طبیعت، نقش بسیار مهم آموزش و فرهنگ قرآنی در ارتقای دانش و مسئولیت‌پذیری افراد در برابر جامعه و محیط زیست، از مهم‌ترین رهنمودهای قرآن کریم در خصوص جایگاه محیط زیست و اهمیت آن در زندگی بشر می‌باشد. قرآن کریم آموزه‌های کاربردی فراوانی در زمینه‌ی محیط زیست بیان کرده است. انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده، رفتار منطقی با محیط زیست داشته باشد و با خردورزی دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد.

واژه‌های کلیدی: سلامت، محیط زیست، قرآن، مسئولیت

مقدمه

که هر چیزی را به‌اندازه آفریده‌ایم» که حکایت از نظم حاکم بر جهان و طبیعت دارد و از آن نتیجه می‌گیریم که نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیستی، ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. گاهی اوقات فعالیت‌های انسانی برای رسیدن به توسعه و رفاه، موجب ضربه زدن به طبیعت می‌شود و حیات موجودات زنده دیگر را به‌خطر می‌اندازد، به‌حدی که امروز بحران محیط زیست وجود دارد و برای رهایی از این بحران نیز باید به اصول اخلاقی و متون دینی خود مراجعه کنیم. در آیه ۸۷ سوره

حفاظت از طبیعت و محیط زیست یکی از سفارشات مؤکد دین مبین اسلام است که در آیات و روایات متعددی به آن پرداخته شده است. به‌طوری که در هیچ مکتب دیگری این‌چنین تأکیدات و سفارشات برای طبیعت وجود ندارد. بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به‌نام یکی از عناصر طبیعی است. به‌عنوان مثال سوره رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، بقره، شمس، حدید، لیل، قمر و ... در آیات قرآن کریم همچون آیه ۴۹ سوره قمر «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ ماییم



و خزندگان از زمین می‌شود، قبل از اتراق در یک محل و یا نشستن بر روی صخره‌ها اطراف را بررسی کنیم. در ایام عیدنوروز از رهاسازی ماهی‌های گلی سفره هفت‌سین در رودخانه‌ها و دریاچه‌ها به شدت پرهیز کرده و همچنین زباله‌ها را به هیچ عنوان در طبیعت رها نکنیم.

۲- طرح مسئله

محیط زیست طبیعی که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران در آن شکل گرفته و استمرار می‌یابد، از چنان اهمیتی برخوردار است که به‌عنوان مهم‌ترین موضوع زیستی انسان و دیگر موجودات زنده مورد توجه قرار گرفته است. از طرف دیگر؛ تمدن صنعتی ناشی از تأسیسات و بناها و مکان‌ها و محل زندگی انسان‌ها و تمدن مدنی مربوط به مناسبات اجتماعی انسان‌ها و تأثیر متقابل محیط زیست طبیعی با محیط زیست انسانی، هر دین‌پژوه را به مطالعه عمیق متون دینی جهت دریافت موضع دین در این زمینه فرامی‌خواند. قرآن کریم مهم‌ترین منبع شناخت موضع دین اسلام در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی است. قرآن پژوهی که مسأله محیط زیست طبیعی و انسانی را به آموزه‌های قرآن کریم عرضه می‌دارد، به‌دنبال دستیابی به دیدگاه آن کتاب الهی در زمینه توصیف محیط زیست و باید و نبایدها در مناسبات انسان‌ها با آن است. برای دریافت صحیح مسئله مورد پژوهش بایسته است در میحث نخست، مبادی تصویری و تصدیقی که در فهم مسئله مؤثر می‌افتد به‌اختصار ارائه گردد.

۳- مبادی تصویری و تصدیقی

۳-۱- مفهوم محیط زیست

برای این واژه دو نگرش ایجاد شده است. یک نگرش این است که عنوان محیط زیست از دو

مأده خداوند می‌فرماید: «... لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ...» از حد مگذرید که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد»، و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست با محیط زیست دارند از رحمت خداوند محروم خواهند بود. همچنین در آیه ۲۷ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «... وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ...» و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند که زیانکارانند» پس هرکسی که در زمین فساد می‌کند و ضرر می‌زند، خودش زیان‌کار خواهد شد. به‌طور کلی در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، یک وظیفه دینی تلقی می‌شود. علاوه بر این‌ها در روایاتی از پیامبر و معصومین (ع) نیز سفارشات درباره محیط زیست شده‌است. به‌عنوان مثال پیامبر (ص) می‌فرمایند: «تحفظوا من الارض فانها أمکم»؛ یعنی از زمین حفاظت کنید به‌درستی که آن مادر شماست و در جای دیگری نیز می‌فرمایند: «ان قامت علی احدکم القیامه و فی یده فسیله فلیغرسها»؛ یعنی اگر قیامت برپا شود و در دست نهالی باشد باید آن را بکارد. از سوی دیگر طبیعت‌گردی پایدار نوعی از گردشگری است که در عین استفاده از مواهب طبیعی به طبیعت آسیبی نمی‌رساند. البته در سفر به مناطق طبیعی باید نکاتی را رعایت کنیم. به‌عنوان مثال از افروختن آتش در جنگل خودداری کنیم و در صورت استفاده از اجاق‌های صحرایی با اطمینان از خاموش شدن آن محل را ترک کنیم. محصولات جنگلی و گیاهان دارویی را نیز برداشت نکنیم. در ورود به جنگل‌ها با ایجاد سروصدای اندک مثلاً سوت‌زدن، حضور خود را اعلام کنیم. ایجاد سروصدا موجب به‌وجود نیامدن برخورد مستقیم با حیات‌وحش می‌شود. در هنگام بارندگی که باعث بیرون آمدن بندپایان



روابط متقابل گوناگون با آن در تماس قرار دارد. به بیان دیگر، محیط را می‌توان مجموعه عوامل جاندار و بی‌جان دانست که در یک فضای مشخص و در زمانی معین موجود زنده را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. البته پدیده‌های غیرزنده نیز می‌توانند دارای محیط باشند، لیکن فاقد محیط زیست‌اند، به‌عنوان مثال: سنگ تحت تأثیر عوامل محیطی (تخریب فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیک) به خاک مبدل می‌شود. در صورتی که موجود زنده از مکانی به مکان دیگر تغییر وضعیت دهد، محیط آن موجود تغییر می‌یابد. مانند حرکت از محیط خانه به خیابان، محیط پارک، محیط اداره. لیکن کلیه این حرکات و جابجایی‌ها در محدوده محیط زیست صورت می‌گیرند. زیرا مفهوم محیط زیست، چه از نظر لغوی و چه از لحاظ واقعیت آن، در برگیرنده کل فضای حیاتی کره خاکی می‌باشد. به بیان دیگر این محیط زیست است که، در درون خود محیط‌های گوناگون را جای داده است.

۳-۲- تعادل اکولوژیک

تعریف طراحی اکولوژیک زمانی به کار می‌آید که با دید مثبت به آن نگاه کنیم و تلاش ما رسیدن به طراحی سبز باشد و نه فقط کنارآمدن با محدودیت‌های آن. قبل از این کار لازم است که بدانیم آیا معماران و طراحان برای پاسخ دادن به این پرسش آمادگی دارند؟ جواب آن‌ها به احتمال زیاد منفی است. تقریباً به‌جز طراحان منظر، تمامی طراحان به‌گونه‌ای آموزش دیده‌اند که هیچ پیش‌زمینه جدی‌ای در رابطه با اکولوژی و زیست‌شناسی محیطی ندارند. بنابراین منطقی است که برای ساخت محیط مصنوع، تفکرات ما جهت‌یابی اساسی و سریعی به سمت طراحی اکولوژیک پیدا کند. یکی از جنبه‌های اساسی سیستم‌های طبیعی آن است که اکوسیستم‌ها و تمامی بیوسفر نسبتاً پایدار و برگشت‌پذیرند،

کلمه محیط و زیست ترکیب یافته است که در فارسی به معنای جایگاه و محل زندگی است. این عنوان از نظر لغت، مواردی هم‌چون آلودگی هوا، راه‌های جلوگیری از تخریب طبیعت و ... را شامل نمی‌شود، اما امروزه مفاهیم گوناگون را از آن رایج می‌نمایند، مثل آب‌وهوا، جنگل، کوه، حقوق حیوانات و پرندگان، راه‌های جلوگیری از آلودگی هوا، راه‌های مبارزه با عوامل مخرب طبیعت و ... محیط زیست در اصطلاح به کلیه عوامل تهدیدکننده یا بهبودبخش محیط زندگی اطلاق می‌شود. اما نگرش بعدی، بیانگر این است که چیزی به نام محیط وجود ندارد و این واژه یک معنای نسبی به مفهوم پیرامون دارد. همان‌طور که از مشتقات واژه با مراجعه به کتاب لغت پیدا است، یعنی چیزی که توسط پیرامون خود محاط شده است. موردی که در این‌جا مهم قلمداد می‌شود این است که بدانیم منظور ما از محیط زیست کدام موجود است، این موضوع اهمیت دارد. زیرا آن‌چه وضعیت یک محل را برای زیست یک نوع موجود زنده بهبود می‌بخشد، می‌تواند محیط زیست یک موجود دیگر را تباہ کند. حال در مجموع باید گفت: محیط زیست عبارت است از آن‌چه که فرآیند زیستن را احاطه کرده، آن را در خود فروگرفته و با آن در کنش متقابل قرار دارد. با توجه به این تعریف، آیا می‌توان مرزهای مشخصی برای محیط زیست تعیین نمود؟ آیا فرایند حیات بدون استفاده از هوا و خاک میسر است؟ آیا بدون بهره‌برداری منطقی از خاک، می‌توان مواد غذایی تولید نمود و امکان تغذیه سالم جمعیت روبه تزاید را فراهم ساخت؟ بدین ترتیب مشاهده می‌شود که محیط زیست همه چیز را در برمی‌گیرد. هم انسان و هم طبیعت و هم رابطه این دو را شامل می‌شود. در کلیه فعالیت‌های بشر تأثیر داشته و نیز از آن متأثر می‌شود. محیط یک موجود زنده عبارت است از فضایی که موجود زنده را احاطه کرده و از طریق



اغلب چنین حالتی باعث کاهش انعطاف روابط بین محیط مصنوع و اکوسیستم می‌شود. در حالی که محدودیت‌های اکوسیستم برای سیستم‌های مصنوع بشر می‌افزاید، در نهایت وابستگی بشر و سیستم‌های ساخت او با عملکرد اکوسیستم‌ها نه تنها کمتر نمی‌شود که روزبه‌روز هم افزایش می‌یابد. توانایی تحلیل رفته اکولوژیکی به معنی آن است که فعالیت‌های بشر هم، هر روز محدودتر شده و اختیارات آن کاسته می‌شود. بنابراین باید محیط طبیعی را با احتیاط بیشتری مورد استفاده قرار داد. به خصوص به حفظ تنوع زیستی آن توجه بیشتری باید نمود.

۳-۳-۱- طراحی اکولوژیک همواره معتقد است که طبیعت آخرین الگو برای همه طراحی‌ها است.

یک طراح باید نگرش محدود خود را از طبیعت گسترش دهد تا بتواند در پروژه‌های خود مفاهیم وسیع‌تری از اکولوژی محیط را بگنجانند. محیط مصنوع باید در متن اکوسیستم اطرافش قرار داشته باشد و این نظریه به شدت مورد دفاع اکولوژیست‌ها می‌باشد. به همین ترتیب این اکوسیستم در اکوسیستم‌های بزرگ‌تر سطح زمین قرار می‌گیرد و در این مطلب هم هرگاه به محیط اشاره می‌شود منظور همین جامعیت است. در پروژه‌های طراحی اکولوژیک، همواره باید اکوسیستم‌های منطقه‌ای به عنوان واحدهایی از اکوسیستم جهانی در نظر گرفته شوند که همگی از اجزای زنده و غیرزنده تشکیل یافته‌اند که باهم یک اکوسیستم را می‌سازند.

۳-۳-۲- طراحی اکولوژیک؛ مدیریت تأثیرات محیط مصنوع بر اکوسیستم‌ها را برعهده دارد. یک طراح باید بداند که تمامی سیستم‌های طراحی شده نظیر سیستم‌های باز، خروجی دارند.

توانایی سیستم‌های طبیعی در مقابله با تخریب‌ها و بازگرداندن آن‌ها از شک‌های منظمی که به آن‌ها وارد می‌شود، اصلی مهم در نگهداری و مدیریت سیستم‌های زنده است. حفظ یکپارچگی و دست‌نخورده‌گی شبکه موجودات، عملکرد و فعالیت‌های آن‌ها درون اکوسیستم و شبکه‌ای که سیستم‌های مختلف را به یکدیگر ارتباط می‌دهند، برای تضمین پایداری و حیات آن‌ها لازم است. ساده‌شدن اکوسیستم‌ها و از هم‌گسیختن شبکه‌های ارتباطی بین آنها، شکنندگی و آسیب‌پذیری شدید و غیرقابل جبرانی را برای آن‌ها به وجود می‌آورد. در تغییرات آب‌وهوا، شکستن لایه ازن، کاهش تنوع زیستی، افول شیلات، بروز مکرر طغیان قرمز در دریاها، افزایش سیل‌های ویرانگر و خشک‌سالی، شواهد فراوانی بر ناپایداری روزافزون بیوسفر دیده می‌شود.

۳-۳-۳- طراحی اکولوژیک؛ اهمیت تنوع زیستی گونه‌ها را در نظر دارد.

با پیشرفت شهرها، از تعداد گونه‌ها، اندازه و یکپارچگی اکوسیستم‌ها کاسته شده‌است و در نتیجه توانایی طبیعت در ایجاد و خلق زندگی جدید کم شده‌است. تنها در طی چند دهه، سرمایه‌ای را که طبیعت در طی میلیون‌ها سال ذخیره کرده و انباشته‌بود، به‌مصرف رساندیم، علاوه بر آنکه قدرت طبیعت در ایجاد سرمایه‌های جدید را سلب نموده‌ایم، ساختمان‌سازی برای مثال (پاک‌سازی اراضی، کارهای ساختمانی و ...) معمولاً منجر به ساده‌سازی اکوسیستم می‌شود که در نتیجه از حالتی متنوع به حالتی ساده‌تر تبدیل می‌شود. نتیجه چنین ساده‌سازی از دست رفتن حالت ترمیم‌پذیری طبیعت است که می‌تواند مشکلات کوتاه‌مدت یا تغییرات درازمدت، نظیر تغییر آب و هوا را جبران نماید و



برگرفته از منبعی فرای طبیعت آموزه‌های وحیانی می‌باشد. محیط زیست عبارت است از همه‌ی چیزهایی که در اطراف ما وجود دارند و روی آن‌ها تأثیر می‌گذاریم و آن‌ها نیز ما را متأثر می‌سازند و شامل محیط طبیعی، محیط مصنوعی و محیط اجتماعی است. از منظر اسلام، می‌توان به اصولی اشاره کرد که مهم‌ترین آن‌ها از این قرارند: عدالت در محیط زیست، آبادی محیط زیست مصنوعی، دعوت به حفاظت از محیط زیست، بررسی اثرات زیست محیطی طرح‌های توسعه، جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست، مصرف بهینه، بهداشت محیط، بهداشت آب، بهداشت هوا، بهداشت صدا، بهداشت زمین، بهداشت زباله، ایجاد سیستم بازیافت، توسعه فضای سبز و اجرای پیمان‌های ملی و بین‌المللی.

۴-۱- آیاتی از قرآن که محیط زیست را حق همگانی می‌داند

این دسته از آیات بیان می‌کنند که خداوند، طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها وجود دارد. خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» یعنی: او است آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید. این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها می‌داند؛ که باید به‌طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسان‌ها در همه دوره‌ها صورت پذیرد. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» یعنی: شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم. این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او

این خروجی‌ها نظیر مواد زاید که خود به اشکال جامد، مایع و گاز هستند به اکوسیستم‌های اطراف وارد می‌شوند. در بعضی موارد خروجی‌ها به محیط مصنوع برمی‌گردند و پیش از بازیافت، مورد استفاده قرار می‌گیرند. با این حال؛ باز موادی هستند که به‌ناچار باید به اکوسیستم منتقل شوند تا دوباره توسط محیط جذب شوند. همان‌طور که قبلاً به آن اشاره شد، یک سیستم مصنوع به محیط اطرافش که جذب‌کننده مواد زاید است، وابسته است. لذا یک طراح نمی‌تواند تصور کند که مواد زاید به‌آسانی و به‌یکباره از ساختمان خارج می‌شوند. این‌طور نیست که این مواد با عبور از مرز محیط مصنوع، یک جوری ناپدید می‌شوند. دیگر زمان آن رسیده که طراحان در این مورد طرز تفکر خود را تغییر دهند. خروجی‌های ساختمان‌های شهری نظیر آسمان خراش‌ها و دیگر سیستم‌های مصنوع، باید در جهان اطراف جذب شوند. این ممکن است نیاز به کارهای اولیه بر روی مواد زاید داشته باشد تا روند جذبشان به سهولت انجام گیرد.

۴- اصول اخلاقی محیط زیست از منظر اسلام

عواقب زیان‌بار بهره‌برداری بی‌رویه از طبیعت و پیدایش انواع آلاینده‌ها در محیط زیست، پیشرفت و توسعه بدون برنامه‌ریزی همه‌جانبه که با تخریب و آلودگی محیط زیست همراه است، نگاه جهانی به مؤلفه‌های زیست محیطی در جهان، وضعیت مخاطره‌آمیزی را نشان می‌دهد. ضرورت تدوین اصول اخلاق زیست محیطی که نظر بر آرمان‌های اخلاقی الهی داشته باشد و در عین حال توسعه و بهبود زندگی مادی را نیز در برگیرد، جدی‌تر از هر زمان دیگر است. چنین مجموعه‌ای از اصول و مبانی نمی‌تواند به نحو جامع توسط یک فرد یا یک گروه تدوین گردد. زیرا نیازمند مبانی هستی‌شناسی و انسان‌شناسی



فراهم شده است. روشن است که داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند نیز، پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده است. در آیه ۱۰ سوره الرحمن آمده است: «وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» یعنی: و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد. بر مبنای این آیه کریمه، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. لذا، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود. نکته‌ای که باید بدان توجه داشت این است که، هرگاه حقی برای انسان نسبت به چیزی پدید آید، در مقابل آن تکلیفی نیز خودنمایی خواهد کرد. به عبارت دیگر حق و تکلیف، دو روی یک سکه‌اند. اگر استفاده و بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده؛ این حق، تکلیفی نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان، وظیفه دارد به گونه‌ای از حق خود استفاده کند که به حقوق دیگران لطمه‌ای وارد نکند. بر همین اساس، اگر انسان از محیط زیست استفاده می‌کند، باید استفاده او، به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نشود.

همین سوره خداوند می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً...» یعنی: اوست (خدایی) که از آسمان‌ها آب فرستاد که از آن می‌آشامید و بدان درخت و گیاه می‌روید، که در آن (روبیده‌ها)، دام‌های خود را می‌چرانید. و در آیه بعد می‌فرماید: «يُنَبِّتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَ الزَّيْتُونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» یعنی: و با آن برایتان کشتزارها و درختان زیتون و خرما و انگور و همه گونه محصول می‌روپاند. در سوره نمل نیز خداوند می‌فرماید: «وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» یعنی: برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستان‌هایی شادانگیز رویانیدیم. این دسته از آیات که در قرآن فراوان هستند، همه یک پیام دارند و آن این‌که، آنچه از عناصر محیط زیست در روی زمین است، برای انسان‌هاست و همه انسان‌ها حق دارند از این الطاف الهی بهره‌مند شوند و هیچ‌کس نمی‌تواند این حق خدادادی را از آن‌ها سلب نماید. تعبیراتی نظیر: «لکم» برای شما، «الناس = مردم» و «الانام = همگان»، آشکارا بر این مطلب دلالت دارند، که این نعمت‌ها، برای همه مردم و حق همه آن‌هاست، صرف‌نظر از هرگونه عاملی، همچون مذهب، جنسیت، تابعیت و ... و همه حق دارند تا از این نعمت ارزشمند الهی بهره‌مند شوند و در پناه آن، زندگی سالم و امنی داشته باشند.

۴-۲- آیاتی از قرآن که آفرینش عناصر محیط

زیست را برای انسان می‌داند

در دسته‌ای از آیات قرآن، خداوند با نام‌بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آنها برای انسان تأکید می‌کند. در سوره نحل خداوند می‌فرماید: «وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دَفءٌ وَ مَنَافِعٌ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ» یعنی: چهارپایان را آفرید که برای شما از آن‌ها گرما (جامه‌های گرم) و سودهای دیگر فراهم می‌آید و از آنها می‌خورید. همچنین در

۴-۳- آیاتی از قرآن که محیط زیست و عناصر

آن را مسخر انسان می‌داند

دسته‌ای از آیات قرآن هستند که در آن‌ها از واژه «تسخیر» در مورد عناصر محیط زیست برای انسان‌ها به کار رفته‌است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها و سبزه‌زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در خدمت انسان



بنابراین، در مقابل حق استفاده‌ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده‌است، وظیفه‌ای نیز برعهده او گذاشته است که آن، حفظ و حمایت و بهره‌برداری صحیح از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره‌مند شود. پس، اگر در استفاده از این امکانی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده‌روی کند، برخلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه‌اش به‌خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر سعادت دنیا و آخرت خواهد بود. به‌عنوان مثال، علم و فناوری، مهم‌ترین ابزار تصرف انسان در طبیعت است. تلاش علمی و به‌کارگیری فناوری در طبیعت و محیط زیست برای این است، که انسان بتواند از محیط زیست و طبیعت، جهت فراهم آوردن یک زندگی سعادت‌مندانه همراه با امنیت و آرامش استفاده کند؛ اما اگر انسان در استفاده از علم و فناوری برای تصرف در محیط زیست زیاده‌روی کند، ثمره‌ای جز مقهوریت و مغلوبیت او در مقابل سلطه زندگی ماشینی و صنعتی نخواهد داشت. این همان چیزی است که امروزه شاهد آن هستیم و به‌طور قطع هم خلاف دستورات و تعالیم اسلام است؛ زیرا اسلام، تسلط بر طبیعت را می‌خواهد، اما زیاده‌روی در این امر باعث شده که کار از دست انسان خارج شود؛ به‌گونه‌ای که سلامت، امنیت و انسانیت او در میان پیچ و مهره‌های این زندگی صنعتی و ماشینی گم شده است. با این همه، تصرف در محیط زیست باید به گونه‌ای باشد که انسان را در جهت دستیابی به حیات طیبه و توسعه متعادل که ضامن ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند. به‌عبارت دیگر، تصرف در محیط زیست باید به شیوه‌ای باشد که آدمی را به غایت و هدف خلقت برساند. بدین‌جهت، استفاده از آن به‌طور دلخواه

درآورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه آنها بهره‌برده و زندگی سعادت‌مندی داشته باشد. در فرهنگ قرآن، واژه تسخیر به دو معنی آمده‌است: یکی در خدمت منافع و مصالح انسان بودن؛ مانند تسخیر خورشید، و دیگری زمام اختیارش در دست بشر بودن؛ مانند دریاها و بسیاری از موجودات زمین. برای این‌که حق انسان در استفاده و بهره‌برداری از طبیعت را در این قسم از آیات بیان کنیم، به چند نمونه اشاره می‌کنیم: خداوند در سوره نحل می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ...» یعنی: خداوند، خورشید و ماه را مسخّر شما ساخت. در سوره دیگر چنین می‌فرماید: «وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ...» یعنی: خداوند، شب و روز را برای شما تسخیر کرد. و در جای دیگر اشاره می‌کند: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ...» یعنی: آیا ندیدید که خداوند آنچه در آسمان‌ها و زمین است، مطیع شما کرد. در جای دیگر نیز، خداوند با مضامین مشابه قبل می‌فرماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُم مَّا فِي الْأَرْضِ...» یعنی: آیا ندیدی خداوند آنچه را در زمین است، مسخّر شما ساخت. استاد شهید مرتضی مطهری، در مورد این آیات می‌فرماید: «در قرآن از مسخّر کردن ماه، خورشید، شب، روز، دریا، نهرها، کوه‌ها، باد و هرچه در آسمان و زمین است، یاد شده است. بدیهی است که در همه این موارد، مقصود این است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان و مورد استفاده و بهره‌برداری انسان هستند» (مطهری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۷). از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسان‌ها در همه دوران‌ها است.

۵- حق بر محیط زیست، تکلیف و مسؤولیت در برابر محیط زیست را در پی دارد



انسان و محیط زیست برقرار کرده و به سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست منجر شود. بر همین اساس، در قرآن کریم، خداوند همان‌طور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را هم برعهده او گذاشته است. در سوره هود آمده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» یعنی: خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما واگذاشت. از این آیه استفاده می‌شود که محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان است و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است. نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد آن است که قرآن نمی‌گوید، خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت؛ بلکه می‌فرماید: عمران و آبادانی زمین را به شما واگذار کرد. پس انسان مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را برعهده دارد و مفهوم آیه این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود. قرآن کریم بارها بر رفتارهای سازنده و اصلاح‌گرانه تأکید کرده که به‌طور قطع، یکی از رفتارهای اصلاح‌گرانه در زمین، حفظ و حراست از طبیعت و محیط زیست است و در مقابل، از رفتارهای فسادانگیز نهی کرده است. در قرآن کریم در بسیاری موارد، واژه «صلاح» در مقابل «فساد» آمده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» یعنی: و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید. بدون شک، تخریب، نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فسادانگیز در زمین است. همان‌گونه که در آیه آمده است، در بسیاری از آیات قرآن، واژه «فساد» همراه با «فی الارض» آمده است که این فساد در زمین، شامل فساد در طبیعت و محیط

و بدون در نظر گرفتن این‌که این نعمت‌ها وسیله‌اند نه هدف، خود باعث گمراهی و انحراف انسان از مسیر حق خواهد بود. انسان به‌عنوان موجودی مختار، باید به این واقعیت تن دهد، که همان‌گونه که زمین محل رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل روحی و معنوی او نیز باشد؛ و چون اسباب و مقدمات تکامل روحی‌اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به شیوه‌ای عالمانه و مدبرانه از محیط زیست، برای این هدف متعالی استفاده کند؛ زیرا رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون بهره‌مندی از محیط زیستی امن و سالم امکان‌پذیر نخواهد بود. تا اینجا بیان کردیم که انسان حق دارد از محیط زیست سالم برخوردار باشد و آیات قرآن هم بر همین امر دلالت دارد. اما نکته مهم این است، که هر حقی، تکلیفی را در پی دارد؛ یعنی همان‌طور که انسان حق دارد از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد، این تکلیف را نیز دارد که این حق را برای دیگران به رسمیت بشناسد و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیستی سالم، محروم کند، خودداری نماید. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرمایند: «هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی، و ایجاد جامعه‌ای سالم و به‌دور از فاصله طبقاتی، و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی، برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده‌روی، و تعبد به عدم اضرار به غیر را، فراهم آورده است». بنابراین، تصرف انسان در طبیعت و محیط زیست مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه مقید به چارچوب‌هایی است که باید آن‌ها را رعایت کند. از جمله: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسل‌های آینده. عواملی همچون ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که می‌تواند رابطه‌ای مسالمت‌آمیز بین



زیست نیز خواهد بود. به همین جهت، قرآن کریم با بیان عناصر محیط زیست و طبیعت، تخریب و نابودی آنها را مصداق بارز فساد می‌داند و خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» یعنی: هنگامی که روی بر می‌گرداند (و از نزد تو خارج می‌شوند) در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند، (با این که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. از آیات یادشده استفاده می‌شود که فساد دارای مفهومی بسیار گسترده است و شامل هرگونه نابسامانی، ویران‌گری، انحراف و ظلم می‌گردد. به عبارت دیگر، فساد به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود که نظام آفرینش را دچار مخاطره کند. یکی از نظم‌های موجود در آفرینش، نظم حاکم بر طبیعت و محیط زیست است که هرگونه تخریب و نابودی آن، مشمول نهی در این آیات خواهد شد. از این‌رو، هرگونه رفتاری که به بروز فساد و تخریب در عرصه محیط زیست ختم گردد، در تضاد با تعالیم عالیه اسلام بوده و ممنوع است. بر همین اساس، انسان باید در عین استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست، از هرگونه رفتار غیراصولی و فسادانگیز در این باره بپرهیزد. بنابراین، انسان‌ها در عین این که حق استفاده از محیط زیست را دارا هستند، باید این حق را برای دیگران نیز قائل باشند؛ به این معنی که، با سوء استفاده از حق خود، حق دیگران را در بهره‌مندی از محیط زیست سالم، پایمال نکنند.

موضوع باعنوان ویژه و متداول امروزی آن، حکم خاصی مقرر داشته باشد. مسئله محیط زیست نیز از همین قبیل است. به یقین در هیچ‌یک از منابع اسلامی به‌عنوان محیط زیست حکمی مطرح نشده است، ولی بدون تردید درباره آب، زمین، پاک‌ی و ناپاکی، آتش‌سوزی و مسائلی از این قبیل در آیات و احادیث و سایر منابع، احکام زیادی وجود دارد که به کمک آن‌ها می‌توان مقررات دقیقی برای مسائل محیط زیست به‌دست آورد. متأسفانه در این‌مورد از نظر اسلامی آن‌طوری که لازم بود، توسط برخی از اهل تحقیق پژوهشی انجام نگرفته است. از نظر اسلام چنانچه فرد یا جامعه‌ای از عمل شخصی متضرر شوند، می‌توانند از راه‌های مشروع ضرر و زیان خود را از او دریافت دارند. همین‌طور در صورتی که کسی یا کسانی اقدام به آلودن محیط می‌کنند، کسانی که پیرامون محیط‌شان آلوده شده است، می‌توانند آلوده‌کننده را برای کیفر تعقیب کنند. از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است که حضرت فرمود: «تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَانْهَاهَا أَمْكُم» یعنی از زمین حفاظت کنند به‌درستی که آن مادر شما است. اسلام برای نظافت و بهداشت اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است و آن را از نشانه‌های ایمان می‌داند. خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (قمر/۴۹) یعنی ما هر چیز را به‌اندازه خلق کردیم. پس هر چیز مقدار و حدودی دارد و بایستی به‌طور صحیح و درست بهره‌برداری شود تا نابود و منهدم نگردد. چراکه این ثروت‌های طبیعی فقط به این نسل تعلق ندارد، بلکه این اندوخته‌ها به نسل‌های بعد از ما نیز تعلق دارند. نظر اسلام در مورد آبادکردن زمین و پایداری محیط زیست آمده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ»، (هود/۶۹) یعنی خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آبادکردن زمین گماشت. در این رابطه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ان

۶- حفظ محیط زیست از دیدگاه پیامبر

اسلام (ص) و اهل بیت (ع)

۶-۱- حمایت و حفاظت محیط زیست در اسلام
اسلام در کلیه شئون و روابط انسانی دخالت کرده و برای همه آن‌ها مقرراتی وضع نموده است. لیکن این بدان‌معنی نیست که برای هر



فرمود: «کان امیرالمؤمنین یضرب بالمر و یستخرج الارضین، و کان رسول الله یمص النوی بفيه و یغرسه فیطلع من ساعته ...»، (اصول کافی، جلد ۵، صفحه ۷۵- الفقیه، جلد ۳، صفحه ۱۶۹)؛ امیرالمؤمنین علی(ع)، با بیل زمین را آماده می‌ساخت و پیامبر (ص) هسته خرما را مرطوب می‌کرد و می‌کاشت. پیشوایان دینی، خود مربی و الگوی کامل تربیت اسلامی و انسانی‌اند و پیشروترین افراد در انجام کارهای نیک و شایسته می‌باشند؛ از این رو، در انجام این امر مقدس، خود پیش‌قدم بوده‌اند. راوی می‌گوید: امام صادق (ع) را دیدم که جامه زبر کارگری بر تن و بیل در دست داشت و در میان درختان، سرگرم کار بود و چنان فعالیت می‌کرد که سراپای وجودش را عرق فراگرفته بود. در این حال، ابوعمروشیبانی وارد شد و امام را در آن حال تعب و رنج مشاهده کرد، پیش خود گفت: علت این که حضرت شخصاً بیل به دست گرفته است، شاید کمک یا کارگری پیدا ننموده است. جلو رفت و عرضه داشت: فدایت شوم! بیل را به من بده تا من به جای شما این کار را انجام دهم. امام فرمود: «نه؛ من خودم دوست دارم که مرد برای تحصیل روزی خود رنج بکشد و آفتاب بخورد». ابوبصیر یکی از یاران نزدیک امام صادق(ع) می‌گوید: حضرت فرمود: «انی لأعمل فی بعض ضیاعی حتی اعرق ...»، (الکافی، ج ۵، ص ۷۷)؛ من میان زمین و باغ خود به گونه‌ای کار می‌کنم که عرق از سر و رویم می‌ریزد.

۷- محیط زیست، بستر رشد و تعالی انسان
طبیعت و محیط زیست، موهبتی خداوندی است که از مجموعه موجودات، منابع و عوامل و شرایط

قامت علی احدکم القیامه و فی یده فسیله فلیغرسها»، (کنز العمال، ح ۹۰۵۶)، یعنی اگر قیامت برپا شود و در دست نهالی باشد باید آن را بکارد. فاجعه بسیار عمیق است. انسان امروز فردای بشر را نیز تباه کرده و به تمدنی آویخته و با تمدنی همراه شده یا نه ناگزیر همراهش کرده‌اند که خود به دست خود به گفته روزه گارودی روشنفکر برجسته و منتقد باهوش و تیزنگر فرانسوی: «اگر ما در خلال سی سال آینده به همان منوال زندگی کنیم که در خلال سی سال گذشته زندگی کرده‌ایم، دست به کشتن نوه‌های خود زده‌ایم»^۱.

۶-۲- حفظ محیط زیست در سیره پیشوایان معصوم (ع)

براساس آموزه‌های دینی، انسان مسلمان نیز باید خود را به این صفت بیاراید و خود را در هر مکان و موقعیتی نگهدارنده و پاسدار امانت‌ها و نعمت‌ها از جمله محیط زیست انسانی بداند. پیشگیری از نابودی و تلف شدن طبیعت نیز با رعایت امانت‌داری و حفاظت امکان‌پذیر است. در منابع اصیل روایی اسلام آمده است که انبیای الهی(ع) به کشاورزی و درخت کاری ارج می‌نهادند و خود پیوسته به آن اشتغال داشتند. به طور کلی، همه انبیای الهی به گونه‌ای در عصر خویش، در ایجاد سرسبزی و حفظ آن کوشا بوده‌اند؛ چنان که امام صادق(ع) فرمود: «ما بعث الله نبیاً، الا زراعاً»، (وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۴۱)؛ خداوند هیچ پیامبری را مبعوث نکرد، مگر این که به زراعت می‌پرداخت. در روایات اسلامی آمده است که پیامبر اکرم(ص) و امیرالمؤمنین علی(ع) باهم درخت می‌کاشتند. امام صادق (ع) در این باره

۱ هشدار به زندگان روزه گارودی ترجمه علی اکبر کسمائی ۲۵ / هاشمی تهران.



انسان آماده شده و آدمی مانند صاحب‌خانه‌ای، همه آنچه هست، در ملک اوست. گونه گونی گیاهان و حیوانات، برای برآوردن منافع و مصالح او تهیه شده است. پس باید از متاع‌های گوناگون آن در راه اطاعت خدا و رشد الهی بکوشیم و بهره ببریم.^۲

۸- فرهنگ زیست محیطی آمیخته با مقام خلافت‌اللهی انسان

زیبایی انسان، گذشته از سازمان نظام‌واره هستی او که در هر موجود دیگری هرچند ضعیف یافت می‌شود در گرو کرامت اوست. متون مقدس آسمانی به‌ویژه قرآن کریم، هستی بشر را تکریم کرده و او را موجودی گرمی شمرده و درباره کرامت وی، چنین فرموده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا»، (اسراء/۷۰)، ما فرزندان آدم را بسیار گرمی داشتیم و آن‌ها را بر مرکب در دریا و خشکی سوار کردیم و از پاکیزه‌ها روزی دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خود برتری بخشیدیم. کرامت انسان، مرهون خلافت اوست؛ زیرا جانشین موجود کریم از کرامت برخوردار است و چنین کرامتی که از ناحیه خلافت الهی باشد، بهره غیر انسان نیست. از این‌رو، تعبیری که درباره انسان شده، درباره هیچ موجود دیگر نشده است و آن تعبیر ممتاز، همین حدیث معروف «من عرف نفسه فقد عرف ربه»^۳ است؛ زیرا شناخت جان آدمی از آن‌جهت که خلیفه خداست و این خلافت نیز تکوینی است نه قراردادی، حتماً به شناخت خدا ختم خواهد شد و اگر به شناخت خداوند منتهی نگشت، معلوم می‌شود که انسان به‌خوبی شناخته نشد. بنابراین، کرامت انسان در پرتو خلافت اوست و «خلیفه»،

همانگی که در اطراف هر موجود زنده وجود دارد و ادامه حیات به آن وابسته است به‌وجود می‌آید. آلودگی محیط زیست بر کیفیت و چرخه طبیعی اثر می‌گذارد و پی‌آمدهای زیان‌باری برای زندگی انسان، حیوان، گیاه و بناها دارد. در جهان امروز، مسئله آلودگی، یکی از مهم‌ترین و حادث‌ترین مشکل تمدن انسانی است و نقش انسان در آلودگی محیط زیست بسیار چشم‌گیر است. طبیعت، برای بقای نسل بشر آفریده شده است و پیوندی ناگسستی میان انسان و طبیعت وجود دارد. امام علی (ع) این پیوند و پیوستگی انسان با طبیعت پیرامون را به‌زیبایی بیان می‌کند: «تقوا پیشه کنید در حق بندگان و شهرها، که شما مسئول هستید؛ حتی از سرزمین‌ها و چهارپایان. انسان هرگز اجازه ندارد خود را رها و لجام گسیخته و آزاد در بهره‌برداری از طبیعت بداند و حق ندارد با آلوده کردن و ویران ساختن طبیعت، به آسایش برسد». فرهنگ اسلامی، طبیعت را گهواره و زمینه‌ساز پرورش و کمال انسان می‌داند. از این‌رو، با هرکس که به این عامل، آسیب و زیان رساند و آن‌را برای رشد بشر ناامن سازد، مقابله می‌کند. نظام طبیعت، بر اساس حکمت آفریده شده و همه عناصر آن از ابر و باد و مه و خورشید و فلک در کارند تا آدمی در پرتو آنها از مادیت به معنویت برسد و دنیا و آخرت را به شایستگی در خود به کمال برساند. امام صادق (ع) به مفضل بن عمر می‌فرماید: اگر تو جهان آفرینش را با اندیشه و خردت درست ارزیابی کنی، آن‌را مانند ساختمانی می‌یابی که همه آنچه آفریده‌ها به آن نیازمند بوده‌اند، در آن پیش‌بینی شده است. آسمان، بسان سقفی است برافراشته؛ زمین بسان فرشی است گسترده؛ ستارگان، چراغ‌های چیده‌شده را مانند؛ گوهرها در دل این جهان ذخیره شده‌اند و همه‌چیز برای

۳ علامه مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳، ج ۹۲، ص ۴۵۶.

۲ تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و همکاران، انتشارات دارالمکتب

الاسلامیه، ۱۳۶۹، ص ۲۱۶



بود؛ یعنی هم زمین از خطر تباهی برهد و هم زمین از ضرر اخلاقی مصون بماند تا هم بدن از مزایای طبّ طبیعی طرفی بندهد و هم روح از مواهب ویژه نَفْسِ رحمانی، به رُوح و ریحان نایل شود.

۹- دنیای امروز و محیط زیست بی‌روح

دنیای صنعتی امروز با تخریب جنگل‌ها و نابودی فضاهاى سبز و پژمردگی و مرگ گل و گیاه روبه‌روست. پیشرفت بی‌رویه صنعت، همان‌گونه که صفا، یک‌دلی و پیوندهای استوار خانوادگی را از مردم صنعت‌زده گرفته و روانشان را رنجور و افسرده ساخته است، آخرین روزنه‌های امید را نیز که جنگل‌ها و دشت‌های خرم و مزرعه‌های سرسبز، تپه ساخت و انسان را در میان آهن‌های خشن، دیوارهای بتونی و دود و آلودگی‌های گوناگون صنعتی، بی‌کس و تنها رها کرد. اکنون انسان‌های بی‌شماری به سرگردانی، پریشان‌حالی و افسردگی دچار شده‌اند که نتیجه شوم و ناخواسته جهان صنعتی است و آرام‌آرام به فاجعه‌ای انسانی تبدیل می‌شود. گفتنی است که دانشمندان، آفات صنعتی را بیش از بلاهای طبیعی دانسته‌اند. بر این اساس، احیای دوباره محیط زیست و برگرداندن سرزندگی و شادابی زمین به آن، عامل مهمی در ایجاد روحیه نشاط و امید در انسان‌هاست. ابعاد مختلف بحران محیط زیست که امروزه افکار جهانی را تحت‌تأثیر قرار داده، حاصل عصیان‌گری بشر در برابر نظام آراسته و صالح جاری در عرصه محیط زیست است. این‌گونه اقدامات فسادانگیز چه از ناحیه فرد باشد، چه از ناحیه حکومت، در تضاد با خواست خداوند است؛ چراکه خداوند فساد را دوست ندارد و هرگز در مشیت ازلی نیست که انسان‌ها فساد کنند. منظور از فساد در روی زمین هرگونه نابسامانی و ویرانگری و انحراف است.

کسی است که در تمام شوون علمی و عملی خود، تابع «مستخلف عنه» باشد و برابر علم او اندیشه پیدا کند و مطابق اراده او صاحب انگیزه شود. خدای سبحان که خلعت خلافت را با آیه «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً»، (بقره/۳۰)، بر اندام موزون انسان وارسته پوشانید، تاروپود استبرق جانشینی را، معرفت اسمای حسناى الهی و مرمت قلمرو خلافت و آباد و آزادسازی منطقه جانشینی از نفوذ تخریبی اهریمنان قرار داد و از جهت علمی فرمود: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ»، (بقره/۳۱)، و از لحاظ عملی چنین فرمود: «هُوَ أَنْشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ»، (هود/۶۱)، خدای یگانه شما را از زمین ایجاد کرد و شما را بر آبادی زمین برگماشت، پس از او طلب مغفرت کنید، سپس به‌سوی او توبه کنید، حقیقتاً که پروردگار من نزدیک و اجابت‌کننده است. مهم‌ترین عنصر خلافت‌الاهی بعد از فراگیری معارف دینی، آبادساختن زمین و نجات آن از هرگونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گستره زیست‌بشر است که از عمق دریا تا اوج سپهر و قله آسمان را در برمی‌گیرد. بنابراین، فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است. آن‌کس که به‌جای پالایش هوا، آن‌را می‌آلاید و عوض مرمت زمین، آن‌را ویران می‌کند و به‌جای غرس نهال، به قطع درخت می‌پردازد و به‌جای سالم‌سازی دریا و صحرا، از آلوده‌نمودن آن‌ها ابایی ندارد، چنین فارغ بی‌فروغی، بی‌دریغ دروغ می‌گوید که خویشتن را خلیفه خدا می‌شمرد. منظور از عمارت زمین، تأمین اصول زیست محیطی برای حیات انسانی است؛ نه مخصوص زندگی گیاهی که برخی دارند و نه مخصوص حیات حیوانی که عده‌ای به آن بسنده نمودند، بلکه زندگی انسانی که جامع تمام مراحل نباتی و حیوانی هم خواهد



أَهْلَهَا أَذْلَهُ»، (نمل/۳۴)، پادشاهان هنگامی که داخل شهری شوند، آن را تباه می‌نمایند و عزیزترین آن‌ها را ذلیل قرار می‌دهند. سلاطین ستم و دولت‌مردان جور و طغیان، هنگام ورود به منطقه دیگران و زمان اقتدار بر آن و وقت نفوذ در آن به تباهی آن اقدام می‌کنند. اگر در گذشته تاریخ، دخول شخصی و ورود فیزیکی لازم بود، اکنون با سرعت سرسام‌آور صنعت، کنترل از دور برای افساد کافی است. اینان که رسالت اصلی آن‌ها غم‌خواری توده محروم است، سفارت خویش را چونان دد، خون‌خواری می‌دانند. نظام اسلامی وظیفه رسمی والی را چنین ترسیم نموده است: «أَيُّمَا امْرَأَةٍ وَلى مِنْ أَمْرِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا لَمْ يَحْطِمْهُمَا يَحْطِمْ نَفْسَهُ لَمْ يَرْحُ رَائِحَةَ الْجَنَّةِ»، (نهج‌الفصاحه، ح ۱۰۲۵)؛ هرکس سمتی را در دولت اسلامی به‌عهده بگیرد و مسؤول بخشی از بخش‌های حکومت دینی گردد، موظف است هرآنچه را که برای حفظ حیات، سلامت، حیثیت اجتماعی و مانند آن، نسبت به‌خود به‌کار می‌برد، برای توده مردم نیز تأمین کند. اگر خود از بهداشت و محیط سالم برخوردار است، موظف است آن را برای تمام شهروندان فراهم نماید. این دستور رسول گرامی اسلام (ص) در برنامه حکومتی جانشین ایشان، حضرت علی بن ابی طالب (ع) تجلی خاص یافت؛ زیرا امام علی (ع) چنین فرمود: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أْبْلَغَ مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخِرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يَدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ»، (نهج البلاغه، نامه ۵۳)، اهتمام تو، به آبادنمودن زمین، بیش از همت گماردن تو، به جمع درآمد باشد. معلوم است که با آلوده‌بودن محیط زیست، هم نیروی انسانی در معرض آسیب است و هم امکانات طبیعی. اسلام در تمام شؤون حیات، به دو عنصر محوری اهمیت می‌دهد و همگان، به‌ویژه دولت‌مردان را مسؤول تأمین آن دو رکن اساسی می‌داند: یکی استحکام عمل و دیگری هنرمندی

به‌عبارت دیگر، فساد به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود که نظام آراسته و صالح جاری را برهم‌زند. از این‌رو توسعه پایدار به‌معنای بهره‌برداری از محیط زیست است که با تضمین بقای زمین همراه می‌باشد. موضوع مهم این است که توسعه پایدار باید در حالی که به حرمت طبیعت و توانایی اقتصادی منابع آن توجه می‌کند، در راه برقراری عدالت اجتماعی گام بردارد. از لحاظ اخلاقی نیز، برای دستیابی به توسعه پایدار، لازم است که سطح زندگی گروه‌های کم‌درآمد و مستضعف جامعه بهبود یابد و در عین حال، سرمایه نسل‌های آینده، دچار صدمه و زیان جدی نشود. بدیهی است که این موضوع امری خطیر بوده که به یک تعهد اخلاقی قوی نیاز دارد.

۱۰- مسئولیت خطیر دولت‌مردان اسلامی در تأمین محیط زیست

زیبایی حقیقی (نه اعتباری) از سنخ هستی است و هستی، حقیقت تشکیکی است. لذا، زیبایی مراتبی دارد که در طول یک‌دیگرند. چون زیبایی انسان در جانشینی او از خدا نهفته است و این خلافت در حاکمان، بیش از دیگران است. رسالت دولت‌مردان در تأمین محیط سالم بیشتر از توده مردم است؛ زیرا برنامه‌ریزی کلان فضا و دریا و ساخت سلاح‌های شیمیایی و تخریبی و آزمایش‌های فرسایشی اتمی و مانند آن، در اختیار حکمرانان مقتدر است. آنچه هم اکنون سلامت محیط زیست و جوامع بشری را به مرگ یا بیماری تهدید می‌کند، اقتدار تعدیل‌نشده صاحبان صنایع اتمی است که هرگونه نعمت خداداد را به‌سود خود و زیان ملت‌های دیگر، مصادره می‌نمایند؛ گویا مدیرعامل لگام گسیخته دهکده دنیای کنونی‌اند. پیام قرآن کریم که عصاره متون مقدس آسمانی است، چنین است: «إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرَءَ»



الهی وظایف انسان‌ها را نسبت به نظم طبیعت و محیط زیست، به‌صراحت بیان کرده‌است. انسان به‌موجب احکام شرعی، موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند و نیازهای بینوایان را برآورد، از آلوده کردن آب و خاک پرهیز کند. از دیدگاه اسلام انسانی که در طبیعت زیست می‌کند، همواره باید به آبادانی و عمران آن اقدام کند، احکام و آداب تعیین شده اسلام برای رابطه انسان با طبیعت به‌عنوان راه‌کارهایی در حوزه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد «فرهنگ جهاد، شمسایی، صص ۶۹-۷۹».

۱۱-۱- راه‌کارهای اخلاقی

بحران محیط زیست در جهان معاصر فی‌الواقع، بحران اخلاقی است که به تعهد و عدم تعهد، مسئولیت‌پذیری و عدم‌پذیرش مسئولیت باز می‌گردد. از این‌رو؛ بشر امروز برای خروج از این بحران نیازمند اصولی اخلاقی به‌عنوان تنظیم‌کننده نحوه دخالت در محیط زیست است. اصولی که هم از لحاظ طبیعی مناسب و از لحاظ انسانی و اجتماعی، مسئولیت‌آفرین باشد. از این‌رو، برای ارائه راه‌کارهای عملی برای نجات از بحران کنونی محیط زیست لازم است به اصول اخلاقی مندرج در متون دینی توجه داشته باشیم که ریشه در فطرت آدمی و ماورای طبیعت دارد. اصول و موازینی که از سویی مقام بلند آدمی را در حکومت بر طبیعت باز می‌شناسد و از سوی دیگر به کردار وی و تصرفی که در محیط طبیعی خود می‌کند، نظم و سامانی ملهم از منبعی بالاتر و والاتر از ماده و طبیعت بدهد. این مقصود حاصل نمی‌شود، مگر با روی آوردن به تعالیم دینی، که قرن‌هاست راهنمای انسان در رویارویی با طبیعت و جهان بوده است.

و زیبایی آن؛ یعنی کاری که مطابق اصول علمی نباشد، چون متقن و استوار نیست مقبول نیست و کاری که در عین اتقان و استواری، هنرمندانه و زیبا نیست، مطبوع و مطلوب نخواهد بود. رسول گرامی اسلام (ص) درباره عنصر محوری نخست چنین فرمود: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يَتَّقَنَهُ»، (میزان الحکمه، ج ۱۴۳۷۱)، یعنی آنچه محبوب خداست، کار محکم و عمل متقن است و درباره عنصر محوری دوم، چنین فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ مِنَ الْعَامِلِ إِذَا عَمِلَ أَنْ يُحْسِنَ»، (کنز العمال، ج ۹۱۲۹)، یعنی آنچه محبوب خداست، کار هنرمندانه، ادیبانه و زیباست. خداوند نیز جهان را با دو اصل استحکام و زیبایی آفرید و دوست دارد که جانشین او در زمین، انسان وارسته‌ای باشد که معماری کارهای او فنی و نیز زیباسازی‌های عمل او هنرمندانه باشد. رعایت دو اصل یادشده، حافظ تمام اصول معیاری زیست محیطی است؛ زیر استحکام و زیبایی، مایه پالایش فضای زندگی است و فضای پالوده، پایدار خواهد بود؛ همان‌طور که محیط آلوده، زوددنی و از بین رفتنی است.

۱۱-۲- راه‌کارهای حفاظت از محیط زیست

اندیشه زندگی مرفه و آباد در محلی با برکت و نعمت برای انسان‌ها آرزویی منطقی می‌باشد. چنان‌که انسان به امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیاز دارد، نیازمند امنیت بهداشتی نیز می‌باشد تا سلامت جسم و جان او از خطر انواع آلودگی‌ها و امراض در امان و تأمین باشد که علی (ع) می‌فرماید: «أَوْفِرِ الْقِسْمَ صِحَّةَ الْجَسْمِ»، (میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۸۰). بهترین و فراوان‌ترین روزی، سلامتی جسم است. قوانین



انسان‌هاست، و مراد از آن نیز یعنی استخدام عاقلانه و مدبرانه طبیعت به گونه‌ای که هر انسانی موظف است از طبیعت در حد شؤونات فردی و اجتماعی خود بهره‌برداری کند. وجدان اخلاقی و فطرت پاک نیز حکم می‌کند محیط زندگی و امکانات خویش را به نابودی و فساد نکشانید. «ولا تنس نصیبک من الدنیا و احسن کما احسن الله الیک و لاتبغ الفساد فی الارض ان الله لایحب المفسدین»، (قصص/۷۰)، حتی تأمین نیازهای ضروری و تأمین نیازهای غریزی هم سبب زیان رساندن به طبیعت نمی‌شود. «یا ایها الذین آمنوا لاتلهکم اموالکم و لا اولادکم عن ذکرالله و من یفعل ذلک فاولئک هم الخاسرون»، (منافقون/۹).

۱۱-۲- راه کارهای اقتصادی

سلطه انسان بر طبیعت از نظر اسلام همراه با تعهد و مسئولیت است. در بعد اقتصادی زندگی فردی یا در قلمرو اقتصادی اجتماعی به‌عنوان دو دستورالعمل در محدوده فرد و جامعه اعمال می‌شود.

۱۱-۲-۱- محدودیت در مالکیت

با توجه به فرهنگ اقتصادی اسلام درمی‌یابیم که اسلام ضمن جایز دانستن مالکیت خصوصی افراد بر اموال و املاک، اما جلوی هر نوع هرج و مرج مالی و اقتصادی را نیز گرفت. زیرا اسلام مالکیت خصوصی را تنها در شرایطی مجاز می‌داند که شخص برای تولید کالاها و خدمات برای توده مردم بر روی زمین به تلاش و کوشش بپردازد. انسان حق ندارد در دوره حیات و بهره‌برداری خود آسیبی به طبیعت وارد کند که اثر مستقیم و غیرمستقیم این آسیب، سلامت طبیعت و نسل

چگونگی تعهد انسان به اخلاق و ارتباط او با طبیعت مربوط به نگرشی است که مالک و خالق یگانه طبیعت و مخلوقات را خدا می‌داند و بر این باور است که انسان به عنوان اشرف مخلوقات الهی تصرفش باید مفسدانه نباشد.^۲ ضمانت این امر به مفهوم بندگی و عید بودن انسان برمی‌گردد. صفتی که انسان را قادر می‌سازد تا به کمال انسانیت خود- خلیفه الهی- نایل شود. «انسان که خلیفه الهی روی زمین است و بر زمین حکم می‌راند، مطابق امیال و خواسته‌های خود فرمان نمی‌راند، بلکه مطابق احکام الهی حکم می‌راند. او در صورتی می‌تواند نماینده ذات باری باشد که از محدوده انگیزه‌های شخصی گذر کرده و اراده خود را کاملاً تسلیم اراده ذات خداوند کند. قرآن، پیامبر اسلام را قبل از هر چیز عبد خداوند معرفی کرده است. خلاصه آنکه اگرچه انسان آفریده شده تا خلیفه خدا باشد، ولی از جهت دیگر آفریده شده تا عبد خداوند باشد، چنانکه در قرآن، فلسفه مهم خلقت انسان، بندگی کردن خدا دانسته شده است، پس انسان عابد خلیفه‌الله است.^۳ «و ما خلقت الجن والانس الا لیعبدون»، (ذاریات/۵۶)، و شرط خلیفه‌اللهی تقوا و عدالت است. مبنای اخلاق نیک، عدل و علم است و عدل نیز هرگز بدون تقوا تحقق پیدا نمی‌کند. به عبارتی عدل، تقوا و علم، مفاهیمی اساسی‌اند که بر پایه آن‌ها، سیاست‌های اجرایی و اداری حکومت اسلامی که تجلی فرمان‌برداری از خدا و مدد زندگی و قوام جامعه بشری است، تدوین می‌شود و در چنین فضایی تصرف محدود است، درحدی که تصرف مالکانه اشخاص را هم محدود می‌دانند: «لاتسرفوا، لاتعتدوا، لاتطغوا فیه، لا تاكلوا اموالکم بینکم بالباطل». میانه‌روی در مصرف مورد تأکید اسلام و به نفع

۲ سعدالدین، محمد منیر، محیط زیست و مسئولیت انسان، بیروت، مجله المنهاج، شماره ۳، پاییز، ۱۹۹۶ م.
۳ طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام، ص ۷۲-۷۳.

۱ محقق داماد، سید مصطفی، طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام، نامه فرهنگ، بهار ۱۳۷۳ - شماره ۱۳ - از ۷۸ تا ۸۹.



جامعه راجع به آن هشدار داده شد که جهت آشنایی به کتب فقهی و رساله‌های عملیه باید مراجعه نمود.

۱۱-۴- راه کارهای حقوقی

فعالیت و عملکرد آدمی در زمینه‌های مختلف، هم با طبیعت و هم با سایر افراد جامعه ارتباط مستقیم و مؤثر دارد و او ناگزیر از رعایت حقوق کسانی است که به نحوی با آنها در ارتباط است. در غیر این صورت، به حکم شرع و قانون از ضرررسانی به حقوق فردی و جمعی جلوگیری می‌شود. در حقوق اسلامی، قواعدی کلی وجود دارد که افراد را از رساندن ضرر به دیگران منع می‌کند و حاکم اسلامی از هرگونه عملکردی که مستقیم یا غیرمستقیم موجب ضرر به سایرین شود، جلوگیری می‌کند. این قواعد کلی در فقه و حقوق اسلامی عبارتند از: «قاعده تقدیم اهم بر مهم»، «مصلحت عمومی»، «لزوم حفظ نظام جامعه»، «لاضرر»، «عدالت»، «اختیارات حاکم اسلامی».

۱۲- نقش اسلام در حمایت از منابع طبیعی

و محیط زیست

اسلام در دفاع از طبیعت و محیط زیست دو دسته احکام را مورد توجه قرار داده است که عبارتند از:^۱

۱۲-۱- احکام سلبی؛ یعنی اسلام حکم سلبی و منفی درباره طبیعت و محیط زیست ارائه می‌کند

۱۲-۱-۱- فساد در زمین

نهی از هرگونه ویرانگری طبیعت و تخریب در آن، که قرآن از آن با عنوان فساد فی الارض یاد

حاضر و آینده را به خطر بیندازد. فسادی که قرآن با تعبیر کوبنده آن را مذمت و منع نمود صرفاً فساد اخلاقی، ستم به دیگران و معصیت الهی نیست، بلکه دخالت نابه‌جای انسان در محیط و طبیعت را نیز شامل می‌شود. پس اسلام، فساد در تمام اشکال را منع و به آبادانی همه جائبه دعوت می‌کند.

۱۱-۲-۲- ایجاد عمران و آبادانی

اقتصاد و حیات مادی هر جامعه‌ای به میزان درآمد و تولید اقتصادی آن وابسته است. مفهوم آبادانی در هر جامعه‌ای و در هر نسلی ویژگی خاص خود را دارد و انسان باید از مواد خام طبیعت به شکلی صحیح بهره‌بردار نماید. خلیفه بودن انسان بر روی زمین به میزان توانایی او بر ایجاد آبادانی بستگی دارد. «هوا انشاکم من الارض و استعمرکم فیها...»، (هود/۶۱). زیرا تازمانی که آبادانی به مفهوم واقعی و در همه ابعاد صورت نگیرد، افراد و ملت‌ها از جهت‌های گوناگون امنیتی، عقیدتی و فرهنگی با مشکل مواجه خواهند بود. از طرف دیگر، رسالت آدمی آن است که به گونه‌ای از منابع و سرمایه‌های موجود بهره‌برداری کند تا موجب نابودی آنها نشود.

۱۱-۳- راه کارهای فقهی بهداشتی

احکام فقهی اسلام از جمله احکام آب‌ها، زمین، مزارعه و مساقات و احکام حفاظت از محیط زیست و اهمیت بهداشت تاحدی مورد توجه است که حق برای دفن اجساد مردگان، احکام ویژه خود را دارد که گویای تأکید اسلام بر حفظ محیط زیست از آلودگی‌هاست. در اسلام آلودگی بیش از حد با حکم نجس تبیین شده است و به

۱ ناظر حسین زکی، فرهنگ جهاد، ص ۱۲۱.



در احادیث متعددی، از قطع درختان و از بین بردن مزارع و گیاهان و آتش زدن آن‌ها نهی و نکوهش شده و پرهیز از بریدن و نابود کردن درختان به عنوان عامل افزایش عمر به حساب آمده است (بحار الانوار ج ۷۶ ص ۳۱۹). نیز کسانی که درختان مفید و میوه دار را نابود کنند، به عذاب الهی تهدید شده‌اند (کافی ج ۵ ص ۲۶۴). فقهای شیعه قطع درختان و تخریب مزارع را، حتی در سرزمین دشمن، جایز نشمرده‌اند و آن را مکروه و ناپسند قرار داده‌اند (جامع المقاصد، محقق کرکی، ج ۳، ص ۴۱۲). همه اینها در جهت حفظ و بقای محیط زیست می‌باشد.

۱۲-۲- احکام ایجابی

یعنی اسلام احکام مثبت و ایجابی درباره طبیعت و مسائل زیست محیطی دارد.

۱۲-۲-۱- انفال

در اسلام، اراضی موات و بدون مالک، سرزمین‌های مخروبه و خالی از سکنه، سواحل دریاها، کوه‌ها، بیابان‌ها، معادن، جنگل‌ها و مراتع، فضا و هوا و آب‌های زیرزمینی و ... از آن خدا و رسول اوست. «یسالونک عن الانفال قل الانفال لله والرسول» (انفال/۱)، و تحت تصرف و اختیار اوست، و هرگونه تصرفی که بخواهد می‌تواند اعمال نماید (تذکره الفقهاء، علامه حلی، ج ۲، ص ۴۰۲). انفال به فرد و یا افراد مشخصی تعلق ندارد و در زمان غیبت تحت اداره حاکم اسلامی است و از اموال عمومی به حساب می‌آید و برای شیعیان حلال و مباح است (کشف اللثام، فاضل‌هندی، ج ۲، ص ۳۰۰). آنان می‌توانند با احیاء سرزمین‌های موات، و استفاده صحیح از معادن، سواحل دریاها، مراتع و جنگل‌ها بهره‌های شایسته ببرند (جواهر الکلام، ج ۶۱، ص ۱۷۴). با توجه به اینکه انفال از اموال عمومی است، و همه مردم در منافع آن شریک هستند، استفاده بهینه از اموال عمومی اقتضا دارد که زیر نظر حکومت

می‌کند و این عنوان بزرگی است که مجرمان می‌توانند به آن متصف شوند. «و اذا تولی سعی فی الارض لیفسد فیها و یهلك الحرث و النسل والله لایحب الفساد»، (بقره/۲۰۵)؛ «... کلوا واشربوا من رزق الله و لا تعثوا فی الارض مفسدین»، (بقره/۶۰)؛ قرآن هشدار می‌دهد که فریب زورمداران مانند فرعون (فساد آفرینان اصلی در زمین) را نخورند که به مصلحان اتهام فساد می‌زند: «انی اخاف ان یبدل دینکم او ان یتظهر فی الارض الفساد»، (غافر/۲۶)؛ بالاخره قرآن، قوم ثمود، منافقان و گروهی دیگر از مردم را به دلیل ایجاد فساد در زمین نکوهش کرده است.

۱۲-۱-۲- قاعده لاضرر

این قاعده در دین اسلام قلمرو بسیار وسیعی دارد، و تمامی زوایای زندگی بشر را در برمی‌گیرد. بر طبق گروهی از آیات و شمار زیادی از روایات، سیره عقلا و اجماع فقهاء، هیچ مسلمانی مجاز نیست به دیگران ضرر برساند. آلوده‌ساختن محیط زیست و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از واضح‌ترین نمونه‌های زیان‌زدن به دیگران است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است. قاعده لاضرر در قالب حدیث در حد تواتر به اثبات رسیده و اهل سنت نیز به این قاعده اهتمام دارند. پس با توجه به قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام، انسان‌ها نمی‌توانند به دلیل بهره‌برداری افراطی از طبیعت به دیگران ضرر و زیان وارد کنند. اگر بهره‌برداری و سودجویی بی‌رویه از محیط زیست انسان‌ها و جانداران، موجب اضرار به خود و یا دیگران باشد، از نظر اسلام مردود است. پس آلودگی صوتی، هوا، خاک و آب چون موجب ضرر به دیگران می‌شود جایز نمی‌باشد.

۱۲-۱-۳- نهی از قطع درختان و از بین بردن مزارع و گیاهان



صدقات جاریه می‌داند (بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۷). پس پرورش درخت و درخت‌کاری و جنگل‌داری از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. با این وصف اصلاح و آبادانی دنیا و آخرت باهم بوده و تفکیک‌ناپذیرند و داوری جدایی‌خواهانه که اهل دنیا را به دنیا و اهل دین به دنبال آخرت باشند، نتیجه تجاهل عمده‌ی یا غفلت یا نگاه سطحی به دین می‌باشد.

۱۲-۲-۳- حمایت از حیوانات

هرگونه فایده‌ای که از فضای سبز بهره انسان، حیوان دونده، خزنده، رونده، پرنده و مانند آن باشد، مورد ترغیب دین مقدس اسلام است، زیرا رهبران الهی به هر موجود زنده بی‌آزار که زیان او به چیزی یا کسی نمی‌رسد، احسان می‌نمودند و چنین کاری را هم به دیگران توصیه می‌کردند. امام محمدباقر (ع) می‌فرماید: خنک کردن جگر گرم و تشنه، واجب است و هرکس جگر تشنه حیوان یا غیر آن را سیراب نماید، خداوند او را در روزی که هیچ سایه‌ای غیر از ظلّ معنوی خدا نیست، در سایه خود پناه می‌دهد (بحارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۰). در اسلام تمام انسان‌ها در برابر حمایت از حیوانات و جانداران مسئول شناخته شده‌اند. "گوستا ولوبون" می‌نویسد: «در بلاد اسلامی جمعیت حمایت از حیوانات لازم نیست، این قطعه از دنیا را می‌توان بهشت حیوانات دانست، مسلمانان حقوق سگ، گربه، و طیور را رعایت می‌کنند، مخصوصاً در مساجد و معابر، طیور با کمال آزادی پرواز می‌کنند و در مناره‌ها لانه دارند، مسلمانان در این باره به گونه‌ای هستند که باید ما اروپائیان خیلی چیزها را از آنان بیاموزیم».^۲ علی (ع): «تقوا الله فی عبادته و بلاده

اسلامی مورد بهره‌برداری قرار گیرند تا حقوق مردم تضییع نشود، و عده‌ای خاص این منابع را وسیله سودجویی‌های بی‌رویه و استفاده‌های ستمگرانه خود قرار ندهند و غارتگران اموال عمومی؛ اراضی، سواحل دریاها، کوه‌ها و بیابان‌ها و معادن و جنگل‌ها را غارت نکنند، که سازمان حفاظت محیط زیست در ایران مسئولیت این امور مربوط به انفال را برعهده دارد.

۱۲-۲-۲- اهتمام به عمران و آبادانی

اسلام اهمیت ویژه‌ای به عمران و آبادانی منابع داده است و سفارش‌هایی از پیشوایان معصوم (علیهم‌السلام) در خصوص آبادی زمین، زراعت و حفاظت و حمایت از آن‌ها وارد شده است که در بخش راه‌کارهای اقتصادی نیز متذکر شدیم. علی (ع) می‌فرماید: معاش و کسب روزی مردم در پنج چیز است: امارت، عمارت و آبادانی، تجارت، اجاره و صدقات ... و دلیل اهمیت آبادانی در این است که خداوند فرمود: اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی او را به شما واگذاشت، (هود/۶۱)؛ و ما از کلام خدا درمی‌یابیم که خداوند بندگان را به آبادکردن زمین دستور داده است، تا آنچه که از زمین به دست می‌آورند وسیله زندگی و حیات ایشان باشد.^۱ همچنین در فرمان خویش به مالک اشتر مهم‌ترین امر حکومتی را که اخذ مالیات و خراج باشد، متوقف بر عمران و آبادانی می‌کند، به گونه‌ای که اگر دستگاه حکومتی بدون توجه به عمران و آبادانی به اخذ مالیات اقدام کند، گویا به نابودی و هلاکت بندگان خدا دست زده است (نهج‌البلاغه نامه ۵۳). پیامبر (ص) نهال‌کاری و حفر قنات را از

^۱گوستا ولوبون، تمدن اسلام و عرب، مترجم: محمدتقی فخرداعی کیلانی، تهران: جاویدان، چاپ اول، ۱۳۹۴.

^۲اوسائل‌الشیعه، حر عاملی، ج ۱۹، ص ۳۵ و ج ۱۳، ص ۹۵.



روایت نموده: «اتق الله قتل الدواب كلها الا الالفی و العقرب و الفاره»، (وسایل الشیعه، ج ۱۲، ص ۵۴۵) از کشتن حیوانات به جز افعی، عقرب و موش بپرهیزید، زیرا این سه در محیط زندگی انسان موجب ضرر و زیان می‌شود. اهمیت اسلام نسبت به حیوانات و طیور، در حدی است که بابتی در ابواب حدیثی و فقهی را به آنها اختصاص داده و این امر حکایت از حساسیت اسلام نسبت به محیط زیست و رعایت حقوق جانداران و حفاظت از آنها دارد.

۱۲-۳- اهتمام به نظافت و نهی از آلودگی

توصیه به نظافت و رعایت بهداشت یکی از مصادیق برجسته «حفظ محیط زیست» است. در اسلام رعایت بهداشت و نظافت و پرهیز از آلودگی از جایگاه برجسته‌ای برخوردار است. خطوط اصیل هندسه دین الهی را عناصر حساس و مهمی تشکیل می‌دهد، که درباره مسائل حقوقی و اخلاقی «عدل و آزادی» را درباره مطالب بهداشتی و سلامتی «پاکی و معطر بودن» را می‌توان نام برد. همان طوری که قهر خدا به رهبری مهر او تنظیم می‌شود؛ «تسعی رحمته امام غضبه»، (صحیفه سجادیه، دعای ۱۶) تمام برنامه‌های دینی در شئون مختلف حیات، به زعامت «عدل و آزادی» از یک سو و «طهارت و طیب» از سوی دیگر تدوین و ارائه می‌شود. پیامبر (ص) می‌فرماید: «ان الله تعالی طیب یحب الطیب، نظیف یحب النظافه، کریم یحب الکریم، جواد یحب الجود، فنظفوا افنیتکم»، (نهج الفصاحه، ج ۲، ص ۶۰۶). یعنی خداوند پاک است و پاکی را دوست دارد. پاکیزه است و پاکیزگی را دوست دارد. پس فنا و آستان زندگی خود را پاکیزه نمایید. مستفاد از حدیث این‌که، اصول زیست محیطی از منظر پیامبر (ص) صبغه ملکوتی دارد، و ضمناً بوی خوب و رعایت

فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم، اطیعوا الله و لاتعصوه»، (نهج البلاغه خطبه ۱۶۶)؛ درباره بندگان و بلاد و شهرها از خداوند بترسید، (مبادا بر کسی ستم کنید و به ویرانی و تبه‌کاری زمین در بلاد و شهرها اقدام کنید) همه شما مسئولید و مورد پرسش قرار می‌گیرید، حتی درباره زمین‌ها و چهارپایان (که به چه دلیل مزارع و جنگل‌ها را از بین بردید، شهرها و خانه‌ها را ویران نمودید، و حیوانات زبان بسته را مورد اذیت و آزار قرار دادید). حمایت از محیط زیست در این خطبه به گونه‌ای است که همانند آن در هیچ مکتب بشری دیده نشده است. رسول خدا (ص) به مجاهدان اسلام سفارش می‌نمود که حیوانات را بی‌جهت کشتار نکرده و پی‌کردن حیوانات بدون دلیل ممنوع است «ولا تعفروا من البهائم مما یوکل لحمه الا ما لابد لکم من اكله»، (وسایل الشیعه، ج ۲۳، ص ۳۸۱)، یعنی حیوانات حلال گوشت را جز در صورت احتیاج به گوشت آنها، کشتار نکنید. خداوند مثله‌کردن حیوانات را لعنت می‌کند، «لعن الله من مثل بالحيوان»، (بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۸۲) و خوردن گوشت آنها نیز نکوهش شدید شده است. پیامبر (ص) نیز مثله‌کردن حیوانات را نهی نمود. «نهی رسول الله (ص) ان یمثل بالدواب و ان توکل الممثل بها»، (بحار الانوار، ج ۶۴، ص ۳۸۵). در اسلام همچنین حمله و هجوم به لانه جوجه‌های پرنده‌ها نهی شده و از بین بردن خواب و آسایش و استراحت آنها مورد نکوهش قرار گرفت. رسول خدا (ص) فرمود: «لاتاتوا الفراخ فی اعشاشها و لا الطیر فی منامه حتی یصبح»، (وسایل الشیعه، ج ۲۳، ص ۳۸۱) یعنی به لانه جوجه‌ها حمله نکنید و در هنگام استراحت آنها، خواب و آسایش آنها را از بین نبرید تا آن‌که صبح طلوع کند. معاویه بن عمار از امام صادق (ع)



پرهیز از آلودگی، حمایت روشن اسلام را از حفظ محیط زیست و آلوده‌نکردن آن می‌رساند.

۱۳- نتیجه‌گیری

اسلام به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین دین جهانی در حمایت از محیط زیست قدمتی تاریخی دارد و افزون‌بر این که لزوم آموزه‌های دینی نکته مثبت این حمایت‌ها به‌شمار می‌آید، توجه به محیط زیست در اسلام با بصیرت‌نگری، به آیات الهی گره‌خورده و این نکته به حمایت از محیط زیست تقدس داده‌است. گذشته از جنبه‌های اخلاقی و معرفتی توجه به طبیعت که ناشی از نگاه توحیدی، یکپارچه دانستن هستی و احترام به آن است، احکام اسلامی که سامان‌دادن زندگی متعارف را نیز برعهده دارند، محیط طبیعی را در پرتو حمایت خود قرار داده‌اند. در مجموع حمایت اسلام از محیط زیست از برجستگی‌ها و افتخارات دین اسلام محسوب می‌شود. به‌شکلی که امروزه با همه پیچیدگی‌های علوم زیست محیطی و روش‌های حمایت از آن، می‌تواند راه‌گشا باشد. در این رابطه باید خاطر نشان کرد که خطرات زیست محیطی روزبه‌روز پیچیده‌تر می‌شوند و در نتیجه برای پشتیبانی از محیط زیست طبیعی به جهاد پویا و بصیرت در احکام با توجه به روح اسلام برای رویارویی با چنین موقعیتی نیازمندیم.

و در آخر این آیه شریفه را که اهمیت محیط و گیاهان و تأثیر آن بر خداشناسی را برای ما تداعی می‌کند، حسن ختام کلام قرار می‌دهیم: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مِّتْرًا كَبَابًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَيَّ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ؛ او کسی است که از آسمان آبی

پاکیزگی، روح را تلطیف می‌کند، و سه اصل عموم، دوام و اطلاق یعنی همگانی، همیشگی و همه جانبه و فراگیر بودن ملحوظ در حدیث می‌باشد. و تمام انسان‌ها اعم از زن و مرد پیر و جوان و دولت و ملت موظفند که تمام مکان‌های موردنظر را نظیف نگاه‌دارند که نسیم سبک‌پا در چنین کوی و برزن شامه شهروندان را به‌بوی خوش آشنا می‌کند. در روایتی دیگر پیامبر(ص) دارد: «ان الاسلام نظيف فتتظفوا فانه لا يدخل الجنة الا نظيف و تنظفوا بكل ما استطعتم فان الله تعالى بنى الاسلام على النظافة و لن يدخل الجنة الا كل نظيف»، (نهج‌الفصاحه، ج ۲، ص ۹۹۸)؛ پیامبر(ص) نظافت را همتای تقوا و وظیفه همگانی و همیشگی و همه جانبه می‌داند و همان‌طور که در قرآن کریم آمده: «فاتقوا الله ما استطعتم»، (تغابن/۱۶) حضرت (ص) نیز درباره نظافت توصیه فرمود: «تنظفوا بكل ما استطعتم»، (نهج‌الفصاحه، ج ۲، ص ۶۰۶). چون بوی خوش محبوب خداست، و حبیب خدا یعنی پیامبر(ص) نیز دوستدار اوست که فرمود: «لو اذن الله تعالى في التجارة لاهل الجنة لاتجروا في البر والعطر»، (نهج‌الفصاحه، ج ۲، ص ۶۰۷). گرچه در بهشت تمام نیازهای بدنی و روحی بدون رنج تجارت تأمین است، ولی اگر در آنجا مجال داد و ستد بود، بهشتیان گندم و عطر را کالای تجاری قرار می‌دادند، که کنایه از اهتمام اسلام به نان جامعه در پرتو اقتصاد سالم و اهتمام به محیط سالم و هوای پاک و معطر است که در ظل اصول زیست محیطی فراهم می‌شود. در اسلام، قضای حاجت در کنار نهرهای جاری و زیر درختان میوه‌دار مکروه و ناپسند شمرده شده‌است (المقنع، شیخ صدوق، ص ۸). همچنین تأکید شده که زباله‌ها مانند مو، خون و ناخن دفن شوند (بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۱۲۳). اهمیت ویژه اسلام به نظافت و



شبیبه به یکدیگر و بی‌شباهت هنگامی که میوه می‌کند به میوه آن و شیوه رسیدنش بنگرید که در آن نشانه‌هایی برای افراد با ایمان است. «والسلام و علی من اتبع الهدی».

نازل کرد و بوسیله آن گیاهان گوناگون روپانیدیم، از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم و از آن‌ها دانه‌های متراکم و از شکوفه نخل خوشه‌ها با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغ‌ها از انواع انگور و زیتون و انار

منابع

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور، (۱۳۹۰): «سرائر»، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ ششم.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، (۱۴۱۱ق): «البدایة و النهایة»، بیروت: مکتبه المعارف.
۳. پاینده، ابوالقاسم، (۱۳۸۳): «نهج الفصاحه»، قم: انصاریان، چاپ دوم.
۴. جوادی آملی، عبدالله، رحیمیان محقق، عباس، (۱۳۹۰): «اسلام و محیط زیست»، تهران: اسراء، چاپ ششم.
۵. حر عاملی، محمدبن حسن، (۱۳۸۷): «وسائل الشیعه»، تهران: اسلامیه، چاپ هشتم.
۶. سعدالدین، دکتر محمد منیر، (۱۹۹۶م): «محیط زیست و مسئولیت انسان»، مجله المنهاج، شماره ۳، پائیز.
۷. شمسایی، محمدحسین، «راه‌کارهای حفاظت محیط زیست»، فصلنامه فرهنگ جهاد، سال چهارم، شماره چهارم، تابستان ۱۳۷۸.
۸. شهیدثانی، زین‌الدین بن علی، (۱۳۸۳): «شرائع الاسلام»، قم: بنیاد معارف اسلامی، چاپ سوم.
۹. شیخ صدوق، محمدبن علی ابن بابویه، (۱۳۹۰): «المقنع»، قم: موسسه امام هادی(ع)، چاپ دوم.
۱۰. طوسی، محمدبن حسن، (۱۴۰۶ق): «الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد»، نجف اشرف: جمعیه منتدی النشر، چاپ اول.
۱۱. علی بن الحسین(ع)، (۱۳۸۹): «صحیفه سجادیه»، حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی، چاپ بیست و هفتم.
۱۲. فاضل هندی، محمدبن حسن اصفهانی، (۱۳۸۲): «کشف اللثام»، قم: موسسه نشر اسلامی، چاپ اول.
۱۳. فیض الاسلام اصفهانی، علینقی، (۱۳۶۵): «نهج البلاغه»، تهران: سپهر، چاپ دوم.
۱۴. قرآن کریم
۱۵. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹): «الکافی»، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۱۶. گوستاو لوبون، (۱۳۷۸): «تمدن اسلام و عرب»، محمدتقی فخرداعی گیلانی، تهران: افراسیاب.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، (۱۳۸۶): «بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار»، تهران: اسلامیه، چاپ اول.
۱۸. محقق داماد، سید مصطفی، (۱۳۷۳): «طبیعت و محیط زیست از نظر اسلام»، نامه فرهنگ، بهار، شماره ۱۳ و ۱۲، صفحه ۷۸ تا ۸۹.
۱۹. محقق کرکی، علی بن حسین، (۱۳۶۷): «جامع المقاصد»، قم: آل البيت (ع)، چاپ اول.
۲۰. محمدی‌ری شهری، محمد. فرزاتگان، حسن، (۱۳۹۱): «میزان الحکمه»، قم: موسسه فرهنگی دار الحدیث، چاپ دوازدهم.
۲۱. مطهری، مرتضی، (۱۳۷۵): «مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی»، تهران: صدرا، چاپ سی‌ام.
۲۲. نجفی، محمدحسن، (۱۳۹۲): «جواهر الکلام»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.

مطالعه و تحلیل نقش مدیریت آب بخش کشاورزی در برون‌رفت از بحران با تاکید بر آیات قرآن

معصومه پازکی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام‌نور، تهران- ایران (نویسنده مسوول: masomepazoki93@gmail.com)

چکیده

آب یکی از چهار عنصر سازنده جهان هستی است که از دیدگاه دین مبین اسلام، مبدأ آفرینش انسان و حیات بر روی کره زمین ("وجعلنا من الماء کلی شیء حی") می‌باشد. با افزایش جمعیت، نیاز به غذا افزایش پیدا کرد و با گسترش تکنولوژی، کشاورزی نیز رشد پیدا کرد که همین امر باعث استفاده بیش از اندازه از محیط زیست و منابع آبی شده و تعادل و توازن زیست محیطی را برهم زده است. از آنجاکه قرآن نسبت به آب و منافع حیات بخش آن، برای جانداران، توجه ویژه‌ای دارد، لذا در این پژوهش سعی شده است تا مدیریت منابع آب جهت برون‌رفت از شرایط بحرانی را با توجه به آیات قرآن بررسی کرده و در نهایت راه‌کارهای مناسب برای بهره‌مندی بهینه و پایدار از منابع آب در بخش کشاورزی ارائه شده است. حفظ محیط زیست و تاکید قرآن بر پاسخگویی انسان در برابر نعمات الهی از اصول اساسی و ارکان دین ما به‌شمار می‌آید و از این‌رو پرورش اخلاق زیست محیطی و همکاری بین عالمان دین و متخصصان بخش کشاورزی و ایجاد پژوهشکده قرآنی و آگاه‌سازی عموم مردم به‌ویژه کشاورزان، پیشنهاد می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، مدیریت منابع آب، بحران آب

مقدمه

سال‌های اخیر شده است. دین مردم کشور ایران اسلام است و اسلام برای بهره‌گیران از مواهب حیات، قید و شرط فراوانی قرار داده است و در مشروعیت تحصیل و چگونگی مصرف آنها شرایطی قائل شده است و در آیه ۷۰ سوره اسراء، خداوند آن‌چه را که در طبیعت برای بهره‌برداری انسان قرار دارد، طیبات دانسته و چنین نعمتی را مایه کرامت انسان معرفی کرده است (وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا) و به‌راستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم و آنان را در خشکی و دریا [بر مرکب‌ها] برنشانیدیم و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. یکی از نعمت‌های بزرگ الهی در جهان طبیعی آب است. به‌همین دلیل

بخش کشاورزی در اقتصاد ایران نقش حیاتی را برعهده دارد، زیرا حدود ۱۱ درصد تولید ناخالص ملی، ۲۳ درصد اشتغال و تأمین غذای بیش از ۸۰ درصد جامعه را پوشش می‌دهد (حسین‌زاد و همکاران، ۱۳۹۳)، و این در حالی است که، ظرفیت توسعه منابع آب به‌طور مستمر در حال کاهش است (کشاورز و دهقانی ساتیج، ۱۳۹۱)، در دنیای امروز که تنش‌های آبی روزبه‌روز افزایش پیدا می‌کنند، اجرای سیاست‌ها و شیوه‌های مدیریت آب در فعالیت‌های کشاورزی و بهره‌گیری از روش‌های نوین کشت و آبیاری، اجتناب‌ناپذیر است. عواملی مانند؛ افزایش جمعیت، محدودیت و آلودگی منابع آب و توسعه بدون آینده‌نگری در بخش کشاورزی و صنعت، سبب شکل‌گیری تنش‌های آبی کشور در



چگونه می‌توان منابع آب را جهت برون‌رفت از بحران حاضر مدیریت کرد؟

ادبیات تحقیق

آب یکی از مهم‌ترین عوامل محیطی برای کشت محصولات کشاورزی می‌باشد که تأثیر عمده‌ای بر روند رشد و نمو گیاهان دارد و نخستین بستر حیات برای تمام موجودات زنده است و امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: *طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ*: مزه آب، مزه زندگی است (علامه مجلسی، ج ۴۹: ۹۹). دین اسلام از کوچک‌ترین مسائل حیات بشر غفلت نکرده و قرآن کریم در آیات متعددی به یکی از عناصر مهم آن یعنی آب اشاره دارد و در ۳۳ آیه ملاحظه می‌کنیم که خداوند می‌فرماید: بعد از آفرینش آسمان‌ها و زمین ما آب را فروفرستادیم تا زمین مرده را زنده کند و آب را مایه حیات و منشأ تمامی گیاهان و حیوانات و مایه هستی می‌داند. علاوه بر این، در قرآن آب مایه رزق و روزی معرفی و در آیاتی نیز با اسمای الهی هم‌نشین شده و در برخی آیات وسیله رحمت و عذاب خداوند معرفی شده است (عرفت‌پور و سادات‌حسینی، ۱۳۹۶: ۸۴). ارزشمندی آب در نظام دینی تا بدان‌جا است که بهترین نوشیدنی بهشت شمرده شده است "سید شراب الجنة الماء" در قرآن هم حدود شصت آیه درباره آب وجود دارد که بخش زیادی از آن‌ها بین فرودآمدن آب از یک سو و استمرار حیات از سوی دیگر ارتباط برقرار می‌کند (نظریه گردش هیدرولیک) و مردم را به تأمل و تدبر در این باره دعوت می‌کند (نظری توکلی، ۱۳۹۱: ۸۴). واژه «ماء» در قرآن کریم به معنای آب می‌باشد که ۶۳ بار این واژه به کار رفته است که از جمله می‌توان به آیه ۳۰ سوره انبیاء اشاره کرد که خداوند می‌فرماید: *«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»* و هرچیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.» و

قرآن کریم در آیه "وجعلنا من الماء كل شيء حي" و هرچیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم (انبیا ۳۰/ (سلیمانی باغ‌شاه و موسوی‌مقدم، ۱۳۹۶: ۱۶۸). خداوند در آیات ۴۸ تا ۵۰ فرقان، با اشاره به نزول آب طهور از آسمان و احیای سرزمین‌های مرده و فراهم کردن آب موردنیاز دام‌ها و انسان‌ها، مردم را به یادآوری این نعمت الهی دعوت می‌کند: *«وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا»* و در آیات ۵۷ و ۵۸ اعراف/۷ همین بیان، با دعوت مردم به سپاسگزاری از این نعمت همراه شده است: *«كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ»* (پازکی و شیخی، ۱۳۹۴). از این‌رو موضوع اصلی پژوهش حاضر، مدیریت منابع آب با بهره‌گیری از آمیزه‌ها و دستورات خالق هستی در قرآن به جهت برون‌رفت از بحران آب می‌باشد زیرا که بنا به گفته مولای متقیان علی (ع) همانا قرآن دارای باطنی ژرف و ناپیداست و مطالب شگفت‌آور آن تمام نمی‌شود و تاریکی‌ها بدون قرآن برطرف نخواهد شد) و *اللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: مَا فَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ قَالَ: فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا*، در صورتی که خداوند می‌فرماید: در کتاب چیزی را فرونگداشتیم و می‌فرماید: بیان هر چیزی در آن است و تذکر داده که بعض قرآن گواه بعض دیگر است). روش تحقیق انجام این پژوهش، روش تحقیق اسنادی - کتابخانه‌ای است که با کمک آیات قرآن و استفاده از منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه می‌فرماید که اسلام روشن‌ترین راه‌هاست (نهج‌البلاغه: ۱۹۷)، از این‌رو هدف اصلی از انجام این پژوهش ابتدا شناخت و آگاهی با آیات قرآن در زمینه آب و منابع آب می‌باشد و سپس دستیابی به راه‌کارهایی جهت مدیریت منابع آب در بخش کشاورزی می‌باشد. سؤال اساسی این پژوهش این است که براساس آیات قرآن



مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأُخْرِجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّىٰ «(طه/۲۰، ۵۳) و این‌همه، سبب زیبایی و آراستگی زمین می‌شود: «كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ ... حَتَّىٰ إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازَّيَّنَتْ» (یونس/۱۰، ۲۴). و برای انسان، بهجت و شادایی به‌همراه می‌آورد: «وَأَنْزَلْ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبِتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» (نمل/۶۰، ۲۷) نیز حج/۵، ۲۲ (دشتی: <http://www.maarefquran.com/Files/viewd/maarefBooks.php?bookId=1>)

در بیشتر آیات مربوط به آب، خداوند متعال پس از بیان موجبات شگفت‌انگیز و حیات‌بخش آب در عالم هستی ابتدا انسان را به تفکر در قدرت این عنصر جان‌آفرین دعوت می‌نماید. واژه "ماء" در قرآن کریم ۵۹ بار به‌صورت مفرد و ۴ بار به‌همراه ضمائر به‌کار رفته است. کاربرد ماء به‌صورت مفرد در موضوعات گوناگون است. خداوند در قرآن در سوره روم می‌فرماید: "وَمِنْ آيَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ". و از آیات او این است که برق و رعد را به‌شما نشان می‌دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران) و از آسمان آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می‌کند در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که می‌اندیشند! (علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰). در یک اقتصاد روبه‌رشد، بخش کشاورزی معمولاً مهم‌ترین بخش اقتصادی را تشکیل می‌دهد (صدرالاشرفی، ۱۳۷۸: ۱۲۹) و مواد غذایی لازم را برای حیات انسان‌ها فراهم می‌سازد و بسیاری از موادخام لازم برای ساختن کالاهای ضروری زندگی از طریق کشاورزی به‌دست می‌آید. پایداری خواهان برتری موازنه دقیقی است میان الزام‌های امروز و نیازهای فردا (افراز، ۱۳۷۶: ۱۵)

علامه محمد باقر مجلسی در جلد ۵۴ بحارالانوار آورده است که پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: «كُلُّ شَيْءٍ خُلِقَ مِنَ الْمَاءِ؛ همه‌چیز از آب خلق شد» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴: ۲۰۸). یکی از آثار مهم و گسترده آب در زمین که انسان از منافع مستقیم و غیرمستقیم آن بهره می‌برد، احیای زمین است که در بیش از ده آیه بر آن تأکید شده است. آیه ۶۵ نحل/۱۶ می‌گوید: خداوند از آسمان آب فرودآورد و در پی آن، زمین را پس از مرگ احیا کرد: «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا». نیز فاطر/۳۵، ۹؛ بقره/۲، ۱۶۴. همین معنا با بیانی دیگر در سوره عنکبوت/۲۹، ۶۳ آمده است. در آیه ۵ جاثیه/۴۵ از آب آسمان به «رزق» تعبیر شده؛ آن‌گاه به احیای زمین با آن رزق اشاره می‌کند: «وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا». آیه ۴۸ و ۴۹ فرقان/۲۵ هدف از نزول باران را احیای سرزمین مرده دانسته است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا». عموم مفسران برآنند که مقصود از احیا در این آیات، رویدن گیاهان و آبادانی زمین است (مجمع‌البیان، ج ۲: ۴۵۰؛ ج ۶: ۵۶۹؛ ج ۸: ۴۸۴؛ المیزان، ج ۱۵: ۲۲۶۹). که از یک‌طرف با رویدن انواع میوه‌ها و خوردنی‌ها، روزی انسان را تأمین می‌کند و با ایجاد چراگاه‌ها، زمینه ادامه حیات دام‌ها، حیوان‌ها و همه جنبندگان را فراهم می‌سازد و از سوی دیگر، با رویش انواع گیاهان با رنگ‌ها و بوهای گوناگون به زمین زیبایی و طراوت می‌بخشد (التفسیر الکبیر، ج ۴: ۲۲۳ و ۲۲۴). احیای زمین که همواره با سرسبزی و زیبایی طبیعت همراه است، مورد تأکید آیاتی دیگر قرار گرفته؛ به‌طور مثال در آیه ۶۳ حج/۲۲ آمده است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً» و نیز از پیدایش انواع گوناگون گیاهان با آب باران یاد می‌کند: «وَأَنْزَلَ



محدودیت منابع آب در دسترس و توزیع ناهمگون منابع؛ افزایش روزافزون جمعیت؛ افزایش میزان آسیب‌پذیری سیستم‌های مختلف تامین آب با توجه به پیچیده‌تر شدن آنها؛ افزایش میزان مصرف سرانه آب به دلیل بالا رفتن سطح رفاه و بهداشت مردم؛ افزایش نیاز در بخش‌های مختلف صنعتی و کشاورزی با توجه به روند توسعه این بخش‌ها؛ تغییرات اقلیمی و ضرورت پیش‌بینی‌های بلندمدت؛ آلودگی منابع آب؛ تخریب منابع به‌خصوص آب‌های زیرزمینی به‌علت برداشت بیش از حد و عدم مدیریت صحیح (کارآموز و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۹۴ و ۲۹۵).

یافته‌های تحقیق

در آیه ۲۲ بقره/۲ و ۳۲ ابراهیم/۱۴ (وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ) خداوند پس از بیان نزول آب از آسمان می‌فرماید: خدا با آن آب، انواع میوه‌ها را از زمین بیرون آورد تا رزق شما باشد. ۱۰ آیه ۵۷ اعراف/۷ و ۹۹ انعام/۶ (وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرِ مُتَشَبِهٍ) خداوند با آب هر نوع گیاهی را رویاند؛ آن‌گاه از آن گیاه، جوانه‌ای خارج ساخت که در آن جوانه، دانه‌هایی بر روی هم چیده شده است و از شکوفه درختان نخل، خوشه‌هایی نزدیک به هم برآورد؛ هم‌چنین با آن آب، باغ‌هایی از انگور، زیتون و انار که همانند هم یا غیرهمانند است، ایجاد کرد. آیات ۲۵ تا ۳۲ سوره عبس/۸۰ (أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا* ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا* فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا* وَ عِنْبًا وَ قَضْبًا* وَ زَيْتُونًا وَ نَخْلًا* وَ حَدَاتِقَ غُلْبًا* وَ فَكْهَةً وَ أْبَا* مَتَعًا لَكُمْ وَ لِنَعْمِ كُمْ) پس از بیان ریزش آب و پیش

و کشاورزی پایدار، نظامی به‌هم پیوسته از فعالیت‌های تولید گیاهی و دامی است که ضمن توجه به تأمین نیازهای غذا و پوشاک بشر، کیفیت محیط زیست و منابع طبیعی، ایجاد امکان بیشترین کاربرد منابع غیرقابل تجدیدشونده، به‌هم پیوستن مناسب چرخه‌های زیستی طبیعی و کنترل آن‌ها، پایدار کردن حیات اقتصادی مزرعه، ارتقای کیفیت زندگی کشاورزان و در نهایت جامعه را نیز مدنظر دارد. در کشاورزی پایدار برخلاف کشاورزی مدرن که بر جزء نگری یا ساده‌گری استوار است، جامع‌نگری حاکم است و برآیند منافع و مضرات به‌حساب آورده می‌شود (کوچکی، ۱۳۷۶: ۹۴). فعالیت‌های مدیریت منابع آب را می‌توان به سه دسته، تدوین سیاست‌های مدیریت منابع آب، اقدامات مدیریتی برای دستیابی به اهداف سیاست‌ها و ارزیابی اثرات آنها، تقسیم نمود. سیاست‌های کلان مدیریت منابع آب، در واقع ارتباط توسعه و نحوه بهره‌برداری از این منابع را با اهداف توسعه ملی مشخص می‌سازند. اولین مرحله تدوین سیاست‌های کلان مدیریت منابع آب، پیشنهاد گزینه‌های مختلف با توجه به محدودیت‌ها و اهداف فراگیر و همه‌جانبه توسعه و مدیریت منابع آب است. اصولی که در ساختار فعلی تشکیلات مدیریت منابع آب مدنظر قرار گرفته‌اند، منابع آب را به‌عنوان عنصر اصلی آمایش سرزمین و توسعه پایدار آن حوزه به‌شمار می‌آوردند که مدیریت این منابع باید توسط تشکیلات واحدی در قلمرو مرزهای طبیعی حوزه آبریز انجام شود، به‌طوری‌که ایجاد زمینه‌های مشارکت و همکاری مردم شاید موثرترین عامل در تحول نظام مدیریت منابع آب محسوب گردد. از دلایل عمده تنش‌های آبی می‌توان موارد زیر را برشمرد:



تاکید بر تقسیم عادلانه آب است که به‌ظاهر دلیل آن اهمیت فوق‌العاده آب در توسعه، عمران و آبادانی و نقش حیاتی آن در زندگی بشر است (علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۰۲). آیه ۱۱ سوره زخرف/۴۳ (وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ). این آیه شریفه گواهی می‌دهد که آب به قدر و اندازه نازل می‌شود و از نظر حیات و اقتصادی دیار خشک و مرده را زنده و آباد می‌گرداند (علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۱۰).^{۱۳} تدریجی فرستاده شدن آب شاید اشاره‌ای به‌ضرورت ذخیره‌سازی و استفاده به‌هنگام از آن باشد و چه‌بسا می‌توانست در همه‌جا به‌جای تنزیل از انزال و فروفرستادن دفعی استفاده‌شود چنان‌که در مواردی چنین فرموده است. (مانند: بقره/ ۲۲، انعام/ ۹۹، رعد/ ۱۷، ابراهیم/ ۳۲ و ...) نیز در جایی دیگر می‌فرماید: وَ فِي الْأَرْضِ قَطْعُ مَتَجَاوِرَاتٍ وَ جَنَاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زَرْعٍ وَ نَخِيلٍ صُنَوَانٍ وَ غَيْرِ صُنَوَانٍ يَسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نُفَضِّلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ. (رعد/ ۴) و در زمین، پاره‌هایی کنار هم و بوستان‌هایی از انگورها و زراعت و درختان خرما، یک پایه‌ای و غیر یک‌پایه‌ای [قرار داد] که با یک آب سیراب می‌شوند و [با این‌حال] برخی از آن‌ها را در میوه‌ها، بر برخی [دیگر] برتری می‌دهیم؛ قطعاً در آن [ها] نشانه‌هایی است برای گروهی که خرد می‌ورزند. برای این‌که همگان از گیاهان و جانوران و انسان‌ها از آب به‌مقدار موردنیاز بهره‌مند شوند، لازم است تا انسان به حکم وظیفه آبادانی و عمران زمین (هود، آیه ۶) و نیز به حکم

از ذکر گیاهان و انواع میوه‌ها، از حب (دانه) یادشده که می‌تواند نشان دهنده اهمیت نقش غلات و دانه‌ها در تغذیه انسان باشد. آیه ۲۴ یونس/ ۱۰ (كَمَا أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ). تصریح به این‌که گیاهان زمین، خوراک انسان و دام (انعام*) است نه حیوانات، با این‌که حیوانات بسیاری از آن تغذیه می‌کنند، نشان می‌دهد که این آیه، در مقام بیان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم آب در تأمین غذای انسان است. آیه ۱۶ جن/۷۲ (وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا). باران رحمت خود را بر آنها فرو می‌باریم، و منابع و چشمه‌های آب حیات‌بخش را در اختیارشان می‌گذاریم، و آنجاکه آب فراوان است همه چیز فراوان است، و به این ترتیب آن‌ها را مشمول انواع نعمت‌ها قرار می‌دهیم. قرآن مجید روی این مطلب تکیه می‌کند که "ایمان و تقوی" نه‌تنها سرچشمه "برکات معنوی" است که موجب فزونی ارزاق مادی و وفور نعمت و آبادی و عمران و "برکت مادی" نیز می‌باشد.^{۱۴} آیه ۸ سوره تکوین/۱۰۲ (ثُمَّ لِنَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ). آب از نعمت‌های خداوندی است و به‌همین جهت در روز قیامت درباره چگونگی مصرف آن از انسان سوال می‌شود (علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۰۰). آیه ۶۰ سوره بقره ۲/ (وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ) و آیات ۱۵۵ و ۱۵۶ سوره شعرا. یکی از نکات مطرح در این آیات

۱۱ غیرمستقیم لزوم جستجوی انسان و کسب آب از طریق جو را اشاره می‌نماید (محمدی و همکاران، ۱۳۸۵: ۷۸).

۱۱ (تفسیر نمونه) <http://www.quranstudies.ir>

۱۲ امروزه با توجه به روش‌های مختلف برداشت آب‌های زیرزمینی بشر همچنان منشأ آب را در هر منطقه‌ای، نزولات جوی می‌داند و در آیات موصوف (آیه ۱۶ سوره جن، ۲۲ سوره بقره و ۹۹ سوره انعام)، به‌صورت



مدیریت نماید و به‌مقدار موردنیاز براساس سهمیه مناسب در اختیار هر بخش از کشاورزی، دامداری، بهداشت و آشامیدن قرارگیرد، چنین مدیریتی مطلوب خواهد بود (شعراء، ۱۵۵؛ قمر ۲۷ و ۲۸) (پازکی و شیخی، ۱۳۹۴: ۱۰ و ۱۱).

دیدگاه قرآن در خصوص کنترل مقدار برداشت از منابع آب زیرزمینی

سوره اعراف، آیه ۱۶۰ «ما آنها را به دوازده گروه - که هر یک طایفه‌ای (از دودمان اسرائیل) بودند - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که: «عصای خود را بر سنگ مخصوص بزن». ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست؛ آنچنان که هر طایفه، چشمه و آبشخور خود را می‌شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم؛ و بر آنها «من» [= نوعی صمغ شیرین گیاهان] و «سلوی» [= پرنده‌ای مانند بلدرچین] فرستادیم؛ (و به آنان گفتیم): از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم، بخورید؛ (و آنها کفران کردند؛ ولی با این کار) به ما ستم نکردند، بلکه به خودشان ستم می‌نمودند.» قرآن بر این نکته تاکید می‌کند که جهت کنترل منابع آب، به‌ویژه منابع آب زیرزمینی بایستی شفافیت وجود داشته و سهم هر فرد یا گروه کاملاً مشخص باشد. از آنجایی که منابع آب زیرزمینی به‌صورت مشترک بوده و مالکیت‌بردار نیستند، این تقسیم مالکیت تنها بایستی بر روی زمین صورت بگیرد. به‌عبارت دیگر نمی‌توان سهم آب هر گروه یا فرد را در زیرزمین از هم جدا نمود. در این خصوص، مسیر خروجی تمام بهره‌وران باید به‌صورت واحد در نظر گرفته و بر روی زمین تقسیم آب صورت گیرد. در صورتی که هر بهره‌بردار به‌طور جداگانه مسیری تعریف‌شده به منبع داشته باشد ممکن است برداشت بی‌رویه صورت گیرد. چنانچه این مسئله در مورد بهره‌برداری از چاه‌های آب برداشت از سفره‌های زیرزمینی اتفاق افتاده است.

خلافت الهی بر موجودات جهان (بقره، آیه ۳۰) در شرایط عادی در مصرف به‌جا و درست آن بکوشد و در آب‌ها فساد و فساد نکرده و آنرا آلوده نسازد. همچنین در شرایط غیرطبیعی و دوره کمبودها و خشکسالی‌ها با سهمیه‌بندی، همه موجودات را از دسترسی به آب سالم و گوارا بهره‌مند سازد. از این‌رو هرگونه تجاوز به سهمیه‌بندی از سوی انسان به‌عنوان ظلم شناخته و تفسیرشده و به‌طور طبیعی مجازاتی در دنیا و آخرت بر این‌گونه رفتارهای ستمگرانه تعیین شده است (بقره، آیه ۶۰). از روش‌های مدیریت آب به‌ویژه آب‌های سطحی و باران‌ها و سیلاب‌ها، ایجاد سد است. خداوند در آیاتی به نقش سدسازی در مدیریت آب و رشد و شکوفایی اقتصادی و دستیابی به تمدن‌های قدرتمند و ثروتمند اشاره می‌کند. به‌عنوان نمونه به سد مارب در یمن و دوره حکومت سبائیان اشاره کرده و می‌فرماید که این سد موجب افزایش ثروت و قدرت جامعه شد ولی به سبب کفر آنان، خداوند این سد را خراب کرد که به‌تبع ویرانی این سد، جامعه از رشد و شکوفایی بازماند و از تمدن ساقط شد، بنابراین، توجه به استحکام و مقاومت بالای سد در سدسازی برای مهار سیلاب‌ها و آب‌های باران و رودها ضروری است (کهف، آیه ۹۴ تا ۹۷)؛ نکته‌ای که خداوند در مدیریت آب به آن توجه می‌دهد، مسئله سهمیه‌بندی آب به‌ویژه در خشکسالی و مناطقی است که همواره با کمبود آب مواجه هستند. در سهمیه‌بندی آب می‌بایست به گونه‌ای عمل شود تا همه موجودات از گیاهان و جانوران و انسان به‌مقدار مناسب و موردنیاز از آب بهره‌مند شوند. بنابراین، در مدیریت آب تنها اموری چون گردآوری، نگهداری و حفظ آن مطرح نیست، بلکه سهمیه‌بندی به‌مقدار موردنیاز نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، هرگونه روش‌های علمی که بتواند مصرف را



آن را لایزال بیندارند. این در حالی است وقتی با چشم این محدودیت را مشاهده می‌کنند باور آن آسان‌تر است. نکته دیگری که می‌تواند در این تقسیم آب با دیده مثبت بدان نگریسته شود، تقسیم آب از منبع سطحی است. واضح است که در چنین شرایطی برداشت بیشتر از سهم هر فرد یا گروهی به‌طور مستقیم و در آن واحد بر برداشت افراد یا گروه‌های دیگر موثر است، لذا هرگز چنین اجازه‌ای به او داده نمی‌شود. این در حالی است که تاثیر برداشت بی‌رویه افراد از سفره‌های زیرزمینی بر افراد دیگر با وقفه زمانی صورت گرفته و در کوتاه‌مدت ناملموس است. لذا افراد خود را در رابطه با رفتار دیگران کمتر مسئول دانسته و کمتر برداشت‌های بی‌رویه آن‌ها را موثر در سهم خود می‌دانند. این در حالی است در برداشت از ذخیره روی زمینی امکان برداشت بی‌رویه یک فرد وجود ندارد مگر اینکه دیگری کمتر برداشت کند. همچنین در حالت ذخیره روی زمینی امکان افزایش سهم به هیچ‌وجه وجود ندارد. این در حالی است که برای چاه‌های خصوصی این مسئله از طریق کف‌شکنی، جابجایی و گالری‌زنی وجود دارد. این مسئله می‌تواند از طریق چانه‌زنی و رایزنی‌های متعدد صورت گیرد. این مسئله وقتی تاثیرات منفی بیشتری دارد که همواره افراد به این چانه‌زنی‌ها امیدوار بوده و لذا به‌جای افزایش بهره‌وری استفاده از سهم آب موجود، همواره در پی افزایش سهم خود می‌باشند. از طرف دیگر این مسئله حس نامحدود بودن منابع آب را نیز افزایش می‌دهد. زیرا فرد همواره احساس می‌کند که راهی برای افزایش مقدار آب در دسترس و جلوگیری از کاهش آن وجود دارد. این در حالی است که در شرایطی که منابع آب از ذخایر سطحی تامین می‌شود و گلوگاه ورودی این منبع نیز محدود و صد درصد تحت کنترل دولت است،

این در حالی است که در صورت مشترک‌بودن شاه‌رگ اصلی متصل به منبع، کنترل آن توسط دولت آسان‌تر خواهد بود. سپس تقسیم آب از یک منبع روی زمین صورت می‌گیرد. منبعی که ارتباط آن با منبع اصلی کاملاً کنترل شده و لذا امکان ورود بیشتر از حد از منبع اصلی به منبع روی زمین وجود ندارد. بدین ترتیب خطر تخریب منابع آب زیرزمینی حل می‌شود. با این وجود، نحوه تقسیم آب منبع روی زمین نیز مسئله دیگری است که قرآن به آن پاسخ داده است. در تقسیم آب منبع آب روی زمین، فرد موردنظر نبوده است. به‌عبارت دیگر برای جلوگیری از هزینه‌های اضافه در تقسیم آب بین افراد زیاد، آب بین اقوام تقسیم شود. واضح است که اقوام مختلف آب را بین اعضای خود تقسیم می‌کنند. این مسئله علاوه بر کاهش هزینه‌ها، مشکلات تقسیم آب و نزاع‌های معمول در این خصوص را کاهش می‌دهد. علاوه بر این، از آنجاییکه اقوام مختلف نیز به‌طور شفاف سهم خود را می‌دانند از دعوا و نزاع بین آن‌ها نیز جلوگیری می‌شود. الگوی ارائه شده در قرآن می‌تواند به‌خوبی در کنترل برداشت آب از منابع زیرزمینی استفاده شود. در این زمینه می‌توان در عوض واگذاری چاه‌ها به افراد، مجموع آب چند چاه را در یک مخزن بزرگ ذخیره نموده و تقسیم آب از محل ذخیره آب صورت گیرد. در چنین شرایطی مدیریت و اداره برداشت آب از چاه‌ها برعهده دولت است. به‌عبارت دیگر اداره چاه‌ها و لذا تغییر در سهم آب تعیین و لذا برداشت بیشتر از سهم توسط افراد از بین می‌رود. بدین ترتیب تمام افراد صاحب آب ذخیره‌شده در روی زمین می‌توانند حجم آب ذخیره‌شده سهم خود را بدانند. در چنین شرایطی یکی از نقاط مثبت طرح جلوگیری از نامحدود پنداشتن منابع آب است. منابعی که قبلاً در زیرزمین بود و افراد ممکن بود



علیه‌السلام می‌فرماید: طَعْمُ الْمَاءِ طَعْمُ الْحَيَاةِ: مزه آب، مزه زندگی است (علامه مجلسی، ج ۴۹: ۹۹) و تأکید بر حفظ محیط زیست^{۱۶} و منابع آن از جمله آب، از اصول بنیادین دین اسلام می‌باشد و از این رو اجرای قوانین و مقررات در زمینه‌های حقوق مالکیت و بهره‌برداری، استفاده بهینه از تکنولوژی، سیاست‌های حفاظتی و فعالیت بخش خصوصی بر اساس آموزه‌های اسلام و قرآن، تنها راه مدیریت بهینه و مطلوب منابع آب به‌ویژه در بخش کشاورزی است که پایداری توسعه و برون‌رفت از بحران آب در شرایط موجود را به ارمغان می‌آورد. بر این اساس راه‌کارهای زیر جهت مدیریت منابع آب در شرایط بحرانی فعلی پیشنهاد می‌گردد: گسترش پژوهش‌های قرآنی^{۱۷} با محوریت منابع آب و مدیریت این منابع در کشور (وَاللَّهُ سُبْحَانَهُ يَقُولُ: مَا قَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ وَ قَالَ: فِيهِ تَبْيَانٌ كُلِّ شَيْءٍ وَ ذَكَرَ أَنَّ الْكِتَابَ يُصَدِّقُ بَعْضَهُ بَعْضًا، در صورتی که خداوند می‌فرماید: در کتاب چیزی را فرونگداشتیم و می‌فرماید: بیان هر چیزی در آن است و تذکر داده که بعض قرآن گواه بعض دیگر است)؛ به‌هنگام‌سازی سند ملی آب کشور با توجه به تفسیر آیات قرآنی و روایات؛ ارتقای مهارت‌های مدیریت منابع آب در بین روستائیان از طریق افزایش آگاهی روستائیان؛ پرورش اخلاق زیست محیطی که شامل مجموعه رفتارهایی است که رعایت آنها در تمام شئون زندگی اعم از تولید و مصرف، کم‌ترین آسیب‌های زیست محیطی را در پی دارد، به‌گونه‌ای که اساس زندگی را با مشکل روبه‌رو نمی‌سازد؛ همکاری عمیق بین عالمان دینی و دانشمندان محیط زیست، اقتصاددانان، متخصصین برنامه‌ریزی، مدیران و سیاست‌گذاران توصیه می‌شود.

هیچ روزنه امیدی برای افراد جهت افزایش برداشت وجود ندارد. لذا تنها راه افزایش درآمد، افزایش بهره‌وری آب و استفاده از آب در دسترس می‌باشد. بدین ترتیب بهره‌برداری پایدار از منابع آب همراه با بهره‌وری بالای آب تضمین می‌گردد (عبداللهی عزت آبادی: ۱۳۹۴).

نتیجه‌گیری و ارائه راه‌کارها

مدیریت منابع آب کشور نقش مهمی در فرایند توسعه پایدار کشور در حیطه‌هایی نظیر رشد اقتصادی، اعتدالی سلامت جامعه، امنیت غذایی، توسعه پایدار منابع آب، حفظ محیط زیست و تامین نیازهای پایه‌ای و اساسی انسان داراست (خیابانی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۲). توجه به مدیریت منابع آب در کشورهایی مانند ایران که دارای اقتصاد متکی به محصولات کشاورزی هستند با توجه به استفاده بیش از ۷۰ درصدی آب در بخش کشاورزی، از اهمیت زیادی برخوردار است (فرج‌زاده اصل و حسینی، ۱۳۸۶: ۲۱۶). پژوهش انجام‌شده از نقطه نظر قرآن و علوم دینی مؤید این نکته می‌باشد که دین به بهره‌وری و بهره‌برداری^{۱۴} عقلانی و آگاهانه، تعادل^{۱۵} در بهره‌برداری از محیط طبیعی به‌ویژه منابع آب، عدالت و برابری در بهره‌برداری انسان‌ها در تمامی اعصار، مسئولیت‌پذیر بودن انسان در قبال محیط زیست و عناصر تشکیل دهنده آن اعم از آب و خاک و ... و آگاهی انسان، توجه دارد و مردم نسل امروز باید به‌گونه‌ای در فعالیت‌های اقتصادی و کشاورزی عمل کنند که عدالت بین آنان و آیندگان برقرار شود زیرا این عدالت است که هر چیز را در جای خود قرار می‌دهد و تدبیر عمومی مردم است (نهج البلاغه: حکمت ۴۳۷). از آن‌جا که آب به‌عنوان یک انفال و سرمایه ملی به‌شمار می‌رود و به‌گفته امام رضا

17 Institute of Quran

14 Productivity and utilization
15 equivalency
16 Environment protection



منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. تفسیر المیزان
۴. تفسیر الکبیر
۵. مجمع البیان
۶. مجلسی، علامه محمدباقر، (۱۴۰۴ ه. ق.)، "بحارالانوار"، بیروت، مؤسسه الوفا
۷. افراز، علیرضا، (۱۳۷۶)، "توسعه پایدار از مفهوم تا عمل"، مجموعه مقالات توسعه پایدار کشاورزی، انتشارات فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۴
۸. پارکی، معصومه، شیخی، داود، (۱۳۹۴)، "بررسی و تحلیل مدیریت استراتژیک منابع آب در فرآیند توسعه کشاورزی کشور از دیدگاه قرآن"، همایش ملی بحران کم آبی و راه‌های برون رفت از آن، همدان (کیودراهنگ): ۱-۱۴
۹. حسین زاد، جواد و همکاران، (۱۳۹۳)، "تحلیل شاخص‌های مؤثر در توسعه کشاورزی و مدیریت منابع آب سکونتگاه‌های روستایی (مورد: دشت تبریز)"، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ۳، شماره ۲: ۱-۱۸
۱۰. خیابانی، ناصر و همکاران، (۱۳۹۶)، "الزامات اقتصادی مدیریت منابع آب در ایران"، آب و فاضلاب، شماره ۱: ۴۲-۵۷
۱۱. دشتی، محمود، <http://www.maarefquran.com/Files/viewdmaarefBooks.php?bookId=1>
۱۲. سلیمانی باغ‌شاه، ام‌البنین، موسوی مقدم، سید محمد، (۱۳۹۶)، "سبک زندگی در تعامل با آب با تکیه بر آموزه‌های قرآن"، فصلنامه مطالعات قرآنی سال ۸، شماره ۳۱، ۱۶۷-۱۹۶
۱۳. صدراشرفی، مهریار، (۱۳۶۸)، "اقتصاد کشاورزی و تعاون"، دانشگاه تهران
۱۴. عبداللهی عزت‌آبادی، محمد، (۱۳۹۴)، <http://anarpress.ir/first-report/39457/1394/02/01>
۱۵. عرفت پور، زینه، سادات محسنی، حمیده، (۱۳۹۶)، "تصویر پردازی هنری آب به مثابه منشأ حیات و رزق و روزی در قرآن کریم"، مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال اول، شماره دوم: ۸۳-۱۱۳
۱۶. علیخانی، امیر، (۱۳۹۲)، "منزلت آب و تامین منابع آبی برای توسعه از منظر آیات قرآن"، فصلنامه مطالعات تفسیری سال چهارم، ۱۳۹۲، شماره ۱۵: ۹۹-۱۱۶
۱۷. فرج زاده اصل، منوچهر، حسینی، آمنه بیگم، (۱۳۸۶)، "تحلیل بحران آب دشت نیشابور"، مدرس علوم انسانی، دوره ۱۱، شماره ۵۳: ۲۱۵-۲۳۸
۱۸. کارآموز، محمد، آزاده، احمدی، نظیف، سارا، (۱۳۸۵)، "همایش بهره‌برداری بهینه از منابع آب حوضه‌های کارون و زاینده رود"، ۲۹۳-۳۱۶
۱۹. کشاورز، عباس، دهقانی ساتیج، حسین، (۱۳۹۱)، "شاخص بهره‌وری آب و راهکار آتیه کشاورزی ایران"، فصلنامه راهبرد اقتصادی، سال اول، شماره اول
۲۰. کوچکی، عوض و همکاران، (۱۳۷۷)، "دنیای بیکران اقتصاد محیط زیست"، دانشگاه فردوسی مشهد
۲۱. محمدی، محمدجواد و همکاران، (۱۳۸۵)، "بررسی اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم"، مجله انسان و محیط زیست، دوره جدید، شماره ۲، پیاپی ۱۳: ۷۲-۸۰
۲۲. نظری توکلی، سعید، (۱۳۹۱)، "اخلاق زیستی و تبیین بایستگی‌های حفاظت و بهره‌وری از منابع آب در راستای آموزه‌های فقه محیط زیست"، فصلنامه اخلاق زیستی سال دوم، شماره سوم: ۷۷-۱۰۰

تبیین آیات شریفه ۶۸ و ۶۹ سوره نحل «در آیین روایات تفسیری و آرای مفسران امامی»

علی محمدیان^۱ و بتول سلحشور^۲

۱- استادیار دانشگاه بزرگمهر قائنات (نویسنده مسوول: alimohamadian64@gmail.com)

۲- دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

بی تردید تغذیه سالم، نقش بسیار شایانی در سلامت جسم آدمیان دارد و با توجه به تأثیر متقابل جسم و روح بر یکدیگر، می‌توان آن را از عوامل مؤثر در رشد و تعالی روح نیز دانست. در آموزه‌های دینی توصیه‌های فراوانی در باب کمیت و کیفیت تغذیه بیان شده است. یکی از مواردی که در متون دینی از آن سخن به میان آمده، استفاده از «عسل» است که از موهبت‌های ارزنده و پرازش خدادادی به‌شمار می‌رود و در قرآن کریم با تعبیر «فیه شفاء للناس» از آن یاد شده است. در جستار حاضر با عنایت به اینکه ذکر عسل در کتابی که ریشه وحیانی دارد، قطعاً حاوی فواید و حکمت‌های کثیر است، به سراغ میراث روایی و متون تفسیری رفته و کلمات نورانی معصومان (علیهم‌السلام) و نیز آرای برخی از اندیشوران برجسته مسلمان در تحلیل آیات شریفه ۶۸ و ۶۹ سوره نحل که به چگونگی پیدایش عسل و شگفتی‌های آن می‌پردازند، مورد تحلیل قرار داده شده است.

واژه‌های کلیدی: عسل، شفاء، سوره نحل، روایات، تفاسیر.

۱- مقدمه

و جسم را مدنظر داشته و بر این نکته که امروزه علم نیز پذیرای آن شده‌است تأکید کرده است که روح و جسم بر یکدیگر اثرگذار بوده و رشد و تعالی هر یک به دیگری وابسته است. لذا حفظ سلامت مادی و صحت جسمانی در آموزه‌های دینی بسیار حائز اهمیت می‌باشد؛ چه اینکه از بهترین و مهم‌ترین آرزوهای هر انسانی برای خود و دیگران حفظ سلامت بدن است؛ زیرا در نبود سلامتی هیچ‌کاری قابل انجام نیست و تا زمانی که سلامت بدن در خطر نباشد، اهمیت سلامتی برای ما قابل درک نیست. بسیاری از افرادی که دارای بیماری جدی هستند فقط برای اینکه یک‌روز را در سلامت کامل به‌سربرند، حاضرند همه‌چیز خود را بدهند. لذا در آیین مقدس اسلام، سلامتی از جایگاه و ارزش ویژه برخوردار است؛ زیرا بدن انسان به مانند مرکب روح و ابزار تکامل انسان است. از این‌رو قرآن و منابع روایی حاوی دستورات بسیاری در خصوص

قرآن کریم به مثابه عالی‌ترین و کامل‌ترین متن وحیانی پاسخگوی جملگی حوائج مادی و معنوی آدمیان در راه اعتلا و کمال و رشد و در بردارنده برنامه‌ها و دستورالعمل‌های گران‌سنگی است که در پرتو عمل به آنها می‌توان سعادت دنیوی و رستگاری اخروی را تحصیل نمود. این کتاب ارجمند در ضمن بیان اصول خداشناسی و توحید و نیز توجه‌دادن به آخرت و معاد، در گستره زندگی این جهانی و مادی انسان نیز راهبردها و الگوهای عمل نیکویی را ارائه کرده است که این امر در سرتاسر آیات قرآن به‌چشم می‌خورد. این رهنمودها عمدتاً در راستای تحقق مقاصد آفرینش و کمال مادی و معنوی انسان‌ها عرضه شده‌است. برکسی پوشیده نیست که خداوند حکیم، خالق انسان، با شناختی که از مصنوع خود داشته‌است، در برنامه‌ای که برای زندگی آدمیان در نظر گرفته است، هر دو بعد روح



روایتی می‌فرماید: «لَا تَأْكُلُوا فِي فِخَارٍ مِصْرَ»^{۱۸} بدین معنا که در ظروف سفالی مصر طعام نخورید؛ زیرا ممکن است غیرت را در انسان ضعیف نماید؛ چه اینکه عزیز مصر بعد از آن که ماجرای زلیخا و حضرت یوسف (ع) را شنید گفت: «يُوسُفُ أَعْرَضَ عَن هَذَا وَاسْتَعْفَرَ لِدُنْيِكِ إِنَّكَ كُنْتَ مِنَ الْخَاطِئِينَ (یوسف/۲۹)؛ ای یوسف از این امر، روی برگردان! و تو ای زلیخا از گناهی که مرتکب شدی استغفار کن که تو از خاطیان بودی.» یعنی نهایت عکس‌العمل وی همین مقدار بود و به همین مقدار غیرت از خود بروز داد و لذا گفته می‌شود در خاک آن خطه تأثیری است؛ حال اینکه این تأثیر تا چه میزان کلیت دارد یا خیر و برای مکان خاصی است یا خیر محل بحث است؛ لکن این مقدار قطعی است که در تغذیه به‌میزانی اثرگذاری هست که حتی ظروف غذا هم ممکن است در خلیات و روحیات افراد تأثیرگذار باشد» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ۳/۱۱۴). در حال این نکته امروزه بدیهی تلقی می‌شود که نقش تغذیه در سلامتی، نقشی بی‌مانند و بی‌بدیل است و رعایت توصیه‌های بهداشتی در مأكولات و مشروبات از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌های سلامتی، نشاط و طول عمر آدمیان می‌باشد؛ زیرا اگر اینای بشر به نظام تغذیه سالم، به نیکی التفات داشته باشند، بدون هیچ شکی کثیری از امراض از جامعه انسانی رخت برخواهد بست و نوع بشر طراوت و شادابی زندگانی را بهتر لمس خواهد نمود. در ادامه یکی از مصادیقی که در معجزه جاوید پیامبر ختمی مرتبت در باب تغذیه ذکر شده است، یعنی تغذیه با عسل زنبور، مورد بحث و بررسی قرار گرفته و

صحت و سلامتی است. در این میان عامل تغذیه به‌عنوان یکی از مهمترین عوامل سلامتی، تأثیر شگرفی در روند تکامل روح و جسم انسان دارد و با ملاحظه این امر نوع و کیفیت تغذیه بسیار مورد اهتمام اسلام بوده و احکام و دستورات ارزشمندی در قرآن و روایات به این موضوع اختصاص یافته است. اهمیت تغذیه در اسلام تا به حدی است که می‌توان ادعا نمود هیچ مکتبی به اندازه شریعت مقدس اسلام در این زمینه حساسیت به خرج نداده است؛ از باب نمونه خداوند می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» (عبس/۲۴)، بدین معنا که پروردگار حکیم انسان‌ها را به توجه و دقت در تغذیه و طعام از جهات مختلف از قبیل رعایت حرام و حلال، کیفیت و مقدار و ... توجه داده است. افزون‌بر قرآن، در روایات صادره از معصومان (علیهم‌السلام) و نیز آرای اندیشوران مسلمان و نیز نتایج پژوهش دانشمندان عصر جدید بر نقش تغذیه در حفظ سلامتی و تندرستی تأکیدات فراوان رفته است و از باب نمونه تغذیه سالم را یکی از ارکان شش‌گانه حفظ‌الصحة قلمداد کرده و بر این عقیده بوده‌اند که اگر پزشک مداوای بیمار خود را از اصلاح تغذیه وی آغاز نکند، بر کشتن او تجمی کرده است؛ نکته دیگر اینکه عامل تغذیه به‌جز تامین حیات و سلامت، حتی در شعور، معرفت، سعادت و شقاوت انسان هم دخیل می‌باشد؛ به‌همین دلیل است که توصیه‌های فراوانی در مورد حلال بودن و پرهیز از شبهات در غذا از طرف دین مبین اسلام صادر شده است. حتی از نظر یکی از اندیشوران معاصر: «این تأثیر به‌میزانی است که در ضمن

۱۸ «قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَكْرَهُ أَنْ أَطْبِخَ شَيْئًا فِي فِخَارٍ مِصْرَ، وَ مَا أَحَبُّ أَنْ أُغْسِلَ رَأْسِي بِطِينَتِهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۲، ۳۹۲/۱؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ۵۲۹/۶۳).

موقعیت آن در میان روایات تفسیری و همچنین تفاسیر ممتاز قرآنی بررسی می‌شود.

۲- موقعیت بحث در قرآن کریم

در آموزه‌های قرآن کریم با تأکیدی خاص، انسان‌ها به مطالعه در اسرار هستی و شگفتی‌های پنهان در خلقت موجودات و از جمله زنبورعسل فراخوانده شده‌اند و در این میان سوره‌ای از سور مبارکه قرآن به نام زنبورعسل (نحل) نام‌گذاری شده و در ضمن آیاتی این مخلوق حیرت‌انگیز الهی معرفی گشته است. خداوند حکیم در دو آیه شریفه لفظ "عسل" را استفاده کرده است؛ ابتدا در سوره محمد (ص) که پروردگار در توصیف نعمات بهشتی بیان نموده است: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ؛ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى؛ وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ» (محمد/۱۵)؛ یعنی توصیف بهشتی که به اهل ایمان وعده داده شده اینگونه است که در آن رودهایی از آب‌هایی که تغییری در آن صورت نمی‌گیرد و همچنین رودهایی از شیر که مزه آن‌ها تغییر نمی‌یابد و نهرهایی از شراب پاک و طهور که نوشندگان از آن استفاده می‌کنند و نهرهایی از عسل خالص؛ و در آنجا هر نوع میوه که بخواهند وجود دارد و نیز رحمت پروردگارشان. در آیه دیگری که ذکر عسل به میان آمده است، خداوند با ظرافت و دقت خاصی مکانیسم تولید عسل را شرح داده و چنین فرموده است: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ؛ ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلَا يَخْرُجَ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل/۶۹-۶۸)؛ یعنی پروردگار حکیم تو به زنبورعسل الهام نمود که: «از برخی کوهستان‌ها و برخی اشجار و چوبه‌ها و داربستی

که انسان‌ها بنا می‌کنند، خانه‌هایی برای خود انتخاب کن، آنگاه از همه ثمرات (و شیره گل‌ها) تغذیه کن و فرمانبردار راه پروردگارت باش. سپس خداوند می‌فرماید: «از درون شکم این زنبوران، شرابی رنگارنگ خارج می‌شود که شفای مردمان در آن است؛ و به تحقیق در این امر، نشانه آشکاری وجود دارد برای گروهی که اهل اندیشه هستند. همانگونه که مشاهده می‌شود خداوند از تعبیر وحی در مورد زنبورعسل استفاده نموده است که در حقیقت به هدایت غریزی الهی و مأموریتی خاص و الهامی شگفت اشاره دارد. نخستین مأموریت زنبوران در آیه شریفه خانه‌سازی ذکر شده است و به دنبال آن فعالیت‌های دیگر امکان‌پذیر است. دومین مأموریت زنبورعسل این است که از تمامی ثمرات تناول کند و شهد گل‌ها را بچشد و فرجامین مأموریت وی نیز این است که عسلی مصفا را تولید کرده و از آن تغذیه نیکوی آدمیان فراهم گردد. در حقیقت در ماجرای برنامه زندگی زنبوران عسل و تحفه‌ای که آنها برای بندگان الهی می‌آورند، که هم ویژگی غذایی وجود دارد و هم خاصیت شفابخشی و نیز درس زیست و زندگی، نشانه آشکاری از عظمت و کرامت پروردگار است. یکی از اندیشوران معاصر معتقد است تمدن زنبور عسل، نظامات شگفت‌کنندوی عسل، فعالیت‌های خستگی‌ناپذیر این موجود، ساختن عسل و موم توسط زنبور، سخن گفتن آن به وسیله رقصیدن و صدها نظامات و شگفتی‌های آن، از غرائب نظام خلقت است. دانشمندان سال‌های طویل در زیست این موجود تحقیق کرده و آثار مختلفی نگاشته‌اند. مثلاً در کتاب «جهان حشرات» چنین ذکر شده است که اگر یک زنبورعسل بخواهد به صورت انفرادی چهارصد گرم عسل بسازد، لازم است هشتاد هزار مرتبه از کندو به صحرا رفته و بازگردد. با ملاحظه این جهت است که قرآن حکیم از بیان

رستاخیز خواهیم دید که از آن خاک‌ها آدمیان برمی‌خیزند. و اگر مقصود، آیت توحید و تدبیر پروردگار باشد، قطعاً وجود زنبورعسل با این فعالیت مفید و نظام حیرت‌زا از نشانه‌های توحید و تدبیر خداوندی است (قرشی، ۱۴۱۲، ۳۵/۷).

۳- موقعیت بحث در روایات تفسیری

در میراث روایی امامیه احادیث بسیاری در باب ویژگی‌ها و خواص عسل ذکر شده است که در ادامه به بیان برخی از آنها پرداخته می‌شود. ۱- از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که فرمودند: «لَعَقُ الْعَسَلِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ وَ هُوَ مَعَ قِرَاءَةِ الْقُرْآنِ وَ مَضْغِ اللَّبَانِ يَذْهَبُ الْبَلْغَمُ» (برقی، ۱۳۷۱، ۲/ ۴۹۸؛ کلینی، ۱۴۰۷، ۱۴/ ۳۳۲). تناول عسل با انگشت، دوی هر دردی است. خداوند متعال در این زمینه فرموده است: «يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» خوردن عسل به همراه قرائت قرآن و جویدن کندر، بلغم را از بین می‌برد. ۲- از رسول اکرم (ص) و نیز از حضرت علی (ع) و امام جعفر صادق (ع) روایت شده است که: «عَنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص) الْعَسَلُ شِفَاءٌ وَ عَنْ عَلِيٍّ (ع) مَا اسْتَشْفِيَ الْمَرِيضَ بِمِثْلِ شَرْبِ الْعَسَلِ وَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (ع) قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (مغربی، ۱۳۸۵، ۲/ ۱۴۸). در عسل شفا وجود دارد. هیچ درمانی مانند نوشیدن عسل، بیمار را مداوا نمی‌کند. خداوند عزوجل در مورد عسل فرموده است که در آن شفای آدمیان وجود دارد. ۳- از امام موسی کاظم (ع) پرسیده شد که: «سُئِلَ عَنِ الْحَمِيِّ الْعَبِّ الْعَالِيَةِ؛ فَقَالَ: يُؤَخِّدُ الْعَسَلُ وَ الشَّوْنِيزُ وَ يَلْعَقُ مِنْهُ ثَلَاثُ لَعَقَاتٍ؛ فَإِنَّهَا تَنْقَلِعُ وَ هُمَا الْمُبَارَكَانِ - قَالَ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْعَسَلِ يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ؛ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ...» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۱۰۱/۲۵). از

این حشره مفید فروگذاری نکرده و در واقع طرح بحث کرده که در باب آن تأمل نمایند و به شگفتی‌ها و رموز زندگی این موجود عجیب پی‌برند و خالق آن را تحسین نمایند. جمله «وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ» بیانگر آن است که عسل‌سازی زنبور طبق برنامه پروردگار حکیم است و خداوند این ادراک و شعور را در وجود وی به ودیعه نهاده است. و مراد از «مِمَّا يَعْرِشُونَ» در ظاهر کندوهای است که توسط آدمیان ساخته می‌شود و کندوهای مصنوعی عرش و تختی است نسبت به زنبورعسل؛ «فَأَسْأَلُكَ سُبُلَ رَبِّكَ ذُلُّلًا» به این امر اشاره دارد که زنبورعسل با سهولت می‌تواند طرقی که پروردگار برای عسل‌گیری و عسل‌سازی به او آموخته است بیپیماید؛ کاری که از انسان عاقل و متفکر ساخته نیست و همچنین زنبور می‌تواند نظامات شگفتی که در زیست آن حاکم است اداره نماید. عبارت «يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ» حکایت از آن دارد که عسل آن هنگام که از این مخلوق خداوند، در قسمت‌های شش‌ضلعی ریخته می‌شود، به صورت شربت و مایع گوارا است؛ آن‌گاه دسته‌جمعی بالای آن حفره‌ها آن قدر بال می‌زنند که آب آن بخار شده و قوام و شکل مناسب یافته و به صورت عسل در می‌آید. پس آن وقت که از شکم زنبور خارج می‌گردد به صورت شربت است؛ سپس به عسل تبدیل می‌شود. خداوند در انتها می‌فرماید: «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» اگر مقصود از آیه به قرینه آیات پیشین و پسین، معاد باشد، شهادت این امر بر معاد بدین نحو است که همان گونه که ما به صحرا و گل و باغ نگریسته و در آن‌ها مطلقاً عسل مشاهده نمی‌کنیم؛ لکن به‌وسیله زنبورعسل پی‌می‌بریم که خروارها عسل در آن‌ها موجود و نهفته بوده‌است، به‌همین قیاس، ما به قبرستان‌ها نگریسته و در آن‌ها جز خاک چیزی مشاهده نمی‌کنیم؛ اما در بهار



بخور؛ چه اینکه شنیده‌ام که خداوند متعال در قرآن فرموده است: «و نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا»؛ و فرموده است: «يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ». عیاشی در تفسیر خود در ادامه ماجراً آورده است که آن مرد پس از عمل به توصیه حضرت (ع) از درد خود شفای کامل یافت (عیاشی، ۱۳۸۱، ۱/ ۲۱۸). ۷- از پیامبر گرامی اسلام (ص) نقل شده است که: «الْعَسَلُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَالْقُرْآنُ شِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ فَعَلَيْكُمْ بِالشِّفَاءِ بَيْنَ الْقُرْآنِ وَالْعَسَلِ» (مجلسی، ۱۴۱۰، ۶۳/ ۲۹۴). عسل درمان هر دردی است (دردهای جسمانی و مادی) و قرآن شفاست برای دردهای درونی (تسکین‌دهنده و التیام‌بخش معنوی و قوت قلبی)؛ پس بر شما باد دو شفا؛ یعنی قرآن و عسل.

۴- موقعیت بحث در تفاسیر فقهی و قرآنی

در ذیل رویکرد برخی از مفسران برجسته امامی مذهب نسبت به آیات شریفه پیش‌گفته که در باب عسل و خاصیت شفابخشی آن سخن گفته بودند، بیان می‌شود.

۴-۱- دیدگاه صاحب کنز العرفان

در اعتبار کتاب مزبور در بین اندیشوران امامی جای هیچگونه تردیدی نیست. "کنز العرفان فی فقه القرآن" کتابی است که در آیات الاحکام و آیات فقهی قرآن کریم توسط عالم برجسته و فقیه شیعی نامدار، "مقداد بن عبدالله سیوری حلی" معروف به "فاضل مقداد" نگاشته شده است که همواره محل رجوع اهل تحقیق بوده است. ایشان در باب آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل معتقدند که آیات شریفه بر چند نکته دلالت می‌کنند: ۱- مباح بودن استفاده از عسل، ۲- عسل، شفا‌دهنده از بیماری‌های گوناگون است؛ زیرا «شفاء» در مقابل «مرض» ذکر می‌شود و در قرآن نیز بیان شده است که: «وَ إِذَا مَرَضَتْ فُهْوُ يَشْفِين» (شعراء/ ۸۰)؛ یعنی هنگامی که بیمار

حضرت (ع) در مورد تبی که به‌طور متناوب رخ می‌دهد و پیوستگی دارد پرسیده شد؛ حضرت در پاسخ فرمودند: «مقداری عسل و سیاه‌دانه تهیه کرده و به‌میزان سه انگشت تناول می‌شود؛ زیرا این دو تب را از بین می‌برند و هردوی آنها پربرکت و شفا‌دهنده هستند؛ چه اینکه خداوند متعال در مورد عسل فرموده است: «از شکم زنبور شرابی که رنگ‌های آن مختلف است خارج می‌شود که در آن شفای مردمان وجود دارد». ۴- از پیامبر گرامی اسلام (ص) منقول است که حضرت درباره عسل فرمودند: «لَا تَرُدُّوا شَرِبَةَ عَسَلٍ مَنْ أَتَاكُمْ بِهَا» (صحیفه‌الرضا، ۱۴۰۶، ۵۴). هرکسی به شما عسل هدیه کرد، آن را رد نکرده و عطای وی را بپذیرید. ۵- از حضرت امیرالمؤمنین (ع) روایت شده است که ایشان فرمودند: «ثَلَاثٌ يَذْهَبْنَ بِالْبَلْغَمِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ وَ اللَّبَّانُ وَ الْعَسَلُ» (کوفی، ۱۴۳۴، ۲۴۱؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ۴/ ۲۶۱؛ راوندی، ۱۴۰۷، ۱۵۱).

سه چیز حافظه را گسترش داده و بلغم را از بین می‌برد؛ خواندن قرآن، خوردن عسل و همچنین کندر. ۶- امام باقر (ع) از پدر بزرگوارشان امام جعفر صادق (ع) نقل کرده‌اند که: «جَاءَ رَجُلٌ إِلَيَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) فَقَالَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ بِي وَجَعٌ بَطْنٍ فَقَالَ لَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) لَكَ زَوْجَةٌ- قَالَ نَعَمْ قَالَ اسْتَوْهَبِ مِنْهَا طَيِّبَةً نَفْسَهَا مِنْ مَالِهَا- ثُمَّ اشْتَرِ بِهِ عَسَلًا ثُمَّ اسْكُبْ عَلَيْهِ مِنْ مَاءِ السَّمَاءِ- ثُمَّ اشْرِبْ فَإِنِّي أَسْمَعُ اللَّهَ يَقُولُ فِي كِتَابِهِ وَ نَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا وَ قَالَ يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۲۱/ ۲۸۵). شخصی نزد امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) آمده و از درد شکمش به ایشان شکایت نمود. حضرت (ع) فرمودند: آیا همسر داری؟ عرض کرد: بله. حضرت فرمود: از او بخواه تا وی با رضایت کامل بخشی از مهریه‌اش را به تو ببخشد؛ سپس با آن عسل خریداری کن، و بعد از آب باران روی آن بریز و مخلوط کرده و



امراض، مباح و جایز است؛ زیرا مباح نمودن خاص، به‌علتی، مستلزم اباحه خاص دیگری است که در آن خاص این علت یافت شده باشد، جز در مواردی که نهی ویژه از آن آمده باشد؛ مثل سخن رسول خدا (ص) که فرمودند: «در امور حرام شفا وجود ندارد» (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۲/۳۱۴). از نظر فاضل مقداد آیه دارای فوایدی نیز بوده و نکاتی از آن به‌شرح ذیل استخراج می‌شود: ۱- «وحي» در آیه شریفه در معنی الهام است و گاهی نیز گفته شده است که به‌معنای اشاره است؛ مثل سخن خداوند که می‌فرماید: «فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً»^{۱۹} و گاهی نیز در معنای اسرار می‌باشد؛ همانند سخن خداوند که می‌فرماید: «يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا»^{۲۰}؛ لذا باید توجه داشت که وحی در معنای حقیقی آن، همان وحیی است که به انبیا می‌شود و معنایی که جامع این تعبیرات متفاوت است عبارت است از القای چیزی به دیگری به‌صورت پنهانی و سری. ۲- واژه «من» در «من‌الجبال» برای تبعیض است، یعنی از برخی از کوهستان‌ها و برخی از درختان و برخی از داربست‌ها؛ و وجه تسمیه خانه زنبور به بیت به‌جهت شباهت آن به خانه‌هایی است که توسط آدمیان ساخته می‌شود زیرا در خانه‌های زنبوران حسن صنعت و دقتی به‌کار می‌رود که مهندسان حاذق نیز قادر بر چنین طراحی دقیق نمی‌باشند و گاهی برخی از مهندسان ماهر هم نمی‌توانند

می‌شوم، خداوند است که مرا شفا می‌بخشد» و سخن پیامبر گرامی اسلام (ص) این دیدگاه را تأیید می‌کند که می‌فرمایند: «شفای امت من در سه امر است: آیه‌ای از قرآن، حجامت و قسمتی از عسل». در شرح حدیث مذکور، فایده‌ای است و آن اینکه پیامبر مکرم اسلام (ص) خبر داده است که شفای امت در این سه امر می‌باشد. اما آیه‌ای از قرآن مشخص است که آیه تأثیری در دل‌ها دارد و هر آنکه واجد بصیرت باشد، نمی‌تواند به انکار چنین حقیقتی بپردازد. در مورد عسل نیز باید گفت عسل به‌همراه ادویه گرم، از بلغم شفا می‌دهد و گاهی یکی از این سه مورد، در رفع درد کافی می‌باشند. عسل به‌همراه ترش‌جات، شفابخش صفرها هستند و به‌همراه روغن‌ها، شفابخش سوداء خواهند بود. برخی از عالمان تصریح کرده‌اند که کمتر معجونی یافت می‌شود که وقتی پزشکان آن را ترکیب می‌کنند، خالی از عسل باشد و در روایت نیز آمده‌است که: «شخصی به پیامبر اسلام (ص) گفت: برادرم از درد شکمش نالان است. حضرت فرمودند: به او عسل بنوشان، سپس وی رفت و برگشت و گفت: به او عسل خوراندیم؛ لکن وی را نفعی نبخشید؛ حضرت مجدداً فرمودند: به او عسل بده، زیرا خداوند راست گفته و شکم برادرت دروغ گفته است. پس او دوباره به برادرش عسل داد و سپس وی بهبود یافت. ۳-

۲۰ اشاره به آیه ۱۱۲ سوره انعام است که خداوند می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ». اینگونه در برابر هر نبی، دشمنی از شیاطین انسان و جن قرار دادیم؛ ایشان به‌طور سری و پنهانی سخنان اغفال‌کننده و بی‌پایه به یکدیگر می‌گفتند؛ و اگر خداوند اراده می‌کرد نمی‌توانستند چنین کنند.

۱۹ آیه مذکور در باب گفتگوی حضرت ذکریا با خداوند متعال است که در ضمن آیات اول تا یازدهم سوره مریم آمده است: «يَا زَكَرِيَّا إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ اسْمُهُ يَحْيَى لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ قَبْلُ سَمِيًّا... فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا». ای زکریا! ما تو را به پسری بشارت می‌دهیم که اسمش «یحیی» است؛ و پیش از این، همنامی برای وی قرار ندادیم... پس زکریا از محراب عبادت خویش به‌سوی مردم خاج شده و با اشاره به ایشان گفت: (به شکرانه این نعمت) صبحگاهان و شامگاهان خداوند متعال را تسبیح بگویید!.



می‌گوید علت اینکه خداوند تولید عسل را به بطن زنبور عسل منتسب کرده است؛ درحالی‌که عسل از دهان وی خارج می‌شود، این است که محل تکوین عسل شکم زنبور بوده و خداوند درصدد بیان این بوده‌است که این‌گونه پنداشته نشود که تولید عسل به بطن زنبور ارتباطی نمی‌یابد. صاحب مجمع‌البیان از "مجاهد" نقل می‌کند که ضمیر در «فیه» به قرآن بازگشت دارد؛ وجه آن نیز این است که چون در قرآن حلال و حرام الهی بیان شده است، آدمیان می‌توانند از آن به‌عنوان شفا بهره‌جویند؛ لکن از نظر طبرسی تفسیر اول در نزد غالب مفسران پذیرفته‌تر بوده و همان نیز قوی است؛ چراکه ذکری از قرآن در آیه مطرح نشده است. طبرسی در ادامه گوشزد می‌کند که در زنبور و عسلی که از وی استحصال می‌شود، عبرت‌های فراوانی وجود دارد (طبرسی، ۱۳۷۲، ۶/۵۷۴).

۳-۴- دیدگاه صاحب‌المیزان

بی‌تردید تفسیرالمیزان یکی از تفاسیر برجسته‌ای است که از صدر اسلام تاکنون نگاشته شده است. یکی از ویژگی‌های مهمی که باعث برتری تفسیرالمیزان بر دیگر کتب تفسیری شده است، شیوه و سیره تفسیری علامه طباطبایی در سرتاسر این کتاب ارزشمند است که از آن به تفسیر قرآن به قرآن یاد می‌شود و در نوع خود، کم‌نظیر یا حتی به تعبیر برخی بی‌نظیر است. شیوه‌ای که علامه در تفسیر شریف‌المیزان از آن بهره‌گرفته، شیوه تفسیر قرآن به قرآن یا همان تفسیر آیات به آیات است؛ بدین‌معنا که قرآن را با خود قرآن تفسیر می‌کند. از شهید مطهری منقول است که تفسیرالمیزان، یکی از بهترین تفاسیری است که برای قرآن مجید نوشته شده است و حتی ادعا شده این تفسیر بهترین تفسیری است که در میان شیعه و سنی از صدر اسلام تا امروز نوشته شده است. شهید مطهری معتقد بود که این تفسیر همه‌اش با فکر نوشته

چنین نقشه‌هایی را ترسیم نمایند. ۳- «يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا»؛ در این عبارت، خطاب از زنبور عسل به سوی مردم تغییر یافته است؛ زیرا خداوند در مقام احسان به آدمیان است. «إِنَّ فِي ذَلِكَ»؛ یعنی در تواناسازی زنبوران به ساختن خانه‌های مستحکم و تبدیل غذاهای تلخ به عسل گوارا و شیرین و رنگارنگ، نشانه‌های محکمی است بر وجود خالق قادر و حکیم و قدرتمند و مسلط به جزئیات و کلیات امور عالم و تدابیر آفرینش، برای آنهایی که اهل تفکر و اندیشه باشند (فاضل مقداد، ۱۴۲۵، ۲/۳۱۵).

۲-۴- دیدگاه صاحب مجمع‌البیان

مجمع‌البیان که در زمره مهم‌ترین تفاسیر شیعی قرآن کریم محسوب می‌شود به قلم مبارک مرحوم طبرسی، اندیشور شهیر شیعی نگاشته شده است. این تفسیر توسط عامه و خاصه ستوده شده و از آن به‌عنوان یکی از منابع کهن تفسیری یاد شده است. پژوهشگران، اهمیت این کتاب را در جامعیت، استحکام، ترتیب دقیق، و ارائه تفسیر روشن و سودمند دانسته‌اند. طبرسی در تفسیر آیات پیشگفته نحل، ابتدا ذکر کرده است که مقصود از به‌کارگیری تعبیر وحی در مورد زنبور عسل، همانا الهام و هدایت غریزی این موجود است و علت اینکه در مورد وی، فعل امر استفاده شده است، علی‌رغم اینکه زنبور فاقد قوه تعقل است و غیرعاقل را نمی‌شود امر نمود، این است که چون در مورد زنبور عسل تعبیر وحی به‌کار گرفته شده، سپس امر نیز متعاقب آن آمده و این تعبیر گونه‌ای از توسعه در استعمال محسوب می‌شود. استفاده از تعبیر الوان مختلف نیز بدین جهت است که عسل در برخی موارد سفید بوده و در پاره‌ای موارد زردرنگ و در بعضی مواقع نیز به رنگ سرخ است؛ چه اینکه زنبور از گل‌هایی با رنگ‌های گوناگون تغذیه می‌نماید؛ لذا عسلی که توسط وی تولید می‌شود دارای رنگ‌های مختلف است. طبرسی در ادامه



زمینه نگاشته شده است، پیگیری نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۱۲/۲۹۳).

۴-۴- دیدگاه تفسیر نمونه

یکی از تفاسیری که در عصر حاضر و با دغدغه پرداختن به مسائل نوین و مستحدثه به رشته نگارش درآمده است تفسیر نمونه می‌باشد. از آنجایی که در قرآن آیات بسیاری در باب شناخت طبیعت و تفکر در آن و خلقت آدمیان و ... وجود دارد، صاحب این تفسیر کوشیده است در پرتو یافته‌های روز به تبیین این آیات بپردازد تا از این رهگذر اعجاز علمی معجزه جاویدان پیامبر ختمی مرتبت را اثبات کند؛ لذا طبیعی است که در باب آیات مورد بحث نیز در این تفسیر به تفصیل بحث شده است. در تفسیر مذکور اشاره شده است که در عصر حاضر زیست‌شناسی زنبوران عسل به‌دقت از سوی دانشمندان مورد مطالعه قرار گرفته و اثبات گردیده است که این موجود شگفت‌آور از چنان مدنیت و زندگی اجتماعی شگفتی‌آوری برخوردار است که از جهات عدیده بر تمدن انسانی و زندگی مدنی انسان برتری دارد. قرآن حکیم نیز به‌طرز اعجاز‌آوری با لفظ «وحی» به این موضوع اشاره نموده است، تا این واقعیت را آشکار نماید که نحوه زیست زنبوران عسل را هرگز نباید با سایر حیوانات و حشرات مقایسه نمود و شاید همین انگیزه‌ای باشد در جهت اینکه به درون جهان اسرارآمیز این موجود شگفتی‌زا گام گذاشته و از این رهگذر به عظمت و قدرت خالق بیشتر توجه نمائیم. سپس به شگفتی موجود در خانه‌سازی زنبوران پرداخته شده و تصریح شده است که ساختمان شش‌ضلعی زنبوران عسل که شاید میلیون‌ها سال است به‌همین منوال در اقصی نقاط جهان ادامه دارد، از غریب‌ترین برنامه‌های زندگی آن‌ها محسوب می‌شود و حتی شاید از ساختن خود

نشده است و بسیاری از مطالب آن از الهامات غیبی است. علامه طباطبایی در تفسیر گرانسنگ خود پس از توضیحی مبسوط در باب کیفیت وحی به زنبورعسل و تبیین معانی گوناگون وحی، معنای فرموده خداوند متعال را که می‌فرماید: «وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ» اینگونه تفسیر کرده است که خدای حکیم به زنبورعسل توسط غریزه‌ای که در وی به ودیعت گذاشته است الهام نموده است. ایشان معتقدند ماجرای زنبور عسل و نظاماتی که در زیست وی مشاهده می‌شود، مسئله‌ای شگفت و حیرت‌آور است و چه‌بسا همین نظام شگفت باعث گردیده که خداوند خطابش را از مشرکان بازگردانده و رسول خدا (ص) را مخاطب خویش قرار دهد: «وَ أَوْحَى رَبُّكَ...». علامه معتقد است سخن خداوند که می‌فرماید: «ثُمَّ كَلِمَةٍ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»، یعنی دستور به اینکه زنبورعسل از تمامی میوه‌ها استفاده کند، با آنکه زنبورعسل میوه نمی‌خورد و معمولاً روی گل‌ها نشسته و از آنها تغذیه می‌کند، این امر بدان جهت است که تغذیه زنبور از مواد اولیه همان میوه‌ها می‌باشد که در شکوفه‌ها جای گرفته و هنوز ثمر نداده است. همچنین عبارت: «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ»، جمله‌ای مستأنف می‌باشد که بعد از امر ذکر شده، ثمره وی را در فرمانبرداری دستور خداوند متعال ذکر می‌کند؛ و آن ثمره عبارت است از اینکه از بطن وی شراب مصفایی تحت‌عنوان عسل استحصال می‌شود که رنگ‌های گوناگون دارد. علامه در انتها بحث را چنین جمع‌بندی می‌کند که بحث تفصیلی در باب زنبورعسل که زیست شگفت و غریبی دارد؛ همچنین بحث در مورد خواص و شگفتی‌های عسل، از حوصله تفسیر ایشان خارج بوده و باید این مقوله را در کتاب‌های مفصلی که در این



می‌شود و دومرتبه زنبور، عسل ساخته شده را از بدن خود بیرون می‌فرستد. یکی از موارد اعجاز آیه از نظر تفسیر نمونه این است که سوره نحل، از جمله سور مکی است و می‌دانیم در منطقه مکه، گل و گیاهی وجود نداشته و زنبوران عسل نیز در آن منطقه وجود ندارد؛ لکن خداوند حکیم با چنین دقتی خاص از آن سخن رانده و با تعبیر شگفتی مثل «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ»، به جزئیات فرایند تولید عسل اشاره کرده است. در ادامه پاره‌ای از خواص غذایی و طبی عسل بیان شده و به یافته‌های دانشمندان اشاره شده است که تصریح کرده‌اند زنبوران به‌هنگام ساختن عسل آنچنان شگفت عمل می‌نمایند که خواص درمانی و دارویی گیاهان کاملاً به عسل منتقل می‌شود. برخی از خواص عسل مطابق آنچه در این تفسیر آمده است به‌ترتیب ذیل است: ۱- عسل سریع جذب خون شده و به‌همین جهت نیروبخش است و در خون‌سازی به‌شدت مؤثر است. ۲- مصرف عسل از ایجاد عفونت در معده و روده جلوگیری می‌کند. ۳- عسل بیوست را از بین می‌برد. ۴- عسل برای افرادی که دیر به‌خواب می‌روند بسیار تأثیرگذار است. ۴- عسل در جهت رفع خستگی و فشردگی عضلات مؤثر است. ۵- عسل در زنان باردار موجب تقویت شبکه عصبی می‌شود. ۶- عسل کلسیم خون را بالا می‌برد. ۷- عسل در تقویت دستگاه گوارش بسیار مفید است. ۸- عسل در تقویت قلب و امراض ریوی مؤثر است. در پایان به برخی دیگر از خواص عسل اشاره شده است؛ از قبیل اینکه عسل فسادناپذیر بوده و از مواد غذایی که همیشه تازه و زنده هستند به‌دست ما می‌رسد و حتی ویتامین‌های خود را هرگز از دست نداده و علت این موضوع را دانشمندان وجود پتاسیم می‌دانند که در عسل به‌طور فراوان وجود داشته و مانع رشد میکروب‌ها می‌شود (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ۱۱/۳۰۷-۳۹۷).

عسل شگفت‌آورتر باشد که به چه‌سان زنبور ماده مومی مخصوص را مهیا کرده و با چه کیفیتی خانه‌های شش‌ضلعی را با ظرافت و مهندسی خارق‌العاده طراحی می‌کند؛ زیرا اساساً برای استفاده بهینه از یک سطح به‌نحوی که هیچ بخشی از آن، هدر نرود و یا زوایای تنگ و تاریک نیابد، شیوه‌ای نیکوتر از انتخاب خانه‌های شش‌ضلعی با زوایای مساوی نیست. در این تفسیر از قول برخی از دانشمندان آمده است که تاکنون ۴۵۰۰ نوع زنبورعسل وحشی شناخته شده‌اند؛ ولی شگفتی در آن است که جملگی آن‌ها یک مدل مهاجرت و کندوسازی و مکیدن و تغذیه از گل‌ها را دارند. همچنین بیان شده است که نتایج تحقیقات برخی زیست‌شناسان از قبیل مترلینگ حکایت از آن دارد که همین امروز اگر خلقت زنبورعسل (اعم از وحشی و اهلی) از بین رود، بیش از صد هزار نوع از گیاهان و گل‌ها و میوه‌ها از بین می‌رود و اصولاً از کجا معلوم که تمدن نیز از میان نرود! اصولاً تمدن ما از بین نرود؟ (زیرا نقش زنبوران عسل در انتقال گرده‌های نر گل‌ها و بارور ساختن گیاهان ماده و به‌دنبال آن پرورش یافتن میوه‌ها آنچنان قابل توجه و چشمگیر است که برخی از دانشمندان حتی آن‌را از ساختن عسل نیز مهم‌تر دانسته‌اند). تفسیر مذکور در ادامه به شگفتی‌های عسل به‌عنوان یک ماده‌غذایی بسیار پرخاصیت پرداخته و بیان می‌کند که شاید هنوز بسیاری از اشخاص چنین بپندارند که برنامه کار زنبوران عسل این است که شیره گل‌ها را مکیده و در دهان خود جمع نموده و در کندو ذخیره کنند؛ حال آنکه در واقع چنین نیست و واقعیت این است که آنها شیره‌های گل‌ها را به برخی از حفره‌های درون بدن خود که زنبورشناسان به آن چین‌دان می‌گویند فرستاده و در آنجا که به‌منزله کارخانه کوچک مواد شیمیایی است تحولات مختلفی یافته و شهد گل‌ها به عسل تبدیل

**۵- نتیجه‌گیری**

و ۶۹ سوره نحل، راجع به سلوک زنبور عسل و نحوه زیست و نیز شفا بخشی فرآورده‌ای که از وی استحصال می‌شود سخن به میان آورده است. با توجه به تأکیدات قرآن، بازتاب این امر در روایات مأثوره از اهل بیت عصمت و طهارت به عنوان آشنایان حقیقی به معارف قرآن کریم و نیز آرای مفسران مسلمان دیده می‌شود. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد هم در روایات و هم در خلال کلمات مفسران، به کیفیت تهیه عسل توسط زنبور و خواص غذایی و درمانی آن اشاره شده و ویژگی‌های فراوانی برای عسل ذکر شده است.

در قرآن مجید که معجزه جاویدان پیامبر خاتم محسوب می‌شود، خداوند بشریت را به مطالعه در کتاب طبیعت و پی‌بردن به رموز و اسرار به ودیعت نهاده شده در آن دعوت می‌کند. یکی از مواردی که در قرآن با تعابیر شگفتی از آن یاد شده است، مربوط به زندگی و فرآورده زنبور عسل است. اهمیت این مطلب تا جایی است که سوره‌ای از سوره شریفه قرآن با نام «نحل» نامگذاری شده است. خداوند در خلال آیات ۶۸

منابع

۱. قرآن کریم
۲. برقی، ابوجعفر، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱ش): «المحاسن»، قم: دار الکتب الإسلامية.
۳. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق): «وسائل الشیعه»، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۴. حرّ عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق): «هدایة الأئمة إلى أحكام الأئمة-منتخب المسائل»، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.
۵. راوندی، قطب‌الدین، سعید بن عبدالله (۱۴۰۷ق): «دعوات الراوندی- سلوة الحزین»، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۶. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو.
۸. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۱ش): «تفسیر عیاشی»، تهران: مکتبه الاسلامیه.
۹. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۲۵ق): «کنز العرفان فی فقه القرآن»، قم: انتشارات مرتضوی.
۱۰. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۱. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق): «الکافی»، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۲. کوفی، محمد بن محمد اشعث (۱۴۳۴ق): «الجغریات-الأشعثیات»، تهران: مکتبه نینوی الحدیثه.
۱۳. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق): «بحار الأنوار»، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۱۴. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق): «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، بیروت: مؤسسه آل‌البیت.
۱۵. مغربی، ابوحنیفه، نعمان بن محمد تمیمی (۱۳۸۵ش): «دعائم الإسلام»، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامية.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق): «کتاب النکاح»، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب.
۱۸. منسوب به امام رضا، علی بن موسی علیهما السلام (۱۴۰۶ق): «صحیفة الرضا»، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام.

پژوهشی پیرامون آیه چهارم سوره مدثر «وَتِيَابِكَ فَطَهَّرُ» در آئینه روایات و تفاسیر شیعی

علی محمدیان^۱ و بتول سلحشور^۲

استادیار دانشگاه بزرگمهر قائنات (نویسنده مسوول: alimohamadian64@gmail.com)
دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

رعایت بهداشت جسم از جمله مسائلی است که نقش مهمی در ارتقای سلامت و تندرستی فرد و جامعه دارد و در تمامی ادیان الهی مورد توجه واقع شده است. بر کسی پوشیده نیست که در تعالیم مترقی آیین مبین اسلام، نظافت و آراستگی ظاهری و پاکی از آلودگی‌ها، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده و بسیاری از آموزه‌های آن در ارتباط با حوزه بهداشت و صورت‌های گوناگون آن می‌باشد؛ بایستگی این مسئله در شریعت مقدس اسلام به اندازه‌ای است که پاکیزگی در لسان روایات، نشانه دین‌دار بودن و جزئی از ایمان تلقی شده است. با عنایت به اهمیت موضوع، جستار حاضر، آیه چهارم سوره مدثر «وَتِيَابِكَ فَطَهَّرُ» را، که ظاهر در نظافت و آراستگی ظاهری است، مورد مطالعه قرار داده و ضمن بیان روایات تفسیری که در ذیل آیه وارد شده‌اند، با اشاره به نظر برخی از اندیشه‌وران برجسته امامی مذهب در باب مفاد آیه، معنای آن را تشریح نموده است.

واژه‌های کلیدی: طهارت، پاکیزگی، ثیاب، آیه ۴ سوره مدثر.

۱- مقدمه

طهارت و پاکی بدن از مهم‌ترین مقاصد و غایات شریعت شمرده می‌شود؛ به نحوی که هر فرد مسلمانی که التزام به انجام امور دینی و عبادی خود دارد، در هر شبانه‌روز دست کم چندین مرتبه به شستشوی سر و صورت و دست خویش به‌عنوان وظیفه شرعی مبادرت می‌نماید. نظافت به‌منزله اولین راه برای نیل به سلامت جسم در آموزه‌های دینی آن‌چنان مطرح می‌شود که به مثابه جزئی از ایمان در دستور قرار گرفته (نوری، ۱۴۰۸، ۱۶/۳۱۹؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۴۸/۵۹) و بر بهداشت دهان و دندان آن‌چنان تأکید می‌شود که مسئله مسواک‌زدن به‌عنوان دستور مستحب مؤکد در میان آموزه‌های شریعت، خود را به‌عنوان بخشی از آداب و سنن وضوی شرعی قرار می‌دهد (همدانی، ۱۴۱۶، ۳/۱۴۸؛ خمینی، بی‌تا، ۱/۱۵۵). با عنایت به اهمیت بحث و تأکید و اهتمام شدید شریعت بر لزوم رعایت بهداشت و طهارت، تحقیق حاضر می‌کوشد پیرامون آیه

جایگاه و اهمیت بهداشت در تعالیم دین مبین اسلام و آموزه‌های وحیانی بر کسی پوشیده نیست و شارع حکیم پیرامون رعایت بهداشت جسم نکات ارزشمندی را بیان کرده است. بهداشت که در معنای حفظ صحت و سلامت به‌کار می‌رود به مجموعه فعالیت‌ها و اموری که برای افزایش صحت و تندرستی و بالا رفتن قدرت فرد و جامعه انجام می‌پذیرد اطلاق می‌شود که جامع تمامی دانش‌ها و شیوه‌هایی می‌باشد که به تندرستی فرد و جامعه یاری می‌رساند. آموزه‌های شریعت به مسئله بهداشت در صورت‌ها و انحاء گوناگون آن توجه داشته و بسیاری از تعالیم آن، حوزه بهداشت بدن و بهداشت روان را در برمی‌گیرد. این مسئله در آموزه‌های دینی از چنان اهمیت شایانی برخوردار است که اولین کتاب مورد بحث در کتب رایج فقهی، با مبحث طهارت آغاز می‌گردد و مسئله



حرام معرفی کرده و دستور داده تا از زندگی و مصرف انسان بیرون رود. همچنین خداوند کسانی را که مواهب پاکیزه و سالم و سازگار با طبع انسان را حرام بشمارند، به‌عنوان افترا زندگان به خداوند مورد توبیخ و سرزنش قرار داده تا این معنا را به آدمیان تفهیم نماید که هر چیز پاک و پاکیزه حلال است و نمی‌توان آن را حرام دانسته و از محدوده بهره‌وری انسان خارج کرد (اعراف/۳۲). همچنان‌که اشاره شد در بینش و حیانی، پاکی و بهداشت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ لذا خداوند هدف از تشریح قانون غسل جنابت و وضو را پاکیزه‌شدن اهل ایمان شمرده است تا مؤمن از نظر بدنی از بهداشت بهره‌مند باشد (مائده/۶). بهداشت در مسائل زناشویی از دیگر مواردی است که قرآن بدان پرداخته و بر آن تأکید دارد. از این‌رو دستور می‌دهد که از مقاربت با همسران خویش در هنگام قاعدگی پرهیز کنند تا آسیبی به‌خود و همسر نرساند (بقره/۲۲۲). بهداشت در عبادت از دیگر تأکیدات قرآن است؛ لذا در آموزه‌های آن، عبادت ارتباط تنگاتنگی با طهارت و نظافت و بهداشت دارد (بقره/۱۲۵) و برای ورود به مسجدالحرام و انجام مناسک طواف و حج لازم است شخص خود را تطهیر کند (حج/۲۹)؛ و همچنین برای هر عبادتی خداوند فرمان داده است تا شخص خود را طاهر کرده و با پاکیزگی به عبادت بپردازد (مائده/۶). به‌رحال می‌توان گفت که بهداشت در اسلام از مهم‌ترین اصولی است که برای همگان رعایت آن لازم و ضروری است و آنچه بیان‌شد تنها گوشه‌ای از آموزه‌های قرآن در مورد بهداشت جسم و تغذیه بود و همان‌گونه که برخی از محققان تصریح کرده‌اند در باب مسائل مربوط به طهارت، دوازده آیه وارد شده است، که به‌طور مستقیم احکام و مسائل

چهارم سوره مدثر، یعنی آیه «وَوَيْبَاكَ فَطَهَّرْ»، که ظاهر در طهارت جسمی و ظاهری است بحث کرده و مواضع روایی و تفسیری آیه مذکور را تبیین نماید. البته پیش از این امر شایسته است دورنمایی از جایگاه بحث طهارت و نظافت در کتاب وحی ارائه شود.

۲- جایگاه طهارت و نظافت در قرآن

خداوند حکیم در آیه صدم سوره شریفه مائده با طرح پرسشی کوشیده است تا مؤمنان را به اهمیت خاص بهداشت توجه دهد و با بیدار کردن وجدان انسان‌ها، وی را به ارزش آن آگاه سازد؛ لذا خداوند از آدمی سؤال می‌نماید که آیا زشتی‌ها با پاکی‌ها برابرند؟ باید گفت آیه مذکور اگرچه می‌تواند به طهارت و امور باطنی اشاره داشته باشد؛ لکن حتی پذیرش این نکته به‌معنای این نیست که نتوان معنای دیگری نیز از آیه شریفه استخراج و مستفاد نمود؛ چه اینکه قرآن ذوبطون است و معانی متعددی را شامل می‌شود؛ لذا از نظر قرآن انسان پاک به‌سوی بهداشت و پاکی گرایش دارد و از زشتی و خبائث اجتناب می‌نماید. طبق برداشتی، آیه شریفه از پاکیزگی و بهداشت به‌مثابه ترازو و معیاری برای ارزش‌گذاری اشیا استفاده می‌کند و مقرر می‌دارد که کثرت خبائث دلیلی بر حقانیت آن نمی‌تواند باشد؛ بلکه ملاک و ارزش‌گذاری صرفاً می‌بایست پاکی آن باشد نه افزایش کمی آن. مطابق آموزه‌های قرآنی، طاهر و سالم‌بودن و سازگاری اشیا با طبع آدمی، شرط اساسی در بهره‌وری از فرآورده‌های زمینی بوده و انسان تنها می‌بایست از امور پاک و بهداشتی بهره‌برداری نماید (بقره/۱۶۸)؛ از این‌رو پروردگار متعال تمامی اشیا پاک و بهداشتی را حلال اعلام کرده است و چیزهایی که پلید است و یا طبع انسان آن را نمی‌پسندد و آن را پلید می‌شمارد را به‌عنوان



فقهی مربوط به نظافت و طهارت را تبیین و تشریح می‌نمایند (شهابی، ۱۴۱۷، ۱۵/۲).

۳- آداب پوشش در شریعت

از آنجاکه آیه مورد بحث سوره مدثر در باب طهارت لباس و ثیاب وارد شده است، لذا شاید بهتر باشد ابتدا جایگاه نظافت و آراستگی ظاهری و آداب پوشش به اجمال در آموزه‌های دینی بررسی شود. باید گفت شریعت انور نکات و ملاحظات گوناگونی را در باب آداب پوشش عرضه داشته است؛ از باب نمونه در برخی روایات در باب رنگ ظاهری لباس سفارشات خاصی شده است. چه اینکه رنگ لباس در سلامتی و بهجت فرد نقش مهمی دارد و یافته‌های علوم جدید نیز بر این واقعیت صحه می‌گذارند. مثلاً در روایات توصیه به پوشیدن رنگ سفید شده است. امروزه این مسئله ثابت شده است که رنگ سفید نور را برگردانده و نور جذب لباس نمی‌شود و گرم نمی‌شود. لذا همواره از جامه سفید به جامه مطلوب و مرغوب تعبیر می‌شود. در روایتی از پیامبر اسلام منقول است که حضرت فرمودند: «الْبَسُوا الْبَيَاضَ فَإِنَّهُ أَطْيَبُ وَأَطْهَرُ وَ كَفَنُوا فِيهِ مَوْتَاكُمْ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۶/۴۴۵)؛ جامه سفید به تن کنید؛ زیرا طاهر و پاک‌تر است و مردگان خود را نیز در پوشش سفید دفن نمایید. مرحوم شهید مرتضی مطهری در این باره معتقد است به جهت نظافت می‌باشد که در نخستین آیاتی که بر پیامبر گرامی اسلام (ص) نازل شده، آمده است که: «وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ». همچنین باید گفت مستحب بودن پوشیدن لباس سفید هم از جهت زیبایی ظاهری است و هم از جهت حفظ بهداشت می‌باشد؛ چه اینکه پیراهن سفید آلودگی را زودتر آشکار می‌کند و به همین امر در اخبار نیز اشارت رفته است: «الْبَسُوا الْبَيَاضَ فَإِنَّهُ أَطْيَبُ وَأَطْهَرُ». پیامبر اسلام زمانی که قصد می‌کردند نزد یاران خویش بروند در آئینه نظر

می‌کردند، موهای خویش را شانه کرده و مرتب می‌ساختند و بیان می‌داشتند که پروردگار متعال دوست دارد بندگان را هنگامی که به ملاقات برادران خویش رهسپار می‌شوند خویش را مهیا و پاکیزه سازند؛ بدین معنا که جامه سفید بر تن نمایند که زیباتر و پاکیزه‌تر خواهد بود (مطهری، ۱۳۷۶، ۱/۱۹). پوشیده نیست که همان گونه که متفکر شهید بیان داشته‌اند یکی از خصوصیت بارز سفیدی این است که کثیفی و چرک را پنهان نمی‌کند و زود کثیفی و آلودگی بر آن نمایان می‌شود؛ ولی اگر لباس تیره باشد کثیفی‌ها پنهان می‌شوند. در روایت دیگری مطابق با مضمون روایت پیشین آمده است که: «قَالَ النَّبِيُّ (ص) لَيْسَ مِنْ لِبَاسِكُمْ شَيْءٌ أَحْسَنَ مِنَ الْبَيَاضِ - فَالْبَسُوهُ وَ كَفَنُوا فِيهِ مَوْتَاكُمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۹، ۴۱/۳)؛ یعنی در میان البسه شما نیکوتر از سفید نیست؛ پس آن را بپوشید و بر مردگان خود بپوشانید. البته اینکه لباس سفید برای اموات چه منفعتی دارد بر ما مکشوف نیست و علم بشری هنوز نتوانسته است سر این قبیل احکام را کشف نماید. در روایتی دیگر در مورد امیرالمؤمنین (ع) وارد شده است که: «أَنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ لَا يَلْبَسُ إِلَّا الْبَيَاضَ أَكْثَرَ مَا يَلْبَسُ، وَ يَقُولُ: «فِيهِ تَكْفِينُ الْمَوْتَى» (حمیری، ۱۴۱۳، ۱۵۲)؛ حضرت علی (ع) همواره لباس سفید می‌پوشید و لباس‌هایش اکثراً سفید بودند و حضرت می‌فرمودند: با پوشش سفید مرده‌ها کفن می‌شوند.

۴- جایگاه آیه (وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ) در روایات

تفسیری

در ذیل آیه مزبور پاره‌ای از روایات وارد شده است؛ از باب نمونه عبدالله بن سنان از امام صادق (ع) روایت کرده است که: «عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَنَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) فِي قَوْلِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - وَ ثِيَابَكَ فَطَهِّرْ قَالَ فَشَمْرٌ» (کلینی، ۱۴۰۷،



۴۵۵/۶). مطابق روایت فوق کلمه‌ی «طهر» به معنای «شمر» یعنی کوتاه کردن است. یکی از معانی «تطهیر ثياب» کوتاه کردن آن می‌باشد که از کشیده شدن آن روی زمین جلوگیری شود؛ یعنی وقتی لباس انسان خیلی بلند باشد تا حدی که به زمین برسد، احتمال آلودگی آن وجود دارد! لذا وقتی انسان آن را کوتاه می‌کند چه از طریق انتخاب اولیه اندازه و طول آن و چه از طریق جمع کردن دامنه آن، به آن عمل «تطهیر ثياب» گفته می‌شود. بنابراین در ادبیات عرب «تطهیر لباس» به «تشمیر» آن گفته شده و مراد از تشمیر جمع کردن دامنه لباس است، جهت جلوگیری از آلوده شدن آن یا جهت راه رفتن با سرعت و یا دویدن و یا فعالیت بدنی شدید که بلندی لباس مانعی برای آن کارها می‌شود این معنا برای تطهیر لباس در احادیث متعددی ذکر شده است. صاحب لسان‌العرب در این زمینه یکی از احتمالات را اینگونه بیان می‌کند: «و ثيابك فطهر... ای قصر؛ فإن تقصیرها طهر» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۲۴۶/۱). در روایتی دیگر از روش امیرالمؤمنین (ع) وارد شده است که: «نظر امیرالمؤمنین (ع) إلی فتي مرخ إزاره فقال یا بنی ارفع إزارک فإنه أبقی لثوبک و أنقی لقلبک» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۵۹/۶)؛ حضرت جوانی را مشاهده نمودند که جامه بلندی بر تن کرده بود. حضرت به وی فرمود: ای پسر؛ جامه خود را بالا بگیر؛ چراکه این کار عمر جامه‌ات را بیشتر و درونت را صفای بیشتری می‌بخشد. مطابق همین مضمون از امام صادق (ع) نیز وارد شده است: «نظر أبو عبد الله (ع) إلی رجل قد لبس قميصاً یصیب الأرض فقال ما هذا ثوب طاهر» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۵۸/۶)؛ امام صادق (ع) فردی را مشاهده نمودند که پیراهنش به زمین می‌خورد؛ حضرت فرمودند: این لباس پاک نیست. همچنین در سیره حضرت علی (ع) آمده

است که: «کانَ أميراً للمؤمنين (ع) إذا لبسَ القميصَ مدَّ يدهُ فإذا طلعَ على أطرافِ الأصابعِ قَطَعَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۵۷/۶)؛ حضرت علی (ع) هنگامی که پیراهن می‌پوشید دست مبارکش را دراز می‌کردند، اگر آستین به انگشتان می‌رسید، آستین را می‌بریدند. همچنین از همان حضرت (ع) نقل شده است که «قالَ أميراً للمؤمنين (ع) غسَلَ الثيابَ يدهِبُ الهمَّ و الحزنَ - و هو طهورٌ للصلاةِ و تشميرُ الثيابِ طهورٌ لها- و قد قالَ اللهُ تَعَالَى وَ ثيابَكَ فَطَهِّرْ أَيُّ فَشَمِّرْ» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۴۱/۵)؛ شستن لباس اندوه و غصه را می‌زداید و آن طهور برای نماز است و بالازدن جامه، پاک‌کننده آن است و خداوند فرموده است: «و ثيابَكَ فَطَهِّرْ»؛ یعنی جامه خویش را کوتاه کن. همان‌گونه که مشاهده می‌شود روایات فوق، آیه شریفه مورد بحث را بر همان معنای طهارت ظاهری حمل کرده و از آن طهارت جسمی و فیزیکی پوشش مستفاد شده است. یکی از قرآن‌پژوهان معاصر در این زمینه می‌نویسد: «و رَبِّكَ فَكَبِّرْ. وَ ثيابَكَ فَطَهِّرْ ... ظاهراً تطهیر ثياب تطهیر معمولی است؛ یعنی خدایت را بزرگ بدان، لباس‌هایت را پاک کن و از اضطراب و سستی به دور باش. از قتاده نقل شده که مراد از ثياب، نفس است؛ یعنی باطنت را پاک گردان؛ ولی این بعید است و تطهیر ثياب و بهداشت از موضوعات اصیل اسلامی است؛ و قویاً آیه اول راجع به نماز و دومی راجع به طهارت لباس در نماز می‌باشد؛ یعنی: نماز بخوان و لباست را پاک گردان» (قرشی، ۱۴۱۲، ۲۴۴/۴).

۵- جایگاه آیه (و ثيابَكَ فَطَهِّرْ) در تفاسیر قرآنی

در ذیل دیدگاه برخی از تفاسیر شهیر و برجسته شیعی در باب تفسیر آیه چهارم سوره مدثر برای ایضاح بیشتر مطلب تقریر می‌گردد.

۱-۵- تفسیر مجمع‌البیان

مرحوم طبرسی در باب تفسیر آیه شریفه از قول قتاده و مجاهد نقل می‌کند که ایشان معتقدند: معنای آیه این است که خویشتن را از گناهان تطهیر کن و مقصود از لباس، نفس و شخص است؛ و لذا تقدیر آیه شریفه اینگونه است: (ذاتیابک فطهر) یعنی نفس و خویشتن را از معصیت تطهیر کن؛ بنابراین در آیه شریفه، مضاف که (ذا) است حذف گردیده است؛ و برخی معتقد شده‌اند: معنای آیه این است که جامه‌ها را از آلوده‌گشتن آن به گناه نیرنگ و حیلۀ تطهیر نما. زجاج معتقد است: معنای آیه این است که در کارهایت حیلۀ موزز؛ چراکه به شخص حیلۀ گر، آلوده لباس و دامن‌آلوده نیز اطلاق می‌شود. سدی معتقد است: به فردی که صالح و درست‌کار باشد پاکیزه جامه و پاک‌دامن می‌گویند و وقتی چنین شخصی معصیت‌کار باشد به او دامن‌آلوده اطلاق می‌شود. طاووس معتقد است: مقصود آیه این است که جامه‌ها را برچین و آن را کوتاه کن و از کشاندن آن بر زمین بر حذر باش و اجتناب نما؛ و وی این تفسیر را از امام صادق علیه‌السلام فراگرفته و روایت کرده است.

همچنین زجاج مطابق همین معنا می‌گوید: قصر و کوتاه‌بودن جامه از آلوده‌گشتن به پلیدی به دور است؛ چراکه وقتی جامه بلند باشد و بر روی زمین کشیده‌شود مصون از آلوده‌شدن به پلیدی نخواهد بود و ممکن است آلوده گردد. ابن‌زید و ابن‌سیرین نیز بیان داشته‌اند که مقصود آیه شریفه این است که هنگامی که جامه‌ها آلوده گشت آن را با آب که طاهر است بشوی و اثر نجاست را پاک نما؛ زیرا مشرکان هنگامی که چنین امری برای ایشان اتفاق می‌افتاد، جامه خود را نمی‌شستند و آن را به‌حال خود رها می‌کردند. همچنین از ابن‌عباس نقل شده است که در تفسیر آیه معتقد است: مراد آیه شریفه

این است که جامه‌ها از اجزای حرام‌نبوده و از راه حرام حاصل‌نشده باشد. ابی‌مسلم معتقد است: منظور آیه این است که همسران خویش را از معصیت کفر تطهیر کن تا ایشان زنانی مؤمن و صالح شوند و در عرب متداول است که به نساء و جنس زن به نحو کنایی لفظ جامه و ثیاب اطلاق می‌شود. همچنین ابوبصیر در ضمن روایتی بیان داشته است که از حضرت امام جعفر صادق علیه‌السلام شنیدم که فرمودند حضرت علی علیه‌السلام فرمودند: شستشوی پیراهن و جامه، آلوده را زایل کرده و آن پاک‌کننده خواهد بود برای نماز؛ و جمع کردن جامه، طهور و پاک‌بودن آن است برای صلات و پروردگار متعال در قرآن فرموده است (وَ ثِيَابِكَ فَطَهِّرْ) یعنی جامه‌ها را جمع کن و آن را بر روی زمین مکش (طبرسی، بی‌تا، ۵۲/۲۶).

۲-۵- تفسیر فقهی کنز‌العرفان

مرحوم فاضل مقداد در شرح آیه بیان می‌دارد که اکثر علمای شیعه معتقدند مقصود آیه شریفه، پاکیزگی از نجاست‌ها است؛ و پاره‌ای از ایشان بیان داشته‌اند: «جامه‌ها را کوتاه کن»؛ از آن جهت که جامه کوتاه از آلودگی و پلیدی مصون‌تر خواهد بود؛ و ثانیاً به جهت از بین رفتن رفتار ناپسند اعراب است که دامن جامه خویش را بلند می‌ساختند؛ به نحوی که بر روی زمین کشیده می‌گشت. برخی از مفسران معتقد شده‌اند، مراد از پاکیزه‌بودن لباس، آن است که نفس و درون و باطن را از ارجاس و پلیدی‌ها تطهیر کن. همان‌گونه که اهل زبان می‌گویند و در بین ایشان متداول است که: «فلان شخص پاک‌دامن و دل‌پاک است»؛ یعنی مراد از پاکیزگی جامه، آراستگی درون است. همچنین به نحو کنایی از چیزی که بدن انسان به واسطه آن پوشانده می‌شود تعبیر به لباس شده است. فاضل مقداد در ادامه احکام فقهی مستفاد از آیه شریفه را به بیان ذیل برمی‌شمارد: ۱- تطهیر ثوب



مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر آیه پیشگفته، ابتدا بیان می‌دارند که ظاهر معنای آیه این است که در آن دستوری برای پاک کردن لباس یا پاک نگاه‌داشتن آن صادر شده‌است؛ لذا عده‌ای از مفسران گفته‌اند که مراد پاک‌بودن لباس در نماز است. علامه طباطبائی این معنا را از قول بعضی از مفسران نقل کرده و وجهی برای آن قائل شده و گفته است که اگر این معنا موردنظر باشد مناسب است گفته‌شود که آیه قبلی یعنی «و رَبَّكَ فَكَبِّرْ» اشاره‌ای به تکبیر نماز دارد و هر دو آیه در مقام تشریح اصل نماز، همراه و هم‌زمان با شروع اصل دعوت دینی می‌باشند؛ و اینکه برخی گفته‌اند: نزول این آیات در زمانی بوده است که اصلاً نماز تشریح نشده بود نمی‌تواند ردی بر صحت این معنی باشد! چون اگرچه تشریح نمازهای پنج‌گانه روزانه در شب معراج انجام‌گرفته و در مجموع، آن نمازها ده رکعت بوده است و سپس هفت رکعت به آن‌ها اضافه شده است؛ اما اصل نماز از همان اوایل بعثت برقرار بوده است؛ همچنان‌که ذکر آن در همین سوره و دو سوره علق و مزمل شواهدی برای آن است و روایات بر آن دلالت می‌کند. البته علامه طباطبائی این نظریه را قطعی و یقینی تلقی نکرده است؛ بلکه در بحث از معنای آیه کریمه شش مورد از نظریات مفسران را ذکر کرده و این نظر فوق‌الذکر را به‌عنوان پنجمین قول آورده است: ۱- گفته شده است آیه شریفه کنایه از اصلاح عمل است و این نظر خالی از وجه نیست (یعنی می‌تواند موجه باشد)؛ چون عمل انسان به‌منزله لباسی است برای روح او؛ به‌لحاظ اینکه حامل اعتقاد او است؛ پس ظاهر، عنوان باطن است و به‌طور کثیر در کلام عرب از اصلاح عمل به پاک بودن لباس‌ها کنایه می‌آورند. ۲- گفته شده است آیه مزبور کنایه‌ای است از تزکیه نفس و پاک کردن آن از گناهان و معصیت‌ها. ۳- گفته

واجب است؛ زیرا با صیغه امر یادشده و مطابق نظر اصولیان امر حقیقت در وجوب است. ۲- طهارت جامه به‌جهت صلات واجب می‌باشد، نه اینکه به ذات خود واجب باشد (بدین معنی که چنین چیزی واجب غیر است و واجب نفسی نمی‌باشد). دلیل چنین سخنی اولاً اتفاق اصحاب امامیه است؛ و ثانیاً عبارت «و رَبَّكَ فَكَبِّرْ» خداوندت را بزرگ شمار، که قرینه است بر این امر که پاکی جامه به‌جهت نماز است، زیرا مقصود از «کَبِّرْ»، «الله‌اکبر» می‌باشد که نماز بدان آغاز می‌گردد. ۳- اگرچه در ظاهر وجوب تطهیر جامه از نجاسات، عمومیت داشته و هر نوع نجاستی را در برمی‌گیرد؛ لکن چنین عمومیتی توسط اخبار با تخصیص مواجه شده است؛ یعنی پاکی و طهارت لباس از پاره‌ای از نجاسات ضروری و واجب نیست؛ مثل اینکه در روایتی وارد شده است که خون رقیقی که میزان آن کمتر از یک درهم می‌باشد، جزو موارد عفو می‌باشد؛ و یا اینکه جراحت و دمل که خونشان جاری باشد، مورد عفو قرار گرفته است؛ و یا در وقت اضطرار که امکان درآوردن جامه از تن وجود ندارد؛ و یا جامه فرد مثل دستمال، جوراب و کلاه که به‌تنهایی نمی‌تواند لباس پوشاننده نمازگزار باشد، اگر این موارد نجس باشند، مورد عفو خواهد بود و افزون بر موارد ذکر شده، مصادیق دیگری نیز وجود دارد که مشمول عفو و رخصت شارع قرار گرفته است. ۴- پاکی جامه در غیر نماز (مثلاً از باب رعایت نظافت و بهداشت) واجب نیست و اگر با نیت آماده‌ساختن خود، برای نماز و به‌قصد تمرین کردن تطهیر، لباس خویش را تطهیر کند، چنین کاری مستحب خواهد بود (فاضل مقداد، بی تا، ۵۷/۱).

۳-۵- تفسیرالمیزان



ظاهری از مهم‌ترین علایم شخصیت و تربیت و فرهنگ آدمیان می‌باشد؛ به‌ویژه در دوران جاهلیت که مردم کمتر از آلودگی‌ها پرهیز می‌کردند و جامه‌هایی بس آلوده و چرکین بر تن داشتند؛ خاصه اینکه در بین عرب متداول بود (همان‌طور که در بین مبتلایان به جاهلیت مدرن و در روزگار کنونی نیز در برخی از فرهنگ‌های منحط معمول است) دامان پوشش خویش را بسیار بلند می‌کردند؛ به‌نحوی که روی زمین کشیده شده و آلوده می‌گشت؛ و مطابق همین‌معنا در برخی از روایات از قول معصومان علیهم‌السلام نقل گشته است که ایشان فرمودند: معنی آیه شریفه این است که جامه‌ات را کوتاه کن. برخی از مفسران نیز آیه شریفه را به همسران تفسیر نموده‌اند؛ زیرا قرآن می‌گوید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره/۱۸۷) شما پیراهن و پوشش همسران خویش هستید و در مقابل، ایشان نیز به‌مثابه جامه برای شما هستند (چراکه آبروی همدیگر را حفظ می‌نمایند و زینت یکدیگر به‌شمار می‌روید). از نظر تفسیر نمونه جمع میان این معانی مختلف امکان داشته و در حقیقت آیه شریفه اشاره به این امر نیز دارد که پیشوایان الهی وقتی قادر خواهند بود نفوذ کلمه داشته باشند که دامان ایشان از هر نوع آلودگی مبرا باشد و درستکاری ایشان از هر نظر قطعی باشد؛ و به‌همین جهت خداوند متعاقب دستور قیام و انذار، دستور پاک‌دامنی صادر می‌نماید (مکارم‌شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ۲۱۲/۲۵).

۵-۵- تفسیر «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» در این کتاب برجسته مفسر ارجمند آن ابتدا به بیان این امر می‌پردازد که سوره مدثر مکی است و از اولین سوره‌هایی است که بر نبی مکرم اسلام (ص) نازل گشته است، خطاب آیه به رسول گرامی اسلام (ص) است که جامه خویش را به‌دور خود پیچیده بودند. خداوند با خطاب قرار

شده است مراد از آن کوتاه‌کردن لباس است؛ چون در آن‌صورت از آلودگی‌ها فاصله خواهد داشت؛ اما اگر لباس بلند باشد و بر روی زمین کشیده شود، امکان آلوده‌شدن آن وجود دارد. ۴- گفته شده است مراد از آن پاک نگاه‌داشتن همسران از کفر و گناهان است؛ چون خداوند فرموده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ» (بقره/۱۸۷)؛ یعنی همسران شما لباسی برای شما هستند. ۵- گفته شده است مراد از آیه موردبحث معنای ظاهری آن است و مراد از آن پاک‌کردن لباس‌ها است. ۶- گفته شده است مراد از تطهیر لباس، تخلق و وادار کردن خود و تلاش برای به‌دست آوردن اخلاق پسندیده و ملکات فاضله است. به‌طوری‌که ملاحظه می‌شود شش قول و نظر از مفسران در معنای آیه موردبحث ذکر کرده و همه آن نظرات را به‌صورت نقل‌قول از دیگران آورده است؛ و در انتهای بحث گفته است که در معنای «تطهیر ثياب» اقوال دیگری هم وجود دارد که ما از نقل آن‌ها صرف‌نظر کردیم؛ چون امکان ارجاع آن‌ها به بعضی از وجوهی که نقل شد وجود دارد و مناسب‌ترین وجوهی که نقل شد، وجه اول و پنجم است که معنای اخیر به‌همان پاکیزگی ظاهری بازگشت دارد (طباطبایی، ۱۳۹۰، ۸۱/۲۰).

۴-۵- تفسیر نمونه

در تفسیر نمونه در باب شرح آیه شریفه آمده است که تعبیر ثياب محتمل است کنایه از عمل انسان باشد؛ زیرا عمل هر فردی به مثابه جامه او می‌باشد و ظاهر هر شخص منعکس‌کننده باطن او است. برخی معتقد شده‌اند مقصود از جامه در آیه شریفه باطن و درون آدمی است؛ یعنی ضمیرت را از هر نوع پلیدی تطهیر کن؛ یعنی در جایی که تطهیر و پاکی لباس لازم است، پاکی صاحب لباس از اولویت برخوردار خواهد بود. پاره‌ای از مفسران نیز آیه شریفه را به‌همان جامه ظاهر معنا کرده‌اند؛ زیرا طهارت لباس و پوشش



مدثر را بیان داشته و در آیه چهارم فرمود: «وَأَنْتَ يَا أَيُّهَا الْمَرْءُ الْكَافِرُ» یعنی ای رسول! لازم است جامه‌ها را تطهیر کرده و از پلیدی‌ها پاک نمائی؛ و به انضمام آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ» «در رسول خدا برای شما الگو و اسوه نیکویی وجود دارد». از اینجا آشکار می‌گردد که تنظیف ثياب چه‌میزان مورد عنایت شارع حکیم قرار داشته است که قبل از تمام برنامه‌ها و احکام اسلام صادر شده است. نویسنده کتاب مزبور در ادامه اظهار می‌نماید که طهارت و پاکیزگی لباس یکی از خواسته‌های طبیعی انسان است و لذا می‌بینیم افرادی که به مذهب خاصی نیز معتقد نیستند این نکته را در رفتار اجتماعی خویش رعایت می‌کنند (و البته همواره در بین انسان‌ها افراد بی‌بندوبار وجود داشته‌اند که برخلاف دلالت‌های بدیهی عقل و فطرت عمل می‌نمایند). در ادیان سابق نیز بر پاکیزگی تأکید فراوان رفته است. مثلاً در کتاب مقدس در مورد آداب طهارت شخصی که به‌جهت مس مردگان نجس شده است وارد شده است که: «و در روز هفتم خود را تطهیر نموده لباس خود را شسته و با آب غسل نماید...»؛ و در جای دیگر همین دستور را به اشخاصی می‌دهد که با مجروحان تماس داشته‌اند. محقق مزبور سپس به احکام مستفاد از آیه اشاره کرده و بیان می‌دارد: ۱. لباس نمازگزار باید در هنگام نماز پاک باشد (مگر در موارد خاص) و در غیر این‌صورت نماز او باطل خواهد بود. ۲. طهارت جامه شرط پاره‌ای از اعمال حج است (در برخی حالات مانند طواف و ...). ۳. پوشیدن جامه پاک برای نماز، زیارت و ورود در تجمعات مذهبی مستحب است که در این باب روایات کثیری وجود دارد. محقق در خاتمه تذکر چند نکته را لازم می‌داند: ۱. اهتمام شرایع آسمانی به طهارت لباس و دستور به پاکیزگی آن در زمره خدمات

دادن وجود مبارک ایشان می‌فرمایند: «ای آنکه جامه به‌خود پیچیده‌ای، از جای خود برخیز و آدمیان را انداز کن؛ تکبیر گفته و جامه خود را تطهیر کن». سپس مفسر مزبور بیان می‌دارند که در مورد اینکه مقصود از آیه فوق (طهارت جامه) چیست دست‌کم شش دیدگاه در میان مفسران وجود دارد: الف: مقصود همان ظاهر آیه است؛ یعنی «پاکی جامه از پلیدی برای نماز» مراد است. ب: آیه شریفه کنایه‌ای از اصلاح عمل انسان است؛ زیرا عمل به‌مثابه لباس روح و باطن است. پ: مقصود آیه شریفه طهارت نفس از معصیت‌ها است. ت: مقصود کوتاه دوختن البسه ظاهری می‌باشد؛ چراکه موجب می‌شود که لباس از پلیدی‌هایی که بر روی زمین است مصون بماند. ث: منظور تطهیر زنان از کفر و معصیت است، زیرا همسر انسان مانند پوشش و جامه انسان است. ج: مقصود آیه شریفه کسب اخلاق نیکو و شایسته است. صاحب‌اثر مزبور سپس بیان می‌دارند که صاحب‌المیزان (ره) نظر نخست و دوم را ترجیح می‌دهند؛ لکن مشکلی که ایجاد می‌شود این است که اگر آیه در باب طهارت لباس وارد شده باشد مخاطب آن رسول گرامی اسلام (ص) است؛ پس چگونه شامل بقیه مسلمانان نیز می‌گردد؛ برخی از صاحب‌نظران درصدد برآمده‌اند به اشکال مزبور پاسخ دهند و لذا مثلاً گفته شده است که در اهمیت نظافت و پاکیزگی پوشش در تعالیم اسلام همین مقدار کفایت می‌کند که نخستین برنامه اسلام بعد از اعتقاد به مبدأ و آخرت و اظهار یگانگی و عظمت پروردگار، امر به تطهیر جامه است که در روز نخست بعثت پیامبر گرامی اسلام (ص) بعد از بازگشت ایشان از غار حرا به خانه همسر خویش حضرت خدیجه، خود را پوشانیده و به‌جهت احساس سردی (به‌دلیل اضطراب و سنگین بودن امر نبوت) جبرئیل نازل شده و آیات نخست سوره



باطنی خاص که بر ما ممکن است مکشوف نباشد) نیز در نظر شارع لحاظ شده باشد (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ۳۶۵/۲-۳۶۲).

۶- نتیجه‌گیری

نظافت و حفظ پاکیزگی و پیراستگی جسم و لباس (پوشش) از منظر آموزه‌های دینی یک امر ضروری محسوب می‌شود. اگرچه تمامی ادیانی که به منبع وحی اتصال دارند در تعالیم خود بر اهمیت بهداشت و نظافت تأکید داشته‌اند؛ اما در این بین جایگاه پاکیزگی در دین خاتم به جهت کامل و جامع بودن آن بسیار چشم‌گیر و شایان توجه است؛ به طوری که گاه برای انجام امور نظافتی و طهارت، پاداش‌های اخروی شایانی قرار داده شده است که نمونه‌های کثیری از آن را در فقه عبادی می‌توان سراغ گرفت. با عنایت به ضرورت بحث، پژوهش حاضر به سراغ میراث روایی مکتوب امامیه و نیز آرای مفسران و اندیشه‌وران برجسته شیعی مذهب رفته و اهتمام به تبیین آیه چهارم سوره مدثر «وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ» نمود. رهاورد پژوهش، بیان احتمالات گوناگون در باب آیه و نیز شفاف‌سازی مفاد آیه است. آنچه می‌توان در مورد آیه شریفه بدان اذعان نمود این است که قطعاً یکی از احتمالات راجح در باب آیه شریفه همان نظافت و طهارت ظاهری می‌باشد که مورد تأکید آیین مبین اسلام نیز قرار گرفته و ثمرات و فواید کثیر دنیوی (مصون ماندن از امراض و حفظ وجاهت و اعتبار) و اخروی (از حیث لزوم طهارت برای برخی از عبادات) بر آن مترتب شده است.

بهداشتی دین به بشریت می‌باشد؛ اما از آنجاکه تنظیف و طهارت در زمره حوائج طبیعی و فطری بشریت است؛ لذا این امر نمی‌تواند اعجاز علمی شرایع آسمانی به‌شمار رود؛ بلکه یک ارشاد و تأکید بر خواسته طبیعی و فطری مفید است. ۲. اگرچه دستور خداوند به نبی گرامی اسلام (ص) یک دستور شخصی است و لذا ممکن است کسی مدعی شود که شامل بقیه نمی‌گردد؛ لکن همان‌طور که بیان شد این مناقشه وارد نیست و از چند طریق می‌توان مدلول آیه را تعمیم داد: اول: تمسک به آیه شریفه «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛ یعنی اگرچه آیه مخصوص پیامبر گرامی اسلام (ص) است اما چون ایشان (ص) اسوه دیگران است پس شامل بقیه هم می‌شود. دوم: از طریق الغای خصوصیت از پیامبر گرامی اسلام (ص)؛ یعنی در باب طهارت جامه ویژگی خاصی در شخص پیامبر (ص) نیست و حداکثر می‌توان گفت شایسته است نخست پیامبر (ص) بدان عمل نمایند. سوم: از راه روایاتی که در زمینه نظافت لباس وارد شده و ما می‌فهمیم که حکم خاص پیامبر (ص) نیست. ۳. در آیه مزبور شش احتمال وجود دارد و استفاده طهارت یکی از آن احتمالات است؛ لذا به نحو قطعی نمی‌توان ادعا نمود که آیه دلالت بر وجوب طهارت و پاکیزگی ظاهری دارد. ۴. طهارت که شرط لباس نمازگزار تلقی شده است، ثمرات بهداشتی آن می‌تواند بخشی از حکمت‌های صدور حکم قلمداد شود. اما نمی‌شود گفت که علت منحصر صدور حکم است؛ زیرا ممکن است مصالح و مفاسد دیگری (از قبیل اثرات روحی و

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق): «وسائل الشیعه»، قم: مؤسسه آل‌البیت.
۴. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ق): «قرب الإسناد (ط - الحدیث)»، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم السلام.



۵. خمینی، سید روح الله موسوی (بی‌تا): «تحریر الوسیلة»، قم: مؤسسه مطبوعات دارالعلم.
۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱ق): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» قم: کتاب مبین.
۷. شهبای خراسانی، محمود بن عبدالسلام تربتی (۱۴۱۷ق): «ادوار فقه»، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی.
۹. طبرسی، فضل بن حسن (بی‌تا): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، با ترجمه گروهی از پژوهشگران، تهران: فراهانی.
۱۰. فاضل مقداد، مقداد بن عبدالله سیوری (بی‌تا): «کنز العرفان فی فقه القرآن»، با ترجمه: عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، قم: پاساژ قدس.
۱۱. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۲. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق): «الکافی»، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۳. مجلسی دوم، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۱۰ق): «بحار الأنوار»، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۱۴. محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق): «مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل»، بیروت: مؤسسه آل البيت.
۱۵. مطهری، شهید مرتضی (۱۳۷۶ش): «مجموعه آثار»، قم: صدرا.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۱۷. همدانی، آقارضا بن محمد هادی (۱۴۱۶ش): «مصباح الفقیه»، قم: مؤسسه الجعفریه لإحياء التراث.

نظری اجمالی بر اعجاز کلام وحی از منظر علم ژنتیک

محمد رضاپور

پژوهشگر پسادکتری، دانشگاه علوم پزشکی تهران (نویسنده مسول: m.rezapour@modares.ac.ir)

چکیده

هر چند ژن‌های انسان فقط به‌عنوان بخشی از ما هستند و تمام ما نیستند و محیط، تربیت و رفتارهای معنوی ما در شکل‌گیری شخصیت‌مان نقش دارند اما نقش ژن‌های قرار گرفته در خلقت انسان بسیار مهم می‌باشند. از طرفی، موارد متعددی که در علم ژنتیک امروزه اثبات قطعی شده را می‌توان با توجه به بخشی از تفاسیر کلام وحی، قرآن کریم، پی‌برد که به آنها اشاره گردیده است. به‌عنوان نمونه، قرآن کریم به اختلاف رنگ پوست در مخلوقین در سوره مبارکه‌ی روم اشاره فرموده که در علم ژنتیک نیز از شاخص‌های «اختلاف ژنتیکی» است؛ یا مراحل خلقت و تکامل انسان که در سوره‌ی مبارکه مؤمنون مطرح شده در ژنتیک نیز مطرح می‌باشد. بدیهی است قرآن را نیازی به اثبات علمی نیست بلکه تلاش دانشمندان در فهم نکات دقیق کتاب الهی از این راه می‌باشد که امید است مقبول درگاه حضرت حق باشد. شایان گفتن است که مروری که از نکاتی مندرج در این مقاله صورت می‌گیرد، به این معنا نیست که الزاماً دانش بشری - که ویژگی متغیر بودن و در حال بازسازی قرار داشتن دارد- در انطباق با کلام عمیق و دقیق الهی قرار دارد، بلکه دانشمندان بی‌غرض، فقط ممکن است گوشه‌ای از آیات را در حد فهم خود کشف نمایند؛ همچنین برای فهم دقیق نکات مستتر در قرآن کریم، صرفاً نتایج علوم تجربی کافی نیست بلکه ضرورت دارد برای بهره‌مندی علمی از دریای بیکران کلام وحی به تفاسیر معتبری که سال‌ها مفسران متبحر و ذیصلاح برای تألیف آنها وقت گذاشته و پژوهش و ممارست تخصصی کرده‌اند، مراجعه نمود.

واژه‌های کلیدی: اعجاز قرآن کریم، علوم نوین، علم ژنتیک، کشف نکاتی از قرآن توسط دانش بشری.

که مسیر هدایت را طی می‌کنیم و خداوند حکیم، «فطرت» را برای تمام انسان‌ها قرار داده و بخشی از پیچیدگی ما انسان‌ها از لحاظ روح و روان هم به همین برمی‌گردد. اما بخشی از ژن‌های انسان‌ها و تقریباً خیلی از ژن‌های آدمی همچنان ناشناخته هستند. ما وقتی که در ساختار بیولوژیک دقت می‌کنیم، درمی‌یابیم که بخش اعظمی از اطلاعات ژنتیکی بدن ما با سفیدپوستان یک کشور دیگر یا با سیاه‌پوستان یک کشور دیگر کاملاً مشابه هستند! شاید باور بعضی حقایق در مورد خلقت ما انسان‌ها سخت باشد، اما حقیقت کاری به باور ما ندارد! مثل باران است که می‌بارد و سیل جاری می‌شود؛

ابتدا باید اشاره کنیم که ما نه در پی تفسیر کلام الهی هستیم و نه قرآن کریم نیازی به اثبات دارد؛ بلکه صحبت از رسیدن به گوشه‌ای از نکات کلام وحی الهی در علوم نوین است که در اینجا از منظر ژنتیک مورد اشاره قرار می‌گیرد. البته از منظر علوم نوین مانند داده‌کاوی^{۲۱} و متن‌کاوی هم برای تحلیل متن قرآن کریم در آثاری استفاده شده که موضوع این مقاله نمی‌باشند. نکته‌ی دیگر اینکه ژنتیک حرف آخر را نمی‌زند و تنها یک بستری است که ما براساس اختیار و اراده‌مان و طبق آموزش و تربیت محیطی که در آن قرار داشته‌ایم می‌توانیم مسیر زندگی خودمان را مشخص کنیم. در واقع این ما هستیم

۲۱ مقالاتی مانند (Rezapour M. et al., 2014) و نظائر آن که در بخش منابع قابل ملاحظه هستند.



و این صفات ثانویه‌ی خلقی و احساسی که ما دست پیدا می‌کنیم ناشی از اخلاق و تربیت یا معنویت که اثر می‌گذارند بر آن حالات اولیه و پایه ژنتیکی ما که این اثر، به اصطلاح امروز «پی ژنتیک» می‌باشد. در واقع در حوزه ژنتیک رفتاری، نقش بسیار زیادی از پی ژنتیک مطرح است؛ پی ژنتیک در واقع قسمتی هست که یک سری ویژگی‌هایی که ناشی از محیط هست را روی ژنوم انسان نقش‌گذاری می‌کند؛ این نقش‌گذاری، حالت‌های مختلفی دارد که بخشی از آنها به علت اپیلاسیون - یعنی گروه‌هایی در ژنوم انسان، موسوم به متیلن - می‌شوند و این اپیلاسیون در واقع روی ژنوم‌های انسان اثرگذاری می‌کند. در واقع، این نقش‌گذاری هم می‌تواند روی نسل‌های ما اثر بگذارد و البته تجربیاتی را هم به ارث بگذارد. انسان توانایی‌هایی دارد که قدرت بسیار زیادی را می‌تواند دربر داشته باشد. این را همه می‌توانیم درک کنیم؛ یکی به دنیا می‌آید و حافظه‌ای قوی دارد، یکی خلاق است؛ یکی تجسم خوبی دارد و حتی برخی معتقدند ۸، ۱۶، و حتی ۳۲ تا به اصطلاح استعداد در درون انسان است. شاید از همین رو است که خداوند به یکی استعداد تخیل داده، به یکی حافظه خوبی داده، به یکی خلاقیت داده، و یکی ترکیبی از اینها را از خداوند کسب کرده است. اما خداوند این فرصت را با تفویض اختیار به خود انسان عنایت فرموده که آن موجودی که می‌تواند این استعدادها را پرورش دهد - چه به لحاظ ژنتیکی و چه به لحاظ محیط جامعه - خود انسان می‌باشد. دانشمندان ژنتیک تأکید می‌کنند (شبکه قرآن، شهریور ۱۴۰۰) آنچه که امروز در صفات یک نفر مشاهده می‌کنیم «اختلاف ژنتیکی» است و یکی از این اختلافات که از قرآن کریم استنباط می‌شود اختلاف رنگ پوست می‌باشد: وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ

باران به ظرفیت ظرف‌های خالی و کوتاهی سقف خانه‌ها کاری ندارد. بپذیریم یا (خدای ناکرده) نه، خداوند برای خلقت این جهان با همه عجایب و شگفتی‌هایش، حسابی روی من «انسان» باز کرده است؛ پس بهتر است حواسمان را جمع کنیم وقتی حساب کار دست خداست. برای درک بهتر موضوع، اساساً می‌توان ژنتیک را به منزله‌ی سیستم عامل بدن در نظر گرفت؛ بدین ترتیب، ژنتیک بسیاری از صفات شخصیتی ما را تشکیل می‌دهد و براساس ژنتیک است که بسیاری از رفتار ما انسان‌ها و خلقیات مان شکل می‌گیرند. البته نقش آموزش و تربیت و عوامل بیرونی هم هستند و البته که ژنتیک، نفی‌کننده‌ی اختیار انسان نیست. از مضمون فرمایش ائمه‌ی اطهار (علیهم السلام) در اینجا استفاده کنیم که انسان در حالتی بین جبر و اختیار آفریده شده است: جمله‌ی «لا جبر و لا تفویض بل امر بین امرین» مضمون احادیث متعددی است که از اهل بیت (ع) در نقد دو نظریه نادرست جبر و تفویض بیان شده است و در حقیقت آموزه‌ای مستقل و دقیقی است که افعال اختیاری انسان‌ها را به درستی تبیین می‌کند.» (مجلسی، محمد باقر، ج ۵، ص ۲-۸۴). در واقع ویژگی‌های ژنتیکی در یک فرد به معنای واقعی، مداوم و مؤثری وجود دارند اما یک قالب منجمدی نیستند که صد درصد همه روحیات ما را در چنبره‌ی خودش گرفته باشد! یک بستری است که ما بر اساس آن بستر عمل می‌کنیم و اخلاق و رفتار و صفات و احساسات ما ذیل اختیار و اراده ما هستند و آموزش و تربیت می‌توانند برخی صفات ژنتیکی پایه‌ای ما رو تا حدودی تغییر دهند. معنویت هم همین طور است؛ یعنی معنویت‌ها می‌توانند اثرگذار باشند و برخی از اخلاقیات ما را تغییر دهند. همچنان که آموزش و تربیت همین کار رو می‌کنند. به این تغییرات

وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأْنِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ^{۲۲}. وَ يَكِي از آيات (قدرت) او خلقت آسمانها و زمين است و يكي ديگر اختلاف زبانها و رنگهاي شما آدميان، كه در اين امور نيز ادله‌اي (از صنع و حكمت حق) براي دانشمندان عالم آشكار است^{۲۳}. ما وقتي كه در ساختار بيولوژيك نگاه مي‌كنيم، بخش اعظمي از اطلاعات ژنتيكي ما با سفيدپوستان و سياهپوستان يك منطقه ديگر با سرخپوستان يك منطقه ديگر كاملاً مشابه هستند اما در بخشي از جزئيات كه سبب شده قبايل مختلف از هم تفكيك بشوند اما ساختار چربي دو نفر مختلف، يكسان باشند؛ بنا بر اين ما در حوزه درمان و فعاليت‌هاي پزشكي ديگر فرقي نيايستي كند كه اين دارو براي چه كسي ساخته مي‌شود. نکته بعدي اينكه اساس تنوع فقط تنوع ژنتيكي است و محيط در تنوع نقش دارد؛ در واقع ما در ژنتيك دو بخش كلي داريم: (الف). ژنوم و (ب). اپي ژنتيك؛ مباحث ژنتيك مي‌آيند و روي ژنوم تأثير مي‌گذارند كه مي‌شود اپي ژنتيك. از نظر ژنتيك هم DNA مي‌تواند روي آن اثر بگذارد و متيله بشود؛ يعني يك ژني كه در جايي خودش نشان مي‌دهد چه از لحاظ فزيكي چه روي با اينكه اين ژن تغيير بكند، آن اتفاقي متعاقب آن نيز تغيير مي‌كند. پس آن اتفاقي كه مي‌تواند، چه به لحاظ خلقتي و چه محيطي تأثير خودش رو بر جاي مي‌گذارد. موجودات متفاوت كه وجود دارند هر كدام از آنها ژنوم دارند و اين ژنوم، زبان مشترك بين همه موجودات مي‌باشد. اين موجودات، خلق مي‌شوند و بسياري از كدهاي ژنتيكي آنها روي شان ثبت يا نوشته شده است. يكي از - در واقع پيچيده‌ترين - ژنوم‌هايي كه ما داريم، مربوط به انسان است؛ مثلاً يك موجودي مثل گوجه، داراي تعداد ژنوم‌هاي بيشتري از انسان است. اما چگونه انسان با اين همه پيچيدگي،

ژنوم كمترى دارد؟ پاسخ اين سؤال برمي‌گردد به همان قسمت از پيچيدگي كه در «تكاملي» مطرح است. در واقع يك علت متفاوت شدن انسان‌ها از اين روست كه ژن‌ها در طي دوران تكامل و پيچيدگي‌هايي پيدا مي‌كنند. در قرآن كريم در سوره مؤمنون، آنجا كه در مورد خلقت انسان مي‌فرمايد، ابتدا بحث نطفه را مطرح مي‌كند: ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ. سپس آن نطفه را لخته خوني ساختيم، آن‌گاه آن لخته خون را به صورت پاره گوشتي [كه گويي] جويده شده درآورديم؛ پس آن قطعه گوشت را استخوان‌هايي چند ساختيم، آن‌گاه استخوان‌ها را با گوشت پوشانديم، سپس آن را آفريده‌اي ديگر ساختيم (به او حقيقت انساني بخشيديم). پس خداوند كه بهترين آفرينندگان است پرخير و بركت است. كه در ژنتيك هم اين را داريم. به‌طوريكه اگر يك نطفه قرار باشد شكل بگيرد دو تا مجموعه كروموزونيكي از اسپرم و تخمك هستند كه در رحم به يكديگر مي‌رسند و در واقع تقسيم سلولي شروع مي‌شود و اين اتفاق در رحم مي‌افتد. همچنين طبق آيات قرآن كريم در مرحله بعد «علقه» را داريم كه مانند يك توده‌ي خوني مرطوب است كه در ژنتيك گفته مي‌شود در بعضي از ژن‌ها، تقسيم سلول‌هاي متنوع شروع مي‌شود و يكسري از ژن‌ها شروع مي‌كنند به بيان شدن و ساختارها را مي‌سازند. چيزي كه جالب است قرآن مي‌فرمايد ما انسان را آفريشي بعد از آفريشي ديگر آفريديم كه در اين باره، علم ژنتيك و جنين‌شناسي بر اين موضوع تقريباً الان مي‌گويد كه اين لايه‌ها و اين تاريخي‌هاي سه‌گانه مي‌توانند به‌صورتی باشند كه در لايه‌ي اول جنين، ماده‌اي به نام «نميون» هست كه جنين در اين مايع شناور است؛ بعد از آن، پرده‌اي است



دوتا ژن نهفته معیوب به هم می‌رسند، به صورت «غالب» عمل می‌کنند و در واقع آن اختلال بروز می‌کند. در سلامت ازدواج فامیلی نیز، اگرچه حرمت شرعی وجود ندارد لیکن تنوع ژنتیکی می‌تواند منجر به یک بهبود ژنتیکی شود؛ یعنی اگر یک فردی از یک قومی است و یک نفر از یک قوم دیگر، اولاً آن نقاط منفی احتمالی هیچ آشنایی با هم ندارند و دوماً مانع ظهور بیماری‌های ژنتیکی از این طریق می‌گردد (شبکه قرآن، شهریور ۱۴۰۰). تجربیات هم می‌توانند در قالب اپی‌ژنتیک به نسل‌های بعد از انسان منتقل شوند. در علم ژنتیک، این یک بحث جدید است؛ آیا ما صفاتی رو که در طی دوران خودمون تجربه می‌کنیم می‌توانیم به نسل بعد از خودمان انتقال بدهیم و این صفات چگونه پیدا می‌شوند و این صفات در طی زندگی خودش با این صفات زندگی می‌کرده در ژنش تأثیر می‌گذارد؟ و به نسل بعدی انتقال پیدا می‌کند؟ آیا بخشی از پیچیدگی‌هایی که ما داریم به خاطر همین پیچیدگی‌ها است؟ تقریباً در علم ژنتیک آن چیزی که به ارث می‌رسد و آن چیزی که به‌عنوان ژنوم به نسل بعد میرسد دربردارنده بسیاری از صفات‌هایی است که بخشی از آنها تا به امروز شناخته شده است. بسیاری از قسمت ژنوم رو داریم که هنوز مشخص نشده چه نقشی دارند. این نقش‌های ناشناخته تقریباً در پیچیدگی علم می‌افزاید. اما سمت و سویی که ما داریم حرکت می‌کنیم به سمت آینده این است که ما قسمت‌های ناشناخته را آرام آرام به سمت شناسایی آنها می‌رویم؛ برایشان دلیل پیدا می‌کنیم و در پی فهم این هستیم که این ژن‌ها و این صفات چقدر به هم مرتبط هستند. آیا فقط جنبه ژنتیکی است؟ جنبه رفتاری مان چقدر مهم است؟ علم این‌ها را آرام آرام پاسخ می‌دهد؛ بخشی از پیچیدگی‌های ما در بخش روح و روان

به نام «کوربون» و قسمت آخر لایه‌ای به اسم «جفت» هست که به آن کیسه پرده می‌گویند و این سه لایه، مراحل دیگری دارند که در قرآن از آن یاد می‌شود مثل عظام یا دمیدن روح و غیره. ژن‌های انسان یکی یکی دارند شناخته و در قالب بحث‌های ژنتیکی بررسی می‌شوند. ما در شیعه علم داریم و به آن افتخار می‌کنیم؛ از اجتهاد شیعه می‌توان علم را به دست آورد و به آن عمل کرد. آن چیزی که در ژنتیک به روح و روان اشاره می‌نماید، گزارشاتی است که اخیراً مطرح می‌کنند آیا برخی از افراد از تمایلات مذهبی بیشتری برخوردارند؟ آیا این به ژنتیک ما هم برمی‌گردد؟ آیا بخشی از تجربیات معنوی ما از روی ژنتیک ماست؟ استدلال‌هایی شده که در این زمینه همه‌ی موضوع به ژن‌ها و ژنتیک بر نمی‌گردد؛ محیط هم اثر دارد. از گذشته تاکنون بخشی از بیماری‌های ژنتیکی قابل فهم و درمان گشته‌اند. هرچند رفتار را نمی‌شود صرفاً به ژنتیک منوط کرد، اما آنهایی که تجربیات معنوی بیشتری دارند، ممکن است در بعضی از انتقال‌های مغزی‌شان، تعداد ژن‌هایشان با بقیه متفاوت باشد. اما اینکه فقط این موضوع نقش دارد، فعلاً نمی‌دانیم؛ اما اینکه فقط ژنتیک هست، این‌گونه نیست. انسان بسیار موجود پیچیده‌ای است و علم نیاز به زمان دارد تا این پیچیدگی‌ها را کشف کند، دید بهتری را نسبت به این پدیده‌ها ترسیم کند و این‌را نشان بدهد که ژن‌های ما فقط به‌عنوان بخشی از ما هستند و تمام ما نیستند. خدای متعال در سوره‌ی مبارکه نساء، آیه ۲۳ از ازدواج با محارم و خویشاوندان نزدیک اجتناب می‌دهد؛ علم امروز هم می‌گوید که در واقع اگر یک صفت نهفته منفی در یک خاندان باشد، وقتی که مجدداً این ژن‌ها با هم ازدواج بکنند، نقاط منفی «مغلوب» که قبل از این جای ظاهر شدن نداشتند، وقتی



حدّ فهم خود کشف می‌کنند؛ همچنین برای فهم دقیق نکات مستتر در قرآن کریم، صرفاً نتایج علوم تجربی کافی نیست بلکه ضرورت دارد اگر عالمان تجربی بنا دارند از دریای بیکران کلام وحی بهره ببرند- همچنان که در هر علمی، لازم است به متخصص آن رشته مراجعه کرد- در اینجا نیز از تفاسیر معتبری که سال‌ها مفسران متبحر و ذیصلاح برای تألیف آن‌ها وقت گذاشته و پژوهش و ممارست کرده‌اند، استفاده نمود.

هم به‌همین برمی‌گردد. آیا این جهش‌هایی که ما در زندگی تحت تأثیرش قرار می‌گیریم در ژن اثر دارند؟ این بخشی است که فعلاً تقریباً شناخته‌شده نیست. چند نکته‌ی پایانی اینکه مطالبی که در این مقاله مرور شدند به‌این معنا نیستند که الزاماً دانش بشری- که ویژگی متغیر بودن و در حال بازسازی قرار داشتن را داراست- در انطباق با کلام عمیق و دقیق الهی قرار دارد، بلکه دانشمندان بی‌غرض، گوشه‌ای از آیات را در

منابع

۱. قرآن کریم
۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۵، ص ۲- ۸۴، باب اول و دوم از ابواب العدل.
۳. شبکه قرآن رسانه ملی (صدا و سیما) ج. ۱، برنامه‌ی «دمی درنگ»، شهریور ۱۴۰۰.
۴. دانشنامه اسلامی، تدوین دانشنامه از سال ۱۳۸۸، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیهم السلام
5. Rezapour, Mohammad, Mohammad Mehdi Sepehri, and Hassan Rezapour. "A data mining approach to determine better methods for learners' assessment in e-learning courses." *Management Research in Iran* 17, no. 4 (2014): 139-160.
6. Rezapour, Mohammad, Mohammad Mehdi Sepehri, Morteza Khavanin Zadeh, and Mahmood Alborzi. "A new method to determine anastomosis angle configuration for arteriovenous fistula maturation." *Medical journal of the Islamic Republic of Iran* 32 (2018): 62.
7. Rezapour, Mohammad, Elnaz Payani, Masoumeh Taran, Ali Rajabzadeh Ghatari, and Morteza Khavanin Zadeh. "Roles of triglyceride and phosphate in atherosclerosis of diabetic hemodialysis patients." *Medical journal of the Islamic Republic of Iran* 31 (2017): 80.
8. Rezapour, Mohammad, and Morteza Khavaninzadeh. "Association between non-matured arterio-venous fistula and blood pressure in hemodialysis patients." *Medical journal of the Islamic Republic of Iran* 28 (2014): 144.
9. Rezapour, Mohammad, Morteza Khavanin Zadeh, Mohammad Mehdi Sepehri, and Mahmood Alborzi. "Less primary fistula failure in hypertensive patients." *Journal of human hypertension* 32, no. 4 (2018): 311-318.
10. Rezapour, Mohammad. "Forecasting Surgical Outcomes Using a Fuzzy-Based Decision System." *International Journal of Hospital Research* 7, no. 1 (2017): 1-11.
11. Rezapour, Mohammad, Mohammad Mehdi Sepehri, M. Khavanin Zadeh, and M. Alborzi. "Data Mining Application for Detect Impacts of Infection and Hypertension on Vascular Surgery Complications." In *2th International Conference on Knowledge-Based Research in Computer Engineering & Information Technology*. 2017.
12. Khavanin Zadeh, M., M. Rezapour, E. Khavanin Zadeh, M. Balin Parast, and H. Rezapour. "The Relationship between Risk Factors of Hemodialysis Patients and Arterio Venus Fistula Maturation at Hasheminezhad Hospital." *Iranian Journal of Surgery* 22, no. 4 (2015): 54-64.
13. Sepehri, Mohammad Mehdi, Morteza Khavaninzadeh, Mohammad Rezapour, and Babak Teimourpour. "A data mining approach to fistula surgery failure analysis in hemodialysis patients." In 2011 18th Iranian Conference of Biomedical Engineering (ICBME), pp. 15-20. IEEE, 2011.
14. Rezapour, Mohammad, Somayeh Taran, Mahmood Balin Parast, and Morteza Khavanin Zadeh. "The impact of vascular diameter ratio on hemodialysis maturation time: Evidence from data mining approaches and thermodynamics law." *Medical journal of the Islamic Republic of Iran* 30 (2016): 359.
15. Rezapour, Mohammad. "Predicting Stroke in Hemodialysis Patients Using Data Mining." *Digital Transformation* 1, no. 1 (2021): 45-57.
16. Rezapour, Mohammad, and Nouredin Nakhostin Ansari. "Incidence of Stroke in Hemodialysis Patients with Central Venous Catheter: A Systematic Review." *Journal of Vessels and Circulation* 2, no. 1 (2021): 27-27.
17. Rezapour, M., Zadeh Khavanin, and M. Balinparast. "THE ROLE OF THE VASCULAR DIAMETER RATIO IN THE ARTERIOVENOUS FISTULA MATURATION TIME." *The Journal of Vascular Access* 14, no. 1.
18. Rezapour, Mohammad, Pejman Shadpour, Azam Karimi, Yeganeh Mousavi Jahromi, and Morteza Khavanin Zadeh. "Inverse effects of anemia and diabetes mellitus on non-cuffed central venous catheters longevity." *Iran J Vasc Surg Endovasc Ther* <http://ijvset.gums.ac.ir> 1, no. 1 (2021).
19. Majidi, Azin, Arman Ashrafi, and Mohammad Rezapour. "The Effect of Ferritin on Arteriovenous Fistula Survival in Hemodialysis Patients: Analyzing Using Data Mining Technique." (2021).
20. Rezapour, Mohammad, Rouhangiz Asadi, and Bahareh Marghoob. "Central Venous Catheter placement, Diabetes Mellitus and Hypertension Are Associated with Risk of Cerebrovascular Accident in Hemodialysis patients." *International Journal of Hospital Research* 10, no. 3 (2021).



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و
انگاره‌های علوم زیستی - ۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی رازی

-
21. Rezapour, Mohammad, Nouredin Nakhostin Ansari, Morteza Khavanin Zadeh, and Roohangiz Asadi. "Risk of Stroke in Hypertensive Diabetic Chronic Kidney Disease Patients after Central Venous Catheter placement." Razi Journal of Medical Sciences 27, no. 8 (2020): 0-0.

خاک، آفرینش انسان و جایگاه آن در قرآن کریم

هوشنگ خسروی

دانشیار پژوهش مؤسسه تحقیقات خاک و آب، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران
(نویسنده مسوول: hkhosravi@areeo.ac.ir)

چکیده

در آیات مختلف قرآن کریم مراحل مختلف آفرینش انسان بیان شده است. در این آیات سیاره زمین محل و منشأ آفرینش بشر عنوان شده و نسل بشر از قشر سطحی پوسته زمین یعنی خاک، خلق شده است. در قرآن کریم، واژگان مختلفی از جمله ارض، تراب، طین، صلصال، فخر و امثال آن برای ماده اولیه آفرینش انسان ذکر شده است. پروردگار متعال در آیه ۵۵ سوره طه آفرینش انسان را به این شکل بیان می‌فرماید که "شما را از خاک آفریدیم و به خاک برمی‌گردانیم و بار دیگر از خاک خارج می‌کنیم". نوع و ترکیب عناصر تشکیل‌دهنده بدن انسان و پوسته زمین نیز شباهت‌های زیادی دارند. علی‌رغم تفاوت نظریات ثبات گونه‌ها و تکامل درباره خلقت موجودات زنده با این حال این نظریات منافاتی با آفرینش انسان از خاک ندارند. در این مقاله آیات مرتبط با موضوع آفرینش انسان از خاک مرور می‌شود. از اهداف گردآوری این مقاله تبیین جایگاه خاک به‌عنوان موجودی مقدس و اهمیت آن از منظر خالق هستی و تأکید بر رعایت امانت‌داری و ممانعت از هرگونه عمل غیراخلاقی اعم از آلودگی، فرسایش، شورسازی و تخریب خاک می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: آدم، آفرینش، قرآن.

مقدمه

ثبوت، هر کدام از جانداران از جمله انسان، خلقتی مستقل داشته و از ابتدا به‌همین شکل کنونی خلق شده و هیچ موجود زنده‌ای به نوع دیگر تبدیل نشده است. با توجه به اینکه قرآن، کلام خالق هستی است، لذا صحیح‌ترین نظرات در مورد خلقت انسان را می‌توان در این کتاب آسمانی جستجو کرد. آدم واژه‌ای است که در بسیاری از زبان‌های دنیا با همین تلفظ شناخته می‌شود و ریشه آن را از زبان عبری به‌معنی ساخته‌شده از خاک و زمین ذکر کرده‌اند. خدواند متعال در آیاتی از قرآن، زمین را مکان آفرینش آدم عنوان فرموده‌اند. از جمله آیه ۷ سوره سجده که آفرینش اولین انسان (حضرت آدم) را از خاک می‌داند (بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ). در آیه ۷۹ سوره مؤمنون می‌فرمایند؛ اوست آن کس که شما را در زمین پدیدآورد و عاقبت به‌سوی او محشور می‌شوید (وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ). در آیه ۳ سوره آل‌عمران آمده است

با اینکه سخن گفتن از خلقت انسان کار آسانی نیست با این حال مطالب فراوانی توسط بزرگان و متفکران علوم دینی و فلسفه در مورد خلقت انسان به رشته تحریر درآمده است. درباره چگونگی پیدایش موجودات زنده و از جمله انسان در کره‌زمین از نظر خود انسان، دو نظریه تکامل و نظریه خلقت مستقل (ثبوت) ارائه شده است. در نظریه تکامل اعتقاد بر این است که یک موجود تک‌سلولی آغازگر خلقت کل موجودات زنده بوده‌است. این موجود تک‌سلولی از مواد بیجان در اعماق دریاها و اقیانوس‌ها بوجود آمده که با گذشت مدت زمان‌های طولانی، انواع دیگری از موجودات زنده از آن پدید آمده‌اند. داروین، در رابطه با فرضیه تکامل، اختصاصاً انسان را مشتق از میمون می‌داند. برخی شواهد فسیل‌شناسی و مطالعات ریزجانداران، با نظریه داروین همسو است. بر اساس فرضیه استقلال یا



ذکر آغاز آفرینش از همین کره خاکی وجود نمی‌داشت. از این‌رو نگارش این مقاله و مباحث آن در راستای بررسی آیات قرآن به‌عنوان معتبرترین منبع در دسترس انسان در مورد خلقت انسان از خاک تدوین شده است.

آفرینش انسان و نظریات ثبوت و تکامل

تاکنون درباره چگونگی آفرینش موجودات زنده و از جمله انسان، نظریات لامارک، نئولامارک، داروین، نئوداروین و جهش (موتاسیون)^۱ ارائه شده است. این نظریات از دو نظریه عمده نشأت گرفته‌اند. یکی نظریه ثبوت صفات گونه‌ها و آفرینش مستقل، معروف به نظریه فیکسیسم^۲ یا لامارک و دیگری نظریه تحول انواع و تغییر تدریجی صفات گونه‌ها و پیوستگی نسلی جان‌داران و تکاملی بودن حیات آن‌ها معروف به نظریه ترانسفورمیسم^۳ یا داروین است. قرآن کریم در آیات بسیاری انسان را موجودی با آفرینش مستقل معرفی نموده و دلالت بر این دارد که بشر امروزی از نسل دو نفر زن و مرد بوجود آمده‌اند و آن مرد و زن از پدر و مادری به‌وجود نیامده‌اند بلکه آدم نخستین از خاک پدید آمده است. لازم به ذکر است که اعتقاد به نظریه تکامل، به‌هیچ‌وجه به‌معنای انکار خالق و خدا نبوده و منافاتی با آن ندارد زیرا تکامل و تحول چیزی به‌چیز دیگر به قدرت خداوند حکیم طراحی شده است. داروین خود نیز تصریح می‌کند که در عین قبول تکامل انواع، خداپرست است و اصولاً بدون قبول خالق نمی‌توان تکامل را توجیه کرد. از طرفی اگرچه داروین و گروهی از طرفداران نظریه او، نژاد انسانی را به نوعی از میمون‌ها که بیش‌ترین شباهت ظاهری را به انسان داشته، منتهی می‌کنند، اما همه

که همانا شباهت خلقت عیسی در نزد خدا همچون خلقت آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او فرمود؛ موجود باش، او نیز بلافاصله موجود شد (ان مثل عیسی عندالله کمثل آدم خلقه من تراب ثم قال له کن فیکون). در بخشی از آیه ۳۲ سوره نجم اشاره شده است که او هنگامی که شما را از زمین پدیدآورد و هنگامی که در رحم‌های مادرانتان پنهان بودید به‌شما دانانتر است (هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ). بخشی از آیه ۶۱ سوره هود که می‌فرماید؛ او شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن استقرار داد (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا). در آیه ۵۵ سوره طه که می‌فرماید "شما را از این آفریدیم، و به آن باز می‌گردانیم و بار دیگر از آن بیرون می‌آوریم" که در آن "این" اشاره به زمین است (مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى). آیه ۲۴ سوره ملک نیز اشاره می‌کند که "بگو اوست که شما را در زمین آفرید و در قیامت به‌نزد او گردآورده می‌شوید" (قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ). در آیات ۱۷ و ۱۸ سوره نوح در این زمینه می‌فرماید که "و خداست که شما را مانند گیاهی از زمین برویاند باز شما را بدان بازمی‌گرداند و باز از آن بیرون می‌آورد" (وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا). در آیه ۵۳ سوره طه، ضمن اشاره به زمین، آن را مکان ایمن برای آسایش و محلی برای به‌دست آوردن روزی انسان معرفی می‌نماید (الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سَبِيلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْ نَبَاتٍ شَتَّى). در آیات مذکور بر زمینی بودن آفرینش آدم تأکید شده است و چنانچه منشأ آفرینش انسان غیر از این می‌بود دلیلی بر

3 - Transformism

1 - Mutation
2 - Fixism



طین ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ". بر اساس این آیه بین آفرینش انسان نخستین و نسل‌های بعد تفاوت قائل شده و دلالت بر این دارد که نحوه آفرینش اولین آدم با تداوم نسل او متفاوت است به طوری که اگر همه انسان‌ها از جمله حضرت آدم از ماء مهین خلق شده بودند این تفکیک توجیهی نداشت.

تعریف خاک

خاک در بین قشرهای گوناگون مردم تعاریف مختلفی دارد به طوری که جایگاه آن از موجودی مقدس تا ماده‌ای کم‌ارزش و بی‌اهمیت نوسان دارد. دانشمندان و متخصصین علوم مختلف نیز تعاریف متفاوتی برای خاک ارائه کرده‌اند. فلاسفه یونان باستان خاک را یکی از عناصر چهارگانه سازنده جهان عنوان کرده‌اند. زنوناس^۱ (۵۰۰ سال قبل از میلاد) معتقد بود که همه چیز از خاک بوجود آمده و پایان همه چیز هم به خاک ختم می‌شود. از نظر فقهی، خاک به‌عنوان یکی از پاک‌کننده‌ها و مطهرات معرفی شده است. از نظر یک مهندس معدن، خاک، لایه‌ای است که بایستی برداشته شود تا به معادن و کانی‌های مورد نظر دسترسی پیدا کرد. یک مهندس عمران، خاک را ماده زیربنایی راه و ساختمان می‌بیند. کشاورزان خاک را مکانی برای پرورش و رشد گیاهان و تولید محصولات کشاورزی و طلب رزق و روزی می‌دانند. اما در علوم خاک‌شناسی کشاورزی تعریف متفاوت و البته جامع‌تری از خاک ارائه شده است. از نظر خاک‌شناسان، خاک عبارت است از لایه چند سانتی‌متری از مواد آلی و عناصر معدنی، هوا، آب و موجودات زنده است که از سنگ‌ها منشاء گرفته و هم‌اکنون هم بر روی سنگ‌های زیرین قرار گرفته است و مکان و ماده‌ای است که گیاه قادر است بر روی آن رشد

طرفداران نظریه تکامل، این امر را نپذیرفته‌اند و اختلاف نظرهای بسیاری هم وجود دارد. به‌رحال اعتقاد به اینکه حضرت آدم (ع) طبق نظریه ثبات، مستقیماً و آنی از خاک آفریده شده و یا بر اساس تکامل تدریجی ریزجانداران تک‌سلولی طی میلیون‌ها سال به سایر موجودات و در نهایت به میمون و انسان کنونی ختم می‌شود تفاوتی در اصل موضوع نداشته و در هر دو مورد، آغازی از خاک دارد. آیات قرآن در مورد آفرینش انسان از خاک می‌تواند چنین تفسیر شود که خاک پس از طی مراحل تکاملی بعد از میلیون‌ها سال به‌صورت آفرینش کامل انسان درآمده است. بنابراین بر فرض پذیرش تکامل داروینی و اینکه انسان دارای اجداد حیوانی است منافاتی با اینکه انسان‌های موجود همه دارای پدر و مادر واحدی به نام آدم و حوا باشند ندارد. از نظر علوم خاک، خود خاک هم ماده پیچیده‌ای است که از مواد مادری و سنگ‌های زمین و در اثر عوامل مختلف بوجود آمده و در طول زمان و به تدریج تکامل یافته است. برخی نویسندگان نیز آیات قرآن را با نظریه تکامل تطبیق داده‌اند. همچنین ممکن است بین انسان‌های امروزی (فرزندان آدم) با شبه انسان‌های پیشین از نظر ویژگی‌های جسمانی و مادی شباهت‌هایی هم وجود داشته باشد، اما به هیچ‌وجه نمی‌تواند اثبات‌کننده شباهت عناصری مانند روح انسانی، معنویت، خلاقیت و ارزش‌های اخلاقی بین انسان‌های امروزی و موجودات حیوانی باشد. فیلسوف معاصر اسلامی، علامه محمدتقی جعفری نیز نظریه تکامل را فاقد ارزش و اعتبار علمی دانسته و آفرینش استقلالی خلقت که دیدگاه قرآنی دارد را تأیید می‌کند. امام علی (ع) در نهج‌البلاغه نیز به استقلال خلقت آدم تأکید دارد. آیات ۷ و ۸ سوره سجده هم آفرینش انسان را مستقل بیان می‌کند "وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ



زیرزمینی نقش مهمی دارد. تجزیه مواد توسط ریزجانداران خاک انجام می‌شود و چنانچه این امر اتفاق نمی‌افتاد زمین در مدت کوتاهی در زیر مقادیر عظیمی از بقایای گیاهان و زباله‌های تولیدی توسط انسان مدفون می‌شد. همچنین همان‌طور که بشر برای بقای خود به خاک متکی است، دوام و تکامل خاک نیز تا حد زیادی به نحوه استفاده آدمی از آن بستگی دارد. ظهور تمدن‌های بزرگ در طول تاریخ، در مناطقی که خاک خوب و حاصل‌خیز در دسترس بوده است، صورت گرفته و سقوط این تمدن‌های بزرگ همانند بین‌النهرین و دره رود نیل نیز در اثر تخریب خاک در آن مناطق اتفاق افتاده است. فرسایش خاک یکی از بزرگترین چالش‌های مدیریت پایدار خاک و از مهم‌ترین تهدیدها برای سلامت خاک و محیط زیست است. هرساله در اثر عوامل گوناگون، بیش از ۷۵ میلیارد تن خاک، از سطح کره زمین فرسایش می‌یابد. مهم‌ترین عوامل فرسایش خاک شامل آب، باد و عملیات کشاورزی است. در یک هکتار زمین غیرکشاورزی سالانه ۲ تا ۸ تن خاک در هکتار فرسایش می‌یابد و این در حالی است که در یک هکتار خاک کشاورزی تحت کشت‌وکار بین ۸ تا ۵۰ تن خاک در سال فرسایش می‌یابد. این تفاوت مربوط به نقش مستقیم فعالیت‌های انسان در از بین رفتن خاک می‌باشد. لازم به ذکر است که ایران یکی از کشورهای با حجم فرسایش زیاد می‌باشد. یکی دیگر از معضلات مرتبط با خاک‌های جهان، مسئله شورشدن است که مقدار آن حدود یک میلیارد هکتار برآورد شده است. ایران نیز یکی از کشورهایی است دارای سطح وسیعی از خاک‌های شور است. فعالیت‌های انسان نقش مهمی در روند شورشدن خاک‌ها دارد. موضوع دیگر خشکی و کم‌آبی خاک‌ها می‌باشد. آلودگی خاک با آلاینده‌های آلی همانند

خاک‌ها از نظر خصوصیات و ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی، بیولوژیک و ریخت‌شناسی متفاوت می‌باشند. جنس و ماهیت خاک‌ها از روی موقعیت اقلیمی، وضعیت آب و هوایی منطقه، پستی و بلندی زمین و جنس سنگ مادری آن‌ها تعیین و توسط استعداد آن‌ها برای رویاندن گیاهان بیان می‌شوند.

اهمیت خاک در حیات انسان و کره زمین و لزوم حفاظت از آن

خاک یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی تجدیدنپذیر بوده که برای تولید غذا و برای پایداری اکوسیستم‌ها یک ضرورت است. خاک همانند آب‌وهوا یکی از مهم‌ترین منابع طبیعی کره زمین بوده و از نظر تأمین آب و موادغذایی اهمیت به‌سزایی دارد. برای تبدیل سنگ‌ها به خاک و تشکیل یک لایه خاک کشاورزی به عمق ۲۰ سانتی‌متر حدود ده‌هزار سال زمان لازم است. خاک، فصل مشترک بین محیط زنده و مرده است جایی که در آن گیاهان با استفاده از نور خورشید، آب، دی‌اکسیدکربن و عناصر غذایی درون خاک، مواد تشکیل‌دهنده بدن خود و ملزومات لازم برای سایر موجودات زنده را می‌سازند. در این فرآیند، گیاه، عناصر اکسیژن و هیدروژن را از آب و کربن را از هوا کسب می‌کند اما سایر عناصر ضروری همانند نیتروژن، فسفر، پتاسیم، کلسیم، منیزیم، آهن، مس، روی و سایر موادمعدنی را از خاک تأمین می‌کند. منبع اصلی احتیاجات حیوان و انسان، گیاهان هستند. همچنین محیط زیست نیز وابستگی اساسی به خاک دارد. خاک همچنین بزرگترین ذخیره برای ریزجانداران کره زمین محسوب می‌شود که در چرخه عناصر موردنیاز موجودات زنده نقش اساسی دارد. خاک در نگه‌داشت آب و تعیین مقدار و شدت جریان آب‌های سطحی و



قرآن به‌کار رفته و شش مورد آن در مورد آفرینش انسان از خاک است. وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ (از نشانه‌های قدرت اوست که شما را از خاک بیافرید تا انسان شدید و به‌هر سو پراکنده گشتید). ۲- طین^۲ (گل): طین به‌معنی خاک مخلوط با آب، خاک خیس و گل است. طین یک واژه سریانی است و در ادبیات عربی، مشتق از فعل طان به‌معنی گل‌اندود کردن سقف و دیوار و مهر کردن یک نوشته با گل است. طین ۱۲ بار در قرآن ذکر شده است. آیه ۷ سوره سجده، می‌فرمایند؛ خدایی که هر چیزی را به نیکوترین وجه آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد (الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَ بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ). در آیه ۱۱ سوره الصافات از طین لازب^۳ به‌معنای گل چسبیده نام‌برده شده است (إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ) و شاید بتوان گفت که منظور از آن خاک رس است. واژه دیگری که با طین به‌کار رفته سَلَالَة^۴ به‌معنای چکیده و عصاره است. در آیه ۱۲ سوره مؤمنون می‌فرمایند ما انسان را از عصاره گل^۵ آفریدیم (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ). ۳- صَلصَال^۶ (گل خشک): صَلصَال به‌معنی گل خشک است که مشتق از صَلصَل به‌معنی صدا ایجاد کردن است و منظور از صَلصَال گل خشکی است که وقتی به‌جایی برخورد می‌کند صدا ایجاد می‌کند. در قرآن واژه صَلصَال چهاربار استفاده شده است. از این چهار مورد، سه‌بار با حَمًا مَسْنُون^۷ به‌معنای گل و لجن بدبوی تیره و سیاه رنگ به‌کار رفته است. در آیه ۲۶ سوره حجر می‌فرمایند ما انسان را از گل خشکیده و لجن تیره رنگ بدبویی آفریدیم (وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلصَالٍ مِنْ

مواد و مشتقات نفتی و آلاینده‌های معدنی و عناصر سنگین یکی دیگر از مسائل آسیب‌زننده به خاک‌ها می‌باشد. تغییر کاربری زمین‌های کشاورزی و به‌ویژه تبدیل آنها به ساختمان نیز معضل دیگری است که خاک‌های مستعد تولید را تهدید کرده و می‌کند. ایران مقام اول در منطقه در تغییر کاربری خاک کشاورزی به شهرسازی و در واقع تبدیل کشت به خشت را دارد. حفاظت از خاک وظیفه همه آحاد بشر در همه دوران‌ها است و پاسداشت از آن بایستی به یک قانون تبدیل شد. از پیامبر اسلام (ص) روایت شده است که از زمین حفاظت کنید به‌درستی که آن مادر شماست. حضرت علی (ع) می‌فرمایند کسی که آب و خاک داشته‌باشد و در عین حال تهیدست زندگی کند، خداوند او را از رحمت خویش دور می‌کند. امام صادق (ع) نیز فرمود خداوند آب را مانند خاک پاکیزه قرار داده است. قانون "حفاظت از خاک" در سال ۱۳۹۸ توسط مجلس شورای اسلامی تصویب شده و از سوی رییس‌جمهور ابلاغ شده است. بر اساس این قانون هرگونه بهره‌برداری از خاک، افزودن مواد و نهاده‌ها به خاک شامل کودها و سموم بایستی مطابق شیوه‌نامه‌های تدوین شده باشد. هرگونه آلوده‌کردن، تخریب، فرسایش و انتقال خاک ممنوع اعلام شده است.

واژه‌های مختلف مرتبط با خاک و معانی آن در قرآن

در قرآن سه واژه اصلی و تعدادی واژه مرتبط با خاک به‌کار رفته است که در زیر به آنها اشاره می‌شود: ۱- تراب^۱ (خاک): واژه تراب به‌معنای خاک و یا خاک خشک می‌باشد. تراب ۱۷ بار در

5 - Soil Extract

6 - Salsal: Dried black, stinking mud which clanks

7-Hama: Black, stinking mud.

1- Turab: Dry earth or soil, common word for all kind of earth.

2 - Teen: Water soaked soil without husk.

3 - Lazib: Viscous, sticky clay.

4 - Sula-lah: Extract



سوره رحمان فقط به صلصال (گل خشک) اشاره شده و مراحل دیگر ذکر نشده‌اند و نیز در آیه ۲ سوره انعام به طین و در آیه ۲۰ سوره روم به تراب اشاره شده است. در آیه‌های ۷ تا ۹ سوره سجده، آفرینش حضرت آدم از گل آغاز سپس نسل او را از آبی بی‌مقدار قرار داد و در روح خود در آن دمید. در آیه‌های ۲۶، ۲۸ و ۳۳ سوره حجر، انسان از لجنی تیره و بدبو آفریده شده است. قرآن گاهی روی خاک، گاهی روی آب و گاهی روی هر دو یعنی مجموع آب و خاک (گل) تاکید دارد. در سوره‌های هود (آیه ۸۲)، حجر (آیه ۷۴) و ذاریات (آیه ۳۳) واژه‌های طین و سَجِیل به‌جای هم به‌کار رفته‌اند بنابراین می‌توان گفت که در این موارد واژه‌ها معنای یکسانی دارند. در تفاسیر مختلف، واژه‌های تراب، طین و صلصال مکمل یکدیگرند و تناقضی باهم ندارند به این معنی که هر یک، مرحله‌ای از مراحل آفرینش انسان را توصیف می‌کنند. طبق این تفسیرها خداوند انسان را از گلی آفریده که به لجن متعفن و سیاه تبدیل و سپس خدا از روح خود در آن دمید و آن‌گاه دستور فرمود که ایجاد شو و آن‌گاه به شکل آدم تجسم یافت. نکته قابل توجه اینست که خاک زمانی مقام یافت که روح خدا در آن دمیده شد. در این رابطه در آیات ۱۲، ۱۳ و ۱۴ سوره مؤمنون، شش مرحله تکامل جنین شامل نطفه، علقه، مضغه، گوشت و استخوان به‌عنوان خلقت انسان و در روح او دمیدن به‌معنای آفرینش (انشاء) اشاره شده است.

مواد تشکیل‌دهنده بدن انسان، زمین و خاک
خاک همانند بدن انسان متشکل از مواد آلی و معدنی و غیرآلی است. بدن انسان از تجمع

حَمًا مَسْنُونًا). این واژه در آیه ۲۸ سوره حجر (وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمًا مَسْنُونٍ) و آیه ۳۳ همین سوره (قَالَ لَمْ أَكُنْ لَأَسْجِدْ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمًا مَسْنُونٍ) نیز تکرار شده است. واژه صلصال همچنین یکبار با واژه فَخَّارٌ^۱ به‌کار رفته است. فَخَّارٌ از فعل عربی فخر به‌معنی به‌خود بالیدن و افتخار کردن است اما در اینجا به معنای گل خشکیده مانند سفال است. در آیه ۱۴ سوره الرحمن می‌فرمایند انسان را از گل خشک شده‌ای مانند سفال آفریدیم (خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ). از واژه‌های دیگر مرتبط با خاک واژه سَجِیل در آیه ۴ سوره فیل، به‌معنای گل‌سنگ شده است (تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِنْ سَجِيلٍ). واژه ثری که در زبان عربی به‌معنای زیر خاک و زیرزمین می‌باشد نیز در آیه ۶ سوره طه (لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى). واژه صَعِيدٌ^۲ نیز به‌معنی لایه سطحی زمین است که در بخشی از آیه ۶ سوره مائده و آیه ۴۳ سوره نساء به‌معنای خاک پاک و یا خاک دست‌نخورده ذکر شده است.

خاک و مراحل آفرینش انسان از دیدگاه قرآن کریم

مراحل آفرینش انسان در سوره‌های متعدد قرآن آمده است. در هریک از این سوره‌ها به بخشی از این مراحل پرداخته شده و واژه‌های به‌کار رفته برای هر مرحله هم در بعضی موارد متفاوت است. مثلاً در آیه ۵ سوره حج، تراب (خاک)، نطفه (اسپرم)، علقه (خون) و مضغه (گوشت) آمده است. در آیه ۱۲ سوره مؤمنون، طین (گل) به‌جای تراب (خاک) به‌کار رفته است. در آیه ۱۴

1-Fakh-khaar: Cooked soil or earth

2- Saeeed: The grime and dirt on the top layer of earth.



آن‌ها بر سلامت موجودات بررسی می‌شود. یکی از نمونه‌های آشنا و قدیمی در این مورد، رابطه بیماری گواتر و کمبود ید در خاک است. اگر جسم انسان به اصل خود برگردانده شود، شباهت زیادی به خاک خواهد داشت. در جدول یک به نوع و درصد عناصر موجود در بدن انسان اشاره شده است.

عناصری ساخته شده که منشاء آن‌ها زمین و خاک است. زمین نیز مجموعه‌ای از عناصر به شکل خالص و یا ترکیب است. اگرچه نسبت عناصر تشکیل دهنده بدن انسان و طبیعت متفاوت است اما شباهت‌های اساسی بین آنها وجود دارد. در علم زمین‌شناسی پزشکی ارتباط میان بیماری‌ها و عوامل زمین‌شناسی و تاثیر

جدول ۱- نوع و درصد عناصر موجود در بدن انسان

نوع عنصر	اکسیژن	کربن	هیدروژن	نیتروژن	کلسیم	فسفر	پتاسیم	گوگرد	کلر	سدیم	منیزیم	عناصر کم مقدار*	سایر عناصر*
درصد	۶۵	۱۸	۱۰	۳	۱/۵	۱	۰/۳۵	۰/۲۵	۰/۲	۰/۱	۰/۰۵	۰/۰۷	خیلی کم

* آهن، مس، روی، منگنز، مولیبدن، کبالت، ید، فلورور * آلومینیوم، سیلیس، وانادیم، برم، آرسنیک، سرب، استرانسیم و سلنیوم

نشان داده شده است. بقیه عناصر نیز مجموعاً ۱/۵ درصد پوسته زمین را تشکیل می‌دهند.

در جدول دو عناصر غالب موجود در پوسته زمین که حدود ۹۸/۵ درصد وزنی پوسته زمین است

جدول ۲- نوع و درصد عناصر موجود در پوسته زمین

نوع عنصر	اکسیژن	سیلیس	آهن	کلسیم	سدیم	پتاسیم	منیزیم	بقیه عناصر
درصد	۴۶/۶	۲۷/۷	۵	۳/۶	۲/۸	۲/۶	۲/۱	۱/۵

تشکیل دهنده بدن انسان از خاک منشاء گرفته و در ادامه، برای تداوم نسل بشر، عناصر ضروری برای حیات او از طریق تغذیه از گیاه، دام و آبزیان به صورت مستقیم و غیرمستقیم از خاک تأمین می‌شود.

نتیجه‌گیری

مستندات برگرفته از آیات قرآن دلالت بر آفرینش انسان از خاک کره زمین دارد. نظریات ثبوت و تکامل علی‌رغم تفاوت در نحوه آفرینش که دفعی یا تدریجی بودن آفرینش موجودات را بیان می‌کنند، منافاتی با آفرینش انسان از خاک ندارند. خاک، علاوه بر اینکه به عنوان خمیرمایه آفرینش انسان است، برای ادامه حیات انسان و سایر موجودات زنده ضروری است. لذا حفظ حرمت این موجود مقدس و الهی توسط انسان لازم است. بر این اساس هرگونه اقدام و عملیاتی

از نظر علم خاک‌شناسی، خاک ماده پیچیده‌ای است که از مواد مادری و سنگ‌های زمین در طول زمان و در اثر عوامل مختلف بوجود آمده است. میزان عناصر تشکیل دهنده در خاک‌های مختلف، متفاوت است و در بعضی منابع وجود انواع خاک‌ها به عنوان تفاوت در سرشت آدم‌های مختلف نیز ذکر شده است. در رابطه با اصطلاح "طین" که منظور مخلوط آب و خاک است بایستی آب را که شامل عناصر هیدروژن و اکسیژن است نیز در این معادله وارد نمود. با توجه به آیه ۳۰ سوره انبیاء که می‌فرماید و از آب هر چیز زنده‌ای را آفریدیم (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا). البته شایسته است که نقش آب در کل حیات در میحث دیگری و توسط صاحب‌نظران مربوطه بررسی شود. صرف‌نظر از نوع و مقدار عناصر در زمین و بدن انسان و با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت که عناصر



که موجب تخریب، آلوده شدن، شور شدن، سوزاندن، فرسودن، فرسائیدن و استفاده نابجا از خاک شود به دور از اخلاق انسانی بوده و مطابق قانون، عقل و شرع خطای بزرگی محسوب می‌شود.

منابع

۱. بی نام. ۱۳۹۸. قانون حفاظت از خاک. نامه شماره ۳۳۳۰۸ تاریخ: ۱۳۹۸/۳/۲۲. ریاست جمهوری اسلامی ایران.
۲. حرعاملی، م.ح. ۱۴۱۶. تفصیل وسائل الشیعه. مؤسسه آل بیت، قم، ایران.
۳. رابینسون ن. (مرادی، گ؛ مترجم). گل و خاک در قرآن. ۱۳۸۱. نشریه شماره ۱۲۱ قرآن و حدیث، صفحات ۳۳-۳۲.
۴. صادقی م. ۱۳۸۵. آدم از دیدگاه قرآن و عهدین. فصل نامه خط اول، ۱(۲): ۷۳-۹۴.
۵. صالحی، م. ۱۳۸۸. دیدگاه قرآن و اندیشمندان مسلمان در قبال نظریه تحول انواع. فصل نامه خط اول (رهیافت انقلاب اسلامی)، ۹: ۱۳۰-۱۱۳.
۶. طالب تاش، ع. سنسیل بچاری، ف. ۱۳۹۰. آفرینش انسان از دیدگاه قرآن و علوم جدید. فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۰: ۲۵-۱۰.
۷. محمودی ش و حکیمیان م. ۱۳۷۴. مبانی خاکشناسی. انتشارت دانشگاه تهران، ۷۰۱ صفحه.
8. FAO and ITPS. 2015. Status of the World's Soil Resources (SWSR) – Main Report. Food and Agriculture Organization of the United Nations and Intergovernmental Technical Panel on Soils, Rome, Italy.
9. Harper, H. A., V. W. Rodwell, P. A. Mayes. 1977. Review of Physiological Chemistry, 16th ed., Lange Medical Publications, Los Altos, California.
10. Pennock, D.J., 2019. Soil erosion: The greatest challenge for sustainable soil management. Food and Agriculture Organization of the United Nations.

اهمیت غذا و تغذیه در آیات و روایات

مریم گرامی فرد^۱ و میثم معتمدی^۲

۱- مریم گرامی فرد، رییس اداره فرهنگی فوق برنامه، تربیت‌بدنی و مشاوره، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، استان لرستان، دانشکده دختران خرم‌آباد (نویسنده مسوول: gerami299@gmail.com)

۲- میثم معتمدی، کارشناس امور دانشجویی و صندوق رفاه دانشجویان دانشگاه فنی و حرفه‌ای، دانشکده پسران خرم‌آباد، دانشجوی ارشد فیزیولوژی ورزشی تندرستی و تغذیه

چکیده

آیات و روایات زیادی در دین مبین اسلام وجود دارد که در رابطه با غذای پاکیزه و اثرات آن‌ها بر روی خلق و خوی انسان است، در این میان برخی از غذاها وجود دارد که تأثیرات مستقیم بر روی خلق و خوی انسان دارد حدود ۲۵۰ آیه قرآنی و دهها روایت از معصومین (ع) بر اهمیت غذا و تغذیه دلالت می‌کنند. غذا و تغذیه در آموزه‌های دینی همچون سایر موضوعات، مورد توجه قرار گرفته است. مبداء پیدایش غذا از جانب خداوند است که جهت تندرستی، تداوم حیات و توانمندی در انجام تکالیف به انسان عطا شده است. در اسلام هدف اصلی از همه فعالیت‌های انسان مسلمان رسیدن به مقام قرب الهی است. خداوند در آیه‌های گوناگون هدف از آفرینش نعمت‌ها که منابع غذایی، بخشی از آن است را افزون بر تأمین نیازهای مادی و تغذیه انسان، شکرگزاری از ولی نعمت بیان می‌کند. زیرا شکر و سپاس از گونه‌های عبادت و نعمت‌هاست که وسیله‌ای برای تکامل انسان خواهد بود.

مقدمه

شده است. همچنین نام‌گذاری پنجمین سوره قرآن به مائده (سفره غذایی) از صفات خداوند، رزاق و معطم بودن، سوگند خداوند به غذا (والتین والزیتون)، درخواست مائده آسمانی توسط حضرت عیسی علیه‌السلام و درخواست غذا توسط حضرت موسی علیه‌السلام هر کدام مهر تاییدی بر اهمیت غذا و تغذیه می‌باشند. همچنین خداوند بر دو چیز اهمیت داده است: «غذا» و «امنیت».

«الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ»؛
تغذیه دلالت می‌کنند. غذا و تغذیه در آموزه‌های دینی همچون سایر موضوعات، مورد توجه قرار گرفته است. مبداء پیدایش غذا از جانب خداوند است که جهت تندرستی، تداوم حیات و توانمندی در انجام تکالیف به انسان عطا شده است. قریب به ۲۵۰ آیه قرآنی و دهها روایت از معصومین (ع) بر اهمیت غذا و تغذیه دلالت

نیاز انسان به غذا، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز روزمره اوست که از تولد تا مرگ وی را همراهی می‌کند و حتی انبیا و اولیاء الهی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. رشد، طول عمر، تندرستی، آرامش اعصاب و روان، خلق و خوی و رفتار، توانمندی و قدرت، تکثیر نسل و تولید مثل و ... همه به نوعی و امدار تغذیه سالمند. از این رو قریب به دویست و پنجاه آیه قرآنی و دهها روایت معصومین علیهم‌السلام در مورد غذا و تغذیه وارد همان کس که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت. امام رضا علیه‌السلام فرمود: «فان صلاح البدن و قوامه یكون بالطعام والشراب و فسادة یكون بهما»؛
سلامتی و پایداری بدن و همچنین بیماری آن به غذا و نوشیدنی است». حدود ۲۵۰ آیه قرآنی و دهها روایت از معصومین (ع) بر اهمیت غذا و



داشته باشند، بنابراین فرجام مشابه‌ای دارند، ولی مؤمنان که به تأثیر اخلاقی و معنوی غذا توجه دارند، مقید به رعایت غذای پاکیزه و حلال هستند چراکه استجاب دعاى خود را در گرو غذای بدون شبهه می‌داند، به طوری که در روایتی آمده است که مردی خدمت پیامبر (ص) گفت: دوست دارم دعایم مستجاب شود، حضرت فرمود: «غذای خود را پاکیزه کن و از هرگونه غذای حرام بپرهیز»^۱. بنابراین به مؤمنان دستور داده شده فقط از غذاهای پاکیزه و حلال استفاده کنند، در قرآن کریم می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا کلوا من طیبات ما رزقناکم»^۲؛ ای مؤمنان! از روزی پاکیزه که به شما دادیم بخورید» و در برخی آیات ارتباط تنگاتنگی بین غذای پاکیزه و عمل صالح دیده می‌شود، به طوری که خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «کلوا من الطیبات و اعملوا صالحا؛ از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید» زیرا همچنان که سخن پاکیزه، عمل صالح را به آسمان عروج می‌دهد، غذای پاکیزه نیز انسان را در جهت کسب کمالات معنوی و حفظ ارزش‌های اخلاقی یاری خشد و به مانند باران پاکیزه موجب رویش سبزه‌ها و گل‌های معطر در وجود آدمی می‌شود. آیات و روایات زیادی در دین اسلام وجود دارد که در رابطه با غذای پاکیزه و اثرات آن‌ها بر روی خلق و خوی انسان است، در این میان برخی از غذاها وجود دارد که تأثیرات مستقیم بر روی خلق و خوی انسان دارد که در خوردن آن‌ها نیز باید حد اعتدال رعایت شود، مانند گوشت که موجب خوش اخلاقی، اعتماد به نفس و شجاعت شده اما زیاده‌روی در خوردن آن قساوت قلب را به همراه دارد. بی تردید تغذیه سالم و منطبق با استانداردهای اسلامی نقشی به‌سزایی در سلامت جسم و روح انسان

می‌کنند، حال سؤال این است که اسلام، خوردن چه نوع غذاهایی را توصیه کرده است؟ چه مقدار باید غذا خورد؟ اسلام چند وعده برای خوردن را توصیه می‌کند؟ و بالاخره آداب خوردن غذا چیست؟ نیاز انسان به غذا، مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز روزمره اوست که از تولد تا مرگ وی را همراهی می‌کند، و حتی انبیا و اولیاء الهی نیز از این قاعده مستثنی نیستند، رشد، طول عمر، تندرستی، آرامش اعصاب و روان، خلق و خوی و رفتار، توانمندی و قدرت، تکثیر نسل و تولیدمثل و ... همه به نوعی و امدار تغذیه سالمند، نام‌گذاری پنجمین سوره قرآن کریم تحت‌عنوان «مائده» به معنای سفره غذایی، قرار گرفتن رزاق و مطعم بودن به عنوان صفات خداوند، سوگند خداوند به غذا «والتین والزیتون»، درخواست مائده آسمانی توسط حضرت عیسی و درخواست غذا توسط حضرت موسی (ع) هر کدام مهر تأییدی بر اهمیت غذا و تغذیه است. همچنین خداوند متعال بر اهل مکه به دو چیز منت می‌نهد: «غذا» و «امنیت» و می‌فرماید: «الذی اطعمهم من جوع و آمنهم من خوف؛ همان کس که آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از ترس و ناامنی ایمن ساخت» و امام رضا (ع) نیز فرمودند: «سلامتی و پایداری بدن و همچنین بیماری آن به غذا و نوشیدنی است».

تأثیرات معنوی، اخلاقی و رفتاری غذا

خداوند متعال بین تغذیه کافران و مؤمنان تفاوت قائل شده به طوری که در رابطه با کافران چنین می‌فرماید که؛ حیوانات علف می‌خورند بی آن که بدانند از کجا آمده، حلال است یا حرام؟ غصبی است یا مباح؟ کافران نیز غذا می‌خورند بی آن که به رجس و پلیدی و حلال و حرام بودن آن توجه



ایمان انسان اثر منفی دارد، به طوری که در قرآن کریم انسان به خوردن غذای طیب و حلال سفارش و از غذاهای حرام و خبیث منع شده است. بنابراین طبق آموزه‌های دینی ما انسان می‌تواند با رعایت غذاهای حلال و حرام از هر نوع غذایی که پاکیزه و حلال است، اعم از غذای گوشتی، پروتئینی و غیر آن بهره‌برد و از غذاهای حرام، خبیث و مضر برای بدن، پرهیز کند، چون سلول‌های اعضا و جوارح، مانند مغز، قلب، کلیه، شش، دست و پا، چشم، گوش، مو، ناخن، پوست و ... هر کدام نیازمند غذای خاص خود است که تأمین این‌ها از یک گروه غذایی مشکل است و آنان که خود را از برخی غذاها محروم می‌کنند، همیشه بیمارند، چون به نیاز سلول‌های بدن پاسخ نمی‌دهند. قرآن کریم انسان‌هایی را که برخی غذاها را بر خود حرام می‌کنند، سرزنش می‌کند و می‌فرماید: «قل من حرم زینه‌الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق»^۱، بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده‌است؟!^۲، می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طيبات ما احل الله لکم؛ مؤمنان! غذاهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده، حرام نکنید» بنابراین در پاسخ به سؤال که «چه غذایی بخوریم؟» باید روی دو نکته تأکید کرد؛ نخست استفاده از انواع غذاها و دوم پاکیزه خواری. خداوند بین تغذیه کافران و مومنان تفاوت قائل شده است. می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ»^۳ کافران همواره سرگرم بهره‌گیری از [کالا و لذت‌های زودگذر] دنیایند و می‌خورند، همان‌گونه که چهارپایان می‌خورند. توضیح آنکه حیوانات علف می‌خورند بی‌آنکه بدانند از کجا آمده، حلال است یا حرام؟ غصبی است یا مباح؟ کافران نیز غذا

دارد و او را در طی مسیر تکاملی اش یاری می‌دهد. عده‌ای به رژیم گوشت‌خواری عقیده دارند، عده‌ای بر گیاه‌خواری پای می‌فروشند و معتقدند انسان گیاه‌خوار آفریده شده است، گروهی نیز به رژیم میوه‌خواری تأکید می‌ورزند، با این استدلال که ساختار دستگاه گوارش آدمی به هیچ‌یک از دستگاه گوارش گوشت‌خواران، گیاه‌خواران و دانه‌خواران شباهت ندارد. انسان‌ها نه خام‌خوارند و نه نشخوارکننده و نه دارای چینه‌دان، پس به‌ناچار میوه‌خوارند! ولی در آموزه‌های دینی ما هیچ‌یک از این نظریات به‌تنهایی پذیرفته نیست، اسلام براساس نیاز انسان و با توجه به محیط، سن، شغل و ... برای سیدغذایی او برنامه داده و با تعیین ملاک‌ها استفاده از همه گروه‌های غذایی را با اولویت دادن به برخی گروه‌های غذایی توصیه کرده است. مطابق آموزه‌های دینی ما ملاک در استفاده از مواد غذایی طیب، حلال و حُسن در مقابل غذای رجس، خبیث و حرام است چراکه این نوع غذا باعث سوء دستگاه گوارش می‌شود، اما لقمه پاکیزه که وارد دهان می‌شود، تحت اراده خداوند، با اعمال هضم و جذب ترشحات دهان و معده به مواد لازم و موردنیاز بدن تبدیل می‌گردد. طیب یعنی سازگار، موافق، نیکو، شایسته و لذت‌بخش که در قرآن کریم به‌جز غذای حلال در مورد همسر خوب، زمین پاک، سخن شایسته، فرزند صالح، زندگی پاکیزه و شجره طیبیه به‌کار رفته است. غذای حُسن، برتر از غذای طیب و حلال است، خداوند متعال از برخی غذاها مانند: انگور، شیر، عسل و ... به‌وصف حُسن یاد کرده و غذای شهیدان را غذای حُسن دانسته است، در مقابل غذاهای طیب، حلال و حُسن؛ غذاهای رجس و خبیث و حرام و سوء قرار گرفته که برای انسان ضرر و مفسده دارد و نه‌تنها سلامتی او را به‌خطر انداخته در خُلق و خوی و

۳ کافران آیه ۱۲ سوره محمدص

۱ آیه ۳۲ سوره مبارکه اعراف
۲ آیه ۸۷ سوره مبارکه مائده

ارتباط تنگاتنگ بین غذای پاکیزه و عمل صالح

و در برخی آیات ارتباط تنگاتنگی بین غذای پاکیزه و عمل صالح دیده می‌شود. «يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا»^۳ و «يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ»^۴. از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید. ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه (و پسندیده) بخورید و کار نیکو انجام دهید، همانا من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم. عفت در شکم و تقوا در عمل، مقارن هستند. «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا» انبیا نیز از مواد غذایی و مواهب طبیعی بهره‌مند می‌شوند. (توقع نابجا از انبیا ممنوع) «كُلُوا» تمام ادیان الهی با رهبانیت، انزوا و ریاضت مخالفند. «كُلُوا» (شاید فرمان بخورید بعد از نام عیسی برای جلوگیری از رهبانیتی باشد که در مسیحیت مطرح است) در آنچه می‌خورید، دو اصل مهم را فراموش نکنید: الف: حلال بودن. ب: طیب و پاکیزه بودن. «كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ» غذا خوردن نیز باید هدفدار باشد، نه بر اساس هوس. «كُلُوا- وَاعْمَلُوا» زیرا همچنان که سخن پاکیزه، عمل صالح را به آسمان عروج می‌دهد، غذای پاکیزه نیز انسان را در جهت کسب کمالات معنوی و حفظ ارزش‌های اخلاقی یاری می‌بخشد و به‌مانند باران پاکیزه موجب رویش سبزه‌ها و گل‌های معطر در وجود آدمی می‌گردد. اصحاب کهف که دغدغه حفظ ایمان و معنویت خود را داشتند، وقتی از خواب طولانی بیدار شدند به‌دنبال غذایی بودند که پاک و پاکیزه باشد و سبب خاموش شدن نور الهی در وجود آنان نگردد. امام حسین علیه‌السلام با اشاره به یکی از علل رفتار پست و

می‌خورند بی آن که به رجس و پلیدی و حلال و حرام بودن آن توجه داشته باشند. لذا فرجام مشابه‌ای دارند. ولی مؤمنان که به تاثیر اخلاقی و معنوی غذا توجه دارند، مقید به رعایت غذای پاکیزه و حلال می‌باشند. لذا به مؤمنان دستور داده شده فقط از غذاهای پاکیزه و حلال استفاده کنند. هدف اصلی از آفرینش نعمت‌های طبیعی، بهره بردن مؤمنان است [تفسیر نور، محسن قرائتی، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم]. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنَ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ» ای اهل ایمان، روزی حلال و پاکیزه‌ای که ما نصیب شما کرده‌ایم بخورید و شکر خدا به‌جای آرید اگر شما خالص خدا را می‌پرستید. پیامی که از این آیه دریافت می‌شود، خودسازی و زهد و تقوا، منافاتی با بهره‌گیری از طیبات ندارد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنَ طَيِّبَاتِ» در مکتب اسلام، مادیات مقدمه‌ی معنویات است. «كُلُوا، وَاشْكُرُوا، تَعْبُدُونَ» قبل از تأمین زندگی مردم و محبت به آنان، توقعی نداشته باشید. «كُلُوا ... وَاشْكُرُوا» شکر، نشانه‌ی خداپرستی و توحید ناب است. اگر انسان رزق را نتیجه فکر اقتصادی، تلاش، مدیریت، سرمایه و اعتبارات خود بداند، برای خداوند سهمی قابل نخواهد بود تا او را شکر کند. «وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ»^۲. شکر، نمونه روشن عبادت است. «وَاشْكُرُوا لِلَّهِ ... تَعْبُدُونَ» شکر خداوند، واجب است. «كُلُوا ... وَاشْكُرُوا لِلَّهِ» خداپرست، آنچه‌را خدا حلال بشمرده، از پیش خود حرام نمی‌کند. «كُلُوا ... إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ».

۱ سوره بقره آیه ۱۷۲
۲ بقره، ۱۶۸

۳ آیه ۵۱ سوره مؤمنون
۴ مؤمنون ۲۳



و زبان حکمت گنگ می‌شود و اعضا از انجام دادن وظیفه عبادتی خود باز می‌ماند». امروزه این فرضیه مطرح است که آیا بشر می‌تواند با نوع غذا، فرزندان هشیارتر و با ایمان پرورش دهد یا نه البته در اسلام، این موضوع به اثبات رسیده است که انسان می‌تواند، با انتخاب غذای حلال و منزه ویژگی‌های شخصیتی دلخواه را در فرزندان خود ایجاد کند. اندرون از طعام خالی‌دار تا در او نور معرفت بینی تهی از حکمتی به علت آنکه پری از طعام تا بینی^۱.

دعا در هنگام غذا خوردن

هنگامی که سفره را می‌گسترانند، چهارهزار ملک آن را احاطه می‌کنند. اگر بنده بسم‌الله بگوید، ملایکه می‌گویند: خدا برکت فرستد بر شما و بر طعام شما. سپس به شیطان می‌گویند: ای فاسق! بیرون رو. تو بر ایشان تسلطی نداری. بعد از پایان غذا خوردن، اگر الحمدلله بگویند، ملایکه می‌گویند: اینان کسانی هستند که شکر نعمتی را که خداوند به آن‌ها داده است به جای آورند. اگر در اول بسم‌الله نگفتند، ملایکه به شیطان می‌گویند: ای فاسق بیا! از این طعام ایشان بخور. اگر سفره را برداشتند و آن‌ها خداوند را سپاس نگفتند، ملایکه می‌گویند: ایشان گروهی هستند که نعمت خداوند را سپاس نگفتند و پروردگارش را فراموش کردند. هنگامی که سفره گسترده شد، بسم‌الله بگو. هنگام برچیدن سفره، الحمدلله بگو. هر کس نام خداوند را در آغاز و پایان غذا ببرد، خداوند از آن طعام سؤال نمی‌کند. هرگاه مسلمانی می‌خواهد غذا خورد و هنگام خوردن غذا بسم‌الله و الحمدلله رب‌العالمین بگوید، خداوند قبل از رسیدن غذا به دهانش، گناهانش را می‌آمرزد.

ناهنجار کوفیان در کربلا می‌فرماید: «قد ملئت بطونکم من الحرام»؛ شکم‌های شما از حرام پر شده است». امام رضا علیه‌السلام فرمود: «بدان که نیرو و توان و روح و روان، تابع مزاج بدن‌ها می‌باشد». توضیح روایت آن که مراد از نفوس، روح انسان است که چون مرغی اسیر قفس تن اوست. به‌هر اندازه که مزاج و جسم او سالم باشد، روح او نیز سالم و کامل‌تر خواهد بود. روح سالم در بدن سالم است. رمز سلامتی روح و جسم در یک قیاس منطقی، چنین قابل تبیین است: سلامتی روح، تابع سلامتی تن است و سلامتی تن تابع غذا و تغذیه سالم پس سلامتی روح، تابع غذا و تغذیه سالم می‌باشد.

اثرپذیری روح و دل انسان از خوراک

حضرت علی علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ أَقَلَّ أَكَلَهُ صَفَى فِكْرُهُ»؛ کسی که خوراکش اندک باشد، فکر و اندیشه‌اش پاک شود». این روایت زیبا یادآور آن است که عواطف انسان در حالت گرسنگی اندک، رقیق‌تر و هوش و حواس او بیدارتر است. در واقع، یکی از عواملی که رشد فکری را متوقف می‌کند، زیاده‌روی در تغذیه است. اگر بیش از اندازه مواد غذایی وارد معده شود، ترشحات بسیار همراه با تعداد زیادی گلبول سفید از دیواره‌های معده، برای هضم غذا به معده سرازیر می‌شوند. در نتیجه خون بیشتری در دستگاه هاضمه جریان می‌یابد. بدین ترتیب دستگاه کنترل خون از سهم خون‌رسانی به مغز می‌کاهد و اکسیژن و مواد غذایی کمتری به مغز می‌رسد و این‌گونه از قدرت خلاقه و حس ابتکار و درک مطالب کاسته می‌شود. اسلام در ۱۴ قرن پیش به ارتباط نماز با غذا و بهداشت بدن و لباس و تغذیه و تمرکز قوای دماغی اشاره کرده است. لقمان حکیم به پسرش فرمود: «با پرخوری، فکر به خواب می‌رود



گروه‌های غذایی مفید در قرآن پروتئین‌ها

از میان چهارپایان؛ گوشت گوسفند، گاو، شتر، آهو و برخی دیگر از حیوانات حلال است و گوشت چهارپایان درنده‌خو، دارای دندان تیز و چنگال و ناخن‌های تیز مانند شیر، پلنگ، روباه، کفتار، شغال، گربه و ... حرام است همچنین گوشت چهارپایان حلال گوشتی که ذبح اسلامی نشده و یا مردار شده‌اند، حرام است. از حیوانات دریایی، گوشت ماهی‌های پولک‌دار و میگو حلال است. گوشت پرندگان نیز حلال است جز پرندگانی که فاقد چینه‌دان و سنگدان و خار عقب پا هستند و یا مانند عقاب و کرکس دارای چنگال‌اند. گوشت حیوانات حلال گوشت سرشار از پروتئین است که نیاز بدن را تامین می‌کند و کمتر غذایی می‌تواند جایگزین آن شود. در آیات و روایات گوناگونی به خوردن گوشت سفارش شده است. «وَاللَّائِمَاتُ لَكُمْ... وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ»؛ (خداوند) چهارپایان را برای شما آفرید ... و از گوشت آن‌ها می‌خورید. در روز عید قربان که حاجیان پس از اعمال سنگین مناسک نیاز به پروتئین دارند، خداوند به خوردن گوشت قربانی دستور داده است. «فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»؛ و از گوشت آن‌ها (قربانی) بخورید و بینوای فقیر را اطعام کنید. در جنگ خندق پس از خستگی سربازان اسلام در حفر خندق، دعوت کرد. در روایت آمده که رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌فرمود: «خیر الادم فی الدنیا والاخره اللحم؛ بهترین خوراکی در دنیا و آخرت گوشت است». چراکه گوشت موجب روئیدن گوشت بر بدن، توانمندی، قدرت بخشیدن به بینایی و شنوایی و ... می‌شود. ترک گوشت فساد بدن را

در پی‌دارد. از این‌رو رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله‌فرمود: هرکس چهل روز گوشت نخورده باشد، پس باید پولی قرض کند و گوشت تهیه‌کرده و بخورد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «هرکس چهل‌روز خوردن گوشت را ترک کند، خلق و خوی او بد و زشت می‌شود». لیکن باید از افراط در خوردن گوشت و اعتیاد به آن پرهیز کرد. پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌فرمود: «هرکس چهل‌روز (پشت سرهم) گوشت بخورد، سنگدل می‌شود»^۴. از روایات برمی‌آید که خوردن گوشت هر سه‌روز یک‌بار مناسب است. ساباطی می‌گوید: از امام صادق علیه‌السلام درباره خوردن گوشت پرسیدم؟ فرمود: هر سه‌روز (یک‌بار). ادریس بن عبدالله می‌گوید: در محضر امام صادق علیه‌السلام بودم، از گوشت سخن به‌میان آمد، فرمود: یک روز گوشت بخور، یک روز لبنیات و یک روز چیز دیگری. از میان گوشت‌ها، به خوردن گوشت گوسفند و بزبان و پرندگان سفارش شده است. بهترین گوشت، گوشت تازه (لحم طریاً) است و از خوردن گوشت خام و گوشت خشکیده نمک سود نهی شده است.

نان، غلات، حبوبات و دانه‌ها

در قرآن به دانه‌ها و غلات تحت‌عنوان «زرع و حب» اشاره شده است. «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ ... الزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَلْوَانًا»^۴ و اوست خدایی که (برای شما) انواع زراعت را پدیدآورد که باهم متفاوتند. «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا»^۵ در آن (زمین) دانه‌ها رویاندیم. دانه‌های غذایی، مایه اصلی تغذیه انسان و انواع حیوانات است. دانه‌هایی که اگر یک‌سال بر اثر خشک‌سالی قطع شود، قحطی و گرسنگی تمام جهان را فراخواهد گرفت. تعبیر به

۴ سوره انعام: ۱۴۱
۵ سوره عبس: ۲۷

۱ سوره نحل: ۵
۲ سوره حج: ۲۹
۳ طب النبوی (ص) ص ۵.



معده را پالایش می‌دهد، مقوی و نیروبخش است، غذا را هضم می‌کند و سبب اعتدال طبع می‌شود. انگور از میوه‌های بهشتی و یک غذای کامل و داروخانه طبیعی است، انجیر استحکام بخش استخوان‌ها، جلابخش چشم و دل و برطرف‌کننده ضعف و فزاینده عقل و آرامش است، خربزه شفای دردها، شستشودهنده مثانه و معده و دارای هزار برکت می‌باشد. خرما، شفابخش، قوی‌کننده پشت، افزایش حلم و بردباری، سیرکننده و رفع‌کننده خستگی و هفتاد و دو خواص شفابخش در آن است. سبزی‌ها نیز علاوه بر زینت سفره از خواص والایی برخوردارند. پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: «سفره‌ایتان را به سبزی زینت بخشید زیرا خوردن سبزی با گفتن بسم‌الله، شیطان را می‌رانند». فرمود: مگر نمی‌دانی که من از سفره‌ای که در آن سبزی نباشد، غذا نمی‌خورم! سبزی بیاور، غلام رفت و سبزی آورد و بر سفره نهاد، پس امام علیه‌السلام دست به سفره گشود و به خوردن غذا مشغول شد.

شیر و لبنیات

شیر از غذاهای بهشتی است که در سوره نحل آیه ۶۶ و دیگر آیات به آن اشاره شده است. وَ إِن لِّكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَ دَمٍ لَّيِّنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ خداوند، نه‌تنها از لابلای ابر، آبی که مایه حیات است نازل می‌کند، بلکه از لابه‌لای درون حیوانات، شیری که مایه‌حیات است، خارج می‌کند. شیر، یک غذای کامل است که هم به‌جای آب است و هم به‌جای غذا و تمام نیازهای بدن را تأمین می‌کند. در روایات می‌خوانیم: شیر، عقل را زیاد، ذهن را صفا، چشم را روشنی، قلب را تقویت، پشت را محکم، و فراموشی را کم می‌کند. حضرت علی علیه‌السلام در نامه ۲۵ نهج‌البلاغه به مسئول

«حباً» به‌صورت نکره یا دلیل بر اهمیت این ماده غذایی است و یا به تنوع دانه‌ها اشاره دارد. از میان دانه‌ها گندم، کامل‌ترین و غنی‌ترین ماده غذایی است که جای بسیاری از غذاها را می‌گیرد. حضرت یوسف علیه‌السلام برای نجات مردم مصر از هفت‌سال قحطی به ذخیره‌سازی گندم پرداخت. نان بهترین خوراکی، مایه برکت و استواری تن، خوشبوکننده دهان است و بهترین نان، نان سبوس‌دار است که دارای فیبر می‌باشد. پیامبر صلی‌الله علیه و آله فرمود: «خداوند! برای ما به نان برکت بده و میان ما و آن جدایی می‌فکن، اگر نان نبود نه روزه گرفته بودیم، نه نماز خوانده بودیم و نه واجبات خدا را انجام داده بودیم». امام رضا علیه‌السلام فرمود: «برتری نان جو برگندم، همانند برتری ما بر دیگران است»^۱. برنج غذایی نیکو، سرد و سالم و مهتر غذاها می‌باشد.

میوه‌ها و سبزی‌ها

در سوره عبس آیات ۲۵ تا ۳۲ به هشت‌نوع مواد غذایی گیاهی و نباتی پرداخته‌است که حاکی از اهمیت و اولویت نباتات و میوه‌ها در تغذیه انسان‌هاست. تاکید فراوان برخی آیات روی زمین و روئیدنی‌ها و تقدم میوه‌ها بر گوشت‌ها دلیل دیگری بر اولویت این گروه غذایی بر گوشت‌ها می‌باشد. همچنین ذکر مکرر خصوص میوه‌ها از میان غذاهای بهشتی، به‌خاطر اهمیت میوه‌ها در تغذیه و نقش آنها در طراوت و شادابی و نشاط انسان و هضم و جذب آسان است که نه‌تنها از نظر علمی بلکه در تجربه عمومی مردم نیز به‌اثبات رسیده است. میوه‌هایی چون: انگور، انار، خربزه، خرما، سیب، انجیر و ... هرکدام از خواص زیادی برخوردارند که در روایات اسلامی به‌آنها اشاره شده است. مثلاً: انار، موجب نورانیت قلب و دور کننده شیطان است،



«صبحانه و شام بخور و در فاصله میان آن‌ها چیزی نخور، چراکه موجب تباهی تن است مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: و آنان (بهشتیان) صبحگاهان و شامگاهان، روزی ویژه خویش را دارند»^۲. برخی بر یک وعده و آن هم صبحانه تاکید دارند، امام صادق علیه‌السلام فرمود: «مؤمن را بایسته است، تا غذا نخورده از خانه بیرون نرود، چراکه این کار به او استواری بیشتر می‌بخشد»^۳. برخی دیگر به خوردن شام به‌ویژه برای افراد سال‌خورده سفارش می‌کند. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله می‌فرماید: «خوردن شام را وامگذارید ... من بر امت خویش از این بیمناکم که از واگذارن شام، پیری به سراغشان آید چراکه شام، موجب نیرومندی پیر و جوان است»^۴. و برخی روایات به شام‌خوردن پیامبران اشاره دارد. امام علی علیه‌السلام فرمود: «شام خوردن پیامبران، پس از تاریکی شب بوده است»^۵. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «شام پیامبران پس از نماز عشا می‌باشد»^۶. امام رضا علیه‌السلام در روایتی هر ۸ ساعت یکبار وعده‌ غذایی را از مجموع این چند دسته روایات چنین استنباط می‌شود که دو وعده غذایی یعنی اول روز و آخر روز برای خوردن غذا کافی است و چنانچه در میان روز گرسنه شد از میان وعده‌های غذایی استفاده کند، آنچه در رساله‌های عملی درباره استحباب غذا خوردن در اول روز و اول شب و خودداری از غذا در بین روز و بین شب آمده، در تایید دو وعده تغذیه است بنابراین نظریه غالب می‌بایست روایت امام رضا علیه‌السلام را توجیه کرد. در کنار این روایات به روایاتی برمی‌خوریم که بحث گرسنگی و اشتها را ملاک می‌دانند و سلامتی انسان را در این

جمع‌آوری زکات می‌نویسد: وقتی برای جمع‌آوری زکات می‌روی باید اصولی را مراعات کنی، از جمله آن که مقداری شیر در پستان حیوان باقی بگذاری تا نوزادان بی‌بهره نباشند. میان حیوان و نوزادش جدایی نیانداز و در مسیر راه، به حیوانات خسته استراحت بده و آن‌ها را از خوردن آب و علف بازمدار. شیر یک غذای کامل و دارای خواص فراوانی است. شیر موجب استحکام استخوان‌ها، روئیدن گوشت، برطرف‌کننده ضعف و شفای هر دردی است که برای نوشیدن آن هیچ شرط سنی و اقلیمی وجود ندارد. امام علی علیه‌السلام فرمود: نوشیدن شیر، شفای هر دردی جز مرگ است. از میان شیرها به شیر گاو توصیه شده است. امام علی علیه‌السلام فرمود: «شیر گاو درمان است». از میان فراوده‌های شیر، خوردن پنیر به‌تنهایی مضر است و از آن نهی شده است. چنان که زیاد خوردن آن موجب لاغری و بیماری است. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «گردو و پنیر، چون باهم جمع شوند درمان‌اند اما اگر از هم جدا شوند، درد می‌شوند»^۷. و امام کاظم علیه‌السلام در مورد ماست فرمود: «هرکس می‌خواهد ماست بخورد و ماست او را زیان نرساند، با آن هضم‌کننده‌ای (مثلاً نان‌خواه) بخورد»^۸. چون ماست طبع سرد دارد، افزودنی که طبع گرم دارد به آن اضافه کند، مانند: نعناع، گل محمدی، گلپر و ... نان‌خواه در روایت به‌عنوان مثال آمده است.

زمان غذا خوردن

روایات مربوط به وعده غذایی را می‌توان به چند دسته تقسیم کرد: ۱. برخی روایات به دو وعده اشاره دارند. امام صادق علیه‌السلام فرمود:

۱ الکافی، جلد ۶، صفحه ۲۸۹، حدیث ۷، المحاسن، جلد ۲، صفحه ۱۹۵، حدیث ۱۵۶۷، بحارالأنوار، جلد ۶۶، صفحه ۳۴۲، حدیث ۷ دانش‌نامه احادیث پزشکی: ۱۶۴/۲



غذا را پس از جویدن کامل در دهان، فرو بده. قبل از خواب قضای حاجت کن. رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرمود: «کل و انت تشتهی وامسک و انت تشتهی؛ زمانی که میل به غذا داری، غذا بخور و در حالی که هنوز میل و اشتها به خوردن داری، دست از خوردن بکش». پیامبر صلی‌الله علیه و آله: مَنْ قَلَّ طَعْمُهُ صَحَّ بَطْنُهُ وَ صَفَا قَلْبُهُ وَ مَنْ كَثُرَ طَعْمُهُ سَقَمَ بَدَنُهُ وَ قَسَا قَلْبُهُ؛^۱ پیامبر صلی‌الله علیه و آله: هرکس کم بخورد، بدنش سالم می‌ماند و صفای دل می‌یابد، و هر که پرخوری کند، بدنش بیمار و قلبش سخت می‌شود. مفهوم آیه شریفه «كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا»^۲ که در نگاه نخست بسیار ساده به نظر می‌رسد، امروز در رتبه مهم‌ترین دستورات بهداشتی (و تغذیه سالم) قرار گرفته است زیرا طبق تحقیقات دانشمندان، سرچشمه بسیاری از بیماری‌ها، غذاهای اضافی (داخل معده) است که به‌صورت جذب‌نشده در بدن باقی می‌ماند. این مواد اضافی هم بار سنگینی است بر قلب و عروق و سایر دستگاه‌های بدن و هم بستر آماده‌ای است برای پذیرش انواع عفونت‌ها و بیماری‌ها. لذا برای درمان بسیاری از بیماری‌ها نخستین گام این است که این مواد اضافی و به‌عبارت دیگر زباله‌های تن انسان بسوزند و جسم پاک‌سازی گردد. عامل به‌اصطلاح «پرخوری» است و راهی برای جلوگیری از آن جز رعایت اعتدال در (خوردن) غذا نیست. مرحوم طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان مطلب جالبی نقل کرده است: هارون‌الرشید طبیبی مسیحی داشت که مهارت او در طب معروف بود. روزی این طبیب به یکی از دانشمندان اسلامی گفت: من در کتاب شما چیزی از طب نمی‌یابم در حالی که دانش مفید بر دو گونه است: علم ادیان و علم ابدان. او در پاسخ چنین چنین گفت: خداوند همه دستورات

می‌دانند که تا گرسنه نشده، غذا نخورد. امام علی علیه‌السلام به امام حسن علیه‌السلام فرمود: «بر سر سفره نمی‌نشینم، مگر آن هنگام که گرسنه‌ای ... اگر این کار را کردی از طبیب بی‌نیاز می‌شوی».

میزان خوردن غذا

افراط و تفریط در رساندن غذا به بدن هر دو ضرر و مفسده دارد. امام رضا علیه‌السلام با تشبیه بدن به زمین می‌فرماید: بدن انسان، بسان زمین پاک و آماده برای زراعت است که اگر در آبادانی و آبدهی بدن، مراقبت شود به‌گونه‌ای که آب نه فراوان‌تر از نیاز بدان برسد تا آن‌را غرقاب و باتلاق کند و نه از اندازه کمتر باشد تا آن را به تشنگی گرفتار سازد، آبادانی‌اش استمرار می‌یابد، اما اگر از آن غفلت شود به تباهی می‌گراید و علف هرز در آن می‌رویید؛ بدن چنین حکایتی دارد و تدبیر آن در خوراک و پوشاک چنین است. پرخوری و نیز خوردن پس از سیری، بدن را باتلاق تجمع میکروب‌ها می‌سازد و موجب تباهی تن، قساوت قلب، کودنی، از امام صادق (ع) با چنین عبارتی نقل شده است: «الْمُؤْمِنُ يَأْكُلُ فِي مَعَاءِ وَاحِدٍ، وَ الْكَافِرُ سَبْعَةَ أَمْعَاءَ»؛ شخص مؤمن از یک شکم می‌خورد، در حالی که کافر از هفت شکم می‌خورد.^۱ امام علی علیه‌السلام فرمود: «عادت به پرخوری انواع دردها را به‌همراه دارد». و همچنین فرمود: «از پرخوری پرهیز کنید، چراکه مایه تباهی تن است». بهترین رمز سلامتی آن است که انسان باوجود اشتها به غذا از آن دست بکشد. امام علی علیه‌السلام به امام حسن علیه‌السلام فرمود: «اگر می‌خواهی سالم بمانی و از پزشک بی‌نیاز شوی، چهار امر را رعایت کن: اگر میل به غذا نداری نخور. تا زمانی که سیر نشده‌ای و اشتها باقی‌است، دست از غذا بکش.

۲ میزان الحکمه، ج ۵، ص ۵۷۹
۳ آیه ۳۱ سوره اعراف

۱ شیخ صدوق، خصال، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۳۵۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ش.



کار به‌سوی پروردگار توسست. از مردم عادی، توقع آن است که پس از خوردن، دنبال گناه و وسوسه‌های شیطان و فساد نروند؛ «یا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا ... وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ»^۵ ولی از اهل ایمان این توقع است که پس از خوردن، به دنبال عمل صالح و شکرگزاری باشند. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا ... وَ اشْكُرُوا» و «یا أَيُّهَا الرُّسُلُ كُلُوا ... وَ اعْمَلُوا صَالِحاً» خوردن نیز نمی‌تواند از فعالیت‌های دیگر انسان جدا باشد. در حدیث می‌خوانیم: «ان الله لا يقبل عبادة من فی جوفه لقمه من حرام» کسی که یک لقمه مال حرام خورده باشد، خداوند عبادت او را نمی‌پذیرد.^۶ از جمله احادیث اسرائیلیات خطاب به حضرت نبوی صلی‌الله علیه و آله: یا احمد ان العبادة عشرة اجزاء تسعة منها طلب الحلال فاذا طيبت مطعمك و مشربك فانت فی حفظی و كنفی. فرمود: ای احمد (صلی‌الله علیه و آله) به‌درستی که عبادت ده جزء است، نه جزء آن طلب حلال است، پس وقتی حلال شد خوردنی و آشامیدنی تو، پس تو در حفظ و حمایت من هستی.^۷ هر پیغمبری در زمان خودش اعلام شد به او به این معنی و امر شد به اینکه تناول کند حلال را تا شنوندگان آگاه شوند و ملزم گردند به اینکه امری که تمام انبیاء به آن مخاطب و مأمور شدند، سزاوارست به قبول و عمل نمودن بر آن؛ پس کوشش کنند در تحصیل حلال و اجتناب از حرام.^۸ آیات و روایاتی که در این زمینه وجود دارد، چند هدف را از خوردن مشخص می‌کند که به سه نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- توانایی برای عبادت و عمل صالح خداوند در قرآن

طبی را در نصف آیه از کتاب خویش آورده است. «بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید» و پیامبر ما نیز طب را در این دستور خویش خلاصه کرده‌است: «معدة، خانه بیماری‌ها است و امساک، سرآمد همه داروها است و بدنت را از آنچه بدان عادت صحیح داده‌ای محروم مکن» طبیب مسیحی وقتی این سخن را شنید گفت: قرآن شما و پیامبرتان، برای جالینوس (طبیب معروف) سخن طبیبانه‌ای باقی نگذارده‌اند.^۱ امام در اسلام موضوع غذا اهمیت ویژه‌ای دارد. کلام وحی از مردم می‌خواهد که در خوراک خود بادقت بنگرند: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ.^۲ پس انسان باید به خوراک خود بنگرد. غذایی که انسان مصرف می‌کند می‌تواند بر غدد و اعضای بدن اثر ویژه‌ای داشته و در پرورش جسم و جان افراد اثرگذار باشد. لویی مانک، روان‌شناس معروف فرانسوی از جمله افرادی است که با نگرستن به سفره غذای مردم در می‌یابد فرد چه شخصیتی دارد، خون‌سرد است یا ماجراجو، احساساتی است یا استقلال‌طلب.^۳ از این‌رو بهتر است غذایی که مصرف می‌کنیم به‌گونه‌ای باشد که نیاز روحی و جسمی انسان را برآورده سازد. بی‌شک این نیازها زمانی تأمین خواهند شد که انسان در کمیت و کیفیت غذای خود با دقت بنگرد.

اهداف مصرف غذا

در اسلام هدف اصلی از همه فعالیت‌های انسان مسلمان رسیدن به مقام قرب‌الهی است. قرآن در این‌باره می‌فرماید: وَ أَنْ إِلَى رَبِّكَ الْمُنْتَهَى^۴ پایان

۵ بقره، ۱۶۸

۶ مؤمنون، ۵۱

۷ تفسیر مراغی، تفسیر نور (۱۰ جلدی)، ج ۶، ص: ۱۰۷

۸ الجواهر السنیه، باب یازدهم، ص ۱۹۷

۹ تفسیر اثنی عشری، حسین حسینی شاه عبدالعظیمی

۱ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ شمسی، چاپ: سوم، ج ۴، ص ۶۳۹، (المعنی).

۲ عبس/ ۲۴

۳ اولین دانشگاه، آخرین پیامبر، سید رضا پاک‌نژاد، ج ۳، ص ۲۰

۴ نجم/ ۴۲



الناس قصدوا فی الطعام لاعتدلت ابدانهم؛ اگر مردم در خوردن غذا میانه‌رو باشند، بدن‌های آنان اعتدال پیدا می‌کند.^۵

نتیجه‌گیری

خداوند بر توجه انسان به غذایی که می‌خورد تأکید دارد. این توجه و دقت به غذایی که می‌خوریم از جنبه‌های مختلف است. لذا باید غذا از نظر شرعی حلال باشد، یعنی از راه غیر مشروع به دست نیامده باشد، غذا از نوع حلال باشد یعنی از غذاهای ممنوعه که در قرآن بر آنها تأکید شده است نباشد. مثلاً گوشت سگ و خوک نباشد و یا مثل مشروبات اکلی برای بدن ضرر نداشته باشد. غذا نجس نباشد یا به عبارت دیگر به ناپاکی‌ها که موجب از دست رفتن سلامت انسان می‌شود آلوده نباشد و البته در اسلام یک اصل کلی وجود دارد که بسیار روشن‌گر برای انسان‌هاست و آن اینکه باید از آن چه خوردن آن ضرر دارد و یا ضرر آن بیش از نفع آن است اجتناب کرد. یعنی باید به غذای خود توجه کنیم که از نوعی باشد که سلامت ما را به خطر نیندازد. چون سلامت یکی از نعمت‌های بزرگ الهی است که اگر از دست برود زندگی انسان فلج شده و موجب درد و رنج و گرفتاری‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی و غیره می‌شود. پس به غذا نظر کنید که حلال باشد، پاک باشد، آلوده به ترکیبات مضر برای بدن نباشد، از نظر کیفیت و مقدار برای بدن مفید باشد. دقت در این موضوع مهم موجب حفظ سلامت انسان می‌شود که حفظ سلامت جسم از اوجب واجبات است و البته ضرب‌المثلی است معروف که "فکر سالم در بدن سالم است". عواملی که سلامت انسان‌ها را حفظ می‌کند عبارتند از: "هوای پاک، آب سالم، غذای

می‌فرماید: کَلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحاً^۱. از چیزهای پاکیزه بخورید و کار شایسته کنید. مقارنت جمله «کَلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ» با جمله «وَاعْمَلُوا صَالِحاً» اشاره به این است که شما با خوردن غذاهای مفید و پاکیزه برای انجام دادن کارهای خوب و شایسته، قدرت پیدا می‌کنید.^۲ از رسول خدا (ص) درباره سخن خداوند «یا ایها الرسل...» روایت شده است که فرمود: یکی از پیامبران که از طیبات می‌خورد- عیسی بن مریم است. او از دستمزد نخ ریسی مادرش ارتزاق می‌کرد.^۳ از این‌رو، اگر انگیزه انسان از مصرف مواد غذایی و استفاده از نعمت‌ها و خوردنی‌ها، نیرومند شدن برای انجام دادن کارهای شایسته باشد، بی‌شک ارزش مثبتی خواهد داشت. در مقابل، اگر هدف تنها لذت‌بردن و تن‌پروری باشد، چنین انسانی مانند حیوان زبان بسته‌ای است که برای پروراندن به او علوفه می‌دهند و خود نمی‌داند چه سرنوشتی در انتظار اوست.^۴ ۲- سپاس‌گزاری از صاحب نعمت خداوند در آیه‌های گوناگون هدف از آفرینش نعمت‌ها که منابع غذایی، بخشی از آن است را افزون بر تأمین نیازهای مادی و تغذیه انسان، شکرگزاری از ولی نعمت بیان می‌کند. زیرا شکر و سپاس از گونه‌های عبادت است که وسیله‌ای برای تکامل انسان خواهد بود. قرآن کریم می‌فرماید: کَلُوا ... وَاشْكُرُوا لِلَّهِ بقره/ ۱۷۲؛ نحل/ ۱۱۴ بخورید ... و خدا را شکر کنید. خداوند همه نعمت‌ها را در اختیار انسان قرار داده است تا با استفاده از آن‌ها به کمال معنوی و ابدی برسد. یکی از راه‌های رسیدن به کمال معنوی شکرگزاری از نعمت‌دهنده است.^۳ خوردن و اطعام دیگران، قرآن کریم می‌فرماید: فَكَلُوا ... وَ اطْعَمُوا بخورید ... و بخورانید.^۴ امام رضا (ع) فرمود: لو ان

۴ حج/ ۲۸

۵ وسائل الشیعه: ۲۴ / ۲۴۱، باب ۱، حدیث ۳۰۴۳۷

۱ مؤمنون/ ۵۱

۲ اخلاق در قرآن، محمدحسین اسکندری، ج ۲، ص ۲۳۱

۳ الدر المنثور، ج ۶، ص ۱۰۲



ارتباط با تولید و نظارت بر سلامت غذا مسئولیت پذیرفته‌اند انتظار داریم که به امر سلامت غذا توجه بیشتری داشته باشند. از دانشگاهیان و کارشناسان متخصص در علوم و صنایع غذایی انتظار می‌رود که در جهت سلامت غذا بیشتر تحقیق کرده و راه‌کارهای لازم برای سالم‌سازی غذا ارائه دهند. از علمای طب سنتی و اسلامی و صاحبان صنایع انتظار داریم سلامت غذا را به‌عنوان اصلی‌ترین عامل کیفی و تبلیغاتی خود بدانند و صنایع کیفی و سالم را به مردم بشناسانند و صنایع متخلف را بیشتر کنترل کنند. از وزارت کشاورزی که سلامت محصول تولیدی را مهم‌ترین هدف تولید در نظر بگیرند و برای آن برنامه‌ریزی کنند و مسئولین به این نکته بیشتر توجه کنند که اگر هوا، آب، غذا و تغذیه، محیط‌زیست، سالم شود نیاز به مصرف سرمایه و بودجه زیاد در تولید و واردات دارو و تامین امکانات بیشتر و گران‌قیمت برای درمان نخواهد بود.

سالم، تغذیه صحیح، محیط‌زیست سالم، شرایط روحی روانی مطلوب، رعایت بهداشت فردی و اجتماعی و پیشگیری نسبت به حوادث". استفاده از غذای ناسالم برای افراد و جامعه مشکل ایجاد می‌کند، آمار زیر که توسط معاون بهداشت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ارائه شده گویای مشکلاتی است که در جامعه روبه افزایش است: مواد غذایی ناسالم از عوامل زمینه‌ساز سرطان است، به‌طوری‌که در صورت آلوده‌بودن مواد غذایی، و عدم دقت کافی در تولید نگهداری و فرآوری، خطر سرطان‌زا بودن آن‌ها وجود دارد. از نظر علمی هدف از تغذیه تامین ماده و انرژی برای انجام فعالیت‌های متابولیکی بدن انسان است. انرژی که به فرم شیمیایی در مواد غذایی ذخیره شده است طی تنفس آزاد شده و به فرم قابل مصرف برای انسان در می‌آید. ماده هم شامل پیش ماده‌هایی است که بدن نمی‌تواند سنتز کند و نیز مواد اولیه‌ای که برای سنتز دیگر مواد مورد نیاز است. از همه مسئولان که در

منابع

۱. ابن فهد حلی، احمد بن محمد (نویسنده) موحدی قمی، احمد (مصحح و معلق) (۱۴۰۷)؛ عده الداعی و نجاح الساعی، قم: دارالکتب اسلامی.
۲. اخلاق در قرآن، مصباح، محمدتقی، اسکندری، محمدحسین مصحح، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) ج ۲، ۱۳۸۷ ش
۳. اولین دانشگاه، آخرین پیامبر(ص)، پاک نژاد، سید رضا، ج ۳، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۶۰
۴. برگزیده تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از فضلا، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامی، ۱۳۸۶ ش
۵. فیسر الدر المنثور (الدر المنثور)، معروف به تفسیر سیوطی، سیوطی، جلال‌الدین، قم، ۱۴۰۴ ه. ق، ج ۶، آیات قرآن کریم
۶. تفسیر نور، قرائتی، محسن، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ۱۳۸۳ ش، چاپ یازدهم
۷. تفسیر راهنما، هاشمی رفسنجانی، علی اکبر، قم، بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۸۶ ش، چاپ پنجم
۸. تفسیر اثنی عشری، حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، تهران: انتشارات میقات، ۱۳۶۳ ش، چاپ اول
۹. تفسیر مراغی، مراغی، احمد مصطفی، تفسیر نور (۱۰ جلدی)، ج ۶، ص: ۱۰۷
۱۰. الجواهر السنیه فی الاحادیث القدسیه (احادیث قدسی)، شیخ حرعاملی، باب یازدهم، ص ۱۹۷.
۱۱. شیخ صدوق، خصال، محقق، مصحح، غفاری، علی اکبر، ج ۲، ص ۳۵۱، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۶۲ ش.
۱۲. طب النبوی(ص)، مستغفری، جعفر بن محمد، (به کوشش: سید محمد مهدی خراسان)، نجف اشرف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ه ق
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، - ۳۲۹ ق، اصول الکافی، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق. = ۱۹۹۰ م. = ۱۳۶۹ ه.



۱۴. گلستان، ابومحمد مُشرف‌الدین مُصلِح بن عبدالله بن مشرف، متخلص به سعدی ۶۵۶ هجری (۱۲۵۸ میلادی)، ایران، باب دوم در اخلاق درویشان حکایت ۲۲
۱۵. میزان الحکمة، محمد محمدی ری شهری، ح ۵۷۹. درالحدیث، ۱۳۸۴ ش
۱۶. مجمع البیان فی تفسیر القرآن، طبرسی، فضل بن حسن، انتشارات ناصر خسرو، تهران، ۱۳۷۲ شمسی، چاپ: سوم، ج ۴، ص ۶۳۹، (المعنی).
۱۷. مجله تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة معروف به (وسائل الشیعه) ، شیخ حر عاملی گنجینه، مرداد ۱۳۸۰، شماره ۶، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، بازیابی: ۲۵ دی ماه ۱۳۹۲. ۲۴ / ۲۴۱ ، باب ۱ ، حدیث ۳۰۴۳۷
۱۸. نهج البلاغه، امام علی (ع) ، سید رضی، ۴۰۰ ق (برگزیده‌ای از گفته‌ها و نوشته‌های امیرالمومنین (ع) ترجمه و شرح نامه ۲۵ نهج البلاغه؛ بخش اول: توصیه‌های اخلاقی به ماموران زکات، موسسه تحقیقات و نشر اهل بیت (ع)
۱۹. نشریه حصون، بهار ۱۳۸۷، شماره ۱۵، پایگاه اطلاع رسانی حوزه، بازیابی: ۲۵ دی ماه ۱۳۹۲.
۲۰. نشریه طوبی، آذر ۱۳۸۶، شماره ۲۴، پایگاه اطلاع رسانی حوزه ، بازیابی: ۲۵ دی ماه

جستاری درباره حیوانات در قرآن کریم

علیرضا جعفری صیادی^۱، سیده عظمت میری^۲ و فاطمه جعفری صیادی^۳

۱- عضو هیات علمی گروه علوم دامی، دانشکده علوم دامی و شیلات، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
(نویسنده مسوول: a.jafari@sanru.ac.ir)

۲- دانشجوی گروه علوم و مهندسی باغبانی، دانشکده علوم زراعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۳- دانشجوی گروه مهندسی آب، دانشکده مهندسی زراعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

چکیده

وجود اسامی بعضی از حیوانات در قرآن کریم موضوعی است که توسط مفسران و محققان متعددی مورد کنکاش قرار گرفته است، اگرچه براساس این نکته که رسیدن به اصل و کُنه علل وجود بعضی از مطالب در فهم عامه ممکن نیست، پرداختن به علل تام وجود نام بعضی از حیوانات در قرآن مجید نیز ممکن نخواهد بود، اما از آن جا که قرآن در عین حال کتابی برای معرفت‌افزایی و روشنگری است، بررسی موضوع دلایل وجود اسامی در قرآن و نیز نکات مرتبط با آن می‌تواند بر افزایش آگاهی و دانش بشری بیافزاید. علت‌های اعلام‌شده برای وجود اسامی حیوانات در قرآن کریم توسط محققین بسیار متنوع و گسترده است و هر یک براساس روش تحقیق و نیز نظرات خویش به بیان آن‌ها پرداخته‌اند. در بررسی این علل می‌توان به بعضی متون مشترک در منابع موجود رسید که نشان‌دهنده آن است که این علت‌ها یا از عمق بیشتری برخوردار بوده یا محققین بیشتری با آن‌ها موافق هستند. در عین حال مجموع مطالب مرتبط با این موضوع بسیار گسترده بوده به همین دلیل بیان همه آن‌ها در یک مقاله ناممکن بوده و تنها می‌توان به برخی از آنها اشاره نمود. همچنین به دلیل افزایش دانش بشری در طی زمان، بعضی از علت‌های ناشناخته در آینده بر جامعه بشری مکشوف خواهد شد. در مقاله حاضر سعی شده است تا به بیان بعضی از مطالب رایج و پرتکرار در زمینه علل وجود اسامی حیوانات در قرآن کریم پرداخته شود.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، حیوانات، اسامی، معرفت‌افزایی.

مقدمه

می‌بخشد. پس بر همگان لازم است هیچ‌گاه از توجه و تدبر در قرآن کریم غافل نبوده و چون تشنگان سیراب‌ناپذیر لحظه‌ای از غوطه‌خوردن در این دریای حیات‌بخش جدا نگردند. ابدی بودن پیام قرآن ریشه در خصلتی با نام ظهر و بطن قرآن مجید دارد. ظهر قرآن همان بیان ظاهری آیات است که فهم آن بر همگان ممکن است؛ اما بطن تنها بر آنانی مشهود خواهد شد که از خصایصی ویژه که امکان دست‌یابی به آنها تا حد معینی برای همگان ممکن است، برخوردار باشند. چنان‌که مولانا در کلامی گویا چنین سروده‌اند:

حرف قرآن را بدان که ظاهر است زیرظاهر، باطنی بس قاهر است

ادیان گستره‌ای به وسعت ذهن همه انسان‌ها در دوران معاصر با هر دین داشته‌اند و به یقین دین اسلام به دلیل خاتمیت باید گستره‌ای تا انتهای تاریخ بشریت داشته باشد تا همه انسان‌ها بتوانند به فراخور اندیشه خود از این دریای معرفت بهره لازم را ببرند. قرآن به‌عنوان سند مکتوب دین اسلام نیز باید بر این خصوصیت استوار باشد و هر کس با فطرت سالم در صورت حضور در محضر قرآن باید بتواند از آن استفاده برده و به فراخور فهم از آن بهره‌مند شود. این خصلت ناب سرچشمه حیات معنوی است که از این کتاب منشأ گرفته و جان انسان‌ها را حیات واقعی



که همه وسعت فهم مؤلفان در حد ظاهرترین لایه آیات قرآن بوده و هرگز نمی‌توان ادعایی بر حصول بر باطن آن داشت که آن حاصل نمی‌شود الا به ایمان کامل و خالص، لذا تمام جهد بر آن بوده‌است که بر حسب پهنای درک بتوان از این دریای حیرت‌زا جرعه‌ای نوشید و آن‌گاه بر این درگاه منتظر ماند تا آنانی که توانسته‌اند بر باطن کلام الهی دست یابند دستگیر و راهبر باشند (برگرفته از کلام حضرت علی (ع) در خطبه ۱۸ نهج‌البلغه). از این دیدگاه، مقاله حاضر تنها برداشتی عامیانه از نگاه قرآن به حیوانات بوده و مطلب اریه شده در آن تنها پس از تصحیح توسط علمای قرآنی قابل استناد است.

مواد و روش

برای نگارش مقاله ابتدا موضوعات موردنظر دسته‌بندی گردیدند. سپس هر موضوع براساس روش کتابخانه‌ای در میان کتب و مقالات جستجو و نکات مهم انتخاب و به‌صورت کامل گردآوری شدند. در ادامه برای نوشتن هر بخش، نکات جمع‌آوری شده شماره‌گذاری و به‌صورت مجزا مدون گردیدند. درنهایت همه بخش‌ها به‌صورت یکپارچه تدوین شده و در ویراستاری نهایی با نگارش جملات جدید قالب مقاله شکل گرفت.

ریشه کلمه حیوان در قرآن

کلمه حیوان در زبان عربی از واژه حَی گرفته شده‌است که بر هرگونه موجود ذی‌روح اعم از ناطق و غیرناطق اطلاق می‌شود. براین اساس حیوان و حیات هر دو به یک معنا بوده و مراد از حیات آن زندگی است که مرگ در پی‌ندارد. کلمه حیوان در قرآن مجید به‌همین معنا استفاده شده است و در قرآن تنها یک‌بار کلمه حیوان به‌معنای زندگی حقیقی به‌کاررفته که بر مبنای این حقیقت می‌توان استنتاج نمود که این

زیر آن باطن یکی بطن سوم
بطن چارم از نبی خود کس ندید
تو ز قرآن ای پسر ظاهر مبین
ظاهر قرآن چو شخص آدمیست
مرد را صد سال عم و خال او
بدون کوچکترین شکی بازگو نمودن کامل و
صحیح پیام الهی که در قالب قرآن مجید نازل
گردیده است، تنها توسط معصومین ممکن بوده
و سایر ابناء بشر از درک کامل آن عاجز هستند
و آن‌چه توسط ایشان بیان می‌شود بسته به
میزان آگاهی و درک آن‌ها از کلام معصومین در
این زمینه است؛ زیرا عمق بیان آورده شده در
قرآن کریم با وجود تنزل یافتن، از درک افراد
عادی خارج است. همان‌گونه که امام محمد باقر
علیه‌السلام می‌فرمایند: «هیچ آیه‌ای در قرآن
نیست مگر آن‌که ظاهری دارد و باطنی و هیچ
حرفی در قرآن نیست مگر آن‌که برای او حدی
و حسابی است و برای هر حدی مطلعی است. با
وجود این، خوشبختانه دین مبین اسلام
برخلاف سایر ادیان تحریف‌شده، به‌هیچ‌عنوان
خواندن کلام الهی را منحصر به طبقه خاصی
ندانسته و همگان را به خواندن قرآن کریم و
تأمل در یکایک آیات دعوت نموده است. علاوه بر
آن اسلام عالمان دینی را به بیان برداشت‌های
صحیح از آیات، ترویج آن در میان جامعه و
تصحیح اشتباهات موجود مکلف نموده است.
این موضوع موجب‌شده تا علاوه بر گسترش
تلاوت آیات الهی توسط عامه مردم که فی‌النفسه
ارزشمند است، نوعی آزاداندیشی در
والامقام‌ترین کلام موجود در میان بشر حاصل
شود که به‌صورت مداوم با استفاده از کلام به
یادگار مانده از معصومین توسط عالمان دینی
در مسیر صحیح هدایت می‌شود. از آنجاکه در
این مقله به بررسی دیدگاه قرآن در رابطه با
حیوانات پرداخته شده است، باید متذکر گردید



سخن گفته شده است؛ بنابراین واژه‌های انعام، دابه، دواب، طیر و وحوش نیز در معنا به‌عنوان حیوان به‌کار رفته است. قرآن کریم حیوانات را به گروه‌های اهلی، وحشی، پرندگان، آبزیان و حشرات طبقه‌بندی نموده است. همچنین از آن‌جا که در زبان عربی برای یک‌گونه حیوان براساس جنس، سن، کاربرد و مشابه آنها اسامی مختلفی به‌کار می‌رود، در قرآن نیز بر این مبنا اسامی براساس تعریف معین به‌کار گرفته شده است مثلاً ابل به‌معنای مطلق شتر، جمل به‌معنای شتر نر، ناقه به‌معنای شتر ماده، هیم به‌معنای شتر تشنه که از آب سیر نمی‌شود، عشار که به‌معنای شتر ماده آمده است. همچنین موارد مشابهی برای سایر حیوانات مانند گاو و گوسفند نیز ذکر شده است. به‌طور خلاصه در جستجو در متن قرآن کریم می‌توان اسامی این حیوانات را پیدا نمود: چهارپایان اهلی شامل گاو، گوساله، گوسفند، بز، شتر، اسب، الاغ، استر (قاطر)، سگ و خوک؛ حیوانات وحشی شامل شیر، گرگ، فیل، بوزینه (میمون) و مار؛ پرندگان شامل بلدرچین، پرستو (ابابیل)، هدهد و زاغ (کلاغ)؛ آبزیان شامل ماهی (نهنگ) و قورباغه و حشرات شامل زنبور، مورچه، پروانه، ملخ، مگس، پشه، شپشه (حشره ریز) و عنکبوت.

طبقه‌بندی حیوانات در قرآن

در تمام علوم هنگامی که موضوعی دارای وسعت‌شده و اطلاعات موجود زیاد باشند، متخصصین از روش طبقه‌بندی استفاده می‌نمایند تا امکان تحقیق به‌صورت موضوعی بهتر فراهم‌شده یا سایر پژوهشگران بتوانند در حیطه خاصی مطالب را دنبال کرده و رهیافت‌های جدید ارائه‌دهند. قرآن نیز به‌واسطه وسعت موضوع حیوانات، در این زمینه از طبقه‌بندی استفاده نموده و در بعضی از موارد حیوانات را در

زندگی ناظر بر جهانی غیر از دنیای مادی است؛ زیرا در جهان کنونی فرمان نیستی بر موجودات فرمانی فصل‌الخطاب بوده و هیچ موجودی گریزی از آن ندارد، اما در جهان آخرت هستی فرمانروا بوده و لذا هرچه گناهکاران طلب مرگ و نیستی می‌کنند به آن نائل نمی‌شوند و در آن‌جا حیات و بقا حاکم است. «وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهْوٌ وَ لَعِبٌ وَ إِنَّا لَأَخِرَةُ لِهَيْبِ الْحَيَوَانِ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ - عنکبوت/سوره ۲۹، آیه ۶۴؛ و این زندگی دنیا جز سرگرمی بیهوده و بازیچه نیست، و حقاً که خانه آخرت (حتی زمین و آسمان و جماد و نباتش) دارای حیات است (و گویی حقیقت حیات است) اگر می‌دانستند». به‌عبارت دیگر قرآن می‌گوید: زندگی دنیا یک نوع سرگرمی و بازی است، مردمی جمع می‌شوند و به پندارهایی دل می‌بندند، بعد از چندروزی پراکنده‌شده و در زیر خاک پنهان می‌گردند، سپس همه‌چیز به‌دست فراموشی سپرده می‌شود. اما حیات حقیقی که فناپذیری در آن نیست، نه درد و رنج و ناراحتی و نه ترس و دلهره در آن وجود دارد و نه تضاد و تزاحم، تنها حیات آخرت است، ولی اگر انسان بداند و اهل دقت و تحقیق باشد. آنهاکه دل به این زندگی می‌بندند و به زرق و برق آن مفتون و دلخوش می‌شوند کودکانی بیش نیستند، هرچند سالیان دراز از عمر آنها می‌گذرد.

حیوانات در قرآن

واژه حیوان با این تعریف در قرآن وجود ندارد، اما از اسامی انواع حیوانات به‌معنای رایج آن به‌دفعات در قرآن ذکر شده‌است. نام پنج سوره از قرآن از نام حیواناتی که در میان سوره از آن‌ها یادشده گرفته‌شده است که شامل بقره (گاو)، نحل (زنبور)، نمل (مورچه)، عنکبوت و فیل. افزون بر آن، در آیات زیادی درباره حیوانات



آب مرده است حرام بوده، ولی همان ماهی در صورت مرگ در خشکی حلال خواهد شد. همچنین رفتارها می‌تواند موجب تفاوت شود مثلاً در هنگام شکار یا ذبح حیوان ذکر نام خدا موجب حلالیت و در غیر صورت موجب حرمت خواهد شد. بعضی از آیات که به روشنی در این زمینه قابل ذکر هستند بدین شرح می‌باشند: «به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند، پس هرکس که به خوردن آن‌ها محتاج و مضطر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و (از اندازه رمق) تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود (که به قدر احتیاج صرف کند که) محققاً خدا آمرزنده و مهربان است». (بقره/ سوره ۲، آیه ۱۷۳). «حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و هر حیوانی که به هنگام کشتنش نام دیگری جز الله را بر او بگویند، و آنچه خفه شده باشد یا به سنگ زده باشند یا از بالا درافتاده باشد یا به شاخ حیوانی دیگر بمیرد یا درندگان از آن خورده باشند، مگر آنکه ذبحش کنید. و نیز هرچه بر آستان بتان ذبح شود و آنچه به وسیله تیرهای قمار قسمت کنید که این کار خود نافرمانی است. امروز کافران از بازگشت شما از دین خویش نومید شده‌اند. از آنان مترسید از من بترسید. امروز دین شما را به کمال رسانیدم و نعمت خود بر شما تمام کردم و اسلام را دین شما برگزیدم. پس هرکه در گرسنگی بی‌چاره ماند بی‌آنکه قصد گناه داشته باشد، بداند که خدا آمرزنده و مهربان است». (مائده/ سوره ۵، آیه ۳). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هرگاه که در احرام باشید شکار را مکشید. هرکه صید را به عمد بکشد جزای او قربانی کردن حیوانی است همانند آنچه کشته است به شرط آن که دو عادل از شما گواهی دهند و قربانی را به کعبه رساند، یا به کفاره درویشان را طعام دهد، یا برابر آن روزه بگیرد، تا عقوبت کار خود بچشد. از آنچه در

دسته‌های معین طبقه‌بندی نموده است؛ الف) به‌عنوان نمونه روش راه رفتن حیوانات به‌عنوان یک شاخص مدنظر قرار گرفته و حیوانات بر این اساس به سه گروه بزرگ تقسیم شده‌اند: «و خداوند هر جنبه‌ای را از آب آفریده، پس برخی از آن‌ها بر شکم خود راه می‌روند (مانند مار و سایر خزندگان) و گروهی بر روی دو پا راه می‌روند (مانند انسان و پرندگان) و گروهی بر روی چهارپا راه می‌روند (مانند اکثر دام‌ها و پستانداران)، خدا هرچه بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر هرکاری تواناست.» (نور/ سوره ۲۴، آیه ۴۵). ب) یکی دیگر از معیارهای طبقه‌بندی حیوانات در قرآن مجید مکان زندگی آن‌ها است و بر این مبنا حیوانات به دو گروه بزرگ خشکی‌زی و آبی‌زی تقسیم می‌شوند. «بر شما شکار کردن از دریا (آبی‌زی) و خوردن از شکار آن (در حال احرام) حلال شد تا وسیله برخورداری شما و مسافران باشد و بر شما شکار از صحرا (خشک‌زی) مادامی که در حال احرامید حرام است و از خدایی که به سوی او گردآورده خواهید شد پروا کنید». (مائده/ سوره ۵، آیه ۹۶). همچنین در این آیه از دو اصطلاح مهم حرام و حلال نیز استفاده شده است. در قرآن کریم بارها از این دو اصطلاح درباره حیوانات یاد شده است تا به خوبی مشخص شود در میان حیوانات خلق شده چه گونه‌ها، درچه سنی و درچه زمانی حلال یا حرام هستند. به دلیل اهمیتی که غذا می‌تواند بر سرنوشت نوع بشر داشته باشد و کیفیت آن از دیدگاه حلال یا حرام بودن بر مسیر زندگی تاثیرگذار باشد، قرآن کریم در آیات مختلفی بر جدانمودن حلال از حرام در مورد حیوانات موشکافی نموده است. این مبنا حالتی مانند داشتن احرام می‌تواند به‌عنوان زمان معین بر حلال یا حرام بودن تاثیرگذار باشد یا جنینی که در سنی خاص است می‌تواند موجب حرمت آن شود. همچنین برخی حالات می‌تواند موجب تفاوت در حرمت شود، مثلاً ماهی که در



ناچار شود بی‌آنکه قصد تجاوز (از اندازه) و تعدی (از حکم خدا) نماید (باز از همین حرام‌ها به قدر ضرورت تناول کند) خدا البته بسیار آمرزنده و مهربان است» (النحل/ سوره ۱۶، آیات ۱۱۵). ج) حیوانات به دو دسته وحشی و اهلی نیز طبقه‌بندی شده‌اند، «و آن‌گاه که حیوانات وحشی محشور شوند» (التکویر/ سوره ۸۱، آیه ۵). وحشی در مقابل اهلی است و گروهی از حیوانات تلقی می‌شوند که به انسان انس ندارند. اهلی بودن از رام بودن نیز متفاوت است و حیوان رام حیوانی وحشی است که به‌دلایل و شرایطی در کنار انسان قرار گرفته، ولی با صاحب خویش انسی ندارد. د) مکان حرکت نیز موجب تقسیم‌بندی حیوانات در قرآن شده است و بر این اساس حیوانات به دو گروه حرکت‌کننده بر روی زمین و پروازکننده در آسمان طبقه‌بندی شده‌اند. «و هر جنبنده‌ای در زمین و هر پرنده‌ای در هوا که به دو بال پرواز می‌کند همگی طایفه‌هایی مانند شما (نوع بشر) هستند. ما در کتاب (آفرینش، بیان) هیچ چیز را فروگذار نکردیم، آن‌گاه همه به‌سوی پروردگار خود محشور می‌شوند» (الانعام/ سوره ۶، آیه ۳۸). ه) شاخص بعدی که موجب طبقه‌بندی حیوانات در قرآن می‌شود جنسیت است که در بعضی از آیات به این موضوع اشاره شده که از همه روشن‌تر در داستان نوح آمده است که خدای بزرگ برای بقای حیوانات فرمان بر بردن هر دو جنس به‌داخل کشتی دادند: «چون فرمان ما فراز آمد و تنور جوشید، گفتیم: از هر نر و ماده دو تا و نیز خاندان خود را در کشتی بنشان (مگر آن‌کس را که حکم درباره‌اش از پیش صادر شده باشد) و نیز آنهاپی را که به تو ایمان آورده‌اند. و جز اندکی به او ایمان نیاورده بودند» (هود/ سوره ۱۱، آیه ۴۰). همچنین قرآن بر جفت‌بودن نیز تاکید دارد: «و آن‌که همه جفت‌ها را بیافرید» (الزخرف/

گذشته کرده‌اید خدا عفو کرده‌است، ولی هر که بدان بازگردد خدا از او انتقام می‌گیرد، که خدا پیروزمند و انتقام‌گیرنده است». (مائده/ سوره ۵، آیه ۹۵). «برای شما بندگان) هشت جفت، از جنس بره دو صنف (نر و ماده) و از جنس بز دو صنف (آفرید و حلال کرد). بگو: آیا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه‌ای که در شکم ماده‌هاست کدام یک را خدا حرام کرده است؟ شما به‌من مدرک قطعی ارائه دهید اگر راست می‌گویید. و نیز از جنس شتر دو صنف (نر و ماده) و از جنس گاو دو صنف (آفرید و حلال نمود). به‌آنها بگو: آیا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه‌ای که در شکم ماده‌هاست کدام یک را حرام کرده است؟ مگر شما حاضر بودید که خدا بر این حرمت به‌شما توصیه نموده؟ کیست ستمکارتر از آن‌کس که به‌خدا دروغ بست تا به جهل خود مردم را گمراه کند؟! البته خدا ستم‌کاران را هدایت نخواهد کرد. بگو: در احکامی که به من وحی شده من چیزی را که برای خوردگان طعم حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته (جهنده) یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق و نافرمانی ذبح کنند. و (در همین‌ها که حرام‌شده) هرگاه کسی به خوردن آنها مضطر گردید صرف کند، در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی (از فرمان خدا) نباشد، همانا خدای تو بسیار بخشنده و مهربان است. و بر یهود حرام کردیم هر حیوان ناخن‌دار را و از جنس گاو و گوسفند پیه آن‌دو را جز آنچه بر پشت آنهاست یا به بعضی روده‌ها یا به استخوان‌ها چسبیده باشد را حرام کردیم به‌سبب ستمکاری‌شان این چنین مجازات کردیم و البته سخنان ما راست است». (الانعام/ سوره ۶، آیات ۱۴۳ تا ۱۴۶). «خدا بر شما بندگان تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه‌را که به‌نام غیر خدا ذبح‌کنند حرام گردانید، و اگر کسی مضطر و



سکوت بسیار است. به نظر می‌رسد انسان هنگامی که در معرض دقایق مخلوقات قرار گرفته و در سکوت به آنها توجه می‌نماید به نوعی در عظمت خالق تفکر نموده و از پله‌های معرفتی بالا می‌رود، درست مانند دانشجویی که در کلاس استادی سترگ به‌آهستگی در مسیر معرفتی بالارفته و جاپای مسیر رفته استاد می‌گذارد. توجه به طبیعت در کلام بسیاری از حکما و عالمان نیز آمده‌است تا بشر به‌واسطه دقت در طبیعت پیرامون خویش به‌خود آمده و بر ناچیزی خویش و همه‌چیزی خالق یقین پیدا نماید چنان‌چه که حضرت حافظ در بیتی چنین خلاصه موضوع را بیان می‌دارند: «هر کو نکند فهی زین کلک خیال انگیز- نقشش به‌حرام، ار خود، صورتگر چین باشد». به‌همین دلیل در قرآن نیز بارها از کلماتی همچون: «اولم ینظرو، افلم ینظرو، ینظرون، تعقلون، تتفکرون، یتفکرون، تذکرو، تذکرون» و مانند آنها برای توجه انسان به پیرامون خود استفاده نموده‌است. علاوه بر آن قرآن در توجه انسان به حیوانات به موضوعاتی اشاره می‌کند که در نوع خود بسیار پیچیده و اعجاب‌برانگیز است و هرچه بر دانش بشر افزوده می‌شود بخشی از ناشناخته‌های آنها آشکار می‌شود: الف) نگرستن به حیوان برای افزایش حکمت و فلسفه: از جمله آیاتی که به‌صورت مستقیم انسان را مورد خطاب قرار داده و او را به دیدن موجودی امر نموده است آیه ۱۷ سوره الغاشیه (سوره ۸۸) است که می‌فرمایند: «آیا به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟». کلمه «کیف» به معنای چگونه» از جمله کلمات مکرر در قرآن کریم بوده و ۶۷ بار آمده است و در بیشتر موارد انسان به‌واسطه این کلمه در موضوعاتی خاص مورد خطاب قرار گرفته است. به باور بیشتر فیلسوفان کلمه «چگونه» از جمله ستون‌های علم فلسفه است که در آن انسان با سوالاتی که با این کلمه آغاز می‌شود

سوره ۴۳، آیه ۱۲). «و از هر چیزی جفتی بیافریده‌ایم، باشد که عبرت گیرید» (الذاریات/ سوره ۵۶، آیه ۴۹).

علل توجه قرآن کریم به حیوانات

مجدداً متذکر می‌شود که آنچه به‌عنوان دلایل یا علت‌ها از دیدگاه قرآن بیان می‌گردد تنها برداشت مولفین بوده و هیچ‌زمان نباید آن‌را اصل و ریشه علل بیان موضوع توسط قرآن دانست که به‌یقین انسان تا زمانی که نتواند به بینش پرده‌ها را کنار بزند نخواهد توانست به عمق ماجرا پی‌برد، به‌همین علت مطالب تنها به‌اندازه درک مولفین از موضوع است. قرآن مجید در بسیاری از مواقع از مادیات و محسوسات به‌عنوان ابزاری برای شناخت خالق، عظمت خلقت و تذکر به انسان‌ها استفاده می‌کند، از جمله مواردی که به‌صورت مکرر در سوره‌ها و آیات به این دلیل کاربرد دارد توجه به حیوانات است. خدای متعال برای توجه‌دادن نوع بشر به عظمت خلقت که در نهایت باید منجر به فهم عظمت خالق شده تا انسان به‌جای توجه به مادیات و کرنش در برابر آنها به خالق گرایش پیدا کرده و به اصل خلقت نوع خود که همان عبادت است بازگردد از حیوانات که به‌نوعی همیشه در کنار انسان بوده و خواهند بود به‌عنوان ابزار تعلیم استفاده نموده است. در واقع خدای متعال با بهره‌مندی از عجایبی که در خلقت حیوان یا جریان تولیدات حیوان وجود دارد نوع بشر را به تفکر دعوت می‌نماید تا تمام هستی به بخشی از کلاس درس انسان برای افزایش حکمت و معرفت او تبدیل شود. این البته موضوعی کهن و از دیدگاه علم تجربی جدید نیز ثابت شده است که انسان‌هایی همچون چوپان‌ها که در طول عمر به‌دلیل شغل خویش مدت‌های زیادی در سکوت با طبیعت سروکار دارند دارای نوعی حکمت شده که از علایم شاخص آن سخن گفتن اندک و



حیوانی نام‌برده است که برای همگان بسیار آشنا و در گستره نگاه آن‌ها بوده‌است. البته باید توجه داشت توجه قرآن به این موجود تنها به این دلیل نبوده است که ساکنین مکه و مدینه به‌عنوان محل نزول آیات قرآن را متوجه خلقت شتر نماید، بلکه امروزه نیز شتر به‌عنوان موجودی شگفت‌انگیز مورد تحقیق دانشمندان در نقاط مختلف جهان است. (۵) شتر از جمله دام‌هایی است که باوجود قدمت اهلیت و آشنایی طولانی انسان با آن و نیز تحقیقات گسترده‌ای که در مورد خصوصیات آن انجام شده‌است، هنوز برای بشر در بعضی از قوه‌ها و حواس ناشناخته مانده است. در واقع آفریدگار به‌واسطه چگونگی و پیچیدگی‌هایی که در این موجود گذارده است به‌صورت مشخص این موجود را برجسته نموده است. هرچند برای بیان کامل بخشی از این پیچیدگی‌ها که مکشوف‌شده نیاز به مقاله‌ای مجزا و کلامی دیگر است. (ب) حیوان به‌عنوان پذیرنده وحی: اصطلاح وحی به‌عنوان کلمه‌ای برای بازگویی ارتباط بین خدای بی‌همتا و مخلوقاتش کلمه‌ای مقدس درمیان همه ادیان بوده و تنها در اشخاص یا مواردی خاص اطلاق می‌شود. هرچند وحی دارای مراتبی بوده و در بعضی از مواقع با کلمه الهام دارای اشتراک موضوعی می‌گردد، اما به‌صورت کلی آمدن این کلمه در هر جمله‌ای معنای جمله را شاخص می‌نماید. از زنبورعسل به‌عنوان موجودی خاص در این زمینه در قرآن یاد شده است تا انسان را به تأمل در این زمینه ترغیب نماید. «پروردگارت به زنبورعسل وحی کرد که از کوه‌ها و درختان و در بناهایی که می‌سازند خانه‌هایی برگزین». (النحل / سوره ۱۶، آیه ۶۸). شاید این ادعا که یکی از موجوداتی که به‌صورت ویژه مورد توجه بشر بوده و استفاده از فواید متنوع این موجود قدمتی طولانی دارد زنبورعسل است، گفتاری از روی

می‌خواهد به زیرساخت‌های مفاهیم علل خلقت دست‌یابد. پس در این آیه نیز از کلمه چگونه بر همین مبنا استفاده شده تا انسان هرچه بیشتر در این موجود که به‌نوعی دارای عجایب خاص است دقیق شده و بر این مبنا در نردبان حکمت اوج بیشتری بگیرد. علاوه بر این آیه باوجود کوتاهی آن دارای نکات قابل توجهی است که مرور برخی از آن‌ها خالی از حکمت نیست: (۱) شتر در زبان عربی از جمله حیواناتی است که به اصطلاحات گوناگون خوانده می‌شود و به‌دلیل وابستگی بیش از حد اعراب و مردم بادیه‌نشین به این حیوان و تولیدات آن، در میان ادبیات عرب و به‌ویژه در اشعار برای شتر در هر جنس، سن و حتی وضعیت خاص از کلمه‌ای مجزا استفاده می‌شود، اما کلمه ابل به‌صورت کلی برای شتر در هر وضعیتی اطلاق می‌شود. در واقع آیه چنین بیان می‌دارد که این حیوان در هر جنس، سن یا وضعیتی به‌خودی خود دارای ویژگی‌هایی است که او را ممتاز می‌سازد. (۲) مراد از نظر کردن نگاه کردن عادی نیست، بلکه امر به نگرستن همراه با تفکر و اندیشه است مانند هر انسانی که موضوعات مختلفی در طول روز می‌بیند، اما تنها به چیزهای خاص توجه کرد و با دیدنی خاص همراه با توجه مورد کنکاش قرار می‌دهد. (۳) به‌نوعی در این جمله نوعی نکوهش و سرزنش وجوددارد که چرا انسان به‌دنبال کشف حقیقت نیست و برای رسیدن به آن عمیق نمی‌شود. (۴) شتر در زمان نزول این آیه در شبه‌جزیره عربستان از جمله موجوداتی بوده که همیشه در نگاه ساکنان آن مکان وجود داشته و ساکنین آن منطقه برای گذران زندگی وابستگی ویژه به این حیوان داشتند. علاوه بر آن به‌واسطه خانه کعبه، تاجران و مسافران زیادی به شهر مکه مراجعه می‌نمودند که برای عبور از بیابان لاجرم از این حیوان بهره برده و با آن آشنا بودند. پس قرآن از



(زنبورهایی که برای یافتن شهید، گرده و سایر نیازهای کلنی به بیرون از کندو پرواز می‌کنند را اصطلاحاً زنبورهایی که به چِرا می‌روند، می‌نامند) پیداشده و رفت‌وآمد به آن آسان باشد. باید توجه داشت در یک کلنی مطلوب زنبور عسل چند ده‌هزار زنبور چرارو وجود دارد و در ابتدای صبح زمانی که این خیل عظیم زنبور به بیرون کندو پرواز کرده و در رفت‌وآمد هستند تقریباً هیچ تصادمی رخ نمی‌دهد. این موضوع را با یک فرودگاه بین‌المللی بزرگ مقایسه کنید که به چه میزان از انسان‌های ماهر و نیز قدرت و توانایی ماشین‌های محاسبه‌گر استفاده می‌شود تا اختلالی در حین پرواز هواپیماها رخ ندهد. جالب آن است یکی از مهم‌ترین مقدمات برای ساخت یک چنین فرودگاهی توجه به مکان ساخت آن است تا امکان تردد با کمترین مشکل در آن محدوده فراهم باشد. قدرت محاسباتی زنبور برای یافتن چنین مکانی به قدری اعجاب‌آور است که امروزه مهندسی فنی از رفتارهای مهندسی این حشره به‌عنوان الگویی برای نوشتن الگوریتم‌ها استفاده کرده و از این الگوریتم‌ها برای محاسبات خویش استفاده می‌نمایند. (ج حیوان به‌عنوان پدیدآورنده دلیزیرترین غذا: برای نوع بشر هیچ غذایی مهم‌تر از شیر وجود ندارد که اگر وجود داشت خالق آن را برای نوزادان فراهم می‌آورد. انسان از دیدگاه زیست‌شناسی از جمله موجوداتی است که نوزادی ناتوان و از دیدگاه طبیعی ناقص و نیازمند به دنیا می‌آورند. در بعضی از موجودات فرزند زاده شده یا از تخم تفریخ شده در همان لحظه اول آمدن به دنیا دارای تکامل نهایی برای زندگی مستقل است و بدون کوچکترین مشکلی می‌تواند بدون گرفتن کمترین کمک از ناحیه والدین به حیات خود ادامه دهد؛ اما در بعضی دیگر میزان نیاز به کمک والدین یا زمان استقلال بسیار متفاوت است. در مورد نوزاد انسان این زمان حداقل سال‌ها طول

واقعیت، دقیق و عالمانه است. امروزه حتی میزان استفاده از محصولات این حشره شاخصی برای توسعه یافتگی جوامع تلقی شده و مصرف بیشتر افراد یک جامعه در واقع بیانگر آگاهی و دانایی آنان بوده که می‌خواهد با استفاده از محصولات زنبور عسل ضمن تامین مواد مغذی از تندرستی حاصل از این منابع نیز استفاده نمایند. قابل توجه آن است که در قرآن مجید چهاربار از کلمه شفاء به‌عنوان درمان‌کننده‌ای که در عین درمانگری و پاک‌کننده‌ای هیچ عوارضی ندارد استفاده شده است که سه‌بار آن در مورد خود قرآن کریم بوده و یک‌بار آن در مورد عسل به‌عنوان فراورده ویژه زنبور است. «آن‌گاه از هر ثمره‌ای بخور و فرمانبردار به‌راه پروردگارت برو. از شکم او شربتی رنگارنگ بیرون می‌آید که شفای مردم در آن است و صاحبان اندیشه را در این عبرتی است.» (النحل/ سوره ۱۶، آیه ۶۹). توجه به این موضوع خود بیانگر توجه ویژه خالق به این حشره و عظمت نتایج زندگی او است. البته باید توجه داشت بیان ظرایف و عظمت زندگی این حشره خود نیاز به گفتاری جدا دارد لذا بر همین مقدار بسنده کرده و تنها به موضوع پیام‌القاء شده به این حشره پرداخته می‌شود. آنچه در این آیه به‌عنوان وحی به زنبور عسل اعلام شده است موضوع مسکن این حیوان است. قابل توجه آن است که شاید یکی از اعجاب‌آورترین حیوانات که ضمن داشتن زندگی اجتماعی از نظر نوع مسکن نیز بسیار ویژه است زنبور عسل است. در جهان کنونی پژوهش در مورد مهارت زنبور در استفاده از انواع دانش برای یافتن مکان مناسب برای سکنی‌گزیدن به‌عنوان یک بحث علمی مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است. این مکان علاوه بر آن که باید از نظر امنیت، مقاومت در برابر شداید اقلیمی نظیر باد و طوفان، پایداری و نظایر آنها سنجیده شود همچنین لازم است در مسیری باشد که به راحتی توسط زنبورها چرارو



جذب قرار گرفته و سرگین در واقع معادل همان قسمتی از جیره‌ای است که به‌عنوان هضم‌نشده از حیوان دفع می‌شود. در طرف دیگر ماجرا خون قرار دارد که در واقع بستری برای انتقال مواد مغذی هضم شده در دستگاه گوارش برای رساندن آن‌ها به سلول‌های بافت پستان است. امروزه به‌خوبی آشکار شده است که یکایک سلول‌های بافت پستان از هر کارخانه معظم صنایع غذایی ساخت بشر معظم‌تر و پیچیده‌تر است. هر سلول دارای این توانایی است که با استفاده از مواد مغذی آورده‌شده از خون هر آن‌چه لازم است را ساخته یا جذب کرده و به‌همان صورت به‌داخل شیر جاری سازد. بر این‌مبنا قرآن کریم در این آیه با چند کلمه محدود عظمت ساخت غذایی ویژه و حیاتی برای نوع بشر که کماکان دارای زوایای ناشناخته است را بیان می‌دارد. همچنین قرآن در آیه‌ای دیگر به شیر از بعدی دیگر اشاره دارد. «و به مادر موسی وحی کردیم که او را شیر بده، پس هنگامی که از سوی فرعونیان بر او بترسی به رود نیل ببیندازش و مترس و غمگین مباش که ما حتماً او را به تو باز می‌گردانیم و او را از پیامبران قرار می‌دهیم» (القصص / سوره ۲۸، آیه ۷). نکته جالب آن‌است که مادر حضرت موسی (س) پس از به‌دنیا آوردن آن حضرت مورد خطاب قرار گرفته و ابتدا بر او تکلیف می‌شود که فرزند را شیر بده. امروزه به‌خوبی آشکار شده‌است که شیر پس از زایش که از آن به‌عنوان آغوز یا ماک یاد می‌شود به‌دلیل داشتن ویژگی‌های خاص لازم است به‌عنوان اولین غذا در کوتاه‌ترین زمان پس از زایش به نوزاد خورانده شود. در زایشگاه‌هایی که با اصول کاملاً مدرن اداره می‌شوند حتی کودکی که هنوز مورد نظافت قرار نگرفته و در واقع شسته‌نشده را بر روی سینه مادر قرارداده تا بتواند در کمترین فاصله زمانی ممکن از آغوز استفاده نماید. آغوز

می‌کشد. این موضوع در زمینه دستگاه گوارش انسان نیز صدق می‌کند زیرا زمانی طولانی لازم است تا دستگاه گوارش نوزاد انسان به تکامل نهایی رسیده و بتواند از همه خوراک‌های قابل‌خوردن به‌خوبی استفاده نماید و در ابتدای تولد دستگاه هاضمه به‌هیچ‌عنوان توانایی پذیرش هیچ غذایی به‌جز شیر را ندارد. این موضوع نشان می‌دهد که بدون شیر در واقع نوع بشر امکان حیات را ندارد که خود بیانگر میزان اهمیت این غذا است. امروزه به‌خوبی مشخص شده‌است شیر از نظر کمیت و کیفیت مواد مغذی موردنیاز نوزاد بی‌همتا بوده و هیچ غذای دیگری جانشین آن نیست. قرآن کریم از اهمیت این موضوع استفاده مطلوبی برده و از شیر دایه‌های انسان یعنی چهارپایان اهلی (از چهارپایان اهلی به‌عنوان حیواناتی که به‌دلیل تولید شیر موردتوجه بوده و در زمان‌های نیاز از شیر این حیوانات برای تغذیه نوزاد انسانی استفاده می‌شود به‌عنوان دایه‌های انسان نام‌برده می‌شود) برای توجه بشر به ساخت این غذای یگانه بهره‌برده است. «بی‌تردید برای شما در ملاحظه چهارپایان حکمتی است. از شیر خالصی که از میان شکمشان از میان سرگین و خون بیرون می‌آید سیرابتان می‌کنیم، شیری که به‌کام نوشندگان گوارا است» (النحل / سوره ۱۶، آیه ۶۶). در زمینه خلوص و گوارایی شیر از دیدگاه تغذیه‌ای گفتاری طولانی نیاز است، لذا تنها به نکته عبرت‌آموز در این آیه یعنی فراهمی چنین غذایی از میان سرگین و خون بسنده می‌شود. در این آیه منظور از سرگین یا همان مدفوع چهارپای شیرده در واقع ماده خوراکی است که از دیدگاه تغذیه‌ای خالی از مواد مغذی هضم‌شده است. به‌عبارت دیگر بیان می‌گردد که ماده اصلی و بستر تولید شیر جیره‌ای است که حیوان مصرف‌کرده و در دستگاه گوارش مورد هضم و



آیه مشهور که در آن خالق متعال از موجودی بسیار ضعیف به نام پشه به عنوان مثل بهره‌برده است، پرداخته می‌شود. «خدا ابایی ندارد که به پشه و بالاتر از آن مثل بزند. آنان که ایمان آورده‌اند می‌دانند که آن مثل درست و از جانب پروردگار آنها است و اما کافران می‌گویند که خدا از این مثل چه می‌خواسته است؟ بسیاری را بدان گمراه و بسیاری را بدان هدایت می‌کند و جز فاسقان را به آن مثل گمراه نمی‌کند.» (البقره/ سوره ۲، آیه ۲۶). در شان نزول این آیه آمده است زمانی که مشرکان بر استفاده قرآن از مگس و عنکبوت طعنه‌زده و این مثال‌ها را ناچیز شمردند، سپس این آیه نازل گردید تا از موجودی ناچیزتر برای تفهیم موضوع استفاده شود، چراکه مثال باید موافق مقصود و وسیله‌ای برای تجسم حقیقت باشد به عبارت دیگر گاهی که گوینده در مقام تحقیر و بیان ضعف مدعیان است بلاغت سخن ایجاد می‌کند که برای نشان دادن ضعف آن‌ها موجودی ضعیف برای مثال انتخاب شود؛ مسلماً اگر در این گونه موارد به جای مثال‌های کوچک از مثال‌های بزرگ مانند آفرینش آسمان‌ها و کرات استفاده شود بسیار نامناسب خواهد بود و هرگز با اصول فصاحت و بلاغت سازگار نیست. درواقع اگر هدف رساندن مطلب است، مثال باید درست به اندازه قامت موضوع باشد. همچنین در باب «بالاتر از آن» نیز گفته شده است، منظور کمتر از آن است یعنی درواقع بالاتر از پشه در کوچکی است، یعنی اگر قدرت درک مدعیان آن روز بیش از این بود خدا به موجودی کوچکتر از پشه مثال می‌زد، اما در آن زمان کوچکترین موجود قابل درک و دیدن همان پشه بوده است. از جمله نکات مهم این آیه آن است که خدا این مثال را منبعی برای هدایت ایمان آورندگان و گمراه کردن فاسقان می‌داند. به عبارت دیگر همان‌گونه که در ابتدای سوره بقره، قرآن بدون کوچکترین شکی کتابی برای

علاوه بر آن که از نظر غلظت و کیفیت موادمغذی دارای ویژگی‌های خاص است از این خصوصیت یگانه برخوردار است که دارای آنتی‌بادی‌های خاصی بوده که برای یاری دادن به سیستم ایمنی نوزاد از ویژگی‌های منحصر به فردی برخوردار است. ثابت شده است پروتئین‌هایی که به عنوان آنتی‌بادی از آن‌ها یاد می‌شود پس از قرارگرفتن در دستگاه گوارش همانند سایر پروتئین‌ها مورد هضم قرار گرفته و عموماً به صورت ترکیبات سازنده یعنی اسیدهای آمینه جذب می‌شوند به همین دلیل خوراندن آنتی‌بادی به صورت موادمغذایی ارزش ایمنی‌زایی ندارد، اما در ابتدای تولد، دستگاه گوارش نوزاد دارای توانایی خاص به عنوان بلع سلولی است که قادر است به صورت انتخابی بعضی از ترکیبات را قبل از هضم به همان صورت دست‌نخورده از بافت اندام گوارشی عبور داده و در خون یا لنف آزاد نماید یا این خصوصیت پس از گذشت زمان کاهش یافته و پس از مدتی تقریباً از بین می‌رود. به همین دلیل خوراندن شیر اولیه که دارای ملکول‌های آنتی‌بادی بوده در همان زمانی که دستگاه گوارش دارای این توانایی است در افزایش قدرت سیستم ایمنی نوزاد نقش به‌سزایی دارد. قرآن کریم در این آیه به مادر حضرت موسی (س) امر می‌نماید که در همان زمانی که بیمناکی بر جان حضرت موسی (ع) بر اوضاع مسلط بوده است از این موضوع که به نوعی بر زندگی آینده این نوزاد موثر بوده است غافل نشود. موضوع قابل توجه آن است که توانایی سلول‌های پستانی برای ساخت این معجون ویژه تنها در مدت کوتاهی پس از تولد وجود داشته و بعد از این زمان این توانایی افول کرده و خاتمه می‌یابد. (د) استفاده از حیوانات به عنوان مثل: در قرآن مواردی چند از حیوانات برای تفهیم موضوعی به عنوان مثل استفاده شده است که بیان همه آنها نیاز به گفتاری طولانی دارد به همین دلیل تنها به یک



می‌دارد. از جمله مهم‌ترین این خصوصیات ایمان داشتن به آن‌چه بر پیامبر (ص) و پیامبران قبلی نازل شده است، می‌باشد. لذا برای درک این پیام آسمانی باید در انسان خصوصیتی وجود داشته باشد تا بتوان با فهم بشری به حداقلی از درک آن دست یافت. به یقین هرچه عمق و ریشه این خصوصیتی که منجر به پرهیزکاری در انسان می‌شود بیشتر باشد درک بشر از پیام آسمانی افزون‌تر خواهد شد، بدین‌لحاظ میزان درک انسان‌ها به‌میزان پرهیزکاری آنان وابسته است. بدین‌لحاظ بار دیگر باید متذکر شد که بیان مسائل در این مقاله براساس فهم مولفین از مطالب این پیام آسمانی است و نباید آن‌را پایان راه دانست. وجود اسامی حیوانات متعدد در قرآن کریم موضوعی است که ذهن بسیاری از مفسران و محققان را به‌خود مشغول داشته و به‌ویژه اطلاق نام حیوانات بر سوره‌ها مزید بر علت شده است. آن‌چه قابل درک است این حیوانات عموماً موجوداتی هستند که به‌صورت عام برای بیشتر افراد جامعه بشری شناخته‌شده هستند و لذا بیان مطالب در مورد آن‌ها به‌خوبی برای همگان قابل فهم است. برجسته‌نمودن نام بعضی از حیوانات همچون زنبور عسل و شتر که به‌واسطه برخی خصوصیات از ویژگی‌های خاصی برخوردار هستند نیز بیانگر آن است که جامعه بشری باید به‌خوبی از نعمت‌هایی که به‌واسطه این حیوانات بر جامعه بشری ارزانی شده است آگاه‌شده و بهره‌مندی لازم را ببرد. به یقین انسانها در نقاط مختلف جهان برای دست‌یابی به زندگی سالم نیاز به تولیدات و محصولات گسترده حیوانات مختلف دارد. باید توجه داشت اگرچه به‌صورت اولویت بیشتر این محصولات به‌عنوان منبعی غذایی ارزشمند هستند، اما حیوانات قادرند با تولید محصولات غیرغذایی نیز بر جامعه بشری تأثیرات مثبت فراوانی داشته باشند. به‌عنوان

هدایت متقین معرفی شده است، در این‌جا نیز خدا با مثال‌زدن به موجودی به‌نظر ناچیز می‌خواهد بفهماند اگر انسان مباحثه‌کننده جویای حقیقت باشد از این مثال نیز خواهد توانست به حکمت دست‌یابد و اگر به بهانه‌جویی کوچکی پشه آن‌را وسیله استهزاء و ایراد قرار دهد نمی‌تواند در مسیر حقیقت وارد شود، زیرا پشه با وجود کوچکی از جمله اعجاب‌های آفرینش است چنان‌که امیرمؤمنان حضرت علی (علیه‌السلام) در بیانی ارزشمند در این زمینه می‌فرماید: «اگر تمام جانداران جهان از پرندگان و چهارپایان و آن‌چه در طویله است و آن‌چه در بیابان چرا می‌کند و از هر صنفی و جنس و سخی و مردمان زیرک و نادان باهم جمع می‌شوند و بخواهند پشه‌ای را پدیدسازند، قدرت آن‌را ندارند و راه پدیدساختن آن‌را نمی‌دانند. عقل‌هاشان حیران می‌ماند و نیروشان فرو می‌کاهد و از میان می‌رود و خوارگشته و درمانده از تلاش خود دست برمی‌دارند و می‌فهمند شکست خورده‌اند و به عجزشان در پدیدساختن آن اعتراف می‌کنند و به ناتوانی خود در نابودساختن آن نیز ادعان می‌نمایند» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۶).

نتیجه‌گیری

به یقین قرآن کریم پیامی آسمانی است که توسط فرشته وحی حضرت جبرئیل بر پیامبر اکرم (ص) نازل شده است تا به‌عنوان گفتاری کامل صراط مستقیم را بر جامعه بشری آشکار و چون راهنمایی صادق او را بر این مسیر رهنمون باشد. در مرحله اول قرآن کریم راه حصول به درک کامل این پیام آسمانی را وجود تقوای الهی در میان انسان‌ها دانسته است، همان‌جا که در ابتدای سوره بقره خود را به یقین به‌عنوان کتابی برای هدایت پرهیزکاران معرفی می‌کند و سپس خصوصیات متقین را در آیات بعدی بیان



از پرورش این گونه حیوانات نوعی دارویی موثر و درمانگر است. از این جهت محققین مختلفی در زمینه مواهب حاصل از پرورش حیوانات مشغول به مطالعه بوده و به‌باور آنان وجود حیوانات در جوار انسان‌ها جزء تفکیک‌ناپذیر جوامع بشری خواهند بود. از این دیدگاه تاحدی می‌توان به‌علل نام‌گذاری سوره‌ها به‌نام حیوانات یا وجود آیات متعدد در رابطه با حیوانات در قرآن کریم پی‌برده و دلایل توجه این پیام آسمانی به حیوانات را درک نمود.

نمونه امروزه مجموع محصولاتی که توسط کلنی‌های زنبورعسل تولید می‌شوند بسیار گسترده‌تر از محصول خوراکی عسل است. بدین‌لحاظ پرورش حیوانات لازمه داشتن یک جامعه سالم است، زیرا مجموع محصولاتی که به‌عنوان فرآورده‌های حیوانی شناخته می‌شوند بسیار فراتر و متنوع‌تر از محصولات خوراکی شناخته‌شده می‌باشد و حتی استفاده از حیوانات برای درمان بیماران روش معمول و رایجی در جوامع انسانی بوده، به زبان دیگر محصول حاصل

منابع

۱. ربیع نتاج، س.ع.ا؛ سلیمی، س.ف. و میرزایی، س.ل. (۱۳۹۴). شگفتی‌های آفرینش مورچه از منظر قرآن، نهج‌البلاغه و علم، دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم، سال نهم، شماره ۱۶، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.
۲. رضایی آدریانی، ا. و اسکندرلو، م.ج. (۱۳۹۴). شگفتی‌های آفرینش شتر از منظر قرآن و علم، دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم، سال نهم، شماره ۱۶، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.
۳. عابدینی مطلق، ک. (۱۳۸۰). نهج‌البلاغه، ترجمه، چاپ اول، انتشارات فراگفت، قم.
۴. عبدالباقی، ف. (۱۳۸۳). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، چاپ دوم، نوید اسلام، قم.
۵. متقی، ت. (۱۳۸۰). نگاهی به دنیای حیوانات در نهج‌البلاغه و قرآن کریم، ترجمه، بوستان کتاب، قم.
۶. مرتضایی، ع. و همکاران. (۱۳۹۲). جامع تفاسیر نور. مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، قم.
۷. مکارم شیرازی، ن. و همکاران. (۱۳۷۱). تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۸. موسوی همدانی، ب. (۱۳۸۷). تفسیر المیزان، ترجمه، جامعه مدرسین، قم.
۹. نصیری، ع. و نقد، م.ر. (۱۳۹۰). اعجازها و شگفتی‌هایی از قرآن در زیست جانوری، دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم، سال پنجم، شماره ۸، مرکز تحقیقات قرآن کریم المهدی.

جایگاه علم در قرآن با تاکید بر علوم زیستی

صغری درزی خلردی^۱، مریم نظرچوب مسجدی^۲، فاطمه درزی خلردی^۳

۱- دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، کارمند دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

(نویسنده مسوول: soghra_darzi@yahoo.com)

۲- دکتری زبان و ادبیات فارسی، مدرس دانشگاه

۳- کارشناس ارشد کامپیوتر، کتابدار کتابخانه عمومی آزادگان ساری

چکیده

علم در قرآن به نور و روشنایی معرفی شده است و تاکید قرآن کریم بر موضوعاتی مانند علم، عالم، تعقل و تفکر نشان دهنده اهمیتی است که این کتاب الهی برای مبانی تولید علم قائل است. هدف از پژوهش حاضر مطالعه بر جایگاه علم در قرآن با تاکید بر علوم زیستی می‌باشد. روش پژوهش توصیفی و کتابخانه‌ای است و با استفاده از بررسی متون و منابع کتابخانه‌ای انجام شد. آیات قرآن در زمینه علم نشان دهنده اهمیت این مساله و جایگاه آن می‌باشد و به‌عنوان پشتوانه قوی و مستحکم در این زمینه می‌باشد. علم زمانی سودمند است که در جهت رشد، تعالی و سعادت بشر بکار گرفته شود. پژوهش حاضر به دنبال آن است که تحلیل علم و انواع علم به‌ویژه علوم زیستی در قرآن بپردازد. اینکه آیات قرآن به لقاح گیاهان اشاره دارد و عواملی که از آب و خاک ساده انواع سبزی‌ها و میوه‌ها را به وجود می‌آورند. در تبیین نگاه قرآن کریم به این نتیجه می‌رسیم که عالی‌ترین ارزش‌ها برای علم و اهل علم لحاظ شده است و علم زمانی سودمند است که در جهت رشد تعالی بشر به کار گرفته شود. در قرآن کریم به گیاهان و رستن و همواره با ذکر قرین آن با آب به‌عنوان مایه زندگی و مایه رستن گیاهان است.

واژه‌های کلیدی: قرآن، علم، علوم زیستی، عالم

مقدمه

محدوده علم خارج می‌کنند و تنها معارف تجربی را علم می‌دانند. برخی علوم متعارف و علوم رسمی را علم حقیقی نمی‌دانند و برخی بکلی منکر علم حقیقی هستند. برخی علم را شریف و قدسی و عامل ارزشمندی انسان و برخی آن را حجاب و عامل کبر و غرور می‌دانند. برخی علم را سکولار و برخی آن را ایدئولوژیک می‌دانند. برخی علم را لازمه دینداری و ایمان و برخی اساساً علم را منکر دین متعارض با ایمان می‌دانند. برخی به علم دینی معتقد و برخی منکر علم دینی هستند. از سوی دیگر واژه "علم اصالتاً عربی و قرآنی است و در میان متون دینی بویژه قرآن کریم به فراوانی به کار رفته و در این کتاب عزیز آسمانی درباره ارزش علم و تکریم عالمان و

یکی از مهمترین نشانه‌ها و ویژگی‌ها و حتی ثمرات و نتایج فرهنگ و تمدن بشری علم و دانش است که با عمر هزاران ساله فرهنگ و تمدن بشری همزاد بوده است. با همه قدمت و سابقه و ارزشمندی علم و صاحبان آن در میان همه ملل و بحث‌های فراوان دانشمندان رشته‌ها و مکاتب گوناگون علمی درباره چیستی و تعریف آن و با همه روشنایی و وضوح معنایی، همچنان دارای ابهام در میان کاربران و مخاطبان آن است. از همین رو برخی هر نوع آگاهی و درک ذهنی را اعم از تصور و تصدیق، علم می‌دانند و برخی حتی بسیاری از رشته‌های دانش بشری مثل فلسفه و الهیات و حقوق و تاریخ و ... را از



رفته است که این میزان فراوانی، از کلیدی بودن و اهمیت موضوع "علم" در قرآن کریم حکایت می‌کند. از سوی دیگر بزرگداشت و تجلیلی که در قرآن مجید از علم و دانش شده است، نظیر آن در هیچ کتاب آسمانی دیگر یافت نمی‌شود. این کتاب عزیز، که در میان امت‌ها نازل شده با لفظ "اقراء" یعنی بخوان، آغاز و با «تعلیم انسان به وسیلهٔ قلم» و «تعلیم آنچه برای انسان مجهول مانده» تداوم می‌یابد. «اقراء باسم ربک الذی خلق خلق الإنسان من علق اقرأ وربک الأکرم الذی علم بالقلم علم الإنسان ما لم یعلم (علق، ۱-۵) بخوان به نام خدایت که انسان را آفرید، انسان را از خون بسته آفرید، بخوان که خدایت بزرگوارترین است، چرا که به کمک قلم تعلیم داده است و به انسان چیزهایی را که نمی‌دانسته آموخته است.

مفهوم علم در قرآن و روایات

آموزه‌های اسلام نه‌گریز از علم که روی آوردن به آن است، نه تخطئه علم که تقویت آن است؛ در اولین آیه‌هایی که بر پیامبر اسلام نازل شده سخن از خواندن است. در داستان خلقت، خداوند از ملائکه می‌خواهد تا در پیش‌گاه این مخلوق تازه یعنی انسان به خاک افتند، او را خلیفه خود در زمین می‌داند و دلیل برتری و علو مقام او را علم و دانسته‌های او می‌داند، آن‌جا که می‌فرماید: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ...» (بقره، ۳۱-۳۳). قرآن، نه تنها جهل و بی‌خبری را توصیه نمی‌کند، بلکه بر عکس، عالمان را از صف نادانان جدا کرده و به آنان مقامی بلند بخشیده است، در آن‌جا که اشاره می‌کند: «قُلْ هَلْ یَسْتَوِی الذِّینَ یَعْلَمُونَ وَ الذِّینَ یَعْلَمُونَ» (زمر، ۹). در آیه ای دیگر می‌فرماید: «فَبَشِّرْ عِبَادَ الذِّینَ یَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فِیتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ» (زمر، ۱۸). بشارت ده بندگان را، کسانی که به سخن گوش فرا داده و بهترین آن را پیروی می‌کنند. اسلام چیزی را عزیزتر و شریف‌تر از علم نمی‌داند «لا عزَّ اشرف من العلم»

سرنش جاهلان مطالب گرانقدری بیان شده است. با توجه به اینکه قرآن کریم، تنها متن اصیل وحیانی و در عین حال هدایتگر و روشنگر آدمی است، مسئله این است "علمی که در این کتاب شریف الهی مطرح شده، کدام علم و دارای چه ویژگیهایی است و عالمانی که در آن مورد تکریم واقع شده، چه ویژگیهایی دارند؟ تفاوت عمده اسلام با مکاتب بشری در تعریف علم این است که اسلام علم را به‌عنوان یک واژه مقدس در جهت رشد، تعالی و سعادت بشر به خدمت می‌گیرد و لذا جهت‌گیری الهی را در آن شرط می‌داند و مطلق دانستن را علم نمی‌شمارد. از این‌رو اسلام علم را نوری می‌داند که خدا در قلب بندگانش قرار می‌دهد؛ «العلم نور یتقدفه الله فی قلب من یشاء». علامه طباطبایی مفهوم علم را در ادبیات قرآن چنین تعریف کرده است «اصولا علم در زبان قرآن عبارت است از یقین به خدا و آیات. برای روشن شدن این معنا و حل مسئله در این مقاله نخست معنای لغوی واژه "علم" مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. و سپس جایگاه علم در قرآن از لحاظ علوم زیستی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

معنای لغوی

واژه علم که اصالتاً عربی و جمع آن علوم است به معنی دانش، آگاهی، اطلاع، وقوف، تشخیص، شناخت، بصیرت، معرفت، درک و بینش و شعور و در حالت مصدری به معنی دانستن، شناختن، آگاهی یافتن، مطلع شدن، فهمیدن، دریافتن، تمیز دادن و فرق گذاشتن است (آذرنوش، ۱۳۸۸: ۴۵۴) علم همراه با مشتقات آن تقریباً ۷۷۵ بار در قرآن کریم به کار رفته و اگر معادل‌های علم همچون عقل، فقه، عرف، شعر، فکر، درک و فهم را همراه با مشتقات آن‌ها بر این عدد بیفزاییم بیش از هزار بار واژه "علم" و مشتقات و معادل‌های معنایی آن در قرآن به کار



آنها به تفکر در نظام آفرینش، در آیه‌های متعدد، پرده از اسرار آفرینش برداشته است. خداوند زمانی این حقایق مهم را گفت که همه مردم کشورهای جهان از آن‌ها بی‌خبر بودند، و پس از گذشت چند قرن، با پیشرفت دانش‌ها و علوم بشری، بعضی از این حقایق و اشاره‌های علمی آشکار شد و این‌هم از امتیازهای این کتاب شمرده می‌شود (رضایی، ۲۵: ۱۳۸۰). خداوند دانا باز پرده از یکی از اسرار آفرینش برمی‌دارد و در مورد ترکیب‌های متناسب و معین نبات‌ها می‌فرماید «وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ» و زمین را گستراندیم؛ و در آن کوه‌های استواری افکندیم؛ و از هر چیز متناسبی در آن رویاندیم (حجر، ۱۹). در این آیه به ترکیب‌های متناسب و معین نبات‌ها که یکی از اسرار دقیق جهان آفرینش می‌باشد اشاره شده است. به نظر برخی از محققان، آیه شریفه بیان می‌دارد که هر چیزی که روی زمین می‌روید، وزن خاصی دارد، به گونه‌ای که اگر بعضی از اجزای آن زیاد یا کم شوند، چیز دیگری با ترکیب کاملاً مغایر به وجود خواهد آمد. این آیه بر حساب‌گری دقیق و نظم شگرف و اندازه‌های متناسب در همه اجزای گیاهان هم دلالت دارد و این‌که هر یک از دیگری جدا می‌باشند، البته اگرچه در اصل، ظاهر آیه در مورد گیاهان و نبات‌ها می‌باشد، اما مانعی ندارد که از مفهوم گسترده‌ای برخوردار باشد تا همه موجودات، حتی انسان، حیوان و... را در برگیرد (جلالی، ۲: ۱۳۸۹).

اهمیت و لزوم شناخت اولویت‌ها در فراگیری

علم و دانش

در روایت آمده است: «العلم أكثر من ان يحاط به فخذوا من كل علم احسنه» (آمدی، ۱۳۸۰: ۱۵۷). علم بیش از آن است که بتوان به تمام آن احاطه یافت پس از هر علمی بهترین آن را برگزینید.

(آمدی، ۱۳۸۰: ۸۴۰) هیچ عزت و افتخاری بالاتر از علم نیست. آموزه‌های دینی، علم را در رأس فضیلت‌ها و سرآمد همه آنها می‌داند «رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ» (همان: ۴۹). و اصلاً قیامت یک انسان را با علمش برآورد می‌نماید «يُنْبِئُ عَنْ قِيَمَةِ كُلِّ امْرِئٍ عِلْمُهُ وَ عَقْلُهُ» (همان: ۴۷۶). اسلام، نگاه به صورت عالم و معاشرت با وی را عبادت می‌شمارد «النَّظَرُ إِلَيَّ وَجْهَ الْعَالَمِ عِبَادَةٌ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۹۵). حتی زیارت و دیدار آنها را دارای ثواب می‌داند: «زِيَارَةُ الْعُلَمَاءِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ سَبْعِينَ طَوَافًا حَوْلَ الْبَيْتِ وَ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ حَجَّةً وَ عُمْرَةً مَبْرُورَةً مَقْبُولَةً» (همان: ۱۵۹). یک ساعت جلوس در محفل علم را از آن برتر می‌شمارد که فردی هزار شب را به شب زنده‌داری پرداخته و در هر شب هزار رکعت نماز گزارد (همان: ۲۰۴). پیشوایان دین، مداد علم را از خون شهدا برتر می‌دانند: «مَدَادُ الْعُلَمَاءِ أَفْضَلُ مِنْ دِمَاءِ الشَّهْدَاءِ» (همان: ۱۵۸). عظمت فوق‌العاده قرآن چنان بود که همگان را تحت تأثیر و جاذبه منحصر به فرد خود قرار داد. در طول تاریخ هم افراد مختلف آن را با توجه به علاقه، تخصص و دیدگاه خود بررسی کرده‌اند. یکی از زمینه‌های مهم بحث در اعجاز قرآن کریم، اعجاز علمی است. در زمینه مباحث علمی قرآن، می‌توان به سه رویکرد مشخص اشاره کرد:

الف- دیدگاه افراطی: به وجود همه علوم و دانش‌ها در قرآن قائل است.

ب- دیدگاه تفریطی: قرآن، تنها کتاب هدایت و انسان‌سازی است و اثری از مسائل علمی جدید در آن نیست.

ج- دیدگاه معتدل: با پذیرش این‌که قرآن کتاب هدایت است و برخی آیات آن اشاره‌های علمی در راستای اهداف هدایتی دارد که برای اثبات اعجاز علمی می‌توان به آن‌ها استشهاد جست قرآن مجید، برای آگاهی دادن به انسان‌ها و تشویق



محور موضوع خاصی تشکیل شده است، اطلاق می‌گردد. همه دانش‌ها و در واقع اصطلاح «علم» همه رشته‌های علمی گوناگون را دربر می‌گیرد. نه تنها این معنای «علم» هم بارها در قرآن مجید به شکل‌های گوناگون و با شیوه‌های مختلف به کار رفته است، بلکه قرآن مجید به شکل‌های گوناگون بشر را به مطالعه آن و کسب بسیاری از این علوم دعوت می‌کند. در این باره آیات بسیاری هست که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ اما به برخی از آنها به عنوان نمونه اشاره می‌شود. خدای تعالی در آیه‌ای می‌فرماید: «سنریهم آیاتنا فی الآفاق و فی انفسهم حتی یتبین لهم انه الحق» (فصلت، ۵۳). به زودی نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. همان‌طور که در تعریف اصطلاحی «علم» به معنای اخص گذشت، علم به این معنا صرفاً به علوم طبیعی اطلاق می‌گردد که با روش تجربی همراه با مشاهده و آزمون به دست می‌آید. پیروان علوم جدید، تنها روش صحیح و قابل قبول برای بررسی و مطالعه طبیعت را همین روش تجربی می‌دانند. اما دانشمندان بزرگ اسلامی همچون ابوریحان بیرونی و ابوعلی سینا، بیش از هزار سال پیش، یک روش منحصر به فرد برای ادراک و بررسی طبیعت نداشته‌اند؛ بلکه مشاهده و تجربه، استدلال و تفکر، مآخذ پیشینیان و کتاب‌های آسمانی هر کدام به نوبه خود طریقی برای کسب علم و درباره بنیان جهان و چگونگی پیدایش آن بوده است (نصر، ۳۶۲: ۱۳۹۵). بنابراین نه تنها دانشمندان اسلامی از روش تجربی استفاده کرده‌اند، بلکه نگاه تجربی به طبیعت که اساس علم جدید است اساساً از آموزه‌های دینی است (امینی، ۱۳۷۹: ۳۷). قرآن کریم برای مطالعه طبیعت به روش تجربی و مشاهده سفارش می‌کند؛ اما محدود شدن به این روش را نمی‌پذیرد و از روش‌های دیگر از جمله

احسن علوم و مهم‌ترین آن کدام است؟ شاید برخی فکر کنند علمی که مورد سفارش اسلام است و این همه توجه و سفارش در مورد آن به عمل آمده است، فقط «علم دین» است، اما باید گفت هر چند علوم دینی و به سخن دقیق‌تر علم و پژوهشی که مبانی و جریانات کلی حاکم بر هستی و سپس نظام اعتقادی مبتنی بر این مبانی را شامل شود، از اهمیت درجه اول برخوردار است، اما دقت در آیات و روایاتی که علم را تشویق می‌کند به خوبی روشن می‌دارد که علم مورد ترغیب و توصیه، منحصر به علوم دینی نیست. در آیه ۱۶۴ سوره بقره می‌خوانیم: همانا در خلقت آسمان‌ها و زمین و رفت و آمد شب و روز و کشتی‌هایی که بر روی آب برای انتفاع خلق در حرکتند و بارانی که خدا از بالا فرو فرستاد تا با آن زمین را بعد از مردن زنده کند و سبز و خرم گرداند و در برانگیختن انواع حیوانات در زمین و وزیدن باده‌ها به هر طرف که میان آسمان و زمین مسخر است، آیاتی برای فکر کنندگان است. قرآن مجید در صدها آیه با شیوه‌های گوناگون، نام علم و دانش را به میان آورده و در بیشتر آنها در مقام بزرگداشت آن است؛ مثلاً، خدای متعال در مقام منت‌گذاری بر انسان می‌فرماید «علم الانسان ما لم يعلم» (علق، ۵) به انسان آنچه را نمی‌دانست، یاد داد. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «یرفع الله الذین آمنوا منکم و الذین اتوا العلم درجات» (مجادله، ۱۱). خدا مقام کسانی را که ایمان آورده‌اند، بلند می‌کند و کسانی را که به آنان علم داده شده است، چندین درجه بالا می‌برد؛ بالأخره در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «هل یستوی الذین یعلمون و الذین لا یعلمون» (زمر، ۹). آیا کسانی که علم دارند و کسانی که علم ندارند، مساوی هستند؟

معنای خاص «علم» در قرآن

به طوری که در تعریف «علم» به معنای خاص گذشت، این معنای علم به همه معارفی که حول

وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ وَاخْتَلَفَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَمَا أَنزَلَ اللَّهُ (جائیه ۳-۵) « مِنْ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ » به‌راستی در آسمان‌ها و زمین برای مؤمنان، نشانه‌هایی عبرت‌آموز هست و همچنین در آفرینش شما و جنبندگان که در سراسر زمین می‌پراکند برای اهل یقین نشانه‌هایی است و همچنین در آمد و رفت شب و روز و هر رزقی که خداوند از آسمان به‌صورت باران و برف فرو فرستاده است و زمین را پس از مردن و پژمردن‌اش بدان نزولات جوی زندگی می‌بخشد فرو فرستاده و نیز در گرداندن و بادها، نشانه‌هایی است برای خردمندان.

لقاح (زایا کردن گیاهان و ابرها توسط بادها)

در برخی آیات قرآن به بادهای زایا و باردار کننده اشاره شده است و « أَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً؛ (حجر ۲۲). مفسران و صاحب‌نظران آیه فوق را به دو صورت تفسیر کرده‌اند: الف: برخی برآنند که این آیه به لقاح گیاهان اشاره دارد یعنی ابرها فرستاده می‌شوند تا گرده‌های گیاهان نر را به گیاهان ماده برسانند و آنان را زایا کنند، احمد محمد سلیمان این مطلب را اعجاز قرآن دانسته است چراکه بشریت در اواخر قرن هیجدهم یا اوایل قرن نوزدهم به مسأله تلقیح پی‌برد، درحالی‌که قرآن قرن‌ها قبل از آن تذکر داده بود. ب: برخی دیگر از صاحب‌نظران و مفسران آیه فوق را اشاره به لقاح ابرها و بارور شدن آن‌ها دانسته‌اند چراکه در ادامه آیه مسأله نزول باران را مطرح می‌کند که نتیجه لقاح ابرهاست و احمد امین این آیه را یک معجزه جاودانی می‌داند که حدود هزار و سیصد و نود سال پیش موضوعی را بیان کرده که عصاره و نتیجه تحقیقات جدید است چراکه منظور از آیه

روش استدلال و تفکر نیز به فراوانی استفاده می‌کند و می‌فرماید «قل سیروا فی الارض و انظروا کیف بدء الخلق» (عنکبوت، ۲۰) بگو در زمین سیر و گردش کنید و بنگرید که چگونه خدای تعالی آفرینش را آغاز کرد «وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَ الْبَصِيرُ وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ وَلَا الظِّلُّ وَلَا الْحَرُورُ» و نابینا و بینا یکسان نیستند و نه تیرگی و روشنایی و نه سایه و گرمای آفتاب (فاطر ۱۹-۲۱) در این آیات انسانی که علم ندارد به کور، تاریکی و انسان صاحب علم به بینا و روشنایی تشبیه شده است. عالم کسی است که کشف‌کننده علم بوده و کشف‌کننده روابط حاکم بین موجودات جهان باشد. قرآن برای صاحبان علم جایگاه رفیعی قائل است به‌طوری که نبود آن‌ها را نقص زمین می‌داند (احتشام، ۱۳۸۸: ۶). در قرآن کریم، گاهی به‌طور کلی آیات الهی به‌عنوان منبع مطالعه و تفکر آدمیان معرفی می‌شود که در این موارد آیات الهی به دو بخش آیات آفاقی و آیات انفسی یا خلقت آسمان‌ها و زمین و خلقت ویژه انسان موضوع مطالعه و تفکر قرار می‌گیرد؛ چنانکه در آیات مورد بحث ملاحظه شد؛ اما در موارد بسیاری دیگر جزئیات آیات آفاقی مثلاً آفرینش آسمان‌ها، ستارگان، ماه و خورشید، گردش شب و روز و فصول چهارگانه، باد، باران، کوه‌ها، دریاها، گیاهان، درختان، جانوران، پرندگان، چهارپایان و همه جنبندگان به‌طور ریز مطرح می‌شود. و از سوی دیگر جزئیات و روند تدریجی آفرینش انسان از آب، خاک، گل، نطفه تا دمیدن روح و دوران کودکی، جوانی تا پیری آدمیان به عنوان جزئیات آیات انفسی معرفی می‌گردد تا انسان با ملاحظه و مطالعه و دقت بیشتر و تفکر عمیق تر در جزئیات آیات الهی به توحید، علم، قدرت، حکمت و عظمت الهی پی‌برد؛ به‌عنوان نمونه در آیات نخست سوره جائیه خدای تعالی می‌فرماید: إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ



غذایی از قبیل گندم و برنج و جو مشتمل است و نوع دیگر باغستان‌هایی که دارای درخت‌های خرما و انگور و زیتون و انار و امثال آنها می‌باشد با توجه به این که عوامل تربیت از قبیل آب و خاک و نور و هوا در وجود آنها یکسان اثر می‌کند با این وصف بعضی از این میوه‌ها در رنگ و شکل شبیه یکدیگر هستند ولی در طعم و لذت متفاوت می‌باشند و بعضی دیگر در رنگ و شکل متفاوت و در طعم و لذت متشابه هستند بلکه در یک نوع میوه بعضی از افراد آن با هم مشابه و بعضی شما تنها به خوردن این میوه‌ها اکتفا نکنید بلکه به باغستان‌ها قدم بگذارید و با چشم « أَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يُعْنَهُ » نامشابه است. تعقل در آنها نگاه کنید، مخصوصاً دو حالت را در نظر بگیرید: یکی آن حالتی که این میوه‌ها هنوز نارس بود، هنوز به صورت شکوفه و گل خودنمایی می‌کرد؛ دیگر آن حالتی که کاملاً رسیده و پخته شده است، پس از آن که قابل استفاده نبود قابل استفاده شده است، پس از آن که ترش بود، شیرین و خوش طعم و گوارا گردیده است، بعد از آن که سبز و نارس بود، رنگ ارغوانی و طراوت مخصوصی به خود گرفته است؛ پس از آن که کوچک و ناقص بود، بزرگ و کامل گشته است، این دو حالت را با هم مقایسه کنید تا بر شما حتم و مسلم شود که دست این «قدرتی هست که این دانه‌های نیروبخش و میوه‌های نشاط‌انگیز و اسرارآمیز را از خاک می‌رویاند و از نقص به کمال می‌رساند در این موضوع آیات قدرت و نشانه‌های حکمت خداوند برای اهل ایمان هویدا و آشکار است». فی ذلکم لآیات لقوم یؤمنون. درختان بارور مانند خدمتگزاران صمیمی با فعالیت خستگی‌ناپذیر و پشتکار عجیب کمر خدمت بسته در پرتو اشعه حیات بخش خورشید از دل زمین مواد نیروبخش غذایی را می‌مکند و به صورت انواع میوه‌های لطیف و لذیذ به ما تقدیم می‌دارند، شاخه‌های گل طبقه ای ریاحین و

همان تأثیری است که باد در اتحاد الکتریسته مثبت و الکتریسته منفی در دو قطعه ابر و آمیزش و لقاح آنها دارد. البته مانعی ندارد آیه فوق اشاره به لقاح ابرها و گیاهان مرده باشد چرا که بخش اول آیه یک مطلب کلی را می‌گوید زایاگری بادها که اعم از لقاح ابرها و گیاهان است ولی در ادامه آیه یکی از نتایج این لقاح را تذکر می‌دهد که همان نزول باران از ابر است. همانطور که لقاح گیاهان نیز یکی از مصادیق آنها است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲: ۲۲۰).

هدف عالی قرآن از بیان اسرار گیاهان

می‌دانیم که در آیات بسیاری از قرآن اسرار سلسله گیاهان نام برده شده و به فواید و اهمیت حبوبات و میوه‌ها توجه داده شده است. ولی عنایت و اصراری که این کتاب مقدس در این زمینه دارد این است که فکر و تعقل را در این نقطه متمرکز کند که این همه میوه‌های گوناگون و حبوبات متنوع در اثر چه عاملی پدید می‌آید؟ و کدام عاملی است که از آب و خاک ساده انواع سبزی‌ها و دانه‌های غذایی و میوه‌ها را به وجود می‌آورد؟ راستی تفکر در این موضوع ما را هرچه بیشتر به قدرت و حکمت خداوندی که از پشت پرده عوامل محسوس آفرینش، این جهان را اداره می‌کند متوجه و معتقد می‌سازد اکنون برای نمونه به آیه سوره انعام توجه کنید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرِ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يُعْنَهُ أَنْ فِي ذَلِكُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ». یعنی اوست خدایی که با قدرت و حکمت خود از آسمان باران فرو ریخت تا هرگونه گیاه به آن وسیله از زمین برویاند و گیاهی که در این آیه مورد نظر است دو نوع است: یک نوع که مزارع را تشکیل می‌دهد بر انواع دانه‌های



انگلیسی قرآن معمولاً به معنای درختی که میوه‌ای تلخ دارد آورده‌اند. اما بسیاری از مفسران و مترجمان عربی؛ فارسی وارد آن را اراک عربی، فارسی معنی کرده‌اند. اراک که در عربی شجره السواک نامیده می‌شود از درختان مهم عربستان است و اغلب از شاخه و ریشه آن برای مسواک استفاده می‌کنند. اخیراً بهره‌برداری از این درخت برای استفاده از عصاره چوب آن در خمیر دندان توجه صنایع اروپایی و امریکایی را شدیداً جلب کرده است. گزارش داده‌اند که این عصاره محتوی مقدار زیادی نمک‌ها و رزین‌هایی است که برای تمیز کردن و براق کردن دندان‌ها مؤثر است.

ریحان

نام قرآنی: ریحان، نام فارسی: شاه اسپرم، نازبویه اشارات قرآنی: ۱۲ / رحمن وَ الْحَبْدُو الْعَصْفُو الرِّيحَانُ. و دانه‌هایی که همراه با کاهند و نیز گیاهان خوشبو. ۸۹ / واقعهُ فَرُوحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جِنَّةٌ نَعِيمٌ. برای اوست آسایش و روزی و بهشت پر نعمت. تمامی قسمت‌های گیاه ریحان بسیار خوشبو است. برگ‌ها شامل یک نوع روغن اصلی است که مرکب از لینالول ال، متیل سنمیک و ترپنین است. تصور می‌شود که این گیاه محرک، قابض خون، مسکن، مدر و ضدنفخ باشد. بوییدن عصاره برگ آن عطسه‌آور است و دماغ را پاکیزه می‌کند. برای درمان ناراحتی‌های خفیف روانی و هیستریک نیز مؤثر است. برای درمان دل درد و بیماری‌های پوستی نیز به‌کار می‌رود. دانه‌های لعاب‌دار آن بسیار قابض است و برای بهبود اسهال روده‌ای تجویز می‌شود. تخم ریحان برای ناراحتی‌های مجاری ادراری مانند سوزنک و کم‌ادراری نیز مفید است. ریشه ریحان به‌عنوان مرهم به‌کار می‌رود. در اروپا از ریحان برای خوشبو کردن بعضی از غذاها استفاده می‌کنند.

نسرین و یاسمن را به کف گرفته، در برابر ما صف کشیده‌اند و اشاره می‌کنند که هریک را می‌خواهی بگیر. این خدمتگزاران فعال برای تهیه عوامل نشاط و وسایل حیات ما از هیچ‌گونه فداکاری دریغ ندارند. نکته مهم این است که گیاهانی که مواد خاک را به‌صورت میوه‌های لطیف و گوناگون درمی‌آورند و عناصر ساده را به گل‌های رنگارنگ و معطر تبدیل می‌نمایند، درس‌هایی از توحید می‌گویند و ما را به قدرت و حکمت خداوند متوجه می‌سازند (بیستونی، ۱۳۸۳: ۷۷).

گیاهان در قرآن کریم

به‌طور کلی در آیات بسیاری از قرآن کریم به گیاه و رستن، گوناگونی، تزیین زمین، نشانه بودن گیاهان، فصلی بودن آنها و مواردی از این قبیل اشاره شده است. چنانکه خداوند متعال می‌فرماید «أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ أَنْزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُم مِّنْ أَنْ تَنْبِتُوا شَجَرَهَا إِلَهَ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ». نه بلکه "سؤال این است" چه کسی آسمان‌ها و زمین را آفریده و برایتان از آسمان آبی فروفرستاده است، آنگاه بدان باغ‌های باطراوت و "تازگی" رویانید. شما را نمی‌رسید که درختانش را برویانید. آیا معبودی غیر از خداوند هست؟ حق این است که آنان گروهی کجرو هستند. نکته قابل توجه در رابطه با گیاهان در قرآن کریم ذکر همواره قرین آن با آب، به‌عنوان مایه زندگی و مایه رستن گیاهان است

مشخصات و خواص گیاهان در قرآن

درخت مسواک

نام قرآنی: خَمَطٌ، نام فارسی: درخت مسواک اشاره قرآنی: ۱۶ / سبأ. این آیه سوره سبأ در بحث مربوط به سدر و گز بیان شد. خمط را مترجمان



و تفکر قرار گرفت است. آیات آفاقی چون آفرینش آسمان‌ها و ستارگان، فصول چارگانه، باد، باران، دریاها، گیاهان و همه جنبندگان به‌طور ریز مطرح می‌شود. در آیات بسیاری از قرآن اسرار گیاهان نام برده شده و به فواید و اهمیت آن‌ها توجه شده است. اشاره علمی قرآن به لقاح ابرها اعجاز علمی قرآن است چراکه این مطلب تا سال‌های اخیر برای جز کشف شده بود و نیز نکته قابل توجه در رابطه با گیاهان در قرآن کریم ذکر همواره قرین آن با آب به‌عنوان مایه زندگی و مایه رستن گیاهان است.

نتیجه‌گیری
عظمت فوق‌العاده قرآن چنان بوده که همگان را تحت تاثیر و جاذبه منحصر به فرد خود قرار داد که یکی از زمینه‌های مهم بحث در قرآن کریم، اعجاز علمی است. قرآن نه تنها جهل و بی‌خبری را توصیه نمی‌کند، بلکه بر عکس عالمان را از صف نادانان جدا کرده و به آنان مقامی بلند بخشیده است. در قرآن کریم گاهی به‌طور کلی آیات الهی به‌عنوان منبع مطالعه و تفکر آدمیان معرفی می‌شود که در این موارد، آیات الهی به دو بخش آیات آفاقی و آیات انفسی مورد مطالعه

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آذرنوش، آذرتاش (۱۳۸۸). فرهنگ عربی - فارسی. تهران: نشر نی.
۳. آمدی، عبدالواحد (۱۳۸۰)، غررالحکم و درالکلم، شرح و ترجمه سید هاشم رسولی محلاتی، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، تهران.
۴. احتشام، حسن (۱۳۸۸). خاستگاه تولید علم در قرآن، فصلنامه دین و سیاست، ۱۹-۲۰، ۴۵-۵۹.
۵. بروجردی، محمدابراهیم (۱۳۶۶) تفسیر جامع. تهران: صدرا. ج. ۵ و ۷.
۶. بیستونی، محمد (۱۳۸۳). گیاه شناسی در قرآن، تهران: بیان جوان.
۷. جلالی، عبدالزهر (۱۳۸۹). بررسی اعجاز زیست شناختی قرآن، دو فصلنامه تخصصی قرآن و علم، ۷، ۱-۱۶.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۹۲). تعامل قرآن و علوم، قم: انتشارات پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۹. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۹)، المیزان فی التفسیر القرآن. ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج. ۱۶، ص. ۳۰۹.
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۶۰)، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر قرآن. تهران: فراهانی. ج. ۱۰ و ۱۳.

جایگاه محیط زیست از منظر قرآن و آموزه‌های دینی

مهرداد برون

کارشناسی فناوری اطلاعات

(نویسنده مسوول: mehrdadboroon95@gmail.com)

چکیده

انسان به سبب دارا بودن عقل و شعور که وجه تمایز وی از سایر موجودات طبیعت است قادر به مقهور ساختن محیط زیست و در نتیجه ایجاد عدم تعادل طبیعی در آن می‌باشد. همین امر موجب شده که او به نوعی، احساس مالکیت نسبت به آن کرده لذا بهره‌وریش از محیط زیست نیز بهره‌وری مالکانه باشد. در نتیجه به خود حق می‌دهد که هرگونه که بخواهد در آن تصرف کند و به مرور فجایع بزرگ زیست محیطی ایجاد نماید، بطوریکه امروزه بایک چالش بزرگ زیست محیطی روبرو شده است. وبه اجبار تمام توان خود را به کار گرفته تا این معضل بزرگی را که به بار آورده به گونه‌ای حل و فصل نماید. ریشه اصلی این بحران را باید در نگاه و تفسیر بشر از محیط زیست و طبیعت پیرامونش جستجو کرد. انسان به طبیعت بسان امری می‌نگرد که می‌تواند آن را به میل خود در اختیار گرفته و به یاری آن نیازها و جاه‌طلبی‌ها و هوا و هوس‌های خود را برآورده سازد و از آنجایی که ملاک ارزیابی ارزش‌هایش ملاحظات مادی و تجاری است، نسبت به بسیاری از چیزهایی که هم برای فرد و هم برای کل بشریت سودمند است بی تفاوت می‌شود. هنگامی که او هیچ معنای ژرف و قابل احترامی در طبیعت مشاهده نکند و آن را از حالت قدسی خالی یابد، چنان از آن بهره‌برداری می‌کند و به زیر سلطه‌اش می‌کشد که نظم و هماهنگی آن را در هم می‌پاشد. از آنجایی که رفتار انسان و جامعه نسبت به محیط زیست برآمده از باورهای فرهنگی و دینی اوست در این مقاله سعی می‌شود ساختار نظام‌مند انسان - جهان (ارتباط انسان با جهان) از دیدگاه اسلام تبیین شود تا در پرتوی آن مبانی نظری و عملی تحصیل محیط زیست سالم و لزوم حفظ آن از منظر قرآن و احادیث مورد بحث قرار گیرد. در راس این مبانی خدا به عنوان خالق همه کائنات و طبیعت آینه‌ای از اوست که خلقت هدفمند آن بر پایه حق و عدل است. در این بینش مالکیت مطلق همه چیز حقیقتاً و اصالتاً مخصوص خداست و دیگر مالکیت‌ها اعتباری و قراردادی است. موضع انسان در برابر خالق هستی "تسلیم" و در برابر مخلوقات "عدل" می‌باشد که بر همین اساس اسلام مشروعیت استخدام و "تسخیر" طبیعت برای انسان را امضاء کرده است. انسان جانشین خدا و خلیفه او در زمین معرفی می‌شود، تا تجلی اراده خدا در زمین به دست او صورت گیرد. البته با توجه به این اصل که این همه به صورت "امانت" به او سپرده می‌شود. با توجه به این مبانی، محیط زندگی انسان جایی است که وی از آنجا به کمال و هدف آفرینش خویش می‌رسد. لذا حق هیچ‌گونه اسراف، کفران نعمت (تخریب، ضایع کردن و استفاده نادرست) و تجاوز به حقوق دیگران را ندارد. در مقابل تعالیم دینی نیز اصول و راهکارهای عملی برای بهره‌وری صحیح از محیط زیست را به طور فردی و اجتماعی مشخص می‌سازد.

واژه‌های کلیدی: جایگاه محیط زیست، منظر قرآن، آموزه‌های دینی

مقدمه

تکنولوژی در زندگی انسان، پیامدهایی از قبیل آلوده شده آب دریاها و رودخانه‌ها، نابود شدن جنگل‌ها و مراتع که منجر به بیابان‌زایی شده، پدید آمدن شکاف در لایه ازن، آلودگی هوا

یکی از چالش‌های بسیار جدی در هزاره سوم، توجه به محیط زیست و بررسی مشکلات ناشی از تخریب آن است. انقلاب صنعتی اروپا و ورود



جای دیگر آمده است: *وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ* (نحل، ۸۹).

کتابی به‌سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن آمده است. بر طبق این آیات و روایات، بخوبی می‌توان استدلال کرد که بیان هر چیزی در قرآن هست؛ ولی با توجه به این مطلب، که قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است، که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است، روشن می‌شود که منظور از «همه چیز»، تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹). پس با مرور کلی بر آیات و احادیث می‌توان فرامین ارزشمندی را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در ارتباط با حفظ محیط زیست و ارزش و جایگاه آن مشاهده کرد، که در ادامه به بررسی آنها خواهیم پرداخت. در ابتدا تعاریفی از محیط زیست ارائه می‌شود: برنامه ملل متحد برای محیط زیست (PNU)، محیط زیست را مأوای کامل انسان تعریف می‌کند (نوحی، ۱۳۷۳). محیط زیست از نظر لغوی از دو کلمه تشکیل یافته: یکی «محیط» که یک واژه عربی است و دیگری «زیست» که واژه‌ای فارسی است (زکی، ۱۳۸۳). «محیط» به‌معنای مکان، اوضاع و احوال آمده و آنچه که شخص یا چیزی را احاطه کرده است و منشأ تغییر و تحول است. و به‌عبارتی به‌معنای فراگیرند است (معین، جلد ۲، الف). واژه «زیست» به‌معنای زندگی، حیات و زیستن آمده است (معین، جلد ۲، ب).

اهمیت و نقش محیط زیست در زندگی انسان
در این باره همین بس که باید یادآور شویم خلقت انسان متشکل از دو بعد جسمانی و روحانی است، که بعد جسمانی او از خاک است، چنانچه در قرآن مجید در آیات متعددی به آن اشاره شده است (آل عمران، ۵۹؛ کهف، ۳۷؛

بخصوص در شهرهای بزرگ که زاینده مصرف بی‌رویه سوخت می‌باشد و ... را به‌همراه داشته که موجب شده خسارات جبران‌ناپذیری به جهان هستی وارد شود. به‌طوریکه در سطح وضعیت بشر، به‌گونه‌ای که الان وجود دارد، برای بقای کل نظام طبیعت از جمله انسان، موضوعی مهم تر و فوری‌تر از مسئله محیط زیست نیست. مدت‌هاست که «انسان مدرن، که در آغاز در غرب خانه داشت و سپس به‌تدریج در دیگر قاره‌ها دامن گستراند، به‌نام ترقی، پیشرفت مادی، توسعه اقتصادی و دیگر خدایان و آرمان‌های دروغین قرن نوزدهم، به تخریب این سیاره پرداخت. اکنون او می‌بیند چگونه این روند، نه‌تنها او را به‌لحاظ درونی و معنوی فروکاسته، بلکه حتی تنفس همین هوایی را نیز که ادامه زندگی بر روی زمین منوط به آن است را برایش دشوار ساخته است. به بیانی استعاری، انسان مدرن که برای بدست آوردن زمین، از آسمان روی می‌گرداند، اکنون زمین را هم دقیقاً به‌دلیل نداشتن آسمان ازدست می‌دهد» (نصر، ۱۳۷۸). به این ترتیب طی چندسال اخیر توجه به دین در حل این بحران زیست محیطی آغاز شده است و در همین راستا اندیشمندان و محققین مسلمان نیز تلاش خود را بر آن داشته‌اند تا با تمهید از کتاب آسمانی آخرین فرستاده خداوند و نیز مکتب اسلام گامی در جهت حل این معضل بردارند "چراکه ایشان بر این باورند که بهترین نسخه شفابخش این درد مزمن و ملال‌آور جهان معاصر را می‌توان از لابلای آیات قرآن کریم و احادیث گهربار معصومین (ع) استنباط کرد" (شیرازی، ۱۴۲۰ق). زیرا همانگونه که خدای تعالی در قرآن تصریح نموده، اسلام یک دین کامل و پاسخگو به کلیه نیازهای بشر است: *مَا قَرَّطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ* (انعام، ۳۸). ما در این کتاب از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم. و یا در



می‌شود: مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَ فِيهَا نُعِيدُكُمْ وَ مِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى (طه، ۵۵). و مَا شَمَّا رَأَى أَنْ أَرْمِينَ [آفریدیم و بدان بازی گردانیم و بار دیگر از آن بیرونتان می‌آوریم. این امر نشانگر آن است که خداوند با علم و حکمت بی‌انتهای خود به‌گونه‌ای جهان و هر چه در آن است را آفریده و سامان بخشیده است که همه‌چیز حتی انسان (در بعد جسمانی) پس از مرگ دوباره به چرخه طبیعت برمی‌گردد و زمینه بقای گیاهان، جانوران و انسان‌های دیگر را فراهم می‌آورد و همه‌چیز محاسبه شده و دقیق به‌طور کامل به زمین بر می‌گردد. زیرا که نظام طبیعت بر یک تعادل و تعامل همه‌جانبه استوار است. این بازگشت فرآیند تعامل بعد جسمانی انسان با طبیعت است و بعد روحی (عقلانی) او نیز با استفاده از دستورات و تعالیم الهی بایستی با رعایت اصول صحیح بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست نسبت به حفظ تعادل و توازن در چرخه محیط زیست دین خود را ادا کند. بحران زیست محیطی در جهان اسلام همچون سایر جوامع دینی ناشی از کمرنگ شدن تعالیم دینی در عرصه زندگی اجتماعی و رویکرد مادی به زندگی می‌باشد که از آن جمله می‌توان عوامل سیاسی، اقتصادی و فن‌آوری را ذکر کرد که بر تاثیر نگرش الهی به طبیعت سایه افکنده است. اسلام از دیدن طبیعت به‌عنوان چیزی جز آثار خدا ابا دارد. لذا همیشه برخورد با جهان طبیعت برای دانشمندان بزرگ مسلمان، شاعران، فیلسوفان، متکلمان و حتی طبیبان مسلمان، چه در درون و چه در بیرون بدن، به‌همراه احساس مقدسی بوده است. و نیز اسلام هیچگاه زمینه پیدایش انسانی آزاد از هر مسئولیت درقبال جهان سوای خدا، در قبال مقدسات، در قبال خدایی که حقیقت‌گایی است و در قبال طبیعت را فراهم نساخته است. در اسلام تصوراتی از

حج، ۵؛ فاطر، ۱۱؛ طه، ۵۵). به‌عنوان مثال در آیه ۶۷ سوره غافر آمده: هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ ... اوست پروردگاری که شما را از خاک خلق کرد سپس ... و یا در سوره روم آیه ۲۰ فرموده است: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ ... و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید سپس ... منظور از اینکه خداوند فرموده شما را از خاک خلق کرده این است که خلقت شما افراد بشر بالاخره منتهی به زمین (خاک) می‌شود و چون مراتب تکون و پیدایش انسان، چه مرتبه نطفه، چه علقه، چه مضغه و چه مراتب بعد از آن بالاخره از مواد زمین است که پدر و مادر او می‌خورند و فرزند در صلب پدر و رحم مادر رشد می‌کند، پس انسان پیدایشش از عناصر زمین (خاک) است (طباطبایی، المیزان). و در آیاتی دیگر (انعام، ۲؛ اعراف، ۱۲؛ مومنون، ۱۲؛ سجده، ۷؛ صافات، ۱۱؛ ص، ۷۱) اشاره به خلقت انسان از طین (گل) یا صلصال (گل خشک) شده است (حجر، ۲۶، ۲۸، ۳۳؛ الرحمن، ۱۴). که مفسران بر این باورند که هرسه واژه مکمل یکدیگر بوده و تناقضی با هم ندارند. به این معنی که هر یک مرحله‌ای از مراحل آفرینش را توصیف می‌کنند (فخررازی، ۱۴۲۰ق). و به‌عبارتی خلقت انسان از خاک یا گل که ترکیبی از آب و خاک (دو عنصر مهم طبیعت) تشکیل شده است. با این وصف تاثیر فراوان و شگرف طبیعت بر روح و جان آدمی قابل توجیه و فهم می‌گردد و به روشنی می‌توان دریافت که چرا سبزه‌زارها، دریاها، آسمان بیکران، آبشارها، کوه‌ها و سایر مظاهر طبیعت نقشی به‌سزا در آزمایش و طیب خاطر انسان‌ها دارند و از این همه اهمیت پرداختن به محیط زیست و حفظ و نگهداری آن آشکار می‌گردد. جالب اینکه انسان پس از مرگ هم به خاک برگشته و جزئی از آن



همه خلق (از انس و جن و هر جنبنده‌ای که در آن است) بیافرید. ثروت‌های جهان ملک حقیقی خداوند است و خداوند اجازه فرموده است که افراد این ثروت‌ها را مطابق مقررات به خود اختصاص دهند (طباطبایی، المیزان). براین اساس ثروت‌های طبیعی و منابعی که خداوند متعال در کره زمین و اطراف آن ذخیره کرده است پیش از آنکه مورد تولید یا مصرف قرار گیرد، در اختیار عموم است و استفاده از آنها شرایطی دارد که بایستی به آنها توجه شود (حبیبی، ۱۳۸۳). در سوره قمر آیه ۴۹ می‌خوانیم: *إِنَّا كُلُّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ* همانا ما هر چیزی را به اندازه آفریدیم. و اینکه هر چیزی در نظام طبیعت به اندازه و مقداری که متناسب با چرخه زیستی طبیعت است آفریده شده و استفاده یک‌سویه و بی‌رویه از یک منبع موجب اختلال در چرخه طبیعت می‌شود. بنابراین آیات، زمین و محیط زیست حق همگانی هست و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند، لذا بایستی استفاده از این حق به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن برای نسل آینده و نسل حاضر حفظ شود. چنانکه می‌دانیم بهره‌برداری نادرست از منابع زیست محیطی موجب وارد شدن خسارات فراوان و جبران‌ناپذیری می‌گردد. به‌طورمثال: از بین رفتن پوشش گیاهی خطر سیل را به دنبال دارد، مصرف بی‌رویه سوخت نسل آینده را با کمبود منابع سوختی مواجه می‌کند و استفاده نادرست از مواد شیمیایی و صنعتی موجب آلودگی هوا و خاک می‌شود و ... که همه اینها باعث می‌شود مشکلات و معضلات فراوانی گریبان‌گیر فرزندان ما در نسل‌های آتی شود، که مطمئناً هدف آفرینش و مقصود خداوند از خلقت چنین پیامدی را بر نمی‌تابد. نکته قابل توجه اینکه هر حقی برای انسان تکلیفی را به دنبال خواهد داشت. به عبارت دیگر، حق و تکلیف دو روی

انسان، تصور خلیفه خدا بودن و تسلیم بودن در برابر اراده اوست. از این رو زن و مرد مسلمان اگر از واقعیات مذهبی آگاه باشند، همواره از این خلافت الهی آگاه خواهند بود (نصر، ۱۳۷۸).

محیط زیست و طبیعت مسخر انسان

خداوند با دمیدن روحش در کالبد خاکی انسان، او را اشرف مخلوقات و خلیفه خود بر زمین اعلام می‌کند و چنین می‌فرماید که زمین و آسمان و تمام پدیده‌های طبیعی برای انسان آفریده شده تا با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در وجود او نهاده به شیوه مناسب از آن‌ها بهره‌برد: *وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ* (ابراهیم، ۳۳). و خورشید و ماه را - که پیوسته روانند - برای شما رام گردانید و شب و روز را [نیز] مسخر شما ساخت. و در آیه‌ای دیگر می‌خوانیم: *أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ* (حج، ۶۵). آیا ندیده‌ای که خدا آنچه را در زمین است به نفع شما رام گردانید ... و نیز در سوره ملک آیه ۱۵ چنین آمده: *هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ ذَلُولًا* ... اوست کسی که زمین را برای شما رام گردانید ... در قرآن از مسخر کردن ماه، خورشید، شب و روز، دریاها، نهرها، کوه‌ها، باد و هر چه در آسمان‌ها و زمین است یاد شده است؛ بدیهی است که در همه این موارد مقصود این است که این امور طوری آفریده شده‌اند که رام انسان و مورد بهره‌برداری انسان هستند (مطهری، ۱۳۷۳).

قرآن محیط زیست را حق همگان می‌داند

پیش از این اشاره شد که طبیعت برای همه انسان‌ها بوجود آمده تا از آن بهره‌جویند و به عبارتی محیط زیست حق همه انسان‌ها در هر عصر و در هر جایی از این جهان است. همانطور که در سوره الرحمن آمده است: *وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ* (الرحمن، ۱۰). و این زمین را برای

روبرو خواهد شد: *وَ مِنْ يُبَدِّلُ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ* (بقره، ۲۱۱) و هر کس نعمت خدا را - پس از آنکه برای او آمد - [به کفران] بدل کند، خدا سخت کیفر است. مقام معظم رهبری (۱۳۸۲) در این مورد می‌فرماید: "هدف متعالی اسلام برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و هیجان جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی با پرهیز از زیاده‌روی و تعبد به عدم اضرار به غیر را فراهم آورده است."

بازگشت به آموزه‌های دینی یکی از عوامل موثر در جلوگیری از تخریب زمین

محققین و متفکرین بر این باورند که یکی از مهمترین عوامل موثر در ایجاد تنش‌ها و مشکلات فراوانی که بشر امروز با آن درگیر است و دور شدن از معنویات و کمرنگ شدن تاثیر دین بر زندگی انسانهاست. یکی از این تنش‌های ایجاد شده در جهان امروز، چالش‌های زیست محیطی است به طوری که لندی‌شمندان بر آن شدند تا با مدد از آموزه‌های دینی سعی کنند تغییری در فرهنگ مصرف و نوع مواجهه انسان با محیط زیست پیرامونش ایجاد کنند. به همین منظور ریچارد بات در سال ۱۹۹۳ در بانک جهانی جامعه‌ای را تحت عنوان "جامعه آشناسازی معنوی بانک جهانی" به منظور ارتقای به‌سازی فردی و تجدید معنوی کارکنان بانک جهانی تشکیل داد که بسیاری از مباحثات آن به تعامل میان انسانیت و محیط زیست مربوط می‌شد (سراج‌الدین و بات، ۱۳۷۹، الف). وی در سخنرانی خود در سخنرانی در کنفرانسی به همین منظور می‌گوید "عقاید معنوی و اعتقادات مذهبی در سراسر اعصار و دوره‌ها

سکته‌اند. اگر استفاده و بهره‌برداری از محیط زیست برای انسان به رسمیت شناخته شده، این حق تکلیفی را نیز ایجاد می‌کند و آن این است که انسان وظیفه دارد در استفاده از حقوق خود رعایت حقوق دیگران را نیز بنماید. بر همین اساس استفاده از محیط زیست باید به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نکند (فیروزی، ۱۳۸۴). یعنی از انجام هر عملی که موجب شود دیگران از داشتن محیطی سالم محروم شوند خودداری نماید. زیرا با نگاهی به متون دینی می‌توان دریافت که توجه و تأمین سلامت آن و حرکت در جهت دستیابی به محیط سالم از حقوق اساسی بشر است، همانطور که تخریب محیط زیست در اثر نشناختن حقوق بشر است (جوادی آملی، ۱۳۸۰). از رسول اکرم (ص) روایت شده: *لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام*. در اسلام ضرر و ضرر زدن وجود ندارد (حر عاملی، وسائل الشیعه، الف). خداوند متعال در آیه ۵۶ سوره اعراف می‌فرماید: *وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ...* و در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید ... گفتنی است یکی از مصادیق مهم "فساد در زمین" از بین بردن منابع طبیعی و مواهبی است که خداوند برای تأمین نیازهای همه افراد بشر در زمین به ودیعه نهاده است. و در جای دیگر چنین فرموده که: *كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبٌ وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ* (طه، ۸۱). از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم، بخورید و [الی] در آن زیاده‌روی مکنید که خشم من بر شما فرود آید، و هر کس خشم من بر او فرود آید، قطعاً در [اورطه] هلاکت افتاده است. نه تنها از بین بردن مواهب و نعماتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده نهی شده، بلکه هر کس این امر مهم را نادیده انگارد با عقوبت الهی



اهمیت و جایگاه گیاهان در قرآن و آموزه‌های اسلامی

در روزگاری که پیامبر اکرم به بعثت رسیدند جهالت گسترده جامعه عرب را فراگرفته بود. به‌طوریکه اعراب به‌خاطر اینکه توان تحلیل برخی از ویژگی‌های درختان را نداشتند و نمی‌توانستند به اسباب و علت‌های آن‌ها دست یابند (مثل آتش گرفتن چوب‌ها و برآمدن شعله‌های فروزان از آن‌ها و خانه گزیدن برخی مارها و افعی‌ها در میان بوته‌ها و درختان) از این‌رو آنان برخی از درختان را دارای نیروی شر دانسته، از آن‌ها می‌ترسیدند و در نهایت بخاطر در امان بودن از شر آنها درختان را شایسته عبادت می‌دانستند. به‌عنوان مثال درباره انجیر بر این باور بودند که روح شر در آن قرار دارد چراکه مارها در آن سکنی می‌گزیدند و برخی درختان را نیز قرارگاه شیطان می‌دانستند (حیدری و سلطانی، ۱۳۸۱). قرآن مجید نه اجازه می‌دهد که بشر طبیعت را به‌علت عظمت و شگفتی‌های آن خدای خویش دانسته، مورد پرسش قرار دهد و نه آن که آن را موجودی بی‌روح بداند. بلکه مظاهر طبیعت را آیه (فصلت، ۳۷) و کلمه خداوند و موجوداتی دارای شعور که تسبیح‌گوی خداوندند معرفی می‌کند (صادقی و فراهانی) که منشاء خیر و برکت برای انسان می‌باشند. و انسان که مقام خلیفه‌اللهمی به او سپرده شده، در عین حال که حق دارد از تمام مواهب طبیعت بهره‌برداری بکند بایستی نگاهبان و محافظ آن نیز باشد چراکه طبیعت امانتی است از سوی خداوند در دست بشر که باید به نسل‌های آینده بسپارد. بلکه علاوه بر محافظت از آن در عمران و آبادانی آن بکوشد: *هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا* ... (هود، ۶۱). او شما را از زمین پدید آورد و شما را برای آبادانی در آن گمارد.

بر روی شناخت اتکا میان بشریت و تمامی اشکال زندگی به یکدیگر تاکید داشته‌اند. پنج ارزش وجود دارد که منجر به این وحدت درک و فهم می‌شوند: احترام به همه (گونه‌های) حیات، تساوی و برابری همه افراد، اهمیت حسن اشتراک، مسئولیت در قبال همه و توجه بدون قید و شرط (سراج‌الدین و بات، ۱۳۷۹، ب). و نیز آرجی بری استاد گروه بیولوژی دانشگاه لندن می‌گوید: "رفتار ما به ارزش‌هایی که برای خود، برای جامعه خود، برای آینده و برای طبیعت قائل هستیم بستگی دارد". و نیز در جایی دیگر می‌گوید: "من برای کره زمین به این دلیل ارزش قایل هستم و ارج می‌نهم چون به خدایی اعتقاد دارم که آن‌را خلق کرد و به بشر (به‌عنوان خلیفه الله) اعطا کرد و همچنان آن را پایدار نگاه می‌دارد؛ من خلیفه خدا هستم" (سراج‌الدین و بات، ۱۳۷۹، ج). دکتر تاپفر مدیر اجرایی محیط زیست سازمان ملل نیز در گفت و گو با روزنامه همشهری در نیویورک بیان می‌دارد "ما می‌خواهیم در زمینه زیست محیطی با جهان اسلام یک همکاری مناسب و نزدیک داشته باشیم". وی در ادامه می‌افزاید: "اعتماد راسخ دارم که ارزش‌های معنوی جهان اسلام بستر مناسبی جهت اجرای برنامه‌های لازم به‌منظور حفظ آفریده‌های خدا و تنوع زیست محیطی است" (پور سعید، ۱۳۸۲). مطالعه دستورالعمل‌ها و احکام اسلامی این حقیقت را آشکار می‌سازد که اسلام و آموزه‌های آن توجه بسیار زیادی به محیط زیست در بهترین معنی آن داشته است. به زبان ساده در صورت محقق شدن دستورات اسلام منابع طبیعی به‌صورت مناسب مورد بهره‌برداری قرار گرفته و در این‌صورت طبیعت توان جایگزینی این منابع را خواهد داشت و در مورد منابع محدود نیز بهره‌برداری باید به گونه‌ای صحیح و منطقی صورت گیرد (حبیبی، ۱۳۸۳).



درختی که کاشته و ... " (مجلسی، بحار الانوار، ب). به عبارتی کاشت درخت در کنار قرائت قرآن و باقیات و صالحات آورده شده تا توجه ما را به اهمیت مطلب جلب کند. در حدیث دیگری آمده است: شخصی (حمزه) از امام کاظم (ع) که مشغول کار کشاورزی و درختکاری در مزرعه بودند- در حالیکه عرق از دوپای ایشان می‌ریخت- در مورد اینکه چرا ایشان اینگونه (باسختی) در زمین کار می‌کنند سؤال کرد. ایشان فرمودند: آنان که از من و پدرم بهتر بودند در زمین کاری کردند. سؤال شد: آنان کیستند؟ فرمود: پیامبر خدا (ص)، امیرالمؤمنین علی (ع) و همه پدرانمان با دستان خود در زمین کار می‌کردند و این عمل پیامبران، رسولان، جانشینان آنان و بندگان شایسته خداست (کلینی، کافی و حر عاملی، وسائل الشیعه، ب). تشویق پیامبر و رهبران فکری اسلام به درخت کاری، کشاورزی، به‌سازی کشت و لزوم کاوش و پژوهش در مسائلی از این دست تأثیر شگرفی بر جامعه اسلامی گذاشت و آثار ارزنده‌ای در پی داشت. این سخنان شور و شوقی در میان مسلمانان برانگیخت و آنان را به پژوهش، تجربه‌اندوزی و بررسی راه‌های گسترش کشاورزی، به‌سازی کاشت، داشت و برداشت و اصلاح و توسعه انواع درخت واداشت تا آن‌جا که انقلاب کشاورزی عظیمی در جامعه اسلامی پدید آمد و مسلمانان در پرتو سخنان پیشوایان دینی توانستند دانش ارزنده و سودمندی را در اختیار جهانیان قرار دهند (واتسون). رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در سال ۱۳۶۵ در این‌باره فرمودند: "در تعلیمات دینی ما و در سنت انبیاء و اولیا (ع) درخت‌کاری، آبیاری و بطور کلی آبادسازی زمین و مزرعه و مرتع و پرورش دام و طیور عبادت محسوب می‌شود."

توصیه قرآن و معصومین در مورد گیاهان به‌عنوان یکی از مهمترین مظاهر طبیعت

پوشش‌های گیاهی و درختان از مهمترین منابع طبیعی هستند که نقش اساسی و مهمی در چرخه طبیعت و محیط زیست دارند که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- گیاهان یکی از مهمترین منابع غذایی انسان‌ها و سایر موجودات. ۲- نقش گیاهان در تامین اکسیژن مورد نیاز در جو. ۳- جلوگیری از فرسایش خاک در مقلبل سیل. ۴- نقش گیاهان به‌عنوان دارو و علاج بسیاری بیماری‌ها. به‌همین سبب احادیث و روایات گهربار بسیاری در این زمینه از معصومین نقل‌شده که به تعدادی از آنها اشاره می‌شود: در روایتی از پیامبر اکرم (ص) چنین نقل شده که ایشان فرمودند: هر کس درختی بکارد و از آن محافظت کند تا ثمر بدهد، خداوند به‌اندازه ثمره آن به وی پاداش خواهد داد (نوری، مستدرک الوسائل، الف). و یا: هر مسلمانی که درختی بکارد یا کشاورزی کند، در برابر هر مقدار از آن که انسان یا پرنده و یا حیوانی بخورد خداوند پاداشی مثل صدقه به وی خواهد داد (بخاری، ۱۳۵۸ ق). و نیز در حدیثی دیگر آمده: اگر عمر جهان پایان یابد و قیامت برسد و یکی از شما نهالی در دست داشته باشد چنانکه بقدر کاشتن آن نهال فرصت باشد، باید فرصت را از دست ندهد و آن را بکارد (نوری، مستدرک الوسائل، ب). از امام موسی کاظم (ع) چنین روایت شده که: نگاه به گیاهان خرم و سرسبز چشم را جلا می‌دهد و به‌روشنی آن می‌افزاید ... (مجلسی، بحار الانوار، الف؛ ابن شعبه، تحف العقول). و نیز در فضیلت درختکاری امام صادق (ع) فرمودند: "مؤمن پس از مرگ از شش خصلت سود می‌برد: فرزند صالحی که برایش آمرزش طلبد، قرآنی که خوانده، چاه آبی که حفر کرده،

نتیجه‌گیری

۱- اسلام به‌عنوان یک دین پاس‌خگو به کلیه نیازهای بشری رهنمودهای فراوانی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در زمینه محیط زیست داده که با استمداد از آنها و نیز با تکیه بر فطرت دین‌گرای بشر می‌توان ارتباط مسالمت‌آمیزی بین انسان و محیط زیست برقرار کرد. ۲- یکی از ابعاد وجودی انسان (بعد جسمانی) از خاک است و در نهایت نیز به خاک بر می‌گردد. ۳- طبیعت و محیط زیست رام و مسخر انسان است تا انسان به نحو شایسته از آن بهره‌برداری نماید. ۴- استفاده از محیط زیست یک حق همگانی و عمومی است و شایسته است انسان‌ها در هر زمان بگونه‌ای از محیط زیست استفاده کنند که: اولاً) به حقوق افراد تجاوز نکنند. ثانیاً) با بهره‌برداری نادرست نسل‌های آینده را از این موهبت الهی محروم نگردانند. ۵- توجه به اینکه انسان خلیفه‌الله است بر روی زمین و طبیعت امانتی است الهی در دست او و اینکه وی وظیفه دارد سعی خود را در برقراری تعادل و اصلاح عوامل زیست محیطی نموده، مانع بهره‌برداری ناصحیح از طبیعت و تخریب منابع طبیعی آن گردد. ۶- بازگشت به آموزه‌های دینی و ترویج فرهنگ برگرفته از آنها در راستای حفظ محیط زیست. ۷- فرهنگ‌سازی در زمینه پرداخت به طبیعت و جلوگیری از آلوده کردن محیط زیست و روی آوردن به درختکاری به‌عنوان یک امر عبادی. ۸- در آخر بلید گفت اگر بتوانیم دین را از حالت کلیشه‌ای در اذهان مردم درآورد و آن را به‌صورت کاربردی در زندگی مردم جاری سازیم، بسیاری از ناهنجاری‌ها و مشکلات روزمره جای خود را به هنجارها، آرامش، سلامتی و شادابی خواهند داد. به امید آن روز.

خداوندا:

درست است که در این جهان مسافریم و همچون کاروانیان، لحظاتی گذرا بر این زمین زیبا، از میان دروازه‌های زندگی و مرگ عبور می‌کنیم، اما مسئولیت توجه و مراقبت از خلقت، بلکه مسئولیت عمل کردن در مقام مجرای لطف و رحمت الهی برای مخلوقات است که در سفر زندگی در اطراف ما هستند بر ما مقرر کرده‌ای. ما از این‌رو، بر وضعیت وجودی آنها مؤثریم، همچنان‌که آنان نیز به‌نوبه خود در تصدیق نمودن و شهادت دادن به حکمت و جمال تو در محضرت، ما را مدد می‌رسانند. ما را یاری کن تا همواره به جنبه معنوی و روحانی نظام خلقت آگاه باشیم و با یاد حقیقتی که در کلامت گفتی، آرام گیریم؛ فَأَيْنَمَا تُولُوا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ (بقره ۱۱۵). "به هر سو رو کنید، چهره او در آنجاست". در حقیقت همه چیز در خلقت نو به نو تو بازتاب‌ها و تجلیات زیبایی توست که ما به قیمت بیشترین خطر برای روح جاودانه خود، و نیز زندگی این جهلنی خویش، آن را آلوده می‌کنیم. از این‌رو ما را از خودمان و از هر آنچه از دیدن حضور تو بازمان می‌دارد، رهایی ده؛ حضوری که در کوه‌های سر به فلک کشیده و چشمه‌های جوشان متجلی است، در آسمان‌های پر ستاره و آوای بی‌پروای پرندگان، در امواج بی‌پایان دریا و در نگاه بی‌گناه نوزادان. (نصر، رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَٰذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ در حقیقت تو آسمان‌ها و زمین را عبث نیافریدی و بیهوده خلق نکردی.



منابع

۱. قرآن مجید
۲. ابن شعبه. تحف العقول. ص ۴۱۰. به نقل از: حسینی. ع. طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام. ۱۳۸۲. مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی.
۳. بخاری. صحیح بخاری. ۱۳۵۸. ق. دار احیاء التراث العربی. بیروت. ج ۳. ص ۱۳۵.
۴. پورسعید. ب. پایداری محیط زیست از دیدگاه اسلام. ۱۳۸۲. فرهنگ جهاد. شماره ۳۳ و ۳۴.
۵. جوادی آملی. ع. انتظاربشر از دین. ۱۳۸۰. اسراء. قم. ص ۱۹۱.
۶. حبیبی. ج. اسلام و توسعه پایدار. ۱۳۸۳. اندیشه صادق. شماره ۱۳ و ۱۴.
۷. حر عاملی (الف). وسائل الشیعه. ج ۲۲. ص ۱۴.
۸. همان. (ب). ج ۱۲. ص ۲۳.
۹. حیدری. م. ح. و سلطانی. م. ع. طبیعت و وظیفه دینی ما. ۱۳۸۱. نشر پونه.
۱۰. خامنه‌ای. ع. (الف). پیام به اولین همایش حقوق محیط زیست. ۱۳۸۲/۳/۲۲. روزنامه ایران.
۱۱. خامنه‌ای. ع. (ب). طبیعت و وظیفه دینی ما (سخنرانی). ۱۳۶۵/۱۲/۱۵.
۱۲. زکی. ن. ح. نگاهی گذرا به نقش اسلام در حمایت از محیط زیست. ۱۳۸۳. فرهنگ جهاد. شماره ۳۶.
۱۳. سراج الدین. ا. و ب. ت. ر. (الف). اخلاقیات و ارزشهای معنوی در خدمت ارتقای توسعه پایدار بر اساس محیط زیست. ترجمه: احمد رضا شرف العقلایی. سازمان حفاظت محیط زیست. ص ۷۱.
۱۴. همان. (ب). ص ۳۳.
۱۵. همان. (ج). ص ۸۵.
۱۶. شیرازی. م. فقه البیئه. ۱۴۲۰. مؤسسه الوعی الاسلامی. بیروت. به نقل از: حسینی. ع. ۱۳۸۱. بازخوانی کتاب فقه محیط زیست. فرهنگ جهاد. شماره ۳۱.
۱۷. صادقی. ح. و فراهانی. س. محیط زیست از منظر دین و اقتصاد. اقتصاد اسلامی. شماره ۱۰.
۱۸. طباطبایی. (الف). المیزان. دفتر انتشارات اسلامی. ج ۱۶. ص ۲۹۴.
۱۹. همان. (ب). ج ۴. ص ۱۷۱.
۲۰. فخر رازی. مفاتیح الغیب. ۱۴۲۰. ق. دار احیاء التراث العربی. بیروت. ج ۲۶. ص ۴۰۹.
۲۱. فیروزی. م. مبانی حق بهره مندی از محیط زیست سالم در قرآن کریم. ۱۳۸۴. رواق اندیشه. شماره ۴۲.
۲۲. کلینی. کافی. ج ۵. ص ۷۶.
۲۳. مجلسی. م. ب. (الف). بحار الانوار. ج ۱۰. ص ۲۹۱.
۲۴. همان. (ب). ج ۱۰۳. ص ۶۴.
۲۵. مطهری. م. مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی. ۱۳۷۳. صدرا. ج ۲. ص ۵۷.
۲۶. معین. (الف). فرهنگ معین. ج ۲. ص ۱۷۱۷.
۲۷. همان. (ب). ج ۲. ص ۱۱۳.
۲۸. مکارم شیرازی. ن. و دیگران. تفسیر نمونه. ۱۳۷۹. دارالکتب الاسلامیه. ج ۱۱. ص ۲۶۱.
۲۹. نصر. ح. دین و بحران زیست محیطی، دیدگاه‌های آیین هندو و اسلام. ۱۳۷۸. ترجمه: محسن مدیرشانه چی. نقد و نظر. شماره ۱۷ و ۱۸. نوحی. ح. بوم شناسی و فلسفه توسعه (ترجمه). مؤسسه فرهنگی کیهان. ص ۵۹-۵۸. به نقل از صادقی (شماره ۱۷).
۳۰. نوری. (الف). مستدرک الوسائل. ج ۱۳. ص ۱۵۸۹۵.
۳۱. همان. (ب). ج ۱۳. ص ۱۵۸۹۴.
۳۲. واتسون. ام. نوآوری های کشاورزی در قرون اولیه اسلام. مترجمان: فرشته ناصری. عوض کوچکی. انتشارات آستان قدس رضوی. ص ۱۸۲-۱۷۴. به نقل از: حسینی. ع. طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام. ۱۳۸۲. مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی.

دیدگاه قرآن کریم در مورد نظریه تکامل (با تکیه بر تفسیرالمیزان و دیدگاه علامه طباطبایی)

سید ابوالفضل موسوی زاده

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه صنعتی کرمانشاه، بزرگراه امام خمینی (ره) دانشگاه صنعتی کرمانشاه
(نویسنده مسوول: mosaviqom251@gmail.com)

چکیده

علامه طباطبائی با اعتقاد به «ناسازگاری توحید و تکامل»، معتقد است که نظریه تکاملی خلقت از نظر علم مردود است و نظر قرآن کریم بنابر ظهور آیات مربوطه دال بر خلقت ثبوتی است، لذا هیچ تعارضی بین علم و دین در این زمینه وجود ندارد. راهکار ایشان در تمرکز بر توحید و انسان‌شناسی دینی، تنها ناظر به حل تعارض محتوایی است و ایشان در حل تعارض داروینیسیم با بینش دینی درباره جهان هستی، طبیعت و اخلاق راه‌حلی ارائه نموده‌اند. روش ایشان توانائی کامل در حل تعارض ظاهری علم و دین ندارد و تنها در صورتی موفق است که نظریه تکاملی واقعاً ابطال شود. با «جمع توحید و تکامل» در «دیدگاه تکامل توحیدی» می‌توان نشان داد که لازمه پذیرش نظریه تکامل، نفی خدا و فاعلیت او در جهان نیست و خداوند به‌عنوان خالق و مدبر عالم، می‌توانسته طرح و نقشه خود را از طریق فرایند تکامل پیاده کند.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، تفسیرالمیزان، خلقت، نظریه تکامل، نظریه ثبات انواع

مقدمه

درگرفت به داغ‌ترین منازعات در عرصه تعارض علم و دین تبدیل شد. ظهور داروینیسیم در عالم زیست‌شناختی، عالمان تجربی، فیلسوفان و الهیدانان را تحت تأثیر قرار داد. نظریه داروین الگوئی برای فهم طبیعت شد و الگوهای دیگری که در تعالیم کلیسا و احیاناً در کتاب‌های مقدس ارائه می‌گردید، به کنار رفت و به این ترتیب تعارضی جدید میان علم و دین در مغرب‌زمین به‌وجود آمد. این تعارض صرفاً محدود به این نمی‌شد که اکتشافات جدید علمی، آموزه‌های کلیسا را باطل کرده است، بلکه با «تفسیر حکیمانه خلقت»، «نظم و غایت‌مندی عالم»، «کرامت ذاتی انسان» و «اخلاق قدسی» نیز تعارض برانگیخت. مناقشه‌های اولیه‌ای که نظریه تکامل در ابعاد مختلف برانگیخت، موجب شد که متکلمان مغرب زمین در مقام یافتن برون‌شدی برآمده و به ارائه راه‌حلهائی در جهت اثبات یا ابطال این نظریه بپردازند. گرچه بستر ظهور

تا پیش از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی، تفکر رایج در علوم طبیعی «نظریه ثبات انواع» بود که بر اساس آن، انواع گیاهی و جانوری، ثابت و مستقل هستند و هیچ نوعی از حیوان به دیگری قابل تبدیل نیست. اما با مطرح شدن «نظریه تکامل»، انواع گیاهی و جانوری کاملاً از یکدیگر جدا نیستند و از ابتدا به این شکل نبوده‌اند، بلکه از انواع ساده‌تر ابتدائی به وجود آمده‌اند. در این نظریه اعتقاد بر این است که همه انواع گیاهی و جانوری به چهار یا پنج نوع ساده اولیه بازمی‌گردند. «نظریه تکامل» به انسان نیز سرایت داده شده و انسان و میمون از ریشه مشترکی دانسته شده‌اند. این موضوع در چند سده اخیر به یکی از جنجالی‌ترین مسائل و مباحث کلامی و فلسفی در غرب مسیحی تبدیل شده است. بحث درباره «خلقت و تکامل» که پس از انتشار کتاب «منشأ انواع» در میان عالمان دینی و دانشمندان



نصر، استاد مصباح یزدی، آیت‌الله جوادی آملی، آیت‌الله مکارم شیرازی و جعفر سبحانی نیز از قائلان به این دیدگاه هستند (جعفری، بی‌تا، ص ۱۰۱؛ نصر، ۱۳۷۳، ص ۷۰؛ جوادی آملی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۹۳؛ مصباح یزدی، بی‌تا، ص ۹۴، شیرازی، بی‌تا، ص ۲۷۴؛ سبحانی، بی‌تا، ص ۲۰). (۳) نظریه‌ای که مبتنی بر «سازگاری نظریه تکامل با آیات قرآنی» است. آیت‌الله مشکینی با «تفکیک وحی از فهم مفسران از آن» (مشکینی اردبیلی، ۱۳۶۳، ص ۸۰) و استاد مطهری بر اساس «تفکیک زبانی میان قرآن و تفسیر علم از خلقت انسان» و «سمبولیک بودن خلقت آدم»، امکان رقابت و تعارض نظریه‌های علمی با آیات قرآنی را منتفی می‌دانند (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۵۱۳ و ۵۲۴).

مبانی فکری علامه طباطبایی در قبال نظریه تکامل

در میان ابعاد مختلف تعارض داروینیسیم با اندیشه دینی، بحث از «ناسازگاری نظریه تکامل با تفسیر قرآن از خلقت» بیشتر مورد توجه متفکران مسلمان قرار گرفته است. علامه طباطبایی «دیدگاه ناسازگاری» را به‌عنوان واکنشی به دیدگاه دکتر سبحانی در «دیدگاه سازگاری» در کتاب «خلقت انسان» مطرح کرده است. در خصوص رویکرد علامه باید تأکید کرد که ایشان با اعتقاد به «ناسازگاری نظریه تکامل با آیات قرآنی»، با رد نظریه تکاملی معارض با آیات قرآنی، ناسازگاری را از میان برمی‌دارد. ایشان در بحث فوق به نظریه‌پردازی نپرداخته‌اند، اما در مواجهه با آن، لوازم اعتقاد به نظریه تکامل را رد توحید، غایتمندی عالم و انسان‌شناسی دینی دانسته‌اند. ما ابتدا لوازم مذکور را به‌عنوان مبانی دیدگاه ایشان تبیین نموده و سپس با توجه به تفسیر آیات خلقت طبق تفسیرالمیزان،

تعارض زیست‌شناسی با الهیات، بستر مسیحی بوده است، به‌تبع در جوامع اسلامی این سؤال را پیش کشیده است که «آیا یافته‌های دانشمندان زیست‌شناس با تعالیم دینی سازگار است یا خیر؟» کوشش برای یافتن پاسخ این مسأله، از ویژگی‌های عمده آثاری است که متفکرین مسلمان معاصر در دفاع از اندیشه دینی نوشته‌اند. کثرت و فراوانی آثاری که در مورد «نظریه تحول انواع» از دیدگاه قرآن مجید در سده اخیر نوشته شده است، نشان‌دهنده اهمیت این مسأله نزد مسلمانان است. سید جمال‌الدین اسدآبادی از اولین متفکران مسلمان است که با مسأله تعارض ظاهری علم و دین به‌طور جدی مواجه شده و مقاله مستقلی در این زمینه نگاشته است. از زمان وی تاکنون راه‌حل‌های متعددی در رفع تعارض نظریه داروین با اندیشه دینی ارائه شده است. تبیین آراء متفکرین مسلمان با تأکید بر دیدگاه علامه طباطبائی در مورد سازگاری یا ناسازگاری قرآن با نظریه تکامل، به‌ویژه تحلیل روش آن‌ها در حل تعارض با بررسی مبانی و لوازم منطقی آراء، رهیافت روشنی است در شناخت اندیشه‌های کلامی جدید نزد آنان. اهم آراء و روش‌های متفکرین مسلمان معاصر در حل و فصل تعارض نظریه تکامل و آیات خلقت در قرآن به شرح ذیل است: (۱) نظریه‌ای که با اعتقاد به «سازگاری نظریه تکامل با آیات قرآنی»، با پذیرش هسته اصلی نظریه تکامل و با تفسیر آیات قرآنی بر وفق آن، تعارض ادعا شده را حل می‌کند. دکتر یدالله سبحانی از قائلان به این دیدگاه است (سبحانی، ۱۳۵۱، ص ۲۱۴). (۲) نظریه‌ای که مبتنی بر «ناسازگاری نظریه تکامل با آیات قرآنی» است. علامه طباطبایی با رد قطعی نظریه تکاملی معارض با آیات قرآنی، ناسازگاری را از میان برمی‌دارد (طباطبائی، بی‌تا، ج ۴، ص ۱۵۳). علامه جعفری، دکتر سیدحسین



عالم از خدا» و «کیفیت صدور فیض از خدا» است. مسأله توحید از نظر علامه، فقط گزاره «خدا وجود دارد» نیست، بلکه یک جهان‌بینی متعالی است؛ یک نگرش جامع به هستی که تمام هستی را پوشش داده و زندگی فرد موحد در بینش، رفتار و کنش را تحت تأثیر قرار می‌دهد (همان، ص ۵۰). این توحید، «توحید ذاتی» یا اطلاقی است در مقام «احدیت» که حاکی از وحدت اطلاقی حقیقت است و تنها خاص دین اسلام است؛ به این معنا که ذات خدا عاری از همه تعینات و صفات است. ادیان دیگر به توحید در مقام «واحدیت» رسیده‌اند، یعنی ذات خدا جمیع صفات کمالی را داراست (همان، ص ۷۶). از نظر ایشان، در توحید به معنای بساطت ذات و نفی مغایرت صفات با ذات؛ مصداق صفات، ذات مقدس الهی است و همه صفات، عین یکدیگر و عین ذات خداوند هستند (طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۳۶). توحید در خالقیت- توحید افعالی - و ربوبیت یعنی خدای متعال شریکی در خلقت ندارد و فاعل حقیقی است و هر تأثیری که از فاعل و مؤثری سر بزند، نهایتاً مستند به خداست و هیچ فاعلی استقلال در تأثیر ندارد (همان، ص ۳۷). ایشان توحید در خالقیت را بر اساس اصول حکمت متعالیه و با نظر به حقیقت هستی اثبات می‌کنند (همان، ص ۶۲). ذات واجب در این نگاه، مبدأ خلقت هر وجود و کمال جودی است. صفات ذاتی واجب- حیات، علم و قدرت- عین ذات او هستند و صفات فعلی- خالق، رب، صانع- در نسبت ذات با غیر حاصل می‌شوند (همان، ص ۷۶).

خلق مدام

از دیدگاه علامه طباطبائی، از مسائل فرع بر توحید، «نحوه ارتباط خدا با عالم» است. از نظر فلاسفه هیچ موجودی نمی‌تواند از جهت واحد هم فاعل باشد هم قابل، بنابراین بالاترین نیاز ما به خداوند نیاز در اعطای وجود است. در پاسخ به

نظر نهائی و نتیجه‌گیری ایشان را در مورد نظریه تکامل و خلقت تبیین خواهیم نمود. ناسازگاری توحید و تکامل: مهم‌ترین دغدغه علامه طباطبائی در بحث خلقت انسان، مسأله «توحید» است. ایشان در «تفسیرالمیزان» احتجاجات مختلفی بر توحید آورده‌اند و نحوه خلقت انسان، حدود عالم و نظم خلقت را اثبات‌کننده وحدانیت، ربوبیت، تدبیر و تکمیل و الوهیت خداوند می‌دانند. بنابراین معبودیت خاص حق تعالی است و عبادت هم منحصر در ذات اوست (طباطبائی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۹۲). ایشان در «رساله توحید» در بحث «اثبات توحید» استدلال می‌کنند که واجب‌الوجود لذاته، ضرورت ازلیه دارد و موجودیت با قطع نظر از هر اعتباری از ذات وی انتزاع می‌شود. لازمه این امر، نامتناهی بودن وجود اقدس اوست (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۵ و ۲۲). واجب‌الوجود، واحد است به وحدت حقه، یعنی در اتصاف به وحدت نیازمند واسطه در عروض نیست. بنابراین، وحدت حقه حقیقیه مخصوص باری تعالی است، پس با همه وجودات و کمالات، جودی است مطلق و جزء هم ندارد (همان، ص ۲۷). واجب‌الوجود لذاته، جامع همه کمالات و جودی است که به نحو عینیت در ذات وجود تحقق دارند و هیچ کمالی خارج از او نیست، چون وجود صرف است. صفات علم، قدرت و حیات، عین ذات نامحدود اوست، پس همه موجودات وابستگی و جودی و ذاتی به او دارند، چون قائم به ذات خویش است و ذات اشیاء قائم به ذات اوست (همان، ص ۳۵). ایشان در رساله مذکور با نگاه فلسفی- عرفانی به بحث توحید که ملهم از شریعت، کتاب، سنت و آمیخته با اشارات، لطایف، آیات و روایات است، معتقدند که تمام مبانی اسلام و اصول اعتقادی به همین اصل رجوع می‌کند (همان، ص ۴۲). از جمله مسائل فرع بر توحید، مسأله تبیین «رابطه خلق و خالق و مخلوق»، «عدم استقلال



طبیعت جاری است ناتوان بوده‌ایم؟ این کوردلان از درک نظام مشهود خلق جدید، در لباس و حجابی مستورند- اشاره کرد (طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۹۳). آیات اول سوره حج نیز خلق جدید را تبیین می‌کنند، با این تفسیر که بشر می‌بیند اجسام بالضروره تغییر می‌کنند. مثلاً جماد که محصول زمین است تغییر پذیرفته و تبدیل به جوهر نامی می‌شود. این جوهر نامی نیز دگرگونی پیدا کرده و به حیوان، شخص و خلق جدیدی تبدیل می‌شود. وجود سابق و لاحق در این دگرگونی با هم مرتبطند و تغییرات از طریق حرکت و لبس پس از لبس صورت می‌پذیرد. مبدأ قابلی این خلقت قوه محض و غایت آن فوز به مقام تجرد است (همان، ص ۹۸).

مبانی انسان‌شناسی دینی

از نظر علامه طباطبائی، انسان تنها موجودی است که امکان نیل به برترین جایگاه در عالم امکان را دارد. ایشان بحث هویت و ماهیت انسان را از نگاه دینی و فلسفی مورد تحلیل قرار داده اما در نهایت، تحلیل‌های فلسفی ایشان در خدمت انسان‌شناسی دینی قرار گرفته است. روش تحلیل ایشان در این خصوص روشی جامع میان عقل و نقل و با محوریت نقل- قرآن و سنت- است. انسان‌شناسی فلسفی به مباحث جزئی و مشخص وجود انسان نمی‌پردازد، بلکه درصدد کشف احکام کلی وجودی اوست (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳). مبدأ انسان‌شناسی فلسفی در اسلام، آموزه‌های اسلام است. حکمای مسلمان در انسان‌شناسی فلسفی با برآمدن از شناسائی مرتبه طبیعی و ناسوتی انسان به هستی‌شناسی نفس او که مرتبط با عالمی برتر- عالم مثال و عقل- است و به شناخت چیستی و ارتباط آن با جسم مادی پرداخته‌اند. پس انسان‌شناسی فلسفی در حکمت اسلامی مختص

این سؤال که مناظ نیاز معلول به علت چیست، عرفا و فلاسفه مسلمان معتقدند که نیاز معلول به علت هستی‌بخش خود تنها در زمان حدوث و ایجاد اولیه معلول نیست، بلکه در تمامی لحظه‌های وجود خویش به علت هستی‌بخش خود نیازمند است. نیاز وجودی عالم به خدا تنها در لحظه خلقت نیست، بلکه نیاز جهان هستی به خدا نیازی دائمی و همیشگی است. مخلوق برای هر لحظه وجودش نیاز به فیض الهی دارد و گرنه بساطش از عالم برچیده می‌شود. بر پایه این تقریر، موجودات عالم نه فقط برای ایجاد اولیه، بلکه برای بقا نیز نیازمند خداوند هستند. پس خلقت به زمان خاصی اختصاص ندارد، بلکه در تمامی آنات و لحظه‌های وجود جریان دارد. این، معنای حقیقی ربوبیت تکوینی و «خلق مدام» است. این مسأله صرفاً یک بحث نظری نیست، بلکه تمامی ذرات وجود انسان وابسته به عنایت اوست و کوچک‌ترین فاصله‌ای بین خالق و مخلوق تصور نمی‌شود. همه موجودات در این نگاه آیات الهی و جلوه فیض او هستند. نتیجه این‌که در این دیدگاه تکلیف، پرستش، نیکی و ... تفسیری تمام می‌یابند و توحید به اوج خود می‌رسد (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۴ و ۱۶۵).

ایشان استدلال می‌کنند که آیاتی از قرآن کریم با تبیین «خلق جدید»، حاکی از نحوه فاعلیت الهی در عالم هستند که از آن جمله می‌توان به سوره مبارکه رعد- «ان تَعَجَّبَ قَوْلُهُمْ ءَاِذَا كُنَّا تُرَابًا اَآءَاْنَا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ؟»: اگر می‌خواهی از چیزی تعجب کنی همانا گفتار این منکران خلق جدید شایسته تعجب است، مع ذلک می‌گویند: آیا وقتی پس از مردن خاک شدیم و از ما هر ذره خاک افتاده جایی، آیا در خلقتی جدید درمی‌آئیم؟- و سوره مبارکه ق- «اَفَعَيِّنَا بِالْخَلْقِ الْاَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لُبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدٍ؟»: آیا ما از خلق و خلقت نو که بدون هیچ وقفه‌ای در

و صعودی در جریان و سیر مداوم می‌باشد (همان، ج ۱۶، ص ۳۹۹ و ۴۰۰).

انسان موجودی دو بعدی

از نظر علامه، وجود انسان به جسم مادی و خاکی منحصر نمی‌شود، بلکه جنبه دیگری نیز دارد. طبق نظر ایشان، خداوند انسان را از دو جنبه طبیعی و فراطبیعی به وجود آورده است. طبیعت انسان از خاک و گل آغاز شد و سپس به شکل حماء مسنون و صلصال درآمد، اما در فرزندان آدم از آبی سرچشمه می‌گیرد که قرارگاه آن میانه صلب و ترائب است. این نسل نیز از نطفه به علقه آمد و علقه به مضغه و مضغه تبدیل به استخوان شد و استخوان هم به پیراهنی از گوشت آراسته گردید. اما در روح انسان، سخن از خلقتی دیگر است که از آن به «کُنْ فِیکون» تعبیر شده است. قرآن در مورد دمیدن روح در کالبد انسان که سبب شرافت وجودی اوست در سوره مبارکه حجر (۱۵): ۲۹ می‌فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوْحِي»، که در سوره مؤمنون (۲۳): ۱۴ انشاء خلقتی دیگر است: «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» و خداوند به خاطر آن به خود تبریک می‌گوید: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». روح فصل‌الفصول حقیقت انسان است. معرفت به روح امری حضوری است که موجب معرفت به خدا می‌شود (همان، ج ۱۷، ص ۲۶۹). آیات مربوط به روح در قرآن کریم دو گروه‌اند:

(۱) آیاتی که نشان می‌دهند روح پیش‌تر بوده و سپس به بدن تعلق گرفته است، نظیر آیات نحوه پیدایش آدم ابوالبشر در سوره حجر (۱۵): ۲۸ و سوره ص (۳۸): ۷۲: «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَكَةِ آتِي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَفَعُوا لَهُ مِنْ سَاجِدِينَ».

(۲) آیاتی که نشان می‌دهند روح از همین نشئه طبیعت و بدن برمی‌خیزد، یعنی موجود مادی اطوار و ادواری را پشت‌سر می‌گذارد و به مرحله

نفس‌شناسی فلسفی است، زیرا حقیقت انسان‌شناسی به نفس ملکوتی اوست (طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۹). موضوع دین اسلام، انسان و غایت آن، یعنی نیل به کمال حقیقی یعنی قرب الهی است، تا جائی که او را شایسته جانشینی خدا و محل سجده فرشتگان دانسته است. شناخت جامع انسان در دین اسلام مربوط به این است که تبیین می‌کند آدمی از کجا آمده، به کجا می‌رود و در چه راهی گام برمی‌دارد؛ یعنی به تبیین مراحل وجودی انسان و جایگاه وجودی او در هستی با تجزیه ابعاد او پرداخته است. علامه این سه سؤال را در وهله اول مدنظر قرار داده و انسان را در سه مقطع پیش از دنیا، دنیا و پس از دنیا شناسائی کرده و نتایج را در فهم و تفسیر دین و ترسیم سعادت و کمال مطلوب انسان قرار داده‌اند (طباطبائی، ج ۱۶، ص ۵۴۵). از نظر ایشان، تصویر انسان در قرآن بر اساس ساختار چهار بعدی اراده و اختیار، ایمان و فطرت توحیدی، آگاهی و اندیشه بشری و اعمال و رفتارهای ظاهری اوست. مهم‌ترین ویژگی الوهی انسان از دیدگاه قرآن مقام جانشینی اوست و خلافتی است که از ناحیه خدا به او واگذار شده است. و این انسان همان مخلوقی است که بار سنگین امانت و ولایت الهی را بر دوش گرفته و نه تنها به مصدر جانشینی و مقام صورت امکانی اله، که محل امانتی است که خدا فقط نزد انسان به ودیعه سپرده است و در قبول تکلیف ولایت الهیه تنها او را شایسته چنین استعدادی دانسته است (همان، ج ۸، ص ۴۵۴). پس اگر بار ولایت الهیه از ناحیه خدا به دوش انسان باشد و باید این امانت را به او بازگرداند، او را خلقتی خواهد بود و رجعتی هدفمند. خلقت سرآغاز این حرکت و رجعت که اوج این بازگشت حقیقت انسانی است، همه سمت و سوئی الهی دارند. پس اگر از خدا تا خداست، همه هویت و حقیقت وجودی او نیز الوهی و روحانی است و بین دو قوس نزولی

به‌حال خود باقی است، و چیزی از آن کم نمی‌گردد. پس روح، امر وجودی است که فی‌نفسه یک نوع اتحاد با بدن دارد، یعنی متعلق به بدن است و در عین حال یک نوع استقلال هم از بدن دارد، به‌طوری که هر وقت تعلقش از بدن قطع شد از او جدا می‌شود (همان، ج ۱۵، ص ۲۰). بحث ایشان را می‌توان به‌صورت دیگری نیز تقسیم‌بندی کرد: (۱) آیاتی که به مراحل خلقت انسان اشاره دارد و در پایان مراحل تکوین جسمانی انسان، مرحله جدیدی را معرفی می‌کند که با مراحل پیشین متفاوت است. این مرحله جدید همان دمیدن روح در کالبد انسان است که گاه به اشاره و گاه به صراحت معرفی شده است. در سوره مبارکه مؤمنون (۲۳): ۱۴، پس از اشاره به مراحل خلقت انسان از گل به نطفه و سپس علقه و پس از استخوان و رویش گوشت بر آن می‌فرماید: «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ»: «آن‌گاه خلقت دیگر پدید آوردیم. آفرین بر خدا که بهترین آفرینندگان است.» روشن است که مرحله خلقت دیگر از مراحل پیشین جدا شده؛ ضمن این‌که از نظر لفظی نیز مراحل قبل با واژه خلق و جعل آمده، اما این مرحله خاص - که پس از آن خداوند خود را به‌عنوان احسن‌الخالقین معرفی می‌کند - با انشاء - به‌معنای چیزی جدید - آمده، که نشان می‌دهد با مراحل جسمانی تفاوت دارد (همان، ص ۲۱). در سوره مبارکه سجده (۳۲): ۷، ۸ و ۹ به صراحت دمیدن روح بیان شده است: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ. ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ. ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَارَ وَ الْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ»: «همان کسی که هر چیزی را که آفریده، نیکو آفریده و خلقت انسان را از گل آغاز کرد. سپس تداوم نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود. آن‌گاه اندام

روح می‌رسد. در آیه‌ای که به خلقت آدم از خاک و خلقت نسل او از آب اشاره می‌کند، آن‌گاه می‌گوید نطفه را علقه، علقه را مضغه، و مضغه را استخوان کرده و او را به خلقتی دیگر پدید آوردیم، خلقت دیگر از سنخ تحولات مادی نیست. مهم گذر انسان از مراحل گفته شده است تا از موانع بگذرد و معلم فرشته‌ها شود (همان، ج ۱۷، ص ۲۷۰). از نظر علامه طباطبایی، در تسویه انسان هر عضو آن در جایی قرار گیرد که باید قرار بگیرد؛ و بعید نیست از جمله (آئی خالق) و جمله (فَإِذَا سَوَّيْتُهُ) استفاده شود که خلقت بدن انسان اولی به تدریج و در طول زمانی صورت گرفته، ابتدا خلق بوده که عبارت است از جمع‌آوری اجزاء و سپس تسویه بوده که عبارت است از تنظیم اجزاء و نهادن هر جزئی را در جای مناسب، آن‌گاه نفخ روح بوده است. و اگر در جای دیگر فرموده (خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ)، با این استفاده ما منافات ندارد، برای این‌که جمله (ثُمَّ قَالَ لَهُ...) ناظر به ایجاد روح، یعنی نفس انسانیت است نه راجع به بدن، همچنان‌که در جای دیگر بعد از آن‌که خلقت تدریجی را بیان می‌کند درباره خلقت روح چنین تعبیر می‌نماید: (ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ). و منظور از جمله (وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي)، ایجاد روح در آدمی است و برقرار کردن رابطه میان بدن و روح است، همچنان‌که در آیه (ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ)، و آیه (قُلْ يَتَوَفَّيْكُمْ مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ) به این معنا اشاره دارد. چون در آیه اول روح انسانی همان بدنی است که خلقت دیگر به‌خود گرفته، بدون این‌که چیزی بر آن اضافه شده باشد. و در آیه دوم روح در هنگام مرگ از بدن گرفته می‌شود، در حالی که بدن



عالم نیز دلالت بر وجود نفس یا روح دارد. در این دنیا بدن پوسیده شده و از بین می‌رود، اما روح انسان در جهان بین دنیا و آخرت وجود دارد و از نعمت‌های آن برخوردار یا در عذابش گرفتار است. آیاتی که بر زنده بودن شهدا و مرزوق بودن آن‌ها نزد پروردگار دلالت دارند نیز از همین دسته به‌شمار می‌روند، مانند سوره مبارکه بقره (۲): ۱۵۴ و آل عمران (۳): ۱۶۹. علامه در باب این آیات و مانند آن‌ها می‌فرمایند آیاتی که از آن‌ها این حقیقت قرآنی عالم برزخ استفاده می‌شود، یا به این مطلب اشاره دارند، بسیارند (همان، ج ۱، ص ۳۴۹-۳۴۸). از نکات قابل توجه این‌که خداوند در چند مورد روح انسانی را به‌خود نسبت داده است. سوره‌های مبارکه حجر (۱۵): ۲۹، سجده (۳۲): ۹ و سوره ص (۳۸): ۷۲ از این دسته هستند. آیات مورد اشاره بر جایگاه و منزلت روح انسانی در میان سایر موجودات دلالت دارد و همین امر مسئولیت انسان را بسی سنگین‌تر می‌کند (همان، ص ۳۵۰).

مراحل وجودی انسان

سیر مراحل و مراتب وجودی ممکنات توسط علامه در دو مرحله قوس نزول و صعود ترسیم شده است. هر یک از این دو قوس به مراتب تجرد عقلی، تجرد مثالی و مرتبه طبیعی یا عالم ماده تقسیم شده است. اعتقاد به عالم مثال و عقل که مادون عالم اسماء و صفات قرار دارند، مورد تأیید آیات الهی نیز هستند. ایشان در بیان قوس صعود و نزول می‌گویند صعود به بالاترین مرتبه بدون گذر از تمام درجات میان نقطه آغاز حرکت و محل رجوع نهائی، ناممکن است. هبوط به دنیا همان نزول از مرتبه کمال به نقص و سقوط از فطرت اولی است. صدور خلق خالق متعال به این شکل است و سیر دیگر یعنی حرکت به سمت بهشت و برتر از آن، جوار حق تعالی همان بازگشت به فطرت و توجه نفس به کمال است؛ بازگشت خلاق به سوی خالق و مبدأ خویش تنها

او را درست کرد و از روح خویش در او دمید و برای شما گوش و دیدگان و دل‌ها قرار داد. چه اندک سپاس می‌گذارید.» چنان‌که آشکار است در این آیات، پس از خلقت بدن و بعد جسمانی انسان و تسویه و تعادل آن، دمیدن روح الهی در آن جسم بی‌جان مطرح شده است. در سوره مبارکه حجر (۱۵): ۲۹؛ و ص (۳۸): ۷۲ نیز در بازگویی قصه خلقت حضرت آدم، به همین گونه از دمیدن روح پس از تسویه جسم خبر داده و می‌فرماید: «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتَ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ»: «پس وقتی آن را درست کردم و از روح خود در آن دمیدم، پیش او به سجده درافتید.» گرچه این دو آیه در مورد حضرت آدم نازل شده، آشکار است که با الغاء خصوصیت در مورد سایر انسان‌ها نیز صادق است؛ به‌ویژه این‌که در سوره سجده نیز همین مطلب - یعنی دمیدن روح پس از تسویه جسم - برای همه انسان‌ها مطرح شده است. (۲) آیاتی که درباره مرگ و چگونگی جان انسان‌ها آمده است. در سوره مبارکه مؤمنون (۲۳): ۴۶، در این زمینه می‌فرماید: «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا ...»: خدا روح را هنگام مرگشان به‌تمامی باز می‌ستاند. مقصود از انفس در این آیه، همان ارواح است. مفاد آیه این است که انسان غیر از جسم چیز دیگری دارد که گرفته می‌شود، زیرا بدن در دنیا می‌ماند و متلاشی می‌گردد، پس آن چیزی که گرفته می‌شود بدن مادی نیست. علامه در تفسیر این آیه می‌فرمایند نفس موجود و مغایر بدن است؛ به‌گونه‌ای که از آن جدا می‌شود و مستقلاً به حیات خود ادامه می‌دهد. آیه دیگری که می‌توان در این بحث بدان استناد جست از سوره مبارکه انعام (۶): ۹۳ است که درباره لحظه مرگ ظالمان است که فرشتگان مرگ خطاب به آن‌ها می‌گویند: «أُخْرِجُوا أَنْفُسَكُمْ؛ جان‌هایتان را بیرون دهید» (همان، ج ۱۷، ص ۲۶۹). (۳) آیات مربوط به وجود عالم برزخ و عذاب یا پاداش الهی در این



سرنوشت آینده او وابسته به شیوه حیات او در دنیا است (طباطبائی، بی تا، ج ۱۳، ص ۱۹۶).

آیات خلقت

به‌طور کلی آیاتی که در قرآن کریم به «خلقت انسان» اشاره دارند، به شرح ذیل اند: ۱) «شبهات خلقت حضرت عیسی (ع) به خلقت آدم از تراب»، در سوره مبارکه آل عمران: ۵۹؛ «قدرت خداوند در خلقت انسان از تراب»، در سوره مبارکه رعد: ۵؛ «خلقت انسان از تراب»، در سوره مبارکه روم: ۲۰؛ «خلقت انسان از ارض»، در سوره‌های مبارکه هود: ۶۱؛ طه: ۵۵؛ نجم: ۳۲ و نوح: ۱۷؛ ۲) «خلقت انسان از طین»، در سوره‌های مبارکه انعام: ۲؛ اسراء: ۶۱؛ اعراف: ۱۰ و ۱۱؛ مؤمنون: ۱۲؛ سجده: ۷ و ص: ۷۱ و ۷۷؛ «خلقت انسان از طین لایب»، در سوره مبارکه صافات: ۱۱؛ «خلقت انسان از صلصال»، در سوره مبارکه الرحمن: ۱۴؛ «خلقت انسان از حماء مسنون»، در سوره مبارکه حجر: ۲۸ و ۲۶ و ۳۳؛ ۳) «خلقت انسان از آب»، در سوره‌های مبارکه فرقان: ۵۳؛ انبیاء: ۳۰ و نور: ۴۵؛ «خلقت انسان از نطفه»، در سوره‌های مبارکه نحل: ۴؛ مؤمنون: ۱۳؛ یس: ۷۷؛ نجم: ۴۶؛ عبس: ۱۹؛ واقعه: ۵۸ و ۵۹ و معارج: ۳۹؛ «خلقت انسان از ماء مهین»، در سوره‌های مبارکه سجده: ۸ و مرسلات: ۲۰؛ «خلقت انسان از ماء دافق»، در سوره مبارکه طارق: ۶ و ۷ و ۴) «خلقت حضرت آدم از خاک و نوع انسان از نطفه»، در سوره مبارکه کهف: ۳۷؛ «خلقت انسان از خاک و نطفه»، در سوره مبارکه فاطر: ۱۱؛ «خلقت انسان از خاک سپس از نطفه سپس از علقه سپس از مضغه و عظام»، در سوره‌های مبارکه حج: ۵؛ مؤمنون: ۱۴؛ نوح: ۱۴ و انسان: ۲؛ «خلقت انسان از خاک سپس از نطفه و سپس علقه»، در سوره‌های مبارکه غافر: ۶۷ و قیامت: ۳۸ و ۳۹؛ «خلقت انسان از علقه»، در سوره مبارکه

از این راه است نه غیر آن. این مراحل حاکی از توانائی انسان در سیر وجودی است (طباطبائی، ۱۳۹۰، ص ۱۶۳). علامه انسان قبل از دنیا را با توجه به علل و مبادی وجودی او در مراتب مجرد عقلی و مثالی قوس نزول بررسی می‌کند. علت وجودی انسان با همه خصوصیات کمالی و وجودی، در عالم مثال و عقل است و مرتبه مثالی انسان در زمره پاکان و ملائکه است. روح انسان متعلق به عالم امر است نه عالم خلق. روح علت حیات دنیائی انسان است که در مرتبه امر به مرتبه خلق با بدن متحد گشته و به تدبیر و اداره امور جسم و قوای جسمانی انسان می‌پردازد. نکته مهم، مجرد عالم برتر و مبدأ وجودی انسان و عالم ماده است. روح متعلق به عالم امر در مرتبه وجود مجردات است، پس حقیقتی مجرد است. حقیقت وجودی انسان همان وجود مجرد و وابسته به مبدأ برتر است. بدن تابع آن وجود برتر است و این دو با هم هویت جمعی انسان را شکل می‌دهند (طباطبائی، ۱۳۸۱، ص ۱۹ و ۲۰). مرتبه بعدی سیر وجودی انسان، ورود به عالم ماده و طبیعت است. روح و جسم در این مرتبه با هم تعامل دارند. انسان در دنیا، گسسته از مبدأ و پیشینه و آینده خود نیست. اگر مانعی پیش نیاید، او سیر استکمالی خود را تا بالاترین مرتبه ادامه خواهد داد. پائین‌ترین مرتبه وجودی انسان، زندگی دنیاست که با ایمان و عمل صالح از این پستی رهائی یافته و مجدداً به مراتب برتر صعود می‌کند. روح امری فناپذیر است و دنیا و آخرت از هم گسسته نیستند. روح ابتدا وارد عالم برزخ می‌شود و آخرین مرحله از مراحل سیر انسان در قیامت اتفاق می‌افتد. پس انسان وجودی است مخلوق، وابسته به مبدأ که با سیر تکوینی قدم به دنیا نهاده و پس از دنیا حیاتی ابدی خواهد داشت. هویت انسان، ثابت و حقیقت وجودی‌اش از افکار و اعمال او جدا نیست و



آن به طور مستقیم به آدم اختصاص دارد و در مورد انسان‌های دیگر با واسطه و غیرمستقیم است.

خلقت انسان از آب

در مورد آیاتی که منشأ خلقت انسان را از «آب» می‌داند، سه احتمال به نظر می‌رسد. شاید به همان آیات دسته پیش اشاره داشته باشد، به این معنا که طین از ترکیب آب و خاک به دست می‌آید، که به این ترتیب اشاره به آب و خاک و طین در واقع یک چیز است. دومین احتمال این است که به آن آیه‌ای اشاره داشته باشد که می‌فرماید همه موجودات زنده را از آب آفریدیم. احتمال دیگر این است که مقصود از خلقت انسان از ماء همان پیدایش انسان از «نطفه» باشد. این احتمال از جهتی بر دو احتمال سابق ترجیح دارد، زیرا در برخی آیات به جای واژه نطفه از «ماء مهین» و «ماء دافق» یاد شده است.

خلقت انسان از نطفه:

آیاتی که پیدایش انسان را از نطفه می‌داند نیز دو گروه‌اند. اول آن‌هایی که تنها به همین مرحله (پیدایش نطفه) اشاره می‌کنند. گروه دیگر آیاتی هستند که پیش از نطفه پیدایش از خاک را مطرح می‌کنند. در این آیات دو احتمال به نظر می‌رسد: یکی این‌که هر انسان ابتدا از خاک بوده است و سپس خاک تبدیل به غذا پس از آن تبدیل به نطفه و سپس سایر مراحل شکل‌گیری انجام می‌شود. احتمال دیگر آن است که این آیات در ابتدا به خلقت حضرت آدم از خاک و سپس به پیدایش سایر انسان‌ها از نطفه اشاره داشته باشد.

همه انسان‌ها از نسل آدم هستند و آدم و حوا،

پدر و مادر نوع انسان‌اند:

این دسته از آیات، همه انسان‌ها را از نسل «آدم» می‌داند و از «آدم و حوا» به‌عنوان پدر و مادر نوع

علق: ۲؛ ۵) «خلقت انسان توسط خداوند از نفس واحده»، در سوره‌های مبارکه نساء: ۱؛ انعام: ۹۸؛ اعراف: ۱۸۹؛ زمر: ۶؛ حجرات: ۱۳؛ نجم: ۴۵؛ نباء: ۸ و لیل: ۳؛ و «بازگشت نسل نوع انسان به آدم»، در سوره مبارکه اعراف: ۱۷۲. این آیات را می‌توان بر اساس محتوا به صورت زیر دسته‌بندی کرد:

خلقت انسان از تراب یا طین:

آیاتی که به خلقت انسان از «تراب» (خاک) یا «طین» (گل) و مانند آن اشاره می‌کنند، خود به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته اول آیاتی که به حضرت آدم اختصاص دارد؛ و دسته دوم آیاتی که ظاهراً تنها به ایشان اشاره ندارد، بلکه بر سایر انسان‌ها نیز قابل اطلاق است. منشأ خلقت انسان در این آیات، «ارض» (زمین)، «تراب» (خاک)، «طین» (گل)، «حماء مسنون» (گل سیاه بدبوی عمل آمده)، «طین لازب» (گل چسبنده) و «صلصال» (گل خشک‌شده) معرفی شده است. هیچ‌گونه تعارضی در این آیات وجود ندارد. ارض و تراب به‌همان خاک مطلق اشاره دارند، اما وقتی با آب آمیخته شد به آن طین می‌گویند (همان، ج ۱۲، ص ۲۲۲). وقتی گل مدتی بماند مانند لجن بدبو می‌شود و به آن حماء می‌گویند و هنگامی که آن را به اندازه‌ای مالش دهند که زبری آن از میان برود و صیقل یابد، به آن مسنون گفته می‌شود. و همین گل صیقل‌یافته از این جهت که چسبناک است، آن را طین لازب گویند (همان، ج ۱۷، ص ۱۸۸). این گل به‌عمل آمده وقتی بماند و خشک شود، صلصال نامیده می‌شود (همان، ج ۱۲، ص ۲۲۲). بنابراین بر اساس مجموعه این آیات، انسان از گل سیاه به‌عمل آمده‌ای که خشک‌شده، آفریده شده است. با توجه به آیات دیگری که پیدایش همه انسان‌ها را از آدم می‌داند، می‌توان گفت از آن‌جا که آدم از گل آفریده شده، بقیه انسان‌ها نیز با واسطه از گل آفریده شده‌اند، پس خلقت از خاک، گل و مانند



انسان یاد کرده است. با وجود تنوع در آیات خلقت انسان هیچ تعارض یا اختلافی بین آن‌ها نیست. دسته‌ای از آیات (گروه اول) به خلقت حضرت آدم اشاره دارد، دسته‌ای دیگر (گروه دوم) دسته‌بندی فوق را می‌توان در جدولی به شکل ذیل نشان داد:

نحوه خلقت انسان در آیات الهی از نظر علامه طباطبایی			
۱	«خلقت از خاک»	حضرت آدم (به‌طور مستقیم)، سایر انسان‌ها (به‌طور غیرمستقیم)	منشاء خلقت: ارض، تراب، طین، حماء مسنون، طین لازب و صلصال.
۲	«خلقت از آب»	سایر انسان‌ها	(۱) طین = خاک + آب؛ (۲) ماء: آب، نطفه، ماء مهین، ماء دافق.
۳	«خلقت از نطفه»	آدم و سایر انسان‌ها	(۱) نطفه: سایر انسان‌ها (۲) پیدایش نطفه از خاک و تبدیل آن به علقه و مضغه (۳) پیدایش آدم از خاک و سایر انسان‌ها از نطفه.
۴	«آدم و حوا پدر و مادر نوع انسان»	رابطه بین انسان‌ها و آدم	آدم و حوا

تحلیل نسبت نظریه تکامل با آیات قرآنی

رد قاطع نظریه تکامل

طبق جدول فوق، خلقت انسان از (خاک؛ آب؛ نطفه و نفس واحده)، و (تراب، طین، ارض، حماء مسنون، طین لازب و صلصال)، ممکن است با نظریه تکامل تعارض داشته باشد؛ اما بازگشت همه انسان‌ها به آدم و حوا و تکثیر آن‌ها از طریق توالد و تناسل با پذیرش نظریه تکامل سازگار است. ظاهر آیات دسته اول این است که خداوند اولین انسان را از گل به‌عمل آمده ساخته و سپس روح را در آن دمیده است. البته مسأله خلقت آدم از خاک یا گل و مانند آن، به‌خودی‌خود با نظریه تکامل تعارض ندارد و حتی می‌توان به‌گونه‌ای آن دو را با هم جمع کرد؛ زیرا منشأ همه موجودات زنده آب و خاک است (همان، ج ۴، ص ۲۲۷). اما در دو آیه از قرآن، خلقت اولین انسان به‌گونه‌ای مطرح شده است که ظاهراً با نظریه تکامل تعارض دارد. اولین آیه از سوره آل عمران (۳: ۵۹) است که در پاسخ به یهودیان نجران در گفتگو با پیامبر اکرم در مورد چگونگی خلقت حضرت

عیسی (ع) نازل شده است. یهودیان می‌گفتند غیرممکن است انسان پدر نداشته باشد، از این رو قائل بودند حضرت عیسی (ع) به‌طور نامشروع به‌دنیا آمده است. بر همین پایه، خداوند در این آیه شریفه می‌فرماید: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». با توجه به شأن نزول این آیه، تشبیه حضرت عیسی (ع) به حضرت آدم از این جهت است که هیچ‌کدام پدر نداشته‌اند. به‌همین دلیل گفته می‌شود ظاهر این آیه با نظریه تکامل تعارض دارد؛ زیرا بر اساس نظریه تکامل، اولین انسان نیز از طریق توالد پدید آمده است (همان، ج ۳، ص ۳۳۳ و ۳۳۴). مورد دیگر آیات هفتم و هشتم سوره سجده است: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ * ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ». گرچه در آیات دیگری نیز به پیدایش انسان از خاک و سپس از نطفه اشاره شده، ویژگی این آیه این است که خلقت اولین انسان را از پیدایش انسان‌های دیگر تفکیک کرده و می‌فرماید اولین انسان را از گل و نسل او را از



نطفه آفریدیم. از این رو خلقت از نطفه شامل حضرت آدم نمی‌شود که این مسأله با نظریه تکامل ناسازگار است (همان، ج ۱۵، ص ۲۳ و همچنین ج ۱۶، ص ۳۷۴). علامه طباطبایی سه نظر را در تفسیر مواد قرآن در مورد آدمی که انسان‌های موجود به او منتهی می‌شوند، نقل می‌کنند: (۱) آدم نوعی (۲) عده معدودی از افراد (۳) فرد انسانی معین مشخص. ایشان با پذیرش نظر سوم سه نظر در مورد آن را نقل می‌کنند: (۱) فردی از نوع انسان که طبق نظر داروینیست‌ها از نوع دیگری مثل میمون به وجود آمده است (۲) فردی از انسان که از انسانی که به کمال فکری نرسیده به وجود آمده است (۳) توالد و تناسل با رسیدن به آدم و همسرش منقطع شده و این دو بدون تولد از پدر و مادری از زمین آفریده شده‌اند. ایشان نظر سوم را می‌پذیرند و نظر اول را با توسل به آیه شریفه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ...» رد می‌کنند و نظریه تکامل را فاقد ارزش علمی می‌دانند (همان، ج ۱۶، ص ۲۵۶-۲۵۵). ایشان برای رفع تعارض علم و دین در مسأله خلقت انسان، نظریه تکامل را فرضیه‌ای غیر قطعی تلقی کرده و ادله‌ای را هم که برای آن ذکر شده، از اثبات آن قاصر می‌دانند. ایشان معتقدند که صرف پیدایش نوع کامل از حیث تجهیزات، بعد از نوع ناقص، در مدت‌های طولانی، بیش از این دلالت ندارد که سیر تکاملی ماده برای قبول صورت‌های مختلف حیوانی به تدریج بوده است، پس او بعد از پذیرش صورت ناقص نوع حیوانی، استعداد قبول حیات کاملاً انسانی پیدا کرده و بعد از پذیرش صورت موجوداتی پست به صورت موجودی شریف درآمد است. اما این که موجودات کامل از ناقص متولد شده‌اند- که ادعای زیست‌شناسان است- دلیل مزبور آن را اثبات نمی‌کند و نمی‌گوید که حیوانات کامل از حیوانات ناقص منشعب شده، و بین همه آن‌ها و در آخر میان انسان و میمون

خویشاوندی است. آن چه تاکنون یافته‌اند که شهادت می‌دهد بر دگرگونی تدریجی، هرچه هست دگرگونی در یک نوع است که همواره از صفتی به صفتی دیگر منتقل می‌شود، ولی از نوعیتش به نوع دیگری منتقل نشده است (همان، ص ۲۶۹-۲۵۷). ایشان بر این اساس می‌فرمایند: می‌توان پذیرفت که نشأه زندگی از نظر کمال و نقص و شرافت و پستی دارای مراتب مختلفی است و اعلی مرتبه زندگی، زندگی انسانی است و از آن پائین‌تر، زندگی حیوانات است. اختلاف مراتب نمی‌تواند تطور را نتیجه دهد. اما می‌توان از آن حدس غیریقینی زد. پس فرضیه تطور، فرضیه‌ای است حدسی که ممکن است فرضیه‌ای قوی‌تر جای آن را بگیرد (همان، ص ۲۵۹). علامه خلقت مستقل اولین انسان را ظاهر آیات قرآن (نه نص آن) می‌دانند. همچنین دلایل و شواهد تکامل را ناکافی دانسته و معتقدند در صورت اثبات قطعی نظریه تکامل، آیات قرآن بر طبق آن تأویل‌پذیرند (همان، ص ۲۵۶-۲۵۵). به این ترتیب از نظر ایشان نظریه تکاملی خلقت از نظر علم مردود است و نظر قرآن کریم بنابر ظهور آیات مربوطه دال بر خلقت ثبوتی و مستقیم آدم از خاک است که قابل تفسیر به اشکال دیگر هم نمی‌باشد. این امر از ضروریات دین نیست بلکه از ضروریات قرآنی می‌باشد. بنابراین انسان نوعی است مستقل نه تحول‌یافته از نوعی دیگر (میمون). آیات، نسل بشر متولد شده از نطفه را منتهی به دو فرد از انسان به نام آدم و همسر او حوا می‌دانند و درباره خلقت آن دو صراحت دارند به این که از تراب بوده، پس انسانیت منتهی به این دو تن است و این دو تن هیچ اتصالی به مخلوقات قبل از خود و هم‌جنس و مثل خود نداشتند، بلکه بدون سابقه حادث شده‌اند (همان، ج ۴، ص ۱۴۶-۱۳۹). ایشان استدلال می‌کنند که به گفته دانشمندان زیست‌شناس در تحول انواع،



تفسیر نمی‌باشند. مقدمه سوم: نظریه‌های تکاملی به جهت نقصان استدلال (و عدم شواهد و تجربیات علمی کافی) باطلند و تنها نظریه کاشف از حقیقت انسان، همین نظریه قرآنی است که در مقدمه اول بیان شد. نتیجه: بنابراین هیچ تعارضی میان علم و قرآن در مسأله فوق وجود ندارد. علامه طباطبایی معتقدند که نظریه تکامل با اصل توحید و انسان‌شناسی دینی، ناسازگار است؛ زیرا حکمت صنع، مدبرانه بودن خلقت و غایت‌مندی عالم را به چالش کشیده و در حوزه انسان‌شناسی دینی نیز تحول انسان از غیر انسان ممکن نیست. از نظر ایشان، تفسیر آیات خلقت انسان، ما را به رد قاطع نظریه تکامل می‌رساند و از این طریق می‌توان ناسازگاری ادعا شده میان توحید و تکامل را از میان برداشت.

نقد

علامه طباطبایی در تفسیر آیات خلقت، نظریه ثبات انواع را پذیرفته و با حکمی قطعی و بدون تردید با رد تحول انواع به رفع تعارض آن با دین می‌پردازد. چنین حکم قطعی با فرض این که در پژوهش تجربی، نظریه تکامل مورد اثبات قرار گیرد، دچار مشکل خواهد شد و از رفع تعارض عاجز خواهد بود. ایشان تصریح دارند که در این باب نصی از آیات نداریم، هر چه هست ظهور بسیار بین و قریب به نص آیات است. و در پاسخ به این سؤال که قرآن در باب تفسیر علمی خلقت انسان چه فرموده است، به آیاتی می‌رسند که تنزیل آن‌ها گویا نیست و لذا به تأویل (کشف معنای ظاهر و نه نص) قائل شده و ظهور آیات را مطابق تفسیر ثبوتی می‌یابند. این در حالی است که مخالفینی چون دکتر سبحانی به همان قوت و شدت ظهور قریب به نص آیات را مطابق تفسیر تحولی می‌یابند. بنابراین باید پرسید که: (۱) معیار و ملاک معنای ظاهر چیست؟ اگر انطباق با الفاظ ملاک است آیا در همه موارد پای‌بندی به این

موجودی بی‌روح کم دارای روح شده، به‌صورت حیوان، مراحل کمال را پشت سر گذاشته و به‌شکل بوزینه و میمون درآمده است، سپس با تحولاتی دیگر و از دست دادن عضوهایی از بدن به‌صورت انسان دوپا و دارای قدرت سخن تکمیل شده است. به‌عبارت دیگر، انسان قبلاً یک فرد حیوان بوده و با تکامل انسان شده است؛ یعنی ترکیب موجود در زمین، با تکامل از صورتی به‌صورت دیگر درآمده، نخست گیاه پیدا شده و بعد حیوان آبی و آن‌گاه حیوان ذو حیاتین، و سپس حیوان صحرایی و در آخر انسان. این‌ها از فرضیه تحول خواسته‌اند خواص و آثاری را که قبلاً در نوع انسانی نبوده و بعداً پیدا شده توجیه کنند، اما دلیل به‌خصوصی که فقط این فرضیه را اثبات کند و سایر فرضیه‌ها و احتمالات مسأله را نفی نماید نیاورده‌اند، با این که فرض تباین این نوع با سایر انواع فرضی است ممکن و هیچ اشکالی متوجه آن نیست؛ می‌توان تحول را در حالات انسان دانست نه در ذات او. بر فرضیه تحول انواع هیچ دلیل قاطعی ندارند پس حقیقتی که قرآن کریم به آن اشاره می‌کند که انسان نوعی جدای از سایر انواع است، هیچ معارضی ندارد و هیچ دلیل علمی برخلاف آن نیست (همان، ص ۸۵-۸۴). به این ترتیب، راه‌حل علامه طباطبایی در قبال ناسازگاری ظاهری آیات قرآنی و تکامل در خلقت انسان به‌طور خلاصه شامل سه مقدمه و یک نتیجه است: **مقدمه اول:** نظریه‌های تکاملی - که خلقت انسان را به‌صورت تحولی از انواع دیگر تفسیر کرده‌اند (با تمامی اشکال و انواع آن) - با توحید و انسان‌شناسی دینی ناسازگارند. **مقدمه دوم:** آیات قرآنی بر خلقت مستقل و مستقیم آدم از خاک (برخلاف نظریه تکامل) ظهور دارند، آن هم ظهوری قریب به نص و تصریح به‌گونه‌ای که تأویل‌پر دار نبوده و به صورت‌های دیگری قابل



علمی است؛ ۲) بررسی برداشت مفسر از قرآن با موازین تفسیری؛ و ۳) بررسی این ادعا که سخن قرآن درباره خلقت انسان دارای خصلت‌های خاص نظریه‌های علمی است، به گونه‌ای که بتواند مطابق یک نظریه و مخالف نظریه دیگری باشد.

نتیجه‌گیری

توحید و انسان‌شناسی دینی مهم‌ترین محورهای هستند که علامه نظریه ثبات انواع را بر مدار آن‌ها تحلیل کرده است. انسان‌شناسی دینی با محوریت حقیقت‌گرایی، به معنای بررسی عقلی و دقیق انسان به منزله موجودی از موجودات هستی و پی‌جویی مبدأ و منتهای وجود، و توحید، به معنای ارجاع همه ابعاد و مراحل هستی انسان و همه ممکنات به یک مبدأ متعالی یعنی کمال مطلق است. این اصل مهم‌ترین اصل از اصول اعتقادی انسان است که در آراء علامه - از جمله انسان‌شناسی - محوری‌ترین اصل می‌باشد. تعارضات چهارگانه برخاسته از داروینیسم عبارت بودند از: تعارض با نظریه ثبات انواع در ادیان؛ تعارض با حکمت صنع و مدبرانه بودن خلقت؛ تعارض با کرامت قدسی انسان؛ و تعارض در نظام ارزش‌ها. حقیقت این است که راهکار علامه در تمرکز بر توحید و انسان‌شناسی دینی، تنها ناظر به حل تعارض محتوایی است و ایشان در حل تعارض داروینیسم با بینش دینی درباره جهان هستی، طبیعت و اخلاق راه‌حلی ارائه ننموده‌اند. علامه اعتقاد دارند با وجود این که نظریه تحول به‌طور قطعی قابل قبول نیست، اما حتی با فرض عدم ابطال نیز نمی‌تواند نظریه‌ای مقابل و مخالف با قرآن تلقی گردد، نه از جنبه بحث‌های توحیدی و نه از حیث مبانی انسان‌شناسی. از نظر ایشان، این مسأله از لحاظ بحث‌های توحیدی مخالف قرآن کریم نیست، زیرا بر اساس این نظریه ماده نخست با تحرک خود مراحل را گذرانده و تا انسان شدن حرکت را ادامه داده است، اما در بحث‌های توحیدی سخن از این

ملاک وجود دارد؟ وقتی که دو ظهور متناقض با یک ملاک واحد و با شدت و قوت همسان از نصی به‌دست آمد، چه باید کرد؟ در مورد آیات مورد نزاع چه نیازی به مدلول ظهوری آن‌هاست؟ و چرا نمی‌توان به معنای نصی آن‌ها اکتفا کرد؟ (۲) این که نظریه تحول (و یا حداقل هسته مرکزی آن) ادعائی بی‌دلیل بوده و شواهد و دلایل آن نارسا می‌باشد، خود ادعائی است محتاج دلیل. ایشان اولاً در این زمینه هیچ کاوش علمی و پژوهش کافی بر اساس روش علوم تجربی ارائه ننموده‌اند و ثانیاً چنین پژوهشی را به هیچ منبع موثقی هم ارجاع نداده‌اند، بلکه تنها به این سخن بسنده کرده‌اند که نظریه تکامل نظریه ابطال شده‌ای (به تعبیر دقیق‌تر، نظریه اثبات نشده‌ای) است. (۳) باید میان دو قضیه فرق نهاد: الف: نظریه تکامل ابطال شده است. ب: نظریه تکامل اثبات نشده است. اگر منظور علامه، قضیه اول است نیازمند دلیل به‌روش علوم تجربی است و اگر قضیه دوم مراد است، در این صورت نمی‌توان به نحو قاطع نظریات زیست‌شناختی خلقت را با تفسیر قرآنی غیرمعارض دانست، زیرا عدم اثبات هرگز به معنای اثبات عدم نیست و همیشه باید احتمال اثبات را در نظر گرفت و بر مبنای این که اگر نظریه تکامل اثبات گردد، برای حل تعارض باید نظریه‌پردازی کرد. (۴) این روش بر این فرض استوار است که قرآن اولاً درباره خلقت جانداران سخن گفته است، ثانیاً این سخن قابل انطباق با یکی از نظریات علمی (ثبات انواع) است. در نتیجه معارض با نظریه خاص علمی دیگر (تحول انواع) است. حل تعارض در این دو نیز به این شکل است که نظریه علمی مطابق با دیدگاه قرآنی، معتبر و نظریه علمی معارض با دیدگاه قرآن غیرمعتبر است. پس چه طرفداران ثبات انواع چه طرفداران تحول انواع باید از سه جهت مورد بررسی قرار گیرند: (۱) بررسی این ادعا که نظریه مطابق از نظر مفسر دارای صحت و ارزش



حادثه از این راه هم رخ می‌دهد (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۶، ص ۲۶۰-۲۵۸). روش علامه توانائی کامل در حل تعارض ظاهری علم و دین ندارد و تنها در صورتی موفق است که نظریه تکاملی واقعاً ابطال شود. و این در حالی است که احتمال پیروزی این نظریه احتمال معقولی است و لذا برای شرایطی که نظریه تکامل به کرسی اثبات بنشیند باید بیرون‌شدی تدبیر کرد که در حل تعارضات چهارگانه، لوازم منطقی و معرفت‌شناسی متقنی داشته باشد.

است که هر متحرکی عقلاً محتاج محرک و هر فعلی نیازمند فاعل است؛ نه ممکن است که حرکت، بی حرکت آفرین موجود شود و نه ممکن است که موجودی جامد و جاهل، فاعل و محرک خود باشد. به لحاظ مباحث انسان‌شناسی نیز نظریه تکامل با قرآن مخالفتی ندارد، زیرا براساس آن راه پیدایش انسان از راه تحولات طبیعی میمون می‌گذرد، اما ثابت نمی‌کند که این تنها راه تحقق انسان است و بشر منحصرأ از این طریق پا به عرصه هستی گذاشته است، زیرا تنها پیام اثبات دارد و نشان می‌دهد که فلان

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اسدآبادی، سیدجمال الدین. (بی‌تا). نیچریه یا ناتورالیسم. مقدمه جعفر سبحانی. تنظیم و پاورقی سید طیب جزایری. قم: مؤسسه دارالکتاب.
۳. جعفری، محمدتقی. (بی‌تا). خلقت و انسان. انتشارات ولی عصر. چ سوم.
۴. جوادی آملی، عبدالله. تفسیر تسنیم (ج ۱۴). قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۷ ه.ش.
۵. سحابی، یدالله. خلقت انسان. تهران: رسالت قلم، ۱۳۵۱ ه.ش.
۶. سبحانی، جعفر. (بی‌تا). داروینیسم یا تکامل انواع. قم: انتشارات توحید.
۷. شیرازی، آیت‌الله ناصر مکارم. (بی‌تا). فیلسوف‌نماها. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. طباطبائی، سیدمحمدحسین. (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه محمدباقر موسوی همدانی. قم: دارالعلم.
۹. مجموعه رسائل (ج ۲ و ۱). به کوشش سید هادی خسروشاهی. قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۰. انسان از آغاز تا انجام. ترجمه و تعلیق صادق لاریجانی. قم: الزهراء، ۱۳۸۱ ه.ش.
۱۱. رسائل توحیدی. رساله وسایط فیض. قم: بوستان کتاب، ۱۳۹۰ ه.ش.
۱۲. مشکینی اردبیلی، آیت‌الله علی، تکامل در قرآن. قم: انتشارات شفق، ۱۳۶۳ ه.ش.
۱۳. مصباح یزدی، محمدتقی. (بی‌تا). خلقت انسان در قرآن. قم: انتشارات شفق.
۱۴. مطهری، مرتضی. حرکت و زمان (ج ۲). تهران: انتشارات حکمت، ۱۳۷۱ ه.ش.
۱۵. مجموعه آثار. انتشارات صدرا، ۱۳۷۰ ه.ش.

جنین‌شناسی در قرآن

محسن خدادادی^۱، محسن عباسی^۲، حسین خدادادی^۳

۱. دانشجوی دکتری عمومی دامپزشکی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.
(نویسنده مسوول: mohsen.76.khodadadi@gmail.com)

۲. گروه علوم پایه دامپزشکی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه لرستان، خرم‌آباد، ایران.

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فیزیولوژی، دانشکده دامپزشکی، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران.

چکیده

سوال انسان درباره چگونگی به‌وجود آمدن خود او را به‌سوی تحقیق درباره اصل وجودی خود هدایت کرده و بهترین منبع برای او کتاب‌های مقدس مذهبی بوده است و قرآن کریم یکی از بهترین منابع می‌باشد زیرا توصیف زیبا و دقیقی درباره منشأ رشد و تکامل مراحل زندگی داخل رحمی در قرآن وجود دارد. مسلمانان این دانش را در قرن هفتم میلادی داشتند و احادیث پیامبر نیز تقریباً همه چیز را درباره‌ی زایش و بعد زایش توضیح داده بود. این یافته‌ها زمانی که به متخصصین در رشته‌های آناتومی و جنین‌شناسی ارائه داده شد آن‌ها را به شگفتی و تعجب باز داشت و آن‌ها به این باور رسیدند که دانش داده شده به حضرت محمد (ص) به راستی الهی بوده، چه‌کسی می‌توانسته این دانش را در اختیار پیامبرش قرار داده باشد به‌جز خود خالق. جنین‌شناسی نوین بدون شک پیشرفتی جدید است که شروع آن با اختراع میکروسکوپ در قرن ۱۷ همراه بود. اگرچه مفهوم رشد مرحله به مرحله انسان تا مدت‌ها بعد نیز شناخته نشد. اما دانشمندان آن زمان و بیشتر محققین مسلمان و غیرمسلمان نمی‌دانستند که قرآن کریم و همینطور سخنان پیامبر شرح دقیقی از اتفاقات مهم در رشد و نمو انسان از مرحله سلول جنسی قابل تکثیر و لقاح تخم تا حاملگی و زایمان و حتی بعد زایمان را در بردارد. در واقع اطلاعات موجود در قرآن و احادیثی که در این مورد وجود دارد باعث تصحیح بسیاری از خرافات و باورهای غلط درباره‌ی رشد و نمو انسان که در گذشته شایع بود، گردید.

واژه‌های کلیدی: قرآن، جنین‌شناسی، رویان، خلق، تقدیر، نطفه، رحم

مقدمه

به‌صورت کامل ساخته شده و در اندازه‌های مینیاتوری و کوچک در اسپرم یا تخمک وجود دارد. در سال ۱۶۰۴ میلادی فابریکوس از یک نقاشی فوق‌العاده از جنین مرغ پرده برداشت. مالپیگی کسی که به‌عنوان پدر علم جنین‌شناسی مدرن در نظر گرفته می‌شود در سال ۱۶۷۲ میلادی فکر می‌کرد که تخم‌مرغ در مرغ خانگی دارای یک مرغ مینیاتوری است و بقیه فکر می‌کردند که انسان هم به‌صورت کامل در اسپرم و اووم وجود دارد. طراحی هارتسوک از اسپرماتوزوئید انسان در سال ۱۶۹۴ میلادی به‌صورت واضح این موضوع را نشان می‌داد که در اسپرماتوزوئید یا تخمک، یک انسان مینیاتوری شکل گرفته، وجود دارد (۲ و ۶).

انسان همیشه به‌دنبال این بوده است که رازهای طبیعت را بفهمد و در آنها جست و جو و تحقیق کند. چگونه و کی خلقت آغاز شد و هدف از خلقت در این جهان چیست. انسان کنجکاو از تمدن‌ها، طبیعت، دست نوشته‌های قدیمی و حتی گاهی اوقات از پیش‌گویی‌های افراد مقدس و بالاتر از همه اینها از مشاهدات خود در این باره کمک گرفت. ارسطو فکر میکرد که رویان در رحم از خون لخته‌شده ساخته می‌شود و منشأ تخم از خون قاعدگی است. یونانی‌ها و اروپایی‌ها فکر میکردند که رویان از خون قاعدگی تشکیل شده و عده‌ای فکر میکردند که رویان



Fig. 5.2. "Hominidae" "little man in a sperm cell"
(From journal des Savants, Feb. 7, 1995)

شکل ۱- طراحی از انسان مینیاتوری در داخل اسپرم

در سال ۱۷۷۵ میلادی وقتی که اسپالانزانی ضرورت هر دو سلول اسپرم و تخمک را در رشد و نمو یک جنین نشان داد، این مجادلات پایان یافت. در قرن ۱۹ میلادی بود که چرخه رشدی تخمک پستانداران کشف شد. دست‌نوشته‌های وون بیر، داروین و هیکل مرحله تجربی جنین‌شناسی را معرفی کرد. در اواخر قرن ۱۹ میلادی دانشمندان واکنش‌های رشد و نمو را توسط اتو واربرگ یافتند. راس هاریسون تکنیک کشت سلولی در آزمایشگاه را معرفی کرد. فرانک لیله درباره‌ی مکانیسم لقاح تخم مرغ توسط اسپرماتوزوئید تحقیق کرد و در آخر هانز اسپرمن مکانیسم اثر متقابل بافت‌ها را در دسترس قرار داد. مدرن‌ترین مرحله جنین‌شناسی در سال ۱۹۴۰ میلادی شروع شد و تاکنون ادامه دارد. در این مرحله استفاده از ابزارهای تحقیقاتی مدرن از جمله انواع میکروسکوپ‌های الکترونی، ابزارهای عکس‌برداری مجهز، اولترا سائتریفیوژها، اسپکتروفتومتر و لیست بلندبالایی از این وسایل پیشرفته در اختیار می‌باشد. از این‌جهت به‌بررسی نقش هسته، سیتوپلاسم، هیبرید کردن سلول‌ها، انتقال هسته، کلونینگ ژن و تکنیک‌های دیگری در زمینه ART چون

ICSI، ZIFT، GIFT و ... پرداخته‌شده است. در حال حاضر امکان تعیین جنسیت جنین‌ها تا حدی محقق شده است. در مورد حیوانات روش‌های شبیه‌سازی و تولید حیوانات ترانس‌ژنیک و تولید حیوانات با استفاده از جنین‌های انجمادی در دسترس است. ولی هدف از این مقاله این است که با توجه به اطلاعات موجود در مورد چگونگی پیدایش و خلقت انسان در زمان ظهور اسلام و اطلاعات دقیقی که در قرآن آمده، آن‌هم بدون هیچ‌گونه امکانات تحقیقی، به بحث در مورد بخشی از اطلاعات مربوطه در قرآن پرداخته شود. در نظر داشته باشید که عربستان در قرن هفتم میلادی وقتی که عرب‌ها در صحراها به‌صورت سرگردان زندگی و چوپانی شترها را می‌کردند و هیچ علاقه‌ای به اختراع و کشف نداشتند به‌جز ساختن شمشیر و تیز کردن آن برای برپا داشتن جنگ و فقط تعداد کمی از خانواده‌های ثروتمند و با قدرت، بازرگان بودند. در چنین اوضاع و احوالی نمی‌توان انتظار داشت که کسی آزمایشگاهی با تکنولوژی بالا داشته باشد. یا درباره‌ی موضوع‌هایی مانند زایمان موجودات از قبیل انسان تحقیق کند تا اطلاعاتی درباره‌ی



رویدادهای تکاملی است. این مرحله بعداً به این قسمت‌ها تقسیم می‌شود: علقه (Alaqah)، ساختار زالو مانند و مضغه (Mudghah) (سومايتها) و عظام (Izam) (اسکلت) و لحم (Laham) (عضلات) هستند (۶). ۳. نشاء (Nash'ah) یا مرحله رشد که امروزه به‌عنوان مرحله رویانی یا فتال شناخته می‌شود. در طی این مرحله شکل‌گیری و مدل یافتن جنین روی می‌دهد. ظاهر بیرونی چنان تکامل می‌یابد که دیگر رویان به‌شکل یک انسان نمایان می‌شود، این مرحله تا پایان دوره‌ی آبستنی ادامه می‌یابد و سپس به این قسمت‌ها تقسیم می‌شود: النشاء خلقه از ۹ تا ۲۶ هفتگی و الحدانا الرحامیا از ۲۶ هفتگی تا زمان انتهای آبستنی. این موارد ذکر شده می‌تواند بنیانی برای مراحل مختلف تکامل انسان باشد (۶). **نطفه امشاج (Nutfa amshaj)** نطفه به معنی قطره و امشاج به معنی مخلوط است. این اصطلاح به توصیف مخلوط شدن و همگرایی مایعات جنس مذکر و مونث در رحم یا لوله‌های رحم (فالوپ) می‌پردازد تا این مایعات تشکیل زیگوت دهند. این ماده شکلی شبیه به یک قطره از مایع را دارد که حاوی ترکیبی از ترشحات جنس مذکر و مونث است، نطفه امشاج می‌تواند به چنین قسمت‌هایی تقسیم گردد (۶).

۱.۱. **خلق (Khalak)**: به‌زمانی گفته می‌شود که ترشحات مذکر و مونث به یکدیگر ملاقات کنند و در این زمان ممکن است منجر به تشکیل زیگوت بشود یا نشود. اگر یک زیگوت ۴۶ کروموزومی شکل گیرد، یک انسان جدید بوجود خواهد آمد. چنین فرآیندی که منجر به ایجاد یک انسان جدید از طریق الحاق ترشحات دو جنس را باعث می‌شود، تحت‌عنوان خلق شناخته می‌شود (۶). ۱.۲. **تقدیر (Taqdir)**: خلقت انسان با تشکیل یک زیگوت شروع می‌شود اما چه ویژگی‌ها و خصوصیات آدمی در این بین پیدا می‌کند، جنین چه چیزی را از پدر و مادر به ارث

مراحل مختلف زندگی داخل رحمی دریافت. حضرت محمد (ص) عامی بود و هیچ تحصیلات رسمی نداشت و قرآن معجزه او بود و از این طریق بود که پژوهشگران مسلمان درباره‌ی مفهوم ریخت‌شناسی و مراحل مختلف زندگی درون رحمی که دانشمندان جدید تنها چند دهه پیش به آن‌ها پی بردند، اطلاعاتی کسب نمودند. مراحل مختلف رشد انسان در بسیاری از آیات قرآن وجود دارد که به برخی از آیات اشاره می‌شود (۶و۲). **وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ (۱۲) ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ (۱۳) ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴).**

سوره مومنون. و یقیناً ما انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم سپس آن را نطفه‌ای در قرارگاهی استوار (چون رحم مادر) قرار دادیم، آنگاه نطفه را به علقه تبدیل کردیم (ساختاری زالو مانند) سپس علقه را به مضغه تبدیل کردیم (جسمی که انگار جویده شده) سپس از درون مضغه، عظام (اسکلت یا استخوان) را بوجود آوردیم و بعد از آن استخوان‌ها را با لحم (گوشت) پوشاندیم. سپس او را با آفرینشی دیگر پدید آوردیم. پس همیشه سودمند و با برکت است خدا، که نیکوترین آفرینندگان است (۱). اگر ما این پدیده‌های ذکر شده در قرآن را به‌ترتیب وقوع کنار هم قرار دهیم موارد ذیل ایجاد می‌شود. ۱. نطفه امشاج (Nutfa amshaj) (قطره‌ای که با هم درآمیخته شده) این مرحله از لقاح تا لانه‌گزینی نطفه در رحم را پوشش می‌دهد که این مرحله بعدها به این مراحل تقسیم می‌شود (یعنی همان مرحله ژرمینال حال حاضر) خلق، تقدیر و حرث (۶). ۲. تخلیق (Takhlich) (مرحله جنینی یا امبریونیک در حال حاضر) این مرحله از آغاز هفته سوم تا پایان هفته هشتم را پوشش می‌دهد که شامل



می‌برد. جواب این سوال این است که در طی این فرآیند، ساعت‌هایی پیش از تشکیل خلک این امر صورت می‌پذیرد. قرآن کریم چنین چیزی را مرحله تقدیر می‌نامد و دانشمندان حال حاضر آن را برنامه‌ریزی ژنتیکی می‌دانند. تقدیر در زبان عربی به معنای برنامه‌ریزی، مشخص شدن یا از پیش تعیین کردن چیزی است، واژه‌ای که بسیار مشابه ژنتیکی است که امروزه می‌شناسیم. قرآن بیانگر این است که این فرآیند به صورت فوری در این مرحله صورت می‌پذیرد و ما امروزه می‌دانیم که تمامی این اتفاقات کمتر از ۳۰ ساعت پس از لقاح صورت می‌گیرند. فرآیند مشخص شدن جنسیت جنین در این مرحله روی می‌دهد (۶). قرآن در سوره‌ی نجم آیات ۴۵ و ۴۶ چنین بیان می‌کند: **وَأَنَّهُ خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ (۴۵) مِن تَطْفَئِهِ إِذَا تُمْنَىٰ (۴۶)** و اوست که دو زوج مذکر و مؤنث را آفرید. از نطفه هنگامی که در رحم ریخته شود. و ما امروزه می‌دانیم که اگر اسپرمی با کروموزوم جنسی وای، تخمک را بارور کند نتیجه جنینی مذکر خواهد شد و اگر اسپرمی با کروموزومی ایکس، تخمکی را بارور کند نتیجه بچه‌ای مؤنث خواهد شد (۷). ۱.۳. حرث (Harth): وقتی که مراحل خلق و تقدیر به اتمام رسید زیگوت از لوله‌ی فالوپ به رحم مهاجرت می‌کند، جایی که در آن لانه‌گزینی می‌کند و خودش را شبیه بذر که در خاک آماده رشد و نمو می‌شود، در آن قرار می‌دهد. زیگوت در اندومتر رحم جای‌گرفته و مواد غذایی مورد نیازش را دریافت می‌کند و به یک شکل و

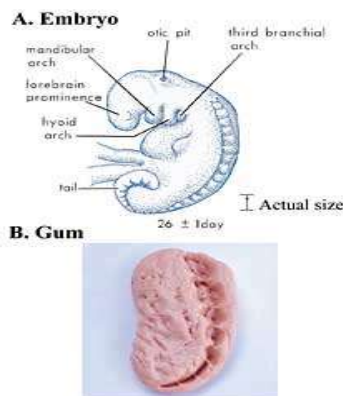
ساختار دیگر تکامل می‌یابد (۶ و ۷). در قرآن به این اشاره شد که لایه اندومتر در رحم شبیه زمین کشاورزی است که بذر در آن جاسازی و کاشته می‌شود. ۲: آفرینش (تخلیق): در حین دومین مرحله‌ی اصلی (تخلیق) تمایز سلول‌ها برای تشکیل سیستم‌ها و ارگان‌ها صورت می‌پذیرد. این مرحله از آغاز هفته سوم شروع و تا هفته هشتم ادامه دارد و یک فرآیند بزرگ‌شدن و رشد سریع سلول‌ها و افزایش حفره‌ها با تولید ارگان‌ها می‌باشد. رویان مراحل زیر را طی می‌کند: ۲.۱: علقه: دوره‌ای که از روز ۱۵ شروع می‌شود و در روز ۲۳ یا ۲۴ کامل می‌شود، هنگامی که رویان به تدریج شکل زالو مانند به خود می‌گیرد (۶). در عربی کلمه علقه سه معنی دارد: زالو، یک چیز آویزان شده و معلق و لخته‌ی خون. شباهت بسیار زیادی بین زالو و رویان در مراحل اولیه وجود دارد. شکل ضمیمه شده شباهت این دو را به یکدیگر نشان می‌دهد. معنای دوم یک چیز آویزان شده است و آن چیزی که ما می‌بینیم حالتی است که رویان به جفت متصل است. هر دوی این معنی‌ها شکل خارجی رویان را در این مرحله نشان می‌دهند. سومین معنی لخته خون است که توصیف‌کننده ساختار درونی رویان می‌باشد که بر ظاهر خارجی تاثیر می‌گذارد. چراکه در مرحله‌ی علقه، خون درون رگ‌های خونی شکل می‌گیرد و به شکل جزیره‌های جداگانه‌ای هستند و رویان به شکل لخته خون در می‌آید (۶، ۲ و ۷).



شکل ۲- شباهت جنین و زالو در دوره ای از تکامل

واضح و جداگانه نشان می‌دهد که شبیه جای دندان بر روی بدنه‌ی رویان هستند. دومین و سومین معنی مضغه برای اندازه‌ی رویان است که طولی حدود یک سانتیمتر طول دارد. سطح بیرونی در مرحله علقه صاف و در مرحله مضغه دارای شیارها و برآمدگی‌هایی است و خطوط راه‌راهی بر سطح آن نمایان می‌شود که به رویان ظاهری جویده شده می‌دهد (۲و۶).

۲-۲- مرحله‌ی دوم مضغه است. رویان در روز ۲۴ تا ۲۶ از علقه به مضغه تغییر پیدا می‌کند. کلمه مضغه به این معنی‌ها می‌باشد: چیزی که به‌وسیله‌ی دندان جویده شده است، یک قطعه گوشت قابل جویدن و ماده کوچک در این مرحله رویان به شکل یک ماده‌ی جویده شده خود را نشان می‌دهد که اثرات دندان ماندنی بر روی آن قابل مشاهده است. رویان سومیت‌ها را به‌صورت



هفته‌ی ششم سلول‌های زایگر مقدماتی که بعدها به اسپرم و یا تخمک تبدیل می‌شوند از آندودرم کیسه‌ی زرده رویان به ستیغ‌های جنسی مهاجرت می‌کنند. در سوره‌ی طارق آیات ۵-۸ محل اولیه‌ی گنادها گفته شده است (۷). ۲.۳. مرحله بعدی عظام است که در زبان عربی به‌معنای استخوان می‌باشد. رویان تا هفته ششم

شکل ۳- شباهت جنین با یک قطعه آدامس جویده شده که آثار دندان‌ها روی آن مانده است.

در هفته‌ی پنجم رویانی ستیغ‌های تناسلی در مجاورت کلیه‌های در حال ساخت شروع به تشکیل می‌کنند. این دو ستیغ تناسلی بعدها بیضه‌ها و یا تخمدان‌ها را تشکیل می‌دهند و در



شکل انسانی معین (اولین مرحله انشاء الخلق می‌باشد). این مرحله از هفته نهم شروع می‌شود و تا هفته بیست و ششم ادامه دارد و در حین این مرحله رشد و تکامل سریع وجود دارد. تا هفته دوازدهم رشد کند است اما بعد از هفته دوازدهم رشد سریع صورت می‌گیرد و اندازه کلی جنین بسیار سریع افزایش می‌یابد. نسبت اندازه سر و بدن و اندام‌های حرکتی بیشتر متعادل شده و موهای اولیه بر روی بدن نمایان می‌شود. تمایز جنسی به‌خوبی قابل تشخیص است. در پایان این مرحله ارگان‌های مختلف به‌صورت کامل فعال هستند، برای مثال کلیه‌ها ادرار می‌سازند، سلول‌های خونی در مغز استخوان تشکیل می‌شوند و فولیکول‌های مو نمایان می‌شود (۶).

۲. مرحله دوم الحدانا الرحامی (انکوباسیون داخل رحمی) است. این مرحله از هفته بیست و ششم شروع می‌شود و تا پایان دوره بارداری (۴۰ هفته به زمان) ادامه دارد. این حقیقت آشکار شده است که بچه می‌تواند در خارج از رحم و بدون حمایت‌های جفتی یا رحمی بعد از هفته ۲۴ تا ۲۶، زنده بماند. پس حداقل زمان موردنیاز برای بقای جنین تا هفته بیست و ششم است، پس سه ماه آخر را می‌توان به‌عنوان زمانی برای حمایت‌های اضافی فراهم‌آمده توسط رحم و مکانی برای رشد طبیعی در نظر گرفت (۶).

جنین در هفته‌ی ۱۸ شروع به شنیدن صداها می‌کند و در هفته ۲۴ به صداها حساس‌تر می‌شود و می‌تواند به صداها خارج رحمی و داخل رحمی عکس‌العمل نشان دهد و در هفته ۲۶ چشم‌ها به‌مقدار کمی باز می‌شوند و می‌توانند نور را دریافت کنند. که ترتیب این موضوع نیز در ایه زیر به‌خوبی و زیبایی قابل مشاهده می‌باشد (۴۳). "إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا" (سوره انسان، آیه ۲). قرآن کریم با توصیفی دقیق و

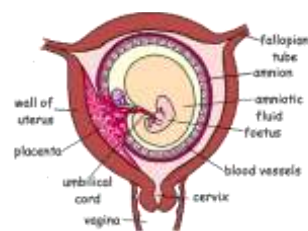
در مرحله مضغه می‌ماند. در آغاز هفته هفتم اسکلت غضروفی شروع به ساخته شدن می‌کند و در نهایت رویان با تشکیل اسکلت، شکل انسانی به‌خود می‌گیرد. تشکیل استخوان به‌صورت پی‌درپی می‌باشد. مرحله تشکیل مراکز استخوانی در هفته هفتم در ران و در هفته‌های هشتم و نهم به‌ترتیب در جناغ و فک بالا نمایان می‌شوند. با این مرحله، رویان شکل انسانی به‌خود می‌گیرد (۷۶). ۲.۴. **مرحله بعد لحم** (پوشاندن استخوان‌ها با گوشت) است. اسکلت در هفته هفتم تشکیل شده‌است و تمایز ماهیچه‌ها (میوزنر) در هشتمین هفته شروع می‌شود. تکامل مشخص عضلات در تنه شروع شده و جنین شروع به حرکت می‌کند و عضلات در موقعیت خود در اطراف استخوان‌ها قرار می‌گیرند. سرعت وقوع این اتفاقات بسیار سریع می‌باشد همانند آنکه در قرآن اشاره شده است. استفاده از حرف ف یک حرف ربط در عربی است که به‌معنی سرعت زیاد اتفاقات پی‌درپی است. آیه قرآن به این وقایع به‌صورت زیر اشاره می‌کند (۷۶). ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (سوره مومنون، آیه ۱۴). سپس ما پوشاندیم استخوان‌ها را با لحم (عضلات، گوشت) "جمله قبل همچنین نشان می‌دهد که مرحله لحم نماینده یا نشان دهنده‌ی پایان مرحله امبریونیک می‌باشد، که بعد آن مرحله‌ی نشاء است. حرف ربط ثم (سپس) نشان دهنده یک روند کند همراه با وقفه زمانی بین دو مرحله است (۶). رشد (النشاه). کلمه نشاء در عربی به‌معنی: آغاز کردن، رشد کردن، تکامل یافتن، بزرگ شدن و افزایش یافتن است. این مرحله از هفته نهم شروع می‌شود و تا پایان بارداری ادامه دارد و به دو مرحله تقسیم می‌شود: ۱. به‌دست آوردن یک

آیه ۶). او شما را در شکم‌های مادرانتان در
مراحل یکی پس از دیگری در سه پرده از
تاریکی آفرید. این موضوع معلوم نیست که
پژوهشگران چه زمانی به این موضوع که انسان
در رحم رشد و تکامل می‌یابد پی بردند، اما تصویر
مشهور کشیده شده توسط لئوناردو داوینچی از
جنین داخل رحم در قرن پانزدهم و اما جالینوس
در قرن دوم پس از میلاد مسیح جفت و لایه‌های
جنینی را در کتابش با عنوان درباره‌ی تشکیل
یک جنین توصیف کرده بود. منظور از سه پرده
تاریکی شاید دیواره جلوی شکم، دیواره رحم و
غشاء آمنیوکوریونی باشد. این تفسیر از نظر
جنین‌شناسی به نظر منطقی‌ترین می‌باشد که با
زیبایی و دقت در قرآن توصیف شده است (۶).

ظریف این مرحله از تکامل داخل رحمی را
توضیح داده است و معنی نشاء را به‌روشنی نشان
می‌دهد. معنای آغاز کردن، آغاز فعالیت ارگان‌ها
و سیستم‌های مختلف را توصیف می‌کند. دومین
معنا، رشد کردن است که رشد سریع و تکامل
ارگان‌های مختلف را نشان می‌دهد. سومین معنا
افزایش و بزرگ شدن است، که رشد سریع و
مشخص در اندازه و وزن جنین را توصیف می‌کند
(۶). بنابراین کلمه نشاء به‌روشنی و درست‌ی دوره
جنینی را توصیف می‌کند. خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ
وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَانزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ
ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ خَلَقَكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ
بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ
الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ (سوره الزمر،



شکل ۴- طرحی از داوینچی که موقعیت جنین را در رحم نشان می‌دهد.



شکل ۵- موقعیت جنین در رحم و لایه‌های احاطه‌کننده آن.

خون قاعدگی شکل گرفته است قبول داشتند و
آنها به تئوری‌های خیالی و فانتزی که هیچ پایه
و اساس علمی نداشت، باور داشتند. خیلی از
پژوهشگران مسلمان آن نظرات را انکار کردند و
انکار آنها بر پایه دانش آنها از قرآن کریم بوده

بحث

از نظر علمی ما با این مراحل در قرن ۱۹ و ۲۰
میلادی آشنا شدیم و قبل از آن هیچ اطلاعاتی
در این باره ارائه نشده است. به‌طور کلی
پژوهشگران نظریه ارسطو را درباره جنین که از

دانشمند و با توجه به آیه‌های قرآن بر این باور است که این اطلاعات را از منبعی الهی دریافت کرده است (۶). بسیاری از متخصصین مربوطه تصدیق کرده‌اند که این معارف قرآنی کلمه به کلمه با یافته‌های جنین‌شناسی نوین مطابقت دارد. و اینکه بیان این مطالب با دقت و ترتیب در زمانی که هیچ وسیله و ابزار تحقیقاتی وجود نداشته و قرن‌ها بعد به واقعیت‌های گفته‌شده پی‌برده‌اند، چیزی جز معجزه الهی نیست (۲) و (۵).

نتیجه‌گیری

قرآن کریم دارای توصیفات بسیاری درباره‌ی تکامل انسان می‌باشد و هیچ مدرکی مستند از تکامل انسان به این دقت و کاملی، از جمله توصیف مراحل و دسته‌بندی آنها و اصطلاحات مربوطه وجود ندارد. این دانش در زمانی به انسان‌ها ارائه‌شده است که هیچ ابزار دقیق علمی در دسترس نبوده و از طرفی تمام این توصیفات توسط پیامبری عامی عرضه‌شده است. لذا جز خالق خلق چه کسی می‌تواند این اطلاعات را برای او نمایان کند؟ (۶). *سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْاٰفَاقِ وَفِيْ اَنْفُسِهِمْ حَتّٰى يَتَّبِعِنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ اَوَّلَمْ يَكْفُرْ بِرَبِّكَ اَنَّهُ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ* (سوره فصلت، آیه ۵۳) به‌زودی نشانه‌های خود را در کرانه‌ها و اطراف جهان و در نفوس خودشان به آنان نشان خواهیم داد تا برای آنان روشن شود که بی‌تردید او حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه‌چیز گواه است.

است. آنها این نظر را در سال ۱۴۴۸ بعد از میلاد مسیح بر پایه این عبارت قرآنی، تکذیب کردند (۶). *اَلَمْ يَكُ نَطْفَةً مِّنْ مَّنٰى يُمْنٰى* (سوره قیامت، آیه ۳۷) آیا او یک نطفه‌ی از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود؟ در گذشته خیلی از آناتومیست‌ها اظهار می‌داشتند که مایع جنسی نه هیچ تاثیری در بوجود آوردن بچه ندارد و تنها تاثیر آن در لخته‌کردن خون است و اینکه بچه از خون قاعدگی شکل می‌گیرد. در قرن نوزده میلادی با توسعه امکانات آزمایشگاهی دقیق، مراحل رشد و تکامل انسان میسر گردید (۲). تنها دو دهه پیش بود که تمام اطلاعات جنین‌شناسی آورده شده در قرآن به دانشمندان مشهور آناتومی و جنین‌شناس ارائه گردید. یکی از برجسته‌ترین پژوهشگران جنین‌شناس کیث مور می‌باشد که در این زمینه بسیار تحقیق کرده بود و به این باور رسید که مسلمانان این دانش را از قرن هفتم میلادی داشته‌اند. او اذعان داشت که این اطلاعات حتی تا سی سال قبل به‌علت کمبود دانش علمی نمی‌توانست به بسیاری از این پرسش‌ها پاسخ دهد. وی در سال ۱۹۸۱ میلادی در حین برگزاری هفتمین کنفرانس پزشکی در دمام عربستان سعودی اشاره کرد، با بررسی آیات قرآنی برای من روشن است که این آیات می‌بایست از طرف خداوند به محمد (ص) داده شده باشد. چراکه تقریباً تمام این دانش تا قرن‌ها بعد کشف نشده بود. دانشمندان دیگری بر این باورند که نه‌تنها این یافته‌های قرآنی درست هستند بلکه اسلام می‌تواند راهنمای علم در آینده باشد (۵). جانسون یکی دیگر از آناتومیست‌های آمریکا از مطالب قرآنی بسیار شگفت‌زده شده و در مورد اینکه آیات قرآن ممکن است اتفاقی بوده باشد، یا اینکه حضرت محمد (ص) یک میکروسکوپ قوی داشته را رد کرد و در پایان اشاره کرد که بعنوان یک



منابع

۱. قرآن مجید. ۱۳۸۵. ترجمه محمد رضا صفری. چاپ دوم. اسرا. قم. ایران.
2. Esmailzadeh M, Farhadi A, and Shahghasemi, H (2012). Developmental biology in Holy Quran. Journal of Physiology and Pathophysiology 3(1), 1-7
3. Hearing over sight (www.islamanswering.com)
4. Quranic verses about hearing (www.quranindex.net)
5. Moore K (1986). A Scientist's Interpretation of References to Embryology in the Quran. J. Islamic Med. Assoc., 18: 15-16
6. Saadat S (2009). Human Embryology and Holy Quran: An Overview. International journal of health sciences, 3(1), 103-109.
7. Sadler, T. W. (2012). Langman's medical embryology. 12th ed. Williams & Wilkins, Philadelphia, USA.

بررسی ظرفیت‌های دینی پیشگیرانه در حوزه بحران آب

علی طاهری دهنوی^۱ و سیدمجتبی جلالی^۱

۱- دانشگاه شهرکرد

(نویسنده مسوول: alitaheridehnavi110@gmail.com)

چکیده

آب، یکی از نعمت‌های بزرگ خداوند و مایعی حیات‌بخش است که جزو چهار عنصر مهم در طبیعت بشمار می‌رود. جوامع بشری در سال‌های اخیر در این حوزه با بحران جدی مواجه شده‌اند. هدف از پژوهش، بررسی درون دینی و فقهی ظرفیت‌های فقهی در حل معضلات مرتبط با آب است. سؤال اصلی پژوهش بررسی میزان ظرفیت فقه در مرحله پیشگیری از بحران آب است. پژوهش حاضر به روش توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته است. نوآوری تحقیق نگاه به گستره فقه و ظرفیت متناسب آن در جهت بیان روش‌های حل بحران آب است. در حوزه فقه حفظ و عدم اسراف در آب، مصادیق و ادله قرآنی و روایی متعددی مورد توجه قرار گرفته است. همچنین محورهای نظیر: دلیل عقلی، تأکید فقه بر عدالت در ذخایر بین نسلی، تأکید بر درختکاری، حفظ مصالح عام ناظر بر حفظ آب، تعیین فقهی حریم انواع آب‌ها، تشکیلات حسبه در نظام اسلامی و ایجاد پلیس آب، در بحث پیشگیری از هدر رفت آب، قابل تحلیل و اشاره‌اند.

واژه‌های کلیدی: آب، بحران آب، فقه، ظرفیت‌های فقه، پیشگیری، مواجهه.

مقدمه

در مضمون‌ها و موضوعات مختلفی قابل تبیین است. یکی از موضوعاتی که در حوزه بحران قابل طرح بوده و در حال حاضر نیز نمود بیشتری در عرصه جهانی داشته است، موضوع بحران آب است. بر اساس گزارش بانک جهانی در سال ۲۰۰۷، کاهش سالانه منابع آب شیرین بین سال‌های ۱۹۸۷ تا ۲۰۰۲ در جهان ۳ هزار و ۸۰۷ میلیارد و ۴۰۰ میلیون مترمکعب بوده که از این میزان ۷۰ درصد مربوط به کشاورزی، ۲۰ درصد مربوط به صنعت و ۱۰ درصد مربوط به مصارف داخلی بوده است. بر اساس مطالعات و آمار ارائه شده توسط برنامه عمران سازمان ملل متحد، تقریباً نیمی از جمعیت جهان برای رفع نیازهای ابتدائی خود، به آب کافی دسترسی ندارند. هم‌اکنون بیش از یک‌میلیارد نفر یعنی یک‌ششم جمعیت جهان و یک نفر از هر پنج نفر

انسان از بدو خلقت همواره با حوادث و رخداد‌های مختلفی روبرو بوده و در رفع حوائج و نیازهای خود با استمداد از دانش و تجربه، سعی در مدیریت مشکلات و معضلات زندگی خود داشته است. آنچه که از آن به‌عنوان بحران یاد می‌شود به‌معنی نقطه عطف در اموری نظیر: بیماری و یا بروز زمان خطر در مورد مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. به‌عبارتی هرگاه پدیده‌ای به‌طور منظم جریان نیابد، یا حالتی از نابسامانی ایجاد شده یا نظمی مختل گردد و یا حالتی غیرطبیعی پدید آید، بحث بحران مطرح می‌شود. در چارچوب و روش سیستمی، یک بحران عبارت است از وضعیتی که نظم اصلی یا قسمت‌هایی از آن را (سیستم فرعی) مختل کرده و پایداری آن را بر هم زند (تاجیک، ۱۳۷۹: ۳۴). بحران با نظر گرفتن مضاف‌الیه آن



رهیافت‌های جدیدی در حوزه ادیان و جامعیت آنها پی‌برده و به نقش مهم آنها در زندگانی بشر آگاه شد. از میان ادیان آسمانی و در میان مذاهب منشعب از آنها می‌توان به دین اسلام و فقه شیعی اشاره نمود که نه تنها داعیه جهانی داشته بلکه خود را متکفل بیان نیازهای انسان‌ها معرفی نموده است. بر این اساس ضروریست تا با بررسی میانی فقهی موجود، ظرفیت‌های موجود در آن را در حوزه پاسخگویی به بحران‌ها به‌ویژه بحران آب مورد ارزیابی و بررسی قرار داد. از نظر پیشینه، پژوهشی که این مسأله را از دید فقهی بررسی و ارزیابی کرده و آن را مورد تحقیق قرار داده باشد، به‌ندرت انجام شده است. آثاری نظیر: اخلاق زیستی و تبیین بایستگی‌های حفاظت و بهره‌وری از منابع آب در راستای آموزه‌های فقه محیط زیست، نظری توکلی، سعید (بهار ۱۳۹۱) با تکیه بر جایگاه دو اصل عدالت و ضرر نرسانی در آموزه‌های دینی و همچنین: بررسی راهکارهای قانونی برای شیوه بهره‌برداری از منابع آب در فقه امامیه، آهنگران، روح‌الله؛ جاوید، میثم؛ هنرجو، شهاب (اسفند ۱۳۹۸) با محوریت راهکارهای موجود برای بهره‌برداری از جمله حیات و احیاء، به رشته تحریر درآمده که در برخی جهات با این پژوهش دارای اشتراک است. موضوع بحران آب و چاره‌اندیشی در آن به‌ویژه در حوزه دینی و فقهی، در جهت پیشگیری از این معضل دارای اهمیت بسیار بالایی است. از نوآوری‌های بحث نگاه به گستره فقه و ظرفیت بالای آن در جهت تبیین روش‌های حل بحران آب است. مسأله اصلی پژوهش بررسی ظرفیت‌های فقه در مرحله پیشگیری از بحران آب است. از مفروضات مسأله جهان شمولی دین و داشتن ظرفیت فقهی در جهت حل بحران آب به‌وسیله توصیه‌های درون دینی است. پژوهش

در جهان در حال توسعه، به آب سالم دسترسی ندارند. طبق تخمین‌های موجود تعداد افرادی که در کشورهای مواجه با کمبود آب زندگی می‌کنند، از ۷۰۰ میلیون نفر کنونی تا قبل از سال ۲۰۲۵ به بیش از ۳ میلیارد نفر خواهد رسید (بزی و همکاران، بی‌تا: ۵ و ۶). کشور ایران از نظر اقلیمی در ناحیه خشک و نیمه‌خشک جهان واقع شده است. متوسط بارندگی کشور ۲۶۰ میلی‌متر در سال است که بسیار کمتر از متوسط بارندگی آسیا و جهان (۷۳۲ و ۸۳۱ میلی‌متر) است (یوسفی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۰۹). بر اساس تعریف بانک جهانی کشوری که سالیانه کمتر از ۱۰۰۰ مترمکعب آب قابل شرب برای هر یک از شهروندان داشته باشد با کمبود آب مواجه است. بررسی آماری در ایران طی ۵۰ سال اخیر نشان می‌دهد که منابع تجدیدشونده آب به‌طور سالانه در سال ۱۳۳۵، ۷۰۰۰ هزار مترمکعب بوده که در سال ۱۳۷۵ به ۲۰۰۰ مترمکعب کاهش یافته است و پیش‌بینی می‌شود در سال ۱۴۰۰ به حدود ۸۰۰ مترمکعب برسد که این میزان از نظر استاندارد جهانی پایین‌تر از مرز کم‌آبی (۱۰۰۰ مترمکعب) است. به این ترتیب طبق برآورد کارشناسان، ایران در کمتر از ۱۰ سال آینده با بحران شدید و بی‌سابقه آب روبرو خواهد بود (حسینی اردکانی و دارایی، ۱۳۹۵: ۱۰). بر پایه‌ی نمایه‌های فالکن مارک، سازمان ملل و مؤسسه بین‌المللی مدیریت آب، ایران در وضعیت بحران آبی قرار دارد (احسانی و خالدی، ۱۳۸۱: ۵). علاوه بر عقل انسانی و تجربه آموخته شده از گذشتگان در حوزه مدیریت بحران‌ها می‌توان نگاه را متوجه بحث ادیان در جوامع کرد که آیا در حوزه مسائل دینی انسان‌ها و در موضوع بحران‌ها به‌طور کلی و یا اموری جزئی راهکار و توصیه‌ای پیش‌بینی شده است یا خیر؟ با چنین نگاهی به مباحث دینی می‌توان به



کم آن بی‌رنگ ولی مقدار زیاد آن آبی به‌نظر می‌رسد» (ذوالفقاری، بی تا: ۲۲۳). «آب یا اکسید هیدروژن دارای جرم مولی برابر $18/02 \text{ gr.mol}^{-1}$ می‌باشد و در دمای ۴ درجه سانتی‌گراد دارای جرم معادل یک گرم است و در دمای صفر درجه سانتی‌گراد دارای جرم مخصوص $0/9168$ است و شفاف، بی‌بو، بی‌رنگ و بدون مزه بوده و نقطه ذوب آن صفر درجه سانتی‌گراد و نقطه جوش آن صد درجه سانتی‌گراد است» (بدلیانس قلی کندی، ۱۳۸۲: ۱).

۱-۲) تعریف لغوی آب

در تعریف لغوی آب میان علمای لغت اختلاف نظر است؛ گروهی تعریف لغوی آب را بر مبنای ویژگی‌های تاریخی لغت دانسته‌اند؛ آب، مایعی شفاف، بی‌مزه و بو است که حیوان از آن می‌آشامد و نبات بدان تازگی می‌گیرد و یکی از چهار عنصر قدماست، در عربی آن را ماء و بلال خوانند و ابوحیان، ابوالحیوه، ابوالعباس، ابوالغیث و ابومدرک از کنیه‌های آن است. در اوستایی و پهلوی به آن آب و در سانسکریت به آن آپا می‌گویند، در بعضی لهجه‌های فارسی از آن به آف و آو یاد شده است (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه آب) و مرکب از دو عنصر اکسیژن و هیدروژن است (معین، ۱۳۸۷: ذیل واژه‌ی آب) آب در طبیعت به مقدار زیاد موجود است و سه ربع روی زمین را فراگرفته، در صد درجه سانتی‌گراد جوش می‌آید و در صفر درجه سانتی‌گراد منجمد می‌شود (عمید، ۱۳۶۳: ذیل واژه‌ی آب). فرمول شیمیایی آب H_2O است که در شرایط عادی مایع است (مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، بی تا: ۱ / ۱). در تعریف آب گاه اکتفاء به معنای برگردان لغوی کلمه آب شده است: «آب، معادل فارسی «ماء» است» (هاشمی رفسنجانی و برخی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، بی تا: ۱ /

حاضر به‌روش توصیفی- تحلیلی انجام پذیرفته است.

۱) مفاهیم

۱-۱) تعریف علمی آب

تعریف علمی آب در بین دانشمندان متفاوت است؛ گاهی این تعریف ناظر بر بار الکترونی ذرات مولکولی آب است؛ «آب ماده‌ای مرکب از دو اتم هیدروژن با بار جزئی مثبت در جهت قطب منفی یا کاتد و یک اتم اکسیژن با بار جزئی منفی در جهت قطب مثبت و آند است، که با پیوند کووالانسی به یکدیگر با زاویه‌ی $104/5$ درجه متصل شده و مولکولی قطبی را پدید می‌آورند که در دمای ۲۰ درجه سانتی‌گراد ثابت دی‌الکتریک آن حدود ۸۰ است» (کمالی‌زاد، ۱۳۶۴: ۱۲). گاهی تعریف آب ناظر بر حالت فیزیکی آن است؛ «آب کانی است که به سه حالت جامد، مایع و گاز در سطح خارجی کره زمین وجود دارد» (نصرتی و همکاران، ۱۳۸۱: ۱۱). در موردی تعریف آب ناظر بر ترکیب شیمیایی آن است؛ «آب دارای فرمول ساده شیمیایی H_2O است و در عین حال ماده‌ی پیچیده‌ای است؛ به‌طوری‌که ترکیب یکی از ایزوتوپ‌های هیدروژن یعنی دوتریوم یا تریتیوم با یکی از ایزوتوپ‌های طبیعی اکسیژن ۱۸ ترکیب مختلف ایجاد می‌نماید و در طبیعت به سه حالت جامد (برف و یخ)، مایع (آب معمولی)، گاز (بخار آب) قابل مشاهده است» (لو، ۱۳۷۰: ۷)؛ «آب خالص گونه‌ایست شیمیایی و مشخص با ترکیبی ایزوتوپی از اکسید هیدروژن (H_2O) با $1/60000$ اکسید دو تریوم (D_2O) یا آب سنگین که به سه حالت بخار، مایع و جامد مشاهده می‌شود» (غفوری، ۱۳۶۷: ۱۵). در موردی تعریف آب ناظر بر خاصیت فیزیکی آب است؛ «آب ماده‌ای بی‌بو، بی‌طعم و شفاف که مقدار



امر به معروف و نهی از منکر به معنی مردم را به کار نیک واداشتن و از کار زشت بازداشتن است. امر به معروف و نهی از منکر از واجبات و فرایض بسیار مهم و بزرگ اسلامی به‌شمار می‌رود، و افرادی که این فریضه‌ی بزرگ الهی را ترک می‌کنند یا در برابر آن بی‌تفاوتند گناهکار خواهند بود و کیفی سخت و سنگین در انتظار آنهاست. امر به معروف و نهی از منکر تنها به اتفاق فقهای اسلام واجب است، بلکه اصل وجوب آن جزو ضروریات دین مبین اسلام به‌شمار می‌آید. محدوده‌ی امر به معروف و نهی از منکر منحصر به قشر و صنف خاصی از مردم نیست و تمام اقشار و اصناف واجد شرایط را در بر می‌گیرد حتی بر زن و فرزند واجب است که هنگام مشاهده‌ی ترک معروف یا انجام حرام توسط پدر و مادر یا شوهر، به امر به معروف و نهی از منکر در صورت تحقق شرایط آن مبادرت کنند. شرایط امر به معروف و نهی از منکر عبارتند از: ۱. علم به معروف و منکر. ۲. احتمال تأثیر. ۳. اصرار بر گناه. ۴. نداشتن مفسده. مراحل و مراتب امر معروف و نهی از منکر عبارتند از: ۱. امر و نهی قلبی. ۲. امر و نهی لسانی (زبانی). ۳. امر و نهی عملی. بر هر مکلفی واجب است شرایط و مراتب امر به معروف و نهی از منکر و موارد وجوب و عدم وجوب آن را یاد بگیرد تا مبادا در امر و نهی خود دچار عمل خلاف و منکر شود (خامنه‌ای، ۱۳۹۳، ج ۱، دروس هفتاد و ششم و هفتاد و هفتم).

۳) امر به معروف و نهی از منکر در زمینه‌ی حفظ و عدم اسراف آب

استفاده از امر به معروف و نهی از منکر در زمینه‌ی امر به حفظ آب، امر به حفظ زمین، نهی از آلوده نمودن، اسراف و هدررفت منابع آبی و... با توجه به اینکه امر به معروف و نهی از منکر

۶۱). برخی کلمه معادل کلمه آب در عربی را مورد بررسی قرار داده و ریشه آن را در تعریف دخیل دانسته‌اند: «ماء به معنای آب و اصل این کلمه (مَوَّه) است که به معنای چیز نوشیدنی است و اصل آن مَوَّه بوده که جمعش در میزان قلیل اُمُوَاه است و در مقدار کثیر میاه است» (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۱۶ / ۲۲۵۰) ماء در اصل صحیح واحد مَوَّه یعنی میم، واو و هاء بوده که از آن متفرع شده است و اصل بناء آن الموه بوده و کوچک شده آن مَوَّیه است و این دلیل آنست که همزه در ماء بدل از هاء است» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱۵ / ۲۸۶) در مواردی در تبیین اصل و ریشه این واژه می‌خوانیم: «اصل واژه- ماء- موه است، زیرا جمعش- اُمُوَاه و میاه- است، الف متحرک بر واو غلبه نموده و حرف قبل از آن فتحه گرفته و در اثر اجتماع دو حرف، همزه بر هاء غلبه نموده و الف غلبه نمی‌نماید چراکه حرف عله تکرار شده و عرب حروف اغلال دار را جمع نمی‌کند، به این دلیل که در جمع به اصلش باز می‌گردد و تصغیرش میاه و مَوَّیه است» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۷۸۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷: ۴ / ۳۷۳؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۳ / ۵۴۳؛ فیومی، ۱۴۱۴ق: ۲ / ۵۸۶؛ قرشی، ۱۳۷۱: ۶ / ۳۲۲). در تعریف کلمه آب گاهی به کلمات مترادف آن و ویژگی‌های ذاتی آن اشاره شده است: «آب، مرادف (الماء) است، سیال طبیعی، شفاف که زندگی به آن وابسته است و هر چیزی که زنده است از آن می‌نوشد و یا به‌طریقی از آن منتفع می‌شود و کلمه ماء، همزه در آن بر هاء غلبه نموده است و اصل آن مَوَّه بوده و تصغیر آن مَوَّیه و مَوَّیهه است» (موسی، ۱۴۱۰ق: ۲ / ۹۵۹؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق: ۴ / ۳۰۹؛ افرام بستانی، ۱۳۷۰: ۷۶۸).

۲) امر به معروف و نهی از منکر



۱۴۲۹ق: ۱۲ / ۳۰۰؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۳ق: ۱۷ / ۹۷.

۲-۱-۲) امر به اعتدال و برنامه‌ریزی جهت مدیریت آب

اعتدال و صرفه‌جویی به‌عنوان دو امر معروف که نتایج مثبتی در پی دارند مورد توجه آیات قرآن قرار گرفته است. خداوند در این باره می‌فرماید: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» (فرقان: ۶۷) و کسانی‌اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [اروش] حد وسط را بر می‌گزینند. اسراف آن است که انسان چیزی را بیش از حد و در غیر موردش مصرف کند و سخت‌گیری نقطه‌ی مقابل آن است؛ یعنی انسان چیزی را کم‌تر از حق و مقدار لازم مصرف کند، اسلام با هر دو پدیده‌ی اسراف و بخل مخالف است و به راه میانه سفارش می‌کند.

۲-۱-۳) امر به آبادسازی زمین

در اسلام در مورد آبادکردن زمین و پایداری محیط زیست به‌عنوان عملی نیک و معروف اشاره شده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ» (هود: ۶۱)؛ او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت. تعبیر «استعمركم» و استعمار، در اصل به‌معنای واگذاری آبادی و سازندگی زمین به دیگران است؛ یعنی خدا وسایل سازندگی و آبادانی زمین را در اختیار انسان گذارده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۹ / ۲۵۶)؛ خواست خداوند، عمران و آبادی زمین است (قرآنتی، ۱۳۸۸: ۴ / ۸۱).

۲-۱-۴) وجوب حفظ توازن در طبیعت

یکی از عناوین مهم در مباحث فقهی- حقوقی است، لازم می‌نماید، لذا در این قسمت به بررسی؛ مفاهیم، حکم فقهی امر به معروف و نهی از منکر، مصادیق و ادله‌ی قرآنی و روایی امر به معروف در ارتباط با آب، مصادیق و ادله‌ی قرآنی و روایی نهی از منکر در ارتباط با آب و ... پرداخته می‌شود.

۲-۱-۱) مصادیق و ادله‌ی قرآنی و روایی امر به معروف در ارتباط با آب

در قرآن کریم بیش از ۷۵۰ آیه به پدیده‌های طبیعی اشاره دارد و بیش از ده درصد آیات قرآن به موضوع طبیعت اختصاص یافته است. در بین سوره‌های قرآن کریم ۷۱ سوره درباره‌ی آب بحث نموده است (متقی نیکو، ۱۳۹۳: ۱۹). امر به معروف و نهی از منکر در ارتباط با آب، دارای مصادیق و ادله‌ی قرآنی و روایی است که بدان خواهیم پرداخت.

۲-۱-۱) امر به حفظ آب و زمین

آب از بهترین نعمت‌های الهی است. در روایتی آمده است که حضرت علی (ع) در تفسیر آیه شریفه «ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ» (تکواثر: ۸)، فرمود: «منظور از آن نعمت‌ها، رطب و آب سرد است» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۱۵۶). زمین مرکز تمام تغییر و تحولات موجودات جهان است و به نوعی مادر همه‌ی آنهاست که از آن روزی می‌جویند و به آن رشد و نمو پیدا نموده و پس از مرگ به آن باز می‌گردند. حفاظت از زمین به‌دلیل اینکه مهم‌ترین نیاز موجودات از آن تأمین می‌شود، حائز اهمیت است. در دین اسلام نیز این مهم مورد اشاره قرار گرفته شده است. پیامبر اکرم (ص) در این باره فرمودند: «وَتَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ»؛ از زمین حفاظت کنید به‌درستی که آن مادر شماست (مدرسی،



اسراف کاران و ... است؛ الف) نهی از اسراف در خوردن، آشامیدن و طهارت «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱)؛ و بخورید و بیاشامید و آلی] زیاده‌روی نکنید که او اسراف کاران را دوست نمی‌دارد؛ امام صادق (ع) در این باره فرموده است: «از خدا بترس نه اسراف کن و نه سخت‌گیری» (بحرانی، ۱۴۱۷ق: ۳/ ۵۲۳)؛ امام حسن عسکری (ع) نیز می‌فرماید: «مبادا اسراف کنی، اسراف کردن از کارهای شیطان است» (اربلی، بی تا: ۲/ ۹۲۹). ب) نهی از اسراف در کشاورزی و باغداری «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّيْحَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرِ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱)؛ و اوست کسی که باغ‌هایی با داربست و بدون داربست و خرمان و کشت‌زار با میوه‌های گوناگون آن و زیتون و انار شبیه به یکدیگر و غیرشبهه پدیدآورد از میوه آن چون ثمر داد بخورید و حق [بینوایان از] آن را روز بهره‌برداری از آن بدهید و آلی] زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد. اینکه فرمود: "و لا تسرفوا" معنایش این است که در استفاده از این میوه‌ها و غلات از آن حدی که برای معاش شما صالح و مفید است تجاوز نکنید، درست است که شما صاحب آن هستید و لیکن نمی‌توانید در خوردن آن و بذل و بخشش از آن زیاده‌روی کنید و یا در غیر آن مصرفی که خدا معین نموده به کار بزنید مثلاً در راه معصیت خدا صرف نمایید و همچنین فقیری که از شما می‌گیرد، نمی‌تواند در آن اسراف نموده و آن را تضييع کند. آیه مطلق و خطاب آن شامل جمیع مردم است چه مالک و چه فقیر و اینکه بعضی گفته‌اند خطاب آیه مختص به مالک آن اموال است و همچنین اینکه بعضی دیگر گفته‌اند خطاب تنها متوجه

این مهم در آیات ذیل مورد توجه قرار گرفته است: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» (طلاق: ۳)؛ خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است. «وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ» (حجر: ۱۹-۲۱)؛ و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم، همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آن‌ها روزی دهید! و خزائن همه چیز، تنها نزد ماست ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم. طبق این آیات خداوند متعال برای هر چیزی از جمله آب در طبیعت حد و اندازه‌ای قرار داده است. این حد و اندازه سبب تعادل و توازن در نظام خلقت بوده و به هم خوردن آن سبب بی‌نظمی و ناهماهنگی می‌گردد پس بشر باید اعمال خود را در جهت حفظ این حد و اندازه تنظیم کرده و این مهم را رعایت نماید تا خود و دیگران بتوانند از مواهب طبیعی به نسبت عدالت بهره برده و این موهبت از آن‌ها سلب نشود.

۲-۲) مصادیق و ادله‌ی قرآنی و روایی نهی از منکر در ارتباط با آب

از مهم‌ترین مصادیق و ادله‌ی قرآنی در این باره می‌توان به نهی از اسراف در زمینه‌های مختلف و عوامل مختلف آن، نهی از فساد در زمین و ... اشاره نمود که در ذیل به تبیین آن پرداخته خواهد شد.

۲-۲-۱) نهی از اسراف

این مورد شامل نهی از اسراف در خوردن و آشامیدن، نهی از اسراف در اموال، نهی از اسراف در کشاورزی و باغداری، نهی از پیروی از

مُسْرِفِينَ» (زخرف: ۵)؛ و آیا (قرآن) یادآور را از شما کاملاً بازگیریم بخاطر اینکه گروهی اسرافکارید. خداوند اسرافکاران را هدایت نمی‌کند و ایشان در گمراهی باقی می‌مانند چنانکه خداوند فرموده: «وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلُ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زُلْتُمْ فِي شَكٍّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قَلْتُمْ لِنَّ يَبْعَثَ اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ مُرْتَابٌ» (غافر: ۳۴)؛ و به‌طور قطع پیش از این، یوسف دلیل‌های روشن (معجزه آسا) برای شما آورد و پیوسته در مورد آنچه که آن را برای شما آورد در شک بودید تا هنگامی که مُرد، گفتید: خدا بعد از او هیچ فرستاده‌ای بر نمی‌انگیزد! اینگونه خدا هر کسی را که او اسرافکار (و) تردید کننده بدگمان است، گمراه می‌سازد.

۲-۲-۲) نهی از فساد در زمین

خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَإِذَا تَوَلَّى سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵) و چون برگردد (یا ریاستی یابد) کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود کند و خداوند تباهکاری را دوست ندارد. خداوند در این آیه با ابراز برائت و بیزاری از کسانی که فساد می‌کنند در تبیین مفسدین بیان می‌دارد اینان کسانی هستند که اگر بازگردند در زمین فساد می‌کنند و این فساد جنبه‌ی عام دارد و کسانی که در زمین منابع طبیعی از جمله آب را از بین می‌برند و یا آلوده می‌کنند نیز در زمره‌ی مفسدین هستند و جزء کسانی هستند که زمین را تباہ می‌کنند.

۲-۲-۳) نهی از آلوده نمودن آب و تخریب منابع طبیعی

زامداری است که صدقات را از صاحبان این اموال می‌گیرد و همچنین اینکه بعضی گفته‌اند معنا آنست که میوه‌ها را قبل از چیدن مخورید تا در نتیجه حق فقرا را کم کنید و نیز اینکه عده‌ای دیگر گفته‌اند معنای آیه این است که از دادن مقدار واجب کوتاهی نکنید و یا گفته‌اند معنایش این است که این اموال را در راه معصیت صرف نکنید، صحیح نیست و با اطلاق آیه و سیاق آن نمی‌سازد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۷، ۵۰۱). اسراف در همه‌ی زمینه‌ها در قرآن کریم مورد نهی قرار گرفته و این دلیل بر شدت قبح اسراف نزد خداوند است و این کار جزء بدترین منکرات است. (ج) نهی از پیروی از اسرافکاران «وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ» (شعراء: ۱۵۱)؛ و فرمان افراط‌گران را پیروی نکنید. «اسراف» در این آیه به معنای تجاوز از حد قانون آفرینش و قانون تشریعی است، یعنی معنای گسترده‌ای دارد که شامل زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن، انتقام، انفاق بیش از حد و داوری بر اساس دروغ و حتی شامل برتری‌جویی افراطی و هرگونه گناهی می‌شود؛ چون همه‌ی این‌ها تجاوز از حد است. قوم ثمود زندگی مرفهی داشتند؛ از انواع خانه‌های سنگی و باغ‌ها و زراعت‌ها برخوردار بوده، مردمانی هنرمند و شاد اما هواپرست و اسیر شکم و زندگی پرناز و نعمت خود بودند و از این‌رو به دام اسرافکاری افتادند. سرچشمه‌ی فساد، اسراف است؛ چراکه هرگونه تجاوز از حدود، موجب تباہی و فساد و از هم‌گسیختگی در یک نظام هماهنگ می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۷: ۱۵/۹۷). این آیه بر نهی از اطاعت اسرافکاران دلالت دارد. (د) نهی از همراهی و هم‌فکری با اسرافکاران طبق آیات؛ «إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَّابٌ» (غافر: ۲۸)؛ چراکه خدا کسی را که افراط‌کار دروغ‌زن باشد هدایت نمی‌کند؛ «أَفَنَضْرِبُ عَنْكُمْ الذِّكْرَ صَفْحًا أَنْ كُنْتُمْ قَوْمًا



إِلَى التَّهْلُكَةِ» (بقره: ۱۹۵) خود را با دست‌ان خود به هلاکت نیفکنید. در نهایت اینکه تخریب و آلوده‌سازی منابع طبیعی در تمامی مراحل مورد نهی الهی واقع شده است و از نظر خداوند این عمل نوعی ناسپاسی و کفران نعمت است که سبب هلاکت فرد و جامعه‌ای خواهد شد که اقدام به چنین عملی می‌کنند: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ بَدَّلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا وَ أَحَلُّوا قَوْمَهُمْ دَارَ الْبَوَارِ» (ابراهیم: ۳۸)؛ و آیا به کسانی که شکر نعمت خدا را به کفران تبدیل کردند و قوم خود را به سرای هلاکت آوردند، ننگرستی. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: «آب مورد نیاز مردم را آلوده نکن» (مجلسی دوم، ۱۴۰۶ق: ۱/۲؛ رازی نجفی، ۱۴۲۷ق: ۱/۱) (۲۰۱)

۲-۳) دلیل عقلی در امر به معروف و نهی از منکر مرتبط با حفظ آب

حکم عقل در حفظ منابع طبیعی بالاخص آب به‌عنوان مهم‌ترین رکن منابع طبیعی و محیط‌زیست در کتب اصولی مورد توجه قرار گرفته است و به‌عنوان مدرکات عقلی و بر اساس قاعده کلامی حسن و قبح عقلی و قاعده ملازمه‌ی عقل و شرع بنا شده است (مظفر، ۱۳۶۸: ۲۰۰-۲۱۰؛ عظیمی، ۱۳۹۱: ۷۵). در دیدگاه عقل هر عملی که سبب برهم خوردن تعادل محیط زیست، تخریب منابع آبی، آلوده نمودن آن‌ها شود نتیجه‌ی آن ضرر انسان در نظام زندگی است و گامی به‌سمت خسران، نابودی و هلاکت است در نتیجه آنکه عقل به‌دلیل تشخیص این مسیر حکم بر قبح این اعمال می‌نماید و در عوض اعمالی را که سبب حفظ، احیاء و صیانت از منابع طبیعی و محیط زیستی از جمله آب شود و به توازن عوامل حیاتی زندگی بشر بیانجامد را نیکو می‌داند. دست‌یابی به این نتیجه به این دلیل است که مسئله حفظ،

آلودگی و تخریب منابع طبیعی نیز به نوبه‌ی خود نوعی منکر محسوب می‌شود. خداوند در سوره اعراف آیه: ۵۶ می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا»؛ در زمین پس از اصلاح آن فساد مکنید. قطعاً آنچه از این آیه بر می‌آید این است که فساد در زمین مورد نهی واقع شده است اما فساد در زمین می‌تواند شامل آلوده‌سازی منابع طبیعی از جمله آب و یا تخریب و از بین بردن آب به شیوه‌های گوناگون را شامل شود. از جنبه‌ی دیگر فساد در زمین نوعی منکر است که مورد نهی واقع شده و این منکر چون مورد نهی واقع شده است، اقدام به آن نوعی معصیت و گناه محسوب می‌شود؛ خداوند در سوره مائده آیه ۲ از اقدام به معصیت نهی نموده و فرموده: «تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ وَ لَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ»؛ در نیکوکاری و پرهیزکاری با یکدیگر همکاری کنید و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید. در واقع کسی که آب را آلوده می‌سازد و یا منابع طبیعی از جمله آب را نابود می‌کند و یا اسباب تخریب آن را فراهم می‌سازد به گونه‌ای نعمت الهی را که در اختیارش گذاشته شده به‌چیز غیرقابل استفاده‌ای تبدیل می‌سازد خداوند از این تبدیل در نعمات نهی نموده و اقدام‌کننده به این امور را سخت کیفر می‌دهد و فرموده است: «وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» (بقره: ۲۱۳)؛ هر کس نعمت خدا را که برای او آمده و در اختیار او گذاشته شده از روی ناسپاسی به نعمت مبدل سازد، خدا سخت کیفرکننده است. از طرف دیگر کسی که اقدام به چنین کاری می‌کند با دست خود اسباب نابودی خود را فراهم می‌کند چنانکه کسی که آب را آلوده می‌سازد و یا نابود می‌کند هم خود را و هم موجودات دیگر را در خطر هلاکت قرار می‌دهد، خداوند از این مورد نیز نهی نموده و فرموده است: «وَلَا تَلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ



ثبات و بقای بشر از جمله قضایای مشهور است که نیاز به استناد ندارد و آرای همه‌ی عقلای عالم بر آن اتفاق دارند و شارع هم به‌عنوان خالق عقل با این موضوع موافق است. نتیجه حکم به ضمیمه قاعده ملازمه حکم عقل و شرع، وجوب شرعی اصلاح، تقویت و حفاظت محیط زیست، منابع طبیعی (از جمله آب) و حرمت تخریب و تعدیل و تضعیف آن است (جعفری، ۱۴۱۹ق: ۱۵۴).

۳) تأکید فقه بر عدالت و پرهیز از ظلم در جهت حفظ ذخایر بین نسلی

آیات قرآن در خطابی عام به این موضوع اشاره دارند چنانکه آمده است: «وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» (حدید: ۲۵)؛ و آهن را که در آن برای مردم خطری سخت و سودهایی است پدید آوردیم تا خدا معلوم بدارد چه‌کسی در نهان او و پیامبرانش را یاری می‌کند آری خدا نیرومند شکست‌ناپذیر است. خداوند در این آیه خلقت آهن و دسترسی به آن را برای همه‌ی مردم قرار داده و همه‌ی مردم بهره‌مندی از آهن شریک‌اند به‌همین دلیل گروه خاصی به‌دلیل توانایی در بهره‌برداری نمی‌تواند به‌دلیل اینکه قدرت بر استخراج دارد گروه دیگر را از این موهبت منع کند و یا به‌گونه‌ای استفاده نماید که آن نعمت نابود شده و برای دیگران نماند. کلمه ناس در آیه به‌دلیل عام بودنش مردم در زمان‌های مختلف را در بر می‌گیرد به‌همین دلیل برای اینکه این موهبت در اختیار مردم در همه‌ی زمان‌ها باشد باید عدالت در مصرف و بهره‌وری رعایت شود و از این عدالت می‌توان عدالت بین نسلی را برداشت نمود. خداوند در آیات دیگری نیز به این مهم اشاره نموده است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ

لَكُمْ الْفُلُوكَ لَتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ» (ابراهیم: ۳۲)؛ خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به‌وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد. «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ» (لقمان: ۲۰)؛ آیا ندانسته‌اید که خدا آنچه را که در آسمان‌ها و آنچه را که در زمین است مسخر شما ساخته و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را بر شما تمام کرده است و برخی از مردم درباره خدا بی‌آنکه [دانش و رهنمود و کتابی روشن [داشته باشند] به مجادله بر می‌خیزند. «وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (الرحمن: ۱۰)؛ و زمین را برای مردم نهاد. در تفسیر این آیه باید گفت: «کلمه "انام" به‌معنای کلمه "مردم" است. ولی بعضی گفته‌اند؛ به‌معنای جن و انس است. بعضی دیگر گفته‌اند؛ به‌معنای هر جنبنده‌ای است که روی زمین راه برود و اگر از خلقت زمین تعبیر کرده به وضع، برای این بود که درباره آسمان تعبیر کرده بود به رفع، خواست تا بفهماند زمین پایین و آسمان بالا است، چون در عرب هر افتاده و پست را وضع می‌گویند و این خود لطافتی در تعبیر است» (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۹/۱۶۳). در روایتی از امام صادق (ع) درباره‌ی زمین‌های عراق پرسش می‌شود، امام (ع) در پاسخ می‌فرماید: «این زمین‌ها برای تمام مسلمانان است، اعم از کسانی که امروز مسلمانند و یا روزهای بعد مسلمان می‌شوند و نیز کسانی که بعد متولد می‌شوند. پرسش شد می‌توان این زمین‌ها را از کشاورزان خرید؟ فرمودند: جایز نیست مگر به‌ضرورت این که ملک مسلمین باشد، خریداری شود؛ در این صورت اگر ولی‌امر بخواهد



برخی، ترک آبیاری را مکروه دانسته‌اند. برخی دیگر گفته‌اند: در صورتی که ترک آبیاری و تضييع درخت مصداق اسراف باشد، ترک آبیاری حرام است (جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶ق: ۳/ ۵۹۵). «مساقات» مصدر باب مفاعله از سقی، به معنای آب دادن و سیراب کردن دو نفر یکدیگر را می‌باشد و در اصطلاح چنانکه در ماده ۵۴۳ ق. م آمده است: «مساقات معامله‌ای است که بین صاحب درخت و امثال آن یا عامل در مقابل حصه مشاع معین از ثمره واقع می‌شود و ثمره اعم است از میوه و برگ گل و غیره آن». همان‌گونه که ملاحظه می‌کنید مساقات مشابه مزارعه است، تنها فرقی که هست این است که در مزارعه زمین برای زراعت به عامل داده می‌شود و در مساقات درختان مثمره برای نگاهداری و آبیاری (طاهری، ۱۴۱۸ق: ۴/ ۲۴۳). خود مسئله مساقات و مزارعه گرچه از نظر فقهی شامل ابواب خاصی بوده و قوانین خاصی را شامل می‌شود اما موردی که در اینجا مورد استفاده است هیچ‌کدام از احکام فقهی درباره‌ی آنها نیست بلکه بهره‌گیری از آن از جنبه‌ی نتیجه‌ی مساقات و مزارعه می‌باشد. چراکه تاکید بر درختکاری و حفظ پوشش گیاهی از این جنبه حائز اهمیت است که وجود درختان و پوشش گیاهی سبب تقویت خاک شده و تقویت خاک سبب افزایش ظرفیت آن برای نگهداری آب و افزایش کیفیت خاک و جلوگیری از فرسایش خاک می‌شود به علاوه پوشش گیاهی سبب تعدیل هوا و حفظ رطوبت در منطقه شده و مانع از تبخیر بیش از حد آب می‌شود و باعث می‌شود تا این آب در جو پیرامون درختان، در خاک و نزدیک ریشه درختان، در ساقه و برگ درختان از تبخیر محفوظ مانده و کمک شایان توجهی به چرخه‌ی آب می‌ماید. اهمیت درختکاری و یا نهی از بریدن درختان به جهت

می‌تواند آن‌ها را بگیرد؛ پرسیده شد اگر چنین کند؟ فرمودند: در این صورت مال او را به وی برگردانده و منافع زمین نیز در مقابل کاری که انجام داده قرار می‌گیرد» (حر-عاملی، بی‌تا: ۱۷/ باب ۱۸، ح ۱). در روایتی از امام کاظم (ع) نقل شده است که فرمودند: «زمین‌هایی که با جنگ فتح شده‌اند، موقوفه بوده و در دست کسانی که آن‌ها را آباد می‌کنند باقی می‌ماند و اختیار این زمین‌ها در دست والی وقت است که از کسانی که بر روی آن‌ها کار می‌کنند به اندازه توان آن‌ها خراج بگیرد» (حر عاملی، بی‌تا: ۱۵/ باب ۴۱، ح ۲) امام خمینی در ذیل این روایت نوشته‌اند: «منظور از وقف، معنای لغوی آن است یعنی این زمین‌ها ملک کسی نیست بلکه آزاد بوده و در مصالح مسلمانان مصرف می‌شوند» (خمینی، ۱۳۷۹: ۳/ ۶۸).

۴) تأکید فقه بر درختکاری و احیاء درختان در فقه بر مسأله درختکاری و احیاء درختان از مباحث مساقات در جهت حفظ آب تأکید شده است. «مَسَاقَاتُ [سقی] ه: یکدیگر را نوشاندند، ه فی ارضه: او را در زمین خود به کار گمارد تا آن‌را برای کشت اصلاح و آماده کند به شرط آنکه سهمی از غله‌ی آن زمین به وی تعلق گیرد» (افرام بستانی، ۱۳۷۰: ۴۷۰). مساقات از باب مفاعله و از ریشه سقی به معنای اینکه مردی را در زمین خود به کار بگیرد تا زمین را برای او بکارد یا در باغ به اصلاح درختان، آبیاری درختان، نظافت محل آبیاری و ... بپردازد به شرط آنکه سهمی از میوه یا بار آن برای او باشد (تهانوی، ۱۹۹۶م: ۱۲/ ۱۵۲۶). در فقه درباره‌ی مساقات نوشته شده؛ عقد مساقات بر درختان میوه‌ای که ریشه مانده‌دارند، مانند درخت خرما و انگور صحیح است. در وجوب آبیاری و جلوگیری درخت از نابود شدن، اختلاف است.

ضرری اهمیت داده و در جهت مقابله و یا رفع این ضرر کوشش می‌نمایند. از طرفی اسلام نیز با قاعده لاضرر هرگونه ضرری را نفی نموده و به‌همین دلیل ضرر به پوشش گیاهی و درختان حرام است و حفظ آن‌ها را واجب می‌نماید.

۵) توصیه فقه و حقوق بر حفظ مصالح عام ناظر بر حفظ آب

۵-۱) مبانی قرآنی وجوب رعایت مصالح عمومی
۱- «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» (انفال: ۱)؛ آی پیامبر! از تو درباره غنایم جنگی می‌پرسند بگو غنایم جنگی اختصاص به خدا و فرستاده او! دارد پس از خدا پروا دارید و با یکدیگر سازش نمایید و اگر ایمان دارید از خدا و پیامبرش اطاعت کنید. آن چیزی که در اینجا با استمداد از سیاق کلام می‌توان گفت این است که آیه به سیاق خود دلالت دارد بر اینکه در میان اشخاص مشارالیه به "یسئلونک" نزاع و تخصمی بوده و هرکدام حرفی داشته‌اند که طرف مقابلشان آن را قبول نداشته و تفریعی که در جمله "فأتقوا الله و أصلحوا ذات بینکم" است به خوبی دلالت دارد بر اینکه این نزاع و تخصم در امر انفال بوده و لازمه این تفریع این است که سؤال در صدر آیه بخاطر اصلاح و رفع نزاع از ایشان واقع شده، گویا این اشخاص در میان خود راجع به انفال اختلاف کرده‌اند، و سپس به رسول خدا (ص) مراجعه نموده‌اند تا حکم آن را از آن جناب بپرسند، و جوابی که می‌شنوند نزاعشان را خاتمه دهد. در واقع منظور از جمله "و أصلحوا ذات بینکم" این است که آن حالت بد و آن فساد که در بینتان رخ نموده و آن تیرگی رابطه را اصلاح کنید (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۵/۹). در تفسیر آیه نیز چنین نقل شده است که: اسلام برای منابع طبیعی و ثروت‌های عمومی نیز قانون دارد؛

حفظ آنان در روایات متعددی به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود. روایت مسعده از امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) که فرمود: «لاتحرقوا النخل و لاتغرقوا بالماء و لاتقطعوا شجرة مثمرة و لاتحرقوا زرعاً...» (حرعاملی، بی‌تا: ۳/۴۳). امام صادق (ع) فرمودند: «لاتقطعوا الثمار فیصب الله علیکم العذاب صبا» (حرعاملی، بی‌تا: ۱۳/۱۹۸)؛ درختان میوه ده را قطع نکنید. پس سخت مگیرد، خداوند بر شما عذاب سختی را. روایات دیگری نیز در زمینه تشویق به زرع و درخت کاری وجود دارد؛ مانند روایت امام صادق (ع) «زراعت کنید و درخت بکارید. به خدا قسم حلال‌ترین و بهترین کار جز این نیست» (کلینی‌رازی، ۱۳۶۵: ۵/۲۶). امام صادق (ع): «بهترین کار زراعت است» (حرعاملی، بی‌تا: ۶/۱۹۴). هم‌چنین در منابع اهل سنت نیز روایاتی از پیامبر (ص) در این زمینه آمده است: «مسلمانی که درخت بکارد یا زراعتی را کشت کند، پس از آن انسان با حیوان بخورد، برای آن مسلمان صدقه به‌شمار می‌آید» (بخاری، ۱۴۰۱ق: ۳/۶۶). اما این مسئله که آیا حفظ پوشش گیاهی و درختان در قالب دو طرح مسابقات و مزارعه واجب است یا نه جای بحث دارد. شهید ثانی از وجوب آبیاری درختی که به‌صورت امانت به شخصی سپرده شده است سخن به‌میان می‌آورد (شهید ثانی، بی‌تا: ۱/۳۰۵). هم‌چنین از گفتار صاحب جواهر، امکان اجماعی بودن این حکم استفاده می‌شود (نجفی، بی‌تا: ۲۷/۱۰۹). هم‌چنین می‌توان در ثبوت این حکم از قاعده لاضرر استفاده نمود به این ترتیب که در زنجیره‌ی نتایج از بین رفتن پوشش گیاهی و درختان ضرر قابل توجهی در منابع آبی و تغییر اقلیم، کاهش بارندگی حاصل می‌شود که این ضرر قابل چشم‌پوشی نیست و عقلاً به چنین



۵-۲) مبانی روایی و جوب رعایت مصالح عمومی پیامبر (ص) می‌فرماید: «از خدا بترسید و میان خویش را اصلاح کنید» (پاینده، ۱۳۸۲: ۱۶۴/۱). این مهم یعنی وجوب رعایت مصلحت عمومی، رابطه‌ی مستقیمی با اصلاح بین یکدیگر دارد و از آن طریق میسور است و این موضوع که این حدیث ناظر بر اصلاح میان دو طرف مخاصمه باشد مانع از برداشت وجوب رعایت مصالح عمومی از حدیث نمی‌شود. روشن‌تر اینکه تقوا پایه و اساس اصلاح بین یکدیگر است. اهمیت اصلاح مردم در این است که پیامبر(ص) فرموده: «آیا شما را به چیزی با فضیلت‌تر از نماز و روزه و صدقه (زکات) آگاه نکنم؟ آن چیز اصلاح میان مردم است، زیرا تیره شدن رابطه میان مردم ریشه‌کن کننده دین است» (محمد العبادی، بی‌تا: ۲/ ۳۴۵؛ غزالی، ۱۴۰۶ق: ۱۴/ ۶). اگر به سیره‌ی امام علی(ع) به‌عنوان نمونه‌ی برجسته‌ی حاکم عادل بنگریم نمود مصلحت در قالب عدالت مشهود است. امام علی (ع) در نامه به مالک اشتر خطاب به ایشان می‌فرماید: «ای مالک بدان مردم از گروه‌های گوناگونی می‌باشند که اصلاح هر یک جز با دیگری امکان ندارد و هیچ یک از گروه‌ها از گروه دیگر بی‌نیاز نیست. از آن قشرها، لشکریان خدا و نویسندگان عمومی و خصوصی، قضات دادگستر، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه‌دهندگان، پرداخت‌کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان، صاحبان صنعت و پیشه‌وران و نیز طبقه پایین جامعه یعنی نیازمندان و مستمندان می‌باشند، که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن‌را در قرآن یا سنت پیامبر (ص) تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و نگهداری آن بر ما لازم است. پس سپاهیان به فرمان خدا، پناهگاه استوار رعیت، و زینت و وقار زمامداران، شکوه دین و راه‌های تحقق امنیت کشورند. امور مردم جز با سپاهیان

«الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ»، حفظ اموال عمومی، پاکی و پروا لازم دارد؛ «فَاتَّقُوا اللَّهَ» (زیرا بیت‌المال و اموال عمومی، می‌تواند بستری برای سوءاستفاده باشد)؛ کسی که قصد اصلاح دارد، باید خودش اهل تقوا باشد؛ «فَاتَّقُوا اللَّهَ وَ أَصْلِحُوا»، حفظ وحدت و اصلاح میان مردم، بر همگان لازم است. «أَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ» در اسلام، تقویت و تحکیم پیوندها و از بین بردن اسباب تفرقه و نفاق به‌قدری اهمیت دارد که در بعضی مراحل نه‌تنها اصلاح ذات‌البین واجب است، بلکه از سهم امام نیز می‌توان برای آن استفاده کرد (قرائتی، ۱۳۸۸: ۳/ ۲۶۵).
۲- «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات: ۱۰)؛ در حقیقت مؤمنان باهم برادرند پس میان برادرانتان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید. جز این نیست که مؤمنان برادران (دینی) یکدیگراند (و لازم است یکدیگر را نصرت کنند) بنابراین بین برادران خودتان (هر گاه با همدیگر مخاصمه و نزاعی کنند) صلح دهید (و نگذارید بیکدیگر ستم کنند بلکه مظلوم را اعانت کنید) و از خدا بپرهیزید (در اینکه ترک عدل و اصلاح نمائید یا مراعات حقوق برادری را ننمائید) باشد که مورد رحم خداوند واقع شوید (خسروانی، ۱۳۹۰ق: ۸/ ۵۲).
۳- «فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (حجرات: ۹)؛ میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد. در تفسیر آیه آمده است که: «اسلام برای ساختن و اصلاح جامعه، راهنمایی‌هایی دارد؛ یکی از آن‌ها وجوب حمایت از خون، مال، آبرو و آزادی انسان در گفتار و کردار است و جز حق، هیچ‌کس و هیچ‌چیزی بر او حکومت ندارد» (مغنیه، ۱۳۷۸: ۷/ ۱۹۲).



امام حسن (ع) و امام حسین (ع) پس از ضربت خوردن چنین می‌فرمایند: «شما را و تمام فرزندان و خاندانم را و کسانی را که این وصیت به آن‌ها می‌رسد، به ترس از خدا و نظم در امور زندگی و ایجاد صلح و آشتی در میانتان سفارش می‌کنم، زیرا من از جدّ شما پیامبر (ص) شنیدم که می‌فرمود: اصلاح دادن بین مردم از نماز و روزه یک سال برتر است» (رضی، ۱۳۷۹: ن ۴۷).

۳-۵) مبانی فقهی وجوب رعایت مصالح عمومی رعایت مصالح، اقتضای ولایت بوده و اساساً در اندیشه اسلامی، مبنای اعطای ولایت به ولی، رعایت مصلحت مولی علیهم است (فتاحی زفرقندی، ۱۳۹۵: ۷). ولایت به کسر واو به معنی نصرت و به فتح واو به معنی تولی امر است و به قولی هر دو یکی و حقیقتش تولی امر است (قرشی، ۱۳۷۱: ۷/۲۵۴). ولایت واژه‌ای عربی از ریشه (ول ی) است که در لغت عرب به معانی محبت، نصرت، نزدیکی، تدبیر، قیام به امر و ملک امر، سرپرستی، زعامت، امارت دولت، سلطان (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۱/۱۴۱). مقصود از ولایت در فقه نیز امارت و سلطنت بر جان، مال و هر یک از امور دیگران است (طباطبایی یزدی، ۱۴۱۴: ۲/۲).

۶) فرهنگ‌سازی با شناخت رویکرد فقهی درباره‌ی حفظ آب و منابع طبیعی برای اینکه یک رفتار اجتماعی در جامعه نهادینه شود باید به یک اعتقاد و باور تبدیل گردد. عقاید عموماً ریشه مذهبی، عرفی یا قانونی دارند. این که در جامع ما اسراف مذموم است هم ریشه در مذهب و هم ریشه در عرف ملی ایرانیان دارد. متأسفانه صاحبان سرمایه در جامعه مدرن امروزی برای کسب درآمد بیشتر، مصرف‌زدگی و به‌عبارت دیگر اسراف با شگردهای خاص و زرق و برق‌های تبلیغاتی به جامعه القاء می‌کنند و

استوار نگردد و پایداری سپاهیان جز به خراج و مالیات رعیت انجام نمی‌شود که با آن برای جهاد با دشمن تقویت گردند و برای اصلاح امور خویش به آن تکیه کنند و نیازمندی‌های خود را برطرف سازند. سپس سپاهیان و مردم، جز با گروه سوم نمی‌توانند پایدار باشند و آن قضات و کارگزاران دولت و نویسندگان حکومتند، که قراردادها و معاملات را استوار می‌کنند و آنچه به سود مسلمانان است فراهم می‌آورند و در کارهای عمومی و خصوصی مورد اعتمادند و گروه‌های یادشده بدون بازرگانان و صاحبان صنایع نمی‌توانند دوام بیاورند، زیرا آنان وسایل زندگی را فراهم می‌آورند و در بازارها عرضه می‌کنند و بسیاری از وسایل زندگی را با دست می‌سازند که از توان دیگران خارج است. قشر دیگر، طبقه پایین از نیازمندان و مستمنداند که باید به آن‌ها بخشش و یاری کرد. برای تمام اقشار گوناگون یادشده، در پیشگاه خدا گشایشی است و همه آنان به مقداری که امورشان اصلاح شود بر زمامدار، حقی مشخص دارند و زمامدار از انجام آنچه خدا بر او واجب کرده است نمی‌تواند موفق باشد جز آن‌که تلاش فراوان نماید و از خدا یاری بطلبد و خود را برای انجام حق آماده سازد و در همه کارها، آسان باشد یا دشوار، شکیبایی ورزد» (رضی، ۱۳۷۹: ن ۵۳). امیرمومنان (ع) آن دانشمند بی‌بدیل و حاکم عادل خیرخواه و امام مصلح در این نامه هر آنچه را که ما می‌خواستیم بیان نماییم یک‌جا فرموده و راهنمای همه‌ی انسان‌ها شده است. ایشان در این نامه ضمن بیان وجوب رعایت مصلحت عام مجموعه دستگاه‌ها و قوای خاصه را برای اصلاح مردم بر می‌شمارد که جز با وجود آن‌ها اصلاح امور مردم میسر نمی‌شود و فلسفه وجودی این دستگاه‌های رعایت مصلحت عام است تا همه‌ی مردم منتفع شوند. امام علی (ع) در مورد دیگر در وصیت به



امکانات اطراف چیزی که جز مالک کسی حق انتفاع از آن را ندارد (قیومی‌المقروی، ۱۴۱۸ق: ۱/۷۲). حریم به معنای حرمت چیزی است و مقابل آن حلیت آن چیز می‌باشد (حمیری، ۱۴۲۰ق: ۱۸۰/۳). دوم) معنای دومی که برای حریم آمده است و از معانی فوق متمایز می‌نماید، اطلاق حریم بنا بر اصل بر حریم چاه و مانند آن است. بنابراین، حریم، حقوق و محدوده مورد نیاز اطراف چاه را گویند. سپس این مفهوم توسعه یافت و به هر چیز حرام و ممنوع اطلاق شد. معنای دوم، با معنای نخست حریم منافاتی ندارد. نهایت اختلاف میان آن دو، در شیوه وضع لغت حریم برای منع است که گویا معنای نخستین را قائلان به وضع تعیینی می‌گویند و معنای دومی را قائلان به وضع تعیینی بنابراین، معنای حریم به نظر اهل لغت (منع) است و تعبیرهای دیگر چون: آنچه شکستن آن جایز نباشد یا آنچه مورد حمایت واقع شود و شخص از آن دفاع کند، اخذ به لوازم همان معنای اصلی است؛ زیرا وقتی امری ممنوع شد، هتک آن جایز نخواهد بود و در برابر مرتکبان و متجاوزان مورد حمایت قرار می‌گیرد و از آن دفاع می‌شود (شفایی، ۱۳۸۳: ۴/۴۱). سوم) تعریف اصطلاحی حریم نزد برخی از فقها است: علامه حلی در این باره می‌نویسد: «حریم به مکان‌های نزدیک هر چیز گفته می‌شود که بهره‌بردن کامل مردم از آن مورد نیاز باشد مانند: آب‌راه و محل ریختن خاک‌روبه و مانند آن» (علامه حلی، ۱۴۰۰ق: ۴۱۳/۲). صاحب جواهر در این باره می‌نویسد: «حریم هر چیز عبارت است از مقداری که برای انتفاع از آن چیز ضرورت دارد» (نجفی، بی‌تا: ۳۸/۳۴).

۷-۲) تعیین حریم چشمه و قنات و چاه

رنگ اعتقادات مذهبی و عرفی جامعه را کم‌رنگ می‌کنند. لذا زدودن تفکر اسراف در همه‌ی زمینه‌ها از جمله آب به آسانی امکان‌پذیر نیست و برای رسیدن به این مقصود باید زمان و مسیر طولانی و هزینه‌ی هنگفت را پرداخت نمود (قربانی، ۱۳۹۲: ۱۱). فرهنگ‌سازی در زمینه‌ی بحران آب باید از جهت فرهنگ‌سازی در نتیجه شناخت رویکرد فقهی درباره حفظ آب و منابع طبیعی؛ مورد بررسی قرار گیرد. این رویکرد در نظر متفکران همچون: جوادی آملی، نصر و متفکران خارجی از جمله؛ فضلون خلید، جوان اوبرین و ماویل عزودین مورد توجه قرار گرفته است. این متفکران، علت‌های بحران زیست محیطی را بحران‌های ذهنی و معنوی انسان، حاکم شدن فرهنگ صنعتی بر فرهنگ سنتی، حاکم شدن مبانی فلسفی مدرن، گسترش ارزش‌های مادی‌گرایانه، توجه‌نکردن به ارزش‌های روحانی و اهداف معنوی، سلطه بر طبیعت، جدایی علم از امر قدسی، بی‌ایمانی، منفعت‌طلبی، اسراف و اتراف می‌دانند (Khalid, Izzi Dien, 1997: F. & O'Brien, J. 1992:32-339؛ جوادی آملی، ۱۳۸۸: ۱۰؛ نصر، ۱۳۷۹: ۸). در تبیین رویکرد فقهی نسبت به محیط زیست و منابع طبیعی و از جمله آب می‌توان از آیات و روایات و دلیل عقل استفاده نمود.

۷) تعیین فقهی حریم انواع آب‌ها در جهت پیشگیری از آلودگی و هدر رفت آب ۷-۱) معنای حریم

اول) حرمت، تحریم، حرام، احرام و حریم از یک ریشه‌اند و با هم قرابت معنایی دارند و همگی از ماده (ح ر م) مشتق شده‌اند (شفایی، ۱۳۸۳: ۴۱/۴). حریم از حرمت است و حرمت آن چیزی است که هتک آن جایز نیست (جوهری، ۱۳۷۶ق: ۵/۱۸۹۷). حریم به معنای حقوق و



هست. یعنی آن مقدار زمینی که هیچ‌کس حق ندارد در آن مقدار چاه یا قنات جدیدی احداث کند مگر آنکه صاحب چاه موجود اجازه بدهد بلکه نزدیک‌تر به احتیاط این است که رعایت حریم را در بین دو قنات بکنند، چه آن حلقه‌هایی که منشأ آب است و چه غیر آنها هر چند که جواز حفر قنات در کمتر از حریم در آن حلقه‌هایی که آبدۀ نیست آفرب است و این حریم در چاه دستی اگر منظور از حفر آن آبیاری زراعت باشد، ۶۰ ذراع است. بنابراین اگر کسی در زمینی موات، چاهی حفر کند، شخص دیگر نمی‌تواند بدون اذن او چاهی دیگر پهلوی آن حفر نماید بلکه باید رعایت فاصله ۴۰ یا ۶۰ ذراع را بنماید و حریم چشمه و قنات در زمین سخت، ۵۰۰ ذراع و در زمین نرم ۱۰۰۰ ذراع است، پس اگر شخصی چشمه یا قناتی در زمینی موات سخت استخراج کرد و دیگری هم بخواهد چشمه یا قناتی دیگر احداث کند، باید ۵۰۰ ذراع دورتر از چشمه و قنات اولی حفر کند و اگر زمین سست باشد، ۱۰۰۰ ذراع دورتر و اگر فرض شود چشمه دومی با اینکه فاصله معتبر را دارد به چشمه اولی ضرر می‌رساند، اگر نگوییم اقوی حداقل احتیاط در این است که آن قدر دورتر حفر کند که ضرری به چشمه یا قنات اولی نزنند و یا صاحب آن را راضی کند» (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۳/ ۴۸۰-۴۷۹). انواع آب‌ها عبارتند از آب‌های اقیانوسی و دریایی و ساحلی و خور و خلیج و جزیره‌ای، آب رودخانه‌ها و رودها، آب نهرها و جوی‌ها، آب تالاب‌ها و برکه‌ها، آب قنات، آب چشمه‌ها و آب چاه‌ها و ... در استفاده از انواع آب‌ها تعیین حریم برای آن‌ها بسیار حائز اهمیت است چراکه محدوده‌ی قانونی در جهت حفظ آب از آلودگی و هدر رفت و هم‌چنین در جهت حفظ اکوسیستم و از همه مهم‌تر در جهت بهره‌برداری اصولی و منطقی از انواع منابع آبی مورد توجه قرار

از نظر فقهی حریم چشمه عبارت است از آن مقدار زمینی از اطراف چشمه که بهره‌برداری از چشمه و حفظ آن و لایروبی آن به چنان فضایی نیازمند است، در قول دیگر حریم چشمه در زمین سخت ۵۰۰ ذراع و در زمین نرم ۱۰۰۰ ذراع است (خمینی، ۱۳۸۵: ۳/ ۴۷۹-۴۸۰). حریم چشمه (قنات و چاه) هزار ذراع در زمین سست و پانصد ذراع در زمین سخت است (نجفی، بی‌تا: ۳۸/ ۴۴). ماده ۱۳۸ ق. م. درمورد حریم چشمه و قنات می‌نویسد: حریم چشمه و قنات از هر طرف در زمین رخوه ۵۰۰ گز و در زمین سخت ۲۵۰ گز است. لیکن اگر مقادیر مذکوره در این ماده و ماده قبل برای جلوگیری از ضرر کافی نباشد به اندازه‌ای که برای دفع ضرر کافی باشد به آن افزوده می‌گردد. ماده ۱۳۷ ق. م: حریم چاه برای آب خوردن ۲۰ گز و برای زراعت ۳۰ گز است. البته در تبصره ماده ۱۷ ق. ت. ع. آ آمده است: در مقام توزیع عادلانه آب، تشخیص حریم چاه و قنات و مجرا را با کارشناسان وزارت نیرو و در مورد نزاع با دادگاه است ولی دادگاه باید از نظر کارشناسان وزارت نیرو در تمیز حق استفاده کند. امام خمینی در تحریرالوسیله در مورد حریم چاه می‌نویسند: «حریم چاه آن مقدار زمینی است که صاحب چاه و یا صاحب خانه‌اش بتوانند در آنجا بایستند و از چاه آب بکشند و یا در آنجا دولاب و یا موتور پمپ نصب کنند و حیوانات خود را بر لب چاه آب دهند، چاله یا حوضی درست کنند تا حیوانات از آن آب بنوشند یا استخری بسازند تا آب از جهت زراعت در آن جمع شود و هنگام لایروبی چاه، گل‌ها و سنگ‌هایی که از کف چاه بیرون می‌آید را آنجا بریزند. برای هریک از چاه و چشمه و قنات، البته آخرین چاه این‌ها که محل جوشش و اصطلاحاً آن را مادر چاه می‌گویند و همچنین حلقه‌های دیگر اگر در آنها نیز آب بجوشد، حریم دیگری



اهلیت تشخیص می‌دهد، منصوب می‌کند و به این ترتیب، اجرای این امور بر این متصدی حسب متعین می‌شود ... هرچند او نمی‌تواند در مورد همه دعاوی مطروحه اعمال نظر کند، بلکه دایره عملیاتی او منحصر به اموری است که به تقلب و تدلیس و غیر آن ... مربوط می‌شود و ... اموری که احتیاج به تشریفات قضایی، مانند گوش دادن به شهادت شهود و تنفیذ حکم ندارد، به نظر می‌رسد که در موارد یاد شده به جهت همگانی بودن این امور و سهولت حصول غرض از آن‌ها، رسیدگی به آن‌ها به دستگاه قضایی محول نشده، بلکه به مسئول حسب واکذار شده است. از این نظر، می‌توان گفت که دستگاه حسب به این جهت وضع شده که در خدمت دستگاه قضایی باشد» (ابن خلدون، ۱۴۱۰ق: ۱۵۸). غزالی در کتاب احیاء علوم‌الدین در تعریف حسب می‌نویسد: «حسبه عبارت است از امر به معروف و نهی از منکر و چهار رکن دارد: ۱. محتسب؛ ۲. کسی که حسب نسبت به وی انجام می‌شود؛ ۳. چیزی که در مورد آن حسب اجرا می‌شود؛ ۴. نفس احتساب» (غزالی، ۱۴۰۶ق: ۲/۳۳۹). دکتر وهبه الزحیلی ضمن اشاره به جایگاه حسب می‌نویسد: «حسبه امری مربوط به نظام عمومی و آداب شرعی و گاه مربوط به جرایم و جنایات است که به منظور حمایت از ارزش‌های انسانی و دینی و تکوین جامعه‌ای برتر انجام می‌شود ... و اساس این ولایت دینی، همان فریضه‌ی امر به معروف و نهی از منکر است» (زحیلی، ۱۴۲۷ق: ۱۸/۶۲۶۰-۶۲۵۹).

ابن اخوه در این باره می‌نویسد: «حسبه عبارت است از امر به معروف، وقتی که انجام کارهای نیک و پسندیده در جامعه به دست فراموشی سپرده شود و نهی از منکر وقتی که ارتکاب کارهای بد در اجتماع شیوع پیدا می‌کند و نیز رسیدگی به اختلافات و اصلاح و آشتی دادن در

می‌گیرد و اعمال انسانی را در جهت لطمه به آب و اکوسیستم آبی و زیست‌محیطی محدود و ممنوع می‌نماید علاوه بر چنین تاثیری در افراز حق مالکیت افراد و حکومت و احقاق حقوق مادی حایز اهمیت است لکن تعیین این حریم امروزه به عهده حکومت است و به دلیل مالکیت آب‌ها که تحت انفال قرار می‌گیرند ولی فقیه می‌تواند در تعیین حریم آنها ورود کند لکن در ایران این موضوع به موجب قانون و دستور ولی فقیه در اختیار نهادهای حکومتی قرار گرفته تا تعیین حریم نمایند و چون بحث حقوقی است و باید در رشته‌ی حقوق مفصلاً در این باره بحث شود از آوردن حریم‌های تعیین شده توسط قانون اجتناب می‌کنیم.

۸) اساس فقهی تشکیلات حسب در نظام اسلامی و ایجاد پلیس آب جهت حفظ منابع آبی

۸-۱) مفهوم حسب نزد فقهای اهل سنت
ماوردی از علمای اهل سنت در این باره می‌نویسد: «حسبه عبارت است از امر به معروف هنگامی که علناً ترک شده باشد و نهی از منکر هنگامی که علناً آن را انجام دهند» (ماوردی، ۱۴۰۶ق: ۶). ابویعلی از علمای اهل سنت می‌نویسد: «حسبه عبارت است از امر به معروف وقتی که ترک کردن معروف شیوع پیدا کند و نهی از منکر، موقعی که ارتکاب منکر ظاهر شده و افراد علناً و متجاهراً آن را انجام دهند و این اگرچه از هر مسلمانی که آن را به جا آورد صحیح است، ولی محتسب با متطوع در ۹ جهت با هم فرق دارند» (ابویعلی، ۱۴۰۶ق: ۲۸۴). ابن خلدون در کتاب مقدمه می‌نویسد: «حسبه یکی از وظایف دینی و از مصادیق امر به معروف و نهی از منکر می‌باشد که اجرای آن بر کسی که متصدی انجام امور مسلمین است واجب شده و او کسی را که برای این سمت مناسب و دارای



آثار و لوازم حکومتی شدن این وظیفه نیز تن داده‌اند. برخی از این لوازم و آثار بدین قرار است: انتخاب و انتصاب متولی حسبیه توسط خلیفه یا وزیر؛ پرداخت مستمری و حقوق ماهانه به والیان حسبیه توسط حکومت؛ تشکیل سازمان و انتخاب اعوان و انصار برای اجرای آن، مانند عریف. اعتقاد به ضرورت وجودی سجایای اخلاقی فراوان برای محتسب، شامل شروط فقهی مانند بلوغ و تکلیف، اسلام، علم و آگاهی به احکام شرعی و احتساب، آزاد بودن، عدالت، توانمندی در انجام و اجرای امور و ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری مانند امین و رازدار بودن، شهامت و شجاعت، هوشمندی و زیرکی، ابهت و شکوه، پارسایی و تقوا پیشگی، حسن تدبیر، برخورداری از آگاهی و دانش لازم نسبت به وظایف و آداب شغل یا حرفه‌ای که نظارت بر آنرا عهده‌دار خواهد شد، نرم‌خویی و دلسوزی، صبر و بردباری، پاکدامنی و مناعت طبع، آراستگی ظاهری بر مبنای سنت و آموزه‌های دینی (مومن، ۱۳۹۲: ۱۶۷).

۸-۲) مفهوم حسبیه نزد فقهای شیعه

بحرالعلوم در این باره می‌نویسد: «حسبه، بمعنای قربت است و مقصود از آن، تقرب جستن به خداست در انجام کارها؛ موارد حسبیه، کارهای پسندیده‌ای است که شارع دوست دارد مسلمانان انجام دهند، بدون این که شخصی را ویژه این کار گمارده باشد» (بحرالعلوم، ۱۹۸۴م: ۳/ ۲۹۰). نائینی در بیان دلیل مشروعیت قانون‌گذاری، همه‌ی اموری را که تحت‌عنوان سیاست نوعیه مطرح است از موارد حسبیه دانسته و می‌نویسد: «چون سیاست نوعی و انتظام امور و ضبط اعمال غاصبین که از امور حسبیه واجب است بر تنظیم این دستورات متوقف است، پس بانضمام دادن اهلس از جهت مشروعیت و الزام بی‌اشکال است و برای شبهات داهیه راهی نیست» (نائینی،

میان مردم. خداوند متعال می‌فرماید: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ (نساء: ۱۱۴)» (ابن اخوه، بی‌تا: ۷/۱). عجاج کرمی در این باره می‌نویسد: «حسبه در مفهوم به معنای وظیفه‌ی اداره‌ی امور توسط خود پیامبر (ص) و یا دیگران است» (عجاج کرمی، ۱۴۲۷ق: ۱/ ۲۴۳). طیار در این باره می‌نویسد: «حسبه در اصطلاح به معنای امر به معروف زمانی که به ظاهر ترک شود و نهی از منکر زمانی که عملش آشکار گردد و ولایت حسبیه مصب ولایت سرپرست بر تمام شئون عام سرپرستی از نظارت بر قیمت‌ها، آداب و نحوه‌ی تمام شئون است» (طیار، ۱۴۳۳ق: ۸/ ۳۸). ابن جزی کلبی از علمای مذهب مالکی در این باره می‌نویسد: «حسبه در امر به معروف و نهی از منکر است و دارای چهار رکن؛ مُحْتَسَب، مُحْتَسَبِ فِیهِ، مُحْتَسَبِ عَلَيْهِ و احتساب می‌باشد» (ابن جزی الکلبی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۲). ابن‌الحاج مالکی در این باره می‌نویسد: «حسبه دو معنا دارد یکی لطف، مدارا و شروع سخن با الفاظ و زبان لین نه با خشونت بلکه حاکمیت دلیل از لحاظ خیر بر کسی که بر معاصی تاکید دارد و معنای دیگر یعنی محتسب از خود حسابرسی کند و ترک کند هر آنچه که نهی شده است به‌طریق اولی» (ابن‌الحاج، بی‌تا: ۱/ ۲۰۵). کشناوری مالکی می‌نویسد: «حسبه همان امر به معروف و نهی از منکر است همانگونه که ابن‌جزی در قوانینش ذکر نموده است» (کشناوری، بی‌تا: ۳/ ۳۵۷). فقهای اهل سنت، خلفا و سلاطین را دارای مشروعیت دینی می‌دانستند، لذا به جنبه‌ی حکومتی امر به معروف و نهی از منکر توجه بیشتری نموده‌اند. به این ترتیب برای اجرای حسبیه یا امر به معروف و نهی از منکر، یک نهاد قدرتمند حکومتی را در ساختار حکومت پیش‌بینی و تأسیس کرده و به پی‌آمدها،



حسبه در نظر شارع مقدس است و قهراً مسئولیت اداره امور جامعه مشمول ادله حسبه می‌شود. موارد حسبه، هر معروفی است که از جانب شرع دانسته شده باشد و تحقق خارجی آن شرعاً اراده شده باشد، بدون آنکه موجد آن شخص معینی باشد» (شمس‌الدین، بی تا: ۴۲۸). نتیجه آنکه اکثر فقهای شیعه یکی از مصادیق قطعی حسبه را حکومت و تشکیل آن و امور مرتبط با آن دانسته‌اند. با نگاه بر تاریخ حسبه و جمع بین زمینه‌سازی این مورد در زمان رسول‌الله (ص) و اقدامات امیر مومنان علی (ع) در زمان خلافتشان می‌توان به این نتیجه رسید که حسبه نه به‌عنوان نهاد خاص و با اسم مشخص حسبه تاسیس شد بلکه به‌صورت مفهوم حکومت و امور حکومتی در زمینه‌هایی با گستره‌ی حقوق و تکالیف حاکم و متولیان آن مدنظر بوده است و این معنا در دوره‌های بعد از امیرمومنان (ع) و در زمان امویان و عباسیان نمود بیشتری به‌عنوان حسبه پیدا نمود و افراد خاصی متولی این امر شدند که آن‌ها را محتسب می‌نامیدند و اداره‌ی امور حکومتی را به ایشان محول می‌کردند هم‌چنین در آن دوره و دوره‌های بعد از آن علمای اسلامی با تالیف کتب مختلف حیظه‌ها و گستره‌ی حسبه را مشخص نمودند البته این موضوع به‌دلیل جدایی اهل سنت از رشته‌ی اصلی ثقلین یعنی ائمه اطهار (ع) در دوره‌های اولیه‌ی اسلامی یعنی زمان خلافت خلفای بعد از رسول‌الله (ص) و قبل از امیرمومنان (ع) همیشه مورد تردید بوده و در دوره‌های بعدی نیز به‌دلیل همین جدایی بیشتر مورد توجه بوده‌است چراکه با خارج شدن خلافت و حکومت از مجرای اصلیش و تصرف آن توسط بنی‌امیه و بنی‌عباس و محدود و محصور نمودن ائمه معصوم (ع) و دیدگاه و جایگاه حسبه به‌عنوان امور حکومتی نزد شیعیان مورد غفلت

۱۴۲۴ق: ۱۰۷). امام خمینی (ره) نیز درباره‌ی گستره‌ی امور حسبه می‌نویسد: «پوشیده نیست که حفظ نظام و نگهداری مرزهای مسلمانان و حفظ جوانان از انحراف و جلوگیری از تبلیغات ضد اسلامی و مانند این امور از آشکارترین موارد حسبه است» (خمینی، ۱۳۷۹: ۲/۴۹۷). آیت‌الله میرزا جواد تبریزی در این باره می‌نویسد: «وجوب حفظ سرزمین‌های اسلامی و دفاع از مسلمانان و کیان اسلام و جلوگیری از چیرگی و نفوذ خیانت‌کاران و فاسقان و اشرار در حد وجوب امور حسبه است بلکه این امور از اساسی‌ترین و بنیادی‌ترین مصادیق آن به‌شمار می‌آورد. وی معتقد است که بر فقیه عادل و بصیر لازم است که در صورت تمکن این امور را مباحثاً یا با اختیار وکیل برعهده بگیرد و با این تصدی، عنوان «ولی امر» بر او صدق نموده و اطاعت از او و وکلایش در مواردی که امر و نهی آنان در محدوده شرع باشد لازم است» (تبریزی، ۱۴۱۶ق: ۳/۴۵ و ۳۸). آیت‌الله مکارم شیرازی در این باره می‌نویسد: «حسبه در اصطلاح فقهای شیعه عبارت از اموری است که شارع اسلام راضی به ترک آنها نیست و به هر نحوی باید اقامه شود و بر زمین نماند و چون مسئول خاصی ندارد بر حاکم شرع لازم است که انجام آن را شخصاً یا به‌وسیله نایبان خود به‌عهده گیرد، نظیر تصدی امور غایبین و قاصرین و محجورین مانند اطفال و ایتام و همچنین مبارزه با مفسد اخلاقی و اجتماعی و نهی از منکر و امر به معروف و در واقع دایره حسبه نزد فقهای امامیه از دایره آن نزد فقهای اهل سنت گسترده‌تر است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ق: ۴۳۹). آیت‌الله محمد مهدی شمس‌الدین در این رابطه می‌نویسد: «بی‌گمان اداره امور جامعه به‌گونه‌ای که مصالح او را پاسداری بکند و منافع مورد نیازش را جلب نماید و از هرج و مرج جلوگیری بکند از مهم‌ترین موارد



توجه به اینکه امور حسبیه اموری است که شارع اسلام راضی به ترک آن‌ها نیست و بهر نحوی باید اقامه شود و بر زمین نماند و چون مسئول خاصی ندارد بر حاکم شرع لازم است که انجام آن را شخصاً یا به‌وسیله نائبان خود به‌عهده گیرد، می‌توان امور مربوط به آب و بحران آب را به حاکم شرع که اکنون ولی فقیه و حکومت اسلامی با قوای مخصوص خود است، مرتبط ساخت. حال سوال این است که باید چه اقدامی در جهت حفظ آب صورت پذیرد؟ مسئله‌ی اسراف و هدر رفت آب، کمبود آب، بحران آب، کاهش چشمگیر سطوح مختلف آبی در ایران و ... این نیاز را ایجاد می‌کند که حاکم شرع با توجه به اینکه امور آب جزء امور حسبیه و از وظایف ایشان است باید اقدام به تاسیس نهادی در جهت کنترل منابع آبی، کنترل رفتار افراد و نهادها در جهت مصرف آب، مبارزه با اسراف و هدر رفت آب، برخورد با متخلفین و مسرفین، فرهنگ‌سازی و در حالت کلی کنترل همه جانبه‌ی مسائل آبی در سطح ملی و بین‌الملل نماید که می‌توان از این نهاد به‌عنوان پلیس آب یاد کرد. این نهاد می‌تواند با همکاری منابع طبیعی، محیط زیست، جهاد کشاورزی، سازمان صنایع و معادن، سازمان شیلات، اداره آب و فاضلاب، وزارت نیرو، نیروی انتظامی، وزارت کشور و ... تاسیس شود و قوانین آن می‌تواند در مجلس شورای اسلامی و زیر نظر شورای نگهبان تدوین شده و حیطة‌ی فعالیت آن مشخص شود. البته این موضوع در حکومت پیشین موردتوجه قرار گرفته بود و آیین‌نامه‌ای با نام آیین‌نامه تشکیل پلیس مسلح آب و وظایف آن در دستور اجرا قرار گرفته بود. در ماده ۱ این آیین‌نامه آمده است: «وزارت آب و برق می‌تواند در هر منطقه که مقتضی بداند پلیس مسلح آب تاسیس نماید. روسای پلیس مسلح آب مناطق به پیشنهاد

قرار گرفت ولی اهل سنت به‌دلیل دارا بودن حکومت این مهم را موردتوجه قرار دادند ولی حیطة‌ی آن را امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند البته پس از غیبت امام زمان (عج) و رجوع مردم به فقها این مسئله تحت عنوان حیطة‌ی وظایف فقیه و ولایت فقیه مورد توجه فقهای شیعه قرار گرفت اما اثبات مسئله ولایت فقیه یا فقها با همان حیطة‌ی ولایت معصوم نزد فقها دشوار می‌نمود لکن در دوره‌های متأخر و با تشکیل حکومت‌های شیعی در این مورد تدقیق شد با اینکه برخی از فقها همانند شیخ انصاری، آیت‌الله خویی، آیت‌الله شریعتمداری، آخوند خراسانی و ... با حیطة‌ی ولایت فقیه با تعریف امروزی‌اش هم‌سوئی نداشتند لکن این نظریه مقبول بسیاری از علما قرار گرفت و حسبه نیز تحت‌عنوان ولایت فقیه و امور مرتبط با آن قرار گرفت. در پژوهش حاضر درباره‌ی بحران آب، چون آب امروزه به یک نیاز و کالای استراتژیک تبدیل شده است که اثر مستقیم و غیرمستقیم در حیات بشر دارد شاید آب در گذشته همانند امروز کاربرد نداشته همانند تأثیر آب در کشاورزی با روش‌های نوین، تأثیر در صنعت، تأثیر در بهداشت و تولید مواد بهداشتی، تأثیر در تولید انواع محصولات خوراکی و تغذیه‌ای و ... این نیاز ایجاد شده است که امور مربوط به آب با دقت بررسی، هدایت و حمایت شود. این حمایت باید توسط یک قدرت سیاسی و حکومتی صورت پذیرد تا بایدها و نبایدهایی در قالب قوانین اجرایی و حکومتی تعیین شود که دیگران از آن تخلف نکنند و یا متخلفان مورد بازخواست و عقوبت قرار گیرند دلیل این اقدام هم این است که شارع اسلام هرگز راضی به ترک این حمایت، هدایت و بررسی آب به‌عنوان اصلی‌ترین نیاز بشر نیست و این مهم از دلیل قرآن، سنت، اجماع و عقل نیز قابل برداشت است. به‌همین دلیل و با



نهی از اسراف، مشتمل بر (نهی از اسراف در خوردن، آشامیدن و طهارت، نهی از اسراف در کشاورزی و باغداری، نهی از پیروی از اسراف‌کاران، نهی از همراهی با اسرافکاران)، نهی از فساد در زمین، نهی از آلودگی آب و تخریب منابع طبیعی، قابل مشاهده است. علاوه بر آن در این مسأله محورهایی نظیر: دلیل عقلی در امر به معروف و نهی از منکر بر حفظ آب، تأکید فقه بر عدالت و پرهیز از ظلم در حفظ ذخایر بین نسلی، تأکید بر درختکاری، توصیه بر حفظ مصالح عام ناظر بر حفظ آب، مشتمل بر (مبانی قرآنی، روایی و فقهی لزوم رعایت مصالح عمومی، فرهنگ‌سازی با شناخت رویکرد فقهی در حفظ آب و منابع طبیعی)، تعیین فقهی حریم انواع آب‌ها در پیشگیری از هدررفت آب، تشکیلات حسبه در نظام اسلامی و ایجاد پلیس آب، قابل تحلیل و اشاره‌اند.

مدیرعامل سازمان آب منطقه‌ای یا اداره کل آبیاری محل و یا تصویب وزیر آب و برق از بین افسران شاغل و یا بازنشسته نیروهای مسلح شاهنشاهی با رعایت مقررات مربوط منصوب خواهند شد».

نتیجه‌گیری

آب، مایعی حیات‌بخش و یکی از چهار عنصر مهم در طبیعت است که دارای تعاریف مختلف علمی است. در حوزه فقهی و بحث امر به معروف و نهی از منکر در پیشگیری، حفظ و عدم اسراف در آب، در حیطه مصادیق و ادله‌ی قرآنی و روایی امر به معروف در ارتباط با آب با مواردی نظیر: امر به حفظ آب و زمین، امر به اعتدال و برنامه‌ریزی جهت مدیریت آب، امر به آبادسازی زمین، وجوب حفظ توازن در طبیعت، مواجه هستیم. در بحث مصادیق و ادله‌ی قرآنی و روایی نهی از منکر و مواجهه، در ارتباط با آب، مصادیقی مانند:

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اثیر، م. (۱۳۶۷). النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، قم، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
۳. ابن اخوه، م. (بی-تا). معالم القربة فی طلب الحسبة، بی-جا، دارالفنون «کمبردج».
۴. ابن الحاج، م. (بی-تا). المدخل، بی-جا، دارالتراث.
۵. ابن جزی الکلبی، م. (بی-تا). القوانین الفقهیة، بی-جا.
۶. ابن خلدون، ع. (۱۴۱۰ق). مقدمه ابن خلدون، تهران، استقلال.
۷. ابن فارس، ا. (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۸. ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت، دارصادر.
۹. ابویعلی، م. (۱۴۰۶ق). الاحکام السلطانیة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۱۰. احسانی، م. و خالدی، ه. (۱۳۸۱). «شناخت و ارتقای بهره‌وری آب کشاورزی به منظور تأمین امنیت آبی و غذایی کشور»، یازدهمین همایش ملی کمیته ملی آبیاری و زه کشی ایران.
۱۱. اربلی، ع. (بی-تا). کشف الغمة فی معرفة الأئمة، قم: شریف رضی.
۱۲. آفرام بستانی، ف. (۱۳۷۰). فرهنگ ابجدی (عربی - فارسی)، تهران: اسلامی.
۱۳. بحر العلوم، م. (۱۹۸۴م). بلغة الفقیه، تهران: منشورات مکتبه الصادق.
۱۴. بحرانی، ه. (۱۴۱۷ق). البرهان فی تفسیر القرآن، قم: دارالتفسیر.
۱۵. بخاری، م. (۱۴۰۱ق). صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر.
۱۶. بدلیانس قلی کندی، گ. (۱۳۸۲)، شیمی آب، تهران، نوپردازان.



۱۷. بزی و همکاران، خ: (بی-تا). بحران آب در خاورمیانه (چالش‌ها و راهکارها)، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام.
۱۸. پاینده، ا. (۱۳۸۲). نهج الفصاحه، تهران، دنیای دانش.
۱۹. تاجیک، م. (۱۳۷۹)، مدیریت بحران؛ نقدی بر شیوه‌های تحلیل تدبیر بحران در ایران، تهران، فرهنگ گفتمان.
۲۰. تبریزی، م. (۱۴۱۶ق). ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب، قم، مؤسسه‌ی اسماعیلیان.
۲۱. تهنوی، م. (۱۹۹۶م). کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
۲۲. جعفری، م. (۱۴۱۹ق). رساله فقهی، تهران، منشورات کرامت.
۲۳. جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، سید محمود هاشمی. (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
۲۴. جوادی آملی، ع. (۱۳۸۸). اسلام و محیط زیست، قم: نشر اسراء.
۲۵. جوهری، ا. (۱۳۷۶ق). الصحاح: تاج‌اللغه و صحاح‌العربیة، بیروت، دارالعلم للملایین.
۲۶. حر عاملی، م. (بی-تا). وسائل الشیعة - ط الإسلامیة، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۷. حسینی اردکانی و دارابی، ر و م. (اردیبهشت ۱۳۹۵). بحران آب و خشک‌سالی و تأثیر آن بر زندگی شهرنشینی، سومین همایش و نمایشگاه محیط‌زیست و بحران‌های پیش‌رو.
۲۸. حمیری، ن. (۱۴۲۰ق). شمس العلوم، دمشق، دارالفکر.
۲۹. خامنه‌ای، (۱۳۹۳)، رساله‌ی آموزشی؛ احکام و مسائل شرعی مطابق با فتاوی حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای مدظله‌العالی، جلد اول.
۳۰. خسروانی، ع. (۱۳۹۰ق). تفسیر خسروی، تهران، کتابفروشی اسلامیة.
۳۱. خمینی، ر. (۱۳۷۹). رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، کتاب البیع، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۳۲. خمینی، ر. (۱۳۸۵). رهبر انقلاب و بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، تحریر الوسیلة (ترجمه فارسی)، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س).
۳۳. دهخدا، ع. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۳۴. ذوالفقاری، ح. (بی‌تا). فرهنگ آب و هواشناسی، تهران، انتشارات یادواره کتاب.
۳۵. رازی نجفی، م. (۱۴۲۷ق). تبصرة الفقهاء، بی‌جا، مجمع الذخائر الإسلامیة.
۳۶. راضی اصفهانی، ح. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
۳۷. رضایی اصفهانی، م. (۱۳۸۷)، تفسیر قرآن مهر، قم: پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۳۸. رضی، م. (۱۳۷۹). ترجمه محمد دشتی، نهج‌البلاغه، قم، مشهور.
۳۹. زحیلی، و. (۱۴۲۷ق). فقه الاسلام و ادلته، تهران، احسان.
۴۰. شقایب، ع. (۱۳۸۳). بازشناسی نهاد حریم، قم، دفتر تبلیغات اسلام حوزه علمیه.
۴۱. شمس‌الدین، م. (بی-تا). نظام الحکم و الاداره فی الاسلام، ترجمه مهدی آیه‌الله‌زاده شیرازی، تهران: کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
۴۲. شهید ثانی، ز. (بی-تا). مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه‌ی المعارف الاسلامیة.
۴۳. شیرزی، ع. (۱۴۰۱ق). کتاب النهایه الرتبه فی طلب الحسبه، بیروت، چاپ سید باز عرینی.
۴۴. طاهری، ح. (۱۴۱۸ق). حقوق مدنی (طاهری)، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۴۵. طباطبایی-یزدی، م. (۱۴۱۴ق). تکمله العروه الوثقی، قم: کتابفروشی داورى.
۴۶. طباطبایی، م. (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.
۴۷. طبرسی، ح. (۱۳۷۰)، مکارم الاخلاق، قم، شریف رضی.
۴۸. طیار، ع. (۱۴۳۳ق). الفقه المیسر، ریاض، مدار الوطن للنشر.
۴۹. عجاج کرمی، ا. (۱۴۲۷ق). الإدارة فی عصر الرسول صلی الله علیه وآله وسلم، قاهره، دارالسلام.
۵۰. عظیمی، ع. (۱۳۹۱). فقه حکومتی و محیط زیست، نشریه معرفت، سال بیست و یکم، شماره ۱۸۲.
۵۱. علامه حلی، ح. (۱۴۰۰ق). تذکره الفقهاء، قم: موسسه آل‌البیت علیهم السلام لاحیا التراث.



۵۲. عمید، ح. (۱۳۶۳). فرهنگ فارسی عمید، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۵۳. غزالی، م. (۱۴۰۶ق). احیاء علوم‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیه.
۵۴. غفوری، م و مرتضوی، ر. (۱۳۶۷)، آب‌شناسی، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۵۵. فتاحی ز فرقندی، ع. (۱۳۹۵). آشنایی با مفاهیم حقوق عمومی بررسی مفهوم مصالح عمومی، پژوهشکده شورای نگهبان، دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی.
۵۶. فیروز آبادی، م. (۱۴۱۵ق). الفاموس المحيط، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۵۷. فیومی، ا. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: موسسه دارالهجره.
۵۸. قرائتی، م. (۱۳۸۸). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۵۹. قربانی، ب. و صمدی بروجنی، ح. (۱۳۹۲). فرهنگ استفاده‌ی بهینه از آب، شهرکرد، نیوشه.
۶۰. قرشی، ع. (۱۳۷۱). قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۱. قیومی المقری، ا. (۱۴۱۸ق). المصباح المنیر، بی‌جا، المكتبة العصرية.
۶۲. کشناوی، ا. (بی‌تا). أسهل المدارک «شرح إرشاد السالک فی مذهب إمام الأئمة مالک»، بیروت، دارالفکر.
۶۳. کمالی‌زاد، ع. (۱۳۶۴)، کتاب راهنمای آب، تهران، انتشارات ایران علمی.
۶۴. کلینی‌رازی، م. (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۵. ژ. (۱۳۷۰). مترجم مجید زاهدی، هیدرولوژی آب‌های سطحی، تبریز، انتشارات نیا.
۶۶. ماوردی، ع. (۱۴۰۶ق). الاحکام‌السلطانیه، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
۶۷. متقی نیکو، ف. (۱۳۹۳). آیه‌های آب، تهران، سامان دانش.
۶۸. مجلسی دوم، م. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه الوفاء.
۶۹. مجلسی دوم، م. (۱۴۰۶ق). ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
۷۰. محمد العبادی، ع. (بی‌تا). منتهی السؤل علی وسائل الوصول إلى شمائل الرسول (ص)، بی‌جا.
۷۱. مدرسی، م. (۱۴۲۹ق). من هدی القرآن، بیروت: دارالقاری.
۷۲. مرکز دائره المعارف بزرگ اسلامی. (بی‌تا). دانش‌نامه بزرگ اسلامی، بی‌جا.
۷۳. مظفر، م. (۱۳۶۸). اصول الفقه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۷۴. معین، م. (۱۳۸۷). فرهنگ فارسی معین، تهران، فرهنگ نما کتاب آزاد.
۷۵. مغنیه، م. (۱۳۷۸). ترجمه تفسیر کاشف، قم: بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم).
۷۶. مکارم‌شیرازی، ن. (۱۴۲۷ق). دائره المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۷۷. موسی، ح. (۱۴۱۰ق). الإفصاح فی فقه اللغه، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
۷۸. مومن، ر. (۱۳۹۲). نهاد حکومتی حسب در فقه مقارن و مقررات ایران، فصلنامه تعالی حقوق، دوره جدید، شماره ۳.
۷۹. نائینی، م. (۱۴۲۴ق). تنبیه الأئمة و تنزیه الملة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۸۰. نجفی، م. (بی‌تا). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۸۱. نصر، ح. (۱۳۷۹). انسان و طبیعت. ترجمه عبدالکریم گواهی. تهران، نشر فرهنگ اسلامی.
۸۲. نصرتی و همکاران، ن. (۱۳۸۱)، چرخه آب، تهران، محراب قلم.
۸۳. والتر، ه. (۱۳۶۸). اوزان و مقیاس در اسلام، ترجمه و حواشی غلامرضا ورهرام، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۸۴. هاشمی رفسنجانی و برخی از محققان مرکز فرهنگ و معارف قرآن، ا. (بی‌تا). فرهنگ قرآن، بی‌جا.
۸۵. یوسفی و همکاران، ع. (بهار ۱۳۹۰). بررسی اهمیت راهبردی منابع آب در اقتصاد ایران با استفاده از الگوی تعادل عمومی، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی (علوم و صنایع کشاورزی)، جلد ۲۵، شماره ۱.

86. Izzi Dien, M. (1997). Islam and the Environment: theory and practice. Journal of Beliefs & Values, 18(1.)

87. Khalid, F. & O'Brien, J. (1992). Islam and Ecology. London: Cassell PLC Publishers.

قرآن و سبک زندگی اسلامی با تاکید بر فعالیت‌های ورزشی

محمدتقی خورند

استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول: m.khorand@sanru.ac.ir)

چکیده

هدف: هر مکتب و مذهبی، سبک زندگی برای بشریت ارائه می‌دهد و مدعی است، جامعه مطلوب و زندگی سالم در نتیجه پیروی از روش زندگی است که آنان ارائه می‌نمایند. سبک زندگی اسلامی با تمام ابعاد زندگی افراد مرتبط است و تاثیر عمده‌ای بر شکل‌گیری شخصیت و سلامت روانی افراد دارد. امام حسین (ع) در مورد حفظ سلامتی و تندرستی می‌فرماید: در تمامی عمر برای سلامتی و حفظ تندرستی بدن‌های خود کوشا باشید. لذا هدف از تحقیق حاضر بررسی مفهومی قرآن و سبک زندگی اسلامی با تاکید بر فعالیت‌های ورزشی، بود. روش‌شناسی: روش تحقیق بر مبنای کیفی و تحلیل محتوا بود و در واقع بر اساس جستجوی مروری و کتابخانه‌ای و بررسی مستندات به طرق مختلف، انجام شد. یافته‌ها: وقتی سخن از سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه به میان می‌آید، دو امر در ذهن تداعی می‌شود. به دیگر سخن گزاره حاکی از سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه، متضمن دو گزاره دیگر هم هست: الف) وضع موجود جوامع بشری دچار آسیب‌ها و آفت‌زده سبک زندگی غیراسلامی است. ب) چپستی و چگونگی سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه و دیگری امکان حصول به این سبک زندگی است. الگوی زندگی و سبک زندگی غربی بر اساس مصرف‌گرایی و اخلاق‌ستیزی و ناهنجاری‌ها بنا گردیده است، اما سبک زندگی دینی بر مبنای استعلا و با هدف رسیدن به مقام قرب حضرت حق بنا شده است. بررسی آیات و روایات در زمینه ورزش نشان می‌دهد که سبک زندگی اسلامی، سبکی جامع است و به تمام نیازهای بشر توجه دارد، هر چند که ورزش و تربیت بدنی نیز باید وسیله‌ای برای تزکیه و تعالی باشد. امام محمد باقر (ع) می‌فرماید: صحت و تندرستی بهترین نعمت و هدیه خداوندی است و در حقیقت سرمایه‌گذاری در ورزش به انسان فرصت می‌دهد تا بتواند مدت زیادی از عمر را با سلامتی زندگی کند و سلامتی را در سایه ورزش بدست آورد. بحث و نتیجه‌گیری: اگر نهاد تربیت بدنی و ورزش در جامعه نتواند هنجارها و ارزش‌ها و فرهنگ پذیرفته شده جامعه را به ورزشکاران، به‌ویژه جوانان، منتقل نماید و الگوی یک فرد تربیت شده جسمانی با انتظارات و توقعات جامعه همسو و هماهنگ نباشد، نتوانسته است به وظایف و مسئولیت‌های اصلی خود به‌طور اثربخش عمل نماید. بنابراین با توجه به این که در جوامع اسلامی کلیه سیاستگذاری‌ها در خدمت مکتب می‌باشد. لذا تربیت بدنی نیز جدای از این اصل کلی نبوده و ضمن اینکه پی‌ریزی این علم بر مبنای مسائل جسمانی و فیزیکی است ولی در نهایت وسیله‌ای است که در کمال و تعالی انسان‌ها موثر بوده و می‌تواند گامی در جهت اهداف غایی انسان‌ها که همان سیر الی ... است بردارد.

واژه‌های کلیدی: سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی، قرآن، فعالیت‌های ورزشی

مقدمه

برای زندگی خود برمی‌گزیند تا رفتارهای خانوادگی، فAMILI، محلی، شهری، کشوری و بین‌الملل قابل اطلاق است. از این منظر، می‌توان سبک زندگی را ویژگی‌های رفتاری انسان تعریف کرد و بر اساس اختلاف این ویژگی‌ها، تعدد

واژه سبک زندگی که در ادبیات امروزی به مثابه واژه‌ای مهم و کلیدی مطرح شده است، از نظر لغوی و موارد کاربرد، گستره وسیعی را دربر می‌گیرد؛ یعنی از رفتارهای خاصی که هر فردی



کنترل وزن بدن، عدم مصرف سیگار و الکل و ایمن‌سازی در مقابل بیماری‌ها را شامل می‌شود. اسلام با تشریح جزئی‌ترین مسائل در ابعاد مختلف، منشور کاملی از سبک زندگی را به تصویر می‌کشد که با شناساندن بایدها و نبایدها و چگونگی رفتار در زمینه‌های مختلف فردی، خانوادگی، اقتصادی اجتماعی سیاسی، سلامت و هرچه که به رشد و سعادت انسان کمک کند، کمال دنیوی و اخروی او را تضمین خواهد کرد. بنابراین می‌توان سبک زندگی اسلامی را نمودهای رفتاری نسبتاً پایدار که برخاسته از عقاید، عادات، نگرش‌ها و معیارهای اخلاقی اجتماعی مورد تایید اسلام بوده و شیوه زندگی فرد را در راستای عبودیت رقم می‌زند تعریف کرد.

بیان مسئله

اسلام دینی جامع است که به همه زوایای زندگی انسان توجه دارد و در همین راستا ورزش را یکی از نیازهای بشر می‌داند. قرآن کریم، احادیث، روایات نیز بر اهمیت نیرومندی جسم در کنار تقویت روح و روان تاکید می‌کند. برای روشن‌شدن این مطلب به برخی از آیات قرآنی اشاره می‌شود: ۱. یکی از نعماتی که خداوند به طالوت در مقابله با جالوت عطا کرد قدرت علمی و جسمی بود: «وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره ۲۴۷). ۳. قرآن کریم حضرت داوود (ع) را که جوانی کم سن و سال بود به‌عنوان فردی شجاع به تصویر می‌کشد: «هَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُودُ جَالُوتَ وَآتَاهُ اللَّهُ الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ» (بقره ۲۵). نکته مهمی که از این آیات استنباط می‌شود این است که خداوند در کنار قدرت و توان بدنی حکمت و دانش نیز به این دو پیامبر آموخته است. ۲. درباره تقویت بنیه دفاعی و رزمی در قرآن آمده است: «وَأَعِدُّوا

سبک‌ها را در نظر گرفت. اما این ویژگی‌ها از دیدگاه‌های مختلف به اشکال گوناگونی قابل تقسیم است؛ گستره این تقسیم‌بندی سبک زندگی فردی، خانوادگی، گروه خاص، افراد یک شهر یا منطقه و زندگی‌های بین‌المللی را شامل می‌شود. شایسته است در مردم‌شناسی به‌صورت توصیفی به بیان این مسائل بپردازند. اینکه ساکنان هر منطقه‌ای چه ویژگی‌های رفتاری دارند، خودبه‌خود بار ارزشی مثبتی یا منفی ندارد. این یک نوع تقسیم‌بندی به‌لحاظ گستره متعلق است. نوع دیگر تقسیم‌بندی از نظر عواملی است که در این ویژگی‌ها مؤثر است؛ یعنی گاهی عوامل طبیعی، اقلیمی و جغرافیایی مانند نوع آب و هوا یا غذاها یا لباس و عوامل اجتماعی و تاریخی در آن مؤثر است. در نهایت، عوامل فرهنگی یا به تعبیر دیگر عوامل ارزشی منشأ این تقسیم‌بندی می‌شود؛ یعنی روش‌های زندگی جوامع مختلف را ارزش‌گذاری، و بر این اساس خوب یا بد بودن کاری را مشخص می‌کنند که نتیجه آن انتخاب روش خوب است. سبک زندگی از جمله مسائلی است که در سال‌های اخیر در سطوح ملی و بین‌المللی توجه ویژه‌ای را به‌خود جلب کرده است. در علوم مختلف تعاریف متفاوتی از سبک زندگی ارائه می‌شود. روانشناسان آن را شیوه زندگی فرد برای جبران کمبودها و رسیدن به خودشکوفایی و اهداف زندگی در دوره‌های مختلف سنی می‌دانند و جامعه‌شناسان آن را الگوی زندگی و نحوه مصرف تعریف می‌کنند که به‌صورت فردی و گروهی تحت‌تاثیر محیط و فرهنگ و طبقه اقتصادی و سایر موارد شکل می‌گیرد. در علوم پزشکی و سلامت هم به سبک زندگی به لحاظ تاثیر در پیشگیری از بیماری‌ها و ارتقای سلامت جسمی و روانی توجه ویژه‌ای شده و مواردی چون رعایت رژیم غذایی مناسب، خواب و فعالیت، ورزش،



از روش‌های تربیت بدنی در اسلام است. روایاتی از رسول اکرم (ص) در این باب وارد شده و فقهای اسلامی بابتی از کتاب خود را به این موضوع اختصاص داده‌اند که تحت عنوان «سبق و رمایه» معروف است. در اسلام به تفریح‌های سالم و ورزش اهمیت داده شده و حتی شرط‌بندی در برخی مسابقات، همچون اسب‌سواری و تیراندازی، مجاز دانسته شده است؛ البته در اسلام بر عنصر «سالم‌بودن و حلال بودن» سرگرمی‌ها تاکید شده است؛ زیرا تفریح‌های ناسالم نه تنها خستگی و مشکلات کار را کم نمی‌کند، بلکه روح و اعصاب انسان را خسته کرده و از بازده کارهای بعدی می‌کاهد. (محمدعلی رضایی اصفهانی، تفسیر قرآن مهر، ج ۱۰، ص ۴۷). فرازی از فرمایشات مقام معظم رهبری در دیدار ورزشکاران جانباز، ۱۳۷۴/۰۶/۱۳۷۴، همین که ما برای شما که قهرمانان ورزشی هستید، ارزش قائل هستیم، نشان‌دهنده این است که ورزش در جامعه ما با ارزش است. از این رو، مردم هم باید پیرو شما که قهرمانان ورزشی هستید و در میدان‌های مختلف، جوهر ملت خودتان را نشان می‌دهید، به دنبال ورزش بروند. نمی‌خواهیم همه قهرمان شوند و نمی‌شوند هم؛ اما می‌خواهیم همه به این نقطه‌های اوج بنگرند تا انگیزه پیدا کنند و به دنبال آن بروند؛ به حدی که هیچکس نباشد که ورزش نکند. بنده مایلیم که جامعه و کشور ما اینگونه باشد.

روش و یافته‌ها

روش تحقیق بر مبنای کیفی و تحلیل محتوای متون دینی بود و در واقع بر اساس جستجوی مروری و کتابخانه‌ای و بررسی مستندات به‌طور مختلف، انجام شد. یافته‌ها حاکی از آن است که بهبود سبک زندگی از عوامل اساسی در توسعه

لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» (انفال ۶۰) علاوه بر آیات قرآنی احادیث و روایات نیز به مساله ورزش توجه داشته‌اند: طبق احادیث ورزش‌های مورد علاقه پیامبر عظیم‌الشان اسلام تیراندازی، سوارکاری، کشتی و شنا بوده است که در اینجا به ذکر احادیثی از آن حضرت در باره این ورزش‌ها می‌پردازیم: ۱. «عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَالرِّمَّيَةَ؛ شنا و تیراندازی را به فرزندان خودتان بیاموزید» ۲. «أَحَبُّ إِلَهُهِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى إِجْرَاءُ الْخَيْلِ وَالرَّمْيِ؛ بهترین بازی‌ها در پیش خداوند متعال مسابقه اسب‌دوانی و تیراندازی است» ۳. «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّجُلَ الْقَوِيَّ؛ خداوند متعال انسان قوی و نیرومند را دوست دارد» این نوشتار به جایگاه و اهمیت ورزش پرداخته است. با توجه به مفاد آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع)، در نظام تربیتی اسلام، بر تربیت اخلاقی، عقلانی و جسمانی تاکید و سفارش فراوان شده است. ورزش از مصادیق تربیت جسمانی است. ورزش بر دو بعد روح و جسم انسان تاثیر گذاشته و آنها را شاداب و با طراوت می‌سازد. از رهنمودهایی که اسلام در باره بهداشت فردی و اجتماعی، تغذیه سالم و کافی و ورزش‌ها و تفریحات سالم و کار و کوشش، و اشباع غرایز در حد متعادل داده است، می‌توان به اهداف او در تربیت و پرورش جسم پی‌برد. همان‌گونه که جسم انسان نیازمند استراحت و تفریح است، روح وی نیز به سرگرمی‌های مفید و اموری که کسالت و خستگی را از او دور و نشاط را برایش به ارمغان بیاورد محتاج است. ورزش یکی از بهترین موارد برای پرکردن اوقات فراغت است. ورزش روحیه شجاعت و از خودگذشتگی، مبارزه با ظلم و دفاع از مظلوم را در انسان تقویت می‌کند و اراده وی را قوی می‌کند. اسلام در باره تربیت بدنی راهنمایی‌های فراوانی دارد: تیراندازی و سوارکاری و ورزش‌های بدنی به‌طور عموم جزئی



موثر بوده و می‌تواند گامی در جهت اهداف غایی انسان‌ها که همان سیر الی... است بردارد.

نتیجه‌گیری

از آنجاکه موضوع سبک زندگی اسلامی و نیز تأثیر آن بر سلامت اجتماعی جامعه، آن‌گونه که شایسته این مهم باشد، چندان مورد توجه قرار نگرفته است، پژوهش در سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های زندگی مرتبط با آن می‌تواند ما را به سلامت اجتماعی مورد قبول اسلام رهنمون سازد. حضرت امام خمینی (ره) در جمع ورزشکاران و کارمندان تربیت‌بدنی، در اهمیت ورزش و تلفیق آن با ایمان و تهذیب نفس چنین فرمودند: «مملکت ما همان‌طوری که به علما و دانشمندان احتیاج دارد، به این قدرت شما هم احتیاج دارد. این قدرت وقتی با ایمان باشد، وقتی که زورخانه با قرآن باشد، با ایمان باشد، پشتوانه یک ملت است. وقتی قهرمان‌ها، قهرمان‌های اسلامی باشند، پشتوانه یک ملت هستند؛ بازوی یک ملت هستند. ورزشکار با ایمان، روحانی با ایمان، دانشجوی با ایمان، بازاری با ایمان، دهقان و کشاورز و کارگر با ایمان، اینها می‌توانند پشتوانه یک ملت باشند و نگذارند دست‌های خائنانه کسانی که می‌خواهند همه چیز ما را ببرند، قدرت مادی ما، قدرت معنوی ما را از بین ببرند، اینها ایند که نمی‌گذارند. ایمانتان را تقویت کنید، به اسلام پناه ببرید؛ همه‌مان به اسلام پناه ببریم. همه‌جا یاد خدا باشیم. من می‌دانم که ورزشکارها در گودهای زورخانه یاد خدا هستند، یاد امیرالمومنین هستند. تقویت کنید این یاد خدا را. تقویت کنید این یاد مولا را و همه با قدرت، همه با ایمان، انشاءالله به پیش بروید». (سید روح‌الله خمینی، صحیفه امام، ج ۸، ص ۳۶-۳۵). حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در ضرورت و اهمیت ورزش و تقویت

سلامت اجتماعی بوده و یکی از ابعاد تأثیرگذار در کیفیت زندگی می‌باشد. عوامل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و ... هم می‌توانند سبب ارتقاء سلامت شده و هم می‌توانند به آن صدماتی وارد سازند، که تمام این عوامل به سبک زندگی افراد بر می‌گردد. کاهش نابرابری‌های موجود در زمینه سلامت و اطمینان از وجود منابع و فرصت‌های برابر برای قادرسازی مردم به منظور ارتقاء سلامت ضروری می‌باشد و این امر مستلزم وجود محیط‌های حمایت‌گر، دستیابی به اطلاعات، دارا بودن مهارت‌های زندگی و فرصت‌های لازم برای داشتن انتخاب‌های سالم‌تر است. رویکرد اصلی در تربیت اخلاقی پرورش استعداد‌های اخلاقی و رسیدن به کمالات اخلاقی است. در حالیکه در تربیت ورزشی، هدف شکوفایی استعداد‌های جسمانی، شکستن رکوردها و پیروزی در مسابقات ورزشی است. برای دستیابی به موفقیت، این دو مکمل یکدیگر هستند و جدایی بین آنها امکان‌پذیر نیست. آموزش، شیوه تربیت، محیط فرهنگی جامعه، تمرین و تکرار، از منابع بسیار مهم و اثرگذار در شکل‌گیری ویژگی‌های اخلاقی انسان به‌خصوص جوانان به‌شمار می‌روند. همچنین اگر نهاد تربیت بدنی و ورزش در جامعه نتواند هنجارها و ارزش‌ها و فرهنگ پذیرفته‌شده جامعه را به ورزشکاران، منتقل نماید و الگوی یک فرد تربیت شده جسمانی با انتظارات و توقعات جامعه همسو و هماهنگ نباشد، نتوانسته است به وظایف و مسئولیت‌های اصلی خود بطور اثربخش عمل نماید. بنابراین با توجه به اینکه در جوامع اسلامی کلیه سیاستگذاری‌ها در خدمت مکتب می‌باشد. بنابراین تربیت بدنی نیز جدای از این اصل کلی نبوده و ضمن اینکه پی‌ریزی این علم بر مبنای مسائل جسمانی و فیزیکی است ولی در نهایت وسیله‌ای است که در کمال و تعالی انسان‌ها



انسان‌هایی هستند با جسم‌های نیرومند و زیبا، ولی با روح‌هایی لاغر، زشت، ناتوان و ضعیف؛ این به‌درد نمی‌خورد». (سید علی خامنه‌ای، بیانات در دیدار با اقشار مختلف مردم؛ روز سی‌ام ماه مبارک رمضان، ۱۳۶۹/۰۲/۰۶، ص ۶۱). بررسی آیات و روایات در زمینه ورزش نشان می‌دهد که سبک زندگی اسلامی، سبکی جامع است و به تمام نیازهای بشر توجه دارد؛ هرچند که ورزش و تربیت‌بدنی نیز باید وسیله‌ای برای تزکیه و سیر الی‌الله باشد.

جسم و همراه ساختن آن با تزکیه و تهذیب نفس می‌فرماید: «جسم انسان بدون ورزش، ضعیف و لاغر و بی‌قدرت خواهد بود. هرکسی باشید، هرچه بنیه قوی و نیرومند داشته باشید، اگر ورزش نکردید و خوردید و خوابیدید، بدن ضعیف می‌ماند؛ شکی در این نیست. همچنانی که اگر ورزش نکنید، بدن شما آن رشد لازم را نمی‌کند، زیبایی‌هایی هم دارد که ورزش آنها را آشکار خواهد کرد؛ بدون ورزش نمی‌شود. روح شما هم عینا همینطور است. بدون ورزش، بدون تمرین و ریاضت، ممکن نیست شما قوی بشوید. ای بسا

منابع

۱. احمدی سمیرا، خبیری محمد، ۱۳۹۷، همبستگی سبک زندگی اسلامی با شادکامی در ورزشکاران، فصل‌نامه علمی پژوهشی سبک زندگی اسلامی با محوریت سلامت، دوره ۳، شماره ۱ - ص ۱۳_۹.
۲. حیرت فاطمه، ۱۳۹۱، سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن و اهل بیت با تأکید بر خانواده، ششمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی
۳. شریعتی علی، ۱۳۹۵، ورزش و سبک زندگی، دومین همایش ملی علوم ورزشی و تربیت‌بدنی ایران.
۴. طالبی‌مقدم مسعود، طالبی‌مقدم فهیمه، ۱۳۹۷، تأملی در رابطه تأثیر سبک زندگی اسلامی بر سلامت اجتماعی انسان، دومین همایش ملی سبک زندگی و سلامت.
۵. عبادی بی بی نجمه، زارع حسین‌آباد فاطمه، زارع حسین‌آبادی مینا، ۱۳۹۸، بررسی رابطه سبک زندگی با شادی در دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی شهر یزد، سومین همایش ملی سبک زندگی و سلامت.
۶. فیله‌کش مریم، ۱۳۹۵، ورزش و سبک زندگی اسلامی، پایگاه بصیرت، گروه فرهنگی.
۷. کریمیان جهانگیر، شکرچی‌زاده اصفهانی پریش، کریمیان فاطمه، ۱۳۹۲، اثرات ورزش در سبک زندگی اسلامی و ارزش‌های اخلاقی. کنگره پیشگامان پیشرفت.

نیرومندی و آمادگی دفاعی در قرآن

محمد تقی خورند

استادیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول: m.khorand@sanru.ac.ir)

چکیده

هدف: قرآن کریم در مورد ورزش و اهمیت آن می‌فرماید: و أعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخيل ترهبون به عدو الله (سوره انفال آیه ۶۰). هر مقدار که می‌توانید در برابر دشمنان توانایی و قدرت کسب کنید تا باعث ترس دشمنان خدا شود. یکی از اهداف شایسته ورزش و تربیت‌بدنی را می‌توان، با نگاه آمادگی دفاعی شکل داد. ورزشی خوب است که باعث تقویت بدنه جامعه اسلامی شود و آنها را برای مقابله با دشمنان آماده سازد، وگرنه اگر ورزشکار نسبت به دوست و دشمن دینی و سیاسی خود بی‌تفاوت باشد، چه حاصل از ورزش او! هدف از تحقیق حاضر بررسی مفهومی نیرومندی و آمادگی دفاعی در قرآن بود. روش‌شناسی: روش تحقیق بر مبنای کیفی و تحلیل محتوا بود و در واقع بر اساس جستجوی مروری و کتابخانه‌ای و بررسی مستندات به طرق مختلف، انجام شد. یافته‌ها: بایها الذین امنوا اصبروا و صابروا و رابطوا واتقوا الله لعلکم تفلحون (آیه ۲۰۰ سوره آل عمران). ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که فیروز و رستگار گردید. یا ایها الذین امنوا خذوا حذرکم فانفروا ثبات اوانفروا جميعا (آیه ۷۱ سوره نساء) ای کسانی که ایمان آورده‌اید آمادگی خود را (در برابر دشمن) حفظ کنید و در دسته‌های متعدد یا به صورت دسته واحد (طبق شرایط موجود) به سوی دشمن حرکت ننمایید. بحث و نتیجه‌گیری: ورزشکار باید طرفدار حق باشد نه پشتیبان مجرم. رب بما أنعمت علی فلن آکون ظهیرا للمجرمین (سوره قصص، آیه ۱۷). پروردگارا، به‌خاطر قدرت و نیرویی که به من عطا کردی، هرگز پشتیبان مجرمان نخواهم بود. قدرت و توانایی بدنی ورزشکار باید در خدمت حمایت از حق و عدالت باشد نه پشتیبانی از مجرم و خطاکار، هرچند این خطاکار دوست و فامیل باشد. یک ورزشکار مؤمن باید حریف ده مرد جنگی باشد. ان یکن منکم عشرون صابرون یغلبوا مئتين و إن یکن منکم مئته یغلبوا ألفا من الذین کفروا بأنهم قوم لا یفقهون (سوره انفال، آیه ۶۵). اگر در بین شما بیست تن اهل پایداری و استقامت باشند، بر دویست تن از کافران غلبه می‌کنند و اگر از شما یکصد تن مقاوم باشند، بر هزار تن از کافران غلبه می‌کنند زیرا کافران مردمانی فاقد قدرت فهم و شعورند. دو عامل ورزشکار مؤمن را از غیرمؤمن متفاوت می‌کند: ۱- هدفی والاتر و انگیزه‌ای بیشتر و عزمی استوارتر برای تلاش و تمرین بیشتر و ۲- نیروی ایمان و قدرت روحی و معنوی.

واژه‌های کلیدی: قرآن، نیرومندی، توان رزمی، آمادگی دفاعی

مقدمه

نیست، بلکه هدف ترس و هراسی است که وجود آن ابزار و وسیله در دل دشمن فعلی و احتمالی می‌اندازد. از آنجاکه ابزارها و وسایل ایجاد ترس و هراس و رعب و رعب در هر جغرافیای زمانی و مکانی متفاوت است، قرآن به مصادیق این ابزارها و وسایل اقتدار بازدارنده نپرداخته و مصادیق را به‌عهد مردم و نظام سیاسی گذاشته است؛ زیرا

قدرت بازدارندگی هر جامعه‌ای، خود بهترین شیوه پیشگیری و تامین امنیت پایدار است. از نظر قرآن، آنچه مهم است، تحقق چنین بازدارندگی با اقتدار نظامی از طریق بهره‌گیری از هر ابزار و وسیله‌ای است. البته تهیه هر ابزار دفاعی و اقتداری لزوماً به‌معنای استفاده از آن



سرمایه‌گذاری در امور رفاهی در جایی که لازم است تا توان و اقتدار نظامی افزایش یابد و زمینه ترساندن دشمن فراهم آید، سرمایه‌گذاری نادرست و ناروا است؛ و بر نظام اسلامی است تا سرمایه‌گذاری را در حوزه افزایش قدرت در راستای دستیابی به «آمادگی در سطح بازدارندگی» انجام داده و آن را به‌عنوان اولویت نخست در سرمایه‌گذاری ملی قرار دهد.

بیان مسئله

حضرت امام خمینی (ره): هر انسان مخلص و متعهدی که آمادگی دفاعی را لازمه حیات جامعه اسلامی بداند در نزد خدا آبرو پیدا می‌کند. مقام معظم رهبری: در دنیایی که سلطه‌گری یک امتیاز محسوب می‌شود ملت ما باید قادر به دفاع از خود باشد. یکی از اهداف بزرگ و از مهمترین مأموریت‌های بسیج ایجاد آمادگی لازم در جوانان برای دفاع از اسلام و میهن اسلامی است. جوانان بسیجی تحت هر شرایطی باید بتوانند از اسلام و میهن اسلامی در تمام عرصه‌ها دفاع کنند، زیرا حفظ اسلام از بزرگترین طاعات است که از صدر اسلام تاکنون انبیای معظم و اولیای بزرگ صلوات الله علیهم اجمعین در راه آن کوشش جانفرسا نموده و از هیچ فداکاری دریغ ننموده‌اند، و تربیت و تعلیم و تعلم فنون نظامی در راه دفاع از اسلام، ارزنده‌ترین ارزش‌هاست و تا هنگامی که بسیجی‌های بیدار و سایر قشرهای ملت بزرگ، با این شور و شعور در صحنه حاضر باشند به اسلام و جمهوری اسلامی آسیبی نخواهد رسید. در هر شرایطی بنیه دفاعی کشور باید در بهترین وضعیت باشد. مردم ما که در طول سال‌های جنگ و مبارزه ابعاد کینه و قساوت و عداوت دشمنان خدا و خود را لمس کرده‌اند، باید خطر تهاجم جهانخواران را جدی‌تر بدانند و این بسیج است که می‌تواند جوانان میهن عزیز

همان‌طوری که علوم در حال پیشرفت است، ابزارهای تهدید و نیز دفاع نیز تغییر کرده و پیشرفته‌تر و متنوع‌تر می‌شود. از همین‌رو خداوند در قرآن بر اصل اقتدار نظامی به قصد ترساندن و هراساندن دشمن فعلی و احتمالی تاکید می‌کند و می‌فرماید: **وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَآخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَأَتَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ**؛ و هر چه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این تدارکات، دشمن خدا و دشمن خودتان و دشمنان دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و خدا آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی در راه خدا خرج کنید پاداشش به خود شما بازگردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت (انفال، آیه ۶۰) در این آیه هر چند به‌عنوان نمونه مصداقی از اسباب نام برده شده، ولی این مصداق را پس از بیان یک اصل کلی «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ» آورده است؛ چراکه در آن زمان، سوار نظام کارآمدترین ابزار پیروزی نظامی و بازدارنده دشمنان بود. به هر حال، امت و نظام سیاسی ولایی باید هر آنچه در توان دارد برای تامین عده و نفرات و عده و تجهیزات به قصد ترساندن فراهم آورد. با توجه به اینکه علت غایی، ترساندن و نه به‌کار گرفتن، قرار داده شده می‌توان دریافت که این «هر چیز» واقعا «هر چیز» است و امت و امام باید از هر چیزی که در توان دارند برای ترساندن دشمن فراهم آورند. همچنین از نظر قرآن، سرمایه‌گذاری در حوزه آمادگی نظامی و «تقویت اقتدار در سطح ترساندن»، سرمایه‌ای ماندگار برای سرمایه‌گذاران از نظام و مردم است و این‌گونه نیست که سرمایه آنان به هدر رفته باشد؛ زیرا با تامین امنیت از راه بازدارندگی سود حاصل از سرمایه چند برابر می‌شود. بنابراین،



سبب‌های ذلت، ناکامی و نگون‌بختی را معرفی و در داستان اقوام گذشته تاریخ به‌صورت عینی به نمایش گذاشته است.

روش و یافته‌ها

روش تحقیق بر مبنای کیفی و تحلیل محتوا بود و در واقع بر اساس جستجوی مروری و کتابخانه‌ای و بررسی مستندات به‌طریق مختلف، انجام شد. در تفسیر نورالثقلین آمده است که آمادگی سپاه اسلام تنها به تجهیزات و افراد محدود نمی‌شد و نیروهای اسلام در جنگ‌ها برای ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن با خضاب کردن موی صورت، دشمن را به حراس می‌انداختند. از دیگر اهداف این کار این بود که افرادی محاسن سفید دارند در لشکر محسوس نباشند تا دشمن گمان نکند که لشکر مسلمانان پیر هستند. ایجاد آمادگی در سپاه اسلام به‌حدی برای پیامبر (ص) اهمیت داشت که همواره به‌دنبال جدیدترین توانمندی‌ها بود تا جایی که یک روز به ایشان خبر دادند در یمن سلاح جدیدی ساخته‌اند. پیامبر (ص) چند نفر از اصحاب را مأمور کرد تا به یمن بروند و فن‌آوری ساخت سلاح جدید را بیاموزند. از دیگر نکاتی که درباره ضرورت آمادگی نظامی در اسلام مطرح شده می‌توان به اهمیت سوارکاری و تیراندازی اشاره که در روایت‌های مختلف مسلمانان به این دو ورزش توصیه شده‌اند. حتی اسلام، مسابقات تیراندازی و اسب سواری و برد و باخت در آنها را جایز می‌داند تا آمادگی رزمی ایجاد شود. در تفسیر فرقان به نقل پیامبر (ص) آمده است که: که با هر تیری که به‌سمت دشمن رها می‌شود سه نفر به بهشت می‌روند، اول سازنده آن تیر، سپس آماده‌کننده آن و تیراندازی که به دشمن می‌زند. قرآن کریم حتی برای کسانی که طرفدار مذاکره با دشمن هستند هم پاسخ دارد و این آیه

اسلامی را برای مقابله با دشمنان اسلام و میهن اسلامی آماده کند. تا زمانی که مردم از دین خدا دفاع کنند و نگهبان کشور ولی الله الاعظم ارواحنا لمقدمه الفداء باشند، دست قدرت خداوند قادر بر سرشان سایه افکنده و عنایات غیبی خنثی خواهد فرمود. حضرت امام خمینی (رحمت الله علیه) فرمودند: «ملتی که در خط اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجرگرایی و مقدس‌نمایی است، باید همه افرادش بسیجی باشند و باید تمام فنون نظامی و دفاعی لازم را بدانند، چراکه در هنگامه خطر ملتی سربلند و جاوید است که اکثریت آن آمادگی لازم رزمی را داشته باشند (صحیفه نور ج ۲۱ ص ۵۲). قرآن مهمترین منبع وحیانی است که عمل به آموزه‌های آن رشد و کمال انسانی و رسیدن به قلّه‌های سعادت را در پی خواهد داشت. رشد و کمال مسلمین در عرصه‌های فردی، اجتماعی و سپس بین‌المللی زمینه ظهور تمدن ناب اسلامی است که با اقتدار در عرصه بین‌المللی بدرخشد و جهانیان را از نفحات وحیانی خود بهره‌مند سازد. تاکید قرآن بر عزت مسلمین و ارائه راهکارهایی در سیاست خارجی چون نفی سلطه کفار، حفظ هوشیاری، تلاش در کسب استقلال همه جانبه، توجه به سایر مسلمانان مظلوم در اقصی نقاط کره زمین و نیز راهکارهایی در سیاست داخلی چون تعامل صحیح مسئولین و مردم، عمل به وظایف اجتماعی و انتخاب سبک زندگی اسلامی نشان از این دارد که هر گونه شکست و ضعفی در عرصه بین‌المللی از کوتاهی مسلمین در انجام تکالیف ایمانی و اجتماعی خود بوده، چراکه اسلام حق سخن را در این زمینه با بیان سنن و قوانین حاکم بر جامعه و تاریخ به‌خوبی ادا کرده است و علل عزتمندی، کامیابی، خوشبختی و نیز



نتیجه‌گیری

رهبر معظم انقلاب در یکی دیگر از بیانات به آیه ۶۰ سوره انفال اشاره و می‌فرمایند: بعضی خیال می‌کنند اگر ما بخواهیم خودمان را از تهمت سلطه‌طلبی و اقتدارطلبی بین‌المللی و منطقه‌ای برکنار کنیم، باید برویم در لاک دفاعی. این جور نیست. در لاک دفاعی نمی‌رویم، در موضع انفعال قرار نمی‌گیریم، بلکه ما در موضع «أَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ» قرار می‌گیریم. در موضعی قرار می‌گیریم که در این آیه شریفه از آن تعبیر شده است به «تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ»؛ «تُرْهِبُونَ بِهِ» یعنی چه؟ «تُرْهِبُونَ بِهِ» همان چیزی است که در ادبیات سیاسی امروز به آن «قدرت بازدارندگی» می‌گویند. جمهوری اسلامی در جایگاهی قرار می‌گیرد که دارای قدرت بازدارندگی است، دارای اقتدار بازدارنده است؛ می‌خواهند این اقتدار نباشد. حال در چنین شرایطی دستاوردهای نظامی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای ارتقاء و بروز بودن قوای نظامی از مصادیق عمل به دستور قرآن کریم است و در این میان نمایش این دستاوردها می‌تواند گامی مؤثر در زمینه نمایش قدرت قوای نظامی جمهوری اسلامی و همچنین قدرت بازدارندگی ما باشد.

را پس از بیان موضوع عهدشکنی دشمن در آیات ۵۸ و ۵۹ سوره انفال بیان می‌کند و می‌فرماید که اگر گروهی در پیمان خیانت کردند، تو نیز عهدشان را به‌سوی آنان بیانداز و در ادامه خداوند در آیه ۶۰ مسلمانان را به تقویت قوای نظامی و نیرومند شدن دعوت می‌کند. «وَأَمَّا تَخَافَنَّ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةً فَانْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَى سَوَاءٍ وَ اِذَا خِيفَ لَكَ مِنْ قَوْمٍ خِيَانَةٌ فَاعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ غَالِبٌ عَلَى الْكُفْرِ» (در پیمان) خیانت کنند، تو نیز عهدشان را به‌سوی آنان بیانداز (انفال ۵۸). موضوع آمادگی نظامی در نظام جمهوری اسلامی ایران درست بر مبنای دستورات الهی بوده و هست تا جایی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی و در حالی که کشورمان تنها ۳۰ میلیون نفر جمعیت داشت امام خمینی (ره) فرمودند: ما باید ارتشی ۲۰ میلیونی داشته باشیم. همچنین رهبر معظم انقلاب در یکی از بیانات در جمع نیروهای مسلح فرمودند: آمادگی شما، ابراز قدرت شما، دشمن را به عقب‌نشینی وادار می‌کند و دشمن را می‌ترساند. این، آن دستوری است که قرآن به ما داده است، باید این آمادگی‌ها را روزبه‌روز افزایش بدهیم.

منابع

۱. سعادت‌نیا رضا، کریمی رکن‌آبادی اصغر، عبدلی مهرجردی حمید رضا، ۱۳۹۲، راهکارهای ارتقاء عزت و اقتدار امت‌های اسلامی از منظر قرآن کریم (نقش تجربه و خردگرایی)، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، هفتمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی.
۲. قاضی‌زاده کاظم، ۱۳۸۵، جنگ و صلح از دیدگاه قرآن، علوم سیاسی ۱۳۸۵، شماره ۳۴.
۳. [3.https://ask98.ir/post](https://ask98.ir/post)
۴. [4.http://www.dfai.blogfa.com/post/](http://www.dfai.blogfa.com/post/)
۵. [5.https://www.farsnews.ir/news/](https://www.farsnews.ir/news/)
۶. [6.https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/](https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/)

الگوگیری از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل موجودات زنده از منظر قرآن

سیدعسکری فهیم علوی

دانشجوی دکتری قرآن و تعلیم و تربیت (نویسنده مسئول: a.fahimalavi@gmail.com)

چکیده

ربوبیت خدای سبحان یکی از صفات الهی است که در ابعاد مختلف تکوین ظهور و تجلی دارد. از جمله مظاهر ربوبیت خدای سبحان در تکوین، رشد و تکامل موجودات زنده به‌ویژه انسان هست که قرآن کریم در آیات فراوانی، به تشریح آن پرداخته که مقاله حاضر به بررسی آن در چهار گروه جمادات، نباتات، حیوانات و انسان در زمینه الگوگیری انسان از طبیعت جهت تأمین رفاه زندگی خود، برنامه‌ریزی، دانش‌افزایی و غیره از منظر قرآن می‌پردازد. در این پژوهش با استفاده از نظرات تفسیری مفسران مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق در این نوشتار کتابخانه‌ای است. اطلاعات مورد نیاز از طریق اسناد نوشتاری و نرم‌افزارهای علمی گردآوری شده است و به‌روش توصیفی و تحلیلی مورد پردازش قرار گرفته است. اهمیت پژوهش حاضر با توجه به این نکته روشن می‌شود که در بیش از هزار آیه درباره ربوبیت خدای سبحان و مظاهر آن یاد شده است که انسان با استفاده از آن می‌تواند خط مشی زندگی خود را با الگوگیری از این صفت الهی جهت رسیدن به تکامل ترسیم نماید.

واژه‌های کلیدی: الگوگیری، بهره‌مندی، ربوبیت، رشد و تکامل، موجودات، قرآن

مقدمه

موجودات جهان هر روز و هر لحظه از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر از رشد و کمال می‌رسند مثلاً یک درخت برومند روز نخست یک سلولی بیش نبوده سپس به‌تدریج پس از طی مراحل رشد کرده و به‌صورت عظیم‌ترین درخت جهان درآمده است و یا آن جاندار بزرگ در آغاز به‌صورت سلولی در رحم مادر یا در میان تخمی سر بسته محبوس بود. بعداً در پرتو اراده ربوبیت خداوند از پائین‌ترین مرحله رشد به آخرین مرحله رشد و کمال شایسته خود رسیده است. انسان نیز جزئی از جهان آفرینش است و همین قانون نیز در مورد او برقرار است. در همین راستا با بررسی در آیات قرآن می‌فهمیم چگونه ربوبیت خدای سبحان در رشد و پرورش موجودات آشکار شده است که با فهم صحیح از تجلی او در موجودات، انسان می‌تواند از آن الگو بگیرد و بهره‌مند بشود. در

یکی از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در تکوین، رشد و تکامل موجودات است و رشد به‌معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و وسط طریق یا به تعبیر دیگر هدایت و اصلاح کردن موجودات است. (طباطبایی ۱۳۷۵: ۵۲۴/۲) با مطالعه اجمالی در جهان آفرینش، ما را از حقیقت روشنی آگاه می‌سازد و آن این است که سراسر جهان محل رشد و پرورش موجودات و تکامل آنهاست. هر موجودی از جماد (مثل سنگ)، نبات (مثل گیاهان) و حیوان تا برسد به انسان که شریف‌ترین مخلوقات است، همگی برای رسیدن به هدف و مقصد مشخص خلق شده‌اند و ابزار رشد و کمال هر موجودی در اختیارش قرار داده شده است و هر یک با برنامه مخصوصی به سوی کمال می‌شتابد. همه



اسماء الله اشاره می‌کند و در مقاله‌ها: الف: ربوبیت و تربیت (احمد ترابی - پژوهش‌های قرآنی، شماره ۶۱، سال ۱۳۸۹) ب: کاربست توحید ربوبی در تربیت انسان از منظر قرآن (حسین محمدی، سیداسحاق حسینی کوهساری، سیدمحمد موسوی مقدم، تحقیقات کلامی، پاییز ۵۹۳۱ - شماره ۴۱)، به بحث از ربوبیت خدای سبحان و بیان معنای رب و توضیح مختصر درباره آن اکتفا کردند؛ اما هیچ‌یک از این نوشته‌ها به‌گونه خاص به بیان الگوگیری و بهره‌مندی انسان از مظاهر ربوبیت خدای سبحان به آن نپرداخته‌اند؛ اما این پژوهش در صدد این است که از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل موجودات زنده جهت الگوگیری را با مستند به آیات قرآن کریم بررسی نماید.

مفاهیم

۱-۱: مظاهر در لغت

مظاهر جمع مَظْهَر از ریشه (ظهر) (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۵۳۷/۲) به معنای آشکار شدن «ظهر: أصل صحیح واحد یدل علی قوه و بروز» (ابن فارس ۱۴۰۴: ۴۷۱/۳)؛ «ظهر» دارای یک اصل است که دلالت بر آشکار بودن دارد. «الظَّهْرُ: خلاف البطن من کل شیء» (ابن منظور ۴: ۵۲۰/۱۴۱۴)؛ و خلاف باطن از هر شیء‌ای به آن آشکاری گفته می‌شود. صاحب فرهنگ معاصر ذیل واژه ظهر می‌نویسد: «مظاهر جمع مظهر به معنای تجلی، ظاهر، صورت خارج، نما، منظر، رفتار و کردار ظاهر، نمود، نشان، پدیده و ... آمده است». (آذرنوش ۱۳۹۳: ۶۵۱) در کتب لغت (مانند مجمع البحرین، العین، لسان العرب و...) کلمه «تجلی» مترادف با معنای «ظهور» آورده (کاشانی ۱۴۲۶: ۳۰۰/۱-۳۰۱) مثلاً در مجمع البحرین به معنای ظهور و انکشاف آمده است (طریحی ۱۳۷۵: ۹۰/۱) مانند: [وَالنَّهَارُ

این پژوهش با استفاده از نظرات تفسیری مفسران مورد بررسی قرار گرفت. روش تحقیق در این نوشتار کتابخانه‌ای است. اطلاعات موردنیاز از طریق اسناد نوشتاری و نرم‌افزارهای علمی گردآوری شده است و به روش توصیفی و تحلیلی مورد پردازش قرار گرفته است. بدین منظور در این مقاله به طرح این سوال پرداختیم که الگوگیری از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل موجودات زنده از منظر قرآن چیست؟ بعد از پرداختن به پیشینه و برخی از واژگان مهم در عنوان مقاله پاسخ آن را در قالب دو نوشتار ۱. مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و پرورش موجودات ۲. الگوگیری انسان از مظاهر ربوبیت در رشد و پرورش موجودات مطرح می‌سازیم:

پیشینه

پیشینه علمی موضوع ربوبیت خدای سبحان از زمان حضرت آدم علیه‌السلام تا دوران پیامبر اکرم ص در تمام ادیان آسمانی سابقه دیرینه داشته، ولی در قرآن به صورت ویژه‌ای به این موضوع پرداخته شده است که مفسرین قرآن در ذیل آیات ربوبیت به تفسیر آن پرداختند اما در پیشینه نگارشی: در تفاسیری چون تبیان، مجمع‌البیان، المیزان و ... همه مفسران در تبیین و تفسیر آیات قرآن به آیات ربوبیت پرداختند. و در کتب و رساله‌ها: الف: روش قرآن در نهادینه کردن باور به ربوبیت الهی در جامعه صدر اسلام، محمد سلطانی با راهنمایی استاد بهجت پور - ب: توحید ربوبی در قرآن، فرج‌الله میر عرب با استاد راهنما حسن رضانی خراسانی - ج: آثار تربیتی اعتقاد به ربوبیت از منظر قرآن، رضا احمدی دهمند با استاد راهنما دکتر حیدری فر - د: أسماء الله الحسنی و تجلیاتها فی القرآن الکریم صالح قنادی که به صورت مختصر به بهره‌مندی انسان از

إِذَا تَجَلَّى] (لیل/۲۱) یعنی ظهور و انکشاف. (همان: ۹۰/۱) و قوله تعالی: [... فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًا] (اعراف/۴۳) یعنی آشکار شد نشانه‌های خداوند که در کوه ایجاد کرده بود و التَّجَلَّى یعنی ظهور؛ و همچنین در کتاب العین و لسان‌العرب آمده است: قال الله عزوجل: «فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ» أی: ظهر و بان؛ ظهور پیدا کرد و آشکار شد (ابن منظور ۱۴۱۴: ۱۵۱/۱۴). صاحب‌التحقیق می‌نویسد: «أَنَّ الْأَصْلَ الْوَاحِدَ فِي الْمَادَّةِ: هُوَ مُطْلَقٌ بَدْوً فِي قِبَالِ الْبَطُونِ، بِأَيِّ كَيْفِيَّةٍ كَانَ. فَإِنَّ الْبُرُوزَ هُوَ ظُهُورٌ عَلَيَّ كَيْفِيَّةٍ خَاصَّةٌ؛ وَ الْبَدْوُ هُوَ ظُهُورٌ بَيْنَ قَهْرِي. فَالظُّهُورُ أَعَمُّ مِنْهُمَا وَ يُقَابِلُهُ الْبَطُونُ» (مصطفوی ۱۴۰۲: ۱۸۳/۷) اصل واحد در ماده ظهر، مطلق ظهور و آشکار در قبال باطن است به هر کیفیتی که می‌خواهد باشد. تجلی در این موارد هم معنا با مظاهر است. همچنین بعضی از کلمات مانند تجلی‌گاه، تماشاگاه، جلوه‌گاه، محل ظهور، منظر، نمود، نشانه همگی به‌نوعی مترادف با معنای مظاهر هستند.

مظاهر در اصطلاح

برای این واژه تعاریف اصطلاحی مختلفی ارائه شده است که به‌طور اختصار به آن می‌پردازیم. مظاهر و تجلی از منظر عارفان: مظاهر و تجلی از دیدگاه عرفا تعریف‌های متعددی دارد: ابن‌ترکه در التمهید القواعد می‌نویسد: «القول بلفظ الظهور هنا، ليس معنى الوجود، بأن يكون الشيء معدوماً فوجد، ولا أن يكون مخفياً عن المشاعر الحسية، فظهر، بل المراد بقول الظهور هي هنا أن الهويه المطلقة، لما يلزمها من الوحدة الحقيقية الصرفة التي تأتي اعتبار النسب و الإضافات تنافي انتساب معنى الظهور ما يجري مجراه اليها... فحينئذ، ظهورها إنما يكون بتنزلها عن صرافه إطلاقاً و وحدتها، الي الانتساب بالتقييدات و

الانصباع بكثره تعيّناتها، فإن الحقائق إنما تظهر بمقابلاتها ...» «مراد عرفا از ظهور، وجود نیست یعنی ظاهر شدن به‌معنای موجود شدن آن چیز پس از معدوم بودن آن نیست و همچنین مراد از ظهور، آشکار شدن چیزی از ادراک حسی مخفی بوده نیست بلکه مراد از ظهور، تنزل هستی مطلق از اطلاق ذاتی به منزلت و رتبت تعینی از تعینات است که هیچ‌گونه کثرتی در آن راه ندارد. پس مراد از ظهور وحدت حقیقی، تنزل آن از صرافت اطلاق به تعینات خاصه و انصباع وحدت آن به کثرت‌های متعینه است» (ابن‌ترکه ۱۳۶۰: ۱۵۸). در کشف اصطلاحات الفنون و العلوم ذیل واژه تجلی می‌نویسد: «التجلي عند السالكين عبارة عن ظهور ذات الله و صفاته»؛ (تهانوی ۱۹۹۶: ۳۸۴/۱) تجلی نزد اهل سلوک عبارت است از ظهور ذات و صفات خداوند؛ که این همان تجلی ربانی است. در اصطلاح الصوفیه آمده است: «ما ينكشف للقلوب من أنوار الغيوب» (میرسیدشریف ۱۴۱۲: ۱۱۷) آنچه از انوار غیب برای قلب آشکار می‌شود. صدر المتالهین شیرازی درباره اصطلاح مظاهر می‌نویسد: «هر ممکن موجودی است که به‌قدرت و علم حق تعالی آفریده شده و آئینه ظهور و نماد آسماء و صفات خدا باشد و او را بشناساند» (صدرالمتالهین ۱۳۷۸: ۲۹۳).

مظاهر و تجلی در قرآن و روایات

به آشکاری چیزی پس از ناپیدایی تجلی گویند (عضیمه ۱۳۸۰: ۱۳۱) در قرآن کریم آمده است: [وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى]؛ (اللیل: ۲) یعنی پس از پنهان بودن در پشت شب، واضح و روشن و آشکار گردید. یا در آیه دیگر دارد: [وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا]؛ (الشمس: ۳) و قسم بروز وقتی که آشکار و هویدا می‌کند خورشید را و تجلی می‌دهد آن را. تجلی در مورد خداوند به این معناست به آیات خود



رب

معنای لغوی «رب»

ربوبیت از ماده (ر ب ب)، (مهنا ۱۳۱۳: ۴۵۸/۱ - طریحی ۱۳۷۵: ۶۴/۲) که در قرآن یکی از پرکاربردترین واژه بعد از کلمه الله به‌شمار می‌رود. از مجموع کلمات لغویین در معنای رب، استفاده می‌شود که رب به معنای مالکیت، مصلح، خالق، صاحب، سید، حضانت، اصلاح و قیام برشی، اخراج شیء از نقص به سوی کمال، تدبیر کردن امور، تربیت کردن، ضمیمه کردن چیزی به چیزی و ... آمده است. برخی معتقدند که رب به چند قسم قابل تقسیم است: «الربّ ینقسم علی ثلاثه اقسام: یکون الربّ المالك و یکون الربّ السیّد المطاع - قال الله تعالی: فیسقی ربّه خمرًا، ای سیده و یکون الربّ المصلح، ربّ الشیء اذا أصلحه» (ابن منظور ۱۴۱۴: ۴۰/۱) ربّ به سه قسم تقسیم می‌شود: ۱ - به معنای مالک ۲ - به معنای آقا و مولایی که باید مطیع او بود - چنان‌که در آیه «فیسقی ربّه خمرًا» منظور از ربّ، آقا و مولاست ۳ - به معنای مصلح و اصلاح‌کننده. زمانی که کسی عیب و ایراد چیزی را اصلاح می‌کند، به او ربّ الشیء گفته می‌شود. برخی دیگر معتقدند که واژه رب به چند اصل برمی‌گردد «رب یدل علی أصول فالأول إصلاح الشیء و القیام علیه... و الأصل الآخر لزوم الشیء و الإقامه علیه و هو مناسب للأصل الأول و الأصل الثالث: ضم الشیء للشیء و هو أيضاً مناسب لما قبله» (ابن فارس ۱۴۰۴: ۲۸۱/۲-۲۸۲) رب بر چند اصل دلالت دارد: اول اصلاح کردن شیء و قیام بر او - اصل دیگری لزوم شیء و اقامه بر آن که این اصل، مناسب با اصل اول است، اصل سوم، ضمیمه کردن چیزی به چیزی این هم مناسب با ماقبلش هست. صاحب‌التحقیق در جمع‌بندی آرای کتب لغت ذیل معنای رب می‌نویسد: «أنّ الأصل الواحد فی هذه المادّة سوق شیء الی جهة

تجلی نموده است یعنی خود را شناسانده است مانند (فلما تجلی ربه للجبل) یعنی به آیه‌ای از آیات خود، تجلی نمود؛ همان‌طور که علامه حسن‌زاده آملی در شرح فصوص الحکم می‌نویسد: «همه کلمات وجودی نظام هستی تجلیات اویند و به تعبیر قرآن آیات اویند» (حسن‌زاده ۱۳۹۰: ۳۵۱/۱) بنابراین تجلی به معنای ظهور بعد از خفا و یا ظهور علت به خاطر معلولش و نزول علت برای ظهور معلول یا به معنای تطوّر و تشّان در مورد خداوند متعال صادق نیست چون ظهور خداوند بعد از خفا نیست که مخفی بوده سپس ظاهر شده باشد (مروارید ۱۴۱۸: ۹۲) بلکه او دائم‌الظهور است؛ و همچنین تجلی خداوند به معنی تنزل او در موجودات لازمه‌اش سنخیت بین خدا و خلق است. و در روایات درباره ظهور و تجلی آمده است: «إنّ الله خلق الخلق فی ظلمة ثمّ رشّ علیهم من نوره فظهر» (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ۲۳۶/۵) خدای سبحان آفرینش آفریده‌ها را در تاریکی قرار داد و سپس از نور خود بر آن تابانید تا آشکار شدند. «إذا تجلّی الله لشیء خشع له» (صدرالدین شیرازی ۱۳۷۸: ۳۷۱/۴) چون خدا بر چیزی تجلی کند آن چیز خشوع می‌ورزد. جمع بین تعاریف درباره مظاهر و تجلی از منظر قرآن و عرفان این است که: «و هو فی الله تعالی عندهم اظهار الجلاء عن نفسه بآیه من آیاته لا بنفسه». (خراسانی ۱۴۱۴: ۳۱۴) تجلی خداوند به این صورت است به سبب آیات خود تجلی نموده است یعنی خود را شناسانده است نه اینکه خودش بنفسه تجلی کرده باشد مانند «فلما تجلی ربه للجبل» یعنی به آیه‌ای از آیات خود، تجلی نمود.

الکمال و رفع النقائص بالتخليئة و التحلية» (مصطفوی ۱۴۰۲: ۱۸/۴)؛ معنای اصلی واژه «رب» سوق دادن یک چیز به سمت کمال و از میان بردن نقایص به صورت کم کردن و افزودن و آراستن. نتیجه اینکه با بررسی تمامی معانی واژه رب و مشتقاتش، آن را می‌توان به معنای واحد برگرداند که همان اخراج شیء از نقص به سوی کمال و رساندن آن به کمال متناسب با خودش چه مادی چه معنوی باشد.

معنای اصطلاحی رب

کاربرد رب در قرآن برای خدای سبحان به گونه‌های مختلف است گاهی رب به چیزی اضافه می‌شود مانند: [رَبِّ الْعَالَمِينَ * رَبِّ الْعَرْشِ * رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ * رَبِّ الْفَلْقِ * رَبِّ النَّاسِ و ...] از مضمون این آیات روشن می‌شود که خداوند پرورش‌دهنده تمام موجودات به سمت کمال است هم خلقت و هم تربیت از جانب اوست. منتهی تربیت هر یک بر حسب اقتضای موضوع از تدبیر، نظم، اصلاح، رشد کمی و کیفی متفاوت خواهد بود. گاهی در مواردی رب به صورت مطلق و بدون اضافه آمده است مانند: [وَأَشْكُرُوا لَهُ بَلَدَةً طَيِّبَةً وَ رَبِّ غَفُورٍ] (سبا/۱۵)، [سَلَامٌ قَوْلًا مِنْ رَبِّ رَحِيمٍ] (یس/۵۸) و ... که مطلق تربیت به لحاظ اخلاق، ادب و ... از تمام جهات ممکن از آن اراده شده است. گاهی هم به مطلق ذات اضافه می‌شود بدون هیچ نوع ویژگی‌ای مانند: [رَبِّ أَرْنِي] (بقره ۲۶۰)، [رَبِّ اغْفِرْ لِي] (اعراف/۱۵۱) و ... که مراد از آن مالکیت، مصلح، مدیر، صاحب اختیار که به رشد آنان اهتمام می‌کند تا آن‌ها را به سمت کمال و رشد نهایی برساند. محمدی ری شهری می‌نویسد: «با دقت در استعمالات رب در قرآن و حدیث روش می‌شود که جمیع معانی رب در کتب لغت از آن ربوبیت خدای سبحان قصد می‌شود.» (ری

شهری ۱۴۲۹: ۶۰۱). بنابراین با همه این اوصاف می‌توان نتیجه گرفت که مراد از تجلی ربوبیت در واقع همان تدبیر و رشد موجودات از نقص به سمت کمال است و همچنین تربیت و هدایت آنان در تمام مراحل زندگی به عهده خدای سبحان خواهد بود.

ربوبیت از نگاه مفسران

صاحب‌المیزان می‌فرماید: «معنای ربوبیت این است که مالک تدبیر امور مردم و همه موجودات باشد؛ و آن کسی که مالک تدبیر امور خلق است و این نعمت‌ها را که مردم و غیر مردم در آن غوطه‌ورند و از آن ارتزاق می‌کنند، در اختیارشان قرار می‌دهد، خدای تعالی است» (طباطبایی ۱۳۷۵: ۱۸/۱۷). صاحب انوار درخشان می‌گوید: «ربوبیت عبارت از تدبیر در باره آفریده‌ها است به این که هستی آن‌ها را باقی بدارد و ادامه دهد و نیازهای پی در پی آن‌ها را بر آورد و هر یک را بکمال مناسب برساند» (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ۱۰۹/۳). رب در اصطلاح کلام از اسمای حسنی خداوند است و نامی برای آفریدگار و مالک مخلوقات و بنیانگذار نظام زندگی و مربی آن‌ها در طی مراحل حیات تا هر یک به درجه کمال وجود خود برسند (عسکری ۱۳۸۶: ۱۴۹-۱۵۰).

الگوگیری

الگوگیری در لغت

الگو در لغت به معنای سرمشق، مدل، أسوه، نمونه است (دهخدا ۱۳۷۳: ۲۲۱/۱). که به معنای مصدری آن یعنی حالت پیروی کردن نیز آمده است (ابن منظور ۱۴۱۴: ۱۴۷/۱). در مفردات راغب آمده است که أسوه عبارت از حالتی است که انسان هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند چه آن الگو خوب باشد و چه بد (راغب



می‌رسانند. موجودی که خود را از نقص به کمال برساند یعنی در حال ترقی و رشد هست. یا به عبارت دیگر: حیات عبارت از نیروئی است که آثار و نشانه‌هایی از آن آشکار می‌شود و حیات هر موجودی همان هستی آن است (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ۲۱۰/۸). مرحوم ملاصدرا در اسفار می‌نویسد: «ما بارها گفته‌ایم که حیات در تمامی موجودات سریان دارد، چون وجود در آنها ساری و جاری است. وجود یک حقیقت است که عین علم و قدرت و حیات می‌باشد. همان‌گونه که موجودی بدون طبیعت وجود تصور نمی‌گردد، بدون علم و آگاهی و فعل هم متصور نمی‌باشد». (صدرالدین شیرازی ۱۹۸۱: ۱۵۰/۷)، بنابراین یکی از آن موجودات، جمادات هستند که دارای حیاتند وقتی موجودی دارای حیات بود لازم‌اش این است که دارای رشد است. بدین‌منظور آیاتی در قرآن وجود دارد که به حیات و رشد جمادات اشاره دارد منتهی نحوه رشد جمادات با سایر گروه موجودات متفاوت است همان‌طور که نحوه رشد نبات با حیوان و یا انسان یا بالعکس متفاوت است. برای روشن شدن مطلب به نمونه‌ای از آیات قرآن اشاره می‌شود: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ»؛ (الحديد/۱۷) «بدانید خداوند زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند! ما آیات (خود) را برای شما بیان کردیم، شاید اندیشه کنید». آیه شریفه به حیات و ممت زمین که از جمادات اشاره دارد می‌فرماید: «يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» زمین را بعد از مرگ آن زنده می‌کند. حیات داشتن زمین یعنی زندگانی، نفس کشیدن، رشد کردن و حرکت داشتن (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۵۶۸/۱). آیه به تغییر و تحول در زمین اشاره می‌کند که صاحب تفسیر انوار درخشان در این باره می‌نویسد: «حیات و تغییرات زمین کاملاً محسوس است. نیروهائی که در دل

اصفهانی ۱۴۱۲: ۷۶). که در واقع همان تاسی کردن و اقتدا نمودن است الگو معادل عربی آن آسوه است با توجه به معانی ارائه شده درباره الگو و آسوه می‌یابیم که آسوه عمدتاً ناظر به الگوهای انسانی است و بیشتر در مورد تربیت و تقویت ابعاد اخلاقی، رفتاری و شناختی انسان به کار می‌رود. ولی واژه الگو، علاوه بر اینها به معنای طرح، مدل، نمونه و غیره نیز آمده است که عمدتاً در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد.

الگوگیری در اصطلاح

الگو در اصطلاح: الگودهی و ارائه نمونه‌های عینی و عملی توسط مرتبی است که نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متری قرار دهد تا شرایط لازم برای الگوبرداری و تقلید برای وی فراهم آید. یا به عبارت دیگر: الگو به آن چیزی گفته می‌شود که شکل گرفته است و در یک گروه اجتماعی حضور می‌یابد تا به عنوان مدل یا راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید (بیرو آلن ۱۳۸۰: ۲۶۴).

نوشتار اول: مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل موجودات

مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل جمادات

از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در تکوین، رشد و پرورش جمادات است. که این جمادات به ظاهر یک نوع موجوداتی هستند که حال و وضع ثابتی دارند، آدمی تغییری ناشی از مرور زمان در آنها را احساس نمی‌کند منتهی در قرآن کریم به حیات داشتن همه موجودات اشاره شده که یکی از لوازم حیات، رشد آن موجود است. حیات در اصطلاح، به معنای نیرویی است که موجب بروز حس و تحرک در موجود زنده می‌شود و موجودات با آن خود را از نقص به کمال

هر نوع گیاهان زیبا می‌رویند» «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْكُ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنْ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»؛ (فصلت/۳۹) «و از آیات او این است که زمین را خشک (و بی‌جان) می‌بینی، اما هنگامی که آب (باران) بر آن می‌فرستیم به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند؛ همان کسی که آن را زنده کرد، مردگان را نیز زنده می‌کند؛ و او بر هر چیز تواناست».

مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل نباتات

از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در تکوین، رشد و تکامل نباتات است. آیات فراوانی به رشد نباتات از جمله درختان، گیاهان و ... تحت تجلی ربوبیت خدای سبحان اشاره دارد با بررسی آن به دست می‌آید که کسی جز پروردگار متعال نمی‌تواند آنها را رشد و پرورش دهد تا به کمال مطلوب خودشان برسند. بدین‌منظور جهت سهولت در فهم مطلب، به آیاتی از قرآن اشاره می‌شود:

«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرِ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يَنْعَهُ إِنْ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»؛ (الانعام/۹۹) «و کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویندیم؛ و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم؛ و از آنها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی‌شباهت! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد با

خاک به صورت مواد شیمیائی ذخیره شده، در فصل مناسبی از سال باعث رشد گیاهان می‌شود و همین تبدیل حالات نشانه حیات و موت زمین است. معادنی که در دل خاک پنهان شده‌اند هیچ‌گاه بی‌حرکت و بدون تغییر باقی نمی‌ماند بلکه پس از گذشت سال‌ها و قرن‌ها مواد شیمیائی به یکدیگر تبدیل می‌گردند. مثلاً تغییراتی که در دوران‌های قبل در دل زمین صورت گرفته سبب پیدایش ذغال سنگ و نفت و غیره می‌شود و نیز تبدیل فلزات به یکدیگر نشانه حیات زمین است» (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ۲۱۰/۸). با توجه به اینکه ما شاهد تغییر و تحول در زمین هستیم می‌بینیم که مثلاً ذغال سنگ چه مرحله‌ای را طی می‌کند تا تبدیل به سنگ ذغال بشود در تمام مراحل این خدای سبحان هست که آن را به سمت کمال خودش سوق می‌دهد. همه این‌ها بیانگر رشد، حرکت، حیات و ... یک جماد است بنابراین با توجه به بیان آیه شریفه، فهمیده می‌شود که چگونه خدای سبحان در وجود یک جماد تجلی کرده است که این تجلی در هر مرحله‌ای به صورت تازه نمود پیدا می‌کند. به این معنا بعضی از جمادات تا جایی رشد می‌کنند و پرورش می‌یابند که به نحوی هم مرز با نباتات قرار می‌گیرند مانند سنگ کوارتز؛ سنگی که از خود نور ساطع می‌کند و دارای حس و واکنش است. همه اینها از تجلیات آثار ربوبیت خدای سبحان است. آیات دیگری در این زمینه وجود دارد که به رشد و تکامل یا به عبارت دیگر تغییر و تحول جمادات اشاره دارد که به عنوان نمونه ذکر می‌شود: «... وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ اتَّبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ»؛ (الحج/۵) «زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و می‌روید؛ و از



می‌فرماید: «فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا...» ما به وسیله آن ساقه‌های سبز گیاهان و نباتات را از زمین خارج ساختیم، و از دانه کوچک و خشک ساقه‌ای با طراوت و سرسبز که لطافت و زیبایی آن چشم را خیره می‌کند آفریدیم. و از آن ساقه سبز، دانه‌های روی هم چیده شده، (همانند خوشه گندم و ذرت) بیرون می‌آوریم همچنین به وسیله آن از درختان نخل خوشه سر بسته‌ای بیرون فرستادیم که پس از شکافته شدن رشته‌های باریک و زیبایی که دانه‌های خرما را بر دوش خود حمل می‌کنند و از سنگینی به طرف پائین متمایل می‌شوند خارج می‌گردد. یا در آیه دیگر می‌فرماید: «وَ الْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي حَبَّتْ لَا يُخْرِجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُشْكِرُونَ» (الاعراف/۵۸) «سرزمین پاکیزه و شیرین)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید؛ اما سرزمین‌های بد طینت (و شوره‌زار)، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید؛ این‌گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم» صاحب تفسیر کوثر در این‌باره می‌نویسد: «با ذکری که از رویش میوه‌ها در اثر نزول باران به میان آمد، خاطر نشان می‌سازد که زمین‌ها بر دو گونه‌اند: زمین پاک و آماده که با نزول باران، به امر خداوند، گیاهان گوناگون در آن می‌رویند، و زمین پلید که حتی اگر باران هم بر آن ببارد، جز اندکی علف هرز چیزی در آن نمی‌روید. باران رحمت خدا بر همه جا می‌بارد ولی زمین‌های آماده از آن بهره‌برداری می‌کنند و گل‌ها و گیاهان و درختان میوه در آن می‌رویند و زمین‌های بی‌استعداد از آن استفاده نمی‌کنند و رشد و نمو در آن صورت نمی‌گیرد» (جعفری ۱۳۷۶: ۱۱۱/۴). بنابراین با توجه به بیان آیه شریفه، فهمیده می‌شود که چگونه خدای سبحان در وجود یک نبات هم تجلی کرده است

ایمان است. «آیه شریفه بیانگر رشد و پرورش نباتات تحت ربوبیت خدای سبحان است که می‌فرماید: «وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ»؛ «او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویندیم». از تجلیات پروردگار این است نباتات (مانند هسته) را به وسیله آبی که از آسمان نازل شده می‌رویند به این معنا که در ابتدا به صورت دانه بوده و در اثر بارش باران طی فرایندی به شکل سبزه جوانه می‌زند. که صاحب تفسیر نمونه در ذیل آیه شریفه می‌نویسد: «نَبَاتِ كُلِّ شَيْءٍ» (گیاهان هر چیز) منظور آن انواع و اصناف گیاهانی است که همه با یک آب آبیاری و از یک زمین و یک نوع خاک پرورش می‌یابند، و این از عجائب آفرینش است که چگونه این همه انواع گیاهان با آن خواص کاملاً متفاوت و گاهی متضاد و اشکال گوناگون و مختلف همه در یک زمین و با یک آب پرورش می‌یابند. جالب‌تر اینکه نه تنها گیاهان صحرا و خشکی‌ها از برکت آب باران پرورش می‌یابند بلکه گیاهان بسیار کوچکی که در لابلای امواج آب دریاها می‌رویند و خوراک عمده ماهیان دریا است از پرتو نور آفتاب و دانه‌های باران رشد می‌کنند» (مکارم شیرازی ۱۳۸۹: ۳۶۸/۵). صاحب تفسیر انوار درخشان ذیل آیه بیان می‌کند: «درختان نیز شروع به زندگی تازه‌ای نموده به حرکت درآمده سبز و خرم می‌شوند مانند درخت تاک که در آغاز گل آن صنوبری شکل بهم پیوسته است و پس از رشد و نما مانند ساق گندم خوشه آن نیز صنوبری شکل و بهم پیوسته و پس از نمای بیشتری از یکدیگر جدا می‌شوند» (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ۶۷/۶). بنابراین مقصود از «نَبَاتِ كُلِّ شَيْءٍ» چیزی است که به وسیله آن هر چیزی بروید و رشد کند (طبرسی ۱۳۷۲: ۵۲۸/۴). سپس در ادامه آیه به شرح این جمله می‌پردازد

که این تجلی در هر مرحله به صورت تازه نمود پیدا می‌کند. به این معنا بعضی از نباتات تا جایی رشد می‌کنند و پرورش می‌یابند که به نحوی هم مرز با حیوانات قرار می‌گیرند مانند گیاهان گوشت‌خوار. همه اینها از تجلیات آثار ربوبیت خدای سبحان است.

مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل حیوانات

از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در تکوین، رشد و تکامل حیوانات است. حیوانات هم مانند سایر موجودات هر روز و هر آن مرحله تازه‌ای از رشد و تکامل خود را طی می‌کنند تا به نقطه نهایی تکامل خود برسند. حیوانات هم مثل سایر موجودات از طریق لقاح نر و ماده، نزول باران، تغذیه نباتات و ... رشد، پرورش و تکامل می‌یابند بدین منظور آیات فراوانی در قرآن وجود دارد که به رشد و تکامل حیوانات اشاره دارد که به طور خلاصه به آن بیان می‌شود:

«فَاطْرُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ»؛ (الشوری/۱۱)
«او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و از جنس شما همسرانی برای شما قرار داد و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [بوسیله همسران] زیاد می‌کند؛ هیچ چیز همانند او نیست و او شنوا و بیناست» «... وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ»؛ او آفرینش را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر، در میان تاریکی‌های سه‌گانه، می‌بخشد. «ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» اشاره به ظلمت شکم مادر، و ظلمت رحم، و مشیمه (کیسه مخصوصی که جنین در آن قرار گرفته است) دارد که در حقیقت سه پرده ضخیم است که بر روی جنین کشیده شده (طبرسی ۱۳۷۲: ۷۶۶/۸). در این مراحل سه‌گانه جنین به رشد و تکامل خود ادامه می‌دهد. صاحب تفسیر نمونه در ذیل آیه شریفه می‌نویسد: آفریدگار در آن ظلمت‌گاه عجیب

معبودی جز او نیست؛ پس چگونه از راه حق منحرف می‌شوید؟! آیات شریفه علاوه بر قرار دادن زوجیت برای انسان‌ها، زوجیت چهارپایان هم اشاره دارد که در آیه اول می‌فرماید: «وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ»؛ و جفت‌هایی از چهارپایان آفرید؛ و شما را به این وسیله [به وسیله همسران] زیاد می‌کند. وقتی که بحث از زوجیت چهارپایان مطرح می‌شود طبیعتاً از یک چهارپای دیگری بحث خواهد شد که آن از طریق جای‌گذاری نطفه حیوان نر در رحم حیوان ماده به وجود می‌آید که آن نطفه طی فرایند رشدی تبدیل به یک حیوان کامل می‌شود و در نهایت متولد خواهد شد. این چرخه زاد و ولد به علی‌الدوام ادامه دارد و خواهد داشت. در تمام این مراحل ما شاهد رشد و پرورش حیوانات هستیم که تحت ربوبیت باری تعالی تدبیر می‌شود. در آیه دوم می‌فرماید: «وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ»؛ و برای شما هشت زوج از چهارپایان ایجاد کرد. کلمه «انعام» به معنای شتر و گاو و گوسفند و بز است، و اگر آنها را هشت جفت خوانده، به این اعتبار مجموع نر و ماده آنهاست (طباطبایی ۱۳۷۵: ۲۳۸/۱۷). در ادامه به کیفیت خلقت که در واقع همان نحوه رشد و مراحل آنها اشاره کرده می‌فرماید: «يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ»؛ او شما را در شکم مادرانتان آفرینشی بعد از آفرینش دیگر، در میان تاریکی‌های سه‌گانه، می‌بخشد. «ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ» اشاره به ظلمت شکم مادر، و ظلمت رحم، و مشیمه (کیسه مخصوصی که جنین در آن قرار گرفته است) دارد که در حقیقت سه پرده ضخیم است که بر روی جنین کشیده شده (طبرسی ۱۳۷۲: ۷۶۶/۸). در این مراحل سه‌گانه جنین به رشد و تکامل خود ادامه می‌دهد. صاحب تفسیر نمونه در ذیل آیه شریفه می‌نویسد: آفریدگار در آن ظلمت‌گاه عجیب



شد. که هم تعلیم‌پذیر هستند و هم زبان با انسان می‌شوند مانند کیوتر نامهرسان یا طوطی یا سگ شکاری. در واقع اینها به یک درجه از رشد و تکامل بیشتر نسبت سایر هم نوع خود رسیدند.

مظاهر ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل

انسان

از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در تکوین، رشد و پرورش انسان است که در قرآن به‌نحوه رشد و تکامل تکوینی انسان اشاره شده که به‌طور خلاصه بیان می‌کنیم:

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ مَخْلُوقَةٍ لِّنَبِّئَنَّ لَكُمْ وَ نَقَرِ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَحْرُجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَّن يَتُوقَىٰ وَ مِنْكُمْ مَّن يرد إِلَىٰ أَرْدَلِ الْعَمَرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا...» (الحج/۵)؛ «ای مردم! اگر در رستاخیز شک دارید، (به این نکته توجه کنید که:) ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل؛ تا برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم!) و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرار می‌دهیم؛ (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم؛) بعد شما را به‌صورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس هدف این است که به‌حد رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند؛ آن‌چنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند!». این آیه شریفه یکی از آیاتی است که مراحل رشد انسان را مطرح می‌کند که در واقع بیانگر مرحله به مرحله تجلی ربوبیت خدای

چنان نقش بر آب می‌زند و صورت‌گیری می‌کند که همه مجذوب تماشای آن می‌شوند، و در جایی که هیچ دسترسی از ناحیه هیچ‌کس به آن نیست رزق و روزیش را که برای پرورش و رشد سریع سخت به آن نیازمند است به‌طور مداوم به او می‌رساند (مکارم شیرازی ۱۳۸۹: ۳۸۰/۱۹). صاحب تفسیر انوار درخشان ذیل آیه شریفه آورده است: «آیه از نظر تشریف خطاب به بشر نموده و چگونگی خلقت او را بیان نموده که در درون و ارحام مادران رشد و نمو نموده و اطوار چندی را پشت سر گذارده نطفه و ماده تناسلی رشد نموده به‌صورت علقه درآمده و نیز به‌صورت گوشت جویده درآمده و در تیره‌گی و پیچیدگی مشیمه و رحم و شکم مادر پنهان بوده و پس از رشد و نمو و بی‌نیازی از درون رحم به خارج قدم نهاده و سر تسلیم فرود آورده‌اند.» در هر صورت همه این مراحل در وجود یک حیوان هم صادق خواهد بود (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ۱۸۳/۱۴). در پایان آیه می‌فرماید: «ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ»؛ این است خداوند، پروردگار شما که حکومت (عالم هستی) از آن اوست؛ هیچ معبودی جز او نیست؛ این فراز از آیه شریفه - پس از بیان خلقت بشر و چهار پایان و چگونگی تدبیر و تحولاتی که در رشد ماده تناسلی آنها به‌کار می‌رود که همه مرموز و هیچ‌یک قابل پیش‌بینی بشر نخواهد بود- به بیان توحید افعالی پروردگار پرداخته و آنها را نمونه‌ای از صفت ربوبیت پروردگار معرفی می‌فرماید که نسبت به سلسله بشر بالا‌صالحه و طبقات حیوانات و سایر موجودات را نیز به‌طور طفیلی شامل می‌شود. بنابراین آیات شریفه فوق نمونه بارز از رشد و تکامل حیوانات است که تحت تجلی ربوبیت خدای سبحان نمود پیدا می‌کند. البته این رشد و پرورش حیوانات تا مرحله‌ای پیش می‌رود که بعضی از حیوانات تقریباً هم‌مرز با انسان خواهد



موجودات باعث بهره‌مندی تمام موجودات و به‌خصوص انسان و رسیدن او به سوی کمال و قرب الهی خواهد شد. برای رسیدن به این مرحله، انسان باید به‌عنوان خلیفه‌الله با الگوگیری صحیح از این تجلی ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل موجودات، مدیریتی صحیح و متقن در تمام امور دنیایی داشته باشد تا بتواند مدعی جهان ماوراء باشد، مدعی عالمی که می‌خواهد با هر آنچه در توان دارد انسان را خلیفه‌الله کند تا هم دنیای ایده‌آل داشته باشد و هم آخرت خود را سامان دهد. از دیدگاه اسلام، انسان حتی در قبال حفاظت از جان و مال و آبرو و حیثیت خویش و سایر موجودات مسئول است. پس باید هرچه بیشتر از آیات و روایات وارد شده در این زمینه الگوگیری کرد. از جمله مهمترین روایت در این زمینه سخن نبی مکرم اسلام (ص) می‌باشد که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يُحِبُّ إِذَا عَمِلَ أَحَدُكُمْ عَمَلًا أَنْ يُتَّقِنَهُ» «خداوند تعالی دوست دارد که هرگاه فردی از شما کاری کند آن را محکم و بی‌عیب انجام دهد.» (پاینده ۳۰۵/۱۳۸۳) بنابراین با توجه به مسائل مذکور انسان می‌تواند از رشد و تکامل موجودات الگوبرداری کند تا در زندگی روزمره خود از آن بهره‌مند شود تا از این طریق به کمال نهایی برسد بدین‌منظور مواردی را به‌عنوان نمونه ذکر می‌شود.

الگوگیری انسان از طبیعت

طبیعت همیشه الگویی مناسب برای رشد و پیشرفت انسان‌ها در امور زندگی بوده تا از این طریق بهترین مکانیزم‌ها و بهترین مهندسی‌ها را از دل آن بیرون کشیده و به‌صورت مصنوعی در ماشین‌آلات و دست‌ساخته‌های خود به‌کار ببرند. در طبیعت، هیچ الگوی پایداری نیست که نتوان از آن چیزی آموخت. از مدل حرکت حیوانات گرفته تا ساختار بدن جانوران و گیاهان.

سبحان است تا اینکه نشان دهد چگونه خداوند انسان را رشد می‌دهد و تربیت می‌کند بنابراین این آیه با خطاب به جامعه بشر و مبنی بر اثبات روز قیامت شروع شده می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ» و سپس به خلقت انسان اشاره می‌کند «فَأَنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ» به اینکه پروردگار به قدرت کامل خود او را از خاک و گل آفرید و همچنین سایر افراد بشر را از طریق مواد غذایی به‌صورت ماده تناسلی در آورده و با امکانات مخصوص به‌صورت علقه و خون بسته و سپس به‌صورت مضغه و گوشت جویده درآورد و پس از آنکه جنین را به‌صورت کامل درآورد سپس اعضاء و جوارح او را به‌حد رشد کامل رساند پس از آنکه در درون مادران اعضاء و جوارح آنان استحکام یافت به‌صورت نوزاد به دنیا انتقال خواهد یافت و وسایل تربیت و رشد بیشتری به‌وسیله غذای لطیف آشامیدنی مناسب فراهم آورده و در مدت دو سال بدین منوال اعضاء و جوارح بدن کودک نیرومند شده بتواند غذای دیگری صرف کند و روبه‌رشد بیشتری گذارد و اعضاء و جوارح او محکم و نیرومند گردد (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ۱۲۸/۱۱-۱۲۷). همه این‌ها بیانگر جلوه‌ای از ربوبیت در رشد و تکامل در خلقت است و در تمام مراحل آن تجلی حق صورت گرفته است؛ به این نحو که خداوند در هر مرحله‌ای در ظرف وجودی همان مرحله به اندازه آن آشکار و نمایان شده است و قابل نیز با توجه به سعه وجودی خود از تجلیات و فیض دائم الهی مستفیض شده و به مرحله‌ای از کمال رسیده است

نوشتار دوم: الگوگیری انسان از مظاهر ربوبیت در رشد و تکامل موجودات
تجلی ربوبیت خدای سبحان در رشد و تکامل



بهره‌مندی از عقل و اندیشه می‌توانند رشد را که یافتن راه‌کار و جاده مستقیم است بفهمند هیچ‌جای اجبار و اکراه در دین نیست، با روشن بودن صراط مستقیم، و حتی راه ضلالت، عقل هر انسانی به او می‌گوید راه رشد را آزادانه انتخاب کن، و از رفتن در راه ضلالت اجتناب نما. آری با روشن بودن حقیقت و این‌که آراسته شدن به آن دارای پاداش است، و آلوده‌شده به غی همراه با کیفر است. شارع دین و حکومت دینی و عالم دین چه نیازی به اجبار مردم به قبول دین دارد، انسان آزاد است که دین یا بی‌دینی حق یا باطل، خدا یا شیطان، ابولهب یا احمد، معاویه یا علی، حسین یا یزید و خلاصه بهشت یا دوزخ را انتخاب کند (انصاریان ۱۳۹۳: ۸۵/۷).

ابتکار و نوآوری و خلاقیت

از الگوگیری و بهره‌مندی دیگر این‌که از آنجاکه دین اسلام دین پویائی، ابتکار، نوآوری و خلاقیت است تشویق به علم و دانش و سفارش به تعقل و تدبر و تفکر در آیات الهی حکایت از روحیه تحول‌گرائی و نوآوری اسلام دارد. پس انسان باید با توجه به سفارش قرآن کریم از این تنوع خلقت و چگونگی رشد و تکامل، الگوگیری کند، تا بسیاری از نیازمندی‌های عصر خویش را پاسخ‌گو باشد. در قرآن کریم آمده است «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (الأنفال/۴۰). در مقام مبارزه با کافران، خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خودتان کاملاً مهیا سازید» قرآن ما را امر کرده که خود را مجهز کنیم ولی معنایش این نیست که مانند زمان قدیم اسب و شمشیر فراهم کنیم، در واقع نوع وسیله مناسب با اقتضائات زمانه است (ما استطعتم) و در حدی که برای ما مقدور باشد.

هرچیزی در موقعیتی خاص می‌تواند راه‌گشای مشکلی بزرگ برای پیشرفت جامعه بشری باشد؛ تنها کافی است با نگاهی عمیق به طبیعت نگریست. به‌همین جهت مهمترین روش در الگوگیری از نحوه رشد و پرورش موجودات توجه به عوامل رشد است که انسان با دقت در عوامل رشد می‌تواند بهترین الگوگیری را در نظام خلقت جهت رشد و تکامل داشته باشد مانند آب که یکی از عوامل رشد موجودات به‌شمار می‌رود که خداوند همه موجودات را از این طریق خلق کرده «و تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» (النور/۴۵) «و زمین را خشک و مرده می‌بینی، پس چون آب را (به‌صورت باران و برف و تگرگ) بر آن فرو فرستیم می‌جنبند و بالا می‌آید و از هر نوع (گیاه و نهال) بهجت‌انگیز می‌رویاند.»

دقت و دانش افزایی

خداوند بعد از خلقت موجودات، رشد آنها را به‌عهده گرفته و با دقت هرچه تمام‌تر به پرورش آنها پرداخته است یکی از بهترین راه‌های الگوگیری انسان در این مرحله این است که در سیر تکاملی موجودات، تحول و دگرگونی‌های آنها، فراهم آمدن زمینه‌های رشد و تربیت‌شان و اینکه چگونه و به چه‌صورت رشد و پرورش یافته‌اند دقت و تأمل کرده تا از این طریق برای رسیدن به حقیقت مطلب بهره‌مند شود چون یکی از راه‌های رسیدن به واقع این است که به انسان دستور داده شده در خلقت موجودات بنگرد که به چه نحو خلق شدند این به این معناست که علاوه بر چگونگی خلقت به نحوه رشد آن دقت شود که چگونه به‌حد کمال رسیده تا از آن بهره‌مند شود و بتواند الگو بگیرد. در فرهنگ قرآن و دین حق، انسان‌ها از هر دسته و صنفی و از هر گروه و نوعی با الگوگیری و



خلاقیت برخوردار است، اما به نظر می‌رسد صنعت خودروسازی کشور با کندشدن روند پیشرفت، ضعف نظارتی و سوء مدیریت در استفاده بهینه از منابع و امکانات مواجه است و در حال حاضر نیز حجم بالای تقاضا در بازار و دامن‌زدن و تن‌دادن مصرف‌کنندگان به شرایط موجود مزید بر نابسامانی‌های مطرح در صنعت خودروسازی کشور است. بنابراین باید نیروی جوان و تازه نفس دست به کار شده و به ابتکار و نوآوری و پیشرفت در این زمینه پردازند. این تنوع و نوآوری و خلاقیت باید در اسلام استمرار داشته باشد تا به اوج شکوفائی خود برسیم چون در اسلام به خلاقیت و ابتکار توجه زیادی شده است.

نتیجه‌گیری

از مظاهر ربوبیت خدای سبحان در تکوین، رشد و تکامل موجودات است و رشد به معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و وسط طریق یا به تعبیر دیگر هدایت و اصلاح کردن موجودات است که سراسر جهان محل رشد و پرورش و تکامل آنهاست. همه موجودات جهان هر روز و هر لحظه از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر از رشد و کمال می‌رسند. انسان نیز جزئی از این جهان آفرینش است و همین قانون نیز در مورد او برقرار است. در مباحث به الگوگیری انسان از رشد و تکامل اشاره شده است که چگونه از این موهبت الهی بهره‌برد و از آن الگوبرداری نماید تا در زندگی خود به سمت کمال سوق پیدا بکند که هدف نهایی از خلقت انسان همین خواهد بود. بنابراین در تمامی گروه موجودات ما شاهد تجلی آثار خدای سبحان بوده‌ایم که به اندازه سعه وجودیشان خداوند تجلی کرده است که اوج تجلی او در انسان کامل صورت گرفته است که هدف اصلی و نهایی این بوده که انسان به کمال مطلوب برسد.

این آیه زمینه تنوع و خلاقیت و نوآوری را در عرصه نیروی دفاعی، به ما یادآور می‌شود تا نهایت سعی و کوشش را در به‌دست آوردن وسائل دفاعی جدید و مطمئن در برابر دشمن بکار بندیم و تکنولوژی روز دنیا را در امور نظامی فراهم نمائیم تا دشمنان جرأت تعرض به ما را نداشته باشند. بنابراین انسان هوشیار باید در تمام عرصه‌ها تنوع و خلاقیت و نوآوری داشته باشد تا بتواند نیازهای متعدد خود را رفع کند. و این جز با الگوبرداری از نظام عالم امکان‌پذیر نیست منتهی باید به‌نحو صحیح از آن الگوبرداری کند و با استفاده از آن بتواند به سعادت برسد. امام حسین علیه‌السلام می‌فرماید: «مَنْ اسْتَوَى يَوْمَهُ فَهُوَ مَغْبُونٌ وَمَنْ كَانَ آخِرُ يَوْمِيهِ شَرِّهِمَا فَهُوَ مَلْعُونٌ وَمَنْ لَمْ يَعْرِفِ الزِّيَادَةَ فِي نَفْسِهِ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْرَبَ وَمَنْ كَانَ إِلَى النُّقْصَانِ أَقْرَبَ فَالْمَوْتُ خَيْرٌ لَهُ مِنَ الْحَيَاةِ» (صدوق ۱۴۰۳: ۳/۳۴۲). هر کس دو روزش مساوی باشد مغبون و زیانکار است و اگر روز بعدش بدتر از روز قبل باشد ملعون است. در روایت دیگری از پیامبر اسلام ص نقل شده: «إِذَا آتَى عَلَى يَوْمٍ لَا أزداد فيه علماً يُقربني إلى الله تعالى فلا بورك لي في طلوع شمس ذلك اليوم» (ری شهری ۱۴۲۹: ۸/۳۹۳۲)؛ اگر روزی بر من بیاید که در آن روز بر دانش خود چیزی نیفزایم که به خدای تعالی نزدیکم گرداند، طلوع خورشید آن روز بر من مبارک می‌آید.

الگوگیری در زمینه صنعت

از دیگر مواردی که می‌توان در آن الگوگیری کرد، در زمینه صنعت است هرچند ورود ایران به تکنولوژی‌های نوین از جمله؛ صنعت ساخت انواع هواپیماهای با سرنشین و بدون سرنشین، بالگرد، کشتی، قایق، زیردریایی و قطارهای باری و مسافربری نشان می‌دهد که کشور ما همانند سایر عرصه‌ها، در صنعت حمل و نقل نیز از توانایی‌ها و ظرفیت‌های لازم برای نوآوری و



منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه
۳. ابن التبرک، صائن الدین ۱۳۶۰ ش، تمهید القواعد، تهران انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، چاپ اول.
۴. ابن فارس، أحمد، ۱۴۰۴ق معجم مقائیس اللغة، قم مکتبه الاعلمی الاسلامی، .
۵. ابن منظور، ابوالفضل، جمال الدین، محمد بن مکرم ۱۴۱۴ق، لسان العرب، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع دار صادر،
۶. ابو جعفر خراسانی، محمد جواد ۱۴۱۴ق، هدایة الأئمة إلى معارف الأئمة، مشهد آستانة الرضویة المقدسة، مجمع البحوث الإسلامية، .
۷. انصاریان، حسین ۱۳۹۳، تفسیر حکیم، قم، نشر دار العرفان، چاپ اول.
۸. آذرنوش، آذرتاش ۱۳۹۳ ش، فرهنگ معاصر عربی فارسی، براساس فرهنگ عربی انگلیسی هانسور، تهران، چاپ نقش جهان،
۹. بیرو، آلن، (ترجمه: ساروخانی، باقر)، ۱۳۸۰ ش فرهنگ علوم اجتماعی، نشر کیهان، تهران.
۱۰. پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۳ ش، نهج الفصاحه، تهران، نشر دنیای دانش،
۱۱. نهبانوی، محمدعلی بن علی ۱۹۹۶ م، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، اول.
۱۲. جعفری، یعقوب ۱۳۷۶ ش، تفسیر کوثر، قم، نشر موسسه انتشارات هجرت، چاپ اول.
۱۳. حسن زاده، حسن ۱۳۹۰ ش، شرح دروس فصوص الحکم قیصری، قم، نشر بوستان کتاب، چاپ دوم.
۱۴. حسینی همدانی نجفی، محمد درخشان ۱۴۰۴ق، انوار درخشان، تهران، نشر لطفی، چاپ اول،
۱۵. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۷۳. لغت نامه دهخدا، نشر روزنه، تهران،
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد ۱۴۱۲ق، مفردات ألفاظ القرآن، بیروت نشر دار القلم، چاپ اول،
۱۷. صدر المتالهین شیرازی، محمد ۱۳۷۸ ش، المظاهر الإلهیه فی أسرار العلوم الکمالیه، تهران، بنیاد حکمت صدرا، چاپ اول،
۱۸. صدوق، محمد بن علی ۱۴۰۳ق، معانی الاخبار، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، چاپ اول،
۱۹. طباطبایی، سید محمد حسین ۱۳۷۵، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، انتشارات جامعه مدرسین،
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، نشر ناصر خسرو، چاپ سوم،
۲۱. طریحی، فخر الدین بن محمد ۱۳۷۵، مجمع البحرین، تهران، مکتبه المرتضویه،
۲۲. عسکری، علامه سید مرتضی ۱۳۸۶، عقاید اسلام در قرآن کریم، تهران، نشر مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، چاپ اول،
۲۳. فراهیدی، خلیل بن أحمد ۱۴۱۴ ه ق، ترتیب کتاب العین، قم، نشر أسوه، چاپ اول،
۲۴. کاشانی، عبدالرزاق ۱۴۲۶ق، اصطلاحات الصوفیه، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول،
۲۵. محمدی ری شهری، محمد ۱۴۲۹ق، حکم النبی الأعظم، قم، دار الحدیث، چاپ اول،
۲۶. مروارید، حسنعلی ۱۴۱۸ق، تنبیهات حول المبدأ و المعاد، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم،
۲۷. مصطفوی، حسن ۱۴۰۲ ه ق، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، مرکز کتاب لترجمه و النشر، اول.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر ۱۳۸۹، تفسیر نمونه، قم انتشارات مدرسه امیر المومنین ع
۲۹. مهنا، عبدالله علی ۱۴۱۳ق، لسان اللسان: تهذیب لسان العرب، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول،
۳۰. میر سید شریف ۱۴۱۲ق، التعریفات، تهران، ناصر خسرو، چاپ چهارم،

رابطه قرآن با دانش بشری

محمد اسماعیل مجلسی^۱، فاطمه زینلی پور^۲

۱- مدرس ارشد درس دفاع مقدس استان سیستان و بلوچستان، بلوار بزرگمهر، دانشکده علوم قرآنی زاهدان
(نویسنده مسئول: BASIREBRAT@YAHOO.COM)

چکیده

هر انسانی که در قید حیات است و زندگی می‌کند به قرآن نیاز دارد از این‌رو، همواره کتاب آسمانی باید سرلوحه زندگی افراد باشد، در این زمینه انسان‌ها در تمامی سطوح زندگی، باید با قرآن کریم در ارتباط باشند، تا قرآن در زندگی آنها جاری باشد و به برکت این کتاب آسمانی به موفقیت‌های زیادی برسند. حجت‌الاسلام شاه فضل تاکید کرد: قرآن بخش‌های زیادی از آموزه‌های دینی و احکام دینی را در برمی‌گیرد و کتاب هدایت بشریت است. پیدایش علم و دانش با خلقت انسان برابری می‌کند و همواره بشر درصدد آن بوده که بفهمد و درک نماید، علم و دانش در زندگی انسان دارای جایگاه ویژه‌ای است. نقش علم در زندگی انسان این است که راه سعادت، تکامل و راه ساختن را به انسان می‌آموزد. علم، انسان را توانا می‌کند که آینده را آنگونه که می‌خواهد بسازد. علم مانند ابزاری در اختیار خواست انسان قرار می‌گیرد و طبیعت را آن‌چنان که انسان بخواهد و فرمان دهد می‌سازد. پیامبر اکرم (ص) پیروانش را به فراگیری علم و دانش تشویق می‌کرد. کودکان اصحابش را وادار کرد که سواد بیاموزند، برخی از یارانش را فرمان داد زبان سریانی بیاموزند. این تأکید و تشویق‌ها در باره علم سبب شد که مسلمانان با همت و سرعت بی‌نظیری به جست و جوی علم در همه جهان پرداختند، آثار علمی را هر کجا یافتند به‌دست آوردند و ترجمه کردند و خود به تحقیق پرداخته و از این راه علاوه بر این که حلقه ارتباطی شدند میان تمدن‌های قدیم یونانی و رومی و ایرانی و مصری و هندی و غیره، و تمدن جدید اروپایی، خود یکی از شکوهمندترین تمدن‌ها و فرهنگ‌های تاریخ بشریت را آفریدند که به نام تمدن و فرهنگ اسلامی شناخته شده و می‌شود. امروزه اهمیت علم و دانش بر بشریت مخفی نیست، همه مکاتب بشری و ادیان آسمانی بر کسب علم و دانش تأکید دارند و پیشرفت و ترقی در مسیر علم را افتخار آمیز می‌شمرند. لکن بدون تردید دین مبین اسلام بیش از هر دین و آیین دیگری به علم بها داده و انسان‌ها را به تعلیم و تعلم فراخوانده است. ده‌ها آیه در قرآن کریم و صدها حدیث در مجموعه ارزشمند سخنان اهل بیت عصمت (ع) در بیان اهمیت علم، جایگاه، تعریف، اقسام، شرایط و مسائل علم و آموزش و نیز مذمت جهل و آثار آن آمده است. با نگاهی گذرا به این مجموعه گرانسنگ و مقایسه آن با دیگر مکاتب، می‌توان دریافت که هیچ مکتبی این همه توصیف و تأکید، آن هم با این مضامین بلند و نورانی درباره علم ندارند.

واژه‌های کلیدی: قرآن - دانش بشری - آثار علمی - تعلیم و تعلم - مضامین بلند و نورانی - علم و دانش

مقدمه

که جهت توحیدی داشته و بر خوف و خشیت او بیافزاید. لذا قرآن کریم در آیه ۲۸ سوره فاطر می‌فرماید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ؛ از میان بندگان خدا، تنها عالمان از او می‌ترسند» و در روایات متعددی از امام صادق (ع) نقل شده است که فرمود: «كَفَى بِخَشْيَةِ اللَّهِ عِلْمًا؛ علم برای خشیت و ترس از خدا کافی است» بنابراین

نکته‌ای که نباید از آن غفلت ورزید این است که تعریف علم در مکاتب مختلف متفاوت است هرچند که وجه مشترکی نیز بین همه آنها وجود دارد؛ وجه مشترک آنها این است که همه به دانستن چیزی که انسان قبلاً نمی‌دانست، علم می‌گویند، اما اسلام تنها دانشی را علم می‌نامد



خطا نمی‌دانند. این تقسیم نیز به جهاتی مشابه آن تقسیم است. لکن آنچه مهم است این است که از دیدگاه اهل بیت (ع) هر علمی که بتوان از نگاه اسلامی علم نامید، نوری است جانب خداوند متعال که به روشن‌گری مؤمن می‌انجامد، حتی اگر این القای الهی به واسطه کسب و تلاش بنده مؤمن باشد و با هواس ظاهری به دست آمده باشد. تفصیل و توضیح اقسام علم و ویژگی‌های هر یک، بحث مستقل و مفصلی است که مجال دیگر می‌طلبد لذا ما در این نوشتار درصدد تطبیق تعریف مذکور و ویژگی‌های یادشده با اقسام علوم و علوم روز نیستیم و تنها سعی بر آن است که جایگاه علم و آموزش را از دیدگاه قرآن و روایات اهل بیت عصمت (ع) بکاویم. لذا طبیعی است که فضائل و مقاماتی که برای علم و علما در این نوشتار مورد بحث قرار می‌گیرد، مربوط به علم با تعریف اسلامی آن است. خلافت و جانشینی خدا در بین خلق، صرفاً یک مقام تشریفاتی نیست، بلکه خلیفه خدا کسی اولاً از اوامر و نواهی الهی آگاه باشد و ثانیاً توان اجرای آن در بین خلق را داشته باشد. لذا کسی که نه عرفان کامل به خداوند و اسمای او دارد و نه شناخت کافی به مخلوقات و افعال خداوند دارد، نمی‌تواند جانشین خدا در بین خلق باشد. از این رو می‌بینیم خداوند متعال وقتی می‌خواهد خلیفه بیافریند، همه اسما یعنی هر علمی که لازم خلیفه الهی است، به او می‌آموزد: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا» کسی که می‌خواهد جانشین خدا باشد، باید از همه چیز آگاه باشد؛ مثلاً رسولان خدا و مقامات و اهداف آن‌ها را بداند تا برخلاف سایر انبیا حرکت نکند و تضاد در بین آنان پیش نیاید و باید مؤمنان را از کفار بازشناسد تا در ارشادات و تشویق‌ها و تهدیدها و بشارت و انداز، دچار خطا نشود، و نیز باید همه موجودات و نیازهای آنان را بشناسد تا بتواند،

تفاوت عمده اسلام با مکاتب بشری در تعریف علم این است که اسلام علم را به‌عنوان یک واژه مقدس در جهت رشد، تعالی و سعادت بشر به‌خدمت می‌گیرد و لذا جهت‌گیری الهی را در آن شرط می‌داند و مطلق دانستن را علم نمی‌شمارد. از این رو اسلام علم را نوری می‌داند که خدا در قلب بندگانش قرار می‌دهد؛ «الْعِلْمُ نُورٌ يَقْذِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ»^۳ به‌همین دلیل است که خداوند متعال در قرآن کریم، تعلیم سحر و جادو را شیطانی و باطل معرفی کرده است؛ «وَ لَكِنَّ الشَّيَاطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ السِّحْرَ»^۴ زیرا سحر انسان‌ها را در مسیر توحید پیش نمی‌برد و از نورانیت الهی برخوردار نیست و دانشی شیطانی است. نکته بسیار جالب توجهی که در آموزه‌های دینی ما به چشم می‌خورد این است که اسلام دو نوع جهل و نادانی معرفی کرده است: یکی جهلی که در برابر علم است و دیگری جهلی که در برابر عقل است؛ در روایت معروف و مفصلی که امام صادق (ع) جنود عقل و جهل را برشمرده و ضدیت آن‌ها بیان فرمودند، علم را از جنود عقل شمرده و ضد آن را جهل دانستند و در عین حال ضد عقل را نیز جهل شمرند.^۵ بنابراین اگرچه ندانستن جهل است، لکن مهم‌تر از آن این که خلاف عقل نیز جهل است. بنابراین علم در صورتی جهل نیست که مخالف عقل و شرع نباشد. در نهج‌البلاغه، امیرمؤمنان (ع) علم را به دو قسم مطبوع و مسموع تقسیم کرده است؛^۶ علم مطبوع یعنی علمی که در طبیعت، سرشت و فطرت انسان نهاده شده است و علم مسموع یعنی علمی که با شنیدن به دست می‌آید. علما و مفسران اسلامی نیز، علم را به دو قسم موهبتی یعنی خدادادی و اکتسابی تقسیم می‌کنند^۷ و علم موهبتی را مصون از خطا و اشتباه می‌دانند و علوم انبیا را از این قسم به‌حساب می‌آورند، ولی علم اکتسابی را مصون از



تعریف علم

علم در لغت: «یافتن حقیقت چیزی» (مفردات راغب، ص ۵۸۰) و «حضور و احاطه بر شیء» (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۲۰۶). به‌عنوان معانی لغوی علم بیان شده است. علم در اصطلاح: هر شاخه‌ای از علم، تعریف خاصی از علم ارائه می‌دهد. منطقیون، فلاسفه و طبیعیون، هر کدام تصور خاصی از علم دارند و آن را به‌صورتی مناسب با آموزه‌ها و روش‌های آن علم تعریف می‌کنند. منظور ما از علم در این مباحث، علم تجربی یا همان تعریفی است که پوزیتیویست‌ها ارائه می‌دهند: «مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد.» (آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱).

اهمیت علم و دانش از منظر قرآن بر فرد

اگر گفته شود دین اسلام، دین دانش و آموزش برای زندگی سعادت‌مندان دنیوی و اخروی بشر است، سخنی بیش گفته نشده است. اهمیت علم و دانش در اسلام بقدری است که اولین کلمه‌ای که خداوند متعال بر پیامبر اکرم (ص) نازل فرمود: این بود که بود در عربی اقرأ (بخوان). جایگاه و اهمیت علم و دانش بی‌گمان ارزش انسان در آموزه‌های قرآنی به دانش است؛ از این‌روست که تسخیر فرشتگان و هستی، زمانی برای انسان شدنی شد که خداوند به انسان اسمای خویش را تعلیم داد و انسان به دانش اسمایی آگاه شد. این آگاهی هرچند به شکل آگاهی حضوری و شهودی است که از آن به دانش وجودی نیز تعبیر می‌شود؛ زیرا در جان و وجود انسان جای می‌گیرد و بخشی بلکه همه وجود وی را شکل می‌بخشد که در تعبیر مولوی: ای برادر تو همه اندیشه‌ای. مابقی جز استخوان و ریشه‌ای، به‌خوبی تبیین شده است؛ با این همه دانشی دارای ارزش است که انسان را به مقام

جانشین خدا و حکم او حکم خدا باشد. بدین‌رو در برخی احادیث اهل بیت عصمت (ع) اسماء در آیه شریفه به اسمای انبیا، ائمه، شیعیان و دشمنان و در برخی دیگر به اسمای زمین‌ها، کوه‌ها، رودها، نباتات، درختان و حیوانات تفسیر شده است. و نیز در حدیثی امام صادق علیه‌السلام که در پاسخ به سؤال از آیه شریفه با دست خود به آن سو و این سو اشاره کرده و همه‌چیز را مصداق تعلیم خداوند به حضرت آدم (ع) دانستند. همه این احادیث نشان‌گر جامعیت علم آدم (ع) است که لازمه جانشینی خدا است. در احادیث اهل بیت (ع) نیز بر وجوب طلب علم تأکید بسیار شده است. پیامبر اعظم (ص) می‌فرماید: «علم‌آموزی بر هر مسلمانی واجب است» چنین تأکیدی بر آموزش علم در حد فریضه‌ای دینی، نشانگر اهتمام ویژه اسلام به علم و دانش و زدودن جهل و نادانی از مردم است. بدین مضمون روایات متعددی در منابع بسیاری نقل شده است؛ در برخی از این احادیث، اضافاتی آمده است که نکات قابل‌توجهی در آن‌ها نهفته است. از دیدگاه قرآن کریم، این «علم» است که سبب برتری و بزرگی خلفا و جانشینان خدا است؛ هر مخلوقی که نسبت به اسما و صفات و نیز افعال خداوند، عالم‌تر باشد، و از مخلوقات او آگاهی داشته باشد، برتر و در نتیجه جانشین خدا بر خلق است. لذا خداوند متعال که در سوره بقره، طی آیات تا ۳۵ جریان خلقت حضرت آدم به‌عنوان خلیفه خدا در زمین را گزارش نموده، علم حضرت آدم را دلیل برتری او بر ملائکه دانسته و با آنان احتجاج نموده و فرموده است: «أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ؛ ۲۰ اگر راست می‌گویید، اسمای اینها را به من خبر دهید!»



قرآنی به‌کار رفته است؛ گاه به‌معنای جعل و ایجاد ظرفیت و توانایی است که به آن تعلیم اسمایی در آیه ۳۱ سوره بقره گفته شده است و گاه دیگر به‌معنای تذکر و یادآوری و یا پدیداری بستر و زمینه‌ای مناسب برای بروز و ظهور استعداد و دانش اسمایی است که در انسان به ودیعت نهاده شده است. که در دانش‌آموزی می‌توان هم از شیوه مستقیم و غیرمستقیم بهره‌برد. هرچند که بهره‌گیری از دانش مستقیم به‌جهتی که از سر منشا و سرچشمه آن گرفته می‌شود از خلوص و کمال‌زایی و کمال‌بخشی بیشتری برخوردار می‌باشد ولی این بدین‌معنی نخواهد بود که هر دانشی برای هرکسی مفید خواهد بود. بنابراین هر دانش خاص و رشدی هرچند که از مقام و سرچشمه و یا از نزدیک سرچشمه گرفته شود به این‌معنا نیست که برای هرکسی مفید و سازنده باشد. انسان دانشی را می‌بایست بجوید که برای او مفید و سازنده باشد و بتواند با توجه به آن این نشان می‌دهد که هر دانشی هرچند که برتر و از منبع بالا و خالصی برداشته شود می‌بایست از دو ظرفیت در شخص و نیز اهداف به‌کارگیری از آن برخوردار باشد تا مفید و سودمند بوده و به تعبیر بعضی دانش رشدی باشد. دانش به‌معنای دانه اندیشه و دانشجوی، پاشیدن این دانه در ذهن انسان است. هر داده دانشی، کلید رازی از چیستان‌های طبیعت است که پرده از روی پدیده پنهانی برمی‌دارد و ما را با پیوندی میان دو یا چند چیز آشنا می‌کند. برای نمونه، دانستن این نکته که آتش آب را گرم می‌کند و به جوش می‌آورد، دانه ای دانشی است که در ذهن کسی که برای نخستین بار با آن آشنا می‌شود، کاشته می‌شود (قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۵۶). این دانه اندک اندک در ذهن پرورش می‌یابد و بارور می‌شود و پیوندهای تازه‌ای میان آب و آتش آشکار می‌کند؛

خودش بازگرداند و از مقام هبوط به عروج رساند و صعود دوباره‌ای را از خاک به عرش افلاک برین تا عرش سدره‌المنتهی آغاز کند. از این‌روست که قرآن ارزش و اعتبار آدمی را به دانش اسمایی دانسته است که دانش توانایی و ظرفیت به همه آن چیزهایی است که خداوند را به خداوندی متصف ساخته است. آدمی با دانش اسمایی می‌تواند به کمال مطلق برسد (معجم مقاییس اللغة، ج دو، ص ۳۵۵). تفاوت اسما و صفات در خداوند با انسان در این است که اسما در خداوند عین ذات و ازلی و ابدی است و در انسان عین ذات نیست بلکه به شکلی عارض ذات و عنایت الهی است. با این همه این انسان است که می‌تواند با دانش خویش به‌جایی برسد که کسی در هستی بدان دست‌نیافته است. سخن را با این پرسش آغاز می‌کنیم نیازهای علمی انسان که اگر انسان همه اسمای الهی را به جعل تعلیمی دانسته و داراست، چه لزومی دارد تا آن را بیاموزد و به این دانش داشته دست یابد؟ اصولاً آیا پذیرفتنی است که انسان چیزی را که خود داراست دوباره بجوید و بخواهد؟ به‌نظر می‌رسد که این پرسش به‌جهت مهمی اشاره داشته است. از این‌رو سخن گفتن از دانش‌آموزی به‌معنای یادگیری سخنی نادرست است؛ زیرا انسان همان‌گونه که نمی‌تواند چیزی را که داراست بجوید و بخواهد هم‌چنین نمی‌تواند چیزی که اصلاً ندارد را بخواهد و بجوید. از این‌رو دانش‌آموزی نیز چیزی جز به فعلیت آوردن و یا آوردن و تذکر آن دانش اسمایی نیست که در نهاد و سرشت انسان وجود دارد. به بیان دیگر می‌توان مدعی شد که دانش چیزی جز تذکر و یادآوری و رهایی از غفلت و دانش‌آموزی نیز چیزی جز یادآوری نیست (مجمع‌البحرین، ج ۳، ص ۴۷۳، و الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۲۲۰). بنابراین آموزه و تعلم به دو معنا در آیات



انگیزه‌های انحراف را در اختیارشان قرار نداده است. و از طرف دیگر حیوانات را آفریده که تنها از غرایز و کشش‌های حیوانی خویش پیروی نمایند و از نیروی عقل و اندیشیدن همچون انسان محروم می‌باشند. اما انسان را آفریده و از یک طرف به او توانایی تعقل و اندیشیدن را داده و از طرف دیگر انگیزه‌ها و اسباب خواسته‌های نفسانی و حیوانی را در اختیارش قرار داده است. و به همین خاطر دو نیروی درونی عقلانی و خیرخواهی، نفسانی و شرارت، هر یک او را به طرف خویش می‌کشانند. و در همین ارتباط است که قرآن به نقش و منزلت علم در جهت تقویت جنبه عقلانی و خیرخواهی انسان اشاره نموده و می‌فرماید. بدین معنی که تنها عالمان و آگاهانی که به مقام و منزلت خداوند آگاهی راستینی دارند، هراس (انحراف از دین او را) در دل دارند. قرآن در حرمت نهادن به علم و علما و بلندی بخشیدن منزلت صاحبان علم و اندیشه پیشگام و پرچمدار همه کتاب‌های ادیان آسمانی است. یکی از ویژگی‌های علم و دانش دوام و ماندگاری منافع آن است. و اجر و پاداش آن هم حتی پس از مرگ برای انسان همچنان ادامه پیدا خواهد کرد (مفردات راغب، ص ۴۱۲). کسی که علم سودمندی را به دیگری می‌آموزد و نسخه‌برداری می‌نماید پاداش خود و پاداش همه کسانی که آن را می‌آموزند یا نسخه‌برداری می‌کنند و آنهایی که به آن پس از او عمل می‌کنند، تا زمانی که آن علم باقی می‌ماند و به آن عمل می‌شود، پاداش نویسنده و نقل‌کننده آن باقی خواهد ماند. از این جهت علم و دانش بر عبادت برتری داده شده که منافع علم شامل عالم و دیگران نیز می‌شود، و منافع عبادت منحصر به خود عبادت‌گذار است. آدمی تمایل دارد که هرچه را ممکن است بداند و بفهمد، زیرا کنجکاو زاده شده است. کنجکاو انسان از کنجکاو هر موجود زنده دیگر کامل‌تر

این‌که با آتش می‌توان یخ را آب کرد و آب را به جوش آورد و میکروب‌ها و باکتری‌های آن را کشت و آن را بی‌خطر ساخت و نیز گوشت‌ها، میوه‌ها و سبزیجات سفت را در آن آب نرم کرد و یا پخت و هم با آب آتشناک، آلودگی‌ها را زدود و نیز فضای بسته‌ای را گرم کرد و با کاربرد آب و آتش، ماشین بخار ساخت و هزار و یک. این گونه، دانش، ابزار پیروزی انسان بر طبیعت می‌شود و سازگاری بیشتر را فراهم می‌کند. وی آن را بازسازی و بازپردازی می‌نماید تا در راستای نیازهای خود شکل دهد. این همه را گفتم تا بگویم که دانش، ترجمه فارسی علم نیست و این دو از دو دیدگاه گوناگون برآمده‌اند. علم، یعنی فراگیری و آموختن آنچه در آئین‌نامه دین آمده است؛ یعنی دانستن دانسته‌هایی که در چند کتاب حدیث و روایت آمده است. اما دانش کنکاشی همواره در راه واگشایی راز پدیده‌های نو گونه است. با این حساب، پرسش است که چرا فرهنگی که تعریفی به این زیبایی از دانش دارد و دانایی را مایه آگاهی و توانایی می‌داند، این‌گونه با دانش بیگانه است؟ دانش چه به صورت دانش لدنی و یا واسطه‌ای به دست آید نیازمند تلاش و کوشش بسیار است و دانش‌آموز می‌بایست رنج‌های بسیار برد که از آن جمله می‌توان به رنج سفر راحتی و کسب دانش موردنظر به دست آورد. روش تعلیم می‌بایست با توجه به نوع دانش و نیز کاربرد آن تغییر یابد. از این رو ما با روش‌های مختلفی در دانش‌های گوناگون روبه‌رو هستیم. از آن جمله نیز می‌توان به روش مشاهده و بررسی شیوه زندگی جانوران و حیوانات برای آموختن تجربیات در زندگی و همراهی در عمل و همکاری با استناد آن یاد گرفت (لسان العرب، ج ۱۰، ص ۲۶؛ قاموس المحيط، ج ۲، ص ۱۵۶). می‌دانیم که خداوند ملائکه را از نور آفریده و به آنان عقل و نیروی فرمانبرداری داده، اسباب و



یک اصل و اساس تکیه کند و اگر عملی از پشتوانه‌ی نظری و عملی برخوردار نباشد فاقد ارزش است. دستورالعمل قرآنی این است: وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ بِكَ مِنْهُ مِنْ عِلْمٍ فَتُحَدِّثَ بِهِ مِنْهُ لَئِنْ كُنْتُمْ مِنْهُمْ فَتَرْكَبُوا فِيهَا وَيُنَادِيهِمْ فِيهَا الَّذِينَ يَكْفُرُونَ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ (سوره بقره، آیه ۱۷۰). دانش و آن‌گاه مبادرت به عمل ورزید. درخصوص تحصیل، تدریس، کار و حرفه، رفتار فردی و اجتماعی در تمام شئون زندگی در مرحله اول باید «شناخت» و «معرفت» لازم را کسب کرد و ارزش عمل نامعلوم است. وقتی عمل بر اساس علم دقیق و معرفت شایسته صورت نگرفت سعادت آدمی به‌خطر خواهد رفت (البرهان فی علوم القرآن، ج یک، ص ۱۰۴).

بهترین علم از نظر اسلام

در مورد اینکه از نظر اسلام چه علمی باید آموخت چند نظریه وجود دارد: نظریه اول: منظور اسلام از علم، علوم دینی است. ممکن است کسی بگوید مقصود از همه این تأکید و توصیه‌ها، علم خود دین است. یعنی همه به این منظور گفته شده است که مردم به خود دین عالم شوند و اگر نظر اسلام از علم، علم دین باشد در حقیقت به خودش توصیه کرده و درباره علم به معنی اطلاع بر حقایق کائنات و شناختن امور عالم چیزی نگفته و اشکال به حال اول باقی می‌ماند، زیرا هر مسلکی هر اندازه هم ضد علم باشد و با آگاهی و اطلاع و بالارفتن سطح فکر و معلومات مردم مخالف باشد، با آشنایی با خودش مخالف نیست، بلکه خواهد گفت با من آشنا باشید و با غیر من آشنا نباشید (تفسیرالمیزان، ج ۱، ص ۴). پس اگر منظور اسلام از علم، خصوص علم دینی باشد باید گفت موافقت اسلام با علم صفر است و نظر اسلام درباره علم منفی است. برای کسی که درست با اسلام و منطق اسلام آشنا باشد جای

و پایدارتر است. رضایت آدمی در فرونشاندن این کنجکاوی، همراه با توانایی او در به‌خاطر آوردن، استدلال کردن و ارتباط دادن، به پیدایش فرهنگ کامل، و از جمله علم منجرشده است (تفسیر مجمع البیان، ج یک، ص ۳۹). بنابراین می‌توان گفت که از همان زمانی که انسان پای به این جهان گذاشته است، علم نیز به‌وجود آمده و با رشد فکری بشر، علم تکامل یافته است. هرگاه خداوند بخواهد به کسی خیر برساند او را فقیه و دانای در دین نموده و راه رشد و نجات را به او الهام کرده است. دانش عبارت است از مجموعه دانستنی‌هایی که بشر برای زندگی خود از آنها بهره می‌گیرد. در زمان‌های قدیم دانش بشر محدود بود و گاهی حتی یک نفر می‌توانست بیشتر دانش بشری را در حافظه خود جای دهد. اما به تدریج با رشد معلومات، دانستنی‌های بشر طبقه‌بندی شدند و حوزه‌های مختلف و تخصصی دانش شکل گرفت. علم (واژه‌ای عربی از ریشه علم به معنای آموختن) ساختاری است برای تولید و ساماندهی دانش درباره جهان طبیعی در قالب توضیح‌ها و پیش‌بینی‌های آزمایش‌شدنی. ارسطو علم را مجموعه‌ای از آگاهی‌های قابل اتکا می‌داند که از لحاظ منطقی و عقلانی قابل توضیح باشند (الاتقان فی علوم القرآن، ج ۲، ص ۱۹۰). بشر فطرتاً دانش دوست و جستجوگر و حقیقت جوست و از طرفی اهمیت و ارزش تحصیل علم و دانش از نظر قرآن و احادیث و بزرگان دین و علم بر هیچ‌کس پوشیده نیست. علم و دانش برای انسان اهمیت زیادی دارد و او را از جهت روحی و معنوی اشباع می‌کند. چون افکار انسان در سطح عالی قرار می‌گیرد و نتیجه‌ی آن نجات خود و جامعه از گمراهی و سیاه بختی است (روش شناسی تفسیر قرآن، ص ۹). سخن دیگر ما در این زمینه این است که بالاخره ما در هر لحظه با عمل سر و کاری داریم. عمل نیز باید به



گفتار و سیرت آنها برای ما سند است. همان‌طوری که می‌دانیم از اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم هجری مسلمین با علوم جهان آشنا شدند و انواع علوم را از یونان و هند و ایران ترجمه کردند. و از طرفی می‌دانیم ائمه اطهار (ع) از انتقاد و خرده‌گیری به کارهای خلفا کوتاهی نمی‌کردند، کتاب‌های ما پر است از این انتقادهای. اگر بنا بود که نظر اسلام درباره علم نظر منفی و مخالف بود و علم خراب‌کننده و منهدم‌کننده دین می‌بود، ائمه اطهار (ع) این عمل خلفا را که دستگاه وسیعی از مترجمین و ناقلین به‌وجود آورده بودند و انواع کتب نجومی، منطقی، فلسفی، طبی، حیوان‌شناسی، ادبی و تاریخی ترجمه شد انتقاد می‌کردند، همان‌طوری که بعضی کارهای دیگر خلفا را شدیداً مورد انتقاد قرار دادند (التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ص ۲۰۶).

منطق قرآن درباره علم

گذشته از همه اینها منطق خود قرآن درباره علم به‌شکلی است که قابل تخصیص و اختصاص نمی‌باشد. قرآن علم را نور و جهل را ظلمت می‌داند، می‌فرماید مطلقاً نور بر ظلمت ترجیح دارد. قرآن صریحاً مسائلی را به‌عنوان موضوع مطالعه و تفکر پیشنهاد می‌کند. این موضوعات همان‌هاست که نتیجه مطالعه آنها همین علوم طبیعی و ریاضی و زیستی و تاریخی و غیره است که امروز در دنیا می‌بینیم. همچنین در سوره بقره آیه ۱۶۴ می‌فرماید: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاجْتِماعِ الْمَوْتِ وَالتَّوَالُفِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَکِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَاعْرَاضِ اللَّيْلِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (آموزش فلسفه، ج ۱، ص ۶۱). در آفرینش

این احتمال نیست که بگویند نظر اسلام درباره علم منحصرأ علوم دینی است. این احتمال فقط از ناحیه طرز عمل مسلمین در قرن‌های اخیر که تدریجاً دایره معلومات را کوچکتر کردند و معلومات خود را محدود کردند پیدا شده، و الا آنجاکه می‌فرماید: حکمت گمشده مؤمن است پس آن را به چنگ آورید ولو اینکه بخواهید از دست مشرکان بگیری، معنی ندارد که خصوص علوم دینی باشد. مشرک را با علوم دین چکار؟ یا در جمله «اطلبوا العلم و لو بالصین»، چین به‌عنوان دورترین نقطه و یا به اعتبار اینکه در آن ایام یکی از مراکز علم و صنعت جهان بوده یاد شده. قدر مسلم این است که چین نه در آن زمان و نه در زمان‌های دیگر مرکز علوم دینی نبوده است. گذشته از همه این‌ها در متن سخنان رسول اکرم تقیید و تحدید و تفسیر شده که مقصود چه علمی است، اما نه تحت‌عنوان اینکه فلان علم باشد یا فلان علم، بلکه تحت‌عنوان علم نافع، علمی که دانستن آن فایده برساند و ندانستن آن ضرر برساند (البیان، ص ۳۹۷). نظریه دوم: منظور از علم، هر علم نافع است. هر علمی که متضمن فایده و اثری باشد و آن فایده و اثر را اسلام به رسمیت بشناسد یعنی آن اثر را اثر خوب و مفید بداند آن علم از نظر اسلام خوب و مورد توصیه و تشویق است. پس حسابش روشن است، باید دید اسلام چه چیز را فایده و چه چیز را ضرر می‌داند. هر علمی که هدفی از اهداف فردی یا اجتماعی اسلام کمک می‌دهد و ندانستن آن، سبب اخلال در زندگی مسلمان‌ها شود، آن علم را اسلام توصیه می‌کند و هر علمی که در منظوره‌های اسلامی تأثیر ندارد اسلام درباره آن علم نظر خاصی ندارد، و هر علم که تأثیر سوء دارد با آن مخالف است. سیره ائمه دین درباره علما شیعه هستیم و ائمه اطهار -علیهم السلام- را اوصیای پیغمبر اکرم (ص) می‌دانیم.



بحث آن نیست. اینها همه قرائنی است که نشان می‌دهد نظر اسلام منحصرأ علوم دینی نیست. از قدیم این مطلب مطرح بوده که آیا منظور اسلام از علمی که آن را فریضه و واجب خوانده چیست؟ و هر دسته‌ای خواسته‌اند کلام پیغمبر(ص) را به همان رشته معلوماتی که خودشان داشته‌اند تطبیق کنند. متکلمین می‌گفته‌اند مقصود خصوص علم کلام است، مفسرین می‌گفته‌اند مقصود علم تفسیر است، محدثین می‌گفته‌اند مقصود علم حدیث است، فقها گفته‌اند مقصود علم فقه است که هرکسی باید یا مجتهد باشد یا مقلد، علمای اخلاق گفته‌اند مقصود علم اخلاق و اطلاع از منجیات و مهلکات است، متصوفه می‌گفته‌اند مقصود علم سیر و سلوک و توحید عملی است، غزالی بیست قول در این زمینه نقل می‌کند، ولی همان‌طور که محققین گفته‌اند مقصود هیچ‌یک از این علوم بالخصوص نیست. اگر مقصود علم خاص می‌بود پیغمبر (ص) به‌همان علم تصریح می‌کرد. مقصود هر علم مفید و سودمندی است که به‌کار می‌خورد (غزالی ابو حامد، ۱۴۱۱، ص ۲۹۶ نیز: ج ۳، ص ۱۳۵).

علم نافع

در نگاه اسلامی، علمی که نفع ندارد، مطلوب نیست؛ حتی بزرگان معصوم (ع) از این علم به خدای سبحان پناه برده‌اند. از رسول خدا (ص) روایت است که فرمود: «اللهم اعوذبک من علم لا ینفع» و از علی (ع) روایت است که فرمود: «خیری نیست در دانشی که سود ندارد». امام کاظم (ع) ماجرای را از رسول خدا (ص) نقل کرده است که بسیار شایان توجه و تأمل است. امام (ع) می‌فرماید: دخل رسول الله (ص) المسجد فاذا جماعة قد اطاوا برجل. «ما هذا؟» فقیل: «علامة» قال: «و ما العلامة؟» قالوا: «علم الناس بانساب العرب و وقائعها و ایام الجاهلیة و

آسمان‌ها و زمین، در گردش شب و روز، در حرکت کشتی بر روی آب که به‌وسیله آن بشر منتفع می‌گردد، آمدن و ریزش باران که سبب حیات زمین می‌گردد، حیواناتی که در روی زمین در حرکت‌اند، گردش بادها و حالت مخصوص ابرها که در میان زمین و آسمان معلق‌اند، در همه اینها نشانه‌های قدرت و حکمت پروردگار است. یعنی همه اینها قوانین و نظاماتی دارند و شناختن این نظامات شما را به توحید نزدیک می‌کند. قرآن صریحاً مردم را به مطالعه در این امور توصیه کرده و می‌دانیم مطالعه همین‌هاست که منجر به علم فلک و ستاره‌شناسی، زمین‌شناسی، دریاشناسی، علم کائنات جویه، حیوان‌شناسی و غیره شده است. همچنین در سوره جاثیه آیه ۲ و سوره فاطر آیه ۲۵ و بسیاری آیات دیگر. قرآن کتابی است که اولین مرتبه که نازل شد سخن خود را با خواندن، علم و کتابت آغاز کرد. وحی قرآن با تذکر اینها آغاز گشت: «إقرأ باسم ربك الذی خلق، خلق الانسان من علق، إقرأ و ربك الاکرم، الذی علم بالقلم» بخوان به نام پروردگارت، آنکه آفرید، انسان را از خون بسته آفرید. بخوان و پروردگار تو کریم‌ترین کریمان است که آموخت نوشتن با قلم را (علق، ۱-۴). (عرجون، ۱۹۹۶، ص ۲۵۷).

توحید و علم

اسلام دینی است که با توحید آغاز می‌گردد و توحید مسأله‌ای است عقلی که تقلید و تعبد در آن جایز نیست، حتماً باید تعقل و استدلال در آن باشد. اینها موضوعاتی است که قرآن برای مطالعه عرضه می‌دارد. و اما اینکه مسلمین کمتر موفق شدند در این موضوعات به مطالعه بپردازند و بیشتر مطالعات خود را موضوعاتی قرار دادند که هیچ‌گونه توصیه‌ای از طرف قرآن نشده مطلب دیگری است و علل خاصی دارد که فعلاً جای



بلند است، آدمی را به بهره‌گیری از برترین و بهترین علوم توصیه می‌کند و می‌فرماید: «العلم اکثر من ان یحصی. فخذ من کل شیء احسنه». علم افزون از آن است که به‌شمارش آید. پس هر دانشی را که بهتر است، فراگیرید. علی (ع) نیز در روایتی برای باز نمودن این حقیقت، از زنبور عسل یاد می‌کند که بهترین اجزای گل را برمی‌گزیند و از آن دو چیز نفیس می‌سازد: یکی عسل که شفای آدمیان است و دیگر موم که مردم از آن نور می‌گیرند. همچنین، امام کاظم - علیه السلام - درباره شایسته‌ترین علوم می‌فرماید: «اولی العلم بک ما یصلح لک العمل الا به و اوجب العمل علیک ما انت مسؤول عن العمل به، و الزم العلم لک ما ذلک علی صلاح قبلك و اظهر لک فساد، و احمد العلم عاقبة ما زاد فی عملک العاجل فلا تشتغلن بعلم ما لایضرک جهله و لاتغفلن عن علم ما یزید فی جهلک ترکه» شایسته‌ترین علم برای تو آن است که عمل تو جز بدان اصلاح نشود، و واجب‌ترین عمل برای تو آن است که در برابرش از تو بازخواست می‌کنند و لازم‌ترین علم برای تو علمی است که قلب تو را به صلاح آورد و فساد قلب را برای تو آشکار سازد، و فرجام آن علمی نیک‌تر است که بر عمل دنیای تو بی‌فزاید (طنطاوی جوهری، ۱۳۵۰ ه، ج ۲، ص ۲۰۷).

پس خود را به علمی مشغول مساز که ندانستن آن، زیانت نمی‌رساند و از علمی غافل مشو که ندانستن آن، بر نادانیات می‌افزاید. از نبی خاتم (ص) روایت است که فرمود: «العلم علمان: علم الادیان و علم الابدان». این روایت حتی اگر در مقام حصر مطلق نیز نباشد، باز هم از دو دسته علم با تایید و ترغیب یاد می‌کند: علم ابدان و علم ادیان. یکی به جنبه جسمانی انسان می‌پردازد و دیگری به بعد روحانی و معنوی او توجه دارد. یکی برای سلامت جسم است و

بالاشعار العربیة» فقال النبی (ص) «ذلک علم لایضر من جهله، و لاینفع من علمه» (میزان الحکمة، ح ۱۴۱۱۴ به نقل از مالی صدوق، ۱۳/۲۲۰). روزی رسول خدا (ص) به مسجد آمد گروهی را دید که پیرامون مردی گرد آمده‌اند. پرسید: «این کیست؟» گفتند: «علامه است» فرمود: «در چه چیز علامه است؟» گفتند: «داناترین مردم به انساب و وقایع عرب است و بیشتر از همه به روزهای مهم جاهلیت و اشعار عربی آگاه است» پیامبر (ص) فرمود: «این را اگر کسی نداند، زیان نمی‌کند و کسی که می‌داند، نفعی نمی‌برد» علم انساب برای نظام جاهلی عرب، که بر مدار روابط خویشی و عشیره‌ای سازمان می‌یافت، نفعی عظیم داشت و آن نظام بدون این علم استمرار نمی‌یافت؛ ولی اسلام نظام اجتماعی نوینی را بنیاد نهاد که بر اساس تبارنامه آسمانی و الهی انسان شکل می‌گرفت. اسلام همچنان که با نظام جاهلی عرب به ستیز پرداخت، با دانش‌ها و فنون و ابزارهایی نیز که به آن نظام خدمت می‌کردند، به مبارزه پرداخت. به‌همین دلیل، از علم الانساب، که بنیان‌های فرهنگی و نظام جاهلی را حفظ می‌کرد و به دیگران انتقال می‌داد، استقبال نکرد و آن را دانشی مفید ندانست. ترویج علم الانساب در صدر اسلام نسبت‌های جاهلی را همچنان در یاد و خاطر مردم عرب زنده نگاه می‌داشت و ترک آن به مصداق «ان الباطل تموت بترک ذکره» موجب زوال آن فرهنگ می‌شد. پیامبر اسلام (ص) - علم الانساب را برای محیط اسلامی در روزهای نخستین، که اعراب هنوز با عواطف و روابط جاهلی مانوس بودند، دانشی بومی نمی‌دانست و دانش‌های دیگری را برای فرهنگ اسلامی ضروری و نافع می‌شمرد (الرومی فهد بن عبد الرحمن، ۱۹۸۶، ج ۲، ص ۶۳۹-۶۳۸). رسول اکرم (ص) ضمن بیان این که علم دارای دامنه‌ای



کسی که عالم است با کسی که نمی‌داند برابر است؟»، (زمر، آیه ۹). پیامبر اسلام (ص) در مقام ارزش‌گذاری به علم می‌فرماید: طلب العلم فریضه علی کل مسلم الا ان الله یحب بغاه العلم؛ دانش‌آموختن بر هر مسلمانی واجب است همانا خدا، طلب کنندگان دانش را دوست دارد»، (اصول کافی، ج ۱، کتاب فضل العلم، ح ۱، ص ۳۵). از نظر قرآن و روایات، علم وسیله است نه هدف؛ آن‌هم وسیله‌ای که انسان را به کمال می‌رساند و دنیا و آخرت او را آباد می‌کند. گفتنی است که ارزش هر علم به ارزش موضوع آن علم است و در این جهت علوم الهی و دینی - با توجه به موضوع آن - از سایر علوم اشرف و برتر است؛ ولی این بدین معنا نیست که علوم دیگر بی‌اهمیت و بدون ارزش است و علم نیست. گرایش به یادگیری علوم به انگیزه‌های مختلف صورت می‌گیرد و به‌طور معمول نیازهای اولیه حیاتی و طبیعی و محسوس جاذبه‌های بیشتری برای انسان‌ها دارد. لذا برای فراهم‌سازی بیشتر آسایش و تسلط بیشتر بر طبیعت، گرایش‌های مختلف علمی و تخصص‌های فراوان به‌وجود آمده است. اما تنها وارستگان و ژرفاندیشان هستند که فراتر از نیازهای اولیه طبیعی و محسوسات به ارتباط نهانی دانش‌ها و ارتباط جهان هستی با آفریننده آن فکر می‌کنند و از هدفمندی این همه جنب و جوش‌ها سخن به میان می‌آورند. مهمترین رسالت دین ایجاد انگیزه فراطبیعی در میان انسان‌ها و جهت‌دهی صحیح به تلاش‌های روزانه است به‌طوری‌که علاوه بر تأمین نیازهای روزمره زندگی، به هدفمندی و تلاش برای دستیابی به مقصود هستی اقدام کند. از این‌رو در فرهنگ اسلامی تمام دانش‌های موردنیاز برای زندگی بشری دارای اهمیت است و توصیه شده به مقدار لازم و نیاز جامعه، مردم برای فراگیری آن اقدام کنند و از آن به «واجب کفایی» تعبیر

دیگری سلامت روح است هر دو علم گرچه مهم و لازم‌اند، اما آن علم که سلامت جان و قلب را تأمین می‌کند، در دیدگاه اسلام مهم‌تر است. در برخی روایات، معرفت نفس سودمندترین معرفت‌ها دانسته شده و در برخی دیگر، توحید، ارزشمندترین گزاره شناخته شده است و در برخی دیگر، معرفت نفس با معرفت رب، قرین و همنشین شده است. اسلام به موازات در هم شکستن مناسبات و روابط خونی و قبیله‌ای جاهلیت، به تحکیم مناسبات و روابط الهی انسان می‌پردازد و به دانشی که نسب‌نامه آسمانی آدمی را تبیین می‌کند، ارجح می‌نهد. از این‌رو، معرفت نفس و توحید، در فرهنگ اسلامی، همان نقشی را دارند که علم‌الانساب در فرهنگ جاهلی عرب داشته است (شریف، محمد ابراهیم، اتجاهات التجدید فی التفسیر القرآن فی مصر، قاهره، دار التراث، ص ۷۰۹). توحید برای زاد بوم دینی آدمی، معرفتی نافع و ضروری است و علم‌الانساب نیز در جغرافیای فرهنگی جاهلیت عرب، علمی لازم و ضروری بوده است. علم‌الانساب و توحید هر دو علم‌اند، ولی هر یک به اعتبار موضوع و متعلق خود، برای محیط اجتماعی و فرهنگی ویژه‌ای نقش کلیدی و ضروری دارند. هر محیط فرهنگی، در نظام اجتماعی خود، به دسته‌ای علوم نیازمند است و دیدگاه‌های مختلفی که از حقیقت و هویت علم دارد، در این داوری مشترکند، یعنی اگر ما از دیدگاه پوزیتیویستی نیز به علم بنگریم، باز هم خواهیم پذیرفت که علم دامنه‌ای بلند دارد و هر فرد و جامعه‌ای می‌تواند دانش متناسب با زاد و بوم خود را برگزیند. البته بومی‌شدن علم، به لحاظ موضوع، در برخی دیدگاه‌ها اهمیت بیشتری دارد. اهمیت و عظمت مقام علم؛ در حدی است که خداوند در قرآن به پیامبرش دستور می‌دهد: «قل هل یتوی الذین یعلمون والذین لا یعلمون...؛ ای پیامبر بگو: آیا



معلوم سایر علوم برتر و اشرف است و هر علمی به اندازه معلوم خود ارزش دارد و روشن است که کسب معرفت و جهان‌بینی و خداشناسی منحصر به یک رشته نیست. شخصی ممکن است از علم شیمی آن‌چنان خدا را بشناسد که از مطالعه کتاب‌های دینی نشناسد- پس آن چه مهم است شناخت کیمیای هستی است- البته باید پذیرفت بعضی از علوم و رشته‌ها به این هدف نزدیک‌تر و کم واسطه‌ترند. در غیر این صورت از علوم مختلف به‌عنوان فضل نام برده‌شده نه کمال. بنابراین دروس دانشگاهی که در جهت حل مشکلات علمی و گسترش علمی افراد و جامعه خاص بر می‌دارد نه تنها علم لاینفع نیست بلکه علمی هستند که در خدمت به جامعه و مردم است و کسی که به قصد کمک به مردم و کسب رضایت خداوند و خدمت‌رسانی به افراد جامعه به تحصیل آن علوم بپردازد، نه تنها پسندیده بلکه در برخی موارد بر افراد این تحصیل واجب می‌شود (ابو جعفر، ۱۹۹۱، ص ۱۰۷). مثلاً آنجاکه حل مشکلات مردم و اداره جامعه متوقف بر تحصیل فلان علم باشد. نکته دیگر آن است که راه تحصیل علوم اسلامی و آشنایی با آنها از راه مطالعه کتاب‌ها و استفاده از نرم‌افزارهایی که در دسترس همه هست که می‌توان در کنار تحصیل در رشته مورد علاقه با مبانی اعتقادی و ارزشی اسلام هم آشنا شد. هرکس باید وظیفه خود را بشناسد و ببیند از چه راهی بهتر می‌تواند خدمت به جامعه کند، از همان راه وارد شود. نمی‌شود که همه در علوم اسلامی متخصص شوند باید در همه رشته‌های موردنیاز متخصص وجود داشته باشد. اگر انگیزه انسان از تحصیل انگیزه درستی باشد و به قصد انجام وظیفه و گره‌گشایی از کار مردم باشد این تحصیل در هر رشته‌ای باشد مقدس است و اجر فراوان دارد (الفخر الرازی، ج ۴، ص ۲۳۸).

شده است (زرکشی، ۱۹۵۷، ج ۲، ص ۱۵۴). اما برای همه انسان‌ها در هر مرتبه علمی که قرار دارند توجه به هدف و هدفمندی جهان و ایمان به مبدأ و معاد لازم و «واجب عینی» شمرده شده است و غفلت اکثریت جامعه بشری جای تأسف دارد زیرا حتی از علوم تجربی و مهندسی نیز می‌توان به آن هدف مقدس دست‌یافت و منافاتی با زندگی روزمره ندارد، لذا از نظر قرآن و روایات، علم وسیله است نه هدف؛ آن هم وسیله‌ای که انسان را به کمال می‌رساند و دنیا و آخرت او را آباد می‌کند. گفتنی است که ارزش هر علم به ارزش موضوع آن علم است و در این جهت علوم الهی و دینی- با توجه به موضوع آن- از سایر علوم اشرف و برتر است؛ ولی این بدین معنا نیست که علوم دیگر بی‌اهمیت و بدون ارزش است و علم نیست. در نگاه کلی قرآن، هر علمی که انسان را به دنیاپرستی سوق دهد و به چنگال مادیات بسپرد و فهم و شعور او را به طرف خواب و عیش و نوش بکشاند هدف نهایی او را تنها وصول به مادیات قرار دهد، چیزی جز ضلالت و گمراهی نیست (الفخر الرازی، ج ۴، ص ۲۳۸). در قرآن کریم آمده است: «ذلک مبلغهم من العلم ان ربک هو اعلم بمن ضل عن سبیلہ؛ این آخرین حد آگاهی آنها است و خداوند به حال آن‌که از راه حق گمراه شده آگاه است»، (نجم، آیه ۳۰). پس علوم غیردینی نیز می‌تواند نقش‌آفرین بوده و موجبات سعادت آدمی را فراهم کند. این در صورتی است که هدف تلقی نشود، بلکه وسیله پیشرفت و رسیدن به کمال باشد. از طرف دیگر علوم دینی نیز اگر طالب آن قصد رسیدن به دنیا را داشته باشد، موجب بدبختی انسان می‌شود. خلاصه این‌که علمی که در روایات و آیات بر آن تأکید شده و از آن تمجید گشته و به‌عنوان اشرف علوم محسوب می‌گردد علم خداشناسی است زیرا معلوم این علم از



تطبیق یافته‌های علمی با قرآن

قرآن نه فقط یک کتاب بلکه، یک معجزه است، که نشانه صدق پیامبر (ص) می‌باشد، از این رو اعجاز قرآن از همان اوایل ظهور اسلام مورد توجه مسلمانان و مخالفان آن‌ها قرار گرفت. پس از آشنایی مسلمانان با علوم یونان و انطباق قرآن با علوم تجربی که از قرن دوم هجری شروع شد و به زودی جای خود را به عنوان یک روش تفسیر قرآن باز کرد بسیاری از مفسران، فلاسفه، متکلمان و محدثان به آن روی آوردند. در قرن اخیر، جوامع اسلامی توجه بیشتری به این روش تفسیری کردند، تا آنجا که بسیاری از روشنفکران و مفسران و حتی متخصصان علوم تجربی نیز به تفسیر آیات قرآن به وسیله علوم تجربی و همچنین اثبات اعجاز علمی قرآن روی آوردند، هر چند هدف هر گروه یا فردی از این نوع تفسیر با دیگران تفاوت داشت. ظاهر آیات قرآن بر تمام علوم بشری با تمام فرمول‌ها و جزئیات آن دلالت ندارد، بلکه در قرآن اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و عرضی است. لذا همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست و به طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است (حنفی احمد، التفسیر العلمی للآیات الکوئیه، ص ۴۳۷). چراکه مثال‌های علمی قرآن، راه قرآن را در زمینه خداشناسی هموار می‌کند؛ و چون هدف قرآن، بیان آیات الهی و توجه دادن مردم به جلوه‌های فیض و قدرت الهی است تا مردم را بیشتر متوجه خدا کند که این مطلب از راه ذکر مثال‌های علمی و آیات الهی در آسمان‌ها، زمین، دریاها و عجایب خلقت انسان تأمین شده است. از این رو احتیاجی به ذکر فرمول‌ها و تفصیل هر مطلب نیست بلکه اشاره ضمنی کافی است. قرآن کریم، معجزه آخرین پیامبر الهی حضرت محمد (ص) است که برای راهنمایی انسان‌ها نازل گردید. قرآن به زبان عربی و فصیح بر پیامبر

اسلام (ص) فرو فرستاده شد و حتی مردم عادی به راحتی آن را درک می‌کردند و از آن بهره می‌بردند و در مواقعی که هدف و مقصود یک آیه روشن نبود به آسانی از طریق پیامبر (ص) مشکل حل می‌شد (طالقانی، ۱۳۳۴؛ ص ۷۶). اما این دوران طلایی دیری نپایید و پیامبر (ص) از بین مسلمانان رحلت کردند. این جا بود که احتیاج به تفسیر و تبیین قرآن آشکار شد. به ویژه که هر سال بر تعداد مسلمانان در سرتاسر جهان افزوده می‌شد و هزاران نفر با هزاران سؤال و فکر جدید با اسلام و مسلمانان روبرو می‌شدند. از این رو مسلمانان به دنبال اصحاب و یاران و اهل بیت پیامبر (ص) رفتند و از آن‌ها تفسیر قرآن را خواستند. شیعیان به دنبال امام علی (ع) و اهل بیت (ع) ثقل اصغر شتافتند تا از سرچشمه زلال قرآن سیراب شوند و به عنوان فرق دیگر اسلامی نیز هر کدام به دنبال یکی از اصحاب پیامبر (ص) حرکت کردند. بدین ترتیب راه‌های گوناگونی برای تفسیر قرآن ارائه شد. و در نتیجه علم تفسیر پدید آمد. بنابراین علمی از همان سده‌های نخستین شروع شد و تاکنون ادامه دارد (شهرستانی، اسلام و هیئت، ص ۱۱۰).

معنای اصطلاحی تفسیر علمی «انطباق قرآن با علوم تجربی»

این واژه مرکب از دو واژه علم و تفسیر است؛ «تفسیر» همان برداشتن پرده و حجاب از چیزی است و در مورد قرآن، روشن کردن نکات مشکل در الفاظ، معانی و اهداف یک آیه را تفسیر گویند. اما مراد از علم در اینجا علوم تجربی است، یعنی علمی که با شیوه آزمون و تجربه «آزمایش و خطا» درستی یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند. پس منظور از تفسیر علمی، تبیین آیات قرآن به وسیله علوم تجربی است. تفسیر علمی به شیوه‌های مختلفی



تبادل فرهنگی بین اسلام و ادیان و تمدن‌های ایران و روم و یونان آغاز شد و ترجمه آثار دیگر ممل، در دوره هارون‌الرشید و مأمون شدت گرفت. مسلمانان علوم‌ی مانند طب، ریاضیات، نجوم، علوم طبیعی و فلسفه را از یونان گرفتند و مطالب زیادی بر آن‌ها افزودند و در طی چند قرن، خود را به اوج قله دانش رساندند. چنانچه مسلمانان در قرن سوم و چهارم هجری، بهترین کتاب‌ها را در طب، مانند قانون ابن سینا، در فلسفه، مانند شفای ابن سینا و همچنین ریاضیات و نجوم نگاشتند. حتی غرب که اصل این علوم را از یونان گرفته و به مسلمانان وام داده بود مجبور شد، دوباره شکل تکامل یافته آن را از مسلمانان اخذ کند. از این‌رو در قرن دوازده میلادی به بعد نهضت ترجمه در اروپا شکل گرفت و نظریات ابن سینا و ابن رشد، تا سال‌ها در دانشگاه‌های اروپا، تفکر حاکم گشت (العقاد، عباس، الفلسفه القرآنیة، قاهره، دار الکتب المصریة، ص ۱۸۱). دانشمندان مسلمان در همان قرن‌های اولیه اسلام، در تلاش برای رفع این معضل، یعنی برخورد با علوم مختلف دو روش را انتخاب کردند: الف: رد مطالب باطل این علوم که هدف آن آگاهی بخشی و ارشاد مردم بود؛ زیرا بسیاری از مبانی فلسفی و علمی یونان، قابل خدشه و اشکال بود و از طرفی با دین اسلام نیز در تعارض قرار داشت. بر این اساس، کتاب‌هایی مانند: تهافت الفلاسفه «ابوحامد غزالی» و مفاتیح الغیب «فخر رازی» نوشته شد. ب: انطباق آیات قرآن با علوم تجربی یونان، تا حقانیت قرآن و صحت مطالب علمی آن را ثابت کنند. حتی برخی سعی کردند با این نوع اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند. آنان آیاتی از قرآن، مانند آیاتی از آسمان‌های هفتگانه را بر سیارات هفتگانه مطرح در نجوم یونانی، حمل کردند. فخر رازی در تفسیر کبیر خود در مورد آیه شریفه

توسط مفسران و غیر مفسران انجام گرفته است به‌همین خاطر هرکس با توجه به شیوه عمل خاصی که از تفسیر علمی در ذهن خود مجسم کرده، در مقابل آن موضع مخالف یا موافق گرفته و آن را تعریف کرده و یا نام خاصی «مانند تطبیق، تفسیر علمی، استخراج علوم از قرآن و ...» بر آن نهاده است (مغنیه، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۶۱). مرحوم علامه طباطبایی (ره) در مورد روش متکلمان و فلاسفه و کسانی که علوم جدید را با آیات قرآن وفق می‌دهند و آنچه موافق مذهب و رأی آن‌هاست از قرآن اخذ می‌کنند و آیات مخالف را تأویل می‌کنند، می‌فرماید: «این طریق از بحث را سزاوار است که تطبیق بنامیم و نام تفسیر بر آن نگذاریم». دکتر ذهبی در «التفسیر و المفسرون» می‌گوید: «منظور ما از تفسیر علمی، آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می‌کنند و تلاش می‌کنند تا علوم مختلف و نظریات فلسفی را، از آن استخراج سازد». البته نظر علامه طباطبایی، بر نوع خاصی از تفسیر علمی دلالت می‌کند و نظر دکتر ذهبی بر نوع دیگری (هیتو، المعجزة القرآنیة، ص ۱۴۸).

پیشینه تاریخی تفسیر علمی در اسلام

هنگامی که خورشید اسلام در سرزمین عربستان طلوع کرد مردم آن سرزمین را که تعداد باسوادان آن‌ها، از تعداد انگشتان انسان تجاوز نمی‌کرد، به علم و دانش دعوت کرد و قرآن را به‌عنوان معجزه معرفی نمود. قرآن با دعوت به تفکر و تعمق در آیات الهی، خلقت آسمان‌ها و زمین و ... مردم از خواب جهل و غفلت بیدار ساخت. مسلمانان که با فتوحات عظیم در قرن اول هجری به سرزمین‌های تازه‌ای دست یافته بودند، هر روز با افکار نو و ادیان دیگر آشنا می‌شدند و با فروکش کردن نسبی جنگ‌ها،



علمای اهل سنت و شیعه ادامه داشته است روش تفسیری یعنی برای مثال: علامه مجلسی در تفسیر آیه شریفه «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ» می‌فرماید: «هفت آسمان بدل یا تفسیر است برای السماء و هفتگانه بودن آسمان‌ها، منافاتی با افلاک نه‌گانه که منجمان اثبات کرده‌اند ندارند، زیرا افلاک هشتم و نهم در زبان دینی به نام کرسی و عرش نامیده شده است». سپس اعتقاد به اینکه همه علوم در قرآن وجود دارد- چنانچه تعدادی از مفسران و مانند آن‌ها مثل سیوطی و غزالی و ... عقیده داشتند- موجب شد که این روش تفسیری رشد کند و مورد توجه بیشتر قرار گیرد. البته توجه قرآن به علم و ذکر مطالب علمی در مورد آسمان‌ها، کرات، زمین و گیاهان در توجه مسلمانان به علوم و رشد آن‌ها و توجه به رابطه قرآن با علم و در نتیجه رشد تفسیر علمی کمک شایانی کرد (سید قطب، ج ۲، ۱۹۷۵، ص ۹۶).

تفسیر علمی در قرن اخیر و علل گسترش آن
در قرن اخیر، تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن مورد توجه مسلمانان و مفسران قرار گرفت و کتاب‌های زیادی به این موضوع نوشته شد. حتی اشخاصی مانند طنطاوی یک دوره تفسیر مستقل به‌نام تفسیر الجواهر با این رویکرد نوشت. ولی نکته قابل‌توجه آن است که علی‌رغم هزار سال تاریخ تفسیر علمی، این شیوه در قرن اخیر، اوج گرفته است و مورد توجه طبقه تحصیل کرده جامعه و مفسران و دانشمندان قرار گرفته است، در مصر، ایران، هند و دیگر کشورهای اسلامی، تلاش و سعی برای انطباق آیات قرآن با علوم تجربی آغاز شد و هرکس تحت عنوانی خاص کتابی نوشت. در این میان نام بسیاری از دانشمندان علوم تجربی به‌چشم می‌خورد که بعضی از راه دل‌سوزی و برخی از روی شیطنت

(فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ) می‌گوید: بدان که قرآن دلالت بر وجود هفت آسمان دارد و اصحاب هیئت می‌گویند: نزدیکترین آن‌ها به ما، کره ماه است و فوق آن کره عطارد، سپس زهره، خورشید، مریخ، مشتری و زحل است. از بین فلاسفه، ابن‌سینا سعی کرد بین فلسفه به‌معنای عام آن که شامل علم هم می‌شود و قرآن جمع کند و عرض را همان فلک الافلاک «فلک نهم هیئت بطلمیوسی» قرار داد (شلتوت، ۱۹۶۸، ص ۳۱). از سوی دیگر متکلمان قرن دوم هجری بعد از ورود فلسفه یونان و پیدایش آرای کلامی، به فرقه‌های مختلف تقسیم شدند و هر آیه‌ای را بر نظر خود تطبیق می‌دادند مرحوم علامه طباطبایی در این باره و نیز تاریخ تفسیر علمی می‌گوید: «نظرات فرقه‌ای متکلمان موجب شد تا هر یک بر طبق نظر خود در تفسیر قرآن، گام نهد و هر کدام آنچه‌را که موافق نظر «مذهبان» بود می‌گرفت و آنچه را که مخالف آن بود تأویل می‌کرد. بهتر است این طریقه را تطبیق بنامیم و تفسیر نگوئیم». ایشان نظیر همین کلام را در مورد فلاسفه، که آیات را با مطالب فلسفی تطبیق می‌کردند، ابراز کرده و می‌فرماید: «آنها آیات را با فلسفه، به‌معنای اعم «یعنی ریاضیات، طبیعیات، الهیات و اخلاق» تطبیق می‌کردند، خصوصاً مشائین که آیات وارده در حقایق ماورای طبیعی و آیات خلق و پیدایش آسمان‌ها و زمین و نیز آیات برزخ و معاد را تأویل می‌کردند، حتی آیتانی را که با فرضیه‌ها و اصول موضوعه علوم طبیعی سازگار نبود (الامام الشاطبی، الموافقات، ج ۲، ص ۲۹)، مانند نظام افلاک کلیه و جزئی، ترتیب عناصر، احکام فلکی و عنصری و ... تأویل می‌نمودند همچنان تصریح می‌کردند که این نظریه‌ها مبتنی بر اصول غیربدهی است و دلیلی هم بر آن‌ها اقامه نشده است». این تطبیق یا تفسیر علمی، قرن‌ها توسط



جوانان مسلمان ممکن است گرفتار اندیشه‌های مادی‌گرا گردد (التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، پیشین، ص ۳۲۴). از سوی دیگر به‌خوبی می‌دانستند که تعارض بین علم و دین، در اسلام ریشه‌ای ندارد؛ زیرا اسلام خود همواره حامی و مشوق علم بوده است. از این‌رو ضروری بود تا این حقیقت مهم برای مسلمانان آشکار شود که اسلام با پیشرفت علوم تجربی و حقایق علمی تعارضی ندارد بلکه علم قطعی مؤید دین اسلام و اسلام مؤید علم قطعی است. ظواهر آیات و روایات با علوم تجربی قابل جمع است و اگر تعارضی به‌چشم می‌خورد، ابتدایی و بدوی است که با تأمل رفع می‌گردد. بدین‌منظور بسیاری از دانشمندان و مفسران مسلمان به میدان آمدند و با تذکر حقایق قرآن، به رفع آن توهّم دینی تعارض بین علم و دین همت گماشتند هرچند در این میان افراط و تفریط‌هایی نیز صورت گرفت و همه افراد به یک‌گونه عمل نکردند. علت دیگر اوج‌گیری تفسیر علمی در قرن اخیر، آن بود که عده‌ای از مفسران و علمای دین و یا دانشمندان علوم تجربی که حس قوی دینی داشتند، کوشش کردند با بهره‌گیری از علوم تجربی، اعجاز قرآن را اثبات کنند. قرآن کتاب آسمانی و وحی شده بر پیامبر (ص) و معجزه جاوید اوست و همواره سند زنده و حاضر در طول تاریخ برای حقانیت اسلام بوده و جنبه‌های گوناگونی مانند فصاحت، بلاغت، عدم تعارض و تناقض در آن، نظم آهنگ عجیب و تأثیر فوق‌العاده آن بر انسان‌ها در اعجاز قرآن اثبات شده است، از سوی دیگر با پیشرفت علوم و فنون بشری، هر زمان بعد تازه‌تری از اعجاز قرآن به اثبات رسیده است (مصباح، محمد تقی، کیهان اندیشه، رابطه قرآن با علوم بشری شماره ۲۸، سال ۱۳۶۸، ص ۵۴). یکی از این جنبه‌ها که در قرن اخیر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته،

دست به تفسیر علمی قرآن زدند. مفسران عالیقدر شیعه و سنی نیز از این قافله عقب نماندند و تفسیرهای جدید با قوانین و نظریات جدید علوم تجربی، همراه گشت. مهم‌ترین دلایل این مسئله را می‌توان این موارد دانست: دفاع از حقایق دینی؛ در اروپا پس از پیروزی مکتب اصالت حس و رشد بی‌سابقه علوم تجربی در قرن‌های نوزدهم و بیستم میلادی، به تعارض میان علم و دین دامن زده شد (ذهبی، ج ۳، ۱۳۹۶، ص ۱۵۹). چنانچه کتاب مقدس به‌علت نقاط ضعف و تحریفات و اختلاط آن با هیئت بطلموسی و داستان‌های مجعول، نتوانست در برابر حقایق علمی تاب آورد و به‌تدریج تعارضی عمیق بین کتاب مقدس و کلیسا از یک سو و دانشمندان علوم تجربی به‌ویژه پیروان نظریه تکامل انواع از سوی دیگر آغاز گشت، در نهایت این جریان به پیدایش مکتب‌های الحادی و دین بستری مانند مارکسیسم منجر شد و در اوایل قرن بیستم میلادی، رشد چشم‌گیری در غرب یافت. هرچند پیشینه تعارض اصحاب کلیسا با دانشمندان علوم تجربی، به قرون وسطی باز می‌گردد، اما یکی از قله‌های اوج آن در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم بود. این برخوردها در کتاب‌ها و مجلات منعکس و از راه ترجمه عربی به کشورهای اسلامی سرازیر گشت (ایرام لاپیدوس، ۱۳۷۶ ق، ص ۹۶). در این میان مصر از نخستین کشورهای بود که تحت تأثیر این افکار قرار گرفت. زیرا از لحاظ جغرافیایی به اروپا نزدیک‌تر و در همان حال یک مرکز تمدن و فرهنگ قدیمی بود و بسیاری از روشنفکران مسلمان آن کشور به اروپا سفر کرده و یا در آنجا تحصیل کرده بودند و به‌همراه علم و فن روز، این افکار را نیز برای ملل خود به ارمغان آوردند. دانشمندان اسلامی دریافتند که بنیان‌های دینی در خطرند و افکار



بین جوانان مسلمان و جوامع اسلامی پایگاهی کسب نمایند؛ از این جهت با حفظ ظاهر آیات و روایات، محتوای آن‌ها را بر افکار خود تطبیق می‌داند و تا آنجا پیش رفتند که هابیل و قابیل را اشاره به دو دوره جامعه یعنی بی‌طبقه و دوره فئودالیسم دانستند (جلیلی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۰-۲۲). روح را خاصیت و اثر ماده معرفی کردند و نبوت را نوعی نبوغ می‌دانستند که برای اصلاح جامعه قانون‌گذاری می‌کند. ورود این گروه به عرصه تفسیر علمی موجب شد تا بعضی از دانشمندان و مفسران اسلامی این روش را تخطئه کنند. برای نمونه به این سخن توجه کنید «نمونه‌ای از این کج‌اندیشی را می‌توان در تفسیر طنطاوی دید، او در زمانه‌ای می‌زیست که علوم غربی، تازه به مصر راه یافته و فرهنگ اروپایی بر افکار مسلمانان سیطره پیدا کرده بود و او به گمان خود، برای آن‌که مسلمانان را از فریفتگی در برابر فرهنگ غرب باز دارد، در تفسیر الجواهر کوشید تا بسیاری از مسایل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهد». استاد شهید مطهری در مورد تأثیر اصالت حس اروپا بین مسلمانان می‌گوید: «چنانچه می‌دانیم در اروپا روش حسی و تجربی در شناخت طبیعت بر روش قیاسی پیروز شد. پس از این پیروزی این فکر پیدا شد که روش قیاسی و تعقلی در هیچ‌جا اعتبار ندارد؛ تنها فلسفه، فلسفه حسی است نتیجه قهری این نظریه این شد که الهیات به سبب خارج بودن از دسترس حس و تجربه، مشکوک و مجهول و غیرقابل تحقیق اعلام شود و برخی آن را یکسره انکار کنند». این جریانی بود که در جهان غرب رخ داد (رشاد، ۱۳۸۲: ص ۴۶ و ۴۷). در جهان اسلام، سابقه موج مخالفت با هرگونه تفکر و تعمق از طرف اهل حدیث از سویی و موفقیت‌های پی‌درپی روش حسی، در شناخت طبیعت از سوی دیگر و نیز دشواری تعمق و حل

اعجاز علمی قرآن است. قرآن، مثال‌ها و مطالب علمی فراوانی ارائه می‌دهد که با جدیدترین قوانین و نظریات اثبات شده علمی مطابقت دارد و همین نکته مورد توجه مفسران و بسیاری از دانشمندان اسلامی، حتی پزشکان و مهندسان قرار گرفته است تا آنجا که بسیاری از غربی‌ها مجذوب بعد علمی قرآن شدند و به حقانیت اسلام پی‌بردند، و برخی از آنان به دین اسلام مشرف شدند. از این‌رو بسیاری از مفسران قرآن کوشش کردند تا به کنار هم نهادن مطالب علمی و آیات قرآن، اعجاز علمی قرآن را اثبات کنند (کوئنتین اسکینر، ۱۳۹۳، ج ۱، ص ۶۸). در این میان می‌توان به مواردی همچون تفسیر الجواهر طنطاوی از علمای اهل سنت و نیز کتاب «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر» از دکتر پاک‌نژاد و ده‌ها کتاب دیگر اشاره کرد. هدف قرآن کریم در چهارده قرن قبل، مطالبی در مورد آسمان‌ها، زوجیت گیاهان، حرکت خورشید، زمین و ... بیان کرده است که امروز پس از هزار و اندی سال دانشمندان علوم تجربی به تازگی حقانیت آن‌ها را اثبات کرده‌اند. علت دیگری که می‌توان برای رشد تفسیر علمی در قرن اخیر ذکر نمود رشد افکار التقاطی و انحرافی برخی از روشنفکران در جوامع اسلامی بوده است. بعضی از مسلمانان که به کشورهای غربی مسافرت یا در آنجا تحصیل کرده بودند، به نوعی تحت تأثیر مکتب اصالت حس و پیشرفت اعجاب‌انگیز علوم تجربی در اروپا قرار گرفتند و سعی کردند به تقلید کورکورانه از غربی‌ها بپردازند. آنها روش حسی و تجربی را تنها راه پیشرفت و راه وحی را مسدود دانستند و سعی کردند آیات قرآن را با علوم تجربی تطبیق دهند و در مواردی که ظاهر آیات با علوم تجربی ناسازگاری داشت، به تأویل آنها می‌پرداختند که منجر به تفسیر به رأی می‌شد. اینان می‌دانستند که اگر از اول اصل دین را انکار کنند، نمی‌توانند



طنطاوی سعی کردند تا بسیاری از علوم جدید را به قرآن نسبت دهند. جدیدترین تلاش در این راه از سوی شخصی به نام رضا نیازمند صورت پذیرفته است، وی در مقاله‌ای چنین آورده است: «کسی که قرآن را قبول داشته باشد، باید قبول کند که مطالب آن شامل کلیه علوم هم هست و در آن هر چیز بر اساس دانش، تفصیل داده شده است». دلایل دیدگاه اول: ظاهر برخی از آیات قرآن دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد مثل: (وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ) آیاتی که اشاره به علوم مختلف می‌کند مثل آیه‌ای که از حساب سخن می‌گوید و اشاره به علوم ریاضی دارد (وَ كَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ) و از آیه (رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ) با حساب ابجد سیصد و شصت درجه بودن درجات دایره در هندسه استخراج می‌شود و علم پزشکی از آیه (وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ) به دست می‌آید. روایاتی که بر وجود همه علوم در قرآن کریم دلالت می‌کند (هادوی، ۱۳۷۷: ص ۲۹۳). مانند: حدیث امام باقر (ع) که فرمودند: «ان تبارک و تعالی لم يدع شيا تحتاج اليه الامه الا نزله في كتابه و بينه لرسوله» خداوند تبارک و تعالی هیچ چیزی را که مسلمانان به آن محتاج باشند، فروگذار نکرده است؛ مگر آن که آن‌ها را در قرآن نازل فرمود و برای پیامبر (ص) بیان کرده است. دلیل دیگر بر وجود همه علوم در قرآن، مسأله بطون قرآن است که در روایات متعددی وارد شده که قرآن دارای بطون مختلف است. غزالی در احیاء العلوم به همین مطلب استشهاد نموده و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دویست علم ذکر کرده است. و بعد می‌گوید این عدد چهار برابر می‌شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن دارد و حد و مطلع دارد. دیدگاه دوم: قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسایل علوم تجربی نیامده است. این دیدگاه را می‌توان از

مسایل فلسفی، گروهی از نویسندگان را سخت به هیجان آورد و موجب پیدایش نظریه‌ای تلفیقی در میان آن‌ها شد بدین صورت که الهیات قابل تحقیق است ولی در الهیات نیز، منحصرأ لازم است از روش حسی و تجربی که برای شناخت طبیعت مورد استفاده قرار می‌گیرد، استفاده کرد. فرید وجدی در کتاب (اطلال المذاهب المادی) و سید ابوالحسن ندوی در (ما خسر العالم بالانحطاط المسلمین) و همچنین نویسندگان اخوان المسلمین مانند سید قطب و محمد قطب و غیر این‌ها، این نظریه را تبلیغ و نظر مخالف را تخطئه می‌کنند. آیا همه علوم بشری در قرآن موجود است؟ در این مورد سه دیدگاه عمده وجود دارد که به صورت مختصر به آن‌ها اشاره می‌کنیم و دلایل آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دهیم: دیدگاه نخست: همه علوم بشری در قرآن وجود دارد: برای اولین بار این اندیشه در کتاب احیاء العلوم غزالی دیده شده است. وی سعی کرد نشان دهد همه علوم را می‌توان از قرآن استخراج کرد. او می‌نویسد: «همه علوم در افعال و صفات خدا داخل است و خداوند در قرآن، افعال ذات و صفات خود را توضیح می‌دهد و این علوم بی‌نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات آنها اشاره شده است». سپس ابوالفضل المرسی، صاحب کتاب «تفسیر و المفسرون» این دیدگاه را به گونه‌ای افراطی می‌پذیرد و می‌گوید: همه علوم اولین و آخرین در قرآن وجود دارد. آن‌گاه بدرالدین زرکشی در البرهان نیز این نظریه را می‌پذیرد (پریمی، ۱۳۸۴: ص ۷۵ و ۷۳). و پس از او جلال‌الدین سیوطی در الاتقان فی علوم القرآن و الاکلیل فی استنباط التنزیل دیدگاه غزالی و المرسی را می‌پذیرند و تقویت می‌کنند. مرحوم فیض کاشانی هم در مقدمه تفسیر صافی این دیدگاه را در قسمتی از علوم می‌پذیرد. در عصر حاضر نیز کسانی مانند



علم خدا، امام مبین. پس نمی‌توان با اطمینان گفت که حتماً مراد قرآن است و همین اشکال در مورد روایات مورد استناد نیز وارد است. د: این آیات با دلیل عقل، تخصیص می‌خورد و محدود می‌شود؛ چون عقل انسان حکم می‌کند که قرآن در مورد هدف خود؛ هدایت معنوی انسان، بیان همه‌چیز باشد، نه در اموری که خارج از تابع هدف اوست. هدف آیاتی از قرآن که اشارتی به علوم طبیعی دارند، کشف فرمول‌های هندسه و شیمی و ... نیست؛ بلکه این اشارات را به‌گونه‌ای استطرادی و حاشیه‌ای مطرح کرده است. یعنی صرفاً ذکر مثال است و هدف آن آموزش علوم نیست. افزون بر آن که برخی از آیاتی که مورد استشهاد طرفداران دیدگاه اول قرار گرفت از لحاظ موازین تفسیری قابل نقد است؛ برای مثال، آیه رفیع الدرجات ربطی به درجات دایره ندارد نباید از نظر دور داشت که حمل آیات بدون قرینه عقلی یا نقلی معتبر بر یک مطلب، موجب تفسیر به رأی می‌شود (خسروپناه، ۱۳۸۳: ص ۱۵۳).

شیوه‌های انطباق قرآن با گزاره‌های علمی

تفسیر علمی، یک روش تفسیر قرآن است و خود دارای روش‌های فرعی متفاوتی است. گاه تفسیر به رأی است و گاه تفسیری معتبر و صحیح. به‌همین دلیل برخی تفسیر علمی را به‌کلی رد کنند و آن را نوعی تأویل می‌نامند و گروهی آن را یکی از راه‌های اثبات اعجاز قرآن می‌دانند (نهج‌البلاغه، سید شریف رضی، خطبه ۱۵۸). در این بخش شیوه‌های فرعی تفسیر علمی را جداگانه مطرح می‌کنیم، تا هریک مورد ارزیابی قرار گیرد و از خلط مباحث جلوگیری گردد:

۱-۱۲- استخراج همه علوم از قرآن کریم
برخی علمای قدیم هم‌چون: ابن ابی‌الفضل المرسی، غزالی و ... کوشیده‌اند، تا همه علوم را

سخنان برخی از صاحب‌نظران و مفسران استفاده کرد. برای مثال ابواسحاق شاطبی که اولین مخالف با نظریه غزالی و المرسی بود می‌گوید: «قرآن برای بیان احکام آخرت و مسایل جنبی آن آمده است»؛ (اسپوزیتو، ۱۳۸۸ق، ج ۲، ص ۲۲۷). صاحبان تفسیر مجمع‌البیان و کشاف نیز می‌نویسند: «منظور از بیان همه‌چیز در قرآن مسایل مربوط به هدایت و دین است». دیدگاه سوم: دیدگاه تفصیل، یعنی از یک طرف همه علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت‌گری بشر به‌سوی خداست. از طرف دیگر قرآن کریم به تفکر و علم دعوت می‌کند و برخی از مثال‌ها و مطالب علمی صحیح و حق را بیان می‌کند که بیانگر اعجاز علمی قرآن است. دلایل این دیدگاه، همراه با رد دلایل دیدگاه اول را چنین می‌توان خلاصه کرد: قرآن کتاب هدایت، اخلاق، تربیت و دین است و نازل شده است تا انسان‌ها را به‌سوی فضیلت‌ها و خداشناسی هدایت کند. بنابراین ضرورتی ندارد که قرآن همه مسایل تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول‌های آن‌ها بیان کند؛ هرچند که در برخی موارد اشارات صادقی دارد. این مطالب مورد تأکید برخی مفسران قدیمی و عده‌ای از صاحب‌نظران معاصر است. ظهور آیاتی که می‌فرماید: همه‌چیز در قرآن است به‌دلایل زیر قابل استناد نیست: الف- این ظهور برخلاف بداهت است، چون بسیاری از فرمول‌های فیزیک و شیمی در قرآن نیست (عمید زنجانی، ۱۳۷۹: ص ۲۸۰). ب- ظهور این آیات مورد انکار صحیح برخی از مفسران قرار گرفته است و گفته‌اند منظور وجود چیزهایی است که در مورد هدایت انسان لازم است و آن‌ها در قرآن وجود دارد. ج: لفظ کتاب در آیات مورد بحث (و نَزَّلْنَا عَلَیْكَ الْكِتَابَ تَبیاناً لِّكُلِّ شَیْءٍ) ممکن است به‌معنای گوناگون باشد: قرآن کریم، لوح محفوظ اجل،



از قرآن استخراج کند؛ زیرا باور داشتند که همه چیز در قرآن، آمده است و در این راستا، آیاتی که ظاهر آن‌ها با یک قانون علمی سازگار بود، را تفسیر می‌کردند و هرگاه ظواهر قرآن کفایت نمی‌کرد، دست به تأویل می‌زدند و آن‌را به نظریات و علوم می‌کردند که در نظر داشتند بر می‌گرداندند. از اینجا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج نمودند. برای مثال از آیه شریفه (وَ إِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ) آنجا که خداوند از قول حضرت ابراهیم (ع) نقل می‌کند که: «وقتی من بیمار شدم اوست که شفا می‌دهد»؛ (صدر، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۵۴ علم پزشکی را استخراج کردند و علم جبر را از حروف مقطعه اوایل سوره‌ها استفاده کردند. و از آیه شریفه (إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا) را لرزه سال هفتصد و دو هجری قمری را پیش‌بینی کردند. روشن است که این نوع تفسیر علمی، منجر به تأویلات زیاد در آیات قرآن بدون رعایت قواعد ادبی، ظواهر الفاظ و معنای لغوی آن‌ها می‌شود. از همین‌روست که بسیاری از مخالفان، تفسیر علمی را، نوعی تأویل و مجاز گویی دانسته‌اند. البته در این قسم از تفسیر علمی، حق با آنان است و ما قبلاً، اقوال و دلایل مختلف این مسأله (وجود همه علوم در ظواهر قرآن) را بررسی کردیم و گفتیم که این کلام مبانی صحیحی ندارد (اصول من الکافی، شیخ کلینی، ج ۲، ص ۴۱۵).

۲-۱۲- تحمیل گزاره‌های علمی بر قرآن کریم این شیوه از تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، رواج یافت و بسیاری از افراد، با مسلم پنداشتن قوانین و نظریات علوم تجربی، سعی کردند تا آیاتی موافق آن‌ها در قرآن بیابند و هرگاه آیه‌ای موافق با آن نمی‌یافتند، دست به تأویل یا تفسیر به رأی زده و آیات را برخلاف معانی ظاهری، حمل می‌کردند. برای مثال در آیه شریفه: (هُوَ الَّذِي

خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا)؛ «اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت». کلمه نفس را به معنای پروتون و زوج را الکترون معنا کردند و گفتند منظور قرآن این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است آفریدیم و در این تفسیر حتی رعایت معنای لغوی و اصطلاحی نفس را نکردند (سنگلجی، ۱۳۶۲ ق، ص ۵۸). این گونه تفسیر علمی، در یک قرن اخیر، در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی بعضی از دانشمندان مسلمان، نسبت به مطلق تفسیر علمی گردید و یکسره تفسیر علمی را به عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریات و عقاید بر قرآن، طرد کردند. چنانچه علامه طباطبایی تفسیر علمی را نوعی تطبیق اعلام کرد. البته در مورد این نوع تفسیر علمی نیز، حق با مخالفان آن است؛ زیرا مفسر هنگام تفسیر باید از هرگونه پیش‌داوری خالی باشد، تا تفسیر صحیح انجام پذیرد و اگر یک نظریه علمی را انتخاب کرد و بر قرآن تحمیل نماید، پا را در طریق تفسیر به رأی گذاشته که در روایات وعده عذاب برای آن داده شده است (علوی‌مهر، ۱۳۸۹، ص ۲۵-۲۳).

۳-۱۲- استخدام علوم برای فهم بهتر قرآن در این شیوه از تفسیر علمی، مفسر با دارا بودن شرایط لازم و با رعایت الگوهای تفسیر معتبر، اقدام به تفسیر علمی قرآن می‌کند. او سعی دارد با استفاده از گزاره‌های قطعی علوم که خرد مؤید آن است و با ظاهر آیات قرآن نیز موافق است به تفسیر علمی بپردازد، معانی مجهول قرآن را کشف و در اختیار انسان‌های تشنه حقیقت قرار دهد. این شیوه تفسیر علمی، بهترین نوع و بلکه تنها نوع صحیح از تفسیر علمی است. ما در بخش بعدی، معیار این گونه تفسیر را به طور کامل بیان خواهیم کرد و بر این نکته تأکید می‌ورزیم که در



آثار مثبت انطباق قرآن با علوم تجربی

طرفداران تفسیر علمی، آثار و نتایج مثبتی را برای انطباق قرآن با علوم تجربی و تفسیر علمی متذکر شده‌اند که ما، به هرطور خلاصه آن‌ها را ذکر می‌کنیم: اثبات اعجاز علمی قرآن که این مطلب خود دو پیامد مهم دارد: الف: موجب اتمام حجت بر کفار در دعوت آنان به اسلام و احیاناً میل آنان به اسلام می‌گردد، زیرا قرآن بر خلاف کتاب‌های مقدس رایج در دنیا نه تنها با علم معارضت ندارد بلکه مطالب علمی مهمی را نیز برای بشر به ارمغان آورده است. ب: موجب تقویت ایمان مسلمانان به قرآن، نبوت و حقانیت اسلام می‌شود (برزگر، ۱۳۹۱، ص ۱۷۱). روشن شدن تفسیر علمی آیات قرآن، چراکه تفسیر علمی، خود یک روش در تفسیر است که بدون آن، تفسیر قرآن ناقص است. جلوگیری از پندار تعارض علم و دین، چراکه با روشن شدن مطالب علمی قرآن، همه افراد با انصاف متوجه می‌شوند که اسلام، نه تنها با علوم سازگار است بلکه علم مؤید دین است. موجب تعمیق فهم ما از قرآن و توسعه مدلول آیات قرآن می‌شود (بازرگان، ۱۳۴۴، صص ۹۰-۹۳).

آثار منفی انطباق قرآن با علوم تجربی

مخالفتان تفسیر علمی قرآن با علوم تجربی، یا کسانی که با یک شیوه تفسیر علمی، مخالف هستند آثار منفی این شیوه را چنین برشمرده‌اند: الف. موجب تفسیر به رأی می‌گردد که نهی شده است. ب. تفسیر علمی، منجر به تأویل‌های غیرمجاز در آیات می‌شود. ج. حقایق قرآن تبدیل به مجازات می‌گردد. د. تفسیر علمی، اعتراف به این است که قرآن احتیاج به غیر دارد. ه. موجب تطبیق و تحمیل نظریات علمی بر قرآن می‌شود. موجب شک مردم در صحت قرآن می‌گردد، زیرا نظریات علمی، در معرض تغییر است و پس از

این شیوه تفسیری، باید از هرگونه تأویل و تفسیر به رأی پرهیز کرد و تنها به‌طور احتمالی از مقصود قرآن سخن گفت، زیرا علوم تجربی قطعیت را تاب نمی‌آورد و عرصه نسبیت است. برای مثال آیه شریفه (وَ الشَّمْسُ تَجْرِي لِمَسْتَقَرٍّ لَهَا) «خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد» (هندی، ۱۳۳۲، ص ۸۹). در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می‌شناختند و به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است، زیرا خطای حس باصره ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است، از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم، همان‌طور که مسافر یک قطار، خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند. با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید معلوم شد که خورشید هم خود دارای حرکت انتقالی است و نه خورشید بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری، در حرکت است و کهکشان‌ها و ستارگان با سرعت سرسام‌آوری از هم دیگر دور می‌شوند و عالم انبساط پیدا می‌کند. پس می‌گوییم اگر به‌طور قطعی اثبات شد که خورشید در حال حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی انتقالی، خورشید است. از این نوع تفسیر علمی، اعجاز قرآن نیز ثابت می‌شود برای مثال قانون زوجیت عمومی گیاهان، در قرن هفدهم میلادی کشف شد، اما قرآن حدوده ده قرن پیش از آن، از زوج بودن همه گیاهان سخن گفته است (صحابی، ۱۳۷۵؛ ص ۲۳۴).



دارد: «و نزلنا علیکَ الكتابَ تبیاناً لکلِّ شیءٍ» (نحل: ۸۹).

جایگاه علم در قرآن و روایات

از سوی دیگر، قرآن با برابر نهادن علم و برهان قطعی عقلی با وحی و نبوت آسمانی و نیز هدایت و شهود عرفانی (جوادی آملی، ۱۳۷۴، ص ۵۸). در جهت کشف حقایق و شناخت معارف و ارائه سه طریق به سوی مطلق علم (طباطبائی، ۱۳۸۷، ج ۲۸، ص ۲۱۲). و نیز سرزنش کسانی که بدون بهره‌مندی از یکی از این راه‌ها به مجادله برمی‌خیزند (و مِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَاهِدٍ وَ لَکتابٍ مَنیرٍ) (حج: ۲۲) و همچنین با تکیه بر منابع شش‌گانه شناخت و دعوت ضمنی به لزوم به‌کارگیری آن‌ها، و نیز دعوت انسان‌ها به مطالعه آیات آفاقی و انفسی، به‌عنوان مهم‌ترین راه شناخت خدا، و با تکریم و بزرگداشت مقام علم (قرآن در اسلام، ص ۹۲). و نکوهش جهل و جاهلان، (مجادله/۱۱). ضمن ایجاد انگیزه برای کسب علم و معرفت، رویکرد علمی خود را نیز نمایان ساخته است. در احادیث متعددی قرآن به‌عنوان کتاب حاوی علم و اخبار و هر آنچه در جهان رخ داده و خواهد داد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۹). مطرح می‌شود، هرچند خرد آدمیان قادر به درک همه این علوم نباشد (همان، ج ۱، ص ۶۰، ج ۷، ص ۱۵۸). بنابراین، یکی از ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد قرآن کریم، عمق و ژرفای شگفت‌آور آن است؛ چنان‌که قرآن ناطق، امام علی - علیه‌السلام - درباره آن فرمود: «و بحرأ لا یدرک قعره» و تاریخ نشان داده است که راز جاودانگی و ماندگاری قرآن در جای زمان، تازگی و طراوت همیشگی آن برای افکار و اندیشه‌های بشر همین عمق و ژرفای آن است که همچون دریای بی‌کران، غواصان فکر و فهم را در خود می‌پذیرد و هیچ‌گاه به نقطه پایان

چندی که تغییر کرد، با ظاهر قرآن (که قبلاً موافق آن بود) مخالف می‌شود و مردم که مطالب علمی را می‌پذیرند، در صحت قرآن شک می‌کنند. موجب فراموش شدن هدف اصلی قرآن (تربیت انسان و هدایت او به سوی خدا) می‌شود. مطالب باطل و تضادهای علوم به قرآن راه می‌یابد. قرآن تابع علوم می‌شود، با این‌که علوم در معرض خطا است. تفسیر علمی، موجب سوء فهم مقاصد قرآن می‌گردد (کاظمی، ۱۳۷۴، ص ۲۹).

درآمدی بر رابطه قرآن و علوم

قرآن کلام خدا و تجلی اسم جامع، محیط و اعظم حق تعالی است که همه اندیشه‌های حقیقت‌جو و خردورز را به دل‌سپاری فرا می‌خواند: «کتاب انزلناه الیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر اولوالالباب»، (ص؛ ۲۹) قرآن معجزه جاودانه رسول گرامی صلی‌الله علیه و آله - و تنها نسخه شفاف و فرجامین وحی آسمانی است که راه و رسم زندگی توحیدی و سعادت‌آفرین را به انسان می‌آموزد: «یا ایها الذین آمنوا استجیبوا لله و للرسول اذا دعاکم لما یحییکم» (انفال: ۲۴) قرآن به‌عنوان پیام هدایت الهی برای انسان، همه ساحتهای حیات مادی و معنوی را در برمی‌گیرد (دروزه، ۱۳۹۳، ص ۳۴۱-۳۴۲). در این کتاب جامع، تمام قلمروهای زندگی مادی و معنوی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، دنیایی و آخرتی و جز آن، از آغاز آفرینش و مبدأشناسی تا مسیر و برنامه زندگی و سرمنزل نهایی، همه مورد توجه تشریح الهی است. فضای بی‌کران معارف قرآن در راستای رسیدن انسان‌ها به کمال، از جنین تا جنان و از ملک تا ملکوت و از ذره تا کهکشان را فرا می‌گیرد و در یک کلام، همه لوازم هدایت و تربیت انسان را در خود نهفته



برداشت مطالب علمی از قرآن را تحمیل بر قرآن و «تفسیر به رأی» دانسته‌اند. گرچه بی‌انصافی است اگر تلاش‌های خالصانه و اعتدال‌گرایانه‌ای که از سر دین‌داری و عشق خالصانه به ساحت قرآن و حس دفاع از حریم آن و یا در جهت اثبات اعجاز علمی آن صورت گرفته است، نادیده انگاشته شود، اما به هر حال، مسأله رابطه قرآن و علوم مشکلی جدی است و در این باره سؤالات و پرسش‌هایی اساسی مطرح می‌باشند (خان‌محمدی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۳). این سؤالات و نظایر این‌ها در زمینه برداشت گزاره‌های علمی از قرآن و زبان‌شناسی و نیز انتظار از قرآن و قلمرو آن و همچنین بحث‌های دیگری که در این زمینه مطرح هستند، نیازمند کاوش مستقلی می‌باشند که با استفاده از عقل و منطق و نیز به‌دور از هرگونه علم‌زدگی و پرهیز از قشریگری و ظاهرنگری و با جمع‌آوری دیدگاه‌های دانشمندان و نظریات جدید معاصر در مورد «هرمنوتیک» و مسائل زبان‌شناسی، تدوین اصول و مبانی روشن تفسیر صحیح از متن جاودانه قرآن را ضروری می‌نمایند تا به‌عنوان مبنایی برای تمامی گروه‌های پژوهشی، قرآنی علمی در جهت برداشت‌های صحیح و مستند از قرآن و نیز معیارهای برای سنجش و ارزیابی تحقیقات محققان مورد استفاده قرار گیرد و در نهایت، در بالندگی معرفت دینی و علمی و کشف حقیقت مؤثر بوده و پاسخی برای چالش‌ها بین برخی دستاوردهای علمی و باورهای قرآنی باشد. بحث درباره خلقت کامل انسان که منشأ آن را نه از خاک، بلکه از حیوان انسان‌نما می‌داند و نظریه «روان‌کاوی فرویدی» که حقایق آسمانی را عامل سرکوب امیال دانسته، حقایق آن‌را مخدوش می‌سازد و نظریه کیهان‌شناسی نیوتن ماکس پلانک و «نسبیت» انیشتین با تلقی جدید از علیت و زمان که نحوه ارتباط خداوند با جهان

نمی‌رساند. راز این حقیقت با عنایت به تشابه تجلی با تجلی‌کننده روشن می‌شود. قرآن تجلی خداست و مخاطب آن فطرت زوال‌ناپذیر آدمی در هر عصر و نسل و نژاد، بدین‌روی، پیام‌های قرآن در بردارنده محتوایی ژرف، فرازمانی، فرامکانی و جهان شمول هستند. از سوی دیگر، در چند قرن اخیر و در پی رشد چشمگیر علوم تجربی در غرب، بیش‌ترین معارضه با کتاب‌های آسمانی و متون دینی به‌نام «علم» صورت گرفته است (شیخ‌محمود عبده، بی‌تا، ص ۱۷-۱۸). با التفات به بخش‌های گوناگون علوم، از اخترشناسی کوپرنیک و زیست‌شناسی داروین گرفته، تا روان‌شناسی فروید، ادعا بر این بوده که برخی اکتشافات علمی، بعضی از آموزه‌های بنیادین کتاب‌های آسمانی را ابطال و یا - دست‌کم - تضعیف می‌کنند و این ادعا موجب شد که جمعی به جداکردن کامل حوزه‌های علم و کتاب‌های آسمانی روی آورند: مانند نظریات کانت، اگزیستالیست‌ها و پوزیتیویست‌ها، و عده‌ای دیگر به توجه و تأویل گزاره‌های متون دینی پرداختند تا بدین‌وسیله، از بی‌اعتباری قطعی آن و سرخوردگی متدینان جلوگیری کنند. در جهان اسلام نیز یکی از پرسش‌هایی که در ارتباط با قرآن مطرح شده مسأله رابطه قرآن به‌عنوان آخرین و کامل‌ترین هدیه آسمانی و علوم، یعنی محصول تلاش فکری اندیشمندان جهان، اعم از علوم انسانی و علوم طبیعی است که از مدت‌ها پیش، ذهن و تفکر فرهیختگان را به‌خود مشغول ساخته و در عمل، افراط و تفریط‌هایی را در پی داشته است. به‌گونه‌ای که برخی بیش از سیصد آیه قرآن را با علوم تجربی تطبیق کرده‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۵). و در بسیاری موارد، ادعای ارتباط تنگاتنگ قرآن را با علوم نموده‌اند و برخی دیگر هر نوع ارتباط قرآن با علوم را منکر شده و



از آیات قرآن و معناداری و فهم‌پذیری متن آن است که عقل، نصّ وحی (التفسیر الکبیر، ج ۲، ص ۳). سنت و منش پیامبر و امامان معصوم (ع) و سیره جاری مسلمانان شاهد و گواه آن می‌باشد (ساروخانی، ۱۳۷۵، ص ۲۴). افزون بر این، اعتقاد به فهم‌ناپذیری قرآن با توصیف‌هایی که در آیات وحی برای قرآن آمده، مانند هدایت، موعظه، ذکر، شفا و نور ناسازگار می‌باشد. بر این اساس، تفسیر وسیله‌ای برای نزدیک‌شدن و کشف معانی و مدلولات قرآن و فهم آن است و شرط انتساب سخنی به قرآن، آن است که به گونه‌ای روشنمند از متن قرآن کشف شود و نحوه استناد آن به متن نشان داده شود؛ زیرا قرآن اگرچه به هدف فهم مردم نازل شده، اما در عین حال، کتابی در نهایت فصاحت و بلاغت و شیوایی و محشون از کنایه، استعاره، تمثیل، تشبیه، اشاره، رمز و بدایع ادبی است و نیز به اقتضای فرایند نهضت اسلام و شکل‌گیری جامعه اسلامی عصر پیامبر (ص) نازل شده و فهم آن مستلزم نسل‌های بعدی از فضا‌های نزول آیات و آگاهی از قراین پیوسته و ناپیوسته متن قرآن می‌باشد (ارکون، ۱۳۹۲، ص ۱۳۰). بنابراین، پژوهش و دست‌یابی به مفاهیمی که در حوزه علوم گوناگون در قرآن کریم بیان شده‌اند، نیازمند کاوش‌های عمیق و وسیع و روشنمندی است که علاوه بر اتقان، به واژه‌ها و الفاظ بسننده نکند، بلکه در معنا و مفهوم واژه‌ها، عبارت‌ها و پیام‌های قابل استفاده دقت شود و پس از مقایسه با اصول و بدیهیات عقلانی و احراز عدم مخالفت با آن‌ها با سایر گزاره‌های یقینی قرآنی، مورد استفاده قرار گیرد. و این مهم جز از عهده قرآن‌پژوهان ژرفاندیش و متخصص در گرایش‌های علمی ساخته نیست؛ کسانی که از هرگونه افراط و تفریط و نیز سطحی‌نگری و خودباختگی به‌دور بوده و از هرگونه تحمیل مطالب بر قرآن برحذر باشند و حریم قرآن، این

را متحوّل می‌نماید و نیز پیشرفت‌های جدید رایانه‌ای و هوش مصنوعی یا کشف مولکول‌های DNA که نگرش انسان‌شناسی قرآن را مخاطره‌آمیز می‌نماید؛ (خسروپناه، ۱۳۶۸، ص ۳۳۵، با تلخیص). نمونه‌هایی هستند که راه‌حل‌ها و پاسخ‌هایی در خور را طلب می‌کنند.

راز ماندگاری قرآن

اما بدون تردید، به‌عنوان یک اصل موضوعی و مسلّم، پذیرفته شده است که قرآن کریم تنها نسخه بی‌دلیل وحی است که از تحریف و تصرف بشری محفوظ مانده؛ اگرچه نقش اصلی و اساسی آن هدایت انسان و رساندن او به معارف حقیقی است و نازل شده تا آنچه را انسان‌ها در راه تکامل حقیقی، که همان تقرب به خدای متعال است، نیاز دارند و به آن‌ها بیاموزد. این کتاب سترگ، با آن که کتاب فیزیک، کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و مانند آن نیست و نیز درصدد بیان مسائل علمی نمی‌باشد، با این‌همه نه تنها با حقایق علمی و یافته‌های قطعی علمی (که به قطع عقلی برمی‌گردند) تعارضی ندارند، بلکه اگر تعارضی هم به چشم می‌خورد، ابتدایی و بدوی است و با دقت و تأمل رفع می‌شود. قرآن حاوی گزاره‌هایی از علوم نیز می‌باشد و نکات علمی بسیاری را مطرح ساخته است ((صداقت، ۱۳۸۹، ص ۲۲)). که به صراحت یا ظهور قابل برداشت می‌باشند و با تازه‌ترین قوانین و نظریات اثبات شده علمی هماهنگی دارند؛ برای نمونه، می‌توان به مواردی همچون حرکت خورشید (یس/۳۸-۴۱) حرکت کوه‌ها و زمین (نحل/۸۹) لقاح گیاهان (حجر/۲۲) و زوجیت آن‌ها، (یس/۳۶) حرمت گوشت خوک و خون (بقره/۱۷۳) اشاره کرد. این مفاهیم بیانگر واقعیت هستند، نه این‌که طبق فهم و عرف زمانه ارائه شده باشند و مدار برداشت از قرآن بر محور کشف قصد و اراده الهی



داشت، (آداب الصلوة، ص ۱۱۰) بلکه اهل فن در هر رشته‌ای باید با جرأت و شهامت با قرآن سخن بگویند و سؤالاتشان را مطرح کنند و با عقلانی‌تر کردن انتظاراتشان، پاسخ دریافت دارند. با عنایت به عظمت قرآن کریم و حساسیت موضوع «رابطه قرآن و علوم» لازم است محققان نازک‌اندیش توجه داشته باشند که وحی قطعی مطابق با واقع و نفس‌الامر را نباید با علوم ظنی متغیر انطباق دارد؛ زیرا پیامدی جز قرار دادن قرآن در معرض وهم و شک و از حجیت انداختن این سند قطعی آسمانی ندارند (خرقانی، ۱۳۳۵ ق، ۱۲۹۶ ش، ص ۷۴). از این‌رو، باید از هرگونه برداشت از قرآن بدون در نظر گرفتن قراین عقلی و نقلی و هر نوع تحمیل نظریه بر قرآن و تأویل‌های غیر معتبر و نیز تفسیر قرآن به وسیله علوم ظنی، که اگرچه اطمینان‌آور است اما احتمال مقابل به صفر نمی‌رسد. چنان که بیش‌تر مسائل اثبات شده علوم تجربی از این قبیلند، بپرهیزند. تنها باید با استناد به مطالب قطعی علوم به فهم کامل‌تر و جامع‌تر قرآن پرداخت؛ علمی که علاوه بر تجربه و آزمایش، که اطمینان به آن از طریق تعمیم استقرار ناقص به دست می‌آید، با برهان عقلی اثبات شده باشد و نیز با ظاهر آیات قرآن و معنای لغوی و اصطلاحی واژه‌ها و قراین عقلی و نقلی هماهنگ باشد. و حقایق مجهول این کتاب آسمانی را کشف کنند و در اختیار حق‌جویان قرار دهند. و در صورت تأیید نشدن فرضیه‌ای از علوم تجربی با دلایل قطعی و در عین حال، موافقت آن فرضیه با ظواهر قرآن، می‌توان آن را در حد احتمال ذکر کرد (نابینی، ۱۳۷۸، ج ۹، مقدمه، پاورقی سیدمحمود طالقان).

نتیجه‌گیری

اسلام انسان را به مطالعه و کسب دانش تشویق می‌کند زیرا همه علوم در نهایت او را به سوی

آخرین سروش آسمانی را که از ابعاد گوناگون مانند فصاحت، بلاغت، محتوای عالی، اخبار غیبی و علمی معجزه می‌باشد، حفظ کنند؛ (سیدباقری، ۱۳۹۴، ص ۵۱). زیرا هرگونه تساهل و تسامح در فهم این مقدس، در خور سخت‌ترین نکوهش‌هاست: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَي قُلُوبِ أَقْفَالِهَا»؛ (محمد: ۲۴) روشن است که استخراج مفاهیم علمی قرآنی براساس اصول و مبانی مبانی شناخته شده تفسیری و نیز اصول و مبانی شناخته شده علمی، تلاش عمیق و همه جانبه این گونه متخصصان را می‌طلبد. علاوه بر این، حقایق هزار لایه قرآن بر بال اندیشه و جان همگان فرود نمی‌آید و راه‌یابی به کنه و باطن آن ویژه صافی‌ترین جان‌هاست: «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه: ۷۹) و نیز علاوه بر محکمت، متشابهی دارد که هضم آن درخور اندیشه فرهیختگان و نخبگان بشری و راسخان در علم است: «وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» (آل عمران: ۷) و دیگران از پرتو نور وجود ایشان می‌توانند از این فیض سرمدی بهره‌مند گردند (موسوی زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۴). در اینجا، تذکر چند نکته ضروری می‌نماید: قرآن کریم اگرچه به هدف فهم مردم از سوی خدای سبحان در قالب زبان مفاهمه عربی نازل شده و زبان آن عرفی است، با همان ویژگی وجود کنایه، استعاره، مجاز و ... در آن ولی با همه این‌ها، وحی است و تو در تو و رازآلود، و نمودهایی از زبان رمزی، علمی و ادبی نیز در خود دارد. انسان‌ها در حد وسع خود می‌توانند از آن بهره بگیرند و آن را کشف کنند. تاریخ طولانی تفسیر، که با صبغه‌های گوناگون به نگارش درآمده و قطعاً هر تفسیر نکاتی در خود دارد که دیگری فاقد آن است، شاهد گویایی بر این ادعاست. از این‌رو، ضمن احتیاط کامل و دقت در صحت و اقتان برداشت‌ها، نباید از شائبه تفسیر به رأی واهمه



دعوت به خواندن و نوشتن باشد. در نزد خداوند مرتبه علم و منزلت عالم بالاست زیرا از طریق کسب دانش انسان به ایمان به خدا می‌رسد. از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند. خداوند همچنین در قرآن کریم به ما امر می‌کند که در آیات او در آسمان‌ها و زمین تفکر کنیم. در قرآن کریم در آیه‌های بسیاری دانشمندان مورد تحسین قرار می‌گیرند. علاوه بر آن چه ذکر شد، در سوره ۳ (آل عمران) در دو جای مختلف خداوند خردمندان را می‌شناساند. خردمندان کسانی هستند که خدا را می‌پرستند و در آیات او عمیقاً تدبر و تفکر می‌کنند. اگر خداوند بخواهد کسی را هدایت کند کاری می‌کند که او درک و یادگیری داشته باشد. یقیناً دانش محصول یادگیری است. در اسلام بین علم و مذهب تضاد نیست، بلکه رابطه سالم، نزدیک و متعادلی وجود دارد. در اسلام بین قلب و مغز، بین آنچه معنوی و آسمانی و آنچه مادی و زمینی است تعادل وجود دارد، تعادلی الهی که به هر یک از موارد فوق ارزش خود را می‌دهد. علم و قرآن چنان رابطه تنگاتنگی دارند که موجب تعجب است. به خصوص به این دلیل که این رابطه در راستای هماهنگی است نه ناسازگاری. قرآن کریم مسلمانان صدر اسلام را به مطالعه علوم مختلف همراه با مطالعات مذهبی اسلامی فرا می‌خواند. دکتر مرد هفمن، سفیر آلمان در رباط در این رابطه می‌گوید: اساس شکوفایی مطالعات اسلامی، عطش انسان برای کسب دانش و آمادگی مسلمین برای به‌کارگیری ذهنشان بود. او ۱۴ دانشمند مسلمان صدر اسلام را نام می‌برد که به تحقیقات علمی جهان غنا بخشیدند. بن فرنس (فوت ۸۸۸) که اولین تلاش برای به‌کارگیری جریان هوا به‌عنوان وسیله سفر را به او نسبت می‌دهند. خوارزمی (فوت ۸۴۶) که علم جبر را ابداع کرد و کله لگاریتم از نام او گرفته

خداوند سوق می‌دهند. به‌همین دلیل می‌گویند هرچه عالم علمش بیشتر شود، خدا را بهتر می‌شناسد. در نتیجه از خدا خوف دارد و در همه کارهایش دستورات او را به‌کار می‌گیرد. خداوند در این رابطه در سوره ۳۵ (فاطر) آیه‌های ۲۷ و ۲۸ می‌فرماید: «ألم تر أن الله أنزل من السماء ماء فأخرجنا به ثمرات مختلفا ألوانها ومن الجبال جدد بيض وحمر مختلف ألوانها وغرابيب سود». آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه‌های رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها نیز (به لطف پروردگار) جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگ‌های مختلف گاه به رنگ کاملاً سیاه و از انسان‌ها و جنیندگان و چهار پایان انواعی با رنگ‌های مختلف، (آری) حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند خداوند عزیز و غفور استخداوند، (با ایجاد نظام واحد جهان هستی)، گواهی می‌دهد که معبودی جز او نیست و فرستگان و صاحبان دانش، (هرکدام به‌گونه‌ای بر این مطلب)، گواهی می‌دهند درحالی‌که (خداوند در تمام عالم) قیام به عدالت دارد معبودی جز او نیست، که هم توانا و هم حکیم است. آیا چنین کسی با ارزش است یا کسی که در ساعات شب به عبادت مشغول است و در حال سجده و قیام، از عذاب آخرت می‌ترسد و به رحمت پروردگارش امیدوار است؟! بگو: «آیا کسانی که می‌دانند با کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟! تنها خردمندان متذکر می‌شوند!». کسانی که به ایشان علم داده شده، آنچه را از سوی پروردگارت بر تو نازل شده حق می‌دانند و به راه خداوند عزیز و حمید هدایت می‌کند. ارزش علم و عالم در قرآن کریم بسیار بالاست. زیرا هرچه انسان بیشتر علم بیاموزد، بیشتر به وجود خداوند پی می‌برد. پس تعجبی ندارد که اولین آیه‌ای که نازل شد در رابطه با



شده است. ابن بکر رازی (۹۳۵ - ۸۶۴). که کتاب پزشکی او چند قرن کتاب مرجع دانشجویان پزشکی در دانشگاه‌های اروپا بود. ابن سینا (اوسینا) فیلسوف و پزشک (۱۰۳۷ - ۹۸۰) که دایره‌المعارف پزشکی او در مؤسسات و دانشگاه‌های اروپایی تا قرن نوزدهم استفاده می‌شد. ابن هیثم (۱۰۳۹ - ۹۶۵) مخترع آن چه

که در فیزیک نور تاریخ خانه نامیده می‌شد. بیرونی (۱۰۵۰ - ۹۷۳) تاریخ‌نگار علم و مرد سیاست که ستاره‌شناسی، معدن‌شناسی، داروشناسی و علوم دیگر را آموخت. عمر خیام (فوت ۱۲۱۱) شاعر بزرگ که در ریاضیات، ستاره‌شناسی و علوم دیگر تبحر داشت.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن اشعث، محمد بن محمد. کشف اصطلاحات الفنون، ج ۲، تهران: مکتبه النینوی الحدیثه. اول: بی تا.
۳. ابن فارس، أحمد بن فارس. معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی. اول: ۱۴۰۴ق. ج ۱.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. لسان العرب. بیروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر. سوم: ۱۴۱۴ق. ج ۴-۱۴.
۵. ابن خلدون، ۱۳۵۲، ج ۱، قرآن و حقوق بشر، قم، دار النور، چ دوم، ۱۳۸۱ش.
۶. ابو جعفر، احمد عمر، التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان، چاپ اول، دار قتیبه، ۱۹۹۱
۷. ابو حیان محمد بن یوسف بن حیان اندلسی حیانی، قاموس المحيط، ج ۲، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان. بی تا
۸. ارکون، ۱۳۹۲، دموکراسی عالم، الأعلمی للمطبوعات، چ دوم
۹. اسپوزیتو، ۱۳۸۸ق، ج ۲، تحقیق در دو نظام حقوقی جهانی بشر، دفتر حقوق بین الملل جمهوری اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۰.
۱۰. اسماعیلی یزدی، عباس. روش شناسی تفسیر قرآن. قم: مسجد مقدس جمکران. دوم: ۱۳۸۲.
۱۱. الامام الشاطبی، الموافقات، ترجمه: مصطفی حلبی، چاپ دوم، ۱۳۵۰ هـ، ج ۲
۱۲. ایرا ام لاپیدوس، ۱۳۷۶ق، صحیفه الإمام الرضا علیه السلام. مشهد: کنگره جهانی امام رضا (علیه السلام). اول
۱۳. بازرگان، ۱۳۴۴، باد و باران در قرآن؛ به تحقیق عادل بن یوسف العزازی؛ ریاض، دار الوطن، ۱۴۱۹ق.
۱۴. بحرانی، هاشم. ترجمه تفسیر روایی البرهان، مترجمان: ناظمیان، گنجیان، خورشیا. تهران: کتاب صبح، دوم: ۱۳۸۹. ج ۹.
۱۵. برزگر، ۱۳۹۱، المرأة فی الجاهلیة و الإسلام، قم، مجمع العالمی لاهل البيت، ۱۴۲۶.
۱۶. پربمی علی، هرموتیک و تأثیر آن بر فهم متون دینی، حوزه و دانشگاه، شماره ۳۹، ۱۳۸۴ش.
۱۷. جزائری، نعمت الله بن عبد الله. التعریفات، تهران: انتشارات فرحان. اول: ۱۳۸۱ ش.
۱۸. جلیلی، سید هدایت، روش شناسی تفاسیر موضوعی قرآن، انتشارات کویر، ۱۳۷۲
۱۹. جوادی آملی عبدالله، علوم انسانی، اسلام و انقلاب فرهنگی، ۱۳۷۴، خورشیا. تهران: کتاب صبح، دوم:
۲۰. حنفی احمد، التفسیر العلمی للایات الکونیه، چاپ اول، دار المعارف، مصر؛ بی تا
۲۱. خان محمدی، ۱۳۹۲، تاریخ الرسل و الامم و الملوک، به تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم؛ بیروت، چ دوم
۲۲. خرقانی، ۱۳۳۵ ق، ۱۲۹۶ش، روح التمدن و هویة الاسلام، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لأحیاء التراث، ۱۴۰۹ق.
۲۳. خسروپناه عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش‌های فرهنگی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، سوم، ۱۳۸۳ش.
۲۴. خسروپناه عبدالحسین، نقدی بر هرموتیک فلسفی، روزنامه‌ی رسالت، ۲۹ فروردین ۱۳۸۱ش.
۲۵. دروزه، ۱۳۹۳، الإصابه فی تمييز الصحابه، به تحقیق عبدالموجود و علی محمد معوض؛ بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
۲۶. ذهبی، محمد حسین، التفسیر و المفسرون، ج ۳، دار احیاء التراث العربی، مصر ۱۳۹۶
۲۷. راغب اصفهانی، محمد بن حسن. المفردات فی غریب القرآن. دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیه. اول: ۱۴۱۲.
۲۸. رشاد علی اکبر، نهادهای راهنمای فهم قرآن، قبسات، ش ۲۹، ۱۳۸۲ش.
۲۹. رضایی اصفهانی محمدعلی، اعجاز علمی قرآن، ج ۱، ۱۳۸۵



۳۰. الرومی فهد بن عبد الرحمن، اتجاهات التفسير في القرن الرابع عشر، چاپ اول، عربستان سعودی، ۱۹۸۶، ج ۲
۳۱. زرکشی، بدر الدین محمد، البرهان فی علوم القرآن، چاپ اول ۱۹۵۷، ج ۲
۳۲. ساجدی ابوالفضل، فقه مدل هرمنوتیکی اصطلاح شده‌ی گادامر به وسیله‌ی دیوید تریسی، قیسات، شماره ۲۸، ۱۳۸۲ش.
۳۳. ساروخانی، ۱۳۷۵، تاجرگرایی؛ بیروت، دار العلم للملایین و بغداد مکتبه النهضه، ج دوم، ۱۹۷۶م، دوم.
۳۴. سنگلجی، ۱۳۶۲ق، تنبیه‌الامیه، بیروت، دار المعرفه، ۱۴۰۶ق.
۳۵. سنگلجی، ۱۳۶۲ق؛ جامع المقاصد، به تحقیق مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث؛ قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۱ق.
۳۶. سید قطب، فی ظلال القرآن، ج ۲، دار الشروق، ۱۹۷۵
۳۷. سیدباقری، ۱۳۹۴، تاریخ نقلی، تاریخ تحلیلی و فلسفه تاریخ؛ بیروت، دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۱ق.
۳۸. سیوطی، جلال‌الدین. الاتقان فی علوم القرآن، قم: کتاب‌خانه آیه‌الله مرعشی نجفی. اول: ۱۴۰۴ق. ج ۲
۳۹. شریف، محمد ابراهیم، اتجاهات التجدید فی التفسیر القرآن فی مصر، قاهره، دار التراث
۴۰. شلتوت، محمود، تفسیر القرآن الکریم، دار الکتب العربی، قاهره، ۱۹۶۸
۴۱. شهرستانی، سید هبه‌الدین، اسلام و هیئت، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم؛ بی‌تا
۴۲. شیخ‌محمود عبده، الصارم المسلول، به تحقیق عاصم فارس الحرس‌تانی؛ بیروت، المکتب الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
۴۳. شیرازی، ناصر مکارم، پیام قرآن، ج ۸، نسل جوان، چاپ دوم، ۱۳۷۴
۴۴. صحابی، ۱۳۷۵؛ در خلقت انسان؛ بیروت، دار احیاء التراث العربی و مؤسسه تاریخ العربی، بی‌تا.
۴۵. صداقت سید علی‌اکبر، کتاب قرآن و دیگران، با مقدمه دکتر بهشتی، قم، چاپ و نشر روح، ۱۳۸۹
۴۶. صدر، ۱۳۶۹، ج ۱، تفسیر من وحی القرآن، ج دوم، دارالملاک للطباعه و النشر، ۱۴۱۹ق. ج ۱۴
۴۷. طالقانی، ۱۳۳۴؛ سیمای فرزندگان. قم: دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم. دوازدهم
۴۸. طباطبایی، المیزان. ترجمه: موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم. پنجم: ۱۴۱۷ق. ج ۱
۴۹. طباطبایی، محمد حسین، وحی و قرآن، چاپ اول، بنیاد علوم اسلامی، ۱۳۶۰
۵۰. طبرسی، فضل بن حسن. مجمع البیان. تحقیق: محمد جواد بلاغی. تهران: ناصر خسرو. سوم: ۱۳۷۲. ج ۴-۷-۱۶.
۵۱. طبری، محمد بن جریر. البیان، کوشانپور: قم. اول: ۱۴۱۵ ق
۵۲. طریحی، فخر الدین بن محمد؛ مجمع البحرین، ناشر: مرتضوی، تهران، سوم، ۱۳۷۵ش
۵۳. طنطاوی جوهری، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، مصطفی حلی، چاپ دوم، ۱۳۵۰ ه، ج ۲
۵۴. عرجون، محمد صادق، القرآن العظیم، هدیته و اعجازه، مکتبه الکلیات الازهریه ۱۹۹۶
۵۵. العقاد، عباس، الفلسفه القرآنیة، قاهره، دار الکتب المصریه، بی تا
۵۶. علوی مهر، ۱۳۸۹، روش‌های تفسیر قرآن؛ به ترجمه حسین زورانی، بی‌جا، انتشارات اسلامیة، بی‌تا.
۵۷. عمید زنجانی عباس علی، مبانی روش‌های تفسیر قرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چهارم، ۱۳۷۹ش.
۵۸. غزالی ابو حامد، احیاء علوم الدین، ج ۱، انتشارات دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۳،
۵۹. غزالی ابو حامد، جواهر القرآن مکتبه الجندی، ج ۱، انتشارات دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۱
۶۰. غضنفری، آموزش فلسفه، قم: انتشارات لاهیجی: اول: ۱۳۸۲. ج ۳.
۶۱. فتال نیشابوری، محمد بن احمد. التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۸، ترجمه: مهدوی دامغانی. تهران: نشر نی. اول: ۱۳۶۶.
۶۲. الفخر الرازی، مفاتیح الغیب، الطبعة الثالثة، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ج ۴؛ بی تا
۶۳. کاظمی، ۱۳۷۴، ایدونولوژی سکولار، به تحقیق شعیب الارنؤوط و عادل مرشد؛ بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۲۰ق، دوم.
۶۴. کلینی محمد بن یعقوب، اصول کافی، ج ۱، ۱۴۰۷ق؛ انتشارات دار الفکر، بیروت،
۶۵. کوئنتین اسکینر، ۱۳۹۳، ج ۱، زمینه روان‌شناسی هیلگارد، ترجمه: دکتر براهنی و دیگران، تهران، انتشارات رشد، چاپ پنجم
۶۶. مصباح، محمد تقی، کیهان اندیشه، رابطه قرآن با علوم بشری شماره ۲۸، سال ۱۳۶۸
۶۷. مطهری، مجموعه آثار؛ قم: صدرا. سی و دوم: ۱۳۸۶. جلد ۱۷



۶۸. مغنیه، ۱۳۸۳، ج ۱، المراجعات. ترجمه: محمد جعفر امامی. تهران: چاپ و نشر بین المللی. ششم
۶۹. موسوی زنجانی، ۱۳۹۴؛ نظام اجتماعی در اسلام، به تحقیق محمد محی‌الدین عبدالحمید؛ مصر، چ دوم، دوم.
۷۰. نایینی، ۱۳۷۸، ج ۹، مقدمه، پاورقی سید محمود طالقان، قاهره، دار السلام، ۱۴۲۱ ق.
۷۱. واعظی احمد، درآمدی بر هرمنوتیک، تهران، مرکز نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، اول، ۱۳۸۰ ش.
۷۲. هادوی تهرانی مهدی، مبانی کلامی اجتهاد، قم، موسسه فرهنگی خانه‌ی خرد، اول، ۱۳۷۷ ش.
۷۳. هندی، ۱۳۳۲، تفسیر القرآن و هو الهدی و الفرقان، تهران، انتشارات جاویدان، ۱۳۶۱ ش.
۷۴. هیتو، محمد حسین، المعجزة القرآنیة، دار احیاء التراث العربی، بیروت؛ بی تا

علوم و فرآورده‌های گیاهی در قرآن

محمد اسماعیل مجلسی^۱ و فاطمه زینلی پور^۲

مدرس ارشد درس دفاع مقدس استان سیستان و بلوچستان، بلوار بزرگمهر، دانشکده علوم قرآنی زاهدان (نویسنده مسئول):
BASIREBRAT@YAHOO.COM

چکیده

در قرآن کریم به‌عنوان کلام آفریدگار حکیم و خالق کائنات پاره‌ای از این گیاهان به‌تناسب موضوع مطرح شده است که می‌توان آن را نشانه‌ای از ارزش و اهمیت این نوع گیاهان شمرد. شناخت اهمیت گیاهان و تلاش برای مراقبت و استفاده‌ی از آنها و ثمرات آنها و به‌عبارت دیگر عدم تخریب و یا استفاده غیر اصولی از گیاهان و درختان. یکی از دانش‌هایی که قرآن درباره آن، مطالب ارزنده‌ای دارد؛ گیاه‌شناسی است. قرآن از زاویه‌ی خاصی به گیاهان می‌نگرد و آیات فراوانی درباره گیاهان، انواع و اجزای آنها نازل شده است. خداوند متعال، گیاهان را ارجمند شمرده زیرا آنها را نعمت خود و حتی از نعمت‌های بهشتی دانسته و به برخی از آنها سوگند یاد کرده است. قرآن، گیاهان را از سویی نعمت خدا قرآن، گیاهان را از سویی نعمت خدا و از سوی دیگر نشانه‌های قدرت حکمت و وجود پروردگار می‌داند. آیات قرآن درباره‌ی گیاهان و به‌خصوص درختان پیروان این دو محور هستند؛ قرآن به‌روشنی در آیاتی از قبیل “و ان تعدوا نعمة الله لا تحصوها” و “رزقاً لکم” از گیاهان به‌عنوان نعمت، روزی و برکت یاد می‌کند. مؤلف در تبیین معنای نعمت بودن درختان، بیانی لطیف و دل‌انگیز دارد بدین‌سان که درختان هم نعمت مادی زندگی انسان‌ها هستند و هم نعمت معنوی. سودمندی‌های مادی درختان بسیار آشکار است چه اینکه آدمی به‌طور مستقیم از آنها بهره می‌برد و چهارپایان که بخش عظیمی از نیازمندی‌های جامعه انسانی را فراهم می‌آورند نیز از آنها تغذیه می‌کنند. اما قرآن در توصیف برکت‌ها و سودمندی‌های گیاهان بدین بسنده نمی‌کند و آن‌ها را دارای آثار روانی و معنوی ارزنده‌ای می‌داند؛ از نگاه قرآن، گیاهان، زینت زمین به‌شمار می‌آیند و در واقع سبزه‌ها و گیاهان پوشاک نرم، فاخر، بهجت‌آفرین و دل‌انگیزی هستند که اندام زمین را پوشانده‌اند و پسان آرایشی بس دیدنی و نشاط‌آور برای زمین در آمده‌اند. درختان، گیاهان، سبزه‌ها و سبزه‌زاران نیز همانند آب‌ها، نشانه هستی و نشانگر قدرت، حکمت و جمال جمیل اویند. اگر آدمیان از سر بصیرت به آنها بنگرند و با فطرتی پاکیزه و ذهنی سالم در آنها بیندیشند زمینه اعتقاد به خداوند در آنان فراهم می‌آید.

واژه‌های کلیدی: قرآن کریم، اهمیت گیاهان، نعمت معنوی، زینت زمین، بصیرت، علوم

مقدمه

را همانند رستاخیز انسان می‌شمارد. انسان می‌بایست از این رستاخیز زمین عبرت گیرد و همان‌طور که تن و خانه را از غبار ایام می‌زداید و به پلایش آرایش‌ها می‌پردازد، جان و روان خویش را نیز از غبار کینه‌ها و زشتی‌ها بی‌پالاید و خود را به خوبی‌ها و زیبایی‌ها بیاراید. اگر در مخلوقات خدای متعال به‌ویژه گیاهان نگاه کنیم، از نحوه نشأت و ماهیت آن متحیر می‌شویم؛ به‌ویژه آنکه ماده اصلی همه این گیاهان آب است.

خداوند عزوجل در قرآن کریم به برخی از آیات موجود در هستی اشاره کرده و در آنها به بیان برخی از حقایق طبیعت پرداخته که مردم از وجودشان بی‌خبر بوده‌اند، حقایقی که حتی عده‌ای از فیلسوفان و فیزیکدانان گذشته، وجود برخی یا همه آن حقایق را انکار می‌کردند خداوند، فصل بهار را زمان رستاخیز زمین می‌داند و در آیاتی از جمله ۹ تا ۱۱ سوره ق، آن



است که تمام این مراحل را در سه کلمه (اهتزت: به حرکت درآید/ وربت: رشد و نمو کند/ وأنبتت: بروید) توضیح داده و خلاصه کرده است. در سال‌های اخیر، توجه دانشمندان به امور زیست‌محیطی افزایش یافته و به اهمیت توازن زیستی و تأثیر آن بر حیات موجودات اعم از انسان‌ها، حیوانات و گیاهان پی‌برده‌اند؛ به‌ویژه پس از آنکه آلودگی‌های تحمیلی تمدن قرن بیست مشکل‌آفرین شده است. خدای تعالی گیاهان را وسیله‌ای برای تصفیه هوا از مواد سمی قرار داده است؛ همانطور که می‌دانیم گیاهان برای تغذیه و باردهی گاز کربن هوا را مصرف می‌کنند و طی فرآیندی به نام فتوسنتز سبز شده و بار می‌دهد. در نتیجه این فرایند گیاهان اکسیژنی را که انسان برای ادامه حیات خود تنفس می‌کند، آزاد می‌کنند و عجیب آن است که گیاهان موجود در روی زمین مناسب با حجم اتمسفر است. در واقع میان اکسیژنی که انسان نیاز دارد و اکسیژنی که گیاهان آزاد می‌کنند، توازن وجود دارد و از طرف دیگر بین کربنی که انسان آزاد می‌کند و کربنی که گیاهان دریافت می‌کنند نیز تناسب وجود دارد. قرآن کریم در مورد این توازن دقیق در زمانی که هیچ علمی در این مورد وجود نداشته سخن گفته و خداوند می‌فرماید: «الْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ». (و زمین را هم ما بگسترده‌ایم و در آن کوه‌های عظیم بر نهادیم و در آن از هر گیاه و هر نبات مناسب و موافق حکمت و عنایت برویانیدیم.)؛ «الحجر: ۱۹» براساس پژوهش دانشمندان این توازن اثبات شده است؛ به‌گونه‌ای که به‌عنوان مثال اگر نسبت اکسیژن در اتمسفر که ۲۱ درصد است اگر بیشتر شود زمین آتش خواهد گرفت و اگر کمتر باشد تمام موجودات خفه خواهند شد. نسبت گاز کربن در اتمسفر هم کمتر از یک درصد است که

هنگامی که باران می‌بارد، با خاک زمین در می‌آمیزد و نیروی جذب و دفع بین ذرات آب و خاک شکل می‌گیرد که در نتیجه آن حجم خاک افزایش می‌یابد. این یک واقعیت علمی است که امروز و پس از آزمایش‌های مختلف بر ما واضح و مبرهن است، اما هنگام نزول قرآن کریم و زمان پیامبر اکرم (ص) هیچکس در این مورد چیزی نمی‌دانست، در حالیکه قرآن کریم با دقت این مراحل را برای ما توضیح داده است: «وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» و (دلیل دیگر از ادله قدرت خدا بر معاد آن که) زمین را بنگری وقتی خشک و بی‌گیاه باشد آن گاه چون باران بر آن فرو باریم به حرکت درآید و (تخم‌ها در آن) نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند (الحج ۵). به این تعبیر دقیق دقت کنید: «الارض هامة» زمین خشک ذرات آن از حرکت باز نمی‌ایستد ولی بسیار حرکت آن ضعیف است. وقتی باران می‌بارد این ذرات سرعت فزاینده می‌گیرند و خاک آب را در خود ذخیره می‌کند که این عمل باعث تشکیل غذا و تضمین تداوم آن برای گیاه می‌شود. خدای تعالی خاصیت تداوم و ذخیره‌سازی آب در ذرات خاک را قرار داده و اگر این ویژگی در خاک وجود نداشت به هیچ‌وجه امکان ادامه حیات وجود نداشت. دانشمندان امروز کشف کرده‌اند که خاک ظرفیت ذخیره حجم بسیار زیادی از آب برای سال‌های متمادی را دارد. این آیه کریمه همچنین با دقت علمی تمام از مراحل روئیدن گیاه سخن گفته است؛ به گونه‌ای که ابتدا باران می‌بارد و آب با ذرات خاک مخلوط شده، سپس این ذرات به حرکت درمی‌آید و حجم آن افزایش می‌یابد. پس از آن بذره‌های موجود در خاک این آب را مکیده و شروع به رشد می‌کند و فرآیند رویش گیاهان آغاز می‌شود. این از اعجاز و عظمت قرآن کریم



مکان‌ها، قرآن پژوهان و دانایان سراسر جهان را شیفته خود ساخته و هرکس به اندازه توان و دانش خود با تویل و تفسیر آیات کوشیده است پرده ابهام از معانی قرآن بردارد. از جمله کسانی که به امید یافتن لولو و مرجان به اعماق این دریای بی‌کران پای نهاده یک دانشمند مسلمان هندی است که به بررسی گیاهان در قرآن کریم پرداخته است. گیاهانی که قرآن مجید از آنها نام برده است هم از نظر خواص و کاربرد وهم از جهت اشاره به رویدادها و وقایعی که همراه با نام این گیاهان آمده نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند و شناخت این گیاهان برای فهم بسیاری از آیات لازم است (حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ۷ / ۶۵۷). نام قرآنی: مَن؛ نام‌های متداول: فارسی: ترنجبین گزانگبین؛ عربی، اردو: ترنجبین، کزنجبین، من؛ عبری: مان؛ هندی: شیری؛ تامیلی، تلگو، ملیالمی: منّا؛ انگلیسی، آلمانی، روسی، لاتینی، یونانی، ایتالیایی.

۳- اشارات قرآنی

۱- وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (بقره / ۵۷). و ابر را سایباتان گردانیدیم و برایتان من و سلوی فرستادیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که شما را روزی داده‌ایم. آنان بر ما ستم نکردند، بلکه بر خود ستم می‌کردند. ۲- وَ قَطَعْنَا هُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَّمًا وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ ط وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (اعراف / ۱۶۰). بنی‌اسرائیل را به دوازده سبط تقسیم کردیم. و چون قوم موسی از

اگر بیشتر از این مقدار شود تمام بشر دچار مسمومیت شده و خواهند مرد و اگر از این مقدار کمتر باشد گیاهان از بین خواهند رفت و زندگی متوقف خواهد شد. براین اساس توازن دقیقی در این زمینه وجود دارد که خدای تعالی در قرآن کریم از آن سخن گفته است. سؤالی که اینجا مطرح می‌شود این است که آیا پیامبر عظیم‌الشأن اسلام ترکیبات خاک و گیاهان را آزمایش و بررسی کرده‌اند؟ چه چیزی باعث شده تا ایشان به این موضوعات علمی تخصصی و دقیق ورود کنند؟ بدیهی است منبعی که پیامبر اکرم (ص) این علوم را دریافت کرده خدای سبحان است که همه بشریت را مورد خطاب قرار داده و تأکید کرده است که او این علوم را به پیامبر آموخته است. خداوند در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره نحل، رویش گیاهان و زراعت با بارش باران را از آیات الهی برای اهل تفکر و اندیشه می‌داند و از ایشان می‌خواهد تا با اندیشه در این چرخه زندگی گیاهی، حقایقی چون معاد و رستاخیز را درک کنند. از آیات قرآن که در رابطه‌ی با گیاهان آورده شد نتیجه می‌گیریم که خداوند متعال با پیش‌کشیدن بحث گیاهان چندین مطلب را می‌خواهد به ما بیاموزد: ۱- گیاهان نشانه‌ای از وجود خداوند متعال و قدرت و حکمت خدا هستند. ۲- گیاهان نیز مانند دیگر موجودات در برابر خدا سجده کرده و متواضع درگاه خداوند هستند. ۳- توجه به سیر طبیعی گیاهان، برای ما قیامت را اثبات می‌کند. ۴- گیاهان در مراحل مختلف سال مثلی هستند برای دنیا و بی‌ارزش بودن آن. ۵- انسان هم مثل گیاه رویش دارد.

۲- ارزش والای کلام خدا درباره گیاهان

ارزش والای کلام خدا در بین مسلمانان و مقام بلند این معجزه بزرگ الهی در تمام زمان‌ها و



آن را شناسایی کنند. البته بعضی نوشته‌اند که ترنجبین فعلی همان «من» واقعی است. ابوریحان محمد بن احمد بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ه) اولین فردی بود که ثابت کرد ترنجبینی که از گیاهی به نام «الحاج» به دست می‌آید همان من قرآن است. او نیز بیان کرد حشرات بسیار کوچکی که روی بعضی از این درختان زندگی می‌کنند مولد ترنجبین می‌باشند. کلمه‌ی «ترنجبین» معرب کلمه فارسی «ترانگبین» است. (تر یعنی تازه و انگبین به معنای عسل است). سال‌ها پس از بیرونی در مورد شناخت گیاهان و فرآورده‌های گیاهی مشرق زمین پیشرفتی حاصل نشد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۲۵). در سال ۱۸۲۲/۱۲۳۷ ی.ل. بوركهارت نویسنده کتاب معروف سفرنامه‌ی سوریه و سرزمین مقدس نقل کرد روی بعضی درختان در سرزمین فلسطین و شام حشراتی به سر می‌برند که صمغی شیرین تولید می‌کنند. بوركهارت، که در مصر مشهور به شیخ برکات بود نقل می‌کند که این حشرات تنه‌ی درخت میزبان را نیش می‌زنند و در گرمای شدید روزهای آفتابی این درخت مایعی تراوش می‌کند که در شب‌های سرد به صورت صمغ منعقد می‌شود. پس از چاپ کتاب بوركهارت، دیری نپایید که دو گیاه‌شناس معروف به نام ایرنبرگ و همپرش گزارش تحقیقات خود را در سال ۱۸۲۹ چاپ کردند و حشره‌ای را که من تولید می‌کند کوکوس منیپاروس نام گذاشتند. آنان منی را که این حشره از درختان سینا تولید می‌کرد مشاهده کردند و نام این درختان را گز گذاشتند. از این‌رو در نیمه قرن نوزدهم به خوبی روشن شد که درختان صحرای سینا ماده‌ای قندی ترشح می‌کنند (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ص ۴). بعدها، روایت کردند که مردمان اطراف صحرای سینا من را از درختان جمع‌آوری و از آن در خوراکی‌های شیرین استفاده می‌کردند.

او آب خواستند به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن. از آن سنگ دوازده چشمه روان شد و هر گروه آشخور خویش را بشناخت. و ابر را سایبانشان ساختیم و بر ایشان من و سلوی نازل کردیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که بر شما روزی داده‌ایم و آنان به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم می‌کردند. ۳- یا بنی اسرائیل قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ وَاَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَى. كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى (طه / ۸۱-۸۰). ای بنی‌اسرائیل، شما را از دشمنان رهانیدیم و با شما در جانب راست کوه طور وعده نهادیم و برایتان من و سلوی نازل کردیم. از چیزهای پاکیزه که شما را روزی داده‌ایم بخورید و از حد مگذرانیدش تا مبادا خشم من به شما رسد، که هرکس که خشم من به او برسد، در آتش افتد. من در عربی اگرچه به معنای «احسان» و «بخشش» است، اما به طور کلی به معنای غذایی شیرین به کار رفته است که پس از خروج بنی‌اسرائیل از مصر و سرگردانی آنان در بیابان سینا خداوند این ماده‌ی غذایی را بر ایشان نازل کرد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۲۵). علامه یوسف علی در قرآنی که ترجمه کرده بیان می‌کند که «من» صمغی شیرین بود که از درختان گز در صحرای سینا به دست می‌آمد. در کتاب لَغَةُ الْقُرْآنِ عَبْدِ الرَّشِيدِ نَعْمَانِي آمده، «من» ماده‌ای شبیه شهد گیاهی توصیف شده است که بر برگ بعضی درختان می‌نشیند و صبح‌دم جمع‌آوری می‌شود. تعدادی دیگر از مفسران قرآن، مانند مولانا ابوالکلام آزاد، مولانا اشرف علی ثنوی، مولانا عبدالحق حقانی، مولانا ابوالاعلی مودودی، و مولانا عبدالماجد دریابادی، «من» را فرآورده‌ای گیاهی توصیف کرده ولی هیچ‌یک از آنان نتوانسته‌اند منشأ اصلی و گیاهی



تنها با خوردن من شیرین مدت چهل سال (۱۴۵۱-۱۴۹۱ق.م.) به زندگی ادامه دهند. اشاره‌ی قرآن به «سایه‌ی ابرها» در سوره اعراف و طه بسیار مهم و پرمعنی است. این دلالت دارد که میلیون‌ها درختی که در چنین مقیاس وسیعی برای این همه مردم، من فراهم می‌کرد سایه‌دار نبود. و خداوند متعال ابرها را سایبان آنان قرار داد تا از آفتاب سوزان در امان باشند. لازم است متذکر شویم که «الحاج» یا خارشتر بوته‌ای کوچک است و نمی‌تواند بر آدمی سایه افکند. گزانگبین نیز درختی است کوچک با برگ‌هایی ریز و فشرده که مناسب این منظور نیست. از این‌رو اگرچه این درختان در نواحی سینا بسیار زیاد بود اما سایبانی مناسب برای بنی‌اسرائیل در دوران سرگردانی‌شان نبود. اگرچه این درختان به‌طور اعم و خارشتر به‌طور اخص، پناهگاه مناسبی بود برای تولید و پرورش پرندگان یعنی سلوی (بلدرچین) که بنی‌اسرائیل بسادگی به آن دسترسی داشتند (ژری ارس، علم، شبه علم و علم دروغین، ترجمه دکتر عباس باقری، ص ۳۹).

۵- اعجازهای گیاه‌شناسی قرآن کریم

خداوند عزوجل در قرآن کریم به برخی از آیات موجود در هستی اشاره کرده و در آنها به بیان برخی از حقایق طبیعت پرداخته که مردم از وجودشان بی‌خبر بوده‌اند، حقایقی که حتی عده‌ای از فیلسوفان و فیزیکدانان گذشته، وجود برخی یا همه آن حقایق را انکار می‌کردند. علت انکارشان این بود که در آراء، نظرات، ملاحظات و تفاسیرشان پیرامون هستی دچار خطا و اشتباه شده و تصویری دور از حقیقت را از آن ارائه کرده بودند. در نتیجه پیشرفت‌ها و تحقیقات بیشتر، سرانجام بشر به کشف حقایقی نایل گشت که قرآن به صراحت یا به‌صورت ضمنی به آنها اشاره

در حقیقت برای بعضی از قبایل این ناحیه این شیرهی گیاهی تنها منبع شیرین بود. براساس تحقیقات علمی که تاکنون انجام شده، می‌توان گفت که منی که در قرآن آمده از دو گونه مختلف گیاه به‌دست می‌آمده است. یکی گیاهی به‌نام «الحاج» یا «عاقول» (خارشتر) به‌نام علمی «الحاجی موروروم» که بوته‌ای خاردار و خوراکی مناسبی برای شتر است و از این‌رو «شوک الجمل» و یا در فارسی «خارشتر» نام دارد. طول این بوته معمولاً کمتر از یک متر است اما ریشه‌های بسیار بلند دارد که گاهی تا عمق بین ۵ تا ۷ متر در زمین فرو می‌رود. علاوه بر صحرای سینا و سوریه و دیگر کشورهای عربی این گیاه در ایران و هند و پاکستان نیز دیده می‌شود و بیشتر در شوره‌زار می‌روید. ایران امروزه منبع اصلی من است که محصول آن ترنجبین نامیده می‌شود. علاوه بر بوته «الحاج» که در زمان حضرت موسی گیاهی بسیار معمولی در صحرای سینا بود، گیاه دیگری در آن ناحیه می‌روید به‌نام گزانگبین که از آن من به‌دست می‌آمد. این گیاه معمولاً در سوریه، فلسطین، عراق و ایران می‌روید. منی که از خارشتر و گزانگبین به‌دست می‌آید به‌ترتیب ترنجبین و کزنجبین نام دارد و هنوز در بسیاری از نقاط جهان کالایی تجاری شمرده می‌شود (ایان باربور، علم و دین، ص ۹؛ بهشتی، شناخت اسلام، ص ۴۰).

۴- طعام بنی اسرائیل

در قرآن در سه مورد نام من آمده است و در هر سه آیه با کلمه‌ی سلوی (بلدرچین) همراه است. این آیات به‌روشنی دلالت دارد بر این‌که خوراکی شامل ئیدراتهای کربن شیرین (من) و ماده‌ای پروتئینی و چرب (سلوی) برای بنی‌اسرائیل نازل می‌شد که برنامه غذایی متوازی بود. در غیر این صورت صدها هزار بنی‌اسرائیلی نمی‌توانستند

غذایی درون خود که از مادر به ارث برده‌اند، پرورده می‌شوند و می‌رویند. دقیقاً همان مراحل و وضعیتی که قرآن گفته است (غلامی، ۱۳۸۰، صص ۶۷-۶۹).

۲-۵- پیدایش گیاه‌وار انسان
«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ بِسَاطًا: خدا شما را گیاه‌وار از زمین رویانید» (نوح/۱۷). این آیه سخن حضرت نوح «ع» به قوم خود است. تشبیه رویش انسان از زمین مانند رویش گیاه به این معنی است که انسان طی مراحل گیاه‌وار آفریده شده است. گیاه، یعنی دانه‌ای که منجر به پیدایش گیاه می‌شود، در ابتدا عنصری بسیار ساده و در آب و خاک است، بنابراین موجود زنده‌ای هم که منجر به پیدایش انسان شده، در ابتدا می‌بایست عنصری ساده در آب و خاک بوده باشد. بر اساس شناخت امروزی ما از حیات اولیه، گیاه به تدریج جوانه می‌زند و شاخ و برگ می‌دهد، بنابراین آن عنصر حیاتی اولیه نیز به تدریج پیچیده‌تر و صاحب شاخ و برگ یعنی دست و پا و غیره شده است (غلامی، ۱۳۸۰، ص ۹۴). فراوانی و تنوع گیاهان، امکان تبیین و آموزش مفاهیم و حقایق را برای همگان فراهم می‌سازد، زیرا همه انسان‌ها همواره با گیاهان در ارتباطند و چگونگی رویش و زیست و مرگ آنها را می‌شناسند. در آیه ۴۵ سوره کهف و ۲۰ سوره حدید توجه به زندگی انسان و گیاه و نسبت با یکدیگر آمده است تا انسان متوجه شود که همانند گیاه رشد و نمو دارد. گیاه را می‌توان نماد زندگی و حیات دانست، از این رو در نوروز بر سر هر سفره هفت‌سینی، سبزه به‌عنوان نماد زندگی قرار می‌گیرد. زندگی گیاه و سبزه نشانه‌ای از ناپایداری حیات نیز هستند که هر انسان خردمندی بدان توجه و در آن تدبر و تفکر می‌کند. بسیاری از گیاهان چند هفته یا چند ماه بیشتر، از سبزی و طراوات و زندگی بهره‌ای

کرده است. به هر حال این واقعیت خارق‌العاده یکی از معجزات بی‌شمار قرآن عظیم‌الشان و خود، دلیل نزول آن از سوی آفریننده هستی است. خدایی که از بزرگ و کوچک، آشکار و نهان این جهان پهناور آگاه است (حبتکه المیدانی، ۱۳۹۲؛ ص ۱۰۲). به همین جهت، کسانی که به خدا و کتاب آسمانیش ایمان دارند، آرا و نظرات فیلسوفان و دانشمندان علوم طبیعی را که مخالف با مضمون آیات و سوره‌های قرآن کریم باشند رد می‌کنند و از پذیرش آنها سرباز می‌زنند، زیرا می‌دانند که آفریدگار هستی بر تمام امور آگاه است و امکان ندارد چیزی را در کتابش نازل فرماید، مگر آنکه واقعیت داشته باشد. صاحبان فکر و اندیشه در عصر حاضر بر این پدیده و معجزه قرآنی عنوان اعجاز علمی قرآن نهاده‌اند. اعجازهای گیاه‌شناسی در قرآن به شرح زیر هستند:

۱-۵- جنبش، پرورش و رشد دانه
«وَوَرَّتْ وَأَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ: و زمین را بی‌گیاه می‌بینی، ولی همین‌که آب بر آن نازل می‌کنیم به جنب و جوش درمی‌آید و می‌پروراند و انواع گیاهان نشاط انگیز را می‌رویاند» (حج/۵). زمین در این آیه البته مجاز و منظور از آن دانه است. با نازل شدن آب بر زمین، زمین به جنبش در می‌آید، پروریده می‌شود و می‌رویاند. در خاک دانه‌های بسیار ریزی وجود دارند که ما آنها را نمی‌بینیم و قطر آنها حدود ۳ هزارم میلی‌متر و هرکدام از آنها حاوی مواد مختلف و لایه‌لایه هستند. از آنجاکه دانه‌ها از مواد مختلفی تشکیل شده‌اند، همین‌که باران بر آنها بارد، لایه‌ها بار الکتریسته مختلفی را به خود می‌گیرند و این باعث ایجاد جنبش آنها می‌شود. جنبش لایه‌ها باعث نفوذ آب در میان آنها می‌شود. سپس دانه‌ها با مواد



چند ارتباط تنگاتنگ زندگی بشر و گیاه در موضوع رستاخیز را تبیین کرده است. از جمله می‌فرماید: «و اوست که بادها را پیشاپیش باران رحمتش مژده‌رسان می‌فرستد تا آنگاه که ابرهای گرانبار را بردارند، آن را به‌سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و هرگونه میوه‌ای را از خاک برآوریم. بدین‌سان مردگان را نیز از قبرها خارج می‌سازیم، باشد که شما متذکر شوید» (اعراف/۵۷). همان‌گونه که خداوند با آب باران، زمین و گیاهان مرده را زنده می‌کند و به آنها جان می‌بخشد، انسان‌های مرده را نیز در رستاخیز زنده می‌کند و چون گیاه از خاک برمی‌انگیزاند. همین معنا نیز در آیه ۵ سوره ق بیان شده است. خداوند در این آیه می‌فرماید: «رِزْقًا لِلْعِبَادِ - وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا؛ كَذَلِكَ الْخُرُوجُ: أَيْنَمَا هُمَ لِرُوزِي بندگان من است و با آن آب، سرزمین مرده‌ای را زنده گردانیدیم، رستاخیز نیز چنین است». خداوند، فصل بهار را زمان رستاخیز زمین می‌داند و در آیاتی از جمله ۹ تا ۱۱ سوره ق، آن را همانند رستاخیز انسان می‌شمارد. انسان می‌بایست از رستاخیز زمین عبرت گیرد و همان‌طور که تن و خانه را از غبار ایام می‌زداید و به پالایش آرایش‌ها می‌پردازد، جان و روان خویش را نیز از غبار کینه‌ها و زشتی‌ها بیالاید و خود را به خوبی‌ها و زیبایی‌ها بیاراید. از این رو تزکیه به‌معنای پاک‌سازی و خودسازی، یک برنامه اصلی در برنامه هدایتی وحی معرفی شده است و قرآن خواهان خانه تکانی و تخلیه برای تخلیه است و از انسان می‌خواهد زشتی‌ها را از تن و روان بزداید و دمی در این کار سستی نرزد. پس باید دل را به برخی از خصوصیات و فضایل اخلاقی آراست، زشتی‌ها و رذایل را از خانه دل بیرون راند، برخی از خصلت‌ها را اصلاح و به آب محبت و مودت آبیاری کرد (موسوی، ۱۳۹۱؛ ص ۷۸).

نمی‌برند. در حقیقت خداوند، زندگی کوتاه و ناپایدار گیاه را نشانه قرار داده است تا کم‌ارزشی و غیراصیل بودن زندگی دنیا را به انسان بفهماند و نیز حقیقت رستاخیز و زندگی جاودان و ابدی را برای او تبیین نماید. اینجاست که به رویش گیاهان پس از بارش باران اشاره می‌کند و می‌فرماید در رستاخیز همانند گیاهان سر از خاک برمی‌دارید و دوباره زنده می‌شوید (موسوی، ۱۳۹۱؛ صص ۴۵-۴۸). از ظاهر آیه ۱۷ سوره نوح و نیز آیه ۳۷ سوره آل‌عمران برمی‌آید که انسان نیز خود نبات و گیاهی است که رشد و نمو دارد. خداوند درباره مادر حضرت مریم «س» می‌فرماید: «فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولِ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّى لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ: پس پروردگارش، وی (مریم) را با حسن قبول پذیرا شد و او را گیاهی نیکو رویند و بار آورد و زکریا را سرپرست وی قرار داد. زکریا هر بار که در محراب بر او وارد می‌شد، نزد او خوراکی می‌یافت و می‌گفت: «ای مریم، این از کجا برای تو آمده است؟» و او در پاسخ می‌گفت: «این از جانب خداست که به هر کس بخواهد، بی‌شمار روزی می‌دهد». شباهت بی‌نظیر انسان و گیاه که در این آیات بر آن تأکید شده، برای آن است که انسان‌ها بتوانند با مشاهده زندگی گیاهان، زندگی خود را تبیین و تفسیر کنند. به دیگر سخن، اگر انسان بداند که زندگی او همانند زندگی گیاهان است، می‌تواند درک درستی از زندگی خود به‌دست آورد. زندگی گیاه در دنیا کوتاه و ناپایدار است و زندگی انسان نیز چنین است. دیگر آنکه گیاه دوباره با بارانی از خاک برمی‌آید و انسان نیز در رستاخیز، چون گیاه از زیر خاک سر برمی‌آورد و سرسبزتر از گذشته می‌روید. خداوند به صراحت در آیاتی



۳-۵- ماده سبز گیاهی
«وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مُمْتَرًا كَيْبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ وَغَيْرٍ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ». اوست که از ابر، باران می‌فرستد و با آن، جوانه انواع رستنی‌ها و ماده سبز را بیرون می‌آورد و دانه‌های خوشه‌ای درست می‌کند و از تاره‌های نخل، پُنگهای خوردنی درست می‌کند و باغ‌های انگور و زیتون و انار را که ترکیبات مشترک زیادی دارند ولی همانند نیستند، می‌آفریند» (انعام/۹۹). در سلول گیاهی کیسه‌های غشایی هست که در آن کلروفیل ساخته می‌شود. کلروفیل یا سبزینه گیاهی که معادل آن در عربی «خَضِر» است، انرژی خورشید را جذب و به انرژی شیمیایی تبدیل می‌کند. ریشه‌های گیاه، آب و مواد معدنی را از خاک می‌مکند و به‌طرف برگ‌ها می‌فرستند. برگ‌ها نیز از هوا دی‌اکسید کربن می‌گیرند. سپس خَضِر (کلروفیل)، مواد غذایی مورد نیاز درخت را تولید می‌کند و به سراسر آن می‌فرستد و اجزای مختلف درخت را تغذیه می‌کند. کیسه غشایی (کلروپلاست) که در سلول قرار دارد، حدوداً یک پانصدم میلی‌متر است. سلول برخی از گیاهان صدها کلروپلاست دارند که درون آن انبوهی از غشاء حاوی خَضِر (کلروفیل) وجود دارد. همچنین ثمرات نخل و انگور و انار و زیتون ضمن اینکه مانند یکدیگر نیستند، حاوی ترکیبات مشترک زیادی چون روغن، آب، پروتئین، مواد معدنی و مواد قندی هستند (غلامی، ۱۳۸۴، ص ۵۶).

۴-۵- نگهداری محصول در خوشه
«قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأْبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ». یوسف گفت

۵-۵- خصوصیات درختان و گیاهان
«وَفِي الْأَرْضِ قَطْعٌ مِتْجَاوِرَاتٍ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَّرَعٍ وَنَخِيلٍ صِنَوَانٍ وَغَيْرِ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفْضِلُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ». و در زمین مزرعه‌های کوچک ناهمگون در جوار همدیگرند و در آنها باغ‌های انگور، کشت و درخت‌های خرما از نوع صنو و غیر صنو وجود دارند که همه با یک آب آبیاری می‌شوند، ولی از نظر محتوا بر یکدیگر برتری دارند. در این برای کسانی که اهل تفکرند، نشانه‌هایی وجود دارد» (عد/۱۴). درختی که از درخت دیگر روییده باشد صنو و درختی که از بذر روییده باشد غیرصنو نامیده می‌شود. این آیه صفات و خصوصیات درختان را ناشی از صنو و غیرصنو بودن آنها می‌داند. واقعیت هم همین است. درخت صنو، تمام صفات و خصوصیات



دچار کمبودهای فراوانی می‌شد، اما با تقسیم حساب‌شده این مأموریت‌ها و بخشیدن استعداد پرورش آن به قطعات مختلف زمین، همه نیازهای موجودات کاملاً برطرف می‌شوند. گاهی هریک از شاخه‌های درختان، میوه خاصی می‌دهند. شاید این جمله اشاره‌ای به استعداد درختان برای پیوند باشد، به این شکل که هر پیوندی رشد می‌کند و نوع خاصی میوه می‌دهد. خاک و ریشه و ساقه درخت یکی است، اما شاخه‌های مختلف آن محصولات متفاوتی به بار می‌آورند. قرآن در جای دیگری می‌فرماید: «بعضی از درختان را بر بعضی دیگر از نظر میوه برتری دادیم». بسیار دیده‌ایم که در یک درخت یا در یک شاخه، میوه‌هایی از یک جنس، اما با طعم‌ها و رنگ‌های متفاوتی وجود دارند. گاهی در یک بوته گل و حتی یک شاخه، گل‌هایی به رنگ‌های مختلف دیده می‌شوند (الیاسی، ۱۳۹۲:ص ۷۸)

۷-۵- باغ در بلندی

«وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَشِيئًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطُلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ»: و نمونه کسانی که دارایی خود را در جستجوی خشنودی خدا و استواری ایمان خود انفاق می‌کنند، مانند باغ پر درخت واقع در بلندی (بالا تر از تل) است که اگر بارش سنگین به آن ببارد، ثمرش دوچندان می‌شود و اگر بارش سنگین به آن نیارد، با بارش کم نیز ثمر خود را می‌دهد و خدا به خوبی و بدی آنچه انجام می‌دهید، می‌نگرد و بدان آگاه است» (بقره/۲۶۵). «بِصَارَه» به معنی نگاه کردن به خوبی یا بدی و درستی یا غلطی و زشتی یا زیبایی چیزی است و «بَصِيرٌ» کسی است که خوبی یا بدی، زشتی یا زیبایی، درستی یا نادرستی چیزی را می‌شناسد و بدان آگاه است.

وراثتی درخت مادر را دارد و از نظر رنگ، طعم، مزه و غیره دقیقاً مانند درخت مادر است، ولی صفات و خصوصیات درختی که از بذر روییده باشد، ترکیبی است از ویژگی‌های درخت مادر به علاوه درخت پدر است. منظور از نشانه‌ها، وجود هدایت خداوندی است. در این آیه به این نکته اشاره شده است که در صورت نبودن هدایت در پشت پدیده‌ها، در یک خاک و آب منطقی‌اً می‌بایست فقط یک نوع گیاه می‌رویید، نه اینکه مثلاً درخت خرما در انواع خاک‌ها بروید. در موجودات زنده از جمله گیاهان عنصری وجود دارد که گیاه را هدایت می‌کند. این عنصر ژن نامیده می‌شود که حاوی اطلاعاتی از ویژگی‌های پدیده خود است و پدیده بر اساس آن اطلاعات، خود را هدایت می‌کند (غلامی، ۱۳۸۴، ص ۳۴).

۶-۵- دلیل تنوع گیاهان و درختان

«وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونًا»: و در زمین هر نوع گیاهی را در تعادل و توازی آفریدیم» (حجر/۱۹). همه درختان و گیاهان از مواد اساسی مشترکی چون کربن، اکسیژن، نیتروژن و فسفر ساخته شده‌اند. تنها اختلاف میان انواع گیاهان و درختان، نسبت این عناصر در آنهاست (غلامی، ۱۳۸۰:ص ۵۶). در زمین قطعات مختلفی وجود دارند که با وجود اتصال به هم، هریک ساختمان و استعداد مخصوصی دارند. بعضی محکم، بعضی نرم، بعضی شور و بعضی شیرین و هریک برای پرورش نوع خاصی از گیاهان و درختان میوه و زراعت استعداد دارند. نیازهای انسان‌ها و جانوران و گیاهان بسیار متفاوت‌اند و گویی هر قطعه از زمین مأموریت برآوردن یکی از این نیازها را دارد. اگر همه زمین‌ها یکنواخت بودند و یا استعدادهای به‌شکلی متوازن در قطعات زمین تقسیم نشده بودند، انسان برای تامین نیازمندی‌های مختلف خود



۶- نظام کلی زوجیت در جهان هستی (زوجیت تمام موجودات به‌ویژه گیاهان)

خداوند، یکتای مطلق در ذات و صفات است. نه شریکی دارد و نه یآوری. بدون فرزند است و بی‌همتا. تنها اوست که نظام زوجیت را بر تمام اجناس، انواع و اصناف آفرینش و مخلوقات خود حاکم کرده تا هیچ‌کس و هیچ‌چیز در صفت وحدانیت و یکتایی با او شریک نباشد. این نظام زوجیت که ناشی از خواست و اراده خداست، به‌صورت یکنواخت و چشمگیر در ابعاد گوناگون هستی نظیر انسان، حیوانات، نباتات و هر چیزی که بهره‌ای از وجود دارد، عیناً مشاهده می‌شود. خداوند عز و جل در کتاب نورافشانش، وجود و کیفیت نظام حاکم بر هستی را برایمان روشن می‌سازد که در اینجا به مواردی از آن اشاره می‌کنیم: در آیه ۴۹ سوره ذاریات آمده است: «ما از هر چیز جفتی را آفریده‌ایم، تا اینکه شما (عظمت آفریدگار را) باور کنید». در آیه ۳ سوره رعد می‌فرماید: «و از هرگونه ثمر و میوه‌ای، جفت نر و ماده‌ای در آن آفریده است» و در آیات ۴۵ و ۴۶ سوره نجم می‌خوانیم: «و اوست که جفت‌های نر و ماده را می‌آفریند از نطفه ناچیزی، بدان‌گاه که (به رحم) جهاننده می‌شوند» در آیات ۳۶ تا ۳۹ سوره قیامت آمده است: «آیا انسان (منکر معاد) می‌پندارد که بیهوده به‌حال خود رها می‌شود و قوانین و مقررات الهی و حساب و کتاب و سزا و جزای دنیوی و اخروی ندارد؟ آیا او نطفه ناچیزی از منی نیست که به رحم مادر پرت می‌شود، سپس به‌صورت خون لخته در می‌آید؟ سپس او را آفرینش تازه‌ای می‌بخشیم و اندام او را نظم و نظام و سر و سامان می‌دهیم و از این انسان دو صنف نر و ماده را می‌سازیم و می‌پردازیم». در آیه ۳۶ سوره یس می‌فرماید: «تسبیح و تقدیس خداوندی را سزاست که همه نر و ماده‌ها را، اعم از آنچه از زمین می‌روید و از

منظور از بصیر بودن خداوند در این مثال این است که همان‌گونه که خداوند موقعیت خوب و بد یک باغ نگاه را می‌شناسد، همان‌گونه نیز به خوب و بد کارهای ما آگاه است. نکته مهم در آیه این است که باغی که در ربوه قرار داشته باشد بارش سنگین دوجندان ثمر می‌دهد و اگر بارش سنگین به آن نیارد با بارش کم نیز ثمر می‌دهد. ربوه به زمین مسطحی گفته می‌شود که در ارتفاعی بالاتر از ارتفاع تل قرار داشته باشد. پژوهش‌های علمی نشان می‌دهند که بهترین محیط برای رشد و باردهی درختان میوه محیطی است که در ارتفاع میان ۳۰۰ تا ۶۰۰ متر از سطح دریا قرار دارد و این همان بلندی و ارتفاعی است که در زبان عربی ربوه نامیده می‌شود و آیه از آن صحبت می‌کند. محیط کشت در چنین ارتفاع‌هایی دارای این ویژگی‌هاست: وزش باد و نسیم و تجدید هوا، مرطوب بودن جو، در معرض تابش خورشید قرار داشتن، لطیف بودن جو، فراوانی آب، انبار نمودن آب به اندازه لازم، باران سنگین که آفت‌های گیاهان و آنچه را که رشد گیاهان را مختل می‌کند، می‌شوید (چون آب از بلندی به زمین‌های پست حرکت می‌کند و در آن ارتفاعات نمی‌ماند)، امکان نفوذ ریشه‌های درختان به اعماق که ریشک‌های زیادتری را می‌رویاند و مواد غذایی بیشتری را می‌مکد و به‌نوبه خود میوه درخت زیادتر و مقاومتر آن در برابر بادهای تند نیز بیشتر می‌شود. به این ترتیب درختی که در ربوه (در ارتفاع میان ۳۰۰ تا ۶۰۰ متر بالای سطح دریا) قرار دارد، با بارش سنگین، دوجندان ثمر می‌دهد و اگر بارش سنگین به آن نیارد، با بارش کم نیز به‌دلیل وجود ویژگی‌های نامبرده در آن محیط باز هم ثمر خود را می‌دهد (غلامی، ۱۳۸۴، ص ۴۵).

سومی پدید می‌آید. جمله «مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ» با جمله بعدی در حکم بیان اَزواج است. آنچه که زمین می‌رویانند، عبارت است از نباتات که ممکن است بگویییم شامل حیوانات نیز که یک نوع از آن آدمی است، می‌شود، چون اینها هم از مواد زمینی درست می‌شوند. خدای تعالی درباره انسان که گفتیم نوعی از حیوانات است، فرموده: «وَ اللَّهُ أَنْتَكُم مِّنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا»: و خدا شما را همچون گیاه از زمین رویانید» (نوح/۱۷۵). می‌بینیم که قرآن، حیوان را در شمار اَزواج نام نبرده، با اینکه زوج بودن حیوانات در نظر همه از زوج بودن نباتات روشن‌تر است. پس معلوم می‌شود منظور از «مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ» هرچه را که زمین از خود می‌رویانند، همه گیاهان، حیوانات و انسان‌هاست. «وَمِنَ أَنْفُسِهِمْ» یعنی از خود مردم و «وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»، یعنی از آنچه مردم نمی‌دانند و آن عبارت است از مخلوقاتی که هنوز انسان از کیفیت پیدایش آنها و یا زیاد شدن آنها اطلاع پیدا نکرده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، صص ۸۹ - ۸۸). آیت‌الله مکارم شیرازی درباره آیه شریفه: «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضَ وَمِنَ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ»؛ (یس/۳۶). می‌نویسند: «در این که منظور از «اَزواج» در اینجا چیست، مفسران نظرات گوناگونی دارند. آنچه مسلم است این است که واژه اَزواج جمع زوج است و معمولاً به دو جنس مذکر و مؤنث گفته می‌شود، خواه در عالم حیوانات باشد یا غیر آنها. سپس این واژه، توسعه معنایی داده می‌شود و به هر دو موجودی که قرین یکدیگر و یا حتی ضد یکدیگر باشند «زوج» اطلاق می‌شود. حتی به دو اتاق مشابه در یک خانه یا دو لنگه در و یا دو همکار و قرین، این کلمه گفته می‌شود. به این ترتیب برای هر موجودی در جهان زوجی متصور است. به هر حال می‌توان گفت که بعید نیست که پدیده زوجیت

خود آنان و از چیزهایی که ایشان نمی‌دانند، آفریده است». این مجموعه از نصوص قرآنی جلگی بر این حقیقت دلالت دارند که نظام زوجیت، نظامی کلی، یکپارچه و حاکم بر سراسر گیتی است. همین نتیجه به‌تنهایی از آیه ۴۹ سوره ذاریات نیز گرفته می‌شود. این نظام شکفت‌انگیز در انواع گونه‌های حیوانی، نباتی و درختی، بارهای مثبت و منفی برق و الکتریسیته، نیروی مغناطیسی جاذبه و دافعه و ... برای همگان به‌خوبی قابل مشاهده است (حبنکه المیدانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲). زوجیت موجودات، به‌ویژه گیاهان یکی از مسائل مهمی است که قرآن کریم به آن اشاره و انسان‌ها را به تفکر و تأمل در نظام آفرینش دعوت کرده است. قرآن می‌فرماید: «وَمِنَ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» و از هر چیزی زوج آفریدیم، شاید یادآور شوید» (ذاریات/۴۹). «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضَ وَمِنَ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ: منزله است کسی که همه آن زوج‌ها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویانند و از خودشان و از آنچه نمی‌دانند» (یس/۶). «أَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ»: و از هر نوع گیاه زیبا در آن رویانیدیم» (ق/۷). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسند: «این آیه تنزیه خدای تعالی را انشاء می‌کند، چون قبلاً متذکر شد که او را شکر نکردند برای خلقت انواع نباتات و رزق‌ها از حبوبات و میوه‌ها که از راه تزویج بعضی نباتات با بعضی دیگر خلق کرده است». این آیه اشاره می‌کند که مسئله تزویج دو چیز با هم و پدید آوردن چیز سوم، اختصاص به انسان و حیوان و نبات ندارد، بلکه همه موجودات را از این راه پدید می‌آورد و به‌طور کلی عالم را از دو موجود فاعل و منفعل درست کرده و این دو به‌منزله نر و ماده در حیوان و انسان و نباتات‌اند. هر فاعلی با منفعل خود برخورد می‌کند و از برخورد آن دو، موجود



مثبت در هسته اتم و الکترون‌هایی که به دور آن می‌گردند، به اثبات رسید. بعضی آن را اشاره به ترکیب اشیا از ماده و صورت یا جوهر و عرض دانسته‌اند و بعضی دیگر کنایه از اصناف و انواع مختلف گیاهان، انسان‌ها، حیوانات و سایر موجودات عالم شمرده‌اند. در نتیجه می‌توان گفت که این آیه محدود بودن علم انسان را بیان می‌کند و نشان می‌دهد که حقایق بسیاری در این جهان هست که بر ما پوشیده است (حطیط، ۱۰۰۵م، صص ۱۳۷-۱۳۸). همچنین میوه‌ها موجودات زنده و دارای نطفه‌های نر و ماده‌ای هستند که از طریق تلقیح، بارور می‌شوند. اگر «لینه» دانشمند و گیاه‌شناس معروف سوئدی در اواسط قرن ۱۸م موفق به کشف این مسئله شد که زوجیت در جهان گیاهان تقریباً یک قانون عمومی و همگانی است و گیاهان نیز همچون حیوانات از طریق آمیزش نطفه نر و ماده، بارور می‌شوند و میوه می‌دهند، قرآن مجید در ۱۱۰۰ سال قبل از آن، این حقیقت را فاش ساخت و این خود یکی از معجزات علمی قرآن مجید و بیانگر عظمت این کتاب بزرگ آسمانی است. شکی نیست که قبل از «لینه» بسیاری از دانشمندان اجمالاً به وجود نر و ماده در بعضی از گیاهان پی‌برده بودند و حتی مردم عادی هم می‌دانستند که مثلاً اگر نخل را بر ندهند، یعنی از نطفه نر روی قسمت‌های ماده گیاه نپاشند، ثمر نخواهد داد، اما هیچ‌کس به درستی نمی‌دانست که این یک قانون تقریباً همگانی است تا اینکه «لینه» موفق به کشف آن شد، ولی قرآن قرن‌ها قبل از او، از روی این راز پرده برداشته بود. در قرآن مجید آیات فراوانی هستند که پرده از روی یک سلسله اسرار علمی که در آن‌زمان از چشم دانشمندان پنهان بودند، برداشته‌اند که این خود نشانه‌ای از اعجاز و عظمت قرآن است و محققانی که درباره اعجاز

در اینجا به همان معنی خاص آن یعنی جنس مذکر و مؤنث باشد. قرآن مجید نیز در این آیه خبر از وجود زوجیت در تمام جهان گیاهان و انسان‌ها و موجودات دیگری که مردم از آن اطلاعی ندارند می‌دهد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۷۸). این موجودات که از آنها به ازواج تعبیر شده، ممکن است گیاهان باشند. می‌دانیم در آن روز دانش گیاه‌شناسی و گیاه‌پزشکی هنوز ایجاد و وسعت دایره زوجیت هنوز کشف نشده بود و این علوم، دانش‌های نوپایی هستند. و یا شاید اشارتی است به حیوانات اعماق دریاها و اقیانوس‌ها که در آن‌روز کسی از آنها آگاه نبود و امروز گوشه‌ای از آن برای انسان‌ها کشف شده است. یا اشاره به موجودات دیگری که در کرات دیگر زندگی می‌کنند که دانش امروز در تلاش است معمای حیات در آن مکان‌ها را کشف کند. یا موجودات زنده ذره‌بینی و حتی میکروسکوپی که دانشمندان امروز، نر و ماده‌ای در آنها سراغ ندارند، ولی دنیای این موجودات زنده به قدری پوشیده از معماست که ممکن است دانش انسان‌ها هنوز به این قسمت از آن راه نیافته باشد. حتی وجود زوجیت در جهان گیاهان نیز در عصر نزول قرآن، جز در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن ناشناخته بود و قرآن بود که از آن پرده برداشت. در سده‌های اخیر این موضوع با روش‌های علمی به اثبات رسیده که پدیده زوجیت در عالم گیاهان، عمومی و همگانی است. این احتمال نیز وجود دارد که مقصود از زوجیت مورد اشاره در اینجا، وجود ذرات مثبت و منفی در دل تمام اتم‌ها باشد، زیرا می‌دانیم همه اشیای این جهان از اتم تشکیل شده‌اند و اتم همچون آجر برای ساختمان عظیم عالم ماده است. تا آن‌روز که اتم شکافته نشده بود، خبری از وجود این زوجیت نبود، ولی بعد از آن، وجود زوج‌های منفی و



تخم‌گذاری برخی از ماهیان در حفره‌ها و نشیمن‌گاه‌های آبی، نطفه‌اندازی ماهیان نر روی تخم‌ها، جذب همدیگر شدن و باروریشان نمونه گویایی از این‌گونه تولید مثل‌هاست. اراده آفریدگار حکیم چنین اقتضا کرده که شیوه باروری در نظام زوجیت ماهی‌ها بدین منوال باشد، زیرا رعایت حکمت در همین است. یکی دیگر از شیوه‌های تولیدمثل این است که تخم‌های انبوه و برهم انباشته شده به‌صورت توده‌ای و گروهی، درون حفره و چاله‌های آبی وسیع‌تر و فراخ‌تری از شکم مادر بارور می‌شوند تا از این طریق ماهی‌ها تکثیر شوند و افزایش پیدا کنند. برخی از باروری‌های نادر، خودبه‌خود و به‌صورت ذاتی واقع می‌شوند. در این شیوه، جنین حیوان بدون پیوستن و تلقیح تخم جنس ماده با جنس نر شکل می‌گیرد، اما خیلی کم اتفاق می‌افتد که در چنین اوضاع و شرایطی، زندگانی طبیعی برای جنین به‌وجود بیاید (حینکه الميدانی، ۱۳۹۲، ص ۷۸). دانشمندان کشف کرده‌اند که ماده از تراکم انرژی به‌صورت ذرات بی‌نهایت ریزی که اتم نامیده می‌شود، تشکیل شده است. پس از مدتی مسئله زوجیت به همه اشیاء سرایت کرد، زیرا دانشمندان کشف کردند که واحد ساختمانی موجودات یعنی اتم از الکترون‌ها (با بار منفی) و پروتون‌ها (با بار مثبت) تشکیل شده است. ماکس پلانک فیزیکدان نامی قرن بیستم گفت: «هر جسم مادی مرکب است از الکترون‌ها و پروتون‌ها». هر الکترون با سرعت سرسام‌آوری (۵۰/۰۰۰ دور در ثانیه) به دور مرکز اتم یعنی پروتون‌ها می‌چرخد. البته در اتم ذرات سومی به‌نام نوترون هم وجود دارند که از لحاظ بار الکتریکی خنثی هستند. فیزیکدانان اخیراً ذرات بنیادی دیگری به‌نام کوارک را کشف کرده‌اند که ذرات تشکیل‌دهنده الکترون، نوترون و پروتون هستند و باعث به‌وجود آمدن بار

قرآن بحث کرده‌اند، غالباً به قسمتی از این آیات اشاره نموده‌اند. این موضوع در سوره لقمان آیه ۱۰ نیز آمده است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» «و از آسمان آبی فرو فرستادیم و (انواع گیاهان) از هر جفت ارجمندی در آن (زمین) رو بیاوردیم» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۱۲۰-۱۱۹). غیر از آیات ذکر شده، در آیات متعدد دیگری نیز به زوجیت میوه‌ها و گیاهان و انسان‌ها اشاره شده است، مانند سوره حج، آیه ۵؛ سوره لقمان، آیه ۱۰؛ سوره ق، آیه ۷؛ سوره طه، آیه ۵۳ و سوره اعراف، آیه ۱۸۹. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، صص ۲۷۷-۲۸۲). گیاه‌شناسان و پژوهشگران گل و نبات در مورد نظام زوجیت موجود در جهان گیاهان و نباتات، ضمن تأیید آن به توضیح و تبیین ویژگی‌های این نظام و راه‌های تلقیح و باروری نباتات در آن پرداخته‌اند و اظهار می‌دارند: «برخی از این تلقیح و باروری‌ها از راه بادهایی صورت می‌گیرند که مواد و عناصر تلقیح‌شونده جنس نر را با خود حمل و به جنس ماده منتقل می‌کنند. برخی از این باروری‌ها از راه حشرات صورت می‌گیرد، بدین‌گونه که حشرات با نشستن روی گل‌های رنگارنگ و خوشبو، مواد و عناصر موجود در گیاهان نر (مذکر) را به‌کمک پاها، بال‌ها و بدن ظریفشان حمل و به گیاهان ماده (مؤنث) منتقل می‌سازند. برخی از این تلقیحات نیز خود به‌خود در اندرون گیاه صورت می‌پذیرد». زیست‌شناسان و جانورشناسان نیز علاوه بر تأیید و قبول وجود نظام زوجیت، شیوه‌ها و راهکارهای مختلف تلقیح و باروری در میان حیوانات را بیان کرده‌اند. برخی از آنها از راه جفت‌گیری و پیوند میان جنس نر و ماده شکل می‌گیرد و برخی دیگر از راه پیوستن عنصر یا نطفه جنس نر به تخم‌های جنس ماده و بدون پیوند و جفت‌گیری آن دو جنس (پدر و مادر) صورت می‌پذیرد.

۷- تعارض زوجیت عمومی و بکرزایی

در اینجا ذکر دو نکته را ضروری می‌دانم. نخست این که در برخی از آیات مربوط به زوجیت، از زوجیت میوه‌ها (سوره رعد، آیه ۳) در برخی از زوجیت گیاهان (سوره شعراء، آیه ۷) و در برخی از زوجیت عمومی همه موجودات سخن رفته است: «وَمَنْ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ: و از هر چیز دو گونه آفریدیم» (ذاریات/۴۹). دوم آنکه پدیده بکرزایی در میان تک‌یاختگان (تک‌سلولی‌ها) رواج دارد. در ابتدا مناسب است اطلاعاتی در مورد این موجودات و نحوه تکثیر آنها بیان کنیم (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸؛ ص ۸۰). تک‌یاختگان (تک‌سلولی‌ها)، یعنی حیوانات تک‌یاخته، پست‌ترین طبقه از سلسله حیوانات هستند که بدن آنها تنها از یک سلول ساخته شده و هسته مشخص و کاملی دارند که به‌وسیله غشاء هسته‌ای محصور شده است. تاکنون بیش از ۳۰ هزارگونه آنها تشخیص داده شده است. اکثراً به‌طور آزاد در آب و خاک زندگی می‌کنند، اندازه آنها ۱-۱۵۰ میکرون است و تعدادی با چشم غیرمسلح قابل رؤیت‌اند. تکثیر گونه‌های تک‌یاختگان مثل مژکداران و تاژک‌داران و ... به سه صورت است: الف) تکثیر غیرجنسی که خود دارای صور مختلف است: تقسیم دوتایی که تک‌یاخته ماده از طول به دو تک‌یاخته ماده و در مژکداران از عرض تقسیم می‌شود. شیزوگونی یا تکثیر چندتایی. هسته ماده مکرراً به چندین هسته ماده تقسیم می‌شود. سپس سیتوپلاسم تقسیم می‌شود و اطراف هر هسته را می‌گیرد. جوانه‌زدن بعد از رشد سلول، مقاومت غشاء سلولی در نقطه‌ای کم و جوانه‌ای تشکیل می‌شود و مقداری از هسته و سیتوپلاسم مادر وارد آن می‌گردد و رشد می‌کند تا آنکه از مادر جدا می‌شود و زندگی مستقلی را شروع می‌کند: این سه قسم تکثیر را می‌توان نوعی بکرزایی دانست.

الکتریکی مثبت، منفی و خنثی در آنها می‌شوند. تاکنون شش نوع کوآرک شناسایی شده است که دو نوع D, U در تشکیل مواد پایدار معمولی نقش مهمی دارند. کوآرک U دارای بار الکتریکی $+3/2$ و کوآرک D دارای بار الکتریکی $3/1$ است. پروتون که بار مثبت دارد، از دو کوآرک U و یک کوآرک D تشکیل شده است و از این طریق حاصل بار آن مثبت می‌شود. نوترون دارای دو کوآرک D و یک کوآرک U و بار آن خنثی است. کارشناسان و متخصصان اتمی به نظام زوجیت موجود مهر تأیید نهاده و می‌گویند که پروتون‌ها با بار مثبت الکتریکی در درون هسته اتم قرار دارند و الکترون‌ها هم با بار الکتریکی منفی روی مدارهای گرد محور هسته می‌گردند. این دو عنصر با پیوند و اتحادی که با هم دارند، اتم‌ها و ذرات این جهان مادی را شکل می‌دهند. بنابراین نظام زوجیت در ژرفای کوچک‌ترین اجزای هستی یعنی اتم هم ریشه دوانده است. نیروی برق را ملاحظه کنید که سیم‌های دو رشته‌ای مثبت و منفی آن در گوشه و کنار خانه‌هایمان گسترده شده‌اند و از اتصال و پیوند آن دو نتایج عجیب و شگفت‌انگیزی نظیر روشن شدن مکان‌های تاریک یا به حرکت درآمدن دستگاه‌های گوناگون به‌بار می‌آید. با دقت در نیروی مغناطیس هم مشاهده می‌کنیم که دارای دو قطب مثبت و منفی است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۸، صص ۶۳-۶۶). بنابراین، نظام زوجیت، نظامی فراگیر است که بر تمام اجزای هستی از جمله نیروی مغناطیسی، نیروی برق و جریان الکتریسیته، نیروی اتمی، جهان نباتات و حیوانات و ... حاکم است. این یکنواختی و پیوستگی در عرصه هستی، امری شگفت‌آور است که آشکارا بر یکتایی خالق و ناظم در ایجاد نقشه پهن‌آور هستی دلالت می‌کند، ذاتی که در دایره خلق و ایجادش، بی‌شریک و همتاست.



زمینه رشد و کمال وی را فراهم آورد. خداوند در آیات ۱۰ و ۱۱ سوره نحل، رویش گیاهان و زراعت با بارش باران را از آیات الهی برای اهل تفکر و اندیشه می‌داند و از ایشان می‌خواهد تا با اندیشه در این چرخه زندگی گیاهی، حقایقی چون معاد و رستاخیز را درک کنند. آفرینش میوه‌ها و محصولات زراعی، از آیات مهم خداشناسی است. آفرینش میوه‌ها و محصولات زراعی با تنوع و گوناگونی آنها و عدم شباهت آنها به یکدیگر و اینکه با علم و آگاهی قبلی از یک دیگر متمایز شده‌اند، نشانه‌هایی بر آفریدگاری خداوند است که آدمی می‌بایست با تأمل و تدبر در آنها این حقایق را به دست آورد (انعام، آیه ۹۹ و مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۵۲۹). البته بسیاری از مردمان با آنکه این عظمت و شگفتی را در گیاهان می‌بینند ولی قدرت تحلیل درست داده‌ها را ندارند و از راه این نشانه‌ها به مقصد عالی یعنی درک خالقیت خداوند نمی‌رسند و تنها انسان‌های با ایمان هستند که دارای زمینه لازم برای هدایت و فهم آیات و نشانه‌های خداوندی هستند و با نگاهی به گیاهان و گوناگونی آنها به حقیقت عالی دست می‌یابند. انسان می‌بیند که از یک آب و خاک، این همه تنوع و گوناگونی در گیاه و محصولات به وجود می‌آید، ولی کمتر کسی است که در این حقیقت اندیشه کند و به آفریدگاری و پروردگاری خداوند یکتا برسد. خداوند در آیه ۴ سوره رعد، گوناگون بودن میوه‌های درختان و محصولات کشاورزی را به‌رغم بهره‌مندی همه آنها از یک آب و خاک، به‌عنوان نشانه‌هایی از خداشناسی برای خردمندان برمی‌شمارد که از نشانه‌ها به حقیقت می‌رسند. براساس آیه ۳۳ سوره یس، رویش انواع دانه‌ها و محصولات کشاورزی چون گندم، جو و برنج و مانند آن از زمین، خود بهترین گواه و نشانه قاطع بر قدرت

(ب) تکثیر جنسی چند نوع است و در مژکداران دیده می‌شود. آمیختگی در این روش دو تک‌یاخته با یکدیگر جفت و محتویات هسته آنها ترکیب و سپس از هم جدا می‌شوند. سنگامی سلول جنسی نر و ماده به‌نام گامت به یکدیگر ملحق می‌شوند و تشکیل تخم می‌دهند. اسپوروگونی ابتدا در داخل اووسیست تک‌یاخته تعداد زیادی اسپوروزئیت به وجود می‌آیند (به‌طور غیرمستقیم چندتایی) و بعداً طی مراحل سلول‌های جنسی را تشکیل می‌دهند و به‌طریق سنگامی با یکدیگر جفت می‌شوند (داورمزدی، ۱۳۷۲، ص ۳۷ - ۴۶).

۸- اهمیت و عوامل توسعه کشاورزی از دیدگاه

قرآن

کشاورزی به‌معنای زراعت، برزگری و کشت، یکی از مهم‌ترین منابع غذایی بشر و مأموریت آدمی از سوی خداوند در زمین به‌عنوان خلیفه‌الله است. کشاورزی از نظر قرآن موجب قوام جامعه و حکومت است. از این‌رو، از اهمیت خاص در آموزه‌های قرآن برخوردار می‌باشد. خداوند به‌علل و اسباب گوناگون به‌موضوع کشاورزی پرداخته است و درباره اهمیت، آثار، توسعه، محصولات، مراحل، منابع و نیز علل نابودی کشاورزی سخن گفته است. نویسندگان در این مطلب درباره عوامل توسعه کشاورزی در ابعاد مختلف سخن گفته است (باربور، ۱۳۶۲؛ ص ۸۹).

۹- اهمیت و آثار کشاورزی

زمین، زمانی ارزش و اهمیت یافت که انواع گیاهان و جانوران در آن پدید آمدند. گیاهان موجب آن شدند تا زمین به‌شکل بسیار زیبایی آراسته شود. سبزی گیاهان و طراوت آن، جان آدمی را نوازش می‌دهد و جان‌فزایی می‌کند. بی‌گمان، گیاهان یکی از شاهکارهای آفرینش الهی است. تفکر و اندیشه در گیاهان می‌تواند آدمی را با بسیاری از حقایق هستی آشنا کند و



سرسبزی مزارع می‌دهد که بیانگر تأثیرگذاری رویش و سبزی در نهاد انسان است. انسان‌های سالم با فطرت پاک و عقل سلیم، از سبزی و طراوت گیاهان شاد می‌شوند و بر همین اساس به کشاورزی توجه خاص مبذول می‌دارند. از نظر قرآن، کشاورزی وسیله تزئین و زیبایی نه تنها زمین بلکه خود انسان‌هاست (آل عمران، آیه ۱۴). البته شیفتگان دنیا چون به همین ظاهر زیبایی دنیا می‌نگرد و از نشانه و آیه بودن آن صرف نظر می‌کنند یا از آن غافل می‌شوند همین نشانه‌های خداشناسی و رستاخیز شناسی، به مانعی جهت دستیابی آنان به آخرت و عاقبت نیک می‌شود؛ زیرا جلوه‌گری وزینت یابی کشاورزی و گیاهان، دام فریبی برای این شیفتگان دنیا می‌شود (آل عمران، آیه ۱۴). خداوند یکی از مأموریت‌های بشر در زمین را براساس آیه ۶۱ سوره هود، آبادانی زمین می‌داند، کشاورزی بی‌گمان از مهم‌ترین و کامل‌ترین مصادیق این آبادانی است؛ زیرا زمین با رویش گیاهان و سرسبزی آن زیبایی خاصی می‌یابد و موجبات سرور و شادمانی انسان می‌گردد (بازرگان، ۱۳۴۴، ص ۴۵).

۱۰- عوامل توسعه کشاورزی

برای اینکه کشاورزی در جامعه توسعه یابد و موجبات قوام ملت و دولت شود، لازم است تا بر عوامل توسعه‌ای آن توجه خاص مبذول شود.

۱- ۱۰- مدیریت آب

نخستین و اصلی‌ترین عامل توسعه کشاورزی، آب و مدیریت آن است. خداوند در آیات بسیاری از جمله ۹۹ سوره انعام و ۲۴ سوره یونس به نقش اساسی آب در رونق و توسعه کشاورزی اشاره کرده است. آبی که از آسمان فرو می‌ریزد مهم‌ترین منبع کشت و زرع است. از این رو بر بشر است تا در اندیشه محافظت و مهار آب‌های باران باشد که رودها و نهرها و چشمه‌ها را پدید می‌آورد و سفره‌های زیرزمینی را انباشته می‌سازد

خداوند یکتا و یگانه است؛ چنانکه همین رویش مجدد گیاه از زمین مرده، بهترین گواه بر رستاخیز و دلیل و حجت قاطع بر قیامت و قدرت خداوندی بر رستاخیز انسان‌ها همانند گیاهان است (مجمع البیان، ج ۷ و ۸، ص ۶۶۱). بنابراین اهمیت کشاورزی را می‌بایست در اموری چند از جمله مهم‌ترین منبع خداشناسی و شناخت حقایقی چون رستاخیز و معاد و زنده شدن دوباره مردگان دانست. با این همه، گیاهان و کشاورزی آثار مهمی در زندگی بشر دارد که در آیات دیگر به آنها توجه داده شده است. خداوند در آیاتی از جمله ۲۰۵ سوره بقره و ۴۷ و ۵۵ و ۵۶ سوره یوسف، کشاورزی را عامل قوام جامعه بشری و حکومت می‌داند؛ زیرا کشاورزی، مهم‌ترین منبع تامین غذای انسان و برطرف‌کننده نیازهای تغذیه‌ای اوست (یونس، آیه ۲۴ و نحل، آیات ۱۰ و ۱۱ و سجده، آیه ۲۷ و یس، آیه ۳۳ و ق، آیات ۹ و ۱۱). بنابراین، نقش اقتصادی آن بر کسی پوشیده نیست. دامداری که بخشی از نیازهای تغذیه‌ای بشر را تامین می‌کند، ارتباط تنگاتنگی با کشاورزی دارد؛ زیرا کشاورزی یکی از مهم‌ترین منابع تامین علوفه چارپایان به‌شمار می‌رود (یونس، آیه ۲۴ و طه، آیات ۵۳ و ۵۴). از این رو کشاورزی را در کنار آب، مادر اقتصاد دانسته‌اند. به هر حال، رونق کشاورزی به معنای رونق اقتصادی و رشد و شکوفایی جامعه و تقویت قدرت و شوکت حکومت و دولت است. لذا باید توجه ویژه‌ای به این بخش شود. کشاورزی همچنین مایه سرور و شادی انسان‌ها می‌شود. انسان افزون بر شادی که از دیدن سبزه به او دست می‌دهد، از نزول باران و سرسبزی مزارع، شادمان می‌شوند به‌ویژه اگر خود در جامعه کشاورز در رویش این گیاهان نقش داشته باشد. (حدید، آیه ۲۰) خداوند در آیه ۲۹ سوره فتح گزارشی از شگفتی کشاورزان از رویش و



از دیگر عوامل توسعه کشاورزی و رونق آن بهره‌مندی از ابزارهای مناسب و معمولی در هر عصر و زمان چون گاو در گذشته و تراکتور در جهان امروز، است (بقره، آیه ۷۱). بنابراین، مدیریت جامعه می‌بایست در اندیشه تهیه و تامین ابزارهای مناسب روز برای کشاورزی برآید تا با شکوفایی کشاورزی و توسعه و رونق آن، شکوفایی در بخش‌های دیگر نیز انجام گیرد و اقتصاد و تمدن در جامعه شکل مناسب و درستی پیدا کند (حسینی بهشتی، بی‌تا؛ ص ۹۲).

۱۰-۴- اصلاح زمین

اصلاح زمین، از دیگر عوامل توسعه کشاورزی است. بر این اساس زمین‌های غیر قابل کشت با اصلاح، به زمین‌های مناسب و مساعد برای کشت و زرع تبدیل شود. اصلاح زمین، به‌عنوان یک مأموریت نخستین برای انسان نیز مطرح می‌باشد، زیرا انسان‌ها مأمورند تا زمین را آبادان کنند و این جز به اصلاح زمین و خاک امکان‌پذیر نیست. خداوند در آیه ۹ سوره روم به این عامل توجه داده و از «أثروا الارض» سخن به‌میان آورده است. علامه طباطبایی، مقصود از این جمله را زیر و رو کردن زمین برای زراعت و کشت یا ساختمان‌سازی و دیگر نشانه‌ها و نمادهای آبادانی می‌داند (المیزان، ج ۱۶، ص ۱۵۸).

۵-۱۰- کار جهادی

کار عامل دیگر توسعه کشاورزی و رونق است که در آیاتی از جمله ۴۷ سوره یوسف و ۹ سوره روم به آن اشاره شده است. البته اگر بخواهیم رونق واقعی را تجربه و توسعه کشاورزی را تحقق بخشیم تنها به کار معمولی نمی‌توان بسنده کرد. جامعه‌ای که خواهان شکوفایی است و می‌کوشد تا تمدنی را به‌پا کند می‌بایست فراتر از کار معمولی به تلاش مضاعف و کار چند برابر و جهادی تن دهد و تنبلی و کم‌کاری را کنار

و آب شیرین و گوارا را در اختیار بشر و دیگر موجودات زنده می‌گذارد؛ زیرا هر موجود زنده‌ای در زمین از آب آفریده شده است: «و جعلنا من الماء کل شیء حی؛ همه چیز را از آب زنده گردانیدیم» (سوره انبیا، آیه ۳۰). مهار آب و مدیریت آن می‌تواند تأثیرات شگرفی در رونق و توسعه کشاورزی به‌جا گذارد. خداوند در آیات ۶۷ و ۷۱ سوره بقره به استفاده یهودیان از گاو برای آبیاری زمین‌های کشاورزی اشاره می‌کند. بنابراین، آبیاری از طریق ابزارهای گوناگون می‌تواند تأثیرات مهمی در افزایش بهره‌وری خاک و رونق و توسعه کشاورزی به‌جا گذارد که همه اقوام بشری از گذشته با آن آشنا بوده و از آن بهره می‌گرفتند. در هر عصر و زمانی روش‌هایی برای بهره‌گیری و بهره‌وری پدید آمده است که موجبات افزایش و رونق کشاورزی و توسعه آن شده است. در زمان کنونی آبیاری قطره‌ای و مدیریت کامل آب به‌عنوان یکی از بهترین روش موردتوجه است، به‌گونه‌ای که سطح کشت محصولات کشاورزی را چند برابر افزایش می‌دهد و رونق کشاورزی و شکوفایی اقتصادی را موجب می‌شود (باهن، ۱۳۶۳، ص ۶۷).

۲-۱۰- باران

باران و بارندگی از جمله عوامل توسعه کشاورزی است که در آیات قرآن به آن اشاره شده است (حج، آیات ۵ و ۶۳ و ق، آیه ۹ و حدید، آیه ۲۰). زیرا بارندگی، مهم‌ترین منبع تامین آب است. زمانی ارزش باران و بارندگی را بیشتر درک می‌کنیم که بدانیم که آب باران دارای خواص بسیاری برای کشاورزی است و املاح همراه باران در حکم تغذیه کامل برای زراعت است. از این‌رو قرآن از آب باران به‌عنوان: ماء «مبارکاً»، آب پربرکت یاد کرده است (جعفری، ۱۳۷۱، ص ۷۹).

۱۰-۳- به‌کارگیری ابزارهای مدرن و مناسب



گذارد. از این‌روست که خداوند در آیه ۴۷ از زبان حضرت یوسف (ع) به این مهم توجه می‌دهد که رهایی از مشکلات اقتصادی و تنگناهای معیشتی و دستیابی به رشد و شکوفایی اقتصادی و زراعی زمانی تحقق می‌یابد که جامعه فراتر از کار معمولی به کار مضاعف تن در دهد. مفسران با اشاره به واژه «دبا» بر این باورند که مراد آن حضرت (ع) از کار، تنها کار معمولی نیست، بلکه جدیت و تلاش مضاعف و چند برابر است که از آن در عصر حاضر به تلاش جهادی تعبیر می‌شود (مجمع‌البیان، ج ۵ و ۶، ص ۳۶۴ و نیز کشاف، زمخشری، ج ۲، ص ۴۵۹).

۱۱- پرداخت زکات در کشاورزی

در قرآن به مراحل کشاورزی نیز اشاره شده است. از جمله در آیه ۷۱ سوره بقره به شخم‌زدن زمین و آماده‌سازی آن برای کشت؛ در آیه ۴۷ سوره یوسف و آیات ۶۳ و ۶۴ سوره واقعه به پاشیدن بذر از سوی کشاورزان؛ در آیه ۷۱ سوره بقره، به آبیاری مناسب؛ و در آیه ۱۴۱ سوره انعام از درو برداشت محصولات هنگام رسیدن آنها اشاره کرده است. بنابراین مراحل سه‌گانه، کشت و داشت و برداشت مورد توجه قرار گرفته است. اما نکته‌ای که در آیات قرآن بر آن تاکید شده، لزوم پرداخت زکات محصولات کشاورزی هنگام برداشت آن است (بقره، آیه ۲۶۷). مفسران بر این عقیده‌اند که یکی از مصادیق اسراف آن است که در هنگام برداشت محصولات، حق محرومان و نیازمندان داده نشود و در پرداخت زکات کوتاهی شود (انعام، آیه ۱۴۱ و مجمع‌البیان، ج ۳ و ۴، ص ۵۷۸ و معالم‌التنزیل، بغوی، ج ۲، ص ۱۶۴). همچنین در هنگام برداشت، حاکم و دولت در گرفتن حق زکات نباید اسراف کند و از دایره عدالت خارج شود (همان). خداوند در آیه ۲۶۷ سوره بقره و ۱۴۱ سوره انعام از کشاورزان می‌خواهد تا بخشی از محصولات خود را انفاق کنند؛ زیرا ترک انفاق به مساکین و نیازمندان می‌تواند عامل نابودی محصولات کشاورزی شود (قلم، آیات ۲۲ تا ۳۳). البته کشاورزان هنگام برداشت می‌بایست بخشی از محصولات

عامل دیگر، نقش انسانی در کشت و زرع افزون بر نقش خداوند و طبیعت است. به این معنا که توسعه کشاورزی هرگز با گوشه‌گیری انسان تحقق نخواهد یافت. حتی اگر باران و آب به اندازه کافی وجود داشته باشد، می‌بایست انسان به‌عنوان خلیفه خداوندی در این حوزه وارد شده و نقش خود را به‌درستی ایفا کند. اگر خداوند زراعت را پدید می‌آورد و گیاهان را می‌رویاند ولی نمی‌بایست نقش واسطه‌ای انسان را نادیده گرفت. بر انسان است که با پاشیدن بذر در زمین و مدیریت آن، اجازه دهد تا کشت در راستای نیازهای غذایی مردم انجام گیرد. از این‌رو به نقش انسان در آیه ۴۷ سوره یوسف اشاره شده است؛ هر چند که انسان نمی‌بایست از نقش واسطه‌ای خود فراتر رود و گمان برد که او زارع واقعی است و گیاه را می‌رویاند؛ بلکه او تنها در نقش واسطه عمل می‌کند (واقعه، آیات ۶۳ و ۶۴ و نیز روم، آیه ۹). در همین رابطه یعنی عامل مدیریتی و انسانی می‌توان به آیات ۴۶ تا ۴۹ و ۵۵ و ۶۵ و ۸۸ سوره یوسف اشاره کرد که به مسئله مدیریت در امر رونق و توسعه کشاورزی توجه می‌دهد و نمونه‌ای از مدیریت موفق



دسته از افراد می‌شود، به‌ظاهر می‌تواند امری طبیعی باشد، در حالی که خداوند از طریق اسباب طبیعی کارهایش را انجام می‌دهد و هیچ‌چیزی از دایره حکومت و قدرت خداوند بیرون نیست (کهف، آیات ۳۲ و ۳۴ و ۴۰). بلایایی چون بادهای شدید سرد یا سوزان (آل‌عمران، آیه ۱۱۷). و نیز سیل‌های ویرانگر از جمله عذاب‌هایی است که خداوند بر انسان متکبر یا تارکان انفاق فرو می‌فرستد و کشت و زراعتشان را نابود می‌سازد. بنابراین، انکار قیامت و رستاخیز (کهف، آیات ۳۲ و ۳۶ و ۴۲)، ترک انفاق (قلم، آیات ۱۷ تا ۲۶)، تکبر و غرور (کهف، آیات ۳۲ و ۳۶ و ۴۲)، حکومت فاسد (بقره، آیه ۲۰۵) شرک (کهف، آیات ۳۲ و ۴۲)، طغیان (قلم، آیات ۱۹ تا ۳۱)، کفر (کهف، آیات ۳۲ تا ۴۲)، گناه (آل‌عمران، آیه ۱۱۷)، ناسپاسی و ناشکری (سبا، آیات ۱۵ و ۱۶)، غفلت از یاد خدا (قلم، آیات ۲۰ و ۲۸) از مهم‌ترین علل و عوامل نابودی کشاورزی و محصولات زراعی است (خویی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۴).

۱۳- درختکاری و باغداری تجلی خلافت الهی
یکی از شیوه‌های کشاورزی، درختکاری و باغداری است. بخش بزرگی از غذاهای انسان را میوه‌ها، محصولات و فرآورده‌های باغی تشکیل می‌دهد. انسان به سه شیوه مختلف، مواد غذایی خود را تامین می‌کند. باغداری در کنار پالیزداری و دامداری، شیوه‌های تامین خوراک انسان‌هاست خداوند در قرآن بنا به‌علل و عوامل گوناگونی، به مسئله بوستان‌ها پرداخته، بویژه آن‌که اصولاً تصویری که خداوند برای آینده انسان‌ها ترسیم می‌کند، حضور در بوستان‌های سرسبزی است که پر از همه میوه‌های شناخته شده و ناشناخته است و رودها و نهرهای بسیاری در زیر آن جریان دارد که به‌تازگی و زیبایی آن می‌افزاید و جان را نوازش می‌دهد و دل‌ها را شاد می‌سازد بهشت

کشاورزی را در خوشه‌های آن برای کشت بعدی یا استفاده در زمان‌های دور و دراز ذخیره کنند؛ زیرا محصولات کشاورزی به‌ویژه گندم و جو و برنج به‌گونه‌ای هستند که در خوشه خود از بسیاری از آفات در امان می‌مانند و به‌سرعت فاسد و خراب نمی‌شوند (یوسف، آیه ۴۷).

۱۲- عوامل معنوی نابودی کشاورزی

برخی بر این باورند که منابع کشاورزی که آب و خاک مناسب است (انعام، آیه ۹۹ و یونس، آیه ۲۴) به‌تنهایی برای کشاورزی کافی است. بنابراین، با فراهم‌آوری عوامل توسعه کشاورزی چون مدیریت خوب و کار و تلاش مضاعف می‌توان از آب و خاک به بهترین شکل بهره گرفت و به رونق کشاورزی دست یافت. اما باید توجه داشت که نظام هستی، نظامی فراتر از آفریدگاری است و نمی‌بایست نقش پروردگاری آفریدگار را در امور هستی نادیده گرفت. اگر خداوند منشا آفرینش و پیدایش کشاورزی است (انعام، آیه ۹۵). همان خداوند در نقش پروردگاری به امور، مسلط و قادر است و ربوبیت و تربیت همه چیز در دست اوست. بنابراین نمی‌توان تنها به این عوامل ظاهری بسنده کرد؛ چنانکه بسیاری از مادیگرایان این گونه می‌اندیشند و عمل می‌کنند و مظاهر زندگی دنیا و محبت شدیدشان به دنیا موجب می‌شود تا از خداوند غافل شوند و درست به‌کار خویش نیندیشند و از تحصیل آخرت و رضا و خشنودی خداوند باز مانند (آل‌عمران، آیه ۱۴). خداوند در آیات ۶۳ تا ۶۶ سوره واقعه به این مهم توجه می‌دهد که زراعت و کشت و افزایش و رونق آن منوط به اراده و مشیت الهی است. بنابراین کسانی که به پروردگاری خداوند ایمان ندارند یا غافل از آن هستند، در خسران می‌افتند و کشاورزی شان نیز متاثر از آن، زیان می‌بیند (واقعه، آیات ۶۴ و ۶۷). زبانی که نصیب این



و چه از غیر یک ریشه که با یک آب سیراب می‌گردند و با این‌همه برخی از آن‌ها را در میوه از حیث مزه و نوع و کیفیت بر برخی دیگر برتری می‌دهیم ۱۸ و ۱۹ مومنون و آیه ۶۰ نمل بیان می‌کند که آبادانی زمین از رهگذر باغداری و بوستان‌سازی و درخت‌کاری شدنی است و آیه *لَهُمْ فِيهَا مِنْهَا حَبًا قَمْنًا يَأْكُلُونَ وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِنْ تَحْتِهَا أَنْعَابٌ وَفَجْرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ وَ مِنْ زَمِينٍ مَرْدَهُ* برهانی است برای ایشان که آن را زنده گردانیدیم و دانه از آن برآوردیم که از آن می‌خورند و در آن زمین باغ‌هایی از درختان خرما و تاک قرار دادیم و چشمه‌ها در آن روان کردیم (۳۳ و ۳۴ یس) بنابراین می‌توان گفت که باغداری یکی از ماموریت‌های انسان در مقام خلافت الهی و ربوبیت طولی می‌باشد. باغدار با پرورش و محافظت از درختان و بوته‌ها و نه‌رها و چشمه‌ها و بهره‌وری درست از منابع آب و خاک، به محیط زیست زمین اجازه می‌دهد تا در شکل کمالی خویش ظاهر شود و زیبایی‌های خود را بنمایاند. این‌که خداوند فساد در زمین را نابودی منابع خاکی و آبی برمی‌شمارد به‌سبب عدم استفاده درست و مصرف بهینه از آن‌هاست (ژری، ۱۳۷۹؛ ص ۶۱). باغداران با بهره‌گیری درست از منابع خاک و آب به زمین فرصت می‌دهند تا به بهترین شکل و زیباترین حالت، کمالات خود را آشکار سازند. از دیگر نقش‌هایی که خداوند برای باغداران و درختکاران تعریف می‌کند و به آن ارزش و اعتبار می‌بخشد، مسئله تامین ارزاق و روزی خود و دیگر مردم است. آیاتی چون ۲۶۵ بقره و ۱۴۱ انعام و ۴ رعد و مانند آن به نقش میوه‌ها و باغداری در تامین مواد غذایی و خوراکی بشر توجه می‌دهد *يُنَبِّتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَابَ وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ* به‌وسیله آن کشت و زیتون و

نیز همان بوستان‌هایی با زیبایی‌های آشنا و ناآشنایی است که آدمی در جست‌وجوی آن می‌باشد؛ زیرا در این بوستان‌ها است که آدمی به آسایش و آرامش جاویدان و بی‌پایان می‌رسد (پلانک، ۱۳۵۴، ص ۳۴۵).

۱۴- اهمیت باغ و بوستان و درخت

یکی از نعمت‌های بزرگ الهی به انسان، باغ‌ها و بوستان‌هایی است که افزون بر ایجاد فضایی زیبا و جان‌افزا و روح‌انگیز، بخش مهمی از خوراک و مواد غذایی انسان را تامین می‌کند. در آیه ۱۳۳ و ۱۳۴ شعراء از باغ‌های پوشیده از درخت و چشمه‌سارها، به‌عنوان نمودی از کمک خداوند به انسان و نعمت خاص یاد شده است. *أَمْذَكُمْ بَأْنَعَامٍ وَبَنِينَ وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ شِمَا رَا بَه دَادِن دَامَهَا وَ پَسْرَان مَدَد كَرْد وَ بَه دَادِن بَاغَهَا وَ چَشْمَه‌سَارَان خُدَاوَن دَر هَنگَام شَمَارَش نَعْمَت‌هَای اَنبوه خُویش بَه بَرخی از نَعْمَت هَا بَه‌عنوان نَعْمَت‌هَای اَساسی وَ مَهْم بَرای بَشَر اِشاره می‌کند که یکی از اَنها باغها وَ بوستان‌های سَرسبز با میوه‌های فَرَاوان وَ گوناگون است وَ اَنْزَلْنَا مِنْ اَلْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا لِنُخْرِجَ بِه حَبًّا وَنَبَاتًا وَ از ابرهای مترآکم آبی ریزان فرود آوردیم تا بدان دانه و گیاه برویانیم (نبا ۱۴ تا ۱۶) در آیه ۶۰ نمل از بوستان‌ها و باغ‌ها به‌عنوان عامل بهجت‌انگیز برای انسان سخن به‌میان می‌آورد و به آدمی یادآور می‌شود تا قدر این نعمت بزرگ را بشناسد (سروش، ۱۳۷۵، ص ۱۴).*

۱۵- نقش بوستان‌ها در زندگی بشر

باغداری مصداق کاملی از آبادانی زمین است که بخشی از ماموریت انسان می‌باشد. آیاتی چون *۴ رعد وَ فِي الْأَرْضِ قَطْعٌ مِّنْجَاوِرَاتٍ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَنْعَابٍ وَزَرْعٍ وَنَخِيلٍ صُنَّوَانٍ وَغَيْرِ صُنَّوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُقْضَلُ بَعْضُهَا عَلَي بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ ...* و در زمین قطعاتی است کنار هم و باغ‌هایی از انگور و کشتزارها و درختان خرما چه از یک ریشه



می‌دهند و میوه دارند (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۷۰-۷۱).

۱۷- میوه‌های قرآنی

از جمله میوه‌هایی که در قرآن از آنها یاد شده می‌توان به انار (انعام ۹۹ و ۱۴۱)، انگور، خرما، زیتون، انجیر (سوره تین) اشاره کرد وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجَ مِنْهُ حَبًّا مَّتْرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُشْتَبِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هرگونه گیاه برآوردیم و از آن گیاه جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه درخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و نیز باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج نمودیم به میوه آن چون ثمر دهد و به طرز رسیدنش بنگرید قطعاً در این‌ها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست. این میوه‌ها مخصوص مناطق گرمسیری و استوایی است که به وفور یافت می‌شود. هر یک از این میوه‌ها از خصوصیات دارویی و درمانی منحصر به فردی برخوردارند (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۸/ ۱۴۴).

۱۸- وظایف باغداران

خداوند برای باغداران تکالیفی عام و تکالیفی خاص تعریف کرده. از وظایف عام آنان همانند دیگر افراد بشر این است که اهل تسبیح حق بوده و ربوبیت الهی را در کارهایشان توجه داشته باشند و از آن‌چه خداوند روزی ایشان میکند به دیگران ببخشند و انفاق کنند (قلم ۱۷ تا ۲۹) از وظایف خاص ایشان آن است که هنگام گردآوری محصول و میوه‌ها، بخشی از آن را به نیازمندان از محرومان و سائلان بدهند و در این باره بخل

درختان خرما و انگور و از هرگونه محصولات دیگر برای شما می‌رویند قطعاً در اینها برای مردمی که اندیشه می‌کنند نشانه‌ای است (ساجدی، تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس، ص ۲۹۸).

۱۶- انواع باغ‌ها و بوستان‌ها و تنوع آن

برخی از درختان در تمام طول سال سرسبز و شاداب هستند که از جمله می‌توان به زیتون، مرکبات، موز و نخل و مانند آن اشاره کرد. برخی دیگر در فصلی سبز هستند و برگ‌هایشان در طول فصل‌ها به رنگ‌های متنوع و زیبایی در می‌آیند و در آخر، برگ‌هایشان را از دست می‌دهند. برخی پیش از آن که برگ دهند گل و شکوفه می‌دهند و برخی دیگر اول برگ می‌دهند و سپس شکوفه و گل می‌دهند. برخی میوه‌های انبوهی دارند و برخی دیگر انبوه نیستند. برخی نیاز به هرس دارند و برخی دیگر این‌گونه نیست. برخی از درختان میوه‌های با هسته دارند و برخی دیگر بی‌هسته هستند. برخی از آن‌ها نیازمند تکیه‌گاه و تختی هستند چون انگور و کیوی و تمشک و برخی دیگر این‌گونه نیست. برخی بوته‌ای هستند و برخی درخت. این‌ها نشان‌دهنده تنوع و گوناگونی درختان و شکل و شمایل آن‌هاست. در میوه‌ها نیز می‌توان این تنوع را در رنگ‌ها و طعم‌ها و مزه‌ها یافت. چنان‌که می‌توان تنوع‌های دیگر در با پوست خوردن، بی‌پوست خوردن و مانند آن یافت. آن‌چنان تنوع در جهان میوه‌ها و درختان میوه وجود دارد که آدمی با هر مزاج و طبع و گرایش و میلی می‌تواند به انواعی از میوه‌ها خود را خشنود و بهره‌مند سازد. بخشی از میوه‌ها سردسیری و برخی گرمسیری هستند و برخی نیز چندبار میوه می‌دهند و هنوز میوه‌ای به کمال نرسیده و تمام نشده، شکوفه‌ها ظاهر می‌شوند و گل می‌دهند. برخی دیگر تنها یک‌بار گل



چند از جمله ۱۹ ذاریات وَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ و ۲۴ و ۲۵ معارج به حقوق این دو دسته در همه اموال مردم اشاره می‌کند «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ» (گلشنی، ۱۳۶۹؛ ص ۵۲).

۱۹- نتیجه‌گیری

گرچه انسان آیت بودن گیاهان را از طریق حواس می‌شناسد اما این شناخت با فکر آدمی ارتباط مستقیم دارد؛ چراکه با چشم دیدن از تفکر ذهنی جدا نیست بلکه راه شناخت، نشانه بودن گیاهان، اندیشه و فکر آدمی است و همواره، انسان در پرتوی عنایت و توجه ذهن، اشیا را می‌شناسد و بدان‌ها رهنمون می‌شود. از نگاه قرآن، دنیا به رویش گیاهان سبزی مانند است که چون باران بر زمین فروریزد، بروید و سرسبز و نشاط‌آور به نظر رسد اما عمری کوتاه دارد چه زیبایی و خرمی آن در بهاران است که از آن پس خزانی زودرس از راه می‌رسد، برگ‌ها زرد و پژمرده می‌شوند. جلوه‌های سبز نمای دنیا نیز، بسیار کوتاه و گذرا است، و آدمی هرگز بدان دل نمی‌بندد و ارزش‌ها را در بازار آلوده‌ی دنیای دنی به قربانی هوس‌ها نمی‌برد. از آیات قرآن استفاده می‌شود که دانه‌ها نیز از موهبت‌های الهی هستند که از سر لطف و رحمت آنها را در خوشه‌ها و قالب بوته‌ها و گیاهان جای داد تا خوراک حیوانات و آدمیان فراهم آید. خداوند سبحان، در قرآن، عمل خیری را که پاداش فراوان دارد به دانه‌ای مثل می‌زند که گیاهی از آن روییده و آن گیاه هفت خوشه دارد و در هر خوشه صد دانه است: «مَثَلُ الَّذِي يَنْفِقُونَ أَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِئَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» مثل آنان که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، مانند دانه‌ای است که هفت خوشه، برویاند و در هر خوشه صد دانه باشد و

نورزند؛ زیرا بخل‌ورزی ایشان نشانه ظلم آنان تلقی می‌شود و خشم الهی را به دنبال خواهد داشت «إِنَّا بَلَوْنَاهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ وَلَا يَسْتَثْنُونَ فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ فَتَنَادُوا مُصْبِحِينَ ...» ما آنان را همان‌گونه که باغداران را آزمودیم مورد آزمایش قرار دادیم آنگاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و میوه آن باغ را حتماً بچینند ولی ان شاء الله نگفتند پس در حالی که آنان غنوده بودند بلایی از جانب پروردگارت بر آن باغ به گردش درآمد و باغ آفت‌زده و زمین بایر گردید پس باغداران بامدادان یکدیگر را صدا زدند که اگر میوه می‌چینید بامدادان به سوی کشت خویش رویداز نظر خداوند تنها باغدارانی بخل می‌ورزند و از میوه و فراورده‌های باغی به دیگران چیزی نمی‌بخشند که اهل غفلت از یاد خداوند باشند و خداوند را در زندگی خویش مدنظر قرار ندهند. برخی از باغداران به سبب باغ‌ها و بوستان‌های بزرگ و متعدد، گرفتار کبر و غرور می‌شوند و همین تکبر و خود بزرگ‌بینی و غفلت از خداوند موجب می‌شود تا در نهایت رفتاری به دور از انسانیت از خود بروز دهند و نسبت به بینوایان و نیازمندان بی‌توجهی روا دارند و حق و حقوق آنان را ندهند (کهف ۳۲ تا ۴۲). در همه اموال حقوق نیازمندان و ساکنان قرار داده شده و اگر آن‌را پرداخت نکنند همانند کسی هستند که حق و باطلی را درهم آمیخته و خوراک خوب و بد را باهم می‌خورند (اتجاهات التفسیر، ج ۲، ص ۶۵۰). و «أَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِنْ أَعْنَابٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا» و برای آنان آن دو مرد را مثل بزنی که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و پیرامون آن دو باغ را با درختان خرما پوشاندیم و میان آن دو را کشتزاری قرار دادیم خداوند در آیاتی



می‌دمند، شکافته می‌شوند و از این موجود بی‌جان ریشه‌های پرتحرک پدید می‌آید و در عمق زمین حرکت کرده و شتابان در خاک‌های سخت نفوذ می‌کنند و نیز ساقه‌ها از آنها به‌وجود آمده و به‌سمت آسمان زمین حرکت کرده و رشد می‌کند. بنابراین اگر از سر دقت، قرآن بخوانیم، در خواهیم یافت که خداوند “دانه‌ها” را در مواردی آورده که می‌خواهد نعمت، کرم، علم، قدرت، و وحدانیت و یا عدل خود را به بندگان یادآور شود.

خدا هرکه را بخواهد فزونی دهد و خداوند وسعت‌بخش و داناست. “در این بخش نیز تأکید شده است که بر پایه آیات قرآن، تنها خداست که دانه‌ها و هسته‌ها را می‌شکافد و گیاه را می‌رویاند: “إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ” همانا خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده بدر می‌آورد و بیرون آورنده مرده از زنده است. این است خدای شما پس کجا گردانیده می‌شوید. “دانه‌ها و هسته‌ها بی‌حرکتند و بی‌جان و چون در دل خاک قرار گیرند بر

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی‌تا، سوم.
۳. ابوالحُب، جلیل (۱۳۸۵). سیمای گیاهان زراعی در قرآن کریم، مجله فرهنگ جهاد، شماره ۴۶. گرفته شده از سایت حوزه.
۴. الالوسی، ابوالفضل شهاب‌الدین انسبه محمود، تفسیر روح المعانی، فی تفسیر القرآن العظیم و السبع، ۳۰ جلد.
۵. الیاسی، شهین (۱۳۹۲) تحقیق علمی گیاهان و جانوران از دیدگاه قرآن. گرفته شده از سایت <http://quran-m.com>
۶. اوبلاکر، دکتر اریک، فیزیک نوین، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش.
۷. ایازی، سیدمحمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۸. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۶۱.
۹. بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱۰، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۰. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه خرمشاهی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۱. بازارگان، مهدی، باد و باران در قرآن، مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر، قم، ۱۳۴۴.
۱۲. پلانک، ماکس، علم به کجا می‌رود، ترجمه احمد آرام، فجر، تهران، ۱۳۵۴.
۱۳. جعفری، یعقوب، مسلمانان در بستر تاریخ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۱
۱۴. جلالی، عبدالزهر (۱۳۹۲). بررسی اعجاز زیست‌شناختی قرآن. گرفته شده از سایت مجله تخصصی قرآن و علم
۱۵. حینکه‌المیدانی، (۱۳۹۲). مشعل‌های فروزان در شناخت یزدان، ترجمه محمد سلیمانی، تهران، نشر احسان.
۱۶. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۷. حسب‌النبی، دکتر منصور محمد، ۱۹۹۱ م، القرآن و العلم الحديث، الهيئة المصرية العامة للكتاب، مصر.
۱۸. حسینی بهشتی، محمد حسین و...، شناخت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی‌تا.
۱۹. حطیط، حسن (۲۰۰۵). الاعجاز العلمی فی القرآن‌الکریم، دارالمکتبه الهلال، بیروت، لبنان.
۲۰. داورمزدی، هرمز (۱۳۷۲). انگل‌شناسی پزشکی، چاپ چهارم، جهاد دانشگاهی
۲۱. ذهبی، دکتر محمدحسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م.
۲۲. رازی، فخرالدین، ۱۴۱۱ ق، تفسیر کبیر (مفاتیح‌الغیب)، دار الکتب العلمیه، بیروت، ۳۲ جلد.
۲۳. الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المکتبه المرتضویه، ۱۳۳۲ ش، ۵۵۴ص.
۲۴. رامین (۱۳۹۰). معجزات علمی قرآن. گرفته شده از سایت <http://miraclesofthequran.blogfa.com>
۲۵. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۸). زوجیت در قرآن. گرفته شده از سایت راسخون.



۲۶. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، قم، چ سوم.
۲۷. رضائی فر، مهندس جعفر، ۱۳۷۵ ش، قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، انتشارات فوزان.
۲۸. زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۸م.
۲۹. زمانی، مصطفی، ۱۳۵۰ ش، پیشگوییهای علمی قرآن، انتشارات پیام اسلام، قم.
۳۰. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، دار الکتب العربی، بیروت، ۴ ج، بی تا.
۳۱. ژری، ارس، هانری، علم، شبه علم و علم دروغین، ترجمه دکتر عباس باقری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
۳۲. سادات، مهندس محمد علی، ۱۳۵۷، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، انتشارات فلق تبریز.
۳۳. سروش، عبدالکریم، علم چیست، فلسفه چیست، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۷۵.
۳۴. سلیمان، احمد محمد، ۱۹۸۱ م، القرآن و العلم، دار العوده، بیروت، الطبعة الخامسة.
۳۵. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، ۱۴۰۷ ق، الاتقان فی علوم القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت، دو جلد.
۳۶. شاطبی، ابواسحق، الموافقات فی اصول الشریعه، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳.
۳۷. شحاته، محمود عبدالله، تفسیر الایات الکونیه، دار الاعتصام، قاهره، بی تا.
۳۸. شوقی، ابوخلیل، غوستاو لوبون فی المیزان، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۰ م.
۳۹. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۴۰. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.
۴۱. طباطبائی، سید محمد حسین، اصول و روش فلسفه رئالیسم، پاورقی استاد مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۶۸.
۴۲. طباطبائی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، انتشارات جامعه مدرسین، قم، بی تا.
۴۳. الطبرسی (امین الاسلام)، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، تهران، المكتبة الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی.
۴۴. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۹۳ ق، ۳۰ جلد در ۱۲ مجلد.
۴۵. غلامی، صالح (۱۳۸۴)، قرآن: معجزه حضرت محمد «ص». نشر سنا.
۴۶. فغفور مغربی، حمید، نگاهی به حقیقت وحی، مجله ویژگان، ش ۲.
۴۷. گلشنی، مهدی، تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان معاصر، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.
۴۸. محمد صالح، عبد القادر، التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۲۴ ق.
۴۹. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، انتشارات یاسر، قم، ۱۳۴۸.
۵۰. مشکینی اردبیلی، علی، ترجمه حسینی نژاد، تکامل در قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.
۵۱. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۷ ش، معارف قرآن، انتشارات در راه حق، قم.
۵۲. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، صدرا، تهران، ۱۳۷۰.
۵۳. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشيب، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۴۱۸.
۵۴. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۷)، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم، قم، چ اول.
۵۵. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، پیام قرآن، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۷۳.
۵۶. مکارم شیرازی، آیه الله ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج)، ۱۳۷۳ ش.
۵۷. موسوی، سید محمد (۱۳۹۱). گیاهان و میوه‌ها در قرآن. گرفته شده از سایت <http://sm-mosavi.blogfa.com>
۵۸. مؤدب، دکتر سیدرضا، روش‌های تفسیر قرآن، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش.
۵۹. نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹، دوم.
۶۰. نجفی، گودرز، ۱۳۷۷ ش، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نشر سبحان، تهران.
۶۱. نصر حامد، ابوزید، مفهوم النص، ترجمه مرتضی کریمی نیا، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰.
۶۲. نصر، سید حسین، تکامل در قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.
۶۳. نوری، حسین بن محمد تقی، خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۷.
۶۴. نوفل، عبدالرزاق، القرآن و العلم الحدیث، بیروت دارالکتب العربی، ۱۹۷۳ م.

قرآن، آب و خاک

محمد اسماعیل مجلسی^۱ و فاطمه زینلی پور^۲

مدرس ارشد درس دفاع مقدس استان سیستان و بلوچستان بلوار بزرگمهر، دانشکده علوم قرآنی زاهدان (نویسنده مسئول):
(BASIREBRAT@YAHOO.COM)

چکیده

زمین برای آدمی همه چیز است. در آموزه‌های قرآنی زمین به‌عنوان گهواره، زایشگاه و آسایشگاه مکان خلافت، تخت سلطنت بشر معرفی شده است. انسان از زمین بر می‌آید، در آن زیست می‌کند و در آن می‌میرد، به آن باز می‌گردد و دوباره در رستاخیز همانند گیاهی از درون خاک برمی‌آید تا با آن چه در زندگی پیشین خویش رسیده بود، ظهور نماید بسیاری از مردم نسبت به چیزهایی که در اختیار دارند، رفتار درستی از خود نشان نمی‌دهند. گویی نادیده گرفتن و غفلت از داشته‌ها و نعمت‌ها امری عادی و طبیعی در بشر است او تا به مصیبتی گرفتار نیامده و چیزی را از دست نداده، قدر و منزلت آن را نمی‌داند. بی‌گمان ریشه بشر، رویش و زندگی و رستاخیز ما با زمین گره خورده است و خداوند در هنگام آفرینش آدم (ع) به‌عنوان نخستین نمونه از نسل بشر خطاب به فرشتگان فرمود «انی جاعل فی الارض خلیفه»؛ من در زمین خلیفه و جانشینی برای خود قرار می‌دهم. ابلیس این دشمن سوگند خورده آدمی نیز به‌صراحت بیان می‌کند که آدم، آفریده‌ای از خاک است. این مطلب بارها در قرآن مورد تأکید قرار گرفته است. باید در حفظ و نگاهداشت زمین تلاش بسیاری کرد. به‌ویژه که این سیاره تنها جایی از کرات شناخته شده است که قابلیت زیست مناسب برای بشر را دارا می‌باشد و همانند عمل آدمی است که اگر از دست برود غیر قابل بازگشت و جبران است. مأموریت بشر در کره خاکی در راستای خلافت الهی آن است که زمین را آباد سازد و در مدیریت آن به‌گونه‌ای عمل کند که همه موجودات آن به کمال شایسته و بایسته خویش برسند. دور نگه داشتن زمین از فساد چه در بایبی و چه خشکی وظیفه و مسئولیت دیگری است که برعهده بشر نهاده شده است.

واژگان کلیدی: قرآن، آب، خاک، آموزه‌های قرآنی، زیست مناسب

مقدمه

همچنین قرآن بیان می‌کند که "آب مایه حیات است" و اگر آن را آلوده کنید بزرگترین گناه کبیره را انجام دادید. امام صادق (ع) بیان می‌کند که چیزهایی که با فطرت شما سازگاری دارد برای شما حلال و چیزهایی که با فطرت شما سازگار نیست برای شما حرام شده است. قرآن در توصیف این شهر می‌گوید در شهر درختان بسیار و آب و هوای خوبی وجود دارد و شهری بسیار پاک و پاکیزه با خدایی مهربان است. پیامبر می‌فرماید نگاه کردن به سه چیز باعث روشنی چشم می‌شود آب، سبزه و صورت نیکو. همچنین پیامبر در حدیثی دیگر بیان می‌کند که

باید بدانیم آلوده کردن آب، هوا و خاک کار حرام است و فقها در مورد این‌ها فتوا می‌دهند. از سندهای تاریخی و دینی استنباط می‌شود که دین اسلام نسبت به محیط زیست حساسیت بسیاری دارد. در آیه‌ای این‌طور بیان می‌شود که زمین را با همه امکانات برای شما آفریدیم همچنین در آیه‌ای دیگر گفته می‌شود: "بخورید و بیاشامید اما اسراف نکنید" این به این معناست که این نعمت را خداوند آفریده ولی انسان‌ها باید از اسراف کردن آن جلوگیری کنند بنابراین آلوده کردن هوا نیز نوعی اسراف تلقی می‌شود.



به‌وسیله این آب انواع گوناگون از گیاهان مختلف از خاک تیره برآوردیم! کلمه ماء ۶۶ بار در قرآن کریم به‌کار رفته است. آب علاوه بر خاصیت حیات‌بخشی، خاصیت مهم پاک‌کنندگی را نیز داراست. قرآن کریم در آیات بسیاری از تسخیر طبیعت برای انسان توسط خدا خبر می‌دهد. سوره ابراهیم ۳۲/ و ۳۳، نحل ۱۲/ و ۱۴، حج ۶۵/ و لقمان ۲۹، همچنین از رام کردن تمام آسمان‌ها و زمین برای انسان خبر می‌دهد: سوره لقمان ۲۰/ و جاثیه ۱۲. اما مهم این است که بدانیم طبیعت چه اهمیتی دارد و چه زیبایی‌هایی می‌آفریند و چگونه می‌توان از آن به‌گونه‌ای نیکو استفاده کرد و مهم‌تر اینکه بدانیم همه این نعمت‌ها نشانه خدا و با تدبیر خدا هستند و هدفی برای آفرینش آن‌ها وجود دارد و ما انسان‌ها ناسپاسی نعمت نکنیم و به ستم از آن استفاده ننماییم. به‌همین دلیل، در آیات قرآن آمده است: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، (عنکبوت/۲۰) که سفر کنید و در زمین بگردید و بنگرید چگونه خداوند آفرینش را آغاز کرده؛ سپس باز او جهان دیگری را پدید می‌آورد. خداست که بر هر چیز تواناست و در روایات رسیده است که «سافروا تصحوا» سفر کنید تا سالم باشید، زیرا گشت‌وگذار در طبیعت، دیدن منظره‌های زیبا و آشنایی با آداب و رسوم ملت‌ها، گذشته از آنکه خداشناسی ما را تقویت می‌کند و به شگفتی‌های آفرینش خدا آشنا می‌سازد و فایده‌های بی‌شمار مادی و معنوی برای ما ارمغان می‌آورد، آدمی را از افسردگی می‌رهاند و به سلامتی جسم و روان ما کمک می‌کند. در قرآن، آفرینش انسان از خاک (تراب) مورد، از گل (طین) مورد و از گل خشک (صلصال) مورد آمده است. مفسران بر این اعتقادند که واژه‌های تراب، طین و صلصال مکمل

اگر روز قیامت برسد و شما نهالی در دست داشته باشید و وقت نداشته باشید باید اول آن نهال را بکارید. پیامبر نمی‌گوید توبه کنید بلکه می‌گوید در آن شرایط نهال را بکارید و این نشان‌دهنده حساسیت اسلام به محیط زیست است. پیامبر در حدیث دیگری می‌فرماید "باد را نفرین نکنید" چون باد بسیاری از مصائب را از شما دور می‌کند. همین مساله امروز مشاهده می‌شود که با وزش باد بسیاری از مشکلات تهران حل می‌شود. امام علی (ع) دانه خرما را بسیار می‌کاشت و خرما را میان فقیران توزیع می‌کرد، مردم می‌توانستند از فضای سبز این نخلستان‌ها لذت ببرند. امام سجاد (ع) در صحیفه سجادیه می‌فرماید خدایا به ما آب و هوای معتدل عنایت فرما. بنابراین روایت‌های مختلفی در مورد محیط زیست در اسلام وجود دارد اما آنچه اهمیت دارد این است که در فضای کنونی کشور و شهر تهران تا چه اندازه به این فرامین عمل کرده‌ایم. با شعار و فریاد مشکل محیط زیست کشور حل نمی‌شود، همه مسوولان کشور مسوول خسارت جان انسان‌ها هستند. هزاران نفر به‌خاطر سرطان ناشی از آلودگی در کشور می‌میرند و مسوولان مسوول این مساله هستند. اسلام در حوزه محیط زیست بسیار خوب است، این مسلمین هستند که باید خوب باشند و محافظه‌کاری را در مجلس رها کند و تصمیمات درستی بگیرند و قوه قضاییه کار کند چرا کسانی که محیط زیست را تهدید می‌کنند نباید به اشد مجازات برسند. خداوند در قرآن آب را یکی از نعمت‌های الهی برشمرده است و آنرا باعث زندگی و شادکامی انسان قرار داده به‌طوری که در سوره طه آیه ۵۳ روی این مطلب تأکید می‌کند و می‌فرماید: همان خداوندی که زمین را برای شما مهد آسایش قرار داد و راه‌هایی در آن ایجاد کرد و از آسمان آبی فرستاد و ما



موجودات است: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، (نور/۴۵) و خداست که هر جنبنده‌ای را ابتدا از آبی آفرید پس پاره‌ای از آنها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آنها بر روی دو پا و بعضی از آنها بر روی چهار پا راه می‌روند خدا هر چه بخواهد می‌آفریند در حقیقت خدا بر هر چیزی تواناست (ابن ابی جمهور؛ ۱۴۰۳ق، ج ۴، ص ۱۰۳). اهمیت آب در طبیعت در قرآن جایگاه مهمی قرار دارد. در تعبیرات گوناگون به شکل توصیف دریاها، رودخانه‌ها، نهرها و ریزباران‌ها مطرح می‌شود، اما آنچه در مرحله نخست جای دارد و آن را مقدس می‌کند این است که از آب پدید آمده و عرش خدا بر آب مستقر شده و در مرحله بعدی حیات انسان و سعادت و لذت زندگی هر جاننداری در مجموع آفرینش، به آب وابسته است. قرآن در جایی، این شگفتی و زیبایی و اهمیت را به صورتی کامل چنین بیان می‌کند: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَاتِرًا كَبَابًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ»، (انعام/۹۹) و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هرگونه گیاه برآوردیم و از آن گیاه جوانه سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه رخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و نیز باغ‌هایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج نمودیم به میوه آن چون ثمر دهد و به طرز رسیدنش بنگرید قطعاً در این‌ها برای مردمی که ایمان

یکدیگرند و تناقضی با هم ندارند به این معنی که هر یک، مرحله‌ای از مراحل آفرینش انسان را توصیف می‌کنند (تفسیر طبری، تفسیر ابن کثیر). طبق این تفسیرها خداوند انسان را از گل آفرید که مخلوطی از آب و خاک بود، سپس این گل متعفن سیاه، شکل یافت و خدا از روح خود در آن دمید و مطابق دستور او که فرمود: کن: «ایجاد شو» به شکل آدم تجسم یافت. قرآن بیان می‌کند که نه تنها آفرینش آدم بلکه همه انسان‌ها به همین صورت است و همان‌طور که خاک از مواد آلی و غیرآلی تشکیل یافته است بدن انسان نیز از مواد آلی و معدنی ساخته شده است. مراحل آفرینش انسان و مواد به کار رفته در آفرینش او در سوره‌های متعدد قرآن از جمله انعام، حج، مومنون، مومن، روم، سجده، رحمان، مرسلات و طارق آمده است. در هر یک از این سورها به بخشی از این مراحل پرداخته شده و واژگان به کار رفته برای هر مرحله هم بعضاً متفاوت است. مثلاً مراحل خاک (تراب)، اسپرم (نطفه)، لخته چسبنده (علقه) و تکه گوشت (مضغه) در سوره حج آیه ۵ آمده است.

۲- پیدایش حیات در زمین و اهمیت آب

یکی از مسائلی که همواره فکر بشر را به خود مشغول کرده، مساله حیات و چگونگی پیدایش آن در زمین است. در سیر طبیعت ما به زندگی موجودات گوناگون برخورد می‌کنیم و چگونگی حیات آنها برای ما شگفت‌انگیز است. قرآن کریم در چگونگی حیات آنها برای ما اشاره می‌کند. مثلاً می‌گوید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء/۳۰). هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم ... و یا به مناسبت آفرینش جهان می‌گوید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ»، (هود/۳۰). اوست که آسمان‌ها و زمین را در شش دوره آفریده و قدرت استیلای او بر آب بود. شگفتی طبیعت به تنوع و چگونگی



شبانه‌روز و هم‌چنین با جریان آب‌های قطبی و ... در کل زمین باعث تنظیم و تعدیل دمای کره زمین می‌شود اما در این‌جا معرفی است و «ال» آن می‌تواند عهد ذهنی بوده و اشاره به همین آب معهود باشد؛ در نتیجه با متفاوت شدن این دو، استدلال از یکی بر دیگری با مشکل مواجه می‌شود. ثانیاً در صورتی که فقط همین معنی اراده شده‌بود از همان ماده «خلق» استفاده می‌شد، اما با توجه به تأثیراتی که آب در کلیه مراحل حیات دارد به‌نظر می‌رسد این کلمه «جعل» می‌تواند معنای وسیع‌تری داشته، شروع حیات، بقاء حیات و تأمین بسیاری از شرایط حیات را هم در برگیرد. برای روشن‌تر شدن زیبایی آیه و دریافت وسعت و گستره آن، به برخی از خصوصیات منحصر‌به‌فرد آب و نقش آن در حیات، اشاره می‌شود. آب ماده اصلی بدن تمامی جانوران است، به‌طور مثال یک انسان ۷۰ کیلوپی ۵۰ لیتر آب دارد و اگر ۲۰٪ آب بدن خود را از دست بدهد هرگز سلامتی خود را باز نخواهد یافت (حمیدی کلیجی، سعید، قرآن و طبیعت «پدیده‌های شگفت‌انگیز عالم آفرینش»/ ۲۹). آب همه‌جا در خاک، هوا، زیرزمین و ... وجود دارد و هم‌زمان به سه صورت مایع، جامد و گاز یافت می‌شود (همان/ ۳۲). مایع بودن آب در دما و فشار معمولی بسیار حائز اهمیت است، زیرا وزن ملکولی آن ۱۸ است در حالی‌که آمونیاک با وزن ملکولی ۱۷ در ۳۳- هنوز به‌صورت بخار وجود دارد و سولفید هیدروژن با وزن ملکولی ۳۴ که در جدول تناوبی پهلوی آن قرار دارد در سرمای ۵۹- هنوز حالت بخار خود را حفظ می‌کند. اگر آب خواص پیش‌بینی شده در جدول تناوبی را داشت تغییرات جوی حاصل از آب به‌جای رحمت آسمانی به بلای آسمانی تبدیل می‌شد. (همان/ ۳۶) «ظرفیت گرمایی ویژه». مقدار حرارتی است که یک ماده می‌گیرد

می‌آورند نشانه‌هاست. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج، ۱۲، ص ۲۳۴).

۳- آب زمینه‌ساز حیات

خداوند در آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا)، «و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟!» برخی مفسرین به قرینه آیه ۴۵ نور (وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ)، «و خدا هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید» «جعل» را به معنی «خلق» گرفته‌اند، (علامه طباطبایی، میزان فی تفسیرالقرآن، ۲۷۹/۱۴؛ مولف الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ۱۱۳/۳؛ قرطبی، محمد بن احمد، الجامع لأحكام القرآن، ۲۸۴/۱۱) گرچه این معنا می‌تواند یکی از کامل‌ترین معانی آیه باشد ولی تمام آن نیست و انحصار آن در معنای «خلق» صحیح به‌نظر نمی‌رسد. زیرا اولاً استدلال به آیه سوره نور تمام نیست، چون آب در آن آیه نکره است و می‌تواند تنويع را برساند که احتمالاً نظر به آبی خاص با ترکیبات ویژه دارد مانند نطفه، که نتیجه آن گوناگونی جانوران است، چه این که در ادامه نیز می‌فرماید (فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)، «پس برخی از آنها کسانی هستند که بر شکم خود راه می‌روند و برخی از آنها کسانی هستند که بر دو پای خود راه می‌روند و برخی از آنها کسانی هستند که بر چهار (پا) راه می‌روند؛ خدا آنچه را بخواهد می‌آفریند، [چرا] که خدا بر هر چیزی تواناست». آب نقش مهمی در تعدیل درجه حرارت محیط زیست به‌عهده دارد. هنگامی که دمای کره زمین بالا می‌رود آب مقدار انرژی زیادی را به‌خود جذب می‌کند تا دمای آن یک درجه افزایش یابد و هنگامی که سرد می‌شود میزان انرژی زیادی را به محیط پس می‌دهد تا دمای آن یک درجه کاهش یابد. این مسأله در

تا دمای یک گرم از آن یک درجه سانتی‌گراد افزایش یابد و واحد آن کالری بر سانتی‌گراد است. آب در بسیاری از فلزات این میزان حرارت در حدود ۳٪ کالری است، در مس و آهن به حدود ۱٪ کالری می‌رسد در حالی که برای آب در بالاترین حد یعنی یک کالری قرار دارد. این مطلب برای تعدیل و ثابت نگه‌داشتن درجه حرارت کره زمین بسیار مهم است. همان‌گونه که روشن است ۳/۴ کره زمین را آب تشکیل می‌دهد و در بسیاری از نقاط زمین نیز یافت می‌شود، به این ترتیب آب نقش مهمی در تعدیل درجه حرارت محیط زیست به‌عهده دارد. هنگامی که دمای کره زمین بالا می‌رود آب مقدار انرژی زیادی را به‌خود جذب می‌کند تا دمای آن یک درجه افزایش یابد و هنگامی که سرد می‌شود میزان انرژی زیادی را به محیط پس می‌دهد تا دمای آن یک درجه کاهش یابد. این مسأله در شبانه‌روز و هم چنین با جریان آب‌های قطبی و ... در کل زمین باعث تنظیم و تعدیل دمای کره زمین می‌شود (بیضون، لیبب، الإعجاز العلمي فی القرآن/ ۱۷۰-۱۷۱). با توجه به تأثیراتی که آب در کلیه مراحل حیات دارد به‌نظر می‌رسد این کلمه «جعل» می‌تواند معنای وسیع‌تری داشته، شروع حیات، بقاء حیات و تأمین بسیاری از شرایط حیات را هم در بر گیرد. رسیدن مواد غذایی از ریشه به آوند و از آن به شاخه‌های گیاه و یا رسیدن آن از طریق خون به سلول‌ها و یا دفع سموم بدن به‌وسیله حل‌شدن در آب، مرهون قدرت فوق‌العاده حلالیت آب است. آب یکی از قوی‌ترین مایعاتی است که می‌تواند بسیاری از مواد را درون خود حل کند (آیات الکون و اسرار الطبیعة فی القرآن الکریم/ ۱۸۷). البته تا اینجا فقط نیمه‌راه است. نیم دیگر آن مربوط به pH آب است. pH سیالات، بین صفر تا ۱۴ متغیر است و صفر بالاترین قدرت اسیدی و

۱۴ بالاترین قدرت بازی را دارد. آب با دارا بودن $pH = 7$ از نظر بازی و اسیدی خنثی است و این بسیار مهم است، زیرا می‌تواند فاقد این‌که با آن‌ها واکنش دهد ترکیبات بسیاری را درون خود حل کند (بیضون، لیبب، الإعجاز العلمي فی القرآن/ ۱۷۶). اینک جا دارد بار دیگر و با نگاهی دیگر آیه شریفه را مرور کنیم؛ «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا»، «و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟!».

۴- شگفتی آب در قرآن کریم

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ»، (۷-هود). او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (شش دوران) آفرید و عرش (قدرت) او بر آب قرار داشت، (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدام‌یک نیکوکارترید و اگر بگویید شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد قطعاً کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت این ادعا جز سحری آشکار نیست. هرگاه بخواهیم این آب گوارا را، تلخ و شور قرار می‌دهیم، پس چرا شکر نمی‌کنید؟ «إِنْ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ»، (۱۶۴-بقره). در آفرینش آسمان‌ها و زمین و آمد و شد شب و روز و کشتی‌هائی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده و انواع جنیندگان را در آن گسترده و همچنین در تغییر مسیر بادها و ابرهائی که در میان زمین و آسمان معلقند، نشانه‌هائی است از ذات پاک خدا



من المَاءَ بَشْرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا»، (۵۴-فرقان) او کسی است که از آب انسانی را آفرید او را نسب و سبب قرار داد و نسل او را از این دو طریق گسترش داد و پروردگار تو همواره قادر است (سادات ناصری؛ ۱۳۷۸، ص ۷۲ و ۷۳) «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا»، (۴۸-فرقان) و او کسی است که بادهای را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أجاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا»، (۵۳-فرقان) و اوست کسی که دو دریا را موج‌زنان به‌سوی هم روان کرد این یکی شیرین و گوارا و آن یکی شور و تلخ است و میان آن دو مانع و حریمی استوار قرار داد. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به‌توجه و دقت در جهان آفرینش فراخوانده و از سوی دیگر خود آیاتی دارد که به‌صورت صریح یا اشاره، حقایقی را از راز و رمز جهان بیان کرده است. اگرچه رسیدن به لایه‌های عمیق قرآن کاری دشوار و از مرحله‌ای به بعد، برای بشر عادی محال است، اما این دریای ژرف همواره شیفتگان معرفت و شناخت را به‌خود مجذوب کرده است. روایات متعددی وجود دارد که به تفسیر آیات علمی پرداخته است. به‌عنوان مثال شیخ طوسی در کتاب تفسیری خود تبیان در بیش از پانزده مورد به مباحث زیست جانوری پرداخته است. ایشان درباره آیه ۲۶ سوره بقره (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا قَوَّهَا) از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «خداوند به پشه مثال زد، زیرا با این کوچکیش آنچه در فیل خلق شده در او خلق شده و علاوه بر آن دو عضو زیادت‌تر هم دارد» (ج ۱، ص ۱۱۱). این روایات در مجامع و تفاسیر روایی همچون (فیض کاشانی، ملامحسن، م ۱۰۹۱ ق، تفسیر صافی)،

و یگانگی او برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند (خضرائی، ۱۳۸۲؛ ص ۳). «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ...»، (۹۹-انعام). و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به‌وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم. «إِذْ يُغَشِّبِكُمُ النَّعَاسُ أَمْنَةً مِنْهُ وَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رَجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ»، (۱۱-انفال). به یاد آورید هنگامی را که خدا خواب سبک آرامش‌بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فرو ریزانید تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزدايد و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار دارد «أُولَئِكَ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ»، (۳۰-انبیاء). آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به‌هم پیوسته بودند و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؟ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم، آیا ایمان نمی‌آورند «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»، (۴۵-نور). و خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید، گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند، خداوند هر چه را اراده کند می‌آفریند، چراکه خدا بر همه چیز تواناست. «وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أجاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَّحْجُورًا» (۵۳-فرقان) و او کسی است که دو دریا را در کنار هم قرار داد که آب، یکی گوارا و شیرین و دیگری شور و تلخ و در میان آنها برزخی قرار داد تا با هم مخلوط نشوند گوئی هریک به دیگری می‌گوید دور باش و نزدیک نیا «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ



(فاطر ۱۲) آب شیرین و گوارا و پاکیزه به‌ویژه اگر سرد و خنک باشد، مطلوب بشر است و انسان این نوع آب را دوست دارد و برای او ارزشمند است. وَ جَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا» و کوه‌های بلند در آن نهادیم و به شما آبی گوارا نوشاندیم (مرسلات ۲۷) در این میان آب باران به سبب داشتن این ویژگی‌ها، آب مناسبی برای بشر است و لازم است تا انسان سپاسگزار بارانی باشد که این علاقه انسان را برآورده می‌سازد. هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد که آب آشامیدنی شما از آن است و رویدنی‌هایی که رمه‌های خود را در آن می‌چرانید نیز از آن است (نحل ۱۰) و (فرقان ۴۸ و ۴۹) و (حجر ۲۲) آب به جهاتی آسمانی دانسته شده و می‌توان گفت که آب همان صورت مجسم و مجسد حیات و زندگی است و اگر امری معنوی و روحانی چون زندگی بخواهد به شکل مادی نشان داده شود در شکل آب خودنمایی می‌کند (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۸۶، ۵۰). از این رو در آیات قرآنی، آب به عنوان نعمتی که از آسمان فروفرستاده شده معرفی شده. به‌ویژه آن که در آیه ۷ هود خداوند به صراحت تبیین می‌کند که آب حتی پیش از خلقت وجود زمین و آسمان‌ها وجود داشته «و هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا» و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید. نهایت چیزی که می‌توان گفت اینکه آبی که در شکل مادی آن از آسمان بر زمین فرو می‌بارد، شکلی مادی شده، مفهوم آب آسمانی و حیات است. اگر عرش الهی بر بنیاد آب نهاده شده مراد این است که عرش الهی جز حیات و زندگی نیست و فنا و

(عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه، م ۱۱۲ ق، نورالثقلین) و ... ذیل آیات مربوطه گردآوری شده‌اند.

۵- آب، نعمتی آسمانی

آب، یکی از عناصر تشکیل‌دهنده، زمین است. سطح عظیمی از زمین را آب پوشانده است. خداوند در آیات ۶۸ تا ۷۰ واقعه از ارزشمندی آب شیرین و گوارایی که از ابرها فراهم می‌آید به عنوان یک نشانه خداشناسی و معادشناسی یاد می‌کند و انسان‌ها را به تدبیر در این امر فرامی‌خواند. در حقیقت آب شیرین و گوارایی که از ابرها می‌بارد، منت الهی بر انسان است که می‌بایست شکرگزار آن باشد «أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ أَأَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ» آیا آبی را که می‌نوشید دیده‌اید آیا شما آن را از دل ابر سپید فرود آورده‌اید یا ما فرودآورنده‌ایم اگر بخواهیم آن را تلخ می‌گردانیم پس چرا سپاس نمی‌دارید. هرکسی با نگاهی به کیفیت و چگونگی دست‌یابی آدمی به آب شیرین و گوارا که از ابرها و چشمه‌سارها و چاه‌ها به دست می‌آید می‌تواند توجه خداوند به رزق بشر و ادامه حیات وی را دریابد و نسبت به این نعمت‌ها سپاسگزار خداوند باشد و بر مشیت خداوندی شکر نماید (حجر ۲۲، نحل ۱۰ فرقان ۴۸ و ۴۹) و آیه «وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمَنْ كُلٌّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرٌ لَتُبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» و دو دریا یکسان نیستند این یک شیرین تشنگی‌زدا و نوشیدنش گواراست و آن یک شور تلخ‌مزه است و از هر یک گوشتی تازه می‌خورید و زیوری که آن را بر خود می‌پوشید بیرون می‌آورید و کشتی را در آن موج‌شکاف می‌بینی تا از فضل او روزی خود را جستجو کنید و امید که سپاس‌گزارید



حیات در عرش الهی می‌فرماید که عرش وی بر آب بنیاد گذاشته شده است. برای این که زمین به چنین استعداد و آمادگی برای زیست گونه‌های گیاهی و جانوری یعنی حیات آماده شود، لازم بود تا شش دوره را بگذراند که از این شش دوره، دو دوره آن مربوط به قبل از سامان‌یابی زمین بر زیست‌حیات بوده است. پس از آن، چهار دوره زمین‌شناسی طول کشید تا زمین برای حیات کامل همه گونه‌های کنونی آماده شود. خداوند به صراحت می‌فرماید «قل انکم لتکفرون بالذی خلق الارض فی یومین ... و جعل فیها رواسی من فوقها و بارک فیها و قدر فیها اقواتها فی اربعه ایام سواء للسانین»، (فصلت ۹ و ۱۰). در آیه ۳۰ انبیاء نیز می‌فرماید که زمین پیش از آن که گسترده و باز شود به شکل جمع و رتق بود و با بارندگی زمین شرایط مناسب برای گسترده شدن را یافت. به این معنا که زمین پیش از باران و آب، سفت و غیر قابل زرع بود و با باریدن باران قابلیت آن را یافت که نرم و فتق شود و زمینه برای حیات فراهم آید: «اولم یرالذین کفروان السموات و الارض کانتا رتقا ففتقناهما و جعلنا من الماء کل شیء حی افلا یومنون». این گونه است که از نظر قرآن، زمین تنها سیاره‌ای است که در حال حاضر و تاکنون قابلیت آن را داشته که زیست‌گاه مناسبی برای گیاهان و جانوران از جمله انسان باشد. البته به نظر می‌رسد که پس از رانده شدن جنیان از آسمان با شهاب سنگ‌های آتشین، زیستگاه انحصاری جنیان نیز شده باشد، هر چند که ایشان به آسمان نیز می‌تواند گذر کنند و در جاهای دیگری غیر از زمین زندگی کنند ولی محل زندگی اصلی و پایگاه مرکزی ایشان نیز زمین است (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۵۱؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۹).

نیستی در آن راه ندارد. در آیات قرآنی به این نکته توجه داده شده که ریزش باران از آسمان زمین مرده را زنده می‌کند و به آن حیات می‌بخشد. زمین بی‌آب و باران، خاکی مرده است و اگر باران، آسمانی نباشد، آبی که در درون زمین است در نهایت، شکلی که به زمین می‌بخشد، زمین پژمرده است که آبش کشیده شده باشد. هنگامی که باران از آسمان بر زمین می‌بارد، زمین جان می‌گیرد و زندگی در آن به شکل گل و گیاه و درخت در می‌آید. آیه ۷۵ اعراف ناظر به رویش گیاهان در زمین پس از باران آسمانی است «و هو الذی یرسل الریاح بشرأ بین یدی رحمته حتی إذا أقلت سحابا ثقالا سقناه لیلد میّت فأنزلنا به الماء فأخرجنا به من کلّ الثمرات کذلک نخرج الموتی لعلکم تذکرون» و اوست که بادهای را پیشاپیش باران رحمتش مژده‌رسان می‌فرستد تا آن‌گاه که ابرهای گرانبار را بردارند آن را به سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و از هرگونه میوه‌ای از خاک برآوریم بدین‌سان مردگان را نیز از قبرها خارج می‌سازیم باشد که شما متذکر شوید. در حقیقت زمین از این استعداد برخوردار است که آب آن در آسمان آن، شکل به خصوصی می‌گیرد و به صورت باران بر زمین می‌بارد. این آبی که در آسمان شکل می‌گیرد سرشار از زندگی و حیات است، زیرا خالی از عناصر بازدارنده رویش گیاهان است. باریزش باران حیات در زمین پدیدار گشت «و جعلنا من الماء کل شیء». هر چیزی را از آب زنده گردانیدیم (انبیاء ۳۰). بر این اساس می‌توان گفت که ارتباط زندگی و حیات با آب، ارتباطی عادی و معمولی نیست (کلینی؛ ۱۴۰۴ق؛ ج ۱۵، ص ۳۰۹-۳۱۰). اگر باور کنیم که آب شکل مادی شده مفهوم و معنای حیات است، باید باور کنیم که حیات در همه هستی با مفهوم آب گره خورده است. لذا خداوند در بیان زندگی و



۶- آب و خاک در قرآن و حدیث

قرآن راجع به آب می‌فرماید که: هر موجود زنده‌ای از آب است «مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيٌّ»؛ (انبیاء/۳۰) هر چیزی زنده از آب است. انسان از آب است، قرآن می‌فرماید: «خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا»؛ (فرقان/۵۴) بشر از آب است. میوه‌ها از آب است: قرآن می‌فرماید: که باران فرستادیم، از همین باران! ثمرات من نخیل و اناب؛ خرماها و انگورها و غیره. همه گیاهان از آب است، قرآن می‌فرماید: «فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ»؛ (انعام/۹۹) این آب اندازه‌گیری دارد، دو جای قرآن می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ»؛ (مؤمنون/۱۸) یعنی آب اندازه دارد. دو جای دیگر می‌فرماید: «وَ الَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ»؛ (زخرف/۱۱) دوبار «بقدر» آمده اندازه‌گیری شده مقداری که هر سال باران نازل می‌شود یک اندازه است. منتهی مردم به منطقه‌ای اگر خلاف کردند، باران جای دیگر می‌آید، یا بی‌ربط باریده می‌شود، یعنی، زمان و مکانش تغییر می‌کند تا مردم از این باران خیر نبینند. حدیث داریم از رسول اکرم (ص) که فرمود: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا»؛ (وسائل الشیعه ج ۱۷/ص ۴۰). آب وسیله خداشناسی است، قرآن می‌فرماید: «يَسْقِي بِمَاءٍ وَاحِدٍ»؛ (رعد/۴) شما وارد باغ می‌شوید در جهنم لیموشیرین مثل قند، لیموترش ترش، خرما شیرین، انار ترش و شیرین، همه درختش هم پهلوی هم است. نگاه می‌کنی ترش ترش لیموترش، شیرین شیرین خرما، ترش و شیرین انار. همه هم پهلوی هم است قرآن می‌فرماید: یسقی بماء واحد؛ اگر می‌خواهی خداشناسی کنی حالا خدا را بشناس. یعنی آب وسیله خداشناسی است. آب وسیله زیبایی است: قرآن درباره آب می‌گوید: زوج بهیج، بهیجه: یعنی شادآور (ذات بهیجه)؛ (نمل/۶۰). «مُخْتَلَفًا أَلْوَانُهُ»؛ (نحل/۱۳)؛ «مُخَضَّرَةً»؛ (حج/۶۳) خداوند رحمت کند علامه طباطبایی

را، سیب که می‌خواست بخورد خود سیب را ممکن است دو سه دقیقه می‌توان خورد اما به ۲۰ دقیقه به این سیب نگاه می‌کرد. بیست دقیقه نگاه می‌کرد و دو دقیقه می‌خورد. قرآن در آیات کریمه‌اش کراراً به نعمت آب و خاک اشاره کرده و هر دو را منبع انواع برکات برای بشر معرفی می‌کند. «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتٍ كُلِّ شَيْءٍ» و اوست که از آسمان آبی فرستاد، و به وسیله آن گیاهان گوناگون را از زمین رویاندیم. «إِذْ يَغْشِيكُمْ النُّعَاسُ أَمْنًا مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رَجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ». و یاد کنید هنگامی‌را که به سبب امنیت و آرامشی که از سوی خدا یافتید، خواب سبکی را به همه شما مسلط کرد و برایتان آبی از آسمان نازل کرد تا شما را به وسیله آن از آلودگی‌ها پاک کند، و وسوسه شیطان را که از بدترین کثافات است از شما برطرف نماید، و دل‌هایتان را استحکام دهد، و گام‌هایتان را به آن استوار و پا برجا کند. آیه شریفه در ارتباط با جنگ بدر است، به آن هنگامی‌که مسلمانان دچار کم‌آبی بودند و قدرت و قوت و تدارکات آنان در برابر مشرکان قابل توجه نبود که در آن هنگامه عظیم با عنایت خدا باران سختی بارید و همان باران از عوامل بسیار مهم پیروزی آنان شد و هو الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّى إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقِنَاهُ لَيْلِدٍ فَانزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نَخْرُجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ». و اوست که باها را پیشاپیش باران رحمتش به‌عنوان مژده دهنده می‌فرستد تا هنگامی‌که ابرهای سنگین بار را بردارند، آن‌را به‌سوی سرزمینی مرده می‌رانیم، پس به‌وسیله آن باران نازل می‌کنیم و به‌وسیله باران از هر نوع میوه از زمین بیرون می‌آوریم و مردگان را نیز در روز قیامت این‌گونه از لابه‌لای



گورها بیرون می‌آوریم، باد، ابر، باران، زمین، روییدن گیاهان و انواع میوه‌ها را مثل زدیم تا متذکر و یادآور اراده و قدرت بی نهایت خدا شوید. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ». خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید، و از آسمان آبی نازل کرد، و برای شما به وسیله آن از محصولات و میوه‌های گوناگون روزی بیرون آورد، و کشتی‌ها را مسخر شما قرار داد تا به فرمان او در دریا روان شوند، و نیز نهرها را مسخر شما کرد. آب، نعمت بسیار مهمی است که به مناسبت‌های گوناگون در قرآن و روایات از آن یاد شده و از خاک هم که از اعظم نعمت‌ها است به همان گونه یاد شده و از ترکیب این دو حقیقت است که به اراده حضرت حق انواع برکات و نعمت‌ها به انسان می‌رسد. آب در طهارت و بهداشت زندگی از اعظم وسایل و انفع عوامل است و آنچه را آب در زندگی موجودات و در عالم هستی به عهده دارد، نعمت دیگر به عهده ندارد. نقش آب، نقش به‌سزایی است و یک قطره آن گاهی به اندازه قیمت حیات یک موجود است. زمین و کوه و هوا و دریا و بیابان و هامون و کویر و نبات و حیوان و انسان و همه و همه زنده به آب هستند (قمی، ۱۴۰۴، ج ۲، ص ۳۴۴).

۷- مدیریت آب از دیدگاه قرآن آب، مایه زندگی و حیات خداوند از آب باران به‌عنوان آب مبارک و پربرکت یاد می‌کند که نیازهای بشر و دیگر موجودات را در بهترین و آسان‌ترین شکل تأمین می‌کند (اعراف ۹۶ ق ۹۰) از آن جایی که درصد آب شیرین و گوارا نسبت به آب شور و تلخ بسیار اندک است، مسئله چگونگی مصرف یا مصرف بهینه آن در آموزه‌های دستوری قرآن مطرح شده است و خداوند از انسان‌ها خواسته تا در

مصرف بهینه و به‌دور از هر گونه اسراف و تبذیر آب بکوشند، به‌طوری‌که هرگونه مصرف نابجا و نادرست آب گوارا و شیرین، به‌معنای عمل فاسد (بقره ۶۰) «وَ إِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرِبَهُمْ كَلُوبًا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» و هنگامی که موسی برای قوم خود در پی آب برآمد گفتیم با عصایت بر آن تخته‌سنگ بزن پس دوازده چشمه از آن جوشیدن گرفت به‌گونه‌ای که هر قبیله‌ای آبشخور خود را می‌دانست و گفتیم از روزی خدا بخورید و بیاشامید ولی در زمین سر به فساد برمدارید. یا اسراف و زیاده‌روی (اعراف ۳۱) شناخته‌شده و کسانی که از مصرف بهینه تجاوز می‌کنند به‌عنوان مفسدان در زمین و انسان‌هایی که خداوند آنان را دوست نمی‌دارد، معرفی می‌شوند. «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». ای فرزندان آدم جامه خود را در هر نمازی بگیرید و بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید که او اسرافکاران را دوست نمی‌دارد گزارش‌های قرآنی بر این معنا تأکید دارد که مصرف بهینه آب به‌ویژه در جاهایی که کمبود آب وجود دارد، امری لازم و ضروری است (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۲۹۱). مصرف بهینه آب باید به‌گونه‌ای صورت گیرد که کمبود آب آسیبی به محیط زیست گیاهی و جانوری وارد نسازد. از آیه ۱۵۵ شعراء و ۲۷ و ۲۸ قمر به‌دست می‌آید که انسان لازم است به‌گونه‌ای آب را مصرف و سهمیه‌بندی کند تا جانوران و گیاهان نیز از آن بهره‌مند شوند «قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَ لَكُمْ شِرْبٌ يَوْمَ مَعْلُومٍ» گفت این ماده شتری است که نوبتی از آب او راست و روزی معین نوبت آب شماست. این که خداوند برای ناقه صالح سهمیه‌ای از آب قرار داده، به‌معنای حق

۸- نقش آب در زندگی

بی‌گمان آب، مهم‌ترین نقش را در آبادانی زمین ایفا می‌کند؛ زیرا در عمران و آبادانی زمین همین‌بس که اگر هر جا آب یافت شد، زندگی و حیات معنا می‌یابد. انسان و جانوران وابسته به گیاهان هستند و از حیوانات «لُخْرَجَ بِهِ حَبًّا وَ نَبَاتًا» تا بدان {آب باران} دانه و گیاه برویانیم (نبأء ۱۴ و ۱۵) و (انعام ۹۹) دانه‌های روغنی «وَ شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورٍ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبِغٌ لِّلْأَكْلِيْنَ» و از طور سینا درختی برمی‌آید که روغن و نان خورشی برای خورندگان است (مؤمنون ۲۰)، میوه «إِیْنَبُ لَكُمْ بِه الزَّرْعَ وَ الزَّیْتُونَ وَ النَّخِیْلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» به‌وسیله آن کشت و زیتون و درختان خرما و انگور و از هرگونه محصولات دیگر برای شما می‌رویند (نحل ۱۰ و ۱۱) و برگ و چیزهای دیگر آن استفاده می‌کنند افزون بر این‌که جانوران از علوفه و دانه‌ها و میوه‌های گیاهان استفاده کرده و انسان نیز از گوشت و شیر و پوست و دیگر فرآورده‌های جانوری سود می‌برد و تغذیه می‌کند. این‌گونه است که ارتباط تنگاتنگی میان انسان با گیاهان و نیز جانوران ایجاد می‌شود. خداوند در آیاتی از جمله آیه ۲۴ یونس و ۱۰ نحل، از نقش اساسی آب در دامداری و تأمین علوفه دام سخن به‌میان می‌آورد و یادآور می‌شود که چگونه این افزایش دام و دامداری در رشد تغذیه و سلامت آن برای انسان نقش ایفا می‌کند و موجبات ثروت و قدرت بشر می‌گردد. به‌سخن دیگر، آب افزون بر این‌که موجبات زیبایی طبیعت با افزایش گیاهان و رونق کشاورزی می‌شود، موجب افزایش دام و در نتیجه ثروت و قدرت جوامع بشری نیز می‌شود (یونس ۲۴؛ انعام ۹۹؛ حج ۵). از روش‌های مدیریت آب به‌ویژه آب‌های سطحی و باران‌ها و سیلاب‌ها، ایجاد سد است. خداوند در آیاتی به نقش سدسازی در

ثابتی برای جانوران و گیاهان از آب شیرین مصرفی است. انسان‌ها می‌بایست به آب‌های سطحی چون آب باران، آب رودها و آب چشمه‌ها که در دسترس آسان بشر و شیرین و گوارا و پاک است، توجه ویژه داشته باشند و اجازه ندهند تا به هر شکلی آلوده یا اسراف شود و به‌درستی مصرف نشود. کسانی که به آلوده‌سازی آب اقدام می‌کنند و یا مصرف نادرست و اسراف گونه‌ای را در پیش می‌گیرند به‌عنوان انسان‌های فاسد شناسایی شده و از جرگه انسان‌های محبوب خداوند خارج شده و جزو انسان‌های میغوض قرار می‌گیرند. این‌که شخص به‌عنوان فاسد بلکه مفسد در زمین شناخته شود و مورد خشم و غضب خداوند قرار گیرد، به‌معنای آن است که گامی برخلاف فلسفه و اهداف آفرینش برداشته و فرصت‌های بسیاری از دیگران سلب کرده و می‌بایست به‌سبب این ظلم و ستم بزرگ به‌خود و دیگران، مجازات شود (بقره ۶۰؛ اعراف ۳۱). برای این‌که همگان از گیاهان و جانوران و انسان‌ها از آب به‌مقدار موردنیاز بهره‌مند شوند، لازم است تا انسان به حکم وظیفه آبادانی و عمران زمین (هود ۶) و نیز به حکم خلافت الهی بر موجودات جهان (بقره ۳۰) در شرایط عادی در مصرف به‌جا و درست آن بکوشد و در آب‌ها فساد و فساد نکرده و آن را آلوده نسازد. همچنین در شرایط غیرطبیعی و دوره کمبودها و خشکسالی‌ها با سهمیه‌بندی، همه موجودات را از دسترسی به آب سالم و گوارا بهره‌مند سازد. از این‌رو هرگونه تجاوز به سهمیه‌بندی از سوی انسان به‌عنوان ظلم شناخته و تفسیر شده و به‌طور طبیعی مجازاتی در دنیا و آخرت بر این گونه رفتارهای ستمگرانه تعیین شده است (مجلسی؛ ۱۴۰۴ق؛ ج ۱۵، ص ۳۷۸).



سد مارب به‌وسیله «سبأبن یشجب بن یعرب»، بنیان نهاده شد، گرچه اجل به او مهلت نداد تا اتمام آن را ببیند. سپس پادشاهان حمیر، کار آن را به‌پایان رساندند. گویند: این سد بین کوه‌های آن ناحیه در بین سه کوه برپا شده‌بود و تمامی سیلاب‌های منطقه را مهار و ذخیره‌سازی می‌نمود (تاریخ ابن خلدون، ج ۱، ص ۳۴۶). مفسران، آیه ۱۶ سبأ را- که باغ‌های سبأ به‌وسیله سیل عرم نابود شد- درباره آب همین سد دانسته‌اند که پس از شکسته‌شدن و جریان آب، موجب نابودی باغ‌ها و انقراض قوم سبأ و تمدن عظیم آنان در یمن شد. (تفسیرالتحریر و التنویر ج ۲۲، جزء ۲۶، ص ۱۶۹-۱۷۰). مدیریت آب به‌معنای تغییر در محیط زیست و افزایش اکسیژن و خنک کردن محیط و بوم زیست، افزایش گیاهان و جانوران و تغییرات آب و هوا به‌سمت اعتدال، (بقره ۱۶۴ نور ۴۵ انبیاء ۳۰) است، زیرا هر جنبنده‌ای از آب پدید می‌آید (نور ۴۵) و زنده‌شدن موجودات، از آب (انبیاء ۳۰) است و اگر آب در جایی فراهم آید به‌ویژه آب شیرین باران که دارای خواص بسیاری خصوصاً در پرورش دام و گیاه است، هم، افزایش گیاهان را سبب می‌شود و هم تعدیل آب و هوا را موجب می‌شود. قوم سبا با مدیریت آب توانسته بودند کویری را به گلستان تبدیل کنند، ولی همین‌که سد از میان رفت و سیل‌های خروشان سد، گیاهان و جانداران و انسان‌های پیرامونش را به هلاکت کشاند، پس از آن هرگز آن سرزمین رنگ آبادی و آبادانی و تمدن پیشین را ندید و تجربه دوباره‌ای نکرد. نکته‌ای که خداوند در مدیریت آب به آن توجه می‌دهد، مسئله سهمیه‌بندی آب به‌ویژه در خشکسالی و مناطقی است که همواره با کمبود آب مواجه هستند. در سهمیه‌بندی آب می‌بایست به‌گونه‌ای عمل شود تا همه موجودات از گیاهان و جانوران و انسان به‌مقدار مناسب و

مدیریت آب و رشد و شکوفایی اقتصادی و دست‌یابی به تمدن‌های قدرتمند و ثروتمند اشاره می‌کند. به‌عنوان نمونه به سد مارب در یمن و دوره حکومت سبائیان اشاره کرده و می‌فرماید که این سد موجب افزایش ثروت و قدرت جامعه شد ولی به‌سبب کفر آنان، خداوند این سد را خراب کرد که به تبع ویرانی این سد، جامعه از رشد و شکوفایی بازماند و از تمدن ساقط شد هرچند که سدسازی از سوی ذوالقرنین برای جلوگیری از اقوام یاجوج و ماموج بود، ولی از این اشارات قرآنی می‌توان این معنا را به‌دست آورد که سدهایی که ساخته می‌شود، باید سدهای با استحکام باشد تا در برابر امواج خروشان سیلاب‌ها یا اقوام مقاومت کند. سدی که ذوالقرنین ساخت، از آهن و مس گداخته بود که استحکام زیادی داشت (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق؛ ص ۵۲۵-۵۳۸). بنابراین، توجه به استحکام و مقاومت بالای سد در سدسازی برای مهار سیلاب‌ها و آب‌های باران و رودها ضروری است. «قَالُوا يَا ذَا الْقُرْنَيْنِ إِنَّا يَا جُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَنْ تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ سَدًّا...» گفتند ای ذوالقرنین یاجوج و ماجوج سخت در زمین فساد می‌کنند آیا ممکن است مالی در اختیار تو قرار دهیم تا میان ما و آنان سدی قرار دهی گفت آنچه پروردگارم به من در آن تمکن داده از کمک مالی شما بهتر است مرا با نیرویی انسانی یاری کنید تا میان شما و آن‌ها سدی استوار قرار دهم برای من قطعات آهن بیاورید تا آنگاه که میان دو کوه برابر شد گفت بدمید تا وقتی که آن قطعات را آتش گردانید گفت مس گداخته برایم بیاورید تا روی آن بریزم در نتیجه اقوام وحشی نتوانستند از آن مانع بالاروند و نتوانستند آن‌را سوراخ کنند (کهف ۹۴ تا ۹۷). درباره سد مارب نیز گفته‌شده که از استحکام خوبی برخوردار بود.

شاهد باشیم. باشد این گونه عمل کنیم و اجازه ندهیم تا این ثروت خدادادی اسراف شود و یا به فساد کشیده شود. برپایه تحقیقات دانشمندان در حدود هفتاد درصد یعنی بخش اساسی بدن انسان و بسیاری از حیوانات را آب تشکیل می‌دهد. پس مزه آب را باید مزه زندگی دانست؛ چنانکه شخصی از امام صادق (ع) پرسید: آب چه طعمی دارد؟ امام نخست فرمود: «سل تفقها و لا تسئل تعنتا»؛ به‌منظور یاد گرفتن بپرس نه به‌منظور بهانه‌جویی سپس اضافه فرمود: «طعم الماء طعم الحیاة! قال الله سبحانه: و جعلنا من الماء کل شیء حی؛» طعم آب، طعم حیات و زندگی است خداوند می‌گوید: ما هر موجود زنده‌ای را از آب آفریدیم (مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۸۷).

۹- نقش رودها در پیدایش تمدن‌ها

آب مهم‌ترین عامل حیات موجودات زنده است. نهرها و رودها نقش بسیار حساسی را در زندگی بشر و آبادی و آبادانی زمین و تمدن بشر ایفا می‌کند و لذا می‌بینیم تمدن‌های بزرگ بشری در کنار نهرها و رودهای بزرگی چون کارون، دجله، فرات، نیل، سند، گنگ و مانند آن شکل گرفته است. آب باران همان گونه که از آسمان می‌بارد می‌تواند به‌سرعت جذب خاک و زمین شده و در آن فرورود به‌گونه‌ای که قابل دسترسی آسان برای بشر نباشد از این رو خداوند در آیه ۳۰ ملک، از اینکه آب دور از دسترس بشر قرار گیرد و در زمین فرو رود به‌گونه‌ای که آب شرب مناسب در اختیار بشر قرار نگیرد، سخن به‌میان می‌آورد و به انسان هشدار می‌دهد که مسیر هدایت را از طریق این نشانه‌ها بیاید و گمراه نشود. «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ» بگو به من خبر دهید اگر آب آشامیدنی شما به زمین فرو رود چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد. آب باران زمانی که در نهرها و رودها

موردنیاز از آب بهره‌مند شوند. بنابراین، در مدیریت آب تنها اموری چون گردآوری، نگهداری و حفظ آن مطرح نیست، بلکه سهمیه‌بندی به‌مقدار موردنیاز نیز مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، هرگونه روش‌های علمی که بتواند مصرف را مدیریت نماید و به‌مقدار موردنیاز براساس سهمیه مناسب در اختیار هر بخش از کشاورزی، دامداری، بهداشت و آشامیدن قرارگیرد، چنین مدیریتی مطلوب خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۷۸؛ ص ۱۲۳- ۱۲۵). «إِنَّا مُرْسِلُو النَّاقَةِ فِتْنَةً لَّهُمْ فَارْتَقِبْهُمْ وَاصْطَبِرْ وَنَبِّئِهِمْ أَنْ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شَرْبٍ مَحْتَضَرٌ». ما برای آزمایش آنان آن ماده شتر را فرستادیم و به صالح گفتیم مراقب آنان باش و شکیبایی کن و به آنان خبر ده که آب میانشان بخش شده‌است هرکدام را آب به‌نوبت خواهد بود (قمر ۲۷ و ۲۸) و (شعراء ۱۵۵). مشکل عمده‌ای که اکنون کشور ایران با آن مواجه است، مشکل مصرف نادرست آب در بخش‌های گوناگون است. چنان‌که گفته شد، آب در بخش‌های گوناگون صنعتی، کشاورزی، دامداری، بهداشت و تغذیه، به‌درستی سهمیه‌بندی نشده است. با آن‌که ایران در منطقه کم باران جغرافیایی قرار دارد، ولی حجم عظیم آب‌های شیرین که در این مناطق جغرافیایی جریان دارد، به‌گونه‌ای است که در طول تاریخ، بزرگترین تمدن‌های بشری را پدید آورده است. از آن جایی که بخش کشاورزی به‌طور نادرست از آب استفاده می‌کند، بخش اعظم آب‌های شیرین و گوارای ایران هدر می‌رود بی آن‌که مقدار افزوده کشاورزی چشم‌گیر باشد. این در حالی است که با بهینه‌سازی مصرف و سهمیه‌بندی آن از طریق آبیاری قطره‌ای و مانند آن می‌توان نه‌تنها سطح زیر کشت را افزایش داد، بلکه ثروت و قدرت ایران را با همین مقدار آب چنان بالا برد که تمدن اقتصادی شکوفایی را در جهان دوباره



آنان روان ساختیم (انعام ۶) «وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ أَنْهَاراً وَ سَبِيلاً لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» و در زمین کوههایی استوار افکند تا شما را نجنباند و رودها و راهها قرار داد تا شما راه خود را پیدا کنید (نحل ۱۵) و (رعد ۳) و سپس بر این نکته تأکید می‌کند که خداوند نهرها و رودها را به تسخیر انسان درآورد تا برای انسان رام شود و انسان‌ها بتوانند به آسانی از آب‌های مناسب و گوارا برای شرب و کشاورزی و دامداری و ساخت و سازها استفاده کنند. «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقاً لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْآنْهَارَ» خداست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد (ابراهیم ۳۲). از نظر قرآن، ایجاد و تسخیر رودها برای انسان تا آن اندازه با ارزش و مهم در زندگی بشر است که انسان می‌بایست به شکرانه این نعمت بزرگ، خداوند را سپاس گفته و به ستایش وی مشغول شود و آنرا نشانه‌ای بزرگ از توحید به‌شمار آورد (ابراهیم ۳۲ و ۳۴). بهره‌مندی انسان و حیوان و گیاه از نهرها و رودها، از شگفتی‌ها و آیات بزرگ الهی است به‌گونه‌ای که خداوند در آیه ۳ رعد، وجود نهرها و جریان آب در رودها را زمینه‌ای برای تفکر و اندیشه بشر معرفی می‌کند. این تفکر و اندیشه می‌بایست در راستای مسائل گوناگون و ابعاد مختلفی انجام گیرد. از جمله اینکه چگونه خداوند آب را به‌گونه‌ای قرار داد که با امکان نفوذ در خاک و فرو رفتن در آن، در سطح زمین جاری و روان می‌شود، یا اینکه چه عاملی آن را به‌سوی دیگر می‌راند؟ و یا چه چیزی موجب می‌شود تا آب بتواند راه‌های سخت و دشواری را بپیماید و

جاری می‌شود، بهترین و مناسب‌ترین حالت دسترسی را به انسان و جانوران برای استفاده می‌دهد. آب باران با جاری شدن نهرها و رودها موجب می‌شود تا انسان بتواند به کشاورزی و دامداری بپردازد و افزون بر نوشیدن، شرايطی را فراهم آورد تا جامعه روستایی و شهری در کنار رودها پدید آید. وقتی ما از نهرها و رودها سخن می‌گوییم معنا و مفهوم خاصی از شکل آب در دسترس انسان را اراده می‌کنیم. زیرا آب‌ها به اشکال گوناگون در دسترس بشر قرار می‌گیرد که از جمله آنها آب باران، آب چشمه‌ها، آب قنات و چاه‌ها، آب دریاها و آب رودهاست. رودها توده آب‌هایی هستند که در مجراهای طبیعی به‌سوی حوضه‌های آبگیر مختلف در حرکت می‌باشند. رودها جریان خطی ساده‌ای نیستند. یک رود، شاخه‌ها و انشعاباتی دارد که هر یک از آنها نیز دارای شاخه‌های فرعی است و به این ترتیب یک سیستم یا یک شبکه را تشکیل می‌دهند. پهنه‌ای از زمین که توسط یک سیستم رودخانه‌ای واحد زهکشی می‌شود، حوضه آبریز آن رود می‌باشد (ابن عاشور، ۱۴۲۰ قج ۵، ص ۱۲۶). تمدن‌های بزرگ قدیمی همواره در کنار رودها و یا حوضه آبریز آن شکل گرفته‌اند. هرچند که انسان از طریق چاه و قنات و یا چشمه‌ها به آب‌های زیرزمینی دسترسی دارد، ولی این دسترسی به شکلی نیست که بتواند گروه‌های بزرگ انسانی را در یک‌جا مجتمع سازد و تمدن‌های بشری را موجب شود. از این‌رو همواره تمدن‌ها در کنار آب‌های بزرگ و رودها و نهرها تشکیل شده است که دسترسی انسان به منابع آبی را به‌سادگی فراهم می‌آورد. خداوند محل پیدایش نهرها در زمین را به اراده و مشیت خود نسبت می‌دهد «وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مَدْرَافاً وَ جَعَلْنَا الْآنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ» و باران‌های آسمان را پی‌درپی بر آنان فرو فرستادیم و رودبارها از زیر شهرهای

در زیر پای من، بیان می‌کرد (زخرف ۵۱). با نگاهی به فواید نهرها و نقش آن در زندگی بشر می‌توان دریافت چرا فرعون چنین برخورد تفاخرآمیز نسبت به تسلط خویش بر نهرها و رودها داشته است (بخاری، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۸۰۲؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۷، ص ۴۳۱).

۱۰- نقش و فواید نهرها و رودها

بخشی از آیات قرآنی به بیان فواید و نقش رودها در زندگی بشر اختصاص یافته است. از جمله مهم‌ترین نقش رودها را می‌بایست در فراهم‌آوری آب آشامیدنی مناسب برای بشر دانست. خداوند در آیه ۳۲ ابراهیم، رودها و نهرها را مهم‌ترین منبع در دسترس برای آب آشامیدنی بشر مطرح می‌کند. باغ‌ها و بوستان‌ها وابسته به آب نهرهاست؛ زیرا آب روان در نهرها و رودها قابل مدیریت است و گیاه و جانور و انسان به‌آسانی و به‌صورت مدیریت‌شده می‌تواند از این آب‌ها بهره‌مند شود. تغذیه و خوراک انسان از طریق گیاهان و جانوران تامین می‌شود؛ بنابراین می‌توان گفت که خوراک مناسب و متناسب برای انسان در سایه‌سار رودها فراهم می‌آید. خداوند در آیاتی چند از جمله ۲۶۶ بقره، ۶ انعام، ۹۱ اسراء، ۳۳ کهف و ۱۰ فرقان، بر نقش رودها در ایجاد باغ‌ها و بوستان‌ها توجه می‌دهد و خواهان تفکر و تشکر از سوی بشر نسبت به این مسئله می‌شود. افزون بر خوردن و نوشیدن، نهرها نقش مهمی در بهداشت و سلامت انسان دارد. از این‌رو خداوند به نقش بهداشتی رودها برای انسان در آیات ۶۱ مریم توجه می‌دهد و با بیان داستان حضرت مریم (س) و روان‌شدن رود در زیرپای ایشان، به نقش بی‌مانند نهر روان در نوشیدن و طهارت و بهداشت آن اشاره می‌کند «جَنَّتْ عَدْنُ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًا». باغ‌های جاودانی که خدای رحمان به بندگانش در جهان ناپیدا وعده داده است در

سنگ‌ها و صخره‌های خارا را بشکافد و راه خویش را بیابد؟ تفکر در امور جریان آب و مسائل آن، می‌تواند زمینه تسلط و تسخیر کامل آب را برای آدمی فراهم آورد و او را برای دستیابی به مقام خلافت الهی آماده سازد (راغب اصفهانی؛ ۱۳۵۴، ص ۶۹۷-۶۹۸). براین اساس خداوند خواهان تفکر و اندیشه جدی در مسئله آب‌های روان و رودها می‌شود؛ چراکه هدف تنها شناخت قدرت خداوند و ایمان به توحید نیست؛ زیرا تفکر می‌بایست دارای تأثیرات چندگانه‌ای در زندگی بشر باشد که از جمله آن چگونگی تسلط بر آب و بهره‌مندی کامل از آن در راستای خلافت الهی است. به سخن دیگر، تفکر در مسائل و اموری که خداوند آن را آیات بزرگ و نشانه‌های توحید می‌شمارد، موجب می‌شود تا انسان به‌نوعی علم احاطی دست یابد و فرصت خدایی‌شدن و متأله گشتن را به‌دست آورده و خلافت الهی را به‌عهده گیرد. اگر خداوند در آیاتی از جمله (۶ انعام، ۱۵ نحل) و (۶۱ نمل) «أَمْ مَنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خَلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ مَعَ اللَّهِ بِلْ أَكْثَرُ هُمْ لَا يَعْلَمُونَ». آیا شریکانی که می‌پندارند بهتر است یا آن‌کس که زمین را قرارگاهی ساخت و در آن رودها پدید آورد و برای آن کوه‌ها را مانند لنگر قرار داد و میان دو دریا برزخی گذاشت آیا معبودی با خداست نه بلکه بیشترشان نمی‌دانند جاری شدن نهرها به اراده خدا را نشانه قدرت خود می‌داند، انسان می‌بایست با بهره‌گیری از دانش الهی قدرت تسلط بر آب را به‌نمایش گذارد و خلافت خدایی را نشان دهد. با نگاهی به شیوه برخورد فرعون با مسئله نهرها و رودها می‌توان دریافت که از نظر انسان تسلط بر رودها تا چه اندازه مهم و بیانگر قدرت است. فرعون بر تسلط خود بر رود نیل و دیگر نهرها، تفاخر می‌کرد و تسلط و قدرت خود را با عبارت نهرهای جاری



بود که از آن جمله می‌توان به مناطق پربرکت و حاصل‌خیز «بارکنا فیها»؛ خانه‌ها و مناطق مسکونی نزدیک به هم و قابل رؤیت «فری ظاهره»؛ آسان بودن سفر، به گونه‌ای که شب و روز امکان رفت و آمد بود «سیروا فیها لیالی و ایاما»؛ نعمت امنیت «امنین» اشاره کرد. قوم سبأ، مردمی بودند که در جنوب جزیره عربستان زندگی می‌کردند و تمدنی عالی و درخشان داشتند. این منطقه هرچند که رودخانه مهمی نداشت و آب باران در دشت به‌هدر می‌رفت، اما مردم به فکر افتادند که سد بزرگی بسازند و آب باران و سیل‌های جاری در نهرها را پشت آن ذخیره کنند. در انتهای یکی از دره‌ها، در کنار شهر «مارب»، سد خاکی عظیمی ساختند که به‌همین نام مشهور شد. آب خروجی از این سد باعث آبادانی دو طرف رودی شد که از پای سد جاری بود و روستاهای بسیاری با باغستان‌ها و کشتزارهای زیبا در دو طرف آن پدیدار گشت. فاصله این روستاها با یکدیگر بسیار کم و تقریباً به‌هم متصل بود و وفور نعمت همراه با امنیت، محیطی مرفه را برای زندگی آماده ساخته بود، اما آنها خدا را به فراموشی سپردند، به فخر فروشی پرداختند و به اختلافات طبقاتی دامن زدند تا اینکه با شکستن سد، این قوم نابود و عذاب شدند. نهرها افزون بر جنبه‌های پیش‌گفته، عامل مهم در زیبایی جهان نیز می‌باشد. خداوند در آیات ۳۲ و ۳۳ سوره کهف به زیبایی و جریان رودهای آب در میان باغ‌های انگور محصور شده میان نخل‌ها اشاره می‌کند و این‌گونه به توصیف نقش بی‌مانند رودها در ایجاد زیبایی توجه می‌دهد. اینکه خداوند بارها در توصیف بهشت به نهرها و رودهای جاری در میان باغ و بوستان اشاره می‌کند، بیانگر نقش بی‌مانند نهرها در ایجاد زیبایی است. با نگاهی به بوستان‌های طبیعی و مصنوعی که نهرهای آب در

حقیقت وعده او انجام‌شدنی است (مجمع‌البیان، ج ۵، ص ۷۹۰). نهرها و رودها همان‌گونه که نشانه قدرت خداوندی است (رعد ۳، ابراهیم ۳۲، نحل ۱۴ و ۱۵، نمل ۶۱). همچنین ابزار سلطه و قدرت بشر نیز می‌باشد. لذا فرعون بر تسلط خویش بر نهرها تفاخر می‌کند و آن را نشانه‌ای از ملک و پادشاهی خود برمی‌شمارد «وَوَ نَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَ هَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ» و فرعون در میان قوم خود ندا درداد و گفت ای مردم کشور من آیا پادشاهی مصر و این نهرها که از زیر کاخ‌های من روان است از آن من نیست پس مگر نمی‌بینید (زخرف ۵۱). اصولاً باران و آب به‌ویژه در شکل رودها و نهرها، مهم‌ترین عامل پیدایشی و شکوفایی تمدنی بشر است. (مازندرانی، ۱۳۸۸ق، ص ۲۷۱). انسان در کنار رودها و به‌سبب تسلط مناسب بر آب است که می‌تواند بوستان‌ها و گلستان‌ها را ایجاد کند و زندگی خود را سامان بخشد و جامعه روستایی و شهری را شکل بخشد. خداوند در آیه ۶ انعام، پیدایش تمدن‌های بزرگ و قدرتمند را در سایه‌سار ریزش فراوان و مناسب باران و جریان نهرها و رودها می‌داند. در این آیه با تأکید بر واژه «تحت» به این نکته توجه داده می‌شود که نهرها و رودهایی که تحت تسلط بشر و تسخیر او درمی‌آید، نقش مهمی در شکوفایی تمدنی و اقتصادی بشر دارد. این معنا را می‌توان از آیه ۵۱ زخرف نیز به‌دست آورد که فرعون بر تسخیر و تسلط خویش با عنوان «تحتی» تأکید می‌کند. خداوند در قرآن گزارش می‌کند که چگونه قوم سبأ با مهار آب و ایجاد سد توانستند تمدن بزرگی را ایجاد کنند و آبادی‌های بسیاری را با استفاده از آب پشت سد پدید آورده و بوستان‌های زیادی را به‌وجود آورند (سبأ ۱۵ و ۱۶). خداوند به قوم سبأ چند نعمت ویژه داده



آب سرد: البته کسی نگوید قرآتی گفت: بروید زیر دوش آب سرد فردا مریض شود مادرش بگوید خدا لعنت کند شیخ را تو چی گفتی؟ من حدیث را می‌خونم، آب سرد خیلی ضرر ندارد. آن هوایی که بعد بهت می‌خورد ضرر دارد. ولذا شما با آب داغ هم غسل کنی باد به سرت بخورد ممکن است مریض شوی. حدیث داریم: پیامبر (ص) توی تابستان هم که می‌رفت حمام توی تابستان هوای خرداد عمامه می‌بست. آب خطری ندارد. قرآن می‌گوید: با آب سرد غسل کردن برای بدن مفید است. حالا برای همه مفید است، برای شخص ایوب یا برای بعضی امراض، این را دیگه کدش را دکترها کار می‌کنند. آب باید در مواقعی سهمیه‌بندی شود. قرآن می‌فرماید: «فَأَنْفَجَرْتُمْ مِنْهُ أُمَّتًا عَشْرَةً عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرَبَهُمْ»، (بقره/۶۰). حضرت موسی (ع) عصایش را زد به سنگ دوازده چشمه آب بیرون آمد. چون بنی‌اسرائیل دوازده فرقه بودند هر چشمه‌ای مال یکی. یا می‌فرماید: «أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ»، (قمر/۲۸)، در زمان یونس، ناقه، در زمان صالح، خداوند فرمود: «یه‌روز آب مال این حیوان و یه‌روز آب مال آدم‌ها. قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ، جیره‌بندی آب مشکلی ندارد (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۱۴۲ و ۱۴۳).

۱۲- آب‌رسانی به تشنه

خیلی ثواب دارد. حتی آب‌رسانی به حاجی‌ها. یه مقامی بوده: «أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ»، (توبه/۱۹). دو شب به عید قربان را می‌گویند روز ترویه یعنی روز آب‌رسانی یعنی آب می‌برند منی و عرفات آب‌رسانی به تشنه، درخت آب دادن. حدیث داریم، کسی درخت تشنه‌ای را آب بدهد انگار یه مؤمنی را آب داده. کشاورزی و آبیاری خیلی ارزش دارد. امام باقر بیل دستش بود، وقتی بیل دست می‌گرفت کشاورزی کند خیس عرق می‌شد. یه کسی گفت من بروم نصیحتش کنم.

آن روان هستند می‌توان نقش نهرها را در ایجاد زیبایی به آسانی دریافت. نهرها ظرفیت‌های خاصی دارند (شریف رضی، ۱۴۱۴ ق، نامه ۴۷). خداوند در آیاتی از جمله آیه ۱۷ رعد می‌فرماید که جاری شدن آب باران در بستر دره‌ها و آبراه‌ها و تشکیل نهرها و رودها به اندازه ظرفیت بستر آنهاست. این معنا موجب شده است تا خداوند از جاری شدن آب در بستر نهرها به مقدار ظرفیت استفاده کرده و حقیقت بزرگ را برای انسان‌ها آشکار سازد. در این آیه خداوند به انسان گوشزد می‌کند که معارف و حقایق آسمانی و وحیانی هنگامی که بر زمین جان انسان‌ها می‌بارد؛ هر انسانی به مقدار ظرفیت خویش از آن باران معارف بهره‌مند می‌شود. بنابراین، انسان باید تلاش کند تا ظرفیت وجودی خویش را گسترش دهد تا بستری بزرگ برای معارف ثقیل و سنگین آسمانی و وحیانی ایجاد کند (مدیرشانه‌چی، بی‌تا، ص ۹۵-۱۱۷).

۱۱- نقش آب در عبادات

می‌خواهی با خدا حرف بزنی آب: «فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ»، (مائده/۶). آب‌رسانی: اصلاً انبیاء یکی از مسئولیتشان آب‌رسانی بود، و اداستقی موسی، مردم برای آب سراغ موسی (ع) رفتند. اما اگر یه وقتی کم‌آبی بود مردم باید بروند سراغ علما و نماز باران بخوانند، و علما هم نترسند که یه وقت نماز باران خواندیم نیامد، آبرویمان می‌ریزد. «اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْسِلُ السَّمَاءَ». حالا در ثانی مگر خدا کارگر ماست، یه‌بار دیگه هم می‌خوانیم، دو بار خواندیم نیامد یه‌بار دیگه می‌خوانیم. رابطه است بین آب و گناه. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ»، (بحار الأنوار ج ۸۴ ص ۲۵۱). در دعای کمیل داریم گناه و رزق رابطه دارد؛ حدیث داریم: «بعضی‌ها رزقشان کم می‌شود به خاطر گناه و بعضی‌ها هم رزقشان زیاد می‌شود به خاطر امتحان». آبتنی با



علم کشاورزی متخصصند، یه مقداری هم پا شویم راه بیافتیم، توی این بلوار کشاورز و وزارت کشاورزی ساختمان سوپردولوکس، زیر لوستر خیلی هم آدم درد حس نمی‌کند، ما وقتی دکتر خوبی هستیم که خودمان هم مرضی را چشیده باشیم. «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» (ضحی/۶). پیامبر خودت هم یتیم بودی، یادت می‌آید پس حالا می‌فهمی یعنی چه «فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ» (الضحی/۹)، یادت می‌آید خودت هم بی‌پول بودی، «وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنِي»؛ (الضحی/۸) مزه فقر را چشیده‌ای، پس «وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ»؛ (ضحی/۱۰). یعنی گاهی وقت‌ها تا ما یه چیزی را نچشیم، این را باید بچشیم، باید بچشیم، اصلاً رمز اینکه امامان ما خودشان مشکلاتی داشته‌اند. چون اگر امام حسین (ع) عصایش را می‌زد از زمین کربلا آب می‌جوشید، نمی‌توانست امام خوبی باشد. می‌گوید برو بابا تا خودش تشنه‌اش شد آب برای خودش درست کرد حالا می‌گوید بروید جبهه تشنه هم شدید برای خدا حساب کنید، چطور خودت برای خدا حساب باز نکردی، این علی‌اصغر باید روی دست بابایش گلویش پاره شود، علی‌اکبرش شهید شود تمام سختی‌ها را امامان بچشند اگر، بچشند و سختی‌ها را بکشند به‌دوش، آن وقت می‌توانند برای ما امام باشند (طبرسی، ۱۳۸۲ ص ۲۲۴-۲۴۶).

۱۳- خشکسالی، آزمونی الهی

از آنجایی که آب مایه حیات و زندگی و بلکه آبادی و آبادانی است، لذا آبادی‌ها و روستاها و نیز تمدن‌های بزرگ در کنار رودهای بزرگ و پایدار پدیدار شده‌اند، انسان همواره از فقدان یا کمبود آب در هراس است؛ زیرا زندگی و حیاتش به آن بستگی دارد و اگر آب نباشد حتی اقتصاد پایدار و شکوفا که قوام جامعه است (نساء/۵) نیز وجود نخواهد داشت. انسان‌هایی که در کنار رودهای بزرگ زندگی می‌کنند و پیرامونشان را

رفت گفت: یا بن رسول‌الله الان اگر عزرائیل بیاید خجالت نمی‌کشی؟ نه کیف می‌کنم در بهترین حال است بیل دستم است، بهترین حال من است. قرآن می‌گوید: عارت می‌شود بگویند کشاورز- ما گاهی وقت‌ها اگر یه داماد بیاید سراغ دخترمان می‌گوییم داماد چه کاره است؟ می‌گوییم کشاورز است، می‌گوید عارت شده: خدا کشاورز است «أَأَنْتُمْ تَزْعُمُونَ» نَحْنُ الزَّارِعُونَ» (واقعہ/۶۴). اگر تو خجالت می‌کشی کشاورزی نَحْنُ الزَّارِعُونَ خدا می‌گوید من کشاورز هستم. الان کشاورز می‌تواند بیاید یقه مرا بگیرد بگوید آقای قرآتی بیا ببینم تو سر تا پات مال من است. اما عمامه مال پنبه است، پنبه مال کشاورز است. کفش چرم است دامداری مال من است. گندم‌های توی شکمت مال من است یعنی مخت عمامه و گندم شکمت و کفش پایت، من از سر تا پا به کشاورز بدهکارم. حالا جالب این است که چقدر هم خودمان را بالا می‌دانیم. بر کشاورز، روی دوش کشاورز، سواریم از نان او می‌خوریم بعد هم برای او آرد می‌دهیم. تحقیرش می‌کنیم. کشاورز باید بداند کشت یک جهاد است، کشاورزی یک عبادت است. حدیث داریم: اگر در دست شما یک شاخه بود زمین‌لرزه شد و بناست قیامت بپا شود، اگر می‌توانی همان یک شاخه را بکاری، باز هم بکار «إِذَا قَامَتِ الْقِيَامَةُ»؛ (بحارالأنوار ج ۵، ص ۶؛ مستدرک الوسائل ج ۱۳، ص ۴۶۰). «إِنْ قَامَتِ السَّاعَةُ»، (مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۴۶۰)، اگر قیامت بپا شد (وَفِي يَدٍ أَحَدِكُمْ فَسِيلَةٌ) و به‌دست شما یک شاخه‌ایست اگر می‌توانید بکارید همان‌را هم بکارید. یعنی در حساس‌ترین لحظه، به‌رحال کشاورزی باید مورد عنایت باشد. هم دولت و هم سازمان یعنی بودجه گذاشتن هم صدا و سیما هم احترام کشاورزها، و یه مقدار هم شما که متخصص، مهندسی و هم خانم‌های متخصص، که از نظر



گیرند و به‌سوی خداوند بازگردند و از کارهایی چون کفر و کفران استغفار و توبه کنند «وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعَمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود و روزیش از هر سو فراوان می‌رسید پس ساکنانش نعمت‌های خدا را ناسپاسی کردند و خدا هم به‌سزای آنچه انجام می‌دادند طعم گرسنگی و هراس را به مردم آن چشانید (نحل ۱۱۲).

۱۴- اهمیت طبیعت در قرآن

در قرآن کریم بیش از ۷۵۰ آیه اشاره به ظواهر طبیعت می‌کند ابعاد گوناگون جلوه‌ها و زیبایی‌های آن را یادآور می‌شود. در اغلب این آیات، ما را توصیه به مطالعه کتاب طبیعت و پندآموزی آن می‌کند. بی‌گمان، هدف این آیات، طرح علوم طبیعی و بیان قوانین آن نیست، هرچند به نکاتی اشاره دارد که پس از قرن‌ها اهمیت و حساسیت آن شناخته‌شده و خبر از این حقیقت می‌دهد که گوینده آن در اتصال به مبدأ الهی و آفریننده جهان است. آفریننده‌ای که از همه‌چیز خبر دارد و با آگاهی آنها را پدید آورده و برای ما رام کرده است. قرآن کتاب هدایت است و منظور از ذکر این شگفتی‌ها تدبر در موجودات طبیعی و توجه به نشانه‌های آن در اصل خلقت است (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۷، ص ۲۰).

۱۵- خلقت از خاک در قرآن

خداوند در آیات متعددی آغاز خلقت انسان را از خاک متذکر شده و این خاک را به انحاء مختلف توصیف نموده است. انواع خاک‌ها به‌عنوان سرشت آدمی و تاکید خداوند بر هر یک از انواع نشان‌دهنده این واقعیت است که خاک نه به‌یکباره، بلکه به‌مرور زمان طی فرآیندهای مختلفی در مراحل متفاوت به انسان تبدیل شده است. در اولین آیه‌ای از قرآن کریم که خداوند

آب گرفته، کمتر اهمیت و ارزش آب را درک می‌کنند، اما کسانی که در کویر و بیابان‌ها زندگی کرده‌اند ارزش و قدر آب را می‌دانند. از این‌رو مردان کویر را مردان قناعت و قنات گفته‌اند؛ زیرا به‌سختی و در مسیر کیلومترها می‌توانند آب را از راه قنات و قنوت به‌جایی برسانند و آبادی و آبادانی و زندگی داشته باشند. هنگامی که انسان در تابستان پس از یک تشنگی طولانی در آن هوای سوزان به آب گوارایی می‌رسد، با نوشیدن نخستین جرعه‌های آب احساس می‌کند که روح و جان به کالبدش دمیده می‌شود، آنجاست که ارزش و قدر آب را می‌شناسد. به سخن دیگر، قدر عافیت کسی داند که به مصیبتی چون بی‌آبی و کم‌آبی و خشکسالی گرفتار آمده باشد. هنگامی که خشکسالی رخ می‌دهد، بارندگی کاهش می‌یابد و رودها دچار کم‌آبی یا حتی خشکی می‌شوند (نجفی اسفاد و محسنی، ۱۳۸۶، ص ۵۰). در این‌زمان انسان‌ها برای آب آشامیدنی دچار کمبود شدید آب می‌شوند و کشاورزی از میان می‌رود یا محصولات و فرآورده‌های کشاورزی به‌شدت کاهش می‌یابد، «وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ» و در حقیقت ما فرعونیان را به خشکسالی و کمبود محصولات دچار کردیم باشد که عبرت گیرند (اعراف ۱۳۰) در آن زمان است که مردم ارزش و قدر آب را می‌شناسند. خداوند یکی از آزمون‌های سخت برای بشر را خشکسالی قرار داده است تا این‌گونه مردم قدر نعمت آسایش را بدانند و صبر و بردباری خود را افزایش دهند، «وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشْيْءٍ مِنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَ نَقْصِ مِنَ الْأَمْوَالِ وَ الْأَنْفُسِ وَ الثَّمَرَاتِ وَ بَشِّرِ الصَّابِرِينَ» قطعاً شما را به‌چیزی از قبیل ترس و گرسنگی و کاهش در اموال و جان‌ها و محصولات می‌آزماییم و مؤده ده شکیبایان را (بقره ۱۵۵) و از آن پند و عبرت



خاک و خود زمین گفته می‌شود ولی طین به خاکی که با آب مخلوط شده است گفته می‌شود (مفردات راغب اصفهانی، ماده (ترب) و (طین))، مؤلف تفسیر نمونه در تفسیر آیه «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ طِينٍ» (مومنون/۱۲) می‌نویسد: این آیه به آغاز وجود همه انسان‌ها اعم از آدم و فرزندان او اشاره می‌کند که همه به خاک باز می‌گردند و از گل برخاسته‌اند (تفسیر نمونه، ج ۱۴، ص ۲۰۷) و در مورد آیه «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده/۷) می‌نویسد که: پیدا است این آیه سخن از آفرینش آدم می‌گوید نه همه انسان‌ها چراکه ادامه نسل او در آیه بعد مطرح است (تفسیر نمونه، ج ۱۷، ص ۱۲۵). ایشان در مورد آیات «خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ» (حج/۵) و «خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ» (غافر/۶) هردو احتمال خلقت همه انسان‌ها از خاک یا خلقت حضرت آدم از خاک را مطرح می‌کنند (تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص ۱۶۵ و ج ۱۴، ص ۲۳) و می‌نویسند: ممکن است منظور از خاک در اینجا خاکی باشد که آدم از آن آفریده شد، و نیز امکان دارد اشاره به این باشد که همه انسان‌ها قطع نظر از این‌هم از خاکند چراکه تمام مواد غذایی که نطفه را تشکیل می‌دهد و سپس مواد تغذیه‌کننده آن هم از خاک گرفته می‌شوند. البته بدون شک قسمت قابل توجهی از بدن انسان را آب و قسمتی را اکسیژن و کربن تشکیل می‌دهند که از خاک گرفته نشده ولی از آنجاکه ستون اصلی تمام اعضای بدن را موادی که از خاک گرفته شده تشکیل می‌دهد این تعبیر کاملاً صحیح است که انسان از خاک است (همان، ج ۱۴، ص ۲۳). در مورد آیات بالا و بحث (طین و تراب) و اسرار علمی آنها توجه به چند نکته لازم است: نکته اول: در مورد آیات فوق دو تفسیر عمده وجود دارد و هردو نیز قرائنی را به همراه دارد تفسیر اول: همه انسان‌ها از نطفه‌هایی آفریده شده‌اند

به منشاء خلقت اشاره دارد خلقت از «تراب» بیان شده است. آیه ۵۹ سوره آل عمران - «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» در واقع، مثل عیسی نزد خدا همچون مثل خلقت آدم است که او را از خاک آفرید؛ سپس بدو گفت: «باش» پس وجود یافت. آیه ۵ سوره حج - «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَيْتِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ» ای مردم، اگر درباره برانگیخته شدن در شکید، پس بدانید که ما شما را از خاک آفریده‌ایم، سپس از نطفه، آیه ۲۰ سوره الروم - «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ» و از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید؛ پس بناگاه شما به صورت بشری هرسو پراکنده شدید. آیه ۱۱ سوره فاطر - «وَ اللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ» و خداست که شما را از خاکی آفرید، سپس از نطفه‌ای، خلقت انسان از نطفه در بسیاری از آیات به مرحله پس از «تراب» اشاره شده و در اکثر این آیات خداوند انسان را مورد خطاب قرار داده و تاکید می‌نماید که ما شما را ابتدا از خاک (تراب) و سپس از نطفه آفریدیم. همچنانکه می‌دانیم در زمان تشکیل نطفه و جنین خاک به صورت مستقیم هیچ تاثیری نداشته و عده‌ای نیز که نقش خاک را به طور غیرمستقیم و از طریق یک زنجیره غذایی پیچیده‌ای به انسان نسبت می‌دهند، اصولاً مصداق ندارد. چراکه علاوه بر خاک که در این زنجیره غذایی وجود دارد عوامل دیگری نیز دخیل‌اند. با نگرش دقیق‌تر به این آیات می‌بینیم که همچنانکه به نقش مستقیم و موثر نطفه در تشکیل انسان‌ها تاکید دارد و چه زیبا و به همان اندازه نیز به نقش موثر خاک در تشکیل انسان‌ها اشاره دارد و همواره در تمامی آیات خلقت انسان از خاک مقدم بر خلقت انسان از نطفه است (یوسفی، ۱۳۶۳، ص ۵). تراب به



دارد. بیان قرآن در مورد نطفه و قرار مکین اشاره‌ای است بر حرکت اسپرم در دستگاه تولیدمثل ماده تا رسیدن آن به تخمک و قرارگرفتن آن بر روی جدار خارجی تخمک، واژه علقه توضیح مرحله چسبیدن اسپرم به تخمک است. از نظر مفسران جدید که قرآن را تفسیر علمی می‌کنند علقه - که به معنای لخته خون نیز هست - به تخمک بارور شده یا جنین در حال نموی اطلاق می‌شود که خود را به جدار رحم چسبانده و برای ادامه نمو خود، برخی رگ‌های رحم را پاره کرده و لخته ایجاد می‌کند و از این طریق در جدار رحم جایگزین می‌شود (تحدید النسل، توبی). مضغه به معنای گوشت جویده شده، اشاره‌ای است به مرحله اندام‌سازی که در آن استخوان و ماهیچه‌های جنین ساخته می‌شوند. برخی مفسران و فقیهان بر این باورند که «ثم أنشاءنا خلقاً آخر» مرحله دمیدن روح در جنین است. در سوره مومنون آیه ۵ واژه‌های مخلقه و غیرمخلقه (شکل یافته و شکل نیافته) مراحل اولیه رشد جنینی را نشان می‌دهد و با عبارت «نقر فی الارحام ما نشاه الی اجل مسمی» بیان می‌کند که همه سلول‌های تخمک بارور شده وارد چرخه رشد و نمو جنینی نمی‌شوند و بعضی از آنها از بین می‌روند. این مسأله قدرت و اختیار خداوند را در تولد، زندگی و مرگ انسان یادآور می‌شود. در سوره سجده آیه‌های ۷ تا ۹ آفرینش آدم (ع) از گل و مراحل طبیعی تولید نسل را بیان می‌کند: ثم جعل نسله «من سلاله من ماء مهین». نکته قابل توجه این که انسان این موجود پاک از مایعی پست و ناپاک آفریده شده است. در نهایت در سوره زمر آیه ۶ اشاره می‌شود که مراحل نمو رحمی نوزاد در میان سه پرده تاریک انجام می‌گیرد. این سه لایه، دیوار شکمی، دیواره رحمی و پرده‌های جنینی هستند (تفسیر ابن کثیر، تفسیر طبری).

که مواد اولیه آن از غذاها و غذاها از خاک بوجود آمده است (پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، ج ۲، ص ۴۳۴). تفسیر دوم: فقط حضرت آدم از خاک آفریده شد و بقیه انسان‌ها از نطفه آفریده شدند اما می‌توان گفت انسان‌ها با واسطه آدم (ع) از خاک آفریده شدند (همان، ص ۴۳۶) نکته دوم: ظاهر در آیه «خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ»، (غافر/۶۷) این است که همه انسان‌ها از خاک آفریده شده‌اند و تفسیر اول را تقویت می‌کند. اما آیه «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ»، (سجده/۷). می‌تواند قرینه‌ای برای تفسیر خلقت انسان از تراب باشد و آیات دیگر را تفسیر کند که مقصود خلقت انسان اولیه حضرت آدم (ع) از خاک است. و بقیه را از نطفه آفریده‌اند. و بر این اساس تفسیر دوم تقویت می‌شود. البته ممکن است کسی در مورد حضرت آدم (ع) هم نظریه تکامل را بپذیرد و بگوید او هم با واسطه از مواد خاکی آفریده شده است. و همان ظاهر تفسیر اول را تقویت کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۴۳۶). نکته سوم: اگر تفسیر دوم آیات را بپذیریم اعجاز علمی در کار نیست و اگر تفسیر اول را بپذیریم باز هم این مطلب یک اشاره علمی قرآن و از لطایف قرآنی است اما اعجاز علمی محسوب نمی‌شود. چراکه استفاده انسان از گیاهان، حیوانات و مواد زمین برای همه افراد در طول تاریخ قابل مشاهده حسی بوده است و اشاره مبهم قرآن در این زمینه چیزی بیشتر از همان مطلب نیست. هرچند که علم جدید مقدار و مواد تشکیل‌دهنده خاک و بدن را کشف کرده است ولی قرآن با این اشاره مبهم به آن مواد اشاره‌ای ندارد (همان، ص ۴۳۶).

۱۶- آفرینش انسان از دیدگاه قرآن

سوره مومنون آیه ۱۲ تا ۱۴ مراحل رشد و نمو جنین را بیان می‌کند. در آغاز این آیات تأکید مجددی بر آفرینش انسان از گل (طین) وجود



و به ژرفای آن فرو نروند (میبیدی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۲، ص ۱۳). خداوند این مطلب را در آیاتی چون ۲۵ روم و ۳ رعد بیان داشته است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ» و از نشانه‌های او این است که آسمان و زمین به فرمانش برپایند پس چون شما را با یکبار خواندن فراخواند بناگاه از گورها خارج می‌شوید. از استعداد‌های دیگر زمین که در آیات ۲۶ تا ۳۲ عبس بدان اشاره شده شکاف‌ها و دره‌های خاص زمین است. «ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعَنْبًا وَقَضًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غَلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ» آنگاه زمین را با شکافتنی لازم شکافتیم پس در آن دانه رویانیدیم و انگور و سبزی و زیتون و درخت خرما و باغ‌های انبوه و میوه و چراگاه تا وسیله استفاده شما و دام‌هایتان باشد این شکاف‌ها به زمین امکان آن را می‌بخشد تا هر از گاهی در پوسته زمین تغییراتی ایجاد کند و پوسته را از کود طبیعی که در اعماق زمین ساخته شده بهره‌مند سازد. زمین با دگرگونی جزئی که از طریق این شکاف‌ها پیدا می‌کند افزون بر حفظ آن از لرزه‌های شدید و تباہ کننده، موجب می‌شود تا مواد معدنی به‌روی پوسته رانده شود و شرایط برای رویش گیاهان فراهم آید. از دیگر استعداد‌های زمین که نمی‌توان به‌سادگی از کنار آن گذشت، باران است. بی‌گمان ریزش باران از آسمان زندگی مناسب را برای همه موجودات فراهم می‌آورد. آن‌چه که به‌عنوان آب می‌شناسیم، مجموعه‌ای از کانی‌های معدنی است که برای آدمی مفید است. انسان موجودی است که بیش از هفتاد درصد وجود او را آب تشکیل می‌دهد. از این‌رو خداوند در آیات قرآنی به این نکته اشاره می‌کند که انسان از گل آفریده شده است. گل به خاکی گفته می‌شود که با آب مخلوط شده است. اگر

نیز اصرار می‌کند که همه‌چیز زمین در راستای منافع انسان است و زمین این‌گونه آفریده شده تا انسان بتواند به آسانی و راحتی از منافع آن بهره‌مند شود (مقیم، ۱۳۸۵، ص ۱۰۰).

۱۸- استعداد‌های زمین

زمین این گهواره زیبا و نرم بشر، دارای استعداد‌های خاصی است که هیچ کره دیگر شناخته شده‌ای از آن برخوردار نیست. قرآن در بیان ویژگی‌های زمین به‌همین امور به‌عنوان استعداد و قابلیت خاص زمین اشاره می‌کند. از جمله در آیات «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ ... فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ» راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و همچنین آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هر گونه جنبنده‌ای پراکنده کرده (۱۶۴ بقره) و (۳ و ۴ رعد) «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمَنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجِينَ لِنُفُسِكُمْ وَأَوَسَّ الْأَرْضَ لِنُحُوتِكُمْ فِيهَا» و اوست کسی که زمین را گسترانید و در آن کوه‌ها و رودها نهاد و از هرگونه میوه‌ای در آن جفت‌جفت قرار داد. به استعداد زمین برای رویش گیاهان اشاره می‌کند که فضای مناسبی برای زیست موجودات بسیار به‌ویژه اشرف آفریده‌های الهی یعنی بشر فراهم می‌آورد. از دیگر ویژگی‌های آن می‌توان به ثبات و استقرار زمین توجه کرد. بسیاری از کرات به‌گونه‌ای است که زلزله در آن امری طبیعی است و از ثبات و استقرار برخوردار نیست، اما زمین به‌سبب وجود کوه‌هایی که چون میخ تا اعماق آن فرورفته است آن‌را به‌گونه‌ای ساخته که از لرزش‌های شدید حفظ می‌کند و اجازه می‌دهد تا موجوداتی چون گیاهان و جانوران در روی پوسته آن زیست کنند



۲۰- فرسایش خاک در قرآن کریم

فرسایش در اثر بارش: آب به‌تنهایی مهم‌ترین عامل فرسایش به‌حساب می‌آید باران، جویبارها و رودخانه‌ها همگی سنگ و خاک را برش و می‌ساید با خود حمل می‌کند و موجب فرسایش در طول زمان می‌گردد. بارش باران و رگبار به‌صورت ضربه‌ای به سنگ‌ها و پوشش برفی باعث تغییرات دمای سنگ شده و با کاهش دما و انقباض سریع سطح سنگ ترک می‌خورد (تنش حرارتی)، ایجاد ترک و نفوذ آب به درون آن عمق فرسایش را تعمیق داده همچنین با نفوذ باران و یخ‌زدگی در ترک‌ها به‌لحاظ افزایش حجم یخ فشار جانبی به لایه‌های سنگی افزایش یافته و باعث ترک خوردگی بیشتر عمقی و پوسته سنگی خواهد شد، سایش رویه بر اثر بارش و رگبار تند، ایجاد ترک و گسترش آن نهایتاً به فرسایش سنگ منجر می‌شود، در طول زمان بر اثر رواناب‌های سطحی و حرکت ذرات خرد شده توسط آب تحت اثر نیروی جنبشی ذرات در دانه‌بندی‌های مختلف که بستگی به شرایط اقلیم و ساختار زمین‌شناسی دارد، شکل می‌گیرد ذرات ناشی از فرسایش و سایش، هسته‌های اولیه خاک را تشکیل می‌دهند. علت دیگر وجود مواد آلی و لایه‌های نمکی، گچی است که در ترکیب با آب باران تورم‌یافته موجب تشدید ترک در پوسته‌های سنگی می‌گردد، این از عوامل بعدی فرسایش و ترک‌خوردگی سنگ‌ها می‌باشد که در اثر بارش و نفوذ فشار ناشی از تبلور نمک‌ها موجب خرد شدن سنگ‌ها می‌شود. رویش گیاهان و فرورفتن ریشه‌های آن در درزهای سنگی می‌تواند فشار فراوان بر جوانب ایجاد کرده و تخریب سنگ را سرعت بخشد. سایر عوامل موثر در فرسایش: باد: همراه ذرات معلق شن و خاک موجب سائیده‌شدن صخره‌ها می‌گردد. تغییرات دما: ورقه ورقه شدن و شکاف سنگ‌ها و

خاک از عناصر زمینی محسوب می‌شود بی‌گمان آب وجه آسمانی دارد «أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا» که ما آب را به‌صورت بارشی فرو ریختیم (عبس ۲۵) به سخنی می‌توان با توجه به ظاهر و کالبد بشری گفت که آب وجه آسمانی بشر و خاک وجه زمینی وی را تشکیل می‌دهد؛ چنان‌که روح وجه الهی و گل وجه مادی وی را شکل می‌بخشد (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج ۱۰، ص ۱۸).

۱۹- گیاهان و جنگل‌ها، آرایه‌های زمین

همه موجودات زنده طبیعت به گیاهان زنده هستند چنان‌که گیاه خود به آب زنده است. تصویری که قرآن از زمین آرایه می‌دهد آن است که بی‌گیاه، زمین نه‌تنها قابل زیست نبوده بلکه از جمال و زیبایی نیز بی‌بهره بوده است. البته قرآن به این معنا نیز توجه می‌دهد که بسیاری از مردم در داوری‌های خویش نسبت به زمین و گیاهان و دیگر موجودات آن به اشتباه می‌روند، زیرا آن‌چه را که زینت و آرایه‌های زمین است از آن خویش می‌شمارند و برای آن خود را به آب و آتش می‌زنند. در حالی‌که آن‌چه در زمین است از آن زمین است و برای انسان جز بهره‌مندی از آن در راه رسیدن به کمالات شایسته انسانی نیست. بنابراین اگر شخصی گمان کند که آرایه‌های زمین چون درختان و گل و گیاه و جانوران روی آن از آن اوست به گمراهی و خطا رفته است. آیه ۷ کهف، گیاهان را زینت زمین می‌شمارد «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِيَبْهَرُوا أَحْسَنُ عَمَلًا»، در حقیقت ما آنچه را که بر زمین است زیوری برای آن قرار دادیم تا آنان را بیازماییم که کدام‌یک از ایشان نیکوکارترند. بنابراین هرگونه تصرفی از سوی انسان در گیاهان و جانوران به‌شکلی که دلالت بر مالکیت و یا حتی زینت‌های انسانی کند، تصرفی باطل و غلط است (سیاح، ۱۳۴۴ش، ج ۳ و ۴، ص ۵۵).



و سبب شد که سنگ‌های در برگرفته کره زمین بر اثر این بارش «ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا» شکاف و ترک بردارد و طی مراحل اشاره شده فرسایش خاک در دشت‌ها رسوب‌گذاری کند. ترک خوردن سنگ ناشی از بارش، کاهش دما در سنگ انقباض و ایجاد ترک‌ها در سنگ‌ها بر اثر تنش حرارتی، نفوذ آب باران در درزه‌ها، یخ‌زدگی و ایجاد خردشدگی سنگ ناشی از افزایش حجم یخ، ضربات بارش بر سنگ، سایش سطحی، برش و خردشدگی، حمل ذرات سنگی، خردشدگی فرسایش در طول مسیر و نهایتاً رسوب‌گذاری در نقاط پایین برای شرایط رشد گیاه بعد از دو مرحله گفته شده خداوند دانه و نبات را خلق و آن را در بستر مناسب یعنی خاک قرار داد و بوسیله آب رویش گیاه صورت گرفت. «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا». پس در آن دانه رویانیدیم «وَعَبَبًا وَقَضْبًا» انگور و سبزیجات «وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا». و درخت زیتون و درخت خرما وَحَدَائِقَ غُلْبًا: و سایر درختان و باغ‌ها پرداخت مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ: که این طعامی باشد ای انسان هم برای شما و هم برای چهارپایان شما «فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا»، پس در آن زمین فرسایش یافته و خاک تولیدشده رویانیدم دانه جو، گندم و امثال آن) در ادامه آیات خداوند کریم باتوجه به این تذکر و فرآیند نزول باران، شکاف سنگ و فرسایش و تولید خاک و گیاه به حیات انسان و سایر موجودات، اشاره می‌کند که همانطور که این حیات دنیوی شکل گرفت، حیات اخروی یعنی قیامت نیز در انتظار اعمال شما خواهد بود (ثعلبی، ۱۴۲۲ق ج ۵، ص ۷۶). «بهترین راه نجات نیز پند گرفتن از آیات قرآن است همانطور که در ابتدای سوره آمده است. فَمَنْ شَاءَ ذَكَرْهُ پس هر که خواهد آن را یاد کند از قرآن پند گیرد. «فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ»: آن قرآن و پند نوشته شده در صحیفه‌ها و نامه‌های گروهی نزد خدای تعالی است. «مَرْفُوعَةٌ

صخره‌ها در اثر تغییرات درجه حرارت است، که عامل بارش، برف و یخ بیشترین اثرات تغییر را به همراه داشته و باعث فرسایش می‌گردد. موجودات زنده: بعضی از انواع حیات دوران اول زمین‌شناسی مانند جلبک‌ها و گل‌سنگ‌ها با باران نفوذیافته در شکاف‌های سنگی، اکسید شده و باعث خردشدگی سنگ می‌گردد. مراحل مختلف پدیده فرسایش خاک، تقسیم‌بندی پدیده فرسایش در ۳۰ سال پیش توسط الیسون مورد آزمایش قرار گرفت در این تقسیم‌بندی سه مرحله اساسی جدا شدن ذرات از همدیگر، نقل مکان و رسوب‌گذاری برای فرسایش مشخص شده است. بارش باران عامل اصلی فرسایش در دوران زمین‌شناسی بوده و با خرد شدن سنگ‌ها، جدا شدن ذرات و حمل آن به نقاط پست دشت‌ها رسوب‌گذاری ذرات، خاک تشکیل و بستر خاکی، اولین پیش‌نیاز رویش گیاه و حیات در زمین است (بلاغی، ۱۴۰۵ق، ج ۱، ص ۴۷۰). سوره عبس آیات ۲۴ تا ۳۲ به عامل اصلی فرسایش یعنی باران و تشکیل خاک و آب و خاک که لازمه حیات زیست گیاهی، جانوری و انسان در روی زمین اشاره نموده است و این فرآیند تذکری برای حیات مجدد در روز قیامت و حسابرسی اعمال خواهد بود. سوره عبس آیه ۲۴: فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ پس آدمی به طعام و خوراک خودرزق مادی و معنوی می‌بایست توجه داشته باشد. أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا به یقین ما از ابر بارانی ریختیم که ریختنی یا نفع و سود شما است باران عامل فرسایش. «ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا» سپس زمین را بر اثر بارش باران برای حیات و رویانیده شدن گیاهان شکافتی، برش و شکافتی که مفید فایده باشد. خداوند در دو آیه فوق مراحل تشکیل حیات را توسط آب باران شکست و فرسایش سنگ تولید خاک در روی زمین، اشاره می‌نماید که ابتدا باران بر زمین طی یک دوران نازل گردید



ذکر شده‌اند. توجه قرآن به طبیعت و نام سوره‌ها: قرآن راجع به طبیعت خیلی عنایت دارد. نام بسیاری از سوره‌های قرآن، امور طبیعی است. مثلاً سوره‌های تین، فیل، زلزله، عادیات، قارعه، علق (خون بسته)، شمس، لیل، ضحی (یعنی چاشت) فجر، بلد، غاشیه (پوشاننده تاریکی) انشقاق (خورشید دو تا شد. ماه دو تا شد) انفطار، تکویر، نور خورشید گرفته می‌شود. سوره بقره، نساء، مائده، اعراف، انعام، انفال، نحل، کهف، مریم، نور، نمل، عنکبوت، نجم نیز از مواردی هستند که در طبیعت هستند. بررسی دیدگاه زیست محیطی اسلام، بیانگر آن است که آموزه‌های دینی، ضمن پرهیز دادن از اسراف، تاکید در بهره‌برداری بهینه از منابع، گسترش منابع طبیعی تجدیدپذیر، ایجاد انگیزه‌های درونی جهت گسترش عوامل زیست محیطی و رعایت بهداشت محیط مورد تاکید است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۶، ص ۳۲۹). اسلام با وجود طرح آدمی به مثابه جانشین خدا در روی زمین، تمام هستی را زنده و دارای شعور می‌داند و برخلاف بسیاری از دیدگاه‌های غیر دینی که رشد و شکوفایی آدمی را تنها در گرو برخورد متعدد و مسئول وی در برابر انسان‌های دیگر می‌دانند، رشد او را همزمان با ادای حقوق انسان‌های دیگر، در گرو ادای حقوق حیوانات و سایر عناصر محیط زیست می‌بیند. اسلام ضوابط اخلاقی و حقوقی متعددی را برای حیوانات و گیاهان مطرح کرده است که این ضوابط را می‌توان با توجه به مسئله بحران محیط زیست مورد توجه قرار داد. قرآن در آیه ۲۰۵ بقره، از کسانی که دست به انهدام کشت و نسل حیوانات و گیاهان می‌زنند، به‌عنوان مفسدان فی الارض یاد کرده است وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ وَ چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند

مُطَهَّرَةً» بلند مرتبه و پاکیزه است «بِأَيْدِي سَفَرَةٍ». آن صحیفه‌ها نوشته شده به‌دست نویسندگان فرشتگان که «كِرَامٌ بَرَرَةٌ». ارجمندان نزد خداوند تعالی و نیکوکاران مطیع و فرمانبراند «قَتَلَ الْإِنْسَانَ مَا أَكْفَرَهُ»: مرگ بر انسانی که نمی‌اندیشد، کافر و منکر به قرآن چه چیز او را با این همه نعمت ناسپاس گردانید.

۲۱- مراحل زیست‌شناختی زندگی انسان در قرآن

قرآن آفرینش جهان و هرچه در آن است را به‌عنوان معجزه و دلیلی بر قدرت خداوند بیان می‌کند. از دیدگاه قرآن، حیات انسان با آفرینش آدم و حوا آغاز می‌شود. و داستان خلقت، حکایت از آفرینش همه موجودات به‌صورت زوج برای تولیدنسل و ادامه حیات دارد. مفسران معاصر مسلمان، به‌ویژه آنان که به تفسیر علمی دست یازیده‌اند. با توجه به این که در قرآن هیچ اشاره‌ای به تبدیل گونه از موجودات به گونه دیگر نشده است نظریه تکامل داروین را مغایر با تعالیم قرآن می‌دانند. همین مفسران معتقدند که قرآن در ۱۴۰۰ سال پیش چنان توصیف دقیقی از پیدایش جنین و مراحل زنجیره‌ای رشد و تکامل آن ارائه می‌دهد که برخی جزئیات آن به‌تازگی در تحقیقات علمی به اثبات رسیده است دیدگاه‌های تفسیری قدیمی و معاصر، آیات مربوط به بارداری، تولد و رشد و نمو انسان را دلیل محکمی بر عظمت و دقت خداوند در آفرینش انسان می‌دانند. مراحل اولیه زیست‌شناختی زندگی انسان از نظر قرآن شامل لقاح، رشد و نمو جنینی، تولد، شیردهی و از شیر گرفتن نوزاد است. همچنین آیات فراوانی، مراحل مختلف زندگی انسان را تا مرگ و حیات پس از مرگ توصیف می‌کند. در قرآن، آیاتی که به زندگی زیست‌شناختی انسان اشاره می‌کنند با ترتیب خاصی نیامده‌اند و در سوره‌های متفاوتی



دارد. لذا انسان‌ها باید با حفظ کردن زمین و محیط زیست سعی در نگهداری و حفظ آن بنمایند. خداوند در قرآن از انسان‌ها خواسته که ادای امانت و تکلیف نموده و روزگاری امانت الهی را پس خواهند داد. بی‌شک یکی از این امانات الهی، طبیعت و محیط زیست انسان‌ها خواهد بود. لذا مسلمانان موظف به ادای امانت هستند و این امانت می‌تواند شامل عوامل و ذخایر محیط زیستی باشد و یک نسل نباید به‌تنهایی و بدون توجه به نسل‌های دیگر، به‌تنهایی به مصرف ذخایر و منابع مزبور بپردازد. مفهوم اخیر نیز که به عدالت بین نسلی اشاره دارد، می‌تواند در کنار مفاهیم دیگر قرآنی مطرح شود. آسیب‌زدن به محیط زیست از منظر اسلام عملی نکوهیده و مطرود است. شدت کراهت آسیب زدن به محیط زیست در حدی است که پیامبر اکرم (ص) قطع یک درخت را هم عرض قتل نفس می‌دیدند (طریحی، ۱۳۹۵ق، ج ۴، ص ۹).

۲۲- تأثیر رفتاری انسان بر محیط زیست

البته در این میان انسان‌ها به‌سبب دارا بودن اختیار، راه سوء استفاده را در پیش می‌گیرند و به‌ظاهر خللی در جهان ایجاد می‌کنند و به سخن قرآن: ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس؛ در زمین از دریا و خشکی به‌سبب فعالیت‌های نادرست بشر فساد و تباهی راه‌یافته است. این‌گونه است که به‌سبب رفتارهای عصبانی و فسادانگیز بشر نه‌تنها گروهی از انسان‌ها بلکه برخی از جانوران و گیاهان خشکی و دریا آسیب می‌بینند و نمی‌توانند به‌آسانی به روزی و رزق خویش دست‌یافته و به کمال شایسته و بایسته خود برسند. تأثیرات رفتاری انسان در محیط زیست به دو گونه بازتاب‌های طبیعی چون آلوده کردن دریاها و از میان بردن محیط زیست جانوران و گیاهان در خشکی و دریا و نیز به‌شکل بازتاب‌های به‌ظاهر غیرطبیعی

که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد. دستورهای اسلام و توصیه‌های حضرت رسول اکرم (ص)، مسلمانان را بر آن می‌دارد تا با تقدس و احترام به طبیعت و عوامل زیست محیطی نگریده، با رعایت حقوق آنها، در عمل رشد و تعالی خویش را رقم بزنند. از سوی دیگر، بسیاری از آیات قرآن وقتی که درباره آب، خاک، باد و دیگر عوامل زیست محیطی بحث می‌کنند، ضمن بیان منافع مادی این عوامل، از آنها به مثابه آیه ای که آدمی را از فیزیک به سمت متافیزیک سوق می‌دهد، یاد کرده اندبه شکل مشابهی، رسول اکرم (ص) تلاش داشتند تا مسلمانان را از طبیعت به سمت خالق آن سوق دهند. در این زمینه احادیث و روایات زیادی از پیامبر (ص) وجود دارد. ایشان فرموده‌اند: کسی که نخلی را بکارد، چاهی حفر کند و آبی را جاری سازد، دارای صدقه جاریه است. توجه پیامبر اکرم (ص) به حقوق حیوانات تا جایی بود که با دیدن شتر پای بسته که بار بر دوشش بود فرمود: به صاحب این شتر بگویند که خودش را برای شکایت شترش در روز قیامت، حاضر کند. در کنار حقوقی که همواره با عناوین حق‌الله، حق‌النفس و حق‌الناس در ادبیات دینی مطرح بوده، نشان می‌دهد که خداوند برای تمامی مسائل و موجوداتی که خلق کرده حق و حقوقی را مشخص نموده لذا انسان در قبال محیط زیست و محیط زندگی خود مسئولیت دارد (طبرسی، ۱۳۷۹ق، ج ۲، ص ۱۴۶). خداوند در بسیاری از آیات قرآن بر طبیعت و جهان آفرینش تاکید داشته و مراحل خلقت زمین و آسمان را بیان داشته و انسان‌ها را به تفکر در دستگاه آفرینش و جهان هستی دعوت نموده. در قرآن خداوند به پدیده‌های زمین و آسمان قسم خورده و این نشان از تقدس این پدیده‌ها در نزد خداوند



صنعتی اتفاق می‌افتد که سبب تخریب لایه ازن شده است. امروزه یکی از دلایل اصلی توجه جهانی به بحث پایداری در توسعه، تخریب بی‌رویه محیط زیست و منابع طبیعی در پرتو آموزه‌های نظام سرمایه‌داری مبتنی بر حداکثرسازی سود است. اکنون دیگر، اعتماد بشر نسبت به قدرت فناوری و دانش خود متزلزل شده است. از این رو است که در رفتار با طبیعت محتاط‌تر شده و در تکاپوی تدوین اخلاق محیط زیستی برآمده است. این در حالی است که بررسی متون اسلامی، نشان‌دهنده غنی بودن این متون، از دستورات و قواعد مواجهه صحیح و به‌دور از هرگونه افراط و تفریط با محیط زیست است ولی غفلت محققان اسلامی سبب شده است که غربی‌ها که خود عامل اصلی تخریب محیط زیست به‌شمار می‌آیند، داعیه‌دار تدوین و معرفی اخلاق محیط زیست شوند و حتی در آثار خود، دین را به‌عنوان محرک و مشوق انسان به‌منزله خلیفه خدا بر روی زمین در تخریب طبیعت معرفی کنند. از سوی دیگر، در داخل کشور نیز بخشی از دست‌اندرکاران امور توسعه‌ای کشور، دغدغه جدی عملی در رابطه با صیانت از محیط زیست نداشته و این امر، سبب از دست رفتن منابع طبیعی شده است. اسلام انسان را به آباد ساختن زمین برای ایجاد حیات طیبه موظف کرده است که البته این اقدام باید در چارچوب حدود الهی انجام شود. بشر، امانتدار این نعمت الهی (طبیعت) برای نسل‌های بعدی بوده و منتفع شدن وی از طبیعت نباید منجر به تخریب محیط زیست شود. حفاظت از محیط زیست، جنگل‌ها و منابع طبیعی و فراهم کردن فضایی سالم و با طراوت برای زندگی از اساسی‌ترین وظایف است که مسئولان باید آن را در اولویت کاری خود قرار دهند. منابع طبیعی از ثروت‌های ملی است که مربوط به ملت‌ها و نسل‌های

چون عذاب‌های الهی بروز و ظهور می‌کند. عدم پرداخت زکات موجب کاهش بارندگی و یا عصیان و کفران نعمت‌ها باعث کاهش روزی و رزق می‌شود. این گونه است که روزی تضمین شده برخی از انسان‌ها و موجودات زمینی گاه‌گاه دستخوش تغییرات و نوسانات می‌گردد. با این‌همه خداوند چون آگاه و خبیر و عالم و قادر است و هر چیزی را براساس حکمت آفریده و مدیریت می‌کند بر موجودات زمینی رفت و رحمت می‌ورزد و آنان را به‌طرق مختلف به روزی‌شان می‌رساند و آنان را از روزی تضمین شده بهره‌مند می‌سازد. برخی از انسان‌ها نیز که اهل تقوا و مغفرت هستند و خداوند در همه زندگی ایشان حضور دارد از روزی تضمین شده برخوردار هستند از این میان کسانی که در جست‌وجوی علم دین هستند و می‌خواهند آدم شوند هر چند که در حوزه و مدارس دینی نیستند و با گله‌ها و رمه‌های گاو و گوسفند در بیابان زیست می‌کنند ولی چون همواره در هستی تفکر می‌کنند و در آفاق و انفس خویش سیر می‌کنند و از مصادیق واقعی طالب علم هستند اینان با این روش خویش جزو کسانی هستند که از روزی تضمین شده بهره‌مند می‌شوند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹، ج ۸، ص ۱۸۲؛ قطب، ۱۴۱۲، ج ۶، ص ۳۶۱۳).

۲۲- محیط زیست از منظر رهبر معظم انقلاب

انسان اقتصادی غرب، رفتار بسیار نامناسبی را با موهبت‌های الهی در طبیعت داشته و ردپای غیر قابل دفاعی را از خود بر جای گذاشته است. همان‌طور که مقام معظم رهبری نیز تأکید فرموده‌اند، عامل اصلی تخریب محیط زیست در سطح دنیا، قدرت‌های استکباری هستند که در استفاده از سلاح‌های شیمیایی، آزمایش سلاح‌های اتمی و تولید سلاح به‌هیچ حد و مرز و اصول انسانی پایبند نیستند. تولید بخش عظیمی از گازهای گلخانه‌ای نیز در کشورهای



آب معمولاً میکروب‌کش نیست ولی به‌خاطر خاصیت حلال بودن فوق‌العاده‌اش انواع میکروب‌ها را می‌تواند در خود حل کند و بشوید و از بین ببرد، و از این نظر کمک بسیار مؤثری به سلامت انسان و مبارزه با انواع بیماری‌ها می‌کند. علاوه بر طهارت جسمانی، بر طبق آموزه‌های الهی، به‌وسیله وضو گرفتن و غسل کردن با آب، طهارت معنوی نیز برای انسان حاصل می‌شود و به این ترتیب، پاک‌کنندگی آب در نهایت خود بروز می‌کند (تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص ۱۱۷). در قرآن کریم، به‌عنوان مقدمه‌ای برای عبادت، بر مسلمانان وضو و غسل را واجب کرده که با آب انجام می‌گیرند و در صورت عدم امکان به‌کارگیری آب، دستور به تیمم می‌دهد که با خاک و مانند آن صورت می‌گیرد و در هر حال، علت این دستورات را طهارت و پاکی، اعم از طهارت جسمی و روحی، معرفی می‌کند که زمینه بهره‌گیری کامل از نعمت‌های الهی را فراهم می‌آورد: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَليُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ»، (مائده/۶).

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشوید و سر و پاها را تا مفصل برآمدگی پا مسح کنید و اگر جنب باشید، خود را طاهر نمائید و غسل کنید و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما قضای حاجت کرده، یا با زنان تماس گرفته و آب برای غسل یا وضو نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید و از آن، بر صورت پیشانی و دست‌ها

مختلف در طول تاریخ است بنابراین باید در خصوص حفظ منابع طبیعی و جنگل‌ها اهتمام جدی‌تری شود (قرآنی کاشانی، ۱۳۸۳، ج ۷، ص ۲۸۴).

۲۴- اعجاز قرآن در بیان خاصیت تطهیر کنندگی آب و خاک

آب در پیدایش حیات در روی کره زمین نقش اساسی دارد و بنا به نظر کارشناسان، امکان به‌وجود آمدن حیات، بدون وجود آب، ممکن است. در قرآن کریم نیز به این حقیقت، تصریح شده است؛ آنجا که می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ»، (انبیاء/۳۱)، «و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم». علاوه بر خاصیت حیات‌بخشی آب، در قرآن کریم برای این ماده‌ی شگفت‌انگیز، ویژگی دیگری نیز ذکر شده که از نظر بهداشتی، قابل توجه است. در قرآن کریم، فرموده است: «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْسَاءَ كَثِيرًا»، (فرقان/۴۸-۴۹)؛ «او کسی است که با دها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم تا به‌وسیله آن، سرزمین مرده‌ای را زنده کنیم و آن را به مخلوقاتی که آفریده‌ایم - چهارپایان و انسان‌های بسیار - می‌نوشانیم». در این آیات، قرآن کریم برای آب و مخصوصاً آب نازل شده از آسمان یعنی باران، صفت «طهور» را می‌آورد. «طهور» صیغه مبالغه از کلمه «طهارت» به‌معنی پاکیزگی است؛ از این رو هم به‌معنای پاک (طاهر) است و هم معنای پاک‌کننده (مطهر) دارد یعنی آب هم ذاتاً پاک است و هم اشیاء آلوده را پاک می‌کند. خاصیت پاک‌کنندگی آب، فوق‌العاده مهم و حائز اهمیت است. اگر روزی آب برای نظافت وجود نداشته باشد، سرتاسر جسم و جان و زندگی انسان‌ها را کثافت و آلودگی فرا می‌گیرد. گرچه



دستگاه‌های بدن برقرار می‌گردد و این موضوع بدون اینکه انسان توجه داشته باشد به‌طور غیرارادی و خودکار انجام می‌گیرد. تماس تمام بدن با آب، می‌تواند به بازگشت تعادل بین این اعصاب، کمک شایانی بکند (همان، ج ۴، ص: ۲۹۲ و ۲۹۳). همچنین در صورت محذوریت برای استفاده از آب، انجام گرفتن تیمم را به‌وسیله «صَعِيداً طَيِّباً» واجب نموده است. صعيد در لغت به‌معنای آن چیزهایی است که در سطح زمین وجود دارد (المفردات فی غریب القرآن، ص: ۴۸۴: و الصَّعِيدُ يُقال لوجه الأرض) و مصداق بارز آن خاک است و شامل سنگ هم می‌شود و آوردن صفت طیب برای آن، نشان می‌دهد که خاک تیمم باید کاملاً پاک و پاکیزه باشد. امروز ثابت شده برای میکروبی‌های بیماری‌زای انسانی که به زندگی انگلی عادت کرده‌اند، خاک محیط نامساعدی است. حتی برخی از انواع آن که در برابر درمان، مقاوم هستند، هنگامی که وارد خاک می‌شوند، مدت کوتاهی می‌توانند زنده بمانند. درست است که خاک یکی از مخازن عمده میکروبی‌ها محسوب می‌شود، ولی بایستی توجه کرد که هر میکروبی الزاماً مضر نیست بلکه میکروبی‌های مفید زیادی نیز وجود دارند. در چند سانتیمتری از بخش فوقانی خاک تعداد میکروبی‌ها حداکثر بوده و به‌تدریج هرچه عمق بیشتر می‌شود تعداد آنها رو به کاهش می‌گذارد. فراوانترین میکروبی‌ها در خاک، باکتری‌ها هستند که مهم‌ترین آنها نیز اکثراً هوازی‌اند که برای تنفس خود شدیداً به اکسیژن آزاد محتاج بوده و بدون اکسیژن زندگی آنها غیرممکن است؛ از این‌رو در لایه‌های فوقانی خاک زندگی می‌کنند. کار این باکتری‌ها تجزیه کردن مواد آلی موجود در گیاهان مرده و در لاشه و مدفوع حیوانات است که منبعی برای تجمع میکروبی‌های خطرناک هستند. در اثر حمله باکتری‌ها، این

بکشید. خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید شاید شکر او را بجا آورید» (صفار، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۱۷۲؛ کلینی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۴۱۴). مشابه این آیه، آیه ۴۳ سوره مبارکه نساء است. وضو دارای دو فایده آشکار است: یکی فایده بهداشتی و دیگری فایده اخلاقی و معنوی؛ از نظر بهداشتی شستن صورت و دست‌ها آن هم پنج‌بار و یا حداقل سه‌بار در شبانه‌روز، اثر قابل ملاحظه‌ای در نظافت بدن دارد، مسح کردن بر سر و پشت پاها که شرط آن رسیدن آب به موها یا پوست تن است، سبب می‌شود که این اعضا را نیز پاکیزه بداریم، و همانطور که در فلسفه غسل اشاره خواهیم کرد تماس آب با پوست بدن اثر خاصی در تعادل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک دارد. از نظر اخلاقی و معنوی هم چون با قصد قربت و برای خدا به‌عنوان یک عبادت انجام می‌شود، علاوه بر ثواب، اثر سازنده تربیتی دارد؛ مخصوصاً چون مفهوم کنایی آن این است که از فرق تا قدم در راه اطاعت تو گام بر می‌دارم مؤید این فلسفه اخلاقی و معنوی است (همان، ج ۴، ص ۲۹۱). در این آیه شریفه، از غسل جنابت، به طهارت تعبیر نموده که تأکیدی بر مطالب گذشته است. همانند وضو، غسل نیز دارای فواید جسمی و معنوی است. در طی عمل جنسی، تعادل میان اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک به هم می‌خورد. این اعصاب، اعصاب خودمختار هستند که وظیفه اعصاب سمپاتیک، تندکردن و به فعالیت واداشتن دستگاه‌های مختلف بدن است، و وظیفه اعصاب پاراسمپاتیک کند کردن فعالیت آنهاست. در واقع یکی نقش گاز اتومبیل و دیگری نقش ترمز اتومبیل را دارد، و از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب، دستگاه‌های بدن به‌طور متعادل کار می‌کنند و یک نظم دقیقی در



کنار آن عبور کند و مسیرش را تغییر بدهد و نباید توقف کند؛ چراکه توقف کردن و راکد شدنش مساوی است با تبدیل شدن به مردابی بدبو و بی‌خاصیت! آب حتی اگر آشغال هم در مسیرش قرار بگیرد، آشغال را حرکت می‌دهد. این هم یک ویژگی دیگر از رودخانه است. ما هم باید این نکته را از آب، یاد بگیریم که موانع در زندگی را کنارزده و در برابر آنها مقاومت کنیم و نگذاریم که آنها اسباب رکود ما را فراهم سازند. رفاه و سرمستی، عامل طغیان و تجاوز: رودخانه وقتی آبش زیاد شد، طغیان می‌کند. انسان هم اگر همه‌چیز برایش مهیا باشد و به همه‌چیز دسترسی داشته باشد و کمبودی را حس نکند، به‌قدری سر به طغیان و مستی می‌گذارد که گاه خدا را نیز بنده نمی‌باشد. حدیث داریم *لَوْ لَأ تَلَأَتْ* اگر سه چیز نبود انسان خیلی گردن کلفتی می‌کرد: مرگ و مرض و فقر (بحار الانوار ج ۵ ص ۳۱۶). مرگ و مرض و فقر یک خرده سر آدم را پایین می‌آورد و او را متواضع‌تر می‌کند و گرنه انسان بدمستی و طغیان می‌کند. به‌همین خاطر است که گاه و بیگاه خداوند سر بزنگاه گوش ما را می‌گیرد و فشار می‌دهد که حواسمان باشد که به‌تنهایی هیچ نیستیم. مؤمن غصه در دل دارد و شادی در چهره! رودخانه در مسیر عبورش بسیار سرش به سنگ می‌خورد و با سنگ‌ها برخورد دارد، اما هر آن‌کس که به دریا و رودخانه نگاه می‌کند جز شادی و آرامش، چیزی را نصیب خود نمی‌کند. در تک‌تک زندگی ما انسان‌ها مشکلاتی نهفته شده است، اما باید از رودخانه درس بگیریم که وقتی دیگران به ما نگاه می‌کنند جز شادی و آرامش چیزی نصیب آنان نکنیم. حدیث داریم مؤمن غصه‌اش در دلش است، اما ظاهرش شاد است (بحار الانوار ج ۲ ص ۴۰۱). آرام گرفتن رودخانه هنگام رسیدن به دریا رودخانه وقتی به دریا وصل می‌شود، آرام

کانون‌های عفونت از هم متلاشی می‌گردد. مسلم است اگر این خاصیت در خاک نبود کره زمین در مدت کوتاهی می‌بدل به یک کانون عفونت می‌شد. اصولاً خاک خاصیتی شبیه مواد «آنتی‌بیوتیک» دارد و تأثیر آن در کشتن میکروب‌های مضر، فوق‌العاده زیاد است. بنابراین خاک پاک نه‌تنها آلوده نیست بلکه از بین برنده آلودگی‌ها است و می‌تواند از این‌نظر تا حدودی جانسین آب شود، با این تفاوت که آب حلال است، یعنی میکروب‌ها را حل کرده و با خود می‌برد، ولی خاک، میکروب‌کش است. مطابق با این واقعیت‌های علمی، می‌بینیم که خداوند متعال در قرآن کریم دستور داده که تیمم اولاً با خاک‌های سطحی زمین صورت بگیرد، ثانیاً این خاک باید پاک و طیب بوده و آلوده نباشد. در روایاتی که از پیشوایان اسلام به ما رسیده روی عدم آلودگی خاک تیمم تکیه شده است؛ در روایتی آمده است: «نهی امیرالمؤمنین (ع) ان یتیمم الرجل بتراب من اثر الطریق»؛ «امیرالمؤمنین علی (ع) از تیمم کردن به‌روی خاک‌های آلوده که در جاده‌ها است نهی فرمود» (تفسیر نمونه ج ۳، ص ۴۰۰ و ج ۴، ص ۲۹۰).

۲۵- نتیجه‌گیری

همواره حرکت، نه توقف، نه بازگشت: درسی که از نهر می‌گیری این است که همواره در زندگی حرکت داشته باشیم و از توقف و ساکن بودن بپرهیزیم. قرآن بیان می‌کند: دائماً به‌جلو حرکت کنید؛ یا علمتان زیاد شود رب زدنی علماً (طه ۱۱۴) یا رشدتان زیاد شود «یهدی إلی الرشد» (جن ۲) یا هدایتتان زیاد شود: «زادهم هدی» (محمد ۱۷)، به‌طوری‌که در روایات فراوانی بیان شده است که کسی که دو روزش مانند یکدیگر باشد، خسران‌زده است. گذر از موانع و سنگلاخ‌ها، نه ایستادن پشت آن‌ها: آب می‌داند که اگر در مسیرش سنگی را دید باید از



و این نکته را باید سرمنشأ زندگی خود قرار دهد که اگر وصل به خدا شود، آرامش نهایی و واقعی را نصیب خود خواهد کرد **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** (رعد ۲۸).

می‌شود. آرام که شد تازه بخار شده و سبب ابر و باران می‌شود. انسان نیز باید بداند که در مسیر وصل شدن به دریای بی‌نهایت الهی قرار دارد **«إِنَّا لِلَّهِ وَ إِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ»** (بقره ۱۵۶). **«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَى رَبِّكَ كَدْحًا إِلَيْهِ الْمَصِيرُ»**

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جمهور؛ (۴۰۳ق.)، عوالی اللئالی العزیزیه فی الاحادیث الدینیة، تحقیق مجتبی العراقی، قم: مطبعة سیدالشهدا،
۳. ابن الاثیر جزری، علی بن ابی‌الکرم محمد بن حمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۹.
۴. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۶ق.)، امالی، نجف: حیدریه
۵. ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۶۹ش)، متشابه القرآن و مختلفه، قم: دار بیدار للنشر، چاپ اول
۶. ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق.)، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت: موسسه التاریخ، چاپ اول
۷. ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو (۱۴۱۹ق.)، تفسیر القرآن العظیم، بیروت: دار الکتب العلمیه، چاپ اول
۸. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق.)، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، ترجمه حسین زورائی، تهران، دار الکتب العلمیه، چاپ اول
۹. بحرانی، سید هاشم. البرهان / مترجمان، دکتر رضا ناظمیان، دکتر علی گنجیان، دکتر صادق خورشیا. قم: بعثت. اول: ۱۴۱۶ق. ج ۱.
۱۰. بلاغی، محمد جواد (۱۴۰۵ق.)، الهدی الی دین المصطفی، مترجم محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت: موسسه الاعلمی، چاپ سوم
۱۱. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد. غرر الحکم و درر الکلم . قم: دار الکتب الإسلامی . دوم: ۱۴۱۰ ق.
۱۲. ثعلبی، احمد بن ابراهیم (۱۴۲۲ق.)، الکشف و البیان، مترجم علی اکبر غفاری، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول
۱۳. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۶ش)، ترجمه و تفسیر نهج البلاغه، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم
۱۴. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹ش)، نزاهت قرآن از تحریف، قم: مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
۱۵. حر عاملی محمد بن حسن، (۱۴۰۹ ق)؛ وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت (ع) لاحیاء التراث، چاپ اول
۱۶. حسینی زبیدی محب الدین (۱۴۱۴) تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، چاپ علی شیری، چاپ اول
۱۷. راغب اصفهانی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ق)؛ المفردات فی غریب القرآن. دمشق بیروت: دارالعلم الدار الشامیه. اول
۱۸. زمخشری، محمود. الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. بیروت: دارالکتب عربی. سوم: ۱۴۰۷. ج ۴.
۱۹. سیاح احمد (۱۳۴۴ش)؛ فرهنگ جامع عربی - فارسی، تهران: کتابفروشی اسلام، چاپ هفتم
۲۰. سید بن طاووس، (۱۳۷۶ش) مهج الدعوات و منهج العبادات، قم، دار الذخائر، چاپ ششم
۲۱. سید رضی، (۱۴۱۳ق)؛ نهج البلاغه، چاپ صحیح صالح، ترجمه و شرح غفاری؛ قم، دار الهجره. چاپ چهارم
۲۲. سیوطی، محمد بن ابی بکر (۱۴۰۴ق.)، الدر المنثور، مترجم: احمد عابدی؛ کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، بی جا
۲۳. شیخ مفید، محمد بن محمد نعمان، المجالس المفیده، قم، مؤسسه آل البيت، بی تا
۲۴. صاحب جواهر، (۱۳۶۲ش)؛ جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، مترجم عباس قوچانی، تهران، انتشارات تاسوعا، چاپ دوم
۲۵. طباطبایی، (۱۴۱۷ق.)، المیزان، .، ترجمه: موسوی همدانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم
۲۶. طبرسی، (۱۳۷۹ق.)؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مترجم: احمد عابدی، تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ سوم
۲۷. طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق.)، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه: ابراهیم میر باقری بیروت: دار المعرفه، چاپ اول
۲۸. طریحی فخرالدین؛ (۱۳۹۵ق.)؛ مجمع البحرین، تحقیق: احمد الحسینی، تهران: المکتبه المرتضویه، چاپ دهم



۲۹. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۰ش)، التبیان فی تفسیر القرآن، مترجم رسولی محلاتی، بیروت: داراحیاء التراث العربی، چاپ اول
۳۰. عروسی حویزی، عبد علی بن جمعه. تفسیر نور الثقلین. محقق: هاشم رسولی محلاتی. قم: اسماعیلیان. چهارم: ۱۴۱۵. ج ۵.
۳۱. عباشی، محمد بن مسعود. تفسیر عباشی، محقق رسولی محلاتی، هاشم. جتهان: المطبعة العلمیة. اول. ۱۳۸۰ق. ج ۱.
۳۲. فرقانی، قدرت الله، (۱۳۸۳)، استکبار ستیزی در قرآن، قم: پژوهشکده تحقیقات اسلامی نمایندگی ولی فقیه در سیاه، چاپ اول
۳۳. فخررازی، محمد. تفسیر کبیر - مفاتیح الغیب، ترجمه: علی اصغر حلبی. تهران: انتشارات اساطیر: ۱۳۸۵ ه. ج
۳۴. قرائتی کاشانی، محسن (۱۳۸۳ش)، تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ ۱۱
۳۵. قطب، سید (۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت، قاهره: دار الشروق، چاپ هفدهم
۳۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، تفسیر علی بن ابراهیم القمی، قم: دارالکتاب، چاپ سوم
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۴۰۷ق)، أصول الکافی، ترجمه: مصطفوی. تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامیة. اول
۳۸. مازندرانی، ملا صالح (۱۳۸۸ق)، شرح اصول الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، بی جا
۳۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ق)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، بی جا
۴۰. مدیرشانه چی، کاظم؛ بی تا، علم الحدیث، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم.
۴۱. مصطفوی، حسن، (۱۴۱۶ق)؛ التحقیق فی کلمات قرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول
۴۲. مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، الامالی، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، چاپ دوم.
۴۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیة، چاپ اول
۴۴. میبیدی، احمد بن ابی سعد (۱۳۷۱ش)، کشف الاسرار و عدة الابرار، تهران: امیر کبیر، چاپ ۵
۴۵. نجاشی، احمد بن علی، رجال النجاشی، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجامعة المدرسین بقم المشرفه: قم، ششم، ۱۳۶۵ ش
۴۶. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۹۸ق)، تفسیر آسان، تهران: کتابفروشی اسلامی، چاپ اول
۴۷. نوری، حسین بن محمد تقی. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: موسسه آل البيت (ع). اول: ۱۴۰۸. ج ۴.

قرآن و حقوق موجودات زنده

محمد اسماعیل مجلسی^۱ و فاطمه زینلی پور^۲

مدرس ارشد درس دفاع مقدس استان سیستان و بلوچستان، بلوار بزرگمهر، دانشکده علوم قرآنی زاهدان،
(نویسنده مسوول: BASIREBRAT@YAHOO.COM)

چکیده

اعجاز و شگفتی‌های علمی پیرامون زیست جانوری یکی از موضوعاتی است که قرآن کریم به‌طور ضمنی به آن پرداخته است که زیر مجموعه‌های آن عبارت است از: آیه ۳۰ سوره انبیاء و تأثیر آب در زندگی موجودات زنده. سرچشمه حیات؛ تأمین شرایط و حفظ زندگی بر روی زمین؛ آیه ۱۶۴ سوره بقره و ۱۰ سوره لقمان؛ بیان تأثیر تغییرات کلان جغرافیایی و جوی بر گسترش و پراکندگی جانوران. برای ترسیم تصویر کامل‌تری از آیه، نمونه‌هایی از این تغییرات در زمان کنونی ارائه شده است؛ آیه ۶۶ سوره نحل و اعجاز علمی در بیان فرایند تولید شیر؛ آیه ۱۹ سوره ملک؛ ۷۹ سوره نحل و عجایب پرواز پرندگان و تناسب هر ویژگی با فرایند از آیه و توضیح آن و در نهایت آیه ۶۸ سوره نحل که در مورد زنبور عسل و بیان شگفتی‌های گوناگون آن می‌باشد. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به توجه و دقت در جهان آفرینش فراخوانده و از سوی دیگر خود آیاتی دارد که به‌صورت صریح یا اشاره، حقایقی را از راز و رمز جهان بیان کرده است. اگرچه رسیدن به لایه‌های عمیق قرآن کاری دشوار و از مرحله‌ای به بعد، برای بشر عادی محال است، اما این دریای ژرف همواره شیفتگان معرفت و شناخت را به‌خود مجذوب کرده است. از جمله زوایایی که به‌خصوص در قرن حاضر، مورد توجه محققین و صاحب‌نظران قرار گرفته است، مباحث میان رشته‌ای قرآن و علم است که سرانگشت اشاره قرآن کریم، محققان را به حقایقی از جهان آفرینش در این حوزه، رهنمون کرده است. باید گفت اعجازها و شگفتی‌های قرآن کریم در زمینه زیست‌جانوری و بلکه یک مرحله قبل از آن، یعنی زیست‌شناسی، هم‌چون سایر مباحث میان رشته‌ای علم و دین، اکثراً به‌صورت بخشی از کتاب‌ها و آثار در کنار سایر بخش‌های مربوطه مانند کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و ... تدوین شده و اثری را به‌وجود آورده‌اند، بنابراین یکی از راه‌های آشنایی با این مقوله بی‌گیری موضوع در کتاب‌هایی است که با عناوینی چون «اعجاز علمی» نگاشته شده‌اند.

واژگان کلیدی: قرآن، موجودات زنده، راز و رمز جهان، جهان آفرینش، سرچشمه حیات، حفظ زندگی

مقدمه

نیست که افرادی که از حیوانی نگهداری می‌کنند نسبت به حقوق حیوانات غفلت ورزند و آن‌ها را ساده و بی‌اهمیت شمرند. امیرمؤمنان حضرت علی (ع) می‌فرماید: تقوی الهی را در مورد بندگان و سرزمین‌هایتان مراعات کنید. پس به‌درستی که شما مسئول هستید حتی در مورد بقاع و حیواناتهم حقوق حیوانات را می‌توان تدارک آب و خوراک سالم، جایگاه و شرایط زیستی و روانی مناسب و رسیدگی به بهداشت و درمان آن‌ها (به‌خصوص با توجه به وجود

خداوند تبارک و تعالی در آیات متعددی در قرآن کریم، انسان‌ها را به شناخت مجموعه‌ای از رفتارهای حیوانات و تفکر در کیفیت خلقت و زندگی آن‌ها و همچنین به عبرت‌گیری از ایشان دعوت فرموده است جانورانی مثل چهارپایان، پرندگان، مورچگان و زنبور عسل. انسان نسبت به امکاناتی که در اختیار دارد مسئول است. حیوانات، این آفریده‌های خداوند بزرگ نیز بر صاحبان خویش حق و حقوقی دارند و شایسته



کنتک خوردن و پرت شدن از بلندی و ایجاد جنگ و درگیری میان حیوانات و نیز حمله حیوانات درنده به آن‌ها جلوگیری به عمل آورد و همچنین افراد شرور و قسی‌القلب، آن‌ها را برای تفریح و سرگرمی به جان یکدیگر نیاندازند. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «گوسفندی را نزد گوسفندی دیگر ذبح نکنید». در وسائل‌الشیعه نیز آمده است: «به صورت حیوانات نزدیک که همانا آن‌ها پروردگارشان را تسبیح می‌کنند». موضوعاتی از این قبیل به طور روشن و واضح در کتاب جواهرالکلام آورده شده است، مسائلی از قبیل کراهت جداکردن سر و یا قسمتی از بدن حیوان قبل از خروج روح از بدنش، کراهت قربانی کردن در شب و ... حضرت امام خمینی (ره) نیز در جلد چهارم تحریرالوسیله در مبحث «جنایت بر حیوان» مسائلی درباره حقوق حیوانات بیان فرموده‌اند. آیا حیوانات در قیامت محشور می‌شوند یا نه؟ و آنگاه ورود آنها به بهشت چگونه است؟ در پاسخ به سؤال اول باید گفت در خصوص این مسئله بین علماء اهل فن اختلاف است، گروهی قائلند به این که قیامت مخصوص جن و انس است و حیوانات در قیامت محشور نخواهند شد لیکن بر اساس ظاهر بعضی آیات و روایات مشهور بین بزرگان و مفسران این است که حیوانات هم مثل انسان‌ها در قیامت مبعوث گردیده و به اندازه درک و شعورشان جزاء داده خواهند شد. و صریح‌ترین آیه که این منظور را می‌رساند آیه ۳۸ از سوره انعام می‌باشد: «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَالِكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَى رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ». دابّه به معنای همه جنبندگان روی زمین است و طائر به هرگونه پرنده‌ای گفته می‌شود. بنابراین، آیه شریفه از یک رستاخیر عمومی برای تمام موجودات زنده خبر داده و می‌فرماید: هیچ جنبده‌ای در زمین و هیچ

بیماری‌های مشترک بین انسان و دام) و به کارگیری شایسته و عدم آزار و سوء استفاده از آن‌ها دانست. ابودر از پیامبر اکرم (ص) نقل کرده که هیچ حیوانی نیست مگر آن که هر صبحگاه از خداوند می‌خواهد «خدایا مالکی به من عطا کن که به من آب و غذای کافی دهد و بیش از طاقتم بر من تکلیف نکند». در کتاب وسائل‌الشیعه نیز از قول امام محمد صادق (ع) آمده است که حیوانات از خداوند می‌خواهند صاحبی مهربان و رحیم به آن‌ها عطا فرماید. شیخ طوسی در کتاب المیسوط فی فقه الامامیه فصل خاصی را تحت عنوان «نقحه چهار پایان» آورده است. در مقدمه این فصل آمده: «اگر کسی مالک حیوانی گردید رسیدگی و نقفه آن حیوان بر اوست، خواه حلال گوشت باشد یا حرام گوشت» حضرت علی (ع) در نهج‌البلاغه از خداوند نزول باران را درخواست فرموده، تشنگی و نیاز چهارپایان و حتی حیوانات وحشی را ذکر کرده و بخشایش پروردگار را به این موجودات عزیز خواستار شده است. آری او که دریای رحمت برای عالمیان است برای حیوانات نیز از خداوند طلب سعادت و رفاه می‌کند. در کتاب تهذیب نیز یکی از مصادیق صدقات، غذا دادن به حیوانات معرفی شده و برای آن ثواب بسیار زیادی ذکر گردیده است. با توجه به اصل «عبث نبودن جهان خلقت» و احادیث منقول از ائمه معصومین (ع) و سیره آن‌ها به نظر می‌رسد تصرف انسان در حیات موجودات مطلق نبوده و سلب حیات و تغییر در فیزیولوژی و شرایط زندگی آن‌ها باید در حد ضروریات باشد. برطبق این روایات انسان مجاز به آزار و اذیت و کشتار حیوانات نیست. در تفسیر کاشف نیز در ذیل آیه ۳ سوره انعام آمده است: خداوند با تحریم انواع مردار، بشر را برانگیخته است تا در حفظ و نگهداری و تغذیه و بهداشت دام بکوشد و از تلف شدن، خفه شدن،



فَوْقَهَا ...» از امام صادق (ع) نقل می‌کند: «خداوند به پشه مثال زد، زیرا با این کوچکیش آنچه در فیل خلق شده در او خلق شده و علاوه بر آن دو عضو زیاده هم دارد» این روایات در مجامع و تفاسیر روایی همچون و ... ذیل آیات مربوطه گردآوری شده‌اند. بعد از تبیان شیخ طوسی، مجمع‌البیان نیز حداقل در بیست مورد به حیوانات می‌پردازد از جمله درباره ساخته شدن شیر؛ زنبور عسل و وحی فرستادن به او؛ خلقت موجودات از آب و انواع آن‌ها و داستان مورچه و هدهد در سوره مبارکه نمل؛ پرداخت‌های قرآن کریم به طبیعت که در راستای هدایت آفاقی انسان صورت‌گرفته (سَنَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ) (فصلت/ ۵۳) «به‌زودی نشانه‌های خود را در اطراف (جهان) و در خودشان به آنان می‌نمایانیم، تا این‌که برای آنان آشکار شود که او حق است» سه بخش اشاره، شگفتی و اعجاز علمی را پدیدآورده است. اشاره: پدیده‌هایی طبیعی است که از آن‌ها نام می‌برد ولی به‌ظاهر، شگفت‌انگیزی یا اعجاز‌آمیز بودنشان را مطرح نکرده است، اما همین اشارات توجه بسیاری را به جهان طبیعت و آن موضوع جلب کرده و زمینه‌ساز پیشرفت علوم تجربی در جهان اسلام شده است؛ شگفتی: مطالب علمی ویژه‌ای که صدور آن‌ها از یک فرد درس ناخوانده در محیط جزیره العرب در صدراسلام بسیار بعید بوده است؛ اعجاز علمی: مطالبی است که تا زمان نزول قرآن و حتی قرن‌ها بعد از آن کسی از این حقایق علمی با خبر نبوده و این اطلاعات نوعی راز گویی و اخبار از غیب به‌شمار می‌رود. که موجب تفاوت این قسمت با شگفتی‌ها می‌شود، چراکه در شگفتی مطلبی که ارائه شده است اگرچه اطلاعات دقیق و وسیع آورنده آن‌را حکایت می‌کند، اما این نظریه به‌صورت پراکنده و نادر مطرح بوده است.

پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند نیست مگر اینکه امت‌هایی همانند شما هستند، ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم، سپس تمام آنها به‌سوی خداوند در رستاخیز جمع می‌شوند». و هم چنین روایات دیگری وجود دارند که حکایت از رستاخیز حیوانات می‌کنند. به‌طوری که هر حیوانی که مورد ستم و ظلم واقع شده باشد چه از جانب صاحبش و یا از طرف حیوانات دیگر، در قیامت به حقوق او رسیدگی می‌شود، که در ذیل آیه شریفه سوره انعام، حدیثی از پیامبر اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - نقل شده است که بعضی از مفسرین هم آن را نقل کرده‌اند که فرمود: خداوند تمام این جنبندگان را روز قیامت برمی‌انگیزاند و قصاص بعضی را از بعضی می‌گیرد، حتی قصاص حیوانی را که شاخ نداشته و دیگری بی‌جهت به او شاخ زده است از او خواهد گرفت. از آنجاکه قیامت و احوالات آن کلاً از دسترس عقل، حس و تجربه ما خارج است لذا اظهارنظر کردن در مورد جزئیات قیامت خارج از درک و عقل انسان‌هاست و برای این منظور باید تسلیم وحی شد و از اظهارنظر کردن بی‌مورد و احیاناً خرافی اجتناب کرد، تا در اخذ معارف دینی دچار لغزش و انحراف نشویم. و در حدیث دیگری از پیامبر - صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم - نقل شده که فرمود: «استغفروا ضحایاکم فانها مطایاکم علی الصراط»؛ به حیوانات قربانی (حیواناتی که در راه خداوند ذبح کرده می‌شوند) نیکی و احسان کنید زیرا آن‌ها وسیله عبور شما از صراط هستند.

۲- اعجازها و شگفتی‌هایی از قرآن در «زیست جانوری»

شیخ طوسی در کتاب تفسیری خود تبیان در بیش از پانزده مورد به مباحث زیست جانوری پرداخته است. ایشان درباره آیه ۲۶ سوره بقره (إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةٌ فَمَا



می‌روند؛ خدا آنچه را بخواهد می‌آفریند، چرا که خدا بر هر چیزی تواناست» اما در این جا معرفه است و «ال» آن می‌تواند عهد ذهنی بوده و اشاره به همین آب معهود باشد؛ در نتیجه با متفاوت شدن این دو، استدلال از یکی بر دیگری با مشکل مواجه می‌شود. ثانیاً در صورتی که فقط همین معنی اراده شده بود از همان ماده «خلق» استفاده می‌شد، اما با توجه به تأثیراتی که آب در کلیه مراحل حیات دارد به نظر می‌رسد این کلمه «جعل» می‌تواند معنای وسیع‌تری داشته، شروع حیات، بقاء حیات و تأمین بسیاری از شرایط حیات را هم در برگیرد. برای روشن‌تر شدن زیبایی آیه و دریافت وسعت و گستره آن، به برخی از خصوصیات منحصر به فرد آب و نقش آن در حیات، اشاره می‌شود: آب ماده اصلی بدن تمامی جانوران است، به طور مثال یک انسان ۷۰ کیلوپی ۵۰ لیتر آب دارد و اگر ۲۰٪ آب بدن خود را از دست بدهد هرگز سلامتی خود را باز نخواهد یافت (ایزوتسو، خدا و انسان در قرآن، ص ۴). آب همه جا در خاک، هوا، زیرزمین و ... وجود دارد و هم‌زمان به سه صورت مایع، جامد و گاز یافت می‌شود. مایع بودن آب در دما و فشار معمولی بسیار حائز اهمیت است، زیرا وزن ملکولی آن ۱۸ است در حالی که آمونیاک با وزن ملکولی ۱۷ در ۳۳- هنوز به صورت بخار وجود دارد و سولفید هیدروژن با وزن ملکولی ۳۴ که در جدول تناوبی پهلوی آن قرار دارد در سرمای ۵۹- هنوز حالت بخار خود را حفظ می‌کند. اگر آب خواص پیش‌بینی شده در جدول تناوبی را داشت تغییرات جوی حاصل از آب به جای رحمت آسمانی به بلای آسمانی تبدیل می‌شد. «ظرفیت گرمایی ویژه» آب. در بسیاری از فلزات این میزان حرارت در حدود ۳٪ کالری است، در مس و آهن به حدود ۱٪ کالری می‌رسد در حالی که برای آب در بالاترین حد یعنی یک

اعجاز علمی به «آنچه تاکنون رخ داده» می‌پردازد اما این اعجاز با نگاه به «آینده» مولود دیگری پدید می‌آورد به نام «نظریه پردازهای علمی قرآن». این عنوان موضوعاتی را در برمی‌گیرد که فرا روی بشریت است و علوم فعلی به نتیجه قطعی‌ای درباره آن دسترسی پیدا نکرده است، اما متفکر دینی با مراجعه به قرآن می‌تواند نظر قرآن را به عنوان نوعی پیش‌گویی یا پیش‌بینی با دورنمای مثبتی که از آن وجود دارد ارایه دهد. این بخش پس از قطعی شدن در زمره «اعجاز»‌های تثبیت شده قرآن قرار می‌گیرد (طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۲۵).

۳- محورهای مطرح شده در دو گستره اعجاز و شگفتی

۳-۱- آب زمینه‌ساز حیات

خداوند در آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء می‌فرماید (وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا)، «و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟!» برخی مفسرین به قرینه آیه ۴۵ نور (وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ)، «و خدا هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید» «جعل» را به معنی «خلق» گرفته‌اند، گرچه این معنا می‌تواند یکی از کامل‌ترین معانی آیه باشد ولی تمام آن نیست و انحصار آن در معنای «خلق» صحیح به نظر نمی‌رسد. زیرا اولاً استدلال به آیه سوره نور تمام نیست، چون آب در آن آیه نکره است و می‌تواند تنويع را برساند که احتمالاً نظر به آبی خاص با ترکیبات ویژه دارد مانند نطفه، که نتیجه آن گوناگونی جانوران است، چه این که در ادامه نیز می‌فرماید (فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ)، «پس برخی از آنها کسانی هستند که بر شکم خود راه می‌روند و برخی از آنها کسانی هستند که بر دو پای خود راه می‌روند و برخی از آنها کسانی هستند که بر چهارپای راه



است. چگالی آب در ۴ درجه است، این مسأله باعث می‌شود آب کمتر از ۴ درجه و یخ سبک‌تر بوده، بالا بیاید و آب نسبتاً گرم پایین رود که باعث زنده ماندن جانوران آبی می‌شود علاوه بر این که یخ روی آب عایقی می‌شود برای جلوگیری از نفوذ سرما به محیط پایین‌تر (ایان باربور، علم و دین، ص ۹؛ بهشتی، شناخت اسلام، ص ۴۰). «شوری آب دریاها». هرچه شوری آب بیشتر باشد نقطه انجماد آن پایین‌تر می‌رود این مطلب تا ۲۲- درجه سانتی‌گراد صادق است. در نتیجه در سرمای زیر صفر درجه هنوز اقیانوس‌ها مایع هستند که علاوه بر مختل نشدن زندگی، به محیط دریا خاصیت ضد عفونی داده و از انتشار بیماری‌های گوناگون جلوگیری می‌کند. در مورد نقطه آغازین حیات در زمین دو نظر وجود دارد: الف) اولین ملکول‌های حیات از آسمان و به وسیله شهاب سنگ‌ها بر سطح سیاره‌ها باریده است؛ ب) دریاها اولین گهواره حیات می‌باشند. گرچه نظر اول نیز با آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء متناسب است، چرا که در صدر آن سخن از آسمان است (أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ ...) «آیا کسانی که کفر ورزیدند اطلاع نیافتند که آسمان‌ها و زمین پیوسته بودند و آن دو را گشودیم و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟!» به خصوص اگر گفته شود ملکول‌های زنده به وسیله قطعات یخ به زمین منتقل شده است، اما به نظر می‌رسد لزومی ندارد در آسمان دنبال نقطه شروع بگردیم، زیرا زمینی که برای زندگی انتخاب شده است (وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ)؛ (الرحمن / ۱۰)، «و زمین را برای آفریدگان نهاد» می‌تواند خود شروع کننده حیات نیز باشد و منافاتی ندارد هم‌زمان در آسمان‌ها و در نقاط دیگر عالم، حیات در حال شکل‌گیری باشد. بنابراین در ادامه به تئوری دانشمندان مبنی بر

کالری قرار دارد. این مطلب برای تعدیل و ثابت نگه داشتن درجه حرارت کره زمین بسیار مهم است. همان‌گونه که روشن است ۳/۴ کره زمین را آب تشکیل می‌دهد و در بسیاری از نقاط زمین نیز یافت می‌شود، به این ترتیب آب نقش مهمی در تعدیل درجه حرارت محیط زیست به عهده دارد. هنگامی که دمای کره زمین بالا می‌رود آب مقدار انرژی زیادی را به خود جذب می‌کند تا دمای آن یک درجه افزایش یابد و هنگامی که سرد می‌شود میزان انرژی زیادی را به محیط پس می‌دهد تا دمای آن یک درجه کاهش یابد. این مسأله در شبانه‌روز و هم‌چنین با جریان آب‌های قطبی و ... در کل زمین باعث تنظیم و تعدیل دمای کره زمین می‌شود. «گرمای نهان ذوب» این میزان برای فلزات چند کالری است در حالی که برای آب به ۸۰ کالری برای هر گرم یخ می‌رسد. دو قطب شمال و جنوب با در بر گرفتن میلیون‌ها تن یخ نقش تعیین‌کننده‌ای در حفظ حیات موجودات زنده ایفا می‌کنند. هنگامی که زمین با گرمای شدیدی مواجه شود آب شدن مقدار عظیمی از یخ‌ها، مقدار زیادی انرژی - به‌ازای هر گرم ۸۰ کالری - را می‌بلعد و از سوی دیگر هنگامی که با سرمای کشنده مواجه‌شود با برگشتن به حالت جامد، مقدار قابل توجهی انرژی را به فضا پس می‌دهند. «گرمای نهان تبخیر». هنگامی که میلیون‌ها تن آب از سطح اقیانوس‌ها بخار می‌شود و باد آن‌ها را در آسمان حرکت می‌دهد در حقیقت میلیون‌ها کیلوکالری انرژی را نیز به همراه آن‌ها به زمین‌های سرد زمستانی می‌برد. هر گرم آب، هنگام تبخیر ۵۴۰ کالری گرما به خود جذب می‌کند و هنگامی که به قطره‌های باران تبدیل می‌شود آن را در فضا منتشر می‌کند. «چگالی» از خصوصیات منحصر به فرد آب این است که بیشترین چگالی در سایر مایعات مربوط به نقطه انجماد را دارا



تقویت می‌کند. در چند سال پیش، براساس مطالعات دکتر توماس گولد سوئدی از اعماق درونی زمین، نمونه برداری‌هایی انجام شد و توانستند باکتری‌هایی را جداسازی کنند که به راحتی در دویست درجه سانتی‌گراد به طور غیرهوازی زندگی می‌کنند. وجود چنین موجوداتی در اعماق زمین، نه تنها نشان‌دهنده شروع حیات در وضعیت دشوار زمین نخستین است بلکه امکان وجود حیات در کرات دیگر را نیز نوید می‌دهد (حبنکه المیدانی، ۱۳۹۲؛ ص ۱۰۲).

۳-۲- تأثیر تغییرات جوی و جغرافیایی بر پراکندگی جانوران
شرایط جوی و جغرافیایی همواره تأثیرات مستقیمی بر زندگی جانداران داشته است به گونه‌ای که حتی انقراض گونه‌هایی را معلول تغییرات آب و هوا می‌دانند. گرم شدن هوا، سرد شدن آن، خشک‌سالی، به راه افتادن سیلاب‌ها، همه و همه به‌ویژه اگر برای مدتی ادامه یابد می‌تواند تغییرات اساسی را بر محیط زیست و جانداران آن برجای بگذارد. بر اساس آنچه از قرآن کریم فهمیده می‌شود یک‌سری تغییرات پراکنده شدن گونه‌های مختلف جانوری بر روی زمین بعد از نزول باران‌هایی رخ داده است و یک سری تغییرات بعد از پدید آمدن کوه‌ها. خداوند در آیه ۱۶۴ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: (إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ ... وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ ... لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ)، «قطعاً در آفرینش آسمان‌ها ... و آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن، زمین را پس از مردنش زنده نموده و از هرگونه جنبه‌ای در آن پراکنده کرده ... نشانه‌هایی هست، برای گروهی که خردورزی می‌کنند»، آیا منظور اولین باران‌ها بوده است؟ یا اشاره به باران‌هایی دارد که در برهه‌ای از زمان و

شکل‌گیری حیات در دریاها می‌پردازیم: بر اساس تازه‌ترین نظریات شیمی، ملکول‌های بزرگ (ماکروملکول‌ها) مثل اسیدهای هسته‌ای، پروتئین‌ها و قندها، ممکن است از مواد غیرزنده ابتدایی به وجود آمده باشند. گرچه تشکیل این مواد در فضای اکسیدکننده (اکسیژن‌دار) امروزی و سازمان‌یابی آن‌ها به صورت موجودات زنده انجام نمی‌شود، تصور بر این است که فضای گذشته زمین احیاکننده (هیدروژن‌دار) بوده است. نبود اکسیژن باعث رسیدن مقادیر زیادی از پرتو فرابنفش خورشید به سطح اقیانوس‌ها می‌شد. در اقیانوس‌ها مقدار زیادی گازهای متان و آمونیاک وجود داشت که از ترکیب گازهای کربن و نیتروژن و هیدروژن به وجود آمده بود. (ژری‌ارس، علم، شبه‌علم و علم دروغین، ترجمه دکتر عباس باقری، ص ۳۹). در سال ۱۹۵۲ با انجام نخستین تجربه آزمایشگاهی که در آن وضعیت اولیه زمین ایجاد شده بود، از ترکیب گازهای متان، آمونیاک، هیدروژن و بخار آب در وضعیت احیا، ملکول‌های آلی زیستی تشکیل شد. احتمال دارد کربوهیدرات‌ها اولین ملکول‌ها و بعد اسیدهای آمینه و اسیدهای هسته‌ای ساخته شده باشند. در آن زمان منبع‌های انرژی فعال‌ساز واکنش‌های شیمیایی، برق، پرتو فرابنفش، خورشید و حرارت زیاد زمین بوده است. با گذشت زمان، اتمسفر احیایی زمین به تدریج به فضای اکسیدکننده تبدیل شد و شرایط درجهت کاهش به وجود آمدن موجودات زنده از غیرزنده دگرگون شد. در اواخر دهه ۱۹۸۰ آقای دکتر کورلیس فرضیه‌ای ارائه داد که حیات از چشمه‌های آب گرم اعماق اقیانوس‌ها شروع شده است. مطالعات اخیر نشان می‌دهد که در رسوبات متعلق به حداقل ۳/۵ میلیارد سال پیش، کف اقیانوس‌ها و چشمه‌های آب گرم، فسیل وجود داشته است که این احتمال را



هم در زمین نقاطی وجود دارد که مخلوقات جدید در آن به وجود می‌آیند و در زمین پراکنده می‌شوند در حالی که ما از آن بی‌خبریم. مطلب دیگر این که وقتی جاهای مختلف کره زمین شرایط گوناگونی - از بیابان تا دریا و ... را دربر می‌گیرد، پراکندگی باید همراه با سازگاری درونی موجودات باشد، بنابراین آیا ابتدا تغییرات آب‌وهوایی به وقوع پیوسته و بعد موجودات تغییر دانه داده‌اند؟ (بر اساس نظریه تکامل) یا اول شرایط درونی آن‌ها متناسب با نوعی آب‌وهوا شده و آنگاه با تغییرات جوی هریک به سمت آب‌وهوای مورد علاقه خود رفته‌اند (موسوی، ۱۳۹۱؛ صص ۴۵-۴۸). آیه شریفه وقوع پراکندگی در خارج را پس از تغییرات آب و هوایی می‌داند، اما نسبت به این موضوع ساکت است. تغییرات زیست محیطی که با گرم شدن کره زمین در زمان حاضر رخ می‌دهد نظریه دوم را تأیید می‌کند، یعنی باید مبتنی بر علاقه درونی خود موجودات باشد، زیرا اگر موجودی از درون به آب و هوایی علاقه نداشته باشد به چه دلیل باید به سمت آن کشیده شود؟ از سوی دیگر اگر آن علاقه و نیاز به‌حدی شدید باشد که در ابتدا و قبل از پدید آمدن شرایط جدید یک وابستگی تام را ایجاد کند موجود زنده در همان شرایط قبلی خواهد مرد، پس آن‌چه از مجموع مطالب به‌دست می‌آید این است که در ابتدا نیاز یا علاقه‌ای ژنتیکی در برخی موجودات وجود داشته که آن‌ها را به سمت نوعی آب و هوا راغب کرده است، اما این مسأله به قدری قوی نبوده که امکان زیستن در نوعی آب و هوای دیگر را از آنان سلب کند، پس از آن و با پیش آمد شرایط جدید، از آن استقبال کرده و هر موجود به‌سمتی که به آن تمایل بیشتری داشته کشیده شده است سپس با گذشت زمان آن خصوصیت در او تقویت و شدت گرفته است. نکته دیگر؛ آیه این پراکندگی

با ویژگی‌های خاصی به وقوع پیوسته‌اند؟ این آیه و سؤالات مربوط به آن می‌تواند موضوع تحقیق چندین ساله دانشمندان باشد، اما آن‌چه به اجمال در این جا می‌توان از آن سخن گفت این است که اولاً آیا این تغییرات سبب پیدایش گونه‌های مختلف شده‌اند و یا گونه‌های مختلف وجود داشته و پس از این تغییرات شرایط برای گسترش و فراوانی آن‌ها فراهم‌تر شده است؟ ثانیاً با ارایه نمونه‌های ملموسی که امروزه در جریان است و به وقوع می‌پیوندد فهم بهتری از آیه به تصویر کشیده می‌شود (غلامی، ۱۳۸۰، صص ۶۹-۶۷).

۳-۲-۱- بررسی فرایند پراکندگی
اگر فرض بر این است که نقاط خاصی از زمین آمادگی پروراندن حیات را داشته است نه همه‌جای آن، بنابراین باید حیواناتی در آن نقاط پدید آمده و سپس به قسمت‌های دیگر رفته باشند، علاوه بر این از ماده «بث: پراکندن، منتشر کردن»، در آیه شریفه به ذهن متبادر می‌شود که جانداران اول مجتمع بوده‌اند و سپس پراکنده شده‌اند. حال با توجه به این که در برخی آیات این کلمه به صورت مضارع به کار رفته است که دلالت بر زمان حال و استمرار می‌کند، باید هم‌اکنون نیز این قانون، گسترش داشته و چرخش و پراکنده شدن موجودات ادامه داشته باشد. خداوند در آیه ۴ سوره مبارکه جاثیه می‌فرماید: (وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ)، «و در آفرینش شما و آنچه از جنبندگان پراکنده می‌کند، نشانه‌هایی است برای گروهی که یقین می‌آورند». و اگر آن را با آیه ۸ سوره نحل (وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرَكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ)، «و در آفرینش شما و آنچه از جنبندگان پراکنده می‌کند، نشانه‌هایی است برای گروهی که یقین می‌آورند» ضمیمه کنیم ممکن است این نکته به‌دست آید که هنوز



گرم‌شدن زمین یکی از اثرگذارترین این تغییرات آب و هوایی در حوزه علوم زیستی است که منجر به اختلال در زادآوری جانوران و مهاجرت آن‌ها می‌شود و انتقال بیماری‌ها را افزایش می‌دهد. به‌طور مثال در چندسال اخیر تلفات بیماری مالاریا افزایش پیدا کرده است، چون تک‌سلولی عامل این بیماری که در پشه مالاریا زندگی می‌کند، گرما دوست است و در هوای گرم رشد و تکثیر بیشتری دارد. گرم‌شدن کره زمین گاه باعث تغییرات غریبی می‌شود که در انتها منجر به انقراض موجودات خواهد شد، مثلاً با گرم‌شدن هوا، جمعیت لاک‌پشت‌ها ممکن است به‌صورت تماماً ماده ظاهر شوند، چون جنسیت در تخم لاک‌پشت‌ها با دمای آب تعیین می‌شود. از سوی دیگر بالا آمدن آب دریاها، در نتیجه ذوب یخ‌های قطبی و از بین رفتن تخم و لانه لاک‌پشت‌ها در سواحل دریاها موجب انقراض آنها می‌شود. افزایش دمای آب بر جمعیت حیواناتی مانند وال‌ها، پنگوئن‌ها و کاکایی‌های پاسیاه نیز تاثیرگذار خواهد بود، چراکه تعداد موجوداتی مانند کرپل‌ها که غذای اصلی این جانوران هستند، با افزایش دمای آب‌ها کاهش یافته است. اخبار جدید، آشکارا آثار مخرب تغییرات آب و هوایی را بر روی گونه‌های مهاجر نیز نشان می‌دهد. به‌طور مثال به‌علت گسترش بیابان‌های آفریقا، پرندگان هنگام عبور از آن با یک پرواز طولانی مواجه می‌شوند و چون دسترسی به زیستگاه‌های متفاوت و منابع گوناگون در طول مهاجرت برای آن‌ها مقدور نیست، آسیب جدی متوجه آن‌ها است (غلامی، ۱۳۸۴؛ ص ۴۵). تغییر در برخی از شاخص‌های مهاجرت چون زمان، مکان و طول سفر به اثبات رسیده است. گاه به‌سبب تغییرات آب‌وهوایی، افراد یک‌گونه مهاجرت دسته‌جمعی را ترک می‌کنند و یا به مکان‌هایی مهاجرت می‌کنند که تا پیش از آن

را پس از باران‌هایی می‌داند که تحولاتی را در پوشش گیاهی زمین به‌همراه داشته است، زیرا می‌فرماید: (فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا)، در نتیجه این‌گونه برداشت می‌شود که زمین یا آن قطعه از زمین، قبلاً بیابانی مرده بود، اما باران‌هایی بر آن بارید و با رویش گیاهان زنده شد و موجوداتی را به‌سمت خود کشاند (غلامی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). اگرهم از قبل موجوداتی دو زیست یا بیابانی در آن زندگی می‌کرده‌اند باعث جداسازی و رشد گونه‌هایی شده که با پوشش گیاهی و آب و هوای سرد و مرطوب سازگاری بیشتری دارند. قرآن در دو آیه به این تغییرات می‌پردازد، ابتدا می‌فرماید خدا باران‌هایی را نازل کرد و زمین را زنده کرد و جانوران را در آن پراکند (بقره/ ۱۶۴) و در آیه دیگر می‌فرماید «کوه‌ها را در زمین قرار داد، سپس جنبندگان را در آن گستراند» پس از آن فرمود: (وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ)، اگر «من» را در هر دو تبعیضه بگیریم چنین به‌دست می‌آید که اولاً کوه‌ها به‌عنوان عاملی جغرافیایی نقش مستقلی در گسترش جانداران داشته‌اند و ثانیاً برخی حیوانات با پدید آمدن کوه‌ها گسترش یافته‌اند و برخی با نزول باران‌های ویژه. به‌هرحال، بعضی تغییرات محیطی تغییرات وسیعی را نیز در بافت زیستی آن به‌همراه داشته است. آیه ۱۶۴ بقره به یکی از آن موارد که شاید اولین یا از مهم‌ترین آن‌ها بوده اشاره گویایی دارد و آیه ۱۰ سوره مبارکه لقمان نیز به دیگری. جا دارد برای درک بهتر این تحولات، نمونه‌های ملموسی ارائه گردد، گرچه این نمونه‌ها مربوط به زمان حاضر و گرم‌شدن کره زمین است، اما تصویری که از مجموع آن به‌دست می‌آید کمک شایانی به درک این تحولات دارد (الیاسی، ۱۳۹۲؛ ص ۷۸).

۲-۲-۳- نمونه‌هایی از تغییرات و جریانات زیستی



خداوند در آیه ۶۶ سوره نحل می‌فرماید: (وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ لِيُنْذِرَكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبِنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ)، «و قطعاً، در (وجود) دام‌ها، برای شما عبرتی است، از آنچه در شکم آنهاست؛ از میان غذاهای هضم شده و خون، شیری خالص به‌شما می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست» «فرث» به غذای هضم‌شده داخل شکمبه چارپایان گویند ۳۰ «دم» نیز به‌معنای خون است، اما همه می‌دانیم که شیر در محفظه‌ای به‌نام پستان به‌وجود می‌آید و هیچ ارتباط مستقیمی با شکمبه و روده ندارد، پس معنای «من بین فرث و دم» این نیست که «فرث» و «دم» جایی به‌هم آمیخته می‌شوند و شیر از بین آنها بیرون کشیده می‌شود بلکه مواد شیر یک بار از بین «فرث» گرفته شده و به خون منتقل می‌شوند و بار دیگر از بین خون استخراج شده و شیر را تشکیل می‌دهند پس در حقیقت تقدیر آیه این چنین است «من بین فرث» و «من بین دم»؛ «فرث» نقطه آغازین جذب غذا است و با توجه به مسیر طولانی که مواد غذایی باید طی کنند تا به پستان برسند یکی از دلایل اشاره به آن می‌تواند شباهت‌سازی باشد، یعنی همان مکانیزمی که در روده‌ها عمل می‌کند و مواد مفید را از بین غذاهای هضم شده جذب و وارد خون می‌کند این‌جا نیز همان مکانیزم وارد عمل شده و مواد شیر را از میان خون استخراج کرده، مستقیم و یا غیرمستقیم با اعمال تغییراتی وارد حبابچه‌های شیری می‌کند و شیر را تشکیل می‌دهد. به‌عبارت دیگر آیه در صدد بیان این مطلب است که ساخته‌شدن شیر به‌طریقه استخراج است نه تبدیل. جالب این‌که در قبل از این آیه هنگامی که از ساخته‌شدن شراب سخن می‌گوید لفظ «منه» را انتخاب می‌کند (وَ مِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ

به‌عنوان مکان‌های عبور اتفاقی ثبت شده بود. پس نباید تعجب کرد که ماهی‌های ساکن جنوب مانند «کولی» و «ساردین» هم اکنون در آب‌های شمالی یافت می‌شوند، زیرا ماهی‌ها نمی‌توانند دمای بدن خود را تنظیم کنند و توزیع و پراکنش آنها وابسته به دماست و به‌همین سبب به این‌گونه مهاجرت‌ها تن می‌دهند. پرنده‌ای چون «زنبورخوار اروپایی» هم که قبلاً در آلمان کمیاب بود، اکنون به‌طور مداوم در این سرزمین زادآوری می‌کند. در انگلستان قوهای که به‌شکل ۷ پرواز می‌کردند و نویدبخش زمستان بودند به دسته‌های دوتایی تقلیل یافته است. دلایل احتمالی آن گرم‌شدن هوای قاره و نبود بادهای شمال شرقی است که پیشتر، به مهاجرت آنها کمک می‌کرد. تغییر الگوی بادهای مهاجرت را برای گنجشک‌سانان منطقه کارائیب به‌علت وجود طوفان‌های بسیار شدید بهاره مشکل کرده است. تعداد زیادی پروانه «مونارک» که هر ساله در تعداد میلیونی از آمریکا و کانادا به‌سمت مکزیک مهاجرت می‌کردند با عبور از اقیانوس اطلس راه خود را به‌سمت انگلیس حدود ۵۰۰۰ کیلومتر دورتر تغییر دادند. کاهش غذای وال اقیانوس اطلس شمالی، در نتیجه تغییرات شدید جریان‌های اقیانوسی، باعث ورود غیرمنتظره آن به آب‌های کانادا شده است. در حالی که تغییرات آب و هوایی برای برخی گونه‌ها سودمند است، گونه‌های دیگر را با خطر انقراض مواجه می‌کند، به‌طور نمونه خرس قطبی با گرم‌شدن قطب، زیستگاه اصلی خود را از دست داده است و جایی برای مهاجرت ندارد. مطالعات نشان می‌دهد تعداد گونه‌هایی که باید با آب‌های سرد سازش پیدا کنند، به‌طور چشم‌گیری کاهش یافته است (حبنکه الميدانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲).

۳-۲-۳- اعجاز علمی قرآن در بیان فرایند تولید شیر



دارند و از مسافت بالا به خوبی سطح زمین را می‌بینند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ص ۳۷۸). علاوه بر ساختار فیزیکی چشم، سرعت و دقت پردازش دریافت‌های بینایی توسط مغز نیز اهمیت شایانی دارد. اگر سرعت فرار آن‌ها در یک بیشه‌زار انبوه و هنگام شلیک شکارچی تصور شود، فوق‌العاده بودن آن بهتر نمایان می‌گردد. آیا پرنده‌ای را می‌یابید که در اثر برخورد با درخت یا یک‌دیگر به روی زمین افتاده باشد؟ در حالی‌که در شهرهای بزرگ مانند نیویورک می‌توان چنین حادثه‌ای را مشاهده کرد، جایی‌که در شب‌های پاییزی پرنده‌های زیادی به‌خاطر کوری موقت در اثر نورهای مصنوعی به برج‌ها برخورد کرده، کشته می‌شوند. یکی از سوالات مهم درباره مهاجرت پرندگان، چگونگی مسیریابی آنان است. راه‌یابی توسط الگوهای مغناطیسی زمین از جدیدترین نظریات در این رابطه است. آن‌چه در این‌جا مناسب بحث حاضر است این است که آن‌ها نه تنها امواج مغناطیسی زمین را درک می‌کنند بلکه آن‌را به شکل «الگوهای دیداری» می‌بینند. دقت در شکل ظاهری پرندگان «إلی الطَّيْر» نشان می‌دهد تمام وجود آن‌ها برای پرواز هماهنگ است. ساختمان دوکی شکل، پرهای لیز، سبک و توخالی که با گیرانداختن هوا باعث سبکی آن می‌شوند، استخوان‌هایی که در عین استحکام، سبک و عموماً تو خالی است و حتی در پرندگانی مثل عقاب در داخل استخوان‌ها کیسه‌های هوایی وجود دارد، سینه‌پهن که امکان سوارشدن بر امواج هوا را می‌دهد، ساختمان مخصوص بال‌ها که نیمه انتهای آن نیروی بالابرنده ایجاد می‌کند، نیمه خارجی آن پرنده را به سمت جلو هل می‌دهد. ساختمان دم که با قابلیت مانور، حرکت سریع به چپ و راست، گاه با گشودن آن باعث کاهش سرعت و حفظ تعادل در نشستن می‌شود

رِزْقًا حَسَنًا) «و از محصولات درختان خرما و انگورها، شراب مستی بخش و روزی نیکو از آن می‌گیرید» (نحل / ۶۷) چرا که این خود خرما و انگور است که تبدیل به شراب می‌شود که نشان می‌دهد انتخاب لفظ «من بین» برای شیر تصادفی نیست (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، صص ۸۹-۸۸).

۳-۲-۴- پرندگان و پرواز عجیب آنان
آیات مربوط به پرواز پرندگان را شاید مهندسان هوا- فضا بهتر از هرکسی دیگری درک کنند. نگاهی به علوم مربوط به پرواز و شروط لازم برای خلبانی، حساسیت و ظرافت این امر را بیش از پیش روشن می‌کند. برخی علوم که مستقیماً به پرواز مربوط است مانند آیرودینامیک، فیزیک دینامیک، فیزیک حرارت، فیزیک الکتریسته و مغناطیس، استاتیک، مقاومت مصالح، هواشناسی و این‌جا است که خداوند در کنار سایر آیاتی که دلالت بر عظمت خود، پرندگان را مطرح می‌کند و انسان را به تفکر در آن دعوت می‌کند. در میان آیاتی که به پرندگان پرداخته، دو آیه (ملک / ۱۹ و نحل / ۷۹) به یک‌دیگر شبیه‌اند که پرواز را محور قرار داده‌اند. در این مجال از نوشتار فرازهای این دو آیه در کنار یک‌دیگر و به محوریت آیه ۱۹ سوره ملک بررسی می‌شود: یکی از نکات دقیق و ظریف این است که در سه قسمت از این دو آیه به واژه دیدن (أَوَّلَمْ يَرَوْا) توجه شده است. در ابتدای دو آیه و انتهای یکی از آنها که صفت «بصیر» را برای خداوند انتخاب می‌کند، شگفتی آن در ارتباطی است که بین این خصوصیت و پرواز وجود دارد، چراکه بشر پرواز خود را مدیون نگاه به پرندگان است. اکنون نیز این‌روش از کارآمدترین روش‌های پژوهش در این زمینه است. چشم افرادی که برای خلبانی انتخاب می‌شوند باید ده دهم و بدون کوررنگی باشد. پرندگان نیز دید تلسکوپی بسیار قوی‌ای



این مشکلات صعود تدریجی به کوه‌نوردان سفارش می‌شود در حالی که پرندگان می‌توانند اوج و فرودهای آنی داشته باشند. آذرخش یکی دیگر از حوادثی است که هر جسم پرنده‌ای را تهدید می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، صص ۲۷۷-۲۸۲). شناختن اینکه کدام ابر خطرناک است و پرواز در چه ارتفاع و مسافتی برای پرندگان بی‌خطر و لازم است می‌بایست آنان را هواشناسان ورزیده‌ای کرده باشد. به‌عنوان مثال پرستوی دریایی فشارسنج درونی دارد که از فاصله چند صد کیلومتری هوای توفانی را تشخیص داده و راه مناسب را انتخاب می‌کند. در آیه دیگر (نحل / ۷۹) عبارت ذیل را بیان می‌فرماید که حاوی نکات قابل توجهی است: «مسخرات فی جو السماء»: «جو» به‌معنای هوا است این فراز می‌تواند از دو زاویه حائز اهمیت باشد: تأثیر جو در نگهداری پرنده، زیرا پرنده با همین هوا است که پرواز می‌کند و اگر خلأ حاکم باشد قادر به پرواز نیست. علاوه بر آن جریان‌های هوایی که در طبقات فوقانی جو می‌وزد می‌تواند بالشتک خوبی برای سوارشدن پرنده بر روی آن باشد. هماهنگی متقابل پرنده برای شناورماندن در جو. از سوی دیگر خود این جو می‌تواند مشکل‌ساز باشد که پرنده باید توان دست و پنجه نرم کردن با آن را داشته باشد. تأثیرات جوی بر جرم پرنده، مستقیماً علمی به‌نام آیرودینامیک را پدید آورده است و غیرمستقیم نیز با دو علم دیگر از چهار علم پایه پرواز، یعنی: «میکانیک پرواز» و «سازه‌های هوا فضایی» در ارتباط است. حرکت هوا، کم و زیاد شدن فشار آن، تند و کند شدن سرعت باد، جریان‌های پیچیده و گردآبی، برش باد و انفجار روبه‌پایین هوای سرد چگال، عواملی است که جسم پرنده و خصوصیت آیرودینامیکی آن باید پاسخ مناسب را به تغییرات آن بدهد. ظرافت ادبی که در این فراز از آیه به‌کار رفته

و گاه به‌همراه بال‌ها در مقابل باد پهن می‌شود و هم‌چون باد بادکی اوج می‌گیرد و ... (حطیط، ۱۰۰۵م، صص ۱۳۸-۱۳۷)، همه از ظرافت‌هایی است که در خلقت پرندگان به‌کار رفته است. نباید فراموش کرد که پرنده موجودی است زنده و خصوصیات فیزیولوژیکی او نیز باید او را در این راه همراهی کند، زیرا اگر قرار باشد مشکلات ناشی از پرواز در ارتفاع، حیات او را به مخاطره اندازد، تناسب اندام ظاهری، سودی نخواهد بخشید، بنابراین او در دو بخش باید با پرواز هماهنگ باشد: ۱- ظاهری؛ ۲- سازگاری فیزیولوژیکی. برخی از این ویژگی‌ها عبارتند از: میانگین فعالیت‌های حیاتی در بدن پرندگان میانگین بالایی است، به این معنا که نسبت به سایر حیوانات داری قدرت هضم غذای بیشتر، قلب بزرگتر و قوی‌تر و نبض سریع‌ترند. درجه حرارت بدن آن‌ها بالاتر و دستگاه تنفسی مناسب‌تر برای نیازهای تنفسی، فشار و قند خون بالا و هماهنگی قدرت دید و سایر حواس نیز از دیگر ویژگی‌های آن‌ها است. بررسی فراز بعدی، لزوم این سازگاری‌ها را بهتر نشان می‌دهد. ارتفاعات بالا «فَوْقَهُمْ» چه در کوه نوردی و چه در پرواز مشکلات عدیده‌ای را به‌خصوص برای موجود زنده می‌تواند به‌وجود آورد. کمبود اکسیژن، کاهش فشار هوا، تغییرات دما، تغییرات چگالی هوا از این مواردند که می‌توانند منجر به برخی مشکلات زیستی شوند. مشکلاتی از قبیل علائم ملایم بیماری (بیماری که به‌علت قرار گرفتن در فضایی با فشار هوای کم بروز می‌کند)، بیماری کشنده (بیمای ورم ریوی بر اثر ارتفاع‌های زیاد (بیماری ورم مغزی بر اثر ارتفاع‌های زیاد. بالاترین ارتفاعی که برای پرندگان نوشته شده حدود ۷ - ۶ کیلومتر است گرچه عموم پرندگان کمتر از ۵ هزار پا اوج می‌گیرند این درحالی است که برای جلوگیری از



به صفات ژنتیکی نهفته در DNA موجودات تفسیر کرد، اما ظهور عبارت (وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ) نوعی تمایز همراه با برجستگی را - نسبت به سایر حیوانات - نشان می‌دهد. (رَبُّكَ)؛ چرا خداوند به جای «الله»، «رب» را انتخاب نمود؟ از میان اسمای حسناى الهی تناسب این اسم که به معنای پرورش‌دهنده و تربیت‌کننده است با مهندسی‌ای که در ساخت خانه زنبور عسل و یا تهیه عسل می‌آید روشن است، اما علاوه بر این، نکات دیگری وجود دارد که به آن‌ها پرداخته می‌شود. «رب» از اسماء فعلیه است که رابطه میان ربّ و مربوب را نشان می‌دهد. برای هر موجود درجه‌ای از درجات ربوبیت الهی تجلی پیدا می‌کند. گاهی ربوبیت عام «رب العالمین» است و گاه خاص «رب الناس». در بین انسان‌ها هم متقین تحت تربیت و ربوبیتی خاص از جانب خدا قرار دارند (أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ) که بالاترین آن ویژه پیامبر اعظم (ص) است؛ (وَأَنزَلْنَا إِلَيْكَ الرِّبَّكَ الْمُنْتَهَىٰ). شاید به جرأت بتوان گفت که این همان ربوبیتی است که ثمره آن وحیی شد که در پرتو آن قرآنی فرود آمد که (شَفَاءٌ لِّمَا فِي الصُّدُورِ) است، همان «رب» در حد ظرفیت طبیعت به کامل‌ترین وجه عمل نمود و وحیی فرستاد که در پرتو آن غذایی درست شود که موجب شفای جسم آدمیان است (فِيهِ شِفَاءٌ لِّلنَّاسِ). (باریور، ۱۳۶۲؛ ص ۸۹). شاید نوعی مقایسه معقول به محسوس در این آیات شکل گرفته باشد یعنی همان‌گونه که نتیجه وحی الهی در عالم طبیعت غذایی شیرین، گوارا و شفا بخش است در عالم جان نیز همین نتیجه را به همراه دارد (إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي)؛ کلمه «نحل» از نظر صرفی اسم جنس جمع است که مثل «نخل» هم می‌تواند مذکر باشد و هم مونث این که قرآن کریم مفرد مونث را برای خطاب انتخاب کرد اگر معجزه نباشد از شگفتی‌های علمی قرآن است،

است قابل تأمل می‌باشد (صَاقَاتٍ وَيَقْبِضْنَ)، چرا که «صف» به حالتی گفته می‌شود که پرنده بال‌های خود را باز نگه می‌دارد و پرواز می‌کند. «یقبضن» به حالت دیگر پرواز یعنی «بال زدن» اشاره دارد. ۴۵ «صافات» اسم فاعل یا صفت مشبیه است که ثبات را می‌رساند و با حالت صاف نگه‌داشتن بال‌ها تناسب دارد، زیرا حالت پرنده در آن هنگام ثابت و یکنواخت است، اما «یقبضن» به صورت فعل مضارع آمده که استمرار را می‌رساند و با بال‌زدن پرنده که یکی پس از دیگری اتفاق می‌افتد و استمرار دارد هم‌خوان است (مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ)؛ «که جز (خدای) گسترده مهر آنها را نگاه نمی‌دارد» این همه نعمت جلوه‌ای است از رحمت بی‌انتهای الهی که او (إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ)؛ «(چرا) که او به هر چیزی بیناست» (داورمزدی، ۱۳۷۲، ص ۳۷-۴۶).

۳-۲-۵- زنبور عسل و شگفتی‌های آن در این بخش به بررسی آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل و اعجازها و شگفتی‌های آن می‌پردازیم، این آیات دارای فرازهای ذیل می‌باشد (وَأَوْحَى)؛ از بررسی کتاب‌های مختلف لغت این نتیجه به دست می‌آید که معنای وحی «فهماندن مخفیانه» است به هر روش که باشد (اشاره، الهام، کلام خفی...) و می‌توان به حسب مورد، مفاهیمی چون سرعت را نیز در آن دخیل دانست. براساس این معنا از وحی، معنای آیه این می‌شود که خداوند به گونه‌ای که از دیگران مخفی است به زنبور عسل فهماند که چگونه خانه بسازد و ... اگر قرار باشد معنای «مخفیانه» ای که در واژه «وحی» نهفته است همیشگی باشد آن وقت باید از یافتن مکانیزمی که این امور را در زنبور سازماندهی می‌کند ناامید شد، اما اگر «وحی» را به سایر حیوانات تعمیم دهیم و زنبور عسل را به عنوان یک مثال در نظر بگیریم آن وقت می‌توان آن را



کندوهای عسل معنای کامل‌تری از آن رخ نشان می‌دهد. آیا اگر خداوند به زنبور دستور نداده بود که در کندوها سکونت کند انسان می‌توانست آن را به این راحتی در اختیار گیرد و کنترل کند؟ نگاهی به سایر حشرات و دو نوع دیگر زنبور که اهلی نمی‌شوند اهمیت این خطاب را روشن می‌کند. نباید تصور کرد راه‌های پروردگار الزاماً مسیریایی در خارج باشد یا رونده آن متحرک باشد بلکه هر کاری که برطبق رضایت خدا صورت گیرد راه او است که پیموده می‌شود و انجام‌دهنده آن، سالک این راه است هرچند ساکت یا ساکن باشد، بنابراین، این دستور چیز سومی در کنار دو دستور قبلی نیست بلکه سفارشی است از جانب خدا که دو دستور قبلی را در بر می‌گیرد و نکته‌ای که وجود دارد ارتباط ظریفی است که در این فراز و فراز آخر همین سوره می‌باشد آن‌جا که به پیامبرش (ص) می‌فرماید: (ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ...)؛ با حکمت و اندرز نیکو، به راه پروردگارت دعوت نما (نحل/۱۲۵). در این جا نیز خود خدا پس از دستوراتی، با حکمت یا موعظه‌ای حسن و با لحنی نرم و ملایم به زنبور می‌فرماید: «راه‌های پروردگارت را مطیعانه بپیما» (باهن، ۱۳۶۳، ص ۶۷). (ذَلَّلَا؛ ذَلَّلَا یعنی نهایت اطاعت. زنبور نیز آن‌چنان سراپا به این فرمان گوش می‌دهد که پاهای آویزان او در بازگشت به خانه نمادی است از تواضع و فروتنی در برابر دستور خدا. (يَخْرُجُ)؛ در این‌جا التفات از خطاب به غیبت صورت گرفته و دیگر زنبور مخاطب نیست. انعکاس این التفات را در جهان خارج و رفتار زنبور می‌توان مشاهده کرد. خوب است مقایسه شود با عبارت (وَمِمَّا يَعْرِشُونَ) جایی که خطاب به او می‌فرماید از بناهایی که انسان می‌سازد خانه بگیر، او نیز به راحتی چنین می‌کند (مِنْ بُطُونِهَا)؛ در منطقه مکه نه گل و

زیرا تمام وظایف و فعالیت‌های کندو توسط جنس ماده انجام می‌شود و نرها فقط نقش بارور کردن ملکه را به عهده دارند آن‌هم از چندین نری که به وجود می‌آید یکی از آن‌ها کافی است، اما محوریت این اجتماع با ملکه می‌باشد و به خصوص اینکه کارگران که در این آیه جهت خانه‌سازی و تولید عسل مستقیماً مورد خطاب واقع شده‌اند از نظر جنسیت ماده، اما عقیم هستند، بنابراین گرچه ممکن است مردم اعصار گذشته، از ماده بودن ملکه به خاطر تخم‌گذاری آگاهی داشته باشند، اما بعید به نظر می‌رسد ماده بودن زنبوران کارگر روشن بوده باشد (مِنْ الْجِبَالِ بَيْوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ): یکی از فوایدی که لفظ «مِنْ» دارد این است که زنبور خانه‌های خود را هم در شکاف کوه‌ها و هم سوراخ درختان می‌سازد و هم آویزان به زیر صخره‌ها، در نتیجه واژه «مِنْ» شامل هر دو قسمت می‌شود، از این رو از واژه «فی» استفاده نکرد، چراکه «فی» قسمت دوم را در بر نمی‌گرفت. (بازرگان، ۱۳۴۴، ص ۴۵). ترتیبی که در آیه آمده این نکته را می‌رساند که زنبور عسل قبل از انسان آفریده شده است، زیرا خانه‌ای که او برای زنبور می‌سازد در آخر آمده است. یافته‌های علمی نیز همین را می‌رساند. با فاصله افتادن «بیت» بین کوه و دو نوع دیگر، شاید این نکته فهمیده شود که زنبورهای درختی را ممکن است بتوان اهلی کرد، اما زنبوران کوه را نمی‌توان. (چه این که تلاش برای اهلی کردن دو نوع زنبور بزرگ (کوهی) و کوتوله ناکام مانده و فقط نوع هندی و غربی آن در کندوها سکونت پیدا کرده‌اند و به همین دلیل عده‌ای برآنند تا این دو را تحت یک نوع بگنجانند. «وَمِمَّا يَعْرِشُونَ»؛ این عبارت را معمولاً تفاسیر قدما به داربست‌ها و سقف‌های خانه‌هایی معنا کرده‌اند که انسان‌ها می‌سازند. این تفسیر هرچند درست است اما با گذشت زمان و تولید



با دیگری متفاوت است (فیه شفاءً للناس)؛ حداقل چهار لایه شگفتی و اعجاز را می‌توان برای این فراز از برشمرد؛ اولاً: از دیرباز عسل یا خود به‌تنهایی درمان بعضی بیماری‌ها بوده و یا در ترکیب بسیاری از داروهای گیاهی دخیل بوده است؛ ثانیاً: گفته شد علاوه بر عسل از سایر فرآورده‌های زنبوری نیز استفاده‌های غذایی - دارویی می‌شود که کلمه (شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ) گویای آن بود؛ ثالثاً: از این‌که بعد از عبارت (مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ) می‌فرماید: (فیه شفاءً للناس) می‌توان فهمید این اختلاف رنگ (یا حالت) در خاصیت درمانی عسل نقش داشته باشد. و از این‌که مرجع این اختلاف رنگ، گیاهان گوناگون است کلید گنجینه‌ای را به‌دست می‌دهد که با پرورش زنبور بر روی گیاهان مختلف به‌صورت تخصصی عسل با خواص دارویی و بدون عوارض، تولید کنیم. رابعاً: قرآن نمی‌گوید عسل یا آن مایع شفا است بلکه می‌فرماید «در آن شفا است» وقتی گفته می‌شود در نفت همه‌چیز هست منظور این نیست که نفت به‌همین شکل عادی همه‌چیز را دارد بلکه با انجام فرایندهای شیمیایی مواد بسیاری را می‌توان از آن استخراج کرد. این نکته قرآنی نیز می‌تواند این چنین مورد استفاده قرار گیرد که عسل یا فرآورده‌های زنبوری می‌توانند مواد خامی باشند که داروهای شفابخش زیادی را از آن به‌دست آورد. آیاتی که گذشت سرشار از اعجازها و شگفتی‌هایی است که گاه یک کلمه یا فراز کوتاه آن، از چند زاویه می‌تواند مجموعه‌ای از آنان را دربرداشته باشد و حتی گاه، برخی نکات آن در ارتباط با یک‌دیگر خود را نشان می‌دهند (حسینی‌بهشتی، بی‌تا؛ ص ۹۲). گستره اعجاز علمی قرآن را می‌توان در تنوع موضوعاتی که در قرآن منعکس شده است را یافت به‌عنوان نمونه: آن‌جا که خداوند از آب به‌عنوان عامل حیات نام برده و یا از پرواز

گیاهی وجود دارد و نه زنبور عسل، ولی قرآن با قاطعیت از درون شکم زنبور خبر می‌دهد و عسل را محصول درون بدن زنبور می‌داند نه فقط فضای دهانش و یا تغییراتی که پس از تخلیه در کندو در آن صورت گیرد و این‌را کسی نمی‌دانسته جز خالق او. اگر گفته شود منظور قرآن از شراب فقط عسل نیست بلکه همه مایعاتی است که از بدن زنبور ترشح می‌شود چه عسل و چه موم و چه زهر و ... همان‌طور که علم امروز هم خواص درمانی سایر فرآورده‌های زنبوری را تأیید می‌کند، آنگاه جمع‌آوردن کلمه «بطون» اعجازی است فوق‌مطلب یاد شده و همان‌طور که قبلاً گفته شد به‌کارگیری ضمیر مفرد مؤنث در این‌جا نیز تأکیدی است بر اعجاز گذشته (شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ)؛ این عبارت در عین کوتاهی حاوی اعجاز و شگفتی‌های گوناگونی است. اول مفرد و نکره‌آوردن شراب، که دلالت می‌کند مایع واحدی است که به‌صورت‌های گوناگون از قسمت‌های مختلف بدن او خارج می‌شود، گاه به‌شکل عسل، گاه موم، بره‌موم، ژله شاهانه، زهر و زنبور از همین شهد و گرده تغذیه می‌کند و آن را تبدیل به فرآورده‌های مختلف می‌کند، پس مایع واحدی است که با صورت‌های گوناگون از قسمت‌های مختلف بدن زنبور خارج می‌شود. نکته دیگر، احتمالات گوناگون - و درست - در عبارت (مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ) است که عبارتند از: رنگ‌های عسل مختلف است؛ این اختلاف نسبت به ماده اولیه‌ای می‌باشد که زنبور خورده است، یعنی خارج می‌شود از او شرابی که رنگش یا حالتش با ماده اولیه‌اش شهد مختلف است و فرق دارد. درون بدن زنبور شراب واحدی است، اما به‌صورت گوناگون و رنگارنگ از قسمت‌های مختلف بدنش خارج می‌شود که عبارت باشند از عسل، موم و مزه و بوی هرنوع عسل با دیگری متفاوت است (جعفری، ۱۳۷۱، ص ۷۹). ترکیبات هرنوع عسل

پرنندگان و ... سخن به‌میان آورده است هر یک نمودی از جنبه‌های علمی را فرا روی بشر نهاده است که توانسته است پس از قرن‌ها به لایه‌هایی از این اعجاز و یا شگفتی علمی دست یابد. این همه تکثر مطالب علمی در لایه‌ها و بطن آیات که هدف اولیة‌اش هدایتگری است، چیزی جز هماهنگی کتاب تشریح و تکوین خداوند نمی‌باشد که کتاب تشریح - قرآن، قرن‌ها قبل و با زبانی ساده برای بشر برخی از کتاب تکوین - طبیعت - پرده برداشته است (خویی، ۱۳۶۶، ص ۱۳۴).

۴- معرفی قرآن کریم از نظام خلقت و موجودات زنده

خداوند طبق آنچه که در آیات متعدد قرآن کریم به آن اشاره شده نظام خلقت را بر این اساس بیان می‌کند که ابتدا زمین و آسمان را خلق کرد و سپس شب و روز و خورشید و ماه و ستارگان را و بعد از آن باران از آسمان نازل کرد و موجودات دیگر را یکی پس از دیگری آفرید در این میان انسان را از خاک آفرید که در همه این آفرینش‌ها برای انسان هدفی وجود دارد. قرآن کتابی است که با گذشت زمان نه تنها از ارزش آن کاسته نمی‌شود بلکه با پیشرفت زمان، اعجاز و ارزش علمی قرآن نیز بیشتر نمایان می‌شود. پیدایش و خلقت موجودات بهترین نکات قرآنی است که به زیبایی بیان شده است آفرینش موجودات زنده از آب و نیز خاک بارها مورد اشاره قرار گرفته است در این میان توجه ویژه‌ای به خلقت انسان از آب و خاک دارد. آفرینش نظام هستی از آب خداوند در قرآن در سوره انبیاء می‌فرماید: «آیا کافران نمی‌بینند که آسمان‌ها و زمین در آغاز خلقت به‌صورت توده عظیمی در گستره فضا، یکپارچه به‌هم متصل بوده و سپس آنها را از هم جدا ساخته‌ایم و هر چیز زنده‌ای را اعم از انسان و حیوان و گیاه از آب آفریده‌ایم آیا

ایمان نمی‌آورید؟»، در جای دیگر درباره پیدایش جهان و هستی می‌فرماید: «آن خدائی که برای شما زمین را گسترد و آسمان را برافراشت و فروبارید از آسمان آبی که به‌سبب آن بیرون آورد میوه‌های گوناگون برای روزی شما پس کسی را مثل و مانند او قرار ندهید در صورتی که می‌دانید». یعنی می‌دانید که غیر از خداوند کسی را چنین قدرت نیست که این همه مخلوق خلق کند (مجمع‌البیان، ج ۵ و ۶، ص ۳۶۴ و نیز کشف، زمخشری، ج ۲، ص ۴۵۹). در جای دیگر درباره خلق هر جنیده و موجود زنده چنین می‌فرماید: «و خداست که هر جنبنده‌ای را ابتداء از آبی آفرید، پس پاره‌ای از آنها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آنها بر روی دو پا و بعضی از آنها بر روی چهارپاره می‌روند خدا هر چه بخواهد می‌آفریند. در حقیقت خدا بر هر چیزی توانا است». در این آیه و آیه ۳۰ سوره انبیاء صرفاً منشأ آفرینش موجودات را آب معرفی کرده است آبی که در آیه ۲۳ سوره بقره می‌فرماید: «که آن را بعد از خلق زمین و آسمان فرود آورد» و به پیوستگی آسمان و زمین در پیش از پیدایش آب اشاره دارد. مسلماً آنچه که پیوستگی آسمان و زمین را موجب می‌شود عدم وجود اتمسفر در اطراف کره زمین بوده است. مدت آفرینش هستی در آیه‌ای دیگر حضرت باری تعالی به‌مدت زمان خلق کردن آسمان و زمین اشاره دارد و می‌فرماید: «پروردگار شما آن خدائی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز خلق کرد. آنگاه به خلقت عرش پرداخت روز را به پرده شب در پوشاند یعنی شب و روز را خلق کرد که با شتاب در آن پوید و خورشید و ماه و ستارگان به امر او مسخر گردید ای بندگان آگاه باشید که ملک آفرینش خاص خداست و حکم نافذ فرمان اوست که منزه و بلند مرتبه و آفریننده عالمیان است». آفرینش موجودات از خاک سپس در جای دیگر



روز حساب به‌کار خواهند آمد. در جای دیگر به نظم موجود در بین خورشید و ماه و گردش عالم اشاره کرده می‌فرماید: و خداست شکافنده پرده صبحگاهان و شب را بر آسایش خلق او مقرر داشته و خورشید و ماه را به نظمی معین به گردش آورده این نظم ثابت عالم به تقدیر مقتدر و داناست و نیز اوست که چراغ ستارگان را برای راهنمایی شما در تاریکی‌های بیابان و دریا روشن داشته همانا ما آیات خود را برای اهل فهم و فکرت به تفصیل بیان کردیم. هم اوست خدائی که همه شما را از یک تن در آرامگاه رحم و ددعت گاه صلب بیافرید (فغفور مغربی، حمید، نگاهی به حقیقت وحی، مجله ویژگان، ش ۲) و هم اوست خدائی که از آسمان باران فرو بارید تا هرنبات بدان برویانیم و سبزه‌ها و دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده پدید آریم و در جائی دیگر خداوند به خلق تعداد آسمان‌ها اشاره کرده می‌فرماید: «آیا ندیدید که خدا چگونه هفت آسمان را به طبقاتی بسیار منظم و محکم خلق کرد. و در آن سماوات ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت». بنابراین خداوند طبق آنچه که در آیات متعدد قرآن کریم به آن اشاره شده نظام خلقت را بر این اساس بیان می‌کند که ابتدا زمین و آسمان را خلق کرد و سپس شب و روز و خورشید و ماه و ستارگان را و بعد از آن باران از آسمان نازل کرد و موجودات دیگر را یکی پس از دیگری آفرید در این میان انسان را از خاک آفرید که در همه این آفرینش‌ها و بیان آنها برای انسان هدفی وجود دارد که خداوند می‌فرماید: «مسلماً در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز، برای خردمندان نشانه‌هایی قانع کننده هست. و روی زمین برای اهل یقین نشانه‌های متقاعد کننده است و در خود شما، پس مگر نمی‌بینید. که این نشانه‌ها همه انسان را به‌سوی

به خلقت موجودات به‌خصوص انسان از خاک اشاره کرده می‌فرماید: «پس بدانید: که ما شما را از خاک آفریده‌ایم سپس از نطفه، سپس از علقه، آنگاه از مضغه، دارای خلقت کامل و (احیانا) خلقت ناقص، تا قدرت خود را بر شما روشن گردانیم. و آنچه را اراده می‌کنیم تا مدتی معین در رحم‌ها قرار می‌دهیم». در واقع در این آیه به مراحل چهارگانه خلقت انسان اشاره می‌کند و نیز اشاره دارد که ممکن است برخی افراد مراحل این خلقت را به‌واسطه دارا نبودن شرایط به‌صورت کامل طی نکنند و لذا خلقت آنها به‌صورت ناقص می‌شود. البته اینکه خداوند می‌فرماید ما شما را از خاک آفریدیم و درجایی دیگر می‌فرماید: همان کسی که هرچیزی را آفریده است نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل (خاک) آغاز کرد. (سروش، ۱۳۷۵، ص ۱۴). یعنی منشأ خلقت انسان از خاک است. و مراد این است که پدر بزرگ نخستین ما یعنی حضرت آدم - علیه السلام - از خاک آفریده شد و چون خلقت غیر آدم از بنی آدم به ایشان منتهی می‌شود. در نتیجه خداوند می‌فرماید انسان را از خاک آفریدیم. از سویی دیگر اگرچه در ظاهر انسان از نطفه است ولی به‌وجود آمدن نطفه در اثر تغذیه‌ای است که از خاک روئیده می‌شوند مانند حبوبات. آفرینش هستی بر اساس نظم و هماهنگی خداوند کریم در جای دیگر می‌فرماید: «اوست خدائی که آفتاب را درخشان و ماه را تابان قرار داد و مسیر ماه را در منازل معین کرد تا بدین‌واسطه شماره سنوات و حساب ایام را برای امر معاد و نظم معاش خود بدانید اینها را خدا جز به حق و مصلحت نظام خلق نیافریده خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت مفصل بیان خواهد کرد». در این آیه خداوند به خلقت خورشید و ماه و احوال و صفات و کارآمدی آنها اشاره دارد که هم برای این دنیای بشر و هم برای



و طرز رسیدنش بنگرید که در آن برای مومنین از عظمت خداوند نشانه‌هایی قرار گرفته است. در آیه ۵۸ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: (سرزمین پاکیزه گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید و اما سرزمین‌های بد و بدطینت و شوره‌زار جز گیاه بی‌ارزش و ناچیز از آن سبز نمی‌شود و نمی‌روید (بوکای، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، ص ۷۰ - ۷۱).

۶- رسالت انسان آبادانی زمین است

خدای متعال به انسان مأموریت داده تا زمین را آباد کند. گویا رسالت انسان آبادانی زمین است در تفسیر این آیه روایتی از امام علی (ع) نقل شده که ایشان با تقسیم‌بندی کسب معاش انسان‌ها یکی از این موارد را در آبادکردن زمین و کشاورزی دانسته و حضرت در تفسیر آیه اشاره شده می‌فرماید: دانستیم که خداوند سبحان به کشاورزی و آبادانی زمین امر نمود تا نیازهای غذایی و معیشتی مردم از آنچه از گندم و ... می‌روید تامین گردد. در روایات دیگری امام صادق (ع) فلسفه همت انسان‌ها در آبادانی زمین را آفرینش آدمی از آب و خاک دانسته‌اند و فرموده‌اند خداوند متعال انسان را از آب و خاک آفرید به همین دلیل هم به‌طور طبیعی همت آدمی در آب و خاک است. (مکارم شیرازی، پیام قرآن، ۸ / ۱۴۴).

۷- اهمیت درختان و گیاهان در دین اسلام

اهمیت گیاهان، درختان و ارزش غذایی، دارویی و صنعتی و همچنین تاثیرات اخلاقی و رفتاری که در بعضی از میوه‌ها و ثمرات آن‌ها قرار گرفته و انسان‌ها و موجودات زنده از آن بهره‌مند می‌شوند برهیچ‌کس پوشیده نیست. امام صادق (ع) به مفضل که از شاگردان برجسته ایشان است فرمودند: در این گیاهان و انواع مختلف آن تفکر کن، میوه‌ها برای خوردن، برگ‌ها به‌عنوان علوفه و هیزم برای تهیه آتش، و چوب برای

یک هدف و آن هم شناخت خداوند از روی آیات و نشانه‌های خداوند که بارزترین آنها همین موجودات است و مخلوقات از کوچکترین ذره گرفته تا آسمان‌ها و کهکشان‌های بی‌انتهای آسمان‌ها (ژری، ۱۳۷۹؛ ص ۶۱).

۵- آغاز و پایان زندگی بشر با درختان همراه است

درخت، درختکاری و سرسبزی واژه‌هایی هستند که از ابتدای آفرینش انسان همواره در مسائل دینی مطرح بوده و باغ‌های بهشت اولین محل زندگی آغازین انسان یعنی حضرت آدم و حوا (علیهما السلام) بوده است و به‌عنوان محل پایانی مومنین در عالم تکوین مورد توجه خداوند متعال قرار گرفته، بنابراین بشر با طبیعت انس خاصی دارد در دنیایی که محل زندگی موقت و گذرای آدمی است درخت و منابع طبیعی از اهمیت خاصی در زندگی بشر برخوردار است در واقع کشاورزی اولین شغل و صنعتی است که انسان بعد از هبوط بر روی زمین از طریق هدایت باطنی فراگرفته و به‌کار برده تا زمین را آباد و مایحتاج خود را از آن به‌دست آورد در حقیقت نماد آبادانی زمین مراتع، باغ‌ها، جنگل‌ها و مزارع می‌باشند. قرآن کریم در این زمینه در سوره طه آیه ۵۳ می‌فرماید: همان خدایی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راه‌های را در آن ایجاد نمود و از آسمان آبی فرستاد که انواع گوناگون گیاهان را از خاک تیره برآورد. در آیه ۹۹ سوره مبارکه انعام همچنین می‌فرماید: او کسی است که از آسمان آبی نازل کردیم و به‌وسیله آن گیاهان گوناگون رویاندیم و از آن ساقه‌ها و شاخه‌های سبز خارج ساختیم واز آن دانه‌های متراکم و شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم و باغ‌هایی از انواع زیتون و انجیر و انار و گاهی شبیه به یکدیگر و گاهی بی‌شبهت. هنگامی که میوه می‌دهد به میوه آن



مرگش خواهد دید بدین معنی که صدقه جاریه‌ای است که ثوابش بعد از مرگ بدو خواهد رسید. درختکاری آن قدر مهم است که شیخ صدوق در کتاب خصال از قول پیامبر فرموده‌اند: اگر قیامت نیز برپا شود و در دست شما نهال و هسته‌ای باشد اگر توانستی بکاری درنگ نکن و آن را انجام بده (گلشنی، ۱۳۶۹؛ ص ۵۲). هنگامی که از پیامبر پرسیده می‌شود کدام مال برتر است می‌فرمایند: بالاترین مال زراعتی است که صاحبش می‌کارد و از آن مراقبت می‌کند و حق آن را روز جمع‌آوری محصول می‌پردازد که بهترین مالی است که خمس و زکات آن موقع جمع‌آوری محصول پرداخته بشود و حق فقرا و ایتم هم در آن در نظر گرفته شود. همچنین محمد بن عطیه می‌گوید از امام صادق (ع) شنیدم: خداوند در میان شغل‌ها برای انبیا کار کشاورزی و دامپروری را برگزید تا از یک قطره اسمانی ناخشنود نباشند. همچنین حضرت علی (ع) فرمود: هرکس آب و خاک پیدا کند و با آنها نیازمند و فقیر بماند خدا او را از خود می‌راند. یعنی اگر از راه‌های دیگر فردی نتواند اقتصاد خود را تامین نماید اگر بتواند از طریق کشاورزی معاش خود را تامین نماید می‌بایست بهای مسئله اهتمام ورزد. شخصی از حضرت صادق پرسید: برخی از مردم معتقدند کشاوری کار ناپسندی است و این کار را برای خود عار می‌دانند. حضرت در پاسخ فرمودند: زراعت و کشاورزی کنید به خدا قسم هیچ عملی حلال‌تر و پاک‌تر از آن نیست سپس ادامه دادند: به خدا قسم پس از خروج دجال در عصر ظهور مهدی موعود (ع) کشاورزی و زراعت رونق پیدا خواهد کرد. بخش مهمی از دستورات راهبردی و اساسی مقام معظم رهبری در اقتصاد مقاومتی توصیه به تکیه بر کشاورزی و رونق دادن و حمایت از آن و جلوگیری از واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی

استفاده در انواع نجاری و ... آفریده شده است. شما در فلسفه گیاهان بیابانی و دشتی شک دارید و با خود می‌اندیشید که بیهوده آفریده شده‌اند در حالی که آنها غذای حیوانات است و برای معالجه بسیاری از بیماری‌ها بسیار سودمند است. در واقع حضرت صادق (ع) در این روایت معروف، مومنین را به تفکر در خصوص چپستی و اهمیت جایگاه گیاهان دعوت می‌نمایند تا مردم به عظمت گیاهان و درختان به‌عنوان یکی از سودمندترین خلقت‌های الهی پی‌ببرند (اتجاهات التفسیر، ج ۲، ص ۶۵۰).

۸- جایگاه کشاورزی و مقام کشاورز در اسلام
در قرآن کریم بر این مطلب تصریح شده که کار و فعالیت کشاورزی وظیفه انسان است و رشد و نمو و پرورش آن به‌دست خداوند متعال است. در آیه ۶۳ سوره مبارکه واقعه خداوند متعال می‌فرمایند: (آیا شما آن را بدون یاری ما زراعت می‌کنید یا ما هستیم که آن را زراعت می‌نماییم) در تفسیر مجمع‌البیان از پیامبر مکرم اسلام (ص) نقل شده که ایشان فرمودند: هیچ‌کس از شما نگوید که من زراعت کردم بلکه بگوید من کاشتم. پیامبر اکرم (ص) از درختکاری به‌عنوان صدقه جاریه و مستمر یاد کردند و در مستدرک الوسائل جلد ۱۳ ص ۴۶۰ فرمودند: مسلمانی نیست که درختی بکارد یا زراعتی انجام بدهد که انسان یا پرند یا چارپایانی از آن تغذیه کنند مگر آنکه برای او صدقه‌ای شمرده شود. ابو ایوب انصاری از پیامبر نقل کرده که حضرت فرمود: هرکس نهالی بکارد تا میوه دهد خداوند به‌همان میزان که میوه می‌دهد به او ثواب خواهد داد. همچنین پیامبر فرمودند: هرکس بدون ستم و تجاوز درختی بکارد تا زمانی که بندگان خدا از آن استفاده می‌کنند برای او پاداش و ثواب نوشته می‌شود. امام صادق (ع) درختکاری را از جمله اعمالی دانسته‌اند که مومن فایده آن را پس از



را از اینگونه فعالیت‌ها نهی نموده‌اند حتی در روایات هم اهل بیت (علیهم‌السلام) قطع نمودن درختان را موجب نزول عذاب الهی دانسته‌اند. امام صادق (ع) فرموده‌اند (هرگز درختان را قطع نکنید که خداوند عذاب شدیدی بر شما نازل خواهد کرد) در برخی از روایات آمده قطع کردن درختان و نابودی محیط زیست و طبیعت به دست آدمی غضب خداوند را به همراه دارد به طوری که خشکسالی یکی از آثار عذاب الهی در این باره است. شاید در زمان امام صادق مردم از شنیدن چنین روایاتی شگفت‌زده می‌شدند و به درستی امروز اهمیت عظمت و جایگاه درختان را در زندگی درک نمی‌کردند، امروزه که نقش درختان در تلطیف هوا و کاهش آلودگی و کاهش سیلاب‌ها، ایجاد نشاط روحی و آرامش و بسیاری از دیگر فواید شناخته شده است و از آن سو آثار مخرب قطع درختان و نابودی محیط زیست به لحاظ علمی ثابت شده است نقش حیاتی و زیست محیطی تأکیدات صادق آل محمد (ع) به خوبی روشن می‌شود جالب است بدانیم در سیره و روش بزرگان دین علاوه بر مبارزه با قطع درختان در صورت لزوم اگر درختی قطع می‌شد خود را ملزم می‌نمودند به جای آن درخت دیگری بکارند. بنابراین با توجه به آموزه‌ها و روایات دینی اگر مسئولین مجبور به قطع درختانی می‌شوند حتماً به همان تعداد در جای دیگری درخت بکارند تا مورد خشم و غضب الهی قرار نگیرند (بهشتی، شناخت اسلام، ص ۴۰). یکی از زیبایی‌های دین مبین اسلام، کامل بودن آن است. به تعبیر دیگر، در این دین هیچ چیز ارزشمندی نادیده گرفته نشده و از قلم نیفتاده و هر چیز به میزان اهمیت آن مورد امر یا نهی قرار گرفته است. یکی از نعمت‌های الهی که در قرآن کریم بسیار بر آن تأکید شده است، درخت است. گرچه در نظر نخست، درخت، موضوع قابل توجه

برای حمایت از کشاورزی داخلی است که متأسفانه دولت‌های مختلف به این مهم اهتمام کافی نداشته‌اند. امام باقر (ع) در روایتی فرموده‌اند: (بالاترین کارها زراعتی است که کشاورز می‌کند و همه از آن منتفع می‌شوند) در تفسیر عیاشی جلد ۲ در ذیل آیه (و علی‌الله فلیتوکل المومنون) از امام صادق (ع) نقل شده حضرت مصداق این آیه را کشاورزان دانسته‌اند. یعنی کسانی که بر خدا توکل می‌کنند کشاورزان هستند. همچنین یزید بن هارون می‌گوید از امام صادق شنیدم حضرت فرمودند: کشاورزان گنج‌های جامعه هستند طبیعتی را زراعت می‌کنند که خداوند آن‌را از دل خاک بیرون می‌آورد و خداوند در روز قیامت نیکوترین جایگاه را از بین مردم خواهند داشت و آنها به نام مبارک فرا خوانده می‌شوند یعنی وجود کشاورزان خود مظهر برکت و مبارکی است. همچنین امام صادق (ع) فرموده‌اند: کیمیای بزرگ کشاورزی است (طباطبایی، قرآن در اسلام، ص ۲۵).

۹- قطع درختان عذاب الهی را نازل می‌کند

مقام معظم رهبری با علمی که به روایات و آیات قرآن مبنی بر اهمیت درخت و درختکاری دارند هر ساله با اهتمام به مسئله درختکاری و افزایش فضای سبز و کاشت درخت به دستان خود اهمیت این مسئله را به مسئولان متذکر می‌شوند. آنچه امروزه بیش از پیش مهم است و می‌بایست مورد توجه دست‌اندرکاران قرار بگیرد و بیش از هر مسئله‌ای محیط زیست را با خطر مواجه کرده قطع درختان و از بین بردن مراتع و جنگل‌ها است که متأسفانه جدای از مطامع سوداگران و قاچاقچیان که موجب نابودی جنگل‌ها و درختان می‌شوند برخی از ادارات و نهادهای دولتی و مسئولین وزارتخانه‌ها برای ساخت و سازهایشان اولین راه را قطع درختان می‌دانند که مقام معظم رهبری همواره مسئولین



زیست انسانی هر دین‌پژوه را به مطالعه عمیق متون دینی جهت دریافت موضع دین در این زمینه فرا می‌خواند. قرآن کریم مهمترین منبع شناخت موضع دین اسلام در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی است قرآن-پژوهی که مسأله محیط زیست طبیعی و انسانی را به آموزه‌های قرآن کریم عرضه می‌دارد به دنبال دستیابی به دیدگاه آن کتاب الهی در زمینه توصیف محیط زیست و باید و نبایدها در مناسبات انسان‌ها با آن است (موسوی، ۱۳۹۱؛ ص ۷۸).

۱۱- مبادی تصویری و تصدیقی

مفهوم محیط زیست از علوم طبیعی نشأت می‌گیرد یا از علوم معماری و شهرسازی ناشی می‌شود محیط زیست به مفهوم نخست آن مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی و تعادل بین عناصر مؤثر در طبیعت است که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران را تضمین می‌نماید. و محیط زیست به مفهوم دوم رابطه و تعاملی است که بین تأسیسات و محیطی که در آن ایجاد می‌شود وجود دارد. بنابراین محیط زیست برای خاک، آب و هوا (منابع طبیعی) و انواع حیوانات و گیاهان و تعادل بیولوژیک بین آنها (طبیعت) شهر و مناظر آن به کار می‌رود. اکولوژی دانشی است که به مطالعه انواع جانداران - گیاهان و حیوانات در محیط طبیعی آنها می‌پردازد و بنابراین مراد از تعادل اکولوژیک شرایط و مناسباتی است که در طبیعت شکل می‌گیرد و حیات گیاهان، حیوانات و انسان‌ها را تضمین می‌نماید و امکان حداکثر بهره‌مندی آنها را فراهم می‌آورد. امروزه دو مفهوم اکولوژی و محیط زیست به نحوی به هم تقریب یافته‌اند به نحوی که اکولوژیست‌ها به مهمترین قشر دفاع از محیط زیست تبدیل شده‌اند و آنها یکی از رسالت‌های مهم خود را حفظ تعادل مناسبات محیط زیست

و دقت نظری نیست که یک دین جاویدان در عصر جاهلیت بر اهمیت آن تأکید ورزد، اما دقت فزون‌تر نشان می‌دهد که این نعمت الهی، یکی از زیباترین مظاهر خلقت و جلوه‌ای از تجلیات آفریدگار عالم است. درخت از گرانبهاترین آفریده‌های خداوند دانا برای انسان است و به دلیل نقش حیاتی که در زندگی تمامی موجودات زنده، به خصوص انسان‌ها دارا می‌باشد در اسلام مورد توجه خاص قرار گرفته است. در جمهوری اسلامی ایران از ۱۵ تا ۲۲ اسفند هفته منابع طبیعی نام‌گذاری شده است با توجه به اهمیت لزوم فضای سبز و حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست در گفتگویی با حجت‌الاسلام و المسمین دکتر جواد نصرالله‌پور کارشناس و محقق دینی اهمیت درختکاری و توجه به محیط زیست را از منظر اسلام و دیدگاه معصومین (ع) مورد بررسی قرار دادیم (ساجدی، تاریخچه مکاتب تفسیری و هرمنوتیکی کتاب مقدس، ص ۲۹۸).

۱۰- محیط زیست و حقوق آن از منظر قرآن

کریم

قرآن کریم در آموزه‌های خود بر مصونیت طبیعت و منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هرگونه تجاوز و تعدی تأکید ورزیده است و تجاوز و تعدی به طبیعت را افساد در زمین و موجب عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی دانسته است. محیط زیست طبیعی که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران در آن شکل گرفته و استمرار می‌یابد از چنان اهمیتی برخوردار است که به‌عنوان مهمترین موضوع زیستی انسان و دیگر موجودات زنده مورد توجه قرار گرفته است از طرف دیگر تمدن صنعتی ناشی از تأسیسات و بناها و مکان‌ها و محل زندگی انسان‌ها و تمدن مدنی مربوط به مناسبات اجتماعی انسان‌ها و تأثیر متقابل محیط زیست طبیعی با محیط



۱۲- مفاهیم اساسی قرآنی و آموزه‌های اخلاقی و حقوقی آن در زمینه محیط زیست

قرآن کریم مهمترین و کاملترین کتاب الهی متضمن واژگان کلیدی است که در شناسایی محیط زیست و عناصر شکل‌دهنده آن و ارشادات اخلاقی و الزامات حقوقی مربوط به آن مؤثر می‌افتاد واژه‌های خلقت، رحمت، آیه، خلافت، مالکیت از جمله کلماتی هستند که موضع قرآن کریم در این زمینه را به دست می‌دهند. مبدأ پیدایش آفرینش خداوند متعال است. قرآن کریم حمد و ستایش را مخصوص خداوندی دانسته است که خالق آسمان‌ها و زمین است. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ...» (انعام/۱) خالقی که هر چه آفرید نیک آفرید «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (سجده/ ۷) بنابراین پدیده‌ها و آفریده‌ها از حسن و زیبایی آفرینشی برخوردارند. زیبایی و حسن آفرینشی موجودات ناشی از آن است که آنها در بستر عدالت آفریده شده‌اند چنانکه رسول اکرم (ص) فرمود: «بالعدل قامت السموات والأرض» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵، ج ۴، ص ۱۰۳، ح ۱۵۰) و اصولاً عدل ترازوی خداوند در امر آفرینش است. «وَ السَّمَاءَ رَفَعَهَا وَ وَضَعَ الْمِيزَانَ» (الرحمن/ ۹) و خلقت بر اساس حق که ملازم عدل است شکل گرفته است «مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ...» (احقاف/ ۳) لذا خداوند بر اساس حق و عدالت هر موجودی که شایستگی آنرا داشت بهره‌مند ساخت و آن را در مسیر تکاملی خود هدایت فرمود «رَبَّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى» (طه/ ۵۰) بدین جهت آفرینش هستی و طبیعت قابل ستایش است. براساس آیات قرآن کریم همه موجودات آفرینش از رحمت الهی بهره‌مندند. «وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ» (اعراف/ ۱۵۶)، «رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا» (غافر/ ۷) در متون دینی بر فراگیری رحمت

می‌دانند. محیط زیست به معنای اعم آن از چنان گستره‌ای برخوردار است که علاوه بر عناصر طبیعت و تعادل آن، مسأله کیفیت زندگی انسان را شامل می‌شود، انسان با استعداد و قدرت مستخرسازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، کار و تفریح، محیط زیستی را برای خویش سامان ببخشد که ضمن بهره‌مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی و معنوی را پدید آورد که شکل‌دهنده بعد انسانی محیط زیست است و شایسته است از آن به بعد معنوی محیط زیست یاد شود (غلامی، ۱۳۸۴، ص ۵۶). حقوق محیط زیست، شاخه‌ای از علم حقوق است که به مطالعه قواعد حقوقی موجود در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی می‌پردازد، که یکی از اهداف آن حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت در رابطه با فعالیت‌های انسان است. بنابراین حقوق محیط زیست فعالیت‌های انسانها را بر روی عناصر و محیط‌های طبیعی تعریف و سازمان می‌بخشد و کیفیت زندگی بهتر را تضمین می‌نماید. اخلاق محیط زیست، مشتمل بر مجموعه‌ای از گزاره‌های اخلاقی و بایسته‌های ارشادی در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی است که یکی از اهداف آن ایجاد رابطه معنوی با طبیعت و محیط زیست انسانی و بهبود ضمانت اجرایی قواعد شناسایی شده در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی در وجدان انسان‌هاست. قرآن کریم سند نهایی وحی مشتمل بر گزاره‌هایی توصیفی از طبیعت و دستوری نسبت به رابطه انسان با طبیعت است که از مجموع آنها می‌توان به قواعد اخلاقی و حقوقی مورد نظر قرآن در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی دست یافت (حبنکه الميدانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۲).



است. «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل / ۶۷) لذا در جهان‌شناسی قرآن کریم، طبیعت و محیط زیست از مصادیق آیات الهی است. طبیعت تجلیگاه خداوند متعال است که انسان در جای جای آن حضور الهی را دریافت می‌کند. «وَ أَيْنَمَا تَوَلَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ» (بقره / ۱۱۵) قرآن کریم از آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، ابر، باران، جریان باد، حرکت کشتی‌ها در دریاها، گیاهان، حیوانات و بالاخره هر امر محسوس را که بشر در اطراف خود می‌بیند به‌عنوان موضوعاتی که درباره آن باید اندیشید و تفکر کرد یاد نموده است (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۷۰). چنانکه خداوند انسان را به دقت و مطالعه در آسمان‌ها و زمین فرا می‌خواند «قُلْ انظروا ماذا فی السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ» (یونس / ۱۰۱). در قرآن کریم، خداوند انسان را خلیفه خویش در زمین معرفی نموده است. «انّی جاعل فی الأرض خلیفه» (بقره / ۳۰) و سر آن را علم اسمائی دانسته است که به آدمیان آموخته است. «علّم آدم الاسماء کلّها...» (بقره / ۳۱) در تفسیر قمی در زمینه مراد از اسماء در آیه شریفه «و علم آدم الاسماء کلّها...» آمده است که امام (ع) فرمود: «اسامی کوه‌ها، دریاها، دواها، گیاهان و حیوانات است». ۳. (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۵) و مرحوم علامه طباطبایی در المیزان فی تفسیر القرآن روایتی را به نقل از داوود بن سرحان عطار نقل می‌کند که اظهار داشت محضر امام صادق (ع) بودم دستور داد سفره آوردند، و ما غذا خوردیم، سپس دستور فرمود طشت و دست‌ستان (لگن، حوله) آنرا، آوردند. عرضه داشتم: فدایت شوم منظور از اسماء در آیه «و علم آدم الاسماء» الخ چیست؟ آیا همین طشت و دست‌ستان نیز از آن اسماء است؟ حضرت فرمود: دره‌ها و تنگه‌ها و بیابان‌ها از آن است و با دست خود اشاره به

خداوند بر همه اشیاء تأکید شده است «اللّهم انّی اسئلك برحمتک الّتی وسعت کلّ شیء» ۱ و از مهمترین ویژگی این رحمت تقدم آن بر غضب الهی است. رحمت او بر غضبش تقدم دارد. «یا من سبقت رحمته غضبه». ۲. لذا رحمت سابقه الهی یک جریان فراگیر و ثابت است بدین جهت می‌توان گفت که در نظام آفرینش و طبیعت، رحمت اصالت دارد. (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۲۴۶) یکی از جلوه‌های رحمت الهی نمود تطهیر طبیعت است. دستگاه آفرینش دارای ویژگی تطهیر است در طبیعت شواهدی بر نهادینه بودن این خصیصه مشهود است مثلاً اینکه دریاها و گیاهان گاز انیدرید کربنیک هوا را می‌گیرند و جو را تصفیه می‌کنند اگر هوا بوسیله پالایشگاه نهادینه شده در دل محیط زیست پالایش نمی‌شد جو زمین در مدت کوتاهی صلاحیت زیستگاهی خود را از دست می‌داد زیرا تنفس در آن غیرممکن می‌گشت و تجزیه لاشه‌های حیواناتی که می‌میرند و تجزیه زوئادی که از موجودات زنده دفع می‌گردد یک نمونه دیگر از پالایش و تطهیر طبیعت و محیط زیست است غلبه رحمت خداوند در نظام طبیعت و محیط زیست پشتوانه اصالت سلامت و پاکیزگی در آن است. قرآن کریم آسمان‌ها و زمین را آیه عظمت خداوند می‌داند. «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» (عنکبوت/۴۴) «وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ اخْتَلَفَ الْأَلْسِنَتِكُمْ وَ الْأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم/ ۲۲) خداوند روییدن گیاهان را در زمین آیه‌ای از خود دانسته است «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَ مَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۷ و ۸) و زندگی زنبور عسل و بهره‌گیری از شهد گل‌ها برای تولید عسل مشتمل بر آیه و نشانه برای اهل تفکر تلقی شده



است الهی که به‌دست انسان سپرده شده و برای استفاده متعادل از آنها پدید آمده است. از این روی انسان مسئول حفظ طبیعت است (نصر، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴). پیامبر اکرم (ص) بر حرمت نهادن بر زمین تأکید می‌ورزد و آن را به‌منزلهٔ مادری که انسان از آن ارتزاق می‌نماید معرفی می‌نماید که از اعمال نیک و بد انسان خبر می‌دهد «تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٌ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مُخْبِرَةٌ بِهِ» (نَهْجُ الْفَصَاحَةِ، ص ۲۲۶) از جمله اموری که زمین از آن خبر خواهد داد کیفیت بهره‌وری و حفاظت انسان از عناصر و منابع آن است. قانونگذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبی اکرم (ص) در اصل پنجاهم در زمینهٔ حفظ محیط زیست مقرر نموده است: «در جمهوری اسلامی حفظ محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند وظیفهٔ عمومی تلقی می‌گردد از این‌رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است. براساس آموزه‌های قرآن کریم طبیعت در تسخیر انسان است. راغب اصفهانی در مفردات، تسخیر را به‌معنای حرکت دادن و راندن قهری به‌سوی هدف معین دانسته است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۶، ص ۲۳۲) و طبرسی در مجمع‌البیان آن را به رام کردن معنی کرده است در قرآن کریم آیات فراوانی از تسخیر موجودات طبیعی برای انسان حکایت دارد یعنی موجودات طبیعی برای هدف بهره‌وری انسان رام شده‌اند چنانکه می‌فرماید: «خداوند نهرها را مسخر شما ساخت» (ابراهیم/ ۳۲) و «کشتی را مسخر شما ساخت» (ابراهیم/ ۳۳) و «شب و روز را برای شما تسخیر کرد» (نحل/ ۱۲) «خورشید و ماه را مسخر شما

پستی‌ها و بلندی‌ها کرد» (طباطبایی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۱۲۰). بنابراین خداوند با نهادینه‌سازی ظرفیت علمی برای انسان در سلطه بر طبیعت و زمین او را خلیفه خویش در آن قرار داده است تا به آبادانی و عمران آن همت گمارد «و استعمارکم فیها» (هود/ ۶۱) و او را به بهره‌گیری از مواهب و فضل خود در زمین فرا خوانده است. «وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» (جمعه/ ۱۰)، تا به اطراف و اکناف آن قدم بردارد و از روزی آن بهره جوید «هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَامْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَالِيهِ النُّشُورُ» (ملک/ ۱۵). لذا انسان جانشین و خلیفه خداوند در استعمار، عمران و آبادانی زمین است جانشینی و خلافت ایجاب می‌نماید که او امانت زمین را به نیکویی حفظ نموده و آن را از هرگونه تخریب و فساد مصون نگه دارد و با دانش و علم نسبت به بهره‌وری و عمران زمین بکوشد و فضای زیست محیطی موجودات دیگر را تضمین نماید و امکان بهره‌وری همه‌گانی و همیشگی را برای همهٔ موجودات در زمین فراهم آورد. ذکر خداوند متعال و یادآوری خلافت و جانشینی او در زمین و درک محیط بودن آن ذات مقدس بر همه چیز «... وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُحِيطًا» (نساء/ ۱۲۶) رمز بهره‌وری از طبیعت با حفظ تعادل زیستی آن است. تنها انسان‌های عالم به سنت‌های حاکم بر طبیعت و پایبند به تعهدات خویش در خلافت از آلوده‌سازی طبیعت و بهره‌وری نادرست از آن اجتناب می‌ورزند و تمامی همت خویش را در حفظ تعادل محیط زیست به‌کار می‌گیرند. همان‌گونه که خداوند حفیظ طبیعت و همهٔ موجودات آن است «إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيفٌ» (هود/ ۵۷) خلیفهٔ او نیز باید منابع و مواهب طبیعی اعم از گیاهان، حیوانات و ... را از نابودی، تخریب، تلف‌شدن حفظ نماید. به تعبیر دیگر زمین، آب، آسمان و همهٔ طبیعت ودیعه‌ای



انسان منافات دارد زیرا این ظرفیت علمی برای شکوفایی طبیعت و توسعه حداکثری آن پیش‌بینی شده است. امام علی (ع) بکارگیری استعداد تسخیرکنندگی را براساس پارسایی دانسته است که آدمی باید حقوق محل زیست و موجودات زنده آن را رعایت کند. «قال علی (ع): «تقوا الله فی عبادته و بلاده فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم»». (خطبه ۱۶۶، ص ۳۸۲) قرآن کریم ضمن شناسایی حق تسخیر دریا، نهرها، خورشید، ماه، شب و روز برای انسان و یادآوری تکثر و تنوع نعمت‌های خویش که غیرقابل شمارش هستند انسان را موجودی ظلوم و کفار یعنی ستمگر و ناسپاس معرفی نموده است «وَأَتَاكُم مِّن كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّ نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ الْإِنسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ» (ابراهیم/۳۴) این توصیف از تجاوز انسان به منابع نعمت‌های طبیعی و استفاده نادرست استعداد تسخیر طبیعت و نادیده گرفتن سنت‌های الهی در تسخیر طبیعت حکایت دارد. بدون تردید تصرفی که ستمگرانه و ناسپاسانه باشد از مصادیق برجسته منکر تلقی می‌گردد زیرا قرآن کریم برای واژه منکر چنان شمول و گستره‌ای قائل است که بر تجاوز و اعتداء به نعمت طبیعت نیز صدق می‌نماید همان‌گونه که برای واژه معروف چنان فراگیری قائل است که عمران و آبادانی زمین، حفظ و توسعه محیط زیست از موارد و مصادیق آن به‌شمار می‌آید. بدیهی است امت و جامعه اسلامی که قرآن مهمترین مشخصه آن را امر به معروف و نهی از منکر دانسته است «کنتم خیر أُمَّةٍ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (آل عمران/ ۱۱۰) با نهادینه‌سازی فرهنگ امر به حفظ محیط زیست و نهی از تخریب آن، پرچم‌دار نهضت حفظ محیط زیست و توسعه آن در سطح جهان خواهد بود و کارگزاران حکومت اسلامی نیز از اقتدار خویش

ساخت» (ابراهیم/ ۳۳) «دریا را به تسخیر شما درآورد تا از گوشت تازه آن استفاده کنید» (نحل/ ۱۴) قرآن کریم در آیاتی بر تسخیر همه موجودات در زمین تأکید دارد «آیا نمی‌بینی خداوند همه آنچه را روی زمین است مسخر شما گردانید» (حج/ ۶۵) و درنهایت خداوند از تسخیر هرآنچه که در زمین و آسمان است برای انسان خبر می‌دهد «خداوند آنچه در زمین و آسمان است مسخر شما ساخت» (جاثیه/ ۱۳) «و مسخر ما فی السموات و ما فی الأرض جمیعاً منه» برخی از مفسران بر این باورند همه موجودات مسخر فرمان خدا در طریق سود انسان‌ها هستند خواه مسخر فرمان انسان باشند یا نه و به این ترتیب «لام» در «لکم» به اصطلاح «لام» منفعت است (ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۶۲، ج ۱۷، ص ۶۴) برخی دیگر در ذیل آیه شریفه «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِی السَّمَوَاتِ وَ مَّا فِی الْأَرْضِ...» بر این باورند که «لام» در «لکم» برای تعلیل غایی است یعنی هدف از تسخیر، بهره‌وری انسان از آسمان‌ها و زمین است (علامه طباطبایی، ۱۴۰۵، ج ۱۶، ص ۲۲۹). یکی از جلوه‌های تسخیر موجودات آسمان‌ها و زمین برای انسان، تسخیر علمی آنهاست یعنی آدمی از چنان ظرفیت و استعداد علمی برخوردار است که می‌تواند به سنت‌ها و قوانین حاکم بر موجودات طبیعی و نباتی و حیوانات علم پیدا کند ضمن شناخت ویژگی‌های جمادی، نباتی و حیوانی آنها به حفظ موجودیت هریک تدبیر و نسبت به توسعه حیات موجودات زنده با روش‌های علمی اقدام نماید متأسفانه بشر با سوء استفاده از ظرفیت علمی خود با ساخت و به‌کارگیری بمب‌های اتمی و شیمیایی حیات زیستی و ساختمان آفرینشی موجودات زنده را به شدت آسیب می‌رساند این نحوه رفتار با موجودات زنده با هدف تسخیر موجودات برای



قالب «دین» ارایه و تبیین شده است (جوادی آملی، بی تا، ص ۱۷۲) لذا تصرف در طبیعت و محیط زیست در چارچوب آموزه‌های اخلاقی و حقوقی دین مشروع و جایز می‌باشد تصرفات زیان‌باری که به آفریده و نظام آفرینش آنها آسیب می‌رساند ظلم و در نتیجه حرام است و مرتکب آن مستوجب عقاب الهی است زیرا خداوند ظلم نسبت به هیچ موجودی را بر نمی‌تابد «و ما الله یُریدُ ظُلْمًا للعالمین» (آل عمران/ ۱۰۸) طبیعت و آنچه در آن است از مصادیق نعمت‌های الهی برای بشر است. «و ما بکم من نعمه فمن الله» (نحل/ ۵۳) خداوند نعمت را در اختیار انسان قرار داده است تا شکرگزار باشد یعنی از آن به‌نحو مطلوب استفاده نماید در صورتیکه از آن به‌نحو مطلوب استفاده نماید زیادت نعمت به‌شکل تداوم آن نعمت یا اختصاص نعمت دیگر به‌عنوان پاداش عملکرد صحیح خویش در بهره‌وری از نعمت بهره‌مند می‌گردد «إن شکرتم لأزیدنکم» (ابراهیم/ ۷) ولی اگر با بهره‌برداری خود، طبیعت و محیط زیست را آلوده و تخریب نماید او نسبت به نعمت بزرگ طبیعت کفر ورزیده و مستحق عقاب دنیوی محرومیت از این نعمت و موهبت الهی می‌شود «و لئن کفرتم إنَّ عذابی لشدید» (ابراهیم/ ۷) محرومیت از نعمت‌های الهی در حقیقت ناشی از ویژگی‌های درونی مانند حرص و طمع‌ورزی و نادیده گرفتن سنت‌ها و پیمان‌های الهی است «ذلک بأنَّ الله لم یک مُغیراً نِعْمَه أَنْعَمَها علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» (أنفال/ ۵۲) لذا بحران محیط زیست ریشه در انسان‌ها یعنی بحران اخلاقی و درونی آنها و عملکرد نامشروع آنها نسبت به طبیعت و دیگر نعمت‌های الهی دارد. «فکفرت بانعم الله فأذاقها الله لبأس الجوع و الخوف بما كانوا یصنعون» (نحل/ ۱۱۲) در مقابل رعایت حدود و سنت‌های الهی و پایبندی به

در جهت توسعه مصروف توسعه محیط زیست و مقابله با منکر تخریب آن بهره خواهد جست. «الذین ان مکنهم فی الأرض أقاموا الصلاه و أتوا الزکاه و أمروا بالمعروف و نهوا عن المنکر و لله عاقبه الامور» (حج/ ۴۱). مالکیت حقیقی همه موجودات آفرینش از جمله انسان و طبیعت از آن خداوند متعال است «و لله مُلکُ السموات و الأرض و الله علی کل شیء قَدیر» (آل عمران/ ۱۸۹) و «له ما فی السموات و الارض کُل له قانتون» (بقره / ۱۱۶) مالکیت حقیقی خداوند قابل واگذاری به انسان نیست. «و لَمْ یکنْ له شَرِیکٌ فی الملک...» (اسراء/ ۱۱۱) لذا انسان نمی‌تواند نسبت به پدیده‌های طبیعی احساس مالکیتی حقیقی نماید و هرگونه تصرف از جمله تصرف زیان‌بار را در آن داشته باشد. آنچه که در اختیار انسان با مالکیت اعتباری قرار گرفته است در حقیقت امانت الهی است و انسان امانتدار مملوک خداوند است «أمنوا بالله و رسوله و انفقوا مما جعلکم مستخلفین فیهِ ...» (حدید/ ۷) خداوند پس از آنکه انسان را بر جمیع مخلوقات خود برتری داد و کرامت بخشید او را خلیفه خود در زمین قرار داد به‌همین اعتبار او را نسبت به تصرف کردن در اشیاء و موجودات مخلوق خود مأذون ساخت لذا انسان به‌عنوان مالک غیر حقیقی مأذون در حدود اذن خالق در محدوده احکام و مقررات وضع شده از ناحیه خالق شارع حق تصرف دارد. بدین جهت او نمی‌تواند تصرف ناروا در آن داشته باشد. تصرف ناروا چون آلوده ساختن محیط زیست ظلم است. انسان برای برقراری ارتباط با خود، دیگران و دیگر موجودات و اشیاء باید مملوکیت خود و دیگر موجودات عالم را نسبت به خدای سبحان در نظر داشته باشد و برای تحصیل اذن مالک مطلق عالم هستی تلاش کند. اخذ اذن پروردگار، در گرو تبعیت از اوامر و نواهی‌ای است که توسط انبیاء و رسولان الهی در



طبیعی و محیط زیست، به صراحت معین کرده است. انسان، به موجب احکام شرعی، نه تنها موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند و نیازهای بینوایان را برآورد بلکه علاوه بر آن موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید (محمدحسن نجفی، ۱۳۶۵، ج ۲، صص ۶۹ - ۶۶). او نه تنها موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند بلکه باید درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت نماید و از آنان حمایت کند و آشیانه آنان را از تباهی و آلودگی حفظ نماید» (سید مصطفی محقق داماد، ۱۳۷۱، ص ۱۸۲).

۱۳- تجاوز و تعدی به طبیعت افساد در زمین
قرآن کریم از تعادل محیط زیست با واژه موزون یاد می‌نماید زیرا می‌فرماید: «و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های استوار بر نهادیم و در آن از هر چیز متناسب و موزون رویاندیم...» «و الأرض مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ انبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ» (حجر / ۱۹) بدیهی است هرگونه تصرف در طبیعت که موزون و متناسب بودن عناصر و موجودات طبیعت را بهم زند افساد در ارض است قرآن کریم تخریب محیط زیست را افساد در زمین می‌داند. لذا می‌فرماید: «و در زمین از پس اصلاح آن فساد نکنید». «و لا تفسدوا فی الأرض بعد اصلاحها...» (اعراف / ۸۵) رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است بدیهی است نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران است «الذین ینقضون عهدالله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الأرض اولئک هم الخاسرون» (رعد / ۲۵) قرآن کریم، تجاوز به حریم طبیعت و ضایع ساختن و تخریب منابع زیستی را اعتداء دانسته است چنانکه می‌فرماید «ضایع مکنید منابع پاکیزه‌ای که خداوند در اختیار شما قرار داده

اصول زیست محیطی و زیست انسانی بر پایه آموزه‌های آسمانی موجب شکوفایی و طراوت محیط زیست و امکان بهره‌مندی حداکثری از طبیعت می‌شود چنانچه پایداری در مسیر مستقیم سبب بهره‌مندی از آب فراوان می‌شود. «وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن / ۱۶) و ایمان و عمل به دستورات الهی موجب برخورداري از نعمت‌های آسمانی و زمینی می‌شود. «وَ لَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ مَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده / ۶۶) از مجموع گزاره‌های سلبی و ایجابی حداقل باید‌ها و نباید‌های ارشادی و اخلاقی یا احکام تکلیفی استصحاب و کراهت استظهار می‌شود قرآن کریم در برخی از آموزه‌های خود باید و نباید را در کنار هم مطرح نموده است به بهره‌مندی از محصول طبیعت امر نموده و از عدم تعادل در مصرف آن نهی فرموده و اسراف را عامل از دست دادن محبت خداوند دانسته است. «... و کلاوا و اشربوا و لا تسرفوا ان الله لا یحب المسرفین» (اعراف / ۳۱) و آنان را از اهل آتش جهنم معرفی نموده است «وَ أَنْ الْمُسْرِفِينَ هم اصحاب النار». (مؤمن / ۴۳) با تأمل در این دسته از آیات می‌توان قواعد الزامی و حقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت و استفاده ناروای از آن و وجوب حفظ محیط زیست را بدست آورد. از مفاهیمی چون رحمت، آیه، خلافت، تسخیر و نعمت در قرآن کریم دریافتیم که طبیعت و محیط زیست طبیعی میراث خداوند متعال برای موجودات زنده و آدمیان است تا آدمی با رعایت سنت‌های الهی بر حفظ و توسعه آن همت ورزد و آنرا از آلودگی‌ها و تخریب مصون نماید لذا انسان در برابر خداوند، موجودات و بلکه تمامی آفرینش مسئول است. برخی از محققان نوشته‌اند «قوانین الهی شریعت» وظایف انسان‌ها را نسبت به نظم

موجب ایراد زیان به انسان‌ها و موجودات دیگر می‌شود را باید ظلم و حرام به‌شمار آورد و مجازات متناسب و روش‌های جبران خسارت را با روش اجتهادی از ادله و منابع فقه استخراج و ارائه نمود.

۱۴- مبانی حقوق محیط زیست در حقوق اسلامی

قاعده «لاضرر و لاضرار فی الاسلام» (حر عاملی، بی‌تا، ج ۸۵، ص ۴۲۷، کتاب احیاء الموات، باب ۱۲) از بنیادی‌ترین قواعد فقهی است که با پذیرش نقش اثباتی آن در احکام شرعی که برخی از فقیهان بدان اذعان نموده‌اند می‌توان به جبران خسارت ناشی از تجاوز به سرمایه‌های زیست محیطی بدان استناد نمود زیرا همانگونه که ایراد زیان به سرمایه‌های مادی و معنوی خصوصی بدون جبران نمی‌ماند ایراد خسارت به مهمترین سرمایه طبیعی بشر چگونه می‌تواند نادیده گرفته شود منطبق حقوق اسلامی به ما می‌آموزد تا با قیاس اولویت به‌ضرورت جبران خسارت ناشی از تجاوز به حقوق محیط زیست حکم نماییم. حتی در صورت تعارض قاعده لا ضرر با قاعده سلطنت «الناس مسلطون علی اموالهم» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۷۳، ح ۷) قاعده لا ضرر به‌جهت تقدّم حقوق جامعه و حقوق نوعی بشر بر حق فرد بر قاعده سلطنت رجحان دارد. و به اصطلاح حقوق اسلامی قاعده لا ضرر دایره سلطه مالک در تصرفات مضر بر محیط زیست را تخصیص می‌زند. یکی دیگر از قواعد فقهی که در صورت پذیرفتن نقش اثباتی آن در احکام شرعی می‌تواند در زمینه جبران خسارت ناشی از تجاوز به محیط زیست مورد استفاده قرارگیرد قاعده نفی عسر و حرج است زیرا عسر و حرجی که از به‌هم‌خوردن تعادل اکولوژیک طبیعت برای موجودات زنده و بشر پدید می‌آید چه بسیار مهمتر از عسر و حرجی

است و تجاوز نکنید از حدود خویش، چراکه متجاوزین مشمول محبت خداوند نخواهند بود». (مائده/ ۸۶) برخی از محققان از آیه شریفه نتیجه گرفته‌اند که از نظر قرآن بشری که از طریق فساد و تباهی و تجاوز از حدود و مرزها، پیمان الهی را بشکنند و رابطه با خدا را از هم بگسلد و تعادل میان محیط با محاط را برهم‌زند از شمول رحمت، محبت و رأفت الهی دور می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۷۱، ص ۲۷۹). قرآن کریم ضمن شناسایی حق بهره‌مندی از ارزاق نهفته در زمین از سرکشی در بهره‌وری از آن نهی نموده است. «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوِيَ» (طه/ ۸۱). با امعان نظر در نهی از طغیان در بهره‌وری از رزق الهی می‌توان ممنوعیت و حرمت تخریب محیط زیست و از بین بردن زمینه استفاده دیگران را استظهار نمود بدیهی است کسی که با طغیان خود رزق الهی برای بشر را تخریب نماید مشمول غضب خداوند می‌گردد. و غضب خداوند موجب سقوط او خواهد شد. از لسان قرآن کریم در برخورد با متجاوزان به منابع رزق درمی‌یابیم که تجاوز به حریم طبیعت و منابع زیستی آن گناه و جرمی است که خشم و غضب خداوند و سقوط انسان را به‌همراه دارد. لذا می‌توان مجازات متناسب با آنرا باستناد قواعد حقوقی کیفری اسلامی شناسایی و مقرر نمود. برخی از نویسندگان در این زمینه نوشته‌اند «آیات قرآن کریم و اخبار وارده از معصومین علیهم السلام، آشکارا اهمیت طبیعت و لزوم حمایت از آن و ضرورت «پاسخ دادن» همه جانبه کیفری و غیر آن را بیان کرده است. (ناصر قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳) بنابراین تخریب محیط زیست، افساد در زمین، ظلم به نوع بشر و موجودات زنده است و از مصادیق برجسته ظلم، اثم و جرم است. آلوده‌سازی آب، خاک، هوا که



محیط زیست قبل از آلودگی و تخریب تلقی می‌شود. بنا بر نظریه مشهور فقیهان در حقوق اسلامی آب‌های عمومی، هوا و خاک و نور آفتاب یعنی عناصر فراگیر طبیعت و محیط زیست از مشترکات تلقی شده است که در قلمرو مالکیت هیچ شخص حقیقی یا حقوقی قرار نمی‌گیرد و همگان حق دارند از آن‌ها به نحو صحیح استفاده نمایند و هیچ‌کس نمی‌تواند با آلوده کردن و سوء استفاده از آن‌ها، زندگی دیگران را به خطر اندازد. پیش‌بینی مشترکات و سلب صلاحیت تملک خصوصی از این دسته از منابع و مواهب، روشی است که می‌تواند به حفظ محیط زیست کمک نماید. خداوند متعال در قرآن کریم به موجودات گوناگون طبیعت سوگند یاد نموده است «والتین و الزیتون و طور سینین» «و الفجر»، «و النجم» «و الطور» «و الضحی» «و الذاریات» «و الشمس و ضحها و القمر إذا تلهها...» این سوگندها بر جایگاه مهم عناصر طبیعت در نزد خداوند حکایت دارد که باید در حفظ این عناصر کوشید و نام‌گذاری سوره‌های قرآن به نام یکی از عناصر طبیعت مانند بقره، رعد، نحل، نور، نمل، عنکبوت، دخان، نجم، جن، فجر، شمس، حدید، لیل، ضحی، قمر، تین، علق، ناس، فلق و بروج بر اهمیت آن عناصر در فرهنگ قرآنی و ضرورت انس با آن‌ها دلالت دارد. چگونه می‌توان عناصر یاد شده را نادیده گرفت و بی‌مهابا به تخریب و آسیب آفریده‌هایی مبادرت ورزید که در نزد خالق و آفریننده از جایگاه ویژه‌ای در آفرینش برخوردارند. تنها غفلت از ذات باری تعالی است که موجب تجاوز و تعدی به این عناصر و بهم زدن مناسبات متعادل محیط زیست می‌گردد. انسانی که به آموزه‌هایی چون منشأ آفرینش موجود زنده آب است «و جعلنا من الماء کل شیء حی» (انبیاء/ ۳۰) ایمان دارد و رویش هر گیاه را به وسیله آب از ناحیه خداوند متعال

باشد که از ناحیه افراد ایراد می‌گردد. بنابراین اگر رفع یا کاهش عسر و حرج با جبران خسارت ممکن باشد متجاوز به حقوق محیط زیست به جبران خسارت آن ملزم می‌گردد. عقل حفاظت از محیط زیست و جبران خسارت ناشی از تجاوز به آن را امری ممدوح و پسندیده می‌شمرد و به ضمیمه قاعده ملازمه هر امری را که عقل بدان حکم نماید شرع نیز بدان حکم می‌کند می‌توان ادعان نمود که شناسایی حقوق محیط زیست و جبران خسارت ناشی از تجاوز به آن از جمله احکام شرع نیز می‌باشد (حداد عادل، دانشنامه جهان اسلام، ۷/ ۶۵۷).

۱۵- نتیجه‌گیری

از منظر قرآن کریم انفال از آن خداوند و رسول مکرّم اوست. «یسئلونک عن الانفال قل الانفال لله و الرسول...» (انفال/ ۱). انفال ثروت‌های طبیعی چون زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نیزارها، بیشه‌های طبیعی، مرتعی که حریم اشخاص نمی‌باشد را شامل می‌شود و در اختیار حکومت اسلامی است تا براساس مصالح عامه نسبت به آنها عمل کند. شناسایی مالکیت امام مسلمین و حکومت اسلامی بر منابع طبیعی مذکور علاوه بر اینکه به تعادل اقتصادی جامعه کمک می‌کند تا حکومت ثروت ناشی از بهره‌وری انفال را در کاهش فاصله طبقاتی، عدالت اقتصادی و اجتماعی به‌کارگیرد در حفظ تعادل زیست محیطی نیز مؤثر است زیرا حکومت با وضع مقررات و اعمال آن‌ها در زمینه منابع طبیعی و موجودات زیست محیطی می‌تواند از تجاوز به حریم طبیعت جلوگیری کند و با برنامه‌ریزی همه‌جانبه به توسعه محیط زیست مبادرت ورزد. لذا طراحی انفال در نظام اقتصادی اسلام برای حکومت اسلامی یک روش بنیادی برای حفظ



می‌داند «و هو الذی انزل من السماء ماءً فاخرجنا به نبات کل شیء» (انعام/ ۶۹) و آن را میراث مشترک انسان‌ها تلقی می‌کند و خلقت آن را مانند پدیده‌های طبیعی دیگر به اندازه معین می‌داند «أنا کل شیء خلقناه بقدر» (قمر/ ۴۹) و رویش گیاهان در زمین را موزون به شمار می‌آورد «و الأرض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا

می‌داند «و هو الذی انزل من السماء ماءً فاخرجنا به نبات کل شیء» (انعام/ ۶۹) و آن را میراث مشترک انسان‌ها تلقی می‌کند و خلقت آن را مانند پدیده‌های طبیعی دیگر به اندازه معین می‌داند «أنا کل شیء خلقناه بقدر» (قمر/ ۴۹) و رویش گیاهان در زمین را موزون به شمار می‌آورد «و الأرض مددناها و القینا فیها رواسی و انبتنا

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار احیاء التراث العربی، بیروت، بی تا، سوم.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین. عوالی اللئالی العزیزیه. قم: دار سید الشهداء للنشر. اول: ۱۴۰۵ ق. ج ۱-۲.
۴. ابوالحب، جلیل (۱۳۸۵). سیمای گیاهان زراعی در قرآن کریم، مجله فرهنگ جهاد. شماره ۴۶. گرفته شده از سایت حوزه.
۵. الالوسی، ابوالفضل شهاب‌الدین انسبه محمود، تفسیر روح المعانی، فی تفسیر القرآن العظیم و السبع، ۳۰ جلد.
۶. الیاسی، شهین (۱۳۹۲) تحقیق علمی گیاهان و جانوران از دیدگاه قرآن. گرفته شده از سایت <http://quran-m.com>
۷. اوبلاکر، دکتر اریک، فیزیک نوین، ترجمه‌ی بهروز بیضائی، تهران، انتشارات قدیانی، ۱۳۷۰ ش.
۸. ایازی، سیدمحمد علی، المفسرون حیاتهم و منهجهم، تهران، نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۹. ایزوتسو، توشیهیکو، خدا و انسان در قرآن، ترجمه احمد آرام، شرکت انتشار، تهران، ۱۳۶۱.
۱۰. بابایی، احمدعلی (۱۳۸۲)، برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱۰، دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۱۱. باربور، ایان، علم و دین، ترجمه خرمشاهی، نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۶۲.
۱۲. بازرگان، مهدی، باد و باران در قرآن، مؤسسه مطبوعاتی دارالفکر، قم، ۱۳۴۴.
۱۳. پلانک، ماکس، علم به کجا می‌رود، ترجمه احمد آرام، فجر، تهران، ۱۳۵۴.
۱۴. جعفری، یعقوب، مسلمانان در بستر تاریخ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۷۱
۱۵. جلالی، عبدالزها (۱۳۹۲). بررسی اعجاز زیست‌شناختی قرآن. گرفته شده از سایت مجله تخصصی قرآن و علم
۱۶. حبتکه میدانی، (۱۳۹۲). مشعل‌های فروزان در شناخت یزدان، ترجمه محمد سلیمانی، تهران، نشر احسان.
۱۷. حداد عادل، غلامعلی، دانشنامه جهان اسلام، بنیاد دایرة المعارف اسلامی، تهران، ۱۳۷۵.
۱۸. حسب النبئی، دکتر منصور محمد، ۱۹۹۱ م، القرآن و العلم الحدیث، الهیئة المصریة العامة للكتاب، مصر.
۱۹. حسینی بهشتی، محمد حسین و... شناخت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.
۲۰. حطیط، حسن (۲۰۰۵). الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دارالمکتبه الهلال، بیروت، لبنان.
۲۱. داورمزدی، هرمز (۱۳۷۲). انگل‌شناسی پزشکی، چاپ چهارم، جهاد دانشگاهی
۲۲. ذهبی، دکتر محمدحسین، التفسیر و المفسرون، دارالکتب الحدیث، چاپ دوم، ۱۹۷۶ م.
۲۳. رازی، فخرالدین، ۱۴۱۱ ق، تفسیر کبیر (مفاتیح الغیب)، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۳۲ جلد.
۲۴. الراغب الاصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، تهران، المکتبة المرتضویة، ۱۳۳۲ ش، ۵۵۴ ص.
۲۵. رامین (۱۳۹۰). معجزات علمی قرآن. گرفته شده از سایت <http://miraclesofthequran.blogfa.com>
۲۶. رضایی اصفهانی، در آمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵.
۲۷. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۸). زوجیت در قرآن. گرفته شده از سایت راسخون.
۲۸. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۱)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، قم، چ سوم.
۲۹. رضائی فر، مهندس جعفر، ۱۳۷۵ ش، قرآن و آخرین پدیده‌های علمی، انتشارات فوژان.
۳۰. زرقانی، عبدالعظیم، مناهل العرفان، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۹۸۸ م.



۳۱. زمانی، مصطفی، ۱۳۵۰ ش، پیشگوییهای علمی قرآن، انتشارات پیام اسلام، قم.
۳۲. زمخشری، محمود بن عمر، تفسیر الکشاف، دار الکتب العربی، بیروت، ۴ ج، بی تا.
۳۳. زری، ارس، هائری، علم، شبه علم و علم دروغین، ترجمه دکتر عباس باقری، نشر نی، تهران، ۱۳۷۹.
۳۴. سادات، مهندس محمد علی، ۱۳۵۷، زنده جاوید و اعجاز جاویدان، انتشارات فلق تبریز.
۳۵. سروش، عبدالکریم، علم چیست، فلسفه چیست، مؤسسه فرهنگی صراط، تهران، ۱۳۷۵.
۳۶. سلیمان، احمد محمد (۱۹۸۱). القرآن و الطب. بیروت، دارالعودة، الطبعة الخامسة.
۳۷. سلیمان، احمد محمد، ۱۹۸۱ م، القرآن و العلم، دارالعودة، بیروت، الطبعة الخامسة.
۳۸. سیوطی، جلال الدین عبد الرحمن ابی بکر، ۱۴۰۷ ق، الاتقان فی علوم القرآن، دار الکتب العلمیه، بیروت، دو جلد.
۳۹. شاطبی، ابواسحق، الموافقات فی اصول الشریعه، دارالکتب العربی، بیروت، ۱۴۲۳.
۴۰. شحاته، محمود عبدالله، تفسیر الایات الکونیه، دار الاعتصام، قاهره، بی تا.
۴۱. شوقی، ابوخلیل، غوستاو لوبون فی المیزان، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۰ م.
۴۲. طباطبائی، محمدحسین (۱۴۱۷)، المیزان فی تفسیرالقرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه، قم.
۴۳. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹ ش، چاپ سوم.
۴۴. طباطبائی، سید محمد حسین، اصول و روش فلسفه رئالیسم، پاورقی استاد مطهری، صدرا، تهران، ۱۳۶۸.
۴۵. طباطبائی، سید محمد حسین، قرآن در اسلام، انتشارات جامعه مدرسین، قم، بی تا.
۴۶. الطبرسی (امین الاسلام)، ابوعلی الفضل بن الحسن، مجمع البیان، تهران، المكتبة الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۹۵ ق، ده جلدی.
۴۷. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دار المعرفه، بیروت، ۱۳۹۳ ق، ۳۰ جلد در ۱۲ مجلد.
۴۸. غلامی، صالح (۱۳۸۴). قرآن: معجزه حضرت محمد «ص». نشر سنا.
۴۹. فغفور مغربی، حمید، نگاهی به حقیقت وحی، مجله ویژگان، ش ۲.
۵۰. قمی، عباس . پنجاه درس اخلاقی. قم: مؤسسه راه حق. ۱۳۷۰.
۵۱. گلشنی، مهدی، تحلیلی از دیدگاه‌های فلسفی فیزیکدانان معاصر، امیرکبیر، تهران، ۱۳۶۹.
۵۲. محمد صالح، عبد القادر، التفسیر و المفسرون فی العصر الحدیث، دار المعرفه، بیروت، ۱۴۲۴ ق .
۵۳. مشکینی، علی، اصطلاحات الاصول، انتشارات یاسر، قم، ۱۳۴۸.
۵۴. مشکینی اردبیلی، علی، ترجمه حسینی نژاد، تکامل در قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، بی تا.
۵۵. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۷ ش، معارف قرآن، انتشارات در راه حق، قم.
۵۶. مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، صدرا، تهران، ۱۳۷۰.
۵۷. معرفت، محمد هادی، التفسیر و المفسرون فی ثوبه القشیب، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ۱۴۱۸.
۵۸. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۷)، التمهید فی علوم القرآن، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم، قم، چ اول.
۵۹. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، پیام قرآن، انتشارات نسل جوان، قم، ۱۳۷۳.
۶۰. مکارم شیرازی، آیه الله ناصر، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران چاپ بیست و ششم (۲۷ ج)، ۱۳۷۳ ش.
۶۱. موسوی، سید محمد (۱۳۹۱). گیاهان و میوه‌ها در قرآن. گرفته شده از سایت <http://sm-mosavi.blogfa.com>
۶۲. مؤدب، دکتر سیدرضا، روش‌های تفسیر قرآن، قم، دانشگاه (انتشارات اشراق)، ۱۳۸۰ ش.
۶۳. نجاتی، محمد عثمان، قرآن و روانشناسی، ترجمه عباس عرب، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، مشهد، ۱۳۶۹، دوم.
۶۴. نجفی، گودرز، ۱۳۷۷ ش، مطالب شگفت‌انگیز قرآن، نشر سبحان، تهران.
۶۵. نصر حامد، ابوزید، مفهوم النص، ترجمه مرتضی کریمی نیا، طرح نو، تهران، ۱۳۸۰.
۶۶. نصر، سید حسین، تکامل در قرآن، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۶.
۶۷. نوری، آیه الله حسین، ۱۳۷۰ ش، دانش عصر فضا، نشر مرتضی، قم.
۶۸. نوری، حسین بن محمد تقی، خاتمه مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، موسسه آل البيت، قم، ۱۴۰۷.

امنیت غذایی از دیدگاه قرآن

نیما خالدی

موسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران
(نویسنده مسئول: khnm13@gmail.com)

چکیده

از دیدگاه قرآن کریم تامین امنیت غذایی و همچنین نیازهای روحی و جسمی بشر از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها و حکومت‌ها بود و عدم تامین آن به معنای نابودی بشریت و نسل انسان است. در سال‌های اخیر رویکردهای مختلفی جهت جلوگیری از آثار زیان‌بار مصرف بی‌رویه کودها و سموم شیمیایی از سوی کشاورزان مورد توجه قرار گرفته است. کشاورزی ارگانیک به عنوان راهکاری برای کاهش آسیب‌های زیست محیطی و راهی برای دستیابی به توسعه پایدار و تامین امنیت غذایی می‌باشد. امروزه بحث امنیت غذایی، حفظ محیط زیست، ایمنی و بهداشت غذایی یکی از چالش‌های مهم بشر می‌باشد که در همین راستا کشاورزی پایدار بر مبنای تولید محصولات ارگانیک و سالم بوده و با امنیت غذایی همسو می‌باشد. در این تحقیق ضمن بررسی امنیت غذایی به اهمیت آن در دیدگاه قرآن پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن، امنیت غذایی، کشاورزی پایدار، علوم زیستی.

مقدمه

نگهدارنده، پیامدها و مشکلات زیست محیطی فراوانی به بار آورده‌اند. این نگرانی‌ها بسیاری از پژوهشگران را بر آن داشته است تا با نگاهی ژرف‌تر به فعالیت‌های کشاورزی بنگرند و با در نظر گرفتن این مشکلات فنی، اجتماعی و اقتصادی راه‌هایی را برای مقابله با این معضلات و سالم‌سازی فعالیت‌های کشاورزی ارائه دهند. لازمه کاهش یا تعدیل این بحران‌های زیست محیطی توجه به مقوله پایداری و توسعه پایدار در کشاورزی است. از این رو کشاورزان به کشت ارگانیک روی آوردند و از آن حمایت کردند. کشاورزی ارگانیک در واقع نگرش علمی و نوین به کشاورزی سنتی است که اجداد ما به آن عمل می‌کردند (مفیدی چلان، ۱۳۹۶).

امنیت غذایی از نگاه کلی

بر اساس تعریف اجلاس جهانی غذا، امنیت غذایی عبارت است از اینکه همه مردم در همه زمان‌ها دسترسی مادی، اقتصادی و اجتماعی به

کشاورزی اصلی‌ترین و مهم‌ترین منبع تأمین مواد غذایی دنیا به شمار می‌رود. افزایش تولیدات کشاورزی نیازمند فناوری نوین بوده که در پی انقلاب سبز و رواج استفاده از کودهای شیمیایی، سموم دفع آفات و ارقام اصلاح شده در راستای افزایش تولید، به ایجاد اثرات مخرب بر منابع طبیعی و از آن جمله فرسایش خاک، استفاده بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی، آلودگی آب و تخریب محیط زیست انجامیده است. عوارض زیست محیطی ناشی از اجرای برنامه‌های توسعه کشاورزی مبتنی بر فناوری در قالب انقلاب سبز منجر به معرفی مفهوم پایداری در بهره‌برداری از منابع کشاورزی شد (Ehsani and Khalidi, 2002). امروزه مسئله سلامت و کیفیت مواد غذایی یکی از چالش‌های پیشرو جوامع بشری است. باقی مانده‌های سموم دفع آفات نباتی، کودهای شیمیایی، ترکیبات هورمونی و مواد



امر به ایجاد تعادل پایدار در منابع پایه آب و خاک منجر خواهد شد و اهداف زیادی چون تولید غذا با کمیت و کیفیت کافی و مناسب، حفظ و افزایش حاصلخیزی خاک در درازمدت، ایجاد توازن هماهنگ بین تولید محصولات کشاورزی، کاهش نوع آلودگی‌ها در آب، خاک و هوا، حفظ سلامتی کشاورزان و تولید و مصرف از طریق ایجاد اکوسیستم سالم و افزایش تولید و کاهش هزینه‌های تولید را دنبال می‌کند. اهداف کلی در کشاورزی ارگانیک شامل تولید غذا با کیفیت بالا و عالی، همسو و همگام با حفظ طبیعت و محیط زیست، تقویت چرخه‌های زیست محیطی، ارتقای سطح حاصلخیزی خاک، صیانت از تنوع ژنتیکی و ایجاد محیطی امن و سالم می‌باشد. اصول کشاورزی ارگانیک شامل حفظ حاصلخیزی خاک در درازمدت از طریق به‌کارگیری راهکارهای زیستی، بازیافت بقایای گیاهی و جانوری به‌منظور بازگشت عناصر به خاک و در نتیجه، کمبینه‌سازی کاربرد نهاده‌های برون مزرعه‌ای و حفظ چرخه عناصر غذایی، منع کاربرد نهاده‌های شیمیایی مصنوعی مانند آفت‌کش‌ها، کودهای معدنی، افزودنی‌های شیمیایی و اتکا به نهاده‌ها و منابع تجدیدپذیر برای حفظ منابع تولید می‌باشد (پاپزن و شیری، ۱۳۹۱).

امنیت غذایی از دیدگاه قرآن

همان‌طوری که اجتماعات بشری بر پایه اقتصاد گیاهی و دامی شکل گرفته است، حکومت‌ها و دولت‌ها نیز به آن نیاز دارند؛ زیرا آنها و دولت‌ها در راس این هرم اجتماع قرار گرفته‌اند و به‌طور طبیعی مهم‌ترین دغدغه آنها نیز تامین امنیت غذایی است؛ زیرا در صورت عدم تامین امنیت غذایی، راس هرم اجتماع که همانند سر، مسئولیت تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی

غذای کافی، سالم و مغذی داشته باشند تا بتوانند احتیاجات تغذیه‌ای و ترجیحات غذایی خود برای یک زندگی سالم و فعال را برآورده سازند (Gustafson, 2013; Owusu et al., 2011; José et al., 2010). رشد جمعیت موجب افزایش تقاضا برای محصولات کشاورزی شده است. از نظر قرآن، فقدان امنیت فراگیر از جمله امنیت غذایی به‌معنای نابودی بشریت و نسل انسان است (بقره، آیه ۲۰۵)، بنابراین، تامین آن از نظر عقل و نقل مهم‌ترین دغدغه هر شخص، اجتماع و دولتی است. با توجه به وضعیت کنونی و نیز افزایش جمعیت جهان در دهه‌های آینده و کاهش ظرفیت‌های زیست محیطی طبیعت برای تولید مواد غذایی، امروزه، دستیابی به امنیت غذایی به مراتب دشوارتر از دهه‌های پیش است (Pollesch and Dale, 2016). به‌گونه‌ای که در دهه‌های اخیر، مصرف سالانه مواد غذایی در حدود ۱۲ درصد افزایش یافته است و براساس برآوردهای موجود، باید تولید محصولات غذایی در کشورهای در حال توسعه طی بیست و پنج سال آینده هفتاد درصد بیش از تولید کنونی آنها باشد تا بتواند نیازهای جمعیت روبه‌رشد این کشورها را برآورده سازد (Mehrabi, Boshraabadi and Owhadi, 2014). برای رفع این بحران، توسعه کشاورزی پایدار در بهبود امنیت غذایی و کاهش فقر نقشی به‌سزا خواهد داشت (Schindler et al., 2016). کشاورزی ارگانیک سیستمی یکپارچه، نظام‌یافته و انسانی است که تضادی با منافع زیست محیطی و اقتصادی ندارد (Pugliese, 2001). به‌طور کلی کشاورزی ارگانیک عبارت است از مصرف محدود کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات نباتی در تولید محصولات کشاورزی که در راستای تعامل سازگار فعالیت‌های انسانی با چرخه طبیعت و استفاده متعادل و منطقی از آن بوده است و این



گیاهان و محصولات باغی و نباتی موجب می‌شود تا محیط زیبایی ایجاد شود و بوستان و گلستان و پالیز و جالیز و مزارع سرسبز محیطی زیبا و سرورآفرین و بهجت‌زا برای انسان فراهم می‌آورد که در آیه ۲۴ سوره یونس اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

رشد روز افزون جمعیت در جهان امروز، نیاز به فرآورده‌های کشاورزی را افزایش داده و در نتیجه، فشار بر منابع پایه مورد استفاده برای تولیدات را زیاد کرده است. افزایش نیاز به محصولات زراعی که بر اثر عواملی همچون زیاد شدن جمعیت، توسعه شهرنشینی، رشد درآمد و تغییر الگوی مصرف غذایی، لزوم افزایش بهره‌وری از زمین‌های زراعی و کشاورزی و همچنین منابع در دسترس کشاورزان را ضروری می‌کند؛ بنابراین مدیران واحدهای کشاورزی باید سعی در تولید بهینه محصولات کشاورزی به روش‌های گوناگون داشته باشند. در این بین، وجود برنامه‌ریزی اقتصادی پیشرو سهم مهمی در تنظیم عرضه، تقاضا و استفاده بهینه از منابع و عوامل تولید موجود دارد. قرآن کریم در آیات فراوانی انسان را به تلاش بر روی زمین در راه آبادانی بیشتر و بهره‌رساندن به دیگران دعوت و راهنمایی کرده است. در آیه ۱۴ سوره انعام، خداوند انسان را به کشاورزی و تشویق مردمان برای استفاده صحیح از محصولات کشاورزی اشاره کرده و در آیه ۱۱ سوره نحل جریان کشت و روئیدن گیاهان از زمین به‌عنوان نمونه‌ای از قدرت الهی و مایه بصیرت و آگاهی انسان‌ها معرفی شده است و نکته کلیدی و اساسی این است که خداوند خود را زارع و رویاننده گیاهان و محصولات کشاورزی معرفی کرده و انسان‌ها را به تدبیر در این مسئله فراخوانده است (واقعه آیات ۶۳ و ۶۴). قرآن بشر را از چهارده قرن پیش به

اجتماع دارد، کارآمدی خود را از دست داده و مشروعیت سیاسی نخواهد داشت. از همین‌رو از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت‌ها و حکومت‌ها تامین امنیت فراگیر از جمله امنیت غذایی است (یوسف، آیات ۴۷، ۵۵ و ۵۶). همچنین از نظر قرآن، فقدان امنیت فراگیر از جمله امنیت غذایی به‌معنای نابودی بشریت و نسل انسان است (بقره، آیه ۲۰۵). بنابراین، تامین آن از نظر عقلی مهم‌ترین دغدغه هر شخص، اجتماع و دولت است. کشاورزی به‌عنوان یک امر حیاتی برای اجتماع، دارای آثار و کارکردهای متنوعی است که حتی به حوزه روانی و زیباشناختی نیز کشیده می‌شود و کشاورزی و حتی دامداری افزون بر امنیت غذایی، می‌تواند تامین‌کننده امنیت روانی و روحی بشر باشد. انسان‌ها از طریق کشاورزی بخشی از نیازهای بدنی خویش را تامین می‌کنند و برای امنیت غذایی خود تلاش می‌نمایند که در آیات مختلفی از سوره‌های قرآن از جمله یونس (آیه ۲۴)، نحل (آیات ۱۰ و ۱۱)، طه (آیات ۵۳ و ۵۴) و سجده (آیه ۲۷) به موضوع امنیت غذایی و تامین نیازهای بدنی بشر اشاره شده است. کشاورزی نه تنها تامین‌کننده، امنیت غذایی است، بلکه تامین‌کننده دیگر وسایل آسایشی نیز می‌باشد؛ زیرا برخی از محصولات کشاورزی به‌طور مستقیم برای تامین ابزارهای آسایشی مانند لباس، ظروف و اثاث خانه و برخی دیگر به‌طور غیرمستقیم از طریق دام مانند استفاده از مو و پشم برای اثاث و لباس کاربرد دارد. خدا می‌فرماید: و خدا برای شما خانه‌هایتان را مایه آرامش قرار داد و از پوست دام‌ها برای شما خانه‌هایی نهاد که آن‌ها را در روز جابجا شدنشان و هنگام ماندنشان سبک می‌یابید و از پشم‌ها و کرک‌ها و موهای آنها وسایل زندگی که تا چندی مورد استفاده است، قرار داد که در آیه ۸۰ سوره نحل اشاره شده است. کشاورزی و سرسبزی



۹۹) و رعد (آیه ۴) به آن توجه نموده است. اگرچه هدف قرآن از بیان این مطالب در درجه اول همانا بیدار کردن اندیشه انسان و توجه دادن آن به توحید و صفات الهی و بیدار ساختن وجدان انسان‌ها است. اما تفکر عمیق در این آیات می‌تواند ما را در بهبود کشاورزی یاری دهد. مقام معظم رهبری فرمودند که دستگاه کشاورزی برای کشور ما بسیار مهم است؛ چون امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پرجمعیت و دارای هدفهای بلند بسیار مهم است. لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند.

اهمیت و ارزش منابع در زندگی انسان و از جمله کشاورزی توجه داده است. خداوند در آیات مختلف انسان‌ها را به کشاورزی تشویق و کسانی‌را که هر گونه فسادی در این کار مقدس ایجاد می‌کنند، سرزنش نموده است. این کلام آسمانی جاودانه، هرآنچه درمورد کشت و کشاورزی می‌باشد ذکر کرده و برای نخستین بار، از نقش جریان بادها و اقسام آن در کشاورزی سخن به میان آورده، به عبارتی، قرآن اولین کتابی است که به اطلاعات هواشناسی و تغییرات جوی که رابطه نزدیکی با کشاورزی دارد؛ که در آیات مختلفی از سوره‌های قرآن از جمله بقره (آیات ۲۲ و ۱۶۴)، اعراف (آیات ۵۷ و ۵۸)، انعام (آیه

منابع

۱. پاپ زن، عبدالحمید، شیری، نعمت اله. (۱۳۹۱). "بررسی موانع و مشکلات توسعه کشاورزی ارگانیک. فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی". شماره ۱، صفحات ۱۲۱-۱۱۳.
۲. مفیدی چلان، مرتضی، بارانی، حسین، عابدی سروسستانی، احمد، معتمدی، جواد، دربان آستانه، علیرضا. (۱۳۹۶). "تبیین شاخص‌های ارزیابی پایداری زیست محیطی - بوم شناختی سامان‌های عرفی مرتعی با تاکید بر مراتع بیلاقی سهند". تحقیقات مرتع و بیابان ایران. دوره ۲۴، شماره ۲، صفحات ۳۲۴-۳۰۹.
3. Pugliese, P., (2001). "Organic Farming and Sustainable Rural Development: A multifaceted and Promising Convergence". *Sociologia Ruralis*, 41 (1), 112-131.
4. Ehsani, M. and Khalidi, E. (2002). "Identification and promotion of agricultural waterproductivity in order to provide water and food security in the country". Eleventh Iranian National Irrigation and Drainage Committee: 657-677.
5. José, A., Gómez, L. and Sanchez-Fernandez, G. (2010). "Empirical evaluation of agricultural sustainability using composite indicators". *Ecological Economics*, 69: 1062-1075.
6. Owusu, V., Abdulai, A. and Abdul-Rahman, S. (2011). "Non-farm work and food security among farm households in Northern Ghana". *Food Policy*, 36(2): 108-118.
7. Gustafson, D.J. (2013). "Rising food costs and global food security: key issue and relevance for India". *Indian Journal of Medical Research*, 138(3): 398-410.
8. Schindler, J., Graef, F., König, H.J., Mchau, D., Paul Saidia, D. and Sieber, S. (2016). "Sustainability impact assessment to improve food security of small holders in Tanzania". *Environmental Impact Assessment Review*, 60: 52-63.
9. Pollesch, N.L. and Dale, V.H. (2016). "Normalization in sustainability assessment: methods and implications". *Ecological Economics*, 130: 195-208.
10. Mehrabi Boshrabadi, H. and Mousavi Mohammadi, H. (2010). "Effect of government support to agricultural sector on food security of urban households in Iran". *Agricultural Economics*, 4(3): 1-16.

اهمیت محیط زیست از دیدگاه اسلام

نیما خالدی

استادیار موسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران
(نویسنده مسئول: khnm13@gmail.com)

چکیده

سلامت محیط زیست ارتباط تنگاتنگ با حیات سالم جامعه دارد، همان‌گونه که بهداشت و پیشگیری مقدم بر درمان و معالجه است، تأمین فضای سالم و محیط زیست مناسب نیز مقدم بر جبران خسارت‌های ناشی از محیط زیست آلوده است. تنها مردم و جامعه متدین در حفظ و حراست محیط زیست می‌کوشند؛ زیرا اگر ایمان نباشد هیچ تعهدی نسبت به حفظ طبیعت وجود ندارد. مهم‌ترین چالش و معضلی که بحث اخلاق در محیط زیست را دامن زده، پدید آمدن مخاطره یا بحران زیست‌محیطی است که بر اثر توسعه زندگی مادی انسان پدید آمده است. از منظر شریف قرآن کریم انسان حقیقی کسی است که در محدوده حیات حیوانی و طبیعی نایستد؛ حتی انسانیت خویش را تنها به نطق یا تفکر محدود نکند، بلکه باید حیات الهی و جاودانی و تالّه و خداخواهی فطری خویش را به فعلیت برساند و همچنان در سیر بی‌انتهای تالّه گام بردارد و مراحل تکامل انسان را تا مقام خلافت و مظهریت اسمای حسنای الهی و تخلّق به اخلاق الله ببیند. در این تحقیق به بررسی اهمیت محیط زیست از دیدگاه اسلام پرداخته می‌شود.

واژگان کلیدی: اسلام، انسان، علوم زیستی، قرآن، منابع طبیعی.

مقدمه

زندگی جوامع مختلف بشری ظهور دارد عده‌ای بی‌مهابا برای تأمین منافع خویش به همه اصول زیست‌محیطی پشت کرده و هیچ حریمی را رعایت نمی‌کنند. چنان‌که گذشت همان‌طوری که مراکز مذهبی را مردم با ایمان آباد می‌کنند (اسلامی، ۱۳۹۱). امروزه در کشورهای پیشرفته شاهد آزمایش‌ها و انفجارهای اتمی و غیراتمی در دریا و صحرا هستیم که به گونه‌های مختلف محیط زیست بشر را آلوده می‌کنند. کشورهای استعمارگر با حرص و ولع هرچه بیشتر منابع گاز و نفت دیگران را به یغما می‌برند و حتی بیش از ظرفیت کشتی‌های باری نفت حمل می‌کنند و هر از چندی یکی از آنها غرق و مقدار زیادی نفت به دریا می‌ریزد، افزون بر اینکه دریا را آلوده و جان بسیاری از آبزیان را به خطر می‌اندازند، محیط زیست بشر را دستخوش مشکلات جدی می‌سازند (جوادی آملی، ۱۳۹۸). از آنجایی که حاکمان فاسد نظام سلطه در پی بهره‌جویی بیشتر

سالم نگه‌داشتن محیط زیست؛ یعنی رعایت حق کسانی که صحنه را از نزدیک مشاهده کرده بودند چنین بیان می‌کردند. از آنجایی که اغلب غذاهای طبقه مرفه در سفره‌ها و ظروف یکبار مصرف آماده می‌شود و همواره چندین برابر غذای موردنیاز در سفره‌های رنگین خود آماده می‌کنند، پس از آنکه مقداری از آنها را مصرف کردند، بقیه را با همان سفره‌ها و ظروف، داخل سطل زباله می‌ریزند، فقرا غذای روزانه خویش را از سطل‌ها و کامیون‌های مخصوص حمل زباله تهیه می‌کنند. زمین، هوا، آب، خاک، دریا، صحرا، کوه و دشت، گیاهان، حیوانات و سایر موجودات و عرصه‌های زیست‌محیطی که ارتباط با حیات جامعه دارند. تأمین سلامت و بهداشت محیط زیست از اصول اولیه است. مردم و مسئولان جامعه موظفند در تحقق این مهم تمام سعی و تلاش خویش را به کار گیرند، ولی آنچه عملاً در



نسبت به قوم عاد می‌فرماید: أَلَا بُعْدًا لِعَادٍ يَعْنِي بَلْكَهٖ اَيْنَ خَطَرٍ لِأَمْتِهَاي دِيْكَرٍ نَبِيْرٍ مَطْرَحٍ اَسْت. بنا براین اگر قرآن کریم، یا امامان معصوم (علیهم السلام) که انسان کامل و همسان با قرآن هستند فرمانی جهت اصلاح زندگی بشر و سلامت محیط زیست بیان کردند ولی جامعه به آن توجه نکند، موجب دوری از رحمت الهی خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۹۸).

محیط زیست در شرایع الهی

در دین حنیف الهی که در طول تاریخ به منهج‌ها و شریعت‌های متنوع برای انبیای الهی تجلی می‌یافت، شناخت اصول زیست محیطی و تحصیل آن و پرهیز از تخریب آن و سعی برای سالم‌سازی آن، از بارزترین حقوق انسانی و نیز از روشن‌ترین تکالیف بشری به‌شمار می‌آید؛ تا نشاط جامعه همراه با سلامت آن و خرمی افراد، همراه با صحت آنان تضمین شود. به‌همین منظور، هم از آلوده نمودن هوا، کوی و برزن و اماکن عمومی تحذیر و نهی شده، هم اگر چنین رخداد تلخی مشاهده شد، برای برطرف کردن آن، ترغیب و امر شد. امام جعفر صادق (علیه السلام) فرمود: إِنَّ اللّٰهَ عَزَّوَجَلَّ إِذَا أَنْعَمَ عَلٰی عَبْدٍ نَعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَّرِيَّ عَلَيْهِ اَثْرَهَا، قِيلَ: وَ كَيْفَ ذَلِكُ قَالَ: يَنْظَفُ ثَوْبَهُ وَ يَطِيَّبُ رِيْحَهُ وَ يَحْسِنُ دَارَهُ وَ يَكْنُسُ أَفْنِيْتَهُ يَعْنِي خَدَاوْنَ دَوْسْتٍ دَارِدٍ نَعْمَتِيْ كَهٗ بَهٗ بَنْدَهٗ خَوْدٍ دَادَهٗ، اَثْرَ اَنْ رَاوْ بَبِيْنَند. پرسیده شد: چگونه؟ فرمود: هر فردی جامعه خود را نظیف، خود را خوشبو، خانه خود را نیکو و پیشگاه منزل خود را رُفت و رو کند (فتاحی‌زاده و افشاری، ۱۳۸۹).

محیط زیست در اسلام

تفسیر و تغییر جهان فرع تفسیر و تغییر انسان است. اگر انسان به‌گونه‌ای صحیح تفسیر شود و

از منابع طبیعی و محیط زیست هستند؛ چنان که فرآورده‌های کشاورزی، دامی و غیره آنان بیشتر از نیاز آنان باشد، حاضر نیستند به ملت‌های فقیر و گرسنه کمک کنند. و با اسراف و اتراف به‌سر می‌برند حال آنکه در کشورهای فقیر مردم غذای خویش را از سطل زباله‌های ثروتمندان مترف تأمین می‌کنند. در حالی‌که برخی از آن کشورها دارای معادن غنی و بهره‌مند از آب و خاک مناسب جهت کشاورزی و دامداری است. اگر سیاست نظام سلطه اقتضا کند، کشور و ملتی را تحریم اقتصادی کرده و از گندم در حد سلاح اتمی استفاده می‌کنند. یکی از مهم‌ترین حربه‌های استعمارگران، تحریم اقتصادی است تا ستون فقرات جوامع را در هم شکسته و بر آنان مسلط شوند. بنا براین اگر آنان دست به آبادانی منطقه‌ای می‌زنند برای بهره‌جویی بیشتر خویش و محروم کردن سایر ملت‌هاست؛ یعنی آباد کردن زمین را مصادره کردند؛ زیرا اولاً بخشی را جهت تأمین منافع خویش آباد می‌کنند؛ ثانیاً بخش‌های دیگر را نه تنها آباد نمی‌کنند بلکه در صورت امکان از آبادانی آن جلوگیری می‌کنند؛ ثالثاً مردم آن سرزمین را برده نموده و منابع آنان را به یغما می‌برند (حدادیان مقدم، ۱۳۸۷). همه دستوره‌های الهی حیات‌بخش است. اگر انسان به آنها بی‌اعتنایی کند به زندگی سخت و رنج‌آور مبتلا خواهد شد. در روایتی امیرمؤمنان (علیه السلام) می‌فرماید: مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَابًا ثُمَّ اِفْتَقَرَ فَاْبْعَدَهُ اللّٰهُ يَعْنِيْ مِلْتِيْ كَهٗ اَبْ وَ زَمِيْنِ كِشَاوْرَزِيْ بَهٗ اَنْدَازَهٗ كَافِيْ دَارِدِ وَّلِيْ اَبْهَا رَا مَهَارَ وَ زَمِيْنِ رَا اَصْلَاحَ نَكْنَدُ وَ اَزْ اَنْهَا بَهْرَهٗ بَرْدَارِيْ نَكْنَدُ وَ دَرِ اَثْرِ كَمْ كَارِيْ يَا بَدْكَارِيْ مَحْتَاْجَ گَرْدَدِ اَزْ رَحْمَتِ حَقِّ دَوْرِ بَادِ (فتاحی‌زاده و افشاری، ۱۳۸۹). چنین گمان نشود که تنها امت‌های گذشته به جهت مخالفت با فرمان‌های الهی و انبیای خود از رحمت حق دور شدند؛ چنان‌که قرآن کریم



مرکب پیاده می‌شدند و آن‌را از راه، دور می‌کردند که مزاحم رهگذر نشود. حضرت مسیح از کنار گوری می‌گذشت و صاحب آن قبر را معذب دید. سال بعد، هنگام عبور از کنار آن گور، صاحب آن را در عذاب ندید. پرسید: خدایا! عامل رفع عذاب او چه بود؟ فرمود: فرزند او بزرگ شد و راهی را اصلاح کرد و یتیمی را پناه داد، لذا از گناه او صرف‌نظر شد (مجلسی، ۱۴۰۳).

نتیجه‌گیری

در نظام آفرینش، انسان اصل و جهان تابع اوست و مجموع انسان و جهان که مستفیض اند تابع فیض و فوز خاص الهی اند تا به لقای حق راه یابند. هنگامی که جهان در مسیر انسانیت حرکت کند از راه انسان به لقای حق می‌رسد. صراط مستقیم همان صراط انسان اصیل است و هر موجودی از این طریق به هدف اصلی خود راه پیدا می‌کند. بشر که خواهان حرکت درست جهان با وجود فصل‌های پرتنم چهارگانه و سرشار از رزق‌های مادی و معنوی است باید بداند که ارتباط تنگاتنگ بین رفتار خویش با نظام آفرینش وجود دارد. اگر انسان در مسیر صحیح حرکت کند نظام عالم نیز به سود او حرکت می‌کند و به‌نفع او تغییر می‌یابد. در این صورت ابرها به‌موقع تشکیل شده حرکت کرده و باردار می‌شوند و به‌موقع و درجای مناسب می‌بارند و برکات الهی به‌وفور در اختیار مردم قرار می‌گیرد. و در صورتی که به‌جای تقوا اهل طغوا شوند، ابرها باران خویش را در اقیانوس‌ها یا در سرزمین‌های لم یزرع و غیرقابل کشت می‌بارند یا به‌موقع مناسب نمی‌بارند و به‌جای منفعت موجب خسارت می‌شوند؛ زیرا رهبری ابرها همانند دیگر موجودات جهان خلقت با خدای سبحان است. بنابراین اگر کسی بخواهد جهان را تفسیر کند و سپس آن را تغییر دهد و محیط زیست مناسبی

در جای محوری خویش قرار گیرد جهان دگرگون خواهد شد، زیرا جهان آفرینش برای انسان خلق شده است ولی انسان برای لقای خدای سبحان است. چنین نیست که انسان برای جهان باشد یا جهان و انسان همتای یکدیگر باشند. رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) چنین فرمود: من أَمَاطَ عَن طَرِيقِ الْمُسْلِمِینَ مَا یُؤْذِیهِمْ، کَتَبَ اللهُ لَهُ أَجْرَ قِرَاءَةِ أَرْبَعِمِائَةِ آيَةٍ، کُلَّ حَرْفٍ بَعَشْرَ حَسَنَاتٍ یعنی هرکس از راه مسلمانان، چیزی را که باعث آزار رهگذر است برطرف کند، خداوند اجر خواندن چهارصد آیه قرآن را در دیوان عمل او ثبت می‌کند که ثواب قرائت هر حرف، ده حسنه است. منظور از راه، خصوص مسیر زمینی نیست، بلکه شامل معبر دریایی و پل ارتباطی هوایی نیز می‌شود. مقصود از چیزی که آزار می‌کند، خصوص موانع عبوری نیست، بلکه هرچه مایه اذیت عابران بوده و بعضی از مزایای سلامت یا نشاط جامعه را از بین می‌برد؛ مانند بوی زباله، دود کارخانه، آلودگی صوتی و سنگینی ترافیک مشمول سخن نغز آن حضرت است و قداست رعایت اصول زیست محیطی همسان حرمت تلاوت متن مقدس دینی است. از اینجا به قذارت مقابل آن پی برده، معلوم می‌شود که اگر دولت یا ملتی عمداً به فضای سبز و سالم و نشاط‌آور نیندیشند و از آلاینش آن پرهیز نکنند و منطقه زرین خداداد طبیعت را آلوده نمایند یا در قبال آلوده‌کردن صاحبان کارگاه‌های سودجو، مهر بی‌مهری بر لب زنند و خاموش شوند، مشمول قهر خدای قاهر شده، قعر دوزخ جایگاه آنان خواهد بود. البته چنان قهری، چنین قهری را به‌دنبال دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۸). رفتار رهبران الهی همتای گفتار آنان، برای ترغیب دولت و ملت به رعایت اصول زیست محیطی انجام می‌شد، لذا حضرت امام سجاد (علیه‌السلام) اگر کلوخی را در معبر می‌دیدند، از



چنین انسانی هنگامی که به مقصد رسید آنجا
برایش آشناست. بشر می‌تواند با پیروی از تعالیم
آسمانی پیامبران الهی از جهنم خودخواهی و
حرص و آز و طمع و چپاول نجات یافته و در
بهشت صلح و صفا و نورانیت قدم گذاشته و
محیط زیست خویش را در پرتو تبدیل اوصاف
حیوانی به فضایل انسانی، محیط مناسبی برای
زندگی گرداند.

برای بشر بنا کند باید جامعه بشری را به‌گونه
صحیح تفسیر کرده و آن را تغییر دهد. انسان
مادی تصور می‌کند که از خاک آفریده شده و
سپس به خاک برمی‌گردد و انسان موحد متوسط
می‌گوید ما از خاک آفریده شده به لقای الهی بار
می‌یابیم ولی انسان عارف می‌گوید ما از خداییم
و به‌سوی خدا باز می‌گردیم یعنی گذشته از
خلقت خاکی بشر جنبه نفخ روح ملکوتی وی را
از نظر دور ندارد و تعبیر را فراموش نمی‌کند

منابع

۱. اسلامی، محمد. تقی. ۱۳۹۱. اسلام و اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر آرای آیت الله جوادی آملی. دوره ۴، شماره ۲، صفحات ۷۷-۱۱۱.
۲. حدادیان مقدم، اسماعیل. ۱۳۷۸. اسلام و محیط زیست، ترجمه خالد، فضلان. و جوان او، براین. انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۸ صفحه.
۳. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۸. اسلام و محیط زیست. مرکز نشر اسراء. چاپ دهم. ۳۶۰ صفحه.
۴. فتاحی زاده، فتحیه، افشاری، نجمه. ۱۳۸۹. روش فهم حدیث در وسائل الشیعه. فصلنامه حدیث پژوهی، سال دوم، شماره چهارم، صفحات ۶۷-۹۸.
۵. مجلسی، محمد. باقر. ۱۴۰۳. بحار الانوار. بیروت: نشر موسسه وفاء. جلد ۷۴. صفحه ۵۴.

نقش اسلام در حمایت از محیط زیست

نیما خالدی

استادیار موسسه تحقیقات ثبت و گواهی بذر و نهال، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، کرج، ایران
(نویسنده مسئول: khnm13@gmail.com)

چکیده

متون مختلف تعالیم اسلامی به اشکال مختلف به موضوع طبیعت و عناصر آن و همچنین به فواید و اثرهای آن اشاره نموده اند و در کنار این اشارات به لزوم حفاظت از آن نیز پرداخته اند. بررسی منابع اسلامی چون آیات و روایات مرتبط نشان دهنده اهمیت والای حفظ و مدیریت منابع طبیعی در آموزه های اسلامی دارد و مکتب جامع اسلامی در این راستا و با هدف حمایت از محیط زیست و بهبود زندگی انسان راهکارهای اخلاقی و معنوی چون امانت شمردن زمین توسط انسان به عنوان خلیفه ی الهی و مسئول دانستن او را در برابر طبیعت و نعمتهای الهی و ارائه ی راهکارهای عملی در زمینه حفاظت محیط زیست را مورد تاکید قرار داده است. در این تحقیق به بررسی نقش اسلام در حمایت از محیط زیست پرداخته می شود.

واژگان کلیدی: آیات، اسلام، محیط زیست، روایات، آموزه های دینی.

مقدمه

ناقصی از سخن پیامبران است که آنان در کنار مانده و مآدبه انبیا نشسته‌اند و یا اگر خود مطلبی ارائه نموده‌اند دوام نیاورده است؛ نظیر مکاتب الحادی شرق که با فطرت الهی انسان سازگار نبود و سرانجام از دایره زندگی بشر حذف و نابود گردید (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴؛ جوادی آملی، ۱۳۹۸). یکی از ابعاد سلامت زیست محیطی، تحرک و پویایی افراد جامعه است. عدم تلاش و تحرک از آفاتی است که می‌تواند هم بر فرد و هم بر جامعه تأثیر سوء داشته باشد. ارزش تلاش، تنها در کسب درآمد نیست بلکه افزون بر آثاری چون کسب شخصیت، احساس آرامش روحی و روانی، مفید بودن برای جامعه، انسان تکلیف الهی خویش را نیز امتثال کرده است، زیرا انسان بیکار از طرفی چون خود را سربار خانواده و جامعه می‌بیند دچار افسردگی شده، افزون بر مشکلات روحی و روانی که بر او وارد می‌شود، گاهی به امراض جسمانی نیز مبتلا می‌گردد و از سوی دیگر مورد غضب الهی نیز واقع خواهد شد

هرچند امروزه در جهان شرق و غرب مطالبی جهت حفاظت از محیط زیست مطرح شده ولی باید به این مطلب توجه داشت که هر سخن صحیحی برگرفته از پیام ادیان الهی است؛ زیرا مکاتب شرق و غرب از معارف الهی بی‌بهره هستند، آنان مانند انسان بی‌اصل و نسب، ریشه ندارند و به‌وحی و تعالیم آسمانی مربوط نمی‌شوند، ولی انسانی که به مکتب وحی مرتبط و سخن او مستند به کتاب‌های آسمانی مانند قرآن، تورات و انجیل باشد دارای اصل و ریشه است. گرچه قبل از حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) پیامبران فراوانی بوده‌اند ولی بشر امروز، تحت تعالیم پیامبران ابراهیمی است که حداقل چهل قرن سابقه دارد. بنابراین هر سخن حقی که در جهت حفظ و سلامت بشر و محیط زیست او باشد برگرفته از پیام انبیای ابراهیمی است. سخنی که به وحی ارتباط داشته باشد از ذات اقدس الهی است ولی مطالب دیگران یا برداشت



اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ زمانی که ظالمان بر زمین مستولی گردند، تلاش در هلاکت نسب و مزارع می‌کنند و خداوند فساد را دوست ندارد. و از این آیه می‌توان فهمید که خداوند فساد و ویران کردن زمین، نسل انسانی و محیط زیست را حرام اعلام کرده است. حفاظت از محیط زیست و بقای نسل آدم و حیوان از گذشته از اهمیت بسیاری برخوردار بوده است، آن چنانکه هنگام وقوع طوفان نوح خداوند به حضرت نوح امر کرد تا از هر نوع حیوان یک جفت برداشته و به کشتی ببرد تا نسل حیوانات همچون انسان‌ها حفظ و منقرض نشود (حدادیان مقدم، ۱۳۸۷). با استفاده از آیات زیست محیطی و اجرای فرامین الهی به شناخت ابعاد مختلف طبیعت و تأثیر محیط زیست در جسم و جان آدمی به این نتیجه می‌رسیم که این دنیای ناچیز همانند مزرعه‌ای است که نیازمند رسیدگی، پرورش و حفاظت برای رسیدن به آخرتی آباد است که همان‌الدنیا مزرعه‌ الاخره می‌باشد. از این رو پیشوایان دین و رهبران حکومت اسلامی بنابر مسؤولیت‌هایی که ذکر شد همواره باید محل زندگی و محیط زیست امت‌ها را از آسیب، تخریب و نابودی در امان نگه دارند و نظارت جدی بر این امر داشته باشند. حضرت امام علی (ع) این وظیفه را به‌خوبی هشدار داده و می‌فرماید: خدا را پرهیزگار باشید در حق شهرهای او و بندگان که شما مسؤول هستید حتی در مورد سرزمین‌ها و چهارپایان. انسان مسلمانی که از دستورات دین اسلام الگو می‌گیرد مقام عبودیت خود را پاس می‌دارد و با عدم فساد در طبیعت، نگهداری و آبادگری، رام کردن و تسخیر الهی و همچنین حفاظت و نگهداری از آن‌را وظیفه شرعی خود می‌داند و ناسپاسی به درگاه خدا را ستم و کفران نعمت می‌شمارد. از آنجایی که هر حقی تکلیفی را به‌دنبال دارد،

"إِنَّ اللَّهَ لِيُبْغِضَ الْعَبْدَ الْفَارِغَ" از این جهت لازم است اهمیت کار و تلاش و سهم آن در سلامت محیط زیست نیز تبیین گردد (جوادی آملی، ۱۳۹۸).

دیدگاه‌های دین اسلام درباره محیط زیست

از جمله موارد جالب‌توجه دیگر در اسلام احکامی هستند که یا جنبه‌ی نهی‌کننده دارند؛ مانند آیه ۸۵ سوره‌ی اعراف که می‌فرماید: «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ بعد از اصلاح زمین در آن فساد به پا نکنید که این برای شما نیکوتر است، اگر مومن بوده باشید و برخی آیات و احکام که امرکننده هستند مانند آیه‌ی ۲۰ سوره عنکبوت که می‌گوید: قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ؛ بگو در زمین سیر نمایید و بنگرید که پیدایش خلقت چگونه بوده است و برخی از آیات که نقش مهم زمین را در روزی رساندن به مردم نشان می‌دهند مانند آیات ۱۹ و ۲۰ سوره حجر: وَ الْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَ الْفَيْنَا فِيهَا رَوَاسِي وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ؛ و ما زمین را گستراندیم و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون در آن رویاندیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم و همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید و بعد از نزول باران و رویاندن گیاهان و انواع میوه‌ها و پیدایش باغ‌ها که محل تأمین رزق و روزی انسان‌ها و حیوانات روی زمین هستند در این آیات سخن می‌گوید و جالب‌تر اینکه بعد از این آیات و احکام، خداوند نسبت به‌خطر وجود ظالمان در زمین اشاره می‌کند؛ یعنی همان کسانی که ویران‌کننده‌ی محیط زیست و نسل آدمیان هستند، چنانکه در آیه ۲۰۵ سوره‌ی بقره می‌فرماید: وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ



تولید، امر و ترغیب شده‌اند، از کم‌کاری و سستی نیز منع شده‌اند؛ به گونه‌ای که فرد بیکار با عدم فعالیت خود در جامعه اسلامی، افزون بر آنکه در سلامت روانی خانواده و محیط زیست سالم تأثیر سوء دارد، بزرگ‌ترین تهدید و بدبختی در نظام آفرینش را (غضب الهی) برای خود فراهم می‌کند. انسان تا زنده است باید به‌وسیله کار و تلاش خویش برای جامعه مفید باشد. کاری که به‌عهده و در توان اوست باید آن را به‌نحو احسن انجام دهد، خواه کشاورزی، دامداری، صنعت یا کارهای فرهنگی و علمی. بیکاری نه مطلوب جامعه و نه مورد رضایت خداوند است. از این جهت انسان بیکار اگر دعا کند نیایش وی مستجاب نمی‌شود. هرچند مقدار کاری که از یک جوان برومند توقع می‌رود و از سالمند انتظار نمی‌رود، ولی با ملاحظه توان جسمی و فکری افراد همگان موظف به کار هستند (فتاحی‌زاده و افشاری، ۱۳۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳).

نقش اسلام در حمایت از منابع طبیعی و محیط زیست

انسان، اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند در زمین است و تمام پدیده‌های طبیعی برای او آفریده شده است. خداوند نظر ویژه‌ای به انسان دارد. آسمان و زمین و دریا و کوه‌ها را در تسخیر بشر قرار داده تا از آنها به‌شیوه صحیح و مناسب بهره‌برد؛ چنان‌که آیات ذیل بر آن دلالت دارد: «خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها به فرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره‌گیرید، و باشد که سپاس دارید. او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است به‌سود شما رام کرد؛ در این نشانه‌های است برای کسانی که اندیشه می‌کنند». «او خدایی است که همه آنچه را در زمین وجود دارد، برای شما آفرید؛ سپس به آسمان پرداخت؛ و آنها را

انسان خردمند بر این اساس از حق محیط زیست سالم بهره‌می‌برد و کاری می‌کند تا این حق برای دیگران به‌ثمر برسد و تکلیف خود را ادا کند؛ یعنی از هرکاری که دیگران را از داشتن یک محیط زندگی سالم و بی‌نصیب می‌نماید دوری کند (جوادی آملی، ۱۳۹۸).

اهمیت تلاش از دیدگاه اسلام در بهبود محیط زیست

از تأکیدات مهم اسلام به انسان‌ها، آن است که در هیچ زمانی از زندگی خود، از کار و تلاش باز نایستند. انسان، همواره باید در عرصه‌های مختلف زندگی که بخشی از آن، تلاش برای تأمین نیازهای اقتصادی و معیشتی است به‌صورتی جدی و مستمر کوشش کند تا در پرتو چنین تلاش‌ها و زحماتی، جامعه دینی، هم از جهت فردی به‌صلاح دست یابد و هم از جهت اجتماعی به اهداف عالی خود نایل شود. بیان نورانی حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) به‌خوبی روشن‌کننده میزان سعی مسلمان در زندگی خود است ان قامت الساعة و فی ید أحدکم الفسیله فإن استطاع أن لا تقوم الساعة حتی یغرسها فلیغرسها یعنی اگر خوشه یا نشایی در دست توست و قیامت هم در آستانه برپایی است و چیزی نمانده که بمیری، این نهال را بکار و بمیر. طبق این بیان، انسان تا نفس دارد، باید کار کند و در جامعه اسلامی، هرکسی به تناسب استعداد و قابلیت‌هایی که دارد، باید تلاش و کوشش کند. کشاورز در تولید محصولات زراعتی، صنعتگر در تولیدات صنعتی، معلم در آموزش و محقق در تألیف و نگارش، همگی باید دائماً همه‌همّت خود را برای انجام کمی و کیفی وظایف خویش به‌کار گیرند و به‌معنای واقعی تا توان دارند، کار کنند. از سوی دیگر، همان‌گونه که مردم طبق تعالیم الهی به تلاش در عرصه



شده در قرآن که تجاوز به آن سبب برهم خوردن این تعادل محیط می‌گردد، اندازه و قدر است. به بیان دیگر، در تماس با طبیعت و بهره‌گیری از منابع آن باید به‌گونه‌ای رفتار شود که اولاً؛ قدر و اندازه ملاک عمل قرار گیرد و ثانیاً تغییرات اندازه‌ها به‌حدی نباشد که سبب تخریب محیط زیست و از بین رفتن گونه‌هایی گردد. حق بودن خلق الهی و یا به باطل و بازیچه آفریده‌نشدن آنها نیز موضوع مهم دیگری است که به بشر می‌آموزد تا از انهدام طبیعت و عناصر طبیعی در راه‌های باطل و بیهوده احتراز نماید. علاوه بر اینها قواعد فقهی متعددی همچون قاعده «لاضرر»، «ضمنان»، «اتلاف»، «تسبیب» و «عدالت» را نیز می‌توان به‌عنوان بستری برای حقوق محیط زیست در فرهنگ اسلامی معرفی نمود. مضافاً بر اینکه بسیاری از اصول که به‌ظاهر به‌عنوان یک ارزش اخلاقی تلقی می‌شوند و می‌توانند در قلمروی از حیات مصداق خاص خویش را داشته باشند، مثل قناعت، خودکفایی، احتراز از اسراف و تبذیر و غیره نیز پشتوانه‌های محکمی در حمایت از حقوق محیط زیست هستند (نقی‌زاده، ۱۳۸۲).

اصلاح و آبادانی دنیا و آخرت

برخی پنداشته‌اند، فلسفه تکلیف الهی برای بندگان فقط فراهم‌ساختن آخرتی آباد است. کسی که اهل نماز و روزه و حج و زکات است، باید به‌فکر اصلاح آخرت خویش باشد و هیچ‌گونه اشتغال فکری نباید در امور دنیوی داشته باشد؛ زیرا از کار آخرت باز می‌ماند، این تصور آفل و پندار فائل را تقویت و تبلیغ کرده‌اند که متدینان باید دنیا را به‌دیگران واگذار کرده و آخرت را به‌خوبی حفظ کنند. گویا آسیاب تکلیف بر محور آخرت می‌چرخد و دنیا از قلمرو آن خارج است. این عده گستره توهم خویش را توسعه داده و گفته‌اند: هدف دین و بعثت انبیا نیز فقط دعوت

به‌صورت هفت آسمان مرتب نمود؛ و او به هرچیز آگاه است». «او کسی است که زمین را برای شما رام کرد، بر شانه‌های آن راه بروید و از روزی‌های خداوند بخورید؛ و بازگشت و اجتماع همه به‌سوی اوست». «و از آیات خدا این است که بادها را به‌عنوان بشارت‌گرانی می‌فرستد تا بخشی از رحمتش را به‌شما بچشاند و کشتی‌ها به فرمانش حرکت کنند و از فضل او بهره‌گیرید؛ و امید که شکرگزاری کنید». «در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به‌سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنیندگان را در آن گسترده، و در تغییر مسیر بادها و ابری که میان زمین و آسمان آرمیده است، نشانه‌هایی است برای مردمی که می‌اندیشند». با توجه به آیاتی که ذکر شد، طبیعت در تسخیر انسان و برای بهره‌برداری در اختیار او قرار دارد. انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده بهترین بهره را از طبیعت ببرد، و با خردورزی دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد (نقی‌زاده، ۱۳۸۲). آیاتی از قرآن کریم انسان را مورد سؤال قرار داده و یا او را به دستورهایی امر کرده‌اند که یکی از مصادیق بارز این سؤالات و اوامر می‌تواند محیط زیست باشد. این در عین‌حالی است که قرآن کریم به بسیاری از اصول و قوانینی که ضامن بقا و تداوم حیات عالم هستی و حرکت آن به‌سوی کمال است، اشاره می‌فرماید که مراعات این قوانین خود مرحله‌ای از حفاظت از محیط زیست است. برای نمونه می‌توان به موزون بودن عالم هستی و خلق عالم بر اساس توازن اشاره کرد، به این‌معنا که انسان نباید عملی مرتکب شود که سبب برهم خوردن این توازن و تعادل گردد. موضوع بعدی اشاره



این باره وجود داشته باشد مربوط به اصل مطلب نیست، بلکه شاید به مفهوم منافع بر گشت می‌کند (فتاحی‌زاده و افشاری، ۱۳۸۹). اسلام با حس منفعت‌جویی مردم برخوردی مثبت دارد، ولی افراط و زیاده‌روی در آن را نمی‌پذیرد. لازم است برای تبیین دقیق نظر اسلام درباره حس منفعت‌جویی به شاخصه‌های دیگر در این زمینه اشاره شود. مکتب الهی اسلام، توقف در چنین حسی را نمی‌پسندد؛ به‌ویژه برای انسان‌هایی که به دنبال کمالات انسانی و روحی خویش هستند. اسلام، لازم می‌داند افراد در آن سوی امور مادی و سودهای شخصی، به انگیزه‌های والای الهی ارتقا یابند؛ چون در تعالیم الهی اسلام، انسان، فقط با دعا، نماز، روزه و انجام مناسک حج به خدا تقرب نمی‌جوید، بلکه عرفی‌ترین و عادی‌ترین امور زندگی او همانند معاملات و تأمین معاش و غیره می‌تواند نردبان قرب او به سوی خداوند باشد و موجبات پیشرفت‌های روحی و معنوی‌اش را فراهم آورد (تمیمی آمدی، ۱۳۸۴).

نتیجه‌گیری

مطلب اساسی در دین‌شناسی آن است که در متون دینی حقوق و تکالیف به هم آمیخته است؛ یعنی اگر داشتن زمین حاصل‌خیز، هوای سالم، آب فراوان و بهداشتی و دهها مزایای طبیعی دیگر حق انسان است همه آنها از منظر دین، گذشته از صبغه حقوقی دارای جنبه تکلیفی هستند و بر انسان واجب است که از این مواهب برخوردار شود؛ زیرا خداوند همه این امکانات را آفرید و آنها را مسخر بشر کرد و هستی آنها و مسخر بودنشان را به جامعه بشری اعلام داشت تا کسی نگوید دریا، صحرا، فضا، منظومه شمسی، راه شیری و بالآخره مجموعه نظام سپهری در دسترس بشر قرار ندارند. سرانجام بشر را مأمور به بهره‌برداری و استیفای منافع کرد و جامعه را

به آخرت و عبادت خداست؛ نه اصلاح و آبادانی دنیا، و فواید تکالیف در آخرت ظاهر و آشکار می‌گردد؛ نه در دنیا. دینداران باید برای آخرت خویش برنامه‌ریزی کنند و دنیا را به دست خردمندان جامعه بسپارند. این تحلیل برخاسته از تفکر جدایی دنیا از آخرت است و در جای خود پاسخ مستدل را طلب می‌کند. یکی از اهداف مهم دین، پاسخ به اشکال تفکیک دنیا از آخرت و پندار اختصاص سهم دین به اصلاح آخرت است؛ اما این عده با توهّم تفکیک عقل و دین به این نتیجه باطل دست یافته‌اند و این سخن، نتیجه مقدمات غلط و باطلی است که ترتیب داده‌اند. نه تنها عقل از منابع معرفت دین جدا نیست، بلکه جزء رسمی آن منابع و منشأ تعالیم الهی و تکالیف دینی است. عقل و نقل معتبر با هم شالوده دین‌شناسی را شکل می‌دهند و انسان‌های متعبد به تکالیف دینی نه تنها خردورزند، بلکه خردمندترین افراد جامعه هستند. پذیرفته نیست گفته شود اصلاح دنیا برعهده اندیشوران است و دینداران باید به فکر آبادانی آخرت خویش باشند و آثار دینداری خود را آنجا دریافت کنند، یا کسی بگوید تکالیف برای مکلفان، جمود و رکود و سکون می‌آورد، در حالی که اصلاح دنیا نیاز به تحرک و جنبش و انقلاب دارد (حدادیان مقدم، ۱۳۸۷). چنین داوری درباره دینداران از جانب عده‌ای خاص می‌تواند نتیجه تجاهل عمدی یا غفلت یا نگاه سطحی به دین و مانند آن باشد و با نگاه عمیق‌تر به متون دینی می‌توان به این نتیجه دست‌یافت که غرض از تکالیف، اصلاح و آبادانی دنیا و آخرت است. گام نهادن در مسیر دین و اجرای احکام آن هم می‌تواند منافع دنیوی را تأمین و هم منافع اخروی را تضمین کند؛ اما باید به این نکته توجه داشت که منافع در دنیا محدود به لذات صوری و تصنعی نیست. اگر اختلاف و چالشی در



یعنی بهره‌وری از منابع و منافع و مصالح اقلیم زمین و همه ظرفیت‌های مناسب آن هم حق بشر و هم تکلیف الهی است، به طوری که بر مردم واجب است در اقتصاد مستقل باشند و اگر کوتاهی کنند مسئول‌اند و در قیامت کیفر می‌بینند. این همان دوروی سگه است؛ یک روی سگه استقلال اقتصادی، حق بشر است و روی دیگر آن تکلیف الهی. چنین دینی که آستر و رویه جامه جامعه بشری را حق و تکلیف می‌داند و دنیا و آخرت را ظاهر و باطن کسوت انسانی می‌شمارد و حرمت بشر را به اوج عروج خلیفه‌اللهی می‌رساند تا آنجا که خداوند او را جانشین خود در عمران و آبادگری زمین قرارداد داده است، هرگز حقوق بشر را مهمل نمی‌گذارد و از منافع وی چشم نمی‌پوشد. حضرت امام صادق (علیه‌السلام) از صنعت کشاورزی به کیمیای اکبر یاد فرمود: الکیمیاء الأكبر الزراعه؛ زیرا در پرتو چنین صنعتی به مواد جامد طبیعی، حیات گیاهی بخشوده می‌شود و هنر این فن ویژه، فراهم‌نمودن شرایط جهش از مرحله جماد و مردگی به منطقه نبات و زندگی است. پس، اصل کار باید به منزله دمیدن روح هنر در ماده به ظاهر بی‌روح طبیعت باشد تا صنایع آدمیان، تبلوری از حیات هنر و تجلی زنده‌بودن و زنده‌شدن باشد.

و داشت تا منافع عمومی را بر مصالح شخصی مقدم دارند و از فاسدان و مفسدان به زشتی یاد کرد و آنان را به کیفر تلخ محکوم دانست. در قرآن کریم آیات تسخیر سپهر و زمین و دریا فراوان است و اصل تسخیر برای آشنایان به قرآن حکیم مطلبی قطعی و شک‌ناپذیر است. چنان که گذشت آیه هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ أَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَعْمَرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ از اصل اصیل و پربرکت و مظلوم استعمار سخن می‌گوید؛ استعمار در فرهنگ قرآن به معنای طلب جدی و درخواست مؤکد عمران زمین، آفرید و فکر آباد بکر آباد کردن معادن، کوه‌ها، دریاها، صحراها، جنگل‌ها و ساحل‌ها و ... است. خداوند همه این امور را به‌طور کردن و بهره‌برداری از آن‌ها را به بشر داد و دستور استیفای عادلانه منافع آن را صادر کرد و چنین اعلام داشت: لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اكْتَسَبْنَ؛ یعنی هم بر بشر واجب است که از عمق زمین تا سینه سپهر را آباد کند، و هم دسترنج او متعلق به خود اوست؛ نه به بیگانه، و هم در این بهره‌وری بین زن و مرد تفاوتی نیست. آنچه از آیه وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ استفاده می‌شود همین عناصر محوری استقلال اقتصادی جامعه بشری است؛

منابع

۱. اسلامی، محمد. تقی. ۱۳۹۱. اسلام و اخلاق زیست‌محیطی با تأکید بر آرای آیت الله جوادی آملی. دوره ۴، شماره ۲، صفحات ۷۷-۱۱۱.
۲. تمیمی آمدی، ابوالفتح. عبدالواحد. بن. محمد. ۱۳۸۴. غرر الحکم و درر الکلم. ترجمه محدث، سید جلال‌الدین. انتشارات دانشگاه تهران. ۱۵۴۱ صفحه.
۳. حدادیان مقدم، اسماعیل. ۱۳۷۸. اسلام و محیط زیست، ترجمه خالد، فضلان. و جوان او، براین. انتشارات آستان قدس رضوی. ۱۳۸ صفحه.
۴. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۸. اسلام و محیط زیست. مرکز نشر اسراء. چاپ دهم. ۳۶۰ صفحه.
۵. فتاحی زاده، فتحیه، افشاری، نجمه. ۱۳۸۹. روش فهم حدیث در وسائل الشیعه. فصلنامه حدیث پژوهی، سال دوم، شماره چهارم، صفحات ۶۷-۹۸.
۶. مجلسی، محمد. باقر. ۱۴۰۳. بحار الانوار. بیروت: نشر موسسه وفاء. جلد ۷۴. صفحه ۵۴.
۷. نقی زاده، محمد. ۱۳۸۲. جهان بینی و حفاظت محیط زیست. نامه فرهنگستان علوم. صفحات ۱۸۳-۱۴۵.



اسالیب ادبی در آیات واجد واژه «الأرض» در قرآن کریم با عنایت به مبانی زمین‌شناسی تاریخی و زیست
دیرینه‌شناسی

عبدالحسین کنگازیان^۱ اکرم‌السادات میرممتاز^۲ امین رضایی صدر^۳

۱- استادیار گروه زمین‌شناسی، دانشکده فنی مهندسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)

۲- مربی گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فلاورجان

۳- دانش‌آموخته گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فلاورجان

(نویسنده مسئول: kangazian@khuif.ac.ir)

چکیده

خداوند متعال کتاب آسمانی خود را بر حضرت رسول (ص) جهت هدایت و سعادت‌مندی انسان‌ها نازل فرمود. خداوند متعال برای نیل به این مقصود آیات هدایتگر را گاه با بیان ذکر رخداد‌های تاریخی، گاه با بیان موضوعات علمی، یا با ذکر احکام دینی، گاه با ذکر داستان انبیاء و اقوام گذشته و یا در قالب‌های دیگر بیان می‌نماید. یکی از قالب‌هایی که خداوند به‌منظور تربیت و هدایت انسان در کتاب آسمانی آورده، مفاهیم زمین‌شناسی تاریخی و زیست دیرینه‌شناسی است در این تحقیق برای نیل به این هدف ابتدا آیات واجد واژه «الأرض» که دارای مفاهیم زمین‌شناسی تاریخی و دیرینه‌زیست‌شناسی بودند از قرآن کریم استخراج گردیده و با استفاده از ترجمه استاد فولادوند ترجمه شده است سپس بر اساس تفاسیر معتبر و مقالات علمی، مصادیق علمی آیات موردبررسی قرارگرفت و با استفاده از تفاسیر و کتب بلاغی اسالیب ادبی مرتبط با آیات استخراج گردید. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که در قرآن کریم برای تبیین آیات مرتبط با موضوع زمین‌شناسی تاریخی و زیست دیرینه‌شناسی از واژگان و عبارات متعددی نظیر «خلق»، «بدیع»، «فاطر»، «ذخان»، «فی سته ابام»، «و انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا» و «ذراکم» و... و از اسالیب ادبی نظیر تشبیه بلیغ، مقابله، تاکید، بیان عظمت، حال و... استفاده شده است. موضوعات زمین‌شناسی تاریخی اشاره شده عبارتند از: خلقت و تکامل تدریجی زمین، خلقت آسمان و تکامل تدریجی آن (۱۴ آیه) و نحوه شکل‌گیری زمین و کرات آسمانی. همچنین در آیات مورد بررسی به زیست‌دیرینه‌شناسی نیز در موضوع خلقت تدریجی موجودات زنده و انسان اشاره شده است. نتایج حاصل از بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که استفاده از اسلوب «کنایه» برای عینی‌کردن نحوه خلقت، استفاده از «استعاره» برای تصویرپردازی بهتر پیدایش کره زمین، استفاده از «بیان عظمت» برای تبیین این پدیده (خلقت زمین و خالق آن) و «صفت‌استمراری» برای نشان دادن تدریجی بودن خلقت زمین می‌باشد. تنها اسلوبی که در تبیین موضوع زیست دیرینه‌شناسی بکارگرفته شده، اسلوب حال است. با توجه به کاربرد این اسلوب شاید بتوان نتیجه گرفت که کیفیت و چگونگی پیدایش موجودات زنده و انسان توسط این اسلوب بیان شده است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، زمین‌شناسی تاریخی، زیست دیرینه‌شناسی، اسلوب ادبی

مقدمه

است، تربیت انسان و هدایت او به‌سوی فلاح و رستگاری است. خداوند حکیم در این کتاب، که معجزه‌ جاودانی است، از روش‌ها، فنون و علوم مختلفی سخن به‌میان آورده که بشر می‌تواند با فهم آنها از کلام الهی بهره‌گیرد. این علوم علاوه‌بر علوم ادبی عربی، علوم دیگر را نیز شامل

قرآن کریم آخرین و جامع‌ترین کتاب آسمانی است که برای هدایت انسان‌ها و رستگاری بشر از سوی خداوند حکیم به‌واسطه نبی اکرم (ص) نازل شده است. بنابراین هدف اصلی قرآن کریم که همان هدف اصلی خلقت انسان و نظام هستی



مفسران می‌تواند آنان را در فهم و تفسیر این آیات یاری نماید. این ایده را رضایی اصفهانی (۱۳۸۸) نیز در مورد همه علوم طبیعی مطرح شده در قرآن کریم پذیرفته و سرخط‌هایی از آن را در تفاسیر شیعی عنوان نموده است. ندایی (۱۳۹۳) نیز با بررسی ارتباط این گونه آیات با پدیده‌های جهان آفرینش بویژه علم زمین‌شناسی شیوه تفسیر علمی را برای فهم بهتر آیات قرآن پیشنهاد می‌دهد. آقازینی (۱۳۷۶) نیز با همین دیدگاه مصادیق اشتقاق قاره‌ها را در قرآن کریم مورد پی‌جویی قرار داد. مسلم است که کلید فهم موضوعات علمی مطرح شده در قرآن کریم استفاده از ادبیات عرب است. با توجه به مطالب ذکر شده این تحقیق سعی دارد با واکاوی اسالیب ادبی آیات واجد واژه‌الارض و مصادیق زمین‌شناسی تاریخی و زیست‌چینه‌نگاری، ارتباط بین اسالیب بکار گرفته شده را با مصادیق ذکر شده به‌دست آورد. نتیجه این پژوهش می‌تواند فهم و درک بهتری از کلام الهی در این آیات را برای مفسران ایجاد نماید و زمینه را برای حصول به هدف اصلی قرآن کریم یعنی هدایت فراهم آورد. در این پژوهش ابتدا آیات واجد واژه «الارض» با استفاده از نرم‌افزار جامع تفسیر نور ۲ استخراج گردید و براساس تقسیم‌بندی کنگازیان و همکاران (۱۹۹۳) از بین آنها آیات دارای مصادیق زمین‌شناسی تاریخی و زیست‌دیرینه‌شناسایی و با استفاده از ترجمه فولادوند ترجمه گردید. سپس با استفاده از کتب لغوی معتبر نظیر: ابن منظور (۱۴۱۴)، قرشی بنایی (۱۴۱۲)، مصطفوی (۱۳۸۵)، راغب اصفهانی (۱۴۱۲) واژگان هر آیه مورد بررسی قرار گرفت. آنگاه تفسیر این آیات با استفاده از تفاسیر معتبر نظیر طبرسی (۱۴۱۲) طباطبائی (۱۳۸۴)، مکارم شیرازی (۱۳۸۰)، طیب (۱۳۸۶) مورد دقت قرار گرفت. اسالیب ادبی هر کدام از

می‌شود. برخی از این علوم مانند علم تاریخ، علم حقوق و علم روانشناسی علوم هستند که بشر به فهم آنها زودتر نایل گردیده و از آنها در فهم بهتر قرآن بهره جسته است. مسلماً هدف خداوند از بیان قصص تاریخی یا تعیین مسائل حقوقی آموزش علم تاریخ یا علم حقوق نبوده، بلکه این‌ها به‌منظور هدایت و راهنمایی انسان در قرآن کریم مورد اشاره قرار گرفته‌اند. با پیشرفت علوم و واکاوی‌های جدید، اشارات آشکار و نهانی از علوم دیگر در قرآن کریم معرفی گردیده است. از جمله مهمترین این علوم - که آیات زیادی در قرآن به آن اشاره دارد - علوم زمین است. مسلماً اشاره خداوند به علوم زمین - و گرایش‌های مختلف آن - در کلام خود همان حکمتی را دارد که بیان علوم دیگر داراست. در این میان اشارات خداوند به خلقت جهان، زمین، انسان و موجودات دیگر (که در زمین‌شناسی از آن به‌عنوان زمین‌شناسی تاریخی و زیست‌دیرینه‌شناسی یاد می‌شود) جایگاه مشهودی دارد که چنانچه بیان شد این اشارات نیز به‌منظور هدایت انسان ذکر شده است. بنابراین یکی از مهمترین وظایف مومنین تلاش برای درک بهتر این آیات می‌باشد. با توجه به موارد ذکر شده محققین زیادی به تحقیق در مورد مسائل علمی از جمله مسائل زمین‌شناسی قرآن پرداخته‌اند به‌عنوان مثال شعاعی (۱۳۹۸) به تبیین اوصاف زمین (مهد، کفات، قرار، فراش، ذلول، ذات الصدع، بسط و سطح، دحو و طحو و مد، ویژگی‌ها (جاذبه، حرکت و کرویت) و نیز کوه‌ها، در قرآن کریم پرداخته و میزان تطبیق آن با علم زمین‌شناسی را مورد بررسی قرار داده است. کنگازیان و همکاران (۱۳۹۳) با رویکرد تبیین اشارات زمین‌شناسی در قرآن، آیات واجد واژه ارض را بررسی کرده و مصادیق زمین‌شناسی آن آیات را بر مبنای مفاهیم زمین‌شناسی معرفی نموده‌اند. به‌نظر آنان شناساندن این مفاهیم به



تحقیق، تعداد ۲۷ آیه از آیات واجد واژه «الأرض» در ارتباط با موضوع زمین‌شناسی تاریخی و زیست دیرینه‌شناسی می‌باشد. فهرست این آیات در جدول ۱ ارائه شده است. در این جدول علاوه بر فهرست آیات، اسالیب ادبی به‌کار رفته در هر کدام بر مبنای تفاسیر و کتب بلاغی معتبر معرفی شده است.

این آیه‌ها با استفاده از منابعی نظیر تفتازانی (۱۴۱۱)، عرفان (۱۳۸۳) استخراج گردید و در نهایت ارتباط بین مصادیق زیست دیرینه‌شناسی با لغات و اسالیب بدست‌آمده در هر آیه مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها

با توجه به بررسی به‌عمل آمده توسط بهرامی و همکاران (۱۳۹۳) و بررسی به‌عمل آمده در این

جدول ۱- فهرست آیات واجد واژه «الأرض» مرتبط با علم زمین‌شناسی تاریخی و اسالیب مربوطه

نام و شماره سوره	شماره آیه	عناوین اسالیب شناسایی شده در آیه
البقره ۲	۲۲	تأکید در نهی، مقابله، تشبیه بلیغ
البقره ۲	۱۱۷	ماکافه (تأکید)، استعاره تمثیلیه، ترتیب عقلی
البقره ۲	۱۶۴	بدل اِشتمال، لام تأکید، مساوات
التوبه ۹	۳۶	حال، عظمت و تأکید، نهی خاص بعد از نهی عام، مبالغه
هود ۱۱	۷	نون تأکید، تشبیه بلیغ، کنایه
یوسف ۱۲	۱۰۱	من تبعیضیه
الرعد ۱۳	۳	تأکید، جمله و صغیه
ابراهیم ۱۴	۱۰	استفهام انکاری، آدات حصر
ابراهیم ۱۴	۳۲	من جنسیت، من تبعیضیه، حال
الحجر ۱۵	۱۹	کنایه، مجاز، من تبعیضیه
الحج ۲۲	۵	طباق، اِنتلاف طباق و تکافؤ، حال
المومنون ۲۳	۷۹	-
الفرقان ۲۵	۵۹	استعاره مکنیه، کنایه، حال
النمل ۲۷	۶۱	استفهام انکاری
فاطر ۳۵	۱	زیادت، حال، کنایه، استعاره، مجاز، صفت استمراری
الزمر ۳۹	۴۶	منادی، اِلتجاء
فصلت ۴۱	۱۱	مجاز عقلی، تشبیه بلیغ صوری، حال، استعاره مکنیه، طباق
الشوری ۴۲	۱۱	مبالغه در نفی به طریق کنایه، تأکید، جمله حالیه
ق ۵۰	۷	-
الذاریات ۵۱	۴۸	مدح
الرحمن ۵۵	۱۰	-
الحديد ۵۷	۴	کنایه، معیت مجازی
الملک ۶۷	۲۴	-
نوح ۷۱	۱۹	تشبیه
النبا ۷۸	۶	استفهام انکاری، سجع مطرف، تشبیه
النازعات ۷۹	۳۰	اِشتمال
عبس ۸۰	۲۶	اسناد مجازی، تأکید

چنانچه در این جدول مشاهده می‌شود اسالیب ادبی، تأکید (۸ آیه)، تشبیه؛ کنایه، حال و استعاره (هر کدام ۵ آیه)، من تبعیضیه، مجاز، استفهام انکاری (هر کدام، ۳ آیه) و طباق (۲ آیه) بیشترین فراوانی را به‌خود اختصاص داده است و سایر اسالیب ادبی نظیر: ترتیب عقلی، بدل

چنانچه در این جدول مشاهده می‌شود اسالیب ادبی، تأکید (۸ آیه)، تشبیه؛ کنایه، حال و استعاره (هر کدام ۵ آیه)، من تبعیضیه، مجاز، استفهام انکاری (هر کدام، ۳ آیه) و طباق (۲ آیه) بیشترین فراوانی را به‌خود اختصاص داده است و سایر اسالیب ادبی نظیر: ترتیب عقلی، بدل



اشتمال، مساوات، مقابله، نهی خاص بعد از عام، مطرف و اشتغال در مجموعه آیات هر کدام یک بار به کار رفته است. جدول ۲ مصادیق مربوط به زمین‌شناسی تاریخی و زیست دیرینه‌شناسی در آیات مورد مطالعه را نشان داده است.

جدول ۲- فهرست آیات مرتبط با زمین‌شناسی تاریخی به همراه عبارات و موضوعات زمین‌شناسی تاریخی هر آیه

سوره/آیه	عبارات آیه	مصادیق زمین‌شناسی تاریخی
البقره ۲۲/۲	عبارت جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فَرَاشًا و عبارات وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ اشاره به تکامل تدریجی کره زمین قبل از خلقت انسان و عبارت وَالسَّمَاءَ بَنَاءً به خلقت و تکامل آسمان اشاره دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین - خلقت آسمان
البقره ۱۱۷/۲	عبارت بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اشاره به خلقت آسمان و زمین دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت آسمان
البقره ۱۶۴/۲	کل آیه به خلقت آسمان و زمین و عوامل و فرآیندهای موجود در جو و دریا های زمین اشاره دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت آسمان
التوبه ۳۶/۹	عبارت خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اشاره به خلقت آسمان و زمین دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت آسمان
هود ۷/۱۱	عبارت خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ به خلقت تدریجی آسمان و زمین و تعداد مراحل آن و عبارت وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ به شکل گیری کرات و زمین ابتدایی به شکل مایع اشاره دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت و تکامل تدریجی آسمان نحوه شکل گیری زمین و کرات
یوسف ۱۰۱/۱۲	عبارت فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اشاره به خلقت آسمان و زمین دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت آسمان
الرعد ۳/۱۳	کل آیه به تکامل تدریجی کره زمین اشاره دارد.	تکامل تدریجی زمین
ابراهیم ۱۰/۱۴	عبارت فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ به خلقت آسمان و زمین اشاره دارد	خلقت زمین خلقت آسمان
ابراهیم ۳۲/۱۴	کل آیه به خلقت آسمان و زمین و تکامل تدریجی آن اشاره دارد	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت آسمان
الحجر ۱۹/۱۵	کل آیه به تکامل تدریجی زمین اشاره دارد.	تکامل تدریجی زمین
الحج ۵/۲۲	عبارات خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ..... يَرُدُّ إِلَى أَرْضٍ الْعُمْرُ اشاره به تدریجی پدیدار شدن موجودات و خُلِقْتَ انسان و عبارات أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ..... به تکامل تدریجی کره زمین اشاره دارد.	خلقت تدریجی موجودات زنده و انسان تکامل تدریجی زمین
المومنون ۷۹/۲۳	عبارت ذُرَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ اشاره به خلقت انسان دارد	خلقت انسان
الفرقان ۵۹/۲۵	عبارات خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ به خلقت تدریجی آسمان و زمین اشاره دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت و تکامل تدریجی آسمان
النمل ۶۱/۲۷	عبارات جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیستن انسان اشاره دارد	تکامل تدریجی زمین
فاطر ۱/۳۵	عبارت فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اشاره به خلقت آسمان و زمین دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت آسمان
الزمر ۴۶/۳۹	عبارت فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اشاره به خلقت آسمان و زمین دارد.	خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت آسمان



خلقت آسمان و تکامل تدریجی آن نحوه شکل‌گیری زمین و کرات خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت آسمان تکامل تدریجی زمین تکامل تدریجی زمین تکامل تدریجی زمین خلقت و تکامل تدریجی زمین خلقت انسان تکامل تدریجی زمین تکامل تدریجی زمین تکامل تدریجی زمین تکامل تدریجی زمین	عبارات استَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا احتمالاً اشاره به نحوه شکل‌گیری آسمان و زمین اشاره دارد.	۱۱/۴۱
عبارت فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ اشاره به خلقت آسمان و زمین دارد.	عبارت ذُرَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ اشاره به خلقت انسان دارد.	الشوری ۱۱/۴۲
کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	عبارت وَالْأَرْضِ فَرَشْنَاهَا احتمالاً اشاره به تکامل تدریجی زمین دارد.	ق ۷/۵۰
کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	کل آیه به خلقت و تکامل تدریجی آسمان و زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	الذاریات ۴۸/۵۱
عبارت ذُرَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ اشاره به خلقت انسان دارد.	کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	الرحمن ۱۰/۵۵
کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	الحدید ۴/۵۷
کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	الملک ۲۴/۶۷
کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	نوح ۱۹/۷۱
کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	النبا ۶/۷۸
کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	النازعات ۳۰/۷۹
کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	کل آیه به تکامل تدریجی زمین و آماده شدن آن برای زیست انسان اشاره دارد.	عبس ۲۶/۸۰

تکامل تدریجی زمین " از اسالیب ادبی "مقابله، تشبیه بلیغ، تأکید، کنایه، بیان عظمت، مجاز، استعاره، صفت استمراری، سجع مطرف، اشتغال و اسناد مجازی" استفاده شده است. در برخی از آیات مربوط به این موضوع ابتدا به پیدایش زمین و جهان با کلمات "فاطر"، "خلق"، "بدیع" و چند مرحله‌ای بودن این پیدایش با عبارات "فی سته ایام" اشاره شده است. در بیان این قسمت از مراحل پیدایش و خلقت زمین خالق متعال از اسالیب "کنایه"، "استعاره"، "بیان عظمت" و "صفت استمراری" استفاده فرموده است.

چنانچه در این جدول مشاهده می‌شود مصادیق زمین‌شناسی تاریخی و زیست دیرینه‌شناسی اشاره شده به ترتیب فراوانی عبارتند از: خلقت و تکامل تدریجی زمین (۱۸ آیه)، خلقت آسمان و تکامل تدریجی آن (۱۴ آیه) خلقت تدریجی موجودات زنده و انسان (۳ آیه) نحوه شکل‌گیری زمین و کرات آسمانی (۲ آیه).

بحث و نتیجه‌گیری

جدول ۳ ارتباط بین مصادیق ذکر شده و اسالیب ادبی را بیان می‌نماید. چنانچه از این جدول به‌دست می‌آید در آیات واجد مصادیق "خلقت و

جدول ۳- ارتباط مفاهیم زمین‌شناسی تاریخی و زیست دیرینه‌شناسی با اسالیب ادبی

موضوع زمین‌شناسی تاریخی	اسالیب ادبی
خلقت و تکامل تدریجی زمین	مقابله، تشبیه بلیغ، تأکید، کنایه، بیان عظمت، مجاز، استعاره، صفت استمراری، سجع مطرف، اشتغال
خلقت و تکامل تدریجی آسمان	مقابله، تشبیه بلیغ، مساوات، کنایه، بیان عظمت، استعاره مکنیه، صفت استمراری
نحوه شکل‌گیری زمین و کرات آسمانی	کنایه، تشبیه بلیغ، استعاره مکنیه
خلقت تدریجی موجودات زنده و انسان	حال

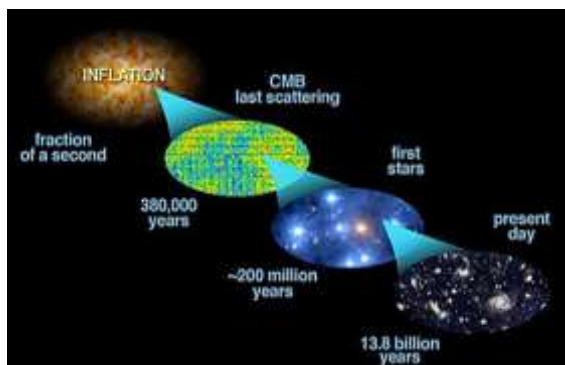
عظمت" برای تبیین این پدیده (خلقت زمین و خالق آن) و "صفت استمراری" برای نشان‌دادن تدریجی بون خلقت زمین باشد (شکل ۲). در

شاید استفاده از "کنایه" برای عینی کردن نحوه خلقت، استفاده از "استعاره" برای تصویرپردازی بهتر پیدایش کره زمین، استفاده از "بیان



مصدق "خلقت آسمان و تکامل تدریجی آن" با اسالیب ادبی "مقابله"، "تشبیه بلیغ"، "مساوات"، "کنایه"، "بیان عظمت"، "استعاره مکنیه"، "مجاز" و "صفت استمراری" بیان شده است. این اسالیب با اسالیب بکار رفته در موضوع خلقت و تکامل تدریجی زمین مشابه می‌باشد، بنابراین می‌توان دلایلی را که برای استفاده این اسالیب برای بیان این موضوع اشاره شد برای بیان دلایل استفاده از آنها در تبیین موضوع خلقت آسمان و تکامل تدریجی آن نیز استفاده نمود. چنانچه در جدول ۳ ملاحظه می‌شود اسالیب به‌کار گرفته شده در تبیین موضوع «نحوه شکل‌گیری زمین و کرات آسمانی» عبارتند از: «کنایه»، «تشبیه بلیغ» و «استعاره مکنیه».

ادامه در برخی از آیات دیگر مرتبط با موضوع به تکامل تدریجی زمین با عباراتی نظیر "انزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا"، "انبتنا فیها من کل شیء موزون" و عبارات دیگر اشاره شده است. در تبیین این مراحل علاوه بر استفاده از اسالیبی که به زیباسازی کلام کمک کرده است مانند "مقابله"، "سجع مطرف" و "اسناد مجازی" از اسالیب "تشبیه" و "مجاز" برای پرده‌برداری از نحوه تکامل زمین و وادار نمودن شنونده به تفکر و درک عمیق تر موضوع استفاده و موجب تقویت معنای کلام شده است. با اسالیب "اشتغال" و "تاکید" نیز بر چنین نحوه ی خلقتی (تدریجی بودن و مرحله ای بودن) اشاره شده است. براساس اطلاعات مندرج در جدول ۳ و یافته‌های این پژوهش آیات واجد



شکل ۱- شکل شماتیک از مراحل کلی خلقت جهان. اعداد نشان‌دهنده طول هر مرحله است (اقتباس از سایت مرکزی زمین گذشته، ۱۳۹۹).

به‌صورت متراکم و گازی شکل (دود) ستارگان و کهکشان‌ها بوجود آمده‌اند (شکل ۱). نهایتاً در انفجاری که در انتهای سیر تکاملی ستارگان رخ داده غبار حاصل شده و از آنها (دود) کرات آسمانی در منظومه‌ها شکل گرفته است (شکل ۱-۲). برای توضیح مرحله اخیر از اسلوب "استعاره" و "تشبیه بلیغ" و واژه "دخان" در آیه

بر طبق نظریه "بیگ‌بنگ" یا "مه‌بانگ" که در مورد چگونگی خلقت جهان شامل کرات آسمانی و زمین است تشکیل جهان پس از انفجار عظیم و تبدیل انرژی حاصل از این انفجار به ذرات اولیه مادی (الکترون پروتون و ...) شروع شده است. سپس با شکل‌گیری عناصر ساده نظیر هیدروژن و هلیوم، از این ذرات اولیه و تجمع آنها

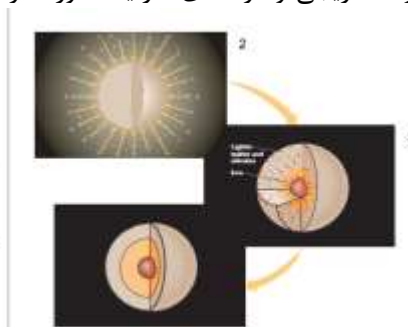


از عبارت "استوی الی السماء..." و از اسلوب کنایه استفاده شده است (رک، طیب، ۱۳۸۶، ج ۱۱، ص ۴۱۶ و طباطبائی، ۱۳۸۴، ج ۱۷، ص ۵۵۳).



۱

مرتبط استفاده شده است. از طرف دیگر برای توضیح شکل‌گیری زمین و کرات آسمان به‌صورت تدریجی و مرحله‌ای، در آیات موردنظر



۲

شکل ۲- شکل‌گیری تدریج کره زمین: ۱- تشکیل ابتدایی منظومه شمسی خورشید در میانه منظومه و غبار بقیه کرات در اطراف آن در گردش هستند. ۲- کره زمین به‌صورت مذاب و یکدست شکل گرفته است. ۳- عناصر سنگین (مثل آهن) به داخل توده مذاب کره زمین جذب می‌شوند ۴- این جابجایی باعث ایجاد لایه‌های درونی زمین در حین سرد شدن آن شده است (اقتباس از Garrison 2010).

سلولی‌ها، "مضغه مخلقه و غیر مخلقه" را به پیدایش مهره‌داران و بی‌مهرگان، "یقر" را به پیدایش پستانداران و نهایتاً "نخرجکم طفلاً" را به پیدایش انسان قرینه نمود. (الله اعلم بالصواب). هم‌چنین در آیات دیگر مربوط به این موضوع انتشار و گسترش جنس انسان بر روی زمین را با واژه "ذراکم" توصیف فرموده و زندگی و انتشار نسل وی را وابسته به زمین دانسته است (رک، مکارم‌شیرازی، ۱۳۸۰، ج ۳، ص ۲۶۲ و مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۲۸۳). البته در رابطه با موضوع انتشار نسل انسان اسلوب ادبی خاصی در آیات استفاده نشده است.

نتیجه‌گیری

- از مجموع آیات واجد واژه «الارض» ۲۷ آیه مرتبط با موضوع «زمین‌شناسی تاریخی» است.
- اسالیب ادبی به‌کار رفته در آیات مرتبط با

با عنایت به جدول ۳ می‌توان دریافت که تنها اسلوب به‌کار گرفته‌شده برای بیان "خلقت تدریجی موجودات زنده و انسان" اسلوب "حال" می‌باشد. در بیان این موضوع یعنی خلقت تدریجی موجودات زنده تفاوت نظرانی بین مفسرین و دانشمندان اسلامی وجود دارد، برخی از آنان (به‌عنوان مثال، مشکینی) معتقدند که برخی از آیات قرآن خلقت تدریجی موجودات و درنهایت انسان را تصویرپردازی می‌کند. اما تنها اسلوبی که در این سه آیه می‌توان یافت، اسلوب حال است که با توجه به کاربرد این اسلوب شاید بتوان نتیجه گرفت که آیه مذکور (الحج/۵) به کیفیت و چگونگی پیدایش موجودات زنده و انسان اشاره نموده است یعنی می‌توان مطابق با معانی "نطفه" را اشاره به ایجاد تک‌سلولی‌ها بر روی زمین، سپس "علقه" را به ایجاد چند



ماءاً فأخرج به من التمرات رزقا» و «أنبئتنا فيها من كل شيء موزون» استفاده شده است. در آیات واجد موضوع «خلقت آسمان و تکامل تدریجی آن» از اسالیب ادبی، مقابله، تشبیه بلیغ، مساوات، کنایه، بیان عظمت، استعاره مکنیه، مجاز و صفت استمراری استفاده شده است. در تبیین آیات واجد موضوع «نحوه شکل‌گیری زمین و کرات آسمانی» از اسالیب ادبی: کنایه، تشبیه بلیغ و استعاره مکنیه استفاده شده است. برای بیان نحوه شکل‌گیری کرات آسمانی از واژه «دُخان» استفاده شده است. از عبارت «استوی الی السماء...» برای تبیین شکل‌گیری زمین و کرات آسمانی به صورت تدریجی و مرحله‌ای بودن استفاده شده است. شاید بتوان از واژه «نطفه» به ایجاد تک سلولی‌ها بر روی زمین، از واژه «عقله» به ایجاد چند سلولی‌ها از عبارت «مُضَعَةٌ مَخْلُفَةٌ و غیر مَخْلُفَةٌ» به خلقت مهره داران و بی مهرگان، از عبارت «نقرُّ» به پیدایش پستانداران و از عبارت «تُخْرِجُکُمْ طِفْلاً» به پیدایش انسان اشاره نمود. با عبارت «دَرَأَکُمْ» می‌توان به انتشار و گسترش جنس انسان بر روی زمین اشاره کرد.

موضوع «زمین‌شناسی تاریخی» به ترتیب فراوانی عبارتند از: تأکید، تشبیه، کنایه، حال، استعاره، طباق، من تبعیضیه، مجاز، استفهام انکاری، ترتیب عقلی، بدل اشمال، مساوات، مقابله، نهی خاص بعد از عام، مبالغه، جمله وصفیه، ادات حصر، من جنسیت، ائتلاف طباق و تکافو، زیادت، صفت استمراری، منادی، التجاء مدح، معیت مجازی، سجع مُطَرَف و اشتغال. - موضوعات مرتبط با علم زمین‌شناسی تاریخی در این مجموعه آیات عبارتند از «خلقت و تکامل تدریجی زمین»، «خلقت آسمان و تکامل تدریجی»، «خلقت تدریجی موجودات زنده و انسان» و «نحوه شکل‌گیری زمین و کرات آسمانی». در آیات واجد موضوع «خلقت و تکامل تدریجی زمین» از اسالیب ادبی مقابله، تشبیه بلیغ، تأکید، بیان عظمت، مجاز، استعاره، صفت استمراری، سجع مُطَرَف، اشتغال و اسناد مجازی استفاده شده است. در تبیین موضوع پیدایش زمین و جهان از واژگان «فاطر»، «خلق»، «بدیع»، استفاده شده است. در تبیین موضوع چند مرحله‌ای بودن پیدایش به عبارت «فی سنه ایام» اشاره شده است. در تصویرپردازی تکامل تدریجی زمین از عباراتی نظیر «انزل من السماء

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقا زینی، سیامک (۱۳۷۶): «قرآن و اشتقاق قاره‌ها» فصلنامه بینات، دوره ۴، شماره ۱۳، صص ۸۰-۹۳
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه. ق) «لسان العرب»، بیروت: دار صادر
۴. التفتازانی، سعد الدین (۱۴۱۱ ه. ق): «مختصر المعانی»، قم: دارالفکر
۵. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ه. ق): «المفردات فی غریب القرآن»، دمشق: دارالعلم-الدارالشامیه
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۸): «تفسیر علمی قرآن از دیدگاه مفسران شیعه»، شیعه شناسی، سال هفتم؛ شماره ۲۶، صص ۱۶۷-۱۸۴
۷. شجاعی، علی اصغر (۱۳۹۸): «جلوه‌های زمین‌شناسی در قرآن کریم»، قم: بوستان کتاب
۸. طیب، عبدالحسین (۱۳۸۶): «طیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: نشر اسلام
۹. عرفان، حسن (۱۳۸۳): «ترجمه و شرح جواهر البلاغه»، قم: نشر بلاغت
۱۰. قرشی بنابی، علی اکبر (۱۴۱۲ ه. ق): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه



۱۱. کنگازیان، عبدالحسین، میرممتاز اکرم السادات، بهرامی سارا، نورگستری، اعظم، (۱۳۹۳): «کاربرد زمین شناسی در تفسیر قرآن کریم»، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال پنجم، شماره ۱۹، صص ۶۱-۷۳
۱۲. مشکینی، علی (بی تا): «تکامل در قرآن»، حسین نژاد، ق، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
۱۳. مصطفوی، حسن (۱۳۸۵): «لتحقیق فی کلمات القرآن الکریم»، تهران: مرکز نشر آثار علامه مصطفوی
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الإسلامیة
۱۵. ندایی مریم، جلالی مصطفی (۱۳۹۳): «کارکردهای پژوهش‌های قرآنی در علم زمین شناسی» شیراز: همایش ملی زمین شناسی و اکتشاف منابع، <https://civilica.com/doc/374070>
16. Garrison, T. (2010): "Oceanography", Canada: Books/Col Cengage Learning
۱۷. سایت مرکزی، زمین گذشته (۱۳۹۹): «بیگ بنگ»، قابل دسترسی در سایت
18. http://www.earlyearthcentral.com/big_bang_page.html

آب در قرآن

طیبه مهدوی خانوکی^۱ و مهدی عبداللهی پور^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآن - دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول: tmahdavi110110@gmail.com)
۲- دکترای علوم قرآن و حدیث - استاد یار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

چکیده

در میان ادیان آسمانی هیچ دین و شریعتی به اندازه اسلام به طبیعت و عناصر آن توجه نداشته است. از مهم‌ترین عناصری که اسلام به طور ویژه به آن پرداخته، «آب» است. آب از موهبات الهی و مایه‌ی حیات و اولین خلقت مادی است که عرش الهی بر آن استوار است. آب به صورت‌های گوناگون: باران، دریا، چشمه، چاه و رودخانه و... در طبیعت یافت می‌شود و همچنین با عناوین گوناگونی مانند: شیرین و گوارا، جوشان، شور و... در قرآن به کاررفته است. شایسته است که در هنگام نوشتن آب امام حسین (ع) را یاد نموده و آب را با رعایت آداب آن بنویسیم. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تهیه شده به طور تفصیلی به این مسائل پرداخته شده است.

واژگان کلیدی: آب، قرآن، جایگاه و ارزش، انواع آب، آداب

مقدمه

آدابی وجود دارد؟ باید بیان نمود که خداوند متعال آب را به‌عنوان اولین مخلوق حسی و مادی خلق نمود و عرش را بر آن استوار گرداند و آن را ماده اصلی در پیدایش آسمان‌ها و زمین قرار داد. زندگی انسان‌ها و تمامی موجودات زنده به آب گره خورده است تا آنجا که جانداران شاید بتوانند بدون غذا مدتی را سپری کنند اما بدون آب، ادامه حیات امکان‌پذیر نیست. شکل‌گیری تمدن‌ها در کنار آب و رودخانه‌ها خود گواه بر این مسئله دارد. همچنین بخش زیادی از بدن انسانها را آب تشکیل می‌دهد. خداوند متعال برای استفاده بهتر انسان‌ها آب را به‌صورت‌های گوناگونی در طبیعت قرار داده است و در روایات معصومین (ع) برای نوشتن آن آدابی ذکر گردیده است. در این مقاله که به روش کتابخانه‌ای تهیه گردیده است سعی شده که به معرفی آب، جایگاه، ارزش و انواع آن در قرآن و همچنین آداب نوشتن آب پرداخته شود. امید است که با خواندن این مقاله قدر نعمات الهی، به‌ویژه آب را بدانیم و شکرگزار خداوند باشیم.

دین مبین اسلام به‌عنوان، جامع‌ترین آیین، در میان ادیان الهی بیان شده است که به اصلی‌ترین مسائل در نظام عقیدتی، احکامی، اخلاقی و... با نگاهی نافذ به جزئی‌ترین مسائل پرداخته است. هدف اسلام تکامل آدمی و رسیدن او به سعادت و رستگاری است به‌همین دلیل برای تمامی جنبه‌های زندگی انسان ارزش فراوانی قائل است و برای بهره‌وری بیشتر او در طول دوران زندگی‌اش، به‌عنوان خالق او، بهترین تدابیر را از طریق قرآن و اهل بیت (ع) در اختیار انسان قرار داده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ. انبیا/۳۰» که ما به‌وسیله آب، هرچیزی را حیات و زندگانی بخشیدیم. این آیه بیانگر ارزش و اهمیت این عنصر در نظام هستی و در بارگاه الهی است. هدف از این مقاله بررسی و پاسخ به این سؤالات می‌باشد: که اهمیت و جایگاه آب در قرآن چگونه است؟ انواع و اقسام آب در قرآن چگونه است؟ و اینکه آیا برای استفاده از آب

۱- آب در لغت

اصحاب لغت در مورد آب این گونه بیان نموده‌اند: «ماء - اصل آن موه است بدلیل آن که جمع آب امواه و میاه آمده و مصغرش مویه است، هاء آخر را حذف و واو را مبدل به الف کرده‌اند (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۲۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ق.ص ۱۰۴). همچنین بیان شده است: الماء: الّذی یشربُ و الهمزةُ فیهِ مُبدلَةٌ من الهاء فی موضع اللّام ... ریشه آب از موه است، یعنی چیزی که نوشیده می‌شود (قابلیت نوشیدن دارد) و همزه در آن تبدیل یافته از هاء در موضع لام الفعل است (ر.ک: جوهری، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۲۲۵۰؛ طریحی، ۱۳۷۵، ش. ج ۶، ص ۳۶۲). درباره این واژه بیان شده است که: آب در زبان اوستایی «آب» و در زبان پهلوی «آو» می‌باشد و به معنی مایع شفاف و بی مزه و بی بو که انسان و حیوان از آن می‌آشامد و گیاهان و نباتات بدان تازگی می‌گیرند و آن یکی از چهار عنصر قدماست و به عربی به آن «ماء» و «بلال» گویند و ... و نیز از کنیت‌های آن ابوحنیان، ابوالحیات، ابوالعباب و ابوالغیث است که در بعضی از لهجه‌های فارسی از این واژه به «آف» و «آو» و ... تعبیر می‌شود. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۵). در قرآن کریم آب را سه گونه معنا نموده‌اند:

۱- منی (نطفه):

بر اساس «أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ. آیا شما را از آب بی‌ارزش نیافریدیم؟ مرسلات/۲۰» و آیات دیگر آب به معنای منی (نطفه) می‌باشد.

۲- آب معمولی که به ذهن تبادر می‌کند

برگرفته از آیه «أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا. از زمین، آب و چراگاهش را بیرون آورد. نازعات/۳۱» و همچنین آیه: «أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ. آیا آبی را که می‌نوشید دیده‌اید؟ واقعه/۶۸»

۲- هر شیء مایع و روان، حتی فلزات مایع و امثال آن.

خداوند در آغاز آفرینش، جهان هستی را به صورت مواد مذاب و یا گازهای فشرده خلق نمود. پس از آن با اراده‌ی خداوند متعال در اثر حرکات شدید و بهم خوردن این توده‌ی آبگینه انفجارات عظیمی رخ داد، که قسمت‌هایی از سطح آن پی‌درپی به خارج پرتاب شده و این اتصالات به انفصال و جدایی گرایید و کواکب و سیارات بی‌شماری، یکی پس از دیگری به وجود آمد. خداوند متعال می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ. آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟ انبیاء/۳۰» (ر.ک: مکارم، ۱۳۷۱، ش. ج ۲۰، ص ۲۲۸).

۲- خواص فیزیکی آب

آب در طبیعت هرگز به صورت خالص یافت نمی‌شود و همواره مقداری مواد آلی و معدنی به صورت محلول با خود دارد. قدرت حلالیت آب بسیار است. آب مهم‌ترین عامل فرسایش پوسته زمین و جابجا کردن مواد آن می‌باشد. این عمل به وسیله سیلاب‌ها و رودها انجام می‌گیرد. هزاران میلیون تن املاح محلول در سیلاب‌ها موجب شوری و تلخی آب اقیانوس‌ها گردیده است. حدود ۹۹ درصد آب‌های سطحی یا دارای مقادیر زیادی نمک هستند و یا مانند آب‌های قطبی به صورت یخچال‌های طبیعی غیرقابل استفاده‌اند. می‌توان گفت که در دنیا آب طبیعی بدون نمک وجود ندارد. در اثر جابجا شدن مواد زمین به وسیله آب و رسوبات حاصل از آن‌ها زمین‌های چین‌خوردگی‌ها و فرآیندهای کوه‌زایی بعدی فراهم می‌شود. مثلاً رود «می‌سی‌سی‌پی»

هرروز حدود یک میلیون تن مواد گوناگون به خلیج مکزیک وارد می‌کند و این عمل آب در طی سال‌ها موجب دگرگونی‌های فراوان و تغییرات زیستی و ایجاد پستی و بلندی در زمین می‌گردد. نقطه انجماد آب خالص در فشار یک اتمسفر (صفر درجه) و نقطه تبخیر آن در همان فشار (۱۰۰ سانتی‌گراد) است که به عنوان مبدأ اندازه‌گیری دما برگزیده شده است. تغییرات چگالی آب در اثر افزایش و کاهش حرارت، حالت استثنایی دارد. انجماد آب همواره از سطح آن آغاز می‌گردد و این به علت قابلیت هدایت حرارتی یخ بسیار پایین است. و انجماد آب هیچ‌گاه به اعماق آب‌های دریا نمی‌رسد و این برای جانوران آبی بسیار حیاتی است. آب، ماده‌ای مرکب از هیدروژن و اکسیژن که در شرایط عادی مایع، و خالص آن، بی‌بو و بی‌مزه و اندک آن بی‌رنگ است. ولی بسیار آن آبی به‌نظر می‌آید و این رنگ آبی به علت انتشار اشعه‌های خورشید به وسیله مولکول‌های هوا می‌باشد (ر.ک: موسوی، ۱۳۶۳، ص ۹/۱).

۳- جایگاه و اهمیت آب در قرآن

از ظاهر آیات قرآن و احادیث معصومین (ع) می‌توان دریافت که آب از جایگاه والایی برخوردار است که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱: آب اولین مخلوق مادی.

محمد بن سنان می‌گوید: از امام صادق (ع) سؤال کردم که اولین چیزی که خداوند آفرید چیست؟ ایشان فرمودند: اول ما خلق الله عزوجل چیز است که همه‌ی اشیاء را از او آفرید، عرض کردم فدایت شوم آن چیست؟ فرمودند: آب. (صدوق، ۱۴۱۴، ق.ص ۳۹ و مجلسی، ۱۴۰۳، ق.ج ۵، ص ۲۴۰/۱۱). از امیر مومنان علی (ع) پرسیده شد: «ما اصل الأشیاء؟» ریشه اشیاء چیست؟ فرمودند: «هو الماء» ریشه همه‌ی چیزها آب است، زیرا خداوند فرموده است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ

حَیْ أَنْبِیَا / ۳۰» (مجلسی، ۱۴۰۳، ق.ج ۴۰، ص ۲۲۴/۲). جابر جعفی از امام باقر (ع) روایت کرده است که اولین آفریده خداوند، چیزی بود که تمامی اشیاء از آن به‌وجود آمد، آن هم «آب» است. (صدوق، ۱۳۹۸، ق.ص ۳۲ و مجلسی، ۱۴۰۳، ق.ج ۵۷، ص ۶۷/۴). از امام صادق (ع) در دعای روز عرفه آمده است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ حِينَ لَا شَمْسٌ تَضِيءُ وَلَا قَمَرٌ يَسِرُّ وَلَا بَحْرٌ يَجْرِي وَلَا رِيحٌ تَذْرِي وَلَا سَمَاءٌ مَبْنِيَّةٌ وَلَا أَرْضٌ مَدْحِيَّةٌ...». سپاس از آن خدایی است که عرشش بر آب بنا شده بود؛ آنگاه که نه خورشیدی می‌درخشید، نه ماهی می‌گشت، نه دریایی روان بود و نه بادی می‌وزید، نه آسمانی برپا بود، نه زمینی گسترده. (مجلسی، ۱۴۰۳، ق.ج ۵۷، ص ۱۷۴). این نکته حائز اهمیت است که اولیت «آب» نسبت به آفرینش افلاک و عناصر و سایر اجسام مرئی و حسی است یعنی اولین موجودی که از اجسام مادی و حسی به‌وجود آمد «آب» است. (امینی، ۱۳۸۴، ش.ص ۴۵). پس آب اولین آفریده خداوند و عنصر اولیه‌ی حیات مادی است. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَیٍّ أَنْبِیَا / ۳۰».

۳-۲: مادر مخلوقات و اصل هستی از آب

با توجه به روایات اخیر اصل همه چیز و مادر تمام عناصر وافلاک و زمین و آسمان و هرچه میان آنهاست، «آب» است. و خداوند همه چیز را از آب خلق نموده است: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ نَوْراً / ۴۵». و طبق آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَیٍّ أَنْبِیَا / ۳۰». یعنی زندگانی همه چیز از آب است و یا وابسته و در گرو آب است. شاید منظور آن باشد که در حال حاضر آب ماده اصلی موجودات زنده را تشکیل می‌دهد و در ساختمان جسمی آن‌ها بیش از دوسوم آب است و بدون آب هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند به حیاتش ادامه دهد. و یا منظور از آب ممکن است اشاره به خلقت اولیه موجودات از نطفه باشد. و یا اشاره

به شروع زندگی در روی کره زمین دارد که در ابتدا تمام سطح زمین را آب فراگرفته بود (امینی، ۱۳۸۴، ص ۹۵ و ۹۶). همچنین در رابطه با این آیه، این روایت آمده است: «فَجَعَلَ نَسَبَ كُلِّ شَيْءٍ إِلَى الْمَاءِ» یعنی نسب همه‌ی اشیاء را بر آب قرار داد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۷، ص ۲۰/۹۷).

۳-۳: عرش الهی بر آب

آب دارای جایگاه ویژه‌ای در دستگاه خلقت و نظام آفرینش است و محل استقرار عرش الهی است. «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ. هود/۷». در این باره نقل شده است: «إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَرْشَهُ عَلَى الْمَاءِ وَ لَمْ يَخْلُقْ شَيْئاً قَبْلَ الْمَاءِ». رسول خدا (ص) فرمود: عرش خدا بر آب بود و چیزی را پیش از آب نیافریده بود. این روایت بیان می‌کند که آب زودتر از عرش خلق شده است چراکه خداوند فرموده است: «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ. هود/۷» یعنی عرش خداوند بر آب بود و این نشان می‌دهد که ابتدا آب خلق شده و سپس عرش الهی آفریده شده است. (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۴۳).

۳-۴: آفرینش آسمان و زمین

از امام علی (ع) سؤال شد: خدای تعالی آسمان‌ها را از چه به وجود آورد؟ حضرت فرمود: از بخار آب. سؤال شد: زمین را از چه آفرید؟ فرمود: از کف آب (صدوق، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۱۳۳). قرآن کریم در باب آفرینش آسمان‌ها و زمین بیان می‌کند که این دو در اثر انفجاراتی عظیمی با اراده الهی پدید آمده‌اند: «ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ. فصلت/۱۱» سپس خداوند آفرینش آسمان‌ها را اراده نمود در حالی که به صورت دخان و دود بود. دخان و دود هر دو از آب متصاعد می‌شود، با این تفاوت که «دخان» اجزاء آبی است که به وسیله‌ی حرارت آتش بلند می‌شود و «بخار» اجزاء آبی است که به سبب

حرارت حرکتی (به صورت لطیف با هوا مخلوط شده) بالا می‌رود. چکیده‌ی نظریه‌ی روائی نیز به این صورت است که خداوند آسمان‌ها را از بخار و دخان متصاعد شده از آب، و زمین را از کف و خاکستر و یا هردو آفریده است. (امینی، ۱۳۸۴، ص ۶۷).

۳-۵: احیای زمین از آب

زندگانی و پایداری و استقامت زمین از آب است. امام صادق (ع) فرمودند: «لَا قَواِمَ لِلأَرْضِ إِلاَّ بِالْماءِ» برای زمین پایداری نیست مگر با آب. (زمین بدون آب پایدار نمی‌ماند) (صدوق، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۰۱).

۳-۶: قدرت آب در معاد و زنده کردن زمین (یادآوری و تحقق معاد آدمی)

قرآن کریم می‌فرماید: «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا. نحل/۶۵» و خداوند از آسمان آبی فرستاد، پس بواسطه آن زمین را پس از آنکه مرده بود زنده کرد. خداوند در آیه مسئله معاد و زنده شدن دوباره آدمی را به صورت غیرمستقیم متذکر می‌شود. زمین به منزله رحم و تخم به مثابه نطفه، به حکمت بالغه تغذیه نموده، بتدریج تربیت یافته تا به موعد معین یک مرتبه تمام دشت و صحرا، صفحه سبز و خرم، و باغستان پر از ریاحین و لاله و یاسمین می‌گردد. و البته ظهور این آثار و تدبیرات، برهان «لمی» خواهد بود بر وجود مؤثر و مدبری که تمام موجودات در تحت فرمان او است. و اما اثبات معاد به دلالت التزامی و برهان عقلی بدین تقریر: خداوندی که قادر باشد بر زنده نمودن زمین را بعد از مردنش، هرآینه البته قدرت دارد بر زنده کردن انسان پس از مردنش، و هیچ استبعادی نخواهد داشت، زیرا نظیر آن مشاهده شود (شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۷، ص ۲۳۳).



۷-۳: طهارت و پاکیزگی با آب

خداوند در مورد این موضوع می‌فرماید: «و هوالذی ارسل الریح بشرا بین یدی رحمته و انزلنا من السماء ماء طهورا. فرقان / ۴۸». او کسی است که بادها را بشارت گرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم. در این آیه خداوند عالی‌ترین وصف (که همانا طهارت و پاکیزگی می‌باشد) را به آب نسبت می‌دهد، همان وصفی که دارندگان آن محبوب و مورد رحمت خداوند وجود هستند: «... ان الله یحب التوابین و یحب المتطهرین. بقره / ۲۲۲»... خداوند، توبه‌کنندگان را دوست دارد، و پاکان را (نیز) دوست دارد.» آب نیز طاهر و مطهر است و می‌تواند نزدیک‌کننده و عامل تقرب یافتن بندگان به مصدر لایزال الهی باشد.

۸-۳: رشد و نمو گیاهان توسط آب

قرآن کریم، رشد و نمو تمامی موجودات را به نزول آب وابسته دانسته است و این خود از شگفتی‌های بزرگ جهان خلقت و از آیات الهی است و در آیه دیگر نیز این امر را شاهد هستیم: «الذی جعل لکم الارض مهذا و سلك لکم فیها سبیلا و انزل من السماء ماء فاخرجنا به ازواجاً من نبات شتی کلوا و ارعوا انعامکم ان فی ذلک لآیات للاولی النهی. طه / ۵۳ و ۵۴» همان خدایی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راهها برای شما پدید آورد؛ و هم از آسمان آب نازل کرد تا به وسیله آن آب آسمانی، انواع نباتات مختلف از زمین برویندیم. شما از آن نعمتها تناول کنید و چهارپایانتان را هم بچرانید، که همانا در این کار آیتی (از ربوبیت) برای خردمندان پدیدار است.

۹-۳: آب سرور نوشیدنی‌ها

خدای متعال آب را نه تنها در این جهان بلکه در جهان آخرت نیز سیادت و سروری عطا نموده است. سرتاسر آیات بهشتی، از جملاتی پر شده

که بیان می‌کند از نعمت‌های بهشتی آب و رود و ... است. مانند: «جَنَاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ. ابراهیم / ۲۳». همچنین آیه مبارکه: «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ. محمد / ۱۵» مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده است، در آن نهرهایی است از آب تمیز و زلال (بی‌بو). از رسول خدا (ص) نقل شده است: «سَيِّدُ الْأَشْرِبَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ الْمَاءُ» سرور نوشیدنی‌ها در دنیا و آخرت آب است (صدوق ۱۳۸۳، ج ۲ ص ۱۲۷). و مواردی دیگر که در این مقاله نمی‌گنجد.

۴-۱: انواع آب در قرآن

قرآن در یک تقسیم‌بندی آب‌ها را به چند شکل در طبیعت تقسیم می‌کند:

۴-۱: آب‌ها در طبیعت

۴-۱-۱: باران

آیاتی در قرآن کریم به نعمت باران اشاره می‌نماید: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ سَحَاباً ثُمَّ يُولِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَاماً فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ... نور / ۴۳». آیا ندیدی که خداوند ابرها را به آرامی می‌راند. سپس بین آنها پیوند برقرار می‌کند. آن‌گاه آن‌را متراکم می‌سازد. پس می‌بینی که باران از میان آن بیرون می‌آید. البته در ادامه همین آیه به تگرگ نیز اشاره می‌کند «و يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ...» و خداوند تگرگ فرو می‌فرستد.

۴-۱-۲: دریا

یکی دیگر از اشکال آب در روی زمین، آب دریا می‌باشد. الله الذی سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ. جائیه / ۱۲». خداوند کسی است که دریا را برای شما رام کرد تا به فرمان او کشتی‌ها در آن جریان پیدا کنند و تا از فضل او جستجو کنید و شاید شکرگزاری کنید.



۴-۱-۳: رودها و چشمه‌ها

بعضی از آیات به جاری شدن چشمه‌ها بعد از ریزش باران اشاره دارد: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ. زمر/۲۱». آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان آبی فروفرستاد، پس آن را به صورت چشمه‌هایی در زمین راه داد.

۴-۱-۴: منابع زیرزمینی

این آیه به ذخیره‌سازی و جمع شدن آب در زیر زمین اشاره دارد که اگر خداوند اراده نماید می‌تواند آن آب را به سطح زمین برگرداند: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَ إِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ. مومنون/۱۸». و از آسمان، آبی به اندازه‌ی (معین) فرو فرستادیم، و آن را در زمین جای دادیم و همانا ما بر بردن آن قادریم. قشر روئین زمین از دو طبقه کاملاً مختلف تشکیل یافته خداوند بزرگ و منان قشر بالا را نفوذپذیر و قشر زیرین را نفوذناپذیر قرار داده تا آب‌ها در زمین فروروند و در منطقه نفوذناپذیر مهارشوند و ذخیره گردند، و بعداً از طریق چشمه‌ها، چاه‌ها و قنات‌ها مورد استفاده واقع شوند، بی آنکه بگنندند و تولید مزاحمت کنند یا آلودگی پیدا کنند (مکارم. ۱۳۷۱ ش. ج ۱۴. ص ۲۱۸).

۴-۲: آب در قرآن

قرآن کریم ۲۳ نوع آب را ذکر کرده، که هر کدام طعم مخصوص به خود دارد:

۴-۲-۱: الماء المغیض؛ آبی است که در زمین پیدا و پنهان می‌شود. خداوند می‌فرماید: وَغِیضِ الْمَاءِ وَقَضَى الْأَمْرَ (هود: ۴۴). بعد از هلاک کافران گفته شد که: ای زمین! آب خود را فروخور و آب فروکش کرد و کار به انجام رسید.

۴-۲-۲: الماء الصدید؛ آبی است که به اهل جهنم داده می‌شود؛ خداوند متعال می‌فرماید: مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيَسْقَى مِنَ الْمَاءِ صَدِيدٍ (ابراهیم:

۱۶). جلو او دوزخ وجود قرار دارد و در آن از خونابه نوشانده می‌شود.

۴-۲-۳: ماء المهل؛ چکیده و به دست آمده از معادن جوشان؛ خداوند متعال می‌فرماید: وَإِنْ يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ بِئْسَ الشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا (الکهف: ۲۹) و اگر در آن آتش سوزان) فریاد برآورند (که آب)، با آبی همچون فلز گداخته به فریادشان رسند که چهره‌ها را بریان می‌کند! چه بد نوشیدنی و چه بد منزلگاهی است.

۴-۲-۴: ماء الأرض؛ آبی است که همزمان با خلقت زمین خلق شده و تا روز قیامت وجود خواهد داشت خداوند متعال می‌فرماید: وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ (المؤمنون: ۱۸) ما از آسمان آب ارزشمندی را به اندازه‌ی لازم و معین فرو فرستاده‌ایم و آن را در زمین ماندگار نموده‌ایم، و ما کاملاً می‌توانیم به گونه‌های مختلف آن را از بین ببریم.

۴-۲-۵: الماء الطهور؛ و آن آبی است گوارا؛ خداوند متعال می‌فرماید: وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (الفرقان: ۴۸) خدا کسی است که بادها را به عنوان مژده‌رسان پیش از باران رحمت خود ارسال می‌کند ... و این ما هستیم که از آسمان آب پاک و پاک کننده را نازل می‌گردانیم.

۴-۲-۶: ماء الشرب؛ خداوند متعال می‌فرماید: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجْرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (النحل: ۱۰) او کسی است که از آسمان آبی فروفرستاده است (که مایه‌ی حیات است) و شما از آن می‌نوشید و به سبب آن گیاهان و درختان می‌رویند و شما حیوانات خود را در میان آنها می‌چرانید.

۴-۲-۷: الماء الأجاج؛ آبی است که خیلی شور باشد و قابل نوشیدن نباشد خداوند متعال

می‌فرماید: وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أجاجٌ ﴿فاطر: ۱۲﴾ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ ﴿الواقعة: ۷۰﴾ اگر ما بخواهیم این آب (شیرین و گوارا) را تلخ و شور می‌گردانیم. پس چرا نباید سیاست‌گذاری کنید؟

۴-۲-۸: الماء المهين: آب ضعیف و پست و منظور از آن آب «منی» است. خداوند متعال می‌فرماید: ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ﴿السجدة: ۸﴾ سپس خداوند ذریه‌ی او را از عصاره‌ی آب (به ظاهر) ضعیف و ناچیزی (به نام منی) آفرید. أَلَمْ نَخْلُقْكُمْ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ ﴿المرسلات: ۲۰﴾ آیا ما شما را از آب حقیر و ناچیزی «به نام منی» نیافریدیم؟

۴-۲-۹: الماء المهين: آبی است جاری و به دور از هر نوع پلیدی؛ خداوند متعال می‌فرماید: فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ ﴿محمد: ۱۵﴾ در بهشت رودبارهایی از آبی «زلال و خالص» است که گندیده و بدبو نگشته است.

۴-۲-۱۰: الماء الحميم: آب گرم و جوشان؛ خداوند متعال می‌فرماید: وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ ﴿محمد: ۱۵﴾ از آب داغ و جوشان نوشانده می‌شوند، که به محض نوشیدن رودهای ایشان را پاره‌پاره می‌کند و از هم می‌گسلد.

۴-۲-۱۱: الماء المبارك: آبی است که زمین را زنده و سبب خیر و درآمدن گیاهان خواهد شد خداوند متعال می‌فرماید: وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ ﴿ق: ۹﴾ و از آسمان آب پربرکتی را بارانده‌ایم؛ و بدان باغ‌ها رویانده‌ایم؛ و دانه‌های کشتزارهای را بر آورده‌ایم که درو می‌گردد.

۴-۲-۱۲: الماء المنهمر: آبی است که به مدت طولانی باشدت و فراوانی از آسمان می‌بارد و باعث از بین رفتن زراعت و انسان‌ها می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ

بِمَاءٍ مَنَهَمَرٍ ﴿القمر: ۱۱﴾ پس درهای آسمان را با آب تندریزان و فراوانی از هم گشودیم.

۴-۲-۱۳: الماء المسكوب: این آب برای زمین برکت دارد و احساس خوبی به انسان می‌دهد در هنگام نگاه کردن. خداوند متعال می‌فرماید: وَمَاءٍ مَسْكُوبٍ ﴿الواقعة: ۳۱﴾ و در کنار آبشارها و آب‌های روان (به سر می‌برند که زمزمه‌ی آن گوش جان را نوازش می‌دهد و منظره‌ی آن چشم انسان را فروغ می‌بخشد.

۴-۲-۱۴: الماء الغور: آبی است که بر روی زمین فرومی‌رود و پنهان می‌شود و هیچ استفاده‌ای ندارد. خداوند متعال می‌فرماید: أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا ﴿الكهف: ۴۱﴾ یا این که آب این باغ (در اعماق زمین) فرورود، به گونه‌ای که هرگز نتوانی آن را پیدا کنی (چه رسد به این که آن را بیابی و به سطح زمین برگردانی).

۴-۲-۱۵: الماء المعين: آبی است که روان است و دسترسی به آن و استفاده از آن آسان است؛ خداوند متعال می‌فرماید: قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْحَحَ مَأْوَكُمْ غُورًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَعِينٍ ﴿الملک: ۳۰﴾ بگو: مرا خبر دهید، اگر آب‌های (مورد استفاده‌ی) شما به زمین فرورود، چه کسی می‌تواند آب روان در دسترس شما مردمان قرار دهد؟

۴-۲-۱۶: الماء الغدق: آب زیاد؛ خداوند متعال می‌فرماید: وَأَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَاهُمْ مَاءً غَدَقًا ﴿الجن: ۱۶﴾، اگر آدمیان و پریان بر راستای راه (یکتاپرستی و فرمانبرداری از اوامر و نواهی الهی) ماندگار بمانند، آب زیاد به آن‌ها می‌دهیم.

۴-۲-۱۷: الماء الفرات: بسیار گوارا، خداوند متعال می‌فرماید: وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا ﴿المرسلات: ۲۷﴾ و از آب گوارا به شما نوشانده‌ایم؟

۴-۲-۱۸: الماء التجاج: آب فروریزنده؛ خداوند متعال می‌فرماید: وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا



زردرنگ می‌بینی، و آن‌گاه خداوند آن‌ها را خشک می‌سازد؟ همانا در این عبرتی برای خردمندان است.

۴-۲-۲۳: الماء السلسبیل: آبی است که در نهایت آسانی از حلق آدمی پایین می‌رود، از شدت گوارایی، و از چاهی در بهشت بیرون می‌آید که اسم آن سلسبیل است؛ خداوند متعال می‌فرماید: عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا ﴿الانسان: ۱۸﴾ (این جام‌ها پر می‌شوند از چشمه‌ای که در بهشت است و سلسبیل نامیده می‌شود (احمدی، ۱۳۹۴/۱۱/۷). سایت رسمی دعوت و اصلاح).

۵- آداب در مورد آب

۵-۱: هنگام نیاز آب بنوشید: اگر با دقت به ابعاد زندگی و نعمت‌های گوناگون خدادادی توجه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که برای بهره‌برداری از هر کدام از آنها، حدود و قوانین مخصوص به‌خود وجود دارد که، باید در چهارچوب همان قوانین، از آنها استفاده کرد. یکی از نعمت‌هایی که مورد توجه زیادی قرار گرفته و دارای قوانین زیادی می‌باشد «آب» یعنی سرچشمه حیات است. در این بخش روایات مربوط به کیفیت استفاده کردن از این نعمت بزرگ مطرح شده از جمله آنها مقدار نوشیدن است؛ در احادیث زیادی توصیه گردیده است که، انسان تا به آب و غذا میل پیدا نکند از مصرف آن‌ها خودداری نماید، در صورت تمایل هم، از زیاده‌روی و پرخوری پرهیز کند؛ چون رمز سلامت جسم و روح، در میانه‌روی در هر کار، مخصوصاً در مصرف خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها است. عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يَشْرَبُ أَحَدُكُمْ الْمَاءَ حَتَّى يَشْتَهِيَ فَإِذَا اشْتَهَاهُ فَلْيَقْلُ مِنْهُ» (عاملی، ۱۴۰۹ ق. ج ۲۵ ص ۲۳۸). «تا به نوشیدن آب میل پیدا نکنید از مصرف آن

﴿النبا: ۱۴﴾ و از ابرهای افشارنده، آب فراوان ریزنده فرو نفرستاده‌ایم؟

۴-۲-۱۹: الماء الدافق: آب (منی)؛ خداوند متعال می‌فرماید: خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ ﴿الطارق: ۶﴾ او از آب جهنده‌ی ناچیزی آفریده شده است.

۴-۲-۲۰: ماء مدین: خداوند متعال می‌فرماید: وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ ﴿القصص: ۲۳﴾ هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید.

۴-۲-۲۱: الماء السراب: وقتی که چشم آدمی در وسط روز آن را می‌بیند، فکر می‌کند آب است. منظور همان سراب است. خداوند متعال می‌فرماید: وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَالُهُمْ كَسَرَابٍ بِقِيَعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمَانُ مَاءً حَتَّى إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهُ عِنْدَهُ فُوقَاهُ حِسَابَهُ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ ﴿النور: ۳۹﴾ کافران اعمالشان به سرابی می‌ماند که در بیابان بی‌آب و علفی شخص تشنه‌ای آن را آب پندارد. اما هنگامی که به سراغ آن رود، اصلاً چیزی نیابد، مگر خدا را که (او را بمیراند و) به حساب او برسد و سزای (عمل) وی را به‌تمام و کمال بدهد. خداوند در حسابرسی سریع است (و محاسبه‌ی بنده‌ای او را از محاسبه‌ی بنده‌ی دیگر باز نمی‌دارد).

۴-۲-۲۲: ماء الانهار والينابيع: آبی است که از ابرها می‌بارد و در راه‌های مشخص جاری می‌شود. خداوند متعال می‌فرماید: أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فِتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ ﴿الزمر: ۲۱﴾ مگر نمی‌بینی که خداوند از آسمان آب را می‌باراند و آن را به آب انبارهای زیرزمینی زمین وارد و مستقر می‌گرداند، و سپس به‌وسیله‌ی آن انواع سبزه‌زارها و کشتزارها را با رنگ‌های گوناگون می‌رویاند، و آن‌گاه سبزه‌زارها و کشتزارها می‌بالند و لبریز از جوش و خروش می‌شوند سپس آن‌ها را پژمرده و



کنند و خود را از مجاورت آن دور ساخته، مدت حمام را به حد اقل برسانند. و روایات تجویز کننده نوشیدن زیاد آب را، برای کسانی که گرم مزاج هستند، متوجه سازیم، چون خودداری گرم مزاج‌ها از نوشیدن آب و صبر بر تشنگی جهت آنان باعث مرض «دق، سل و غم» و سوخته شدن غذا در معده و خشکی و لاغری بدن می‌شود (شهری. ۱۳۷۶ ش. ج ۵ ص ۱۹۴).

۲- علامه مجلسی- رضوان الله علیه- جمع بین روایات را، با راههای مختلف ارائه داده است:- روایات منع کننده را به چند مورد متوجه ساخته است: ۱- بر مزاج‌هایی که با آب، سازگاری بیشتری ندارد. ۲- بر نوشیدن آب روی غذاهای چربی‌دار. ۳- به حالت عدم اشتها بر آب. ۴- بر یک نفس و یکباره سرکشیدن آب.

۵- ۴: خودداری از نوشیدن آب روی غذای چرب

عَنْ جَعْفَرِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَكَلَ الدَّسَمَ أَقْلًا مِنْ شَرَبِ الْمَاءِ فَقِيلَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ! إِنَّكَ لَتَقَلُّ مِنْ شَرَبِ الْمَاءِ، قَالَ: هُوَ أَمْرٌ لَطْعَامِي» (عاملي. ۱۴۰۹ ق. ج ۲۵ ص ۲۳۹). امام جعفر صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیه السلام نقل کرده است که: «رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که غذای چربی‌دار می‌خورد نوشیدن آب را کم می‌کرد، گفته شد (پرسیدند): یا رسول الله! آب را (روی غذای چربی‌دار) کم می‌آشامی؟ فرمود: آن طوری (به صلاح بدن من) و برای غذایم بهتر و گوارا تر است.» با نوشیدن آب سرد روی غذای چربی، چربی آن در اندرون معده و احشاء یخ می‌کند و سبب بروز مشکلات و آلام می‌گردد.

۵- ۵: وسط غذا آب ننوشید

۱- عَنْ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَمَنْ أَرَادَ أَنْ لَا يُؤْذِيَهُ مَعْدَتَهُ فَلَا يَشْرَبُ بَيْنَ طَعَامِهِ مَاءً حَتَّى يَفْرَغَ مِنْ

خودداری نمائید و اگر اشتها پیدا کردید، باز هم کم بنوشید.»

۵- ۲: زیاد آب ننوشید

۱- عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِيَّاكُمْ وَالْإِكْثَارَ مِنْ شَرَبِ الْمَاءِ فَإِنَّهُ مَادَّةٌ لِكُلِّ دَاءٍ» (برق ۱۳۷۱ ق. ص ۵۷۱ و مجلسی. ۱۴۰۳ ق. ج ۶۶ ص ۴۵۵). «مبادا در نوشیدن آب زیاده روی کنید، آب ماده و جذب کننده همه دردهاست.

۲- «لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَقْلُوا مِنْ شَرَبِ الْمَاءِ لَأَسْتَقَامَتِ أِبْدَانُهُمْ» (برقی. ۱۳۷۱ ق. ص ۵۷۱ و مجلسی. ۱۴۰۳ ق. ج ۶۶ ص ۴۵۵). «اگر مردم نوشیدن آب را کم کنند، بدن‌هایشان پایدار، و در حد اعتدال می‌ماند.

۵- ۳: آب زیاد بنوشید!

أَبِي طَيْفُورٍ طَبِيبٍ گويد: «دَخَلْتُ عَلَيَّ أَبِي الْحَسَنِ الْمَاضِي عَلَيْهِ السَّلَامُ فَنَهَيْتَهُ عَنْ شَرَبِ الْمَاءِ قَالَ وَ مَا بِأَسْ بِالْمَاءِ وَ هُوَ يَدِيرُ الطَّعَامَ فِي الْمَعْدَةِ وَ يَسْكُنُ الْغَضَبَ وَ يَزِيدُ فِي اللَّبِّ وَ يَطْفِئُ الْمَرَارَ» (كلینی. ۱۴۰۷ ق. ج ۶ ص ۳۸۲). «امام موسی کاظم علیه السلام را از آشامیدن آب نهی کردم، فرمود: آب ناراحتی ندارد، آب طعام را در معده می‌گرداند، غضب را ساکن و عقل (مخ و تشخیص صحیح آدمی) را زیاد کرده و تلخی را خاموش و از میان برمی‌دارد. (از بین می‌برد).» روایات این فصل، زیاد نوشیدن آب را تجویز می‌کند و روایات گذشته نهی کرده و مجاز نمی‌داند، جمع میان روایات و حل آن به چند صورت ممکن است. ۱- روایات منع را متوجه سرد مزاج‌ها و رطوبتی‌ها و چاق‌ها کنیم؛ چون نوشیدن آب زیاد برای این اشخاص، باعث سستی اعضا و ضعف احشاء و فساد هضم و خرابی رخسار و فراموشی و بی‌حوصلگی و ترس و هیجان و سنگینی حواس و بدن ایشان می‌شود. پس باید تا حد امکان از نوشیدن زیاد آب، اجتناب کرده و کمتر بنوشند و کمتر استحمام

فعل ذلك رطب بدنه و ضعف معدته و لم تأخذ العروق قوة الطعام فإنه يسير في المعدة فجاً «ای لم ينضج» اذا صب الماء اولاً فاولاً. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۲ ص ۳۲۳). امام رضا علیه‌السلام در رساله ذهبیه‌اش که برای مأمون مرقوم داشته است می‌فرماید: «هرکس می‌خواهد معدده‌اش اذیت نکند، در وسط غذا آب ننوشد تا از خوردن فارغ شود، و هرکس این کار را انجام دهد، یعنی: وسط غذا آب بنوشد، بدنش از نظر طبیعت، تر، گشته و معدده‌اش ضعیف می‌شود، رگ‌ها نیروی طعام را به‌خود جذب نمی‌کنند، و در معده سفت می‌گردد؛ اگر روی غذا، پشت سرهم آب ریخته شود، در معده پخته نمی‌شود (آن‌طور که لازم است برای بدن نفعی نه می‌بخشد، تعادل اعصاب معده را بهم می‌زند).

۵-۶: دعا پس از نوشیدن آب

در کتاب مکارم الأخلاق آمده است؛ دعایی که موقع نوشیدن آب خوانده می‌شود، این دعا است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ مَنَزَلُ الْمَاءِ مِنَ السَّمَاءِ مُصْرَفُ الْأَمْرِ كَيْفَ يَشَاءُ بِسْمِ اللَّهِ خَيْرِ الْأَسْمَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶ ص ۴۷۵ / ۴). ستایش سزاوار خدائست، که نازل‌کننده آب، از آسمان؛ و هرطور که خود بخواهد گرداننده کارهاست، به‌نام‌خدا که بهترین نامها است. عَنِ ابِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا شَرِبَ الْمَاءَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي سَقَانَا عَذْبًا زَلَالًا وَ لَمْ يَسْقِنَا مَلْحًا أَجْجًا وَ لَمْ يُؤَاخِذْنَا بِذُنُوبِنَا» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵ ص ۲۵۰) «امام صادق علیه‌السلام امام صادق علیه‌السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی که آب می‌نوشید، می‌گفت: ستایش خدائی را است که، ما را با آب خنک و گوارا، سیراب کرد و به‌خاطر گناهانمان، ما را نه گرفت (عذابمان نکرد).

۵-۷: آب را بمکید

عَنِ ابِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَصَّو الْمَاءَ مَصًّا وَ لَا تَعْبُوهُ عَبًّا فَآتَهُ يَوْجِدُ مِنْهُ الْكِبَادَ» (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۵ ص ۲۳۶). از امام صادق علیه‌السلام روایت شده است که فرمود: «آب را بمکید مکیدنی و آن را یک دفعه سرنکشید، چون سرنکشیدن آب، مرض سینه ایجاد می‌کند». عَنِ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا شَرِبْتُمُ الْمَاءَ فَاشْرَبُوهُ مَصًّا وَ لَا تَشْرَبُوهُ عَبًّا فَإِنَّ الْعَبَّ يورث الكباد» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶ ص ۴۷۶). روایت از علی علیه‌السلام است که: رسول خدا فرمود: «هر وقت آب می‌نوشید، به‌طور مک بنوشید، نه به یکدفعه سرنکشیدن، که سبب درد سینه می‌شود».

۵-۸: آب را یکباره سرنکشید!

عَنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا شَرِبَ أَحَدُكُمْ الْمَاءَ فَقَالَ: بِسْمِ اللَّهِ ثُمَّ قَطَعَهُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ قَطَعَهُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ ثُمَّ شَرِبَ فَقَالَ بِسْمِ اللَّهِ، ثُمَّ قَطَعَهُ فَقَالَ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَبَّحَ ذَلِكَ الْمَاءَ فِي جَوْفِهِ مَادَامَ فِي بَطْنِهِ الْيَانِ يَخْرُجُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶ ص ۴۶۹). امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «وقتی که یکی از شماها آب می‌خورد، بسم‌الله گوید: و قطع کند الحمد لله گوید: این را سه مرتبه تکرار کند، آن آب در درون او تسبیح گوید: تا از شکم او بیرون رود».

۵-۹: روز ایستاده و شب نشسته آب بنوشید

۱- عَنِ ابِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «شَرِبَ الْمَاءَ مِنْ قِيَامٍ بِالنَّهَارِ يَمُرُّ الطَّعَامُ وَ شَرِبَ الْمَاءَ بِاللَّيْلِ مِنْ قِيَامٍ يورث الماء الأصفر» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶ ص ۴۶۹). امام صادق علیه‌السلام فرمود: «نوشیدن آب در روز، به حالت ایستاده، غذا را گوارا می‌کند و در شب، ایستاده آب نوشیدن، باعث جمع‌شدن زردآب در شکم می‌شود».

۵- ۱۰: از شکستگی و دهانه ظرف ننوشید
دستگیره و شکستگی ظرف چون تجمع میکروب است بدین جهت در اخبار و احادیث تأکید شده است که از آنجاها آب ننوشند. ۱- عَنْ ابی عبدالله علیه السلام قال: قال: «أمیر المؤمنین علیه السلام لا تشربوا الماء من ثلمة الإناء و لا من عروته فان الشيطان یقعده علی العروة و الثلمة» (عاملی، ۱۴۰۹ ق. ج ۲۵ ص ۲۵۶). امام صادق از امیرمؤمنان علیهما السلام نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «از ظرف طناب و دستگیره و شکستگی ظروف آب ننوشید، چون شیطان در آنجاها می‌نشیند (نشیمنگاه شیطان یا به تعبیر امروز محل جمع شدن میکروب‌هاست)».

۵- ۱۱: آب را فوت نکن!

۳- پیامبر صلی الله علیه و آله هیچ وقت بر ظروف فوت نمی‌کرد، و موقع آشامیدن نوشیدنی، اگر می‌خواست نفسی بکشد، ظرف را از جلوی دهانش دور می‌ساخت (مجلسی، ۱۴۰۳ ق. ج ۱۶ ص ۲۴۶).

۵- ۱۲: یاد و سلام بر امام حسین (علیه السلام)
مستحب است کسی که آب می‌نوشد، تشنگی امام حسین علیه السلام را به یاد بیاورد، اگر می‌تواند اشک بریزد همانطور که ائمه بزرگوار ما می‌کردند، امام زین العابدین علیه السلام، بعد از حادثه کربلا تا پایان عمر شریفش، هر وقت آب می‌نوشید و یا غذا می‌خورد تا اشک چشم خود را بر آنها نمی‌ریخت، میل نمی‌نمود. عَنْ داود الرقی، قال: «كنت عند ابی عبدالله علیه السلام اذا سقی الماء فلما شربه رأیته قد استعبر وأغرورقت عیناه بدموعه، ثم قال لی: یا داوود! لعن الله قاتل الحسین علیه السلام فما أنغص ذکر الحسین علیه السلام، العیش. إتی ما شربت ماءً بارداً الأذکرت الحسین علیه السلام و ما من عبد شرب الماء فذکر الحسین علیه السلام و أهل بیته و لعن قاتله إلا کتب الله عزوجل له ماءً

ألف حسنة و حط عنه مائة ألف سيئة و رفع له مائة ألف درجة و كأنما أعتق مائة ألف نسمة و حشره الله يوم القيامة تلج الفؤاد» (صدوق، ۱۳۷۶ ش. ص ۱۲۲؛ قولویه، ۱۳۵۶ ش. ص ۱۰۶ / ۱).
داود رقی گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم آب خواست، پس از نوشیدن آب دیدم چشمانش پر از اشک گردید، فرمود: ای داود! خدا قاتل حسین را لعنت کند! یادآوری حسین چقدر عیشها را تلخ کرده است، من آب سردی ننوشیده‌ام مگر اینکه حسین را بیاد آورده‌ام. هر بنده‌ای، حسین و أهل بیت او را بعد از نوشیدن «آب» یاد آورده، بر قاتل او لعن کند، خدای عزوجل یکصد هزار حسنة به او می‌نویسد. و یکصد هزار سیئه «گناه» از او محو می‌کند؛ و یکصد هزار درجه او را بلند می‌کند؛ و مثل کسی می‌باشد که یکصد هزار بنده، در راه خدا آزاد کرده باشد، و روز قیامت با دل خنک، مطمئن و آرام محشور خواهد شد.

۵- ۱۳: در ظروف طلا و نقره آب ننوشید!

روایات زیاد استعمال ظروف طلا و نقره (زر و سیم) را حرام و آشامیدن آب را در اینگونه ظرف‌ها تحریم کرده است. و فتوهای تمامی مراجع تقلید نیز در این محور بریک منوال است. ۱- عَنْ ابی عبد الله علیه السلام عَنْ ابائه علیهم السلام قال: «نهی رسول الله صلی الله علیه و آله عَنْ الشرب فی أنیة الذهب و الفضة» (صدوق، ۱۳۷۶ ش. ص ۲۵۴). امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل کرده است: «که پیغمبر از نوشیدن (نوشیدنی‌ها) در ظرف‌های طلا و نقره نهی فرموده است.»

۵- ۱۴: ناشتا آب ننوشید!

عَنْ رسالة الذهبية للرضا علیه السلام: «ولا يشرب علی الریق» (ر.ک: محقق: نجفی، ۱۴۰۲ ق. ص ۱۱۶) از رساله ذهبیه امام رضا علیه السلام نقل شده است که فرمود: «ناشتا آب نوشیده نشود.»



۵-۱۵: روی آب را بیوشانید

جابر بن عبدالله أنصاری روایت می‌کند: قال رسول الله صلى الله عليه و آله: «أغلقوا أبوابكم و خَمروا أنيتكم و أوكئوا أسقيتكم، فإنَّ الشَّيْطَان لا يَكْشِفُ غَطَاءَ و لا يَحِلُّ و كَاء» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق. ج ۶۳ ص ۱۱/۲۰۴). رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درهایتان را ببندید، روی ظروف را بیوشانید و در مشک‌هایتان را محکم کنید (مواد غذایی را از گرد و خاک و ورود حشرات نگهدارید) هیچ‌وقت شیطان چیز پوشیده و در بسته را باز نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

۱- اصحاب لغت آب را از ریشه «موه» و به معنای چیزی که نوشیده می‌شود بیان نموده‌اند. ۲- خداوند متعال برای تمام عناصر هستی، به ویژه «آب» ارزش و اهمیت والایی قائل می‌باشد که در آیات و روایات فراوان به آنها اشاره شد از جمله آن: آب اولین مخلوق مادی و حسی، عرش الهی بر آب، آب مادر حیات، آفرینش آسمان‌ها و زمین از آب، اصل هستی از آب، قدرت آب در

زنده کردن زمین و یادآوری معاد آدمی. رشد و نمو گیاهان، طهارت و پاکیزگی. ۳- انواع آب موجود در طبیعت در قرآن مانند: باران، دریا، رود، چشمه. ۴- انواع عناوین آب در قرآن عبارتند از: الماء المغیض، الماء الصدید، الماء المهل، ماء الأرض، الماء الطهور، ماء الشرب، الماء الأجاج، الماء المهین، الماء الحمیم، الماء المبارک، الماء المنهمر، الماء المسکوب، الماء الغور، الماء المعین، الماء الغدق، الماء الفرات، الماء الثجاج، الماء الدافق، ماء مدین، الماء السراب، ماء الانهار والینابیع، الماء السلسبیل. ۵- از جمله آداب نوشیدن آب می‌توان به این موارد اشاره نمود: هنگام نیاز آب بنوشید، زیاد آب ننوشید، خودداری از نوشیدن آب روی غذای چرب، وسط غذا آب ننوشید، دعا پس از نوشیدن آب، آب را بمکید، آب را یکبار سر نکشید، روز ایستاده و شب نشسته آب بنوشید، از شکستگی و دهانه ظرف ننوشید، آب را فوت نکن، یاد و سلام بر امام حسین (علیه السلام)، در ظروف طلا و نقره آب ننوشید، ناشتا آب ننوشید، روی آب را بیوشانید.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، عبدالله. تاریخ مراجعه: چهارشنبه سوم دی ماه ۱۳۹۹. انواع آب در قرآن. سایت رسمی جماعت دعوت و اصلاح. پایگاه اطلاع رسانی اصلاح.
۳. امینی گلستانی، محمد. سرچشمه حیات. قم. سپهر آذین. چاپ اول ۱۳۸۴ ش.
۴. برقی، محمد بن خالد. محاسن. محقق: جلال الدین محدث. قم دارالکتب الاسلامیه. چاپ دوم، ۱۳۷۱ ق.
۵. جعفر شهیدی. تهران. انتشارات دانشگاه تهران. بی جا، ۱۳۷۷.
۶. جوهری، اسماعیل بن حماد. تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت. لبنان. دارالعلم الملايين. چاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.
۷. حسینی شاه عبدالعظیمی. حسین. تفسیر اثنی عشری، تهران: انتشارات میقات، چاپ اول، ۱۳۶۳ ش
۸. دهخدا. علی اکبر. لغت نامه دهخدا. تحت نظارت محمد معین و سید
۹. راغب اصفهانی. حسین بن محمد - مفردات الفاظ القرآن. محقق: صفوان عدنان داوودی. لبنان - بیروت. ناشر دارالشامه. چاپ اول، ۱۴۱۲.
۱۰. سیوطی، جلال الدین. در المنثور. قم. مکتبه آیت الله مرعشی نجفی. چاپ اول، ۱۴۰۴ ق
۱۱. شهری، جعفر. کتاب طهران قدیم. تهران. نشر معین. چاپ دوم، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. صدوق، امالی. تهران. نشر کتابچی. چاپ ششم، ۱۳۷۶ ش.
۱۳. صدوق. توحید صدوق. محقق: هاشم حسینی. قم. جامعه مدرسین. چاپ اول، ۱۳۹۸ ق.



۱۴. صدوق. علل الشرایع. قم. موسسه امام مهدی (عج). چاپ اول. ۱۴۱۵ ق.
۱۵. صدوق. عیون الاخبار الرضا. محقق: مهدی لاجوردی. تهران. نشر جهان. چاپ اول. ۱۳۷۸ ق.
۱۶. طریحی. فخرالدین بن محمد. مجمع البحرین. محقق: احمد حسینی اشکوری. تهران. ناشر مرتضوی. چاپ سوم. ۱۳۷۵ ش.
۱۷. عاملی. محمد بن حسن. وسائل الشیعه. قم. موسسه آل البیت (ع). چاپ اول. ۱۴۰۹ ق.
۱۸. قاضی نعمان مغربی. دعائم الاسلام. بی جا. دارالمعارف. بی جا. ۱۳۸۳ ق.
۱۹. قرشی. علی اکبر. قاموس قرآن. تهران. دارالکتب الاسلامیه. چاپ ششم. ۱۳۷۱ ش.
۲۰. قولویه قمی. جعفر بن محمد. کامل الزیارات. محقق: عبدالحسین امینی. نجف اشرف. دار المرتضویه. چاپ اول. ۱۳۵۶ ش.
۲۱. کلینی. محمد بن یعقوب. کافی. محقق: علی اکبر غفاری/محمد آخوندی. تهران. دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم. ۱۴۰۷ ق.
۲۲. مجلسی. محمد باقر. بحارالانوار. بیروت. دارالاحیاء التراث العربی. چاپ دوم. ۱۴۰۳ ق.
۲۳. مکارم شیرازی- ناصر و جمعی از فضلا، تفسیر نمونه. تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامیه، ۱۳۷۱ ش.
۲۴. منسوب به امام رضا (ع). محقق: محمد مهدی نجفی. طب الرضا. قم. دارالخیمام. چاپ اول. ۱۴۰۲ ق.
۲۵. موسوی بجنوردی. محمد کاظم. دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران. بی نا. بی جا. ۱۳۶۳

بررسی تاثیر تغذیه حلال و حرام بر شخصیت انسان در آینه قرآن و روایات

مهدی عبداللهی پور^۱ و مهدیه نصیری^۲

۱- دکترای علوم قرآن و حدیث و استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد رشته علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم (نویسنده مسئول: mh.ns.1997@gmail.com)

چکیده

قرآن کتاب هدایت و روشن‌کننده مسیر زندگی دنیوی و اخروی انسان‌ها از جانب پروردگار است که دستیابی به حیات طیبه در سایه عمل به دستورات و توصیه‌های آن ممکن می‌شود. با توجه به اهمیت و تاثیری که تغذیه و نوع خوراک انسان بر جسم و روح و به تبع رفتارها و اخلاق انسان دارد، خداوند این گستره را نیز، فروگذار ننموده است؛ از این رو، این نوشتار به بررسی آیات قرآن و روایاتی پرداخته شده است که با موضوع تغذیه و تاثیرات آن بر شخصیت انسان مرتبط است. پژوهش حاضر مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و هم‌چنین با رویکردی قرآنی می‌باشد که در این راستا با مراجعه به قرآن کریم، منابع تفسیری، کتب و مقالات مرتبط اطلاعات لازم گردآوری و جمع‌بندی شده است. نهایتاً آنچه از بستر این مطالعه، حاصل می‌شود این است که، قرآن کریم در زمینه‌ی تغذیه، بهداشت آن و تاثیراتی که بر جسم و روح انسان می‌گذارد مطالب ارزشمندی را ارائه نموده است مانند اینکه تغذیه عامل مهمی در پیدایش خلقیات نیکو مانند متقی شدن و ظهور عمل صالح و همچنین بروز رذایل اخلاقی مانند قساوت قلب و خودخواهی است از این رو انسان باید با توجه به توصیه‌های مکرر قرآن و معصومین در شیوه ارتزاق و تغذیه خود دقت کافی و وافی را داشته باشد.

واژگان کلیدی: تغذیه، حلال، حرام، قرآن کریم

طرح مسئله

بررسی دیدگاه قرآن نسبت به غذا و تغذیه، یکی از راه‌های اثبات حقانیت و جامعیت دینی است که در روزگاری پیرامون بهداشت، تغذیه، درمان و غذا سخن گفته که علوم گوناگون بشری و پیشرفت‌های پزشکی گمنام بوده‌اند. تاثیری که تغذیه‌ی انسان بر اخلاق و کردار او دارد از دیگر دلایل اهمیت این موضوع می‌باشد، زیرا بروز بسیاری از بزهکاری‌ها و رذایل اخلاقی در صورت بررسی عمقی و ریشه‌ای ممکن است در نهایت به منبع و سبب تغذیه‌ی انسان منتهی شود. حال سوال اساسی آن است که قرآن کریم و روایات چه آموزه‌هایی را در زمینه تغذیه حلال و حرام مطرح کرده است و این آموزه‌ها چه تاثیری بر شخصیت و خلق و خوی انسان دارند؟ جسم و روح انسان از تغذیه تاثیر می‌پذیرد، بنابراین بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام در زمینه تغذیه

دین اسلام به‌عنوان کامل‌ترین و آخرین دین آسمانی، رهنمودها و آموزه‌های بسیاری را در تمام زمینه‌ها و ابعاد حیات بشر ارائه کرده‌است. یکی از اساسی‌ترین نیازهای حیات دنیوی و بعد مادی انسان، نیاز به غذا و خوراک می‌باشد که از نگاه تیزبین قرآن دور نمانده‌است و بیش از دویست و پنجاه آیه شریفه به این موضوع اختصاص دارد. کتاب آسمانی مسلمانان در سوره‌های متعدد و با مناسبت‌های گوناگون پیرامون مسئله‌ی تغذیه و غذای انسان سخن گفته و آداب و توصیه‌هایی را مطرح کرده‌است. وجود این توصیه‌ها و اندرزهای گوناگون حاکی از اهمیت این موضوع در حیات انسان است، چراکه آدمی با خوردن و آشامیدن توان ادامه‌ی زندگی و به تبع عبادت و بندگی را خواهد داشت.



آداب تغذیه سالم از مهرناز گلی. بررسی مصرف گوشت خوک بر سلامت انسان از دیدگاه قرآن و طب از محمد حسن قوسیان مقدم. بیشتر آثار نوشته شده در این زمینه، پیرامون موضوع آداب و اصول اساسی نوع تغذیه انسان مطالبی را بیان می‌کند و به صورت کوتاه و گذرا راجع به حکم حلال بودن و حرام بودن غذاها اشاره می‌نماید. برخی از این آثار نیز به صورت کلی درباره اسامی غذاهایی که در قرآن به کار برده شده بحث و تفحص می‌نمایند و پیرامون خواص و آثار مصرف این اغذیه مطالبی را ارائه می‌دهند. در این میان نیز برخی آثار وجود دارند که به طور خاص به یکی از موارد تغذیه حرام در قرآن پرداخته و از دیدگاه علمی به اثبات علت حرام بودن آن پرداخته است. با مراجعه به آیات قرآن کریم، تفاسیر، احادیث و روایات و مرور مقالات و کتب نوشته شده، اثرات تغذیه حلال و حرام بر شخصیت انسان و حالات او مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت.

۱. مفهوم‌شناسی

در ابتدا به بررسی و تعریف مفاهیم و اصطلاحات اصلی تحقیق می‌پردازیم.

۱-۱. تغذیه

تغذیه مصدر ثلاثی مزید از باب تفعیل است که ریشه‌ی سه حرفی آن (غین، ذال، یاء) می‌باشد. لغویین ذیل این ریشه می‌نگارند «هرآنچه رشد و پاگرفتن جسم به آن بستگی دارد، اعم از خوردنی، نوشیدنی و شیر» (محمد بن مکرّم ابن منظور، ج ۱۵: ۱۱۹). الفاظی مانند غذا، تغذیه و مشتقات آن عیناً در قرآن نیامده‌اند اما در روایات و ادعیه این ریشه و مشتقاتش فراوان به کار رفته است. تغذیه در اصطلاح به معنی خوردن موادی که به نمو جسم کمک می‌کند و انرژی لازم را برای بدن به وجود می‌آورد. یکی دیگر از معانی اصطلاحی تغذیه نیز علمی است که از شناخت

یکی از عوامل مهم و تاثیرگذار در سلامت تن و روان ما محسوب می‌شود. در رابطه با اهمیت تغذیه و همچنین آداب آن علاوه بر نص صریح قرآن و احادیث برجای مانده از معصومین سلام الله علیهم، کتب بسیاری نیز از قرون اولیه تا قرن معاصر می‌توان یافت. از جمله آثار نوشته شده پیرامون مسئله‌ی تغذیه در قرون نخست، می‌توان به کتاب "طب‌النبی" از شیخ مستغفری اشاره کرد. همچنین کتاب‌هایی را نیز از عالمان مشهور متاخر می‌توان یافت، از جمله کتاب "حلیة‌المتقین" از علامه مجلسی. آثاری نیز از نویسندگان معاصر درباره‌ی موضوع تغذیه وجود دارد که از این میان می‌توان به کتاب تغذیه از دیدگاه اسلام و دانش پزشکی، اثر سیدحسین فتاحی معصوم و آثار تربیتی تغذیه در قرآن و سنت، اثر منیره سادات کامرانی اشاره کرد. همچنین پایان‌نامه‌هایی در خصوص موضوع تغذیه از دیدگاه قرآن و احادیث نوشته شده که از آن میان می‌توان به این موارد اشاره نمود: طراحی سبک تغذیه برپایه قرآن و روایات با رویکرد آسیب‌شناسانه به سبک تغذیه موجود، نوشته جاسم دریس، بررسی خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها از دیدگاه قرآن و علوم تغذیه نوشته‌ی عبدالله قاسمی، تغذیه سالم از دیدگاه قرآن و حدیث نوشته‌ی مهتاب یغموری و همچنین بررسی آثار جسمی و روحی غذا از دیدگاه قرآن و علم تغذیه از فاطمه فزونی. مقالات متعددی نیز پیرامون موضوع تغذیه و آداب و اصول آن از دیدگاه قرآن و احادیث نگاشته شده که می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: قرآن و تغذیه سالم از پریسا یارمحمدی سامانی. نقش تغذیه در سلامت با رویکرد آموزه وحیانی. تغذیه‌ی سالم از نگاه قرآن از فرزانه غفاری. رزق و تغذیه در قرآن کریم از محمد فولادگر. بهره‌گیری از برخی آموزه‌های اسلامی در زمینه



بهداشتی، دارو، مد و لباس، رسانه، معماری، هتلداری، گردشگری، اقتصاد، بیمه و بانکداری و ... به کار می‌برند و به هر چیزی که مطابق با احکام و قواعد اسلامی باشد، عنوان حلال اطلاق می‌کنند و بدین‌گونه امروزه «حلال» عبارت دیگری برای بیان اسلامی بودن کالا به‌شمار می‌آید. به‌طورکلی می‌توان گفت به هر تناسب، اعتدال، صحت و سلامت که در آن گره، گرفتاری، ناراحتی و سختی نباشد و مورد تأیید اسلام نیز باشد، اصطلاح حلال اطلاق می‌شود.

۱-۳. حرام

«حرام» در اصل به‌معنای منع و سخت گرفتن و نیز ضد حلال است (ابن فارس، ج ۲: ۴۴). جمع آن «حُرْم» است. «حُرْمَة» اسم مصدر از احترام، به‌معنای چیزی است که بی‌احترامی به آن جایز نیست و جمع آن حرمت است، مثل غرفه و عُرفَات (احمد فیومی، ۱ و ۲: ۱۳۱ و ۱۳۲). ممنوع شدن یا به فرمان تکوینی الهی است یا به‌وسیله‌ی بشر و گاه به حکم عقل و گاه به حکم شارع (حسین راغب اصفهانی: ۲۲۹). حرام یک کلمه‌ی عربی و نقطه‌ی مقابل حلال و به‌معنی نامشروع و غیرمجاز است. حرام چیزی است که خداوند مصرف آن را ممنوع کرده‌است. غذای حرام، غذایی است که به‌دلیل ناپاکی، ناخالصی یا وجود مواد مضر برای سلامت، مضر و غیرمجاز است (فتح الله عالی پور، ۱۳۹۳). حرام در فقه اسلامی به عملی گفته می‌شود که ترک آن از مردم خواسته‌شده و انجام آن مستوجب عقاب است. حرمت از احکام پنجگانه فقهی و به‌معنای ممنوعیت انجام کار حرام است. حرام در اسلام عملی است که انجام آن ممنوع و ترک آن از مردم خواسته شده است (مکارم شیرازی، ۱: ۴۳۰). شخص مکلف در صورت انجام فعل حرام گناهکار محسوب می‌شود (هاشمی شاهرودی: ۲۹۱).

خواص و رابطه غذا و چگونگی مصرف آن در بدن موجودات زنده به‌منظور برقراری و ادامه اعمال حیاتی اندام‌ها و بافت‌ها از قبیل: تولید انرژی، تامین رشد و نمو، تولید مثل، واکنش‌های بدن در برابر تغییرات، ترکیبات غذایی مورد مصرف، احتیاجات موجودات زنده به مواد مغذی، ترکیبات و ارزش غذاها، عادات غذایی بحث می‌کند (باوندی، ۱۳۵۶).

۱-۲. حلال

لغت حلال یک واژه‌ی عربی است که از مصدر «حَلَّ يَحِلُّ حَلًّا وَ حَلُولًا» و در موارد نادری از ریشه‌ی «حَلَّل» (بدون تشدید) گرفته شده است (ابن سیده، ۱۴۲۱). حلال عبارت است از آنچه که از نظر شرع و عقل روا و جایز است؛ خواه عملی قلبی باشد، همچون اعتقادات، یا بدنی و زبانی. فقها حلال را به دو قسم تقسیم کرده‌اند: ۱. فعلی که عاری از هر مصلحت و مفسده‌ای باشد، مانند برخی حرکات بدنی و یا برخی گفتارها. ۲. فعلی که مصلحت ملزمه با مفسده ملزمه، یا مصلحت غیرملزمه با مفسده غیرملزمه در آن جمع باشد؛ به‌گونه‌ای که هیچ‌کدام بردیگری ترجیح نداشته باشد (هاشمی شاهرودی: ۳۳۶). قسم اول را حلال لاقتضایی (حلال بدون اقتضا) و قسم دوم را حلال اقتضایی گویند. این واژه در قرآن کریم نزدیک به پنجاه مرتبه در اشتقاقات و معانی مختلف از خوراکی، حج، مسائل مالی، ازدواج تا هم‌بستری و سایر موارد استفاده شده‌است. همچنین مفهوم حلال به‌عنوان ضوابط و قواعد مربوط به خوراکی‌ها و آشامیدنی‌ها و سایر شئون زندگی، مورد توجه تمامی افراد بشر و نحل‌ها و ادیان الهی و غیر الهی بوده و هست. امروزه واژه‌ی حلال در دنیا بسیار پرکاربرد است و می‌توان گفت تمامی انسان‌ها با هر زبانی با این کلمه آشنا هستند و آن را در حوزه‌های بسیاری از جمله خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها، مواد آرایشی و

۲. تأثیر غذا و تغذیه بر اخلاق و رفتار

۲-۱- تأثیر تغذیه بر اخلاق از دیدگاه قرآن

نیاز انسان به غذا مهمترین و حیاتی‌ترین نیاز روزمره‌ی اوست که از تولد تا مرگ، وی را همراهی می‌کند و حتی انبیا و اولیاء الهی نیز از این قاعده مستثنی نیستند. رشد، طول عمر، تندرستی، آرامش اعصاب و روان، خلق و خوی و رفتار، توانمندی و قدرت، تکثیر نسل و تولید مثل و... همه به نوعی و امदार تغذیه‌ی سالمند (آخوندی، ۱۳۸۷). هرچند از دیدگاه اسلامی، حقیقت انسان جنبه‌ی روحانی و معنوی اوست و هدف اصلی تربیت نیز پرورش حس دینی و رسیدن به کمالات معنوی می‌باشد ولی با این وجود، جنبه‌ی جسمانی او را نمی‌توان نادیده گرفت؛ زیرا جسم و روح رابطه‌ی متقابل دارند و هرکدام بر دیگری تأثیر می‌گذارند. بنابراین، عوامل مؤثر در تربیت نیروی جسمی انسان بر جنبه‌ی روحی او نیز مؤثر است و بدین دلیل، باید به آن توجه کرد. از جمله عوامل مؤثر بر جسم انسان، تغذیه، نوع غذا و کیفیت آن است که به لحاظ تأثیرگذاری بر نگرش، گرایش و عملکرد او باید مورد بررسی قرار گیرد. به نظر روان‌شناسان، «سلامت بدن بیش از هر چیزی، به چگونگی غذای شخص مربوط است و حالات روانی و روحی نیز همواره از حالات بدنی متأثر می‌شود و بدین ترتیب، چگونگی تغذیه در رشد ذهنی و بدنی انسان اثر می‌کند (شعاری نژاد: ۱۴۸). قرآن کریم با عنایت به آثار خسارت‌بار ارتزاق از راه حرام و نیز خوردن و نوشیدن محرّمات و نجاسات، در فراخوانی عمومی، همه‌ی بشر را به خوردن آنچه حلال و پاکیزه است دعوت می‌کند و در آیه ۱۶۸ سوره بقره می‌فرماید: يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از آنچه در

زمین، حلال و پاکیزه است بخورید و از راه‌های شیطان پیروی نکنید؛ که همانا او دشمن آشکار شماست». اهتمام اصحاب کهف به تناول از غذای پاک و تأیید ضمنی آن توسط خداوند در قرآن کریم، یکی دیگر از آیاتی است که به لزوم توجه به ویژگی‌های غذا و رعایت معیارهای دینی در آن اشاره کرده است: فَأَبَعْتُوا أَعْدَابَكُمْ يَوْمَ الْكَلْبِ إِلَى الْمَدِينَةِ فَلْيَنْظُرُوا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَتَأْكُلُونَ مِمَّا دُونَ الْأَسْنَانِ وَالْأَسْنَانِ لَا يَأْكُلُ مِنَ الْأَسْنَانِ شَيْئًا إِنَّهَا كَذِيبٌ بَخِيسٌ وَأَن تَأْكُلُوا مِنْهُ لَشَرٌّ مُّبِينٌ. «کنون یک نفر از خودتان را با این سکه‌ای که دارید به شهر بفرستید تا ببیند کدام یک از آن‌ها غذای پاکیزه‌تری دارد و از آن، مقداری برای شما تهیه کند». زیرا همچنان‌که سخن پاکیزه، عمل صالح را به آسمان عروج می‌دهد، غذای پاکیزه نیز انسان را در جهت کسب کمالات معنوی و حفظ ارزش‌های اخلاقی یاری می‌بخشد و به‌مانند باران پاکیزه موجب رویش سبزه‌ها و گل‌های معطر در وجود آدمی می‌شود (سبحانی‌نیا، ۱:۲۶۵).

قرآن کریم در آیه ۴۱ سوره «مائد» درباره گروهی از یهود که مرتکب کارهای خلافی از قبیل جاسوسی بر ضد اسلام و تحریف حقایق کتب آسمانی شده بودند، می‌فرماید: (آنها کسانی هستند که خدا نخواست است دل‌هایشان را پاک کند) «أُولَئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ...» و بلافاصله در آیه بعد می‌فرماید: «سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَالُونَ لِلْسُّخْتِ» (آنها بسیار به سخنان تو گوش فرا می‌دهند تا آنرا تکذیب کنند و بسیار مال حرام می‌خورند!). این تعبیر نشان می‌دهد که آلودگی دل‌های آنها بر اثر اعمالی همچون تکذیب آیات الهی و خوردن مال حرام به‌طور مداوم بوده است؛ زیرا بسیار از فصاحت و بلاغت دور است که اوصافی را برای آن‌ها بشمرد که هیچ ارتباطی با جمله «لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَطَهِّرْ قُلُوبَهُمْ» نداشته باشد. و از این‌جا روشن می‌شود که خوردن مال حرام سبب



این گونه برداشت می‌شود، همان گونه که حیوانات علف می‌خورند بی‌آنکه بدانند از کجا آمده، حلال است یا حرام، غصبی است یا مباح، کافران نیز غذا می‌خورند بی‌آنکه به رجس و پلیدی و حلال و حرام آن واقف باشند. تغذیه در رشد و کمال انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که قرآن صریحاً در آیه‌ی ۲۴ سوره‌ی عبس با عبارت «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ» انسان را به توجه و نگاه به غذای خود سفارش می‌کند. امر به نگاه در این آیه شریفه ابعاد وسیعی دارد مانند دستور به دقت و نگاه از جهت اکتساب حلال و حرام بودن «طلبُ الحلالِ جهادٌ: جستجو کردن حلال، نوعی جهاد است»، دیگری نگاه از لحاظ تمیز و پاکیزه بودن و همچنین نگاه به لحاظ علمی در علوم تغذیه. (خدایی، ۱۳۹۰). جالب آنکه کلمه «فلینظر» تنها ۴ بار در قرآن کریم به کار رفته است. دو مورد آن درباره غذای انسان (کهف ۱۹)، یک مورد درباره‌ی عمل او (حج ۱۵)، و مورد دیگر درباره‌ی چگونگی خلقت او می‌باشد (طارق ۵). قرآن مجید در سوره قصص داستان کودکی موسی - علیه السلام - را بیان می‌کند و می‌فرماید: «ما از قبل شیر همه زنان شیرده را بر او حرام کرده بودیم، خواهرش گفت: آیا می‌خواهید شما را به خاندانی راهنمایی کنم که سرپرست این کودک باشند؟ خانواده‌ای که خیرخواه این کودکند؟ (قصص ۱۲). این آیه کریمه گرچه به ظاهر می‌خواهد بفرماید ما شیر زنان شیرده را بر موسی - علیه السلام - حرام کردیم تا از این طریق او را به مادرش برگردانیم؛ ولی پیام باطنی دیگری هم دارد که جناب موسی - علیه السلام - اگر بایست در آینده صاحب ید بیضا گردد و بساط فرعون و فراعنه را برچیند، و با خدای خود در کوه طور سخن بگوید، لازم است از سینه پاک‌ی شیر خورده باشد و از همان ابتدا لقمه حلال در دهانش گذاشته شود. قرآن

تیرگی آینه دل و نفوذ اخلاق رذیله و فاصله گرفتن با فضائل اخلاقی است (مکارم شیرازی، ۱۴: ۲۵۵). خداوند در آیه ۹۰ سوره مائده نیز درباره حرمت شراب می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ. همچنین ۹۱ سوره مائده بیانگر این است که غذا و نوشیدنی حرامی همچون شراب می‌تواند در شکل‌گیری رذائل اخلاقی همانند پرخاشگری و ستیزه‌جویی و عداوت و دشمنی اثر بگذارد. در آیه ۵۱ سوره‌ی مومنون می‌خوانیم: يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ كُلِّوْا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا ... «ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید». بعضی از مفسران معتقدند ذکر این (خوردن غذاهای پاک و انجام عمل صالح)، پشت‌سر یکدیگر دلیل بر وجود یک نوع ارتباطی بین این دو است و اشاره به آن دارد که غذاهای مختلف آثار اخلاقی متفاوتی دارند. غذای حلال و پاک، روح را پاک می‌کند و سرچشمه‌ی عمل صالح می‌شود و غذاهای حرام و ناپاک روح و جان را تیره و سبب اعمال ناصالح می‌گردد (مکارم شیرازی، ۱: ۲۰۹).

لذا به مؤمنان دستور داده شده که فقط از غذاهای پاکیزه و حلال استفاده کنند. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ (۱۷۲ بقره). «ای اهل ایمان، روزی حلال و پاکیزه‌ای را که ما نصیب شما کرده‌ایم بخورید و شکر خدا به‌جای آرید، اگر شما خالص خدا را می‌پرستید». خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره‌ی محمد، بین تغذیه‌ی کافران و مومنان تفاوت قائل شده‌است و می‌فرماید: وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ. «کافران همواره سرگرم بهره‌گیری از [کالا و لذت‌های زودگذر] دنیایند و می‌خورند، همان گونه که چهارپایان می‌خورند». از این آیه



الکلی تاثیرات نامطلوبی بر جسم و روح انسان باقی می‌گذارد؛ بزرگ‌شدن و جمع‌شدن چربی در بافت‌های کبد و تخریب آن و همچنین اختلال شخصیت، فراموشی‌های موقت، هذیان و بدگمانی نسبت به اطرافیان و برخی اختلالات روانی دیگر از نتایج مصرف این ماده حرام محسوب می‌گردد (کوپایه‌ای‌ها، ۱۳۸۶: ۶۱). در قرآن دستورات حکیمانه‌ای درباره‌ی حفظ صحت، بهداشت شخصی و تغذیه وجود دارد به‌همین دلیل تغذیه‌ی یک مسلمان از ویژگی‌های ممتازی برخوردار است.

۲-۲ تاثیر تغذیه بر اخلاق در روایات

مسلمانان در میزان و نوع مصرف بسیاری از خوراکی‌ها در کنار منبع عظیم نصایح قرآنی از پندها و توصیه‌های برگرفته از سیره‌ی معصومین نیز برخوردار هستند که بایستی در طول حیات دنیوی خویش از آن بهره‌مند گردند. نخستین اقدامی که درباره‌ی تغذیه می‌بایست به آن توجه و عنایت جدی شود، استفاده از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حلال و پرهیز از محرّمات است. در زمینه‌ی تأثیر غذا بر رفتار و تربیت دینی انسان، جای انکاری وجود ندارد؛ از این‌رو، دین اسلام برای جلوگیری از پیامدهای ناگوار آن نسبت به تغذیه‌ی مادران و فرزندان، توصیه‌های فراوانی نموده که اگر به‌خوبی اجرا شود، مسلماً مشکلات تربیتی پدید نمی‌آید. امروزه از نظر علمی ثابت شده‌است که تغذیه‌ی مادران پس از انعقاد نطفه، در دوره‌ی بارداری، در تکامل جسمانی و روحانی کودک تأثیر فراوان دارد. به‌همین دلیل، مادران در این دوره، از مصرف برخی داروها و مواد الکلی که ممکن است موجب بروز اختلالات عصبی و روانی کودک گردد، نهی شده‌اند. در این زمینه، رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نسبت به زنان باردار می‌فرمودند: «زنان باردار را در آخرین ماه‌های حاملگی خرما

کریم در موارد متعددی نیز به تغذیه از گوشت خوک و یا مردار اشاره کرده است. مانند آیه ۱۷۳ بقره: *إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ* «خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه‌را نام غیر خدا به‌هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست (و می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد)؛ خداوند بخشنده و مهربان است». در آیه ۳ سوره‌ی مائده نیز خداوند متعال از خوردن گوشت مردار، خون و گوشت خوک نهی می‌کند. *حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ*. علاوه‌بر این دو آیه، در آیات ۱۴۵ سوره‌ی انعام و ۱۱۵ نحل نیز به مسئله‌ی حرام بودن تغذیه از مردار و خون و گوشت خوک اشاره شده‌است. امروزه با مطالعات زیست‌شناسی و پزشکی موارد موید فراوانی در زمینه‌ی حرام و مذموم بودن گوشت خوک به اثبات رسیده، مانند وجود بیماری‌های مشترک بین انسان و خوک، وجود انگل‌های خطرناک و صعب‌العلاج در گوشت آن، شباهت زیاد گوشت خوک به گوشت انسان، ماندگاری کم و فسادپذیری بیشتر و در نهایت اعتیادآور بودن مصرف آن (قوسیان مقدم، ۱۳۸۹). خداوند در آیه ۹۰ سوره مائده نیز درباره حرمت شراب می‌فرماید: *يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ*. امروزه با توجه مطالعات گسترده‌ای که در این‌زمینه صورت گرفته است این حقیقت بر همگان آشکار شده است که مصرف مشروبات



مدیون خدمات علمی و فرهنگی اوست (نشریه معرفت، موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، ۳۲: ۵). امام علی (ع) درباره اهمیت تغذیه حلال به کمیل بن زیاد می‌فرماید: یا کمیل، اللسان ینزح من القلب و القلب یقوم بالغذاء فانظر فیما تغدی قلبک و جسمک، فإن لم یکن حلالاً لم یقبل الله تسبیحک و لا شکرک. «ای کمیل، زبان از قلب سرچشمه می‌گیرد و قلب نیروی خود را از غذا به دست می‌آورد؛ پس در غذایی که به قلب و جسم خود می‌دهی دقت کن و آگاه باش که اگر آن غذا حلال نباشد، خداوند ستایش و شکرگزاریات را نخواهد پذیرفت». (تحف العقول: ص ۱۷۵). همچنین از آن حضرت نقل شده است که فرمود: کن کالتحله إذا أكلت أكلت طیباً، و إذا وضعت وضعت طیباً. همانند زنبور عسل باش؛ زیرا هنگام خوردن، غذای پاکیزه می‌خورد، و آثار پاکیزه از خود برجای می‌گذارد. امام سجاد (ع) در رساله حقوق، پرهیز از خوردنی‌ها و آشامیدنی‌های حرام را حق شکم، و انسان را به رعایت آن مکلف می‌داند: و اما حق بطنک فان لا تجعله وعاء لقلیل من الحرام و لا لکثیر و ان تقتصد له فی الحلال. و اما حق شکم تو این است که آن را ظرف کم یا زیاد از حرام قرار ندهی، و از حلال هم به اندازه استفاده کنی (تحف العقول: ص ۴۴۵). حضرت محمد (صلی الله علیه وآله) درباره‌ی تأثیر غذا و کیفیت آن بر اعمال عبادی و دعا‌های انسان فرمودند: «هر کس به اندازه‌ی یک لقمه حرام بخورد، چهل شب و روز نمازش قبول نمی‌شود و دعایش به اجابت نمی‌رسد و هر گواشتی که از حرام رشد کرده باشد سزاوار آتش دوزخ است (محمدباقر مجلسی، ج ۶۶: ۳۱۴). امروزه بسیاری از مشکلات فردی و اجتماعی در اثر غذاهایی است که به نحوی از راه حرام به دست آمده و در خانواده‌ها به مصرف می‌رسد. کودکانی که با

بخورانی تا فرزندان شما بردبار و متقی شوند (طبرسی، ۱: ۱۹۶). طبق این روایت، خوردن خرما در دوره‌ی بارداری توسط مادر، به تربیت دینی کودک کمک می‌کند و او را متدین و با تقوا بار می‌آورد. نخستین غذایی که پس از تولد، کودک از آن تغذیه می‌کند شیر مادر است. شیر مادر از جنبه‌های گوناگون بر کودک تأثیر می‌گذارد و آنچه مهم است تأثیرات روحی آن است. نسبت به تغذیه از شیر مادر و چگونگی آن دستوراتی از ائمه معصوم (علیهم السلام) رسیده که قابل توجه است: حضرت علی (علیه السلام) فرمودند: چیزی برای کودک سودمندتر و پربرکت‌تر از شیر مادر نیست (حرّ عاملی، ۱۵: ۱۷۵). در مورد انتخاب دایه نیز فرمودند: در انتخاب دایه چنان تلاش و دقت کنید که در ازدواج دقت می‌نمایید؛ زیرا شیر طبیعت کودک را دگرگون می‌سازد (همان: ۱۸۸). و نیز فرمودند: «از شیر زن‌های زانیه و دیوانه به فرزندانان ندهید؛ زیرا شیر در اخلاق کودک سرایت می‌کند» (مجلسی: ۳۳۳). از مجموع روایات، برمی‌آید که تغذیه‌ی حلال و مطلوب، اعم از شیر مادر و غذا، در دوره‌ی کودکی بر تربیت دینی کودک تأثیر فراوان دارد. از این رو بر پدران و مادران لازم است به این دستورات معصومین (علیهم السلام) توجه کنند و از غذاهای حلال استفاده نمایند تا فرزندان صالح و مفید، هم برای خودشان و هم برای جامعه تربیت کنند. شخصیت‌های بزرگ دینی و اسلامی در آغوش پدران و مادران مؤمن و متدین پرورش یافته‌اند که منشأ خیرات و برکات قرار گرفته‌اند. درباره‌ی شیخ انصاری (رحمه الله) نقل شده است که مادرش هیچگاه بدون طهارت، به ایشان شیر نداد. مرحوم شیخ انصاری در اثر این مراقبت‌ها و تربیت درست خانوادگی به مقامی رسید که جهان اسلام و حوزه‌های علمیه‌ی شیعه تاکنون



سپس فرمود: دائم الخمر همانند بت پرست است و دچار لرزش دائمی بر اندامش می‌شود و مردانگی و غیرتش نابود می‌گردد و شراب او را وامی‌دارد که نسبت به محارم اقدام به ریختن خونشان و زنا با آنان کند تا آنجا که اطمینانی به او نیست که اگر سست شد با محرم‌هایش نزدیکی نکند چراکه نمی‌فهمد و عقل از او رفته است و شراب برای خورنده‌اش جز شر چیزی نمی‌افزاید. ولی مؤمنان که به تأثیر اخلاقی و معنوی غذا توجه دارند، مقید به رعایت غذای پاکیزه و حلال هستند چراکه استجاب دعای خود را در گرو غذای بدون شبهه می‌دانند، به طوری که در روایتی آمده است مردی خدمت پیامبر (ص) گفت: دوست دارم دعایم مستجاب شود. حضرت فرمود: «غذای خود را پاکیزه کن و از هرگونه غذای حرام بپرهیز» (قربانپور، ۲۴۱).

نتیجه‌گیری

آدمی برای دستیابی به سعادت در زندگی اخروی، ناگزیر از زندگی در جهان مادی و چهارچوب تن است، لذا باید لوازم ضروری برای حیات و توانمندی در این زمینه را فراهم آورد. بی‌تردید تغذیه‌ی سالم و منطبق با استانداردهای اسلامی نقشی به‌سزایی در سلامت جسم و روح انسان دارد و او را در طی مسیر تکاملی‌اش یاری می‌دهد، حال این‌که اسلام برای طی مسیر تکاملی انسان نوع غذاهایی که توسط او مصرف می‌شود را نیز مشخص کرده است. تغذیه در حیات انسان نقش تعیین‌کننده و پیچیده‌ای را داراست و این موضوع هم در آیات قرآن و هم در فرهنگ و سنن اسلامی نمود بسیاری داشته است. امروزه با پیشرفت علم نیز ابعاد وسیعی از این تأثیر مشخص و بیان شده است به‌گونه‌ای که بر تغذیه مادران مادر و تأثیر آن بر جنین تأکید بسیاری شده است. اهتمام و توجه ویژه‌ای که

غذای حرام تغذیه شوند و دوره‌ی حساس کودکی را به‌همین صورت سپری نمایند، فطرت دینی خود را از دست می‌دهند و به‌هر خلاقی دست می‌زنند. دلیل بر این مطلب کلامی است از امام حسین (علیه‌السلام) که در روز عاشورا پس از ناامیدی از هدایت لشگریان عمرسعد خطاب به آنان فرمودند: به تحقیق، شکم‌های شما از حرام پر شده است. یعنی: گوشت و پوست شما از حرام پرورش‌یافته و قابل‌هدایت و اصلاح نیستید و حتی کلام امام معصوم (علیه‌السلام) بر شما تأثیری ندارد (قیومی، ۱۳۷۴، ج ۲۹۲). محمدبن عذافر از یکی از رجالش نقل کرده که به امام باقر (ع) گفتم: چرا خداوند عزوجل خوردن شراب و مردار و خون را حرام کرده است؟ فرمود: خدای تعالی حرام‌ها را به‌خاطر بی‌رغبتی خود به آن‌ها حرام نکرد، چنانچه حلال‌های غیر از آن‌ها به‌خاطر میل خود به آن‌ها حلال نمود، ولیکن خدای تعالی مردم را آفریده و می‌داند چه چیز بدن‌های آنها را مقاوم می‌کند و صلاح آنهاست، پس آن‌ها را برای ایشان حلال و مباح کرد و می‌دانست چه چیز به ایشان ضرر می‌رساند، پس ایشان را از آن نهی کرد و آن‌ها بر آن‌ها حرام نمود، سپس آن‌ها را برای مضطر در وقتی که بدنش جز با خوردن آن برپا نمی‌ماند حلال کرد و او را امر نمود که به اندازه ضرورت و نه بیشتر، بخورد. سپس فرمود: مردار را کسی نمی‌خورد مگر اینکه بدنش نحیف و زار گردد و توانایی‌اش به سستی گراید و نسلش قطع گردد و خورنده مردار نمیرد مگر به مرگ ناگهانی. اما حرام‌بودن خوردن خون برای آنست که خورنده آن را مبتلا به مرض صفرا و تشنگی شدید می‌کند و قساوت قلب و کم شدن رافت و مهربانی به‌بار می‌آورد تا آنجا که امیدی نیست نسبت به دوست صمیمی‌اش و کسی که با او همنشین است رحم و مهربانی کند. اما شراب را به‌خاطر اثر و تباهی‌اش حرام کرد،



از سوی دیگر غذای حلال نیز از موارد موکد در قرآن می‌باشد و در بعضی از قصص قرآنی مانند سرگذشت اصحاب کهف و همچنین حضرت موسی (ع) بر لزوم بهره‌مندی از آن اشاره می‌شود.

قرآن و احادیث معصومین به موضوع تغذیه حلال دارند، حاکی از تاثیر بسیار والای این امر بر جسم و روح انسان به صورت توأمان است. غذای حرام می‌تواند موجب کدورت و سیاهی روح انسان شده و او را به‌مرور از راه سعادت‌مندی به سمت شقاوت سوق دهد و پایه‌ی بسیاری از تبهکاری‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی قرار گیرد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۸، علل الشرایع و الاحکام، حسین قاسمی، محل انتشار: قم، ناشر: طوبای محبت، نوبت چاپ: قم
۳. ابن سیده، ابوالحسن علی بن اسماعیل ۱۴۲۱، لغه المحکم و المحيط الاعظم، ناشر: دار احیاء التراث العربی - بیروت
۴. احمد بن فارس، ابوالحسن، ۱۴۰۴، معجم مقاییس اللغة، محل انتشار: قم، ناشر: مکتب الإعلام الاسلامی، نوبت چاپ: دوم
۵. آخوندی، مصطفی، ۱۳۸۷، نگاهی به غذا و تغذیه از منظر اسلامی، مجله حصون
۶. باوندی، محسن، صدر، مهین، تغذیه و بیماری‌های ناشی از سوء تغذیه، تهران، انتشارات زوار، ۱۳۵۶، چاپ اول
۷. بحرانی، شیخ حسین، ۱۳۸۴ ه ق، تحف العقول، ناشر انتشارات کتابفروشی اسلامیة
۸. خدایی، زبیده، ۱۳۹۰، خدایا چه بخورم، قم، ناشر انتشارات قلم زنان، نوبت چاپ: یازدهم
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۳۷۰، «المفردات فی غریب القرآن»، محل انتشار: دمشق، جلد ۱
۱۰. سبحانی نیا، محمدتقی، ۱۳۹۲، رفتار اخلاقی انسان با خود، محل انتشار: قم، جلد ۱
۱۱. شعاری نژاد، علی اکبر، ۱۳۹۲، روان شناسی رشد، محل انتشار: تهران، ناشر: اطلاعات
۱۲. طهرسی، حسن بن فضل، ۱۳۸۶، مکارم الاخلاق، محل انتشار: تهران، ناشر: حبیب
۱۳. عالی پور، فتح الله، ۱۳۹۳، «حلال و طیب عالی ترین معیارهای بهداشتی مواد غذایی از دیدگاه قرآن»، مجله اسلام و سلامت
۱۴. عاملی، محمد بن حسن، ۱۳۶۷، وسائل الشیعه، محل انتشار: قم، جلد ۱، ناشر: موسسه آل البيت لاحیا التراث
۱۵. فیومی، احمد بن محمد، ۱۴۱۴ هجری قمری، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، محل انتشار: قم، ناشر: دار الهجره
۱۶. قربانپور، محمد، ۱۳۹۸، منتخب علل الشرایع، محل انتشار: قم، ناشر: عطر یاس، چاپ اول
۱۷. فیومی، جواد، ۱۳۷۴، صحیفه الحسین (علیه السلام)، محل انتشار: قم، ناشر: انتشارات اسلامی
۱۸. کوپایه ایها، فاطمه، ۱۳۸۶، تغذیه در خانواده، محل انتشار: تهران، ناشر: دانشگاه پیام نور
۱۹. مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۴، بحار الانوار، محل انتشار: بیروت - لبنان، جلد: ۹
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، محل انتشار: تهران، جلد ۱۲، ناشر: دارالحديث



۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، محل انتشار: تهران، جلد ۱۴، ناشر: دارالحدیث
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، محل انتشار: قم، جلد ۱، ناشر: مدرسه الامام علی بن ابی طالب (ع)
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۵، دائرة المعارف فقه مقارن، ج ۱، محل انتشار: قم، ناشر: مدرسه الامام علی ابن ابی طالب
۲۴. معین، خدیجه، ۱۳۸۲، از کودکی تا جوانی در نگاه قرآن کریم، مجله قرآنی کوثر پاییز
۲۵. محمدین مکرم، ابن منظور، ۱۴۱۴، محل انتشار: بیروت، ناشر: دار صادر، جلد ۱۵
۲۶. مستغفری، ابولعباس، ۱۳۶۲، طب النبی، محل انتشار: قم، ناشر: رضی
۲۷. هاشمی شاهرودی، محمود، ۱۴۲۶، ق، فرهنگ فقه، موسسه دائره المعارف فقه اسلامی
۲۸. همت بناری، علی، ۱۳۸۹، «شخصیت و مهم ترین عوامل غیروراثتی شکل گیری آن»، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

امنیت غذایی و احتکار از منظر قرآن

سمیراء جوادی باغی^۱، محمدکریم معتمد^۲، فاطمه قربانی پیرعلیده^۳

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی، دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان
۲- دانشیار گروه اقتصاد کشاورزی، دانشکده علوم کشاورزی دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول: motamed@guilan.ac.ir)
۳- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده علوم زراعی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

چکیده

کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه به‌شمار می‌رود. استقلال اقتصادی کشور وابسته به کشاورزی و توسعه آن می‌باشد. کشاورزی در قرآن کریم و روایت ائمه اطهار (ع) حائز اهمیت است. به‌طوری‌که شغل بسیاری از انبیا کشاورزی بوده است. رونق و توسعه در بخش کشاورزی موجب امنیت غذایی کشور می‌شود. مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز انسان، غذا بالاخص استفاده از غذای سالم می‌باشد. در قرآن استفاده از غذای پاک و حلال تاکید بسیار شده است. توسعه در کشاورزی و تولید غذای سالم و کافی موجبات امنیت غذایی را تأمین می‌کند و در نهایت سلامت جامعه و به طبع، سلامت کشور تأمین می‌شود و استقلال سیاسی کشور نیز حفظ می‌گردد. در کنار ایجاد امنیت غذایی، باید از احتکار که موجب اختلال در نظام اقتصادی می‌شود جلوگیری گردد. احتکار تولیدات غذایی که معیشت مردم به آن وابسته است سبب از بین رفتن امنیت غذایی و اختلال در وضعیت اقتصادی افراد جامعه می‌گردد. احتکار در این رابطه از مصادیق فعل حرام در قرآن است که به کرات این فعل در قرآن مورد نکوهش قرار گرفته و مسلمانان به پرهیز از آن دعوت شده‌اند.

واژگان کلیدی: احتکار، امنیت غذایی، قرآن کریم، کشاورزی.

۱- مقدمه

خورده‌شده بوجود می‌آید غذای خود را انتخاب نمایید. رعایت این اصول، بزرگترین ثروت که همان سلامتی است را می‌توان از خداوند دریافت نمود. برخورداری از غذای سالم و کافی و امنیت غذایی، ابتدایی‌ترین حق از حقوق هر انسانی به‌شمار می‌آید ولی متأسفانه در دنیای امروزی، بسیاری از انسان‌ها از آن بی‌بهره هستند. امنیت غذایی به همراه امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز فرهنگ دینی در جامعه اسلامی باشد به‌شرطی که تمام افراد جامعه به‌صورت عادلانه به غذا دسترسی داشته باشند و اسراف نکنند (رزاقی، ۱۳۸۸). احتکار از جمله ناهنجاری‌های اقتصادی است که در قرآن به‌شدت نکوهش شده است که عبارت است از انبارکردن ارزاق و طعام و کالاهای موردنیاز مردم به هدف کمبود کالا و افزایش قیمت آن. به‌طوری‌که یکی از مهم‌ترین

قرآن کریم کتاب هدایت بشر تا قیامت است، لذا از هیچ‌یک از امور مهم و تأثیرگذار در زندگی انسان فروگذار نکرده است. تغذیه از اموری به‌شمار می‌رود که موردتوجه ویژه قرآن کریم است. انسان دارای دو بعد جسمانی و روحی است که هرکدام از این دو بعد انسان نیاز به تغذیه خاص دارد، بنابراین نیازمند این است تغذیه با عالی‌ترین غذاها صورت گیرد. زیرا رسیدن به خداشناسی که هدف اصلی از زندگی در این جهان است نیازمند خودشناسی و انجام اعمال درست است. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: هرکس خود را بشناسد، پروردگار خود را خواهد شناخت. اصلی‌ترین آیه در مورد غذا می‌گوید دقت کنید و بنگرید چه می‌خورید. یعنی با توجه به طبع، که اثری بوده و ذائقه که با توجه به غذای



بهره‌گیری از برخی آموزه‌های اسلامی در زمینه‌ی آداب تغذیه سالم دریافتند که رعایت دستورات مرتبط با تغذیه در قرآن کریم و روایات اهل بیت (ع) می‌تواند عامل مهمی برای برخورداری از سلامت جسم و تندرستی باشد. از مهم‌ترین مسائل زندگی بشر، تغذیه است و در اسلام تغذیه به‌عنوان امری مهم در سلامت جسم حائز اهمیت است و در زمینه آداب تغذیه سالم سفارشات متعددی شده است. تغذیه متعادل علاوه بر تندرستی و طول عمر با تأثیر بر اعصاب و روان سبب رشد فکری و عقلانی می‌شود. بی‌ریا و همکاران (۱۳۹۴) بیان کردند که کشاورزی در قرآن از اهمیت بالایی برخوردار است و در آیات زیادی به کشاورزی و عوامل مربوط به آن اشاره شده است. از دیدگاه قرآن همه نیازمندی‌های انسان در زمین وجود دارد و انسان با کار و تلاش و خلاقیت و ابتکار به کسب روزی خود از منابع طبیعی نائل می‌شود. بنابراین پیشرفت کشاورزی و رسیدن به حد خودکفایی پایه مهمی در استقلال اقتصادی و بلکه سیاسی جامعه خواهد بود. فیاض‌نیا (۱۳۹۴) براساس یافته‌های به‌دست آمده در مقاله خود تحت‌عنوان نگاه قدسی قرآن به کشاورزان و کشاورزی بیان نمود که در تمام ادیان الهی به کشاورزی (که شامل باغداری و دام‌داری هم می‌شود) توجه ویژه‌ای شده است. در قرآن کریم حدود ۵۵۰ آیه در ارتباط با کشاورزی آمده است که قریب به ۹ درصد کل آیات قرآن را شامل می‌شود. فخرایی مطلق و احمدی (۱۳۹۴) در مطالعه بررسی اهمیت کشاورزی از منظر قرآن و شریعت و لزوم رسیدن به خودکفایی به این نتیجه رسیدند که رهایی از وابستگی و رسیدن به استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی جز با توسعه پایدار میسر نیست و محور توسعه پایدار، توسعه کشاورزی است. توسعه کشاورزی جز با بهره‌گیری از روش‌های علمی و

مفاسد اقتصادی را شکل می‌دهد و قرآن به شیوع و ترویج آن در جوامع هشدار داده که زمینه‌ی فروپاشی جوامع از طریق تضييع حقوق افراد و افزایش تورم را فراهم می‌کند (میزراجانی بیجارسی و همکاران، ۱۳۹۸). امروزه با وجود مسائل اقتصادی و نیازهای روبه‌رشد بشر، یکی از موضوعات مهمی که اقتصاد کشور را با چالش‌های جدی مواجه می‌کند احتکار است. در واقع کاهش یا متوقف کردن جریان توزیع کالا توسط عده‌ای از افراد جامعه با توجه به وضع بازار و به‌خصوص تقاضای خریداران، به‌منظور بالا بردن قیمت و درآمد حاصل از افزایش قیمت کالا صورت می‌گیرد که سرانجام موجب افزایش تقاضا بر عرضه، پیدایش تورم و افزایش صعودی قیمت‌ها می‌گردد (موسوی بجنوردی و مهدیان کرانی، ۱۳۹۴).

۲- روش تحقیق

این مقاله با استفاده از مقالات، کتاب‌ها، سایت‌های اینترنتی و استناد به آیات قرآن کریم و احادیث ائمه معصومین (ع) نگاشته شده است.

۳- مرور ادبیات تحقیق

فصیحی و همکاران (۱۳۹۴) با توجه به آیات و روایات بیان کردند که تغذیه از نظر نوع غذا، کمیت آن و کیفیت کسب آن بر اخلاق افراد تأثیری تردیدناپذیر دارد. تغذیه از منظر قرآن و روایات با توجه به بعد معنوی و انسان‌ساز آن وسیله‌ای است تا انسان را در جهت رشد و کمال سوق دهد. غذایی که می‌خوریم در یک فرآیند پیچیده تبدیل به حیات، انرژی و حتی اخلاق و اندیشه می‌شود و برخی ناهنجاری اخلاقی و رفتاری و در مقابل آن سلامتی و حسن رفتار و اخلاق انسان از عادات غذایی نشأت می‌گیرد. گلی و شهریاری (۱۳۹۴) در تحقیقی باعنوان



اهمیت ورزش و تغذیه سالم رهنمود کرده و هدف از زندگی سالم و مطلوب را بشناسد و بداند که هر آنچه در اختیار انسان‌هاست به خواست و اراده خداوند است و داشتن زندگی سالم امانتی از سوی خداست. رزاقی (۱۳۸۸) امنیت غذایی را از دیدگاه قرآن این‌گونه بیان می‌کند که امنیت غذایی، تولید آگاهانه و مدبرانه انواع غذاهای طیب و حلال در جامعه اسلامی بدون وابستگی به غیرمسلمانان و توزیع عادلانه آن به‌طوری که تمام افراد جامعه، دسترسی دائم به غذا داشته و از تأمین آن در آینده نیز مطمئن باشند و از آن بدون اسراف مصرف کنند، می‌باشد. نظام اقتصاد اسلامی نیز بر همین مبنا یعنی تولید مدبرانه، توزیع عادلانه و مصرف بدون اسراف بنا نهاده شده است. میزراجانی بیچارپسی و همکاران (۱۳۹۸) احتکار را یکی از امور حرام و از آفات اقتصادی در روابط اجتماعی شمردند و بیان کردند که احتکار به‌عنوان یکی از مصادیق کسب حرام در قرآن به‌شمار می‌رود. علت تأکید قرآن بر نهي و نکوهش احتکار به‌دلیل آثاری است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اعتقادی اجتماعی، دنیوی و اخروی بر جوامع بشری وارد می‌آورد مانند این‌که با انبار کردن کالا و انباشت ثروت مانع از ترویج فرهنگ کار و تلاش می‌شود و به‌هم‌زنده‌ی نظام اقتصادی معتدل است که سبب سلب امنیت و فساد و تباهی در جامعه می‌گردد. موسوی بجنوردی و مهدیان کرانی (۱۳۹۴) احتکار را یکی از موضوعات مهم عصر حاضر که اقتصاد کشورمان را با چالش‌های جدی مواجه می‌نماید عنوان کردند. احتکار در واقع نوعی کاهش یا متوقف کردن جریان توزیع کالا توسط عده‌ای از افراد جامعه با توجه به وضع بازار و به‌خصوص تقاضای تحریک‌شده خریداران، به‌منظور بالا بردن قیمت و درآمد حاصل از افزایش قیمت کالا صورت می‌گیرد. که سرانجام

دستاوردهای فناورانه امکان‌پذیر نمی‌باشد. یوسفی و شیرافکن (۱۳۹۳) در تحقیق اهمیت و جایگاه طعام از منظر قرآن کریم به این نتایج دست یافتند که قریب به ۳۰۰ آیه قرآنی و ده‌ها روایت از معصومین (ع) بر اهمیت غذا و تغذیه دلالت می‌کند. در قرآن مجموعاً، ۴۸ بار (۲۴ مورد در سور مکی و ۲۴ مورد در سور مدنی) از کلمه طعام و مشتقات آن، ۱۰۷ بار از کلمه اکل و مشتقات آن و ۳۹ بار از واژه شراب استفاده شده است و در بین آیات مرتبط با طعام، ۶ بار به اصل کلی حلال بودن غذاها به‌طور مستقیم، ۶ بار به بخل و خودداری مردم تنگ‌نظر از اطعام فقرا، ۲ بار به‌نام‌بردن از غذاهای ممنوعه و حرام و ۴ بار از جبران کفاره گناهان از طریق اطعام مستمندان اشاره شده است و در بین تفاسیر مختلف اهمیت تغذیه جسم بر روح مورد تأکید قرار گرفته است. قدیمی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیق خود تحت‌عنوان نقش تغذیه در ارتقاء بعد تربیتی و معنوی انسان از منظر قرآن کریم، به این نتیجه دست یافتند که از منظر قرآن کریم، غذا و تغذیه از عوامل تأثیرگذار در شکل‌گیری و تکامل بعد تربیتی و معنوی انسان می‌باشد. هم‌چنین غذا ابزاری برای آزمایش، عاملی جهت تفکر، تشکر و تقوی، زمینه‌ساز سوگند و عامل شفا، عامل کرامت انسان در رزق طیب، عامل انجام اعمال صالح و ناصالح، عامل صدور احکام الهی و عامل شقاوت اخروی است. غفاری (۱۳۹۳) با توجه به نتیجه پژوهش خود بیان کرد که از نگاه قرآن سلامت تغذیه با امور معنوی و جهان‌بینی توحیدی در ارتباط است. یکی از راهکارهای مهم در مدیریت سلامت تغذیه، هدفمندکردن زندگی مادی با اعتقادات معنوی است، به‌طوری که خداوند مهربان در آیات قرآن، انسان را به خوردن غذای حلال و پرهیز از خوردنی‌های حرام و توصیه به روزه‌داری و



داده است. افزایش نیاز به محصولات زراعی که بر اثر عواملی مانند زیاده‌شدن جمعیت، توسعه شهرنشینی، رشد درآمد و تغییر الگوی مصرف غذایی، لزوم افزایش بهره‌وری از زمین‌های زراعی و منابع در دسترس کشاورزان را ضروری می‌کند، بنابراین مدیران بخش‌های کشاورزی باید برای تولید بهینه محصولات کشاورزی به روش‌های گوناگون همت کنند و با برنامه‌ریزی، سهم مهمی در تنظیم عرضه و تقاضا و استفاده بهینه از منابع و عوامل تولید داشته باشند. دانش کشاورزی، نتیجه تکامل روش‌های کشت و پیشرفت‌های علمی است که در طی زمان، انسان برای تأمین امنیت غذایی تجربه کرده، آموخته و به نسل‌های بعد منتقل کرده‌است. به طوری که کشاورزان برای تولید محصولات زراعی و باغی هم به دانش تجربی و هم به بکارگیری علوم نوین برای بهبود تولیدات بیشتر و بهتر وابسته هستند (آینه‌بند، ۱۳۸۶). تمام کشورهای دنیا برای توسعه صنعت کشاورزی کوشش بسیاری می‌کنند و از صنایع مدرن و پیشرفته با حفظ آب و خاک و محیط زیست انسانی و اکولوژیک گیاهی و جانوری کمک می‌گیرند (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۹۴). بخش کشاورزی به‌طور مستقیم با تولید بیشتر و صادرات و به‌طور غیرمستقیم از طریق افزایش تقاضا برای خدمات و کالاهای صنعتی در جوامع روستایی به رشد اقتصادی کمک کرده و امنیت غذایی را بهبود می‌بخشد (شاهی جاجان و تیموری کوهسار، ۱۳۹۴). اجرای استانداردهای پیشرفته در کشاورزی و عدم نیازمندی به بیگانگان، منوط به کسب دانش‌های مدرن، آموزش و ترویج عملی فرهنگ حلال و حرام و اجرای سیستم‌های تضمین ایمنی و کیفیت و حرکت به سمت تولید محصولات ارگانیک و مهم‌تر از آن‌ها فهم صحیح قرآن، احادیث امامان در زمینه کشاورزی است. اصلاح باورها و شکوفا

موجب افزایش تقاضا بر عرضه، پیدایش تورم و افزایش صعودی قیمت‌ها می‌گردد. احکام در شریعت اسلام بر پایه مصالح و مفاسد تشریح شده و برای زمان خاص و مکان خاصی نیست. با توجه به نقش زمان و مکان فقیه می‌تواند درباره احکام متغیر اسلام حکم صادر نماید. ابراهیمی‌زاد جویمی و تلاشان (۱۳۹۳) اخلاق اقتصادی قرآن را بر سه محور تولید، توزیع و مصرف بیان کردند. پرهیز از کم‌فروشی، رباخواری، دروغ، احتکار و رعایت عدل و انصاف از اصول توزیع شمرده می‌شوند. بنابراین نهی از احتکار از جمله آموزه‌های اسلامی است که همواره باید مورد توجه قرار گیرد. در ادامه به تشریح مهم‌ترین مفاهیم در رابطه با اهمیت کشاورزی و تغذیه و جایگاه مفهوم امنیت غذایی و تهدید احتکار در رابطه با امنیت غذایی پرداخته شد.

۱-۳- کشاورزی

یکی از منابع اصلی تغذیه انسان، کشاورزی است. کشاورزی به هر نوع فعالیت که به تولید مواد غذایی و کالا از راه‌های زراعت، باغداری، دامداری، جنگلداری و پرورش آبزیان منجر شود اطلاق می‌گردد (موحدی‌راد، ۱۳۹۴). کشاورزی موجب ظهور تمدن شد. توسعه کشاورزی به معنای مدرنیزه کردن بخش کشاورزی و رسیدن به رشد کشاورزی است که دو وظیفه اصلی، یکی تهیه و تولید غذای ارزان قیمت و دیگری تأمین نیروی انسانی برای اشتغال در صنایع نوپای شهری را برعهده دارد (شاهی جاجان و تیموری کوهسار، ۱۳۹۴). بنابراین غذا نیازهایی از جمله رشد، طول عمر، تندرستی، آرامش اعصاب و روان، خلق و خوی و رفتار، توانمندی و قدرت، تکثیر نسل و تولیدمثل و ... را در انسان مرتفع می‌سازد. رشد جمعیت در جهان نیاز به فرآورده‌های کشاورزی را افزایش



آیاتی (عبس/۲۴-۳۰، نور/۳۵، نحل/۱۱-۱۲ و ...) در ارتباط با انتخاب صحیح محل کشت، انتخاب گونه‌های مقاوم یا متحمل به خشکی (انجیر، زیتون، انگور و ...) و استفاده مناسب از آب باران آورده شده است (یداللهی و همکاران، ۱۳۹۱). کشاورزی از اهمیت خاصی در قرآن برخوردار است. ریشه عربی «ف ل ح» به معنای اصلی «دو نیم کردن» یا «شکافتن» است که به معنای «شیار کردن»، «کشتن» یا «شخم زدن» نیز می‌باشد، بنابراین فلاحه، هنر شخم‌زدن و کاشتن است و در عناوین رساله‌های عربی قرون وسطی درباره رشته زراعت در معنای کلی «کشاورزی» به کار رفته است. دیگر ریشه‌هایی که در قرآن به معنای کاشتن به کار می‌روند، «ز ر ع» و «ح ر ث» هستند که هر دو با هم در آیات ۶۳-۶۴ سوره واقعه به کار رفته‌اند. در آیه ۳۲ سوره کهف، دو باغ از تاک‌های انگور که با نخل‌های خرما احاطه شده‌اند و مابین آن‌ها، مزارع حاصل‌خیز قرار گرفته ترسیم شده است. یکی از اسم‌هایی که به زمین‌های کاشته شده اشاره دارد، کلمه جَنَّة (جمع آن جنات) است (إسراء/۹۱؛ انعام/۹۹ و ۱۴۱). در قرآن به باغ‌های میوه برای خوراک انسان (یس/۵-۳۳)، باغ‌های سرسبز (حدائق) (نمل/۶۰؛ عبس/۳۰)، چمنزارهای طبیعی (روضه، جمع آن روضات) به عنوان پاداش‌های جهان آخرت (روم/۱۵؛ شوری/۲۲)، مراتع (مرعی) بر روی زمین آفریده می‌شوند برای خوراک گله‌ها (اعلیٰ/۴؛ نازعات/۳۱) اشاره شده است. کشاورزی از آن جهت که مواد غذایی جامعه را تهیه می‌کند، یکی از شغل‌های مقدس الهی شناخته شده و آباد کردن زمین شغل پیامبران الهی بوده است (بی‌ریا و همکاران، ۱۳۹۴). قرآن کریم کتاب اقتصادی نیست، ولی در آیات زیادی انسان را به تلاش بر روی زمین برای آبادانی بیشتر و بهره‌رساندن به دیگران دعوت و

نمودن اندیشه‌ها و تقویت توانمندی‌ها و همچنین تأمین سلامت همه‌جانبه انسان، نیازمند ارتباط تنگاتنگ میان انسان و خدا و فرستادگانش است که حتی امروزه با وجود پیشرفته‌ترین وسایل و امکانات باز هم راه‌های کشف نشده و دستورات به‌روز آن‌ها گره از بسیاری از مشکلات را می‌گشاید (فخرایی مطلق و احمدی، ۱۳۹۴). کشاورزی مهم‌ترین شغل در تمدن‌های کهن بوده است (سپهری، ۱۳۹۶). با ظهور اسلام، کشاورزی توسط مسلمانان توسعه بیشتری یافت، اهمیت کشاورزی نزد مسلمانان ناشی از دو عامل تعالیم دینی و مذهبی و شناخت نقش کشاورزی به عنوان یک عامل اقتصادی در تأمین مواد غذایی بود. بر این اساس، مسلمانان در مطالعه علوم کشاورزی و منابع طبیعی توانستند هزاران گیاه موثر در سلامت انسان، کشف و هزاران کتاب ارزشمند تألیف کنند که در پیشرفت و تکامل جامعه انسانی بسیار مؤثر می‌باشد (سپهری، ۱۳۸۷). به‌طوری‌که دانشمندان مسلمان (ابوریحان بیرونی، ابن سینا، رشیدالدین الصوری، عبدالله بن احمد بن البیطار و ...) در آشنایی اروپاییان با درختان و گیاهان مختلف بالاخص گیاهان دارویی نقش به‌سزایی داشتند. به‌عنوان مثال رازی دانشمند ایرانی ۶۳۰ گیاه دارویی را در کتاب الحاوی معرفی کرد (سپهری، ۱۳۹۶). همچنین در توسعه کشاورزی، ایرانیان با اختراع ابزار و اسباب‌کار (خیش و داس) و تهیه آب و ساخت قنات و انبار آذوقه نقش به‌سزایی داشتند (سپهری، ۱۳۹۶). سیستم کشت دیم در ایران به‌علت محدودیت منابع آبی و تأمین آب برای درختان میوه بسیار با اهمیت است. در نتیجه باید برای کاهش تبخیر و تعرق و افزایش راندمان جذب آب توسط گیاه از کشت دیم استفاده شود (یداللهی و همکاران، ۱۳۹۱). در قرآن کریم نیز



داشتند (خمینی، ۱۳۷۸). توسعه اقتصادی و افزایش توان تولید به‌ویژه در بخش کشاورزی و توسعه آن نشانگر پیشرفت یک جامعه خواهد بود (شاهی جاجان و تیموری کوهسار، ۱۳۹۴). مقام معظم رهبری نیز فرموده‌اند که کشاورزی برای کشور ما بسیار مهم است، چون امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پرجمعیت و دارای هدف‌های بلند بسیار مهم است. لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند. با تدبیر در آیات قرآن کریم در ارتباط با کشاورزی، می‌توان روش‌های مناسب کشت محصول را شناسایی کرد و از آن برای بهبود وضعیت کشاورزی بهره گرفت (خدابخشی و همکاران، ۱۳۹۴). آیات مختلفی در قرآن کریم از فضیلت کشاورزی بیان شده است مانند: "و هم اوست خدایی که از آسمان آبی فرو بارید پس هر نبات را بدان رویانندیم و سبزه‌ها را از زمین برون آوردیم و از آن سبزه‌ها دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده بیرون آریم و از شکوفه نخل خوشه‌هایی است به هم پیوسته، و باغ‌های انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه به هم است (خلق کنیم)، شما در آن باغ‌ها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد (با چشم تعقل) بنگرید، که در آن آیات و نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای اهل ایمان هویداست" (انعام/ ۹۹). "و او کسی است که باغ‌های (دارای درختان) داربست‌دار و بدون داربست پدیدآورده است و نیز درخت خرما و زراعتی که میوه‌های آن گوناگون است، و درخت زیتون و انار که همانند و ناهمانندند، از میوه آن چون میوه برآورد بخورید و روز چیدنش حق (بینوایان از) آن را بپردازید، ولی اسراف نکنید که او اسرافکاران را دوست ندارد" (سوره انعام آیه ۱۴۱). "و زمین پژمرده (بایر) مایه عبرتی است

راهنمایی کرده است. در آیه ۱۱ سوره نبا آمده است: "و خداوند روز را برای کسب معاش و روزی قرار داده است". هم‌چنین خداوند در سوره هود آیه ۵۲ می‌فرماید "اوست که شما را از زمین پدیدآورد و خواست که آبادانش دارید. از جمله آیاتی که به زراعت و کشاورزی و اهمیت آن اشاره می‌کنند عبارتند از (زمر، ۲۱)، (سجده، ۲۷)، (واقع، ۶۳-۶۵)، (نحل، ۱۱)، (یس، ۳۴-۳۵)، (نبا، ۱۱)، (روم، ۱۹)، (انعام، ۹۹) و (اعراف، ۵۸-۵۷)، (یوسف/۴۹)، (اعراف/۵۷)، (فرقان/۴۰)، (لقمان/۳۴)، (نور/۴۳)، (شوری/۲۸)، (روم/۴۸)، (فصلت/۳۹ و ۷)، (بقره/۲۶۱ و ۴۳ و ۲۹)، (رعد/۴)، (مائده/۱۲)، (توبه/۱۱)، (مریم/۳۱). پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: کشاورزی کنید زیرا کشاورزی برکت دارد و چاه‌های آب فراوانی در آن حفر کنید (جوادی آملی، ۱۳۹۳). هم‌چنین امام صادق (ع) در باب اهمیت کشاورزی می‌فرماید: خداوند عزوجل از میان کارها و شغل‌ها، کشاورزی و چوپانی را برای انبیا پیش دوست دارد و فرمودند: درختکاری کنید، به‌خدا سوگند، کاری حلال‌تر و پاکیزه‌تر از آن نیست (جوادی آملی، ۱۳۹۳). امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت کشاورزی فرمودند: «مسأله کشاورزی ما در رأس همه امور است». استقلال فرهنگی و سیاسی کامل نمی‌شود مگر زمانی که استقلال کشاورزی بوجود آید. هم‌چنین فرمودند اگر می‌خواهیم استقلال سیاسی، اجتماعی و فرهنگی داشته باشیم ریشه‌اش استقلال اقتصادی است که پایه استقلال اقتصادی همین خودکفایی در کشاورزی است. امام خمینی (ره) هم‌چنین تأکید به تولید به‌ویژه تولیدات صنعتی با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلامی و تأکید خاص بر تولید محصولات کشاورزی و بهبود وضعیت کشاورزان و تولیدکنندگان بخش کشاورزی



بدو تولد تا مرگ همراه اوست. تغذیه، رساندن مواد غذایی به بدن است به نحوی که احتیاجات انسان به موادمغذی برآورده شود. بدن انسان به مواد مختلفی از جمله پروتئین، چربی، کربوهیدرات، آب، انواع ویتامین و املاح نیاز دارد که تمام این ترکیبات در غذای مناسب وجود دارد. کمبود یا ازدیاد هر یک از مواد می‌تواند تعادل مواد موجود در بدن را مختل کند و باعث بیماری‌های زیادی شود (علایی، ۱۳۹۶). مواد غذایی برای تأمین انرژی و سوخت موردنیاز بدن، برای رشد و نمو و ترمیم بافت‌ها آسیب‌دیده و همچنین تنظیم واکنش‌های بدن به کار می‌رود. مهم‌ترین منبع انرژی کربوهیدرات‌ها هستند که ارزان‌ترین منبع غذایی در کشورهای جهان به‌شمار می‌آید. در بین موادغذایی در اکثر کشورها غلات بالاخص گندم و برنج، حبوبات و سیب‌زمینی نیاز ۵۰-۷۰ درصدی کالری را برای مردم تأمین می‌کند. اهمیت تغذیه به قدری است که خداوند پنجمین سوره قرآن را به نام مائده یعنی سفره غذایی نامیده است. هم‌چنین قرار گرفتن رزاق و مطعم بودن به‌عنوان صفات خداوند، سوگند خداوند به غذا «والتین والزیتون»، درخواست مائده آسمانی توسط حضرت عیسی و درخواست غذا توسط حضرت موسی (ع) هرکدام مهر تأییدی بر اهمیت غذا و تغذیه است. در قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار در باب تغذیه مطالبی عنوان شده است که عبارتند از رعایت کم‌خوری، پرهیز از پرخوری، سیرخوردن، دست‌کشیدن از خوردن قبل از احساس سیری. هم‌چنین در قرآن کریم استفاده از غذای پاکیزه و حلال، اجتناب از پرخوری و غذاهای غیرپهداشتی، توجه به نوع و مقدار غذای مصرفی، توجه به خدا هنگام شروع و پایان مصرف غذا و روزه‌داری تأکید و سفارش شده است (علایی، ۱۳۹۶). امام کاظم (ع) در حدیثی

برای آنان که زنده‌اش گردانیدیم و از آن دانه‌ها برآوردیم که از آن می‌خورند" (یس/۳۳). و در زمین کرت‌هایی است نزدیک به هم و باغ‌هایی از (درختان) انگور و کشت‌ها (ی‌گوناگون) و خرما، همانند و ناهمانند، که همه به یک آب آبیاری می‌شوند و میوه‌های بعضی را از بعضی دیگر برتر ساخته‌ایم، بی‌گمان در این برای خردورزان مایه عبرت است" (رعد/۴). در قرآن، کشاورزی فعل خدا عنوان شده نه فعل بشر زیرا بارش باران، رویش گیاهان و گردش بادها و ... از قدرت و خواست خداست (نبا/۱۴ و انعام/۹۹ و حجر/۲۲). حتی در قرآن کریم به تغییرات جوی و هواشناسی هم اشاره شده است که ارتباط نزدیکی با کشاورزی دارد (بقره، ۲۲ و ۱۶۴، اعراف، ۵۷-۵۸ و رعد، ۴). در روایتی از امام صادق (ع) آمده است که فرمودند: از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: بهترین عمل کدام است؟ فرمودند: زراعتی که کشاورز آن را بکارد و آن را شایسته بدارد و به‌روز برداشت سهم فقیران را بدهد (فیاض‌نیا، ۱۳۹۴). کشاورزی بزرگترین کیمیاست. بر این اساس کشاورزی فضیلتی بسیار و کشاورزان منزلتی والا دارند (فیاض‌نیا، ۱۳۹۴). خداوند در آیه ۴۱ سوره انعام می‌فرماید: "از میوه درختان هنگامی که به ثمر می‌نشیند بخورید و حق آن‌را به‌هنگام درو بپردازید، اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست ندارد". بنابراین هرگونه اسراف در محصولات کشاورزی و منابع طبیعی جایز نیست و خداوند به‌شدت از آن نهی کرده است.

۲-۳- غذا و تغذیه

غذا به‌عنوان یکی از احتیاجات فیزیولوژیک و مهم‌ترین عامل بقای زندگی و طول عمر، همواره در مرکز توجه بشر قرار داشته است. مهم‌ترین و حیاتی‌ترین نیاز روزمره انسان، غذا است که از



آب می‌خواهد (۷). خداوند در قرآن، پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) و سایر حکمای اسلامی توصیه‌های بسیار ارزنده‌ای درباره تغذیه و بهداشت در تغذیه و بهره‌مندی از غذای حلال و پرهیز از غذای حرام داشته‌اند که انسان با پای‌بندی به آن در مسیر توحیدی قرار می‌گیرد (غفاری، ۱۳۹۳). به فرمان قرآن مومنان شایسته‌ترین افراد در استفاده از نعمت‌های الهی مانند غذاهای پاکیزه هستند. خداوند مستقیماً در قرآن به خوردن گوشت (سوره مائده آیات ۱ و ۹۶) و ماهی (سوره نحل آیه ۱۴) و میوه (سوره مومنون آیه ۱۹) اشاره می‌کند و آن‌ها را از نعمت‌های زندگی بخش الهی برمی‌شمارد. همین‌طور در آیه ۱۵ سوره محمد (ص) اشاره به انواع میوه‌ها در بهشت برای اهل بهشت می‌کند. همچنین در آیات متعددی از جمله بقره/۵۷، بقره/۱۷۲، اعراف/۱۶۰ و طه/۸۱ به خوردن خوردنی‌های پاکیزه تأکید شده است. در بسیاری از آیات قرآن به انواع میوه‌ها و مواد غذایی مانند *وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونَ* (تین / ۱)، زیتون (تین / ۱، انعام / ۱۴۱ و...)، انجیر (تین / ۱)، خیار، عدس، سیر، پیاز (بقره / ۱۶)، انگور (نحل / ۶۷، مؤمنون / ۱۹ و...)، نان (یوسف / ۳۶)، انار (انعام / ۹۹ و ۱۴۱)، کدو (صافات / ۱۴۶ و ۱۴۴)، موز (واقعه / ۲۹)، سبزی‌ها (عبس / ۲۸)، گوشت (هود / ۶۹) اشاره شده است. در قرآن کریم، استفاده از گوشت و فرآورده‌های دامی در آیات مختلفی آورده شده است (سوره‌های بقره، اعراف و طه) که در تغذیه و سلامت جسم و روان انسان تأثیر به‌سزایی دارند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۴). در سوره واقعه از گوشت پرنده‌گان به‌عنوان غذای بهشتیان نام برده شده است "یکی از نعمت‌های بهشتی که مقرران در بهشت از دست پسرکان زیبارو دریافت می‌کنند، گوشت پرنده‌گان است آن‌هم از هر نوعی که خود بخواهند" (واقعه / ۱۷-۲۱). همچنین در

می‌فرماید: پرهیز، آن نیست که چیزی را به کلی واگذار و هیچ نخوری، بلکه پرهیز آن است که کم بخوری (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق). امام رضا (ع) نیز می‌فرماید: سلامتی و پایداری بدن و همچنین بیماری آن به غذا و نوشیدنی است (خبرگزاری رضوی). همچنین امام صادق (ع) می‌فرماید: کم‌خوری، در هر حال و در میان هر طایفه‌ای، ستوده است زیرا منفعت باطن و ظاهر در آن است (گلی و شهریاری، ۱۳۹۴). در قرآن کریم برای نحوه تغذیه برای سلامت انسان و دفعات غذایی اهل بهشت به صبحگاه و شامگاه اشاره شده است (غفاری، ۱۳۹۳). در سوره مریم آیه ۶۲ آمده است "و برای آنان بامدادان و شامگاهان رزقشان برقرار است". اهمیت روزی حلال و غذای پاکیزه به قدری است که در قرآن آمده است "بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟! (سوره اعراف آیه ۳۲). و همچنین در سوره مبارکه مائده در آیه ۸۷ می‌فرماید: "مؤمنان! غذاهای پاکیزه را که خداوند برای شما حلال کرده، حرام نکنید". در آیه ۱۷۲ سوره مبارکه بقره آمده است "ای مؤمنان! از روزی پاکیزه که به شما دادیم بخورید". همچنین در آیه‌ای دیگر (بقره / ۵۱) نقش غذای پاکیزه و انجام عمل صالح بیان شده است: "از غذاهای پاکیزه بخورید و عمل صالح انجام دهید" زیرا همان‌طور که سخن پاکیزه، عمل صالح را به آسمان عروج می‌دهد، خوردن غذای پاکیزه در انسان موجب کسب کمالات معنوی و حفظ ارزش‌های اخلاقی شده و در انجام اعمال صالح باری می‌بخشد (فصیحی و همکاران، ۱۳۹۴). نیاز انسان به غذا امری ضروری است که امام باقر (ع) فرمودند: خدای بزرگ آدمی را میان تهی (دارای شکم) آفرید و ناگزیر خوراک و



قرآن آمده است: بخورید و بیاشامید اما به اندازه کافی و لازم، زیرا پرخوری و زیاده‌روی سلامت شما را به خطر می‌اندازد (اعراف/۳۱). از نگاه قرآن، غذای انسان وابسته به آب است. در آیه ۲۲ سوره بقره آمده است: "و از آسمان آبی فرو فرستاد آنگاه با آن انواع میوه‌ها برای روزی شما برآورد". همین‌طور در آیات متعددی به نقش آب در غذای انسان اشاره شده است مانند انفال/ آیه ۱۱، سجده/۲۷، ابراهیم/۱۰-۱۱، ق/۹، مرسلات/۲۷، ابراهیم/۳۲، یونس/۲۴. در قرآن از خوراکی‌های مفید و مغذی دیگری نیز مانند عسل و شیر نیز آیاتی نازل شده است. "و در چهارپایان برای شما عبرتی است که از شکم‌هایشان از میان سرگین و خون، شیری پاک به شما می‌نشانیم که گوزای آشامندگان است" (نحل/ ۶۶). "آنگاه از شکم‌های آن‌ها (زنبورهای عسل) شهدی رنگارنگ (عسل) می‌تراود که در آن شفای مردمان است که در آن برای اندیشمندان نشانه‌ای است" (نحل/ ۶۹). پیامبر اکرم (ص) فرمودند: عسل چه خوب نوشیدنی است، قلبت را مراقبت می‌کند و سردی را از میان می‌برد، باد و تب را دور می‌سازد (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳). هم‌چنین درباره مصرف گوشت‌های چهارپایان و پرندگان و ماهی‌ها نیز آیاتی نازل شده است. "خدا برای شما چهارپایانی آفریده است که بر برخی از آن‌ها سوار شوید و از برخی از آن‌ها بخورید" (غافر/ ۷۹). "او کسی است که دریا را رام کرد تا از صید آن گوشتی تر و تازه بخورید و ..." (نحل/۱۴). در قرآن به انبیای الهی توصیه شده که از مواد غذایی خاصی تغذیه نمایند که خواص درمانی دارند مثلاً در سوره نحل آیه ۶۹ به عسل اشاره شده که در آن شفا برای انسان است (فیه شفاء للناس). هم‌چنین به حضرت یونس توصیه به استفاده از کدو شده است (صافات/ ۱۴۶-۱۴۴) و یا به حضرت مریم

هنگام زایمان توصیه شده که از رطب و آب استفاده کند (مریم/ ۲۴-۲۶). موضوع علم طب و تغذیه، انسان است و انسان جسم و روح دارد. موضوع تغذیه فراتر از جنبه‌های مادی آن، یکی از مقوله‌های راهبردی در تکامل جسمی و روحی انسان به‌شمار می‌آید در مکتب اسلام تعبیری مانند کسب رزق حلال، علم‌اندوزی و تفکر در آفرینش انسان و غذا، تدبیر در چگونگی شکل‌گیری غذا و تغییر و تحول آن در بدن انسان، هم‌چنین استفاده از منابع غذایی طبیعی را می‌توان از ابعاد، اهمیت و جایگاه طعام تلقی نمود تقریباً منحصر مکتب اسلام است (یوسفی و شیرافکن، ۱۳۹۳). در آیه ۲۴ سوره عبس آمده است: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ» انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد. در تفسیر این آیه این‌گونه برداشت می‌شود که اگر انسان به تغذیه و تندرستی خود توجه داشته باشد، بهتر می‌تواند خدا را عبادت کند و به خلق خدمت کند. طعام، غذای جسم و علم و عبادت، غذای روح انسان است. تغذیه سالم جسم موجب تهذیب و تربیت روح و یکی از لوازم سلامت روح، توجه به سلامت جسم از طریق غذای حلال به‌دست می‌آید (یوسفی و شیرافکن، ۱۳۹۳). انسان برای کنترل تغذیه و رعایت آداب غذایی (اینکه چه بخورد و چه نخورد و چه اندازه و چگونه بخورد)، که موجب پیشگیری از ابتلا به بیماری‌های جسمی و روحی می‌باشد بایستی شناخت و آگاهی لازم را داشته باشد (غفاری، ۱۳۹۳). در واقع بین خوردنی حلال و پاک، انجام عمل صالح و رعایت تقوا ارتباط مستحکمی وجود دارد. به‌طوری که خداوند در سوره مومنون آیه ۵۱ فرمودند: ای پیامبران، از پاکیزه‌ها بخورید و کارهای شایسته انجام دهید که من به آن‌چه می‌کنید آگاهم. روزی حلال انسان را از فتنه و فساد بازمی‌دارد. در آیه ۶۰ سوره بقره آمده است:



انسانی است که متأسفانه امروزه بسیاری از این حق مسلم بی‌بهره مانده‌اند (شاهی جاجان و تیموری کوهسار، ۱۳۹۴). تعریف امنیت غذایی از سوی بانک جهانی در سال ۱۹۸۶ و FAO این‌گونه است که همه مردم در همه زمان‌ها به غذاهای کافی جهت زندگی سالم و فعال دسترسی داشته باشند (رزاقی، ۱۳۸۸). امنیت غذایی ناظر بر ۴ محور اصلی است که هرکدام شاخصی برای ارزیابی وجود یا عدم وجود امنیت غذایی در یک ناحیه یا جامعه می‌باشد. این ۴ محور عبارتند از: فراهم‌بودن غذا، دسترسی به غذا، مطلوبیت غذا و پایداری در دریافت غذا. اهمیت تولید مواد غذایی و تأمین غذا برای بشر به قدری است که حضرت علی (ع) در تفسیر آیه ۶۱ سوره هود (هو انشاکم من الارض و استعمرکم فیها) می‌فرماید: خداوند به مردم امر کرده است زمین را با کشاورزی آباد سازند تا بدین‌وسیله خوراکشان را از غلات و حبوبات و میوه‌ها و سایر روئیدنی‌ها تأمین کرده و در آسایش زندگی کنند (حر عاملی، ۱۳۸۳). خداوند در قرآن کریم در آیه ۳۵ سوره رعد فرموده: "مثل بهشتی که به متقین داده شده که از زیر درختان نهرها جاری است و میوه و سایه‌اش همیشگی است این فرجام پرهیزگاران است اما فرجام کافران آتش دوزخ است" که نشانه در دسترس بودن و فراهم بودن غذا است (رزاقی، ۱۳۸۸). همچنین در آیه ۴۷ سوره مبارکه یوسف آمده است: "هفت‌سال پیایی بکارید و هرچه درو می‌کنید، جز اندکی که می‌خورید با خوشه انبار کنید". از این آیه چنین استنباط می‌شود که برنامه‌ریزی و مدیریت منابع غذایی موجب امنیت غذایی در جامعه بالاخص در دوران قحطی می‌شود (رزاقی، ۱۳۸۸). امنیت غذایی به همراه امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز فرهنگ دینی در جامعه اسلامی باشد به شرطی که تمام افراد جامعه به‌صورت عادلانه

از روزی‌های الهی بخورید و بیاشامید اما فتنه و فساد در زمین به راه نیندازید. انسان‌ها باید به ساختار کیفی و کمی تغذیه خود توجه کنند تا سبب اصلاح روش زندگی آن‌ها از بعد مادی و معنوی شود. همچنین دو عامل ضروری که موجب حفظ سلامتی و تغذیه سالم می‌شود، ورزش و روزه‌داری است (غفاری، ۱۳۹۳). یکی از اهداف بعثت انبیای الهی گسترش فضیلت‌های اخلاقی است. اگرچه تغذیه علت تام اخلاق و رفتار در انسان نیست ولی زمینه‌ساز اخلاق و رفتار نیک و بد می‌تواند باشد. بنابراین بررسی تغذیه و تاثیر آن در اخلاق در قرآن و احادیث و روایات مورد توجه قرار گرفته است. به‌طور کلی تغذیه از نظر نوع غذا، کمیت آن و کیفیت کسب آن بر اخلاق افراد تأثیر بسیاری دارد (فصیحی و همکاران، ۱۳۹۴). امام رضا (ع) در بیان حکمت الهی در ارتباط با خوردنی حلال و حرام، حلال را موجب اصلاح و بقای بندگان و حرام را موجب تباهی برمی‌شمارد (شیخ صدوق، ۱۳۹۸). در سوره بقره آیات ۱۸۳ و ۱۸۴ آمده است: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید، روزه بر شما و امت‌های پیشین واجب شده، شاید تقوا پیشه کنید. و اینکه روزه گرفتن برای شما بهتر است اگر بدانید. رابطه مستقیم بین روزه و تقوا وجود دارد". روزه علاوه بر سلامت و بهداشت جسم برای پاکی و آرامش روح نیز ضروری است.

۳-۳- امنیت غذایی

برخورداری از غذای سالم و کافی و امنیت غذایی، ابتدایی‌ترین حق از حقوق هر انسانی به‌شمار می‌آید ولی متأسفانه در دنیای امروزی، بسیاری از انسان‌ها از آن بی‌بهره هستند (رزاقی، ۱۳۸۸). توسعه در بخش کشاورزی موجبات امنیت غذایی کشور را فراهم می‌کند. برخورداری از امنیت غذایی و غذای سالم و کافی، ابتدایی‌ترین حق هر



امساک است (ابن اثیر، ۱۴۲۱ ق). طبق نظر فقه‌های شیعه، احتکار بر شش چیز است: گندم، جو، خرما، کشمش، روغن حیوانی و روغن زیتون (حر عاملی، ۱۳۸۳). در چهار سوره از سوره‌های قرآن به‌طور غیرمستقیم به احتکار اشاره شده است که عبارتند از سوره تکاثر آیه ۱ و ۲، سوره همزه آیه ۱ و ۲ که قالب طرح احتکار در آن‌ها برای بیان مذمت و نکوهش احتکار به دلیل غفلت و سوره نساء آیه ۲۹ و سوره توبه آیه ۳۴ که قالب طرح آن به صورت نهی و نکوهش احتکار و بیان عذاب برای احتکار است. احتکار در نهایت موجب به هم خوردن نظام اقتصادی و سلب امنیت و فساد و تباهی در جامعه می‌شود (میزراجانی بیجارپسی و همکاران، ۱۳۹۸). خداوند در آیه ۳۴ سوره توبه فرمود: "ای کسانی که ایمان آورده‌اید بسیاری از دانشمندان (اهل کتاب) و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و آنان را از راه خدا باز می‌دارند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه (ذخیره) می‌سازند، و در راه خدا انفاق نمی‌کنند، به مجازات دردناکی بشارت بده". پیامبر در تفسیر این آیه فرمود: خوراک مردم را کسی احتکار نمی‌کند مگر گناهکار (طوسی، ۱۳۶۳). پیامبر احتکار را زشت‌تر از سرقت و دزدی مستقیم از مال مردم می‌داند. زیرا احتکار باعث تورم و گرانی شده و گرانی نیز باعث فقر و فقر موجب سرقت می‌شود (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق). عناصر لازم برای تحقق موضوع احتکار عبارتند از: ۱- حبس و انبار کردن کالا؛ ۲- احتیاج داشتن مردم مسلمان به آن؛ ۳- نبودن شخص دیگری که آن کالا را به اندازه کافی در اختیار مردم بگذارد؛ ۴- انجام دادن این کار به نیت بالا رفتن قیمت کالا (مرتاضی و داعی، ۱۳۹۸). سیدرضی در نهج البلاغه به نقل از امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر آورده است: از احتکار جلوگیری کن، همانا رسول خدا (ص) از

به غذا دسترسی داشته باشند و اسراف نکنند. تفسیر آیات ۳ و ۴ سوره قریش اشاره دارد به این نکته دارد که نعماتی که خداوند در اختیار انسان قرار داده زمینه ایجاد عبادت خداست و خداوند آن‌ها را از گرسنگی نجات داد و از ناامنی رهایی بخشید (رزاقی، ۱۳۸۸). در آیه ۱۴۱ سوره انعام خداوند می‌فرماید: "از میوه آن‌ها هنگامی که به ثمر نشست بخورید ولی فراموش نکنید که به هنگام چیدن حق آن را ادا کنید". از این آیه چنین برمی‌آید که هم خود از نعمت خدا بهره‌برند و هم حق مستمندان پرداخت شود. مکارم شیرازی از این آیه چنین استنباط می‌کند که داشتن برنامه‌های کلان اجرایی و ساماندهی شده برای توزیع عادلانه تمامی مواهب اقتصادی نظیر غذا بین اقشار مختلف جامعه اسلامی خصوصاً اقشار محروم از ضروریات جامعه اسلامی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۱). از شباهت برخی نعمات دنیوی و بهشتی می‌توان به امنیت غذایی در جامعه آرمانی اسلامی و بهشت توصیفی در قرآن کریم رسید. بنابراین اهل بهشت به‌طور دائم به غذای بهشتی دسترسی دارند، پس در جامعه اسلامی نیز باید دسترسی به غذا همیشگی باشد (رزاقی، ۱۳۸۸).

۴-۳- احتکار

از جمله آفات اقتصادی که در قرآن به شدت نکوهش شده و از نظر اسلام حرام و ممنوع شمرده می‌شود احتکار است. احتکار عبارتست از انبار کردن ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم به هدف کمبود کالا و افزایش قیمت (میزراجانی بیجارپسی و همکاران، ۱۳۹۸). امروزه احتکار در معنای عام، تنها شامل مواد غذایی نیست، بلکه هر نوع محصول کشاورزی، معدنی و صنعتی را در برمی‌گیرد (مرتاضی و داعی، ۱۳۹۸). احتکار در لغت از ریشه حکر است و به معنای ظلم، جمع و



خوراک، پوشاک، مسکن، اقلام دارویی و غیره، بنا به تشخیص مراجع قانونی و به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه، مصداق احتکار به‌شمار می‌آیند (مرتاضی و داعی، ۱۳۹۸). امام صادق (ع) فرمود: احتکار در موقع فراوانی اجناس چهل روز و در سختی و کمبود سه روز است که در ایام فراوانی هرچه از چهل روز بگذرد، محکوم ملعون است و در ایام سختی هرچه از سه روز بگذرد، محکوم مورد لعن پروردگار است (طوسی، ۱۳۶۳).

۴- نتیجه‌گیری

کشاورزی منبع اصلی تهیه غذای انسان است و از آن جهت که مواد غذایی جامعه را تهیه می‌کند، یکی از شغل‌های مقدس الهی شناخته شده و آبادکردن زمین شغل پیامبران الهی بوده است بنابراین توسعه کشاورزی موجب تأمین غذا و ایجاد امنیت غذایی می‌شود. امنیت غذایی به‌همراه امنیت اجتماعی می‌تواند زمینه‌ساز فرهنگ دینی در جامعه اسلامی باشد به‌شرطی که تمام افراد جامعه به‌صورت عادلانه به غذا دسترسی داشته باشند و اسراف نکنند و از آن بهره‌گیرند. اهمیت تغذیه به‌قدری است که خداوند پنجمین سوره قرآن را به نام مائده یعنی سفره غذایی نامیده است. توسعه و پیشرفت در بخش کشاورزی و حمایت از کشاورزان باعث ایجاد انگیزه برای تولید بهتر و بیشتر محصولات کشاورزی می‌گردد. از آنجایی که غذا نیاز همیشگی و مادام‌العمر بشر برای حیات محسوب می‌شود، با ایجاد زیرساخت تولید مواد غذایی سالم و طبیعی نه‌تنها سلامت جسم، بلکه سلامت روح نیز تأمین می‌گردد. تغذیه سالم و پاک همواره در قرآن و روایات بیان شده است. امنیت غذایی، امنیت اجتماعی ایجاد می‌کند. در دسترس بودن مواد غذایی در فرآیند زمان سبب

آن جلوگیری می‌کند. معامله بیع باید معامله‌ای آسان و براساس موازین عدالت و نرخی باشد که به دو طرف معامله یعنی فروشنده و خریدار اجحاف نشود. پس هرکس بعد از فرمان تو به ممنوعیت احتکار، اقدام به آن نمود او را به آن که زیاده‌روی کنی مجازات کن (حسینی حائری، ۱۳۱۷). یکی از مفاسد اقتصادی مهم در توزیع و تجارت، احتکار است. امام علی (ع) در نامه خود به مالک اشتر می‌نویسد: در میان بازرگانان کسانی هستند که تنگ‌نظر، بدمعامله، بخیل و احتکارکننده هستند که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به‌هر قیمتی که بخواهند، می‌فروشند که این سودجویی و گرانفروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب‌بزرگی بر زمامدار است. بنابراین از احتکار منع کن که رسول خدا (ص) از آن باز می‌داشت (ابراهیمی‌زاد جویمی و تلاشان، ۱۳۹۳). از امام صادق (ع) درباره کسی که به امید گران‌شدن مواد غذایی آن را احتکار می‌کند پرسیده شد. امام فرمود: اگر مواد غذایی به‌قدری فراوان است که به همه مردم می‌رسد، اشکالی ندارد و اگر کم است و به‌اندازه نیاز همه مردم نیست، احتکار مواد غذایی و وانهادن مردم، ناپسند است (کلینی، ۱۳۶۹). هم‌چنین پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: هرگونه احتکاری که به مردم زیان رساند و قیمت (کالاها) را به‌ضرر آنان گران نماید، خیری در آن نیست (تمیمی، ۱۳۸۵). برابر ماده ۶۰ قانون نظام صنفی کشور با آخرین اصلاحات سال ۱۳۹۲، احتکار عبارت است از نگهداری کالا به‌صورت عمد به تشخیص مراجع ذی‌صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران‌فروشی یا اضرار به جامعه، پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت صنعت، معدن و تجارت یا سایر مراجع قانونی ذی‌ربط. با توجه به این تعریف، نگهداری مطلق کالاهای ضروری و موردنیاز انسان، اعم از



می‌گردد. امروزه احتکار در معنای عام، تنها شامل مواد غذایی نیست، بلکه هر نوع محصول کشاورزی، معدنی و صنعتی را در بر می‌گیرد. که با توجه به نقش مواد غذایی در تأمین نیازهای افراد یک جامعه، امروزه مباحث احتکار بیشتر حول محور مواد غذایی و افزایش قیمت آن مطرح است و از این منظر برای افراد یک جامعه دارای اهمیت است. احتکار سبب به هم خوردن مباحث عرضه و تقاضا شده و اقتصاد خانوارهای فقیر و تهی‌دست را دچار تزلزل و بحران می‌کند که در شکل کامل‌تر آن بحران‌های اجتماعی و شکاف طبقاتی را منجر می‌گردد. در کشورهای اسلامی مانند ایران که مردمان آن دارای اعتقادات مذهبی بالایی بوده و عمل به اصول و قوانین الهی را لازم‌الاجرا می‌دانند، مباحث مربوط به احتکار با توجه به آیات و روایات می‌تواند در جلوگیری از این فعل حرام کارساز باشد. متوصل شدن به این آیات و روایات همراه با گوشزد کردن آن در جامعه می‌تواند در جلوگیری از احتکار و ایجاد امنیت غذایی و اجتماعی و نهایتاً دستیابی به یک اقتصاد سالم نقش ایفا کند.

ایجاد امنیت غذایی و نهایتاً امنیت اجتماعی می‌گردد. در کنار عوامل مختلفی که این امنیت را به مخاطره می‌اندازد بحث احتکار در جوامع اسلامی است که با توجه به محدودیت تولید و توزیع مواد غذایی می‌تواند رخ دهد. احتکار عبارتست از انبار کردن ارزاق و کالاهای مورد نیاز مردم با هدف کمبود کالا و افزایش قیمت آن تعریف شده است. پیامبر (ص) می‌فرماید: خوراک مردم را کسی احتکار نمی‌کند مگر گناهکار. پیامبر احتکار را زشت‌تر از سرقت و دزدی مستقیم از مال مردم می‌داند. زیرا احتکار باعث تورم، گرانی و توزیع ناعادلانه کالا و مایحتاج مردم شده و گرسنگی و فقر را در جامعه گسترش می‌دهد. احتکار نقطه مقابل امنیت غذایی است و سبب فساد در جامعه و بحران‌های اقتصادی و اجتماعی می‌گردد. علت تأکید قرآن بر نهی و نکوهش احتکار به دلیل آثاری است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اعتقادی- اجتماعی، دنیوی و اخروی بر جوامع بشری وارد می‌آورد مانند این که با انبار کردن کالا و انباشت ثروت مانع از ترویج فرهنگ کار و تلاش می‌شود و بهم‌زننده‌ی نظام اقتصادی معتدل است که سبب سلب امنیت و فساد و تباهی در جامعه

منابع

۱. آینه‌بند، امیر (۱۳۸۶): «کولوژی بوم نظام‌های کشاورزی»، اهواز: انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز. ۳۷۴ صفحه.
۲. ابن اثیر، مجدالدین (۱۴۲۱ ق): «النهایه»، بیروت: انتشارات دارالفکر. جلد ۱. ص ۴۱۷.
۳. ابراهیمی‌زاد جویمی، رقیه و تلاشان، فرج (۱۳۹۳): «اصول اخلاقی اقتصادی در عرصه توزیع از دیدگاه قرآن و احادیث»، پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۵، شماره ۱۷، صص ۱۲۵-۱۴۹.
۴. بی‌ریا، میلاد، خدابخشی، سعید و بختیاری فر، مرضیه (۱۳۹۴): «نوجه قرآن کریم به کشاورزی»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صص ۲۲-۲۴.
۵. تمیمی، نعمان (۱۳۸۵): «دعائم الاسلام»، مصر: دارالمعارف، چاپ دوم.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱): «مفاتیح‌الحیات»، قم: انتشارات اسراء.
۷. حر عاملی، محمد (۱۳۸۳): «تفصیل وسائل‌الشیعه الی التحصیل مسائل‌الشریعه»، المکتبه الاسلامیه، جلد ۱۳، چاپ دوم، ص ۱۹۵.
۸. حسینی حائری، سید کاظم (۱۳۱۷): «حتکار»، فقه اهل بیت، سال ۱۷، شماره ۶۸، صص ۵-۲۸.



۹. خدابخشی، سعید، بی ریا، میلاد، و بختیاری فر، مرضیه (۱۳۹۴): «تکنیک‌های کشاورزی از منظر قرآن»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صص ۲۶۶-۲۷۰.
۱۰. خمینی، روح الله (۱۳۷۸): «صحیفه نور»، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ۱۱.
۱۱. رزاقی، علی (۱۳۸۸): «منیت غذایی از دیدگاه قرآن کریم»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۷۱-۱۹۰.
۱۲. سپهری، یدالله (۱۳۸۷): «نهضت علمی مسلمانان در ترویج کشاورزی و توجه به منابع طبیعی»، مجله علوم کشاورزی و منابع طبیعی، جلد ۱۵، شماره ۴، صص ۲۹۴-۳۰۳.
۱۳. سپهری، یدالله (۱۳۹۶): «جستاری بر توسعه و رشد علوم کشاورزی در تمدن اسلامی: گیاهشناسی و گیاهان دارویی»، نشریه پژوهش‌های تولید گیاهی (دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان)، جلد ۲۴، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۴۵.
۱۴. شاهی جاجان، مقصود و تیموری کوهسار، زهرا (۱۳۹۴): «بررسی اهمیت توسعه کشاورزی از منظر قرآن کریم»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صص ۱۰۵-۱۱۴.
۱۵. شیخ صدوق (۱۴۱۳ ق): «من لا یحضره فقیه»، محقق علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، جلد ۳، صص ۱۵۹.
۱۶. شیخ صدوق (۱۳۹۸): «علل الشرایع»، ترجمه: سید علی حسینی، تهران: انتشارات دارالفکر.
۱۷. طوسی، محمد (۱۳۶۳): «لاستبصار»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۳، صص ۱۱۴.
۱۸. علایی، حسینعلی (۱۳۹۶): «عنا درمانی از دیدگاه قرآن کریم و علم» پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه (مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی)، صص ۱-۴.
۱۹. غفاری، فرزانه (۱۳۹۳): «تغذیه سالم از نگاه قرآن»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره ۲۲، شماره ۹۰، صص ۹۷-۱۰۹.
۲۰. فخرایی مطلق، راضیه و احمدی، ابودر (۱۳۹۴): «بررسی اهمیت کشاورزی از منظر قرآن و شریعت اسلامی و لزوم رسیدن به خودکفایی»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین ز
۲۱. فضیحی، حسین، واحدی، بهجت، پارسا، مجتبی و عیسی‌زاده، نیکزاد (۱۳۹۴): «تأثیر تغذیه بر اخلاق یا توجه به اثر متقابل نفس و بدن بر مبنای قرآن و روایات اهل بیت علیهم‌السلام»، نشریه اسلام و سلامت دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره ۲، شماره ۳، صص ۶۶-۷۳.
۲۲. فیاض‌نیا، فاطمه (۱۳۹۴): «نگاه قدسی قرآن به کشاورزان و کشاورزی»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صص ۴۷۰-۴۷۵.
۲۳. فیض کاشانی، محمد (۱۴۰۶ ق): «لوفی»، اصفهان: مکتبه امیرالمؤمنین، ۵۳۷ صفحه.
۲۴. قدیمی، رضا، کامرانی، منیره السادات، زرغامی، امین و درزی، علی اصغر (۱۳۹۱): «نقش تغذیه در ارتقاء بعد تربیتی و معنوی انسان از منظر قرآن کریم»، مجله دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره ۱۵، ویژه‌نامه ۱، صص ۳۴-۳۹.
۲۵. قرآن کریم.
۲۶. قربانی، محمد رضا، خلیلی سامانی، سولماز و جمالی، محمد رضا (۱۳۹۴): «همیت غذایی گوشت بلدرچین از منظر قرآن کریم»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صص ۲۹۱-۲۹۷.
۲۷. کلینی، محمد (۱۳۶۹): «الکافی»، چاپ چهارم. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۸. گلی، مهرناز و شهریاری، وحیده (۱۳۹۴): «بهره‌گیری از برخی آموزه‌های اسلامی در زمینه‌ی آداب تغذیه سالم»، فصلنامه علمی پژوهشی طب و تزکیه، دوره ۲۴، شماره ۴، صص ۶۹-۸۰.
۲۹. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳): «دانشنامه احادیث پزشکی»، ترجمه: حسین صابری، بیروت: انتشارات دارالحدیث، ۶۷۲ صفحه.
۳۰. محمودی گلپایگانی، سید محمد (۱۳۸۴): «بررسی حقوقی احتکار و نرخ‌گذاری»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۸، صص ۲۳۳-۲۵۶.



۳۱. مرتضی، احمد و داعی، لیلا (۱۳۹۸): «ملاحظات شرعی احتکار دارو»، فصلنامه علمی-پژوهشی قرآن و طب، دوره ۴، شماره ۴، صص ۶-۱۲.
۳۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱): «تفسیر نمونه»، قم: دارالکتب الاسلامیه، جلد ۴، چاپ ۴۳.
۳۳. موحدی‌راد، زهرا (۱۳۹۴): «جایگاه ویژه کشاورزی در کلام الهی و احادیث»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صص ۴۹۴-۵۰۷.
۳۴. موسوی بجنوردی، سید محمد و مهدیان کرانی، افسانه (۱۳۹۴): «نقش زمان و مکان در تعمیم مصادیق احتکار با رویکردی به آرای امام خمینی (س)»، پژوهشنامه متین، سال ۱۷، شماره ۶۹، صص ۵۳-۷۲.
۳۵. میرزاجانی بیچارپسی، معصومه، صادقی نیری، رقیه و عبدالرحیمی، علیرضا (۱۳۹۸): «تبیین قرآنی از باورمندی درونی در جهت مبارزه با احتکار»، فصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌های اعتقادی-کلامی، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۲۰۳-۲۲۴.
۳۶. یداللهی، عباس، شاه‌حسینی، رضا، شمس، عباس و خسروی، حسین (۱۳۹۱): «کشاورزی پایدار در قرآن»، نشریه دانش کشاورزی و تولید پایدار، جلد ۲۲ شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۱۱.
۳۷. یوسفی، مهدی و شیرافکن، هدی (۱۳۹۳): «اهمیت و جایگاه طعام از منظر قرآن کریم»، نشریه اسلام و سلامت دانشگاه علوم پزشکی بابل، دوره ۱، شماره ۱، صص ۲۴-۲۸.

اهمیت خاک از دیدگاه قرآن کریم

مجید دانش

استادیار گروه علوم و مهندسی خاک، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
(نویسنده مسئول: m.danesh@sanru.ac.ir)

چکیده

خاک، مجموعه‌ای فعالی است که در سطح زمین، از اثر مشترک آب، هوا و موجودات زنده بر سنگ‌ها، در طول زمان و پس از تکامل تدریجی به وجود می‌آید. همچنین، خاک به عنوان منبع طبیعی، سرمایه ملی و بستر حیات، نقش اساسی در استقرار و رشد جوامع بشری و نیز سایر مخلوقات دارد و در واقع بخشی از زنجیره غذایی انسان و سایر حیوانات نیز از خاک می‌باشد. لزوم توجه به این منبع زندگانی تا آنجاست که خداوند متعال در سوره الرحمن (آیات ۱۰ الی ۱۲) می‌فرماید: و زمین را برای مردم گسترده کرد، زمینی که در آن میوه‌ها و نخل دارای غلاف هست، و دانه‌های دارای سبوس و گیاهان معطر است. اهمیت خاک و زمین در قرآن به وضوح دیده می‌شود. خداوند در قرآن مکرراً به خلقت انسان از خاک خشک (صلصال)، گل (طین) و خاک کامل (تراب) و نیز مراحل آفرینش اشاره کردند. همچنین از ویژگی‌های متنوع خاک (و زمین) در زندگی انسان و حیوانات، کشاورزی، پروردن گیاهان، تصفیه آب و ... سخن گفته شده است. بنابراین قرآن کتابی فراگیر بوده که به علم خاک‌شناسی نیز پرداخته است. خاک از دیدگاه قرآن، نعمت الهی و مطهر بوده و دارای اهمیت بسیار بالایی می‌باشد. به گونه‌ای که در آیه ۴۳، سوره نساء و نیز آیه ۶ سوره مائده، اشاره به خاک پاکیزه و طیب دارد. لذا خاک، علاوه بر آنکه قابلیت پالایش و تطهیر خود را دارد، انسان را نیز پاکیزه می‌گرداند. با توجه به اهمیت ویژه خاک و اراضی از دیدگاه قرآن کریم، و آثاری که در حیات بشر و چرخه محیط زیست دارد، لزوم حمایت و حفاظت از این منبع الهی، بیش از پیش، نمایان می‌گردد.

واژگان کلیدی: انسان، خاک‌شناسی، زمین، قرآن، کشاورزی

مقدمه

در استقرار و رشد جوامع بشری و نیز سایر مخلوقات دارد و در واقع بخشی از زنجیره غذایی انسان و سایر حیوانات نیز از خاک می‌باشد. خاک‌های جهان به دلیل توسعه شهرها، جنگل‌زدایی، شیوه‌های مدیریت و کاربری ناپایدار سرزمین، آلودگی، چرای مفرط و پدیده تغییر آب و هوا در معرض خطر نابودی قرار دارند و مادامی که خاک‌ها در خطر باشند زندگی سالم نیز نمی‌تواند مفهوم چندانی داشته باشد. لزوم توجه به این منبع زندگانی تا آنجاست که خداوند متعال در سوره الرحمن (آیات ۱۰ الی ۱۲) می‌فرماید: «وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) فِيهَا فَالِكِهَةُ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱) وَالْحَبُّ ذُو

به لحاظ کشاورزی، خاک به مجموعه‌ای فعالی گفته می‌شود که در سطح زمین، از اثر مشترک آب، هوا و موجودات زنده (گیاهان و جانوران) بر سنگ‌ها، در طول زمان و پس از تکامل تدریجی به وجود می‌آید (۶). لذا با این تعریف، خاک کشاورزی و زراعی، یک محیط بی‌جان و ثابت و فقط محدود به چند سانتیمتر سطحی نیست، بلکه یک ماده زنده، پیچیده و متحرک محسوب می‌شود که در طول زمان، موادی به آن اضافه و یا از آن خارج شده و در نتیجه، تغییر شکل یافته‌است. همچنین، خاک به عنوان منبع طبیعی، سرمایه ملی و بستر حیات، نقش اساسی



خاک یک پدیده متنوع (طیب و خبث) طبیعی است که عموماً در همه جا و در همه نوع شرایط آب و هوایی می‌تواند حضور داشته باشد. خاک به‌عنوان ماده اولیه خلقت انسان و جایگاه نهایی بدن انسان است؛ به‌گونه‌ای که در آیه ۲۰ سوره روم می‌فرماید: "وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ" (و یکی از آیاتش این است که: شما را از خاک آفرید و سپس ناگهان بشری هستید که منتشر می‌شوید). همچنین خاک، از عناصری است که تقریباً تمام نیازهای مادی انسان را در خویش نهفته دارد، از طرفی در موارد مهمی همچون بحث تطهیر می‌تواند جایگزین آب و عامل پاک‌ی و آمادگی انسان برای انجام فرایض دینی گردد. بر اساس قرآن؛ خاک منشأ تواضع، سخاوت، برکت و نعمت‌های مختلفی برای بشر است که وقتی دانه‌ای در درون آن جای می‌گیرد، یک خوشه را به انسان تحویل می‌دهد (چندین برابر محصول می‌دهد)، آب گل‌آلود را جذب می‌کند و به‌جای آن چشمه‌های زلال را بیرون می‌ریزد، بدن‌های زنده را حمل می‌کند و اجساد مردگان را در درون خود دفن می‌کند و منبع عظیمی برای ذخیره آب و تصفیه آن به‌عنوان منبع حیات است. در قرآن کریم بیش از ۴۶ بار از واژه «أرض» به‌معنی زمین (و خاک)، سخن به میان آمده است و در بسیاری از موارد از خاک به‌عنوان محل کسب روزی انسان یاد شده است. خداوند سبحان در آیه ۱۲ سوره مؤمنون می‌فرماید: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ؛ و به‌یقین، انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم» (۵)؛ لذا آغاز آفرینش انسان از خاک بوده است. نبی مکرم اسلام (ص) فرمودند: «زمین برای من محل سجده و طهارت قرار داده شده است»؛ لذا خاک همانند آب، از مطهرات محسوب می‌شود و امام صادق (ع) نیز فرمودند: «خداوند آب را مانند خاک پاکیزه قرار داده

أَلْعَصْفَ وَالرَّيْحَانَ (۱۲)؛ و زمین را برای مردم گسترده کرد، زمینی که در آن میوه‌ها و نخل دارای غلاف هست، و دانه‌های دارای سبوس و گیاهان معطر است». (۵). لذا، زمین و به‌عبارت دیگر خاک، برای آسایش و انتفاع بشر و دیگر مخلوقات آفریده شده است. زندگی سالم و پایدار بدون خاک سالم امکان‌پذیر نمی‌باشد زیرا، خاک سالم، امنیت غذایی را تامین می‌کند. بنابراین، مسأله خاک و لزوم مراقبت و حفاظت از آن، اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند، همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب نیز بیان داشته‌اند: "فرسایش خاک چیزی نیست که بعد بشود به آسانی جبرانش کرد. قضیه خاک از قضیه آب مهم‌تر است؛ ما مشکل آب هم داریم، مشکل بزرگی هم هست، لکن برای تهیه آب راه‌های فراوانی وجود دارد؛ برای تهیه خاک حاصلخیز، این راه‌ها دیگر وجود ندارد. یعنی بی‌توجهی به مبانی حفظ محیط زیست، گاهی اوقات یک چنین مشکلاتی را به‌وجود می‌آورد؛ آسیبی نیست که بشود اجبران کرد، آ، خب، می‌شود پیش‌گیری کرد، می‌شود علاج کرد" (۲).

اهمیت زمین و خاک در قرآن

خاک یکی از شرایط مهم پیدایش حیات و تمدن روی کره زمین است و شناخت این پدیده طبیعی که در زندگی هر موجود زنده‌ای نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند، لازم و ضروری است. خداوند در آیه ۵۸ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «وَ الْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبِثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَلِكَ نَصْرَفُ الْأَيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ؛ سرزمین پاکیزه (و مستعد)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما سرزمین‌های ناپاک (و شوره‌زار)، جز گیاه اندک و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید، این‌گونه آیات (خود) را برای گروهی که شکرگزارند، شرح می‌دهیم» (۵)؛ بنابراین



سجده، رحمان، مرسلات و طارق آمده است (۱). در هر یک از این سوره‌ها به مرحله‌ای از آفرینش انسان اشاره شده است و واژگان به کاررفته برای هر مرحله نیز متفاوت و متمایز است. همچنین، در آیه ۴۷ سوره واقعه "وَكُنَّا تَرَابًا وَعِظَامًا أَثْنَا لَمَبْعُوثُونَ"، به خاک شدن و نیز زنده شدن انسان (از خاک) پس از مرگ اشاره دارد. شاید به جرأت بتوان گفت که سوره حج، آیه ۵، "فَأَنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِن تَرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لَنَبِّئَنَّ لَكُمْ وَنَقُرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ آجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا"، یکی از بارزترین آیات در تشریح مراحل ایجاد انسان می‌باشد به گونه‌ای که گام‌های ترتیبی ایجاد انسان شامل: تراب (خاک)، نطفه (اسپرم)، علقه (لخته خون چسبیده) و مضغه (تکه گوشت) و در نهایت ایجاد انسان (طفل)، در آن تشریح شده است. در سوره مؤمنون آیه ۱۲، «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِّن طِينٍ» به خلقت انسان از طین (گل)؛ سوره رحمان آیه ۱۴، «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» به خلقت انسان از صلصال (گل خشک)، اشاره شده است. همانطور که گفته شد، تراب، طین و صلصال مترادف هم می‌باشند. تراب بیانگر خاکی کامل شامل مواد آلی و معدنی، صلصال بیانگر گل خشک ناپخته و آماده شکل‌دهی و اضافه شدن آب بر آن، و طین به معنای گلی متشکل از مخلوط آب و خاک (همچون جسم انسان)، می‌باشد. همچنین سوره انعام، آیه ۲ «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن طِينٍ» به طین؛ و در سوره روم آیه ۲۰ «خَلَقَكُمْ مِّن تَرَابٍ» به تراب و سپس ایجاد نژاد بشر، اشاره شده است (۵). همچنین در قرآن، مکرراً به اهمیت ارض (زمین)، و لزوم توجه به آن اشاره شده است. واژه ارض (زمین) در زبان عربی، به طور غیرمستقیم به خاک و عوارض سطحی و پدیده‌های آن اشاره دارد. همان گونه که در زبان انگلیسی نیز واژگانی

است». در قرآن کریم؛ از کلمات تراب (آفرینش انسان از خاک) ۶ بار، طین (آفرینش از گل) ۸ بار، و صلصال (گل خشک) ۴ بار، سخن به میان آورده شده است. سه کلمه نامبرده شده، کاملاً مترادف هم بوده و به موازات هم به کار می‌روند و البته به نوعی مراحل مختلف خلقت انسان را نشان می‌دهد. خداوند، انسان را از مخلوط آب و خاک، یعنی گل، خلق نمود. بنابراین، سرشت و بنیان جسمانی انسان از خاک است. همان طوری که خاک از مواد آلی و معدنی تشکیل شده است، بدن انسان نیز متشکل از این دو بخش است. اهمیت آفریده شدن انسان از خاک و معاد آن، در آیه ۵۵ سوره طه "مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى" (شما را از خاک آفریدیم و به خاک باز می‌گردانیم و بار دیگر از خاک خارج می‌کنیم)، به وضوح دیده می‌شود (۱). در سوره مبارکه آل عمران، آیه ۵۹ "كَمْثَلِءَآدَمَ خَلَقَهُ مِن تَرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُن فَيَكُونُ" مشخصاً اهمیت خاک بیان شده است، به گونه‌ای که پروردگار نژاد بشر را ابتدا از خاک کامل خلق کرده و سپس با فرمان نافذ خود او را زنده (دارای روح خود) گردانید و به او فرمان موجود بودن، داد. استاد مکارم شیرازی در ذیل آیه ۵۹ سوره آل عمران، پس از شرح شأن نزول آیه می‌گوید: منظور از (خلقه من تراب) در آفرینش آدم همان آفرینش جسم آدم و جنبه مادی او است، و این مطلب به قرینه جمله‌های بعدی بدست می‌آید. که اشاره به آفرینش حیات و روح می‌کند و می‌گوید «ثم قال له كن فيكون» «سپس به او گفت موجود شو، او هم موجود گردید.» یعنی با فرمان آفرینش «حیات و روح» به کالبد آدم (خاک) دمیده شد (۳ و ۵). مراحل مختلف آفرینش انسان و نیز مواد به کار رفته در خلقت او در سوره‌های متعدد قرآن همچون: انعام، حج، مؤمنون، مؤمن (غافر)، روم،



کاربردهای مختلف، کاربری‌های مختلف اراضی). روم، آیه ۱۹، وَيَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا: اشاره به قابلیت بازیابی و احیای خاک (در اثر خصلت بافرینگ و نیز ویژگی ارتجاع‌پذیری^۱ آن، اشاره غیرمستقیم به فرآیند بازیابی و اصلاح اراضی پس از تخریب و تنزل اراضی). سجده، آیه ۲۷، نَسُوقُ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا: ما این آب را به زمین بایر می‌رانیم و با آن روئیدنی پدید می‌آوریم (اشاره به استفاده صحیح از منابع آب و خاک جهت جلوگیری از بایر شدن اراضی، غیرمستقیم آیش‌گذاری اراضی جهت ذخیره آب و مواد غذایی و بازیابی توان تولیدی و حاصلخیزی خاک). فصلت، آیه ۳۹، الْأَرْضِ خَاشِعَةً: اشاره به فروتنی و افتادگی خاک دارد (هر آنچه که در خاک کشت شود، می‌پذیرد و آن را می‌پروراند). طه، آیه ۵۳ و زخرف، آیه ۱۰، الْأَرْضِ مَهْدًا: زمین محل آسایش و آرامش (اشاره به کاربردها و بهره‌برداری‌های مختلف از منابع خاک و اراضی جهت رفاه بشر). ذاریات، آیه ۴۸، وَالْأَرْضِ فَرَشْنَاهَا: اشاره به آماده‌شدن زمین (و خاک) برای زیستن و معاش (غیرمستقیم، آماده‌سازی بستر کشاورزی). ملک، آیه ۱۵، جَعَلْ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا: اشاره، خداوند زمین (خاک) را بگونه‌ای (رام) آفرید که انسان بتواند از آن برای منافع و نیازهای خویش بهره‌برداری کند (کشاورزی، ساخت و ساز، معدن و ...). نوح، آیه ۱۷، وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا: آری و خدا بود که شما را چون گیاه از زمین به نحوی ناگفتنی رویانید. (اشاره به خلقت انسان از خاک و نیز پرورش گیاهان در خاک حاصلخیز). نوح، آیه ۱۹، الْأَرْضِ بَسَاطًا: گسترده شدن زمین و خاک جهت انتفاع مخلوقات (اشاره به توزیع مکانی خاک و اراضی). مرسلات، آیه ۲۵، الْأَرْضِ كِفَاتًا:

همچون: terrain, land, earth, terrestrial, terra,... بیانگر معنای لغوی زمین بوده ولی، به معنای تخصصی خاک، نیز به کار گرفته می‌شوند. اهمیت زمین از دیدگاه قرآن کریم تا آنجاست که خداوند متعال در سوره هود آیه ۶۱ می‌فرماید: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ»، او خدایی است که شما را از زمین بیآفرید. لذا در قرآن، واژه ارض، مترادف و در راستای مفهوم خاک (خاک کامل) می‌باشد. برخی از مهم‌ترین و مشخص‌ترین ویژگی‌های زمین و خاک از دیدگاه قرآن کریم شامل موارد زیر می‌باشد (۵): بقره، آیه ۲۲، الْأَرْضِ فِرَاشًا: زمین به‌عنوان فرش (وسیله گسترده‌ی و آسایش و البته به‌طور غیرمستقیم بیانگر فرآیند توزیع خاک در سطح). بقره، آیه ۶۱، يُخْرِجُ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَائِهَا وَفُومِهَا وَعَدَسِهَا وَبَصِلِهَا: زمین محلی برای کشاورزی و رویش انواع گیاهان و سبزیجات (اشاره به فراهم آوردن مواد غذایی توسط خاک حاصلخیز و انجام عملیات کشاورزی برای رفع نیازهای انسان). بقره، آیه ۱۶۸، الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا: زمین (خاک) خود طیب است و محلی برای بدست آوردن رزق حلال و پاکیزه (کشاورزی، دامداری و ...) می‌باشد. حجر، آیه ۱۹، وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا: زمین توسط پروردگار گسترده شده است (اشاره به فرآیند توزیع مکانی خاک و اراضی). حج، آیه ۶۳، الْأَرْضِ مُخَضَّرَةً: زمین سرسبز (اشاره به خاک حاصلخیز و وفور آب و مواد آلی و نیز پوشش گیاهی). نمل، آیه ۶۱، غَافِرِ آيَةَ ۶۴، الْأَرْضِ قَرَارًا: زمین محلی برای آرامش و استقرار (اشاره به ساختار زمین و خاک استوار و هموار، برای ساخت و ساز و امکان زندگی). عنکبوت، آیه ۵۶، إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ: اشاره به وسیع و بسیط بودن خاک (برای



هستند. قمر، آیه ۱۲، وَفَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا: اشاره به جوشش چشمه‌های زلال از دل زمین (خاک) (قابلیت ذخیره آب و استخراج آن و نیز خصلت پاک‌سازی و تصفیه آب توسط خاک). زلزله، آیه ۴، يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا: در آن روز زمین اخبار و اسرار خود را شرح می‌دهد. (اشاره دارد به امکان بررسی رخداد‌های زمین‌شناختی با استفاده از مطالعه زمین و پدیده‌های سطح آن؛ پدیده‌های طبیعی و غیرطبیعی سبب ایجاد تغییراتی در پروفیل خاک (زمین) می‌گردد که در زمین و خاک، ثبت و ضبط می‌شود و با بررسی پروفیل خاک، می‌توان به آن‌ها پی برد). اسراء، آیه ۴۴، تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ: اشاره دارد به آنکه زمین (خاک و موجودات آن) دائم در حال تسبیح خداوند، هستند (شکرگزاری از خالق، لذا علاوه بر موجودات عالم، زمین و خاک نیز دارای فهم شکرگزاری و تسبیح می‌باشند که به گفته قرآن کریم، از فهم ما خارج است (وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ). زخرف، آیه ۱۰، وَجَعَلْ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا: و در آن برایتان راه‌ها قرار داد (اشاره به وجود خط‌القع‌های طبیعی و یا مسیرهای ایجادشده در سطح زمین توسط انسان و دام، غاشیه، آیه ۲۰، وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ: و به زمین که چگونه گسترده گشته؟ (اشاره به لایه فعال زمین، پراکندگی و توزیع مکانی مواد مادری و خاک و نیز مبحث جغرافیای خاک). یونس، آیه ۲۴، الْأَرْضُ زُخْرُفُهَا وَأَزْيِنَتْ: اشاره به پتانسیل، قابلیت بارآوری و کیفیت خاک (زمین) خود را برای کشت و کار آماده می‌سازد). شمس، آیه ۶، وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاها: و سوگند به زمین و آنکه آن‌را بگسترده. اشاره به پراکندگی (توزیع مکانی و جغرافیای خاک و اراضی) (تنوع خاک‌ها به دلیل تنوع مواد مادری). کهف، آیه ۳۷، خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ: اشاره به آفرینش انسان ابتدا از خاک و سپس از نطفه (همچنین فاطر،

اشاره به رابطه زمین (خاک) و زندگی اجتماعی انسان (انسان زنده بر روی آن زندگی و از آن استفاده می‌کند و مردگان را در خود نگاه‌داری می‌کند).

نبا، آیه ۶، الْأَرْضِ مَهَادًا: اشاره به رابطه زمین (و خاک) با معاش و رفاه بشر (زمین و خاک، برای رفاه انسان و سایر مخلوقات منتفع از آن، خلق شده است). نازعات، آیه ۳۰، وَالْأَرْضِ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا: و زمین را بعد از آن گسترده. (غیرمستقیم اشاره دارد به رابطه توزیع مکانی خاک (خاک متنوع) و تنوع مواد مادری). ذاریات، آیه ۲۰، وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ: هم در زمین آیاتی هست برای اهل یقین (با مطالعه سطح زمین یا درون خاک، می‌توان به عظمت پروردگار پی برد). عبس، آیه ۲۶، ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا: و سپس زمین را باز به کیفیتی ناگفتنی و به وسیله دانه‌ها شکافتیم. (اشاره به قابلیت نفوذپذیری خاک جهت رشد ریشه و جوانه‌زنی گیاهان). طارق، آیه ۱۲، وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ: و سوگند به زمین پر شکاف (که گیاهان و چشمه‌سارها از آن سر برمی‌آورند). (اشاره به نفوذپذیری خاک نسبت به آب و رشد گیاهان، و غیرمستقیم اشاره به عوارض و پدیده‌های سطح زمین). حج، آیه ۵، وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً: اشاره دارد به آرام و غیرفعال بودن ظاهری زمین (در فصل زمستان)، درحالی‌که در درون آن فعل و انفعالات در حال رخدادن است و حیات درون آن، ادامه دارد (خصلت تقویت و ذخیره‌ای خاک در فصل زمستان و آماده‌شدن برای فصل بهار). یوسف، آیه ۵۵، خَزَائِنِ الْأَرْضِ: اشاره به وجود گنج‌ها و معادن بی‌شمار در زمین (خاک) (و به‌طور غیرمستقیم اشاره به باارزش بودن خاک دارد). اعراف، آیه ۹۶، بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ: اشاره به برکات و نعمت‌هایی از زمین و با ارزش بودن زمین (خاک)؛ خاک و اراضی، برکت الهی



شور و شیرین، هر کدام محصولات مخصوص خود را می‌پروراند، یا خاک‌های سبک و خاک‌های سنگین دارای استعداد ویژه خود در کشت محصولات هستند. لذا، بحث پتانسیل خاک و اراضی و استفاده از اراضی بر اساس تناسب آن‌ها، در این آیه به‌وضوح دیده می‌شود (۵). خاک از دیدگاه قرآن، برکت و نعمت الهی بوده و دارای اهمیت بسیار بالایی است. به‌گونه‌ای که در آیه ۴۳، سوره نساء و نیز آیه ۶ سوره مائده، آمده است: فَتَمِّمُوا صَعِيداً طَيِّباً، اشاره به خاک پاکیزه و طیب دارد. لذا خاک، علاوه بر آنکه قابلیت پالایش و تطهیر خود را دارد، انسان را نیز پاکیزه می‌گرداند (۵). چنان‌که در آیات متعددی از قرآن کریم به استفاده از خاک پاک (خاک سطحی که در مجاورت باد و تابش خورشید و در بلندی‌ها وجود دارد) به‌عنوان پاک‌کننده در جایی که آب وجود ندارد، تأکید شده است. امروز ثابت شده که خاک به‌خاطر داشتن ریزموجودات فراوان می‌تواند آلودگی‌ها را از بین ببرد، این میکروارگانیسم‌ها، که کار آن‌ها تجزیه کردن مواد آلی و از بین بردن انواع آلاینده‌ها و عفونت‌ها است معمولاً در سطح زمین و اعماق کم که از هوا و نور آفتاب بهتر می‌توانند استفاده کنند؛ فراوانند، به‌همین دلیل هنگامی که لاشه‌های حیوانات و یا بدن انسان پس از مردن زیر خاک دفن شود و همچنین آلاینده‌های گوناگونی که روی زمین‌ها می‌باشد، در مدت نسبتاً کوتاهی تجزیه شده و بر اثر حمله میکروارگانیسم‌های خاک، پس از مدتی، کانون آلودگی از بین می‌رود. مسلم است اگر این خاصیت در خاک نبود کره زمین در مدت کوتاهی غیر قابل زیست می‌گردید. اصولاً خاک خاصیتی شبیه مواد آنتی‌بیوتیک دارد و تأثیر آن در کشتن میکروب‌ها فوق‌العاده زیاد است. بنابراین خاک (پاک) نه تنها آلوده نیست بلکه از بین برنده آلودگی‌ها است و می‌تواند از

۱۱). غافر، آیه ۶۸، هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن تَرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلاً: خداوند است که شما را از خاک و سپس از نطفه و آنگاه از علقه بیآفرید و آنگاه به‌صورت طفل شما را بیرون می‌کند. حجر، آیه ۲۶، وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِّن صَلْصَالٍ مِّن حَمَإٍ مَّسْنُونٍ: و به تحقیق ما انسان را از گلی خشکیده از لایه‌ای سیاه آفریدیم. (اشاره به خلقت انسان از خاک خشک (مواد معدنی) به‌همراه مواد آلی دارد، همان‌طوری که بدن انسان نیز از مواد معدنی و آلی تشکیل یافته است).

نتیجه‌گیری

بنابراین مباحث خاک‌شناسی، به‌وضوح در قرآن کریم یافت می‌شود. برای مثال، سوره رعد، آیه ۴، «وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مِّنْجَاوِرَاتٍ وَجَنَاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ وَغَيْرِ صُنُوفٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفُضَلْ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَلْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ در زمین، قطعه‌های پهلوی هم هست و با باغهایی از انگور و کشت و نخل، از یک بن و غیر یک بن، که از یک آب سیراب می‌شوند، و ما میوه‌های بعضی از آنها را بر بعضی دیگر مزیت داده‌ایم، که در اینها برای گروهی که تعقل کنند عبرت‌هاست». این آیه شریفه به این نکات اشاره کاملی دارد: خاک از لایه‌های مختلف تشکیل شده است و دارای انواع متفاوتی می‌باشد؛ وجود کاربری‌های مختلف اراضی بر اساس انواع خاک‌ها؛ تفاوت در پتانسیل و قابلیت بارآوری خاک‌ها؛ تهیه محصولات مختلف از خاک‌ها و نیز بحث استفاده از اراضی بر اساس تناسب آن (کشت گیاهان خاص هر منطقه بر اساس خاک منطقه). منظور از "قِطْعٌ مِّنْجَاوِرَاتٍ"، وجود تنوع در خاک‌هایی است که به‌ظاهر در مجاورت هم هستند درحالی‌که از نظر خصوصیات کاملاً متفاوتند. برای مثال، خاک‌های



می‌آورد. از آنجایی که انسان در طول سالیان متمادی فعالیت‌های مستمر کشاورزی (عملیات زراعی، تغییر کاربری اراضی، نابودی جنگل‌ها و مراتع و غیره) و غیرکشاورزی (اقدامات مهندسی، استخراج معادن، راه‌سازی و ...)؛ سبب تنزل، تخریب و فرسایش خاک و اراضی شده است، لذا با توجه به رشد روزافزون جمعیت و فشار حداکثری بر روی منابع طبیعی همچون خاک؛ لزوم توجه به اهمیت خاک و اراضی و نیز بحث حمایت و حفاظت از آن‌ها، بیش از پیش، نمایان می‌گردد. همان‌طور که پیامبر عظیم‌الشان (ص) در زمینه اهمیت خاک و اراضی و لزوم حفاظت آن نیز فرموده‌اند: کسی که خاک برای کشاورزی در اختیار داشته باشد و برود گندم خریداری کند از رحمت خدا به‌دور است.

این‌نظر تا حدودی جانشین آب شود، با این تفاوت که آب حلال است، یعنی میکروب‌ها را حل کرده و با خود می‌برد، ولی خاک میکروکبش است (۴). اهمیت خاک فعال در چرخه زیستی به‌دلایل زدودن آلودگی خاک‌های سطحی، تصفیه آب‌های زیرزمینی و همچنین از بین بردن آلودگی‌های هوای محیط زیست، غیرقابل انکار است. خداوند متعال در آیه ۷ سوره مبارکه ق فرموده است: «وَالْأَرْضُ مَدَدُنَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ؛ و ما زمین (خاک) را بگسترديم و در آن کوه‌هایی ثابت و استوار افکندیم و در آن از هر صنف و جفتی از گیاهان زیبا و دل‌انگیز رویاندیم» (۵). بنابراین، از دیدگاه قرآن، خاک به‌دلیل زنده و فعال بودن، قابلیت پالایش داشته و با حذف آلاینده‌ها، آب و محصولات پاکیزه را فراهم

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آینه‌بند، ا. ۱۳۹۳. قرآن و دانش کشاورزی (تألیف)، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز. ۱۸۴ ص.
۳. بیانات رهبری در دیدار مسئولان و فعالان حفظ منابع طبیعی، محیط زیست و فضای سبز شهری، ۱۳۹۳/۱۲/۱۷.
۴. تفسیر نمونه، جلد ۲، شأن نزول. (makarem.ir).
۵. تفسیر نمونه، آیت الله العظمی مکارم شیرازی، دار الکتب الإسلامیه، چاپ چهل و دوم، ج ۳، ص ۵۰۸. (تفسیر نمونه، سوره نساء، ۴۳).
۶. محمودی، ش. و م. حکیمیان، ۱۳۹۱. مبانی خاکشناسی (ترجمه).

فرسایش آبی از دیدگاه قرآن کریم

مجید دانش

استادیار گروه علوم و مهندسی خاک، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
(نویسنده مسئول: m.danesh@sanru.ac.ir)

چکیده

خاک، از مهمترین عناصر چرخه محیط زیست می‌باشد که بر حیات و معاش انسان تأثیر بسزایی دارد. عواملی که سبب نابودی این نعمت الهی می‌شوند، بالطبع آثار سوءیی بر زندگی انسان و سایر مخلوقات منتفع از آن دارند. فرآیند فرسایش آبی و مقوله تنزل و تخریب اراضی، سبب هدر رفت ظاهری و باطنی خاک می‌شود. بدین معنی که هم خاک از نظر فیزیکی و موجودیت نابود می‌شود و از دست می‌رود و هم از نظر کیفیت و پتانسیل آن برای اهداف و کاربری‌های مختلف، تخریب می‌گردد. اهمیت فرآیند فرسایش آبی و تنزل خاک و اراضی تا آنجاست که در قرآن کریم، به طرق مختلف و در آیات متعددی، به آن پرداخته شده است. به گونه‌ای که خداوند در آیه ۱۱ سوره زخرف می‌فرماید: «وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ». منظور از لغت "بقدر"، "به مقدار کافی" می‌باشد؛ یعنی آن مقداری از آب که سبب وقوع رواناب، انواع فرسایش آبی و هدر رفت خاک و آب نشود و بتواند در داخل خاک نفوذ کند و به نوعی به موضوع فرسایش آبی و تولید رواناب و نیز حفاظت خاک پرداخته است. و با لغت "بَلْدَةً مَيِّتًا"، اشاره به زمین تخریب و از دست رفته (از نظر کیفیت خاک، پتانسیل و حاصلخیزی آن) دارد. بنابر اهمیت فرسایش آبی و حفاظت خاک از دیدگاه قرآن؛ باید با مدیریت صحیح این پدیده را کنترل و مدیریت کرد و مانع از تخریب و هدر رفت خاک شد. زیرا با انجام کارهای حفاظتی، علاوه بر حفاظت فیزیکی و کیفی خاک، سبب حفظ آب نیز خواهیم شد و تا حد زیادی مانع از وقوع فرسایش‌های تشدید، خشکسالی‌های بی‌دری و فرونشست اراضی خواهیم گردید.

کلمات کلیدی: تنزل اراضی، حفاظت خاک، فرسایش آبی، قرآن، هدر رفت خاک

مقدمه

از بستر اصلی خود جدا شده و به کمک عامل انتقال دهنده (آب، باد و ...) به مکانی دیگر حمل شده و سپس در آن جا تجمع پیدا کرده و ترسیب می‌نمایند (۳). غالباً پدیده فرسایش خاک، یک امر منفی برای کشاورزی و زندگی بشر، در نظر گرفته می‌شود که سبب تخریب و از دست رفتن خاک حاصلخیز می‌گردد و در بسیاری از منابع، فرسایش^۱، تخریب و تنزل^۲ خاک و اراضی را باهم مترادف و هم‌معنی و یا به موازات یکدیگر، در نظر می‌گیرند. خداوند در آیه ۵۸ سوره مبارکه اعراف می‌فرماید: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ

به‌طور کلی، خاک محل استقرار و منبع تأمین آب و مواد غذایی برای گیاهان است. از آغاز پیدایش کشاورزی، خاک، محیطی طبیعی برای حفظ و رشد گیاهان، شناخته شده است (۵). لیکن با ایجاد شهرها و توسعه‌های عمرانی، خاک، به عنوان شالوده راه‌ها و ساختمان‌ها و نیز محیطی برای دفن موادزاید و زباله، نیز شناخته شد. فرسایش خاک، پدیده‌ای است که سبب از بین رفتن، بی‌کیفیت شدن و یا از دست دادن پتانسیل خاک می‌گردد و در طی آن ذرات خاک

2- Degradation/destruction

1- Erosion

وَ الَّذِي حَبِثَ لَإِيخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَالِكَ نُصَرِّفُ
الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ؛ سرزمین پاکیزه (و
مستعد)، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید، اما
سرزمین‌های ناپاک (و شوره‌زار)، جز گیاه اندک
و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید، این‌گونه آیات (خود)
را برای گروهی که شکر گزارند، شرح می‌دهیم»
(۴)؛ که اشاره به لزوم توجه به بحث تخریب و
تنزل اراضی و حفاظت خاک جهت جلوگیری از
تخریب آن (و تبدیل به شوره‌زار شدن) دارد.
مفسران ذیل آیه شریفه «وَ الْبَلَدِ الطَّيِّبِ يَخْرُجُ
نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ ...» نوشته‌اند: مقصود از «البلد
الطیب» زمینی است که دارای خاک حاصلخیز و
پاکیزه (دارای توانایی) باشد (۶). منظور از
"حبت" خاکی است که دچار تخریب و تنزل
شده است که ماهیت ظاهری خود را حفظ کرده
ولی کیفیت خود را از دست داده است. البته،
برخی آیه را مثلی خود را از دست داده‌اند؛
قلب مؤمن و کافر با اینکه از نظر مادی، گوشت
و خون است، از نظر معنوی، قلب مؤمن
موعظه‌پذیر است؛ اما کافر سنگدل است، چنان
که خاک‌ها و اراضی با اینکه از نظر جنس
یکی‌اند، برخی از بارش باران انعطاف می‌پذیرند
و سبزه و خرمی را به نمایش می‌گذارند. در
مقابل، زمین شوره‌زار هیچ‌گونه گیاهی را
نمی‌رویانند (۷). همچنین خداوند در سوره فاطر،
آیه ۲۷، می‌فرماید: أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ
جُدُدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ؛ آیا
ندیدی که خدا از آسمان، آبی فرستاد پس با آن
میوه‌هایی از زمین بیرون کردیم که رنگ‌های
مختلف دارد، و نیز از کوه‌ها راه‌های سفید و سرخ
با رنگ‌های مختلف و سیاهی‌های غلیظ پدید
آوردیم. خداوند از آب بی‌رنگ و خاک (زمین)،
میوه‌های رنگارنگ می‌آفریند «ثمرات مختلفاً
الوانها». خطوط و رگه‌های رنگارنگ در کوه‌ها

تصادفی نیست. «جُدُدٌ بَيْضٌ وَ حُمْرٌ - غرابیب
سود» (۲). در این آیه به‌طور مستقیم و
غیرمستقیم اشاره به فرآیند نزول باران و ایجاد
رواناب، فرسایش آبی، ایجاد خاک حاصلخیز
(رسوبات در پایین دست)، و نیز متنوع بودن رنگ
خاک‌های گوناگون به دلیل فرآیندهای شیمیایی
خاک و مواد مادری متنوع آن‌ها، اشاره دارد.
همچنین خداوند در آیه ۳، سوره رعد، می‌فرماید:
«وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا؛
اوست که زمین را بگسترده، و در آن کوه‌ها و
جوی‌هایی قرار داد»، به‌طور بارز اشاره دارد به
فرآیند توزیع مکانی و جغرافیایی خاک‌ها و نیز
خلقت عوارض و پدیده‌های توپوگرافیکی شامل
خط الرأس‌ها و خط‌القعرها که در اثر وقوع
فرآیندهای فرسایشی (آبی، بادی و ...) شکل
گرفته‌اند.

اهمیت پدیده فرسایش آبی از دیدگاه قرآن
پدیده فرسایش و تنزل خاک و اراضی، در قرآن
کریم از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. به‌گونه‌ای
که خداوند می‌فرماید: «وَ الَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ
مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ»
(زخرف، ۱۱) و در آیه‌ای دیگر: «فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ
مَيِّتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ»
(فاطر، ۹)؛ اشاره به وجود آب برای احیای اراضی
تخریب و تنزل‌یافته و نیز وقوع انواع فرسایش
دارد (۴). همچنین مقصود از "بلد میت"،
سرزمینی با خاک فرسوده شده و یا تخریب‌شده
خشک و بی آب و علف است که به قرینه صدر
آیه به‌وسیله باران با رویش گیاهان و عملیات
زراعی، احیاء و آباد می‌شود. برخی از مهمترین
اشارات قرآن کریم به پدیده فرسایش آبی خاک
و تنزل اراضی، شامل موارد زیر است (۴): عبس،
آیه ۲۵، أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا؛ این ما بودیم که آب
را به کیفیتی که انسان‌ها خبر ندارند از آسمان
فرورستادیم. (اشاره به عمل اصابت و برخورد



(بستر)، اصابت و برخورد عمودی قطرات باران و ایجاد رواناب، فرسایش پاشمانی و انواع فرسایش آبی جهت تخریب و هوازدگی فیزیکی و شیمیایی سنگ و مواد مادری، حمل خرده‌های سنگ و خاک ایجاد شده به پایین دست (انواع فرسایش آبی، لایه‌ای، شیاری و ...)، ته‌نشست و ترسیب رسوبات حمل شده در مناطق دشت و هموار، رشد انواع گیاهان، رونق کشاورزی، استحصال محصولات و ...). انشقاق، آیه ۳، وَ إِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ: و زمانی که زمین با از بین رفتن پستی و بلندی‌ها فراخ می‌گردد. (اشاره به عمل فرسایش (آبی و بادی) و فرآیند تسطیح اراضی و توپوگرافی در اثر این پدیده). زخرف، آیه ۱۰، وَ جَعَلْ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا: و در آن برایتان راه‌ها قرار داد (اشاره به وجود خط‌القع‌های طبیعی و یا مسیرهای ایجاد شده در سطح زمین توسط رودخانه (فرسایش کانالی و کنار رودخانه‌ای)، آب‌کند (فرسایش گالی^۱)، انسان و دام (فرسایش در اثر رفت و آمد^۲) و غیره. بقره، آیه ۲۶۴، صَفْوَانَ عَلَيْهِ تَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا: حکایت سنگی سفت و صافی است که خاکی روی آن نشسته باشد، و رگباری بر آن باریده، آن را صاف به‌جای گذاشته باشد. (اشاره به وقوع فرسایش پاشمانی و در نهایت ایجاد ساختارهای پاسنگی^۳ و یا ایجاد سنگفرش بیابانی^۴ در اثر وقوع فرسایش بارانی). یکی از بارزترین اشارات قرآن کریم به وقوع فرسایش آبی و برخورد باران بر رگولیت^۵ و نیز تشکیل تشکیل سنگفرش فرسایشی در اثر وقوع انواع بارز فرسایش آبی (بارانی، لایه‌ای و پاسنگی)، در این آیه شریفه می‌باشد. توبه، آیه ۱۲۱، وَ لَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا: و هیچ دره‌ای نمی‌مایند؛ منظور از لغت وادی، خط‌القع

عمودی قطرات باران با سطح زمین، فرسایش پاشمانی، بارانی و سپس ایجاد رواناب و عامل ایجاد انواع فرسایش آبی). منظور از لغت "صبنا"، برخورد عمودی قطرات باران و وقوع مهم‌ترین مرحله فرسایش آبی، یعنی جداسازی ذرات خاک و مهیاشدن برای پدیده حمل توسط رواناب است. عبس، آیه ۲۶، ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقَاقًا: اشاره به شکافته شدن زمین پس از باران دارد و بیانگر سه نکته مهم است: ۱) برخورد قطرات باران با سطح زمین (سنگ) و خورد شدن آن (در اثر فرسایش پاشمانی)؛ ۲) فرآیند تشکیل خاک از سنگ بستر؛ ۳) نفوذپذیری خاک نسبت به جوانه‌زدن بذر گیاهان (زیرا در آیه بعدی می‌فرماید: فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا، و در آن دانه‌ها رویانندیم (۲۷)). لذا بر اساس این آیات، پروردگار در ابتدا با فروفرستادن قطرات باران و اصابت آن بر زمین، سنگ‌های بستر و مواد مادری؛ سبب فرسوده شدن و ایجاد خاک و رسوبات شدند. سپس با تشکیل خاک (رسوبات حاصلخیز) در اثر عمل فرسایش بارانی، گیاهان مختلف قادر به رشد گردیدند. در این آیات (عبس آیات ۲۴ الی ۳۲)، به نوعی اشاره به فرآیند تشکیل خاک در اثر فرسایش پاشمانی در مواد مادری، اشاره دارد و در نهایت در آیه ۳۲ (عبس، ۳۲) می‌فرماید: مَتَاعًا لَّكُمْ وَلِأَنعَامِكُمْ: تا وسیله زندگی شما و حیوانات شما باشد؛ اشاره به مهیاشدن خاک و زمین در اثر فرآیند فرسایش آبی و تشکیل خاک، جهت بهره‌آوردن انسان و حیوانات، برای حیات و معاش دارد. همان‌گونه که در آیه ۲۴ همین سوره، می‌فرماید: فَلْيَنْظُرِ الْإِنسَانُ إِلَى طَعَامِهِ: پس انسان باید به غذای خود بنگرد (که در طی چه مراحل مهیاشده است: زمین سفت و سنگ مادری

4- Desert pavement
5- Regolith

1- Gully erosion
2- Route
3- Pedestal



نیز انباشته شدن رسوبات (همچون انواع فرسایش توده‌ای و یا خندقی) که به سبب آن اراضی نابود شده و در محل انباشت، پستی و بلندی‌های جدیدی ایجاد می‌شود. اشاره به وقوع انواع فرسایش‌های توده‌ای^۱ و ایجاد پستی و بلندی در زمین^۲ در سوره حجر، آیه ۷۴، نیز بدان اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

انسان، در طول سالیان متمادی فعالیت‌های مستمر کشاورزی و غیرکشاورزی، با عملیاتی از قبیل شخم‌زدن، آبیاری، اضافه کردن کودهای آلی و معدنی، اضافه کردن ماسه به زمین‌های سفت و سخت، قطع بی‌رویه درختان جنگلی و استفاده بی‌رویه و نامناسب از مراتع بر اثر چرای مفرط که باعث فشرده شدن زمین، تخریب و در نتیجه فرسایش تشدید می‌شود؛ و همچنین، معدن‌کاوی، راه‌سازی، تغییر کاربری اراضی و غیره؛ نیز موجب تغییرات زیادی در خواص فیزیکی، بیولوژیکی و شیمیایی خاک گردیده است که به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در فرآیند تشکیل و تکوین خاک و نیز تغییر فرسایش (از حالت طبیعی به تشدید) آن دخالت داشته است. بنابراین، با توجه به رشد جمعیت و فشار حداکثری بر روی منابع طبیعی (خاک)؛ لزوم توجه به خاک و اراضی و نیز بحث حمایت و حفاظت از آن‌ها در برابر پدیده‌های فرسایش و تخریب، بیش از پیش، نمایان می‌گردد. همانگونه که بیان شد، آیات متعددی مبنی بر اهمیت فرسایش آبی و نیز حفاظت خاک، در قرآن وجود دارد. خداوند در سوره مؤمنون، آیه ۱۸، می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهَذَا رُؤُونٍ؛ و ما برای شما آب را به‌قدر معین از آسمان نازل کرده و در

است که می‌تواند در اثر فرسایش آب‌کندی (خندقی) و هزار دره، ایجاد شده باشد. کهف، آیه ۸، وَ إِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا؛ و ما آنچه را روی زمین هست، خاک بایر می‌کنیم. (اشاره به تبدیل شدن خاک حاصلخیز به زمین بایر و بیابان خشک و بدون گیاه، در طی فرآیند فرسایش و تنزل اراضی دارد). فرقان، آیه ۴۹، بَلَدَةٌ مَّيْتَةٌ؛ سرزمین مرده، اشاره دارد به خاک تخریب‌شده و فرسایش‌یافته (هدر رفت خاک و غیرحاصل‌خیز شدن آن). سبأ، آیه ۱۵، بَلَدَةٌ طَبِيبَةٌ؛ سرزمین زنده و پاک، اشاره به خاک حاصلخیز؛ که می‌توان با حفاظت و یا کنترل فرسایش خاک، سبب ایجاد خاک با کیفیت و پتانسیل بالا، شد. فاطر، آیه ۹، فَسَقْنَاهُ إِلَىٰ بَلَدٍ مَّيْتٍ فَأَحْيَيْنَاهُ بِالْأَرْضِ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَٰلِكَ الْنُّشُورُ؛ اشاره به وقوع بارش (فرسایش آبی و تشکیل خاک و رسوبات حاصلخیز) و نیز احیای خاک و اراضی پس از کاهش پتانسیل آن. زخرف، آیه ۱۱، ق، ۱۱، بَلَدَةٌ مَّيْتَةٌ؛ اشاره به خاک فرسایش‌یافته و تخریب‌شده، تنزل اراضی. اعراف، آیه ۵۸، وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ الَّذِي خَبَثَ لَآ يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا كَذَٰلِكَ نَصْرَفُ الْأَثْيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ؛ اشاره به تخریب و تنزل خاک و اراضی که سبب از بین رفتن پتانسیل و حاصلخیزی خاک می‌شود. لذا خاک حاصلخیز و مرغوب، محصولات زیادی به‌بار می‌آورد، ولی خاک فرسوده و تخریب شده (همچون شوره‌زار)، توانایی خود را از دست می‌دهد. (لزوم انجام عملیات احیاء و حفاظت خاک و اراضی). هود، آیه ۸۲، فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَالِيَهَا سَافِلَهَا؛ پس همین که امر ما آمد سرزمین‌شان را زیر و رو نموده بلندی‌هایش را پست، و پستی‌هایش را بلند کردیم. اشاره دارد به‌وقوع فرسایش حجیم و



توان تولیدی و حاصلخیزی خاک می‌باشد. طبق آمارهای موجود، به دلیل بحران خشک‌سالی، سالانه حدود ۳۰ تا ۴۰ سانتی‌متر در برخی نقاط ایران شاهد فرونشست زمین هستیم. فرونشست‌ها باید جدی گرفته شود تا موجب تخریب سرزمین، از بین رفتن تاسیسات و به خطر افتادن سلامت جامعه نگردد. این در حالیست که براساس آمار وزارت نیرو، سالانه در کشور ۴۱۳ میلیارد متر مکعب بارش وجود دارد که از این مقدار ۱۲۰ تا ۱۳۰ میلیارد متر مکعب بهره‌برداری شده و بقیه بارش‌ها به صورت تبخیر یا روان‌آب، به هدر می‌رود (۱). لذا؛ همان‌گونه که قرآن کریم نیز بیان فرموده است، با مدیریت صحیح فرسایش آبی خاک و حفاظت آن؛ علاوه بر افزایش ذخایر آب زیرزمینی و ممانعت از پدیده خشک‌سالی، می‌توان از فرسایش تشدید، تخریب و فرونشست اراضی نیز جلوگیری به عمل آورد. همچنین، با توجه به مشکلات کم‌آبی و خشک‌سالی در کشور، می‌توان با اجرای برخی راهکارها از جمله مدیریت بارش در مناطق شهری و سیستم پخش سیلاب در اراضی غیر شهری، از هدر رفت مقادیر زیادی از آب و خاک، جلوگیری کرد.

زمین نگاهش داشتیم، در حالی که بر ناپود کردن آن نیز قادریم» (۴). این آیه اشاره دارد به ویژگی ظرفیت نگاهداشت آب در خاک (WHC)، قابلیت نفوذپذیری خاک و هدایت هیدرولیکی و آنکه بهترین روش حفظ آب حاصل از باران و سیل؛ نفوذ آن در خاک است و می‌توان با آن سفره‌های آب زیرزمینی را تغذیه کرد (مدیریت آبخوان)؛ منظور از لغت "ذهاب" می‌تواند هدررفت آب^۱ باشد، که در اثر عدم حفاظت صحیح آب و خاک، آب حاصل از نزولات جوی به شکل روان‌آب و یا سیل و طغیان رودخانه‌ها، به هدر می‌رود و سبب فرسایش آبی شدید و خسارات جبران‌ناپذیر خواهد شد. لذا، منظور از بخش انتهایی این آیه شریفه، هدر رفت آب و (در نتیجه فرسایش آبی) هدر رفت خاک^۲ می‌باشد. خداوند در ابتدای آیه اشاره فرموده که "فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ"، لذا باید نزولات جوی را در خاک نفوذ داد به‌نوعی منظور همان فعالیت‌های حفاظت خاک، جهت بهبود کیفیت کشاورزی و نیز حفظ منابع طبیعی، می‌باشد. و یا در سوره سجده، آیه ۲۷، می‌فرماید: نَسُوقُ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا؛ ما این آب را به زمین بایر می‌رانیم و با آن روئیدنی پدید می‌آوریم. اشاره به استفاده صحیح از منابع آب و خاک جهت جلوگیری از بایر شدن اراضی، و به‌طور غیرمستقیم بیان عملیات آیش‌گذاری اراضی جهت ذخیره آب و مواد غذایی و بازیابی

منابع

۱. ایسنا، ۶ آبان ۹۸، اخبار محیط زیست، کد خبری: 98080502597.
۲. پایگاه درس‌هایی از قرآن، سخنرانی حجت الاسلام محسن قرائتی با موضوع تفسیر سوره فاطر - آیه ۲۷.
۳. فرسایش آبی و کنترل آن، حسینقلی رفاهی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵.
۴. قرآن کریم.
۵. محمودی، ش. و م. حکیمیان، ۱۳۹۱. مبانی خاکشناسی (ترجمه).
۶. محمود زمخشری، الکشاف، ج ۲، ص ۱۱۲. فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۶۶۶.
۷. محمد قرطبی، الجامع لأحكام القرآن، ج ۷، ص ۲۲۳؛ فضل بن حسن طبرسی، مجمع البیان، ج ۳ و ۴، ص ۶۶۶.

آب در قرآن حکیم

حسن رهنما^۱ و محمد مهدوی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی رشته مهندسی آب دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۲- دانشجوی کارشناسی رشته گیاهپزشکی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

(نویسنده مسئول: mohammadvsmahrad13791391@gmail.com)

چکیده

در این پژوهش با توجه به مفاهیم موجود در آیات شریفه مرتبط با طبیعت، آب، باران، باد و سایر موارد علوم زیستی، پژوهش آب در قرآن کریم مورد بررسی و مذاقه قرار گرفت. ابتدا به طرح بحثی پیرامون طبیعت و جایگاه آن در دین اسلام و قرآن کریم اشاره شد. سپس به بررسی موضوعات مرتبط با آب و واژه پژوهی ماء و مطر در قرآن کریم و کاربرد قرآنی آنها پرداخته شد. در ادامه آب از نگاه قرآن مورد بررسی قرار گرفت و موضوعاتی مانند بیداری فطرت از طریق آب، نشانه رحمت، نعمت، قدرت و اراده خدا بودن آب، امداد غیبی به واسطه آب، وادار نمودن انسان به تدبیر و تفکر در آب و ... از مفاهیم موجود در آیات استخراج گردید. همچنین به نقش آب در زندگی انسان و عالم ماده پرداخته شد و متقابلاً آب در آخرت نیز مورد مذاقه قرار گرفت. در ادامه بحث به استخراج نکاتی از آیات شریفه قرآن مجید در مورد اسرار کوه‌ها، رابطه کوه‌ها و آب، بررسی باد در قرآن کریم و رابطه باد و آب مبادرت ورزیده شد. یکی از بارزترین و به جرئت مهم‌ترین مصداق مواهب الهی، موهبت آب می‌باشد که نه تنها انسان به عنوان اشرف مخلوقات برای ادامه حیات خود به آن نیازمند است، بلکه سایر موجودات و مخلوقات نیز به آن وابسته هستند. آب است که حرکت، برکت، آبادی و نعمت را به همراه خود می‌آورد و پیام‌آور قدرت و عظمت خداوند است. وظیفه انسان و علی‌الخصوص ما مسلمانان در عصر حاضر این است که با مدیریت مصرف آب در این برهه بی‌آبی، تحویل آن به نسل آینده و تکریم این مایع حیات، شکرگزار خالق متعال باشیم و زمینه‌های قرارگیری خودمان در زمره ناظرین به پروردگار و استفاده‌کنندگان از ماء بهشتی را فراهم آوریم.

واژگان کلیدی: آب، باران، ماء، مطر، طبیعت.

مقدمه

و زمینه‌ساز بقا و حیات او باشد. در قرآن کریم افزون بر ۷۵۰ آیه، به پدیده‌های طبیعی اشاره داشته و به برخی از پدیده‌های طبیعی سوگند یاد کرده و آن را از آیات الهی برشمرده است. در قرآن کریم به مظاهر طبیعی برای اثبات قدرت و عظمت و وحدانیت خداوند متعال به‌وفور استدلال شده است، در عین آنکه این استدلال‌ها برای اهداف والایی آورده شده است؛ لکن نکات علمی در آنها کاملاً مراعات شده و واقعیت‌گرایی، نمود روشنی دارد. از جمله این مظاهر، پدیده‌های مرتبط به هم از قبیل باران، ابر، باد،

عرصه محیط زیست، نمایشگاه بدیع و شگفت معمار بزرگ هستی و عرصه خلاقیت و جلوه‌گری اوست که زیبایی و شگفتی در آن موج می‌زند و عوام و خواص را حیران و شگفت‌زده کرده است. خدای متعال، سرنوشت انسان را به‌گونه‌ای رقم زد که در دامن طبیعت رشد کند، ببالد و به‌طور کلی به آن نیازمند باشد. متقابلاً طبیعت و مظاهر آن را نیز به‌عنوان مواهب الهی طوری آفرید که در خدمت انسان قرار گیرد، نیازهای وی را برآورد و آرامش و لذت و شادی را برایش به ارمغان آورد



جسم ظاهری را شستشو می‌دهد، بلکه حالتی روحی و روانی در شخص ایجاد می‌کند و به او قداست می‌بخشد. از منظر اسلام، آب از زوایای گوناگون عرفانی، اقتصادی، بهداشتی، طبی، فقهی و ... شایسته بررسی است. در قرآن کریم نیز معادل عربی آب یعنی ماء، ۶۳ بار تکرار شده است و می‌توان آن را از جهات گوناگون نگریست و نمونه‌های فراوان را از نصوص قرآن می‌توان استخراج نمود تا برخورد مادی و نیز معنوی و قدسی قرآن با این عنصر اساسی حیات نمایانده شود. قرآن کریم و پیشوایان اسلام درباره آب فرمایشات سودمند و بسیار ارزنده‌ای دارند. از آن جمله، آیه «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (انبیاء/۳۰)، به نقش بنیادین آب در ایجاد حیات اشاره می‌کند و هم‌چنین در آیه ۴۵ سوره نور، ریشه زندگانی و سرچشمه حیات همه جانداران را از آب می‌داند: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّنْ مَّاءٍ». روایات متعددی نیز در وصف و فواید این ماده حیاتی از امامان معصوم علیهم‌السلام نقل شده است از جمله تعبیر زیبای امام صادق (ع) که طعم آب را طعم زندگی می‌داند. در واقع امام (ع) می‌خواهد پیوند و پیوستگی زندگی و آب را با ابن تعبیر زیبا رقم بزند. به‌راستی اگر انسان پس از تشنگی طولانی به آب گوارایی برسد، موقعی که نخستین جرعه آب را فرو می‌برد، احساس می‌کند که روح و جان به کالبدش دمیده می‌شود. در این پژوهش با توجه به مطالب بالا و با استفاده از مفاهیم نهفته در آیات قرآن کریم و در پاسخ به سؤالاتی از قبیل اینکه دیدگاه‌های مادی و نیز معنوی قرآن نسبت به آب چگونه است، به استخراج نکاتی از قرآن کریم با عناوین و مضامینی مانند جایگاه طبیعت در دین اسلام و علی‌الخصوص قرآن، واژه‌پژوهی ماء و مطر و کاربردهای قرآنی آنها، مباحث معنوی آب از دیدگاه قرآن، نقش آب در زندگی انسان و عالم

آب و دریاست. باد و ابر در تشکیل و پیدایش باران و نزول آب از آسمان نقش اساسی دارند و آبادی‌ها، باغ‌ها، کشتزارها و به‌طور کلی زیبایی و سرسبزی طبیعت همه به یمن باران و آب آسمان است. از این رو خداوند در آیات متعدد، باران را سبب احیاء زمین قلمداد کرده و آن را آب پاکیزه، آب پربرکت و رزق الهی دانسته است. به‌طور کلی هر جا که آب هست، حیات هم وجود دارد و چونان قطره‌های به‌هم پیوسته خون در رگ‌های طبیعت جریان یافته و حیات و شکوفایی برای آدمیان، حیوانات و گیاهان به ارمغان می‌آورد. آب، مادر هستی و نخستین آفریده [مادی] خداوند است که سرمنشأ حیات همه موجودات زنده معرفی شده است؛ بدان‌سان که بدون آب هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. آب نعمت، رحمت و برکت خداوند است که از سر لطف در اختیار آدمی نهاد و سنگ بنای حیات و رمز و راز زندگی است. خداوند متعال، آب را پاکیزه کننده و پاک‌کننده آفریده و آن را در تسخیر آدمیان قرار داده تا از آن بهره ببرند. بدون شک منافع آن تنها نوشیدن انسان و روئیدن گیاهان نیست، بلکه شستشوی زمین‌ها، تصفیه هوا، ایجاد رطوبت لازم برای طراوت پوست تن انسان و تنفس راحت او و مانند آن از جمله فواید باران است. حکیمان قدیم، آب را یکی از چهار عنصر تشکیل‌دهنده ماده می‌دانستند؛ از آن جمله حکیم یونانی، طالس، آب را بهترین می‌داند. در اسلام آب از اهمیت خاصی برخوردار است. نگاه مسلمانان به آب، نگاهی سرشار از قداست، پاکیزگی، عظمت و بزرگی است. آب وسیله‌ای است که زمینه ارتباط آنان با معبودشان را فراهم می‌سازد. در اسلام هیچ‌کس نمی‌تواند به راز و نیاز با خدا بپردازد و در آستان مقدس او به نماز ایستد مگر اینکه وضو گیرد و خدا را با آب شستشو دهد. آب نه تنها



است. برپایه جهان‌بینی اسلامی، انسان تنها به واسطه خلیفه‌اللهی و ساختمان خدای گونه‌اش، بر جهان حاکم است. او به‌عنوان خلیفه خدا در زمین، وسیله تجلی اراده خداست و اینکه تقوی و عدالت شرایط اولیه‌ای هستند که در اراده و قصد خدا تجلی یافته‌اند. دستور اسلام در مورد طبیعت بر این است که انسان حاکم بر ماده و طبیعت باشد نه محکوم آن. چراکه محکومیت در برابر ماده و طبیعت و جان‌بینی انسان به‌عنوان خلیفه‌الله در تضاد است. یکی از محکومیت‌های بشر، ترس وی در برابر طبیعت است و چه‌بسا جلوه‌هایی از آن را به‌عنوان خدایگان خود انتخاب کند. اینگونه محکومیت‌ها و ذلت‌ها و اینکه انسان نتواند از زندگی استفاده و بهره‌برداری کامل نماید، نوعی مقهوریت در برابر طبیعت است که زائیده جهل و ناتوانی انسان می‌باشد و بر طبق فرمان اسلام باید از بین برود. در این راستا اسلام دعوت به علم، شناخت طبیعت و جهان و سپس تسخیر و تسلط بر آن را دارد (همان: صص ۸۷-۸۴). خداوند متعال سرنوشت انسان را به‌گونه‌ای رقم زد که در دامن طبیعت رشد کرده و ببالد و به‌طور کامل به آن وابسته و نیازمند باشد، متقابلاً طبیعت را نیز طوری آفرید که در خدمت انسان قرار گیرد، نیازهای وی را برآورد و آرامش و لذت و شادی را برایش به ارمغان آورد (همان: صص ۱۷۷).

۴- قرآن و طبیعت‌شناسی

در قرآن واژه علم هم برای علوم طبیعت و هم برای علوم انسانی به‌کار رفته است و البته در آن تشویق زیادی به مطالعه طبیعت شده است اما از دیدگاه قرآنی، مطالعه طبیعت با لذات موردنظر نیست، بلکه آن به‌خاطر مشاهده آثار خداوندی در جهان و بهره‌وری سازنده از امکانات طبیعی است (گلشنی، ۱۳۷۷، ص ۶۹).

ماده و متقابلاً در جهان آخرت، رابطه بین کوه‌ها و بادها با آب و باران و موضوعاتی از این قبیل می‌پردازیم که در مطالب بعدی این پردازش و بررسی‌ها را شاهد خواهیم بود.

۱- طبیعت و طبیعت‌شناسی

منظور از طبیعت، عالم مادی است. یعنی عالمی که با حواسمان با آن در ارتباط هستیم (گلشنی، ۱۳۸۴، ص ۱۲۵). مصادیق بارز طبیعت عبارتند از: زمین، آسمان، کوه، دشت، دریا، رودخانه‌ها، حیوانات، گیاهان و ... به‌طور کلی، عناصر طبیعی را به دو دسته آسمانی شامل ستارگان، ماه، خورشید و ... و زمینی از قبیل آب، باران، ابر، باد، کوه، نهر، چشمه، فضای سبز و ... دسته‌بندی می‌کنند. بالغ بر ۷۵۰ آیه از قرآن کریم به پدیده‌های طبیعی اشاره می‌کند که همین خود نشان از جایگاهی است که طبیعت و مظاهر آن در زندگی انسان دارد که در این پژوهش به عنصر زمینی آب پرداخته می‌شود.

۲- جایگاه طبیعت در دین اسلام

اسلام تمام جنبه‌های انسان، محیط زیست و جهان هستی را در یک ارتباط هماهنگ و موزون در مسیر الهی موردتوجه قرار داده و بین آنها ارتباط ایجاد می‌کند. از این‌رو اسلام، محیط زیست را به‌صورت واحدی غیرقابل تجزیه در نظر می‌گیرد و بین انسان و محیط زیست در جهان هستی، انفصالی قائل نیست و آنها را مکمل یکدیگر دانسته است (اصغری لقمجانی، ۱۳۷۸، ص ۷۳). در اسلام، اتصال جدایی‌ناپذیر بین انسان و طبیعت بسیار واضح و مشهود است؛ شاهد این مدعا، کلمه "آیه" می‌باشد که برای مشخص کردن بندهای قرآن به‌کار می‌رود و به‌معنای وقایعی است که در درون ارواح آدمیان به‌وقوع می‌پیوندد و یا پدیده‌های جهان طبیعت

الْحَقُّ أَوْلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ»
(به‌زودی نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون) و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است) (فصلت/۵۳). در دیدگاه قرآن، طبیعت دارای مفهومی است که به هیچ‌وجه نمی‌تواند به‌جای خداوند تلقی و شریک وی پنداشته شود. قرآن همه مردم را به توحید خالص فرا می‌خواند و بر این اساس، تعدد خدایان منافی و شرک از بیخ و بن نابود می‌گردد. آموزه ارائه شده از سوی قرآن، همواره بر احترام به طبیعت به‌عنوان نشانه خداوندی استوار است نه الوهیت آن. قرآن به زیبایی به تمجید طبیعت پرداخته و ارتباط صحیح بین طبیعت و خداوند و از سویی دیگر ارتباط معقول طبیعت با انسان را به‌خوبی تبیین ساخته است. پس مطالعه پدیده‌های طبیعی را می‌توان نوعی عبادت به‌حساب آورد و در واقع آن، نوع مهمی از عبادت است. امام علی(ع) می‌فرماید: «هیچ عبادتی مثل تفکر در صنعت خداوند عز و جل نیست» (همان: ص ۷۰).

۴- دیدگاه‌های قابل بررسی موضوعات مرتبط با آب

مطالعه موضوعات مرتبط با آب، از دو دیدگاه قابل بررسی است: یکی نگرش کمی که برپایه قوانین و فرمول‌های علمی استوار است و دیگری نگرشی که به مباحث معنوی حیات نیز می‌پردازد. این نگرش، آب را به‌عنوان ماده اولیه حیات معرفی می‌کند و قدمت آن را پیش از خاک می‌داند. یکی از وجوه بارز این نوع نگرش و همچنین آنچه از متون مذهبی بر می‌آید، جنبه نمادین و معانی معنوی طبیعت و عناصر طبیعی از جمله آب است. در هر مجموعه مذهبی و فرهنگ دینی و معتقد به ماوراءالطبیعه، آب

از نظر قرآن موجودات طبیعی، آیات حق تعالی هستند و طبیعت‌شناسی باید به منزله آیت‌شناسی تلقی شود و ما را از آیات به صاحب آیات برساند: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ. وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافَ أَلْسِنَتِكُمْ وَالْوَأْنِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِلْعَالَمِينَ» (و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [انعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است. و از نشانه‌های [قدرت] او آفرینش آسمان‌ها و زمین و اختلاف زبان‌های شما و رنگ‌های شماست قطعاً در این [امر نیز] برای دانشوران نشانه‌هایی است) (روم/۲۱ و ۲۲). درواقع در قرآن همه‌چیز بر محور خدا در نظر گرفته می‌شود. خدا تنها کسی است که باید مورد ستایش قرار گیرد. بقیه امور مطلوب بالعرض هستند. خداوند حقیقت مطلق است: «ذَلِكَ بَأْنِ اللَّهِ هُوَ الْحَقُّ وَأَنْ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ» (آری [این بدان سبب است که خدا خود حق است و آنچه به‌جای او می‌خوانند آن باطل است و این خداست که والا و بزرگ است) (حج/۶۲). جستجو برای این حقیقت مطلق، هدف اصلی ماست و البته راه‌های مختلفی برای نزدیکی به خدا وجود دارد. عبادت، مشتمل بر هر عملی است که ما را به خدا نزدیک می‌سازد. مطالعه طبیعت که راه مهمی برای کشف عظمت، دانش و قدرت بی‌منتهای خداوند است، نوع دیگری از عبادت است. از طرف دیگر قرآن متذکر شده است که از طریق آیات خداوندی در آفاق و انفس، می‌توان پی به حقایق خداوند برد (همان: ص ۷۱): «سَرُّبِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ

نقشی اساسی ایفا می‌کند. اعمالی چون وضو، غسل، غسل تعمید، تطهیر، شستشوی اموات، آب‌پاشیدن به دنبال مسافر، آب‌پاشیدن بر گور و ... که در ادیان و فرهنگ‌های مختلف رایج هستند به علاوه مثل‌ها و جملاتی که در مورد ارزش آب ذکر می‌شود، همگی گویای اهمیت و ارزش نمادین آب در زندگی انسان هستند.

۵- واژه پژوهی ماء و مطر و کاربردهای قرآنی آنها

۵-۱- ماء

واژه آب (ماء) به معنی هر مایع غیر جامدی است چه آب مطلق باشد چه آب‌های مضاف (مثل آب میوه) ولی وقتی به صورت مطلق (ماء) استعمال می‌شود، منصرف به آب خالص است. بنابراین معنای معمولی ماء همان آب است اما گاهی به هر شیء مایع «ماء» گفته می‌شود. مانند فلزات مایع و امثال آن (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶). آب در اصطلاح به مایعی گفته می‌شود که از دو عنصر هیدروژن و اکسیژن ساخته شده است و در درجات حرارت پائین، اکسیژن زیاد جذب می‌کند؛ یعنی در زمستان بیشتر از تابستان اکسیژن جذب می‌کند.

۵-۲- کاربرد قرآنی ماء

واژه ماء ۶۳ مورد در قرآن به کار رفته است که از این میان ۵۹ بار به شکل ماء و در دیگر موارد به شکل‌های ماء ک و ماء کم و ماءها و ماءها، هر کدام یکبار آمده است. گروهی از اندیشمندان علوم اسلامی ۶ وجه را برای واژه ماء در نظر گرفته‌اند؛ وجه اول: باران (وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا - فرقان/۴۸). وجه دوم: نطفه (هُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا - فرقان/۵۷). وجه سوم: دو آب یعنی آب آسمان و زمین (وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدَرٍ - قمر/۱۲). وجه چهارم: آب (فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا -

نساء/۴۳). وجه پنجم: برف (وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً يَقْدِرُ فَاسْكَتَاهُ فِي الْأَرْضِ - مومنون/۱۸). وجه ششم: آب بهشت (ماء مسكوب - واقعه/۳۱).

۳-۵- کاربرد قرآنی مطر

در قرآن، مطر و هم ریشه‌های آن ۱۵ بار آمده است. مطر نام عام باران است. برخی آورده‌اند که فعل سه حرفی مَطَرَ دربارهٔ خیر و برکت و باران و رحمت است اما واژه اَمَطَرَ در مورد عذاب است: «وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حَجَارَةً مِنْ سَجِيلٍ» (و بر آنها سنگ‌هایی از سنگ گل بارانیدیم) (حجر/۷۴).

۶- آب از نگاه قرآن

آب نعمت، رحمت، رزق و برکت الهی است که خداوند آن را از سر لطف در اختیار آدمی نهاده و سنگ بنای حیات و رمز و راز زندگی است. خداوند متعال، آب را پاکیزه و پاک‌کننده آفریده و آن را در تسخیر آدمیان قرار داده تا از آن بهره برند (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۸۸). در قرآن و سخنان معصومان (ع)، مطالب فراوانی پیرامون سودمندی‌ها و سهم موثر آب در زندگی بشر و دیگر جانداران و نقش آن در سرسبزی و نشاط زمین به ما رسیده است. قرآن کریم آن‌جا که از آب و آشامیدنی سخن به میان آورده، به نحوی درس خداشناسی، ربوبیت الهی، نعمت و رحمت خدای سبحان را گوشزد کرده و از طرفی ناتوانی بندگان، ایجاد حس تشکر و پرستش، ناپایداری و بی‌ارزشی دلبستگی‌های مادی را مورد دقت قرار داده و مردم را متوجه سرب‌آوردن سبزی‌ها از زمین مرده و حشر و نشر قیامت را به آن تشبیه کرده است که این دیدگاه‌های قرآنی، جلوه‌ای معنوی به موضوع آب می‌بخشد. اینک با ذکر نمونه‌هایی از این آیات، از منظری معنوی تصویر توحید افعالی و الطاف الهی را در جریان آب می‌نگریم که چه گویا و زیبا، «آب» نشانهٔ عظمت پروردگار قرار گرفته است:

۱-۶- بیداری فطرت

قرآن کریم در برخی آیات با طرح سوال، وجدان انسان را بیدار و او را به تفکر در ربوبیت و تدبیر الهی در همه امور وامی‌دارد. مثلاً در آیه ۲۷ سوره سجده میفرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ» (آیا ننگریسته‌اند که ما باران را به سوی زمین بایر می‌رانیم و به وسیله آن کشته‌ای را برمی‌آوریم که دام‌هایشان و خودشان از آن می‌خورند مگر نمی‌بینند). علامه طباطبایی در تفسیر کبیر المیزان درباره این آیه می‌فرماید که این آیه، یکی دیگر از آیات خدای سبحان را تذکر می‌دهد که بر حسن تدبیر او نسبت به موجودات و مخصوصاً موجودات زنده از قبیل چارپایان و انسان دلالت می‌کند و مراد از سوق آب به سوی زمین خالی از گیاه، راندن ابرهای حامل باران به سوی آن سرزمین است. پس از نزول باران از ابر، حیات زمین و بیرون شدن زرع و تغذیه انسان و چارپایان تامین می‌شود. چارپایانی که خداوند آن‌ها را رام انسان کرده تا برای رسیدن به مقاصد حیات خود تربیتشان کنند. جمله أَفَلَا يُبْصِرُونَ، تنبیه و توبیخ کفار است که چرا این آیات را نمی‌بینند.

۲-۶- اراده پروردگار در انجام امور

این نکته مهم که اراده و تدبیر الهی در پس پرده همه علت‌ها و کارهاست، از ارزشمندترین مسائل معرفتی است که بارها در آیات مرتبط با آب یاد شده است و این خود، نشانی از قداست آب در فرهنگ قرآن کریم است که آب و باران، صفحاتی از کتاب توحید را تشکیل داده‌است. بدیهی است که معنای اراده و تدبیر الهی، نفی تاثیر اسباب و مسبب نیست، بلکه همه در طول یکدیگر قرار دارند. قرآن کریم نیز، سرسبزی و زنده شدن زمین و میوه و زراعت را هم به اسباب مادی مثل آب و هم به اراده و خواست خداوند نسبت

می‌دهد: «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (و خدا از آسمان آبی فرود آورد و با آن زمین را پس از پژمردنش زنده گردانید قطعاً در این امر برای مردمی که شنوایی دارند نشانه‌ای است) (نحل/۶۵). علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌دارند که مقصود آیه، رویاندن و سرسبز کردن زمین بعد از خزان و خمودی آن در زمستان است که پس از فرارسیدن بهار و آمدن باران بهاری، ریشه گیاهان و تخم آن‌ها بعد از یک دوره سکون، شروع به رشد و نمو می‌کند و این خود یک زندگی و از سنخ زندگی حیوانی است هرچند که یک مرحله ضعیف از آن است و اینکه فرمود «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ»، مراد از شنیدن، پذیرفتن سخنانی است که باید پذیرفت؛ زیرا عاقل که طالب حق است، وقتی چیزی می‌شنود که احتمال حقانیتش را می‌دهد، گوش فراداده و کاملاً فرا می‌گیرد و حفظ می‌کند. پس وقتی برای کسی که قریحه قبول کردن حق را دارد، داستان فرستادن باران و زنده کردن زمین بعد از مرگش نقل شود، همین داستان برای او آیات و دلیلی است بر مسئله بعث روز قیامت و می‌فهمد کسی که بدین وسیله زمین مرده را زنده کرد، می‌تواند مردگان را هم زنده کند.

۳-۶- رحمت

قرآن کریم در آیاتی چند، باران را رحمت الهی نامیده است: «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (و اوست آن کس که بادهای را نویدی پیشاپیش رحمت خویش [=باران] فرستاد و از آسمان آبی پاک فرود آوردیم) (فرقان/۴۸). باتوجه به عنوانی که مطرح گردید، در تفسیر این آیه به رحمت بودن باران زیاد توجه نشده، بلکه بیشتر مفسران به تفسیر اصطلاح ماءً طَهُورًا پرداختند. اکثر



لطافت، رقت و سایر ویژگی‌هایی است که اگر جز این بود، حرکت کشتی‌ها روی آب ممکن نبود. همچنین بادها به‌گونه‌ای تنظیم و رام شده‌اند که برخلاف جهت جریان آب نیز می‌وزند. این مورد به‌وضوح نشانگر وجود آفریدگاری توانا و ارزانی‌دهنده نعمت‌هاست. آفریدگاری که برای تامین منافع انسان، این نظام را پدیدآورده و این خواص و ویژگی‌ها را در آب و باد و موادی که کشتی‌ها را از آنها می‌سازند، قرار داده است. همچنین نظام شگرف حاکم بر آب دریا و حرکت کشتی بر پهنة اقیانوس‌ها، نشان‌دهنده آن است که پدیدآورنده این نظام شگرف، از جنس بشر یا پدیده‌ها نیست؛ چراکه نه انسان بر چنین آفرینش و تدبیری تواناست و نه هیچ موجود یا پدیده دیگری. هم‌چنین در توضیح مورد ریزش حساب شده باران باید مرقوم داشت که آفرینش و جریان آب بر روی زمین که مایه حیات است و نیز فرود آمدن آن از آسمان به‌صورت قطراتی ریز و درشت و آن‌گاه برخورد حساب شده آنها با هم در فضا، سپس پدید آمدن چشمه‌ها و جوی‌ها، نهرها و گاه سیل‌های مهیبی از آنها، هم‌چنین ریزش باران در زمان‌های مشخص و با حساب و اندازه‌های معین، همه و همه بر وجود آفریدگاری دانا و فرزانه دلالت دارد. نظام بخش بی‌همتایی که این نظام شگرف را در آفرینش آب و فرود باران، تدبیر کرده است.

۵-۶- آب، نعمت فراوان

قرآن کریم از نعمت فراوان، با واژه «آب گوارا» تعبیر فرموده است: «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (و اگر مردم) در راه درست پایداری ورزند قطعاً آب گوارایی بدیشان نوشانیم) (جن/۱۶). اکثر مفسران مَاءً غَدَقًا را به‌معنای آب زیاد بیان کردند، ولی علامه طباطبایی علاوه بر این‌معنا، به‌معنی «وسعت رزق» هم در نظر گرفتند و در آیه بعد، جمله

مفسران، «مَاءٌ طَهُورًا» را آب پاکیزه معنا کردند که هم طاهر است و هم مطهر (پاک‌کننده غیر خودش)، تا زمانی که چیزی به او نرسد که آن را کثیف کند، با آن می‌توان رفع حدث و نجاست کرد. قابل ذکر است که علامه طباطبایی در تفسیر المیزان، مَاءٌ طَهُورًا را به‌معنای نهایت درجه پاک‌ی بیان کردند.

۴-۶- بارش، نشانه قدرت خداوند

قرآن کریم، بارش و آثار آن را نشانه الهی نامیده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (راستی که در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا روانند با آنچه به مردم سود می‌رساند و [همچنین] آبی که خدا از آسمان فرو فرستاده و با آن زمین را پس از مردنش زنده گردانیده و در آن هرگونه جنبنده‌ای پراکنده کرده و [نیز در] گردانیدن بادها و ابری که میان آسمان و زمین آرمیده است برای گروهی که می‌اندیشند واقعا نشانه‌هایی [گویا] وجود دارد) (بقره/۱۶۴). شیخ طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان، این آیه را یکی از دلایل توحیدی و یکتاپرستی دانسته و این دلایل و نشانه‌ها را به‌صورت زیر تفکیک و تشریح کرده‌اند: الف) آفرینش آسمان‌ها (ب) گردش شب و روز (ج) حرکت کشتی‌ها بر پهنة اقیانوس‌ها (د) ریزش حساب شده باران (ه) زنده ساختن زمین و زمان (و) آفرینش جنبندگان (ز) وزش بادها (ح) ابرهای رام شده میان آسمان و زمین. در توضیح مورد حرکت کشتی‌ها بر پهنة اقیانوس‌ها باید بیان داشت که کشتی‌هایی که به سود مردم بر روی آب‌ها روانند، حرکتشان به‌دلیل ماهیت آب،



«لَنْفَتْنَهُمْ فِيهِ» هم این احتمال را تایید می‌کند. علامه فرمودند که خدای تعالی غالباً با توسعه رزق، بندگان را امتحان می‌کند.

۶-۶- آب، نعمتی بهشتی

یکی از نعمت‌هایی که قرآن کریم مکرراً به آن بشارت داده، بهره‌مندی از نعمت آب است و بهشت، چهل بار به نهرهای جاری خود توصیف شده و در مواردی چشمه، نوشیدنی و ... به صورت مستقل یاد شده است: «مِثْلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِنْ رَبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ» (مثل بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [چون باغی است که] در آن نهرهایی است از آبی که [رنگ و بو و طعمش] برنگشته و جوی‌هایی از شیری که مزه‌اش دگرگون نشود و رودهایی از باده‌ای که برای نوشندگان لذتی است و جویبارهایی از انگبین ناب و در آنجا از هرگونه میوه برای آنان [فراهم] است و [از همه بالاتر] آموزش پروردگار آنهاست [آیا چنین کسی در چنین باغی دل‌انگیز] مانند کسی است که جاودانه در آتش است و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فرو پاشد) (محمد/۱۵).

علامه طباطبایی «فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ» را به آبی که با زیاد ماندنش بو و طعم خود را از دست نمی‌دهد، تعبیر کرده‌اند و «وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ» نهرهایی از شیر که مانند شیر دنیا طعمش تغییر نمی‌کند و «وَأَنْهَارٌ مِنْ خَمْرٍ لَذَّةٍ لِلشَّارِبِينَ» نهرهایی از خمر که برای نوشندگان لذت‌بخش است و «وَأَنْهَارٌ مِنْ عَسَلٍ مُصَفًّى» یعنی عسل خالص و بدون موم و خاشاک و سایر چیزهایی که در عسل دنیا هست و آن را فاسد و معیوب می‌کند. «وَلَهُمْ فِيهَا مِنْ

۶-۷- باران، امدادی غیبی در جنگ بدر

باران یکی از موهبت‌های الهی است که در جنگ بدر به مسلمانان داده شد و سه اثر مهم داشت: «إِذْ يُغَشِّيكُمُ النَّعَاسَ أَمْنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ» (به یاد آورید) هنگامی‌را که [خدا] خواب سبک آرامش‌بخشی که از جانب او بود بر شما مسلط ساخت و از آسمان بارانی بر شما فروریزاند تا شما را با آن پاک گرداند و وسوسه شیطان را از شما بزدايد و دل‌هایتان را محکم سازد و گام‌هایتان را بدان استوار دارد) (انفال/۱۱). علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان این چنین آورده‌اند که این آیه شریفه، موید روایاتی است که می‌گوید کفار قبل از مسلمین به لب چاه رسیدند و مسلمین وقتی پیاده شدند که کفار، آب را گرفته بودند و به‌ناچار در زمین خشک و ریگزار پیاده شدند. بعد از مدتی که مسلمانان آلوده و محتلم شده و همگی دچار تشنگی شدند، شیطان در دل‌هایشان وسوسه کرد و گفت که دشمنان شما آب را گرفتند و اینک شما با جنابت و نجاست نماز می‌خوانید و پاهایتان در ریگ‌ها فرومی‌رود. لذا خداوند باران را بر ایشان بارانید و با آن، همه غسل جنابت کرده و خود را از آلودگی تطهیر نمودند و همچنین اردوگاه آنان که ریگزار بود،



آب‌های زیرزمینی هم از ذخائری است که به وسیله باران پدید می‌آید. این آیه انسان را به تفکر وا می‌دارد که چگونه باران که شامل این آب بزرگ است، بوجود می‌آید و چگونه معلق در هوا و آسمان باقی می‌ماند.

۱۰-۶- آب، نعمت الهی

نگاه کلی به آیات مربوط به آب نشان می‌دهد که از بین نقش‌های آن در حیات همه موجودات زنده، بر منافع مستقیم و غیرمستقیم آب برای انسان تاکید شده است و بخش فراوانی از این آیات، درصدد برشمردن نعمت‌های الهی است. از این‌رو، این بخش از آیات به‌طور صریح یا غیرصریح، بندگان خدا را به شکر این نعمت بزرگ می‌خواند. «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحِحَ فَاَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ» (و بادها را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم و شما خزانه‌دار آن نیستید) (حجر/۲۲). علامه طباطبایی در تفسیرالمیزان بیان می‌دارند که این آیه به باران اشاره می‌کند که از ابرها فرو می‌ریزد. در مباحث علمی عصر مسلم است که آب موجود در کره زمین از باران‌هایی است که از آسمان فرو ریخته‌اند. قسمت اول این آیه، مسأله نر و مادگی و تلقیح گیاهان را مطرح می‌کند و قسمت دومش، مسئله پیدایش آب از باران را اثبات نموده است.

۱۱-۶- عرش خدا بر آب

آیه ۷ سوره هود، از بودن عرش خدا بر آب خبر می‌دهد: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِنْ قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ» (و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود تا شما را بیازماید که کدام یک نیکوکارترید و اگر بگویید

سفت و محکم گشت و اردوگاه کفار، لغزنده و گلی شد.

۸-۶- اصل خلقت جنبندگان از آب

قرآن کریم در آیه ۴۵ سوره مبارکه نور می‌فرماید: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ» (و خدا هر جنبنده ای را از آب آفرید). علامه طباطبایی در ذیل این آیه در تفسیرالمیزان آورده‌اند که خداوند تمامی جانداران را از آب خلق می‌کند و در عین حال وضع هر حیوانی با حیوان دیگر مختلف است. بعضی‌ها با شکم راه می‌روند مانند کرم‌ها و مارها و بعضی دیگر با دوپا راه می‌روند مانند آدمیان و مرغان و بعضی دیگر با چهارپا راه می‌روند چون چهارپایان و درندگان. دکتر موریس بوکای با طرح این آیه می‌نویسد که زندگی منشأ آبی داشته و آب اولین تشکیل دهنده هر سلول زنده است. آنچه در اینجا آب ترجمه شده، کلمه ماء است که همچنانکه آب آسمان را تعیین می‌کند، آب اقیانوس‌ها یا هر مایعی را نیز نشان می‌دهد. به معنی دوم، مایع می‌باشد که کلمه ماء به‌صورت نامشخص برای تعیین آنچه که مبنای تکوین هر حیوان است، به کار می‌رود. کلمه ماء در معنای سوم می‌تواند به نطفه حیوان (منی) نیز اطلاق شود.

۹-۶- تدبر و تفکر

قرآن تاکید دارد انسان به خوراک خویش و پیشینه و مراحل پیدایش خود بنگرد. آیات ۲۴ و ۲۵ سوره عبس می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا» (پس انسان باید به خوراک خود بنگرد که ما آب را به‌صورت بارشی فرو ریختیم). علامه طباطبایی فعل «صَبَّ» را در معنای ریختن آب از بلندی که همان باران است، در نظر گرفتند. در ادامه افزودند که منظور در اینجا، فروفرستادن باران‌ها بر زمین برای رویاندن گیاهان است و بعید نیست که شامل جاری‌ساختن چشمه‌ها و نهرها نیز شود. چون



متخصصان و صاحب‌نظران علوم، اظهارنظرهایی کرده‌اند و قرآن کریم نیز در برخی آیات به این مطلب اشاره کرده است که به دلیل انطباق آن با نظریات علمی، برخی این مطلب را از معجزات علمی قرآن دانسته‌اند. قرآن کریم در چندجا اشاره دارد که ریشهٔ زندگانی هم در منشأ و سرچشمه و هم در پیدایش و پدیدارباش در صحنهٔ هستی، همه از آب است. خدای تعالی در آیهٔ ۳۰ سورهٔ انبیاء می‌فرماید: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (و هرچیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم). از ظاهر این آیه استنباط می‌شود که مادهٔ اصلی حیات موجودات زنده، آب است. آنگونه که بدون آب، هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. شیخ طبرسی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «مقصود خداوند از این آیه آن است که به‌وسیلهٔ آبی که از آسمان نازل می‌کنیم، هرچیز زنده‌ای را حیات می‌بخشیم و روایت عیاشی از امام صادق را نقل کرده که حضرت دربارهٔ پرسشی دربارهٔ طعم آب، با استناد به همین آیه فرمود: طعم آب، طعم حیات است». دکتر پاک‌نژاد هم دربارهٔ این آیه چنین گفته است: «وجود حیات به آب بستگی دارد. در قرآن پافشاری عجیبی است که نشان دهد مردگان همانگونه زنده می‌شوند که در بهار به‌وسیلهٔ آب، زمین زنده می‌شود. یک موضوع مسلم است که برای زنده‌شدن و زنده‌بودن و زنده‌ماندن، وجود آب ضروری است و حیات همه‌چیز به آب بستگی دارد. اگر در موجود متابولیسم و سوخت‌وساز آب به‌خوبی انجام گیرد، موجود سالم می‌ماند و آنجاکه بد انجام گیرد، مریض می‌شود و اگر انجام نگیرد، می‌میرد.»

شما پس از مرگ برانگیخته خواهید شد قطعاً کسانی که کافر شده‌اند خواهند گفت این [ادعا] جز سحری آشکار نیست). اکثر مفسران بر این عقیده‌اند که عرش خدا قبل از خلقت آسمان‌ها و زمین، بر روی آب بود. شیخ طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان به این مطلب می‌پردازد که دو پدیدهٔ عرش و آب، قبل از آغاز آفرینش آسمان‌ها و زمین پدید آمده‌اند و آب که اینک در دریاها و اقیانوس‌ها و جویبارها و چشمه‌سارها روان است، در بستر و قرارگاه دیگری بوده و خدا به قدرت بیکران خود، آن را در جایگاهی نگاه می‌داشته و این بزرگترین درس خداشناسی و عبرت‌آموزی برای همهٔ خداجویان و انکارگران آفریدگار توانای هستی است. در تفسیرالمیزان هم علامه طباطبایی در ذیل این آیه می‌نویسد: «وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ جمله‌ای است حالیه و معنای مجموع آیه این است که خدای تعالی در وقتی که به خلقت آسمان‌ها و زمین پرداخت، عرشش بر آب بود و بر آب بودن عرش کنایه است از اینکه مالکیت خداوند در آن روز مستقر بر این آب بود که مادهٔ حیات و زندگی است. چون عرش و تخت سلطنت هر پادشاهی عبارت است از محل ظهور سلطنت او و استقرار پادشاه بر آن محل به‌معنای استقرار ملک او بر آن محل است. پس استواء بر عرش به این معناست که خدای تعالی بعد از خلقت آسمان و زمین در دو روز، به امر تدبیر مخلوقات خود پرداخت». دکتر پاک‌نژاد نیز در کتاب خود به‌نام اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، دربارهٔ همین موضوع می‌نویسد که این ماء و آبی که عرش خدا بر آن بود، آب معمولی و آشامیدنی نیست (پاک‌نژاد، ۱۳۴۳، ص ۱۰۸).

۱۲-۶- آب، منشأ حیات

یکی از مسائلی که همیشه فکر بشر را به‌خود مشغول کرده است، مسئله حیات و چگونگی پیدایش آن در زمین بوده است. در این‌مورد



۷- نقش‌های آب

۷-۱- تامین غذای انسان

انسان برای ادامه زندگی خود، نیازمند غذایی است که از محصولات کشاورزی چون غلات، دانه‌ها، سبزی‌ها، انواع میوه‌های درختان، دام، شیلات و ... تشکیل می‌شود. همان‌گونه که بشر به دلیل نیازمندی به غذا و آب همواره در طول تاریخ نقش و تاثیر آب را در همه شئون حیات خود به روشنی احساس می‌کرده و به آب با دیده اهمیت می‌نگریسته، بخش اعظم آیات مربوط به آب نیز نقش اصلی را در تامین غذای انسان به آب داده است. پیام اصلی این آیات که بدون استثناء فقط خداوند را تامین‌کننده این آب معرفی کرده، بر شمردن نعمت‌های خداوند برای انسان و نشان دادن آیات الهی و قدرت خدا به وی در همه صحنه‌های عالم و در لحظه لحظه زندگی او است تا به ایمان به الله، توحید و معاد راهنمایی‌اش کند و با بر شمردن نعمت‌های خدا، انسان را به شکر این نعمت‌ها فراخواند. در این باره، آیه ۲۲ سوره بقره و آیه ۳۲ سوره ابراهیم پس از بیان نزول آب از آسمان می‌گوید: «وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ» (و از آسمان آبی فرود آورد و بدان از میوه‌ها رزقی برای شما بیرون آورد).

۷-۲- رفع تشنگی

خداوند سبحان در مقام امتنان، آشامیدن آب را بر بندگان مباح اعلام کرده است: «كُلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ» (از روزی خداوند، بخورید و بیاشامید) (بقره/۶۰). آیاتی از قرآن کریم ضمن اشاره به این نیاز انسان، خداوند را تامین‌کننده آب آشامیدنی برای انسان معرفی کرده است: «فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ» (از آسمان آبی نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم) (حجر/۲۲). در آیه ۴۸ و ۴۹ سوره فرقان، آب با وصف طهور آمده است و در کنار انسان از دام نیز

یادشده که این آب طهور برای آشامیدن آنها مهیا شده است: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا. وَنَسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْفُسِي كَثِيرًا» (و از آسمان آبی پاک فرود آوردیم و آن را به آنچه خلق کرده‌ایم از دام‌ها و انسان‌های بسیار بنوشانیم). در این آیات نیز با اینکه همه حیوانات از آب برای آشامیدن استفاده می‌کنند، فقط از انسان و دام یادشده است و این شاید از آن جهت است که آیات گذشته در مقام شمارش نعمت‌های خاص خداوند به انسان است.

۷-۳- احیای زمین

یکی از آثار مهم و گسترده آب در زمین که انسان از منافع مستقیم و غیرمستقیم آن بهره می‌برد، احیای زمین است که در بیش از ده آیه بر آن تاکید شده است. در آیه ۶۳ سوره عنکبوت آمده است: «وَلَوْ أَنَّ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ» (و اگر از آنان بپرسی چه کسی از آسمان آبی فرود ستاده و زمین را پس از مرگش به وسیله آن زنده گردانیده است حتماً خواهند گفت الله بگو ستایش از آن خداست با این همه بیشترشان نمی‌اندیشند). شیخ طبرسی و علامه طباطبایی به ترتیب در تفاسیر خود یعنی مجمع‌البیان و المیزان، نظرات مشابهی در مورد این آیه دارند. فرموده‌اند: «مراد از احیای زمین بعد از مردن آن، رویاندن گیاهان در بهار بعد از مردن زمستان است. قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ یعنی خدا را در برابر اینکه حجت را بر دشمنان تمام کرد و مجبورشان کرد که اعتراف کنند به اینکه مدبر امور خلقت نیز خداست، حمد بگو؛ چون با این اتمام حجت، دیگر چاره‌ای ندارند جز اینکه تنها خدا را بپرستند و بت‌ها و ارباب آن‌ها را رها کنند. بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ یعنی بیشتر آنها در آیات خدا تدبر نمی‌کنند و عقل خود را

قاضی و حاکم نمی‌کنند تا خدا را بشناسند و حق را از باطل تمیز دهند».

۴-۷- وسیله ویرانی و نابودی

آب از جمله نعمت‌های الهی بشر است و وجود آن همواره مایه عمران و آبادانی زمین و همچنین عاملی برای توسعه و فراوانی در رزق و انواع نعمت‌ها است. اما گاهی نیز ویرانی‌هایی را به دنبال دارد. خداوند در آیات ۱۱ و ۱۲ سوره قمر می‌فرماید: «فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ. وَفَجَرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ» (آنگاه درهای آسمان را به سیلابی تند گشودیم و چشمه‌هایی بر زمین جاری ساختیم. آب‌ها برای کاری که مقدر شده بود، به هم پیوستند). شیخ طبرسی در مجمع‌البیان گفته: «كَلِمَةُ هَمْرٍ بِمَعْنَى رِيخْتِنِ اشك و باران به شدت و انهمار به معنای روان شدن است و «فتح آسمان (جو بالای سر) به آبی منهمر و روان» کنایه‌ای است تمثیلی از شدت ریختن آب و جریان متوالی باران. گویی باران در پشت آسمان انبار شده و نمی‌توانسته پایین بریزد. همین که درب آسمان باز شده، به شدت هرچه تمام‌تر فروریخته است.» در تفسیر آیه بعد که علامه طباطبایی هم با این نظر موافق است، می‌گوید: «آب به همان مقداری که خدا خواسته بود، بدون کم و زیاد و بدون تندی و کندی، این معاضدت را انجام داد. بنابراین کلمه «ماء»، اسم جنسی است که در اینجا آب آسمان و آب زمین از آن اراده شده و به همین جهت نفرمود: «ماءان= دو آب»؛ چون نیازی به تشبیه آمدن آن نیست و مراد از «امری که مقدر شده بود»، آن صفتی است که خدا برای طوفان مقدر کرده است».

۵-۷- طهارت و بهداشت

بی‌شک آب از مهمترین وسیله‌های نظافت و بهداشت عمومی است. در واقع وظیفه آب، پاک کردن و شستشو دادن است. در واقع وظیفه

آب، پاک کردن و شستشو دادن است. قرآن و روایات اسلامی آب را وسیله طهارت معنوی می‌دانند که علاوه بر شستن تن، جان را جلا می‌بخشد و روح را آماده صعود و حضور در پیشگاه پروردگار متعال می‌کند (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۵۴). خداوند در آیه ۱۱ سوره انفال می‌فرماید: «وَيَنْزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ». همچنین در آیه ۴۸ سوره فرقان می‌فرماید: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا». این آیات بیانگر عامل پاکیزگی بودن آب می‌باشند که در صفحات و مطالب قبلی، مباحث تفسیری آن‌ها بیان گردید.

۸- آب در آخرت

آیاتی چند از وجود آب در آخرت به صورت چشمه‌ها و نوشیدنی‌ها خبر می‌دهد که بندگان ویژه خداوند و اهل بهشت، از آن می‌نوشند. وصف آب در این آیات، آب را فراتر از آب دنیا و با ویژگی‌هایی برتر از آن می‌شناسند. آیه ۱۵ سوره محمد، از وجود ۴ نوع نهر در بهشت خبر می‌دهد که به پرهیزگاران وعده داده است و یک نوع آن، نهرهایی از آب است که بدبو نمی‌شود «فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ». آیه ۳۱ سوره واقعه، از آب همیشه جاری برای بهشتیان که هرگز قطع نمی‌شود، خبر می‌دهد «وَمَاءٌ مَسْكُوبٌ». از سویی دیگر، آب یکی از نوشیدنی‌های اهل دوزخ نیز شمرده شده است. اما این آب: ۱- گاه به جوشان (حمیم) وصف شده است که هنگام تشنگی اهل جهنم به آن‌ها داده می‌شود و آنگاه اندرونشان را پاره پاره می‌کند: «وَسَقُوا مَاءً حَمِيمًا فَفَطَعُوا أَمْعَاءَهُمْ» (و آبی جوشان به خوردشان داده می‌شود [تا] روده‌هایشان را از هم فروپاشد) (محمد/۱۵). ۲- گاه به چرکابه (صدید) تشبیه شده است: «مِنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَى مِنْ مَاءٍ صَدِيدٍ» (آن کس که [دوزخ] پیش روی اوست و



حرام کرده است). علامه طباطبایی در ذیل این آورده: «اهل دئوخ از اهل بهشت تنها انتظار آب ندارند، بلکه تقاضای همه انواع نعمت‌ها را می‌کنند. چیزی که هست به‌طور عموم مجاز از همه آنها به افاضه تعبیر شده است. ممکن هم هست کسی بگوید: افاضه تنها به معنای فروریختن آب نیست تا اطلاقش در غیر آب مجاز باشد، بلکه به معنای دادن نعمت فراوان است. این آیه اشاره دارد بر اینکه مکان اهل جنت بلندتر از مکان دوزخیان است و اگر ابتدا از میان همه نعمت‌ها آب را ذکر کرده و آنگاه بقیه نعمت‌ها را، از این جهت است که برای دوزخیان و مبتلایان به حرارت دوزخ، آب از هرچیز دیگر ضروری‌تر است».

۹- اسرار کوهها

قرآن مجید در ضمن آیاتی به دوراز بزرگ کوهها اشاره نموده است: سرچشمه نهرها، ۲- تصفیة آب

۱-۹- سرچشمه نهرها

قرآن مجید در برخی آیات از جمله آیه ۳ سوره رعد: «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا» (و اوست خدایی که زمین را گسترده و در آن کوهها برافراشت و نهرها جاری ساخت). هنگام یادآوری آفرینش کوهها، از وجود نهرها و چشمه‌های بزرگ که یکی از مظاهر بزرگ خلقت و نشانه وجود تدبیر در عالم آفرینش هستند، سخن می‌گوید و دلیل اینکه این دو (کوهها و نهرها) را در کنار هم ذکر می‌کند این است که ریشه این نهرها و شط‌های عظیم، وجود کوههاست؛ زیرا همان‌طور که می‌دانیم، هوا در قسمت ارتفاعات بسیار سرد است و برف و باران مانند یخچال‌های طبیعی در آنجا ذخیره می‌گردد و در بسیاری از فصول سال بر اثر کاهش حرارت، پوشیده از برف و یخ است و در فصل

به او آبی چرکین نوشانده می‌شود) (ابراهیم/۱۶). در رابطه با این آیه، اکثر مفسران نظرات مشابهی دارند. این آیه وصف حال کفار است. شیخ طبرسی پیرامون آیه فرمود: «و چرک و خون کثیف و نفرت‌انگیز را به آنان نزدیک می‌سازند و آنان از آن اظهار تنفر می‌کنند اما به‌ناگزیر می‌نوشند. هنگامی که به دهانشان رسید، چهره‌هایشان گداخته می‌شود و پوست سر و صورتشان در آن می‌ریزد و زمانی که نوشیدند، همه اعضای درونی آنها متلاشی گشته و از آنان دفع می‌شود». ۳- گاه به فلز گداخته‌ای تشبیه شده که اگر ظالمان در جهنم آب بطلبند، آبی چون فلز گداخته به آنان داده می‌شود که صورت‌هایشان را بریان خواهد کرد: «وَأِنْ يَسْتَعْجِلُوا يَغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ» (و اگر فریادرسی جویند به آبی چون مس گداخته که چهره‌ها را بریان می‌کند یاری می‌شوند) (کهف/۲۹). شیخ طبرسی در تفسیر مجمع‌البیان در این‌باره اقوالی را ذکر کرده است: «اگر از شدت تشنگی به فریاد درآیند و تقاضای آب کنند، به آنان آب داده می‌شود. اما چه آبی؟ ابن مسعود می‌گوید که به آنان آبی داده می‌شود که همانند مس گداخته است و پاره‌ای برآند که آبی همانند ته‌مانده روغن جوشان زیتون به آنان داده می‌شود که وقتی سر خود را به آن نزدیک می‌کنند، پوست چهره و سر آنان کنده می‌شود». آیه ۵۰ سوره اعراف نیز از تقاضای اهل دوزخ خبر داده که از اهل بهشت می‌خواهند مقداری آب بر آنان فروریزند و پاسخ می‌شنوند که خداوند، آن آب را برای کافران حرام کرده است: «وَنَادَى أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَمَهُمَا عَلَيَّ الْكَافِرِينَ» (و دوزخیان بهشتیان را آواز می‌دهند که از آن آب یا از آنچه خدا روزی شما کرده بر ما فروریزید می‌گویند خدا آن‌ها را بر کافران



به حساب می‌آیند. حتی در سرزمین‌های یونان، ماد و پارس که رود مهمی نداشتند، آب و کوه با حیات و فرهنگشان گره خورده بود. از همان دوران بسیار کهن، بشر به این حقیقت پی برده بود که کوهستان در تولید آب و باران و حفظ منابع آب و تراوش آن به صورت چشمه و نهر و رود، تاثیر مستقیم دارد. پس تقدس آب و کوه از دیرزمان با یکدیگر پیوند داشته‌اند. کوه نه تنها منبع آب که پناهگاه مناسب و زیستگاه شایسته و چراگاه طبیعی محسوب می‌گردید و طبعاً این بایستگی و شایستگی به کوه‌های آزا بیشتر تعلق داشت. در واقع اگر به خوبی بنگریم، همیشه رابطه تنگاتنگ میان انسان و زمین و کوه و آب و آسمان و خورشید وجود داشته و این عناصر در اندیشه‌ها و باورهای بشر قدیم به‌عنوان مختلف گرامی و حتی مقدس بوده اند و طبعاً هر یک ایری داشته‌اند و اسطوره و آئین‌های عبادتی (قرشی، ۱۳۸۰، ص ۴۵).

۱۱- باد در قرآن کریم

۱۱-۱- نقش باد در برانگیختن ابرها

با تابش خورشید بر سطح دریاها و اقیانوس‌ها، آب آنها تبخیر شده و به صورت بخار به سمت بالا صعود می‌کند. این بخارات در اثر برخورد با قسمت‌های سرد جو، به شکل ابر در می‌آیند. ابرها به‌طور طبیعی در جای خود ثابت باقی می‌مانند و تنها در صورتی به حرکت در می‌آیند که بادهای آنها را جابجا کنند. بادهای هر طرف، ابرها را گرد هم می‌آورند و پیوسته آنها را در یکدیگر فرو می‌برند. به این ترتیب ابرها فشرده می‌شوند و در اثر این فشردگی، قطرات بسیار ریز آب با یکدیگر مجتمع شده و تولید باران می‌کند. هم‌چنین بادهای با سرد کردن محیط اطراف باعث افزایش فشار بر ابرها می‌شوند. تمام این اعمال از مترکم کردن ابرها، خنک نمودن محیط اطراف و ... دست به

گرما که حرارت همه نقاط نسبت به فصل سرما تغییر می‌کند، برف‌ها و یخ‌ها به تدریج آب شده و به صورت چشمه‌سارها جاری می‌گردد و قشمت اعظم این مایه حیات در سایه کوه‌ها تامین می‌گردد.

۲-۹- تصفیه آب

کوه‌ها در تصفیه آب‌ها، نقش «تصفیه شنی» را دارند. تصفیه شنی عبارت است از عبور آب از لایه‌های شنی. لایه‌های شنی در قسمت پایین از قلوه سنگ‌ها و در قسمت بالا از ماسه‌های نرم تشکیل می‌گردد. عبور آب از طبقات مختلف کوه‌ها سبب می‌شود که ذرات معلق موجود در آب نظیر گل، رنگ، ذرات معلق، ذرات حاصل از خوردگی و ... از آب گرفته شوند و آب از مواد خارجی و زائد، تصفیه می‌گردد. قرآن به این دو راز بزرگ در آیه ۲۷ سورهٔ مرسلات اشاره می‌کند: «وَجَعَلْنَا فِيهَا رِوَاسِيَ شَامِخَاتٍ وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا» (و در زمین کوه‌های بلند برافراشتیم و از ابر و باران به شما آب زلال گوارا نوشاندیم). عبارت "رِوَاسِيَ شَامِخَاتٍ"، ناظر به راز اول است که کوه‌ها بر اثر سردی منطقه به جهت ارتفاع زیاد، حکم مخزن آب را دارند و جمله "وَأَسْقَيْنَاكُمْ مَاءً فُرَاتًا"، ناظر به راز دوم می‌باشد.

۱۰- رابطه کوه و آب

این موضوع که آب و کوه از آغاز حیات انسان بر روی زمین اهمیتی ویژه داشته‌اند، موضوع تازه و ناگفته‌ای نیست. قابل ذکر است که مناسب‌ترین سرزمین‌ها برای بشر اولیه برحسب درجات پیشرفت اجتماعی‌شان متفاوت بود. اندکی پیش از تاریخ و در آغاز تاریخ، تمدن‌های مهمی در مجاورت رودهایی مانند نیل، دجله، فرات، کارون، سند، گنگ، جیحون، سیحون، هیرمند، یانگ تسه کیانگ و ... به وجود آمدند. در حقیقت این رودها به تعبیری مادران فرهنگ بشری



نازل کردیم پس شما را بدان سیراب نمودیم و شما خزانه‌دار آن نیستید).

۳-۱۱- بادهای و ایجاد آرامش روانی

خداوند در آیه ۵۷ سوره اعراف می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي يَرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقِنَا لَهُ لِبَدٌ مِّمَّتٍ فَأُنزِلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نَخْرُجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» (و اوست که بادهای را پیشاپیش [باران] رحمتش مژده رسان می‌فرستد تا آن‌گاه که ابرهای گرانبهار را بردارند آن را به‌سوی سرزمینی مرده برانیم و از آن باران فرود آوریم و از هرگونه میوه‌ای [از خاک] برآوریم بدینسان مردگان را [نیز از قبرها] خارج می‌سازیم باشد که شما متذکر شوید). خداوند بادهای را بشارت‌دهندگان سبزی و خرمی و طراوت معرفی می‌نماید؛ زیرا بادهای به‌دنبال خود، ابرهای باران‌زا می‌آورند و به کابوس مرگ و کم‌آبی پایان می‌بخشند. در میان انسان‌ها هم رسم بر این است که هرگاه بخواهند خبر مسرت‌بخشی را بدهند، ابتدا طلب مژدگانی می‌کنند و یا مژده به امر خوبی می‌دهند، سپس مطلب خود را بیان می‌کنند. بادهای هم برای انسان‌ها بشارت روانی بر ادامه زندگی، سرسبزی و فراوانی نعمت را به‌همراه می‌آورند. بادهای، بشارت بزرگتری برای مومنین و مسلمانان نیز به‌همراه دارند و آن راست بودن وعده قیامت و ضایع‌نشدن اعمال نیک آنها در این دنیا می‌باشد. «وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقِنَا إِلَىٰ بِلَدٍ مِّمَّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ» (و خدا همان کسی است که بادهای را روانه می‌کند پس [بادهای] ابری را برمی‌انگیزند و [اما] آن را به‌سوی سرزمینی مرده راندیم و آن زمین را بدان [وسیله] پس از مرگش زندگی بخشیدیم رستاخیز [نیز] چنین است) (فاطر/۹).

دست هم می‌دهند تا ابرها، امانت خود را که باران می‌باشد، بر زمین بریزند. قرآن با تعبیری لطیف، این بادهای را بادهای مژده‌آور می‌نامد و در آیه ۴۸ سوره فرقان می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (و او خدایی است که بادهای را برای بشارت پیشاپیش باران رحمت خود فرستاد و از آسمان آبی طاهر و مطهر نازل کردیم).

۲-۱۱- باد، پدر و مادر طبیعت

باد افزون بر دریاها، سطح خشکی را نیز در می‌نوردد و با وزش خود، زمینه تلقیح و باروری و به ثمر نشستن گیاهان را فراهم می‌آورد و در نتیجه آن، میوه‌های متنوع و مختلف بر شاخسار درختان خودنمایی می‌کند (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۲۳۳). قرآن کریم، بادهای را تشبیه به پدر و مادر طبیعت می‌کند. بادهای چند نقش عمده در باروری طبیعت دارند. اولین نقش آن‌ها در انتقال گرده گل‌ها می‌باشد. اگر سالی بیاید که بادی در آن نوزد، در آن سال میوه چندانی هم به‌وجود نخواهد آمد؛ چراکه این بادهای هستند که با انتقال گرده گل‌های نر و رساندن آن‌ها به گیاهان ماده، باعث لقاح و ایجاد میوه‌های متنوع در طبیعت می‌شوند. اگرچه حشراتی مثل زنبور عسل هم در گرده‌افشانی موثرند، ولی شعاع حرکت و فعالیت این حشرات محدود است در حالیکه بادهای، گرده گل‌ها را در مسافت‌های بسیار طولانی پخش می‌کنند. باروری بعدی که توسط بادهای صورت می‌گیرد، باروری ابرها و تولید باران است. برای بارش باران سه شرط اساسی لازم است: یکی وجود بخار آب در هوا و دیگری اشباع و تقطیر آنها می‌باشد. شرط سوم، بارورشدن یا همان لقاح در ابرهاست. خداوند در آیه ۲۲ سوره حجر می‌فرماید: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ» (و بادهای را باردارکننده فرستادیم و از آسمان آبی



۱۲- در معرفت حدوث باران

هرگاه که بخار بر هوا شود و سرما بر او زند و ابر گردد، اگر ابر به حکم حرارتی که در او مانده است بالاتر شود یا باد او را تحریک کند و به بالاتر شود یا به هوای سرد رسد، آن سرما بقیت حرارتی که در او مانده است، کسر کند و نیست گرداند و او را نیک کثیف و غلیظ گرداند و صفت بخاری از او باطل کند و صفت آبی به وی بازآورد چنانکه پیش از آن بوده است. پس قطره قطره از هوا به زمین آید، سبب پدید آمدن باران این است. صورت آبی از بخار و ابر شده است و خلع نیفتاده. آنکه کثیف، غلیظ و کثافتی در او بوده است، کمتر شده به حکم حرارت غریب که در او پدید آمده است و بدان سبب از مکان طبیعی خویش مفارقت کرده است. چون به حکم برودت هوا آن حرارت غریب از وی مفارقت کرد، آن کثافت که پیش از آن داشته است به او بازآید و همچنان غلیظ و کثیف و ثقیل شود و قصد فرود آمدن کند به زمین به جایگاه اصلی و طبیعی خویش و سبب قطره قطره گشتن آن است که این به یک دفعه بدان هوای سرد برسد و به تدریج تصاعد می‌کند و آنچه این‌جا می‌رسد، باران می‌شود و اثر حرارت در تفریق و انتشار و پراکنده شدن و بسط گشتن است و اثر برودت در فراهم آوردن و جمع بستن. پس آن ابر که به حکم حرارت منبسط گشته است چون برودت بر او زند و باران شود، جمع تر و فراهم تر گردد. پس پاره پاره از او با یکدیگر مجتمع می‌شود و متراکم می‌گردد و هر پاره چون در ذات خویش متناهی است، لابد شکلی تقاضا کند چون همه یک طبیعت دارند، باید که همه را بر یک شکل لابد باشد، بعضی پهن و بعضی دراز و بعضی گرد باشد (مسعودی مروزی، ۱۳۷۷، صص ۹۱-۹۲).

نتیجه‌گیری

خدای متعال، سرنوشت انسان را به گونه‌ای رقم زد که در دامن طبیعت رشد کند، ببالد و به طور کلی به آن نیازمند باشد. متقابلاً طبیعت و مظاهر آن را نیز به عنوان مواهب الهی طوری آفرید که در خدمت انسان قرار گیرد، نیازهای وی را برآورد و آرامش و لذت و شادی را برایش به ارمغان آورد و زمینه‌ساز بقا و حیات او باشد. یکی از بارزترین و به جرئت مهم‌ترین مصداق این مواهب الهی، موهبت آب می‌باشد که نه تنها انسان به عنوان اشرف مخلوقات برای ادامه حیات خود به آن نیازمند است، بلکه سایر موجودات و مخلوقات نیز، به آن وابسته هستند. در اهمیت این مسئله باید ذکر گردد که خداوند در آیه ۱۶۴ سوره مبارکه بقره فرمودند: «آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین را پس از مرگ زنده نموده است». آب باران است که حرکت، برکت، آبادی و نعمت را به همراه خود می‌آورد. این آب که با نظام خاصی ریزش می‌کند و آن همه موجودات که از این مایع بی‌جان، جان می‌گیرند، همه پیام‌آور قدرت و عظمت خداوند است و این پدیده با وجود خود دلالت می‌کند بر اینکه مدبری دارد و با سازگاری‌اش با سایر موجودات و اتحادش با آنها، دلالت می‌کند بر اینکه خالق و مدبر آن با خالق همه عالم یکی است. البته آیه فوق یکی از صدها موارد ذکر شده پیرامون آب در قرآن کریم است. وظیفه انسان در عصر حاضر این است که با مدیریت مصرف آب در این برهه بی‌آبی، تحویل آن به نسل آینده و تکریم این مایع حیات، شکرگزار خالق متعال باشد. لازم به ذکر است که قرآن کریم یک کتاب آسمانی برای هدایت بشر است و کتاب صرفاً علمی نیست. البته در این کتاب به موارد علمی متعددی اشاره شده است که بعد از هزار و چهارصد سال از نزول این کتاب، دانشمندان عصر حاضر در حال



علی‌الخصوص ما مسلمانان باید با قرائت قرآن کریم و پندگرفتن از نصایح آن، توصیه‌های مطرح‌شده در این کلام‌الله مجید را سرلوحه زندگی خود قرار دهیم و با عبرت‌گیری از سرنوشت مومنان و کافران، حیات طیبه و زندگی پاک داشته باشیم و با حفظ ایمان و انجام عمل صالح، زمینه‌های قرارگیری خودمان در زمره‌ی ناظرین به پروردگار و استفاده‌کنندگان از ماء بهشتی را فراهم آوریم.

دستیابی به اندکی از اعجاز و حقیقت علمی آن هستند. آیندگان نیز مطمئناً به مطالبی دست پیدا خواهند کرد که اندیشمندان عصر حاضر قادر به دستیابی به آنها نیستند. شایان ذکر است که حقیقت قرآن کریم فقط بر خداوند متعال، رسول اکرم (ص) و ائمه هدی (علیهم‌السلام) آشکار است و جز خداوند و این بزرگواران، کسی را یارای فهم صددرصدی مفاهیم بیرونی و حقیقت درونی قرآن کریم نیست. ما انسان‌ها و

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اصغری لقمجانی، صادق (۱۳۷۸): «مبانی حفظ محیط زیست در اسلام»، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۳. بوکای، موریس (۱۳۶۸): «مقایسه ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم»، ذبیح الله دبیر، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۴. پاک نژاد، سید رضا (۱۳۴۱): «اولین دانشگاه و آخرین پیامبر»، تهران، انتشارات کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول.
۵. حسینی، سید علی (۱۳۸۲): «طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام»، تهران، موسسه شقایق روستا، چاپ اول.
۶. رضایی اصفهانی (۱۳۸۰): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، رشت، انتشارات کتاب مبین، چاپ اول.
۷. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۸۰): «تفسیر المیزان»، محمدباقر موسوی همدانی، تهران، انتشارات اسلامی.
۸. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، علی کرمی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول.
۹. قرشی، امان الله (۱۳۸۰): «آب و کوه در اساطیر هند و ایرانی»، تهران، انتشارات هرمس.
۱۰. گلشنی، مهدی (۱۳۷۷): «از علم سکولار تا علم دینی»، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۱۱. مسعودی مروزی، شرف الدین محمد (۱۳۷۷): «رساله آثار علوی»، محمدتقی دانش پژوه، تهران، انتشارات فرهنگ ایران زمین.

اخلاق و صلاحیت‌های موردنیاز مروجین کشاورزی از دیدگاه قرآن

محمد یحیائی

استادیار گروه علوم دامی دانشکده کشاورزی و منابع طبیعی دانشگاه اراک
(نویسنده مسئول: m.yahyaei@ut.ac.ir)

چکیده

آنچه مسلم است کارائی مروجین نقش موثری در میزان موفقیت برنامه‌های ترویجی دارد و این کارآمدی بستگی به خلاقیتی دارد که مروجین بایستی واجد آن باشند. در قرآن آیات زیادی وجود دارد که در آنها به برخی از صفات مبلغ و مروج اشاره کرده است. آشنائی با این آیات می‌تواند اطلاعات مناسبی را درباره برخی از ویژگی‌های مروج در اختیار ما قرار دهد. این مقاله به‌دور از ارائه تفسیر علمی برای آیات قرآن با هدف بیان آیاتی که صراحتاً به بیان برخی از ویژگی‌های مبلغان و مروجان پرداخته، نگارش شده و هدف آن الگوگیری از این آیات در معرفی برخی از شاخصه‌های یک مروج خوب و کارآمد بوده است.

کلمات کلیدی: ترویج، مروج دامپرور، قرآن

مقدمه

صلاحیت‌های موردنیاز مروجین امور دام استفاده کرد. این مقاله به‌دور از ارائه تفسیر علمی برای آیات قرآن با هدف بیان آیاتی که صراحتاً به بیان برخی از ویژگی‌های مبلغان پرداخته نگارش شده و هدف آن الگوگیری از این آیات در معرفی برخی از شاخصه‌های یک مروج خوب و کارآمد بوده است.

صفات مروج

۱) توکل به خدا داشته باشد

در عین حال که عمل مروج در هدایت و آگاهی مردم بسیار موثر است ولی مروج بایستی در همه حال توجه داشته باشد که موثر واقعی خداست و وی ابزاری بیش نمی‌باشد. *فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُتِنُوا مِنْهُمْ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ ﴿۱۵۹﴾*. آی پیامبر! پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت‌خوی و سخت دل بودی از

فرآیند ترویج بدون مروج کارآمد نخواهد بود زیرا در تمام فعالیت‌های ترویجی مروج عنصری حیاتی به‌شمار می‌رود و میزان کارائی مروج عنصری است که می‌تواند تعیین‌کننده میزان موفقیت یا ناکامی یک برنامه ترویج باشد. ترویج به‌دنبال تعالی و تکامل انسان‌هاست لذا این امر منوط به کیفیت انسان‌هایی است که در این حیطه مشغول خدمت هستند (۱). مروج بایستی به شیوه‌ها و روش‌های گوناگون با مردم کار کند. کار با مردم اغلب پیچیده و مشکل است و شخصی را طلب می‌کند که از استعداد و توانائی‌های زیادی بهره‌مند باشد و بتواند رابطه تنگاتنگ و نزدیک با آنها برقرار کند. اگر قرار باشد یک مروج خوب کار خود را به نحو احسن انجام دهد باید دارای صلاحیت‌های اخلاقی، فنی و اجتماعی مشخصی باشد (۱). قرآن به‌عنوان بزرگترین و کامل‌ترین کتاب دینی به برخی از ویژگی‌های مبلغین اشاره داشته است. از این آیات می‌توان به‌عنوان فاکتور جهت بررسی

ثُمَّ نَبْتَهِّلُ فَتَجْعَلُ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ ﴿٦١﴾. پس هر که با تو درباره عیسی پس از آنکه بر تو آیه واسطه وحی، نسبت به احوال وی [آگاهی آمد، گفتگوی بی‌منطق کند، بگو: بیایید ما پسرانمان و شما پسرانتان، و ما زنانمان و شما زنانتان، و ما خویشان نزدیک و شما خویشان نزدیکتان را دعوت کنیم؛ سپس یکدیگر را نفرین نماییم، پس لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم (آل عمران) (۲).

۴) علم و آگاهی داشته باشد

اگر قرار باشد یک مروج کار خود را به نحو احسن انجام دهد باید دارای صلاحیت‌های فنی باشد (یعنی دامپروور بتواند به او به عنوان یک مرجع آگاه و موثق اطلاعات احترام بگذارد) (۱). مروج در صورتی می‌تواند مردم را به امری دعوت کند که هم خود آگاه باشد و هم بر اساس آگاهی مردم را دعوت به فعالیتی کند. از طرف دیگر علم و آگاهی یکی از شرایط اصلی و اساسی جهت انتقال پیام از سوی مروج به دامپروور است به طوریکه اصولاً مردم با افرادی ارتباط برقرار می‌کنند که بتوانند مشکلات آنها و نیاز آنها را درک کرده و در جهت رفع آن برآیند (۵). قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾. بگو: این طریقه من است که من و هر کس پیرو من است بر پایه بصیرت به سوی خدا دعوت می‌کنیم، و خدا از هر عیب و نقصی منزّه است و من از مشرکان نیستم. (یوسف) (۶). ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَى شَرِيعَةٍ مِنَ الْأَمْرِ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ﴿١٨﴾. سپس تو را [در امر نبوت و دین] بر آیینی ویژه و کامل قرار دادیم؛ بنابراین از آن پیروی کن و از هواهای نفسانی کسانی که [به حقایق] معرفت ندارند، پیروی مکن (جاثیه) (۷). فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا

پیرامونت پراکنده می‌شدند؛ بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آموزش بخواه و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن؛ زیرا خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد (آل عمران) (۲). إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَا يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ ﴿٥٦﴾. قطعاً تو نمی‌توانی هر که را خود دوست‌داری هدایت کنی، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند؛ و او به هدایت‌پذیران داناتر است (قصص) (۳).

۲) داشتن اخلاص در کار

از آنجائی که موثر واقعی خداست لذا اگر مروج کار را صادقانه و با اخلاص برای خدا انجام دهد بر دل‌های مردم بیشتر اثر خواهد گذاشت. از طرف دیگر داشتن اخلاص در کار مروج را از ناملایمات مردمی و بعضاً نتیجه‌ندادن برنامه ترویجی مایوس نمی‌کند و انگیزه وی را برای فعالیت بیشتر می‌کند. قُلْ إِنْ صَلَّاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿١٦٢﴾. بگو: مسلماً نماز و عبادتم و زندگی کردن و مرگم برای خدا پروردگار جهانیان است (انعام) (۴).

۳) به کار خود ایمان داشته باشد

در فرآیند ترویج مروج بایستی ارتباطی کارساز با کشاورز داشته باشد. یکی از عوامل موثر بر روی این ارتباط بر طبق مدل ارتباطی بر لو اعتبار منبع ارائه دهنده پیام (مروج) می‌باشد (۵). از طرف دیگر اعتبار منبع بر روی تغییر نگرش مخاطبان موثر است. این اعتبار از نگرشی که مروج نسبت به خود و پیام خود دارد تاثیر می‌پذیرد به طوری که نگرش مثبت نسبت به خود و پیام خود منجر به افزایش اعتبار خواهد شد (۵). فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ

رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا ﴿٦٥﴾. آنجا بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که او را از نزد خود رحمتی داده و از پیشگاه خود دانشی ویژه به او آموخته بودیم. (کهف) (۸).

۵) خیر خواه و دوستدار مردم باشد

مروجی در کار خود موفق خواهد بود که هدفش از انجام فعالیت‌های ترویجی صرفاً رفع تکلیف نباشد بلکه وی بایستی واقعاً دوستدار و خیر خواه آنها باشد. برخی از دامداران بر این باورند که مروجان سازمان‌های تجاری نه به خاطر صلاح مشتریان بلکه صرفاً برای کسب منفعت ایده یا طرحی را ترویج می‌کنند (۵). لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٨﴾. یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است (توبه) (۹). مَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لِتَشْقَى ﴿٢﴾. ما قرآن را بر تو نازل نکردیم تا به مشقت و زحمت افتی (طه) (۸). وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا ﴿٥٧﴾. و او را به جایگاه بلندی ارتقا دادیم (مریم) (۸). وَقَالَ الَّذِي آمَنَ يَا قَوْمِ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ ﴿٣٠﴾. آن مرد مؤمن گفت: ای قوم من! بی‌تردید من بر شما از روزی مانند روز [عذاب] گروه‌هایی که پیامبران را تکذیب کردند [می‌ترسم (غافر) (۳). قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ﴿٤٧﴾. بگو: هرگونه پاداشی که از شما خواستم، آن پاداش برای خودتان، پاداش من فقط برعهده خداست، و او بر همه چیز گواه است (سبا) (۳). قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٦٠﴾. اشراف و سران قومش گفتند: مسلماً ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم (اعراف) (۱۰). فَمَا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا

مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ ﴿٤١﴾. چون تو را از دنیا ببریم، یقیناً از اینان انتقام خواهیم گرفت (زخرف) (۷).

۶) دارای سعه صدر باشد

شخص مروج بایستی بداند که مخاطبان او یکسان نمی‌باشد و برخی ممکن است علاوه بر اینکه به صحبت‌های وی توجهی نداشته باشند ایجاد چالش هم بکنند از این رو بایستی دارای سعه صدر باشد و اندوهگین نشود. قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي ﴿٢٥﴾. گفت: ای پروردگارم! سینه‌ام را [برای تحمل این وظیفه سنگین] گشاده‌گردان (طه) (۸). يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزَنْكَ الَّذِينَ يُسَارِعُونَ فِي الْكُفْرِ ﴿٤١﴾ (بخشی از آیه می‌باشد). ای پیامبر! کسانی که در کفر می‌شتابند تو را غمگین نسازند (مائده) (۴). قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿٦٠﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦١﴾. اشراف و سران قومش گفتند: مسلماً ما تو را در گمراهی آشکار می‌بینیم! «۶۰» گفت: ای قوم من! هیچ گمراهی و انحرافی در من نیست، بلکه من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم (اعراف) (۱۰). قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرَاكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ ﴿٦٦﴾ قَالَ يَا قَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿٦٧﴾. اشراف و سران قوم کافرش گفتند: ما تو را غرق در سبک مغزی و نادانی می‌بینیم و تو را از دروغگویان می‌پنداریم! گفت: ای قوم من! در من هیچ سبک مغزی و نادانی نیست، بلکه من فرستاده‌ای از سوی پروردگار جهانیانم (اعراف) (۱۰). فَلَذَلِكَ فَادْعُ وَاسْتَقِمْ كَمَا ﴿١٥﴾ (بخشی از آیه می‌باشد). آنان را [به سوی همان آیینی که به تو وحی شده] دعوت کن و همان‌گونه که مأموری [بر این دعوت] استقامت کن (شوری) (۷). قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ فِي نَفْسِهِ وَلَمْ



يُبْدَهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَصِفُونَ ﴿٧٧﴾. برادران گفتند: اگر این شخص دزدی می‌کند [خلاف انتظار نیست]؛ زیرا پیش‌تر برادری داشت که او هم دزدی کرد. یوسف [به مقتضای کرامت و جوانمردی] این تهمت را در دل خود پنهان داشت و نسبت به آن سخنی نگفت و این راز را فاش نساخت. در پاسخ آنان گفت: منزلت شما بدتر [و دامن‌تان آلوده‌تر از این] است [که ظاهر تان نشان می‌دهد] و خدا به آنچه بیان می‌کنید، داناتر است (یوسف) (۶).

۷) مردمی و درد آشنا بودن

یکسان بودن نظام اجتماعی و فرهنگی میان مروج و مخاطبان نقش مهمی در برقراری ارتباط موثر بین آنها دارد. مردم هنگام سخن گفتن با کسانی که همانند خودشان هستند احساس راحتی می‌کنند (۵). بیشتر مروجان از موقعیت مطمئنی در سازمان‌های رسمی مانند ادارات دولتی برخوردارند که این امر ممکن است باعث شود از زندگی دامداران آگاهی کافی را نداشته باشند و برخی اوقات مشکلات آنها را حس نکنند. لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ ﴿١٢٨﴾. یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سویتان آمد که به مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد، و نسبت به مؤمنان رؤوف و مهربان است (توبه) (۹). قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَمَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا ﴿١١٠﴾. بگو: جز این نیست که من هم بشری مانند شمایم که به من وحی می‌شود: بر این که معبود شما فقط خدای یکتاست؛ پس کسی که لقاء پروردگارش را امید دارد، باید کاری شایسته انجام دهد و هیچ‌کس را در پرستش پروردگارش شریک نکند (کهف) (۸).

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلَّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ﴿٤﴾. و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [بتواند به وسیله آن زبان، پیام وحی را به روشنی] برای آنان بیان کند. پس خدا هرکس را بخواهد [به کیفر تعصب و عنادش] گمراه می‌کند و هرکس را بخواهد هدایت می‌نماید، و او توانای شکست‌ناپذیر و حکیم است (ابراهیم) (۶). وَعَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنذِرٌ مِنْهُمْ وَقَالَ الْكَافِرُونَ هَذَا سَاحِرٌ كَذَّابٌ ﴿٤﴾. و از اینکه بیم‌دهنده‌ای از جنس خودشان به سوی آنان آمده است تعجب کردند و کافران گفتند: این جادوگری بسیار دروغگوست (ص) (۷). قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ فَاَسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ وَوَيْلٌ لِلْمُشْرِكِينَ ﴿٦﴾. بگو: من بشری مانند شما هستم، [نه از جنسی دیگر که سختم را نفهمید] به من وحی می‌شود که معبود شما فقط خدای یکتاست، پس [با دوری از افراط و تفریط] به سوی او رو کنید، و از او آموزش بخواهید، و [وای بر مشرکان (فصلت) (۷). وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَكِنَّا عَلَيْنَهُمْ مَا يَلْبِسُونَ ﴿٩﴾. این مغالطه‌گران لجوج می‌گویند: چرا پیامبر از جنس فرشتگان نیست؟] اگر او را فرشته‌ای قرار می‌دادیم، یقیناً وی را به شکل مردی در می‌آوردیم، و قطعاً حقیقت را همانطور که آنان بر دیگران مشتبه می‌کنند [به‌سزای لجاجتشان] بر خود آنان مشتبه می‌ساختیم، [تا بر فرض پیامبر قراردادن فرشته، باز بگویند: چرا پیامبری از جنس بشر برای ما قرار داده است؟] (انعام) (۴). فَخَرَجَ عَلَيَّ قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَى إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا بُكْرَةً وَعَشِيًّا ﴿١١١﴾. پس [به‌دنبال ناتوانی از سخن گفتن] از عبادتگاهش به سوی قومش بیرون آمد و به آنان اشاره کرد که صبح و شام خدا را تسبیح گویند (مریم) (۸). وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ



﴿۱۹۸﴾. اگر آن‌را بر برخی از غیر عرب‌ها نازل کرده بودیم (شعراء) (۱۱). هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ ﴿۲﴾. اوست که در میان مردم بی‌سواد، پیامبری از خودشان برانگیخت تا آیات او را بر آنان بخواند و آنان را از آلودگی‌های فکری و روحی پاکشان کند و به آنان کتاب و حکمت بیاموزد، آنان قطعاً پیش از این در گمراهی آشکاری بودند (جمعه) (۱۲). فَكَانَ قَابُ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ ﴿۹﴾. پس [فاصله‌اش با پیامبر] به اندازه فاصله دو کمان گشت یا نزدیک‌تر شد (نجم) (۱۳).

۸) ساده‌زیست و خوش‌سابقه بودن

مردم متمایل به برقراری ارتباط و مراوده با افرادی‌اند که از نظر سابقه و علایق بیشتر شبیه خودشان هستند. برای مروجان بسیار اهمیت دارد که از تفاوت‌های اساسی میان خود و دامداری که با آنها سروکار دارند آگاهی داشته باشند و با برقراری تماس‌های اجتماعی به‌عنوان یک دوست حسن شهرت بدست آورند. این عوامل در برقراری ارتباط و نیز تغییر نگرش مخاطبان بسیار موثر است (۵). قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿۸۶﴾. بگو: من برای ابلاغ دین هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم و از کسانی که چیزی را از نزد خود می‌سازند او ادعای باطل می‌کنند [نیستم] (ص) (۷). قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا أَتَنْهَانَا أَنْ نَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّا لَفِي شَكٍّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ مُرِيبٍ ﴿۶۲﴾. گفتند: ای صالح! پیش از این در میان ما [به‌عنوان انسانی خردمند] مورد امید بودی، آیا ما را از پرستیدن آنچه پدرانمان می‌پرستیدند، باز می‌داری؟ و ما بی‌تردید در [درستی] تعلیمی که به آن دعوتمان می‌کنی در

شکی شدید و سخت هستیم [چنان شکی که در خردمندی تو نیز دچار تردیدیم] (هود) (۹). قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَأَكُمْ بِهِ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِنْ قَبْلِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿۱۶﴾. بگو: اگر خدا می‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم، و او هم شما را به آن آگاه نمی‌کرد؛ همانا مدت‌ها پیش از نزول قرآن در میان شما بودم، او ادعای پیامبری نداشتم، اکنون صدق پیامبری خود را با این قرآن اثبات می‌کنم [آیا نمی‌اندیشید؟ (یونس) (۹)].

۹) پرهیز از منت و مطالبه پول

دامداران به کسی بیشتر توجه می‌کنند که به کار آنها و حل مشکلاتشان علاقه‌مند است و کار ترویج را صرفاً جهت رفع تکلیف و انجام وظیفه اداری انجام نمی‌دهد و عدم وجود این دید نسبت به مروجان منجر به کاهش اعتبار آنها در نزد دامداران خواهد شد (۵). قِمِّ فَأَنْذِرْ ﴿۲﴾ وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ ﴿۳﴾ وَتَبَايَكَ فَطَهِّرْ ﴿۴﴾ وَالرِّجْزَ فَاهْجُرْ ﴿۵﴾ وَلَا تَمَنَّ أَنْ تَمُنَّ تَسْتَكْثِرُ ﴿۶﴾. برخیز و بیم ده، «۲» و پروردگارت را بزرگ‌دار، «۳» و جامهات را پاک کن، «۴» و از پلیدی دور شو «۵» و [احسانت را بر دیگران] در حالی که [آن را] بزرگ و فراوان بینی، منت مگذار (مدثر) (۱۲). وَإِنِّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ ﴿۷۳﴾. و مسلماً تو آنان را به راهی مستقیم دعوت می‌کنی (مومنون) (۱۱). وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ الْعَالَمِينَ ﴿۱۰۹﴾. من از شما بر ابلاغ رسالتم هیچ پاداشی نمی‌خواهم، پاداش من فقط برعهده پروردگار جهانیان است (شعراء) (۱۱). قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ ﴿۸۶﴾. بگو: من برای ابلاغ دین هیچ پاداشی از شما نمی‌خواهم و از کسانی که چیزی را از نزد خود می‌سازند او ادعای باطل می‌کنند [نیستم] (ص) (۷).



۱۰ متواضع و انتقادپذیر بودن

یک مروج ممکن است به دلیل داشتن تحصیلات دانشگاهی بیشتر با باورهای شخصی مخاطبانش موافق نباشد اما باید همیشه آنها را در نظر داشته باشد و به آنها احترام بگذارد. از سوی دیگر انتقادپذیری نیز یک صفت ارزشمندی است و از آنجائی که هیچ انسانی بدور از خطاء و اشتباه نیست امکان اشتباه در کار مروج هم وجود دارد. داشتن این دو خصیصه نقش مهمی در مقبولیت مروج نزد دامداران خواهد داشت (۵). وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ ﴿۲۱۵﴾. و پر وبال [فروتنی و تواضع] خود را برای مؤمنانی که

از تو پیروی می‌کنند بگستر (اسراء) (۸). وَمَا أَبْرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ ﴿۵۳﴾. من خود را از گناه تبرئه نمی‌کنم؛ زیرا نفس طغیان‌گر به شدت به بدی فرمان می‌دهد مگر آن‌که پروردگارم رحم کند؛ زیرا پروردگارم بسیار آمرزنده و مهربان است (یوسف) (۶). يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتْلُكُمُ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ ﴿۹﴾. ای مؤمنان! مبدا اموال و فرزندان شما را از یاد خدا غافل نکنند و آنان که [به خاطر مال و فرزند از یاد خدا] غافل می‌شوند، زیانکارند (منافقون) (۱۲).

منابع:

۱. موسوی، س.س.، اسدی، ع.، سعدی، ح.، پیش‌بین، س.ا.ر. ۱۳۸۲. صلاحیت‌های مورد نیاز مروجین امور دام. مجله علوم کشاورزی ایران. جلد ۳۴، شماره ۲. صفحات ۳۴۳-۳۳۳.
۲. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۲. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۳. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۹. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۴. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۳. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۵. استوارت هاوکینز، اچ.، دان، آنتونی، کار، جان (۱۳۷۳): فرآیند ترویج کشاورزی و دامپروری (ترجمه). ناصر اکتایی. مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائی. چاپ اول.
۶. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۶. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۷. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۱۰. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۸. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۷. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۹. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۵. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۱۰. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۴. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۱۱. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۸. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۱۲. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول
۱۳. قرائتی، محسن (۱۳۷۴): تفسیر نور جلد ۱۱. انتشارات مرکز فرهنگی درس‌های قرآن. چاپ اول

بررسی فطری بودن گرایش به خدا و نقش ژنتیک در گرایشات مذهبی از منظر قرآن

فاطمه مقصودی^۱ و حسین مرادی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد باغبانی، گیاهان دارویی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
(نویسنده مسئول: fateme.maghsoodi75@gmail.com)

۲- عضو هیأت علمی دانشکده علوم زراعی و پژوهشکده فناوری‌های زیستی گیاهان دارویی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

چکیده

فطرت یک مفهوم ماوراءالطبیعی است و با مشخصات ژنتیکی متفاوت است. فطرت، هنگام تولد در میان همه انسان‌ها یکسان است. خداوند روح خود را در وجود آدمی دمیده و بر اساس آیات قرآن همه‌ی انسان‌ها با فطرت خداگرایی یا برجهان می‌گذارند. خداوند عقل (حجت درونی) و پیامبران (حجت بیرونی) را برای هدایت بشر فراهم آورده است. موضوعی که امروزه در رابطه با فرضیه ای موسوم به ژن خدا مطرح می‌شود در صدد کمی کردن صفات کیفی و معنوی دین و دینداری می‌باشند به طوری که با اندازه‌گیری میزان ژن رسپتور اختصاصی سلول‌های مغز (VMAT2) و ارتباط آن با برخی رفتارها هستند به عبارتی به دنبال اثرات کمی شدن این صفات می‌باشند این فرضیه بیان می‌دارد که معنویت (صفت کیفی) را می‌توان با ابزارهای روان‌سنجی و ژنتیکی اندازه‌گیری کرد و تا حدی وراثتی است اگرچه تفکر سیاسی غرب خود ایجادکننده گروه‌های افراطی همچون داعش می‌باشند اما به گفته‌ی خودشان با این فرضیه سعی در کنترل و حذف داعش به‌خصوص در خاورمیانه دارند. در این پژوهش که از مقالات مختلف و روایات استفاده شده، سعی شده گفته شود که فطرتا انسان با گرایش به خدا به دنیا می‌آید و تاثیر جنبه‌های مختلف زندگی اعم از محیط زندگی، خانواده و ... در معنویت و گرایش به دین دخیل هستند و گروه تروریستی داعش هم دچار گروه زدگی و انحراف از دین شده‌اند. البته هنوز معلوم نیست که سوء استفاده از روش‌های مهندسی ژنتیک و بیان فرضیه‌ی ژن خدا در نهایت خواهد توانست جبر را جایگزین اختیار کند و فهم دین و انتخاب سبک زندگی را به الگوهای ژنی و متابولیک گره بزند یا نه و نیاز به بررسی‌های بیشتری دارد.

واژگان کلیدی: قرآن، فطرت، ژن خدا، داعش، دین

مقدمه:

اما منشأ گرایش به آن فطرت انسانی است. استاد شهید معتقدند از نظر آیات و روایات، خلقت انسان گونه‌ای خاص از آفرینش است که مبتنی بر خداگرایی است. واژه فطرت به این معنای خاص، نخستین بار توسط قرآن در مورد انسان به کار رفته است. دین مبتنی بر فطرت انسان، در عین اینکه حقیقت واحد دارد، چون نیاز ابدی او است، جاودانه خواهد ماند. از منظر ایشان، انسان به خاطر برخورداری از فطرت الهی، شایسته دعوت دین قرار گرفته است، نه به خاطر تأثر از علت‌های خارجی همچون جامعه، تاریخ

منشأ دین و گرایش به مذهب چیست؟ چه عواملی باعث پیدایش اعتقادات مذهبی در انسان می‌شوند؟ اگر منشأ پیدایش دین امری زمان‌مند باشد، با پایان یافتن آن عامل، دین نیز از جامعه انسانی رخت بر می‌بندد اما اگر عامل آن امری جاودانه باشد، دین نیز به تبع آن همیشگی و فراتر از زمان و مکان خواهد بود. با تکیه بر آرای استاد شهید مطهری، از نظر ایشان علت گرایش به دین چیزی جز فطرت الهی انسان نیست. هرچند حقیقت دین امری الهی و ماورایی است



و اقتصاد. این فطرت انسانی در عین اینکه قابل پرورش و رشد است، قابل تضعیف و تضييع در تأثیر و تأثرات خارجی است (گرجیان و همکاران، ۱۳۹۲). انسان ترکیبی از جسم و روح است. اگر انسان چه عقیده به جبر و یا عقیده به اختیار داشته باشد و انسان چه خداپاور باشد یا خداپاور نباشد، به هر حال باید آنچنان تبیینی از جهان و از خیر و شر در ارتباط با عقل داشته باشد که در نهایت معنای زندگی برای او پوچ و بدون هدف نباشد. چون انسان تنها موجودی است که هم بر جهان برون و هم بر جهان درون آگاهی و معرفت دارد. و چون شناخت دارد داشتن معنای زندگی برای او مهم است و نمی‌تواند پوچ و بدون هدف باشد (بلوری، ۱۳۹۵). بیشترین نقش بحث برانگیزی که درباره‌ی مهندسی ژنتیک وجود دارد مربوط به پزشکی و کشاورزی است. در مقاله‌ی کنت بلوم و همکاران درباره‌ی ارتباط ژنتیک، معنویات و محیط دلایلی مطرح شده است که رفتارها همچون رفتارهای اعتیادآور و ضداجتماعی می‌تواند با مهندسی ژنتیک تعدیل شود. برای مثال مشخص شده است که دست‌ورزی ژنتیک که به افزایش سطح بیان ژن گیرنده DRD2 منجر می‌شود، می‌تواند گرایش به کوکائین و الکل را هم‌زمان کاهش دهد. کامینگز و نیلسون نیز ارتباط چندریختی‌های (پلی‌مورفیسم ژنی) را با خصوصیات روحی همچون خودپسندی و پذیرش معنوی نشان داده‌اند. گرچه هنوز دانش بشری نتوانسته است نقش ژنتیک را در ایجاد خصوصیات فطری موجودات روشن کند، در صورت اثبات و قبول علمی این نوع ارتباطها، بشر به‌زودی شاهد افزایش روزافزون تقاضا برای اصلاح اختلالات روحی در کنار ناتوانی‌های فیزیکی خواهد بود. گرچه شاید استفاده از این تکنولوژی‌ها در بهبود اختلالات جسمی و روحی

بسیار کارآمد باشد، در صورت استفاده‌ی ناروا ممکن است سبب تغییر در هویت معنوی افراد شود. آیا سوء استفاده از این روش‌ها در نهایت خواهد توانست جبر را جایگزین اختیار کند و فهم دین و انتخاب سبک زندگی را به الگوهای ژنی و متابولیک گره بزند، هنوز نامعلوم است (آلبویه و همکاران، ۱۳۹۷). در این پژوهش تلاش شده تا فطرت خداگرایی انسان بیان شود و به بررسی فرضیه ژن خدا و داعش هم پرداخته شده است.

فطرت:

از نظر علامه طباطبایی انسان دارای فطرتی خاص است که او را به سنت خاص زندگی و راه معینی که منتهی به هدف و غایتی خاص (خداوند) می‌شود، هدایت می‌کند (فَطَرَتُ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا). از سوی دیگر براساس الهیات کالوینی اذعان به وجود خداوند در اعماق ذهن هر انسانی وجود داشته و اکتسابی نیست، بدان‌سان که نظریه‌ای باشد که در مدرسه و با تعلیم استاد فراگرفته شود، بلکه چیزی است که هر یک از ما قبل از تولد کاملاً آن را می‌شناسیم و خود طبیعت هم اجازه فراموشی آن را به کسی نمی‌دهد. سقراط معتقد است چیزی را به کسی نمی‌آموزد، بلکه تنها به افراد کمک می‌کند تا آنچه را در درون خویش نهفته دارند، آگاهانه دریابند. بنابراین معلومات در درون انسان نهفته است و تعلیم در جهت آشکارشدن آنها به‌کار می‌آید. افلاطون نیز معتقد است نفس انسانی پیش از تعلق به بدن انسانی، در جهان مثل وجود داشته و با حقایق ثابت آشنا بوده است. رنه دکارت کسی است که ایده‌ها و اصول زیادی را فطری می‌داند و جان لاک کسی است که ذهن انسان را همچون لوح سفیدی است (البته تعبیر خود لاک، کاغذ سفید است) می‌داند، که به‌واسطه حواس، ادراکات بر آن نقش می‌بندد و بر این اساس ذهن او خالی از هر معرفت پیشینی



ملازمت آن تشویق و ترغیب می‌کند و از آنها می‌خواهد در فطرتی که منسوب به خداست پایدار و استوار باشند سپس تذکر می‌دهد این فطرت امری است که بشر با آن سرشته شده است آنگاه تصریح می‌کند که این فطرت منسوب به خداست و بشر از ابتدای خلقت با آن سرشته شده است از این‌رو هیچ تغییر و تبدیلی در آن وجود ندارد. اگرچه نمی‌توان فطرت الهی را تغییر داد ولی این بدان معنی نیست که انسان هیچگاه از آن غافل نیست. اما از آنجاکه این فطرت در حقیقت در وجود همه‌ی انسان‌ها به عنایت خداوند متعال نهادینه شده است احدی نمی‌تواند آن را تغییر دهد. در برخی روایات تصریح شده است که فطرت انسان بر معرفت صورت‌گرفته است، خداوند سبحان همه‌ی انسان‌ها را در هنگام خلقت‌شان بر معرفت خویش مفطور کرده است. زیرا معنای لغوی فطرت ابتدا و شروع امر است. بدین‌رو فطرت، معرفت توحید، اسلام و معرفت خدای سبحان از همان ابتدای خلقت انسانی آغاز گشته و با حقیقت وجودی انسان آمیخته شده است و انسان هیچ‌گاه از آن برکنار نبوده است (اسکویی، ۱۳۸۶). انسان به‌دلیل وجود آفرینش ویژه‌ی خود (به اعتقاد علامه) معرفت به خداوند در نهاد او هست و اصل آن نیاز به آموزش ندارد (فدایی و همکاران، ۱۳۹۲). بر اساس احادیث و روایات هدف از بعثت انبیا (معرفت خداوند) است که فطری انسان‌ها بوده ولی مورد غفلت قرار گرفته، همه‌ی انسان‌ها با معرفت فطری توحید متولد می‌شوند و با عقل و فطرت حجت خدا بر خلق تمام می‌شود. از نشانه‌های فطری بودن معرفت خدا ایمان و اقرار به‌خدا در هنگام شدائد و سختی‌ها است. در مسیر توحید و معرفت فطری ولایت تنها از آن خداست و ولایت امامان معصوم نیز به انتساب الهی است (اسکویی، ۱۳۸۵).

است. در نظام معرفتی برآمده از معارف اسلامی (قرآن و سنت) نظریه فطرت به ویژگی‌های خاص انسانی در سرشت و خلقت وی اشاره می‌کند که اولاً انسان را از حیوانات متمایز می‌سازد و ثانیاً قبول این نظریه مستلزم پذیرش جهت‌داری ذاتی دستگاه ادراکی انسان در امر ادراک و شناخت (به‌خصوص شناخت خداوند) است. به این بیان که انسان واجد دستگاه ادراکی است که به مقتضای طبع و سرمایه ذاتی و فطری خود، مسیر و جهت کلی، ولی معینی را اعمال می‌کند. مسیر و جهتی که با توجه به مختار بودن انسان و وجود موانع مادی و معرفتی می‌تواند تخلف بپذیرد. براساس دیدگاه کالوینی و اسلامی، محیط نامناسب موجب ضعیف‌شدن معرفت الهی نهفته در انسان می‌شود. بنابر دیدگاه علامه طباطبایی، معرفت فطری خدا در کی شهودی و حضوری است که انسان در وضعیت‌های سه‌گانه (امید، نیاز و حب) آن را روشن و بدون شبهه درک می‌کند (فدایی و همکاران، ۱۳۹۲). فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَ لَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (۳۰ روم) پس با گرایش به حق به این دین روی بیاور، (این) فطرت الهی است که خداوند مردم را بر اساس آن آفریده است، برای آفرینش الهی دگرگونی نیست، این است دین پایدار، ولی بیشتر مردم نمی‌دانند. خداوند سبحان در این آیه بندگان خویش را به اقامه‌ی وجه به‌سوی دین بدون هیچ انحرافی امر می‌کند. دین یعنی آیین بندگی خدا، مجموعه وظایف بندگی در زمان‌ها و مکان‌های مختلف را خدای سبحان برای بندگانش ابلاغ می‌کند پس در این آیه‌ی شریفه از بندگان خواسته شده که خدا را بندگی کنند آنگونه که او می‌خواهد تا از هرگونه کجی در بندگی دور مانند. خداوند سخن از فطرت الهی به‌میان می‌آورد و بندگان را به



یک آرایش فیزیولوژیکی است که باعث ایجاد احساسات مرتبط با برخی از افراد می‌شود. این گرایش به معنویت با مقیاس خود تعالی کمی تعیین می‌شود، معیار خود تعالی نشان می‌دهد که مطالعات دوقلوی کلاسیک قابل توارث است که توسط Lindon Eaves و Nicholas Martin انجام شده است. مفسران این مطالعات استدلال می‌کنند که اعتقادات خاص مذهبی (مانند اعتقاد به عیسی مسیح) هیچ پایه ژنتیکی ندارند و در عوض الگوهای رفتاری هستند. به منظور شناسایی برخی از ژن‌های خاص درگیر در خود تعالی، هامر داده‌های DNA و شخصیت را در بیش از ۱۰۰۰ نفر تجزیه و تحلیل کرد و یک لوکال خاص، VMAT2 را با همبستگی قابل توجهی شناسایی کرد. رمزهای VMAT2 برای یک ناقل منوآمین و زیگولار است که نقشی اساسی در تنظیم سطح مواد شیمیایی مغز سروتونین، دوپامین و نوراپی نفرین دارد. به نظر می‌رسد که این فرستنده‌های منوآمین به نوبه خود فرض می‌شوند که نقش مهمی در تنظیم فعالیت‌های مغزی مرتبط با عقاید عرفانی دارند. زیمر اشاره می‌کند که نظریه ژن خدا تنها بر یک مطالعه منتشر نشده و تکرار نشده استوار است. با این حال هامر خاطر نشان می‌کند که اهمیت یافته‌های VMAT2 این نیست که همه احساسات معنوی یا مذهبی را توضیح می‌دهد، بلکه به این معنی است که راهی به سمت یک مسیر عصبی-زیست‌شناختی که ممکن است مهم باشد را نشان می‌دهد. VMAT2 یک پروتئین غشایی یکپارچه است که منوآمین‌ها را انتقال می‌دهد. به خصوص انتقال دهنده‌های عصبی مانند دوپامین، نوراپی نفرین، سروتونین و هیستامین از سیتوزول سلول به وزیکول

فرضیه ژن خدا:

در مطالعه‌ای فعالیت ژن‌ها یا ژن خدا معروف به VMAT2⁸⁴ را ارزیابی کردند و از طریق اندازه‌گیری بیان ژن و فعالیت باور انسان به خدا را تجزیه و تحلیل کردند. اعتقاد به خدا و پرستش او، یک امر طبیعی است. انسان همیشه در شرایط بحرانی مثل آسیب‌های اجتماعی یا محیطی که قرار می‌گیرد یاد خدا بیشتر برای او مشهود است و در چنین شرایطی نیاز طبیعی به فعالیت انسانی و باطنی چندین ژن نوشته شده است. اما نقش اساسی ژن در این نیاز به خدا VMAT2 است. فرضیه ژن خدا بیان می‌دارد که یک ژن خاص، به نام وزیکولار منوآمین ترانسپورتر، ناقل ۲، (VMAT2)، انسان را مستعد تجربه‌های معنوی یا عرفانی می‌کند. این ایده توسط متخصص ژنتیک دین هامر، مدیر واحد ساختار و تنظیم ژن در انستیتوی ملی سرطان ایالات متحده، و نویسنده کتاب ژن خدا در سال ۲۰۰۵ بیان شد. که ایمان سخت به ژن‌های ما متصل می‌شود فرضیه ژن خدا مبتنی بر ترکیبی از مطالعات رفتاری ژنتیکی، عصب‌شناسی و روانشناسی است. استدلال‌های اصلی این فرضیه عبارتند از: (۱) معنویت را می‌توان با اندازه‌گیری‌های روان‌سنجی تعیین کرد. (۲) گرایش اساسی به معنویت تا حدی وراثتی است. (۳) بخشی از این وراثت را می‌توان به ژن VMAT2 نسبت داد. (۴) این ژن با تغییر سطح منوآمین عمل می‌کند. و (۵) افراد معنوی مورد انتخاب طبیعی قرار می‌گیرند زیرا در آنها یک حس خوش‌بینی ذاتی فراهم می‌شود این افراد اثرات مثبتی را در سطح جسمی یا روانی ایجاد می‌کنند. طبق این فرضیه، ژن خدا (VMAT2)



رکن اعتقادی و برنامه‌ی عملی و احکام و تکالیف که شامل اخلاق و فقه می‌شود (پیرعلی و همکاران، ۱۳۹۱). اعتقاد دینی عقلانی است یا غیرعقلانی در پاسخ به این سؤال، در جهان غرب، دو دیدگاه شاخص است: ۱. اعتقادهای دینی با عقل سازگاری دارد که به آن عقل‌گرایی می‌گویند. ۲. اعتقادهای دینی با عقل ناسازگار یا ضدعقل است که به آن ایمان‌گرایی می‌گویند. دیدگاه اسلام، درباره‌ی رابطه عقل و دین این است که در اسلام به‌طور کلی هماهنگی بین عقل و دین وجود دارد و ایمان‌گرایی به‌صورتی که در غرب مطرح است، در آن مطرح نیست. اسلام در باب رابطه عقل و دین بر آن است که عقل و دین دو موهبت الهی است که خداوند به بشر ارزانی داشته است. آدمی با عقل و دین می‌تواند به سعادت جاودانه برسد. عقل، دین را و دین، عقل را تأیید می‌کند قرآن مجید اصولاً نزول قرآن را برای تعقل می‌داند: اَنَا أَنْزَلْنَاهُ عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (یوسف ۲) همانا ما قرآن را به زبان عربی نازل کردیم؛ شاید تعقل کنند. همچنین در آیه‌های دیگر می‌فرماید. بدترین جانوران کسانی هستند که تعقل نمی‌ورزند. اِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الْبَكْمُ الَّذِيْنَ لَا يَعْقِلُونَ (انفال ۸). بدترین جنبنندگان نزد خدا کسانی هستند که کر و لال‌اند و اصلاً تعقل نمی‌کنند. در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: اگر مردم سخن انبیای الهی را می‌شنیدند یا تعقل می‌ورزیدند، هرگز گرفتار دوزخ نمی‌شدند. قَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ اَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِيْ اَصْحَابِ السَّعِيْرِ (ملک ۶۷) آن‌گاه گویند که اگر ما سخن انبیا را شنیده بودیم یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم، امروز از دوزخیان نبودیم، در آیه دیگر، افرادی را که بدون تعقل از پدران خود پیروی می‌کردند، نکوهش می‌کند. و اِذَا قِيْلَ لَهُمْ اَتَّبِعُوا مَا اَنْزَلَ اللّٰهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا الْفِيْنَا عَلَيْهِ اَبَاؤُنَا اَوْ لَوْ كَانْ اَبَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا و لَا يَهْتَدُونَ

سیناپسی VMAT2 در توانایی نورون پیش‌سیناپسی برای تسهیل آزادسازی انتقال‌دهنده‌های عصبی به شکاف سیناپسی ضروری است. اگر عملکرد VMAT2 مهار یا به‌خطر بیفتد، انتقال دهنده‌های عصبی مانند دوپامین نمی‌توانند از طریق انتقال طبیعی (برون‌ریزی، پتانسیل عمل) به سیناپس آزاد شوند. مهار عملکرد VMAT2 می‌تواند تأثیرات مختلفی بر عملکرد انتقال‌دهنده عصبی داشته باشد. به‌طور خاص از اهمیت آن تأثیر بر انتقال‌دهنده عصبی دوپامین است. کاربران کوکائین کاهش قابل‌توجهی در ایمنی‌پذیری VMAT2 را نشان می‌دهند. این ممکن است آسیب به پایانه‌های آکسون دوپامین در جسم مخطط را منعکس کند. این تغییرات عصبی می‌تواند در ایجاد اختلال در خلق و خو و فرایندهای انگیزشی در کاربران معتاد بیشتر نقش داشته باشد. نکته مهم در این‌مورد این است که محیط زندگی و اکوسیستم زندگی و سبک زندگی بر بیان این ژن تأثیر می‌گذارد. به‌عبارت دیگر، با عملکرد و فعالیت ژن VMAT2، مذهبی‌بودن در انسان قابل‌توجه است، اما سبک زندگی و اکوسیستم زندگی نیز می‌تواند عملکرد و سرعت این ژن‌ها را کم یا زیاد کند (اسدی و همکاران، ۱۳۹۵). دین اسلام برای همه ابعاد وجودی انسان و شئون مادی و معنوی زندگی او برنامه ارائه کرده است. پس می‌تواند مدار زندگی بشر قرار گیرد و پاسخگوی نیازهای جسمی و روحی، فردی و اجتماعی انسان باشد. دین در لغت عرب به‌معانی شأن، عادت، اسلام، اطاعت، حساب، جزاء، طاعت و ورع آمده است. این واژه در اصطلاح عام، به معنای اعتقاد به آفریننده‌ای برای جهان، انسان و دستورات عملی متناسب با این اعتقاد است. بر این اساس، دین در اصطلاح آیین اسلام، دو رکن اساسی دارد



نهاد آدمی است و احکام الهی به دو طریق در دسترس آدمی قرار داده شده است: یکی از طریق وحی و متون مقدس و دیگری از طریق عقل؛ بنابراین همان‌طور که احکام صریح در متون مقدس دارای حجیت و اعتبارند، احکام بدیهی عقلی (اعم از نظری و عملی) نیز اعتبار دارند. در اسلام هیچ‌گاه تعارض بین عقل و دین وجود ندارد بلکه اگر تعارض هم هست، بین احکام عقلی و احکام نقلی است که آن‌هم باروش و شیوه خاص حل می‌شود. از آنجایی که از طریق استدلال عقلی، حجیت قول معصوم علیه‌السلام به اثبات رسیده است، اگر سخنی و حکمی از معصوم صادر شد که عقل مستقیم توانایی درک آن را نداشت، با پشتوانه و تکیه‌گاه آن حکم عقلی، قابل پذیرش است (محمدرضایی، ۱۳۸۴). هدایت الهی مراتب مختلفی دارد که این مراتب در درجات تقوا اثر مستقیم دارند. خودداری از تبعیت هدایت الهی، سبب گمراهی و در نتیجه، محرومیت از تقوا است. هدایت بر تقوا اثری مستقیم دارد و هدایت الهی برای متقین و آن‌هایی که در مسیر تقوا قرار گرفته‌اند در حال ازدیاد است. هدایت الهی و تقوا رابطه دوسویه مشدد دارند، یعنی هرچه تقوا بیشتر شود هدایت الهی فزون‌تر شده و همچنین هرچه هدایت الهی چراغ راه متقین شود، بر درجات تقوای ایشان افزوده می‌شود. متقین به‌عنوان یک عضو از جامعه با پیروی از هدایت‌های الهی در جهت همزیستی نیکو با هم‌نوعان خویش بر سلامت اجتماعی موثر هستند (سیمپاری و همکاران، ۱۳۹۷). پدیده داعش در طی چند سال گذشته از مهمترین رویدادهای جهانی به‌ویژه در منطقه استراتژیک خاورمیانه بوده است. خشونت‌طلبی و وحشی‌گری داعش ممکن است عوامل مختلف روانشناسی داشته باشد، اما یکی از عوامل اصلی آن روانشناسی گروه، گروه‌زدگی و عضویت در

(بقره ۲) امام کاظم به هشام می‌فرماید: یا هشام، *إِنَّ لَهِ عَلَى النَّاسِ حِجَّتَيْنِ*: حجة ظاهره و حجة باطنه فاما الظاهره فالرسل و الانبياء و الائمة عليهم السلام و اما الباطنه فالعقول (کلینی، ۱۳۶۳. ج ۱، ص ۱۶) خداوند بر مردم دو حجت دارد: حجت آشکار و ظاهری و حجت باطنی. حجت آشکار، رسولان و انبیا و امامان هستند و اما حجت باطنی، عقول مردم‌اند. رسول خدا نیز در روایتی می‌فرماید: *أول ما خلق الله العقل* (مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ص ۹۷) عقل نخستین آفریده خداوند است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: *العقل دليل المؤمن*: عقل راهنمای مؤمن است (کلینی، ۱۳۶۳. ج ۱، ص ۲۵) همچنین در روایتی دیگر می‌فرماید: هرکس عاقل است، دین دارد و کسی که دین دارد به بهشت می‌رود. از این آیات و روایات به‌خوبی برمی‌آید که در اسلام اهمیت بسیاری به مسأله عقلانیت داده شده است. همچنین گزینش و پیروی از دین نیز به‌وسیله عقل صورت می‌گیرد. با عقل و استدلال عقلانی است که آدمی پیروی از دین را سعادت بخش می‌داند به‌نظر نمی‌رسد که هیچ فرقه اسلامی عقلانیت را به‌کلی انکار کرده باشد. اختلاف فقط در قلمرو و حیطة کارکرد عقل است. بنابراین، متدینان از هر مسلک و مرامی به درجات گوناگون از عقل بهره می‌برند. در جهان اسلام، فرقه معتزله به عقل‌گرایی افراطی معروف هستند و روش آنان در حقیقت به‌کاربردن نوعی منطق و استدلال در فهم و درک اصول دین بود. بدیهی است که در چنین روشی، نخستین شرط اعتقاد، حجیت و حرمت‌دادن به استدلال عقلی است. آنان در حجیت عقل تا آنجا پیش رفتند که به‌سهولت به تأویل آیات می‌پرداختند. آهسته آهسته به‌صورت بدعت‌گذار در آمده بودند و سرانجام به جمودگرایی کشیده شدند. عقل حجت الهی در



گروه است که فشارهای درون‌گروهی این گروه تروریستی منجر به تضعیف بازدهی ذهن اعضا، فهم ناصحیح از واقعیت، قضاوت اخلاقی سهل‌انگارانه و عادلانه پنداشتن اقدامات خشونت‌آمیز خود شده است گروه تروریستی داعش با توجه به خشونت و جنایت‌های خود به یکی از بحث برانگیزترین سازمان‌های تروریستی تبدیل شده است. دولت اسلامی در عراق و سوریه یا همان داعش همچنان به تحمیل ارزش‌های خشونت‌آمیز و مرگ‌بار خود علیه کسانی که دشمن می‌پندارد ادامه می‌دهد. از زمان پیدایش داعش در سال ۱۹۹۹ توسط ابومصعب الزرقاوی، این گروه فراز و نشیب‌های زیادی داشته است. شعار الزرقاوی شبیه شعارهای القاعده بود و بسیاری از حامیان صدام حسین را پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱ به خود جذب کرد. در سال ۲۰۱۱ دولت عراق به شدت بی‌ثبات و سوریه گرفتار جنگ داخلی شد. این امر فرصت بسیار خوبی را برای گروه تروریستی داعش جهت استقرار در دو کشور عراق و سوریه فراهم نمود و زمینه را برای رشد و گسترش آنها مساعد کرد از این‌رو، در سال ۲۰۱۴ کنترل بسیاری از مناطق نفتی در عراق و سوریه به دست داعش افتاد و وحشت و خشونت آن نه تنها تمامی منطقه، بلکه سراسر جهان را متأثر کرد. با توجه به وضعیت بحرانی فعلی، ممکن است این سؤال به ذهن متبادر شود که چه چیزی باعث خشونت‌طلبی و وحشی‌گری این گروه شده است و چرا گروهی از مردم بیشتر مستعد پذیرش افراطی‌گری و عضویت در گروهی مانند داعش نسبت به سایرین می‌شوند. افراط‌گرایی و متعاقباً خشونت‌طلبی یک پدیده به شدت پیچیده است و عوامل زیادی از جمله حس از خود بیگانگی که باعث آسیب‌پذیری بیشتر می‌شود و همچنین تفسیرهای افراطی از

اسلام که راه را برای خشونت هموار می‌کند، در این فرایند نقش دارد. بدیهی است افرادی که به این گروه‌ها می‌پیوندند بنا به دلایل مختلفی از جمله از خود بیگانگی، ظلم و ستم، ایدئولوژی‌های خاص یا ماجراجویی جذب چنین گروه‌هایی می‌شوند عضویت در گروه منجر به از دست دادن قدرت تعقل اعضا، انحراف از واقعیت، سیاه و سفید دیدن جهان و عادلانه پنداشتن اقدامات خشونت‌آمیز خود شده است تا جایی که رفتارهای خشن و هیستریک و قتل و آدمکشی از نظر این گروه همچون آب خوردن به شکل امری عادی درآمده است اما صرف عضویت در یک گروه، ساختار سلسله‌مراتبی، ایدئولوژی غالب و کیش رهبری آن، اعضای گروه را شدیداً مستعد اعمال خشونت‌آمیز می‌کند. در بررسی و مطالعه داعش به ویژه بعد روانی اعضای آن، اطلاعات دست اول بسیار کمی وجود دارد، زیرا حضور میدانی و مطالعه و مشاهده از نزدیک عملاً کار دشواری است و واقعاً نمی‌توان گفت در درون این گروه تروریستی چه می‌گذرد. تنها اطلاعاتی که می‌توان به آن اعتماد کرد فیلم‌ها و تصاویری است که توسط خود این گروه در شبکه‌های اجتماعی منتشر می‌شود. تصمیماتی که وجه مشخصه آن تفکر گروهی باشد احتمالاً به نتایج نابهینه می‌انجامد و منجر به تشدید درگیری‌های بین‌المللی خواهند شد. متفکران این گروه از منابع اصلی دین اسلام برای توجیه خشونت استفاده می‌کنند و با برتر جلوه‌دادن خود و قائل بودن تفوق اخلاقی بر سایر گروه‌ها به جذب نیرو می‌پردازند که این امر منجر به واکنشی خشم‌آلود شده است. مهمترین ویژگی این گروه، خشونت‌طلبی مفرط و بی‌تفاوتی نسبت به خشونت است. هنگامیکه اعضای داعش در گروه هستند همانند یک زنجیره به یکدیگر متصل هستند، در نتیجه خشونتی که اعمال



که در دیدگاه عمومی نتیجه‌ی تلاش و ریاضت بشر، تدبیر و عبادت آدمی است که شاید بتوان آنها را به تأثیر محیط و آموزه‌های دینی تعبیر کرد. گرچه هنوز دانش بشری نتوانسته است نقش ژنتیک را در ایجاد خصوصیات فطری موجودات روشن کند، در صورت اثبات و قبول علمی این نوع ارتباطها، بشر به زودی شاهد افزایش روزافزون تقاضا برای اصلاح اختلالات روحی در کنار ناتوانایی‌های فیزیکی خواهد بود. در صورت استفاده‌ی ناروا می‌تواند سبب تغییر در هویت معنوی افراد شود. به نظر می‌رسد که مطابق اراده‌ی تشریحی خداوند هرگونه تلاش بشر با هدف تغییر در خلقت وی، تأثیری در تغییر خلقت فطری او ندارد. همه‌ی انسان‌ها با فطرت خداگرایی به دنیا می‌آیند و بر اساس محیط، سبک زندگی، مسیر زندگی و بندگی خود را انتخاب می‌کنند به نظر می‌رسد گروه تروریستی‌ای همچون داعش دچار گروه‌زدگی، سیاه و سفید قلمداد کردن جهان پیرامون و درست فرض کردن دینی که مبتنی بر خشونت است شده و از هدایت بهره‌ای درست نبرده‌اند. حال اگر بتوان با استفاده از تکنوژئ مهندسی ژنتیک جلوی افراط‌گرایی این دست فرقه‌ها را گرفت بسیار خوشایند است اما این فرضیه با اما و اگرهایی همراه است که نیاز به بررسی‌های بیشتر دارد.

می‌شود برای آنها چندان مهم نیست. اعضای این گروه همچنین، خود را مجهز به دین درست و حقیقی می‌پندارند و بقیه مسلمانان را شر و پیروان راه غلط تصور می‌کنند. کیش شخصیت رهبر گروه و از بین بردن شخصیت انسان و تبدیل نمودن افراد فرقه به ربات‌هایی به شکل مانند موم در دستان رهبری نیز از دیگر ویژگی‌های داعش بر اساس گروه‌زدگی است و کیش شخصیت البغدادی و وفاداری به او همان چیزی است که اعضای جدید را در این گروه نگه‌میدارد. علاوه بر این، تصمیم‌گیری بین مرگ و زندگی ویژگی دیگری است که کسانی که وارد این گروه تروریستی می‌شوند دو راه بیشتر پیش‌روی آنها نیست؛ یا باید تا آخر بجنگند یا به مردن تن در دهند که این امر خشونت افراطی داعش را به نمایش می‌گذارد که در صورت سرپیچی اعضا از آرمان‌های گروه حتی به اعضای خود نیز رحم نمی‌کنند (آقامحمدی و همکاران، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

اگر تکنولوژی‌هایی طراحی شود که بتوانند به راحتی و به شکل بی‌خطر ژن‌های رفتارهای مذهبی و معنوی را مهندسی کند، افراد در این صورت ممکن است بتوانند میزان تأثیرپذیری دینی و معنویت خود را انتخاب کنند. ویژگی‌هایی

منابع

۱. آقامحمدی، ز و ع. امیدی. (۱۳۹۷): تحلیل خشونت‌گرایی شدید داعش بر اساس نظریه روانشناسی سیاسی گروه. فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام علمی-پژوهشی، ۷، ۳، ۱۲۱
۲. آل بویه، م و م، اسماعیلی. (۱۳۹۷): کمال در خلقت از دیدگاه قرآن: لزوم تغییر در خلقت زیستی موجودات. پژوهش در دین و سلامت، ۴، ۵، ۱۲۸-۱۱۸
۳. اسدی، ش.، ز، قلیزاده، م، جمالی، ع، نظیرزاده، س، حبیبی. (۱۳۹۵): بررسی مطالعه مولکولی ژن VMAT2 در مورد ۲۰۰۰ انسان در رفتار دینی و اعتقاد به خدا از شهروندان شهر تبریز، ۷-۱
۴. اسکویی، م. (۱۳۸۶): معرفت فطری در احادیث بررسی آرای دانشمندان. سفینه ۱۴
۵. اسکویی، م. (۱۳۸۵): معرفه‌الله فطری است: آیات و روایات. سفینه ۱۳



۶. بلوری، م. (۱۳۹۵): تبیین شر بر مبنای عقل انسان. کنفرانس بین المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی. سن پترزبورگ-روسیه
۷. پیرعلی، د و د، مسجدی. (۱۳۹۱): رابطه دین مداری و بصیرت دینی در نهج البلاغه. فصلنامه علمی پژوهشی کتاب قیام، ۲، ۷، ۲-۱۸
۸. سیمپاری، ش.، ا، قائمی و م، آرمند. (۱۳۹۷): بررسی رابطه تقوی و هدایت و تاثیر آن بر سلامت اجتماعی از منظر قرآن، قرآن و طب، ۳، ۳، ۱۴۵-۱۵۳
۹. فدایی، م و م، فلاح. (۱۳۹۲): بررسی تطبیقی معرفت فطری خدا در الهیات کالوینی و الهیات اسلامی با تکیه بر آرای جان کالوین و علامه طباطبایی، فصلنامه علمی-پژوهشی انسان پژوهی دینی، سال ۱۰، شماره ۳۰، ۸۷-۶۹.
۱۰. گرجیان، م و م، افشار پور. (۱۳۹۲): دین فطری، فطرت دینی (منشأ دین و گرایش به آن از دیدگاه استاد مطهری) معارف عقلی، سال ۸، شماره ۲، ۸۱-۴۷
۱۱. محمدرضایی، م. (۱۳۸۴): رابطه عقل و ایمان یا (فلسفه و دین) ۱۰، ۱-۲۵

بررسی تغییر در خلقت زیستی موجودات (تراریخته) از نگاه قرآن

فاطمه مقصودی^۱ و حسین مرادی^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد باغبانی-گیاهان دارویی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
(نویسنده مسئول: fateme.magsoudi75@gmail.com)

۲- عضو هیأت علمی دانشکده علوم زراعی و پژوهشکده فناوری‌های زیستی گیاهان دارویی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

چکیده

روند روبه‌رشد احتیاجات بشر به مواد غذایی و جنبه‌های درمانی، سبب شده تا فنون جدیدی همچون تراریختی و مهندسی ژنتیک به کانون توجهات در عصر حاضر مبدل شود. بهره‌مندی ناروا و نادرست از این فنون عواقب جبران‌ناپذیری را به همراه خواهد داشت که ممکن است حیات را به خطر بیندازد. تغییر در ماهیت زیستی خلقت از موضوعات مهمی است که در عصر حاضر توجه ویژه‌ای به آن شده و دیدگاه‌های مختلفی مطرح است. در دنیای امروز مسائل زیادی در رابطه با استفاده از تراریختی وجود دارد. در این مقاله تلاش شده است تا با مرور آیات قرآن کریم و مقالات مختلف، محدودیت‌ها و مجوزهای اشاره شده تغییر در خلقت بررسی شود. از دیدگاه اسلام به نظر می‌رسد تغییر در بعد فیزیکی و مادی خلقت در جهت رفع مشکل، با حفظ اصول و قواعدی که آسیب‌رسان نیستند منعی ندارد. مطابق فرمایش خداوند متعال جهان آفرینش مسخر بشر آفریده شده لذا با بهره‌مندی از این فنون در جهت پیشرفت علم و استفاده از نعمات بیشتر منوط به حفظ اصول اخلاق زیستی بلامانع خواهد بود. شایان ذکر است مطالعات و پژوهش‌های بیشتری در این حیطه باید انجام پذیرد.

واژگان کلیدی: دست‌ورزی، قرآن، مهندسی ژنتیک، فطرت

مقدمه

سایر فناوری‌ها مشکل خاصی ایجاد ننماید، بهره‌گیری از آن اخلاقی خواهد بود (رهنما، ۱۳۸۷). بحث جدی محفل‌های علمی این است که آیا انسان‌ها مجازند تنها برای رسیدن به هدف‌های خودشان، ویژگی‌های ژنتیکی موجودات را دست‌کاری کنند؟ برای جلوگیری از هرگونه انحراف و استفاده‌ی غیراخلاقی از این فناوری، به تدوین قانون‌های ویژه و نظارت بر آن‌ها نیاز است. به نظر می‌رسد پژوهش‌های بیوتکنولوژی تحول‌های زیادی را در قلمروهای متفاوت دانش ایجاد می‌کنند و افق‌های جدیدی را برای دسترسی به فرآورده‌های بدیع در حوزه‌های صنعتی، کشاورزی و بهداشتی و درمانی پیش‌روی قرار می‌دهد. این پژوهش از امیدهای بسیار جدی حاضر در حل مشکل‌های زیست محیطی و تأمین انبوهی از نیازهای متنوع

بیوتکنولوژی کشاورزی و به‌ویژه مهندسی ژنتیک با تولید محصولات تراریخته فرصتی برای کاهش فقر، ایجاد امنیت غذایی، رفع سوء تغذیه و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و افزایش توانایی در اصلاح نباتات ایجاد نموده است. با این‌وجود، ورود بیوتکنولوژی در تحقیقات کشاورزی و تولید محصولات تراریخته، در بسیاری از کشورها با چالش‌هایی از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، ایمنی زیستی، تجاری و اعتقادی مواجه شده است. آنچه مسلم است هر فناوری در کنار مزایای فراوان خود، مواردی از خطر یا ریسک را نیز به‌همراه دارد. زمانی که یک فناوری جدید بتواند مشکلی از مشکلات بشر را حل نموده و نسبت به



محصولات تراریخته موافقت کرده‌اند؛ اما از سوی دیگر، برخی محققان و عالمان دینی معتقدند استفاده از DNA موجودات حرام گوشت موجب حرمت استفاده از غذای تراریخته‌ی به‌دست آمده از آن می‌شود. همچنین، برخی اعتقاد دارند تولید گیاهان و جانوران تراریخته، دخالت در خلقت خداوند است و جایز نیست. چالش کمبود غذا، دغدغه‌ای بزرگ برای جمعیت روبه‌افزایش دنیا است. طبق گزارش سازمان فائو در سال 2111 میلادی، حدود یک هفتم از جمعیت جهانی دچار کمبود انرژی و پروتئین هستند و به‌میزان بیش‌تری نیز متحمل کمبود مواد ریزمغذی‌اند. زیست‌فناوری، از جمله گیاهان و جانوران تراریخته، می‌تواند راه‌حلی کلیدی برای پاسخ به رشد روزافزون تقاضا برای غذا در جهان باشد. در اسلام باوجود نگرانی‌ها و چالش‌های مهم برای استفاده از نتیجه‌های پژوهش‌های مهندسی ژنتیک و تولید موجودات یا گیاهان تراریخته، قانون منع‌کننده برای تغییرهای ژنتیکی در گیاهان و جانوران وجود ندارد در زمینه‌ی استفاده از محصولات تراریخته در اسلام، محققان عقیده‌های مختلفی ابراز داشته‌اند. از نظر اسلام (مذهب شیعه)، مصرف محصولات تراریخته و در پی آن پژوهش و توسعه‌ی فناوری‌های مربوط به آن، مجاز دانسته شده است و این اجازه را مشروط بر ضرر نرساندن در حال و آینده، اطلاع‌رسانی از نوع محصول دریافتی و داشتن اثرهایی مانند مواد طبیعی اعلام کرده‌اند. همچنین، اصل‌های چهارگانه‌ی اخلاق زیستی یعنی احترام به‌فرد (استقلال)، زیان نرساندن، خیرخواهی و عدالت، در استفتاهای مراجع محترم تقلید به‌صورت واضح یا مستتر مورد اشاره و توجه قرار گرفته است. ارزیابی اخلاقی برای پذیرش این فناوری آینده‌نگر، حیاتی است. بیشتر از همه، جامعه‌ی

انسانی است. تولید و عرضه‌ی انبوهی از ماده‌های حیاتی متنوع و استراتژیک غذایی و دارویی و نیز روش‌های جدید و نشان‌دادن و عرضه‌ی ابزارهای دقیق مولکولی برای تشخیص و درمان مؤثر و همچنین تولید گیاهان و جانوران واجد ارزش‌های بالای اقتصادی، از جمله‌ی آن نیازها است. پیشرفت در اکتشاف‌های علمی و توسعه‌ی روش‌ها و ابزارهای آزمایشگاهی در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، امکان دست‌ورزی ماده‌ی وراثتی موجودات زنده را با استفاده از فناوری DNA نو ترکیب، امکان‌پذیر نموده است در زمینه‌ی استفاده از محصول‌های تراریخته در اسلام، محققان عقیده‌های مختلفی ابراز داشته‌اند. از نظر اسلام (مذهب شیعه)، استفاده از محصولات تراریخته و نیز پژوهش و توسعه‌ی فناوری‌های مربوط به آن مجاز است، لیکن این جواز منوط به رعایت جنبه‌های مختلف ایمنی و اخلاقی است که لازم است تأمین شود.

نگاه اسلام (شیعه) به فناوری محصولات و موجودات تراریخته:

محققان و مفسران دینی در دین‌های الهی اسلام، مسیحیت و یهود، دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه‌ی اجازه‌ی استفاده از فناوری محصولات و موجودات تراریخته دارند. در اسلام، با وجود نگرانی‌های مربوط به سلامتی و محیط زیست پیرامون محصولات تراریخته، قانونی منع‌کننده برای تغییرهای ژنتیکی در جانوران و گیاهان وجود ندارد و تاکنون اجماع واحدی برای پذیرش این محصولات اعلام نشده است. از سویی، در مجلس عالمان کشور اندونزی، شورای تغذیه و غذای اسلامی آمریکا، شورای مذهبی اسلامی سنگاپور و اتحادیه‌ی جهانی مسلمانان عربستان سعودی و دولت مالزی، با حلال بودن و مصرف



آن تنها برای اهداف بشری دست‌ورزی کرد. قوانین اخلاق زیستی در این موارد نیز تولید موجودات تراریخته را تنها منوط به تغییر ندادن رفتارهای مختص گونه‌ی زیستی حیوان یا موجود زیستی می‌داند. از دیگر مضرات این دست‌ورزی‌ها تغییر در باورها و برداشت عمومی نسبت به جانوران است که به‌جای مخلوقات خدا و طبیعت مخلوقات انسانی محسوب می‌شوند. هرگونه مطالعه یا دستکاری بر روی ژنوم انسان باید بعد از بررسی دقیق و جامع خطرات و عوارض احتمالی آن برای فرد آزمودنی و نسل‌های بعد و حصول اطمینان از فقدان عوارض جدی و غالب‌بودن منافع احتمالی به خطرات احتمالی به‌انجام برسد. همچنین بیان‌شده است که هرگونه دستکاری ژنتیک در انسان که قابل انتقال به نسل‌های آتی باشد از نظر اخلاقی نادرست است، مگر مواردی که ماهیت درمانی (شامل پیشگیری، درمان یا توانبخشی) داشته باشد. تفاسیر مختلفی از آیات قرآن درباره‌ی آگاه‌سازی انسان از وعده‌ی شیطان درباره‌ی گمراه‌کردن او در تغییر خلقت خداوند بیان شده است. یکی از مهم‌ترین این تفاسیر مربوط به آیه‌ی ۱۱۹ سوره‌ی نسا است وَ لَأُضِلَّهُمْ وَ لَأَمْرِنَهُمْ وَ لَأَمْرِنَهُمْ فَلْيُبَيِّنَنَّ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَأَمْرِنَهُمْ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا وَ سَخَتْ گمراهشان کنم و به آرزوهای (باطل و دور و دراز) درافکنم و دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند (که اینها نصیب بت‌ها است) و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند و (ای بندگان بدانید) هرکس شیطان را دوست گیرد نه خدا را، سخت زیان‌کرده، زبانی آشکار. در این آیه ذکر امر شیطان به انسان برای تغییر در خلقت در کنار گمراه‌سازی انسان و وادارکردن وی به آرزوهای خیالی و موهوم از نکات برجسته‌ای است که از

علمی می‌باید در برابر عموم مسئولیت‌پذیر باشد. ارزیابی در مرحله‌ی بعد از بازار، برای اطمینان از دستیابی به هدف‌های پزشکی که مدنظر بوده و محافظت جامعه در برابر آسیب‌های آینده، که ممکن است اتفاق افتد، باید موردتوجه باشد. نیاز به معرفی مقررات انسانی ناظر بر استفاده از این فناوری‌ها ضروری است. در سال ۱۱۱۹ اتحادیه‌ی اروپا حمایت قانونی از مداخله‌های بیوتکنولوژی را صادر کرد (مرادپور و همکاران، ۱۳۹۴). آیا این فناوری به تغییر در خلقت به‌معنای دخالت در کار خدا منتهی می‌شود، موضوعی که سبب نگرانی عده‌ای از منظر فقهی اخلاقی در اسلام و ادیان دیگر شده است. البته بیشتر مفسران اسلامی، خلقت را به‌معنای فطرت الهی انسان تعبیر می‌کنند که هرگز تبدیل و تغییرپذیر نیست. اینکه اساساً تغییر در هویت جمادی با تغییر در هویت فطری متفاوت است، این تصور را ایجاد کرده است که اصلاح یک جزء ژنی یا فیزیکی معیوب با تلاش برای بهبود عملکرد موجود بدون اشکال است. در نتیجه‌ی اتخاذ این موضع، بدیهی است که زیست‌فناوری هیچ ارتباطی با تغییر فطرت ندارد و از مصادیق تغییر در خلقت به‌شمار نمی‌آید. اما اگر فطرت بشر تغییرناپذیر است، چرا خداوند در آیه‌ی ۱۱۹ سوره‌ی نساء بیان می‌کند، وعده‌ی تغییر در خلقت نوعی گمراهی بیان‌شده است. محال بودن تغییر در فطرت از دیدگاه اسلام از سویی و امکان‌پذیر بودن تغییر در عالم ماده از سوی دیگر، این نتیجه را به ذهن متبادر می‌سازد که مضمون این کلام تغییرات بیولوژیک و نه فطری بشر و دیگر مخلوقات باشد. با توجه به مضمون ارزش ذاتی، به این معنی که یک شیء بدون اینکه برای شیء دیگری ارزشمند باشد یا نباشد به‌خودی خود دارای ارزش است، می‌توان گفت طبیعت ذاتی موجودات محترم است و نباید به



خلقت موجودات دیگر در سوره‌های صافات و نازعات در مقام قیاس با مخلوقات دیگر اشاره شده است. این نکته همچنین در آیه ۹ سوره ی غافر و آیه ۹ سوره ی صافات تأکید مجدد شده است: این آیات به‌طور غیرمستقیم عجز انسان و قدرت خداوند را در خلقت مجدد بشر و مخلوقات دیگر می‌نمایاند، چراکه انسان باوجود تمامی پیشرفت‌های علمی هنوز موفق به ساخت جزئی‌ترین نظام ساختاری خود به‌طور یکسان با واقعیت وجودی آنها نشده؛ و تنها موفقیتش مربوط به همسان‌سازی آن از واحدهای ساختاری همسان خود وی بوده است. تغییرات ژنتیک امری نو پدید نیست و رخداد طبیعی آن را می‌توان در حیات مشاهده کرد. اشاره به خلقت و تغییر در آن در بسیاری از آیات قرآن به‌مفهوم خلقت ماهیت فطری بشر است و چنین برداشتی نباید درباره‌ی خلقت ظاهری انسان یا موجودات دیگر صورت پذیرد. نمونه‌ی این اشاره در آیه ۳۰ سوره ی روم بیان شده است. در ترجمه‌های جناب استاد مهدی فولادوند و آیت‌الله موسوی همدانی (لا تبدیل لخلق الله) را به (دگرگونی در آفرینش الهی نیست) و (آفرینش خدا تغییرپذیر نیست) ترجمه کرده‌اند. آیت الله مشکینی در ترجمه‌ی خود بدین صورت آن را (هرگز تبدیلی در آفرینش، تکوینی، خدا نباشد و در آیین تشریحی او هم نباید باشد) بیان کرده است. در این استدلال که منظور از آیه‌ی مذکور معنای ظاهری ممانعت بشر در تغییر دادن فیزیک انسان و خلقت‌های دیگر است، می‌توان مناقشه کرد؛ چراکه اولاً مقصود از تغییر خلقت در آیه همان‌گونه که در تفاسیر معتبر آمده است، دگرگونی و تحریف در دین حق و فطرت الهی است، نه مطلق تغییر در آفرینش الهی؛ ثانیاً توانایی خداوند در تغییر خلقت پس از ایجاد، از مضامینی است که می‌تواند حمايتگر این فرضیه

مضمون ظاهری آیه برداشت می‌شود. همچنین در ادامه بیان شده است که انجام این فعل زیانی آشکار است. همچنین می‌گوید آنها را وادار می‌کنم که خلقت خدا را تغییر دهند. (و من یتخذ الشیطان ولیاً من دون الله فقد خسر خسراناً مبیناً)؛ و هر کس به‌جای خدا شیطان را دوست و سرپرست خود بگیرد، به تحقیق دچار خسارت و زیانی آشکار شده است. در تفسیر نمونه منظور از تغییر خلقت در این آیه به نقل از امام باقر و امام صادق (علیهما السلام)، تغییر فطرت توحید و فرمان خدا که در نهاد آدمی قرار داده شده؛ بیان شده است. این نکته در تفسیر روان جاوید نیز به‌طور مشابهی اشاره شده است. ادامه‌ی این تفسیر به نقل از امام صادق (ع) بیان شده است که مراد از تغییر خلق، تغییر دین خدا و امر و نهی او است که در تأیید این معنی است که بر مردم روا نیست تبدیلی در آنچه خداوند خلق فرموده (فطرت الهی که مفطور فرموده است) انجام دهند. در ادامه‌ی این تفسیر اشاره شده است که شاید این روا ندانستن اشاره به‌هر تغییر خلقی بدون مجوز الهی خواه در ظاهر، خواه در صفت باشد، مانند کورنمودن چشم حیوان نری که زیاد عمر کرده باشد. دست‌ورزی در هیئت ظاهری و فطری موجودات از جمله انسان، در جهت منافع بشر در مضامین ظاهری افزایش کیفیت زندگی یا تأمین منابع غذایی، بدون توجه به هویت فطری آنها، وجود نقص در خلقت الهی را به ذهن متبادر می‌کند. خداوند در آیه‌های مختلف قرآن به وجود کمال در خلقت ظاهری و باطنی اشاره؛ و بر آن تأکید کرده است، برای مثال آیه ۴ سوره ی تین، آیه ۴ سوره ی ملک و آیه ۷ سوره ی سجده. آیات فوق به‌وجود کمال در خلقت اشاره کرده است و تغییر آن به‌دست بشر را عملی شیطانی می‌داند، به ناتوانی انسان در درک خلقت خود، معاد جسمانی و

**از اثرات مطلوب گیاهان تراریخته:**

مقاومت به آفات و بیماری‌ها، کنترل علف‌های هرز، برتری‌های تغذیه‌ای و از مزایای ایمنی زیستی گیاهان تراریخته می‌توان به‌عنوان جایگزین مصرف بالای سموم، کاهش مصرف سموم شیمیایی، کاهش پسمانده سموم در محیط و محصولات غذایی، حفاظت از خاک، جلوگیری از آلودگی آب‌های زیرزمینی، کنترل بهتر آفات در چارچوب مدیریت تلفیقی اشاره نمود. (شجیع و همکاران، ۱۳۸۴). به‌منظور ارتقای سطح نگرش متخصصان بیوتکنولوژی لازم است میزان اطلاع‌رسانی به‌منظور فرهنگ استفاده از گیاهان تراریخته افزایش یابد. بدون شک برخورداری از قوانین مناسب در زمینه فناوری‌های نوین از فاکتورهای موثر در توسعه‌ی این فناوری‌ها خواهد بود (پزشکی‌راد و همکاران، ۱۳۸۹). در اسلام استفاده از محصولات تراریخته و بالتبع پژوهش و توسعه‌ی فناوری‌های مربوط به آن مجاز است، لیکن این جواز منوط به رعایت جنبه‌های مختلف ایمنی و اخلاقی می‌باشد که لازم است تأمین شود. تأمین این شروط نیازمند ساختارها و سازوکارهای مناسب هستند (الهیاری‌فرد، ۱۳۹۲). حضور برخی مواد غذایی تراریخته در سبد کالای مصرف‌کنندگان ایرانی و عدم تصویب و انتشار قوانین در زمینه برچسب‌گذاری این‌گونه کالاها، اقدام سریع دست‌اندرکاران و مسئولان و اطلاع‌رسانی شفاف به جامعه را می‌طلبد. برچسب‌گذاری روشی برای اطلاع‌رسانی به مصرف‌کننده است و به‌تنهایی جایگزین قوانین حفاظت از سلامت انسان و محیط زیست نمی‌باشد. برای اطمینان از سلامت و ایمنی محصول تراریخته باید قوانین ایمنی‌زیستی نیز به‌همراه برچسب‌گذاری رعایت گردد (مهدی‌زاده، و همکاران، ۱۳۹۰). علی‌رغم فواید بالقوه این فناوری جدید در بهبود پایداری

باشد که احتمالاً تغییر در خلقت بر اساس خواست الهی و مصلحت آدمی و بر مبنای تکامل زیستی ممکن و شدنی است. در آیه‌ی ۶۹ سوره‌ی اعراف به این نکته اشاره شده است. همان‌گونه که پیش از این بیان شد یکی از تهدیدهای فنون تراریختی زیستی، تأثیر روانی آن در فهم فطرت بشری و خداشناسی است، به‌گونه‌ای که ممکن است بر بشر مشتبه شود که غیر خدا نیز توان خلقت دارد و حتی می‌تواند در خلقت گذشته تغییر ایجاد کند. این آیات و تفاسیر در مجموع حمایتگر این نکته است که تغییر در خلقت در بُعد فیزیکی امری شدنی و دست‌یافتنی است، درحالی‌که تغییر در فطرت و رای آنچه خداوند متعال در ضمیر انسانی قرار داده است ناروا و ناشدنی است. امری که بی‌توجهی به آن می‌تواند عواقب بسیاری برای بشر به‌ویژه بر ابعاد تکامل معنوی و هستی‌شناختی وی به‌همراه داشته باشد. با توجه به آنکه اراده‌ی تکوینی خداوند بر تغییرناپذیر بودن خلقت فطری موجودات اشاره دارد، از آیات استنتاج می‌شود که مطابق اراده‌ی تشریحی خداوند هرگونه تلاش بشر با هدف تغییر در خلقت وی، تأثیری در تغییر خلقت فطری او ندارد (آل بویه و همکاران، ۱۳۹۷).

اثرات نامطلوب گیاهان تراریخته:

احتمالاً اکثر موجودات تراریخته حداقل اثرات نامطلوب اکولوژیکی را خواهند داشت. از جمله این خطرات عبارتند از: از بین رفتن منابع زیستی ارزشمند، اثرات منفی بر فرایند اکوسیستم، اثر مخرب بر جوامع زنده، آسیب به گونه‌های غیرهدف و از دیگر تبعات زراعی گیاهان تراریخته اثرات جانبی غیرقابل پیش‌بینی ژن انتقالی و آنزیم مربوط روی جنبه‌های فیزیولوژی گیاهان مقاوم است.



همچنین اهانت به کرامت ذاتی موجودات زنده است. این عقیده که انسان نباید نقش خدایی ایفا کند، در بین بسیاری از جوامع بشری مطرح است. در زمینه محصولات تراریخته هم گاهی این موضوع مطرح می‌شود که تراریخته و شکستن مرز گونه‌ها جنبه‌ای از (نقش خدایی) است که توسط برخی به شدت مورد انتقاد است؛ با این وجود، توافق جامعی در این زمینه وجود ندارد. شاید لازم باشد برای بررسی دقیق‌تر این موضوع به اخلاقیون مراجعه شود. یکی از اخلاقیون غربی به نام برنارد رولین عقیده دارد که عبور از مرز گونه‌ها ذاتاً اشتباه نیست. هرچند بسیاری از اخلاقیون با این موضوع موافق نیستند، ولی نظریات رولین با نظرات دولت انگلستان (که در گزارش پولکینگ هورن اشاره شده) مطابقت دارد. برخی افراد با هرگونه دستکاری در رمزهای ژنتیکی انسان یا حتی هرشکلی از حیات مخالف هستند. در این میان، عده‌ای از منتقدین مذهبی هم مهندسی ژنتیک را دخالت در کار خداوند دانسته و بر این عقیده‌اند که حیات مقدس است و نباید توسط انسان برای رسیدن به اهداف خود مورد تغییر قرار گیرد، البته برخی از مخالفت‌ها مبتنی بر اصول غیرمذهبی سکولار است، مانند اعتقادات تند و افراطی ژرمی ریفکین که عقیده دارد تغییر دی ان ای تحت هر شرایطی تجاوز به کرامت انسان‌ها و سایر اشکال حیات است. این مخالفت‌ها بیشتر از طرف متدینان غربی مطرح می‌شود. بر اساس تفکرات اسلامی امکان دخالت در کار خداوند وجود ندارد. به عقیده بسیاری از علمای دینی و فلاسفه، اراده بشری در راستای اراده خداوندی است. بنابراین مهندسی ژنتیک به عنوان جلوه‌ای از اراده خالق به شمار می‌آید. اگر دستکاری در خلقت خداوندی مجاز نیست، بنابراین اصلاح گیاهان و حیوانات با روش‌های سنتی هم مجاز نخواهد بود، اما اگر این افراد

و کیفیت منابع جهانی غذا، در بین عموم و جوامع علمی نگرانی‌هایی در مورد استفاده از این محصولات جدید مطرح شده است. برخی از انتقادهای مطرح شده در زمینه این فناوری و فرآورده‌های غذایی حاصل از آن عبارتند از مخاطرات احتمالی این فناوری بر محیط‌زیست، خطرات احتمالی بر سلامت مصرف‌کنندگان از جمله انسان و احتمال حاکمیت شرکت‌های چند ملیتی بر تولید جهانی غذا و به حاشیه راندن کشاورزان در کشورهای در حال توسعه و توسعه‌یافته از جمله نگرانی‌های دیگر در این حوزه می‌توان به احتمال وابستگی غذایی کشورهای در حال توسعه و فقیر به کشورهای صنعتی، کاهش تنوع زیستی گیاهان جهان در نتیجه مهندسی ژنتیک، تحریف و تغییر ساختار سلولی موجودات و عدم برچسب‌زنی مناسب به‌ویژه زمانی که محصولات تراریخته و غیرتراریخته با هم مخلوط میشوند، اشاره کرد. علاوه بر این، گاه نگرانی‌هایی در زمینه ماهیت فناوری مهندسی ژنتیک مطرح می‌شود که به جنبه‌های اخلاقی ذاتی مهندسی ژنتیک مربوط است. سؤالات مطرح در این زمینه فراوان است: آیا دست‌ورزی ژنتیکی موجودات اخلاقی است؟ آیا تولید گیاهان تراریخته حاوی ژن‌های انسانی و یا حیوانی اخلاقی است؟ برخی نگرانند که استفاده از این فناوری در زندگی گیاهان و جانوران دخالت‌های ناروایی بکند. به همین دلیل عده‌ای از مخالفان مهندسی ژنتیک بر این عقیده‌اند که هرگونه دستکاری ژنتیکی موجودات اساساً اشتباه است. این دسته از افراد با استناد به برخی آموزه‌های دینی و مذهبی بیان می‌کنند که دستکاری ژنتیکی موجودات دخالت در کار خداوند است. برخی هم بر این عقیده‌اند که طبیعت را باید به حال خود گذاشت و تغییر موجودات زنده نوعی تجاوز به حریم گونه‌ها و



محصولات اعلام داشته‌اند. بیشتر ملاحظات ابراز شده مربوط به بحث ایمنی این قسم از محصولات است. تاثیرات سوء بر سلامت انسان، تاثیر سوء بر سلامت دام و آسیب به محیط زیست از جمله ملاحظات مورد ادعا در این باب به‌شمار می‌روند.

دیدگاه موافقین:

برخلاف گروه اول، حامیان تراریخته، مزایای متعددی را در باب ایمنی زیستی، سلامت انسان و دام و حتی از نقطه نظر اقتصادی ابراز داشته‌اند. از آن جمله می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود: افزایش کمی محصول و تامین امنیت غذایی جمعیت روبه‌کاهش هزینه‌های زراعی و افزایش سود حاصل از کشاورزی بهبود ارزش غذایی محصول و سطح مقاومت محصول در برابر آفات، کاهش مصرف سموم کشاورزی و سلامت محصول، کاهش بیماری‌هایی چون سرطان، بیماری‌های تنفسی و ناباروری در اثر کاهش مصرف سموم شیمیایی کاهش مصرف آلاینده‌های زیست محیطی، ورود ژن‌های مفید، نجات وارثه‌های در حال انقراض و حفظ تنوع، کاهش فرسایش زیستی خاک به‌وسیله کشت بدون خاک‌ورزی، احیاء مراتع و جنگل‌ها و حفظ گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری کاهش بحران آب به‌واسطه تولید محصول مقاوم به خشکی است. قرآن کریم اولین و مهمترین مستند شرعی استنباط احکام، می‌باشد. بر مبنای آیات متعدد از قرآن کریم، خداوند متعال، جهان آفرینش را مسخر بشر قرار داده است لازمه این تسخیر، تصرف بشر در جهان خلقت و نفع‌بردن از نعمات الهی در جهت رسیدن به اغراض خویش می‌باشد لذا تولید محصولات تراریخته نیز چنانچه به‌منظور بهره‌برداری از نعمت‌های خدادادی و رفع مشکلات بشری باشد، نمونه‌ای از تسخیر

اصلاح انتخابی (سنتی) را نقض تقدس حیات نمی‌دانند، باید توضیح دهند که این موضوع از نظر کیفی چه تفاوتی با مهندسی ژنتیک دارد. سرعت و قابل‌پیش‌بینی بودن تغییرات ایجاد شده در روش مهندسی ژنتیک نسبت به روش‌های اصلاح انتخابی بسیار بیشتر است و بنابراین چندان منطقی نیست که اولی را در تناقض با اراده خداوند و دومی را قابل‌پذیرش بدانیم. مرور کوتاهی بر دیدگاه مذاهب مختلف در زمینه غذاهای تراریخته نشان می‌دهد که در درون سه آیین توحیدی اصلی دنیا هنوز اجماع کاملی در زمینه پذیرش و مجاز بودن تحقیقات در حوزه مهندسی ژنتیک و یا مصرف غذاهای تراریخته وجود ندارد. با این حال، در کل به‌نظر می‌رسد که جریان اصلی الهیات در مذاهب توحیدی دنیا دست‌ورزی ژنتیکی گیاهان (غذاها)، تحقیق در زمینه مهندسی ژنتیک و مصرف غذاهای تراریخته را تا زمانی که جنبه‌های علمی، اخلاقی و نظارتی بر تحقیق و توسعه این محصولات وجود داشته باشد و به‌طور مناسبی برچسب‌زنی شوند را می‌پذیرد (رهنما، ۱۳۹۴).

دیدگاه‌های موجود در بحث تراریخته:

تراریخته از جمله مسائلی است که در ارتباط با آن دیدگاه‌های مخالف و متقابل دیده می‌شود. به نحوی که ادعا شده است، گروهی از کارشناسان بیوتکنولوژی، تولید این محصولات را زیان‌آور دانسته و در نتیجه به مخالفت با آن برخاسته‌اند و در مقابل گروه دیگر بر مبنای فواید حاصل از تراریخته، تولید آن را امری ضروری دانسته‌اند. با وجود اختلاف اندیشمندان، یقیناً صدور حکم در مسئله‌ی تراریخته نیازمند بررسی دقیق و ارزیابی ادله و مستندات می‌باشد.

دیدگاه مخالفین تراریخته:

گروهی از منتقدین با ارائه مخاطراتی در باب تراریخته، مخالفت خویش را با تولید این



در پی خواهند داشت. کما اینکه سازمان بهداشت جهانی با ملاحظه سیستم ارزیابی دقیق، این نوع محصول را بر نوع متعارف ترجیح داده است. در مقام استدلال، ممکن است گفته شود که اگر چه در ارتباط با تراریخته، وجود ضرر، قطعی نیست، اما احتمال بروز اثرات سوء در درازمدت همچنان باقیست؛ لذا مطابق قاعده وجوب دفع ضرر محتمل، در جایی که نسبت به عملی، احتمال ضرر می‌رود به حکم عقل، واجب است از آن عمل اجتناب گردد تا از وقوع در ضرر و زیان محتمل، ممانعت شود. لذا بر مبنای قول این گروه از فقها، طرح قاعده وجوب دفع ضرر محتمل در ارتباط با بحث حاضر نیز موضوعیت می‌یابد. اما استناد به این قاعده در این موضع از چند جهت مخدوش می‌باشد؛ اولاً در موارد تقابل ضرر و منفعت، جهت اقوی و غالب، مقدم می‌گردد در ارتباط با تولید تراریخته با توجه به غلبه منافع و مزایا بر مخاطرات احتمالی، مزایای بی‌شمار، مضرات احتمالی را کان‌لم‌یکن قرار می‌دهد در نتیجه مجالی برای تمسک به قاعده لزوم دفع ضرر محتمل باقی نمی‌ماند. لذا مفاد قاعده، وجوب دفع ضرری است که اگر از آن ممانعت نشود به احتمال قوی، واقع می‌گردد. لذا در ارتباط با تراریخته راه عقلی دفع ضرر، ارزیابی دقیق مخاطرات احتمالی و مدیریت آن به‌واسطه اتخاذ شیوه‌های علمی می‌باشد نه تحریم کلی آن چراکه هیچ فناوری صددرصد ایمن نمی‌باشد و چنانچه در هر موردی که احتمال ضرر می‌رود قائل به تحریم گردیم، راهی برای پیشرفت علم باقی نمی‌ماند. قاعده نفی سبیل یکی از قواعد مشهور فقهی است که اصلی‌ترین مستند آن، آیه ۱۴۱ سوره نساء می‌باشد (وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا) در این آیه، خداوند متعال به این نکته اشاره می‌کند که هر فعلی که موجب استیلا و برتری کافر بر مسلمان

طبیعت و تصرفی است که مطابق آیات الهی، مجاز به‌شمار می‌رود. یکی از شروطی که در استفتائات فقهای معاصر در مسئله تراریخته به‌چشم می‌خورد، شرط عدم ضرر می‌باشد. در تمامی مراحل اعم از تولید، توزیع و مصرف تراریخته این شرط را مطرح نموده‌اند و حکم جواز را مشروط به آن مبنای این شرط، قاعده کرده‌اند. مطابق این قاعده کلی از نظر شرع هر نوع اضرائی، محکوم می‌باشد و چه بسا فقهایی که بر مبنای آن به حرمت اضرائی حکم نموده‌اند به عبارت دیگر، قاعده لاضرر می‌تواند یکی از قواعد حاکم بر حکم تولید محصولات تراریخته به‌شمار رود. در ارتباط با تراریخته ابتدا باید ضرری بودن آن اثبات گردد و سپس به‌واسطه انطباق این قاعده کلی بر آن، ممنوعیت و نامشروع بودن آن نتیجه گرفته شود. وجود شبهه نسبت به ضرری بودن تراریخته مانع از تمسک به عموم قاعده لاضرر و اثبات ممنوعیت برای تولید آن می‌گردد. از سوی دیگر، فقها، ضرر را بر نقصانی اطلاق می‌کنند که در قبال آن نفع یا عوضی قرار نگرفته است. محصولات تراریخته چون تامین امنیت غذایی، دستیابی به کشاورزی پایدار و خودکفایی و ... بر آن تعلق گرفته است، از این حیث عرفاً عنوان ضرر بر آن صادق نمی‌باشد. بسیاری از ملاحظات ابراز شده در ارتباط با محصولات تراریخته نسبت به نوع غیر تراریخته نیز وجود دارد و به‌همان میزان که امکان بروز اثرات ناخواسته نسبت به این محصولات وجود دارد، نسبت به نوع غیر تراریخته نیز این احتمال وجود خواهد داشت. با توجه به اینکه محصولات تراریخته به‌منظور دریافت مجوز، ملزم به طی مراحل ارزیابی می‌باشند و در رابطه با نوع متعارف، الزام قانونی بر ارزیابی ایمنی وجود ندارد محصولات تراریخته نسبت به نوع غیرتراریخته ضرر کمتری



وضعیت اقلیمی ایران به احتمال قوی، جامعه را با چالش امنیت غذایی مواجه خواهد ساخت و این امر، ضرری عظیم برای جامعه به‌شمار می‌رود (غنی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۷).

نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه امروزه در موضع تراریخته دو دیدگاه موافق و مخالف وجود دارد. عده‌ای این دست‌ورزی‌ها را نشانه‌ی دخالت در کار خدا می‌دانند و برخی دیگر استفاده از این فنون را با توجه به نیازی که در آینده بشر برای رفع احتیاجات خود بدان دارد را در جهت استفاده‌ی درست و در صورت مضر نبودن، لازم می‌دانند. دیدگاه اسلام و قرآن نیز در جهت استفاده‌ی درست و اصولی و پیشرفت علم منعی نمی‌بیند مگر اینکه ضرر آن محتمل شود. تغییر در خلقت مطابق آیات قرآن و روایات از بعد فطری نوعی گمراهی محسوب می‌شود و این امر نکوهش شده است. اما تغییر در بعد مادی و فیزیکی مخلوقات در جهت بهره‌مندی بیشتر از این مواهب با حفظ اصول و چارچوب‌هایی که تحت‌عنوان اصول اخلاق زیستی شناخته می‌شود، می‌تواند انجام پذیرد. از آنجایی که زیست فناوری ارتباطی با تغییر فطرت ندارد و از مصادیق تغییر در خلقت به‌شمار نمی‌آید. با توجه به شرایط آب و هوایی و کمبود منابع غذایی، جامعه نیازمند استفاده از ابزارهایی از جمله فناوری علم ژنتیک در جهت افزایش کمی و کیفی محصولات به‌خصوص گیاهان زراعی است تا با بهره‌گیری از آن، قابلیت تولید در شرایط سخت و دشوار به‌خوبی فراهم شود. از طرفی منع به‌کارگیری این فناوری می‌تواند جامعه را به‌منظور رفع چالش امنیت غذایی، ناچار به واردات مواد غذایی نماید. نظر به اینکه در جهان امروز، غذا سلاحی برای سلطه بر ملت‌ها به‌شمار می‌رود، این امر به نوبه خویش،

گردد از نظر شرع، ممنوع می‌باشد و چه‌بسا در این حالت، فقها چنین فعلی را از باب مقدمه حرام، حرام به‌شمار آورده‌اند. با توجه به وضعیت بحرانی منابع آب، مراتع و جنگل‌ها، تغییرات آب و هوایی و شوره‌زار شدن زمین‌ها یقیناً در آینده‌ای نه‌چندان دور، جامعه با چالشی تحت‌عنوان تامین امنیت غذایی روبرو خواهد بود. آنچه مسلم است اینکه ممانعت از به‌کارگیری این فناوری و مخالفت با تولید تراریخته، می‌تواند جامعه را به‌منظور رفع چالش امنیت غذایی، ناچار به واردات مواد غذایی نماید. نظر به اینکه در جهان امروز، غذا سلاحی برای سلطه بر ملت‌ها به‌شمار می‌رود، این امر به نوبه خویش، راهی برای تسلط کفار بر جامعه مسلمین به‌شمار خواهد رفت، در حالی که چنین تالی فاسدی به‌واسطه قاعده نفی سبیل محکوم گردیده است. به‌عبارت دیگر، با دید دقیق، قاعده نفی سبیل دارای دو بعد سلبی و ایجابی است مطابق بعد سلبی، قاعده هر نوع سلطه کفار بر مسلمین را نفی می‌کند و در مقابل مطابق بعد ایجابی بیان می‌دارد که وظیفه امت اسلامی در حفظ استقلال و خودکفایی به‌عنوان لازمه رفع وابستگی و سلطه بیگانگان می‌باشد. در نتیجه می‌توان گفت هنگامی که فراهم نمودن زمینه برای تسلط کفار بر مسلمین، حرام باشد به تبع آن از بین بردن زمینه وابستگی و تلاش امت اسلامی در جهت خودکفایی و استقلال واجب می‌گردد. بنابراین تولید تراریخته و تلاش برای پیشرفت این فناوری نیز به‌عنوان راهی به‌سوی خودکفایی و استقلال جامعه مسلمین از باب مقدمه واجب، واجب می‌گردد. از سوی دیگر مفاد قاعده دفع ضرر محتمل نیز می‌تواند موید دیگری بر این امر به‌شمار آید؛ چراکه مطابق آنچه ذکر شد مراد از ضرر محتمل، ضرری است که احتمال قوی بر وقوع آن وجود دارد و در این موضع، ممانعت از تولید ملی تراریخته با توجه به



باشد به تبع آن از بین بردن زمینه وابستگی و تلاش امت اسلامی در جهت خودکفایی و استقلال واجب می‌گردد. بنابراین تولید تراریخته و تلاش برای پیشرفت این فناوری نیز به‌عنوان راهی به‌سوی خودکفایی و استقلال جامعه مسلمین واجب می‌گردد، در صورتی که ضرری بر موجودات و محیط وارد نشود به‌نظر نمی‌رسد معنی در به‌کارگیری و استفاده از آن وجود داشته باشد.

راهی برای تسلط کفار بر جامعه مسلمین به‌شمار خواهد رفت، در حالی که به‌واسطه قاعده نفی سبیل این امر محکوم شده است، این قاعده هر نوع سلطه کفار بر مسلمین را نفی می‌کند و در مقابل مطابق بعد ایجابی بیان می‌دارد که وظیفه امت اسلامی در حفظ استقلال و خودکفایی در جهت رفع وابستگی و سلطه بیگانگان باید انجام پذیرد. در نتیجه می‌توان گفت هنگامی که فراهم نمودن زمینه برای تسلط کفار بر مسلمین، حرام

منابع

۱. آل بویه، م و م، اسماعیلی. (۱۳۹۷): کمال در خلقت از دیدگاه قرآن: لزوم تغییر در خلقت زیستی موجودات. پژوهش در دین و سلامت، ۴، ۵، ۱۲۸-۱۱۸
۲. الهیاری فرد، ن. (۱۳۹۲): بررسی دیدگاه‌های اسلامی (شیعه) درباره‌ی مصرف محصولات تراریخته. مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، ۶، ۱، ۹-۱
۳. پزشکی‌راد، غ و ا، نعیمی. (۱۳۸۹): تحلیل عاملی نگرش متخصصان بیوتکنولوژی استان تهران نسبت به بکارگیری محصولات تراریخته، مجله تحقیقات و توسعه‌ی اقتصاد کشاورزی ایران، ۲، ۲، ۲۰۲-۱۹۳
۴. رهنما، ح. (۱۳۸۷): اخلاق زیستی و تولید محصولات تراریخته، فصلنامه اخلاق در علوم زیستی، ۳، ۱ و ۲، ۱-۱۴
۵. رهنما، ح. (۱۳۹۴): بررسی تطبیقی دیدگاه ادیان مختلف در مورد فناوری محصولات تراریخته، فصلنامه اخلاق زیستی، ۵، ۱۶، ۱۸۳-۲۱۸
۶. شجاع، ا، م، گواهی و م، صفاری. (۱۳۸۴): بررسی جنبه‌های مختلف گیاهان تراریخته، چهارمین همایش ملی بیوتکنولوژی جمهوری اسلامی ایران-کرمان، ۴-۱
۷. غنی‌زاده، م و ف، طباطبایی. (۱۳۹۷): حکم تکلیفی تولید محصولات تراریخته از منظر فقه امامیه، ۷، ۲، ۱۳-۱
۸. مرادپور، ر، م، طاویرانی، ن، احمدی و م، نخعی. (۱۳۹۴): ملاحظات اخلاقی و اسلامی درباره‌ی حیوانات تراریخته، مجله‌ی پژوهش در دین و سلامت، ۱، ۴، ۵۴-۴۵
۹. مهدی‌زاده، م، م، ربیعی، م، آل بویه و ح، رستگار. (۱۳۹۰): برچسب گذاری مواد غذایی تراریخته و حقوق مصرف کنندگان، فصلنامه حقوق پزشکی، ۵، ۱۶، ۱۵-۱



بررسی گیاهان قرآنی از دیدگاه علم گیاهشناسی

ناصر صادقیان^۱، فاطمه راسخ^۲، محمد حسن دشتی خویدکی^۳، سعدیه دهقانی فیروزآبادی^۴، فاطمه دانشمند^۵، امیرعباس مینایی‌فر^۶

۱- مربی، گروه معارف، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۲- استادیار، گروه زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۳- استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۴- پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران

۵- استادیار، گروه زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران

۶- استادیار، گروه زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول: aaminaefar@gmail.com)

چکیده:

زمینه و هدف: عمده پژوهش‌های گیاهان قرآنی متمرکز بر خواص دارویی یا تغذیه‌ای آنها بوده است، اما نکته‌ای که در این میان کمتر مورد توجه قرار گرفته بحث گیاهشناسی (سیستماتیک) این گیاهان است، این موضوع موجب بروز اختلافات و شباهتی در میان مکتوبات پژوهشی قرآنی با محوریت بحث گیاهشناسی است، بعضاً اشتباهات سهوی در خصوص گیاهان مورد اشاره دیده می‌شود، هرچند پژوهشگران سعی در رفع این شباهت و مقایسه این گیاهان داشته‌اند اما به دلیل عدم تسلط کافی بر علم سیستماتیک گیاهی این شباهت به طور کامل رفع نشده است. روش تحقیق: این مقاله با تمرکز بر مقالات و تفاسیر قرآنی حاوی اطلاعات گیاهشناسی انجام گرفته است. این پژوهش با رعایت اصل صداقت و امانتداری و برپایه مطالعات کتابخانه‌ای و جستجو در پایگاه‌های علمی معتبر، انجام شده است. یافته‌ها: براساس نتایج حاصله از این تحقیق گیاهان نامبرده شده در قرآن از نظر گیاهشناسی به دو گروه تقسیم شده‌اند، گروه اول گیاهانی که کاملاً شناخته شده هستند و بیشترین مقالات در خصوص آنها نگاشته شده است، گروه دوم، به گیاهان کمتر شناخته شده و شبه‌دار اختصاص دارد، در این مقاله از توضیح و شرح گیاهان شناخته شده و مشخص که در سایر پژوهش‌ها به طور واضح به آن پرداخته شده است پرهیز شده و تنها به ذکر نام آنها و آیات شریفه‌ای که از آنها یاد شده بسنده می‌شود و در عوض به شرح مبسوط و مصور گیاهانی پرداخته می‌شود که مورد شک و شبه بوده‌اند. بحث و نتیجه‌گیری: استفاده از تخصص سایر علوم در کنار قرآن پژوهشی می‌تواند علاوه بر رفع شباهت منجر به فتح باب‌های علمی جدیدی در قرآن پژوهشی شود.

واژگان کلیدی: قرآن، گیاهشناسی، زیست‌شناسی

مقدمه

گرفته است بحث گیاهان نامبرده شده در قرآن است که تلاش‌هایی در جهت شناساندن آنها صورت گرفته است (صادقیان و مینایی‌فر، ۱۳۹۷). گیاهان منبلیع مهمی برای تولید ترکیبات دارویی می‌باشند، ترکیبات دارویی موجود در گیاهان همواره مورد استفاده و بهره‌برداری بشر بوده است از جمله انواع ویتامین‌ها، آنتی‌اکسیدان‌ها، مواد ضد درد و ضد التهاب و ... را می‌توان نام برد (ضیایی، ۱۳۸۱).

قال رسول الله (ص): "انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی" قبل از پیروزی انقلاب اسلامی از این دو امانت سپرده شده به مسلمانان توجه شیعیان به ویژه مردم ایران بطور عمده معطوف به فرمایشات اهل بیت رسول خدا بود اما پس از پیروزی انقلاب خوشبختانه توجه ویژه‌ای به مباحث مطرح شده در قرآن شده است از جمله مطالب قرآنی که مورد توجه قرار



در قرآن، احادیث، منابع طب سنتی، دانش کنونی بشری و نظرات متخصصان در این زمینه وجود دارد به معنای صحیح دست یابند، اگرچه هیچ تضادی وجود ندارد که برای یک کلمه چندین مفهوم یافت شود و معمولاً "نباید مفاهیم قرآنی را تنها به یک مورد خاص منحصر کرد بلکه می‌توان از آن به‌عنوان یکی از مصادیق آیه یاد کرد، اما بروز اختلافات و شبهاتی در میان مکتوبات پژوهشی قرآنی در کل امری پسندیده نیست، چراکه در این پژوهش‌ها متاسفانه تنها با استناد به اسامی عامیانه عربی، فارسی، انگلیسی و ... اقدام به معرفی گیاهان شده و بعضاً اشتباهات سهوی در خصوص گیاهان مورد اشاره دیده می‌شود، هرچند پژوهشگران سعی در رفع این شبهات و مقایسه این گیاهان داشته‌اند اما به دلیل عدم تسلط کافی بر علم سیستماتیک گیاهی این شبهات به‌طور کامل رفع نشده است، مضافاً اینکه در برخی از پژوهش‌ها بعضاً نام گیاهان اشاره شده به دلیل شباهت به نام گیاه دیگری که از لحاظ گیاهشناسی کاملاً متفاوت از آن می‌باشد مترادف در نظر گرفته شده یا به کل اشتباه بیان شده است (قنادی و داوودی، ۱۳۹۲). از اینرو به جهت کاهش شبهات در این مقاله به بررسی موارد شبه‌دار پرداخته می‌شود. در این مقاله از توضیح و شرح گیاهان رایج و مشخص که در سایر پژوهش‌ها به‌طور واضح به آن پرداخته شده است پرهیز شده و تنها به ذکر نام آن‌ها و آیات شریفه‌ای که از آنها یاد شده بسنده می‌شود و به شرح مبسوط و مصور گیاهانی پرداخته می‌شود که مورد شک و شبه بوده‌اند.

روش تحقیق:

این مطالعه، مطالعه‌ای تحلیلی و از نوع کیفی است که به‌صورت کتابخانه‌ای با بررسی تمامی منابع و بانک‌های اطلاعاتی الکترونیک و

قرآن، کتاب زندگی و مایه هدایت برای انسانهاست (سوره نمل - آیه ۲). پیامبر اکرم درباره قرآن فرموده‌اند: "شگفتی‌های آن هرگز تمام نمی‌شود و نوآوری‌های آن به کهنگی نمی‌گراید" (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). هرچند قرآن کتابی است که از اعتبارش با گذشت زمان کاسته نمی‌شود با وجود تاثیر عظیمی که این کتاب آسمانی در زندگی بشر و تحول تاریخ و مخصوصاً مسلمین داشته است، اما آنگونه که شایسته و بایسته مقام قرآن بوده حق آن ادا نشده و بخشی از مطالب آن مهجور مانده است (شریعتی، ۱۳۴۶). از آنجا قرآن کتابی انسان‌ساز است و نه یک کتاب علوم طبیعی، نباید انتظار داشت که جزئیات علوم مربوط به گیاه‌شناسی، تشریح و مرفولوژی، اصول فارماکوکونوزی و ... در قرآن مطرح شود (قنادی و داوودی، ۱۳۹۲). قرآن کریم در برخی از آیات به‌طور اجمالی تنها به ذکر نام کلی گیاهان اکتفا کرده و درآیاتی دیگر به ذکر نام برخی از آنها پرداخته، که شاید یکی از دلایل آن، اهمیت و ویژگی‌های خاص این گیاهان از جهت خواص دارویی یا خوراکی آنها است و یا با بیان آنها به‌عنوان جزئی از کل، اهمیت گیاهان و نقش آنها را در زندگی انسان متذکر شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). توجه به این نکته ضروری است که گاه ترجمه اسامی گیاهان ذکر شده از زبان عربی باعث خلط شدن نام آن گیاه شده مانند "من" در زبان عربی که اکثر تفاسیر و مفردات راغب و نیز کتاب للحاوی محمد بن زکریای رازی به‌معنی ترنجبین گرفته است (خسروی حسینی، ۱۳۷۵ و رازی، ۱۳۸۴) اما در کتاب قانون از آن به‌گز انگبین (ابن سینا، ۱۳۷۰). در منبع دیگری نیز از آن به‌عنوان قارچ یاد شده است (نفیسی، ۱۳۸۴) از این جهت محققین برآنند که با بررسی و مقایسه خصوصیات و توضیحاتی که



دسته اول گیاهانی هستند که به دلیل زراعی و یا دارویی بودن بطور کامل توسط انسان شناخته شده و در ماهیت گیاهشناسی و صحت نام آنها تردیدی نیست، بنابراین در این مقاله صرفاً به ذکر نام این گیاهان و آیات شریفه مرتبط اشاره می شود (جدول ۱).

غیرالکترونیک داخلی و خارجی در دسترس و با تمرکز بر مقالات و تفاسیر قرآنی حاوی اطلاعات گیاهشناسی انجام گرفته است. این پژوهش با رعایت اصل صداقت و امانتداری انجام شده است.

یافته‌ها:

بر اساس یافته‌های این تحقیق گیاهان نامبرده در قرآن را به دو دسته کلی می توان تقسیم نمود،

جدول ۱- لیست گیاهان قرآنی که در ماهیت گیاهشناسی و صحیح بودن نام آنها تردیدی نیست

نام قرآنی	نام فارسی	نام علمی	آیات و سوره ها
نخل	خرما	<i>Phoenix dactylifera</i>	(سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۶) (سوره مبارکه رعد آیه ۴) (سوره مبارکه نحل آیه ۱۱ و ۶۷) (سوره مبارکه اسرا آیه ۹۱) (سوره مبارکه مومنون آیه ۱۹) (سوره مبارکه یس آیه ۳۴) (سوره مبارکه انعام آیه ۹۹ و ۱۴۱) (سوره مبارکه کهف آیه ۳۲) (سوره مبارکه مریم آیه ۲۳ و ۲۵) (سوره مبارکه طه آیه ۷۱) (سوره مبارکه شعرا آیه ۱۴۸) (سوره مبارکه ق آیه ۱۰) (سوره مبارکه قمر آیه ۲۰) (سوره مبارکه الرحمن آیه ۱۱ و ۶۸) (سوره مبارکه حاقه آیه ۷) (سوره مبارکه عبس آیه ۲۹)
عنب	انگور	<i>Vitis vinifara</i>	(سوره مبارکه بقره، آیه ۲۶۶) (سوره مبارکه رعد آیه ۴) (سوره مبارکه نحل آیه ۱۱ و ۶۷) (سوره مبارکه اسراء آیه ۹۱) (سوره مبارکه مومنون آیه ۱۹) (سوره مبارکه یس آیه ۳۴) (سوره مبارکه انعام آیه ۹۹) (سوره مبارکه کهف آیه ۳۲) (سوره مبارکه عبس آیه ۲۸) (سوره مبارکه نباء آیه ۳۱ و ۳۲)
زیتون	زیتون	<i>Olea europaea</i>	(سوره مبارکه تین، آیه ۱) (سوره مبارکه نحل آیه ۱۱) (سوره مبارکه انعام آیه ۹۹ و ۱۴۱) (سوره مبارکه نور آیه ۲۵)
رمان	انار	<i>Punica granatum</i>	(سوره مبارکه انعام آیه ۹۹ و ۱۴۱) (سوره الرحمن آیه ۶۸).
تین	انجیر	<i>Ficus carica</i>	(سوره مبارکه تین، آیه ۱)
زنجبیل	زنجبیل	<i>Zingiber officinale</i>	(سوره مبارکه انسان، آیه ۱۷)
فوم	سیر	<i>Allium sativum</i>	(سوره مبارکه بقره آیه ۶۱)
بصل	پیاز	<i>Allium cepa</i>	(سوره مبارکه بقره آیه ۶۱)



(سوره مبارکه بقره آیه ۶۱)	<i>Lens culinaris</i>	عدس	عدس
(سوره مبارکه بقره آیه ۶۱)	<i>Cucumis sativus</i>	خیار	فتا
(سوره مبارکه انسان آیه ۵)	<i>Cinnamomum camphora</i>	کافور	کافور

ای بنی اسرائیل، شما را از دشمنان رهانیدیم و با شما در جانب راست کوه طور وعده نهادیم و برایتان منّ و سلوی نازل کردیم.

در عربی "منّ" به معنای احسان و بخشش است، اما به طور کلی به معنای غذایی شیرین به کار رفته است که پس از خروج بنی اسرائیل از مصر و سرگردانی آنان در بیابان سینا خداوند این ماده غذایی را بر ایشان نازل کرد. علامه یوسف علی در ترجمه‌اش بیان می‌کند که «منّ» صمغی شیرین بوده که از درختان گز در صحرای سینا به دست می‌آمد. در کتاب لغة القرآن عبدالرشید نعمانی آمده، «منّ» ماده‌ای شبیه شهد گیاهی توصیف شده است که بر برگ بعضی درختان می‌نشیند و صبحدم جمع‌آوری می‌شود. تعدادی دیگر از مفسران قرآن، مانند مولانا ابوالکلام آزاد، مولانا اشرف علی ثنوی، مولانا عبدالحق حقانی، مولانا ابوالاعلی مودودی، و مولانا عبدالماجد دریابادی، «منّ» را فرآورده‌ای گیاهی توصیف کرده ولی هیچ‌یک از آنان نتوانسته‌اند منشأ اصلی و گیاهی آن را شناسایی کنند. البته بعضی نوشته‌اند که ترنجبین فعلی همان «منّ» واقعی است (هیزجی و گودرزی، ۱۳۹۷). ابوریحان محمدبن احمد بیرونی (۳۶۲-۴۴۰ه) اولین فردی بود که بیان کرد ترنجبینی که از گیاهی به نام «الحاج» به دست می‌آید همان منّ قرآن است. او نیز بیان کرد حشرات بسیار کوچکی که روی بعضی از این درختان زندگی می‌کنند مولّد ترنجبین می‌باشند. کلمه‌ی «ترنجبین» معرب کلمه فارسی «ترانگبین» است (روزی طلب و محمدی، ۱۳۸۹). بورکهارت، بیان می‌کند روی بعضی درختان در سرزمین فلسطین و شام حشرات به سر می‌برند که صمغی شیرین تولید

در ادامه که بخش اصلی مقاله می‌باشد در ابتدا آیه شریفه‌ای که نام گیاهان کمتر شناخته شده درون آن ذکر شده آورده می‌شود و سپس به شرح و توصیف گیاهان محتمل پرداخته خواهد شد تا شبه و ابهام برخی از پژوهش‌های قبلی برطرف شود.

الف- الْمَنَّ

وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى كَلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ. (بقره / ۵۷).

و ابر را سایبانان گردانیدیم و برایتان منّ و سلوی فرستادیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که شما را روزی داده‌ایم. آنان بر ما ستم نکردند، بلکه بر خود ستم می‌کردند.

وَ قَطَعْنَا هُمُ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَّمًا وَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى إِذِ اسْتَسْقَتْهُ قَوْمَهُ أَنْ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ ط وَ ظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَامَ وَ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى كَلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ مَا ظَلَمُونَا وَ لَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ (اعراف/ ۱۶۰).

بنی اسرائیل را به دوازده سبط تقسیم کردیم. و چون قوم موسی از او آب خواستند به او وحی کردیم که عصایت را بر سنگ بزن. از آن سنگ دوازده چشمه روان شد و هر گروه آبشخور خویش را بشناخت. و ابر را سایبانشان ساختیم و بر ایشان منّ و سلوی نازل کردیم. بخورید از این چیزهای پاکیزه که بر شما روزی داده‌ایم و آنان به ما ستم نکردند بلکه به خودشان ستم می‌کردند یا بنی اسرائیل قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَ وَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَ السَّلْوَى. (طه- ۸۰).



(نفیسی، ۱۳۸۴). بر اساس آنچه که در بالا اشاره شد من (مان) از دیدگاه علم گیاه‌شناسی و با توجه به اکولوژی منطقه می‌تواند از حداقل ۳ منشا گیاهی و یک منشا از قارچ‌ها داشته باشد: بوته خارشتر، بوته گزانگبین، درخت گز علفی و قارچ دنبلان که به ترتیب به شرح هر کدام پرداخته می‌شود

نام گیاه: خارشتر - ترنجبین (فارسی)، شوک

الجمال - "من" - ترنجبین (عربی)

نام علمی (*Alhagi maurorum*)

آیات اشاره شده در قرآن: (سوره مبارکه طه، آیه

۸۰) - (سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۶۰) - (سوره

مبارکه بقره، آیه ۵۷)

می‌کنند. وی بیان می‌کند که این حشرات تنه درخت میزبان را نیش می‌زنند و در گرمای شدید روزهای آفتابی این درخت مایعی تراوش می‌کند که در شب‌های سرد به صورت صمغ منعقد می‌شود. بعدها، روایت کردند که مردمان اطراف صحرای سینا من را از درختان جمع‌آوری و از آن در خوراکی‌های شیرین استفاده می‌کردند. در حقیقت برای بعضی از قبایل این ناحیه این شیرهی گیاهی تنها منبع شیرینی بوده است (ضیایی، ۱۳۸۱). اما نفیسی با بررسی دقیق‌تر تورات و قرآن و با استناد به آثار شیخ مفید در این باب اشاره کرد که منظور از من به احتمال زیاد نوعی قارچ خوراکی به نام دنبلان می‌باشد

طبقه‌بندی سیستماتیک:

Kingdom:	Plantae
Division:	Magnoliophyta
Class:	Magnoliopsida
Order:	Fabales
Family:	Fabaceae
Subfamily:	Faboideae
Genus:	<i>Alhagi</i>
Species:	<i>A. maurorum</i>

دارد. حاوی ترکیبات قندی مختلفی می‌باشد. این گیاه همچنین شامل تانن و آنتوسیانین می‌باشد (آزادبخت، ۱۳۷۸). از لحاظ خواص درمانی: خارشتر از نظر پزشکی سنتی دارای طبع سرد است و برای رفع صفرا و سنگ کلیه و مثانه مؤثر است. این گیاه ادرارآور و ضد سیاه‌سرفه و تب و لرز است به‌عنوان ملین-تب‌بر در بیماری‌های واگیردار و طعم‌دهنده مصرف می‌گردد. همچنین در اصلاح صفرا-رفع خفقان و عطش به‌ویژه در کودکان تجویز می‌شود، از این گیاه علاوه بر ترنجبین، عرق موسوم به عرق خارشتر تهیه می‌شود. از دیگر اثرات درمانی این گیاه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد؛ اختلالات کلیوی: عرق خارشتر، درمان‌کننده اختلالات

خارشتر (نام علمی *Alhagi maurorum*) گیاهی است پایا از خانواده بقولات (Fabaceae) از زیرخانواده باقالاها (Faboideae) نام دیگر آن علف ترنجبین است. بوته‌های آن نیمه‌چوبی است که تا ارتفاع ۵۰ سانتی‌متر می‌رسد. ساقه‌های آن سبزرنگ با خارهای تیز نوک‌زرد است. این بوته دارای ریشه‌های عمیقی تا ۷ متر می‌باشد. گلبرگ‌ها اغلب قرمز یا صورتی رنگند و میوه آن از نوع نیام می‌باشد (مظفریان، ۱۳۹۱). از نظر ترکیبات شیمیایی: این گیاه دارای نوعی مان یا ماده قندی است که به‌صورت گلوله‌هایی ریز و سفید رنگ یا زرد رنگ کمی متمایل به قهوه‌ای دیده می‌شود. این مان به‌راحتی در آب حل می‌شود و طعم شیرین



۲- نام گیاه: گزنگبین (فارسی) - گزنگبین

(عربی)

نام علمی: *Astragalus adscendens*

آیات اشاره شده در قرآن: (طه، آیه ۸۰) -

(اعراف، آیه ۱۶۰) - (بقره، آیه ۵۷)

کلیه و مجاری ادرار و دفع‌کننده سنگ کلیه و مثانه است. التیام زخم‌ها: ضماد خارشتر، درمان‌کننده بواسیر و زخم‌های مقعدی است. خاکستر خارشتر، التیام‌دهنده و ترمیم‌کننده جراحات و زخم‌ها می‌باشد (Minaeifar et al. 2016).

طبقه‌بندی سیستماتیک:

Kingdom:	Plantae
Division:	Magnoliophyta
Class:	Magnoliopsida
Order:	Fabales
Family:	Fabaceae
Genus:	<i>Astragalus</i>
Species:	<i>A. adscendens</i>

نظر پزشکی سنتی دارای طبع گرم ملایم است، و معتقد بودند که نرمی استخوان را معالجه می‌کند و ضد عفونی‌کننده بدن است. مان (شیره) این گیاه ناشی از فعالیت *Cyammophilra dicora* می‌باشد همان ماده اصلی شیرینی گز سنتی ایران است (Minaeifar et al. 2016).

۳- نام گیاه: گز علفی (فارسی) - گزنگبین

(عربی)

نام علمی: *Quercus infectoria*

آیات اشاره شده در قرآن:

(سوره مبارکه طه، آیه ۸۰) - (سوره مبارکه

اعراف، آیه ۱۶۰) - (سوره مبارکه بقره، آیه ۵۷).

گزنگبین (نام علمی *Astragalus adscendens*) گیاهی است درختچه‌ای از خانواده بقولات (Fabaceae). ساقه‌های آن قهوه‌ای رنگ با خارهای تیز است. ارتفاع این بوته‌ها تا ۱۵۰ سانتی‌متر می‌رسد. گلبرگها اغلب زرد رنگند و میوه آن از نوع نیام می‌باشد. این گیاه به سرما و خشکی مقاوم است (مظفریان، ۱۳۹۱). ترکیبات شیمیایی: این گیاه نیز دارای نوعی مان (ماده قندی) است که به صورت گلوله‌هایی ریز و سفید رنگ یا زرد رنگ دیده می‌شود این مان در آب حل می‌شود و طعمی شیرین دارد. شیره این گیاه حاوی ترکیبات قندی مختلفی چون منوساکاریدهای گلوکز، فروکتوز و ساکاروز است (آزادبخت، ۱۳۷۸). خواص درمانی: گزنگبین از

طبقه‌بندی سیستماتیک:

Kingdom:	Plantae
Division:	Magnoliophyta
Class:	Magnoliopsida
Order:	Fagales
Family:	Fagaceae
Genus:	<i>Quercus</i>
Species:	<i>Q. infectoria</i>

(Fagaceae). ارتفاع این درخت در بعضی نواحی تا ۵۰ متر و قطر تنه آن به ۳ متر نیز می‌رسد.

گزعلفی (نام علمی *Quercus infectoria*) گیاهی است درختی از خانواده بلوط



جوشاننده آنرا تهیه نمود (مظفریان، ۱۳۹۱). ترکیبات شیمیایی: پوست و برگ درخت بلوط دارای تانن، قند، اسید گالیک، اسید مالیک، کوئرسین، موسیلاژ، پکتین، رزین و روغن است (مینایی فر و همکاران، ۱۳۹۸). خواص درمانی: قابض است (خونریزی‌ها را متوقف می‌سازد)، مقوی معده است، سینه را نرم و صدا را صاف می‌کند. سرفه‌ها را برطرف می‌کند. تنگی نفس را درمان می‌کند. برای معالجه بواسیر استفاده می‌شود (گلرخی، ۱۳۹۳).

۴- قارچ دنبلان (*Tuber aestivum*)

آیات اشاره شده در قرآن: (سوره مبارکه طه، آیه ۸۰) - (سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۶۰) - (سوره مبارکه بقره، آیه ۵۷).

برگ‌های درخت بلوط پنجه‌ای و مانند انگشتان دست می‌باشد. میوه درخت بلوط که به نام بلوط معروف است مانند فندق بوده و در پیاله‌ای جای دارد. در اثر نیش‌زدن حشره‌ای مخصوص به برگ و یا شاخه‌های درخت بلوط ماده‌ای به بیرون تراوش می‌کند که در اثر مجاورت با هوا سفت‌شده و به صورت دانه‌هایی به قطر ۲ سانتیمتر بر روی ساقه و یا برگ ظاهر می‌شود. برای استفاده از گز شاخه‌های درخت را تکان می‌دهند تا دانه‌های گز به زمین بریزد. البته این دانه‌ها مخلوط با برگ و پوسته درخت است که باید تمیز شود. گز علفی از نظر طب قدیم ایران گرم و خشک است. برای استفاده طبی از گز علفی می‌توان آنرا با عسل مخلوط کرد و یا

طبقه‌بندی سیستماتیک

Kingdom:	Fungi
Division:	Ascomycota
Class:	Pezizomycetes
Order:	Pezizales
Family:	Tuberaceae
Genus:	Tuber
Species:	<i>T. aestivum</i>

رسیده است. دنبلان حاوی مقدار زیادی از نوعی آنتی‌اکسیدان قوی به نام «ارگوتینون» است (اخوان و قنبری، ۱۳۹۹).

ب- طلح

"و اصحاب الیمین ما اصحاب الیمین. فی سدر مَخْضُودٍ. وَ طَلْحٍ مَنْضُودٍ. وَ ظِلِّ مَمْدُودٍ. وَ مَاءٍ مَسْكُوبٍ. وَ فَاكِهَةٍ كَثِيرَةٍ. لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ" (واقعه، ۳۳-۲۷).

"اما اصحاب سعادت، اصحاب سعادت چه حال دارند؟ در زیر درخت سدر بی‌خار، و درخت موزی که میوه‌اش بر یکدیگر چیده شده، و سایه‌ایی داریم، و آبی همواره جاری؛ و میوه‌ای بسیار، که نه منقطع گردد و نه کس را از آن باز دارند" طلح تنها یکبار در قرآن بیان شده که در سوره مبارکه

دنبلان قارچی است که در عمق تقریباً ۳۰ سانتیمتری و در مجاورت ریشه گیاهان رشد می‌کند، شکلی شبیه به سیب‌زمینی دارد و اندازه آن از یک فندق تا اندازه یک پرتقال می‌باشد. دنبلان به حالت طبیعی در بسیاری از مناطق معتدل دیده می‌شوند. از خواص دارویی این قارچ به اثربخشی در روند درمان سرطان معده، هیپاتیت، نفریت، آرتروز، دردهای عصبی، بی‌خوابی، برونشیت، آسم، زخم معده، فشارخون و کلسترول بالا اشاره کرد و ادامه داد: همچنین تأثیرات آنتی‌بیوتیکی این نوع قارچ در برابر میکروب‌ها و عوامل بیماری‌زا و نیز تأثیر آنتی‌اکسیدانی در برابر انواع سرطان به اثبات



شرایط ابتدا به شرح گیاه‌شناسی و مقایسه این
دو گیاه پرداخته می‌شود.

۵- نام گیاه: بنان - موز (فارسی) - موز - طلح
(عربی)

نام علمی: *Musa paradisiaca* L.

آیات اشاره شده در قرآن: سوره مبارکه واقعه،
آیه ۲۹.

واقعه آیه ۲۹ می‌باشد: "وَ طَلْحٍ مَّنْضُودٍ" در لغت
منضود به معنی برهم چیده شده می‌باشد از اینرو
بسیار از ترجمه‌ها و تفاسیر طلح منضود را درخت
موز بیان نموده‌اند که میوه‌های آن برهم چیده
شده است، اما در لغت عربی طلح به گیاه آکاسیا
گفته می‌شود (رفیعی و همکاران، ۱۳۹۹) با این

طبقه‌بندی سیستماتیک موز

Kingdom: Plantae
Division: Magnoliophyta
Class: Liliopsida
Sub Class: Commelinids
Order: Zingiberales
Family: Musaceae
Genus: <i>Musa</i>
Species: <i>M. paradisiaca</i>

دارویی: موز از نظر طب قدیم ایران معتدل و تر
است و خون را غلیظ می‌کند. موز انرژی زیادی
دارد و چون نرم هست غذای خوبی برای
کودکان و اشخاص مسن می‌باشد (مظفریان،
۱۳۹۱).

۶- نام گیاه: اقاچیا صمغی - صمغ عربی
(فارسی) - صمغ عربی - طلح (عربی)

نام علمی: *Acacia nilotica* (L.) Delile.

آیات اشاره شده در قرآن: سوره مبارکه واقعه،
آیه ۲۹

گونه‌های مختلفی از موز در جهان به صورت
خوراکی کشت و مصرف می‌شود، موز گیاهی
علفی با ظاهری درختی است. برگ‌های آن
بسیار بزرگ و پهن و گاهی تا ۲ متر می‌رسد.
گل‌های آن مجتمع و به صورت سنبله است میوه
آن ابتدا سبز و بعد از رسیدن برنگ زرد در
می‌آید، میوه از نوع سسته پارتنوکارب (بدون
هسته) می‌باشد. در موز چند ماده شیمیایی
بسیار مهم مانند سروتونین، نورویی تفرین،
دوپامین و کاته کولامین وجود دارد. خواص

طبقه‌بندی سیستماتیک صمغ عربی

Kingdom: Plantae
Division: Magnoliophyta
Class: Magnoliopsida
Order: Fabales
Family: Fabaceae
Subfamily: Mimosoideae
Tribe: Acacieae
Genus: <i>Acacia</i>
Species: <i>A. nilotica</i>

آکاسیا صمغی طبیعی است. از صمغ عربی در
صنایع غذایی به عنوان پایدارکننده استفاده
می‌شود. از این صمغ در گذشته استفاده‌های
زیادی می‌شده است از آن جمله به عنوان

صمغ عربی، که از درختی به نام *Acacia*
nilotica بدست می‌آید، این صمغ سفید رنگ
و محلول در آب است و عمدتاً شامل
هیدرات‌های کربن است. صمغ عربی یا صمغ



ماده چسب تمبرهای پستی نیز از این صمغ می‌باشد. در سیگارسازی نیز به‌عنوان چسبنده کاغذ سیگار به کار می‌رود می‌باشد (مینایی فر و همکاران، ۱۳۹۵).

۷- نام گیاه: کنار، سدر (فارسی) - سدر (عربی)

نام علمی: *Ziziphus spinachristi*

آیات اشاره شده در قرآن: (سوره مبارکه واقعه، آیه ۲۸) و (سوره مبارکه سبأ، آیه ۱۶).

نام علمی: *Ziziphus spina-chiristi* (L.) Willd.

آیات اشاره شده در قرآن: (سوره مبارکه واقعه، آیه ۲۸) و (سوره مبارکه سبأ، آیه ۱۶) و (سوره مبارکه نجم، آیه ۱۴)

تغییردهنده میزان گرانبوی جوهر مرکب. صمغ عربی ترکیب پیچیده‌ای از ساکاریدها و گلیکوپروتئین‌ها می‌باشد که مهم‌ترین خواص صمغ از این ترکیب‌ها می‌باشد. این صمغ خوراکی است و در صنایع مختلف کاربرد دارد از جمله اینکه صمغ عربی یکی از ترکیبات مهم شربت نوشابه می‌باشد، همچنین در آب نبات و البته در آدامس به کار می‌رود. در نقاشی از آن به‌عنوان یک ماده چسبنده در آبرنگ استفاده می‌شود. در صنعت چاپ و داروسازی و لوازم آرایشی نیز از آن استفاده می‌شود. یکی از ترکیبات مهم واکس نیز صمغ عربی می‌باشد.

Kingdom:	Plantae
Division:	Magnoliophyta
Class:	Magnoliopsida
Order:	Rosales
Family:	Rhamnaceae
Genus:	<i>Ziziphus</i>
Species:	<i>Z. spina-chiristi</i>

خوراکی و دارای طبعی خنک است و در درمان بیماری‌های مزاج صفراوی کاربرد دارد، همچنین برگ کنار که به سدر شهرت دارد اثرات درمانی مانند ضد درد، ضد تب، قابض، ملین، مسهل، مقوی معده و ضد سرفه دارد و در تقویت موی سر موثر است (مظفریان، ۱۳۹۱).

۸- نام گیاه: سدر لبنان، کاج لبنان (فارسی) - سدر (عربی)

نام علمی: *Cedrus Libani*

آیات اشاره شده در قرآن: (سوره مبارکه واقعه، آیه ۲۸) و (سوره مبارکه سبأ، آیه ۱۶) و (سوره مبارکه نجم، آیه ۱۴)

درختی است به ارتفاع ۵ تا ۱۲ متر، همیشه سبز، با تاجی تقریباً کروی، گاهی تا قطر ۱۵ متر، خاردار (در وارسته *inermis* بدون خار) برگ‌ها به طول ۲۰ تا ۶۰ میلیمتر و عرض ۱۰ تا ۴۰ میلیمتر، گل‌ها به قطر ۴ تا ۶ میلیمتر با دمگل‌هایی به طول ۳ تا ۵ میلیمتر، میوه‌ها به طول ۱۰ تا ۱۵ میلیمتر و کروی شکل. این درخت در شمال و شرق آفریقا، عربستان، فلسطین، سوریه، لبنان، عراق و جنوب ایران و پاکستان یافت می‌شود. در ایران معمولاً در نواحی گرمسیری جنوبی مانند استان‌های خوزستان، فارس، هرمزگان، کرمان و سیستان و بلوچستان رویش دارد. میوه‌های این گیاه

Kingdom:	Plantae
Division:	Pinophyta
Class:	Pinopsida
Order:	Pinales
Family:	Pinaceae
Genus:	<i>Cedrus</i>



برداشت می‌توان داشت یکی اینکه اگر منظور کنار باشد در این دنیا نیز وارسته‌ای از کنار بدون خار وجود دارد با نام علمی *Ziziphus spina-christi var. inermis*، همچنین گستردگی تاج کنار در صورتی که در شرایط مساعد قرار گیرد به قدری هست که بتواند سایه گسترده‌ای تا قطر بیش از ده متر ایجاد کند این احتمال که منظور از این آیه نیز کنار باشد قوت می‌گیرد، اما بی‌خار بودن گیاه سدروس و ارتفاع آن که تا ۵۰ متر می‌رسد (Sutton, 1990)، در حالی که توان ایجاد تاجی گسترده‌تر از کنار را نیز دارد را نمی‌توان از نظر دور داشت، کما اینکه فرم رویشی این درخت و محل رویش آن از لحاظ اکولوژیکی در اقلیم‌های روح‌افزا تر از شرایط اقلیمی کنار می‌باشد و اگر ملاک فقط سایه‌گستر بودن و ایجاد مثالی از زیبایی بهشت و روح‌افزایی محیط آن باشد سدروس گزینه مناسب‌تری از کنار به نظر می‌رسد، هرچند این گیاه در عربستان رویش ندارد اما در سرزمین‌های روم آن زمان و لبنان و ترکیه و سوریه کنونی رویش داشته است و احتمال اینکه اعراب در طی سفرهای تجاری خود به روم با این گیاه در شرایط آب و هوایی مطلوب مدیترانه‌ای آشنا شده باشند زیاد است و استفاده تمثیل‌وار از این گیاه برای توصیف بهشت قوت می‌گیرد، علاوه بر این اشاره به سایه دایمی و گسترده در آیه ۳۰ (ظل ممدود) سوره مبارکه واقعه، در محیط واقعی زیستی تشابه عقلی بیشتری با شرایط اکولوژیکی رویشی گیاه سدروس دارد. در نهایت اینکه در آیه ۱۶ سوره سبأ، گیاه کنار محتمل‌تر به نظر می‌رسد، اما توصیف آمده در آیه ۲۸ سوره واقعه به گیاه سدروس نزدیکتر می‌باشد.

درختی است به ارتفاع تا ۵۰ متر، برگه سبز مایل به آبی تیره، به طول تا ۵ میلی‌متر، مخروط‌ها به طول ۷ تا ۱۰ و عرض ۵ تا ۶ سانتیمتر، نمای عمومی درخت هرمی است و در ایران به صورت خودرو وجود ندارد، اما به صورت کاشته شده در تهران و حاشیه شمالی کشور یافت می‌شود، از گونه *C. atlantica* روغن فرار سدر به دست می‌آید که به عنوان ضد عفونی کننده قوی، قابض مدر و خلط‌آور مصرف می‌شود، همچنین در درمان زخم‌های باز و جذام و سفلیس نیز کاربرد دارد (مینایی و همکاران، ۱۳۹۵).

بحث و نتیجه‌گیری:

در مورد گیاه سدر:

با توجه به مشخصات گیاه‌شناسی همانطور که اشاره شد این دو گیاه کاملاً از لحاظ گیاه‌شناسی و اکولوژی متفاوتند، در سوره مبارکه سبأ، آیه ۱۶ با توجه به بیان گیاه شوره گز و ثمر لندک احتمال اینکه منظور گیاه کنار باشد بسیار قوی‌تر از آن است که منظور گیاه سدروس باشد چراکه کنار مثمر و دارای میوه‌های خوراکی است که هرچند ارزش دارویی داشته و قابل مصرف است اما به عنوان محصولی با ارزش تغذیه‌ای بالا در سبب غذایی روزانه مطرح نیست اما در سدروس مخروط‌ها اصلاً قابل مصرف به صورت خوراکی نیستند، همچنین سدروس نیازمند آب و هوای خنک تا سرد با رطوبتی بالاست (Sutton, 1990) و نمی‌تواند با گز یا گیاه شور و گرم زیست دیگری همراه شود در صورتی که کنار هوای گرم و مرطوب را می‌پسندد و به شوری و سختی آب نیز مقاوم‌تر از سدروس می‌باشد (Minaeifar et al. 2016). در سوره مبارکه واقعه، آیه ۲۸ با توجه به اشاره به نداشتن خار در سدر (فی سدر مخضود) دو

**در خصوص طلح:**

بر اساس نتایج مقایسه گیاه‌شناسی این دو گیاه یک نقطه مشترک از هر دو در شکل ظاهری مشخص می‌شود، و آن اینکه هر دو گیاه سایه‌انداز مناسبی دارند، موز به واسطه برگ‌های بزرگ خود و صمغ عربی به واسطه حالت چتر مانند تاج، با توجه به آیه قبل و آیه بعد از این آیه که در توصیف بهشت می‌باشد و تاکید بر سایه گسترده‌ای که در آیه ۳۰ این سوره آمده هر دو گیاه می‌توانند مورد نظر باشند، اما در مورد واژه "منضود" که به معنی برهم چیده شده است این نکته قابل ذکر است که علاوه بر میوه موز که به شکل برهم چیده شده قرار دارد، شکل شاخه‌ها و برگ گیاه آکاسیا نیز حالتی از برهم چیده شدن را نشان می‌دهد (مینایی فر و همکاران، ۱۳۹۵)، این نوع چینش منجر به ایجاد فرمی چتر مانند با سایه‌اندازی مناسبی می‌گردد با آنکه برگ‌های این گیاه ریز هستند، علاوه بر این در آن دوران به علت زود فاسد شدن میوه موز و عدم وجود موز در سرزمین عربستان و سرزمین‌های مجاور آن، احتمال اینکه حتی تجار عرب نیز با این میوه و درخت آن آشنا باشند بعید به نظر می‌رسد، با توجه به این نکته و همچنین اینکه طلح در لغت عربی هنوز هم به درخت آکاسیا گفته می‌شود که گونه‌های مختلف آن در عربستان و سرزمین‌های مجاور به صورت خودرو وجود دارد، احتمال اینکه در این تمثیل منظور گیاه آکاسیا باشد قوی‌تر است.

در مورد من

علی‌رغم آنکه در بسیاری از مقالات و یافته‌های علمی مربوط به نام من، اشاره به صمغ خوراکی گیاهان مختلف شده است اما نتایج حاصل از پژوهش نفیسی نشان می‌دهد که احتمالاً منظور از من، صمغ گیاه نبوده است، بلکه قارچی به نام

قارچ دنبلان می‌باشد، علاوه بر این بر اساس مطالعات این تحقیق به دو دلیل نظر ارایه شده در مقاله اخیر صحیح‌تر به نظر می‌رسد: اول آنکه صمغ‌های احتمالی اشاره شده در برخی تفاسیر هیچکدام به‌عنوان یک ماده خوراکی اصلی تلقی نمی‌شوند بلکه بیشتر جنبه دارویی و یا شیرین‌کنندگی دارند، در آیات مربوطه نام من در کنار سلوی آمده که به‌عنوان پرنده و در حقیقت به‌عنوان یک منبع غذایی پروتئینی بوده است، در بین احتمالات مطرح شده در خصوص من، تنها قارچ دنبلان است که ارزش غذایی بالا و حتی نزدیک به گوشت را داراست و در کنار گوشت سلوی می‌تواند به‌عنوان خوراک مغذی مصرف شود، دوم آنکه در سه آیه اشاره کننده به واژه من، کلمه فرو فرستادن بیان شده (بقره / ۵۷، اعراف / ۱۶۰ و طه / ۸۰) و در دو آیه پس از اشاره به ابرها، نام من آمده است (بقره / ۵۷ و اعراف / ۱۶۰). نکته خاصی که در مورد قارچ دنبلان وجود دارد اینست که ریشه‌های این قارچ در حالت عادی بسیار نازک است و در زیر خاک پنهان می‌باشند اما با بروز پدیده رعد و برق در ابرها این قارچ شروع به تولید اندام بارده نموده که برای انسان قابل رویت و قابل مصرف می‌باشد (Shaffer, 1994)، همچنین نامرئی بودن این قارچ در حالت عادی و آشکار شدنش بعد رعد و برق و بارش می‌تواند توضیحی برای واژه نازل شدن آن در قرآن باشد در حالی که سایر گیاهان مطرح شده اولاً همگی کاملاً آشکار بوده و ثانیاً تولید صمغ در آنها رابطه مستقیمی با ابرناکی و رعد و برق و یا بارش باران نداشته و صمغ یا مان تولید شده تمامی آنها ناشی از فعالیت حشرات خاص می‌باشد، از این‌رو قارچ دنبلان محتمل‌ترین گزینه برای واژه من در قرآن می‌باشد. نتیجه نهایی آنکه ضعف در شناخت علمی و دقیق منابع دارویی اسلامی و



پژوهش‌های بین رشته‌ای انجام نشده در این خصوص وجود دارد. استفاده از تخصص سایر علوم در کنار قرآن پژوهشی می‌تواند علاوه بر رفع شبهات منجر به فتح باب‌های علمی جدیدی در قرآن پژوهشی شود.

اختلاط داوریی و درمانی ناشی از آن می‌تولند باعث کاهش یا بی‌اثر شدن نسخه‌های موثر شده و در نتیجه منجر به کاهش اعتبار این منابع ارزشمند در مجامع علمی و در بین مردم شود که لطمه سنگینی به اعتبار منابع اسلامی وارد می‌سازد، به‌نظر می‌رسد زمینه‌ای گسترده از

منابع

۱. ابن سینا. قانون در طب. ۱۳۷۰. ترجمه شرفکندی، عبدالرحمن. جلد ۲. انتشارات سروش، تهران. ص ۲۲۷.
۲. اخوان، صالح و قنبری، الناز. ۱۳۹۹. مروری بر خصوصیات قارچ دنبلان، خواص دارویی و ارزش تغذیه ای آن. پنجمین همایش بین المللی افق های نوین در علوم کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست. تهران. ۱۲ صفحه.
۳. آزادبخت، محمد. ۱۳۷۸. رده بندی گیاهان دارویی. نشر طبیب. تهران. صص ۱۳۶، ۲۰۰.
۴. خسروی حسینی، سید غلامرضا. ۱۳۷۵. ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن، جلد ۴، انتشارات مرتضوی. تهران. ص ۲۵۶.
۵. رازی، محمد بن زکریا. ۱۳۸۴. الحاوی. ترجمه و تنظیم افشاری پور، سلیمان. انتشارات فرهنگستان علوم پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ص ۱۱۳.
۶. رفیعی، مریم، احمدنژاد، امیر و صمدانیان، محسن. ۱۳۹۹. مصداقشناسی واژه «طلح» در قرآن با تأکید بر منابع تفسیری و گیاهشناسی. دوفصلنامه کتاب قیم. شماره ۲۲، سال دهم، ۲۰ صفحه.
۷. روزی طلب، مهین و محمدی، بیژن. ۱۳۸۹. ترنجبین در قرآن. همایش منطقه ای سلامت پژوهی در قرآن کریم. یاسوج. ۱۰ صفحه.
۸. شریعتی، محمد تقی. ۱۳۴۶. تفسیر نوین. شرکت سهامی انتشار. تهران. ص ۶۲.
۹. صادقیان، ناصر و مینایی فر، امیرعباس. ۱۳۹۷. مطالعه عسل در آیات، احادیث و روایات با مقایسه کاربردهای درمانی آن در طب. همایش ملی فراورده های زنبور عسل. دانشگاه اصفهان. ۸ صفحه.
۱۰. ضیایی، سید علی. ۱۳۸۱. تاریخچه طب گیاهی. مجله گیاهان دارویی. شماره دوم. ۱۰ صفحه.
۱۱. قنادی، علیرضا و داوودی، نعیمه سادات. ۱۳۹۲. ضرورت و اهمیت بررسی خواص دارویی گیاهان ذکر شده در قرآن و احادیث. طب و تزکیه. دوره ۲۲. شماره ۴. ۹ صفحه.
۱۲. گلرخی، آرزو. ۱۳۹۳. مرجع کامل گیاهان دارویی و معطر. انتشارات فرهنگ جامع. تهران. ص ۲۶۸.
۱۳. مظفریان، ولی الله. ۱۳۹۱. شناخت گیاهان دارویی و معطر ایران. انتشارات فرهنگ معاصر. تهران. صص ۷۸۷، ۷۸۹، ۷۲۱.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه، جلد ۱. انتشارات دارالکتب الإسلامیه. تهران. ص ۸۱.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴. تفسیر نمونه، جلد ۴. انتشارات دارالکتب الإسلامیه. ص ۱۵۳.
۱۶. مینایی فر، امیرعباس، دهقان پور، سعیده، صادقیان، ناصر و دهقانی، سعیده. ۱۳۹۵. بررسی ماهیت و خواص گیاه قرآنی "طلح" از دیدگاه گیاهشناسی. همایش ملی قرآن و علوم زیستی. اصفهان. ۱۲ صفحه.
۱۷. مینایی فر، امیرعباس، دهقان پور، سعیده، صادقیان، ناصر و دهقانی، سعیده. ۱۳۹۵. گیاهشناسی و خواص گیاه قرآنی "سدر". همایش ملی قرآن و علوم زیستی. اصفهان. ۱۰ صفحه.
۱۸. مینایی فر، امیرعباس، راسخ، فاطمه و دهقانپور، سعیده. ۱۳۹۸. خرده نگاری برخی از گیاهان دارویی رایج در طب سنتی ایران. انتشارات فرافر. تهران. ص ۴۱.
۱۹. نفیسی، ابوتراب. ۱۳۸۴. تحقیق درباره من سلوی. نشریه دانشکده الهیات و معارف دانشگاه مشهد. ۳۳ صفحه.
۲۰. هیزجی، رضا و گودرزی، مریم. ۱۳۹۷. واژه شناسی من و سلوی. کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش های دینی. کرج. ۱۱ صفحه.



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و
انگاره‌های علوم زیستی - ۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی شیراز

-
21. Minaeifar, A.A., Bamdad, K. and Dehghani, S. 2016. Some common herbs in traditional Iranian medicine. Lambert academic publishing. European Union. 49, 53 pp.
 22. Shuffer, M. 1994. Mushrooms and Toadstools. Harpercollins Publishing. London. 206 p.
 23. Sutton, D. 1990. Trees. Kingfisher Publishing. London. 74 p.

تجزیه و تحلیل سوره‌های قرآنی حاوی نام گیاهان با استفاده از نرم‌افزارهای آماری

ناصر صادقیان^۱، فاطمه راسخ^۲، محمد حسن دشتی خویدکی^۳، سعیدیه دهقانی فیروزآبادی^۴، فاطمه دانشمند^۵، امیرعباس مینایی^۶

- ۱- مربی، گروه معارف، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- ۲- استادیار، گروه زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- ۳- استادیار، گروه تربیت بدنی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- ۴- پزشک عمومی، دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی، یزد، ایران
- ۵- استادیار، گروه زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
- ۶- استادیار، گروه زیست‌شناسی دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول: aaminaeifar@gmail.com)

چکیده

زمینه و هدف: مطالعات آمار و ریاضی متعددی بر اساس واژه‌های قرآن کریم تاکنون صورت گرفته است ولی تا به حال از آنالیزهای چندمتغییره مورد استفاده در آمار زیستی برای تجزیه و تحلیل ارتباط آیات استفاده نشده است، در این مقاله سعی شده ارتباط بین سوره‌های قرآن کریم که در آنها از گیاهان نامبرده شده است بر اساس آنالیزهای آماری سنجیده شود. روش تحقیق: در این مقاله ابتدا استخراج اطلاعات مربوط به آیات قرآن که در آنها از گیاهان نام برده شده انجام شد پس از آن با استفاده از دیتاهای حاصله، جدول ماتریس عددی نوشته شده و آنالیزهای آماری توصیفی با استفاده از نرم‌افزار SPSS ver. 20 و آنالیزهای آماری استنباطی و چندمتغییره با استفاده از MVSP ver. 3.2 و PAST ver. 4 انجام گرفت. نتایج: با استفاده از نرم‌افزارهای مختلف ارتباطات سوره‌ها بصورت نمودارهای دو بعدی و سه بعدی حاصل آمده و مورد بررسی قرار گرفت. بحث: اصلی‌ترین عامل تفکیک سوره‌های دارای آیه‌هایی با نام گیاهان بر اساس تعداد و نوع پیام بوده که در این بین سوره‌های مبارکه بقره، انعام، نحل، یوسف و رحمن خوشه‌ها و دسته‌های مجزاتری نسبت به سایر سوره‌ها نشان می‌دهند. استفاده از امکانات سایر علوم در فهم و درک بهتر سوره‌های قرآن می‌تواند بسیار مفید بوده و پنجره‌های جدیدی را به افق‌های وسیع درک مفاهیم قرآنی باز نماید.

واژگان کلیدی: قرآن، گیاهان، آنالیزهای آماری

مقدمه

شفیعی، (۱۳۸۸). بعد از رشاد خلیفه افراد مختلفی بر اعجاز عددی قرآن متمرکز شده و یافته‌هایی را نیز ارائه نموده‌اند (عوضزاده و عوضزاده، ۱۳۹۴؛ نوروزی، ۱۳۸۵؛ جلیلی علی‌آبادی، ۱۳۷۹؛ غدوری، ۱۳۸۴). همچنین در باب گیاه‌شناسی در قرآن کریم نیز مقالات مختلفی به منتشر شده است (رفیعی، احمدنژاد و صمدانیان، ۱۳۹۹؛ روزی‌طلب و محمدی، ۱۳۸۹؛ قنادی و داوودی، ۱۳۹۲؛ مینایی‌فر و همکاران، ۱۳۹۵؛ نفیسی، ۱۳۸۴ و هیزجی،

اعجاز قرآن، از همان اوایل ظهور اسلام مورد توجه و اهتمام مسلمانان قرار گرفت و علما و دانشمندان در طول تاریخ برای دفاع از ساحت قرآن کریم و اثبات اعجاز آن، کتابها و مقالات را به رشته تحریر درآورده‌اند (نوروزی، ۱۳۹۰). این نظریه که بیانگر نظم اعجازگونه عددی و ریاضی قرآن کریم است، نخستین بار از سوی رشاد خلیفه مطرح شد هرچند همه مطالب گفته شده توسط وی مورد تایید قرار نگرفت (پهلوان و

انجام شد پس از آن با استفاده از دیتاهای حاصله، جدول ماتریس عددی نوشته شده و آنالیزهای آماری توصیفی با استفاده از نرم افزار SPSS ver. 20 و آنالیزهای آماری استنباطی و چند متغییره با استفاده از MVSP ver. 3.2 و PAST ver.4 انجام گرفت.

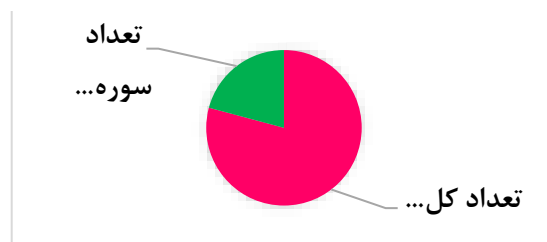
نتایج

در بخش اول نتایج آمار توصیفی حاصل از بررسی سوره‌ها و آیات به شرح زیر ارایه می‌گردد؛ نسبت سوره‌های دارای نام گیاه به کل سوره‌های قرآن ۳۰ به ۱۱۴ می‌باشد (نمودار ۱)، و نسبت آیات دارای اشاره به گیاهان به کل آیات حدود یک درصد بوده است (نمودار ۲).

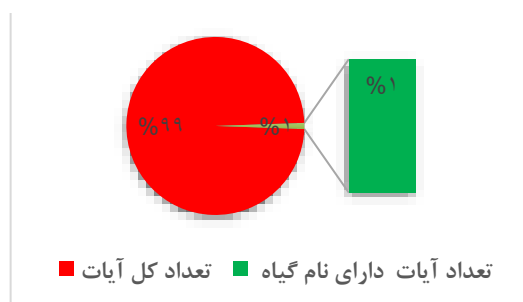
۱۳۹۷) اما هدف از تحقیق در این مقاله کشف اعجاز عددی قرآن کریم نبوده است و صرفاً به صورت مصداقی براساس گیاهان نامبرده شده در قرآن و با استفاده از آنالیزهای مورد استفاده در آمار زیستی سعی شده تا نسبت به درک حقایق و فهم ارتباطات بین سوره‌های دارای نام گیاهان تجزیه تحلیلی علمی صورت پذیرد، این مقاله در نوع خود منحصر به فرد بوده و می‌تواند مقدمه‌ای بر تجزیه و تحلیل محتوای قرآن براساس ماتریس‌های عددی و آنالیزهای آماری باشد.

روش تحقیق

در این مقاله ابتدا استخراج اطلاعات مربوط به آیات قرآن که در آنها از گیاهان نام برده شده



نمودار ۱- نسبت سوره‌های دارای نام گیاه به کل سوره‌های قرآن



نمودار ۲- نسبت آیات دارای نام گیاه به کل آیات قرآن

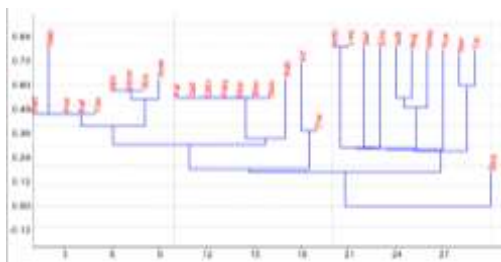
UPGMA تفکیک سوره‌های دارای نام گیاه از سایر سوره‌ها مشاهده می‌شود (نمودار شماره ۳).

در بخش دوم نتایج حاصل از آنالیزهای چند متغییره به شرح زیر ارایه می‌گردد؛ در آنالیز



نمودار ۳- تفکیک بر اساس آنالیز UPGMA

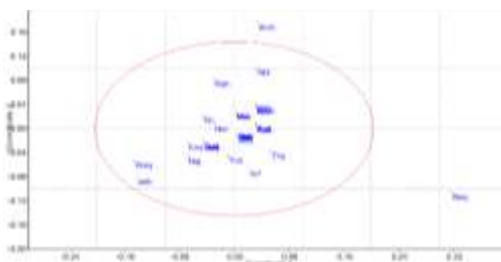
در مرحله بعدی با استفاده از آنالیز Neighbor Joining ارتباطات درون گروهی سوره‌های دارای نام گیاهان با یکدیگر سنجیده شد (نمودار ۴).



نمودار ۴- آنالیز NJ درون گروهی سوره‌های دارای نام گیاه

و تین در خوشه دوم و بقیه سوره‌ها در خوشه سوم با چهار زیر خوشه قرار می‌گیرند. آنالیز PCOA مشخص می‌کند که دو سوره بقره و انعام از سایر سوره‌ها فاصله معنی‌داری دارند (نمودار ۵).

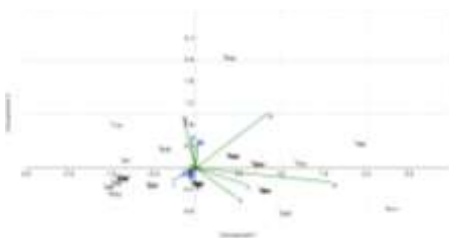
بر اساس نتایج آنالیز NJ سه خوشه اصلی برای سوره‌های دارای نام گیاه حاصل شده است که سوره مبارکه بقره به تنهایی و کاملاً مجزا خوشه اول را تشکیل داده و سوره‌های مبارکه نبا، لقمان، صف، انسان، سبا، نجم، واقعه، یوسف، نور



نمودار ۵- نتایج آنالیز Principal coordinates سوره‌های دارای نام گیاه

از شاخص کمکی Biplot دلایل تفکیک سوره‌ها واضح‌تر می‌باشد (نمودار ۶).

در آنالیز مولفه‌های اصلی نیز وضعیت ذکر شده در PCOA مشاهده می‌شود همچنین با استفاده



نمودار ۶- نتایج آنالیز Principal Components سوره‌های دارای نام گیاه

Joining درون‌گروهی و با استفاده از فرمول محاسبه ماتریس عددی صورت‌گرفت، براساس نتایج این آنالیز که در نمودار ۴ مشاهده می‌شود، که بر اساس این سوره‌ها در سه خوشه اصلی مشاهده می‌گردند، سوره بقره به‌تنهایی کاملاً مجزا قرار گرفته و خوشه‌ای را جدا از سایر سوره‌ها تشکیل می‌دهد، برای فهم بهتر ارتباطات از آنالیزهای دقیق‌تر با فضای سه‌بعدی مانند PCOA و PCA استفاده شد، بر اساس نتایج PCOA همانطور که در نمودار شماره ۵ مشاهده می‌شود تفکیک سوره‌ها به‌صورت دقیق‌تر مشاهده می‌گردد به‌نحوی که دو سوره بقره و انعام به‌طور کاملاً محسوس براساس گیاهشناسی مجزا از سایر سوره‌ها قرار می‌گیرند بر این اساس با مراجعه به ماتریس عددی اولیه مشخص می‌شود که این دو سوره دارای ویژگی‌های خاصی هستند، بیشترین تعداد آیه مربوط به این دو سوره می‌باشد (سوره مبارکه بقره ۸ آیه و سوره مبارکه انعام ۷ آیه) در رتبه بعد تفکیک، سوره‌های مبارکه رحمن و نحل مشاهده می‌گردد که از لحاظ تعداد گیاه نامبرده نیز متفاوت می‌باشند سوره مبارکه رحمن با ۵ گیاه و سوره مبارکه نحل با چهار گیاه، برای مشخص شدن دقیق‌تر علل تفکیک و بررسی زیر گروه‌های

بحث

هرچند پیش از این تحقیق مطالعاتی روی آمار و ارقام در قرآن کریم صورت‌گرفته است ولی مطالعه آماری بر اساس آنالیزهای چند متغیره یافت نشد (عوض‌زاده و عوض‌زاده، ۱۳۹۴؛ نوروزی، ۱۳۸۵؛ جلیلی علی‌آبادی، ۱۳۷۹؛ غدوری، ۱۳۸۴)، همچنین مطالعاتی روی گیاهان قرآنی نیز یافت‌شد که فاقد آنالیز آماری خاصی بوده‌اند (رفیعی، احمدنژاد و صمدانیان، ۱۳۹۹؛ روزی‌طلب و محمدی، ۱۳۸۹؛ قنادی و داوودی، ۱۳۹۲؛ مینایی‌فر و همکاران، ۱۳۹۵؛ نفیسی، ۱۳۸۴ و هیزجی، ۱۳۹۷) بنابراین در بحث این مقاله به‌دلیل عدم وجود کار مشابه صرفاً به تجربه و تحلیل نتایج همین تحقیق پرداخته می‌شود. در آنالیز UPGMA تفکیک سوره‌های دارای نام گیاه از سایر سوره‌ها مشاهده می‌شود (نمودار شماره ۳)، اما بدلیل مداخله سایر عوامل مانند تعداد آیات، شماره جز، مکی یا مدنی بودن سوره‌ها و ... و همچنین کوچک بودن نسبت آیات حاوی نام گیاهان به کل آیات در ماتریس عددی اولیه، خوشه‌بندی کاملاً تفکیک‌شده نمی‌باشد. از این‌رو برای افزایش قدرت تفکیک و شناخت ارتباط سوره‌های حاوی نام گیاهان با یکدیگر با آنالیز Neighbor



بودن دو آیه در خصوص گندم می‌باشد که این وضعیت انحصاراً در این سوره مشاهده می‌شود. سوره‌های مبارکه انعام و رحمن نیز به‌طور قابل توجهی در فاصله ملموس نسبت به سایر سوره‌ها قرار گرفته‌اند وجه مشترک این دو سوره وجود آیات حاوی نام انار می‌باشد که صرفاً در این دو سوره مبارکه ذکر شده است همچنین این دو سوره از نظر تعداد آیات حاوی نام گیاهان نیز موقعیت انحصاری دارند (سوره مبارکه انعام ۷ و رحمن ۴ آیه)، بر اساس نتایج حاصل از آنالیز مولفه‌های اصلی جداافتادگی سوره مبارکه نحل علاوه بر تعداد منحصر به فرد تعداد آیات (۵ آیه) زوج بودن تعداد آیات مربوط به انگور و خرما وضعیت منحصر به فردی را ایجاد نموده است. نتیجه‌گیری نهایی: استفاده از امکانات سایر علوم در فهم و درک بهتر سوره‌های قرآن می‌تواند بسیار مفید بوده و پنجره‌های جدیدی را به افق‌های وسیع درک مفاهیم قرآنی باز نماید.

بیشتر از آنالیز مولفه‌های اصلی که ارتباط آیات را در فضای سه‌بعدی بررسی می‌نماید استفاده شد که با استفاده از عامل کمکی Biplot عامل تفکیک سوره‌ها مشخص‌تر می‌شود (نمودار شماره ۶). بر اساس آنالیز PCA جداافتادگی سوره‌های ذکر شده در آنالیز PCOA تایید می‌گردد و علاوه بر این عوامل گروه‌بندی و تفکیک بر اساس نوع گیاه نیز مشخص می‌شود. در سوره بقره علاوه بر اینکه بیشترین تعداد آیه داری نام گیاه را به خود اختصاص داده است گیاهانی مشاهده می‌شود که صرفاً در این سوره مورد اشاره قرار گرفته‌اند که به ترتیب شامل نام گیاهان سیر، پیاز، عدس و خیار می‌باشد، همچنین در اشاره به گندم به جز سوره مبارکه بقره فقط سوره مبارکه یوسف مشاهده می‌شود، در همین راستا با توجه به نمودار ۶ مشخص می‌شود که سوره یوسف نیز در موقعیتی خاص قرار می‌گیرد که بر اساس Bipolt عامل آن دارا

منابع

۱. پهلوان، منصور و شفیعی، سعید. ۱۳۸۸. ارزیابی و نقد نظریه اعجاز عددی قرآن کریم. دوفصلنامه پژوهش‌های قرآن و حدیث، دفتر ۱. ۲۱ صفحه
۲. جلیلی علی آبادی، اسماعیل. ۱۳۷۹. اعجاز عددی قرآن. شماره دوم. ۱۵ صفحه
۳. رفیعی، مریم، احمدنژاد، امیر و صمدانیان، محسن. ۱۳۹۹. مصداقشناسی واژه «طلح» در قرآن با تأکید بر منابع تفسیری و گیاهشناسی. دوفصلنامه کتاب‌قیم. شماره ۲۲، سال دهم، ۲۰ صفحه.
۴. روزی طلب، مهین و محمدی، بیژن. ۱۳۸۹. ترنجبین در قرآن. همایش منطقه‌ای سلامت پژوهشی در قرآن کریم. یاسوج. ۱۰ صفحه.
۵. عوض زاده، نسرین و عوض زاده، پروین. ۱۳۹۴. اعجاز اعداد و نظم ریاضی در قرآن کریم، دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، تهران. ۱۴ صفحه.
۶. غدوری، غانم. ۱۳۸۴. عجایب عددی قرآن، حقیقت یا توهم؟ ترجمه حسینعلی نقیان؛ مجله رشد (آموزش قرآن) شماره یازده ۴۸ صفحه.
۷. قنادی، علیرضا و داوودی، نعیمه سادات. ۱۳۹۲. ضرورت و اهمیت بررسی خواص دارویی گیاهان ذکر شده در قرآن و احادیث، طب و تزکیه. دوره ۲۲. شماره ۴. ۹ صفحه.
۸. مینایی فر، امیرعباس، دهقان پور، سعیده، صادقیان، ناصر و دهقانی، سعیده. ۱۳۹۵. بررسی ماهیت و خواص گیاه قرآنی "طلح" از دیدگاه گیاهشناسی. همایش ملی قرآن و علوم زیستی. اصفهان. ۱۲ صفحه.
۹. مینایی فر، امیرعباس، دهقان پور، سعیده، صادقیان، ناصر و دهقانی، سعیده. ۱۳۹۵. گیاهشناسی و خواص گیاه قرآنی "سدر". همایش ملی قرآن و علوم زیستی. اصفهان. ۱۰ صفحه.
۱۰. نفیسی، ابوتراب. ۱۳۸۴. تحقیق درباره من و سلوی. نشریه دانشکده الهیات و معارف دانشگاه مشهد. ۳۳ صفحه.



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و
انگاره‌های علوم زیستی - ۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی گیلان

-
۱۱. نوروزی، مجتبی. ۱۳۸۵. پژوهشی در نظریه اعجاز عددی و ریاضی قرآن، پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴۸. ۲۹ صفحه
 ۱۲. نوروزی، مجتبی. ۱۳۹۰. کتابشناسی اعجاز عددی و ریاضی قرآن. آیین پژوهش. سال بیستم. شماره ۱. ۱۷ صفحه
 ۱۳. هیزجی، رضا و گودرزی، مریم. ۱۳۹۷. واژه شناسی من و سلوی. کنفرانس ملی علوم اسلامی و پژوهش‌های دینی. کرج. ۱۱ صفحه.

تحلیل مفاهیم کشاورزی پایدار و ارگانیک با تأکید بر آیات قرآن کریم

فاطمه قربانی پیرعلیدهی

استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی، دانشکده علوم زراعی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری
(نویسنده مسئول: f.ghorbani@sanru.ac.ir)

چکیده

استفاده‌ی بیش از حد از نهاده‌های شیمیایی در کشاورزی، موجب آلودگی محیط‌زیست و به‌خطر افتادن سلامت و امنیت غذایی انسان شده است. به‌دنبال بروز معضلات مذکور، مفهوم کشاورزی پایدار و کشاورزی ارگانیک در جهان مطرح شد. کشاورزی پایدار به‌عنوان یک فلسفه‌ی مدیریتی به‌دنبال فراهم کردن نیازهای نسل حاضر و آینده است. کشاورزی ارگانیک نیز با حفظ کیفیت مواد غذایی بر حفظ و نگهداری از منابع پایه‌ی کشاورزی استوار است. سلامت غذایی، حفظ محیط‌زیست (اکولوژی)، عدالت و انصاف و دقت و مراقبت از جمله مهم‌ترین اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک هستند. تحقیق مروری حاضر با بررسی ادبیات تحقیق و با استعانت از آیات قرآن کریم به‌دنبال تحلیل مفاهیم کشاورزی پایدار و ارگانیک است. نتایج تحقیق حاضر نشان داد که هرچند مفاهیم کشاورزی پایدار و ارگانیک از علوم بشری مطرح شده است اما قرآن کریم به‌عنوان یک راهنمای جامع در زندگی دنیوی و اخروی از قبل در آیات مختلفی به اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک اشاره نموده است. بنابراین اشاره‌ی قرآن کریم به مفاهیم و اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک نیز می‌تواند به‌عنوان گوشه‌ای از اعجاز علمی قرآن شمرده شود.

واژگان کلیدی: کشاورزی پایدار، کشاورزی ارگانیک، قرآن کریم، سلامت غذایی، امنیت غذایی، حفظ محیط‌زیست.

۱- مقدمه

در جهان امروز محصولات کشاورزی و حفظ امنیت غذایی به‌عنوان مهم‌ترین سلاح در صحنه‌ی رقابت سیاسی به‌حساب می‌آیند. بنابراین نیاز روزافزون به گسترش تولیدات کشاورزی و دستیابی به سطح مناسب‌تری از امنیت غذایی منجر به شکل‌گیری انقلاب سبز در قرن بیستم شد. اما تنها دو دهه بعد از اجرای آن جهان با مخاطرات و بحران‌های ناشی از انقلاب سبز مواجه گردید. این انقلاب نهاده‌های شیمیایی را بدون در نظر گرفتن شرایط بومی و تنها با هدف حداکثر کردن تولید، برای کشاورزان به ارمغان آورد. از طرفی عدم سازگاری این انقلاب با شرایط بومی کشاورزان منجر به افزایش ریسک تولید و کاهش تنوع ژنتیکی گردید (FAO, 2000). استفاده‌ی زیاد از آفت‌کش‌ها در کشاورزی، مشکلات فراوانی برای انسان و گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری ایجاد کرده

است. در تأیید این نگرانی‌ها می‌توان به مختل کردن سیستم ایمنی بدن، اختلالات هورمونی، کاهش هوش افراد، اختلالات تولیدمثلی، انواع سرطان‌ها، بیماری‌های کلیوی مزمن، انواع سردردها، مشکلات پوستی، تاری دید، فلج شدن و حتی مرگ در انسان اشاره کرد (ملک‌سعیدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۹). علاوه بر سموم مختلف مانند آفت‌کش‌ها و علف‌کش‌ها، کشاورزان برای بالا بردن میزان تولیدات خود با مصرف بی‌رویه‌ی کود شیمیایی زیاد باعث رشد سریع گیاهان زراعی می‌شوند. این اقدام در اکثر موارد به زیان خاک بوده و به‌مخاطره انداختن زندگی موجودات زنده و برهم‌زدن تعادل فیزیکی - شیمیایی خاک را به‌دنبال دارد (موگوئی و همکاران، ۱۳۹۹). به‌عبارت دیگر افزایش تولید، همواره مشکلات زیست‌محیطی و اجتماعی گوناگونی همچون آلودگی منابع آب، نگرانی مصرف‌کنندگان از سلامت، ایمنی غذایی،

۳- مرور ادبیات تحقیق

۳-۱- کشاورزی پایدار و ارگانیک: مفاهیم و اصول

پس از انقلاب سبز و تهیه‌ی نهاده‌هایی همچون بذره‌های اصلاح شده، کودها و مواد شیمیایی و سرازیر شدن آن‌ها به سوی بازار مصرف، تشویق کشاورزان به استفاده از آن‌ها، حمایت همه جانبه از این نهاده‌ها و سودآوری کوتاه‌مدت آن دیری نپایید که این نهاده‌ها از سوی کشاورزان پذیرفته شده و به میزان زیادی مورد استفاده قرار گرفتند. از سوی دیگر ادوات کشاورزی و تراکتور نیز به یاری کشاورزان آمد و این عوامل همراه با سایر عوامل دست‌به‌دست هم دادند تا موجبات افزایش تولید در واحد سطح فراهم شود، اما عدم آگاهی و نبود دانش فنی کشاورزان باعث استفاده غیربهبینه از این نهاده‌ها گردید به نحوی که شواهد موجود نشان می‌دهد که مصرف بیش از حد برخی نهاده‌های کشاورزی نه تنها باعث افزایش تولید نگردد بلکه موجبات کاهش تولید را فراهم ساخت (عمانی، ۱۳۸۰: ۲۴). عمده‌ی نگرانی‌های موجود در گزارش‌های جهانی در رابطه با کاهش سریع و جدی منابع پایه‌ی کشاورزی از طریق فرسایش خاک، شوری زمین‌ها، بیابان‌زایی، انقراض گونه‌های گیاهی و جانوری و آلودگی محیطی است. عامل اصلی این نگرانی‌ها ناشی از استفاده‌ی بی‌رویه‌ی سموم دفع آفات، کودهای شیمیایی و ادوات کشاورزی و گسترش کشت مکانیزه بوده‌است (آقاپور صباغی و موسوی، ۱۳۹۰: ۵۸-۴۲). دسترسی به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه‌ای از محورهای اصلی توسعه و سلامت جامعه است؛ بنابراین در بین اولویت‌های اهداف توسعه‌ی هر کشور دستیابی به امنیت غذایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این تولید کافی غذای سالم و ایمن برای دستیابی به نیازهای همه‌ی

کیفیت مواد غذایی و به‌خطر افتادن محیط‌زیست را به‌دنبال داشته‌است. در دهه‌های اخیر با افزایش نگرانی‌هایی در این خصوص در کنار تولید مواد غذایی بیشتر، سلامت غذا، سلامت افراد جامعه و همچنین جلوگیری از تخریب منابع طبیعی، کشاورزی پایدار مورد توجه قرار گرفته‌است. کشاورزی پایدار نوعی کشاورزی است که در جهت منافع انسان بوده، کارایی بیشتری در استفاده از منابع دارد و با محیط‌زیست در توازن است (رادنیا، ۱۳۷۹). کشاورزی ارگانیک یکی از اشکال مهم و کاربردی جهت اجرایی‌شدن کشاورزی پایدار است. زمانی که نظام‌های کشاورزی مدرن مورد انتقاد شدید قرار گرفتند یک اجماع جهانی در حمایت از محیط‌زیست طبیعی به وجود آمد تا نوعی کشاورزی را توسعه دهد که بتواند ضمن افزایش بهره‌وری، کمترین آسیب را به محیط‌زیست وارد سازد. از این‌رو بشر با ارائه‌ی تدابیری مانند کشاورزی ارگانیک، سعی در جلوگیری از این روند فاجعه‌آمیز نمود (رجبی و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به این‌که کشاورزی پایدار و کشاورزی ارگانیک از مفاهیم علوم بشری هستند این سؤال وجود دارد که از منظر قرآن کریم که کتاب هدایت بشر تا قیامت است و از هیچ‌یک از امور مهم و تأثیرگذار در زندگی انسان فروگذار نکرده، چنین مفاهیمی به چه شکل مطرح شده است. بنابراین تحقیق حاضر با هدف تحلیل مفاهیم کشاورزی پایدار و ارگانیک با تأکید بر آیات قرآن کریم به‌انجام رسید.

۲- روش تحقیق

این تحقیق مروری و کتابخانه‌ی با استفاده از مرور مقالات، متون علمی، کتب مختلف، استناد به آیات قرآن کریم و احادیث پیامبر بزرگوار اسلام و ائمه معصومین (ع) نگاشته شده است.



کاهش در کمیت مواد غذایی به کیفیت آن پرداخته و همچنین بر حفظ و نگهداری از منابع پایه‌ی کشاورزی استوار است. واژه‌ی ارگانیک "Organic" معانی گوناگونی دارد که از میان آن‌ها مربوط به اندام‌واره (organism) یا کلی‌تر مربوط به جانداران بیشتر رایج است. تعاریف گوناگونی برای این واژه مطرح شده است. تعریف مطرح شده توسط فدراسیون جنبش‌های بین‌المللی کشاورزی ارگانیک در سال ۲۰۰۸، کشاورزی ارگانیک را سیستم تولیدی تعریف کرده‌اند که سلامت خاک، اکوسیستم‌ها و انسان را پایدار می‌سازد. این سیستم بر فرآیندهای بوم‌شناسانه، تنوع‌زیستی و چرخه‌های سازگار با شرایط محلی تکیه دارد و به نهادهایی که اثرهای مشکل‌زا دارند، وابستگی ندارد. کشاورزی ارگانیک روش‌های سنتی، علمی و نوآوری را در هم می‌آمیزد تا از محیط خود و آسان‌سازی ارتباط مناسب آن، بهره‌گیرد و زندگی با کیفیت خوب را برای تمام دست‌اندرکاران فراهم سازد (خوشخوی، ۱۳۸۹: ۱). رابویو (Raviv, 2010) کشاورزی ارگانیک را مفهوم و روشی از تولید کشاورزی بدون کاربرد آفت‌کش‌های ساخته‌ای، کودهای شیمیایی و نیز پادزیست‌ها و هورمون‌ها در تولیدهای گیاهی و دامی معرفی کرده است. کشاورزی ارگانیک پایدارترین سیستم تولید غذاست که پتانسیل زیادی رد انطباق با شرایط آب و هوایی دارد. دلیل اصلی برای انتشار کمتر این سیستم، اجتناب از نهادهای پراترزی مانند کودهای شیمیایی است (Singh et al., 2012). تولید و تجارت محصولات ارگانیک پتانسیل زیادی برای دسترسی به بازارهای جهانی، استفاده‌ی پایدار از منابع، کاهش فقر، اطمینان از امنیت غذایی و نشان‌دادن تغییرات آب و هوایی در آن کشورها را ارائه می‌کند (UNEP, 2010). کشاورزی ارگانیک باید به‌عنوان یک

ساکنین جهان و در عین حال توجه به پایداری اکولوژیکی در حال تبدیل شدن به چالش در حال رشد در دهه‌های پیش‌رو خواهد بود (ده‌یوری و فرج‌الله حسینی، ۱۳۸۸). بسیاری از عوارض نامطلوب مصرف کودهای شیمیایی در درازمدت اثبات شده است. هرچند استفاده از کودهای شیمیایی ظاهراً سریع‌ترین و مطمئن‌ترین راه برای تأمین حاصلخیزی خاک به‌شمار می‌رود، اما هزینه‌های زیاد مصرف این‌گونه کودها و آلودگی و تخریب محیط‌زیست و خاک که در اثر استفاده از آن‌ها حاصل می‌شود، نگران‌کننده است (پورقاسم و علی‌بیگی، ۱۳۹۲). در چنین شرایطی و با وجود دغدغه‌های شدید مطرح شده مفهوم کشاورزی پایدار در بین محققان و صاحب‌نظران مطرح شد. کشاورزی پایدار از نظر برخی از پژوهشگران، نشان‌دهنده‌ی پابرجایی و قابلیت چیزی برای استمرار به‌مدت طولانی است و به باور برخی دیگر حکایت از بهبودپذیری و توانایی جهش است. کشاورزی پایدار در رابطه با محیط‌زیست به‌معنای عدم وارد آوردن خسارت بر منابع طبیعی و عدم تخریب آن‌هاست. دیگران این مفهوم را ناظر بر فعالیت‌های مربوط به توسعه می‌دانند که فقط محیط‌زیست را در نظر می‌گیرد. نظام‌های اقتصادی زمانی پایدارند که با آهنگ یکسان به رشد خود ادامه دهند یا رشد آن‌ها منابع طبیعی پایه را کاهش ندهد (اللهیاری، ۱۳۹۱). اگر به‌طور خلاصه کشاورزی پایدار نوعی کشاورزی که در جهت منافع انسان بوده کارایی بیشتر در استفاده از منابع را دارد و با محیط در توازن است تعریف شود و یا به‌عبارتی از نظر اکولوژی مناسب از نظر اقتصادی توجیه‌پذیر و از نظر اجتماعی مطلوب باشد بنابراین می‌توان کشاورزی ارگانیک را نیز یک نوع از کشاورزی پایدار دانست (مهرابی گوهری و همکاران، ۱۳۹۰). کشاورزی ارگانیک با وجود



در قرآن کریم انسان را به تلاش بر روی زمین به منظور آبادانی بیشتر و بهره‌رساندن به دیگران دعوت و راهنمایی کرده است. در برخی از آیات، خداوند متعال انسان را به سوی کشاورزی و استفاده صحیح از محصولات کشاورزی سوق داده و می‌فرماید: «... فاطر السماوات والارض و هو یطعم و لایطعم...؛ آفریننده آسمان و زمین خداست و او به خلق طعام و روزی می‌بخشد و خود از طعام بی‌نیاز است...». و در بعضی آیات قرآن کریم نیز خداوند با اشاره دقیق به جریان کشت و روییدن گیاهان از زمین، وزش بادهای بارش باران را به‌عنوان نمونه‌ای از قدرت الهی و مایه بصیرت و آگاهی انسان‌ها معرفی کرده است. برخی از این دست آیات عبارتند از: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ اسْتَوَىٰ بِالْأَرْضِ السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ؛ اوست که آنچه در این زمین است همه را برای شما آفرید سپس به (آفرینش) آسمان پرداخت پس آن‌ها را به‌صورت هفت آسمان مرتب و منظم ساخت و او به همه چیز داناست» (بقره/ آیه ۲۹). «وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ؛ و در آن باغ‌هایی از درختان خرما و انگور قرار دادیم و از چشمه‌های گوناگون در آن جوشانیدیم، تا از میوه‌ی آن و از نتیجه کارکرد دست‌هایشان بخورند، پس آیا سپاس نمی‌گزارند؟» (یس/ آیه ۳۴-۳۵). «هُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقِنَاهُ لَبَدًا مِّمَّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ؛ و اوست که بادهای را مژده‌رسان پیشاپیش رحمتش (باران) می‌فرستد تا چون ابرهای سنگین بار را برداشتنند ما آن‌را به‌سوی سرزمینی مرده می‌رانیم، پس به‌وسیله‌ی آن آب را فرو می‌ریزیم، پس

راهبرد برای توسعه‌ی جامعه و سیستم غذایی پایدار برای بهبود امنیت غذایی خانوار به‌کارگرفته شود (Vaarst et al., 2009). کشاورزی ارگانیک با کاهش اثرات زیست‌محیطی کشاورزی معمولی پتانسیل قابل ملاحظه‌ای در عرضه‌ی مواد غذایی در جهان دارد (Badgley et al., 2006). کشاورزی ارگانیک به نام‌های کشاورزی زیستی، کشاورزی بیولوژیک، کشاورزی بوم‌شناختی، کشاورزی زاینده و کشاورزی طبیعی خوانده می‌شود نوعی کشاورزی قانونمند و متکی به معیارها و ضوابط خاص بوم‌شناسانه است. در کشاورزی ارگانیک هدف پایداری تولید ولی نه به الزام به پیشینه رساندن آن است. در این نوع کشاورزی، عوامل انسانی و جوامع تولیدکننده و مصرف‌کننده در قالب مجموعه‌ای جداناپذیر نگاه می‌شوند به اصول سلامت (خاک، آب، گیاهان، جانوران و محیط زیست)، بوم‌شناسی (بر اساس سیستم‌ها و چرخه‌های اکولوژیکی)، انصاف و عدالت (با توجه به فرصت‌ها و قابلیت‌های زندگی و محیط‌های عمومی) و مراقبت (حمایت از سلامت و آسایش نسل‌های بعد و محیط) توجه می‌شود.

۲-۳- جایگاه کشاورزی در قرآن کریم

کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان است از این‌رو اسلام تأکید بسیاری در مورد آن دارد و در قرآن به کشاورزی به‌طور ویژه پرداخته شده است؛ زیرا پیشرفت کشاورزی پایه مهمی در استقلال اقتصادی و سیاسی جامعه خواهد بود (طایفه سلطانه‌ی، ۱۳۹۹). کشاورزی (پرورش گیاهان و دام) شغل مقدسی است از این‌رو بسیاری از انبیاء و اولیای الهی به آن اشتغال داشته‌اند. خداوند نیز در قرآن کریم کشاورزی اعم از زراعت و پرورش گیاهان و دام‌ها را هدیه‌ای از سوی خود به بشر معرفی می‌کند. آیات فراوانی

محصول آن‌ها هنگامی که به ثمر نشست بخورید و حق (خدایی) آن را در روز درو کردن (و چیدن حاصل) آن‌ها بدهید، و اسراف نکنید، که همانا خدا اسراف‌کنندگان را دوست ندارد» (انعام/ آیه ۱۴۱). علاوه بر پرداخت زکات که صدقه واجب است، دادن صدقات مستحبی نیز برکت محصول را در پی دارد و دعای خیر فقیران و نیازمندان را در پی دارد که بیمه‌کننده‌ی محصولات کشاورزی از گزند آفات است (خاکسار و خاکسار، ۱۳۹۶). علاوه بر مراحل رشد و اهمیت پرورش گیاهان و کشاورزی، در قرآن کریم به دفعات مکرر اهمیت گیاهان در درمان و التیام دردها اشاره گردیده است. قرآن یکی از مهم‌ترین کتاب‌های مرجع در جوامع اسلامی است که در سوره‌های مختلف با اشاره نمودن به گیاهان دارویی و خصوصیات آن‌ها که در بعضی موارد هنوز هم در پزشکی مدرن بی‌پاسخ مانده است، اهمیت و نقش آن‌ها را یادآور می‌شود که در برخی از موارد در پزشکی و طب سنتی مدارک با ارزشی قابل دسترسی است (اطمینانی و اطمینانی، ۱۳۹۶).

۳-۳- دیدگاه قرآن در رابطه با اصول و مفاهیم کشاورزی پایدار و ارگانیک با تأکید بر آیات آن
نیاکان و گذشتگان نیز کشاورزی اولیه را به صورت ارگانیک انجام می‌دادند ولی بنابه دلایلی از جمله رشد جمعیت و تقاضای بیشتر غذا بعد از انقلاب صنعتی و پس از جنگ جهانی باعث دوری از این روش کشاورزی و استفاده از مواد صنعتی و شیمیایی شد (Ahnstrom et al., 2009). چهار اصل اساسی در کشاورزی پایدار و ارگانیک که مورد توافق محققان مختلف نیز واقع شده است عبارتند از:

اصل سلامت: کشاورزی باید حفظ و ارتقای سلامت خاک، گیاه، حیوان، انسان و سیاره را به عنوان یک جزء جدایی‌ناپذیر در نظر داشته

بدان وسیله از هر نوع میوه و بذری (از دل خاک) بیرون می‌آوریم، مردگان را نیز این چنین (در روز قیامت) بیرون می‌آوریم (این مثال را زدیم) باشد که متذکر شوید» (الاعراف/ آیه ۵۷). پیامبر گرامی اسلام حضرت محمد (ص) نیز با اشاره و تأکید بر اهمیت کشاورزی و زراعت می‌فرمایند: «خدایا، نان را برای ما مبارک فرما و میان ما و آن جدایی نینداز، چراکه اگر نان نباشد نه توان نماز خواندن خواهیم داشت و نه طاقت روزه گرفتن و نه رغبت انجام واجبات» (حر عاملی، ۱۳۹۷). در دوره‌های پیش از اسلام، در بسیاری از مناطق شبه جزیره عربستان به علت بدی آب و هوا، ناآگاهی مردم از دانش کشاورزی، ناآگاهی نسبت به شیوه‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی و استخراج آب‌های زیرزمینی و نیز نبود قوانین صحیح برای تضمین امنیت محصولات کشاورزی، کشت و زرع رونق چندانی نداشت. با طلوع خورشید اسلام و تابش شعاع مهرگستر آن پیشوایان دینی همواره بر اهمیت دینی تأکید کرده و افزون بر آن با تعبیر رسا و زیبا ارزش و منزلت کشاورزی را بیان کرده‌اند و خود در حالی که عرق از بدن‌های مبارکشان سرازیر بود، کشاورزی می‌کردند. علاوه بر این احکامی که در دین اسلام برای کشاورزی بیان شده است توجه خاص اسلام را به این مسئله آشکار می‌سازد. مهم‌ترین وظیفه‌ای که اسلام برای کشاورزان بیان نموده، پرداخت صدقه است. در قرآن کریم آمده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَ النَّخْلَ وَ الزَّرْعَ مَخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَ الزَّيْتُونَ وَ الرِّمَانَ مَثَابِهَا وَ غَيْرِ مَثَابِهَا كَلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ اتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ و اوست که باغ‌هایی داربست‌زده و بدون داربست، و درخت خرما و زراعت یا حاصل‌گوناگون و زیتون و انار شبیه به هم و غیرشبهه به هم را بیافرید، از میوه و



مهم‌ترین اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک هستند. قرآن کریم منشأ اصلی تمدن عظیم اسلامی و علت پیشرفت‌های مادی و معنوی مسلمانان در خاور و باختر است (قرائتی، ۱۳۸۳). قرآن کریم راهنمای شناخت خداوند است، کتاب زندگی و حیات بوده و مایه‌ی هدایت و بشارت برای انسان‌ها و به‌خصوص مؤمنین است (سوره نمل/ آیه‌ی ۲). قرآن کریم یگانه کتابی است که برای یک نسل و یا یک قرن نازل نشده و با گذشت زمان و دگرگونی نسل‌ها از اعتبار آن کاسته نمی‌شود (مترجمان، ۱۳۷۷). در ادامه هریک از اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک از منظر قرآنی بررسی شد:

۱) اصل سلامت: بدون شک قرآن کریم برنامه سعادت انسان را در همه امور دنیوی و اخروی برای انسان مشخص کرده است از جمله اموری که به آن اهمیت داده شده است بحث سلامت جسمی و روحی انسان می‌باشد که در آیات مختلف قرآن کریم به آن اشاره شده است، که چه‌بسا ناتوانی جسمی و روحی در سعادت انسان اثرگذار می‌باشد. در فرهنگ قرآن کریم موضوع سلامت بسیار موردتاکید قرار گرفته است و آیات متعددی از قرآن کریم این مهم را موردبررسی قرار داده است. از دیدگاه قرآن کریم، مهم‌ترین رکن تغذیه، حلال بودن آن است. لذا در تهیه غذا باید تدبیر و تأمل نمود تا بتوان بهترین غذا را تهیه کرد و مؤمنین هر غذایی را نباید استفاده کنند (جمشیدی و صادقی، ۱۳۹۵). در قرآن کریم علاوه بر حلال بودن غذا بر طیب بودن و به‌نوعی سلامت غذایی نیز تأکید شده است. منظور از غذای طیب، غذایی حلال، پاک، پاکیزه، خوش‌بو، خوش‌مزه، مطبوع، بهداشتی، لذیذ و خوب است که انسان طیب، در مصرف آن، جانب

باشد. اصل محیط‌زیست: کشاورزی باید براساس سیستم‌ها و چرخه‌های طبیعی محیط‌زیست، کار آن‌ها را شبیه‌سازی کرده و به حفظ محیط‌زیست کمک نماید. اصل عدالت: کشاورزی باید روابطی را که تضمین کننده‌ی عدالت با توجه به محیط‌زیست و فرصت‌های زندگی مشترک است، ایجاد نماید. اصل دقت: کشاورزی باید مدیریت رفتار پیشگیرانه و مسئولانه در حمایت از سلامت هرچه بهتر حال و نسل‌های آینده و محیط‌زیست را داشته باشد (عقیقی شاهوردی و همکاران، ۱۳۹۷). پژوهشگران معتقدند که بیشتر منابع علمی اعم از کشاورزی یا غیر از آن موجود در کشور ترجمه‌هایی از کتب و منابع دانشگاه‌های اروپا و آمریکا هستند که شرایط کاملاً متفاوتی با اقلیم کشور ما دارند و عدم توجه به این موضوع باعث خسارت‌های هنگفتی به کشاورزی مملکت شده است. لذا این‌گونه منابع نمی‌توانند جهان شمول باشند و به مقتضیات مکانی و زمانی وابسته هستند این در حالی است که قرآن کریم به‌عنوان یک منبع جهان شمول و همیشه روزآمد می‌تواند مشکلات عدیده‌ی کشاورزی را کاهش دهد. به‌عنوان مثال مطابق نص صریح آیات الهی با انتخاب صحیح محل کشت، انتخاب گونه‌های مقاوم یا متحمل به خشکی (مانند زیتون، انگور و ...)، استفاده بهینه از آب باران و ایجاد مزارع و باغ‌های دیم می‌توان رد مکان‌های شیب‌دار و کم‌بازده نیز به کشاورزی مشغول شد (یداللهی و همکاران، ۱۳۹۱). بنابراین هرچند مفاهیم کشاورزی پایدار و ارگانیک از علوم بشری مطرح شده است اما قرآن کریم به‌عنوان یک راهنمای جامع در زندگی دنیوی و اخروی از قبل در آیات مختلفی به اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک اشاره نموده است. مفاهیم و اصولی از جمله سلامت غذایی، حفظ محیط‌زیست (اکولوژی)، عدالت و انصاف و دقت و مراقبت از جمله



میان‌روی را رعایت می‌کند (احمدزاده و زمانی، ۱۳۹۸).

خداوند در قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ»؛ ای مردم! از آنچه در روی زمین از حلال و پاکیزه است تناول کنید و از وسوسه‌های شیطان پیروی ننمایید؛ زیرا که او دشمن آشکار شما است» (بقره/ آیه ۱۶۸).

۲) اصل محیط‌زیست: خداوند در آیات مختلفی از قرآن تأکید کرده است که خلقت آسمان‌ها، زمین، طبیعت، گیاهان، بارش باران و موجودات به‌دست او صورت گرفته است و این‌که هیچ‌یک از خلقت‌های او عبث و بیهوده نبوده است. خداوند می‌فرماید: «أَفَحَسِبْتُمْ أَنَّمَا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنَّكُمْ إِلَيْنَا لَا تُرْجَعُونَ؛ آیا گمان برده اید که ما شما را بیهوده آفریده ایم و به سوی ما بازگشت نخواهید کرد!» (مؤمنون/ آیه ۱۱۵). همچنین فرمود: « رَبَّنَا أَلَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى؛ پروردگار ما کسی است که به هر چیزی خلقت خاص او را عطا کرده سپس راهنمایی نموده است» (طه/ ۵۰). «وَمِنَ آيَاتِهِ يَرْسِلُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَ يُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ؛ و از نشانه‌های الهی آن است که برق - آسمان - را که مایه‌ی بیم و امید است به‌شما نشان می‌دهد و از آسمان، آبی می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش زنده می‌کند، همانا در این امر برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌هایی قطعی است» (روم/ آیه ۲۴). «أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْآيَاتِ كَيْفَ خُلِقَتْ * وَإِلَى السَّمَاءِ كَيْفَ رُفِعَتْ * وَإِلَى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ * وَإِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ * فَذَكِّرْ * إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ * لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ؛ آیا آنان به شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟! * و به آسمان (نگاه نمی‌کنند) که چگونه برافراشته شده است؟! * و به کوه‌ها (نمی‌نگرند)

که چگونه نصب و پا برجای شده‌اند؟! * و به زمین (نمی‌نگرند) که چگونه پهن و گسترانیده شده است؟! * تو پند بده و یادآوری کن چرا که تو تنها پنددهنده و یادآوری‌کننده‌ای و بس * تو بر آنان چیره و مسلط نیستی» (غاشیه/ آیه ۲۱-۱۷). «وَ أَوْحَى رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ؛ و پروردگارت به زنبور عسل وحی (و الهام غریزی) کرد که از بعضی کوه‌ها و درختان و از داربست‌هایی که مردم می‌سازند خانه‌هایی بساز» (نحل/ آیه ۶۸). «وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ فَاذًا وَ حَبَّتْ جُنُوبُهَا فَكَلُّوا مِنْهَا وَ اطْعَمُوا الْقَانِعَ وَ أَلْمَعْتَرَّ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ؛ و شترهای چاق و فربه را برای شما از شعائر الهی قرار دادیم در آن‌ها برای شما خیر و برکت است، نام خدا را (هنگام قربانی کردن آن‌ها) درحالی‌که به‌صاف ایستاده‌اند ببرید، هنگامی‌که پهلویشان آرام گرفت (و جان دادند) از گوشت آن‌ها بخورید و مستمندان قانع و فقیران معترض را نیز از آن اطعام کنید، این‌گونه ما آن‌ها را مسخرتان ساختیم تا شکر خدا را به‌جا آورید» (حج/ آیه ۳۶). در بین عناصر طبیعت، آب به‌عنوان یکی از بارزترین نعمات الهی عنوان شده است. در ۳۳ آیه از قرآن کریم خداوند بعد از خلقت آسمان و زمین به اهمیت آب و خلقت آن اشاره کرده است. در قرآن به‌دلیل تقرب فوق‌العاده آب و حیات در چندین مورد حیات انسان‌ها و زندگی آدمیان را به آبی تشبیه‌نموده که از آسمان نازل گشته است (کهف/ آیه ۴۵). همچنین خداوند متعال در آیه‌ی ۴۳ سوره‌ی نساء و آیه‌ی ۶ سوره‌ی مائده سفارش می‌نماید که برای طهارت و تطهیر شدن و آماده‌شدن برای عبادت خداوند از آب استفاده نماییم. بنابراین خداوند آب را عامل و ابزار اصلی طهارت قرار داده است. هنوز با وجود پیشرفت



صفت عادل به مردم معرفی می‌کند. به‌عنوان نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: «شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ؛ خدا به یکتایی خود گواهی دهد که جز ذات اقدس او که نگهبان عدل و درستی است خدایی نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهی دهند؛ نیست خدایی جز او که (بر همه چیز) توانا و داناست» (آل عمران/ آیه ۱۸). «إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يَضَاعِفْهَا وَ يُوْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا؛ خداوند به مقدار ذره‌ای به کسی ستم نکند، و اگر عمل نیکی باشد زیاد گرداند و (به نیکان) جانب خود مزدی بزرگ عطا کند» (نساء/ آیه ۴۰). خداوند همچنین از انبیاء، اولیا و سایر مردم می‌خواهد که به عدل داوری و رفتار کنند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ؛ همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هرچند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است» (حدید/ آیه ۲۵). مفهوم برخورد عادلانه داشتن با طبیعت و نعمت‌های الهی در این است که در استفاده از این نعمت اسراف نکرده و به این ترتیب امکان بهره‌گیری از طبیعت و نعمت‌های خداوند به‌سایر انسان‌ها و سایر موجودات فراهم گردد. خداوند در قرآن بارها بر اهمیت حفظ نعمت‌ها و جلوگیری از اسراف تأکید داشته و اسراف و اسراف‌کاران را

علم و تکنولوژی، آب به‌عنوان یکی از پاک‌کننده‌های اصلی و قابل‌توجه از دیدگاه بشر است و هیچ ماده‌ی دیگری نتوانسته جایگزین آن شود. قرآن آب را وسیله‌ی زیبایی معرفی کرده است. و در مواقعی نیز بر اهمیت سهمیه‌بندی آب اشاره‌نموده است (خاکسار و خاکسار، ۱۳۹۶). «وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ؛ و (به یاد آرید) وقتی که موسی برای قوم خود طلب آب کرد، به او گفتیم: عصای خود را بر سنگ زن، پس دوازده چشمه آب از آن سنگ جوشید و هر سبطی آبشخور خود را دانست (و گفتیم) از آنچه خدا روزی شما ساخته بخورید و بیاشامید و در زمین به فتنه‌انگیزی و فساد نپردازید» (بقره/ آیه ۶۰). علاوه بر آب، خاک نیز به‌عنوان ماده اولیه‌ی خلقت انسان و جایگاه نهایی بدن انسان از عنصری است که تقریباً تمام نیازهای مادی انسان را در خویش نهفته دارد، از طرفی در مورد مهمی مانند تطهیر می‌تواند جایگزین آب و عامل پاک‌ی و آمادگی انسان برای انجام فرایض دینی‌اش شود. امام صادق (ع) فرمودند: «پروردگار متعال خاک را پاکیزه قرارداد همان‌گونه که آب را پاکیزه قرار داد» (خاکسار و خاکسار، ۱۳۹۶).

۳) اصل عدالت و انصاف: یک اصل مهم در کشاورزی پایدار و ارگانیک اصل عدالت و انصاف است. ایجاد شرایط مطلوب برای زندگی کشاورزان و روستائیان و برخورد منصفانه و عادلانه با طبیعت و موجودات از جمله نکاتی است که در کشاورزی پایدار و ارگانیک مورد توجه شدید قرار می‌گیرد. خداوند در قرآن کریم بر آفرینش تمامی موجودات و طبیعت براساس عدالت و قسط تأکید دارد و خود را با



نام‌برده شده است و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست نسبت به محیط‌زیست داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود. خداوند در قرآن می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ؛ و کسانی که کفر ورزیدند و آیات و نشانه‌های ما را انکار و تکذیب نمودند آن‌ها یاران دوزخند» (مائده/ آیه ۸۶). پیامبر اکرم (ص) نیز فرمودند که: «از زمین (آب، خاک و آنچه در آن هست حفاظت کنید، به‌درستی که آن مادر شماس است» (عقیقی شاهوردی و همکاران، ۱۳۹۷). خداوند در قرآن کریم به شکرگزاری در برابر نعمت‌های الهی از جمله محیط‌زیست تأکید دارد. شکرگزاری می‌تواند نشانه‌ای از اصل دقت و مراقبت نیز باشد زیرا فرد شکرگزار با نهایت دقت و مراقبت از نعمت‌های داده‌شده توسط خداوند بهره می‌برد و قدرشناس این نعمات است. خداوند در قرآن می‌فرماید: «فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنَّ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ پس شما (مؤمنان از حال آنها عبرت بگیرید و) از آنچه خدا روزی حلال و طیب شما قرار داده تناول کنید و شکر نعمت خدا به‌جای آرید اگر حقیقتاً خدا را می‌پرستید» (نحل/ آیه ۱۱۴).

۴- نتیجه‌گیری

با افزایش جمعیت و افزایش تقاضا برای مواد غذایی، تولید محصولات کشاورزی به‌شدت افزایش پیدا کرد. برای این منظور انقلاب سبز مصرف نهاده‌ها و سموم شیمیایی را باهدف حداکثر کردن تولید پیشنهاد کرد. اما تنها چند سال پس از استفاده‌ی بی‌رویه از سموم و نهاده‌های شیمیایی، آلودگی‌های منابع آب و خاک، گسترش بیماری‌ها مختلف، طغیان آفات گیاهی، فرسایش و شوری خاک و پیامدهایی از این دست موجب شد تا نه‌تنها میزان تولید افزایش

به‌شدت نکوهش کرده است. خداوند در قرآن می‌فرماید: « يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به‌خود بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید، که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد» (اعراف/ آیه ۳۱). در آموزه‌های اسلامی، نه‌تنها بر اجرای عدالت در مورد انسان‌ها تأکید شده، بلکه درباره خوش‌رفتاری با حیوانات و اجرای عدالت و پرهیز از ظلم و جور در حق آنان سفارش‌های متنوعی شده است. به‌عنوان نمونه حضرت علی (ع) در آغاز خلافتش در اولین خطبه - که به‌طور معمول به مسائل مهم و ضروری پرداخته می‌شود- می‌فرماید: «با مردمان و شهرها، به پرهیزگاری رفتار کنید، زیرا شما مورد بازخواست قرار می‌گیرید حتی در برابر آبادی‌ها و حیوانات» (نهج‌البلغه، ۱۳۹۷). پیامبر اکرم (ص) شتری را دید که به‌جایی بسته شده و جهاز و بارش هنوز بر پشتش قرار داشت، حضرت پرسید: صاحب این شتر کجاست؟ به او بگویند تا خود را برای بازخواست آماده کند. شیخ صدوق این روایت را چنین توضیح می‌دهد: یعنی خود را برای بازجویی در روز قیامت آماده نماید، زیرا بستن شتر زیر بار، ظلم بر حیوان است و هنگامی که قیامت فرارسد حیوان در مقام شکایت از صاحبش، در پیشگاه الهی عرضه می‌دارد: گناه من چه بود که به من ستم کردی؟ پس خدای تعالی دادم را از تو بستاند (حرعاملی، ۱۳۶۳).

۴) اصل دقت و مراقبت: بر اساس آیات قرآن کریم، محیط‌زیست آیتی از آیات خداوند است و مسئله‌ی مهم در رابطه با محیط‌زیست و گیاهان، جانوران، آب و خاک و ... حفاظت از این منابع خدادادی و رعایت دقت و مراقبت از این نعمت‌هاست. در قرآن کریم از نابود کردن و تخریب محیط‌زیست به‌عنوان اعتداء (تجاوز)



برای خود تهیه کنند. علاوه بر اصل سلامت، در قرآن به اهمیت جایگاه محیط‌زیست و قدرت خداوند در آفرینش موجودات اشاره شده است و قرآن آفرینش را عبث و بیهوده ندانسته بلکه آن را کاملاً هدفمند و آیتی از آیات قدرت خدا می‌داند. خداوند در قرآن کریم به عادل بودن خود اشاره داشته و انبیاء و اولیای الهی و مردم را به رفتاری بر اساس عدل و قسط دعوت می‌کند. نکته‌ی مهم در برخورد عادلانه و توأم با انصاف با طبیعت، محیط‌زیست و جانداران در این است که در بهره‌برداری از آن‌ها اسراف نگردهد. خداوند ضمن اشاره به این نکته به شدت اسراف‌کاران را نکوهش می‌کند و به این ترتیب به رفتار عادلانه و منصفانه‌ی انسان با سایر جانداران تأکید دارد. اصل دقت و مراقبت نیز از اصول مهمی است که توسط دانشمندان مورد تأکید قرار گرفته است. در قرآن نیز خداوند ضمن بیان نعمت‌ها و نحوه‌ی خلقت آن‌ها بر حفاظت و مراقبت از نعمت‌ها تأکید دارد و در این راستا به شکرگزاری و اهمیت آن اشاره نموده است. بنابراین در مجموع هرچند قرآن حدود ۱۴۴۰ سال پیش نازل شده است و اصول کشاورزی ارگانیک و پایدار مطلبی است که محققان در چندین سال پیش بدان دست یافته‌اند اما همان‌طور که آیات قرآن نیز نشان می‌دهد، اهمیت محیط‌زیست و طبیعت و نقش انسان در شکرگزاری و حفاظت از این منابع مطلبی است که توسط قرآن در چندین قرن پیش مطرح شده است. بنابراین اشاره‌ی قرآن کریم به مفاهیم و اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک نیز می‌تواند به‌عنوان گوشه‌ای از اعجاز علمی قرآن شمرده شود.

پیدا نکند بلکه در درازمدت آثار سوء از فعالیت‌های کشاورزی بر پیکره‌ی محیط‌زیست باقی‌بماند. کشاورزی پایدار و به‌دنبال آن کشاورزی ارگانیک، سیستم‌های مدیریتی بودند که برای غلبه بر چنین مشکلات و نگرانی‌های جهانی مطرح شدند تا فعالیت‌های کشاورزی از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه، از نظر اجتماعی موردقبول و از نظر محیط‌زیستی مناسب و مطلوب باشند. محققان و پژوهشگران مختلف بر سر اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک تفاهم نظر دارند. به اعتقاد آن‌ها سلامت‌غذایی، حفظ محیط‌زیست (اکولوژی)، عدالت و انصاف و دقت و مراقبت از جمله مهم‌ترین اصول کشاورزی پایدار و ارگانیک هستند. هرچند اصول مطرح‌شده برگرفته از دانش بشری است اما این اصول در قرآن کریم که کتاب راهنمای همیشگی است نیز مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم کتابی زنده است و به‌طور دائم نکاتی را به مردم ارائه می‌دهد. پیامبر اکرم درباره‌ی قرآن و تازگی آن اشاره کرده‌اند که شگفتی‌های قرآن هرگز تمام نمی‌شود و نوآوری‌های آن به کهنگی نمی‌گراید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴). منابعی همچون قرآن و احادیث پیامبر اکرم و ائمه اطهار (ع) بر اهمیت جایگاه فعالیت‌های کشاورزی و کشاورزان تأکید کرده‌اند و کشاورزی را فعالیتی مقدس و مفید می‌دانند. قرآن به وزش بادهای، بارش باران و رویش گیاهان اشاره کرده و خداوند را قادر مطلق بر چنین اموری معرفی کرده است. در قرآن علاوه بر حلال بودن، طیب و سالم بودن غذا نیز مورد تأکید قرار گرفته و از مردم می‌خواهد که به سلامت غذایی توجه کرده و با تأمل و دقت بیشتری غذای سالم و مناسب را



منابع

۱. آقاپور صباغی، محمد و موسوی، هدایت (۱۳۹۰): «بررسی موفقیت طرح مدرسه در مزرعه در افزایش کارایی گندم‌کاران حمیدیه»، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۴، شماره ۴، صص ۴۲-۵۸.
۲. احمدزاده، سید مصطفی و زمانی، حسین (۱۳۹۸): «شاخص‌های غذای طیب از دیدگاه قرآن کریم»، مجله قرآن و طب، دوره ۴، شماره ۴، صص ۱۸-۱۳.
۳. اللهیاری، محمد صادق (۱۳۹۱): «نظام ترویج کشاورزی پایدار»، رشت: دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت.
۴. اطمینانی، فایقه و اطمینانی، ادیبه (۱۳۹۶): «مطالعه‌ی گیاهان دارویی در قرآن مقدس»، دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، موجود در سایت <https://civilica.com/doc/659703>
۵. پورقاسم، فاطمه و علی بیگی، امیرحسین (۱۳۹۲): «تحلیل تمایل کشاورزان شهرستان کرمانشاه به جایگزینی کودهای آلی به جای کودهای شیمیایی»، مجله پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۶، شماره ۴ (پیاپی ۲۳)، صص ۴۸-۳۳.
۶. جمشیدی، جواد و صادقی، حسین (۱۳۹۵): «سلامت از دیدگاه قرآن»، همایش ملی سلامت از دیدگاه قرآن کریم، خراسان شمالی، بجنورد، جهاد دانشگاهی خراسان شمالی، ۸ مهرماه ۱۳۹۵.
۷. حر عاملی، محمد (۱۳۶۳): «وسائل‌الشیعه»، طهران: انتشارات کتابفروشی اسلامی، جلد ۱۱، باب ۴۹، ص ۵۴۰.
۸. حر عاملی، محمد (۱۳۹۷): «وسائل‌الشیعه»، طهران: مکتبه‌الاسلامیه، جلد ۱۳، ص ۱۹۴.
۹. خاکسار، کاوه و خاکسار، کیوان (۱۳۹۶): «کشاورزی در قرآن»، تهران: انتشارات پادینا، ۷۴ صفحه.
۱۰. خوشخوی، مرتضی (۱۳۸۹): «مقدمه‌ای بر کشاورزی پایدار و کشاورزی ارگانیک»، مجموعه مقالات همایش کشاورزی ارگانیک، تهران، فرهنگستان علوم، ۲۲ مهرماه ۱۳۸۹.
۱۱. ده‌پوری، سحر و فرج‌الله حسینی، جمال (۱۳۸۸): «بررسی تأثیر تولید و پذیرش محصولات نانوفناوری بر کشاورزی پایدار از دیدگاه محققان کشاورزی»، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۴-۱.
۱۲. رادنی، ح (۱۳۷۹): «آن سوی بهار خاموش»، کرج: انتشارات آموزش کشاورزی.
۱۳. رجیبی، آمنه، شعبانعلی فمی، حسین و پورآتش، مهتاب (۱۳۹۲): «بررسی مؤلفه‌های پذیرش محصولات کشاورزی ارگانیک از دیدگاه مصرف‌کنندگان (مطالعه‌ی موردی شهر کرج)»، فصلنامه علوم و صنایع غذایی، شماره ۳۸، صص ۴۳-۳۳.
۱۴. طایفه سلطانه‌ای، امیر مسعود (۱۳۹۹/۹/۱۷): «کشاورزی در قرآن»، خبرگزاری دانشجویان ایران - ایسنا، موجود در سایت <https://www.isna.ir/news/tabriz>
۱۵. عقیقی شاهرودی، مهدی، پرورش، وحیده، نورمحمدی، محمدرضا و اربابی، محسن (۱۳۹۷): «بررسی اصول کشاورزی ارگانیک با استفاده از قرآن»، دومین کنفرانس بین‌المللی گیاهان دارویی، کشاورزی ارگانیک مواد طبیعی و دارویی، مشهد، نشست هم‌اندیشی با متخصصین و کارآفرینان عرصه‌ی گیاهان دارویی و سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی، ۲۲ اسفندماه ۱۳۹۷.
۱۶. عمانی، امیر رضا (۱۳۸۰): «تعیین ویژگی‌های اجتماعی، اقتصادی و زراعی گندم‌کاران استان خوزستان پیرامون پذیرش روش‌های کشاورزی پایدار کم‌زحمت (LISA)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده کشاورزی، دانشگاه تربیت مدرس تهران.
۱۷. قرائتی، محسن (۱۳۸۳): «تفسیر نور»، تهران: انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، جلد ۱، ص ۸.
۱۸. مترجمان (۱۳۷۷): «تفسیر هدایت»، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، جلد ۱، صص ۸۴-۲۵.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): «تفسیر نمونه»، تهران: انتشارات دارالکتب الاسلامیه، جلد ۱، صص ۳۱-۲۰.
۲۰. ملک سعیدی، حمیده، رضایی مقدم، کورروش و آجیلی، عبدالعظیم (۱۳۸۹): «بررسی دانش کارشناسان جهاد کشاورزی استان فارس در زمینه‌ی کشاورزی ارگانیک»، نشریه علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، دوره ۶، شماره ۲، صص ۴۹-۶۲.
۲۱. موگویی، رکسانا، عامری سیاهوئی، رضا و لچینانی، علیرضا (۱۳۹۹): «کشاورزی مدرن، محیط‌زیست پایدار»، تهران: فرهیختگان دانشگاه، چاپ اول.



۲۲. مهرایی گوهری، الهام، اسلامی، محمد رضا و شرافتمند، حبیبه (۱۳۹۰): «بررسی مفهوم پایداری از دیدگاه کشاورزی و زیست‌محیطی»، همایش منطقه‌ای جهاد اقتصادی رهیافت‌ها و راهبردها، زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات سیستان و بلوچستان، ۳ آذر ماه ۱۳۹۰.
۲۳. نهج‌البلاغه (۱۳۹۷): «نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷»، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات پیام عدالت، ص ۳۲۰.
۲۴. یداللهی، عباس، شمس، عباس و خسروی، حسین (۱۳۹۱): «کشاورزی پایدار در قرآن»، نشریه دانش کشاورزی و تولید پایدار، جلد ۲۲، شماره ۲، صص ۱۰۱-۱۱۱.
25. Ahnstrom, J., Hockert, J., Bergea, H. L., Francis, C., Skelton, P and Hallgren, L (2009): “*Farmers and nature conservation: what is known about attitudes, context factors and actions affecting conservation?*”, Renewable Agriculture and Food System, Vol. 24, No. 1, pp 38-47.
26. Badgley, C., Moghtader, J., Quintero, E., Zakem, E., Chappell, M. J., Aviles-Vazquez, K., Samulon, A and Perfecto, I (2006): “*Organic agriculture and the global food supply*”, Renewable Agriculture and Food System, Vol. 22, No. 2, pp 86-108.
27. Food and Agriculture Organizations of the United Nations (FAO) (2000): “*From farmer field schools to community IPM, ten years of IPM in Asia*”, Pontius, J., Dilts, R & Bartlett, A. FAO Asia: the FAO program for community IPM in Asia.
28. Rivav, M (2010): “*Is organic horticulture sustainable?*”, Chron, Horticulture, Vol. 50, pp 7-14.
29. Singh, M., Lall Maharjan, K and Raj Dangol, D (2012): “*Food security through organic agriculture: a global and national perspective*”, Journal of International Development and Cooperation, Vol. 18, No. 4, pp 310-312.
30. United Nations Environment Program (2010): “*Organic agriculture: opportunities for promoting trade, protecting the environment and reducing poverty, case study from East Africa*”, Retrieved from: <http://www.unep.ch/>.
31. Vaarst, M., Seekyewa, C., Helberg, N., Juma, M., Walaga, C., Muwanga, M., Andreasen, L and Dissing, A (2009): “*Organic agriculture for improved food security in Africa*”, Retrieved from: <http://forskningbasen.deff.dk/>.

قرآن و علوم طبیعی با رویکرد کشاورزی

فرشید مظلوم زوارق

استادیار گروه کشاورزی دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه (نویسنده مسئول: f.mazloom49@yahoo.com)

چکیده

قرآن کتابی هدایت‌گر از سوی خدای متعال است که در راستای اهداف هدایتی خود از انواع شیوه‌های برهان، موعظه، جدل به روش نیکو و اشاره‌های علمی استفاده کرده است. در قرآن بیش از هزار آیه به مطالب علمی مربوط می‌باشد که بخشی از آنها در ارتباط با علوم طبیعی و نباتات و زراعت و پرورش دام می‌باشد. قرآن، از همان ابتدای نزول، توجه بشر را به اهمیت و ارزش منابع طبیعی در زندگی معطوف کرده است. خداوند در آیات مختلف انسان را به کشاورزی تشویق نموده است. این کلام جاودانه برای نخستین بار، از نقش جریان‌ها و اقسام آن در کشاورزی سخن به میان آورده است؛ به عبارت دیگر، قرآن اولین کتابی است که به اطلاعات هواشناسی و تغییرات جوی که رابطه نزدیکی با کشاورزی دارد، توجه نموده است. کشاورزی و زراعت، هدیه‌ای است از زمین به انسان تا به وسیله آن بشر قدرت زندگی داشته باشد و بتواند به کمال مطلوب برسد. کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان است از این رو اسلام تأکید بسیاری در مورد آن دارد؛ زیرا پیشرفت کشاورزی پایه مهمی در استقلال اقتصادی و بلکه سیاسی جامعه خواهد بود. اعجاز از جهت بیان مسائل ناشناخته علمی در عصر قرآن مانند: خبر از حرکت زمین (نمل، ۸۸)؛ توازن قوه جاذبه و دافعه در کرات آسمانی (رعد، ۲)؛ حرکت منظومه شمسی (یس، ۳۸ و ۴۰)؛ گسترش جهان (ذاریات، ۴۷)؛ زندگی در کرات دیگر (شوری، ۲۹)؛ زوجیت گیاهان (طه، ۵۳)؛ علل نزول باران و تگرگ (نور، ۴۳)؛ و... مورد تأیید و اذعان همگان می‌باشد. در این مقاله سعی شده به موضوعات قرآن و علوم طبیعی، قرآن و اهمیت کشاورزی، و معرفی کشاورزی بعنوان شغلی مقدس، کشاورزی درس خداشناسی، فضیلت و منزلت کشاورزی و کشاورزان در قرآن و قرآن و پرورش دام پرداخته شود.

کلیدواژه‌ها: قرآن، کشاورزی، علوم طبیعی، زراعت، پرورش دام

مقدمه:

مختلف انسان را به کشاورزی تشویق نموده است. این کلام جاودانه برای نخستین بار، از نقش جریان‌ها و اقسام آن در کشاورزی سخن به میان آورده است؛ به عبارت دیگر، قرآن اولین کتابی است که به اطلاعات هواشناسی و تغییرات جوی که رابطه نزدیکی با کشاورزی دارد، توجه نموده است. هدف قرآن از بیان این مطالب در درجه اول همانا بیدار کردن اندیشه انسان و توجه دادن به توحید و صفات الهی و بیدار ساختن وجدان انسان‌هاست، اما تفکر عمیق در این آیات می‌تواند ما را در بهبود کشاورزی یاری دهد. به سبب نقش حیاتی کشاورزی و گیاهان در زندگی انسان‌ها، قرآن پژوهان به بررسی مسئله

در قرآن بیش از هزار آیه به مطالب علمی مربوط می‌باشد که بخشی از آنها در ارتباط با علوم طبیعی و نباتات و زراعت می‌باشد. تمام گیاهانی که از زمین می‌رویند و در قرآن به آنها اشاره گردیده از هر نظر مهم و به عنوان آیت روشنی از عظمت خداوند می‌باشند. گیاهانی که در قرآن کریم از آنها نام برده شده هم از نظر خواص و کاربرد و هم از نظر اشاره به رویدادها و اتفاقاتی که همراه با نام این گیاهان آمده نیز از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. قرآن، از همان ابتدای نزول، توجه بشر را به اهمیت و ارزش منابع طبیعی در زندگی معطوف کرده است. خداوند در آیات



نزول قرآن بود که زیست‌شناسان پی به اثر بادها در انجام عمل لقاح در گیاهان شدند و این از معجزات قرآن می‌باشد. و جالب اینجاست که تحقیقات نشان داده است که بادها در بارور کردن ابرها و بارش برف و باران نیز نقش اصلی دارند. در تمام مراحل تبخیر آب‌های سطحی و حرکت دادن بخارات آب و تشکیل و جابجایی ابرها و بارور کردن ابرها، باد نقش اساسی را ایفا می‌کند. پس بادها نه تنها عامل تلقیح گیاهان و نباتات‌اند، بلکه عامل بارور کردن ابرها و انزال و ریزش باران از آسمان نیز می‌باشند. حدود چهار قرن پیش گاليله، یکی از بزرگترین منجمین و دانشمندان اروپا، به جرم اینکه زمین را متحرک خوانده بود، محکوم به مرگ شد. در آن زمان اروپا دوران تاریک قرون وسطی را می‌گذراند. آنان مدعی بودند که زمین مرکز جهان است، ساکن است و دیگر اجرام به دور آن می‌چرخند و واتیکان نیز مرکز زمین. اما قرآن در عصر جاهلیت و قرن‌ها پیش از محکومیت گاليله، گاه به اشاره و کنایه و گاه به صراحت زمین و دیگر کرات و کائنات را متحرک می‌داند. قرآن در آیه ۱۵ سوره ملک زمین را به «ذلول» تشبیه می‌کند. ذلول به معنای شتر رامی است که همواره حرکت می‌کند و سوارش را نمی‌آزارد. در آیه ۵۳ سوره طه و آیه ۶ سوره نباء آنرا به گهواره تشبیه می‌کند. روشن است که خصوصیت اصلی گهواره حرکت توأم با آرامش آن است. قرآن علاوه بر این در آیات ۳۸ تا ۴۰ سوره یس خورشید و ماه را نیز متحرک می‌داند. خداوند در قرآن کریم اشاره دارد به: (والشمس تجري لمستقر لها ذلك تقدير العزيز العليم والقمر قدرته منازل حتى عاد كالعرجون القديم لا الشمس ينبغي لها ان تدرک القمر ولا الليل سابق النهار وكل في فلك يسبحون) و خورشید بسوی قرار گاه خویش روان است. این فرمان خدای

کشاورزی و گیاهان در قرآن پرداخته‌اند. کشاورزی و زراعت، هدیه‌ای است از زمین به انسان تا به وسیله آن بشر قدرت زندگی داشته باشد و بتواند به کمال مطلوب برسد. کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان است از این رو اسلام تأکید بسیاری در مورد آن دارد؛ زیرا پیشرفت کشاورزی پایه مهمی در استقلال اقتصادی و بلکه سیاسی جامعه خواهد بود. کشاورزان گنجینه‌های خداوند بر روی زمین‌اند؛ چه از آب و خاک، دانه‌ها، میوه‌ها، گلها و گیاهانی برمی‌آورند که از سویی خوراک و بخشی از پوشاک و دیگر نیازمندی‌های آدمیان را فراهم می‌آورد و از طرفی به زمین، زیبایی و طراوت می‌بخشد و به آدمیان شادابی و امید. در این مقاله کوتاه سعی گردیده که با استفاده از برخی آیات قرآن و سخنان معصومان علیهم السلام است که درباره کشاورزی بیان گردیده اهمیت این بخش برای خوانندگان روشن تر گردد.

قرآن و علوم طبیعی

قرآن کتابی داتره‌المعارف گونه‌ای می‌باشد که در آن حقایقی از اسرار جهان طبیعت را آشکار شده است. حقایقی که بشر امروز بر اثر پیشرفت علم به کسب آن نائل شده است، در لفافه الفاظ و عبارات پرمعنا، در قرآن آمده است. و این خود دلیل محکمی است بر اعجاز این کتاب آسمانی. باید ذکر کرد که قرآن، کتاب نجوم یا جغرافیا و یا کتابی پیرامون علوم طبیعی نیست؛ بلکه کتاب خداشناسی است و نمونه‌های متعددی که در مورد طبیعت در قرآن آمده است برای شناخت قدرت و عظمت الهی و نیز برای اثبات حقانیت و جنبه اعجاز قرآن می‌باشد. اکنون به بیان نمونه‌هایی می‌پردازیم:

۱- اشاره به عمل لقاح توسط باد:

"و أرسلنا الرياح لواقح" (سوره حجر، آیه ۲۲) و "ما بادها را عامل لقاح قرار دادیم". قرن‌ها پس از



از جمله زیتون، انگور و خرما در سوره مریم آیات ۲۵ و ۲۶ اشاره کرد که کلیه این اشارات علمی پس از چندین قرن و با به‌کاربردن پیشرفته‌ترین وسایل و تجهیزات آزمایشگاهی و میکروسکوپی بدست آمده‌اند که به تعبیر قرآن نشانه‌هایی هستند برای اهل ایمان تا بر یقینشان افزوده گردد و آیتی است بر سست‌دلان تا بر مسیر حق بازگردند.

قرآن و اهمیت کشاورزی

قرآن همواره بر اهمیت کشاورزی تاکید نموده و مقام و منزلت کشاورزان را به‌مردم نمایانده و پیامبر و امامان معصوم - علیهم‌السلام - این راه را به فرجام رساندند و با تعبیر رسا و بی‌مانند ارزش کشاورزی را برای مردم گفته‌اند و همه آنان که از سر انصاف تاریخ تمدن اسلامی را هر چند گذرا نگاشته‌اند دست‌کم بدان اشاره کرده‌اند اما باید گفت جنبه‌های درک‌نشده قرآن چندین برابر است. قرآن کریم با این که کتاب اقتصادی نیست، ولی در آیات فراوانی انسان را به تلاش بر روی زمین در راه آبادانی بیشتر و بهره‌رساندن به دیگران دعوت و راهنمایی کرده است. در برخی از آیات، خداوند انسان را به کشاورزی و تشویق مردمان برای استفاده صحیح از محصولات کشاورزی اشاره کرده و می‌فرماید: «... فاطر السماوات والارض و هو یطعم و لایطعم ...؛ آفریننده آسمان و زمین خداست و او به خلق طعام و روزی می‌بخشد و خود از طعام بی‌نیاز است ...» (۱) و در بعضی آیات جریان کشت و روئیدن گیاهان از زمین به‌عنوان نمونه‌ای از قدرت الهی و مایه بصیرت و آگاهی انسان‌ها معرفی شده است. (۲) و نکته کلیدی و اساسی این است که خداوند خود را زارع و رویاننده گیاهان و محصولات کشاورزی معرفی کرده و انسان‌ها را به تدبیر در این مسئله فراخوانده است. (۳) این کلام آسمانی جاودانه، هرآنچه در مورد

پیروزمند و دانا است و برای ماه منزل‌هایی مقدر کردیم تا همانند شاخه خشک خرما، باریک شود تشبیهی است برای قمر شب‌های آخر ماه (خورشید را نسزد که به ماه رسد و شب را نسزد که بر روز پیشی گیرد و هر یک در مداری شناورند). خداوند همچنین در قرآن می‌فرماید: (فلا اقسام برب المشارق والمغارب انا لقادرون) (آیه ۴۰ سوره معارج) (پس سوگند به پروردگار همه مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما تواناییم). این آیه اشاره صریح به کروی بودن زمین دارد؛ چراکه تعدد مشرق و مغرب، در نتیجه کروییت و حرکت وضعی زمین است. قرآن به آنچه که امروز تحت‌عنوان نیروی جاذبه عمومی کشف شده است و کائنات و اجرام و ستارگان و سیارات را در جای خود و تحت حرکتی منظم و قانونمند نگاه می‌دارد و فاصله آنها را به تناسب حفظ می‌کند، نیز تلویحاً اشاره دارد. قرآن این نیروی جاذبه را به ستون‌های نامرئی تشبیه کرده است می‌گوید: (الله الذی رفع السموات بغير عمد ترونها) (خداوندی است که آسمان‌ها را بی‌هیچ ستونی که آن را ببینید، برافراشت) (آیه ۲ سوره رعد). البته چنین مواردی در قرآن زیاد بوده که در بالا به چند مورد اشاره گردید و از جمله موارد دیگر می‌توان به وجود میکروارگانیزم‌ها و کودهای سبز بیولوژیک در سوره انعام آیه ۹۵، طبقه‌بندی گیاهی در قرآن در همان آیه، کاشت داریستی درختان در قرآن در سوره انعام آیه ۱۴۱، روش‌های علمی خاک‌شناسی در قرآن در سوره رعد آیه ۴، روش‌های تکثیر جنسی و غیرجنسی گیاهان در سوره انعام آیه ۹۹، روش‌های جوانه‌زنی بذر در گیاهان و روش‌های تکثیر گیاهان، وجود کلروفیل در گیاهان و پدیده فتوسنتز در گیاهان سبز، روش‌های نگهداری و سیلو کردن محصولات کشاورزی در سوره یوسف آیه ۴۷ و خواص داروئی بسیاری گیاهان و میوه‌ها



است: «کشاورزان گنج‌های مردم‌اند و بهترین چیز را می‌کارند و خداوند آن‌را از دل زمین بیرون می‌آورد. اینان در روز قیامت برترین مقام را نزد خداوند دارند و به‌عنوان بهترین مردم شناخته می‌شوند و در آن‌روز آنان به‌عنوان افراد فرخنده و خجسته لقب می‌گیرند» (۱۰). برخورداری از معیشت خوب و تغذیه مناسب، لازمه نشاط جسم و روان بوده و در زندگی مادی و معنوی انسان مؤثر است. در ادبیات اسلامی «نان» سمبل معاش معرفی شده و از آن به احترام یاد می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «خدایا! نان را برای ما مبارک فرما و میان ما و آن جدایی نینداز؛ چراکه اگر نان نباشد نه توان نماز خواندن خواهیم داشت و نه طاقت روزه گرفتن و نه رغبت انجام واجبات» (۱۱). از این‌رو می‌توان گفت تأمین معاش و تغذیه دیگران همانند پرداختن به عبادت و بندگی نوعی عبادت به‌شمار می‌رود. کشاورز با توکل بر خدا پای در این‌راه مقدس می‌نهد و تلاش و کوشش می‌کند و نتیجه تلاش خویش را هم به‌خوبی می‌بیند، هم چنانکه امام صادق (ع) در تفسیر آیه شریفه «وعلی الله فلیتوکل المتوکلون» فرمودند: «منظور از مومنان، کشاورزان هستند» (۱۲) کشاورزان کارهایی که مربوط به آنها است انجام می‌دهند؛ بذر می‌پاشند و درخت می‌کارند و بقیه کارها را در دست خداوند می‌دانند که اگر از ناحیه او عنایتی نشود، تمام تلاششان ضایع و سعی‌شان بی‌ثمر خواهد بود. به‌دلیل همین ارتباط ویژه‌ای که میان کشاورز و طبیعت وجود دارد، هر لحظه در انتظار هدیه‌ای از سوی خدا بوده و تمام زندگی و تلاششان با توکل به خداوند می‌گذرد. آنان چشم انتظار باران از آسمان، رویش خوب گیاهان از زمین، شرایط مساعد جوی، به بار نشستن دانه‌ها و غیره هستند و این

کشت و کشاورزی می‌باشد ذکر کرده و برای نخستین‌بار، از نقش جریان‌باده‌ها و اقسام آن در کشاورزی سخن به‌میان آورده، به‌عبارتی، قرآن اولین کتابی است که به اطلاعات هواشناسی و تغییرات جوی که رابطه نزدیکی با کشاورزی دارد؛ توجه نموده است. (۴).

کشاورزی از منظر قرآن به‌عنوان شغلی مقدس
کشاورزی از آن‌جهت که مواد غذایی جامعه را تهیه می‌کند، یکی از شغل‌های مقدس الهی شناخته‌شده و آبادکردن زمین خواسته و شغل پیامبران الهی بوده است. اساساً کار هم جزو قوانین طبیعت است و هم جزء قوانین شریعت و دین. و خداوند روز را برای کسب معاش و روزی قرارداده است (۵) و همه منابع ثروت را برای انسان و در خدمت او آفریده است (۶) و در زمین باغ‌ها از نخل خرما و انگور قرارداده و در آن چشمه‌های آب جاری کرده است تا مردم از میوه آن باغ‌ها تناول کنند و خدا را شکر کنند. (۷) امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند نان را چنان قرار داد که جز با نیروی کار و مهارت و تلاش به‌دست نیاید تا انسان به‌کاری مشغول شود و از پیامدهای بیکاری و گستاخی رفاه زدگی و بیهودگی بازماند» (۸). بنابراین از دیدگاه قرآن آنچه مورد نیاز انسان برای ادامه زندگی لازم است، در زمین مهیا است اما این امر به‌معنای آن نیست که کلیه نیازمندی‌های انسان به‌صورت بالفعل و بدون کار و تلاش در اختیار اوست بلکه بدین‌معنا است که انسان باید با به‌کارگیری روحیه عمران و آبادانی و در سایه خلاقیت و ابتکار و تلاش روزی خود را از منابع طبیعت به‌دست آورد. امام صادق (ع) فرمودند: در میان کارها هیچ‌کاری نزد خداوند محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را برنینگیخت جز آن‌که کشاورز بود مگر ادریس که خیاطی می‌کرد (۹) و در بیان زیباتری فرموده



که برخی شبیه و برخی نامشابه به هم است خلق کنیم. شما در آن باغ‌ها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد به چشم تعقل بنگرید» (۱۴). اگر انسان با چشم بصیرت و با فطرتی پاک به طبیعت بنگرد اعتقادش به خدا تقویت و ایمانش بیشتر می‌شود.

فضیلت کشاورزی از منظر قرآن و روایات

برپایه برخی از روایات چون آدم ابوالبشر را خداوند از بهشت راند و پا به عرصه زمین نهاد و احساس گرسنگی کرد، جبرائیل از آسمان فرود آمد و کشاورزی و درختکاری را بدو آموخت و این روش را پیامبران پس از وی یکی پس از دیگری برگزیدند به همان سان که کشاورزی را از مهمترین شغل‌های مردم در طول تاریخ بوده است. در روزگار اعراب جاهلی با توجه به دشوار بودن کشاورزی در بسیاری از مناطق عربستان به دلیل بدی آب و هوای آن و ناآگاهی آنان از فنون و دانش کشاورزی و انبارش باران و استخراج آب‌های زیرزمینی و آبیاری و نبود قانونی که امنیت را فراروی کشاورزان نهد و ضمانتی برای برداشت محصولات آنان به شمار آید، کشاورزی رونق نداشت و در پایین‌ترین مرتبه ممکن خود قرار گرفته بود. با فراز آمدن خورشید مهرگستر اسلام، پیامبر اسلام - صلی الله علیه و آله و سلم - همواره بر اهمیت کشاورزی پای فشرد و منزلت کشاورزان را به مردم نمایاند و امامان معصوم - علیهم‌السلام - این راه را به فرجام رساندند و با تعبیرهایی رسا و بی‌مانند ارزش کشاورزی را برای شاگردان و مردم باز گفتند و این گهر گفته‌ها انقلابی عظیم در شیوه‌ها، کمیت و کیفیت کشاورزی در جهان اسلام پدید آورد که شهره شد و همه آنان که از سر انصاف تاریخ تمدن اسلامی را هرچند گذرا نگاشته‌اند دست‌کم بدان اشاره کرده‌اند. سخنان معصومین - علیهم‌السلام - در این باره بسی

پیوند کار و ایمان از آنان یکتاپرستانی بزرگ می‌سازد.

کشاورزی درس خدانشناسی

خداوند متعال در قرآن رویش گیاهان را نماد رستاخیز دانسته و می‌فرماید: «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا...؛ زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آورد و زمین را پس از فصل خزان و مرگ گیاهان باز زنده گرداند...» (۱۳) انسان وقتی به سرزمین خشکی می‌نگرد گویی جسم بی‌جان را می‌بیند که باد ذرات آن را به هر سو می‌پراکند. بعد از آن که فصل بارش فرا می‌رسد، سبزی و نشاط از خاک سر برمی‌آورد و روح حیات در کالبد خشک زمین دمیده می‌شود. کشاورز می‌تواند با دیدن رستاخیز طبیعت به یاد رستاخیز آخرت افتاده و ایمان و اعتقادش به معاد راسخ‌تر شود. هر جلوه از طبیعت کلاس درسی است که معرفت و اخلاق می‌آموزد؛ سبزی طبیعت دل‌هایشان را سبز می‌کند. بخشندگی زمین به آنها کرامت می‌آموزد. انتظار باران و رسیدن محصول درس صبر و پایداری را به آنها تعلیم می‌دهد. از دانه‌ای که پس از جوانه‌زدن با شکافتن زمین سخت، بیرون می‌آید، درس مقاومت می‌آموزد؛ درس‌هایی که اگر انسان در زندگی خود به آنها جامه عمل بپوشاند مقرب درگاه الهی می‌شود. جهان و هر آنچه در آن است، آینه‌ای است که قدرت، زیبایی، تدبیر و حکمت خداوند را می‌توان در آن مشاهده کرد. خداوند در قرآن کریم بارها به این نکته توجه داده و در معرفی خود فرموده است: «و هم اوست خدایی که از آسمان باران فرو فرستاد تا هر نبات را از آن برویانیم و سبزه‌ها را از زمین بیرون آوریم و در آن سبزه‌ها و دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده پدید آوریم و از نخل خرما خوشه‌های به هم پیوسته برانگیزیم و باغ‌های انگور و زیتون و انار



یا زراعتی کشت کند که از آن پرندگان و آدمیان و چهارپایان بخورند، مگر آنکه چنین کاری برای او صدقه محسوب می‌شود.

منزلت کشاورزان از منظر روایات

از یزید بن هارون نقل است که: از امام صادق - علیه‌السلام - شنیدم که می‌فرماید: کشاورزان گنج‌های مردم‌اند آنان (دانه‌های) پاکیزه‌ای را می‌کارند که خداوند آنها را از زمین بیرون می‌آورد و روز قیامت بهترین مقام و نزدیک‌ترین منزلت را دارند و به آنها (مبارک) می‌گویند. رسول الله - صلی الله علیه و آله و سلم - هنگام وفات به علی - علیه‌السلام - فرمود: ای علی کشاورزان نباید در حضور تو مورد ستم قرار گیرند. از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - در مورد این‌که چه دارایی بهتر است سوال شد؟ فرمود: چیزی که کشاورز بکارد و آن را اصلاح کند و روزی که آن را درو کند حَقش (زکات) را بپردازد.

قرآن و پرورش دام‌ها

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّارِبِينَ (نحل آیه ۶۶) و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم! خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ما برای انسان چهارپایان را آفریدیم تا از شیر و گوشت آنها و نیروی بارکشی و کار آنها بهره بگیرند و شکرگذار خدا باشند. در این قسمت سعی بر آن شده است که به نگرش قرآن کریم پیرامون خلقت حیوانات مختلف و بالاخص دام‌های اهلی و نقش آنها در زندگی بشر و نیز حرفه دامپروری و پرورش دام و مسایل مطرح شده پیرامون آن در آیات قرآن اشاره نمائیم: از اسب، ۶ بار در سوره‌های آل عمران، انفال، نحل و ... یاد شده است. حداقل نام ۳۱ حیوان در قرآن

روشن و استوار است و به‌لحاظ سند و متن به‌گونه‌ای است که شماری از بزرگ‌ترین فقیهان شیعه آنها را گزارش و بر پایه آنها فتوا داده‌اند؛ به‌عنوان نمونه فقیه محقق قرن معاصر در کتاب ارزنده العروة الوثقی (۱۵) که ده‌ها تن از فقها و مراجع بزرگ تقلید بر این اثر ارجمند حاشیه نوشته‌اند ضمن توضیح احتمال استحباب «مزارعه» می‌نویسد به خاطر دلایل استحباب کشاورزی ... در روایت واسطی آمده است که از امام صادق - علیه‌السلام - در باره کشاورزی پرسیدم، حضرت فرمود: کشاورزان گنج‌های خدا در زمین‌اند و در میان اعمال هیچ عملی محبوب‌تر از آن نزد خدا نیست و همه پیامبرانی را که خداوند مبعوث کرد کشاورز بودند بجز ادریس که او خیاط بود (عن یزید بن هارون الواسطی قال: سألت جعفر بن محمد - علیهما السلام - عن الفلاحین فقال هم الزارعون کنوز الله فی أرضه و ما فی الاعمال شیء احب الی الله من الزراعة و ما بعث الله نبیاً الا زراعاً الا ادریس فانه کان خیاطاً. و در روایتی دیگر آن حضرت می‌فرماید: از پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - پرسیدند بهترین عمل کدام است؟ در پاسخ فرمودند: زراعتی است که کشاورز آن را بکارد و آن را شایسته بدارد و به‌روز برداشت سهم فقیران را از آن بدهد ... و نیز از آن حضرت نقل کردند که کشاورزی بزرگ‌ترین کیمیا است و نیز فرمودند: خداوند روزی پیامبرانش را در کشاورزی و شیردوشی (چوپانی) مقدر کرد. و نیز مردی می‌گوید بدان حضرت عرض کردم: - فدایت شوم - شنیده‌ام گروهی می‌گویند کشاورزی مکروه است آن حضرت پاسخ دادند: کشاورزی کنید ... همانا سوگند به خدا برای مردم هیچ کاری حلال‌تر و پاکیزه‌تر از کشاورزی نیست. حضرت رسول - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمود: مسلمانی نیست که درختی بنشانند



دارای ابعاد و زوایای مختلف مانند وضع قوانین، طرح مسائل تاریخی، پیشگویی‌ها و اخبار غیبی، علوم روز، علوم طبیعی، اقتصادی، کشاورزی و ... می‌باشد. اعجاز از جهت بیان مسائل ناشناخته علمی در عصر قرآن مانند: خبر از حرکت زمین (نمل، ۸۸)؛ توازن قوه جاذبه و دافعه در کرات آسمانی (رعد، ۲)؛ حرکت منظومه شمسی (یس، ۳۸ و ۴۰)؛ گسترش جهان (ذاریات، ۴۷)؛ زندگی در کرات دیگر (شوری، ۲۹)؛ زوجیت گیاهان (طه، ۵۳)؛ علل نزول باران و تگرگ (نور، ۴۳)؛ و ... مورد تأیید و اذعان همگان می‌باشد. در قرآن بیش از هزار آیه به مطالب علمی مربوط می‌باشد که بخشی از آنها در ارتباط با علوم طبیعی و نباتات و زراعت می‌باشد. تمام گیاهانی که از زمین می‌رویند و در قرآن به آنها اشاره گردیده از هر نظر مهم و به‌عنوان آیت روشنی از عظمت خداوند می‌باشند. این کلام جاودانه برای نخستین بار، از نقش جریان بادها و اقسام آن در کشاورزی سخن به‌میان آورده است؛ به‌عبارت دیگر، قرآن اولین کتابی است که به اطلاعات هواشناسی و تغییرات جوی که رابطه نزدیکی با کشاورزی دارد، توجه نموده است. با توجه به اینکه کشاورزی یکی از منابع اصلی تغذیه انسان است از این‌رو اسلام تأکید بسیاری در مورد آن دارد؛ زیرا پیشرفت کشاورزی پایه مهمی در استقلال اقتصادی و بلکه سیاسی جامعه خواهد بود. از این‌رو به فضیلت کشاورز و کشاورزی نیز بهای زیادی در قرآن و روایات ذکر شده است.

آمده است. یک بار از بز در سوره انعام آیه ۱۴۳ یاد شده است. به چهار پایان، ۳۰ بار در سوره‌های آل عمران، نساء، مائده، انعام و ... اشاره شده است. زنبور عسل یک بار در قرآن در سوره نحل آیه ۶۸ ذکر شده است. بهترین خوردنی که در قرآن کریم نام برده شده است، عسل است که به‌وسیله زنبور عسل بدست می‌آید و سوره مربوطه به آن، سوره نحل است. شتر ۱۴ بار در سوره‌هایی همچون مائده، اعراف، هود و ... آمده است. گوساله ۱۰ بار در سوره‌هایی همچون بقره، نساء، هود و ... آمده است. گوسفند ۷ بار در سوره‌هایی همچون مائده، انعام، انبیاء آمده است. ماهی (حوت) ۵ بار در سوره‌های اعراف، کهف، صافات و قلم آمده است. نام پنج سوره به‌نام حیوانات است. سوره‌هایی که به‌نام حیوانات است عبارتند از: بقره، نحل، نمل، عنکبوت، فیل. بهترین نوشیدنی که در قرآن به آن اشاره شده، شیر است که از گاو گرفته می‌شود و سوره مربوط به آن نیز، بقره است. بهترین خوردنی عسل است که به‌وسیله زنبور عسل بدست می‌آید و سوره مربوطه نحل است. نام سگ ۴ بار در سوره‌های کهف، مائده و اعراف آمده است. نام گاو ۹ بار در سوره‌های بقره، یوسف و ... آمده است. به حیوانات اهلی در سوره انعام آیه ۱۴۲ و ۱۴۴ اشاره شده است.

نتیجه‌گیری

از آنچه بیان شد مشخص شد که قرآن معجزه‌ای است برای تمامی اعصار و برای تمامی ملت‌ها و

منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- ابن بابویه معروف به شیخ صدوق، کتاب التوحید، دانشنامه جهان اسلام، حسین هوشنگی
- ۳- حبیب‌الله احمدی، زیباترین سخن، مؤسسه فرهنگی اندیشه معاصر ص ۱۷۶
- ۴- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، طهران، مکتبه الاسلامیه، ۱۳۹۷ق، ج ۱۳، ص ۱۹۳ و ۱۹۴
- ۵- مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالحیاه تراث العربی، ۱۴۰۳ق، ج ۳، ص ۸۷
- ۶- محمدی ری شهری، گزیده میزان الحکمه، ترجمه: رضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۴۲۲ق، ص ۳۳۶
- ۷- سایت mehad.org

حقوق موجودات زنده در قرآن و روایات با تاکید بر حقوق گیاهان و حیوانات

سیدحسن حسینی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند
(نویسنده مسئول: sh.hosseini@birjand.ac.ir)

چکیده

یکی از مسائل مهم در جوامع مختلف، به‌ویژه جامعه اسلامی، موضوع حقوق موجودات زنده است. از جمله موجودات زنده‌ای که قرآن و اسلام برای آنها حقوقی قائل شده است، گیاهان و حیواناتند؛ چرا که اسلام برای آنها اهمیت فوق‌العاده‌ای قائل است؛ زیرا خلقت همه موجودات زنده را هدفمند می‌داند. براین اساس، در آیات قرآن و روایات، احکام زیادی در مورد نحوه تعامل انسان با موجودات زنده وجود دارد؛ زیرا از دیدگاه قرآن و اسلام گیاهان و حیوانات هرچند قوه عاقله انسانی را ندارند، ولی از درک و شعور بهره‌مند بوده و از احساسات و عواطف برخوردارند. به‌همین دلیل قرآن، انسان را مجاز به تجاوز به زندگی گیاهان و حیوانات نمی‌داند. از این‌رو در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد استفاده از منابع کتابخانه‌ای به تبیین برخی از حقوق الهی و طبیعی که خداوند برای گیاهان و حیوانات قرار داده است بر اساس آموزه‌های قرآنی پرداخته شده و در این راستا تبیین شده که تصرف انسان در حیات گیاهان و حیوانات مطلق نیست و سلب حیات از آنان باید در حد ضروریات باشد. از سوی دیگر محدودیت‌هایی در بهره‌برداری از گیاهان و حیوانات وجود دارد؛ از جمله اینکه در بهره‌برداری از گیاهان حرام است که از آن جمله می‌توان حرمت شکار جوجه یا شکار برای تفریح و بدون احتیاج را ذکر کرد؛ چراکه از دیدگاه قرآن و اسلام گیاهان و حیوانات نشانه‌های قدرت و حکمت پروردگار متعالند و انسان می‌بایست به‌حال آنها تأمل کند؛ زیرا قرآن کریم در آموزه‌های خود بر مضمونیت آنها از هرگونه تجاوز به حوزه گیاهان و حیوانات تأکید ورزیده است و تجاوز و تعدی به آنها را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی دارد.

کلید واژه‌ها: قرآن، حقوق موجودات، حقوق گیاهان، حقوق حیوانات، حق حیات.

مقدمه

اولی برای موجودات زنده است. اگرچه انسان از ابتدای پیدایش، بنابر غرایز خود، برای حفظ بقای خود تلاش کرده و از دیگر موجودات خداوند، مانند آب و اکسیژن و حیوانات و گیاهان استفاده کرده است؛ و این تراحم در همه طبیعت وجود دارد و این چرخه ارتزاق موجودات از یکدیگر، همیشه حکم‌فرماست. و نیز برای رفع نیازهای خویش به هر طریقی، به تلاش پرداخته است. اما از طرفی هم حفظ حیات گیاهان و حیوانات بر اساس آموزه‌های قرآن کریم و حفظ و حراست از این نعمت خدادادی ضرورتی است اجتناب‌ناپذیر؛ چراکه تجربیات شگفت‌آور نشان داده که گیاهان

قرآن کریم سراسر خلقت را، آیات الهی و علائم و نشانه‌هایی برای کشف حقیقت می‌داند، و از جهان خارج انسان به «آفاق» تعبیر می‌کند و می‌فرماید: «سَتَرْنَاهُمْ آيَاتِنَا فِي الْاَفَاقِ وَ فِي اَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ اَنَّهُ الْحَقُّ». (الفصلت/ ۵۳) که باید در آن اندیشید و تفکر نمود، تا حقایق، سنت‌ها و آیات الهی را در آن کشف کرد. از مهم‌ترین حقایقی که با تفکر و اندیشه در طبیعت به‌دست می‌آید این است که طبیعت برای پیدایش و بقای موجودات زنده آفریده شده است، لذا حفظ تعادل طبیعت، یک حق اصیل و

مفهوم‌شناسی

مفهوم واژه «حق»

واژه «حق» مصدر است و معنای وجوب و ثبوت دارد و معمولاً به معنای وصفی یعنی واجب و ثابت به کار می‌رود. «حق الامر»، یعنی آن امر واجب و ثابت شد؛ و «حق لک و یحق لک و حق علیک ان تفعله»، یعنی انجام آن فعل بر تو واجب گردید. (وجدی، ۱۹۷۱م، ج ۳، ص ۴۶۵) و ضد باطل، عدل، مال و ملک، حظ و نصیب، موجود ثابت، امر مقضی، جزم، سزاوار. (معلوف، ۱۳۷۸، ذیل واژه حق) «حق» عبارت است از وقوع شیء در جایگاه خودش. هرگاه به سبب هدایت یا برهان، اعتقاد به چیزی پیدا شود، حق است؛ چراکه در جایگاه خود واقع شده. و ضد آن، باطل است (طبرسی، ۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۲۰).

حقوق گیاهان و جایگاه آن در حیات بشری

قرآن کریم نگاه بسیار جالب و عمیقی به طبیعت دارد. مظاهر طبیعی را مخلوق خدا معرفی کرده و انسان را متوجه آن می‌سازد و می‌فرماید: «وَمِنَ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ». (الفصلت/۳۷) از نشانه‌های خداوند شب و روز و خورشید و ماه است. موجودات طبیعی از نظر قرآن کریم هر چند مخلوق و آفریده خدا هستند، موجوداتی بی‌روح و بی‌جان نیستند بلکه جان داشته و می‌توانند با طبیعت مأنوس شوند، به گفتگو نشستند و نسبت به آن عشق بورزند. موجودات طبیعی از نظر قرآن مقدس هستند و هیچگاه قداست و معنویت از آنها منفک نمی‌شود. همه اجزای طبیعت همواره تسبیح‌گوی حق هستند: «يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (الجمعه/۱) قرآن کریم در آیه دیگری نیز با صراحت می‌گوید: «وَإِن مِّن شَيْءٍ إِلَّا يَسْبِيحُ بِحَمْدِهِ». (الاسراء/۴۴) همه موجودات تسبیح خدا می‌گویند. کوه و دشت و دریا و درختان که در نظر علوم

و حیوانات نیز از درک و شعور از وضعیت خود و محیط پیرامون خویش برخوردارند. براین اساس، قرآن برای موجودات زنده حقوقی قائل است که در آموزه‌های آن به عنوان حق الهی و به تعبیری دیگر حقوق طبیعی موجودات زنده مطرح شده است. در بین موجودات زنده گیاهان و حیوانات، بخشی از جامعه طبیعی و زیست محیطی را تشکیل می‌دهند و در برقراری توازن در نظام طبیعت، نقش موثر و غیرقابل انکاری دارند. و به مانند انسان‌ها از حقوق خاص خویش برخوردارند و هرگونه تعدی و تفریط نسبت به آنها یا حقوق آنها، به منزله نقض حقوق آنان محسوب شده و مستوجب مسئولیت می‌باشد. ضرورت و اهمیت این بحث زمانی دو چندان می‌شود که انسان بداند دینی که این قدر به حقوق گیاهان و حیوانات اهمیت می‌دهد، آیا ممکن است که نسبت به حقوق بشر، بی‌توجه باشد؟ دینی که این اندازه نسبت به گیاهان و حیوانات و حیاتشان، حساس است و مدافع حقوق و حیاتشان، آیا ممکن است که به حیات انسان اهمیت ندهد؟ دینی که این همه با گیاهان و حیوانات مهربان است، آیا ممکن است که با بشر به خشونت رفتار نماید؟ با پی‌گیری این موضوع، انسان به طور عملی می‌بیند که قرآن کریم و دین اسلام، رحمت برای جمیع جوامع است؛ حتی جوامع گیاهی و حیوانی. براین اساس است که تزیین حقوق گیاهان و حیوانات طبق قانون مجازات اسلامی جرم بوده و به نوعی ترویج خشونت نیز محسوب می‌شود و از طرفی نظم عمومی جامعه را برهم زده و بهداشت عمومی را به مخاطره می‌اندازد. بنابراین، رعایت حقوق گیاهان و حیوانات و مسایل اخلاقی آن امروزه از طریق تدوین راهنماها و تصویب مقررات و تشکیل نهادهای قانونی مختلف، ضابطه‌مند و لازم‌الاجرا شده است.



همگی از گیاهان تامین می‌شود. به همین جهت، زمانی که پروردگار حکیم و مهربان اراده کرد جهان را بیافریند نعمات ارزشمند و گرانقدری در آن قرار داد که یکی از مهمترین آنها درختان؛ گیاهان و پوشش سبز طبیعت بود که همه موجودات جهان به نوعی به آنها نیازمندند و نیروی حیات مجدد را از آن الگو برداری می‌کنند. دین اسلام نیز در آموزه‌های معنوی خود به این مهم اهتمام ورزیده و طی آیات مکرری در قرآن کریم یادآور قدرت بی‌پایان و حکمت متعالی خدای دانا و حکیم گردیده است که چگونه از دانه‌ای کوچک، درختی تناور را می‌رویاند. به همین جهت است که خدای مهربان از انسان‌ها می‌خواهد که با سرلوحه قرار دادن ارزش‌های الهی با دیگر آفریده‌های پروردگار بر اساس عقلانیت و منطق و معنویت رفتار کند و متوجه باشد که نتیجه هر عملی به وی باز خواهد گشت (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۶)؛ چراکه نگاه به جنگل‌ها و درختان سر به فلک کشیده و طبیعت آراسته شده هر انسان عاقلی را به یاد عظمت و جلال آفریدگار بی‌همتا می‌اندازد و با شادی پیشانی سپاس بر زمین می‌ساید. بدین ترتیب به همان نحو که قرآن بیان فرموده زمین در اختیار انسان قرار داده شده و تخریب و آلوده‌سازی قسمتی از آن به هر بهانه‌ای ممنوع و گناه است (همان، ص ۱۹) بر این اساس، آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصلاح در آن که همانا عمل صالح است امر می‌کند. از جمله در این آیه که می‌فرماید: «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا» (الاعراف/۵۶) در آیه بعدی از جمله مصادیق اصلاح زمین را، باران، روئیدنی‌ها و درختان میوه‌دار ذکر می‌کند. بافت آیه نشان می‌دهد که منظور از فساد در زمین بعد از اصلاح آن با باران و روئیدنیها نابودکردن و از بین بردن محیط

تجربی موجوداتی گنگ و خاموش بوده که فقط به عنوان مواد خام و برای بهره‌برداری بیرحمانه انسان پدید آمده‌اند، از نظر اسلام درک و عاطفه دارند. بر این اساس است که رسول خدا (ص) با اشاره به کوه احد می‌فرماید: «هَذَا جَبَلٌ يُحِبُّنَا وَ نُحِبُّهُ». (بخاری، ۱۴۲۲، ج ۷، ص ۷۶) این کوه احد است، ما را دوست میدارد و ما نیز آن را دوست می‌داریم. این سخنان نشان‌دهنده دوستی و الفت و هماهنگی موجود در قلب نخستین مسلمان حضرت محمد (ص) با طبیعتی است که ظاهری سخت و خشن دارد (سید قطب، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۶). از نظر قرآن کریم طبیعت سخره بشر قرار گرفته است، ولی این بدان معنا نیست که بشر بدون هیچ قید و شرطی در تباه کردن آن آزاد باشد، بلکه انسان باید در محدوده قیود و شرایط قوانین الهی عمل کند و با توجه به اینکه او خلیفه خداوند است و قدرتی که از ناحیه خداوند به وی اعطا شده فقط برای زندگی موقت در زمین و نهایتاً بازگشت به سوی او است، به بهره‌برداری از طبیعت بپردازد. قدرتی که به بشر اعطا شده، مطلق نیست، بلکه محدود به قید مسئولیت است، آن هم نه فقط نسبت به خداوند، بلکه نسبت به همه آدمیان و بلکه نسبت به کل آفرینش (محقق داماد، ۱۳۷۱، ص ۲۸۲). از جمله مخلوقاتی که برای آرامش و حیات انسان خلق شده گیاهان‌اند؛ چراکه گیاهان سهمی به سزا و نقشی بسیار مهم در زندگی انسان دارند. در قدم اول تامین بخشی از مواد غذایی مورد نیاز انسان که از بخشی از سودمندی‌های فراوان آنها است. افزون بر این‌ها، تاثیر بسیار مثبتی بر روح و روان آدمی نیز دارند. گیاهان و درختان همواره در زندگی انسان موثر بوده و بسیاری از نیازهای انسان را تامین می‌کنند؛ چراکه بیشتر نیاز انسان به خوراک پوشاک، و نیازهای دارویی انسان



زیست است (طبرسی، ۱۱۳۸۴، ج ۴، ص ۵۳۳). عمران و آبادی زمین یکی از وجوه اصلاح زمین است؛ چراکه یکی از اهداف مترتب بر فعالیت‌های انسان در زمین، عمران و آبادی آن است. انسان به‌موجب این احکام موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید. او نه فقط موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند، بلکه باید درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت کند. از آنان حمایت کند و زیستگاه و آشیانه آنان را از تباهی و آلودگی حفظ نماید (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۶-۶۷). در آموزه‌های دینی با تشویق به کاشت اشجار و پاکیزه نمودن حیات بشری، زندگی با نشاطی را برای همه موجودات رقم می‌زنند. (ولایی، ۱۳۸۸، ص ۹۰) بدین ترتیب فلسفه حفاظت از گیاهان تلاش برای حفظ پیوند میان مجموعه‌های گیاهی و جانوری و انسانی است که از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند و وجود یکی برای بقاء دیگری ضرورت دارد (فهیمی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۲۷)؛ چراکه گیاهان نشانه‌ای از عظمت و قدرت خداوند می‌باشند که چگونه پروردگار دانه‌ای کوچک یا شاخه‌ای خشک را امر به رویش می‌دهد و او سبز می‌شود و همین اندازه معجزه خداوند برای تقویت ایمان به او کفایت می‌کند که او قادر است در آخرت رستاخیز را برپا دارد و حقانیت پیش‌بینی‌های کتب الهی را به اثبات رساند و تنها یاد اوست که می‌تواند دل‌های غمگین را به شادی و ایمان واقعی و آرامش معنوی سوق دهد (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۱۱۰-۱۰۹). لذا پیامبر اکرم (ص) کاشت درخت را صدقه ثواب‌آور می‌داند و در تشویق آن چنین می‌فرماید: «مَا مِنْ مُسْلِمٍ يَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ يَزْرَعُ زَرْعًا، فَيَأْكُلُ مِنْهُ طَيْرٌ أَوْ إِنْسَانٌ أَوْ بَهِيمَةٌ، إِلَّا كَانَ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ» (نوری، ۱۴۰۸، ج ۳، ص ۴۶۰؛ همان، ج ۸، ص ۲۶۱-۲۹۵-۳۰۳). ثواب



مفضل درخت (گیاهان) برای انسان خلق شده ولی حفاظت و آبیاری و نگهداری از آن برعهده انسان نهاده شده است (فلاح زاده، ۱۳۹۰، ص ۴۵). امام سجاد (ع) کسی که زیرشاخه‌های درختان میوه آلودگی ایجاد کند را نفرین کرده است (فهیمی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۷۴-۷۵). براین اساس است که در فقه اسلامی با استعانت از اصول و قواعد فقهی نظیر قاعده لاضرر، قاعده اتلاف، قاعده تسبیب و ممنوعیت فساد در زمین و مسئولیت حفظ بقای انسان به بیان حقوق گیاهان پرداخته و همه انسان‌ها را به رعایت حقوق این موجودات زیبا و فرحبخش توصیه کرده است (همان، ص ۸۶).

حقوق حیوانات و جایگاه آن در حیات بشری

حیوانات، بخشی از جامعه طبیعی و زیست محیطی را تشکیل می‌دهند و در برقراری توازن در نظام طبیعت، نقش موثر و غیرقابل انکاری دارند. حیوانات به‌مانند انسان‌ها از حقوق خاص خویش مانند حق حیات، حق درمان، حق آرامش، حق زیست جمعی، حق پرهیز از هر نوع خشونت، حق پرهیز از هرگونه نسل‌کشی، حق استفاده از حیات وحش و مانند آنها برخوردارند و هرگونه تعدی و تفریط نسبت به آنها یا حقوق آنها، به منزله نقض حقوق آنان محسوب شده و ضروری است، مستوجب مسئولیت باشد. تضییع حقوق حیوانات طبق قانون مجازات اسلامی جرم بوده و به‌نوعی ترویج خشونت نیز محسوب می‌شود و از طرفی نظم عمومی جامعه را برهم‌زده و بهداشت عمومی را به مخاطره می‌اندازد؛ چراکه در قرآن کریم، تمام جنبندگان، پرندگان و چرندگان را امت‌هایی مانند جوامع انسانی دانسته و فرموده است: «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، مگر اینکه امت‌هایی مانند شما هستند» (الانعام/۳۸). قرآن بیشتر حیوانات و

شناخت قدرت خداوند معرفی شده که رویاندن آنها را به‌خود نسبت داده است (حسینی، ۱۳۸۲، ص ۹۸-۹۹). براین اساس است که پیامبر اکرم (ص) به لشکریان اسلام دستور داده بودند که در طول جنگ‌ها علاوه بر رعایت موازین حقوق انسانی کسی از رزمندگان نباید محصولات درختان را سوزانده یا به هر نوع دیگری از بین ببرد. همچنین تاکید داشتند که گیاهان را ریشه‌کن نکنید و هیچ درختی از جمله درخت خرما را قطع نکرده و درختانی که ثمره آنها میوه است را از بین نبرید (طیبی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۱۰۳-۱۰۴). در فراز دیگری رسول گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: آب دادن به یک درخت به اندازه آب دادن به یک مومن دارای پاداش است و کاشت درخت و ترویج فضای سبز از افتخارات اسلام است که موجب نجات انسان از عقوبت اعمال خود در آخرت می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۰۰). پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: درختانی که میوه می‌دهند را نباید قطع کرد و کشت و زرع را نباید سوزاند و اصولاً هیچگونه درختی را نباید ساقط کرد و به فرموده امام صادق (ع) خداوند درخت را برای انسان خلق کرد که مراقب آن باشد (ولایی، ۱۳۸۸، ص ۴۳). براین اساس است که حضرت علی (ع) می‌فرماید: کسی که موجبات نابودی درختی را فراهم آورد یا مزرعه‌ای را خراب کند هم مسئولیت پرداخت خسارت را عهده‌دار است و هم اگر با سوء نیت توأم باشد توسط حاکم تعزیر شرعی شود (عرب احمدی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۴۰). امام کاظم (ع) روشنائی چشمان را نتیجه نگاه به گیاهان در حال رشد معرفی کرده و امام رضا (ع) نگریستن به مناظر سبز را زائل‌کننده بیماری‌های روحی دانسته‌اند (فهیمی و دیگران، ۱۳۹۳، ص ۳۳). امام صادق (ع) در سلسله درس‌هایی که به مفضل می‌داد فرمود: ای



و او شنوا و داناست» (العنکبوت/۶۰). براین اساس، در قرآن کریم هرگونه آزار و اذیت کردن حیوان‌ها، مانند بریدن گوش و دم و ... کاری زشت و شیطانی شمرده شده و فرموده است: «و آنان را گمراه می‌کنم و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چارپایان را بشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند (و فطرت توحید را به شرک بیالایند) و هرکس، شیطان را به جای خدا ولی خود برگزیند، زبان آشکاری کرده است». (النساء/۱۱۹)؛ چرا که به تصریح قرآن، حیوانات مثل تمام خلقت، بیهوده خلق نشده‌اند. حیوانات در ملکیت انسان (یس/۷۱). دارای منفعت‌های زیادی هستند (همان/۷۳؛ النحل/۵) از قبیل: استفاده به‌عنوان مرکب (یس/۷۲). و خوردنی (گوشت) (همان؛ النحل/۵)، نوشیدنی (شیر) (همان/۷۳)، پوشش (النحل/۵). از جمله فایده‌های حیوانات نسبت به انسان ذکر شده‌اند. اما این مطلب به این معنا نیست که حیوانات و جانوران نزد خداوند، هیچ ارزشی نداشته و تنها نفع و منفعت انسان، ملاک باشد. بلکه برعکس؛ آدمیان در برابر بهره‌برداری از حیوانات به رعایت احترام ذاتی و حق حیات آنها- جز در موارد خاص مانند خطر جانی- مکلف هستند و برای حیوانات نیز از سوی پروردگار حقوقی برعهده انسان‌ها گذاشته شده است. از منظر قرآن حیوان چه‌بسا از انسان هم ارزشمندتر باشند. قرآن انسان غافل را که از گوش و چشم خویش جهت عبرت بهره نبرده و با تفقه و تفکر در نظام آفرینش، سیر تکاملی را طی نمی‌کند؛ از چهارپایان هم گمراه‌تر می‌داند (الاعراف/ ۱۷۹). اما نگرش غلط و گاه مغرضانه به منابع اسلامی باعث شده است برخی تصور کنند که اسلام هیچ‌گونه حقوقی را برای حیوانات قایل نشده است و هرگونه بهره‌برداری

همه موجودات زنده را مسلمان توصیف می‌کند، به این معنی که آنها به‌روشی که خداوند آنها را برای زندگی آفریده است زندگی می‌کنند و از قوانین خدا در جهان طبیعی پیروی می‌کنند. براین اساس، مسلمانان بر این باورند که باید با همه موجودات زنده با احترام رفتار کرد؛ آنها معتقدند حیوانات حق دارند در برابر بدرفتاری و استثمار انسان در امان باشند. آنان معتقدند انسان‌ها توانایی بیش‌تری از سایر حیوانات دارند، به‌عنوان مثال می‌توانند در مورد آنچه درست و نادرست است تصمیم بگیرند و ممکن است اعتقادات مذهبی نیز داشته باشند. این موضوع اینگونه تعبیر می‌شود که حیوانات با انسان‌ها برابر نیستند و باید به‌عنوان جزئی از جهان طبیعی مورد مراقبت و محافظت قرار بگیرند. قرآن کریم می‌فرماید: «و زمین را به همه موجودات اختصاص داده است» (الرحمن/۱۰). این آیات به ما یادآوری می‌کند که حیات وحش مانند انسان بی‌هدف خلق نشده‌اند. آنها احساساتی دارند و بخشی از جهان معنوی می‌باشند. آنها همچنین حق زندگی دارند و باید از هرگونه درد و رنجی محافظت شوند و امروزه مبلغان حقوق حیوانات در اسلام نیز به این موضوع تأکید دارند. در سوره هود خطاب به حضرت نوح (ع) آمده است که: «به نوح گفتیم از هر جفتی از حیوانات (نر و ماده) یک زوج در آن کشتی حمل کن» (الهود/۴۰). قرآن کریم در این آیه با این صراحت تأکید دارد که حفظ و بقاء حیوانات بسیار حائز اهمیت است و حتی پیامبری چون نوح (ع) در مسیر رسالتش نیابد از این مهم غافل شود. درآیه دیگری به فراهم کردن نیازهای ضروری و احتیاجات حیاتی حیوان‌ها اشاره و آن را در کنار انسان‌ها ذکر کرده و فرموده است: «چه‌بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند، او و شما را روزی می‌دهد؛



پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر حیوانی - پرنده یا جز آن - که به ناحق کشته شود در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد.

روایت سوم: «أَنَّ النَّبِيَّ (ص) قَالَ: لَعَنَ اللَّهُ مَنْ اتَّخَذَ شَيْئًا فِيهِ الرُّوحُ غَرَضًا». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۲۸۲) رسول اکرم (ص) فرمود: خداوند لعنت کرده است کسی که موجود جاندار را هدف تیر قرار دهد.

روایت چهارم: امام صادق (ص) فرمود: «أَقْدَرُ الذَّنُوبِ ثَلَاثَةٌ: قَتْلُ الْبَهِيمَةِ، وَ حَبْسُ مَهْرِ الْمَرْأَةِ، وَ مَنَعُ الْأَجِيرِ أَجْرَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۲۶۸). کثیف‌ترین گناهان سه گناه است: کشتن حیوان بی‌زبان، ندادن مهریه زن، و نپرداختن مزد کارگر. در مجموع روایات یاد شده، نهی از قتل بی‌دلیل حیوان وجود دارد. البته روایات بسیار دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که برای رسیدن به مطلوب، بیان همین مقدار کافی است.

نقد و بررسی

طبیعی است که انسان برای تغذیه خود، به گوشت نیاز دارد و هرچند برخی گیاه‌خواران منکر نیاز بدن به گوشت‌اند، اما فواید غذایی موجود در گوشت و البته دیگر فرآورده‌های حیوانی، این نیاز را اثبات می‌کند. در قرآن کریم نیز آیات بسیاری بر اصل جواز مصرف گوشت حیوانات حلال گوشت دلالت دارند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: آیه اول: «اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (الغافر/ ۷۹) خداوند کسی است که چهارپایان را برای شما آفرید تا برخی را سوار شوید و از برخی تغذیه کنید. آیه دوم: «فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ» (الانعام/ ۱۱۸) و از آنچه نام خدا بر آن گفته شده است، بخورید (اما از گوشت حیواناتی که هنگام سر بردن، نام خدا بر آن نمی‌برند، نخورید)؛ اگر به آیات او

از آنان را اجازه می‌دهد. در حالیکه اسلام برای حیوانات حقوقی قائل است از جمله:

حق حیات

حق حیات، به دلایل مختلف از کتاب و سنت و عقل برای انسان ثابت شده است؛ اما حق حیات به معنای حق ادامه زندگی و بهره‌بردن از نعمات خداوندی و به فعلیت رسیدن استعدادها و رسیدن به کمال و غایت زندگی، برای همه موجودات زنده، به‌ویژه حیوانات، قابل اثبات است؛ زیرا حیوانات نیز استعداد رشد و حرکت به سوی غایت خلقت را دارند؛ چراکه همین حق حیات داشتن و ذی‌روح بودن حیوانات سبب شده است برخی فقها برای نجات کشتی در حال غرق، وقتی امر دایر بین به آب انداختن وسایل و به آب انداختن حیوانات است، اجازه غرق حیوانات را ندهند. (عاملی، ۱۳۸۱، ج ۱۵، ص ۳۸۳) روایاتی وجود دارد که از کشتن حیوانات نهی کرده، و حق حیات را برای آنها اثبات می‌کند، و آن روایات در دو قابل تقسیم اند: برخی به‌طور عموم، یعنی بدون ذکر نام حیوان خاصی، این نهی را دارند؛ و برخی دیگر با ذکر نام، از قتل حیوانی خاص منع می‌کنند.

روایاتی که به‌طور عموم دال بر منع قتل حیوان‌اند.

روایت اول: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ (ص) عَنِ قَتْلِ كُلِّ ذِي رُوحٍ إِلَّا أَنْ يُؤْذَى». (متقی الهندی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۹) پیامبر اکرم (ص) از کشتن هر جاندار نهی فرمود، مگر آن که آزار و آسیب برساند. در این روایت، رسول اکرم (ص) از قتل موجود روح‌دار منع می‌کند و جواز آن را فقط در صورت اذیت و آزار می‌داند.

روایت دوم: «عَنْهُ (ص): مَا مِنْ دَابَّةٍ - طَائِرٍ وَلَا غَيْرِهِ - يُقْتَلُ بِغَيْرِ الْحَقِّ إِلَّا سَخَّصِمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» (متقی الهندی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۷).



حالی که هیچ سودی از کشتن من نداشت و رهایم نکرد تا از حشرات زمین تغذیه کنم.

روایت چهارم: عن أبي الحسن الرضا (ص) عن أبيه: عن جده (ص) قال: «لَا تَأْكُلُوا الْفُنْبُرَةَ، وَلَا تَسْبُوَهَا، وَلَا تُعْطَوْهَا الصَّبِيَّانَ يَلْعَبُونَ بِهَا؛ فَإِنَّهَا كَثِيرَةُ التَّسْبِيحِ لِلَّهِ تَعَالَى، وَتَسْبِيحُهَا: لَعْنُ اللَّهِ مُبْغِضِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۵۴). امام رضا (ص) فرمود: مرغ چکاوک را نخورید و به او دشنام و ناسزا نگوئید، و او را در اختیار کودکان قرار ندهید تا با او بازی کنند؛ زیرا آن پرنده زیاد تسبیح خدا می‌کند و در تسبیحش بر دشمنان آل محمد (ص) لعنت می‌فرستد. در این روایت، حتی از سب حیوان نیز منع شده است. پس به طریق اولی حق حیات برای او اثبات می‌شود. با توجه به کثرت این احادیث و ذکر نام بسیاری از حیوانات، و همچنین عموم نهی در روایات دسته اول، مطلوب ما که حق حیوان است، ثابت می‌شود. این حق، چنان مستقر است که در تراجم وضو و حیات حیوان، حق حیوان مقدم می‌شود. اگر آب برای وضو کم باشد، به گونه‌ای که در صورت انجام وضو، حیوان از تشنگی تلف خواهد شد، حق حیات حیوان اولویت دارد؛ و این مسئله، یکی از موارد جواز تیمم است. به همین دلیل، شهید ثانی می‌گوید: از شرایط جواز تیمم، ترس از عطشی است که برای نفس محترمه‌ای - گرچه حیوان باشد - به وجود آید یا انتظار می‌رود به طور معمول یا براساس قراین و شواهدی، به وجود آید و در آنجا آبی یافت نشود (عاملی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۶۶). امام خمینی نیز در زمینه مجوزات تیمم، می‌گوید: در عطش که موجب هلاکت است، فرقی نیست بین آنکه خوف هلاکت بر خودش باشد یا دیگری، آن دیگری انسان باشد یا حیوان، مملوک باشد یا غیرمملوک، از آنچه که حفظ آن از هلاکت واجب است (خمینی، ۱۳۸۱، مسئله

ایمان دارید. آیه سوم: «وَالْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دَفءٌ وَمَنَافِعٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» (النحل / ۵) و چهار پایان را آفرید؛ در حالی که برای شما در آنها وسیله پوشش و منافع دیگر است؛ و از گوشت آنها می‌خورید.

روایاتی که از قتل حیوان خاصی نهی می‌کنند

روایت اول: پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ قَتَلَ عَصْفُورًا بِغَيْرِ حَقِّهِ سَأَلَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ». (متقی الهمندی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۷) هر کس گنجشکی را، بدون رعایت حق آن، بکشد خداوند متعال در روز قیامت از او بازخواست کند.

روایت دوم: پیامبر اکرم (ص) در حدیث معراج فرمود: «إِطْلَعْتُ لَيْلَةً أُسْرِي عَلَى النَّارِ فَرَأَيْتُ امْرَأَةً تُعَذِّبُ فَسَأَلْتُ عَنْهَا فَقِيلَ إِنَّهَا رَبَطَتْ هِرَّةً وَ لَمْ تُطْعَمْهَا وَ لَمْ تَسْقِهَا وَ لَمْ تَدَعْهَا تَأْكُلْ مِنْ خَشَاشِ الْأَرْضِ حَتَّى مَاتَتْ فَعَذَّبَهَا بِذَلِكَ» (طوسی، ۱۳۸۸، ج ۶، ص ۴۷). زمانی که در شب معراج بر آتش جهنم گذر می‌کردم، زنی را دیدم که عذاب می‌شد. از علت آن سؤال کردم. در پاسخ گفته شد: او زنی بود که گربه‌ای را بسته و محبوس کرده بود و به او غذا و آب نمی‌داد و رهایش هم نمی‌کرد تا از آب و علف زمین چیزی بخورد؛ تا اینکه مرد و جان باخت. پس عذاب او بدین سبب است.

روایت سوم: عن النبي (ص): «من قتل عصفوراً عبثاً جاء يوم القيامة يعجّ الى الله تعالى يقول: يا ربّ هذا قتلني عبثاً ينتفع بي ولم يدعني فاكل من حشاره الارض». (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۴) پیامبر اکرم (ص) فرمود: کسی که گنجشکی را بیهوده بکشد، آن حیوان در روز قیامت به حضور خدا شکایت می‌کند و می‌گوید: خدایا این شخص من را بیهوده کشت؛ در



ص ۳۷۴؛ حلی، ۱۳۸۵، ص ۳۲۲؛ نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۶، ص ۱۳۷). برخی نیز همانند شیخ طوسی، حکم به حرمت داده‌اند (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴). به‌هرحال، چه قایل به حرمت شویم و چه قایل به کراهت، در هر صورت این نهی مصداق بارز رعایت حق حیوان در ذبح است.

پرهیز از رنج دادن حیوان در ذبح

شهید ثانی در این زمینه به حدیثی از پیامبر اکرم (ص) اشاره می‌کند که فرمود: خداوند احسان در همه امور را بر شما لازم داشته است؛ پس زمانی که حیوانی را ذبح می‌کنید، به‌خوبی ذبح را انجام دهید (شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۱۲۴؛ عاملی، ۱۳۸۳، ج ۱۱، ص ۴۱۹). فاضل هندی نیز این روایت را در کتاب خود آورده است (فاضل‌هندی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲۶).

منع از فلج کردن حیوان پیش از ذبح

در گذشته برای تسریع و راحتی در ذبح، حیوان را به‌طریقی فلج می‌کردند تا تحرک کمتری داشته باشد یا با قطع نخاع حیوان، حرکت او را از کار می‌انداختند؛ اما چنین روشی، از آن جهت که بسیار ظالمانه و مخالف حقوق حیوانات است، در اسلام نهی شده است. امام صادق (ع) می‌فرمایند: «لَا تَنْخَعِ الدَّبِيحَةَ حَتَّى تَمُوتَ فَإِذَا مَاتَتْ فَأَنْخَعَهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۴، ص ۱۶). حیوانی را که ذبح می‌کنید، پیش از مرگ قطع نخاع و فلج نکنید؛ و پس از مرگش این کار را انجام دهید. از این‌رو عده‌ای از فقها قایل به حرمت این عمل شده‌اند. از آن جمله شیخ طوسی و فاضل‌هندی‌اند که قائل به ممنوعیت شده‌اند (طوسی، ۱۳۶۵، ص ۵۸۴؛ فاضل‌هندی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۵۹). این دستور اسلام از جمله توصیه‌هایی است که از حقوق حیوانات حمایت می‌کند.

۶۷۴). آنچه مهم است، نوع و طریقه کشتار حیوان است که اسلام هرگونه آن را نمی‌پذیرد و فقط ذبح شرعی را موجب حلیت گوشت حیوان می‌شمرد. علاوه‌بر اینکه در اسلام دستورها و توصیه‌ها و احکامی در باب ذبح وجود دارد که شارع مقدس با بیان آنها حقوق حیوانات را تأیید و تثبیت کرده است:

منع ذبح حیوان در شب

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا» (الانعام/ ۹۶). و شب را مایه آرامش قرار داد. شب مایه آرامش و سکون همه موجودات است و این آرامش نباید از بین برود. از این‌رو، ذبح حیوان در شب نهی شده است. شرع مقدس با این ظرافت سعی در حفظ حقوق حیوانات دارد. ابان بن تغلب می‌گوید از امام سجاد (ع) شنیدم که به غلامش دستور داد: «لَا تَذْبِحُوا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ؛ فَإِنَّ اللَّهَ جَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا لِكُلِّ شَيْءٍ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۲، ص ۱۸۸). امام سجاد (ع) به غلام‌هایشان امر می‌کردند تا طلوع فجر گوسفند را ذبح نکنند زیرا خداوند شب را مایه آرامش قرار داده است.

عدم ذبح حیوانی در برابر حیوان دیگر

اسلام از ذبح حیوان در برابر چشمان حیوان دیگر به شدت منع کرده است؛ زیرا حیوانات نیز نسبت به یکدیگر فهم و شعور و احساس دارند و شارع از هجمه به این احساسات حیوان، مانع شده است. در روایت آمده است: «أَنَّ امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ (ع) قَالَ: لَا تَذْبِحِ الشَّاهَ عِنْدَ الشَّاهِ وَ لَا الْجَزُورَ عِنْدَ الْجَزُورِ وَ هُوَ يَنْظُرُ إِلَيْهِ» (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۴، ص ۱۶). امام صادق (ع) از امیرالمؤمنین (ع) نقل می‌کند که فرمود: گوسفند در برابر دیدگاه گوسفند دیگر، و شتر در برابر دیدگان شتر دیگر ذبح نمی‌شود. برخی از فقها مانند یحیی بن سعید، علامه حلی و دیگران، با استناد به روایت فوق، بر کراهت آن تصریح کرده‌اند (حلی، ۱۴۰۵،



دستور به تیز بودن آلت ذبح

یکی از اوامر شرع در باب ذبح این است که آلت ذبح باید به اندازه‌ای تیز باشد که حیوان زجر نکشد و آزار و اذیت نبیند. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِذَا أُرِدَّتْ أَنْ تَذْبَحَ ذَبِيحَةً فَلَا تُعَدِّبِ الْبَهِيمَةَ أَحَدَ الشُّفْرَةَ» (تمیمی‌مغربی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۷۴) هنگامی که خواستی چهارپا را ذبح کنی، حیوان را عذاب نده و آلت ذبح را تیز کن. فاضل هندی نیز قریب به همین مطالب را با استناد به روایاتی می‌آورد (فاضل هندی، ۱۳۸۲، ج ۹، ص ۲۲۶).

تسریع در ذبح

تسریع در ذبح حیوان باعث عدم زجر آن می‌شود و از مصادیق این مسئله این روایت است که پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ كَتَبَ الْإِحْسَانَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، فَإِذَا قَتَلْتُمْ فَأَحْسِنُوا الْقِتْلَةَ وَإِذَا ذَبَحْتُمْ فَأَحْسِنُوا الذَّبْحَةَ» (بیهقی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۲۸۰). خداوند نیکی کردن و احسان بر هر چیزی را بر شما واجب کرده است. از این رو، هرگاه خواستید حیوانی را ذبح کنید، ذبح را به‌نیکی انجام دهید.

نچرخاندن چاقو در حلقوم حیوان

بعضی در هنگام ذبح، چاقو را در حلقوم حیوان می‌چرخانند که موجب آزار حیوان است. این عمل در اسلام جایز نیست، چرا که حمران ابن ابی‌اعین از امام صادق (ع) نقل کرده است که فرمود: «وَلَا تَقْلِبِ السَّكِّينَ لَتُدْخِلَهَا مِنْ تَحْتِ الْحَلْقُومِ» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۴، ص ۱۱). چاقو را جهت داخل کردن در حلقوم، نچرخان.

نکشتن حیوانی که ذابح، خودش آن را پرورش داده است

اسلام به انس و الفتی که بین حیوان و صاحبش شکل می‌گیرد، اهمیت می‌دهد و می‌فرماید: ذابح، حیوانی را که خود پرورش داده است،

نکشد. «عن أبي الصحرارى عن أبي عبدالله (ع) قال: قلت له: الرجل يعلف الشاه والشاتين ليضحى بها، قال: لا أحب ذلك. قلت: فالرجل يشتري الجمال أو الشاه فيتساقط علفه من هيئها و هيئها فيجيبىء الوقت وقد سمن فيذبحه. فقال: لا، ولكن إذا كان ذلك الوقت فليدخل سوق المسلمين و ليشتر فيها و يذبحه» (حر عاملی، ۱۴۱۶، ج ۲۴، ص ۹۲). ابی‌صحراری به امام صادق (ع) عرض می‌کند: شخصی به یک و دو گوسفند علف می‌دهد (آن‌ها را پرورش می‌دهد) تا برای قربانی از آن‌ها استفاده کند. حضرت فرمود: این کار را دوست نمی‌دارم. عرض کرد: شخصی شتر یا گوسفندی را می‌خرد و برای او از اینجا و آنجا علفه فراهم می‌کند تا اینکه زمان ذبح آن فرا می‌رسد و آنها را سر می‌برد. حضرت فرمود: (چنین نکنند) و هرگاه وقت انجام چنین کاری رسید، داخل بازار مسلمانان شود و حیوانی بخرد و آن را ذبح کند. عاطفه و احساسی که میان حیوان و صاحب دل‌سوز او شکل می‌گیرد، دو سویه است و شارع دوست ندارد این عاطفه نادیده گرفته شود؛ زیرا همان‌گونه که ممکن است صاحب حیوان متألم شود، حیوان نیز رنج بکشد.

حق بهداشت

امام صادق (ع) از پیامبر اکرم (ص) نقل می‌فرماید که فرمود: جای نگهداری و آغل گوسفند را پاکیزه نگهدارید و آب بینی آن‌را پاک کنید (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۵۴۴). در روایتی دیگر از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که فرمود: آب بینی گوسفند را پاک کنید و در آغوش نماز بگذارید؛ زیرا او حیوانی از حیوانات بهشت است (برقی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۴۲).

حق مسکن

مسکن و استراحتگاه جزء ضروریات اولیه حیوان است. کوتاهی ورزیدن در این امر، افزون بر آنکه



آرامی دارند و این ما هستیم که برای تکامل و رشد و بلوغ عقلی و روحی به الگویی نظیر گیاهان نیازمندیم. پس باید برای داشتن دنیایی سالم و سبز بکوشیم و ایمان خود را به خداوند مهربان و یکتا بارور و تقویت کنیم. ۲. پس از اثبات حق حیات برای حیوانات با استناد به آیات و روایات، بیان شد که برای ذبح و شکار - که حیات حیوان را از بین می‌برد - مجوز شرعی وجود دارد و نه تنها این مجوز شرعی نقض حقوق حیوانات نیست، بلکه قانونی است که در عین سازگاری با طبیعت و نیازهای بشری، نوعی کمال شمرده‌شدن برای حیوان، توأم با دستورهای از طرف شارع است و شرع به بهترین نحو، از حقوق حیوانات حمایت می‌کند. البته اصل استفاده از حیوان، فقط در صورت رعایت شرایط خاص ذبح و شکار میسر است و توصیه‌ها و دستورهای متعدد در باب ذبح حیوانات همگی مؤید حقوق حیوانات‌اند. پس بنابراین، هرگونه آزار و اذیت حیوانات مگر در موارد جزئی مشخص‌شده، ممنوع بوده و صرف توجیهات اقتصادی مجوز معدوم سازی آنها نیست و این عمل از لحاظ شرعی و اخلاقی و عقلی مذموم و ناروا به شمار می‌رود. علاوه بر حق حیاتی که برای حیوانات در اسلام ثابت است، از حق بهداشت و مسکن نیز برخوردارند و لازم و ضروری است که محل استراحت آنها تمیز نگه داشته شود و از هرگونه آلودگی که باعث مریضی و آزار و اذیت آنها شود اجتناب شود؛ چراکه کوتاهی ورزیدن در این امر، افزون بر آنکه مورد نکوهش عقل است، مصداق آزار و اذیت به حیوان بوده و مورد نکوهش شرع مقدس است.

مورد نکوهش عقل است، مصداق آزار و اذیت به حیوان بوده و مورد نکوهش شرع مقدس است. امام صادق (ع) می‌فرماید: «لِلدَّابَّةِ عَلَيَّ صَاحِبَهَا سِنَّهُ خَصَالٌ يَبْدَأُ بَعْلَفَهَا إِذَا نَزَلَ وَيَعْرِضُ عَلَيْهَا الْمَاءَ إِذَا مَرَّ بِهِ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱۳، ص ۲۶۳). براین اساس، صاحب جواهر، حق مسکن برای حیوان را در ردیف حق نفقه او می‌شمارد و می‌نویسد: واجب است برای برآوردن نیازهای حیوان، از خوراکی و آب و مکان به تلاش برخاست (نجفی، ۱۳۶۲، ج ۳۱، ص ۳۹۵).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش براساس آموزه‌های قرآن کریم و روایات اسلامی در باره حقوق گیاهان و حیوانات نتایج ذیل بدست آمد: ۱. انسان جانشین خداوند در روی زمین است و این جانشینی برای بشر مسئولیت آفرین است. یکی از مسئولیت‌های او در راستای رعایت حقوق گیاهان است که باید به موقع گیاهان را آبیاری کند، شاخه‌های آنها را نشکند، ریشه درختان و گیاهان را در سموم و زباله غرق نکند، همه گیاهان اعم از میوه دار و بدون میوه را دوست داشته باشد و به هردو با عدالت توجه و رسیدگی کند، از آتش‌زدن گیاهان اجتناب نماید و از چیدن میوه‌های نارس خودداری کند و بداند که گیاهان نیز دارای روح و غریزه هستند و از بی نظمی و سوء استفاده و هر رفتار نابهنجاری بیزارند. باید این موضوع را به‌خود بقبولاند که گیاهان و حیوانات نیز همانند ما انسان‌ها حق حیات دارند و نماد امید و نشاط و سرور در این جهان می‌باشند. نباید فراموش کنیم که گیاهان به ما نیازی ندارند و میلیاردها سال است که بدون کمک و دخالت انسان زندگی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. اصفهانی، محمدبن حسن (فاضل هندی)، (۱۳۸۲)، کشف اللغام عن قواعد الاحکام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.



۳. بخاری، محمدبن اسماعیل، (۱۴۲۲)، صحیح البخاری، محقق، محمد زهیر بن ناصر الناصر، دار طوق النجاة، چاپ اول.
۴. برقی، احمدبن محمدبن خالد، (۱۳۷۰)، المحاسن، تصحیح/ تعلیق، جلال الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۵. بیهقی، آبی بکر احمدبن حسین بن علی، (۱۴۱۴)، السنن الکبری، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶. تمیمی مغربی، نعمان بن محمدبن منصور، (۱۳۸۵)، دعائم الاسلام، قم، مؤسسه آل‌البیت، چاپ دوم.
۷. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۸)، اسلام و محیط‌زیست، تحقیق، عباس رحیمیان، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ پنجم.
۸. حر عاملی، محمدبن‌الحسن، (۱۴۱۶)، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل‌البیت لاحیاء التراث، چاپ سوم.
۹. حسینی، علی، (۱۳۸۲)، طبیعت و کشاورزی از دیدگاه اسلام، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات حوزه نمایندگی ولی فقیه در جهاد کشاورزی، مؤسسه شقایق روستا، چاپ اول.
۱۰. حلی، حسن بن یوسف، (۱۳۸۵)، قواعد الاحکام، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۱. حلی، یحیی بن سعید، (۱۴۰۵)، الجامع للشرایع، قم، مؤسسه سیدالشهدا.
۱۲. خمینی، روح‌الله، (۱۳۸۱)، رساله توضیح المسائل، مشهد، هاتف.
۱۳. سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی، (۱۴۱۲)، فی ظلال القرآن، بیروت- القاهره، دارالشروق، چاپ هفدهم.
۱۴. طبرسی، فضل بن‌الحسن، (۱۳۸۴)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو.
۱۵. طوسی، ابن حمزه، (۱۳۶۵)، الوسیله الی نیل الفضیله، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
۱۶. طوسی، محمدبن حسن، (۱۳۸۸)، التبیان فی تفسیر القرآن، تهران، ذوی القربی.
۱۷. طبیبی، سبحان؛ ضرابی، مهناز؛ شادمان حقیقی، محمد حسین، (۱۳۹۵)، حفاظت از محیط زیست جهانی از منظر مبانی حقوق اسلامی، (در کتاب رهیافت‌های نوین در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۱۸. عاملی، زین الدین بن علی بن احمد (شهید الثانی)، (۱۳۸۳)، مسالک الافهام فی شرح شرایع الاسلام، قم، بنیاد معارف اسلامی.
۱۹. عرب احمدی، مجیدرضا؛ جوکار، مهدی، (۱۳۹۵)، ضمان و مسئولیت مدنی تخریب محیط زیست از منظر قواعد فقهیه، (در کتاب ایران و چالش‌های حقوقی بین المللی (محیط زیست)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۲۰. فلاح زاده، علی، (۱۳۹۰)، توحید مفضل خداشناسی در بیان امام صادق (ع)، قم، نشر هدی، چاپ اول.
۲۱. فهیمی، عزیزالله؛ مشهدی، علی، (۱۳۹۳)، اندیشه‌های حقوق محیط زیست، قم، انتشارات دانشگاه قم، چاپ اول.
۲۲. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۷)، الکافی، قم، دارالحدیث، چاپ اول.
۲۳. الفروع من الکافی، تصحیح/تعلیق، علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم.
۲۴. متقی الهندی، علاءالدین علی بن حسام، (۱۴۰۹)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دوم.
۲۵. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳)، بحار الانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۲۶. محقق داماد، محمد، (۱۳۷۱)، طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام، مجله رهنمون (نشریه مدرسه عالی شهید مطهری)، ش ۳ و ۲.
۲۷. معلوف، لوییس، (۱۳۷۸)، المنجد فی اللغة، تهران، اسلام، چاپ دوم.
۲۸. موسوی، فضل الله، (۱۳۹۵)، حق بر محیط زیست از دیدگاه اسلام، (در کتاب رهیافت‌های نوین در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست)، تهران، انتشارات خرسندی، چاپ اول.
۲۹. نجفی، محمدحسن، (۱۳۶۲)، جواهر الکلام فی شرح الشرایع الاسلام، محقق، محمد قوچانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم.
۳۰. وجدی، محمد فرید، (۱۹۷۱)، دائره المعارف، قاهره، دار المعرفه.
۳۱. ولایی، عیسی، (۱۳۸۸)، اسلام و محیط زیست، قم، اندیشه مولانا، چاپ اول.

جستاری در باب رابطه قرآن با علوم بشری

سیدحسن حسینی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند
(نویسنده مسئول: sh.hosseini@birjand.ac.ir)

چکیده

تأکید قرآن بر موضوعاتی مانند علم، عالم، تعقل و تفکر، نشان‌دهنده اهمیتی است که این کتاب الهی برای علم قائل است. یکی از مباحث مهم قرآنی، رابطه قرآن با علوم بشری است. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی با رویکرد استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نرم‌افزاری از طریق گردآوری اطلاعات درباره این مسئله دو دیدگاه مبنای تجزیه و تحلیل قرار گرفته و تبیین شده است که بعضی از اندیشمندان مسلمان معتقدند: همه علوم در قرآن یا از قرآن سرچشمه می‌گیرد؛ زیرا قرآن وجود کتبی جهان تکوین و خلاصه‌ای از اسرار آفرینش است، پس همه علوم در قرآن وجود دارد و از آن الهام گرفته است و حتی مسائل فیزیک و شیمی و ریاضی و ... در قرآن هست. بعضی دیگر معتقدند: همه علوم بشری در قرآن موجود نیست؛ زیرا قرآن کتاب هدایت اخلاقی و تربیتی و دینی انسان است و ضرورتی ندارد که همه مسائل علوم تجربی و عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول‌های آنها بیان کرده باشد، اگرچه قرآن و علوم رابطه سازگارانه دارند و قرآن در موارد متعددی به اهداف و مبانی و روش‌های علوم انسانی و اخبار علوم طبیعی اشاره کرده است، اما این‌گونه نیست که همه جزئیات علوم در قرآن بیان شده باشد؛ چراکه هدف قرآن هدایت انسان است و کتاب شیمی و فیزیک و ... نیست.

کلیدواژه‌ها: قرآن، علوم بشری، علوم تجربی، ریاضی، شیمی، میکروبی‌شناسی.

۱- مقدمه

دانشمندان (بر حسب) درجات بلند گرداند. از طرفی دعوت قرآن به تفکر در نظام آفرینش و خلقت خود انسان و اسرار و رموزی که در ساختمان وجودش نهفته است و نیز دعوت به سیر در اقطار زمین و مشاهده در آثار گذشتگان و کنجکاوای اوضاع و احوال ملل و جوامع بشری و قصص و تواریخ بشر، در واقع، دعوت به فراگیری علوم طبیعی و ریاضی و فلسفی و فنون ادبی و بالاخره همه علوم است که در دسترس فکر انسانی و آموختنشان به نفع جهان بشری و سعادت بخش جامعه انسانی است (طباطبایی، ۱۳۷۶، ص ۹۴). و عامل اصلی اشتغال مسلمانان به علوم عقلی از طبیعیات و ریاضیات و ... به صورت نقل و ترجمه در آغاز و به نحو استقلال در سرانجام، همان انگیزه فرهنگی فراهم شده در نفوس مسلمانان به وسیله قرآن بوده است (همان،

واژه «علم» به صورت‌های گوناگون ۷۵۰ بار در قرآن تکرار شده است. از این‌روی قرآن سبب پیدایش و گسترش بسیاری از علوم (اعم از علوم ادبی، طبیعی، ریاضی، عقلی) میان مسلمانان بوده است. در بسیاری از آیات قرآن، فراگیری علم و دانش، مورد تشویق و تأکید قرار گرفته است. در آیات متعددی از قرآن به طرق مختلف نام علم و دانش به میان آمده که بیشتر آن‌ها در مقام بزرگداشت آن است. در آیه‌ای در مقام منت‌گذاری انسان آمده است: «عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (العلق/۵). آنچه را که انسان نمی‌دانست (به تدریج به او) آموخت. در آیه‌ای دیگر فرموده است: «يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ». (المجادله/۱۱). خدای (رتبه) کسانی از شما را که گرویده و کسانی را که



هرچند از قرن چهارم و پنجم هجری قمری در آثار مکتوب بوعلی‌سینا دیده می‌شود. اما بحث اعجاز علمی قرآن که برگرفته از تفسیر علمی است، تنها در قرن حاضر مورد توجه مسلمانان و غیرمسلمانان قرار گرفته است. برخی از کتاب‌های تالیف شده در این باره عبارت است از:

۱. معجزات القرآن فی وصف الکائنات و الاعجاز و الطب الحدیث (عبدالعزیز اسماعیل). ۲. اعجاز قرآن از نظر علوم امروزی (یدالله نیازمند شیرازی). ۳. اولین دانشگاه و آخرین پیامبر (سیدرضا پاک‌نژاد). ۴. الاسلام و الهیئه (هبه الدین شهرستانی). ۵. الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم (سامی محمدعلی). ۶. الاعجاز العلمی فی الاسلام (محمد کامل عبدالصمد). ۷. القرآن و العلم الحدیث، الاعجاز العددی للقرآن الکریم، الله و العلم الحدیث، اسرار و عجب و من الآیات العلمیه (عبدالرزاق نوفل). ۸. و القرآن و العلم و القرآن و الطب (احمد محمد سلیمان). در این میان برخی تفاسیر معاصر نیز به صورت گسترده به موارد اعجاز علمی قرآن اشاره کرده‌اند؛ همچون تفسیر نمونه، طنطاوی و ...

۲- مفهوم‌شناسی

۱-۲. مفهوم واژه «علم»

اندیشوران اسلامی در معنای لغوی علم بیان داشته‌اند: در لغت به معنای ادراک (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۰). یقین، معرفت. (فیومی، ۱۴۱۴: ۲/۴۲۷) و شناخت (مسعود، ۱۳۷۶: ۲/۱۲۱۵) به کار برده شده است؛ و علم را خلاف و نقیض جهل دانسته‌اند (عسکری، ۱۴۰۰: ۷۶؛ فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲/۱۵۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲/۴۱۶). برخی گفته‌اند: علم، ادراک حقیقت چیزی است که به دو صورت ۱. ادراک ذات شیء ۲. حکم نمودن یا عدم حکم نمودن چیزی با چیزی دیگر است (مثلاً از مقایسه آتش و حرارت به روش تجربه حکم می‌نماییم آتش سوزندگی

ص ۹۸) و در عرصه رابطه قرآن و علوم، علم به معنای علم تجربی، اعم از انسانی و طبیعی، در نظر گرفته می‌شود که شامل مسائل هستی‌شناسی، ریاضیات، هندسه، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، مفاهیم طبیعی، کیهان‌شناسی، حقوق، پزشکی، گیاه‌شناسی، تاریخ و مدیریت می‌شود. اما به هر حال، مسأله رابطه قرآن و علوم مشکلی جدی است و در این باره سؤالات و پرسش‌هایی اساسی مطرح‌اند. از قبیل اینکه آیا تمام علوم بشری با تمام دقایق و ظرایف آنها در لایه لای آیات قرآن نهفته است؟ و یا اینکه قرآن منشا بسیاری از علوم و توجه به علم و علماست اما کتاب فیزیک و شیمی و ... نیست، بلکه کتاب هدایت و تربیت است و فقط این علوم را تشویق می‌کند؟ این پژوهش در صدد پاسخ‌گویی به این پرسش‌هاست، بر این اساس در دو محور این مسأله مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است.

۱-۱. پیشینه پژوهش

این کتاب سترگ، با آن که کتاب فیزیک، کیهان‌شناسی، زمین‌شناسی و مانند آن نیست و نیز در صدد بیان مسائل علمی نمی‌باشد، با این همه نه تنها با حقایق علمی و یافته‌های قطعی علمی (که به قطع عقلی برمی‌گردند) تعارضی ندارد، بلکه اگر تعارضی هم به چشم می‌خورد، ابتدایی و بدوی است و با دقت و تامل رفع می‌شود. قرآن حاوی گزاره‌هایی از علوم نیز می‌باشد و نکات علمی بسیاری را مطرح ساخته است که به صراحت یا ظهور قابل برداشت می‌باشند و با تازه‌ترین قوانین و نظریات اثبات‌شده علمی هماهنگی دارند؛ برای نمونه، می‌توان به مواردی همچون حرکت خورشید. (یس/۳۸-۴۱)، حرکت کوه‌ها و زمین (النحل/۸۹)، لقاح گیاهان (الحجر/۲۲) و زوجیت آنها (یس/۳۶)، حرمت گوشت خوک و خون اشاره کرد (بقره/۱۷۳). تفسیر علمی قرآن،

صوره الأشیاء عند العقل و حصول صورة الشیء فی العقل (شیرازی، ۱۳۷۱: ۳۰۷)؛ یا: حضور صورة الشیء عند العقل (مظفر، ۱۳۷۳: ۲۰).

۳- تحلیل و بررسی دیدگاه‌های رابطه قرآن با علوم بشری

۳-۱. دیدگاه اول: اشتغال قرآن بر تمامی علوم برخی از فرهیختگان مسلمان اعتقاد دارند که قرآن مشتمل بر تمامی اصول و مبانی علوم طبیعی و ریاضی و فلکی و حتی رشته‌های صنعتی و اکتشافات علمی و غیره می‌باشد و چیزی از علوم و دانستی‌ها را فروگذار نکرده است، و قرآن علاوه بر اینکه یک کتاب تشریحی است، کتاب علمی نیز به‌شمار می‌رود. اینان برای اثبات نظریه‌شان دلایلی از خود قرآن را ارائه کرده‌اند:

۳-۱-۱. ظاهر آیات قرآن

عده‌ای از اندیشمندان مسلمان معتقدند که ظاهر آیات قرآن، دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن وجود دارد. ظاهر آیات: «وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مَّبِينٍ» (الانعام/۵۹) و هیچ‌تر و هیچ خشکی نیست، جز این‌که در کتاب روشنگر (علم خدا ثبت) است. و آیه: «وَتَزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِرُوحِنَا لِكُلِّ شَيْءٍ» (النحل/۸۹) و کتاب (قرآن) را بر تو فرود فرستادیم که بیانگر هر چیز (از کلیات دین) و رهنمود و رحمت و مژده‌ای برای مسلمانان است. و آیه: «مَا قَرَأْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» (الانعام/۳۸) هیچ‌چیزی را در کتاب فروگذار نکردیم. به این حقیقت اشاره دارند؛ چراکه قرآن وجود کتبی جهان تکوین و خلاصه‌ای از اسرار آفرینش است، پس همه علوم در قرآن وجود دارد و از آن الهام گرفته است حتی مسائل فیزیک، شیمی و ریاضی در قرآن هست و اگر ما نتوانیم آنها را پیدا کنیم، علتش این است که عقل ما، از درک و استخراج آن‌ها قاصر است و در آینده بشریت پیشرفت می‌کند و

دارد یا فلان شیء، سوزندگی ندارد). همچنین در تقسیم‌بندی دیگری از علم، علم را به علم نظری و عملی و علم عقلی و سمعی تقسیم نموده‌اند. در توضیح علم نظری و عملی گفته شده؛ علم نظری، چیزی است که وقتی دانسته شود با دانستن بیشتر کامل می‌شود؛ مثل علم به موجودات عالم. علم عملی: دانشی است که تمام نمی‌شود مگر اینکه به آن عمل شود؛ مثل علم به عبادات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۸۰). در اصطلاح عام‌ترین مفهوم علم، همان مطلق درک، شناخت، آگاهی و اطلاع است که به صورت‌های گوناگون از جمله؛ ادراکی، حکمی، نظری و عملی، عقلی و سمعی تحقق پیدا می‌کند. از سویی دیگر، اندیشوران اسلامی با ورود به هویت‌یابی اصطلاحی علم، آن‌را بی‌نیاز از تعریف دانسته‌اند: علم یکی از روشن‌ترین و بدیهی‌ترین مفاهیم است و نیازمند تعریف نیست. بلکه اساساً تعریف آن امکان‌پذیر نیست؛ زیرا مفهوم واضح‌تری از آن وجود ندارد که معرف آن واقع شود، همان‌طور که در فلسفه آمده است: چیزی شناخته شده‌تر از معنای علم نیست؛ زیرا علم یک حالت وجدانی نفسانی است که هر آگاه صاحب حیاتی، می‌تواند آن را بدون اشتباه درک کند. (شیرازی، ۱۴۲۵: ۳/ ۲۳۰). در جای دیگر بیان داشته‌اند: علم به وجدان شناخته شده و بدیهی است. چنان‌که آمده است: وجود علم در نزد ما بالوجدان بدیهی است، و به‌همین جهت مفهوم آن هم بدیهی است. از این‌رو بیان داشته‌اند؛ با توجه به روشنی معنای علم، شأن آن نیست که توسط یک معنای روشن‌تر تعریف شود. (طباطبایی، ۱۴۲۰: ۲۹۳). اگر اندیشمندان اسلامی علم را در بعضی از کتاب‌های منطقی و فلسفی تعریف کرده‌اند تعریف حقیقی نبوده، بلکه تعریف شرح‌الفظی (اسمی) است چنان‌که در تعریف علم گفته‌اند: العلم عبارة عن حضور

خداوند متعال در قرآن کریم در این باره فرموده است: «وَإِن كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ». (الانبیاء/۴۷) در این آیه کریمه از حساب و اندازه، سخن به میان آمده است، پس اشاره به علوم ریاضی دارد.

۳-۲-۱-۲. علم ماشین‌سازی و میکروپزشناسی

خدای سبحان در قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ» (النحل/۸). در این آیه کریمه اشاره به خلق وسایل نقلیه می‌کند که اعراب آن زمان اطلاعی از آن نداشتند، پس منظور وسایل نقلیه جدید، ماشین، هواپیما و ... است و شاید هم اشاره به خلق میکروپزشها و بیروس‌ها است که در آن زمان مردم از آنها اطلاعی نداشته‌اند.

۳-۲-۱-۳. علم شیمی

آیات مربوط به حضرت ابراهیم (ع) که چهار مرغ را، ذبح کرد و بر سر چهار کوه گذارد، استفاده می‌شود که اجزای موجودات و ترکیبات آنها، مورد توجه قرآن بوده و علم جدید، این تجزیه و ترکیب‌ها را شیمی می‌نامد.

۳-۲-۱-۴. علم هندسه

از آیه شریفه: «رَفِيعُ الدَّرَجَاتِ» (الغافر/۱۵). به دست می‌آید؛ زیرا این آیه دلیل بر این است که خداوند، به درجات توجه داشته و با توجه به اینکه «رفیع» به حساب ابجد ۳۶۰ می‌شود و «درجات» هم، اشاره به درجه است و محیط دایره هم ۳۶۰ درجه است، پس این آیه، شاید اشاره به علم هندسه داشته باشد (سرفرازی، ۱۳۶۷، ص ۴۷-۴۹). بنابراین، هرچند قرآن فرمول‌های شیمی، هندسه و ... را بیان نمی‌کند، اما گاهی به یک مورد در آیه‌ای اشاره می‌کند که ده‌ها فرمول، احتیاج دارد. غزالی بر این مطلب اصرار می‌ورزد و مثال‌های فراوان می‌زند که علوم مختلف از قرآن نشأت گرفته است. او بعد از

همه مسائل را از قرآن به دست می‌آورد. بر این اساس، فیض کاشانی در استدلال به آیه دوم اینطور می‌گوید: علوم انسانی دو گونه است: اول علوم مستفاد از حس که به وسیله تجربه و حواس به دست می‌آید و این علوم متغیر و فاسد شدنی و محصور و متناهی است و اکثر علوم مردم این گونه است. دوم علمی که از مبادی و اسباب و غایات به صورت علوم واحد کلی بسیط بر وجه عقلی و غیر متغیر به دست می‌آید. و آن علم به مسبب‌الاسباب هر چیزی است و این علم ضروری و کلی و محیط به همه امور و احوال است و شک و تغییر و غلط در آن نیست و این علم مثل دانش خدا به اشیا و علم ملائکه و انبیاء و اوصیاست که به احوال موجودات در گذشته و آینده آگاهی دارند. هرکس کیفیت این علم را بداند معنی آیه «تبیانا لكل شیء» را می‌فهمد و متوجه می‌شود که همه علوم و معانی در قرآن هست و هر امری خودش یا مقومات و اسباب و مبادی و غایات آن در قرآن وجود دارد (فیض کاشانی، ۱۴۱۶، ج ۱، ص ۵۷). سیوطی نیز همین قول را انتخاب کرده و به آیات یاد شده استشهاد کرده است (سیوطی، ۱۳۹۴، ج ۴، ص ۳۳-۴۲). غزالی نیز می‌گوید که: علوم همه آنها در افعال و صفات خدا داخل است و خداوند در قرآن افعال و ذات و صفات خود را توضیح می‌دهد و این علوم بی‌نهایت است و در قرآن به اصول و کلیات (مجامع) آنها اشاره شده است (غزالی، ۱۹۴۵، ج ۱، ص ۲۸۹). طبرسی در مجمع‌البیان، وجود این امر را یعنی (وجود همه علوم دنیایی و علوم بشری و معارف دینی در قرآن) به عنوان یک احتمال ذکر شده است (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۱۰، ص ۳۱۹).

۳-۱-۲. آیاتی از قرآن که اشاره به علوم مختلف می‌کند

۳-۱-۲-۱. علم ریاضی



است که فرمود: «إِنِّي لَأَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي الْجَنَّةِ وَ أَعْلَمُ مَا فِي النَّارِ وَ أَعْلَمُ مَا كَانَ وَ مَا يَكُونُ قَالَ ثُمَّ مَكَثَ هُنَيْئَةً فَرَأَى أَنَّ ذَلِكَ كَبُرَ عَلَيَّ مِنْ سَمْعِهِ مِنْهُ فَقَالَ عَلِمْتُ ذَلِكَ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يَقُولُ فِيهِ تَبْيَانُ كُلِّ شَيْءٍ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۶۵۰). من به موجودات آسمان‌ها و زمین دانایم و نیز به موجودات بهشت و دوزخ، گذشته و آینده. اندکی تأمل کرد و دید که این سخن، بر شنوندگان گران آمد. آنگاه فرمود: آن مطالب را از کتاب خدای عزوجل فرا می‌گیرم. خدای عزوجل فرمودند: بیان هر چیزی در قرآن هست.

۳-۱-۳. مسأله بطون قرآن

در بسیاری از روایات اسلامی به بطون قرآن و این‌که هر آیه‌ای چندین بطن دارد اشاره شده است (ری شهری، ۱۳۷۱، ج ۸، ص ۹۴-۹۵). این اعجاز قرآن است که عارف و فقیه و فیلسوف و فیزیکدان هر کدام یک برداشت جداگانه از آیات قرآن دارند، و هر کدام از یک آیه چیزی متوجه می‌شوند که دیگران از آن غفلت می‌کنند. پس هیچ‌کدام نباید برداشت دیگری را رد کند زیرا اگر فیلسوف هم فیزیک‌دان بود شاید مثل او برداشت می‌کرد. غزالی در احیاء العلوم به این مطلب استشهاد کرده و تعداد علوم قرآن را تا هفتاد و هفت هزار و دویست علم ذکر کرده است و بعد می‌گوید: این عدد چهار برابر می‌شود، چون هر کلمه ظاهر و باطن دارد و حد و مطلع دارد (غزالی، ۱۹۴۵، ج ۳، ص ۱۳۴-۱۳۵).

۳-۱-۴. نقد و بررسی دیدگاه

۳-۱-۴-۱. نقد اول: از کجا و چگونه این همه علوم و صنایع و اکتشافات روز افزون از قرآن استنباط شده؟ چرا پیشینیان به آن پی نبرده و متاخرین نیز به آن توجهی ندارند؟ چرا که قرآن کتاب هدایت اخلاقی، تربیتی و دینی است و نازل شده است تا انسان‌ها را به سوی فضیلت‌ها و

این‌که بیان می‌کند تمام علوم دینی و علوم وابسته به آن‌ها (مثل لغت، نحو، قرائت، علم مخارج حروف، علم تفسیر، علم قصص اولین، علم کلام، علم فقه، علم اصول فقه و ...) از قرآن منشا گرفته است سرچشمه سایر علوم را هم قرآن می‌داند، مثل علم طب، علم هیئت و نجوم، علم تشریح اعضا و علم سحر و طلسمات و ... آنگاه می‌گوید: این علوم (آنچه شمردیم و نشمردیم) اوائل و اصول آنها از قرآن است و منشا علم طب را آیه: «و اذا مرضت فهو يشفين» می‌داند که خداوند از قول حضرت ابراهیم (ع) نقل می‌فرماید و می‌گوید این فعل واحد را کسی نمی‌شناسد مگر کسی که علم پزشکی را کامل بداند (غزالی، ۱۴۰۶، ص ۴۴-۴۷). ذهبی نیز مثال‌های زیادی از ادعاهای کسانی که معتقدند همه علوم در قرآن یا از قرآن سرچشمه می‌گیرد آورده است؛ مثل علم طب و جدل و هیئت و هندسه و جبر و مقابله و ... و برای هر مورد نیز آیاتی ذکر می‌کند (ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۴۹-۳۵۵).

۳-۱-۲. روایات

روایاتی در این زمینه وارد شده است که مؤید عمومیت مستفاد از لفظ آیات است. علاوه بر اینکه ائمه (ع) در مورد علوم مختلف (همچون پزشکی و فضائی و ...) سخن گفته‌اند و سپس فرموده‌اند که تمام علوم ما از قرآن است. پس معلوم می‌شود که علوم مختلف در قرآن وجود دارد، لکن افراد خاصی از آن مطلع هستند:

۳-۱-۲-۱. روایت اول: امام باقر (ع) می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى لَمْ يَدَعْ شَيْئاً يَحْتَاجُ إِلَيْهِ أُمَّةٌ إِلَّا أَنْزَلَهُ فِي كِتَابِهِ وَ بَيَّنَّهُ لِرَسُولِهِ» (کلینی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۵۰). خداوند تبارک و تعالی هیچ‌چیز را که مسلمانان به آن محتاج باشند فروگذار نکرده است و آنها را در قرآن نازل فرموده و برای پیامبر (ص) بیان کرده است. ۲-۳-۱-۲. روایت دوم: از امام صادق (ع) نقل شده



است (یعنی تمام چیزها و امور دین و دنیا در علم الهی موجود است). لکن اگر منظور از کتاب قرآن باشد شیء منظور موضوع دینی است و آن هدایت الهی است پس همه چیز که مربوط به اقسام هدایت است در قرآن بیان شده است. و این قول را که بعضی می‌گویند قرآن تمام علوم موجودات را دربر دارد کسی از صحابه و علمای تابعین و غیر آنها نگفته است و هیچ کس آن را قبول نمی‌کند مگر کسی که قائل شود هر چه در کتاب‌های گذشتگان است حق است اگر چه مخالف عقل و نقل و لغت باشد (رشید رضا، ۱۹۹۰، ج ۷، ص ۳۳۰). طنطاوی نیز «لکل شیء» را امور دینی (که گاهی به تفصیل و گاهی به اجمال ذکر شده) می‌داند (طنطاوی، ۱۹۹۷، ج ۸، ص ۲۱۸). همچنین شاطبی ظهور آیات را شدیداً انکار می‌کند (شاطبی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۲۹). ۳-۴-۱. نقد سوم: در مورد آیات قرآن که اشاراتی به علوم طبیعی و تجربی و شناخت طبیعت دارد می‌توان پرسید آیا هدف آن بیان و کشف فرمول‌های هندسه و شیمی است یا به‌طور استطرادی و تطفلی (حاشیه‌ای) این بحث‌ها را مطرح کرده است. در اینجا بسیاری معتقدند که ذکر مثال‌های علمی در قرآن موضوعیت ندارد یعنی مثال است و هدف آموزش علوم نیست بلکه مثال را برای هدف دیگر آورده است؛ زیرا آیاتی که برای پیدایش علوم شیمی و ماشین‌سازی و هندسه به آنها استشهاد کرده‌اند دلالت بسیار ضعیفی دارد و یا اصلاً بر موارد فوق دلالت ندارد. ۳-۴-۱-۴. نقد چهارم: احتمال دارد که علوم ائمه (ع) یا باطن قرآن هم مربوط به همان چیزی باشد که ظواهر قرآن مربوط به آن است یعنی در ارتباط با احکام الهی و هدایت الهی باشد، نه این که تمام علوم و معارف بشری مثل شیمی و فیزیک در باطن قرآن باشد. این مطلب از بعضی روایات که در ذیل آیات مورد بحث آورده شده

خداشناسی هدایت کند، تا از خرافه‌پرستی دور شوند و حقوق (افراد، خانواده و اجتماع) را به‌صورت کلی بیان کرده، تا مردم با رعایت احکام الهی، زندگی سالم داشته باشند و بر جهان‌شناسی و معرفت طبیعت، تکیه می‌کند، تا رابطه انسان و جهان با خدا روشن شود و مردم معرفت بهتری نسبت به خدا پیدا کنند. بنابراین ضرورتی ندارد که قرآن، همه مسائل علوم تجربی، عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول‌های آن‌ها، بیان کرده باشد، بلکه اشاراتی به آیات الهی، در زمین و آسمان برای سیر در ملکوت و تفکر در صنع الهی دارد، تا به هدف تربیت و تزکیه انسان‌ها، نایل شود و بعید نیست منظور از بیان همه چیز در قرآن، مسائل دینی و هدایتی مردم باشد، همان‌طور که بعضی از مفسرین هم گفته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۹۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱۲، ص ۳۲۴-۳۲۵). برخی از صاحب‌نظران نیز معتقدند که: لازم نیست قرآن در یک مسئله علمی، حتماً نظریه داده باشد، زیرا قرآن در صدد و در جایگاه حل مسائل علمی نیست. البته آنچه فرموده باشد حق است و اگر اشاره‌ای به نکته‌ای علمی داشته باشد و به‌راستی لفظ قرآن، بر آن دلالت کند حق است و جای هیچ حرفی نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۹). ۳-۴-۱-۲. نقد دوم: آیات مورد استناد با مطلب مورد ادعای شما بیگانه است؛ زیرا این ظهور خلاف بداهت است چون بسیاری از مسائل علوم جدید مثل فرموهای شیمی و فیزیک و ریاضی در ظواهر قرآن موجود نیست، و این مطلب را هر کس که یک‌بار قرآن را با دقت مطالعه کند متوجه می‌شود؛ چراکه بعضی از مفسران قرآن صریحاً این ظهور را انکار کرده‌اند و می‌گویند: اگر مراد از کتاب علم الهی یا لوح محفوظ باشد عمومیت آیه به‌ظاهرش محفوظ



است به صورت یک کتاب مجمل و مبهم و پر از اسرار کشف نشده نشان داده شود، زیرا بسیاری از علوم و جزئیات آنها در قرآن یافت نمی‌شود و لذا بعضی افراد ناچار می‌شوند دامنه اسرار را توسعه دهند و کم‌کم بگویند ظواهر قرآن را ما نمی‌فهمیم و برای ما حجت نیست. (ج) تعصب و جمود و تهمت به طرف مقابل از پیامدهای این تفکر است. زیرا بسیاری از مطالب علمی در قرآن قابل اثبات نیست و لذا بعضی افراد اظهار نظر بی‌دلیل می‌کنند و در مقابل انکار مخالفان به تهمت عدم ایمان به قرآن، ملحد، معاند و ... دست می‌یازند (سرافرازی، ۱۳۶۷، ص ۴۹). (د) لازم می‌آید الفاظی که در عصر نزول نازل شده معانی جدیدی را که نسل‌ها بعد می‌آید (مثل فرمول‌های شیمی و فیزیک) قصد کرده باشد. این مطلب در نظر هیچ انسان عاقلی صحیح به نظر نمی‌آید، که اعراب با یک فهم معین با الفاظ معین خطاب شوند اما معانی هزارسال بعد از آن الفاظ مراد باشد (ذهبی، بی تا، ج ۲، ص ۳۸۵).

۲. همه علوم بشری در قرآن کریم موجود نیست در مقابل دیدگاه اول، بعضی از اندیشمندان مسلمان معتقدند که همه علوم بشری در قرآن موجود نیست؛ چراکه هدف قرآن، تربیت معنوی انسان است و در این راه لازم نیست همه معارف تجربی و غیرتجربی را برای بشر بیان کند چون انسان عقل و احساس دارد و خود می‌تواند مسائل تجربی و علوم را به دست آورد، به علاوه این علوم لازمه لاینفک تربیت معنوی انسان نیست. و لازم نیست قرآن در یک مساله علمی حتماً نظریه داده باشد، زیرا قرآن در صدد و در جایگاه حل مسائل علمی نیست، البته آنچه فرموده باشد حق است. اگر اشاره‌ای به نکته‌ای علمی داشته باشد و برآستی لفظ قرآن بر آن دلالت کند حق است و جای هیچ حرفی نیست (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ص ۲۲۹). پس ضرورتی ندارد که قرآن همه

است استنباط می‌شود (بحرانی، بی تا، ج ۱، ص ۳۰-۳۱). چون در این روایات به حلال و حرام و حدود مثال می‌زنند و سپس کل ما یحتاج الیه الناس (هر چیزی را که مردم به آن احتیاج دارند) را ذکر می‌کنند پس ممکن است منظور احتیاجات دینی و هدایتی مردم باشد، هرچند علم پیامبر اکرم (ص) و امام (ع) به علوم و معارف بشری از طریق باطن قرآن یا از ناحیه وحی یا الهام ممکن است، اما بحث در این است که آیا این آیات دلالت بر این مطلب دارد یا ندارد. براین اساس است که علامه طباطبایی می‌گوید: ظاهراً مراد از کل شیء هر چیزی است که به هدایت مربوط باشد، هرچه که مردم در مورد مبدا و معاد و اخلاق فاضله و شرایع الهیه و قصص و موعظه‌ها احتیاج دارند، قرآن به آن هدایت کرده است و بیان نموده است و ما از ظاهر الفاظ قرآن و مقاصد آن همین مطلب را متوجه می‌شویم، لکن در روایات نقل شده است که در قرآن علم گذشته و آینده تا قیامت موجود است و اگر این روایات صحیح باشد، منظور از تبیان اعم از دلالت لفظی است پس شاید اشاراتی از غیر طریق دلالت لفظی دارد و اسراری را کشف می‌کند که فهم عرفی به آنها راهی ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۱، ج ۱۲، ص ۳۲۴-۳۲۵). علاوه بر اینکه بر اساس این دیدگاه اشکالات و محظورات متعدد بوجود می‌آید: الف) تفسیر به رای و تاویل خطر این تفکر است، چون قرآن در همه مسائل علمی صراحت ندارد و کسی که می‌گوید همه مسائل در قرآن هست ناچار می‌شود بعضی آیات را تاویل کند و آیات را از معانی صحیح و روشن خود منحرف و آن را به طور واژگونه تفسیر کند، (که نمونه آن را در تفسیر آیه رفیع الدرجات دیدیم) در حالی که پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) از تفسیر به رای نهی کرده‌اند و وعده آتش بر آن داده‌اند. (ب) باعث می‌شود تا قرآن که کتاب مبین و هدایت



شده است که استطرادی و عرضی است. ولی همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست، و آیات ۸۹ نحل و ۳۸ و ۵۹ انعام) دلالت بر این مطلب دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم، در قرآن به‌طور تفصیل یا مجمل ذکر شده است. و این‌گونه آیات وسیله‌ای برای فریب مردم و مانعی در جلوگیری از پیشرفت علمی و انجام تحقیقات تجربی و یا بهانه سستی علمی بعضی افراد نگردد. استعمارگران ممکن است با تمسک به این آیات و ایجاد این ذهنیت که تمام علوم اولین و آخرین و معارف بشری در قرآن موجود است، در صد برآیند که مسلمانان را از تحقیق و کشف مطالب و علوم جدید، دور نگه دارند و از جهل آنان به نفع خود و برای سلطه بر آنها استفاده کنند. مسلمانان احتیاج به علوم جدید و پیشرفت‌های علمی دارند، تا در سایه قرآن و هدایت پیامبر (ص) و اهل‌البیت (ع) قلّه‌های سعادت و کمال را یکی پس از دیگری طی کنند.

مسائل علوم تجربی و عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمول‌های آنها بیان کرده باشد، بلکه به آیات الهی در زمین و آسمان برای سیر در ملکوت و تفکر در صنع الهی اشاراتی دارد تا به هدف تربیت و تزکیه انسانها نایل شود و بعید نیست منظور از بیان همه‌چیز در قرآن مسائل دینی و هدایتی مردم باشد همان‌طور که بعضی از مفسران هم گفته‌اند (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۹۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۶۲۸؛ طباطبایی، ۱۲، ص ۳۲۴-۳۲۵).

نتیجه‌گیری

ظاهر آیات قرآن، بر تمام علوم بشری (با تمام فرمول‌ها و جزئیات آن) دلالت ندارد و اگر با توجه به بطون و علم پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) کسی چنین چیزی اثبات کند، از محل بحث ما خارج است و علم آن، مختص به پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) است. بلی در قرآن، اشاراتی به بعضی از علوم و مطالب علمی

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مكرم، (۱۴۱۴)، لسان العرب، چاپ اول، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
۳. بحرانی، هاشم، (بی تا)، البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الرساله.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت - دمشق، دار القلم - دار الشامیه.
۵. ذهبی، محمد حسین، (بی تا)، التفسیر والمفسرون، قاهره، مکتبه وهبه للنشر.
۶. رشید رضا، محمد، (۱۹۹۰)، تفسیر المنار، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب.
۷. زمخشری، محمود بن عمر، (۱۴۰۷)، الکشاف، بیروت، دارالکتاب العربی، تصحیح/ مصطفی حسین احمد، چاپ سوم.
۸. سرفرازی، عباسعلی، (۱۳۶۷)، رابطه علم و دین، تهران، دفتر نشر فرهنگ، چاپ پنجم.
۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، (۱۳۹۴)، الاتقان فی علو القرآن، محقق، محمد ابو الفضل ابراهیم، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب.
۱۰. شاطبی، ابراهیم، (۱۴۱۷)، الموافقات، محقق، ابو عبیده مشهور بن حسن آل سلمان، عربستان، دار ابن عفان، چاپ اول.
۱۱. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم، (۱۳۷۱)، التصور و التصدیق، چاپ پنجم، قم، بیدار.
۱۲. (۱۴۲۵)، الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأریع، قم، طبعه الندر، چاپ اول.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، (۱۳۹۱)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
۱۴. (۱۳۷۶)، قرآن در اسلام، مصحح، محمدباقر بهبودی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. (۱۴۲۰)، نهاییه الحکمه، تصحیح/ تعلیق، عباس علی زارعی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ پانزدهم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۵)، مجمع البیان، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول.
۱۷. طنطاوی، محمد سید، (۱۹۹۷)، التفسیر الوسیط للقرآن الکریم، قاهره، دار نهضه مصر للطباعه، چاپ اول.



۱۸. عسکری، حسن بن عبدالله، (۱۴۰۰)، الفروق فی اللغة، بیروت، دار الآفاق الجدیدة، چاپ اول.
۱۹. غزالی، ابو حامد محمدبن محمد، (۱۹۴۵)، إحياء علوم الدین، بیروت، دارالمعرفه للطباعه والنشر.
۲۰. (۱۴۰۶)، جواهر القرآن، محقق، محمد رشید رضا القبانی، بیروت، دار إحياء العلوم، چاپ دوم.
۲۱. فراهیدی، خلیل بن أحمد، (۱۴۰۹)، کتاب العین، قم، نشر هجرت، چاپ دوم.
۲۲. فیومی، أحمد بن محمد، (۱۴۱۴)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، قم، مؤسسه دار الهجره، چاپ دوم.
۲۳. فیض کاشانی، محسن، (۱۴۱۶)، تفسیر صافی، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب، (۱۳۸۷)، الکافی، قم، دارالحدیث، چاپ اول.
۲۵. متقی الهندی، علی بن حسام الدین، (۱۴۰۱)، کنز العمال فی سنن الاقوال، محقق، بکری حیانی؛ صفوه الصقاه، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ پنجم.
۲۶. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۷۱)، میزان الحکمه، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ چهارم.
۲۷. مسعود، جبران، (۱۳۷۶)، الرائد، محقق، رضا انزابی نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی، چاپ دوم.
۲۸. مظفر، محمد رضا، (۱۳۷۳)، المنطق، قم، انتشارات فیروزآبادی، چاپ یازدهم.
۲۹. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۹۱)، معارف قرآن، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، چاپ هفتم.

پیشگیری و کنترل عفونت‌های نوپدید با الهام از تعالیم قرآن کریم

محمد ربانی خوراسگانی^۱، ستاره پدram^۲

۱- دانشیار میکروبیولوژی، گروه زیست‌شناسی سلولی مولکولی و میکروبیولوژی، دانشکده علوم و فناوری‌های زیستی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول: m.rabbani@biol.ui.ac.ir)
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد میکروبیولوژی میکروب‌های بیماریز، گروه زیست‌شناسی سلولی مولکولی و میکروبیولوژی، دانشکده علوم و فناوری‌های زیستی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

چکیده

از دیرباز بیماری‌های عفونی با خسارات گسترده انسانی و اقتصادی از تهدیدهای جدی حیات بشری بوده است بخصوص وقتی این عفونت‌ها مرزهای جغرافیایی را در می‌نوردیدند و از شهر و استان گذشته و در قامت اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها ظاهر می‌شدند. هرچند پیشرفت‌های علمی بویژه در دو عرصه مهم واکسیناسیون و آنتی‌بیوتیک درمانی مهار عفونت‌ها را نوید داد اما بشر هر از گاهی مواجه با هجوم عوامل عفونی جدید و شکل‌گیری عفونت‌های نوپدید یا بازگشت عفونت‌های قدیمی می‌شود و این نگرانی همچنان وجود دارد که نکند بشر مغلوب عامل عفونی لجام گسیخته‌ای شود که به حیات او خاتمه بخشد و یا لاقل زندگی او را به شدت متاثر سازد چنانچه امروزه ویروس کورونا گسترده وسیع جمعیت انسانی را دربر گرفته، بیش از صد و چهل میلیون نفر مبتلا و بیش از سه میلیون مورد مرگ و میر را در پی داشته و میلیاردها انسان را نگران و بسیاری امور بشری را تحت‌الشعاع خود قرار داده است. در سال‌های اخیر، توجه دانشمندان معطوف شناسایی بستری‌های شکل‌گیری عفونت‌های نوپدید شده است تا از آن رهگذر بتوان به پیشگیری از اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها همت گماشت و از رخداد‌های فاجعه‌آفرین جلوگیری کرد. بر این اساس عوامل محتمل موثر در تکوین عفونت‌ها، مورد مطالعه گسترده قرار گرفته‌اند. تاثیر سبک زندگی در شکل‌گیری عفونت‌ها نیز از موضوع‌های تحقیقاتی مهم سال‌های اخیر بوده است. در این مقاله، پس از بیان برخی گزاره‌های اساسی سبک زندگی اسلامی در حیطه سلامت به‌ویژه موارد مرتبط با پیشگیری و مدیریت بیماری‌های واگیر (لزوم اهتمام به حفظ سلامتی، عقلانیت، جامعیت و مسوولیت اجتماعی)، علل مهم تکوین همه‌گیری‌های عفونی نوپدید یعنی: تغییر رفتار انسان و خروج او از مسیر طبیعی، سبک تغذیه، روابط انسان و حیوانات و غفلت از هدفداری حیات و به هم زدن تعادل طبیعی مطرح و تاثیر سبک زندگی اسلامی بر کنترل عوامل مذکور و در نتیجه پیشگیری از تکوین عفونت‌های نوپدید مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

واژه‌های کلیدی: بیماری‌های عفونی نوظهور، عفونت، اسلام، سبک زندگی، اپیدمی، پاندمی

مقدمه

گذشته بیماری‌های عفونی تصاویر غم‌انگیزی از اشاعه بیماری‌های عفونی و خسارات جسمی و مادی آنها نمودار می‌سازد به‌خصوص وقتی این عفونت‌ها مرزهای جغرافیایی را در می‌نوردیدند و از شهر و استان گذشته و اپیدمی‌ها (Epidemics) در قامت پاندمی‌ها (Pandemics) ظاهر می‌شدند، میلیون‌ها انسان مبتلا و از میان آنان جمع زیادی جان‌باخته و ابعاد فاجعه‌آمیز

هرچند تعیین دقیق قدمت رخداد بیماری‌های عفونی (Infectious diseases) آسان نیست اما حضور دیرپای عفونت‌هایی چون سل مورد توجه قرار گرفته است. مهم‌تر از گذشته بیماری‌های عفونی، آینده آنهاست و مطالعه گذشته‌نگر عفونت‌ها از آن جهت بیشتر به کار می‌آید که با استفاده از آنها بتوان برای آینده تدبیری کرد.



پیشگیری از تکوین اپیدمی‌ها و پاندمی‌های جدید مورد توجه قرار گرفته است.

سبک زندگی

نگارش و پژوهش در موضوع سبک زندگی، ابعاد و آثار آن بویژه بر سلامت انسان با استقبال زیادی در جوامع علمی و فضای رسانه‌ای مواجه شده است چنانچه مقالات متعددی در این زمینه وجود دارد و بخش قابل توجهی از مندرجات سایت‌های اینترنتی به این نوع موضوعات اختصاص یافته است. تعریف سبک زندگی هم آسان و هم پیچیده است، اما اجمالاً می‌توان گفت: راه و روشی که مردم در زندگی، بسته به زمان و مکان خاص، بکار می‌گیرند و شامل رفتار و اعمال آنهاست. سبک تغذیه، روابط خانوادگی و اجتماعی، رسانه‌ها، فعالیت‌های بدنی، تنظیم اوقات، آداب کار، تفریح و فعالیت‌های فوق برنامه دیگر، الگوی خواب و بیداری، روابط جنسی و ... از مصادیق سبک زندگی هستند (۲۴). از جمله مباحث قابل تامل در این زمینه، خاستگاه نظری سبک زندگی و نگاه مکاتب فکری نسبت به آن است. ادیان موجود و مکاتب گوناگون فکری به یک میزان به انسان و سبک زندگی او نپرداخته‌اند. مکتب اسلام نه تنها نسبت به سبک زندگی انسان بی تفاوت نیست بلکه خود، سبک زندگی جامع و غیرقابل گذشتی برای انسان دارد که آثار آن، سلامت انسان را هم تحت الشعاع قرار می‌دهد. اسلام به‌عنوان آخرین مکتب آسمانی با نگاهی جامع به انسان و با ارایه شریعت، تمام مراحل حیات او، از تکوین گنجینه ژنتیکی تا مرگ و زندگی در سرای آخرت را مدنظر داشته است و در آیات متعدد، احادیث فراوان و منابع گوناگون فقهی، روایی، تاریخی و ادبی جهان اسلام، نه تنها از سبک زندگی انسان غفلت نشده است بلکه ابعاد گوناگون آن مورد تصریح یا اشاره قرار گرفته است. البته سبک زندگی اسلامی را با

اقتصادی و فرهنگی این عفونت‌ها، برای سالیان طولانی عوارض خود را نمودار می‌ساخت (۱۰). تلاش‌های انسان برای مهار این فجایع، لاقلاً در کوتاه‌مدت، با شکست مواجه شده و او نومید از اقدامات خود، در هر عرصه‌ای به دنبال راه حل می‌گشت. بدون شک، پیشرفت‌های علمی به‌خصوص در قرن بیستم با کمک دو بازوی مهم واکسیناسیون و آنتی‌بیوتیک درمانی، مهار برخی عفونت‌های مهم را به‌منصه ظهور رساند چنانچه به زعم برخی دانشمندان، مقدمات جشن ریشه‌کنی عوامل عفونی آماده شده بود. اما این داستان خاتمه نیافت و بشر، هر از گاهی با هجوم عامل عفونی جدید و شکل‌گیری عفونت نوپدید (Emerging infection) مواجه می‌شود و یا عفونت‌های قدیمی منکوب و فراموش شده دوباره سر بر می‌آورند و این نگرانی همچنان وجود دارد که نکند بشر مغلوب عامل عفونی لجام گسیخته‌ای شود که به حیات او خاتمه بخشد و یا لاقلاً زندگی او را به شدت متاثر سازد چنانچه امروزه ویروس کورونا گستره وسیع جمعیت انسانی را دربر گرفته، ابتلای بیش از صد و پنجاه میلیون نفر، مرگ و میر حدود سه میلیون نفر گزارش شده و میلیاردها انسان را نگران و بسیاری امور بشری را تحت الشعاع خود قرار داده است. بر این اساس، در سال‌های اخیر، توجه دانشمندان معطوف شناسایی بسترهای شکل‌گیری عفونت‌های نوپدید شده است تا از آن رهگذر بتوان به پیشگیری از اپیدمی‌ها و پاندمی‌ها همت گماشت و از رخدادهای فاجعه‌آفرین جلوگیری کرد. لذا عوامل محتمل موثر در تکوین عفونت‌ها، مورد مطالعه گسترده قرار گرفته‌اند و از میان آنها، تاثیر سبک زندگی در شکل‌گیری بیماری‌ها از جمله عفونت‌ها از موضوع‌های تحقیقاتی مهم سال‌های اخیر است که در این مقاله این موضوع با تمرکز بر



عاقبت- بلوی (گرفتاری) و نشاط- کسالت به ترتیب به‌عنوان تعدادی از سپاهیان عقل و جهل معرفی شده‌اند (۱). جایگاه کلیدی عقلانیت در سبک زندگی اسلامی، آن را از سطحی‌نگری، تحجر و جمود حفظ می‌کند و راه استفاده از آخرین یافته‌های علمی را ضمن حفظ رویکردهای اساسی دین هموار می‌سازد و رهایی از قید و بندهای آداب، سنن و عادات ناپسند جاهلی و رعایت مصلحت‌های حقیقی را میسر می‌کند. بخشی از خسارت‌های امروز جامعه ما بخصوص در عرصه تکوین و برخورد با حوادث و بلیات، ناشی از غفلت از عقلانیت است لذا تقویت جایگاه عقلانیت برای دستیابی به سبک زندگی اسلامی ضروری است و الا افراط و تفریط و گرایشات سلفی یا اباحی‌گری ما را از هدف دور خواهد کرد. بدیهی است گستره و عمق مباحث مرتبط با عقل در متون دینی، فلسفی و دانش امروز نظیر روان‌شناسی و توجه به حوزه‌های مختلف آن نظیر عقل نظری، عقل عملی و عقل معاش و نحوه ورود این مباحث در مباحث سبک زندگی و راهکارهای تقویت عقلانیت در جامعه، تلاش بیش از پیش محققان و اندیشمندان را می‌طلبد. ج- جامعیت: سومین گزاره مهم سبک زندگی اسلامی در عرصه سلامت، جامعیت است. انسان مسلمان در معرکه زندگی حضور فعال دارد و از نعمت‌های الهی بهره می‌گیرد اما این بهره‌گیری در راستای کمال‌طلبی و نیل به موقعیت انسان آرمانی (در بعد فردی) و جامعه آرمانی یا مدینه فاضله، در بعد اجتماعی است. در سبک زندگی اسلامی، اجزای مختلف به نحو مطلوب مرتبط و بهم پیوسته می‌شوند تا ابعاد گوناگون حیات مادی و معنوی آدمی پوشش داده شود. انسان از غذا، لباس، مسکن و سایر مواهب مادی بهره می‌گیرد اما اینها هدف اصلی نیستند. در سبک زندگی اسلامی، تلاش و

سبک زندگی امروز مسلمانان نباید یکسان گرفت بلکه باید آن را عالمانه شناخت و تحلیل کرد. در اینجا، پیش از بیان مصادیق سلامت‌محور از سبک زندگی اسلامی، به معرفی برخی گزاره‌های اساسی سبک زندگی اسلامی در حیطه سلامت پرداخته می‌شود:

گزاره‌های اساسی سبک زندگی اسلامی برای سلامت

برخی گزاره‌های سبک زندگی اسلامی در حیطه سلامت بویژه موارد مرتبط با پیشگیری و مدیریت بیماری‌های واگیر از جمله در شرایط اپیدمی و پاندمی عبارتند از: الف- لزوم اهتمام به حفظ سلامتی: هر چند از نظر برخی مراقبت از سلامت مورد غفلت قرار می‌گیرد و حتی بعضی بی‌توجهی به سلامت را نشان شجاعت می‌دانند و مراعات سلامت را تن‌پروری حساب می‌کنند تعالیم اسلامی در قرآن کریم و احادیث منقول از پیشوایان دین و احکام دینی در رساله‌های فقهی بر لزوم رعایت حفظ الصحة تاکید دارند (۲۱،۱۴). اگر این امر باورعام جامعه اسلامی بشود و در سبک زندگی مراعات شود تاثیرات بسیار مهمی در پیشگیری و کنترل بیماری‌های عفونی خواهد داشت. ب- عقلانیت: گزاره مهم دیگر در سبک زندگی اسلامی، عقلانیت است. مروری اجمالی در قرآن کریم و سخنان وسیره معصومان علیه‌السلام حاکی از جایگاه ویژه عقلانیت است. یکی از احادیث مشهور در این زمینه، حدیث جنود عقل و جهل است که در کتب روایی شیعه از جمله در کتاب شریف تحف‌العقول نوشته مرحوم‌الحرانی از علمای قرن چهارم، سفارش‌های مبسوط حضرت امام موسی کاظم علیه‌السلام به هشام درباره عقل در چندین صفحه آمده است. در این حدیث، سپاهیان عقل و جهل معرفی شده‌اند و ایمان- کفر، تفکر- سهو (بی‌خیالی)، سلامت- بلا، نظافت- قذر (کثافت)،



برای دیگران هم می‌پسندد و آنچه برای خود نمی‌پسندد برای دیگران هم نمی‌پسندد. در عرصه سلامت هم انسان مسلمان، نسبت به تامین سلامت دیگران، احساس مسوولیت می‌کند در نتیجه: الف- تنها به سلامت فردی نمی‌اندیشد بلکه سلامت آحاد جامعه برایش اهمیت دارد. ب- از آنچه برای سلامت دیگران ضرر دارد یا گمان عقلایی ضرر برای آن می‌رود اجتناب می‌کند. ج- در ارتقای سلامت جامعه مشارکت دارد و این امر می‌تواند از طریق مشارکت در تامین نیازهای غذایی، پوشاک، مسکن افراد و ... باشد (تاکید روایات بر رفع حوائج دیگران). د- امر به معروف و نهی از منکر که مسوولیت همگانی است را در حوزه سلامت جاری می‌سازد. این موارد به پیش‌گیری از همه‌گیری‌های عفونی و کنترل آنها کمک می‌کند.

علل تکوین همه‌گیری‌های عفونی نوپدید و تاثیر سبک زندگی اسلامی بر پیشگیری از آنها
همه‌گیری‌های عفونی چه در حد استان و کشور (اپیدمی) و چه در حد جهان (پاندمی) می‌تواند پیامد طغیان عفونت‌های جاری، بازگشت عفونت‌های منسوخ قدیمی (عفونت‌های بازپدید (Reemerging infections) یا تکوین عفونت‌های جدید (عفونت‌های نوپدید) نظیر کورونا باشد. شاید خطر عفونت‌های نوپدید بیشتر از موارد دیگر باشد چون آمادگی قبلی معمولاً وجود ندارد و از دارو و واکسن موثر خبری نیست. در اینجا برخی از مصادیق تاثیر سبک زندگی اسلامی بر پیشگیری از تکوین همه‌گیری‌های عفونی با تمرکز بر عفونت‌های نوپدید ذکر می‌شود. در مورد تکوین عفونت‌های نوپدید، علل مختلفی ذکر می‌شود که در برخی از آنها سبک زندگی

کوشش برای رفع نیازهای مادی ارزشمند است (الکاد علی عیاله من حلال کالمجاهد فی سبیل الله (۴)، اما انسان در این مرحله متوقف نمی‌شود (یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه، آیه ۶ سوره انشقاق) لذا در عین تلاش مادی، نیتی الهی دارد چنانچه پیامبر اکرم (ص) به ابوذر غفاری برخورداری از نیتی الهی در هر کار را تاکید فرمود: لیکن لک فی کل شیء نیه حتی فی الاکل و النوم (۲۶)، لذا در سبک زندگی اسلامی، پرورش جسم، مقدمه تعالی روح قرار می‌گیرد و انسان از بستر حیوانیت تعالی ملکوتی پیدا می‌کند. سلامت جسم، علاوه بر اهمیت ذاتی، چون جسم مرکب روح است اهمیت مضاعف می‌یابد تا سلامت فرد و جامعه حاصل شود. جامعه سالم، فراغت و ظرفیت بهتر عبادت و بندگی می‌یابد و جامعه بیمار، موانع بیشتری برای تعالی معنوی دارد. د- مسوولیت اجتماعی: انسان مسلمان در حصار فردیت محدود نمی‌ماند و نسبت به سرنوشت بشریت نیز احساس مسوولیت می‌کند. استاد مرتضی مطهری می‌نویسد: «نیازهای مشترک اجتماعی و روابط ویژه‌ی زندگی انسانی، انسان‌ها را آنچنان به یکدیگر پیوند می‌زند و زندگی را آنچنان وحدت می‌بخشد که افراد را در حکم مسافرانی قرار می‌دهد که در یک اتومبیل یا یک هواپیما یا یک کشتی سوارند و به سوی مقصدی در حرکت‌اند و همه با هم به منزل می‌رسند و یا همه باهم از رفتن می‌مانند و همه باهم دچار خطر می‌گردند و سرنوشت یگانه‌ای پیدا می‌کنند» (۲۷). این بدان معناست که رشد انسان مسلمان در بستر جامعه صورت می‌گیرد و غم و شادی، سلامت و بیماری، رشد و عقب ماندگی و ... افراد جامعه در سرنوشت یکدیگر تاثیر می‌گذارد. در سبک زندگی اسلامی، انسان نسبت به سرنوشت آحاد جامعه مسوولیت دارد، آنچه برای خود می‌پسندد



دسته‌بندی غذاها به حلال و حرام (۹،۱۲)، منع مصرف غذاهای با منشاء حیوانات حرام گوشت (۲)، منع کلی خوردن حیوانات زنده، منع خوردن خبایث و پلیدی‌ها مثل خون، ادرار، منی، مردار، موادی که طبع انسان از آن متنفر است و ... مانع از ورود طیفی از میکروارگانیسم‌های موجود در طبیعت به بدن انسان، دسترسی آنها به میزبان جدید و شکل‌گیری عفونت‌های نوپدید می‌شود (البته این استنتاج بدان معنی نیست که فلسفه اصلی این احکام الزاما این مورد است) (۲۴). اسلام از ۱۴۰۰ سال پیش دستوراتی داشته است که در جهت حفظ سلامت فرد و جامعه بوده‌اند، توصیه به خوردن برخی مواد غذایی با اثر طبیعی ضد میکروبی، دستوراتی برای کنترل آلودگی آب شرب و مواد غذایی مصرفی مانند نهي از آلوده کردن آب و تاکید بر سربسته بودن ظروف و شستشوی دست‌ها قبل از خوردن غذا از مواردی است که به جلوگیری از گسترش بیماری‌های واگیردار و ایجاد پاندمی کمک می‌کند. از آنجایی که دست‌ها به‌عنوان یک عامل مهم انتقال عفونت به حساب می‌آیند شستشوی مداوم آنها مورد تاکید اسلام بوده است، چنانچه پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه و آله و سلم به لزوم حفظ شستشوی دست‌ها قبل از خوردن غذا تاکید بسیار می‌کردند (۶). رعایت مصادیق مذکور می‌تواند محدودکننده انتقال میکروارگانیسم‌ها از طریق آب و غذا و انتقال فرد به فرد و سبب پیشگیری از شکل‌گیری اپیدمی جدید باشد. علاوه بر این، دستورات اسلام در حوزه تغذیه منجر به تعادل غذایی و جسم سالم می‌شود که خود سد محکمی در برابر عفونت‌هاست (۱۸).

تغییر رفتار انسان و خروج او از مسیر طبیعی

تأثیر مهمی دارد که ذیلاً مورد بررسی قرار می‌گیرند:

سبک نامطلوب تغذیه

رفع نیازهای غذایی از دغدغه‌های اصلی انسان بوده است که متناسب با شرایط زیست، نوع مواد غذایی در دسترس و فرهنگ غذایی به اشکال مختلف انجام می‌شده است. از طرف دیگر، غذا راه مهم و متداول برای ورود برخی میکروارگانیسم‌ها و عوامل عفونی به بدن انسان است. تنوع گسترده مواد غذایی با منشاءهای گوناگون بویژه مواد غذایی حیوانی، تنوع سلاقی بشری بسته به اقوام، نژادها و ملیت‌های گوناگون و جمعیت میلیاردی بشر در کنار محدودیت‌های اقتصادی، سیطره نظام سرمایه‌داری جهانی، وجود جریان‌های اقتصادی و فرهنگی نامطلوب نافذ و تنوع‌طلبی انسان سبب شده است مواد گوناگونی در سبد غذایی انسان قرار گیرد که برخی می‌توانند عامل انتقال عوامل میکروبی غیر متعارف به انسان و شکل‌گیری بیماری‌های جدید باشند. در واقعه مهم شکل‌گیری اپیدمی و سپس پاندمی ویروس کرونا، یکی از فرضیات، انتقال ویروس از خفاش یا برخی حیوانات وحشی دیگر مثل مورچه‌خوار به انسان است (۷). در کشور بزرگی مثل چین، تنوع گسترده غذایی بدون رعایت چهارچوب‌های دینی و به‌خصوص اسلامی قابل ملاحظه است و همین امر می‌تواند زمینه‌ساز تماس نزدیک انسان و حیوانات وحشی و ورود میکروارگانیسم‌های غیر متعارف موجود در این حیوانات از طریق تماس و تغذیه به انسان و شکل‌گیری عفونت‌های جدید باشد. در تعالیم دینی به‌خصوص در فقه اسلامی، چهارچوب غذایی مشخصی وجود دارد که می‌توان از آن تحت عنوان سبک غذایی اسلام نام برد.



ایدز، سازمان بهداشت جهانی از تعالیم اسلامی برای کنترل ایدز استمداد کرد (۸).

روابط نامناسب انسان و حیوانات

با توجه به اینکه حیوانات اعم از اهلی و وحشی به‌عنوان حامل و یا مخزن میکروارگانیسم‌های بیماری‌زا یا بالقوه بیماری‌زا می‌توانند محسوب شوند نقش آنها در شکل‌گیری عفونت‌های جدید حایز اهمیت است. سازمان بهداشت جهانی از شش فاز شکل‌گیری عفونت جهان‌گیر (پاندمی) با تمرکز بر بیماری آنفلوانزا، سه فاز نخست را شامل موارد زیر می‌داند. اول: حضور عامل در حیوانات، دوم: گزارش عفونت انسانی توسط آن عامل، سوم: رخداد موارد تک‌گیر (اسپورادیک) یا محدود در جمعیت انسانی توسط ویروس حیوانی یا ویروس بازآرایی‌شده حیوانی- انسانی. به‌عبارت دیگر، تماس انسان- حیوان بستر شکل‌گیری اپیدمی و سپس پاندمی است و این امر در مورد ایدز و آنفلوانزا تصریح شده است. امروزه ارتباطات انسان و حیوان گسترده‌تر و بعضاً از حالت طبیعی خارج شده است. در دو دهه اخیر دو کورونا ویروس خطرناک SARS و MERS از حیوانات به انسان منتقل شدند و به‌عنوان کورونا ویروس مشترک و قابل انتقال بین انسان و حیوان (Zoonoses) محسوب شدند (۹). در پاندمی ویروس کرونای جدید، یکی از فرضیات، انتقال ویروس از خفاش یا برخی حیوانات وحشی دیگر به انسان است که در چین به‌عنوان غذا استفاده می‌شود (۷). در مورد ایدز هم ارتباط انسان با حیوانات دیگر (پریمات‌ها) که ویروس‌های نزدیک به عامل ایدز در آنها وجود داشته است و مورد شکار انسان نیز قرار گرفته‌اند از علل شکل‌گیری پاندمی ایدز شمرده شده است (۱۵). به‌نظر می‌رسد باز تعریف روابط انسان- حیوان بر اساس تعالیم دینی، عقلانیت و یافته‌های علمی برای پیشگیری از شکل‌گیری

یکی از علل مهم شکل‌گیری عفونت‌های نوپدید، تغییر رفتار انسان و خروج او از مسیر طبیعی است. این امر در مورد بیماری‌های منتقله از راه جنسی (Sexually transmitted diseases=STD) قابل مذاقه است. از معضلات مهم بشری، بیماری‌های منتقله از راه جنسی است که کم و بیش جوامع مختلف را درگیر کرده است و یکی از این موارد، یعنی بیماری ایدز از پاندمی‌های مهم با حدود هشتاد میلیون مبتلا و بیش از سی میلیون تلفات است. بدون تردید، سبک زندگی در حوزه روابط جنسی در این رابطه نقش مهمی دارد. بی‌بندوباری جنسی، داشتن شرکای جنسی متعدد، روابط جنسی غیرطبیعی نظیر هم‌جنس‌بازی و ... اگر در شکل‌گیری اپیدمی‌های این بیماری‌ها دخالت مستقیم نداشته باشد قطعاً در گسترش آنها دخالت دارد چنانچه نسبت ایدز در هم‌جنس‌بازان بیش از سایر جمعیت‌هاست. خسارات جانی و مالی این بیماری چون بتدریج اتفاق افتاده است امروزه کمتر حساسیت برانگیز است با اینکه هنوز واکسن و درمان قطعی ندارد. نگارنده در مقاله جداگانه به تاثیر سبک زندگی اسلامی در پیشگیری از عفونت‌های منتقله از راه جنسی پرداخته است (۱۳). سبک زندگی اسلامی در این عرصه تاثیر به‌سزایی در پیشگیری و مهار اپیدمی‌ها دارد. تاکید برارضای مطلوب‌گریزه جنسی، ترغیب به ازدواج و سرعت در تشکیل این کانون امن روابط جنسی، حرمت بی‌بندوباری جنسی و روابط غیرطبیعی مانند هم‌جنس‌بازی، تاکید بر رعایت حیا و نهی از پرده‌داری در روابط جنسی و تحریک شهوات، حرمت مشروبات الکلی و در نتیجه پیشگیری از رفتارهای کنترل‌نشده و مجازات برای روابط جنسی نامشروع علنی نظیر زنا و لواط در این زمینه نقش مهمی دارد چنانچه در اوج بحران



پاندمی‌های جدید ضرورت دارد. در تعالیم دینی به‌خصوص در فقه اسلامی، چهارچوب‌های مشخصی برای ارتباط با حیوانات وجود دارد. چنانچه ضمن توصیه به شفقت نسبت به آن‌ها، محدودیت‌های مهمی برای این ارتباط قرار داده شده است. در این ارتباط، از رعایت کرامت انسان، پیشگیری از مخاطرات بالقوه برای سلامت انسان، رعایت طهارت و اجتناب از نجاساتی مثل خون، مردار و ... و محدود کردن شکار حیوانات به رفع نیازهای غذایی از حیوانات حلال گوشت (و نهی از شکار تفریحی) می‌توان نام برد (۱۹،۲۲،۲۵).

غفلت از هدف‌داری حیات و بهم‌زدن تعادل طبیعی

با پیشرفت دانش بشری، توانمندی او برای بهره‌برداری از عرصه‌های طبیعت و مداخله در آنها برای استفاده دلخواه افزایش یافت. نگرش انسان محوری مطلق و او را حاکم مطلق‌العنان طبیعت شمردن و رقابت روزافزون برای بهره‌برداری پرشتاب از مواهب خداداد طبیعت، منجر به آسیب‌های مهم در حیات نظیر بهم‌خوردن اکوسیستم‌های طبیعی و چرخه‌های حیات شده است و این امر سبب تغییر زیستگاه‌های موجودات، ایجاد فشار برای تغییرات ژنتیکی در میکروارگانیسم‌ها و شکل‌گیری سویه‌های جدید آنها گردیده است لذا با این روند باید منتظر شکل‌گیری مستمر اپیدمی‌ها و پاندمی‌های جدید بود (۱۳). در نگرش اسلامی و به تبع آن سبک زندگی اسلامی، انسان به اجزای طبیعت به‌عنوان طعمه و رقیب نگاه نمی‌کند و علی‌رغم جواز تسخیر طبیعت، مبانی اساسی، حفظ تعادل در نظام هستی، تغییرات حداقلی و رعایت حق حیات سایر موجودات است و حتی بالاتر از این نسبت به جلوه‌های حیات نگاه محبت‌آمیز دارد و به‌قول



زندگانی پیشوایان دین و به‌عبارت بهتر در دل سبک زندگی اسلامی بیان می‌دارد. در اینجا، مصادیقی از سبک زندگی اسلامی در راستای مراعات همبستگی حیات و حفظ تعادل طبیعی ذکر می‌شود: -دعوت به مطالعه اندیشمندانه پدیده‌های طبیعی- دعوت به نگرش مثبت و نگاه "آیه‌ای" به جهان خلقت- بهره‌گیری روحی روانی از طبیعت مثلاً با نگاه به سبززار- حراست از محیط زیست با احتراز از قطع درختان سرسبز حتی نخل سرزمین دشمن- رعایت حقوق حیوانات: نهی از کشتن موجودات (دواب)، نهی از حمله به لانه‌های حیوانات و سلب استراحت و ایذای آنان- اجتناب از خروج از اعتدال در برخورد با حیوانات: حرمت روابط جنسی با حیوانات، نهی بت‌پرستی و خرافه‌پرستی و رعایت کرامت انسان و ... (۲۲، ۱۹). احکام فقهی مرتبط با حیوانات: حرمت مصرف خوراکی حیوانات حرام گوشت، نهی از شکار تفریحی، احکام نجاسات با منشأ حیوانات (۲۰). رعایت مصادیق مذکور می‌تواند محدودکننده انتقال میکروارگانیسم‌ها از حیوانات به انسان و پیشگیری از شکل‌گیری عفونت‌های جدید باشد.

عدم رعایت بهداشت فردی و افزایش تماس با منابع بالقوه انتقال میکروارگانیسم‌های بیماریزا برخی مواد، بویژه مواد با منشأ زیستی، کانون‌های بالقوه حضور میکروارگانیسم‌ها هستند و توسعه دسترسی این عوامل به میزبان انسانی، می‌تواند بسترساز شکل‌گیری تغییرات ژنتیکی باشد و حاصل امر ممکن است عفونت‌های خطرناک با چهره و قواره جدید و چه‌بسا مقاوم به روش‌های درمانی رایج باشد. بر این اساس رعایت بهداشت و مراقبت فردی، می‌تواند از تماس انسان با مواد بالقوه بیماریزا بکاهد. بهداشت فردی از مواردی است که به انحراف مختلف در سبک زندگی اسلامی مورد توجه قرار

دیگر می‌شود و در نتیجه دانش (به) موجوداتی دیگر وابسته و نیازمند است (۳) امام خمینی (ره) در نامه‌ای به فرزند خود حجه‌الاسلام والمسلمین حاج سیداحمد خمینی (ره) می‌نویسد: پسر! اگر می‌توانی با تفکر و تلقین نظر خود را نسبت به همه موجودات بویژه انسان‌ها نظر رحمت و محبت کن مگر نه این است که کافه موجودات از جهات عدیده که به احصاء در نیاید مورد رحمت پروردگار عالمیان می‌باشند، مگر نه آنکه "وجود" و "حیات" و ... از رحمت‌ها و موهبت‌های الهی است که گفته‌اند "کل موجود مرحوم" پس چرا آنچه و آنکس که مورد عنایت و الطاف و محبت‌های الهی است مورد محبت ما نباشد؟ و اگر نباشد این نقصی نیست برای ما؟! و کوتاه‌بینی و کوتاه‌نظری نیست؟! (۱۷). حیات انسان و سایر موجودات، از جانب خداوند متعال افزوده شده است و با توجه به نگاه معرفتی ذکر شده که هستی را هدفدار می‌داند و هر موجودی در نقشه جامع هستی از شان و مرتبت خاص برخوردار است و هیچ جزئی از خلقت بی‌هوده آفریده نشده است، حفظ حیات و حمایت از تداوم آن را می‌توان از اصول بنیادین و اساسی سبک زندگی اسلامی محسوب کرد. سلب یا آسیب به حیات جز در مواردی که هستی بخش جهان مجاز شمرده جایز نیست (۵). در مورد طبیعت، تا آنجاکه ممکن است، نباید «تعادل طبیعی» را برهم‌زد و تنها ضرورت‌های بالاتر، آن‌هم به تشخیص عقل سلیم و با رعایت موازین دینی اختیار تصرف در عدالت طبیعی را به انسان‌ها خواهد داد. هرچند ایجاد نگرش مطلوب نظیر تکریم جلوه‌های طبیعت با الهام‌گیری از قرآن کریم و احادیث در شکل‌گیری سبک زندگی مناسب تاثیر اساسی دارد اما تعالیم دینی به اصلاح نگرش بسنده نمی‌کند و تکالیف و توصیه‌هایی را در قالب احکام یا در سیره عملی



و مکان نمازگزار به کاهش بار آلودگی و انتقال آنها کمک می‌کند. در تکمیل بحث بهداشت فردی یادآور می‌شود اسلام با مقرر کردن وضو و غسل به‌عنوان مقدمه نماز و نیز غسل‌های مستحبی متعدد، امکان پاکیزگی و نظافت انسان را افزایش داده است. استاد شهید مرتضی مطهری (ره) در این باره می‌نویسند: اسلام به عبادت‌های فردی نیز آنچنان شکل داده است که متضمن انجام پاره‌ای از وظایف زندگی است مثلاً نماز که مظهر کامل اظهار عبودیت است چنان در اسلام شکل خاص یافته است که حتی فردی که می‌خواهد در گوشه خلوت به‌تنهایی نماز بخواند خودبه‌خود به انجام پاره‌ای از وظایف اخلاقی و اجتماعی از قبیل نظافت، احترام به حقوق دیگران، وقت‌شناسی، جهت‌شناسی، ضبط احساسات، اعلام صلح و سلم با بندگان شایسته خدا و غیره مقید می‌گردد (۹). برای آب مصرفی جهت غسل و وضو نیز شرایط خاصی ذکر شده است. علاوه بر این نظافت پوشاک هم به‌طور جداگانه در بهداشت فردی در متون دینی مورد تأکید قرار گرفته است (۲۱). هم‌چنین دستورات فقهی متضمن اجتناب از نجاسات در بهداشت فردی و پیشگیری از انتقال عوامل عفونی نقش به‌سزایی دارد: نجس شمرده‌شدن خون، مدفوع، ادرار و ...، حرمت خرید و فروش نجاسات، اجتناب از منابع انتقال آلودگی (مانند دستمال آلوده) و رعایت احکام مربوط به تخیل، احکام مربوط به مردار و اعضای جدا شده از بدن، احکام مربوط به مجامعت، احکام مربوط به مطهرات، آب، آفتاب و ...، انسان مسلمان خودبه‌خود از پاره‌ای عوامل بالقوه آلوده‌سازی خود و دیگران را به‌طور نسبی محافظت می‌نماید.

گرفته است که به برخی از آنها اشاره می‌شود: الف- تأکید بر نظافت شخصی: از نبی مکرم اسلام (ص) نقل شده است: تنظفوا بکل ما استطعتم، فان الله تعالی بنی‌الاسلام علی‌النظافه و لن یدخل الجنه الا کل نظیف. شستشو با آب از موارد مورد تأکید اسلام بوده است در آیه ۱۱ سوره انفال آمده است: و ینزل علیکم من السماء ماء لیطه‌رکم به. توصیه اسلام به رعایت نظافت در توسعه حمام‌ها بویژه در دوران شکوفایی تمدن اسلامی نقش شایانی داشته است. آداب حمام و نظافت از طریق مسلمانان اندلس به اروپا راه یافت و در قرن ۱۴ رفتن به گرمابه در فرانسه، آلمان و انگلیس به تدریج همگانی شد و صابون رواج یافت. تأکید بر استحمام و آداب آن نظیر تمیزی آب حمام و دفعات استحمام، کوتاه کردن ناخن و شارب و نهی از اشتراک در وسایل شخصی: حوله، شانه و مسواک در رعایت نظافت شخصی و پیشگیری از عفونت‌ها و کنترل آنها نقش به‌سزایی دارد (۲۱). ب- محدود کردن انتقال بیماری‌ها: در آموزه‌های اسلامی، تماس افراد پوشاندن سطح‌بندی شده‌است و علی‌رغم اجتماعی بودن بسیاری از اعمال دینی، برای پیشگیری از انتقال آلودگی‌ها دستورالعمل‌های روشنی دارد چنانچه در اسلام بر جلوگیری از انتشار ذرات تنفسی در هنگام عطسه و سرفه تأکید بسیار شده است که به‌خصوص در شرایط کنونی انتشار کرونا می‌تواند یکی از عوامل مهم جلوگیری از انتقال عفونت باشد، پیامبرگرامی اسلام صلی‌الله علیه و آله و سلم هنگام عطسه کردن صورت خود را با دست و یا با لباس خود می‌پوشاند (۶). ج- طهارت، مقدمه عبادات: با توجه به جایگاه اعمال عبادی، طهارت، مقدمه نماز و برخی دیگر از اعمال عبادی است و به افعالی چون وضو، غسل، مضمضه و استنشاق از این منظر نیز می‌توان نگریست. پاکی بدن، لباس

قالب سبک زندگی اسلامی به کنترل و پیشگیری
بیماری‌های نوپدید و بازپدید عفونی که امروزه
جهان را درگیر کرده است کمک شایانی کرد .

نتیجه‌گیری
باتوجه به آموزه‌های دین مبین اسلام در راستای
تامین سلامت بشر می‌توان با آگاهی از این
دستورات و رعایت آن‌ها و به‌کارگیری آن در

منابع

1. Al-Harani (Abu Muhammad Al-Hassan Ibn Ali Ibn Al-Hussein Ibn Shuba Al-Harani): The Gift of Minds, translated by Ahmad Jannati Ataiee, Eslamiieh Publications.
2. Adam F. (Mufti): 10 Islamic Guidelines on Pandemics and Epidemics. (2020)
3. <https://dailytimes.com.pk/582110/islam-on-pandemic/Updated at MARCH 24, 2020>.
4. Al-Mohammadi Al-Reishahri - Mohammad,1363, Mizan Al-Hikma,Qum, Islamic Media School Publishing Center, Volume 10, Hadith 20699
5. Bankipour Fard - Amir Hossein, Livelihood,2005, p.144.Haith -e- Rah-e- Eshgh Publications
6. Gada M. Y. : Environmental Ethics in Islam: Principles and Perspectives, World Journal of Islamic History and Civilization, (2014),4(4):130-138.
7. Junaid Amin, Ammar Ahmed Siddiqui, Mohammad Ilyas, et al, Quarantine and Hygienic Practices about Combating Contagious Disease like COVID-19 and Islamic perspective, Journal of Critical Reviews, ISSN-2394-5125
8. V7.Kandola A. Coronavirus cause: Origin and how it spreads, Medically reviewed by Meredith Goodwin, FAAFP on March 17, 2020, <https://www.medicalnewstoday.com/articles/coronavirus-causes#transmission> OL 7, ISSUE 13, 2020
9. Karimi - Mansoureh (translator),1995, The role of religion and ethics in the prevention and control of AIDS, published by the World Health Organization.
10. Lee P-I & Hsueh P-R: Emerging threats from zoonotic coronaviruses—from SARS and MERS to 2019-nCoV. Journal of Microbiology, Immunology and Infection, (2020), <https://doi.org/10.1016/j.jmii.2020.02.001>.
11. LePan N: A visual history of pandemics, World Economic Forum, (2020), <https://www.weforum.org/agenda/2020/03/a-visual-history-of-pandemics/>
12. Motahari- Morteza, A survey on Nahj al-Balaghah, Sadra Publications, 1981, 1354-82.
13. Nurdeng, D: Review Article Lawful and unlawful foods in Islamic law focus on Islamic, (2009)
14. Motahari- Morteza, 1995, Collection of Publications (1): Divine Justice, Sadra Publications, sixth edition, pp. 163-167.
15. Motahhari- Morteza 2005, Education in Islam, Al-Zahra Publications, pp. 39-42.
16. Naeni- Alireza and Rabbani Khorasgani-Mohammad,1374, Animal rights from the perspective of Quran and hadiths., Daneshvar 7, (26) 43-50
17. Nava A. et al: The Impact of Global Environmental Changes on Infectious Disease Emergence with a Focus on Risks for Brazil. Institute for Laboratory Animal Research, 2017, Vol. 58, No. 3, 393-400.
18. medical and ethical aspects, International Food Research Journal 16: 469-478.
19. Motahari- Morteza: Society and History, Islamic Publications Office.
20. Fattahi Masoom - Seyed Hossein and Zarvandi - Mehdi, 2005: Nutrition from the perspective of Islam and medical knowledge, Astan-e- Quds Razavi Publications.
21. Rabbani Khorasgani - Mohammad, 2006, An excerpt from the views of Allameh Mohammad Taghi Jafari on animal rights, Noskheh (Veterinary Medicine), 10.
22. Rabbani- Mohammad, Culture and Nature, Knowledge and Religion, Basij Asatid Organization Publications, under publication.
23. Rabbani M. 2005. . Culture and Health: Science and Religiousness, Basij
24. Rabbani Khorasgani - Mohammad, 2004, Ethical issues in animal testing, Noskheh (Veterinary Medicine), 18-2.
25. Rabbani Khorasgani M, 2018: Effectiveness of the lifestyle modifications in prevention and control of sexually transmitted diseases. (STDs): Focus on Islamic lifestyle. Journal of Obstetrics and Gynecology.
26. Rabbani Khorasgani M, 2019 : Life style and infectious diseases, In: eBook: Research Trends of Microbiology. Publisher: Med Docs. Asatid Organization Publications
27. Sharp, P. M., & Hahn, B. H.. Origins of HIV and the AIDS pandemic. Cold Spring Harbor perspectives in medicine, 1(1), a006841. (2011), <https://doi.org/10.1101/cshperspect.a006841>
28. Tabatabai- Seyyed Mohammad Hossein: Tafsir Al-Mizan, translated by Seyyed Mohammad Baqir Mousavi Hamedani, Volume 39, Mohammadi Publishing Center, pp. 9-10 and 15-16.
29. Tabatabai-Fatemeh, 2003, Mystical Behavior of Imam Khomeini (RA), Ettelaat Newspaper, No. 22786

بررسی موضوعی محصولات تراریخته از دیدگاه قرآن کریم و مستندات علمی

زهرا سبحانی دماوندی فر

دکتری بیوشیمی (نویسنده مسئول: sobhanizahra10@gmail.com)

چکیده

چندین سال است که تولید و مصرف محصولات دستکاری شده ژنتیکی یا تراریخته موضوع نگران‌کننده و چالش‌برانگیز طرفداران حقوق انسانی و محیط زیست می‌باشد. هدف از این مطالعه بررسی آثار این نوع محصولات بر کل زیست‌کره و جنبه‌های اخلاقی و اسلامی آن می‌باشد. برای رسیدن به این هدف از آیات قرآن کریم و مقالات معتبر داخلی و خارجی استفاده شده است. خداوند بزرگ در آیات متعددی تغییر در خلقت الهی را مبارزه آشکار با آفرینش خداوند و قدرت کامله او دانسته و آن را دستور شیطان به انسان‌های گمراه می‌داند. تولید محصولات غذایی تراریخته به بهانه تامین امنیت غذایی مردم در آینده بیانگر باور نداشتن قدرت خداوند بزرگ به تامین غذای مخلوقاتش می‌باشد. مقالات علمی و مستند نیز بیانگر آنند که تولید و مصرف و رهاسازی محصولات تراریخته سبب وارد ساختن آسیب‌های جبران‌ناپذیر و فاجعه‌بار به کل کره زمین خواهد شد. آثاری چون تغییر ساختار و عملکرد صحیح ژنوم انسان و موجودات زنده، از بین رفتن ذخیره ژنی طبیعی، موجودات، تولید گونه‌های مهاجم در طبیعت، مصرف بی‌رویه سموم شیمیایی، انتقال ژن‌های جدید به سایر موجودات، ظهور بیماری‌های مهلک، غیرممکن شدن حذف تراریخته‌ها از محیط و انقراض گونه‌های طبیعی شامل انسان و همه موجودات. امیدواریم به‌زودی همه محصولات تراریخته در جهان نابود شوند و همه موجودات زنده و انسان‌ها از غذای سالم و طبیعی که هزاران سال است مصرف می‌شود استفاده کنند.

کلمات کلیدی: محصولات تراریخته، قرآن کریم، تغییر ژنوم‌های طبیعی، تخریب زیست‌کره، ممنوعیت

مقدمه

محصولات دستکاری شده ژنتیکی یا تراریخته (GMO) به موجوداتی گفته می‌شود که یک یا چند ژن به ژن‌های آنها اضافه شده تا صفت خاصی را نشان دهند. این ژن‌های انتقالی عموماً به منظور مقاومت‌سازی موجود جدید به انواع آفات و یا تنش‌های محیطی و به‌وسیله روش‌های نو ترکیبی DNA انجام می‌شود (۲). روش‌های مذکور جهت بررسی ساختار و عملکرد ژن‌ها، مطالعه مکانیسم بیماری‌ها و طراحی داروها کاربرد زیادی دارد، اما تولید و رهاسازی محصولات تراریخته در محیط به بهانه تامین غذای مردم جنبه منفی این قضیه است که هدف و منظور این تحقیق می‌باشد.

متن اصلی

بررسی آیات قرآنی با موضوع خلقت الهی حاکی از قدرت مطلقه خداوند در آفرینش تمام هستی است. در آیات متعددی خداوند قادر، خود را احسن الخالقین، یعنی بهترین آفریننده نام می‌برد (مومنون ۱۴، سجده ۷، تین ۴، غافر ۶۴، تغابن ۳). خداوند بخشنده آسمان‌ها و زمین را در اختیار انسان قرار داد تا بدرستی از آنها بهره‌بردار (لقمان ۲۰)، نه آنکه در آن دخل و تصرف نموده و اقدام به تغییر خلقت الهی نماید (نساء ۱۱۸ و ۱۱۹). در آیه ۱۱۹ سوره مبارکه نساء آمده است که شیطان قسم خورده (۴) و تاکید کرده است (۵) که برخی از انسان‌ها را گمراه کرده و به آنها امر می‌کند تا در خلقت خدا تغییر ایجاد کنند (۶) و خداوند بیان می‌دارد هر که از این امر شیطان پیروی کند یار شیطان بوده و



حمل نموده، بیان نمایند تا صفات موردنظر را به شکل غالب نشان دهند (۸). از آثار مخرب محصولات تراریخته که تعدادی قابل پیش‌بینی و تعدادی غیرقابل پیش‌بینی هستند می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: (۷ و ۸). - وارد شدن یک ژن خاص به ژنوم یک جاندار در عملکرد ژن‌های مجاور (تعدادی از ژن‌ها تنظیمی هستند) و در نهایت کل ژنوم اختلال ایجاد کرده و سبب بروز صفات نامطلوب و ناهنجاری‌های کشنده خواهد شد (۸). - انتقال ژن خاص به ژنوم جاندار سبب بازآرایی و حذف ژنی در موجود پذیرنده خواهد شد (۸). - آمیزش گونه تراریخته با گونه وحشی که خود گونه‌های جدیدتر تراریخته را ایجاد می‌کند (۸). - جایگزینی ژن انتقالی در مکانی غیر از ناحیه تعیین شده از ژنوم (۹). - عدم امکان حذف تراریخته‌ها از محیط به دلیل آمیزش با گونه‌های دیگر (۱۰). - انتقال افقی ژن‌های الحاقی به ژنوم جانداران وحشی (۱۱ و ۱۲) سبب بروز صفات ناخواسته در موجودات پذیرنده خواهد شد (۱۳ و ۱۴). این انتقال از طریق سه فرآیند ترانسفورماسیون، ترنس دوکشن و کونژوگیشن تغییرات خود را اعمال می‌کند (۱۳ و ۱۴ و ۱۵). انتقال افقی ژن‌ها سبب افزایش بیماری‌زایی پاتوژن‌ها، انگل‌ها و آفات می‌شود (۱۶ و ۱۷ و ۱۸). از دیگر اثرات این انتقالات، غالب شدن جمعیت تراریخته‌ها در محیط (۱۹) امکان انتقال ژن‌های جدید از طریق دانه گرده (۲۰)، ایجاد دورگه‌های تراریخته/ وحشی و نابودی همیشگی گونه‌های وحشی (۲۱ و ۲۲) و بروز صفات معیوب ناشناخته و تشدید آنها در نسل‌های متوالی (۲۳).

نتیجه‌گیری

از بررسی آیات مقدسه الهی و مستندات و مقالات علمی داخلی و خارجی نتیجه‌گیری

بسیار زیانکار است (نساء ۱۱۹). خداوند بزرگ به انسان علم اسماء آموخته (بقره ۳۱) ولی شیطان این علم را ندارد و برای ایجاد تغییرات مخرب در آفرینش، انسان را می‌فریبد (هود ۶۱، بقره ۷). خالق یکتا تمام موجودات را در اندازه‌های دقیق و از روی علم مطلق آفریده است (قمر ۴۹) و انسان‌هایی که با رفتار ناشایست خود به محیط‌زیست خود آسیب بزنند از رحمت الهی دور هستند (مائده ۸۶). خالق مهربان در نزدیک به ۲۵۰ آیه قرآن، انسان‌ها را به خوردن غذای پاک و سالم و طبیعی امر فرموده است (عبس ۲۴، بقره ۱۷۲، اعراف ۳۲، مایده ۸۷) و عملکرد انسان‌ها را برآمده از غذای سالم و طبیعی می‌داند (مومنون، ۵۱). در سوره مبارکه بقره آیه ۱۶۸ خداوند به انسان امر می‌کند روی زمین، غذای پاکیزه بخورید و از شیطان پیروی نکنید. نکته بسیار مهم در زمینه حفظ امنیت غذایی انسان‌ها از آیه ۴ سوره قریش بدست می‌آید که خداوند متعال انسان‌ها را روزی می‌دهد و کسی گرسنه نمی‌ماند و از ترس بدور خواهند بود. از بررسی آیات ذکر شده بدرستی می‌توان دریافت که تولید و رهاسازی محصولات غذایی تراریخته به بهانه آنکه جمعیت در آینده دچار کمبود غذا خواهند شد نه تنها یک ادعای بی‌اساس بوده، بلکه به معنای قادر ندانستن خداوند متعال به روزی رساندن مخلوقات است. بررسی تحقیقات دانشمندان داخلی و خارجی بیانگر آنست که از سال ۱۹۸۰ موش‌های تراریخته، به منظور بررسی ساختار و عملکرد ژن‌ها، مطالعه بیماری‌ها و طراحی داروها تولید شدند (۷ و ۹). تحقیقات بسیاری نشان می‌دهند رهاسازی محصولات تراریخته در محیط تهدید بسیار بزرگی برای انسان و کل محیط‌زیست خواهد بود (۸). این اثرات مخرب عمدتاً طولانی‌مدت هستند، زیرا باید نسل‌های متمادی این ژن‌ها را



غذایی جمعیت انسانی، فاجعه بشری و از بین‌برنده ذخیره ژنتیکی موجودات و مخلوقات خداوند است. در حال حاضر واردات محصولات تراریخته به کشور و ورود آنها به سبد غذایی مردم نیز نقض آشکار حقوق انسانی است، زیرا اکثر مردم از عوارض مرگبار این محصولات اطلاعی ندارند.

می‌شود که تولید و مصرف و رهاسازی محصولات تراریخته در محیط‌زیست، مغایر با خلقت و آفرینش خداوند و نقض‌کننده قدرت مطلقه اوست. خداوند متعال تبدیل و تغییر در خلقت آفریده‌هایش را از دستورات مهلک شیطان می‌داند و هرکس اقدام به این کار نماید را دوست شیطان و زینکار ابدی می‌داند. تولید و مصرف این محصولات نابودگر به بهانه تامین امنیت

منابع

۱. قرآن کریم
2. R.A. Hill "Conceptually risk assessment methodology for genetically modified organisms" *Environmental Biosafety Research*, vol. 4, no. 2 و pp. 67 – 70, 2005.
3. L. Alberghina et al, Proceeding of the 6th European Congress on Biotechnology, Elsevier Science Publishers, Amsterdam, The Nederland, 1994.
۴. الجامع الاحکام القرآن الکاتب: قرطبی محمد بن احمد، جلد ۵، ص ۳۸۹، ۱۳۶۴
۵. اطیب البیان فی تفسیر القرآن سید عبدالحسین طیب تهران انتشارات اسلام ۱۳۷۸ ش چاپ دوم
۶. گستره حرمت تغییر خلق الله از منظر قرآن کریم. ابوالقاسم علیدوست، نشریه قرآن، فقه و حقوق اسلامی، پاییز و زمستان، سال دوم، شماره ۳، صفحات ۷ - ۳۰، ۱۳۹۴
7. Louis- Marie Houdebine "Impacts of genetically modified animals on the ecosystem and human activities" *Global Bioethics*, vol. 25, no. 1, pp. 3 – 18, 2014.
8. Dhan P. et al "Risk and Precaution of Genetically Modified Organisms" International Scholarly Research Network ISRN Ecology", vol. 2011, Article ID 369573, 13 pages.
9. European Food Safety Authority, "Guidance document of the scientific panel on genetically modified organisms for the risk assessment of genetically modified microorganisms and their derived products intended for food and feed use" *EFSA Journal*, vol. 374, pp. 1 – 115, 2006.
10. P. M. Bennett, et al "An assessment of the risks associated with the use of antibiotic resistance genes in genetically modified plants : report of the Working Party of the British Society for Antimicrobial Chemotherapy" *Journal of Antimicrobial Chemotherapy*, vol. 53, no. 3, pp. 418 – 431, 2004.
11. Yoshida S. et al "Horizontal gene transfer by the parasitic plant *Striga hermontica*" *Science*, vol. 328, no. 5982, p. 1128, 2010.
12. H. Ochman et al "Lateral gene transfer and the nature of bacterial innovation" *Nature*, vol. 405, no. 6784, pp. 299 – 304, 2000.
13. N. C. Ellstrand et al "Gene flow and introgression from domestic plants into their wild relatives" *Annual Review of Ecology and Systematics*, vol. 30, pp. 539 – 563, 1999.
14. G.T.Tzotzos et al "Principles of risk assessment" *Genetically Modified Plants*, vol. 2009, pp 33 - 36, 2010.
15. P.Keese "Risks from GMOs due to horizontal gene transfer" *Environmental Biosafety Research*, vol. 7 no. 3 pp. 123 – 149, 2008.
16. Gene Technology Ethics Committee "Working paper : ethical issues arising from trans – species gene transfer" 2006, <http://www.ogtr.gov.au>.
17. M. Labra, et al "Genomic changes in transgenic rice (*Oryza sativa* L.) plants produced by infecting calli with *Agrobacterium tumefaciens*" *Plant Cell Reports*, vol. 20, no. 4 pp. 325 – 330, 2001.
18. W. Craig, et al "An overview of general features of risk assessments of genetically modified crops" *International Journal of Biological Sciences*, vol. 5 pp. 706 – 726, 2008.
19. K.M. Nielsen et al "Monitoring and modeling horizontal gene transfer" *Nature Biotechnology* vol 22 no 9 pp 1110 – 1114, 2004.
20. K.S. Oberhauser et al "Temporal and spatial overlap between monarch larvae and corn pollen" *Proceeding of the National Academy of sciences of the United States of America*, vol. 98, no. 21 pp. 11919 – 11924, 2001.
21. M.j. Wilkinson et al "Estimating the potential for ecological harm from gene flow to crop wild relatives" *Collection of Biosafety Reviews*, vol. 3, pp. 42-47, 2007.
22. J.M. Pleasants et al "corn pollen deposition on milkweed in and near cornfields" *Proceedings of the National Academy of Sciences of the United States of America*, vol. 98, no. 21, pp. 11919 – 11924, 2001.
23. C. N. Stewart et al "Transgenic plants and biosafety: science, misconceptions and public perception" *BioTechniques*, vol. 29, no. 4, pp. 832 – 843, 2000.

حفاظت محیط زیست از منظر قرآن

زهرا نوری آکندی

دکتری اکولوژی گیاهان زراعی، دانشگاه صنعتی شاهرود (نویسنده مسئول: noori11zahra@gmail.com)

چکیده

همزمان با رشد اقتصادی، صنعتی و زراعی در جهان آلودگی محیط زیست نیز افزایش پیدا کرده است که این آلودگی می‌تواند آثار مخربی را بر موجودات زنده گیاهی، جانوری و سلامت انسان‌ها بگذارد. بنابراین از مهم‌ترین دغدغه‌ی زندگی انسان، استفاده صحیح از محیط زیست و حفاظت از آن می‌باشد. داشتن محیط زیست سالم، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت هر جامعه است. از مهم‌ترین راه‌های حفاظت از محیط زیست و بهره‌برداری صحیح و اصولی از آن، افزایش سطح بینش و آگاهی جامعه است. قرآن مجید به‌عنوان کتاب هدایت، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به‌منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است. این مطالعه با هدف مطالعه بررسی جایگاه محیط زیست و حفاظت از آن از منظر قرآن و اهمیت آن در زندگی انسان انجام شده است. مقاله از طریق جمع‌آوری اطلاعات و با بهره‌گیری از قرآن کریم و مقالات معتبر در زمینه محیط زیست و قرآن انجام گردیده است. مطالعه و بررسی در قرآن کریم نشانگر آن است که محیط زیست مورد عنایت ویژه کتاب الهی است، در این کتاب مقدس عنوان گردیده همانطور که انسان دارای کرامت است، همه‌ی موجودات طبیعت نیز مقدسند زیرا همه اجزای طبیعت تسبیح‌گوی حق هستند بر این اساس، انسان در مقابل همه چیز، از جمله طبیعت اطراف خود مسئولیت دارد. در نتیجه قرآن کریم آموزه‌های کاربردی فراوانی در زمینه‌ی محیط زیست بیان کرده است. انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده، رفتار منطقی با محیط زیست داشته باشد.

کلمات کلیدی: حفاظت، قرآن کریم، محیط زیست، منابع طبیعی.

مقدمه:

نیازهای بی‌پایان انسان خلق شده است و آدمی بدون این‌که نسبت به حقوق محیط زیست و نیز حقوق سایر انسان‌های موجود بر روی کره زمین و همچنین نسل‌های آینده احساس مسئولیت کند، مختار است به‌هر میزان دلخواه از آن بهره‌برداری کند، اما غافل از این موضوع است که در نهایت، پیامدهای ناگوار این آلودگی‌ها که از مصادیق بروز فساد در زمین و هستی است، در طی یک چرخه طبیعی، گریبان خود او را خواهد گرفت. در شرح سیر مراحل چرخه طبیعت می‌توان چنین بازگو نمود که، انسان‌ها با افزایش عوامل آلاینده محیط زیست، تعادل موجود در اجزای طبیعت را بر هم می‌زنند و باعث افزایش روز افزون و مضاعف آلودگی هوا، آب، خاک و

با نگاهی گذرا به وضعیت محیط زیست جهان امروز، می‌توان دریافت که در طی چند دهه اخیر در نتیجه فعالیت‌های غیرمسئولانه بشری، کره زمین و منابع طبیعی دچار صدمات جبران‌ناپذیری شده است و بسیار واضح است که بخش عمده‌ای از این آسیب‌ها ناشی از رفتارهای غیر معقول و ظالمانه انسان؛ اعم از بهره‌برداری نامناسب و بی‌رویه از منابع طبیعی، عدم توجه به ظرفیت‌های قابل تحمل محیط زیست و از همه مهم‌تر، رعایت نکردن حقوق محیط زیست می‌باشد که همگی ریشه در بینش نادرست آنان نسبت به طبیعت دارد، زیرا از نظر بسیاری از افراد، طبیعت تنها برای تأمین خواسته‌ها و

تخریب سایر عناصر طبیعت می‌شوند (شیردل، ۱۳۹۳). تخریب محیط زیست یعنی تخریب زیستگاه انسان، با شروع انقلاب صنعتی، تسلط انسان بر طبیعت بیشتر شد و به موازات آن تخریب محیط زیست نیز سرعت گرفت. دخل و تصرف لجام گسیخته انسان در محیط زیست و بهره‌کشی بی حد و حصر او از منابع طبیعی در یک قرن گذشته منجر به وقایع و فجایع زیان‌بار بی‌شماری در زمین شده است (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). جهان امروزه شاهد مسائلی مانند تغییرات آب و هوایی و گرم شدن کره زمین در اثر تشدید اثر گلخانه‌ای، سوراخ شدن لایه ازن، فقر و گرسنگی، تخریب جنگل‌ها و مراتع، انباشت پسماندهای خطرناک و انتقال برون‌مرزی آن‌ها، کاهش تنوع زیستی و افزایش گونه‌های در معرض خطر، افزایش سوانح طبیعی مانند سیل و طوفان، خشک‌شدن تالاب‌ها، از بین رفتن زیستگاه‌ها، بیابان‌زایی، باران‌های اسیدی، گسترش ریزگردها، آلودگی منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی و بحران‌های انرژی در سطوح مختلف بین‌المللی و ملی است (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). چرا امروزه بشر شاهد چنین فجایع زیست محیطی است؟ به نظر می‌رسد که ریشه بسیاری از مسائل، عدم آگاهی و عدم توجه به معنویت در ارتباط میان انسان و محیط زیست است. بنابراین یکی از مهم‌ترین راه‌های حفاظت از محیط زیست و ارتقای سلامت آن، افزایش سطح آگاهی جامعه است. قرآن مجید به‌عنوان کتاب هدایت، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به‌منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است. با توجه به مطالب بیان شده هدف از این مطالعه بررسی جایگاه محیط زیست و حفاظت از آن از منظر قرآن و اهمیت آن در زندگی انسان می‌باشد.

۲- روش بررسی:

مقاله از طریق جمع‌آوری اطلاعات و با بهره‌گیری از قرآن کریم و مقالات معتبر در زمینه محیط زیست و قرآن انجام گردیده است.

۳- یافته‌ها و نتایج:

مطالعه و بررسی در قرآن کریم نشانگر آن است که محیط زیست مورد عنایت ویژه کتاب الهی است، به‌طوری‌که بخش‌های زیادی از آیات قرآن به مناسبت‌های مختلف درباره‌ی اجزای طبیعت است از جمله: (۱) ماء (آب): که مهترین جز از اجزای طبیعت است. بیش از ششصدبار در قرآن آمده است. (۲) ارض (زمین): با مشتقاتش بیشتر از پانصدبار در قرآن آمده است. (۳) سماء (آسمان): و مشتقاتش بیش از سیصدبار در قرآن آمده است. (۴) اجزای دیگر طبیعت همانند کوه، درخت، حیوانات، انواع خورشید و ماه هرکدام بارها و بارها در قرآن تکرار شده است (فیاض‌نیا، ۱۳۹۴). بسیاری از آیات قرآن بیانگر این است که خداوند نه تنها خالق هستی است، بلکه محیط بر آن بوده و همه‌چیز در حیطه‌ی قدرت اوست. آیات ۹۲ سوره هود، آیه ۱۲۶ سوره نساء و آیه ۵۴ سوره فصلت بر احاطه‌ی خداوند بر همه‌چیز دلالت دارند. محیط بودن خداوند بدان معنا است که خداوند در رأس هرم هستی قرار دارد و یک نوع رابطه‌ی طولی و یگانگی بین خدا، انسان و طبیعت برقرار است، به بیان دیگر، محیط بودن خداوند بر تمامی مخلوقات، بیانگر نوعی ارتباط و یکپارچگی است که میان انسان و طبیعت حاکم است. این یکپارچگی به این‌صورت قابل درک است که در آن، خداوند بر تمام هستی و اجزای آن، احاطه و سلطنت تام دارد و لذا، انسان و طبیعت با قرار داشتن در این حوزه، همگی به یک سرمنشأ واحد متکی‌اند؛ به این‌صورت که رابطه‌ی انسان با طبیعت در دیدگاه خدا محوری



الهی جست‌وجو نماید و در برابر همه‌ی مظاهر هستی از جمله محیط زیست، رفتاری کریمانه داشته باشد (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). آیه ۱۴ سوره یونس بیانگر نکته‌ی مهمی است و آن، اینکه سنت الهی اینگونه است که جوامع در صورتی که به دستورهای الهی وقعی نگذارند و اعمال و رفتار خود را مطابق دستورهای خدا قرار ندهند، خداوند گروه دیگری را جانشین آن‌ها خواهد گرداند که از جمله رفتارهای جوامع همین رفتار امروز بشر با محیط زیست است. خداوند در مورد رفتار نامناسب با مظاهر طبیعت هشدار می‌دهد. بسیاری از رفتارهای انسان در ارتباط با محیط زیست، ناشی از نگاه او به گونه‌های طبیعی و رفتارشان با آنان است. براساس تفکر مادی، انسان خود را مسلط بر طبیعت دانسته و رفتارشان تابع منافعی است که از این پدیده‌ها خواهد برد. این در صورتی است که رابطه‌ی انسان با طبیعت در آموزه‌های قرآنی متفاوت است. نقش طبیعت و عناصر آن در حیات و بقای انسان قابل انکار نیست. جزء جزء عناصر طبیعت از نعمت‌های الهی است که به انسان ارزانی داشته تا انسان بتواند با استفاده از آن‌ها راه کمال و سعادت جاوید را بییابد و به کمال وجودی خویش برسد. یکی از عناصری که نقش مهمی در زندگی بشر ایفا می‌کند و اصل وجود و بقای انسان بستگی تام به آن دارد و ابعاد اقتصادی آن نیز غیرقابل انکار است، طبیعت و منابع زیست محیطی است. قرآن در این زمینه می‌فرماید: خداوند همان کسی است که دریا را مسخرشما گردانید تا کشتی در آن به حرکت درآید و بتوانید از فضل خدا بهره ببرید و شاید شکر نعمت‌های او را بجا آورید. به‌طور کلی زندگی بشر بستگی تام به محیط زیست او دارد و انسان برای برآوردن نیازهای طبیعی خود نیازمند بهره‌گیری از محیط زیست است. غذای انسان از حیوانات و گیاهان و

اسلامی باید با این حقیقت درک شود که خداوند نه‌تنها خالق تمام هستی است، بلکه بر تمام مخلوقات خویش احاطه کامل دارد (محقق داماد و عابدی سروستانی، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، منابع طبیعی و زیست محیطی جزئی از جهان هستی است و در نگاه قرآن، مالکیت حقیقی جهان هستی از آن خداوند است. آیه شریفه می‌فرماید: آگاه باشید هرکس و هرچیز که در آسمان‌ها و زمین است تنها از آن خداوند است. اینگونه نگرش به طبیعت و منابع زیست محیطی، به انسان دید وسیعی می‌دهد که خود را مالک علی‌الاطلاق منابع طبیعی نداند تا هرگونه که خواست با آن رفتار یا از آن استفاده نماید. خداوند در قرآن یکی از اهداف خلقت انسان را خلافت و جانشینی انسان در زمین دانسته است. رابطه‌ی خلافت، نقش قابل توجهی در رفتار انسان با محیط اطراف خود دارد. خداوند یکی از اهداف خلقت و فرودآوردن انسان در این کره‌ی خاکی را جانشینی خود بیان می‌کند و می‌فرماید: من در زمین جانشینی قرار می‌دهم، فرشتگان گفتند آیا کسی را قرار می‌دهی که در آن فساد و خونریزی کند، در حالی که ما حمد و تسبیح تو می‌گوییم و برای تو تقدیس می‌کنیم، خداوند فرمود: من می‌دانم آنچه شما نمی‌دانید (بقره ۲، ۳۰). با توجه به آیات و روایات و نیز آنچه در بحث کرامت اشاره شد، می‌توان نتیجه گرفت که انسان به واسطه‌ی همین کرامت و موهبت عقل و پرهیز از هوس‌ها و شهوات، شایستگی جانشینی خداوند متعال را یافته و مسئولیت سنگینی را پذیرفته است. به‌عبارتی، از یک سو بر دیگر موجودات یک نوع شرافت و برتری یافته و از سوی دیگر، مسئولیتی نیز بر دوش وی گذاشته شده که در این جهان هستی رها و مطلق نیست و باید بر اساس ادراک عقلی راه کمال و سعادت خویش را در پیروی از فرمان‌های



انسان به جهان است و حفاظت از حقوق طبیعت را جهان‌بینی انسانی تعیین می‌کند. در قرآن، گاهی طبیعت آنقدر تقدس می‌یابد که خداوند به عناصر آن سوگند یاد می‌کند و گاه طبیعت به‌عنوان منبعی مادی برای زندگی انسان معرفی می‌شود. گاهی نیز به حفاظت از آن و اصلاح و آبادانی آن توصیه می‌شود و گاهی طبیعت به‌عنوان امانتی نزد انسان تلقی می‌شود. توجه به این نگرش‌ها به طبیعت، انسان را به این نتیجه می‌رساند که بهره‌گیری از طبیعت باید تابع مقرراتی جدی باشد. در جهان‌بینی الهی، جهان طبیعت موجودی هوشمند و دارای حیات و معنا بوده و قوانینی بر آن حاکم است که تخطی از آن‌ها زمینه‌ی بهره‌آوردن و یا هلاکت عنصر و عضو خاصی حتی انسان را فراهم می‌آورد. بیشتر منابع زیست محیطی در اختیار دولت و بخش عمومی است و بدیهی است که این اموال، ملک طلق دولت نیست، بلکه به نوعی امانت در اختیار دولت گذاشته شده تا اسباب رفاه همه‌ی مردم را فراهم آورد. بنابراین، در استفاده از این اموال باید مصالح همه‌ی مردم را رعایت کند. مالک حقیقی اموال بخش خصوصی نیز، بر اساس آنچه از آیات و روایات استفاده می‌شود، خداوند است و این مالکیت را بنا به مصالحی در اختیار انسان قرار داده است. اما این در اختیار گذاشتن به‌طور مطلق و رها نیست، بلکه انسان امانت‌دار خداوند است و باید در رفتار خود با محیط زیست و استفاده از منابع طبیعی و زیست محیطی، اصول امانت‌داری را رعایت نموده و با آنچه به‌عنوان امانت به او سپرده شده است، رفتاری حکیمانه و امینانه داشته باشد (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). بنابراین یادآوری و تکرار فراوان این عناصر بیانگر اهمیت دوچندان محیط زیست در قرآن می‌باشد. رعایت نظم و اعتدال در استفاده از مواهب طبیعی، همگانی بودن مسئولیت حفاظت از محیط

درختان به‌دست می‌آید؛ در محیط زیست تنفس می‌کند و به‌رحال نمی‌تواند فارغ از محیط زیست خود به حیات طبیعی خود ادامه دهد. امروز نیز محیط زیست آباد و تخریب‌نشده به‌عنوان سرمایه ارزشمند ملی تلقی می‌شود که پشتوانه‌ی تداوم حیات اقتصادی آن جامعه محسوب می‌شود (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). صاحبان خرد با تدبیر در این آیات ضمن شناخت مبدأ هستی به شناخت چگونگی روزی‌رسانی و نظم و هماهنگی عناصر طبیعت پی‌خواهند برد و چگونگی بهره‌گیری از این منابع را نیز باید مدنظر قرار دهند. انسان وقتی با دید کلان به آیات قرآن و روایات معصوم آن می‌نگرد و به عمق فاجعه و آثار قطع درختان و نقش حیاتی درختان بر زندگی بشر امروز پی می‌برد، معنای عمیق این کلام پیامبر که ۱۴۰۰ سال قبل بیان کرده روشن می‌شود. زمانی که شاید هیچ‌گونه بحران زیست محیطی وجود نداشته است: اگر قیامت در آستانه‌ی برپایی است و در دست یکی از شما نهالی است و توانایی دارد قبل از برپایی قیامت آن را بکارد پس باید آن را بکارد» (طبرسی ۱۴۱۲ ق). چگونه است که برپایی قیامت با آن عظمت که انسان‌ها باید پاسخگوی همه‌ی اعمال و رفتارشان باشند از میان همه‌ی اعمال عبادی و غیرعبادی که انسان در این دنیا مکلف به انجام آن‌هاست، کاشتن یک نهال درخت این قدر اهمیت پیدا می‌کند. آیا عمل کردن به همین یک جمله بخش عظیمی از بحران زیست محیطی را حل نمی‌کند؟ آیا بیانگر نهایت ارزش قائل شدن برای عناصر و پدیده‌های طبیعت و نوع رفتار انسان با آن‌ها نیست؟ توجه به معنای این روایت و دیگر روایات در این زمینه، قطعاً در نگرش و رفتار انسان در برابر عناصر حیات‌بخش طبیعت تأثیرگذار خواهد بود. اصول رفتار انسان با طبیعت و حفاظت از آن، متأثر از نحوه نگرش



زیست، توجه به آب و جوانب بهداشتی آن، توجه به عناصر اصلی محیط زیست (آب، باد، زمین، هوا، خاک، گیاهان و ...)، حمایت از حیوانات، امر به آبادانی زمین، احیای طبیعت، نقش بسیار مهم آموزش و فرهنگ قرآنی در بالابردن سطح دانش و مسئولیت‌پذیری افراد در برابر جامعه و محیط زیست، از مهم‌ترین رهنمودهای قرآن کریم در خصوص جایگاه محیط زیست و اهمیت آن در زندگی بشر می‌باشد، که از جمله می‌توان به این آیات اشاره نمود: قرآن کریم سراسر جهان هستی را به زیبایی می‌ستاید و در این باره می‌فرماید: "الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ" (سجده/ ۷). مهم‌ترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین و نجات آن از هر گونه تباهی و تیرگی است. مقصود از زمین، گستره زیست بشر است. چنین محدوده‌ی پهناوری از عمق دریا تا اوج سپهر و آسمان را در برمی‌گیرد. بنابراین فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است (جوادی، ۱۳۸۰). در منطق قرآن طبیعت (زمین) خاستگاه انسان و میعادگاه انسان است. در آیه ۵۵ سوره طه اشاره شده است "مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً أُخْرَى" ما شما را از آن (زمین) آفریدیم و به آن باز می‌گردانیم و بار دیگر شما را از آن بیرون می‌آوریم. به تعبیری می‌توان گفت مادر اصلی انسان زمین است، بنابراین حفاظت از آن مورد اهمیت است. در جای دیگر در قرآن از زمین به‌عنوان گهواره انسان و مهد یاد شده است و در کنار آن نزول آب از آسمان نیز مطرح شده است که نشانگر آن است که میان آب و خاک برکاتی است که زندگی انسان به آن‌ها بستگی دارد (فیاض‌نیا، ۱۳۹۴). اگر نگاه انسان‌ها به زمین و محیط زیست اینگونه باشد به یقین رفتار آن‌ها نیز متفاوت خواهد بود. از طرفی خداوند خالق

طبیعت و حافظ آن است و انسان به‌عنوان جانشین خدا بر روی زمین است بنابراین وظیفه انسان است که از طبیعت و محیط زیست محافظت کند. در زمینه‌ی وظایف انسان در حفظ و احیای محیط زیست طبیعی، قرآن مجید نگاه بسیار جالب و عمیقی به طبیعت دارد. مظاهر طبیعی را مخلوق خدا معرفی کرده و انسان را متوجه آن می‌سازد، "وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ..." (فصلت/ ۳۷) از نشانه‌های خداوند شب و روز و خورشید و ماه است. موجودات طبیعی از نظر قرآن کریم هرچند مخلوق و آفریده خدا هستند، موجوداتی بی‌روح و بی‌جان نیستند بلکه جان داشته و می‌توانند با طبیعت مأنوس شوند، به گفت‌وگو نشسته و نسبت به آن عشق بورزند. موجودات طبیعی از نظر قرآن مقدس هستند و هیچ‌گاه قداست و معنویت از آن‌ها منفک نمی‌شود (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصلاح در آن که همانا عمل صالح است امر می‌کند. از جمله در آیه ۵۶ اعراف می‌فرماید: "وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا" در آیه بعدی از جمله مصادیق اصلاح زمین راه باران، روئیدنی‌ها و درختان میوه‌دار ذکر می‌کند. بافت آیه نشان می‌دهد که منظور از فساد در زمین بعد از اصلاح آن با باران و روئیدنی‌ها نابودکردن و از بین بردن محیط زیست است (طبرسی، ۱۳۷۷). عدالت خداوند حکم می‌کند که نظام هستی و تمام اجزای آن از جمله انسان، در یک رابطه تعادلی با هم باشند، بنابراین برهم‌زدن این نظم باعث خلل در نظام هستی می‌شود. برهم‌زدن تنوع زیستی، حذف و یا انهدام گونه‌های جانوری و گیاهی، تخریب زیستگاه‌های گونه‌های جانوری و گیاهی همگی برهم‌زننده تعادل اکولوژیکی است که در بطن خلقت قرار دارد. آیات و روایات



او در حرکت‌اند. آیاتی که به تسبیح همه‌ی موجودات، و نیز شهادت آن‌ها در عرصه‌ی قیامت اشاره دارد، یکی از دلایل ثبوت شعور همه‌ی موجودات است. در مجموع می‌توان گفت افزایش آلودگی محیط زیست، مشکل و نگرانی اصلی بشریت امروز را تشکیل می‌دهد. مواجهه خشن و بیرحمانه انسان با طبیعت در قرون اخیر ناشی از انگیزه توسعه‌طلبی، فزون‌خواهی و بهره‌وری بی‌رویه از منابع در دسترس است. آلوده کردن دریاها، سوزاندن جنگل‌ها، گرم شدن آب و هوای کره زمین و تخریب لایه اوزون، انقراض گونه‌های زیستی، تخریب وسیع زیستگاه‌ها و خشک شدن محیط‌های آبی زنگ خطر جدی برای ادامه حیات در کره‌ی زمین است. راهکار نهایی این بحران و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری برای حفاظت از محیط زیست، توجه به تعالیم دینی و رهنمودهای قرآن کریم است. خلیفه و نماینده بودن انسان به‌طور طبیعی اقتضا می‌کند که تصرف او در زمین همانند تصرف امانت‌دار در امانت باشد. طبیعت و محیط زیست در همه ابعاد خود ملک خاص هیچ یک از نسل‌های بشری نیست، تا هرطور که خواست در آن تصرف کند. هیچ نسلی اجازه ندارد از طبیعت به نفع خود استفاده‌هایی بی‌جا کرده و آن را فرسوده و آلوده کند. بنابراین مطابق فرامین الهی موظفیم همانطور که این محیط را پاک و سالم از نسل‌های پیش تحویل گرفته‌ایم، پاک و سالم به نسل بعد خود بسپاریم (اکبری‌راد، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری:

قرآن کریم آموزه‌های کاربردی فراوانی در زمینه‌ی استفاده درست و حفاظت از محیط زیست بیان کرده است. هدف از آموزه‌های قرآنی در رابطه با محیط زیست، تغییر در نگرش انسان به آنچه در اختیار دارد، می‌باشد؛ بدین معنا که

به صور گوناگون به رعایت حقوق تمامی موجودات زنده و حفظ و حراست از جوامع آن‌ها به‌عنوان عمل صالح نام برده است. به‌عبارت دیگر آیات و روایات تنوع زیستی را جزئی لاینفک از نظام هستی می‌داند. براساس جهان‌بینی الهی، جهان هستی و موجودات آن بسان مجموعه‌ای منظم به‌گونه‌ای آفریده شده‌اند که هر عضوی از این مجموعه بتواند در مسیر کمال خویش حرکت کرده و از مرحله قوه به فعل برسد. به فعلیت رسیدن استعداد‌های تک تک عناصر این مجموعه، هدف اصلی خلقت است، حال با برهم خوردن نظام اکوسیستم طبیعت توسط انسان که به‌معنای از بین بردن عناصر طبیعت و نیز تهی کردن ذخایر آن، رسیدن به هدف این مجموعه منظم دچار مشکل می‌گردد (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). از طرفی یکی از مباحث مهم در حوزه‌ی شناخت انسان رابطه‌ی انسان با طبیعت است. براساس مفاهیم قرآن، زمین و آسمان و هرآنچه در آن است مسخر انسان است و خداوند آن‌ها را در خدمت انسان قرار داده است. به این مطلب گاه به‌صورت موردی و گاه به‌صورت قاعده‌ای کلی اشاره شده است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «خداوند همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان آبی نازل کرد و با آن میوه‌ها را خارج ساخت و روزی شما قرار داد و کشتی را مسخر شما گردانید تا بر سطح دریا به فرمان او حرکت کند و نهرها را نیز مسخر شما گردانید» (ابراهیم: ۳۲). همچنین خداوند در سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۱۳۸ بهترین رنگ را برای عالم، رنگ الهی می‌داند و هر پدیده که به‌نحوی دارای چنین رنگی باشد امری مقدس است (زمانی و همکاران، ۱۳۹۳). از طرف دیگر براساس مبانی دینی همه‌ی موجودات عالم، دارای حیات، شعور و عشق به مبدا عالم می‌باشند و پیوسته او را تسبیح و تقدیس کرده و به‌سوی



طبیعت داشته باشد که به تخریب آن بینجامد. انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده و با الهام از همین آموزه‌های کاربردی قرآن کریم، رفتار منطقی با محیط زیست داشته باشد تا بتواند این میراث بزرگ و عظیمی که خداوند در اختیارش قرار داده را به بهترین نحو ممکن استفاده کند، بدون اینکه کمترین آسیبی به محیط زیست برساند.

این بینش را به انسان می‌دهد تا وابستگی او به امکانات، مال و دیگر مظاهر دنیایی کاهش یابد و به این فهم و ادراک عمیق برسد که او امانتدار است و امکانات و منابع طبیعی و زیست محیطی را که بر اساس مصالحی در اختیار او قرار داده شده فقط در جایی می‌تواند استفاده کند که مالک حقیقی آن اجازه می‌دهد و رعایت همه‌ی ابعاد فردی، اجتماعی، انسانی و غیرانسانی برخوردار از منابع زیست محیطی را باید در نظر بگیرد. در نتیجه حق ندارد رفتارهایی با

منابع

۱. اکبری راد، طیبه (۱۳۹۲): «نقش تعالیم اسلام در کاهش بحران‌های زیست محیطی»، محیط‌شناسی، سال ۳۹، شماره ۱، صفحات ۷۳-۸۰.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۰): «فرهنگ زیست محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است»، همایش بین‌المللی محیط زیست، دین و فرهنگ، صفحات ۶۴-۵۸.
۳. زمانی، زهرا، آزموده، مریم، قاعدی، حجت (۱۳۹۳): «مطالعه‌ی تطبیقی رویکرد مبتنی بر بینش اسلامی با رویکرد معاصر در مواجهه با محیط زیست»، پژوهش‌های معماری اسلامی، سال ۱، شماره ۴، صفحات ۱۱۳ - ۹۸.
۴. شیردل، معصومه (۱۳۹۳): «حفاظت محیط زیست از دیدگاه قرآن و حدیث»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران، ۹۰ صفحه.
۵. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۷): «تفسیر جوامع الجامع»، انتشارات دانشگاه تهران و مدیریت حوزه علمیه قم، جلد ۴، صفحه ۵۳۳.
۶. طبرسی، فضل بن الحسن (۱۴۱۲ ق): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت، مؤسسه التاریخ العربی، جلد ۴، صفحه ۵۳۳.
۷. فیاض‌نیا، فاطمه (۱۳۹۴): «همیت و حقوق محیط زیست از نظر قرآن کریم»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صفحات ۴۶۹-۴۶۴.
۸. قرآن کریم
۹. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۱): «طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام»، تهران، رهنمون (نشریه‌ی مدرسه عالی شهید مطهری)، جلد ۲ و ۳، صفحه ۲۸۲.

بررسی علمی برخی پدیده‌های هواشناسی در قرآن

راضیه پهلوان

کارشناس پژوهشی پژوهشگاه هواشناسی و علوم جو، تهران (نویسنده مسئول: pahlavan1977@yahoo.com)

چکیده

در آیاتی از قرآن به پدیده‌های هواشناسی چون ابر، باد، باران، شبنم و مه و دیگر پدیده‌ها اشاره شده و مطالبی علمی بیان شده است. در این تحقیق سعی شده است از دیدگاه علم هواشناسی برخی از این آیات بررسی شوند. در این راستا تعدادی از آیاتی که به این پدیده اشاره داشته است انتخاب شده و با علم روز هواشناسی و مقالات معتبر علمی تطبیق داده شدند. این پدیده‌ها از نظر نوع، ظاهر، چگونگی شکل‌گیری و آثار آن مورد بررسی قرار گرفتند.

کلمات کلیدی: قرآن، هواشناسی، ابر، باد، باران، شبنم، تگرگ، رعد و برق

مقدمه

علمی پرداخته است. همچنین در کتاب "فیزیک در قرآن" (فیض آبادی و پناهی، ۱۳۹۰) و "فیزیک در قرآن" (هاشمی، ۱۳۹۱) به بررسی پدیده‌های فیزیکی در قرآن و برخی پدیده‌های هواشناسی پرداخته است. موضوعات قرآن و کیهان‌شناسی، قرآن و ذرات، مکانیک در قرآن، نکاتی در مورد زمین، آب و باران در قرآن، مکه و پیامبر و قیامت از جمله موضوعاتی است که در کتاب "فیزیک در منظر قرآن" (انجالی و بهاری ادلو، ۱۳۹۷) مورد بررسی قرار گرفته است. براتی و قطب شریف (۱۳۹۴) در تحقیقی اعجاز علمی عبارت "تصریف الریاح" را مورد بررسی قرار داده‌اند. بازرگان (۱۳۴۵) در کتاب "باد و باران در قرآن" بحث انطباق علم و قرآن در حوزه پدیده‌های جوی را انجام می‌دهد. برای این کار از کتاب‌های "مجمع‌البحرین"، "المنجد"، "تفسیر مجمع‌البیان" و "تحف‌العقول" استفاده کرده است. وی در این کتاب به اعجاز عبارت "تصریف‌الریاح" اشاره داشته است. کتاب «الاعجاز القرآنی فی ضوء الاكتشافات العلمی الحدیث» از وحید شعبان التفتنازی به بررسی اعجاز علمی قرآن کریم در پرتو اکتشافات علم

قرآن کریم معجزه پیامبر اسلام (ص) برای هدایت انسان‌ها است که در کنار معارف الهی به ذکر پدیده‌های طبیعی از جمله هواشناسی پرداخته که با توجه به علم آن زمان که مردم اطلاعی از این علوم نداشتند، چگونگی بحث در مورد این پدیده‌ها قابل تأمل است. در قرآن به چگونگی تشکیل ابر، باران، تگرگ، شبنم، اثر کوه روی هوا و بارش، ریزانفجار و ... اشاره شده است. این امر با توجه به عدم آگاهی بشر در آن زمان از این پدیده‌ها، ویژگی خاصی را به بیانات قرآن می‌بخشد و می‌توان از این مباحث به‌عنوان اعجاز علمی قرآن یاد کرد. پدیده‌های هواشناسی از قبیل ابر، باد، باران و تگرگ در برخی آیات قرآن و روایاتی از امامان معصوم (ع) مورد توجه قرار گرفته است؛ مفسران نیز بسته به تناسب بحث اغلب به‌صورت خلاصه به تفسیر این آیات پرداخته‌اند. از بین این تفسیرها می‌توان به تفسیر نمونه، المیزان فی تفسیرالقرآن و الجواهر فی تفسیرالقرآن‌الکریم اشاره کرد. همچنین مهدی بازرگان در کتاب «باد و باران» به بررسی دو پدیده باد و باران در قرآن کریم با رویکرد



و لقا و آستن ابرها هم به وسیله باران است (طبرسی، مجمع‌البیان، ۵۱۴/۶). بعد از کلمه «لواقح»، «فَأَنْزَلْنَا» با «فَاء» تفریع آمده است که این امر نشان می‌دهد تلقیح کردن بادهای مقدمه‌ای برای نزول باران است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۶۱/۱۱). با توجه به قسمت دوم آیه «فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً» بعید به نظر می‌رسد که منظور از آیه باروری درختان باشد؛ زیرا اگر این باروری مدنظر بود، می‌بایست ادامه آیه نیز متناسب با ابتدای آن بود و می‌فرمود و درختان را میوه‌دار کردیم. پس به احتمال قوی این باروری در ارتباط با آمدن باران است (مصباح یزدی، معارف قرآن، ۲۵۹). احمد امین در التکامل فی الاسلام منظور از آیه را همان الکتربسیته مثبت و منفی در دو قطعه ابر یا ذرات بخار آب ایجاد می‌داند که باعث آمیزش و لقا در ابرها می‌شود. در آیه شریفه پس از مسأله تلقیح، نزول باران نیز مطرح می‌شود. پس نزول باران از آسمان ناشی از تلقیح است (امین، التکامل فی الاسلام، ۷۳/۶). در علم هواشناسی علت اصلی به وجود آورنده باران همانا باد است. در واقع بادی که در ارتفاعات بالای جو است و برای انسان قابل احساس نیست. این وزش بادهای بالا در وِردسپهر (۱۰ کیلومتر اول جو) ایجاد می‌شود (شکل ۱-الف). در آنجا وزش باد کاملاً نامنظم و همراه با امواج غول‌پیکر هوا در اطراف کره زمین است. هرگاه بادهای سطح بالا به سمت یکدیگر بوزند (همگرا شوند)، ناحیه‌ای با فشار بالاتر و هوای با چگالی بالاتر ایجاد می‌کنند که باعث می‌شود جریان هوا به سمت پایین ایجاد شود (ستون هوای سرد در سمت چپ شکل ۱-الف و ب). این جریان هوای به سمت پایین باعث افزایش فشار هوا در سطح زمین می‌شود. سپس این هوای با فشار بالاتر به سمت بیرون و به داخل منطقه با فشار پایین اطراف خود جریان می‌یابد.

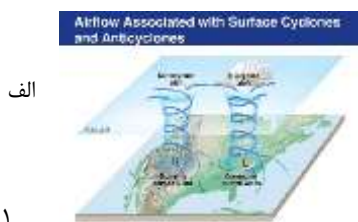
جدید پرداخته است. عدنان شریف در فصل چهارم کتاب «من علوم الارض القرآنیة» در مورد موضوع باد و هوا در قرآن مباحثی را آورده است. لیبیب بیضون در کتاب «الاعجاز العلمی النبوی» از پدیده‌های طبیعی قرآن کریم با بهره‌گیری و استفاده از علوم جدید سخن گفته و آیات مربوط به علوم هواشناسی را مورد بحث و پژوهش قرار داده است. «الركام المزني و الظواهر الجویه فی القرآن الکریم» از صلاح الدین عارف جنید از دیگر آثاری است که در آنها از پدیده‌های طبیعی قرآن کریم با بهره‌گیری و استفاده از علوم جدید بحث شده است. در این پژوهش سعی شده است که به تعدادی از مطالب علمی در زمینه هواشناسی در قرآن از دیدگاه علم هواشناسی پرداخته شود. در این راستا برخی واژه‌ها و پدیده‌های هواشناسی که در قرآن به کار رفته است استخراج شده و با کمک تفسیرهای مختلف، از نظر علم هواشناسی مورد بررسی قرار گرفتند.

بحث و نتیجه‌گیری

در قرآن مطالب زیاد و مهمی از علم هواشناسی وجود دارد. در این خصوص می‌توان به پدیده‌هایی مانند باد، ابر، باران، تگرگ و ... اشاره کرد. در قرآن کریم از ارسال بادهای با عبارت و ویژگی «لواقح» یاد شده است: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ» (حجر/۲۲)؛ «و باد [ها] را بارور کننده (ی ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی فرو فرستادیم و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما ذخیره‌ساز آن نیستید». لواقح از ماده لقا و جمع لاقحه به معنی باردارکننده است. طبرسی در تفسیر عمل لقاکنندگی بادهای می‌گوید: بادهای را لقاکننده فرستادیم یعنی ما بادهای را به جریان می‌آوریم تا ابرها را باران‌زا کنند



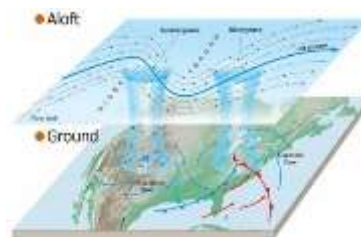
بالا می‌کشد و باعث فشار کمتری در سطح زمین می‌شود. این همان اتفاقی است که در سمت راست و پایین شکل ۱-الف و ب رخ می‌دهد و فشار کمتری که در مرکز وجود دارد هوای اطراف را به‌عنوان باد مکش می‌کند. حال اگر هوایی که به‌سمت بالا جریان می‌یابد دارای رطوبت باشد، باعث ایجاد ابر و بارش می‌شود.



الف

(الف - ۱)

به‌دلیل مقیاس بزرگ این جریانات، باد به‌دلیل اثر کوریولیس در نیمکره شمالی زمین به‌سمت راس چرخیده و گردش چرخندی و پادچرخندی را به‌وجود می‌آورد. هنگامی که وزش باد در وِردسپهر بالایی از یکدیگر دور می‌شوند (واگرا می‌شوند)، ناحیه‌ای از فشار پایین را ایجاد می‌کند. این فشار کم، هوا را از پایین به سمت



ب

شکل

جریانات باد در سطح بالای جو، (ب) ایجاد پادچرخند و چرخند و ابر توسط باد

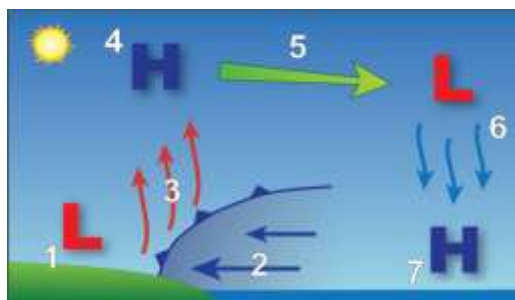
إِذَا أَسْفَرَ: سوگند به صبح هنگامی که نقاب از چهره بگیرد، گویی ظلمت شب همچون نقاب سیاهی بر صورت صبح افتاده، به‌هنگام سپیده‌دم نقاب را کنار می‌زند و چهره نورانی و پرفروغ خود را که نشانه زندگی و حیات است به جهانیان نشان دهد (تفسیر نمونه، ج ۲۶، ص: ۱۸۸). با توجه به تفسیر این دو آیه، می‌توان تفسیر و معنای دیگری را نیز از آیه ۱۸ سوره تکویر برداشت کرد که مرتبط با علم هواشناسی است و آن پدیده نسیم دریا به خشکی است که صبح‌گاه رخ می‌دهد. نسیم دریا یک گردش محلی است که در مکان‌های ساحلی در سراسر جهان اتفاق می‌افتد (ماسلینک و پاتیاراچی، ۱۹۹۸). این پدیده از مناطق قطبی تا استوایی مشاهده شده است. نسیم دریا خنک بوده و می‌تواند انسان را از شر هوای گرم، راحت کند و جان تازه‌ای به کالبد انسان بدمد همچنین نسیم دریا می‌تواند رعد و برق یا مه ایجاد کند (بارباتو، ۱۹۷۵؛ هسو، ۱۹۸۸؛ کوزو، ۱۹۸۲؛ کمبرلین و

در مورد باد آیه دیگری که مورد توجه قرار می‌گیرد، آیه ۱۸ سوره تکویر آمده است که حق تعالی می‌فرماید: «وَالصَّبْحَ إِذَا تَنَفَّسَ»: "قسم به صبح هنگامی که تنفس کند". مرحوم علامه طباطبایی در تفسیر این آیه و بیان معنای تنفس صبح می‌فرماید: این جمله عطف است بر کلمه خنس، و جمله إِذَا تَنَفَّسَ قید کلمه صبح است، و اگر صبح را دارای تنفس خوانده، به این مناسبت بوده که صبح نور خود را در افق می‌گستراند، و ظلمت را که افق را فراگرفته بود از بین می‌برد، و این نوعی استعاره است که صبح، بعد از آنکه ظلمت شب را شکافته و طلوع کرده به کسی تشبیه کرده که بعد از اعمال دشواری که انجام داده و لحظه فراغتی یافته تا استراحت کند نفسی عمیق می‌کشد، روشنی افق هم تنفسی است از صبح (ترجمه المیزان، ج ۲۰، ص: ۳۵۷). همچنین بیان شده است که این تعبیر شبیه تعبیری است که در سوره مدثر بعد از سوگند به شب آمده است که می‌فرماید: وَالصَّبْحِ



شکل ۲) و باعث می‌شود هوای روی دریا که نزدیک ساحل است، به سمت فشار کمتر بر روی خشکی سرازیر شود (شکل ۲). قدرت نسیم دریا با اختلاف دما بین خشکی و دریا متناسب است. از آنجاکه زمین بسیار سریعتر از آب تابش خورشید را جذب می‌کند، نسیم دریا یک اتفاق معمول در سواحل پس از طلوع خورشید است. در مقابل، نسیم خشکی به دریا پس از غروب آفتاب به وجود می‌آید و باد از خشکی به سمت دریا جاری می‌شود. در واقع طلوع خورشید باعث می‌شود جهت باد معکوس شود. این پدیده علمی، ۱۴۴۰ سال قبل در قرآن به تصویر کشیده شده بود و امروزه می‌دانیم که خورشید باعث تغییر جهت باد بین زمین و دریا می‌شود.

پلانچون، ۱۹۹۷؛ سیمپسون، ۱۹۹۴؛ سیلوا دیاس و ماچادو، ۱۹۹۷). ادامه درک ما از نسیم دریا مهم است زیرا قسمت عمده‌ای از جمعیت انسانی در شهرهای بزرگ در مناطق ساحلی زندگی می‌کنند. می‌دانیم که ظرفیت گرمایی دریا نسبت به خشکی بیشتر است، بنابراین سطح دریا با سرعت کمتری نسبت به خشکی گرم می‌شود (اکرمن، ۱۹۹۵). با تابش نور خورشید و افزایش دمای سطح زمین، هوای بالای آن را گرم می‌شود. هوای گرم شده، منبسط می‌شود، بنابراین تراکم کمتری داشته و فشار هوا را بر روی زمین نزدیک ساحل کاهش می‌دهد (حرف L در سمت چپ شکل ۲). هوای روی دریا فشار نسبتاً بیشتری دارد (حرف H در سمت راست



شکل ۲- چگونگی شکل‌گیری نسیم دریا به خشکی

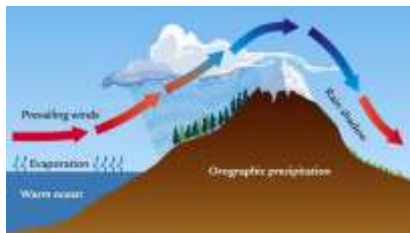
و ثمر دهد، خداوند به کار نیکان بینا است». در واقع کوه‌ها می‌توانند موجب ریزش باران باشند. کوه‌ها چگونه بر میزان بارش تأثیر می‌گذارند؟ کوه‌ها مانع قابل توجهی در برابر جریان پایدار هوا هستند. هوا با نزدیک شدن به کوه، مجبور به صعود می‌شود. در ارتفاعات، دما کاهش یافته و بخار آب متراکم می‌شود. این روند منجر به تشکیل ابرها می‌شود. هنگامی که هوا توسط کوه بالاتر می‌رود، ابرهایی که تشکیل شده‌اند در نهایت موجب بارش می‌شوند. این اثر که اصطلاحاً اثر اروگرافیک نامیده می‌شود، به این

در قرآن کریم به اثر اوروگرافی کوه برای ایجاد باران اشاره شده است. در آیه ۲۵۶ بقره خداوند می‌فرماید: «وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبُورَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضَعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ». «مثل کسانی که اموالشان را بخاطر خشنودی خدا، و با کمال اطمینان و آرامش دلی، در راه او انفاق می‌کنند، بسان بوستانی است که در زمین بلندی باشد و به موقع باران زیادی بر آن ببارد، و ثمره دو چندان بدهد، و اگر باران هم نیارد کم‌کم بار



و برق در تابستان و توفان‌های شدید برف در زمستان ایجاد می‌کنند. اثر اوروگرافیک در سمت باد (طرفی که رو به باد است) که باعث صعود هوا و تشکیل ابر می‌شود، رخ می‌دهد (شکل ۳).

دلیل رخ می‌دهد که با کاهش دما، رطوبت نسبی هوا بیشتر می‌شود و دما به دمای نقطه شبنم نزدیک‌تر می‌شود و ابر تشکیل می‌شود. این ابرها بارش را به صورت بارش‌های تندری به همراه رعد



شکل ۳- اثر اوروگرافیک کوه بر تشکیل ابر و بارش

مثال در کویر آتاکاما که معمولاً به‌عنوان خشک‌ترین مکان در جهان شناخته می‌شود، به‌ویژه در اطراف شهر متروکه یونگای (در منطقه آنتوفاگاستا، شیلی) میزان بارش به‌طور متوسط حدود ۱۵ میلی‌متر در سال است، حتی برخی از مناطق ۱ تا ۳ میلی‌متر باران در یک سال دارند و تقریباً به‌معنای بارش صفر است. علاوه بر این، برخی از ایستگاه‌های هواشناسی در آتاکاما، هرگز بارش بارانی ثبت نشده است. با این حال، برخی از مکان‌های آتاکاما مه دریایی دریافت می‌کنند که در محلی به نام کامانچاکا شناخته می‌شود، رطوبت کافی برای جلبک‌ها، گل‌سنگ‌ها و حتی برخی از کاکتوس‌ها را فراهم می‌کند (شکل ۳). به‌عبارتی دیگر در خشک‌ترین صحرای زمین، آب موردنیاز جهت رویش گیاهان توسط مه دریایی و شبنم تأمین می‌شود. این موضوع که به‌تازگی شناخته شده، در قرآن آمده است. قرآن می‌گوید اگر زمین باران نبیند، شبنم دریافت می‌کند. به‌عنوان بخشی از برنامه نجوم

در همین آیه به‌وجود شبنم در بیابان‌ها و جایی که باران وجود ندارد اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: «فَإِنْ لَمْ يُمْسِرْهَا وَأَيْلٌ فَطَلَّ». «اگر باران هم نبارد کم‌کم بار و ثمر دهد». یعنی اگر هم گاهی شرایط بیرون و عوامل محیط، امداد کاملش نمود و چون باران تند پرمایه بر ریشه‌ها و بذرها نرسید، چون شرایط درونش کامل و مددکار است، خشک و پژمرده نمی‌شود و همان مایه حیاتی که چون شبنمی به آن می‌رسد، زنده و روینده‌اش می‌دارد: «فَإِنْ لَمْ يُمْسِرْهَا وَأَيْلٌ فَطَلَّ» به تقدیر «فیصیبها طل» به این فعل، تصریح نشده تا ثبات را برساند: پس اگر باران تند به آن نرسد همان شبنم و رطوبت، بس است. در کتاب مهذب الاسماء در مورد کلمه طلل آمده است: "اسم عربی شبنم است که به هندی اوس گویند و آن رطوبتی است که از آسمان شب‌ها به‌خصوص آخر شب فرودآید و بر زمین و اشجار و غیره نشیند". اگر زمین باران دریافت نکند، شبنم دریافت می‌کند. امروز می‌دانیم که شبنم به خشک‌ترین بیابان روی زمین می‌رسد. جالب است که در مناطق خشک و بی‌باران بر روی کره زمین، رطوبت موردنیاز برای رویش گیاهان از شبنم ناشی از مه دریایی تأمین می‌شود. به‌عنوان



سرکادا و همکاران (۲۰۰۲ و ۲۰۰۸) منشأ و رفتار پدیده مه و شبنم را در محدوده ساحلی و مکان‌های داخلی کویر آتاکاما مطالعه کردند. آنها با تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده توسط ماهواره GOES، الگوی تشکیل ابر استراتوکومولی بر روی دریا، نزدیک شدن آن به خط ساحلی، ورود مه از طریق محدوده ساحلی و وجود مه تابشی در داخل کشور را توصیف کردند. با استفاده از مه‌گیرهای استاندارد (شکل ۴) نصب‌شده در شش سایت مختلف در امتداد محدوده ساحلی، نرخ جمع‌آوری مه بررسی شد. مشخص شد که مه‌ها با توجه به فصل و زمان روز، با شدت‌های مختلف در خشکی حرکت می‌کنند و بیشترین میزان فضایی پیشروی مه در زمستان و شب رخ می‌دهد. آزوا بوستوس و همکاران (۲۰۱۱) در تحقیقات خود نشان دادند که در محدوده ساحلی آتاکاما، میزان پوشش گیاهی در این منطقه، جایی که مه منبع اصلی رطوبت است، به‌طور قابل توجهی بیشتر است (شکل ۴). چگونه یک پیامبر امی که ۱۴۴۰ سال پیش زندگی می‌کرد می‌دانست که شبنم به خشک‌ترین مناطق می‌رسد؟

ناسا، گروه مک‌کی^۱ و همکاران (۲۰۰۳) داده‌های دما، رطوبت نسبی، باران، تابش خورشید و باد را جمع‌آوری کردند که به درک بهتر منشا خشکی آتاکاما کمک کرد. دلیل اصلی این کار تمرکز بر منابع رطوبت و نقش آنها در ایجاد محیط مناسب برای میکروارگانیسم‌های^۲ فتوسنتز بود. آنها دریافتند که در طی یک دوره چهار ساله، به‌طرز حیرت‌انگیزی، فقط یک رویداد بارانی به‌میزان ۲/۳ میلی‌متر ثبت شد. این واقعه نویسندگان را بر آن داشت تا احتمال دهند که ممکن است دلیل وجود محیط مناسب برای رشد گیاهان در این منطقه، مه باشد. آنها همچنین نتیجه گرفتند که آب‌های زیرزمینی به رطوبت سطح خاک کمکی نمی‌کند. مطالعات هوستون و هارتلی (۲۰۰۳) به طبقه‌بندی آتاکاما به‌عنوان یک کویر بیش از خشک، انجامید. با این حال میکروارگانیسم‌ها حتی در خشک‌ترین مناطق این کویر یافت شده‌اند، که دانشمندان را در مورد دسترسی به آب مورد نیاز برای حفظ حیات این گیاهان متعجب کرده است (آزوا بوستوس و همکاران، ۲۰۱۲). در این بین، گروه‌هایی علاقه‌مند به یافتن منابع بالقوه آب موردنیاز برای رشد گیاهان در این منطقه بودند. بنابراین،



شکل ۴- طبیعت کویر آتاکاما در کشور شیلی



می‌گویند. منطقه مرگ، در کوهنوردی، به ارتفاعاتی اشاره دارد که در آن مقدار اکسیژن برای حفظ زندگی انسان برای مدت‌زمان طولانی کافی نیست. این ارتفاع تقریباً ۸۰۰۰ متر است. انسان نمی‌تواند در ارتفاع زیاد از سطح زمین نفس بکشد. بالای منطقه مرگ انسان باید اکسیژن به‌همراه خود داشته باشد. این موضوع در قرآن به تصویر کشیده شده بود. قرآن می‌گوید هرچه به آسمان صعود می‌کنیم نفس کشیدن برای ما دشوارتر می‌شود: "او سینه‌های آنها را محکم و منقبض می‌کند، گویی که دارند به آسمان صعود می‌کنند." در برخی منابع به این برداشت علمی از این آیه اشاره شده است (تفسیر نمونه، ۵/ ۴۳۶، پناهی و فیض‌آبادی، ۱۳۹۰). چگونه نزدیک به ۱۴۵۰ سال پیش در قرآن چگونگی تأثیر ارتفاع بر تنفس آمده است؟ در قرآن کریم در دو آیه به وزن داشتن ابرها اشاره شده است. در آیه ۱۲ سوره رعد آمده است: "هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ الْبَرْقَ خَوْفًا وَ طَمَعًا وَيُنشِئُ السَّحَابَ الثِّقَالَ". "اوست کسی که برق (آسمان) را برای بیم و امید به شما نشان می‌دهد و ابرهای گران‌بار را پدید می‌آورد". همچنین در آیه ۵۷ سوره اعراف آمده است: "وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَدٍ لَئِيمٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نَخْرِجُ الْمَوْتَىٰ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ". "و او خدایی است که بادها را به بشارت باران رحمت خویش در پیش فرستد، تا چون بار ابرهای سنگین را بر دارند ما آنها را به شهر و دیاری که (از بی آبی) مرده است برانیم و بدان سبب باران فرو فرستیم و هرگونه ثمر و حاصل از آن برآوریم، همین‌گونه مردگان را هم از خاک برانگیزیم، باشد که (بر احوال قیامت خود) متذکر گردید." سال‌ها پیش مردم فکر

در قرآن در آیه ۱۲۵ سوره انعام به اثر ارتفاع بر فشار هوا و اکسیژن اشاره شده است: "فَمَنْ يَرِدْ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضَلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ". "آن کس را که خدا بخواهد هدایت کند، سینه‌اش را برای (پذیرش) اسلام، گشاده می‌سازد؛ و آن کس را که بخاطر اعمال خلافش بخواهد گمراه سازد، سینه‌اش را آن‌چنان تنگ می‌کند که گویا می‌خواهد به آسمان بالا برود؛ این‌گونه خداوند پلیدی را بر افرادی که ایمان نمی‌آورند قرار می‌دهد". می‌فرماید: خدا هر کس را که بخواهد هدایت کند سینه‌اش را وسعت و گشایش می‌بخشد، به‌گونه‌ای که کلمه حق را دفع نکند و اسلام را بپذیرد، پس اسلام حیات و نوری از جانب خداست که آن‌را به هر کس بخواهد هدایت کند عطا می‌نماید و به عکس، خداوند هر کس را که بخواهد گمراه کند سینه‌اش را تنگ و سخت می‌سازد، به‌گونه‌ای که متوجه چیزی از حق و صدق نمی‌شود و تضییق معنایی مقابل شرح و توسعه دارد و حرج به‌معنای تنگی و شدت آن است و اینکه فرمود: سینه او را سخت می‌کنیم، یعنی به‌نحوی که حق به دشواری و سختی در آن وارد شود. عبارت بعدی (کانما یصعد فی السماء) به منزله تفسیر برای (ضیقا حرجاً) می‌باشد و اشاره است به اینکه امتناع دل‌های گمراهان از قبول حق شبیه به امتناع ظرفی است که بخواهند چیزی را که حجمش بیشتر از حجم آن است در آن جای دهند و می‌فرماید: مانند اینکه او در آسمان بالا رود (تفسیر المیزان). امروزه می‌دانیم که با افزایش ارتفاع، فشار جو و غلظت اکسیژن در جو کاهش می‌یابد تا اینکه به جایی می‌رسیم که دیگر انسان نمی‌تواند نفس بکشد که به آن منطقه مرگ



که برابر است با $500/000$ کیلوگرم یا 500 تن. تقریباً به اندازه وزن 100 فیل. جالب است بدانید از آنجا که ابرهای کومولونیمبوس چگالی و طول بسیار بیشتری دارند چیزی در حدود یک میلیون تن وزن دارند. در قرآن به پدیده ریزانفجار در هواشناسی نیز اشاره شده است. در آیه ۳۱ سوره حج آمده است: "حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَ مَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَطَفَهُ الطَّيْرُ أَوْ تَهْوَىٰ بِهِ الرِّيحُ فِي مَكَانٍ سَحِيقٍ". "در حالی که برای خدا حق گرا باشید او در مناسک حج به او شرک نوزید. و هر کس به خدا شرک ورزد، گویا چنان است که از آسمان سقوط کرده و پرندگان [شکاری] او را می‌ربایند، یا باد او را به جایی دور دست می‌اندازد". در انتهای آیه ترسیم بسیار گویا و زنده‌ای از وضع حال مشرکان و سقوط و بدبختی و نابودی آنها می‌کند و چنین می‌گوید: «و کسی که شریک برای خدا قرار دهد، گویی از آسمان سقوط کرده، و پرندگان در وسط هوا او را می‌ربایند (و هر قطعه از گوشت او در منقار پرنده مرده‌خواری می‌افتد) و یا (اگر از چنگال آنها به سلامت بگذرد) تند باد او را به جای دوردستی پرتاب می‌کند». در حقیقت آسمان کنایه از «توحید» است و شرک سبب سقوط از آسمان می‌گردد، مسلماً کسی که از آسمان سقوط می‌کند، قدرت تصمیم‌گیری را از دست می‌دهد، با سرعت و شتابی که هر لحظه فزونی می‌گیرد به سوی نیستی پیش می‌رود و سرانجام در چنگال شیطان و هوی و هوس‌های سرکش محو و نابود می‌گردد (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۲۰، ص: ۳۵۷). در زمان قدیم مردم فکر می‌کردند که بادهای فقط به صورت سطحی و به موازات زمین حرکت می‌کنند. در آن زمان

می‌کردند ابرها بی‌وزن هستند. امروز ما می‌دانیم که این نادرست است و ابرها بسیار سنگین هستند. وزن ابر چقدر است؟ خوب است بدانیم ابرها زمانی تشکیل می‌شوند که هوا به قدری سرد شود که دیگر نتواند بخار آب را در خود نگه دارد. در این حالت بخار آب به شکل قطرات بسیار ریزی متراکم می‌شوند. چگالی ابرها به نوع آنها بستگی دارد. دانشمندان چگالی یک ابر کومولوس^۱ را حدود $0/5$ گرم بر مترمکعب اندازه گرفته‌اند. ابرهای کومولوس، ابرهای پف کرده و سفیدی هستند. ابرهای کم‌پشت که به نام ابرهای سیروس^۲ معروف هستند چگالی کمتری دارند. در حالی که ابرهای باران‌زای کومولونیمبوس^۳ ممکن است چگال‌تر باشند. ابرهای کومولوس برای محاسبه وزن مناسبتر هستند زیرا برآورد شکل و اندازه آنها نسبتاً آسان است. یک روش این است که با سرعتی ثابت در راستای سایه ابر و در زمانی که خورشید درست بالای ابر است، حرکت کنید. مدت زمان طی شده برای عبور از سایه را اندازه بگیرید. مسافت = زمان × سرعت. با استفاده از رابطه بالا، طول یک ابر کومولوس معمولی حدود یک کیلومتر یا 1000 متر محاسبه می‌شود. از آنجا که ابرهای کومولوس تقریباً به اندازه طول خود، ارتفاع و عرض دارند پس حجمشان برابر است با:

$$\text{حجم ابر} = \text{طول} \times \text{عرض} \times \text{ارتفاع}$$

$$\text{حجم ابر} = 1000 \text{ متر} \times 1000 \text{ متر} \times 1000 \text{ متر}$$

$$\text{حجم ابر} = 1/000/000 \text{ متر مکعب}$$

ابرها واقعاً عظیم هستند! حال می‌توان از چگالی ابر برای محاسبه جرم آن استفاده کرد:

$$\text{دانشیته} = \text{حجم} / \text{جرم}$$

$$0/5 \text{ گرم بر متر مکعب} = 1/000/000 \text{ متر مکعب} / \text{جرم}$$

$$\text{جرم} = 500/000/000 \text{ گرم}$$

3 cumulonimbus

1 Cumulus

2 Cirrus



باد ناشی از جبهه انفجار برای هواپیما خطرناک باشد. طی چندین دهه گذشته چندین تصادف مرگبار به این پدیده نسبت داده شده است و آموزش خدمه پرواز در مورد چگونگی مواجهه صحیح با یک میکروانفجار الزامی است. یک ریزانفجار اغلب دارای وزش باد شدید رو به پایین است که در مدت چند ثانیه تا چند دقیقه می‌تواند درختان بزرگ را از جا بکند. با وجود این که این پدیده در قرن‌های اخیر شناخته شده است، در قرآن به تصویر کشیده شده بود. در این آیه به جهت رو به پایین باد اشاره شده است.

هیچ‌کس در مورد بادهایی که از بالا به زمین برخورد می‌کند اطلاع نداشت. با این حال امروز این پدیده جوی صنعت هواپیمایی را دچار مشکل کرده است. نام این بادهای شدید ریزانفجار است که طبق گزارشات هلمفلت (۱۹۸۸)، قطر حرکت نزولی بین ۶۰۰ تا ۱۷۰۰ متر است (شکل ۵). ریزانفجار یک حالت انفجاری شدید در مقیاس کوچک است که توسط توفان یا رگبار باران تولید می‌شود. دو نوع ریز انفجار وجود دارد: ریز انفجار مرطوب و ریز انفجار خشک. یک ریز انفجار کوچک می‌تواند به‌خصوص در هنگام فرود هواپیما به دلیل برش



شکل ۵- چگونگی شکل‌گیری ریز انفجار

force) که توسط کوریولیس در سال ۱۹۸۵ (هورسمیر، ۲۰۰۵) کشف شد، به هوایی که در حال حرکت است وارد می‌شود و جریان هوا را در نیمکره شمالی به سمت راست و در نیمکره جنوبی زمین به سمت چپ منحرف می‌کند (شکل ۶). این نیرو باعث می‌شود که جریان هوا را به صورت گردشی و چرخند یا پادچرخند در اطراف مرکز کم فشار و پرفشار داشته باشیم. جالب است نیرویی که باعث گردش باد می‌شود در اواخر قرن بیستم میلادی کشف شده است، در حالیکه قرن‌ها قبل در قرآن به گردش باد اشاره شده است.

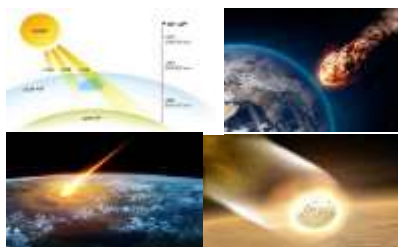
در ۴۲ آیه از قرآن واژه‌های "ریح" و "ریاح" به معنای "باد" و "بادها" آمده است که اغلب عبارت فرستادن باد مانند "ارسلنا الریاح" به کار رفته است و در دو آیه (آیه ۵ سوره جائیه و آیه ۱۶۴ سوره بقره) از عبارت گردش باد (تَصْرِيفِ الرِّیاح) استفاده شده است. واژه "تَصْرِيفِ الرِّیاح" به معنای گردانیدن و عبارت "تَصْرِيفِ الرِّیاح" به معنای برگردانیدن باد از سوئی به سوی دیگر است. می‌دانیم که وقتی دو توده هوا با فشار هوای متفاوت داشته باشیم، جریان هوا یا باد از پرفشار به سمت کم‌فشار حرکت می‌کند. این حرکت مستقیم و راست نیست. به دلیل چرخش زمین، نیرویی به نام نیروی کوریولیس (Coriolis



شکل ۶- گردش باد در اثر نیروی کوریولیس و ایجاد چرخند و پادچرخند

نمونه، ج ۳، ص ۱۶۷). در واقع جو، زمین را در برابر شهاب‌سنگ‌ها و اشیاء کوچک و بزرگ محافظت می‌کند. وقتی این شهاب‌سنگ‌ها وارد جو ما می‌شوند، گرمای تولیدشده هنگام ورود، آنها را می‌سوزاند. شهاب‌سنگی که از خلأ عبور می‌کند معمولاً با سرعتش به ده‌ها مایل بر ساعت می‌رسد. وقتی شهاب‌سنگ به جو برخورد می‌کند، هوای مقابل فوق‌العاده سریع فشرده می‌شود. وقتی گاز فشرده می‌شود، دمای آن افزایش می‌یابد. این امر باعث گرم شدن شهاب‌سنگ به حدی می‌شود که می‌سوزد. هوا تا جایی که چیزی از شهاب‌سنگ باقی‌نماند، آن را می‌سوزاند (شکل ۶). جو زمین را از بمباران ذرات کوچک و بزرگ حفظ می‌کند. جو به محافظت از موجودات زنده در برابر آسیب ناشی از اشعه ماوراء بنفش خورشید، بادهای خورشیدی و اشعه کیهانی کمک می‌کند (شکل ۶). در واقع لایه ازن جو به‌عنوان سپری برای سیاره زمین در برابر اشعه ماوراء بنفش است که از طریق جذب به سیاره زمین نزدیک می‌شوند، عمل می‌کند (هوسا و خان، ۲۰۰۹). این موضوع به‌وضوح در این آیه قرآن آمده است.

در آیه ۳۲ سوره انبیاء آمده است: "وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ." و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم؛ ولی آنها از آیات آن روی‌گردانند." و از آنجاکه آرامش زمین به‌تنهایی برای آرامش زندگی انسان کافی نیست بلکه باید از طرف بالا نیز ایمنی داشته باشد در این آیه اضافه می‌کند: «و ما آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم ولی آنها از آیات و نشانه‌های توحید که در این آسمان پنهان است روی‌گردانند» (وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرَضُونَ). منظور از آسمان در اینجا جوی است که گرداگرد زمین را گرفته و ضخامت آن طبق تحقیقات دانشمندان صدها کیلومتر است، این قشر ظاهراً لطیف که از هوا و گازها تشکیل شده به قدری محکم و پر مقاومت است که هر موجود مزاحمی از بیرون به‌سوی زمین بیاید نابود می‌شود، و کره زمین را در برابر بمباران شبانه‌روزی سنگ‌های «شهاب» که از هر گلوله‌ای خطرناک‌ترند حفظ می‌کند. به‌علاوه اشعه آفتاب که دارای قسمت‌های مرگباری است به‌وسیله آن تصفیه می‌شود، و از نفوذ اشعه کشنده کیهانی که از بیرون جو، به‌سوی زمین سرازیر است جلوگیری می‌کند (برگزیده تفسیر



شکل ۶- محافظت آسمان و جو از کره زمین



که در معرض طغیان دریا قرار دارند و تمام خطوط ساحلی در حال عقب‌رفتن هستند. جالب است که این مسأله علمی قرن‌ها قبل در قرآن آمده بود. در آیه ۴۳ سوره نور می‌خوانیم: "أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ"؛ (آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند سپس میان آن‌ها پیوند می‌دهد و بعد آن را متراکم می‌سازد؟! در این حال، می‌بینی که [دانه‌های] باران از لابه‌لای آن خارج می‌شود و از آسمان، از کوه‌هایی در آن ابرهایی به شکل کوه [دانه‌های تگرگ نازل می‌کند و هرکس را بخواهد به وسیله آن زیان می‌رساند و هرکس را که بخواهد این زیان را از او برطرف می‌کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن‌ها چشم‌ها را ببرد!). تگرگ نوعی بارش است که به صورت آب یخ‌زده است. تگرگ هنگامی ایجاد می‌شود که قطرات آب با هم در مناطق سرد بالای ابرهای کومه‌ای یا کومولونیمبوس^۱ یخ بزنند. این تکه‌های یخ را تگرگ می‌نامند. قطر بیشتر تگرگ‌ها بین ۵ میلی‌متر و ۱۵ سانتی‌متر است و می‌تواند گرد یا دندان‌های شکل باشد. دانه‌های تگرگ قطرات باران منجمد نیستند. باران یخ‌زده مانند آب باران می‌بارد و با نزدیک شدن به زمین یخ می‌زند. در واقع تگرگ ابتدا به صورت جامد در آسمان و بالای ابر تشکیل شده و سپس می‌افتد. دانه‌های تگرگ در اثر چسبیدن و انجماد لایه‌های آب در یک ابر بزرگ ایجاد می‌شوند. یک قطره یخ‌زده در هنگام توفان از ابر شروع به سقوط می‌کند، اما توسط یک وزش باد شدید به درون ابر رانده می‌شود. وقتی تگرگ درون ابر به

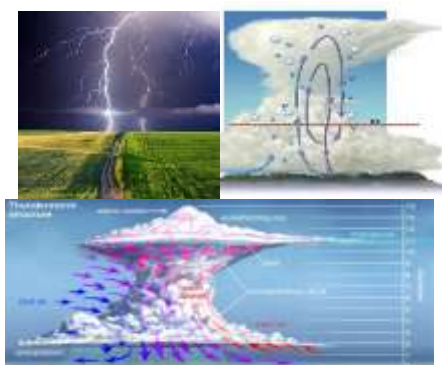
در آیه ۴۴ سوره انبیاء و آیه ۴۱ سوره رعد به پدیده تغییر اقلیم و بالا آمدن آب دریا و کاهش زمین خشک ساحلی اشاره شده است. در آیه ۴۴ سوره انبیاء آمده است: "بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَ فَهُمُ الْغَالِبُونَ". "ما آنها و پدرانشان را (از نعمت‌ها) بهره‌مند ساختیم، تا آنجاکه عمر طولانی پیدا کردند (و مایه غرور و طغیانشان شد) آیا نمی‌بینند که ما پیوسته به سراغ زمین آمده، و از آن (و اهلش) می‌کاهیم؟! آیا آنها غالبند (یا ما)؟!"، و در آیه ۴۱ سوره رعد آمده است: "أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ يَحْكُمُ لَهَا مُعَقَّبًا لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ". "آیا ندیدند که ما پیوسته به سراغ زمین می‌آییم و از اطراف (و جوانب) آن کم می‌کنیم؟! و خداوند حکومت می‌کند؛ و هیچ‌کس را یارای جلوگیری یا رد احکام او نیست؛ و او سریع‌الحساب است". در تفسیر نور (قرائتی، ۱۳۸۳) آمده است که در روایات متعدد می‌خوانیم که مراد از کم‌شدن اطراف زمین، مرگ و فقدان علما و دانشمندان بزرگ است. ولی می‌توان آن را به پدیده گرمایش جهانی نیز ربط داد. گرم‌شدن کره زمین باعث ذوب شدن یخ قطب‌ها می‌شود که به نوبه خود باعث افزایش سطح آب اقیانوس‌های جهان می‌شود. در نتیجه تمام خطوط ساحلی در حال عقب‌نشینی هستند. بر اساس مطالعات جدید، تغییر اقلیم در حال از بین بردن تکه‌های غول‌پیکر یخ از گرینلند است به طوری که این ذوب یخ در حال حاضر سهم قابل توجهی در بالا آمدن آب دریاها داشته است. گرم‌شدن کره زمین و ذوب یخ‌های این جزیره، شهرهای ساحلی دنیا را تهدید می‌کند. ۴۰ تا ۵۰ درصد از جمعیت این سیاره در شهرهایی هستند

1 Cumulonimbus



اشاره شده است. همچنین زیر پایه این ابر که معمولاً بسیار تیره‌رنگ است، غالباً ابرهای پاره‌پاره وجود دارد که ممکن است به آن پیوسته یا از آن جدا باشند. در این آیه به پیوستن تکه‌های ابر اشاره شده است (شکل ۷). در درون این ابرها جریانات بسیار شدید بالارونده و پایین‌رونده وجود دارد و معمولاً رعد و برق و بارندگی‌های شدید توسط این ابرها به وجود می‌آیند. این ابرها به نام ابرهای رعد و برق نیز معروفند و بارندگی آنها به صورت رگباری است. در این آیه به وجود رعد و برق نیز هنگام بارش تگرگ اشاره شده است. در سال ۱۹۶۰، شاکفورد کشف کرد که در ۶۰ درصد مواقعی که تگرگ می‌بارد، رعد و برق با نرخ ۱۰۰ بار در یک ساعت وجود دارد. همچنین حداقل نرخ رعد و برق با وجود بارش تگرگ، ۱۰ بار در ساعت است. جالب است که در این آیه بیان شده که نزدیک است درخشندگی برق آنها چشم‌ها را ببرد. در ترجمه‌های قرآن اغلب منظور از "درخشندگی برق آنها"، به "درخشندگی برق ابرها" یاد شده است؛ ولی می‌توان منظور از آن را رعد و برق و تعداد زیاد آن دانست.

بالا رانده می‌شود، به قطرات آب مایع برخورد می‌کند. سپس این قطرات به تگرگ یخ‌زده چسبیده و لایه دیگری به آن اضافه می‌کنند. با بالاتر رفتن قطرات یخ‌زده به بالای ابر و کاهش دما، آنها تبدیل به آب فوق سرد می‌شوند و در اثر تماس با هسته‌های چگالش یخ می‌زنند. برش عرضی یک تگرگ بزرگ، ساختاری شبیه پیاز را نشان می‌دهد. تگرگ سرانجام هنگامی که بیش از حد سنگین می‌شود دیگر نمی‌تواند در ابر بماند و به زمین می‌افتد. با علم امروز هواشناسی می‌دانیم که تگرگ از ابرهای کومه‌ای، با گسترش قائم چشمگیر و به شکل کوه می‌بارد (شکل ۷). ابرهای کومه‌ای ابرهایی هستند که رشد عمودی بارزی داشته و معمولاً از ارتفاعات پایین تا ارتفاعات بسیار بالاتر کشیده می‌شوند. این ابرها حتی ممکن است تا لایه وردایست که مرز بین لایه اول و دوم جو است یعنی تا ارتفاع ۱۱ کیلومتر از زمین، رشد کنند (شکل ۷). ابرهای کومه‌ای که به ابرهای CB در هوانوردی مشهور هستند، خطرناک‌ترین ابر در هوانوردی شناخته شده‌اند؛ چراکه خطر یخ‌زدگی شدید بدنه هواپیما و همچنین وجود تلاطمات بسیار شدید را دارند. در این آیه به شکل ابرها که به صورت کوه است



شکل ۷- ابر کومه‌ای و چگونگی شکل‌گیری تگرگ درون آن



نتیجه‌گیری

می‌شود. در آیه ۱۲۵ سوره انعام به اثر ارتفاع بر فشار هوا و اکسیژن اشاره شده است. امروزه می‌دانیم که با افزایش ارتفاع، فشار جو و غلظت اکسیژن در جو کاهش می‌یابد تا اینکه به جایی می‌رسیم که دیگر انسان نمی‌تواند نفس بکشد که به آن منطقه مرگ می‌گویند. در دو آیه از قرآن کریم (آیات ۱۲ سوره رعد و ۵۷ سوره اعراف) به وزن داشتن ابرها اشاره شده است. ابرها دارای جرم زیادی در حدود بیش از ۵۰۰ تن هستند. در آیه ۳۱ سوره حج به پدیده ریزانفجار در هواشناسی نیز اشاره شده است. این آیه حرکت قائم و رو به پایین باد در پدیده ریز انفجار را مورد توجه قرار داده است. در آیه ۳۲ سوره انبیاء به محافظت آسمان و جو از کره زمین در مقابل شهاب‌سنگ‌ها و اشیاء کوچک و بزرگ و اشعه فرابنفش خورشید اشاره کرده است. در آیه ۴۳ سوره نور نیز به بارش تگرگ از ابرهای با ارتفاع زیاد به شکل کوه و وجود رعد و برق زیاد در هنگام بارش تگرگ اشاره شده است. این تحقیق کار کوچکی برای نشان دادن و یادآوری برخی مسائل هواشناسی در قرآن بود. البته که با تحقیق بیشتر و مطالعه و تدبیر بهتر نکات بیشتری از این کتاب آسمانی آشکار خواهد شد.

در این تحقیق به بررسی برخی واژه‌ها و پدیده‌های مرتبط با علم هواشناسی در قرآن پرداخته و از نظر علمی با علم روز هواشناسی مطابقت داده شد. در این راستا واژه باد در قرآن مورد توجه و تحقیق قرار گرفت. در آیه ۲۲ سوره حجر از باد به عنوان علت اصلی بارش باران یاد شده است که با علم روز هواشناسی مطابقت دارد. همچنین در دو آیه (آیه ۵ سوره جاثیه و آیه ۱۶۴ سوره بقره) از عبارت گردش باد (تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ) استفاده شده است که به گردش باد و ایجاد چرخندها و پادچرخندها اشاره دارد. در آیه ۱۸ سوره تکویر، "و الصبِح إِذَا تَنَفَّسَ"، به پدیده نسیم دریا به خشکی عنوان شده است. در آیه ۲۵۶ بقره به اثر اوروگرافی کوه و اینکه کوه نیز می‌تواند عامل بارش برای ایجاد باران اشاره شده است. در همین آیه به وجود شب‌نم در بیابان‌ها و جایی که باران وجود ندارد اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: «فَإِنْ لَمْ يَصِبْهَا وَأَيْلٍ فَطَلَّ». در واقع در مناطق خشک و بی‌باران بر روی کره زمین، رطوبت مورد نیاز برای رویش گیاهان از شب‌نم ناشی از مه دریایی تأمین

منابع

۱. الزنجی السجزی، محمودبن عمر (۱۳۶۴): «مهدب الاسماء فی مرتب الحروف و الاشیاء»، مصطفوی، محمدحسین (تصحیح)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۲. الشریف، عدنان (۱۴۲۱ ه.ق): «من علوم الأرض القرآنیة»، بیروت: انتشارات دار العلم للملایین.
۳. امین، احمد (۱۹۶۷ش): «التکامل فی الاسلام»، نجف: النعمان.
۴. انجالی، آرش و بهاری ادلو، بهنام (۱۳۹۷): «فیزیک در منظر قرآن»، اردبیل: جهاد دانشگاهی.
۵. بازرگان (۱۳۴۵): «باد و باران در قرآن»، تهران: انتشار.
۶. براتی، غلامرضا و قطب شریف سید شهاب‌الدین (۱۳۹۴): «اعجاز علمی عبارت «تَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ» در قرآن کریم»، پژوهش‌های قرآن و حدیث، سال چهل و هشتم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۴.
۷. پناهی، حسین و فیض‌آبادی، حمیده (۱۳۹۰): «فیزیک در قرآن»، تهران: فیض دانش.
۸. جنید، صلاح‌الدین عارف (۱۴۱۹ق): «الِرکام المزنی و الظواهر الجوویه فی القرآن الکریم»، دمشق.
۹. حرانی، ابومحمد حسن (قرن ۴ ه.ق): «تَحْفَ الْعُقُول»، «».
۱۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.



۱۱. طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش): «مجمع البحرين»، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۱۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۳ ش): «تفسیر نور»، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۱۳. لیبیب بیضون (۲۰۰۷م): «الاعجاز العلمی النبوی»، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۱۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۸): «معارف قرآن (۱-۳): خدانشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی»، ص: ۲۵۹.
۱۵. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۳ش)، «معارف قرآن (۱-۳): خدانشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ چهارم.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الاسلامیه، جلد ۲۶: صفحه ۱۸۸.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۴ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دار الکتب الاسلامیه، جلد ۵: صفحه ۴۳۶.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از فضلا (۱۳۸۶ش): «برگزیده تفسیر نمونه»، علی بابایی، احمد (تنظیم)، تهران: دارالکتب اسلامی، ج ۳: ص ۲۱۴.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷): «ترجمه میزان»، تهران: ج ۲۰، ص: ۳۵۷.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۶۷): «ترجمه میزان»، تهران: ج ۳، ص ۱۶۷.
۲۱. نورالدین، محمد (۱۴۱۹ه.ق): «المنجد»، دمشق: دارالفکر.
۲۲. هاشمی، مریم (۱۳۹۱): «فیزیک در قرآن»، قم: انتشارات دارالعلم.
23. Azua-Bustos, A, González-Silva, C, Mancilla, R.A, Salas, L, Gómez-Silva, B, McKay, C.P and Vicuña, R., (2011): "Hypolithic Cyanobacteria Supported mainly by fog in the coastal range of the Atacama Desert", *Microb. Ecol.*, 61 (2011), pp. 568-581.
24. Azua-Bustos, Armando, Urrejola, Catalina, and Vicuña, Rafael, (2012): "Life at the dry edge: Microorganisms of the Atacama Desert", *FEBS Letters*, Pages 2939-2945, <https://doi.org/10.1016/j.febslet.2012.07.025>.
25. Barbato, J. P., (2012): "The sea breeze of the Boston area and its effect on the urban atmosphere", Ph.D. dissertation, Boston Univ., Boston, Mass., 1975.
26. Camberlin, P., and O. Planchon, (1997): "Coastal precipitation regimes in Kenya", *Geogr. Ann., Ser. A*, 79A (1-2), 109- 119.
27. Cereceda, O, Osses, P, Larrain, H, Farias, M, Lagos, M, Pinto, R, and Schemenauer, R.S., (2002): "Advection, orographic and radiation fog in the Tarapacá Region, Chile" *Atmosph. Res.*, 64, pp. 261-271
28. Cereceda, O, Larrain, H, Osses, P, Farias, M, and Egaña, I., (2008): "The spatial and temporal variability of fog and its relation to fog oases in the Atacama Desert, Chile" *Atmosph. Res.*, 87, pp. 312-323
29. Hjelmfelt, MR., (1988): "Structure and life cycle of microburst outflows observed in Colorado". *J Appl Meteorol*; 27:900-27.
30. Horstmeyer, S. L. (2005): "An outline of the history of meteorology". GEO165-Meteorology. College of Mt. Saint Joseph.
31. Houston, J, and Hartley, A., (2003): "The central Andean west-slope rainshadow and its potential contribution to the origin of hyper-aridity in the Atacama Desert", *Int. J. Climatol.*, 23, pp. 1453-1464.
32. Hsu, S. A., (1988): "Coastal Meteorology", 260 pp., Academic, San Diego, Calif., 1988.
33. Hussa, Al-Jiran and Khan, Abdul. (2009): "Prediction of ozone layer thickness in troposphere based on continuously measurement of ultra-violet radiation in Gulf cooperation council (GCC)". 188-194.
34. Kozo, T. L., (1982): "An observational study of sea breezes along the Alaskan Beaufort sea coast: Part I", *J. Appl. Meteorol.*, 21, 891- 905.
35. Masselink, G., and C. B. Pattiaratchi, (1998): "The effect of sea breeze on beach morphology, surf zone hydrodynamics and sediment resuspension", *Mar. Geol.*, 146, 115- 135.
36. McKay, C.P, Friedmann, E.I, Gómez-Silva, B, Cáceres-Villanueva L, and Andersen, D.T., (2003): "Temperature and moisture conditions for life in the extreme arid region of the Atacama Desert: four years of observations including the El Niño of 1997-1998", *Astrobiology*, 3 (2003), pp. 393-406
37. Silva Dias, M. A. F., and Machado, A. J., (1997): "The role of local circulations in summertime convective development and nocturnal fog in São Paulo, Brazil", *Boundary Layer Meteorol.*, 82, 135- 157.
38. Shackford, C.R., (1960): "Radar indications of a precipitation-lightning relationship in New England thunderstorms". *J. Met.*, 17, 15-19.
39. Simpson, J. E., (1969): "A comparison between laboratory currents and atmospheric density currents", *Q. J. R. Meteorol. Soc.*, 95, 758- 765.
40. Steve Ackerman (1995): "Sea and Land Breezes". [University of Wisconsin. Archived from the original on February 13, 2020. Retrieved October 24, 2006.](http://www.unc.edu/~ackerman/)

بررسی تربیت زیستی از منظر قرآن کریم

سیدحسن میردیلیمی^۱، علی غلامی فیروزجایی^۲، مریم خانی^۳، سیدمصطفی میردیلیمی^۴

- ۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت، دانشگاه خوارزمی (نویسنده مسئول: mir.seyyed@yahoo.com)
۲- دکتری تاریخ اسلام دانشگاه مذاهب اسلامی تهران
۳- کارشناسی ارشد فلسفه اسلامی، دانشگاه بین المللی امام خمینی قزوین
۴- طلبه سطح دو حوزه علمیه.

چکیده:

انسان دوره مدرن دچار بحران محیط زیست ونحوه مواجهه با آن شده است. داشتن محیط زیست سالم، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت هر جامعه است. نگاه تسخیری بی‌حد و حصر انسان که ریشه در تفکرات بعد رنسانس فیلسوفانی همچون رنه دکارت دارد، سبب بهم خوردگی و اختلال در محیط زیست شده است. قرآن به‌عنوان نوری در دل تاریکی و کتایی دارای برنامه، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به‌منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است. این مقاله با هدف بررسی جایگاه محیط زیست و بعد تربیتی که قرآن نسبت به محیط زیست دارد، صورت گرفته است. روش تحقیق به‌کار گرفته شده در این مقاله توصیفی- تحلیلی می‌باشد و روش گردآوری داده اسنادی است. مطالعه و بررسی در قرآن کریم نشانگر آن است که خدای انسان، همان خدای طبیعت است و انتساب آفرینش انسان و طبیعت به پروردگار یگانه هستی، خود بیانگر نتایج و نکته‌های چندی از رابطه متقابل و هماهنگی آن دو است که البته این رابطه دوسویه در آیات قرآن به‌روشنی بیان شده است. به انسان توصیه می‌شود که رعایت نظم و اعتدال در استفاده از مواهب طبیعی، همگانی بودن مسئولیت حفاظت از محیط زیست، توجه به عناصر اصلی محیط زیست (آب، باد، زمین، هوا، خاک، گیاهان و ...)، حمایت از حیوانات، امر به آبادانی زمین، احیای طبیعت، نقش بسیار مهم آموزش و فرهنگ قرآنی در بالابردن سطح دانش و مسئولیت‌پذیری افراد در برابر جامعه و محیط زیست، از مهم‌ترین نکات تربیتی قرآن کریم در خصوص رابطه محیط زیست و اهمیت آن در زندگی بشر می‌باشد.

کلید واژگان: محیط زیست، قرآن، نگاه تسخیری، نظم و اعتدال، مسئولیت‌پذیری

مقدمه

زمان‌های گذشته از چنان اهمیت و تقدسی برخوردار بود. در برخی از نگرش‌ها و جهان‌بینی‌ها طبیعت بدان اندازه مهم بوده که حتی به‌عنوان امری مقدس و قابل ستایش تلقی می‌شده است (مثنوی، ۱: ۱۳۹۱). در زمان‌های باستان عناصر طبیعت به‌عنوان خدایان مورد پرستش و احترام قرار می‌گرفتند. حتی همین حالا هم در فرهنگ برخی از مردم جهان همانند هندوها فرهنگ احترام به گاو وجود دارد و حتی در کشور ما ایران احترام به برخی درختان، گیاهان و حیوانات ریشه در این نوع نگاه دارد. در

طبیعت و محیط زیست یکی از نعمت‌هایی است که از سمت خداوند متعال به ما انسان‌ها عنایت شده است. داشتن محیط زیست سالم، مقدمه توسعه و تعالی هر جامعه است. افزایش نرخ جمعیت انسانی و لوازم مورد نیاز این جمعیت، سلامت محیط نسل‌های کنونی و آینده را در معرض تهدید قرار داده است. یکی از راه‌های مهم حفاظت از محیط زیست و ارتقای سلامت آن، افزایش سطح آگاهی جامعه است (فتاوی، ۱: ۱۳۹۴). طبیعت پیرامون ما در



مثال سوره رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، بقره، شمس، حدید، لیل و قمر. در آیات قرآن کریم همچون آیه ۴۹ سوره قمر «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ ماییم که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم» که حکایت از نظم حاکم بر جهان و طبیعت دارد و از آن این نتیجه به دست می‌آید که نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیستی ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. تربیت محیط زیستی یکی از مسائلی هست که در این دوره بسیار مورد نظر صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. در بیان اهمیت و ضرورت نگارش این مقاله اینکه در زمانی که تفکر غالب تسخیر بی حد و حصر و سودانگاران از طبیعت و محیط زیست می‌باشد و اینکه این نوع نگاه چه آثار سوء و مخربی هم بر طبیعت و هم بر جوامع انسانی داشته، ضرورت تربیت محیط زیستی کودکان و نوجوانان در تعلیم و تربیت رسمی و همه ارکان جامعه در تعلیم و تربیت غیررسمی بیشتر احساس می‌شود.

سوالات تحقیق

نگاه قرآن به طبیعت و محیط زیست چگونه است؟
محتوای تربیت زیستی قرآن به چه مواردی اشاره دارد؟

فرضیه اصلی

قرآن مجید به عنوان کتاب هدایت، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است.

ذهن ایرانیان باستان عناصر طبیعت گردانندگان اصلی دنیا به شمار می‌آمده‌اند و می‌توان گفت که طبیعت دوستی، در تمامی وجوه زندگی آنها نفوذ کرده بود. در تاریخ فرهنگ‌های دیگر جهان نظیر یونان و هند قدیم نیز تشابهاتی در این زمینه دیده می‌شود (همان، ۱). اما بعد رنسانس و دگرگونی در جهان بینی و تغییر نوع نگاهی که انسان نسبت به روابطش با خداوند و طبیعت - که هر دو مورد احترام بودند- ایجاد گردید انسان مدرن غربی سعی کرد در قالب گفتمان اومانیزم اولاً تفکر در مورد خداوند را کنار گذارد و ضمناً در جهت رشد، رفاه و توسعه طبیعت را مورد تسخیر قرار دهد و آن احترام گذشته را وانهد. در دوران مدرن و پس از انقلاب‌های علمی و صنعتی، انسان با اعتقاد به توسعه و پیشرفت تکنولوژی به عنوان عاملی برای دست یافتن به خوشبختی و رفاه، سعی بر کنترل طبیعت و تسلط بر آن نمود و به بهانه‌ی تسلط بر طبیعت، به تدریج زمینه‌های تخریب و نابودی آن را فراهم نمود (مثنوی، ۱۳۹۱). قرآن معجزه پیامبر اسلام است. شناخت اوصاف و ابعاد گوناگون قرآن، از بهترین راه‌ها برای بهره‌گیری بیش‌تر از معارف و حقایق این کتاب آسمانی است، زیرا به ما نشان می‌دهد که قرآن برای چه نازل شده است، چه هدفی را دنبال می‌کند، چه تأثیری در سازندگی و کمال‌بخشی و تربیت انسان‌ها، چه به صورت فردی و چه در اجتماع، دارد و شرایط و زمینه‌های کسب فیض از این آیات الهی چیست؟ (میرباقری، ۲: ۱۳۸۲). حفاظت از طبیعت و محیط زیست یکی از سفارشات مؤکد دین مبین اسلام است که در آیات و روایات متعددی بر آن تأکید شده است به طوری که در هیچ مکتب دیگری این چنین تأکیدات و سفارشات برای طبیعت وجود ندارد. بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به نام یکی از عناصر طبیعی است به عنوان



نگاه قرآن به محیط زیست

نگرش اسلام به رابطه انسان و محیط بسیار روشن و متفاوت با دیدگاه غرب در قرون اخیر می‌باشد. با مروری بر تعالیم اسلامی و عنایت به موضوعاتی از قبیل شناخت نظام طبیعت و اصلاح و آبادی آگاهانه زمین که در آن نقش و وظیفه خطیر انسان در جهت ارتقا و کمال بخشی به محیط مشخص شده است می‌توان به نسخه‌ای منحصر به فرد از پایداری رسید. انسان اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند در زمین است. خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان و سایر موجودات آفریده است و در مقابل آن حق و تکلیفی را برعهده انسان گذاشته است. انسان در جهت حفظ محیط زیست نیاز به آگاهی، بینش و دانش دارد. استفاده از دستورات و رهنمودهای قرآن در زمینه محیط زیست از اصلی‌ترین منابع در این زمینه قلمداد می‌گردد. لذا نقش فرهنگ قرآنی در سلامت محیط زیست مهم بوده و برای این کار نیازمند اصولی هستیم که نظر بر آرمان‌های اخلاقی داشته باشد و در عین حال توسعه و بهبود زندگی مادی را نیز در بر گیرد. تبیین اخلاق زیست محیطی بایستی مبتنی بر باورها، ارزش‌ها و اعتقادات جامعه باشد تا به صورت قابلیت و توانایی فنی، تخصصی و نگرشی در افراد ظاهر شود، چراکه ریشه اصلی نابسامانی‌های موجود در حفاظت از منابع طبیعی، به چگونگی درک و باورهای انسان نسبت به محیط زیست برمی‌گردد (فتایی، ۱۳۹۴:۶). خداوند متعال در آیه ۱۵ سوره الرحمن می‌فرماید: «بهره‌برداری از زمین و هر چه در آن است به همه انسان‌ها در همه زمان‌ها تعلق دارد.» خداوند در آیات بسیاری انسان‌ها را متوجه مواهب الهی و برخورداری مناسب از آنها کرده است و با هشدارها و بشارت‌های بسیار او را به یافتن و پیمودن راه درست الهی دعوت کرده

فرضیه فرعی

بررسی قرآن نشانگر آن است که قرآن انسان را به رعایت حقوق تمامی موجودات از قبیل حمایت از حیوانات، امر به آبادانی زمین، احیای طبیعت، قناعت پیشگی در استفاده از منابع و غیره امر نموده است.

پیشینه تحقیق

عموم تحقیقات انجام گرفته در مورد موضوع مذکور صرفاً نگاه مدرن نسبت به محیط زیست را به چالش می‌کشند ولی وقعی به تربیت محیط زیستی نمی‌نهد. مقاله حاضر با توجه به این خلا سامان می‌یابد. همچون پژوهش ابراهیم فتایی (۱۳۹۴) با عنوان محیط زیست از منظر قرآن که در آن به بررسی نگاه قرآن نسبت به محیط زیست به صورت کلی و عناصر آن به صورت جزئی پرداخته است. همچنین بهناز امین‌زاده (۱۳۸۱) در مقاله خود با عنوان جهان‌بینی دینی و محیط زیست درآمدی بر نگرش اسلام به طبیعت به نقد جهان‌بینی علمی در برخورد با طبیعت پرداخته و از جهان‌بینی دینی دفاع نموده است. صادق صالحی (۱۳۸۹) در مقاله خود با عنوان نگرش جدید نسبت به محیط زیست و مصرف انرژی به معرفی نگاهی جدید به محیط زیست می‌پردازد. همان‌گونه که پیش از این بیان شد، بیشتر پژوهش‌های این حوزه، صرفاً نگاه مدرن نسبت به محیط زیست را به چالش می‌کشند ولی وقعی به تربیت محیط زیستی نمی‌نهد. مقاله حاضر با توجه به این خلا سامان می‌یابد.

روش تحقیق

روش تحقیق به کار گرفته شده در این مقاله توصیفی-تحلیلی می‌باشد و روش گردآوری داده اسنادی است.

انسان در مکتب اسلام، نه مانند زیست‌گرایان افراطی است که هرگونه استفاده از طبیعت و گونه‌های جانوری و گیاهی را منع می‌کنند و نه چون اقتصادگرایان که رشد اقتصادی را به قیمت تخریب محیط زیست اجازه می‌دهند. محتوای تربیت زیستی شامل دستوراتی است که در قرآن انسان را به آن امر نموده‌اند که در ذیل به تفصیل مورد اشاره قرار می‌گیرد:

حفاظت از طبیعت و محیط زیست و تقویت آن

در تعالیم اسلامی به‌ویژه قرآن و سنت انبیا و ائمه اطهار نه تنها بر حفظ طبیعت بلکه بر بهتر کردن شرایط هم تاکید شده است. چنان‌که خداوند در آیه ۱۸ از سوره حج می‌فرماید: «الْمَ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ. أَيَا نَمِي بِي نِي كَسَدَ مِي كَنَنَدُ بَرَا بِي خَدَاوَنَدُ هَر كَسُ دَر اَسْمَانِ هَا وَ زَمِينِ اسْت وَ خُورَشِيدِ وَ مَا هِ وَ سَتَارِگَانِ وَ كُوهَا وَ دَر خْتِ وَ جَنبِنْدِگَانِ وَ عَدَه بِي شَمَارِي اَز مَر دَم». پیامبر اکرم (ص) در جایی می‌فرماید: کسی که درختی بکارد یا چاهی حفر کند یا زمین مرده‌ای را زنده کند، پس از جانب خدا و رسول (ص) پاداش نصیب او می‌شود (من لا یحضر الفقیه، ج ۳، ص ۲۴۰). امامان هم بر حفاظت و تقویت طبیعت سفارشات فراوانی داشته‌اند. امام حسن (ع) نیز فرمودند: نخل و درخت برای خانواده درختکار، برکت است و برای بازماندگان پس از آنان نیز اگر شکرگزار خداوند باشند نیز برکت است (کنز العمال، ج ۱۲، ص ۳۳۹، حدیث ۳۵۳۰۶). در اعتقادات اسلامی، انسان مسئول حفظ و نگهداری محیط زیست می‌باشد (فتاوی، ۲). در گذشته که اصول و اعتقادات اسلامی، محیط زیست شهرها را تعادل و توازن می‌بخشید، ناشی از این تفکر اسلامی بود که امروزه برخی از آنها در تفکرات علمی

است (محمدزاده، ۳: ۱۳۸۸). همچنین سفارش‌های فراوانی درباره حفظ محیط زیست و تنظیم رابطه انسان با محیط پیرامون در قرآن ارایه شده است. طبق آیات الهی، فرآیند خلقت موجودات، موزون و در چارچوب عدالت قرار دارد. برخورداری از مواهب طبیعی به یک نسل خاص اختصاص نیافته است و در آموزه‌های دینی، حتی حقوق حیوانات نیز در نظر گرفته شده است (صباغیان، ۴: ۱۳۸۹).

محتوای تربیت زیستی

چارچوب کلی شریعت درباره چگونگی رابطه انسان با خداوند، طبیعت و جامعه انسانی شکل گرفته است. در این چارچوب، انسان در مرکز مثلثی تصویر می‌شود که در رأس بالای آن خداوند قرار دارد و در دو رأس دیگر جامعه انسانی و طبیعت هستند. در این مثلث، رابطه خداوند با جامعه انسانی و طبیعت، رابطه خالقیت، قیومیت و تدبیر است.

رابطه انسان با خداوند، طبیعت و جامعه انسانی

در مقابل رابطه این‌ها با خداوند، رابطه عبودیت و مخلوق بودن است. رابطه جامعه انسانی و طبیعت رابطه تسخیر است؛ یعنی طبیعت مسخر جامعه انسانی است. سوی دیگر این رابطه دوطرفه، مسئولیت و امانت است؛ یعنی جامعه انسانی نیز وظایف و مسئولیت‌هایی در برابر طبیعت دارد و به آن به‌صورت امانت الهی می‌نگرد. رابطه انسان در مرکز این مثلث، در جایگاه عضوی از جامعه انسانی، با خداوند و طبیعت، رابطه بندگی و مسئولیت و با سایر افراد جامعه رابطه تعاون، احسان و عدالت خواهد بود. عدالت به‌معنای عام آن بر همه این روابط حاکم است. مسئولیت انسان در برابر طبیعت و نگاه امانت به آن سبب می‌شود مسخر بودن طبیعت برای او، به تخریب آن نینجامد و فارغ از هرگونه افراط و تفریط به بهره‌برداری از آن بپردازد.

تأکید شده است، استفاده می‌شود که همه انسان‌ها در برابر طبیعت خداداد مسئول هستند و باید در حفظ آن کوشا باشند.

حقوق محیط زیست

حقوق محیط زیست، شاخه‌ای از علم حقوق است که به مطالعه قواعد حقوقی موجود در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی می‌پردازد، که یکی از اهداف آن حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت در رابطه با فعالیت‌های انسان است. بنابراین حقوق محیط زیست فعالیت‌های انسان‌ها را بر روی عناصر و محیط‌های طبیعی تعریف و سازمان می‌بخشد و کیفیت زندگی بهتر را تضمین می‌نماید. در باب اهمیت گیاهان و رعایت حقوق آنها از سمت انسان همین بس که در قرآن اشارات زیادی به گیاهانی همچون زیتون، خرما، انگور و ... شده است. خداوند در سوره بقره می‌فرماید: «آیا از میان شما کسی هست که دوست داشته باشد که او را بوستانی از خرما و انگور بوده باشد، و هرگونه میوه‌ای دهد.» (بقره/ ۲۶۶). یا در جای دیگر بیان می‌دارند که: «تاک و سبزی‌های خوردنی. (عبس/ ۲۸) و یا «سوگند به انجیر و زیتون. سوگند به طور مبارک. به این شهر امین که ما آدمی را در نیکوتر اعتدالی بیافریدیم» (سوره تین/ ۴- ۱). یکی از محتوای بسیار مهم در تربیت محیط زیستی آشناسازی متریبان با مبحث حقوق محیط زیست و اهمیت و جایگاه آن است.

آیه بودن طبیعت و محیط زیست

قرآن کریم آسمان‌ها و زمین را آیه عظمت خداوند می‌داند. «خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ» (عنکبوت/ ۴۴) «وَ مِنْ آيَاتِهِ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ اخْتَلَفَ اللَّسِنَاتِ كُمْ وَ أَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ» (روم/ ۲۲). خداوند روییدن گیاهان را در زمین آیه‌ای از خود دانسته است

برنامه‌ریزان شهری، جغرافیدانان، جامعه‌شناسان و معماران دیده می‌شود (شکویی، ۵۰: ۱۳۶۰).

امانت‌داری از محیط زیست

یکی از موضوعاتی که می‌توان با تربیت محیط زیستی در کودکان نهادینه کرد، توجه به این نکته است که محیط زیست و طبیعت امانتی نزد انسان است که از نظر قرآن امانت محسوب می‌شود. در خصوص امانت‌داری از محیط زیست در سوره بقره، آیه ۲۱۱ خداوند متعال می‌فرماید: (هرکس نعمت خدا را پس از آنکه برای او آمد به کفران بدل کند خدا سخت کیفر است).

تقویت حس مسئولیت‌پذیری

در فرهنگ لغت «مسئولیت» به معنای قابل یا شایسته بازخواست بودن انسان آمده است و غالباً به معنای تکلیف یا وظیفه و آنچه که انسان عهده‌دار آن می‌باشد، تعریف شده است (سیاح، ج ۱: ۶۶۴). یکی از نکات مهم در تربیت محیط زیستی تقویت حس مسئولیت‌پذیری در متریبان نسبت به طبیعت و محیط زیست می‌باشد. انسان معتقد و تربیت‌شده در دامن مکاتب الهی، در جایگاه اساسی‌ترین عنصر جهان هستی، رفتار خود را با عناصر دیگر این جهان، به گونه‌ای سامان می‌دهد که هیچ‌گونه نگرانی درباره تضييع حقوق هم‌نوعان، تخریب محیط زیست و ناپایداری توسعه به‌همراه نخواهد داشت. غفلت از مسئله مسئولیت‌پذیری در سبک زندگی به‌صورت کلی و محیط زیست به‌صورت خاص می‌تواند خسارت‌های جبران‌ناپذیری در پی داشته باشد (سبحانی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۵۲). قرآن کریم در بیان پاره‌ای از مسائل اقتصادی، با نگاهی جامع و فراگیر، انسان را از هرگونه فساد در زمین باز می‌دارد و می‌فرماید: «وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا؛ در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید» (اعراف: ۸۵). از مجموع آموزه‌های دینی که بر حفظ و مواظبت از طبیعت و منابع طبیعی



تربیت محیط زیستی مدنظر قرار گیرد نگاه آیه‌ای داشتن به طبیعت و محیط زیست است.

نتیجه‌گیری

محیط زیست به معنای اعم آن از چنان گستره‌ای برخوردار است که علاوه بر عناصر طبیعت و تعادل آن، مسأله کیفیت زندگی انسان را شامل می‌شود، انسان با استعداد و قدرت مسخرسازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، کار و تفریح، محیط زیستی را برای خویش سامان ببخشد که ضمن بهره‌مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی و معنوی را پدید آورد که شکل‌دهنده بعد انسانی محیط زیست است. ضمناً در فضای تربیت محیط زیستی نه آموزش اقتصادگرایانه تسخیری افراطی به طبیعت و نه نگاه طبیعت‌دوستی افراطی مناسب است بلکه بهترین و درست‌ترین نگاه و نحوه برخورد با طبیعت را می‌توان در آموزه‌های اسلامی و قرآن به متریبان آموزش داد.

«أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ» (شعراء/ ۷ و ۸) و زندگی زنبور عسل و بهره‌گیری از شهد گل‌ها برای تولید عسل مشتمل بر آیه و نشانه برای اهل تفکر تلقی شده است. «وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَ الْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَ رِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (نحل/ ۶۷). لذا در جهان‌شناسی قرآن کریم، طبیعت و محیط زیست از مصادیق آیات الهی است. امام علی در نهج البلاغه می‌فرماید: (فَتَبَارَكَ اللَّهُ الَّذِي بَسَّجِدُ لَهُ مِنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا، وَ يُعَقِّرُ لَهُ خَدًّا وَ وَجْهًا، وَ يُلْقِي إِلَيْهِ بِالطَّاعَةِ [إِلَيْهِ] سَلْمًا وَ ضَعْفًا، وَ يُعْطِي لَهُ الْقِيَادَ رَهْبَةً وَ خَوْفًا؛ فَالطَّيْرُ مُسَخَّرَةٌ لِأَمْرِهِ بَزْرْكَاسْت، خداندی که هر چه در آسمان‌ها و زمین است، چه از روی رغبت و چه از روی اضطرار در برابرش حاضرند و بر آستان او چهره و گونه بر خاک می‌سایند. و از روی تسلیم و ناتوانی فرمان او می‌برند و از بیم، زمام فرمانبرداری خود به‌دست او می‌دهند) (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۸۵). از نکاتی که باید در

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اصغری لمجانی، صادق (۱۳۸۴): «اصول تربیت محیطی در اسلام»، تهران: انتشارات سپهر، ۱۳
۳. سبحانی نژاد، مهدی. حسن نجفی (۱۳۹۳): «تحلیل ابعادشناسانه مسولیت پذیری در سبک زندگی اسلامی»، سراج منیر. سال ۵، شماره ۱۶
۴. سیاح، احمد. (۱۳۶۶). فرهنگ بزرگ جامع نوین (عربی - فارسی مصور). تهران: اسلام
۵. سید رضی، ابوالحسن محمد بن الحسین بن موسی (۱۳۷۸): «نهج البلاغه»، سید جعفر شهیدی، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، پانزدهم
۶. شکویی، حسین. (۱۳۹۰): «جغرافیای اجتماعی شهرها»، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱
۷. شیخ صدوق، ابن بابویه ابی جعفر محمد بن علی بن الحسین قمی (۱۳۸۵): «من لا یحضره الفقیه»، محمد جواد غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۶ ج ۳، ص ۲۴۰
۸. صباغیان، سمیه و حمید پناه، زهرا و حمید پناه، سمیه (۱۳۸۹): «جایگاه محیط زیست در اسلام»، چهارمین همایش و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست، تهران
۹. فتایی، ابراهیم و عالی پناه، عزیزه و عالی‌قدری، مرتضی و امیری، ویدا (۱۳۹۴): «محیط زیست از منظر قرآن»، اولین کنفرانس ملی علوم و مدیریت محیط زیست، اردبیل
۱۰. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام (۹۷۵): «کنز العمال»



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و
انگاره‌های علوم زیستی - ۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی آذربایجان

۱۱. مثنوی، محمد رضا و غلام پور، سعید و سیده، نفیسه (۱۳۹۱) «بررسی رابطه تخریب محیط زیست با پیشرفتهای صنعتی و کاهش اعتقاد انسان عصر صنعت به طبیعت به عنوان منشا زندگی»، دومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست، تهران
۱۲. محمدزاده، رضا و بسطامی، سمیه و نوروزی، مرضیه (۱۳۸۸): «اصول بهداشت محیط از دیدگاه قرآن و احادیث منذهبی»، دوازدهمین همایش ملی بهداشت محیط، تهران مجموعه مقالات دوازدهمین، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی
۱۳. میرباقری سید محسن (۱۳۸۲): «وصاف قرآن»، رشد آموزش قرآن، شماره ۳

حفاظت از محیط زیست در سایه آیات قرآنی

صفیه رستگار^۱، نگین ناصح^۲، عارفه سالاری^۳

- ۱- دانشجوی مقطع کارشناسی، مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند
۲- مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشکده بهداشت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند (نویسنده مسئول):
Negin.Nasseh2020@gmail.com
۳- دانشجوی مقطع کارشناسی، مهندسی بهداشت محیط، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند

چکیده

امروزه مشکلات متعددی گریبان‌گیر جوامع بشری شده است و مشکلات زیست محیطی یکی از مهم‌ترین آنهاست؛ از طرفی با توجه به شواهد و تفاسیر موجود هیچ‌یک از ادیان و مکاتب به اندازه اسلام به حفظ محیط زیست و طبیعت اهمیت نداده است. کتاب شگفتی‌ساز و مبارک قرآن بیان می‌کند که طبیعت دارای شعوری باطنی و نظامی منسجم و هدفمند است و مخلوقات آن مظهر صفات و اسماء خداوندگار می‌باشند که تحت تربیت الهی مسیر مشخصی را می‌پیمایند؛ همچنین در این نظام خداوند تمام پدیده‌های طبیعی را در جهت تعالی و تکامل انسان مسخر نموده و در مقابل به انسان تکلیف کرده است تا بارعایت عدالت و میانه‌روی و نیز دوری از اسراف و تبذیر و فساد در زمین این امانت الهی را به نسل‌های بعدی منتقل نمایند. در نتیجه بشر باید نسبت به حفاظت از محیط زیست احساس مسئولیت کند و در پرتو آیات مبین قرآن به این مسئله بپردازد و بدون شک می‌تواند به چرایی و چگونگی آن پی ببرد. ما در این مقاله سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، بررسی آیات قرآن کریم، تحقیقات و مقالات منتشر شده؛ دیدگاه‌های قرآن درباره‌ی محیط زیست را بیابیم و در ادامه به بررسی و تحلیل هریک بپردازیم. همچنین به بیان و بررسی موضوعاتی نظیر؛ محیط زیست چیست؟ تعامل انسان با طبیعت و محیط زیست از منظر قرآن کریم، بررسی سبک زندگی انسان در تعامل با محیط زیست از منظر قرآن کریم، حفاظت از محیط زیست از منظر قرآن کریم، اقتصاد محیط زیست از منظر قرآن کریم، سلامت و بهداشت محیط زیست، مشکلات محیط زیست و ارائه راهکار برای حل آنها، وظایف دولت و مردم برای حفظ هرچه بهتر از محیط زیست در مقاله پرداخته شده است. امید است این مقاله نگاه بشر امروزی را از تمامیت‌خواهی برای خود به سمت دگرخواهی چه برای هم نسل خود و چه نسل‌های دیگر سوق دهد تا بدین نحو بتوانیم بخشی از دین طبیعت را ادا کنیم تا در نزد پروردگار سرافکننده نباشیم.

کلید واژه: قرآن، اسلام، انسان، طبیعت، حفاظت محیط زیست

مقدمه

عنکبوت، نجم، فجر، شمس، حدید، لیل، قمر، تین و ناس. خداوند منان، سرنوشت بشر را به‌گونه‌ای رقم زده است که در دامان طبیعت رشد کند و به آن نیازمند باشد. طبیعت به‌شکلی خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف کند. با در نظر گرفتن این نکته که به حکم قرآن کریم همه‌چیز در جهان آفرینش بر پایه‌ی نظم و عدالت استوار است و هرچیزی به‌اندازه لازم آفریده شده است (قمر،

با نگاهی به آیات قرآن، درنگ و تأمل در آن روشن می‌گردد که هیچ مکتبی مانند اسلام به طبیعت و محیط زیست اهمیت نداده است. از سوی دیگر، قرآن کریم در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده است. همچنین بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به‌نام یکی از عناصر طبیعت خوانده می‌شود، مانند سوره شریفه بقره، رعد، نحل، نور،



نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی روبه‌رشدی داشته باشند، یک وظیفه‌ی دینی تلقی می‌شود. خداوند، طبیعت را هدفمند و هدفدار خلق و تمام مخلوقات را به‌لحاظ کمیت و کیفیت به‌اندازه و متناسب آفریده است. مؤید این جمله را گفتار خداوند در قرآن کریم است که می‌فرماید: «ما هرچه آفریدیم به‌اندازه آفریدیم». یا در جای دیگر می‌فرماید که «زمین را هم بگستریدیم و در آن کوه‌های عظیم برنهادیم و از آن هر گیاه و نیک، متناسب و موافق حکمت و عنایت برویاندیم. همانطور که نتایج نشان می‌دهد، اسلام بین انسان و محیط زیست، جدایی قائل نیست و آنها را مکمل یکدیگر می‌داند، از این‌رو دین اسلام کامل‌ترین سفارشات را برای حفاظت از محیط زیست دارد و تمامی جنبه‌های انسانی را در ارتباطی هماهنگ و موزون با مسیر الهی، در قرآن کریم به تصویر کشیده است. ما در این مقاله سعی کرده‌ایم با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، بررسی آیات قرآن کریم، تحقیقات و مقالات منتشر شده؛ دیدگاه‌های قرآن درباره‌ی محیط زیست را بیابیم و در ادامه به بررسی و تحلیل هر یک بپردازیم.

محیط زیست چیست؟

محیط زیست از دو کلمه ترکیب یافته است: یکی «محیط» که واژه‌ای عربی است، و دیگری «زیست» که واژه‌ای فارسی است. واژه «محیط» به‌معنای مکان و اوضاع و احوال آمده است و آنچه که شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول می‌باشد. واژه «زیست» به‌معنی زندگی و زیستن و حیات آمده است. محیط زیست به دو بخش تقسیم می‌شود: محیط زیست طبیعی، مفهومی است که از علوم طبیعت نشأت گرفته و در آن با جوامع انسانی با بینش اکولوژیکی برخورد می‌شود. محیط زیست انسانی، از علوم معماری و

۴۹) این نتیجه به‌دست می‌آید که نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. فعالیت‌های انسان برای رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، خود باعث تخریب محیط زیست شده است. این تخریب آنچنان در وضعیت آب و هوای کره زمین، دگرگونی ایجاد کرده که سلامتی و حیات او و سایر موجودات زنده را به‌خطر انداخته است. شرایط به‌وجود آمده به‌حدی وخیم است که امروزه از آن به‌عنوان «بحران محیط زیست» یاد می‌شود. برای رهایی از این بحران باید به اصول اخلاقی و متون دینی بویژه اسلام مراجعه کنیم، زیرا مبنای پیدایش بحران زیست محیطی کنونی، بحران اخلاق در میان انسان‌هاست در قرآن کریم از نبودکردن و تخریب محیط زیست به‌عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده است و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست نسبت به محیط زیست داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود (مائده، ۸۶). درست است که خداوند طبیعت را مقهور انسان آفریده و انسان را به‌عنوان جانشین خود در زمین قرار داده است، اما این به آن معنا نیست که او آزاد باشد تا هرگونه که مایل است رفتار کند. انسان در برابر خداوند و تمامی آفرینش مسئول است. او باید در برابر اراده‌ی خداوند تسلیم باشد و با صلح و صفا در کنار طبیعت زندگی کند. به‌عبارت دیگر، انسانی که جانشین خداوند در زمین است باید همواره در راه حفظ و سلامت طبیعت بکوشد. دین‌پژوهان اعلام کرده‌اند که توجه به ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، تضمینی برای حفاظت از محیط زیست است. آنها معتقدند که انسان‌ها علاوه بر اجرای قوانین باید استانداردهای اخلاقی را نیز مراعات کنند تا به اهداف پایدار خود دست یابند. در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و



(الاحزاب، ۷۲). تسخیر: و هوالذی سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ... (النحل، ۱۴). هوالذی جعلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فامشوا فی مناكبها و کلوا مِنْ رِزْقِهِ و الیه النشورُ (الملک، ۱۵). تهدید: و لئن کفرتم ان عذابى لشدید (الابراهیم، ۷). یاایهاالذین امنوا... ولاتعتدوا... (طه، ۸۱). تخریب: ولا تُفسدوا فی الارض بعد اصلاحها (الاعراف، ۸۵). هدایت: افلا ینظرون الی الابل کیف خلقت (الغاشیه، ۱۷-۲۰). قرآن کریم: "به‌درستی که پروردگار من بر همه چیز نظارت و حفاظت دارد". انسان جانشین و خلیفه خداوند در استعمار، عمران و آبادانی زمین است. جانشینی و خلافت ایجاب می‌نماید که امانت طبیعت را بر اساس دستورالعمل‌های الهی به نیکویی حفظ نموده و آن را از هرگونه تخریب و ساخت مصون نگه دارد و انسان با دانش، علم و تفکر نسبت به بهره‌برداری و عمران زمین می‌کوشد، که فضای زیست محیطی موجودات دیگر را تضمین نماید و امکان بهره‌مندی همگانی و همیشگی را برای همه موجودات در زمین فراهم آورد، و حق طبیعت را تضییع نکند. انسان با مشاهده‌ی عظمت و وسعت رحمت الهی به‌عنوان کتاب هستی و یادآوری جانشینی و امانت‌داری الهی خلوص بندگی خود و به درجه عبودیت که جوهره‌ی بنده است نائل می‌شود، و رنگ الهی به‌خود می‌گیرد. از طرفی هم برای بقای خود، با استفاده از استعدادها و توانایی‌هایی که خدا در وجود او نهاده، دل به کشف قوانین طبیعت و رفع نیازها دست می‌زند و در جهت توسعه و تعمیق علم و پیشرفت تلاش می‌کند. طبیعت ذخایر و منابع خود را بی‌منت در اختیار انسان قرار داده است تا انسان با زندگی شرافتمندانه راه عبودیت و تعالی را طی کند.

شهرسازی ناشی می‌شود، و درباره تعاملی است که بین ساختمان، به‌مفهوم عام، و محیطی که در آن ایجاد می‌شود وجود دارد.

تعامل انسان با طبیعت و محیط زیست

تعامل انسان با محیط زیست از جمله مسائلی است که زندگی بشر امروزی را به چالش کشیده و سبب بحران‌های عظیم زیست محیطی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی گردیده است. از این‌رو یکی از مسائل جدی جهان در هزاره سوم مسایل زیست محیطی و جلوگیری از تخریب بی‌رویه طبیعت است. تعامل انسان با طبیعت و محیط زیست از جمله مزایای موردتوجه و تاکید قرآن کریم است. از این‌رو ما با الگو قرار دادن قرآن کریم به‌عنوان منشور تعامل سازنده انسان با طبیعت و محیط زیست، چگونگی تعامل انسان با محیط زیست بررسی می‌کنیم؛ به‌همین منظور در قرآن کریم آمده است که: در بحث تعامل انسان با طبیعت و محیط زیست، ابعاد حفاظت و بهره‌وری صحیح از آن را بررسی می‌کنیم. با مراجعه به کتاب گران‌بهای قرآن کریم، متوجه می‌شویم که خداوند در شناسایی محیط زیست و عناصر شکل‌دهنده آن درباره نحوه ارتباطات و وظایف انسان در قبال محیط زیست از برخی واژگان کلیدی استفاده کرده است. به‌همین منظور به چند نمونه از مستندات قرآنی در باب سخن فوق اشاره می‌کنیم:

خلقت: رَبَّنَا الَّذِیْ اَعْطٰی کُلَّ شَیْءٍ حَلْقَهُ ثُمَّ هَدٰی (طه، ۵۰). **رحمت:** از مهم‌ترین ویژگی این رحمت تقدم آن بر غضب الهی است. رَبَّنَا وَسِعْتَ کُلَّ شَیْءٍ رَحْمَةً و عَلِمَا (الغافر، ۷). **مالکیت:** و لِلّٰهِ مَلِکُ السَّمٰوٰتِ و الْاَرْضِ کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ (ال عمران، ۱۸۹). **خلیفه الهی:** اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً (البقره، ۳۰). **امانت‌داری:** اِنَّا عَرَضْنَا الْاِمٰنَةَ عَلٰی السَّمٰوٰتِ و الْاَرْضِ



خدا به ما عطا کرده شکرگزار باشد. و در ادامه خداوند کشتن حیوانات حلال گوشت را برای تغذیه انسان و حفظ حیات و جایز می‌شمارد. وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ (الحجر، ۲۰). اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ النَّعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ (الغافر، ۷۹).

در تعامل با زمین و کوهها

خداوند از انسان‌ها خواسته است تا با فعالیت بر روی زمین، به کشف و استخراج منابع پرداخته و با کوشش روزی خود را فراهم آورند. بنابراین آلوده‌ساختن زمین، تخریب و فساد کردن آن خودخواهی بوده و ستم به آیندگان به‌شمار می‌آید. کوه‌ها نیز وسیله ثبات زمین هستند، زیرا ریشه آنها به هم پیوسته و همچون ذره محکمی کره زمین را در برابر فشارهایی که از درون وارد می‌شود حفظ می‌کند. کوه‌ها هستند که از تبدیل شدن بادهای کوچک و ساده به طوفان‌های سهمگین جلوگیری می‌کنند: وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ (انبیاء، ۳۱). وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ (الاعراف، ۵۶).

مبانی حفاظت از محیط زیست

در دیدگاه قرآن عناصر طبیعی آیات الهی و نشانه‌های خداوندی هستند که به روشنی بوجود خداوند واحد متعال دلالت دارند و به‌واقع همگی کلید و راه معرفت‌اند. قرآن هدف نهایی از طبیعت‌شناسی را علاوه بر معرفت انسان‌ها درباره خداوند در تقرب به او می‌داند ولیکن شناخت طبیعت و نحوه تعامل صحیح انسان با آن را جزو اهداف متوسط می‌شمارد. طبیعت و محیط زیست از آن جهت شایسته حفاظت می‌باشند که جزئی از خلقت خدا حساب می‌شوند که به‌شکل هدفمند آفریده شده‌اند همانطور که در آیه ۳۸ سوره دخان بیان شده است که «و آسمان‌ها و زمین و آنچه را که میان آن دو است به بازی

بررسی سبک زندگی انسان در تعامل با محیط زیست

در تعامل با آب

آب مایه حیات است که زندگی تمامی موجودات با آن گره خورده است، اگر آب و یا هوا از چرخه حیات حذف شود موجودات زنده نمی‌توانند به حیات خود ادامه داده و در نتیجه کل حیات و محیط زیست نابود می‌شود. آب به‌عنوان برکت خداوندی است که حیات می‌بخشد، حیات را حفظ می‌کند و بشر و زمین را پاکیزه می‌کند. خاصیت حیات‌دهندگی آب در آیات متعدد قرآن کریم اشاره شده است از جمله: وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (الفرقان، ۲۸-۲۹). آیات قرآنی، در مدیریت صحیح آب تاکید دارند و از انسان خواسته شده منابع آبی و پرهیز از آلودگی آن، در مصرف درست و بهینه آب کوشا باشند، بنابراین از هرگونه اسراف و تبذیر آب پرهیز داده شده است: كَلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا... (الاعراف، ۳۱)

در تعامل با هوا

هوا نیز همانند آب یکی از عوامل و فوق‌العاده مهم حیاتی برای زندگی انسان است؛ عامل حیاتی که بدون آن حتی لحظه زندگی امکان‌پذیر نیست. آلودگی محیط زیست از جمله هوا مصداق بارز ضرب وارد نمودن به سلامت افراد جامعه به حساب می‌آید، زیرا عملکرد اجتماعی و بیولوژیکی تمام موجودات به اتمسفر وابسته است: مَنْ يَبْدُلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ اللَّهُ شَدِيدٌ فِي الْعِقَابِ (البقره، ۲۱۱).

در تعامل با گیاهان و جانوران

قرآن کریم گیاهان را دانسته و از آنها به‌عنوان رسانه متخصص خداوند یاد کرده است. گیاهان رزق و نعمت خداوند هستند، انسان باید عواملی که به آنها داشته باشد و در برابر این نعمتی که



دخالت‌های بشر این امر از نظم خود خارج شده و اثرات مخرب خود را به دنبال داشته است. محیط زیست از جنبه‌های دیگری هم شایسته حفاظت است یکی آن است که طبیعت حق همگانی به حساب می‌آید؛ در واقع استفاده از طبیعت باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن برای همه انسان‌ها و همه زمان‌ها به‌طور اصولی و صحیح در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسان‌ها صورت پذیرد؛ و دیگر جنبه آن، این است که طبیعت در تسخیر انسان‌هاست و این حاکی از آن است که تمامی موجودات برای بهره‌وری انسان رام شده‌اند. آیت... جوادی آملی تسخیرکننده اصلی را خدا می‌شمارد و رابطه تسخیری انسان و طبیعت را تا جایی که انسان به شکل امانت‌دار رفتار کند را شایسته می‌داند ولی اگر انسان خیانت کند باید شاهد عکس‌العمل پدیده‌های نظام هستی باشد چراکه آنها فقط در برابر اراده الهی خاضع و تحت فرمان او هستند و به فرمان او از پرهیزکار حریم می‌گیرند و از تبهکار انتقام خواهند گرفت. فلذا با اینکه طبیعت مسخر انسان است اما تصرف در طبیعت باید به گونه‌ای باشد که انسان را در جهت دستیابی به حیات طیبه و توسعه متعادل که ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند و اگر به این فکر کنیم که این نعمات وسیله‌اند نه هدف چیزی جز گمراهی و انحراف از مسیر حق شامل حال ما نخواهد شد.

اصول حفاظت از محیط زیست

بارها در قرآن و روایات گوناگون اشاره شده است که تامل و تفکر در نظام خلقت و طبیعت انسان‌ساز بوده و انسان را به معرفت الهی می‌رساند؛ لذا این امری بدیهی است که هرچه انسان شاکر و قدردان نعمات الهی باشد با رعایت اصول حفاظتی محیط زیست به بهره‌برداری از

نیافریده‌ایم» و نیز در آیه ۲۷ سوره ص که بیان دیگری از هدفمندی طبیعت را شاهد خواهیم بود: «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آنها است را بیهوده نیافریدیم». از طرف دیگر طبیعت دارای یک شعور باطنی است که برپایه این شعور همه اجزای جهان خلقت و حتی پدیده‌های بی‌جان جهان عالم طبیعت به تسبیح و تنزیه و سپاسگزاری از خداوند سرسپرده‌اند، مشابه آنچه که در آیه ۴۴ سوره اسرا مشاهده می‌کنیم: «آسمان‌های هفتگانه و زمین و هرکس که در آن‌هاست او را تسبیح می‌گویند و هیچ چیز نیست مگر اینکه در حال ستایش تسبیح او می‌گویند ولی شما تسبیح آنها را در نمی‌یابید به‌راستی که او همواره بردبار و آمرزنده است». این‌ها حاکی از آن است که اگر بپذیریم تمامی موجودات مسیح حق تعالی هستند، ناچار باید پذیرفته باشیم که تمام موجودات ادراک و آگاهی دارند و بالطبع تمام موجودات از نوعی حیات بهره‌مند هستند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳، ۱۵۱). بدان جهت که طبیعت دارای نظم و انسجام است حفاظت از آن الزامی است چراکه این امر دال بر حکیم بودن پروردگار می‌باشد و نیز نشان‌دهنده‌ی آن است که حوادث طبیعی عالم تصادفی نیست بر پایه قوانینی منظم استوار است؛ به‌گونه‌ای که در آیات متعدد آمده است که برای سیر طبیعی حوادث مهلت معینی قرارداده شده و در برخی آیات آمده که خلقت اشیا و جریان امور طبیعت روی حساب و اندازه است: آیه ۸ سوره روم «آیا در پیش خود تفکر نکردند که خدا آسمان‌ها و زمین و اشیا بین آنها را جز به حق و برای مهلت معینی نیافریده است»، آیه ۵ سوره الرحمن «خورشید و ماه روی حساب در گردش‌اند» و این آیات به‌خوبی نمایانگر یکی از خشم‌های اخیر طبیعت چون سیل هستند چراکه سیل دارای دوره بازگشت است که با



دارد و چه بسا که خداوند سبحان به انسان عقل، هوش، فن‌آوری و خلاقیت را از درون و وحی را از بیرون برای راهنمایی بشر قرار داده است تا هم از وجود و هم از چگونگی بهره‌وری از این منابع مطلع گردد و در جهت سامان بخشیدن و آبادانی زمین از آن‌ها بهره‌گیرد.

اصل عدالت

عدم توزیع یکنواخت منابع و بی‌نصیبی بسیاری از انسان‌ها از مواهب الهی نقض غرض در آفرینش الهی است؛ بنابراین عدالت یک اصل مهم و اساسی در بهره‌مندی از نعمات الهی است. عدالت همانگونه که در بین یک نسل مطرح است، بین نسل‌ها نیز خود را نشان می‌دهد چراکه نعمات و مواهب الهی به افراد و مردم زمان یا مکان معینی اختصاص ندارد بلکه همه انسان‌ها در بهره‌مندی از آن با یکدیگر شریک هستند؛ پس در بهره‌مندی و استفاده از منابع و عناصر محیط زیست باید توجه اکیدی به نسل‌های آینده و نیازهایشان شود.

اصل عدم اسراف و تبذیر

اسراف در لغت به معنای تجاوز از حد واسط و تبذیر به معنای نابود کردن و هدر دادن مال است. بارزترین اثر نامطلوب اسراف، هدر دادن ثروت‌ها و اتلاف منابع و امکانات مادی است. اسراف و تبذیر در بعد اجتماعی سبب تضییع حقوق دیگران می‌گردد زیرا منابع و امکانات مادی در زمین محدود بوده و از آن تمام افراد بشر است و هرکس تنها در محدوده نیازهای متعارف خود حق بهره‌برداری از آن را دارد و بهره‌برداری بیش از حد متعارف خود سبب آن می‌شود تا انسان‌های دیگر و نسل‌های آینده به سبب نابودی منابع علی‌الخصوص منابع تجدیدنپذیر از حق بهره‌مندی از این امکانات محروم گردند. یکی از

آن بپردازد اما اگر بشر مسیری برخلاف این درپیش بگیرد و با زیاده‌خواهی‌های پایان‌ناپذیرش به تخریب و تبذیر در زمین بپردازد، معصیت کرده که بی‌شک نتایج اعمالش را هم در دنیا و هم در آخرت خواهد دید و دچار به عقوبت‌های دنیوی که ناشی از برهم خوردن نظام هستی و طبیعت هست، خواهد شد؛ همانند آنچه در آیه ۴۱ سوره روم آمده است: «در دریاها و خشکی‌ها فساد ظاهر گشت و به خاطر کارهای بد مردم ظاهر گشت تا خدا به این وسیله بعضی از آثار کار بد ایشان را به ایشان بچشاند»؛ و نیز در آیه ۲۹-۳۰ سوره شوری نیز به این امر اشاره شده است که: «و یکی از آیاتش خلقت آسمان‌ها و زمین و جنبندگانی است که در آن دو منتشر کرده و او هروقت بخواهد می‌تواند آن‌ها را جمع‌آوری کند و آنچه مصیبت که به شما می‌رسد به خاطر اعمالیست که بدست خود کرده‌اید و خدا از بسیاری از گناهان در می‌گذرد».

اصل اعتدال در مصرف

اعتدال و میانه‌روی همانطور که از نامش پیداست به معنای پیمودن و گزینش راه میانه و وسط و عدم تمایل به دوطرف افراط و تفریط است. به دلیل اینکه نیازهای انسان متنوع است که آن‌هم به دلیل محدودیت‌ها نمی‌تواند بیشترین مقدار را برآورده سازد و نیز آنکه بیشتر امکانات و منابع مادی محدود هستند و زیاده‌روی گروهی در مصرف، محرومیت دیگران را در پی خواهد داشت؛ اعتدال در مصرف و میانه‌روی و صرفه‌جویی درست ضروری است و موجب دست‌یابی مومنان به کمال همگانی خواهد شد.

اصل عمران و آبادانی

انسان به عنوان خلیفه و جانشین خداوند بر روی زمین وظیفه عمران و آبادانی زمین را برعهده



نقض و تخریب باشد و یا افراط و تفریط در مسائل فردی و اجتماعی باشد فساد تلقی می‌شود. در قرآن کریم مصداق بارز مفسدان روی زمین کسانی دانسته شده‌اند که آن را تخریب می‌کنند و زراعت و نسل را به نابودی می‌کشاند. فلذا هرکس که از طریق فساد و تباهی و تجاوز از حدود و مرزها، پیمان الهی را بشکند و تعادل میان محیط با محاط را برهم زند از شمول رحمت، محبت و رافت الهی دور می‌گردد.

بهداشت محیط زیست

انسان باشناخت عوامل بیماری‌زا و تاثیر آن‌را بر سلامتی، آموخت که باید در محیط پاکیزه و سالم زندگی نماید و محیط خود را از هرگونه آلودگی پاک سازد. سلامت محیط زیست پیوند تنگاتنگ با حیات سالم جامعه دارد. تامین فضای سالم و محیط زیست مناسب بر جبران خسارت‌های ناشی از تخریب محیط زیست مقدم است، که وظیفه همگان را برای حفظ محیط زیست ایجاد می‌کند. سالم نگهداشتن محیط زیست یعنی رعایت حق زمین، هوا، آب، خاک، گیاهان، حیوانات و سایر موجودات و عرصه‌های زیست محیطی که ارتباط با حیات جامعه دارد. همانطور که گفته شد انسان خلیفه خدا بر روی زمین است، از این‌رو حفظ و بهداشت محیط زیست وظیفه همگانی ماست. اسلام با تکیه بر منبع پرفیض و دستورات بهداشتی مورد تایید قرار داده است و خود عالی‌ترین دستورات بهداشتی را صادر کرده است. النظافه من الایمان، قرآن کریم: وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُطَهِّرِينَ.

مشکلات محیط زیست

با نگاهی به وضعیت فعلی محیط زیست، درمی‌یابیم که انسان‌ها در بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست به مسئولیت خود در حفظ و حراست از آن به‌درستی عمل نکردند. شاهد این

مسائلی که این روزها زیاد در جهان و از همه مهم‌تر در کشورهای اسلامی و متاسفانه در ایران به‌شدت دیده می‌شود مسئله تجمل‌گرایی و مدگرایی که به‌واسطه دوری از سبک و شیوه ساده‌زیستی زندگی پیامبر خاتم (ص) و ائمه اطهار (ع) ایجاد شده است؛ که به‌علت مصرف بیش از حد از الیاف و پارچه‌ها و حتی انواع سرویس چوب و امثال این‌ها بخش اعظمی از جنگل‌های شمالی را به تخریب واداشته شده است که به‌عنوان زیستگاه بسیاری از گونه‌های جانوری خطری بزرگ بقای آنها را تهدید می‌کند؛ از طرفی کارخانجات تولید محصولات در جهت دستیابی بیشتر به سود و عرضه بیشتر کالا، سبب اختلال در چرخه آب و هوا و آلودگی حجم عظیمی از منابع در دسترس شده است که از پیامدهای جبران‌ناپذیر آن‌ها می‌توان به گرمایش جهانی و انقراض گونه‌های نادر گیاهی و جانوری و حتی بسیاری از بیماری‌های ناعلاج و صعب‌العلاج برای بشر به ارمغان آورده است. از سوی دیگر با اسراف منابع غذایی و دخالت در زنجیره و شبکه‌های غذایی نه‌تنها سبب کمبود غذا و در نتیجه انقراض برخی گونه‌های جانوری شده‌ایم بلکه با زیاده‌خواهی‌ها و تضحیح حقوق دیگران، موجب فقر و گرسنگی در خیلی کشورهای جهان شده‌ایم.

اصل نهی از فساد (عدم تجاوز و تعدی) در طبیعت:

فساد در زمین بارها در آیات قرآن نهی شده است همانند آیه ۸۵ سوره اعراف «و فرمان مسرفان را اطاعت نکنید! همانا که در زمین فساد می‌کنند و اصلاح نمی‌کنند!» و نیز آیه ۱۵۱-۱۵۲ سوره شعرا «و در زمین از پس اصلاح آن فساد نکنید». فساد در مقابل صلح است و به هرکار تخریبی فساد می‌گویند؛ در واقع هرکاری که در جهت



فرهنگ‌سازی زیست محیطی بر اساس تعالیم آسمانی، بهره‌گیری از افراد شایسته در هرم اداری محیط زیست که با قدرت تمام، توانایی مقابله با مفسدان را داشته باشند، بهره‌گیری از شیوه‌های نوین زیست محیطی سازگار با نظام اسلامی، بهره‌گیری از سیاست‌های کلان اقتصادی و فرهنگی برای توسعه‌ی پایدار توأم با حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست

نتیجه‌گیری

از آنجایی که بیان‌شد انسان جانشین خدا بر روی زمین است، و هدف خداوند از آفرینش طبیعت و اجزای آن نظیر؛ حیوانات، گیاهان و نباتات، کوه و زمین، آب، هوا و ... می‌بایست به گونه‌ای با انسان ارتباط برقرار کند که ضمن برخورداری از مواهب و نعمات الهی به‌منظور رشد، پیشرفت و حیات و رسیدن به هدف نهایی خود؛ لقا و عبودیت الهی؛ در حفظ و نگهداری، سلامت و پایداری آن نیز بکوشد. چراکه حق بهره‌مندی از محیط زیست، اختصاص به یک نسل ندارد از این‌رو، باید بهره‌برداری از آن اصولی و عادلانه باشد تا نسل حاضر و نسل‌های آینده بتوانند در کنار آن به زندگی سالمی بپردازند. قرآن کریم در زمینه مناسبات انسان با محیط زیست گزاره‌های دستوری را استحضار می‌شود مانند: قرآن کریم تجاوز به طبیعت را اعتدا و فساد در زمین می‌داند و متجاوز را محروم از رحمت الهی و مستحق غضب معرفی می‌کند، و باید از هرچیز مقدار و حدودی دارد و بایستی به‌طور صحیح و درست بهره‌برداری شود تا موجب نابودی و سوء استفاده از آن نگردد، استفاده از نعمت‌های الهی با رعایت شرایط و ظوابط مقرر مانند: حلال بودن و عدم اسراف و مواردی از این دست صورت گیرد.

سخن، بحران‌های عظیمی است که محیط زیست دچار آن شده است: نابودی روزافزون جنگل‌ها و مراتع، نابودی گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، آلودگی آب، خاک و هوا، استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و شیمیایی، ورود مواد نفتی و آلاینده‌های دیگر مثلاً؛ فاضلاب کارخانه‌ها به رودخانه‌ها و دریاها، آسیب‌دیدن لایه اوزن، باران‌های اسیدی، مصرف روزافزون از سوخت‌های فسیلی، استفاده بی‌رویه از سموم دفع آفات نباتی و ... گویای این واقعیت مهم است که بشر در داد و ستد خود با محیط زیست راه خطرناک و مهلک را در پیش گرفته است.

ارائه چند راهکار برای حل این بحران‌ها

آگاهی یافتن از عواملی که بر محیط زیست تاثیر می‌گذارند، آموزش مسائل زیست محیطی و راه‌های برون‌رفت از آن، تصمیم‌گیری درست و تخصصی، استفاده از افراد آگاه و دانشمند در حوزه‌های مختلف محیط زیست، آموزش و آگاه‌سازی مردم و جامعه، سیاست‌گذاری کاربردی مناسب، پیش‌گامی عملی مسئولین، اهمیت رسانه‌ها در اصلاح الگوی استفاده بهینه، امر به معروف و نهی از منکر، مطالعه و پژوهش درمورد چگونگی ایجاد و حل بحران‌های زیست محیطی.

اهم وظایف حکومت اسلامی در قبال محیط زیست

پی‌ریزی قوانین زیست محیطی بر پایه اصول و مقررات الهی، اجرای قانون مبارزه با مفسدان زمین و مخربان طبیعت در جهت تأمین مصالح عمومی توجه به مسائل محیط زیست و اخلاق زیست محیطی در تعلیم و تربیت اسلامی و



منابع

۱. توکلی، یاسین (۱۳۹۴)، فرهنگ اسلامی تعامل انسان با طبیعت و محیط زیست از منظر قرآن کریم، مجموعه مقالات نهمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی، ۳۴
۲. حسینی، اسکندری، بینا، سید محسن، اسکندر، حمید (۱۳۹۵)، حق برخورداری برابر انسانها از محیط زیست اطرافشان از منظر قرآن کریم، چهارمین همایش ملی انجمن‌های علمی دانشجویی رشته‌های کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، ۱۰
۳. دیهیم، فرامرز (۱۳۹۶)، بررسی تاثیر نقش انسان در حفظ محیط زیست از نظر قرآن و اسلام، اولین همایش سراسری توسعه پایدار در انرژی و محیط زیست، ۱۶
۴. عزت پور، طاهری زاده، عاطفه، مهدیه، مریم (۱۳۹۹)، هشتمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی، ۸ فلاحتی کهخا،
۵. مهاجر، قدیمی، موسی زاده، موسی زاده، اسماعیل، مرتضی، حسین، حسن (۱۳۹۳)، چهارمین کنفرانس بین‌المللی چالش‌های زیست محیطی و گاهشناسی درختی، ۶
۶. سلیمانی، راعی، واعظی، ایران، مسعود، سید حسین (۱۳۹۴)، اولین کنفرانس بین‌المللی علوم و مدیریت محیط زیست، ۶.۱۳
۷. بشارت، مهدی (۱۳۹۷)، کنفرانس بین‌المللی جامعه و محیط زیست، ۷.۱۲
۸. پورقربانی، صادقیان، علیرضا، ناصر (۱۳۹۹)، نخستین کنفرانس ملی حقوق، فقه و فرهنگ، ۸.۱۰



بررسی سیستم‌های کشت و خاک‌ورزی در حفاظت از محیط زیست و تطبیق آن با آموزه‌های قرآن کریم

محمد حسین ایزدی^۱ و یحیی امام^۲

۱- دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول: mhizadi43@yahoo.com)

۲- استاد دانشگاه شیراز

چکیده

محیط زیست و آنچه در آن است از مصادیق نعمت‌های الهی برای بشر است. خداوند نعمت را در اختیار انسان قرار داده است تا شکرگزار باشد یعنی از آن به نحو مطلوب استفاده نماید و در صورتی که از آن به نحو مطلوب استفاده نماید زیادت نعمت به شکل تداوم آن نعمت یا اختصاص نعمت دیگر به عنوان پاداش عملکرد صحیح در بهره‌وری از نعمت، بهره‌مند می‌گردد (لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ). ولی اگر با بهره‌برداری خود، طبیعت و محیط زیست را آلوده و تخریب نماید، او نسبت به نعمت بزرگ طبیعت کفر ورزیده و مستحق عقاب دنیوی، محروم از این نعمت و موهبت الهی می‌شود. از سوی دیگر بخش کشاورزی اگرچه در قرن بیستم میلادی علی‌رغم رشد روزافزون تقاضا برای مواد غذایی توانست به صورت موفق عمل کند، لیکن، در قرن بیست و یکم، نظام تولید غذا توسط همان سازه‌هایی که در قرن پیش به عنوان اهرم‌های پیشرفت به حساب می‌آمدند، در حال گسستگی است و هر دین پژوه را به مطالعه عمیق متون دینی، جهت دریافت موضع دین در این زمینه فرامی‌خواند. رشد بی‌سابقه‌ی قیمت محصولات غذایی، افزایش بی‌رویه‌ی مصرف سوخت‌های فسیلی در کشاورزی و افزایش آلودگی‌های زیست محیطی از تبعات ناپایداری در تولید محصولات کشاورزی است. در مقاله پیش‌رو به بررسی راه‌های کاهش آلودگی محیط زیست برای مطابقت با توصیه‌های آسمانی جهت حفظ محیط زیست از طریق سیستم‌های کشت و خاک‌ورزی پرداخته شده است.

کلیدواژه: اقلیم

مقدمه

جهانی تولید غذا توسط همان سازه‌هایی که زمانی به عنوان اهرم پیشرفت به حساب می‌آمدند، نظیر کودهای شیمیایی و سموم دفع آفات و علف‌های هرز در حال گسستن است. رویکرد جهان به کشاورزی تولیدی صرف و عدم توجه به تعادل اکوسیستم‌ها و همچنین استفاده از حجم تولیدات مواد غذایی به عنوان ابزاری سیاسی در دست دولت‌های سلطه‌گر باعث فشار بر منابع (موثر بر تولید) شده است که هر دین پژوه را به مطالعه عمیق متون دینی، جهت دریافت موضع دین در این زمینه فرامی‌خواند. اخلاق محیط زیست، مشتمل بر مجموعه‌ای از گزاره‌های اخلاقی و بایسته‌های ارشادی در زمینه‌ی محیط زیست طبیعی و انسانی است که یکی از اهداف

طی قرن بیستم میلادی، کشاورزی در مواجهه با نیازهای روزافزون غذایی در مقیاس جهانی، بسیار موفق بوده است. عملکرد محصولات زراعی اصلی مثل گندم و برنج به‌طور چشمگیری افزایش و قیمت مواد غذایی کاهش یافته و به‌طور کلی سرعت افزایش تولید غذا از نرخ رشد جمعیت پیشی گرفته و گرسنگی مزمن بشری کاهش یافته است. این توفیق اساساً به دلیل فناوری‌های تکنولوژیک پیشرفت‌های علمی از جمله اصلاح ارقام جدید گیاهان زراعی، استفاده از کودهای شیمیایی، آفت‌کش‌ها و توسعه‌ی سازه‌های آبی بوده است. البته باوجود این موفقیت‌ها، بایستی اذعان کرد که متاسفانه نظام



گیاهان است. پرشدن ظرفیت پالایندگی محیط زیست بسیار خطرناک است. از سویی یکی از بزرگترین چالش‌های پیش‌روی بشر، که می‌تواند به‌طور چشمگیری سیستم‌های کاشت را تحت‌تاثیر قرار دهد، مساله‌ی آلودگی هوا می‌باشد. افزایش بی‌رویه گازهای گلخانه‌ای از قبیل CO_2 , N_2O , NO , SO_2 موجب تغییرات گوناگونی از جمله، اثرات گلخانه‌ای، تغییر در میزان بارندگی، تاثیر روی پدیده‌ی ال‌نینو، باران‌های اسیدی و به‌طورکلی تغییر اقلیم می‌گردد، از این موضوع به‌عنوان یکی از بزرگترین چالش‌های پیش‌روی بشر که می‌تواند به‌طور چشمگیری سیستم‌های کشاورزی را تحت‌تاثیر قرار دهد، یاد می‌شود. یکی از مهمترین گازهای گلخانه‌ای دی‌اکسید کربن (CO_2) است. به‌طورکلی بزرگترین منبع آلودگی هوا از نظر دی‌اکسید کربن، فعالیت‌های متعدد کشاورزی، از جمله سوزاندن بقایا و خاک‌ورزی‌های متعدد، می‌باشد. در سوزاندن بقایا به‌دلیل اکسیداسیون کربن و تبدیل آن به CO_2 موجبات آلودگی جو فراهم می‌شود. در جریان خاک‌ورزی، CO_2 حاصل از تنفس ریشه‌ها و میکروارگانیسم‌ها ذخیره‌شده در خاک بر اثر دست‌ورزی از خاک خارج شده و وارد اتمسفر می‌شود (۳). بشر با استفاده از ظرفیت‌های علمی و نگاه به کشاورزی پایدار می‌تواند علاوه‌بر افزایش ظرفیت پالایندگی محیط زیست که خداوند در طبیعت گنجانده است، آلوده‌سازی محیط زیست را نیز به حداقل رساند. راه‌های مختلفی برای نیل به این مقصود وجود دارد که در زیر به آنها پرداخته می‌شود. در واقع ویژگی‌های مطهرسازی محیط زیست که خداوند در طبیعت قرار داده با این روش‌ها تقویت می‌گردد تا طبیعت هرچه بکرتر به نسل‌های آینده تحویل گردد. در متون دینی، خداوند

آن ایجاد رابطه‌ی معنوی با طبیعت و محیط زیست انسانی و بهبود ضمانت اجرایی قواعد شناسایی شده، در زمینه‌ی محیط زیست طبیعی و انسانی در وجدان انسان‌هاست. افزایش بی‌رویه‌ی مصرف سوخت‌های فسیلی در مزرعه، علاوه‌بر افزایش قیمت تمام شده‌ی تولیدات، باعث وابستگی کشاورزی به بازار پرنوسان نفت و فرآورده‌های نفتی شده و از طرف دیگر باعث آلودگی محیط زیست، هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم (نظیر انرژی زیادی که برای تولید کودهای شیمیایی مصرف می‌شود) شده است. افزایش غیرقابل پیش‌بینی قیمت نهاده‌های کشاورزی که ناشی از نوسانات قیمت نفت می‌باشد، برنامه‌ریزی تولید را با مشکل مواجه کرده است. این افزایش در هزینه‌ها و قیمت‌های تمام شده‌ی محصولات باعث افزایش گردش پولی و نقدینگی در بازار گردیده که اثرات تورمی شدیدی را به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، که پایه‌ی توسعه‌ی اقتصادی خود را بر مبنای کشاورزی بنا نهاده‌اند، ایجاد کرده است. دوراه برای نیل به پایداری در تولید شامل کاربرد سیستم‌های خاک‌ورزی حفاظتی و طراحی و کاربرد سیستم‌های کاشت متناسب با تجهیزات، آب و هوا و بازار می‌باشد. در این مقاله رهیافت‌هایی که پایه و اساس طراحی سیستم‌های کاشت و خاک‌ورزی در برخی کشورهای پیشرفته جهان است، به‌طور اجمالی مورد بررسی قرار گرفته است.

انتخاب سیستم‌های کاشت مناسب با توجه به مسئله آلودگی هوا

یکی از جلوه‌های رحمت الهی، نمود تطهیر طبیعت است و خداوند متعال توانایی پالایش و تطهیر محیط زیست و هوا را در طبیعت گنجانده است. یکی از این جلوه‌ها جذب دی‌اکسید نیتروژن، دی‌اکسید کربن و ... در طبیعت توسط



متداول) به اعماق خاک نفوذ می‌یابند. رعایت برنامه‌ی تناوب در کشت بدون خاکورزی، باعث افزایش درصد ماده‌ی آلی در خاک سطحی می‌شود. به‌عبارت دیگر این موضوع باعث تثبیت کربن و نیتروژن بیشتری در لایه‌های سطحی خاک شده و به این ترتیب، پتانسیل تولید گازهای گلخانه‌ای کاهش می‌یابد. کربن محلول جزء مهمی از ذخیره کربن است که با افزایش عمق خاک، کاهش می‌یابد و با مدیریت زراعی قابل کنترل است. سیستم‌های کاشت متنوع از طریق تولید بقایای متفاوت از نظر کمیت و کیفیت، اثرات متنوعی را بر کربن، نیتروژن و کل کربن آلی محلول خاک باقی می‌گذارند. در واقع، با افزایش کاربرد بهینه‌ی کود نیتروژن، می‌توان علاوه بر ازدیاد تولید محصول، در جهت توقیف کربن (Carbon Sequestration) موجود و کاهش غلظت دی‌اکسید کربن هوا گام برداشت (۶). بر اساس آیات قرآن کریم همه‌ی موجودات آفرینش از رحمت الهی بهره‌مندند. «... وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ...» (اعراف، ۱۵۶). «... رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا...» (غافر، ۷). در متون دینی بر فراگیری رحمت خداوند بر همه اشیاء تأکید شده است، «اللهم إني أسئلك برحمتك التي وسعت كل شيء» و از مهمترین ویژگی این رحمت تقدم آن بر غضب الهی است، «يا من سبقت رحمة غضبه». لذا رحمت سابقه الهی یک جریان فراگیر و ثابت است و بنابراین می‌توان گفت در نظام آفرینش و طبیعت، رحمت است که اصالت دارد. (مطهری، ۱۳۵۳، ص ۲۴۶). مطالعات زیادی در خصوص ارتباط بین سیستم‌های کاشت، سیستم‌های خاکورزی و تثبیت کربن در لایه سطحی و ریزوسفر لایه‌های نزدیک به سطح خاک انجام شده است. نشان داده شده است که سیستم‌های کاشت و مدیریت بقایا بر تجمع

پاکیزه و دوستدار پاکیزگی معرفی شده است (نهج‌الفصاحه، شماره ۷۰۳) و بهشت را تنها برای پاکیزه‌ها مهیا نموده (نهج‌الفصاحه، شماره ۶۱۲) و بر تحصیل حداکثر پاکیزگی تأکید ورزیده و اساس اسلام را پاکیزگی دانسته است (نهج‌الفصاحه، شماره ۱۱۸۲). در صورت اتخاذ تدابیر مدیریتی توصیه شده، خاک‌های کشاورزی می‌توانند به‌عنوان یک گیرنده بزرگ برای کربن اتمسفری عمل کنند. این تدابیر شامل اجرای برنامه‌های تناوب زراعی، انتخاب سیستم‌های مناسب خاک‌ورزی، استفاده از گیاهان پوششی، تنظیم میزان کود نیتروژن و اصلاح ارگانیک زمین‌های کشاورزی می‌باشد. در امریکا در پژوهشی، دو سیستم کاشت، یکی ذرت به‌صورت کاشت متوالی و دیگری کاشت ذرت در تناوب با سویا و همچنین تیمارهای کود نیتروژن مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان داده است که در سیستم کاشت متوالی ذرت (CC)، مقدار کربن آلی ذخیره شده تا عمق ۳۰ سانتیمتری خاک، افزایش یافته. به‌علاوه مقدار نیتروژن کل در افق ۰-۲۰ سانتیمتری سطح خاک در تیمار کشت متوالی ذرت (CC)، بیشتر بود. دلیل این امر آن است که گیاه ذرت به‌عنوان یک گیاه (C4) در هر سطح کاربرد کود نیتروژن تولید بیشتری در واحد سطح (در مقایسه با گیاه سویا که C3 است) ایجاد می‌کند. این موضوع حاکی از آن است که با کاربرد نیتروژن در کمر بند ذرت، می‌توان کربن بیشتری را در خاک ذخیره نمود (۷). سیستم‌های کاشت و همچنین سیستم‌های خاک‌ورزی می‌توانند عمق نفوذ کربن و نیتروژن آلی در خاک را تحت‌تأثیر قرار دهند. در سیستم‌های کاشت متنوع که از تعداد گونه‌ی گیاهی بیشتری استفاده می‌شود، کربن و نیتروژن آلی بیشتری در سیستم‌های بدون خاک‌ورزی (No Till) (در مقایسه با خاک‌ورزی



تولید هر یک از نهاده‌های مورد استفاده در کشاورزی نیز باید مدنظر قرار گیرند، زیرا هزینه تولید کودهای شیمیایی و آفت‌کش‌ها بسیار قابل توجه است. هنگامی که هم ارز انرژی مربوط به عملکرد گیاه زراعی و دیگر برون‌دادهای سیستم کشاورزی تعیین شد و با انرژی ورودی مقایسه گردید، امکان ارزیابی کارایی انرژی سیستم‌های مختلف تولید فراهم شده است (۲). در واقع کاربرد بی‌رویه‌ی انرژی به صورت استفاده از کودهای متنوع، کاربرد زیاد از حد آفت‌کش‌ها، آبیاری در زمین‌هایی که به خوبی تسطیح نشدند و نایکنواختی قسمت‌های مختلف مزرعه از لحاظ حاصل‌خیزی، موجب افت کارایی استفاده از انرژی می‌شود. برعکس، کاربرد اصولی انرژی، شامل: استفاده از تجهیزات پیشرفته، بکارگیری دقیق نهاده‌ها از قبیل سم، کود، بذر و مدیریت صحیح آبیاری موجب کاهش مصرف انرژی و افزایش کارایی مصرف انرژی می‌شود. هرچند کاربرد بیشتر انرژی باعث ازدیاد تولید ماده‌ی خشک گیاهی می‌گردد، لیکن، کاربرد انرژی به صورت کودهای شیمیایی، عملکرد را همیشه به صورت خطی زیاد نمی‌کند.

بررسی تأثیر سیستم‌های کاشت روی آبشویی عناصر غذایی

یکی دیگر از مشکلات پیش‌روی بشر در زمینه‌ی محیط زیست، شستشوی عناصر غذایی بکاررفته در کشاورزی در قالب کودهای متنوع و امکان آلودگی آب‌های زیرزمینی و هوا بوسیله‌ی این مواد است. موادی مثل نیترات، به دلیل قابلیت انحلال سریع در آب، می‌توانند به راحتی همراه با نفوذ عمقی آب، به لایه‌های پایین‌تر خاک نفوذ کرده و در صورت بالا بودن سطح سفره‌ی آب‌های زیرزمینی، امکان آلوده‌سازی آنها را فراهم کنند و اثرات زیست محیطی مخربی را برجای گذارند. همچنین تصعید این مواد،

نیتروژن و کربن در لایه‌های سطحی خاک در مناطق مرطوب و یا گرمسیری تأثیر بارزی داشته است. پتانسیل این خاک‌ها برای کم کردن گازهای گلخانه‌ای زیاد است. کربن آلی محلول در خاک ممکن است با تغییر در مدیریت مزرعه، تغییرات کوتاه‌مدتی را از خود بروز دهد. سیستم‌های متنوع کاشت، ماده آلی بیشتری را در لایه‌های سطحی خاک، تحت سیستم بدون خاکورزی، در مقایسه با سیستم تک‌کشتی ایجاد می‌کند. در مجموع، سیستم کاشت متنوع در حالت بدون خاکورزی با کاهش زمان آیش و افزایش تولید بقایای گیاهی، باعث افزایش کربن و نیتروژن خاک تا عمق ۵۵ سانتی‌متری می‌شود (۹). افزایش کاربرد کودهای شیمیایی در بخش کشاورزی به طور مستقیم و غیرمستقیم باعث افزایش آلودگی اتمسفر گردیده است. برای تولید کودهای شیمیایی نظیر اوره، نیاز به ایجاد دماهای بسیار بالا در کارخانه‌هاست. تولید چنین حرارتی به معنای افزایش آلودگی هوا است (۱).

بررسی چرخش انرژی در اکوسیستم‌های کشاورزی

به طور کلی در سیستم‌های تولیدی کشاورزی انرژی‌های ورودی شامل ماشین‌آلات، کودها، آبیاری، بارندگی و سموم دفع آفات و علف‌های هرز می‌باشند. خروجی‌ها شامل عملکرد، تولید شاخساره و سیستم ریشه‌ای، فرسایش و آبشویی عناصر غذایی می‌باشند. تعیین انرژی ورودی ناشی از مصرف سوخت نسبت آسان است. از لحاظ نظری امکان تعیین و یا تخمین معادل‌های انرژی و یا هزینه هر ماده یا فرآیند مورد استفاده در کشاورزی وجود دارد. هزینه‌های نیروی کارگری، هرگونه عملیات زراعی وابسته به ماشین‌آلات، آبیاری، تعرق، مبارزه با آفات، بیماری‌ها و علف‌های هرز در زیر مجموعه‌ی این مواد قرار می‌گیرد. البته انرژی مورد نیاز برای



عناصر باقیمانده از زراعت گیاه اصلی در تناوب، هدر روی عناصر غذایی باقیمانده را به حداقل کاهش دهند (۴).

نتیجه‌گیری

حقوق محیط زیست، شاخه‌ای از علم حقوق است که به مطالعه‌ی قواعد حقوقی موجود در زمینه‌ی محیط زیست طبیعی و انسانی می‌پردازد، که یکی از اهداف آن حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت در رابطه با فعالیت‌های انسان است. بنابراین حقوق محیط زیست فعالیت‌های انسان‌ها را بر روی عناصر و محیط‌های طبیعی تعریف و سازماندهی کرده و کیفیت زندگی بهتر را تضمین می‌نماید. در مقاله‌ی حاضر به بررسی سیستم‌های کاشت و خاکورزی در چند کشور پیشرفته از جمله امریکا، کانادا، آلمان، اسپانیا، هلند و دانمارک پرداخته شده است. تجربه‌ی این کشورها حاکی از آن است که کاربرد سیستم شخم حفاظتی می‌تواند به پایداری بیشتر در تولید، کاهش فرسایش، تنوع تولید و افزایش عملکرد و در مجموع پایداری محیط زیست در کنار تولید محصولات منجر شود. پیشنهاد می‌شود چنانچه پژوهش‌های بیشتری در ارتباط با اثربخشی این سیستم در کشور ما صورت گیرد، می‌توان با استفاده از نتایج آن نسبت به افزایش پایداری، کاهش فرسایش و بهبود عملکرد گیاهان زراعی به‌عنوان عوامل مورد تاکید آموزه‌های دینی اقدام نمود.

می‌تواند آلودگی هوا را به‌همراه داشته باشد. برای کاهش این مشکلات، کشورهای پیشرفته‌ی جهان، تدابیر خاصی را برپایه‌ی سیستم‌های کاشت اتخاذ کرده‌اند. در کشور دانمارک که بافت خاک ۲۵ درصد از زمین‌های کشاورزی آن از نوع بافت درشت است و سطح سفره‌ی آب زیرزمینی نیز بالاست، آبشویی نیترات مسئله‌ی مهمی به‌شمار می‌رود. در این کشور سیاست دولت برای کاهش آبشویی عناصر مبتنی بر اجرای سیستم‌های کاشت بر پایه‌ی گیاهان واسطه می‌باشد. در پژوهشی قابلیت جایگزینی شبدر قرمز و سفید به‌جای علف چاوداری به‌منظور کاهش آبشویی نیتروژن و پتاسیم در زراعت جو مورد بررسی قرار گرفت. در سطوح کودی نیتروژن کم، اثر بقایای شبدر روی عملکرد دانه‌ی جو بهاره بسیار مطلوبتر از علف چاوداری بود. زیرا شبدر از خانواده‌ی نیامداران است و توانایی تثبیت نیتروژن را داراست که خود باعث کاهش مصرف کود نیتروژن در مزارع می‌شود. بعد از مخلوط شدن بقایای شبدر (به‌ویژه ریشه‌ها) با خاک، پروسه‌های میکروبی منجر به معدنی‌شدن نیتروژن ذخیره شده در گیاه می‌شود. این نیتروژن می‌تواند بوسیله‌ی گیاه بعدی مورد استفاده قرار گیرد. به‌نظر می‌رسد در سیستم‌های پایدار، شبدر به‌دلیل تثبیت نیتروژن و در نتیجه، کاهش استفاده از کودهای شیمیایی، در جهت کاهش آبشویی نیترات، گیاه مناسب‌تری باشد. به‌طور کلی گیاهان واسطه می‌توانند با جذب

منابع

۱. بزاز، ف.، سامبروک، و.، ۱۳۸۵. اثر تغییر اقلیم جهانی بر تولیدات کشاورزی. ترجمه ی م. نصیری محلاتی. ع. کوچکی. پ. رضوانی. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. ۳۸۸ صفحه.
۲. پاورز، ال. ای. ۱۳۸۰. اصول بوم‌شناسی کشاورزی. ترجمه ی ع. ر. کوچکی. م. جامی‌الاحمدی. ب. کامکار. ع. مهدوی دامغانی. انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد. ۴۷۱ صفحه.
۳. ردی، کی. آر.، هاجز، اچ. اف.، ۱۳۸۵. تغییر اقلیم و تولیدات زراعی در جهان. ترجمه ی ع. ر. کوچکی. م. حسینی. انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد. ۵۵۵ صفحه.



4. Askegaard, M., Eriksen, J., 2008. Residual effect and leaching of N and K in cropping systems with clover and ryegrass catch crops on a coarse sand. *Agriculture, Ecosystems and Environment*. 123, 99-108.
5. Biswas, B., Ghosh, D.C., Dasgupta, M.K., Trivedi, N., Timsina, J., Dobermann, A., 2006. Integrated assessment of cropping systems in the Eastern Indo-Gangetic plain. *Field Crops Research*. 99, 35-47.
6. Jagadamma, S., Lal, R., Hoefl, R.G., Nafziger, E.D., Adee, E.A., 2007. Nitrogen fertilization and cropping systems effects on soil organic carbon and total nitrogen pools under chisel-plow tillage in Illinois. *Soil & Tillage Research*. 95, 348-356.
7. Jagadamma, S., Lal, R., Hoefl, R.G., Nafziger, E.D., Adee, E.A., 2008. Nitrogen fertilization and cropping system impacts on soil properties and their relationship to crop yield in the central Corn Belt, USA. *Soil & Tillage Research*. 98, 120-129.
8. Lefroy, E., Rydberg, T., 2003. Energy evaluation of three cropping systems in southwestern Australia. *Ecological Modelling*. 161, 195-211.
9. Wright, A.L., Dou, F., Hons, F.M., 2007. Soil organic C and N distribution for wheat cropping systems after 20 years of conservation tillage in central Texas. *Agriculture, Ecosystems and Environment*. 121, 376-382.

بررسی تطبیقی آیات خلقت موجودات و نظریه‌ی تکامل انواع داروین

مرضیه قنبری^۱ و سمیه محمدی^۲

۱- دانش‌آموخته دکترای تفسیر تطبیقی دانشگاه قم (نویسنده مسئول: marziyeh.ghanbari2020@gmail.com)
۲- طلبه‌ی سطح ۴ (دکتری) مرکز تخصصی حضرت فاطمه‌الزهراء ۳ اصفهان

چکیده

یکی از مهم‌ترین مسائل مورد اختلاف میان اندیشمندان علوم زیستی و علوم دینی که از دیرباز مورد توجه واقع شده است؛ کیفیت خلقت انسان و سایر موجودات است؛ به‌گونه‌ای که دیدگاه‌های متفاوتی میان مفسران قرآن کریم و اندیشمندان علوم زیستی وجود دارد. آنچه حائز اهمیت است، تطبیق این دیدگاه بر مبنای قرآن کریم است؛ آیات قرآن، بیانات روشن و منطقی در مورد خلقت انسان و وضع تکاملی سلسله موجودات دارد. پژوهش حاضر درصدد پاسخ به این پرسش است که در مورد انسان چه نوع خلقتی مورد توجه آیات قرآن قرار گرفته است؟ این پژوهش با هدف بررسی نظریه‌ی تکامل تدریجی موجودات و انطباق آن بر اساس متون وحیانی اسلامی به‌روش توصیفی - تحلیلی انجام گرفته است. یافته‌های پژوهش بیانگر این مطلب است که نظریه‌ی تکامل موجودات، منطبق با آیاتی است که دلالت بر تکامل تدریجی دارد، و این مطلب تأییدی بر علم و قدرت و حکمت الهی است. طبق بیانات قرآن کریم، نوع بشر از نسل آدم علیه‌السلام است و آدم، مخلوقی مستقل از جمیع موجودات زنده دیگر است که خداوند از گل سرشته و سپس در آن دمیده است. قرآن کریم با تعبیرات متفاوتی، سیر خلقت موجودات را بر اساس تکامل تدریجی و پیوستگی نسل تصریح نموده و در موارد متعددی در مورد موجودات زنده، خلقت تدریجی و تکاملی موجودات و اتصال نسل آنان را متذکر شده است. بنابراین، این احتمال که تمامی موجودات زنده از طریق تحول پدید آمده و تکامل یافته باشند؛ با آموزه‌های اسلامی تعارضی ندارد.

کلیدواژه‌ها: اصل آفرینش، تکامل انواع، تکامل تدریجی، خلقت موجودات، داروین، علم و دین، علوم زیستی، قرآن کریم.

مقدمه

اشاره به احوال و مراحل جنینی انسان، وابستگی نسلی او را به سایر موجودات بیان می‌دارند. در این راستا مسأله‌ی خلقت تدریجی و تکاملی موجودات زنده، توجه بسیاری از اندیشمندان و دانشمندان (به‌خصوص در علم زیست‌شناسی) را به‌خود جلب نموده و مورد کنکاش بسیار واقع شده است. نظریه ترانسفورمیسم (نظریه تکامل انواع)، ماندگارترین و پرماجراترین دیدگاه انسان شناختی است که هم ریشه در تاریخ و هم در عصر دانش تجربی دارد. فیلسوف چینی تسون‌تسه ۲۵۰۰ سال قبل چنین گفته است: «اصولاً تمام سازمان‌ها از یک واحد تشکیل

چگونگی خلقت انسان، از قدیمی‌ترین مسائلی است که همواره مورد بحث بشر بوده و در آثار دینی کهن و در چند باب از سفر آفرینش تورات نیز بیاناتی درباره‌ی خلقت آدم آمده است. قرآن کریم در آیات متعددی، بیانات روشنی در مورد خلقت انسان دارد که هرچند تعبیر متفاوتی دارند، اما تغییرات و تکامل موجودات را تا انسان متذکر می‌شود. برخی آیات به تکامل تدریجی موجودات تا انسان، و سپس به آدم و بنی‌آدم اشاره دارند، بعضی دیگر منشأ حیات را از جسم بی‌جان (خاک) یادآور می‌شوند، پاره‌ای نیز ضمن



۱۳۷۵، ۹). اهمیت جایگاه انسان در آفرینش و نیز کرامت و ارزش انسان، با تصویری که داروینیسیم از انسان ارائه می‌دهد، نامتناسب و ناسازگار است و چنانچه برخی معتقدند، نظریه‌ی تحول انواع، بی‌نظیر بودن مقام انسان و اشرف مخلوقات بودن او را نقض می‌نماید؛ زیرا در نظر وی، تفاوت اساسی میان انسان و حیوان وجود ندارد. در این راستا به‌خاطر اهمیت بحث، و اختلاف مفسران و دانشمندان در کیفیت و کمیت این تحول، و تبیین بهتر این مسأله، پژوهش حاضر با هدف بررسی ارتباط نظریه‌ی تحول تدریجی انواع داروین، با آیات خلقت انسان و آراء مختلف مفسران تدوین شده تا مراد از این تحول تدریجی روشن گردد. پژوهش حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی، درصدد تبیین این مطلب است که در مورد انسان چه‌نوع خلقتی مورد توجه آیات قرآن قرار گرفته است و آیا دیدگاه قرآن با نظریه تکامل انواع، سازگار است؟

معرفی اجمالی نظریه‌ی تحول و تکامل تدریجی انواع

چگونگی پیدایش انسان در روی کره خاکی و قبل از آن، نحوه پیدایش جمادات و گیاهان و حیوانات، همواره یکی از مطالب مورد سؤال و پژوهش بشر بوده که در پی یافتن پاسخی صحیح بدان بوده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۴۹). مقصود از تکامل در زیست‌شناسی، ازدیاد تدریجی اعضاء بدن است که در انواع جدیدتر، موجودات زنده پدید می‌آید و یا منظور، توسعه و تفصیلی است که در ساختمان تشریحی و یا نسجی هر عضو از موجودات زنده به‌تدریج صورت‌گرفته است (سحابی، ص ۱۵). طبق نظریه‌ی داروین (فرگشت، تطور، تحول یا تکامل تدریجی انواع که به داروینیسیم یا ترانسفرمیسم مشهور شد)، جانداران امروزی، ثابت، تغییرناپذیر و ازلی نبوده؛ بلکه درگذر زمان تغییر یافته و

شده‌اند. این واحد به‌مرور زمان، مراحل گوناگون و تغییرات مداومی یافته است و سبب پیدایش شکل‌های مختلف و اجسام و موجودات متنوع می‌گردد». چارلز داروین؛ زیست‌شناس انگلیسی، که نظریه معروف تکامل انسان از حیوان را مطرح کرد، از پیروان این نظریه است که سهم به‌سزایی در تبیین این مسأله دارد (نوری‌زاد، ۱۳۸۳، ۲۰) وی فرضیه‌ی تکامل و ارتباط نسلی سلسله جانوران را در قرن نوزدهم میلادی بیان نمود و با این‌که پیش از وی نیز این نظریه، توسط دانشمندان دیگر، به‌خصوص در حوزه‌ی علوم اسلامی، اظهار شده بود (هم‌چنین توسط بوفن، لامارک، ژفروا سنتیلر و دیگران) (سحابی، ۴ و ۱۸۷). اما همراهی نظریه‌ی داروین با تجربه و مثال‌های فراوان، و وجود آزادی در ابراز عقیده و توسعه‌ی افکار سیاسی و اجتماعی در ابتدای قرن نوزدهم، سبب گردید این نظریه با استقبال فراوان روبرو شود و در اذهان به‌نام داروین شناخته شود (صالحی، ۱۳۸۸ش، ۱۱۴). نظریه‌ی داروین هرچند مورد پذیرش بسیاری واقع شد؛ اما از جهاتی نیز با مخالفت جدی مواجه شد. داروین بر طبق نظریه‌ی خویش، یک شجره‌ی نسلی برای بیشتر حیوانات معرفی می‌نماید و یادآور می‌شود که بشر از تحول میمون پدید آمده، و انسان و میمون را از یک ریشه‌ی نسلی می‌داند. درحالی‌که از نظر مخالفان، وابستگی نسلی انسان به میمون دون شأن انسان بوده و این نظریه، تحقیر و اهانتی به نوع بشر است؛ بنابراین، این مسأله از اصل باطل و نادرست است. هم‌چنین نظریه‌ی داروین دستاویز مادیون برای انکار خالق عالم گردید و موحدان و فضلال دینی، انکار ذات واجب‌الوجود را از طرف مادیون، به حساب نظریه‌ی داروین نهادند و مسأله‌ی پیوستگی و تکامل تدریجی انواع را مردود و گمراه‌کننده دانسته‌اند (سحابی،



می‌کنند. خانواده و اجتماع شکل بسیار عالی سازگاری‌هاست که در مبارزه برای غذا و شرایط زندگی به‌وسیله‌ی انتخاب طبیعی به‌دست آمده‌اند (فارایوین، ۱۳۵۴، ص ۱۶۵). او به‌طور خاص در مورد انسان معتقد است که مشاهده‌ی بقایای حیوانی در انسان و تکامل نطفه‌ی انسانی در بطن مادر، و به‌تدریج انسان‌شدن آن، و آزمایش‌های انتقال خون بر روی میمون‌های انسانی شکل امروزی، صراحت دارد براین‌که انسان از عالم حیوانات به‌وجود آمده و در طول میلیون‌ها سال، تغییر یافته و مالک ساختمان بدن امروزی گردیده است (همان، ص ۸۹). چون داروین در نظریه‌ی انتخاب طبیعی، تاریخ تکامل پیدایش انسان و مراحل طی شده تا انسان را مانند یک فرد ماتریالیست تشریح می‌نماید، او را در جرگه‌ی علمای ماتریالیست وارد می‌سازند (همان، صص ۹۰ و ۱۷۹). در بین مسلمانان گروهی طرفدار نظریه تکامل (ترانسفورمیسم) شدند و به برخی از آیات قرآن استدلال نمودند و برخی دیگر نیز طرفدار نظریه ثابت انواع (فیکسیسم) شدند و به برخی دیگر از آیات قرآن استدلال کردند. و حتی برخی آیات را (که ظاهراً موافق نظریه تکامل است) دلیل اعجاز علمی قرآن دانسته‌اند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ ش، صص ۲۴۹-۲۵۰).

بررسی آیات قرآن در مورد چگونگی خلقت انسان

از آن‌جا که مسأله‌ی انسان‌شناسی در بسیاری از آیات قرآن کریم مورد توجه است؛ مفسران به بحث و بررسی پیرامون آیات خلقت انسان پرداخته‌اند و در پاره‌ای موارد نتیجه‌ی تلاش تفسیری خود را با داروینیسم تطبیق داده‌اند، و در نهایت به تعارض یا قبول آن قائل شدند. آیات مربوط به خلقت موجودات و به‌خصوص انسان به‌طور کلی به سه دسته تقسیم می‌شوند:

تکامل پیدا نموده‌اند. داروین نشان می‌دهد که همه‌ی موجودات زنده از یک موجود بسیار ساده و بسیط مشتق گشته و در جریان تکامل، تغییر یافته و به‌مرور زمان، مرکب و بغرنج شده‌اند، اما با وجود این همه تنوع، پیدا کردن خویشاوندی در بین همه‌ی موجودات زنده، از روی خط‌سرخ تکامل و وابستگی آن‌ها به‌هم کار دشواری نیست (فارایوین، ۱۳۵۴ ش، ص ۱۷۱). فرضیه تکامل انواع یا «ترانسفورمیسم» که می‌گوید انواع موجودات زنده در آغاز به‌شکل کنونی نبودند، بلکه در آغاز موجودات تک‌سلولی در آب اقیانوس‌ها و از لابه‌لای لجن‌های اعماق دریاها با یک جهش پیدا شدند یعنی موجودات بی‌جان در شرایط خاصی قرار گرفتند که از آنها نخستین سلول‌های زنده پیدا شد. این موجودات ذره‌بینی زنده تدریجاً تکامل یافتند و از نوعی به نوع دیگر تغییر شکل دادند. از دریاها به صحراها و از آن به هوا منتقل شدند و انواع گیاهان آبی و زمینی و پرندگان به‌وجود آمدند. کامل‌ترین حلقه این تکامل همین انسان‌های امروزند که از موجوداتی شبیه به میمون‌های انسان‌نما ظاهر گشتند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ ش، ص ۲۵۱). داروین در تغییر تدریجی صفات انواع و اشتقاق گونه‌های موجودات زنده، اصل انتخاب طبیعی به‌وسیله‌ی قانون تنازع بقاء را مؤثر دانسته و موجودات زنده را از نظر پیوستگی نزدیکی (البته در تصور او) که باهم دارند؛ تقسیم‌بندی نموده و انسان و میمون را از یک ریشه‌ی نسلی به‌حساب می‌آورد (سحابی، ص ۱۸۷). وی در علوم طبیعی، تحول نوینی ایجاد نمود و ثابت کرد که همه‌ی موجودات زنده تنها با قانون طبیعی اداره می‌شوند (فارایوین، ۱۳۵۴، ص ۱۷۹). بنابر آن‌چه داروین می‌گوید، تمامی پدیده‌های طبیعت که انسان را به تعجب وامی‌دارد، در جریان تکامل به‌دست آمده‌اند و تحت‌تأثیر غرایز جریان پیدا



علیها الماء المالح الأجاج فترکها أربعین صباحاً فلما اختمرت الطینة أخذها فعرکها عرکاً شدیداً فخرجوا کالذر» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷؛ عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۲، ص ۳۹). طبق این روایت خداوند متعال مشت‌ی خاک زمینی که حضرت آدم (ع) را از آن آفرید، برگرفت. سپس روی آن آب گوارا ریخت و چهل روز به حال خود رها کرد. سپس روی آن، آب شور و تلخ ریخت و چهل روز به حال خود رها کرد و هنگامی که گل، خمیر شد، به صورت انسانی در آورد. «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۵۹)؛ مَثَلِ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ، همچون آدم است؛ که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد. در آیه‌ی شریفه، کیفیت خلقت حضرت عیسی (ع) به خلقت آدم (ع) تشبیه شده، و کیفیت خلقت آدم (ع) به این صورت بوده که خداوند متعال، اجزایی از خاک را جمع نمود و سپس به آن فرمان داد: «باش» و آن خاک، بلافاصله به صورت و سیرت یک بشر تمام عیار، تکون یافت؛ بدون این‌که از پدری متولد شده باشد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۳۳؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۱۷۸). «قال له كن»؛ بر فوریت و عدم تدریج دلالت می‌کند؛ یعنی خلق آدم (ع) به صورت دفعی و ناگهانی بوده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۳۴). البته بنابر اتفاق مفسران، مراد از آدم در آیه‌ی مذکور، نوع انسان نیست؛ بلکه اسم علم و معرفه برای اولین انسان ذی‌شعوری است که خداوند متعال وی را از خاک خلق نمود (جرجانی، ۱۴۳۰ق، ج ۱، ص ۴۰۴؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۲۰۸). آیات دیگری نیز در کلام وحی موجود است که به خلقت انسان از تراب اشاره دارد، اما به جهت اختصار به ذکر همین موارد بسنده می‌شود (کهف/۳۷، حج/۵، فاطر/۱۱، غافر/۶۷). در ماده

آیات بیانگر منشأ حیات یا خلقت اولیه‌ی انسان آیاتی از قرآن کریم به تعبیر مختلف (تراب، طین، حمأسنون، صلصال، فخّار) تصریح بر آفرینش انسان از خاک دارد:

الف: آیاتی که خلقت انسان را از «تراب» می‌داند «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ تَنْتَشِرُونَ» (روم/۲۰)؛ «از نشانه‌های او این است که شما را از خاک آفرید، سپس به‌ناگاه انسان‌هایی شدید و در روی زمین گسترش یافتید». برخی مفسران «خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ» را «خَلَقَ أَبَاكُمْ مِنْهُ» تفسیر نمودند؛ یعنی پدر شما و ریشه‌ی اصلیتان را از خاک آفرید نه خودتان را (بروجردی، ۱۳۶۶ش، ج ۵، ص ۲۵۴؛ حسینی‌شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۱۰، ص ۲۸۱؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۴، ص ۴۴۲؛ سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۷۶۶). باتوجه به این‌که «إِذَا» حرف مفاجات و به‌معنای اتفاق ناگهانی است و در تقدیر چنین است: سپس ناگهان زمانی آمد که شما انسان شدید و در روی زمین انتشار یافتید (قرطبی، ۱۳۶۴ش، ج ۱۴، ص ۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۸، ص ۴۶۸)؛ بنابراین آیه اشاره‌ای به خلقت تدریجی ندارد، بلکه مراد از آن، خلقت دفعی انسان‌هاست. علامه طباطبایی مراد از خلقت انسان از خاک را از این جهت می‌داند که خلقت افراد بشر، بالأخره به زمین ختم می‌شود؛ زیرا مراتب تکون و پیدایش انسان؛ از مرتبه‌ی نطفه، علقه، مضغه، و مراتب بعد از آن، سرانجام از موادغذایی زمین است که پدر و مادر شخص تغذیه می‌کنند و فرزند در صلب پدر و رحم مادر رشد می‌کند، پس پیدایش انسان از عناصر زمین است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، ص ۱۶۵). در حدیثی از امام باقر (ع) چنین آمده است: «أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَبَضَ قَبْضَةً مِنْ تُرَابِ التُّرْبَةِ الَّتِي خَلَقَ مِنْهَا آدَمَ ع فَصَبَّ عَلَيْهَا الْمَاءَ الْعَذْبَ الْفَرَاتِ ثُمَّ تَرَكَهَا أَرْبَعِينَ صَبَاحاً ثُمَّ صَبَّ

اصلی «تراب»، تحولات و فعل و انفعالات پدید آمده، تا امر «کن» بر آن وارد شده و به صورت انسانی تکامل یافته است: «ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ». فیکون به جای «فکان» استمرار تکوینی را نشان می‌دهد. در آفرینش آدم، مانند دیگر پدیده‌های جهان طبیعت، دو بعد وجود دارد: بعد مادی که از خاک و دیگر مواد طبیعت است و بعد امری که از قدرت فاعلی است و صورت و کمال می‌بخشد و پیش می‌برد (طالقانی، ۱۳۶۲ش، ج ۵، ص ۱۶۴). اراده و علم و حکمت و بصیرت و قدرتش اقتضا نمود که از خاک زمین و از عنصر واحد مرد و زنی را بی‌سابقه داشتن پدر و مادر بیافریند و آنان را مبدء و منشأ به وجود آمدن میلیاردها مرد و زن قرار دهد (انصاریان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۴). در آیه مورد بحث، تسویه‌ی انسان، تعدیل اعضای وی است؛ به این صورت که اعضای بدن او با یکدیگر ترکیب و تکمیل شود تا به صورت یک انسان تمام عیار درآید، و مراد از دمیدن روح در آن، بدین معناست که او را موجودی زنده قرار دهد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۲۴). به این ترتیب آفرینش انسان پایان پذیرفت، "روح خدا" و "گل تیره" به هم آمیختند، و موجودی عجیب و بی‌سابقه قدم به عرصه هستی نهاد که قوس صعودی و نزولی او، بی‌انتها بود؛ موجودی با استعداد فوق‌العاده که می‌توانست شایسته مقام "خلیفه‌اللهمی" باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ج ۱۹، ص ۳۳۷).

ب: آیاتی که خلقت انسان را از «طین» می‌داند در آیاتی از قرآن کریم (مؤمنون/۱۲؛ صافات/۱۱؛ ص/۷۲-۷۱) به بیان آفرینش انسان از «طین» تصریح شده است؛ مانند آیه: «إِذْ قَالَ رَبِّيَ لِلْمَلَكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ، فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص/۷۲-۷۱)؛ «و به خاطر بیاور هنگامی را که پروردگارت به فرشتگان گفت: من بشری را از

گل می‌آفرینم. هنگامی که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید». نکات قابل توجه آیات عبارتند از: ۱- واژه «خَلَقَ» و مشتقات آن، که در این آیات تکرار شده است. «خلق» به معنای تقدیر، اندازه‌گیری، تدبیر و نظم مستقیم در امور است. هم‌چنین در معنای نوآفرینی و ایجاد شیء است؛ بدون این که آن شیء سابقه‌ی وجودی داشته باشد. هر دو معنا در این جا مدنظر است؛ زیرا برای خلق هر چیزی، نیاز به تدبیر و اندازه‌گیری آن شیء است (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳، ص ۱۲۰؛ راغب، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۳۲؛ قرشی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۲۹۳). به نظر می‌رسد عبارت «إِنِّي خَالِقٌ» و هم‌چنین «فَإِذَا سَوَّيْتَهُ» بر خلقت اولیه‌ی جسم انسان دلالت دارد که به تدریج و در طول زمان صورت گرفته؛ ابتداء، خلق صورت گرفته که همان جمع‌آوری اجزاء و تدبیر در آن‌ها بوده است. سپس در مرحله‌ی بعد، تسویه صورت گرفته، که مراد از آن، تنظیم اجزاء و نهادن هر جزئی در جای مناسب خود است، و پس از این مراحل، نفخ روح رخ داده است. بنابراین، این عبارات با آیات دیگر از قبیل «خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۵۹)، منافاتی ندارد؛ زیرا عبارت «ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» ناظر به جسم و بدن انسان نیست، بلکه ناظر به ایجاد روح، یعنی نفس انسانیت است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۱۵۵). نکته‌ی دیگر این که کلمه «بشر» به معنای انسان است که اصل آن از «بشره» به معنای ظاهر پوست گرفته‌شده، و از آن جهت که انسان تنها موجودی است که برخلاف سایر حیوانات، ظاهر پوست او نمایان بوده و با پر و کرک و پشم پوشیده نشده است، به وی نام «بشر» تعلق گرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۲۴). در حدیثی از امام صادق (ع) در مورد خلقت انسان از «طین» چنین آمده است: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ



۱۳۸۶ش، ص ۵۸۷). «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (الرحمن/۱۴)؛ «انسان را از گل خشکیده‌ای همچون سفال آفرید». با بررسی آیات فوق و آیات دیگر (حجر/۳۳) این نتیجه حاصل می‌شود که خلقت اولیه‌ی نوع انسان از خاک بوده است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۱۶؛ شریف لاهیجی، ۱۳۷۳ش، ج ۲، ص ۶۷۰؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۱۲؛ حقی بروسوی، بی‌تا، ج ۴ ص ۴۶۳). برخی نیز مراد از انسان را اسم علم و شخص حضرت آدم (ع) می‌دانند (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲۷، ص ۱۰۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج ۴، ص ۱۹۶؛ مراغی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۱۱؛ مغنیه، ۱۴۲۴ق، ج ۷، ص ۲۰۷؛ آل‌غازی، ۱۳۸۲ق، ج ۶، ص ۵۷)؛ زیرا می‌فرماید: «خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ». اما همین خلقت حضرت آدم (ع)، خود دارای مراحل است: خاک مذکور، به‌صورت گل درآمد: «وَوَخَّلَفْتَهُ مِنْ طِينٍ»، سپس آن گل مدتی کنار گذاشته شد تا حتماً گردید (گل سیاه متعفن و بدبو) (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۳، ص ۳۱۲)، سپسصلصال و خشک و خالص (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۰۶)، یا فخار و مانند گل پخته و مخصوص سفال‌گری شد (زبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۷، ص ۳۴۲ و موسی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۰۱۹). بنابراین به‌نظر می‌رسد تناقضی در این تعبیر مختلف قرآن وجود ندارد؛ زیرا حالات مختلف خلقت اولیه‌ی انسان را بیان می‌دارد (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۶، ص ۵۱۶). از مجموع مطالب فوق، چنین مستفاد می‌شود که خلقت اولیه‌ی نوع انسان، یا آن‌چه برخی آن‌را خلقت شخص خاصی از افراد بشر (حضرت آدم (ع)) می‌دانند؛ از دو جهت مورد بررسی است: ۱- خلقت تدریجی انسان اولیه است؛ بدین‌صورت که طی مراحل این خلقت صورت می‌گیرد: تراب، طین، حمأ مسنون، صلصال و فخار، که به‌ترتیب و تدریج حاصل شده‌اند و این خلقت تدریجی

لما أراد أن يخلق آدم ع أرسل الماء على الطين ثم قبض قبضه فعرکها ثم فرقها فرقتين بیده ثم ذرأهم فإذا هم يدبون» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷؛ بحرانی، ۱۳۷۴ش، ج ۴، ص ۸۸۵). طبق این روایت، هنگامی که خداوند متعال حضرت آدم (ع) را آفرید، آب بر روی خاک ریخت، سپس مشتی از آن برگرفت و از آن انسان‌ها را آفرید.

ج) آیاتی که خلقت انسان را از «حمأ مسنون، صلصال، فخار» می‌داند

«وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِئٍ مَسْنُونٍ، ... وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمِئٍ مَسْنُونٍ، فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (حجر/۲۶-۲۹)؛ «ما انسان را از گل خشکیده‌ای (همچون سفال) که از گل بدبوی (تیره رنگی) گرفته شده بود آفریدیم! ... و (به‌خاطر بی‌اور) هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل خشکیده‌ای که از گل بدبویی گرفته شده، می‌آفرینم. هنگامی که کار آن را به پایان رساندم، و در او از روح خود (یک روح شایسته و بزرگ) دمیدم، همگی برای او سجده کنید». مقصود از «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ»، ابتدای خلقت انسان است، زیرا در جای دیگر درباره‌ی خلقت انسان از گل می‌فرماید: «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (سجده/۸-۷). بنابراین، آیه‌ی شریفه، خلقت نوع انسان را بیان می‌کند؛ زیرا خلق کردن اولین موجودی که بقیه‌ی افراد از آن منشعب می‌شوند، به‌نحوی خلق نمودن همه‌ی آن‌هاست (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۲، ص ۱۵۴). آیات قرآن هرچند به‌صورت مستقیم و صریح، درصدد بیان مسأله‌ی تکامل یا ثبوت انواع نیست، ولی ظواهر آیات خلقت آدم با مسأله خلقت مستقل سازگارتر است، اما قرآن کریم در مورد سایر جانداران، سکوت اختیار نموده است (مکارم شیرازی،



«إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». به نظر می‌رسد آیه‌ی شریفه نه تنها با داروین‌سیسم و نظریه‌ی تکامل انواع در تضاد نیست، بلکه در بیان اشاره به اصل خلقت است. «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ» (سجده/۷-۸)؛ «او همان کسی است که هرچه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد، سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید». این آیه بیان گویایی است بر رفع تعارض و تناقض این دسته از آیات با آیات قبل که خلقت انسان را از گل می‌دانست؛ زیرا در ابتدای آیه: «بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِن طِينٍ»، به بیان خلقت انسان از گل اشاره دارد که مراد از آن خلقت نوع انسان است؛ یعنی مبدأ پیدایش نوع انسان از گل بوده است و همه‌ی افراد به وی منتهی می‌شوند. اما به قرینه‌ی ذیل آیه: «ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِن سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ»، نسل ایشان از آبی بی‌مقدار و پست (یا ضعیف و ناتوان) آفریده شده‌اند؛ زیرا از راه تناسل و تولد از پدر و مادر پدید آمده‌اند. از این تعبیر لطیف چنان برداشت می‌شود که منظور از مبدأ خلقت انسان، همان اولین فردی است که از گل خلق شده، نه فرد فرد انسان‌ها که از آبی بی‌مقدار خلق شده‌اند. از مقابله‌ی بین «بدء خلق» و «نسل» به خوبی استفاده می‌شود که مراد از انسان نوع آن است، که ابتدای خلقت وی از گل، و نسل وی از آب مهین است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، صص ۲۵۰-۲۴۹). اما برخی «ماء» را همان نطفه و منی جنس مذکر می‌دانند و برخی معتقدند که مراد از آن همان آبی است که همه چیز از آن زنده می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۳۴؛ ج ۷، ص ۷۱۵). واژه‌ی «ثم» بیانگر تراخی و بُعد زمانی است، و معنای عبارت چنین است که: خداوند پس از گذشت مدت زمانی، ولادت انسان را از طریق جدا شدن و از عصاره‌ی

مربوط به جسم انسان است. ۲- جهت دیگر، مربوط به نفخ و دمیدن روح در وجود انسان است که پس از خلقت تدریجی گذشته صورت گرفته و به صورت دفعی بوده است. اما ظاهر این دسته آیات بیانگر آن است که نوع انسان (هرچند در مراحل خلقتش، تدریجی وجود دارد)، خلقت وضعی بلاواسطه از خاک داشته است؛ نه این‌که تکامل یافته‌ی موجود دیگری باشد. در مورد حضرت آدم (ع) نیز، آیه «نص» بوده و صراحت دارد بر این‌که خلقت ایشان، از خاک است؛ نه تکامل یافته‌ی موجود دیگر.

آیات بیانگر خلقت انسان از «ماء»

برخلاف آیات گذشته که خلقت انسان را از خاک برمی‌شمرد؛ برخی دیگر از آیات، خلقت انسان را از «ماء» می‌داند (مرسلات/۲۰؛ طارق/۶؛ فرقان/۵۴) که به ظاهر با آیات گذشته در تناقض است: «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (نور/۴۵)؛ «و خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهار پا راه می‌روند؛ خداوند هرچه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست». در ابتدای آیه، سخن از اصل خلقت است: «من ماء». ظاهر آیه، این نکته را یادآور می‌سازد که خداوند متعال در ابتدای خلقت، جنبندگانی از آب پدید آورده که در ظاهر همه یکسان و در حد جنبندگانی بوده‌اند، سپس به مرور زمان، تغییر شکل یافته و باگذشت زمان تکامل یافته‌اند؛ به نحوی که برخی از آنان بر شکم، و برخی بر دو پا و برخی نیز بر چهارپا راه می‌روند. این تغییر و تکامل تدریجی نه تنها مشکلی در خلقت موجودات وارد نمی‌سازد؛ بلکه نشان از علم و قدرت و حکمت لایزال الهی دارد:

آبی ضعیف یا حقیر قرار داد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۶، صص ۲۵۰-۲۴۹). به نظر می‌رسد آیه‌ی شریفه نیز بر خلقت تدریجی موجودات دلالت دارد؛ زیرا پس از بیان خلقت اولیه‌ی نوع انسان، به تکامل آن‌ها از آب و بر اثر گذشت زمان اشاره دارد و این همان چیزی است که نظریه‌ی تکامل تدریجی انواع آن‌را بیان می‌دارد. بنابراین این دسته از آیات هیچ‌گونه ناسازگاری با نظریه‌ی داروین نداشته و بلکه این نظریه را تقویت می‌نماید.

آیاتی که به مراحل جنینی انسان اشاره دارد
یکی از مواردی که قرآن کریم، به دفعات توجّه انسان‌ها را به آن جلب نموده است؛ دقت و تفکر در احوال جنینی انسان است؛ به‌گونه‌ای که به تشریح مراتب تکامل تدریجی انسان از انعقاد نطفه تا تولّد و حتی بعد از آن اشاره دارد: (غافر/۶۷؛ فاطر/۱۱؛ حج/۵ و ...). «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ» (مؤمنون/۱۲-۱۴)؛ «و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم، سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن [رحم] قرار دادیم، سپس نطفه را به صورت علقه [خون بسته] و علقه را به صورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده] و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم؛ و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم؛ سپس آن‌را آفرینش تازه‌ای دادیم؛ پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است». نگاهی به تفاسیر شیعه و سنی بیانگر این واقعیت است که در میان این تفاسیر، تفاسیری وجود دارد که در تفسیر این آیات، رعایت اجمال و اختصار را نموده و از بیان بسیاری از مطالب و مفردات آیات گذشته‌اند و در برخی موارد، تنها به نقلی از تفاسیر دیگر،

اشاره‌ای گذرا شده است (طوسی، بی‌تا، ج ۷، ص ۳۵۳؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۴، ص ۸۳؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق، ج ۵، ص ۴۰۶؛ سیدقطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۴۵۸؛ قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۲، ص ۱۰۹؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۴، ص ۴۸۶ و ج ۱۵، ص ۲۲). نهایت بیان برخی مفسرین در آیات سوره مؤمنون بدین‌گونه است که در این آیات چند نوع حرف عطف به کار برده شده است: مواردی که با «ثُمَّ» عطف شده که در این موارد معطوف با معطوف علیه مغایرت کامل دارد، مانند سه جمله: «ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً» و «ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً» و «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»، و مواردی که با «فَاء» عطف شده که مغایرت در آن‌ها دیده نمی‌شود؛ مانند سه جمله: «فَخَلَقْنَا النَّطْفَةَ مُضْغَةً»، «فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا» و «فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا» (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۸، ص ۱۵). برخی نیز به این حد از تفسیر اکتفا نموده‌اند که «ثُمَّ» حرف تراخی است و مراد این است که نظام خلقت سلسله‌ی بشر، پس از آفرینش حضرت آدم (ع) تغییر یافت و از طریق تناسل مقرر شد؛ زیرا ماده‌ی تناسلی مرد در رحم زن ریخته شده و در آن استقرار می‌یابد و سپس به تدریج روبه‌رشد نهاده و تحولاتی در نظام آن رخ می‌دهد (حسینی همدانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱۱، ص ۲۴۲) و انتقال از یک دوره به دوره‌ی دیگر (که با «ثُمَّ» ذکر گردیده) جهت تکمیل نیازمند گذشت زمان طولانی است (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸، ص ۲۰). با دقت در مفردات این آیات، به‌خوبی روشن می‌شود که «ثُمَّ» جهت تراخی و نشان‌دهنده‌ی نوعی فاصله بین معطوف و معطوف علیه است و هرچند در آیات سوره مؤمنون بین سه مرحله، عطف با «فَاء» صورت گرفته است؛ اما در آیات فاطر و غافر و حج، همین مراحل با حرف تراخی «ثُمَّ» برهم عطف



ص ۲۲۵؛ سبزواری، ۱۴۱۹ق، ج ۱، ص ۳۴۷؛ قرشی، ۱۳۷۵، ج ۷، ص ۱۱۰). علامه در برخی آیات، اعتقاد به خلقت دفعی موجودات دارد؛ اما در موارد دیگر (به‌خصوص در مواردی که حرف تراخی «ثم» به کار رفته است)؛ از بیان تمامی مطالب مربوط به بحث صرف نظر نموده و در برخی موارد نظر دیگری خلاف نظر قبلی بیان نموده است. به نظر می‌رسد با توجه به مطالب دال بر مراحل تکوین جنین و خلقت انسان، غیر از نفخ روح، مشاهده می‌شود که این مراحل به ترتیب و تدریج، با فاصله‌ی زمانی مشخص و معینی رخ می‌دهد و کسی منکر این مطلب نیست؛ اما کلام برخی از مفسران از صراحت بر این مطلب مهم قاصر مانده است. بنابراین این دسته از آیات نیز بر تکامل تدریجی انواع؛ به‌خصوص انسان دلالت دارد و این همان چیزی است که داروین‌یسم آن را بیان می‌دارد و روشن می‌شود که نظریه‌ی تکامل تدریجی انواع با این دسته از آیات الهی هیچ‌گونه تصادمی نداشته و چه بسا در تسالم و تأیید یکدیگرند. از آیات فوق و برخی آیات دیگر می‌توان چنین برداشت نمود که زندگی انسان پس از پیدایش در کره زمین دو مرحله داشته است یک مرحله بدون هیچ پیامبری بوده و بعد «آدم» از بین مردم برانگیخته شد و زندگی انسان با دین و پیامبران آغاز شد: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ ...» (بقره/۲۱۳)؛ مردم (در آغاز) یک دسته بودند، (و تضادی در میان آنها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آنها پیدا شد، در این حال خداوند، پیامبران را برانگیخت، تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود، تا در میان

شده‌اند و همین برای تغایر و تکامل تدریجی انسان کفایت می‌کند. در تفسیر کبیر، ذیل آیات شریفه‌ی فوق، خلقت انسان را دارای نه مرحله می‌داند که هر مرحله با مرحله‌ی دیگر متفاوت است و هر مرحله تکمیل مرحله‌ی قبل است که به تدریج رخ می‌دهد (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۲۶۵). در بیان خلقت انسان از خاک (در آیات فوق)، برخی معتقدند که مراد از آن، خلقت پدر بزرگ ایشان آدم (ع) است، چون هر شیء به اصل خود نسبت داده می‌شود (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۴۰۳)، یا مقصود از آن را، بیان خلقت حضرت آدم (ع) به تنهایی بیان نموده‌اند (همان). بعضی نیز گفته‌اند: مراد، خلقت همه انسان‌هاست، اما به‌طور اجمال و تفصیل؛ به این معنا که هم به خلقت اجمالی انسان‌ها از خاک در ضمن خلقت حضرت آدم (ع) اشاره دارد و هم به خلقت تفصیلی ایشان که از نطفه است، چنان که فرمود: «ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ» (کاشانی، بی تا، ج ۷، ص ۴۳۵). علامه معتقد است که این آیات شریفه به خلقت انسان اشاره دارد، که خدای متعال نخست وی را از خاک آفرید که مبدأ دور وی است، و خلقت او به آن منتهی می‌شود. سپس او را از نطفه که مبدأ نزدیک اوست خلق نمود (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۷، ص ۲۵) و یا مراد از خلقت ایشان از خاک، این است که تکوین نطفه‌ی پدران از مواد بسیط زمین بوده است و به خاک منتهی می‌شود (همان، ص ۳۴۷). نکته‌ی حائز اهمیت دیگر در آیات سوره مؤمنون، عبارت «ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ» است که این مرحله نیز با فاصله از مراحل گذشته و بعد از آن‌ها صورت گرفته است. طبق نظر جمعی از مفسران، این مرحله اشاره به نفخ روح در انسان دارد که وجود آن دفعی و به یک‌باره است و تدریجی در آن راه ندارد (طیب، ۱۳۶۹، ج ۹، ص ۳۶۹؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ج ۲۰،



انسان‌ها و بعد از پیدایش انسان صورت گرفته است و چنانچه اشاره شد از ظاهر برخی آیات قرآن (بقره/ ۲۱۳؛ نور/ ۴۵، انعام/ ۱۳۳؛ نساء/ ۱۳۳) نیز استفاده می‌شود که حضرت آدم (ع) اولین انسان نیست و از میان جمعی که مثل او بوده‌اند برگزیده شده و خلقت وی نسبت به خلقت انسان از نوعی تأخیر برخوردار بوده است. گویا زندگی بشر شامل دو دوره بوده است: ۱. دوره‌ی قدیمی که ظاهراً شامل چندین میلیون سال از اوایل خلقت انسان است و در این دوره بشر فقط شکل و هیكل انسانی را داشته است و درعین حال مکلف نبوده و قوه‌ی تشخیص و تمیز نداشته است و به‌مرور زمان به‌صورت انسان متمم تکامل یافته و در روند تکامل از آن‌ها به «انسان نئوتردال» یاد می‌شود. ۲. دوره‌ی دوم با برگزیدگی حضرت آدم (ع) شروع می‌شود و انسان در این دوره به‌واسطه‌ی تشخیص و اختیاری که پیدا می‌کند؛ موظف و مسئول است و وارد مرحله‌ی تکامل فکری می‌گردد. بنابراین به‌نظر می‌رسد که حضرت آدم (ع)، ابوالبشر نبوده و در کلام وحی نیز تصریح یا اشاره‌ای به این مطلب نشده است. امروزه نیز علم زیست‌شناسی و زمین‌شناسی ثابت نموده‌اند که موجودات زنده، به‌تدریج تنوع‌یافته و نوع آن‌ها تکثیر پیدا کرده است و بالاخره زمانی وجود دارد که حیات بشر از آن‌جا شروع شده و به‌تدریج تکامل‌یافته و پیشرفت نموده است. به‌هرحال، بر فرض صحت فرضیه داروین و این‌که گفته شود که اصل انسان از میمون است و اصل میمون از حیوانات و طبقات قبل از خود، تا به حیوانات دریائی و تک‌یاخته‌های اولیه برسد، و گفته شود آنجا مبدأ حیات بوده است و سپس حیات در اثر تکامل ماده، رو به تکامل گذارده است، تا پس از صدها میلیون سال، حیات فعلی، در عالم بشریت به‌صورت کنونی نگریسته شود؛ این مطلب

مردم، در آن‌چه اختلاف داشتند، داوری کند. «وَ رَبِّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَةِ قَوْمٍ آخَرِينَ» (انعام/ ۱۳۳)؛ و پروردگارت بی‌نیاز و مهربان است (بنابراین درباره‌ی کسی ظلم و ستم نمی‌کند؛ بلکه این‌ها نتیجه‌ی اعمال خود را می‌گیرند). اگر بخواهد همه‌ی شما را می‌برد و بعد از شما به‌جای شما هرچه بخواهد (و هرکس را بخواهد) جانشین می‌سازد؛ همان‌طور که شما را از نسل اقوام دیگری به‌وجود آورد. «إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ أَهْلَهَا النَّاسَ وَ يَأْتِ بآخَرِينَ وَ كَانَ اللَّهُ عَلٰى ذٰلِكَ قَدِيرًا» (نساء/ ۱۳۳)؛ ای مردم اگر او بخواهد شما را از میان می‌برد و افراد دیگری را (به‌جای شما) می‌آورد و خداوند توانایی بر این کار دارد. پس آدم اولین انسان روی زمین نبوده است. (و این با نظریه تکامل داروین سازگار است) (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ش، ص ۲۶۸) آیت‌الله علی مشکینی اردبیلی (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ش، ص ۳۴۴) در کتاب «تکامل در قرآن، ص ۲۰، چاپ دفتر نشر فرهنگ اسلامی» سعی می‌کند، یک تفسیر علمی از آیات مربوط به خلقت انسان، ارائه کند و تعارض ظواهر آیات قرآن، با نظریه تکامل را رفع نماید. ایشان در مورد تکامل انسان (نظریه داروین) می‌گوید: «در قرآن کریم، مطلبی برخلاف اصل اعتقادی معلوم و اثبات شده این دانشمندان و آیه‌ای متضاد با این مسئله مورد تجربه آنها، یعنی وجود تغییر و تکامل در گیاه و حیوان نیامده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵ش، صص ۳۴۴-۳۴۵). سپس آیه شریفه: وَ جَعَلْنَا مِنْ أَلْمَاءِ كُلِّ شَيْءٍ حَيًّا (انبیاء/ ۳۰) (انبیاء/ ۳۰)؛ (از آب، هرچیزی را زنده گردانیدیم) را، یکی از دلایل اثبات تکامل می‌دانند. ایشان بین تحمیل عقاید بر قرآن، یا استفاده صحیح از ظواهر و نصوص قرآن فرق می‌گذارند (همان). بنابراین به‌نظر می‌رسد خلقت حضرت آدم (ع) از میان



ارتباطی به گفتار مادیون مبنی بر انکار خدا را ندارد. اگر اصل انسان از آدم باشد، خالق خداست؛ از آن زمان تاکنون. و اگر اصل انسان میمون باشد تا طبقات قبلی و تک‌سلولها، باز هم خالق خداست؛ از آن زمان تا به حال (حسینی تهرانی، ۴۲۱ق، صص ۱۰۷-۱۰۸) نکته قابل توجه این است که نظریه تکامل انواع با آموزه‌های اسلامی منافاتی ندارد؛ زیرا این نظریه در حقیقت بیانگر چگونگی خلقت انسان است (نجفی اصفهانی، ۱۳۳۰ق، ص ۱۸).

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد نظریه‌ی داروین، نظریه‌ای در بیان یکی از علل مؤثر در تغییر تدریجی انواع است نه بحث در مورد اصل مسأله‌ی خلقت تکاملی انواع نظریه‌ی داروین تنها در حد یک نظریه بوده و فراتر از آن نرفته است و ایده‌ای است در حوزه‌ی علم زیست‌شناسی و هدف داروین، نشانه گرفتن علوم دینی نبوده است که دین بخواهد آن را کفرآمیز و طعنه‌زننده معرفی نماید. در نهایت هم که این نظریه بر علوم دینی انطباق یابد؛ تعارض و تناقضی با علوم دینی و وحیانی ندارد؛ زیرا در بررسی آیات کتاب کریم نیز چنین دریافت گشت که خلقت موجودات

دارای دو مرحله است؛ خلقت دفعی (که همان خلقت حضرت آدم (ع) است) هر چند که مراحل خلق وی نیز دارای تدریج است) و نفخ روح در موجودات که آن هم بی‌واسطه و دفعی است) و خلقت تدریجی. هم‌چنین بیشتر آیات بر خلقت تدریجی تصریح یا اشاره دارند و نظریه‌ی تکامل انواع نیز به‌همین قسمت اشاره دارد؛ بنابراین مخالف هم نیستند. در مطالعه‌ی آیات قرآن کریم در مورد خلقت موجودات دو اصل کلی دریافت می‌شود: پیوستگی سلسله موجودات که هر خلقتی در زمینه‌ی موجود قبل آفریده شده است و تحت‌تأثیر ربوبیت الهی راه تکامل جسمی و روحی را پیموده است و دیگر، برگزیدگی حضرت آدم (ع) از میان انسان‌ها، و ایشان، اولین کسی است که دارای قوه‌ی تشخیص و اختیار و تکلیف بوده است. مقصود از بیان مراحل خلق و تکامل انسان (به‌خصوص مراحل جنینی) آن است که خداوند متعال انسان را متوجه حکمت بدیع و صنعت عجیب و نعمت کامل خود گرداند و نظریه‌ی تکامل انواع نیز، جنبه‌ای از علم و قدرت و حکمت الهی را مطرح می‌نماید و آن این‌که خداوند متعال، موجودات را به‌گونه‌ای خلق نموده که ظرفیت سازگاری با تفاوت‌های محیطی را داشته باشند و این بیان چه‌بسا که به‌نفع اندیشه‌ی دینی تمام شود.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی.
۲. آل‌غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق): «بیان المعانی»، دمشق: مطبعة الترقی.
۳. آلوسی، محمود (۱۴۱۵ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم»، علی عبدالباری عطیه، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۴. ابن عاشور، محمدبن طاهر (بی‌تا): «التحریر والتنویر»، بیروت: مؤسسه التاریخ.
۵. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۶. انصاریان، حسین (۱۳۹۳): «تفسیر حکیم»، قم: دارالعرفان.
۷. بحرانی، هاشم (۱۳۷۴ش): «البرهان فی تفسیر القرآن»، قم: مؤسسه بعثه، چاپ اول.
۸. بروجردی، محمدابراهیم (۱۳۶۶): «تفسیر جامع»، تهران: کتابخانه صدر.
۹. بیضاوی، عبدالله بن عمر (۱۴۱۸ق): «انوار التنزیل و اسرار التأویل»، محمد عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.



۱۰. جرجانی، ابوالفتح مخدوم (۱۳۶۲): «تفسیر جرجانی»، تهران: نوید.
۱۱. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳): «تفسیر اتنی عشری»، تهران: میقات.
۱۲. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق): «انوار درخشان در تفسیر قرآن»، محمدباقر بهبودی، تهران: کتاب‌فروشی لطفی.
۱۳. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی (بی‌تا): «تفسیر روح البیان»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۱۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۷۴): «ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن»، تهران: مرتضوی، چاپ دوم.
۱۵. رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، رشت: کتاب مبین.
۱۶. زبیدی، مرتضی (محمد بن محمد) (۱۴۱۴ق): «تاج العروس من جواهر القاموس»، بیروت: دارالفکر.
۱۷. سحابی، یدالله (۱۳۷۵): «خلقت انسان»، بی‌جا: شرکت سهامی انتشار، چاپ سیزدهم.
۱۸. سعدی، عبدالرحمن (۱۴۰۸ق): «تفسیر الکریم الرحمن فی تفسیر کلام المنان»، بیروت: مکتبه النهضة العربیة.
۱۹. شریف لاهیجی، محمد بن علی (۱۳۷۳): «تفسیر شریف لاهیجی»، تهران: نشر داد، چاپ اول.
۲۰. صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵): «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن» قم: انتشارات فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
۲۱. صالحی، مجید (۱۳۸۸)، «فصل‌نامه‌ی خط اول (رهیافت انقلاب اسلامی)»، شماره ۹، بی‌جا.
۲۲. طالقانی، محمود (۱۳۶۲): «پرتوی از قرآن»، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۳. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، چاپ پنجم. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق): «تفسیر جوامع الجامع»، قم: مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.
۲۴. (۱۳۷۲): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، محمدجواد بلاغی، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۵. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق): «جامع البیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دارالمعرفة.
۲۶. طریحی، فخر الدین بن محمد (۱۳۷۵): «مجمع البحرین»، احمد حسینی اشکوری، تهران: مرتضوی، چاپ سوم.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن (بی‌تا): «التبیان فی تفسیر القرآن»، احمد قصیر عاملی، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۸. طیب، عبدالحسین (۱۳۷۸): «طیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: اسلام، چاپ دوم.
۲۹. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق): «کتاب التفسیر»، تهران: المطبعة العلمية، چاپ اول.
۳۰. فزایوبین، آ. ای (۱۳۵۴): «پیدایش انسان و عقاید داروین»، عزیز محسنی، تهران: تابش.
۳۱. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «مفاتیح الغیب»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق): «کتاب العین»، قم: نشر هجرت، چاپ دوم.
۳۳. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق): «تفسیر الصافی»، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
۳۴. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱): «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۳۵. (۱۳۷۷): «تفسیر أحسن الحدیث»، تهران: بنیاد بعثت، چاپ سوم.
۳۶. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴): «الجامع لأحكام القرآن»، تهران: ناصر خسرو.
۳۷. قطب، سید (۱۴۲۵ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دارالشروق، چاپ سی و پنجم.
۳۸. کاشانی، فتح‌الله (۱۳۳۶): «تفسیر منهج الصادقین فی إلزام المخالفین»، تهران: کتابفروشی محمدحسن علمی، چاپ سوم.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق): «لکافی»، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۴۰. مراغی، احمد مصطفی (بی‌تا): «تفسیر المراغی»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۴۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۲. (۱۳۸۶): «یکصد و هشتاد پرسش و پاسخ»، تهران: دارالکتب الاسلامیة.
۴۳. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق): «تفسیر مقاتل بن سلیمان»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۴۴. مغنیه، محمدجواد (۱۴۲۴ق): «تفسیر الکاشف»، قم: دارالکتب الاسلامی، چاپ اول.
۴۵. موسی، حسین یوسف (۱۴۱۰ق): «الإفصاح»، قم: مکتب الاعلام الإسلامی، چاپ چهارم.
۴۶. نجفی اصفهانی، محمدرضا (۱۳۳۰ق): «مقد فلسفه داروین»، نجف: بی‌تا.
۴۷. نوری زاد، صمد (۱۳۸۳): «آن سوی آیه‌ها؛ نگرشی بر اعجاز پزشکی قرآن»، قم: آیت عشق، چاپ اول.

اهمیت حفظ و احیای منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه قرآن کریم

معصومه عزیزی

کارشناس ارشد مدیریت جنگل، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران (نویسنده مسئول: masoume.azizi1991@gmail.com)

چکیده

داشتن محیط زیست سالم، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت هر جامعه و رشد و تعالی انسان است. در دهه‌های اخیر، بحران‌های محیط زیستی، به‌عنوان مهم‌ترین مسأله جهان مطرح شده است. بی‌تردید این بحران‌های محیط زیستی، زاینده‌ی جهل عملی انسان و تفکرات مادی‌نگر، توسعه‌طلب و سلطه‌جویانه است. قرآن کریم به‌عنوان کتاب هدایت، انسان را به احترام نسبت به حقوق محیط زیست، حفظ منابع طبیعی و رعایت اعتدال در بهره‌گیری از این منابع، ترغیب نموده است و اصول و قوانینی را به‌منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است. این مطالعه با هدف بررسی اهمیت حفظ و احیای منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه قرآن با تدبر در آیات و استناد به کتب تفسیری و مقالات پیشین در این حوزه انجام شده است. بر این اساس هدف خداوند از توصیف عناصر و پدیده‌های طبیعت، اهمیت محیط زیست و اصول بهره‌گیری از منابع طبیعی از منظر قرآن کریم مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. از دیدگاه قرآن، منابع طبیعی و محیط زیست در همه ابعاد خود، ملک خاص هیچ‌یک از نسل‌های بشری نیست، تا هرطور که خواست در آن تصرف کند، بلکه انسان در مقابل همه‌چیز، از جمله موجودات طبیعی و محیط زیست اطراف خود مسئولیت دارد. مهم‌ترین وظیفه انسان در قبال طبیعت، اصلاح و آبادانی زمین، احیا و حفاظت محیط زیست و اجتناب از فساد در آن است.

کلمات کلیدی: قرآن، محیط زیست، منابع طبیعی

۱. مقدمه

تفکرات مادی‌نگر، توسعه‌طلب و سلطه‌جویانه است (نبوی و شهریاری، ۱۳۹۳). در واقع بهره‌برداری نامناسب و بی‌رویه از منابع طبیعی، عدم توجه به ظرفیت‌های قابل تحمل محیط زیست و از همه مهم‌تر رعایت نکردن حقوق محیط زیست همگی ریشه در بینش نادرست انسان‌ها نسبت به طبیعت دارد، زیرا از نظر بسیاری از افراد، منابع طبیعی تنها برای تامین خواسته‌ها و نیازهای بی‌پایان انسان خلق شده است و آدمی بدون این‌که به حقوق محیط زیست و نیز حقوق سایر انسان‌های موجود بر روی کره زمین و هم‌چنین نسل‌های آینده توجه کند، مختار است به هر میزان دلخواه از آن بهره‌برداری کند، اما غافل از این موضوع است که در نهایت، آثار و پیامدهای ناگوار این بهره‌گیری متجاوزانه که از مصادیق بروز فساد در زمین است، در طی

محیط زیست سالم یکی از مواهب الهی است که انسان برای رشد و تعالی خود به آن نیازمند است. در محیط زیست سالم عوامل محیطی در تعادل اکولوژیکی با یکدیگر قرار دارند. متأسفانه در دهه‌های اخیر، انسان با بهره‌برداری غیراصولی و خارج از اعتدال، این تعادل را برهم زده و باعث تخریب محیط زیست شده است. جهان معاصر شاهد مسائلی مانند تغییرات آب و هوایی، گرم شدن کره زمین، فقر و گرسنگی، تخریب و آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع، کاهش تنوع زیستی، بیابان‌زایی، گسترش ریزگردها و آلودگی منابع آب‌های سطحی و زیرزمینی در سطوح مختلف بین‌المللی و ملی است (سپهری، ۱۳۹۵). بی‌تردید این بحران‌های محیط زیستی، زاینده‌ی جهل عملی انسان و

یک چرخه طبیعی، گریبان خود او را خواهد گرفت. انسان جانشین خداوند بر روی زمین است «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰئِكَةِ اِنِّیْ جَاعِلٌ فِی الْاَرْضِ خَلِیْفَةً» (بقره/۳۰). جانشین و نماینده بودن انسان به‌طور طبیعی اقتضا می‌کند که تصرف او در زمین همانند تصرف امانتدار در امانت باشد یعنی در آن‌چه به او واگذار شده، همانند یک امانت‌دار الهی عمل کند. زمین ملک خداوند و انسان‌ها همه بندگان او هستند، و این به‌معنای آن است که از دیدگاه اسلام هیچ فردی مالکیت مطلق و همیشگی ندارد. مالکیت در بینش اسلام، شرایط و قوانینی دارد؛ این قوانین ضامن توسعه پایدار و حفظ محیط زیست است. برخی از این شرایط عبارتند از: بهره‌برداری بهینه از طبیعت، حفظ آن و جلوگیری از هرگونه خرابی و ویرانی است (غنیمی، ۱۳۶۹: ۷۳). منابع طبیعی و محیط زیست در همه ابعاد خود، ملک خاص هیچ‌یک از نسل‌های بشری نیست، تا هرطور که خواست در آن تصرف کند. از این‌رو لازمه نماینده بودن انسان در زمین، تبعیت و پیروی او از هر چیزی است که مالک و خالق زمین به آن امر نموده است. از دیدگاه قرآن کریم، زمین و منابع طبیعی آن برای بشر مسخر و رام گشته است «وَسَخَّرَ لَکُمْ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَمَا فِی الْاَرْضِ جَمِیْعًا مِنْهُ اِنَّ فِیْ ذٰلِكَ لَاٰیٰتٍ لِّقَوْمٍ یَّتَفَكَّرُوْنَ» (جاثیه/۱۳)، ولی این بدان معنا نیست که بشر بدون هیچ قید و شرطی در بهره‌برداری از آن آزاد باشد بلکه هدف فراتر از بهره‌جویی مادی است؛ زیرا هرچند بر اساس آیات و روایات بی‌شماری، زمین و آسمان در جهت استفاده انسان خلق شده است، اما این استفاده باید در چارچوب رعایت ارزش‌های انسانی و اخلاقی و تابع مقرراتی بازدارنده باشد. از این‌رو انسان محدود به قید مسئولیت است و قدرتی که از ناحیه

خداوند به وی اعطا شده فقط برای زندگی موقت در زمین و نهایتاً بازگشت به‌سوی او است، بنابراین هم نسبت به خداوند، و هم تمام انسان‌ها و بلکه نسبت به کل آفرینش مسئول است (محقق داماد، ۱۳۷۱: ۲۸۲). از منظر قرآن کریم همان‌طور که انسان دارای کرامت است، همه‌ی موجودات طبیعت نیز مقدس‌اند زیرا همه‌ی اجزای طبیعت تسبیح‌گوی حق هستند «تَسْبِیْحٌ لِّهُ السَّمٰوٰتُ السَّبْعُ وَالْاَرْضُ وَمَنْ فِیْهِنَّ وَاِنْ مِنْ شَیْءٍ اِلَّا یُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلٰكِنْ لَا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِیْحَهُمْ اِنَّهٗ كَانَ حَلِیْمًا غَفُوْرًا» (اسراء/۴۴). بر این اساس، انسان در مقابل همه چیز، از جمله حیوانات و طبیعت اطراف خود مسئولیت دارد. مهمترین وظیفه انسان در قبال طبیعت، اصلاح در زمین، احیا و حفاظت محیط زیست و اجتناب از فساد در آن است. انسانی که پرورده قرآن است، از لحاظ اعتقادی و اخلاقی به‌گونه‌ای تربیت می‌شود که منابع طبیعی و محیط زیست را وسیله‌ای برای شناخت خالق، تقرب به حق، تحصیل اجر و پاداش اخروی و انجام وظایف دینی و انسانی می‌داند. اهداف این مطالعه بررسی اهمیت حفظ و احیای منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه قرآن با تدبر در آیات و استناد به کتب تفسیری و مقالات پیشین در این حوزه می‌باشد. از این‌رو مباحثی از قبیل: هدف خداوند از توصیف عناصر و پدیده‌های طبیعت، اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست و اصول بهره‌گیری از این منابع از دیدگاه قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفته است.

۲. هدف خداوند از توصیف عناصر و پدیده‌های طبیعت:

قرآن مجید نگاه بسیار جالب و عمیقی به طبیعت دارد به گونه‌ای که بیش از ۷۵۰ آیه اشاره به



شَيْءٌ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَاتِرًا كَبِيرًا
وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ
أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مِثْلَهَا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ
انظُرُوا إِلَيَّ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ
لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» و او کسی است که از آسمان، آبی
نازل کرد، پس به وسیله‌ی آن، هرگونه گیاه
رویاندیم و از آن سبزه‌ها خارج ساختیم. از آن
(سبزه‌ها) دانه‌های برهم‌نشسته و چیده شده
بیرون آوریم و از شکوفه‌ی خرما خوشه‌هایی
نزدیک به هم (پدید آوریم) و نیز باغ‌هایی از
(انواع) انگورها و زیتون و انار (پرورش دهیم) که
برخی شبیه به هم و برخی غیرمتشابه‌اند. به
میوه‌ی آن، آنگاه که بار دهد و آنگاه که میوه
می‌رسد بنگرید. همانا در آن، نشانه‌هایی برای
گروه با ایمان است (انعام/۹۹). جالب این‌که
خداوند از یک زمین و یک آب، غذای موردنیاز
همه جانداران را تأمین کرده است و جالب‌تر
این‌که نه تنها گیاهان صحرا و خشکی از برکت
آب باران پرورش می‌یابند، بلکه گیاهان بسیار
کوچکی که در لابه‌لای امواج آب دریاها می‌رویند
و خوراک عمده ماهیان دریاست از پرتو نور آفتاب
و دانه‌های باران رشد می‌کنند (تفسیر نمونه، جلد
۱: ۲۶۹).

۲-۳. بیان مبدأ پیدایش و نحوه تکامل موجودات

در برخی آیات قرآن، علاوه بر این‌که مبدأ خلقت
و مراحل تکامل بعضی از پدیده‌های طبیعی
مطرح شده است، توجه انسان به هماهنگی بین
پدیده‌های طبیعی سوق داده می‌شود و به بشر
می‌آموزد که حواث طبیعی عالم را تصادفی فرض
نکند و در پی کشف قوانین منظم آنها باشد: «اللَّهُ
الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي
السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كَسَفًا فَتَرَى الْوَدْقَ
يَخْرُجُ مِنْ خَلَاكِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ
عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ» خدایی که بادهای را

ظواهر و پدیده‌های طبیعت می‌کند. این آیات
مظاهر طبیعی را مخلوق خدا معرفی کرده است
و انسان را متوجه آن می‌سازد. در ادامه به
اهداف خداوند از توصیف این مظاهر طبیعی
می‌پردازیم.

۱-۲. اثبات یگانگی خداوند و حاکمیت مطلق او بر تمام هستی

بسیاری از آیات قرآن، پس از این که آفرینش
عناصر مختلف طبیعی را به خداوند نسبت
می‌دهند و بیان می‌کنند که اداره امور تمام
پدیده‌های طبیعی جهان (علاوه بر خلقت) نیز
به‌دست خداوند یکتاست، انسان ناآگاه را به
پرستش ذات یکتای خداوند، دعوت می‌کنند و
بیان می‌کنند که نباید معبودی غیر از او را
پرستند: «أَمِنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَمَنْ يُرْسِلِ الرِّيحَ بِشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَمْ يَعْ
اللَّهُ تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ» آیا آن کس که شما
را در تاریکی‌های خشکی و دریا راه می‌نماید و
آن کس که بادهای را پیشاپیش رحمتش بشارتگر
می‌فرستد (شایسته عبادت نیست)؟ آیا معبودی
دیگر با خدا هست؟ خدا برتر است از آنچه شریک
قرار می‌دهند (نمل/ ۶۳).

۲-۲. نشان دادن عظمت، قدرت، حکمت، علم و رحمت الهی

نظام منظم و پیچیده طبیعت، دلیل روشنی بر
عظمت خالق متعال و علم بی‌پایان و قدرت
سترگ او است؛ اما آنس بشر با طبیعت و تکراری
و روزمره بودن حوادث طبیعی مانند: طلوع و
غروب خورشید و ماه، تغییر فصول، رشد گیاهان
و ... باعث غفلت انسان از توجه به خالق آنها
می‌شود. از اینرو قرآن، با بیان حوادث روزمره
زندگی، انسان را به تأمل در آنها توصیه می‌کند
و همه این پدیده‌ها را به‌عنوان نشانه‌های عظمت
و حکمت آفریننده آنها معرفی می‌کند: «وَهُوَ
الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ



آسمان‌ها و زمین و اشیای بین آنها را به بازیچه نیافریدیم (دخان: ۳۹). «وَالْأَرْضِ مَدَدْنَهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مُّزَوَّنٍ» و زمین را گستراندیم و در آن کوه‌های استوار افکندیم، و از هر گیاه موزون و سنجیده‌ای در آن رویاندیم (حجر: ۱۹).

۴-۲. اثبات معاد و حیات دوباره

مسئله معاد و زندگی دوباره و حشر و نشر انسان پس از مرگ، از مسائل پیچیده‌ای است که همواره در طول تاریخ، ذهن بشر را به خود، مشغول داشته است. از این رو قرآن، یکی از اهداف مهم خود را، توجه دادن انسان به حیات دوباره قرار داده و از راه‌های مختلف (از جمله، ذکر مثال‌های طبیعی) برای اثبات معاد، بهره جسته است: «وَمَنْ آيَاتُهُ أَنْتَ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ إِنِ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِ الْمَوْتَى إِنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» از آیات قدرت او آن که تو زمین خشک را می‌بینی، که چون آب بر آن بفرستیم، چگونه به جنبش آید و گیاه برویاند. آن کس که آن را زنده می‌کند، زنده کننده مردگان است و البته او بر هر کاری تواناست (فصلت: ۳۹).

۳. اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه آیات قرآن

قرآن کریم به تمام ابعاد مادی و معنوی زندگی انسان توجه کرده و جامع مسایلی است که در راستای هدایت انسان به سوی خدا است. قرآن همان گونه که به معنویت و آخرت می‌نگرد، به دنیا و مسایل آن (که مقدمه آخرت و معنویت است) توجه دارد. با توجه به جامع و کامل بودن قرآن کریم بر اساس مفهوم آیه ۸۹ سوره نحل که می‌فرماید «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَ هُدًى وَ رَحْمَةً وَ بَشْرَى لِّلْمُسْلِمِينَ» بر تو این کتاب را نازل کردیم که روشنگر هر چیز است و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای

می‌فرستد و به وسیله آنها ابر را برمی‌انگیزاند، پس ابر را هر طور که بخواهد در آسمان می‌گستراند و آن را به صورت قطعه قطعه در می‌آورد، آن گاه می‌بینی که قطرات باران از لابه‌لای ابرها خارج می‌شود (روم / ۴۸).

۴-۲. تشویق به بهره‌برداری درست از طبیعت

در تعداد فراوانی از آیات، خداوند از نعمت‌هایی نام می‌برد که برای بشر فراهم ساخته است. از جمله در آیه «اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرَى أَلْفُكُمْ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَ لَتَتَّبِعُوهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» خداست که دریا را به تسخیر شما درآورد تا کشتی‌ها به فرمان او در آن روان شوند و با سوار شدن بر آنها روزی الهی را که بخشش اوست بجوید و باشد که خدا را در برابر این نعمت سپاسگزاری کنید (جاثیه: ۱۲). در این آیه دلیل یادآوری نعمت‌های الهی، شناساندن آنها به بشر، و امر به استفاده درست از آنها و شکرگزاری ذکر شده است. یک بعد مهم شکرگزاری در مقابل نعمت‌های الهی این است که آنها را در مسیری که خداوند معین فرموده است به کار ببریم.

۵-۲. بیان نظم و انسجام و هدفمندی طبیعت

بسیاری از آیات قرآن کریم، افزون بر نشان دادن علم و حکمت الهی، اندیشه انسانی را به انسجام در پدیده‌های طبیعی سوق می‌دهد و به بشر می‌آموزد حوادث طبیعی عالم را تصادفی فرض نکند و در پی کشف قوانین منظم آنها باشد که کشف نظم و پیوند میان اعضای پیکره شکوهمند طبیعت یکی از مسائل عمده طبیعت‌شناسی است و پیشرفت علوم، ناشی از کشف قوانین طبیعی و پرده برداشتن از راز و رمزهای آن است. پس تأمل در آیات نظم الهی، افزون بر رهنمونی انسان به مبدأ علم، در اصلاح فکر و عمل انسان نیز تأثیر به‌سزا خواهد داشت. مانند آیات «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا لِأَعْبِينَ» و ما

مسلمانان است؛ درمی‌یابیم که در قرآن می‌توان در جستجوی احکام و قوانینی بود که به مسائل محیط زیست می‌پردازد و به اهمیت محیط زیست و منابع طبیعی پی‌ببریم.

۱-۳. منابع طبیعی مظهر زیبایی پروردگار و حفظ حیات آن بر ما لازم و واجب است

منابع طبیعی از حیث اینکه مخلوق خداوند است، دارای حسن و زیبایی منحصر به فرد خویش است و حق حیات دارد و حفظ زندگی یا طراوت آن بر ما لازم است «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ» (خداوند) همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده است (سجده/ ۷).

۲-۳. تخریب منابع طبیعی و محیط زیست فساد است

آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصلاح و آبادانی در آن امر می‌کند «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا وَطَمَعًا إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ» و در زمین پس از اصلاح آن فساد نکنید و با بیم و امید او را بخوانید که رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است (اعراف/ ۵۶). آیه نشان می‌دهد که منظور از فساد در زمین بعد از اصلاح آن با باران و روئیدنیها و ...، نابود کردن و از بین بردن محیط زیست و منابع طبیعی است. قطعاً یکی از مصادیق افساد در زمین تخریب منابع طبیعی از جمله قطع و سوزاندن درختان و گیاهان و جنگل‌ها و یا بهره‌گیری غیراصولی و غیرعادلانه است که سبب از بین رفتن دفعی و یا تدریجی آنها می‌شود.

۳-۳. عذاب و غضب الهی به دلیل تجاوز به منابع طبیعی

با توجه به آیه «كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَن يَحِلُّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَىٰ» از خوراکی‌های پاکیزه‌ای که روزی شما کردیم بخورید (ولی) در آن زیاده‌روی

نکنید که خشم من بر شما فرود آید و هر کس خشم من بر او فرود آید قطعاً در (ورطه) هلاکت افتاده است (طه/ ۸۱). قرآن کریم ضمن اذن به بهره‌گیری از ارزاق نهفته در زمین به انسان، او را از سرکشی و بهره‌وری غیراصولی و طغیان نهی نموده است. تجاوز در نعمت‌ها آن است که انسان به جای این که از آنها در راه اطاعت خدا و طریق سعادت خویش استفاده کند، آنها را وسیله‌ای برای گناه، ناسپاسی و کفران و گردنکشی و اسراف‌کاری قرار دهد (تفسیر نمونه، جلد ۳: ۱۳۵).

۴-۳. پاسداری از منابع طبیعی و بهره‌گیری درست از آن شکرگزاری از خداوند و مایه نزول برکات است

بهره‌گیری صحیح و آگاهانه از منابع طبیعی نشانه شکرگزاری از خداوند و نعمت‌های او است. خداوند تمکن و استعداد بهره‌گیری از طبیعت را در فطرت انسان قرار داده و زمین و منابع آن را مسخر و تسلیم او قرار داده است. در این راستا انسان را مأمور به آبادانی زمین و توسعه منابع آن نموده است. هرگونه بهره‌گیری و تجاوز به منابع طبیعی که موجب تخریب و در نهایت از بین رفتن آن باشد، مصداق ناسپاسی و عدم شکرگزاری است «هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ» و او شما را از زمین به وجود آورد و از شما خواست که در آن آبادانی کنید بنابراین از او آمرزش بخواهید، سپس به سوی او بازگردید زیرا پروردگرم (به بندگان) نزدیک و اجابت‌کننده دعای آنان است (هود/ ۶۱).

۵-۳. در قیامت در قبال برخورد خود با منابع طبیعی مسئول و پاسخگو هستیم

قیامت روزی که انسان همه اعمالش را می‌بیند «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ/ وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» پس هر کس به مقدار ذره‌ای

انسان‌ها به حفظ و حراست محیط زیست است. در این راستا لازم است رسانه‌ها و جوب حفظ محیط زیست از دیدگاه قرآن کریم و فرهنگ اسلامی را در قالب برنامه‌های هنری بخصوص در برنامه‌های کودک آموزش دهند تا کودکان از کودکی با فرهنگ اسلامی در حفظ محیط زیست آشنا شوند.

۲-۴. جلوگیری از تخریب منابع طبیعی

هرگونه تصرف در طبیعت که موزون و متناسب بودن عناصر و موجودات طبیعت را بهم زند افساد در ارض است. فساد به هرگونه تخریب و ویرانگری گفته می‌شود که نظام آراسته و منظم جاری را برهم زند. نقطه مقابل آن اصلاح است که تمام برنامه‌های سازنده در مفهوم آن جمع می‌باشند. بدون تردید، آنچه که در اینجا از ابعاد مختلف فساد در نظر ما است، مواردی می‌باشد که نظام آراسته و صالح جاری در عرصه محیط زیست را که جزیی از نظام خلقت می‌باشد، با نابسامانی، انحراف و دگرگونی مواجه سازد. قرآن کریم، تجاوز به حریم طبیعت و ضایع ساختن و تخریب منابع طبیعی را اعتداء دانسته است چنانکه می‌فرماید «یا ایها الذین آمنوا لا تحرموا طیبات ما أحل الله لکم و لا تعتدوا ان الله لا یحب المعتدین» ضایع نکنید منابع پاکیزه‌ای که خداوند در اختیار شما قرار داده است و تجاوز نکنید از حدود خویش، چراکه متجاوزین مشمول محبت خداوند نخواهند بود (مائده/ ۸۶). از نظر قرآن کریم در برخورد با متجاوزان به منابع رزق درمی‌یابیم که تجاوز به حریم طبیعت و محیط زیست آن گناه و جرمی است که خشم و غضب خداوند و سقوط انسان را به همراه دارد. منابع طبیعی قابل تجدید از نظر تئوری، همیشگی و پایدارند مثل جنگل‌ها و مراتع، منابع آب و هوا و خاک، منابع صید و شکار که قابل تجدیدند، اما شرط لازم برای تجدیدپذیری، استفاده عاقلانه از

کار نیک کرده باشد همان را ببیند و هرکس هم وزن ذره‌ای کار بد کرده باشد آن را ببیند (زلزال/ ۷ و ۸). زمین از جمله شاهدان اعمال انسان در روز قیامت است. از جمله اموری که زمین از آن خبر خواهد داد کیفیت بهره‌وری و حفاظت انسان از عناصر طبیعت و منابع آن و یا احیاناً تعدی و تجاوز به آن به سبب سوء استفاده و یا تخریب در آن است. همین‌طور که اگر بهره‌گیری ما موجب تعدی و تجاوز به حقوق دیگران شود به طریق اولی باید در آخرت پاسخگو بوده و نتیجه عمل خویش را ببینیم.

۴. اصول بهره‌گیری از منابع طبیعی و محیط زیست از دیدگاه قرآن

۱-۴. دعوت به حفاظت محیط زیست

در نظام تربیتی اسلام از دیده‌بانی و مراقبت از یکدیگر در جامعه و حفاظت و پاسداری از محیط زیست بشر تحت‌عنوان امر به معروف و نهی از منکر یاد شده است «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی، و امر به معروف و نهی از منکر کنند و آنها همان رستگارانند (آل عمران/ ۱۰۴). وقتی که محیط زیست و منابع طبیعی در اثر عملکردهای عده‌ای تخریب و دچار بحران‌های زیست محیطی مختلف می‌گردد، این مسایل تنها دامن انسان‌های متخلف و متجاوز را نمی‌گیرد بلکه همه‌ی انسان‌ها باید بهای آن را بپردازند. بنابراین هیچکس نمی‌تواند بگوید که چون وظیفه‌ی خود را انجام داده، از آثار ناگوار و وظیفه‌ناشناسی‌های دیگران برکنار خواهد ماند، بلکه عواقب ناگوار اینگونه عملکردها، تنها دامن عاملین چنین عملی را نخواهد گرفت بلکه زندگی همه انسان‌ها و حتی نسل‌های بعدی را با مشکل مواجه می‌کند. احترام به حقوق محیط زیست و حراست آن نتیجه آموزش تعالیم قرآنی و دعوت



اصول حاکم بر نظام طبیعت و رفتار انسان است. منظور از عدالت در طبیعت که از آن به عدالت تکوینی نیز یاد می‌شود، آفرینش دارای نظم و ضابطه طبیعت است به گونه‌ای که هیچ نقص و نقصانی در آن مشاهده نمی‌شود «الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَوتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُتُورٍ» کسی که هفت آسمان طبقه طبقه آفرید، در آفرینش رحمان هیچ ناهماهنگی نمی‌بینی، پس چشم خود را برگردان (و بنگر) آیا هیچ شکافی (خللی) می‌بینی؟ (ملک/ ۳). باور به چنین اصلی در طبیعت، سبب می‌شود بپذیریم که تعادل و نظم در اجزای طبیعت، در چرخه حیات ضروری است. بر این اساس، استفاده از این منابع به گونه‌ای که سبب برهم خوردن این نظم و هماهنگی شود، عملی مسرفانه است که انجام دهنده آن، به واسطه حرمت اسراف و عدم پاسداشت نعمت‌های الهی هم در جهان آخرت، گرفتار عذاب خواهد شد، هم بسته به شرایط مختلف، سبب بطلان عبادت‌های انسان مسلمان می‌شود.

۴-۵. اصل احیا و توسعه‌ی فضای سبز

درخت و درختکاری، سبزه و سرسبزی واژه‌هایی هستند که همواره از ابتدای آفرینش انسان در مفاهیم دینی مطرح بوده‌اند و باغ‌های بهشت به عنوان پاداش و زیستگاه آغازین و واپسین او در تکوین الهی رقم خورده است. از این رو بشر، انس خاصی با طبیعت دارد، دنیا نیز که زیستگاه موقت انسان است، باز از درخت و سبزه دور نبوده و کشاورزی اولین صنعتی است که خداوند پس از هبوط انسان به زمین به وی یاد داده است تا به آبادانی زمین بپردازد و در حقیقت نماد آبادانی زمین، مراتع، جنگل‌ها، باغ‌ها و مزارعی است که به وجود آمده است. خداوند متعال به انسان مأموریت داده است که به آبادانی زمین بپردازد

آنها است. ولی مشکل اصلی این است که انسان‌ها ممکن است از منابع قابل تجدید، سریع‌تر از زمان لازم برای بازسازی آنها بهره‌برداری کنند، بنابراین رعایت اعتدال در بهره‌گیری از منابع طبیعی امری ضروری و مهم است.

۴-۳. رعایت اعتدال در بهره‌گیری از منابع طبیعی

بر اساس آیات قرآن کریم، آن‌چه که مخلوق خداوند است، هم به لحاظ کمی و هم کیفی، متناسب و به اندازه آفریده شده است. قرآن به این نکته اشاره کرده است و می‌فرماید: «قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا» به راستی خدا برای هر چیزی اندازه‌ای مقرر کرده است (طلاق/ ۳). بنابراین بایستی به‌طور صحیح و درست مورد بهره‌برداری قرار گیرد تا از نابودی آنها چه از لحاظ کمی و چه کیفی جلوگیری شود. بهره‌گیری مسرفانه و خودخواهانه از منابع طبیعی موجب وارد کردن ضایعات و خسارت‌های جبران‌ناپذیر بر پیکره طبیعت گشته و در نهایت منجر به تخریب و از بین رفتن آنها می‌شود. امروزه بر همگان ثابت شده است که منابع طبیعی موجود در زمین محدود است که استفاده‌ی بیش از حد برخی از انسان‌ها، موجب محرومیت دیگران می‌شود. از این رو توجه به حقوق عمومی، رضایت به حد و حدود خویش، توجه به حقوق آیندگان، توجه به مقررات و قوانین دینی، امانتداری، قناعت و مسئولیت‌پذیری اموری هستند که باید مورد توجه قرار بگیرند.

۴-۴. رعایت عدالت و انصاف در بهره‌گیری از منابع طبیعی

عدالت خداوند حکم می‌کند که نظام هستی و تمام اجزای آن در یک رابطه تعادلی قرار بگیرند، بنابراین برهم‌زدن این نظم و تعادل باعث خلل در نظام هستی می‌شود. براساس آموزه‌های قرآنی، عدالت از جمله بنیادی‌ترین



برخورد با محیط زیست و نحوه بهره‌گیری از منابع طبیعی نقش به‌سزایی در افزایش سطح دانش و مسئولیت‌پذیری افراد در برابر محیط زیست دارد. انسان با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده، می‌تواند رفتار منطقی با محیط زیست داشته باشد. هیچ نسلی اجازه ندارد از طبیعت به‌نفع خود استفاده‌هایی کرده و آنرا فرسوده، ضایع و آلوده کند. چنین رفتاری مغایر چیزی است که خداوند از ما خواسته است. امروزه تخریب منابع طبیعی و یا قطع و سوزاندن درختان و از میان برداشتن آنها با انگیزه‌های مادی و در جهت منافع شخصی، ظلم مضاعف به اصل زندگی و تجاوز به حدود و حقوق خدا و حق و حد‌بندگان او است. عدم توجه به حقوق محیط زیست و عدم نگهداری آن، گویای بی‌توجهی و حق‌ناشناسی ما در برابر خداوند است.

«أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ» اوست که شما را از زمین پدیدآورد و از شما خواست تا در آن آبادی کنید، پس، از او آمرزش بخواهید، سپس به‌سوی او بازگردید، همانا پروردگار من نزدیک و اجابت‌کننده است (هود/ ۶۱). از اینرو توسعه‌ی فضای سبز و درختکاری از وظایف اسلامی و اجتماعی مسلمانان محسوب شده که باید تلاش نمود تا مردم را به امر احیا و توسعه‌ی فضای سبز تشویق نمود.

نتیجه‌گیری

قرآن به‌عنوان یک منبع ارزشی و دانشی عظیم بشری، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز حفظ و حراست محیط اطرافش ترغیب نموده است و اصول و ضوابطی را به‌منظور حفاظت از محیط زیست و احیای آن مقرر داشته است. آموزش فرهنگ قرآنی در

منابع

۱. سپهری، یدالله، ۱۳۹۵، نقش باورهای دینی و تاثیرگذاری آن در احیای جنگل و جلوگیری از تخریب آن، نشریه حفاظت و بهره‌برداری از منابع طبیعی، ۵(۲): ۱۹-۳۱.
۲. غنیمی، زالدین، ع. م. ۱۳۶۹. تربیت زیست محیطی اسلام و حمایت محیط زیست دریایی از آلودگی، سازمان تربیت و فرهنگ و علوم عربی، ص ۷۳.
۳. قرآن کریم
۴. محقق داماد، م.، ۱۳۷۱. طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام، ص ۲۸۲.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۲. تفسیر نمونه، جلد ۱: ص ۲۶۹ / جلد ۳: ص ۱۳۵.
۶. نبوی، سید عبدالحسین، شهریار، مرضیه، ۱۳۹۳. دین، اخلاق و محصط زیست. فصلنامه انسان و محیط زیست، شماره ۲۹: ۶۹-۸۴.

مقایسه فرضیه تکامل با آموزه‌های قرآن کریم

محمد قاسمی شوب

دانش‌آموخته‌ی دکتری علوم قرآن و حدیث، پژوهشگر و مدرس دانشگاه جامع امام حسین(ع)
(نویسنده مسئول: mohammadkonkoor@gmail.com)

چکیده

یکی از عمده مسئله‌های مهم که ذهن بشر را از گذشته‌های دور تا الان به خود مشغول کرده است؛ مسئله چگونگی آغاز خلقت است در این خصوص میان دانشمندان و عالمان اختلاف فراوانی وجود دارد که منجر به شکل‌گیری فرضیه‌های مختلفی شده است. یکی از مهم‌ترین فرضیه‌ها در این رابطه، دیدگاه داروین با عنوان فرضیه تکامل است. در مورد این فرضیه واکنش‌های مختلفی صورت گرفت؛ برخی آن را پذیرفتند و برخی دیگر آن را رد کردند. با عنایت به نحوه مواجهه علما و دانشمندان با این فرضیه در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی ضمن بررسی آیات شریفه مرتبط با خلقت درمی‌یابیم خلقت انسان در ابتدا به صورت «دفعی» از گل و جهت استمرار نسل انسان از آب (نطفه) است؛ اما خلقت سایر موجودات با عنایت به ظواهر آیات شریفه با رویکرد تکامل قابل انطباق است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، خلقت، فرضیه تکامل، داروین.

مقدمه

زمان در فرآیندی مستمر، تحول پیدا کرده‌اند که به این چرخه فرگشت می‌گویند. چارلز داروین تئوری تکامل را مطرح و پروراند و به صورت کتاب اصل انواع تدوین کرد که این مجموعه در ۱۸۵۹ میلادی منتشر شد. همچنین داروین با کتاب محبوب خود با نام سفر بیگل در محافل علمی به خوبی شناخته شد و ستایش دانشمندان در زمینه زمین‌شناسی و زیست‌شناسی را برانگیخت. او در ۱۸۷۱ کتاب بعدی خود موسوم به تبار انسان را منتشر کرد. تکامل می‌گوید: این ظرفیت وجود دارد که مسیر تهاجمات زیستی را تغییر دهد، هرچند این قبیل تغییرات به وسیله آزمایش‌ها کشف نشده باقی می‌مانند. اعمال حیاتی، پروسه‌های منطقی حفظ حالت زنده هستند و هرگونه انحراف از مَشی منطقی آنها، کمابیش منجر به بروز اختلال در سیستم و حذف حالت زنده می‌شود. سیستم‌های زنده به لحاظ اجرای اعمال حیاتی معیوب، حسب درجه نقص در پروسه‌های حیاتی، در برخورد با

نحوه پیدایش انسان از قدیم مورد توجه دانشمندان و علی‌الخصوص فلاسفه بوده است. در این میان نظریه داروین باعث مناقشات فراوانی بین دانشمندان گردید. چارلز داروین یکی از مهم‌ترین دانشمندان جهان محسوب می‌شود که ۲۱۱ سال پیش در انگلیس دیده به جهان گشود. او را به عنوان زیست‌شناس شهیر بریتانیایی می‌شناسند که تئوری تکامل بیولوژیکی به واسطه انتخاب طبیعی را ارائه داد. چارلز داروین تکامل را به عنوان تغییر نسل‌ها تعریف کرد؛ ایده‌ای که می‌گوید گونه‌ها در زمان تغییر می‌کنند و گونه‌های جدیدی را به وجود می‌آورند و دارای یک وجه مشترک هستند. داروین معتقد بود که منابع در طبیعت محدود هستند و همین انتخاب طبیعی موجب می‌شود که جمعیت‌ها سازگار شوند؛ یعنی با گذشت زمان برای محیط خود مناسب شوند. به همین خاطر داروین را پدر علم تکامل می‌گویند. تمامی موجودات زمین در طول



متناسب با عوامل طبیعی و گاهی جهشی انجام گرفته رفته و گزینه برگزیده به‌طور طبیعی انتخاب شده و باقی‌مانده باشد این‌گونه تحلیل به‌نوعی ایجاد و تداوم جهان را منهای خدا در ذهن تداعی می‌کند! و گاهی توهم شده پدید آمدن تک‌سلولی به‌صورت تصادفی امکان‌پذیر است و نیازی به آفریننده نیست. و این همان نقطه مورد سوءاستفاده ماتریالیست‌ها و منکران خداوند است و این مسئله با آیات قرآن کریم در تضاد است. طبق آیات قرآن و روایات اسلامی، نخستین انسان از گل آفریده شده و حاصل تکامل انواع نمی‌باشد. قرآن کیفیت آفرینش «انسان و نسلش» را در سوره سجده، آیه ۷ و ۸ چنین بیان می‌کند: «بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ* ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ*» (آفرینش انسان را از گل آغاز کرد* سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید) لذا در این نوشتار در پی مقایسه فرضیه تکامل با آموزه‌های قرآن کریم هستیم.

۱. داروین و فرضیه تکامل

در این قسمت به مروری بر زندگی چارلز داروین، مروری بر تاریخچه فرضیه تکامل و اجمالی بر فرضیه تکامل خواهیم پرداخت؛

۱-۱. مروری بر زندگی چارلز داروین^۱

«چارلز رابرت داروین» (۱۸۰۹-۱۸۸۲)^۲ زیست‌شناس و زمین‌شناسی است که بعد از تحقیقات بسیار بر روی گونه‌های حیوانات، در سال ۱۸۵۹ کتابی با عنوان خاستگاه گونه‌ها تألیف کرد و فرضیه‌ی فرگشت را مطرح نمود. او در سال ۱۶ سالگی و در اکتبر سال ۱۸۲۵ همراه برادرش «اراسموس» به دانشگاه «ادینبرو» وارد

نیروهای تکاملی حذف شده و یا از تاثیر در روند تکامل منع می‌شوند. شواهد علمی این نظریه را که حیات روی زمین فرگشت یافته و تمام گونه‌ها جد مشترکی دارند را تایید می‌کند (سیمبرلوف، ۲۰۱۳) داروین در کتاب خود می‌نویسد: هر کاری که بشر می‌کند جلوه‌ای از انتخاب طبیعی است. بنابراین انسان نیز آگاهانه از عملکرد دیگر موجودات در طبیعت الگوبرداری می‌کند؛ به‌عبارت روشن‌تر چون انسان نیز موجودی طبیعی است الگوی رفتاری او همان الگوی موجودات طبیعی است. بنابراین کاری‌های احساساتی نظیر حمایت از ضعفا، بیماران و آسیب دیدگان در واقع مانع‌تراشی بر سر راه رقابت آزادانه قوی و ضعیف در طبیعت است (اوژنی، ۲۰۰۴ م: ۲۳) موضوع مهمی که در اینجا وجود دارد این است که داروین فقط درباره اینکه موجودات دچار تکامل شده‌اند، سخن نگفت. اگر این آغاز و پایان تئوری او بود، نام داروین امروز در کتاب‌ها و تاریخ آورده نمی‌شد. وی سازوکاری را نیز برای تکامل به‌نام انتخاب طبیعی پیشنهاد کرد. او توضیح می‌دهد که چگونه جمعیت‌ها تکامل پیدا می‌کنند و با گذشت نسل‌ها تغییر می‌کنند به‌صورتی که برای محیط‌شان مناسب‌تر شوند. نظریه داروین از دو جهت مورد بحث می‌تواند قرار بگیرد؛ نخست اینکه بحث چگونگی ایجاد موجودات که طی یک فرآیند تکاملی به‌تدریج تکامل یافته‌اند و دیگری بحث تأثیر محیط بر تحول موجودات است. فرضیه داروین موجب سوء استفاده ماتریالیست‌ها و منکران خدا شده است زیرا هنگامی که پیدایش جهان هستی از تک‌سلولی آغاز شود و تحول موجودات

1 - Charles Robert Darwin

۲ - متولد ۱۲ فوریه سال ۱۸۰۹ میلادی در شروپشر انگلستان و درگذشته‌ی ۱۸ آوریل سال ۱۸۸۲ میلادی در لندن (ر.ک: مقدمه کتاب، منشأ انواع، ترجمه دکتر نورالدین فرهیخته).



مجموعه‌ی «لینن سوسایتی» قرائت کرد و در نوامبر ۱۸۵۹، معروف‌ترین اثرش، با عنوان «خاستگاه گونه‌ها»^۱ که شرح مفصلی از نظریه تکامل در اثر فرآیند انتخاب طبیعی است را منتشر ساخت (ر.ک: اکونور، ۱۳۵۸ ش: ۹). چارلز داروین در ۷۳ سالگی درگذشت و در کلیسای وست‌مینستر به خاک سپرده شد (براه، بی تا: ۲۴۲).

۱-۲. مروری بر تاریخچه فرضیه تکامل^۲

پیش از داروین، نظریات زیست‌شناسی بر پایه «ثبات انواع»^۳ استوار بود که با نظریات دینی و فلسفی عصر، همخوانی تام داشت. تورات در سفر تکوین، آفرینش را دقیقاً به همان صورت که اکنون هست، آفریده‌ی خداوند می‌دانست و هرگونه تحولی را رد می‌کرد (کتاب مقدس، سفر پیدایش). براساس فلسفه ارسطویی حاکم بر آن دوران، تحولات اجسام براساس نظریه کون و فساد یعنی آنی بود. لذا هرگونه قول به تغییر تدریجی در نهاد موجودات، کفرآمیز و بلکه غیرعلمی تلقی می‌شد (نک‌به: عبودیت، ۱۳۸۴ ش: ۲۰۲-۲۰۳). «لامارک» طبیعی‌دان فرانسوی (۱۸۲۹ - ۱۷۴۴) در سال ۱۸۰۲ یعنی هفت سال قبل از تولد داروین، اصل تأثیر محیط را مطرح کرد. براساس این اصل، محیط طبیعی هر موجود زنده بر آن اثر می‌گذارد. حیوان برای ادامه‌ی حیات خود در هر محیط خاص، نوعی کار ویژه انجام می‌دهد و نوع کار او اقتضا دارد که از اندام‌های خاص استفاده کند و بعضی از اندام‌ها را به کار نگیرد. اگر عضوی در درازمدت مورد استفاده واقع نشد، به تدریج حذف می‌شود و این امر از طریق وراثت به فرزندان منتقل می‌شود (داروین،

شد. دو سال بعد، به‌عنوان دانشجوی کالج مسیح دانشگاه «کمبریج» پذیرفته شد (ر.ک: اچ. تی. رودز، ص ۱۵). هنگامی که داروین در کالج مسیح مشغول به تحصیل بود، استاد گیاه‌شناسی او پروفسور «جان استیونس هنسلو» در نقش استاد راهنمایش ظاهر شد. در سال ۱۸۳۱ پس از فارغ‌التحصیلی از کالج مسیح، پروفسور هنسلو به او پیشنهاد داد که در مقام طبیعت شناس به کشتی «اچ‌ام‌اس بیگل» که سفری ۵ ساله به اطراف جهان در پیش داشت ملحق شود. ناخدای این کشتی کاپیتان «رابرتز فیتزروی» بود و ۲۷ دسامبر ۱۸۳۱، زمان آغاز ماجراجویی چارلز داروین با کشتی بیگل بود (اکونور، ۱۳۵۸ ش: ۳). داروین در طول این سفر، گونه‌های متنوعی از جمله پرندگان، گیاهان و فسیل‌ها را مورد بررسی قرار داده و جمع‌آوری کرد. وی از طریق این تحقیقات امکان این را داشت که به صورت عملی و ملموس دانسته‌های گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی و جانورشناسی خود را گسترش دهد (براه، بی تا: ۵۴). او در سال ۱۸۳۶ پس از بازگشت، در مجموعه‌ای با عنوان «ژورنال تحقیقات»، شروع به تدوین یافته‌های خود کرد. این نوشته‌ها به‌عنوان بخشی از داستان «کاپیتان فیتزروی» نیز چاپ شده است. این اثر بعدها ویرایش شده و به نام «جانورشناسی سفر بیگل» انتشار یافت (همان، ۲۵۵). این سفر، دیدگاه داروین در خصوص تاریخ طبیعی را به کلی متحول ساخت. همین امر سبب شد که او فرضیه‌ای در مورد منشأ پیدایش ارائه کند. چارلز داروین پس از سال‌ها تحقیق، در سال ۱۸۵۸ فرضیه‌ی خود را در این خصوص، با عنوان «نظریه تکامل» طی متنی در گردهمایی

3- Fixism

1- On the Origin of Species

2- Evolution



آن صفت بهتر می‌توانند با طبیعت و محیط سازش کند، می‌توانند رقیبانی را که فاقد این ویژگی هستند از میدان به در کنند و خود باقی بمانند. این نزاع همواره بین آن‌ها وجود دارد و پس از گذشت قرن‌ها، تصاعد صفات ایجاد می‌شود و صفتی که در آخرین نوع مشاهده می‌شود به‌کلی با جد اولیه خود تفاوت دارد به‌گونه‌ای که می‌توان آن را نوع جدید خواند (داروین، ۱۸۸۷ م: ۹۸).

۳-۱.۱. اجمالی بر فرضیه تکامل

نظریه تکامل داروین به‌طور خلاصه، بدین اجمال است که موجودات و گونه‌ها از طریق فرآیندی با عنوان «انتخاب طبیعی» به بقای خود ادامه می‌دهند. گونه‌هایی که به بهترین نحو رشد کرده و خود را با محیط پیرامون تطابق می‌دهند شانس بقای بیشتری دارند. در دیگر سو، گونه‌هایی که خود را با محیط و ساختار طبیعی مطابقت ندهند، از شانس کمتری برای بقا برخوردارند و منقرض خواهند شد (داروین، ۱۹۷۱ م: ۶۳/۱؛ ایان باربور، ۱۳۶۲ ش: ۱۰۶/۱). چارلز داروین پس از مطالعه بر روی پرندگان، گیاهان و فسیل‌ها دریافت که شباهت‌هایی بین گونه‌های خاص در یک مکان مشخص وجود دارد. وی اعتقاد پیدا کرد که گونه‌های متفاوت و متعدد امروزی، حاصل تکامل اجداد و گونه‌های مشترک هستند (داروین، ۱۳۶۳: ۹۸). فرضیه‌ی تکامل داروین و فرآیند انتخاب طبیعی، بعدها با عنوان مکتب داروینیسم شناخته شد. داروین در فرضیه‌ی خود، آغاز پیدایش موجودات زنده را از یک تک‌سلولی می‌داند که به‌مرور در اثر تکامل، به انواع دیگر تبدیل شده است. داروین در کتاب «منشأ انواع» درباره‌ی انسان سخن نگفته بود اما یک دهه بعد، در کتابی به‌نام «تبار انسان» (۱۸۳۱) راجع به منشأ انسان، بسیار سخن گفت. در این کتاب داروین تمام اختلافات اساسی بین

ترجمه فرهیخته، ۱۳۶۳ ش: ۹۶). لامارک، تمام تغییرات و اختلافات انواع گوناگون موجودات زنده را بر همین اساس توجیه می‌کرد؛ یعنی از راه تأثیر محیط بر نیازهای موجودات زنده، استفاده کردن یا نکردن اندام‌ها، تغییر تدریجی اندام‌ها و در نهایت ارثی شدن تغییرات. داروین با مطالعه‌ی مقاله‌ی «مالتوس» (۱۸۳۴ - ۱۷۶۶) کشیش و اقتصاددان انگلیسی درباره‌ی رمز تعادل جمعیت، «اصل انتخاب طبیعی» را به‌عنوان اساس فرضیه تکامل کشف کرد. براساس نظر مالتوس، جمعیت جهان با تصاعد هندسی (یعنی به‌صورت ۱، ۲، ۴، ۸، ۱۶، ۳۲، ۶۴ ...) افزایش می‌یابد و آنقدر زیاد می‌شود که اگر همه آدمیان هم بخوانند روی پا بایستند، دیگر نمی‌توانند جای پای پیدا کنند. مالتوس از اینجا به این نظریه رسید که «تعادل و توازن میان افراد بشر و مواد غذایی موجود را همیشه جنگ‌ها، بیماری‌های مسری و سیل و زلزله و مانند این‌ها به‌وجود می‌آورد و گرنه بشر از گرسنگی می‌میرد» (داروین، ۱۳۶۳: ۹۷). لازم به‌ذکر است که مالتوس و داروین خبر نداشتند که قبل از آن‌ها، قرن‌ها پیش، قرآن کریم فرموده است: «...وَلَوْ لَا دَفَعُ اللَّهُ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَفَسَدَتِ الْأَرْضُ...» (بقره/۲۵۱). اما شاید دانشمندان مسلمین می‌دانستند که تعمیم این امر به عالم حیوانات و گیاهان قطعی نیست یا دست‌کم موارد نقض دارد؛ چنان‌که این امر، پس از داروین روشن شد. ولی در هر صورت، داروین پس از مطالعه‌ی این مقاله، ناگهان به ذهنش رسید که مسأله‌ی تکثیر جمعیت به قلمرو انسانی منحصر نیست بلکه در دیگر حیوانات و گیاهان هم هست و تنها مرگ طبیعی نمی‌تواند، میان حیوانات و گیاهان تعادل ایجاد کند بلکه کشمکش دائمی برای ماندن در بین آن‌هاست و آنان که دارای صفات برجسته‌تری هستند و با

**۲. چگونگی خلقت موجودات زنده، از دیدگاه****قرآن کریم**

در این قسمت به بررسی چگونگی خلقت انسان و سایر موجودات زنده از دیدگاه آیات قرآن کریم خواهیم پرداخت؛

۱-۲. خلقت انسان

در ادامه به‌طور خلاصه به بیان آغاز و استمرار خلقت انسان در آیات قرآن پرداخته خواهد شد؛

۱-۲. آغاز خلقت انسان به صورت دفعی

در قرآن کریم آیاتی هستند که بر خلقت دفعی انسان و حتی موجودات دلالت دارند؛ «... و بَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ» (سجده/۷) «... و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد». «إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ / فَإِذَا سُوِّيتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوْحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص/۷۱ و ۷۲) «و به‌خاطر بیاور هنگامی‌را که پروردگارت به فرشتگان گفت: «من بشری را از گل می‌آفرینم! هنگامی‌که آن را نظام بخشیدم و از روح خود در آن دمیدم، برای او به سجده افتید!». خلقت پرنده از گل و دمیدن روح در آن توسط عیسی روح الله (ع) «... أَنِّي أَخْلَقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ ...» (آل عمران/۴۹) «... من از گل، چیزی به شکل پرنده می‌سازم سپس در آن می‌دمم و به فرمان خدا، پرنده‌ای می‌گردد ...». اما در مورد ماده نخستین خلقت انسان آیات قرآن به نام‌هایی مانند «زمین (أرض)» (طه/۵۳ و ۵۵)؛ «خاک (تراب)» (آل عمران/۵۹)؛ هود/۶۱؛ کهف/۳۷؛ حج/۵؛ روم/۲۰؛ فاطر/۱۱؛ غافر/۶۷؛ نجم، ۳۲ و نوح/۱۷)؛ «گل (طین)» (سجده/۷؛ انعام/۲؛ اعراف/۱۲؛ اسراء/۶۱؛ ص/۷۱ و ۷۶) «گل چسپنده (طین لاذب)» (صافات/۱۱)؛ «عصاره‌ی گل (صلصال)» (حجر/۲۶، ۲۸ و ۳۳؛ مؤمنون/۱۲)؛ «گل خشکیده (صلصال کالفخار)» (رحمان/۱۴) اشاره دارد و وجه مشترک همه اینها خاک بودن است

انسان و حیوانات را نفی می‌کند و تمام اوصاف جسمانی و روانی انسان را حالت تکامل یافته‌ای از حیوانات ناقص‌تر می‌شمرد؛ به‌عبارت دیگر از نظر داروین، اختلاف انسان و حیوانات دیگر، نوعی نیست بلکه رتبی و از مقوله شدت و ضعف است و به تعبیر فلسفه‌ی اسلامی، اختلاف ماهوی بین انسان و حیوان نیست. به عقیده‌ی وی، مغز و هوش انسانی، حالت کامل‌تر از مغز میمون است و انسان‌های بدوی، حلقه واسط انسان و میمون‌های پیشرفته‌اند. وجود مو در بدن انسان از اوصاف مشترک انسان و حیوان است و تمام اختلافات نظیر روی دو پا ایستادن و چگونگی صورت و حرکت دست و صفات روحی از قبیل: تصور، تخیل، توهم، تجرید و تعمیم در انسان‌ها را در مورد میمون‌ها آزمایش و تأثیرات ناقصی از این موارد در آن‌ها مشاهده کرد و حتی صفات ایثار، فداکاری، عاطفه، نوع دوستی را تحت قانون انتخاب طبیعی درآورد و نتیجه گرفت که هیچ دلیلی وجود ندارد انسان را از مجموعه موجودات طبیعی استثنا کنیم (نک: ایان باربور، ۱۰۷: ۱۳۶۲). بدین‌سان وجود انسان که تا آن زمان، مقدس و آسمانی انگاشته می‌شد به حوزه قوانین طبیعی تنزل کرد و با همان مقولاتی مورد ارزیابی قرار گرفت که سایر جانداران ارزیابی می‌شدند. لذا «هاکس‌لی» انگلیسی (۱۸۹۵ - ۱۸۲۵) که از داروینیست‌های معروف است، در این رابطه می‌گفت: «بین انسان و عالی‌ترین میمون‌ها تفاوت کمتری است تا بین عالی‌ترین و پست‌ترین میمون‌ها» (هاکس‌لی، ۱۸۹۶: ۸۰). براساس فرضیه‌ی داروین، انسان محصول تغییرات تصادفی و تنازع بقا و زاده‌ی شانس و تصادف کور و قانون طبیعت گردید. (پیرمرادی، ۱۳۸۳: ۱۵۴-۱۲۷).

بدین صورت که قرآن کریم آغاز خلقت انسان را از خاک می‌داند.

۲-۲. استمرار نسل انسان

قرآن کریم برخلاف خلقت نخستین انسان که از خاک بود استمرار خلقت او را در نسل‌هایی بعدی، از آب (ماء مهین) می‌داند؛ «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (سجده/۷ و ۸) «و همان کسی است که هرچه را آفرید نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید» و در برخی از آیات ترتیب خلقت را از خاک سپس نطفه (آب) ذکر می‌کند «... أَكْفَرْتِ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا» (کهف/۳۷) «... آیا به خدایی که تو را از خاک، و سپس از نطفه آفرید، و پس از آن، تو را مرد کاملی قرار داد، کافر شدی؟!» «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ...» (فاطر/۱۱) «خداوند شما را از خاکی، سپس از نطفه‌ای آفرید...» «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا...» (غافر/۶۷) «او کسی است که شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه، سپس از علقه (خون بسته شده)، سپس شما را به صورت طفلی (از شکم مادر) بیرون می‌فرستد...» «... فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مَضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِنَبِّئَنَّ لَكُمْ وَنَقَرْنَا فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا...» (حج/۵) «... ما شما را از خاک آفریدیم، سپس از نطفه، و بعد از خون بسته شده، سپس از «مضغه» [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل تا برای شما روشن سازیم (که بر هرچیز قادریم)! و جنین‌هایی را که بخواهیم تا مدت معینی در رحم (مادران) قرار می‌دهیم (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم) بعد

شما را به صورت طفل بیرون می‌آوریم...» وَ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ / ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ / ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مَضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمَضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ «(مؤمنون/۱۲-۱۴) «و ما انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم/ سپس او را نطفه‌ای در قرارگاه مطمئن [رحم] قرار دادیم/ سپس نطفه را به صورت علقه [خون بسته]، و علقه را به صورت مضغه [چیزی شبیه گوشت جویده شده]، و مضغه را به صورت استخوان‌هایی درآوردیم و بر استخوان‌ها گوشت پوشاندیم سپس آن را آفرینش تازه‌ای دادیم پس بزرگ است خدایی که بهترین آفرینندگان است» (برای نمونه‌های بیشتر رک: نحل/۴؛ فرقان/۵۴؛ یس/۷۷؛ نجم، ۴۵ و ۴۶؛ قیامت/۳۷ و ۳۸؛ انسان/۲؛ مرسلات/۲۰ و ۲۱؛ عبس/۱۷-۱۹؛ طارق/ ۵ و ۶)

۲-۲. خلقت تدریجی و تکاملی سایر موجودات
با نگاهی به آیات قرآن می‌توان مشاهده کرد که خلقت آنها تدریجی و تکاملی بوده است؛ مثلاً آیاتی که خلقت آسمان و زمین را تدریجی می‌داند؛ «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» (اعراف/ ۵۴؛ یونس/۳) «پروردگار شما، خداوندی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید. سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت...» «هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» (حدید/۴) «او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید سپس بر تخت قدرت قرار گرفت (و به تدبیر جهان پرداخت)» «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ...» (هود/۷) «او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش



این آشکارا با ظاهر آیات تورات ناسازگار بود (گرین، ۱۹۶۱: نک: پیدایش، ۲: ۴). از نظر یکی از اندیشمندان حوزه علمیه پرینستون امریکا به نام «هاج»، فرضیه‌ی تکامل با آنچه کتاب مقدس و اهل کتاب به‌طور کلی درباره ماهیت و سرنوشت انسان مطرح می‌کنند، ناسازگار است؛ لذا اندیشه‌های ملحدانه است. به اعتقاد او، هرچند تحولات گسترده‌ای در سیر تکوینی حیوانات رخ داده است، نمی‌توان گفت «انسان همانا میمون تکامل یافته است» (هاج، ۱۸۷۲: ۱۶۵).

۲-۱-۳. پذیرش فرضیه تکامل

در برابر فرضیه‌ی تکامل، هرچند اولین واکنش «واتیکان»، محکومیت شدید و مخالفت با فرضیه‌ی تکامل بود اما به تدریج «کاتولیک‌ها»، محتاطانه نظریه تکامل را پذیرفتند و در سال ۱۹۴۳ در یکی از جلسات واتیکان گفتند که شیوه‌ی بیان و تعبیرات کتاب مقدس، همان شیوه‌ی بیان عصر نویسندگان اناجیل است. (والتر، ۱۹۶۰) در ادامه، «منشور پاپی» در سال ۱۹۵۰ با تفکیک جسم و روح، آنچه را داروین درباره‌ی تکامل انسان از دیگر موجودات زنده گفته بود، مخصوص بدن انسان دانست و آنچه را آفریده‌ی مستقیم خداوند است، به روح مربوط دانست (پیوس دوازدهم، ۱۹۵۰؛ فادرگیل، ۱۹۶۱). برداشت «متجددان مسیحی» از خداوند و کتاب مقدس و انسان، کاملاً تحت نفوذ و تأثیر نظریه تکامل بود. آن‌ها کتاب مقدس را کتاب الهی نمی‌دانستند هرچند آن را الهام‌بخش می‌دانستند. در انتقاد از برداشت‌های سنتی راجع به خداوند، می‌گفتند که پیشینیان خدا را از جهان جدا می‌انگاشتند ولی براساس نظریه تکامل، خداوند حال در طبیعت و ساری و جاری در آن است؛ همچنان که خداوند را حال در انسان می‌دانستند، تحت تأثیر فرضیه‌ی تکامل

روز [شش دوران] آفرید و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت...» تعبیر جمع «ایام» در این آیات بیانگر تدریجی بودن خلقت است. در برخی آیات قرآن کریم، علاوه بر آسمان‌ها و زمین، آنچه میان آن‌هاست نیز اضافه شده، و می‌فرماید: «الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» (فرقان/ آیه ۵۹) «خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت...» «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ...» (سجده/ ۴) «خداوند کسی است که آسمان‌ها و زمین و آنچه را میان این دو است در شش روز [شش دوران] آفرید، سپس بر عرش (قدرت) قرار گرفت...» «وَ لَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ مَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ...» (ق/ ۳۸) «ما آسمان‌ها و زمین و آنچه را در میان آن‌هاست را در شش روز [شش دوران] آفریدیم...».

۳. انواع مواجهه‌ی عالمان دینی، در برابر فرضیه تکامل

در اینجا ما به بیان دو رویکرد عالمان دینی غرب و مسلمان در مورد فرضیه تکامل خواهیم پرداخت.

۳-۱. رویکرد عالمان دینی غرب

رویکرد عالمان غربی در دو گونه خلاصه می‌گردد؛ عده‌ای فریضه تکامل را رد کرده‌اند و عده‌ای نیز آن را پذیرفته‌اند.

۳-۱-۱. انکار فرضیه تکامل

کتاب مقدس، آفرینش انسان را به صورت دفعی و بدون واسطه، به دست خدا می‌دانست. از این رو کشیشان نص‌گرای مسیحی با توسل به متن کتاب مقدس در دفاع از مقام انسان، یکسره نظریه تکامل را باطل اعلام کردند. زیرا نظریه تکامل آفرینش را تدریجی می‌دانست و



۲-۳. رویکرد علمای اسلام و مفسران قرآن فرضیه‌ی داروین، برای غرب به‌منزله جهان‌نگری بنیادینی بود که ساختار اندیشه‌ی جدید ایشان، بر آن بنا شده بود. مدتی طول کشید تا فرضیه‌ی داروین به جهان اسلام رسید اما هنگامی که در دهه‌های اولیه سده بیستم میلادی وارد دنیای اسلام شد، رویارویی با آن اندکی متفاوت با آن چیزی بود که در آغاز تولد این نظریه در غرب رخ داده بود. عده‌ی قابل توجهی از دانشمندان علوم دینی و مفسران قرآن با این نظریه مخالفت کردند و این نظریه را به استناد اینکه با ظاهر آیات قرآن ناسازگار است باطل شمردند. البته دیدگاه‌های عالمان دینی در این باب یکسان نیست. حتی بعضی از آنها این نظریه را پذیرفتند و تعارضی بین آن و قرآن کریم ندیده‌اند و بعضاً معرفت‌شناسی دینی مبتنی بر آن را عمیق‌تر یافته‌اند.

۱-۲-۳. انکار فرضیه تکامل

عده‌ای از مفسران قرآن کریم، این فرضیه را درخصوص منشأ خلقت انسان، مردود دانستند. برای نمونه، از نظر «علامه طباطبایی» آنچه نظریه‌ی داروین درباره‌ی منشأ آفرینش انسان گفته، برخلاف نظر قرآن است؛ زیرا براساس آیات قرآن، اولین فرد بشر و همسرش از هیچ پدر و مادری متولد نشده‌اند بلکه از خاک یا گل بی‌واسطه و مستقیم آفریده شده‌اند. بنابراین آفرینش انسان، آنی و بدون گذشت زمان بوده است. به‌همین دلیل خداوند در قرآن، خلقت استثنایی حضرت مسیح (ع) را به آفرینش استثنایی حضرت آدم (ع) تشبیه کرده است^۱ و گرنه وجهی برای این تشبیه و مقایسه وجود نداشته است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ۱۶/۳۸۲).

می‌گفتند که خداوند از درون و در هیئت تکامل مداوم عمل می‌کند نه با دخالت و دستکاری از خارج در اشیا، البته خداوند محبوس در طبیعت نیست؛ همچنانکه روح آدمی محبوس در جسم او نیست. در این خوانش، فرضیه‌ی تکامل، نه تنها ضددینی نیست بلکه از آن استفاده‌ی کلامی و اعتقادی شده است (پیچر و کندی، ۱۹۰۷؛ ابوت، ۱۸۹۷؛ نک: مطهری، ۱۳۷۴ ش: ۲۴۸). متلکم پروتستان آلمانی «ریتسچل» (۱۸۸۹-۱۸۲۲) تحت‌تأثیر کانت و برای اینکه نظریه داروین و دیدگاه‌های مسیحی درباره‌ی انسان در برابر هم قرار نگیرد، حوزه انسان را از حوزه طبیعت جدا کرد؛ آن‌چه در انسان اصالت دارد، روح است و جسم، به حوزه طبیعت مربوط است و سخنان داروین، تنها در این قلمرو معتبر است، نه درباره کل شخصیت انسان (ریتسچل، ۱۹۰۲). کاتولیک‌های معاصر معتقدند واقعیات علمی راجع به تکامل قابل قبول است ولی وجود یک جد بی‌همتای انسانی نمی‌تواند مورد نقض علمی واقع شود؛ زیرا آنچه مورد تحقیق علمی است جسم اوست نه روح. از نظر ایشان، وجود آدم ابوالبشر واقعی، حقیقتی و حیانی است ولی لزومی ندارد همچون بنیادگرایان (ارتدوکس‌ها) بر معنای ظاهری آن حمل شود یا همچون پروتستان‌ها، کتابی و تمثیلی دانسته شود بلکه بهتر است آن را تاریخ تمثیلی یک حقیقت عینی بدانیم؛ یعنی بیانی تمثیلی از حادثه‌ای واقعی که با تعبیری متفاوت از آنچه واقعاً رخ داده است، بیان می‌شود (فادرگیل، ۱۹۶۱).

۱- خداوند در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۵۹) «مَثَلِ عِيسَىٰ فرمود: موجود باش! او هم فوراً موجود شد.»

۱- خداوند در این خصوص می‌فرماید: «إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (آل عمران/۵۹) «مَثَلِ عِيسَىٰ فرمود: موجود باش! او هم فوراً موجود شد.»



فرضیه‌ی داروین را مخالف خدانشناسی نمی‌دانند و از لحاظ کلامی در آن مناقشه نمی‌کنند. «آیت‌الله مصباح یزدی» با کسانی که سعی می‌کنند از آیات قرآن، تفسیری موافق با نظریه داروین ارائه دهند، مخالفت کرده و در اظهارنظری کلی در این باره چنین بیان می‌دارد که اگر مفاد آیه‌ای طبق اصول محاوره بر نظریه‌ای فلسفی و علمی منطبق بود که چه بهتر و گرنه نباید در تطبیق نظر مورد قبول عصر خود تلاش کنیم بلکه هر جا مطابقتی به‌طور روشن از قرآن فهمیده شود، باید بپذیریم و نسبت به فراسوی آن سکوت کنیم (مصباح یزدی، ۱: ۲۳۲/۱۳۶۷). همچنین آیت‌الله جوادی آملی این نظریه را رد می‌کند ایشان در اثبات اینکه ریشه اصلی انسان از خاک است و انسان از نسل بوزینه نیست به آیه «إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (ال عمران، ۵۹)» استناد می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹ ش، ۱۷/ ۱۵۶-۱۵۷). هر چند که تدریجی بودن خلقت انسان را می‌پذیرد اما بیان می‌کند که «جریان تکامل غیر از ماجرای تکامل نوع است» (همان، ۱۴/ ۴۲۸).

۲-۲-۳. پذیرش فرضیه تکامل

«شهید دکتر مطهری» از جمله کسانی است که خلقت تدریجی را پذیرفته است و در جهت تعارض‌زدایی از قرآن و فرضیه‌ی تکامل تدریجی، به ریشه‌های مخالفت با این فرضیه پرداخته است. شهید مطهری در پاسخ به افرادی که تکامل تدریجی را با توحید و خدانشناسی منافی می‌دانند، می‌گوید: «از نظر قرآن چه خلقت را دفعی بدانیم و چه تدریجی، کار خداست.» (مطهری، ۱۳۶۹: ۵۱/۱). از نظر شهید مطهری، علت مخالفت‌پنداری فرضیه‌ی داروین با خدانشناسی و موافقت‌پنداری فرضیه‌ی ثبات انواع با آن، دو پیش‌فرض ناصحیح است: یکی

علت مخالفت علامه طباطبایی با نظریه داروین، تنها ناسازگاری آن با ظاهر آیات قرآن نبوده بلکه از نظر وی این نظریه هنوز به سرحد قطعیت نرسیده است بلکه تنها یک فرضیه است که برای توجیه بعضی مسائل طرح شده است و هیچ دلیل قاطعی بر آن وجود ندارد؛ لذا کاملاً ظنی است و نمی‌تواند با این حقیقت قرآنی که انسان نوعی متمایز از سایر انواع حیوانی است و تکامل یافته‌ی آن‌ها نیست، معارضه کند (همان، ۳۸۲-۳۸۷). دلیل دیگری که علامه طباطبایی بر رد دیدگاه تحول داروین مطرح می‌کند این است که پیوستگی نسلی انسان و میمون قابل تجربه هم نیست؛ یعنی ما تاکنون تجربه نکرده‌ایم که فردی از افراد این نوع به فردی دیگری از افراد نوع دیگر متحول شود. به عبارت روشن‌تر هرگز کسی مشاهده نکرده است که میمونی انسان شود (همان). «مؤلفان تفسیر نمونه» چند نکته‌ی قابل توجه، درباره‌ی فرضیه‌ی داروین بیان کرده‌اند. از نظر ایشان، از یک‌سو فرضیه‌ی تکامل، ظنی و غیرقطعی است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۴: ۲/ ۲۴۸)؛ زیرا این فرضیه را هرگز با تجربه نمی‌توان اثبات کرد، دست بشر از آزمایش و تجربه مسائلی که در میلیون‌ها سال قبل ریشه دارد، کوتاه است. از سوی دیگر هر چند ظاهر آیات بر چگونگی آفرینش تدریجی یا آنی انسان صراحت ندارد اما در مجموع، با خلقت مستقل آنی سازگارتر است. زیرا بیان بعضی آیات سوره حجر نشان می‌دهد که میان خلقت آدم از خاک و پیدایش صورت کنونی، انواع دیگری وجود نداشته است. همچنین مطرح می‌کند که قرآن در مورد کیفیت خلقت سایر جانداران نظری ندارد (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۴، ۱۱/ ۸۶-۸۲). آنچه در دیدگاه مؤلفان تفسیر نمونه اهمیت دارد، آن است که ایشان



کریم با کمال صراحت، خلقت تدریجی جنین را در رحم مطرح می‌کند و آن را به‌عنوان دلیل و شاهی بر معرفت خدا می‌شمرد (مطهری، ۱۳۷۶ش: ۱/۵۱۷). «آیت‌الله علی مشکینی» آیه ۳۰ سوره انبیاء را مؤیدی بر نظریه تکامل می‌داند و اضافه می‌کند که در قرآن کریم، برخلاف اصل اعتقادی و معلوم و اثبات‌شده‌ی این دانشمندان، آیه‌ای متضاد با این مسأله‌ی مورد تجربه‌ی آن‌ها، یعنی وجود تغییر و تکامل در گیاه و حیوان نیامده است (مشکینی، بی‌تا: ۱۷). «رشید رضا» مفسر مصری (۱۹۳۵ - ۱۸۶۵) از شاگردان برجسته محمد عبده و سید جمال‌الدین اسدآبادی و صاحب تفسیر «المنار»، با اینکه معمولاً هنگام تعارض نظریات علمی با آیات قرآن سکوت می‌کند اما تحت سیطره‌ی فرضیه‌ی تکامل داروین گفته است: «همه نژادهای بشر از یک فرد به‌وجود نیامده‌اند. در قرآن هیچ نص صریحی مبنی بر این که همه‌ی افراد بشر ذریه‌ی حضرت آدم (ع) هستند وجود ندارد» در تفسیر آیه اول سوره نساء می‌گوید: «درست است که گفته شود همه مردم از یک نفس واحد به‌وجود آمده‌اند و آن انسانیت است چه معتقد باشیم پدرشان حضرت آدم (ع) است یا میمون و غیر آن» (رشید رضا، بی‌تا: ۴/۳۲۷ و ۳۲۴). «سید قطب» از دانشمندان برجسته‌ی مصری با وجود آن که تحت‌تأثیر فرضیه‌ی داروین، از بعضی آیات قرآن، تدریجی‌بودن آفرینش انسان را نتیجه می‌گیرد (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۴/۲۴۵۹)، تصریح می‌کند که نظریات علمی نمی‌توانند مطلبی برخلاف قرآن اثبات نمایند و نظریه‌ی داروین را فرضیه‌ای غیریقینی و ظنی معرفی می‌کند (سید قطب، ۱۴۰۶ق: ۳/۱۲۶۵). در عین حال برای رفع تعارض کلی آیات قرآن و دستاوردهای علوم جدید، تأکید می‌کند که قرآن، کتاب علم نیست و هدف از

اندیشه‌ی خدای رخنه‌پوش که خدا را در مجهولات خود جستجو می‌کند و دیگری اندیشه‌ی یهودی که تدریجی بودن آفرینش را با مخلوق خدا بودن آن، در تضاد می‌بیند (مطهری، ۱۳۶۹، ۱/۶۷). از دیدگاه شهید مطهری براساس قرآن، خلقت، آنی نیست بلکه یک حیوان و یک انسان در مراتب تکاملی که طی می‌کند، دائماً در حال خلق شدن است. به‌نظر می‌رسد شهید مطهری با استفاده از آموزه‌های صدراپی در فلسفه اسلامی، برداشتی نواز نظریه‌ی داروین ارائه کرده است. بر این اساس، جهان همیشه در حال خلق شدن است و چون دائماً در حال پیدایش است، نیازمندی آن به خداوند عینی‌تر و ملموس‌تر است. بنابراین فرضیه‌ی آنی بودن خلقت از نظر مطهری، اسلامی نیست (مطهری ۱۳۷۶، ج ۱۳: ۵۴). از نظر ایشان، حتی اگر از نظر علمی قطعی باشد که انسان اجداد حیوانی داشته است، این امر با ظواهر دینی قابل تأویل است. از این‌رو برای قابل جمع ساختن دیدگاه قرآنی و فرضیه‌ی تکامل تدریجی، سعی وافری به‌عمل می‌آورد. در این راستا، شهید مطهری غرض از داستان آفرینش آدم در قرآن را، برخی تعالیم اخلاقی و تربیتی می‌داند، نه بیان نحوه‌ی خلقت انسان. او تصریح می‌کند که داستان آدم در قرآن سمبلیک است (مطهری، ۱۳۵۶: ۱۱۹). از نظر شهید مطهری نه‌تنها نظریه تکامل ضد الهی نیست بلکه با اصل تکامل بهتر می‌توان دخالت قوه‌ای مدبر و هادی و راهنما را در وجود موجودات زنده و هدفمندی جهان اثبات کرد و علت این که در غرب، عده‌ای این اصل را ضد الهی و الحادی تلقی کردند، ضعف دستگاه‌های فلسفی آن‌ها عنوان کرده است (مطهری، ۱۳۵۶: ۱۲۴). ایشان صراحتاً می‌گوید که دلالت اصلی تکامل بر وجود متصرف غیبی در کار جهان از هیچ اصلی کمتر نیست و قرآن



معتقدند چون مخالف ظاهر آیات کتاب مقدس است پس باید آن را رد کرد اما برخی از موافقین به دلیل اینکه کتاب مقدس را الهی نمی‌دانستند در تقابل با علم (فرضیه داروین)، علم را انتخاب می‌کردند و گروهی دیگر موافقین نیز آن را به صورت تمثیل گونه بر کتاب مقدس حمل می‌کردند.

در میان علمای مسلمان نیز این دو دستگی وجود داشت گروه مخالف معتقدند مخالف داستان خلقت حضرت آدم در قرآن است و همچنین فرضیه داروین هنوز به قطعیت نرسیده است؛ اما در مقابل موافقین معتقدند که هدف از ذکر داستان حضرت آدم بیان برخی تعالیم اخلاقی و تربیتی می‌داند، نه بیان نحوه خلقت انسان و همچنین گویند بعضی آیات قرآن، تدریجی بودن آفرینش انسان را نتیجه می‌گیرد و اینکه قرآن هیچ‌گونه صراحتی ندارد که همه نژادهای بشر از یک فرد به وجود آمده باشند.

نزول آن تدریس نجوم و شیمی و طب و دیگر علوم تجربی نیست (سید قطب، ۱۴۱۲ ق: ۳/ ۱۲۶۵). از نظر وی قرآن جز در موارد نادر، متعرض حقایق علمی نشده است و آنجا که آیاتی را مطرح می‌کند، اهدافی کلامی دارد نه علمی (نک: سید قطب، ۱۴۱۲ ق: ۱/ ۱۵۳، ۱۸۳، ۳۰۰؛ ۴/ ۲۱۴۳، ۲۳۷۶، ۲۴۵۹؛ ۵/ ۲۸۰۹).

نتیجه‌گیری

این مقاله با هدف مقایسه فرضیه تکامل با آموزه‌های قرآن کریم به نتایج زیر دست یافت؛ با توجه به ظاهر آیات قرآن کریم که بیان می‌کند آغازین خلقت انسان دفعی بوده است مخالف فرضیه داروین است که به بیان سیر تدریجی به تکاملی خلقت پرداخته است

با بررسی نظرات علمای دینی غربی آنها در برخورد با نظریه تکامل به دو دسته تقسیم می‌شوند که حاکی از نوع نگاه آنها به آیات کتاب مقدس هست گروه مخالف فرضیه داروین،

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام‌پور.
۲. ترجمه کتاب مقدس، (۲۰۰۲م)، انگلستان، انتشارات ایلام، چاپ سوم.
۳. باربور، ایان (۱۳۶۲ ش): «علم و دین»، ترجمه: بهاء‌الدین خرمشاهی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
۴. ارانی، تقی (۱۳۱۸ ش): «عرفان و اصول مادی»، تهران: آبان.
۵. ارسطو (۱۳۷۷ ش): «متافیزیک»، ترجمه: شرف‌الدین خراسانی، تهران: حکمت.
۶. پیرمرادی، محمدجواد (۱۳۷۴ ش): «بررسی تأثیرات منفی نظریه تکامل داروین بر انسان‌شناسی در غرب»، مجله مصباح، سال ۴، ش ۱۵ (پاییز): ص ۱۷-۳۲.
۷. داروین، چارلز (۱۳۶۳ ش): «بنیاد انواع»، ترجمه نورالدین فرهیخته، ارومیه: انزلی.
۸. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶ ش): «تفسیر المیزان»، ترجمه: مکارم شیرازی و محمدحسین موسوی همدانی، ق: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. مشکینی، علی (بی تا): «تکامل در قرآن»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۶۷ ش): «معارف قرآن»، قم: موسسه در راه حق.
۱۱. مطهری، مرتضی (۱۳۵۶ ش): «علل گرایش به مادیگری»، تهران: صدرا.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶ ش): «مجموعه آثار»، تهران: صدرا.
۱۳. مطهری، مرتضی (۱۳۶۹ ش): «مقالات فلسفی»، تهران: حکمت.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۶۴ ش): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. داروین، چارلز (۱۹۷۱ م): «اصل انواع به وسیله انتخاب طبیعی: تبار انسان و انتخاب در رابطه با جنس»، شیکاگو.



۱۶. عبودیت، عبد الرسول (۱۳۸۴ ش): «درآمدی بر فلسفه اسلامی»، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
۱۷. رشیدرضا، محمد (بی تا): «المنار، التفسیر للقرآن الکریم»، بیروت: دارالمعرفه.
۱۸. سیدقطب، (۱۴۱۲ ق): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دارالشروق.
19. Abbott, L. (1897). *The Theology of an Evolutionist*. Boston: Houghton Mifflin Co.
20. Darwin, C. (1874). *The Descent of Man*. New York: T.Y. Crowel and Co.
21. Darwin, F. (1887). *Life and Letters of Charles Darwin*. New York: D. Appleton and Co. Vol 1.
22. Eugenie. Carol.Scott, "Evolution versus creationism" United States of America: Greenwood Press 2004.
23. Fathergill, P.G. (1961). *Evolution and Christians*. London: Longmans Green and Co.
24. Greene, J.C. (1961). *Darwin and the Modern World View*. Baton Rouge: Louisiana State University Press. Mentor PB.
25. Hodge, C. (1872). *Systematic Theology*. New York: Scribner, Armstrong and Co.
26. Huxley, J. (1927). *Religion Without Revelation*. New York: Harper and Brothers, Mentor PB.
27. Huxley, T.H. (1896). *Evolution and Ethics*. New York: D. Appleton and Co.
28. Kennedy, G., ed. (1907). *Evolution and Religion*. Boston: D.C. Heath and Co. + Henry ward Peecher. The Two Revolutions Included in.
29. Pius XII, *Humani Generis*, Trans. R.A. Knox (1950), Paragraph 36.
30. Ritschl, A. (1902). *The Christian Doctrine of Justification and Reconciliation*, Edinburgh: T & T. Clark.
31. Simberloff, D. et al. Impacts of biological invasions: what's what and the way forward. *Trends Ecol. Evol.* 28, 58–66 (2013).
32. Walter, O. (1960). *Darwin's Vision and Christian Perspective*. New York: The Macmillan Company.

عوارض آلودگی صوتی از منظر دین و علم فیزیک

کبری بهار^۱، زهرا محمدی^۲

۱- طلبه سطح ۳، مرکز تخصصی ریحانه الرسول صلی الله علیه و آله (نویسنده مسئول: kobra bahari1365@yahoo.com)

۲- طبقه سطح ۳، مرکز تخصصی ریحانه الرسول صلی الله علیه و آله

چکیده

محیط زیست از مجموعه‌ای موجودات تشکیل شده که استمرار حیات آنها وابسته به هم است اما موارد بسیاری وجود دارد که سبب آسیب و اختلال در آن می‌شود که یکی از آنها آلودگی صوتی است. آلودگی صوتی عوارض بسیاری دارد که نه تنها انسان بلکه حیوانات را نیز درگیر می‌کند. دین اسلام به‌عنوان یک دین کامل بیشترین توجه را به محیط زیست دارد و با توجه به گستردگی آن و افزایش آن در طول این سال‌ها علم نیز به آن پرداخته تا بتواند از آسیب آن کم کند. نتایج این پژوهش به‌روشنی توصیفی-تحلیلی است که براساس آن نشان می‌دهد عوارض آن بر انسان‌ها سبب اختلالات شنوایی، استرس، فشارهای عصبی و روانی، اختلالات خواب و حتی با توجه به آیه قرآن سبب مرگ می‌شود. در حیوانات اثر مخرب صدا در طول عمر، تولیدمثل و سیستم ایمنی و عصبی آنها تأثیر منفی می‌گذارد. کنترل صوت در قرآن هم آمده است. راهکارهای کاهش آلودگی صوتی به‌صورت اخلاقی، طراحی بافت‌های شهری، مکان‌یابی و انتخاب محل مناسب برای فعالیت‌های مختلف و ایجاد موانع فیزیکی و پوشش گیاهی می‌باشد.

کلیدواژه: آلودگی صوتی، دین، علم فیزیک، محیط زیست

۱- مقدمه

هر آنچه که در جهان هستی وجود دارد آفریده خداوند حکیم و عادل است، تا هر موجودی به سهم خود از آن بهره‌بردار و در محیطی سالم با یکدیگر به حیات خود ادامه دهند. اما عوامل مختلفی می‌تواند به این محیط زیست آسیب وارد کند، که یکی از آنها آلودگی صوتی است. مردم به‌طور مختلف یا خودشان مستقیم یا با وسایلی مختلف سبب ایجاد صداهایی بلند و آزاردهنده می‌شوند. زیرا هرچه که ما می‌شنویم دارای انرژی است و اگر این انرژی بیش از حد معمول شنوایی باشد، سبب آسیب‌های مختلف می‌شود، زیرا برای هر موجودی مرز شنوایی خاصی وجود دارد. به‌همین سبب مشکلات بسیاری برای انسان‌ها و سایر موجودات و محیط اطراف آنها ایجاد می‌شود در منابع دینی و دانش‌های مختلف به

آن پرداخته شده است. از این‌رو، این پژوهش در صدد است موارد زیر را بررسی کند:

- ۱- از نظر دین آلودگی صوتی چه اثراتی دارد و راه‌های کنترل آن چگونه است؟
- ۲- از نظر علم فیزیک آلودگی صوتی چه اثراتی دارد و راه‌های کنترل آن چگونه است؟

استفاده صحیح از محیط زیست مهم است و آسیب به آن فقط بر گروه خاصی تأثیر منفی نمی‌گذارد، بلکه بر تمام موجودات و محیط پیرامون آنها اثر می‌گذارد و حتی برای آیندگان نیز باقی می‌ماند. آلودگی صوتی در عصر حاضر با توجه به افزایش جمعیت و زندگی‌های شهری و آپارتمان‌نشینی، وسایل نقلیه شخصی و عمومی و ... در حال بیشتر شدن است. مردم نیز چون در طول زندگی بسیار با آن مواجه هستند و عدم آگاهی از مضرات آن سبب ایجاد عادت برای آنها می‌شود. و همین مسأله بر اهمیت موضوع



از قاعده معینی پیروی نکرده و معمولاً به گوش انسان نامطبوعند (ملکوتیان، ۱۳۵۷: ۱۶). آلودگی صوتی: هر نوع صدایی که انسان تمایل به شنیدن آن نداشته باشد و به گونه‌ای نسبت به آن احساس آزرده‌گی کند یا سبب ایجاد آسیب و اختلال اعصاب شنوایی شود، در حکم آلودگی صوتی شناخته و تعریف می‌شود (فرشیدفر و اولیازاده، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

۲- اثرات آلودگی صوتی و راه‌های کنترل آن از منظر دین

۲-۱- کنترل صوت در قرآن
اسلام مردم را به نرمی و اعتدال و آرامش در همه امور زندگی دعوت می‌کند. ایجاد آلودگی صوتی به‌طور کلی، با فرهنگ و ادب اسلامی منافات دارد. آیات و احادیث فراوانی دلالت دارند بر اینکه پسندیده است، فرد مسلمان در همه امور زندگی رفتارهای توأم با آرامش و سکینه و وقار داشته و با صدایی در حد متوسط یا پایین سخن بگوید. در قرآن در سه مورد سخن از انضباط صوتی در سخن گفتن به‌میان آمده است. در سوره حجرات آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید صدای خود را بالاتر از صدای پیامبر صلی‌الله علیه و آله نبرید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و او را بلند صدا نزنید) آن‌گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا می‌کنند، مبدا اعمال شما نابود گردد، در حالی که نمی‌دانید» (حجرات/۲). گرچه بلندکردن صدا در مقابل پیامبر بی‌ادبی به پیامبر صلی‌الله علیه و آله است که به‌خاطر مقام والای آن حضرت، سبب حیط اعمال می‌شود، ولی قرآن به ما سفارش کرده که نسبت به همه‌ی مردم ادب را رعایت کنیم و آرام سخن بگوییم.

می‌افزاید و لازم می‌دارد که بیشتر به آن پرداخته شود و تحقیق بیشتری صورت گیرد. غلامپور و شکاری در آلودگی صوتی ناشی از تجهیزات نظامی در محیط زیست دریافتند که ادوات نظامی که دارای صدای بلندی هستند چه از نظر بقا و چه از نظر کیفیت، زندگی انسان و حیات‌وحش را تهدید می‌کند و باید کاری کنیم تا جایی که امکان دارد با وجود این لوازم نظامی زندگی طبیعی به‌هم نخورد (غلامپور و شکاری/ ۱۳۸۷). محمدی و اذائی در نگرش و اهمیت اسلام به محیط زیست به این موضوع رسیدند که تعالیم اسلامی از جهات گوناگون به طبیعت و عناصر آن پرداخته، و فواید آن را بیان کرده است (محمدی و اذائی/ ۱۳۹۶). محمد زاده قوشچی در آلودگی صوتی و روش‌های کنترل آن با بهره‌گیری از دانش برنامه‌ریزی فیزیکی، راه‌کارهایی برای کنترل آلودگی صوتی را در چند قسمت بیان کرده است (محمدزاده و قوشچی/ ۱۳۷۵). این پژوهش در صدد است به بررسی نظر دین و علم فیزیک نسبت به آلودگی صوتی و عوارض آن و روش‌های کنترل آن بپردازد.

مفهوم‌شناسی

محیط زیست یک هدیه الهی است که از مجموع منابع، موجودات، علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات منوط و وابسته به آن است تشکیل می‌شود (کردوانی، ۱۳۷۵: ۶). اصوات را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود: ۱- اصواتی که ساده یا ترکیب معینی از صوت‌های ساده‌اند و معمولاً به گوش انسان ناخوشایند هستند. ۲- اصواتی که ترکیب نامعین و بی‌نظمی از صوت‌های ساده‌اند و دارای ارتعاشاتی هستند که

۱- یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ.



این واژه در قرآن، هم در مورد کوتاه کردن صدا به کار رفته و هم در مورد کوتاه کردن نگاه، آهسته سخن گفتن، نشانه ادب، تواضع، وقار و آرامش انسان (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۶۴). در سوره لقمان ایشان در نصیحتی به پسرشان می‌فرمایند: (پسرم!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن. از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها، صدای خران است^۲ (لقمان/ ۱۹). این آیه ۲ مطلب دارد: ۱- صدای خود را کوتاه کنیم، از فریاد بیهوده بپرهیزیم و بیانی نرم و آرام داشته باشیم. ۲- فریاد کشیدن و

کسانی را که ستم کرده بودند، صحه (مرگبار آسمانی) فرو گرفت. و بامدادان در خانه‌هایشان به‌روی افتاده و مرده بودند^۳ (هود/۶۷). در آیات قرآن می‌خوانیم که چند قوم گهنگار به‌وسیله صیحه آسمانی مجازات شدند، یکی قوم ثمود بودند و دیگری قوم لوط، و دیگری قوم شعیب. از آیات دیگر قرآن در مورد قوم ثمود استفاده می‌شود که مجازات آنها به‌وسیله صاعقه بود و این نشان می‌دهد که منظور از صیحه صدای وحشتناک صاعقه می‌تواند جمعیتی را نابود کند؟ جواب این سوال مسلماً مثبت است، زیرا امواج صوتی از حد معینی که بگذرد می‌تواند شیشه‌ها را بشکند، حتی بعضی از عمارت‌ها را ویران کند و ارگانسیم درون بدن انسان را از کار بیاندازد. این را شنیده‌ایم به هنگامی که هواپیما دیوار صوتی را می‌شکند، افرادی بیهوش به‌روی زمین می‌افتند و یا زنانی سقط جنین می‌کنند و یا تمام شیشه‌های عمارت‌هایی که در آن منطقه دارند

مسأله صدای بلند و آلودگی صوتی، امروزه یکی از مشکلات جامعه بشری است که گاهی به اسم عروسی، گاهی به اسم عزا، گاهی در مسجد و گاهی در کوچه و خیابان و زمین ورزش، آرامش را از مردم سلب می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۵۹). خداوند در ادامه آیه بعد می‌فرماید: به یقین کسانی که صدای خود را نزد پیامبر خدا پایین می‌آورند، همان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده و برای آنان آرزو و پاداش عظیمی است^۱ (حجرات/ ۳). غض به‌معنای پایین آوردن و کوتاه کردن است. بلند

کردن صدا، امری ناپسند و نکوهیده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۷۱). در نصیحت لقمان صدای ناپهنجار به صدای الاغ تشبیه شده است که آقای مکارم در این مورد می‌فرماید: آنچه به‌راستی از صداها معمولی که انسان می‌شنود از همه زشت‌تر است همان صدای الاغ می‌باشد که نعره‌ها و فریادهای مغروران و ابلهان به آن تشبیه شده است. نه تنها زشتی از نظر بلندی صدا و طرز آن، بلکه گاه به‌جهت بی‌دلیل بودن چراکه به‌گفته بعضی از مفسران، صدای حیوانات دیگر غالباً به‌واسطه نیاز است، اما این حیوان گاهی بی‌جهت و بدون هیچ‌گونه نیاز و بی‌هیچ مقدمه فریاد را وقت و بی‌وقت سر می‌دهد! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۵۶).

اثرات آلودگی صوتی

۲-۲- اختلال کشنده و مرگ

در قرآن کریم آمده در موارد آلودگی صوتی می‌تواند منجر به مرگ و هلاکت گردد: «و

۲- وَ أَفْصِدُ فِي مَسَلِكٍ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ.

۳- وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَارِهِمْ جَاثِمِينَ.

۱- إِنَّ الَّذِينَ يُغْضُونَ أَسْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَيْكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَى لَهُمْ وَ أَجْرٌ عَظِيمٌ.



حوزه‌های مختلف زندگی اعم از فردی و اجتماعی تحت کنترل قرار می‌دهد (خسرو شاهی، ۱۳۹۳: ۳۹). بنابراین همین حس مسئولین به انسان کمک می‌کند تا در اعتدال صدا هم در صحبت کردن و هم در فعالیت‌های روزمره زندگی مراعات کنند.

پرهیز از ظلم

براساس قاعده عدالت، باید در رفتار خود با محیط زیست طوری رفتار کنیم که موجب ظلم و تعدی به انسان‌های دیگر نشود و شکی نیست که آلودگی صوتی از مصادیق بارز ظلم و آزار دیگران به‌شمار می‌رود.

۲-۳-۲- آموزه‌های اجتماعی

دین اسلام یک مکتب اجتماعی است که بخش قابل توجهی از احکام و دستوراتی که در آن بیان شده است جنبه اجتماعی دارد و برای بهتر شدن شرایط مردم در جامعه، در مسأله آلودگی صوتی نیز یک‌سری راهکارهای اجتماعی وجود دارد که با انجام آن می‌توان در سطح جامعه امید به کنترل آن پیدا کنیم.

امر به معروف و نهی از منکر

از بیانات شارع استنباط می‌شود که بسیاری از اهداف اجتماعی لازم است در وهله اول، از طریق خود مردم صورت گیرد و ضمانت اجرای آن نیز خودشان باشند. تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر و یا نهاد لاجسبه و قرارداد آن در کنار نماز و روزه و به‌عنوان یکی از فروع دین، شاهد بر احتیاط مکتب بر این فرآیند است. نهادینه شدن امر به معروف و نهی از منکر بر تمام مسائل و از جمله، حفظ محیط زیست تأثیر زیادی دارد، زیرا عموم مردم خود را در آن سهیم خواهند دانست و انگیزه فراوانی برای انجام آن پیدا خواهند کرد و نوعی نظارت عمومی بر چگونگی استفاده از منابع و حفظ محیط فراهم

می‌شکند. طبیعی است اگر شدت امواج از این‌هم بیشتر شود به‌آسانی ممکن است اختلالات کشنده‌ای در اعصاب و رگ‌های مغزی و حرکات قلب تولید کند و سبب مرگ انسان‌ها شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۹: ۱۶۴-۱۶۵).

۲-۳-۲- راه کارهای حفاظت از محیط زیست در اسلام

بحران محیط‌زیست در جهان امروز در حقیقت، بحران اخلاقی است که به تعهد و بی‌تعهدی و مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌ناشناسی باز می‌گردد. از این‌رو خروج از این بحران نخست راه‌حل اخلاقی می‌طلبد، یعنی بشر نیازمند اصول اخلاقی است که تنظیم‌کننده نحوه دخالت در محیط زیست است. چگونگی تعهد انسان به اخلاق و ارتباط او با طبیعت با این نگرش است که، مالک و خالق یگانه طبیعت و مخلوقات خداست چون انسان معترض‌ترین مخلوق اوست، و خدا او را خلیفه خود بر روی زمین قرار داد. آموزه‌های الهی در این زمینه، به‌طور معمول دوگونه هستند. دسته‌ای به‌عنوان رهنمودهای اخلاقی و به‌منظور حرکت به‌سوی جامعه مطلوب خداوند، با نگاه فردی و دسته‌ای دیگر با نگاه اجتماعی بیان شده است.

۲-۳-۱- آموزه‌های فردی تعلیم و تربیت

تأکید نخست اسلام بر تعلیم و تربیت افراد جامعه و ساختن انسان‌هایی است که به‌لحاظ اعتقادی، روانی و رفتاری تعادل داشته باشند و از هرگونه گمراهی و اختلال روانی و رفتاری دور باشند. انسان‌هایی که با اعتقاد راسخ به مبدأ هستی خود را در برابر او مسئول می‌دانند و معاد را می‌عادگاه پاسخگویی در برابر این مسئولیت و رسیدن به نتایج عملکرد خود می‌شمرند و این اعتقاد، آنان را به حرکت در مسیری که خداوند برای آنان ترسیم کرده است، برمی‌انگیزد و رفتار آنان را در



ایجاد می‌نماید. بر این اساس، آموزش زیست محیطی بایستی انسان را متوجه مقام خلیفه‌اللهی نموده و از طریق پرورش صفات الهی که به‌طور بالقوه در فطرت الهی انسان قرار داده شده است آنها را فعلیت بخشیده و به‌عبارت دیگر، با استعانت از مایه‌های فطری انسان، بایستی او را برای احراز این مقام آماده کند (اصغری لضمجانی، ۱۳۷۸: ۱۵۳). در این صورت حفاظت از محیط زیست و عدم آلودگی صوتی به‌صورت یک فرهنگ عمومی درمی‌آید که همگان در رعایت آن تلاش می‌کنند.

پوشش گیاهی

جنگل‌ها و مراتع به‌عنوان بخش عمده‌ای از انفال به‌حساب می‌آیند که به‌عنوان ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت عدل اسلامی قرار می‌گیرد و باید به نفع مردم استفاده گردد. به‌علاوه جنگل‌ها و مراتع به‌عنوان یکی از مواهب بزرگ الهی بستر حیات مادی، اجتماعی و اقتصادی، میراث نسل‌ها، عامل نگهدارنده تعادل اکولوژیک، پشتوانه کشاورزی و به‌عنوان محور توسعه‌اند، که جایگاه واقعی خود را در برنامه‌ریزی و مدیریت هر جامعه‌ای پیدا نموده و حفظ شود. تخریب جنگل‌ها و مراتع موجب بهم‌خوردن تعادل جریان‌ات آبی و فرسایش خاک شده و درنهایت موجب بهم‌خوردن تعادل محیط زیستی خواهد بود (همان: ۱۷۶). پوشش گیاه، جنگل‌ها و مراتع نقش مهمی در کاهش آلودگی صوتی دارند و بسته به نوع آن و انبوه و تراکم و نوع برگ‌های آنها با همدیگر فرق دارند و نقش مهمی در زیبایی شهر هم ایفا می‌کنند. در سنت اسلام روایات بسیاری در مورد درختان و جنگل‌ها آمده است: مانند: امام علی علیه‌السلام می‌فرماید: از جمله عوامل افزایش طول عمر عبارت است از: پرهیز از مردم‌آزاری و قطع و نابود ساختن درختان سرسبز (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۶:

خواهد آورد. ناگفته نماند گرچه امر به معروف و نهی از منکر از واجبات محسوب می‌شود، ولی تشویق به انجام این واجب و به‌ویژه فرهنگ‌سازی آن را می‌توان از موارد اخلاقی به‌شمار آورد. علاوه بر آن، در برخی از واجبات، که ضمانت اجرایی حکومتی در آنها وجود ندارد و انجامشان بستگی به ایمان افراد و زمینه‌های درونی آنان دارد، می‌توان تشویق به انجام آنها را از مسائل اخلاقی دانست، هرچند فقه هم از جنبه دیگر در آنها وارد شده است (فراهانی‌فرد، فراهانی‌فرد، ۱۳۹۲: ۱۶۵-۱۶۴). بنابراین وقتی مردم هم میان افراد خانواده و هم در اجتماع و در برخورد با یکدیگر زمانی که مواردی سبب سروصدای زیاد می‌شود به طرف مقابل که به آن توجهی ندارد با احترام تذکر بدهد و در صورت امکان راهکاری ارائه دهند، همین امر به‌تدریج موجب می‌شود تا مردم کم‌کم نسبت به آن آگاه و با حساسیت بیشتری رفتار کنند.

آموزش

آموزش، ابزار رشد و شکوفایی جسم و روان و شخصیت انسان است. آموزش از یک سو جزء حقوق فردی می‌باشد و از سوی دیگر جزء حقوق اجتماعی است. به‌عبارتی حق بر آموزش چند بعدی است. در جنبه اجتماعی بودن حق بر آموزش ایجاب می‌کند که دولت کنترل آموزش را در جامعه به‌عنوان امری عمومی بر عهده‌گیرد و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های لازم را در جهت ایجاد سازگاری بین انسان و محیط زیست را انجام دهد. تأکید دین مبین اسلام بر آموزش و سوادآموزی در تمام زمینه‌ها برکسی پوشیده نیست و براساس آن باید در نظر داشت آموزش زیست محیطی مدنظر اسلام به‌گونه‌ای است که تمام جنبه‌های انسان، محیط زیست و جهان هستی را در یک ارتباط هماهنگ و موزون در مسیر الهی موردتوجه قرار داده و بین آنها ارتباط



پاره» فرانسوی از ناشنوایی توپچی‌های ارتش فرانسه سخن گفته است. از همه جالب‌تر لقب کرها است که به ساکنان شهر کوچک ویل دیوله پوال در فرانسه داده شده که از قدیم مرکز دیگ‌سازی و همچنین ساختن زنگ‌های کلیسا در فرانسه بوده است و سکنه آن مثل کارگران یک کارخانه پرسروصدا همگی به ناشنوایی حاصل از سروصدای مربوط به آن شهر دچار بوده‌اند (قضایی، ۱۳۷۶: ۳۰۳). معمولاً گوش به صداهای یکنواخت و در حد متوسط معمول یک شهر شلوغ عادت می‌کند اما بعضی صداهای ناگهانی، غیرمترقبه، ناهنجار و گوش‌خراش هستند که برای عصب‌شنوایی در حکم صداهایی عادی نبوده، به آن آسیب رسانده، موجب ناشنوایی زودرس می‌گردند؛ مثلاً اتومبیلی که لوله آگزوز آن خراب است، صدای ترقه، ترمز ناگهانی، صدای بوق ماشین، موتور سیکلت، موزیک تند و ... (زرنفلند، ۱۳۷۶: ۳۳). شورت در این زمینه می‌نویسد: خیابان شلوغ یک شهر حداقل معادل ۸۰ الی ۹۰ دی سی بل آلودگی صوتی تولید می‌کند. سکونت در چنین خیابان‌هایی به مدت ۱۵ سال متوالی توان شنوایی فرد را به‌طور متوسط تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد (تولائی، ۱۳۷۳: ۱۱۴).

آثار روانی عصبی

آثار روانی سروصدا بر حسب شخص، موقعیت، زمان و حالات روانی شخص متفاوت بوده و به‌هیچ‌وجه قابل اندازه‌گیری نیست. ولی به‌طور کلی می‌توان گفت محیط پر سروصدا علاوه بر آن که موجب اختلال در مکالمه و تفهیم می‌شود باعث کاهش دقت فعالیت‌های مغزی و ناهماهنگی کارهای فکری می‌گردد. به‌علاوه دقت فراگیری کاسته شده و بر تعداد اشتباهات کارهای فکری افزوده می‌شود. در اثر صدای ناگهانی و بلند که موجب دلهره و ترس می‌گردد،

۳۱۹). امام صادق علیه‌السلام می‌فرمایند: درختان ثمردار را قطع نکنید، که عذاب سختی را در پی دارد (حر عاملی، بی تا، ج ۳، ۱۹۸). همچنین پیامبر اکرم صلی‌الله علیه و آله به رزمندگان توصیه کرده و می‌فرمود: از کشتن زنان و کودکان شیرخوار، پیران فرتوت و نیز از قطع درختان، به‌ویژه نخل و خرما سرزمین دشمن، خودداری کنید (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱: ۶۰). از رهنمودها و هشدارهای فوق می‌توان اولاً: اهمیت درختکاری و سبز نگهداری محیط زیست در نگرش اسلام را درک نمود. اهمیتی که متخصصان محیط زیست پس از قرن‌ها، به گوشه‌ای از آن پی‌برده و اظهار داشته‌اند. ثانیاً نکوهش از عمل کسانی که به تخریب باغ‌ها، مزارع و جنگل‌ها می‌پردازند را بدست آورد (شفیعی مازندرانی، ۱۳۷۶: ۷۱).

۳- اثرات آلودگی صوتی و راه‌های کنترل آن از منظر علم فیزیک

۳-۱- اثرات آلودگی صوتی

آلودگی صوتی از جمله آلودگی‌های عصر جدید و زندگی شهری معاصر می‌باشد که موجب آثار مضر در انسان‌ها و سایر موجودات می‌شود.

۳-۱-۱- انسان

آلودگی صوتی در انسان‌ها اثرات بسیاری دارد که گاهی برخی از آنها به‌مرور زمان آسیب آن بیشتر می‌شود و همین امر سبب می‌شود که گاه متوجه نباشیم که این علائم به‌سبب تأثیرات سر و صدای اطرافمان به‌وجود آمده است. در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

اختلالات شنوایی

اثر سروصدا روی گوش از زمان‌های قدیم شناخته شده، «رامازینی» دانشمند معروف ایتالیایی که پدر طب کار لقب گرفته، کری کارگران دیگ‌سازی را نوشته است و «آمبرواز



سی‌بل هستند، دچار این بیماری می‌شوند. به این صورت که انگشت آنها سبز رنگ و سپس سفید می‌شود که علائم بیماری وازواسپاتیک است که در نتیجه انقباض رگ‌ها و نارسایی جریان خونی عارض می‌شود که به بیماری انگشتان مرده یا رینال معروف است (غلامپور، شکاری، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

تأثیر به شرایط انجام کار

سروصدا در کارهای فکری بیش از فعالیت‌های فیزیکی بدن، ایجاد مزاحمت می‌کند. هنگامی که میزان سروصدا بیش از ۹۰ دسی‌بل باشد، کارها به ۳ شکل تغییر می‌کنند: ۱- بازده کار ثابت می‌ماند ولی اشتباهات بیشتری صورت می‌گیرد، به‌ویژه در کاری که نیاز به توجه بیشتری وجود دارد. ۲- در تشخیص زمان اختلال ایجاد می‌کند. ۳- حفظ حالت هوشیاری و آگاهی نیاز به کوشش بیشتری پیدا می‌کند. همچنین قدرت انسان برای پیگیری افکارش تقلیل می‌یابد، درک و حفظ اطلاعات به زمان بیشتری نیاز دارد، و برای جلوگیری از تداخل مسائل فکری، کوشش بیشتری لازم است (معینیان، ۱۳۹۸: ۱۲).
نوفه‌ای با سطح متوسط به‌گونه‌ای بارز زمان عکس‌العمل ساده را طولانی می‌کند، عملکرد افراد وقتی در معرض نوفه‌های ادواری اتفاقی قرار می‌گیرد، بدتر می‌شود (در این راستا نباید مسئله عادت نسبت به حضور نوفه را از نظر دور داشت) در حضور نوفه تعداد خطاهای عملکردی، به‌خصوص در فعالیت‌های متوالی و سری، زیاد می‌شود. گاه علی‌رغم عدم تغییر در سرعت انجام کار، صحت انجام آن کاهش می‌یابد (صفارزاده، ۱۳۸۲: ۶۱). سروصدا از شنیدن مکالمات یا آژیر اعلام خطر جلوگیری می‌کند و در این حالت مانند یک عایق صوتی است. نشنیدن یا اختلال در رسیدن پیام، ممکن است در میزان کارایی، اجرای دستورات کاری، درک علائم اضطراری و

فشار خون به‌ویژه فشار خون داخل جمجمه بالا رفته، ترشحات بزاق کم‌شده و دهان خشک می‌شود. ترشحات معده کم‌شده دچار انقباضات دردناکی می‌شود. همچنین حرکات دودی شکل روده‌ها نیز دچار رکود می‌گردد (عباسپور، ۱۳۷۷: ۶۸۳). در اروپای قرون وسطی از شیوه اعدام با زنگ اخبار (ناقوس) استفاده می‌شد، زیرا صدای یکنواخت زنگ موجب مرگ تدریجی محکوم می‌گردید (کرمخانی، ۱۳۷۵: ۵۶).

اختلالات خواب

محرومیت از خواب به‌نوبه خود در توانایی‌های شناختی سطح بالا، نظیر حافظه، زبان و مهارت‌های عددی و نیز کارهایی که همانند تصمیم‌گیری نیازمند توانایی‌های فکری و داوری‌اند، اختلال عمده‌ای ایجاد کند، همچنین محرومیت از خواب به اختلالات عاطفی نظیر افسردگی می‌انجامد. در تحقیقاتی که در دانشگاه کارولینای شمالی انجام شد، نحوه اثر نوفه موتور جت هواپیما بر خواب، مورد بررسی قرار گرفت. در شرایطی که افراد داوطلب، در آزمایشگاه خوابیده بودند، صدای هواپیما با بلندی ۸۰ دسی‌بل، در فواصل زمانی نامنظم، در طول یک دوره کلی ۹ ساعته و با زمان ارائه ۲۰ ثانیه، پخش می‌شد. مشخص شد که ریتم امواج مغزی پس از ایجاد سروصدا سریع‌تر می‌شود و حداقل تا ۵ دقیقه پس از قطع سروصدا به‌همان حالت باقی‌ماند، که خود نشان‌دهنده سبک‌تر شدن خواب است. صبح روز بعد از آزمایش، فعالیت و کارهای افرادی که در معرض نوفه بودند، ارزیابی شد. مشخص شد که عملکرد این افراد، به‌میزان قابل توجهی افت پیدا کرده است (یماتسو، ۱۳۷۸: ۴۶۸).

بیماری رینال یا انگشتان مرده

تحقیقات نشان می‌دهد که بعضی از افراد که دارای مشاغل با صدای بلند بالای ۱۲۵ دی



آلودگی صوتی است و آسایش آنها را برهم می‌زند، دور می‌شوند. پرندگان بیشترین واکنش را به آلودگی صوتی نشان می‌دهند. در یک تحقیق، یک هواپیما به مدت ۳ ثانیه بالای سر ۹۶ پرونده با صدای 2KHZ پرواز می‌کند و فقط ۳ پرنده در این ۳ ثانیه منحرف نشدند، و این نشان می‌دهد که پرندگان نیز از آلودگی صوتی بیزارند. با محاسبات انجام شده، مشخص گردید که بیش از ۹۶ درصد از حیوانات به خصوص پرندگان، از آلودگی صوتی گریزانند و مهاجرت می‌کنند (کرمخانی، ۱۳۷۵: ۵۶).

۲-۳- راه‌های کنترل آلودگی صوتی از منظر علم فیزیک

روش‌هایی که سبب کنترل سروصدا توسط برنامه‌ریزی و علم فیزیک می‌شود به روش‌های زیر مطرح می‌شود: طراحی بافت، اینکه بافت شهری باز یا بسته، خودجوش یا شطرنجی، خوشه‌ای یا خطی و یا هر نوع دیگر باشد، هر یک ترافیک خاص خود را داشته و پیامد آن در شدت و ضعف آلودگی محیطی و از جمله آلودگی صوتی منعکس می‌گردد. اگر برنامه‌ریزی‌ها و طراحی‌های شهری و بویژه آموزش نظام دانشگاهی نظری افکنده شود ملاحظه می‌گردد که بعد از جنگ جهانی دوم طبقه‌بندی عملکردی، راه‌های شهری که اصطلاحاً طبقه‌بندی متعارف نامیده می‌شود با تکیه بر دو اصل جابه‌جا کردن وسائل نقلیه موتوری و فراهم‌ساختن دسترسی به کاربری اراضی در ساختار خوشه‌ای تجلی یافته است؛ در حالیکه بر اساس مطالعات اخیر، بکارگیری این ساختار در محیط‌های شهری به دلیل توجه انحصاری به حرکت وسائل نقلیه موتوری که در نهایت منجر به توسعه مکان‌های کم تراکم از نظر مسکونی و خیابان‌های عریض گشته مورد تأمل قرار گرفته

روابط بین افراد اثر سوء داشته باشد (ورنیه، ۱۳۷۳: ۶۶).

۳-۱-۲- حیوان

اثر مخرب صدا در بقای حیوانات، طول عمر، تولیدمثل، سیستم ایمنی و عصبی بدن تأثیر منفی دارد. در آزمایش روی موش نتایج زیر حاصل شده است که البته روی انسان نیز مشابه است: ۱- موش‌های آزمایشگاهی که در معرض صدای شدید قرار می‌گیرند، به بیماری‌های ویروسی حساس‌تر می‌گردند. ۲- صدای فوق‌العاده شدید در فعالیت‌ها و عملکرد کبد حیوانات تغییر ایجاد می‌کند. ۳- صدای بلند بیش از ۱۵ دسی‌بل موجب فساد دندان‌ها می‌گردد. ۴- کلسترول و چربی خون نیز افزایش می‌یابد. میزان اسید اسکوربیک کاهش و مقدار گلبول‌های سفید تا ۵۰ درصد تقلیل می‌یابد. ۵- تغییر ضربان قلب و انقباض نایزک‌ها (غلامپور، شکاری، ۱۳۸۷: ۱۲۱). همچنین در گاو‌داری‌ها افزایش صدای دستگاه شیردوش، موجب کاهش میزان شیردهی گاو می‌شود. زیرا صدای زیاد، سیستم عصبی گاو را تحریک کرده و اثر آن به ماهیچه‌های تراوش‌کننده شیر از پستان گاو منتقل می‌گردد. همچنین در پرواربندها معمولاً افزایش میزان صداها باعث کاهش وزن پرواری می‌گردد، در مرغ‌داری‌ها نیز چنین وضعیتی پیش می‌آید. آلودگی صوتی بر سیستم تولید تخم‌مرغ اثر نهاده میزان تخم‌گذاری در مرغ‌ها را کاهش می‌دهد. غرش هواپیماهای جک به‌ویژه زمانی که دیواره صوتی را می‌شکند، باعث تلف شدن جوجه‌های پرندگان می‌شود. دانشمندان فرانسوی کشف کرده‌اند که غرش هواپیما موجب فقدان موقت حس در زنبورعسل شده، در نتیجه آن را از فعالیت باز می‌دارد. حیوانات به‌طور طبیعی از محلی که دارای



تأثیر سروصدا بر شرایط فیزیولوژیک انجام کار سروصدا در کارهای فکری بیش از فعالیت‌های فیزیکی بدن، ایجاد مزاحمت می‌کند. هنگامی که میزان سروصدا بیش از ۹۰ دسی بل باشد، کارها به ۳ شکل تغییر می‌کنند.

۱- بازده کار ثابت می‌ماند ولی اشتباهات بیشتری صورت می‌گیرد، به‌ویژه در کاری که نیاز به توجه بیشتری وجود دارد. ۲- در تشخیص زمان اختلال ایجاد می‌کند. ۳- حفظ حالت هوشیاری و آگاهی نیز به کوشش بیشتری پیدا می‌کند. همچنین قدرت انسان برای پیگیری افکارش تقلیل می‌یابد، درک و حفظ اطلاعات به زمان بیشتری نیاز دارد و برای جلوگیری از تداخل مسائل فکری، کوشش بیشتری لازم است (معینیان، ۱۳۹۸: ۱۲).

ایجاد مسیر ویژه عابرین پیاده

در بسیاری از مواقع، عامل مهم افزایش سروصدا در سطح شهر در نتیجه تلفیق و ترکیب صداها، رفت و برگشت وسایل نقلیه مسیر اصلی حتی دو مسیر مجاور هم بوده که این مسأله در تقاطع و گروه‌های اصلی شهر تشدید می‌گردد. به‌همین دلیل ایجاد مسیرهای ویژه عابرین پیاده و دوچرخه از جمله روش‌هایی است که می‌تواند از شدت نفوذ صدا به کاربری‌های کنار خیابان کاست. خیابان چهارباغ اصفهان هرچند که بدین‌منظور طراحی نشد، لیکن وجود مسیرهای پیاده‌رو در دو طرف سطح سواره‌رو و همچنین وجود مسیر پیاده و دوچرخه در بین مسیرهای رفت و برگشت سواره به‌همراه درخت و فضای سبز در حد فواصل هر یک نمونه موفق و قابل‌توجه در این‌خصوص می‌باشد. لازم به توضیح نخواهد بود که جداسازی مسیر پیاده و سواره از طریق فضای سبز علاوه‌بر کاهش انواع آلودگی‌های زیست محیطی شهرها و از آن میان آلودگی صوتی، عامل مهمی در رونق

است. در طبقه‌بندی پیشنهادی جدید نقش اجتماعی خیابان به‌عنوان یکی از دو رکن اساسی طبقه‌بندی در نظر گرفته می‌شود. در این طبقه‌بندی، ابتدا راه‌های شهری برحسب نقش اجتماعی آنها تعریف شده و بر این اساس به دو گروه شریانی و محلی تقسیم می‌گردند و در حقیقت وجه تمایز این دو سیستم دخالت و یا عدم دخالت نقش اجتماعی در آنهاست (زربونی، ۱۳۷۲: ۶۰-۳). از آنجائیکه در این ساختار، رعایت ضوابط کنترل دسترسی‌ها مشخص‌کننده نوع ساختار شبکه است، به‌روشنی پیداست که برعکس ساختمان سلسله مراتبی شبکه راه‌ها، تأکید بیشتر بر دسترسی‌ها از طریق پیاده‌روی، دوچرخه‌سواری و استفاده از وسایل نقلیه عمومی می‌باشد (محمدزاده قوشچی، ۱۳۷۵: ۱۰۵).

مکان‌یابی

از روش‌های مهم کنترل آلودگی صوتی، مکان‌یابی کاربری‌ها است و عبارتست از انتخاب محل مناسب برای عناصر، عملکردها، فعالیت‌ها و کلاً هر نوع کاربری اراضی شهری، آلودگی صوتی از نقطه مکان‌یابی به‌دو طریق قابل کنترل می‌باشد: مطلوبیت مکانی کاربردی: با توجه به شدت و ضعف حساسیت کاربری‌ها به سروصدا، مطلوبیت مکانی آنها نیز متفاوت خواهد بود. در این میان کاربری‌های اراضی همچون مراکز تجاری و ورزشی که وجود سروصدا تأثیر چندانی در عملکرد آنها ندارد، می‌توانند در نوار حاشیه خیابان و کاربری‌های حساس در درون بافت استقرار یابند. سازگاری یا همجواری کاربری‌ها: استقرار هر نوع کاربری دارای اثرات متفاوتی است. از دیدگاه زیست محیطی بهترین مکان استقرار برای یک کاربری، مکانی است که کمترین فشار بر محیط وارد آید و خود کاربری نیز کمترین آسیب را در نتیجه استقرار جدید متحمل گردد (همان: ۱۰۶).



صدا پیش می‌آورد. به‌عنوان نمونه تپه‌های پوشیده از درخت در کاهش صدا موثرتر از تپه‌های بی‌درخت یا دشت‌های پردرخت‌اند (مخدوم، ۱۳۸۶: ۶۱). گیاهان به‌طرق مختلف روی تقلیل صدا تأثیر می‌گذارند به این ترتیب که: ۱- گیاهان صدا را جذب می‌کنند. ارتعاش امواج صوتی به‌وسیله برگ‌ها و شاخه‌های درختان جذب می‌شود. عواملی نظیر نور، دیواره‌ی متخلخل، انعطاف‌پذیری، در جذب صدا موثر می‌باشند. شاخه‌ها اجازه می‌دهد که صداهاى ناهنجار بیشتر جذب شوند. ۲- گیاهان باعث انکسار انحراف صدا می‌شوند. شاخ و برگ درختان به‌دلیل قابلیت انعطاف، نرمش و صاف بودن، صدا را جذب می‌کنند. تنه‌ی درخت و شاخه‌های سنگین باعث انحراف صدا می‌شوند. همان‌طور که گفته شد پخش و شکستن صدا و جذب امواج صوتی به‌وسیله‌ی گیاهان کف جنگل باعث کاهش شدت صوتی می‌شود. جنگل‌ها می‌توانند صدایی با فرکانس ۱۰۰۰ سیکل در ثانیه را در هر صد فوت تا ۷ دسی‌بل کاهش دهند. انرژی صوتی با افزایش مسافت کاهش پیدا می‌کند. انرژی صوتی اندازه‌گیری شده در ۲۵ فوت وقتی در ۱۲۵ فوت دوباره اندازه‌گیری شد، ۱۴ دسی‌بل کاهش را به‌طور طبیعی به‌علت وجود فاصله نشان داد. به‌هرصورت اگر بین منبع صدا و گیرنده‌های صدا، صد فوت جنگل قرار گرفته باشد، میزان تقلیل صدا به ۲۱ دسی‌بل می‌رسد (مجنونیان، ۱۳۶۹: ۱۸۳). علاوه‌بر تأثیر گیاهان در کاهش واقعی شدت صوت، وجود آنها در کاهش احساس آلودگی صوتی موثر است. زمانی که مردم منبع اصلی صدا را نبینند نسبت به آن حساسیت پیدا می‌کنند. همچنین نقش درختان در کاهش سروصداى دریافتی به‌دلیل صدای خش‌خش برگ‌ها در مقابل باد می‌باشد. این صدا که برای انسان مطبوع و خوشایند است،

دوچرخه‌سواری و بویژه افزایش سفرهای پیاده و در عین حال جابجایی مردم به‌ویژه سالمندان و معلولین و کودکان خواهد بود (محمدزاده قوشچی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

ایجاد موانع فیزیکی و گیاهی

به‌طور کلی انتشار امواج صوتی در فضای آزاد بیش از فضاهایی است که موانعی اعم از طبیعی و مصنوعی در آن وجود دارد. با ایجاد سد و دیوار بین منبع صدا و گیرنده آن می‌توان سروصدا را کاهش داد. بدیهی است هرچه دیوار یا سد سنگین‌تر، ضخیم‌تر و متراکم‌تر باشد از انتقال سروصداى بیشتری جلوگیری می‌شود. وضعیت و طبیعت سطح زمین ساختمان‌ها و جاده‌ها نیز بر کیفیت صدا موثر است. با توجه به اینکه معمولاً صدا از ارتفاع نسبتاً کمی از سطح زمین به‌سوی ساختمان‌ها انتقال یابد، اگر زمین بین ساختمان‌ها و منبع تولید صدا در حالت طبیعی خود باشد، اثر آن از حالتی که صدا از سطحی صاف نظیر سح آسفالت بگذرد، کمتر است. برای محافظت موثر یک محل از نفوذ صدا، حصارها را باید نزدیک به جاده و یا نزدیک به محل موردنظر ایجاد کرد. بدیهی است که نباید هیچ‌گونه راه نفوذی برای عبور صدا از میان موانع وجود داشته باشد (همان: ۱۱۳-۱۱۴). پوشش گیاهی اعم از درختان، درختچه‌ها می‌توانند آلودگی صوتی را به‌میزان قابل ملاحظه بکاهند. اگرچه خود صدا ممکن است رشد گیاه را به‌مخاطره اندازد. کاهش رشدی در حدود ۴۱ درصد در مزرعه تنباکویی که در معرض صدای شدید قرار گرفته بود، دیده شده است. به‌هرحال کیفیت کاستن صدا در درختان و درختچه‌ها برحسب اندازه برگ، تراکم شاخ و برگ، گونه درخت و بلندی درخت فرق می‌کند. همچنین کاهش صدا برروی جنگل کمتر است تا در داخل جنگل که این خود، اثر پدیده توپوگرافی و یا شکل زمین را در کاهش



چگونگی فعالیت‌ها و مشاغل متناسب با هر مکان ارائه کرده است. در یک مورد هم دین و علم با هم بر آن تأکید دارند و آن هم مسأله پوشش گیاهی، درختان و جنگل‌ها هستند. روایات بسیاری در اهمیت آن و نهی از قطع درختان آمده است. علم نیز با بررسی‌هایی که انجام می‌دهد به تدریج به فواید بیشتری از آن دست می‌یابد.

نتیجه‌گیری

آلودگی صوتی سروصداهایی است ناخوشایند و آزاردهنده که انسان مایل به شنیدن آنها نیست، بنابراین باید در کارهای روزانه کنترل صوت خود را داشته باشیم. چنانچه در همین مورد آیاتی در قرآن آمده است عوارض صدای بلند تنها بر شنوایی نیست بلکه جنبه‌های روحی و روانی و جسمانی انسان‌ها و حتی حیوانات را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. و به تبع آن جامعه را هم دچار اختلال می‌کند، در حالی که انسان‌ها حق دارند در محیطی زندگی و کار کنند که سلامت آنها تهدید نشود. دین و علم یک سری راه‌کارهایی را در این زمینه بیان کرده‌اند که در صورت انجام آن می‌توان امید به کم‌شدن صداهای مزاحم داشت و با گسترش زندگی شهری ضرورت انجام آن را می‌رساند. با توجه به اهمیت محیط زیست، در آیات و روایات بسیاری در مورد آن سخن گفته شده است و از نظر اخلاقی سعی بر آموزش پذیرش مسئولیت و تعهد مسائل مختلف در زندگی بر انسان دارد. راهکارهای علمی نیز بیشتر جنبه عملیاتی دارند که با پیشرفت‌های علمی به‌روزتر می‌شود، و باید سعی شود با توجه به مکان شهرها و جمعیت آنها و فعالیت‌های صورت گرفته انجام شود تا موثرتر نتیجه را بدهد.

سروصداها مکانیکی ناشی از ترافیک و صنعت را تحت‌الشعاع خود قرار می‌دهد (هیگینز، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

مقایسه دیدگاه دین و علم پیرامون آلودگی صوتی

محیط زیست در اسلام دارای اهمیت بسیاری است و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. بدین جهت آموزه‌های آن در موارد مختلف زیست محیطی کاربرد دارد. در بیان عوارض آلودگی صوتی در قرآن کریم آمده که خداوند قوم‌هایی را به وسیله صداهای بلند عذاب و به هلاکت رسانیده است. در تفسیر آنها آمده که اگر صدا از یک حدودی بالاتر برود به سیستم‌های بدن از اعصاب و روان گرفته تا قلب و سایر اندام آسیب وارد می‌کند و در نهایت منجر به مرگ می‌شود. علم نیز همین مورد را تأیید می‌کند، زیرا در همین راستا تحقیقاتی صورت گرفته که نشان می‌دهد سروصدا می‌تواند موجب اختلال شنوایی و اختلال خواب، ناراحتی‌های روحی و روانی و حتی جسمانی در انسان و حیوانات و حتی موجب مرگ شود. در کنترل آلودگی صوتی در قرآن و سنت بیشتر به مباحث اخلاقی پرداخته تا بدین وسیله مردم با نزدیک شدن به خداوند و افزایش ایمانشان آگاه‌تر شوند و حس مسئولیت‌پذیری در آنها تقویت شود و خودشان در طول زندگی همیشه آن را مدنظر داشته باشند که چیزی که سبب آزار دیگران و آسیب به محیط زیست شود از آن دوری می‌کنند و به همدیگر هم در مواردی تذکر دهند، تا رعایت آن به صورت همگانی و اجتماعی شود. اما علم فیزیک با توجه به افزایش جمعیت‌ها و سروصداها ایجاد شده به‌سوی روش‌های تجربی و تحقیقاتی رفته است و راه‌کارهایی در زمینه نحوه شهرسازی یا راه‌کارهایی برای



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، تهران: عابد زاده
۲. اصغری لقمجانی (۱۳۷۸)، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، تهران: فرهنگ اسلامی
۳. تولائی، سیمین (۱۳۷۳)، شهر و پیامدهای زیست محیطی، «فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی»، ش ۳۳، صص ۱۰۰-۱۱۷.
۴. حرعاملی، محمدبن حسن (بی تا)، وسائل الشیعه الی عقیل مسائل الشریعه، بیروت، دارحیاء التراث العربی.
۵. خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۳)، مراحل سه گانه پیشگیری از جرم در آموزه های قرآن، قم و مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۶. زرسلند (۱۳۷۶)، آخرین مطالعات جهان پزشکی، ج ۵، تهران: همشهری .
۷. زریونی، محمد رضا (۱۳۷۳)، مشکل ترافیک عبوری شهرها، تبریز: دانشکده تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی.
۸. شفیع مازندرانی، محمد (۱۳۷۶)، تأثیر محیط زیست در انسان، بی جا: اسلامی.
۹. صفارزاده، محمود، رحیمی، فرزاد (۱۳۸۲)، آلودگی صوتی در سیستم های حمل و نقل، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
۱۰. عباسپور، مجید (۱۳۷۷)، مهندسی محیط زیست، ج ۲، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۱۱. غلامپور، مهدی، شکاری، لیلیا (۱۳۷۸)، آلودگی صوتی ناشی از تجهیزات نظامی در محیط زیست، «مدیریت نظامی»، ش ۳، صص ۱۱۵-۱۲۸
۱۲. فراهانی، فرد، سعید، فراهانی فرد، محمدعلی (۱۳۹۲)، محیط زیست و مبانی اخلاقی آن در اسلام، «مجله معرفت اقتصاد اسلامی»، ش ۸.
۱۳. فرشید، انوشیروان، اولیازاده، پوریا (۱۳۹۰)، آلودگی صوتی ناشی از پرواز هواپیما و آثار آن، «نشریه مهندسی مکانیک» ش ۷۶، صص ۱۶-۲۲.
۱۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، ج ۱۱، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۱۵. قضایی، صمد (۱۳۷۶)، بیماری ها و عوارض ناشی از کار، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.
۱۶. کردوانی، پرویز (۱۳۷۵)، اکوسیستم های طبیعی و عمومی، ج ۲، تهران: قومس.
۱۷. کرمانی، حسام (۱۳۷۵)، آلودگی محیط زیست و ارتعاشات، «فصلنامه محیط زیست»، ش ۴، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ق)، بحارالانوار الجامعه لدررالائمه الاطهار، بیروت: الوفاء.
۱۹. مخدوم، مجید (۱۳۶۸)، بررسی آلودگی صدا در شهر تهران، «مجله محیط شناسی»، ش ۱۵، صص: ۱۱۵-۱۲۸.
۲۰. مجنونیان، هنریک (۱۳۶۹)، درختان و محیط زیست، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
۲۱. محمدزاده قوشچی، رحمت (۱۳۷۵)، آلودگی صوتی و روش های کنترل آن با بهره گیری از دانش برنامه ریزی فیزیکی، صص ۹۹-۱۱۹.
۲۲. معینیان، نرمینه (۱۳۹۸)، بررسی جامعه شناختی آلودگی صوتی و کنترل سروصدا با گسترش فضای سبز شهری، «فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی»، ش ۴۴، صص ۱-۲۴.
۲۳. ملکوتیان، محمد (۱۳۵۷)، آلودگی صوتی، تهران: دانشگاه آزاد ایران.
۲۴. ورنیه، ژاک (۱۳۷۳)، محیط زیست چه می دانیم، ترجمه: صمدی، پریسا، تهران: فرهنگ اسلامی.
۲۵. هیگنیز، کاترین و همکاران (۱۳۸۱)، برنامه ریزی محیطی برای توسعه زمین، ترجمه: بحرینی، سید حسن و همکاران، تهران: دانشگاه تهران.

بررسی تطبیقی مشابهت‌های توحید و آفرینش در قرآن و عهدین

محمد صالح رضایی

کارشناسی ارشد، دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه (نویسنده مسئول: salehrezai@gmail.com)

چکیده:

ادیان الهی همگی از سرچشمه‌ای واحد نشأت گرفته و تعارضی با یکدیگر ندارند. قرآن کریم سه دین توحیدی اسلام، مسیحیت و یهودیت را مصدق یکدیگر معرفی می‌نماید و رسالت آنها را با صفاتی همچون نور، هدایت و موعظه قرین می‌داند. هرچند شریعت رسولان و انبیای الهی از نظر گستره‌ی ابلاغ و درجات آنها مختلف است لیکن تمامی آنها به منزله حقیقت و دینی واحد که همان اسلام به معنای تسلیم حق شدن است نمود پیدا می‌کنند. در این مقاله تلاش بر آن داریم که آیات مشابه در قرآن کریم و عهدین را در موضوعاتی گردآوریم تا بدین وسیله باعث همبستگی بیشتر گروندگان به ادیان توحیدی و عمل کنندگان به دستورات الهی را ایجاد نماییم.

کلید واژگان: قرآن کریم، عهدین، مشابهت، توحید، آفرینش

مقدمه

پس قرآن کریم این تورات و اناجیل را فی الجمله صددرصد قبول ندارد، همچنان که به وقوع تحریف، و دست‌خوردگی آن شهادت می‌دهد آیات ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ سوره‌ی مائده بیانگر این مطالب است. گرچه در منشأ نزول کتاب‌های آسمانی از آن جهت که خداوند منشأ صدور است اختلافی نیست اما در ماهیت نزول اختلاف وجود دارد از آن جهت که مسلمانان حروف و کلمات و آیات قرآن را همه از جانب خداوند و عیناً وحی الهی می‌دانند اما اهل کتاب (به استثنای شماری اندک از مسیحیان) بر این باور نیستند که کتاب مقدس عیناً لفظ خداوند و یا حتی گفتار مستقیم پیامبران باشد. برخی نیز با پیش‌فرض غیر وحیانی و غیر الهی بودن قرآن سعی بر آن دارند که مصدر قرآن را بشری، اقتباس شده از کتاب مقدس معرفی کنند از جمله‌ی اینان یوسف دره حداد است. در حالی که مشابهت‌ها به دلیل مصدر مشترک کتب مقدس است نه اقتباس از یکدیگر *إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ* این طریقه شما آیین یگانه (و پاک اسلام) است و من یکتا پروردگار و آفریننده شما

در صورت رجوع پیروان ادیان ابراهیمی به متن کتب مقدس (حتی با وجود تحریف در عهدین) با محوریت قرآن به عنوان آخرین کتاب مقدس می‌توان شاهد اتفاقات مهمی در سطح جوامع بین‌المللی برای وضع احکام حقوق بشری بود. قرآن در آیاتی نظر به وقوع تحریف در تورات و انجیل داده است، هرچند برخی این تحریفات را از جنبه معنوی یعنی تحریف در تفسیر و تأویل می‌دانند اما علامه طباطبائی (ره) با صراحت بیشتری به این موضوع نظر داشته و در تفسیر آیات ابتدایی سوره‌ی آل‌عمران چنین می‌فرمایند: تورات و انجیلی که آن‌روز در دست یهود و نصارا بوده همه‌اش تحریف شده نبوده بلکه پاره‌ای از مطالب آن همان تورات و انجیل واقعی بوده که بر موسی و عیسی نازل شده اما همه آنها آیاتی که از طرف خدا نازل شده باشد نبوده بلکه دستخوش سقط و تحریف شده است. این نیز مسلم است که تورات و انجیل زمان رسول خدا همین تورات و انجیل چهارگانه (مرقس، یوحنا، متی، لوقا) زمان ما بوده است.

هستم، پس تنها مرا پرستش کنید (انبیاء ۹۲). جایگاه قرآن در میان مسلمانان به‌عنوان قول فصل (سخن فیصله دهنده) است چراکه نخستین مرجع و منبع در اختلافات است (ر.ک. آیه ۵۹ نساء). حضرت امیر[×] مقصود از بازگرداندن اختلاف‌ها به خداوند را مراجعه به قرآن دانسته است.

عدم تحریف قرآن، تحریف‌الشیء: کج و مایل کردن چیزی از حالت خودش؛ مثل تحریف‌القلم: سرقلم را تراشید. تحریف‌الکلام: کلام را برمعنای احتمالی حمل کردن به گونه‌ای که امکان حمل کردن آن بر دو معنا وجود داشته باشد. هیچ‌کس به تحریف قرآن بدین صورت که قرآن از بین رفته، و بعداً دوباره نوشته شده باشد قائل نیست (همانند عهدین که همان تورات و انجیل نزول یافته به پیامبران الهی نیستند) بلکه برخی به جابجایی و کم یا زیاد شدن اعتقاد دارند که آن هم با دلایل فراوان رد می‌شود از جمله: ۱- قرآن هیچ زمانی مفقود نشده است. ۲- تحدی قرآن ۳- خاتمیت قرآن (که اگر این کتاب هم تحریف شده بود انسان‌ها در روز قیامت حجتی علیه خداوند برای گمراهیشان داشتند. اما بنابر آیات قرآن این حجت از ایشان گرفته شده است و قرآن به‌عنوان آخرین کتاب آسمانی تحریف شده نیست). {وَقَالَ الرَّسُولُ يَا رَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ مَهْجُورًا}. پیامبر (در روز قیامت از روی شکایت) می‌گوید: پروردگارا! قوم من این قرآن را رها کردند (فرقان ۳۰). در صورت تحریف جایی برای این شکوه وجود ندارد. {رُسُلًا مَّبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ لئَلَّامًا يَكُونُ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا}. پیامبرانی (را فرستادیم) که بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده بودند، تا پس از پیامبران، برای مردم بر خدا حجتی نباشد و خداوند همواره شکست‌ناپذیر و حکیم است (نساء ۱۶۵). ۴-

عرضه روایات بر قرآن ۵- نصوص اهل بیت \times ۶- اعجاز قرآن ۷- کتابت در زمان خود پیامبر انجام شده است و اگر تحریف و جعلی انجام می‌گرفت به صورت تواتر به ما می‌رسید ۸- جامعیت قرآن (همانند گذشته دارای جامعیت است) ۹- احادیث پناه بردن به قرآن در هنگام فتنه‌ها ۱۰- آیات قرآن (آیه ۹ سوره حجر و فصلت ۴۱ و ...) ۱۱- حدیث ثقلین و ... ۱۲- دعوت پیامبر جهانی است (آیات ۱ فرقان و ۱۰۷ انبیاء و ...).

مفاهیم

عهدین

کتاب مقدس که در زبان انگلیسی holy bible است به دو بخش عهد قدیم و عهد جدید تقسیم می‌شود. عهد قدیم the old testament و عهد جدید the new testament مجموعه‌ی هر دو را عهدین می‌نامند.

عهد قدیم

عهد قدیم که بخش اصلی از کتاب مقدس است در حقیقت توسط مسیحیت نام‌گذاری شده است از دیرزمان خداوند کلیسای مسیحیت با مردم پیمان قدیمی بسته است از دوران حضرت ابراهیم[×] و فرزندان او و قوم موسی[×] و پیامبران بنی‌اسرائیل، که بدین عهد، عهد قدیم گفته می‌شود و منظور از عهد جدید، پیمانی است که خداوند با ظهور حضرت مسیح[×] با بندگان بسته است. عهد قدیم (عتیق) مطابق نسخه‌ی عبری آن حدوداً ۳۹ کتاب است و مطابق نسخه یونانی آن ۴۶ کتاب می‌باشد. زبان عهد قدیم اکثراً عبری و اندکی هم کلدانی است. مهم‌ترین قسمت عهد قدیم تورات است که پنج جزء دارد که به آن سفر گفته می‌شود (اسفار). (سفر تکوین یا پیدایش - سفر خروج - سفر لاویان - سفر اعداد - سفر تثنیه). مهم‌ترین سفر از اسفار خمسه پیدایش یا تکوین است که حدوداً شامل ۵۰ سوره یا باب یا فصل است درباره‌ی خلقت

جهان و اولین انسان و اتفاقات مربوط به آن و ...

عهد جدید

بخش دوم کتاب مقدس عهد جدید است که مجموعه‌ای از ۲۷ کتاب و نامه و مکاشفه است. در قرن دوم میلادی کلیسا این ۲۷ کتاب را از کتاب‌ها و انجیل‌های فراوانی انتخاب کرد. مهم‌ترین قسمت عهد جدید انجیل اربعه است که عبارتند از: متی، مرقس، لوقا، و یوحنا. براساس ترتیب مطالب اناجیل به ۴ بخش مجزا تقسیم می‌شوند؛ ۱- زندگی‌نامه و گفتار حضرت مسیح * ۲- تبلیغات و مسافرت‌های مبلغان مسیحی برای تبلیغ مسیحیت ۳- نامه‌ها ۴- مکاشفات و روایاها و تقسیم‌بندی این اناجیل براساس نظام الهیاتی بدین‌گونه است که در سه انجیل متی، مرقس و لوقا حضرت عیسی * را پیامبری از پیامبران دانسته و جنبه‌ی فرا بشری ندارد، بشر خدا نیست و وی خدا نیست بلکه فرستاده خدا است که برای نجات انسان مأموریت یافته است. اما در انجیل یوحنا آمده است که عیسی * خدای متجسد و متجسم است، یعنی خود خداوند برای هدایت انسان به زمین هبوط کرده است.

اپوکریفا:

کاتولیک‌ها مجموعه کتاب‌های عهدین را ۷۳ و پروتستان‌ها آنها را ۶۶ کتاب می‌دانند. از بخش مورد اختلاف با عنوان اپوکریفا (به معنای مخفی و پوشیده) یا قانون ثانوی (به معنای اعتبار درجه دوم آن است) یاد می‌شود که شامل ۹ یا ۱۰ رساله ذیل است: طوبیت، یهودیت، استر (یونانی)، حکمت سلیمان نبی، حکمت یوشع بن سیراح، باروک، رساله ارمیا، دانیال نبی (یونانی)، کتاب اول مکابیان، کتاب دوم مکابیان، بر اساس همین اختلاف در نسخه‌هایی یهودی و پروتستان در عهد عتیق به جای ۴۶ کتاب فقط ۳۹ کتاب

یافت می‌شود. یهودیان این نوشته‌ها را غیر قانونی می‌دانند.

تعارضات در عهدین:

در عهد قدیم و جدید برخی تعاریف باهم تعارض دارند به عنوان نمونه، عدالت تورات عدالت چشم به جای چشم است و عدالت عهد جدید مقاومت نکردن در برابر شرور است بدین‌گونه که اگر به گونه‌ی راست شما سیلی زدند گونه‌ی چپ خویش را هم پیش آورید (ر.ک انجیل متی ۳۸ و ۳۹ و لوقا باب ۶ آیه ۲۹). در خود عهد جدید هم اختلافاتی دیده می‌شود از جمله در نسب یوسف نجار و صعود حضرت عیسی * به آسمان و ...

مشابهت در قرآن و عهدین:

با نظر به این مطالب که در جهان امروز تفکرات مادی و بشری جایگزین تفکرات الهی شده‌اند لزوم بازگشتن به کتب آسمانی و طلب هدایت از آنان بیش از گذشته باید مورد عنایت قرار گیرد، همچنان که در آیات قرآن به این مطلب اشاره شده است؛ **﴿قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾** بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم (۴۹ قصص). یکی از اقدامات این امر مهم استخراج مشابهت‌های کتب آسمانی است همانطور که قرآن کریم دعوت به اشتراکات می‌نماید. عهد قدیم: در حضور من خداوند تورا خدایان غیر نباشند. آنها را سجده ننموده ایشان را عبادت منما (سفر خروج باب ۲۰ آیات ۳ و ۵).

قرآن کریم:

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَىٰ كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَ لَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا



به‌صورت خود آفرید ... این در حالی است که می‌دانیم توحید ذاتی بدان معناست که ذات پاک خداوند هیچگونه شبیه و مانند مثل و نظیر ندارد (این آیه تورات با آیه ۱۱ سوره‌ی شورا لیس کمله‌ی شیء منافات دارد) برخی از مسیحیان نیز برای اثبات‌الاهیات تثلیثی خود دلایلی از عهد قدیم و ... ارائه می‌دهند از جمله اینکه واژه جمع‌الوهیم را در عهد قدیم نشانی برای تثلیث می‌دانند در حالی که این موضوع رد شده است چراکه این نوع جمع، جمع احترام است نه کثرت. تثلیث در مسیحیت: در مقابل توحید در اسلام، اعتقاد به تثلیث اساس آموزه‌های مسیحیت را تشکیل می‌دهد. واژه انگلیسی تثلیث trinity از واژه‌ی لاتینی trinitas مشتق شده و به‌معنای اعتقاد به خدایی یگانه است. خدای تشکیل شده از سه اقنوم و هر اقنوم به‌تنهایی خدایی قادر است. مسیحیان معتقد به توحید در عین تثلیث هستند. ولی باید دانست که پدر پسر نیست و پسر هم روح القدوس نیست پس جدایی از هم هستند. امام رضا به ابن قره مسیحی می‌فرمایند: درباره‌ی مسیح چه عقیده‌ای داری گفت: مولای من او را از خدا می‌دانم. فرمودند: منظورت از کلمه چیست؟ زیرا چهار معنی دارد که پنجمی برای آنها نیست. آیا منظورت از کلمه از مانند معنای (جز از کل) است که در نتیجه خداوند دارای اجزا می‌باشد؟ یا مانند (سرکه از شراب) است که مستلزم تغییر و دگرگونی در ذات الهی گردد؟ یا مانند فرزند از پدر است که از راه ازدواج باشد؟ یا مانند صنع و فعل صانع و فاعل را می‌گویی که همچون خالق و مخلوق باشد؟ یا وجه پنجمی دارد که به ما نشان دهی؟ قرآن کریم هم در رد تثلیث مسیحیت می‌فرماید: {يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَىٰ مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَ

فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ}. بگو: ای اهل کتاب، بیاید از آن کلمه حق که میان ما و شما یکسان است پیروی کنیم که به‌جز خدای یکتا را نپرستیم، و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به‌جای خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند بگویند: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم (آل عمران ۶۴).

بخش اول: توحید

توحید در اسلام

توحید مصدر از باب تفعیل است که ریشه آن (و ح د) بیانگر ایده یکتایی است و ارزش تقریری دارد و به‌معنای شهادت دادن بر وحدانیت خدا و ادای کلمه توحید است که تعبیر نسبتاً نوینی در تبیین‌الاهیات است. خدایی که در اسلام معرفی می‌شود به‌هیچ چیز و هیچ‌کس شبیه نیست (لَیْسَ كَمِثْلِهِ شَیْءٌ). (سوره شورا آیه ۱۱) و هیچ چشمی او را درک نمی‌کند و او همه را درک می‌کند (لَا تَدْرِكُهُ الْاَبْصَارُ ...) (سوره انعام ۱۰۳) خدای اسلام خدایی محدود و مجسم و خدایی اتحاد یافته با انسان نیست. توحید در یهودیت، حس‌گرایی یکی از مهمترین سرچشمه‌های گرایش به بت‌پرستی و خدایان محسوس در طول تاریخ بوده است. یکی از دلایل رسوخ شرک در میان بنی‌اسرائیل نیز همین حس‌گرایی بوده است. بنی‌اسرائیل در معرفت‌شناسی، بویژه در معرفت خدای سبحان بسیار قاصر و کاهل بودند، از این‌رو اکثر آنان نتوانستند در خداشناسی از حس و خیال فراتر روند. آنچه در تورات تحریف شده آمده و مهم‌تر از آن، آنچه از عقائد آنان در قرآن کریم نقل شده، مؤید این نکته است که تصویر آنان از خدای سبحان در حد موجودی است دارای قدرت محدود که می‌توان او را با چشم ظاهر دید و او را مجسم یافت. در آیه‌ی ۲۸ فصل تکوین می‌خوانیم: (پس خدا آدم را



در تثلیث می‌خوانیم کلمه (پسر) تبدیل به جسم شده، لازمه این مطالب تبدیل واجب‌الوجود ذاتی به ممکن‌الوجود ذاتی است، امری که استحاله آن، بدیهی است. علاوه بر دلائل ارائه شده فوق در خود اناجیل هم می‌توان به آیتی اشاره نمود که بیانگر عدم اتحاد مسیح و خداوند و عدم الوهیت عیسی باشد به‌عنوان نمونه: عیسی کسی غیر از خود را پرستش می‌کند (ر.ک. متی فصل ۲۶ آیه ۳۹). عیسی ناتوانی و عدم اختیار خویش را بیان می‌دارد (ر.ک. متی فصل ۲۷ آیه ۴۶ و یوحنا فصل ۵ آیه ۱۹). عیسی دانشی محدود داشت (ر.ک. مرقس فصل ۱۳ آیه ۳۲). با وجود همه اختلافات در باب توحید در قرآن و عهدین می‌توان آیات مشابهی را در این زمینه ارائه نمود که نشان از منشا واحد این کتب آسمانی دارد. آیات مشابه در باب توحید در قرآن و عهدین:

عهد قدیم:

ای اسرائیل استماع نما خداوند خدای ما خداوندی است واحد (سفر تثنیه. باب ۶ آیه ۴). من خداوندم و غیری نیست و سوای من نیست (اشعیاء باب ۴۵ آیه ۵). من خداوند، خدای تو هستم. در حضور من تو را خدایان غیر نباشند (بت‌ها و ... را) آنها را سجده نکن ایشان را عبادت نما (سفر خروج باب ۲۰ آیات ۲ و ۳ و ۵). و خدا به موسی گفت که من آن هستم که هستم (سفر خروج باب ۳ آیه ۱۴). خداوند خدای پدران شما خدای ابراهیم و خدای اسحاق و خدای یعقوب مرا به‌شما فرستاده است (سفر خروج باب ۳ آیه ۱۵).

عهد جدید:

و حیات ابدی این است که از تو که خدای واحد حقیقی و از عیسی مسیح که تو او را فرستاده‌ای واقف باشند (انجیل یوحنا باب ۱۷ آیه ۳). نکته قابل توجه اینکه حضرت عیسی خدا را خدای واحد حقیقی می‌خواند ... خدایی نیست جز یک خدا ... لیکن ما را یک خداست آن پدر که همه

رُسُلُهُ وَ لَا تَقُولُوا ثَلَاثَةً انْتَهُوا خَيْرًا لَكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهٌ وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَكُدُّ لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَ كَفَى بِاللَّهِ وَكِيلاً}. یا اهل کتاب، در دین خود اندازه نگه دارید، و درباره خدا جز به‌راستی سخن نگویید در حق مسیح عیسی بن مریم جز این نشاید گفت که او رسول خداست و کلمه الهی است که به مریم فرستاده و روحی از عالم الوهیت است پس به خدا و همه فرستادگانش ایمان آورید و به تثلیث قائل نشوید (اب و ابن و روح القدس را خدا نخوانید)، از این گفتار شرک باز ایستید که برای شما بهتر است، جز خدای یکتا خدایی نیست و منزّه و برتر از آن است که او را فرزندی باشد، هرچه در آسمان و زمین است همه ملک او است و خدا تنها به نگهبانی (همه موجودات) کافی است (نساء ۱۷۱). برخی از مسیحیان عقیده دارند که خداوند با حضرت عیسی × متحد شده است. در مقام پاسخ به ایشان باید به این نکات اشاره کرد که؛ اتحاد دو گونه است: ۱- اتحاد مجازی: یعنی چیزی از بین برود و تبدیل به چیز دیگری شود که مستلزم کون و فساد است. فساد معدوم شدن صورت خاصی از ماده و کون ایجاد شدن صورت جدیدی به جای آن است. و این در مورد خداوند به‌دلیل معدوم و حادث شدن محال است. ۲- اتحاد حقیقی: این نوع اتحاد نیز محال است چراکه اگر بعد از اتحاد دو موجود باشند اصلاً اتحادی شکل نگرفته است و اگر یک موجود باقی بماند باز هم به‌دلیل اینکه مخلوق از بین می‌رود اتحاد محال است و اگر دو چیز از بین بروند و موجودی ثالث غیر از آنها بوجود آید باز هم اتحادی صورت نگرفته است زیرا هر دو آنها از بین رفته‌اند و دیگر چیزی از آنها باقی نیست تا بگوییم با هم متحد شده‌اند. در منطق می‌خوانیم: واجب‌الوجود نمی‌تواند ممکن‌الوجود و ممکن‌الوجود هم نمی‌تواند واجب‌الوجود شود، اما



چیزها از اوست و بازگشت ما بسوی او است .. (نامه اول به اهل قرنتس باب ۸ آیات ۴ و ۶). مسیح به ابلیس گفت: آن خداوندی را که خدای توست پرستش کن و غیر او را عبادت مکن (انجیل متی باب ۴ آیه ۱۰).

قرآن کریم: {قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ}. بگو: حقیقت این است که خدا یکتاست (توحید ۱). {لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُولًا}. هرگز با خدای یکتا شرک و شریک میاور و گر نه به نکوهش و خذلان ابدی خواهی نشست (اسرا ۲۲). {إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي}. منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) بپرست و نماز را مخصوصاً برای یاد من به پادار (طه ۱۴). {إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ}. ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به‌سوی او رجوع خواهیم کرد (بقره ۱۵۶). {ذَلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ}. این است (وصف) پروردگار شما، که جز او هیچ خدایی نیست، آفریننده هر چیز است، پس او را پرستش کنید، و او نگهبان همه موجودات است (انعام ۱۰۲). {إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالتَّيِّبِينَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ وَآتَيْنَا دَاوُدَ زَبُورًا}. ما به تو وحی کردیم چنان‌که به نوح و پیغمبران بعد از او و همچنین به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (فرزندان یعقوب) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داود هم زبور عطا کردیم (نساء ۱۶۳). {وَأَتَّبَعْتَ مَلَائِكَةَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ}. و از آیین پدرانم ابراهیم (خلیل) و اسحاق و یعقوب (که دین توحید و خداپرستی

است) پیروی کردم، در آیین ما هرگز نباید چیزی را با خدا شریک گردانیم، این از فضل و عطای خداست بر ما و بر همه مردم لیکن اکثر مردمان شکر به جا نمی‌آورند (یوسف ۳۸). عهد قدیم: خداوند خدای ما در هر چیزی که او را استدعا نمائیم قریب است (سفر تثنیه باب ۴ آیه ۷). عهد قدیم: خداوند به تمامی استدعا کنندگانش یعنی تمامی کسانی که او را به‌صدق استدعا می‌نمایند قریب است (مزمیر باب ۱۴۵ آیه ۱۸). عهد جدید: (خداوند) از هیچ‌کدام از ما دور نیست زیرا که در وی می‌زیئیم و حرکت می‌نمائیم و موجودیم (اعمال حواریان باب ۱۷ آیات ۲۷ و ۲۸). قرآن کریم: {وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَليُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ}. و چون بندگان من (از دوری و نزدیکی) من از تو پرسند، (بدانند که) من به آنها نزدیکم، هرگاه کسی مرا خواند دعای او را اجابت کنم. پس باید دعوت مرا (و پیغمبران مرا) بپذیرند و به من بگردند، باشد که (به سعادت) راه یابند (بقره ۱۸۶). {إِن رَحِمْتَ اللَّهُ قَرِيبٌ مِنَ الْمُحْسِنِينَ} (اعراف ۵۶). که البته رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است. {إِن رَحِمَ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ} (هود ۶۱). که البته خدای من (به همه) نزدیک است و شنونده و اجابت کننده است. قرآن کریم: {وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ} (انفال ۲۴). و بدانید که خدا در میان شخص و قلب او حایل می‌شود (و از اسرار درونی همه آگاه است) و همه به‌سوی او محشور خواهید شد. قرآن کریم: {وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعَلِمُ مَا تُوَسَّوَسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ} (ق ۱۶). و ما انسان را خلق کرده‌ایم و از وسوس و اندیشه‌های نفس او کاملاً آگاهیم که ما از رگ گردن او به او نزدیک‌تریم. عهد قدیم: مراد ترسندگان خود را به‌جا می‌آورد و فریاد ایشان را استجابت نموده

نمی‌بویند. و ایشان را دست‌ها است و مسّ نمی‌نمایند و ایشان را پای‌ها است و رفتار نمی‌نمایند و در گلوی ایشان صدائی نیست.

قرآن کریم: {أَلْهَمْ أَرْجُلَ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَعْيُنٌ يَبْصُرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلْ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُونِ فَلَا تُنظَرُونَ} (اعراف ۱۹۵). آیا آن بتان را پایی است که راهی پیمایند یا دستی که از آستین قدرت بیرون آرند، یا چشم و گوشه که به آن ببینند و بشنوند؟ بگو: شریکان (باطل) خود را بخوانید و هر حیل که با من می‌توانید به کار برید بی‌آنکه هیچ مرا مهلت بدهید.

عهد قدیم: زیرا که او خدای حی و ابداً قیوم است و مملکتش فناپذیر نیست و سلطنتش تا به انجام برقرار است (دانیال باب ۶ آیه ۲۷).

عهد قدیم: خدای حی و پادشاه ابدی اوست (یرمیه باب ۱۰ آیه ۱۰).

قرآن کریم: {وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ كُلُّ شَيْءٍ هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ} (قصص ۸۸). و هرگز با خدای یکتا دیگری را به خدایی مخوان، که جز او هیچ خدایی نیست، هرچیزی جز ذات پاک الهی هالک الذّات و نابود است، فرمان با او و رجوع شما به سوی اوست. {اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ} (آل عمران ۲). خدای یکتاست که جز او خدایی نیست که زنده و پاینده ابدی است. **عهد قدیم:** آن من هستم و با من خدای دیگر نیست من می‌راننده و زنده‌کننده و زخم‌زننده و التیام‌دهنده (شفادهنده) که از دستم رهاننده‌ای نیست (تثنیه باب ۳۲ آیه ۳۹).

قرآن کریم: {رَبِّيَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ} (بقره ۲۵۸). خدای من آن است که زنده گرداند و بمیراند، {وَأِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ} (شعرا ۸۰). و چون بیمار شوم مرا شفا می‌دهد. {وَالَّذِي

ایشان را نجات خواهد داد (مزامیر باب ۱۴۵ آیه ۱۹). **قرآن کریم:** {أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَإِلَهٌ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ} (نمل ۶۲). یا آن کس که دعای بیچاره مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را برطرف می‌سازد و شما (مسلمین) را جانشینان اهل زمین قرار می‌دهد؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست؟ (هرگز نیست لیکن) اندکی متذکر (این حقیقت) هستند. عهد قدیم: خداوند همه‌ی محبانش را محافظت می‌کند و تمامی شریران را هلاک می‌نماید (مزامیر باب ۱۴۵ آیه ۲۰). **قرآن کریم:** {أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ} (یونس ۶۲). آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترسی (از حوادث آینده عالم) و هیچ حسرت و اندوهی (از وقایع گذشته جهان) در دل آنها نیست. {وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فَمَا تَمْسِكُمُ النَّارُ وَ مَا لَكُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ} (هود ۱۱۳). و (شما مؤمنان) هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدان‌ها دلگرم باشید و گرنه آتش (کیفر آنان) در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد. عهد قدیم: چیزهایی که بعد از این واقع می‌شوند بیان نمائید تا آنکه بدانیم که شما خدایان اید یا نیکویی و یا بدی نمائید تا که نگران شده جمیعاً ببینیم (اشعیاء باب ۴۱ آیه ۲۳). **قرآن کریم:** قُلْ {ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِنْ دُونِهِ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا} (اسرا ۵۶). **بگو:** این بت‌ها را که به جز خدا (مؤثر در حوائج خود) می‌پندارید بخوانید تا ببینید که نه دفع ضرری از شما توانند کرد و نه تغییر حالی به شما توانند داد. **عهد قدیم:** (بت‌های ایشان) ایشان را دهان است و نمی‌گویند ایشان را چشمان است و نمی‌بینند. ایشان از گوش‌هاست و ایشان را بینی است و



یَمِئْتِنِیْ ثُمَّ یُحِیِّیْنِ { (شعرا ۸۱). و همان خدایی که مرا (از حیات چند روزه دنیا) می‌میراند و سپس (به حیات ابدی آخرت) زنده می‌گرداند. **عهد قدیم:** میراننده و زنده کننده و زیرآورنده به قبر و بیرون آورنده خداوند است. خداوند فقیر کننده و غنی نماینده و پست کننده و بلند نماینده است (کتاب اول سموئیل باب ۲ آیه ۶ و ۷). **عهد جدید:** و بزیر آورد مقتدران را از تخت‌ها و خاک‌نشینان را برداشت نمود. و سیر گردانید گرسنگان را از خوبی‌ها و روانه نمود متمولین را تهی دست (لوقا باب ۱ آیه ۵۲ و ۵۳). **قرآن کریم:** {قُلْ اَللّٰهُمَّ مٰلِکَ الْمَلِکِ تُوْتِیْ الْمَلِکَ مِنْ تَشَآءٍ وَ تَنْزِعَ الْمَلِکَ مِمَّنْ تَشَآءٍ وَ تَعَزَّ مِنْ تَشَآءٍ وَ تَذَلُّ مِنْ تَشَآءٍ بَیْدَکَ الْخَیْرُ اِنَّکَ عَلٰی کُلِّ شَیْءٍ قَدِیْرٌ { (۲۶ آل عمران). **بگو (ای پیغمبر):** بار خدایا، ای پادشاه ملک هستی، تو هر که را خواهی ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی ملک و سلطنت بازگیری، و هر که را خواهی عزت دهی و هر که را خواهی خوار گردانی، هر خیر و نیکیویی به دست توست و تنها تو بر هر چیز توانایی. {کَیْفَ تَکْفُرُوْنَ بِاللّٰهِ وَ کُنْتُمْ اَمْوَاتًا فَاَحْیَاکُمْ ثُمَّ یَمِیْتُکُمْ ثُمَّ یُحِیِّیْکُمْ ثُمَّ اِلَیْهِ تُرْجَعُوْنَ { (بقره ۲۸). چگونه کافر می‌شوید به خدا و حال آنکه مرده بودید و خدا شما را زنده کرد و دیگر بار بمی‌راند و باز زنده کند و عاقبت به‌سوی او باز گردانده می‌شوید! **عهد قدیم:** هرآنچه در آسمان و زمین است از آن توست ای خداوند (کتاب اول تواریخ ایام باب ۲۹ آیه ۱۱). **قرآن کریم:** {وَ لِلّٰهِ مَا فِی السَّمٰوٰتِ وَ مَا فِی الْاَرْضِ وَ اِلَیْهِ تُرْجَعُ الْاُمُوْرُ { (آل عمران ۱۰۹). و هر آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه ملک خداست و بازگشت همه امور (و موجودات) به‌سوی اوست. **عهد قدیم:** ای خدا قلب پاک برایم ایجاد کن و در اندرونم روح

مستقیم تجدید کن (مزامیر باب ۵۱ آیه ۱۰). **قرآن کریم:** {اَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِیْمَ}. تو ما را به راه راست هدایت فرما (حمد ۶). {رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوْبَنَا بَعْدَ اِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْکَ رَحْمَةً اِنَّکَ اَنْتَ الْوَهَّابُ}. بار پروردگارا، دل‌های ما را به باطل میل مده پس از آنکه به حق هدایت فرمودی و به ما از لطف خود رحمتی عطا فرما، که تویی بسیار بخشنده (بی‌منت) (آل عمران ۸). **عهد قدیم:** خداوند رؤف و صدیق و خدای ما رحیم است (مزامیر باب ۱۱۶ آیه ۵). **قرآن کریم:** {کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلٰی نَفْسِہِ الرَّحْمَةَ}. خدا بر خود رحمت و مهربانی را فرض نمود (انعام ۵۴). {فَاِنَّ اللّٰهَ غَفُوْرٌ رَّحِیْمٌ}. خدا آمرزنده و مهربان است (بقره ۱۹۲). {اِنَّ اللّٰهَ رُوْفٌ رَّحِیْمٌ} (نور ۲۰). خداوند بخشنده و مهربان و توبه‌پذیر است {قل صدق الله}. **بگو:** سخن خدا راست است، (آل عمران ۹۵). **عهد قدیم:** ای خداوند به تو متوکلم (مزامیر باب ۳۱ آیه ۱). **قرآن کریم:** {وَ تَوَكَّلْ عَلٰی الْعَزِیْزِ الرَّحِیْمِ}. و توکل بر آن خدای مقتدر مهربان کن (شعرا ۲۱۷). **عهد قدیم:** و دیگر گفت که روی مرا نتوانی دید زیرا که آدمی نیست که مرا ببیند و زنده بماند (سفر خروج فصل ۲۳ آیه ۲۰). **عهد جدید:** هیچکس از مردم او را ندیده است و نمی‌تواند دید (نامه‌ی اول پولس به تیمو تئوس آیه ۱۶). **قرآن کریم:** {قَالَ رَبِّ اَرْنِیْ اَنْظُرْ اِلَیْکَ قَالَ لَنْ تَرٰنِیْ}. موسی (به تقاضای جاهلانه قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را به من آشکار بنما که جمال تو را مشاهده کنم. خدا در پاسخ او فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید (اعراف ۱۴۳). {لَا تُدْرِکُهُ الْاَبْصَارُ وَ هُوَ یَدْرِکُ الْاَبْصَارَ وَ هُوَ الْاَلِیْفُ الْخَبِیْرُ}. او را هیچ چشمی درک ننماید و او همه بینندگان را مشاهده می‌کند و او لطیف و نامرئی و (به همه چیز خلق) آگاه است (انعام ۱۰۳). **عهد جدید:** و هنگامی که به دعا

درخت حیات بگیرد و خورده دایماً زنده ماند) (سفر تکوین باب ۳ آیه ۲۲). و نسبت جسمیت و بی‌خبری به خداوند در جملات زیر: **عهد قدیم:** ((و آواز خداوند خدا شنیدند که به‌هنگام نسیم روز در باغ می‌خرامید و آدم و زنش خویشتن را از حضور خداوند خدا در میان درختان باغ پنهان کردند و خداوند خدا آدم را آوازه کرده وی را گفت که کجایی)) (سفر تکوین باب ۳ آیات ۸ و ۹). در قرآن و تورات برای آفرینش از شش روز استفاده شده است اما باید دانست که شش روز قرآن غیر از شش روز تورات است چراکه در تورات طلوع و غروب خورشید مدنظر است، ((و بودن شام و بودن صبح روز اول شد)) (سفر تکوین باب ۱ آیه ۵). اما آفرینش جهان در شش روز، هفت مورد در قرآن آمده است و در سه مورد همراه با (و ما بینهما) به‌کاربرده شده است از جمله: قرآن کریم: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ﴾ (حدید ۴). اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز (و شش مرتبه کلی ظهور وجود) بیافرید آن‌گاه بر عرش (تدبیر عالم) قرار گرفت، او هرچه در زمین فرو رود و هرچه از آن برآید و آنچه از آسمان نازل شود و آنچه به آن بالا رود همه را می‌داند و هرکجا باشید او با شماست و خدا به هرچه کنید بیناست. ولی پیدایش جهان در شش روز، یعنی کمتر از یک هفته چیزی برخلاف علم است زیرا علم می‌گوید: میلیاردها سال طول کشید تا زمین و آسمان به‌وضع کنونی درآیند. کدامیک زودتر آفریده شده‌اند زمین یا آسمان بر طبق اکتشافات علمی اخیر زمین پس از آسمان ساخته شده است آیا قرآن خلاف این نظر را دارد؟ یوم و تعابیر مختلف آن در آیات و

نمودن بایستید اگر از کسی شکایتی دارید عفو نمائید تا آنکه پدر شما که در آسمان است نیز خطاهای شما را به‌جهت شما بیامرزد (مرقس باب ۱۱ آیه ۲۵).
قرآن کریم: ﴿وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ﴾ (نور ۲۲). باید مؤمنان عفو و صفح پیشه کنند و از بدی‌ها درگذرند، آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم شما را بیامرزد. **بخش دوم: آفرینش،** در قرآن و عهدین به مسئله آفرینش اشاره شده است که در این میان برخی مطالب مشابه و برخی متفاوت‌اند از نکات مشترک می‌توان به‌عنوان مثال به‌موارد زیر اشاره نمود: انسان قرآن و عهدین موجودی مختار است (البته در عهدین اختیار انسان با انتقال گناه اولیه تناقض دارد). هردو کتاب مقدس به آفرینش آدم از خاک و دمیدن روح در آن اشاره دارند. هردو به تکریم آدم و فرزندانش و خلافت وی در زمین و برتری بر موجودات دیگر زمین تأکید دارند و هردو کتاب اشاره به نافرمانی آدم و حوا دارند. و از نکات متفاوت می‌توان به مطالب زیر اشاره کرد و برخی از مطالب تورات را مورد انتقاد قرارداد: شاید یکی از مهم‌ترین نقاط مهم و قابل افتخار آدم آگاهی او از علم اسماء است اما در تورات جهل او عنوان شده است چراکه شجره ممنوعه‌ای که آدم از آن منع شده است درخت دانستن نیک و بد است ((اما از درخت دانستن نیک و بد مخور چه در روز خوردنت از آن مستوجب مرگ میشوی)) (سفر تکوین باب ۲ آیه ۱۷). نسبت دروغ به خداوند از آیه‌ی بالا قابل مشاهده است چراکه در صورت خوردن نمی‌مردند بلکه دانا می‌شدند. نسبت بخل و حسد و شریک برای خداوند در جمله‌ی زیر: عهد قدیم: (او خداوند خدا گفت که اینک آدم نظر به دانستن نیک و بد چون یکی از ما شده است پس حال مبادا که دست خود را دراز کرده هم از



سته ایام و ما مسنا من لغوب} و ما زمین و آسمان‌ها و آنچه بین آنهاست همه را در شش روز آفریدیم و هیچ رنج و سختی به ما نرسید (سوره ق ۳۸). خلق در مفردات راغب چنین معنی شده است؛ خلق در اصل به معنای اندازه‌گیری صحیح است و در ابداع و ایجاد چیزی بدون تقلید و سابقه قبلی استعمال می‌شود. برخی برای این آیه (۳۸ ق) شأن نزولی نقل کرده‌اند: یهودیان می‌پنداشتند که خداوند آسمان‌ها و زمین را در شش روز هفته آفرید سپس روز شنبه را به استراحت پرداخت و یک پای خود را به روی پای دیگر انداخت به همین دلیل این‌طور نشستن را نامطلوب می‌شمردند و مخصوص خداوند می‌دانستند این آیه نازل شد و به این‌گونه خرافات پایان داد. در تورات چنین بیان شده است ((و در روز هفتمین خدا عملی که کرد به اتمام رسانیده بود بلکه در روز هفتمین از تمامی کاری که کرد آرام گرفت)) (سفر تکوین باب ۲ آیه ۲) این مضمون حتی با آیات دیگر عهد قدیم ناسازگار است؛ چراکه در کتاب اشعیا باب ۴۰ آیه ۲۸ چنین می‌خوانیم: ((آیا نمیدانی و مگر نشنیده‌ای که خدای ابدی خداوندی که خالق اقصای زمین است ضعیف نمی‌شود و درمانده نخواهد شد و هم حکمتش درک کرده نمی‌شود)). بنابراین این نوع نگرش نسبت به خدا و افعالش صحیح نمی‌باشد البته برای خداوند هیچ مانعی نداشت که تمام عالم را در یک لحظه بیافریند ولی مسلماً اگر چنین بود کمتر عظمت و قدرت و علم آفریدگار ظاهر می‌گشت ولی هنگامی که آنرا در طی میلیاردها سال در دوران‌های مختلف و چهره‌های گوناگون طبق برنامه‌های منظم و حساب‌شده بیافریند دلائل آشکارتری بر قدرت و حکمت او در برخورد داشت و ممکن است دلائل دیگری داشته باشد که از اسرار الهی است که بر ما پوشیده است.

روایات یوم از هنگام طلوع خورشید تا غروب را روز گویند و گاهی به پاره‌ای از وقت؛ هر مقدار که باشد یوم گویند. مقصود از ایام در این آیات دوره‌ها و ااست، زیرا روز به معنای متعارف آن پس از خلقت زمین قابل فرض است. ایام جمع یوم و یوم غیر از نهار و نهار روز در برابر شب است ولی یوم گاهی به معنای روز است و گاهی به معنای شبانه‌روز و گاهی هم به روزگار و دوره یوم گفته می‌شود در این آیات شاید معنای اخیر مراد است. در روایات نیز کلمه یوم به معنی دوران بسیار آمده است. در قرآن نیز یوم با تعابیر و معانی مختلفی به کار برده شده است از جمله: یوم القیامه، با توجه به آیات سوره معارج روز رستاخیز پنجاه هزار سال طول می‌کشد و همچنین آیه ۴۷ سوره حج نیز بیانگر این مطلب است: {وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ} و کافران (به سخریه) از تو تقاضای تعجیل در عذاب می‌کنند و هرگز خدا در وعده خود (به عذاب آنان) خلف نخواهد کرد، و همانا یک روز نزد خدا (و از نظر حلم او) چون هزار سال به حساب شماست. دوران‌های شش‌گانه مختصراً به ترتیب ذیل بوده است: ۱- روزی که همه جهان به صورت توده‌ی گازی شکل بود که با گردش به دور خود از هم جدا گردید و کرات را تشکیل داد. ۲- این کرات تدریجاً به صورت توده‌ی مذاب و نورانی و یا سرد و قابل سکونت درآمدند. ۳- روز دیگر منظومه شمسی تشکیل یافت و زمین از خورشید جدا شد. ۴- روز دیگر زمین سرد و آماده‌ی حیات گردید. ۵- سپس گیاهان و درختان در زمین آشکار شدند. ۶- سرانجام حیوانات و انسان در روی زمین ظاهر گشتند. این دوران‌های شش‌گانه با آیات ۸ تا ۱۱ سوره‌ی فصلت قابل تطبیق است. خلق، قرآن کریم: {وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَابَيْنَهُمَا فِي



و اراده می‌کند ولی نه با نیت و ضمیر. فاء در کن فیکون به معنای تأخیر رتبه‌ای است. اراده کند آسمان و زمین در شش روز موجود شوند و یا جنین در ۹ ماه، علت تام است و اگر اراده کند در یک لحظه انجام می‌دهد (اراده کند یک دفعه و یا تدریجی ایجاد می‌شود) تعبیر به کن (موجود باش) نیز به اصطلاح از ضیق بیان و عدم گنجایش الفاظ است والا حتی نیاز به جمله کن نیست، اراده خداوند همان و تحقق آن همان. کن فیکون ۸ مورد در قرآن آمده است. کن فیکون ترسیم بسیار زنده‌ای از وسعت قدرت خداوند و تسلط و حاکمیت او در امر خلقت است. تعبیری از فرمان کن کوتاه‌تر تصور نمی‌شود و نتیجه‌ای از فیکون وسیع‌تر و جامع‌تر به نظر نمی‌رسد مخصوصاً با توجه به فاء تفریع که فوریت را در اینجا می‌رساند حتی فاء تفریع در اینجا به تعبیر فلاسفه دلیل بر تأخیر زمانی نیست بلکه همان تأخیر رتبی یعنی ترتیب معلول بر علت است. بین اراده خداوند و وجود اشیاء فاصله‌ای نیست چون در افعال خداوند ۲ مرحله بیشتر وجود ندارد: ۱- مرحله اراده ۲- مرحله ایجاد. برای تحقق یافتن موجودات به چیزی جز فرمان خدا نیاز نیست و این مطلب از آنجا در جمله اذا قضی امرأ فأتما یقول له کن فیکون برداشت می‌شود که دال بر حصر است.

تقدم آفرینش آسمان یا زمین

در تورات آفرینش آسمان‌ها و زمین باهم است ((در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید)) (سفر تکوین باب ۱ آیه ۱) و سپس به زمین پرداخت و پس از آن به آسمان اما باید دید که آیا همین معنا در قرآن وجود دارد. معنای سماء و مراد از سماوات: سماء کل شی به معنای بالای هر چیزی است. به عقیده برخی به هر چیزی که بالاتر از سطح زمین می‌باشد سماء گفته می‌شود (معمولاً در مقابل ارض قرار می‌گیرد) البته بالا و پایین

منظور از کن فیکون در عهد قدیم و قرآن کریم می‌توان آیاتی را بیان کرد که به کن فیکون اشاره شده است از جمله: در تورات ((و خدا گفت که روشنایی شود و روشنایی شد)) و در قرآن ﴿بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ﴾ (بقره ۱۱۷). او آفریننده آسمان‌ها و زمین است و چون اراده آفریدن چیزی کند، به محض آنکه گوید: موجود باش، موجود خواهد شد. کن فیکون اسم مصدر عربی است (باش پس می‌باشد). کن، جمله‌ای نیست که خداوند به صورت لفظ بیان کند بلکه منظور همان تعلق اراده او به ایجاد و ابداع چیزی است و تعبیر به کلمه کن به دلیل این است که بنابراین تعبیر به امر قول کن، همه توضیحی برای مسئله خلق و ایجاد است اصولاً وساطت الفاظ بی معنی است. دیگر اینکه هر خطابی مخاطبی می‌خواهد و هنگامی که چیزی موجود نشده چگونه خداوند با جمله کن مخاطب می‌سازد مگر معدوم قابل خطاب است؟ به اعتقاد گروهی از مفسران این تعبیر در آیه شریفه به منزله تمثیل است زیرا چیزی که وجود ندارد نمی‌تواند طرف سخن و مأمور به اجرای وظیفه باشد و در حقیقت معنای آیه این است که انجام دادن هر کاری از نظر سهولت و آسانی برای آفریدگار هستی بسان این است که به آن پدیده گفته شود (موجود باش) و آن هم پدیدار شود درست مانند حرکت دادن سر و یا اشاره با دست که از آن به گفتن تعبیر می‌شود و گفته می‌شود او با اشاره سر یا دست چنین گفت در حالی که منظور این است که او با اشاره، مطلب را تفهیم کرده و سخنی بر زبان نیاورده است. این شیوه از گفتار، در ادبیات عرب از جمله در شعر مصداق دارد، به عنوان نمونه: و قالت له العینان سمعاً و طاعة (و دو چشم به او گفتند، گوش به فرمان و آماده اطاعت هستیم) حضرت علی: خدای سبحان می‌گوید اما نه با لفظ



علمی را به‌طور قطع با قرآن سنجید چراکه علم همیشه در تحول است و نمی‌توان به‌طور قطع در مورد همه مسائل نظر داد.

آیات مشابه در باب آفرینش در قرآن و عهدین عهدقدیم: درابتدا خدا آسمان‌ها و زمین را آفرید ... و خدا گفت روشنایی شود و روشنایی شد (سفر تکوین باب ۱، آیه ۱). قرآن کریم: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ﴾. ستایش خدای راست که آسمان‌ها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنایی را مقرر داشت (و با آنکه نظم آسمان و زمین دلیل یکتایی اوست) باز کفران به پروردگار خود شرک می‌آورد (انعام ۱). نکته قابل تامل درآیات اشاره شده‌ی بالا کلام خداوند است برای آفرینش که یادآور کلمه‌ی ((کن فیکون)) می‌باشد. همچنان‌که در مزامیر داود باب ۳۳ آیه‌ی ۹ می‌خوانیم: ((زیرا که او فرمود و شد و او امر فرمود و واقع شد)). و در آیات قرآن بر چگونگی فرمان خدا برای آفرینش اشاره شده است: قرآن کریم: ﴿وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَّمَج بِالْبَصْرِ﴾. و فرمان ما (در همه عالم) یکی است (و هیچ تبدیل‌پذیر نیست چه در امر ایجاد و چه در کار معاد، و در سرعت) به‌مانند چشم به‌هم‌زدنی انجام یابد (قمر ۵۰). قرآن کریم: ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلُهُ الْحَقُّ وَ لَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يَنْفُخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَ الشَّهَادَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ﴾. و اوست خدایی که آسمان‌ها و زمین را به‌حق آفرید و روزی که بگوید: موجود باش، آن چیز بی‌درنگ موجود خواهد شد. سخن او حق است و پادشاهی و فرمان عالم روزی که در صور بدمند تنها با اوست و دانای نهان و آشکار است و هم او به تدبیر خلق دانا و (بر همه چیز) آگاه است (آیه ۷۳، انعام).

دو امر نسبی هستند. تقدم و تأخر آفرینش آسمان: برخی معتقدند طبق آیه ۲۹ سوره بقره آفرینش آسمان بعد از زمین بوده است ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ﴾ و برخی دیگر طبق آیه ۳۰ نازعات ﴿وَالْأَرْضِ بَعْدَ ذَلِكَ دَحَاهَا﴾ زمین را بعد از آسمان گسترش داد) به عکس آن اعتقاد دارند. در روایتی از عمرو بن عبید و حسن بصری آمده است که از کلمه دحاه فقط گسترش زمین استفاده می‌شود نه آفرینش آن ممکن است ترتیب برخلاف علامه و امثال او که دحو را به‌معنای خلقت گرفته‌اند به این صورت بوده باشد: الف) آفرینش ابتدایی زمین ب) آفرینش ثانوی آسمان ج) گسترش دادن زمین بعد از آفرینش آسمان. صاحب تفسیر مجمع البیان: ممکن است ثم برای تأخیر و ترتیب زمانی در اینجا نیامده باشد و فقط برای تذکر و یادآوری نعمت‌های خدا باشد و نظری به تقدم و تأخر خلقت زمین و یا آسمان نداشته باشد بلکه غرض بر شمردن تعداد نعمت باشد. مانند: الم اطعمکم ثم کسوتک ثم اعطیتک ثم حملتک (آیا تو را طعام نکردم و جامه ندادم و بخشش نکردم و اسب ندادم). و این می‌تواند درست باشد حتی اگر آنچه را مقدم گفته مؤخر انجام داده باشد چراکه نظر او به تقدیم و تأخیر نیست بلکه نظر او به تعداد است. پس ممکن است منظور از ثم استوی الی السماء تأخیر زمانی نباشد بلکه به‌معنای تأخیر در بیان ذکر حقایقی پشت سرهم است. از لحاظ علمی به‌نظر می‌رسد که آفرینش زمین پس از آسمان‌ها بوده باشد چراکه عمر زمین میلیاردها سال از ستارگان و کهکشان‌ها و خورشید کمتر است. به هر حال قرآن با صراحت در مورد تقدم یا تأخر خلقت آسمان‌ها و زمین صحبت نکرده است و ترتیب توالی‌ای در آفرینش آسمان‌ها و زمین تعیین نمی‌کند. در اینجا باید به این نکته توجه کرد که نباید همه یافته‌های



ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ}. اوست خدایی که آفتاب را رخشان و ماه را تابان فرمود و سیر ماه را در منازلی معین کرد تا بدین واسطه شماره سنوات و حساب ایام را بداند. اینها را خدا جز به حق نیافریده. خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت مفصل بیان می‌کند (یونس: ۵).

عهد قدیم: ایشان را از ذکور و اناث آفرید و خدا ایشان را برکت داد و دیگر خدا ایشان را گفت که بارور بسیار شده زمین را پر کنید و او را ضبط نمایید و به ماهیان دریا و مرغان هوا و تمامی حیواناتی که بر روی زمین می‌جنبند تسلط نمایید (سفر پیدایش باب ۱ آیات ۲۷ و ۲۸). **قرآن کریم:** {يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا}. ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن‌گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، (حجرات: ۱۳). {وَسَخَّرْنَاكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ} «جاثیه: ۱۳» و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است، همه از اوست که برای شما رام نمود، همانا در این تسخیر برای کسانی که فکر کنند، قطعاً نشانه‌هایی است.

عهد قدیم: دست‌های تو مرا ساختند و تشکیل دادند (مزمور باب ۱۱۹ آیه ۷۳). **قرآن کریم:** {قَالَ يَا إِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي أَسْتَكْبِرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ}. خدا به شیطان فرمود: ای ابلیس، تو را چه مانع شد که به موجودی (با قدر و شرافت) که من به دو دست (علم و قدرت) خود آفریدم سجده کنی؟ آیا تکبر و نخوت کردی یا از فرشتگان بلند رتبه عالم قدس اعلا بودی (که نمی‌بایست سجده کنند)؟ (سوره ص: ۷۵). **عهد قدیم:** پس خداوند خدا آدم

عهد قدیم: و خدا روشنایی را روز خواند و تاریکی را شب خواند و خدا گفت که در رقیع آسمان نیرها شوند تا روز را از شب جدا کنند و باشند برای علامات و اوقات معینی و روزها و سال‌ها. و در رقیع آسمان‌ها نیرها (ستاره‌های نور دهنده) شوند که زمین را روشنایی دهند و چنین شد. پس خدا دو نیر بزرگ ساخت نیر بزرگتر به جهت سلطنت روز و نیر کوچکتر به جهت سلطنت شب و هم‌چنین ستاره‌ها را. و خدا آنها را در رقیع آسمان‌ها وضع کرد تا به زمین روشنایی دهند و به روز و شب سلطنت نمایند و روشنایی را از تاریکی جدا کنند (سفر پیدایش باب ۱ آیات ۵ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷ و ۱۸). **قرآن کریم:** {وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ}. او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید هر یک در مداری در حرکتند! (انبیاء: ۳۳). {وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ فَمَحْوِنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِنْ رَبِّكُمْ وَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ وَ كُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلاً}. و ما شب و روز را دو آیت و نشانه‌ای (از قدرت خود) قرار دادیم آن‌گاه آیت شب (روشنی ماه) را زدودیم و آیت روز (خورشید) را تابان ساختیم تا شما در روز (روزی حلال) از فضل خدا طلب کنید و تا آنکه شمار سال‌ها و حساب (اوقات) را عموماً بدانید و ما (برای پند و صلاح بندگان) هر چیزی را مفصل بیان کردیم (اسراء: ۱۲). {إِنَّا زَيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَكِبِ}. ما نزدیکترین آسمان را به زیور انجم بیاراستیم (صافات: ۶). {وَوَعَلَّمَا تِلْكَ الْأَمْثَالَ وَالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ}. و نشانه‌هایی (در زمین مانند کوه‌ها و دریاها و رودها و جنگل‌ها مقرر داشت) و آنان به ستارگان (در شب‌ها) هدایت یابند (نحل: ۱۶). {وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ



يُؤَارِي سَوَاتِكُمْ وَرِيشًا وَ لِبَاسِ التَّقْوَى ذَلِكَ خَيْرٌ
ذَلِكَ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ لَعَلَّهُمْ يَذَكَّرُونَ.

ای فرزندان آدم، محققاً ما لباسی که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیاراید برای شما فرستادیم، و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادیم) شاید خدا را یاد آرند (اعراف ۲۶).

نتیجه‌گیری

در جهان امروز حکومت‌ها به‌جای رجوع به اصل متن کتب مقدس برای اداره‌ی جهان به مسائلی دیگر از جمله حقوق بشر با تفکر مادی روی آورده‌اند و همین مسئله باعث اختلاف‌های بسیاری در جوامع شده است. تلاش در این مقاله بر آن است که روابط و ضوابطی که خداوند در کتب مقدس تشریح کرده عرضه کنیم و آن‌را جایگزین تفکرات مادی حاکم بر جهان نماییم. این مهم زمانی به‌ثمر می‌رسد که بتوان آیات مشابه در قرآن و عهدین را بررسی و هماهنگی‌های آنها را در ابعاد مختلف نمایان ساخت از جمله در توحید و آفرینش و معاد و نبوت و ... همانطوری که قرآن کریم دعوت به اشتراکات می‌نماید.

را از خاک زمین صورت داد و نسیم حیات را بر دماغش دمید و آدم جان زنده شد (سفر پیدایش باب ۲ آیه ۷). قرآن کریم: {وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ}. و همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم (مؤمنون ۱۲). قرآن کریم: {نَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوْحِي} (و از روح خودم در او دمیدم ... (سجده ۹)

عهد قدیم:

آنگاه چشم‌های هردو ایشان گشوده شده دانستند که برهنه‌اند و برگ‌های درخت انجیر دوخته از برای خود فوطه ساختند (سفر تکوین باب ۳ آیه ۷). قرآن کریم: {فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لَهُمَا سَوَاتِهِمَا وَ طَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَ عَصَى آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَى}. پس آدم و حوا (فریب خوردند و) از آن درخت تناول کردند، بدین‌جهت (لباس‌های بهشتی از تنشان دور و عیوب و) عورت آنها در نظرشان پدیدار شد و شروع کردند به ساتری از برگ درختان بهشت خود را پوشاندن و آدم نافرمانی خدای کرد و گمراه شد (طه ۱۲۱). عهد قدیم: و خداوند خدا جامه‌های پوستین به‌جهت آدم و زنش ساخته برایشان پوشانید (سفر تکوین باب ۳ آیه ۲۱). قرآن کریم: {يَا بَنِي آدَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا

منابع

۱. قرآن کریم
۲. بوکای، موریس، مقایسه‌ی میان قرآن و تورات و انجیل و علم، ترجمه ذبیح الله دبیر، چهاردهم، تهران، دفتر انتشارات نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۹.
۳. سلیمانی اردستانی، عبدالرحیم، کتاب مقدس، قم موسسه فرهنگی طه، بهار ۱۳۹۵.
۴. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ، ترجمه: حسین خداپرست. قم: نوید-اسلام، ۱۳۸۱ ش.
۵. جوادی آملی، عبدالله. توحید در قرآن. قم: مرکز نشر اسراء، ۱۳۸۳ ش.
۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، مترجمه محمدباقر موسوی همدانی، دفتر انتشارات اسلامی، قم، ۱۳۸۳.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی التفسیر القرآن، ترجمه علی کرمی، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۵.
۸. عهد عتیق، ترجمه فاضل خان همدانی، ویلیام گلن و عهد جدید، ترجمه هنری مرتن، تهران، انتشارات اساطیر، ۱۳۷۹.
۹. کاشانی، محمد، تثلیث در قرآن و عهدین، انتشارات دلیل ما، قم، ۱۳۹۲.



۱۰. ماسون، دنیز، قرآن و کتاب مقدس درون مایه‌های مشترک، ترجمه‌ی فاطمه‌سادات تهامی، تهران، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، ۱۳۷۹.
۱۱. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، ترجمه محمد حسن بن محمد، چاپ اسلامیة، ۱۳۶۱.
۱۲. محسنیان‌راد، مهدی، هنجارها در سه کتاب مقدس، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ۱۳۹۳.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۵۳ش.
۱۴. موسایی افضل‌ی، علی. کلام-الله. تهران: دانشگاه پیام نور، ۱۳۸۳ش، ص ۹۱.
۱۵. نهج البلاغه، مترجم محمد دشتی، ناشر موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین نوبت چاپ دوم، ۱۳۸۵
۱۶. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، قم دفتر تبلیغات حوزه علمیه، ۱۳۷۷

قراءات و نقش آن در تفسیر ابوالفتوح رازی

محمد صالح رضایی^۱ و جمال فرزند وحی^۲

۱- کارشناسی ارشد دانشکده علوم قرآنی کرمانشاه (نویسنده مسئول): salehrezaea@gmail.com
۲- عضو هیأت علمی دانشگاه رازی کرمانشاه

چکیده

بررسی تفاسیر فریقین نشان می‌دهد قراءات به‌عنوان یکی از شاخه‌های علوم قرآنی در دستیابی به فهم آیات و کشف مراد و مقصود خداوند مورد توجه مفسران بوده است. ازجمله نتایج اثربخش اختلاف قراءات بسط مفهومی و یا به‌عبارت دیگر تعمیم و گسترش دایره معنایی لفظ است که مفسر در رسیدن به کشف وجوه مختلف و محتمل آیات از آن بهره می‌گیرد. شیخ ابوالفتوح رازی از دانشمندان قرن ششم ازجمله کسانی است که در تفسیر روض الجنان و روح الجنان اختلاف قراءات را به‌طورگسترده مورد استفاده قرار داده است. تناسب قراءت با شأن نزول آیات، فصاحت قراءت، ارتباط قراءت با سیاق آیات و سازگاری با لغت عرب از ملاک‌های تأیید و بعضاً ترجیح قراءت موردنظر وی در تفسیر است. در این مقاله تلاش شده با بررسی سوره بقره ضمن آشنایی با روش تفسیری ابوالفتوح رازی، شاهد بسط معانی و تأثیر قراءات در دیدگاه تفسیری وی باشیم.

کلید واژگان: علم قراءت، اختلاف قراءات، تفسیر ابوالفتوح رازی، تفسیر روض الجنان و روح الجنان

مقدمه

(۴۴۳/۴) (نک: کلینی، بی‌تا، ۶۳۰/۲) از این دستورات و فحوای کلام ایشان تأیید قراءات مختلف استنباط می‌شود. مفسران بزرگ شیعی همچون شیخ طوسی^(۵) در تفسیر التبیان و امین‌الاسلام طبرسی^(۶) در تفسیر مجمع‌البیان و دیگر مفسرین اختلاف قراءات را به‌عنوان یکی از ارکان تفسیر خود به‌منظور کشف و بیان آیات بکارگرفته‌اند. یکی از مبادی مهم قواعد تفسیری بحث اختلاف قراءات و شناخت قراءت واقعی است. مفسر برای ارائه شرح و بیان صحیح کلام باریتعالی از وجوه قراءات به وجوه و معانی دیگری- برای کلمه مورد اختلاف و یا آیه- دست می‌یابد. ابوالفتوح جمال‌الدین حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی (۴۸۰-۵۵۲)، دانشمند، فقیه، ادیب، واعظ و مفسر قرن ششم ازجمله کسانی است که قراءات را به‌طور گسترده در تفسیر خود به‌نام روض الجنان و روح الجنان بکارگرفته است. وی که از نوادگان بدیل بن ورقاء بن نوفل خزاعی از اصحاب رسول خدا (ص)

سیر تحول علوم قرآنی بیانگر این واقعیت است که قراءات از صدر اسلام محل توجه عامه مسلمین بوده و به آن اهتمام داشته‌اند. در روایات اهل سنت، جواز این قراءات مختلف به پیامبر (ص) منسوب و یکی از معانی حدیث «انزل القرآن علی سبعة احرف» را اختلاف قراءات و تواتر آن می‌دانند (ابوشامه، ۱۴۲۴، ۷۸ و ۷۹) (معرفت، ۱۳۹۰، ۳۳). سیوطی در الاتقان قریب به چهل معنا از قول صحابه، تابعین و دانشمندان علوم قرآن برای «سبعة احرف» بیان داشته است (سیوطی، ۱۳۶۳/۱۶۹). اما دیدگاه شیعه در این خصوص باعنایت به کلام معصوم (ع) که می‌فرماید: «قرآن یکی است و از جانب خداوند یگانه نازل گردیده و اختلاف در آن از ناحیه روآت و ناقلان قرآن پدید آمده است» تفاوت دارد. با این حال، ائمه اطهار (ع) پیروان خود را به قراءت رایج در میان مردم و قراءت به طریقی که آموخته‌اند، سفارش کرده‌اند (نک: کلینی، بی‌تا،

قرائت [است] (المحیسن، ۱/۴۰۴، ۹/۱). «دمیاطی قرائات را بدین صورت تعریف می‌کند: قرائات، عبارت از علمی است که از رهگذر آن اتفاق نظر و یا اختلاف ناقلین کتاب خدا در رابطه با حذف و اثبات، متحرک خواندن، ساکن کردن، فصل و وصل حروف و کلمات و امثال آنها از قبیل کیفیت تلفظ، ابدال و جز آنها از طریق شنیدن، قابل شناسایی است» (بناء، ۱۳۴۵ق، ۵، به نقل از عبدالهادی فضلی، ۱۳۷۳ش، ۸۰).

۳-۱. معنای لغوی تفسیر

تفسیر در لغت از «فسر» به معنای بیان، روشن و آشکار کردن آمده است. در مقاییس اللغه می‌خوانیم: «فسر: کلمه واحده تدل علی بیان شیء و ایضاحه...» (ابن فارس، ۱۳۹۹ق، ۴/۵۰۴) لسان العرب در معنای فسر و تفسیر چنین می‌گوید: «... فسرأ و فسره: ابانه... الفسر: کشف المغطی والتفسیر کشف المراد عن اللفظ المشکل تفسیر به معنای آشکار کردن و پرده برداشتن از معنا و مراد لفظ مشکل است (ابن منظور، بی تا، ۵/۵۵) (ر.ک: فیروزآبادی، ۴۵۶، ۱۴۲۶).

۴-۱. معنای اصطلاحی تفسیر

علامه طباطبائی در تعریف تفسیر می‌گوید «التفسیر هو بیان معنی الآیات القرآنیة والكشف عن مقاصدها و مدالیلها... تفسیر بیان معانی آیات قرآنی و کشف مقاصد و مدالیل آنهاست» (طباطبائی، ۱۳۹۳ق، ۴/۱). شاخصه‌هایی که علامه^(۵) در تعریف تفسیر ارائه می‌دهد؛ به شرح زیر است: «نخست: روشن ساختن مفاد واژگان و عبارتها (بیان معانی)، دوم: پرده برداشتن از مراد جدی خداوند از واژگان و عبارات‌های قرآن (کشف مدلولها) و سوم: پی‌بردن و کشف هدف و مقصدی که خداوند از انتقال این مرادهای جدی در نظر گرفته است» (رجبی، ۱۱، ۱۳۹۰). «تفسیر در اصطلاح علمی است که مفاهیم و معانی آیات قرآن را روشن می‌کند» (علوی مهر،

است؛ نخستین تفسیر فارسی شیعی را به جهان اسلام تقدیم نموده است (ر.ک: باهر، ۱/۱۳۸۸). نظر به اینکه نقش قرائت‌ها در تفسیر از حیث ارائه معانی گوناگون از لفظ و یا آیه غیرقابل انکار است؛ به همین منظور در این مقاله با نگاهی به تفسیر ابوالفتوح رازی^(۶) در گستره سوره بقره چگونگی بهره‌گیری وی از قراءات، مورد بررسی قرار می‌گیرد. در این واکاوی، در پی پاسخ به سؤالات زیر هستیم: -قرائات در تفسیر ابوالفتوح از چه جایگاهی برخوردار است؟ - وجوه قرائات استفاده شده در تفسیر روض الجنان کدام‌هاست؟ - مفسر اگر قرائتی را بر دیگری ترجیح داده، برای این ترجیحات چه معیار یا معیارهایی داشته؟ - اثر قرائت‌ها در ایجاد و بسط مفاهیم که مفسر در شرح و بیان آیات قرآن بکار می‌گیرد؛ چیست؟

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- معنای لغوی قرائت

قرائت که جمع آن قراءات است مصدر قرأ است که معانی گوناگونی برای آن ذکر کرده‌اند. زجاج قرائت را جمع کردن و گردآوردن معنی کرده است «قرأت الماء فی الحوض. یعنی جمعته» (حجتی، ۱۳۷۳، ۲۴۸) گروهی از آن جمله ابن عطیه و لحنانی قرائت را خواندن و تلاوت دانسته‌اند (سیوطی، ۱۳۶۳، ۵۲/۱) به نقل از امیری، ۱۷). راغب در مفردات، قرائت را پیوستن حروف و کلمات بعضی به بعضی دیگر در تلاوت و خواندن [قرآن] دانسته القراءه ضم الحروف والكلمات بعضها الی بعض فی الترتیل» (راغب، بی تا، ۲، ۵۲۰).

۲-۱. معنای اصطلاحی قرائت

قرائت در اصطلاح: «طرق و روایات قرآنی است که به اسناد، به ثبوت رسیده تا عمل به آن لازم الاتباع باشد» (حجتی، ۲۵۰، ۱۳۷۳). قرائت «علم به کیفیت اداء کلمات قرآن کریم از جمله تخفیف، تشدید و اختلاف الفاظ وحی در حروف اختلاف



از قبیل اعمش، یحیی بن وثاب، ابن جبیر و مانند اینها می‌باشد». سیوطی به نقد اظهارات بلقینی می‌پردازد و در پایان چنین می‌گوید: «می‌گویم جداً امام ابن الجزری این فصل را با استواری نگاشته است و برای من این نکته معلوم شد که قرائات چند نوع است: اول- متواتر: که جماعتی آن را نقل کنند که دست به یکی شدنشان بر دروغ امکان نداشته باشد. دوم- مشهور که سندش صحیح باشد ولی به درجه تواتر نرسد؛ موافق قواعد عربی و رسم الخط هم باشد؛ نزد قرآء مشهور بوده به طوری که آن را غلط یا شاذّ نشمارند. سوم- آحاد: قرائتی است که سندش صحیح باشد؛ ولی مخالف رسم الخط یا عربیت باشد و یا شهرت آن به حد شهرت سابق نرسد. این نوع قرائات [در نماز] خوانده نمی‌شود. چهارم- شاذّ: که سندش صحیح نیست. از قبیل قرائت ابن سمیع که در آیه «فالیوم نُنَجِّیک ببدنک لتکون لمن خلفک ... یونس/۹۲» نُنَحِّیک (با حاء) و خَلْفَکَ (فتح اللام) خوانده است. (امیری، ۱۳۸۳، ۲۸). پنجم- موضوع (جعلی): مانند قرائت‌های خَزاعی. آیه «انما یرحی الله من عباده العلماء» را به رفع (الله) و نصب (العلماء) خوانده است (همان، ۲۹). ششم- قرائت مدرج: که سیوطی در این باره چنین گوید: «وآن افزودن در قرائت‌ها به صورت تفسیر است مانند قرائت سعد بن ابی وقاص: وله آخٌ أو أختٌ- من أمّه- (نساء/۱۲) که سعید بن منصور روایت کرده؛ و مانند قرائت ابن عباس: لیس علیکم جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلاً مِنْ رَبِّکُمْ- فی مواسم الحجّ- (بقره/۱۹۸) (سیوطی، ۱۳۶۳، ش. ۱/۲۵۹)». بدیهی است برای فهم مقصود و مراد خداوند باید ابتدا قرائت صحیح که طی آن کلام حقیقی پروردگار خوانده شده و نازل گردیده، شناخته شود. دانشمندان علوم قرآن معیار و ضوابطی را برای قرائت صحیح بیان داشته‌اند که

۱۳۹۴ ش، ۲۰). شیخ ابوالفتوح^(ه) تفسیر را به شرح زیر تعریف می‌کند: «تفسیر علم سبب نزول آیت باشد و علم به مراد خدای تعالی. از لفظ تعاطی آن نتوان کردن آلا از سماع و آثار» (ابوالفتوح، ۱۳۸۸ ش، ۲۴/۱). در این تعریف چند خصوصیت برای تفسیر بیان شده است: اول اینکه تفسیر، علم سبب نزول آیات الهی و آگاهی به مراد و مقصود خداوند است. ویژگی دیگر این است که شروع تفسیر و یافتن مراد خدای تعالی فقط از طریق مطالعه ظاهر لفظ امکان‌پذیر نیست بلکه تفسیر می‌باید مآثور و نقلی نیز باشد.

۲- انواع قرائات

دانشمندان علوم قرآنی هریک به صورت متنوع به تقسیم‌بندی قرائات پرداخته‌اند. عبدالهادی فضلی در کتاب القراءات القرآنیة ابتدا قرائات را به متواتر و صحیح تقسیم و سپس قرائات صحیح را به دو دسته، یکی قرائاتی که جامع ارکان و شرائط سه‌گانه است و دیگری قرائات شاذّ (غیر مشهور) تقسیم می‌کند و قرائات جامع ارکان سه‌گانه یعنی برخوردار از سند صحیح، منطبق با ضوابط لغت و زبان عرب و موافق با یکی از مصاحف عثمانی را قرائات مستفیض و غیر مستفیض می‌داند (ر.ک: عبدالهادی فضلی، ۱۳۷۳، ۸۱). وی قراءات غیر مستفیض را برخوردار بودن از دو رکن سند صحیح و منطبق با ضوابط عربیت و فاقد مطابقت با مصحف عثمانی تعریف می‌کند (ر.ک: همان، ۸۳). سیوطی در الاتقان به انواع قرائات پرداخته و در ابتدا چنین می‌گوید: «بدانکه قاضی جلال‌الدین بلقینی گفته: قرائت به متواتر، آحاد و شاذّ تقسیم می‌شود. متواتر: قرائت‌های هفتگانه مشهور است و آحاد: قرائت‌های سه‌گانه [یعنی قرائت یعقوب حضرمی (م. ۲۰۵)، ابوجعفر مخزومی (م. ۱۳۰) و خلف بن هشام (م. ۲۲۹)] که قرائات صحابه نیز ملحق به این قسم است. و شاذّ: قرائت‌های تابعین



است که در طی قرون گذشته تا امروز، میان مسلمانان متداول بوده و هست و آن به چند سبب است: -سند طلایی را داراست. حفص از عاصم، عاصم از ابو عبدالرحمن سلمی و سلمی از امیرالمؤمنین (ع) و امام علی (ع) از پیامبر (ص) نقل کرده است. -توافق همگانی و جماهیری مسلمانان -عاصم دارای ویژگی‌های به‌خصوصی بود که او را در میان مردم معروف ساخته و مورد اطمینان همگان بود» (معرفت ۱۵۲، ۱۳۸۹).

۳. علم قرائت از نظر ابوالفتوح رازی

شیخ^(۵) در مقدمه تفسیرش اشاره‌ای به انواع قرائات و چگونگی کاربرد آن در تفسیر خود نداشته با این وصف در تفسیر آیات پس از هر آیه، قرائات مشهور و حتی شاذ را بازگو کرده است. این امر می‌تواند نشان از توجه و پذیرفتن قرائات از سوی ایشان به‌عنوان یکی از منابع و یا به‌عبارت بهتر یکی از علوم مقدماتی در تفسیر قرآن، باشد.

۱-۳. نوع قرائات مطرح در تفسیر *روض الجنان* مفسر گرانقدر در تفسیر خود به انواع مختلف قرائات، اعم از قرائت سبعة^(۶)، قرائت عشره^(۷) همچنین قرائات شاذ^(۸) و قرائات اصحاب رسول خدا (ص) پرداخته است. مثلاً درباره کلمه «الرشد» در آیه «قد تبين الرشد من الغي» (بقره، ۲۵۶) چنین می‌گوید: «حسن، مجاهد و اعرج خوانند: «الرشد» به فتح راء و شین. و آن دو لغت است کالحزن و الحزن والبخل والبخل. عیسی بن عمر خواند: «الرشد» به ضمتین و آن دو لغتند: کالرعب و الرعب، السحت و السحت»

به‌طور خلاصه اهم آنها، به شرح زیر است: ابن جزری در کتاب *النشر فی القراءات العشر* برای قرائت معنا و شرایط و ضوابطی اعلام کرده که مورد اتفاق و محل رجوع همه محققین علوم قرآنی است. وی می‌گوید: «کلّ قراءة وافقت العربية و لو بوجه و وافقت احد المصاحف العثمانیه ولو احتمالاً و صحّ سندها فهی القرائة الصحیحة» (قرائت صحیح قرائتی است که مبتنی بروجهی از لغت عرب، مطابق با یکی از مصاحف عثمانی است هرچند به احتمال و یا اینکه سند آن صحیح باشد). (یعنی سند قرائت به‌صورت تواتر یا نقل طوری باشد که به رسول اکرم (ص) برسد (ابن الجزری، بی‌تا، ۹/۱). علامه معرفت^(۹) صحت قرائت را موافقت آن با جمهور مسلمین جدا از قرائت قرآء بیان می‌کند. در این رابطه می‌گوید: «قرآن در دو مسیر طی طریق نموده نخست طریقه مردمی که مسلمانان سینه به سینه از پدران و اجداد خود از شخص شخیص پیامبر (ص) تلقی نموده و اخذ کرده‌اند و برای همیشه دست به‌دست داده تا به امروز برای ما رسانده‌اند. [دیگر اینکه] این قرائت مردمی با ثبت (نوشته) تمامی مصحف‌های موجود در تمامی قرون است و نماینگر آن، قرائت حفص [از عاصم] است» (معرفت، ۱۳۹۰ ه.ش، ۴۷). علامه^(۱۰) تنها قرائت حفص را که برگرفته از جمهور مسلمانان است متواتر می‌داند. وی در این باره چنین اظهار نظر می‌کند: «یگانه قرائتی که دارای سند صحیح و با پشتوانه جمهور، استوار می‌باشد؛ قرائت حفص

۶- قرائت‌های: حسن بصری (م. ۱۱۰)، ابن محیصن (م. ۱۲۳)، یحیی بن مبارک (م. ۲۰۲) و اعمش (م. ۱۴۸) به‌عنوان قرائات شاذ (غیرمشهور) شناخته شده‌اند (همان، ۲۹۸)

۴- قرائتی که منسوب به هفت تن از قرآء است: ابن عامر دمشقی (م. ۱۱۸)، ابن کنیر مکی (م. ۱۲۰)، عاصم کوفی (م. ۱۲۸)، ابو عمرو بصری (م. ۱۵۴)، حمزه کوفی (م. ۱۵۶)، نافع مدنی (م. ۱۶۹) و کسائی (م. ۱۸۹) (رک: سیوطی، ۱/۳۶۳، ۲/۲۴۶ و معرفت، ۲۹۵/۱۳۹۰، ۲)

۵- قرائت‌های یعقوب حصرمی، ابوجعفر مخزومی و خلف بن هشام نیز به‌عنوان قرائات مشهور به قرائات سبعة اضافه می‌شود (معرفت ۲۹۷/۱۳۹۰، ۲)

(ابوالفتوح، ۳/۴۱۵) ملاحظه می‌شود در کلمه «رشد» که فقط در شاذ اختلاف قرائت وجود دارد و همه قراء عشره با سکون حرف شین قرائت کرده‌اند. ابوالفتوح دونوع قرائت شاذ (به فتح راء و شین و ضم راء و شین) را یادآور شده است. همچنین در برخی از مواضع قرائت قراء عشره با قرائت شاذ هم‌هنگ و شبیه هم است. به‌طور مثال شیخ^(۵) در نقل قراءات واژه «عُرْفَةُ» در آیه شریفه «أَلَا مَنْ اغْتَرَفَ غُرْفَةً بَيِّدَهُ» (بقره/۲۴۹) می‌فرماید: «نافع، ابوعمر و ابوجعفر خوانند «عُرْفَةُ» به فتح غین و در شاذ جماعتی بسیار هم این قرائت خواندند: منهم عبدالله بن عباس، ابن ابی اسحاق، سلیمان التیمی، شیبه، ابوجریه و ایوب. باقی قراء «عُرْفَةُ» بضم الغین خواندند» (همان، ۲/۳۶۹). در بیان بعضی از قراءات فقط به قرائت عشره می‌پردازد و از ذکر قرائت شاذ ساکت است: در واژه‌های: «نَسَخٌ» و «نَسِهَا» در آیه شریفه: «مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِنْهَا أَوْ مِثْلَهَا...» (بقره/۱۰۶). چنین می‌گوید: «جمله قراء خوانند: (مانسَخ) به فتح نون و سین مگر ابن عامر که او خواند (مانسَخ) به ضم نون و کسر سین من الانساخت. قوله: (أو نَسِهَا ...) جمله خواندند: (نَسِهَا) مگر ابوعمر و ابن کثیر که ایشان خوانند: (نَسَأَهَا)» (همان، ۲/۱۰۲) هر چند در قرائت کلمات فوق، قرائت شاذ نیز نقل شده (نَسِهَا، نَسِهَا؛ مَا نَسَخَ مِنْ آيَةٍ أَوْ نَسَخَهَا - به جای نَسِهَا - أو نَسِهَا) (رک: ابن خالویه، بی تا، ص ۱۶). با این حال مفسر گرانقدر ذکری از قرائت شاذ نکرده است.

۲-۳. مراتب توضیح و ترجیح در بیان قرائت
«پس از آنکه ابن مجاهد با تدوین کتابی «قرائت سبع»، قرائت قراء سبعه را انتخاب کرد و ضمن کتاب دیگری، قرائت دیگر را قراءات شاذ برشمرد؛ مرحله و دوره احتجاج و استدلال بر قراءات در ابعاد لغوی، یعنی از لحاظ صوتی،

صرفی، نحوی و امثال آنها فرارسید» (فضلی، ۱۳۷۳.ه.ش، ۵۷). احتجاج بر قراءات که طی آن به معناشناسی واژه مورد نظر و دفاع از قرائت آن پرداخته می‌شود؛ از سوی علما و دانشمندان کتب فراوانی در این زمینه به‌طور مستقل تألیف گردید (رک. همان، ۵۸). در اینمیان مفسران هم در روش تفسیری خود در تفاسیرشان به تجزیه و تحلیل قراءات پرداختند و بعضاً با انتخاب قرائت صحیحی که مورد نظرشان بوده با اتیان دلیل و حجت بعضی را بر بعضی ترجیح داده‌اند. ابوالفتوح رازی^(۶) نیز در روش خود این طریقه را انتخاب کرده با این تفاوت که کمتر دست به ترجیح زده بلکه با بیان علل قرائت به شرح و بیان آیات پرداخته است. روش‌های وی در تطبیق و مقارنه قراءات به شرح زیر می‌باشد:

۱-۲-۳. بیان اختلاف قرائت بدون شرح و

ترجیح

شیخ^(۷) در برخی مواضع به‌هنگام بیان اختلاف قرائت‌ها فقط به ذکر قرائت اختیار شده قراء، بدون توضیح یا بیان ارجحیت می‌پردازد. در ذیل آیه ۲۵۴ سوره بقره چنین گوید: «ابوعمر و ابن کثیر می‌خوانند: لِأَبِيعَ فِيهِ وَلَا خَلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ بِهِ فَتَحَ وَ بِي تَنَوِينِ وَ بَاقِي قَرَأَهُ بِه رَفَعَ وَ تَنَوِينِ: لِأَبِيعَ فِيهِ وَ لَا خَلَّةٌ وَلَا شَفَاعَةٌ» (ابوالفتوح، ۱۳۸۹.ه.ش، ۳/۳۹۵). در قرائت اُرنا در آیه ۱۲۸ بقره «و اُرنا مناسکنا» چنین گوید: «ابن کثیر و رويس خوانند: اُرنا به سکون راء، ابوعمر و بين الحركه والسكون (اختلاس) خواند و باقی قراء به کسر صریح خوانند» (همان، ۲/۱۷۰). همچنین در آیه ۱۴۳ قراءات واژه رؤوف (همان، ۲/۲۰۸)؛ آیه ۹۷ قراءات مختلف جبریل و آیه ۹۸ واژه میکال در قراءات متنوع (همان، ۲/۶۳ و ۶۹) آیه ۸۱ در قرائت خطیته و آیه ۸۷

قرائت کلمه القدس و ... در تمامی این موارد به قرائات بدون توضیح و ترجیح پرداخته شده است. ۲-۳. بیان اختلاف قرائات با شرح و بدون ترجیح

صاحب تفسیر روض الجنان بعضاً ضمن برشمردن قرائات مختلف در آیه، به شرح علل و حجت هریک از قرائات می‌پردازد بدون اینکه یکی را بردیگری برتری دهد. به‌طور مثال: در توضیح قرائت کلمه «القیوم» در آیه ۲۵۵ بقره چنین گوید: «و قیوم، فی‌عول باشد من القیام و در او سه لغت است: قیام و آن قرائت عبدالله مسعود است. و قییم و آن قرائت علقمه است. و قیوم و آن قرائت جمهور قرآء است» (ابوالفتوح، ۳/۱۳۸۹، ۴۰۳). سپس در اظهار نظری مختصر همه آنها را بنابر مبالغه می‌داند و چنین می‌گوید: «و اصل قیوم، فی‌عول بوده است. قلب کرده‌اند پس ادغام کرده‌اند کما یقال: دیار، دیور، دیر. و این بر مبالغت باشد» (همان). در توضیح واژه هزوا در آیه ۶۷ بقره ... قالوا أَتَّخِذُنَا هُزُؤًا ... چنین گوید: «و در هزوا سه قرائت است و همچنین در کفوآ: هُزُؤًا و كُفُؤًا به تخفیف سکون الزاء والفاء و همزه و این قرائت حمزه و خلف است. هُزُؤًا و كُفُؤًا به تثقیل با ضمّ الزاء والفاء و همز و این قرائت ابوعمر، کسائی، اهل حجاز و اهل شام است. و هُزُؤًا و كُفُؤًا مثقل بی همز و این قرائت عاصم به روایت حفص است» (همان، ۴/۲). شیخ^(۵) پس از توضیحات فوق همه آنها را به‌عنوان لغت عرب، فصیح و صحیح می‌داند (همان). در آیه ۲۴۹ بقره إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِیْكُمْ بِنَهَرٍ در خصوص قرائت واژه نهر می‌گوید: «جمله‌ی قرآء بِنَهَرٍ مفتوح الهاء خوانند. و در شاداً حمید و ابن محیصن بِنَهَرٍ ساکن الهاء

خوانند. و این دو لغت است مثل: شعر، شعر، شمع، شمع و فحم، فحم»

۳-۲-۳. عوامل ترجیح و تأیید قرائات

همانگونه که گفته شد شیوه و روش شیخ^(۵) بر ترجیح قرائتی بر قرائتی دیگر استوار نیست؛ با این وصف در برخی از موارد قرائتی را بر قرائت دیگر از حیث برخورداری از برخی ویژگی‌ها برتری می‌دهد. در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۳-۲-۳. استشهداد به آیات دیگر

در ذیل آیه ۲۵۸ قَبِهَتْ الّذِی کَفَرَ در شرح قرائت دیگر از واژه فیهت چنین گوید: «و محمد بن السمیع خواند: قَبِهَتْ به فتح الباء والهاء، ای: بَهْتَهُ ابراهیم. بیانہ بل تأتیهم بَعْتَهُ قَتَبِهْتُهُم (انبیاء/۴۰) ای: تحیرهم و تدہشہم. محمد بن السمیع قَبِهَتْ را خوانده قَبِهَتْ با فتح باء و هاء به‌معنای: ابراهیم او را مبهوت ساخت. این همانند بیان خدای متعال است در جای دیگر که می‌فرماید: بَلْ تَأْتِيهِمْ بَعْتَهُ قَتَبِهْتُهُمْ. یعنی سرگردانی و وحشت آنها» (همان، ۶/۴) بلکه - آتش - به‌طور ناگهانی به آنان رسد و ایشان را بہت زده می‌کند. مفسر گرانقدر با استشهداد به آیه ۴۰ سوره انبیاء نشان داد که در قرائت قَبِهَتْ تحیر و فروماندگی به شخص کافر نسبت داده می‌شود؛ اما در قرائت معلوم فعل به ابراهیم (ع) راجع است.

۲-۳-۲-۳. سیاق آیه

ابوالفتوح رازی^(۵) بعضاً با توجه به سیاق^{۱۰۴}، قرائتی را ترجیح داده است. در سوره بقره آیه ۵۱ واژه واعدنا، وعدنا نیز خوانده شده است. شیخ باتوجه به سیاق و قرینه این که خداوند امر به حضور می‌کند؛ قرائت وَعَدْنَا را ترجیح می‌دهد.

۷- سیاق در لغت عانی متعددی مانند: راندن، اسلوب، روش و در پی هم آمدن ذکر شده و «سیاق کلام» را به در پی هم آمدن سخن و اسلوب و طرز جمله‌بندی آن معنا کرده‌اند. سیاق در اصطلاح هرگونه دلیلی است که به الفاظ و عباراتی که می‌خواهیم بفهمیم پیوند خورده باشد؛ خواه از مقوله الفاظ و خواه قرینه حالی مانند اوضاع و شرایطی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است» (رجبی، ۱۳۸۲، ش ۹۱).

۱۰۴- سیاق در لغت عانی متعددی مانند: راندن، اسلوب، روش و در پی هم آمدن ذکر شده و «سیاق کلام» را به در پی هم آمدن سخن و اسلوب و طرز جمله‌بندی آن معنا کرده‌اند. سیاق در اصطلاح هرگونه دلیلی است



و لا تُسئَلُ عن اصحاب الجحیم. عبدالله بن عباس گفت: سبب نزول آیت آن بود که یک روز رسول علیه‌السلام گفت: لیت شعری ما فعل الله بالكفار الذین ماتوا. کاشکی من بدانستمی که خدای تعالی با آن کافران گذشته چه کرد. خدای این آیت فرستاد» (همان، ۲/ ۱۳۲). مفسر در ادامه سبب نزول دیگری را به این شرح بیان می‌کند: «مقاتل گفت: سبب نزول آیت آن بود که رسول ع گفت: لو انزل الله بأسه بالیهود لآمنوا اگر خدای تعالی عذاب فرستادی جهودان را ایمان آوردندی این آیت آمد» پس از بیان سبب نزول به شرح قراءات می‌پردازد: «نافع، یعقوب، شیبه و اعرج به جزم خواندند و لا تُسئَلُ علی النهی: میرس. و باقی قراء به رفع خواندند علی التثنی [یعنی] تو را نپرسند. و عبدالله مسعود و کن تُسئَلُ خواند: تو را نخواهند پرسیدن» (همان، ۲/ ۱۳۲). قرائت و لا تُسئَلُ که به صورت نهی است؛ متناسب با سبب نزولی است که ابوالفتوح رازی (ره) در ابتدا از قول ابن عباس نقل کرد و قرائت و لا تُسئَلُ که در معنای نفی است با سبب نزول منقول از مقاتل همخوان است. اما به نظر می‌آید با توجه به آنکه خداوند متعال، در این آیه، پیامبر (ص) را بشیر و نذیر معرفی کرده و وظیفه وی را ابلاغ پیام الهی می‌داند؛ قرائت حفص از عاصم یعنی و لا تُسئَلُ (تو را نپرسند) باسیاق آیه متناسب بیشتری دارد.

۳-۳. جمع بین قراءات

ابوالفتوح (ره) در بعضی از موارد که برای یک کلمه، قراءات مختلف از سوی قراء اختیار شده، به جمع بین آنها می‌پردازد؛ بدین سان که ضمن حفظ نظرات هریک از قراء، به ارتباط و همبستگی بین معانی مختلف با یکدیگر نظر داده و یک معنای واحد را نتیجه می‌گیرد. به‌طور مثال در آیه ۵۱ بقره بعد از اینکه قرائت وَعَدْنَا- بدون الف- را ترجیح داد؛ در بیان حجت و توضیح قرائت وَعَدْنَا- با الف- چنین گوید: «و بر قرائت

وی در این باره چنین گوید: «ابوجعفر، ابوعمرو و یعقوب خوانند: وَعَدْنَا من الوعد. باقی خوانند وَعَدْنَا- به الف- من الموعدة. و مفاعل اغلب از میان دو کس باشد و این‌جا از باب آن باشد که مفاعله از میان دو کس نباشد؛ برای آن که موسی خدای را وعده‌ای نداد بل خدای تعالی او را وعده مناجات داد؛ پس قرائت ابوعمرو قوی‌تر باشد» (همان، ۲۸۳/۱).

۳-۲-۳. سازگاری و تناسب بیشتر با لغت عرب

واژه یَقْبَلُ در آیه ۴۸ بقره، تُقْبَلُ نیز قرائت شده، ابوالفتوح (ره) در ذیل آیه وَأَتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يَقْبَلُ مِنْهَا شَفَاعَةً وَلَا يُؤَخِّذُ مِنْهَا عَذْلًا وَلَا هُمْ يَنْصُرُونَ چنین گوید: «این کثیر و اهل بصره تُقْبَلُ به تاء خوانند و باقی قراء به یاء خوانند. آن که به تاء خواند؛ برای لفظ شَفَاعَةً است که مؤنث است. و آن که به یاء خواند؛ برای آن که فعل مقدم است و تأنیث نه حقیقی است و میان فعل و فاعل فاصله‌ای هست. کما قال تعالی: لئن لآ یكون للناس علی الله حجة ... بقره/ ۱۵۰» (همان، ۲۶۶/۱). در این قرائت به قواعد صرف و نحو اشاره شده است. هرچند به یاء خواندن یقبل فرع بر اصل (مطابقت فعل و فاعل از حیث مؤنث و مذکر) است. به نظر می‌آید ابوالفتوح هرچند به صراحت نظر خود را اعلام نکرده است اما با ارائه سه دلیل نحوی، به همراه استشهاد به آیه ۱۵۰ سوره بقره (که در آن واژه حجة مؤنث است ولی فعل یكون مذکر آمده است) قرائت یقبل به صورت مذکر را به‌طور ضمنی مناسب‌تر دانسته است.

۳-۲-۳. متناسب بودن قرائت با شأن نزول
شیخ رازی (ره) برای آیه ۱۱۹ بقره إنا أرسلناک بالحق بشیراً ونذیراً ولا تُسئَلُ عن اصحاب الجحیم ابتدا دو سبب نزول نقل می‌کند و پس از آن به شرح قرائت موجود در این آیه می‌پردازد.



ارزشمند روض الجنان و روح الجنان، از قرائات به صورت گسترده شامل قرائات مشهور و بعضاً شواذ استفاده کرده و قرائات را سنگ بنایی برای شرح و بیان آیات قرارداد است. وی با موشکافی و بررسی قرائات مختلف یک واژه به بیان حجت و علت قرائت مورد نظر می‌پردازد که این فرایند در بیشتر مواقع همراه با تأیید تمامی قرائت‌هاست؛ اما مواردی هم وجود دارد که شیخ (ره) با استفاده از سیاق آیه و سیاق کلمات، علم لغت، صرف و نحو و سایر قرائن همانند: سبب نزول، فضای سخن، ویژگی‌های گوینده سخن و ... قرائتی را اختیار نموده و آن را ترجیح می‌دهد. شیخ ابوالفتوح رازی^(رض) در بررسی چند و چون قرائات با استفاده از قرائنی همانند آیات دیگر قرآن و روایات به ارجحیت قرائتی نسبت به قرائت دیگر - به طور آشکار و یا به طور ضمنی نظر می‌دهد. جمع بین قرائات از دیگر روش‌ها و اسلوب‌های به کار گرفته شده‌ای است که شیخ^(رض) در تفسیر خود از آن استفاده کرده است؛ بدین شرح که بعضاً قرائت‌های مختلف، در نهایت یک معنا را نتیجه می‌دهد، که در این حالت همه قرائت‌ها را می‌توان برای بیان آن معنا جمع کرد. و آخر سخن اینکه مفسر با استفاده از قرائات به استنباط و شرح و بیانی نو از آیات دست می‌یابد که شاید این رهیافت بدون قرائات میسر نبود.

دیگر قراء، مفاعله از باب طارقت النعل و عاقبت اللص و عافاه الله باشد» (همان، ۲۸۳/۱). ابوالفتوح (ره) در اصل قرائت واعدنا با الف را به مثابه واعدنا بدون الف می‌داند که مفاعله در اینجا به معنای عمل متقابل میان دو نفر نیست؛ همانند عافاه الله (خداوند او را عافیت دهد) که در مورد یک طرف صدق می‌کند. وی در پایان برای تثبیت قرائت اختیار شده واعدنا چنین ادامه می‌دهد: «و وعد إخبار باشد موعود را به آنچه او را خرم کند. و وعد، عده و میعاد نظایر بود و ...» (همان) با یکی دانستن این دو قرائت و ارتباط معنایی آنها با یکدیگر جناب ابوالفتوح رازی (ره) بین دو قرائت را جمع می‌کند. برای آشنایی با نمونه‌های دیگر به تفسیر آیه ۱۶۸ بقره در بررسی قرائت خطوات ج ۲، ص ۲۸۷ و همین‌طور تفسیر آیه ۲۵۹ بقره در بررسی قرائات کلمه نُنشِرُها (ج ۴، ص ۲۲) مراجعه شود.

نتیجه‌گیری

علم قرائت و یا به عبارتی قرائات به عنوان یکی از شاخه‌های علوم قرآنی همواره مورد توجه فراوان مفسران بوده است. محققان علوم قرآنی، این علم را نیز از جمله علوم پیش‌نیاز و ضروری در تفسیر به‌شمار آورده‌اند. شیخ ابوالفتوح رازی (ره) مفسر بزرگ قرن ششم هجری و صاحب تفسیر

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی مریم، نصر بن علی، الموضح فی وجوه القراءات وعللها، جده، الجماعه الخیریه لتحفیظ القرآن الکریم، اول، ۱۴۱۴ ه.ق.
۳. ابن الجزری، ابوالخیر محمد بن محمد دمشقی، النشر فی القرائات العشر، کتابفروشی جعفری تبریزی، تهران، چاپ اول، بی تا.
۴. ابن خالویه، مختصر فی شواذ القرآن من کتاب البدیع، قاهره، مکتبه المتنبی، بی تا.
۵. ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین، لسان العرب، بیروت، دارصادر، بی تا.
۶. ابو شامه، شهاب الدین عبد الرحمن، المرشد الوجیزالی علوم تتعلق بالکتاب العزیز، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۲۴ ه.ق.
۷. امیری، جهانگیر، درآمدی بر مبانی علم قرائت، قم، ندای دوست، اول، ۱۳۸۳ ه.ش.
۸. الجرمی، ابراهیم محمد، معجم علوم القرآن، دمشق، دارالقلم، ۱۴۲۲ ه.ق.



۹. باهر، محمد ، ابوالفتوح و تفسیر روض الجنان، تهران ،خانه کتاب، اول، ۱۳۸۸ه.ش.
۱۰. -حجتی ،محمد باقر، پژوهشی در تاریخ قرآن ، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ،چاپ هفتم، ۱۳۷۳ه.ش.
۱۱. الخوئی، ابوالقاسم ،البیان فی تفسیر القرآن ، مترجم: جعفر حسینی، قم ،نشر دارالتقلین، چاپ اول، ۱۳۸۴ه.ش.
۱۲. الدآنی، ابوعمر و عثمان بن سعید، جامع البیان فی القراءات السبع المشهوره ، بیروت، لبنان، دارالکتب العلمیه ، ۱۴۲۶ ه.ق.
۱۳. التیسیر فی القراءات السبع، کتابفروشی جعفری تبریزی ، چاپ دوم؛ ۱۳۶۲ه.ش.
۱۴. الدوسری، ابراهیم بن سعید ، مختصر العبارات لمعجم مصطلحات القراءات ، ریاض ، دارالحضارة للنشر والتوزيع ، چاپ اول، ۱۴۲۹ه.ق.
۱۵. -رازی ، ابوالفتوح ، روض الجنان و روح الجنان، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چهارم، ۱۳۸۹ه.ش.
۱۶. راعب اصفهانی ، ابوالقاسم الحسین بن محمد، مفردات فی غریب القرآن ، مکتبه نزار مصطفی البازبی، بی تا.
۱۷. -رجبی، محمود، روش تفسیر قرآن، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم، ۱۳۹۰ه.ش.
۱۸. سیوطی ، جلال الدین عبدالرحمان، الاتقان فی علوم القرآن ، مترجم : مهدی حائری قزوینی ، مؤسسه انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۳ه.ش.
۱۹. شریعت ، محمدجواد، چهارده روایت در قرائت قرآن مجید، تهران ، مرکز نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول ، ۱۳۷۰ه.ش.
۲۰. صبحی صالح ، پژوهشهایی در باره قرآن و وحی، مترجم: محمد مجتهد شبستری ، تهران ، دفتر نشر فرهنگ اسلامی ، چاپ چهارم، ۱۳۷۴ه.ش.
۲۱. صبحی صالح ، مباحثی در علوم قرآن، مترجم: محمدعلی لسانی فشارکی، تهران، نشر احسان، سوم، ۱۳۹۳ه.ش.
۲۲. طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی علوم القرآن، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۳۹۳ه.ق.
۲۳. طبرسی ، ابی علی الفضل بن حسن، مجمع البیان ، لبنان، نشر دارالعلوم ، چاپ اول، ۱۴۲۶ ه.ق.
۲۴. عبدالباقی، محمدفؤاد، المعجم المفهرس، تهران، اسماعیلیان، بی تا .
۲۵. عبدالغنی القاضی ، عبدالفتاح، القراءات فی نظر المستشرقین والملحدین ، مصر ، دار مصر للطباعة، بی تا.
۲۶. علوی مهر، حسین، آشنایی با تاریخ تفسیر و مفسران، قم، جامعه المصطفی العالمیه، ششم، ۱۳۹۴ه.ش.
۲۷. فارس بن زکریا، ابوالحسین احمد، مقایس اللغه، بیروت ، دارالفکر، ۱۳۹۹ه.ق.
۲۸. فضلی، عبدالهادی، مقدمه ای بر تاریخ قراءات قرآن کریم، ترجمه محمدباقر حجتی ، قم، اسوه، دوم، ۱۳۷۳ه.ش.
۲۹. فیروز آبادی ، مجد الدین محمد بن یعقوب ، قاموس المحيط، بیروت، لبنان ، چاپ هشتم، ۱۴۲۶ه.ق.
۳۰. الکرمانی ، ابوالعلاء ، مفاتیح الاغانی فی القراءات المعانی ، بیروت، دار بن حزم، ۱۴۲۲ ه.ق.
۳۱. کلینی، ابی جعفر، الکافی، ترجمه شرح: سیدهاشم رسولی، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت ، تهران، بی تا.
۳۲. محیصن ، محمدسالم ، القراءات و اثرها فی علوم العربیه ، قاهره ، مصر ، مکتبه الکلیات الازهریه ، ۱۴۰۴ه.ق.
۳۳. معرفت ، محمدهادی ، تاریخ قرآن ، تهران :ف، نشر سمت ، چاپ دوازدهم، ۱۳۸۹ه.ش.
۳۴. تفسیر و مفسران ، جلد دوم، قم، التمهید، سوم، ۱۳۸۵ه.ش.
۳۵. علوم قرآن ، قم، نشر سمت، چاپ ششم ۱۳۹۰ه.ش.
۳۶. التمهید فی علوم القرآن ، جلد دوم، مترجم: علی اکبر رستمی، قم، تمهید، ۱۳۹۰ ه.ش.

رابطه قرآن و بهداشت روانی

سید قاسم حسینی^۱ و سایه شفیق‌زاده^۲

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، دانشکده علوم قرآنی آمل

۲- طلبه سطح سه، حوزه ریحانه الرسول (س)، جویبار، ایران

(نویسنده مسئول: m_60_sfazel@yahoo.com)

چکیده

قرآن کریم کتاب هدایت و تبیاناً لکل شیء می‌باشد که دارای مجموعه‌ای از دستورات، پندها، موعظه‌ها و قصص است که هر کدام به جنبه‌ای از زندگی انسان نظر دارد و از این آموزه‌ها می‌توان برای سعادت دنیوی و اخروی بشر استفاده کرد اما امروزه به دلیل فشارهای روحی و روانی که در جوامع بشری وجود دارد و منجر به افزایش استرس، اضطراب و بیماری‌های روحی و روانی می‌شود این سؤال بوجود خواهد آمد که قرآن کریم که قرار است برای تمام لحظات زندگی بشر برنامه داشته باشد در این جور مواقع برای کاهش یا درمان بیماری‌های روانی چه راه‌کارهایی را ارائه کرده است؟ این نوشتار با روش توصیفی به بررسی برخی مصادیق و راه‌های درمان بیماری‌های روانی از نگاه قرآن پرداخته است که از آن به‌عنوان بهداشت روانی یاد می‌کنند و در نهایت به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم کتاب بهداشت روانی نیست اما مطالبی که ارائه کرده است در پیشگیری بسیاری از این بیماری‌های روانی مؤثر می‌باشد و اتفاقاً جوامع بشری نیز به‌دنبال همین مطلب هستند که پیشگیری بهتر از درمان است.

کلید واژه: قرآن، بهداشت روانی، ایمان به خدا، صبر، بیماری روحی

مقدمه

بررسی کنیم و به جوامع دنیا ثابت کنیم که بهترین راه درمان، پیشگیری است و این نسخه پیشگیری بشر، تمسک کردن به قرآن کریم و دستورات دینی می‌باشد.

بهداشت روانی

از آنجایی که علم بهداشت جنبه پیشگیری دارد باید بهداشت روانی را اینگونه تعریف کرد: مراد این است که چگونه می‌توان روح و روان را سالم نگه داشت تا به امراض روحی دچار نشود. البته باید یادآور شویم که تعریف کردن بهداشت روانی و بیماری روانی دشوار است به دلیل اینکه افرادی که رفتارشان صحیح و مسئولیت‌های خود را به‌خوبی انجام می‌دهند سالم هستند و افرادی که در جامعه نمی‌توانند مسئولیت‌های خود را انجام

بشر برای اینکه به سعادت و پیشرفت دست یابد نیاز به آرامش و آسایش دارد به‌همین علت لازم است که به همه چیزهایی که ممکن است برای بشر، آرامش‌بخش باشد تمسک کند به دلیل اینکه به‌نظر می‌رسد که بشر امروز با حجم عجیبی از مشغله‌ها و کارهایی روبه‌رو شده است که برخی از این‌ها عواقبی جز بیماری‌های روحی و روانی به‌دنبال ندارد لذا انسان‌ها با وجود پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی که امروزه وجود دارد هنوز نتوانسته آسایش قطعی برای خود فراهم کند اما خداوند متعال که خالق بشر می‌باشد از طریق کتاب آسمانی (قرآن) دستورات و توصیه‌هایی ارائه کرده است که بشر در صورتی که آنها را مراعات کنند دچار این مشکلات روحی و روانی نخواهند شد و ما در این نوشتار سعی کرده‌ایم برخی از مصادیق کاهش بیماری‌های روانی را



راهکارهای عاطفی: محبت به والدین، صله رحم، سفارش به صبر و توبه. ۴. راهکارهای شناختی: آموزه‌های اسلام با تغییر و اصلاح شناخت و تفکر

نسبت به جهان و تبدیل جهان‌بینی بشر به جهان‌بینی الهی، بر نگرش انسان به مسائل زندگی و رفتار، عواطف و احساسات شخص تأثیر گذاشت که ایمان و توکل به خدا، و رضا، مثبت‌اندیشی، امیدواری به زندگی، الگو قرار دادن پیامبر و اولیای الهی، اعتقاد به معاد از نتایج آن می‌باشد. ۵. راهکارهای رفتاری: اصلاح و هدایت تفکر به سمت جهان‌بینی الهی که باعث اصلاح رفتار شخص می‌شود که این رفتارهای صحیح در خانواده، روابط بین فردی، روابط اقتصادی می‌تواند بهداشت روانی افراد را تأمین کند و یا ارتباط با منبع قدرت معنوی، قوانین بازدارنده و قوانین کنترل‌کننده شهوت.

آیات و عوامل مؤثر در بهداشت روانی

از آنجایی که انسان‌ها از حیث اخلاق و رفتار و روحیات متفاوت هستند ممکن است از حیث بیماری روحی و روانی نیز دچار مشکل شوند لذا قرآن کریم سعی کرده است برای پیشگیری از این امراض روحی و روانی، دستوراتی را بیان کند که ما در این نوشتار به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

۱. یاد خدا

یکی از بزرگترین بیماری‌های روانی که بشر به آن مبتلا هست اضطراب و نگرانی است، اضطراب و نگرانی باعث به‌وجود آمدن عوامل دیگری از قبیل: ترس و وحشت، ضعف و ناتوانی، بدگمانی و خیالبافی، دنیاپرستی، احساس پوچی در زندگی، آینده‌تاریک، گذشته‌ای ظلمانی و ... می‌باشد؛ و شکی در این وجود ندارد که یاد

دهند و رفتارشان نامناسب است را بیمار انگاشته‌اند.^۱

هدف بهداشت روانی

برخورداری از روان سالم و معتدل برای موفقیت در زندگی و رسیدن به آسایش و سعادت از اهداف بشر است و همچنین سعی می‌کند تا شرایطی را فراهم کند که عوامل مخربی که باعث برهم خوردن روان بشر می‌شود و راحتی روان و درون بشر را آزار می‌دهد را از بین ببرد به‌گونه‌ای که آسایش و رفاه او تأمین شود.

قرآن و بهداشت روانی

قرآن کریم کتاب هدایت بشر است و دستوراتی را برای زندگی بشر، (یعنی هرچیزی که باعث پیشرفت معنوی و هدایت بشر شود) را بیان کرده است از جمله این دستورها و توصیه‌ها، راه‌کارهایی را برای تأمین بهداشت روانی ارائه کرده است که حضرت علی (ع) در بیانی به این مطلب اشاره فرموده‌اند که: «برای دردهایتان، از قرآن سلامت بخواهید و با قرآن بر سختی‌ها یاری جویند» حال این سؤال قابل طرح است که قرآن برای بهداشت روانی چه راه‌کارهایی ارائه کرده است؟ پژوهش حاضر سعی بر این دارد آیاتی را که در زمینه راهکارهای معنوی وارد شده است استخراج کرده و مقداری در مورد آنها توضیح دهد که در مجموع به چند محور دست پیدا کردیم که عبارتند از: ۱. راهکارهای معرفتی: وحدت شخصیت انسان، نقش ایمان، ممنوعیت یأس و ناامیدی، هدفمندی و معناداری زندگی، اصل قضا و قدر و تصادفی نبودن رویدادها، اعتقاد به معاد، نگاه مثبت به مرگ و توکل. ۲. راهکارهای اجتماعی: بیماران روانی و عقب‌ماندگی ذهنی و حسن ظن به مردم. ۳.

۱. جفری نوید، اسپنسر راتوس، بهداشت روانی، (مترجم: یحیی سید محمدی)، ص ۲



و عده نجات و حل مشکلات می‌دهد و فرموده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا»^۵

۳. ایمان به خدا و توجه به صفات الهی

یکی از نیازهای اساسی بشر نیاز به احساس امنیت است که این احساس امنیت با ایمان به خدا به دست می‌آید که عبارت است از احساس آزادی نسبی از خطر، این احساس وضع خوشایندی را ایجاد می‌کند و فرد آرامش روحی و جسمی می‌یابد. در سایه توحید هست که احساس امنیت بوجود می‌آید. چون افراد به دلیل ترس، میل به احساس ایمنی دارند. ترسی که از یک محرک موجود یا احتمالی در محیط بیرون ارگانیزم ایجاد می‌شود؛ ولی شخص موحد و مؤمن می‌داند که تمام حوادث جهان معنی‌دار و به صلاح او هستند. او احساس می‌کند پشتیبانی دارد که در همه مسائل او را کفایت می‌کند؛ یاوری که از آینده به خوبی خبر دارد، مصلح و مفاسد شخص را می‌داند و با او مهربان است. دوستان خدا به جهان مادی وابستگی ندارند و «زهد» به معنی حقیقی‌اش بر وجود آنها حکومت می‌کند، نه با از دست دادن امکانات مادی ناراحت می‌شوند و نه ترس از آینده در این گونه مسائل افکارشان را به خود مشغول می‌دارد»^۶.
در مورد ایمان به خدا و اثرات آن در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که ما به چند مورد آن اشاره خواهیم کرد: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمَلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ کسانی (از آنان) که به خدا و روز بازپسین ایمان آوردند، و [کار] شایسته انجام دادند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین

خداوند، این دغدغه‌ها را از بین می‌برد و به انسان آرامش می‌دهد همانطور که قرآن کریم فرموده است: «الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِشَيْءٍ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَانُوا عَلَى سَلَامٍ تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»^۱ یا اینکه در جای دیگر فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ»^۲ همانا خداوند کسی است که سکینه و آرامش در قلوب مؤمنین ایجاد می‌کند. برخی مفسرین نوشته‌اند: «یاد خدا برای انسان، که همواره اسیر حوادث است و در جستجوی یک چیز محکمی است که سعادت او را ضمانت کند و گاه در امور خود متحیر است، نمی‌داند به کجا می‌رود و به کجایش می‌برند و برای چه آمده، مایه و آرامش است»^۳. از سوی دیگر درباره فراموش کردن یاد خدا به بشر هشدار داده است و می‌فرماید: «وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنْسَاهُمْ أَنْفُسَهُمْ»^۴ همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا آنها را به خود فراموشی گرفتار کرد. خلاصه اینکه قرآن کریم ثمره یاد کردن خدا را اینگونه بیان کرده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۵

۲. تقوا و تزکیه

گناه یک نوع بیماری است که قرآن کریم برای پیشگیری و درمان مانند بیماری‌های روانی، پیروان خود را به تقوی و پرهیزگاری سفارش می‌کند لذا تمام آیاتی که دستور به تزکیه و تقوای الهی می‌دهد، نیز می‌تواند به عنوان آیات بهداشت روان مطرح شود و این سخنی است که علم امروز به آن اعتراف دارد، علاوه بر آن برخی آیات مربوط تقوا با صراحت پرده‌های یأس و نومیدی را برمی‌دارد و به تمام افراد پرهیزگار

۵. یونس، ۶۲

۶. طلاق، ۲

۷. مکارم، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۳۴

۱. رعد، ۲۸

۲. فتح، ۴

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۳۹۲

۴. حشر، ۱۹



انسان در چارچوب علل مادی و محدوده توانایی خود محاصره نشود و چشم خود را به حمایت و لطف پروردگار بدوزد، این توجه مخصوص، آرامش، اطمینان و نیروی فوق‌العاده روحی و معنوی به انسان می‌بخشد که در رویارویی با مشکلات اثر عظیمی خواهد داشت. پیامبر صلی‌الله علیه و آله و سلم از جبرئیل پرسید: توکل بر خداوند چیست؟ جواب داد: فهمیدن این‌که مخلوقات نمی‌توانند به انسان ضرری بزنند یا نفعی برسانند، نه می‌توانند به انسان چیزی بدهند و نه می‌توانند خیری را از انسان منع نمایند، لذا انسان از خلق و مردم مأیوس می‌گردد و اگر بنده چنین شد برای غیرخدا کار نمی‌کند و به کسی غیر از خداوند امید ندارد و از غیر خداوند نمی‌ترسد و در احدی غیر از خداوند طمع نمی‌کند. شخص متوکل اگر هم شکست بخورد، چون معتقد است خداوند قادر به فراهم‌ساختن اسباب موفقیت انسان‌هاست و مصالح آنها را بهتر از خودشان می‌داند، می‌پذیرد که شکست ظاهری به صلاح و نفع او بوده است، لذا از لحاظ روانی ضربه نخواهد خورد. پس توکل باعث از بین رفتن نگرانی و وحشت از اوضاع مبهم آینده است و جلوی بروز اضطراب و فشارهای روانی را می‌گیرد.

۵. صبر

در قرآن کریم برای بیان جایگاه و اهمیت صبر و استقامت و تربیت آدمیان بر این اساس، در پنجاه آیه به صبر و استقامت توصیه و تشویق شده و از آن تمجید گردیده است و انسان‌های صابر محبوب حق معرفی شده‌اند و نتایج و ثمرات شگفت آن یادآوری شده است. «سَلَامٌ عَلَیْكُمْ بِمَا

می‌شوند»^۱. «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ و (ما) فرستادگان [خود] را، جز مژده‌آور و هشدار دهنده نمی‌فرستیم؛ و کسانی که ایمان آورند و اصلاح نمایند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند»^۲. در این آیات ایمان به خدا یکی از راهکارهای شناختی است که باعث امنیت روانی انسان می‌شود و از راهکار رفتاری به «عمل صالح» یا «اصلاح» تعبیر شده است. دانشمندان اسلامی می‌گویند: اگر تمام آیاتی که در آن نام‌ها و صفات خداوند بیان شده است را مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که به نوعی در آرامش روحی انسان مؤثرند؛ صفاتی مانند علیم، سمیع، غفور، قدیر، ستار، جبار، توأب، حکیم و نصیر. به‌عنوان نمونه اگر کسی در مقامی قرار گیرد که انجام کاری برای او سخت باشد چون توان آن را ندارد و یآوری نیز ندارد در این‌صورت وقتی معتقد باشد که خدایی دارد که هم قادر است و هم ناصر، در این‌صورت یک آرامش روحی و روانی برای او حاصل خواهد شد و آن کار را پی‌گیری خواهد کرد «یا من اسمه دواء».

۴. توکل بر خدا

از دیگر بیماری‌های روانی، یأس و نومیدی و سستی است که توکل کردن بهترین راه‌کار درمان آن است و در قرآن فرموده است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ»^۳ هر کس بر خدا توکل کند کفایت امرش را می‌کند، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند. توکل یعنی شخص به دیگری اعتماد کند و دیگری را نایب خود بگیرد^۴. منظور از توکل این است که

۴. راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۶۱

۱. مائده، ۶۹

۲. انعام، ۴۸

۳. طلاق، ۳



نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: یقین و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست ای جبرئیل؟ گفت: آن مرتبه توکل بر خدای عز و جل است. تمام این صفات و کمالات از صبر برمی‌خیزد و تا کسی صبر پیشه نکند به این مراتب دست نمی‌یابد؛ و روشن است که بیشتر اخلاق و کمالات داخل در صبر است.

اقسام صبر و استقامت

صبر و استقامت با جایگاه و اهمیتی که برای آن یادآور شدیم اقسامی مختلف دارد و در میدان‌های گوناگون زندگی و مبارزه و سیر به‌سوی کمال راهگشا و نجات‌دهنده است. درباره اقسام صبر در حدیثی از رسول خدا (ص) چنین آمده است: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمُعْصِيَةِ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ»^۵ صبر بر سه قسم است: صبر بر مصیبت، و صبر بر طاعت، و صبر در برابر گناه. همچنین امیر مؤمنان (ع) فرموده است: «الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ»^۶. صبر دو گونه است: صبری بر آنچه خوش نمی‌شماری و صبری بر آنچه آن‌را دوست می‌داری. به‌طور کلی می‌توان گفت که قرآن کلید پیروزی در بسیاری از مشکلات را صبر می‌داند و این باعث دلگرمی انسان می‌شود.

۶. توبه و استغفار

انسان گناه‌کار بدلائل مختلفی از جمله احساس حقارت، ترس و ... دچار یأس و ناامیدی می‌گردد و قطعاً در چنین زمانی نیاز به یک قدرت امیدبخش دارد تا بتواند خود و مسیرش را پیدا کند و باید گفت که بهترین راه درمان و جبران

صَبْرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ»^۱. فرشتگان گویند: سلام بر شما به پاداش صبوری که کردید؛ پس چه نیک است سرانجام این سرای. «وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۲ و کسانی‌را که شکیبایی ورزیده‌اند، به بهتر از آن چه کرده‌اند پاداش می‌دهیم. «وَ اللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^۳ و خدا شکیباییان را دوست دارد. بدین ترتیب درمی‌یابیم که رشد همه کمالات در بستر صبر و استقامت است و ریشه در آن دارد؛ و رمز و راز پیروزی‌ها و شرط موفقیت در امور شکیبایی و پایداری است به‌همین دلیل است که وقتی خداوند می‌خواهد به پیامبر گرامی‌اش هدیه دهد، صبر و تبعات آن را هدیه می‌کند، چنان‌که در حدیث امام صادق (ع) آمده است: «جَاءَ جِبْرَائِيلُ ع إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلَكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَ الصَّبْرُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الرِّضَا وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الزُّهْدُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْإِخْلَاصُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْيَقِينُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ يَا جِبْرَائِيلُ قَالَ إِنَّ مَدْرَجَةَ ذَلِكَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»^۴. جبرئیل (ع) به نزد پیامبر (ص) آمد و گفت: ای رسول خدا، خداوند مرا با هدیه‌ای به‌سوی تو فرستاده است که چنین هدیه‌ای به کسی پیش از تو نداده است. رسول خدا گفت، پرسیدم: آن هدیه چیست؟ گفت: صبر و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: رضا و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: زهد و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: اخلاص و

۵. کلینی، الکافی (ط - الاسلامیه)، ج ۲، ص ۹۱؛

۶. نهج البلاغه، ص ۴۵۰

۱. رعد، ۲۴

۲. نحل، ۹۶

۳. آل عمران، ۱۴۶

۴. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۶۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج

۱۵، ص ۱۹۴، باب ۴، ح ۳۱



مناسب که عبارتند از: تواضع، وفای به عهد، رازداری، گذشت، حسن معاشرت، ابراز محبت، تشکر اعضای خانواده از همدیگر، خوش اخلاقی زن و شوهر، هدیه‌دادن به یکدیگر، توجه زن و مرد به خواست یکدیگر و ... هم‌چنین برای والدین در مقابل فرزندان هم وظایفی را مشخص کرده است، از قبیل انتخاب و گزینش همسر مناسب که مادر خوبی برای فرزندان باشد ستوصیه‌های هنگام بارداری مادر- مراقبت‌های دوران کودکی (شیردادن، یادگیری، تعامل با فرزندان) توصیه‌ها در ارضای محبت به فرزندان، لزوم آشنایی با توانایی‌های شناختی کودکان و برآوردن نیاز به امنیت کودک. در مقابل برای فرزندان در مقابل والدین وظایفی را مشخص نموده است که عبارتند از: احترام گذاردن به والدین و احسان به آنها، نگاه محبت‌آمیز به والدین و غیره (ر.ک: صادقیان، قرآن و بهداشت روان، فصل سوم). تعالیم و آموزه‌های دینی هم‌چنین به روابط خویشاوندی و صله رحم دستور داده و بدین‌وسیله نیز بهداشت روانی را تأمین کرده است.

۸. عفاف

هرجا که بی‌عفتی و عدم پایبندی به دستورات اخلاقی زیاد باشد فکر و رفتار انسان‌ها دچار تغییراتی می‌گردد که ثمرهای جز خسران جسمی و روحی برای آنها ندارد در این مواقع بهترین راه درمان را باید در مراعات عفاف دید که قرآن کریم در رابطه با نقش عفاف بر روح و روان انسان‌ها (مرد باشد، یا زن) تعبیراتی زیبا و دقیقی دارد؛ در یک مورد در رابطه با چشم‌پوشی از نامحرم می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنْ

این ناامیدی، توبه و استغفار است که او را امیدوار و به او روح امید می‌بخشد، در قرآن کریم فرموده است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * وَ أَنبِئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ اسْلَمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^۱ بگو ای بندگان من! که برخود اسراف و ستم کردید از رحمت خدا نومید نشوید که خداوند همه گناهان را می‌آمزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است و به درگاه پروردگارتان باز گردید (انابه کنید) و در برابر او تسلیم شوید.

۷. ازدواج و اهتمام به خانواده

یکی از دستورات قرآن برای تأمین بهداشت روانی ازدواج است، انسان موجودی اجتماعی است، به‌طوری‌که به‌تنهایی و بدون همراهی سایر انسان‌ها و یا کسی که همدم او باشد نمی‌تواند به زندگی ادامه دهد البته گاهی مواقع فشارهای زندگی ممکن است انسان را دچار نگرانی و مشکلات عصبی و روحی کند که جهت کاهش و کنترل آن باید به یک نیروی قوی تمسک کرد که به‌نظر می‌رسد اهتمام به خانواده، بعد از یاد خدا، مایه آرامش و سلامتی روان انسان است به‌همین دلیل خداوند با واژه «لتسکنوا»، این نکته را بیان کرده است و می‌فرماید: «وَ مِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُم مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»^۲ از نشانه‌های او این‌که همسرانی از جنس خودتان آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. هم‌چنین برای زن و مرد وظایفی را تعیین کرد که اگر این وظایف را رعایت کنند بهداشت روانی را به ارمغان می‌آورد. مثل: روابط مناسب بین زن و شوهر، ارضای نیازهای جنسی یکدیگر، ارتباط درست کلامی، ارتباط غیر کلامی



خود را انجام دهند و رفتارشان نامناسب است را بیمار انگاشته‌اند. یکی از اهداف بشر برای موفقیت و رسیدن به آسایش، برخورداری از روان سالم و معتدل است و در مقابل باید تمام عواملی که باعث تخریب و برهم‌زدن، مسائل روحی و روانی انسان می‌شود از بین ببرند به همین خاطر پیشگیری بهتر از درمان است و بهترین راه‌کارها توسط قرآن ارائه گردیده لذا حضرت علی (ع) در بیانی به این مطلب اشاره فرموده‌اند که: «برای دردهایتان، از قرآن سلامت بخواهید و با قرآن بر سختی‌ها یاری جوید» ما در این نوشتار به برخی از عوامل مؤثر در بهداشت روانی از جمله: یاد خدا، تقوا و تزکیه، ایمان به خدا و توجه به صفات الهی، توکل بر خدا، صبر، توبه و استغفار، ازدواج و اهتمام به خانواده، عفاف، استعاذه پرداخته‌ایم و در نهایت به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم کتاب بهداشت روانی نیست اما مطالبی که ارائه کرده است در پیشگیری بسیاری از این بیمارهای روانی مؤثر می‌باشد و اتفاقاً جوامع بشری نیز به دنبال همین مطلب هستند که پیشگیری بهتر از درمان است.

اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ^۱.

۹. استعاذه

پناه بردن به خداوند نقش به‌سزایی در رفع بیماری‌های روانی دارد؛ یکی از بیماری‌های روانی و سوسه‌های شیطانی است، بدین جهت است که خداوند به پیامبر دستور می‌دهد، هرگاه سوسه‌های شیطانی به تو روی آورد به خدا پناه ببر «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ؛ بگو: پروردگارا از سوسه‌های شیطان‌ها به تو پناه می‌برم»^۲ و در مورد دیگر می‌فرماید: «وَإِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ هرگاه سوسه‌ای از شیطان به تو برسد به خدا پناه ببر»^۳ موارد ذکر شده، فقط برخی از مواردی است که قرآن برای درمان و آرامش روان انسان به آنها اشاره فرموده است.

نتیجه‌گیری

تعریف کردن بهداشت روانی دشوار است بدلیل اینکه افرادی که رفتارشان صحیح و مسؤلیت‌های خود را به خوبی انجام می‌دهند سالم هستند و افرادی که در جامعه نمی‌توانند مسؤلیت‌های

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات الفاظ قرآن، دارالعلم- دار الشامیه، لبنان- سوریه، ۱۴۱۲ ق
۴. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر، بحار الانوار، الطبع و النشر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۵. جفری اس. نوید، اسپنسر ا. راتوس، بهداشت روانی، مترجم: یحیی سید محمدی، ارسباران، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۹ ق
۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷.
۸. قمی، صدوق، محمد بن بابویه، معانی الاخبار، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
۹. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- الاسلامیه)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴

زمینه‌های روانشناختی حجاب از منظر قرآن

الهه هدایتی^۱ و سید محمود حسینی^۲

۱- طلبه سطح ۳ حوزه علمیه ریحانه الرسول جویبار

۲- استادیار دانشگاه علوم و معرف قرآن کریم

(نویسنده مسئول: mirtahal@yahoo.com)

چکیده

یکی از فضایل اخلاقی بسیار مهم حجاب و پوشش است این مسئله یک امر فطری انسانی است و فقط اختصاص به زنان ندارد و شامل مردان نیز می‌شود، اما حجاب در زنان به دلیل ساختار جسمانی‌شان مورد تاکید بیشتری قرار گرفته است. اسلام به‌عنوان دین کامل برای جلوگیری از تحریک بی‌جای غریزه جنسی و بروز انحرافات گوناگون تدابیری از جمله حجاب و پوشش را مطرح کرده است. حجاب در تمام تعالیم ادیان الهی توصیه و مورد توجه قرار گرفته است. دین مبین اسلام در طراحی سیاست کلان جنسی موضع منطقی اتخاذ کرده و هم در پیشگیری از انحرافات و آفات جنسی تدابیر گسترده‌ای در جهت مهار غریزه جنسی اندیشیده و آن بحث حجاب است. مروری اجمالی بر وضعیت نابسامان جهان امروز ما را با انبوهی از سوالات مواجه می‌کند که می‌توان با مراجعه به آیات قرآن به دیدگاه‌های صحیحی از روانشناختی حجاب رهنمون شد که در این مقاله سعی شده است به‌روش توصیفی و با مراجعه به کتاب‌های گوناگون در این زمینه به موضوعاتی از جمله آثار فردی و اجتماعی حجاب در زمینه‌های مختلف پرداخته شود، که با بهره‌گیری از آنان می‌توانیم به تحکیم بنیان خانواده و امنیت اخلاقی جامعه دست یابیم.

واژگان کلیدی: حجاب، دیدگاه روانشناختی، آثار فردی، آثار اجتماعی، تحکیم بنیان خانواده، امنیت اخلاق جامعه.

مقدمه

روانشناختی حجاب در آیات قرآن است. مقاله‌ای تحت عنوان علل پیدایش حجاب از دیدگاه‌های مختلف به نویسندگی حاذق و حمزه‌پور با موضوع مبانی اجتماعی و فرهنگی حجاب به آن پرداخته است. در این مقاله با موضوع زمینه‌های روانشناختی حجاب از منظر قرآن به موضوعاتی از جمله حجاب از نظر عقل و فطرت، حجاب در قرآن، حجاب و تاثیر آن بر روح و روان، آثار اجتماعی و فردی حجاب پرداخته شده است.

مفهوم لغوی و اصطلاحی حجاب

معنای لغوی

در قاموس قرآن آمده که حجب و حجاب هر دو مصدر و به معنی پنهان کردن و منع از دخول است. حجاب به معنی پرده نیز است. در فرهنگ قرآن آمده که حجاب در لغت به معنای پرده،

حجاب برای بقاء و سلامت حیات خانوادگی امری بسیار ضروری است و بهداشت روانی جامعه و سلامت افراد در گرو حجاب زنان است، مهم‌تر اینکه برای حفظ حجاب زن، پوشش یک ضرورت است. در این مقاله به این سوال که: زمینه‌های روانشناختی حجاب از نظر قرآن چیست؟ پاسخ داده شده است و همچنین به سوالات دیگری از جمله حجاب و تأثیر آن بر روح و روان چگونه است؟ آثار فردی حجاب چیست؟ آثار اجتماعی حجاب چیست؟ پرداخته شده است. حجاب و پوشش از عوامل مهم سلامت افراد و آرامش در جامعه است. در آیات و روایات بسیاری رعایت به حجاب و پوشش تاکید شده است. هدف از این تحقیق آشنایی هرچه بیشتر با مبانی

پوشش و حایل بین دو شیء است و مقصود از حجاب در این‌جا پوشاندن زن برطبق موازین شرع در برابر نامحرم است در این مدخل از تعبیرهایی مانند (یدنین علیهن من جلابیهن)، (فسلوهن من وراء حجاب)، (غیر متبرجات بزینة)، (و لا یدین زینتهن الا ما ظهر منها) و ... استفاده شده است. در مفردات راغب آمده که حجاب، بازداشتن و ممانعت از دسترسی و رسیدن به چیزی است و یعنی جوف و باطن و آنچه که از دل پوشیده و پنهان است.

معنای اصطلاحی

۱- حجاب، داشتن پوشش ظاهری مناسب و منطبق با دستورات دین است. ۲- در زبان عربی حجاب به پرده‌ای که قلب را از سایر اعضای بدن جدا می‌کند گفته می‌شود. به نگهبان و دربان نیز به این دلیل که مانع داخل شدن افراد می‌شود «حاجب» گفته می‌شود. در کتاب التحقیق فی کلمات القرآن در توضیح معنای حجاب آمده است: (حجاب، حایل و جدا کننده و مانع تلاقی دو چیز یا اثر دو چیز است و آن دو چیز می‌تواند هر دو مادی یا هر دو معنوی یا یکی مادی و دیگری معنوی باشد و خود حاجب و مانع می‌تواند مادی یا معنوی باشد). کلمه‌ی حجاب در آیات مخصوص به همسران رسول الله (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و در روایات به‌همین معنای [حایل و مانع] بکار رفته است. در این تحقیق کلمه‌ی حجاب با معنای پوشش زن بر طبق موازین شرع در برابر نامحرم مورد توجه بوده است. معنای اصطلاحی جدید این واژه، عبارت است از پوششی است که زن در برابر نامحرمان باید استفاده کند و از جلوه‌گری و خودنمایی بپرهیزد. در این نوشتار نیز همین

معنای اصطلاحی مورد نظر است، نه پرده‌نشینی زنان. تردیدی نیست که حجاب در این اندازه، یکی از احکام مشترک ادیان ابراهیمی و از احکام ضروری اسلام بوده است و همه طوایف اسلامی بر آن اتفاق نظر دارند.^۱

حجاب امری فطری

پوشش زنان و مردان قبل از هر چیز برخواسته از فطرت پاک و ساختار وجودی ذاتی آنهاست، زیرا از ابتدای خلقت بشر هر کدام از زن و مرد تلاش کردند تا هر طور شده خود را بپوشانند بدون اینکه از قبل در این مورد آموزش دیده باشند، این مسئله نشان می‌دهد که در وجود انسان عامل بازدارنده و هدایت‌کننده‌ای به نام حیا وجود دارد که می‌خواهد انسان را از خطرات و انحراف‌ها حفظ کند و راه درست را به او نشان دهد. در قرآن در داستان حضرت آدم و حوا آمده که بعد از چشیدن از آن درخت بهشتی که، از خوردنش نهی شده بودند از بهشت اخراج شدند خود را برهنه دیدند (پس چون از آن درخت تناول کردند زشتی‌هایشان بر آنان آشکار گردید).^۲ در آنجا شروع کردند با قرار دادن برگ‌های بهشتی بر خودشان تا پوشیده شوند، آدم و حوا قبل از این ماجرا برهنه نبودند، بلکه دارای نوعی از پوشش بهشتی بودند که بر اثر خطا، پوشش از تن آنها فروریخت، سرعت پوشاندن آنها با برگ‌های بهشتی نشان‌دهنده این است که پوشش برای مرد و زن یک امر فطری است و انسان برای پاسخگویی به ندای فطرت خود را به ناگزیر از پوشش می‌داند.^۳

حجاب از نظر عقل

هر انسان عاقلی آنچه که برایش مایه کرامت و حفظ از انحرافات و بیهودگی‌ها است، آنرا

۱. ر.ک: علیمردی، ۱۳۸۹: ۱۱۹
۲. آیه ۲۲ اعراف

۳. اشتهدادی ۱۳۷، ۶۹



یا برادرانشان، یا پسران برادرانشان، یا پسران خواهرانشان، یا زنان هم‌کیششان، یا بردگانشان [= کنیزانشان]، یا افراد سفیه که تمایلی به زن ندارند، یا کودکانی که از امور جنسی مربوط به زنان آگاه نیستند؛ و هنگام راه رفتن، پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود (و صدای خلخال که بر پا دارند، به گوش رسد)؛ و همگی به سوی خدا بازگردید ای مؤمنان تا رستگار شوید. «و زنان از کار افتاده‌ای که امید به ازدواج ندارند، گناهی بر آنان نیست که لباس‌های (رویین) خود را بر زمین بگذارند، به شرط اینکه در برابر مردم، خودآرایی نکنند و اگر خود را بپوشانند، برای آنان بهتر است؛ و خداوند شنوا و داناست.» در شأن نزول آیه ۳۰ سوره نور، «قُلْ لِّلْمُؤْمِنِيْنَ يَعْضُوْنَ مِنْ اَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوْنَ اَفْروُجَهُمْ ...»، کلینی به سند خویش از سعد اسکاف نقل می‌کند که امام باقر(ع) می‌فرماید: «جوانی از جماعت انصار در شهر مدینه با زنی روبه‌رو شد. در آن زمان زنان پوشش سر خود را پشت گوش‌های خود می‌انداختند [در نتیجه، بناگوش و گردن ایشان هویدا بود]. وقتی زن از کنار وی گذشت، جوان سر را به عقب برگرداند و همچنان که راه می‌رفت، وی را نظاره می‌کرد و وارد کوچه‌ای شد و در حالی که به پشت سر خود نگاه می‌کرد، به راه خود ادامه داد که صورتش به استخوان یا تگه‌شیشه‌ای که از دیوار بیرون زده بود، برخورد کرد و شکست. وقتی آن زن از نظرش محو شد، نگاه کرد و دید که بدن و لباسش خونین شد. [به خود آمد] و گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا می‌رسم و او را از این مسئله خبردار می‌کنم. پس خدمت رسول خدا شرفیاب شد. پیامبر از حال وی جويا شد و او جریان را به اطلاع آن جناب رساند. پس جبرئیل

موجب استواری خود می‌دانند و آنچه باعث فساد و تباهی می‌شود آن را مذموم می‌داند. عقل مانند چراغ روشن است که زشتی‌ها و خوبی‌ها را نشان می‌دهد و عوامل خوشبختی و بدبختی انسان را مشخص می‌کند. حجاب از عوامل خوشبختی است و باعث سلامت و تکامل فرد و جامعه می‌شود و برهنگی و بدحجابی باعث انحطاط و پیامدهای شوم می‌گردد. حضرت علی (علیه‌السلام) فرمود: خداوند به آدم (علیه‌السلام) وحی کرد، من تو را به انتخاب یکی از سه صفت: عقل، حیا، دین مخیر نمودم، یکی از آنها را انتخاب کن و دو صفت دیگر را رها کن. آدم عرض کرد: من عقل را برگزیدم. خدا توسط جبرئیل به حیا و دین فرمود: از عقل جدا شوید و او را به‌خودش واگذارید، آنها به جبرئیل گفتند: ما از سوی خدا فرمان داده شده‌ایم که از عقل جدا نشویم و هر جا عقل باشد ما همراه آن هستیم^۱. در نتیجه حیا صفت فطری است از عقل جدا نمی‌شود، اگر کسی خصلت حیا را رعایت نکرد در واقع خود را از عقل جدا کرده‌است.

جایگاه حجاب در قرآن

مسئله حجاب در دو سوره از سوره‌های قرآن مطرح شده است. ابتدا این نکته به اجمال در آیه ۵۹ سوره احزاب مطرح شده است و آنگاه با تفصیل بیشتری در سوره نور آمده است: "و به زنان بایمان بگو چشم‌های خود را (از نگاه هوس‌آلود) فروگیرند، و دامان خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقدار که نمایان است - آشکار ننمایند و (اطراف) روسری‌های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود)، و زینت خود را آشکار نسازند، مگر برای شوهرانشان، یا پدرانشان، یا پدر شوهرانشان، یا پسرانشان، یا پسران همسرانشان،

۱. کلینی ۱۴۱۴، ج ۱۰



نازل شد و این آیه (۳۰ نور) را آورد^۱. سیوطی نیز این شأن نزول را به نقل از ابن مردویه از امام علی (ع) نقل کرده است^۲. از این شأن نزول می‌توان استنباط کرد که اولین آیاتی که در تشریح حجاب و بیان محدوده نظر نازل شده، همین آیات سوره نور است.

تحلیل حجاب از دیدگاه روانشناسی

حجاب و هویت یک مقوله جدانشدنی در دوران بلوغ و پس از آن هستند. حجاب یعنی حفظ حرمت و ارزش‌های وجودی خود و هویت یعنی شناخت خود به‌عنوان یک موجود برتر که دارای اندیشه و تفکر است و ماهیت او این‌گونه است (یا پسر و یا دختر است) و باید برای آینده برنامه داشته باشد و دوست دارد در آینده مشکلات مهم زندگی دیگران را مرتفع نماید و البته خود در خوشبختی تمام باشد هنگامی که مسیر درست تربیت برای زندگی نوجوان پی‌ریزی شد و او به شناخت کلی از خود رسید در این زمان متوجه می‌شود که حجاب نیز یکی از مولفه‌های هویت اوست. چنانکه حجاب را هویت زن مسلمان و بی‌حجابی را هویت سست دینان و بی‌دینان می‌شناسند. البته همانطور که گفته شد تنها در زمانی این تفکر در اذهان روشن جوانان نقش خواهد بست که در دوران نوجوانی و جوانی از یک روش مناسب و علمی و تجربی کارآمد پرورش روحی و اخلاقی بی‌نصیب نباشند. روانشناسی مسأله پوشش را با مطالعه انسان پیوند می‌زند و با توجه به اینکه انسان به‌طور ساختاری موجودی است که نیازهای خاصی دارد بنابراین نظریات روانشناسان در مورد حجاب و پوشش بسیار متفاوت و گاه متناقض است. البته باید پذیرفت که این علم هنگامی به شناسایی انسان پرداخت که زمان و دوران خداکشی و

دین‌گشی بود. در شناخت مسأله حجاب و پوشش در بین مرد و زن این نکات ضروری است: زن: از نظر روانشناسی به دو دسته تقسیم می‌شوند: ۱- عده‌ای که حجاب را مانعی برای نشان‌دادن خود و زیبایی‌های‌شان و یا تفاوت و تبعیض بین زن و مرد می‌دانند. ۲- عده‌ای که حجاب را موجب امنیت زن و مرد می‌دانند و آن را مانعی برای رسیدن به اهداف‌شان نمی‌بینند و البته آن را عامل تبعیض هم نمی‌دانند چون این دسته از افراد پایبندی‌هایی هرچند کوچک با اخلاق و مذهب دارند که خواه‌ناخواه این مسأله برای گروه نوجوان و جوان که در حین تکامل شخصیتی هستند کاملاً روشن و آشکار است. نوجوان در سنی قرار دارد که کم‌کم به هویت وجودی خود آشنا می‌شود و برای نیازهای روزمره خود به‌دنبال پاسخ صحیح است که در این حوزه والدین با همکاری روش‌های متناسب علمی آموزشی در مدارس بسیار مهم است و شخصیت نوجوان را پخته می‌کند. نوجوان برای درک بهتر خود و آشنایی با محیط پیرامون خویش، نیاز به راهنمایی و آگاهی دارد. او همواره در حال رشد و نمو است و رشد جسمی‌اش به‌طور طبیعی، همراه با حالت‌ها و هیجان‌های روحی و عاطفی است. در روان‌شناسی رنگ‌ها می‌خوانیم که رنگ سیاه نمایان‌گر مرز مطلق است. لذا کسی که رنگ سیاه می‌پوشد، می‌خواهد نشان دهد که مرزی را ایجاد کرده است. اما این‌که این مرز برای چیست، در موقعیت‌های مختلف ممکن، است متفاوت باشد. گاه لباس سیاه را در ماتم و عزا می‌پوشند، برای آن‌که نشان دهند بین آن‌ها و عزیزشان فاصله افتاده و مرز زندگی آن‌ها را از هم جدا کرده است و یا برای آن‌که نشان دهند که در حریم خانه و

۱. کلینی، ۱۳۸۸، ج ۵، ص ۵۲۰

۲. به نقل از: طباطبائی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۱۱۶



می‌پوشد، در واقع می‌خواهد به او «نه» بگوید و آن کسی که رنگ جذاب می‌پوشد، در واقع خواسته یا ناخواسته خود را در معرض نگاه‌های هرزه و آلوده قرار می‌دهد و وسیله‌ی آلودگی و انحراف خود و جامعه را فراهم می‌کند. در روان‌شناسی رنگ‌ها می‌خوانیم که «سفید به صفحه‌ی خالی می‌ماند که داستان را باید روی آن نوشت، ولی سیاه نقطه پایانی است که در فراسوی آن هیچ چیز وجود ندارد».

همنوایی آهنگ تکوین و تشریح

مدبر آفرینش که خواهان تداوم نسل بشر است، خود، به قلم تدبیر و تکوین، جاذبه‌های عقلی، اجتماعی، فطری و زیستی - جنسی را در آدمیان و حتی حیوانات و گیاهان به ودیعت نهاده تا در پرتو جذب و انجذاب درونی همیشگی شعله وجودشان را بر افروخته نگهدارند. خالق هستی برای بقای دیگر موجودات تنها همین جذب و انجذاب را کافی دانسته، ولی برای بقای نسل بشر مسؤولیت سپاری را نیز از نظر دور نداشته است؛ زیرا بشر چون جانوران و گیاهان نیست که نسل وی تنها با جاذبه‌های زیستی - جنسی و عشق‌ورزی آزاد پایدار ماند. نوزاد انسان پس از تولد به تغذیه، نگهداری و پرورش درست نیازمند است و بدون مراقبت‌های بهداشتی، زیستی و فرصت حیات نمی‌یابد. بر این اساس، معمار هستی که نهاد آدمی را آن‌گونه سرشت، برگزید، تشریح این‌گونه نوشت که ازدواج محبوب‌ترین بنیادها برای بنانهادن کانون تولد و مهد پرورش و رشد نوع انسان است ۱. تا هم جذب و انجذاب به محیط خانواده محدود گردد و هم نسلی سالم و متعادل پرورش یابد. چون جذب و انجذاب لجام گسیخته هرگز به بقای نسل تن نمی‌دهد و آن را مزاحم عشق‌ورزی خود می‌بیند؛ همان‌گونه که نسل ناسالم، پدر و مادری نمی‌شناسد تا آن نژاد را استمرار بخشد. ۲. به این منظور، انتظار

خانواده‌ی آن‌ها حادثه‌ای رخ داده است که انجام برخی از کارهای معمولی که سایر خانواده‌ها انجام می‌دهند، برای آنان میسر نیست. اما گاهی هم سیاه می‌پوشند، نه برای عزا و ماتم بلکه برای مشخص کردن مرزها و حریم‌های اجتماعی و حجاب یک خانم مسلمان با چادر سیاه از این دسته است. وقتی که خانمی چادر مشکی به سر می‌کند و با وقار و متانت تمام قدم به عرصه‌ی اجتماع می‌گذارد، با این نحوه‌ی پوشش می‌خواهد نشان دهد که هرکسی حق ندارد به این حریم پاک، مقدس و خصوصی وارد شود. این حریم، حریم حرمت، حیا و احترام است؛ نه جای هرزگی، آلودگی و هوس بازی. در واقع او با حجاب مشکی و چادر سیاه، بین خود و مردان نامحرم مرزی عاقلانه ایجاد می‌کند، او با این سیاهی ظاهری اما ریشه‌دار در درون خود می‌خواهد نگاه تیز و برنده‌ی هرزگی و ابتذال را بشکند و نگذارد در حریم عفاف، پاک‌ی و نجابت او نامحرمی وارد شود و حرمت او را از بین ببرد. لذا چادر مشکی به منزله‌ی حرمت و احترام است. مرز ادب، کرامت، حیا و عفت است. مرز آداب است و نشان می‌دهد که در این محدوده باید حریم را نگه داشت و به صاحب حرم بادیده‌ی احترام و ادب نگریست. از نظر روانی نیز وقتی انسان پارچه‌ی سیاهی را می‌بیند، دیگر چندان رغبتی به نگاه کردن پیدا نمی‌کند و خودبه‌خود نظر را برمی‌گرداند. نگاه به رنگ‌های روشن چشم را باز و رغبت مشاهده و تمرکز بردیدن را دوچندان می‌کند، به عبارت دیگر از دیدگاه روان‌شناسی رنگ‌ها، نگاه به رنگ‌های تیره، به‌ویژه رنگ سیاه که بی‌رنگی مطلق است، تقریباً تمام رغبت‌ها را از بین می‌برد. روان‌شناسان امروز می‌گویند: «سیاه به معنای «نه» بوده و نقطه‌ی مقابل «بله» یعنی سفید است» با این نگاه باید گفت: آن کس که در مقابل نامحرم سیاه



و ملکات نفسانی آدمیان موثر نمی‌باشد بلکه از کارکرد اجتماعی نیز برخوردار است.

آثار فردی حجاب

۱- امنیت

اگر انسان‌ها در زندگی روزمره خود و در کوچه و خیابان، محل کار، تحصیل و حتی داخل منزل احساس امنیت نکنند و دائماً در ترس و دلهره باشند، به تدریج دچار اضطراب می‌شوند. در این میان زنان به دلیل ویژگی‌های شخصیتی و موقعیت اجتماعی‌شان، آسیب‌پذیری بیشتری دارند و طبعاً نیاز بیشتری به امنیت دارند. زیرا در بین جوامع بشری همیشه مردانی وجود دارند که به جهت نداشتن تربیت صحیح انسانی، به دنبال فرصتی هستند تا زنان را مورد سوء استفاده‌های جنسی قرار دهند و یا حداقل مردانی که زمینه‌های انحرافی در آن‌ها وجود دارد، و به تعبیر قرآن «یعنی بیمار دل هستند»^۱، با دیدن کوچک‌ترین محرک جنسی، عنان اختیار را از کف داده و نسبت به زنان بی‌حرمتی روا می‌دارند. در تفسیر علی بن ابراهیم قمی ج ۲، ص ۱۹۶، آمده است: زنان مسلمان به مسجد می‌رفتند و نماز جماعت را با پیامبر می‌خواندند. هنگامی که ایشان برای خواندن نماز صبح و یا مغرب و عشا از خانه بیرون می‌رفتند، جوان‌ها بر سر راهشان می‌نشستند و به تعرض و آزار آنان می‌پرداختند. در این زمان آیه ۵۹ سوره احزاب نازل گردید و بر پوشش زنان به‌عنوان حفاظ در مقابل آزار و اذیت دیگران تأکید کرد.

۲- شخصیت زن

«شخصیت، مجموعه افکار و عواطف و عادات و اخلاقیات یک انسان است و خلاصه هر چه به یک شخص مربوط می‌شود، بیرون از وجود او نیست و شخصیت اوست. تنها راه بالابردن شخصیت زن

می‌رود معمار نظام تکوین و تشریح در راه نیل به خواست خود، به تدبیر و تشریح لازم دست بازد و اسباب رسیدن به آن هدف را تشریح فرماید. «حجاب» در شمار این اسباب جای دارد. اینک در این نوشتار، با پرداختن به برخی آثار تربیتی و روان‌شناختی این دو پدیده، سودمندی و ضرر آفرینی هر یک را هویدا می‌سازیم تا هرکس خود آگاهانه تصمیم گیرد.

حجاب و تاثیر آن بر روح و روان

با وجود پیشرفت‌های سریع در زمینه حل مشکلات جسمی انسان‌ها، علم پزشکی هنوز گامی موثر در خصوص حل مشکلات روانی انسان‌ها برنداشته است، این در حالی است که مشکلات روانی علاوه بر زوال آرامش فرد، نقش موثری را در پدیداری بیماری‌های جسمانی نیز ایفا می‌کند؛ این تقویت حجاب با ایمان می‌تواند باعث کاهش مسائل و مشکلات روحی و افزایش آرامش باشد. انسان به‌عنوان عضوی از جامعه، باید تابع ضوابط اجتماعی باشد تا وظیفه فردی خود را در برپا کردن آرامش و امنیت در جامعه انجام دهد. یکی از فلسفه‌های حقیقی و خوب حجاب، حفظ آرامش زن، مصونیت جامعه از فساد و عمق و معنا بخشیدن به امنیت اجتماعی با توسعه آن است زیرا نفس آدمی، دریایی مواج از تمایلات و خواسته‌های اوست که مهم‌ترین آن‌ها به خوراکی، امور جنسی و مال و جاه و مقام، مربوط می‌شود و بدون شک بالاترین خواسته‌های مردان، تمایل به جنس زن است همان‌گونه که در سخنان عرفا آمده بزرگترین خواسته‌های مرد، رغبت به زنان است. حجاب و پوشش اسلامی برای مردان و زنان، تنها از کارکرد فردی برخوردار نیست و فقط برای سامان‌دهی خلقیات



بی‌حجابی که علامت آن بی‌ارزشی بود، رواج داشت. اسلام مقام زن را بالا برد و شخصیت او را مورد تکریم قرار داد و با آوردن قانون حجاب، حفظ و دوام این شخصیت را برای همیشه بیمه کرد.^۴

۳- طهارت روح

انسان موجودی در بعدی است؛ بعد اول: مادی و جسمانی اوست که توسط حواس پنج‌گانه ادراک می‌کند. و بعد معنوی وی از طریق روح و عقل و دل ادراک می‌کند؛ اما در عین حال اگر بخواهد به طهارت روح برسد فقط از راه معنوی قابل رسیدن نیست؛ بلکه باید از امور مادی که توسط حواس پنج‌گانه ادراک می‌شود، نیز می‌توان بدن دست‌یافت. حال اگر انسان، بخواهد حجاب و پوشش را در جامعه در قالب صحیح آن، داشته باشد، قطعاً به سلامت روح دست پیدا می‌کند؛ چنانچه قرآن کریم نیز بدان تصریح نموده است و فرموده است که: «به مردان با ایمان بگو: «دیده فرو نهند و پاکدامنی ورزند، که این برای آنان پاکیزه‌تر است، زیرا خدا به آنچه می‌کنند آگاه است.^۵» در آیه مذکور، اثر حفظ چشم و عفت دامن و حجاب را پاکیزگی می‌داند؛ این یعنی همان طهارت روح آدمی است که به وسیله‌ی حفظ نگاه و حجاب و پوشش بدست می‌آید.

۴- استحکام خانواده

شک نیست هرچیزی که موجب تحکیم پیوند خانوادگی و سبب صمیمیت رابطه زوجین گردد، برای کانون خانواده مفید است و در ایجاد آن باید حداکثر کوشش مبذول شود و برعکس، هر چیزی که باعث سستی رابطه زوجین و دلسردی آنان گردد، زیانمند است و باید با آن مبارزه کرد.

را حجاب او می‌دانیم. اگر او به حجاب روی آورد، پایگاه خانوادگی او قوی می‌شود. مردها، ناچار می‌شوند به زندگی خانوادگی خود، ارج نهند و به همسران خود واقعاً توجه کنند. علو شخصیت زن در این است که کمال همسری، مادری و کمال اجتماعی را برای خود احراز کند. بی‌حجاب در بعد همسری و مادری، شکست خورده و در بعد فعالیت‌های اجتماعی، ابزار و بازیچه و ملعبه شده و خواه ناخواه سقوط کرده است.^۱ اسلام مخصوصاً تأکید کرده است که زن هر اندازه متین‌تر و باوقارتر و عقیف‌تر حرکت کند و خود را در معرض نمایش برای مرد نگذارد، بر احترامش افزوده می‌شود.^۲ به‌طور کلی، اشیائی که در همه‌جا یافت می‌شوند و دسترسی به آنها به‌آسانی صورت می‌گیرد، ارزش کمتری دارند. از سوی، بشر همواره اشیای ذی‌قیمت خود را از دسترس دیگران دور نگه می‌دارد و به شیوه‌ای خاص از آن مراقبت می‌نماید. اسلام که زن را گوهر گران‌بهای هستی و صاحب شخصیت کامل انسانی می‌داند، حجاب را همچون صدف، بهترین وسیله برای حفظ و ثبات آن شخصیت معرفی کرده است. آنان که زنان را تشویق به آرایش و تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی خود می‌نمایند، در حقیقت، زن را فاقد شخصیت و روح انسانی می‌شمارند که باید با تزیین و نمایش زیبایی‌های جسمی، منزلت اجتماعی مناسب خویش را به‌دست آورد. تجربه نیز این مطلب را ثابت کرده است. قبل از ظهور اسلام، نه‌تنها زنان ارزشی نداشتند، بلکه داشتن یک دختر ننگ به حساب می‌آمد: «وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ»^۳. در چنین جامعه‌ای،

۴. ر.ک: محمدی آشنایی، ۱۳۷۰: ۳۵

۵. نور/ آیه ۳۰

۱. مصطفوی، ۱۳۶۹: ۵۵۵۲

۲. ر.ک: مطهری، ۱۳۷۳: ۵۹

۳. التحل / آیه ۵۸



این رقم، عده‌ای که در بیمارستان‌های رسمی آمریکا معالجه می‌شوند، بالغ بر ۳۶۰ هزار نفر می‌باشند. از تمام بیمارستان‌های ایالات متحده، ۶۵۰ بیمارستان تنها به امراض مقاربتی اختصاص داده شده است، در حالی که معادل یک و نیم برابر افرادی که در این بیمارستان‌ها معالجه می‌شوند، به پزشک‌های خانوادگی و خصوصی مراجعه می‌نمایند.^۲ سالانه ۳۰ تا ۴۰ هزار کودک بر اثر بیماری‌های مقاربتی موروثی می‌میرند و میزان تلفاتی که از این بیماری‌ها در ایالات متحده ناشی می‌شود، از مجموع کلیه امراض مختلف غیر از سل، بیشتر است.^۳ بنابراین، یکی از آثار مهم رعایت حجاب در جامعه، حفظ سلامتی و دوری از بیماری‌های مختلف است. در کشورهایی که حجاب و پوشیدگی زنان در آنجا بیشتر است، تعداد بیماران ناشی از گسیختگی جنسی، کمتر است. امام رضا (ع) فرموده‌اند: «هرگاه بندگان گناهان جدیدی به وجود آورند که تاکنون مرتکب آن نمی‌شدند، خداوند هم بلاهای تازه‌ای به وجود می‌آورد که تاکنون نمی‌شناختند»^۴.

۶- محافظت از عواطف انسانی زن

یکی از تفاوت‌های آشکار بین زن و مرد تفاوت در میزان عواطف و احساسات است. خداوند متعال احساسات و عواطف زن را قوی‌تر و متنوع‌تر از مرد قرار داده است. نقش این عواطف در زندگی انسان بسیار مهم و حیاتی است به طوری که بدون وجود آن، ادامه زندگی ناممکن می‌شود. این نقش می‌تواند به دو جهت باشد: اول منبعی مهم و عاملی اصلی برای آرامش و سکون

فلسفه پوشش و منع کامیابی جنسی از غیر همسر مشروع، از نظر اجتماع خانوادگی این است که از لحاظ روانی، همسر قانونی عامل خوشبخت کردن او به‌شمار برود، در حالی که از نظر سیستم آزادی و کامیابی غیرمشروع، همسر قانونی از لحاظ روانی، یک نفر رقیب و مزاحم و زندانبان به‌شمار می‌رود و در نتیجه، کانون خانوادگی بر اساس دشمنی و نفرت پایه‌گذاری می‌شود. از آثار اولیه رعایت حجاب در جوامع، استحکام نهاد خانواده به‌عنوان کوچک‌ترین و مهم‌ترین نهاد اجتماعی است. با رعایت اصل حجاب و پوشش در محیط بیرون از خانواده، حریم زن و شوهر حفظ می‌شود و خانواده صاحب ثبات خواهد شد. بنابراین، زنان با حجاب خود موجب تحکیم خانواده شخصی و دیگران می‌شوند؛ چراکه با حجاب خود اطمینان و اعتماد شوهرشان را به پاک‌ی خویش جلب می‌کنند و باعث تحکیم خانواده می‌گردند، اما نقش آنان در تحکیم خانواده‌های دیگر، بدین لحاظ است که مردان از تمتعات خارج از محدوده زناشویی محروم می‌شوند و طبعاً به همسران خود بیشتر توجه می‌کنند.^۱

۵- سلامت جسمانی

حجاب، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است، از بین می‌برد و از این طریق، نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا می‌نماید. به آمار ذیل توجه نمایید. اگرچه از زمان انتشار آن مدت‌ها گذشته است، ولی به‌خوبی گویای یکی از عوارض فساد می‌باشد. طبق تحقیقاتی که در ایالات متحده به‌عمل آمده، روی هم رفته نود درصد مردم این کشور به بیماری‌های مقاربتی مبتلا می‌شوند. از

۱. ر.ک؛ مطهری، ۱۳۷۳: ۸۹

۲. ر.ک؛ همان: ۴۵

۳. همان

۴. ر.ک؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج ۴: ۴۶۷



چراکه عدم رعایت تقوای گفتاری شما آسیب جدی به جامعه وارد می‌کند و آن برانگیخته‌شدن طمع در دل بیماردلان است. حال باید پرسید، اگر خداوند به زنان پیامبرش اینگونه هشدار می‌دهد، نسبت به زنان معمولی جامعه ما هشدار نخواهد داد؟! حال باید دید، آیا در جامعه ما نیز اینگونه عمل می‌شود و زنان در بیرون از خانه و درون اجتماع آیا به وظیفه خطیر تقوای گفتاری عمل می‌کنند یا بسا اوقات، نازک صحبت کردن جزء اصول زبان بدن به‌شمار می‌آید؟! گاهی در برخی ادارات یا مؤسسات می‌بینیم، خانم کارمند، با ارباب رجوع به‌گونه‌ای نازک سخن می‌گوید که گویا این‌گونه صحبت کردن جزء وظایف مهم خانم کارمند بوده است! قرآن برای آنکه سلامت روانی جامعه را تأمین کند، هشدار عدم نازک سخن گفتن را به‌عنوان یک راهکار روانی مطرح می‌کند. و این نوع حجاب، حجاب و عفت کلامی نامیده می‌شود.

۲. حفظ نیروی کار اقتصادی

حجاب عامل حفظ نیروی کار است و باعث می‌شود که اوقات هرکس در همان مسیر کار صرف شود و وسوسه‌های ناشی از دیدن‌ها، چهره‌سازی‌ها و طراحی‌ها برای به دام انداختن‌ها از بین برود. کشاندن تمتعات غریزی از محیط خانه به محیط کار، سبب خواهد شد که نیروی کار ضعیف گردد و سرمایه‌گذاری‌ها به‌هدر رود. از سویی، نقش اقتصادی حجاب در رعایت پوشش اسلامی، زمینه را برای انواع مدپرستی‌ها و رقابت‌های ناشی از آن از بین می‌برد. اگر زن خود را به خودآرایی‌ها در جامعه مقید نکند و با لباس ساده و مرتب و در حد پوشش لازم در جامعه ظاهر شوند، بسیاری از آفت‌ها و گرفتاری‌های ناشی از مدپرستی، خودبه‌خود از بین می‌روند.

در زندگی زناشویی است^۱. و دوم مسئولیت مادری است که آفرینش بر عهده زن قرار داده است. این مسئولیت استعداد مادری زمانی می‌تواند فعلیت پیدا کند که روح و روان زن سرشار از عاطفه باشد، تا با تربیت فرزندان، عواطف انسانی را به آنها منتقل کند؛ عواطفی که جامعه انسانی شدیداً به آن نیازمند است و تمام مصائب و مشکلات دنیای کنونی بشریت از کمبود آن نشأت می‌گیرد. آنچه در اینجا توجه به آن بسیار حائز اهمیت است، این است که چگونه باید از این منبع بسیار با ارزش حفاظت کرد و در رشد و گسترش آن کوشید تا خرابی و فساد در آن راه نیابد و نسل بشری متضرر نگردد؟ اسلام با واجب کردن حجاب، بهترین راه را برای حفظ و بقاء عواطف و احساسات با ارزش و انسانی زن تعیین کرده است. عواطفی که اگر در زن نابود شود نه تنها هسته روانی زن را تهدید می‌کند و او را دچار مشکلات روانی حاد می‌کند، بلکه جامعه انسانی را نیز به نابودی می‌کشاند.

آثار اجتماعی حجاب

۱. سلامتی روانی جامعه

حجاب باعث می‌شود که جوانان در جامعه از سلامتی نگاه و سلامتی جنسی برخوردار باشند؛ در مقابل اگر زن در جامعه از پوشش و حجاب درستی برخوردار نباشد، باعث آسیب‌رسانی به دل‌ها و نگاه‌های مریض می‌شود؛ چنانچه در قرآن کریم می‌فرماید: «ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به‌گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند، و سخن شایسته بگویید!» قرآن کریم به زنان پیامبر هشدار جدی می‌دهد که شما زنان معمولی نیستید، تقوای گفتاری در جامعه داشته باشید،



انحراف در مسئولیت‌های دیگر جامعه نمایان می‌شود و فرد را از هدف متعال خود دور می‌کند.

۴. حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی

جوامع اسلامی با پوشش خاص خود در قالب حجاب یا ستر سعی دارند که استقلال فکری خود را در قبول اسلام اعلام کنند. در واقع، «لباس پرچم بدن به حساب می‌آید که استقلال فکری، دینی، سیاسی و فرهنگی هم محسوب می‌شود و از همین جا می‌توانیم به این نتیجه برسیم که تغییر لباس، نشانگر تغییر اندیشه است و به تبع آن، تغییر در مشی و رفتار افراد ایجاد می‌شود که در آن صورت، استقلال کشور زیر سؤال می‌رود، به‌ویژه از آن روی که وضع برون، حکایت از وضع درون آدمی دارد و نشان می‌دهد که اندیشه وابستگی در درون رخنه کرده، در ظاهر افراد نیز متجلی شده است»^۴. مبارزه برای استقلال فرهنگی، پدیده جدیدی نیست. در طول تاریخ بشر، جنگ فرهنگی، همیشه وجود داشته است؛ به‌عنوان نمونه، فرعون در برابر موسی (ع) به این حربه متوسل شده، گفت: «می‌ترسم آیین شما را دگرگون سازد و یا در این سرزمین فساد برپا نماید!»^۵. بنابراین، یکی از راه‌های حفظ استقلال فرهنگی و سیاسی، حفظ حجاب است و یکی از جنبه‌های تهاجم فرهنگی، مبارزه با حجاب بوده است؛ چراکه «حجاب برای جوامع جهان سومی می‌تواند نوعی مبارزه با استعمار به حساب آید و مانعی بر سر راه مقاصد شوم آنها باشد. زنان الجزیرای در مبارزات خود با قوای مهاجم فرانسه، این مسئله را به‌خوبی نشان دادند و ضربه خود را به آنان وارد کردند. در واقع، آنان نشان دادند که مسلمانند و غلبه کفر بر

هزینه سنگین مواد آرایشی و لباس‌های گران‌قیمت، به‌ویژه با تغییر مداوم مدها، بار مالی طاقت‌فرسایی بر دوش خانواده و جامعه تحمیل می‌کند و به‌علاوه، باعث هدر رفتن سرمایه‌های جامعه می‌شود.^۱ بنابراین، اسلام با التفات ویژه به مسئله حجاب و پوشش زنان در محیط کار، می‌خواهد محیط اجتماع از لذت‌های ناهنجار جنسی پاک شود و راه را برای حفظ نیروی قدرتمند روحی و جسمی با حضوری معنوی در محل کار بگشاید. در مقابل، بی‌حجابی و بدحجابی باعث سوق دادن لذت‌های جنسی از محیط کار و کانون خانواده به اجتماع و در نتیجه، تضعیف نیروی کار افراد جامعه می‌گردد.^۲

۳. مسئولیت‌های اجتماعی

«هر فردی در برابر جامعه خود مسئول است. این مسئولیت، عام است؛ یعنی هم شامل زن‌ها می‌شود و هم شامل مردها. پاره‌ای از مسئولیت‌های زنان به حجاب آنان بستگی دارد. زن اگر حجاب داشته باشد، بار این‌گونه مسئولیت‌ها را بر دوش می‌گیرد و شخصیت و عظمت او بالا می‌رود، اما اگر جامعه مقدس حجاب را از تن بدرد، از عهده انجام این‌گونه مسئولیت‌ها برنمی‌آید»^۳. افراد در شبکه‌های متفاوت جامعه نقش ایفا می‌کنند؛ شبکه‌هایی نظیر شبکه مساجد، هیئت‌های مذهبی و مدارس اسلامی که به‌نوعی مسیر حرکت آنان برای حفظ هنجارهایی مانند حجاب می‌باشد.^۴ در جامعه امروزی، اگر فرد در این شبکه‌ها مسئولیت اجتماعی نپذیرد، هنجارهای که مربوط به آنها خواهد بود، از بین می‌رود و فرد به‌نوعی تنبلی و گاهی انحراف از هنجارهای متعارف جامعه دچار می‌شود و این

۴. ر.ک: شکوری، ۱۳۹۰: ۶

۵. قائمی، ۱۳۷۳: ۳۸۵-۳۸۷

۶. غافر / آیه ۲۶

۱. ر.ک: عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۸

۲. ر.ک: مطهری، ۱۳۶۷: ۹۴

۳. مصطفوی، ۱۳۶۹: ۴۵



کنند)؛ خداوند همواره آمرزنده رحیم است^۴. امّ سلمه، همسر پیامبر گرامی اسلام، می‌گوید: «هنگامی که این آیه نازل شد، زنان انصار موقع خروج از خانه، چنان خود را در پوشش سیاه می‌پوشیدند که گویا روی سر آنها کلاغ نشسته بود و چون کیسه‌ای سیاه به خود پوشانده بودند که سراپایشان گرفته بود^۵. بنابراین، بی‌حجابی و بدحجابی، برای زن‌ها ایجاد مزاحمت می‌کند، اما هنگامی که اهل حجاب باشند، مزاحمتی بر آنان نیست. در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: «و در خانه‌های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین (در میان مردم) ظاهر نشوید، و نماز را برپا دارید، و زکات را بپردازید، و خدا و رسول او را اطاعت کنید؛ خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد^۶».

نتیجه‌گیری

اثبات تقدس و جاذبه‌های حجاب در متون دینی سبب گسترش فرهنگ پوشش و حجاب در بین زن و مرد جامعه خواهد شد و سالم سازی نهادهای اجتماعی بدون توجه به حجاب و فواید آن امکان‌پذیر نیست. اهمیت شناسایی مسئله حجاب باعث تقویت روحیه معنوی افراد می‌شود. نبود الگوهای مناسب برای حجاب سبب انتخاب الگوهای بدحجابی در جامعه می‌شود، با ارائه الگوهای معرفتی در باب ترویج حجاب از جمله آثار فردی مانند: امنیت، طهارت روح، سلامت جسم، تحکیم بنیان خانواده و آثار اجتماعی که شامل سلامت روانی جامعه، حفظ نیروی کار اقتصادی، آزادی زن و ... می‌شود. بنابراین حجاب را باید رفتار الهی دانست که سبب ارتباط بین

اسلام را نمی‌پذیرند^۱». اگر حجاب را در جامعه اسلامی لااقل از همین دید بنگریم، به این نتیجه خواهیم رسید که در تعمیم آن از دید سیاسی باید کوشید. در جامعه اسلامی، حتی یک ملی‌گرا هم باید به سبب استقلال وطن خود و حفظ امنیت خویش حجاب را بپذیرد که البته یک مسلمان به سبب ایمان و اعتقاد خود آن را بپذیراست. اگر استعمار بتواند عفت و پوشش را از زن بگیرد، همه چیز جامعه، از جمله مردان آن را می‌تواند تحت اختیار و سلطه قرار دهد. یکی از رموز موفقیت اسلامی ایران نیز در همین بود که زنان به سرعت خود را یافتند و با توسل به حربه حجاب در مقابل رژیم خودفروخته پهلوی ایستادند و آن را به زانو درآوردند^۲.

۵. آزادی زن

«اینکه زنان باید حجاب را رعایت کنند، زور و دستوری از ناحیه مردان نیست تا آزادی آنان را سلب کنند، بلکه وظیفه شرعی آنان است که حجاب را رعایت کنند. زنان با حجاب در فعالیت‌ها و رفت‌وآمدهای خود آزادترند؛ زیرا مردان بوالهوس اطمینان دارند که اینها طعمه و ملعبه نمی‌شوند. بنابراین، کمتر بر آنها ایجاد مزاحمت می‌کنند: «زن باحجاب مظهر عفاف شناخته شده است و از این‌روی، در خانه و خارج از آن مزاحم ندارد و آزادانه دنبال کارها و مسئولیت‌های خویش است^۳». قرآن کریم در دو مورد به این مطلب اشاره فرموده است؛ یکی اینکه می‌فرماید: «ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمنان بگو: جلباب‌ها [= روسری‌های بلند] خود را بر خویش فروافکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و مورد آزار قرار نگیرند، بهتر است (و اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سر زده، توبه

۱. عظیمیان و بهشتی، ۱۳۸۸: ۹۷

۲. همان

۳. مطهری، ۱۳۷۳: ۱۰۱-۱۰۰

۴. احزاب / آیه ۵۹

۵. طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۶: ۵۱۷

۶. احزاب / آیه ۳۳



فرهنگ و دین، عقل و فطرت، سیاست و دیانت
در رفتار انسان شده است.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه محمد مهدی فولادوند
۲. آمدی؛ عبدالواحد، (بی تا) غرر الحکم و دررالکلم، ترجمه: محمدعلی انصاری، مؤسسه دارالکتاب قم.
۳. ابن منظور الافریقی، جمال الدین، (۱۴۰۵ق) لسان العرب، قم: نشر ادب حوزه قم.
۴. اشتیاردی؛ محمد محمدی، (۱۳۷۵)، حجاب بیانگر شخصیت زن، ناشر: انتشارات ناصر قم، چاپ اول.
۵. اربلی، علی بن عیسی (۱۴۰۱ق)، کشف الغمه فی معرفة الائمة، تصحیح السید هاشم الرسولی المحلاتی، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، الطبعة الاولى.
۶. ترمذی؛ محمد بن عیسی (بی تا)، سنن الترمذی (الجامع الصحیح)، تحقیق، احمد محمد شاکر، بیروت داراحیاء التراث،
۷. جوادی آملی، (۱۳۸۳) زن در آئینه جلال و جمال، مرکز نشر اسراء، دفتر نشر اسراء، چاپ نهم.
۸. حکمت؛ علی اصغر، (بی تا) تاریخ ادیان، قم.
۹. حویزی؛ علی بن جمعه، (۱۴۱۵)، نورالثقلین، تصحیح: هاشم رسولی محلاتی، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۰. دکتر صبور، آئین بهزیستی در اسلام
۱۱. دیلمی؛ احمد و مسعود آذربایجانی، (۱۳۸۰)، اخلاق اسلامی، معاونت امور اساتید، دفتر نشر و پخش معارف چاپ سوم.
۱۲. رازی؛ شیخ ابوالفتوح، (۱۳۶۹)، روض الجنان فی تفسیر القرآن، ترجمه نیشابوری، ناشر: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۱۳. شریفی؛ احمدحسین، (۱۳۸۴)، آئین زندگی، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه، ناشر: دفتر نشر معارف، چاپ دوم.
۱۴. صدوق؛ محمد بن علی بن حسین، (۱۳۶۸)، من لاحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، نشر صدوق، چاپ اول.
۱۵. صفری؛ فاطمه (۱۳۷۴)، الگوی اجتماعی، پایگاه و نقش زن مسلمان، ناشر: چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم بهار.
۱۶. طباطبایی؛ سید محمدحسین، (۱۴۱۷ق)، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم: دفتر انتشارات جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه، چاپ پنجم.
۱۷. طبرسی؛ شیخ ابی علی فضل بن حسن، (۱۴۰۶ق)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دارالمعرفة، چاپ اول.
۱۸. طریحی؛ فخرالدین، (۱۴۱۵ق)، مجمع البحرین، قم: مؤسسه البعثه.
۱۹. طبیبی ناهید و مریم معین‌الاسلام، (۱۳۸۳)، مبانی روان‌شناختی خوشبختی با نگرش دینی، انتشارات بهشت بینش، چاپ دوم، پائیز.
۲۰. عاملی؛ شیخ حر، (۱۴۰۳ق)، وسایل الشیعه، تهران، کتابفروشی اسلامی.
۲۱. فراهیدی؛ خلیل بن احمد، (۱۴۴۰ق)، العین، تصحیح استاد اسعد طیب، انتشارات اسوه، چاپ اول.
۲۲. کلینی؛ محمد بن یعقوب، (۱۴۱۴ق)، اصول الکافی، بیروت، دارالاضواء.
۲۳. کوهستانی، صادق، (۱۳۷۵)، زن زیباترین گل آفرینش، ناشر مرکز علمی فرهنگی مسجد صاحب‌الزمان (عج) ورامین، چاپ پنجم.

تبیین پالایش زیست محیطی با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی

آمنه شاهنده

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه پیام نور استان آذربایجان غربی (نویسنده مسئول: shahande_a@pnu.ac.ir)

چکیده:

یکی از مسائلی که در متون دینی اسلام به آن توجه ویژه شده، مسأله محیط زیست است. تبیین محیط زیست، اهتمام به تأمین سلامت آن، راه‌های نیل به محیط سالم، از حقوق اساسی بشر بوده به طوری که در آموزه‌های دینی از آن به‌عنوان یکی از وظایف بشر نام برده شده و ضرورت تحصیل آن به توازن ارتباط بین انسان و محیط زیست کمک شایانی می‌کند. آموزه‌های دینی و دستورات پیامبران و معصومین (ع) نقش به‌سزایی در پالایش و پیرایش محیط زیست از بحران‌ها و تهدیدهای پیش روی بشر داشته که انجام به‌موقع آنها از بروز بسیاری از مشکلات و فاجعه‌های مضر محیط زیست جلوگیری می‌کند. به تعبیر قرآن، مأموریت انسان در زمین به‌عنوان خلیفه‌الله برای سازندگی و آبادانی زمین است. مالکیت اصلی از آن خدا است و منابع طبیعی و محیط زیست در جهت انجام این مأموریت به‌طور امانت در اختیار انسان گذاشته شده است. به استناد آیات قرآن، آسمان و زمین و هر آنچه بین آنها است بیهوده و عبث خلق نشده، بلکه همه اجزای طبیعت براساس عدل الهی به‌وجود آمده‌اند. منابع محیط زیست از آیات و نشانه‌هایی هستند که بشر را به شناخت خدا و کشف راز خلقت هدایت می‌کنند. استفاده از راهبردهای آموزه‌های قرآنی پالایش و پیرایش محیط زیست را جهت استفاده بهتر و بیشتر بشر از موهبت‌های خداوند فراهم می‌کند.

کلید واژگان: محیط زیست، پالایش، آموزه‌های قرآنی، تبیین، رویکرد

مقدمه:

ساکنان مناطق معتدل کره زمین، دارای ویژگی‌ها و روحیه‌های خاص هستند که مقایسه با جوامع ساکن در مناطق گرمسیر و سردسیر، از تفاوت بسیاری برخوردارند. محیط زیست افزون بر تأثیر در قد و قامت و چگونگی اندام ظاهری، بر فکر و اندیشه و اعمال و رفتار انسان دارای تأثیر شگرف است (مقدمه ابن خلدون، ص ۸۲). خداوند در آیه ۳۸ سوره انعام به تبیین تمام مسائل و موضوعات موردنیاز انسان در قرآن اشاره کرده و می‌فرمایند: ما فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ. در جای دیگر خطاب به پیامبر اسلام (ص) همین مسئله را متذکر شده و می‌فرمایند: وَ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِكُلِّ شَيْءٍ (نحل/ ۸۹). امام صادق (ع) نیز بر جامعیت اسلام تأکید کرده و می‌فرمایند: خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که

محیط زیست به‌معنای اعم آن از چنان گستره‌ای برخوردار است که علاوه بر عناصر طبیعت و تعادل آن، مسأله کیفیت زندگی انسان را شامل می‌شود. انسان، با استفاده و قدرت مسخرسازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، کار و تفریح، محیط زیستی را برای خویش سامان بخشد که ضمن بهره‌مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی و معنوی را پدید آورد که شکل دهنده بعد انسانی محیط زیست بوده و شایسته است از آن به بعد معنوی محیط زیست یاد شود. سلامت محیط زیست بر هوش و استعداد و لیاقت‌های فردی اثر می‌گذارد و میانه‌روی در اخلاق و منش متأثر از میانه‌روی در محیط زیست است. به‌طوریکه



می‌باشد و به عبارتی محیط فراگیرنده و جای زندگی آدمی است (حسینی دشتی، ۱۳۸۵، ج ۹: ۲۱۹) (معین ۱۳۸۶، ۱، ج ۲: ۱۷) واژه «زیست» به معنای زندگی و حیات و زیستن آمده است (معین، ۱۳۸۶، ج ۲: ۱۱۳؛ حسینی دشتی، ج ۵: ۳۹). به دیگر سخن، محیط زیست به همه محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی جریان دارد، گفته می‌شود (دانشنامه رشد، ۱۳۸۸). مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که باهم درکنش هستند، محیط زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو و رفتار موجودات تأثیر می‌گذارند. محیط زیست عبارت ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم است که شامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط زیست و غیر زیستی (فیزیکی، شیمیایی) است که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. امروزه این تعریف غالباً به انسان و فعالیت‌های او مرتبط می‌شود و می‌توان محیط زیست را مجموعه‌ای از عوامل طبیعی کره زمین، همچون هوا، آب، اتمسفر، صخره، گیاهان و غیره، که انسان را احاطه می‌کنند، خلاصه کرد (روانشادنی، ۱۳۹۲، ش، ۱۴۳).

محیط زیست و رویکرد آموزه‌های قرآنی:

دین مبین اسلام به عنوان دینی جهان شمول و جامع‌نگر، پاسخگوی تمام نیازهای ثابت و متغیر انسان براساس اصول و قواعد آموزه‌های قرآنی و دستورات پیامبران در هر عصری است. محیط زیست با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی نوپدید است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است؛ اما می‌توان قواعد موردنیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می‌توان یک مکتب زیست‌محیطی جامع را ارائه کرد (گرجی، ۱۳۶۳، ص ۱۱۵). امام علی (ع) به کارگیری استعداد تسخیرکنندگی را

موردنیاز مردم بوده، رها نکرده است، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است (الحویزی، ۱۳۴۲، ج ۳: ۷۴، الکلینی ۱۴۱۱ ق، ج ۱: ۱۱۳). از امام باقر (ع) نیز روایت شده که فرمودند: خداوند متعال چیزی را که موردنیاز این امت است، در کتابش فروگذار نکرده است و برای رسولش تبیین نموده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیل روشنی بر آن نهاده است و برای هر کسی که از این حد تجاوز کند، حد و مجازاتی قرار داده است (الکلینی، ۱۴۱۱، ج ۱: ۱۱۳). لذا می‌توان استدلال کرد که بیان هر چیزی در قرآن هست؛ ولی با توجه به اینکه قرآن یک کتاب تربیتی و انسان‌سازی است، که برای تکامل فرد و جامعه در همه جنبه‌های معنوی و مادی نازل شده است، روشن می‌شود که منظور از «همه‌چیز»، تمام اموری است که برای هدایت انسان لازم و ضروری است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱۱: ۳۶۱). روش پژوهشی که در این مقاله از آن استفاده شده است، روش مطالعات کتابخانه‌ای بوده که در آن محقق با روش توصیفی تحلیلی به تبیین پالایش زیست محیطی با رویکردی بر آموزه‌های قرآنی پرداخته است. این مقاله پس از بررسی رابطه و مطالعات پیرامون زیست محیطی انسان‌ها با روش کتابخانه‌ای و فیش‌برداری‌های لازم به بررسی راهکارهای لازم جهت کسب استفاده بهینه از آن در پرتو آموزه‌های قرآنی پرداخته است.

تعریف محیط زیست

محیط زیست ترکیب شده است از دو کلمه، که یکی «محیط» واژه‌ای عربی و دیگری «زیست» که واژه‌ای فارسی است. «محیط» به معنای مکان و اوضاع و احوال آمده است و آنچه که شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول

عنکبوت که می‌گوید: «قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ؛ بگو در زمین سیر نمایید و بنگرید که پیدایش خلقت چگونه بوده است» و برخی از آیات که نقش مهم زمین را در روزی رساندن به مردم نشان می‌دهند مانند آیات ۱۹ و ۲۰ سوره حجر: «وَ الْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مُوزُونٍ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ وَ مَنْ لَسْتُمْ لَهُ بِرَازِقِينَ؛ و ما زمین را گسترانیدیم و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم و از هر گیاه موزون در آن رویاندیم و برای شما انواع وسایل زندگی در آن قرار دادیم و همچنین برای کسانی که شما نمی‌توانید به آنها روزی دهید» و بعد از نزول باران و رویاندن گیاهان و انواع میوه‌ها و پیدایش باغ‌ها که محل تأمین رزق و روزی انسان‌ها و حیوانات روی زمین هستند در این آیات سخن می‌گوید و جالب‌تر اینکه بعد از این آیات و احکام، خداوند نسبت به خطر وجود ظالمان در زمین اشاره می‌کند؛ یعنی همان کسانی که ویران‌کننده محیط زیست و نسل آدمیان هستند، چنانکه در آیه ۲۰۵ سوره بقره می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعِي فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ؛ زمانی که ظالمان بر زمین مستولی گردند، تلاش در هلاکت نسل و مزارع می‌کنند و خداوند فساد را دوست ندارد» و از این آیه می‌توان فهمید که خداوند فساد و ویران‌کردن زمین، نسل انسانی و محیط زیست را حرام اعلام کرده است.

بن مایه‌های محیط زیست در آموزه‌های قرآنی:
در بررسی آیات قرآن، آنچه در اولین برخورد جلب توجه می‌نماید نگرش کاملاً متفاوت قرآن در مورد ارزش و منزلت منابع طبیعی و عوامل محیط زیست با تفکرات رایج است. حتی طرفداران و مدافعان محیط زیست نیز با دیگران در این عقیده متفق‌القول‌اند که جنگل، مرتع،

براساس پارسایی دانسته است که آدمی باید حقوق محل زیست و موجودات زنده آن را رعایت کند. «قال علی (ع): «اتقوا الله في عباده و بلاده فانكم مسئولون حتى عن البقاع و البهائم» (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۶: ۳۶۲). به‌طور قطع، یکی از اموری که زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است؛ که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش بپردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان‌پذیر نیست. بدین سبب، شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد. از آنجاکه انسان به‌عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آنها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است؛ (ریانی، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳). در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان شده است (مقام معظم رهبری، پیشین، ص ۴). خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها وجود دارد (گرجی ۱۳۶۳، ص ۱۱۵). از جمله موارد جالب‌توجه دیگر در اسلام احکامی هستند که یا جنبه نهی‌کننده دارند؛ مانند آیه ۸۵ سوره اعراف که می‌فرماید: «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ؛ بعد از اصلاح زمین در آن فساد به‌پا نکنید که این برای شما نیکوتر است، اگر مومن بوده باشید» و برخی آیات و احکام که امر کننده هستند مانند آیه ۲۰ سوره

«وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ» (نحل/۶۵)
اهل بصیرت «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ» (سجده/۲۷)، خردمندان «الَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مَصْفُورًا ثُمَّ يُجْعَلُهُ حِطَّامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ» (زمر/۲۱) و اهل یقینند «وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُثُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ» (جاثیه/۴) بنابراین ایمان به خدا همراه با تفکر، تعقل و تدبیر در چگونگی آفرینش طبیعت و مظاهر محیط زیست نمی‌تواند با تخریب و آلودگی آن همراه باشد

نتیجه‌گیری

قرآن کریم مشتمل بر آموزه‌ها و دستورات توصیفی در زمینه محیط زیست است و سوگند به عناصر طبیعت نام‌گذاری سوره‌های قرآن به نام برخی از آنها از جایگاه مهم آنها در نزد خداوند و فرهنگ قرآنی حکایت می‌نماید. گزاره‌های دستوری در زمینه مناسبات انسان با محیط زیست در آموزه‌های قرآنی و ارزش‌های دینی به‌طور کامل تبیین و تشریح شده است که انجام به‌موقع آنها بشر را در استفاده بهینه از آن یاری می‌کند. قرآن کریم تجاوز به طبیعت را اعتداء و افساد در زمین می‌داند و متجاوز را محروم از رحمت الهی و مستحق غضب و عذاب معرفی می‌کند. علاوه بر مسئولیت اخروی و محرومیت وضعی ناشی از تجاوز به طبیعت و محیط زیست، مسئولیت کیفری و مدنی متجاوز در حقوق اسلام قابل شناسایی و تأکید است. واژه‌های خلقت، رحمت، آیه، خلافت و مالکیت، از مفاهیم کلیدی کشف موضع قرآن کریم، در زمینه محیط زیست و حقوق آن به‌شمار می‌آید. قرآن کریم مشتمل بر آموزه‌هایی است که راهنمای بشریت

حیات وحش، آب و معادن، منابع مصرفی برای تأمین نیازهای بشر می‌باشند. تنها اختلاف نظر در چگونگی استفاده و سرعت بهره‌برداری از آنها است. حال آنکه قرآن مجید ارزشی بسیار والاتر برای این منابع قائل است. به تعبیر قرآن خلقت آسمان و زمین و آنچه بین آنها است باطل نبوده است اوست که آسمان‌ها و زمین را به‌حق آفرید در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه‌هایی برای خردمندان است. همان‌ها که خدا را در حال ایستاده و نشسته، و آنگاه که بر پهلو خوابیده‌اند، یاد می‌کنند؛ و در اسرار آفرینش آسمان‌ها و زمین می‌اندیشند؛ (می‌گویند): بارالها! اینها را بیهوده نیافریده‌ای! منزهی تو! ما را از عذاب آتش، نگاه دار! زمین مرده برای آنها آیتی است، ما آن را زنده کردیم و دانه‌های (غذایی) از آن خارج ساختیم که از آن می‌خورند؛ «وَإِنْ كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ - وَآيَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيْتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ» (یس/۳۲-۳۳). او زنده را از مرده بیرون می‌آورد و مرده را از زنده و زمین را پس از مردن حیات می‌بخشد و به‌همین گونه روز قیامت (از گورها) بیرون آورده می‌شوید! «يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» (روم/۱۹) و به‌وسیله باران، سرزمین مرده را زنده کردیم؛ زنده‌شدن مردگان نیز همین‌گونه است! «وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلَدَهُ مَيِّتًا كَذَلِكَ الْخُرُوجُ» (ق/۱۱). مخاطبان قرآن در بیان مظاهر طبیعت و محیط زیست اهل تعقل «إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (الروم/۲۴) مؤمنین «إِنَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (جاثیه/۳) اهل تفکر «فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مَّتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ صِنَوَانٌ وَعَيْرٌ صِنَوَانٌ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنَفْضِلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» (رعد/۴) صاحبان گوش شنوا

در پالایش و نگهداری محیط زیست بوده و مخلوقات را در استفاده مطلوب و مناسب از آن همراهی می‌کند.

منابع

۱. - قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، دشتی، خطبه ۱۶۶
۳. جوادی آملی عبدالله، اسلام و محیط زیست، اسراء، چ سوم، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۲۳
۴. عبدالله جوادی آملی، انتظار بشر از دین، اسراء، قم، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱
۵. معین محمدفرهنگ فارسی، زرین، ج ۲، ۱۳۸۶، ج ۳
۶. حسینی دشتی سیدمصطفی، معارف و معاریف، آرایه، ۱۳۸۵، ج ۹ و ۵
۷. دانشنامه رشد. ۱۳۸۸.
۸. روانشادنیام مهدی مرجع مدیریت ایمنی در پروژه‌های عمرانی، ۱۳۹۲، آذر سیمای دانش،
۹. ابوزید عبد الرحمن بن محمد بن خلدون حَضْرَمی، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی محمد، ۱۳۹۱، ص ۸۲، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۰. گرجی ابوالقاسم، اسلام و محیط زیست، مجله نور علم، ش ۴، خرداد ۱۳۶۳، ص ۱۱۵.
۱۱. الحویزی عبد علی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، دارالکتب العلمیه، قم، ۱۳۴۲، ج ۳، ص ۷۴
۱۲. الکلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۱ ق.، ج ۱، ص ۱۱۳
۱۳. مکارم شیرازی ناصر و دیگران، تفسیر نمونه، دار الکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۹، ج ۱۱، ص ۳۶۱
۱۴. ربانی محمد، بهره‌گیری شایسته از محیط زیست با الهام از تعالیم اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط زیست، سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸، ص ۲۲۳
۱۵. مطهری، مرتضی مقدمه ای بر جهان بینی اسلامی، صدرا، تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۵۷
۱۶. اصغری لقمجانی صادق؛ مبانی حفاظت از محیط زیست در اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی و سازمان حفاظت محیط زیست، تهران، ۱۳۷۸، ص ۸۷
۱۷. ادوارد، س. راجرز، اکولوژی انسانی و بهداشت، دیباچه مؤلف، ترجمه: دکتر سیاوش آگاه، چاپ اول، سال ۱۳۴۸، مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی
۱۸. جمیز بابر و مایکل اسمیت، ماهیت سیاستگذاری خارجی، ترجمه دکتر سیف زاده، ص ۱۳۵، چاپ اول، سال ۱۳۷۳، تهران، قومس.
۱۹. مجلسی علامه بحارالانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)، ۱۴۰۳، قم، داراحیاء التراث العربی بیروت ۰۱۴۰۳، ج ۹ و ۷۵، ص ۲۱۲، ج ۸۶.
۲۰. مجلسی، علامه، بحارالانوار لدرر اخبار الائمه الاطهار(ع)، ۱۴۰۳، قم، داراحیاء التراث العربی بیروت ۰۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۷۳، ج ۷.
۲۱. ردایی آملی حسین، نهج الفصاحه، قم، نسیم حیات، ۱۳۸۶، ج ۲، ص ۵۶۳.
۲۲. نوری حسین بن محمدتقی، ۱۴۰۸، بیروت، لبنان، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ج ۱۳، ص ۴۶۰.
۲۳. حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۲، ج ۱۹، ص ۳۹، کتاب المزارعه، باب ۷، ج ۱
۲۴. حر عاملی، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، موسسه آل البيت لاحیاء التراث، ۱۴۰۲، ج ۸۵، ص ۴۲۷، کتاب احیاء الموات، باب ۱۲
۲۵. نجفی محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، ۱۳۶۵، قم، اسلامیه، ج ۲، صص ۶۹-۶۶
۲۶. محقق داماد، مقالات حقوقی، ۱۳۷۱، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۲۷۹.
۲۷. پارساعلیرضا محیط زیست و حقوق بشر، اطلاعات سیاسی اقتصادی، ش ۱۳۶۱۳۵، ص ۱۳۰
۲۸. افتخار جهرمی گودرز، حق بر محیط زیست، با تأکید بر حق دسترسی بر اطلاعات زیست محیطی، نخستین همایش حقوق محیط زیست ایران، تهران، ۱۳۸۲، صص ۴۱
۲۹. دیناه شلتون، تشریفات و آیین دادرسی حقوق بین الملل محیط زیست، ترجمه محمدحسن حبیبی، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۱، ج ۲، ص ۳۱۹

حرکات خورشید از دیدگاه علمی و قرآنی

سیده لیلا حسینی کرانی^۱، فرشته شهریاری^۲ و سید قاسم حسینی^۳

۱- طلبه سطح سه، مرکز: حوزه ریحانه الرسول شهرستان جویبار
۲- طلبه سطح سه، مرکز: حوزه ریحانه الرسول شهرستان جویبار
۳- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، دانشکده علوم قرآنی آمل
(نویسنده مسئول: abaspour@iran.ir)

چکیده

خورشید یکی از نشانه‌های الهی است. که خداوند در قرآن به آن قسم یاد کرده و در آیات متعددی از خورشید و حرکات آن یاد کرده و حال این سوال پیش می‌آید که چگونه حرکات خورشید را می‌توان از طریق علم تجربی و قرآن اثبات کرد. در تحقیق پیشرو هدف، رسیدن به نکات مشترک در قرآن و علم دانشمندان نجوم پیرامون موضوع حرکات خورشید به صورت توصیفی تحلیلی می‌پردازیم و با استفاده از تفاسیر در ذیل آیه ۳۸ سوره یاسین و ... و مقالات مرتبط با موضوع به این نتیجه رسیدیم که در سوره مبارکه یاسین آیه (۳۸). وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ. معنی: خورشید پیوسته در قرارگاهش در حرکت است و لمستقر بر حرکت وضعی و انتقالی خورشید دلالت دارد و از واژه تجری استفاده می‌شود که خورشید به سوی یک سمت معین که منزل و مقصد اوست در حال حرکت است و دارای چند نوع حرکت می‌باشد. ۱- حرکت وضعی خورشید که به دور خودش است ۲- حرکت طولی همراه منظومه شمسی به سوی نقطه مشخص ۳- حرکت دورانی همراه با مجموعه کهکشانی که جزئی از آن است. به این ترتیب یک معجزه دیگر علمی قرآن به اثبات رسید.

کلید واژه: حرکت وضعی، -حرکت انتقالی، -خورشید، متحرک

۱- مقدمه

الهی است که خداوند در قرآن به آن سوگند خورده است که در آیات متعددی از خورشید و حرکات آن یاد شده است و لذا بسیاری از مفسران و صاحب‌نظران و متخصصان کیهان‌شناسی در این مورد اظهار نظر کردند. (در این مقاله پیش‌رو ما به دنبال آن هستیم که در مورد حرکات خورشید از نظر قرآنی و انطباق آن با مطالب علمی را بیان کرده و بین تفسیر آیات مربوطه و مطالب علمی جمع‌بندی کنیم). تفسیر علمی سابقه هزارساله دارد. ولی ادعای اعجاز علمی قرآن در دو قرن اخیر مطرح شده است. بسیاری از کتاب‌ها به انطباق قرآن به علوم تجربی یا تفسیر علمی آن می‌پردازند مثل: تفسیرالمیزان، مجمع‌البیان، تفسیر نمونه، تفسیر جواهر از طنطاوی. انسان‌ها تا قرن‌ها فکر

قرآن کریم آخرین کتاب آسمانی است که بر آخرین پیامبر نازل شده و جهانیان را به نور و کمال هدایت کرد. قرآن نه فقط یک کتاب بلکه، یک معجزه است، که نشانه صدق پیامبر می‌باشد. از این رو اعجاز قرآن از همان اوایل ظهور اسلام مورد توجه مسلمانان و مخالفان آنها قرار گرفت اعجاز قرآن دارای ابعاد مختلف مثل: فصاحت، و بلاغت، محتوایی، عالی و اخبار غیبی است. پس از آشنایی مسلمانان با علوم یونان و انطباق قرآن با علوم تجربی که از قرن چهارم هجری رخ نمود. نوع جدیدی از تفسیر قرآن پیدا نشد که به نام تفسیر علمی خوانده شد و در دو قرن اخیر در پی رشد چشمگیر علوم تجربی در غرب، این نوع از تفسیر اوج گرفت. خورشید یکی از نشانه‌های



دَاتَبَيِّنُ ﴿ ابراهیم، ۳۳. ﴾ «و خداوند خورشید و ماه را در حالی که هر دو در حالت حرکت هستند به نفس شما مقهور و مسخر گردانید».

۲- نکات تفسیری

آیات فوق برای معرفی نشانه‌های حق است و به مردم یادآوری می‌شود تا ایمان آورند و یا ایمان آن تقویت گردد. و لذا آیات سوره یاسین با کلمه ﴿وَأَيُّ لَهْمٍ...﴾ شروع می‌شود و آیه ۲ سوره رعد با جمله ﴿لَعَلَّكُمْ يَلْقَاءُ رَبِّكُمْ تَوَقُّونَ﴾ «امید که شما به لقای پروردگارتان یقین حاصل کنید» پایان می‌یابد. «لام» در کلمه «لمستقر» ممکن است به چند معنا باشد: الف: لام به معنای «الی» (خورشید به سوی قرارگاه خود در روان است) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۷، ۷۹). ب: لام به معنای «فی» (خورشید در قرارگاه خود روان است) (شهرستانی، ۱۳۶۵، ۱۸۴). ج: لام برای غایت «تا» باشد (خورشید تا قرارگاه خود روان است) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۷، ۸۹). د: لام به معنای تأکید باشد (خورشید روان است مگر خود را). آیه فوق به نحوه دیگری نیز قرائت شده است: ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ یعنی روان است و قرارگاه ندارد (طبرسی، ۲۷۲، ۸، ۱۴۱۵). کلمه مستقر در «لمستقر» ممکن است مصدر میمی، یا اسم زمان و یا اسم مکان باشد. پس معنا آن است که «خورشید به طرف قرار گرفتن خود حرکت می‌کند و یا تا آنجا که قرار گیرد حرکت می‌کند یعنی تا سرآمدن اجل آن و یا زمان استقرار و یا محل استقرارش حرکت می‌کنند» (طباطبایی، ۱۴۱۷، ۱۷، ۸۹). این احتمال (سرآمدن اجل یا زمان استقرار) به وسیله آیه ﴿كُلُّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ (فاطر، ۱۳، رعد، ۲، زمر، ۵) تأیید می‌شود. چرا «لاجل مسمی» به جای آن «لمستقر لها» به کار رفته است. مگر آنکه ادعا شود که آیه ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ (یس، ۳۸) می‌خواهد در مورد خورشید به مطلب تازه

می‌کردند که خورشید به دور زمین می‌چرخد و هیئت پیچیده بطلمیوسی بر همین اساس پایه‌گذاری شده بود که زمین مرکز جهان است. بعدها اثبات شد که خورشید خود دارای حرکت انتقالی است، در این مقاله درصد آنیم که چگونه از نظر علمی و تفسیری قرآن کریم حرکات خورشید باهم منطبق بود. و اعجاز علمی قرآن اثبات می‌شود.

۲- حرکات خورشید در آیات قرآن

خورشید یکی از نشانه‌های الهی خداوند در قرآن است که خداوند به آن قسم خورده است وَالشَّمْسُ وَضُحَاهَا... (شمس، ۱) در آیات متعدد از خورشید به حرکت‌های آن یاد شده است و لذا بسیاری از مفسران و صاحب‌نظران و متخصصان کیهان‌شناسی در این مورد اظهار نظر کردند. آیاتی که در این مورد به آنها استناد شده عبارتند از: ﴿وَأَيُّ لَهْمٍ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسْلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُم مُّظْلَمُونَ وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ﴾ (یس، ۳۷-۳۸). «و نشانه [دیگر] برای آنها شب است که روز را [مانند پوست] و از آن بر می‌کنیم و بناگاه آنان در تاریکی فرو می‌روند و خورشید به [سوی] قرارگاه ویژه خود روان است و تقدیر آن عزیز دانا این است». ﴿لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (یس، ۴۰). «نه خورشید را سزد که به ماه رسد، و نه شب به روز پیشی جوید هر کدام در سپهری شناورند». ﴿وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (انبیاء، ۳۳). «و اوست آن کسی که شب و روز و خورشید و ماه را پدید آورده است. که هر کدام از این دو در مدار [معین] شناورند». ﴿وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ (رعد، ۲). «و خورشید و ماه را رام گردانید؛ هر کدام برای مدتی معین به سیر خود ادامه می‌دهند». ﴿وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ



ایشان به یکی از معانی دائب توجه نکرده است (ادامه دادن به سیر) هرچند که تفسیر نمونه هیچ منبع لغوی را نیز در این مورد معرفی نکرده است.

۳- تاریخچه:

خورشید ستاره است که هر انسانی می‌تواند هر روز آن را ببیند و حرکت کاذب روزانه آن (از طرف مشرق و مغرب) همیشه توجه انسان را به‌خود جلب کرده است. که انسان‌ها قرن‌ها فکری فکر می‌کردند که خورشید به دور زمین می‌چرخد و هیئت پیچیده بطلیموسی نیز بر همین اساس پایه‌گذاری شده بود که زمین مرکز جهان است. بطلیموس کره زمین را ساکن و مرکز کلیه کرات پنداشته بود او می‌گفت: «سه‌چهارم از سطح زمین را آب فراگرفته و کره هوا به مجموعه خاک و آب احاطه کرده و کره هوا را کره آتش در میان گرفته و آتش را کره قمر در آغوش دارد (فلک قمر را جز خود به ماه ستاره نیست) و پس از فلک قمر افلاک عطارد زهره شمس مریخ مشتری زحل به ترتیب هر فلک بعدی محیط بر فلک قبلی است و هر یک به یک ستاره است که هم به نام آن نامیده می‌شود. پس از فلک زحل کره هشتم یا فلک ثوابت است که جمیع کواکب ثابته مانند میخ بر پیکر آن کوبیده است و پس از هشتم کره نهم یا فلک اطلس است که تمام افلاک هشتگانه به ترتیبی که ذکر شد در شکم آن جا دارد (مثل پیاپی که لایه‌لایه بر همدیگر هستند) فلک مزبور خالی از ستاره‌ها و دارایی قطر نامحدود است و در یک شبانه‌روز با کلی افلاکی در جوف آن است به گرد زمین می‌چرخد». هیئت بطلیموسی هفده قرن بر فکر بشر و حکومت کرد و پس از آن کوپرنیک (۱۹۴۴م) هیئت جدید (هیئت کوپرنیکی) را ارائه داد که براساس آن زمین به دور خورشید می‌چرخید. ولی شکل چرخش را دایره‌ای

اشاره کند که در آیات دیگر (فاطر/ ۱۳-رعد/ ۲- زمر/ ۵) اشاره نشده بود. یعنی خورشید و ما هر دو زمان استقرار و پایان زمانی حرکت دارند و علاوه بر آن خورشید پایان مکانی نیز دارد. ابن کثیر نیز در تفسیر خود در مورد «لمستقر لها» دو احتمال را مطرح می‌کند: اول اینکه مقصود مستقر مکانی باشد. یعنی تحت عرش الهی که نزدیک زمین است. دوم که مقصود انتهای سیر خورشید در قیامت باشد (الجمیلی، ۳۲). فلک در لغت به معنای کشتی است و فلک به معنای مجرای کواکب است که به خاطر شباهت آن با کشتی در (شناور بودن) فلک نامیده شده است (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲). یکی از مفسران می‌نویسد: «کلمه فلک در لغت به معنی برآمدن پستان دختران و شکل دورانی به خود گرفتن است سپس به قطعاتی از زمین که مدور است و یا اشیاء مدور دیگر این اطلاق شده و از همین رو به مسیر دورانی کواکب نیز اطلاق می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۱۸، ۳۸۲). سید هبة‌الدین شهرستانی با ذکر ۱۴ دلیل اثبات می‌کند که کلمه «فلک» در اسلام به معنای مدار نجوم و مجرای کواکب است (شهرستانی، ۱۳۵۶، ۱۹). یسبحون از ماده «سباح» در اصل به معنای حرکت سریع در آب و هوا است (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲). دائبین از ریشه «دأب» است که به معنی «ادامه دادن به سیر» است. و به معنی عادت مستمره هم می‌آید (راغب اصفهانی، ۱۳۳۲). البته صاحب تفسیر نمونه می‌گوید: دائب از ریشه «دئوب» و معنی استمرار چیزی در انجام یک برنامه به صورت یک حالت و سنت است ولی در معنی دائب حرکت در مکان نیفتاده است و لذا نورافشانی و اثر تربیتی، خورشید را مدلول دائب می‌کند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۱۰، ۳۵۰، ۳۵۷). اما به نظر می‌رسد که با توجه به سخن راغب اصفهانی



مفسران در پی آن شدند تا با توجیه خلاف ظاهری، آیات قرآن را با هیئت بطلمیوسی و حرکت کاذب روزانه خورشید سازگار کنند. طبری (۳۱۰ق) در تفسیرش حرکات خورشید را بر همان حرکت روزانه محل استقرار خورشید را دورترین منازل، در غروب می‌داند (طبری، ۱۳۹۳، ۲۳، ۶۵). طبرسی مفسر گرانقدر شیعه (م ۵۴۸ق) می‌گوید: «در مورد استقرار خورشید سه قول است: اول: این که خورشید جریان می‌یابد تا اینکه دنیا به پایان برسد بنابراین به معنای این است که محل استقرار ندارد. دوم: اینکه خورشید برای زمان معینی جریان دارد و از آنجا تجاوز نمی‌کند. سوم: اینکه خورشید در منازل خود در زمستان و تابستان حرکت می‌کند و از آنها تجاوز نمی‌نماید. پس همان ارتفاع و هبوط خورشید محل استقرار اوست. (طبرسی، ۱۴۱۵، ۸، ۴۲۴، ۴۲۵). شهرستانی در مورد آیه: ﴿كُلَّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (یس، ۴۰) می‌نویسد: «هر یک در حالی که شنا می‌کند» و مکرر گفتم که ظاهر این آیه با هیئت قدیم راست نمی‌آید زیرا بنا بر آن هیئت حرکت کوکب در جسم در فلک ممتنع است و از این جهت قدامت ظاهر آیه را هم بر مجاز کرده سباحت را هم به معنی مطلق حرکت گرفته و گفته‌اند مقصود این است که: هر ستاره‌ای با فلک خود با بالتبع حرکت می‌کند». این در حالی است که در آیه «فی» (در) دارد یعنی خورشید در فلک و مدار شناور است. و نیز در مورد آیه ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي﴾ (یس، ۳۸) می‌نویسد: متقدمین به دین آیه احتجاج کرده حرکتی را که از طلوع و غروب آفتاب مشاهده می‌شود متعلق به جرم خورشید دانسته‌اند. ولی در معنای کلمه «مستقر» دچار اضطراب و اختلاف عقیده شده‌اند. برخی گفته‌اند آفتاب سیر می‌کند تا مستقل خود را برج حمل است (که لازمه آن

می‌دانست که پس از او کیلر (۱۶۵۰م) شکل بیضوی گردش زمین به دور خورشید را کشف کرد و سپس عقیده این دو نفر توسط گالیله ایتالیایی مستقر و مدلل گردید و از آن پس نظام منظومه شمسی به صورت نوین پایه‌گذاری شد که سیارات به دور خورشید می‌چرخد (عطارد، زهره، زمین، مریخ، مشتری، زحل، اورانوس، نپتون و پلوتون). ولی هنوز عقیده اخترشناسان (حتی کوپرنیک، کوپلر، گالیله) بر آن بود که خورشید ثابت ایستاده است. حتی در ادعا نامه‌ای که علیه گالیله در دادگاه قرائت شد او را متهم به اعتقاد به سکون خورشید (برخلاف کتاب مقدس که خورشید را متحرک می‌دانست) کردند و او حاضر نشد حرکت خورشید را بپذیرد (کوستلر، ۵۹۰) اما در عصر جدید روشن شد که خورشید دارای چند حرکت است: اول حرکت وضعی که هر ۲۵/۵ روز یک بار به دور خود می‌چرخد. دوم حرکت انتقالی از جنوب آسمان به سوی شمال آن که هر ثانیه ۱۹/۵ کیلومتر همراه با منظومه شمسی حرکت می‌کند. و سوم حرکتی انتقالی که با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می‌گردد. که در این حرکت نیز منظومه شمسی را به همراه خود می‌برد. (روسو، ۱۳۴۴، ۳۴۷). البته برای خورشید حرکت‌های دیگری نیز گفته شده که در نکات علمی اشاره می‌کنیم.

۴- اسرار علمی

در مورد آیات مربوط به حرکت خورشید مفسران قرآن دو گروه شده‌اند: اول: مفسران قدیمی: مفسران قرآن کریم از دیر زمان در پی فهم آیات مربوط به حرکت خورشید بودند ولی از طرفی نظریه هیئت بطلمیوسی بر جهانیان سایه افکنده بود و از طرف دیگر ظاهر آیات قرآن (در مورد حرکت خورشید و زمین در مدار خاص خودشان) هیئت بیطلمیوسی را بر نمی‌تافت و لذا برخی از



معنا باید به «لام» در «لمستقر لها» را به معنای «الی» بگیریم یعنی: «خورشید به سوی قرارگاه خود جریان دارد» همانگونه که برخی از نویسندگان عرب به آن تصریح کرده‌اند (سلیمان ۳۵). یکی از صاحب‌نظران پس از اینکه حرکت خورشید از جنوب به سوی شمال آسمان را ۱۹/۵ کیلومتر در ثانیه می‌داند در ادامه به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم در مورد حرکت خورشید استناد می‌جوید (نوری، ۱۳۷۰، ۲۶ و ۲۵ و ۳۶) یکی دیگر از نویسندگان معاصر در مورد کلمه «مستقر» در آیه ﴿تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ می‌نویسد: این حرکت به سوی قرارگاه شاید همان حرکت خورشید به سوی ستاره وگا باشد که علم نجوم امروز بدان پی برده است و سپس آن را معجزه علمی قرآن می‌داند (نجفی، ۱۳۷۷، ۲۵-۲۶) علامه طباطبایی پس از آن که جریان شمس و همان حرکت خورشید می‌داند، می‌فرماید: «اما از نظر علمی تا آنجا که اباحت علمی حکم می‌کند قضیه درست برعکس (حس) است یعنی خورشید دور زمین نمی‌گردد بلکه زمین به دور خورشید می‌گردد و نیز اثبات می‌کند که خورشید با سیاراتی که پیرامون آن هستند به سوی ستاره (نسر ثابت) حرکت انتقالی دارند». سید هیة‌الدین شهرستانی حرکت خورشید را به طرف ستاره‌ای بر ران راست «جائی» معرفی می‌کند و در جای دیگر آن را به طرف مجموعه نجوم (هرکیل) می‌داند. و کلمه «تجری» را اشاره به حرکت انتقالی خورشید می‌داند (شهرستانی، ۱۳۵۶، ۱۸۱). طنطاوی در تفسیر الجواهر نیز پس از ذکر مقدمه‌ای در انواع حرکات آیه فوق را در حرکت خورشید و مجموعه همراه او به دور یک ستاره (کوکب) حمل می‌کند و سپس مطالبی طولانی در مورد حرکت‌های هواپیماها اتومبیل‌ها و ... می‌دهد که ربطی به تفسیر آیه ندارد (طنطاوی جوهری، ۱۷۲، ۹)

سکون خورشید در برج حمل است و این معنا باطل است). و برخی گفته‌اند شمس حرکت می‌کنند در فلک خود (که از نظر هیئت قدیم باطل است) (شهرستانی، ۱۸۵، ۸۸۳، ۱۳۵۶). عجب این است که صاحب تفسیر نمونه نیز در تفسیر آیه ﴿كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (یس/۴۰) احتمال می‌دهد که مقصود همین حرکت خورشید بر حسب حس ما یا حرکت ظاهری [کاذب و خطای دید] باشد و آن احتمال را در کنار احتمالات دیگر می‌رود و ردّ نمی‌کند. در حالی که این آیات در مقام شمارش آیات خداست و حرکت کاذب نمی‌تواند آیه و نشانه الهی باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳ ج ۱۸، ۳۸۶-۳۸۹).

دوم: مفسران و صاحب‌نظران جدید:

پس از آنکه در هیئت جدید، حرکت زمین به دور خورشید و سپس حرکت‌های چندگانه خورشید به اثبات رسید آیات مربوط به حرکت خورشید معنای جدیدی پیدا کرد و متخصصان، صاحب‌نظران و مفسران قرآن در این مورد اظهار نظرهای متفاوتی کردند و برداشت‌های زیبایی از آیات فوق به عمل آوردند، که بدان‌ها اشاره می‌کنیم:

۴-۱- حرکت انتقالی خورشید در درون کهکشان راه شیری (حرکت طولی)

مفسر معاصر آیت‌الله مکارم شیرازی پس از اشاره به تفسیرهای «تجری، یس، ۳۸» می‌نویسد: «آخرین و جدیدترین تفسیر برای آیه فوق همان است که اخیراً دانشمندان کشف کردند و آن حرکت خورشید یا مجموعه منظومه شمسی در وسط کهکشان ما به سوی یک سمت معین و ستاره دور دستی که آن را ستاره (وگا) نامیده‌اند، می‌باشد» و در جای دیگری «جریان را اشاره به حرکت طولی می‌داند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۱۸، ۳۸۲ و ۳۸۸). تذکر: در این



۴-۲- حرکت انتقالی خورشید همراه با کهکشان (حرکت دورانی)

آیت‌الله مکارم شیرازی: در مورد آیه ﴿تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ (یس، ۴۰) «و هرکدام از آنها در مسیر خود شناورند» دو احتمال می‌دهند: یکی حرکت خورشید به حسب ما یا حرکت ظاهری حرکت کاذب روزانه خورشید که در اثر حرکت زمین به خطا دیده می‌شود و عرف مردم این حرکت را به خورشید نسبت می‌دهند. دوم: منظور از شناور بودن خورشید در فلک خود حرکت آن همراه با منظومه شمسی و همراه با کهکشان که ما در آن قرار داریم می‌باشد چه اینکه امروزه ثابت شده است که منظومه شمسی ما جزئی از کهکشان عظیمی است که به دور خود در حال گردش است. و در پایان، این آیه ﴿فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ (یس، ۴۰) را اشاره به حرکت دورانی خورشید می‌داند که برخلاف هیئت بطلمیوسی حاکم در زمان نزول قرآن سخن گفته است و بدین ترتیب معجزه علمی دیگری از قرآن به ثبوت می‌رسد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۱۸، ۳۵ و ۳۶). یکی از صاحب‌نظران نیز پس از آنکه حرکت دورانی خورشید و هر ۲۰۰ میلیون سال یکبار با سرعت ۲۲۵ کیلومتر در ثانیه به دور مرکز کهکشان می‌داند به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم برای اثبات حرکت خورشید استناد می‌جوید (نوری، ۲۶، ۱۳۷۰، ۳۵ و ۳۶). دکتر موریس بوکای با استناد به آیه ۳۳ سوره انبیا و ۴۰ سوره یس ﴿كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ نتیجه می‌گیرد که قرآن تصریح کرده که خورشید روی مداری حرکت می‌کند. در حالی که این مطلب برخلاف هیئت بطلمیوسی رایج در عصر پیامبر (ص) بود. او می‌گوید: «با این که نظر بطلمیوس در زمان پیامبر اسلام (ص) هم مورد گرایش بود در هیچ جای قرآن به چشم نمی‌خورد». و سپس با اشاره به ترجمه‌های غلط قرآن به زبان فرانسه

که فلک را به معنای مغشوش (کره آسمانی، میله آهنی) آورده‌اند چون نمی‌توانستند حرکت دورانی خورشید را تصور کنند، می‌گویند اولین ترجمه قرآن که به زبان فرانسوی کلمه «فلک» را «مدار» ترجمه کرد ترجمه (حمیدالله) دانشمند پاکستانی بود (بوکای، ۱۳۶۵، ۲۱۵ و ۲۱۶). سید هبه‌الدین شهرستانی در مورد حرکت خورشید و منظومه شمسی (از قول برخی) نقل می‌کند که: «خورشید با همه اتباع خود به دور روشن‌ترین ستاره‌ای که در ثریا است می‌چرخد و نام آن ستاره به زبان فرنگی «الکبوتی» و به زبان عربی «عقد الثریا» است». و برخی دیگر از نویسندگان مثل (القرآن و العلم الحدیث)، عبدالرزاق نوفل (حب‌النبی، ۱۷۸، ۱۹۹۱) همین حرکت دورانی را به آیات قرآن (یس/۴۰) نسبت داده‌اند: استاد مصباح یزدی نیز با طرح آیه فوق (یس/۴۰) می‌نویسند: «قرآن، فلک را چون دریایی می‌داند که اجرام در آن حرکت دارند و شناورند، پیداست که منظور فضایی است که این اجرام در آن حرکت می‌کنند و مدار حرکتشان را در آن فضا، تعیین می‌کند. نه آنچنان که قدامت می‌گفتند: فلک حرکت می‌کند و آنها در فلک ثابتند. قرآن از ابتدا «فرضیه فلکیات» قدیم را مربوط می‌دانسته است پس از این آیه می‌توان استفاده برد که اجرام علوی، همه در حرکتند و این چیزی است که نجوم جدید اثبات می‌کند» (مصباح یزدی، ۲۵۲، ۱۳۶۷). تذکر: به نظر می‌رسد که ظاهر آیه همین موقع معنای دوم (حرکت خورشید در یک مدار) است که با توجه به جمله ذیل آیه ﴿كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ﴾ تایید می‌شود.

۴-۳- حرکت وضعی خورشید به دور خود:

در تفسیر نمونه آمده است: بعضی دیگر آن (تجری-یس/۳۸) را اشاره به حرکت وضعی کره آفتاب دانسته‌اند زیرا مطالعات دانشمندان به‌طور



ماه تا زمان معینی به گردش خود را می‌دهند این است که زمانی فرا خواهد رسید که این چراغ‌های آسمانی خاموش گردد و آن روز قیامت است» (نوری، ۱۳۷۰، ۳۵). همین معنا را سید هبئه‌الدین شهرستانی در مورد آیه ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ (یس، ۳۸) می‌پذیرد و می‌گوید: «مقصود از جریان حرکت انتقالی آفتاب است در اعماق فضا و مراد از «مستقر» زمان استقرار است نه مکان استقرار و معنا چنین می‌شود: آفتاب حرکت می‌کند تا هنگامی که باید قرار گیرد یعنی روز قیامت». تذکر: در این صورت «مستقر» را در آگهی اسم زمان معنا کرده‌اند. فیزیکدانان جدید می‌نویسند: «خورشید می‌تواند تا ۱۰ میلیارد سال بدرخشد هم از این عمر طولانی پنج میلیارد سال آن گذشته است. بنابراین اکنون خورشید در نیمه‌راه زندگی خود قرار دارد» (اوبلاکر، ۱۳۷۰، ۲۱-۲۰).

۴-۵- حرکات درونی خورشید:

به نظر می‌رسد که کلمه «تجری» در آیه ﴿وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ (یس، ۳۸) معنای دیگری را نیز بدهد یعنی بین کلمه «تحرك» و «تجری» تفاوتی هست و آن اینکه کلمه «تحرك» فقط حرکت را می‌رساند مثل حرکت اتومبیلی که به جلو و عقب می‌رود. ولی زیر و رو نمی‌شود. اما کلمه «تجری» در مورد مایعات مثل آب بکار می‌رود که در هنگام حرکت علاوه بر جلو رفتن، زیر و رو هم می‌شود و بر سر هم می‌خورد. امروز دانشمندان کشف کرده‌اند که خورشید علاوه بر حرکت وضعی، انتقالی طولی و انتقالی دورانی دارای یک حرکت دیگر هم هست چراکه درون خورشید دائماً انفجارات هسته‌ای صورت می‌گیرد تا انرژی نورانی و گرما را تولید کند و روشنی‌بخش ما باشد. و همین انفجارات باعث زیر و رو شدن مواد مذاب داخل خورشید شده و گاه تا کیلومترها به بیرون پرتاب می‌شود

قطع ثابت کرد که خورشید به دور خود گردش می‌کند» و سپس در پاورقی توضیح می‌دهند که برطبق این تفسیر «لام» در «لمستقر لها» به معنای «فی» (در) است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، ۱۸، ۳۸۲). تذکر: در این صورت معنا اینگونه می‌شود: «خورشید در قرارگاه خود جریان دارد به دور خود می‌چرخد». [به دور خود می‌چرخد]. احمد محمد سلیمان نیز در کتاب القرآن و اهل علم می‌گوید کلمه لام در عربی ۱۳ معنی دارد و سپس توضیح می‌دهد که اگر (لام) به معنای «فی» باشد حرکت وضعی خورشید را می‌رساند اگر به معنای «الی» باشد حرکت انتقال خورشید را می‌رساند و سپس می‌گوید این معجزه بلاغی قرآن است که یک کلمه «لمستقر لها» دو معجزه علمی را باهم می‌رساند (سلیمان، ۳۵ و ۳۶). سید هبئه‌الدین شهرستانی نیز علامه مرعشی شهرستانی (سید محمد حسین) و غیر او نقل می‌کند که احتمال داده‌اند کلمه «مستقر» به معنی محل استقرار و حرف لام به معنی «فی» و مقصود حرکت وضعی آفتاب باشد (شهرستانی، ۱۳۵۶، ۱۸۶). یکی از صاحب‌نظران نیز پس از آنکه حرکت وضعی خورشید را ۲۵/۵ روز یک مرتبه به دور خود معرفی می‌کند به آیه ۲ سوره رعد و ۳۳ سوره ابراهیم در مورد اثبات حرکت خورشید استناد می‌جوید (نوری، ۱۳۷، ۳۵، ۲۶، ۳۶). یکی دیگر از صاحب‌نظران نیز با ذکر اینکه ممکن است لام در کلمه «لمستقر» به معنای «فی» یا «تاکید» باشد آن را اشاره به حرکت وضعی خورشید می‌داند (زمانی، ۱۳۵۰، ۳۴).

۴-۴- ادامه حیات خورشید تا زمان معین:

یکی از صاحب‌نظران در مورد آیه ﴿كُلَّ يَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا﴾ (رعد، ۲) «هریک از خورشید و ماه تا زمان معین به گردش خود ادامه می‌دهند» می‌نویسد: «ظاهراً مقصود از این که خورشید و



انتقالی طولی - حرکت وضعی - ادامه حیات زمانی - حرکت درونی خورشید). در اثر ضربه این احتمال در یکدیگر عدد ۳۶ حاصل می‌شود یعنی ۳۶ احتمال در معنای آیه منصور است و ممکن است در واقع همه این احتمالات مراد آیه باشد. پس این احتمال هم وجود دارد که جریان (حرکت) دیگری هم برای خورشید وجود داشته باشد که کشف نشده و آن هم مراد باشد. از این رو نمی‌توان به‌طور قطعی گفت که مقصود آیه یکی از این احتمالات است و نفی احتمالات دیگر کرد. البته همانطور که بیان کردیم ظاهر آیه (یس/ ۴۰-۳۷) همان معنای دوم یعنی (حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت) است که با واژه (یسبحون) در ذیل آیه تایید می‌شود. ۲. حرکت انتقالی خورشید به‌طرف یک مکان نامعلوم را می‌توان از کلمه «لمستقر» استفاده کرد. اما تعیین این مکان (ستاره وگا-جائی-یا هرکیل یا ...) و یا تحمیل آن بر آیه قرآن صحیح به‌نظر نمی‌رسد چراکه تعیین قطعی این مکان مشخص نیست. و لذا نمی‌توان مکان‌های حدسی را به قرآن نسبت داد. ۳. اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید (هرکدام از معانی حرکت و جریان را که در نظر بگیریم) از مطالب علمی قرآن و نوع رازگویی است. چون که قرآن کریم در زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن گفت که هیئت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می‌شناخت و این مطلب عظمت علمی قرآن و آورنده آن (پیامبر اسلام (ص) را نشان می‌دهد ۴. آیا این اشارات علمی قرآن اعجاز علمی آن را اثبات می‌کند؟ در این مورد می‌توان تفصیل قائل شد؛ یعنی بگویم بخشی از این حرکت‌ها قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش شده بود و لذا اخبار قرآن در این مورد اعجاز علمی نیست. اما آن بخشی که توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود و توسط قرآن،

(ابلاکر، ۱۳۷۰، ۲۰). به عبارت دیگر خورشید وقت حرکت نمی‌کند بلکه مثل آب جریان دارد و دائماً زیر و رو می‌شود. و این لطافت تعبیر قرآنی غیر از طریق وحی نمی‌تواند صادر شده باشد و از این رو ممکن است اعجاز علمی قرآن را برساند. تذکر: در اینجا ممکن است گفته شود که با توجه به کاربرد واژه «تجری» در قرآن که در مورد حرکت ماه و خورشید هر دو به‌کار رفته است (فاطر/ ۱۳- زم/ ۵- لقمان/ ۲۹) ﴿وَسَخَّرَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى﴾ در حالی که ماه از مواد مذاب تشکیل نشده است پس همیشه واژه تجری به‌معنای مذاب‌بودن متعلق به جریان (مثل آب و خورشید) نیست. بلکه این تعبیر کنایه است که در این موارد فضا را مثل یک اقیانوسی در نظر گرفته است که ماه و خورشید مثل یک کشتی در آن شناور هستند. پس از این واژه دلالت قطعی بر یک معنا (شناور بودن یا مذاب بودن) در مورد خورشید ندارد از این رو نمی‌توان گفت که اعجاز علمی قرآن را ثابت می‌کند. تذکر دیگر: برخی از صاحب‌نظران (دکتر السید الجمیلی) نیز با طرح آیه ۳۶ سوره یس حرکت خورشید و منظومه شمسی را ۷۰۰ کیلومتر در ثانیه دانسته‌اند. ولی نوع حرکت را مشخص نکرده‌اند که دورانی به دور مرکز کهکشان یا مستقیم است (سیدالجمیلی، ۱۹۸۷، ۳۱).

نتیجه‌گیری

در مورد انطباق حرکت‌های خورشید با آیات مورد بحث تذکر چند نکته لازم است: ۱. بیان کردیم که سه احتمال در کلمه «مستقر» (یس/ ۳۸) وجود دارد (مصدر میمی - اسم مکان - اسم زمان) و نیز بیان شد که چند احتمال در معنای لام «لمستقر» وجود دارد (بمعنی ال- فی-غایة) و نیز گذشت که در مورد کلمه «جریان» چهار احتمال وجود دارد (حرکت



پهلوانان در میادین به طرف جلو و به صورت دورانی می‌دوند. اما حرکت‌های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی و حرکت وضعی و حرکت زمانی و حرکت درونی خورشید از ابتکارات قرآن است. اعجاز علمی آن را ثابت می‌کند.

برخلاف هیئت بطلمیوسی بیان شد اعجاز علمی قرآن است. قسم اول: یعنی بخشی که کتاب مقدس خیر داد، همان جمله‌ای است که می‌گوید: و خورشید مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می‌کند. از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی که خورشید استفاده می‌شود چون

منابع

۱. اوبلاکر، اریک، فیزیک نوین، ۱۳۷۰ ش، ترجمه بهروز بیضاوی، انتشارات قدیانی، تهران.
۲. الراغب الاصفهانی، ابوالقاسم الحسین بن محمد، ۱۳۳۲ ش، المفردات فی غریب القرآن، المكتبة الرضویة، تهران
۳. الجمیلی (دکتر سید)، ۱۹۸۷ م، الاعجاز البطی فی القرآن، دارو مکتبیه الهلال، بیروت.
۴. بوکای، موپس، ۱۳۶۵ ش، ترجمه مهندس ذبیح الله دبیر، مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، چاپ سوم.
۵. حسب البنی، دکتر منصور محمد، ۱۹۹۱ م، القرآن و العلم الحديث، الهيئة المسیریة العامة للكتاب، مصر.
۶. روسو، پی‌یر، ۱۳۴۴ ش، تاریخ علوم، مؤسسه انتشارات امیر کبیر، تهران.
۷. زمانی، مصطفی، ۱۳۵۰ ش، پیشگویی‌های علمی قرآن، انتشارات پیام اسلام، قم.
۸. سلیمان، احمد محمد، بی‌تا، القرآن و العلم، بی‌جا.
۹. شهرستانی، سید هبة الدین، ۱۳۵۶ ش اسلام و هیئت، مطبعة الغرای فی النحف.
۱۰. طباطبایی، علامه سید محمد حسین، ۱۴۱۷ ق، المیزان فی تفسیر القرآن.
۱۱. طبرسی، شیخ ابی علی الفضل ابن الحسن، ۱۴۱۵ ق، تفسیر مجمع البیان فی تفسیر القرآن، موسسه الاعلمی المطبوعات، بیروت.
۱۲. طبری، ابو حمزه محمد بن جریر، ۱۳۹۳ ق، جامع البیان فی تفسیر القرآن، دارالمعرفة، بیروت.
۱۳. طنطاوی، جوهری، بی‌تا، الجواهر فی تفسیر القرآن، دارو فکر.
۱۴. کوستلر، آرتور، ترجمه منوچهر روحانی، بی‌تا، خوابگرد ها، بی‌جا.
۱۵. مصباح یزدی، محمد تقی، ۱۳۶۷، معارف قرآن، انتشارات در راه حق، قم.
۱۶. مکارم شیرازی، آیت الله ناصر، ۱۳۷۳ ش، تفسیر نمونه، دارالکلیت الاسلامیه، تهران، چاپ بیست و ششم، (۲۷ جلدی)
۱۷. نجفی، گودرز، ۱۳۷۷ ش، مطالب شگفت انگیز قرآن، نشر سبحان، تهران.
۱۸. نوری آیت الله حسین ۱۳۷۰ دانش عصر فضا، نشر مرتضی، قم.

خاک‌شناسی از دیدگاه قرآن و روایات

حمیده مقربی^۱ و قاسم حسینی^۲

مرکز تخصصی حوزوی ریحانه الرسول (س) (نویسنده مسئول: mogharebi.hamideh@gmail.com)

چکیده

خاک بخش زنده‌ای از کره‌ی زمین است که زندگی همه‌ی موجودات زنده به آن وابسته است. قرآن کریم، توجه و عنایت ویژه‌ای به طبیعت و عناصر موجود در آن دارد، که در این میان خاک از مهمترین عناصر طبیعت به‌شمار می‌رود؛ که در کنار آن زمین نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. خداوند متعال خاک را به گونه‌ای آفریده و ویژگی‌هایی بدان بخشیده که اگر آدمی در پرتو مدیریت دقیق و سنجیده، از خاک خوب بهره ببرد، می‌تواند بسیاری از نیازهای خود را تأمین کند. خاک عنصر ارزشمند طبیعی و بستری مناسب برای کشاورزی می‌باشد که قوانین بسیار دقیق، پیچیده و شگفت‌انگیز رابطه آب، خاک و گیاه و رویش و پویش نباتات، آیت هستی پروردگار و گروهی از صفات اوست. علاوه بر این، انسان از خاک آفریده شده و پس از مرگ به آن باز خواهد گشت. این مسئله نشان دیگری از اهمیت بالای خاک در زندگی انسان می‌باشد.

واژگان کلیدی: خاک، کشاورزی، قرآن

مقدمه

به‌دفعات از واژه‌ی زمین استفاده شده که در اکثر آنها به اهمیت توجه به زمین (و بطور غیرمستقیم توجه به خاک) اشاره شده است. برخی ویژگی‌های زمین در قرآن عبارتند از (۲): جعل لکم الارض ذلولاً فامشوا فی مناكبها (ملک، ۱۵) رام است، الأرض بساطاً (نوح، ۱۹) مهین است، جعل الأرض قراراً (نمل، ۶۱) محل زندگی است، وفي الأرض آیات للموقنین (ذاریات، ۲۰) کلاس درس است، جعل لکم الأرض مهذا (طه، ۵۳) گهواره است، تنبت الارض (بقره، ۶۱) مواد غذایی خود را در اختیار ما می‌گذارد، و از زینت (یونس، ۲۴) خودش را برای ما آرایش می‌کند، تری الأرض خاشعہ (فصلت، ۳۹) آب و بذر ما را می‌پذیرد، جعل لکم فیها سیلاً (زخرف، ۱۰) به ما راه می‌دهد، ألم تجعل الأرض مماتا (مرسلات، ۲۵) زنده‌ی ما را حمل و مرده‌های ما را بایگانی می‌کند. تری الارض هامدة (حج، ۵) آرام و بی سر و صدا در حرکت است، فجرنا الأرض بیوتنا (قمر، ۱۲) آب زلال را بایگانی و به ما می‌دهد،

قرآن کتاب هدایت و تربیت است. از آنجاکه صاحب سخن به تمامی علوم و حقایق آگاه است، بدون تردید می‌توان از مثال‌ها و برخی اشاره‌هایی که به هدف تربیت و یا عبرت آدمیان در آن آمده است، شواهدی از سایر علوم، از جمله "خاکشناسی" نیز بدست آوریم. استعداد قرآن در زمینه کشف و راهنمایی بسیاری از علوم آدمی را به تفکر واداشته است. خاک‌شناسی و به‌طور کلی خاک در قرآن بسیار مورد اهمیت بوده و در بسیاری از سوره‌های قرآن از خاک نام برده شده است. در دوازده آیه قرآن واژه "طین" به‌معنای گل آمده است. در بیست مورد نیز صراحتاً کلمه "تراب" (به‌معنای خاک) بکار رفته است. و در بسیاری دیگر از آیات، "ارض" (به‌معنای زمین) و به‌معنای خاک (محل رویش گیاه)، استفاده شده است. که با بررسی این آیات می‌توان به نکات ارزشمندی در حوزه‌ی علم "خاکشناسی" دست یافت (۱). قابل ذکر است که در قرآن



درآمدید. لذا منشأ پیدایش انسان تراب که آن نیز بخشی از زمین است، می‌باشد (۶). خلقت از گل: «هو الذی خلقکم من طین ثم قضی أجلا وأجل مسمی عنده ثم أنتم تمترون» (السجده، ۷). همان کسی که هر چیزی را که آفریده است نیکو آفریده و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد. خلقت از آب منی: «ثم جعل نسله من سلاله ممن ماء مهین» (همان، ۸). سپس اُتداوم نسل او را از چکیده آبی پست مقرر فرمود. خلقت از عصاره گل: «ولقد خلقنا الإنسان من سلاله ممن طین» (المؤمنون، ۱۲). و به یقین انسان را از عصاره‌ای از گل آفریدیم. خلقت از نطفه در رحم: «ثم جعلناه طفله فی قرار مین» (همان، ۱۳). سپس او را [به صورت] نطفه‌ای در جایگاهی استوار (رحم مادر) قرار دادیم. خلقت از آب: «و هو الذی خلق من الماء بشرا فجعله نسبا و صهرا وکان ربک قدیر» (الفرقان، ۵۴). و اوست آن که از آب (نطفه) بشری آفرید، پس او را دارای رابطه نسبی و سببی قرار داد (رابطه ذاتی هر انسانی با خویشان خود، و رابطه عرضی با خویشان همسرش)، و همواره پروردگار تو بر همه چیز تواناست. ترجمه: آیا کسانی که کفر ورزیدند ندانستند که آسمان‌ها و زمین هردو به هم پیوسته بودند و ما آن دو را از هم جدا ساختیم و حیات هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم آیا باز هم ایمان نمی‌آورند؟! توضیح: اگر دقت شود در کلیه آیات به مراحل متفاوت خلقت اشاره شده است. اصل آدم، از خاک خلق شده است، خاکی که با آب مخلوط شد و به صورت گل درآمد و در آیه‌ای نیز به گل سیاه رنگ و بدبو تصریح شده است که اصطلاحاً به آن (لجن) نیز می‌گوییم، چراکه آب وقتی می‌ماند، دچار تحولاتی می‌شود که به آن گندیدگی می‌گوییم. لذا در یک آیه به آغاز خلقت آدم اشاره دارد که از گل بوده است (۷). پس از حضرات آدم و حوا

خزائن الأرض (یوسف، ۵۵) گنج‌ها و معادن را برای ما حفظ می‌کند، برکات من السماء والأرض (اعراف، ۶۹) زمین وجود با برکتی است، تحدث أخبارها (زلزله، ۴) حوادث ما را می‌گیرد و ضبط می‌کند، تسبیح له السماوات السبع والأرض (اسراء، ۴۴) تسبیح خدا دارد. در روایات آمده است که ما درباره‌ی زمین مسئول هستیم (إنکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم). ما حتی درباره‌ی قطعات زمین هم مسئول بوده و نباید زمین را رها کرد. پیغمبر اکرم (ص) فرمود اگر آب و خاک باشد و مردم از جای دیگر گندم بخورند، این مردم مورد لطف خدا نیستند (من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فأبعده الله). حضرت علی (ع) فرمود: (من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فأبعده اله). یعنی کسی که با داشتن آب و خاک، باز هم فقیر باشد، از رحمت خداوند متعال دور است (۳ و ۴). در ادامه به جنبه‌های مختلفی از خاک که در قرآن به آن اشاره شده است، خواهیم پرداخت.

خاک منشأ حیات و خلقت انسان

خاک قسمت سطحی پوسته زمین است که بر اثر عوامل مختلف فیزیکی، شیمیایی و حیاتی به وجود می‌آید. تنها سنگ نیست که خاک را به وجود می‌آورد، بلکه در تشکیل خاک، عوامل دیگری نیز موثر است که به هیچ‌وجه به سنگ ارتباطی ندارند و اگر جز این بود، در آن صورت علم خاک‌شناسی قسمتی از علم سنگ‌شناسی می‌بود (۵) انسان سرآمد تمام مخلوقات و آفریده شده از گل و خاک می‌باشد. قرآن کریم در سوره مبارکه هود/۶۱ و النجم/۳۲ منشأ خلقت انسان را زمین می‌داند که می‌توان گفت این تعبیر، تعبیری استعاری هستند، یعنی همانطور که گیاه از مواد زمینی می‌روید و رشد می‌کند، شما نیز همان مواد زمین بودید که خداوند به شما حیات بخشید، یعنی هنگامی که شما خاک بودید، خدا در خاک شما روح دمید و به صورت انسان



آب نبود، نتیجه می‌گیرند که «حیات» در این سیاره وجود نداشته و ندارد (۷). پس، چنانچه ملاحظه می‌گردد، هیچ تناقضی وجود ندارد. اگر ما بگوییم این گیاه از بذر پدیده آمده، یا بگوییم از خاک پدیده آمده یا بگوییم حیاتش از آب است و به آب بستگی دارد، هیچ منافات یا تناقضی با یکدیگر ندارند، بلکه اشاره به مراحل و زوایای متفاوت می‌باشد (۷).

فضیلت خاک و کشاورزی در قرآن

قرآن کریم همواره انسان‌ها را به تدبیر و تأمل در هستی فرا می‌خواند و خاک و کشاورزی را لطف بیکران حق برای بشر دانسته و در آیات متعددی به این امور اشاره کرده است. از جمله در سوره مبارکه انعام ۹۹ می‌فرماید: "وهو الذی أنزل من السماء ماء فأخرجنا نبات كل شيء فأخرجنا منه خضر أنخرج منه حبا متراكباً وبين النخل من طلعها قنوان داني و جنات مناغابا لیتون والان مشتبها و متشابها نظروا إلى تنمو إذا أثمر و ینعه إفیذ مخمل آیات لقوم یؤمنون: اوست که از آسمان آبی نازل کرده است که رویش هرچیزی بدان پدید آورده‌ایم و از جمله سبزه‌ای پدید آورده‌ایم که از آن دانه‌های روی هم چسبیده پدید می‌آوریم و از نخل، از طلع آن، خوشه‌های نزدیک و باغ‌ها، از تاک‌ها و زیتون و انار، بوجود آورده‌ایم که به یکدیگر مانند و ناهمانند هستند. هنگامی که ثمر می‌دهد، به میوه آن و رسیده شدن آن بنگرید. که در اینها برای آنان که ایمان دارند، نشانه‌هاست." یا اینکه در سوره مبارکه ق ۹/ می‌فرماید: "وممکنا من السماء ماء مبارک فانبتنا به جثیات و الصید؛ و از آسمان آبی پر برکت فرستادیم و بدان باغ‌ها و دانه‌های روشدنی رویانیدیم." یعنی: از آسمان، باران‌های پرمفعت فرورفتادیم و به وسیله این آب‌ها رویانیدیم باغ‌هایی را که در آن انواع و اقسام میوه‌های لذیذ وجود دارد (۸) و یا در سوره مبارکه ابراهیم ۳۷/

(ع)، کلیه نسل بشر از نطفه به وجود آمده‌اند، یعنی همان آب منی که وارد رحم زن می‌شود و با ترکیب (اسپرم مرد و تخمک «اوول» زن)، جنین پدید می‌آید و مراحل رشد و تکامل خود را از نطفه به علقه و ... طی می‌کند، تا زمانی که قابلیت پذیرش روح را پیدا می‌کند و این روح، خلقت دیگری است، یعنی از ماده و ترکیبات مادی نمی‌باشد: ثم خلقنا النطفة علق فخلقنا العلق مضغه فخلقنا الممض عظاما فکسونا العظام لحما ثم أنشأناه خلقاً آخر فتبارک الله أحسن الخالقین» (المؤمنون، ۱۴). ترجمه: آنگاه نطفه را به صورت علقه (خون بسته - یا لخته در آوردیم پس آن علقه را به صورت مضغه (تکه گوشت بدون شکل معین) گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم (که سبب پیدایش شکل و اندام می‌گردد) بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم آنگاه جنین را در آفرینشی دیگر (دمیدن روح و مبدل شدن به انسان زنده) پدید آوردیم، آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است (۷). - بدیهی است که نطفه مرد یا زن، از خون پدید می‌آید و خون نیز از مواد غذایی است و مواد غذایی نیز از خاک پدید می‌آید و خاک نیز بدون آب، نباتات و سایر جانداران را پدید نمی‌آورد (۷). - در یک آیه نیز به خلقت انسان از آب تصریح نموده است که منظور آب جاری یا آشامیدنی (H₂O) نیست، بلکه همان آب منی است (۷). - در آیه دیگر به «حیات» جانداران اشاره دارد و نه به خلقت انسان که می‌فرماید حیات هر جاندار نیز از آب است. و این نیز نکته‌ای است که دست‌کم امروزه منکری ندارد و به همین دلیل برای یافتن جانداران در کرات و سیارات دیگر نیز ابتدا به دنبال آب می‌گردند و نه به دنبال موجودات. اگر آب یافتند، احتمال وجود موجودات زنده در گذشته با حال را می‌دهند، اما اگر هیچ اثری از



بلا و مصیبتی نازل شود و مرد بداند پشتوانه‌ای دارد که با آن خانواده‌اش تأمین می‌شود، تحمل گرفتاری و جان کندن برای او آسان می‌گردد" (۱۰). پیشوایان معصوم (ع) علاوه بر این که خود در عرصه تولید و تلاش‌های اقتصادی پیشگام بودند، از تولیدکنندگان و کشاورزان حمایت می‌کردند و به آسیب‌دیدگان و ورشکستگان و قرض‌دارانی که زندگی اقتصادی آنها به دلیل مشکلات طبیعی مختل شده بود، کمک‌های فراوانی می‌کردند. امام علی (ع) به تولیدکنندگان و کشاورزان عنایت ویژه‌ای داشت. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید: امیرمؤمنان همیشه به اعمال و کارمندانشان سفارش کشاورزان را می‌نمود (۹). امام موسی کاظم (ع) از کشاورزان و تولیدکنندگان مدینه زیاد حمایت می‌کرد، شخصی می‌گوید: در نزدیکی مدینه صیفی کاری داشتیم. موقعی که فصل برداشت محصول نزدیک شد، ملخ‌ها آن‌را نابود کردند. من خرج مزرعه را با پول دو شتر بدهکار بودم. نشسته بودم و فکر می‌کردم. ناگهان امام موسی بن جعفر (ع) را دیدم که در حال عبور از آنجا بود و مرا دید. فرمود: چرا ناراحتی؟ عرض کردم: به‌خاطر این که ملخ‌ها کشاورزی مرا نابود کرده‌اند. حضرت فرمود: چقدر ضرر کرده‌ای؟ عرض کردم: یک صد و بیست دینار با پول دو شتر. حضرت به غلام خود فرمود: یک صد و پنجاه دینار به او بده سی دینار سود به اضافه اصل مخارج و دو شتر هم به وی تحویل بده! آن مرد می‌گوید: وقتی این کمک را تحویل گرفتم، عرض کردم: وارد زمین من شوید و در حق من دعا کنید. حضرت وارد زمین شد و دعا کرد. سپس از رسول خدا (ص) نقل کرد و فرمود: از بازماندگان مشکلات، محکم نگهداری کنید (۱۱). از امام صادق (ع) در جای دیگر می‌فرماید: کشاورزان گنج‌های مردم‌اند آنان (دانه‌های پاکیزه‌ای را می‌کارند که خداوند آنها را

می‌فرماید: "ربنا انی أسکنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع عند بیتک المحترم ربنا لیقیموا الصلاة فاجعل أفید الناس تهوی إلیهم وارزقهم من المرات لعلمهم یشکرون؛ پروردگارا! من یکی از ذریه‌ام را در وادی (و دره‌ای بی‌آب و) بی‌گیاه، در کنار خانه گرمی و با حرم تو ساکن ساختم. پروردگارا! (چنین کردم تا نماز برپادارند، پس دل‌های گروهی از مردم را به سوی آنان مایل گردان و آنان‌را از ثمرات، روزی ده تا شاید سپاس‌گزارند". هم‌چنین در سوره مبارکه دخان ۲۶/ می‌فرماید: "و زروع و مقام گیریم؛ و کشتزارها و خانه‌های نیکو" و آیات دیگری که همگی بیانگر اهمیت کشاورزی و خاک می‌باشند. نظیر (سوره انعام/۱۴۱)، (نبأ/۱۴ و ۱۵)، (عبس/۲۴ و ۳۲)، (زمر/۲۱)، (سجده/۲۷)، (یس/۳۳)، و ... از این آیات این نکته به‌دست می‌آید که میان بارش باران، خاک و رویش و پویش گیاهان ارتباط عمیقی وجود دارد و خداوند آدمیان را به تأمل در این نظام شگفت‌انگیز فرامی‌خواند. در روایات نیز، کشاورزی شغلی بسیار ارزشمند و مورد عنایت خدای متعال و قابل‌توجه در زندگی پیامبران الهی بوده است. در حدیثی از امام صادق (ع) آمده است: کشاورزان گنج‌های خدا در زمین هستند و در میان کارها هیچ‌کاری نزد خدا محبوب‌تر از کشاورزی نیست و خداوند هیچ پیامبری را بر نینگیخت مگر آنکه کشاورز بود، به‌جز ادریس (ع) که خیاط بود (۹). امام باقر (ع) در حدیثی می‌فرمایند: بهترین کارها کشاورزی است؛ آن‌را می‌کاری و نیکوکار و بدکار از آن می‌خورند. نیکوکار می‌خورد و برایت از خدا آمرزش می‌طلبد و بدکار می‌خورد و آنچه خورده او را لعن و نفرین می‌کند و چرندگان و پرندگان نیز از آن بهره‌مند می‌شوند (۱۰). امام صادق (ع) در فرمایشی به غلام خود "مصاف" فرمودند: برای خود باغ یا کشتزاری فراهم کن، زیرا هرگاه



نیازهای آدمی را فراهم کنند، برای اینکه خاک محل رویش و بالندگی و تکوین معادن و برآورنده انواع دیگر نیازهای انسان از قبیل مصالح ساختمانی و ... است. صاحب تفسیر نمونه می‌نویسد: با اینکه این قطعات همه با یکدیگر متصل و مربوطند، هرکدام ساختمان و استعدادی مخصوص به خود دارند، بعضی محکم، بعضی نرم، بعضی شور، بعضی شیرین و هرکدام استعداد برای پرورش نوع خاصی از گیاهان و درختان میوه و زراعت را دارد، چراکه نیازهای انسان و جانداران زمینی بسیار زیاد و متفاوت است، گویی هر قطعه از زمین مأموریت برآوردن یکی از این نیازها را دارد، و اگر همه یکنواخت بودند، و یا استعدادهای به صورت صحیحی در میان قطعات زمین تقسیم نشده بود، انسان گرفتار چه کمبودهایی از نظر مواد غذایی و دارویی و سایر نیازمندی‌ها می‌شد، اما با تقسیم حساب شده این مأموریت و بخشیدن استعداد پرورش آن به قطعات مختلف زمین همه این نیازمندی‌ها به طور کامل برطرف می‌گردد. دیگر اینکه در همین زمین باغ‌ها و درختانی وجود دارد از انواع انگور و زراعت‌ها و نخل‌ها و عجب این که این درختان و انواع مختلف آن‌ها، گاهی از یک پایه و ساقه می‌رویند و گاه از پایه‌های مختلف. جالب اینکه گاه می‌شود که هر یک از این شاخه‌ها، نوع خاصی از میوه را تحویل می‌دهد، ممکن است این جمله اشاره به مساله استعداد درختان برای پیوند باشد که گاه بر یک پایه چند پیوند مختلف می‌زنند و هر کدام از این پیوندها رشد کرده و نوع خاصی از میوه را به ما تحویل می‌دهد، خاک یکی، و ریشه و ساقه یکی، اما میوه و محصولش مختلف و متفاوت است! حتی بسیار دیده‌ایم که در یک درخت یا در یک شاخه، میوه‌هایی از یک جنس وجود دارد که طعم‌ها و رنگ‌های متفاوت دارند، و در جهان گل‌ها بسیار دیده شده است که یک

از زمین بیرون می‌آورد و روز قیامت بهترین مقام و نزدیک‌ترین منزلت را دارند و به آن‌ها (مبارک) می‌گویند (۱۰). رسول‌الله (ص) هنگام وفات به علی (ع) فرمود: ای علی کشاورزان نباید در حضور تو مورد ستم قرار گیرند (۱۲). بدین سان پیشوایان معصوم به مسؤولان و افراد جامعه می‌آموزند که چگونه به کمک کشاورزانی که زراعت آنها دچار خسارت شده است، بشتابند و از خداوند برای آنان طلب رحمت و برکت و دعا کنند. بی‌شک، انتخاب این شغل و اهمیت آن در قرآن و روایات بیانگر این نکته است که خداوند نیز از این شغل رضایت دارد. چراکه این شغل شریف در بالندگی روحی و معنوی افراد نقش به‌سزایی دارد.

روش‌های علمی خاک‌شناسی در قرآن

بر اثر عوامل جوی و موجودات زنده، در سنگ اولیه واقع در سطحی‌ترین قسمت پوسته زمین، تغییراتی به وجود می‌آید و ماده جدیدی به صورت خاک فراهم می‌شود. قرآن کریم در سوره مبارکه رعد/۴ به یک سلسله نکات جالب زمین‌شناسی و گیاهشناسی که هر کدام نشانه نظام حساب شده آفرینش است اشاره کرده و می‌فرماید: "وفی الأرض قطع متجاورات در زمین قطعات مختلفی وجود دارد که در کنار هم و در همسایگی یکدیگرند" از ظاهر آیه چنین به دست می‌آید که این قطعه‌های خاکی اگرچه در همسایگی هم قرار داشته و به هم چسبیده‌اند، لیکن یکنواخت نیستند و آثار یکسانی ندارند. این قطعه‌ها برخی شور و برخی شیرین، برخی نرم و برخی سفت و ... هستند و از همه آن‌ها آثار و برکات گوناگون و متنوعی برمی‌آید، از خاک شور برخی از گیاهان سر برمی‌آورند (۱۳؛ ۱۴؛ ۱۵) و زمینه حیات گروهی از حیوانات و پرندگان پدید می‌آید و از خاک شیرین نیز گروهی دیگر و همه‌ی خاک‌ها - هر کدام به گونه‌ای - می‌توانند



شکافتن زمین سخت، بیرون می‌آید، درس مقاومت می‌آموزند. اگر انسان با چشم بصیرت و با فطرتی پاک به طبیعت بنگرد اعتقادش به خدا تقویت و ایمانش بیشتر می‌شود. خداوند متعال در قرآن کریم در سوره مبارکه روم / ۱۳ در این مورد می‌فرماید: "یخرج الحی بین المیت و یخرج المیت من الحی و یحی الأَرْض بعد موتها و کذلک تخرجون؛ زنده را از مرده بیرون آرد و مرده را از زنده. و زمین را پس از مردنش زنده می‌سازد و شما نیز اینچنین از گورها بیرون شوید." یعنی "صحنه معاد" و "صحنه پایان دنیا" که یکی خروج "حی از میت" است و دیگری "میت از حی" مرتباً در برابر چشم شما تکرار می‌شود، بنابراین چه جای تعجب که در پایان جهان همه موجودات زنده بمیرند و در رستاخیز همه انسان‌ها به زندگی جدیدی بازگردند؟! اما خروج حی از میت در مورد زمین‌های مرده که بارها در قرآن برای مساله معاد روی آن تکیه شده، برای همه روشن است که در فصل زمستان زمین به صورت مرده در می‌آید، نه گیاهی از آن می‌روید، نه گلی می‌خندد، و نه شکوفه‌ای می‌شکفتد، اما در فصل بهار با تعادل هوا و فروریختن قطرات حیات بخش باران جنبش در زمین پیدا می‌شود، همه جا گیاهان می‌رویند، گل‌ها می‌خندند و شکوفه‌ها بر شاخه‌ها آشکار می‌شوند، و این صحنه معاد است که در این جهان می‌بینیم. آنچه برای مامحسوس و کاملاً قابل لمس و درک است این است که موجودات مرده دائماً جزء اندام موجودات زنده می‌شوند و لباس حیات در تن می‌پوشانند، آب و غذایی که ما می‌خوریم موجود زنده‌ای نیست، اما جزء بدن ما که شد تبدیل به یک موجود زنده می‌شود، و سلول‌های تازه‌ای بر سلول‌های بدن ما افزوده می‌گردد چنان‌که طفل شیرخوار از همین راه به جوان نیرومند قوی پیکری تبدیل می‌گردد

بوته گل و حتی یک شاخه گل‌هایی به رنگ‌های کاملاً مختلف عرضه می‌کند. این چه آزمایشگاه و لابراتوار اسرارآمیزی در شاخه درختان به کار گذارده شده است که از مواد کاملاً یکسان، ترکیبات کاملاً مختلف تولید می‌کند که هر یک بخشی از نیازمندی انسان را برطرف می‌سازد. (۱۶) به عبارت دیگر می‌توان گفت که در پشت پرده نظام با شکوه طبیعت، مدیر و مدبری وجود دارد که طبیعت و ذات همه چیز در برابر او خاضع‌اند و او هرگونه بخواهد آن‌ها را به جریان می‌اندازد. دلیل این نکته آن است که قطعه‌های زمین به هم چسبیده یا اینکه خاک آن‌ها طبیعت یکسانی دارد و در کنار هم قرار گرفته است، در آن تاکستان‌ها و باغ‌ها با انواع انگورهای مختلف می‌روید. قرآن از آن‌رو از بین آن‌همه میوه، انگور را انتخاب کرده است که انگور در زمره میوه‌هایی قرار دارد که انواع مختلف و پرشمار آن به لحاظ شکل، رنگ، طعم، اندازه، لطافت و خوبی با یکدیگر تفاوت‌های گاه عظیم دارند و نیز از همین خاک‌ها که دارنده طبیعت یکسانی هستند انواع دانه‌های کشاورزی که از جهت‌های گوناگون اختلاف بسیار باهم دارد، می‌روید و نیز از همین خاک با طبیعت یکسان درختان خرمايي که از یک ریشه رویده‌اند و درختانی که هر یک ریشه جداگانه دارند، می‌روید و همه آن‌ها از یک آب و خاک تغذیه می‌شوند (۱۷؛ ۱۸).

ارتباط خاک و کشاورزی با توحید و خداشناسی
جهان هستی و هر آنچه در آن است، آینه‌ای است که قدرت، تدبیر و حکمت خداوند را می‌توان در آن به وضوح مشاهده کرد. کشاورز با دیدن رستاخیز طبیعت به یاد رستاخیز آخرت افتاده و ایمان و اعتقادش به معاد راسخ‌تر می‌شود. کشاورزان که انتظار باران و رسیدن محصول درس صبر و پایداری را به آنها تعلیم می‌دهد، از دانه‌ای که پس از جوانه زدن با



(۱۶).

نتیجه‌گیری

آن بشر قدرت زندگی داشته باشد و بتواند به کمال مطلوب برسد. این برداشت حاصل می‌شود که کشاورزی بهترین ثروت خدادای است که می‌تواند مایه عزت و شکوفایی جامعه شود و زیباترین راه برای خدمت به خلق، شغلی مقدس برای انبیاء الهی بوده و رابطه خاک و آب و زمین و رویش گیاهان و تأمل در آن‌ها انسان‌ها را به قدرت، علم و حکمت الهی رهنمون می‌سازد. لذا بر انسان ضرورت دارد که به‌خوبی از این نعمت و لطف خداوند استفاده نماید تا شاهد جامعه‌ای آباد و شکوفا باشیم.

خاک در قرآن کریم از اهمیت بالایی برخوردار است و در آیات بسیاری از قرآن کریم، از خاک با واژه‌های مختلفی یاد شده است. خاک محل رشد گیاهان و تأمین مواد غذایی مورد نیاز انسان برای زندگی است. همچنین انسان از خاک آفریده شده و پس از مرگ به آن باز خواهد گشت. همین مسئله نشان دهنده‌ی اهمیت بالای خاک در زندگی انسان بوده و قرآن نیز به‌خوبی آن را مورد بحث قرار داده است. کشاورزی و خاک، هدیه‌ای است از سوی زمین به انسان تا به‌وسیله

منابع

۱. امامی خلیل آبادی، م. ۱۳۸۴. خاک از دیدگاه قرآن. نهمین کنگره علوم خاک ایران. تهران، مرکز تحقیقات حفاظت خاک و آبخیزداری کشور.
۲. ابراهیم، ا. ۱۳۹۱. وبگاه حوزه
۳. آینه بند، ا. ۱۳۹۳. قرآن و دانش کشاورزی (تالیف)، انتشارات دانشگاه شهید چمران اهواز.
۴. قرآن کریم
۵. کردوانی، پرویز. ۱۳۸۷. جغرافیای خاکها، تهران: موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۶. مصباح یزدی، محمد تقی، خداشناسی، کیهان شناسی و انسان شناسی، ۱۳۸۸ ق.م: انتشارات موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۷. وبگاه جام نیوز، ۱۳۹۱.
۸. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ۱۳۷۲. تهران: انتشارات ناصر خسرو، چاپ سوم.
۹. حر عاملی، حر عاملی محمد بن حسن بن علی، وسایل الشیعه، ۱۴۰۹ ق.م: موسسه آل البیت.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۶۵. تهران: دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۱۱. البغدادی، الخطیب، تاریخ بغداد، بیروت لبنان: دار الکتب العلمیه، بی تا
۱۲. طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۱۳۶۵. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۳. شبر، سید عباله، تفسیر القرآن الکریم، ۱۴۱۲. بیروت: دار البلاغه للطباعه و النشر.
۱۴. الوسی، محمود، روح المعانی فی التفسیر القرآن العظیم، ۱۴۱۵. بیوت: دار الکتب العلمیه، اول.
۱۵. ابن هائم، احمد بن محمد، التبیان فی التفسیر غریب القرآن، ۱۴۲۳. بیروت: دار الغرب الاسلامی.
۱۶. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ۱۳۷۴. تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما، ۱۳۸۶ ق.م: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۸. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ۱۴۱۷ ق.م: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.

نگرشی بر موضوع پیدایش حیات با محوریت قرآن و شیمی پیش‌حیاتی

آرش وجود^۱، محمد خدادادی مقدم^۲، داود نقی‌زاده باقی^۳، علی شامل^۴، غلامرضا ابراهیم‌زاده رجائی^۵، سحر مهاجری^۶

۱- دانشجوی دکتری شیمی فیزیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل (نویسنده مسئول: vojoood.a2012@gmail.com)

۲- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

۳- کارشناس ارشد مدیریت استراتژیک دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

۴- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

۵- دانشیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

۶- استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل

چکیده:

سیاره‌ای که در فضای بی‌کران در میان سیارات منظومه شمسی دیده می‌شود، خانه ما زمین است که بر طبق دانسته‌های مان زندگی و حیات تنها در آن جریان داشته و دارد. منابع آب فراوان، جو پیرامون زمین و دمای مناسب سطح این کره خاکی وضعیت مساعدی را برای تشکیل و تداوم حیات فراهم آورده است. از طرفی، در قرآن مجید نیز به چگونگی پیدایش حیات اولیه در کره زمین پرداخته شده است. در این نوشتار کوشش شده است به نظریه «انفجار بزرگ» که به‌عنوان یک توضیح پیشنهادی برای چگونگی آغاز جهان هستی مطرح است؛ به‌طوری‌که برخی از آیات قرآن نیز وقوع انفجاری بزرگ در زمان پیدایش عالم را تأیید می‌کنند، پرداخته شود تا نهایتاً با در نظر گرفتن این سناریوی موردپذیرش توسط جوامع علمی بین‌المللی، موضوع پیدایش حیات در کره زمین با محوریت قرآن که در آن کلام الهی مکرر از حیات ذکراهی به‌میان آمده و نیز دانش بنیادی شیمی پیش‌حیاتی (پیش‌زیستی) که بیانگر این مهم است که سرمنشأ پیدایش حیات روی زمین از سرآغازهایی غیرزیستی (شیمیایی) شکل گرفته است، مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد. نتایج این بررسی نشان‌داد که قرآن و شیمی پیش‌زیستی به اتفاق به این پرسش خطیر، یعنی چگونگی پیدایش حیات بر روی زمین که همواره یکی از دغدغه‌های ذهن بشر بوده است، پاسخ قابل قبولی ارائه می‌دهند. همچنین، پژوهش حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی، انجام گرفته است.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، نظریه انفجار بزرگ، شیمی پیش‌حیاتی، سیاره زمین، حیات

مقدمه

دوباره آن را باز می‌گردانیم وعده‌ای است برعهده ما که انجام دهنده آنیم» (تاسلامان، ۲۰۰۳: ۱۶۱/۱۵۳؛ بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳؛ باقراف، ۱۳۹۷). ردپای شیفتگی آدمی به حیات و خاستگاهش را می‌توان کمابیش تا سه هزار سال پیش دنبال کرد و سفر پیدایش در عهد عتیق، روایتی انجیلی از آن رویداد حیرت‌انگیز را عرضه می‌کند. هفتصد و پنجاه آیه از کلام‌الله مجید درباره طبیعت و جهان است و این امر از اهمیت نگرش و کسب علم برای اهل ایمان خبر می‌دهد

پیدایش عالم در حدود چهارده میلیارد سال پیش با رویدادی که «انفجار بزرگ» نامیده می‌شود، آغاز شد. بیشتر ستاره‌شناسان این رویداد مهم را باور دارند و آن را کاملاً پذیرفته‌اند. همچنین، برخی از آیات قرآن نیز وقوع انفجاری بزرگ در زمان پیدایش عالم را تأیید می‌کنند، نظیر آیه ۱۰۴ سوره انبیاء: «روزی که آسمان را هم چون پیچیدن صفحه نامه‌ها درهم بیچیم، همان‌گونه که بار نخست آفرینش را آغاز کردیم



شیمیایی نیز در قدرت آن است که موجب ظهور حیات و زندگی می‌شود. پس، شیمی پیش‌حیاتی می‌کوشد به این پرسش پاسخ دهد که چگونه می‌توان مولکول‌های آلی پیچیده را از پیش‌سازهای ساده تشکیل داد و نیز، مکانیسم‌های احتمالی را که در محیط‌های پیش‌حیاتی پیش می‌روند، تشریح و ارائه کند (Kopetzki & Antonietti, 2007; Eschenmoser, 2018). زیست‌شناسان بر این باورند که حیات فقط یک‌بار به‌وجود آمده و در وضعیت محیطی کاملاً متفاوت با وضعیت امروزی ایجاد شده است؛ از این‌رو برای درک منشأ حیات باید وضعیت زمین اولیه بررسی شود. بنابراین، در مقاله حاضر نیز سعی شده است که به خوانندگان، نخست شناخت آشکاری از نظریه بیگ‌بنگ، تعریف دقیقی از حیات در اصطلاح مذاهب و قرآن کریم، شرحی مختصر از پیشینه حیات روی سطح زمین و نهایتاً مطالبی پیرامون شیمی پیش‌حیاتی (پیش‌زیستی)، ارائه شود.

۱- انفجار بزرگ (بیگ بنگ)

پروفسور برایان کاکس^۲ و همکارانش در مورد نظریه انفجار بزرگ تا داستان پیدایش عناصر شیمیایی ساده، در کتاب شگفتی‌های کیهان، این چنین آورده است: علت پیدایش عالم (تولد جهان هستی) در حدود ۱۴ میلیارد سال پیش با رویدادی تحت‌عنوان انفجار بزرگ را نمی‌دانیم و نیز نمی‌دانیم چرا شکل اولیه کیهان آنگونه بود. این یکی از آن رازهای ناگشوده است که کشف آن میانی فیزیک را تا این حد مهیج می‌سازد. اگر به زبان علمی بخواهیم حرف بزنیم باید گفت نخستین سنگ‌بنای کیهان در دوره پلانک گذاشته شد. یعنی در ۴۳-۱۰ ثانیه پس از

تا پژوهشگران به تحقیق روی آورند و حقایق آفریدگان را دریابند چون درک حقیقت به تقرب به خدا می‌انجامد. از طرفی، یکی از مسائلی که از جانب خداوند متعال به بندگان توصیه شده، تفکر و تعمق در چگونگی آفرینش، از طریق سیر در زمین است^۱. بنابراین، مشاهده دقیق پدیده‌های طبیعی، مانند چگونگی پیدایش جهان و تفکر در آن‌ها، انسان را از عظمت جهان هستی و خالق آن آگاه می‌سازد و افزون بر آن، او را در شناخت درست قوانین طبیعت و پیشرفت هرچه بیشتر در علم و دانش یاری می‌دهد (پراس، ۲۰۱۲: ۸۳؛ دگرس تایسن و گلد اسمیت، ۱۹۵۸: ۱۹۲/۱۵۸؛ پایدار و محبتی، ۱۳۹۴؛ آوانسری، ۱۳۹۵). درک چگونگی شروع زندگی روی کره زمین یکی از پرسش‌های بزرگ دانش بشری و موضوعی چالش‌برانگیز برای پژوهش‌های علمی و از چالش‌هایی است که دست و پنجه نرم کردن با آن امری لذت‌بخش و جذاب است (Matthew, 2018: 85; Biscans, 2018). همچنین، از نظر پژوهشگران سراسر جهان در پیدایش حیات، رمز و رازی بزرگ است؛ موضوع علمی مهمی که پیشتازی برای مطالعه و تحقیق محسوب می‌شود و نتیجه تعامل رشته‌های مختلفی از جمله شیمی، زیست‌شناسی، فیزیک، نجوم، زمین‌شناسی و فلسفه و غیره است (Paecht-Horowitz, 1973; Pérez-Thripati & Ramabhadran, 2017; Villaa, 2018: 175-182). در این بین، علم شیمی نیز در تلاشی میان‌رشته‌ای همواره در صدد ایفای نقش اصلی خویش برای پیگیری مسئله مهم منشأ زندگی است؛ چراکه زندگی یک حیات شیمیایی بوده و خاصیت عالی ماده

۱. نمل، آیه ۶۹

2. Brain Cox



نداشتند، چون فاقد جرم بودند. تا این‌جا داستان از لحاظ نظری خوب جور در می‌آید اما از نظر تجربی تا حد زیادی بررسی نشده است. ولی رویداد دیگر برهم‌زننده تقارن که 10^{-11} ثانیه پس از انفجار بزرگ شکل گرفت کاملاً از نظر تجربی قابل بررسی است. در واقع در برخورددهنده بزرگ هادرون^۳ مستقر در سازمان تحقیقاتی سرن (سازمان اروپایی پژوهش‌های هسته‌ای) در بخش شمال شرقی شهر ژنو در کشور سوئیس مشغول بازآفرینی و بررسی همین دوره هستند. این رویداد را برهم‌زننده تقارن نیروهای الکتریکی ضعیف می‌گویند. در این لحظه دو نیروی نهایی طبیعت یعنی الکترومغناطیس و نیروهای هسته‌ای ضعیف از هم جدا شدند. طی این روند ساختارهای اصلی کوچکتر از اتم مانند کوراک‌ها و الکترون‌ها به‌وجود آمدند. رایج‌ترین نظریه درباره‌ی این روند مکانیسم هیگز^۴ نام دارد و جستجو برای یافتن ذره هیگز یکی از اهداف مهم برنامه‌های برخورد دهنده بزرگ هادرون است. اکنون به یک جای پای محکم تجربی و نظری دست یافته‌ایم. از این لحظه به بعد خوب می‌دانیم که در کیهان چه اتفاق افتاد. چون می‌توانیم در دستگاه‌های برخورددهنده ذرات آزمایش‌هایی برای درک مسائل فیزیک انجام دهیم. ظهور ذرات و نیروهایی که در کیهان می‌بینیم در نتیجه یک رشته رویدادهای برهم‌زننده تقارن در پایان عصر پلانک بود. برهم خوردن ناگهانی تقارن کیهان آغازین دقیقاً مشابه حالت‌های انتقال آب از بخار به مایع و سپس یخ است. اشکال پیچیده بدون دلیل مشخصی و صرفاً به دلیل افت دما پدید می‌آیند و این اشکال تقارن نهفته در حالت اولیه

مهبانگ که درکش برای ذهن دشوار است. اگر به‌صورت اعشاری بخواهیم رقم فوق را بنویسیم باید عدد ۱ را با ۴۲ صفر که قبل از آن قرار می‌گیرد یادداشت کنیم. از نظر محاسبه می‌توان به آسانی این عدد را به‌دست آورد. چون به نیروی گرانش مربوط است. البته عدد مذکور بسیار کوچک است به این دلیل که گرانش نیز در ابتدا بسیار کم بوده و دلیلش را نمی‌دانیم! در آن هنگام چهار نیروی بنیادی طبیعت که اینک می‌شناسیم؛ گرانش، نیروی هسته‌ای قوی، نیروی هسته‌ای ضعیف و الکترومغناطیس، باهم یکی بودند و یک ابر نیرو^۱ را تشکیل می‌دادند. هیچ ماده‌ای در این مرحله وجود نداشت. فقط انرژی و ابر نیرو وجود داشت. فیزیکدان‌ها به این حالت وضعیت بسیار متقارن می‌گویند. وقتی کیهان منبسط و سرد شد یک رشته وقایع برهم‌زننده تقارن شکل گرفت. اول این‌که در پایان دوره پلانک گرانش از سایر نیروهای طبیعت جدا شد و لذا آن تقارن کامل به هم خورد. در حدود 10^{-36} ثانیه پس از انفجار بزرگ، رویداد دیگر برهم‌زننده تقارن به‌وجود آمد که نقطه پایان دوره اتحاد بزرگ^۲ بود. این ضربه آره‌ای، نیروهای قوی هسته‌ای (نیرویی که کوارک‌ها را داخل پروتون و نوترون در کنار هم نگه می‌دارد) را از سایر نیروها جدا کرد. در این مرحله کیهان دچار انفجار چنان شدید و گسترده‌ای شد که به مقیاس بار^{۲۶} $10^{۲۶}$ (یعنی ۱۰۰ میلیون میلیون میلیون بار) در فاصله زمانی بسیار کوتاه (یعنی 10^{-32} ثانیه) بزرگ شد. این مرحله‌ای بود که طی آن ذرات زیر اتمی برای نخستین بار وارد کیهان شدند، اما هر چند شباهتی به ذراتی که امروز می‌بینیم

3. Large Hadron Collider
4. Higgs

1. Superorce
2. Grand Unification Era



همان هیدروژن و هلیم هستند. به هر حال، با توجه به اینکه نظریه بیگ‌بنگ با شواهد نظری و تجربی متعددی مورد تأیید واقع شده، در مورد منشأ جهان هستی کاملاً ساکت است. به عبارتی اینکه چرا جهان از مواد داغ و متراکم ایجاد شده و یا اینکه قبل بیگ‌بنگ وضعیت چگونه بوده اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد. از طرفی، در آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء قرآن نیز به چگونگی آفرینش نخستین جهان هستی پرداخته و نیز به نظریه بیگ‌بنگ اشاره کرده است: «یا کافران ندانسته‌اند که آسمان‌ها و زمین به هم بسته و پیوسته بودند (به‌عنوان واحدی از خلقت) و ما آن دو را شکافته و از هم باز کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم؟ پس آیا ایمان نمی‌آورند؟» البته، مراد از این آیه، نظریه انفجار بزرگ با تمام جزئیات آن نیست، بلکه تنها هم‌خوان و سازگار با آن نظریه است. گرچه نظریه انفجار بزرگ در محدوده دانشی آن زمان نبود، ولی اصل جدایی آسمان‌ها از زمین، امری پذیرفته شده بود و هزاران سال قبل از نزول قرآن، این موضوع در تورات و برخی نقل‌های تاریخی ذکر شده است. همچنین، شایان ذکر است، تئوری انفجار بزرگ، تنها نظریه مدرن درباره چگونگی به‌وجود آمدن جهان نیست. به‌عنوان مثال نظریه حالت ثابت^۱ یا نظریه جهان نوسانی^۲ نیز وجود دارد که در میان برخی از دانشمندان به‌طور گسترده‌ای مورد قبول هستند (شعبانی، ۱۳۹۸؛ وجود، ۱۳۹۹؛ کاکس و آندرو، ۲۰۱۱: ۱۲۷-۱۱۸، هوگان، ۱۹۹۸: ۱۷-۲۸).

۲- حیات

حیات عبارتست از وجه تمایز موجودات زنده از غیرزنده که به‌عنوان یک فرآیند یک طرفه و برگشت‌ناپذیر در نظر گرفته می‌شود.

را پنهان می‌کنند. لذا همان‌گونه که اشکال بسیار پیچیده دانه‌های برف نقابی بر تقارن ساده اتم‌های اکسیژن و هیدروژن می‌افکنند، آرایش نیروهای طبیعت و ذرات زیر اتمی سنگ بناهای کیهان امروزی نیز تقارن کیهان آغازین را پنهان می‌کنند. اینک یک گام مانده تا به مرحله تشکیل پروتون‌ها و نوترون‌ها که سنگ بناهای سازنده عناصرند و خودشان جزء عناصر نخستین هستند، برسیم. این مرحله یک میلیونیم ثانیه پس از انفجار بزرگ است زمانی که کوراک‌ها به اندازه‌ای سرد شدند که با کمک نیروهای هسته‌ای قوی به هم متصل شدند و پروتون‌ها و نوترون‌ها را ایجاد کردند. ساده‌ترین عنصر موجود یعنی هیدروژن فقط از یک پروتون تشکیل شده است. لذا یک میلیونیم ثانیه پس از انفجار بزرگ اولین عنصر شیمیایی به‌وجود آمد. پس از گذشت ۳ دقیقه کیهان به‌اندازه‌ای سرد شد که پروتون‌ها و نوترون‌ها توانستند به هم بچسبند و هلیم را به‌وجود آورند. هلیم با دارا بودن ۲ پروتون و ۱ نوترون در هسته، دومین عنصر جهان است. مقدار کمی نیز لیتیم با ۳ پروتون و بریلیم با ۴ پروتون (سومین و چهارمین عنصر ساده) به‌وجود آمدند و درست در این مرحله بود که روند پیدایش عناصر متوقف شد. پس از گذشت ۳ دقیقه کیهان دارای چهار نیروی مشخص بود که امروزه می‌شناسیم: گرانش، نیروهای هسته‌ای قوی و ضعیف و الکترومغناطیس، در آن هنگام ۷۵ درصد جرم آن هیدروژن و ۲۵ درصد باقی جرم آن هلیم بود. این بود داستان پیدایش عناصر شیمیایی ساده به‌دنبال وقایعی که یکی پس از دیگری تقارن کیهان نخستین را برهم زدند. همچنین، مطالعه دقیق علمی ما را به این نتیجه می‌رساند که سنگ بناهای سازنده کیهان

**۲-۱- حیات از دیدگاه مذاهب**

همه مذاهب و اسطوره‌های جهان (جز آیین بودا) به خلقت معتقدند. از نظر مذاهب مختلف حیات یا زندگی از مواد غیرزنده توسط نیرویی غیرطبیعی و غیرانسانی (خدا) به وجود آمده است. به این جهت در اکثر مذاهب حیات به مثابه یک مقوله مقدس دانسته شده است (Luisi, Walde, Oberholzer 1999؛ شعبانی، ۱۳۹۸؛ حاجی حیدری، ۱۳۹۳؛ ۱۲۰-۱۲۴).

۲-۲- حیات در اصطلاح قرآن کریم

خداوند متعال در قرآن مجید می‌فرماید: بگو: «در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس خداوند (به همین گونه) جهان آخرت را ایجاد می‌کند یقیناً خدا بر هر چیزی توانا است^۱». «امر او چون [آفرینش] چیزی را اراده کند، تنها همین است که به آن می‌گوید موجود شو، او بی‌درنگ موجود می‌شود^۲». در قرآن کریم مکرر از حیات و زندگی ذکری به میان آمده است، در آیات بسیاری زنده شدن موجودات، پیدایش متوالی موجودات زنده، تطورات حیات، نظامی که در خلقت موجودات زنده به کار رفته، آثار حیات از فهم و شعور و ادراک و سمع و بصر و هدایت و الهام و غیره و امثال اینها را به عنوان «ایت» و نشانه حکمت و تقدیر الهی ذکر کرده‌اند. برای مثال، واژه حی و جمع آن «احیاء» به صورت معرفه و نکره، ۲۴ بار در قرآن به کار رفته است یا کلمه الحی که فقط ۵ بار آن، همگی با الف و لام است، به خدا اشاره دارد. همچنین، از آنجایی که آب به عنوان مولکول دخیل در تشکیل ملکول‌های زیستی اولیه، عامل اساسی در تشکیل حیات و جلوگیری از نابودی شکل‌های اولیه حیات است. از این‌رو، پژوهشگران علوم

قرآنی با تدبیر در آیات، به وجود برخی اشارات در خصوص ماده حیات بخش آب در قرآن اذعان داشته‌اند. مضاف بر این، در چندین آیه از قرآن کریم نیز از آب صراحتاً به عنوان ریشه زندگی؛ هم در منشاء و پیدایش خلقت و هم در صحنه هستی و تداوم حیات؛ یاد شده است. البته قابل ذکر است، ایجاد حیات در آب نیز کاملاً وابسته به خصوصیات منحصر به فرد این مایع است که در سایر مواد طبیعی موجود یافت نمی‌شود (اطمینانی و اطمینانی، ۱۳۹۶؛ وجود، ۱۳۹۹؛ آوانسری، ۱۳۹۵؛ نجات‌خواه معنوی و دیداران، ۱۳۹۷؛ 42-21: Siraj, Tayab 2017).

۲-۳- پیشینه حیات روی سطح زمین

مسئله منشأ حیات و چگونگی پیدایش جانداران در روی کره زمین از جمله مسائلی است که از قدیم‌ترین اعصار مورد توجه انسان‌ها بوده و امروزه نیز به عنوان یک سؤال برای اذهان انسان‌ها مطرح است (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳). همچنین، تلاش برای توضیح مراحل پیدایش حیات بر روی کره زمین، تاریخچه‌ای بسیار قدیمی و شاید عمری برابر با پرسشگری آدمی دارد، ولی نخستین افرادی که به این رویداد تاریخی در چارچوب علم تجربی پرداختند؛ شیمیدان روس، الکساندر ایوانویچ آپارین و زیست شناس بریتانیایی، جان هالدین بودند. شواهد حاکی است که زمین از مدت‌ها قبل از پیدایش حیات، وجود داشته است. این شواهد را اندازه‌گیری سن زمین بدست می‌دهد (آپارین، ۱۳۸۵: ۲۹؛ وجود، ۱۳۹۹؛ کرام الدینی، ۱۳۹۶: ۴۸؛ حاجیان فروشانی، ۱۳۸۴). عمرسنجی هسته‌ای و مطالعات زمین‌شناسی عمر کره زمین را بیشتر از چهار میلیارد و ششصد میلیون سال می‌دانند، اما عمر آثار حیات بر روی زمین بیش‌تر از سه



متعلق به ۳/۵ میلیارد سال پیش، نشان می‌دهد که حیات در آن دوران وجود داشته است (پراس، ۲۰۱۲: ۸۷؛ کرام‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۶: ۴۸؛ لیندسی، ۱۹۳۷: ۶؛ سعیدی رضوی، ۱۳۹۳؛ وجود، ۱۳۹۹). مدرک موثقی مبنی بر وجود حیات قدیمی‌تر در ۳/۸ میلیارد سال پیش نیز ادعا شده است. گرچه این موضوع کماکان محل مناقشه است (پراس ۲۰۱۲: ۸۸).

۴- شیمی پیش‌حیاتی (پیش‌زیستی)

«شیمی پیش‌حیات»، شاخه‌ای از دانش شیمی است که قبل از آغاز حیات رخ داده و منجر به پیدایش زندگی در کره زمین شده است. همچنین، پژوهشگران حوزه شیمی عملاً شیمی حیات را به این صورت تعریف می‌کنند: شیمی اساساً ارگانیک که به صورت طبیعی در محیط‌های بسیار بزرگ یا سایر محیط‌های (منظومه) شمسی اتفاق می‌افتد و می‌تواند با منشأ زندگی در کره زمین یا نقاط دیگر ارتباط داشته باشد. اصطلاحات، «شیمی غیرزنده» (شیمی که در غیاب زیست‌شناسی رخ می‌دهد) و «شیمی پیش‌حیات» از برخی جهات مترادف (هم‌معنا) هستند (وجود، ۱۳۹۹؛ Cleaves 2012). از طرفی، روشن است که برای اینکه حیات روی زمین پدیدار شده باشد، بلوک‌های سازنده مناسب که همه چیزهای زنده از جنس آن‌ها هستند، باید موجود بوده باشند. در نتیجه، گویا در نظر گرفتن این فرض معقول است که با تحلیل موادی که شاید روی زمین پیش‌زیستی شکل گرفته باشند، بتوان به سرنخ‌هایی در مورد خاستگاه حیات رسید. اگرچه مقاله‌ای به سال ۱۹۲۴ میلادی با عنوان «خاستگاه حیات» نوشته آلکساندر ایوانوویچ آپارین، ایده‌هایی ابتدایی را برای تشکیل پیش‌زیستی مواد ارائه کرد، پرسش

میلیارد و هشتصد میلیون سال نیست. از اینجا می‌توان فهمید که هشتصد میلیون سال از عمر زمین گذشته، اما هنوز موجودی زنده در آن زندگی نمی‌کرده است. در این مدت زمین با تحولاتی که پیدا کرده است توانسته شرایط لازم را برای پذیرش حیات بدست آورد. آری در این مدت زمین مانند گوی بزرگی از صخره‌های خشک و عریان بود و هیچ نشانی از حیات بر آن دیده نمی‌شد. در فضای بیکران می‌چرخید و توده‌های گازی که در گردونه آن محصور شده بود بر اثر تراکم به شکل مایع مذابی در آمده و نقطه مرکزی آن را تشکیل می‌داد و لایه‌های نازکی هم سطح آن را تشکیل می‌داد گرمای مرکزی دل زمین به حدی بود که اتم‌ها را از هم می‌شکافت و انفجار حاصل از آنها از درون به بالا پراکنده می‌شود و پوسته نازک سطحی را در هم می‌شکست توده‌های بخار و گاز آزاد می‌شدند و چون هاله‌ای از ابر و مه غلیظی دورتا دور زمین را فرا می‌گرفت و چنان غلظتی داشت که مانع رسیدن نور خورشید به زمین می‌شد. بدیهی است که در چنین شرایطی تشکیل و تداوم حیات امکان‌پذیر نبوده است و تصور می‌شود که طی ۶۰۰ یا ۸۰۰ میلیون سال نخست، سیاره زمین برای پدید آمدن حیات بیش از اندازه نامساعد بوده است. به عبارتی طی دوره آغازین، بمباران‌های شدید از فضای بیرونی، قادر به تبخیر اقیانوس‌ها سطح زمین بوده است. اندک اندک سطح سیاره زمین سرد شد و پوسته‌ای سنگی آن را در برگرفت. بخار آب موجود در اتمسفر متراکم شد و بارش باران، اقیانوس‌های وسیعی به وجود آورد. بسیاری از زیست‌شناسان اعتقاد دارند که حیات باید اولین بار در این اقیانوس‌ها پدیدار شده باشد. زمان آغاز خلقت موجودات زنده به طور دقیق قابل تخمین نیست، ولی مطالعات دانشمندان با توجه به رسوبات



اولیه (پیش‌حیاتی) کره زمین را در آزمایشگاه شبیه‌سازی نماید. لذا امید است این مضامین بتوانند هرچه بهتر چگونگی ادامه یافتن احتمالی تکامل شیمیایی در زمین اولیه را در محیط آزمایشگاهی - بدون دخالت انسان- ضمن شبیه‌سازی و بازآفرینی، بیان کند (Powner, Müller, et al. 2009; Gerland, Sutherland 2009; Kim, et al. 2011; والد، ۲۰۰۵: ۱۵-۱۷).

نتیجه‌گیری

در این نوشتار تلاش شد تا ترسیمی کلی از حیات، پیدایش آن از ماده بی‌جان و شیمی پیش‌حیاتی ارائه شود. همچنین، از مباحث مطرح شده در مقاله حاضر می‌توان به نتایج زیر دست یافت: مطابق نظریه بیگ‌بنگ اولاً، جهان هستی از انبساط یک ماده و انرژی تاریک بسیار چگال ایجاد شده که مواد تشکیل دهنده این ماده چگال، ذرات بنیادی اتم، یعنی پروتون، الکترون، نوترون و ... می‌باشند. به عبارتی، مواد متشکل از این ذرات بنیادی‌اند و برحسب تعداد این ذرات بنیادی، تنوع در عناصر به‌دست می‌آید. دوماً، متأسفانه این نظریه درباره منشأ عالم و اینکه چرا جهان از مواد داغ و متراکم ایجاد شده و یا اینکه قبل بیگ‌بنگ وضعیت چگونه بوده، اطلاعاتی ارائه نمی‌دهد و کاملاً ساکت است (شعبانی، ۱۳۹۸؛ باقراف، ۱۳۹۷، کاکس و آندرو، ۲۰۱۱؛ ۱۱۸-۱۲۷). با توجه با اینکه هدف کتاب آسمانی قرآن، هدایت انسان و جامعه به سوی زندگی سعادت‌مند و ... است، با این وجود، این کتاب هدایت‌گر حتی در مورد پدیده عظیم خلقت و مسئله چگونگی پیدایش حیات که همواره یکی از دغدغه‌های ذهن بشر بوده است،

خاستگاه حیات با آزمایش‌های میلر^۱ معنا و مفهومی تازه پیدا کرد. در این آزمایش‌ها، میلر آمیزه‌ای از چهار ترکیب گازی که در آن هنگام تصور می‌شد سازندگان عمده اتمسفر پیش‌زیستی بودند- هیدروژن، آمونیاک، متان و بخار آب- را گرفت و با گذراندن تخلیه الکتریکی از درون این آمیزه، دست به شبیه‌سازی اثر آذرخش آغازین زد. نتیجه حیرت‌انگیز بود. مشخص شد که گستره‌ای از مواد آلی، از جمله تعدادی آمینواسید، تشکیل شده‌اند. چون آمینواسیدها بلوک‌های سازنده پروتئین‌ها هستند و پروتئین‌ها جزء کلیدی همه سیستم‌های زنده می‌باشند، دوران تازه‌ای از مطالعه آغاز شد. حوزه پیش‌زیستی، حوزه‌ای که به سرعت به کانون علاقه‌مندی چشمگیر علمی بدل شد. اندیشه غالب آن بود که با آزمایش‌های میلر بیشتر در شرایط پیش‌زیستی فرضی، سرچشمه دیگر اجزای کلیدی حیات نیز شاید آشکار شود و در نتیجه نقشی در حل‌وفصل مسئله خاستگاه حیات بازی کند. در حقیقت، زندگی همان‌طور که می‌دانیم یک زندگی شیمیایی است. بنابراین، شیمی قرار است نقش اصلی را در تلاش میان‌رشته‌ای برای پیگیری مسئله منشأ حیات و زندگی ایفا کند. از طرفی، «شیمی پیش‌حیات» دو مضمون را در برمی‌گیرد: پاونر^۲، مولر^۳ و همکارانشان یک نمونه شبیه‌سازی پیش‌حیاتی را در محیط آزمایشگاهی انجام دادند تا با انجام مراحل پیوسته و کنترل شده واکنش‌پذیری پیش‌حیاتی را مورد بررسی قرار دهند. مضمون دیگر، با تحقیقات جامع لوو^۴، لوب^۵ و میلر در مورد شیمی پیش‌حیاتی مشخص شد. این مضمون درصدد این است که محیط

4 Löw
5 Löb

1 Miller
2 Powner
3 Müller



احتمالی موجود زنده در آن (در حدود بیش از سه میلیارد و هشتصد سال)، شرایط نامساعدی حاکم بود که نهایتاً سطح زمین شرایط لازم را برای پذیرش و تداوم حیات، به دست آورد. علم شیمی پیش‌حیاتی به بررسی چگونگی پیدایش حیات از غیرحیات می‌پردازد. به عبارتی، این علم اتفاقات و حوادث پیش از آغاز حیات که منجر به تشکیل و تداوم حیات در کره زمین شده است را مورد ارزیابی و مطالعه قرار می‌دهد. علاوه بر این، شبیه‌سازی محیط اولیه (پیش‌حیاتی) کره زمین در آزمایشگاه به منظور مطالعه چگونگی ادامه یافتن احتمالی تکامل شیمیایی در زمین اولیه، موضوع شیمی پیش‌زیستی محسوب می‌شود.

سکوت نکرده و در آن مکرر از حیات و زندگی ذکری به میان آمده است. بی‌تردید حیات نیازمند آب می‌باشد و این آب مایع است که به حیات اجازه می‌دهد تا متولد شود و تکامل پیدا بکند. از همین رو، نقش این ماده حیات بخش در پیدایش، تداوم و حفظ زندگی بسیار مهم و ضروری ارزیابی می‌شود. مطابق کلام قرآنی، خداوند متعال هر موجود زنده‌ای را از آب پدید آورده است. برای مثال، آیه‌های ۵۴ سوره فرقان و ۴۵ سوره نور یا آیه ۳۰ سوره انبیاء. در ضمن، طبق نظریه‌های علمی جدید، ظهور و پیدایش نخستین جوانه حیات از دریاها ریشه گرفته است. در فاصله میان عمر کره زمین (در حدود بیش از چهار میلیارد و ششصد سال) تا اولین اثر

منابع

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آوانسری، ا.، ۱۳۹۵، بررسی تطبیقی مسئله حیات در فلسفه و زیست‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، گروه فلسفه، دانشگاه تبریز.
- ۳- اطمینانی، ف.، اطمینانی، ا.، ۱۳۹۶، حیات و پیدایش آب از دیده گاه قرآن کریم، دومین کنفرانس مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهشی دینی، رشت، دانشگاه امام صادق علیه السلام پردیس خاوران.
- ۴- آپارین، آ. ا.، ۱۳۵۸، «حیات: طبیعت، منشأ و تکامل آن»، ترجمه هاشم بنی‌طرفی، تهران: شرکت کتابهای حبیبی، چاپ ششم.
- ۵- بهمنی، ا. و همکاران، ۱۳۹۵، «زیست‌شناسی فنی حرفه‌ای-کاردانش دوره دوم متوسطه»، تهران: انتشارات چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ اول.
- ۶- بهزاد سعیدی، ب.، ۱۳۹۳، «دیدگاه قرآن و نهج البلاغه در مورد کره زمین»، فصلنامه سراج منیر، دوره ۵، صفحه ۸۹-۱۰۴.
- ۷- باقراف، علی.، ۱۳۹۷، آفرینش جهان و انطباق آیات قرآن با نظریه انفجار بزرگ (big bang)، مجله بین‌المللی متافیزیک، دوره ۱، صفحه ۷۶-۸۴.
- ۸- پراس، ا.، ۲۰۱۲، «حیات چیست؟ شیمی چگونه می‌شود زیست‌شناسی»، ترجمه رامین رامبد، تهران: انتشارات مازیار، چاپ دوم.
- ۹- پایدار، ف.، محبتی، ش.، ۱۳۹۴، «قرآن و پیدایش جهان»، فصلنامه رشد آموزش جغرافیا، دوره ۲۶، صفحه ۳-۶.
- ۱۰- حاجیان‌فروشان، ح.، ۱۳۸۴، تولید و بررسی مدلی از منشا حیات، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم پایه، گروه بیوفیزیک، دانشگاه تربیت مدرس.
- ۱۱- حاجی‌حیدری، ا.، ۱۳۹۳، «پیدایش جهان هستی و حیات بر کره زمین»، تهران: انتشارات مازیار، چاپ اول.
- ۱۲- دگرس تاینسن، ن.، گلداسمیت، د.، ۱۳۹۵، «راز آفرینش جهان هستی»، ترجمه جمیل آریایی، تهران: انتشارات مازیار، چاپ دوم.



۱۳. دیداران، آ.، نجات خواه معنوی، پ.، ۱۳۹۷، اهمیت و نقش آب در پیدایش حیات در قرآن و علم مدرن، چهارمین کنفرانس بین المللی توانمند سازی جامعه در حوزه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، مرکز توانمندسازی مهارت‌های فرهنگی و اجتماعی.
۱۴. -سلامان، ج.، ۲۰۰۳، «بیگ بنگ، فلسفه و خدا»، ترجمه رامین کریمی، تهران: انتشارات سایلاو، چاپ اول.
۱۵. -شعبانی، ا.، ۱۳۹۸، «نگاه شیمیایی به پیدایش مواد، نشریه نشاء علم»، دوره ۱۰، شماره ۱، صفحه ۱۱-۱۶.
۱۶. -کاکس، ب.، کوئن، آ.، ۲۰۱۱، «شگفتی‌های کیهان»، ترجمه محمد اسماعیل فلزی، تهران: انتشارات مازیار، چاپ پنجم.
۱۷. -کرام الدینی، م و همکاران.، ۱۳۹۶، «زیست شناسی دوره پیش دانشگاهی»، تهران: انتشارات چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران، چاپ پانزدهم.
۱۸. -لیندسی، و.، ۱۹۳۷، «تاریخچه پیدایش حیات»، ترجمه یلدا بلارک، تهران: انتشارات سبزان، چاپ دوم.
۱۹. -والده، پ.، ۲۰۰۵، «شیمی پیش حیاتی از مواد دوگانه دوست ساده تا مدل‌های پیش سلول»، ترجمه آرش وجود و محمد خدادادی مقدم، اردبیل: انتشارات یاوریان، چاپ اول.
۲۰. -وجود، آ.، ۱۳۹۹، بررسی قابلیت افزایش گزینش پذیری واکنش فورموس برای تولید کربوهیدرات‌ها با روش‌های تجربی و محاسبات دینامیک مولکولی، پایان نامه دکتری تخصصی، دانشکده علوم، گروه شیمی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
۲۱. -هوگان، ک.، ۱۹۹۸، «انفجار بزرگ نگاهی به چگونگی شکل‌گیری کیهان»، ترجمه علی فعال پارسا، مشهد: آستان قدس رضوی (شرکت به نشر)، چاپ سوم.
- Biscans A (2018) Life 8: 57
22. -Cleaves HI (2012) Evo Edu Outreach 5: 342
- Eschenmoser A (2007) Tetrahedron 36: 12821
23. -Kopetzki D, Antonietti M (2011) New J Chem 35: 1787
24. -Kim HJ, Ricardo A, Llangkoon HL, Kim MJ, Carrigan MA, Frye F, Benner SA (2011) J Am Chem Soc 133: 9457
25. -Luisi pL, Walde P, Oberholzer T (1999) Curr Opin Colloid Interface Sci 4: 33
26. -Müller D, Pitsch S, Kittaka A, Wagner E, Wintner CE, Eschenmoser A (1990) Helv Chim Acta 73: 1410
27. -Matthew AP (2018) In: Menor-Salván S (ed) Prebiotic chemistry and chemical evolution of nucleic acids. Springer, Berlin
28. -Powner MW, Gerland B, Sutherland JD (2009) Nature 459: 239
29. -Paecht-Horowitz M (1973) Angew Chem Int Ed 12: 349
30. -Pérez-Villaa A, Pietruccia F, Saitta AM (2018) Phys Life Rev 34-35:105
31. -Siraj MA, Tayab MAK (2017) In: Raju KV and S. Manasi (eds) Water and Scriptures, Springer, Heidelberg
32. -Thripati S, Ramabhadran RO (2017) J Phys Chem 121: 8659

نقش احکام اسلام (وضو، روزه، غسل) در سلامت جسم از منظر علم و دین

سمانه علیپور قادیکلایی^۱، فاطمه یوسف پور^۲، سید قاسم حسینی^۳

۱- طلاب سطح ۳ حوزه علمیه ریحانه الرسول جویبار

۲- طلاب سطح ۳ حوزه علمیه ریحانه الرسول جویبار

۳- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم، دانشکده علوم قرآنی آمل
(نویسنده مسئول: mojeze.mandegare.qaem@gmail.com)

چکیده:

دین مبین اسلام برای انسان ارزش و احترام فوق‌العاده‌ای قائل است و به تمامی مسائل حیاتی انسان از جمله بهداشت و سلامت عنایت خاصی دارد زیرا قرآن کتاب سعادت بشر است و سعادت روحی انسان در گرو داشتن جسمی سالم است از جمله شواهدی که می‌توان بر تاکید قرآن بر سلامت جسم انسان، ارائه داد: آیاتی می‌باشد که به بیان انواع خوراکی‌هایی که برای انسان مفید هستند پرداخته است؛ خوراکی‌هایی مثل خرما، عسل و انجیر همچنین آیاتی که ممنوعیت خوردن برخی غذاها و بعضی اعمال را بیان کرده‌اند، نیز بیانگر اهمیت سلامت جسم انسان نزد قرآن است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی، بهداشت و سلامت در آیات قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه می‌رسد که استفاده از رهنمودهای قرآنی نقش موثری در پیشرفت فرهنگ سلامت و بهداشت جامعه دارد.

واژگان کلیدی: انسان، بهداشت، جسم، روزه، غسل، وضو

مقدمه:

الهی در سلامت جسم انسان چه تاثیری دارد؟ مقاله‌ای با عنوان بهداشت و سلامت در آیات قرآن کریم اثر ابراهیم نعیمی که دستورات بهداشتی قرآنی را بیان کرده است و مقاله سلامت جسم در قرآن اثر صدیقی و ... به اهمیت سلامت جسم در قرآن را مورد بررسی قرار داده است. در میان پژوهش‌های فوق، اثری که به‌طور مجزا به موضوع بهداشت جسم انسان در قرآن بپردازد یافت نشد، در این نوشتار سعی شده است که با جست و جو در آیات و روایات، بخشی از بهداشت جسم انسان، در تعالیم الهی مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم‌شناسی، معنی لغوی و اصطلاحی

در فرهنگ عمید درباره لغت بهداشت آمده است: «نیکو نگاه داشتن، نگاهداری تندرستی، سابقاً حفظ الصحه می‌گفتند» (عمید، ۱۳۷۴، ص ۴۶۱) و در اصطلاح: «روش‌ها و کارهای لازم

تعالیم دین اسلام به‌گونه‌ای است که برای روح و جسم انسان ارزش فوق‌العاده‌ای قائل شده و انسان را از هرگونه وارد کردن آسیب به جسم و جان نهی می‌کند و برحذر می‌دارد. در قرآن کریم آیات زیادی در زمینه بهداشت و سلامت وجود دارد که دستورات بهداشتی از جمله: رعایت و پیشگیری، اعتدال در رفتار تغذیه‌ای، حفظ جان و توجه به بهداشت فردی از آن قابل استنباط است. همیشه و در همه موارد پیشگیری بهتر از درمان است؛ بهداشت فیزیکی از موارد پیشگیری در بیماری‌ها است. لذا لازم است که به بهداشت جسم انسان پرداخته شود تا حداقل با آگاهی از اثر برخی فوائد آن به تندرستی و سلامت جسم کمک شود. فوایدی که در این زمینه مطرح شده این است که چگونه سلامت جسم در عبادت فردی و اجتماعی تاثیر دارد؟ و پرهیز از محرکات



گرفته‌اند که اصل قرء به معنی جمع است، در اینصورت می‌توانند بگویند که: آن مصدر از برای فاعل است. قرآن یعنی جامع حقائق و فرموده‌های الهی» (قرشی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۲). «کتاب آسمانی مسلمانان که شامل ۶۶۰۰ آیه و صد و چهارده سوره است» هشتاد و دو سوره آن در مکه نازل شده و به سوره‌های مکی معروف می‌باشد و سی و دو سوره هم در مدینه نازل شده و آن‌ها را سوره‌های مدنی می‌گویند». (عمید، ۱۳۷۴، ص ۱۸۸۲). سپاس و ستایش شایسته پروردگار هستی است که ذرات عالم وجود را مظهر جمال و جلال خویش قرار داد، پروردگار و معبودی که همواره همه موجودات در پرتو عنایات پر مهرش قرار دارند، کسی که شایسته یادکردن است و برماست که نعمت‌های خالصانه‌اش را شاکر باشیم و نمازگزاردن و پیشانی سائیدن جز بر پیشگاه او نباشد. چنانچه خداوند متعال نیز از بندگانش خواسته است که همواره او را یاد کنند و به یاد او باشند، و در قرآن مجید خطاب به انسان آمده است: «أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي». «بدان که منم خدای یکتا هیچ خدایی جز من نیست پس مرا به یگانگی بپرست و نماز را برای یاد ما بپادار» (طه / ۱۴). «نماز به عنوان یکی از ارکان دین مبین اسلام عالی‌ترین و کامل‌ترین نوع نیایش و ارتباط با خداوند می‌باشد به طوری که قرآن در بیش از ۱۲۰ آیه از سوره‌های مختلف این کتاب الهی از نماز، احکام، آداب و آثار آن به کرات یاد نموده است. اگرچه افزون بر نماز، عبادات دیگری همچون خمس، زکات، حج، جهاد و ... وجود دارند که هر کدام نقش سازنده و تربیتی مهمی بر روی انسان دارند ولی در این میان نقش نماز بسیار سازنده‌تر است زیرا نماز جلوه‌ای از حضور بنده در محضر ربوبیت است و ما در هیچ‌یک از عبادات اسلامی همچون نماز در تمامی مراحل

برای حفظ تندرستی» را گویند (صدری اغشار، حکمی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷). لغت جسم به معنای: «بدن، تن، هر چیزی که دارای طول و عرض و عمق باشد، هر چیزی که قسمتی از فضا را اشغال کند، جمع آن، اجسام و جسم» (عمید، ۱۳۷۴، ص ۸۱۵). در مفردات آمده است: «هر چیزی است که دارای دراز و پهنا و ژرما باشد (طول و عرض و عمق)، اجزاء هر جسمی از جسمیت خارج نمی‌شود هر چند که تکه تکه و جزء جزء شود باز آن جزء ابعاد دارد» (راغب اصفهانی، ۱۳۵۷، ص ۳۹۸). «آنچه دارای حجم و وزن است و فضایی را اشغال می‌کند، ماده ۲- ساختمان مادی یک زیستمند، بویژه انسان یا جانور، پیکر، کالبد، جسد، تن» (صدری اغشار، حکمی، ۱۳۷۷، ص ۷۲۷). انسان در لغت به معنای: «آدمی، مردم، بشر، اناسی و آناس جمع» (عمید، ۱۳۷۴، ص ۲۹۲). و در اصطلاح: «انسان: (انسان‌ها): ۱- جاننداری که طبیعی‌دانان او را در رده پستانداران، زیر راسته آدم نمایان، بالا تیره آدم نمایان و تیره انسان‌ها قرار می‌دهند و دارای ویژگی حرکت بر روی دو پا، وجود مرکز گوپایی در مغز و توانایی ابزارسازی دارد. ۲- شخص خوب و پای‌بند به اصول اخلاقی، آدم؛ آدمی» (صدری اغشار، حکمی، ۱۳۷۷، ص ۹۸). درباره قرآن باید گفت: «این لفظ در اصل مصدر است به معنی خواندن. چنانکه در بعضی از آیات معنای مصدری مراد است مثل «إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأَهُ فَأَتَّبِعُ قُرْآنَهُ» (قیامت / ۱۷-۱۸) قرآن در اینجا مصدر است مثل فرقان و رحجان و هر دو ضمیر راجع بومی‌اند یعنی در قرآن عجله نکن زیرا جمع کردن آنچه وحی می‌کنیم و خواندن آن برعهده ماست و چون آنرا خواندیم از خواندنش پیروی کن و بخوان. قرآن کتابی است خواندنی باید آنرا خواند در معانیش دقت و تدبر نمود. بعضی‌ها قرآن را در اصل به معنی جمع



در محضر خدا نیستیم، تمامی حرکات، صحبت‌ها و ذکرها همه با خداست و لحظه‌ای غفلت از احکام آن باعث ابطال نماز می‌گردد، در صورتی که در دیگر عبادات مثل روزه، اگرچه انسان به نیت قرب به خداوند و خودسازی از خوردن امساک می‌نماید اما در همین حال در تمامی روز می‌تواند اعمال روزمره خود را انجام دهد همچنین نماز تکرار بندگی انسان در برابر ذات لایزال الهی است و این تذکر و یاد مکرر خداوند در طول شبانه‌روز باعث می‌شود تا بشر کمتر از یاد خدا غافل باشد و به همان نسبت از گناه و عصیان او می‌کاهد» (احسان‌منش، ۱۳۸۲، ص ۵۲). جهان، محراب وسیعی است که همه کائنات، در آن به تسبیح و عبادت و سجود در برابر خدا مشغولند «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (اسراء / ۴۴). «هفت آسمان و زمین و هرچه در آنهاست همه به ستایش خداوند مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه تسبیح و ستایش پروردگار می‌نماید ولیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. بدرستی که خداوند بسیار بردبار و آمرزنده است». به نماز ایستادن، همراهی با همه آفریده‌ها و فرشتگان در پرستش و ذکر پروردگار است. به نماز ایستادن رنگ و بوی الهی گرفتن و جلوه و آئینه جمال حق شدن است. لحظاتی را به یاد او، به نیایش او و راز و نیاز با او بگذرانیم و روح آلوده را در چشمه صاف و زلال الهی شستشو دهیم. این است نمازی که مسلمان روزانه پنج‌بار می‌خواند. نماز در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و نمازگزار لازم است برای انجام این عبادت مقدماتی را فراهم کند: ۱- وضو بگیرد. ۲- غسل کند (در صورتی که جنب و ... است). ۳- لباس و بدن خود را از نجاسات (مثل خون، بول و ...) پاک گرداند. ۴- مکانی پاک را

برای سجده فراهم کند» [بنی‌هاشمی خمینی، ۱۳۷۷، ص ۴۲۲]. اسلام عباداتی دارد که دارای دو جنبه است: یکی بعد عبادی آن که موجب تقرب انسان به خدا و کمال معنوی او می‌شود و دوم بعد بهداشتی و درمانی آن که آثار مفیدی در محیط اجتماعی و یا شخصی انسان دارد و سلامت انسان را تامین می‌کند. نماز، وضو، غسل، روزه و ... از این قبیل عبادات هستند. و در اینجا به بررسی جنبه‌های بهداشتی وضو و غسل که جزء این عبادات و از مقدمات نماز هستند پرداخته می‌شود. ۱- وضو «وضو در لغت به معنای بسیار پاکیزه شده و شرعاً یعنی شستشوی مخصوص که شرط صحت نماز و طواف و موجب جواز مس کتابت قرآن و اسماء مقدسه است» (حسینی‌دشتی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۰). قرآن کریم در مورد دستور وضو می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ ... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهَّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (مائده/۶). «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به (عزم) نماز برخیزید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین (هر دو پا) مسح کنید ... خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس (او) بدارید». وضو دارای دو فایده روشن است: - فایده بهداشتی - فایده اخلاقی و معنوی از نظر بهداشتی شستن صورت و دست‌ها آن هم پنج‌بار و یا لاقلاً سه‌بار در شبانه‌روز، اثر قابل ملاحظه‌ای در نظافت بدن دارد، مسح کردن بر سر و پشت پاها که شرط آن رسیدن آب به موها یا پوست تن است، سبب می‌شود که این اعضا را نیز پاکیزه بداریم و تماس آب با پوست بدن اثر خاصی در



متعادل تعادل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک دارد و از نظر اخلاقی و معنوی چون با قصد قربت و برای خدا انجام می‌شود اثر تربیتی دارد. مخصوصاً چون مفهوم کنایی آن این است که از فرق تا قدم در راه اطاعت تو گام برمی‌دارم موید این فلسفه اخلاقی و معنوی است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱). در روایتی از امام رضا (ع) نقل شده که در مورد حکمت وضو فرمودند: «لأنَّه يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ آيَةً، مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ، نَقِيًّا مِنَ الْأَدْنَسِ وَالنَّجَاسَةِ، مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النَّعَاسِ، وَ تَرْكِيهِ الْفَوَاحِشِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ» (شیخی، ۱۳۷۷، ص ۶۸۴۸). «برای اینکه بنده وقتی برای مناجات با خداوند جبار در برابر او می‌ایستد، پاک باشد، فرمان او را اطاعت کرده باشد و از آلودگی‌ها و نجاست پاکیزه باشد، به‌علاوه اینکه وضو باعث از بین رفتن حالت کسالت و زدودن خواب آلودگی و پاک ساختن دل برای ایستادن در حضور خدای جبار می‌شود». امام باقر (ع) وضو را معیاری برای شناخت اطاعت و معصیت خدا معرفی کرده و می‌فرمایند: «أَنَّهَا الْوُضُوءُ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ، لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ وَ مَنْ يَعْصِيهِ» (أهمان). «وضو در حقیقت حدی از حدود خداست تا اینکه خداوند بداند چه کسی از او فرمان می‌برد و چه کسی نافرمانیش می‌کند». برخی از صاحب‌نظران در مورد وضو حکمت‌هایی بیان کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱- دست و صورت که غالباً در معرض میکروب‌های مختلف می‌باشد واجب شد که در هر روز چند مرتبه با عنوان وضو شسته شود به‌طوری که آب به پوست برسد و چربی و کثیفی‌ها را رفع نماید، نکته اینکه، دیگر اعضاء بدن که غیر از اعضای وضو هستند، زیر لباسند و کمتر آلوده به میکروب و کثافات محیط می‌شوند. ۲- پیش از این گمان می‌کردند، ورود میکروب به داخل بدن،

منحصر به سوراخ‌های بدن (مثل دهان) است ولی اخیراً ثابت شده است که ممکن است میکروب از سطح پوست نیز وارد بدن شود و چون دست و صورت بیشتر در معرض آلودگی‌ها واقع می‌شود دستور به شستن داده شد و در پا و سر به مسح اکتفا شده تا موجب سختی نشود. ۳- در مسح سر و پا اگر مانعی باشد صحت مسح سر و پا از بین بردن مانع است در نتیجه نظافت محل سر و پا هم تحقق می‌یابد و این خود یک نکته بهداشتی است. ۴- ماساژ دادن به‌روش‌های مختلف خاصیت و فوائد فراوانی برای بدن دارد که وضو نیز همان خاصیت ماساژ را دارا می‌باشد زیرا وقتی به سطح اعضای وضو آب سرد رسید و محل آن سرد شد برای حفظ درجه حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته‌ی اعضای وضو، دستگاه گردش خون به فعالیت سریع مشغول می‌شود تا درجه حرارت بدن متعادل شود و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه دوران خون که مهمترین عضو بدن است به‌وجود آید و بهداشت بدن را تامین می‌نماید» (اهتمام، ۱۳۴۴، صص ۱۸۸ و ۱۹۰). یکی از پزشکان در مورد وضو می‌نویسد: «اگر دست‌آوردهای علمی جدید را درباره بهداشت پوست مورد مطالعه قرار دهیم به عمق اهمیت تشریح وضو و طهارت در قرآن پی خواهیم برد. بهداشت پوست در درجه اول به نظافت و شستشوی بدن، به‌ویژه قسمت‌های باز آن متمرکز است نظافت مستمر پوست برای باز ماندن سوراخ‌های غدد عرقی و چربی امری حیاتی است به‌طوری‌که لازم می‌شود هر فرد روزانه حداقل دو بار دست و صورت و گردن خود را بشوید» (دیاب و قرقور، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰). و در مورد برخی از فواید بهداشتی وضو نوشته‌اند: «پیشگیری از ابتلاء به بسیاری از بیماری‌های گوارشی به‌دلیل آلودگی‌های دست‌ها عارض



محل آن سرد شد قهراً جریان خون به آن سمت شدت یافته و برای حفظ درجه ۳۷ از حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته اعضاء وضو تا به حال طبیعی برسد، دستگاه گردش خون به فعالیت سریع مشغول و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه دوران خون که مهمترین جهازات بدن است به وجود آید و بهداشت بدن را تامین می‌نماید» (اهتمام، ۱۳۴۴، صص ۲۳۲-۲۳۵). «برخی مفسران گفته‌اند: مقدمات نماز تخفیف بردار است و تعطیل بردار نیست» [قرائتی، ۱۳۷۶، ص ۳۸] منظور از اینکه گفته شده تخفیف بردار است ولی تعطیل بردار نیست این است که در این آیه (۶/ مائده) خداوند گفته است در صورت نبود آب از خاک برای وضو استفاده شود حال سوالی که در این پیش می‌آید این است که این خاک چه خصوصیتی باید داشته باشد و آیا از لحاظ بهداشتی مشکلی پیش نمی‌آید؟ خداوند می‌فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ» [مائده ۶]. «و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده‌اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید، و از آن به صورت و دستهایتان بکشید». «صعید) از صعود، رمز زمین بلند است خاک زمین‌های برجسته و بلند، دور از آلودگی‌ها است، یا مقصود خاکی است که روی زمین و قسمت فوقانی آن است. آن گونه که آب زداپنده آلودگی است، خاک پاک هم خاصیت میکروب‌کشی دارد چون آفتاب به آن تابیده است» (قرائتی، ۱۳۷۶، ص ۳۶). «دستور داده شده که هنگام عدم امکان غسل یا وضو با آب، با خاک تیمم کرده بر صورت و دستهایش بکشد، با این کار یعنی مالیدن خاک به صورت و دست‌ها

می‌شود. مهمترین این بیماری‌ها، بیماری‌های عفونی (مثل وبا، تیفوئید، التهاب معده، مسمومیت‌های غذایی) معروفند. تاثیر مثبت بر فعالیت دستگاه گردش خون و نشاط یافتن شخص به دلیل تحریک اعصاب و ماساژ اعضاء بدن، زدودن آلودگی‌های بدن و فراهم‌شدن شرایط مساعد برای فعالیت پوست «(دیاب و قرقور، ۱۳۷۰، صص ۱۲۸-۱۲۹). یکی از صاحب‌نظران دیگر می‌نویسد: «دست و صورت که غالباً در معرض مزاولت و مباشرت با کثافات و میکروب‌های مختلف می‌باشند در هر روزی چند مرتبه واجب شد به واسطه وضو شسته شود، به طوری که آب به بشره برسد، رفع چربی و کثافات و موانع وصول آب را بنماید، تا از ضرر میکروب‌های آن مصون ماند و نظافت اجباری حاصل شود و استنشاق جلدی از مسامات بشره میسر گردد. غیر از اعضاء وضو، باقی اعضاء بدن زیر لباس است و کمتر آلوده به میکروب و کثافات محیط می‌شود و لهذا این تکلیف مکرر و مداوم در همه روز و شب، ویژه تنظیف اعضاء وضو گردید تا مسامات باز شود و میکروب‌ها مرتفع گردد و استنشاق جلدی در همه این اعضا حاصل شود. سابقاً گمان می‌کردند ورود میکروب در داخل بدن منحصر به ثقب (سوراخ) مخرج و مدخل (مثل دهان) بدن است. اخیراً به ثبوت رسیده که ممکن است میکروب از همان مسامات جلدی وارد بدن شود. چون دست و صورت بیشتر در معرض کثافات واقع (می‌شود) و پا و سر کمتر است لهذا در سر و پا به مسح تنها اکتفا شد تا موجب حرج نشود. وضوی اسلامی عیناً همان خاصیت ماساژ [در متن و حاشیه توضیح می‌دهند که ماساژ مالش بدن است و ماساژ سوئدی آن است که تمام اعصاب را به کار اندازد] «ماساژ سوئدی» را به نحو اتم حاوی می‌باشد زیرا وقتی روی سطح اعضا وضو آب سرد رسید و



می‌شود که اسلام همه این احکام را به‌خاطر انسان و برای سلامتی جسم و روح او قرار داده است تا انسان به طراوت جسمی و معنوی نائل شود. **غسل:** «شستشوی تمام بدن»، یکی از عبادات شرع است که به دو کیفیت انجام می‌گیرد: ترتیبی: که ابتدا سر و گردن شسته می‌شود و سپس بقیه بدن و بعضی ترتیب بین طرف راست و چپ را نیز لازم می‌دانند. ارتماسی: که همه بدن یکباره در آب فرورود» (دستی، ۱۳۷۹، ص ۶۱۰). غسل یکی از مقدمات نماز است (البته در صورتی که جنب و ... باشد. غسل هم مانند وضو دارای دو بعد ظاهری و باطنی بوده و اقسام متعددی دارد، که بعضی از آنها واجب و بعضی دیگر مستحب هستند «غسل‌های واجب هفت قسم است که عبارتند از: جنابت، حیض، نفاس، استحاضه، مس میت، میت، غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند آنها واجب می‌شود» [تحریر الوسیله - امام خمینی (ره) - مترجم علی اسلامی - مبحث غسل] محور اصلی بحث در این بخش غسل جنابت و حیض می‌باشد. قرآن کریم در آیات متعدد افراد پاکیزه را ستایش کرده و آنها را محبوب خدا معرفی می‌کند. در مورد غسل تعبیر «طهارت» را به‌کار می‌برد و در چند مورد دستور انجام غسل می‌دهد. **الف - غسل جنابت:** فرد جنب «کسی که با جنس مخالف نزدیکی کرده یا به‌هر دلیلی منی از او بیرون آمده است» (دستی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۰). که در قرآن کریم در ... مَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرْجٍ وَّلٰكِنْ يَّرِيْدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَّلِيَتِمَّ نِعْمَتُهٗ عَلٰيكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ «مائده / ۶». «ای اهل ایمان هنگامی که می‌خواهید برای نماز بپا خیزید و اگر جنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید) ... خدا هیچ‌گونه سختی برای شما قرار نخواهد داد ولیکن می‌خواهد (جسم و جان) شما را پاکیزه

که از اعضای رئیسه و اصلی بدن هستند درواقع انسان خود را در مقابل خدا به‌نوعی حقارت و ذلت می‌کشد» (شیر، ۱۳۸۱، ص ۶۰). «وضو با آهنگ اخلاص و با ایمان به خدا و برای انجام نماز، لغزش‌های گذشته را می‌پوشاند خدا بر آن نیست که بر شما سخت بگیرد و شما را در تنگنای مقررات قرار دهد و به‌هنگام نبودن آب یا عذر داشتن شما از به‌کار بردن آن، دچار سختی و رنجتان کند بلکه می‌خواهد به‌وسیله غسل و وضو و انجام آنها با آهنگ تقرب به خدا و فرمانبرداری از او، شما را پاک و پاکیزه سازد» (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۵۷۵). «هدف از غسل و وضو و تیمم پاکیزگی جسم است و پاکیزگی روح. جسم را با آب و خاک می‌توان پاکیزه نمود. خداوند وقتی مقرر داشت که مردم خود را پاکیزه سازند قصدش تکمیل دین خود بود زیرا دین جنبه‌های معنوی نیست، بلکه هدف آن همه‌جانبه است و این کامل‌شدن نعمت خداوندی است در حق انسان» (مدرسی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۵). در اسلام برای وضو احکامی ذکر شده است، اینکه برای انجام بعضی از عبادات وضو واجب و برای برخی از عبادات وضو مستحب است مثلاً: ۱- «وضو به‌عنوان مقدمه نماز بر هر شخص نمازگزار واجب می‌شود. ۲- برای طواف کعبه (تحت شرایطی خاص) وضو واجب می‌شود و دست گذاشتن به قرآن کریم و نام خدا و پیامبران و ائمه (علیه‌السلام) بدون وضو جایز نیست. ۳- وضو به‌خودی خود مستحب است و خوب است انسان در هر حال وضو داشته باشد و حتی آن را تکرار کند که نور است. ۴- در وضو ابتدا با نیت خاص، ابتدا صورت و سپس دست راست و سپس دست چپ شسته می‌شود و آنگاه مسح سر و پا صورت می‌گیرد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، صص ۳۱-۳۲). با توجه به مطالب بهداشتی که در مورد وضو بیان شد نتیجه گرفته



است. خداوند می‌خواهد با این دستورها هم طهارت معنوی و هم جسمانی برای مردم فراهم شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۴). اسلام دستور می‌دهد که به‌هنگام جنب شدن تمام بدن را بشویند در حالی که فقط عضو معینی آلوده می‌شود مثل بول کردن که عضو معینی آلوده می‌شود و با شستن همان عضو انسان پاک می‌شود. آیا میان بول کردن و خارج شدن منی تفاوتی است که در یکی فقط محل را باید شست و در دیگری تمام بدن را؟ «خارج شدن منی از انسان یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زوائد) به‌دلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشکار می‌گردد و تمام سلول‌های تن به‌دنبال خروج آن، در یک حالت سستی مخصوص فرو می‌روند و این خود نشانه تأثیر آن روی تمام اجزا بدن است. توضیح اینکه: طبق تحقیقات دانشمندان در بدن انسان دو سلسله اعصاب نباتی وجود دارد که تمام فعالیت‌های بدن را کنترل می‌کنند «اعصاب سمپاتیک» و «اعصاب پاراسمپاتیک» این دو رشته اعصاب در سراسر بدن انسان و در اطراف تمام دستگاه‌ها و جهازات داخلی و خارجی گسترده‌اند، وظیفه اعصاب سمپاتیک «تند کردن» و به فعالیت واداشتن دستگاه‌های مختلف بدن است و وظیفه اعصاب پاراسمپاتیک «کند کردن» فعالیت آنهاست، درواقع یکی نقش «گاز» اتومبیل و دیگری نقش «ترمز» را دارد و از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب نباتی، دستگاه‌های بدن به‌طور متعادل کار می‌کند. گاهی جریان‌هایی در بدن رخ می‌دهد که این تعادل را بهم می‌زند، از جمله این جریان‌ها مسئله «ارگاسم» (اوج لذت جنسی) است که معمولاً مقارن خروج منی صورت می‌گیرد. در این موقع سلسله اعصاب پاراسمپاتیک (اعصاب ترمز کننده) بر اعصاب سمپاتیک (اعصاب محرک) پیشی می‌گیرد و تعادل به‌شکل منفی بهم

گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند». (جنب) به‌معنای بعید، دور و بیگانه است و چون شخص بعد از آمیزش جنسی و یا احتلام، از خواندن نماز و قرآن و رفتن به مساجد دور و بیگانه می‌گردد، به وی جنب گفته می‌شود. در میان ادیان آسمانی، دین اسلام و دین حضرت ابراهیم (علیه‌السلام) و دین صائبان بعد از جنابت، غسل را واجب می‌دانند. در فهرست ابن ندیم، صائبان به‌نام مغتسله نامیده شده‌اند. کلمه «صابی» واژه‌ای است کلدانی به‌معنای شوینده و جمع آن صابون و صابین است. آنها در کنار نهرها می‌زیستند تا دائماً در آب جاری غسل کنند. از نظر آنها آب جاری رمز و نشانه حیات اعظم است. آنها می‌گویند: «غسل نه‌تنها کثافات را از بدن دور می‌کند، بلکه گناهان و پلیدی‌های نفس را نیز از بین می‌برد. آبی که نور را منعکس می‌کند شکلی از نور است و کسی که غسل کرده است پوششی از نور دارد (حجتی و بی‌ازار، ۱۳۶۲، ص ۶). «در اسلام نیز به غسل و شستشوی چهره و دست و مسح سر و پا «وضو» به‌معنای نور و روشنایی گفته می‌شود. غسل تمام بدن نه‌تنها آلودگی‌های جسمی را از بین می‌برد و موجب ترمیم آب کاهش یافته بدن می‌گردد، بلکه موجب طهارت و پاکی قلب و روح نیز می‌شود» (حجتی و بی‌ازار، ۱۳۶۲، ص ۵۶). در پایان آیه برای آنکه روشن شود هیچ‌گونه سخت‌گیری در دستورات گذشته (وضو، تیمم و غسل) در کار نبوده بلکه همه آنها به‌خاطر مصالح خود مردم وضع شده می‌فرماید: خداوند نمی‌خواهد شما را به‌زحمت بیفکند بلکه می‌خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمت خود را بر شما تمام کند. «در حقیقت این جمله این واقعیت را تأکید می‌کند که تمام دستورات الهی و برنامه‌های اسلامی به‌خاطر مردم و برای حفظ منافع آنها قرار داده شده و به‌هیچ وجه هدف دیگری در کار نبوده



قرار داده شده و به هیچ وجه هدف دیگری در کار نبوده است، خداوند می‌خواهد با این دستورات هم طهارت معنوی و هم جسمانی را برای مردم فراهم شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، صص ۲۹۳-۲۹۴). برخی از پزشکان و صاحب‌نظران در مورد غسل جنابت نوشته‌اند: ۱- «این غسل باعث نشاط بخشیدن به بدن، و ورزیده شدن آن از طریق تحریک پایانه‌های عصبی موجود در پوست می‌گردد. ۲- این غسل موجب احتقان خون در پوست و دستگاه تناسلی و رفع خون‌های جمع شده در این قسمت‌ها به سایر قسمت‌های بدن بویژه قلب و مغز می‌شود. ۳- عمل غسل یک فعالیت عضلانی است که موجب نشاط قلب و حسن جریان خون در بدن و ورزش عضلات ارادی بدن است. ۴- غسل، سلامتی پوست را تأمین می‌کند تا بهتر به وظایف متعدد خود عمل نماید که از مهمترین آنها انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی است. ۵- زدودن سلول‌های مرده، چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها از پوست از دیگر فوائد غسل می‌باشد» (دیاب و قرقور، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰). ۶- «برخی در مورد ترتیب غسل (سروگردن، سمت راست، سمت چپ) نیز نکات بهداشتی و جسمانی ذکر کرده‌اند که: وقتی انسان با آب سرد مشغول به شستن یک عضو شد درجه حرارت در اعضای بدن مختلف می‌گردد در نتیجه گردش خون به آن سمت شدید می‌شود و به دنبال آن عمل حیاتی، دوران خون شدت پیدا می‌کند همانطور که در وضو صورت می‌گیرد، حتی اگر با آب گرم هم انجام شود باز این فرایند جریان پیدا می‌کند» (اهتمام، ۱۳۴۴، ص ۲۰۶). یکی از صاحب‌نظران معتقد است: «روی پوست بدن منافذی است که قریب دو میلیون عدد هستند که از طریق آنها پوست مبادله گازی با هوای مجاور دارد. یعنی از آن طریق اکسیژن جذب

می‌خورد. این موضوع نیز ثابت شده است که از جمله اموری که می‌تواند اعصاب سمپاتیک را بکار وادارد و تعادل از دست‌رفته را تأمین کند تماس آب با بدن است و از آنجا که تأثیر «ارگاسم» روی تمام اعضای بدن به‌طور محسوس دیده می‌شود و تعادل این دو دسته اعصاب در سراسر بدن بهم می‌خورد دستور داده شده است که پس از آمیزش جنسی، یا خروج منی تمام بدن با آب شسته شود و در پرتو اثر حیات‌بخش آن تعادل کامل در میان این دو دسته اعصاب در سراسر بدن برقرار گردد. البته فایده غسل منحصر به این نیست بلکه غسل کردن علاوه بر این یک نوعی عبادت و پرستش نیز می‌باشد که اثرات اخلاقی آن قابل انکار نیست و به همین دلیل اگر بدن را بدون نیت و قصد قربت و اطاعت فرمان خدا بشویند غسل صحیح نیست در حقیقت به‌هنگام خروج منی یا آمیزش جنسی، هم روح متأثر می‌شود و هم جسم، روح به‌سوی شهوات مادی کشیده می‌شود، و جسم به‌سوی سستی و رکود، غسل جنابت که شستشوی جسم است و به‌علت اینکه به قصد قربت انجام می‌شود شستشوی جان است، اثر دوگانه‌ای در آن واحد روی جسم و روح می‌گذارد تا روح را به‌سوی خدا و معنویت سوق دهد و جسم را به‌سوی پاکی و نشاط و فعالیت. از همه این‌ها گذشته، وجوب غسل جنابت یک الزام اسلامی برای پاک نگه‌داشتن بدن و رعایت بهداشت در طول زندگی است زیرا بسیاری از کسانی که از نظافت خود غافل می‌شوند ولی این حکم اسلامی آنها را وادار می‌کند که در فواصل مختلفی خود را شستشو دهند و بدن را پاک نگه دارند. بنابراین به‌هنگام خروج منی (در خواب یا بیداری) و همچنین آمیزش جنسی (اگرچه منی خارج نشود) باید غسل کرد و تمام بدن را شست. تمام دستورات الهی و برنامه‌های اسلامی به‌خاطر مردم و برای حفظ منافع آنها



تشدید و تجدید می‌نماید» (اهتمام، ۱۳۴۴، ص ۲۵۲). و در روایات نیز در مورد علت غسل جنابت آمده است که: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنِ الرَّضَا (ع) أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسْأَلِهِ، عَلَيْهِ غُسْلُ الْجَنَابَةِ النَّظَافَةَ، وَ لِتَطْهِيرِ الْإِنْسَانِ مِمَّا أَصَابَهُ مِنْ آذَاهُ، وَ تَطْهِيرِ سَائِرِ جَسَدِهِ، لَأَنَّ الْجَنَابَةَ خَارِجَةٌ مِنْ كُلِّ جَسَدٍ فَلِذَلِكَ وَجِبَ عَلَيْهِ تَطْهِيرُ جَسَدِهِ كُلِّهِ وَ عَلَيْهِ التَّخْفِيفُ فِي الْبَوْلِ وَ الْغَائِطِ أَنَّهُ أَكْثَرُ وَ أَدْوَمُ مِنَ الْجَنَابَةِ، فَرَضِيَ فِيهِ بِالْوَضُوءِ لِكَثْرَتِهِ وَ مَشَقَّتِهِ وَ مَجِيئِهِ بِغَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْهُ وَ لَا شَهْوَةٍ، وَ الْجَنَابَةُ لَا تَكُونُ إِلَّا بِالِاسْتِلْذَاقِ مِنْهُمْ وَ الْإِكْرَاهِ لِنَفْسِهِمْ. امام رضا (ع) در جواب پرسش‌های محمد بن سنان نوشتند: علت غسل جنابت نظافت (و پاکی جسم) و طهارت (و پاکی روح) انسان از اذیت و (فشاری) است که به او رسیده و همچنین پاکی بقیه اعضاء بدن، چون که جنابت از تمام بدن خارج می‌شود، پس به‌خاطر این پاک کردن تمام بدن بر او واجب شده و علت تخفیف در ادرار و مدفوع آنست که بیشتر و دائمی‌تر از جنابت است پس خداوند در آنها به وضو گرفتن راضی شد چون (دفعات) ادرار و مدفوع زیاد و (غسل برای هر مرتبه) سخت و خروج هر یک از آنها از اختیار انسان بیرون است و از روی شهوت هم نیست ولی جنابت از روی شهوت و فشار روحی صورت می‌گیرد» (حیدری‌نراقی، ۱۳۸۲، ص ۷۵). ب- **غسل حیض:** حیض: «بیرون آمدن خون از زن، ماهی یک مرتبه به‌مدت چند روز، که آنرا «عادت» و «قاعد» و «قاعدگی» و «بی‌نمازی» هم می‌گویند» (شریعتمداری، ۱۳۸۱، ص ۶۲۸). در قرآن کریم در این مورد آمده است که: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَاعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره / ۲۲۲). «از تو درباره عادت ماهانه (زنان) می‌پرسند، بگو:

می‌کند بطوری که هفت درصد تنفس بدن از این طریق است و از طرف دیگر گازهای سمی و عرق از پوست بیرون می‌رود که در اثر تبخیر دائمی عرق‌های خارج از پوست بدن، مواد سمی و کانی آن باقی می‌ماند و مواد گازی و مائی آن تصعید می‌شود. بنابراین رسوبی روی جلد از این مواد چربی و مواد کانی و سمی باقی می‌ماند. این رسوبات منافذ جلدی را مسدود می‌کند و محیط مساعدی برای پرورش و ازدیاد انگل‌های ساس و جرب و شیش می‌شود و در حال عمل آمیزش (در اثر حرکات زیاد) عرق زیادتری حاصل می‌شود و در نتیجه رسوبات زیادتری حاصل می‌شود (بصورت متوسط در هر ۲۴ ساعت یک لیتر عرق از بدن خارج می‌شود و اگر سوراخ‌های سطح بدن انسان با وسیله‌ای مسدود شود، طولی نمی‌کشد که انسان هلاک می‌شود) لهذا شارع مقدس اسلام، غسل جنابت را واجب فرمود تا بدن شسته و رسوب‌ها که لانه انگل‌ها است مرتفع گردد و از خطر آن مصونیت حاصل گردد و نیز غسل جنابت باعث می‌شود که منافذ پوستی بدن باز شود و تنفس جلدی که از لوازم سلامتی و حیات است عادی شود و حیات و نشاط را ارمغان می‌آورد» (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۹). در سابق خیال می‌شد که منی از همان محل مخصوص بیرون می‌آید تا اینکه به قوت علم ثابت شد که منی از تمام بدن بیرون می‌آید. یکی از پزشکان می‌نویسد: «چون منی دارای مقداری مایع لزج است موسوم به موسین، اطراف سوراخ (های بدن) را به‌خوبی می‌گیرد و به کلی تنفس (جلدی از دو میلیون سوراخ پوست) قطع می‌شود. هنگام عمل آمیزش در اثر حرکات عنیفه اعصاب خسته و منقبض می‌شود و غسل کردن به آب گرم، اعصاب را منبسط و آنها را به‌حال طبیعی و عادی برمی‌گرداند و نیز جریان خون را در همه بدن



واجد شرایط واجب است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «صوموا تصحوا» (ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی (مغربی)، ۱۳۸۵ق، ص ۳۴۲) یعنی روزه بگیرید تا تندرست باشید. روزه‌داری یکی از مهم‌ترین فرایض اسلامی است و مسلمانان به مدت یک ماه آن را انجام می‌دهند که دارای اثرات و فواید متنوعی است. روزه ابعاد مختلف روحی، تربیتی، اجتماعی و جسمی فراوانی دارد که در این نوشتار امکان بررسی آنها نیست و بیشتر بعد جسمی آن مورد توجه قرار گرفته است. در احادیث اسلامی به نقش روزه در سلامتی و درمان آلام جسمی اشارات زیادی شده است. علم پزشکی و تغذیه نیز با تایید این مساله، تاثیر روزه در تامین سلامتی انسان را از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی و کنکاش قرار داده است. یافته‌ها حاکی از آن است که فریضه روزه، به مدت هزاران سال انجام شده، اما اخیراً مطالعاتی در مورد نقش و تاثیر آن بر سلول‌های سیستم ایمنی انجام شده که باعث کاهش آسیب اکسیداتیو و التهاب، تنظیم متابولیسم انرژی و تقویت حفاظت از سلول‌های بدن می‌شود. در برخی سلول‌های یوکاریوتی محدودیت غذایی باعث افزایش طول عمر به واسطه تغییر در متابولیسم می‌شود و در برخی دیگر باعث جلوگیری از دیابت، سرطان و بیماری‌های قلبی و عصبی می‌شود. در انسان روزه به کاهش فشار خون، چاقی، آسم و روماتیسم مفصلی کمک می‌کند. به علاوه روزه پتانسیل بالقوه در به تعویق انداختن پیری و کمک به جلوگیری و درمان بیماری‌ها با به حداقل رساندن عوارض جانبی آن از طریق رژیم‌های غذایی مناسب را دارد (نجاتی کشکی، سلالی، علی‌وند، نجاتی، ۱۳۹۴، ص ۳۸). در طب قدیم، روزه اهمیت خاصی داشته، فیثاغورث و بقراط برخی از امراض را با روزه معالجه می‌کردند. حارث بن کلدیه طبیب معروف

«آن رنجی است، پس به هنگام عادت ماهانه از (آمیزش با) زنان کناره‌گیری کنید، و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند، پس چون پاک شدند، از همان‌جا که خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید، خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد». این آیه به صورت مفصل در مبحث «ممنوعیت با زنان در حال حیض» مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فقط در اینجا اشاره می‌شود که «زنان در هر ماه حدود سه روز خون با اوصاف خاص می‌بینند که آن را خون عادت ماهیانه یا حیض نامند و زن را در این حالت حائض گویند» (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۵). «جمله «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ» می‌رساند که وقتی زنان پاک شدند نزدیکی با آنان جایز است. از این جمله برخی استفاده کرده‌اند که غسل کردن برای زنان قبل از عمل زناشویی لازم است ولی اکثر فقهای شیعه می‌فرمایند: عمل زناشویی بعد پاک‌ی زن از حیض و حتی قبل از غسل جایز است و وجوب غسل حیض را از دلایل دیگر ثابت می‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۹۱). روزه: روزه که در عربی از آن به «صوم» تعبیر می‌شود، در لغت به معنای امساک است و در اصطلاح فقهی به کسی که از سپیده دم تا غروب شرعی از مفطرات ده گانه به نیت روزه امساک کند، صائم می‌گویند. روزه از کهن‌ترین عبادت‌هاست که در میان اقوام و ملل جهان رایج بوده است. رومانی‌ها و هندوها به کثرت روزه مشهور بودند. در تمام ادیان آسمانی، روزه جزو احکام واجب به‌شمار می‌رود. در تورات از روزه چهل روزه حضرت موسی و الیاس و روزه سه هفته‌ای حضرت دانیال و روزه حضرت داوود و یونس یاد شده است. یهودیان پای‌بند، هفته‌ای دو روز، روزه می‌گیرند. جامع‌ترین و عالی‌ترین روزه، روزه ماه مبارک رمضان است. که در آئین اسلام بر هر مرد و زن



این ارزش‌ها می‌باشد. ماه رمضان را از آن جهت ماه صبر نامیده‌اند چون صابر و روزه‌دار خود را از تاثیر درگیری‌ها و شکوه‌ها و آلام می‌رهاند و خویشتن را از آن‌ها باز می‌دارد. صبر یکی از طرق سلامت و بهداشت روانی است که در روزه‌دار تجلی می‌یابد. صبر تجهیز و آراستن نفس به عفو و گذشت و بعد و دوری از آفات اخلاقی و انسانی و برخورداری از نعمت داشتن قلب سلیم است و روزه‌دار الگویی والا است که صبر در وی نمودی بی‌نظیر دارد (خزاعی، پاییز، ۱۳۸۰، ص ۶۱).

نتیجه‌گیری:

خداوند در قرآن، آن‌چه مورد نیاز انسان‌ها در زمینه سعادت و سلامت جسمی و روانی آنها بوده دستور داده است، البته اوامر و نواهی خداوند و تعالیم انبیاء و اوصیاء الهی هیچ‌کدام بدون حکمت نیست و از آنجا که اسلام یک برنامه کامل برای زندگی و رشد فکری و معنوی انسان است به تمام جنبه‌های مختلف حیات او از جمله به سلامت جسمی و روحی انسان‌ها توجه کرده است، چراکه سلامت نفس و جسم برای ایجاد جامعه‌ای که بتواند فرامین خداوند را به‌کار بسته و در راه حق گام بردارد ضروری است. اگر بعضی از امور مثل خوردن گوشت خوک و یا انجام برخی کارها مثل زنا را حرام کرده است به‌خاطر ضرر و زیان‌های جسمی و روحی است که برای انسان دارد. میان روح و جسم ارتباط ناگسستنی وجود دارد و فساد و آلودگی هریک در دیگری دارای تاثیر مستقیم است و نیز در اسلام به پاکیزگی اهمیت زیادی داده شده است، تا آنجا که نظافت، بخشی از ایمان به‌شمار می‌آید قرآن کریم، آخرین سروش آسمانی است که پیامبر اکرم (ص) آنرا برای بشریت به ارمغان آورده است. این کتاب الهی، از جهات مختلفی مانند فصاحت و بلاغت، معارف عالی و قوانین استوار، خبرهای غیبی و اعجاز علمی و ... معجزه

زمان بعثت رسول اکرم (ص)، روزه را یگانه طریق معالجه بیماری‌ها می‌دانست و ابن‌سینا فصلی از کتاب قانون را به مداوا با روزه اختصاص داده است. دکتر الکسی سوفورین دانشمند شهیر روسی می‌گوید: «جسم به‌هنگام روزه به‌جای غذا از مواد داخلی استفاده و آنها را مصرف می‌کند و بدین‌وسیله خود را بوسیله روزه، پاکیزه می‌سازد». اکثر بیماری‌های حاد و مزمن را می‌توان به‌وسیله روزه بهبود بخشید یا از شدت آنها کاست. بهترین درمان بیولوژیکی این است که بوسیله دفع مواد مضر، سلامت فرد را تامین نماییم. به‌محض اینکه نیروهای نوسازی موجود زنده، در هنگام روزه فعال و آزاد بشوند، تصفیه مواد زائد حاصل از متابولیسم ایجاد می‌گردد. مشاهدات علمی تفاوت بین روزه‌داری و گرسنگی را نشان داده‌اند. نوعی داوطلبی واقعی توام با آسایش درونی لازمه روزه‌درمانی است. وضع فکری بیمار، در هدایت اعمال متابولیک تمام بدن تاثیر اساسی دارد. روزه‌داری سبب افزایش قدرت انقباضی قلب و دفع چربی‌های زائد می‌گردد. آثار مثبت جسمی زیادی در افراد سالم و بیمار، برای روزه‌داری بیان شده است، که از جمله اثر بر سوخت و ساز، غلظت هورمون‌ها، فعالیت کلیه، آزمایش‌های کبدی، دستگاه گوارش، دستگاه قلب و عروق، آثار عصبی و روانی، اثر بر الکتروولیت‌ها و شاخص‌های خون‌سازی، اثر بر کاهش وزن و ... می‌باشد. شیوع حملات صرعی در روزه‌داران ماه مبارک رمضان کاهش می‌یابد. روزه‌داری سبب کاهش افسردگی، افکار پارانوئیدی و وسواس می‌گردد و عزت نفس فرد را افزایش می‌دهد. درمان نفس را نباید در راضی ساختن آن جستجو کرد. درمان واقعی عبارتست از مجاهدت در راه حق، تربیت و تمرین نفس، همراه صدق و اخلاص در عبودیت و ستردن آفات که فرد روزه‌دار، تجسم حقیقی



بهداشت و اصول آن توجه کافی بشود به‌طور یقین اقتصاد جامعه رونق به‌خصوصی خواهد گرفت و از ناحیه این عنایت و برنامه‌ریزی می‌توان به‌سمت قلّه‌های تمدن و توسعه انسانی قدم برداشت که سلامت و بهداشت جسم و روح زمینه‌ای برای عبادت و بندگی خداست که خود تکامل انسان محسوب می‌شود و بشر با آرامش خاطر بهتری می‌تواند در مسیر رضایت الهی گام بردارد.

محسوب می‌شود و در باب اعجاز علمی مباحثی چون فیزیک، شیمی، علوم پزشکی و ... در آیات قرآن به چشم می‌خورد. امروزه بهداشت جایگاه رفیعی در بین علوم پزشکی پیدا کرده است چراکه توجه به امور مربوط به بهداشت موجب سلامت اقشار مختلف جامعه خواهد شد. همه شاخه‌های متنوعی که امروز در بهداشت مورد مطالعه قرار گرفته است همگی در جهت توسعه سلامت و امنیت افراد قرار گرفته است. اگر به

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اهتمام، احمد (۱۳۴۴): «فلسفه احکام»، اصفهان، چاپخانه اسلام
۳. تمیمی (مغربی)، ابوحنیفه نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق): «دعائم الاسلام»، ج ۱، قم، موسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ دوم
۴. حجتی، سید محمد باقر و بی‌آزار شیرازی، عبد‌الکریم (۱۳۶۲): «تفسیر کاشف» ج ۳، بیجا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ اول
۵. حسین بن فضل، ابوالقاسم (معروف به راغب اصفهانی متوفاتی ۵۰۲ هـ) (۱۳۵۷): «مفردات الفاظ قرآن» مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا، ج ۱، بی‌جا، انتشارات مرتضوی، چ دوم
۶. حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۹): «معارف و معاریف»، ج ۷ و ۴، تهران بی‌نا، چ سوم
۷. حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۲): «نسخه‌های شفا بخش» تهران، انتشارات مهدی نراقی، چ دوم
۸. خزاعی، سهیلا (پاییز ۱۳۸۰): «روزه داری و سلامت»، مجله غدد درون ریز و متابولیسم ایران، دوره ۳، ص ۶۱
۹. دیاب، عبدالحمید و قر قور، احمد (۱۳۷۰): «طب در قرآن»، چراغی، علی، بیجا، انتشارات پیام، چ سوم
۱۰. رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» ج ۲، بیجا، انتشارات کتاب مبین، چ دوم
۱۱. شیر، سید عبد‌الله (۱۳۸۱): «اخلاق شیر (ترجمه کتاب الاخلاق)»، جباران، محمدرضا، بیجا، موسسه انتشارات هجرت، چ هشتم
۱۲. شریعتمداری، جعفر (۱۳۸۱): «شرح و تفسیر لغات بر اساس تفسیر نمونه» ج ۱، مشهد، موسسه چاپ آستان قدس رضوی، چ دوم
۱۳. صدری اغشار، غلامحسین، حکمی، نسرتین، حکمی، نسترن (۱۳۷۷): «فرهنگ فارسی امروز»، تهران، آرین، چ سوم
۱۴. طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۸۰): «تفسیر مجمع البیان» کرمی، علی، ج ۳، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول
۱۵. عمید، حسن (۱۳۷۴): «فرهنگ عمید»، ج ۳ و ۱، تهران، سپهر، چ چهارم
۱۶. قرائتی، محسن (۱۳۷۶): «تفسیر نور» ج ۳، بیجا، موسسه در راه حق، چ دوم
۱۷. قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۳۷۶): «قاموس قرآن» ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ دوازدهم
۱۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷): «میزان الحکمه»، ج ۱۴، مترجم: حمید رضا شیخی، دار الحدیث، قم، چ اول
۱۹. مدرسی، سیدمحمد تقی (۱۳۷۸): «تفسیر هدایت» اتابکی، پرویز، ج ۲، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ اول
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶): «تفسیر نمونه»، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴ و ۳ و ۲، تهران، بی‌نا، چ بیست و نهم
۲۱. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۳۸۶): «تحریر الوسیله» اسلامی، علی، ج ۱، قم، دفتر انتشارات (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، چ بیست و سوم
۲۲. نجاتی کشکی، کاظم، سلالی، سعید، علی‌وند، محمدرضا، نجاتی، امیر (تابستان ۱۳۹۴): «تأثیر روزه بر سلامت بر اساس یافته‌های مولکولی»، نشریه اسلام و سلامت، دوره ۲، شماره ۲، از صفحه ۳۸ تا صفحه ۴۳، ص ۳۸
۲۳. هاشمی خمینی، سید محمد حسن (زمستان ۱۳۷۷): «توضیح المسائل مراجع»، ج ۱، قم، انتشارات اسلامی، چ دوم

محیط زیست از منظر قرآن

شهریار کاظمی^۱ و علی احمدی فیروزجایی^۲

۱- استادیار، گروه علوم کشاورزی، دانشگاه پیام نور (نویسنده مسئول: shahryarkazemi56@yahoo.com)

۲- استادیار، گروه توسعه کشاورزی و منابع طبیعی، دانشگاه پیام نور

چکیده

در این پژوهش به محیط زیست از منظر قرآن پرداخته شده است. به منظور بررسی جایگاه محیط زیست در قرآن به بررسی مطالعات مختلف در زمینه موضوع پژوهش پرداخته شد. مرور مطالعات نشان از این داشته که قرآن در مورد وظائف انسان در مقابل محیط زیست، آبادانی و حفظ محیط زیست، پرهیز از فساد و تخریب محیط زیست، استفاده شکرمدارانه از محیط زیست بدون آلودگی، اسراف و افراط و تفریط، رعایت حق آیندگان، عشق‌ورزی و مهرورزی به محیط زیست پرداخته است. قرآن به ارزش ذاتی، قداست، نظام‌مندی و بعد ملکوتی محیط زیست و نیز ارزش ابزاری و خلقت محیط زیست برای انسان پرداخته و همچنین رعایت نظم و اعتدال در استفاده از مواهب طبیعی، همگانی بودن مسئولیت حفاظت از محیط زیست، توجه به آب و جوانب بهداشتی آن (صرفه‌جویی، پاک‌کنندگی آب، اهمیت آب گوارا، آلوده نکردن آب و ...)، ویژگی‌های مسکن بهداشتی (تامین آرامش و آفتاب‌گیر بودن آن)، پاکیزگی مکان‌های عمومی، توجه به عناصر اصلی محیط زیست (آب، باد، زمین، هوا، خاک، گیاهان و ...)، حمایت از حیوانات، امر به آبادانی زمین، احیای طبیعت، نقش بسیار مهم آموزش و فرهنگ قرآنی در بالابردن سطح دانش و مسئولیت‌پذیری افراد در برابر جامعه و محیط زیست، از مهم‌ترین رهنمودهای قرآن کریم در خصوص جایگاه محیط زیست و اهمیت آن در زندگی بشر است.

واژگان کلیدی: جایگاه محیط زیست، قرآن

۱- مقدمه

هر جامعه است. افزایش جمعیت و توسعه تمدن صنعتی، سلامت محیط نسل‌های کنونی و آینده را در معرض تهدید قرار داده است (فتایی و همکاران، ۱۳۹۵). یکی از راه‌های مهم حفاظت از محیط زیست و ارتقای سلامت آن، افزایش سطح آگاهی جامعه است. قرآن مجید به‌عنوان کتاب هدایت، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به‌منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است (فتایی و همکاران، ۱۳۹۴). با توجه به نقش عمده معنویت و اعتقادات دینی در جوامع، راهکار نهایی پایان دادن به بهره‌برداری بی‌حد و حصر انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری برای حفاظت از محیط زیست،

محیط زیست یکی از موضوعات مهم بشری است که امروز با مشکلاتی پرشمار روبه‌روست. هرچند کوشش‌های علمی و عملی فراوان برای مهار این معضل انجام شده است، حل کامل آن جز با توجه به تعالیم و حیانی و پایبندی به آموزه‌های قرآنی ممکن نیست (نورائی، ۱۳۹۱). معظلات محیط زیست موجب بروز بحران‌های جدی برای حیات بشر در کره زمین شده است. امروزه درد محیط زیست، درد مشترک همه بشریت است. ریشه بسیاری از مسائل عدم توجه به معنویت در ارتباط میان انسان و محیط زیست است (اکبری راد، ۱۳۸۷). از مهمترین موضوعات زندگی بشر، محیط زیست و حفاظت از آن می‌باشد. داشتن محیط زیست سالم، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت



از آلودگی‌ها و فرایندهای مخربی است که به واسطه فعالیت‌های مستقیم و غیرمستقیم انسان در عرصه محیط زیست پیش می‌آید و با وجود راهکارهای علمی و دیدگاه‌های عملیاتی کنترل و کاهش فرایندهای تخریبی همچنان شاهد بروز این فعالیت‌های مخرب در سطح جهان هستیم (صادقی روش، ۱۳۹۴). همچنین محیط زیست طبیعی که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران در آن شکل گرفته استمرار می‌یابد از چنان اهمیتی برخوردار است که به‌عنوان مهمترین موضوع زیستی انسان و دیگر موجودات زنده موردتوجه قرار گرفته است. از طرف دیگر تمدن صنعتی ناشی از تأسیسات و بناها و مکان‌ها و محل زندگی انسانها و تمدن مدنی مربوط به مناسبات اجتماعی انسان‌ها و تأثیر متقابل محیط زیست طبیعی با محیط زیست انسانی، هر دین پژوه را به مطالعه عمیق متون دینی، جهت دریافت موضع دین در این زمینه فرا می‌خواند. قرآن کریم مهمترین منبع شناخت موضع دین اسلام در زمینه‌ی محیط زیست طبیعی و انسانی است (چراغی، ۱۳۹۸). بررسی قرآن و روایات اسلامی نشان می‌دهد اسلام همواره به محیط زیست به‌مثابه ظرف حیات و تکامل انسان اهمیت می‌داده است. بسیاری از قوانین اسلام بر همین مبنا پایه‌ریزی شده است. اسلام برای مسئولیت انسان در برابر محیط زیست اهمیت قائل شده و طبیعت را امانت خداوند در دست انسان می‌داند. به‌همین علت برای طبیعت حقوقی در نظر گرفته و انسان را مکلف به ادای آن حقوق می‌کند. در فقه اسلامی انسان با این حقوق، از جمله حقوق حیوانات و دیگر موارد طبیعی آشنا می‌گردد (زرزوانی و خداجویان، ۱۳۸۴). کنجکاو، مطالعه و شناخت محیط زیست، بهره‌برداری و لزوم مراقبت و حفظ سلامت خدادادی آن، از آن جهت

توجه به تعالیم دینی است. از منظر اسلام مالک مطلق طبیعت و مخلوقات خداست. انسان خلیفه خدا بر روی زمین است. خلیفه و نماینده بودن انسان اقتضا می‌کند تصرف او در زمین همانند تصرف امانت‌دار باشد. طبیعت ملک خاص هیچ‌یک از نسل‌های بشری نیست تا هرطور که خواست در آن تصرف کند، بلکه میراث همه بشر است که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. لازمه امانت‌داری انتقال محیط پاک و سالم به نسل‌های بعدی است. بر اساس آیات و روایات، انسان در مقابل همه‌چیز مسؤول است به‌موجب این احکام انسان موظف به عمران و آبادانی زمین و حفظ حقوق سایر موجودات است (اکبری راد، ۱۳۸۷). خداوند حکیم، طبیعت را هدمنند و هدف‌دار خلق کرده و تمام مخلوقات را به‌لحاظ کمیت و کیفیت به اندازه و متناسب آفریده است. مویذ این جمله، گفتار خداوند در قرآن است که می‌فرماید ما هرچه آفریدیم به اندازه آفریدیم و یا درجای دیگر می‌فرماید که زمین را هم بگستریدیم و در آن کوه‌های عظیم برنهادیم و از آن هر گیاه و نبات متناسب و موافق حکمت برویاندیم (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۶). قرآن در زندگی انسان‌ها نقش بسیار مهم دارد. این کتاب آسمانی راهگشای تمامی مشکلات انسان امروز است و خوشبختی و سعادت تنها در یاری جستن از این منبع فیض الهی است. امروزه مشکلات متعددی گریبان‌گیر جوامع بشری شده است و مشکلات محیط زیست یکی از مهمترین آنها است در حالی که قرآن مجید قرن‌ها پیش به اهمیت حفظ و نگهداری محیط زیست تأکید داشته و در صورتی که بشر امروزه به‌طور کامل از راهنمایی‌های این کتاب ارزشمند بهره‌برداری می‌تواند بر مشکلات متعدد محیط زیست فائق آید (کفاش، ۱۳۹۵). از سوی دیگر عدم توجه به ابعاد معنوی رابطه انسان و محیط، ریشه بسیاری



۲- مبانی نظری تحقیق

۲-۱- تعریف محیط زیست

محیط زیست از دو واژه محیط و زیست تشکیل یافته و در فارسی به معنای جایگاه و محل زندگی است. در فرهنگ‌های مختلف داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته و در اصطلاح هدیه‌ای الهی است که از مجموعه‌ای از منابع موجودات علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات منوط و وابسته به آن است تشکیل می‌شود (محمدی و اذانی، ۱۳۹۶). محیط زیست، موضوعی است که در چند دهه‌ی گذشته به‌ویژه چند سال اخیر، به تدریج، آگاهی بشر نسبت به آن و خطراتی که محیط زندگی آنان را تهدید می‌کند، افزایش یافته است. در همین راستا انجمن‌ها، گروه‌ها و سازمان‌های طرفدار محیط زیست تشکیل شدند و با تلاشی مستمر با علل و عوامل مخرب زیست محیطی به‌خصوص در بعد جهانی به مبارزه برخاستند. آنها اهم فعالیت خود را بر افزایش آگاهی ملت‌ها در خصوص حفاظت از محیط زیست پیرامونشان و گاهی فراتر از آن، حفظ زیست محیط‌هایی که میراث مشترک بشریت نام دارند، قرار داده‌اند. حق بر محیط زیست سالم به‌عنوان یکی از حقوق نسل سوم حقوق بشر با دیگر حقوق نسل‌های سه‌گانه حقوق بشر ارتباط زیادی دارد اما به جرات می‌توان گفت در این میان، بیشترین ارتباط را با حق بر حیات و حق بر سلامتی و بهداشت دارد. ارتباط این دو حق به حدی است که در عرصه‌ی بین‌المللی، اسناد مختلفی برای قانونمند نمودن این تعامل و حفظ بهتر محیط زیست و همکاری همه‌ی کشورها برای نجات محیط زیست از بحران آلودگی به تصویب رسیده است. محیط‌زیست به معنای فضایی که در آن زندگی می‌کنیم همیشه تأثیرات شگرف و عمیقی بر زندگی همه

که محیط زیست جلوه‌گاه ظهور خداوندی در جهان مادی است و از آن جهت که محلی الزامی برای حرکت، رشد و توسعه و تعالی پایدار انسان در این دنیای فانی می‌باشد در آیات و روایات مختلف مورد توجه قرآن، پیامبر اعظم (ص) و ائمه‌ی معصومین (ع) بوده، کنکاش عمیق، و تفسیر آیات قرآنی و روایات اسلامی، می‌تواند راه‌گشا و راهنمای عمل در شناخت، بهره‌وری و در نتیجه حفظ سلامت و بقای پایدار محیط زیست به‌ویژه در جوامع دینی- سنتی تجدیدگرایی همچون ایران و سایر کشورهای جهان سوم باشد. در آیات قرآنی و روایات اسلامی در مقولات مهم و اساسی هم‌چون آفرینش محیط زیست توسط خداوند متعال، تنوع محیط زیست، رافت و رحمت خداوندی در ابعاد مختلف وجودی محیط زیست، اختصاصات اعضای محیط زیست، رابطه‌ی انسان با محیط زیست و مسئولیت انسان در برابر محیط زیست و ... پرداخته شده است (افشاری و همکاران، ۱۳۹۲). با توجه به مطالب بیان شده و اهمیت توجه به محیط زیست و نیازمندی توجه به این مقوله مهم در علوم مختلف خصوصاً در علوم دینی، انجام پژوهشی از این دست که به تحلیل جایگاه محیط زیست در قرآن پرداخته می‌تواند راهگشا باشد. بدیهی است قرآن کتابیست که در کنار توجه به ابعاد مختلف زندگی انسان، به سایر مسائل جهان هستی مخصوصاً محیط زیست توجه ویژه‌ای داشته است. از سوی دیگر قرآن همواره برای رفع مسائل و مشکلات موجود در ابعاد مختلف زندگی انسان راهکارهایی صحیح و اثربخش ارائه نموده که از منبعی الهی بر بشریت ارزانی شده است. بنابراین می‌توان از این منبع لایزال الهی بهره‌های مختلفی در زمینه حفظ محیط زیست کسب نمود.



درباره جهان و هستی است. بخشی از این جهان بینی معطوف به محیط زیست و ابعاد مختلف آن است. تبیین اصول جهان بینی قرآن درباره محیط زیست امری بایسته و پر اهمیت است؛ زیرا این اصول نه تنها فرهنگ زیست محیطی را تعریف می‌کند و رفتار جامعه مسلمان و نیز نهاد حاکمیت اسلامی را قاعده‌مند می‌سازد، بلکه استوارترین تکیه‌گاه فکری در رویارویی با فرهنگ بیگانه به‌شمار می‌رود. ناگاهی از این اصول باعث رخنه باورهای غیراسلامی می‌گردد که چه بسا به دلیل تعارض با آموزه‌های اسلام، مشکلاتی را برای جامعه مسلمان پدید آورد. اصول مهم جهان بینی زیست محیطی قرآن کریم عبارتند از هدفمندی محیط زیست، توازن، تعادل و تناسب محیط زیست، زیبایی‌شناسی طبیعت، تنوع زیست و تسخیر محیط زیست برای انسان (نورائی، ۱۳۹۱). بشر منفعت طلب برای آسایش خود بی‌رحمانه به جان طبیعت افتاده و این واقعیت را فراموش نموده است که دارایی‌های طبیعی و خدادادی به بیان نورانی قرآن کریم هم محدود است ﴿وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ﴾ (حجر/۵۶) و خزان همه چیز تنها نزد ماست ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم. و هم برای مدت معینی در اختیار انسان است: ﴿وَإِلَّا جَعَلْ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلْ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأُبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثَانًا وَمَتَاعًا إِلَى حِينٍ﴾ (نحل/ ۸۱) و خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد؛ و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان به آسانی می‌توانید آنها را جابه‌جا کنید؛ و از پشم و کرک و موی آنها برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد (نورائی،

موجودات علی‌الخصوص انسان‌ها دارد. تمام موجودات همیشه در تعامل با محیط پیرامون خود هستند و چرخه‌ی حیات را به وجود می‌آورند. حال زمانی که آلودگی محیط زیست را فراگیرد، حیات موجودات زنده و به تبع آن، حیات و سلامت انسان‌ها نیز به خطر خواهد افتاد. به دلیل اهمیت بهداشت و حق بر داشتن سطح مناسب و عادلانه‌ای از زندگی برای همه ابناء بشر، تبیین رابطه فوق و پرهیز از هر نوع نابودی محیط زیست الزامی است (میرزاده و سپهری‌فر، ۱۳۹۲). مفهوم محیط زیست یا از علوم طبیعی نشأت می‌گیرد و یا از علوم معماری و شهرسازی؛ محیط زیست به مفهوم نخست آن مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی و تعادل بین عناصر مؤثر در طبیعت است که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران را تضمین می‌نماید و محیط زیست به مفهوم دوم رابطه تعاملی است که بین تأسیسات و محیطی که در آن ایجاد می‌شود وجود دارد. بنابراین محیط زیست برای خاک، آب و هوا (منابع طبیعی) و انواع حیوانات و گیاهان و تعادل بیولوژیک بین آنها (طبیعت) شهر و مناظر آن، به کار می‌رود (چراغی، ۱۳۹۸).

۲-۲- اهمیت و جایگاه محیط زیست در قرآن
مباحث زیست محیطی قرآن کریم در دو دسته جای می‌گیرد: دسته نخست، مبانی نظری است که نگرش ویژه قرآن را به طبیعت بازگو می‌نماید؛ مانند مفاد آیاتی که بیانگر مسخر بودن طبیعت برای انسان است. دسته دوم، اصول و قواعدی عملی است که تعیین کننده بایدها و نبایدهای رفتار زیست محیطی در سه سطح فرد، جامعه و حکومت است؛ مانند آیاتی که انسان‌ها را از نابودی و تباهی زمین برحذر می‌دارد و به آنان فرمان می‌دهد تا به آبادانی آن همت گمارند (نورائی، ۱۳۹۱). جهان بینی قرآن به معنای نوع برداشت و طرز تفکر قرآن کریم



موردنظر است که بر اساس دین فطری، از عدالت رفتاری برخوردار باشد. هاشمی علی‌آبادی (۱۳۹۸)، در پژوهشی به تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در تعامل با محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم پرداخت. این پژوهش با هدف تبیین نگاه قرآن در این مورد و با روشی توصیفی و تحلیلی به عمده‌ترین مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط زیست پرداخته است و ضمن بیان نگاه قرآن به ارزش ذاتی، قداست، نظام‌مندی و بعد ملکوتی محیط زیست و نیز ارزش ابزاری و خلقت محیط زیست برای انسان به این نتایج دست‌یافت که آبادانی و حفظ محیط زیست، استفاده بهینه و بدون افراط و تفریط، جلوگیری از تخریب و آلوده کردن آن، رعایت حق آیندگان و سپاسگزاری، احترام و مهرورزی به محیط زیست جزء وظایف ضروری از نگاه قرآن است. گردآوری مطالب این تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و رجوع مستقیم به آیات قرآن کریم و شیوه تفسیری آیه به آیه و نیز شیوه تفسیر روایی انجام گرفته است. فتایی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهشی به محیط زیست از منظر قرآن پرداختند. مطالعه و بررسی در قرآن کریم نشانگر آن است که محیط زیست مورد عنایت ویژه کتاب الهی است. رعایت نظم و اعتدال در استفاده از مواهب طبیعی، همگانی بودن مسئولیت حفاظت از محیط زیست، توجه به آب و جوانب بهداشتی آن (صرفه‌جویی، پاک‌کنندگی آب، اهمیت آب گوارا، آلوده نکردن آب و ...)، ویژگی‌های مسکن بهداشتی (تامین آرامش و آفتاب‌گیر بودن آن)، پاکیزگی مکان‌های عمومی، توجه به عناصر اصلی محیط زیست (آب، باد، زمین، هوا، خاک، گیاهان و ...)، حمایت از حیوانات، امر به آبادانی زمین، احیای طبیعت، نقش بسیار مهم آموزش و فرهنگ قرآنی در بالابردن سطح دانش و مسئولیت‌پذیری افراد در

۱۳۹۱). در نگاه قرآن کریم شناخت ابعاد و توانایی‌های محیط زیست و مطالعه آن از اهداف مهم تربیتی انسان است که سهم مهمی در تعالی روح انسان دارد. در یک نگاه کلی عالم و مخلوقات الهی در دیدگاه قرآن دارای درک و شعور است و بر اساس این درک تسبیح‌گوی خداست (اسراء/ ۱۱). قرآن کریم طبیعت را آیت الهی و مظهر خداوند می‌داند (فصلت/ ۵۳؛ انعام/ ۱ و سجده/ ۷) و در حدود ۷۵۰ آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی سخن گفته است و انسان را به مطالعه و دقت در هستی فرا می‌خواند (یونس/ ۱۰۱؛ عنکبوت/ ۲۰؛ فصلت/ ۵۳؛ بقره/ ۱۶۴؛ انعام/ ۹۷-۹۹؛ نحل/ ۳۲-۳۴؛ لقمان/ ۳۱؛ شوری/ ۳۲-۵۵). خداوند حتی به عناصری در طبیعت قسم می‌خورد که به بیان برخی مفسران به دلیل مناف و مصالح عجیبی است که در این عناصر وجود دارد (رازی ۱۴۲۰ ق، ج ۳۲؛ ۲۱۱؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ ش، ج ۲۰؛ ۳۱۹؛ زمخشری ۱۴۷۰ ق، ج ۴؛ ۷۳۳). با مقایسه اجمالی بین قرآن و دیدگاه‌های علم‌نما و منفعت‌طلب برخی اندیشمندان عظمت و قداست نگاه قرآن را می‌توان درک نمود (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۸).

۳- مروری بر مطالعات پیشین

به‌منظور بررسی جایگاه محیط زیست در قرآن مطالعات مختلفی انجام شده که هرکدام از نگاه خاصی و نقطه‌نظر خاص خود به موضوع نگریسته‌اند. نوبری (۱۳۹۹)، در پژوهشی به بررسی جایگاه عدالت رفتاری در رابطه انسان و محیط زیست از نگاه قرآن پرداخت. نتیجه پژوهش این است که قرآن نوع خاصی از تعامل انسان با محیط زیست را تأیید می‌کند. البته قرآن بر دین فطری تأکید دارد. برای همین، توصیه‌های قرآن نسبت به تعامل انسان با محیط زیست، شامل هر انسانی نیست. بلکه انسانی



آیات قرآنی و روایات اسلامی پرداختند. نتایج نشان داد آیات قرآنی و روایات اسلامی با تبیین جایگاه و اهمیت مطالعه و شناخت و توجه همه جانبه به محیط زیست به‌عنوان اصیل‌ترین منابع برای شناخت خالق در بخش مادی جهان خلقت و بهره‌برداری از آن با رویکرد حفظ سلامت و توسعه و تعالی محیط زیست برای رشد و تعالی همه جانبه‌ی انسان در این بخش از جهان هستی می‌پردازد. نورائی (۱۳۹۱)، در پژوهشی به جهان‌بینی قرآنی و محیط زیست پرداختند. نتایج نشان داد مهم‌ترین اصول این جهان‌بینی عبارتند از هدفمندی محیط زیست، توازن محیط زیست، زیبایی‌شناختی محیط زیست، تنوع‌زیستی و تسخیر محیط زیست برای انسان. اهمیت اصول یادشده، مستند به جامعیت، جاودانگی و فراهم‌سازی ضمانت اجرای درونی آن برای قوانین زیست محیطی است. جهانگیر (۱۳۹۰)، در پژوهشی به محیط زیست و بحران با رویکردی قرآنی پرداخت. نتایج نشان داد از چشم‌انداز قرآنی این معضل معلول جهان‌بینی جدید و تغییر نگرش انسان نسبت به خود و طبیعت است. نگرشی که ریشه در بنیان‌های علم جدید و تفکر تجدیدگرایانه دارد و به فاصله‌گرفتن انسان از نگاه قدسی و معنوی به طبیعت، و جنگ انداختن تجاوزگرانه و خودخواهانه به آن انجامیده است. اسماعیلی و همکاران (۱۳۸۶)، در پژوهشی به بررسی حفاظت محیط زیست در اسلام پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که جهان هستی، از نظم دقیقی برخوردار بوده و تمامی مخلوقات در تعادل و تناسب و به اندازه آفریده شده‌اند و هریک از اجزا و عناصر خلق شده، در بقا این کره خاکی و در نتیجه در ادامه زندگی انسان نقش دارند. بنابراین، تغییر نابجا و زیان رساندن به هریک از اجزا این سیستم عظیم، که در آن همه‌چیز در

برابر جامعه و محیط زیست، از مهم‌ترین رهنمودهای قرآن کریم درخصوص جایگاه محیط زیست و اهمیت آن در زندگی بشر می‌باشد. قرآن کریم آموزه‌های کاربردی فراوانی در زمینه‌ی محیط زیست بیان کرده است. انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده، رفتار منطقی با محیط زیست داشته باشد و با خردورزی دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد. کفاش (۱۳۹۵)، در پژوهشی به بررسی جایگاه و اهمیت حفاظت از محیط زیست در قرآن کریم پرداخت. در این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای بررسی منابع متون منتشر شده در ارتباط با اهمیت حفاظت از محیط زیست از نگاه قرآن بررسی شده و همچنین آیات مرتبط با حفظ و نگهداری محیط زیست مورد بحث و بررسی قرار گرفت. همچنین پیشنهادهای جهت به‌کار بستن راهنمایی‌های این کتاب آسمانی و همچنین معرفی یک روز ملی و یک روز جهانی با عنوان قرآن و محیط زیست ارائه شد. صادقی روش (۱۳۹۴)، در پژوهشی به تحلیل جایگاه محیط زیست از دیدگاه قرآن پرداخت. نتیجه حاصل از تحلیل آیات قرآن نشان داد که اندیشه‌های فلسفی در فضای غیردینی و جدا از آموزه‌های دینی، عامل اصلی و ریشه‌ای تخریب محیط می‌باشد. این معضل، معلول جهان‌بینی جدید و نگرش انسان نسبت به خود و طبیعت است؛ نگرشی که ریشه در بنیان‌های علم جدید و تفکر تجدیدگرایانه دارد و به فاصله‌گرفتن انسان از نگاه معنوی به طبیعت و تجاوز به آن انجامیده است و تا زمانی که ارتباط معنوی با طبیعت ایجاد و اصلاح نشود، نمی‌توان به حل پایدار و ریشه‌ای مسائل زیست محیطی امیدوار بود. افشاری و همکاران (۱۳۹۲)، در پژوهشی به کنکاشی در جایگاه برتر شناخت و حفظ محیط زیست در



محیط زیست و نیز ارزش ابزاری و خلقت محیط زیست برای انسان پرداخته و همچنین رعایت نظم و اعتدال در استفاده از مواهب طبیعی، همگانی بودن مسئولیت حفاظت از محیط زیست، توجه به آب و جوانب بهداشتی آن (صرفه‌جویی، پاک‌کنندگی آب، اهمیت آب گوارا، آلوده‌نکردن آب و ...)، ویژگی‌های مسکن بهداشتی (تامین آرامش و آفتاب‌گیر بودن آن)، پاکیزگی مکان‌های عمومی، توجه به عناصر اصلی محیط زیست (آب، باد، زمین، هوا، خاک، گیاهان و ...)، حمایت از حیوانات، امر به آبادانی زمین، احیای طبیعت، نقش بسیار مهم آموزش و فرهنگ قرآنی در بالابردن سطح دانش و مسئولیت‌پذیری افراد در برابر جامعه و محیط زیست، از مهم‌ترین رهنمودهای قرآن کریم در خصوص جایگاه محیط زیست و اهمیت آن در زندگی بشر است.

تعادل و تناسب است، سبب به‌خطر افتادن حیات و هستی می‌گردد. دین مبین اسلام مشحون از توصیه‌های حفاظت از آنچه که خدا خلق کرده است، می‌باشد و این به‌مفهوم حفاظت از زیستگاه مخلوقات یا همان حفاظت از محیط زیست است.

۴- نتیجه‌گیری

هدف از پژوهش حاضر بررسی محیط زیست از منظر قرآن می‌باشد. پس از مرور مطالعات گذشته، می‌توان بیان داشت قرآن به ابعاد مختلف طبیعت، محیط زیست و حتی فراتر از آن جهان هستی پرداخته است. قرآن در مورد وظائف انسان در مقابل محیط زیست، آبادانی و حفظ محیط زیست، پرهیز از فساد و تخریب محیط زیست، استفاده شکرمدارانه از محیط زیست بدون آلودگی، اسراف و افراط و تفریط، رعایت حق آیندگان، عشق‌ورزی و مهرورزی به محیط زیست پرداخته است. قرآن به ارزش ذاتی، قداست، نظام‌مندی و بعد ملکوتی

منابع

۱. اسماعیلی، عباس، رضاییان، محسن، وزیری نژاد، رضا، طباطبایی، سیدضیا، سالم زینت، مهدیان فرشته (۱۳۸۶)، حفاظت محیط زیست در اسلام، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان. دوره ۶، شماره ۴ (پی در پی ۲۵) (ویژه نامه)، از صفحه ۵۵ تا صفحه ۶۰.
۲. افشاری، زهره، میرعبدی، حسن علی، گلوی، محمود. (۱۳۹۲). کنکاشی در جایگاه برتر شناخت و حفظ محیط زیست در آیات قرآنی و روایات اسلامی. سومین کنفرانس برنامه ریزی و مدیریت محیط زیست.
۳. اکبری راد، طیبه (۱۳۸۷)، حفظ محیط زیست از دید قرآن و روایات، نامه الهیات، شماره ۵، صص ۱۷-۲۶.
۴. جهانگیر، عیسی (۱۳۹۰)، محیط زیست و بحران با رویکردی قرآنی، معرفت فرهنگی اجتماعی، سال دوم، شماره سوم، ۶۳-۸۴.
۵. زروانی، مجتبی. خداجویان، فاطمه (۱۳۸۴)، پاسداری از محیط زیست در آیات و روایات، پژوهش دینی، دوره ۱، شماره ۱۲، ۲۵۱-۲۲۶.
۶. صادقی روش، محمدحسن (۱۳۹۴)، تحلیل جایگاه محیط زیست از دیدگاه قرآن. نشریه قرآن و علم، پیاپی ۱۷.
۷. عالیقدری، مرتضی. حضرتی، صادق. (۱۳۹۰)، جایگاه محیط زیست از منظر قرآن. کنگره قرآن پژوهی و طب، همایش انسان سالم.
۸. فتایی، ابراهیم و عالی پناه، عزیزه و عالیقدری، مرتضی و امیری، ویدا، ۱۳۹۴، محیط زیست از منظر قرآن، اولین کنفرانس ملی علوم و مدیریت محیط.
۹. کفاش، انوشه، ۱۳۹۵، بررسی جایگاه و اهمیت حفاظت از محیط زیست در قرآن کریم، چهارمین همایش ملی انجمن‌های علمی دانشجویی رشته‌های کشاورزی، منابع طبیعی و محیط زیست، کرج.



۱۰. میرزاده، نادر،، سپهری فر، سیما. (۱۳۹۲)، تعامل حق بر محیط زیست سالم و حق بر بهداشت. فصلنامه مطالعات حقوق بشر اسلامی. سال دوم، شماره چهارم، صص ۳۸-۶۹.
۱۱. نوبری، علیرضا. (۱۳۹۹)، جایگاه عدالت رفتاری در رابطه انسان و محیط زیست از نگاه قرآن، آموزه های قرآنی، شماره ۳۲، صص ۲۱۹-۲۳۸.
۱۲. نورائی، محسن (۱۳۹۱)، جهان بینی قرآنی و محیط زیست، آموزه های قرآنی، شماره ۱۶، صص
۱۳. هاشمی علی آبادی، سید احمد (۱۳۹۸)، تحلیل مسئولیتهای اخلاقی انسان در تعامل با محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۱۰، شماره ۳۹، صص ۹۲-۱۰۹.

بررسی تطبیقی نظریه حقوق طبیعی از دیدگاه جان لاک و قرآن کریم

محمد مهدی کریمی نیا^۱، حمیدرضا طوسی^۲ و نجیب‌الله حکیمی^۳

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۲- استادیار و عضو هیأت علمی جامعه المصطفی (ص) العالمیه

۳- دکتری قرآن و حقوق از جامعه المصطفی (ص) العالمیه (نویسنده مسئول: Hakiminajib21@gmail.com)

چکیده

مبحث حقوق طبیعی بیست و پنج قرن پیش در اشکال مختلف در میان متفکران جریان داشته است. سنت حقوق طبیعی در فرهنگ‌های مختلف مطرح بوده و تحولاتی را به خود دیده است. اعتقاد به این سنت نه تنها در سنت‌های دینی و فضای الهیاتی و کلامی، بلکه در چارچوب عقل‌مدار سکولار نیز مطرح بوده است. هواداران حقوق طبیعی در تمامی دوره‌ها دغدغه دفاع از حقوق انسان‌ها را داشته و سه ویژگی جهانی بودن، ضرورت و ثبات را جزء مشخصه حقوق طبیعی دانسته‌اند. پژوهش حاضر با روشی توصیفی به مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، روش‌شناختی، ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی جان لاک می‌پردازد و سپس با روشی تحلیلی شرح کوتاهی از مبانی قرآنی که قابلیت جایگزینی با مبانی فکری و فلسفی جان لاک دارند ارائه می‌گردد. همچنین بررسی خواهد شد که با استفاده از این مبانی چه تغییرات و تفاوت‌های بدست می‌آید و آیا نظریه معهود با نظریه قرآنی یکسان است یا متفاوت.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، جان لاک، مبانی فکری، حقوق الهی، حقوق طبیعی.

مقدمه

رابرت بویل، توماس ویلیس، رابرت هوک و ریچارد لوور همکاری کرد. دانش پزشکی لاک زمانی به‌طور جدی مورد آزمون قرار گرفت که عفونت کبد شفتزبری (Shaftsbury) به مرحله خطرناکی رسید. لاک هماهنگ با نظر چند پزشک دیگر شفتزبری را متقاعد کرد که تحت عمل جراحی برای برداشتن کیست قرار بگیرد (که خود عمل نیز خطر جانی داشت). شفتزبری از این عمل جان سالم به‌در برد و پس از آن زندگی خود را مدیون لاک می‌دانست. لاک در ۲۸ اکتبر سال ۱۷۰۴ چشم از جهان فروبست و پیکرش را در حیاط کلیسای روستای های لور، در شرق هارلو (جایی که پس از سال ۱۶۹۱ میلادی در منزل سر فرانسیس ماشام زندگی کرده بود)، به خاک سپردند. لاک هیچ‌گاه ازدواج نکرد و از او فرزندی به‌جای نماند. در ارتباط با نظریه حقوق طبیعی تحقیقات بسیار زیادی

جان لاک (John Locke) متولد ۱۶۳۲ و متوفی ۱۷۰۴ میلادی از فیلسوفان سده ۱۷ میلادی انگلستان بود که امروزه به‌عنوان پدر لیبرالیسم کلاسیک شناخته می‌شود. در سال ۱۶۴۷ میلادی، لاک به مدرسه معتبر وست مینستر در لندن فرستاده شد و تحت نظر الکساندر پوفام، نماینده مجلس و فرمانده سابق پدرش تعلیم دید. وی پس از اتمام تحصیلاتش در آنجا، از دانشکده کریست چرچ دانشگاه آکسفورد پذیرش گرفت. لاک در سال ۱۶۵۶ میلادی مدرک کارشناسی و در سال ۱۶۵۸ میلادی مدرک کارشناسی ارشد خود را دریافت کرد. او سپس در سال ۱۶۷۴ میلادی مدرک کارشناسی پزشکی گرفت. او در این دوران با دانش پزشکی به‌طور گسترده‌ای در دانشگاه آکسفورد آشنا شد و با دانشمندان و متفکران برجسته‌ای مانند



دین‌شناسان پیشین کم‌تر به پیوند دین و نیازهای طبیعی انسان توجه کرده‌اند و این امر آسیب‌ها و رخنه‌های بسیاری را پدید آورده است (وکيو، ژرژدل، ۱۳۳۶/۱/۲۹۳). حقوق فطری و در تعبیرهای دیگر آن حقوق طبیعی، حقوق تکوینی و حقوق عقلانی از حقوق ذاتی پدیده‌ها و ناگزیرها و بایستگی‌های حیات انسان و جامعه انسانی است. آدمی از راه درنگ‌ها و دقت‌های خردورزانه خود در این امور ذاتی و لوازم آن‌ها از کهن‌ترین زمان‌ها به دریافت مبانی این حقوق اهتمام ورزیده و آن‌را محور بسیاری از پیوندهای فردی و اجتماعی خود قرار داده است و در دوران‌های پیشین پیام‌آوران بزرگ آیین حنیف با بازگشت دادن انسان به وجدان فطرت و صبغه الهی و دعوت به حق‌گرایی به‌عنوان روح این آیین در راه بیان و روشن‌گری آن رنج‌ها برده‌اند (ر. ک: جلالی، ۱۳۷۹، ۲۷۵-۲۸۰). براساس این حقوق همه پدیده‌های طبیعی پایانی طبیعی دارند و از تقدیر طبیعی برخوردارند که خوب و بد اعمال را برای آن باز نماید.

حقوق طبیعی از منظر جان لاک

ایده نوین حقوق طبیعی در قرن ۱۷ با اوج‌گیری انگاره‌های فردگرایانه بر پایه نظریات قدیمی حقوق فطری پدیدار شد. نظریه سنتی حقوق فطری بر این مبنا استوار بود که انسان‌ها به‌عنوان آفریدگان طبیعت و خداوند می‌بایست بر مبنای فرمان‌ها و قوانین طبیعت و خدا، زندگی خود را اداره و اجتماع خود را سازمان دهند.

تبیین نظریه

جان لاک حقوق را طبیعی غیرقابل ستاندن تعریف کرد. حقوق طبیعی حقوقی است که برحسب «قانون طبیعی» به افراد داده شده و ناگزیر نامشروط و تغییرناپذیر است و به کسی دیگر نمی‌توان واگذار کرد و برای همه‌ی افراد بشر یکسان است. به عبارت دیگر حقوقی است که

انجام گرفته است؛ عده‌ای از محققان نظریه حقوق طبیعی را در نهج‌البلاغه مورد تحلیل قرار دادند (جلالی، ۱۳۷۹)، تعدادی از پژوهشگران این بحث را به‌صورت کلی از منظر اسلام بررسی نمودند (جاوید، ۱۳۸۶)، برخی نظریه حقوق طبیعی را با حقوق اسلامی مورد پژوهش قرار دادند (جاوید و همکاران، ۱۳۹۱)، برخی مبحث حقوق طبیعی را از منظر حقوق بین‌الملل مورد بررسی قرار دادند (محمودی و همکاران، ۱۳۹۸)، بعضی دیگر هم نظریه حقوق طبیعی را از مناظر دانشمندان مختلف مورد توجه قرار دادند، و تحقیقات بی‌شمار دیگری که این نظریه را از مناظر مختلف مورد تحلیل قرار دادند. در این پژوهش با روشی توصیفی-تحلیلی تلاش شده است نظریه حقوق طبیعی در اندیشه جان لاک پس از بیان مبانی هستی‌شناختی، انسان‌شناختی، روش‌شناختی، ارزش‌شناختی و معرفت‌شناختی او تبیین و بررسی شود سپس شرح کوتاهی از مبانی اسلامی که قابلیت جایگزینی با مبانی فکری و فلسفی جان لاک دارند ارائه گردد.

مفهوم حقوق طبیعی

حقوق طبیعی به حقوقی گفته می‌شود که اشخاص بر پایه طبیعت خود دارا هستند. بدون آن که مشروط به توافق دیگران، وجود نهادهای سیاسی و قضائی و یا قوانین و سنت‌ها باشد (قربان‌نیا، ناصر، ۱۳۸۳، ۲۳). بنابراین حقوق طبیعی به هر انسان در هر زمان و هر مکانی تعلق می‌گیرد. این حقوق اساس همه حقوق‌ها و آیین‌ها شمرده می‌شود و در قلمرو دین حقوق تشریحی و در حوزه دانش حقوق موضوعه بیان آن‌را به‌عهده دارد. این حقوق ثابت با اثرپذیری از آموزه‌های پیامبران و در شعاع آن‌ها در میان همه ملت‌ها فرهنگ‌ها و نژادها و در همه برهه‌های تاریخ مورد توجه قرار گرفته است. ولی



طبیعی ریشه مذهبی و الهی خود را از دست داد. گسستن هرگونه پیوندی با ماوراءالطبیعه و استقرار بر پایه عقل بشری آغاز شد. از جمله پیشگامان این نهضت، گروسیوس هلندی و جان لاک انگلیسی هستند. به اعتقاد گروسیوس، حقوق طبیعی قواعدی است که عقل آن‌ها را موافق طبیعت اجتماعی انسان می‌داند. این قواعد حتی اگر خدایی هم نبود، یا در کار انسان دخالت نمی‌کرد، باز وجود داشت، انسان موجودی است عاقل و اجتماعی و آنچه در پرتو عقل، برای تنظیم روابط اجتماعی او به دست می‌آید، با طبیعت انسان موافق است (ر.ک: قربان‌نیا، ۱۳۸۳). جان لاک ضمن مطرح کردن «قرارداد اجتماعی»، اعلام داشت که قوانین طبیعی عبارتند از: احترام به مالکیت، حیات و آزادی انسان. اندیشه او، که به وسیله روسو و دیگران تکمیل شد، در نهایت، مکتب «حقوق فردی» را بنیان نهاد. در این دوره، منبع حقوق طبیعی انسان است، نه خداوند. نه تنها عقل بشر در همه حال به قواعد طبیعی حکم می‌کند، بلکه این حقوق لازمه شخصیت انسان و همیشه با اویند (کاتوزیان، ۱/۱۳۷۸-۵۸-۶۰). و تنها چیزی که اصالت دارد، انسان و خواسته‌های او هستند، و هر فرد در رفتار خود کاملاً آزاد است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ۳۵۴). بر مبنای طبیعت هیچ کس نمی‌تواند به دیگری اختیار و سلطه خودسرانه به خود را بدهد، در قرارداد اجتماعی به حکومت نیز چنین حقی انتقال نمی‌یابد. پس نباید چنین پنداشت که دولت سیاسی قدرتی خودکامه می‌یابد و اختیار پیدا می‌کند که به میل خویش گام بردارد و آزادی‌ها را از بین ببرد. تصویب قانونی که شخص را از مالکیت خویش (زندگی و سلامت و آزادی و متصرفات) خودسرانه محروم سازد خارج از صلاحیت قوه قانون‌گذاری است. به نظر لاک هیچ کس قدرت مطلق بر دیگری

انسان در «حالت طبیعی» پیش از برقراری جامعه‌ی مدنی، از آن برخوردار بوده و یا حقوقی که انسان، در غیاب دولت، به طور طبیعی از آن برخوردار است. اساسی‌ترین حقوق طبیعی بشر، که بیش از همه بر روی آنها توافق هست، عبارتند از: حق زندگی، آزادی و برابری (ر. ک: قربان‌نیا، ۱۳۸۳). جان لاک همانند هابز از وضعیتی طبیعی که انسان‌ها قبل از تشکیل جامعه مدنی در آن زیست می‌کرده‌اند سخن می‌گوید. در وضعیت طبیعی انسان‌ها آزاد بوده‌اند. تصویر لاک از طبیعت انسان تصویری خوش‌بینانه است؛ او سرشت انسان را پاک و متمایل به نیکی و عدل دانسته و حالت جنگ مورد اعتقاد هابز را مخالف با واقع می‌داند. لاک قرارداد اجتماعی را حداقلی می‌بیند، به گونه‌ای که مردمان در قرارداد اجتماعی حداقل لازم از آزادی خود را برای تشکیل جامعه مدنی به حاکمان می‌سپارند. به عبارت دیگر، حداکثر آزادی برای مردمان و اختیارات محدود برای حاکمان (جان لاک، ۱۳۸۷، شماره ۱۵). لاک با تأکید بر اصل عدم ولایت معتقد است حاکمان و شهروندان باید این اصل را پاس بدارند. او معتقد است زندگی، آزادی و مالکیت، حقوق طبیعی انسانند. قرارداد اجتماعی توافقی است بین اعضای یک کشور، تا درون نظام حقوقی مشترکی زندگی کنند. دولت برای حفاظت از این حقوق و قانونگذاری تأسیس می‌شود و اگر به درستی از این حقوق حفاظت نکند می‌تواند سرنگون شود. بنابراین، آنچه بر وضع طبیعی حکم می‌راند، همان قانون طبیعت است؛ قانونی که انسان را ملزم می‌کند تا با مراجعه به عقل و طبیعت به حقوق دیگران احترام بگذارد. براساس این نظریه حقوق طبیعی ریشه مذهبی الهی خود را از دست می‌دهد و قوانین به طبیعت و عقل منتسب می‌شود. در پرتو خردمداری در سده‌های ۱۷ و ۱۸م. حقوق



مكلف است براساس قوانین مستقر طبیعی حکومت کند و در حوزه اقتصاد، حداقل‌های معیشتی را به‌عنوان حق شهروندان برای آنان تأمین نماید و در مواقع لزوم از حق مداخله حمایت‌گرایانه سود جوید (جان لاک، ۱۳۸۷، شماره ۱۵، ۳۸). ویژگی‌های حقوق طبیعی از منظر جان‌لاک: در اندیشه جان‌لاک حقوق طبیعی در قالب «قرارداد اجتماعی» دارای این ویژگی‌هاست: الف) خدایی وجود دارد که نظم طبیعی جهان به فرمان او استقرار می‌یابد. ب) قواعد حاکم بر رفتار انسان از راه عقل می‌توانند به روشنی کشف شوند. ج) منبع حقوق طبیعی در این دوره انسان است، نه خداوند. د) هدف حقوق طبیعی حمایت از حقوق فردی است. ه) انسان می‌تواند قواعد زندگی و رفتار خود را، که خداوند معین کرده است، با نیروی عقل و اندیشه دریابد (ر. ک: کاتوزیان، همان، ۶۲؛ لئواشتراس، ۱۳۷۵، ۲۲۰).

بررسی نظریه جان لاک

جان لاک با این‌که قواعد حاکم بر رفتار انسان را تابع فرمان و اراده الهی می‌داند، راه دست‌یابی به این قواعد طبیعی و الهی را چنان برگزیده است که انسان خود در زندگی خویش نقش اساسی داشته باشد. به‌بیان دیگر، او برخلاف سن توماس داکن، به جهان خاکی بیش‌تر توجه دارد تا به بهشت موعود. در این زمینه، او تلاش می‌کند عقل را جانشین کلیسا کند، البته مانند سایر فیلسوفان انگلیسی معرفت عقلی را نتیجه حس و تجربه می‌داند. لاک در آثار مکتوب خود، همواره از «حقوق طبیعی» نام می‌برد و منشأ آن را فرمان‌های خداوند می‌داند. در نگاه ظاهری، قانون طبیعت در اندیشه جان لاک عبارت است از: اراده خداوندی «یا «قانون الهی»، که همان صدای خدا در وجود بشر است. این قانون ازلی و برتر است. وظیفه عقل صرفاً کشف و تفسیر

ندارد. آدمیان در وضعیت طبیعی state of nature نیز قدرت محدودی داشته، مكلف به رعایت احترام به جان، مال و آزادی دیگران و عدم اضرار به یکدیگر بوده‌اند. حکومت نیز اکنون چنین تکلیفی دارد و قدرتی بالاتر از افراد در وضعیت طبیعی نخواهد داشت. از آن‌جا که توان و صلاحیت افراد محدود به حقوق طبیعی است، در قرارداد اجتماعی نیز نمی‌توانند به دولت، قدرت مطلق اعطا کنند و آنچه را خود از آن بهره ندارند به دیگری ببخشند؛ (جان لاک، ۱۳۸۷، شماره ۱۵ و ۱۷؛ جان لاک، ۱۳۸۱ / ۴ / فصل ۳، فقره ۱۹). چنان‌که افراد در وضعیت طبیعی حق نداشتند بی‌جهت متعرض جان، مال و آزادی افراد شوند و تنها حق داشتند در مقام دفاع از جان، مال و آزادی خود در برابر دیگران اقدام کنند و ناقضان قواعد را کیفر دهند، حکومت نیز بر اساس قرارداد اجتماعی در همین محدوده، نماینده مردم خواهد بود. به باور لاک، در وضعیت طبیعی هرکس این حق را دارد که حقوق طبیعت را اجرا کند. برای مثال، مجرم و متجاوز را کیفر شایسته دهد و جبران خسارت ناشی از اعمال وی را مطالبه کند و به این ترتیب او را از تجاوز و ارتکاب جرم بعدی باز دارد. این حق طبیعی در عین ضرورت، با این اصل مهم حقوقی تعارض دارد که هیچ‌کس نباید دادرسی دعاوی میان خود و دیگران باشد. ضمن این‌که در این حالت بهره‌مند شدن از حقوق طبیعی و حمایت از حق مالکیت به اندازه کافی تضمین نمی‌شود و پیوسته متزلزل بوده و در معرض خطر قرار دارد؛ زیرا نه حقوق شناخته شده‌ای در آن استقرار یافته و نه قاضی بی‌طرفی وجود دارد که حقوق را اجرا کند. پس بر پاداشتن دولت سیاسی ضروری است تا در پرتو سازمان‌های آن امکان دسترسی به دادگاه بی‌طرف و منصف فراهم آید. دولتی که بر پایه قرارداد اجتماعی شکل می‌گیرد



مبانی روش‌شناختی جان لاک

روش جان لاک مبتنی بر تجربه‌گرایی است اصل اولی برای لاک حس و تجربه است و دو منبع برای کلیه تصورات انسان برمی‌شمرد: یکی احساس که ناظر به جهان خارج است و از طریق حواس ظاهری به ذهن منتقل می‌شود و تصوراتی مانند سرما، گرما، نرمی، سختی، رنگ‌ها و به‌طور کلی، کیفیات محسوسه جزئی را در برمی‌گیرد. دوم، تأمل؛ که یک نوع حس درونی است و ناظر به جهان درون ماست و از طریق التفات ذهن به احوال و افعال نفس و تصورات موجود در قوه فاعله حاصل می‌شود و تصوراتی مثل ادراک، تفکر، تردید، باور، آگاهی و اراده را در برمی‌گیرد (جان لاک، ۱۳۸۱، ۹۵-۶۵). لاک سعی کرد دو موضوع را روشن کند: ۱. انسان اندیشه‌های خود را از کجا می‌آورد؟ ۲. انسان تا چیزی را حس نکند نمی‌فهمد و در نتیجه اندیشه تولید نخواهد شد. او می‌گوید: شناختی که ما از جهان داریم و تمامی مسائلی که از جهان می‌فهمیم، نظام‌های فلسفی که در هر جا و در هر زمان می‌سازیم ریشه در تجربه ما دارد. ما ذاتاً اطلاعاتی نداریم. مثلاً بشر علت و معلول را از طبیعت استنتاج می‌کند یا مسائلی دیگر را هم به‌همین طور. پس اول تجربه باید به‌عنوان ریشه تمام شناخت علمی و فلسفی در نظر گرفته شود. او در رساله‌ای در باب فهم بشر می‌گوید: ذهن انسان از طریق حواس پنجگانه آرای ساده و پیچیده را دریافت می‌کند تا در ذهن خود دانش تولید کند. او گفته ارسطو را تایید می‌کرد که هر آنچه در ذهن است ابتدا در حواس بوده. بنابراین به‌کار بردن واژه‌هایی چون خدا، جوهر، ابدیت در واقع، سو استفاده از عقل است زیرا این‌ها را در تجربه در نیافته‌ایم. اگر این‌طور باشد می‌شود نظام‌های فلسفی ساخت که در ظاهر هوشمندانه‌اند ولی در واقع

«اراده الهی» است. اما با تأمل و دقت بیشتر، خواهیم دید که مراد وی از «قانون طبیعت» قانون عقل است و در موارد متعددی، بر این امر تأکید می‌ورزد؛ از جمله: قانون طبیعت چیزی جز ماحصل فرمان‌های عقل در باب دفاع طبیعی یا صلح و امنیت بشر نیست. و قانون آغازین، فرمان عقل در سرآغاز کار بود. درنهایت، طی یک حرکت تدریجی، او ادعا می‌کند که عقل حکم می‌کند که جامعه مدنی چگونه باید بنا شود و حقوق و حد و مرزهایش تا کجاست. (لئو اشتراوس، ۱۳۷۵، ص ۲۵۸ / ص ۲۲۳ / ص ۲۲۱ / ص ۲۴۳-۲۴۶ / ص ۲۲۵ / ص ۲۴۳). اینجاست که در اندیشه لاک، دیگر سخن از اراده خداوندی و قانون الهی نیست، بلکه او اعتقاد و ایمان را نیز تابع فرمان عقل می‌داند و عقل به‌عنوان داور نهایی، در همه امور مطرح می‌گردد. باز یک گام به جلو، می‌گوید: «هر چیزی که مخالف و ناسازگار با دستورهای آشکار و بدیهی عقل باشد، نباید ماده اصلی ایمان به‌شمار آید؛ که عقل را در آن راهی نیست. یکی از نشانه‌های مطمئن عشق به حقیقت این است که حکمی را با اطمینان بیش‌تر از آنچه برهان‌ها مجاز می‌شمارند، نباید پذیرفت. عقل باید آخرین داور و راهنمای ما در همه چیز باشد» (ویل دورانت، ۱۳۷۱ / ۳ / ۶۷۶).

پیش فرض‌های شناخت در نزد جان لاک

از آنجا که ارائه هر نظریه‌ای دارای پیش‌فرض‌ها و مبانی ایدئولوژیک، معرفت‌شناختی، روش‌شناختی، انسان‌شناختی و هستی‌شناختی است در بحث تحلیل نظر جان لاک در باب همبستگی اجتماعی و نسبت آن با دین، می‌توان برخی از مبانی و پیش‌فرض‌های جان لاک را، که در موضع‌گیری او در موضوع بحث بیشتر مؤثرند، مورد شناسایی قرار داد.



«آزاد، برابر، و مستقل‌اند»، نتیجه گرفته می‌شود که «هیچ‌کس را نمی‌توان بدون رضایت او از این حالت خارج کرد و تابع قدرت سیاسی دیگری قرار داد» به نظر لاک، «هدف بزرگ و اصلی» همراهی مردم برای تشکیل حکومت و زیست‌اجتماعی «حفظ دارایی‌های آنهاست». (جان لاک، رساله‌ای درباره حکومت، همان، ص ۷۵-۷۲)

معنای «کارگزاری انسان» در اندیشه جان لاک
باتوجه به تلقی و دریافت جان لاک از انسان، می‌توان ادعا کرد که عقیده «انسان کارگزار مشیت خداوند» شعاری بیش نیست؛ چراکه «انسان کارگزار» در اندیشه او و دیگر خردمداران افراطی، انسانی است عاقل و آزاد که از قید طبیعت (قانون الهی) رها شده است. تنها چیزی که اصالت دارد انسان و خواسته‌های اوست، و حقوق طبیعی نیز قواعدی است که از حقوق افراد دفاع کند و حداکثر آزادی را تأمین نماید. انسانی که قادر است به مدد فروغ طبیعی (عقل) قانون وضع نموده و از طریق ایجاد قرارداد اجتماعی، زندگی اجتماعی خود را سروسامان بدهد؛ یعنی «برای شناخت قانون، به وحی و الهام تشریحی نیازی نیست. او مالک خویشتن است؛ زیرا عقل می‌گوید: «کسی که خدایگان خویش و زندگی خویش است، حق هم دارد ببیند چه وسایلی را برای نگاه‌داری این زندگانی باید به کار گرفت و تنها عقل بشری است که به وی می‌آموزد که چه چیزی برای هستی او ضروری و سودمند است (لئواشتر اوس، ۱۳۷۵، ۲۲۰ و ۲۴۲). بی‌تردید، چنین انسانی کارگزار اراده و خواست خود است، نه کارگزار مشیت الهی؛ چون او دیگر با خدا کاری ندارد و در پرتو فروغ عقل، به درجه‌ای از خودکفایی رسیده که بی‌نیاز از وحی و الهام است. در تأمین زندگانی‌اش حق دارد از وسایلی بهره‌مند شود،

خیال‌پردازی و توهم‌اند (جان لاک، ۱۳۸۱، ۶۳-۶۸).

مبانی انسان‌شناختی جان لاک

جان لاک معتقد است که انسان‌ها بنا به سرشت خود آزاد و برابر هستند، او سرشت انسان را پاک و متمایل به نیکی و عدل دانسته است. او انسان را کارگزار مشیت الهی می‌داند، اما کدام انسان؟ انسانی که مالک خویشتن بوده و منشأ همه ارزش‌هاست؛ زیرا به عقیده او، «خاستگاه همه ارزش‌ها بشر است، نه طبیعت؛ کار بشری است نه دهش طبیعت. در این اندیشه، انسانی که دارای «من» اندیشنده است، به مرکز و سرآغاز جهان اخلاقی تبدیل می‌شود؛ چراکه کانون اخلاقی یا خاستگاه اخلاق دیگر در وجود بشر است، نه در غایت و مقصودی (بیرون از او) که بشر به دنبال آن برود. از این منظر، علایم نجابت بشری دیگر در حق‌شناسی از سر تسلیم و رضا در اطاعت یا تقلید کورکورانه نیستند، بلکه در اعتماد به نفس بشری و در خلاقیت سرشار از امید اویند. بشر دیگر عملاً از قید طبیعت - که او بارها از آن به قانون الهی تعبیر می‌کرد- رها شده است (لئواشتر اوس، ۱۳۷۵، ۲۶۰-۲۶۱). انسان‌های طبیعی موردنظر لاک اگرچه اجتماعی‌اند، اما هیچ اقتداری را به رسمیت نمی‌شناسند. انسان‌هایی که بر مبنای خرد باهم زندگی کنند و مافوقی مشترک بر روی زمین ندارند که میان آنان قضاوت کند، همان نمونه‌ی کامل وضعیت طبیعی هستند. پس انسان به نیروی عقل و اندیشه می‌تواند قواعد زندگی و رفتار خود را دریابد. قواعد حاکم بر رفتار انسان از راه عقل می‌تواند به روشنی شناخته شود. این‌که انسان‌ها همه «برابر و مستقل‌اند» و «هیچ‌کس نباید به زندگی، سلامت، آزادی و یا دارایی دیگری زیان رساند»، نزد عقل بدیهی است. از آنجاکه انسان‌ها، بنابه طبیعت خویش،



این اندیشه، افراط در خودکفایی عقلی و آزادی نامحدود بشر هستند، در حالی که عقل با تمام توانایی و اعتباری که دارد، از درک همه عوامل سعادت انسان عاجز است (رجبی، ۱۳۷۹، ۴۶).

مبانی ارزش‌شناختی جان‌لاک

لاک و پیروانش در بعد ارزش‌شناختی، به این باور می‌رسند که ارزش‌های اخلاقی و حقوقی را باید با استمداد از عقل بشری تعیین کرد. این همان اندیشه اومانستی است که جوهر خود را در دریافت تازه از شأن و منزلت انسان به‌عنوان موجود خردگرا به‌جای خداگرا می‌پندارد (تونی، ۱۳۷۸، ۱۶۶). از مهم‌ترین برآیندهای اندیشه و تفکر جان‌لاک - به‌طور خاص - آزادی عنان گسیخته است. به‌گفته لاک، «بشر دیگر از اجبارهای طبیعت (قوانین طبیعی) عملاً رها شده است و در نتیجه، فرد بشری که هرگونه قید و بند از برابر میل به تملک وی برداشته شده است، از پیوندهای اجتماعی مقدم بر خواست فردی‌اش یا از هرگونه قراردادی، آزاد است (لئواشترائوس، ۱۳۷۵، ۲۶۱). به اعتقاد خردگرایان افراطی، انسان باید خود آزادی را در جامعه تجربه کند و از صلاحیت کامل برای ساختن جهانی نو و ایجاد تغییر و بهبود نسبت به آنچه هست، برخوردار می‌باشد. از این‌رو، جانب‌داری از ارزش‌های انسانی نظام‌های بسته فلسفی، اصول و عقاید دینی و استدلال‌های انتزاعی در این حوزه ناروا هستند (رجبی، ۱۳۷۹، ۴۷). این‌گونه آزادی مطلق - چنان‌که در عمل تجربه شده - نه‌تنها زمینه‌ساز شکوفایی بشر و تأمین‌کننده حقوق و نیازهای حقیقی او نشد، بلکه ابزاری برای ستم و سلطه ناروا بر انسان گردید و سر از فاشیسم و نازیسم درآورد. اندکی تأمل در خود دوستی انسان، که از امیال اصیل و ذاتی اوست، ما را به این نتیجه می‌رساند که اگر آزادی انسان در پرتو تعالیم دینی و ارزش‌های

آیا وظیفه‌ای هم دارد که در راستای تأمین سعادت خویش انجام دهد یا نه؟ خردگرایان چیزی نمی‌گویند. با توجه به مطالب مذکور، در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت: تعالیم و آموزه‌های جان‌لاک نه‌تنها نسبت به احکام برگرفته از تورات، بلکه در ارتباط با کل فلسفه سنتی حالت اعتراضی و جنبه انقلابی دارند. دقیقاً به‌همین دلیل، او از پیش‌گامان عصر روشن‌گری و نظریه‌پرداز حقوق طبیعی نوین در دنیای غرب مطرح می‌شود. اندیشه جان‌لاک مبنی بر این‌که انسان قادر است به مدد نیروی عقل و اندیشه قوانین زندگی و حاکم بر رفتار خود را کشف کند، و آنچه اصلت دارد انسان و خواسته‌های اوست، و منبع حقوق طبیعی انسان است نه خداوند (لئواشترائوس، پیشین، ص ۲۶۱) اندیشه‌ای اومانستی است؛ زیرا جوهره و روح اومانیسیم (humanis) که عنصر مشترک نحله‌های اومانستی را تشکیل می‌دهد، محور و معیار قرار گرفتن انسان برای همه‌چیز است (احمدی، ۱۳۷۷، ۸۳-۹۱؛ تونی، ۱۳۷۸، ۲۸).

مبانی هستی‌شناختی جان‌لاک

لاک و پیروانش، در بعد هستی‌شناختی، معتقد بودند که چیزی وجود ندارد که با سرپنجه قدرت عقلانی بشر قابل کشف نباشد. اگر گفتار لاک را، که نمونه‌ای از کردارهای اوست، مفسر اندیشه‌اش بدانیم، خواهیم‌دید که برخلاف ظاهر نظریه او، که منشأ حقوق طبیعت را فرمان‌های خداوند می‌داند و انسان را نیز کارگزار اراده الهی، لاک در یک حرکت تدریجی ماهرانه، هدف دیگری را تعقیب می‌کند و آن عبارت از گزینش «عقل» به‌جای «قانون الهی و طبیعی» است؛ چه این‌که از نظر او، به‌عنوان چهره ممتاز عصر خردمداری و با نفوذترین نظریه‌پرداز حقوق طبیعی نوین، منبع حقوق طبیعی انسان است، نه خداوند (کاتوزیان، ۱۳۸۱/۱/۵۹). مهم‌ترین نکته‌ها و آثار



مبانی معرفت‌شناختی جان لاک

لاک را می‌توان بانی فلسفه تجربه دانست. فلسفه تجربی نظریه‌ای است که می‌گوید همه دانش ما (شاید به‌جز منطق و ریاضیات) از تجربه ناشی می‌شود. لاک اصولاً به ما بعدالطبیعه به‌نظر تحقیر می‌نگرد. وی مفهوم جوهر را که بر مابعدالطبیعه عصر او حاکم بود مفهومی مبهم و بی‌فایده می‌داند. لاک پس از رد اندیشه‌های فطری می‌گوید: اندیشه‌های ما از دو مأخذ (احساس و تجربه) ناشی می‌شود. ادراک عملی ذهن خود ما که می‌توان آن را (حس درونی) نامید. چون ما فقط به‌وسیله اندیشه‌ها می‌توانیم بیندیشیم، و چون همه اندیشه‌ها از تجربه نتیجه می‌شوند، پس پیداست که هیچ‌یک از معارف ما نمی‌تواند مقدم بر تجربه باشد. لاک در نظریه‌ی معرفت خود معتقد بود که معرفتی که انسان از جهان پیرامون خود دارد با ادراک حسی به‌وجود می‌آید و منشأ منحصر علم را تجربه حسی می‌داند بنابراین او یک تجربه‌گرا بود و نمی‌توانست قائل به تصورات فطری باشد. اصالت تجربه یعنی ذهن انسان در ابتدای پیدایش مثل لوح سفیدی است و هیچ نقشی ندارد و تجربه حسی اعم از ظاهری و باطنی این لوح سفید را مملوء و منقش می‌سازد و سپس عقل بروی این‌موارد ترکیب و مقایسه انتزاع می‌کند و تصورات ما به‌وجود می‌آید (برتراند راسل، ۷۹۹-۷۹۰، ۱۳۹۰).

نقد و جایگزینی مبانی و روش‌شناسی قرآنی مبانی روش‌شناختی قرآن

مبانی روش‌شناختی دینی به دو صورت درون‌دینی و برون‌دینی است آن هم مدل بهره‌گیری از کتاب و سنت و عقل و تجربه و تاریخ و شهود است که با عقل به اثبات و حجیت دین پرداخته و با تجربه و تاریخ و شهود به تأیید باورهای دینی دست‌یافته و باورهای موجود در

اخلاقی و حقوقی مهار نشود، عقل و خرد وی تحت سیطره میل به‌خود دوستی و شعب آن به‌ویژه عواطف، غضب و شهوت - قرار می‌گیرد؛ نه‌تنها به هر خیانتی دست می‌زند، که برای آن توجیه علمی و عقلی نیز می‌سازد. ولی در آموزه‌های قرآنی و روایات معصومین (ع) بر این نکته تأکید شده است که انسان جدای از وحی، زمینه سقوط خود و جامعه را فراهم می‌کند (همان).

مبانی جامعه‌شناختی جان لاک

نظریه‌ی جامعه‌شناختی لاک در مورد منشأ تشکیل حکومت قرارداد اجتماعی است. وی می‌گوید که انسان آگاهانه به جامعه‌ی سیاسی و مدنی پا گذاشته است و توافق و رضایتی بوده است میان مردم. لاک برای افراد و اتباع جامعه، حقوقی از جمله آزادی، مساوات و حق طغیان قائل است و معتقد است که مردم خالق قانون‌اند و هدف قانون حفظ گروه اجتماعی است لذا باید محدود به منافع جامعه باشد و از آن تجاوز نکند. لاک عقیده داشت که طبیعت انسان با تعقل و بردباری مشخص می‌شود. در وضع طبیعی، همه مردم برابر و مستقل هستند، و هرکسی این حق طبیعی را دارد که از "زندگی، سلامتی، آزادی و دارایی‌هایش" دفاع کند. لاک معتقد بود که صرف داشتن حق دفاع در وضع طبیعی کافی نیست، بنابراین مردم جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند تا مناقشات بین آنها را از راه‌های مدنی توسط حکومت حل و فصل کند. لاک همچنین از اصل تفکیک قوا در حکومت طرفداری می‌کرد و اعتقاد داشت که در شرایطی که دولت از اختیارات خود سوء استفاده کند اقدام به انقلاب برای سرنگونی دولت نه‌تنها یک حق بلکه یک تکلیف برای مردم است (ر. ک: جان لاک، ۱۳۷۸، ۱۴۲-۱۳۵).



هرکسی دوست دارد با انجام دادن کارهایی که او را به کمال می‌رساند به سمت این غایت و هدف آرمانی حرکت کند. با توجه به این که هدف آفرینش، انسان کامل است. به این ترتیب، والاترین هدفی که شایسته است مطلوب انسان واقع شود نیز کمال حقیقی انسانی است؛ همان کمالی که خداوند با حکمت بالغه‌ی خود، انسان و بلکه جهان آفرینش را برای آن آفریده است. از سوی دیگر، در مبانی انسان‌شناختی کمال حقیقی انسان در قرب به خداوند است. بنابراین، نتیجه می‌گیریم که هدف نهایی؛ یعنی آنچه شایسته است مقصود نهایی او قرار گیرد، چیزی نیست جز قرب به خداوند متعال (مصباح یزدی، ۱۳۹۱، ۱۶۷-۱۷۳). با توجه به این که قوانین منشأ الهی دارند و هدف آن‌ها رسیدن انسان به سعادت و کمال دنیوی و اخروی است، و همه انسان‌ها موظفند در چارچوب قوانین الهی عمل کنند؛ رابطه انسان در ابعاد گوناگون آن (رابطه انسان با خدا، با خود، با دیگران و با طبیعت) بر محور دین تنظیم می‌گردد. از منظر دین آزادی واقعی و معقول تنها در سایه خداپرستی تأمین می‌شود و اندیشه توحیدی درصدد رهایی واقعی بشر از قید و بندهایی است که حاصل پیروی از هواهای نفسانی و استکباری است (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ۱۸۶-۱۸۳؛ محمود رجبی، ۱۳۷۹، ۴۸). انسان در پرتو رسالت انسانی‌اش، هم مُحق است و هم مکلف، و مُحق بودن او در کنار مسؤولیت‌پذیری‌اش قابل توجیه است؛ ولی در اندیشه جان‌لاک انسان صرفاً مُحق است، او دیگر تکلیفی - حتی در برابر خالق خود - ندارد. در نهایت، انسان‌مداری افراطی انسان را به جای خدا، و خرد را به جای وحی برمی‌گزیند. مبانی انسان‌شناسی در نگاه دینی فضیلت محور است و هدف غایی خود را در کمال انسان و رسیدن به معبود واقعی جست و جو می‌کند. بنابراین،

کتاب و سنت در جهت هدایت و سعادت انسان به کار گرفته می‌شود. ولی در اندیشه لاک و پیروانش فقط دو منبع حس و تجربه آن‌هم با محوریت عقل و بدون در نظر داشتن هدایت و سعادت و کمال انسان، اصل است. اشکال این نظریه (حس و تجربه) واضح است. این نظریه از عدم دقت کافی در تعیین حدود حس پیدا شده است. ما در خارج به وسیله حواس خود فنون و حوادث را مشاهده می‌کنیم، تغییرها و تبدیل‌ها را می‌بینیم و چون زمان را درک می‌کنیم قهراً مقارنه یا تعاقب این محسوسات را نیز درک می‌کنیم. اما این که بعضی از این حوادث در بعضی دیگر «تأثیر» دارند- که در گفته جان‌لاک به کلمه «می‌دهند» و «می‌کنند» تعبیر شده- قابل احساس نیست. مثلاً ما به وسیله حواس خود آتش و فلز (البته از آنها هم مجموعه‌ای از عوارض را احساس می‌کنیم نه چیز دیگر) و تماس آتش با فلز و حرارت و افزایش کمی فلز (انبساط) و مقارنه افزایش کمی و حرارت را درک می‌کنیم اما این که علّیت و تأثیری هم در کار هست به وسیله هیچ حسی درک نمی‌کنیم. آری، چون ما از راه دیگر تصویری از علت و معلول پیش خود داریم و از طرفی هم ادعان داریم که هر چیزی که نبود و بود شد علت و مؤثر وجودی می‌خواهد، با کمک احساس و تجربه می‌توانیم علت‌های خاص برای معلول‌های خاص، و روابط علت و معلولی اشیاء را کشف کنیم (مطهری، ۱۳۸۷/۱۹/۱۵۸).

مبانی انسان‌شناختی قرآن

بر اساس مبانی انسان‌شناختی، منشأ مطلوبیت هر امری برای انسان، حب ذات است. به عبارت دیگر، هرکسی از آنجاکه خود را دوست دارد، در طلب چیزی برای خود برمی‌آید و به انجام کاری دست می‌زند. دوست داشتن خود، مستلزم دوست داشتن و طلب کردن کمال خود است. بنابراین،



برای رسیدن به عالم مثال است و سرای دنیوی هدف نهایی زندگی بشر نیست و محدود به مکان و زمان است و همه چیز در آن به تدریج ایجاد می‌شود در حالی که در عوالم دیگر چنین نیست (همان، ۱۸/۴۱۷). نتیجه عملی این مبنا آن است که عالم ماده و جهان طبیعت آخرین نقطه حرکت تحول انسان نیست بلکه ابزاری است که انسان با زندگی در آن مقدمات رسیدن به عالم بالاتر و کمال خویش را کسب می‌کند برخلاف تمدن بشری که رسیدن به ماده را اعم از ثروت و قدرت هدف نهایی فعالیت خویش قرار داده‌اند.

غایت‌مندی جهان هستی (معاد)

از دیدگاه دین اسلام خداوند جهان را هدف‌مند خلق نموده است و نظام جهان، نظام احسن و اکمل است و خلقت آنها بازیچه و لهو و لعب نیست و حیات انسان به بدن مادی منتهی نمی‌شود بلکه انسا بعد از مردن، خانه کوچک را به خانه بزرگ تبدیل نماید (طباطبایی، ۱۱/۱۳۹۰/۱۶۹). معناداری عالم و جهان هستی، مستلزم اعتقاد به معاد، قیامت، حساب و ... است و اگر «عقبی» نباشد نمی‌توان از معناداری عالم سخن گفت؛ طبق این نظر، فعل خداوند از این جهت "حق" یا غایت‌مند است که در ماوراء خود و بعد از زوال آن فعل، اثر و دنباله و هدفی باقی می‌ماند، چون در غیر این صورت اثری از فعل خداوند باقی نمی‌ماند و باطل محسوب می‌شد «وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا...» (ص/۲۷). نتیجه عملی این مبنا آن است که انسان در هیچ‌یک از افعال خویش، جز به ذات خداوند، به فاعل دیگری اتکا ننماید و غایت دیگری را انتخاب نکنند و در فعالیت خود، به قوه و نیروی خداوندی به او ارزانی داشته اتکا نماید. از دیگر نتایج عملی اعتقاد به غایت‌مندی جهان آن است که اعتقاد به معاد، سبک زندگی انسان را در دنیا تغییر می‌دهد و موجب می‌شود که

انسان‌های خاص بر اساس ملاک (تعلیم اسماء و علم به حقایق) به مقام خلیفه‌اللهی می‌رسند و خلیفه مظهر صفات و کمالات الهی است. اما اندیشه انسان‌مداری تنها دغدغه امنیت و آزادی دارد و انسان کارگزار لاک مظهر کمالات عقل و خواسته‌های خود می‌باشد.

مبانی هستی‌شناختی قرآن

از مهم‌ترین مبانی هستی‌شناسی اسلامی اصل توحید و سلسله مراتبی بودن، غایت‌مندی و وجود روابط متقابل در جهان هستی و تبعیت تشریح از تکوین است.

اصل توحید

هستی‌شناسی نظام اجتماعی قرآن تک‌قطبی و تک‌محور که بر پایه توحید پایه‌گذاری شده است طبق آن فرضیه چند خدایی و چند دستگی رد می‌شود «لَوْ كَانَ فِيهِمَا آلِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ» (انبیاء/۲۲). تنها خداوند مالک و رب حقیقی آسمان و زمین و تمام مخلوقات بوده و تنها اوست که هر حکمی را بخواهد در عالم اجرا می‌کند و تدبیر همه امور عالم و هدایت آن بر عهده اوست (طباطبایی، ۱۹/۱۳۸۳/۲۵۲). در این نگرش عالم هستی به نوعی نشانه و علامت است نشانه بودن دلالت بر این دارد که عالم طبیعت دارای معنی است بدین صورت که هستی خالقی دارد و آنچه در آن است برای انسان خلق شده است و همه هستی از خداست (طباطبایی، ۱۸/۱۳۸۳/۲۴۲). و او در همه اجزاء نظام اجتماعی و عوامل انسانی تا پدیده‌های اجتماعی حضور دارد و احساسات و عواطف انسان مانند سایر پدیده‌های خلقت با اراده خداوند هم‌آهنگ است.

سلسله‌مراتبی بودن جهان هستی

هستی‌شناسی نظام اسلامی فقط به جهان مادی منتهی نمی‌شود بلکه آن پایین‌ترین مرتبه هستی به‌شمار می‌رود. از دیدگاه قرآن عالم ماده، ابزاری



خرد وی تحت سیطره میل به خود دوستی و شعب آن - به‌ویژه عواطف، غضب و شهوت - قرار می‌گیرد؛ نه تنها به‌هر خیانتی دست می‌زند، که برای آن توجیه علمی و عقلی نیز می‌سازد. در مبنای ارزش‌شناختی دینی اساساً رسیدن به هدف نهایی تنها با ایمان به پروردگار و باور قلبی به این‌که با بازگشت به‌سوی او به پاداش و کیفر رفتارهای خود دست می‌یابیم و نیز ایمان به کسانی که راه صحیح زندگی و رسیدن به هدف مطلوب را از طرف خدای متعال نشان می‌دهند، امکان‌پذیر است. مبنای ارزش‌شناختی مورد استفاده از این قرارند: هم‌ای ارزش‌ها به ارزش هدف نهایی وابسته‌اند؛ هدف نهایی قرب به خداست و نیت در ارزش کار اختیاری تأثیر دارد. در نتیجه در دیدگاه اسلام، کار اختیاری تنها در صورتی ارزشمند تلقی می‌شوند که به نیت قرب به خداوند انجام شود. اما روشن است که چنین نیتی تنها در صورتی امکان‌پذیر است که فاعل به وجود خداوند اعتقاد قلبی (ایمان) داشته باشد. براساس تأثیر نیت در ارزش کار اختیاری، دستیابی به این کمال بدون ایمان به بقای زندگی پس از مرگ و جاودانگی آن، ممکن نخواهد بود. راه تشخیص ارزش‌مندی کارها رجوع به وحی الهی و متون دینی است. چه آنکه هدایت تشریحی خداوند، راه‌های حقیقی به‌سوی کمال را به انسان نشان می‌دهد. هم‌چنین تشخیص ارزش برتر در تزامن این کارها نیز براساس مضامین وحی امکان‌پذیر خواهد بود. براساس مبنای ارزش‌شناختی دینی نتیجه این می‌شود که سیاست‌ها، برنامه‌ها و نحوه‌ی به‌کارگیری عوامل و روش‌ها باید با ارزش‌های اصلی دینی، که در متون دین اسلام آمده است، منطبق باشند (مصباح یزدی، ۱۳۸۰، ۲۸۹-۲۹۶).

انسان همواره خواست خداوند را در تمامی اعمال و رفتار خویش لحاظ نموده و زندگی دنیوی را با عبودیت و اطاعت از قوانین دین الهی منطبق نماید.

تشریح بر اساس تکوین

قوانین و دستورات نظام اجتماعی قرآن کریم برخاسته از قوانین حاکم بر عالم تکوین تنظیم شده است. خداوند دو نوع کتاب برای هدایت بشر تعیین نموده است اول، کتاب تکوین که حاکی از نظم و ترتیب عالم و نشانگر خالق یکتاست. دوم، کتاب شریعت یعنی قرآن که ترجمان کتاب تکوین است و مردم را به سیر در زمین و آسمان و کشف رموز آن دعوت نموده است (طباطبایی، ۱۳۸۳ / ۱۵ / ۱۱ / ۳۰۹ / ۳۹۷). طبق آیات قرآن کریم، خداوند عالم تکوین و جهان هستی را فقط به‌خاطر انسان خلق نموده است تا انسان بتواند در آن به کمال حقیقی خود نایل آید. «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...» (بقره/۲۹). دین الهی تنها روش و سبک زندگی است که جهان خلقت و عالم تکوین، انسان را به آن دعوت می‌نماید و فطرت انسان، او را به‌سوی آن سوق می‌دهد. علامه طباطبایی (ره) حق‌مداری را از خصوصیت شایع عالم تکوین می‌دانند و بر اساس آن، اولاً هرگونه امر باطل را در خلقت جهان هستی از بین می‌رود «مَّا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا» ثانياً حق‌مداری سنت جاری در تکوین و سنت الهی و اساس تربیت الهی است و بر طبق آن خداوند یکی است و مانندی ندارد و تنها اوست که امور جهان را تدبیر نموده و عبودیت مخصوص اوست (طباطبایی، ۱۳۸۳ / ۱ / ۴۰).

مبنای ارزش‌شناختی

اندکی تأمل در خود دوستی انسان، که از امیال اصیل و ذاتی اوست، ما را به این نتیجه می‌رساند که اگر آزادی انسان در پرتو تعالیم دینی و ارزش‌های اخلاقی و حقوقی مهار نشود، عقل و

مبانی معرفت‌شناختی و ابزارهای معرفت در نظام اجتماعی قرآن

در نظام اجتماعی قرآن کریم قانون نسبیت علم رد و بر کاشفیت علم از واقعیت جهان تاکید شده و حس، عقل، قلب، وحی، کشف و شهود، تاریخ و قوانین اجتماعی، از ابزار معرفتی نظام اجتماعی محسوب می‌شود. اعتقاد به الهیات توحیدی و هستی‌شناسی خاص نظام اجتماعی قرآن بر نحوه بکارگیری ابزار معرفتی آن تاثیر گذاشته و آن را از سایر نظام‌ها و مکاتب متمایز می‌سازد.

حس و تجربه

قرآن کریم برای شناسایی خالق جهان، از امور طبیعی و عالم طبیعت و محسوسات مدد گرفته است و می‌فرماید: (وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مُشْتَبِهًا وَ غَيْرِ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) (انعام/۹۹) و در آیات دیگر از آسمان و زمین، دریا و خشکی، شب و روز، باد و باران و همه و همه وسیله‌ای برای تفکر و تدبیر در امور جهان معرفی شده‌اند (بقره/۱۶۴). با توجه به این که با ادراکات حسی، نمی‌توان همه واقعیات جهان را از جمله اعتقاد به مبدأ و معاد را درک نمود و برای همین است که قرآن کریم وقتی به طبیعت و محسوسات جهان اشاره می‌نماید، از آنها به آیات تعبیر نموده است تا بدین‌صورت انسان هم زمان با دیدن آنها درباره آنها تعقل و ادراک نماید و به خالق و صانع آن پی‌برد (طباطبایی، همان، ۱/۱۳۸۳/۵۹۷). به عبارت دیگر ادراکات حسی، به علت محدودیت زمانی و مکانی و این که محدود به جهان ماده و موجودات مادی هستند، جزئی و شخصی هستند نه کلی و عمومی و نمی‌توانند از حد و توان خویش پا فراتر بگذارند و شناسایی

خالق جهان، عالم غیب، خصوصیت جهان بعد از مرگ، استکمال و خصوصیات نفس انسان در حیطه شناخت ادراکات حسی نیست (طباطبایی، ۱/۱۳۸۵/۱/۱۱۹/۷/۴۰۱). اعتقاد به ناکافی بودن ادراکات حسی در منابع معرفتی نظام اجتماعی قرآن یکی از افتراقات اساسی نظام قرآن با سایر نظام‌ها و مکاتب است که بر اصالت ماده پایه‌ریزی شده‌اند و از نظر اسلام، اعتقاد به اصالت حس، نتیجه‌ای جز انکار توحید و مقاومت در برابر مسائل معنوی و باطنی خواهد داشت و برطبق آن فرد منافع مادی و حسی را بر معارف الهی و اخلاق فاضله ترجیح داده و مفهوم انسانیت به فراموشی سپرده می‌شود (همان/ ۱/۳۱۷).

عقل

با وجود آن که قرآن کریم برای عقل جایگاه و اهمیت ویژه‌ی قابل است ولی کارکردهای عقل به‌عنوان منبع معرفتی انسان، آن منبع تمام و کاملی برای رسیدن انسان به کمال نیست بلکه آن فقط در مسایل و موضوعاتی که بدان احاطه دارد، می‌تواند حکم نماید ولی در مسائلی که موضوع آنها از حیطه آن خارج است، عقل نمی‌تواند حکم نماید و فرد باید به معارف الهی- که از طریق وحی و گفتار انبیاء و امام معصوم (ع) بدست می‌آید- مراجعه نماید (همان/۱/۵۷۵).

قلب (کشف و شهود)

یکی دیگر از ابزار معرفت، شناخت توسط قلب انسان است بدین‌صورت که قلب و دل انسان به‌تنهایی می‌تواند برخی از مسایل و حقایق را بشناسد که از آن به کشف و شهود نیز تعبیر می‌شود. از دیدگاه عرفا کشف و شهود ممکن است ربانی یا شیطانی باشد و برای اطمینان از صحت آنها باید بر عقل، کتاب الهی و سنت پیامبر اسلام (ص) و اهلبیت (ع) مراجعه شوند (حسینی کوهساری، اسحاق، ۱۳۸۹، ۱۴۱-)



نجم/ ۳-۴) و سخن منتسب به خداوند است (طباطبایی، ۱۹/۱۳۸۳ / ۴۳). اصولاً کرامت انسانی در تکریم و تعظیم دو ارزش الهی عقل و دین است. اقبال به یکی و ادبار از دیگری و جداانگاری میان آن دو پیامدها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری به دنبال دارد. افراط در بها دادن به عقل و تکیه تام و تمام بر آن و کنار گذاردن دین موجب طغیان انسان و بی‌بندوبار شدن او می‌شود. بحران و بی‌هویتی انسان معاصر نیز زاینده خردگرایی افراطی جهان کنونی است. بر این اساس، برخی از اندیشمندان غربی عصر حاضر را «عصر اضطراب نامیده‌اند. به گفته آرتور کوستلر، «انسان قرن بیستم یک روان‌پریش سیاسی است؛ چراکه برای پرسش از عناصر زندگی، هیچ پاسخی نمی‌یابد (خسروپناه، ۱۳۷۹، ۸۳). از سوی دیگر، دین جدا از عقل، یا فاقد فهم خواهد بود و یا در انواع خرافه‌ها و تحریف‌ها آلوده می‌گردد و در نهایت، در دام تعصب و تحجر گرفتار می‌آید. بنابراین، آنچه در نقد اندیشه اومانستی و لیبرالیستی عصر روشن‌گری در این زمینه مطرح است، افراط در خودکفایی عقل انسان و هم‌تراز دانستن خدا و خرد یا تفوق خرد بر خدا و خردگرایی را به جای خداگرایی نهادن است (نوروزی، ۱۳۸۰، ۳۲-۳۴). اما از منظر دین اسلام، عقل هادی انسان به سوی خدا و زمینه‌ساز شناخت و عبادت اوست. "العقل ما عِبِدَ به الرحمن و اکتسب به الجنان" (کلینی، ۱/۱۳۶۹ / ۱۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳/ق/ ۱ / ۱۱۶-۱۱۷)؛ عقل چیزی است که به وسیله آن خدا پرستش می‌شود و بهشت به دست می‌آید. بالاتر از این، عقل با حیا و دین لازم و ملزوم‌اند و از یکدیگر جدا نمی‌شوند.

نتیجه‌گیری

با بررسی دو دیدگاه اسلام و جان لاک در مورد حقوق طبیعی براساس مبانی آنان به نظر می‌رسد

(۱۷۲). راه شناخت قلبی و اسرار خلقت، علاوه بر داشتن پشتوانه علمی نیاز به تصفیه نفس و مراقبت‌های باطن و مجاهدت دینی دارد و در اثر اخلاص و بندگی خداوند، می‌توان به ماهیت وجودی برخی از حقایق جهان هستی، دست یافت زیرا طبق آیه صد و شصت سوره صافات، خداوند خود را بر دل انسان‌های مخلص، شناسانده است و آنها را بر حقایق هستی آگاه نموده است (توسط شناخت شهودی و قلبی، و آنها تنها کسانی هستند که خدا آنها را بر خود خالص کرده و غیر خدا در آن جایی ندارد. (طباطبایی، ۱۳۸۳، ۱۷ / ۲۶۵).

وحی

طبق معارف قرآن کریم، انسان نمی‌تواند با ابزارهای معرفتی (عقل، حس، قلب)، سعادت خود را تضمین نماد و این ابزارها به رغم این که توانایی‌های متعدد در برخی از موارد دچار خطا و اشتباه می‌شوند و منبع مطمئن و همیشگی محسوب نمی‌شوند و خداوند برای سعادت و خوشبختی انسان راه خاصی را برای سخن گفتن با خلق انتخاب نموده است که از هر خطایی مصون است. و در کنار عقل، نقش راهنما و ارشاد و گاهی تایید را ایفا می‌نماید (ما حکم به الشرع، حکم به العقل) (طباطبایی، ۱۳۸۳/ ۱۸ / ۱۱۰). به عبارت دیگر عقل و حس آن دسته از منابع معرفتی هستند که اولاً از افق مفهوم، با واقعیت ارتباط دارند در حالی که وحی بدون وساطت مفهوم واقعیت را در معرض آگاهی خود قرار می‌دهد ثانیاً حس، جزئیات عالم هستی و عقل توانایی درک کلیات را دارند در حالی که وحی هم جزئیات و هم کلیات را باهم درک می‌کند و به عنوان متمم و مکمل حس و عقل به کار می‌رود (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۲۲۵). ثالثاً وحی در مقایسه با سایر ابزارهای معرفتی، خطاناپذیر است (وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ).



ارزش‌شناختی دینی اساساً رسیدن به هدف نهایی تنها با ایمان به پروردگار و باور قلبی به این‌که با بازگشت به سوی او به پاداش و کیفر رفتارهای خود دست می‌یابیم و نیز ایمان به کسانی که راه صحیح زندگی و رسیدن به هدف مطلوب را از طرف خدای متعال نشان می‌دهند، امکان‌پذیر است. ولی جان‌لاک و پیروانش در بعد ارزش‌شناختی، به این باور می‌رسند که ارزش‌های اخلاقی و حقوقی را باید با استمداد از عقل بشری تعیین کرد. اینان جوهر خود را در دریافت تازه از شأن و منزلت انسان به‌عنوان موجود خردگرا به‌جای خداگرا می‌پندارد. (۴) در اندیشه جان‌لاک هدف حقوق طبیعی حمایت از حقوق فردی است و قواعد حاکم بر رفتار انسان از راه عقل می‌توانند به‌روشنی کشف شوند. منبع حقوق طبیعی در این دوره انسان است، نه خداوند. به‌عبارت دیگر از منظر لاک، قانون طبیعی همان حکم عقل است؛ یعنی قانونی که به مدد فروغ عقلی قابل شناسایی است و برای شناخت آن به وحی و الهام تشریحی نیازی نیست؛ چون این قانون از نظر همه موجودات عاقل و خردمند، امری مسلم و معقول است. در این نگاه انسان با خدا کاری ندارد و در پرتو فروغ عقل، به درجه‌ای از خودکفایی رسیده که بی‌نیاز از وحی و الهام است. در تأمین زندگانی‌اش حق دارد از وسایلی بهره‌مند شود، آیا وظیفه‌ای هم دارد که در راستای تأمین سعادت خویش انجام دهد یا نه؟ خردگرایان چیزی نمی‌گویند. اما در آموزه‌های دینی هدف حقوق طبیعی اجرای اراده پروردگار و تأمین اطاعت از اوست. در این بینش مواهب طبیعی برای انسان و کمال او آفریده شده است یعنی میان انسان و سایر مواهب عالم (علاقه و رابطه غایی) وجود دارد. (۵) در اندیشه لاک انسان صرفاً مُحِق است، او دیگر تکلیفی - حتی در برابر خالق

فاصله قابل‌توجهی بین دیدگاه جان‌لاک و آموزه‌های دینی وجود دارد. باتوجه به مبانی انسان‌شناسی، معرفت‌شناسی، هستی‌شناسی، ارزش‌شناسی و روش‌شناسی در نگاه قرآن کریم علاوه بر این‌که جنبه‌های این جهانی حیات انسانی و بهره‌مندی از مواهب طبیعی مورد توجه است، هدف و جهت‌گیری آن به‌سمت امور غیر مادی و جهان دیگر نیز مورد تأکید است که بیان و تشریح چنین تبیینی، در توان حس و تجربه نیست. با این تبیین نه‌تنها جامعیت قرآن ثابت می‌شود، بلکه نشانگر عمق دیدگاه قرآن و توجه همه جانبه به حقوق افراد انسانی است. در این نگاه، ضمن تأکید بر رابطه تنگاتنگ حیات اجتماعی بشر با خالق هستی و محوریت انسانی، که به‌عنوان اشرف مخلوقات است، بر هدف‌داری حیات او و تعیین خطوط اصلی آن توسط وحی، تأکید شده و بر مسیر زندگی او به‌سوی خدای متعال که به او حیات فردی و اجتماعی عطا کرده و خواهان سیر واقعی او با معرفتی همه‌جانبه به‌سوی اوست، تأکید شده است. مهم‌ترین تمایز و تغییر دو نگرش که در مبانی نمایان می‌گردد و در نتیجه اهداف و شیوه‌ها، آثار ویژه‌ای در پی دارند عبارتند از: (۱) در اندیشه جان‌لاک هر انسانی با تولد خویش و براساس قوانین طبیعی حق بهره‌مندی از حقوق را طبیعی دارد و هدف غایی خلقت انسان در آن نقشی ندارد. ولی در بینش اسلامی بهره‌مندی انسان از حقوق طبیعی بر اساس حکمت الهی و هدف غایی خلقت انسان که همان حرکت تکاملی او و قرب الی‌الله است مطرح است. (۲) در اندیشه جان‌لاک، منشأ و قوام حقوق، خواست مردم و قرارداد اجتماعی است، و حکومت امری عرفی به‌شمار می‌آید. ولی در آموزه‌های دینی منشأ حقوق، اراده الهی است و انسان با اذن پروردگار وضع قانون می‌کند. حکومت دینی ریشه وحیانی دارد. (۳) در مبانی



عقل، تجربه، تاریخ و شهود است که با عقل به اثبات و حجیت دین پرداخته و با تجربه و تاریخ و شهود به تایید باورهای دینی دست‌یافته و باورهای موجود در کتاب و سنت در جهت هدایت و سعادت انسان به کار گرفته می‌شود. ولی در اندیشه لاک و پیروانش فقط دو منبع حس و تجربه آن‌هم با محوریت عقل و بدون در نظر داشتن هدایت و سعادت و کمال انسان، اصل است.

خود - ندارد. وظیفه دولت مبتنی بر قرارداد اجتماعی نیز حفظ حقوق انسان است، نه تبیین رسالت انسانی او و اگر تکلیفی هم باشد، برای تأمین حق آزادی اوست. در نهایت، انسان‌مداری افراطی انسان را به جای خدا، و خرد را به جای وحی برمی‌گزیند. اما بر اساس آموزه‌های دینی انسان در پرتو رسالت انسانی‌اش، هم محق است و هم مکلف، و محق بودن او در کنار مسؤولیت‌پذیری‌اش قابل توجیه است. (۶) روش‌شناختی دینی با بهره‌گیری از کتاب، سنت،

منابع

۱. قرآن کریم
۲. احمدی، بابک، معمّای مدرنیته، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۷.
۳. اشتراوس، لئو، حقوق طبیعی و تاریخ، ترجمه باقرپرهام، تهران، نقش جهان، ۱۳۷۳.
۴. برتراند، راسل، تاریخ فلسفه غرب، ترجمه نجف دریابندی، تهران نشر کتاب پرواز، ۱۳۹۰.
۵. تونی دیویس، اومانسیم، ترجمه عباس مخبر، تهران، مرکز، ۱۳۷۸.
۶. جان لاک، رساله‌ای در باب حکومت، ترجمه حمید عضدانلو، تهران نشر نی، چاپ اول: ۱۳۸۷.
۷. جان لاک، جستاری در فهم بشر، ترجمه شفق رضا زاده، تهران نشر شفق، ۱۳۸۱.
۸. جان لاک و اندیشه آزادی، فرهاد شریعت، تهران نشر آگه، ۱۳۸۰.
۹. جاوید، محمد جواد؛ شفیق زاده خولنجانی، مصطفی؛ شفیق زاده خولنجانی، مجتبی؛ جوهر حقوق بشر در نظریه های حقوق طبیعی و حقوق اسلامی، مجله: پژوهش نامه اندیشه های حقوقی، ش ۳، ۱۳۹۱.
۱۰. جاوید، محمد جواد، فلسفه حقوق طبیعی انسان در اسلام، مجله: پژوهشنامه حقوق اسلامی، ش ۲۵، ۱۳۸۶.
۱۱. حسینی کوهساری، اسحاق، مبانی تفسیر عرفانی، قم چاپ زائر، ۱۳۸۹.
۱۲. خسروپناه، عبدالحسین، کلام جدید، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی، چاپ ۱۳۷۹.
۱۳. رجبی، محمود، انسان شناسی، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹.
۱۴. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیرالقرآن، قم نشر اسماعیلیان چاپ دوم ۱۳۸۳.
۱۵. قربان‌نیا، ناصر، (قرائت های گوناگون از حقوق طبیعی) مجله فقه و حقوق ۱۳۸۳، شماره ۱.
۱۶. کاتوزیان، ناصر، فلسفه حقوق، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۷۷.
۱۷. کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، تهران، نشر کتاب فروشی علمیه اسلامی، چاپ اول ۱۳۶۹.
۱۸. گروهی از نویسندگان(زیر نظر علامه محمد تقی مصباح یزدی) فلسفه تعلیم و تربیت، تهران مؤسسه فرهنگی مدرسه برهان، چاپ دوم ۱۳۹۱.
۱۹. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، نظریه حقوقی اسلام، قم نشر مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره) ۱۳۸۰.
۲۱. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران انتشارات صدرا، چاپ اول: ۱۳۸۷.
۲۲. محمودی، سید هادی؛ حمیدزاده، رضا؛ امکان سنجی گذار به حقوق طبیعی در روابط بین الملل، مجله: تحقیقات حقوقی، ش ۸۶، ۱۳۹۸.
۲۳. نوروزی، محمدجواد، درآمدی بر نظام سیاسی اسلام، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره)، ۱۳۸۰.
۲۴. وکیو، ژرژ دل، تاریخ فلسفه حقوق، ترجمه جواد واحدی، نشر نیل، تهران، ج ۱، ۱۳۳۶.
۲۵. ویل دورانت، تاریخ تمدن، ترجمه گروهی از مترجمان، تهران، انتشارات آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱.

26. <http://pajoohi.ir>
27. www.aftabir.com
28. www.akairan.com
29. <https://fa.wikipedia.org>

قلمرو حریم خصوصی خانواده از منظر قرآن کریم و حقوق بشر

محمد مهدی کریمی‌نیا^۱ و نجیب‌الله حکیمی^۲

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
۲- دکتری قرآن و حقوق از جامعه المصطفی (ص) العالمیه (نویسنده مسئول: Hakiminajib21@gmail.com)

چکیده

یکی از حقوق اساسی و بنیادین بشر که در منابع اسلامی و قوانین کشورها و اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است حق برخورداری اشخاص از مصونیت و حرمت حریم خصوصی است. نیاز به حریم خصوصی، امری بسیار ریشه‌دار و فطری است که با کرامت انسانی ارتباط وثیق دارد و هدف از آن تکریم تمامیت مادی معنوی انسان و تعالی شخصیت او می‌باشد و رعایت این حق فضای لازم برای رشد و تکامل شخصی افراد را فراهم ساخته و از تنزل انسان‌ها در حد یک ابزار جلوگیری می‌کند. نوشتار پیش‌رو با درک ضرورت تحلیل این موضوع، می‌کوشد به این سؤال پاسخ داده شود که قلمرو و مصادیق این حق برای افراد مخصوصاً اعضای خانواده تا کجاست و چه بخش‌هایی را شامل می‌شود؟ تا افراد با شناخت حریم شخصی دیگران از هر دخالتی که موجب نقض آن حریم می‌شود اجتناب کنند. برآیند این تحقیق نشان می‌دهد که: از منظر قرآن کریم و نگاه‌های حقوقی، مرزها و محتوای آنچه به‌عنوان حریم خصوصی تلقی می‌گردد عبارتند از: محدوده‌ای از عقاید، احساسات، رفتارها و ویژگی‌های هر عضو خانواده که برای دیگر اعضا آشکار نباشد یا علی‌رغم آشکار بودن، از افشای آن راضی نباشد و در مقابل ورود و نظارت دیگر اعضا واکنش نشان دهد، حریم خصوصی تلقی می‌گردد؛ مانند حریم خصوصی جسمانی و جنسی، داشتن خلوت و تنهایی در منزل خصوصی و اتاق شخصی، کنترل بر اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی، حریم شخصیت، رهایی از نظارت‌های سمعی و بصری، حمایت در برابر تفتیش‌ها، تجسس‌ها و رهگیری‌ها و نهایتاً حق تعیین سرنوشت برای خود.

واژه‌های کلیدی: حریم، حریم خصوصی، خانواده، قرآن، حقوق بشر، حقوق و آزادی‌های فردی.

مقدمه

منوط به شناسایی و کاربست همین قواعدی است که علاوه بر تأکید عناصر مشترک در تحکیم خانواده به نحوی حریم خصوصی را مورد شناسایی قرار داده است. به نظر می‌رسد یکی از دلایل اهمیت ندادن به حریم خصوصی دیگران نبود آگاهی کافی از دستورات اسلام در باره حریم خصوصی است. از این‌رو، در مقاله حاضر تلاش بر این است که تصویری از دستورات و آموزه‌های دینی را درباره حق حریم خصوصی خانواده ارائه دهد. تا افراد با شناخت حریم شخصی دیگران از هر دخالتی که موجب «نقض حریم خصوصی» می‌شود اجتناب کنند.

انسان‌ها بنا بر فطرت خود، قلمروهایی را محدود کرده خصوصی خویش می‌دانند و در آن پناه می‌گیرند و انتظار دارند دیگران بدون رضایت‌شان به آن قلمرو وارد نشوند و به اطلاعات آن دسترسی نداشته باشند ولی توجه به عواطف عمیق و همبستگی روحی حاکم بین اعضا، خانواده این ذهنیت را در انسان پدید می‌آورد که شاید هیچ‌گونه حریمی برای ورود هر یک از اعضا در امور دیگر اعضا وجود نداشته باشد؛ ولی با نگاهی در آموزه‌های قرآنی و قواعد اخلاقی و نیز حقوقی حاکم بر مناسبات خانوادگی درمی‌یابیم که استحکام و بقای مناسبات عاطفی و اجتماعی

مفهوم‌شناسی حریم در لغت

واژه‌های همچون حرمت، تحریم، حرام و إحرام و مشتقات آن، از ماده‌ی «حرم» (حاء وراء و میم) مشتق شده‌اند و همه به یک معنای کلی که همان منع و تشدید است برمی‌گردد. حریم به قسمتی اطلاق می‌شود که مس و لمس آن تحریم شده است و نباید به آن نزدیک شد» (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۲۲۲؛ صاحب‌بن عباد، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۹۴؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ذیل ماده «حرم»). از مجموع کلمات اهل لغت چنین بدست می‌آید که حریم، در سه معنا و مفهوم نزدیک به هم به کار می‌رود: «حریم به معنای آنچه نباید هتک شود»، «حریم به معنای آنچه مورد حمایت است»، «حریم به معنای ممنوعیت تماس».

حریم خصوصی در اصطلاح حقوقی

حریم خصوصی آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی، برخوردار می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری نسبت به آن، اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن، یا دسترسی به آن، بدون اذن او مجاز نیست (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۱ش، ج ۳، ص ۱۶۵۳؛ کاتوزیان، ۱۳۸۳ش، ص ۱۰۰-۱۰۱؛ انصاری، ۱۳۸۶ش، ص ۱۴-۱۳). به عبارت دیگر، در تعریف آن می‌توان گفت: قلمروی از زندگی هر فرد است که آن فرد نوعاً و عرفاً یا با اعلان قبلی، انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته باشند یا به آن قلمرو وارد نشوند یا به آن قلمرو نگاه یا نظارت نکنند یا به هر صورت دیگری وی را در آن قلمرو مورد تعرض قرار ندهند.

خانواده

خانواده مهم‌ترین نهاد اجتماعی است که آرامش زن و مرد توسط یکدیگر و روابط عاطفی پدر و مادر به فرزندان زمینه شکل‌گیری آن را فراهم آورده است. بنابراین زوجیت و قرابت، عناصر اصلی سازنده خانواده به‌شمار می‌آید. عواطف عمیق و همبستگی روحی حاکم بین اعضا، خانواده را به صورت نهاد ممتازی جلوه‌گر می‌سازد (کاتوزیان، ۱۳۶۸ش، ج ۱، ص ۴).

مصادیق حریم خصوصی خانواده

قلمرو و مصادیق حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی باید براساس معیارهای صورت پذیرد. بدون تردید مؤلفه‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی در شناسایی مصادیق حریم خصوصی در میان اعضای خانواده مفید و مؤثرند. ولی با آن‌هم قلمروی زندگی فرد در خانواده می‌تواند حریم خصوصی تلقی شود که یک عضو متعارف خانواده انتظار دارد فارغ از مداخله دیگر اعضا باشد و دیگر اعضای خانواده نیز در فرایند زندگی مشترک در نهاد خانواده آن‌را به‌عنوان یک امر متعارف مورد پذیرش قرار داده باشند. اعضای خانواده در برخورد و ارتباطات خانوادگی در برخی امور برای خود حریم خصوصی قائل‌اند که در ذیل به تبیین آن پرداخته می‌شود:

منزل و خلوت افراد

هریک از اعضای خانواده برای تنظیم احساسات و آرامش فکری و روحی نیاز به مکان و حریم خلوت دارد. اتاق خصوصی زن و شوهر حریم مکانی آن‌هاست. اتاق اختصاصی هر یک از فرزندان خانواده حریم خصوصی وی به‌شمار می‌آید. پیش‌بینی اتاق اختصاصی به معنای محدودساختن دسترسی دیگر اعضای خانواده به آن اتاق است که از شناسایی حق خلوت در مناسبات خانوادگی حکایت دارد.



حمایت از حریم منزل در آیات قرآن

در قرآن کریم به ضرورت رعایت حریم خانه‌ی غیر، تصریح و حتی به شیوه ورود آن نیز اشاره شده است. خداوند متعال خطاب به اهل ایمان می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَ تَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ* فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُوذَنَ لَكُمْ وَ إِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكى لَكُمْ وَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ* لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ، (نور/۲۷- ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آوردید! در خانه‌هایی غیر از خانه‌هایتان، وارد نشوید تا اینکه به درستی رخصت طلبید و بر اهل آن (خانه) سلام کنید این برای شما بهتر است باشد که شما متذکر شوید. و اگر هیچ کس را در آن (خانه) نیافتید، پس در آن وارد نشوید تا اینکه به شما رخصت داده شود و اگر به شما گفته شود: باز گردید! پس باز گردید این برای شما [پاک‌کننده‌تر و] رشدآورتر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست. هیچ گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیرمسکونی شوید که در آن‌ها کالا (و بهره‌ای) برای شماسست و خدا آنچه را آشکار می‌نماید، و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند.» از آن‌جا که انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است، دارای دو محیط زندگی خصوصی و عمومی است، که هر کدام ویژگی‌های خاصی دارند. انسان در زندگی اجتماعی با لباس رسمی حضور می‌یابد و زندگی عمومی او آشکار و تحت نظر مردم است. اما در زندگی فردی و خانوادگی در محیط در بسته‌ی خانه است و در این محیط قید و بندهای اجتماعی را کنار می‌گذارد و با خانواده‌اش زندگی آرامی را می‌گذراند. حتی در میان اعضای خانواده

افراد هر کدام دارای اتاق شخصی است که به نحوی برای خود حریم شخصی قائل‌اند و از آگاه شدن دیگر اعضای خانواده نسبت به آن اباء دارد.

آیات فوق در صدد تأمین آرامش و امنیت در زندگی خصوصی انسان است. در این آیات بر چند مطلب اساسی تأکید شده است: الف) اصل بر آن است که انسان حق ندارد داخل خانه‌های مردم شود. ب) حریم شخصی و خلوت افراد را محترم بشمارید. ج) برای ورود به منزل مردم نیاز به اجازه‌ی دوستانه‌ی قبلی است. د) اگر کسی در خانه نبود، باز هم حق ورود به منزل مردم را ندارید. ه) اگر صاحب‌خانه آمادگی پذیرایی از شما را نداشت یا به هر دلیل نخواست شما را به داخل خانه راه دهد، شما بازگردید و ناراحت نشوید. این چند مطلب اساسی، آرامش و امنیت زندگی خصوصی انسان‌ها را تأمین می‌سازد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۴، ص ۴۳۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹ش، ج ۶، ص ۳۲۶-۳۲۹).

حمایت از حریم خلوت افراد در آیات قرآن

اسلام برای تنظیم روابط اجتماعی به نحو صحیح و پیشگیری از نقض حریم‌ها و تبعات ناشی از آن به ویژه از لحاظ تربیتی در محیط خانه مقرراتی را وضع نموده است. و از اهل یک خانه نیز خواسته شده است که برای ورود به اتاق پدر و مادر در ساعت‌های خاصی اجازه بگیرند. خداوند متعال می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ فِيهَا مَتَاعٌ لَكُمْ وَ اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَ مَا تَكْتُمُونَ، (نور/۲۷- ۲۹)؛ ای کسانی که ایمان آوردید! در خانه‌هایی غیر از خانه‌هایتان، وارد نشوید تا اینکه به شما رخصت داده شود و اگر به شما گفته شود: باز گردید! پس باز گردید این برای شما [پاک‌کننده‌تر و] رشدآورتر است و خدا به آنچه انجام می‌دهید داناست. هیچ گناهی بر شما نیست که وارد خانه‌های غیرمسکونی شوید که در آن‌ها کالا (و بهره‌ای) برای شماسست و خدا آنچه را آشکار می‌نماید، و آنچه را پنهان می‌دارید، می‌داند.» از آن‌جا که انسان دارای دو بعد فردی و اجتماعی است، دارای دو محیط زندگی خصوصی و عمومی است، که هر کدام ویژگی‌های خاصی دارند. انسان در زندگی اجتماعی با لباس رسمی حضور می‌یابد و زندگی عمومی او آشکار و تحت نظر مردم است. اما در زندگی فردی و خانوادگی در محیط در بسته‌ی خانه است و در این محیط قید و بندهای اجتماعی را کنار می‌گذارد و با خانواده‌اش زندگی آرامی را می‌گذراند. حتی در میان اعضای خانواده



و به اجرا در آورند. اسلام برای جلوگیری از مفاسد اجتماعی یک نظام هماهنگ بین جامعه و خانواده ایجاد کرده است؛ یعنی از طرفی با اعمال منافی عفت در جامعه به شدت برخورد می‌کند تا محیط اجتماع سالم باشد و از طرف دیگر به خانواده‌ها آموزش می‌دهد که از تحریک جنسی نوجوانان پرهیز کنند تا زمینه‌های فساد در خانواده‌ها برطرف شود و به جامعه کشیده نشود. از دیگر پیام و آموزه‌های آیه این است که: - به کودکان و خدمت‌گزاران خود آموزش دهید که به حریم خصوصی و جنسی خانواده احترام بگذارند؛- عفت عمومی را از داخل خانه‌ی خویش پایه‌گذاری کنید و کودکان خود را تحریک جنسی نکنید؛- به کودکان نابالغ خود آداب اسلامی را بیاموزید؛- بزرگسالان و کودکانی که به سن بلوغ می‌رسند، حق رفت و آمد آزادانه به اتاق مخصوص پدر و مادر را ندارند و واجب است قبل از ورود اجازه بگیرند. - اوقات خود را تقسیم کنید، زمانی را برای ملاقات آزاد و دوستانه با خانواده و زمانی را برای ملاقات خصوصی با همسر خود قرار دهید (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۷، ص ۲۴۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۴، ص ۴۳۰؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹ ش، ج ۶، ص ۳۷۹-۳۷۳). در اهمیت اذن و رعایت حریم خلوت اعضاء دیگر خانواده حدیثی از پیامبر اکرم (ص) نقل شده است که حضرت می‌فرماید: «ان رجلاً قال للنبی (ص) أَسْتَأْذِنُ عَلٰی اُمِّی؟ فقال: نَعَمْ. قال: اَنِّها لیس لَها خادِمٌ غیرِی؛ اَفَأَسْتَأْذِنُ عَلَیْها کَلِمًا دَخَلْتُ؟ قال: اَتَحَبُّ اَنْ تَراها عُرْبانه؟ قال الرجل: لا. قال: فَأَسْتَأْذِنُ عَلَیْها»، (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۸۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج ۵، ص ۴۹۲)؛ مردی از رسول خدا پرسید آیا ورود به مادرم نیاز به اذن دارد؟ حضرت فرمود: بلی، عرض کرد: مادرم خادمی جز من ندارد، آیا برای هر ورود بر او نیاز به اذن است؟

الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ، (نور/۵۸-۵۹)؛ ای کسانی که ایمان آوردید! باید کسانی (از بردگان) که مالک شده‌اید و کسانی (از کودکان) که به بلوغ نرسیده‌اند، در سه مرتبه از شما رخصت بگیرند: پیش از نماز صبح و هنگام نیمروز که لباس‌های (رسمی) خود را فرومی‌نهد، و بعد از نماز عشاء، [اینها] سه (وقت مخصوص) امور جنسی شماست که بعد از آن (زمان) ها هیچ گناهی بر شما و بر آنان نیست (که بدون رخصت وارد شوند، چراکه) برخی از شما بر (گرد) برخی (دیگر) از شما می‌چرخید اینگونه خدا آیات را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانایی فرزانه است. و هنگامی که کودکان شما به بلوغ می‌رسند پس باید (در همه اوقات برای ورود به اتاق خصوصی پدر و مادر) رخصت بگیرند، همان‌گونه که کسانی (از بزرگسالان) که پیش از آنان بودند رخصت می‌گرفتند اینگونه خدا آیاتش را برای شما روشن بیان می‌کند، و خدا دانایی فرزانه است». قرآن کریم در این آیه‌ی شریفه به آداب ورود به اتاق مخصوص پدر و مادر و مواردی که باید کودکان و خدمت‌گزاران اجازه‌ی ورود بگیرند، اشاره کرده است، مهم‌ترین مسأله‌ای که در این سوره، تعقیب شده مسأله عفت عمومی و مبارزه با هرگونه آلودگی جنسی است و آن مسأله اذن گرفتن کودکان بالغ و نابالغ به‌هنگام ورود به اتاق‌هایی است که مردان و همسرانشان ممکن است در آن خلوت کرده باشند. این آیه روابط فرزندان و پدر و مادر را تنظیم می‌کند، تا زمینه‌های آلودگی را از درون خانه‌ها بزدايد. در این آیه به پدر و مادرها دستور داده شده که به فرزندان خود آموزش دهند که در سه موقع ظهر، شام و قبل از نماز صبح، هرگاه خواستند وارد اتاق خواب آنها شوند، قبلاً اجازه بگیرند؛ یعنی خطاب اصلی آیه متوجه پدر و مادر است که باید این امور را آموزش دهند



ای خبیث! به خدا قسم اگر مانده بودی، حتماً دو چشمت را کور می‌کردم». (فقهای شیعه نیز بر اساس همین روایات در چنین مواردی حق دفاع را برای صاحب خانه قایل شده‌اند و در صورتی که نقص عضو یا جراحی بر نگاه کننده وارد شود، آن را هدر و بدون دینه یا قصاص اعلام کرده‌اند (فقه‌الرضا، ۱۴۰۶ق، ص ۳۱۰؛ مفید، ۱۴۱۰ق، ص ۷۴۲؛ موسوی خمینی، ۱۳۷۲ش، ج ۱، ص ۴۹۲-۴۹۱؛ نجفی، ۱۳۹۲ق، ج ۴۱، ص ۳۶۸).
حمایت از حریم خصوصی خانواده در حقوق بشر

مصونیت حریم خصوصی خانواده در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در ماده هفدهم، اعلامیه جهانی حقوق بشر ماده دوازدهم، کنوانسیون اروپایی حقوق بشر ماده هشتم، قانون اساسی افغانستان ماده سی و هشتم تصریح و از آن حمایت شده است: براین اساس ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «حدی در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که درمقابل این‌گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد». ماده ۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به حق حریم خصوصی پرداخته و سعی کرده است که با اعلامیه جهانی حقوق بشر بیشتر همگام و همسو باشد. ماده مذکور مقرر می‌دارد: «۱. در زندگی شخصی، خانواده، منزل یا ارتباطات هیچ‌کس نباید خودسرانه یا غیر قانونی مداخله شود یا آسیب و لطمه غیر قانونی به آبرو یا حیثیت او وارد آید؛ ۲. هرکسی در برابر چنین تعرض یا آسیبی حق دارد از حمایت‌های قانونی برخوردار شود». ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حقوق بشر مقرر می‌دارد: «۱. هرکس نسبت به حریم زندگی

فرمود: آیا میل داری او را لخت و برهنه ببینی؟ اظهارداشت: خیر؛ حضرت فرمود: پس برای ورود به حریم او اذن بخواه». بنابراین، می‌توان گفت: خانواده در واقع محلی برای رشد و بالندگی اعضای آن است اما با مراعات نشدن بعضی امور از جمله حریم شخصی خانواده از محلی امن برای رشد و شکوفایی به جایگاهی برای تعرض و مشکل آفرینی اعضا برای یکدیگر تبدیل گشته و پس از مدتی افرادی آسیب‌دیده و مشکل‌دار از نظر رفتاری و شخصیتی خواهند شد. پس باید همه‌ی اعضای خانواده در راستای بالندگی و شکوفایی دیگر اعضا با رعایت نمودن حریم شخصی قدم بردارند تا خود نیز از آسیب‌های شکننده حریم خصوصی در امان باشد و به رشد و شکوفایی دست پیدا کنند. در اهمیت حرمت منزل و خلوت افراد همین‌بس که شخص متعرض اگر خونس ریخته شود یا چشمش کور شود خونس به‌هدر رفته و حق مطالبه دینه یا قصاص را ندارد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «إِذَا اطَّلَعَ رَجُلٌ عَلَى قَوْمٍ يَشْرَفُ عَلَيْهِمْ أَوْ يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ مِنْ خَلَلِ شَيْءٍ لَهُمْ فَرَمَوْهُ فَأَصَابُوهُ فَقَتَلُوهُ أَوْ فَتَنُوا عَيْنَهُ فَلَيْسَ عَلَيْهِمْ عَزْمٌ وَقَالَ إِنْ رَجُلًا اطَّلَعَ مِنْ خَلَلِ حُجْرَةِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) فَجَاءَ رَسُولَ اللَّهِ (ص) بِمَشْقَصٍ لِيَفْقَأَ عَيْنَهُ فَوَجَدَهُ قَدْ انْطَلَقَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) أَي حَبِيثٌ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ تَبَتَّ لِي لَفَقَأْتُ عَيْنَيْكَ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۷، ص ۲۹۱)؛ هرگاه مردی از بالا بر گروهی اشراف پیدا کند، یا از سوراخ چیزی امانند درب یا دیوار آنان، به [درون خانه] آنان نگاه کند و آنان به‌طرف او تیری شلیک کنند که به او اصابت کند و او را بکشد یا چشم او را کور کند، بر آنان غرامتی نیست و [نیز] فرمود: مردی از سوراخ [دیوار] درون حجره [و اتاق] پیامبر (ص) را نگاه می‌کرد پیامبر (ص) با پیکانی به‌سوی او آمد تا چشمش را کور کند، اما دید او فرار کرده است. پس فرمود:



هم ازدواج می‌کنند، روی همسرشان احساس مالکیت دارند و گاهی به خودشان حق می‌دهند که در مورد همه چیز همسرشان تصمیم بگیرند. وقتی انسانی که ذاتا آزاد و مستقل است حق تصمیم‌گیری برای خود نداشته باشد و به اصطلاح حریم خصوصی برای خود قایل نباشد، دو اتفاق ممکن است رخ دهد؛ یا از این که حریم خصوصی خود را از دست داده احساس بدی پیدا می‌کند که به پرخاشگری و عصبی بودن می‌انجامد، یا به شخصیتی وابسته تبدیل می‌شود که بدون همسرش نمی‌تواند هیچ کاری انجام دهد و از خود هیچ چیز ندارد، (کاتوزیان، ۱۳۶۸ش، ج ۴، ص ۴). البته این نکته را باید یادآوری نمود که اعضای خانواده نمی‌توانند به بهانه حریم خصوصی از ورود پدر به فضای ارتباط سایر اعضای خانواده که به قصد آگاهی از عدم مفسده‌انگیز بودن آن صورت می‌پذیرد، جلوگیری کرد. چراکه حریم خصوصی فرزندان در چارچوب رعایت اصل تعلیم و تربیت قابل شناسایی است بنابراین هیچ‌یک از اعضای خانواده نمی‌تواند به بهانه حریم خصوصی نظم حاکم بر خانواده را نادیده بگیرد. البته مرد نیز نمی‌تواند با سوءاستفاده از حق مدیریت بر خانواده به حریم خصوصی اعضای خانواده که در حیطه اعمال مدیریت خانواده قرار نمی‌گیرد، وارد شود برای نمونه، اصرار بر اطلاع‌یابی و افشای دارایی زوجه که از طریق فعالیت اقتصادی مستقل برای او حاصل شده است، ورود به حریم خصوصی اطلاعات اوست که قواعد اخلاقی و حقوقی آن را بر نمی‌تابد. بنابراین حریم خصوصی اعضای خانواده در چارچوب اصول حاکم بر روابط اعضا چون اصل تحکیم خانواده، اصل مودت و رحمت، اصل مصلحت، اصل تعلیم و تربیت، اصل مدیریت خانواده، اصل کرامت، اصل عفاف، اصل اطاعت از والدین و اصل احترام به والدین، قابل شناسایی

خصوصی و خانوادگی، منزل و ارتباطات خود واجد حق است. ۲. مقامات دولتی حق هیچ‌گونه مداخله در اعمال حق مذکور را ندارند مگر مطابق با احکام و قوانین». بند ج ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر در بیانیه قاهره بیان می‌دارد: «مسکن در هر حالی حرمت دارد و نباید بدون اجازه ساکنان آن یا به صورت نامشروع وارد آن شد و نباید آن را خراب یا مصادره کرد یا ساکنان آن را آواره کرد». قانون اساسی افغانستان ذیل ماده ۳۸ در مورد مصونیت مسکن اشخاص مقرر می‌دارد: «مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول دولت نمی‌تواند بدون اجازه ساکن وی اقرار محکمه باصلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید». و نیز قانون اساسی ایران در اصل ۲۲ در باب مصونیت مسکن بیان داشته که: «حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند». در این باره ماده‌ی ۵۸۰ قانون مجازات اسلامی ایران برای ورود غیرقانونی مأمورین دولتی به منزل اشخاص، بدون رضایت صاحب منزل، مجازات یک ماه تا یک سال را در نظر گرفته است. مشاهده می‌شود که در حقوق بشر امروزی مداخله در حریم خصوصی اشخاص، خانواده، مسکن و ارتباطات آنها در صورتی که این مداخله خودسرانه یا غیرقانونی باشد ممنوع اعلام شده است. امروزه بسیاری از مشکلات زندگی مشترک ناشی از احترام نگذاشتن به حریم خصوصی یکدیگر و خدشه‌دار کردن آن است. زندگی مشترک به معنی به شراکت گذاشتن همه چیز با همسر است، اما در این بین نمی‌توان انکار کرد که هر انسانی مستقل از دیگران است، همان‌طور که کودک از والدینش یا حتی خواهر یا برادر دو قلویش مستقل است. وقتی دو نفر با



هرگز (از حال درونی هم) تجسس مکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید، هیچ‌یک از شما آیا دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را خورد؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید (پس بدانید که مثل غیبت مؤمن به حقیقت همین است) و از خدا پروا کنید، که خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است. «دستورهای مطرح شده در آیه فوق (نهی از گمان بد، تجسس و غیبت) هرگاه به‌طور کامل در یک جامعه پیاده شود آبرو و حیثیت افراد جامعه را از هر نظر بیمه می‌کند، نه کسی می‌تواند زبان به عیب‌جویی این و آن بگشاید، و نه حرمت و شخصیت افراد را در هم بشکنند، نه حق دارد حتی گمان بد ببرد، نه در زندگی خصوصی افراد به جستجو پردازد، و نه عیب پنهانی آنها را برای دیگران فاش کند. به تعبیر دیگر انسان چهار سرمایه دارد که همه آنها باید در دژهای این قانون قرار گیرد و محفوظ باشد: جان، و مال، و ناموس، و آبرو. قرآن کریم از سوء ظن و تجسس در کار دیگران نفی کرده و عاملین آن را نکوهش و مذمت نموده و صریحاً می‌فرماید: (وَلَا تَجَسَّسُوا). و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید. این دستور اسلامی یکی از جامع‌ترین و حساب‌شده‌ترین دستورها در زمینه روابط اجتماعی انسان‌ها است، که مساله امنیت را به‌طور کامل در جامعه تضمین می‌کند. در حقیقت گمان بدعاملی است برای جستجوگری، و جستجوگری عاملی است برای کشف اسرار و رازهای نهانی و امور خصوصی مردم، و اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که رازهای خصوصی آنها فاش شود. به تعبیر دیگر اسلام می‌خواهد مردم در زندگی خصوصی خود از هر نظر امنیت داشته باشند، و از این‌رو جستجو در امور شخصی مردم را ممنوع و حرام اعلام کرده است تا آبرو و حیثیت افراد در معرض خطر قرار نگیرد بدیهی است اگر اجازه داده شود هر کس به جستجوگری

است. لذا تنها در صورتی که حریم خصوصی در ارتباط با اصول دیگر در آن مورد توجه قرار گیرد سعادت و رستگاری اعضای خانواده ممکن و میسر خواهد بود (نقیبی، ۱۳۸۹ ش، ص ۵).

حریم اطلاعات شخصی

بخشی دیگری از قلمرو و مصادیق حریم خصوصی، اطلاعات شخصی افراد است مقصود از اطلاعات شخصی، اطلاعاتی است که وابسته به شخصیت افراد نظیر زندگی خانوادگی، عادت‌های فردی، ناراحتی‌های جسمی، شماره کارت‌های اعتباری و شماره حساب را در برمی‌گیرد. هم‌چنین اطلاعات مربوط به وضعیت زندگی جنسی، اعتقادات (اعم از فلسفی، مذهبی و سیاسی)، عضویت در احزاب یا تشکل‌های صنفی و وضعیت نژادی، قومی و قبیله‌ای افراد است. مناسبات عمیق اجتماعی و عاطفی بین اعضای خانواده، امکان دسترسی به اطلاعات گوناگون اعضا از یکدیگر را فراهم می‌کند. با آن‌هم اعضای خانواده چه‌بسا در برابر اطلاع‌یابی دیگر اعضا از برخی اطلاعات مالی یا اطلاعات مربوط به مناسبات با دیگران یا اطلاعات موجود در کامپیوتر شخصی، موبایل و مانند آن واکنش نشان می‌دهند؛ یعنی در حقیقت برای آن حریم خصوصی قائل‌اند.

منع تجسس و پائیدن افراد در آموزه‌های قرآنی برای خودداری و عدم دسترسی به حالات و اطلاعات شخصی دیگران قرآن کریم در سوره حجرات بر منع تجسس از امور و احوال دیگران دستور داده است و می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبَ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُّ حُبِّ أَحَدِكُمْ أَنَّ يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ (حجرات: ۱۱)؛ ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز



صورت غیر قانونی، مکشوف گردد (ویکی فقه، مقاله: «حریم خصوصی»).

حریم خصوصی ارتباطات

یکی دیگر از حوزه‌های مهم حریم خصوصی، ارتباطات افراد با یکدیگر است. لازمه یک ارتباط امن و موفق وجود مرزهای عمومی و خصوصی است. یعنی تمایز میان آنچه که می‌خواهند با دیگران به اشتراک بگذارند و آنچه در خلوت خود نگه می‌دارند، بدون این که روابط آن‌ها توسط افراد یا سازمان‌های دیگر کنترل شود. برخی ارتباطات اعضای خانواده از ویژگی اختصاصی بودن برخوردار است به نحوی که اطلاع عضو دیگر را بر نمی‌تابند؛ برای نمونه، استراق سمع مکالمات تلفنی را از ناحیه دیگر اعضا، ناپسند و غیرقابل قبول می‌دانند، یعنی برای خود در ارتباطات، حریم خصوصی می‌شناسند. بنابراین در تعریف حریم خصوصی ارتباطاتی می‌توان گفت: حریم خصوصی ارتباطاتی به‌عنوان یکی از اشکال سنتی حق خلوت، به‌معنای مصون بودن و حفظ حرمت تمامی انواع ارتباطات افراد اعم از مکاتبات، مرسولات پستی، پست الکترونیکی، و مکالمات تلفنی از هرگونه دستیابی غیرمجاز مانند رهگیری، تفتیش، تخریب و شنود می‌باشد (اصلانی، ۱۳۸۴ش، ص ۲۸۹). در آموزه‌های اسلامی، از تجسس و زیر نظر گرفتن و پاییدن افراد و خیانت در امانت نهی شده‌اند. چراکه تفتیش و بررسی مکاتبات و مرسولات مردم و یا شنود مکالمات تلفنی آنان، مصداق تجسس و ورود به حریم خصوصی دیگران است (حجرات: ۱۲) همچنین در ماده سی و هفتم قانون اساسی افغانستان به‌منظور حمایت از حریم خصوصی ارتباطات شهروندان آمده است: «آزادی و محرمیت مرسولات و مخابرات اشخاص چه به‌صورت مکتوب باشد و چه به‌وسیله تلفن، تلگراف، و وسایل دیگر، از تعرض مصون است.

درباره دیگران برخیزد حیثیت و آبروی مردم بر باد می‌رود، و جهنمی به‌وجود می‌آید که همه افراد اجتماع در آن معذب خواهند بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۲، ص ۱۸۴-۱۹۵؛ رضائی اصفهانی، ۱۳۸۹ش، ج ۹، ص ۱۴۳). این منع از تجسس با شمول خود شامل همه مصادیق حریم خصوصی می‌شود که از آن جمله حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی است. لذا تجسس اعضای خانواده در حریم خصوصی دیگر اعضای خانواده به حکم تکلیفی، حرام و مایه نکوهش شدید اخلاقی است. آیه شریفه همچنین بر منع از سوءظن که در حقیقت زمینه و مقدمات تجسس است، دلالت دارد. گمان بد و سوءظن به دیگران موجب تحریک حس کنجکاوی و مقدمه تجسس به‌شمار می‌آید. چنان‌که سوءظن زوج به زوجه یا زوجه به زوج منشأ ورود هریک در حریم خصوصی دیگری می‌گردد و چه‌بسا همین سوءظن و ورود به حریم خصوصی به فروپاشی نهاد خانواده بیانجامد. آیه شریفه همچنین بر منع از غیبت، و در حقیقت منع از بیان عیب‌هایی دلالت می‌کند که در دیگری هست و او از بیان آن‌ها کراهت دارد. در مناسبات خانوادگی معمولاً اعضای خانواده از عیب‌های یکدیگر آگاهی دارند و نقل آن را برای دیگران نمی‌پسندند. لذا منع از غیبت را می‌توان از ادله شناسایی حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی به‌شمار آورد. تشبیه غیبت کردن به خوردن گوشت برادر مؤمن در قرآن کریم در حقیقت از عمق زشتی و پلیدی ورود به حریم خصوصی شخصیت در آموزه‌ها و تعالیم اسلامی حکایت دارد. بیش‌ترین بخشی از اطلاعات شخصی افراد را اطلاعات محرمانه آنان تشکیل می‌دهد؛ اطلاعاتی که صرفاً و در مواقع خاص و با اهداف خاصی در اختیار افراد مورد نظر قرار می‌گیرد و یا ممکن است برای فردی به



محسوب می‌گردند) ممنوع می‌باشد. جسم هر انسانی دارای حرمت است و هیچ‌یک تفتیش بدن خود را از ناحیه دیگران بر نمی‌تابد. اعضای خانواده نیز برای برخی از اعضای بدن خود حرمت قائل‌اند و نگاه و واکاوی دیگر اعضای خانواده از آن مواضع را نمی‌پذیرند لذا باید آنرا حریم خصوصی جسمانی به‌شمار آورد. برخی از مصادیق حریم جسمانی در نگاه بعضی حقوق‌دانان عبارتند از: «- آزادی رفت و آمد؛ مصونیت از توقیف و بازرسی بدنی (اعم از ظاهری و داخلی بدن)، بازداشت، حبس، آزار و شکنجه جسمی؛ تشخیص هویت از طریق مشخصات جسمی (آزمایش خون، شبکه چشم، اثر انگشت، شستشوی معده و جراحی داخلی)، استفاده از کارت‌های تشخیص هویت (محسنی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۳-۵۱). حریم جسمانی در معنای عام شامل امور مربوط به روان انسان نیز می‌گردد. آزادی اندیشه و بیان و مصونیت از هرگونه آزار و شکنجه روانی از جمله حقوق ناشی از شناسائی حریم جسمانی می‌باشد. بر اساس آموزه‌های دینی، رساندن هرگونه آسیب به جسم و جان انسان‌ها (به‌جز در چارچوب قوانین الهی) ممنوع است. شریعت اسلامی، زدن دیگران را (گرچه منجر به جراحت نیز نشود) جایز نمی‌داند، مگر این‌که در دفاع یا در تلافی زدن دیگری باشد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا ضَرَبَ رَجُلًا سَوْطًا لَضَرَبَهُ اللَّهُ سَوْطًا مِنَ النَّارِ، (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ص ۹۳؛ حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۹، ص ۲۲)؛ اگر انسانی یک تازیانه [هم] به دیگری بزند، خداوند [در قیامت] تازیانه‌ای از آتش بر او خواهد زد». وقتی زدن انسان‌ها جایز نباشد، به‌طریق اولی مجروح کردن آنان جایز نخواهد بود لذا است که پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «أَلَا وَ مَنْ لَطَمَ حَدَّ أَمْرِي مُسْلِمًا أَوْ وَجْهَهُ بَدَدَ اللَّهُ عِظَامَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ حَشِرَ مَغْلُوبًا

دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد مگر به حکم قانون». به‌موجب اصل بیست و پنجم قانون اساسی ایران: بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آنها، استراق سمع و هرگونه تجسس ممنوع است مگر به حکم قانون. ماده هفده کمیسیون سازمان ملل در امر حقوق بشر اعلام کرد که حمایت‌های حقوق بشر درباره محرمانگی ارتباطات شامل همه اشکال ارتباطات می‌شود. رعایت این ماده ایجاب می‌کند که تمامیت و محرمانگی ارتباطات هم در قوانین و هم در عمل تضمین شود. مرسولات پستی باید بدون رهگیری و بدون این‌که به انحای مختلف گشوده شوند به مقصد تحویل داده شوند. نظارت اعم از آن‌که الکترونیکی یا از انواع دیگر باشد، رهگیری تلفن‌ها، تلگراف‌ها و دیگر اشکال ارتباطات، استراق سمع و ضبط مکالمات باید ممنوع شوند (انصاری، ۱۳۸۶ش، ص ۳۱۰). به موجب ماده دوازده اعلامیه جهانی حقوق بشر: «احدی در ... مکاتبات خود نباید مورد مداخله‌های خودسرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد. هرکس حق دارد که درمقابل این‌گونه مداخلات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد».

حریم خصوصی جسمانی

یکی دیگر از حوزه‌های حریم خصوصی انسان‌ها، جسم و جان آنان است. وجود و تمامیت جسمانی هر فرد اولین و بدیهی‌ترین امری است که با آفرینش در اختیار انسان قرار گرفته است و حقوق مختلف بشری برخاسته از همین سلطه و اختیار است. لذا هرگونه بازرسی و تفتیش بدنی، شکنجه، وارد نمودن زیان و آسیب جسمی و روحی، انجام معاینات و آزمایش‌های پزشکی و نظائر آن (که همگی به نوعی دخل و تصرف



حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر، بازداشت، زندانی یا تبعید شده به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات دانسته شده است. به استناد اصل ۴۰ قانون اساسی هیچ کس نمی‌تواند اعمال حق خود را وسیله ضرر به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد.

نتیجه‌گیری

از منظر قرآن کریم، قوانین اساسی کشورها و نیز حقوق بشر احکام متعددی در خصوص قلمرو «حریم خصوصی» وجود دارد که آدمیان را از ورود به حریم خصوصی افراد باز داشته است. قلمرو و محدوده‌ای از عقاید، احساسات، اعمال، رفتارها و ویژگی‌های هر عضو خانواده که برای دیگر اعضا آشکار نیست یا علی‌رغم آشکار بودن، رضایت به افشای آن ندارد و در برابر ورود و نظارت دیگر اعضا واکنش نشان می‌دهد، حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده به‌شمار می‌آید. همانند حریم خلوت، حریم جسمانی، حریم اطلاعات، حریم جنسی، حریم ارتباطات، حریم شخصیت از جمله مصادیق حریم خصوصی در روابط اعضای خانواده به‌شمار می‌آیند که همه‌ی این حوزه‌ها باید در برابر مداخله دیگران، مصونیت داشته باشد. بنابراین، ایجاد امنیت و اطمینان خاطر و مصونیت اشخاص از هرگونه تعرض به حریم خصوصی دیگران مستلزم فراهم نمودن بسترهای است؛ همانند ارتقاء سطح فرهنگی جامعه از طریق آموزش برای صیانت از حریم خصوصی توسط خود به‌ویژه در قبال فناوری‌های نوین، یاری جستن از مبانی اعتقادی در کاهش تعرض به حقوق دیگران، استفاده از روش‌های پیشگیری و قوانین جامع و گسترده و نهایتاً حمایت‌های کیفری برای اعمال اهداف مجازات در جامعه است.

حَتَّىٰ يَدْخُلَ جَهَنَّمَ إِلَّا أَنْ يُتُوبَ، (ابن بابویه، ۱۳۶۲ش، ج ۴، ص ۱۵)؛ کسی که به‌گونه یا صورت انسان مسلمانی، سیلی بزند [که سرخ یا سیاه یا کبود شود] خداوند در روز قیامت، استخوان‌هایش را از هم جدا می‌کند و در حالی محشور می‌شود که با زنجیر بسته شده تا وارد جهنم شود، مگر این‌که توبه کند». از جمله مهم‌ترین آثار به رسمیت شناختن حق شهروندان در بهره‌مندی از حریم خصوصی جسمانی، به‌عنوان اصل اولیه و حق اساسی ایشان می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: - هرگونه ایراد آسیب جسمی یا روحی بویژه شکنجه متهمان، از جانب هرکس یا مقامی، ممنوع بوده و علاوه بر ضمان آور بودن ممکن است از جهت تجاوز به حقوق عمومی و آسایش اجتماعی مورد تعقیب کیفری واقع شود. - هرگونه بازداشت یا حبس خودسرانه یا غیرقانونی یا بدون رعایت تشریفات مقرر در قانون ممنوع بوده و علاوه بر ضمان آور بودن ممکن است از جهت تجاوز به حقوق عمومی و آسایش اجتماع مورد تعقیب کیفری واقع شود. - هرگونه استثمار و انتفاع اجباری از کار دیگران یا الزام آنها به این کار ممنوع بوده و علاوه بر ضمان آور بودن ممکن است از جهت تجاوز به حقوق عمومی و آسایش اجتماع مورد تعقیب کیفری واقع شود» (اصلاحی، ۱۳۸۴ش، ص ۳۰۸-۳۰۹). قانون اساسی افغانستان ذیل ماده ماده بیست و نهم مقرر می‌دارد: «تعذیب انسان ممنوع است. هیچ شخص نمی‌تواند حتی به قصد کشف عقاید از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد. تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد ممنوع است». به‌موجب اصل سی و نه قانون اساسی ایران هتک حرمت و



منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، مصحح: علی اکبر غفاری، قم، نشر جامعه مدرسین، چاپ اول: ۱۳۶۲ش.
۳. ابوالحسین، احمد بن فارس بن زکریا، معجم مقاییس اللغة، قم: نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۴. اصلانی، حمید رضا، حقوق فناوری اطلاعات (حریم خصوصی در جامعه اطلاعاتی)، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۵. اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸م قابل دسترس در پایگاه: <http://lawblog.ir/elamiye.htm>
۶. انصاری، باقر، حقوق حریم خصوصی، تهران، انتشارات سمت، چ اول، ۱۳۸۶ش.
۷. جعفری لنگرودی، محمدجعفر، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات، گنج دانش، ۱۳۸۱ش.
۸. حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم، مؤسسه آل البیت(ع)، چ اول، ۱۴۰۹ ق.
۹. خمینی، روح الله، تحریر الوسیله، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، ۱۳۷۹ش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳ش.
۱۱. رحمدل، منصور، مقاله: «حق انسان بر حریم خصوصی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۷۰، زمستان ۱۳۸۴.
۱۲. رضائی اصفهانی، تفسیر مهر قرآن، قم، انتشارات عصر ظهور، چ اول، ۱۳۸۹ش.
۱۳. صفائی، حسین، و مرتضی قاسم زاده، حقوق مدنی اشخاص و محجورین، تهران، نشر سمت، چ چهارم، ۱۳۷۷ش.
۱۴. طباطبائی، سیدمحمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چ پنجم، ۱۳۷۴ش.
۱۵. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، نشر ناصر خسرو، چ سوم: ۱۳۷۲ش.
۱۶. عروسی حویزی، تفسیر نور الثقلین، قم، اسماعیلیان، چ چهارم، ۱۴۱۵ ق.
۱۷. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، هجرت، چ دوم، ۱۴۰۹ق.
۱۸. فیض کاشانی، محمد محسن، الوافی، اصفهان، کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی(ع)، چ اول، ۱۴۰۶ق.
۱۹. قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان، مصوب ۱۳۸۲ش.
۲۰. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، تهران، به نشر، چ دوم، ۱۳۶۸ش.
۲۱. قانون مدنی در نظم حقوق کنونی، تهران، میزان، ۱۳۸۳ش.
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول الکافی، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چ چهارم، ۱۴۰۷ ق.
۲۳. محسنی، فرید، حریم خصوصی اطلاعات، تهران، دانشگاه امام صادق(ع)، چ اول، ۱۳۸۹ش.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیة، چ اول، ۱۳۷۴ش.
۲۵. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۲ق.
۲۶. نقیبی، سید ابوالقاسم، مقاله: «حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده»، فصلنامه فقه و حقوق خانواده (ندای صادق)، سال پانزدهم، شماره ۵۲، بهار و تابستان ۱۳۸۹.

اعجاز قرآن کریم در تشریح و تنظیم حقوق کودک

محمد مهدی کریمی نیا^۱ و نجیب‌الله حکیمی^۲

۱- استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم
۲- دکتری قرآن و حقوق از جامعه المصطفی (ص) العالمیه (نویسنده مسئول: Hakiminajib21@gmail.com)

چکیده

یکی از حقوق بنیادین در حوزه حقوق خانواده، حقوق کودک است. حمایت از حقوق کودک در منابع اسلامی و قوانین کشورها و اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون حمایت از حقوق کودکان مورد توجه قرار گرفته است. قرآن کریم هم در جاهای مختلف به این مهم توجه داشته و نکات مهمی را در باب حقوق کودک بیان کرده است. در این نوشتار تلاش شده است بعد از مفهوم شناسی و بررسی پیشینه حقوق کودک در جهان و اسناد بین‌المللی و اسلام به این سؤال پاسخ داده شود که پایه‌ریزی تنظیم و تشریح حقوق کودک به صورت جامع و کامل بدون نقص و کاستی در کدام نظام حقوقی ارائه شده است؟ بدین‌رو پژوهش حاضر به روشی توصیفی- تحلیلی به اعجاز قرآن کریم در تشریح و تنظیم حقوق کودک می‌پردازد. برآیند این تحقیق نشان می‌دهد که جایگاه حقوق کودک و پرداختن به همه ابعاد و زوایای آن در آموزه‌های قرآنی نسبت به نظام حقوق بشری از سطح فاخرتر و برتری برخوردار است زیرا در نظام‌های حقوق بشر از جمله کنوانسیون حقوق کودک که شالوده آخرین تلاش‌های انسان قرن بیست و یک در عرصه بین‌الملل می‌باشد برخی از حقوق اصلی کودک همانند حقوق معنوی نادیده گرفته شده است در حالی که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل به تمام ابعاد و زوایای آن توجه داشته است پس می‌توان گفت پایه‌ریزی و تنظیم حقوق کودک به صورت جامع در نظام حقوقی قرآن ارائه شده است آن‌هم در شرایطی که کودکان انسان محسوب نمی‌شد و جنبه مالیت داشت و خرید و فروش می‌شدند از همه مهم‌تر از ابتدایی‌ترین حق، که حق حیات است محروم بودند و زنده به گور می‌شدند و دوره‌های تحقیر و تنبیه را سپری نمودند. تشریح و حمایت از حقوق کودک در چنین شرایطی، بدون الگوگیری از دیگر نظام‌های حقوقی در واقع از اعجاز و شگفتی علمی قرآن محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: قرآن، اعجاز قرآن، تشریح، قانون‌گذاری، کودک، حقوق، حقوق کودک.

مقدمه

لذا مباحث حقوق کودک از مسایل ریشه‌ای و مهم است که در میان انبوه دیگر مسایل علوم انسانی اهمیت به‌سزایی برخوردار است. این مهم در آیات قرآن کریم به کرات مورد توجه قرار گرفته و در جاهای مختلف به اهمیت آن تأکید شده است که در پژوهش حاضر به روشی توصیفی- تحلیلی به برخی از این آیات اشاره خواهد شد. در ارتباط با حقوق کودک تحقیقات متعددی دیده می‌شود و محققان این مبحث را از وجوه مختلف مورد بررسی قرار دادند؛ برخی محققان

یکی از مباحث مهم حوزه خانواده، حقوق و وظایف هریک از اعضای خانواده می‌باشد و به دلیل اینکه کودک ضعیف‌ترین و شاید مهم‌ترین عضو خانواده است، حقوق او از مهم‌ترین حقوق انسانی است؛ زیرا اگر کودکان از مراقبت و حقوق ویژه‌ای برخوردار نباشند، نمی‌توانند در سایه این حقوق از صحت و سلامتی روحی و جسمی برخوردار شده، حضوری مفید و کارساز در اجتماع داشته باشند.



۳۳). آنچه در مبحث حقوق کودک بررسی می‌شود معنای اخیر است، مانند حق حیات، حق بر نسب، حق داشتن اسم، حق نفقه، حق حضانت، حق تربیت، حق آموزش و تربیت، و ...

کودک

از مباحث مهم و اساسی در بحث حقوق کودک؛ تعریف کودک و تعیین محدوده سنی کودکی از آغاز تا پایان است. با نگاهی گذرا به اسناد بین‌المللی و قوانین کشورها و آموزه‌های حقوقی اسلام در این زمینه به روشنی می‌توان دریافت که اتفاق نظر در این مورد وجود ندارد.

مفهوم کودک در اسناد بین‌المللی

یکی از مهم‌ترین اسناد بین‌المللی در حوزه حقوق بشر درباره کودکان کنوانسیون حقوق کودک است که در آن، از کودک تعریفی ارائه کرده است. ماده ۱ کنوانسیون مقرر می‌دارد: از نظر این کنوانسیون، منظور از کودک افراد زیر ۱۸ سال است؛ مگر این که طبق قانون قابل اجرا درباره کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود (ماده ۱، پیمان‌نامه حقوق کودک ۱۹۸۹).

مفهوم کودک در قوانین کشورها

الف. شروع کودکی: در زمینه شروع کودکی، می‌توان کشورها را به دو گروه متفاوت تقسیم کرد: گروه اول) کشورهای هستند که شروع دوران کودکی را از زمان انعقاد نطفه می‌دانند؛ مثل کشورهای امریکای لاتین، ایرلند و واتیکان. برای مثال کشور آرژانتین دوره کودکی را مدت زمان انعقاد نطفه تا ۱۸ سالگی می‌داند. در قانون مدنی آرژانتین آمده است که: «هستی و موجودیت انسان از لحظه انعقاد نطفه در رحم آغاز می‌شود و هر فرد می‌تواند از حقوق معینی قبل از تولد، چنان‌که گویی متولد شده است برخوردار شود. اگر جنینی که در رحم است زنده متولد شود، حقوق مذکور برای او همیشگی و

حقوق کودک را به صورت کلی در اسلام بررسی کرده‌اند (فقیه حبیبی، ۱۳۹۶)، برخی دیگر از اندیشمندان با تعمیم اصول دموکراسی به این موضوع پرداختند (بهشتی، ۱۳۵۱)، عده‌ای حقوق کودک را در اسناد بین‌الملل مورد پژوهش قرار دادند و آن را با قوانین و مقررات داخلی مقایسه کرده‌اند (ایروانیا، ۱۳۸۸)، بعضی پژوهشگران نتایج کنوانسیون حقوق کودک و نکات حقوق کودک در اسلام را مورد مقایسه قرار دادند (جعفری و اسماعیل پور، ۱۳۹۸) و تحقیقات دیگری که از مناظر مختلف به این مهم پرداختند، لکن تحقیق حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی به اعجاز تشریحی قرآن در خصوص حقوق کودک می‌پردازد. در موضوع حقوق کودک:

مفهوم‌شناسی

حقوق

واژه حقوق در زبان فارسی، برحسب زمینه کاربرد آن، در معانی گوناگونی به کار رفته است؛ در مباحث حقوقی، دست کم دو معنای اصلی برای این واژه بیان شده است: الف) حقوق مجموعه قواعد و مقرراتی الزام‌آور و کلی است که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت، بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می‌کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می‌شود (کانونیان، ۱۳۸۳، ۳۲/۱). امروزه این مجموعه قواعد و مقررات را با قطع نظر از منابع آن و کسانی که آن را وضع کرده‌اند، «حقوق» می‌نامند. حقوق در این معنا جمع حق نیست بلکه مترادف با قانون است. ب) حقوق عبارت است از امتیازها و توانایی‌های ویژه‌ای است که هر جامعه برای اشخاص خویش به رسمیت شناخته و دیگران را مکلف به رعایت آنها کرده است؛ هریک از این امتیازها و توانایی‌ها «حق» است که مجموعه آنها را «حقوق» می‌نامند. واژه حقوق در این معنا واژه جمع است و مفرد آن حق می‌شود (کانونیان، ۱۳۸۳ / ۱)



۲۱ سالگی پایان دوران کودکی است، البته اگر افراد در سنین ۱۴ تا ۲۱ سالگی مرتکب بزهی شوند مسئولیت نسبی دارند و نحوه برخورد آنان با بزرگسالان تفاوت دارد. در کشورهای کویت، مصر، سوریه، لبنان و عربستان پایان دوران کودکی ۱۸ سالگی است. کودکان زیر ۷ سال در کشورهای مذکور فاقد مسئولیت بوده و افراد بین ۷ تا ۱۸ سال مسئولیت نسبی دارند. در قوانین بحرین طفل به فردی اطلاق می‌شود که در زمان ارتکاب جرم، سن او از ۱۵ سال نگذشته باشد (پیوندی، ۱۳۹۰، ص ۴۸). براساس قانون مغرب، طفل کمتر از ۱۲ سال مسئولیت کیفری ندارد و حد اکثر سن کودکی ۱۸ سالگی است. در کانادا پایان دوره کودکی ۱۹ سالگی است (ایروانیان، امیر، ۱۳۸۲ / ۳۶ / ۴۵). قانون مدنی و مجازات ایران برای ورود به سن مسئولیت کیفری و خارج شدن از حجر و ممنوعیت از تصرف، نظر مشهور فقهاء را که همان سن بلوغ شرعی است معیار قرار داده است. ماده ۴۹ قانون مجازات اسلامی و تبصره ۱ آن مقرر می‌دارد: اطفال در صورت ارتکاب جرم، مبرا از مسئولیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضاء، کانون اصلاح و تربیت اطفال می‌باشد. تبصره ۱) منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. در قانون مدنی آمده است که سن بلوغ در پسر پانزده سال تمام قمری و در دختر نه سال تمام قمری است (ماده ۱۲۱۰ قانون مدنی).

پیشینه حقوق کودک در جهان و اسناد بین‌المللی

برای فهم و شناسایی دقیق‌تر هر موضوعی، بررسی پیشینه و سیر تحول آن در جوامع بشری، همیشه ضروری به نظر می‌رسد. حقوق کودک نیز از این بررسی مستثنا نیست. به همین دلیل،

برگشت‌ناپذیر خواهد شد؛ اگرچه از زمان تولد از مادرش جدا شود» (هاچکین و نیوئل، ۱۳۸۷، ص ۳). قانون کشور بولیوی مدت زمان تولد تا ۲۱ سالگی را دوره کودکی می‌داند (همان، ص ۵). گروه دوم) شروع دوران کودکی را از لحظه تولد می‌دانند. برای مثال در فرانسه برای این که جنین از حقوق برخوردار شود دو شرط وجود دارد: اول، زنده متولد شود و دوم قابلیت بقا نیز داشته باشد. اما در آلمان و سوئیس به شرط دوم (قابلیت بقا) (امامی، ۴/۱۳۷۶، ۱۵۳-۱۵۵). در نظام حقوقی ایران آغاز کودکی را از ابتدای تولد می‌داند. ماده ۹۵۶ قانون مدنی مقرر می‌دارد که اهلیت برای دارا بودن حقوق، با زنده متولد شدن انسان شروع و با مرگ او تمام می‌شود. اما مطابق دیگر مقررات قانون مدنی، حمل یعنی کودکی که هنوز متولد نشده از تاریخ انعقاد نطفه از کلیه حقوق برخوردار می‌گردد مشروط بر این که زنده متولد شود اگرچه پس از تولد هم فوراً بمیرد (صفایی و قاسم‌زاده، ۱۳۹۲، ص ۳۲). در نظام حقوقی افغانستان شروع کودکی و شخصیت او با ولادت کامل و به شرط زنده بودن آغاز و با وفات پایان می‌پذیرد. (قانون مدنی افغانستان، ماده ۳۶ قانون مدنی). ب. پایان کودکی: بسیاری از کشورهای جهان پایان دوران کودکی را ۱۸ سالگی پیش‌بینی کرده‌اند؛ ولی برخی کشورها ۱۹ و ۲۱ سالگی را پایان دوران کودکی در نظر گرفته‌اند. در بیشتر ایالت‌های آمریکا پایان این دوران را ۱۸ سالگی پیش‌بینی کرده‌اند و تعداد کمی از ایالت‌ها نیز سن بزرگسالی را ۱۹ یا ۲۱ سال می‌دانند. در فرانسه افراد زیر ۱۳ سال به‌طور کلی فاقد مسئولیت کیفری هستند و از ۱۳ سالگی تا ۱۸ سالگی نیز کودک محسوب می‌شوند؛ ولی مسئولیت کیفری نیز دارند و فقط نحوه برخورد با آنان با بزرگسالان متفاوت است. قوانین الجزایر در این زمینه مثل قوانین فرانسه است. در آلمان



می‌شد که تمام یا قسمتی از گوشت آن‌ها را بخورد تا آن مقدار نیروی که به هنگام وضع حمل از دست داده است باز یابد (پیوندی همان، ص ۱۳۱).

ب. دوران تحقیر و تنبیه

از قرن چهارم تا چهاردهم میلادی، از آنجاکه مردم و جامعه توان درک حقیقت و ماهیت کودک را نداشتند، بر این باور نادرست اصرار می‌ورزیدند کودک موجودی ناپاک و خبیث بوده و تنها راه مقابله با چنین مسئله‌ای به کار بردن تنبیه‌های بدنی شدید است. همچنین به دلیل این‌که از کودکان انتظار کارهایی داشتند که بیشتر از توانایی و تحمل آنان بود، هرگونه اذیت و آزار و شکنجه آنان را امری جایز تلقی می‌کردند. در نتیجه وادار کردن کودکان معصوم و بی‌گناه به کارهای طاقت‌فرسا و بسیار سخت، میان مردم متداول بود. در حقیقت چون کودکان در موضع ضعف بودند و توان مقابله با بزرگسالان را نداشتند، دوران بسیار سختی را سپری کردند و انواع تنبیه و تحقیر را متحمل شدند.

ج. دوران حیرت و دودلی (دوره انتقال)

این دوره که از قرن چهاردهم آغاز شد و تا قرن هفدهم ادامه داشت دوره ظهور نظریه‌های بود که با تفکرانی قبل از قرن چهاردهم متضاد بود در این دوران ظهور تعدادی نشریه‌ی حاوی مطالبی نسبتاً سودمند در رد اعتقاد به خبثت و ناپاکی ذات و طبیعت کودک به‌طور جدی زیر سؤال رفت و این نشریه‌ها توانستند تا اندازه‌ای زمینه بروز تردید و دودلی را در افکار و اذهان مردم فراهم آورند و وجه تسمیه‌ای برای این دوران گردند (حسینی، ۱۳۸۲، ش ۲۱، ص ۲۵ و ۲۶).

در ادامه به بررسی پیشینه تاریخی حقوق کودک در سه بخش می‌پردازیم:

پیشینه وضعیت حقوق کودک در جهان

در قرون ابتدایی، کودکان به مانند برخی اقشار جوامع، از جمله زنان، دوران بسیار سخت و خشونت‌باری را پشت‌سر گذاشته‌اند. بدرفتاری بزرگسالان با آنان و مجازات‌های شدید، از قبیل مجازات‌های بدنی و حتی اعدام و رفتارهای خشونت‌آمیز با ایشان، از جلوه‌های رفتاری برخورد با خردسالان بوده است. برای مثال در سال ۱۶۸۸، در قانون ایالت نیوجرسی شرقی آمریکا، بر هر کودکی که مورد نفرین والدین قرار بگیرد یا از دستور آن‌ها سرپیچی کند یا به آنان اهانت کند، مجازات اعدام پیش‌بینی شده بود (جعفر، ۱۹۹۶، ۱۹).

الف. دوران کودک‌کشی

در گذشته‌های دور، با کودکان بسیار خشونت‌بار و سخت‌گیرانه رفتار می‌کردند. این مسئله تا قرن چهارم ادامه داشته است در رم قدیم قدرت پدرانه حاکم بوده است که به پدر خانواده حق می‌داد زندگی فرزندش را همانند بردگان در اختیار خود بگیرد؛ پدر خانواده به آنان زندگی و حیات داده بود و می‌توانست آن را پس بگیرد. در نتیجه کشتن فرزند را بر مبنای قاعده مذکور توجیه می‌کردند (فوکو، ۱۳۸۳، ۱۵۵). در استرالیا، فرزندکشی قانونی بوده است؛ به این صورت که هیچ مادری حق نداشت بیشتر از یک کودک داشته باشد و به‌رحال فرزند دوم کشته می‌شد. بچه‌های دوقلو یا بیشتر سرنوشت بسیار سخت و غم‌انگیزی داشتند؛ بدین‌نحو که گاه یکی و گاهی هر دو یا همه کشته می‌شدند. در برخی نواخی دیگر، بچه‌های بیمار و ناقص‌الخلقه به دلیل آن‌که نیاز به مراقبت زیادتر یا ویژه داشتند، به حیات آنان خاتمه داده می‌شد و درباره کودکان ناقص‌الخلقه گاه از مادر خواسته



د. دوران تسامح و آسان‌گیری
قرن هفدهم و هجدهم دورانی بود که بر تفکرات و اندیشه‌های سخت‌گیرانه و برخورد شدید با کودکان، مهر بطلان خورد و پدر و مادر این واقعیت را پذیرفتند که کودکان موجوداتی شرور، زشت‌سیرت و شقی نیستند، بلکه افرادی‌اند که اگر به آنان درست توجه شود می‌توانند برای آینده جامعه مفید و نقش آفرین باشند. از مهم‌ترین ویژگی این دوران تغییر کلی نگرش به کودکان در محیط خانواده و جامعه است. از زمانی که این نوع طرز فکر درباره کودکان رواج پیدا کرد و مهربانی و تشویق و هم‌دلی با آنان، جای تنبیه و خشونت و برخوردهای غیر انسانی را گرفت شکاف عمیق بین کودک و والدین از میان رفت. به نظر لوید دیماس «بعید نیست آن دسته از گزارش‌هایی که به کاهش مرگ و میر در این دوران اشاره می‌کنند معلول حاکمیت این طرز فکر بوده باشد» (همان).

د. دوران تسامح و آسان‌گیری
قرن هفدهم و هجدهم دورانی بود که بر تفکرات و اندیشه‌های سخت‌گیرانه و برخورد شدید با کودکان، مهر بطلان خورد و پدر و مادر این واقعیت را پذیرفتند که کودکان موجوداتی شرور، زشت‌سیرت و شقی نیستند، بلکه افرادی‌اند که اگر به آنان درست توجه شود می‌توانند برای آینده جامعه مفید و نقش آفرین باشند. از مهم‌ترین ویژگی این دوران تغییر کلی نگرش به کودکان در محیط خانواده و جامعه است. از زمانی که این نوع طرز فکر درباره کودکان رواج پیدا کرد و مهربانی و تشویق و هم‌دلی با آنان، جای تنبیه و خشونت و برخوردهای غیر انسانی را گرفت شکاف عمیق بین کودک و والدین از میان رفت. به نظر لوید دیماس «بعید نیست آن دسته از گزارش‌هایی که به کاهش مرگ و میر در این دوران اشاره می‌کنند معلول حاکمیت این طرز فکر بوده باشد» (همان).

هـ دوران جامعه‌پذیری از طریق آموزش و پرورش

از ابتدای قرن نوزدهم تا اواسط قرن بیستم تغییرات اساسی در نحوه برخورد با کودک و به عبارت دیگر، در روان‌شناسی کودک رخ داده است. در این دوره «این اندیشه که می‌توان کودک را از طریق آموزش و تربیت به صورت انسانی اجتماعی، واجد خلق و خوی انسانی و در یک کلام، موجودی مطلوب و آرمانی در آورد، مورد حمایت اغلب روانشناسان و از جمله واتسن و فروید که در این زمان به سر می‌بردند قرار می‌گرفت» (پیوندی، همان، ص ۱۳۵).

ز. دوران همدردی و تعاون

دوران تعاون و همدردی از نیمه قرن بیستم شروع شد. مهم‌ترین ویژگی دوره مذکور را می‌توان در دو خصوصیت خلاصه کرد: اول، به‌کارگیری عنصر محبت و عاطفه در برخورد با

پیشینه حقوق کودک در اسناد بین‌المللی
در اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق کودک دو دسته سند وجود دارد: گروه اول، اسناد عمومی و کلی هستند که در آن‌ها کودک به‌عنوان انسان، در برخی امور حقوقی دارند. گروه دوم اسنادی هستند که به‌طور خاص درباره کودکان مطالبی دارند.

الف. در اسناد عمومی حقوق بشر

در اسناد مربوط به حقوق بشر بندهای وجود دارد که به‌طور مستقیم به حقوق کودک تصریح کرده‌اند: بند دوم ماده ۲۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر، مصوب ۱۹۴۸، حق توجه و مراقبت مخصوص از مادر و کودکان را مطرح کرده است: «مادران و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت ویژه برخوردار شوند. همه کودکان، اعم از آنکه در پی ازدواج یا بی ازدواج زاده شده باشند، حق دارند که از حمایت اجتماعی یکسان بهره‌مند گردند». مجمع عمومی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۶۶ با تصویب میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی به نکات متعددی در خصوص حقوق کودک تصریح کرده است: ممنوعیت اجرای حکم اعدام افراد کمتر از ۱۸ سال، جداکردن کودکان متهم از بزرگسالان، جدا بودن کودکان بزهکار از بزرگسالان برای گذراندن دوره محکومیت، سری بودن جلسات دادرسی و صدور حکم کیفری یا مدنی اطفال در صورت مصلحت، حق برخورداری کودک از حمایت خانواده و جامعه و



توجه شود. در کنوانسیون حقوق کودک به امور ویژه‌ای توجه و بر آن‌ها تاکید کرده‌اند؛ مانند عدم تبعیض، رعایت مصالح عالیۀ کودکان، حق زندگی و بقا و رشد و همچنین حق احترام و تکریم کودکان که از مهم‌ترین مسائل مربوط به حقوق کودکان هستند (پیوندی، همان، ۱۴۰).

پیشینه حقوق کودک در اسلام

اسلام در عصری ظهور کرد که انسان و به تبع آن کودکان دوران بسیار خشونت‌باری را می‌گذراندند. ظهور اسلام در جزیره‌العرب درحالی بود که مردم عصر جاهلیت، نه تنها دختران خود را مایۀ ننگ می‌دانستند و آنان را زنده به گور می‌کردند، بلکه از برخی آیات قرآن بدست میاد که پسران را نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رساندند. چنانکه خداوند متعال در سوره اسراء آیه ۳۱ بدان اشاره نموده و از افراد را از قتل فرزندان شان نهی میکند: «وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةً إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنْ قَتَلْتُمْ كَانِ خَطْئًا كَبِيرًا» و از بیم تنگدستی فرزندان خود را مکشید. ماییم که به آنها و شما روزی می‌بخشیم. آری، کشتن آنان همواره خطایی بزرگ است. اما با پیشرفت علم و تکنولوژی و با توجه به شرایط اقتصادی و اجتماعی همچنان این‌گونه اقدامات ناشایست از سوی برخی از کشورها چون هند و چین صورت می‌گیرد. والدین قبل از به دنیا آمدن کودک از جنس جنین آگاه شده و به محض اینکه بفهمند فرزند آنها دختر است، آن را از بین می‌برند. این نشان می‌دهد که هنوز هیچ قانون بین‌المللی برای حمایت از حقوق کودکان وجود ندارد (بهشتی، ۱۳۸۷، ۸۱-۸۲). بهره‌گیری از زبان وحی در شناخت کودک و به تبع آن حقوق وی، چشم‌انداز بسیار گسترده‌تری از آنچه انسان با عقل تشخیص می‌دهد فراروی ما قرار می‌دهد. در این مسئله محور همه امور، خدایی است که

حکومت (بند ۵ ماده ۶، ماده ۱۰، ۱۴، ۲۳ و ۲۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی).

ب. اسناد اختصاصی مربوط به کودکان

اولین سند بین‌المللی راجع به کودکان در عرصه بین‌المللی به سال ۱۹۵۹، پس از جنگ جهانی دوم، مربوط می‌شود: مجمع عمومی سازمان ملل متحد اعلامیه جهانی حقوق کودک را در ۲۰ نوامبر ۱۹۵۹ تصویب کرد. این اعلامیه یک مقدمه و ده اصل درباره حقوق کودکان دارد. در مقدمه اعلامیه آمده است: «نظر به این‌که کودک به علت عدم تکامل رشد بدنی و فکری، و بعد از تولد، به مراقبت و توجه خاص، شامل حمایت مناسب، نیازمند است، مجمع عمومی سازمان ملل این اعلامیه حقوق کودک را با این هدف که ایام کودکی توأم با خوشبختی باشد و از کودک و جامعه‌اش از حقوق و آزادی‌هایی بهره‌مند شود رسماً به آگاهی عموم می‌رساند (عبادی، ۱۳۷۵/ ۱، ۱۷۷). بنابراین مجمع عمومی سازمان ملل کنوانسیون حقوق کودک را پس از ۱۰ سال مذاکره میان کشورهای عضو سازمان ملل، در ۲۰ نوامبر ۱۹۸۹، تصویب و در ۲ سپتامبر ۱۹۹۰ لازم الاجرا کرد. کنوانسیون یک مقدمه و سه بخش و شامل ۵۴ ماده است. تاکنون ۱۸۹ کشور از ۱۹۳ کشور جهان به آن ملحق شده‌اند و خود را ملزم به رعایت و اجرای مفاد آن کرده‌اند. محورهای اصلی کنوانسیون حقوق کودک عبارت‌اند از: حمایت، مراقبت، عدالت، آموزش، احترام و اکرام. در اصل دوم اعلامیه جهانی حقوق کودک آمده است: «کودک باید از حمایت خاص برخوردار شود با تدوین قوانین و سایر وسایل، باید امکانات و تسهیلاتی فراهم گردد تا طفل از نظر جسمی، روانی، اجتماعی و اخلاقی به‌نحو سالم و طبیعی در محیطی آزاد و شایسته و همراه با کرامت رشد کند و در قوانین باید به مصالح اساسی کودک بیش از هر امر دیگری

و در آیهای دیگر می‌فرماید: (أَفَمَنْ يَهْدِي إِلَيَّ الْحَقُّ أَحَقُّ أَنْ يَتَّبِعَ أَمْ مَنْ لَا يَهْدِي إِلَا أَنْ يَهْدِي فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ) (یونس / ۳۵)؛ «و آیا کسی که به سوی حق راه‌نمایی می‌کند شایسته‌تر است که پیروی شود، یا کسی که راه نمی‌یابد، مگر آن که راه‌نمایی شود؟! پس شما را چه شده، چگونه داوری می‌کنید؟». در مورد حقوق کودک در آموزه‌های قرآنی تقسیم‌بندی‌های متعددی ارائه شده است که در یک جمع‌بندی کلی می‌توان آنها را به دو دسته مادی و معنوی تقسیم کرد.

حقوق مادی کودک از نظر قرآن:

حق حیات، حق شیر خواری، حق نام‌گذاری و نام نیکو، حقوق مالی و تأمین آتیه فرزندان از حقوق مادی است.

الف. حق حیات و منع از فرزندکشی

اسلام برای حمایت همه جانبه از منافع کودک، تکالیف و دستوراتی مقرر کرده است. حتی پیش از تولد کودک برای دوران حمل نیز حقوق مدنی و قواعدی حمایتی مقرر کرده است و در این دوران نه تنها از کودکان حمایت کرده، بلکه به مادران نیز به تبع کودک کاملاً توجه کرده است. حق حیات و حمایت از آن، جواز وصیت برای حمل، ارث بردن حمل از مورث و تأخیر اجرای مجازات زن حامله، به دلیل بیم ایجاد ضرر و صدمه به حمل، از جمله این حقوق هستند. یکی از انواع قتل که در تاریخ سابقه دارد و متأسفانه امروز نیز رایج است، اگرچه تغییر شکل یافته، فرزندکشی است، گاهی برای ننگ و گاهی برای فقر این جنایت را انجام می‌دادند و می‌دهند، قرآن با این پدیده زشت نیز به مبارزه برخاسته و این عمل را محکوم و ممنوع کرده است: «قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبِّيَ عَلَيَّكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ

انسان را آفرید و از زوایای وجودی و نیازهای بشر، آگاهی و بر آنها احاطه کامل دارد. انسان و حقوق وی در شریعت اسلام اهمیت ویژه‌ای دارد. حقوق انسان و توجه به کرامت او از اهداف مهم اسلام به‌شمار می‌آید. کودکی به‌عنوان شروع حیات انسان، از مهم‌ترین و اساسی‌ترین دوران زندگی بشر به‌حساب می‌آید. نکته جالب توجه دیگر این است حقوقی را که قرآن مطرح می‌کند، در بسیاری از موارد بدون فرض نقض حقوق است؛ بدین معنا که قرآن قبل از اینکه هرگونه نقضی رخ دهد، آنها را مطرح نموده است و این از ویژگی‌های الهی بودن آن است، اما حقوق کودک در نظام حقوق بشری و مخصوصاً در کنوانسیون زمانی مطرح شد که موارد زیادی از نقض حقوق کودکان در جهان دیده شد. این امر نشان از سبقت و کمال قرآن نسبت به قوانین بشری از جمله کنوانسیون حقوق کودک دارد.

حقوق کودک در قرآن کریم

قوانین در یک تقسیم‌بندی کلی، به قوانین الهی و بشری تقسیم می‌شوند. قوانین بشری به‌دلیل عدم شناخت کامل انسان، از جامعیت لازم برخوردار نیست و نمی‌تواند به همه ابعاد روحی و روانی انسان توجه لازم را داشته باشد؛ به‌همین سبب، این حقوق غالباً در حال تغییر و تحول می‌باشند؛ لذا تغییر آراء در تعیین حقوق انسانی و التزام و پایبندی به قوانین بشری بسیار تردید آمیز است. از آنجا که هرگونه برنامه‌ریزی برای انسان مستلزم شناخت جامع از ابعاد و پیچیدگی‌های اوست و این امر جز به مدد وحی میسر نمی‌شود، همه صورت بندی‌ها و تدوین‌های فارغ از جهان وحی ناقص و نارساست. خداوند متعال در این باره می‌فرماید: (أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ) (نحل / ۱۷)؛ «و آیا کسی که می‌آفریند، هم‌چون کسی است که نمی‌آفریند؟! آیا (غافلید) و متذکر نمی‌شوید؟!».



نوع تغذیه از زمان تولد، سفارش شده است. خداوند متعال در قرآن کریم در آیه‌ی دویست و سی و سوم سوره‌ی بقره به حقوق کودک و پدر و مادرش و قوانین شیر دادن به او اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يُنْمِيَ الرِّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلِّفُ نَفْسٌ إِلَّا مَا وَعَىٰهَا وَلَا تَضَارَّ وَالِدَةٌ وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بَوْلِدَةً وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْتَرْضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُم بِالْمَعْرُوفِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ» (و مادران، فرزندان‌شان را دو سال کامل، شیر می‌دهند. (این) برای کسی است که بخواهد [دوران] شیر دادن را به اتمام رساند. و بر آن کس که نوزاد برایش متولد شده، لازم است خوراک آن (مادر) آن و پوشاک آنان را به‌طور پسندیده [در دوران شیر دادن فراهم آورد]. هیچ‌کس، جز به اندازه توانائیش، تکلیف نمی‌شود. هیچ مادری به‌واسطه فرزندش ضرر نیند (و به او زیان نرساند)؛ و نه کسی که فرزند برایش متولد شده به‌واسطه فرزندش (ضرر ببیند و به او زیان رساند) و بر وارث مانند این (احکام واجب) است. و اگر آن دو، با رضایت و مشورت یکدیگر، بخواهند [کودک را زودتر] از شیر بازگیرند، پس هیچ گناهی بر آن دو نیست. و اگر خواستید دایه‌ای برای فرزندان خود بگیرید، پس هیچ گناهی بر شما نیست؛ هنگامی که آنچه را (وعده) داده‌اید به‌طور پسندیده بپردازید. و [خودتان را] از [عذاب] خدا حفظ کنید؛ و بدانید که خدا، به آنچه انجام می‌دهید، بیناست). تعبیر «یرضعن» به‌صورت اخباری آمده است (نه انشایی و دستوری) که به‌گونه‌ی ظریفی، حال مادران را بیان می‌کند که به «فرزندان‌شان دو سال کامل شیر می‌دهند»، و این شیوه‌ی بیان

مِنْهَا وَمَا بَطْنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمُ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (انعام/۱۵۱) این آیه که در پی بیان محرمات الهی است، پس از نهی از شرک و امر احسان به والدین، از فرزندکشی سخن به‌میان آورده و آن را تحریم کرده است. از این آیات بر می‌آید که عرب‌های دوران جاهلی نه تنها دختران خویش را به‌خاطر تعصب‌های غلط زنده به گور می‌کردند بلکه پسران را که سرمایه بزرگی در جامعه آن روز محسوب می‌شد، نیز از ترس فقر و تنگدستی به قتل می‌رسانیدند خداوند در این آیه آنها را به خوان گسترده نعمت پروردگار که ضعیف‌ترین موجودات نیز از آن روزی می‌برند توجه داده و از این کار باز می‌دارد. با نهایت تاسف این عمل جاهلی در عصر و زمان ما در شکل دیگری تکرار می‌شود، و به‌عنوان کمبود احتمالی مواد غذایی روی زمین، کودکان بی‌گناه در عالم جنینی از طریق کورتاژ به قتل می‌رسند. گرچه امروز برای سقط جنین دلائل بی‌اساس دیگری نیز ذکر می‌کنند، ولی مساله فقر و کمبود مواد غذایی یکی از دلائل عمده آن است. این‌ها و مسائل دیگری شبیه به آن، نشان می‌دهد که عصر جاهلیت در زمان ما به‌شکل دیگری تکرار می‌شود و ((جاهلیت قرن بیستم)) حتی در جهانی وحشت‌ناک‌تر و گسترده‌تر از جاهلیت قبل از اسلام است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ج ۶، ص ۳۳).

ب. حق تغذیه و شیرخوارگی

بعد از تولد، مهم‌ترین مسئله برای کودک ادامه حیات است و بدیهی است که در چنین موقعیتی، کودک توان حفاظت از خود را ندارد. مادر نزدیک‌ترین فرد به کودک است و شیر مادر بهترین غذا برای وی در دوران شیرخوارگی است. در آموزه‌های دینی و تعالیم معصومان (ع) به بهره‌مندی کودک از شیر مادر، به‌عنوان برترین



روان خود و نوزاد وارد سازند (لا تُضَارَّ وَالِدَةُ بَوْلِدِهَا وَ لَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَلَدِهِ). پدر، حق مادر را در نگهداری کودک پای‌مال نکند و مادر نیز از این حق سوء استفاده نکند و با بهانه‌جویی از شیردادن خودداری نکند و یا مرد را از دیدار فرزندش محروم نسازد و به او ضربه‌ی روانی و اقتصادی نزند. (ه) بعد از مرگ پدر، وارثان او باید عهده‌دار این وظیفه شوند و احتیاجات مادر را در دورانی که به کودک شیر می‌دهد تأمین کنند (وَ عَلَی الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ). (و) هرگز نمی‌توان از حق شیر دادن و سرپرستی مادر جلوگیری کرد، مگر این‌که خودش امتناع ورزد و یا مانعی برای او پیش آید، که در این صورت می‌توان نگهداری و شیر دادن کودک را به دایه‌ی مناسبی واگذار کرد و یا قسمتی از شیر دادن را به عهده‌ی او گذاشت تا کمکی برای مادر باشد. (ز) زمان از شیر گرفتن کودک، به تصمیم پدر و مادر بستگی دارد. این زمان با توجه به وضع جسمی کودک و با هم‌فکری و توافق پدر و مادر تعیین می‌شود؛ یعنی آنان با مشورت و رضایت هم عمل می‌نمایند. (۲) تعبیر «مولود له» (کسی که فرزند برای او تولد یافته) در مورد پدر نوزاد آمده است و از واژه‌ی متعارف «اب» (پدر) استفاده نشده است. گویا این تعبیر عواطف پدر را در راه انجام وظیفه تحریک می‌کند که اگر هزینه‌ی مادر طفل به عهده‌ی پدر گذاشته شده، به خاطر فرزند او و میوه‌ی دل اوست، نه یک فرد بیگانه. پس ناگزیر مصالح زندگی و لوازم تربیت و از آن جمله خوراک و پوشاک و نفقه، مادری که او را شیر می‌دهد به عهده او است، و این هم به عهده مادر او است که پدر فرزند را ضرر نزند، و آزار نکند، برای اینکه فرزند برای پدرش متولد شده است. (۳) تعبیر «معروف» در آیه‌ی فوق نشان می‌دهد که لباس و غذای مادر باید در حدود متعارف و شایسته‌ی حال او تأمین شود، یعنی نه

تأثیر روانی بیش‌تری در توجه مادران به شیر دادن دارد. (۱) در آیه‌ی فوق دستورات مختلفی درباره شیر دادن نوزادان آمده و به حقوق گوناگونی که مادر و فرزند و پدر در این زمینه دارند، اشاره شده است که می‌توان آنها را در هفت بخش بیان کرد. الف) حق شیر دادن در دو سال شیرخوارگی مخصوص مادر است. با این‌که سرپرستی کودکان برعهده‌ی پدر است اما از آن‌جا که تغذیه‌ی جسم و جان نوزاد در این مدت با شیر و عواطف مادر پیوندی ناگسستنی دارد، حق نگهداری و سرپرستی به مادر واگذار شده است؛ و این به خاطر رعایت عواطف مادر و حال کودک است (وَ الْوَالِدَاتُ يَرْضَعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ). ب) دوران شیرخوارگی (رضاعة) کامل، دو سال و دوره‌ی غیر کامل آن ۲۱ ماه است و این مطلب که در روایات آمده است، از ضمیمه کردن آیه‌ی فوق و آیه‌ی ۱۵ سوره‌ی احقاف استفاده می‌شود. در آنجا می‌فرماید: «بارداری و از شیر گرفتن کودک ۳۰ ماه است.» و در این‌جا می‌فرماید: «مادران فرزندان خود را دو سال تمام شیر می‌دهند. (این برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را تکمیل کند) (لَمَنْ أَرَادَ أَنْ يَتِمَّ الرِّضَاعَةَ). پس معلوم می‌شود که لازم نیست مدت شیر دادن حتماً دو سال باشد و مادران حق دارند با توجه به وضع نوزاد و رعایت سلامت او این مدت را تقلیل دهند و حتی در مورد لزوم، از ۲۱ ماه نیز کمتر کنند. ج) هزینه‌ی زندگی مادر از نظر غذا و لباس در دوران شیر دادن برعهده‌ی پدر نوزاد است تا مادر بتواند با خاطری آسوده فرزندش را شیر دهد و چنانچه زن طلاق گرفته باشد نیز، همین حکم جاری است. (وَ عَلَی الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَ كِسْوَتُهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ). د) هیچ‌یک از پدر و مادر نباید با اختلافات خویش سرنوشت کودک خود را قربانی کنند و بدین‌وسيله ضربه‌های جبران‌ناپذیری به روح و



اطفالی که با شیر مادر تغذیه می‌شوند ده‌برابر کمتر از اطفالی است که با شیر گاو تغذیه می‌شوند.

(www.naturalchild.org/guest/leslie_burby.htm)

همچنین میزان بروز سرطان در کودکانی که با شیر مادر تغذیه می‌شوند هشت برابر کمتر از کودکانی است که با شیر گاو تغذیه می‌شوند. شیر مادر باعث جلوگیری از بروز حساسیت، آسم و التهاب گوش، التهاب ریه و ... می‌گردد.

(www.momsandpopsproject.org/benefits.php)

منافع شیردهی برای خود مادر نیز کمتر از کودک نیست. تحقیقات نشان می‌دهد که سرطان سینه و سرطان رحم در زنانی که شیر می‌دهند بسیار پایین‌تر از میزان آن در زنانی است که هرگز شیر نداده‌اند. از جهت دیگر، در بیانیه‌ای که مرکز بهداشت جهانی و همچنین یونیسف در مورد مدت زمان شیردهی منتشر کرده است به صراحت مدت زمان دو سال کامل را بهترین مدت برای شیردهی به کودکان معرفی نموده است. (Complementary feeding, Report of the

December ۱۰-۱۳ global consultation, Geneva, ۲۰۰۱). تحقیقات نشان می‌دهد که بدن کودک تا پایان دو سالگی هنوز در برابر بیماری‌ها مقاوم نشده است و بهترین حامی وی در این دوران شیر مادر است. همچنین برخی نیازهای ضروری بدن طفل تنها و تنها از طریق شیر مادر تامین می‌گردد. (breastmilk/benefits.asp) به‌علاوه، تحقیقات نشان‌دهنده این مطلب است که سرطان تخمدان در میان زنانی که بیست و چهار ماه شیر می‌دهند تا یک‌سوم کاهش می‌یابد. (۷۶۴) این همان مطلبی است که قرآن کریم ۱۴۰۰ سال قبل بدون الگوگیری از نظام حقوقی دیگر به آنان تصریح داشته است که این خود می‌تواند مهم‌ترین دلیل بر اعجاز تشریحی قرآن

سخت‌گیری شود و نه اسراف گردد. تکرار واژه‌ی «معروف» در این آیه، به وجه نیکویی، عنصر عرف و زمان را در شاخص‌های مراعات حقوق خانوادگی وارد می‌کند. (۴) تکلیف انسان‌ها بر اساس قدرت و به اندازه‌ی توانایی آنهاست و نباید از نظر اقتصادی به پدر کودک فشار وارد شود. این یک اصل اساسی در احکام اسلامی است؛ بنابراین هیچ قانونی در اسلام وجود ندارد که کاری پیش از توان فرد از او بخواهد (لا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا). (۵) باید حقوق مادر و دایه در برابر شیر دادن پرداخت شود و این یکی از زیباترین جلوه‌های رعایت حقوق زنان در اسلام است. (۶) از این آیه و آیات مشابه، متوجه جامعیت احکام اسلام می‌شویم که برای همه‌ی مراحل زندگی انسان، از دوران نوزادی تا هجرت، جهاد و فرهنگ، برنامه‌ریزی کرده است (طباطبایی، ۱۳۶۰ / ۲ / ۳۶۰؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ / ۲ / ۱۸۶ - ۱۹۱؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۹ / ۲ / ۲۱۹ - ۲۲۲).

ابعاد علمی آیه

آیه فوق از جهت ابعاد و اشاراتی علمی که در آیه مطرح شده است اعجاب هر انسانی را بر می‌انگیزد و همگی قابلیت بررسی میان‌رشته‌ای را دارند؛ از جمله: در بُعد حقوقی به حقوق کودک، پدر و مادر و دایه اشاره کرده است. در بُعد پزشکی، بدون الگوگیری از نظام حقوقی دیگر لزوم تغذیه با شیر مادر در طول دو سال را بیان کرده است که نشان از اهمیت مسأله از دیدگاه قرآن دارد. حال اگر این قانون قرآن را با دیدگاه دانشمندان امروزی مقایسه نماییم در می‌یابیم که آنان همان مطلبی را می‌گویند که قرآن کریم چهارده قرن پیش بیان فرموده است (www.kaheel7.com). تحقیقات علمی ثابت کرده است که شیر مادر به‌طور کلی بهترین غذا برای طفل است، مقدار باکتری‌های مضر در بدن



کودک در همه ابعادش پرداخته و با این ابتکار حقوق کودک را پایه‌ریزی نموده است که این نوعی اعجاز تشریحی قرآن در حوزه تربیت به‌شمار می‌آید. نکته جالب توجه دیگر این است حقوقی را که قرآن مطرح می‌کند، در بسیاری از موارد بدون فرض نقض حقوق است؛ بدین معنا که قرآن قبل از اینکه هرگونه نقضی رخ دهد، آنها را مطرح نموده است و این از ویژگی‌های الهی بودن آن است، اما حقوق کودک در نظام حقوق بشری و مخصوصاً در کنوانسیون زمانی مطرح شد که موارد زیادی از نقض حقوق کودکان در جهان دیده شد. این امر نشان از سبقت و کمال قرآن نسبت به قوانین بشری از جمله کنوانسیون حقوق کودک دارد. بنابراین، ضروری است قانون‌گذاران و مجریان حقوق بشر برای برپایی عدالت و احقاق حقوق انسانی، صرفاً به قوانین الهی که جامع‌ترین آنها در دین مبین اسلام و قرآن آمده است، تمسک جویند. قرآن از ابتدای کودک انسان، وظایف سنگینی بر عهده پدر و مادر او و در ادامه بر عهده حکومت گذاشته است تا انسانی سالم، مفید و ثمربخش تحویل اجتماع گردد، در حالی که تا قرن بیستم هیچ قانون مدونی در سطح بین‌المللی برای کودکان نوشته نشده است (امینی، ۱۳۸۴، ص ۳۱۸).

ج. حق نامگذاری و نام نیکو

در آموزه‌های دینی و شرعی، سفارش‌های بسیاری به انتخاب نام مناسب و نیکو وجود دارد. در منابع حدیثی باب خاصی به موضوع انتخاب نام مناسب برای کودکان اختصاص یافته است. به‌عنوان نمونه پیامبر گرامی اسلام در وصیت‌های خود به امام علی (ع) فرمود: «یا علی حق فرزند بر پدرش این است که نامی نیکو و زیبا برای او برگزیند و...» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹ق/ ۲۱/ ۳۸۷).

در حوزه تربیت به‌شمار آید و اولین پایه‌گذار قوانین حقوق کودک باشد. www.iranmania.com در بُعد اقتصادی به هزینه مادر، کودک و دایه و تنظیم روابط اقتصادی آنها با پدر و نیز تأثیر عرف در این زمینه اشاره کرده است. در بُعد تربیتی به مشاوره والدین، لزوم زیان نرساندن به کودک، اصل رضایت پدر و مادر در مسائل خانوادگی و عدم تحمیل تکالیف اشاره کرده است. در بُعد روان‌شناختی به تحریک عاطفی پدر و مادر (با تعبیری مانند بولده، مولد له و والده) رعایت عواطف مادر در علاقه به سرپرستی کودک و ایجاد آرامش و رفع فشار روانی در خانواده اشاره می‌کند. در بُعد مدیریتی، کنترل، نظارت و مدیریت تغذیه کودک در خانواده و نیز مدیریت اقتصادی خانواده پرداخته است. در بُعد فقهی به مباحث رضاع، ارث، نفقه، و تأثیر زمان و مکان (عرف) در موضوعات احکام اشاره کرده است. در بُعد قواعد فقهی به قاعده تکلیف به‌اندازه توان و قاعده عدم ضرر به دیگران می‌پردازد. در بُعد اجتماعی به مسئله عرف، نهاد خانواده و شیوه‌های رفع اختلاف اشاره کرده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۹۲، ۴۲۱-۴۲۴). اگر نبود، آیاتی دیگری در تشریح حقوق کودک، به جرأت می‌توان گفت آیهی شریفه فوق به‌تنهایی و در یک نگاه کلان به تمام ابعاد حقوق کودک و نیز روابط والدین و کودک پرداخته و آن را تشریح و پایه‌ریزی نموده است. چراکه در بحث پیشینه حقوق کودک پس از بررسی به این نتیجه رسیدیم که در هیچ نظامی حقوقی حتی کنوانسیون حقوق کودک که شالوده آخرین تلاش‌های فکری انسان قرن بیست و یکم می‌باشد در تبیین حقوق کودک دارای نقص است. قرآن کریم در آیه فوق با شیوه‌ی منحصر به خودش به تنظیم قوانین روابط والدین و



در تمامی این آیات توجه به حیات اخروی و خط فکری صحیح بر عهده والدین نهاده شده و از حقوق کودک شمرده شده است.

الف. توجه به دین و خط فکری صحیح

قرآن کریم در سوره بقره ذیل آیات ۱۳۲ و ۱۳۳ بدان مهم توجه نموده است و می‌فرماید: «وَوَصَّي بِهَا إِبْرَاهِيمَ بَنِيهِ وَيَعْقُوبَ يَا بَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ لَكُمُ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنتُمْ مُسْلِمُونَ أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتَ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًُا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» «و ابراهیم و یعقوب (در واپسین لحظات عمر) فرزندان خود را به این آیین وصیت کردند (و به فرزندان خویش گفتند): «فرزندان من! خداوند این آیین پاک را برای شما برگزیده است و شما جز به آیین اسلام [تسلیم در برابر فرمان خدا] از دنیا نروید. آیا هنگامی که مرگ یعقوب فرا رسید، شما حاضر بودید؟ در آن هنگام که به فرزندان خود گفت: «پس از من، چه چیز را می‌پرستید؟» گفتند: «خدای تو، و خدای پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق، خداوند یکتا را، و ما در برابر او تسلیم هستیم». قرآن با نقل وصیت ابراهیم گویا می‌خواهد این حقیقت را بازگو کند که شما انسان‌ها تنها مسئول امروز فرزندانان نیستید، مسئول آینده آنها نیز می‌باشید تنها به‌هنگام چشم بستن از جهان نگران زندگی مادی فرزندانان بعد از مرگتان نباشید، به‌فکر زندگی معنوی آنها نیز باشید. نه‌تنها ابراهیم چنین وصیتی کرد که فرزندزاده‌اش یعقوب نیز همین روش را از نیای خود ابراهیم اقتباس نمود و در بازپسین دم عمر، به فرزندانش گوشزد کرد که رمز پیروزی و موفقیت و سعادت در یک جمله کوتاه (تسلیم در برابر حق) خلاصه می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ / ۱ / ۴۶۲).

د. حق برخورداری از هویت خانوادگی (نسب) یکی از حقوقی که برای طفل اهمیت بسیاری دارد و آثار فراوانی بر آن بار می‌شود، قرابت خانوادگی (نسب) است که کودک در دامان آنها متولد شده است. حق کودک در داشتن نسب، یعنی همان حق داشتن پدر و مادر و برخورداری از حمایت‌های آنان. بسیاری از حقوق مربوط به کودکان، مانند حضانت، و نفقه و ارث، در سایه داشتن نسب مشخص، به‌سهولت تأمین‌پذیر و به‌دست آمدنی است. خداوند در قرآن کریم استورای و استقامت انسان را در رابطه نسب قرار داده است: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا» (فرقان، ۵۴) و اوست کسی که از آب، بشری آفرید و او را [دارای خویشاوندی] نَسَبی و دامادی قرار داد، و پروردگار تو همواره تواناست. منظور از نسب پیوندی است که در میان انسان‌ها از طریق زاد و ولد به‌وجود می‌آید، مانند ارتباط پدر و فرزند یا برادران به یکدیگر، اما منظور از صهر که در اصل به‌معنی داماد است، پیوندهائی است که از این طریق میان دو طایفه برقرار می‌شود، مانند پیوند انسان با نزدیکان همسرش، و این دو، همان چیزی است که فقهاء در مباحث نکاح از آن تعبیر به نسب و سبب می‌کنند (طباطبایی، ۱۳۶۰ / ۱۵ / ۳۱۷). در حقوق اسلام، خانواده نقشی بسیار مهم و حیاتی دارد؛ از این‌رو دارای مقررات ویژه و دقیقی است تا کودکان، چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی و تربیتی، سالم و موفق به جامعه عرضه شوند.

حقوق معنوی:

یکی از مهم‌ترین حقوق کودک حقوق معنوی و حیات اخروی اوست به‌عبارتی مهم‌ترین حق انسانی است که متأسفانه نظام‌های حقوق بشری و نیز در کنوانسیون حقوق کودک بدان نپرداخته است. آیات قرآن کریم در این زمینه بسیار است.



کرده‌اند ادب آموزی و مسائل تربیتی است که خداوند به دنبال اخطار به برخی از همسران پیامبر (ص) و سرزنش آنان، خطاب خود را همه مؤمنان قرار داد است و درباره تعلیم و تربیت همسر و فرزندان و خانواده به آنان دستوراتی می‌دهد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱/ ۲۴ / ۲۸۶). همچنین خداوند در قرآن کریم گاهی رویه عملی برخی بندگان برگزیده خود را در تربیت و پرورش کودکان بیان می‌کند؛ مانند پندهای لقمان به فرزندش که می‌تواند نماد توجه کامل به تربیت، به خصوص تربیت دینی، باشد: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يُعْطِيهِ يَابُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان / ۱۳)؛ (به خاطر بیابور) هنگامی‌را که لقمان به فرزندش - در حالی‌که او را موعظه می‌کرد - گفت: «پسرم! چیزی را همتای خدا قرار مده که شرک، ظلم بزرگی است. از آنجاکه کودک دارای حقوق متعدد و فراوانی است چه در بخش مادی و چه در بخش معنوی که بررسی و تحلیل همه آن موارد از وسع و توان نویسنده و ظرفیت این مقاله خارج است لذا به این نمی‌ازیم بی‌کران آموزه‌های قرآن کریم بسنده نموده و تحلیل و بررسی سایر موارد از حقوق کودک باید در مقاله‌ها و کتاب‌های دیگر به صورت مستقل بحث شود.

نتیجه‌گیری

بعد از بررسی و تبیین جایگاه حقوق کودک در آموزه‌های قرآن کریم در مقایسه با نظام‌های حقوقی بشر امروز در حمایت از حقوق کودک؛ می‌توان مدعی شد که پایه‌گذاری و تشریح حقوق کودک در قرآن کریم کامل و جامع و بدور از نقص و کاستی می‌باشد و قبل از قرآن کریم دیگر نظام‌های حقوقی به صورت جامع به تنظیم حقوق کودک نپرداخته‌اند و امروزه هم اگر در سایر نظام‌ها و کنوانسیون حقوق کودک به حمایت از

ب. حق کودک بر آموزش (تعلیم)
یکی از مهم‌ترین مباحث حقوق کودک در دنیای امروز، مسئله تعلیم و آموزش کودکان است. در دستورات دینی بر علم‌آموزی و دانش‌اندوزی کودکان از سنین ابتدایی دوران کودکی بسیار تأکید شده و شاید به هیچ موضوعی به این وسعت توجه نشده باشد. به تعبیر امام علی (ع) «الْعِلْمُ فِي الصَّغَرِ كَالنَّقْشِ فِي الْحَجَرِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱ / ۲۲۴)؛ علم و یادگیری در دوران کودکی همانند نقش روی سنگ (ماندگار) است. در آیاتی از قرآن کریم نیز هدف رسالت انبیای الهی، تزکیه و تعلیم ذکر شده است: «لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَ يَزَكِّيهِمْ وَ يُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَ الْحِكْمَةَ وَ إِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُبِينٍ» (آل عمران، ۱۶۴) خداوند بر مؤمنان منت گذارد (نعمت بزرگی بخشید) هنگامی‌که در میان آنها پیامبری از جنس خودشان برانگیخت که آیات او را بر آنها بخواند و کتاب و حکمت به آنها بیاموزد اگرچه پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

ج. حق کودک بر پرورش (تربیت صحیح)

تربیت یکی از تکالیف خاص پدر و مادر و سرپرستان قانونی در عرصه خانواده و اجتماع است. تربیت مهم‌ترین مسؤلیت پدر و مادر در قبال فرزند است چراکه آینده کودک در گرو رفتار صحیح والدین و نشان دادن عکس‌العمل‌های مناسب در موقعیت‌های مختلف است خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غُلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَ يَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ (تحریم، ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیزم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگاه دارید. یکی از مصادیق مهمی که بیشتر مفسران در بحث از این آیه بیان



و کامل در شرایطی که کودکان انسان محسوب نمی‌شد و جنبه مالیت داشت و خرید و فروش می‌شدند از همه مهمتر از ابتدایی‌ترین حق، که حق حیات است محروم بودند و زنده به گور می‌شدند و دوره‌های تحقیر و تنبیه را سپری نمودند خود از اعجازها و شگفتی‌های علمی قرآن کریم محسوب می‌شود چه آن که در چنین شرایطی که دیگران کمترین حقوق را برای کودکان قائل نیستند قرآن کریم با پایه‌ریزی حقوق کودک، بدون الگوگیری از دیگر نظام‌های حقوقی بدان پرداخته و بدون نقص و کاستی آن را تبیین می‌نماید در حالی که کنوانسیون حقوق کودک که شالوده آخرین تلاش‌های انسان قرن بیست و یکم می‌باشد دارای نقص و لغزش‌های است که به حقوق معنوی کودک که خود مهم‌تر از حقوق مادی است هیچ توجهی نمی‌شود.

حقوق کودک پرداخته شده است جامعیت نظام حقوقی قرآن را ندارد چراکه این منابع حقوق بشری اولاً در کمیت حقوق کودک نسبت به قرآن کریم حقوق کمتری را برای کودک مطرح نموده‌اند بویژه در بخش حقوق معنوی که اهمیت بیشتری نسبت به حقوق مادی دارد. ثانیاً در کیفیت حقوق، در سطح ارزشی و محتوایی آن دچار لغزش‌های فراوان است چراکه وضع قانون از سوی بشر و محدود بودن آگاهی او نسبت به تمام ابعاد و زوایای شخصیتی کودک خود گویای این لغزش‌هاست ولی در مقابل نظام حقوقی قرآن کریم که نظامی است الهی و طبعاً در چنین نظامی به تمام ابعاد و زوایای انسانی توجه می‌شود لذا قوانین آن نیز جامع و برتر از سایر نظام‌ها خواهد بود. از طرفی دیگر می‌توان گفت که تشریح و تنظیم حقوق کودک به صورت جامع

منابع

۱. قرآن کریم
۲. امامی، سیدحسن، حقوق مدنی، تهران، نشر اسلامیه، چ ۱۲، ۱۳۷۶.
۳. امینی، ابراهیم، اسلام و تعلیم و تربیت، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۴.
۴. ایروانیان، امیر، بررسی تطبیقی حقوق کودک در اسناد بین‌المللی با قوانین و مقررات داخلی؛ سال هفتم، ماهنامه دادرسی، ۱۳۸۲، شماره ۳۶ و ۳۷.
۵. بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک، قم، نشر مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
۶. بهشتی، احمد، اسلام و حقوق کودک: تعمیم اصول دموکراسی در مورد کودکان، مجله: درس‌هایی از مکتب اسلام، ش ۹، ۱۳۵۱.
۷. پیوندی، غلامرضا، حقوق کودک، تهران، نشر سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰.
۸. جعفر، علی محمد، الاحداث المنحرفون، بیروت، الجامعیه، چ ۲، ۱۹۹۶.
۹. جعفری، افشین؛ اسماعیل‌پور، حیدر، مبانی فلسفی و حقوقی دوره کودکی و نوجوانی از منظر نظام حقوقی اسلام و کنوانسیون حقوق کودک، مجله: حقوق پزشکی، ش ۶، ۱۳۹۸.
۱۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ، قم، نشر: مؤسسه آل‌البیت چاپ: اول: ۱۴۰۹ ق.
۱۱. «مقایسه اجمالی نظام حقوق کودک در اسلام و جهان غرب» حسینی، سیدعلی اکبر، سال هشتم، ندای صادق، ۱۳۸۲، ش ۲۱.
۱۲. رضایی اصفانی، محمدعلی، تفسیر قرآن مهر، قم انتشارات عصر ظهور چاپ اول ۱۳۸۹.
۱۳. علوم قرآن ۲، قم، نشر بین‌المللی جامعه‌المصطفی‌العالمیه، چ اول: ۱۳۹۲.
۱۴. صفایی، سیدحسین؛ حقوق مدنی اشخاص و اموال، تهران، نشر میزان، چ شانزدهم، ۱۳۹۲.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، نشر اسماعیلیان، چ ۱۳۶۰.
۱۶. عبادی، شیرین، حقوق کودک، تهران، کانون، ۱۳۷۵.



۱۷. فوکو، مشیل، اراده به دانستن، ترجمه نیکوسرخوش و افشین جهان دیده، تهران نشر نی، ۱۳۸۳.
۱۸. فقیه حبیبی، علی، حقوق کودک در اسلام و خشونت های سیاسی جهان اسلام، مجله: پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، ش ۲۳، ۱۳۹۶.
۱۹. کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی (خانواده)، تهران، نشر، به‌نشر، چاپ دوم: ۱۳۸۳.
۲۰. فلسفه حقوق، تهران، نشر: به‌نشر، ۱۳۸۱.
۲۱. قانون مدنی افغانستان، تهیه و تنظیم: حسینی صارم. چ دوم ۱۳۸۸.
۲۲. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان، تفسیر نمونه، تهران، نشر دارالکتب الاسلامیه، چ: ۱۳۷۴ ش.
۲۳. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، نشر دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. هاچکین، راشل و پیتر نیوئل، کتاب راهنما برای اجرای پیمان‌نامه حقوق کودک، ترجمه مرتضی ثاقب و دیگران، تهران: یونیسف، ۱۳۸۷.

25. www.kaheel.com

26. http://www.naturalchild.org/guest/leslie_burby.htm

27. <http://www.momsandpopsproject.org/benefits.php>

28. <http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pmc/articles/PMC>

29. www.iranmania.com

بررسی پدیده نوظهور تغییر جنسیت از دیدگاه قرآن کریم و بیان احکام و آثار فقهی آن

محمد مهدی کریمی نیا

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول: Kariminiya2003@yahoo.com)

چکیده

تغییر جنسیت عبارت است از: «تبدیل جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث، از مؤنث به مذکر، از خنثی به مذکر، از خنثی به مؤنث، از مذکر به خنثی یا از مؤنث به خنثی». در تعریفی عام شامل تغییر جنسیت در حیوانات و حتی گیاهان نیز می‌شود. در مورد تغییر جنسیت در افراد خنثای روانی (ترانس‌سکشوال) اختلاف نظر جدی هست. برخی فقهای شیعه به جواز آن قائل‌اند و در مقابل، تمامی عالمان اهل سنت به حرمت تغییر جنسیت معتقدند. البته عده‌ای از فقیهان شیعه نیز به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده‌اند. از نظر عالمان شیعه که به جواز تغییر جنسیت معتقد شده‌اند، هیچ دلیلی بر حرمت این پدیده نوظهور وجود ندارد. یکی از مهم‌ترین دلیل‌های قائلان به حرمت تغییر جنسیت - با توجه به آیه ۱۱۹ سوره نساء - حرام بودن تغییر در خلقت خداوندی است. با مراجعه به کتب تفسیری روشن می‌شود که اساساً این آیه ناظر به بحث جدید تغییر جنسیت نیست. برخی دیگر برای اثبات حرمت تغییر جنسیت، به آیه ۴۹ سوره شوری استناد کرده‌اند. در پاسخ این استدلال، به نظر می‌رسد تغییر جنسیت امری ممکن است و در صورت وقوع و تبدل موضوع، احکام شرعی جنس مخالف بر او جاری خواهد شد. دلیل دیگر، استناد به آیه ۳۰ سوره نور است که به نظر می‌رسد این آیه نیز نمی‌تواند ناظر به حرمت تغییر جنسیت باشد. از نظر امام خمینی و برخی فقهای دیگر، تغییر جنسیت حرام نیست، ولی سبب بطلان ازدواج سابق شده و عناوین خانوادگی، مانند: برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی و خاله را متحول می‌سازد و نیز سهم‌الارث فرد تغییر جنسیت یافته، بر اساس جنسیت جدید است.

واژگان کلیدی: تغییر جنسیت، تبدیل جنس، اختلال هویت جنسی، خنثی، تراجنسیتی، ترانس‌سکشوال، تغییر خلق‌الله.

مقدمه

۱۴۱۲، ج ۴، ص ۹۶ - ۹۷). مهم‌ترین آیه مورد استناد، آیه ۱۱۹ سوره مبارکه نساء است. در مجموع سه آیه می‌تواند به این بحث مربوط باشد که در مقاله پیش‌رو بررسی شده است. همچنین تغییر جنسیت زمینه‌ساز پرسش‌های فراوان فقهی و حقوقی است. در گذشته تغییر جنسیت غیرممکن تلقی می‌شد، ولی در دهه‌های اخیر، هزاران تغییر جنسیت در ایران و خارج ایران به وقوع پیوسته است که نه تنها فقهای شیعه، بلکه دانشمندان اهل سنت و مسیحی را نیز درگیر کرده است. برخی از پرسش‌های مطرح در این باره از این قرار است: آیا تغییر جنسیت جایز است؟ چنانچه یکی از زوجین یا هر دو به

«تغییر جنسیت» از مباحث چالشی و مهم امروزه در حوزه مسائل پزشکی است. این امر علاوه بر تبدیل جنس فرد، زندگی حقوقی و فقهی وی را متحول می‌سازد. در این باره دیدگاه‌های گوناگونی بیان شده است. عده‌ای با آن موافق و عده‌ای نیز نظر مخالف دارند. این دیدگاه‌ها از سوی فقهای شیعه و اهل سنت و نیز کلسیای مسیحی مطرح شده است. یکی از پرسش‌های مطرح، این است که آیا از نظر قرآن، تغییر جنسیت جایز است؟ عده‌ای از فقها عمدتاً از اهل سنت، معتقدند: این کار از نظر قرآن، حرام است و آن را کاری شیطانی قلمداد می‌کنند (جیزانی،



واژه «تغییر»

«تغییر» واژه‌ای عربی به معنای هرگونه تبدیل یا دگرگون کردن است که در زبان فارسی نیز در همین معنا به کار رفته است (ابن‌منظور، ۱۳۷۶، ج ۵، ص ۴۰/ طریحی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۳۱/ دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل واژه «تغییر»). در کتاب‌های لغت، «تغییر جنسیت» تعریف نشده است، ولی به نظر می‌رسد منظور از آن، هرگونه تبدیل و تحول در جنس نر، ماده یا خنثی می‌باشد؛ به گونه‌ای که وضعیت جنس کنونی، متفاوت با وضعیت سابق باشد.

جنس، جنسیت و هویت جنسی

«جنس» به معنای «کالا و متاع» یا ماهیتی که شامل «انواع» متعدد باشد، تعریف شده است (دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل واژه «جنس»/ عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۵۲۹). البته به نظر می‌رسد کاربرد «جنس» به معنای «نر و ماده»، استعمالی نو است و ریشه در وضع لغوی ندارد. در زبان فارسی «جنسی» به معنای آلت تناسلی است (دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل واژه «جنس» و «جنسی»/ عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۷۰۶) و «جنسیت» مصدر جعلی عربی به معنای حالت یا ماهیت جنس و دارا بودن تمایلات جنسی و نیز به معنای زن یا مرد بودن افراد به کار رفته است (دهخدا، ۱۳۳۷، ذیل واژه «جنسیت»/ معین، ۱۳۸۸، ذیل واژه «جنسیت»). همچنین جنسیت (Sexuality, Gender) در زبان انگلیسی به معنای «ماهیت جنس»، «دارا بودن تمایلات جنسی» و «تمایلات جنسی» (آریانپور کاشانی، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۲۰۱۲) آمده است. «جنسی» (Sexual) به معنای «تناسلی»، «آلت تناسلی»، «دارای جنس»، «دارای خاصیت جنسی» و نیز «نر و ماده» است (صلیبا، ۱۳۶۶، ص ۲۸۹/ آریانپور کاشانی، ۱۳۶۹، ص ۲۰۱۲). جنس (Sex) به ابعاد بیولوژیکی مردانگی و زنانگی فرد محدود می‌شود

جنس مخالف تبدیل شوند، آیا ازدواج همچنان به حال خود باقی است یا آن دو خود به خود از یکدیگر جدا می‌شوند، یا آنکه برای جدایی از یکدیگر، لازم است عاملی همچون طلاق و فسخ پدید آید؟ چنانچه زن پس از ازدواج، تغییر جنسیت دهد، آیا می‌تواند مهریه ازدواج پیشین را مطالبه کند؟ همچنین اگر مرد تغییر جنسیت دهد، آیا موظف به دادن مهریه ازدواج پیشین هست یا خیر؟ چنانچه مرد تغییر جنسیت دهد یا زن جنسیت خویش را تبدیل کند، آیا در مورد نفقه زوج، تغییری حاصل می‌شود؟ چنانچه مرد جنسیت خویش را تغییر دهد، آیا حق ولایت و سرپرستی کودکان را از دست می‌دهد؟ چنانچه مادر تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود، می‌تواند ولایت و سرپرستی کودکان را به دست آورد؟ آیا ارث پس از تغییر جنسیت تغییر می‌کند؟ چنانچه پسر تغییر جنسیت دهد و به دختر تبدیل گردد، سهم‌الارث او چه مقدار است؟ آیا سهم او براساس جنسیت فعلی اوست یا طبق جنسیت سابق سهم‌الارث دریافت می‌کند؟ همین پرسش در صورتی که دختر به پسر تبدیل گردد نیز مطرح است؛ آیا سهم‌الارث او افزایش می‌یابد؟ همچنین اگر پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند، آیا در میزان سهم‌الارث آنان از فرزند مرده خویش، تغییری پیش می‌آید؟ مسئله عناوین خانوادگی همچون پدر، مادر، برادر، خواهر، فرزند، عمو، دایی و خاله، پس از تغییر جنسیت چه وضعیتی می‌یابد؟

مفهوم‌شناسی

در ادامه واژه‌های مهم مربوط به بحث تغییر جنسیت، تبیین می‌شود؛ مانند: تغییر، جنس، جنسیت و هویت جنسی.



ممکن است با اندام جنسی و یا خصوصیات فیزیکی او یکی نباشد. به افرادی که هویت جنسیتی و اندام جنسی‌شان متفاوت است، «ترس جندر» یا «تراجنسیتی» یا «ترانس سکشوال» می‌گویند. تراجنسیتی فردی است که جنس بیولوژیکی او با هویت جنسیتی‌اش همراه نباشد. به‌عنوان مثال فردی که دارای اندام جنسی مردانه است، اما هویت جنسی زن دارد. شدت تضاد بدن با هویت در برخی از این افراد ممکن است به‌حدی زیاد باشد که بوسیله هورمون درمانی و عمل جراحی اقدام به یکسان کردن جسم و هویتشان کنند. به این افراد «تراجنسی» می‌گویند (همان). یکی از متقاضیان جدی عمل جراحی به‌منظور تغییر جنسیت، همین گروه هستند. جنس یک جانور به‌وسیله یک جفت کروموزوم که کروموزوم‌های جنسی‌اند، تعیین می‌شود. در پستانداران، جنس ماده، دو کروموزوم جنسی همانند دارد که به‌دلیل شکلشان، کروموزوم X نامیده می‌شوند؛ بنابراین جنس ماده XX است. جنس نر یک کروموزوم X و یک کروموزوم کوتاه‌تر به‌نام Y دارد؛ بنابراین نرها XY هستند. تخمک‌هایی که توسط جنس ماده ساخته می‌شوند، دارای یک کروموزوم X هستند. اسپرم‌هایی که توسط جنس نر ساخته می‌شوند، دارای یک کروموزوم X یا Y هستند. اگر تخمک توسط اسپرمی که دارای کروموزوم X است، بارور شود، فرزند ماده خواهد بود و اگر توسط اسپرمی با کروموزوم Y بارور شود، فرزند نر خواهد بود.

بررسی جنسیت سوم (طبیعت ثالثه) برای خنثی‌ها
در اینکه آیا خنثی‌ها «طبیعت ثالثه» یا «جنسیت سوم»‌اند یا خیر، شدیداً مورد گفت‌وگوی فقیهان شیعه می‌باشد. برخی معتقدند خنثی‌ها یا دوجنسی‌ها «جنس سوم» محسوب نمی‌شوند. این‌نظر به مشهور فقهای

و جنسیت (Gender) به صفات و ویژگی‌های اجتماعی دو جنس اطلاق می‌گردد. بین «جنس» و «جنسیت» تفاوت‌های معناداری وجود دارد که منشأ آن را باید در فرهنگ یافت. «جنس» به تفاوت‌های زیست‌شناختی و طبیعت زن و مرد اشاره دارد و «جنسیت» ویژگی‌های شخصیتی و روانی است که جامعه آنها را تعیین می‌کند؛ به‌عبارت دیگر جنس، مجموعه‌ای از صفات بیولوژیک، و جنسیت، مجموعه‌ای از صفات اکتسابی، فرهنگی، روان‌شناختی و اجتماعی است. برای مثال، اموری مانند: اعتماد به نفس، نیازهای تعلق‌پذیری و عشق، نیازهای احترام و نیازهای خودشکوفایی جزو صفات اکتسابی - روان‌شناختی شمرده شده است (شولتز، ۱۳۸۵، ص ۳۴۲/ بیگدلو و میرزایی، ۱۳۹۵، ص ۴). در واقع، جنسیت شامل نقش‌های اجتماعی و رفتارهایی است که فرهنگ و جامعه برای جنس‌ها قائل می‌شود. این نقش‌ها دامنه انتظارات رفتاری از جنس‌های مرد و زن را مشخص کرده و این نقش‌ها می‌تواند در فرهنگ‌های مختلف متفاوت باشد. به‌طور مثال، زنانگی و مردانگی از جمله این نقش‌های جنسیتی است. براساس این کلیشه‌ها، افراد با اندام جنسی مردانه، مرد هستند و «باید» رفتارهای مردانه (قدرت، خشونت، مقاومت و ...) داشته باشند و افراد با اندام جنسی زنانه زن هستند و «باید» رفتارهای زنانه (مهربانی، لطافت، سلیقه و ...) داشته باشند (طوسی طبیعی، ۲۰۱۷، ص ۱). زمانی که شکل فرد با برداشت او از جنس خودش تفاوت داشته باشد، این نقش‌ها به مانعی در راه پذیرش او در جامعه به‌عنوان جنس مورد نظرش تبدیل می‌شوند. اینجاست که بحث «هویت جنسیتی» به میان می‌آید (همان). «هویت جنسیتی» تعریفی است که فرد از خودش در ذهن دارد و این هویت



قسم مذکر و مؤنث وجود ندارد. در هر حال ممکن است خنثای مشکل به عنوان «جنسیت سوم»، یعنی نه مرد و نه زن باشد. این عده اگرچه تعدادشان در جامعه کم است، ولی به هر حال احکام خاص برای آن وجود دارد (صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۳۵). البته ایشان می‌پذیرند که در تقسیم‌بندی شرعی، انسان‌ها یا مردند یا زن؛ به عبارت دیگر از نظر شارع مقدس، خنثی به عنوان «جنسیت سوم» شناخته نشده است، بلکه چنین فردی به ناچار یا ذیل عنوان انسان‌های مذکر یا انسان‌های مؤنث قرار می‌گیرند (همان، ص ۱۳۴-۱۳۵).

تعریف فقهی تغییر جنسیت

در اصطلاح فقهی، از نظر برخی فقیهان اسلامی، مفهوم تغییر جنسیت روشن است و نیازمند تعریف نیست (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳). برخی دیگر تغییر جنسیت را به «تبدیل مرد به زن یا برعکس» معنا کرده‌اند (محسنی، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۱۱ / صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۳۳ / همو، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۶۴۲). چنانچه در بحث «جنسیت سوم برای خنثی‌ها»، دیدگاه دوم - یعنی وجود جنسیت سوم برای خنثی‌ها - را بپذیریم، اگر عمل جراحی بر عضو تناسلی آنان صورت پذیرد، این عمل مصداق تغییر جنسیت است؛ نتیجه آنکه تغییر جنسیت شامل تغییر خنثی به مرد یا زن و برعکس آن نیز می‌شود و می‌توان در تعریف تغییر جنسیت گفت: تغییر جنسیت عبارت است از «تبدیل جنسیت یک فرد از مذکر به مؤنث، یا از مؤنث به مذکر، یا از خنثی به مذکر، یا از خنثی به مؤنث، یا از مذکر به خنثی یا از مؤنث به خنثی» (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۴۷). تغییر جنسیت در تعریفی عام، شامل تغییر جنسیت در حیوانات و حتی گیاهان نیز می‌شود (سرچشمه‌پور، ۱۳۸۵، ص ۴۲/

شیعه منسوب بوده (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲)، شهرت آن به گونه‌ای است که برخی این نظریه را به عنوان یک «اصل مسلم فقهی» پذیرفته‌اند و از نظر آنان، انسان‌ها یا واقعاً مردند یا واقعاً زن، و جنس سوم وجود ندارد (هادوی تهرانی؛ به نقل از: فتاحی معصوم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۰). صاحب جواهر - از مدافعان جدی این نظریه می‌گوید: خنثی، کسی که در واقع، یا مذکر است یا مؤنث؛ چون مستفاد از تقسیم انسان، بلکه مطلق حیوانات، در تمام گونه‌های آن به مذکر و مؤنث، در کتاب و سنت، واسطه (جنس سوم) وجود ندارد؛ به گونه‌ای که امکان انکار وجود ندارد (نجفی، [بی تا]، ج ۳۹، ص ۲۷۷-۲۷۸). از مجموع نظرات شیخ‌الفقها، شیخ انصاری در کتاب مشهور فرائد الأصول به دست می‌آید که از نظر ایشان، خنثی، طبیعت ثالثه نیست، بلکه یا زن یا مرد است، ولی نمی‌دانیم چیست (انصاری، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۸۳). از فقهای معاصر، آیت‌الله خویی نیز منکر جنسیت سوم برای خنثی‌ها بوده، معتقد است: اگرچه در خارج، موجود یا جنسیت سومی به نام خنثی یافت می‌شود، إلا اینکه قانونگذار الهی آن را اعتبار نکرده و به لحاظ تعبد و شریعت اسلامی، انسان‌ها به دو قسم: مرد و زن تقسیم شده و بنابراین خنثی‌ها تحت یکی از آن دو جنس مذکر یا مؤنث قرار می‌گیرند (به نقل از: صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۳۵). در مقابل، برخی فقهای معاصر شیعه از وجود جنسیت سوم برای خنثی‌ها دفاع کرده‌اند و معتقدند: خنثی نه حقیقتاً مرد است و نه حقیقتاً زن، و بعید نیست که یک انسان، مصداق حقیقی دو صفت مذکر و مؤنث بوده و در واقع، هم مذکر و هم مؤنث باشد (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲). فقیه دیگری معتقد است: اساساً ما هیچ دلیلی نداریم که انسان‌ها به دو قسم زن و مرد تقسیم می‌شوند و هیچ دلیل قطعی و جزمی بر حصر تعبدی انسان‌ها به دو



تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها فقط اگر به منظور معالجه و درمان باشد، جایز است (همان، ص ۵۲-۵۳) و درباره تغییر جنسیت مرد به زن یا برعکس، از علمای یهود اظهارنظری مشاهده نشده است. از کتاب انجیل نیز نمی‌توان قانون خاص در این باره به دست آورد، ولی از نظر کلیسای کاتولیک، از قرن هفدهم و هجدهم میلادی به بعد، مباحثی درباره علم جراحی در مورد خنثی‌ها مطرح بوده است، اما دیدگاه واحدی در این باره وجود ندارد؛ در مواردی کلیسای کاتولیک به جواز و در مواردی به عدم جواز عمل جراحی در مورد خنثی‌ها نظر داده است (همان، ص ۵۳-۵۵). این مسئله در حالی است که «کلیسای پروتستان» طی قرون گذشته، به خنثی‌ها اجازه داده است به درمان خود اقدام کنند، اگرچه عمل جراحی انجام دهند (همان، ص ۵۵-۵۶). در سال ۲۰۰۳ م کلیسای کاتولیک انگلستان اعلام کرد که تغییر جنسیت مرد به زن یا برعکس، حرام و گناه است و مهم‌ترین دلیل آنان این است که این عمل سبب «تغییر در خلق خدا» می‌باشد؛ این استدلال شبیه استدلال عالمان اهل سنت است (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۹۷ به بعد). با وجود پیشینه هزارساله بشر در عمل جراحی، سابقه آن در حوزه تغییر جنسیت به یک قرن نمی‌رسد. نخستین تغییر جنسیت در انگلستان در سال ۱۹۴۴ م اتفاق افتاد و چنین عملی در آمریکا در سال ۱۹۵۲ م روی داد و نخستین تغییر جنسیت در کشور مصر در سال ۱۹۸۲ م اتفاق افتاد، در حالی که نخستین تغییر جنسیت در ایران در سال ۱۳۰۹ روی داده است (باریکلو، ۱۳۸۲، ص ۶۴-۶۶ روزنامه همشهری، ۱۳۸۴، گزارش کوتاه/کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۵۳) و این عمل کم‌کم در کشورهای دیگر رایج شد. با توجه به نوظهور بودن این بحث، از منظر فقهی دارای

صدر، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۶۴۲/قائمی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۲۰/سبزواری، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۳۰۵).

«تغییر جنسیت» یا «تغییر جنس»

باید توجه داشت تعبیر «تغییر جنس» در مقایسه با «تغییر جنسیت» صحیح‌تر است؛ زیرا منظور از «جنس»، مرد بودن یا زن بودن (نری و مادگی یا رجولیت و انوثیت) افراد است و منظور از «جنسیت»، کیفیت و حالت جنس و نقش اجتماعی زن و مرد است و به وسیله عمل جراحی، جنس افراد (نری و مادگی) تغییر می‌کند و تغییر در جنسیت (نقش اجتماعی)، فرع بر تغییر در جنس است. «تغییر جنسیت» در زبان فارسی، غلطی مشهور است و اصطلاح صحیح، «تغییر جنس» یا «تبدیل جنس» است که در زبان عربی معاصر از آن به «تغییرالجنس» یا «تبدیل‌الجنس» و در زبان انگلیسی به «Sex Channing» یاد می‌شود.

پیشینه تغییر جنسیت

پیشینه تغییر جنسیت با عمل جراحی مدرن و دانش پزشکی ارتباط نزدیک دارد و با رواج جراحی در اعضای گوناگون بدن، دامنه آن به «جراحی در آلت تناسلی» نیز کشیده شد، ولی از آنجاکه در نتیجه چنین عملی، فرد دارای جنسیت جدیدی می‌شد، حساسیت‌هایی را به دنبال داشته است؛ چه اینکه برخی فقهای معاصر شیعه به جواز تغییر جنسیت معتقد شده‌اند، در حالی که فقهای اهل سنت به حرمت این عمل معتقدند. «قانون تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها» برای نخستین بار در سال ۱۹۷۲ م در پارلمان سوئد به تصویب رسید و سپس در آلمان در سال ۱۹۸۰ م، در ایتالیا در سال ۱۹۸۲ م، در هلند در سال ۱۹۸۵ م و در ترکیه در سال ۱۹۸۸ م به تصویب رسید (صالح، ۲۰۰۳، ص ۴۹). از تورات نمی‌توان حکم خاص درباره خنثی‌ها به دست آورد، ولی از نظر علمای یهود،



جنسیت سوم برای خنثی‌ها معتقد نباشیم، باتوجه به اینکه برخی عمل‌های جراحی که روی آلت تناسلی انجام می‌شود، مربوط به خنثی‌هاست، مناسب است درباره تغییر جنسیت خنثی‌ها گفت‌وگو شود. از گذشته تاکنون جوامع انسانی کم‌وبیش با خنثی‌ها (دوجنسی‌ها) روبه‌رو بوده، در منابع حدیثی و فقهی به احکام شرعی این افراد اشاره شده است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۵۷۳، ج ۱۷، ص ۵۷۶، ابواب میراث الخنثی، باب ۲، ح ۵/همان، ص ۵۷۳، باب ۱، ح ۱/حلی، ۱۳۷۸، ج ۲، ص ۱۷۴/همو، ۱۳۷۴، ص ۱۷۷/خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۳۹۹/صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۳۴/مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۲). خنثی‌ها به دو گروه تقسیم می‌شوند: «خنثای مشکل» و «خنثای غیرمشکل».

خنثای مشکل (دوجنسی کامل)

خنثاهای مشکل یا «دوجنسی کامل» یا «هرمافروdit حقیقی» (Hermaphrodit) به دلیل دارا بودن هر دو آلت تناسلی مردانه و زنانه، جنسیت بینابین و دوگانه دارند و دقیقاً مرد بودن یا زن بودن آنان آشکار نیست. این عده به رعایت احتیاط‌های شرعی ملزم‌اند و مثلاً ازدواج برای آنان حرام است (صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۳۵/مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۳-۲۳۴/موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۵-۵۶).

خنثای غیرمشکل

اگرچه خنثای غیرمشکل باتوجه به نشانه‌ها و امارات شرعی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث ملحق می‌شوند و تکلیف شرعی آنان از لحاظ مرد بودن یا زن بودن روشن است، ولی این عده، دارای ابهام و اشکال جنسی‌اند و از بیماری جنسی رنج می‌برند.

پیشینه چندانی نیست، ولی مباحث نزدیک به آن همچون احکام افراد دوجنسی و احکام افرادی که خود را به شکل و لباس جنس مخالف درمی‌آورند، در فقه اسلامی دارای پیشینه طولانی است (حرّ عاملی، ۱۴۱۲، ج ۱۷، ص ۵۷۳، ابواب میراث الخنثی و باب ۱، ح ۱، ۲ و ۴ و باب ۵، ح ۵/همان، ص ۲۸۴/همان، ج ۲۰، ص ۳۳۸/مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۲، ص ۱۳۶/همان، ج ۷۶، ص ۱۶۵/همان، ج ۱۰۰، ص ۱۲۵۸/همان، ج ۱۱۰، ص ۱۶۶/کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۵۵۰/همان، ج ۸، ص ۷۱/علم‌الهدی، ۱۴۱۵، ص ۳۰۶/موسوی بجنوردی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۶/مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۲۳۳/صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۳۵).

اقسام تغییر جنسیت

شناخت تغییر جنسیت و تبیین احکام و آثار آن، مبتنی بر بیان اقسام آن است و اینکه بگوییم تغییر جنسیت حرام است یا این امر جایز است، بدون تعیین نوع یا قسم آن نمی‌تواند صحیح باشد؛ به عبارت دیگر هر قسم از اقسام تغییر جنسیت، دارای حکم خاص خود می‌باشد. فقهای معاصر شیعه به خوبی با تبیین اقسام، مصادیق و حالات گوناگون این پدیده نوظهور، حکم تکلیفی و آثار وضعی آن را روشن ساخته‌اند. باتوجه به مطلب پیش گفته می‌توان برای تغییر جنسیت، اقسامی را بیان کرد که در ذیل اشاره می‌شود.

تغییر جنسیت به منظور کشف جنسیت

در مواردی دستگاه تناسلی خارجی، صورت کامل نیافته و جنسیت حقیقی پنهان مانده است که با جراحی، جنسیت حقیقی این افراد کشف می‌شود (کریمی‌نیا، ۱۳۸۹، ص ۱۸۷).

تغییر جنسیت در خنثی‌ها (دوجنسی‌ها)

پیش‌تر گفته شد که از نظر برخی فقها خنثی‌ها دارای جنسیت سوم‌اند. اگر این سخن را بپذیریم، عمل جراحی که بر این افراد صورت می‌گیرد، مصداق تغییر جنسیت است. حتی اگر به



عدم جواز تغییر جنسیت، فی حد نفسه مورد توجه است؛ بنابراین اگر ضرورت شدید یا اضطراب برای عمل جراحی تغییر جنسیت وجود داشته باشد، همه فقیهان اعم از شیعه و سنی به جواز آن معتقدند. دوم، آنکه همه فقیهان اهل سنت بدون استثنا به حرمت تغییر جنسیت معتقدند، ولی فقیهان شیعه به دو گروه «معتقدان به جواز تغییر جنسیت» و «معتقدان به عدم جواز تغییر جنسیت» تقسیم می‌شوند. فتوای صریح امام خمینی شامل تغییر جنسیت مرد به زن و زن به مرد و نیز شامل تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس زن یا مرد می‌شود؛ بنابراین از نظر امام خمینی، تغییر جنسیت فقط شامل تبدیل مرد به زن یا تبدیل زن به مرد نمی‌شود، بلکه از نظر ایشان، تبدیل خنثی به یکی از دو جنس مذکر یا مؤنث نیز مصداقی از تغییر جنسیت است. این مطلب از آن جهت مهم می‌باشد که ممکن است تصور شود دیدگاه امام خمینی مبنی بر جواز تغییر جنسیت فقط شامل خنثی‌ها یا دوجنسی‌ها می‌شود؛ یعنی همان کسانی که از نظر جسمی بیمارند و نیازمند عمل جراحی تغییر جنسیت‌اند، در حالی که امام خمینی با صراحت تمام، تغییر جنسیت در مورد افراد سالم را مجاز می‌شمرد؛ چه اینکه امام خمینی آشکارا بحث خنثی‌ها را قسیم مورد نخست - تبدیل مرد به زن و زن به مرد - قرار داده‌اند و از نظر ایشان تغییر جنسیت مطلقاً جایز است؛ خواه تغییر جنسیت مرد به زن یا برعکس و خواه تغییر جنسیت خنثی به یکی از دو جنس مرد و زن (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۸/کریمی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۲۰۰). تنها موردی که مورد اختلاف نظر جدی است، تغییر جنسیت در افراد خنثای روانی (ترانس‌سکشوال) است. اکثر فقهای شیعه به جواز آن معتقدند؛ مانند امام خمینی، آیت‌الله محمد مؤمن قمی، آیت‌الله سید محسن

تغییر جنسیت در ترانس سکشوال‌ها (ترانجنسیتی و خنثای روانی)

دسته سوم افراد ترانس‌سکشوال یا «ترانجنسیتی و خنثای روانی» (Transsexual) اند که امروزه عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت، بیشتر به این گروه مربوط است؛ یعنی کسانی که از نظر ظاهر سالم‌اند، ولی از نظر روانی دچار اختلالات هویت جنسی بوده، خود را متعلق به جنس مخالف می‌دانند (قضایی، ۱۳۷۷، ص ۵۶۸/گودرزی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۱۲۱۹/دیانی، ۱۳۸۰، ص ۱۰). این افراد چنانچه از راه‌های دیگر درمان نشوند، به آنان «عمل جراحی تغییر جنسیت» پیشنهاد می‌شود تا جنسیت آنان تا حد امکان به روانی - که خود را متعلق به آن می‌دانند - تطابق یابد. در جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت در مورد این گروه، اختلافات جدی میان فقیهان اسلامی مشاهده می‌شود.

تغییر جنسیت در افراد سالم

گروه چهارم، تغییر جنسیت افرادی است که از نظر «جسم» و «روان» سالم‌اند و هیچ‌گونه غرض عقلایی برای تغییر جنسیت این عده وجود ندارد. از نظر همه فقیهان شیعه و سنی، این نوع تغییر جنسیت حرام است و تغییر جنسیت به منظور «کشف جنسیت» و نیز «تغییر جنسیت در مورد خنثی‌ها» از نظر برخی فقیهان اسلامی قابل قبول است (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۸-۵۵۹/مکارم شیرازی، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۴۷۱-۷۴۲/فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷۶/صانعی، ۱۳۷۷، الف، ص ۹۲-۹۴/همو، ۱۳۷۷، ب، ج ۱، ص ۴۶۵/منتظری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰۸/مدنی تبریزی، ۱۴۱۸، ص ۴۴/نیز برای دیدن دیدگاه طنطاوی «مفتی مصر»، ر.ک: باریکلو، ۱۳۸۲، ص ۷۵/محمد کنعان، ۱۴۰۲، ص ۲۸۵/خالد منصور، ۱۴۲۰، ص ۲۰۷). توجه به دو نکته لازم است: نخست، اینکه بررسی جواز یا

**«تغییر خلقت» دلیل قرآنی بیان شده برای حرمت****تغییر جنسیت**

اگرچه بحث «تغییر خلقت» بحثی کلامی است، ولی باتوجه به برخی آیات - از جمله آیه‌ای که در ادامه خواهد آمد - مفسران شیعه و سنی به تفصیل درباره آن بحث و گفت‌وگو کرده‌اند و این مسئله معرکه آرای ایشان است؛ از این رو «تغییر خلقت» بحث تفسیری نیز هست. برخی فقیهان اهل سنت و شیعه برای اثبات حرمت تغییر جنسیت، به آیه ۱۱۹ سوره نساء استناد کرده‌اند. این آیه مهم در اثبات مسئله مورد نظر است: **وَلَا تُضَلِّهِنَّ وَلِأُمَّنِهِنَّ** وَلَا مَرْتَهُنَّ فَلْيَبْتِكُنَّ أَذَانَ الْإِنْعَامِ وَلَا مَرْتَهُنَّ فَلْيُغَيِّرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُبِينًا (بر اساس این آیه، شیطان می‌گوید که: من انسان‌ها را گمراه کرده و به آروزها سرگرم می‌سازم و به آنها دستور می‌دهم [اعمال خرافی انجام دهند و] گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش خدایی را تغییر دهند. آنان که شیطان را به جای خدا ولی خود برگزینند، زیان آشکاری کرده‌اند.

استناد فقیهان اهل سنت به آیه ۱۱۹ سوره نساء در**اثبات حرمت تغییر جنسیت**

عده‌ای از فقیهان اهل سنت به آیه ۱۱۹ سوره نساء برای اثبات حرمت تغییر جنسیت استناد کرده‌اند (محمد کنعان، ۱۴۰۲، ص ۲۸۴-۲۸۵/ جیزانی، ۲۰۰۸، ج ۲، ص ۹۶-۹۷). از نظر فقهای اهل سنت که مخالف تغییر جنسیت‌اند، هیچ‌گونه ضرورت شرعی برای تغییر جنسیت وجود ندارد و این کار در واقع پاسخ مثبت به دعوت شیطان است که وعده داده است از راه این‌گونه کارهای حرام، انسان را منحرف سازد؛ چه اینکه شیطان به بنی آدم دستور داده است و آنان خلق خدا را تغییر خواهند داد (محمد کنعان، ۱۴۰۲، ص ۲۸۵). وجود مذکر و مؤنث در میان موجودات

خرازی، آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی، آیت‌الله یوسف صانعی، آیت‌الله حسینعلی منتظری، آیت‌الله محمد ابراهیم جناتی، آیت‌الله عبدالکریم موسوی اردبیلی، آیت‌الله حسین نوری، آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و آیت‌الله سیستانی (ر.ک: خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۸/ فاضل لنکرانی، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۳۷۶/ صانعی، ۱۳۷۷، الف، ص ۹۲-۹۴/ همو، ۱۳۷۷، ب، ج ۱، ص ۴۶۵/ منتظری، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۴۰۸، نوری همدانی، ۱۳۸۳، ج ۲، بحث تغییر جنسیت، مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۰۹، خراسی، ۱۳۷۹، ص ۲۴۱، سیستانی، سایت ایشان، خامنه‌ای، ۱۳۸۰، ص ۷۰). در مقابل، تمامی عالمان اهل سنت اعم از فقیهان و حقوقدانان که در این باره اظهار نظر کرده‌اند، به حرمت تغییر جنسیت معتقدند (محمد کنعان، ۱۴۰۲، ص ۲۸۴-۲۸۵/ قرضاوی، ۱۴۰۹، ص ۱۵۵-۱۵۶/ جیزانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۹۶-۹۷). در این میان عده‌ای از فقیهان شیعه نیز به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده‌اند؛ مانند آیت‌الله سید ابوالقاسم خویی، آیت‌الله سید محمد رضا گلپایگانی، آیت‌الله محمد علی اراکی، آیت‌الله میرزا اجواد تبریزی و آیت‌الله شیخ هادی نجفی (خویی، ۱۳۸۱، ص ۳۸۶/ حسینی،

۱۴۲۰، ص ۴۳۹-۴۴۰/ اراکی، ۱۳۷۳، ص ۲۸۴/ مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱، ج ۳، ص ۵۰-۵۱/ نجفی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۲).

مهم‌ترین دلیل‌های قرآنی بیان شده برای حرمت تغییر جنسیت

همان‌طور که پیشتر بیان شد، برای حرمت تغییر جنسیت، دلیل‌هایی قابل بیان است، که در ادامه سه دلیل در این باره بیان و مورد بررسی قرار می‌گیرد.



می‌گویند منظور وشم و زینت‌های فریبنده است (طبری، ۲۰۰۰، ج ۴، ۳۶۳). آنگاه طبری از امام باقر نقل می‌کند که منظور از «خلق الله»، به دلیل آیه ۳۰ سوره روم، «دین الله» است. طبری می‌گوید اگر این معنا را در نظر بگیریم، هر کاری که از سوی خداوند متعال نهی شده باشد، داخل معنای مذکور خواهد شد؛ مانند خصا، وشم و ... همچنین هر کاری که ترک دستور الهی در آن نهفته باشد، کار شیطانی است؛ چون شیطان انسان‌ها را به ترک دستورات الهی و انجام گناهان دعوت می‌کند و او از این راه نصیب می‌گیرد و در کار انسان شریک می‌شود و «تغییر خلق الله» که همان «تغییر دین الله» است، تحقق می‌یابد (طبری، ۲۰۰۰، ج ۴، ص ۳۶۲-۳۶۷).

فخر رازی درباره اینکه منظور از «تغییر خلق الله» چیست، دو نظر را نقل می‌کند که براساس نظر نخست، مقصود از تغییر خلق الله، «تغییر دین الله» و تبدیل حلال به حرام است و براساس نظر دوم، مقصود از تغییر، تغییر ظاهری است که برای آن وجوهی ذکر شده است؛ مانند موی مصنوعی، قطع گوش، درآوردن چشم حیوان، اخته کردن، تشبه مرد به زن (تخنت) و نیز مساحقه. فخر رازی نتیجه می‌گیرد که تمامی معانی پیشین می‌تواند مدنظر و مورد توجه باشد و وی همه معانی را می‌پذیرد (ر.ک: فخر رازی، ۲۰۰۱، ج ۴، ص ۳۲۳). مفسران دیگر اهل سنت نیز معانی مذکور را برای تغییر خلق الله بیان داشته‌اند؛ مانند آلوسی، ثعلبی، قاسمی، فقیه یوسف ورشیدرضا (آلوسی، ۱۹۹۹، ج ۵، ص ۳۸۹-۳۸۸ / ۱۹۵ / ثعلبی، ۲۰۰۲، ج ۳، ص ۱۱۳۳-۱۱۳۶ / قاسمی، ۱۴۲۶، ج ۳، ص ۴۹۷-۴۹۸ / یوسف، ۲۰۰۲، ج ۲، ص ۴۹۸-۴۹۷ / رشیدرضا، ۱۹۹۰، ج ۵، ص ۳۶۱). به عنوان جمع‌بندی دیدگاه مفسران اهل سنت می‌توان گفت تقریباً تمامی مفسران اهل سنت به معنای

زنده، امری لازم برای ازدواج و تکثیر نسل و ادامه نسل بشری است؛ از این رو قانونگذار الهی، تغییر جنسیت را حرام کرده است؛ زیرا این کار با فطرت الهی مخالفت دارد (همان). از نظر برخی فقیهان اهل سنت، نه تنها تغییر جنسیت، بلکه کارهای دیگر همچون شبیه‌سازی و حتی غلو و زیاده‌روی در زینت و آرایش، مصداقی از «تغییر خلق خدا» بوده، طبق آیه مذکور حرام است (قرضاوی، ۱۴۰۹، ص ۱۵۵-۱۵۶).

استناد فقیهان شیعه به آیه ۱۱۹ سوره نساء در اثبات حرمت تغییر جنسیت

عده‌ای از فقیهان شیعه نیز با استناد به آیه پیش‌گفته، به حرمت عمل جراحی تغییر جنسیت معتقد شده‌اند؛ مانند آیت الله میرزا جواد تبریزی و آیت الله شیخ هادی نجفی (حسینی، ۱۴۲۰، ص ۴۳۹-۴۴۰ / نجفی، ۱۳۹۵، ص ۱۶۲ به بعد / فتاحی معصوم، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۰).

بررسی و تحلیل دلیل نخست

در پاسخ به استدلال پیشین، نخست به تفاسیر اهل سنت و سپس به تفاسیر شیعه مراجعه شده است تا مفهوم و منظور آیه ۱۱۹ سوره نساء روشن گردد.

بررسی برخی تفاسیر اهل سنت درباره آیه تغییر خلق الله

با مراجعه به کتب تفسیری اهل سنت معلوم می‌شود که اساساً این آیه شریفه ناظر به بحث جدید تغییر جنسیت نیست؛ نهایت آنکه برخی مفسران اهل سنت، خواهی‌کردن بردگان را یکی از مصداق تغییر خلق الله دانسته‌اند. طبری از بزرگان اهل سنت در تفسیر خود، از بزرگان اهل سنت، تأویل آیه «فلیغیرن خلق الله» را بیان می‌کند: پانزده تن از بزرگان اهل سنت می‌گویند که منظور اخصاً است. بیست تن از بزرگان اهل سنت معتقدند که منظور از تغییر خلق الله، «تغییر دین» است و هفت تن از اهل سنت



است. از ابن عباس و عده دیگری نقل کرده است که مقصود از تغییر در خلق الله، خواجه کردن و اخته کردن است و از برخی دیگر نقل کرده است که مقصود، «تغییر دین الله» می‌باشد. این معنا از امام باقر و امام صادق (ع) نیز روایت شده است. خداوند در آیه ۳۰ سوره روم: «فَطَرَتَ اللَّهُ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَرِيمُ»، دین خود را مطابق با فطرت الهی بشر دانسته است که در آن هیچ دگرگونی و تغییر راه ندارد. از برخی دیگر نیز نقل کرده است که منظور، حیوانات است که خداوند آنها را برای استفاده انسان‌ها آفریده، ولی عده‌ای آنها را برای خود حرام کرده‌اند و خلقت خورشید، ماه، سنگ که برای استفاده انسان‌هاست، آنها را از مسیر طبیعی خارج نموده، معبود خویش قرار داده‌اند و در پایان صاحب تفسیر تبیان نتیجه می‌گیرد که بهترین معنا این است که «تغییر خلق الله» به معنای تغییر دین بوده، تمامی تفسیرهای دیگر را در ذیل همین معنا قابل ارزیابی می‌داند (طوسی، اَبی‌تأ، ج ۳، ص ۳۳۳). پس از آن مرحوم طبرسی - سرآمد مفسران قرن ششم - نیز همین تفسیر را پذیرفته است (طبرسی، ۱۹۸۸، ج ۳، ص ۱۸۸). شیبانی از مفسران قرن هفتم بر این باور است که هرگاه انسان، حلال خداوند را حرام کند یا حرام او را حلال نماید، خلق خداوند را تغییر داده است (شیبانی، ۱۴۱۳، ج ۲، ص ۱۷۰). کاشفی مفسر قرن نهم معتقد است هر تغییر مضر مشمول این آیه بوده و حرام است، ولی اگر در تغییر، نفعی وجود داشته باشد، مباح است. آنگاه با گزارش نظر عده‌ای از مفسران، این نظر را تقویت می‌کند که هرکس مرتکب گناه شود، خلق خداوند را تغییر داده است (کاشفی، ۱۳۷۹، ص ۸۲۹). از نظر ملا فتح‌الله کاشانی و فیض کاشانی، تغییر یا «صوری» (ظاهری) است؛ مانند خواجه کردن، یا «صفتی» است؛ همچون لواط و

«تغییر دین الله» اشاره کرده‌اند و از نظر آنان «تغییر خلق الله» یعنی «تغییر دین الله» و این معنا را شبیه «لاتبدیل لخلق الله» (روم: ۳۰) می‌دانند که به معنای «لاتبدیل لدین الله» است. افزون بر این مفسران اهل سنت مصادیق بیشتر و معانی متعددی برای تغییر خلق الله بیان داشته‌اند؛ مانند اخته کردن انسان، وشم، بریدن گوش حیوان، درآوردن چشم حیوان، تحریم گوشت حیوان حلال گوشت، پرستش ماه، خورشید و ... با این توضیح معلوم می‌شود از نظر مفسران اهل سنت اساساً آیه ۱۱۹ آل عمران ناظر به بحث تغییر جنسیت نیست.

بررسی برخی تفاسیر شیعه درباره آیه تغییر خلق الله

در زمان جاهلیت پیش از اسلام، هرگاه شتر چندبار می‌زاید، گوش او را می‌بریدند یا شکاف می‌دادند یا چشم آن را درمی‌آوردند و از این راه آن را در راه بت‌ها وقف می‌کردند؛ یعنی از آن پس از سوار شدن و ذبح آن خودداری می‌کردند (حقی بروسوی، ۱۴۰۵، ج ۲، ص ۲۸۷/ طریحی، ۱۳۶۸، ج ۳، ص ۴۳۱). مفسران در اینکه مقصود از «تغییر در مخلوقات الهی» چیست، با یکدیگر اختلاف نظر دارند. تفسیر قمی از تفاسیر قرن سوم هجری، «خلق الله» را در آیه «فلیغیرن خلق الله» به «أمر الله» تفسیر کرده است؛ پس هرکس با اوامر الهی مخالفت کند، خلق خداوند را تغییر داده است (قمی، ۱۳۶۳، ج ۱، ص ۱۳۵ به بعد). عیاشی از مفسران قرن چهارم، تغییر خلق الله را به معنای «تغییر دین خدا و تغییر امر خدا» دانسته است و برای اثبات مدعای خویش به احادیثی از امام باقر (ع) استناد کرده است که در آنها تغییر خلق خدا به همین معنا تفسیر شده است (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۲۷۷). شیخ طوسی از مفسران قرن پنجم هجری، آرا و نظرات اختلافی مفسران پیش از خود را گزارش کرده



به‌عنوان معارض و جنایت با آفرینش الهی محسوب نشود، حرام نیست. البته این مطلب در صورتی است که در ایجاد تغییر اذیت، آزارسانی و اسراف وجود نداشته باشد، وگرنه حکم آن حرمت است (سبزواری، ۱۴۱۹، ج ۹، ص ۲۸۹-۳۰۵). با توجه به روایات یادشده که در آن «تغییر خلق الله» به «تغییر دین الله» و «تغییر امرالله» تفسیر شده است، مفسران شیعه پیوسته بر این مطلب اتفاق نظر داشته‌اند که هرگاه تشریح و بدعتی در دین و امر خدا روی دهد و حلال خدا حرام و حرام خدا حلال شود، این کار تغییر در خلقت الهی بوده و مذموم است. افزون بر این با توجه به شأن نزول آیه ۱۱۹ سوره نساء معلوم می‌شود که برخی اشیاء به‌منظور خاص و هدف ویژه خلق شده است و هرگاه از مسیر اصلی منحرف شود، تغییر در خلقت الهی است؛ برای مثال شتر برای استفاده از گوشت یا سواری آفریده شده است و هرگاه انسان بی‌دلیل آن را حرام کند، تشریح و بدعت بوده، «تغییر مذموم» است (فائزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۲۰). برخی محققان معتقدند با توجه به آیه مورد بحث (ر.ک: نساء: ۱۱۹)، تغییر در خلقت گاهی تغییر ظاهری و فیزیکی است و گاهی تغییر معنوی؛ مانند گمراه‌ساختن انسان‌ها و سرگرم‌ساختن آنها به آرزوها. هردو تغییر در جهت اهداف شیطان بوده و باعث دورساختن فطرت بندگی خداوند است؛ بنابراین هرگونه تغییر و تحریفی که به انگیزه شیطانی و اهداف و کارهای غیرالهی صورت پذیرد، مذموم و غیرشرعی است (فائزی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۲۲۰). با این توضیح روشن می‌شود که آیه تغییر (ر.ک: نساء: ۱۱۹) به بحث تبدیل مذکر به مؤنث و برعکس، مربوط نمی‌شود و استناد به آن برای اثبات حرمت تغییر جنسیت ناصواب است و بیش از ده تن از فقیهان شیعه که به جواز تغییر جنسیت فتوا داده‌اند، از این

مسأله و در ادامه این دو قسم را داخل در معانی «تغییر دین الله» و «تغییر امرالله» دانسته، بر این باور است که میان این دو تفسیر منافاتی نیست (کاشانی، ۱۳۵۱، ج ۳، ص ۱۱۹ / فیض کاشانی، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۴۶۳-۴۶۴). علامه طباطبایی نیز مشابه همین تفسیر را برگزیده است (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۵، ص ۹۶). آیت الله سبزواری از مفسران معاصر، تغییر در خلقت را بردو قسم تقسیم کرده است: «تغییر حسی»؛ مانند خواجه‌کردن و مثله‌ساختن بدن و «تغییر معنوی»؛ مانند خروج از فطرت الهی، اعراض از دین و ایجاد تغییر و تحریف آن. همچنین معتقد است آیه دلالت می‌کند بر اینکه تغییر در خلقت خداوند، کاری ناپسند بوده، تصرف و تغییر در موجودات از اختصاصات خداوند است و برای غیرخدا چنین حقی وجود ندارد، مگر در مواردی که خداوند اجازه داده باشد؛ مانند ختنه‌کردن و کوتاه‌کردن ناخن. وی بر این باور است که از نظر فقهی نیز تغییر بر دو قسم است: قسم نخست، تغییراتی که در مورد آنها نهی صریح وارد شده است؛ مانند مجسمه‌سازی، خواجه‌ساختن انسان، ریش‌تراشی و کارهای دیگری که نهی شرعی دارد؛ دوم، تغییراتی که نهی صریح ندارد؛ مانند جراحی پلاستیک و زیباسازی که اگر همراه با غرض عقلایی باشد، جایز است، وگرنه براساس مقتضای عمومات و اطلاقات، این کار حرام می‌باشد؛ پس تغییر یک حیوان و تبدیل آن به حیوان دیگر، حرام است. وجه دوم، اینکه بر اساس مناط و ملاکی که از «خلق الله» به‌دست می‌آید، این است که حرمت تغییر در صورتی است که از راه ایجاد خلقت جدید، با خلق و آفرینش الهی مقابله کند؛ در این حالت، حرمت وجود دارد. در پایان صاحب تفسیر مواهب الرحمن نتیجه می‌گیرد که هرگونه تغییر چه در حیوان و چه در گیاهان، تازمانی که



ظاهری را دارد (مدنی تبریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۲-۴۷).

پاسخ اول: تغییر حکم به دلیل تغییر موضوع

فقیهان معاصر شیعه هیچ تعریف فقهی از اصطلاح «تغییر جنسیت» ارائه نداده‌اند. از نظر برخی از آنان، تعریف تغییر جنسیت بدیهی است (مشکینی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۳). به نظر می‌رسد تلقی فقیهان شیعه از اصطلاح «تغییر جنسیت»، همان معنایی است که عرف مردم از این اصطلاح درک می‌کند. از نظر عرف مردم، تغییر جنسیت با عمل جراحی بر آلت تناسلی همراه است؛ به گونه‌ای که جنس وی را به جنس دیگر تبدیل می‌سازد. از سوی دیگر در فقه اسلامی برای «مذکر و مؤنث» مصطلح خاصی وجود ندارد و از مجموع تعبیر فقهی به دست می‌آید که مقصود فقها نیز همان تعریف و نظر عرف در این باره باشد و ملاک عرف در مذکر و مؤنث بودن، دارا بودن آلت تناسلی و علائم ویژه مردانه یا زنانه است؛ بنابراین اگر فردی از راه عمل جراحی، دارای آلت تناسلی، ویژگی‌ها، علائم و حتی کارکرد جنس مخالف شود و عرفاً به او نام جنس مخالف اطلاق شود، معلوم می‌شود تغییر جنسیت امری ممکن است و در صورت وقوع و تبدل موضوع، احکام شرعی جنس مخالف بر او جاری خواهد شد (خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۱/ همو، ۱۳۷۹، ص ۱۰۴/ همو، ۱۳۸۰، ج ۲، ص ۸۴-۸۹). ممکن است برخی در تحقق «تبدل موضوع» یا تغییر جنس مرد به زن و برعکس، تردید داشته باشند، ولی بسیاری از پزشکانی که به عمل جراحی مبادرت می‌ورزند، معتقدند این گونه عمل‌های جراحی که بر آلت تناسلی صورت می‌گیرد، مصداق تغییر جنسیت است؛ چنان‌که از نظر عرف مردم نیز به این گونه عمل‌های جراحی، تغییر جنسیت می‌گویند.

آیه، حرمت تغییر جنسیت را استفاده نکرده‌اند؛ هرچند در اکثر قریب به اتفاق موارد، تغییر جنسیت به دلیل بیماری جسمی یا روحی صورت می‌گیرد و راه دیگر برای درمان آن وجود ندارد. دلیل قرآنی دوم بیان شده برای اثبات حرمت تغییر جنسیت

برخی دیگر از فقیهان شیعه (مدنی تبریزی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۴۲-۴۷) برای اثبات حرمت تغییر جنسیت به این آیه استناد کرده‌اند: *لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضِ يَخْلُقْ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ اِنَاثًا وَّ يَهَبُ لِمَن يَشَاءُ الذَّكَوْرًا. اَوْ يَزُوْجُهُمْ ذَّكَرًا وَّ اِنَاثًا وَّ يَجْعَلُ مَن يَشَاءُ عَقِيْمًا اِنَّهٗ عَلِيْمٌ قَدِيْرٌ*: فرمانروایی [مطلق] آسمان‌ها و زمین از آن خداست؛ هرچه بخواهد می‌آفریند، به هر کس بخواهد فرزند دختر و به هر کس بخواهد فرزند پسر می‌دهد. یا آنها را [پسر]ان [و دختر]ان [توأم با یکدیگر می‌گرداند و هر که را بخواهد، عقیم می‌سازد. اوست دانای توانا (شوری: ۴۹-۵۰). آیت‌الله مدنی تبریزی از مراجع تقلید و معاصر شیعه، تنها فقیه‌ای است که با استناد به آیه مذکور بر حرمت عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت معتقد شده است. از نظر ایشان، دختر بودن یا پسر بودن در اختیار خداست و از سوی او قطعی شده است و بشر نمی‌تواند با اعمال خود، از جمله عمل جراحی، این پدیده واقعی را تغییر دهد؛ بر این اساس دگرگونی‌هایی که در دو جنس «مذکر» و «مؤنث» از زمان انعقاد نطفه تا هنگام تولد رخ می‌دهد و ویژگی‌هایی که دارند و اسرار فراوانی که در مفهوم جنسیت نهفته است، همگی از نشانه‌های خدا بوده، هیچ قدرتی نمی‌تواند آن را تغییر دهد و هرگاه به وسیله عمل جراحی، علائم جنس مخالف در وی پدید آید، در واقع تغییر جنسیت حاصل نشده است و این کار حرام می‌باشد و از نظر تکالیف شرعی، وی حکم پیش از تغییر اعضای

**بررسی دلیل سوم قرآنی در اثبات حرمت تغییر****جنسیت**

دلیل دیگری که بر اثبات حرمت تغییر جنسیت ممکن است مطرح شود، این آیه است: **لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ**: خداوند در این آیات به پیامبرش دستور می‌دهد که به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه به نامحرمان فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند؛ این برای آنان پاکیزه‌تر است و خداوند از آنچه انجام می‌دهند، آگاه است و به زنان باایمان بگویند که چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود فروگیرند و دامان خویش را حفظ کنند (نور: ۳۰). باتوجه به اینکه انجام عمل جراحی تغییر جنسیت، ملازم با نظر به عورت نامحرم و گاه لمس آن است؛ بر اساس آیه یادشده لازم است برای پرهیز از ارتکاب این حرام مسلم، از تغییر جنسیت پرهیز شود؛ چه اینکه نگاه کردن مرد به بدن زن نامحرم، چه با قصد لذت و چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به صورت و دست‌ها اگر به قصد لذت باشد، حرام است، ولی اگر بدون قصد لذت باشد، مانعی ندارد و نیز نگاه کردن زن به بدن مرد نامحرم حرام می‌باشد و نگاه کردن به صورت و بدن و موی دختر نابالغ اگر به قصد لذت نباشد و به واسطه نگاه کردن هم انسان نترسد که به حرام بیفتد، اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط باید جاهایی را که مثل ران و شکم معمولاً می‌پوشانند، نگاه نکند (خمینی، ۱۳۷۹، مسئله ۲۴۳۳). توجه به این نکته مفید است که آیه مذکور اختصاصی به بحث تغییر جنسیت ندارد؛ چراکه در تمامی موارد نگاه به عورت - همچون معاینه و درمان در پزشکی - نیز جاری است؛ بنابراین اختصاصی به بحث تغییر جنسیت ندارد. بیان آیه مذکور فقط از این جهت است که

پاسخ دوم: وظیفه فقیه در بیان احکام

وظیفه فقیه است که به این پرسش پاسخ دهد: اگر چنانچه در خارج، از راه عمل جراحی بر آلت تناسلی، تغییر جنسیت حاصل شود، حکم آن از نظر جواز یا عدم جواز و نیز شرایط آن در صورت جواز و درنهایت آثار و پیامدهای آن از نظر تکلیفی و وضعی چیست؟ اینکه تغییر جنسیت واقع شده است یا خیر، قضاوت به‌عهده عرف عام یا همان قضاوت عموم مردم است. حتی اگر در تحقق عرفی تغییر جنسیت تردید وجود داشته باشد، می‌توان از نظر فقهی درباره آن به صورت فرضی (اگری) بحث و گفت‌وگو کرد؛ بنابراین با استناد به اینکه تغییر جنسیت، امکان وقوعی ندارد و حقیقتاً مرد به زن یا برعکس تبدیل نمی‌شود، نمی‌توان تغییر جنسیت را به‌طور مطلق غیرمشروع دانست (باریکلو، ۱۳۸۲، ص ۷۱).

پاسخ سوم: عدم ارتباط آیات مورد بحث به تغییر جنسیت

اگرچه آیاتی از کلام‌الله مجید، به‌صورت کلی ناظر به بحث «جنسیت» است، ولی آیه‌های ۴۹ و ۵۰ سوره شوری، ارتباطی به غیرممکن بودن تغییر جنسیت ندارد، بلکه برای نشان دادن این واقعیت است که هرگونه نعمت و رحمت در این عالم از سوی خداست و کسی از خود چیزی ندارد. آنگاه به یک مصداق آن اشاره کرده است. از آنجاکه اعراب جاهلی پسر را برتر از دختر می‌دانستند، خداوند در این آیات درباره آفرینش هر دو دختر و پسر کلمه «یَهَبُ» را به‌کار می‌برد تا بفهماند پسر و دختر هر دو هدیه الهی‌اند و کلمه «اناثاً» را مقدم آورد تا تجلیلی از «دختر» باشد و کلمه «الذکور» را با حرف «ال» آورده است تا بگوید آن پسرانی که شما به آن دلخوش هستید، آنان نیز هدیه الهی‌اند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۶۴، ج ۲۰، ص ۴۸۲ - ۴۸۳).



از عسر و حرج و مشقت است که می‌تواند زندگی را برای وی بسیار دشوار و ناراحت‌کننده قرار دهد؛ بنابراین حتی اگر با استناد به آیه یادشده یا ادله دیگر، حرمت تغییر جنسیت در شرایط عادی اثبات شود، بی‌شک درحال اضطرار یا عسرو حرج، اگر راه‌حل درمانی دیگری وجود نداشته باشد، تغییر جنسیت مجاز خواهد بود. البته جریان «قاعده لاجرح» در واجبات مورد اتفاق همه فقهاست و جریان این قاعده در محرمات محل بحث و گفت‌وگو می‌باشد.

نگاهی گذرا به آثار فقهی تغییر جنسیت

باتوجه به رویکرد قرآنی مقاله حاضر، فقط اشاره مختصری به آثار فقهی تغییر جنسیت کفایت خواهد کرد. فقهای شیعه تأثیر تغییر جنسیت را بر ازدواج، مهریه، نفقه، ولایت، حضانت و نیز مسئله ارث بررسی کرده‌اند.

تأثیر تغییر جنسیت بر مسئله ازدواج

در مواردی یکی از زوجین به تغییر جنسیت روی می‌آورد و گاهی هردو زوجین تغییر جنسیت می‌دهند. این مسئله در دو حالت بررسی می‌شود.

تأثیر تغییر جنسیت یکی از زوجین بر ازدواج

از جمله آثار وضعی تغییر جنسیت، تأثیر تغییر جنسیت بر مسئله ازدواج است. یکی از مسائل روشن در فقه اسلامی «لزوم اختلاف جنس در ازدواج» است و ازدواج «مرد با مرد» یا ازدواج «زن با زن» مشروع نیست (مؤمن قمی، ۱۴۲۰، ص ۱۱۰/صدر، ۱۹۹۶، ص ۱۳۸/خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۷۴). حتی اگر درموردی پس از ازدواج کشف خلاف شود، ازدواج سابق باطل است و مجوزی برای بقای آن وجود ندارد. به اتفاق فقیهان شیعه اگر این رکن مسلم ازدواج به هر دلیلی از جمله تغییر جنسیت یکی از زوجین مخدوش شود، ازدواج سابق باطل می‌شود (خیمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۹، مسئله ۳/

معتقدان به حرمت عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت، می‌توانند به این آیه استدلال کنند و در ادامه خواهد آمد که این استدلال ناتمام است.

پاسخ اول: توجه به قاعده قرآنی اضطرار

از نظر فقها بر اساس «قاعده اضطرار» که یکی از قواعد مشهور فقهی است و مستند آن آیات متعدد قرآن کریم (مائده: ۳/ انعام: ۱۱۹) و روایات اسلامی می‌باشد، انجام بعضی از امور حرام، در حالت اضطرار حلال می‌شود؛ برای مثال طبق آیه ۱۷۳ سوره بقره، خوردن خون، گوشت مردار و گوشت خوک حرام است، ولی کسی که گرفتار اضطرار می‌شود، برای حفظ جان، گناهی بر او نیست.

پاسخ دوم: تطبیق قاعده اضطرار بر خنثی‌ها و

ترانس‌ها (خنثای روانی)

زندگی خنثی‌ها و ترانس‌ها- که در ادبیات معاصر عرب از آن به خنثای روانی یادشده است - مصداق آشکار اضطرار می‌باشد. زندگی خنثای روانی همانند خنثای جسمی دارای اضطراب، پریشانی و عدم تطابق جنسی است؛ بنابراین تغییر جنسیت برای وی امری ضروری و غیرقابل انکار می‌باشد. تغییر جنسیت می‌تواند او را از «بلاتکلیفی جنسی» یا «اختلال هویت جنسی» خارج سازد. البته توجه به این نکته لازم است که «اضطرار» رافع حرمت، در حق مضطر است، نه در حق پزشک معالج. بنابراین، اگر پزشک بخواهد مجوزی برای عمل جراحی به منظور تغییر جنسیت، روی بیمار داشته باشد، باید به دنبال دلیل دیگری جز دلیل «اضطرار» بود. افزون بر این آیاتی از قرآن کریم به «نفی عسر و حرج» دلالت دارد (حج: ۷۸/ بقره: ۱۸۵/ مائده: ۶)؛ از این رو از ناحیه هر حکمی که حرج، استیصال و مشقت لازم آید، آن حکم برداشته خواهد شد. بی‌شک وضعیت جسمی یا روحی در خنثای جسمی یا خنثای روانی، مصداق روشنی



تغییر جنسیت، ازدواج نیز منحل می‌شود. در این باره چهار احتمال مطرح شده است: احتمال نخست، اینکه پرداخت مهریه به هیچ‌عنوان لازم نیست؛ چه آمیزش صورت گرفته باشد یا خیر و چه زوج تغییر جنسیت داده باشد یا زوج. این احتمال موردقبول فقها نیست (مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۱/ خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۲)؛ زیرا مهریه به دلیل ازدواج واجب می‌شود و با انحلال ازدواج به دلیل تغییر جنسیت، از میان نمی‌رود؛ همان‌گونه که پس از عوامل دیگر انحلال همچون فوت، طلاق و فسخ نکاح، مهریه از میان نمی‌رود. احتمال دوم که برخی آن را پذیرفته‌اند اینکه پرداخت مهریه در هر صورت واجب است (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۹، مسئله ۳). احتمال سوم که از سوی برخی فقهای شیعه مطرح شده است آنکه هرگاه تغییر جنسیت پس از آمیزش باشد، پرداخت تمام مهریه به‌عهدده زوج است و اگر پیش از آمیزش باشد، نصف مهریه را باید بپردازد (مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۴/ جناتی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۵۵). آخرین احتمال نیز از سوی برخی مطرح شده است که اگر تغییر جنسیت از سوی زوج و بدون رضایت زوج صورت پذیرد، پرداخت مهریه به‌عهدده زوج، واجب نیست، ولی اگر زوج تغییر جنسیت دهد، باید مهریه زوج را پرداخت کند (صانعی، ب، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۶۵/ همو، الف، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵-۱۰۶). از نظر فقهای شیعه، در ازدواج موقت نیز اگر زوج تغییر جنسیت دهد، باید تمامی مهریه را پرداخت کند؛ گویا که مدت را بذل کرده، از ادامه زندگی منصرف شده است و اگر زوج تغییر جنسیت دهد، به‌مقدار زمان تخلف، از میزان مهریه کاسته می‌شود (خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۵).

مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۹۷-۱۹۹/ مؤمن قمی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۹-۱۱۰).

تأثیر تغییر جنسیت زوجین بر ازدواج

از نظر فقهای شیعه در صورتی که زن و شوهر هر دو تغییر جنسیت دهند، چنانچه این تغییر همزمان نباشد، سبب بطلان ازدواج سابق می‌شود؛ زیرا با تغییر جنسیت اول - مثلاً زوج - ازدواج سابق باطل می‌شود و تغییر جنسیت دوم - مثلاً زوجه - تأثیر در حکم مسئله یعنی باطل شدن ازدواج سابق ندارد (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۹، مسئله ۳/ مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۹۸-۱۹۹/ مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۰۸-۱۱۰/ خدادادی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱، مسئله ۳۵۱/ منتظری، ۱۳۸۳، ص ۴۰۸/ همو، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵/ صانعی، ب، ۱۳۷۷، ج ۲، ص ۲۸۷/ جناتی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۵۵-۲۵۶). ولی اگر تغییر جنسیت همزمان باشد، امام خمینی و برخی دیگر از فقهای شیعه، بقای ازدواج سابق را ترجیح می‌دهند و معتقدند بقای نکاح آن دو بعید نیست، ولی احتیاط آن است که ازدواج میان آن دو تجدید شود (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۹/ صانعی، ب، ۱۳۷۷، ص ۱۰۵-۱۰۶/ همو، الف، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۶۵). اما دیگر فقیهان شیعه معتقدند اساساً «تغییر جنسیت همزمان زوجین» باعث ابقای ازدواج سابق نیست و ازدواج سابق باطل خواهد شد (مطهری، ۱۳۷۲، ص ۱۹۸-۱۹۹/ مؤمن قمی، ۱۴۲۰، ص ۱۰۹-۱۱۱/ خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۴۷-۲۴۸/ خدادادی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱، مسئله ۳۵۱/ مکارم شیرازی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۶/ همو، ۱۳۷۹، ص ۱، ۴۷۰-۴۷۲/ منتظری، ۱۳۸۳، ص ۴۰۸/ همو، ۱۳۸۱، ص ۱۱۵/ جناتی، ۱۳۸۲، ج ۲، ص ۲۲۵).

تأثیر تغییر جنسیت بر مهریه زوج

از نظر فقهای شیعه، تغییر جنسیت بر مهریه زوجه در عقد دائم نیز تأثیرگذار است؛ زیرا با



و چه عده طلاق باشد یا عده فسخ یا عده وفات؛ حتی شامل تغییر جنسیت زوجه در زمان عده نیز می‌شود. مهم‌ترین دلیل فقها در این باره، تبدیل و تغییر موضوع است و اینکه عده مخصوص زنان است؛ پس هرگاه موضوع عوض شود و زن به سبب تغییر جنسیت، مرد شود، حکم نیز عوض می‌شود؛ از این رو عده ساقط است (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۸ / مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۰۰ / مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۵ / صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۴۴ / خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۴).

تأثیر تغییر جنسیت بر عناوین خانوادگی

از جمله آثار مورد نظر فقهای شیعه، تأثیر تغییر جنسیت بر «عناوین خانوادگی» است؛ مانند برادر، خواهر، عمو، عمه، دایی، خاله، پدر و مادر. این عناوین به دو قسم تقسیم شده‌اند: قسم نخست، عناوینی که تغییر جنسیت سبب تبدیل آن می‌شود؛ مانند «برادر، خواهر»، «دایی، خاله» و «عمو، عمه» که در صورت تغییر جنسیت، به عنوان مخالف تبدیل می‌شود؛ مثلاً «برادر» به «خواهر» و برعکس تبدیل می‌شود یا «دایی» به «خاله» و برعکس و «عمو» به «عمه» و برعکس تبدیل می‌شود. قسم دوم، عناوینی که تغییر جنسیت باعث تبدیل آن نمی‌شود که فقط مصداق آن عنوان «پدر و مادر» است؛ یعنی «پدر» با تغییر جنسیت «مادر» نمی‌شود و «مادر» عنوان «پدر» نمی‌یابد (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۹ / خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۸ / مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۵)؛ چون «پدر» از نظر فقهی کسی است که فرزند از نطفه (اسپرم) وی به وجود می‌آید و «مادر» کسی است که فرزند از تخمک وی پدید می‌آید و این امر با تغییر جنسیت پدر یا مادر تغییر نمی‌کند، مگر اینکه پدر پس از تغییر جنسیت، به زن تبدیل شود و مادر پس از تغییر جنسیت، به مرد تبدیل شده باشد.

تأثیر تغییر جنسیت بر مسئله نفقه زوجه و فرزندان از آثار دیگر تغییر جنسیت که از سوی فقهای شیعه مطرح شده است، مسئله «نفقه زوجه» است؛ زیرا در صورت تغییر جنسیت، ازدواج سابق باطل می‌شود؛ بنابراین احکام زوجیت همچون نفقه نیز به تبع انتفای موضوع (ازدواج سابق) از میان می‌رود (صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۳۸ و ۱۴۵ / همو، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۶۶۴، مسئله ۳۷۰۶ و ۳۷۰۸ / مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱، سؤال شماره ۵۸۶۸). از نظر فقهای شیعه، تغییر جنسیت پدر تأثیری در وجوب نفقه فرزندان ندارد و او همچنان موظف به پرداخت نفقه فرزندان خویش است؛ چون تغییر جنسیت پدر، از نظر عرف، وی را از عنوان «پدر بودن» خارج نمی‌سازد (مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۵ / خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۸). تغییر جنسیت مادر نیز تأثیری در نفقه فرزندان ندارد؛ زیرا این وظیفه از ابتدا به عهده مادر نبوده است، بلکه ابتدا به عهده پدر است و در نبود وی، وظیفه جد پدری است. فقط در صورت نبود پدر و جد پدری و با فرض توان مالی مادر، وظیفه پرداخت نفقه فرزندان به عهده مادر خواهد بود و با تغییر جنسیت وی، این وظیفه همچنان به عهده او خواهد بود (کریمی‌نیا، ۱۳۷۹، ص ۳۳۰ به بعد). ضمناً هرگاه پدر و مادر از نظر مالی ناتوان باشند، بر فرزندان وی، قدرت تمکن شرط عقلی است و واجب است مخارج ایشان را تأمین کنند و تغییر جنسیت فرزند، تأثیری در این حکم ندارد؛ زیرا این حکم متوجه «فرزند» است و دختر یا پسر بودن تأثیری در آن ندارد.

تأثیر تغییر جنسیت بر مسئله عده

از جمله آثار مورد توجه فقهای شیعه، تأثیر تغییر جنسیت بر مسئله «عده» است. از نظر فقها در صورت تغییر جنسیت، «عده» در هر صورت ساقط است؛ چه مرد تغییر جنسیت دهد، یا زن



می‌کند؛ هرچند قبلاً پسر بوده است، ولی هرگاه پدر یا مادر تغییر جنسیت دهند و آنگاه بخواهند از فرزند خویش ارث ببرند، جنسیت جدید در میزان ارث آنها اثری نخواهد داشت؛ زیرا میزان «ارث پدر» یا «ارث مادر» بر اساس زمان انعقاد نطفه فرزند است؛ یعنی برای پدر در حال انعقاد نطفه، دوسوم است؛ هر چند بعداً تغییر جنسیت دهد و به مرد تبدیل شود (مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۷-۱۱۸ / خرازی، ۱۴۲۰، ص ۱۳۵ / برای دیدن نظر مخالف، ر.ک: خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۶۰، مسئله ۷).

نتیجه‌گیری

امروزه به کمک پیشرفت‌های حیرت‌انگیز پزشکی، این امکان فراهم شده است که بر روی آلت تناسلی برخی بیماران، اعم از دوجنسی‌ها، تراجنسیتی‌ها و ... عمل‌های جراحی صورت گیرد. در اینکه آیا با این گونه عمل‌های جراحی، تغییر جنسیت اتفاق می‌افتد یا خیر، اختلاف نظر است؛ به اعتقاد برخی پزشکان، مصداق تغییر جنسیت می‌باشد. پدیده نوظهور تغییر جنسیت، ابعاد گوناگون کلامی، تفسیری، پزشکی، روان‌پزشکی، فقهی و حقوقی دارد و اندیشمندان از ابعاد گوناگون آن را بررسی کرده‌اند. آنچه در تحقیق حاضر مدنظر قرار گرفت، بررسی این مسئله از نظر قرآن کریم و نیز بیان مختصر و اجمالی آثار فقهی این پدیده از نظر فقهای معاصر شیعه بوده است. در مورد «عدم جواز تغییر جنسیت»، دست‌کم به سه آیه از آیات کلام‌الله مجید استناد شده است که در مقاله پیش‌رو، این استدلال‌ها مورد خدشه قرار گرفت. مهم‌ترین پرسش در این باره، روابودن یا ناروابودن این عمل است. برای پاسخ به این مسئله، هیچ‌گاه به‌طور کلی نمی‌توان از جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت سخن گفت؛ چراکه تغییر جنسیت دارای اقسامی است و حکم هر یک باتوجه به جزئیات و

تأثیر تغییر جنسیت بر مسئله ولایت و سرپرستی کودکان

تأثیر تغییر جنسیت بر مسئله ولایت و سرپرستی کودکان نیز در منابع فقهی شیعه بررسی شده است. اگر «مادر» تغییر جنسیت دهد، بر فرزندان ولایت نمی‌یابد؛ زیرا ولایت ابتدائاً برای «پدر» است و با نبود پدر، ولایت برای جد پدری است و در صورت نبود جد پدری، ولایت کودکان به‌عهده حاکم شرع خواهد بود، و هرگاه «پدر» تغییر جنسیت دهد، این امر تأثیری بر ولایت وی ندارد.

همچنین هرگاه «مادر» در مدتی که حق حضانت کودک به او محول شده است، تغییر جنسیت دهد و «مرد» شود، وی همچنان دارای اهلیت حضانت است؛ زیرا با تغییر جنسیت، صفت «أنوئیت» (زن بودن) از وی زایل شده است، نه صفت «مادری». حق حضانت پدر نیز در صورت تغییر جنسیت زایل نمی‌شود؛ چون حضانت کودک به پدر از آن جهت که «پدر» بوده، واگذار شده است و عنوان «پدر» پس از تغییر جنسیت عوض نمی‌شود (خمینی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۵۵۹ / مطهری، ۱۳۷۲، ص ۲۰۱ / مؤمن قمی، ۱۴۱۵، ص ۱۱۵-۱۱۶ / صدر، ۱۹۹۶، ج ۶، ص ۱۴۵ / همو، ۱۴۲۴، ج ۳، ص ۶۴۴ / خرازی، ۱۴۲۰، ص ۲۵۸-۲۶۰).

تأثیر تغییر جنسیت در ارث

تغییر جنسیت در ارث نیز آثار بی‌دنبال دارد که برخی فقهای شیعه این آثار را بررسی کرده‌اند. از نظر ایشان هرگاه فردی جنسیت خویش را در زمان زنده‌بودن والدین خود تغییر دهد و آنگاه یکی از والدین وی فوت کند، ملاک ارث، جنسیت فعلی است؛ بنابراین پسر فعلی، دو برابر خواهر خود سهم‌الارث دریافت می‌کند؛ هر چند قبلاً دختر بوده است. همچنین دختر فعلی به‌اندازه نصف برادر خویش سهم‌الارث دریافت



از نظر برخی فقهای معاصر شیعه، این عده به دلیل عدم وجود دلیل شرعی بر حرمت، یا دست کم به دلیل بیماری شدید روحی و روانی که زندگی را برای آنان سخت دشوار کرده است، مجاز به تغییر جنسیت‌اند. در مقابل، عده‌ای از فقها که عمدتاً از اهل سنت‌اند، به دلایلی از جمله آیه ۱۱۹ سوره نساء، به حرمت تغییر جنسیت معتقد شده‌اند. به نظر نویسندگان، این آیه شریفه و نیز دو آیه دیگر، ناظر به بحث تغییر جنسیت نیست و به همین دلیل از نظر قرآن کریم تغییر جنسیت حرام نبوده، آیاتی که در اثبات حرمت تغییر جنسیت بیان شده است، وافی به مقصود نیست.

شرایطش متفاوت خواهد بود. هرگاه فردی فاقد بیماری جسمی یا روحی باشد و بخواهد به دلیل واهی همچون فرار از سربازی! جنسیت خویش را تغییر دهد، همه فقها اعم از شیعه و سنی به حرمت آن نظر داده‌اند؛ چنان‌که در بیماران دوجنسی (خنثی‌ها) و نیز کسانی که دارای جنسیت نهفته و مخفی باشند، قریب به اتفاق فقهای شیعه و سنی به جواز تغییر جنسیت آنان معتقدند. در مورد بیماران مبتلا به اختلال هویت جنسی (ترانس‌ها یا خنثای روانی)، اختلاف جدی وجود دارد. با مطالعه نظرها، مقاله‌ها و استفتائات موجود، این نکته به دست می‌آید که

منابع

۱. قرآن کریم؛ ترجمه آیت‌الله ناصر مکارم شیرازی و دکتر محمد مهدی فولادوند.
۲. آریانپور کاشانی، عباس و منوچهر آریانپور کاشانی؛ فرهنگ دانشگاهی انگلیسی به فارسی؛ ج ۱، چ ۹، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۹.
۳. آلوسی بغدادی، شهاب‌الدین محمود؛ روح‌المعانی؛ ج ۵، چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی و مؤسسه التاريخ العربی، ۱۹۹۹م.
۴. ابن منظور، جمال‌الدین محمد مکرم؛ لسان‌العرب؛ ج ۵، چ ۱، بیروت: دارصادر، ۱۳۷۶.
۵. اراکی، محمدعلی؛ استفتائات (تک‌جلدی)؛ چ ۱، قم: الهادی، ۱۳۷۳.
۶. انصاری، مرتضی؛ فرائد‌الأصول (رسائل)؛ قم: اسلامی، ۱۴۱۷ق.
۷. باریکلو، علیرضا؛ «آثار حقوقی تغییر جنسیت»، فصلنامه مدرس علوم انسانی؛ ش ۳، پاییز ۱۳۸۳، ص ۱۰۷-۱۳۰.
۸. باریکلو، علیرضا؛ «وضعیت تغییر جنسیت»، مجله اندیشه‌های حقوقی؛ ش ۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۶۳-۸۶.
۹. بیگدلو، محمد و صفی‌الله میرزائی، «جایگاه اعتماد به نفس از نظر روان‌شناسان و چگونگی تقویت آن در دانش‌آموزان»، مجله روان‌شناسی، دوره اول، ش ۱، بهار ۱۳۹۵، ص ۱-۹.
۱۰. ثعلبی، احمد؛ الکشف والبیان؛ ج ۳، چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۲۰۰۲م.
۱۱. جناتی، محمدابراهیم؛ رساله توضیح‌المسائل (استفتائات)؛ ج ۲، چ ۱، قم: انصاریان، ۱۳۸۲.
۱۲. جیزانی، محمدبن حسین؛ فقه‌النوازل؛ ج ۴، چ ۱، عربستان سعودی: دمام، ۲۰۰۸م.
۱۳. حرّ عاملی، محمدبن حسن؛ وسائل‌الشیعه‌إلی تحصیل مسائل‌الشریعه (بیست‌جلدی)؛ چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۱۲ق.
۱۴. حسینی، سیدحسین؛ احکام‌المغربین (تک‌جلدی)؛ چ ۱، تهران: مرکز الطباعة والنشر للمجمع العالمی لأهل‌البيت (ع)، ۱۴۲۰ق.
۱۵. حقی بروسوی، اسماعیل بن مصطفی؛ روح‌البیان؛ ج ۲، چ ۱، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۵ق.
۱۶. حلی، حسن بن یوسف؛ تحریر‌الأحكام الشرعیة علی مذهب‌الإمامیة (شش‌جلدی)؛ چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق (ع)، ۱۳۷۸.
۱۷. خالد منصور، محمد؛ الأحكام‌الطبیبة‌المتعلّقة بالنساء فی‌الفقه‌الإسلامی (تک‌جلدی)؛ چ ۱، بیروت: دارالنفائس، ۱۴۱۹ق.
۱۸. خامنه‌ای، سیدعلی؛ رساله‌أجوبة‌الإستفتائات؛ چ ۱، تهران: الهدی، ۱۳۸۰.
۱۹. خدادادی، غلامحسین؛ احکام پزشکان و بیماران «فتاوی آیت‌الله محمد فاضل لنکرانی» (تک‌جلدی)؛ چ ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، ۱۳۸۵.



۲۰. خرازی، سیدمحسن؛ «تغییر الجنسیة»، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)؛ ش ۱۳، پاییز ۱۴۲۰ ق، ص ۲۳۹-۲۷۲.
۲۱. خرازی، سیدمحسن؛ «تغییر جنسیت»، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)؛ ش ۲۳، پاییز ۱۳۷۹، ص ۱۰۴-۱۴۷.
۲۲. خمینی (امام)، سیدروح‌الله؛ تحریر الوسیلة؛ ج ۲، چ ۶، تهران: مکتبه اعتماد الکاظمی، ۱۳۶۶.
۲۳. خمینی (امام)، سیدروح‌الله؛ رساله توضیح المسائل (تک‌جلدی)؛ چ ۹، قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۹.
۲۴. خوبی، سیدابوالقاسم؛ استفتائات «پرسش و پاسخ» (تک‌جلدی)؛ چ ۱، قم: مؤسسه احیای آثار امام خوبی، ۱۳۸۱.
۲۵. دهخدا، علی‌اکبر؛ لغتنامه دهخدا؛ زیر نظر محمد معین؛ چ ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۳۷.
۲۶. دیانی، عبدالرسول؛ «حقوق اخلاق پزشکی و اصلاح جنسیت»، مجله دادرسی؛ ش ۲۹، آذر و دی ۱۳۸۰، ص ۷-۱۱.
۲۷. رشیدرضا، محمد؛ تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)؛ ج ۵، چ ۱، مصر: الیهیئة المصریة العامة للکتاب، ۱۹۹۰ م.
۲۸. روزنامه همشهری (بی نام)؛ «مردی که زن شد»، روزنامه همشهری؛ دوشنبه ۲۲ فروردین ۱۳۸۴.
۲۹. سبزواری، سیدعبدالأعلی؛ مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن؛ ج ۹، چ ۱، قم: دفتر آیت‌الله سبزواری، ۱۴۱۹ ق.
۳۰. سرچشمه‌پور، زهرا؛ بررسی احکام فقهی و حقوقی تغییر جنسیت (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ مشهد: دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی، ۱۳۸۴.
۳۱. شولتز، دوان و سیدنی ال، نظریه های شخصیت، مترجم یحیی سیدمحمدی، تهران، مؤسسه نشر ویرایش، چ ۹، ۱۳۸۵.
۳۲. بیانی، محمدبن حسن؛ نهج‌البیان عن کشف معانی القرآن؛ ج ۲، چ ۱، تهران: بنیاد دائرةالمعارف الإسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۳۳. صالح، فواز؛ «جراحة الخنوث و تغییر الجنس فی القانون السوری»، مجله جامعه دمشق؛ ش ۱۹، العدد الثاني، ۲۰۰۳ م.
۳۴. صناعی، یوسف؛ استفتائات پزشکی؛ قم: ج ۲، چ ۲، قم: میثم تمار، ۱۳۷۷ (ب).
۳۵. صناعی، یوسف؛ مجمع المسائل (استفتائات)؛ ج ۱، چ ۳، قم: میثم تمار، ۱۳۷۷ (الف).
۳۶. صدر، سیدمحمد؛ ماوراء الفقه؛ ج ۶، چ ۱، بیروت: دارالأضواء، ۱۹۹۶ م.
۳۷. صدر، سیدمحمد؛ منهج‌الصالحین؛ ج ۳، چ ۱، بیروت: دارالأضواء، ۱۴۲۴ ق.
۳۸. صلیبا، جمیل؛ فرهنگ فلسفی (تک‌جلدی)؛ ترجمه منوچهر صناعی دره‌بیدی؛ چ ۱، تهران: حکمت، ۱۳۶۶.
۳۹. طباطبایی، سیدمحمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ چ ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۹۳ ق.
۴۰. طبرسی، ابوعلی فضل‌بن حسن؛ مجمع‌البیان؛ ج ۳، چ ۱، بیروت: دارالمعرفة، ۱۹۸۸ م.
۴۱. طبری، محمدبن جریر؛ تفسیر جامع‌البیان عن تفسیر آی القرآن (تفسیر طبری)؛ ج ۴، چ ۱، بیروت: دار ابن حزم و دارالأعلام، ۲۰۰۰ م.
۴۲. طریحی، فخرالدین؛ مجمع‌البحرین؛ ج ۳، چ ۲، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۸.
۴۳. طوسی، ابوجعفر محمدبن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۳، بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی تا].
۴۴. طوسی طبیبی، «تفاوت جنس و جنسیت به زبان ساده»، سایت یورو نیوز، به تاریخ ۲۰۱۷/۹/۱۱، به آدرس: <http://fa.euronews.com/2017/11/09/difference-between-sex-and-gender>
۴۵. علم الهدی، سید مرتضی؛ الانتصار فی انفرادات الامامیة، قم: موسسه نشر اسلامی، ۱۴۱۵.
۴۶. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید؛ ج ۱، چ ۳، تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۰.
۴۷. عیاشی، محمدبن مسعود؛ کتاب التفسیر «تفسیر عیاشی» (دو‌جلدی)؛ چ ۱، تهران: مکتبه العلمیة الإسلامیة، ۱۳۸۰.
۴۸. فاضل لنکرانی، محمد؛ جامع‌المسائل (استفتائات)؛ ج ۲، چ ۱، قم: امیر، ۱۳۷۷.
۴۹. فتاحی، سیدحسین؛ مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلامی در پزشکی ج ۱؛ چ ۱، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۰.
۵۰. فتاحی، سیدحسین؛ «بحث فقهی دوجنسی‌ها»، مجموعه مقالات و گفتارهای دومین سمینار دیدگاه‌های اسلامی در پزشکی ج ۲؛ چ ۱، مشهد: دانشگاه علوم پزشکی، ۱۳۸۲، ص ۸۰-۸۲.
۵۱. فخر رازی، محمد بن عمر؛ تفسیر الکبیر؛ ج ۴، چ ۴، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۲۰۰۱ م.
۵۲. فقیه یوسف، یوسف‌بن‌احمد؛ تفسیر الثمرات البیانة والأحكام الواضحة الفاطمة؛ ج ۲، چ ۱، یمن: مکتبه التراث الإسلامی، ۲۰۰۲ م.
۵۳. فیض کاشانی، مولی حسن؛ الصافی؛ ج ۱، چ ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی، ۱۳۹۹ ق.
۵۴. قاسمی، محمد جمال‌الدین؛ تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل؛ ج ۳، چ ۱، بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۶ ق.
۵۵. قائنی، محمد؛ المبسوط فی المسائل الطبیة؛ ج ۱، چ ۲، قم: مرکز فقه الأئمة الأطهار (علیهم السلام)، ۱۴۲۲ ق.



۵۶. قرضای، یوسف؛ الحلال والحرام فی الإسلام (تک‌جلدی)؛ تعلیقه حسن محمدتقی الجواهری؛ چ ۱، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۵۷. قضایی، صمد؛ پزشکی قانونی (تک‌جلدی)؛ چ ۱، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۷۳.
۵۸. قمی، علی‌بن‌ابراهیم؛ تفسیر القمی (دوجلدی)؛ تحقیق سیدطیب موسوی جزایری؛ چ ۱، قم: دارالکتاب، ۱۳۶۳.
۵۹. کاشانی، فتح‌الله؛ منهج‌الصادقین؛ ج ۳، چ ۱، تهران: اسلامیه، ۱۳۵۲.
۶۰. کاشفی سبزواری، حسین؛ جواهرالتفسیر؛ تحقیق جواد عباسی؛ چ ۱، تهران: میراث مکتوب، ۱۳۷۹.
۶۱. کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ «بررسی فقهی و حقوقی تغییر جنسیت»، مجله معرفت؛ ش ۳۶، مهر و آبان ۱۳۷۹، ص ۷۶ - ۸۲.
۶۲. کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ تغییر جنسیت از منظر فقه و حقوق (تک‌جلدی)؛ چ ۱، قم: مرکز فقهی ائمه اطهار (علیهم السلام)، ۱۳۸۹.
۶۳. کریمی‌نیا، محمدمهدی؛ تغییر جنسیت با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (تک‌جلدی)؛ چ ۱، تهران: عروج، ۱۳۹۱.
۶۴. کلینی، محمدبن یعقوب؛ الکافی فی الأصول والفروع (هشت‌جلدی)؛ چ ۱، تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۷.
۶۵. گودرزی، فرامرز؛ پزشکی قانونی؛ چ ۱، تهران: انیشتین، ۱۳۷۷.
۶۶. مجلسی، محمدباقر؛ بحار الأنوار؛ بیروت: دار إحياء التراث الإسلامی، ۱۴۰۳ق.
۶۷. محسنی، محمداصف؛ الفقه و المسائل الطبیه؛ ج ۱، چ ۱، قم: بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
۶۸. محمد کنعان، احمد؛ الموسوعة الطبیه الفقیه (تک‌جلدی)؛ چ ۱، بیروت: دارالنفاس، ۱۴۰۲ق.
۶۹. مدنی تبریزی، سیدیوسف؛ المسائل المستحدثه؛ ج ۲، چ ۱، قم: دفتر آیت‌الله مدنی، ۱۴۱۸ق.
۷۰. مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه؛ مجموعه آرای فقهی قضایی در امور حقوقی (نکاح)؛ قم: مرکز تحقیقات فقهی قوه قضائیه، ۱۳۸۱.
۷۱. مشکینی، علی؛ مصطلحات الفقه (تک‌جلدی)؛ چ ۱، قم: الهادی، ۱۳۷۷.
۷۲. مطهری، احمد؛ مستند تحریر الوسیله «المسائل المستحدثه» (تک‌جلدی)؛ چ ۱، قم: خیام، ۱۳۷۲.
۷۳. معین، محمد؛ فرهنگ معین؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۸.
۷۴. مکارم شیرازی، ناصر و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۳۶۴.
۷۵. مکارم شیرازی، ناصر؛ استفتانات جدید؛ تهیه و تنظیم ابوالقاسم علیان‌نژادی؛ قم: مدرسه الإمام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۷۹.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر؛ رساله احکام برای بانوان؛ تهیه ابوالقاسم علیان‌نژادی؛ قم: مدرسه الإمام امیرالمؤمنین (ع)، ۱۳۸۰.
۷۷. منتظری، حسینعلی؛ احکام پزشکی (تک‌جلدی)؛ چ ۱، قم: سایه، ۱۳۸۱.
۷۸. منتظری، حسینعلی؛ دراسات فی مکاسب المحرمه؛ ج ۲، چ ۱، قم: مکتبه منتظری، ۱۴۱۷ق.
۷۹. منتظری، حسینعلی؛ رساله استفتانات؛ ج ۲، چ ۱، قم: سایه، ۱۳۸۳.
۸۰. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم؛ «پاسخ به پرسش‌های تغییر جنسیت»، مجموعه مقالات و گفتارهای سمینار دیدگاه‌های اسلام در پزشکی؛ ج ۲، چ ۱، ۱۳۸۰، ص ۷۸۲-۷۸۵.
۸۱. موسوی اردبیلی، سیدعبدالکریم؛ استفتانات؛ تهران: نجات، ۱۳۷۷.
۸۲. موسوی بجنوردی، سیدمیرزا حسن؛ القواعد الفقهیه (هفت‌جلدی)؛ چ ۱، قم: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۷۱.
۸۳. مؤمن قمی، محمد؛ «سخنی درباره تغییر جنسیت»، مجله فقه اهل بیت (علیهم السلام)؛ ش ۳، پاییز ۱۳۷۵، ص ۹۱-۱۱۴.
۸۴. مؤمن قمی، محمد؛ کلمات سدیده فی مسائل جدیدة (تک‌جلدی)؛ چ ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۰ق.
۸۵. نجفی، محمدحسن؛ جواهرالکلام؛ بیروت: دار إحياء التراث العربی، [بی‌تا].
۸۶. نجفی، هادی؛ الآراء الفقهیه؛ چ ۱، قم: دارالنشر الإسلامی، ۱۳۹۵.
۸۷. نوری همدانی، حسین، هزار و یک مسأله فقهی (مجموعه استفتاءات، دو جلد)، قم، مهدی موعود، چ دوم، ۱۳۸۳ش.
۸۸. نیکخواه، محمدرضا؛ زندگی جنسی مردان (تک‌جلدی)؛ چ ۲، تهران: سخن، ۱۳۸۰.

تبیین آموزه‌های قرآن کریم در همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان آسمانی

محمد مهدی کریمی‌نیا

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول: Kariminiya2003@yahoo.com)

چکیده

از نظر قرآن کریم، پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای تمام انبای بشر، و برای تمام زمان‌هاست. در چندین آیه، تعبیر «یا بنی آدم»، و «یا ایها الانسان» آمده است. از نظر قرآن، این جهان شمولی پیامبر (ص) مورد توجه اکثر مردم نیست. بخشی از مخاطبان پیامبر (ص)، پیروان ادیان آسمانی است. لازمه جهان شمولی رسالت پیامبر (ص)، تعامل مسالمت‌آمیز و استفاده از گفتگوی سازنده با پیروان ادیان آسمانی می‌باشد. این مطلب بخوبی از آیاتی از کلام الله مجید به دست می‌آید. این پرسش مطرح است که طبق تعالیم قرآن کریم، اساس رفتار با پیروان ادیان آسمانی چگونه است؟ آیا اصل، جنگ و نزاع و درگیری و حذف آنان است، مگر این‌که ایمان بیاورند؛ یا از نظر قرآن کریم، مسلمانان می‌توانند با پیروان ادیان آسمانی همزیستی مسالمت‌آمیز داشته باشند. از نظر قرآن کریم، زبان گفت‌وگو بین ادیان آسمانی، همزیستی مسالمت‌آمیز، گفتگوی سازنده و همکاری بر اساس اصول مشترک است. در حالی که برخی، همانند داعش از دیدگاه اول دفاع می‌کنند. در این پژوهش، اصالت صلح و گفتگوی سازنده و همزیستی مسالمت‌آمیز اسلام با پیروان ادیان آسمانی، در راستای جهان شمولی آموزه‌های قرآنی مورد بررسی می‌گردد. قرآن کریم، صلح و همزیستی با ادیان و ملل دیگر، به عنوان یک اصل و قاعده اساسی، در نظام تشریحی خویش ملاحظه نموده است. آیاتی از قرآن کریم، نژادپرستی، تحمیل عقیده، تعصب‌های نادرست را رد می‌نماید و از پیشنهاد صلح، همکاری بر اساس اصول مشترک و گفت و گوی مسالمت‌آمیز استقبال می‌کند، و ضمن به رسمیت شناختن پیامبران و کتاب‌های آسمانی گذشته، به حقوق اقلیت‌ها احترام می‌گذارد. برخی راه‌کارهای قرآن کریم در تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز با غیر مسلمانان از قرار زیر است: نفی نژادپرستی؛ مبارزه با توهمات برتری‌جویانه ادیان دیگر؛ آزادی عقیده و فکر؛ اعتراف به حقوق اقلیت‌ها؛ تعاون در مسایل بین‌المللی؛ استقبال از پیشنهاد صلح؛ تأکید بر صلح بین‌المللی؛ دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز و توجه به اصول مشترک؛ و گفت و گوی مسالمت‌آمیز.

کلیدواژه: همزیستی، همزیستی مسالمت‌آمیز، حقوق اقلیت‌ها، صلح، صلح بین‌المللی، مدارا و تسامح.

مقدمه

مکان یا به مردم عرب منحصر نمی‌شود. این دین از سوی خدا و به وسیله پیامبر اکرم (ص) برای جمیع افراد بشر تا روز قیامت آورده شده است. او واپسین پیامبر، و اسلام واپسین دین و رسالتش جهانی است. قرآن می‌فرماید: «وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ (سَبَأ، ۳۴، آیه ۲۸)؛ و ما تو را جز [به سمت] بشارتگر و هشدار دهنده برای تمام مردم، نفرستادیم؛ لیکن بیشتر مردم نمی‌دانند» «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي

دین اسلام، فقط در اعمال عبادی و مراسم شخصی منحصر نمی‌شود؛ بلکه این دین، مجموعه‌ای از مسایل عبادی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی است؛ دینی در برگیرنده تمام اموری است که انسان در معاش و معاد، دنیا و آخرت، زندگی فردی و اجتماعی بدان نیاز دارد. به عبارت دیگر، این دین به رابطه انسان با خالق، حاکم، جامعه، خانواده، ملت خود و سایر ملت‌ها، اعم از مسلمان و غیرمسلمان توجه کرده است. اسلام، اگرچه در «جزیره العرب» ظهور یافت، به این



«منتسکیو» متفکر فرانسوی، و اخیراً پاپ بندیک شانزدهم رهبر مسیحیان دنیا، اسلام را دین شمشیر بدانند. امروزه و به‌نحو گسترده‌ای شاهد این گونه اتهامات و دروغ‌ها علیه اسلام هستیم. طبق منابع اصیل اسلامی، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها، با عقاید و مذاهب گوناگون، یک ارزش و هدف است. اسلام، صلح و همزیستی با ادیان و ملل دیگر، به‌عنوان یک اصل و قاعده اساسی، در نظام تشریحی خویش ملاحظه نموده است. آیاتی از قرآن کریم، نژادپرستی، تحمیل عقیده، تعصب‌های نادرست را رد می‌نماید و از پیشنهاد صلح، همکاری بر اساس اصول مشترک و گفت و گوی مسالمت‌آمیز استقبال می‌کند، و ضمن به رسمیت شناختن پیامبران و کتاب‌های آسمانی گذشته، به حقوق اقلیت‌ها احترام می‌گذارد. برای اثبات اصالت صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، می‌توان به ادله و شواهد گوناگون استناد نمود؛ مانند: آیات قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و نیز سخنان آن بزرگواران؛ ولی محدوده کلام در این پژوهش، تنها بیان دیدگاه قرآن کریم در لزوم همزیستی مسالمت‌آمیز با غیرمسلمانان، مخصوصاً پیروان ادیان آسمانی می‌باشد. برخی راه‌کارهای قرآن کریم در تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز با غیر مسلمانان از قرار زیر است: ۱. قرآن کریم، و نفی نژادپرستی؛ ۲. قرآن کریم و مبارزه با توهمات برتری جویانه ادیان دیگر؛ ۳. قرآن کریم، و آزادی عقیده و فکر؛ ۴. قرآن کریم، و اعتراف به حقوق اقلیت‌ها؛ ۵. قرآن کریم، و تعاون در مسایل بین‌المللی؛ ۶. قرآن کریم، و استقبال از پیشنهاد صلح؛ ۷. قرآن کریم، و صلح بین‌المللی؛ ۸. قرآن کریم، و دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز و توجه به اصول مشترک؛ ۹. قرآن کریم، و گفت و گوی مسالمت‌آمیز.

وَيُمِيتُ فَأَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبَعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ؛ (سوره اعراف، آیه ۱۵۸). بگو: «ای مردم، من پیامبر خدا به‌سوی همه شما هستم، همان [خدایی] که فرمانروایی آسمان‌ها و زمین از آن اوست. هیچ معبودی جز او نیست؛ که زنده می‌کند و می‌میراند. پس به خدا و فرستاده او - که پیامبر درس نخوانده‌ای است که به خدا و کلمات او ایمان دارد - بگروید و او را پیروی کنید، امید که هدایت شوید». یکی از مباحث مهم حقوق بین‌الملل، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز میان پیروان ادیان مختلف است و نقشی که ادیان مهم، مخصوصاً دین اسلام می‌تواند ایفا کند. بیش از پنجاه کشور مسلمان وجود دارد که با یکدیگر، و نیز با کشورهای غیر مسلمان دارای روابط گوناگون اقتصادی، سیاسی و اجتماعی هستند. اثبات «اصالت اندیشه همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام» ضرورت دارد و در عمل، زمینه همکاری و تعاون کشورهای مسلمان با دیگر کشورها را براساس اصول مشترک و روابط صلح‌آمیز فراهم می‌سازد. اثبات صلاحیت نظام جمهوری اسلامی برای اداره جامعه در بعد داخلی و بعد بین‌المللی، مستلزم مباحث اساسی و زیربنایی است، و این‌که آیا اساس روابط با کشورهای غیر مسلمان بر جنگ، یا بر صلح و همزیستی استوار است؟ اگر مبنا و ملاک، داشتن روابط مسالمت‌آمیز است، از نظر منابع اصیل اسلامی، چه ادله و شواهدی می‌توان برای آن ارائه داد؟ به‌عبارت دیگر، یکی از ضرورت‌های این پژوهش، وجود «انتساب خشونت به اسلام و پیامبر اسلام»! است. عده‌ای ناآگاه یا مغرض، روابط اسلام با غیرمسلمانان را براساس جنگ و خصومت می‌دانند. اشتباه آنان از این‌جا ناشی می‌شود که اسلام اهمیت فوق‌العاده‌ای به جهاد داده است. از این‌رو، افرادی در گذشته، مانند

کلیات

تبیین موضوع تحقیق:

«همزیستی مسالمت‌آمیز» در لغت به معنای با هم زیستن، زندگی دو تن یا دو گروه با یک دیگر، در حالی که شاید مناسب یک‌دیگر نباشند (دهخدا، ۱۳۷۳، ۱۲ / ۲۰۸۱۲). این واژه در اصطلاح حقوق بین‌الملل به معنای نحوهٔ مناسبات بین ممالکی که دولت‌های آنها دارای نظام‌های اجتماعی و سیاسی مختلف هستند؛ یعنی رعایت اصول حق حاکمیت، برابری حقوق، مصونیت و تمامیت ارضی هر کشور کوچک یا بزرگ، عدم مداخله در امور داخلی سایر کشورها، احترام به حق کلیهٔ خلق‌ها در انتخاب آزاد نظام اجتماعی خویش و فیصلهٔ مسایل بین‌المللی از طریق مذاکره (آقابخشی، ۱۳۶۶، ۲۴۶). معنای اصطلاح همزیستی مسالمت‌آمیز، به معنای لغوی این واژه نزدیک، و در واقع، معنای اصطلاحی، از معنای لغوی آن اخذ شده است. به‌رحال، آنچه مورد نظر فرهنگ‌نویسان و دانشمندان حقوق بین‌الملل است، این است که در سایهٔ این اصل مهم بین‌الملل، مردم کشورها با وجود مذاهب و عقاید گوناگون، در آرامش و صلح و تعاون به یکدیگر به‌سر ببرند. اختلافات از این‌جا ناشی می‌شود که اسلام، اهمیت فوق‌العاده‌ای به جهاد داده است. همین برداشت باعث شده تا پاره‌ای از نویسندگان از قبیل «منتسکیو»، متفکر فرانسوی، اسلام را دین شمشیر بدانند. وی در کتاب «روح القوانین» می‌گوید: «یکی از بدبختی‌های بشر، این است که هر فاتحی دیانت خود را بر جامعهٔ مغلوب تحمیل می‌کند. دیانت اسلام که به زور شمشیر بر مردم تحمیل شده، چون اساس آن متکی بر جبر و زور بوده، باعث سختی و شدت شده است»، (منتسکیو، ۱۳۹۳، ۶۷۱). منتسکیو در این دروغ‌پردازی‌ها تنها نیست؛ بلکه این روش اکثر خاورشناسان و

اسلام‌شناسان غربی است. از گذشته تاکنون، پیوسته اسلام به‌عنوان دین خشونت و دین شمشیر معرفی شده است. در این میان، در ۲۱ شهریور ۱۳۸۵، پاپ بندیک شانزدهم، رهبر مسیحیان دنیا، در اقدامی ناباورانه و متعصبانه، وارد گود اتهام‌زنی علیه اسلام شده و به‌عنوان یک رهبر دینی مسیحی، دشمنی خود را نسبت به شخص پیامبر اکرم (ص) آشکار ساخت تا مگر از این طریق جلوی پیشرفت اسلام در کشورهای اروپایی و غربی را بگیرد؛ چه این‌که، دین اسلام در کشورهای غیرمسلمان، رقیب جدی ادیان دیگر، مخصوصاً مسیحیت است. دلیل این امر، فروش میلیونی قرآن کریم در کشورهای غربی است، و عده زیادی در این سرزمین‌ها، خواهان آشنایی با اسلام و تعالیم قرآن کریم می‌باشند و تعالیم نورانی اسلام و پیشوایان دینی، پیوسته قلوب انسان‌ها را فتح می‌کند و بار دیگر نوید بخش این شعار قرآنی است که: «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ * وَرَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا * فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَاسْتَعِظْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا» (نصر، ۱۱۰، آیه ۱-۳)؛ چون یاری خدا و پیروزی فرا رسد، و ببینی که مردم دسته دسته در دین خدا درآیند، پس به ستایش پروردگارت نیایشگر باش و از او آمرزش خواه، که وی همواره توبه‌پذیر است». روشن است که این تبلیغات دروغین، به منظور برانگیختن غیرمسلمانان ضد مسلمانان صورت گرفته و می‌گیرد و این در حالی است که اسلام با پیروان ادیان دیگر نهایت خوش‌رفتاری و سازش را به‌کار برده است. «گوستاولوبون» می‌گوید: «اگر ملل مسیحی، این فاتحین خود یعنی اعراب را قبول کرده، حتی زبان آنها را هم اختیار نمودند، سبب اصلی آن این بود که آنها را در مقابل حکامی که تا آن وقت زیر شکنجهٔ آنها بودند، حکام جدید را عادل‌تر و منصف‌تر مشاهده نمودند» (گوستاولوبون، ۱۳۸۷



و چه نخواهیم، با کشورهای دنیا مواجه هستیم و اسلام در جایگاه دین جهانی، ما را به حضور در صحنه سیاست جهانی می‌خواند و انزواگرایی و رهبانیت را نمی‌پسندد و از ما نمی‌پذیرد. با منطق و عقل نیز سازگار نیست که درها را به روی خود، و درهای خود را به روی دنیا ببندیم و خود را در حصار خود ساخته زندانی کنیم و به این ترتیب به آرزوی دشمنان سوگند خورده اسلام، که انزوای ما را می‌طلبد و در این جهت برنامه‌های بسیار، تدارک می‌بینند، جامعه عمل بیوشانیم. بنابراین، باید پویاترین و کارآمدترین روابط را در صحنه حقوق بین‌الملل، با کشورهای مختلف دنیا برقرار سازیم؛ روابطی که افزون بر حفظ حضور ما در صحنه سیاست جهانی، استقلال، عزت و منافع ملی ما را تضمین می‌کند. چنین روابطی با چنان دستاوردهایی، جز بر پایه آموزه‌های انسان‌ساز اسلام و معیارهای عزت‌آفرین آن، میسر نخواهد شد. لازمه تلاش موفق، برای تحقق چنین روابطی آشنایی با ملاک‌ها و آگاهی از اصولی است که آیین مقدس اسلام، جهت پی‌ریزی چنان روابطی ارائه می‌کند. بدین لحاظ به بحث گرفتن آن اصول و روابط و شکوفا ساختن ابعاد کاربردی آن‌ها، رسالتی است که بر دوش انسان‌های آشنا با مبانی فقهی و حقوقی، سنگینی می‌کند. نظر به این که ساختار روابط دولت اسلامی با دیگر کشورها، با وجهه و آبروی اسلام در جهان ارتباط می‌یابد و داوری دیگران را درباره اسلام، شکل می‌دهد، کاربردی کردن زیر بناهای فکر اسلام، درباره سیاست خارجی و حقوق بین‌الملل، حساسیت بیش‌تری می‌یابد.

محدوده پژوهش:

برای شناخت دیدگاه اسلام در این زمینه، باید به منابع اصیل و دست اول مراجعه کرد. مهم‌ترین منابع اسلامی، قرآن کریم، روایات معصومان (ع)

، ۱۴ / ۱۴۸). وی همچنین می‌گوید: «تساهل مذهبی اسلام نسبت به مذاهب یهود و نصارا را خیلی بندرت می‌توان در مذاهب دیگر مشاهده نمود» (همان). با توجه به این که گفتمان انقلاب اسلامی در تعامل با پیروان ادیان آسمانی، تعامل مسالمت‌آمیز، گفتگو و همکاری بر اساس اصول مشترک است، در این پژوهش، دیدگاه قرآن کریم در همزیستی مسالمت‌آمیز با پیروان ادیان آسمانی تبیین می‌گردد.

هدف پژوهش:

دستیابی به دیدگاه قرآن کریم، در بحث جهان شمولی آموزه‌های قرآنی، در تعامل با پیروان ادیان آسمانی، از طریق همزیستی مسالمت‌آمیز و گفتگوی سازنده با آنان؛ و این که اساس در رفتار با پیروان مذاهب، رفتار صلح‌آمیز و استفاده از روش منطقی است و رد گفته کسانی که می‌گویند: «مادامی که اسلام باقی است، صلح و سازش پیروان اسلام، حتی با کلیمی‌ها و مسیحی‌ها و از این بالاتر با سایر افراد بشر، یک مسأله لاینحلی خواهد بود» (گفته لوریمر، قاضی و حقوقدان اروپایی قرن نوزدهم، به نقل از: عمید زنجانی، ۱۳۴۴، ۱۳).

سؤال پژوهش:

قرآن کریم در راستای جهان شمولی تعالیم خویش در مقابل مخاطبانی همچون پیروان ادیان آسمانی از چه رویکردی سود می‌جوید؟ و آیا در اسلام، همزیستی مسالمت‌آمیز و روابط صلح‌آمیز با پیروان ادیان آسمانی مورد پذیرش است یا خیر؟

کاربردی بودن موضوع:

مهم این است که موضوعی جهت بحث و پژوهش انتخاب شود که افزون بر طرح و بررسی مباحث نظری، در عالم خارج دارای کاربرد و تأثیر باشد و پاسخی بر نیازهای روز حداقل یکی از دستگاه‌های اجرایی کشور باشد. ما چه خواهیم

تطبيق مفاهيم و آموزه های ادیان و پیروی از بهترین آن منافاتی ندارد. به عبارت دیگر، قلمرو تحقیق و بررسی از آیین، غیر از حوزه حقوقی و قوانین مدنی است که اولی مورد دقت، فحص و بررسی، و دومی محل مسامحه، اهمال و سهل گیری است. پیامبر اسلام (ص) در برخورد با پیروان ادیان، جانب قانون و رفتار نیکو را پیش می گرفت و در عین حال، اعلام می کرد که رستگاری، در گرو اعتقاد به اسلام و عمل صالح است. «إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ» (آل عمران، ۳، آیه ۱۹)؛ در حقیقت، دین نزد خدا همان اسلام است «وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ» (آل عمران، ۳، آیه ۸۵)؛ و هر که جز اسلام، دینی [دیگر] جوید، هرگز از وی پذیرفته نشود، و وی در آخرت از زیانکاران است. با وجود این، دین اسلام جدا و بدون ارتباط با ادیان گذشته نیست. رسالت اسلام مشتمل بر مبادی و اصول ادیان پیشین، و نیز چیزی است که بشر کنونی تا روز قیامت بدان نیاز دارد. از اصول اساسی اسلام، تصدیق ادیان الهی و تمامی پیامبران پیشین است، (شلیبی، ۱۹۸۹م، ۱۱۶/۳). «شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ...» (شوری، ۴۲؛ آیه ۱۳)؛ از [احکام] دین، آنچه را که به نوح درباره آن سفارش کرد، برای شما تشریح کرد و آنچه را به تو وحی کردیم و آنچه را که درباره آن به ابراهیم و موسی و عیسی سفارش نمودیم ...». برای اثبات همزیستی مسالمت آمیز در اسلام و لزوم روابط صلح آمیز با غیرمسلمانان، می توان به ادله و شواهد گوناگون استناد جست؛ مانند: آیات قرآن کریم، سیره پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (ع) و نیز سخنان آن بزرگواران؛ ولی محدوده این پژوهش، تنها بیان دیدگاه قرآن کریم درباره لزوم همزیستی مسالمت آمیز با غیر مسلمانان بویژه

و سیره و رفتار آنان است. عده‌ای که تاریخ تمدن اسلامی و شریعت اسلام را بررسی کرده‌اند، از مراجع اصلی و منابع اصیل اسلام غفلت ورزیده، و به منابع دست دوم و کم اهمیت روی آورده‌اند. برخی گمان می کنند که در اسلام، «حقوق و روابط بین الملل»، اغلب براساس «جنگ و ستیز» بنیان گذاشته شده است و احياناً برای ادعای خود، به اعمال بعضی از حاکمان و زمامداران در طول تاریخ اسلامی استناد می کنند؛ در حالی که نصوص اصیل اسلامی، که باید بر آن اتکا داشت، عکس این مطلب را ثابت می کند و آن این که اسلام، صلح و همزیستی با ادیان و ملل را به صورت «اصل» و «قاعده اساسی» در نظام تشریحی خود ملاحظه کرده است، و احکام جنگ فقط در حال ضرورت است که در این حالت، جنگ، «مشروع» خواهد بود. بنابراین، رفتار و عملکرد ناصواب بعضی از زمامداران مسلمان در طول تاریخ اسلامی نمی تواند این نصوص صریح را باطل سازد (ثقفی، ۱۳۷۶، ۲۵۳). صلح در صمیم اسلام نهفته است. کلمه «اسلام» از ماده «سلم» و کلمات «سَلِمَ»، «سَلَامٌ» و «سَلَامَةٌ» نیز از همان مشتق است و از نظر مفهوم، یعنی طلب سلامت برای جهان، و نیز مسالمت در رفتار با مردم است که به تبع آن، نوعی رضایت نفس، طمأنینه و آرامش حاصل می شود. «سلام» و «سلامت» در برگیرنده نجات بنده از «شر» و رسیدن به «خیر» است. این واژه، در بیش از صد آیه قرآن کریم آمده است. «سلم»، «سلامت» و «مسالمت» در صمیم اسلام نهفته، و «جنگ» فقط در حالات استثنایی واجب شده است. بنابراین، اسلام صلح و همزیستی را دربردارد و آموزه‌های اسلام بدان تشویق و ترغیب می کند. اسلام به حقوق ادیان آسمانی اعتراف دارد و آنان را به رسمیت می شناسد. البته این نوع اعتراف، هرگز با تحقیق و جست و جو از آیین حق و

راه‌کارهای قرآن کریم در تأمین همزیستی
مسالمت‌آمیز با غیر مسلمانان:

قرآن کریم، برای تأمین همزیستی مسالمت‌آمیز
بویژه با پیروان ادیان آسمانی، راه‌های گوناگونی
را پیش‌بینی کرده است که به مهم‌ترین آن اشاره
می‌شود:

قرآن کریم، و نفی نژادپرستی:

قرآن کریم، هرگونه تصور نژادپرستانه را محکوم
کرده، همه انسان‌ها را فرزند یک پدر و مادر
می‌شمرد و به‌طور قهری، فاقد برتری نژادی،
قومی و مذهبی می‌داند: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا
خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ
لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ
خَبِيرٌ (حجرات، ۴۹، آیه ۱۳)؛ ای مردم، ما شما
را از مرد و زنی آفریدیم، و شما را ملت و
قبیله قبیله گردانیدیم تا با یکدیگر شناسایی
متقابل حاصل کنید. در حقیقت، ارجمندترین
شما نزد خدا پرهیزگارترین شماست. بی‌تردید،
خداوند دانای آگاه است.» تساوی و برابری
انسان‌ها یکی از اصول مهم همزیستی
مسالمت‌آمیز است؛ چون نژادپرستی،
خودبرتربینی، تحقیر ملت‌ها و مذاهب دیگر،
سبب مشکلات فراوانی برای جامعه بشری شده
است. جنگ جهانی اول و دوم، نمونه بارز بر این
مدعا است. تفاوت در رنگ، نژاد و ملیت مایه
فضیلت یکی بردیگری نیست؛ بلکه از نظر قرآن،
اختلاف زبان و رنگ‌ها از آیات و نشانه‌های الهی
به‌شمار می‌رود و وسیله‌ای برای شناخت افراد و
اشخاص از دیگر است؛ چه این‌که اگر همه
انسان‌ها یک شکل، یک رنگ و دارای قواره
یکسان باشند، زندگی دچار مشکل و هرج و مرج
خواهد شد. بی‌شک، زندگی اجتماعی بشر بدون
«شناخت افراد و اشخاص» ممکن نیست که اگر
یک روز همه انسان‌ها یک شکل، یک قیافه، و
دارای یک قد و قواره باشند، در همان یک روزه،

پیروان ادیان آسمانی است، و بیان سیره و کلام
معصومین (ع)، خود نیازمند نوشتار جداگانه‌ای
است. «همزیستی مسالمت‌آمیز» یا «همزیستی
مذهبی» فکر اصیل اسلامی است که آیات
متعددی از قرآن کریم به صورت‌های گوناگون با
تأکید و صراحت کامل بدان سفارش کرده، و این
در حالی است که چهارده قرن قبل، مفهوم
«همزیستی مذهبی» برای بشر به‌طور کامل
شناخته شده نبود و قرآن کریم با تأکید فراوان،
مسلمانان را به آن دعوت کرد. از نظر قرآن کریم،
جنگ مذهبی و ستیز به‌سبب اختلاف عقیده،
به‌صورتی که پاره‌ای از مذاهب دیگر نشان
می‌دهد؛ مانند جنگ‌های صلیبی مسیحیت معنا
ندارد. کینه‌توزی و دشمنی با پیروان ادیان دیگر،
ممنوع است. پیش‌گرفتن روش‌های اهانت‌آمیز با
دیگران، روش پسندیده دینی به‌شمار نمی‌رود
(کریمی‌نیا، ۱۳۸۳ ش، ۲۶۱). قرآن کریم، گروهی
از مسیحیان و یهودیان را یاد می‌کند که راه
تمسخر و تکفیر یک‌دیگر را پیش گرفته‌اند و با
تحقیر، اهانت و پایمال کردن حقوق انسانی
یک‌دیگر، همواره آتش جنگ و اختلاف را شعله‌ور
می‌سازد: «وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصَارَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ
وَقَالَتِ النَّصَارَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ
يَتْلُونَ الْكِتَابَ كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ
قَوْلِهِمْ قَالَ اللَّهُ يُحْكِمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ (بقره، ۲، آیه ۱۱۳)؛ و یهودیان
گفتند: «ترسایان بر حق نیستند.» و ترسایان
گفتند: «یهودیان بر حق نیستند» با آنکه آنان
کتاب [آسمانی] را می‌خوانند. افراد نادان نیز
[سخنی] همانند گفته ایشان گفتند. پس
خداوند، روز رستاخیز در آنچه با هم اختلاف
می‌کردند، میان آنان داوری خواهد کرد.»



ندارند، بلکه مجموعه انسان‌ها، «خانواده بشری» و «امت واحد» را تشکیل می‌دهند: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ (بقره، ۲)، آیه ۲۱۳؛ مردم، امتی یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را نویدآور و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب [خود] را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند». بسیاری از آیات قرآن کریم، خطاب به تمام بشر است؛ مانند: «یا بنی آدم» (۱۷۴)، «یا ایها الانسان» (۱۷۵) این خطاب‌ها و تعبیرها می‌رساند که انسانیت، معنای مشترک بین تمام ساکنان زمین است. افراد مناطق گوناگون هیچ فرقی با یکدیگر ندارند. بشر در طول تاریخ از حیث زبان، رنگ، نژاد و ... متفاوت بوده است، ولی از نظر اسلام، همه، فرزندان یک پدر و مادر (حضرت آدم (ع) و حواء (ع)) هستند و این تفاوت‌ها، در انسانیت انسان خدشه‌ای وارد نمی‌سازد (ابوشبانه، ۱۹۹۸م، ص ۵۴۲-۵۴۳).

قرآن کریم، و مبارزه با توهمات برتری جویانه ادیان دیگر:

برخی از آیات قرآن کریم در مورد مبارزه با عقاید تند و تعصب‌آمیز ادیان دیگر است؛ عقاید ناصوابی که منشأ بسیاری از کینه‌ورزی‌ها و دشمنی‌ها با پیروان مذاهب دیگر شده است. کتاب آسمانی ما پس از آن که روش پیروان خود را با مخالفان

شیرازه زندگی به هم می‌ریزد؛ نه پدر و نه فرزند و نه همسر از بیگانه شناخته می‌شوند، و نه مجرم از بی‌گناه، بدهکار از طلبکار، فرمانده از فرمان بر، رئیس از مرؤوس، میزبان از مهمان و دوست از دشمن شناخته می‌شود، و چه جنجال عجیبی برپا خواهد شد! بدین سبب برای سازمان یافتن اجتماع بشر، خداوند، زبان و رنگ‌ها، نژادها، قوم‌ها را گوناگون قرار داده است. قرآن کریم، انسان را موجود با کرامت معرفی می‌کند که در سایه انسانیت می‌تواند شایسته این کرامت الهی باشد و این کرامت همان جانشینی خداوند در زمین است. همه نژادها، رنگ‌ها و زبان‌ها، استعداد و شایستگی حصول به این مقام بزرگ را داریند، و این موهبت الهی و نعمت بزرگ، به صورت یکسان برای همه ابنای بشر در نظر گرفته شده است و انسان به دلیل بهره فراوان از عقل، شعور، ادراک، استعداد ویژه می‌تواند رهبری و پیشوایی موجودات زمینی را به عهده بگیرد و موقعیت معنوی او شایسته این همه مواهب است. و زمانی که خداوند به ملائکه فرمود: همانا من در روی زمین خلیفه [جانشین] قرار دادم. و براستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا [برمرکب‌ها] برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. (۱۷۳) از نظر قرآن کریم، نه تنها انسان‌ها، فضیلتی بر یکدیگر (جز به تقوا و پرهیزگاری)

فرشتگان گفت: «من در زمین جانشینی خواهم گماشت»، [فرشتگان] گفتند: «آیا در آن کسی را می‌گماری که در آن فساد انگیزد، و خونها بریزد؟ و حال آنکه ما با ستایش تو، [تو را] تنزیه می‌کنیم؛ و به تقدیست می‌پردازیم.» فرمود: «من چیزی می‌دانم که شما نمی‌دانید.»
۱۷۴. تعبیر «بنی آدم» در چند آیه آمده است، از جمله: اعراف (۷) آیه ۲۶، ۲۷، ۳۵ و ۱۷۱؛ اسراء (۱۷)، ۷۰.
۱۷۵. تعبیر «یا ایها الانسان» مانند: انفطار (۸۲)، آیه ۶؛ انشقاق (۸۴)، آیه ۶؛ و حدود ۶۰ آیه دارای تعبیر «الانسان» است.

۱۷۳. اسراء (۱۷)، آیه ۷۰: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ براستی ما فرزندان آدم را گرامی داشتیم، و آنان را در خشکی و دریا ابر مرکبها [برنشانیدیم، و از چیزهای پاکیزه به ایشان روزی دادیم، و آنها را بر بسیاری از آفریده‌های خود برتری آشکار دادیم. آیه دیگر در تکریم انسان: بقره (۲)، آیه ۳۰: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ؛ و چون پروردگار تو به



شد». بدین ترتیب، قرآن کریم با افکار غرورآمیز و تعصب‌های نادرست، خطرناک و جنگ‌آفرین این دو ملت مبارزه می‌کند و پوچ و بی‌منطق بودن آن را با منطق و استدلال آشکار می‌سازد. بدیهی است چنان‌که این افکار غلط و خطرناک بر ملت و جامعه‌ای حکم فرما باشد، صلح جهانی و همزیستی مذهبی آنان با دیگران وجود نخواهد داشت. از بین بردن تعصب‌های نادرست، برتری جوی و نژادپرستی، زمینه‌ساز همزیستی مسالمت‌آمیز ادیان ملل و مذاهب گوناگون است. از نظر قرآن مجید، هیچ ملت برگزیده‌ای وجود ندارد و هیچ‌کس با خدا عقد اخوت نبسته است. برتری و عظمت مخصوص افراد و ملت‌هایی است که فقط در برابر حقیقت خضوع می‌کنند و هیچ تعصب غلطی آن‌ها را از پذیرش آن باز نمی‌دارد. قرآن کریم، و آزادی عقیده و فکر: در قسمتی از آیات قرآن کریم، این اصل تعقیب شده که طبیعت اعتقادات قلبی و مسایل وجدانی به‌گونه‌ای است که اکراه و اجبار بر نمی‌دارد. اگر فردی به حکم اجبار و فشار، معتقدات و دستوره‌های یک مذهب را به ظاهر بپذیرد، هرگز دلیل آن نیست که در قلب و وجدان خویش نیز آن پذیرفته است: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرِّشْدُ مِنَ الْغَيِّ فَمَنْ يَكْفُرْ بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِن بِاللَّهِ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ (بقره، ۲، آیه ۲۵۶)؛ در دین هیچ اجباری نیست. و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است. پس هرکس به طاغوت کفر ورزد، و به خدا ایمان آورد، به یقین، به دستاویزی استوار، که آن را گسستن نیست، چنگ‌زده است ...». «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مِنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ (بونس، ۱۰، آیه ۹۹)؛ و اگر پروردگار تو می‌خواست، قطعاً هرکه در زمین است همه آنها یکسر ایمان می‌آوردند. پس آیا تو مردم را ناگزیر می‌کنی که بگردند؟». پیامبر (ص)، مأمور ابلاغ

مذهبی (همان همزیستی مذهبی و مدارا با پیروان مذاهب دیگر) مشخص می‌کند، پایه اوهام و افکار غلط ادیان دیگر را نیز درهم می‌کوبد. یهودی‌ها و مسیحی‌ها معتقد بودند: «ملت برگزیده خداوند» هستند! فقط آنها هستند که با مقام الهی روابط غیرقابل زوال برقرار کرده‌اند. بهشت خداوند مخصوص آنها است و پیروان هیچ آیین دیگری لیاقت بهره‌مندی از آن را ندارند! این فقط یهود و نصارا هستند که به هر عنوان، برتر و بالاتر از همه و شایسته هر نوع تکریم و احترامند و همه باید در برابر دو ملت برگزیده، سر تعظیم و احترام فرود آورند (کریمی‌نیا، ۱۳۸۳ ش، ۲۷۱). «وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّاؤُهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِر لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَلِلَّهِ مَلِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ (مائده، ۵، آیه ۱۸)؛ و یهودان و ترسایان گفتند: «ما پسران خدا و دوستان او هستیم.» بگو: «پس چرا شما را به [کیفر] گناهانتان عذاب می‌کند؟ بلکه شما [هم] بشرید از جمله کسانی که آفریده است. هرکه را بخواهد می‌آمزد، و هرکه را بخواهد عذاب می‌کند، و فرمانروایی آسمان‌ها و زمین و آنچه میان آن دو می‌باشد از آن خداست، و بازگشت [همه] به سوی اوست» «وَقَالُوا لَنْ يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَنْ كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ ﴿۱۱۱﴾ بَلَىٰ مِنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، ۲، آیات ۱۱۱ و ۱۱۲)؛ و گفتند: «هرگز کسی به بهشت درنیاید، مگر آنکه یهودی یا ترسا باشد». این آرزوهای ایشان است. بگو: «اگر راست می‌گویید، دلیل خود را بیاورید. آری، هرکس که خود را با تمام وجود، به خدا تسلیم کند و نیکوکار باشد، پس مزد وی پیش پروردگار اوست، و بیمی بر آنان نیست، و غمگین نخواهند



و رنگ تأمین می‌کند و این یکی از مزایای بزرگ عالم انسانیت است که غیر از اسلام، هیچ مذهب و قانونی نمی‌تواند به این آرمان تحقق بخشد. اقلیت‌های مذهبی با انعقاد «پیمان ذمه» و کتاب تا بیعت می‌توانند در کشور آزادانه زندگی کنند و از حقوق اجتماعی، امنیت داخلی و خارجی مانند افراد مسلمان بهره‌مند شوند. قرآن مجید با صراحت، سیاست کلی اسلام را دربارهٔ مراعات حقوق ملل و دیگر مذاهب بیگانه، چنین بیان می‌کند: «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسَطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسَطِينَ» (ممتحنه، ۶۰، آیه ۸)؛ خدا شما را از کسانی که در [کار] دین با شما نجنگیده و شما را از دیارتان بیرون نکرده‌اند، باز نمی‌دارد که با آنان نیکی کنید و با ایشان عدالت ورزید؛ زیرا خدا دادگران را دوست می‌دارد». یعنی اقلیت‌ها یا مخالفان عقیدتی اسلام، اگر با شما «جنگ مذهبی» اعلام نکرده‌اند و به شما فشار نیاوردند و شما را از وطنتان خارج نکردند، باید با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنید. بدین ترتیب، اسلام اجازه می‌دهد اقلیت‌های مذهبی و مخالفان اسلام، در جامعه اسلامی باشند و از حقوق انسانی بهره‌مند شوند، اما مشروط بر این‌که مزاحم اسلام و مسلمانان نباشند و ضد آنها کاری صورت ندهند. در آیهٔ دیگر می‌فرماید: «إِنَّمَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَاتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَأَخْرَجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَنْ تَوَلَّوهُمْ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ» (ممتحنه، ۶۰، آیه ۹)؛ فقط خدا شما را از دوستی با کسانی باز می‌دارد که در [کار] دین با شما جنگ کرده و شما را از خانه‌هایتان بیرون رانده و در بیرون راندنتان با یکدیگر همپشتی کرده‌اند. و هرکس آنان را به دوستی گیرد، آنان همان ستمگرانند». با توجه به این دو آیه، سیاست کلی اسلام، دربارهٔ

دستور الهی است؛ خواه مخالفان ایمان بیاورند یا نه: «وَقُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَمَنْ شَاءَ فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا» (کهف، ۱۸، آیه ۲۹)؛ و بگو: «حق از پروردگارتان [رسیده] است. پس هر که بخواهد بگردد و هر که بخواهد انکار کند، که ما برای ستمگران آتشی آماده کرده‌ایم». «وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِظًا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بَوَكِيلٌ» (انعام، ۶، آیه ۱۰۷)؛ و اگر خدا می‌خواست آنان شرک نمی‌آوردند، و ما تو را بر ایشان نگهبان نکرده‌ایم، و تو وکیل آنان نیستی». ایمان به خدا و مبانی اسلام، هیچ‌گونه جنبهٔ تحمیل نمی‌تواند داشته باشد؛ بلکه یگانه راه آن، منطق استدلال و نفوذ در فکر و روح افراد باید باشد. مهم این است که حقایق و دستوره‌های الهی بیان شود و مردم آن را درک کنند و با اراده و اختیار خویش آن را بپذیرند. بُعد دیگر آزادی، «آزادی فکر و اندیشه» است. قرآن در آیات متعددی انسان را به تعقل، تدبیر و اندیشه در جهان هستی فرا می‌خواند از او می‌خواهد که به وسیلهٔ نیروی عقل، منافع و مضار خویش را بشناسد و در جهت کمال و آزادی از هرگونه اسارت، پلیدی و گمراهی‌ها گام بردارد: «سَتَرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت، ۴۱، آیه ۵۲)؛ بزودی نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون [و در دل‌هایشان] پدیدار خواهیم نمود، تا برایشان روشن گردد که او خود حق است. آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است؟».

قرآن کریم، و اعتراف به حقوق اقلیت‌ها:

هیچ دینی، همانند دین اسلام، ضامن آزادی اقلیت‌ها و حافظ شرف و حقوق ملی آن‌ها نیست. اسلام عدالت اجتماعی کامل را در کشور اسلامی نه‌تنها برای مسلمانان، بلکه برای تمام ساکنان سرزمین خود، با وجود اختلاف مذهب، نژاد، زبان



عدالت در میان‌شان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد».

قرآن کریم، و تعاون در مسایل بین‌المللی:

همکاری و تعاون، برای زندگی اجتماعی ضرورت دارد. زندگی اجتماعی و نظام بین‌المللی بدون همکاری در ابعاد گوناگون سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ممکن نیست. برای حل مشکلات روزافزون جهانی، چاره‌ای جز مشارکت وجود ندارد. قرآن کریم، بر تعاون که اصل عقلایی نیز به‌شمار می‌رود، تأکید و سفارش کرده، و مسیر آن را در جهت «برّ و تقوا» قرار داده و از تعاون برای ارتکاب گناه و ظلم، نهی فرموده است: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْاِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ (مائده، ۵، آیه ۲)؛ و در نیکوکاری و پرهیزگاری با یکدیگر همکاری کنید، و در گناه و تعدی دستیار هم نشوید، و از خدا پروا کنید که خدا سخت کیفر است». درمقیاس جهانی، تلاش برای ایجاد عدالت، برابری، صلح، امنیت و توسعه از مصادیق «برّ» است و مبارزه با سلطه، استثمار، نژادپرستی و هر نوع تلاش برای قطع ریشه‌های تجاوز در سطح جهانی، تلاش در جهت تقوا و نزدیک‌تر شدن ملت‌ها به اراده و خواست خدا شمرده می‌شود و در این راه می‌باید از هر نوع همکاری که سبب فساد، تباهی و ظلم است، خودداری کنند (عمید زنجانی، ۱۳۷۳ش، ۴۶۱/۳ - ۴۶۲). هر قدر توجه به اصول مشترک بیشتر باشد، تفاهم بین‌المللی بیشتر، و در نتیجه، صلح و امنیت جهانی تأمین می‌شود. قرآن کریم، افزون بر توصیه به اخذ اصول مشترک (قل یا اهل الکتاب تعالوا ...) و سفارش به تعاون در جهت بر و تقوا، به مسلمانان اجازه داده با زنان اهل کتاب ازدواج کنند و از غذای آنان (غیر از شراب، گوشت خوک و ...) بخورند: «الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَلَلٌ لَكُمْ

اقلیت‌های مذهبی و مخالفان اسلام، این‌گونه خواهد بود که تا وقتی اقلیت‌ها به حقوق اکثریت تجاوز، و بر ضد اسلام و مسلمانان توطئه نکنند، در کشور اسلامی به‌طور کامل آزاد هستند و مسلمانان وظیفه دارند با آنها به عدالت و نیکی رفتار کنند، ولی اگر ضد اسلام و مسلمانان، با کشورهای دیگر بند و بست داشته باشند، مسلمانان موظف هستند جلو فعالیت آنها را بگیرند و هرگز آنها را دوست خود ندانند. آزادی و احترام اقلیت‌های مذهبی در اسلام به پایه‌ای است که اگر کسانی از «اهل ذمه» کاری انجام دهند که در دین آنها جایز است، ولی در شرع اسلام حرام است، مانند: شراب‌خواری، کسی در حکومت اسلامی حق ندارد متعرض آنها شود؛ البته مادامی‌که به آن عمل، تظاهر نکنند، و اگر به آن عمل تظاهر کنند، به سبب نقض «قانون تحت‌الحمایه» باز خواست خواهند شد، و اگر عملی انجام دهند که در دین آنها هم حرام است، مانند: زنا، لواط و ... از نظر حقوق، هیچ تفاوتی با مسلمانان ندارد و قاضی حق دارد «حد» را بر آنها جاری سازد؛ البته می‌تواند آنها را به ملت خود تحویل دهد تا طبق قوانین مذهبی خودشان مجازات شوند، (سبحانی، ۱۳۷۰، ۵۲۶ به بعد). طبق فقه اسلامی اگر دو نفر از اهل ذمه، مرافعه خود را پیش قاضی مسلمان ببرند، قاضی مخیر است، یا میان آنان، طبق حکم اسلامی داوری کند، یا این‌که از آنها روی بگرداند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرَضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ (مائده، ۵، آیه ۴۲)؛ پس اگر نزد تو آمدند، آیا میان آنان داوری کن، یا از ایشان روی برتاب. و اگر از آنان روی برتابی هرگز زبانی به تو نخواهند رسانید. و اگر داوری می‌کنی، پس به



الله علیه وآله و سلم ببندیم. هنگامی که پیامبر اکرم (ص) چنین دید، دستور داد مقدار زیادی خرما به عنوان هدیه برای آن‌ها بردند؛ سپس با آنها تماس گرفت و آنها اظهار داشتند: ما از یک طرف توانایی مبارزه با دشمنان شما را نداریم، چون عده ما کم است، و از طرف دیگر، قدرت و تمایل به مبارزه با شما را نداریم؛ زیرا محل ما به شما نزدیک است؛ لذا آمده‌ایم که با شما «پیمان ترک تعرض» ببندیم، (مکارم شیرازی و دیگران، ۵۴/۱۳۷۴۴). در این هنگام، آیه زیر نازل شد و دستورهای لازم را در این زمینه به مسلمانان داد: «فَإِنْ اعْتَزَلْتُمْ كُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقَوَا إِلَيْكُمْ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا، (نساء، ۴، آیه ۹۰)؛ پس اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند، [دیگر] خدا برای شما راهی [برای تجاوز] بر آنان قرار نداده است».

قرآن کریم، و صلح بین‌المللی:

اسلام از روز نخستین، اصول صلح را پی‌ریخته و از این طریق، راه را برای پیمودن صلح بین‌المللی و همزیستی مسالمت‌آمیز هموار ساخته است. در این مورد کافی است بدانیم که صلح و صفا، روح اسلام است و واژه «اسلام» از ماده «سلم» گرفته شده، و بدین جهت، متضمن معنای سلامت و آرامش است؛ بدین سبب، قرآن کریم دستور می‌دهد که همگی در حوزه «سلم و صلح» وارد شوند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَافَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ» (بقره ۲، آیه ۲۰۸)؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، همگی به اطاعت [خدا] درآیید، و گام‌های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است. «سلم» خیلی عالی‌تر و بادوام‌تر از «صلح» است؛ زیرا معنای «سلامت و امنیت» دارد و صورت صلح موقت ظاهری را ندارد. خداوند متعال به پیامبر گرامی (ص)

وَطَعَامُكُمْ حَلَّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجْرَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسَافِحِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَخْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ (مائده، ۵، آیه ۵)؛ امروز چیزهای پاکیزه برای شما حلال شده، و طعام کسانی که اهل کتابند برای شما حلال، و طعام شما برای آنان حلال است. و [بر شما حلال است از دواج با] زنان پاکدامن از مسلمان، و زنان پاکدامن از کسانی که پیش از شما کتاب [آسمانی] به آنان داده شده، به شرط آنکه مهرهایشان را به ایشان بدهید، در حالی که خود پاکدامن باشید نه زناکار و نه آنکه زنان را در پنهانی دوست خود بگیرید. و هرکس در ایمان خود شک کند، قطعاً عملش تباه شده، و در آخرت از زیانکاران است. بدیهی است که اجازه تناول غذای اهل کتاب و ازدواج با زنان آنان، از مهم‌ترین اسباب تعاون و زمینه‌ساز همکاری و همزیستی مسالمت‌آمیز خواهد بود. نظر اسلام درباره تعاون، پیش از این که تکلیف دینی باشد، ضرورت بشری به‌شمار می‌رود. خداوند زمین را آفرید و ثروت‌هایی در آن قرار داد که بهره‌وری از آن، جز از طریق همکاری و تعاون حاصل نمی‌شود.

قرآن کریم، و استقبال از پیشنهاد صلح:

دو قبیله در میان قبایل عرب به نام بنی ضمیره و اشجع وجود داشتند که قبیله اول با مسلمانان پیمان ترک تعرض بسته بودند و طایفه اشجع با بنی‌ضمیره نیز هم‌پیمان بودند. پس از مدتی، مسلمانان با خبر شدند که طایفه اشجع به سرکردگی «مسعود بن رجیله» که هفتصد نفر بودند، به نزدیکی مدینه آمده‌اند. پیامبر اکرم (ص) نمایندگانی نزد آنها فرستاد تا از هدف مسافرتشان مطلع گردد. آنها اظهار داشتند: آمده‌ایم «قرارداد ترک مخاصمه» با محمد صلی

اجرای عدالت بکوشند. مصداق این گروه، طایفه «خزاعه» بودند که با مسلمین «پیمان ترک مخاصمه» داشتند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۲۲/۳۲-۳۱). خلاصه، برنامه طرفداری از صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز، در سیاست خارجی از خردمندانه‌ترین و مترقی‌ترین برنامه‌ها است، و اسلام همین برنامه را اتخاذ کرده و تقویت نیرو را به سبب استواری صلح و در موقع اضطراری برای دفاع خواسته است. اسلام، چنان برای صلح و زندگی مسالمت‌آمیز اهمیت قائل است که حتی در اجتماعات کوچک نیز به صلح و سازش دستور می‌دهد و در اختلاف خانوادگی نیز شعار اسلام این است: «و الصلح خیر».

قرآن کریم، و دعوت به همزیستی مسالمت‌آمیز و توجه به اصول مشترک:

اسلام، آیینی است که از همان زمان پیدایش با شعار همزیستی مسالمت‌آمیز دعوت خویش را به جهانیان عرضه کرد. این آیین، خطاب به «اهل کتاب» می‌گوید: «قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ (آل عمران، ۳، آیه ۶۴)؛ بگو: «ای اهل کتاب، بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که: جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم، و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد.» پس اگر از این پیشنهاد[اعراض کردند، بگوئید: «شاهد باشید که ما مسلمانییم [نه شما]». این آیه، از آیه‌های مهم در دعوت اهل کتاب به سوی وحدت به شمار می‌رود. استدلالی که در این آیه شریفه به کار رفته است، با استدلال در آیه‌های پیشین تفاوت دارد. در آیه‌های پیشین، از همین سوره آل عمران، به طور مستقیم دعوت به اسلام بود، ولی در این آیه، به نقطه‌های مشترک بین «اسلام» و «اهل کتاب»

دستور می‌دهد که اگر دشمنان تو از در مسالمت وارد شدند و به آن گرایش یافتند، تو نیز از فرصت بهره ببر و با آنان موافقت کن: «وَإِنْ جَاحُوا لِلْسَّلَامِ فَأَجْزَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (انفال، ۸، آیه ۶۱)؛ و اگر به صلح گراییدند، تو [نیز] بدان گرای و بر خدا توکل نما که او شنوای داناست». علاقه اسلام به صلح میان افراد انسان به حدی است که به افراد با ایمان نوید می‌دهد تا شاید بر اثر رفتار مسالمت‌آمیز مسلمانان، میان آنها و دشمنان، پیوند دوستی پدید آید: «عَسَى اللَّهُ أَنْ يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُمْ مِنْهُمْ مَوْدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (ممتحنه، ۶۰، آیه ۷)؛ امید است که خدا میان شما و میان کسانی از آنان که [ایشان را] دشمن داشتید، دوستی برقرار کند، و خدا تواناست، و خدا آمرزنده مهربان است». افراد غیر مسلمان به دو گروه تقسیم می‌شوند: گروهی که در مقابل مسلمین ایستادند و شمشیر به روی آنها کشیدند؛ آنها را از خانه و کاشانه‌شان به اجبار بیرون کردند، و خلاصه عداوت و دشمنی خود را با اسلام و مسلمین در گفتار و عمل آشکارا نشان دادند. تکلیف مسلمانان این است که هرگونه مراوده با این گروه را قطع کنند، و از هرگونه پیوند محبت و دوستی خودداری نمایند که مصداق روشن آن، مشرکان مکه مخصوصاً سران قریش بودند. گروهی رسماً دست به این کار زدند، و گروهی دیگر نیز آنها را باری کردند؛ اما دسته دیگری بودند که در عین کفر و شرک، کاری به مسلمانان نداشتند. نه عداوت می‌ورزیدند، نه با آنها پیکار می‌کردند، و نه اقدام به بیرون راندن‌شان از شهر و دیارشان نمودند. حتی گروهی از آنها «پیمان ترک مخاصمه» با مسلمانان بسته بودند. نیکی کردن با این دسته و اظهار محبت با آنها بی‌مانع بود، و اگر معاهده‌ای با آنها بسته بودند، باید به آن وفا کنند و در



اویبیم». درآیه‌های گذشته، بیش‌تر سخن از نحوه برخورد با «بت‌پرستان» لجوج و جاهل بود که به متقاضی حال با آنها سخن می‌گفت، ولی در آیه فوق، سخن از مجادله و گفت و گو با «اهل کتاب» است که باید به‌صورت ملایم‌تر باشد؛ چه این که آنها دست‌کم بخشی از دستوره‌های پیامبران و کتاب‌های آسمانی را شنیده بودند و آمادگی بیش‌تری برای شنیدن آیات الهی را دارا بودند. قرآن مجید، به مسلمانان دستور می‌دهد که از دشنام دادن به کافران و بت‌پرستان بپرهیزند؛ چه این که آنها هم به‌همین روش متوسل می‌شوند: «وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَلِكَ زَيَّنَّا لِكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلَهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (انعام، ۶، آیه ۱۰۸)؛ و آنهاپی را که جز خدا می‌خوانند دشنام مدهید که آنان از روی دشمنی [و] به نادانی، خدا را دشنام خواهند داد. این‌گونه برای هر امتی کردارشان را آراستیم. آنگاه بازگشت آنان به‌سوی پروردگارشان خواهد بود، و ایشان را از آنچه انجام می‌دادند آگاه خواهد ساخت.» از آن‌جا که بیان دستوره‌های اسلام همراه با منطوق، استدلال و شیوه‌های مسالمت‌آمیز است، به برخی از مؤمنان که از روی ناراحتی شدید برای «مسأله بت‌پرستی»، به بت‌های مشرکان دشنام می‌دادند، سفارش اکید می‌کند که از ناسزا گفتن بپرهیزند و رعایت اصول ادب، عفت و نزاکت در بیان راه، حتی در برابر خرافاتی‌ترین و بدترین ادیان، لازم می‌شورد؛ زیرا هر گروه و ملتی، به عقاید و اعمال خویش تعصب دارند و ناسزا گفتن و برخورد خشن باعث می‌شود که آنها در عقاید خود سخت‌تر شوند.

نتیجه‌گیری

بی‌تردید قرآن کریم، آموزه‌ها و تعالیم روح‌بخش خویش را جهانی دانسته و پیامبر (ص)، فرستاده

توجه شده است. قرآن به مسلمانان می‌آموزد که اگر کسانی حاضر نبودند در تمام اهداف مقدستان با شما همکاری کنند، از پا ننشینید و بکوشید دست‌کم در قسمتی که با شما اشتراک هدف دارند، همکاری آنها را جلب کنید و آن را پایه، برای پیشبرد اهداف مقدستان قرار دهید (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۴، ۴۵۰/۲). از این‌رو، پیامبر اکرم (ص) در بیش‌تر نامه‌هایی که برای پادشاهان جهان که دارای اعتقاد الهی بوده‌اند، فرستاد، متن آیه فوق که همان اعلامیه جهانی اسلام باشد مطرح فرموده است. نامه‌هایی که پیامبر اسلام (ص) به امیران، سلاطین، رؤسای قبایل و شخصیت‌های برجسته معنوی و سیاسی برای دعوت به اسلام نوشته است، از شیوه مسالمت‌آمیز دعوت او حکایت می‌کند. حدود ۱۸۵ نامه، از متون نامه‌های پیامبر (ص) که برای تبلیغ و دعوت به اسلام یا جهت «میثاق و پیمان» است، در دست داریم، (برای ملاحظه نامه‌های پیامبر (ص) نگاه کنید به: علی الاحمدی المیانجی، مکاتیب الرسول (ص)، و نیز: محمد حمیدالله حیدرآبادی، مجموعه الوثائق السیاسیه). قرآن کریم، و گفت و گوی مسالمت‌آمیز: قرآن کریم به مسلمانان دستور اکید می‌دهد که با «جدال احسن» و «گفت و گوی مسالمت‌آمیز»، با اهل کتاب سخن بگویید و روابط خود را براساس «اصول مشترک» قرار دهند: «وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا آمَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأَنْزَلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ (عنکبوت، ۲۹، آیه ۴۶)؛ و با اهل کتاب، جز به [شیوه‌ای] که بهتر است، مجادله نکنید - مگر [با] کسانی از آنانکه ستم کرده‌اند - و بگویید: «به آنچه به سوی ما نازل شده و [آنچه] به سوی شما نازل گردیده، ایمان آوردیم؛ و خدای ما و خدای شما یکی است و ما تسلیم



می‌گذارد و از آنان می‌خواهد که در مسائل بین‌المللی با مسلمانان همکاری و مشارکت داشته باشند. از پیشنهاد صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز استقبال می‌کند و بهترین روش را گفتگوی بین ادیانی می‌داند. نتیجه آن که اصل و قاعده اولی، در تعامل با غیرمسلمانان بویژه پیروان ادیان آسمانی، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است، نه جنگ؛ آن‌چنان که داعشیان و پیروان تکفیری‌ها ترویج می‌کنند.

خداوند متعال برای همه انسان‌هاست. پیروان ادیان آسمانی یکی از مهم‌ترین مخاطبان هستند. در تعامل با پیروان ادیانی آسمانی از رویکرد، مسالمت‌آمیز و احترام به حقوق اقلیت‌ها سود می‌جوید. گفتمان قرآن کریم، گفتمان بین ادیانی است که براساس آن، باید با پیروان ادیان آسمانی بر اساس صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز تعامل کرد. این گفتمان، برگرفته از آیات کلام الله مجید است که به حقوق اقلیت‌ها احترام

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. آقابخشی، علی (۱۳۶۳ش)، دانشنامه سیاسی، تهران، سپهروردی و مروارید، چ اول.
۳. ابوشبانه، یاسر (۱۹۹۸م)، النظام الدولي الجديد بين الواقع الحالي و التصور الاسلامی، مصر، دارالسلام، چ اول.
۴. الاحمدی، علی (۱۳۶۳)، مکاتیب الرسول (صلی الله علیه و آله)، تهران، یاسین، چ اول.
۵. ثقفی، سید محمد (۱۳۷۶ش)، ساختار اجتماعی و سیاسی نخستین حکومت اسلامی در مدینه، قم، هجرت، چ دوم.
۶. حمید الله حیدرآبادی، محمد (۱۴۰۷ق، ۱۹۸۷م)، مجموعه الوثائق السياسية للعهد النبوی والخلافة الراشدة، بیروت، دارالفنایس، چ اول.
۷. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ش)، لغتنامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران، دوره چهارده جلدی، چ اول.
۸. سبحانی، جعفر (۱۳۷۲ش)، مبانی حکومت اسلامی، ترجمه و نگارش داود الهامی، قم، توحید، چ اول.
۹. عمید زنجانی، عباس علی (۱۳۴۴ش)، اسلام و همزیستی مسالمت‌آمیز، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ اول.
۱۰. (۱۳۷۳ش)، فقه سیاسی، تهران، امیرکبیر، دوره سه جلد، چ دوم.
۱۱. کریمی نیا، محمد مهدی (۱۳۸۳ش)، همزیستی مسالمت‌آمیز در اسلام و حقوق بین الملل، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، چ اول.
۱۲. لوبون، گوستاو (۱۳۸۷ش)، تمدن اسلام و عرب، مترجم محمد تقی فخر دائی گیلانی، تهران، دنیای کتاب.
۱۳. مکارم شیرازی و دیگران (۱۳۷۴ش)، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. منتسکیو، شارل لوئی (۱۳۹۳ش)، روح القوانين، ترجمه و نگارش علی اکبر مهتدی، تهران، امیرکبیر، چ سیزدهم.

تبیین روش‌شناسی تفسیر فقهی قرآن کریم

محمد مهدی کریمی‌نیا

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (نویسنده مسئول: Kariminiya2003@yahoo.com)

چکیده

یکی از انواع تفسیر قرآن کریم، «تفسیر فقهی» است که فقها و مفسران شیعه و سنی برای فهم احکام شرعی از قرآن کریم، از قرن‌های اولیه اسلام تاکنون، از این روش استفاده می‌کرده‌اند. در این مقاله بعد از مباحث مقدماتی، به ویژگی‌های تفسیر فقهی، انواع روش‌های تفسیری، مبانی و ادله اشاره شده است و به دلیل اهمیت این نوع تفسیر، مهمترین کتاب‌های مربوطه از قرن دوم تاکنون آورده شده و در وسیع این مقاله، برخی آسیب‌های تفسیر فقهی را بیان کردیم.

کلیدواژه: تفسیر، تفسیر فقهی، تفسیر حقوقی، روش‌شناسی تفسیر،

مقدمه

است؛ اما با پیدایش مذاهب فقهی از قرن دوم به بعد، شیعه و پیروان مذهب حنفی، مالکی، شافعی و حنبلی به تفسیر آیات الاحکام و تألیف در این زمینه پرداختند. احکام تشریحی قرآن، گرچه شامل احکام اعتقادی، اخلاقی و فقهی می‌گردد، اما آنچه به صورت اصطلاح آیات احکام در زبان فقهیان و مفسران، به کار رفته و یا در کتاب‌های حقوقی متداول شده، احکام عملی است که در زمینه عبادات، معاملات، تصرفات و عقوبات مطرح شده است. به همین دلیل، دستوراتی که به عقیده انسان نسبت به خدا، مبدأ، معاد، ایمان به رسل، ملائکه و عالم غیب مربوط می‌شود و یا آنچه به قلب و سیر و سلوک، آراستگی به فضائل و دوری از رذایل مربوط می‌باشد و خلاصه، آنچه از مقوله بایدها و نبایدهای ذهنی و جانچی (قلبی) است، از مصادیق احکام تشریحی محسوب نشده و آیات مربوط به آن جزو احکام قرآن، شمارش نگردیده است. به همین دلیل، عمده تفسیرهای فقهی از طرح این دسته از آیات به عنوان تشریحات قرآن خودداری نموده و آنرا از حدود فقه قرآن خارج کرده‌اند. اینک در پی پاسخ این سؤال هستیم که آیا این تلقی از احکام

قرآن کریم دارای آیات متعددی در مورد احکام تکلیفی انسان است که از پانصد آیه تا دو هزار آیه گفته شده است. در زمان پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) به این آیات عمل می‌شد و موارد ابهام، از ایشان پرسیده می‌شد. در عصر صحابه نیز، از این آیات استنباط می‌شد و بدان‌ها عمل می‌شد و گاهی صحابه در مورد آیات الاحکام اختلاف می‌کردند که اختلاف امام علی (علیه السلام) و عمر در مورد «اقل مدت حمل» و استناد امام علی (علیه السلام) به آیات قرآن و تعیین مدت شش ماه به عنوان اقل مدت حمل مشهور است. در این میان، روایت‌های پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم السلام)، راهگشای فقهای صحابه و تابعین شد و در حقیقت، روایات فقه، نوعی تفسیر موضوعی قرآن شد که بعدها علم «فقه» و «فقه القرآن» در دامان آن رشد کرد. فقه القرآن یا آیات الاحکام در حقیقت، نوعی تفسیر موضوعی قرآن است که به صورت یک گرایش تفسیری از قرن‌های اولیه اسلام تاکنون ادامه داشته و دهها کتاب در این زمینه نگارش یافته



به واژگان، لغات، زبان عرب، صرف و نحو و غیره اهمیت فوق‌العاده‌ای داده می‌شود. تفسیر ادبی خود دو گونه است: الف-۱، تفسیر بلاغی و بیانی؛ مفسران در تفسیرهای بلاغی و بیانی، به جنبه بلاغی عبارات و کلمات قرآن، اهتمام ری دارند و به اجتهاد در تفسیر مرکبات قرآن با کمک علم معانی و بیان می‌پردازند. مانند: تفسیر «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاول فی وجوه التأویل»، اثر جار الله محمود بن عمر زمخشری و «تفسیر جوامع الجامع»، اثر فضل بن حسن طبرسی. الف-۲، تفسیر لغوی: اهتمام غالب مفسران در تفسیرهای لغوی بر شناخت و اجتهاد در لغات، ریشه و اشتقاق و شکل و تغییرات آنها است. مانند: «تفسیر مفردات الفاظ قرآن»، اثر راغب اصفهانی. ب- تفسیر فقهی: در تفسیرهای فقهی، همت و اجتهاد بیش‌تر مفسران، بر شناخت و دریافت احکام فقهی الهی و احکام فرعی از آیات قرآن است که حدود پانصد آیه در قرآن جزء آیات الاحکام شمرده شده است. مانند: «تفسیر کنز العرفان فی فقه القرآن»، اثر فاضل مقداد. مهم‌ترین تفسیرهای فقهی از این قرار است:

۱- احکام القرآن جصاص (م ۳۷۰)؛ ۲- احکام القرآن منسوب به شافعی (م ۲۰۴)؛ ۳- احکام القرآن (فقه القرآن) راوندی (م ۵۷۳)؛ ۴- احکام القرآن (کنز العرفان فی فقه القرآن) سیوری (م ۷۲۶)؛ ۵- زبدۃ البیان فی احکام القرآن، مقدس اردبیلی (م ۹۹۳)؛ ۶- مسائل الافهام الی آیات الاحکام، جواد کاظمی (قرن یازدهم)؛ ۷- قلائد الدرر فی بیان آیات الاحکام بالاثر، احمد بن اسماعیل بن عبد النبی جزایری (م ۱۱۵۱). ج- تفسیر کلامی: از جمله تفسیرهای اجتهادی، تفسیر کلامی است که مفسران با سبک و گرایش کلامی، به تفسیر آیات پرداخته‌اند و بیش‌تر آیاتی که بیانگر عقاید مسلمانان، اعم از توحید، عدل،

قرآن درست است؟ به عبارت دیگر آیا می‌توان آیات احکام را در این محدوده (احکام عملی) قرار داد؟

مفهوم‌شناسی

مقصود از روش تفسیری، مستند و یا مستنداتی است که مفسران در فهم و تفسیر آیات قرآن از آن بهره گرفته‌اند که از آن می‌توان به «منهج تفسیری» نیز تعبیر کرد. در بعضی از اصلاحات به گرایش‌های تفسیری یا منابع تفسیری یا اتجاه تفسیری با تعاریف گوناگون به جای روش تفسیری آمده است.

ویژگی‌های تفسیر فقهی

مفسر در تفسیر فقهی، به عناصر زیر توجه بیش‌تری می‌کند: الف. به تفسیر آیاتی می‌پردازد که احکام فقهی در مورد زندگی بشر دارد و تکلیف انسان را به صورت واجب، مستحب، حرام، مکروه و مباح در ابواب عبادات و معاملات و غیره بیان می‌کند. ب. همت مفسر به استنباط احکام شرعی فرعی عملی از آیات قرآن است. ج. معمولاً مفسر آیات الاحکام، شخصی مجتهد در فقه است و در نهایت، فتوای خویش را بیان می‌کند. د. معمولاً مفسر در این گرایش با روش فقهی، مسائل را تجزیه و تحلیل می‌کند و در این راه از کتاب، سنت، عقل و اجماع بهره می‌برد. ه. تفسیر فقهی بر اساس مبانی که مفسر در فقه و اصول مذهب خویش برگزیده است، متنوع می‌شود و نتایج مختلف می‌دهند. براساس مثال، اگر مفسر فقیه، اجماع و خبر واحد و ظواهر کتاب را حجت بدانند یا ندانند، چهره تفسیر آیات الاحکام او متفاوت می‌شود.

انواع روش‌های تفسیری

مفسران با گرایش اجتهادی به تفسیرهای زیر پرداخته‌اند: الف. تفسیر ادبی: گروهی از مفسران با گرایش به مباحث ادبی و نحوی به تفسیر اجتهادی قرآن می‌پردازند. در چنین تفسیرهایی



۱. احکام القرآن، یا تفسیر آیات الاحکام، محمد بن السائب الکلبی الکوفی (م: ۱۴۶) شیعه. وی از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) است. این ندیم در کتاب الفهرست هنگام یادکرد کتاب‌های نوشته شده در موضوع احکام قرآن می‌نویسد: «احکام القرآن للکلبی رواه عن ابن عباس». این اثر غیراز تفسیر کامل قرآن است که محمد بن سائب نوشته و در کتابخانه استانبول به صورت خطی موجود است. وی یکی از مفسران مهم شیعه در قرن دوم بوده و سیوطی در الاتقان می‌نویسد: «وی صاحب بزرگ‌ترین تفسیر قرآن بوده است» در کتب رجالی بر شیعه بودن وی تصریح شده است.^۲ تفسیر خمسمه آیه فی الاحکام، مقاتل بن سلیمان بن بشرالخراسانی البلخی (م: ۱۵۰) شیعه. وی از آغازگران فرقه بتریه است. این کتاب بین اصحاب حدیث تداول داشت و احمد بن حنبل ضمن ستایش از مضامین این کتاب، تألیف آن را به مقاتل بن حیان نسبت می‌داد.

ب. قرن سوم

۳. احکام القرآن، حیی بن آدم بن سلیمان الاموی (م: ۲۰۳) از فقیهان بتریه.^۴ تفسیر آیات الاحکام، هشام بن محمد بن السائب الکلبی الکوفی (م: ۶-۲۰۴) شیعه و از اصحاب صادقین (ع). ۵. احکام القرآن، محمد بن ادریس بن العباس بن عثمان الشافعی (۱۵۰-۲۰۴) سنی شافعی، بنیانگذار مذهب شافعی و دارای دو اثر در موضوع احکام القرآن: الف. گردآوری شده از نوشته‌های وی توسط بیهقی صاحب سنن (م: ۴۵۸). ب. اثر خود مؤلف که زرکشی در البرهان (۲/۱۲۸) بدان اشاره کرده و نیز ابن ندیم (۴۱/،

نبوت، امامت، معاد و ... است با اعتقادات خاص خودشان تفسیر نمودند. مانند: تفسیرالفرقان، شیخ محمد صادق تهرانی. د. تفسیر فلسفی: در تفسیر فلسفی از اصول و قواعد فلسفی برای ادراک مفاهیم و مقاصد قرآن، کمک گرفته می‌شود و از شیوه استدلال بهره می‌گیرند. مانند: تفسیر القرآن الکریم، از صدر المتألهین. ه. تفسیر عرفانی: گروهی از مفسران با سبک و گرایش عرفانی، باطنی، رمزی و اشاره‌ای به تفسیر قرآن می‌پردازند مانند تفسیر: شاه نعمت‌الله، نعمت‌الله کرمانی. و. تفسیر اجتماعی: تفسیر اجتماعی حاصل رویکرد مفسران دوران جدید است. آنها اهتمام خود را برای حل مشکلات اجتماعی را در پرداختن به آیات می‌دانند، مانند: تفسیر نمونه اثر گروهی از نویسندگان زیر نظر آیت الله مکارم. ز. تفسیر علمی و تجربی: از نگاه عده‌ای قرآن، متعرض نکات علمی و تجربی شده است و با گذشت زمان و رشد تکنولوژی بیش‌تر مشخص می‌شود. مانند تفسیر: الجواهر فی تفسیرالقرآن، شیخ طنطاوی. ح. تفسیر جامع: شامل تفسیرهایی است که مفسر از دو روش روایی و اجتهادی در تفسیر خود استفاده کرده است و به تمام ابعاد اعم از ادبی، کلامی، فلسفی و فقهی و ... پرداخته‌اند. مانند: «تفسیر نمونه»، آیت‌الله مکارم و «تفسیرالمیزان»، علامه طباطبایی.^۱

کتاب‌شناسی احکام القرآن

در این‌جا به مهم‌ترین کتاب‌های احکام القرآن به ترتیب قرن‌ها از قرن دوم به بعد اشاره می‌شود: الف - قرن دوم

۱. سمت، تهران، ۱۳۷۹؛ عمید زنجانی، مبانی و روش‌های تفسیر قرآن، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، چ ۱، ۱۳۶۶
۲. رجال مامقانی، ۱۱۹/۳؛ میزان الاعتدال، ذهبی، ۵۵۶/۳.

۱. ر.ک: سید رضا مؤدب، روش‌های تفسیر قرآن، قم، چ ۱، ۱۳۸۰؛ علی اکبر بابایی، عزیزی کیا، روحانی راد، روش‌شناسی تفسیر قرآن، انتشارات



مختصر ابن عبدالحکم در موضوع خود بهترین اثر به‌شمار می‌رفته است. ۲۱. احکام القرآن، ابوالاسود موسی بن عبد الرحمن معروف به قطان (۲۳۲-۳۰۹ یا ۳۰۶) مالکی. ۲۲. احکام القرآن، احمد بن محمد بن زیاد الفارسی (م: ۳۱۸) مالکی. ۲۳. احکام القرآن، ابوجعفر احمد بن احمد القیروانی (م: ۳۱۹) سنی. ۲۴. احکام القرآن، احمد بن محمد بن سلامه الازدی الطحاوی (۲۳۹-۳۱۹ یا ۳۲۱) حنفی. ۲۵. احکام القرآن، عبدالله بن احمد معروف به ابن المغلس (م: ۳۲۴) ظاهری. ۲۶. احکام القرآن، بکر بن محمد بن العلاء بن محمد القشیری (۲۶۴-۳۴۴) مالکی. ۲۷. احکام القرآن، ابومحمد قاسم بن اصبح القرطبی (۲۷۳-۳۴۰ یا ۳۵۵) مالکی. ۲۸. احکام القرآن، محمد بن قاسم بن شعبان (م: ۳۵۵) مالکی. ۲۹. الانباه علی استنباط الاحکام من کتاب الله، منذر بن سعید بن عبدالله ابوالحکم البلوطی (۲۷۳-۳۵۵) مالکی. ۳۰. احکام القرآن، ۵ جلد، احمد بن علی حصص الرازی (۳۰۵-۳۷۰) حنفی. این کتاب مشهورترین کتاب در این زمینه از نویسندگان حنفی به‌شمار می‌آید. ۳۱. احکام القرآن، محمد بن الحسین بن محمد ابویعلی (۳۸۰-۴۵۸). ۳۲. آیات الاحکام، عبّاد بن عباس بن عباد الطالقانی (۳۸۵) سنی. (درالذریعه به عنوان شیعه و متوفی ۳۳۵ ذکر شده). ۳۳. شرح آیات الاحکام، کافی الکفاه صاحب اسماعیل بن عبّاد (م: ۳۸۵) شیعه. د - قرن پنجم؛ ۳۴. احکام القرآن، احمد بن علی الربعی معروف به الباغانی (۳۴۵-۴۰۱) مالکی. ۳۵-۳۶. الف مختصر احکام القرآن. (ب) المأثور عن مالک فی احکام القرآن و تفسیره، مکی بن ابیطالب القیسی القیروانی (م: ۴۳۸). ۳۷. احکام القرآن، محمد بن علی بن احمد بن ابی حزم (۳۸۴-۴۵۶) ظاهری. ۳۸. احکام القرآن، حافظ ابوبکر احمد بن الحسین البیهقی (م: ۴۵۸)

(۴۶۴) از آن یاد کرده است. با این وجود، این کتاب را که حتی در سده ۵ ق / ۱۱ م: از میان رفته بود، با احکام القرآن منسوب به شافعی که در واقع، از نوشته‌های بی‌هقی است و سال‌ها پس از تألیف فهرست این ندیم نوشته شده است، نباید اشتباه کرد. ۶. احکام القرآن، جبیر بن غالب. ۷. احکام القرآن، احمد بن معذل (معدل) بن غیلان العبری (م: حدود ۲۴۰) مالکی. ۸. احکام القرآن، ابراهیم بن خالد معروف به ابوثور کلبی (م: ۲۴۰) از فقیهان اهل حدیث با روشی نزدیک به شافعی. ۹. ایجاب (ایجاد) التمسک باحکام القرآن، یحیی بن اکثم بن محمد بن قطن التمیمی المروزی (م: ۲۴۲) از فقیهان منفرد بصره. ۱۰. احکام القرآن، ابو عبد الله محمد بن ابراهیم عبدوس (م: ۲۴۵) سنی. ۱۱. احکام القرآن، علی بن حجر بن محمد السعدی المروزی الخراسانی (۱۵۴-۲۴۶) حنفی. ۱۲. احکام القرآن، حفص بن عمر بن عبدالعزیز الازدی الدوری (م: ۲۴۶) از فقیهان اصحاب حدیث. ۱۳. احکام القرآن، خصاف احمد عمر (م: ۲۶۱) سنی. ۱۴. تفسیر خمسمائة آیه، ابوالمؤثر صلت بن خمیس بهلاوی، عالم اباضی عمان در سده ۳ ق. ۱۵. احکام القرآن، محمد بن عبدالله معروف به ابن الحکم (۲۶۸-۱۸۲) مالکی. ۱۶. احکام القرآن، داود بن علی الظاهری الاصفهانی (۲۰۱-۲۷۰ یا ۲۷۳) ظاهری. ۱۷. احکام القرآن، اسماعیل بن اسحاق الازدی البصری الجهضمی (۱۹۹ یا ۲۰۰-۲۸۲) مالکی. ج - قرن چهارم. ۱۸. آیات الاحکام (احکام القرآن)، قاسم بن اصبح بن محمد القرطبی الاندلسی (۲۴۷-۳۰۴) مالکی. ۱۹. احکام القرآن (آیات الاحکام)، علی بن موسی بن یزاد القمی الحنفی (از پیشوایان حنفی در زمان خود) (م: ۳۰۵) حنفی. ۲۰. احکام القرآن، محمد بن احمد بکیر البغدادی (م: ۳۰۵) مالکی. به عقیده ابن عبدالبر، این کتاب در عرض سنن ترمذی و



کتاب فی احکام القرآن، محمد یحیی بن احمد بن خلیل الشلوبین الاشبیلی (م: ۶۴۰) مالکی. ۴۸. آیات الاحکام (جامع احکام القرآن)، ابوبکر صائن الدین یحیی بن سعدون الازدی الاندلسی (م: ۶۷۰) مالکی. ۴۹. الجامع لاحکام القرآن (تفسیر قرطبی)، محمد بن احمد الانصاری القرطبی (۵۷۸-۶۷۱) مالکی. این اثر باوجود این که مباحث فقهی را به تفصیل دربردارد، در کنار تفسیرهای عمومی طبقه‌بندی می‌شود که به جهت ویژگی خاص آن در این بخش نیز آورده شد. ح- قرن هشتم ۵۰. التبیان فی احکام القرآن، علی بن حسین بن عبدالعزیز ابن اَبی الأحوص (م: ۷۰۰) مالکی. ۵۱. شرح آیات الاحکام، السید یحیی بن حمزه بن علی الحسنی الزیدی (م: ۷۴۹) زیدی. ۵۲. انوار المضية علی آیات الاحکام، سید محمد بن هادی بن تاج الدین، زیدی. ۵۳. تفسیر آیات الاحکام، محمد بن ابی بکر الدمشقی معروف به ابن قیّم الجوزیه (م: ۷۵۱) حنبلی. ۵۴. احکام القرآن (القول الوجیز فی احکام الكتاب العزیز)، احمد بن یوسف بن عبدالدايم الحلبي معروف به سمین (م: ۷۵۶) شافعی. ۵۵. تلخیص (تهذیب) احکام القرآن، محمد (محمود) بن احمد بن مسعود سراج قونوی (م: ۷۷۷ یا ۷۷۰) حنفی ۵۶. النهایة فی تفسیر الخمسمائة آیه فی احکام القرآن، احمد بن عبدالله سعید بن المتوج البحرانی (م: حدود ۷۷۱) شیعه. ۵۷. احکام الراي من احکام الآی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن ابن صانع (م: ۷۷۶) حنبلی. ط- قرن نهم ۵۸. تیسیر البیان فی احکام القرآن، محمد بن علی بن عبدالله الخطیب نورالدین بن علی الموزعی (م: ۸۲۵) سنی. تاریخ کتابت آن ۸۰۸ و جلد اول خطی آن در بصره است. ۵۹. کنزالعرفان فی فقه القرآن، فاضل مقداد بن عبدالله السیوری الاسدی الحلبي (م: ۸۲۶) شیعه. ۶۰. الثمرات البانعة و الاحکام

شافعی. وی تمامی گفتارهای پراکنده شافعی را در زمینه احکام القرآن از لایه‌لای آثار بازمانده او گردآوری کرده و در قالب کتابی تدوین کرده که در واقع جایگزین کتاب مفقود شافعی گردیده است. ۳۹. آیات الاحکام، محمد بن الحسین بن محمد بن الفراء ابویعلی کبیر (۳۸۰-۴۵۸) حنبلی. ه- قرن ششم ۴۰. احکام القرآن، علی بن محمد الطبری، معروف به الکیاهراسی (م: ۵۰۴) شافعی. ۴۱. احکام القرآن، محمد بن عبدالله اندلسی اشبیلی معروف به ابن عربی (۴۶۸-۵۴۳) مالکی. مؤلف خود اختصاری از آن باعنوان (الاحکام الصغری) فراهم آورده است که به صورت خطی در برخی کتابخانه‌های رباط و فاس در مغرب نگه‌داری می‌شود. حاجی خلیفه (۲۰/۱) گوید: این کتاب تفسیر پانصد آیه متعلق به احکام مکلفین است، لکن با تحقیقی که شده، در این کتاب حدود هزار آیه قرآن که پیرامون احکام است، تفسیر شده است. این کتاب یکی از مهم‌ترین کتاب‌های احکام قرآن مذهب مالکی است. ۴۲-۴۳. فقه القرآن، قطب الدین سعید بن هبة الله راوندی (م: ۵۷۳) شیعه. مرحوم آغابزرگ تهرانی در الذریعه (۴۲/۱) می‌نویسد: شرح آیات الاحکام از غیر فقه القرآن است؛ هم‌چنان که درامل الأمل بدان تصریح شده، لکن صاحب ریاض گوید همان فقه القرآن است. این کتاب در کتابخانه شیخ هادی کاشف الغطاء در نجف و نیز در کتابخانه حاج آقا سید اسدالله اصفهانی (م: ۱۳۳۳) موجود است. ۴۴. تفسیر آیات الاحکام، ابوالحسن محمد بن حسین بیهقی نیشابوری کیدری (م: حدود ۵۷۶) شیعه. ۴۵. مختصر احکام القرآن، عبدالمنعم بن محمد الانصاری الاندلسی (۵۲۴-۹۰۵، ۵۹۷) مالکی. ۴۶. تفسیر سورتی آل عمران و النساء من کتاب احکام القرآن، عبد المنعم بن محمد الانصاری الغرناطی (۵۲۴-۵۹۹ یا ۵۹۷) مالکی. ز- قرن هفتم ۴۷.



یازدهم ۷۵. آیات الاحکام، محمد (محمود) بن علی حسینی المرعشی (م: ۹۰۰ به بعد) شیعه. ۷۶. انوار القرآن فی احکام القرآن، محمد کافی بن حسن بسندی اقحصراری (م: ۱۰۲۵) حنفی. ۷۷. مسالک الافهام الی آیات الاحکام، فاضل جواد کاظمی (م: قرن ۱۱) شیعه. ۷۸. (تفسیر) آیات الاحکام، محمد بن علی بن ابراهیم استرآبادی معروف به میرزا محمد (م: ۱۰۲۶ یا ۱۰۲۸)، شیعه. در امل الآمل و لؤلؤة البحرين باعنوان شرح آیات الاحکام نام برده شده. ۷۹. (تفسیر) آیات الاحکام، رفیع الدین محمد حسینی مرعشی (م: ۱۰۳۴) شیعه. ۸۰. تفسیر قطب شاهی فی شرح آیات الاحکام، محمد یزدی معروف به شاه قاضی (م: ۱۰۴۰) شیعه. ۸۱. تفسیر شاهی، عبدالمحمد بن سلطان علی بن فتح الله بدخشی، تألیف در ۱۰۵۷. ۸۲. منتهی المرام فی شرح آیات الاحکام، محمد بن الحسین الامام القاسم الحسنی (م: ۱۰۶۷) سنی. ۸۳. فتح ابواب الجنان فی تفسیر آیات الاحکام، محمد بن حسین عاملی (م: حدود ۱۰۸۰) شیعه. ۸۴. آیات الاحکام الفقهیة (فارسی)، مولی ملک علی تونی، تاریخ کتابت ۱۰۹۸ یا ۱۰۶۸، شیعه. در خزانه رضوی موجود است. ۸۵. مفاتیح الاحکام فی شرح آیات الاحکام القرآنیة، محمد سعید بن سراج الدین قهپائی (م: ۱۰۹۲) شیعه. این کتاب، شرح زبده البیان مقدس اردبیلی است. ل_ قرن دوازدهم ۸۶. احکام القرآن، آقاحسین خوانساری (م: ۱۱۰۰) شیعه. ۸۷. انوار القرآن فی احکام (آیات) القرآن، محمد شمس الدین ابوبکر بخاری (م: ۱۱۰۹) حنفی. ۸۸. حواشی زبده البیان، سیدنعمت الله جزائری (۱۰۵۰ - ۱۱۱۲) شیعه. ۸۹. احکام القرآن، شیخ جعفر القاضی (م: ۱۱۱۵) شیعه. ۹۰. احکام القرآن، سلیمان بن عبدالله البحرانی (م: ۱۱۲۲) شیعه. ۹۱. حاشیة علی زبده البیان فی تفسیر احکام القرآن، میرزا محمد

الواضحة القاطعة، یوسف بن احمد بن محمد نجم الدین الثلاثی الیمانی (م: ۸۳۲) سنی. ۶۱. آیات الاحکام، ناصرین احمد بن عبدالله ابن متوج البحرانی، شیعه. سیدحسن صدر گوید: در کتابخانه‌های نجف آنرا دیده است. ۶۲. آیات الاحکام، احمد المهدی لدین الله بن یحیی الصنعائی (م: ۸۴۰) زیدی. ۶۳. حصرآیات الاحکام الشرعیة، محمد بن ابراهیم بن علی (۷۷۵ - ۸۴۰) زیدی. موجود در کتابخانه جامع کبیر صنعاء. ۶۴. احکام القرآن، احمد بن علی معروف به ابن حجر عسقلانی (۷۷۳ - ۸۵۲) شافعی. ۶۵. آیات الاحکام، ناصرین جمال الدین (م: حدود ۸۶۰) شیعه. ۶۶. شافی (شفاء) العلیل فی شرح (تفسیر) الخمسائة آية من التنزیل، عبدالله بن محمد النجری الیمانی (۸۲۵ - ۸۷۷) زیدی. صنعاء. ۶۷. معارج السؤول و مدارج المأمول فی تفسیر آیات الاحکام، کمال الدین حسن بن شمس الدین محمد الاسترآبادی (م: حدود ۹۰۰)، شیعه. ی_ قرن دهم ۶۸. آیات الاحکام، شرف الدین علی بن محمد شهفتیکی مشهدی (م: ۹۰۷) شیعه. ۶۹. الاکلیل فی استنباط التنزیل، عبدالرحمن جلال الدین السیوطی (۸۴۹ - ۹۱۱) شافعی. ۷۰. معدن العرفان فی فقه مجمع البیان لعلوم القرآن، ابراهیم بن حسن الدراق (اوائل قرن ۱۰) شیعه. نسخه خطی آن در دانشگاه لس آنجلس آمریکا و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران موجود است. ۷۱. شرح آیات الاحکام، محمدبن یحیی سعدی یمانی (۹۵۷) زیدی. ۷۲. تفسیر شاهی او آیات الاحکام، سیدامیرابوالفتح بن امیرحسینی شریفی جرجانی (م: ۹۷۶ یا ۹۸۶)، شیعه. ۷۳. آیات الاحکام، محمد بن حسن طبسی، شیعه. به نقل از مقدس اردبیلی در زبده البیان. موجود در کتابخانه آستان قدس رضوی. ۷۴. زبده البیان فی شرح آیات الاحکام، احمد بن محمد معروف به مقدس اردبیلی (م: ۹۹۳) شیعه. ک_ قرن



تنکابنی (۱۰۴۰-۱۱۲۴) شیعه. از مخطوطات کتابخانه آیت الله مرعشی. ۹۲. احکام القرآن، اسماعیل حقی بروسوی (م: ۱۱۲۷) حنفی، صاحب تفسیر روح البیان. ۹۳. التفسیرات الأحمدیة فی بیان الأحکام الشرعیة، احمد بن سعید ملاجیحون جونفوری (۱۰۴۷-۱۱۳۰) شیعه. ۹۴. أحكام القرآن، میرمحمد صالح بن عبد الواسع خاتون آبادی (م: ۱۱۳۰) شیعه. ۹۵. اساس سلطان المؤمنین باقتباس علوم الدین عن النبراس المعجز المبین فی تفسیر الآیات، سید محمد حیدر (بن) علی الموسوی العاملی (م: ۱۱۳۹) شیعه. ۹۶. تحصیل الاطمینان فی شرح زبدة البیان فی تفسیر آیات الأحکام من القرآن، میرمحمد ابراهیم القزوینی (۱۰۶۹-۱۱۴۹) شیعه. ۹۷. فلائذ الدرر فی بیان آیات الأحکام بالأثر، احمدین اسماعیل الجزائری النجفی (م: ۱۱۵۰) شیعه. ۹۸. آیات الأحکام، سیدحسین بن المیرابراهیم الحسینی القزوینی (احتمالاً قرن ۱۲) شیعه. ۹۹. آیات الأحکام، سید شمس الدین محمدالحسینی المرعشی (م: ۱۱۸۱) شیعه. ۱۰۰. مدارک الأحکام (انوار القرآن)، عبدالله بلخی (م: ۱۱۸۹) حنفی. ۱۰۱. آیات الأحکام، مولی محمد کاظم طبرسی (م: ۱۱۹۰) شیعه. م- قرن سیزدهم ۱۰۲. نمط الدرر، محمدبن الحسن الخراسانی (م: ۱۲۰۰) شیعه. ۱۰۳. آیات الأحکام، سید محمد ابراهیم الحسینی المرعشی (م: ۱۲۴۰) شیعه. ۱۰۴. تقریب الأفهام فی تفسیر آیات الأحکام، سید محمد علی قلی بن محمد حسین الموسوی النیشابوری (م: ۱۲۶۰) شیعه. ۱۰۵. دلائل المرام فی تفسیر آیات الأحکام، محمد بن جعفر بن سیف الدین استرآبادی معروف به شریعتمدار، صاحب کتاب آب حیات (م: ۱۲۶۳) شیعه. ۱۰۶. آی احکام القرآن، عبدالله ابو محمد الحسینی الهندی (م: ۱۲۷۰) حنفی. ۱۰۷. الوجیز فی تفسیر آیات الأحکام، عبد

الحسین بن ابراهیم المخزومی (م: ۱۲۷۹) شیعه. ن- قرن چهاردهم و پس از آن ۱۰۸. منار الاسلام فی شرح آیات الأحکام، احمد زینی دحلان حسینی، (م: ۱۳۰۴) شافعی. ۱۰۹. نیل المرام فی شرح آیات الأحکام (نیل المرام من تفسیر آیات الأحکام)، محمد صدیق حسن خان ملک (۱۳۰۷-۱۲۴۸) حنفی. ۱۱۱-۱۱۲. نثر الدرر الأیتام فی شرح آیات الأحکام (بسیط) - الدرر الأیتام فی تفسیر آیات الأحکام (وجیز)، (مولی محمد) علی بن جعفر الاسترآبادی شریعتمداری (م: ۱۳۱۵) شیعه. ۱۱۴. أحكام القرآن، سیدشرف الدین علی الحسینی المرعشی (م: ۱۳۱۶) شیعه. ۱۱۵. الفتوحات الربانیة فی تفسیر ما ورد فی القرآن من الأوامر والنواهی الالهیة، محمد بن عبد العزیز بن عمراسم (م: پس از ۱۳۲۴) سنی. ۱۱۶. لب الألیاب فی تفسیر أحكام الكتاب، عبد علی ابن أبی القاسم الموسوی الخوانساری (م: ۱۳۳۶) شیعه. ۱۱۷. آیات الأحکام فشندی، محمد علی مشهور به شیخ حمزه علی (۱۲۶۷-۱۳۳۸) شیعه. ۱۱۸. مقلاد الرشاد فی شرح آیات الأحکام، محمد بن فضل الله موسوی ساروی (م: ۱۳۴۲) شیعه. ۱۱۹. موضح الأحکام فی شرح آیات الأحکام. محمد مهدی بنابی مراغه ای (م: حدود ۱۳۴۵ یا ۱۳۶۵) شیعه. ۱۲۰. آیات الأحکام، اسماعیل بن نقی التبریزی (تولد یا وفات: ۱۲۹۵) شیعه. ۱۲۱. آیات الأحکام، محمد باقر بن محمدحسن قاینی بیرجندی (۱۲۷۶-۱۳۵۲) شیعه، صاحب کتاب بغیة الطالب وکبریت الأحمر و... ۱۲۲. تفسیر آیات الأحکام من سورة النساء، محمد بن محمد الخانجی (م: ۱۳۶۳)، خطی موجود در کتابخانه غازی خسرو ساریوو (بوسنی وهرزگوین). ۱۲۳. شرح آیات الأحکام، یحیی بن محمد الحسنی (م: ۱۳۶۷) زیدی. ۱۲۴. آیات الأحکام، سید محمد ابراهیم الحسینی الاصفهانی (م: ۱۳۷۷) شیعه. ۱۲۵. تفسیر آیات الأحکام،



محمدعبد الله دراز (م: ۱۳۷۷) سنی. ۱۲۶. آیات الاحکام، طرز دادرسی و مسؤولیت کیفری در حقوق اسلام، ابراهیم خجسته، چاپ در نشریه سایبان، سال ۱۳۲۸ در رشت. ۱۲۷. آیات الأحکام، شیخ خلف آل عصفور البحرانی، (م: اواخر قرن ۱۴) شیعه. ۱۲۸. الجمان الحسان فی أحكام القرآن، سید محمود بن مهدی الموسوی (متولد ۱۳۴۵) شیعه. ۱۲۹. آیات الأحکام، علامه قاضی حسین بن العمری الیمانی الصنعائی (م: حدود ۱۳۸۰) زیدی. ۱۳۰. الفتاوی، محمود شلتوت (۱۳۱۰-۱۳۸۳) سنی. ۱۳۱. تفسیر آیات الأحکام وفق المذهب الجعفری والمذاهب الأربعة، سید محمد حسین طباطبائی یزدی (۱۳۳۲-۱۳۸۶) شیعه. ۱۳۲. آیات الأحکام، سید یحیی یزدی (م: ۱۳۸۸) شیعه. ۱۳۳. مسائل معارف القرآن، محمد شفیع دیوبندی، سنی. گردآورنده: محمد اقبال قریشی، اردو. ۱۳۴. دفع ایهام الاضطراب عن آیات الأحکام، محمد امین بن مختار الجکنی الشنقیطی (۱۳۰۵-۱۳۹۳) سنی، ۱۳۵. بدایع الکلام فی تفسیر آیات الأحکام، محمد باقر الملکی المیانجی (تالیف سنه ۱۳۹۸) شیعه. ۱۳۶. ادوار فقه اسلامی در المیزان، سید محمد حسین طباطبائی (۱۳۲۱-۱۴۰۲) شیعه. ۱۳۷. آیات الأحکام، احمد میرخانی (م: ۱۴۱۴) شیعه. ۱۳۸. احکام القرآن، محمد خزائلی (تولد ۱۲۹۲ش) شیعه. ۱۳۹. أحكام القرآن، سید ابوالفضل برقی، شیعه. در این اثر ضمن بیان ۲۶۶۴ مسأله فقهی به آیات قرآن استناد شده است. ۱۴۰. تبصرة الفقهاء بین الكتاب والسنة، محمد صادقی تهرانی (تولد ۱۳۰۷) شیعه. ۱۴۱. أقصى البیان فی آیات الأحکام وفقه القرآن، مسعود سلطانی، شیعه. ۱۴۲. تفسیر آیات الأحکام، مناع قطان (تالیف ۱۳۸۴) سنی. ۱۴۳. تفسیر آیات الأحکام من سورتي الانعام والاعراف، فرید مصطفی سلمان، سنی. ۱۴۴. الدین والقرآن،

زین العابدین التونسی، سنی. مطبوعه ابي العلاء ۱۳۹۶. ۱۴۵. روائع البیان - تفسیر آیات الأحکام من القرآن، محمد علی الصابونی، سنی. ۱۴۶. أحكام من القرآن، عبد الجبار الراوی، سنی. ۱۴۷. تفسیر آیات الأحکام، محمد علی السایس، سنی. تصحیح: حسن السماحی. ۱۴۸. البرهان لعلوم القرآن (بخشی از جلد ۲ و ۳ و ۲۷۰ ص)، شیخ موسی الشیخ جعفر السودانی، شیعه. ۱۴۹. تفسیر آیات الأحکام، احمد محمد الحصری (تالیف ۱۴۰۹) سنی. ۱۵۰. مع القرآن فی آیات الأحکام، محمود عبدالله، سنی. ۱۵۱. احکام القرآن (ارث، ربا)، محمد باقر بهبودی، شیعه. ۱۵۲. ادوار فقه، محمود شهابی، (م: ۱۳۶۵)، شیعه. طبقه بندی آیات احکام براساس کتاب کنز العرفان فی فقه القرآن اثر فاضل مقداد سیوری. ۱۵۳. مذکره فی تفسیر آیات الأحکام، سلطان حسینی و دیگران. ۱۵۴. مذکره فی تفسیر آیات الأحکام، عبدالسلام العسکری، در ۳۸۴ صفحه. ۱۵۵. ترجمه و تلخیص زبده البیان، مقدس اردبیلی. ترجمه و تلخیص از سید جعفر سجادی. ۱۵۶. قس من التفسیر الفقهی، الشافعی عبد الرحمن السید، سنی. ۱۵۷. دراسات فی تفسیر بعض آیات الأحکام، کمال جوده أبو المعاطی، سنی. ۱۵۸. أحكام قرآن یا قانون اسلام، غلامرضا امیری (گروسی)، شیعه. ۱۵۹. فقه القرآن وخصائصه، فرج توفیق الولید، سنی. ۱۶۰. احکام القرآن، محمد بن احمد عبد الله خويز، مالکی. ۱۶۱. أحكام القرآن علی مذهب المالک (مؤلف نامشخص). ۱۶۲. الايضاح عن أحكام القرآن (مؤلف نامشخص). ۱۶۳. الامام فی بیان ادلة الأحکام، عز الدین عبد السلام السلمی (۵۷۷-۶۶۰) سنی. تحقیق رضوان مختارین عزیزه. ۱۶۴. اهل بیت وآیات الأحکام، قاضی زاهدی و بخشایشی (جمع‌آوری بخشی از سخنان اهل بیت (ع) درباره آیات احکام از کتاب‌های روایی).



تعریف خارج می‌گردد. به عبارت دیگر، در دین توصیفاتی از جهان داریم که رنگ اعتقادی و دینی دارد؛ این که جهان دارای مدبر و پروردگاری است و باید او را پرستید؛ این که آفریننده این جهان دارای صفاتی، چون علم، قدرت و حیات است که باید بدان اعتقاد داشت، یا این که خداوند برای راهنمایی مردم، پیامبرانی ارسال کرده که باید به آن‌ها ایمان داشت یا زندگی دارای فرجامی است که این فرجام در روزی است که به کارهای انسان رسیدگی می‌شود و هرکسی پاداش اعمال خویش را می‌بیند و دهها مسأله اعتقادی که در آغاز، شکل توصیف جهان را به دست می‌دهد و در محدوده شریعت و دستورات و احکام عملی به معنای عام جای نمی‌گیرد، اما نتیجه‌ای دارد و الزام دینی را در پی می‌آورد که شکل تکلیف و حکم را نشان می‌دهد. گاه از این مرحله توصیفی هم بالاتر است و مسأله با آن که در حوزه اعتقادات قرار دارد، اما به باید و نبایدها پیوند می‌خورد؛ مثلاً قرآن در آیات زیادی تقلید از اجداد و پدران را نکوهش می‌کند؛ مانند این آیه: «و اذا قيل لهم اتبعوا ما انزل الله قالوا بل نتبع ما آباؤنا اولو کان آباؤهم لا يعقلون شيئا و لا يهتدون». یا در زمینه مسائل کلی اعتقادی و جهان‌بینی دستور به تفکر و تأمل می‌دهد؛ یا از تکذیب آیات الهی برحذر می‌دارد؛ یا الزام می‌کند که مؤمن باید به خدا، ملائکه و پیامبران پیشین ایمان پیدا کند. یا نسبت به عالم غیب در برابر عالم شهادت، ایمان بیاورد؛^۱ و دهها مسأله دیگر که در آن تکلیف قلبی مطرح است. این مسأله در زمینه آراستگی به فضائل و سیر و سلوک و تهذیب

۱۶۵. آیات الأحكام، هاشم هاشم‌زاده هریسی. ۱۶۶. تاریخ الأحكام والتشريع في الاسلام، محمود فرحات، شيعه. ۱۶۷. فقه القرآن، محمد يزدي، شيعه. ۱۶۸. تفسير جامع آيات الأحكام، زين العابدين قرباني لاهيجي، شيعه. ۱۶۹. بررسی سیر تدوین و تطور تفسیرهای فقهی و رجال شناسی مؤلفین آنها، نعمت الله سلیمانی. عنوان مورد نظر پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس تهران است که در سال ۱۳۷۲ به راهنمایی ابوالفضل شکوری و مشاورت سیدمحمد باقر حجتی تدوین شده و در بخشی از آن به بررسی سیر تاریخی تفسیرهای فقهی و احکام قرآن پرداخته شده است. ۱۷۰. آیات الاحکام جزایی، به قلم محمد مهدی کریمی‌نیا. این کتاب به صورت درسنامه و در قالب پانزده درس و حدود ۲۴۰ صفحه تدوین شده است. این کتاب در آینده نزدیک توسط انتشارات جامعه المصطفی به چاپ خواهد رسید.

مبانی بحث

فقه، علم به احکام شرعی است، اما آیا احکام همان تکالیف عملی جوارحی است، یا احکام و وظایف جوارحی و جوانحی را نیز شامل می‌شود؟ اگر میان حکم و فقه چنین ارتباطی است و فقها منظورشان از حکم تنها اعتبارات و وظایف مربوط به اعضای انسان باشد، باید شامل اعضایی که به قلب و دل انسان ارتباط پیدا می‌کند نیز بشود؛ در حالی که در اصطلاح، فقه علم به احکام فرعی عملی دانسته شده است و منظور فقها از حکم عملی، حکم بیرونی خارجی قابل توصیف است. اما دستورات غیرعملی اعتقادی و اخلاقی با این

۱. محمد دسوقی، الفقه في عصر البيعة، مجلة كلية الدعوة الإسلامية، العدد الخامس، ص ۱۴-۱۵؛ به نقل از سید محمد علی ایازی، فقه پژوهی قرآنی، ص ۱۱۴-



پروردگار را برقرار می‌سازند و احکام معاملات، نظیر عقود، تصرفات، جزائیات و غیره که در آن‌ها رابطه میان مکلفان در شکل فردی، اجتماعی و سیاسی تنظیم شده است.

۹_ ادله

در این جا به چند دلیل در ذیل دیدگاه دوم اشاره می‌شود: دلیل اول: دکتر محمد دسوقی در این زمینه معتقد است که احکام شرعی اختصاص به آن موارد فقه ندارد و اطلاق کلمه فقه، گرچه در موضوعات خاصی اصطلاح شده، اما فقه در آیه شریفه: «فلولا نفر من کل فرقه منهم طائفه لیتفقوها فی الدین» به معنای اعم از این اصطلاح است؛ زیرا خداوند دستور می‌دهد که لازم است افرادی از جمعیت‌ها در دین تفقه کنند. تفقه هم اختصاص به آداب و احکام فرعی ندارد. این اصطلاح پس از عصر بعثت و صدر اسلام رواج یافت و با دوران پیدای مذاهب به صورت مجموعه‌هایی خاص شکل گرفته است. دلیل دوم: آن جا که مسأله اعتقاد است، امر اختیاری نیست تا تکلیف باشد؛ زیرا اعتقاد و عقیده از عقده می‌آید و عقده، گره و علقه‌ای است درونی در قلب که نسبت به چیزی ایجاد شده است؛ لذا می‌توان نسبت به مقدمات ایجاد اعتقادی، چون پی‌جویی یا زوال دلیل، اقدام کرد و عمل و اراده شخص را نسبت به مقدمات حصول اعتقاد دخیل دانست، اما نفس اعتقاد اختیاری نیست و در دایره‌ی اراده و تکلیف انسان قرار نمی‌گیرد. کسانی که حکم را خطابات الهی متعلق به افعال مکلفین گرفته‌اند، اعتقاد را در دایره احکام نیاورده‌اند. این مسأله در مورد آراستگی نفس به فضائل (مانند: شرح صدر، ایثار و شجاعت) آلودگی به رذایل (مانند: حسد، بخل، حرص) مطرح است؛ یعنی انسان می‌تواند کاری کند که قدرت تحمل عقاید دیگران را پیدا کند یا در نفس خود حالتی به وجود آورد که در برابر

نفس (که در محدوده فقه عملی قرار نمی‌گیرد)، نیز مطرح است؛ مثلاً آن جا که خداوند اخلاص در عمل را می‌خواهد و پرستش خود را خالصاً مخلصاً درخواست می‌کند؛ یا در باب حرمت یأس با شدت فراوان می‌گوید: «ناامیدی کار کافران است»؛ یا در باب محبت کفار، نهی می‌کند؛ یا در کارها و زندگی اجتماعی دستور به عفو و بخشش می‌دهد. در این گونه موارد، گرچه در محدوده دل و قلب انسان است، اما آیا در محدوده احکام قرآن قرار می‌گیرد؟ چنان که برخی از مفسران آیات احکام ذکر کرده‌اند. یا در این محدوده قرار ندارد. چنان که فقیهین در کتاب‌های فقهی متعرض این دسته از دستورات اعتقادی و اخلاقی نشده‌اند؟

۸_ دیدگاه‌ها

به طور کلی در این باره دو دیدگاه کلی وجود دارد: دیدگاه اول- مفهوم خاص فقه: این دیدگاه مربوط به اصولیون و فقها است. آنان به هنگام تعریف فقه و علم اصول فقه، احکام را به احکام عملی خاصی محدود کرده‌اند و در تعریف، با قید «احکام فرعی عملی» خواسته‌اند، احکام اصولی، اعتقادی و اخلاقی را از بحث خارج کنند. دیدگاه دوم- مفهوم عام فقه: بر اساس این دیدگاه، احکام شرعی اختصاص به آن موارد فقه ندارد و احکام شرعی به سه بخش تقسیم می‌شود: قسم اول، احکام اعتقادی است، یعنی احکامی که واجب است مکلف به آنها اعتقاد داشته باشد؛ مانند اعتقاد به اسما، صفات، ملائکه و کتب انبیا و روز قیامت؛ قسم دوم احکام اخلاقی، و آن احکامی است که بر اساس آن‌ها مکلف باید خود را به فضائل اخلاقی آراسته کند و از رذایل، دور سازد؛ قسم سوم احکام عملی است که مربوط به اعمالی است که از مکلف صادر می‌گردد و شامل اقوال، افعال، عقود و تصرفات می‌گردد و بر دو قسم است: احکام عبادی، که رابطه میان انسان و



خارجی و احکام عملی ذهنی (قلبی) بی‌وجه است. به همین جهت، شریعت قرآن از سه جهت، حکم دارد: احکامی که در ارتباط انسان با خداست؛ احکامی که در ارتباط انسان با خودش می‌باشد و احکامی که در ارتباط انسان با جامعه و هموعان، بلکه جهان خارج است (مانند: رفتار با حیوانات یا جمادات، استفاده از آب، نوع برخورد با کتاب‌های مقدس مثل این که درباره قرآن آمده که قرآن را نباید مهجور کرد^۱ یا تماس با آن با وضو باشد^۲). بنابراین، اگر قرآن دستور می‌دهد که مؤمنان به کتاب «بما أنزل الله» ایمان بیاورند؛ به ملائکه و کتاب‌های پیشین الهی و پیامبرانش ایمان آورند، یا دستور می‌دهد که پیامبر را الگوی خود قرار دهید^۳، در حقیقت دستور می‌دهد و تکلیف می‌خواهد؛ منتها نسبت به مسائل اعتقادی، پس از شناخت و کسب معرفت و القای در نفس و تصدیق عملی مربوط به قلب می‌شود؛ به عنوان نمونه خداوند می‌فرماید: «أمن الرسول بما أنزل إليه من ربه و المؤمنون كل آمن بالله و ملائکته و کتبه و رسله لا نفرق بین أحد من رسله»^۴؛ پیامبر به آن چه از پروردگارش به او فر فرستاده شده ایمان دارد، و همه مؤمنان به خدا و فرشتگان او و کتاب‌ها و پیامبران او ایمان دارند و گویند میان هیچ‌یک از فرستادگان او جدا نکنیم. یا در جای دیگر به مؤمنان دستور می‌دهد که این باور را کمال ببخشید و ایمانی که دارید و مؤمن هستید افزون کنید: «یا ایها الذین آمنوا آمنوا بالله و رسوله و الکتاب الذی نزل علی رسوله و الکتاب الذی نزل من قبل»^۵؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا

مشکلات و سختی‌ها مقاومت کند و یا روحیه ترس را زایل کند، اما اتصاف نفس به این حالت، صفت است، نه اعتبار و اراده. بنابراین، در آنجا که اعتقاد به اراده انسان تعلق بگیرد و جای امر و نهی در آن مطرح شود، چه انجام آن در بیرون باشد یا در درون و ذهن انسان؛ یعنی همین اندازه که بتواند متعلق اراده و حکم قرار گیرد، مشمول اوامر و نواهی حکمی قرار می‌گیرد. پس، ملاک تعلق حکم فعلی، کسبی شد، اگر این فعل به ذهن یا اعضا، تعلق گرفت، تعلق حکم صدق می‌کند. طبق تعریف جرجانی، منظور از کسبی آن کارهایی است که از اختیار مکلف صادر می‌گردد و منتهی به جلب نفع یا دفع ضرر می‌شود.^۱ به همین دلیل، اگر در جایی حکم به فعل جبلی و فطری انسان تعلق گرفت، در حقیقت به آثار و مقدمات آن تعلق می‌گیرد^۲؛ مثلاً این که خداوند فرموده است: «و لا تأخذکم بهما رأفة فی دین الله»^۳؛ نسبت به اجرای حد زانی و زانیه رأفت و ترحم پیدا نکنید؛ یعنی آن شفقت غیراختیاری را با اراده مانع شوید و از نظر اثر بیرونی دل‌سوزی نکنی. حال اگر امر و نهی به مقدمات اعتقادی تعلق گرفت و یا به مقدمات اخلاقی مربوط شد، می‌تواند در دایره حکم واقع شود؛ اگر آیه‌ای نسبت به موضوعی از موضوعات اعتقادی و اخلاقی امر و نهی داشت (که در حقیقت به مقدمات و آثار تعلق می‌گیرد) جزو آیات احکام محسوب می‌شود، گرچه فقها آن را جزو احکام شرعی ندانند؛ زیرا پیام‌های قرآن در صورتی که جنبه عملی پیدا کند، صورت تکلیف و الزام پیدا می‌کند و تفکیک میان احکام عملی

۵-واقعه(۵۶) آیه ۷۹.

۶-احزاب(۳۳) آیه ۳۱.

۷-بقره(۲) آیه ۲۸۵.

۸-نساء(۴) آیه ۱۳۶.

۱-جرجانی، التعریفات، ص ۹۷ و شاطبی، الموافقات، ج ۲، ص ۷۱۰۸.

۲-عزالدين بن عبدالسلام، الامام فی بیان ادلة الاحکام، ص ۷۸.

۳-نور(۱۵)، آیه ۲.

۴-فرقان(۲۵) آیه ۳۰.



و پیامبر و کتابی که بر فرستاده‌اش فرو فرستاده و کتابی که پیش از این فرو فرستاده، ایمان آورد. این دستورها گاه ویژگی‌های خاصی پیدا می‌کنند و از شکل اعمال و رفتار جوارحی مشهود، خارج می‌گردد، مانند آیه: «یا اهل الکتاب لا تغلوا فی دینکم و لا تقولوا علی الله إلا الحق»^۱؛ ای اهل کتاب در دین خود غلو موزید و بر خدا جز راست مگویید. گرچه بحث، نهی از قول است، اما مسلمانان با توجه به سیاق و صدر و ذیل آیه، سخن از شرک و قبول تثلیث است. لذا تعبیر می‌کند که غلو در دین نکنید؛ نسبت به خدا جز حق نگویید، همه این‌ها، گرچه به ظاهر در قالب تعریف‌های فقهی نمی‌گنجد، ولی دستوراتی است که جزو احکام به حساب می‌آید. این دستورها را می‌توان «احکام الایمان و العقاید» به حساب آورد و نکاتی مقدماتی اما فقهی در باب لزوم معرفت، دقت در منابع شناخت، بر طرف کردن موانع شناخت، پرهیز از غلو و تعصب و ده‌ها مسأله دیگر را مربوط به کسب عقاید صحیح و تقویت آن دانست.

۱۰- شیوه‌های دسته‌بندی و ارائه تفسیر آیات الاحکام

روش بحث در آیات الاحکام باید منطبق بر مبنای صحیحی باشد که در تفسیر قرآن معتبر و قابل اعتماد می‌باشد. به طور کلی، در مطالعه آیات الاحکام دو روش بیش‌تر شایع است. برخی کتب آیات الاحکام به ترتیب سوره‌های قرآن است و بعضی به ترتیب تقسیم‌بندی موضوعی فقه‌القرآن است. می‌توان گفت که روش مؤلفان در بحث آیات الاحکام می‌تواند به یکی از طرق زیر باشد: الف- برخی از آنان مانند احمد بن علی رازی معروف به جصاص در کتاب «احکام

القرآن» و محمد علی صابونی در کتاب: «روائع البیان»، آیات الاحکام را به ترتیب سوره‌های قرآنی مورد بحث قرار داده‌اند و در هر سوره فقط آیات فقهی را تفسیر نموده‌اند، ولی در عین حال در هر سوره‌ای ترتیب موضوعی فقهی را رعایت کرده‌اند. ب- برخی مانند ابن عربی در کتاب: «احکام القرآن» به ترتیب سوره‌ها و سپس به ترتیب آیات هر سوره مباحث فقهی مربوط به هر آیه را مطرح و مورد بحث قرار داده‌اند. ج- جمعی دیگر نیز آیات الاحکام را به ترتیب ابواب و موضوعات فقهی تقسیم‌بندی نموده و ترتیب سوره‌ها و آیات را رعایت ننموده‌اند. مفسران شیعی آیات الاحکام، اکثراً چون فاضل مقداد در «کنز العرفان» و مقدس اردبیلی در «زبدۃ البیان» و استرآبادی در «آیات الاحکام» این شیوه را به کار برده‌اند. د- تقسیم‌بندی آیات الاحکام به لحاظ مشخص بودن شأن نزول و مناسبات زمانی و مکانی^۲؛ گرچه نوعی تقسیم‌بندی واقعی است، ولی از شارحان آیات الاحکام کسی به این روش نگرویده است. ه- تقسیم آیات الاحکام بر مبنای سؤال و جواب^۳؛ نیز گرچه یک تقسیم واقعی است، زیرا تعدادی از آیات فقهی در پاسخ سؤال مذکور یا مقدر نازل گردیده و برخی دیگر به صورت ارتجالی و بدون سابقه سؤال، ولی در هر حال این نوع تفاوت تأثیری عملی در تقسیم‌بندی آیات نمی‌تواند داشته باشد. و- تقسیم آیات الاحکام به دو دسته آیاتی که احکام آن‌ها به صورت امر و نهی و انشایی است، مانند آیه: «و اتوا الیتامی أموالهم و لاتتبدلوا الخبیث بالطیب»^۴ و آیاتی که به طریق خبری بیان شده است، مانند آیه‌ی: «ان الذین یا کلون اموال الیتامی ظلما انما یا کلون فی بطونهم ناراً»^۵. این

۴-نساء(۴)، آیه ۲
۵-همان، آیه ۱۱.

۱-همان، آیه ۱۷۱.
۲رک: محمود شهبازی، ادوار فقه، ج ۲، ص ۴.
۳- همان.



خاص نمی‌کند، ولی در فهم مقاصد آیه می‌توان مفید و لازم آید. د. مقدمات مربوط به علوم قرآن را از قبیل ناسخ و منسوخ، مطلق و مقید، عام و خاص، محکم و متشابه و نظایر آن را که در علوم قرآنی به تفصیل ذکر شده است آشنا باشد تا بتواند موارد این عناوین را تشخیص دهد. ه. رعایت دلالت لفظی و قواعد تفسیر را بنماید تا به دام تأویل، تطبیق و تفسیر به رأی نیافتد و هرگز از قالب دلالت الفاظ خلع نشود، مگر با دلیل و برهان قانع‌کننده و حجت قابل قبول. و. آشنایی با خصوصیات صنعتی اختصاصی قرآن که از آن به اسالیب القرآن نیز تعبیر می‌شود؛ زیرا که قرآن خود شیوه خاصی را در تفهیم مقاصد به کار می‌گیرد که در حقیقت نوعی ابتکار ادبی محسوب می‌شود. ز. توانایی علمی کافی برای تشخیص انواع دلالت‌ها مانند: حقیقی، مجازی، نص، ظاهر، اشاره، اقتضاء، کنایه، تعریض، دلالات مفهوم و استعاره. ح. آشنایی با قرائت و تفاوت‌های دلالتی فیما بین آن‌ها به نحوی که بتواند قرائت معتبر را تشخیص بدهد و در تفسیر از آن عدول ننماید. ط. توانایی علمی برای مراجعه به احادیث تفسیری و تشخیص احادیث صحیح و معتبر داشته باشد تا به هنگام تفسیر آیه مورد نظر قادر به دستیابی به روایات وارد شده در تفسیر آن آیه باشد. ی. در تفسیر آیات الاحکام لازم است با اصول فقه آشنا باشد. ک. تقوای باطنی و سلامت نفس و طهارت فکر و روح از شرایط اصلی توانایی بر تفسیر صحیح قرآن می‌باشد. قرآن خود تأکید می‌کند که: «و اتقوا الله يعلمکم الله»^۴. حدیث نبوی (ص) هم بر آن گواه است که فرمود: «من عمل بما يعلم ورثه الله علم ما لا يعلم». این شرط در حقیقت

نوع تقسیم‌بندی نیز در برابر سه روش اول نمی‌تواند منطقی و مفید فایده باشد. ز. جدا کردن آیات فقهی که به طور صریح بیان شده، مانند آیه: «لاتتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین»؛^۱ از آیاتی که به طور ضمنی و در قالب ذم یا تهدید ارائه شده است، مانند آیه: «بشر المنافقین بأن لهم عذابا ألیما الذین یتخذون الکافرین اولیاء من دون المؤمنین».^۲ ح. دسته‌بندی آیات الاحکام بر معیار کلی و عام بودن یا جزئی و خاص بودن.^۳ منظور از آیات عام و کلی، آیاتی هستند که بیان‌کننده قواعد کلی شریعت و ضوابطی که اختصاصی به یک موضوع و باب فقهی خاص ندارند، مانند آیه: «و ما جعل علیکم فی الدین من حرج»^۴ و منظور از آیات جزئی و خاص آن دسته از آیاتند که حکم یا موضوع یا متعلق خاصی را بیان می‌کنند و مفاد آن‌ها از جمله مسائل فقه محسوب می‌شود، مانند آیات مربوط به وضو، نماز و روزه و نظایر آن‌ها.^۵

۱۱- معیار صحیح در تفسیر آیات الاحکام

به نظر می‌رسد در تفسیر و تبیین آیات الاحکام روشی معتبر است که خصوصیات زیر را در بر داشته باشد: الف. ایمان به رسالت و تماس عقیدتی با قرآن داشته باشد تا مصداق آیه: «هدی للمتقین» باشد و طهارت نفسانیتش با «لا یمسه الا المطهرون» وفق دهد. ب. آشنایی با علوم و قواعد و لغت زبان عرب داشته باشد تا بتواند مخاطبی قادر به فهم خطاب قرآن باشد و در این زمینه بجز قواعد و لغت لازم است با علوم فصاحت و بلاغت نیز آشنا باشد. ج. تنزیل و اسباب نزول آیات را بداند تا با قرائن و اشارات آشنا شود و از مسیر دلالت آیه به دور نماند. گرچه شأن نزول آیه، دلالت آن را محدود به موارد

۴- حج، آیه ۷۷.

۵- مرک: عباس علی عمید زنجانی، آیات الاحکام، ص ۲۸-۳۰.
۶- بقره (۲)، آیه ۲۸۲.

۱- همان، آیه ۱۴۳.

۲- همان، آیات ۱۳۸-۱۳۹.

۳- مرک: محمود شهابی، همان، ص ۶.



همهٔ زمینه‌ها است. در زمینهٔ احکام نیز، قرآن خطوط اساسی و نقشه کلی را در زمینه‌های مختلف، با شیوه‌ها و روش‌های مستقیم و غیرمستقیم بیان کرده است و در نتیجه، می‌توان نقشه و چارچوب احکام را به‌دست آورد و با شرایط مختلف تطبیق داد. این نکته که قرآن در تمام زمینه‌ها تقریباً به این شیوه تکیه کرده، ظاهراً مورد قبول بسیاری از قرآن‌پژوهان و دانشمندان اسلامی قرار گرفته تا جایی که درباره‌ی فواید این روش سخن‌ها گفته و آنرا برهانی بر جاودانگی و پویایی قرآن شمرده‌اند^۴ که در این‌جا به‌دلیل اختصار از ذکر این فواید خودداری می‌شود.

ب- پراکندگی بیان

ویژگی دیگر قرآن در بیان احکام، بیان پاره پاره احکام فقهی است. مثلاً احکام نماز در یک سوره و در بخشی خاص از قرآن نیامده، بلکه در سوره‌ها و بخش‌های مختلف به‌صورت پراکنده بیان شده است. درباره‌ی لزوم تحفظ بر اوقات نماز، به‌ویژه نماز وسطی در سورهٔ بقره، آیه ۲۳۸ تأکید شده است. در سورهٔ بقره، آیه ۱۴۲ و شرط طهارت و چگونگی انجام آن در سورهٔ مائده، آیه ۶ سخن گفته شده است. این ویژگی در مسائل دیگر نماز نیز مشاهد می‌گردد و هر موضوع در جایی از قرآن بیان شده است. جالب این‌جاست که گاه احکام یک موضوع، عمدتاً در یک سوره آمده، اما همهٔ آن‌ها در کنار یکدیگر و با نظم عملی و منطقی قرار نگرفته است؛ مثلاً به احکام ارث تقریباً در سورهٔ نساء اشاره شده است، اما

زمینه‌ساز نوری است که در حدیث شریف به آن اشاره شده که فرمود: «العلم نور یقذف الله فی قلب من یشاء» و گاه به آن علم الموهبه نیز گفته می‌شود.^۱

۱۲- قلمرو و قواعد تفسیر فقهی

الف- عام و کلی بودن آیات الاحکام

یکی از ویژگی‌های طرح مباحث تشریحی قرآن، شیوهٔ بیان احکام است که معمولاً به‌گونه‌ای فشرده و در حد اشاره انجام گرفته است. قرآن احکام را به‌طور اجمال بیان کرده و از واردشدن در خصوصیات و جزئیات احکام به‌ویژه در امور عبادی، پرهیز کرده است. اگر بارها و بارها دربارهٔ نماز سخن گفته، چگونگی تقسیم نماز در پنج وقت را به‌طور صریح و گویا بیان نکرده است و نیز تعداد رکعات، آغاز، انجام، شرایط، ارکان و توصیف افعال در آن نیامده است. خصوصیات رکوع، سجود، تشهد، قیام و حتی اوقات نماز به‌طور صریح و به‌شکل مدون بیان نشده است. روزه، زکات، حج و خمس نیز چنین وضعیتی دارند و فقط به اصل حکم و برخی از احکام کلی آن‌ها اشاره کرده است. این مسأله در مورد معاملات، به‌ویژه در احکام خرید و فروش، اجاره، رهن و ده‌ها عنوان مبادله‌ای دیگر میان انسان‌ها، بسیار عجیب‌تر می‌نماید؛ چون تنها به قاعده‌های بسیار عام و اجمالی و حتی عقلایی، از قبیل: «اوفوا بالعقود»^۲ و «تجارة عن تراض»^۳ اکتفا کرده و از توضیح و تفصیل آن‌ها سرباز زده است. این روش خاص قرآن کریم است که می‌توان از آن به «بیان خطوط اساسی» توصیف کرد و معتقد شد که قرآن در بیان ترسیم کلیات در

۱- ۲۰۲_ رک: محمد عزة دروزه، عصر النبی و بیئته، ص ۱۱_ ۱۲؛ احمد محمد شریف، نظریهٔ تفسیر النصوص المدنیة، ص ۲۵؛ حسن احمد خطیب، فقه الاسلام، ص ۵۷؛ علی احمد محمد بابکر، الاعجاز التشريعی فی القرآن الکریم، ص ۴۲. به نقل از: سید محمد علی ایازی، فقه پژوهی قرآنی، ص ۲۸_ ۳۰.

۱ رک: عمید زنجانی، همان، ص ۲۸_ ۲۷ -
۲_ مانده (۵)، آیه ۱.
۳_ نساء (۴)، آیه ۲۹.

تفسیر به رأی محسوب می‌گردد، ولی رعایت این نکته اصولی منافات با آن ندارد که به فواید دیگر و غیر فقهی آیه، مورد بحث اشاره‌ای شده و فواید تفسیری آیات الاحکام عمومیت یابد، آن چنان که فاضل مقداد در «کنز العرفان» انجام داده است و به لطایف تفسیری تحت‌عنوان فواید، اشاره نموده است.^۲

۱۳- آسیب‌شناسی تفسیر فقهی

در ادامه به چند آسیب مهم در حوزه تفسیر فقهی اشاره می‌شود: الف- توجه افراط‌گرایانه به روایات اسباب نزول: پرسش اساسی این است که در فهم مقاصد عالیة قرآن کریم و استفاده احکام شرع، اعم از واجب، حرام، مستحب و ...، روایات اسباب نزول چه مقدار می‌تواند نقش داشته باشد؟ آیا می‌توان با توجه به این‌گونه روایات، از ظاهر آیه دست کشید؛ مخصوصاً از آن جهت که عمده این‌گونه روایات، دلیل بر صحت آن وجود ندارد؟ بسیاری از مفسران، برداشت خود از آیات فقهی را متکی و وابسته به این دسته از روایات نموده‌اند. این عده معتقدند که فهم مراد آیات قرآن در بسیاری از مواضع، بدون دانستن اسباب نزول آن آیات، ممکن نیست. لازمه این نگاه آن است که فهم مراد آیات، وابسته به قرائنی گردد که در هزار و اندی سال پیش عینیت داشته‌اند و گزارش آن قرائن هم اکنون به‌گونه‌ای معتبر و قطعی در دست ما قرار ندارند. تأثیر دادن سبب نزول در فهم آیات الاحکام، همانند آن است که در فهم قانون اساسی یک کشور، به شرایط جلسه قانون‌گذاری و اوضاع و احوال حاکم بر مذاکرات آن استناد کنیم. این طریقه تفسیری، هرچند ممکن است مجاز تلقی شود، اما قانون‌گذار حکیم، قانون را به‌گونه‌ای انشا می‌کند که برمعنای موردنظر دلالت داشته و فهم آن وابسته

قسمتی از آن در آیه ۷، قسمتی دیگر در آیه ۱۱ و ۱۲ و قسمتی نیز در آیه ۱۹ و ۳۳ آمده است. ج- وابستگی فهم کامل قرآن به سایر ادله بی‌گمان تجزیه و تحلیل آیات الاحکام در هر مسأله را نمی‌توان یک استنباط فقهی کامل تلقی نمود؛ زیرا در کنار آیات قرآن باید سایر ادله اجتهادی نیز مورد بررسی قرار گیرد؛ لکن می‌توان تفسیر صحیح این آیات را نخستین و مهم‌ترین گام در استنباط احکام به‌شمار آورد. چنان‌که در کتب معتبر و استدلالی فقهی همواره فقها در آغاز بخش‌های اجتهادی از دلالت آیات سخن به‌میان می‌آورند و وجود و دلالت آیات مربوط به مسأله مورد بحث را بسیار مهم تلقی می‌کنند و به‌ویژه آن که این آیات معمولاً با اطلاق و عموم همراه هستند که برای فقیه در ادامه و توسعه مسأله بسیار مهم می‌باشد.^۱

د- شباهت آیات الاحکام با فقه

شباهت مباحث آیات الاحکام با فقه آن است که در آیات الاحکام مباحث فقهی بر اساس دلالت یکی از ادله فقه یعنی آیات قرآن مورد بررسی قرار می‌گیرد، ولی اصول حاکم بر استنباط از دلالت آیات بر مطالب فقهی همان اصول و مبانی تفسیری است که در تفسیر همه آیات قرآن باید آن اصول و مبانی رعایت گردد. ذکر مطالبی که هیچ‌گونه رابطه دلالتی بین آیه و آن مطالب وجود ندارد، از روش صحیح تفسیر قرآن به‌دور می‌باشد. محقق کسی است که بتواند فروع بسیاری را از مفاد آیات الاحکام استنباط و استنتاج کند و در عین حال اصول و ضوابط تفسیری را نیز دقیقاً رعایت و به آن استناد نماید. نسبت دادن هر نوع مطلب به هر آیه‌ای از قرآن بدون ذکر مأخذ و وجه دلالتی آن، از حوزه تفسیر آیات الاحکام نوعی تطبیق و در برخی از موارد

۱- رک: عمید زنجانی، آیات الاحکام، ص ۱۲-۱۳.

۲- عمید زنجانی، همان، ص ۳۱.



که اینها نیز بر دو قسم است: قسم اول، روایات آحادی که دارای سند بوده و با توجه به سلسله سند آن، صحیح و معتبر است. بنابراین، از این جهت قابل اعتنا است؛ قسم دوم، روایات آحادی که صحیح یا معتبر نمی‌باشد. این گونه روایات که زیاد هم هست، قابل اعتنا نبوده و نمی‌تواند بیانگر حکم شرعی باشد و در تفسیر قرآن، مخصوصاً «تفسیر فقهی» فاقد ارزش است. به عبارت دیگر، با این گونه روایات، نمی‌توان برخلاف ظواهر قرآن حکم کرد. ب- رویکرد افراطی و تفریطی به سنت: بی‌تردید، میزان اعتبار و ارزشی که یک مفسر برای سنت قائل است در تفسیر فقهی وی تأثیری مستقیم و مشهود دارد. میزان اعتبار سنت منقول از رسول اکرم (ص) مسأله‌ای است که از همان سده‌های نخستین هجری تاکنون همواره معرکه آراء و محل نزاع بوده است. برخی معتقدند که قرآن در دلالت بر مفاهیم، مستقل بوده و نیازمند به احادیث در تفسیر نیست. به عبارت دیگر، عقل ما برای فهم آن کافی است. ظاهر کلام علامه طباطبائی در ذیل آیه ۷ سوره آل عمران آن است که تفسیر استقلالی آیات قرآن، صحیح نیست؛ زیرا تفسیر به رأی است و تفسیر قرآن به وسیله سنت نیز صحیح نیست؛ زیرا با قرآن و خود سنت منافات دارد.^۷ به عقیده وی، هر کس که به لغت عرب آشنایی داشته باشد، از آیات کریمه قرآن، معنی آنها را آشکارا می‌فهمد؛ هم‌چنان که از هر کلام عربی دیگر معنی آن را می‌فهمد.^۸ علامه، این مبنا را که در فهم مراد قرآن صرفاً باید به

به دانستن شرایط حاکم بر جلسه پیدایش آن نشود؛ چون وی به خوبی می‌داند که در آینده، چه بسا برای غایبین، امکان دسترسی به آن شرایط وجود نداشته باشد. بنابراین، اوضاع و احوال معلوم در نزد حاضرین را به غایبین تعمیم نمی‌دهد و متن قانون را مبهم و نارسا نمی‌سازد.^۱ به عقیده علامه طباطبائی، در فهم مقاصد عالیة قرآن مجید، نیازی قابل توجه و یا هیچ نیازی به روایات اسباب نزول وجود ندارد.^۲ وی نتیجه تتبع در روایات اسباب نزول و تأمل کافی در جوانب این روایات را، بدینی مفسر به آنها معرفی می‌کند.^۳ به عقیده آیت الله جعفر سبحانی آیات قرآن، به حکم این که مایه هدایت، بینه و فرقان هستند، بدون مراجعه به شأن نزولها مفهوم خواهند بود، ولی توجه به شأن نزولها، سبب می‌شود که معنی آیه روشن‌تر جلوه کند.^۴ به عقیده صالحی نجف‌آبادی نیز، آیات زیادی در قرآن وجود دارد که شأن نزولهای ساختگی و غیرواقعی، تفسیر آنها را از مسیر اصلی خود دور کرده و مفسران نیز تسلیم این شأن نزولهای نامقبول شده و آیات را برخلاف مفاهیم واقعی آنها تفسیر کرده‌اند.^۵ محمد عبده نیز بر این باور است که آیات قرآن باید فی نفسه مفهوم باشند و اگر سببی در آیه مذکور و یا مورد اشاره نباشد، صحیح نیست که قرینه‌ای برای تعیین مراد الهی از الفاظ آیه قرار گیرد.^۶ به عنوان جمع‌بندی می‌توان گفت که برخی از شأن نزولها متواتر بوده و از این جهت قابل اعتنا است، اما موارد بسیاری از این گونه روایات، از روایات آحاد است

۶- محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم (تفسیر المنار)، ج ۲، ص ۲۲۹.

۲۱۱-ک: محمد حسین طباطبائی، میزان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۷۸۹.

۲۱۲- محمد حسین طباطبائی، قرآن در اسلام، ص ۱۸.

۲۱۳- همان، ص ۱۹، ۵۰.

۱- روح الله نجفی، درآمدی بر آسیب شناسی تفسیر فقهی، ص ۲۴-۲۳.

۲- محمد حسین طباطبائی، قرآن در اسلام، ص ۱۰۶.

۳- همان، ص ۱۰۴.

۴- جعفر سبحانی، تفسیر صحیح آیات مشکله قرآن، ص ۳۰۶-۳۰۵.

۵- نعمت الله صالحی نجف‌آبادی، حدیث‌های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری، ص ۱۹.



اعتدالی معتقدیم: احادیث پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) همانند قرائن عقلی و آیات قرآن، قرینه‌ای برای تفسیر آیات است و ابزاری برای روشن شدن معانی و مقاصد آیات است. براساس آیه ذیل، سنت پیامبر اکرم (ص) در تفسیر قرآن حجت است: «و أنزلنا إلیک الذکر لتبین للناس ما نزل إلیهم».^۳ براساس این آیه، قرآن بر پیامبر (ص) فروفرستاده شد تا آن را برای مردم بیان کند و اگر بیان پیامبر (ص) برای مردم، معتبر، حجت و لازم الاتباع نبود، این دستور لغو می‌شد و خلاف حکمت بر خدا لازم می‌آمد که البته خدای حکیم، خلاف حکمت نمی‌گوید. بنابراین، سخنان پیامبر (ص) و توضیح و تفسیر او در مورد آیات قرآن، معتبر و حجت است.^۴ این مطلبی است که مفسران بزرگ ذیل آیه مذکور، بدان تصریح کرده‌اند.^۵ روایت‌های تفسیری اهل بیت (ع) هم‌چون روایت‌های تفسیری پیامبر (ص) حجت است و با شرایط خاص خود در تفسیر معتبر است؛ یعنی بیان آنان به بیان پیامبر (ص) در آیه ۴۴ سوره نحل ملحق می‌شود. دلیل این امر حدیث متواتر ثقلین^۶ و نیز احادیث متعدد از اهل بیت (ع) است که فرموده‌اند: «هرچه را ما می‌گوییم کلام پیامبر (ص) است».^۷ در این میان، نقش روایات آحاد در تفسیر فقهی قرآن کریم از حساسیت بیش‌تری برخوردار است. پرسش اساسی این است که آیا می‌توان روایات آحاد را بر ظواهر قرآن ترجیح داد؟ منظور از روایات آحاد، روایاتی است که به حد تواتر نرسیده باشد. به‌طور عمده سه دیدگاه در این زمینه وجود دارد: دیدگاه اول: به عقیده صاحب «تفسیر المنار»

بیان پیامبر یا اهل بیت (علیهم‌السلام) رجوع نمود، غیرقابل قبول می‌داند^۱ و تفسیر واقعی قرآن را تفسیری می‌شناسد که برای فهم معنی یک آیه از مجموع آیات مربوط به آن استمداد می‌جوید. به عقیده علامه، اگر بنا شود که محصل مدلول یک آیه را خبر تشخیص دهد، برای عرض اخبار به قرآن معنی صحیحی متصور نخواهد بود. بنابر این علامه، دقیقاً در نقطه مقابل اخباریون شیعه، حجیت آیات قرآن را با قطع نظر از روایات و به‌گونه‌ای مستقل به رسمیت می‌شناسد. هرچند ظاهر کلام علامه طباطبائی بر بی‌نیازی تفسیر قرآن از روایات و حتی عدم جواز تفسیر قرآن با روایات دلالت دارد؛ اما وقتی سخن ایشان را در ذیل آیه ۴۴ سوره نحل ملاحظه می‌کنیم، در می‌یابیم که ایشان، بیان پیامبر و اهل بیت (علیهم‌السلام) را در تفسیر قرآن حجت می‌داند. پس ظاهر کلام ایشان در ذیل آیه ۷ سوره آل عمران، به‌طور مطلق مقصود او نبوده است. در نقطه مقابل، اخباری‌ها معتقدند که تفسیر قرآن جز با روایت جایز نیست. از نظر آنان بدون اخبار آل محمد (ص) به معانی آیات قرآن نمی‌توان دست یافت و اگر در ذیل یک آیه، خبری نباشد، آن آیه به‌صورت متشابه باقی می‌ماند و نمی‌توان از آن، به‌عنوان مدرکی شرعی استفاده نمود. به‌بیان دیگر، آنها استناد به آیات قرآن را وقتی جایز می‌دانند که تفسیری از معصومین (علیهم‌السلام) درباره آنها رسیده باشد.^۲ به‌نظر می‌رسد هم دیدگاه «استقلال قرآن از احادیث» و هم دیدگاه افراطی «عدم جواز تفسیر قرآن جز با روایات» باطل است. اما براساس دیدگاه

۵- رک: المیزان، ج ۱۲، ص ۲۶۱.

۶- صحیح الترمذی، ج ۲، ص ۳۰۸؛ فضائل الخمسة، ج ۲، ص ۶۰-۵۲.
۷- المیزان، ج ۱۹، ص ۳۳؛ ابولقاسم خوئی، معجم رجال الحدیث، ج ۱۸، ص ۲۷۶.

۲- احمد صدر حاج سید جوادی و دیگران، دائرة المعارف تشیع، ج ۲، ص ۹-۱۰.

۲۱۵- نحل، آیه ۴۴.

۴- رضایی اصفهانی، پیشین، ص ۱۰۴.



دیدگاه را دارد و می‌گوید: «حجیت خبر واحد- ثقه- مستند به سیره عقلا (بنای عقلا) است و عقلا خبر واحد ثقه را اطمینان‌بخش و دلیل علمی (یقین‌آور) می‌دانند و در تمامی موارد به آن ترتیب اثر می‌دهند، مگر آن‌که خللی در آن خبر آشکار باشد. از این‌رو، تمامی احکام و سنن شریعت را که تفصیل مجملات قرآن است و تفسیر این آیات به حساب می‌آید و با خبر واحد جامع شرایط به دست رسیده است، می‌پذیریم و معتبر می‌دانیم، مگر خبری که خللی از لحاظ سند یا سستی محتوا در آن مشهود باشد که در این صورت اعتبار ندارد.^۶ یکی از قرآن‌پژوهان در تأیید مطلب فوق می‌گوید: «شکی نیست که بخشی از تفسیر، مربوط به آیات الاحکام است و روایاتی که از پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و اهل بیت (علیهم‌السلام) در مورد تفسیر آیات الاحکام وارد شده است، عمدتاً به صورت اخبار آحاد است. بنابراین، می‌توان گفت: اخبار آحاد معتبر در آیات الاحکام حجت است؛ چراکه سیره عقلا بر قبول خبر واحد و مترتب کردن آثار بر آن و عمل کردن به محتوای آن بوده و هست.»^۷ دیدگاه سوم تفصیل در حجیت خبر واحد در تفسیر است. آیت‌الله جوادی آملی که این دیدگاه را دارد معتقد است باید بین اخبار در مورد احکام عملی، معارف اعتقادی اصول دین و مسائل علمی خلقت، تفاوت قائل شد و در قسم اول، حجت و در قسم دوم و سوم حجت نیست.^۸ ج- تلاش برای تطبیق دادن آیات قرآن کریم با مذاهب فقهی. بعد از رحلت پیامبر اسلام (ص)، کم کم مذاهب‌های مختلفی همچون شیعه و اهل

مفاد روایات آحاد اساساً تشریحی عمومی نیست؛ هرچند بر فردی که به سند و دلالت یک روایت واحد اطمینان و وثوق دارد، لازم است که مطابق آن روایت عمل نماید.^۱ رشیدرضا تنها احکامی الزام‌آور می‌داند که با نص قطعی صریح ثابت شده باشند.^۲ البته رأی وی در این زمینه، دچار اندکی اضطراب است. وی گاه از نص قطعی صریح سخن می‌گوید و گاه از نص صحیح صریح؛^۳ در حالی که روایت صحیح می‌تواند روایتی واحد و غیرقطعی باشد. به عقیده رشیدرضا، سنت سلف صالح در برخورد با روایات غیر متواتر، این‌گونه بوده است که در فرض ثبوت حدیث - با توجه به طریق آن- به مفاد آن عمل می‌نمودند، ولی هرگز این امر را برای همگان و حتی برای کسانی که خود را صرفاً مشغول تحصیل علم کرده بودند، الزامی نساخته بودند که جمع روایات آحاد را جستجو کنند و مطابق آنها عمل نمایند.^۴ شیخ طوسی (ره) با آن‌که بر اصل حجیت خبر واحد ادعای اجماع کرده است، ولی حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن کریم را مورد مناقشه قرار داده است. از نظر وی مفسر یا باید به دلیل عقلی یا شرعی (مثل اجماع یا خبر متواتر) مراجعه کند و در مورد تفسیر، خبر واحد قبول نمی‌شود؛ به‌ویژه هنگامی که از چیزهایی باشد که (مانند اصول عقاید) طریق آن علم است. دیدگاه دوم: موافقان حجیت خبر واحد در تفسیر قرآن است. از نظر ایشان، «خبر واحد»، فردی از افراد علم است، ولی فردی تعبدی، نه وجدانی. بنابراین، همه آثار قطع بر آن مترتب می‌شود. پس صحیح است بر طبق آن خبردهی.^۵ آیت الله معرفت نیز همین

۶- محمد هادی معرفت، التفسیر و المفسرون فی توبه القشیت (آیا القشیت صحیح نمی‌باشد)، ج ۲، ص ۳۱۱.
۷- محمد علی رضایی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ج ۲، ص ۱۲۵.
۸- همان، ص ۲۲۷.

۱- رشید رضا، محمدتفسیر المنار، ج ۱، ص ۱۳۸.
۲- همان، ص ۱۱۸.
۳- همان، ج ۱، ص ۱۱۸؛ ج ۷، ص ۲۰۰.
۴- همان، ج ۲، ص ۸۴-۸۵.
۵- سیدابوالقاسم خونی، البیان، ص ۳۰۸.



یک جنبه هریک از صاحب منصبان و فرمان‌روایان از مذهب مورد اعتقاد خود را باید از مؤثرترین عوامل گرایش افراطی به تقلید و تن دادن دانشمندان و مصلحان اجتماعی آن روزگار، به بنای باب انسداد اجتهاد دانست. وی، انسداد باب اجتهاد را امری آئی نمی‌داند، بلکه معتقد است که از دهه سوم قمری، طلیعه‌های گرایش به تقلید از بعضی مذاهب عمده پدیدار شده بود و به مرور زمان، این روند تا آنجا گسترش یافت که قاطبه اهل سنت و جماعت آن را پذیرفتند. به گفته وی، در محافل و حوزه‌های فقهی اهل سنت، ابتدا اجتهاد مطلق، به معنای اجتهاد مستقل از آرای پیشوایان مذاهب چهارگانه ممنوع شد و تا مدت‌ها پس از وفات ائمه اربعه، مجتهدان منتسب یا مجتهدان در مذهب وجود داشتند تا این که به تدریج این نوع اجتهاد نیز ممنوع شد و فقهای هر یک از مذاهب اربعه به ترجیح آرای مذاهب یا نقل فتاوی پرداختند. البته سر فصل زمانی انسداد باب اجتهاد به درستی معلوم نیست و حکایات گوناگونی در این باره نقل شده است که برای هیچ‌یک نمی‌توان مبنای صحیحی به دست آورد.^۳ به عنوان مثال، واژه «أرجلکم»^۴ که به بیان حکم وضو می‌پردازد، هم با نصب و هم با جر قرائت شده است. پیامد روشن قرائت جر، عطف شدن «أرجلکم» به «رؤوسکم» و در نتیجه، واجب شدن مسح پاها می‌باشد. زمخشری که مطابق مذهب فقهی‌اش ملتزم به شستن پاها در وضو می‌باشد، در توجیه قرائت جر می‌گوید: پا، در میان سه عضو که در وضو شسته می‌شوند، این ویژگی را دارد که شستشوی آن با ریختن آب بر روی آن می‌باشد.

سنت و در اهل سنت نیز مذاهب فقهی حنفی، حنبلی، مالکی و شافعی پدید آمد و از طرف دیگر مکاتب کلامی مشهور همچون معتزله و اشعری و نیز برخی نحله‌های دیگر همچون متصوفه پیدا شدند. این اختلافات به حوزه تفسیر قرآن کشانده شد و برخی مذاهب و مکاتب و نحله‌ها تلاش کردند آیات قرآن را طوری تفسیر کنند که عقاید و باورهای آنان را اثبات کند و آیات مخالف عقایدشان را تأویل کردند و به وسیله آیات، عقاید طرف مقابل را نفی می‌نمودند. علامه طباطبائی این‌گونه روش تفسیری را «تطبیق» می‌نامد.^۱ در دوره پیدایش مذاهب فقهی، ائمه این مذاهب - نظیر مالک، شافعی و ... - به قرآن، به عنوان یکی از ادله فقه می‌نگریستند؛ اما در دوره‌های بعد که روند تقلید و منع اجتهاد گسترش یافت، در نگاه بسیاری از علما، فتاوی این ائمه در گذشته معیار و مبنایی مسلم فرض شد، که نصوص قرآن و سنت باید با آنها سنجیده شوند. به بیان دیگر، این علمای مقلد، پیش از ورود به قرآن، به پیش فرض‌ها و فتاوی معین ملتزم شده بودند و آگاهانه یا ناخودآگاه، درصدد حمل آیات وحی، بر آن فتاوی پیش‌ساخته برمی‌آمدند. صاحب تفسیر المنار، قرن چهارم را قرن مستقر شدن تقلید در جامعه اسلامی می‌داند و شواهدی از سیره و اقوال ائمه اربعه نقل می‌کند که نشان می‌دهد ایشان، از اخذ اقوالشان، بدون فهم مستند و دلیل آن اقوال، نهی نموده‌اند.^۲ به عقیده دکتر ابوالقاسم گرگی، فراگیری و شدت اختلاف و پراکندگی و تفرقه شدید در صفوف مسلمانان و حاکم شدن تعصب مذهبی بر فضای علمی حوزه‌ها و نهادهای آموزشی و حمایت بی‌دریغ و

۴- مانده (۵)، آیه ۶: «یا ایها الذین آمنوا اذا قمتم إلى الصلوة فاغسلوا وجوهکم و ایدیکم إلى المرافق و امسحوا برؤوسکم و أرجلکم إلى الکعبین...».

۱- سید محمد حسین طباطبائی، میزان، ج ۱، ص ۶-۵.

۲- محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ج ۲، ص ۸۵-۸۴.

۳- رک: دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۶، ص ۶۰۶-۶۰۲، به نقل از روح الله نجفی، درآمدی بر آسیب شناسی فقهی، ص ۳۳-۳۲.



در عده طلاق بائن به سر می‌برند، اختلاف نموده‌اند. اکثریت آنها طلاق بائن را در این مسأله، همانند وفات دانسته‌اند. دلیل این گروه، در جواز خواستگاری کنایه‌آمیز از زنان در حال عده طلاق بائن، عمومیت آیه ۲۳۵ سوره بقره می‌باشد.^۳ در نقد کلام فوق می‌توان گفت: هر چند واژه «النساء» در آیه مزبور عام می‌باشد، اما ساختار متن و سیاق کلام نشان می‌دهد که این واژه، ناظر به زنانی است که در عده وفات به سر می‌برند. محتوای آیه ۲۳۴ و ارتباط آن با آیه بعد، به روشنی بر این نکته گواهی می‌دهد: «والذین یتوفون منکم و یدرون ازواج یتربصن بأنفسهن أربعة اشهر و عشرا فإذا بلغن أجلهن فلا جناح علیکم فیما فعلن فی أنفسهن بالمعروف و الله بما تعملون خبیر» (۲۳۴) و لا جناح علیکم فیما عرضتم به من خطبة النساء...؛ و کسانی از شما که می‌میرند و همسرانی بر جای می‌گذارند، [همسران آنها] چهار ماه و ده روز انتظار می‌برند. پس هرگاه عده خود را به پایان رسانند، در آنچه درباره خود به نیکی انجام دهند، بر شما گناهی نیست و خداوند به آن چه انجام می‌دهید، آگاه است و درباره آن چه تلویحاً از زنان خواستگاری می‌کنید بر شما گناهی نیست). لزوم کنایه‌آمیز و تلویحی بودن خواستگاری هم نشان می‌دهد که واژه «النساء» در این جا شامل همه زنان نمی‌شود، بلکه ناظر به زنان معینی است. برای تعیین این عده هم راهی به جز مراجعه به سیاق کلام وجود ندارد. به علاوه، واو عاطفه در آغاز آیه ۲۳۵ نیز، مؤید ارتباط وثیق این آیه با آیه پیش از خود می‌باشد. مورد دوم - «نساءکم حرث لکم فاتوا حرثکم اونی شئتم»^۴ (زانتان کشتزار شما هستند، پس به کشتزارتان هرگونه که

بنابراین، در شستن پا، احتمال رخ دادن زیاده‌روی مذموم و نهی شده وجود دارد. به همین جهت، پاها به عضوی که مسح می‌شود؛ یعنی سر، عطف شده‌اند، تا مخاطبان به لزوم میانه‌روی در ریختن آب بر روی پاها آگاه شوند؛ نه برای آن که پاها مسح شوند.^۱ به عنوان نقد می‌توان گفت: در وضو، صورت و دست‌ها نیز با ریختن آب بر روی آنها شسته می‌شوند و اساساً به مقتضای اطلاق آیه، می‌توان آب را بر روی پاها نریخت، بلکه آنها را در آب فرو برد. بنابراین، خصوصیتی که مفسر فوق برای پاها در میان اعضای سه گانه مغسول در وضو بر شمرده است، خصوصیتی بی وجه به نظر می‌رسد و قطعاً اگر وی متعهد به مطابقت دادن آیه شریفه با مذهب فقهی خود نبود، به بیان چنین توجیه بی پایه‌ای روی نمی‌آورد.^۲

د- نادیده گرفتن سیاق آیات منظور از سیاق، ساختار کلی یک کلام است. به عبارت دیگر، در کلام یک گوینده حکیم، کلمات و جملات با یکدیگر ارتباط و تناسب منطقی دارند (از این ارتباط و تناسب، ساختاری پدید می‌آید که در فهم سخن گوینده اثرگذار است). توجه به سیاق، یکی از اصول عقلانی فهم متون است و اختصاص به قرآن و متون دینی ندارد. در تفسیر آیات فقهی نیز همانند سایر آیات قرآن، توجه به ماقبل و ما بعد یک عبارت، اهمیتی ویژه دارد. متأسفانه مفسران، کم و بیش از توجه به این اصل غفلت ورزیده‌اند. اینک به چند نمونه از این موارد اشاره می‌کنیم: مورد اول - مطابق آیه ۲۳۵ سوره بقره، طرح پیشنهاد ازدواج به زنانی که در عده وفات به سر می‌برند، به شکل تعریض و کنایه مجاز می‌باشد. فقهای اهل سنت، در جواز چنین امری برای زنانی که

۳- مصطفی حسن، اثر الاختلاف فی القواعد الاصولیة فی اختلاف الفقهاء، ص ۵۷۱.
۴- بقره (۲)، آیه ۲۲۳.

۱- محمود بن عمر زمخشری، الکشاف عن حقایق التنزیل، ج ۱، ص ۶۱۱.
۲۲۳. رک: روح الله نجفی، درآمدی بر آسیب شناسی فقهی، ص ۳۴.



می‌خواهید درآیید). «أنی» در لغت به معنی «کیف»، «من این» و «متی» آمده است.^۱ برخی مفسران همانند صاحب تفسیر شاهی، «أنی» را در این آیه به معنی «من این» گرفته و این آیه را دلیل بر جواز نزدیکی با زوجه از راه دبر دانسته اند.^۲ نقل شده که مالک نیز «أنی شئتم» را مفید این معنی شمرده است.^۳ بی‌تردید این برداشت از بی‌توجهی به سیاق آیه ناشی شده است؛ چون اگر پیام این آیه، جواز آمیزش با زن از راهی باشد که در آن تولید نسل متصور نیست، به هیچ‌وجه مناسبت ندارد که بیان این مطلب در سیاقی واقع شود که دو بار، آنهم در عبارتی کوتاه، از زنان با عنوان «حرث» یاد شده است، چراکه این عنوان، به نیروی زاینده‌گی و قدرت تولید نسل در زنان اشاره دارد. و - حمل ناصواب اوامر و نواهی به استحباب و کراهت فعل امر در ادبیات قرآن، کاربردهای گوناگونی دارد. وجوب، استحباب، اباحه، تهدید، تعجیز و دعا از جمله این کاربردها به‌شمار می‌روند. در میان اصولیون اهل سنت و شیعه، قول مشهور آن است که فعل امر حقیقت در وجوب است و کاربرد آن در معانی دیگر، مجاز است. بنابراین، حمل بی‌قرینه فعل امر به معنایی غیر از وجوب جایز نیست. به‌همین شیوه، مشهور اصولیون، فعل نهی را حقیقت در تحریم دانسته‌اند. برخی مفسران الزامی بودن بسیاری از اوامر و نواهی قرآن را امری غریب و نامأنوس یافته‌اند. بنابراین، بدون اتکا به دلیلی استوار این‌گونه الزامات را به استحباب و کراهت حمل کرده‌اند. اینک به دو مورد اشاره می‌شود: مورد اول - آیه ۲ سورة طلاق با تعبیر «واشهدوا ذوی عدل منکم» بر لزوم شهادت در هنگام رجوع یا در هنگام جدایی کامل زوجین پس از

سپری‌شدن عده فرمان می‌دهد. برخی از اهل تفسیر، این شهادت را مربوط به طلاق دانسته‌اند.^۴ با توجه به دلالت فعل امر «اشهدوا» تردیدی نیست که این شهادت را باید الزامی تلقی نمود، خواه آن را مربوط به رجوع و فراق بدانیم و خواه مربوط به طلاق. با این وجود، برخی از مفسرین نظیر شوکانی این امر را بر استحباب حمل کرده‌اند. شوکانی برای توجیه این حمل، آن را همانند تعبیر «واشهدوا إذا تبايعتم»^۵ معرفی نموده است. مورد دوم - آیه ۲۵ سورة نساء، ازدواج با کنیزان مؤمن را برای مردان مؤمن با دو شرط: عدم توانایی مالی برای ازدواج با زنان آزاد مؤمن و ترس از مشقت و گناه مباح می‌سازد. مفهوم مخالف شرایط مذکور در این آیه را باید معتبر تلقی نمود؛ به این معنا که در صورت وجود توانایی و نیز عدم ترس از مشقت و گناه برای ازدواج با کنیزان دلیلی وجود ندارد. با این وجود، به عقیده فاضل مقداد، به فرض حجیت داشتن مفهوم مخالف این شروط، دلالت آنها بر تحریم اولی از دلالتشان بر کراهت نیست. در مقام نقد باید گفت: اگر شارع، در فرض تحقق این شرایط به جواز نکاح با کنیزان حکم داده باشد، مفهوم مخالف آن، عدم جواز در فرض فقدان آن شرایط است. بنابراین، مساوی دانستن احتمال تحریم و کراهت وجهی ندارد.

۱۴. نتیجه‌گیری

احکام تشریحی قرآن، گرچه شامل احکام اعتقادی، اخلاقی و فقهی می‌گردد، اما آنچه به صورت اصطلاح آیات احکام در زبان فقهیان و مفسران، به کار رفته و یا در کتاب‌های حقوقی متداول شده، احکام عملی است که در زمینه عبادات، معاملات، تصرفات و عقوبات مطرح شده

۱ - جلال الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۱، ص ۳۱۵-۳۱۴.
 ۲ - سید امیر ابوالفتح جرجانی، تفسیر شاهی، ج ۱، ص ۳۷۵.
 ۳ - سعید بن هبة الله راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۴.
 ۴ - راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۶۶؛ کاظم مدیر شانه چی، آیات الاحکام، ص ۲۶۶.
 ۵ - بقره (۲)، آیه ۲۸۲.



تشریحات قرآن خودداری نموده و آن را از حدود فقه قرآن خارج کرده‌اند. چنانچه احکام تشریحی قرآن را به معنای اعم در نظر بگیریم در این صورت آیات الاحکام منحصر به ۵۰۰ آیه نخواهد بود. اگرچه کتب زیادی در تفسیر فقهی نگاشته شده است، ولی با توجه به معنای وسیعی که از احکام تشریحی ارائه شد، لازم است تلاش‌های جدیدی در این باره صورت گیرد و علاوه بر بیان احکام فقهی قرآن، احکام اعتقادی و اخلاقی نیز تبیین گردد.

است. به همین دلیل، دستوراتی که به عقیده انسان نسبت به خدا، مبدأ، معاد، ایمان به رسل، ملائکه و عالم غیب مربوط می‌شود و یا آن چه به قلب و سیر و سلوک، آراستگی به فضائل و دوری از رذایل مربوط می‌باشد و خلاصه، آن چه از مقوله بایدها و نبایدهای ذهنی و جانحی (قلبی) است، از مصادیق احکام تشریحی محسوب نشده و آیات مربوط به آن جزو احکام قرآن، شمارش نگردیده است. به همین دلیل، عمده تفسیرهای فقهی از طرح این دسته از آیات به عنوان

منابع

۱. ایازی، سید محمد علی؛ فقه پژوهی قرآنی؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۶۹.
۲. جرجانی، سید امیر ابوالفتح؛ تفسیر شاهی؛
۳. جوادی آملی، عبدالله؛ تفسیر تسنیم؛ قم: اسراء، ۱۳۸۰.
۴. خسن، مصطفی؛ اثر الاختلاف فی القواعد الاصولیة فی اختلاف الفقهاء؛ بیروت: ۲۰۰۳ م.
۵. خوئی، سید ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن؛ قم: ۱۳۹۴ ق.
۶. راوندی؛ فقه القرآن؛ قم: ۱۴۰۵.
۷. رشید رضا، محمد؛ تفسیر القرآن الکریم (تفسیر المنار)؛ بیروت: بی تا.
۸. رضایی اصفهانی، محمد علی؛ منطق تفسیر قرآن؛ قم: جامعه المصطفی العالمیة، ۱۳۸۷، چ سوم.
۹. زمخشری، محمود بن عمر؛ الکشاف عن حقایق التنزیل؛ بیروت: ۱۹۹۰.
۱۰. سبحانی، جعفر؛ تفسیر صحیح آیات مشکلة قرآن؛ قم: ۱۳۶۴.
۱۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن؛ جلال الدین؛ الاتقان فی تفسیر القرآن؛ بیروت: دارالمعرفة، بی تا.
۱۲. صالحی نجف آبادی، نعمت الله؛ حدیث های خیالی در تفسیر مجمع البیان به همراه چهار مقاله تفسیری؛ تهران: ۱۳۸۲.
۱۳. صدر حاج سید جوادی، احمد؛ و بهاء الدین خرمشاهی و کامران فانی؛ دائرة المعارف تشیع؛
۱۴. صرامی، صیف الله؛ جایگاه قرآن در استنباط احکام؛ قم: بوستان کتاب، ۱۳۷۸.
۱۵. طباطبائی، محمد حسین؛ قرآن در اسلام؛ قم: ۱۳۶۲.
۱۶. عمید زنجان، عباسعلی؛ آیات الاحکام؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات علوم اسلامی، ۱۳۸۲.
۱۷. کریمی نیا، محمد مهدی؛ درسنامه آیات الاحکام جزایی؛ قم: جامعه المصطفی العالمیة.
۱۸. مدیر شانه چی، کاظم؛ آیات الاحکام؛
۱۹. نجفی، روح الله؛ درآمدی بر آسیب شناسی تفسیر فقهی در باب خانواده؛ قم: عقل سرخ، ۱۳۸۵.

اهمیت آب در قرآن و اخلاق اسلامی

علی اسماعیلی ایولی

استادیار دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول: a_esmaeeli@semnan.ac.ir)

چکیده

آب عنصر حیاتبخش در عالم است که بنیاد خلقت بر آن بنا شده است و یکی از عوامل اصلی دخیل در توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ملل به‌شمار می‌آید. آب در زندگی انسان نماد پاکی و زمینه‌ساز نشاط و منشأ خیر در میان اقوام بوده و از تقدس برخوردار است. آب برکت الهی و مایه پاکیزگی و حافظ سلامت محیط زیست انسانی، گیاهی و جانوری است. آب از دیدگاه قرآن عامل حیات است و هیچ موجود زنده‌ای در عالم بدون آب نمی‌تواند به حیاتش ادامه دهد. انبیای الهی و پیشوایان دین علاوه بر تکامل معنوی و روحانی افراد به روح سالم در بدن سالم و سلامت محیط زیست نیز توجه داشته‌اند و در راستای رابطه اخلاقی مثبت با هم‌نوعان، رابطه با مظاهر طبیعی خلقت نیز بیان شده است. به موازات پیشرفت صنعتی بشر، محیط زیست در معرض خطر قرار گرفت و کنوانسیون‌های مختلفی در قرن گذشته برای حفاظت از آب و خاک و لایه اوزون امضا شده است تا جلوی تخریب کره زمین را بگیرد. اما همچنان آلودگی محیط زیست و کاهش منابع آب شرب ادامه دارد. مسأله آب در آینده به یکی از چالش‌های مهم جهانی تبدیل خواهد شد و شناخت اهمیت آب و آشنایی بیشتر با توصیه‌های دینی در مورد آن ضروری به‌نظر می‌رسد. این مقاله با هدف توجه به اهمیت آب و تحول رفتار افراد و حکومت در قلمرو اخلاق زیست محیطی در حوزه آب؛ با روش توصیفی تحلیلی و مراجعه به متون، اهمیت آب را در تاریخ فلسفه، ادیان، قرآن و احادیث، مورد بررسی قرار می‌دهد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در فرهنگ اسلامی اصول ارزشمندی برای حفاظت از محیط زیست گیاهی و آب وجود دارد که موجب عدم تخریب منابع آب در طبیعت خواهد بود.

واژگان کلیدی: آب، اهمیت آب، آب در قرآن، آلودگی آب، محیط زیست، اخلاق اسلامی

مقدمه

انسان‌ها به قرب الهی و زندگی خدامدارانه و حیات طیبیه برای همهٔ زمان‌ها است. نیاز به همهٔ قلمروهای اخلاق با مسائل مستحدثه برای هر جامعه پیشرفته یا در حال پیشرفت ضروری است و دیدگاه پویایی دین خاتم و سازگار کردن خویش با شرایط زمان و مکان باید در همهٔ ابعاد اخلاق، از جمله اخلاق زیست محیطی که در عصر جدید لازمهٔ زندگی سالم است، تبیین و تشریح شود. علاوه بر اخلاق الهی و نوع رابطهٔ انسان با خداوند، اخلاق فردی و اخلاق اجتماعی و نحوه رابطه با هم‌نوعان، توجه به اخلاق حرفه‌ای و اخلاق زیست محیطی برای ایجاد

رشد و تعالی آدمی و رساندن او به مقام قرب الهی، مهم‌ترین رسالت انبیاء بوده است. یکی از اساسی‌ترین روش‌ها برای حصول این مقصود، ایجاد جامعه سالم و محیط زندگی با روابط اجتماعی فضیلت‌مندانه است که پیامبران به آن توجه داشته‌اند. رسولان الهی علاوه بر سلامت روحی، به سلامت جسمانی محیط زندگی هم توجه داشته‌اند. در ادیان الهی - بویژه در اسلام - بر محیط زیست سالم تأکید فراوان شده است. دین اسلام که آخرین وحی الهی، و قرآن که کامل‌ترین صحیفهٔ ربانی است، در اندیشه هدایت



اسلامی در مورد مظاهر طبیعی عالم از جمله آب چیست. آیا در اوامر و نواهی دینی به محیط زیست نباتی و آب هم توجه شده است؟ در کتب آسمانی و از جمله قرآن کریم آیات زیادی به ارتباط صحیح آدمی با محیط زیست اشاره دارد. اسلام تنها راهنمای امور معنوی نیست و تمایزی بین دنیا و آخرت قائل نیست و این جهان مُحاط در عالم روحانی است. دین خاتمِ جوابگوی مشکلات بشری در هر عصر و زمان است و راهنمایی پیشوایان دین می‌تواند بحران زیست محیطی فعلی را حل کند. دینی که پیامبرش رسول رحمت برای همه موجودات عالم است با دستوراتش می‌تواند روش صحیح را فراروی دنیای مدرن قرار دهد. یکی از شاخص‌های مهم در سلامت محیط زیست، توجه به اصول و هنجارهای اخلاقی در مورد آب است که با تجزیه و تحلیل آیات قرآن و احادیث برداشت می‌شود و نشان‌دهنده‌ی تاثیر مثبت دیدگاه دینی در حفاظت از منابع آبی است.

اخلاق

اخلاق، جمع خُلُق و خُلُق می‌باشد. خُلُق، سرشتی است که با امور باطنی و هیأت نفسانی انسان مرتبط است و با اندکی بصیرت فهمیده می‌شود. واژه خُلُق در قرآن برای پیامبر (ص) بکار رفته است (قلم/۴)^۲. در مقابل، خُلُق به کیفیاتی اطلاق می‌شود که به وسیله چشم دیده می‌شود و مربوط به امور ظاهری و شکل و هیأت محسوس است (مدرسی، ۱۳۷۱، ص ۲۹). واژه اخلاق همانند واژه «Moral» و «Ethics» دو کاربرد متمایز دارد؛ گاهی اخلاق به معنای خلق و خوی، رفتار عادت شده و مزاج به کار می‌رود؛ همان‌طور که دو واژه انگلیسی فوق به معنای عادت و سنجیه^۳

جامعه سالم با افراد سالم و با فضیلت و آگاهی بخشی از متون دینی در بهداشت فردی افراد و بهداشت محیطی، ضروری به نظر می‌رسد. دیدگاه انسان محورانه در ادیان الهی، از جمله در اسلام که مبتنی بر شرافت انسان بر سایر موجودات و مقام جاننشینی خداوند در زمین است، نه تنها عامل مخرب محیط زیست نیست، بلکه کرامت و شرافت انسان بر سایر موجودات، در سایه خدا محوری و اصل توحید و احکام دینی و باید و نبایدهای متون دینی و دستورات پیشوایان دین در اخلاق زیست محیطی، نقش مؤثری در سلامت و حفاظت از محیط زیست ایفا می‌کند. از دیدگاه دینی کمال عملی انسان ناشی از کمال اخلاقی اوست، زیرا رفتار، واکنش اخلاق و حالات روحانی آدمی است؛ چراکه اعمال فرد از ریشه‌های اخلاقی او تغذیه می‌گردد. فهم همه مسائل اخلاقی، از جمله اخلاق زیست محیطی مستقل از التزامات و تعهدات انسانی نیست، اما مرهون ارزش‌ها و احکام دینی است که بدون آن قادر به حفظ تعادل و توازن محیط زیست موجودات نخواهد بود. عشق آدمی به محیط زیست نشان از عشق او به خالق موجودات است. هر موجودی در این جهان نه فقط از این جهت که آفریده خداوند است بلکه به خاطر نقشی که در کارگاه آفرینش دارد قابل احترام است و نباید به چشم بی‌اعتنایی به او نگاه کرد، چون آفریدگان خدا دارای حرمت هستند و باید هر موجودی را در حد اقتضاء خودش محترم بداریم. از دهه ۱۹۶۰ لین وایت^۱ و برخی متفکران دیگر در غرب، دیدگاه ادیان الهی در مورد شرافت انسان بر همه موجودات را عامل تخریب محیط زیست دانستند. پرسش این است که دیدگاه



مرایا است. «محیط زیست» به معنای جدید یک اصطلاح نو و تازه‌ای است که سابقه کاربرد آن در فرانسه به قرن دوازدهم میلادی برمی‌گردد و از سال ۱۹۶۰ کاربرد بیشتر پیدا کرده و در زبان‌های مختلف کلمات جدیدی برای آن بکار گرفته شده، مثل «unwelt» در زبان آلمانی و «بیئه» در زبان عربی اسم و مشتق از فعل ثلاثی «باء» می‌باشد. فعل «باء» معانی زیادی دارد که مشهورترین آنها عبارت است از: «نزول و اقامت گزیدن به مکان یا منزلی» و بیئه به معنای عام جایگاهی است که بشر برای سکونت و زندگی برمی‌گزیند. محیط زیست قشر نازکی از هوا، زمین، و آب است که همه زندگی را در بر دارد و عبارتست از هوا، آب، خاک، گیاهان، جنگل، مرتع، دریا، رودخانه، چشمه و ... (جنیدی، ۱۳۵۲: ۱۴۳). وظیفه اخلاق زیست محیطی ایجاد اصولی است که بر روابط انسان با طبیعت حاکم بوده و مسئولیت انسان برای حفاظت از محیط زیست و عدم تخریب آن را بیان می‌نماید. اوامر و نواهی شارع مقدس درباره محیط زیست نباتی نشان می‌دهد که موجودات طبیعی هم حق حیات دارند و استفاده بشر از آنها محدود به قوانینی است که مانع تخریب محیط زیست می‌شوند. در احادیث و سیره پیامبر (ص) درباره موجودات طبیعی مثل درختان و فضای سبز و آب، اوامر و نواهی فراوانی دیده می‌شود که در فضای آلوده عالم در عصر جدید مهم و باارزش است.

آب

در فرهنگ دهخدا در ماده آب چنین آمده است: «آب (اوستائی آپ ap، سانسکریت آبَ apa، پارسی باستانی آپی api، پهلوی آب ap) مایعی شفاف بی‌مزه و بوی که حیوان از آن آشامد و

به کار می‌رود. معنای دوم این واژه دانشی است که از حسن و قبح و خوبی و بدی رفتار بحث می‌کند (زبیدی، ۱۹۹۴، ج ۶، صفحه ۳۳۷). این معنا به «علم اخلاق» اشاره دارد که نراقی در تعریف آن می‌گوید: «دانش صفات مهلکه و منجیه و چگونگی موصوف شدن و متخلق گردیدن به صفات نجات‌بخش و رها شدن از صفات هلاک کننده می‌باشد» (نراقی، ۱۳۶۱، ج ۱، صفحه ۳۴). علم اخلاق، اصول و ایده‌هایی را بیان می‌دارد که برای کاربردی شدن نیازمند اخلاق کاربردی است که از موضوعاتی نظیر اخلاق پزشکی، اخلاق تجارت و اخلاق زیست محیطی بحث می‌کند (اسماعیلی ایولی، ۱۳۹۰: ۲۳).

محیط زیست

محیط زیست از دو کلمه ترکیب شده است، یکی «محیط» که واژه‌ای عربی است و دیگری «زیست» که واژه‌ای فارسی است. «محیط» به معنای مکان و اوضاع و احوال آمده است و چه شخص یا چیزی را احاطه کرده و منشأ تغییر و تحول باشد (معین، ۱۳۷۱، ج ۲، صفحه ۱۷۱۷). در واقع «محیط» فراگیرنده و جای زندگی آدمی است. واژه «زیست» به معنای حیات، زندگی و زیست آمده است (همان: ۱۱۳). «محیط زیست» را بیوسفر^۱ یعنی کره موجودات تعبیر می‌کند که محیط زندگی بشر است یا آن بخش از جهان که براساس دانش کنونی همه حیات در آن استمرار دارد. یعنی زمین و هزاران متر بالا و عمق زمین و اقیانوس‌ها. این واژه یک معنای نسبی به مفهوم پیرامون دارد؛ یعنی چیزی که توسط پیرامون خود محاط شده است. محیط زیست شامل انسان و منابع طبیعی، هوا، آب و خاک، کلیه جانوران و گیاهان و میراث فرهنگی و مناظر و



ویژگی‌های موجودات روحانی و مجرد را داراست. در ادامه دیدگاه تاریخ فلسفه، ادیان مختلف، عرفان، قرآن و احادیث در مورد آب خواهد آمد.

آب در فرهنگ اساطیری ایران

آب یکی از چهار عنصر اصلی آفرینش است که در نزد ایرانیان، مقدس و ایزدی از ایزدان به‌شمار می‌رفته است. از قدیم در ایران، همانند جهان‌بینی کهن سومری، معتقد به نقش آفرینندگی آب در نظام جهان بوده‌اند. از این‌رو، بارها در اوستا به اهمیت و تقدس آن اشاره شده است. در «آبان پشت» و «تیر پشت» درباره آب سخن رفته و آن‌هایتا (به‌معنی پاک و بی‌آلایش) یا ناهید، همچون ایزد بانوی بزرگ آب و باروری، ستایش شده است (فولادی، ۱۳۸۷: ۴۲۴). مورخان یونانی ستایش عنصر آب را به ایرانیان نسبت داده و می‌نویسند: ایرانیان در آب بول نمی‌کنند، آب دهان نمی‌اندازند و در آن دست نمی‌شویند؛ که البته مقصود آب جاری است که باید از هرگونه کثافت به‌دور بماند. ایرانیان هم‌چنین طی مراسمی، برای آب قربانی و فدیة می‌دادند. در روایات تاریخی هست که یک قرن قبل از میلاد مسیح، ایرانیان هنگام قربانی برای فرشته آب، در کنار رود یا سرچشمه و کرانه دریا گودالی می‌کنند و در کنار آب قربانی می‌کرده‌اند، به‌طوری که آب به خون قربانی آلوده نمی‌شده است. این مراسم تا قرون پنجم و ششم میلادی نیز ادامه داشته است. در نقش‌هایی که از شوش به‌دست آمده، معلوم شده که در بین‌النهرین و خوزستان، ایزدی به‌نام «ای^۱» می‌شناخته‌اند که خدای آب و چشمه زندگی بوده و لقب «کوزه‌گر» داشته است. گاهی هم او را خدای حکمت و دانش شمرده‌اند. قدما بر آن بودند که آدم و حوا را «آ» ساخته است. در باختر

نبات بدان تازگی و تری گیرد. و آن یکی از چهار عنصر قدماست و به عربی آن را ماء و بلال خوانند ... و در بعضی لهجه‌های فارسی آف، آو، و آو گویند (دهخدا، ج ۲: ۸). آب، اصلی‌ترین عامل پیدایش حیات و زندگی در عالم مادی است. آب مایه تطهیر جسم و جان انسان از آلودگی‌های مادی و پلییدی‌های شیطان است (انفال/۱۱). آب خون زمین است که اگر لحظه‌ای نباشد، تمام اعضا و جوارح عالم طبیعت از کار می‌ایستند و ادامه حیات ممکن نیست. آب در ادیان، ملل، فرهنگ‌ها و سنت‌های گوناگون، موجودی منحصربه‌فرد در عالم ماده تلقی شده و حتی در بعضی ادیان و فرهنگ‌ها موجودی مقدس جلوه کرده است. در اسلام نیز آب جایگاهی ویژه دارد. قرآن کریم آب را موجودی آسمانی و نازل شده از عالم بالا می‌داند و آن را یکی از مهمترین نعمت‌های الهی می‌شمارد که حیات هر جنبنده‌ای از آن تشکیل شده است. از سوی دیگر آیات و روایات اسلامی به‌شدت آدمیان را از اسراف و مصرف بی‌رویه آب پرهیز می‌دهند. در روایات به ارزش آب، آداب نوشیدن و مصرف آن و حتی نگاه به آب سفارش‌های بسیاری شده است. آب از جنبه‌های مختلف به موجودات مجرد شباهت دارد؛ همچون انعطاف‌پذیری، پذیرش اشکال مختلف هندسی به سهولت و آسانی، خاصیت زداینده‌ی سریع و کامل، روانی و حرکت، قدرت و سلطنت، هستی بخشی و حیات، جریان و سرّیان در بطن و سویدای موجودات، نیازمندی موجودات به آن، خاصیت انجماد و عدم انجماد، آشکار و پنهان بودن، و برخوردار بودن از شعور و ادراک. تأمل در این خصوصیات آدمی را به این حقیقت رهنمون می‌سازد که آب تنها موجود در عالم جسم و ماده است که برخی از



است؛ اما اگر منشأ حیات مادی باشد، با دیدگاه ادیان توحیدی سازگار است.

آب در تعالیم یهود و مسیحیت

دین‌پژوهان ادیان را به ادیان توحیدی و غیر توحیدی تقسیم کرده‌اند. ادیان توحیدی را یهودیت، مسیحیت و اسلام دانسته‌اند. گرچه در همه ادیان، چه توحیدی و چه غیر توحیدی، آب از جایگاهی ویژه برخوردار بوده است؛ لکن این نوشتار تنها به ادیان توحیدی نظر دارد و ابتدا به‌طور مختصر به نظر یهود و مسیحیت در مورد آب پرداخته و سپس اهمیت و جایگاه آب در اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهد. جایگاه ویژه آب در دین یهود از آن‌جا آشکار می‌شود که قوم یهود اولین بار برای رهایی از دست فرعون به‌سوی آب می‌گریزند و در مواجهه با آب دریا نجات آن‌ها در آنجا محقق می‌شود و حضرت موسی (ع) پیامبر این قوم با اشاره‌ای به دریا دوازده راه برای آن‌ها در درون آب می‌گشاید و همین آب برای فرعونیان موجب هلاکت و غرق می‌شود. مسلماً این حرکت و عمل را نباید با نگاهی ظاهری تفسیر کرد، بلکه سرّ و رازی در داستان وجود دارد که از چشم ظاهربین و مادی‌نگر پنهان است، یک سرّ آن استعداد فرمان‌پذیری و تغییرپذیری فوق‌العاده در این ماده نه زمینی و نه آسمانی است. خداوند چنین می‌فرماید: که از این خواهی دانست که خداوند منم اینک به عصائی که در دستم هست، آب‌های نهر را می‌زنم بخون مبدل خواهد شد، و خداوند به موسی گفت که به هارون بگو عصای خود را گرفته دستت را بر آب‌های مصر بالای نهرهایش و رودهایش و حوض‌هایش و تمامی مجمع آب‌ها دراز کن تا خون شود و در تمامی زمین مصر هم در ظروف چوبین و هم به ظروف سنگی خون خواهد شد (کتاب مقدس، سفر خروج، ص ۱۱۴). قبل از این مادر موسی برای نجات فرزند خود، او را به دریا

فارس، بر سر راه باستانی شوش به تخت‌جمشید نقوشی از دوره ایلامیان به‌دست آمده که مشتمل بر دو رب‌النوع، یکی به‌صورت مرد و دیگری به‌صورت زن است (فولادی، ۱۳۸۷، ۴۲۴). عنصر آب دو فرشته نگهبان دارد: یکی «اپم نپات» (Apemnapat) و دیگری آناهیتا یا ناهید که به‌عنوان فرشته است. اسم کامل این فرشته «اردویسور ناهید»، و چون مؤنث است، گاهی کلمه «بانو» را هم به اول آن اضافه می‌کنند. در متون اوستایی، گاهی «آب» به‌عنوان فرشته این عنصر معرفی شده است. جلوه‌های قداست آب در فرهنگ ایرانی بسیار است که این جلوه‌ها هم ابعاد مثبت و سازنده آب را در برمی‌گیرد و هم دربردارنده بعد منفی آب مثل طوفان و هلاکت‌باری آن است. (فولادی، ۱۳۸۷، ۴۲۴)

آب در تاریخ فلسفه

تاریخ فلسفه یونان با شرح آراء تالس شروع می‌شود؛ زیرا هیچ فیلسوفی قبل از او شناخته نیست. ارسطو او را بنیانگذار فلسفه می‌داند. از نظر تالس اصل همه اشیاء آب است، و برای کثرت جهان وحدتی در کار است و همه اشیاء متکثر عالم منشأ واحدی دارند و از یک چیز ساخته شده‌اند. اشیاء عالم همانند امواج یک اقیانوس هستند که با آن‌که متفاوتند اما همه از دل آب برخاسته‌اند و به آب باز می‌گردند، آب هم عنصر اولی همه موج‌ها است و هم عنصر نهایی آن‌ها و هر موجی آب است، از آب است و به آب خاتمه می‌یابد، این ماده‌المواد، آب است. از نظر تالس، زمین بر آب قرار گرفته است. زمین کره‌ای شناور بر آب نیست. بلکه به شکل یک استوانه کم ارتفاع است که بر آب شناور است. این ادعای تالس براساس علوم تجربی نادرست است. و ادعای اول او یک نظریه فلسفی است (ملکیان، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۸). و اگر مقصود او از «اصل» پروردگار و خالق عالم باشد، قابل رد



آب در قرآن

در چهل و سه سوره قرآن شصت و سه مرتبه از آب (ماء) یاد شده است؛ از جمله این که آب منشاء حیات است. «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» (و از آب هر چیز را زنده قرار دادیم) (انبیاء/۳۰). از نظر علامه طباطبایی این آیه و آیه‌ی بعد در مقام برهان بر توحید خداوند در ربوبیت و تدبیر عالم و در مقابل وثنی‌ها است که خلقت را به خداوند و تدبیر را به الهه‌ها نسبت دادند و در ردّ نظر آنان به موجوداتی که در خلقت و تدبیر آن‌ها جدایی تصور ندارد، اشاره می‌فرماید، زمین و آسمان که ابتدا یک پارچه بودند و بعد از یکدیگر جدا شده‌اند و چنین خلقتی از تدبیر جدا نیست (طباطبایی، بی تا، ج ۱۴، ص ۴۲۲). در آیه‌ی شریفه‌ی «جَعَلَ، فَعَلَ و «كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» مفعول آن است، یعنی آب دخالت تامی در زندگی موجودات زنده دارد. این آیه شریفه حتی به نحوی به زنده بودن تمام موجودات اشاره دارد؛ زیرا عبارت «كُلَّ شَيْءٍ» با توجه به سیاق آیات بعدی شامل همه موجودات محسوس است. همچنین خداوند متعال در آیه ۴۵ سوره نور می‌فرماید: «و خداست که هر جنبنده‌ای را [ابتدا] از آبی آفرید پس پاره‌ای از آن‌ها بر روی شکم راه می‌روند و پاره‌ای از آن‌ها بر روی دو پا و بعضی از آن‌ها بر روی چهار [پا] راه می‌روند». در آیه قبل از آن آمده است: «و [خداست که] از آسمان از کوه‌هایی [از ابر یخ‌زده] که در آنجاست، تگرگی فرو می‌ریزد و هر که را بخواهد بدان گزند می‌رساند و آن‌را از هر که بخواهد باز می‌دارد، نزدیک است روشنی برفش چشم‌ها را ببرد» (نور/۴۴). یعنی همانطور که تگرگ را می‌فرستیم، باران را هم نازل کردیم و تمام جانداران را از آب آفریدیم و از باب مثال سه قسم از آفریدگان را آورده است: انسان، خزندگان و چهار پایان. هم‌چنین از تصفیه آب

می‌افکند و این آب است که موسی (ع) را غرق نکرده و مامور رساندن موسی به قصر فرعون، یعنی تنها جایی است که نوزاد پسر می‌تواند زنده بماند، شده است. در مسیحیت نیز غسل تعمید برای کسانی که می‌خواهند حقیقتاً مسیحی باشند واجب است. در غسل تعمید با مراسم خاصی فرد تازه مسیحی ورود به این دین پیدا می‌کند و از طهارت برخوردار می‌شود. بنابراین آب در دین مسیح از یک سو هم طاهر و هم مطهر است و از سوی دیگر از نوعی تقدس و حتی تقدس آفرینی برخوردار می‌باشد. در ساعتی که خروس می‌خواند، آنان نخست بر آب دعا می‌خوانند. هنگامی که نزد آب می‌آیند، آب باید زلال و روان باشد. همگی جامه‌های خویش را بیرون آورند. آنان نخست کودکان را تعمید می‌دهند. اگر کودکان می‌توانند پاسخ بدهند، باید خودشان پاسخ دهند؛ ولی اگر نمی‌توانند، والدین ایشان یا کسی دیگر از خانواده پاسخ می‌دهد. سپس مردان بزرگسال تعمید می‌گیرند و سرانجام، زنان که گیسوان خویش را می‌کشایند و زیورآلات طلائی را کنار می‌گذارند. هیچ‌کس نباید هنگامی که وارد آب می‌شود، شیئی خارجی همراه خویش داشته باشد (پیترز، ۱۳۸۴، صفحه ۴۳۶). امروزه نیز چشمه شهر لوردز در فرانسه از تقدس خاصی برخوردار است. این چشمه «به مخزن معجزات» نیز معروف است. این آب دارای hado عشق است و عشق را جایگزین نفرت می‌کند. سالیانه بیش از چهارمیلیون نفر از سراسر دنیا برای دیدن چشمه به آن مکان می‌روند. مردم فرانسه معتقدند آب چشمه لوردز شفابخش است و تاکنون ۶۸ مورد شفای معجزه‌آسا بوسیله آب این چشمه توسط مقامات رسمی کلیسای کاتولیک رومان گزارش شده است (ایموتو، ۱۳۸۶، صفحه ۲۷).



ص ۱۳۰) «هفت چیز است که مثل صدقه جاریه برای فرد بعد از مرگش جریان دارد: کسی که تعلیم علم نماید یا نهری جاری کند یا چاهی حفر نماید یا درختی را بکارد یا مسجدی را بنا کند یا مصحفی به ارث بگذارد یا فرزندی که بعد از مرگ برای او استغفار نماید». در این حدیث جاری کردن نهر آب و کاشتن نهال و حفر چاه را با بنای مسجد و تعلیم علم و فرزند صالح برابر دانسته است.

آب در نزد عارفان

عارفان همواره به آب از جوانب مختلف نظر داشته‌اند. در آثار عارفان مسلمان آب از قداست برخوردار بوده است. آب نشانه‌ی حیات، و مظهر حقیقت مطلق است. دیدن آب در رویا نیز معمولاً از سوی معبران به روشنائی، علم و دانش، ثروت و غنی، سلطنت و پادشاهی، بزرگی و آقایی تعبیر شده است. در اشعار عارفان، آب همواره استعاره‌ای از پاکی و صداقت، علم و معرفت، نور و روشنائی، حلم و بردباری، صافی و سادگی، حیات بخشی و سرزندگی، روانی و حرکت، فروزی و برکت، بزرگی و احتشام بوده است. مولوی در دفتر ششم مثنوی معنوی درباره بزرگی و کرم آب می‌گوید:

آب دارد صد کرم که پلیدان را پذیرد و السلام
صد احتشام (شماره ۱۲۰۵)

آب صد گونه بخشنده‌گی و صد گونه بزرگواری دارد که آلودگان را به‌خود می‌پذیرد. وی در جای دیگر در دفتر اول با بیان تقابل بین آتش و آب، آتش را دشمن موجودات زنده می‌داند و موجودات زنده را فرزند آب معرفی می‌کند، لذا به این دلیل آب را دشمن آتش و خاموش کننده آن می‌داند.

نار خصم آب و همچنانکه آب خصم جان
فرزندان اوست
آب آتش را کُشد زیرا خصم فرزندان آبست و
که او عدو(شماره ۱۰)

در اثر تبخیر و بارش برف و باران در ارتفاعات در قرآن سخن به‌میان آمده است؛ (در زمین کوه‌های بلند نهادیم و به شما آبی گوارا نشانیدیم) (مرسلات / ۲۷). آب با عبور از لایه‌های کوه‌ها تصفیه می‌شود و بین بلندی کوه و خوشگواری آب‌ها نسبت مستقیم است و هرچه کوه مرتفع‌تر باشد آب بهتر تصفیه می‌شود (شریعت‌پناهی، ۱۳۷۳، صفحه ۵۷).

آب در احادیث

در احادیث پیشوایان دین در ارزش مظاهر محیط زیست از جمله آب و رفتار درست و ناصحیح درباره‌ی آن‌ها بیانات فراوانی دیده می‌شود. پاکی و طهارت و نظافت، شرط ایمان یا نصف و نشانه‌ی ایمان است که اصلی‌ترین وسیله طهارت، آب است و لذا پیامبر (ص) فرمود: «الماء يطهر ولا يطهر»؛ (عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۰۰) (آب پاک‌کننده است، نه پاک‌شده)؛ یعنی لازم نیست با چیز دیگری پاک شود. و هم‌چنین از امام صادق (ع) روایت است که: «خَلَقَ اللهُ المَاءَ طَهُوراً» (عاملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰) (خداوند آب را به‌عنوان پاک‌کننده آفرید). حتی از امام (ع) می‌پرسند: آب چه طعمی دارد؟ فرمود: «طعمُ الماء طعمُ الحیات»؛ (مجلسی، ۱۳۹۴، ج ۶۶، ص ۴۴۷) (مزه‌ی آب، طعم و مزه‌ی زندگی است). آب در روایات، برترین نوشیدنی است. از نظر پیامبر (ص): «بهترین نوشیدنی بهشت، آب است» (کلینی، ج ۶، ص ۳۸۱) و در بیانی از امیرالمومنین علی(ع) آمده است: «آب برترین نوشیدنی دنیا و آخرت است» (همان). هم‌چنین ثواب زیادی در احادیث برای احیاء کننده چشمه‌ها و قنات‌ها دیده می‌شود. رسول خاتم (ص) می‌فرماید: «سَبْعَ یَجْرِی لِلْعَبْدِ اَجْرٌ وَ هُوَ فِی قَبْرِهٖ بَعْدَ مَوْتِهٖ مِنْ عِلْمِ اَوْ كَرَمِ نَهْرٍ اَوْ حَفْرِ بئرٍ اَوْ غَرَسِ شَجْرٍ اَوْ بَنَى مَسْجِدًا اَوْ وَرَّثَ مَصْحَفًا اَوْ تَرَکَ وَلَدًا یَسْتَغْفِرُ لَهٗ بَعْدَ مَوْتِهٖ»؛ (عمرالرباط، ۱۴۲۱،



قیام به آداب فرایض و سنن آن که علی (ع) در باب توبه فرموده؛ زیرا که آب رحمت غفارت را خداوند مفتاح قرب و مناجات و دلیلی به بساط خدمت قرار داده، و توجه به آب نازل از سماء مشیت کن به قلب خود و تطهیر قذارات قلبیه و کدورات معنویه نما؛ زیرا که آن، مفتاح قرب معنوی و دلیل بساط خدمت است» (همان، ص ۴۳). آنچه از بیان نورانی امام خمینی برای ما حاصل می‌شود، اسرار و رموز بسیاری است که در آب وجود دارد و با التفات به آن می‌توان توجه به عالم ملکوت و بلکه لاهوت پیدا نمود و البته که بسیاری از آن اسرار و رموز هنوز بر ما که در عالم ناسوت به سر می‌بریم، مکشوف نیست. ایشان با اشاره به برخی از رموز چنین می‌فرماید: «یکی از نکات حدیث شریف آن است که آب یکی از مظاهر بزرگ رحمت حق است که در عالم طبیعت آن را نازل فرموده و مایه‌ی حیات موجودات آن را قرار داده بلکه رحمت واسعه‌ی الهیه را که از سماء رفیع‌الدرجات حضرت اسماء و صفات نازل و اراضی تعینات اعیان به آن زنده گردیده، اهل معرفت به آب تعبیر نمودند. و چون در آب ملکی ظاهری جلوه رحمت واسعه‌ی الهیه از دیگر موجودات دنیائی بیشتر است، حق تعالی آن را برای تطهیر از قذارات صوریه قرار داد؛ بلکه آب رحمت حق در هر نشئه‌ای از نشئات وجود، و در هر مشهدی از مشاهد غیب و شهود نزول و ظهور کند، تطهیر ذنوب عبادالله نماید موافق با آن نشئه و مناسب آن عالم. پس با آب رحمت نازل از سماء احدیت، ذنوب عینیت تعینات اعیان تطهیر شود و با آب رحمت واسعه‌ی از سماء واحدیت، ذنوب عدمیت مہیّات خارجیّه تطهیر شود و در هر مرتبه از مراتب وجود مطابق آن مرتبه» (همان، ص ۴۴). امام خمینی در کتاب شریف پرواز در ملکوت چنین نگاشته است: «و در مراتب نشئات انسانیّه نیز آب رحمت را

در جای دیگر در همان دفتر آب را استعاره حلم می‌داند و آتش را استعاره خشم.

آب حلم و آتش خشم هم زحق بینی چو بگشایی بصر(شماره ۸۵۷)

هم‌چنین در دفتر سوم آب را مظهر چالاکي و پویایی به سوی یار خود و گل را مظهر سنگینی و ایستایی در جای خود می‌داند.

آب می‌خواهد که در گل گرفته پای آب و دریا رود می‌کشد گر رهاوند پای خود از گل بماند خشک و او شد دست گل مستقل(شماره ۲۲۵۶)

امام خمینی در کتاب شریف سرالصلوة می‌نویسد: «بعضی از اهل معرفت گویند که طهور یا آب است که سر حیاتي است، که آن اصل علم است برای مشاهده حی قیوم تعالی، قال تعالی: «و انزلنا من السماء ماء طهوراً لنجیبه به» (فرقان/ ۴۸) و قال جل و علا: «و ينزل علیکم من السماء ماء لیطهرکم به و ینذهب عنکم رجز الشیطان...» نویسنده گوید: اصل آب رحمت اطلاقی وجود است، قال تعالی: «و جعلنا من الماء کلّ شیء حی» (انبیاء/۳۰). و عن الصادق(ع): «تقدّم الی الماء تقدّمک الی رحمہ اللہ»، به آب نزدیک شو همانند آنکه به رحمت خدا نزدیک می‌شوی؛ و آن اصل تجلی ذاتی است بی‌تعلق به مرأت و تعیین در مجالی آیات» (خمینی، بی‌تا، ص ۴۱). در بیان سر طهارت توسط آب، امام خمینی می‌فرماید: «پس، تو ای عارف به معارف الهیه و سالک سبیل عواطف غیبیه، چون اراده‌ی طهور مطلق کردی و از قیود حجب الفاظ و عبارات خارج شدی، توجه به آب نازل از ابر رحمت کن به قشر خود و تطهیر قذارات صوریه نما و به آداب فرایض و سنن آن قیام کن، زیرا که آب را خداوند مفتاح قرب و مناجات و دلیل بساط خدمت قرار داده، و توجه به آب نازل از سماء رحمت غفارت کن به باطن خود؛ و تطهیر قذارات معاصی نما با



پاکیزگی‌اش و امتزاج و در هم‌آمیختن آن با هر چیزی و در هر چیزی و استعمال آن در پاکیزه ساختن آنچه که خدا امر به تطهیر آن نموده، متضمن فواید زیادی است که با تأمل در هریک از این امور فوایدی نصیب تو خواهد گشت. هم‌چنین سزاوار است که در معاشرت با خلق چون آب باشی که با هر چیزی که درمی‌آمیزد، حق او را ادا می‌کند؛ بدون اینکه هویت خود را از دست دهد و این سخن پیامبر (ص) را در نظر آوری که فرمود: «مَثَلُ مَوْمِنٍ خَالِصٌ مَثَلُ آبٍ اسْتِ». و جمیع طاعات و عبادات خالص برای خدا باشد و هم‌چون آب که وقتی از آسمان فرود می‌آید، پاک و خالص بوده و طهور نامیده شده است، و چون اعضاء و جوارح را با آب شستشو می‌دهی و پاکیزه می‌سازی، قلبت را هم به تقوی و یقین طاهر و پاکیزه سازی» (ملکی تبریزی، ۱۳۷۶، ص ۵۴).

آلودگی آب

آب منبعی ضروری برای حیات در کره ی زمین است. ولی این منبع حیاتی با آلوده شدن و استفاده‌ی نادرست، مشکلات فراوانی را به‌وجود آورده است. امروز مدیریت آب به‌علت رشد جمعیت و تولیدات کشاورزی و رشد صنعت با دو مشکل مواجه است: - آب در بسیاری از بخش‌های کره زمین منبعی کمیاب است. - در همه مناطق، کیفیت آب روبه تنزل است (هلپاپ و هویسمان، ۱۳۸۱، ص ۷۵). آلودگی آب ممکن است از طریق پساب‌های تصفیه‌ای از مواد زائد یا دارای تصفیه نامناسب و یا از طریق مواد مصرفی زیان‌آور در کشاورزی (کودها و آفت‌کش‌ها) و یا مواد شیمیایی سمی و دفع زباله‌ها باشد که باعث بیماری‌هایی مثل وبا، تب حصبه و اسهال خونی می‌شود (فضلان، ۱۳۷۸، ۶۶). آلودگی آب و منابع آبی در دو قرن اخیر با پیشرفت صنعتی و سیطره‌ی تفکر انسان مدارانه‌ی سکولاریستی در

ظهوراتی است مختلفه، چنانچه از آب نازل از حضرت ذات به تعینات جمعیه برزخیه ذنوب سر وجودی تطهیر شود؛ «وجودک ذنب لا یقاس به ذنب». و با آب نازل از سماء حضرت حکم عدل، قذارات خلقیه باطنیه تطهیر شود. و با آب نازل از سماء غفاریت، ذنوب عباد تطهیر شود. و با آب نازل از سماء ملکوت، قذارات صوریه تطهیر شود. پس معلوم شد که حق تعالی آب را مفتاح قرب و دلیل بساط رحمت خویش قرار داده. پس از آن در حدیث شریف دستور دیگری دهد و راه دیگری برای اهل سلوک و مراقبه مفتوح نموده، می‌فرماید: و تفکر نما در صفای آب و رقت و طهارت و برکت آن و لطافت ممزوج شدن آن با هر چیزی و استعمال آن را در تطهیر آن اعضائی که خداوند امر فرمودند تو را به پاکیزه نمودن آنها و ادا کن آداب آن را در فریضه‌ها و سنت‌های الهی؛ زیرا که در تحت هریک از آنها فائده است بسیار که چون استعمال نمائی آن را به احترام، منفجر شود از برای تو در نزدیکی چشمه‌های فایده‌های آن» (خمینی، ۱۳۷۵، ص ۱۴۲). عارف بزرگ آیت الله میرزا جواد آقا ملکی تبریزی نیز در این‌باره در کتاب *اسرارالصلوة* خود می‌نویسد: «خداوند می‌فرماید: *و هو الذی ارسل الّریاح بشراً بین یدی رحمته و انزلنا من السماء ماء طهورا (فرقان/۴۸)* (اوست آنکه فرستاد بادها را مژده پیشاپیش رحمتش را و فرو فرستادیم از آسمان آبی پاک و پاک کننده). و در جای دیگر می‌فرماید: *وجعلنا من الماء کلّ شیء حی افلا یؤمنون؛ (انبیا/۳۰)* (و ما از آب هر چیز را زنده قرار دادیم آیا ایمان نمی‌آورند؟). پس هم‌چنان که ذات اقدس حق هر چیزی از نعمت‌های دنیائی را به آب زنده گردانیده، همانگونه هم به فضل و رحمت خود حیات و زندگی دل‌ها را به طاعات قرار داده است. و تفکر در صفای آب و رقت و برکت و



زیستی طبیعت هم اوامر و نواهی زیادی دیده می‌شود. در قرآن کریم از اسراف و تبذیر نهی شده (انعام/۱۴۱؛ اعراف/۳۱؛ اسراء/۲۷) که یکی از موارد مهم آن آب است. دیدگاه قرآنی تأکید بر نظافت است، اما از زیاده روی نهی می‌شود و اعتدال باید رعایت شود. در سیره پیامبر اسلام آمده است که فرد اعرابی خدمت حضرت رسید و درباره‌ی وضو گرفتن پرسش نمود و حضرت فرمود: سه بار، سه بار، وی سؤال کرد اگر بیشتر از سه بار برای وضو آب بریزیم چطور؟ پیامبر (ص) فرمود: «پس هرکس بیشتر از سه بار آب بریزد پس گناه و تعدی و ظلم کرده است»^۱ (سیجباتی، ۱۴۲۹، ص ۱۹۶). بر این اساس، از دیدگاه عالمان دینی حتی در طهارت و وضو هم بیش از سه بار آب ریختن بدعت و حرام است.

با همه‌ی ارزشی که برای آب ذکر شده است، درمقابل احادیثی در سخنان پیشوایان دین دیده می‌شود که نشان می‌دهد هشتاد درصد بیماری‌ها، ناشی از آب آلوده است و لذا چهارده قرن قبل پیامبر(ص) در مورد آب جوشانده شده فرمود: «آب جوشیده برای هر چیزی سودمند است و هیچ ضرری ندارد»^۲ (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۶، ص ۳۸۸). برای آن که آب باعث آلودگی محیط زیست نشود و همچنان مایه‌ی حیات باشد، فرمود: «درب ظروف و مشک آب را ببندید»^۳ (عمرالرباط، ۱۴۲۱، ص ۱۲۹). تلوث یعنی آلوده کردن آب در شریعت نهی شده است؛ زیرا آلودگی آب باعث ضررهای جسمانی، روانی، اقتصادی و اجتماعی است. بر این اساس از رسول خاتم روایت شده است: «وقتی آب می‌نوشید در ظرف آب ندمید»^۴ (همان، ص ۱۳۰). امروز اثبات شده است که بازدم در آلودگی آب و غذا تأثیر نامطلوبی

غرب بیشتر شد. در مقابل در حقوق بین‌الملل توافق نامه‌هایی در مورد کشتیرانی، آبیاری و موارد دیگر تنظیم شده تا از تخریب منابع آبی کاسته شود. قواعدی در سال ۱۹۶۶ م. در هلستینکی و در سال ۱۹۶۷ م. منشور آب اروپایی تصویب شد. حقوق منابع آب در سال ۱۹۹۷ م. به تصویب سازمان ملل متحد رسید. در ایران در سال ۱۳۳۵ ش. اولین قوانین وضع شد که بر اساس آن، اقداماتی که سبب خسارت به محیط زیست و منابع آبی بشود، جرم محسوب می‌شود. قانون شکار و صید در سال ۱۳۴۶ تصویب شد که بر اساس ماده ۱۱ و ۱۲ آن آلوده کردن آب و تخریب چشمه‌ها پیگرد قانونی داشته و مرتکب آن به جزای نقدی و جسمی محکوم می‌شود. در آذرماه ۱۳۷۰ و شهریور ۱۳۷۴ قوانین کامل‌تری وضع شد. با همه‌ی قوانینی که در ایران و جهان به منظور جلوگیری از تخریب محیط و منابع آبی به تصویب رسیده است، روند تخریب همچنان ادامه دارد. گرچه قوانین کیفی ضروری است اما به نظر می‌رسد ترویج اخلاق زیست محیطی که ریشه در ادیان الهی و تمدن‌های بشری دارد، ضروری‌تر است.

اخلاق و آب

امروزه بشر اذعان دارد که آب ماده‌ی حیاتی تمام ارگانیسم‌های زنده‌ی روی زمین است و مکانیسم حیات بدون آب و به‌ویژه آب شیرین ممکن نخواهد بود و علاوه بر قوانین حقوقی و کیفری، رعایت اصول اخلاق زیست محیطی ضروری است. در ادیان الهی از جمله در اسلام همانطور که در نوع رابطه‌ی مثبت یا منفی هر فرد با خداوند و با خود و با هموعان احکام و دستورات اخلاقی دیده می‌شود، در نوع رابطه‌ی با مظاهر

۱/۴ شرب احدکم فلا یتنفس فی الاناء

۱ «قَمَنَ رَأَى عَلَى هَذَا فَقَدْ أَسَاءَ وَتَعَدَى وَظَلَمَ»

۲ «الماء المغلی ینفع من کل شیءٍ و لا یضر من شیءٍ»

۳ «خَمَّرَ الْإِنْبِیةَ وَ أَوْكُو الْأَسِیْقَةَ»



کوزه‌ای پر می‌گردد. آب را گل نکنیم، شاید این آب روان، می‌رود پای سپیداری، دست درویشی شاید نان خشکیده فرو برده در آب (سپهری، ۱۳۸۳، ۳۴۵).

نتیجه‌گیری

آب در ادیان و اقوام گذشته مورد احترام وافر بوده است. در ایران باستان در مورد آب دستورات اخلاقی زیادی وارد شده است. در دیدگاه اسلامی علاوه بر اخلاق الهی، فردی و اجتماعی، به اخلاق زیست محیطی نیز توجه شده است. از دیدگاه قرآن آب مایه حیات و زندگی همه موجودات است. اوامر و نواهی بسیاری در قرآن و احادیث پیامبر و اهل بیت ایشان، در مورد محیط زیست گیاهی و آب وارد شده است. در عرفان و اشعار ادیبان مسلمان ایرانی نیز، به اهمیت آب و تاثیر آن در سلامت انسان نمونه‌های فراوانی دیده می‌شود. آلودگی آب در اثر فعالیت‌های انسان موجب شد تا مجامع جهانی برای حفظ آن قوانین و مقرراتی وضع کنند، اما همچنان روند آلودگی آب ادامه دارد و نیاز به تعالیم ادیان الهی بیشتر رخ می‌نماید. در دیدگاه اخلاقی اسلام، آلوده کردن آب و اسراف و تبذیر در استفاده از آب نهی شده است.

دارد. هم‌چنین در حدیث دیگری، به آلوده نکردن آب توسط بول دستور فرمود: «هیچ‌یک از شما در آب راکدی که جریان ندارد و با آن شستشو می‌کنید ادرار نکنند»^۱ (همان، ۱۳۱). همین حدیث با بیان دیگری از امام علی (ع) روایت شده است که علاوه بر رعایت اخلاق در مورد آب، رعایت آداب اخلاقی در مورد آبیان ساکن در آب را هم باید مورد توجه قرار داد؛ «موجوداتی در آب زندگی می‌کنند، با ادرار و مدفوع در آب آنها را می‌آزاید»^۲؛ (عاملی، بی تا، ج ۱، ۴۵). استفاده از «ماء آجین» و «ماء آسن» یعنی آبی که در یک مکان به مدت زیاد راکد باشد و هم‌چنین زیاده‌روی در نوشیدن آب در روایات نهی شده است و لذا امام علی (ع) فرمود: «در نوشیدن آب زیاده‌روی نکنید که آن مایه هر بیماری است»^۳ (کلینی، ۱۴۰۵، ج ۶، ۳۸۲). و یا فرمود: «نوشیدن آب در ظرف طلا و نقره شایسته نیست»^۴ (همان، ص ۳۸۵). با توجه به احادیث بزرگان دین و تعلیمات قرآنی، در سخنان دانشمندان و عرفا و ادب فارسی نمونه‌های فراوانی در حفاظت و رعایت اخلاق زیست محیطی در مورد آب دیده می‌شود. در اینجا فقط به یک نمونه آن از اشعار سهراب سپهری اشاره می‌شود: آب را گل نکنیم، در فرو دست انگار، کفتری می‌خورد آب، یا که در بیشه‌ای دور سیرابی پر می‌شوید، یا در آبادی

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. کتاب مقدس، عهد عتیق و جدید (۱۳۸۰)، ترجمه فاضل خان همدانی، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ اول.
۳. اسماعیلی ایولی، علی (۱۳۹۰): «درآمدی به اخلاق زیست محیطی در اسلام»، سمنان: دانشگاه سمنان.
۴. ایموتو، ماسارو (۱۳۸۶): «پیام‌های آب»، ترجمه سید حسین عمادی، تهران: نشر دادار.
۵. پیترز، افای (۱۳۸۴): «یهودیت، مسیحیت و اسلام: از عهد تا جامعه»، مجموعه مقالات، ترجمه حسین توفیقی، قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۶. جنیدی، محمدجواد (۱۳۵۲): «صنایع معدنی و آلودگی محیط» تهران: سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران.
۷. خمینی، سید روح الله (بی تا): «سر الصلوة»، تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی، چاپ دوازدهم.

۴ لا ینبغی الشرب فی انیه الذهب و الفضة

۱ لا یبولن احدکم فی الماء الراکد الذی لایجرى ثم یغتسل فیہ

۲ الماء له سکن فلا تؤذوهم ببول و غائط

۳ لا تکثر من شرب الماء فانه ماده لکل داب



۸. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۵): «پرواز در ملکوت»، شرح سید احمد فهری زنجانی، تهران: نشر فیض کاشانی، چاپ نهم.
۹. دهخدا، علی اکبر و دیگران (۱۳۷۳): «لغتنامه»، تهران: موسسه دهخدا و دانشگاه تهران.
۱۰. زبیدی، سید محمد مرتضی (۱۹۹۴): «تاج العروس»، بیروت: دارالفکر، بیروت.
۱۱. سپهری، سهراب (۱۳۸۳): «هشت کتاب»، تهران: نشر طهوری.
۱۲. سیجاتی، عبدالله (۱۴۲۹)، «احکام البيئة في الفقه الاسلامي»، رياض: نشر ابن جوزي.
۱۳. شریعت پناهی، محمد (۱۳۷۳): «اصول کیفیت تصفیه آب و فاضلاب»، تهران: دانشگاه تهران.
۱۴. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۷۴): «المیزان فی تفسیر القرآن»، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: نشر جامعه مدرسین.
۱۵. عاملی، شیخ حرّ (۱۳۶۱): «وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه» تصحیح عبدالرحیم ربانی شیرزای، تهران: نشر اسلامی.
۱۶. عمر الریاط، عزّه (۱۴۲۱): «البيئة و جذور التربيّة البيئّة»، دمشق: نشر الصّباح.
۱۷. فضلان، امّ خالد (۱۳۷۸): «اسلام و محیط زیست»، ترجمه اسماعیل حدادیان مقدم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۸. فولادی، محمد (۱۳۸۷): «بررسی جایگاه تقدس آب در اسطوره‌های ملل»، مجموعه مقالات همایش نگاه قدسی به آب، تهران: دانشگاه علم و صنعت.
۱۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۵): «فروع کافی»، تصحیح علی اکبر غفاری، بیروت: دارالاضواء، چاپ سوم.
۲۰. مجلسی، محمد باقر (۱۳۹۴): «بحارالانوار»، تهران: مکتبه الاسلامیه، چاپ دوم.
۲۱. مدرسی، سید محمدرضا (۱۳۷۱): «فلسفه اخلاق (پژوهشی در بنیان‌های زبانی، فطری، تجربی، نظری و دینی اخلاق)»، تهران: سروش.
۲۲. معین، محمد (۱۳۷۷): «فرهنگ فارسی»، تهران: دانشگاه تهران.
۲۳. ملکی تبریزی، میرزا جواد آقا (۱۳۷۶): «اسرارالصلوة»، ترجمه رضا رجب زاده، تهران: نشرآزادی، چاپ هفتم.
۲۴. ملکیان، مصطفی (۱۳۷۷): «تاریخ فلسفه غرب»، قم: دفتر همکاری حوزه و دانشگاه.
۲۵. مولوی، جلال الدین (۱۳۷۳): «مثنوی معنوی»، تصحیح نیکلسون، تهران: نشرمحمد، چاپ دوم.
۲۶. نراقی، محمد مهدی (۱۳۶۱): «جامع السعادات»، تهران: نشر حسینی.
۲۷. هلیپاپ و هوپسمان، (۱۳۸۱): «حقوق محیط زیست»، ترجمه محمد حسن حبیبی، تهران: دانشگاه تهران.

بررسی انحاء الصاق علوم تجربی نامعتبر بر قرآن کریم

مجتبی انصاری‌مقدم^۱، سیدامین موسوی بیدلی^۲، مرتضی فاضلی^۳

۱- دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه

۲- کارشناس ارشد تفسیر و علوم قرآن، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم.

۳- دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه میبد، پژوهشگر و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول: fazelimorteza100@yahoo.com)

چکیده:

قرآن به‌عنوان پیام هدایت الهی برای انسان، همه ساحت‌های حیات مادی و معنوی را در برمی‌گیرد. در این کتاب جامع، تمام قلمروهای زندگی مادی و معنوی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، دنیایی و آخرتی و جز آن، از آغاز آفرینش و مبداءشناسی تا مسیر و برنامه زندگی و سرمنزل نهایی، همه مورد توجه تشریح الهی است. فضای بی‌کران معارف قرآن در راستای رسیدن انسان‌ها به کمال، از جنین تا جنان و از ملک تا ملکوت و از ذره تا کهکشان را فرا می‌گیرد و در یک کلام، همه لوازم هدایت و تربیت انسان را در خود نهفته دارد. مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی-تطبیقی ابتدا به مباحثی چون «مفهوم علم، اقسام علم، طیف آیات علمی در قرآن کریم، دیدگاه‌های مهم در مورد وجود علوم تجربی در قرآن کریم» پرداخته می‌شود و در ادامه به الصاق علوم تجربی نامعتبر به قرآن کریم می‌پردازیم و از باب نمونه به موارد ذیل اشاره می‌کنیم: «ماه‌های مصنوعی (ماهواره و صنعت و علوم فضایی)، بمب اتم، هواپیماهای جنگی، ملاءکه، میکروب، بارهای الکتریسته منفی و مثبت (الکترون و پروتون) در قرآن کریم، سفر به سیارات دیگر».

واژگان کلیدی: مصادیق معتبر، نامعتبر، علوم تجربی، قرآن کریم.

مقدمه

کم - تضعیف می‌کنند و این ادعا موجب شد که جمعی به جداکردن کامل حوزه‌های علم و کتاب‌های آسمانی روی آورند مانند: نظریات کانت، اگزیستالیست‌ها و پوزیتیویست‌ها، و عده‌ای دیگر به توجه و تاویل گزاره‌های متون دینی پرداختند تا بدین‌وسیله، از بی‌اعتباری قطعی آن و سرخوردگی متدینان جلوگیری کنند. تفسیر وسیله‌ای برای نزدیک شدن و کشف معانی و مدلولات قرآن و فهم آن است و شرط انتساب سخنی به قرآن، آن است که به‌گونه‌ای روشمند از متن قرآن کشف شود و نحوه استناد آن به متن نشان داده شود؛ زیرا قرآن اگرچه به هدف فهم مردم نازل شده، اما در عین حال، کتابی در نهایت فصاحت و بلاغت و شیوایی و مشحون از کنایه، استعاره، تمثیل، تشبیه، اشاره، رمز و بدایع ادبی است و نیز به اقتضای فرایند

راز این حقیقت با عنایت به تشابه تجلی با تجلی‌کننده روشن می‌شود. قرآن تجلی خداست و مخاطب آن فطرت زوال‌ناپذیر آدمی در هر عصر و نسل و نژاد، بدین‌روی، پیام‌های قرآن در بردارنده محتوایی ژرف، فرا زمانی، فرا مکانی و جهان شمول هستند. از سوی دیگر، در چند قرن اخیر و در پی رشد چشمگیر علوم تجربی در غرب، بیش‌ترین معارضه با کتاب‌های آسمانی و متون دینی به نام «علم» صورت گرفته است. با التفات به بخش‌های گوناگون علوم، از اخترشناسی کوپرنیک و زیست‌شناسی داروین گرفته، تاروان‌شناسی فروید، ادعا بر این بوده که برخی اکتشافات علمی، بعضی از آموزه‌های بنیادین کتاب‌های آسمانی را ابطال و یا - دست



در برابر همه دانستنی‌هایی قرار می‌گیرد که مستقیماً از آزمون حسی بر نمی‌خیزند. اخلاق (دانش خوبی‌ها و بدی‌ها)، متافزیک، (دانش احکام و عوارض هستی مطلق)، عرفان (تجارب درونی و شخصی)، منطق (ابزار هدایت فکری)، فقه، اصول، بلاغت، و ... همه بیرون از علم و به معنای دوم آن قرار می‌گیرند و همه به این معنا، غیرعلمی‌اند. واژه Science (با تلفظ سیانس) در انگلیسی و فرانسه، معادل این معنای علم هستند. اما معنای دوم علم، همان مطلق علم، یعنی معرفت و دانستن است که در برابر ندانستن قرار دارد. به همه دانستنی‌ها، صرف‌نظر از نوع آن‌ها، علم می‌گویند. مطابق این معنا، اخلاق، ریاضیات، فقه، مذهب، دستور زبان، زیست‌شناسی و نجوم، همه علم‌اند و هرکسی یک یا چند رشته از آن‌ها را بداند، عالم (دانشمند) دانسته می‌شود. در این معنا، علم در برابر جهل قرار می‌گیرد. واژه Knowledge در انگلیسی و Connaissance در فرانسه، معادل این معنای علم هستند (کابلی، ۲۰۰۹م، ذیل مدخل علم؛ سروش، ۱۳۷۵، ص ۳). مفهوم لغوی واژه علم و مشتقات آن، معرفت و دانش است؛ که در مقابل نادانی و جهل قرار دارد. علم یعنی هرچیز دانسته و معلوم. ادراک مطلق یا حصول صور اشیاء نزد عقل، چه آن‌که نفس معلوم باشد، که علم حضوری است و یا به واسطه، معلوم باشد که علم حصولی است. یقینی باشد یا وهمی و شکی، علم به کُنْه یا به وجه (معین، ۱۳۸۱ ش، مدخل علم).

۱-۲. مفهوم اصطلاحی علم:

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه علم را به حجت عقلی تفسیر کرده است و می‌گوید: «و المقابله بین العلم و الهدی و الكتاب تلوح بان المراد بالعلم ما هو مكتسب من حجه عقليه» (طباطبایی، سید محمدحسین، «المیزان فی

نهضت اسلام و شکل‌گیری جامعه اسلامی عصر پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شده و فهم آن مستلزم نسل‌های بعدی از فضاهاى نزول آیات و آگاهی از قراین پیوسته و ناپیوسته متن قرآن می‌باشد.

۱. مفهوم علم:

۱-۱. مفهوم لغوی علم:

«علم» واژه‌ای عربی است که از ریشه علم به معنای آموزش، مشتق شده و در لغت به معنای یقین، معرفت و دانش و دریافت آمده است (دهخدا، ۱۳۴۵ ش، ذیل ماده علم). ابن فارسی علم در لغت را این‌چنین بیان کرده است: «علم: العین و اللّام و المیم اصل صحیح واحد یدل علی اثر بالشیء یتمیز به عن غیره» (ابن فارس، ۱۳۸۷ ش، ص ۶۶۳). در قرآن کریم در برخی موارد آن‌چه که به وسیله استدلال عقلی به دست آمده است «علم» نام برده است، از جمله آیه شریفه: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً وَ مِنَ النَّاسِ مَنْ يَجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَ لَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ﴾ (لقمان / ۲۰). «برخی از مردم بی‌خبر از کتاب روشن از روی جهل و گمراهی در دین خدای متعال مجادله می‌کنند». در اصطلاح عامیانه، این کلمه در مورد هر نوع آگاهی که فرد در مورد محیط و مسائل پیرامون خود کسب می‌کند، اطلاق می‌گردد. بنابراین، هرچه میزان آگاهی و معلومات او بیشتر باشد، او را عالم‌تر می‌دانند. برخی علم را از حصر تک‌معنایی بیرون آورده، دارای دو معنای متفاوت دانسته‌اند و گفته‌اند عدم تمایز میان این دو معنا موجب پیدایش اشتباهات و مغالطاتی بزرگ خواهد شد: یکی علم به معنای علوم تجربی که منحصرأ به دانستنی‌هایی اطلاق می‌شود که از طریق تجربه مستقیم حسی به دست آمده باشند. علم در این جا، در برابر جهل قرار نمی‌گیرد، بلکه



بر دیدگاه خاص ایشان است که دایره معرفت یقینی و شناخت و آقعی انسان را، محدود به امور حسی و تجربی می‌پندارند و لذا اندیشیدن، در ماورای طبیعت را لغو و بی‌حاصل می‌دانند (همان، ج ۱، ص ۶۴). ۶- در اسلام «علم» معنای دیگری هم آمده است: علم نوری است مقتبس از مشکات نبوت در دل بنده مومن که بدان راه باید به خدا، یا به کار خدا، یا به حکم خدا (معین، ۱۳۸۱ ش، مدخل علم). مراد از علم در این نوشتار معنای پنجم می‌باشد. یعنی علوم قابل تجربه حسی که با شیوه آزمایش و خطا درستی یا نادرستی نظریه‌ها و قوانین حاکم بر طبیعت را بررسی می‌کند و در حقیقت علوم ظاهری هستند.

۲. اقسام علوم:

«علم» به معنای قدیم آن، هر نوع واقع‌بینی و جهان‌شناسی را که از راه‌های گوناگون (تجربه، وحی، تفکر) به دست می‌آید شامل می‌شود، از این رو در قدیم «علم»، مشتمل بر معارف حسی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی هم بود، ولی همان‌طور که در معنای اصطلاحی علم توضیح دادیم، این کلمه معنای جدیدی پیدا کرده و آن عبارت است از درک قوانین طبیعت براساس تجربه و مشاهده حسی. پس این اصطلاح، یک سیر طولانی را از معنای قدیمی حکمت یا فلسفه به معنای عام، تا علم تجربی خاص کنونی پیموده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶ ش، ص ۱۵۳).

۱-۲. اقسام علوم در عصر جدید:

الف- علوم ریاضی که با موضوع اندازه‌گیری مقادیر اعداد و اشکال سر و کار دارد. ب- علوم طبیعی (فیزیک، شیمی و طبیعی) که از خواص کلی ماده و کیفیات مربوط به حیات بحث می‌کند (و براساس مشاهده و تجربه به دست می‌آید). ج- علوم اخلاق که موضوع آن انسان است و شامل علم اخلاق خاص، علوم اجتماعی و

تفسیر القرآن»، ۱۳۷۲، ج ۱۶، ص ۲۲۹). (و مقابله‌ای که بین علم و هدی و کتاب انداخته، اشاره داد به این که مراد از علم آن حجت‌های عقلی است که با تحصیل و اکتساب به دست می‌آید). علم در اصطلاح معانی مختلفی دارد که ما برای روشن شدن مقصود خود اشارات مختصری به آن‌ها می‌کنیم: ۱- اعتقاد یقینی مطابق با واقع، در برابر جهل بسیط و مرکب، هرچند در قضیه واحدی باشد. ۲- مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آن‌ها در نظر گرفته شود، هرچند قضایای شخصی و خاص باشد و به این معنی است که علم تاریخ (دانستن حوادث خاص تاریخی)، علم رجال، و بیوگرافی شخصیت‌ها هم «علم» نامیده می‌شود. ۳- مجموعه قضایای کلی که محور خاصی برای آن‌ها، لحاظ شده و هرکدام از آن‌ها قابل صدق و انطباق بر موارد و مصادیق متعدد می‌باشد، هرچند قضایای اعتباری و قراردادی باشد؛ به این معنا علوم غیرحقیقی و قراردادی مانند لغت و دستور زبان هم علم خوانده می‌شود. ۴- مجموعه قضایای کلی حقیقی (غیرقراردادی) که دارای محور خاصی باشد و این، اصطلاح علوم نظری و عملی، از جمله الهیات و مابعدالطبیعه را دربرگیرد. ۵- مجموعه قضایای حقیقی که از راه تجربه حسی قابل اثبات باشد و این همان اصطلاحی است که پوزیتویست‌ها (مکتبی است که توسط آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸ م) بنیاد نهاده شده و ریشه او در اصالت حس هیوم بود که معرفت بشر را، محدود به تجربه حسی می‌داند) به کار می‌برند و براساس آن، علوم و معارف غیرتجربی را علم نمی‌شمارند؛ این اصطلاح امروزه در سطح جهان رواج یافته و طبق آن، علم را در مقابل فلسفه قرار می‌دهند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸ ش، ج ۱، صص ۶۳-۶۴). به کار بردن این اصطلاح از طرف پوزیتویست‌ها مبتنی



آیات قرآن مربوط می‌شود. برخی از مفسران با کوچک‌ترین مناسبتی آیه‌ای را به رشته‌ای از علوم مربوط کرده‌اند. مثلاً ابن ابی‌الفضل مرسی (متولد ۵۷۰ ق)، قرآن را با استناد به آیاتش دارای علم طب، جدل، هیئت، هندسه، جبر، مقابله و دانش‌های دیگر می‌داند و برای علم طب دو آیه مثال می‌زند. آیه شریفه: ﴿وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا﴾ (فرقان / ۶۷) و آیه ﴿شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ﴾ (نحل / ۶۹)؛ که آیه اول حفظ نظام صحت بدن و استحکام قدرت آن را بیان می‌کند که با اعتدال مزاج است و آیه دوم چگونگی سلامت بعد از بیماری را بیان می‌نماید (ذهبی، ۱۳۸۱ ش، ج ۳، صص ۱۴۴-۱۴۵). غزالی نیز از کسانی است که معتقد است در قرآن هفتاد و هفت هزار و دویست علم وجود دارد، زیرا برای هر کلمه علمی است و این علوم چهار برابر می‌شود؛ چون هر کلمه‌ای ظاهر و باطن و حد و مطلع دارد (غزالی، ۱۴۰۲ ق، ج ۴، ص ۲۸۹). حافظ ابراهیم در کتاب «الاشارات العلمیه فی القرآن الکریم»، آیات علمی قرآن را به چهار دسته تقسیم می‌کند و برای هر دسته نیز فروع می‌آورد: آیات علوم طبیعی، آیات فیزیولوژی، آیات علوم اجتماعی و انسانی و آیات علوم تصویری و ذهنی و مثلاً علوم فیزیولوژی را به علوم تشریح، وظایف اعضا، امراض و بیماری‌ها، علم حیوان‌شناسی و نباتات تقسیم می‌کند (رفیعی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۲). روشن است که این ادعا و تقسیم‌بندی درباره برداشت و دیدگاه مفسر از قرآن کریم است و به‌طور حتم قرآن کریم بر تمام علوم بشری با تمام جزئیات دلالت ندارد و اصولاً طرح این مطلب عظمتی برای قرآن محسوب نمی‌شود (رفیعی محمدی، ۱۳۷۹ ش، ج ۱، ص ۱۱۹).

علوم تاریخی است (سیاسی، ۱۳۳۶ ش، صص ۲۵۸-۲۵۷). در این تقسیم‌بندی مباحث الهیات در تقسیم علوم جای نگرفته است.

۲-۲. اقسام علوم براساس روش و سیاق:

در این تقسیم‌بندی، علوم به چهار گروه منقسم می‌شود: الف- علوم تجربی: شامل دو قسم است: اول؛ علوم طبیعی مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ... دوم؛ علوم انسانی، مانند جامعه‌شناسی، اقتصاد ... روش این علوم، براساس مشاهده و تجربه حسی است. ب- علوم عقلی: این نیز شامل دو قسم است: اول؛ علوم منطقی و ریاضیات. دوم؛ علم راجع به واقع، یعنی فلسفه. ج- علوم نقلی: مانند علم تاریخ، لغت و ...

د- علوم شهودی: که با علم حضوری، به‌دست می‌آید؛ مانند علوم پیامبران (ع) و عرفا. این طبقه‌بندی کامل‌ترین تقسیم علوم است که تاکنون ارائه شده است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، صص ۳۴-۳۵).

۳. طیف آیات علمی در قرآن کریم:

آیات علمی، آیانی در قرآن کریم هستند که اشارات مکرر به مسائل هستی و پدیده‌های طبیعی دارند. اما باید دانست که قرآن کتاب هدایت برای انسان‌هاست و حاوی تمامی چیزهایی است که بشر در حوزه ایمان و عمل به آن‌ها نیاز دارد. یکی از این اهرم‌ها، دعوت مردم به تفکر و تعمق در درون پیرامون خویش است. این آیات به‌منظور پی‌بردن به قدرت و عظمت الهی و خضوع و کرنش انسان در برابر خالق هستی نازل شده است. صدها آیه در قرآن کریم به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم به علوم طبیعی و هستی‌شناسی اشاره دارد. درباره تعداد این آیات بین مفسران اختلاف است. برخی تعداد آن را ۸۰۰ آیه، برخی هزار آیه یا بیشتر و کمتر گفته‌اند (رفیعی محمدی، ۱۳۸۶ ش، ص ۳۲). این اختلاف به نوع برداشت و بینش مفسر از



متناسب با موضوعاتی چون اکتشاف اتم، قانون جاذبه، گردش زمین، قوانین هندسه و ... تأویل و تفسیر کرده‌اند که نه در عصر بعثت و صدر اسلام به اندیشه هیچ عربی خطور کرده و نه چنان بوده است که کسی از صحابه، شمه‌هایی از آن‌ها را دریافته و از قرآن برداشت کرده باشد» (عبدالرحمن، ۱۳۷۶ ش، صص ۹۲-۹۳).

۳-۴. دیدگاه سوم: اعتدال قرآن:

در این دیدگاه، علوم بشری در ظواهر قرآن وجود ندارد و هدف اصلی قرآن نیز هدایت‌گری و رساندن انسان به کمال مطلوب الهی است؛ از طرف دیگر، قرآن کریم به تفکر و علم دعوت می‌کند؛ چنان‌که به برخی مطالب علمی اشاره عرضی می‌کند که بیانگر وجود علوم تجربی در قرآن است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶ ش، صص ۳۹-۳۸).

۵. الصاق علوم تجربی نامعتبر به قرآن کریم:

در فصل گذشته به بحث و بررسی در مورد وجود علوم تجربی در قرآن کریم اشاره شد و هم‌چنین این بحث هم پیش کشیده شد که مفسرین و علمای شیعه به چند گروه تقسیم می‌شوند که گروهی از آنان مخالف تجربی بودن علوم در قرآن هستند و برخی نظر میانه‌ای دارند که علوم تجربی در قرآن وجود دارد اما گروهی افراطی هستند و معتقدند که تمام علوم تجربی جهان در قرآن بیان شده و با تفسیراتی غیرعقلانی برخی از این علوم را به قرآن نسبت داده‌اند که گاهاً موجب تمسخر آیات شریفه قرآن کریم می‌شود. در بحث‌های پیشین که ارائه شد و مقایسه‌ای که بین آیات قرآن و علوم تجربی نوین گردید آیات قرآن کاملاً منطقی و واضح به آن علوم تجربی اشاره کرده بود. اما برخی از مفسرین و علمای متعصب سعی در القای این مطلب دارند که قرآن کتابی کاملاً تجربی است که هر آیه‌اش تفسیری

۴. دیدگاه‌های مهم در مورد وجود علوم تجربی در قرآن کریم:

سه دیدگاه درباره علمی بودن قرآن وجود دارد. گروهی افراطی هستند که معتقدند که تمام علوم بشری در قرآن کریم وجود دارد. گروهی دیگر وجود علوم تجربی را در قرآن کریم انکار می‌کنند و گروه دیگر میانه‌رو هستند.

۱-۴. دیدگاه اول: وجود همه علوم بشری در قرآن

حامیان این دیدگاه، برای پاسداری از قرآن، تلاش می‌کنند با دلایل نقلی، آیات وحی را بر دستاوردهای علوم تجربی منطبق کنند. ابوحامد غزالی در کتاب احیاء العلوم و جواهر القرآن، طنطاوی جوهری در الجواهر فی تفسیر القرآن و ... سرسختانه به این دیدگاه معتقدند. آن‌ها بی‌محبا با انگیزه دفاع آیات الهی را به پیشرفت‌های علمی پیوند می‌زنند. دانشمندان و مفسران واقع‌بین اسلامی، روش آن‌ها را نادرست می‌دانند. آنان در نكوهش اشخاصی نظیر طنطاوی چنین گفته‌اند: «وی به دلیل آن که در زمانه‌ای که می‌زیست، علوم غربی، تازه به مصر راه یافته و فرهنگ اروپایی بر افکار مسلمانان سیطره پیدا کرده بود و او به گمان خود، برای آن که مسلمانان را از فریفتگی در برابر فرهنگ غرب بازدارد، در اثر تفسیری خویش بسیار کوشید تا بسیاری از مسائل علمی را با آیات قرآن تطبیق دهد» (مصباح یزدی، صص ۲۲۶-۲۲۷).

۲-۴. دیدگاه دوم: قرآن کتاب علوم تجربی نیست:

پیروان این دیدگاه معتقدند که قرآن فقط کتاب هدایت و دین است و برای بیان مسائل علوم تجربی نیامده است. از متقدمین، ابواسحاق شاطبی و از متأخرین، عایشه بنت الشاطبی طرفداران چنین دیدگاهی هستند. بنت الشاطبی می‌گوید: «برخی در عصر حاضر آیاتی از قرآن را



کفر و ایمان سخن می‌گوید. ب- جمعی دیگر به پیروی از روایات متعدد، او را یک انسان فوق‌العاده می‌دانند که افشاگر است و در روایات متعددی بر شخص امیرالمومنین (ع) تطبیق شده است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۵، ص ۵۵۲).

۲-۵. بمب اتم و هواپیماهای جنگی:
قال الله تعالی: ﴿وَالْمُرْسَلَاتُ عُرْفًا فَالْعاصِفَاتُ عَصْفًا﴾ (مرسلات/ ۲ و ۱). «قسم به رسولانی که از پی هم (بر خیر و سعادت خلق) فرستاده شده‌اند، قسم به فرشتگانی که به سرعت تندباد، به انجام حکم حق می‌شتابند و قسم به آنان که (وحی و شرع الهی) را در جهان نیکو نشر می‌دهند». سید قطب در کتاب فی ظلال القرآن، می‌گوید: «تفسیر این آیات به هواپیماهای جنگی که همراه بمب‌هایشان به سرعت می‌روند و در میدان‌های جنگ و بر اهالی و ساکنان شهرها اعلامیه‌هایی برای دعوت، یا خبر دادن (طبق نظر دولت خود) می‌ریزند و با ایجاد ترس و رعب جمعیت‌ها را پراکنده می‌کنند و ... یک تفسیر انحرافی است چن خداوند به پنج قسم از مخلوقاتش، قسم می‌خورد که کاملاً غامض است و همین‌ها مناسب قسم، برای عالم غیبی است و حتی گذشتگان در تفسیر این آیات چند قول دارند که بعضی گفته‌اند، بادها منظور است، بعضی گفته‌اند، منظور ملائکه است و بعضی تفصیل قائل شده‌اند» (شاذلی، ۱۳۸۶ ش، ج ۶، ص ۳۷۹). و در مورد آیات شریفه سوره معارج: ﴿يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ وَ تَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ...﴾ (معارج/ ۸-۱۸)، می‌گویند: «منظور روزی است که هواپیماها و بمب‌های قابل انفجار ظاهر می‌شود و منظور فروپاشی کوه‌ها، با دینامیت، بمب‌های اتم و هیدروژنی است که جدیداً اختراع شده و همه کوه‌ها، ساختمان‌ها، درختان، انسان، حیوانات و گیاهان را مانند ذرات

تجربی در پی دارد که به برخی این علوم تجربی و آیات اشاره می‌کنیم.

۱-۵. ماه‌های مصنوعی (ماهواره و صنعت و علوم فضایی):

قال الله تعالی: ﴿وَ إِذَا وَقَعَ الْقَوْلَ عَلَيْهِمْ، أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ تُكَلِّمُهُمْ﴾ (نمل/ ۸۲) «و هنگامی که وعده (عذاب کافران) به‌وقوع بپیوندند، جنبنده‌ای از زمین برانگیزیم که با آنان سخن گوید». بعضی از افراد این آیه را در مورد قمرهای مصنوعی (ماهواره) دانسته‌اند. عبدالرزاق نوفل می‌گوید: «این دابه (جنبنده) همان قمرهای مصنوعی است که از زمین خارج می‌شود و از آن سخنان الحادآمیز گفته می‌شود» (نوفل، ۱۳۹۳ ق، صص ۲۱۲-۲۱۶). باتوجه به این‌که لغت دابه به‌معنای موجود زنده است و این تفسیر با معنای لغوی و اصطلاحی آیه، سازگاری ندارد و به‌علاوه آیه در مورد نشانه‌های قیامت است؛ این نوع تفسیر از آیات، تحمیل بر قرآن محسوب می‌شود. بدین‌جهت که تفسیر مجمع‌البیان، آیه را در مورد آمدن عذاب الهی دانسته است. از طرف دیگر، روایات متعددی در مورد «دابه» وارد شده که منظور یکی از نشانه‌های قیامت است که در آن هنگام، تکلیف برداشته و توبه قبول نمی‌شود (طبرسی، بی‌تا، ج ۷، صص ۲۳۲-۲۳۵). صاحب تفسیر نمونه می‌گوید: «دابه به‌معنای جنبنده اعم از انسان و غیرانسان است ... و قرآن به‌طور سربسته از آن گذشته، گویی بنا بر اجمال و ابهام بوده، تنها وصفی که برای آن ذکر کرده این است که با مردم سخن می‌گوید افراد بی‌ایمان را اجمالاً مشخص کند، ولی در روایات اسلامی و سخنان مفسران دو تفسیر در مورد آن وارد شده است: الف- گروهی آن را یک موجود جاندار و جنبنده غیرعادی از غیر جنس انسان با شکلی عجیب دانسته‌اند که در آخرالزمان، ظاهر می‌شود و از

هوا می‌کند که در سال ۱۹۴۵ میلادی در بعضی شهرهای ژاپن، در جنگ جهانی دوم، صورت گرفت و این روزی است که افراد از مادر و پدر خود فرار می‌کنند» (همان). این در حالی است که هر انسان سالمی، اگر سوره معارج را یک مطالعه سطحی کند، پی خواهد برد که این آیات در مورد روز قیامت است که خداوند وعده آن را به انسان‌ها داده است. و تطبیق آن بر بمب اتم و هیدروژن آن هم به صورت قطعی، یک تفسیر نادرست است زیرا نوعی تحمیل بر قرآن است که منطقی و عقلی نیست.

۳-۵. ملائکه و میکروب:

در تفسیر آیه شریفه: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنَحَهُ مِثْنَىٰ وَثَلَاثَ وَرُبَاعَ يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ﴾ (فاطر / ۱) «سپاس خدایی راست که آفریننده آسمان‌ها و زمین است و فرشتگان را رسولان پیامبران خویش گردانید و دارای دو، سه و چهار بال و پر (قدرت) قرار داد. او هر چه بخواهد در آفرینش بیفزاید». بعضی برخلاف معنای لغوی و بدون توجه به تفسیر این آیه، این‌گونه می‌گویند: «پس میکروب‌ها از رسولان خدا در این عالم هستند و جایز است آن‌ها را ملائکه بنامیم. بعضی میکروب‌ها (ملائکه) امراض ایجاد می‌کنند و بدن مردگان، از هم پاشیده نمی‌شود، مگر با میکروب‌ها و ... اگر روح جزء ماده می‌شود و متحد با جسم، پس بعید نیست که خروج روح انسان، به وسیله میکروب‌ها باشد و بر همین مطلب آیه‌ای دیگر حمل می‌شود که: ﴿وَلَوْ لَو تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمَرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوا أَيْدِيَهُمْ أَمْحَرُوا أَنْفُسَهُمْ﴾ (انعام / ۹۴) «اگر ببینی هنگامی را که افراد ستمکار، در مراحل سخت مرگ هستند و ملائکه برای قبض روح آن‌ها، دست برآوردند و (گویند) جان از بدن به در کنید». چون موقع مرگ و غمرات، جسم انسان، در

شدیدترین حالت است و آن موقع از هم پاشیدن بدن است و دست گشادن ملائکه، کنایه از میکروب‌هایی است که با بدن آن‌گونه می‌کنند و زبان حال آن‌هاست. و آیه یک شریفه سوره فاطر هم که بال‌های فرشتگان را ذکر می‌کند، ممکن است بر میکروب‌ها تطبیق شود، زیرا بعضی میکروب‌ها مانند میکروب وبا، دارای شاخ و برگ هستند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶ ش، صص ۴۳۷-۴۳۶). این‌گونه تفاسیر و نسبت دادن علوم تجربی که در قرآن کریم به آن اشاره‌ای نشده است، باعث می‌شود انسان از حقایق دور گردد و به سمت تفسیر مادی کشیده و وارد حوزه مادیات و اصالت حس شود.

۴-۵. بارهای الکتریسته منفی و مثبت (الکترون

و پروتون) در قرآن کریم:

خداوند متعال در آیه شریفه می‌فرماید: ﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلًا خَفِيًّا﴾ (اعراف / ۱۸۹) «اوست خدایی که همه شما را از یک تن آفرید و از او نیز جفتش را مقرر داشت، تا به او انس و آرام گیرد؛ پس چون با او خلوت (نزدیکی) کرد باری سبک برداشت». عبدالرزاق نوفل در ذیل این آیه می‌گوید: «آیا این‌ها همان پروتون‌ها و الکترون‌ها نیستند که مثبت و منفی هستند؟ یعنی نفس واحد زوجیت جنس بین مثبت و منفی». بر همین مطلب آیه اول سوره نساء: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا﴾ و آیه ۸۹ سوره انعام: ﴿هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ﴾ را حمل می‌کند. و سپس می‌گوید: «دانشمندان گفته‌اند که، بار مثبت و منفی در پروتون و الکترون و مساوات آن‌ها موجب می‌شود، تا هر اتم باقی بماند و توازن، تعادل و سکون آن حفظ شود و هر اختلاف کوچکی، در بار آن‌ها موجب نابودی اتم می‌شود و این حقیقت را، قرآن در آیه ۱۸۹



انسان است چون نفوذ از اقطار، همانا داخل شدن در کره زمین و خارج شدن از طرف دیگر آن است که موجب برخورد با مواد مذاب داخل زمین می‌شود، از این رو به دنبال آیات می‌فرماید: «يُرْسَلُ عَلَيْكَ شَوَاطِلٌ مِّن نَّارٍ وَ نَحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ» «بر سر ما شراره‌های آتش و مس گداخته، فرود می‌آورد و یاری نمی‌شوید». و اما نفوذ در آسمان‌ها، منظور عبور از خورشیدها، ستارگان و غبارهای کیهانی است که شدت سوزاندن آن‌ها زیادتر است، ولی سفر به ماه، مریخ و زهره به معنای نفوذ در آسمان‌ها نیست (فندی، بی‌تا، صص ۱۲۵-۱۲۶). گروهی دیگر نیز گفته‌اند که: «سلطان در آیه به معنای برهان است و به معنای قدرت نیست، زیرا آیه در مقام تحدی و تعجیز است و با توجه به رد انتصار (کمک رساندن) در آیه، معلوم می‌شود منظور سفرهای فضایی نیست» (ابوحجر، بی‌تا، صص ۴۳۴-۴۳۷). در تفسیر مجمع البیان، این آیه را به معنای فرار از مرگ گرفته است و این معنا را که «فقط با قدرتی که خداوند بدهد، می‌توانید از اطراف زمین و آسمان‌ها فرار کنید» به عنوان یک قول ضعیف نقل می‌کند و سپس خود وی عدم امکان فرار را می‌پذیرند (طبرسی، بی‌تا، ج ۹، ص ۳۱۰). در تفسیر نمونه، چهار احتمال برای معنای آیه ذکر می‌کنند که عبارتند از: «الف- مربوط به قیامت باشد که انسان نمی‌تواند از چنگال عدالت الهی فرار کند. ب- منظور دنیا و سفرهای فضایی باشد. ج- هم اشاره به رستاخیز و هم نظر به دنیا باشد. یعنی نه در دنیا قادرید به اقطار آسمان نفوذ کنید و نه در قیامت قادرید. د- منظور نفوذ فکری و علمی، در اقطار آسمان‌ها باشد که با قدرت استدلال برای بشر امکان‌پذیر است. سپس معنای اول را ترجیح می‌دهند و می‌گویند بعضی اخبار موید آن است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش، ج ۲۳، ص ۴۹). علاقه به

سوره اعراف بیان داشته است که سبب سکون نفس را زوج او قرار داده است و این همان است که علم در مورد بار پروتون و الکترون می‌گوید» (نوفل، ۱۳۹۳ ش، صص ۱۵۶-۱۵۸). رضایی اصفهانی در بررسی این تفسیر علمی و تجربی نامعتبر از قرآن کریم می‌گوید: «عبدالرزاق نوفل فکر می‌کند که اتم و پروتون و الکترون، کوچک‌ترین ذره است درحالی‌که امروزه در فیزیک، ثابت شده که خود الکترون و پروتون از ذرات دیگری، به نام کوراک تشکیل شده‌اند. و این یک نمونه از تفسیر آیات قرآن با نظریات اثبات نشده (غیرقطعی) قرآن است. در این تفسیر مراعات الفاظ آیه (نفس و زوج) و معنای لغوی آن‌ها نشده و نوعی تفسیر به رأی صورت گرفته است، زیرا بدون قرینه عقلی یا نقلی، نظریات علمی را بر قرآن تطبیق و تحمیل کرده است. او توجه نکرده که آیه شریفه، می‌فرماید: جعل منها (از او زوجش را آفرید) درحالی‌که الکترون از پروتون به وجود نیامده است» (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶ ش، صص ۴۳۸-۴۳۹).

۵-۵. سفر به سیارت دیگر:

در تفسیر آیه شریفه: ﴿يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ فَانْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَانٍ﴾ (الرحمن / ۳۱) «ای گروه جن و انس، اگر می‌توانید از اطراف آسمان‌ها و زمین بگذرید (خارج شوید) پس بگذرید و نمی‌توانید مگر با قدرت». بعضی در تفسیر این آیه گفته‌اند که منظور قرآن، همان سفرهای فضایی است که دانشمندان علوم تجربی، امروزه به آن دست یافته‌اند و منظور رسیدن به سیارات دیگر است، بر این مبنا می‌توان گفت، قرآن قرن‌ها قبل از علوم، انسان را دعوت به مسافرت به فضا کرده است (خطیب، ۱۳۹۰ ش، ص ۲۵۰). برخی دیگر نیز در تفسیر آیه فوق گفته‌اند که منظور قرآن، بیان عجز



اطراف انسان را وادار به کندوکاو می‌کند. هرچند آیات قرآن کریم اشاره مستقیم به علوم تجربی مانند علوم طبیعی، زیستی، شیمی و فیزیک و ریاضی و پزشکی نمی‌کند اما قصد دارد با بیان این آیات انسان را به تفکر وسیع فراخواند که قرآن کتابی برای زندگی بهتر است. هرچند سرمایه علمی عظیمی در قرآن نهفته است، و رسیدن به این سرمایه در صورتی ممکن است که مسلمانان با تدبر در کتاب تکوینی خدا، یعنی طبیعت، برای فهم درست کتاب تشریحی او، یعنی قرآن، تلاش و حقایق هر دو را کشف کنند. البته این نیز نیاز به تفاسیر علمی درست دارد. نه تفاسیری با جبهه‌گیری‌های افراطی.

علمی و تجربی نشان دادن قرآن گاهی چشم انسان را بر روی نظریات دیگران می‌بندد. اگر مفسران دیگر هم مثل تفسیر نمونه، متذکر همه نظریات می‌شدند و سپس نظر قوی‌تر را انتخاب می‌کردند، تفسیر علمی آیه، مخدوش نمی‌شد و آنان نیز دچار تطبیق و تحمیل نظریات علمی و شخصی بر قرآن نمی‌شدند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۶ ش، صص ۴۵۲-۴۵۳).

نتیجه‌گیری:

قرآن کریم همواره انسان را به تفحص و جست‌وجو در عالم هستی دعوت می‌کند و پیوسته انسان را تشویق به تفکر و تعقل می‌نماید و با آوردن آیاتی مبنی بر تجربی بودن محیط

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، احمد، (۱۳۸۷ ش)، معجم مقاییس اللغة، قم؛ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۳. ابو جحر، احمد عمر، (بی‌تا)، التفسیر العلمی فی المیزان، بی‌جا.
۴. خطیب، عبدالغنی، (۱۳۹۰ ش)، اضاء من القرآن علی الانسان و نشأه الكون و الحیاه، دمشق؛ مکتبه دارالفتح.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۴۵ ش)، لغت‌نامه، تهران؛ دانشگاه تهران.
۶. ذهبی، محمدحسین، (۱۳۸۱ ش)، التفسیر و المفسرون، قاهره؛ دارالکتب الحدیثه.
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۱ ش)، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت؛ کتاب مبین.
۸. (۱۳۸۶ ش)، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، تهران؛ اسوه.
۹. رفیعی محمدی، ناصر، (۱۳۷۹ ش)، تفسیر علمی قرآن (بررسی سیر تدوین و تطور)، تهران؛ فرهنگ گستر.
۱۰. رفیعی محمدی، ناصر، (۱۳۸۶ ش)، سیر تدوین و تطور تفسیر علمی قرآن، قم؛ مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۱. سیاسی، علی اکبر، (۱۳۳۶ ش)، مبانی فلسفه، تهران؛ کتابخانه ابن سینا.
۱۲. شاذلی، سید قطب، (۱۳۸۶ ش)، تفسیر فی ظلال القرآن، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی.
۱۳. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۲ ش)، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران؛ ناصر خسرو.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، (بی‌تا)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه و تصحیح حسین نوری همدانی، تهران؛ فراهانی.
۱۵. عبدالرحمن، بنت الشاطی، (۱۳۷۶ ش)، اعجاز بیانی قرآن، مترجم: حسین صابری، تهران؛ انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. غزالی، محمدبن محمد، (۱۴۰۲ ق)، احیاء العلوم، بیروت؛ دارالمعرفه.
۱۷. فندی، محمدجمال الدین، (بی‌تا) السموات سبع، بی‌جا.
۱۸. کابلی، مهدی‌زاده و همکاران، (۲۰۰۹ م)، دانشنامه دیجیتال آریانا.
۱۹. عبدالکریم، سروش، (۱۳۷۵ ش)، علم چیست؟ فلسفه چیست؟، تهران؛ انتشارات حکمت.
۲۰. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۸۸ ش)، آموزش فلسفه، تهران؛ سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۱. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۷ ش)، معارف قرآن، قم؛ انتشارات در راه حق.
۲۲. معین، محمد، (۱۳۸۱ ش)، فرهنگ فارسی، به اهتمام: عزیزالله علیزاده، تهران؛ نشر ندا.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۴ ش)، تفسیر نمونه، تهران؛ دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. نوفل، عبدالرزاق، (۱۳۹۳ ق)، القرآن و العلم الحدیث، بیروت؛ دارالکتب العربی.

رابطه قرآن و علوم بشری

فرهان سعیدی فرا^۱ و محمدنبی احمدی^۱

۱- دانشکده علوم و قرآن ایلام

(نویسنده مسئول: marzi.adib0011@gmail.com)

چکیده

این پژوهش، در ارتباط با رابطه قرآن و علوم بشری می‌باشد. از آنجاکه قرآن کریم کتابی جامع و کامل بوده، جهت هدایت بشر و یکی از نیازهای بشر در فراگیری علوم مختلف می‌باشد، از این رهگذر قرآن کریم به این موضوع پرداخته است و انسان‌ها را به فراگیری علم و دانش فراخوانده است در این مقاله، در ابتداء به اهمیت قرآن توجه شده، سپس دیدگاه قرآن، در ارتباط با علوم تجربی، بیان شده، بحث عدم تعارض بین قرآن و علوم بشری مطرح، و به علومی که از قرآن کریم الهام گرفته شده که دانشمندان، آنها را کشف کرده‌اند. از جمله زوجیت اشیاء، حرکت زمین و کهکشان‌ها، عمل لقاح بادها، آب که علت پیدایش هر موجود زنده‌ای می‌باشد. در نهایت به این نتیجه منتهی می‌شود که خیلی از علوم بشری الهام گرفته از قرآن کریم می‌باشد

کلید واژه‌ها: قرآن کریم، علوم، علوم بشری، علوم تجربی، دانشمندان.

مقدمه

قرآن کریم، مورد توجه است؛ در مرحله اول، قرآن کریم، خیلی از علومی که بشر قدرت بر یادگیری و کشف آنها را نداشت به بشر تعلیم داد، توسط پیامبر اکرم (ص)، قرآن کریم همانند چراغی پرفروغ فراروی بشریت قرار دارد؛ تا راه روشن را بی‌ماید و از علم بهره وافر ببرد و در عمل بکوشد به آموخته‌های علمی خود عمل کند و آنها را در معرض استفاده دیگران قرار دهد.

اهمیت علم و دانش

یکی از گرایش‌های فطری انسان حقیقت‌جویی است و یکی از توانایی‌های انسان قدرت شناخت واقعیات است. شناخت خود و جهان پیرامون یا به عبارت دیگر خودآگاهی و دیگرآگاهی از ویژگی‌های انسان است. انسان با آگاهی از خویشتن، قادر می‌شود چیزهای دیگر را بشناسد و حتی خداشناس گردد. پیش از این، اهمیت خودشناسی را یادآور شدیم؛ اکنون تأکید می‌کنیم که خودشناسی مبدأ همه شناخت‌های ماست و کسی که خود را بشناسد: اولاً ضرورت

علوم بشری، از منظر قرآن کریم، یکی از مباحث مهم و مورد توجه می‌باشد، قرآن کریم، اگرچه قوانین کلی و اصولی را بیشتر مورد توجه قرار داده است، ولی از لایه‌لای آیات قرآن کریم اشاراتی هم به مسأله علوم شده است؛ اگرچه هدف اصلی قرآن کریم، هدایت بشر و آشنایی انسان با دستورات انبیاء الهی و رساندن انسان‌ها به سر منزل مقصود می‌باشد. خداوند تبارک و تعالی، روح بشر را با فطرت توحیدی آفریده، و آن را غیرقابل تبدیل معرفی می‌کند: «فطرتَ اللّٰهِ الّٰتِی فطَرَ النَّاسَ عَلَیْهَا لَا تَبْدِیْلَ لِخَلْقِ اللّٰهِ» (روم/ ۳۰) در همین رابطه پیام قرآن به پیامبر اکرم (ص) این است: خدای متعال آنچه که، توان علم به آن نداشتی به تو آموخت «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُن تَعْلَمُ» (نساء/ ۱۱۳) و به دیگران می‌فرماید «وَيَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره/ ۱۱۵). یعنی: به شما می‌آموزد آنچه را که نمی‌دانستید. علوم بشری، از نگاه



أوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ؛ (مجادله، ۱۱) خداوند کسانی را که ایمان آوردند و آنان را که علم داده شدند بسیار بلندمرتبه می‌فرماید. خداوند در مواضع فراوانی برتری عالم را نمایان ساخته است و در آیاتی به این برتری تصریح نموده است: قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ؛ (زمر، ۹) بگو آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ قرآن به علم‌آموزی تشویق و بلکه امر می‌کند: فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ؛ (نحل، ۴۳) پس اگر نمی‌دانید از آگاهان بپرسید. از پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله - روایت شده است که: خداوند چون برای کسی نیکی بخواهد او را عالمی ژرف نگر در دین می‌سازد؛ (فیض کاشانی، ۱۳۸۹: ج ۱، ص ۱۷) همچنین از ایشان نقل شده است: عالم هفتاد درجه از عابد برتر است (فیض کاشانی، ۱۳۸۹، ج ۱، ص ۱۸).

دلایل جاودانگی قرآن

الف. دلایل قرآنی

پاره ای از آیات مورد استناد عبارتند از:
 ۱- آیه من بلغ: «قل أي شيء أكبر شهادة قل الله شهيد بيني وبينكم و أوحى الي هذا القرآن لأنذركم به و من بلغ» انعام/۱۹ بگو چه گواهی بزرگ‌تر است (از گواهی خدا)، بگو خدا میان من و شما گواه است و وحی می‌کند به من آیات این قرآن را؛ تا با آن شما و هرکس از افراد بشر را که خبر این قرآن به او رسد بترساند. کوتاه‌ترین و رساترین و جامع‌ترین دلیل قرآنی بر جاودانگی وحی این آیه می‌باشد. قرآن وسیله بیم دادن (راهنمایی) شماست؛ یعنی کسانی که مورد خطاب مستقیم آن هستید و نیز کسانی که مورد خطاب مستقیم (مشافهه) نمی‌باشند (طباطبایی، ۱۳۶۰: ج ۷ ص ۳۷). اصل اعتبار و لزوم پذیرش وحی برای غیرمخاطبان مورد پذیرش مفسران این آیه می‌باشد، و مفهوم

شناخت‌های دیگر بر او آشکار می‌شود، زیرا به غایت وجودی خود پی می‌برد و به ضعف و کاستی بالفعل خویش آگاه می‌گردد و ضرورت شناخت مسیر و شیوه حرکت به‌سوی مقصد را در می‌یابد و ثانیاً شناخت‌های دیگر برای او ممکن می‌گردد. امیرالمؤمنین - علیه‌السلام - فرموده‌اند: کیف يعرف غيره من يجهل نفسه (خوانساری، ۱۳۸۴: ۵۶۵) کسی که به خویشتن جاهل است چگونه غیر خود را می‌شناسد. بنابراین اهمیت و امکان تحصیل علم و شناخت، از طریق خودشناسی بر ما آشکار می‌گردد و وقتی علم برای رسیدن به کمال و غایت وجودی انسان ضرورت و اهمیت داشته باشد، پرورش قوه درک حقایق نیز اهمیت خواهد داشت. قوه عاقله انسان هرچه در درک حقایق توانا تر باشد، مقصد و مسیر و موانع حرکت به‌سوی مقصد را بهتر می‌شناسد و امکان رسیدن به کمال را بیشتر فراهم می‌کند. و بالعکس، اگر قوه شناخت انسان کارآیی خود را از دست دهد، حرکت در مسیر کمال ناممکن می‌شود و گمراهی و هلاکت را در پی می‌آورد. این مطالب هم از طریق خودشناسی فهمیده می‌شود و هم کتاب و سنت آن را تأیید می‌کند. در قرآن کریم و روایات معصومین - علیهم‌السلام - در فضیلت علم و علم‌آموزی سخنان زیبایی وجود دارد که در اینجا برخی از آنها را ذکر می‌کنیم: شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُوا الْعِلْمِ قَائِمًا بِالْقِسْطِ؛ (آل عمران/۱۸) خدا که همواره به عدل قیام دارد گواهی می‌دهد که جز او هیچ معبودی نیست و ملائکه و صاحبان دانش نیز (شهادت می‌دهند). رسیدن به مرتبه درک توحید پروردگار و شهادت به آن، برای صاحبان علم امکان‌پذیر است و این در فضیلت و ضرورت علم به‌تنهایی کافی است. چون علم چنین ثمره دلپذیری دارد خداوند فرموده است: يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ

جاودانگی همین است. البته منظور از رسیدن وحی به گیرنده آن، دستیابی به عین الفاظ قرآن نیست، بلکه منظور رسیدن پیام و مفهوم قرآن با هر زبان ممکن می‌باشد. زمخشری از مفسران اهل سنت به نقل از سعید بن جبیر می‌گوید: کسی که قرآن به او برسد انگار که محمد (ص) را ملاقات کرده است (زمخشری، ۱۳۸۹: ج ۲ ص ۱۱). خلاصه اینکه با توجه به مفهوم این آیه وحی (قرآن) جهت انذار (راهنمایی) مخاطبان زبانی و مردم غیرمخاطب نازل شده است.

۲- آیه بعثت:

"هو الذی بعث فی الأمیین رسولاً منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و إن کانوا من قبل لفی ضلال مبین. و آخرین منهم لما یلحقوا بهم و هو العزیز الحکیم" جمعه/۲-۳ او کسی است که در میان جمعیت درس ناخوانده رسولی از خودشان برانگیخت تا آیاتش را بر آنها بخواند، و آنها را پاکیزه کند، و کتاب و حکمت بیاموزد؛ هر چند پیش از آن در گمراهی آشکاری بودند. و بر گروه دیگری که هنوز به آنها نپیوسته اند، و او عزیز و حکیم است. امی کسی است که نه می‌خواند و نه می‌نویسد و در اینجا منظور عرب معاصر پیامبر (ص) هستند؛ زیرا اندکی از آنها سواد خواندن و نوشتن داشتند. ویژگی این رسول این است که از جنس آنهاست. بنابر ظاهر آیه منافاتی میان اینکه پیامبر (ص) خود از امیین بوده و در میان آنها مبعوث شده باشد و از سویی مبعوث به غیر آنها هم شده باشد؛ ندارد. و اینکه به زبان عربی است به‌خاطر وظیفه تعلیم و تزکیه آنان است. به‌هرحال، مراحل اولیه دعوت به‌گونه‌ای است که در میان اعراب است. پیامبر (ص) وظیفه تزکیه یعنی رشد نیکی همراه با خیر و برکت با مزین شدن به اخلاق فاضله و رفتارهای نیک و تعلیم کتاب، یعنی بیان الفاظ آیات قرآن را، و تعلیم حکمت،

یعنی معارف حقیقی قرآن را میان قوم خود و دیگران که به آنها می‌پیوندند و پس از او می‌آیند؛ دارد. هیچ تفاوتی میان آیندگان و گذشتگان در وجود پیامبر به‌عنوان راهنمای زندگی آنان و پذیرش دستورات وی وجود ندارد. شمول دیگران غیر از اعراب معاصر پیامبر (ص) آن‌چنان واضح است که نیاز به توضیح بیشتر ندارد. بسیاری از مفسران ذیل این آیه حدیث معروفی از پیامبر (ص) نقل کرده‌اند که وقتی پیامبر این آیه را تلاوت فرمود، پرسیدند: اینها (لاحقان) کیانند؟ پیامبر (ص) دست خود را به شانه سلمان گذارد و فرمود: لوکان الإیمان فی الثریا لنالته رجال من هؤلاء. اگر ایمان در ثریا باشد مردانی از این گروه (ایرانیان) بدان دست می‌یابند (زمخشری، ۱۳۸۹: ج ۲ ص ۱۱)

۳- آیه تدبّر:

«أفلا یتدبّرون القرآن و لوکان من عند غیرالله لوجدوا فیهِ اختلافاً کثیراً» نساء/۸۲ آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؛ اگر از ناحیه غیرخدا بود اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند. تدبّر در لغت یعنی توجه به نهایت و پیامد کارها (طبرسی، ۱۳۸۹) و تدبّر در این آیه یعنی تأمل و دقت در هر آیه پس از آیه دیگر (طبرسی، ۱۳۸۹، ج ۲ ص ۱۲۴). قرآن مخاطبان خود را تشویق و ترغیب در تدبّر در آیات می‌کند؛ تا اینکه در هر حکم و حکمت آشکار و داستان و موعظه، آیات را در نظر بگیرید. علامه طباطبایی می‌نویسد: «از آیه مورد نظر، نتایج مهمی روشن می‌شود؛ نخست اینکه فهم عادی و معمولی آن را درک می‌کند. در ثانی در قرآن برخی آیات، دیگر آیات را تفسیر می‌کند، و سوم اینکه قرآن نسخ‌پذیر و ابطال‌پذیر نیست و نیازی به تکمیل و نه تهذیب ندارد. قرآن چون اختلاف نمی‌پذیرد؛ تفسیر و تحول در آن راه ندارد و لازمه این مطالب این است که محتوای قرآن یعنی؛ شریعت اسلامی تا



مسلمانان دانسته‌اند. در این مورد گوستالوبون علت انحطاط مسلمین را عدم انطباق اسلام با مقتضیات زمان می‌داند و می‌نویسد: «زمان عوض شد، تغییر کرد و مسلمان‌ها می‌خواستند باز اسلام را با همان خصوصیات در قرن‌های بعد نگاه دارند در صورتی که امکان نداشت. و به جای اینکه تعلیم اسلامی را رها کنند و مقتضیات قرن را بگیرند، تعلیم اسلامی را گرفتند و منحن شدند» (مطهری، ۱۳۸۹، ۵۸/۱). با توجه به این باورهای الحادی، دقت در عزت و بطلان ناپذیری کلام الهی ضرورت می‌یابد. چه بسا قرآن، پیشاپیش توجه به این شبهات و اتهام‌ها داشته و به مقابله با آن شبهات پرداخته است. تأکید قرآن بر عزت و شکست‌ناپذیری وحی، تأکید بر این حقیقت است که راه باطل از هیچ جهت به سوی آن باز نیست (مطهری، ۱۳۸۹: ۵۹). از هیچ سو بطلان و فساد به سراغ این کتاب بزرگ نیامده و نخواهد آمد. تناقضی در مفاهیم آن نمی‌باشد، نه چیزی از کتب و علوم پیشین بر ضد آن است و نه اکتشافات علمی آینده با آن مخالفت خواهد داشت. [۱۷] هیچ کتابی از کتاب‌های گذشته آن را باطل نمی‌کند و هیچ کتابی از کتاب‌های آینده آن را نسخ نمی‌کند. در خبرهایش از گذشته و آینده باطل گویی نکرده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰: ج ۲۰ ص ۲۹۷). البته این کیفیت نزول (حقانیت دائم حقایق قرآنی) توسط خدای حکیم، با علم نامحدود که دارای کمالات نامعین است طرح‌ریزی شده است، و اگر از سوی شخص دارای علم محدود پی‌ریزی شده بود پر از تناقض و اختلاف بود. ستایش او دائمی است؛ چون کلام حق گونه او دائم بوده و باطل نمی‌شود. فعلش (کلام وحی) متقن است و سستی (ابطال) در آن راه ندارد. [۱۹] و جاودانگی حقایق آن نشانه استواری آن و حکمت صاحب آن است.

روز قیامت مستمر و جاودان می‌باشد» (طباطبایی، ۱۳۶۰، جلد ۳، ص ۱۲۴).

۴- آیه عزت و شکست‌ناپذیری:

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّ لَهُمْ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ. لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَنْزِيلٌ مِنْ حَكِيمٍ حَمِيدٍ» فصلت/۴۱-۴۲ همانا آنان که به این قرآن که برای هدایت آنها آمد کافر شدند؛ [در جهنم ملاقات می‌شوند؛] در حالی که این کتاب به حقیقت عزت‌مند است و هرگز از پیش‌رو و پس آن حق، باطل نشود؛ زیرا آن، فرستاده خدای مقتدر و حکیم ستوده صفات است. این آیه و آیه پیشین، کفر و الحاد و انکار حق را به تصویر کشیده است. الحاد یعنی به بیراهه رفتن، که یکی از نمونه‌های آشکار آن دروغ بستن بر خدا و بر پیامبر (ص) و الغای آیات و تأویل نادرست آیات است. (همان، ج ۷ ص ۱۸). الحاد به قرآن، همان کفر به آیات است؛ با هدف ابطال حقایق قرآنی که در هر عصر و زمانی قالب و مصداقی خاص می‌یابد. در عصر حاضر این ادعای الحادی مطرح شده است که دین به‌عنوان امری ثابت (وحی جاودان) با تحول فرهنگ‌ها و آداب و مناسبت‌های فردی و اجتماعی همخوان نیست. شهید مطهری می‌نویسد: «افراد و طبقاتی هستند که این مسئله را واقعاً به‌صورت یک معمای لاینحل و به‌صورت یک تضاد آشتی‌ناپذیر می‌نگرند و معتقدند «اسلام» و «مقتضیات زمان» دو پدیده غیرمتوافق و ناسازگارند و از این دو حتماً یکی را باید انتخاب کرد؛ یا باید به اسلام و تعلیمات اسلامی گردن نهاد و از هرگونه نوجویی و نوگرایی پرهیز کرد و زمان را از حرکت بازداشت، و یا باید تسلیم مقتضیات متغیر زمان شد و اسلام را به‌عنوان پدیده‌ای متعلق به گذشته به بایگانی تاریخ سپرد» (همان، ج ۱۷ ص ۴۲۲). برخی سخن افراط‌گونه دیگری دارند که این ثبات وحی و تغییر زمانه را مایه عقب‌ماندگی

**۵- آیه حفظ:**

«إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ» حجر/۹
خداوند قرآن را در هر زمان و از هر زیادی و کمی
و تحریف و تبدیل حفاظت می‌کند (طباطبایی،
۱۳۹: ج ۱۷، ص ۴۲۵) و با توجه به کلمه
«حافظون» که قید زمان ندارد و حال و آینده را
در برمی‌گیرد، سازوکار حفاظت نظر به آینده نیز
دارد (زمخشری ۱۳۸۹، ج ۲ ص ۵۷۲). به این آیه
برای اثبات عدم تحریف قرآن استناد شده است؛
زیرا دلالت می‌کند بر اینکه قرآن از هرگونه
زیادی و کمی و نقص و تغییر و تحریف و تصرف
مصون است و این مصونیت تا ابد (همیشه) ادامه
دارد.

۶- پایداری و جهان شمولی بشارت‌ها، اندازها و پیام‌های قرآن:

«تبارک الذی نزل الفرقان علی عبده لیکون
للعالمین نذیراً» فرقان/۱ زوال ناپذیر و پایدار است
کسی که قرآن را بر بنده‌اش نازل کرد تا جهانیان
را بیم‌دهنده باشد. «و ما أرسلناک إلا کافّةً للناس
بشیراً و نذیراً و لکنّ اکثر الناس لا یعلمون»
سبأ/۲۸ و ما تو را نفرستادیم؛ جز برای اینکه
عموم بشر را بشارت دهی و انداز کنی؛ ولی بیشتر
مردم از این حقیقت آگاه نیستند. واژه «تبارک»
که بیان‌کننده پایداری ذات و صفات فرستنده
وحی است، حکایت از آن دارد که فرقانی که او
برای بیان حق و جداسازی حق از باطل
فروفرستاده نیز پایدار از نظر زمان و فراگیر نسبت
به همه ملت‌ها و جوامع بشری است. و لازمه این
پایداری، هم‌سویی با حقایق و واقعیت‌های هستی
و شکست‌ناپذیری در برابر دستاوردهای علمی و
عملی بشر در طول تاریخ می‌باشد، چنان‌که در
آیات متعددی از قرآن، رسالت پیامبر جهان و
پیام قرآنی برای همه جهانیان و خطاب‌های آن
متوجه مردم می‌باشد؛ از آن جمله: «یا ایها الناس
اعبدوا ربکم الذی خلقکم...» بقره/۲۱ «یا ایها

الناس کلوا ممّا فی الأرض حلالاً طیباً و لا تتبّعوا
خطوات الشیطان» بقره/۱۶۸ «یا ایها الناس قد
جاءکم برهان من ربکم» نساء/۱۷۴ همچنین در
شش آیه از قرآن، وحی قرآنی، ذکر برای جهانیان
معرفی شده است. این‌گونه خطاب‌ها همگانی و
فراگیر که نمونه آن در قرآن بسیار است، قرآن را
از محدودیت نسبت به زمان و مخاطبان عصر
نزول مبراً دانسته و جاودانگی‌ای به وسعت تمام
انسان‌ها و همه زمان‌ها برای قرآن مطرح کرده
است.

۷- توصیفات قرآن:

آیاتی فراوان، قرآن را با مشخصه‌های کلی و ویژه
معرفی می‌کند. قرآن خودش را به شفا، نور،
آشکار، رحمت، محفوظ، قیم، بهترین گفتار
(أحسن القول) و ... توصیف می‌کند. و این
اوصاف تأثیر پایدار آن را می‌رساند: «و نزل من
القرآن ما هو شفاء و رحمة» اسراء/۸۲ خدای
سبحان درباره قرآن نمی‌فرماید که قرآن، دارو
است، بلکه می‌گوید: او شفاست و اثر شفابخشی
آن قطعی است و هرکس به محضر قرآن بیاید و
آن را بفهمد و بپذیرد و عمل کند، به‌طور قطع
بیماری‌های درونی‌اش از بین می‌رود (طباطبایی،
۱۳۶۹: ج ۱۲ ص ۱۰۳). قرآن در جهات مختلف
نقش شفابخشی خود را ایفا کرده است؛ هم
ضعف‌ها و بیماری‌هایی را که مربوط به حکمت
نظری است با برهان، شفا می‌دهد و هم
مرض‌هایی را که مربوط به حکمت عملی است با
تهذیب و تصفیه دل بهبود می‌بخشد. قرآن
نسخه‌ای برای سامان بخشیدن به همه
نابسامانی‌ها، بهبودی خود و جامعه از انواع
بیماری‌های اخلاقی و اجتماعی است (طباطبایی،
۱۳۹۵: ۲۳۴) قد جاءکم موعظةً من ربکم و شفاء
لما فی الصدور» یس/۵۷ از سوی پروردگارتان
اندرز و شفا دهنده دل نازل شد.

**آیه پیراستگی قرآن از هر کاستی:**

«الحمد لله الذي أنزل على عبده الكتاب و لم يجعل له عوجاً. قيماً لينذر بأساً شديداً من لدنه» كهف/۱-۲ ستایش و سپاس مخصوص خداست که بر بنده خود این کتاب بزرگ را نازل کرد و در آن هیچ نقص و انحرافی نهد، تا با این کتاب، خلق را از عذاب سخت خدا بترساند. آیاتی که از آنها می‌توان به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، کمال، پایداری، فراگیری و جاودانگی پیام‌ها، رهنمودها، ایده‌ها و اصول قرآنی را استفاده کرد بیش از اینهاست و آنچه یاد شد تنها به‌عنوان نمونه می‌تواند مورد توجه قرار گیرد

۱- زوجیت در قرآن

قرآن کریم در آیاتی به زوجیت هر شیء اشاره میکند و می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَاراً وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجِينَ اثْنَيْنِ» (رعد/۳) او کسی است که زمین را گسترده و در آن کوه‌ها و نه‌رهایی قرار داد و از تمام میوه‌ها در آن دو جفت آفرید. خداوند متعال در آیات مختلف اشاره به زوجیت برای تمامی اشیاء می‌نماید و بیان می‌دارد که در زندگی انسان، حیوانات، نباتات، جامدات و ... زوجیت وجود دارد و هر کدام دارای نر و ماده هستند که از طریق عمل لقاح، بارور می‌شوند. اگر دانشمند معروف سوئدی، در قرن ۱۸ میلادی، موفق به کشف مسأله زوجیت در گیاهان می‌شود و بیان می‌دارد که جهان گیاهان، همچون حیوانات از طریق آمیزش نطفه نر و ماده بارور می‌شوند، قرآن در چهارده قرن قبل، آنرا بیان داشته است (شیرازی، ۱۳۷۰). زوجیت در همه اشیاء وجود دارد و از جمله در عالم اتم‌ها، امروزه روشن شده است که اتم از اجزاء مختلفی تشکیل شده، اجزائی که دارای بار الکتریسیته منفی هستند و الکترون نامیده می‌شوند و اجزائی که دارای بار الکتریسیته مثبت هستند و پروتون

نامیده می‌شوند، ممکن است مقصود از زوجیت دو جنس متقابل باشد، مانند شب و روز، آسمان و زمین، دریا و خشکی، نور و ظلمت و ... چنانچه در روایتی از امام رضا (ع) آمده است که خداوند اشیاء جهان را متضاد آفرید تا روشن شود، برای او ضدی نیست و آن‌ها را باهم قرین‌ساخته تا معلوم شود قرینی برای او نیست، نور را ضد ظلمت و خشکی را ضد تری، و خشونت را ضد نرمش، و سرما را ضد گرما قرار داده در عین حال اشیاء متضاد را جمع کرده و موجودات نزدیک به هم را ازهم جدا نموده تا این جدایی، دلیل بر جدا کننده، و آن پیوستگی دلیل بر پیوند دهنده باشد و این است معنای " و من كل شيء خلقنا زوجين" (حویزی، ۱۳۹۵: ۱۰۰)

۲- حرکت فلک‌ها

خداوند حکیم می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ» (انبیاء/۳۳) او کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر یک از آنها در مداری در حرکتند «آیه مذکور، اشاره به حرکت فلک‌ها دارد که در آسمان شناورند، منظور از حرکت خورشید، حرکت دورانی به دور خویش و یا حرکتی است که همراه منظومه شمسی دارد. گفته شده تمامی فلک‌ها در حرکتی شناورند که علم امروز به برخی از آنها رسیده است، ولی قرآن در هزار و چهارصد سال پیش بر آن اشاره نموده است. حرکت شهاب‌ها به‌سوی زمین و کنترل آن توسط نیرویی در برابر زمین و گازهای اطراف زمین و دیگر کرات، از شگفتی‌هایی هست که امروزه دانشمندان بر برخی از آنان آگاه شده‌اند. کرسی مورسین می‌گوید «اگر هوای محیط زمین اندکی از آنچه هست رقیق‌تر می‌بود اجرام سماوی و شهاب‌هایی که هرروز به‌مقدار چند میلیون عدد به آن اصابت می‌کنند و در همان فضای خارج منفجر می‌شود، دائماً به سطح زمین



۵- آب مایه حیات

خداوند متعال می‌فرماید: **وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ** (انبیاء/ ۳۰) پیامبر اکرم فرمود: «كُلُّ شَيْءٍ خُلِقَ مِنَ الْمَاءِ هِرْچِيزِي از آب آفریده شده است (محمدباقر مجلسی، ۱۴۰۳ ق: ۵۴/ ۲۸۰، ش ۱۷۰). طبق آیه شریفه و فرموده پیامبر اکرم (ص)، همه موجودات منشأ هستی خود را از آب گرفته‌اند، مرحوم صدوق از جابرین جعفی - که از بزرگان تابعین به‌شمار می‌رود - از امام باقر (ع) پرسش‌هایی دارد، از جمله در رابطه با آغاز آفرینش جهان می‌پرسد، امام در جواب می‌فرماید: نخستین آفریده‌ای که خداوند خلق کرد، چیزی است که تمامی اشیاء از آن است و آن آب است (محمدبن علی بن‌الحسین، ۱۳۴۶).

نتیجه‌گیری

از مجموع آنچه تحقیق شد به این نتیجه می‌رسیم علوم بشری از منظر قرآن کریم یکی از مباحث مهم و درخور توجه می‌باشد که بشریت در طول قرون مختلف و سالیان متمادی از برکت قرآن کریم به خیلی از علوم دست‌یافته است، به‌خصوص دانشمندان مسلمان اگرچه قرآن کریم کتاب هدایت بشر است، اما در لابه‌لای آیات آن، اشارتی به مسائل علمی هرچند گذرا دارد. همین انگیزه شده برای دانشمندان جهت بهره‌برداری از آیاتی که به‌گونه‌ای مسائل دقیق علمی در آن‌ها مطرح شده است. از جمله حرکت زمین، باروری درختان به‌وسیله بادهای، کیفیت خلقت انسان و تطورات آن، دو بعدی بودن انسان که تشکیل شده از جسم و روح و علوم مختلف پزشکی، و روانپزشکی و روانشناسی که هرکدام به‌نوبه خود با جسم و جان آدمی سروکار دارند. خیلی از علوم بشری امروزه الهام گرفته از علوم قرآنی است از جمله طبیعت، یعنی زمین، آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، باران، جریان باد، حرکت کشتی‌ها

می‌رسیدند و هر گوشه آن‌را مورد اصابت قرار می‌دادند (کرسی، ۱۳۵۴).

۳- عمل لقاح بادهای

خداوند کریم می‌فرماید: «وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاقِحَ» (حجر/ 22) ما بادهای را برای تلقیح فرستادیم «آیه شریفه اشاره دارد که برخی از درختان و ... برای بارور شدن نیاز به عمل لقاح، بادهای دارند. از این‌روی بادهای بارور کننده‌اند. آیه شریفه، می‌تواند اشاره به تلقیح گیاهان به‌وسیله بادهای و گرده‌افشانی باشد. زیرا بادهای نقش مهمی در انتقال گرده‌های نطفه‌نر و بارور ساختن گیاهان دارد، همچنان‌که آیه شریفه می‌تواند اشاره به عمل لقاح ابرها توسط بادهای باشد که موجب نزول باران است. زیرا در ادامه آیه از نزول باران سخن گفته شده است، اینکه کشاورزان در نخلستان‌ها از گرد نخل نر می‌گیرند و به نخل‌های ماده می‌پاشند که بارور شوند می‌تواند، ملهم از همین آیه شریفه باشد.

۴- گهواره بودن زمین

خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا» (طه/ ۵۳) همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راه‌هایی در آن ایجاد کرد. خداوند زمین را تشبیه می‌کند به هم چون گهواره که مکانی است آماده برای نشستن و خوابیدن، در آیه شریفه، زمین را مهد آرامش و آسایش قرار داده است و حرکت‌های وضعی و انتقالی آن بسیار آرام است و به‌واسطه کرویت زمین و قانون جاذبه آن، و همچنین قشر عظیم هوایی که اطراف آن را گرفته است می‌تواند محل آسایش و راحتی و مکان امنی برای زندگی باشد (مودب، ۱۳۷۹: ۵۸) نظریه حرکت زمین، نظریه‌ای است که قرآن کریم به آن اشاره کرده است، با ظرافت اگرچه امروزه بشر به آن رسیده و آن را به‌عنوان یک نظریه علمی مطرح کرده است.



نسبت به مطالعه دقیق‌تر آیات قرآن کریم جهت کشف مطالب علمی بیشتر می‌شود و سر تازگی و پویایی قرآن کریم، همین است که از طرف خداوند حکیم نازل شده و حکمت‌های علمی آن با مرور زمان شکوفا تر شده و غبار گذشت زمان بر چهره تابناکش نمی‌نشیند.

در دریاها، گیاهان، جانداران، هر امر محسوسی که بشر در اطراف خود می‌بیند، از صنایع مختلف در قرآن نام برده شد. از افلاک و کهکشان‌ها، زوجیت اشیاء، آب که مایه حیات و زندگی و منشأ پیدایش همه چیز است. به موازات پیشرفت علوم نیاز به قرآن بیشتر می‌شود. ابعاد تازه‌تری از اعجاز علمی قرآن آشکار می‌شود، و نیاز بشر

منابع

۱. شرح غرر الحکم و درر الکلم، ج ۴، ص ۵۶۵.
۲. آل عمران، ۱۸.
۳. مجادله، ۱۱.
۴. زمر، ۹.
۵. نحل، ۴۳.
۶. المحجۃ البيضاء، ج ۱، ص ۱۷.
۷. همان، ص ۱۸.
۸. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۳۷/۷.
۹. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۱/۲.
۱۰. این حدیث در تفسیرهای مجمع البیان، کشف الدر المنثور، فی ظلال القرآن و المیزان، ذیل آیه مورد نظر آمده است.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ناصر خسرو، ۱۲۴/۳.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۶/۵.
۱۳. همان، ۱۷/۵-۱۸.
۱۴. همان، ۱۷/۴۲۲.
۱۵. مطهری، مرتضی، اسلام و مقتضیات زمان، تهران، انتشارات صدرا، ۵۸/۱.
۱۶. همان، ۵۹/۱.
۱۷. زمخشری، الکشاف، ۲۰/۱/۴.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۲۰/۲۹۷.
۱۹. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، ۲۳/.
۲۰. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ۱۷/۴۲۵.
۲۱. زمخشری، الکشاف، ۲/۵۷۲.
۲۲. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ۱۲/۱۰۳-۱۶.
۲۳. طباطبایی، سید محمدحسین، قرآن در اسلام، تهران، دار الکتب الإسلامیه، ۲۳۴.
۲۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰) تفسیر نمونه. قم: انتشارات دارالکتب السالمیه. چاپ نهم
۲۵. حویزی، عبدالعلی بن جمعه (بی‌تا) تفسیر نورالثقلین. قم: چاپ علمیه.
۲۶. کرسی، موریسین (۱۳۵۴). راز آفرینش انسان. ترجمه محمد سعیدی. تهران: سازمان کتابهای جیبی.
۲۷. مؤدب، محمدرضا (۱۳۷۹). اعجاز قرآن. قم: چاپ احسن الحدیث.
۲۸. محمد بن علی بن الحسین (۱۳۴۶) توحید صدوق. بیروت: دارالمعرفه. افست از چاپ تهران.

جایگاه زنبور عسل و عسل در قرآن کریم و احادیث ائمه معصومین علیهم‌السلام

سامان مهدوی^۱ و علی آذر^۲

۱- گروه میکروبیولوژی، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول: S.mahdavi@iau-maragheh.ac.ir)
۲- استادیار و عضو هیئت علمی گروه شهرسازی و معماری، واحد مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی، مراغه، ایران

چکیده

قرآن کریم نیز در ۱۴۰۰ سال قبل به شفاف‌بخش بودن عسل اشاره کرده و در آیات سوره نحل اهمیت عسل و تولید آن توسط زنبور عسل را متذکر شده است و از آن به‌عنوان درمانی برای مردم یاد می‌کند. همچنین در سوره مبارکه محمد (ص) که به مومنان و نیکوکاران وعده بهشت داده است، در واقع عسل را نوعی خوراکی بهشتی نامیده است. عسل یک تغذیه کامل می‌باشد که حاوی انواع ویتامین‌ها و مواد معدنی است و دارای آنتی‌اکسیدان می‌باشد که باعث از بین بردن رادیکال‌های آزاد در بدن می‌گردد. عسل از قدیم‌الایام به‌دلیل اثرات چشمگیر تغذیه‌ای و دارویی مورد توجه حکما بوده است. بر اساس شواهد به‌دست آمده، یونانیان باستان تصور می‌کردند که خدایان چون خوراک بهشتی می‌خوردند، فناپذیر و ابدی گشته‌اند. در کتب مذهبی یهودی نیز از سرزمین موعود چنین یاد می‌کردند که در آن نهرهایی از عسل و شیر جاری است. در انجیل نیز از عسل و گیاهان دارویی به‌عنوان هدایای گران‌بهای طبیعت یاد شده است. پیامبر عظیم‌الشأن اسلام، حضرت محمد (ص) و ائمه اطهار (ع) نیز در احادیث مختلف بر مزایای خوردن عسل طبیعی بارها تأکید کرده‌اند. لذا در این مقاله که با رویکرد کیفی و مروری نوشته شده است، بر زندگی زنبور عسل و تأثیرات معجزه‌آسای تغذیه با عسل و تأثیرات درمانی آن در شفای امراض مختلف از دیدگاه مذهبی و پزشکی پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، احادیث، زنبور عسل، عسل، سلامتی.

مقدمه

آیورودا^۱ (یک سیستم دارویی جایگزین با سابقه تاریخی در شبه قاره هند است) عسل را به‌عنوان دارویی عجیب که توانایی افزایش طول عمر را دارد، تصدیق می‌کند. پوکی استخوان بیماری دیگری است که با مصرف منظم عسل می‌توان از بروز آن جلوگیری کرد. تحقیقات جدید تأثیرات مثبت عسل را در برابر موارد پیشرفته سرطان معده و استخوان موثر دانسته است. مصرف یک قاشق غذاخوری عسل با یک قاشق چایخوری پودر دارچین (سه بار در روز) علائم سرطان را در عرض یک ماه کاهش می‌دهد. عسل دارای چندین آنتی‌اکسیدان است که در برابر رشد سرطان موثر است. می‌توانید عسل را به‌تنهایی یا

عسل یک تغذیه کامل می‌باشد که حاوی انواع ویتامین‌ها و مواد معدنی است و حاوی آنتی‌اکسیدان می‌باشد که باعث از بین بردن رادیکال‌های آزاد در بدن می‌گردد. عسل پیری را به تأخیر می‌اندازد. به‌طور خلاصه، عسل یک غذای سالم و مفید برای افراد مسن، کودکان و بزرگسالان است. عسل مقوی مولتی‌ویتامین است، خاصیت ضد باکتری دارد و دارای آنتی‌اکسیدان است. تهوع، سرفه، سرماخوردگی و غیره با مصرف عسل قابل درمان است. افرادی که آسم دارند نیز می‌توانند از مصرف عسل روزمره برای سلامتی خود استفاده کنند.



زمینیان نیز از طریق زنبورعسل اعطا شده است. در دومین جایی که واژه عسل با کلمه نحل به کار رفته است در آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل در جزء ۱۴ قرآن کریم ذکر شده و در این آیات به خلقت زنبور عسل اشاره شده و جایگاه عسل در قرآن ذکر شده است، همچنین نشانه‌ای از آیات خداوند برای اهل فکر شمرده شده است. نامگذاری سوره نحل (زنبورعسل) نیز به احتمال زیاد به خاطر همین آیات است که درباره عسل در قرآن بیان شده است. در ادامه، عسل را مایه شفای مردم معرفی می‌کند. در واقع در قرآن دو چیز به عنوان شفابخش معرفی شده است؛ اولین شفابخش، قرآن کریم (سوره اسراء) و دومی عسل است. خداوند باری تعالی، قرآن را شفای روح و عسل را شفای جسم قرار داده است که مقایسه این دو آیه جای تامل بیشتری دارد. عسل غذایی معطر است که زنبور عسل آن را می‌سازد و حضرت محمد (ص) آن را درمانی برای تمام بیماری‌ها معرفی کرده است.

آیات مرتبط با جایگاه عسل در قرآن کریم

آیه ۶۸ سوره نحل: «وَأَوْحِي رَبِّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ. ترجمه (مکارم شیرازی): پروردگار تو، به زنبور عسل، وحی (الهام غریزی) فرستاد که از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند خانه‌هایی برگزین. این آیه دو پیام دارد : ۱- تلاش و حرکت حیوانات و انتخاب مسکن آنها بر اساس غریزه‌ای است که خداوند در نهاد آنها قرار داده است. «وَحِي رَبِّكَ إِلَى النَّحْلِ...» ۲- بهترین نوع عسل، عسل زنبورهای کوهستان است که از گل و گیاه کوهی استفاده می‌کنند. «اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ... و مِنَ الشَّجَرِ...» یکی از شگفتی‌های بیان شده در آیه ۶۸ سوره نحل این است که خداوند به زنبورعسل وحی فرستاده است. این یعنی که زنبور این فعالیت فوق‌العاده

همراه با شیر یا آب، با یا به‌همراه یک پیمانه پودر دارچین مصرف کنید. عسل را به یک عادت تبدیل کنید؛ این امر شما را سالم، قوی و پربار نگه می‌دارد. عسل ضد باکتری، ضد ویروس و ضد قارچ است و همه این خواص، آن را برای بهبود زخم‌ها، ایده‌آل می‌کند. همچنین به دلیل محتوای کم آب، زخم‌ها را به‌طور موثری خشک می‌کند در حالی که مقدار زیادی قند از رشد میکروارگانیسم‌ها جلوگیری می‌کند. عسل همچنین حاوی آنزیمی است که هنگام تماس با سطح مرطوب مانند زخم، ماده ضدعفونی‌کننده پراکسید هیدروژن را تولید می‌کند (Sampath Kumar, et al, 2010). عسل یکی از خاص‌ترین خوراکی‌هایی است که خداوند به‌وسیله زنبورعسل در اختیار انسان قرار داده است. این ماده شفابخش در فرهنگ اسلامی ریشه دوانیده و علت آن تاکید قرآن بر عسل است. در دو جا از قرآن در مورد عسل صحبت شده است که نشان از اهمیت این ماده خوراکی دارد. با توجه به اینکه در زمان پیامبر در عربستان گل زیادی وجود نداشته و عسل نیز به احتمال زیاد در آن منطقه تولید نمی‌شده، نازل شدن آیاتی در مورد زنبور و عسل فوق‌العاده است. جالب است که در این آیات متفکران به تفکر در مورد زنبور عسل و نحوه تولید عسل فراخوانده شده‌اند. موضوعی که باعث شده تا سالیان سال دانشمندان مسلمان و غیرمسلمان را به تفکر در عسل و زنبورعسل تشویق کند.

مبانی نظری

در قرآن کریم دو بار واژه عسل استفاده شده است. ابتدا در سوره مبارکه محمد (ص) در آیه ۱۵ خداوند در جایی که به مومنان و نیکوکاران وعده بهشت داده است، سخن از عسل پاک و ناب روان به‌میان آورده است. این بدان معنی است که در واقع عسل نوعی خوراکی بهشتی است که به

زیاد خود را به دستور پروردگار انجام می‌دهد و این پیچیدگی مسئولیت‌ها و انجام آن‌ها ناشی از همین وحی الهی است. در این آیه مسئولیت اولیه زنبور عسل، خانه‌سازی است. اولین اقدامی که جمعیت زنبور عسل انجام می‌دهد این است که اقدام به خانه‌سازی می‌کند، چراکه بدون ساخت خانه، ساماندهی و قانون‌گذاری غیرممکن است. شاید به همین علت است که بسیاری از مناسبات شهری انسان‌ها الهام گرفته از زنبور و قوانین موجود در کلنی است. در واقع این آیه نشان می‌دهد که شرط اول برای بقا و انجام ماموریت‌های سخت این است که سرپناه برای زنبور وجود داشته باشد، موضوعی که برای انسان‌ها نیز به همین منوال است. دومین ماموریتی که خداوند به زنبور وحی کرده است، مهمترین وظیفه او برای طبیعت است. گرده‌افشانی یکی از مهمترین و کاربردی‌ترین وظایف زنبور به‌شمار می‌رود که نمی‌توان به این سادگی از کنار آن عبور کرد. در صورتی که زنبور، کار گرده‌افشانی را به‌درستی انجام ندهد خیلی زود زمین به کویری خشک و بی آب و علف بدل می‌شود. در خلال این ماموریت، به زنبور دستور داده شده تا هر آنچه که در طبیعت به‌عنوان ثمره است که قطعا "پاک طیب نیز هست، تناول کند. اما در آخرین ماموریتی که به زنبور داده شده قرار است از درون بدن زنبور نوشیدنی مخصوصی خارج شود که رنگ‌های مختلفی دارد. شاید تا چند دهه گذشته درک این موضوع که عسل رنگ‌های مختلفی دارد کمی سخت بود اما امروزه با وجود عسل‌های تک گل، رنگ‌های مختلف عسل شناخته شده‌تر هستند.

آیه ۶۹ سوره نحل:

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلَّا
يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ
لِلنَّاسِ إِنَّفِي ذَلِكَ لَآ يَهْلُ قَوْمِي تَفَكَّرُونَ. ترجمه

(مکارم شیرازی): سپس از تمام ثمرات تناول کن، و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده به راحتی بپیمای، از درون شکم آنها نوشیدنی خاصی خارج می‌شود، به رنگ‌های مختلف، که در آن شفای مردم است در این امر نشانه روشنی است برای جمعیتی که اهل تفکرند. چند پیام می‌توان از آیه ۶۹ سوره نحل دریافت کرد: ۱- عسل، عصاره انواع میوه‌هاست. «کُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ...» ۲- نه تنها انتخاب مسکن و غذای حیوانات با هدایت الهی است، بلکه همه کارهای آنها راهی است که خداوند پیش رویشان گذاشته است. در کندو مقدمات مهاجرت برای اطاعت خدایی که سرنوشت زنبور عسل را در دست گرفته فراهم می‌شود «سَبِيلَ رَبِّكَ...» ۳- اعجاز خلقت: یک کارخانه عسل‌سازی در شکم حیوانی کوچک! «يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا...» ۴- عسل طبیعی به رنگ‌های مختلفی است. «مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ» (رنگ‌های سفید، زرد، قرمز، که شاید این اختلاف رنگ‌ها بر اساس اختلاف رنگ گل‌ها باشد. ۵- در گیاهان و گل‌ها، خواص درمانی است که از طریق عسل، شفای دردهای ما می‌شود. «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (ناگفته پیداست که عسل، شفای همه دردها نیست، لذا بصورت نکره «شِفَاءٌ» آمده است. ۶- تمام درس‌ها و عبرت‌ها، برای کسانی است که اهل فکر و اندیشه باشند «لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» وگرنه افرادی هستند که در تمام عمر از عسل استفاده می‌کنند ولی حاضر به چند دقیقه فکر درباره آن نیستند. نکته دیگری که در آیه ۶۹ سوره نحل وجود دارد این است که خداوند بعد از این که اختلاف تنوع رنگ‌ها را بیان کرد، خاصیت شفا بخشی عسل را نیز مطرح کرده و این امر نشان‌دهنده نوعی رابطه میان اختلاف رنگ‌ها با شفا بخشی عسل است که می‌توان آن را از اعجاز قرآن دانست، چراکه در علم جدید ثابت شده است تنوع رنگ‌ها در عسل به تنوع عناصر



ارتباط با خواص درمانی عسل آمده است. مصرف عسل و عسل درمانی جزئی از سیره ائمه اطهار بوده که در ادامه به برخی از این احادیث اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که در همه این موارد روش استفاده عسل کاملاً نقل شده است. در واقع این مطلب را باید خاطر نشان کرد که طب اسلامی بر اساس همین احادیث و روایات بنا شده است. امروزه با پیشرفت علم بر صحت مطالب مطرح شده در طب اسلامی افزوده شده و حتی از آن در درمان‌های آکادمیک هم استفاده می‌شود. حضرت محمد (ص) فرمودند: بر شما باد دو درمان عسل و قرآن. نزد من برای زن تازه‌زا درمانی همانند خرما و برای بیمار درمانی همانند عسل وجود ندارد. عسل چه خوب نوشیدنی است. قلب را مراقبت می‌کند و سردی سینه را از میان می‌برد. اگر در چیزی درمانی باشد، در نیشتر حجامتگر و نوشیدنی از عسل است. تن با سه چیز شاداب و پروریده می‌شود. بوی خوش، لباس ملائیم و نوشیدن عسل. حکایت مومن، مانند زنبور عسل است. جز پاک و پاکیزه نمی‌خورد و جز پاک تولید نمی‌کند. رسول اکرم (ص) فرموده‌اند: بهترین نوشیدنی‌ها عسل است که به قلب نشاط می‌بخشد و سینه را گرم می‌سازد و به قوه حافظه کمک می‌کند. پیامبر اکرم (ص) فرمودند: کسی که در هر ماه یک بار عسل بخورد به قصد شفایی که خداوند در قرآن درباره عسل فرموده است از خطر ۷۷ مرض مصون می‌ماند حضرت علی (علیه‌السلام): از هر علمی بهترینش را فراگیرید، همانا زنبور عسل از هر گلی زیباترینش را برمی‌گزیند. از او دو گوهر گرانبقدر تولید می‌شود، در یکی از آن دو (عسل) شفای درد مردم و در دیگری نور و روشنایی (موم) است. امام رضا (ع) فرمودند: هر که می‌خواهد در همه زمستان از سرما خوردگی دور بماند، هر روز، سه لقمه شهد (عسل) بخورد.

قندی موجود در گیاهان برمی‌گردد. نوع رنگ‌ها را در شفا بخشی عسل دخالت داده و این امر را به خود عسل نسبت نداده است. در حقیقت آنچه را زنبوران عسل از آن می‌خورند، بالقوه انواع میوه‌هایی است که به کمک آنها، شکل می‌گیرد و با این حال چه پرمعنی است کلمه "كُلِّ الثَّمَرَاتِ". زنبوران برای رسیدن به منطقه گل‌ها، گاهی راه خود را نشانه‌گذاری می‌کنند و از طریق پراکندن بوهای مختلف در مسیر راه، و مانند آن، چنان راه را مشخص می‌کنند که کمتر امکان دارد زنبوری سرگردان شود. جمله فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذُلًّا (در جاده‌های پروردگارت که رام و تسلیم تو است گام بگذار) گویا اشاره به این واقعیت است. عجیب اینکه سوره نحل، از سوره‌های مکی است و می‌دانیم در منطقه مکه نه گل و گیاهی وجود دارد و نه زنبوران عسل، ولی ارزش عسل در قرآن آنقدر بالاست که با این دقت و ظرافت از آن سخن می‌گوید و با تعبیر جالبی مانند يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ: "از درون زنبوران مایعی خارج می‌شود به رنگ‌های مختلف" حتی به ریزه‌کاری‌های ساختن عسل نیز اشاره کرده است. عسل را نباید در ظرف‌های فلزی ذخیره کرد، این مطلبی است که دانشمندان به ما می‌گویند و جالب اینکه قرآن به هنگامی که از زنبوران عسل سخن می‌گوید می‌فرماید " مِنَ الْجِبَالِ يُّوْتَأُ وَ مِنَ الشَّجَرِ وَ مِمَّا يَعْرِشُونَ " یعنی خانه‌های زنبوران عسل را تنها در سنگ‌ها و چوب‌ها خلاصه می‌کند. نکته مهم دیگر اینکه، برای رسیدن به خواص درمانی و بهداشتی عسل باید هرگز آن را حرارت ندهند و به صورت پخته در میان غذاهای دیگر استفاده نکنند، بعضی معتقدند تعبیر قرآن به شراب (نوشیدنی) در مورد عسل، اشاره به همین نکته است که آن را باید نوشید. در احادیث و روایات بسیاری، در



بیماری‌های زیاد مصون می‌ماند. در روایات نیز آمده است که امیرالمؤمنین علی (ع) گاهی اوقات روزه خویش را با عسل باز می‌نمودند.

برخی خواص درمانی فرآورده‌های زنبور عسل
به‌نظر می‌رسد یکی از دلایل تاکید قرآن بر تفکر بر روی زنبور عسل، خواص درمانی موجود در فرآورده‌های زنبور عسل باشد. وقتی در منطقه‌ای که در آن زنبور به‌ندرت یافت می‌شده صحبت از این حشره حیرت‌انگیز می‌شود، یعنی منظور، یک پیام جهانی برای تمام زمان‌هاست نه فقط مربوط به یک زمان خاص. هنوز و بعد از گذشت قرن‌ها با وجود تفکر و تحقیق و آزمایش در فرآورده‌های مختلف زنبور عسل، هنوز به‌تمام ویژگی‌های این فرآورده‌ها پی‌برده نشده است. در واقع بعضی مواد مثل ژل رویال که برای درمان نازایی و یا درمان سرطان‌های زنانه مورد استفاده قرار می‌گیرند، هنوز مواد ناشناخته بسیار زیادی دارند که هنوز علم آن‌ها و خواص آن‌ها را نشناخته است. حتی از ژل رویال در درمان کبد چرب نیز استفاده می‌شود بی‌آنکه تحقیقات در مورد آن تکمیل باشد. بره موم نیز از جمله مواردی است که از زمان‌های گذشته مورد بررسی قرار گرفته و دانشمندان ایرانی مسلمان ابوعلی سینا نیز در مورد آن سخن گفته است، اما هنوز از خواص فوق‌العاده آن اطلاعات جامعی در دست نیست. امروزه از این ماده در درمان کولیت، درمان سرطان، درمان فشارخون، درمان کم‌خونی، درمان سردمزاجی، درمان نازایی و یا تقویت قوای جنسی استفاده می‌شود، هرچند هنوز منشاء این خواص فوق‌العاده مشخص نیست. به‌نظر می‌رسد منشاء آن‌را باید در وحی الهی که به زنبور شده جست و جو کرد که نوعی پیام سری بوده است! خداوند متعال در آیه ۶۹ سوره نحل می‌فرماید که در عسل شفا قرار داده است. شفا به این معناست که شما با مصرف

خداوند برکت را در عسل قرار داده است. درمان دردها، در آن است و هفتاد پیامبر دوام سودمندی آن را از خداوند خواسته‌اند. اگر کسی به شما شربتبی از عسل را تعارف کرد رد نکنید. سه چیز حافظه را زیاد می‌کند و بلغم را از بین می‌برد، قرائت قرآن، عسل و کندر. هرکس در نطفه‌اش نقصانی پدید آمد، شیر یا عسل بخورد. خداوند متعال در عسل برکت گذاشته و شفای دردها را در آن قرار داده است. نمونه تفکر از نظر امام صادق (ع) درباره عسل و زنبور عسل: امام صادق (ع) شاگرد خود، مفضل را درباره عسل و زنبور عسل چنین وادار به تفکر می‌کند: "به زنبور عسل و اجتماعش در صنعت عسل‌سازی و تهیه خانه‌های شش ضلعی بنگر و آنچه را در جمع زنبوران از ظرائف و زیرکی‌ها می‌بینی، مسلماً چنانچه کار آنها را در مورد تامل و دقت قراردهی آن‌را شگفت و ظریف می‌بینی، وقتی کارهایشان را بنگری آن‌را عظیم و شریف و در ردیف کارهای انسان می‌یابی. ولی چون به خود زنبوران بنگری آنها را حتی نسبت به خویشان جاهل و نادان می‌یابی و در این، دلیل واضح و آشکاری است بر اینکه صواب و حکمت در این صنعت از آن زنبور عسل نیست، بلکه از آن کسی است که آن‌را با این طبیعت آفریده و این صنعت را در آن برای مصلحت انسان قرارداده است." امامان معصوم (علیه‌السلام) نیز در روایت‌های گوناگون، ارزش غذایی و خواص دارویی زیادی برای عسل بیان کرده‌اند. از امام صادق (علیه‌السلام) نقل شده است که پیامبر اسلام (ص) بسیار به عسل علاقه داشتند و فرموده‌اند: «عَلَيْكُمْ بِالشَّفَاءِ مِنَ الْعَسَلِ وَ الْقُرْآنِ» بر شماست که شفا را از عسل و قرآن بگیرید. حدیث دیگری از آن رسول (ص) وجود دارد که می‌فرماید: کسی که در هر ماه، سه بامداد عسل بخورد به قصد شفایی که خداوند متعال در قرآن کریم درباره عسل فرموده است از



عسل می‌توانید به مبارزه با بیماری‌های مختلف پرداخته و آن‌ها را مغلوب کنید. در واقع، عسل طبیعی دوی هر درد به حساب می‌آید و به صورت عمده برای بیماری‌های مختلف مورد استفاده قرار می‌گیرد. شفای مطلق به این معناست که خداوند در عسل طبیعی نیرویی قرار داده است که اگر به درستی مورد استفاده قرار گیرد درمان بیماری‌ها قطعی به نظر می‌رسد. البته نکته قابل تامل این است که شفایی که خداوند در مورد عسل طبیعی بیان کرده، مختص عسلی است ناب و خالص نه عسل‌هایی که عموماً در حال حاضر وجود دارد. عسلی که خداوند در قرآن کریم به عنوان شفا یاد کرده است، عسلی است طبیعی، بدون هیچ‌گونه عوارض جانبی که از نوشیدن شهد گیاهان و ثمرات آن‌ها بدست آمده است و هیچ‌گونه آلودگی و ناخالصی در آن راه نیافته است. این نوع عسل امروزه بیشتر در کوه‌ها و مناطق صعب‌العبور یافت می‌شود. جایی که نه زمین کشاورزی وجود دارد و نه بیمارستان و حتی انسانی که بتواند آلودگی را به زنبور و عسل پاک آن منتقل کند. پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «لم یستشف المریض بمثل شربة العسل» «هیچ مریضی، به مانند نوشیدن عسل شفاء پیدا نمی‌کند». واژه‌ی «شفاء» در قرآن، درباره‌ی خوردنی‌ها به کار نرفته است، مگر برای عسل. در زندگی زنبور عسل، شگفتی‌های فراوانی برای درس‌آموزی و عبرت‌اندوزی نهفته است که قرآن ما را بدان دعوت می‌کند. قرآن از وحی به زنبور عسل سخن به میان آورده که این نکته نشانگر شرافت و عظمت این حشره به ظاهر حقیر است. برخی بر این باورند که سه ویژگی منحصر به فرد در زنبوران عسل موجب شده خداوند آنان را شایسته دریافت مدال افتخار وحی کند: ویژگی تسکین‌دهی، غذایی سالم، محصولی طبیعی و دلپذیر همچنین از نیش زنبور عسل به علت

خاصیت قلیایی و اسیدی بودن آن در درمان بیماری‌ها، استفاده می‌کنند؛ خود عسل نیز خاصیت درمانی و همچنین مقدار کمی هم خاصیت ضد عفونی‌کنندگی دارد. روس‌ها، در جنگ جهانی دوم، از عسل برای پوشش زخم خود استفاده می‌کردند، به این ترتیب، زخم، رطوبت خود را حفظ می‌کرد و جای زخم ترمیم می‌شد. همچنین به دلیل غلظت عسل، قارچ یا باکتری در زخم رشد نمی‌کرد. به فردی که از حساسیت گیاه خاصی رنج می‌برد نیز عسلی که از همان گیاه ساخته شده است می‌دادند تا نسبت به آن حساسیت مقاوم شود. عسل از لحاظ قند و ویتامین K غنی است. بنابراین می‌توان برای بار دیگر تأکید کرد که دانش قرآن در رابطه با عسل، منشاء و خصوصیات آن بسیار از زمان خود جلوتر بوده است. این نکته امروز ثابت شده است که عسل هرگز فاسد نمی‌شود، یعنی از غذاهایی است که همیشه تازه و زنده به دست ما می‌رسد، و حتی ویتامین‌های موجود خود را هرگز از دست نمی‌دهد. علت این موضوع را دانشمندان وجود پتاسیم می‌دانند که در آن به طور فراوان وجود دارد و مانع رشد میکروب‌ها است، و علاوه بر آن دارای مقداری مواد ضد عفونی کننده مانند اسیدفورمیک نیز هست. لذا عسل هم خاصیت جلوگیری از رشد میکرب دارد و هم میکروب‌کش است و به همین جهت مصریان قدیم که از این خاصیت عسل آگاه بودند برای مومیایی کردن مردگان خود از آن استفاده می‌کردند. زنبورشناسان می‌گویند زنبور عسل برای رفع گرسنگی‌اش کافی است که دو و یا سه گل را بمکد، در حالی که در هر ساعت به طور متوسط روی دویست و پنجاه گل می‌نشیند و کیلومترها راه می‌رود و آن قدر پرکار است که در مدت عمر کوتاهش هریک مقدار معتنابهی عسل تولید می‌کنند و به هر حال این تلاش و فعالیت



عسل یک تغذیه کامل می‌باشد که حاوی انواع ویتامین‌ها و مواد معدنی است و حاوی آنتی‌اکسیدان می‌باشد که باعث از بین بردن بردن رادیکال‌های آزاد در بدن می‌گردد. عسل پیری را به تاخیر می‌اندازد. به‌طور خلاصه، عسل یک غذای سالم و مفید برای افراد مسن، کودکان و بزرگسالان است. در قرآن کریم دوبار واژه عسل استفاده شده است. ابتدا در سوره مبارکه محمد (ص) در آیه ۱۵ خداوند در جایی که به مومنان و نیکوکاران وعده بهشت داده است، سخن از عسل پاک و ناب روان به‌میان آورده است. این بدان‌معنی است که در واقع عسل نوعی خوراکی بهشتی است که به زمینیان نیز از طریق زنبور عسل اعطا شده است. در دومین جایی که واژه عسل با کلمه نحل به‌کار رفته است در آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل در جزء ۱۴ قرآن کریم ذکر شده و در این آیات به خلقت زنبور عسل اشاره شده و جایگاه عسل در قرآن ذکر شده است، همچنین نشانه‌ای از آیات خداوند برای اهل فکر شمرده شده است. نامگذاری سوره نحل (زنبور عسل) نیز به احتمال زیاد به‌خاطر همین آیات است که درباره عسل در قرآن بیان شده است. خداوند باری تعالی، قرآن را شفای روح و عسل را شفای جسم قرارداده است که مقایسه این دو آیه جای تامل بیشتری دارد. عسل غذایی معطر است که زنبور عسل آن را می‌سازد و حضرت محمد (ص) آن را درمانی برای تمام بیماری‌ها معرفی کرده است. در احادیث و روایات بسیاری، در ارتباط با خواص درمانی عسل آمده است. مصرف عسل و عسل درمانی جزئی از سیره ائمه اطهار بوده است. لازم به ذکر است که در همه این موارد روش استفاده عسل کاملاً نقل شده است. در واقع این مطلب را باید خاطر نشان کرد که طب اسلامی براساس همین احادیث و روایات بنا شده است. امروزه با پیشرفت علم بر صحت مطالب مطرح

چشمگیر او دلیل این است که او تنها برای خود کار نمی‌کند بلکه آن چنان که قرآن می‌گوید للناس و برای همه انسانها تلاش می‌کند. عسل پرتو آفتاب است. به‌عبارت بهتر، عسل نوعی انرژی مترکبم گرفته شده از خورشید است. عسل ترکیبی است از روشنایی و انرژی تشعشعی گرفته شده از خورشید که به زمین رسیده، در دام گیاهان افتاده و از طریق شهد گلها به‌وسیله زنبور عسل به انگبین تبدیل شده است. نتایج این تحقیقات علمی در زمینه زنبور عسل و عسل، همگی بخشی از کلام الهی یعنی قرآن کریم و سخنان پیامبر اسلام (ص) و امامان معصوم (ع) بوده که قرن‌ها قبل و پیش از تحولات اخیر بشری در زمینه فناوری و علوم جدید بیان شده است و منبع آن، اتصال آن بزرگواران به منشاء خلقت و بهره‌گیری از ذات مقدس الهی بوده است که همگی سعی در بیدار کردن مسلمانان و تفکر و شکرگزاری آنان در برابر نعمت‌های بیکرانی که خداوند به انسان هدیه داده است می‌باشد تا راه درست زندگی کردن و تقرب الهی را با تفکر و عمل به آیات الهی در قرآن کریم و احادیث گهربار پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) عملی سازند.

نتیجه‌گیری

عسل یک تغذیه کامل می‌باشد که حاوی انواع ویتامین‌ها و مواد معدنی است و دارای آنتی‌اکسیدان می‌باشد که باعث از بین بردن رادیکال‌های آزاد در بدن می‌گردد. قرآن کریم نیز در ۱۴۰۰ سال قبل به شفابخش بودن عسل اشاره کرده و در آیات سوره نحل اهمیت عسل و تولید آن توسط زنبور عسل را متذکر شده است و از آن به‌عنوان درمانی برای مردم یاد می‌کند. همچنین در سوره مبارکه محمد (ص) که به مومنان و نیکوکاران وعده بهشت داده است، در واقع عسل را نوعی خوراکی بهشتی نامیده است.

شده در طب اسلامی افزوده شده و حتی از آن در درمان‌های آکادمیک هم استفاده می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم، سوره نحل، آیه ۶۸ و ۶۹.
 ۲. قرآن کریم، سوره محمد(ص)، آیه ۱۵.
 ۳. پاک‌نژاد، سیدرضا (۱۳۶۰)، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، انتشارات اسلامیه، جلد ۵، تهران.
 ۴. قرقوز، احمد؛ دیاب، عبدالحمید (۱۳۹۳)، طب در قرآن (تحقیقی بر اعجاز پزشکی و درمانی آیات قرآن، راهکارهای بهداشتی و غذایی، انتشارات حفظی، ترجمه چراغی، تهران.
 ۵. امین شیرازی، احمد(۱۳۸۲)، اسلام پزشک بی دارو، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
 ۶. پرهیز، محمد علی (۱۳۹۰)، شگفتی‌ها و اعجاز قرآن، موسسه انتشارات مبین اندیشه، تهران.
 ۷. نصیری، علی، نقدی، محمدرضا. ۱۳۹۰. اعجاز و شگفتی‌هایی از قرآن در زیست جانوری. دوفصلنامه تخصصی قرآن و علم، سال پنجم، شماره ۸.
 ۸. بصیری، محمدرضا. ۱۳۸۶. اصول اصلاح نژاد زنبور عسل. انتشارات موسسه آموزش عالی علمی کاربردی جهاد کشاورزی، چاپ اول.
 ۹. طباطبایی، محمد رضا. ۱۳۸۰. صرف ساده، انتشارات دارالعلم، قم، چاپ پنجاه و یکم.
 ۱۰. قاسمی‌خادمی، تقی (۱۳۹۶)، تاکسونومی و بیولوژی مقایسه ای زنبوران عسل جهان و ایران، نشر انتخاب، چاپ اول، اردبیل.
 ۱۱. مک اینس، مایک؛ فسندن، رون (۱۳۹۵)، انقلاب عسل، حفظ سلامت نسل‌های آینده. ترجمه: سید مظاهر سیدی و غلامرضا کفیلی، انتشارات زاینده رود. چاپ هشتم، اصفهان
 ۱۲. فضیل بکر، رضا، وجوه الاعجاز فی آیات النحل لغویا علمیا طبیا، دارالاعتصام، قاهره، مصر.
 ۱۳. بحارالانوار جلد ۶۶ صفحه ۲۹۰ حدیث ۲
 ۱۴. کنز العمال، جلد ۱۰ صفحه ۴۴ حدیث ۲۸۲۷۹
 ۱۵. مکارم الاخلاق، جلد ۱ صفحه ۳۵۸ حدیث ۱۱۶۸
 ۱۶. عیون اخبار الرضا علیه السلام، جلد ۲ صفحه ۳۵ حدیث ۸۳
 ۱۷. مفاتیح الحیاة، صفحه ۱۵۹ و طبالنبی ص ۲۵
 ۱۸. نهج الفصاحه، ص ۷۱۵.
 ۱۹. طب الامام الرضا (ع)، صفحه ۳۷
 ۲۰. مکارم الاخلاق، جلد ۱ صفحه ۳۵۹ حدیث ۱۱۷۳
 ۲۱. اخبار و آثار حضرت امام رضا علیه السلام، صفحه ۷۲۴
22. Sampath Kumar, K. P.; et al (2010), Medicinal uses and health benefits of Honey: An Ove, Journal of Chemical and Pharmaceutical Research, 2(1): 385-395.
23. <http://www.mellifera.ir/2020>



تلمیحات قرآنی در دیوان اشعار علامه علی‌اکبر دهخدا

هژیر حیاتی

دانشجوی دکتری مدیریت استراتژیک، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران، ایران - مدیر پشتیبانی پروژه عمرانی خط لوله ۵۶ اینچ انتقال گاز سراسری هفتم - عضو انجمن مدیریت ایران - عضو سازمان بین‌المللی دانشگاهیان (نویسنده مسئول):
(hajirhayati@gmail.com)

چکیده

مقاله حاضر با عنوان تلمیحات قرآنی در دیوان اشعار علامه علی‌اکبر دهخدا می‌باشد، به‌منظور توضیح کاربرد تلمیح در اشعاری است که حاوی آیه‌های قرآن هستند. ادبیات فارسی خصوصاً کتب نثر و اشعار بعد از اسلام به‌صورت ماهرانه‌ای از قرآن و آیات قرآنی بهره برده‌اند. این استفاده به‌صورت مستقیم و اشارات غیرمستقیم از قرآن است که در کتاب بزرگان ادب فارسی به‌صورت اشعار و یا متون و داستان‌هایی آمده است. در این مقاله، کتاب دیوان اشعار علامه دهخدا مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت. روش کار بدین‌صورت بوده که پس از خواندن اشعار دهخدا، ابیاتی که حاوی تلمیح به آیات قرآنی است استخراج نموده، به‌طریق فیش‌هایی که به‌اندازه معین از قبل تهیه شده بود، دسته‌بندی نموده، سپس به شرح آن ابیات، با استفاده و رجوع به منابع متعدد پرداخته شد. امیدوارم که این تحقیق کمکی برای دانش‌پژوهان علم و ادب در متون و شناخت گنجینه فرهنگی ما باشد و نیز باعث شود که دست‌اندرکاران ادبیات معاصر با تلمیح که از نافع‌ترین منابع معنی‌آفرینی در ادبیات فارسی است اُنس بیشتری یابند.

واژگان کلیدی: تلمیح، قرآن، دهخدا، دیوان اشعار دهخدا

مقدمه

خود به تاریخ ملل، به تاریخ ایران هم توجه کرد
مخصوصاً اینکه ایرانیان در آیین کشورداری،
دارای سنت‌های کهنی بودند و این مورد توجه
برخی از خلفا بود، بعد از اسلام فرهنگ جدیدی
در ایران بوجود آمد که به فرهنگ اسلامی
معروف است، شاعران و نویسندگان که جزو
مردمان با فضل بودند هم خود به تحصیل این
فرهنگ پرداختند و هم خود موجب اشاعه این
فرهنگ شدند، از تلمیحات معمولاً استفاده‌های
سیاسی و اجتماعی می‌شود (مانند حافظ) یعنی
تلمیح فقط به‌صورت تلمیح بودن به‌کار نمی‌رود،
چنان‌که شاملو در تلمیح بسیار زیبای زیر، گویی
هم داستان رستم و اسفندیار در آن خلاصه شده
است، حافظ وار تلمیح را به مسائل اجتماعی عصر
خود مربوط کرده است: «آه اسفندیار مغموم، تو
را آن به که چشمم، فرو پوشیده باشی».

بی‌شرح تو دریابد ...
یعقوب صفت کی بود کز پیرهن یوسف
او بوی پسر جوید خود نور بصر یابد
یا تشنه چو اعرابی در چه فکند دلوی
در دلو نگارینی چون تنگ شکر یابد
یا موسی آتش جو کارد به درختی رو
آید که برد آتش صد صبح و سحر یابد
یا همچو سلیمانی بشکافد ماهی را
اندر شکم ماهی آن خاتم زر یابد
یا چون پسر ادهم راند به سوی آهو
تا صید کند آهو خود صید دگر یابد
ره رو، بحل افسانه، تا محرم و بیگانه
از نور «آلم نَسْرَح» بی‌شرح تو دریابد (مولوی،
۱۳۹۵ شماره ۵۹۸). فرهنگ اسلامی در توجه



خاقانی باز خواهد ماند، تلمیحات یا ایرانی است یا سامی یا جزو اینها (یونانی و هندی) که هر کدام از اینها را می‌توان به لحاظ غنایی و حماسی نیز تقسیم کرد با پیشرفت اسلام در کشورهای مختلف، مسلمان علاقه‌مند و حتی نیازمند شدند که از احوال ملل مغلوب و از تاریخ و شرح حوادث جنگ‌های خود و مطالبی از این دست آگاه شوند.

۳- تلمیح به آیات قرآنی:

داشتار پا قُل چه برده به کار زیر چار آینه چهار حصار، این بیت اشاره است به چهار آیه آغازین از چهار سوره قرآن کریم که چون محافظ و چشم زخمی می‌نوشتند و یا خود می‌داشتند: قُل هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ - ای رسول ما به خلق بگو او خدای یکتاست (سوره اخلاص، آیه ۱). قُل يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ - ای رسول ما بگو ای کافران مشرک (سوره کافرون، آیه ۱). قُل أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ - ای رسول ما پناه می‌جوئیم به پروردگار آدمیان (سوره ناس، آیه ۱). قُل أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ - ای رسول ما پناه می‌جوئیم به خدای فروزنده صبح روشن (سوره فلق، آیه ۱). و همچنین چار آینه: یکی از پوشش‌های جنگجویان قدیم، نوعی از اسلحه و این عبارت از چهارپاره آهن پهن باشد که در زه در سینه پیوند کنند: آماده جنگ است شب و روز به عاشق چار آینه آئینه‌ی آن ترک جفاجوست (پادشاه، ۱۳۳۶ ص ۲۳۵). و چار حصار: دعایی که بر پیراهن غازیان نوشتندی تا از آسیب و گزند در امان بمانند (دهخدا، ۱۳۷۷ ج ۵ ص ۷۴۳).

این ندای ارجعی بشنید و رفت

مرغ روحش تا قَرَارِ سدره تفت

اشاره دارد به آیه: «يَا أَيُّهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَةً فَادْخُلِي فِي عِبَادِي وَادْخُلِي جَنَّاتٍ» ای نفس قدسی مطمئن و دل آرام (به یاد خدا) امروز به حضور پرودگارت

(شاملو، ۱۳۵۲ ص ۲۹). نکته در آن است که اگر اسفندیار چشم فرو می‌پوشید تیر به چشم او که روئین نبود فرو نمی‌خلید پس هلاک او در دیدن بود و ... شاعران از تلمیح استفاده‌های متعددی کرده‌اند از جمله برای بالابردن خبر، اغراق، اشاره به حوادث تاریخی عصر، ایجاز، معنی‌آفرینی و استفاده از تلمیح در مقام تمثیل و ایجاد زبان رمزی بدیهی است که همه‌ی شاعران از نظر استفاده از تلمیح در یک سطح نیستند و قدرت برخی در سود جستن از تلمیح از دیگران بیشتر است، یکی از شاعرانی که به‌طور سرشاری از تلمیحات استفاده کرده مولوی است و او شاعری است که به‌طور وسیعی با فرهنگ اسلامی آشنا بوده و بی‌شک آیات زیادی از کلام‌الله را در گنجینه خاطر داشته است. خلاصه اینکه تلمیحات عصاره داستان‌های فرهنگی هستند و با مطالعه آنها می‌توان به محتوای فرهنگ قومی توجه یافت و نحوه تلقی و برخورد تاریخی اقوام را با جهان و فرا جهان دریافت (شمیسا، ۱۳۷۵ ص ۱۳۳).

۲- پیشینه تحقیق

تلمیح به تقدیم لام بر میم (از ریشه لمح) در لغت به معنی دیدن و نظر کردن و آشکار ساختن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم به بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به شرطی که به آن اشاره چنان که از معنای اشاره برآید تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را دربرنگیرد از این‌رو برای درک بیت یا عبارتی که حاوی تلمیحی است می‌باید داستان یا شعر یا مثل سائر مورد اشاره را به تمامی دانست شاید بتوان معنای تلمیح را گسترش داد و اشاره به فرهنگ عامه و عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیم را نیز جزو تلمیح محسوب داشت زیرا اگر امروز کسی به اعتقادات نجومی یا طبیی قدما آشنا نباشد از (فهم) بسیاری از ادبیات شاعرانی چون انوری و



اشاره است به این آیه: "يَوْمَ فَطَوَى السَّمَاءَ كَطَيِّ السَّجَلِ لِلْكَتَبِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نَعِيدُهُ وَعَدَّا عَلَيْنَا آتَاكِنَا فَاعْلِينَ" روزی که آسمان‌ها را مانند طومار درهم پیچیم و به حال اول که آفریدیم بازگردانیم این وعده است که البته انجام خواهد شد (شاید مقصود آن باشد چنانچه کرات سماوی در بدو خلقت به صورت یک جوهر، ذات بودند در قیامت آنها را به همان حال برگردانیم) (سوره انبیاء آیه ۱۰۴).

در صفات ملکوتیش زندندی چون فال زبرو بینه از ذلک فضل الله بود اشاره دارد به این آیه: "ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ مَنْ يَشَاءُ وَ لِلَّهِ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ" این فضل و نعمت خداست که آن لطف را در حق هر که بخواهد می‌کند و خدا را بر خلق فضل و رحمت بی‌منتهاست (سوره جمعه آیه ۴).

شیخ ابو در جواب من هر بار بعد چندین اَعُوذُ و استغفار اشاره است به: "اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ" پناه می‌برم به خدای او شر دیوه رانده شده (دهخدا، ۱۳۶۲، ص ۳۲).

باز آی که تو خشنود (به نعمت‌های ابدی او) و او راضی (از اعمال نیک) توست باز آی و در صف بندگان خاص من در آی و در بهشت رضوان من داخل شو (سوره فجر، آیات ۲۷ الی ۳۰).

وان شاهد نغز بزم عرفان

بنمود چو وعد خویش مشهود
اشاره است به این آیه: "و تُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ" و ما اراده کردیم بر آن طایفه ذیل و ضعیف در آن سرزمین منت گذارده و آنها را پیشوایان خلق قرار دهیم و وارث ملک و جاه فرعونیان گردانیم (سوره قصص آیه ۵).

دامن از ظلمت فراهم چیده نور
نیست مستکبر نه مختال و فخور
اشاره است به این آیه: "لَكَيْلًا تَأْسُوا عَلَى مَا فَاتَكُمْ وَ لَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَيْكُمْ وَ لِلَّهِ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ" (این را بدانید) تا هرگز بر آنچه از دست شما رود دل‌تنگ نشوید و به آنچه به شما رسد (مغرور) دلشاد نگردید و خدا دوست‌دار هیچ متکبر و خودستانی نیست (سوره حدید آیه ۲۳)
گفتم این هجر کی شود طی؟ گفت:
یوم فطوی السّما کطی سجّل

جدول ۱- فهرست اشعار حاوی تلمیح در دیوان دهخدا که در این مقاله درج شده است:

شماره	بیت	صفحه
۱	داشت ار چار قل چه برده به کار	۲
۲	این ندای ارجعی بشنید و رفت	۳
۳	وان شاهد نغز بزم عرفان	۳
۴	دامن از ظلمت فراهم چیده نور	۳
۵	گفتم این هجر کی شود طی؟ گفت:	۴
۶	در صفات ملکوتیش زاندى چوغال	۴
۷	شیخ ابو در جواب من هر بار	۴

نتیجه‌گیری:
تلمیح به‌عنوان یک عنصر زیباشناسی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات فارسی به‌ویژه استفاده و کاربرد متعدد در اشعار شاعران ایران پس از اسلام دارد. در بسیاری از اشعار شاعران تلمیح دیده می‌شود. همانند تلمیح به اشخاص، تلمیح به امثال، تلمیح

نتیجه‌گیری:
تلمیح به‌عنوان یک عنصر زیباشناسی، جایگاه ویژه‌ای در ادبیات فارسی به‌ویژه استفاده و کاربرد



منبع و سند در کتب الهی است، و بقول لاریب فیه، استفاده از این سند مستحکم، اعتبار اشعار و آثار نویسندگان را با اعتباری وصف نکردنی، بی‌مانند، و صد چندان کرده است. در این مقاله سعی شده است هرچند کوتاه، اما مفید تعدادی از تلمیحات قرآنی مورد بررسی قرار گرفته و فتح بابی شود برای علاقه‌مندان، عرصه ادب و قرآن، تا با مطالعه و تحقیق بیشتر از این منابع عظیم سود جسته و قرآن را نقشه راه قرار داده تا بر تاثیر این کتاب آسمانی و الهی بر ادبیات فارسی و به‌ویژه تلمیح به آیات در دستور کار قرار گیرد.

به اماکن و اسماء خاص، تلمیح به تضمین اشعار دیگر شاعران، تلمیح به اصطلاحات نجومی یا صورفلکی، تلمیح به آیات و احادیث و ... لیکن در این مقاله تلمیح به آیات قرآن، مورد نظر بود و در آن از کتاب اشعار علامه علی‌اکبر دهخدا استفاده گردید. دهخدا که در ادبیات معاصر یک نابغه ادبی به‌شمار می‌رود به‌درستی و شایستگی تمام از این عنصر استفاده کرده و در همه سطوح مورد اشاره از تلمیح در دیوان اشعار بهره‌برده است. این بهره‌گیری علاوه بر نبوغ نگارنده دیوان اشعار، نفوذ دقیق و زیبایی آیات قرآن را در ادبیات صد چندان کرده است. از آنجاکه قرآن معتبرترین

منابع

۱. قرآن کریم، حاج شیخ صادق احسانبخش ۱۳۷۱ جلد ۱۶، تهران: چاپخانه جاوید، چاپ اول.
۲. پادشاه، محمد متخلص به شاد، (۱۳۳۶): «فرهنگ آندراج»، زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات کتابخانه ضایم تهران.
۳. شاملو، احمد، (۱۳۹۸): «ابراهیم در آتش»، به نقل از فرهنگ تلمیحات دکتر سیروس شمیسا، تهران: انتشارات نگاه، چاپ اول.
۴. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۵): «فرهنگ تلمیحات»، تهران: چاپخانه رامین، چاپ پنجم.
۵. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۶۲): «دیوان اشعار»، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: چاپ تیراژه، چاپ اول.
۶. دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۷): «لغت نامه دهخدا»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۷. مولانا، جلال‌الدین محمد بلخی، (۱۳۹۵): «دیوان شمس»، سیروس شمیسا، تهران: انتشارات قطره، چاپ سیزدهم.



واکاوی تلمیح به قصص قرآنی مطالعه موردی: دیوان اشعار علامه علی اکبر دهخدا

هژیر حیاتی^۱ و طاهره شاه حسینی^۲

۱- دانشجوی دکتری مدیریت استراتژیک، مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور تهران، ایران - مدیر پشتیبانی پروژه عمرانی خط لوله انتقال گاز سراسری هفتم - عضو انجمن مدیریت ایران - عضو سازمان بین المللی دانشگاهیان (نویسنده مسئول):

hajirhayati@gmail.com

۲- کارشناسی راهنمایی و مشاوره، دانشگاه پیام نور، صحنه، ایران

چکیده

مقاله حاضر با عنوان تلمیح به قصص قرآنی و با استفاده از مطالعه موردی در دیوان اشعار علامه علی اکبر دهخدا می‌باشد و به منظور توضیح کاربرد تلمیح در اشعاری است که حاوی داستان‌های قرآنی هستند. ادبیات فارسی خصوصاً کتب نثر و اشعار بعد از اسلام به صورت ماهرانه‌ای از قرآن و آیات قرآنی بهره برده‌اند. این استفاده به صورت مستقیم و اشارات غیرمستقیم به قرآن است که در کتاب بزرگان ادب فارسی به صورت اشعار و یا متون و داستان‌هایی آمده است. در این مقاله، کتاب دیوان اشعار علامه دهخدا مورد مطالعه و استفاده قرار گرفت. روش کار بدین صورت بوده که پس از خواندن اشعار دهخدا، ابیاتی که حاوی تلمیح به قصص قرآنی است استخراج نموده، به طریق فیش‌هایی که به اندازه معین از قبل تهیه شده بود، دسته‌بندی نموده، سپس به شرح آن ابیات، با استفاده و رجوع به منابع متعدد پرداخته شد. امیدوارم که این تحقیق کمکی برای دانش پژوهان علم و ادب در متون و شناخت گنجینه فرهنگی ما باشد و نیز باعث شود که دست‌اندرکاران ادبیات معاصر با تلمیح که از نافع‌ترین منابع معنی‌آفرینی در ادبیات فارسی است انس بیشتری یابند.

واژگان کلیدی: قرآن، تلمیح، قصص قرآنی، دهخدا، دیوان اشعار دهخدا

مقدمه

فرهنگ اسلامی در توجه خود به تاریخ ملل، به تاریخ ایران هم توجه کرد مخصوصاً اینکه ایرانیان در آیین کشورداری، دارای سنت‌های کهنی بودند و این مورد توجه برخی از خلفا بود، بعد از اسلام فرهنگ جدیدی در ایران بوجود آمد که به فرهنگ اسلامی معروف است، شاعران و نویسندگان که جزو مردمان با فضل بودند هم خود به تحصیل این فرهنگ پرداختند و هم خود موجب اشاعه این فرهنگ شدند، از تلمیحات معمولاً استفاده‌های سیاسی و اجتماعی می‌شود (مانند حافظ) یعنی تلمیح فقط به صورت تلمیح بودن به کار نمی‌رود، چنان‌که شاملو در تلمیح بسیار زیبایی زیر، گویی هم داستان رستم و اسفندیار در آن خلاصه شده است، حافظ وار

بی شرح تو دریابد ...
یعقوب صفت کی بود کز پیرهن یوسف
او بوی پسر جوید خود نور بصر یابد
یا تشنه چو اعرابی در چه فکند دلوی
در دلو نگارینی چون تنگ شکر یابد
یا موسی آتش جو کارد به درختی رو
آید که برد آتش صد صبح و سحر یابد
یا همچو سلیمانی بشکافد ماهی را
اندر شکم ماهی آن خاتم زر یابد
یا چون پسر ادهم راند به سوی آهو
تا صید کند آهو خود صید دگر یابد
ره رو، بحل افسانه، تا محرم و بیگانه
از نور «آلم نَسْرَح» بی شرح تو دریابد (مولوی،
۱۳۹۵ شماره ۵۹۸)



عقاید و آداب و رسوم و علوم قدیم را نیز جزو تلمیح محسوب داشت زیرا اگر امروز کسی به اعتقادات نجومی یا طبیی قدما آشنا نباشد از (فهم) بسیاری از ادبیات شاعرانی چون انوری و خاقانی باز خواهد ماند، تلمیحات یا ایرانی است یا سامی یا جزو این‌ها (یونانی و هندی) که هرکدام از این‌ها را می‌توان به‌لحاظ غنایی و حماسی نیز تقسیم کرد با پیشرفت اسلام در کشورهای مختلف، مسلمان علاقه‌مند و حتی نیازمند شدند که از احوال ملل مغلوب و از تاریخ و شرح حوادث جنگ‌های خود و مطالبی از این دست آگاه شوند.

۳- تلمیح به قصص قرآنی

۳-۱- کز بهشت برین به امر سروش

دَر به دَر چون شدید و خانه به دوش

این بیت تلمیحی دارد بر داستان آدم و حوا و رانده شدن آنها از بهشت برین. آدم (عبری = خاکی یا سرخ رنگ) در قرآن و کتاب مقدس به نخستین بشری که خدا آفریده با زنش حوا در بهشت زندگی می‌کرد و چون نافرمانی کرد و از درخت ممنوعه خورد از بهشت به دنیا رانده شد (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۱). آدم پدر آدمیان و ابوالبشر کُنیت اوست و آدم خاکی عبارت از این است و بعضی اهل تحقیق آورده‌اند که صاحب (بیضاوی) و تفسیر سوره فجر نوشته که به اولاد خاص بن عوص بن ارم بن سام بن نوح عاد گفته می‌شود چنان‌که هر بنی‌هاشم را هاشم پس اطلاق آدم بر اولاد آدم نیز درست باشد مالک قزوینی گوید:

کو زبان گفتگو کو دیده‌ی مردم شناس

گر بود ترکیب آدم صورت دیوار را

و سیدعلی‌خان شوشتری صاحب طرازالغات در آنجا گفته که آدم در اصل سریانی «آدمانوس» نام داشته و در کتب قدیم اهالی پارس آدم و هوا را «میشاومیشی» نامیده‌اند چنان‌چه امام محمد

تلمیح را به مسائل اجتماعی عصر خود مربوط کرده است:

«آه اسفندیار مغموم

تو را آن به که چشمم

فرو پوشیده باشی» (شاملو، ۱۳۵۲ ص

۲۹). نکته در آن است که اگر اسفندیار چشم فرو می‌پوشید تیر به چشم او که روئین نبود فرو نمی‌خلید پس هلاک او در دیدن بود. شاعران از تلمیح استفاده‌های متعددی کرده‌اند از جمله برای بالا بردن خبر، اغراق، اشاره به حوادث تاریخی عصر، ایجاز، معنی آفرینی و استفاده از تلمیح در مقام تمثیل و ایجاد زبان رمزی بدیهی است که هم‌ی شاعران از نظر استفاده از تلمیح در یک سطح نیستند و قدرت برخی در سود جستن از تلمیح از دیگران بیشتر است، یکی از شاعرانی که به‌طور سرشاری از تلمیحات استفاده کرده مولوی است و او شاعری است که به‌طور وسیعی با فرهنگ اسلامی آشنا بوده و بی‌شک آیات زیادی از کلام‌الله را در گنجینه خاطر داشته است. خلاصه اینکه تلمیحات عصاره داستان‌های فرهنگی هستند و با مطالعه آنها می‌توان به محتوای فرهنگ قومی توجه یافت و نحوه تلقی و برخورد تاریخی اقوام را با جهان و فرا جهان دریافت (شمیسا، ۱۳۷۵، ص ۱۳۳).

۲- پیشینه تحقیق

تلمیح به تقدیم لام بر میم (از ریشه لمح) در لغت به‌معنی دیدن و نظرکردن و آشکار ساختن و اشاره کردن است و در اصطلاح علم به بدیع اشاره به قصه یا شعر یا مثل سائر است به‌شرطی که به آن اشاره چنان‌که از معنای اشاره برآید تمام داستان یا شعر یا مثل سائر را در برنگیرد از این‌رو برای درک بیت یا عبارتی که حاوی تلمیحی است می‌باید داستان یا شعر یا مثل سائر مورد اشاره را به تمامی دانست شاید بتوان معنای تلمیح را گسترش داد و اشاره به فرهنگ عامه و



پهلوی چپ او خلق کرد حوا مؤنث احوی به معنی سیاه مایل به سبزی یا سرخ مایل به سیاهی زن گندم‌گون و مادر قابیل و هابیل که او را نخستین زن و دومین بشر و مادر آدمیان می‌دانند (عمید، ۱۳۷۴، ج ۱). آدم و حوا بعد از خوردن میوه ممنوعه معرفت پیدا کردند و به عریانی خود پی‌بردند و از این‌رو با برگ درخت انجیر ستر عورت کردند، گفته‌اند که آدم بعد از اخراج از بهشت به کوه سرانندیب در هند هبوط کرد، حوا و شیطان و مار هم با آدم از بهشت اخراج شدند و به ترتیب به جده و سمنان و اصفهان افتادند، در روایات آمده است که آدم پس از اخراج از بهشت به سبب توسل به حضرت محمد (ص) مجدداً به مقام تقرب الهی بازگشت و توبه او پذیرفته شد.

از امر مبارک تو رفته

هم بر سر حرفت خود آدم (جمال‌الدین

اصفهانی)

و عمر حضرت آدم را هزار سال بوده است و اسم دخترش «اقلیمیاست» و نزاع هابیل و قابیل بر سر او بوده است پس آدم صورت عقل کل است و حوا نفس کل است (شمیسا، ۱۳۷۵)

که به نقصان‌ها ز نوع سرکشم

یا دو آب و خاکی نی از آتشم

اشاره است به اینکه ابلیس در مقام فخر بر آدم گفت: او سرشته از خاک پست است و من از آتش تابناک و نسبت به او مرتبه‌ی کمالی دارم و بدین سبب از کُرنش به آدم سرباز زد و سرکشی کرد (سوره اعراف، آیه ۱۱). ابلیس: ناامید از رحمت و نام شیطان مترادفات آن: شعله، خصم

یک چشم، شیخ بخدی، بوخلاف، بومره و ...

چو آدمی و پری را با هبوطوا افکند

بر آمد از دل هر یک هزار ناله زار (ظهیر

فاریابی) (شاد، ۱۳۳۶، ج ۱)

غزالی در سیرالملوک شرح داده است و در غیاث وجه تسمیه آدم چنین نوشته که از ادیم‌الارض یعنی از روی زمین مخلوق شده بود و بعضی گویند که او گندم‌گونه بود و در این صورت از «آدمت» مأخوذ است با ضم به معنی گندم‌گونی و آدم به معنی شتر سپیده و آهووی سفید که بر پشتش خط‌های سیاه باشد نیز آمده مترادفات آدم: آئینه خاکیان، طفل چهل روزه، پیر سرانندیب، گنج خاکی، صفی الله، ابا محمد و برج چهل‌ساله و در اصطلاح سالکان آدم خلیفه خداست روح عالم آدم است! آدم: نخستین پدر آدمیان، جنت حوا (نوریه)، ابوالبشر، ابوالوری، معلم الاسماء جمع اوادم. حوا: مادر آدمیان، زوجه آدم، اسمی است که آدم زوجه‌ی خود را بدان نامید و به معنی زندگی است و بدان واسطه حوا به ام‌البشر ملقب شد و چون حوا اطاعت امر حضرت اقدس الهی را ننموده خداوند عالمیان غم و حزن او را دو چندان کرده گفتند که بزحمت اولادها خواهی زائیده و اشتیاق تو به شوهرت خواهد بود و او بر تو تسلط خواهد داشت.

تا جهان بود از سر آدم فراز

کسی نبود از راز دانش بی‌نیاز (رودکی)

حدیث عشق اگر گویی گناه است

گناه اول ز آدم بود و حوا (سعدی) (دهخدا،

۱۳۷۳، ج ۱ و ۶)

آدم و حوا: طبق روایات ادیان سامی، معادل کیومرث ایرانیان، خداوند وی را خلق کرد و در بهشت جای داد و حوا را خلق کرد و مزوجی او گردانید چون آدم یا حوا سیب یا گندم را که ممنوع بود خوردند و از بهشت اخراج شدند. (معین، ۱۳۷۱، ج ۵). آدم و حوا: در فارسی به معنی انسان و مردم و کس و به معنی نوکر و خدمتکار مرد هم می‌گویند آدم نخستین بشری بوده که خداوند او را از خاک آفرید و حوا را از



شراب نوشید و هم اسم اعظم را بدان زن گفتند و به پاد افراه این کردار در چاه بابل معلق شدند و تا روز رستاخیز بر این حال خواهند ماند.

و گر درد هد یک صلاهی کرم

عزازیل گوید نصیبی برم (سعدی)

بد ز گستاخی کسوف آفتاب

شد عزازیلی ز جرأت رد باب (مولوی) (دهخدا،

۱۳۷۳، ج ۱۰)

بیت احزان مرا هر شامگاه

از رخ انور منور کرده‌اند

این بیت اشاره‌ای به داستان یعقوب پیامبر دارد، یعقوب، محبوبیت خاصی نزد مادر و پدر داشت و اسحق دربارهی او ادعا کرد که خدا به او برکت و طول عمر و زندگی گوارا عنایت کند همین محبوبیت سبب شد که برادرش عیوب خشمگین شود و او را به بدی یاد کند و تهدید نماید، یعقوب با اشاره‌ی پدر و مادرش از فلسطین به سرزمین نجران آرام که مسکن داییش (لابان) بود رفت و در آنجا خدمت دایی خود را به‌عهده گرفت و در نظر داشت که در مقابل این خدمات دختر او (راحیل) را تزویج کند ولی داییش دختر دیگر خود (لیئه) را به همسری یعقوب نامزد کرد و ... (صحفی، ۱۳۴۹) بیت احزان، خانه غم‌ها، غم‌خانه، خانه‌ای که یعقوب برای خود گزید و در آن خانه می‌نشست و در فراق یوسف می‌گریست.

ورا بیت الاحزن نهادند نام

که به خانه حزن و اندوه تمام (شمسی)

(دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴)

و یا بیت احزان کنایه از خانه‌ی مهتر یعقوب (ع) که در مفارقت مهتر یوسف در آن شده بود:

یوسف گم گشته باز آید به کنعان غم مخور

کلبه احزان شود روزی گلستان غم مخور

(حافظ)

بدین شکسته‌ی بیت‌الاحزن که می‌آورد نشان یوسف دل از چه زخاندنش (واله) (شاد، ۱۳۳۶،

ابلیس از ماده ابلاس به معنی نومید کردن یا کلمه‌ای اجنبی شمرده‌اند و آن مهتر دیوان است که پس از نفخ روح در جسم آدم چون از سجده آدم سرباز زد مطرود گشت و او تا روز رستاخیز زنده باشد و جز بندگان مخلص را اغوا تواند کرد نظیر اهریمن دین زردتشت (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱). ابلیس: کذاب و نام، شیطان، اهریمن از کفر، مشهورتر بودن، سخت بنام بودن، (معین، ۱۳۷۱، ج ۵) ابلیس نامش عزرائیل بود از فرشتگان مقرب بود پس از آفریده شدن آدم همه‌ی فرشتگان به امر خداوند او را سجده کردند مگر عزرائیل و ... (عمید، ۱۳۷۴، ج ۱). برخی از صوفیه شیطان را سلطان العارفین خوانده و امتناع او را از سجده بردن بر آدم کمال توصیه و اخلاص او دانسته‌اند، پس در نفس هرکسی شیطانی است که او را به سیئات وسوسه می‌کند. و پیغمبر فرمود: "أَسْلَمَ شَيْطَانِي عَلَى يَدِي" (مولوی، ۱۳۹۵، ص ۱۴۸) ابلیس به سبب گناه بسیار، سیاه چهره است و کار ابلیس فریفتن مردمان است.

گر به پیر بی دانش به گوهران افزون شدی

روسیه تر نیستی هر روز ابلیس لعین

(منوچهری، ۱۹۰) (شیمسا، ۱۳۷۵)

داشت از بوالبشر هنوز به دل

چون عزازیلی بغض و کینه و غل

برای توضیح بوالبشر یا آدم مراجعه شود به بیت کو بهشت برین به امر سروش و ... اما در مورد عزازیلی باید بگویم که طبق روایات یکی از سه فرشته (هاروت، ماروت و عزازیلی) است که خداوند آنها را به کره زمین فرستاد تا میان آدمیان زندگی کنند و از محرمت دوری کنند عزازیلی چون دانست از عهده این امتحان بر نمی‌آید اظهار عجز کرد و از ادامه آزمایش معاف شد اما هاروت و ماروت که به آزمایش ادامه دادند گول زنی به نام زهره (= ناهید) را خوردند و هم



خر عیسی به مناسبت سواری دادن به حضرت عیسی و خر دجال به سبب خدمت به دجال ملعون به ترتیب به عنوان خدمت به مظهر نیکی و بدی مشهورند حال توضیح این مقوله خر عیسی: (الاغی بود که آن حضرت بر آن سوار شدی (شاد، ۱۳۳۶) خری بود که عیسی (ع) به گاه سیاحت و مسافرت انجیل بر او بار کردی (از شرفنامه منیری).

خر عیسی گرش به مکه برند

چون بیامد هنوز خر باشد (گلستان سعدی)

خر دجال: خر متعلق به دجال، معروفست چون دجال ظهور کند خری که او بر آن سوار است خواص عجیب دارد که از آن جمله پشکل آن چه مردمان ابتدا آن پشکل را نقل و نبات می‌انگارند ولی چون آن را به کار می‌بردند می‌فهمند آن پشکل است و دیگر آنکه به هر موی آن طبل آویخته است بودن این خر باعث می‌شود که ازدحام و هنگامه عجیبی در عقب آن خر و دجال راه افتد.

به اره مر خر دجال را میان ببرم

که خر سوار بیندازد از نصیب عصا (سوزنی)

(دهخدا، ۱۳۷۵، ج ۷)

دجال: مردی کذاب که در آخرالزمان ظهور کند و مردم را بفریبد. (معین، ۱۳۷۱، ج ۵) دجال در اصل آب طلا که با آن روی چیزی را بیوشانند و نیز به معنی کذاب و شخص کذابی که می‌گویند در آخرالزمان پیش از مهدی موعود پیدا می‌شود و بسیاری از مردم فریب می‌خورند و دور او جمع می‌شوند (عمید، ۱۳۷۴، ج ۱). دجال سرگین و دجال کذاب جوهر شمشیر و گروه بزرگ و زردآب زر و فریبنده مرتلبیس کننده و دروغگو و لقب مسیح کذاب که در آخرالزمان ظاهر شود و دعوی الهیت کند (شاد، ۱۳۳۶، ج ۲).

تو منکری که از لب عیسی نفس منم

ج ۱). به عبارت دیگر یعقوب از پیامبران بنی‌اسرائیل است او ساکن کنعان یکی از شهرهای قدیم فلسطین بود یعقوب، یوسف را از دیگر پسران دوست‌تر می‌داشت و بر آن بود تا او را جانشین خود کند برادران یوسف حسد بردند و او را در چاهی انداختند و پیراهن او را خون‌آلوده کرده و به یعقوب نمودند و گفتند که گرگی او را دریده است و بقیه داستان

الا تا از صبوران است، نام چاه پیغمبر

هم اندر مصحف اولی، هم اندر مصحف اخوی

یکی یعقوب بن اسحق و دیگر یوسف چاهی

سوم ایوب پیغمبر، چهارم یونس مّتی

(منوچهری - ۱۳۵) (شمیسا، ۱۳۷۵)

ای همره تیه پور عمران

بگذشت چو این سنین معدود

اشاره دارد به سرگردانی حضرت موسی و قومش به علت گستاخی گروهی از بنی‌اسرائیل، تیه: بیابانی در شبه جزیره سینا که مرز مصر و سوریه را تشکیل می‌دهد جغرافیون عرب آن را صحرای بنی اسرائیل نیز خوانده‌اند بیابان تیه جنوبی‌ترین بخش فلسطین را تشکیل می‌داد بیشتر آن شن‌زار است. بنی‌اسرائیل پس از خروج از مصر در این بیابان سرگردان شدند. (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۱) تیه بیابانی که حضرت موسی (ع) با دوازده سبط که هر سبط پنجاه هزار نفر بودند در آن بیان مدت چهل سال سرگردان بودند بلاد تیه مابین بیت المقدس قنسرین است و ...

سه ماهه سفر هست چهل ساله رنج

که از تیه موسی برون آمدیم (خاقانی)

این جهان تیه است و تو موسی و ما از گنه در تیه ماندیم مبتلا (مولوی) (دهخدا، ۱۳۷۵، ج ۵). توضیح آندراج هم چیزی شبیه توضیحات بالا می‌باشد.

گرسنه گرگ از که کرد سؤال

کاین خر عیسی است یا دجال؟



قدیم پوست سگ و گرگ و غیره می‌پوشیده‌اند فردوسی آنان را سگسار و گرگسار می‌نامد نیز عفریت (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۱) توضیح عمید نظیر همین است که گفتم. به قول فرهنگ آندراج دیو بسیار معروف و مشهور است و معنی که ریخته این لفظ است این است که پارسیان هر سرکش متمرّد را خواه از جنس انس خواه از جن و خواه از دیگر حیوانات را دیو خوانند چنان‌که عرب شیطان گویند و هر که کار نیک کنند فارسیان او را فرشته گویند و هر که به کار برد دیو خوانند بنابراین دیو سپید را که نام مردی پهلوان بوده چون بر خداوند خویش کیکاوس عاصی شد دیو خواندند و ... فردوسی گفته:

تو مر دیو را مردم بدشناس

کسی کو به یزدان نیارد سپاس (فردوسی)
(شاد، ۱۳۳۶، ج ۳)

بر دل پاکش غباری بی‌گناه از من چراست
دیو بی‌انصاف بر تخت سلیمان چون نشست
(خاقانی - ۸۲۸)

باز بنگر کز سلیمان خدیو
ملک وی بر باد چون بگرفت دیو (منطق‌الطیر -
۲) (شمیسا، ۱۳۷۵)

اسرار نهران را همه در صور دمیدی
رو در بایستی یعنی چه؟ پوس کنده آکبلای
در مورد کلمه صور اشاره دارد به زنده شدن
انسان در قیامت با دمیدن صور، صور یعنی بوق،
شاخ حیوانی که آن را می‌نوازند.

سندان به سنان چنان شکافت
چون صور که آسمان شکافت (خاقانی)
صور اسرافیل شاخی که اسرافیل در آن دمید
یک‌بار جهت میراندن و بار دیگر برای زنده کردن
و میان هر دو نفخه چهل سال فاصله باشد (غیث
الغات)

به برون زد ز مهد میکائیل
به رصدگاه صور اسرافیل (نظامی)

من آگهم که از خر دجال دم تویی (خاقانی،
۹۳۱)

به تدریج ارکنی توپی خر دجال از روزه
ببینی عیسی مریم که در میدان سواره ستی
(مولوی شماره - ۵۲۰)

در این کوپاره چون گردی بر آخور چون خر
عیسی

به سوی عالم جان شو که چون عیسی همه
جانی (سنایی - ۶۸۰)

نه سگ اصحاب کهفم نه خر عیسی و لیک
هم سگ وحشی نژادم هم خر وحشت چرم
(خاقانی - ۲۴۹) (شمیسا، ۱۳۷۵)

این به سیرت عدیل دیو رجیم
صورت خور دهد به ربّ کریم

در مورد این بیت اشاره‌ای دارد به داستان
رانده‌شدن دیو رجیم یا شیطان رجیم (برای
توضیح بیشتر ابلیس یا شیطان رجیم رجوع
شود) از درگاه خداوند می‌باشد این کلمه یعنی
دیو اوستایی دئوه، در آیین زردتشتی هریک از
پروردگاران باطل یا شیاطین که در حقیقت
تجسم شر و گناه محسوب می‌شده‌اند پیش از
ظهور زردتشت این لفظ به پروردگاران قدیم
آریایی مشترک بین اجداد قدیم مردم ایران و
هند اطلاق می‌شد. در افسانه‌های ملی ایران ذکر
دیوها بسیار می‌رود مثلاً کیومرث، طهمورث،
جمشید، کیکاوس و رستم که موجوداتی عظیم
و مهیب و قادر به کارهای فوق‌العاده هستند
طهمورث به دیو بند مشهور شده است و جمشید
مثل سلیمان نبی بر دیوها فرمانروایی داشته
است از میان دیوهای داستان‌های ملی ایران
دیوهای مازندران شهرت بیشتری دارند و داستان
دیو سپید معروف است و اینکه دیو را موجوداتی
با شاخ و دم نوشته و تصویر می‌کنند ظاهراً بدین
سبب بوده است که مردم طبرستان اغلب
پوستین پوش بوده‌اند و به قول فردوسی از عهد



آمده است که هر نوبت حوا حامله می‌شد خداوند یک پسر و یک دختر به او کرامت می‌کرد و آدم به فرمان خدا دختر بطنی را با پسر بطنی دیگر به ازدواج در می‌آورد چون قابیل با توام خود اقلیما متولد شد و پس از وی هابیل با لبورا به دنیا آمد و همه به حد بلوغ رسیدند، آدم اقلیما را نامزد هابیل کرد و لبودا را به زوجیت قابیل منسوب گردانید، قابیل از قبول این امر سرپیچی کرد و گفت من در مفارقت خواهر همزاد خود اقلیما که در حسن و جمال یگانه و بی‌مثل است از پای ننشینم سرانجام قرار شد که قربانی کنند و قربانی هر یک اقتدا اقلیما را او باشد و قابیل قابیل مقبول نشد و این امر سبب شد که قابیل بیش از پیش خشمگین شود سپس قابیل هابیل را کشت و جسد او را به دوش کشیده و نمی‌دانست آنرا چکار کند که در مقابل آنها کلاغی کلاغ دیگری را کشت و آن را در زیر خاک پنهان نمود و قابیل نیز به تقلید از کلاغ چنان کرد.

لطف او عاقل کند سر پیل را

قهر او احمق کند قابیل را (مولوی - مثنوی)

(دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۱)

در فرهنگ معین توضیح زیاد بیان کرده است اما در فرهنگ آندراج گفته است که قابیل نام پسر آدم (ع) که قاتل هابیل بعد و اول کسی که کافر شد از بنی آدم او بود (شاد، ۱۳۳۶، ج ۴)

همیشه تا خبر زهر باشد و هاروت

چنان که قصه قابیل باشد و هابیل

عدوت باد چو هاروت و دوست چون زهره

ولیت باد چو هابیل و خصم چون قابیل

(قطران-۲۱۷)

گر بُدی این ضم بر قابیل را

کی نهادی بر سر او قابیل را

که کجا غائب کنم این کشته را

گیتی به مثل سرای کار است

تا روز قیام و نفخت صور (ناصر خسرو)

خروش شهپر جبریل و صور اسرافیل

غریو سبحة رضوان و زیور حورا (خاقانی)

(دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۰)

فرهنگ معین و عمید و مصاحب و آندراج نظریه‌ای شبیه این را دارد که بیان شد بنده از تکرار آن خودداری کردم.

حجات صور و دم عیسی مریم نبود

مرده را زنده کند بار دگر یک نکهت (اهلی -

۴۴)

از مدحتش که زنده کن دوستان اوست

تا نفخ صور به صور دوم در دهان ماست

(خاقانی - ۷۹)

از خاک برونید در ین دور خلایق

کین نفخه صور ست که کرد است صدایی

(مولوی - ۲۷۳۵)

مازنده به ذکر دوست باشیم

دیگر حیوان به نفخه صور (سعدی - طیبات -

۶۰۰)

شب را ز برای زنده ماندن

با نفخه صور هم برآرم (خاقانی ۶۴۷) (شمیسا،

۱۳۷۵)

مثل ما به ده بلا تشبیه

مثل موسی است و وادی تیه

اشاره است به همداستانی موسی کلیم‌الله با

بنی‌اسرائیل در ماندن مدت چهل سال در بیابان

پس از خروج از مصر و همان‌جا ماندن و مردن

همگان جره تنی چند و ... برای توضیح بیشتر

مراجعه شود به بیت: ای همره تیه پور عمران و

...

رفت در خشم از اولین عصیان

بیت بر انسیان ره باران

اشاره است به اولین عصیان و سرکشی، مراد

کشتن قابیل است هابیل را، در داستان‌های دینی



که دم آتش طور از ید بیضا شوند (خاقانی
۱۰۴)

تردامنان که سر به گریبان فرو برند
سحر آورند و من بد بیضا برآورم (خاقانی ۲۴۴)
چو گرد سینه‌ی خود طوف کردیم
ید بیضا ز جیب جان بر آریم (مولوی شماره
۱۵۳۱)

بلاغت ید یضای موسی عمران
به کیه سحر چه ماند که ساحران سازند
(سعدی - قصایه - ۴۵)

بانگ گاوی چه صدا باز دهد عشوہ مخر
سامری کیست که دست از ید بیضا برد (حافظ
- ۸۸) (شمیسا، ۱۳۷۵)

یوسف مُلک که نورش به فلک‌ها می‌تاخت
نور بر شهپر جبریل آمین در چه بود
اشاره است به چاه انداختن یوسف توسط
برادرانش و جبرئیل به فرمان خداوند بال بر آب
گسترده تا یوسف بر آن قرار گرفت و از غرقه شدن
به کنار ماند، یوسف فرزند یعقوب پیامبر (ص) و
مادر او راحیل است در خردسالی چون پدرش به
او سخت محبت داشت دیگر برادران بدو حسد
بردند و او را با خود به صحرا بردند و به چاهی
افکندند، جماعتی از کاروانیان او را از چاه در
آورده و در مصر فروختند و یوسف پس از مدتی
که دچار مشقات فراوان گردید و به زندان افتاد
به مقام فرمانروایی (عزیزی) مصر نایل آمد
(معین، ۱۳۷۱ ج ۶) قولی دیگر این که یوسف از
انبیای معروف بنی‌اسرائیل یکی از دوازده فرزند
یعقوب پیغمبر و حسن از شهرت جهانگیر داشت
به عزیزی مصر رسید داستان او و خواب دیدن
خورشید و ستاره گان و ... در کتب دینی ذکر
شده است که بنده به علت تکرار از آن خودداری
می‌کنم (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۱۴) و بالاخره اینکه
یوسف لفظ عبراتی است یا سریانی صاحب مرآت
جهان نما از تحفه‌الملوک آورده که ساختن تابوت

این به خون و خاک درآغشته را (دفتر چهارم
مثنوی ۳۵۶) (شمیسا، ۱۳۷۵)
ید بیضاست عذار بتم، ای کل! به خود آی
بُردن از معجزه با شعبده بازی نتوان
اشاره است به نوری که از کف موسی چون دست
می‌گشاد پرتو افکن شد ید بیضا: دست سپید و
درخشنده و از آن جمله معجزات موسی (ع) بدو
گویند هرگاه موسی دست از بغل بر می‌آورد
نوری از دست او تا به آسمان تتق می‌کشید و
عالم روشن می‌شد و چون به بغل می‌برد برطرف
می‌شد و بعضی گویند نوری در کف دست موسی
چون به طرف کسی می‌کرد آن شخص بیهوش
می‌شد و چون به بغل می‌برد به هوش می‌آمد، ید
بیضا کنایه از معجزه حضرت موسی است و بعدها
در ادبیات نیز به همان سبب معمول شد که
هرکسی در کاری مهارتی نشان دهد و آن کار
به‌خوبی و به زیبایی تمام از دست او بیرون آید
گویند ید بیضا نمود.

آری چنان جادوی فرعون از جهان

شعبان اسود و ید بیضا برافکند (خاقانی)
که سختم در همه آفاق برفتت
لیکن چه کند با ید بیضا که تو داری (سعدی)
(دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۴)

قولی دیگر اینکه روش و سفید که دست موسی
(ع) باشد که به آتش سوخته شده بود حق تعالی
آن را به عوض معجزه‌ی ایشان کرده که هرگاه در
بغل خویش دست را خم کرده بر می‌آورند مثل
آفتاب روش به نظر آمدی.

ترا به چو ساعد نمایان کند

ید بیضوی روی پنهان کند (ملا طغرا) (شاد،
۱۳۳۶، ج ۷)

زهی به تقویت دین نهاده صد انگشت

مآثر ید بیضا دست موسی را (انوری - ۲)
آب هر آهن و سنگ از بشود نیست عجیب



طلالوت را به پادشاهی ایشان فرستاد گفتند ما مستحق‌تریم پادشاهی را [از طاعت] اشموئیل گفت: آیت ملک او آن است که تابوت به بنی‌اسرائیل باز رسد و فرشتگان آن را بیاورند چنانکه گفت تحمل‌الملائکه، پس فرشتگان تابوت را بیاوردند به فرمان حق تعالی و بنی‌اسرائیل به پادشاهی طالوت خرسند شدند و جرب جالوت جبار کردند و از آن خلائق بسیار جز سیصد و سیزده مرد نماند و اشموئیل پیغامبر طالوت را ز رهی داد و گفت: هرکه را آن زره راست آید چون در پوشد جالوت به‌دست او کشته شود گفت بنگرید تا کیست که آن زره بردی راست باشد در همه سپاه جز بر داود شایسته نیامد داود سخت عظیم ضعیف بود پس طاعت وی را گفت با جالوت حرب توانی کردن؟ گفت توانم طالوت وی را دختر و پادشاهی بپذیرفت و عده دختر و پادشاهی بدو داد و داود نه سنگ در توبره نهاد و فلاخن داشت و پیش حرب کرد و چنین روایت است که جالوت ترکشش سیصد من بوده است پس داود سنگی به فلاخن اندر نهاد خدای تعالی باد را فرمان داد که ترک از سر جالوت گرفت و داود سنگی بیانداخت و بر سرش آمد چنانچه مغزش بریخت و بمرد و سنگ بر زمین آمد و پاره‌پاره گشت و بعد هرسواره‌ای پاره‌ای بر ایشان آمد و هرچه در پیش بودند بکشت و دیگران هزیمت شدند پس طالوت دختر و انگشتر به وی داد و همه مردم مطیع شدند پس از مدتی اشموئیل بمرو و طالوت همه عالمان بنی‌اسرائیل را بکشت و داود فرار کرد سپس طالوت پشیمان شد و خواست که توبه کند به دعای زنی اشموئیل سر از قبر برآورد و گفت توبه او آنکه با دوازده پسر به حرب جباران رود تا کشته گردد پس طالوت همچنان کرد و شهید شد و داود را به پادشاهی متخلص گشت (بعمل التواریخ و قصص)

از مخترعات آن حضرت است منقول است که حضرت یوسف (ع) به عمر هفده سالگی بود که عزیز مصر خرید و سیزده سال در خانه عزیز مصر ماندند و چون به عمر سی سال رسیدند ریان بن ولید که پادشاه مصر بود یوسف (ع) را وزیر خود ساخت چون به عمر سی و سه سال شد خدای تعالی یوسف را ملک و حکم و علم داد و چون صد و بیست ساله شد از دارالفنا به دارالبقا رخت بر بست و ... (شاد، ۱۳۳۶، ج ۷)

یار مفروش به دنیا که بسی سود نکرد

آن که یوسف به زر ناسره بفروخته بود (حافظ - ۱۴۳) (شمیسا، ۱۳۷۵)

گشتم اندر وَقَعَةُ رَأْسِ الْبِئْرِ

چار تن با استخوانِ فَكِّ خَر

اشاره دارد به قصه جالوت در تورات جالوت صورت قرآنی نام جلیات پهلوان تنومند فلسطینی که به‌دست داود کشته شد در روایات اسلامی داستان جالوت و داود را بسیار بسط داده‌اند (نیز - طالوت) محل نبرد داود و جالوت را در غور یا دره‌ای سفلی اردن شمرده‌اند، (مصاحب، ۱۳۴۵، ج ۱) جالوت جباری در فلسطین چون طالوت به پادشاهی بنی‌اسرائیل رسید آنان با جالوت و قوم او جنگیدند، اشموئیل بنی با طالوت موافق بود جالوت در جنگ کشته شد و قوم او هزیمت کردند (معین، ۱۳۷۱، ج ۵) قولی دیگر اینکه جالوت مأخوذ از عربی کسانی که جلای وطن کرده‌اند یهودیانی که جلای وطن کرده‌اند به بیت‌المقدس، رأس الجالوت به رئیس یهود (عمید، ۱۳۷۴، ج ۱) و اما مفصل‌تر از این‌ها شرح لغت‌نامه دهخدا بر این کلمه است که به‌طور اختصار بیان می‌کنم مؤلف مجمل‌التواریخ و القصص ذیل احوال اشموئیل نبی آورد: و در این عهد پادشاه جالوت از جباره بود و آخر ایشان از آن قوم که بلند قد و بلند هیكل و بالا بودند و بعد از آنکه بنی‌اسرائیل درخواستند، خدای



من آنم که طالوت را روز جنگ
بر افکند داود با تیر سنگ (حجه‌الاسلام
تبریزی) (دهخدا، ۱۳۷۳، ج ۵)
فتنةً یا جوج از اسکندر روی بخت
لشکر جالوت از داوود پیغمبر شکست (فتح
علیخان صبا - ۴۲)
دشمن چه کند گر نه قرار گردد متهور
جالوت چه باشد بر داود پیغمبر (سروش ۲۲۳)
بدین مایه بد مرد طالوت را
چو آماده شد جنگ جالوت را (سروش ۱۱۴۹)
(شمیسا، ۱۳۷۵)
پیش طوبای من به قامت و رخ
ماه شرمنده است و سرو خجل
اشاره دارد به طوبی نام درختی است در بهشت.
نام درختی است در بهشت که به هرخانه از اهل
جنت شاخی از آن باشد و میوه‌های گوناگون و
خوشبویی از آن حاصل آید و هندیان آرا کلب
پرچه خوانند (غیاث)
به باغی در او سایه شاخ طوبی
به باغی در او چشمه آب کوثر (فرخی)
درختی ساختیم مانند طوبی خرم و زیبا
که هر لفظیش دیناریست هر معنیش خرما
(ناصر خسرو)
چه طعنه‌هاست که اطفال باغمی نزنند
به گونه گونه بلاغت بلوغ طوبی را (انوری)
تحفه بزم اوست مریم وار
هرچه طوبی به نو بر افشاند (خاقانی) (دهخدا،
۱۳۷۳، ج ۱۰)
قولی دیگر این که طوبی به معنی خوشبودارتر و
پاک‌تر و گاهی به معنی عیش خوش بشارت و
فرحت آید و نام درختی است در بهشت که به
هر خانه از اهل جنت و ... (شاد، ۱۳۳۶، ج ۴)
اقوال آندراج و فرهنگ معین و عمید توضیحی
شبه همین را دارند که بنده از نوشتن آن
خودداری می‌کنم.

گاو را خواندگان خدا زحزی
منکر نوح در پیامبری
اشاره دارد به این بیت سنایی:
گاو را دارند باور در خدایی عامیان
نوح را باور ندارند از پی پیغمبری (سنایی)
که این بیت اشاره است به داستان سامری، این
سخن سنایی تعبیری دیگری است از این گفته
ابوعلی وفاق عارف قرن چهارم که «جوزوا أن
یکون المنحوت من الخشب و المعمول من
الصخر ایها معبوداً و تعجیو أن یکون مثل محمد
(ص) فی جلاله قد ره رسولا: هذا هو الضلال
البعید» (قشیری ۷۶/۳) یعنی [او عامه‌مردم] روا
دانسته‌اند که اشیاء تراشیده از سنگ و چوب
خدایی مورد پرستش قرار گیرد و در شگفت
شده‌اند از این که کسی همچون محمد (ص)
جلالت قدرش پیامبر باشد، این است گمراهی
بزرگ! «(شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲، قصیده ۲۷).
نتیجه‌گیری:

تلمیح به عنوان یک عنصر زیباشناسی، جایگاه
ویژه‌ای در ادبیات فارسی به‌ویژه استفاده و کاربرد
متعدد در اشعار شاعران ایران پس از اسلام دارد.
در بسیاری از اشعار شاعران تلمیح دیده می‌شود.
همانند تلمیح به اشخاص، تلمیح به امثال، تلمیح
به اماکن و اسماء خاص، تلمیح به تضمین اشعار
دیگر شاعران، تلمیح به اصطلاحات نجومی یا
صور فلکی، تلمیح به آیات و احادیث و ... لیکن
در این مقاله تلمیح به قصص قرآنی، موردنظر بود
و در آن از کتاب اشعار علامه علی‌اکبر دهخدا
استفاده گردید. دهخدا که در ادبیات معاصر یک
نابغه ادبی به‌شمار می‌رود به‌درستی و شایستگی
تمام از این عنصر استفاده کرده و در همه سطوح
مورد اشاره از تلمیح در دیوان اشعار بهره‌برده
است. این بهره‌گیری علاوه بر نبوغ نگارنده دیوان
اشعار، نفوذ دقیق و زیبای تلمیح به قصص قرآنی
را در ادبیات صد چندان کرده است. از آنجاکه



قرار گرفته و فتح بابی شود برای علاقه‌مندان، عرصه ادب و قرآن، تا با مطالعه و تحقیق بیشتر از این منابع عظیم سود جسته و قرآن را نقشه راه قرار داده تا بر تاثیر این کتاب آسمانی و الهی بر ادبیات فارسی و به‌ویژه تلمیح به قصص قرآنی، در دستور کار قرار گیرد.

قرآن معتبرترین منبع و سند در کتب الهی است، و بقول لاریب فیه، استفاده از این سند مستحکم، اعتبار اشعار و آثار نویسندگان را با اعتباری وصف نکردنی، بی‌مانند، و صد چندان کرده است. در این مقاله سعی شده است هرچند کوتاه، اما مفید تعدادی از تلمیحات به قصص قرآنی مورد بررسی

منابع

۱. «قرآن کریم»، حاج شیخ صادق احسانبخش ۱۳۷۱ جلد ۱۶، تهران: چاپخانه جاوید، چاپ اول.
۲. پادشاه، محمد متخلص به شاد، (۱۳۳۶): «فرهنگ آندراج»، زیر نظر دکتر محمد دبیر سیاقی، تهران: انتشارات کتابخانه ضایم تهران، چاپخانه حیدری، چاپ اول.
۳. جعفری، محمد تقی، (۱۳۶۲): «تفسیر و نقد و تحلیل مثنوی»، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ نهم.
۴. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۷): «امثال و حکم»، تهران: چاپخانه امیرکبیر، تهران، چاپ هشتم.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۶۲): «دیوان اشعار»، زیر نظر محمد دبیر سیاقی، تهران: چاپ تیراژه، چاپ اول.
۶. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷): «لغت نامه دهخدا»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
۷. سیاقی، محمد دبیر، (۱۳۶۳): «دیوان منوچهری دامغانی»، تهران: چاپخانه گلشن، چاپ پنجم.
۸. شاملو، احمد، (۱۳۹۸): «ابراهیم در آتش»، به نقل از فرهنگ تلمیحات دکتر سیروس شمیسا، تهران: انتشارات نگاه، چاپ اول.
۹. شعار، جعفر و انوری، حسن، (۱۳۷۰): «غننامه رستم و سهراب»، (انتخاب و شرح)، تهران: انتشارات علمی، چاپ هفتم.
۱۰. شفیع کدکنی، محمدرضا، (۱۳۷۲): «تازیانه‌های سلوک»، تهران: مؤسسه انتشارات آگاه، چاپ اول.
۱۱. شمیسا، سیروس، (۱۳۷۵): «فرهنگ تلمیحات»، تهران: چاپخانه رامین، چاپ پنجم.
۱۲. صفی، سید محمد، (۱۳۴۹): «قصص قرآن و تاریخ پیامبران»، قم: چاپخانه مهر استوار، چاپ چهاردهم.
۱۳. عمید، حسن، (۱۳۷۴): «فرهنگ فارسی دو جلدی عمید»، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ دهم.
۱۴. مصاحب، غلامحسین، (۱۳۴۵): «دایرة المعارف فارسی»، تهران: مؤسسه انتشارات فرانکلین، چاپ اول.
۱۵. معین، محمد، (۱۳۷۱): «فرهنگ فارسی»، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپخانه سپهر، چاپ هشتم.
۱۶. مولانا، جلال الدین محمد بلخی، (۱۳۹۵): «دیوان شمس»، سیروس شمیسا، تهران: انتشارات قطره، چاپ سیزدهم.
۱۷. مینوی، مجتبی و محقق، مهدی، (۱۳۶۵): «دیوان ناصر خسرو»، (تصحیح دیوان ناصر خسرو)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
۱۸. نیکلسون، رینولد الین، (۱۳۶۶): «مثنوی و معنوی مولانا جلال الدین محمد بلخی»، تهران: چاپخانه سپهر، چاپ دهم.



رفع معضلات زیست محیطی و مدیریت منابع انرژی در کشاورزی در سایه آموزه‌های قرآنی و سبک زندگی اسلامی مطالعه موردی: نهادهای آب

مجید نامداری

عضو هیئت علمی دانشکده کشاورزی، دانشگاه زنجان (نویسنده مسئول: namdari@znu.ac.ir)

چکیده

امروزه انرژی یکی از داده‌های مهم و حیاتی در زندگی افراد و تقریباً در تمام فعالیت‌های تولیدی در بخش‌های مختلف اقتصادی می‌باشد. آب را به‌عنوان یکی از نهادهای انرژی در بخش کشاورزی می‌شناسند. سطح آب‌های زیرزمینی روز به روز در حال پایین رفتن می‌باشد. بسیاری از سفره‌های آب زیرزمینی خشک شده‌اند. با توسعه‌ای که در امر سدسازی وجود داشته است، تمام آب‌های سطحی در ایران مهار می‌شود. تنها آبی که بعضاً از دسترس خارج می‌شود آب‌های مربوط به سیلاب‌های ناگهانی می‌باشد که علی‌رغم دائمی نبودن این سیلاب‌ها و نداشتن صرفه اقتصادی تا چندسال آینده این آب‌ها نیز جمع‌آوری خواهند شد و آن‌گاه دیگر هیچ آبی از دسترس خارج نخواهد بود. با توجه محدود بودن منابع آبی و استفاده از تمام منابع آبی موجود، تنها راه‌کاری که به نظر می‌رسد بتواند این معضل را حل کند، اصلاح الگوی مصرف با استفاده از ابزارهای فرهنگی و در سایه آموزه‌های دینی می‌باشد. تشکیل «تمدن نوین اسلامی» از اهداف انقلاب اسلامی بوده که الگوی مصرف اسلامی به عنوان یکی از نمودهای مهم در سبک زندگی اسلامی همواره مورد توجه بوده و دستورات فراوانی در این زمینه داریم، که برای اصلاح ساختارهای موجود، نیازمند توجه خاص به آن‌ها هستیم. مطالعه‌ی حاضر به بررسی نگاه قرآن و آموزه‌های دینی در این زمینه پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد که در شرایط کنونی تنها آموزه‌های قرآنی، سبک زندگی اسلامی و «تمدن اسلامی» است که می‌تواند گره از مشکل آب ایران بردارد. برای این امر نیز لازم است تمام توده‌های مردم و مسئولین با حرکت‌های جهادگونه، قدم در راه تشکیل تمدن نوین اسلامی بردارند.

کلیدواژه‌ها: الگوی مصرف، آلودگی آب، سبک زندگی اسلامی، بی‌آبی، تمدن نوین اسلامی

مقدمه

غایی بودن زندگی دنیوی استوار است. این دو جهان‌بینی دقیقاً در نقطه‌ی مقابل هم قرار دارند و بی‌گمان این اختلاف دیدگاه در بررسی وضعیت سبک زندگی و خوب و بد بودن آن و برنامه‌ریزی برای اصلاح آن تأثیر تام و تمام خواهد گذارد؛ چه‌بسا براساس دیدگاه اسلامی در بررسی سبک زندگی، توجه به برخی رفتارها و مصارف موردتوجه باشد یا حتی در اولویت باشد که در دیدگاه غربی توجه به آن‌ها اصلاً بی‌مورد باشد و آن‌ها را اصولاً داخل در سبک زندگی نداند که به تبع این وضعیت، برنامه‌ریزی در خصوص اصلاح وضعیت سبک زندگی نیز کاملاً متفاوت خواهد

فرهنگ زندگی، متأثر از تفسیر ما از زندگی است و هر هدفی را برای زندگی تعیین کنیم، سبک خاصی را به‌همراه می‌آورد. ناگفته پیداست که در زمینه‌ی سبک زندگی، تضاد جدی بین فرهنگ غرب و فرهنگ خودی وجود دارد و تعریفی که فرهنگ اسلامی - ایرانی از زندگی و خوب و بد بودن آن بر اساس آخرت‌گرایی و نقش مزرعه بودن زندگی دنیوی برای زندگی اخروی، که هدف اصلی و زندگی واقعی است، برابمان دارد؛ درست در نقطه‌ی مقابل فرهنگ غربی است که بر مبنای مکتب اومانیسم و لذت‌گرایی و هدف



بود (ولی‌زاده، ۱۳۹۲). یکی از مباحثی که در سبک زندگی مورد بررسی قرار می‌گیرد، بحث الگوی مصرف می‌باشد؛ که با توجه به محدودیت‌های منابع کشور، تقلید کورکورانه برخی‌ها از فرهنگ ظاهر فریب غربی‌ها و فشار تحریم‌های اقتصادی دولت‌های قلدر، بررسی مقوله‌ی مصرف یکی از اساسی‌ترین و ضروری‌ترین نیازهای فعلی کشور است. یکی از معضلاتی که در دنیای امروز شاهد آن هستیم، بحران محیط‌زیست می‌باشد که مولود ناخلف زندگی مدرن بوده و بشر به دست خویش محیط زیستش را نابود می‌کند. از هنگامی که جدال انسان و طبیعت برای زندگی به جدال برای رفاه تبدیل شده، مشکلات زیست‌محیطی یکی پس از دیگری چهره نموده است (حسینی، ۱۳۸۲). با این‌که این معضلات زاده‌ی خود انسان است، تاثیرات منفی زیادی بر زندگی وی دارد (بهرامی احمدی و فهیمی، ۱۳۸۶). یکی از منابع پایه که محیط‌زیست ما را مهمان خود کرده است، آب می‌باشد. در بسیاری از منابع علمی مرتبط با تولید، آب را از نهاده‌های انرژی در نظر می‌گیرند. همان آبی که پیامبر اکرم (ص) در وصفش می‌فرمایند: سرآمد نوشیدنی‌ها در دنیا و آخرت است. به فرموده‌ی قرآن «آب ماده‌ی نخست آفرینش هر موجود زنده و مایه‌ی حیات زمین است»، و چنانچه کمبودی از این مایه‌ی حیات‌بخش احساس شود، زندگی تهدید می‌شود. بحران آب، از بین تمام بحران‌های اجتماعی و طبیعی که ما انسان‌ها با آن روبه‌رو هستیم، مهم‌تر است، زیرا زندگی ما و سیاره زمین وابسته به آب می‌باشد (علوی نایینی، ۱۳۸۱). قرار گرفتن بخش وسیعی از کشور پهناور ایران بر روی کمربند خشک و نیمه‌خشک، خشک‌سالی‌های اخیر، توسعه‌ی صنعت، گسترش شهرنشینی، بالا رفتن سطح رفاه،

فرهنگ غیر صحیح در مصرف آب، تقلید کورکورانه از جوامع غربی بدون در نظر گرفتن شرایط بومی و منطقه‌ای، و مواردی از این دست باعث شده است که در سال‌های اخیر کم‌آبی به یکی از معضلات اساسی کشور تبدیل شود (یزدان‌داد و مظلوم، ۱۳۸۸). متأسفانه مدرنیته، ابعاد مختلف زندگی کشور ما را مورد حمله قرار داده است. یکی از این موارد هم الگوی مصرف می‌باشد که مورد بحث در این مقاله، مصرف آب می‌باشد. پرداختن به مباحث زیست‌محیطی جدا از دین نبوده و وظیفه‌ی همگان می‌باشد. رسول اکرم (ص) می‌فرمایند: نخستین سوالی که در قیامت از انسان درباره نعمت مادی می‌شود این است که به او می‌گویند آیا بدن سالم به تو ندادیم و از آب سرد سیرابت نکردیم (الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۳۴۴). بنابراین در این مطالعه، هدف یافتن شکلی مناسب برای حل مشکل فعلی آب می‌باشد.

۲. روش مطالعه

تفسیری که اسلام از زندگی دارد، با تفاسیر اومانیستی جوامع غربی تفاوت دارد. اسلام دینی است که دنیا را مزرعه‌ی آخرت و انسان را خلیفه‌ی خدا در زمین می‌داند. لذا برای ما ایرانی‌ها به عنوان مسلمان، لازم است تا نگرش جهان‌بینی اسلام، در زمینه‌ی الگوی صحیح مصرف نعمت‌های الهی و به خصوص آب، مشخص شده و تا حد ممکن از سبک زندگی غربی دوری کنیم. برای این‌که سبک زندگی اسلامی در مصرف آب تبیین و تقویت گردد، لازم است توصیفی از وضع موجود، ضعف‌ها و اشکالات ارائه شود. اگر بدون آنکه به لایه‌های زیرین سبک زندگی توجه کنیم و مستقیم به سراغ اصل آن برویم، دچار تفسیرهای افراط و تفریطی می‌شویم. لذا در این مطالعه تلاش شده است تا دیدگاه جهان‌بینی اسلامی در قبال الگوی



در ایران حدود ۱۳۰۰ مترمکعب است. یعنی ایرانی‌ها، ۲/۲۴ برابر متوسط جهانی آب مصرف می‌کنند (پیمان، ۱۳۹۱). جالب این است که تلفات آب در مصرف خانگی تا حدود ۲۲ درصد است. همه‌ی این آمار و ارقام، اهمیت تغییر در سبک مصرف آب را روشن می‌سازد. طبق اظهارات مسئولین، کار استحصال و مهار منابع آبی موجود در کشور به اتمام رسیده است. مهار برخی منابع آبی مرزی و همچنین استفاده از سیلاب‌هایی که به دریا می‌ریزد، آخرین کاری است که در چرخه‌ی تامین و عرضه‌ی آب کشور انجام می‌شود (خبرگزاری مهر، ۱۳/۷/۱۳۹۲). با توجه به این اظهارات دیگر منبعی برای تامین آب وجود ندارد و با توجه به رشد روزافزون تقاضا و کمبود منابع آبی اگر راه‌حلی پیدا نشود، باعث تنش در جامعه می‌شود. در یک نگاه کلی، مدیریت منابع آب کشور شامل کلیه‌ی فعالیت‌هایی می‌شود که به‌منظور تهیه، توزیع، مصرف، تنظیم، تصفیه و تعیین وضعیت آب انجام می‌شود. به‌عبارت دیگر، راه‌کارهایی که تاکنون برای مقابله با بحران کمبود آب به اجرا درآمده‌اند، بیشتر به شکل فنی و به‌صورت یافتن منابع جدید، مهار آب‌های موجود، بهبود توزیع، افزایش راندمان و مسایلی از این قبیل بوده است (محسنی ساروی، ۱۳۷۴). این اقدامات انجام گرفته عمدتاً در زمینه مدیریت تولید و عرضه‌ی آب دسته‌بندی می‌شود. ایجاد منابع تولیدی جدید برای آب و بهره‌برداری از آن (مثلاً استحصال آب‌های غیرقابل شربی مانند آب دریاها) به سرمایه‌گذاری وسیع ارزی و ریالی و زمان طولانی نیازمند است، لذا مقرون به‌صرفه نمی‌باشد. پس باید به‌دنبال شیوه و راه‌کار جدیدی گشت تا مشکل اصلی را برطرف نمود، که در حال حاضر در تمامی کشورها از جمله کشور ما بهترین شیوه، شناخت و اصلاح رفتار

صحیح مصرف آب، با بهره‌گیری از آیات قرآن، روایات امامان و بزرگان دینی، و مروری بر منابع مختلف، مشخص گردد. سبک زندگی اسلامی در حوزه‌ی مصرف آب در دو بخش شامل الگوی اسلامی مصرف و جلوگیری از آلودگی آب‌ها مورد بررسی قرار گرفت.

۳. یافته‌ها و نتایج

حجم آب موجود در جهان به میزان ۱/۲ میلیارد کیلومتر مکعب برآورد شده است که ۹۸ درصد آن در اقیانوس‌ها و دریاها قرار دارد و شور است و بخش اعظم آب شیرین زمین در کلاهک‌های یخی قطبی ذخیره شده و تنها کمتر از یک‌درصد آن به صورت منابع آبی در دسترس انسان قرار دارد که برای کشاورزی و شرب قابل مصرف است (یونپ، ۲۰۱۳). کشورهای غربی عموماً دارای بارندگی‌های مناسب بوده و مشکل چندانی از لحاظ کمبود آب ندارند. میزان بارندگی در کشورهای اروپایی در سال‌های ۲۰۰۸-۲۰۱۲ به‌طور میانگین، به میزان ۸۲۰ میلی‌متر در سال بوده است. در همین بازه‌ی زمانی میزان بارندگی در آمریکای شمالی ۸۰۰ میلی‌متر در سال بوده است. این در حالی است که در همین سال‌ها میانگین بارندگی در ایران تنها ۲۲۸ میلی‌متر بوده است (بانک جهانی، ۲۰۲۱). از سوی دیگر براساس آمار بانک جهانی در سال ۲۰۱۰، ایران از لحاظ میزان مصرف آب، با مصرفی معادل ۹۳/۳ میلیارد متر مکعب در هر سال، یازدهمین کشور پرمصرف دنیا می‌باشد (۱/۲ درصد از این مقدار در بخش صنعت، ۶/۷ درصد در بخش خانگی، و ۹۲/۲ درصد در بخش کشاورزی مصرف می‌شود). این اعداد و ارقام نشان می‌دهد که ایرانی‌ها علی‌رغم کمبود در منابع آبی، در زمینه‌ی مصرف آب نیز افرادی مسرف هستند. میانگین آب مصرفی سرانه جهان حدود ۵۸۰ مترمکعب برای هر نفر در سال است که این رقم



کلاوس تاپفر (Klaus Topfer)، مدیر وقت اجرایی برنامه‌ی محیط‌زیست سازمان ملل، می‌گوید «ما می‌خواهیم درباره مسایل زیست‌محیطی با جهان اسلام همکاری نزدیک داشته باشیم. من اعتقاد راسخ دارم، ارزش‌های معنوی جهان اسلام، بستر مناسبی برای اجرای برنامه‌های لازم جهت حفظ آفریده‌های خدا و تنوع زیست‌محیطی است» (شاه‌ولی و نوری‌پور، ۱۳۸۱). گروه‌هایی از دانش‌وران مسلمان کوشیده‌اند دیدگاه اسلام را در زمینه‌ی حفظ محیط‌زیست بنمایانند و نوشته‌های پراکنده‌ای در این زمینه عرضه کرده‌اند. آنان به‌درستی بر این باورند که بهترین نسخه شفابخش این درد مزمن و رنج‌آور جهان معاصر را می‌توان از لابه‌لای آیات قرآن کریم و فرمایشات معصومان استنباط کرده، فراروی آدمیان نهاد (حسینی، ۱۳۸۲). مطالعه و بررسی در قرآن نشان‌گر آن است که محیط‌زیست و عناصر آن مورد عنایت ویژه‌ی کتاب الهی می‌باشد. بیش از ۲۳ مورد در قرآن به مقوله‌ی تسخیر طبیعت و منابع آن و ۱۸ مورد به احیای طبیعت پرداخته شده است. بیش از ۱۵ مورد لفظ بحر و مانند آن، ۱۲ مورد الفاظ جبل و جبال، ۱۲ مورد ریح و رباح، ۵ مورد شجر، ۹ مورد نهر و انهار، ۱۲ مورد دابه و دواب، بیش از صد مورد لفظ زمین، ۶۰ مورد لفظ سماء و ۵۹ مورد لفظ آب در قرآن به کار رفته است (تاریمرادی و فخلعی، ۱۳۸۵؛ قلی‌زاده برندق، ۱۳۸۸). احکام اسلامی درباره‌ی محیط‌زیست فراوان و متنوع است. اسلام در زمینه‌ی مصرف صحیح آب آموزه‌های دقیق و فراوانی دارد. به فرموده‌ی قرآن: آب و خاک، ماده‌ی نخست آفرینش انسان هستند (قرآن، فرقان، ۵۴؛ مومنون، ۱۲)، به ویژه آب که ماده‌ی نخست آفرینش هر موجود زنده در زمین و مایه‌ی حیات زمین است (قرآن، نور ۴۵؛ روم ۲۴؛ انبیاء ۳۰)،

مصرف‌کننده‌ها است. الگوی مصرف از نمادهای سبک زندگی می‌باشد که تحت‌تاثیر آن قرار دارد. بنابراین نتیجه می‌شود که، برای حل معضل بی‌آبی باید از راه‌کارهای فرهنگی استفاده کرد. براساس مطالعه‌ی لهستانی‌زاده و همکاران (۱۳۸۲)، عوامل فرهنگی می‌توانند تا ۳۰ درصد از مصرف آب در شهر شیراز را تبیین کنند. ولی متأسفانه تاکنون کمتر به مصرف و به‌خصوص از دریچه‌ی فرهنگی توجه گردیده است (رعیتی، ۱۳۸۸). بسیاری از جامعه‌شناسان مصرف و ذائقه را متأثر از ساختار فرهنگی می‌دانند. آن‌ها بر روابط میان ساختار ذهنی و روابط عینی تأکید دارند و معتقد به رابطه متقابل آن‌ها هستند (لهستانی‌زاده و همکاران، ۱۳۸۲). در دنیای پسامدرن کنونی، برای رهایی از معضلات زیست‌محیطی، رویکردهای مختلفی از قبیل توجه به دانش بومی و سنت و مذهب مطرح شده است. همچنین، برای نشان‌دادن گرایش‌های بین‌المللی به مذهب برای پایداری و حفاظت منابع طبیعی و محیط زیست، می‌توان بر پژوهش سه ساله‌ی یک هزار دانشمند درباره ارتباط دین و محیط‌زیست که در مرکز مطالعات ادیان جهان در دانشگاه هاروارد آمریکا صورت گرفته، اشاره کرد. در این پژوهش، یادآوری شده است: «ادیان باید از نیروی خود برای پایان دادن به بهره‌برداری لجام گسیخته‌ی انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسؤلیت‌پذیری مشترک برای حفظ محیط‌زیست استفاده کنند. بدین‌منظور باید رهبران مذهبی با دانشمندان، اقتصاددانان، کارشناسان آموزش و سیاست‌گذاران همکاری کنند». در این میان اسلام، به‌عنوان زیربنای فکری جامعه و منبع و منشأ تعالیم رفتاری ما، از اهمیت موضوع غافل نبوده و سیاست‌های لازم برای کارکرد مصرف در جامعه‌ی اسلامی را فراهم کرده است. در این باره،



ذخیره‌سازی آب و حفظ آن دو موضوع مهم در نگاه پیامبر خدا (ص) بود و همواره به ایجاد حریم در نزدیکی منابع آب توصیه می‌کرد و برای استفاده ناب‌جا از آب و آلوده کردن آن نگران بود و آن‌گاه که آب فراوان بود، از اسراف آن حتی در وضو و غسل منع می‌کرد، چنان‌که فرمود: مقدار آب مصرفی در وضو یک مد (کمتر از یک کیلو) و در غسل یک ساع (حدود سه کیلو) است؛ ولی اقوامی پس از من می‌آیند که آن را اندک می‌شمارند. آنان با سنت من مخالف‌اند و کسی که بر روش من پایدار باشد در بهشت با من خواهد بود (الفقیه، ج ۱، ص ۳۵-۳۴). آورده‌اند روزی رسول اکرم (ص) از کنار سعد در حالی‌که وضو می‌گرفت، گذشت و فرمود: ای سعد! این چه اسراف‌ی است؟ عرض کرد: آیا در وضو گرفتن هم اسراف وجود دارد؟ حضرت فرمود: آری، هرچند کنار چشمه‌ای جاری باشی (تفسیر صافی، ص ۲۸۳). امام صادق (ع) در حدیثی به صراحت بر اهمیت صرفه‌جویی در مصرف آب می‌پردازد و می‌فرماید: خدا اسراف را دشمن دارد حتی اگر دور ریختن مانده‌ی آبی باشد (کتاب الخصال، ص ۱۱). حضرت امام خمینی (ره) در فاصله به‌جا آوردن اعمال وضو، شیر آب را می‌بستند و در مواقع لازم دوباره باز می‌کردند. ایشان همچنین پس از آشامیدن آب، هیچ‌گاه باقی‌مانده آن را دور نمی‌ریختند (جعفری، ۱۳۸۳). درست است که انسان خلیفه‌ی خداوند در زمین است ولی این چنین نیست که او مالک تمام‌عیار زمین و طبیعت و محیط‌زیست باشد و هرگونه که خواست، در آن تصرف کند، بلکه او نماینده اداره و آبادانی زمین است (قرآن، هود، ۶۱)، و طبیعت، امانت خداوند در دست انسان است (زروانی و خداجویان، ۱۳۸۴). مهمترین عنصر خلافت الهی بعد از فراگیری معارف دینی، آباد ساختن زمین (گستره‌ی زیست بشر) و نجات آن از هرگونه

پس باید به‌درستی از آن‌ها بهره برد تا حیات آن‌ها در خطر قرار نگیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

۱-۳. الگوی مصرف صحیح آب در اسلام

زمانی نعمت‌ها و امکانات در راستای هدف آفرینش قرار می‌گیرند که از آن‌ها به درستی بهره‌برداری و از افراط و تفریط پرهیز شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد (قرآن، اعراف، ۳۱). مشابه همین آیه، رسول اکرم نیز می‌فرماید: بخورید، بیاشامید، بپوشید و صدقه دهید ولی اسراف نکنید (بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۰۷). همچنین ایشان درجایی دیگر می‌فرمایند: بدترین امت من مرفهان خوش‌گذرانی هستند که جسم‌هایشان بر اسراف می‌روید (تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ج ۱، ص ۱۷۸). امام علی (ع) می‌فرماید: از بزرگ‌ترین مصادیق شرف و شخصیت، خودداری از ریخت و پاش و اسراف است (غررالحکم، ص ۳۶۰). همچنین فرموده‌اند: گنجی بی‌نیاز کننده‌تر از قناعت نیست (الکافی، ج ۸، ص ۱۹). امام سجاد در یکی از دعا‌های خود می‌فرماید: پروردگارا! مرا از اسراف و زیاده‌روی باز دار و به بخشش و میانه‌روی قوام ده و تنظیم صحیح امور زندگی را به من بیاموز و مرا از تزیین نعمت‌ها بازدار (صحیفه سجادیه، دعای سی‌ام). امام صادق (ع) فرموده‌اند: یکی از نشانه‌های مومن پرهیز از اسراف است (الکافی، ج ۲، ص ۲۳۱). امام کاظم (ع) می‌فرماید: هزینه‌ی زندگی باید مطابق طاعت خدا و به دور از اسراف باشد (عوالی اللثالی، ج ۳، ص ۱۲۱). همه‌ی این گهرگفته‌ها تاکید بر مصرف صحیح مواهب الهی دارند. این فرمایشات الگوی صحیح مصرف را ارائه می‌دهند که آب نیز در مصرف صحیح مستثنی نبوده، و بر طبق این فرموده‌ها بایستی در مصرف آن دقت کامل داشت.



روزی بطلب پذیرفته نمی‌شود (الکافی، ج ۲، ص ۵۱۱). امام کاظم (ع) می‌فرماید: هرکس میان‌روی و قناعت پیشه کند نعمت برایش پایدار می‌ماند (تحف العقول، ص ۴۰۳). فضایل و پاداش‌ها در این روایات فقط برای امور فردی نیست، تا خود فرد بهره‌بردار بلکه ترغیب و تشویق به امور اجتماعی است، تا دیگران از حاصل این کارها سود ببرند، در حالی که خود شخص نیز سود می‌برد (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

۳-۳. حفاظت از آب در اسلام

از آیات قرآن، سخنان معصومان و دیدگاه فقیهان به روشنی استفاده می‌شود که ضرر زدن به دیگران جایز نیست. بر طبق گروهی از آیات، شمار زیادی از روایات، سیره‌ی عقلا و اجماع فقها هیچ مسلمانی مجاز نیست به دیگران ضرر برساند. آلوده ساختن محیط زیست و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از روشن‌ترین نمونه‌های زیان زدن به دیگران است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است (حسینی، ۱۳۸۲). قرآن به صراحت با آلوده ساختن محیط زیست و به خصوص آب‌ها واکنش نشان داده و آلودگی را جلوه‌ای از فساد در زمین می‌داند که دستان بشر آن را پدید آورده است (قرآن، روم، ۴۱). براساس آمار سازمان بهداشت جهانی (WHO) سالیانه ۳/۴ میلیون نفر در جهان در اثر بیماری‌های مرتبط با آب (آلودگی، کمبود) جان خود را از دست می‌دهند که بخش اعظم آن‌ها کودکان هستند (سازمان بهداشت جهانی، ۲۰۱۳). به استناد آیات و روایات فراوان، اسلام آلوده کردن آب‌ها و دریاها از مصادیق «فساد در زمین»، «تبدیل نعمت‌های الهی به نعمت» و «کفران نعمت خداوندی» دانسته و آن را در زمره گناهان به شمار آورده است (حسینی، ۱۳۸۲). قاعده‌ای بر اساس قرآن (قرآن، بقره، ۱۹۰) به نام قاعده‌ی اتلاف در اسلام وجود دارد که براساس آن،

تباهی و تیرگی است. بنابراین فرهنگ زیست‌محیطی با مقام برین جانشینی خدا آمیخته است (اکبری‌راد، ۱۳۷۸). نعمت‌های الهی فقط برای بهره‌برداری ما آفریده نشده است، بلکه همه در آن سهم دارند. با نگاهی به زندگی بزرگان دینی می‌بینیم که آن بزرگواران علی‌رغم جایگاه والایی که داشتند، هیچ‌گاه ادعایی در مالکیت مواهب الهی نداشته‌اند و نعمت‌های الهی را برای تمام بشر می‌دانسته‌اند. پیامبر اکرم (ص) مشرکان مکه را در جنگ بدر آب داد. حضرت امیرمؤمنان (ع) نیز در حال جنگ آب را بر مردم بصره نبست و سید شهیدان، حضرت امام حسین (ع) حر و سپاهش را که برای جنگ با ایشان گسیل شده بودند، حتی اسبان و شترانشان را سیراب ساخت، حال آن که اگر امام این آب را ذخیره می‌کرد خود و خاندانش در روز عاشورا سیراب می‌شدند (حسینی، ۱۳۸۲). پس دید اسلامی بیان می‌دارد که به‌گونه‌ای از نعمت‌های الهی باید استفاده کرد که همه بتوانند از آن بهره‌مند شوند. در روایتی از پیامبر خدا (ص) آمده است: برای سیراب کردن هر انسان تشنه پاداشی است (بحارالانوار، ج ۷۴، ص ۳۷۰).

۳-۲. عواقب اسراف

رسول اکرم می‌فرماید: هر کس تبذیر (ریخت و پاش و اسراف) کند خدا او را از روزی محروم می‌کند (الکافی، ج ۲، ص ۱۲۲) که نتیجه‌اش فقر آن شخص می‌باشد (تنبيه الخواطر و نزهه النواظر، ج ۱، ص ۲۰۰). رسول اکرم همچنین فرموده‌اند که خدا دعای گروهی از مردم که از روزی خود درست استفاده نکرده‌اند را نمی‌پذیرد (الکافی، ج ۵، ص ۶۷). حضرت علی (ع) می‌فرماید: هرگاه خدا خیر بنده‌ای را بخواهد او را از سوء تدبیر و اسراف دور می‌کند (غرر الحکم، ص ۳۵۳). امام صادق (ع) نیز می‌فرماید: دعای کسی که مال خود را تباه و فاسد کند و از خدا



نیز فرموده‌اند: در آب راکد و ایستاده ادرار مکن که هرکس چنین کند و به بلایی گرفتار شود جز خویشتن را سرزنش نکند (علل الشرایع، ص ۲۸۳). آری به‌وضوح روشن است آلوده کردن آب‌ها، نه تنها در کمبود منابع آبی، بلکه به‌طور غیرمستقیم در سایر موارد نظیر سلامتی و بهداشت، تهدید حیات، ضررهای اقتصادی و مواردی از این قبیل، دامن خود فرد و جامعه را خواهد گرفت.

۴. نتیجه‌گیری

براساس مطالعات، اولین ابزاری که می‌تواند در بهینه‌سازی مصرف آب در مصرف خانگی موثر باشد، راه‌کارهای فرهنگی و فرهنگ‌سازی می‌باشد. تبلیغات و اطلاع‌رسانی هم دومین رتبه را در این زمینه به‌خود اختصاص داده است. این نتایج را علاوه بر حوزه‌ی مصرف خانگی، به‌راحتی می‌توان به سایر حوزه‌های مصرف آب شامل حوزه‌های تولیدی و خدماتی هم توسعه داد. در مصرف خانگی آب، بیشترین مصرف آب به‌ترتیب به فعالیت‌های آشپزی، شستشوی ظروف و لباس، سپس استحمام، آن‌گاه شستشوی ماشین و حیاط، و سرانجام آبیاری باغچه می‌باشد (یزدان‌داد و مظلوم، ۱۳۸۸). این نتایج نشان می‌دهد که در حوزه مصرف آب شهری، زنان نقش موثرتری می‌توانند در بهینه‌سازی مصرف آب داشته باشند. این درحالی است که مطالعات نشان داده است احساس زنان خانه‌دار ایرانی درباره آب قوی‌تر از احساس مردان است (شاه‌ولی و فروزانی، ۱۳۸۳). بنابراین با هدایت احساسات آنان، می‌توان ائتلاف آب را به مقدار قابل‌توجهی کاست. مطالعات نشان می‌دهد که با افزایش سطح تحصیلات خانوار، میزان مصرف آب (مصرف خانگی) کاهش می‌یابد (یزدان‌داد و مظلوم، ۱۳۸۸). این بدین معنی است که نظام آموزشی می‌تواند هدف بیان شده را به‌خوبی

هرکس به تخریب و اتلاف مواد دیگران اعم از اموال خصوصی و عمومی اقدام نماید مسئول جبران خسارت است (تاریمرادی و فخلعی، ۱۳۸۵). بنابراین آلوده کردن آب‌های مورد نیاز مردم مانند آب‌های پشت سد و آب نهرها، چشمه‌ها، چاه‌ها و مخزن‌ها کیفر دارد. برای مسلمانان شایسته نیست آب را که مایه حیات انسان و هر موجود زنده‌ای است، آلوده کند. از پیامبر (ص) در این باره تعبیرهایی گوناگون نقل شده است: گاهی از تخلی در کنار آب گوارا یا رودخانه، آب گوارایی که از آن استفاده می‌شود و گاهی از تخلی کردن در کنار رودخانه جاری و بار دیگر از ادرار کردن در آب جاری و گاهی از انداختن آب دهان در چاهی که از آب آن استفاده می‌شود نهی کرده است. شکی نیست که روح این احکام پرهیز از آلوده کردن آب به هر طریق ممکن می‌باشد. براین اساس روش‌های پیچیده آلوده کردن آب در زندگی صنعتی امروز که مهمترین منبع حیات آدمی و دیگر جانداران را مورد تهدید قرار می‌دهد، به مراتب از کراهت بیشتری برخوردار است (تاریمرادی و فخلعی، ۱۳۸۵). خداوند در قرآن در پاسخ کسانی که دستورهای دین را به امور اخروی محدود کرده، تلاش می‌کنند معارف و احکام اقتصادی را از دین حذف کنند و دین را صرفاً امری معنوی جلوه دهند می‌فرماید: ای اهل ایمان! طعام‌های پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده است حرام نکنید و از محدوده‌ی قانون خدا تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد (قرآن، مائده، ۸۷).

۴-۳. عواقب آلوده کردن آب

پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: از آلودن کردن آبی که در جایی جمع شده باشد (مانند آب چاه یا آب پشت سد و ...) بپرهیزید تا مورد لعن قرار نگیرید (جوادی آملی، ۱۳۹۱). امام صادق (ع)



احکام مربوط به حفظ محیط‌زیست در وهله نخست عقلی است، اغلب احکام و بیان‌های شرعی، جنبه‌ی ارشادی دارد (تاریمرادی و فخلعی، ۱۳۸۵). اگرچه یکی از راهبردهای شورای عالی انقلاب فرهنگی، بسترسازی برای ترویج سبک زندگی اسلامی و فرهنگ صرفه‌جویی، قناعت و مصرف صحیح و بهینه در حوزه‌ی آب می‌باشد (سند نقشه مهندسی فرهنگی، ۱۳۹۰)؛ ولی این مصوبات نیاز به حرکت‌های جهادی دارند و با شعار و حرف نمی‌توان به هدف رسید و نیاز است تمام توده‌ی مردم و مسئولین با حرکت‌های جهادگونه، قدم در راه تشکیل تمدن نوین اسلامی بردارند.

به‌ثمر رساند. شناسایی عوامل بحران‌آفرین برای محیط‌زیست و به‌خصوص آب، از دید اعتقادی امری ضروری است. به‌طوری که نتایج مطالعات نشان می‌دهد در جامعه‌ی ایرانی، نسل جوان در قیاس افراد مسن‌تر، احساس ضعیف‌تری نسبت به آب دارند و این احساس در حال تضعیف می‌باشد (شاه‌ولی و فروزانی، ۱۳۸۳). مساله محیط‌زیست به‌دلیل ارتباط تنگاتنگ به حیات انسانی و نظم آفرینش به‌خوبی مورد عنایت شریعت قرار داشته، که عمل بدان سعادت مادی و معنوی بشر را رقم خواهد زد. لذا تکلیف انسان در مقابل محیط‌زیست بر اساس آموزه‌های دینی به‌درستی مشخص شده و همچنین از آن‌جا که

منابع

۱. اکبری‌راد، ط. (۱۳۷۸): «حفظ محیط زیست از دید قرآن و روایات». مجله‌ی الهیات‌نامه، سال دوم، شماره ۵: ص ۲۶-۱۷.
۲. اشراقی، م. (۱۳۹۱): «سبک زندگی و تمدن سازی نوین اسلامی». روزنامه رسالت. ۹/۱۱/۹۱
۳. بانک جهانی، آمار و اطلاعات. (۲۰۲۱): به آدرس اینترنتی: www.worldbank.org
۴. بحارالانوار، علامه مجلسی
۵. بهرامی احمدی، ح. و فهیمی، ع. (۱۳۸۶): «مبنای مسئولیت مدنی زیست‌محیطی در فقه و حقوق ایران». مجله‌ی معارف اسلامی و حقوق، سال هشتم، شماره‌ی دوم، ص ۱۵۰-۱۲۱
۶. پیمان‌ه. (۱۳۹۱): سایت خبری، تحلیلی اقتصادی پیمان‌ه. «جدول مقایسه‌ای سرانه مصرف آب ۱۷ کشور». به روز شده در تاریخ ۹۱/۲/۱۳. به آدرس اینترنتی: www.peymaneh.ir/fa/pages/?cid=41569
۷. تاریمرادی، ا. و فخلعی، م.ت. (۱۳۸۵): «مبانی و احکام فقهی محیط زیست». مجله‌ی مطالعات اسلامی. ۷۱: ص ۶۶-۳۱.
۸. تحف العقول، ابومحمد حسن حرانی
۹. تفسیر صافی، ملا محسن فیض کاشانی
۱۰. تنبیه الخواطر و نزهه النواظر، ورام بن ابی فراس حلّی
۱۱. الجامع الصغیر، محمد بن حسن شیبانی
۱۲. جعفری، ح. (۱۳۸۳): «آب، مزه زندگی (آغاز هفته صرفه جویی در مصرف آب)». مجله‌ی گلبرگ، شماره ۵۲: ص ۳۹-۳۴.
۱۳. جوادی آملی، ع. (۱۳۹۱): «مفاتیح الحیات». نشر اسراء. قم.
۱۴. جوادی آملی، ع. و رحیمیان، ع. (۱۳۸۹): «اسلام و محیط زیست». نشر اسراء. قم.
۱۵. حسینی، س.ع. (۱۳۸۲): «بازخوانی کتاب فقه محیط زیست». مجله فرهنگ جهاد، شماره ۳۱: ص ۱۳۵-۱۳۰
۱۶. خبرگزاری انتخاب. به روز شده در ۱۳۹۲/۴/۱۶. به آدرس www.entekhab.ir
۱۷. خبرگزاری فارس. (۱۳۹۰): «سبک زندگی و رسانه». به‌روز شده در تاریخ ۱۳۹۰/۱۱/۱۹. به آدرس: <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13901119000775>
۱۹. خبرگزاری مهر. به آدرس اینترنتی: www.mehrnews.com



۲۰. رعیتی، ز. (۱۳۸۸): «فرهنگ سازی اصلاح الگوی مصرف آب». همایش ملی الگوهای توسعه پایدار در مدیریت آب، مشهد.
۲۱. زروانی، م. و خداجویان، ف. (۱۳۸۴): «پاسداری از محیط‌زیست در آیات و روایات». مجله‌ی پژوهش دینی، ۱۲: ص ۲۵۱-۲۶۶
۲۲. سازمان بهداشت جهانی، (۲۰۲۱). به آدرس اینترنتی: www.who.int
۲۳. سایت رهبری. پایگاه اطلاع‌رسانی مقام معظم رهبری. بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی. به روز شده در ۱۳۹۱/۰۷/۲۳ به آدرس: www.leader.ir
۲۴. سایت شبکه دو، (۱۳۹۲): پایگاه اطلاع‌رسانی شبکه دو صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران. «تلاش شبکه دو در بهینه سازی مصرف آب». به آدرس اینترنتی: <http://www.tv2.ir/fa/news/48350>
۲۵. سند سند نقشه مهندسی فرهنگی. (۱۳۹۰): شورای عالی انقلاب فرهنگی. ص ۲۳-۲۴.
۲۶. شاه‌ولی، م. نوری‌پور، ش. (۱۳۸۱): «رویکردهای دینی در پایداری منابع طبیعی (مراجع)». فصل‌نامه فرهنگ جهاد: شماره ۳۰، ص ۱۱۳-۱۱۲
۲۷. شاه‌ولی، م. و فروزانی، م. (۱۳۸۳): «بررسی نگرش دینی روستاییان نسبت به مدیریت رفتار با آب در دو منطقه سرورستان و کامفیروز استان فارس». فصل‌نامه فرهنگ جهاد، شماره ۳۷: ص ۱۵۹-۱۳۲.
۲۸. صحیفه سجاده. ترجمه علی موسوی گرمارودی، نشر کتاب هرمس. تهران
۲۹. عزالدین، م. (۱۳۸۳): «اخلاق زیست‌محیطی در اسلام». مجله‌ی اخبار ادیان، شماره ۱۱. ص ۵۹-۵۶.
۳۰. علل الشرایع، شیخ صدوق
۳۱. علوی نایینی، سعید. (۱۳۸۱): «بحران کمبود آب شیرین در راه است». (هشدار سازمان ملل متحد در آستانه سومین نشست جهانی آب در ژاپن). روزنامه همشهری، سال یازدهم، شماره ۳۰۰۳. ۲۰ اسفند ۱۳۸۱، ص ۵.
۳۲. عوالی اللثالی، محمد بن زین الدین ابن ابی جمهور
۳۳. غرر الحکم، عبدالواحد تمیمی
۳۴. الفقیه، محمد بن علی بن بابویه
۳۵. قرآن مجید
۳۶. قلی‌زاده برندق، ا. (۱۳۸۸): «اخلاق محیط‌زیست»، فصل‌نامه پژوهشی - علمی کوثر معارف، شماره ۱۲: ص ۶۳-۳.
۳۷. الکافی، محمد بن یعقوب کلینی،
۳۸. کتاب الخصال، محمد بن علی ابن بابویه
۳۹. لهسایی‌زاده، ع. منصوریان، م. جهانگیری، ج. (۱۳۸۲): «عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مؤثر بر الگوی مصرف آب در میان شهروندان شیراز». نامه پژوهش فرهنگی، شماره ۸: ص ۱۸۲-۱۵۹.
۴۰. محسنی ساروی، م. (۱۳۷۴): «جایگاه آبخیزداری در مدیریت منابع آب». مجموعه مقالات کنفرانس منطقه‌ای مدیریت منابع آب، دانشگاه صنعتی اصفهان، ۶ - ۸ شهریور ماه ۱۳۷۴، ص ۲۶۱ - ۲۷۱.
۴۱. مکارم الاخلاق، حسن بن فضل طبرسی
۴۲. ولی‌زاده، م.ج. (۱۳۹۲): «ماهیت و مفهوم «زندگی» در سبک زندگی اسلامی و غربی». پایگاه تحلیلی تبیینی برهان. ۱۳۹۲/۲/۸. به آدرس اینترنتی: www.borhan.ir/NSite/FullStory/News/?Id=5120
۴۳. یزدان‌داد، ح. و مظلوم، ب. (۱۳۸۸): «بررسی عوامل مؤثر بر الگوی مصرف آب و بهینه‌سازی آن در بخش خانگی (مطالعه موردی: شهر مشهد)». سومین همایش ملی آب و فاضلاب (با رویکرد اصلاح الگوی مصرف). تهران، پژوهشگاه نیرو.
۴۴. یونپ (UNEP)، (۲۰۱۳): «برنامه محیط‌زیست سازمان ملل». به آدرس: www.unep.org



بررسی رابطه آزمایشات قرآنی با پدیده‌های ژنتیکی و اپی ژنتیکی

غلامعلی رنجبر

دانشیار دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول: ali.ranjbar@sanru.ac.ir)

چکیده

انسان با پیشرفت در علوم مادی و فیزیکی نمی‌تواند از پیشرفت در علوم متافیزیکی و عقلی غافل بماند. تقسیمات علمی و شاخه‌هایی که ایجاد شده برای مطالعات آسان‌تر و متمرکز شدن بهتر در زمینه‌های خاص است ولی همین امر موجب دور شدن متخصصان از مطالعات بین رشته‌ای و غفلت از ایجاد پیوند بین یافته‌های رشته‌های مرتبط و با فاصله‌ای به مراتب بیشتر بین رشته‌هایی که ماهیتا از هم دورتر به نظر می‌رسند، شده است. در این مطالعه سعی شده است در رابطه با موضوع آزمایشاتی که خداوند در مورد انسان بر آنها تاکید دارد با توجه به جنبه‌های مختلف ارتباطی با ژنتیکی بودن و وراثت‌پذیری آنها و مرتبط بودنشان با پدیده‌های اپی ژنتیکی مورد تحلیل قرار گیرند و به این سوال پاسخ داده شود که آیا امکان مداخله مهندسی ژنتیک در آنها وجود دارد؟

واژگان کلیدی: قرآن، آزمایشات خداوندی، ژنتیک، اپی ژنتیک، تکامل

مقدمه

ضدتکامل آتش دمید و بحران اجتماعی و اعتقادی عظیمی را در اروپا ایجاد کرد. سیر تحول فکری داروین به‌طور خلاصه به‌صورت زیر توضیح داده می‌شود: داروین در کتاب «منشا انواع» در سال ۱۸۵۹ از بازکردن مبحث فرگشت (تکامل) انسان‌ها خودداری کرد. در آن کتاب او در مورد فرگشت نوع بشر تنها به این جمله بسنده کرد: «بر منشا انسان و تاریخ او روشنایی بسیار انداخته خواهد شد». او این نظریه را مطرح کرد که همه گونه‌ها دارای نسبی مشترک هستند؛ این نظریه امروزه توسط دانشمندان پذیرفته شده‌است و یکی از مفاهیم بنیادی دانش به‌شمار می‌آید (۱). داروین نظریه خود مبنی بر اینکه این تبارزایش فرگشت نتیجه فرآیندی به نام انتخاب طبیعی بوده‌است که در آن، تلاش برای بقا تاثیر مشابه‌ای بر روی اصلاح نژاد گزینشی در زادگیری گزینشی دارد را نخستین‌بار در مقاله‌ای مشترک با آلفرد راسل والاس مطرح نمود (۲). در سال ۱۸۵۹، یک سال

چند مبحث عادی یا شیطنت‌آمیز در حیطه مطالعات ژنتیکی، اپی ژنتیکی و مهندسی ژنتیک به‌وجود آمد و سوء استفاده‌هایی از این علوم بخصوص در رابطه با کلونینگ و تولید موجودات جدید در اثر دستوری‌های ژنتیکی به‌وجود آمده است که عکس‌العمل‌هایی را با خود به‌همراه داشته است. نخستین و مهمترین عکس‌العمل اجتماعی یا نهادهای دینی در برابر یافته‌های علوم زیستی به کتاب اجداد بشر و انتخاب در رابطه با جنسیت (The Descent of Man and Selection in Relation to Sex) و آنچه چارلز داروین (Charles Robert Darwin) به‌عنوان تکامل انسان مطرح کرد و انسان‌های میمون نما را اجداد انسان فعلی و میمون را جد حقیقی انسان معرفی کرد به‌ظهور پیوست که نهاد کلیسا که خود درگیر پدیده‌هایی همانند تفتیش عقاید و سخت‌گیری‌های دینی بودند، با متهم کردن وی به دخالت در امور خداوند بر تنور افکار



خوک شواهد کافی و علمی برای نظریه‌اش فراهم آورد. پژوهش‌های داروین به آرامی پیش می‌رفت. در سال ۱۸۴۲ مقاله خلاصه‌ای از نظریه‌اش تألیف کرد و در سال ۱۸۴۴ رساله‌ای ۲۴۰ صفحه‌ای درباره انتخاب طبیعی نوشت. با وجود اصرار دوستان، وی همچنان در انتشار گسترده نظریاتش مردد بود و نتایج پژوهش‌های خود را تنها با برخی همکاران نزدیکش همچون چارلز لایل و جوزف دالتون هوکر در میان می‌گذاشت؛ اما دریافت نامه‌ای در ژوئن ۱۸۵۸ داروین را واداشت تا تردیدهایش را کنار بگذارد. نویسنده نامه زیست‌شناس جوانی به نام آلفرد راسل والاس نیز درباره فرگشت به‌همان اندیشه‌های داروین رسیده بود. داروین ظرف دو هفته مقاله‌ای تهیه و به‌همراه مقاله والاس به انجمن علمی لینیان (Linnean Society of London) فرستاد. دوستانش ترتیبی دادند که هر دو مقاله با هم عرضه شود اما همراه با مدارکی که حق تقدم داروین را ثابت کند. داروین که اراده‌اش بر اثر آگاهی از وجود رقابت برانگیخته شده بود پس از ارائه مقاله شروع به نوشتن کتابی کرد با عنوان «پیرامون آغاز گونه‌ها به‌وسیله انتخاب طبیعی یا بقای نژادهای اصلح در تنازع برای بقا». در این کتاب که سپس به‌عنوان «آغاز گونه‌ها» مشهور شد، وی کوشید نظریه فرگشت به‌وسیله انتخاب طبیعی را توضیح دهد و مدارک علمی برای آن ارائه کند.

نظریه داروین-والاس: نظریه داروین-والاس بر اساس سه مشاهده و دو نتیجه کلی حاصل از این مشاهدات، پایه‌گذاری شده‌است. مشاهده: اگر مقاومت محیطی نباشد، هر نوع جاندار، به قاعده تضاد هندسی افزایش می‌یابد. به گفته دیگر، جمعیتی که در سال اول تعداد افرادش را دو برابر می‌سازد، بالقوه می‌تواند تعداد افرادش را در سال دوم، چهار برابر و در سال سوم، هشت

پس از انتشار مقاله‌ای مشترک با والاس، داروین کتاب خاستگاه گونه‌ها را منتشر کرد و شواهد خود مبنی بر فرگشت را در آن شرح داد (۳،۴). تا دهه هفتاد قرن ۱۹ میلادی، فرگشت به‌عنوان یک «حقیقت» در میان قشر تحصیل‌کرده پذیرفته شد. با این وجود، پس از ارائه سنتز مدرن در اوایل قرن بیستم، اجماعی در میان دانشمندان پدید آمد و انتخاب طبیعی به‌عنوان پایه و اساس سازوکار فرگشت پذیرفته شد (۵،۶). این کشف علمی داروین ضمن پیوند دادن همه علوم زیستی به یکدیگر، تنوع زیستی را نیز توضیح می‌دهد (۷،۸). چهل سال پیش از داروین دانشمندی به نام تامس مالتوس در مقاله‌ای مدعی شده بود که سرعت رشد جمعیت آدمیان بیش از میزان تولید غذاست و چنانچه جمعیت بشر به‌طریقی کنترل نشود، با گذشت چند دهه غذای کافی برای همگان وجود نخواهد داشت و آدمی مجبور است برای به‌دست آوردن آن مبارزه کند. داروین دریافت که آموزه‌های مالتوس نظریات او را تکمیل می‌کند. او نتیجه گرفت که پس از ایجاد تغییر در موجودات زنده، گونه‌هایی که با محیط طبیعی ناسازگار گشته‌اند حذف می‌شوند و گونه‌هایی که تغییراتشان آن‌ها را با محیط طبیعی سازگارتر کرده‌است، جای آن‌ها را می‌گیرند. داروین این پدیده را انتخاب طبیعی نامید. از سال ۱۸۳۶ تا ۱۸۵۸ داروین مخفیانه و در اوقات فراغت روی نظریه انقلابی‌اش کار می‌کرد. او دیگر به‌وجود فرگشت موجودات زنده یقین پیدا کرده بود ولی از آن بیم داشت که با علنی کردن آن از سوی گروه‌های تندرو به کفرگویی متهم شود. او که می‌دانست با مطرح شدن نظریه‌اش چه جنجالی در جامعه و محافل علمی برپا می‌شود، کوشید با انجام دادن آزمایش‌های فراوان روی گیاهان و جانوران و استفاده از تجربیات پرورش‌دهندگان کیوتر و



دارم در ذهنم پرنگ بود، زمانی که در حال نوشتن کتاب خاستگاه گونه‌ها بودم. و به تدریج با تمام شدن کتاب این نتیجه‌گیری در من، ضعیف و ضعیف‌تر شد» داروین در ادامه می‌گوید: «ولی به هیچ روی مشتاق نبودم که باور خویش را از دست بدهم با این همه ناباوری بر من غلبه کرد تا اینکه تمام وجودم را فراگرفت. این تحول چنان آهسته رخ داد که من حتی یک لحظه هم احساس نکردم که تصمیم نادرستی گرفته‌ام. در واقع من درست نمی‌فهمم که چرا باید یک آدم آرزو داشته باشد که مسیحیت بر حق باشد، از قرار معلوم براساس نصیح صریح متن [انجیل] باید گفت آدم‌هایی که ایمان نداشته باشند، از جمله پدرم برادرم و تقریباً همه دوستانم باید تا ابد مجازات گردند. و بنابراین چنین آموزه‌ای یک آموزه نفرت‌انگیز است (۱۱، ۱۲) با این حال وی در سال ۱۸۷۹ در نامه‌ای به یکی از دوستان خود می‌نویسد: «در شدیدترین نوسان‌هایم، هرگز یک آتئیست به معنای منکر وجود خدا نبوده‌ام. فکر می‌کنم به‌طور کلی و هرچه سنم بیشتر می‌شود، اما نه همیشه، واژه آگنوستیک (ندانم‌گرا) توصیف درست‌تری از وضعیت فکری من به‌دست می‌دهد (۱۳).

آنچه که داروین گفت: داروین از روی آزمایش‌هایش در مورد پرورش جانوران و مشاهده طبیعت متوجه شد که زادگانی بیشتر از آنچه زنده می‌مانند به‌وجود می‌آیند. این موضوع در مورد گیاهان و جانوران از درختان تا فیل‌ها و هرچه که میان آن‌ها است، صادق بود. برخی از جانوران میلیون‌ها تخم با هزاران لارو تولید می‌کنند، و برخی گیاهان میلیون‌ها هاگ یا دانه ایجاد می‌کنند، اما خوشبختانه اکثریت بزرگی از این تولیدمثل اضافی به دوران بلوغ نمی‌رسد. نیروی بینش صبورانه و دقیق داروین منتهی به تشخیص این شد که در طبیعت تفاوت‌هایی

برابر کند. مشاهده: اما در طبیعت، اگرچه گاه تغییراتی در اندازه جمعیت گونه‌ها رخ می‌دهد، اندازه جمعیت هرگونه از جانداران، در خلال مدتی طولانی ثابت می‌ماند. نتیجه: پیداست که همه گامت‌ها به زیگوت تبدیل نمی‌شوند، همه زیگوت‌ها به‌صورت جانداران بالغ در نمی‌آیند و همه افراد بالغ باقی نمی‌مانند و تولیدمثل نمی‌کنند؛ بنابراین بایستی تنازع برای بقا در میان باشد.

مشاهده: همه افراد یک نوع جاندار نظیر یکدیگر نیستند، بلکه نسبت به هم تفاوت‌های فردی عمده‌ای نشان می‌دهند.

نتیجه: بنابراین، در تنازع بقا، افرادی که دارای تفاوت‌های مساعدترند، مزیتی در رقابت با دیگران خواهند داشت. پس تعداد بیشتری از آن‌ها باقی می‌مانند و فرزندان پرشمارتری تولید خواهند کرد. چنان‌که دیده می‌شود، داروین و والاس محیط را علت اصلی انتخاب طبیعی می‌دانستند، یعنی محیط کم‌کم جانداران دارای صفات نامساعد را از میان می‌برد و جانداران دارای صفات مساعد را حفظ می‌کند. پس از گذشت نسل‌های بسیار و متوالی و تأثیر مداوم انتخاب طبیعی، سرانجام گروهی جاندار یک صفت یا تعدادی صفات جدید و مساعد را به درجه‌ای خواهد رساند که به‌صورت گونه‌ای جدید، از گونه اجدادی ظاهر خواهد شد.

دیدگاه دینی چارلز داروین

چارلز داروین در نوجوانی با هدف تبدیل شدن به یک روحانی آنگلیکن به دانشگاه کمبریج رفت (۹). اما به تدریج عقاید مذهبی خود را از دست داد. او بخشی از عقاید خود را در کتاب زندگی‌نامه خود (۱۰) آورده است. داروین در صفحه ۸۵ و ۸۷ کتاب خود می‌نویسد: «من سزاوار این هستم که به‌عنوان یک خداپاوار شناخته شوم. این نتیجه‌گیری تا آنجا که به یاد



دیگر ایجاد شده‌است اثر می‌گذارد، در حالی که محیط زیست کار انتخاب طبیعی را انجام می‌دهد.

اثبات ژنتیکی فرگشت: امروزه با پیشرفت علم ژنتیک و بیوتکنولوژی، قابلیت مقایسه میان DNA افراد و موجودات از طریق نشانگرهای مولکولی فراهم گشته‌است. از این قابلیت برای شناسایی قرابت و شباهت موجودات با یکدیگر، همچنین برای جرم‌شناسی و تشخیص والد و فرزند در مسائل قضایی و حقوقی استفاده می‌شود؛ آزمایش DNA نشان داده‌است که تفاوت میان DNA انسان و شامپانزه در حدود یک درصد است و این خود مهر تأییدی بر نظریه فرگشت (تکامل) می‌باشد (۱۴، ۱۵، ۱۶).

دلیل مخالفت‌ها: به گفته جیمز واتسون در مقدمه کتابش "ژنتیک مولکولی Molecular Genetics"، با وجود مخالفت‌ها نظریه فرگشت (تکامل) در دهه ۱۸۶۰ اثبات شد ولی بسیاری همچنان به شدت به مخالفت‌های خود ادامه می‌دادند که مخالفت‌های آنان منشأ علمی نداشته و ناشی از تعصبات و باورهای مذهبی است (۱۷).

مواد و روش

این مطالعه به صورت کتابخانه‌ای صورت گرفته و منبع اصلی آن الهام از کریمه «أَحْسَبُ النَّاسَ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ (عنکبوت ۲)» بوده است. آیا مردم گمان می‌کنند که به‌صرف اینکه گفتند ما ایمان آوردیم آنها را رها کرده و ادعایشان را مورد آزمایش قرار نمی‌دهیم؟ این آیه ذهن نویسنده را به سمت تحولات علمی در قالب تکامل و به‌وجود آمدن مباحث ژنتیک و اپی‌ژنتیک و مهندسی و دست‌ورزی ژن‌ها و علوم مدرن سوق داد که آیا در تبادل نظریات و برخورد اندیشه‌ها روابط بین رشته‌ای بین علوم عقلی و متافیزیکی با بینش‌های فیزیکی به چه شکلی

وجود دارد. در توله‌های یک سگ، بچه‌های ماهی کپور، افراد کشتی چسب یا گل ثعلب هیچگاه دو فرد شبیه همدیگر نیستند. جوانه‌زدن دانه‌های یک گیاه، نهال‌های متفاوتی به وجود می‌آورند. نبوغ داروین در این بود که فهمید این تولیدمثل اضافی به تفاوت‌ها مربوط می‌شود. سرانجام او به این تشخیص رسید که برای به دست آوردن منابع در طبیعت رقابت وجود دارد و این که تفاوت‌هایی که بهتر از همه با محیط خود سازگاری یافته‌اند افرادی را که کمتر سازگاری یافته‌اند از میدان به در می‌کنند. از آنجایی که محیط زیست این انتخاب را انجام می‌دهد، او آن را انتخاب طبیعی نامید در برابر انتخاب مصنوعی که توسط به‌نژادگران انجام می‌شود. این فرایند به انشقاق همراه با تغییر منجر می‌شود که تعریف او از تکامل بود. امروزه از دانش ژنتیک، که در زمان داروین ناشناخته بود، برای درک شیوه کار این فرایند استفاده می‌شود. انشقاق همراه با تغییر را می‌توان به شکل تغییر در تکرر ژن‌ها توصیف کرد، تغییری در نسبت یک ژن تغییر یافته در میان تمام شکل‌های احتمالی دیگر همان ژن. انتخاب طبیعی تولید مثل افتراقی است. با بیان دیگر، در یک محیط زیست یک شکل بیشتر از شکل‌های دیگر زادگان خود را به جا می‌گذارد. محیط زیست عامل انتخاب‌کننده‌است. داروین هیچ اطلاعی از منبع این تغییرات نداشت و هیچ راهی وجود نداشت تا او بفهمد که این تغییراتی را که او در آزمایش‌هایش بر روی پرورش جانوران مشاهده می‌کند اشتباه‌های شیمیایی، یا تغییرهای ناگهانی موروثی در یک ژن (جهش) هستند. به‌طور خلاصه فرگشت عبارت است از انشقاق همراه با تغییر (تغییر در توالی ژن‌ها) که در اثر انتخاب طبیعی (تولیدمثل افتراقی) پیش می‌آید، و بر روی تغییراتی که در نتیجه جهش و عوامل

قابل تبیین و تفسیر است. با علم به اینکه این برداشت‌ها قطعاً فاقد جامعیت خواهد بود و هر کسی با اندیشه یا تعصب‌هایی که دارد می‌تواند نوع تفسیر یا برداشت متفاوتی داشته باشد و در درازمدت انگاره‌های فکری در تطبیق با انگاره‌های دینی معاضدت‌هایی را موجب خواهد شد که در جهت توافق بین علم و دین سوق داده خواهد شد.

نتایج و بحث

بهتر است ابتدا در مورد آیاتی که در مورد آزمایش شدن ادعاهای انسان توسط خداوند با ابزارهای مختلف تذکر دادند بحث شود. چنانچه متذکر شد أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ در سوره عنکبوت نظر دارد به اینکه تحت آزمایش قرار گرفتن انسان‌ها برای تطبیق ادعاها با عمل آنها هیچ استثنایی ندارد و همه مورد آزمایش قرار می‌گیرد و کاربرد ناس عموم انسان‌ها را شامل می‌شود و در میان آنها تخبه‌گزینی و استثناء قائل نیست. ماهیت آزمایشات با تمیلات ذاتی و نفسانی انسان‌ها به‌سمت صلاح یا فساد و قابلیت یافتن ذهن و فکر به خویشتن‌داری یا تسلیم در برابر موقعیت‌های به‌وجود آمده برای ابراز نافرمانی یا تبعیت از فرامین و دستوران الهی سنخیت دارد. برداشت‌های انسان در برابر فرمان‌های الهی در برخورد با منافع ظاهری و آنی گاهی با تضادها یا تناقضاتی همراه می‌شود که همسویی بین آنها حس نمی‌شود و مجموعه شرایط محیطی و فکری ایجاد شده در پیرامون انسان متفکر گرایش‌یه یکی از دو سمت را بر رفتار او تحمیل می‌نماید. این پدیده در صحنه عمل موجب انحراف یا اتصال تطبیقی به فرامین الهی شده و در صورت انحراف گناه و در صورت اتصال ثواب را رقم می‌زند. بلافاصله در مورد مستثنی نبودن احدی از پیشینیان در مورد آزمایش قرار گرفتن

احاطه دانش خداوند بر راستگویان و دروغگویان را متذکر می‌شود و امکان توجیه و وجهه حق دادن به فعل ناحق را از انسان سلب می‌کند. وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ (عنکبوت ۳). أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ (عنکبوت ۴) کسانی که مرتکب اعمال زشت می‌شوند گمان می‌کنند که می‌توانند بر ما پیشی بگیرند و از عقوبت عمل خود جلوگیری کنند، اینها بد داوری می‌کنند و قطعاً این قدرت در آنها برای جلوگیری از عقاب وجود نخواهد داشت. قرآن کریم در بیان یکی از درخواست‌های حضرت ابراهیم (ع) از خدای متعال می‌فرماید: «رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَ اغْفِرْ لَنَا رَبَّنَا ...» (۲۲). پروردگارا، من و یارانم را مایه آزمون کافران قرار مده و بارخدا، ما را بیمارز. واژه «فتنه» و مشتقات آن در قرآن کریم، در آیات مختلف آمده، و در معانی مختلفی - که ممکن است برخی از آنها تا حدودی مشابه باشند - به‌کار رفته است؛ مانند: ۱. به‌معنای آزمایش و امتحان: «أَحْسِبَ النَّاسَ أَنْ يَتْرُكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ» (۲۳) مردم گمان می‌کنند، همین‌که گفتند ایمان آوردیم، رها می‌شوند و آزمایش نخواهند شد. ۲. به‌معنای فریب دادن: «يَا بَنِي آدَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ» (۲۴) ای فرزندان آدم، شیطان شما را فریب ندهد. به‌معنای بلا و عذاب: «يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ دُوقُوا فِتْنَتَكُمْ»؛ (۲۵) آن‌روز که آنها بر آتش عذاب می‌شوند، به آنها گفته می‌شود بچشید عذاب خود را. ۳. به‌معنای گمراهی: «وَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا»؛ (۲۶) کسی که خدا گمراهی او را بخواهد (و از او سلب توفیق کند) هیچ قدرتی برای نجات او، در برابر خداوند نخواهی داشت. ۴. به‌معنای شرک و بت‌پرستی: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ (۲۷)



سوختن در آتش و عذاب کشیدن ناشی از عمل فتنه‌انگیزانه در دنیا و تهیه هیزم‌های آتش قیامت با عمل خود است. با این اوصاف دروغ، دزدی، خوردن حق دیگران، تجاوز به بیت‌المال، خیانت در امانت، خیانت‌های جنسی، بازی با آبرو و حیثیت دیگران، غیبت و تهمت، و ... همه از مصادیق فتنه‌هایی هستند که هیزم متناسب با خود را در جهنم برای انسان فراهم می‌سازند. شیطان، هوای نفس، انسان‌های شیطان صفت، دوستان منحرف، کج‌اندیشان همه ابزارهای آزمایشات متعدد در چالش‌های پیش‌روی انسان در زندگی دنیا هستند و مال دوستی و شهوت و خواهش و طمع و بخل و ... را تحریک می‌کنند. حال سوال اینجاست که آیا این خصوصیات و کاراکترها ژنتیکی (اپی‌ژنتیکی) هستند یا جدای از آنها می‌باشند. در تصورات علمی و مادی هیچ دریافتی را نمی‌توان بدون پایه ژنتیکی یا اپی‌ژنتیکی تصور کرد. اگرچه سخنان هامر در وجود ژن خدا بدون استناد و تا حدودی خیال‌پردازی‌های ژولورن گونه است ولی محققان باید آن را به‌عنوان زمینه‌ای برای یافتن ارتباط بین نوع تفکر و یا امکان تغییرپذیری و تنوع آن با ژن‌ها یا محصولات ژن اعم از پروتئین‌ها و آنزیم‌ها و یا محصولات حاصل از کنش‌ها و واکنش‌های شیمیایی یا بیوشیمیایی و فیزیولوژیکی مطالعات گسترده‌ای را انجام بدهند. آنچه تاکنون اعلام شده است اینکه ژنی رسپتوری و مهاری به‌نام وزیکولار مونوآمین ترانسپورتر (ناقل) VMAT2 مسئولیت برخی از رفتارهای معنوی در انسان را برعهده دارد. قطعاً ژن‌هایی هم در ارتباط با برخی خصوصیات روحی و روانی نظیر خشم و شادی و ناراحتی و غم و آرامش و ناآرامی و خوش‌اخلاقی و تندخویی دست‌اندرکار هستند و یافته‌های بشر در این زمینه‌ها باید مورد پیگیری قرار بگیرد.

وَ يَكُونُ الدِّينُ لِلَّهِ؛ (۲۸) با آنها پیکار کنید تا شرک از میان برود، و دین مخصوص خدای یگانه باشد. ۵. با توجه به کاربردهای مختلف این واژه در قرآن، مفسران نیز در این که منظور از فتنه در این جا چیست، احتمالاتی را مطرح کرده‌اند: الف) پروردگارا ما را آزمایش برای کفار قرار نده؛ یعنی ما را به دست آنان عذاب نکن، تا بگویند اگر این گروه بر حق بودند، این بلا و عذاب به ایشان نمی‌رسید. ب) منظور این است که کاری نکن که آنان ما را از دینت خارج کنند. ج) یعنی به توان آن را بده تا ما در برابر آزارشان شکبیا باشیم و تسلیم آنها نشویم، تا مایه آزمایش برای آنان شویم. مایه آزمایش شدن مؤمنان برای کفار به این نحو است که کفار آنچه از ظلم و فساد در توان دارند بیرون بریزند، ابراهیم و مؤمنان را به انواع آزارها شکنجه کنند که چرا به خدای یگانه ایمان آورده‌اید، و خدایان ما را رها کرده، از آنها و از عبادتشان بیزاری جسته‌اید (۲۹). د) یعنی ما را از دوستی با کفار نگهدار؛ چراکه اگر آنها را دوست داشته باشیم، گمان می‌کنند که ما عقاید و اعمالشان را صحیح پنداشته‌ایم (۳۰). ه) یعنی این که پروردگارا، بین ما مؤمنان اختلاف و تفرقه نینداز که به نفع کفار تمام شود (۳۱). برخی از این برداشت‌ها منافاتی باهم نداشته و قابل جمع می‌باشند، اما قطعاً مؤمنان - بویژه پیامبران و اولیای الهی - چنین درخواستی از خدای متعال ندارند که ما را به هیچ‌وجه در معرض امتحان و آزمایش قرار نده؛ چراکه براساس آموزه‌های قرآن، امتحان و آزمایش یکی از سنت‌های حتمی خداوند است (۳۲)، و مؤمنان درخواست این‌چنینی را ندارند؛ لذا منظور حضرت ابراهیم (ع) یارانش می‌تواند یکی از احتمالات ذکر شده باشد. انواعی از فتنه و آزمایش در تاریخ به‌وقوع پیوسته که در نهایت قدرت خداوندی بر همه آنها مسلط شده است. تسری فتنه در قیامت و



اپی‌ژنتیکی نیز قابل انتساب دانست. اگر این برداشت‌ها برای سایر ژن‌های از این دست درست باشد می‌توان انتظار داشت که با تحقیقات بیشتر و استفاده از مهندسی ژن یا مهندسی کروموزوم انسان‌های تراریخته‌ای متولد شوند که ژن‌های معنوی‌افزا و آرامش‌آفرین و شادی‌ساز در آنها بیشتر بیان شده و جهان با تکثیر نسل این انسان‌ها به صلح و آرامش بیشتری رهنمون شود. در این صورت می‌توان حضور انسان‌های صالح در دوران پسا علوم مادی و ارتباط تنگاتنگ‌تر ژنتیک و اپی‌ژنتیک و کاربردهای مهندسی کروموزوم و ژن با متافیزیک را بیشتر متصور بود که فعالیت‌های خود را بر مبنای کسب رضایت خداوند و عمل دقیق به فرامین الهی تنظیم کرده و زمینه‌ساز ظهور امام عصر (عج) شده و در برپایی حکومت عدل جهانی صاحب نقش اساسی باشند.

نتیجه‌گیری

فرگشت داروینی با انتقادات جامعی از دیدگاه ژنتیکی و اپی‌ژنتیکی رو به رو شده و تفسیر تازه‌تری پیدا کرد. با کشف ژن‌های مرتبط با معنویت‌افزایی و انتقال آن به نسل‌های جدید با ابزارهای مهندسی کروموزوم و ژن در جهان آینده شاهد انسان‌های با معنویت بیشتر و صلح‌جو تر خواهیم بود که زمینه‌سازی جدی برای ظهور امام عصر (عج) را انجام داده و در تشکیل حکومت جهانی مبتنی بر عدالت مهدی موعود (عج) صاحب نقش خواهند بود.

راستی‌آزمایی ادعای داروین در مورد فرگشت انسان از طرق مختلفی صورت گرفته و ژنتیک نوین همه ادعای ایشان را مورد تایید قرار نمی‌دهد ولی در مورد گونه‌زایی‌های جدید و تنوع ناشی از هیبریداسیون و موتاسیون و برخی تنوع‌های ناشی از سوماکلونال تحت تاثیر برخی از مواد و شرایط و تفسیرهای متنوع اطلاعات توسط اندامک‌های موجود در سیتوپلاسم سلول با توجه به پیچیدگی‌های بسیار زیاد شرایط درون سلولی و مواجهه با شرایط متنوع در کل ولی متفاوت با برداشت‌های داروینی مورد تایید می‌باشد. حال اینکه در حوزه اندیشه و تفکر و عمل برخاسته از این اندیشه‌ها و خاستگاه ژنتیکی و یا اپی‌ژنتیکی آنها چقدر تنوع وجود دارد و به‌ازاء هر انسانی که با پدیده‌هایی مواجه می‌شود و بسته به شرایط محیطی و برهمکنش بین ژنتیک با شرایط محیطی چه تنوع بزرگ و زایدالوصفی ایجاد می‌شود، قابلیت اندازه‌گیری وجود ندارد. به‌نظر می‌رسد زمینه‌های بسیار زیادی برای مطالعه با توجه به دیدگاه‌های آینده پژوهی وجود دارد. هامر که خود را یک متخصص ژنتیکی دین می‌داند اعتقاد دارد که میزان معنویت را می‌توان با اندازه‌گیری‌های روان‌سنجی تعیین کرد و گرایش بشر به معنویت را تا حدودی ارثی می‌داند و بخشی از آن به ژن VNAT2 مرتبط است. این ژن با تنوعی که در میزان مونوآمین‌ها ایجاد می‌کند موجب میزان احساس رضایت و معنویت و آرامش در افراد می‌شود. از این‌رو می‌توان آن‌را به پدیده‌های

منابع

1. Coyne, Jerry A. (2009). Why Evolution is True. Viking. pp. 8–11. ISBN 978-0-670-02053-9. Larson 2004, pp. 79–111
2. Coyne, Jerry A. (2009). Why Evolution is True. Oxford: Oxford University Press. p. 17. ISBN 978-0-19-923084-6. In The Origin, Darwin provided an alternative hypothesis for the development, diversification, and design of life. Much of that book presents evidence that not only supports evolution but at the same time refutes creationism. In Darwin's day, the evidence for his theories was compelling but not completely decisive.



3. Glass, Bentley (1959). Forerunners of Darwin. Baltimore, MD: Johns Hopkins University Press. p. iv. ISBN 978-0-8018-0222-5. Darwin's solution is a magnificent synthesis of evidence...a synthesis...compelling in honesty and comprehensiveness
4. van Wyhe 2008
5. Bowler 2003, pp. 178-179, 338, 347
6. The Complete Works of Darwin Online – Biography. توسط بایگانی‌شده. ۲۰۰۷ ژانویه ۷ در Wayback Machine darwin-online.org.uk. Retrieved 2006-12-15 Dobzhansky 1973
7. As Darwinian scholar Joseph Carroll of the University of Missouri–St. Louis puts it in his introduction to a modern reprint of Darwin's work: "The Origin of Species has special claims on our attention. It is one of the two or three most significant works of all time—one of those works that fundamentally and permanently alter our vision of the world...It is argued with a singularly rigorous consistency but it is also eloquent, imaginatively evocative, and rhetorically compelling." Carroll, Joseph, ed. (2003). On the origin of species by means of natural selection. Peterborough, Ontario: Broadview. p. 15. ISBN 978-1-55111-337-1.
8. Desmond & Moore 1991, pp. 201, 212-221
9. Sulloway 1982, pp. 9, 20-23
10. Browne 1995, p. 360 "Darwin, C. R. (Read 14 March 1837) Notes on Rhea americana and Rhea darwini, Proceedings of the Zoological Society of London". Archived from the original on 10 February 2009. Retrieved 17 December 2008.
11. Royal College of Surgeons
12. Browne 2002, pp. 373-379
13. Desmond, Adrian; Moore, James (1991), Darwin, London: Michael Joseph, Penguin Group, ISBN 0-7181-3430-3
14. https://en.wikipedia.org/wiki/The_Autobiography_of_Charles_Darwin57
15. <http://darwin-online.org.uk/content/frameset?pageseq=89&itemID=F1497&viewtype=side>
16. <http://darwin-online.org.uk/content/frameset?pageseq=95&itemID=F1497&viewtype=text>

۱۷- قرآن کریم

- ۱۸- ر. ک: مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۲۱-۲۲، تهران، دار الکتب الإسلامیة، چاپ اول، ۱۳۷۴ ش.
- ۱۹- طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۹، ص ۲۳۳، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ پنجم، ۱۴۱۷ ق.
- ۲۰- طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، مقدمه، بلاغی، محمد جواد، ج ۹، ص ۴۰۷، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
- ۲۱- طیب، سید عبد الحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۴۹۴، تهران، اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸ ش. ر. ک (امتحان و آزمایش سنت قطعی خداوند)

اثر شفابخشی دعا بر امراض و بیماری صعب‌العلاج بر اساس قرآن و احادیث

اختر سلطانی^۱ و علی خاتون‌بیگی^۲

۱- استادیار گروه الهیات، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد ایلام، ایلام، ایران
(نویسنده مسئول: asman.alamto@gmail.com)

چکیده

دعا و نیایش با خدا، یکی از حقایق پرمعنا و سازنده‌ی جنبه‌های مثبت انسانی و از اساسی‌ترین عوامل رشد و تعالی انسان است. در دعا و نیایش، روح به‌منظور تقرب به درگاه پروردگار، به‌سوی مبداء غیر مادی جهان هستی می‌گراید و در این گرایش موقعیت اصلی خویش و سرمایه‌های گران‌بهای خود را درک می‌کند و این‌گونه، از اسارت در چنگ ناامیدی رهایی می‌یابد. امروزه محققین و دانشمندان در جستجوی یافتن شیوه تأثیرات درمانی متأثر از مذهب و معنویت، و پیدا کردن راه‌های علمی و عملی برای استفاده از این روش درمانی هستند. دعا و نیایش از مهم‌ترین اقدامات مذهبی معنوی است که هرچند تاریخچه هزاران ساله دارد، اما اخیراً تحقیقات کامل علمی در مورد آن آغاز شده است. در این مطالعه مروری سعی گردید تا با جستجو در منابع کتابخانه‌ای و مراجعه به بانک‌های اطلاعاتی داخلی و خارجی، ضمن استناد علمی به چگونگی تأثیر فعالیت‌های مذهبی به‌خصوص دعا و نیایش در روند سلامت جسمی و روانی، به گوشه‌ای از پژوهش‌های انجام‌شده در مورد تأثیر این فریضه عبادی بر روند بهبودی بیماران با تشخیص‌های متعدد، اشاره گردد. نتایج اکثریت قریب به اتفاق مطالعات، حاکی از تأثیر مثبت دعا و نیایش در بازگشت سلامت بیماران بوده و پژوهشگران لزوم استفاده از مراسم معنوی را در کنار درمان‌های طبی، جهت کنترل و درمان بیماری‌ها پیشنهاد می‌کنند.

واژگان کلیدی: دعا، نیایش، بیماری صعب‌العلاج، قرآن، احادیث

مقدمه

این است که هرروزه این دانشمندان به دستورات اسلام در رابطه با دعادرمانی و تأثیرات آن مهر تأیید زده و باعث شگفتی بسیاری از صاحب‌نظران غربی شده‌اند. از دیرباز دعا و نیایش به درگاه پروردگار، در میان تمام ادیان و مکاتب بشری وجود داشته است. به‌طوری‌که تمام مکاتب و نحله‌های بشری، در امورمانند بیماری و گرفتاری‌ها از آن استفاده می‌کردند. اما بعد از انقلاب صنعتی و ورود تکنولوژی به زندگی بشر، تا اندازه‌ای تأثیر دعا، کم‌رنگ‌تر دیده شد و تا بدان‌جا که تأثیر دعا در سلامتی و مسائل فیزیکی را منکر شدند. اما در سال‌های اخیر دوباره دانشمندان، بر این اعتقاد مهر تأیید زده‌اند که تأثیر دعا در سلامتی و مسائل فیزیکی را منکر شدند. اما در سال‌های اخیر دوباره دانشمندان، بر این اعتقاد مهر تأیید زده‌اند که تأثیر دعا در سلامتی و بیماری‌ها بسیار زیاد

دعا کردن از ایام قدیم و سالیان دور در بین تمام ادیان و مکاتب بشری وجود داشته است به‌طوری‌که تمام مکاتب و نحله‌های بشری در اموری مانند بیماری و گرفتاری‌ها از آن استفاده می‌کردند اما بعد از انقلاب صنعتی و ورود تکنولوژی به زندگی بشر تا حدی تأثیر دعا کم‌رنگ‌تر دیده شد و تا جایی رسید که تأثیر دعا در سلامتی و مسائل فیزیکی را منکر شدند. اما در سال‌های اخیر دوباره دانشمندان بر این اعتقاد مهر تأیید زده‌اند که تأثیر دعا در سلامتی و بیماری‌ها بسیار زیاد است. به‌طوری‌که برای اثبات این ادعا پژوهشگاه‌ها و مراکز خاصی را به‌خاطر این مسأله تأسیس کرده‌اند. نکته جالب



خودش را بیان کند و همین کار را انجام داده است و از طریق امامان ع به ما رسیده است. امامان معصوم ع همواره در کنار درمان بیماری، تاکید بر دعا و روی آوردن به درگاه الهی و راز و نیاز با پروردگار داشته‌اند. ابوهاشم جعفری می‌گوید بر امام هادی (ع) وارد شدم در حالی که حضرت تبار و بیمار بودند به من فرمودند: ای اباهاشم شخصی از دوستان ما را به حائر بفرست تا برایم دعا کند، از نزد آن حضرت بیرون آمدم در این هنگام با علی بن بلال مواجه شدم فرموده حضرت را برایش بازگو نموده و از وی راجع به شخصی که حضرت فرموده‌اند درخواست کرده و جویا شدم. علی بن بلال گفت: شنیدم و اطاعت می‌کنم ولی می‌گویم: حضرت خودشان از حائر افضل و برتر هستند زیرا ایشان به منزله کسی است که در حائر می‌باشد (یعنی حضرت سیدالشهداء) و دعاء آن جناب برای خودشان افضل و برتر است از دعاء من برای ایشان در حائر من محضر امام علیه‌السلام مشرف شده و حرف علی بن بلال را خدمتش عرض کردم، حضرت به من فرمودند: به او بگو: رسول خدا از بیت و حجر الاسود افضل بودند ولی در عین حال دور بیت طواف می‌کرده و حجر را استلام می‌فرمودند، خداوند متعال بقاع و مواضعی دارد که می‌خواهد در آن جاها خوانده شود تا دعاء، دعاکننده را مستجاب فرماید و حائر از جمله این مواضع می‌باشد. اصولاً مشیت خداوند بر این قرار گرفته که مردم در این عالم برای رسیدن به مقصود از اسباب و وسایل موجود کمک بگیرند. در حدیث معروف از امام صادق (ع) آمده است: اراده الهی بر این قرار گرفته که همه چیز مطابق اسباب جریان یابد، به همین جهت برای هر چیزی سببی قرار داده است. بنابراین بی‌اعتنایی به عالم اسباب نه تنها توکل نیست، بلکه به معنای بی‌توجهی به سنت‌های الهی است و این با روح توکل ناسازگار

است. به طوری که برای اثبات این ادعا، پژوهشگاه‌ها و مراکز خاصی را به این منظور تأسیس کرده‌اند. نکته جالب این است که هرروزه این دانشمندان به دستورات اسلام در رابطه با دعا درمانی و تأثیرات آن مهر تأیید زده و موجب شگفتی بسیاری از صاحب‌نظران غربی شده‌اند. در بسیاری از روایات وارد شده است که برای هر بیماری، دوائی است، اما یک روایت خاصی وجود دارد که مضمون کلی و مبهم این روایات را تا حدی روشن می‌کند. در روایتی امام رضا ع فرمود: (برای هر بیماری دارویی است) اصحاب پرسیدند: آن چیست؟ حضرت فرمود: «لِكُلِّ دَاءٍ دَعَاءٌ» یعنی اینکه برای هر بیماری دعایی هست. در روایت دیگری امام صادق ع فرمود «عَلَيْكَ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ» بر تو باد به دعا کردن که شفای هر درد و بیماری است. در روایت دیگر امام رضا ع می‌فرماید: «لَا يَذْهَبُ بِالْأَدْوَاءِ إِلَّا الدُّعَاءُ وَ الصَّدَقَةُ ..» درد و بیماری‌ها را چیزی جز دعا و صدقه از بین نمی‌برد. از مجموع روایاتی که درباره سلامتی بدن و شفاء از بیماری‌ها بیان شده است می‌توان به این نتیجه رسید که پس از دارو درمانی و پیروی از دستورات پزشکی و بهداشتی، دعا درمانی یا همان دعا کردن است به صورتی که بعضی روایات این مطلب را می‌رساند که اگر بیماری وجود داشته باشد که دوائی نداشته باشد، دعا کردن دوائی آن است مانند بیماری «سام» که در روایات آمده است که موجب مرگ می‌شود. به همین منظور تأثیر زیاد و عجیب در دعا کردن که باعث سلامتی و شفاء از بیماری می‌شود و تأکید فراوان آن در دستورات دینی برای دعا کردن و همچنین انواع مباحث در این زمینه نیاز است که هر کدام از موضوعات آن به صورت مقاله و کتاب تدوین گردد. اسلام که ادعا می‌کند دعا در سلامتی و شفا تأثیر دارد، باید برای هر بیماری دعای خاص



فضیلت و آثار دعا از دیدگاه قرآن

۱- خداوند (جلّ جلاله) در قرآن کریم می‌فرماید: «قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْ لَا دَعَاؤُكُمْ فَقَدْ كَذَّبْتُمْ فَسَوْفَ يَكُونُ لِزَامًا^۴». بگو: «پروردگارم برای شما ارجی قائل نیست اگر دعای شما نباشد؛ شما (آیات خدا و پیامبران را) تکذیب کردید، و (این عمل) دامان شما را خواهد گرفت و از شما جدا نخواهد شد!». خداوند در این آیه بیان می‌کند که اگر دعا نبود هیچ جایگاه و اهمیتی برای مردم قرار نمی‌داد. بنابراین از این کلام فهمیده می‌شود که جایگاه و منزلت انسان در نزد خداوند به اندازه دعا کردن اوست. برخی گفته‌اند که در این آیه منظور از دعا «عبادت و پرستش خداوند» است. ولی این درست نیست، بلکه آنچه که از امامان معصوم (ع) درباره این آیه نقل شده است، نشان می‌دهد که منظور از دعا در این آیه همان دعایی است که در عرف شرع فهمیده می‌شود^۵. مضمون این آیه نشان‌دهنده آن است که اهتمام خداوند به انسان از سوی دعا سرچشمه می‌گیرد، یعنی همان حاجت خواستن، که اهتمام خداوند شامل دادن نعمت - سلامتی و ... است. ۲- خداوند جلّ جلاله می‌فرماید: «قُلُوْا لَا اِذْ جَاءَهُمْ بِاَسْنَا تَضَرَّعُوْا وَ لٰكِنْ قَسَتْ قُلُوْبُهُمْ^۶» چرا هنگامی که مجازات ما به آنان رسید، (خضوع نکردند و) تسلیم نشدند؟! بلکه دل‌های آنها قساوت پیدا کرد. خداوند (جلّ جلاله) در این آیه سه هشدار می‌دهد که اگر کافران تضرع و زاری می‌نمودند، خداوند سختی و ناگواری و ختم و عذاب و ناراحتی‌های آنان را برطرف می‌نمود^۷. البته منظور از ناراحتی‌ها انواع ناراحتی‌های جسمی و روحی و عذاب را شامل می‌شود. لذا خداوند (جلّ جلاله) در آیه شریفه

است. پس به‌طور خلاصه، توکل بر خداوند یعنی اعتماد کردن به او و واگذار کردن کار به او و تسلیم اراده او بودن و استقلال ندادن به اسباب و توجه کامل به مسبب‌الاسباب یعنی خداوند متعال. یعنی در عین استفاده از اسباب (درمان) توجه داشته باشیم که اسباب از خود چیزی ندارند و در تأثیر مستقل نمی‌باشند بلکه تکیه‌گاه آنها نیز خداوند متعال است.

لغت‌شناسی دعا

معنی لغوی دعا

دعا از جهت لغوی به معنای «کسی را صدا زدن - کسی را خواندن»^۱ «خواندن و حاجت خواستن و استمداد»^۲.

معنی اصطلاحی دعا

امروزه دعا کردن و منظور از دعا در اصطلاح حاجت خواستن و طلب شفا از خداوند است که اعم از بیماری‌ها، اسقام، دردها و غیره می‌باشد. البته دعا در لفظ و مکالمات مردم با توجه به متعلق دعا تفاوت دارد، مثلاً به کسی که دچار بیماری است گفته می‌شود دعا بخوان، یعنی برای شفاء دعا بخوان. یا به کسی که منتظر امتحان دانشگاه یا مدرسه می‌باشد وقتی گفته می‌شود دعا بخوان، یعنی برای قبولی و قبول شدن دعا بخوان. خلاصه اینکه لفظ دعا در اصطلاح به معنی حاجت خواستن از خداوند می‌باشد که شامل گرفتاری‌ها، مشکلات روحی، جسمی، مالی و ... می‌باشد. ولی مسأله‌ای که در حال بحث و اثبات آن هستیم دعا و تأثیر آن بر سلامتی بدن و نگاه اسلام به این موضوع می‌باشد.

۴ فلاح السائل، سید بن طاووس، ص ۶۵

۵ انعام: ۴۳

۶ فلاح المسائل، همان، ص ۶۶

۱ ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن

۲ قاموس قرآن

۳ فرقان: ۷۵



کردن اعتقاد نباشد تأثیر عملی و مثبتی نخواهد داشت که البته اعتقاد در دعا شامل همه انواع دعاها می‌شود. البته بحث اعتقاد یک مبحث مهمی است که در همه مکاتب دینی، طبی، عرفانی و حتی ورزشی و ... وجود دارد، یعنی در تمام مکاتب برای اینکه به نتیجه مطلوب و عالی بتوان رسید باید به آن مکتب و آموزه‌های آن اعتقاد داشت تا تأثیر آن را بتوان دید.

دعا و سلامتی بدن

در بسیاری از روایات وارد شده است که برای هر بیماری دوائی است، اما یک روایت خاصی وجود دارد که مضمون کلی و مبهم این روایات را تا حدی روشن می‌کند. در روایتی امام رضا (ع) فرمود: (برای هر بیماری دارویی است) اصحاب پرسیدند: آن چیست؟ حضرت فرمود: «لِکُلِّ دَاءٍ دُعَاءٌ» یعنی اینکه برای هر بیماری دعایی هست. در روایت دیگری امام صادق (ع) فرمود «عَلَيْکَ بِالْدُعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ»^۴. بر تو باد به دعا کردن که شفای هر درد و بیماری است. در روایت دیگر امام رضا (ع) می‌فرماید: «أَلَا يَذْهَبُ بِالْأَدْوَاءِ إِلَّا الدُّعَاءُ وَ الصَّدَقَةُ وَ الْمَاءُ الْبَارِدُ»^۵. درد و بیماری‌ها را چیزی جز دعا و صدقه از بین نمی‌برد. از مجموع روایاتی که درباره سلامتی بدن و شفاء از بیماری‌ها بیان شده است می‌توان به این نتیجه رسید که تنها دارویی که برای هر درد، بیماری و بلایی تأثیر دارد همان دعا کردن است به صورتی که بعضی روایات این مطلب را می‌رساند که اگر بیماری وجود داشته باشد که دوائی نداشته باشد، دعا کردن دوائی آن است مانند بیماری «سام» که در روایات آمده است که موجب مرگ می‌شود^۶. به‌خاطر همین تأثیر زیاد

اشاره به این مطلب دارد که انسان در تمام گرفتاری‌ها مانند بیماری و مشکلات روحی و جسمی باید به خداوند (جل و جلاله) متوسل شود و دعا را فراموش نکند.

فضیلت و آثار دعا از دیدگاه روایات

۱- دعا سبب تندرستی و بهبودی از هر بیماری است. محمد بن مسلم می‌گوید: به امام باقر (ع) عرض کردم: آیا اینکه رسول خدا (ص) درباره حبه السوداء^۱ فرموده که: «مایه شفا و بهبودی از هر بیماری است، جز مرگ» صحیح است؟ فرمود: بله، سپس فرمود: آیا می‌خواهی تو را چیزی که سبب بهبودی از هر بیماری و آسیب، حتی مرگ است، آگاه سازم؟ عرض کردم: بله، فرمود: دعا^۲.
۲- دعا در مقابل نزول بلا قرار گرفته و از آن جلوگیری می‌کند. امام رضا (ع) فرمود: از پدر بزرگوارم (ع) شنیدم که می‌فرمود: «به‌راستی که دعا در مقابل بلا و گرفتاری می‌ایستد، و آن دو (یعنی دعا و بلا) تا روز قیامت قرین هم هستند». در این زمانه یکی از بارزترین و آشکارترین مصادیق بلا همان بیماری و مشکلات جسمی و روحی است. لذا می‌توان گفت که مفهوم روایت این مطلب را می‌رساند که دعا کردن گاهی اوقات اصلاً اجازه بیمار شدن را نمی‌دهد و نمی‌گذارد که شخص بیمار شود، لذا از مفهوم روایات می‌توان فهمید که دعا کردن گاهی اوقات برای جلوگیری از بیمار شدن است و گاهی اوقات برای شفاء از بیماری است.

دعا و اعتقاد

آنچه که از مجموع روایات فهمیده می‌شود این است، دعایی که برای سلامتی و شفاء خوانده می‌شود باید همراه با اعتقاد باشد، لذا اگر در دعا

۴ الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۲، ص: ۴۷۰

۵ الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص: ۳۴۷

۶ طب الرسول المصطفی، عباس تبریزیان، ج ۲، ص: ۱۲۴.

۱ یعنی سیاه دانه

۲ فلاح السائل، همان، ص ۶۱

۳ الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا علیه السلام، ص: ۳۴۵



است. (۱) یکی از اصحاب درد زانو داشت و نزد امام باقر (ع) شکایت کرد و امام (ع) فرمود: زمانی که نماز خواندی این دعا را بخوان «يَا أُجُودَ مَنْ أُعْطِيَ وَ يَا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ وَ يَا أَرْحَمَ مَنْ اسْتُرْحِمَ أَرْحَمَ ضَعْفَى وَ قَلَّةَ حَيْلَتِي وَ أَعْفَنِي مِنْ وَجَعِي»^۳

۲- امام باقر (ع) فرمود «هرکسی در عمرش یک مرتبه سوره یاسین را بخواند فقر به او نرسد و جنون به آن نرسد و جزام به آن نرسد»^۴.

چگونگی تأثیر کلمات و الفاظ دعاها در درمان بیماری

کلمات در طب اسلامی جایگاه ویژه‌ای دارد. با کلمه و الفاظ می‌توان تأثیر بسیار زیادی در روحیه بیمار و حتی شخصی که بیمار نیست، گذاشت. الفاظ و کلمات تأثیری شبیه به امواج دارند که روی شخص تأثیر می‌گذارند و بیماری را درمان می‌کنند. به این مثال توجه کنید: یک شخص بیمار است و دو نفر همراه او را به دکتر رند و توان ایستادن روی پای خود را ندارد، اما همین که دکتر به او می‌گوید که تو سالم هستی و هیچ مشکلی نداری، چنان روحیه‌ای می‌گیرد که با پای خود از مطب بیرون می‌آید و نیازی به همراه نیست. در مقابل شخصی وجود دارد که سالم است و با پای خود به مطب می‌رود و دکتر می‌گوید: تو مریض هستی و فلان بیماری را داری، این کلمه چنان تأثیری روی شخص می‌گذارد که با پای خود نمی‌تواند بیرون بیاید از مطب و نیاز پیدا می‌کند که دو نفر او را همراهی کنند. این‌ها مثال‌ها و تجربه‌هایی هستند که در تمام دنیا و در تمام مکاتب طبی و اعتقادی اتفاق می‌افتد و همگان این‌گونه موارد را روزانه مشاهده می‌کنند. حجت‌الاسلام و المسلمین شیخ عباس تبریزیان در کتاب خود می‌نویسد: «دانشمند

و عجیب در دعا کردن که باعث سلامتی و شفاء از بیماری می‌شود و تأکید فراوان آن در دستورات دینی برای دعا کردن و همچنین انواع مباحث در این زمینه نیاز است که هرکدام از موضوعات آن به صورت مقاله و کتاب تدوین گردد. اسلام که ادعا می‌کند دعا در سلامتی و شفا تأثیر دارد، باید برای هر بیماری دعای خاص خودش را بیان کند و همین کار را انجام داده است و از طریق امامان (ع) به ما رسیده است، لذا به عنوان نمونه چند نوع از دعاهایی که برای سلامتی و شفاء از بیماری وارد شده، بیان می‌گردد.

انواع دعا

دعاهای وارد شده در اسلام دو نوع هستند که می‌توان آنها را به دعاهای عام و دعاهای خاصی تقسیم کرد.

دعاهای عام

یعنی دعاهایی که انسان هنگام بیمار شدن باید بخواند و اختصاص به بیماری خاصی ندارد. ۱- امام رضا (ع) فرمود در تمام بیماری‌ها این دعا را بگو «يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ أَنْزِلْ عَلَيَّ وَجَعِي الشِّفَاءَ»^۲ - امام صادق (ع) فرمود: این دعا را در بیماری‌ها بخوانید «يَا مُنْزِلَ الشِّفَاءِ وَ مُذْهِبَ الدَّاءِ، أَنْزِلْ عَلَيَّ مَا بِي مِنْ دَاءٍ شِفَاءً»^۳.

امام باقر (ع) فرمود: حضرت علی (ع) مریض شد و سپس حضرت پیامبر (ص) نزد حضرت علی (ع) آمد و فرمود این دعا را بخوان «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ تَعْجِيلَ عَافِيَتِكَ وَ صَبْرًا عَلَيَّ بَلِيَّتِكَ وَ خُرُوجًا إِلَيَّ رَحْمَتِكَ»^۴.

دعاهای خاص

دعاهایی که هنگام هر بیماری نسبت به آن بیماری وارد شده و مخصوص فقط همان بیماری

۳ الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص: ۵۲۴
۴ نواب الاعمال، ص ۱۱۱.

۱ طب الأئمة عليهم السلام، ص: ۳۷
۲ الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۵۶۷



وسوسه و حزن را از بین می‌برد. از مجموع روایات می‌فهمیم که «حوقله» برای درمان بیماری‌هایی همچون؛ هم، غم، وسوسه، جنون، افسردگی و حزن و اندوه مفید است و با اندک توجهی می‌توان فهمید که همه این‌ها بیماری‌های روحی و روانی هستند. شاید با توجه کردن و تأمل کردن در معنا «حوقله» تا حدی روشن شود که چرا و چگونه بیماری‌های روحی و روانی را درمان می‌کند. اگر در معنای «حوقله» توجه کنیم می‌بینیم که معنای آن اینگونه است «هیچ حرکت و هیچ نیرویی نیست، مگر به امر خداوند» گفتن حوقله به معنای کنار گذاشتن منیت و تسلیم شدن در برابر امر پروردگار است. یعنی اینکه همه امور به دست خداوند است و هر فعلی که انجام می‌شود و هر تغییر و دگرگونی که انجام می‌شود به دست خداوند است. در هر کاری اوست که بخواهد می‌تواند تغییر و دگرگونی ایجاد کند، لذا اگر کسی این معنا را حقیقتاً بداند و با توجه آن را بگوید خداوند هم، غم و اندوهش را برطرف می‌کند. در روایتی پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «اگر بنده حوقله را بگوید، امر خودش را به خداوند متعال واگذار کرد است و این به خداست که کفایتش کند»^۳

شرایط استجاب دعا

از مجموع روایات شرایطی برای دعا کردن وارد شده است که اگر رعایت شود دعا سریع‌تر به اجابت می‌رسد و اثرش بیشتر است. اهم آنها به شرح ذیل است؛^۱- باید زیاد و مکرر باشد. ۲- هنگام دعا کردن، حاجت را بر زبان بیاورد و بیان کند «در روایت داریم که خداوند می‌داند که شما چه می‌خواهید، ولی دوست دارد، گرفتاری خود را بیان کنید»^۳- انسان نباید فقط زمان گرفتاری

ژاپنی در آزمایش‌های خود، تأثیر کلمات را به آب ثابت کرد، این دانشمند وقتی کلمات منفی بر روی آب خواند و سپس آب را منجمد کرد و از مولکول‌هایش عکس گرفت، متوجه شد که مولکول‌های آب زشت شده‌اند و زمانی که کلمات مثبت بر روی آب خواند و سپس آن را منجمد کرد و از مولکول‌هایش عکس گرفت، متوجه شد که مولکول‌های آب زیبا شده‌اند.^۱ از آنجاکه انسان عمده‌ای از بدنش از آب تشکیل شده است، وقتی کلمات زیبا و مثبت را به او می‌خوانند، انرژی و توانایی می‌گیرد و می‌تواند به بیماری‌ها غلبه کند. استاد تبریزیان در کتاب خود ادامه می‌دهد: «یک مؤسسه انرژی‌سنجی از آمریکا با من تماس گرفت و گفت که ما با اسامی خداوند درمان می‌کنیم. او می‌گفت ما به بیمار می‌گوییم که به مدت ۱۰ الی ۲۰ دقیقه اسامی خداوند: مثلاً؛ کریم، رحیم، رحمن را تکرار کند و در همان زمان، به بیمار دستگاه انرژی‌سنجی وصل می‌کنیم. به این ترتیب متوجه می‌شویم که هر اسمی روی چه نقطه‌ای از بدن تأثیر می‌گذارد، مثلاً یک اسم روی قلب اثر می‌کند، یک اسم روی کلیه اثر می‌کند، یک اسم روی کبد اثر می‌کند، یک اسم روی پا اثر می‌کند و حتی جالب بود که می‌گفت: برخی اسامی خداوند در درمان کچلی موثر بودند»^۲.

تفکر در مفاهیم و الفاظ دعاها

تفکر در مفاهیم دعاها و معنای آنها یکی از اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار در درمان و سلامتی توسط دعا می‌باشد. مثلاً در روایت داریم که «حوقله» یا همان «لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» نود و نه بیماری را درمان می‌کند که کمترینش هم غم است. در روایات دیگری وارد شده که دعا

۳ المحاسن، ج ۱، ص ۴۲.

۱ دراسه، فی طب الرسول المصطفی، عباس تبریزیان، ج ۲.

۲ دراسه، فی طب الرسول المصطفی، عباس تبریزیان، ج ۲.



دچار بیماری شدی و بر جان خود ترسیدی پس سوره انعام را بخوان چراکه نمی‌گذارد از آن بیماری چیزی ناپسندی به تو برسد. و نیز ایشان فرمود: کسی که سوره نحل را در هر ماه بخواند، در برابر بدهکاری او را کفایت می‌کند و هفتاد نوع بلا را از او دور می‌نماید که کوچک‌ترین آن‌ها دیوانگی، جذام و پیسی می‌باشد. و در روایت دیگر آمده است که سوره نحل نگهدارنده است در مقابل شیطان، سپاهیان و طرفدارانش. و نیز ایشان فرمود: کسی که سوره لقمان را در هر شب بخواند خداوند در شب ملکی را بر او می‌گمارد تا در مقابل شیطان و سپاهیان او محافظت نماید تا این که صبح گردد و اگر آن را در روز بخواند از او در مقابل شیطان و سپاهیان محافظت می‌نماید تا این که شب شود. امام صادق (ع) فرمود: برای هر چیزی قلبی است و قلب قرآن سوره یس است پس کسی که در روز سوره یس را بخواند (از خطرات و بلاها) محافظت می‌شود و جزو روزی گیرندگان قرار می‌گیرد تا این که شب شود. و کسی که این سوره را در شب قبل از خوابیدن بخواند، خداوند هزار ملک برای محافظت از او در مقابل تمامی شیاطین رانده شده و تمامی آفات، قرار می‌دهد و اگر کسی آن روز بمیرد خداوند او را داخل بهشت می‌نماید. و در روایتی دیگر آمده است که خواندن این سوره برای دنیا، آخرت و محفوظ ماندن از تمامی آفات و بلاها که خود انسان و خانواده و مال را تهدید می‌کند، مفید می‌باشد. در روایت آمده است: کسی که کمبود عقلی دارد به او سوره یس را بخوانید و یا بنویسید و به او بخورانید که مفید است و اگر با آب زعفران در ظرفی شیشه‌ای نوشته شود و خورده شود بهتر است و باعث رهایی از آن بیماری می‌شود. امام صادق (ع)

دعا کند. ۴- بهتر است هنگام دعا کردن انسان دستانش را به سوی آسمان بلند کند و بعد از دعا سر، سینه و صورت خود را مسح کند. ۵- در روایات آمده است که در بعضی اوقات و زمان‌ها دعا سریع‌تر به اجابت می‌رسد (هنگام وزیدن باد، موقع اذان ظهر، موقع خواندن قرآن، بعد از نماز ظهر، موقع صدقه دادن، موقع رفتن به مسجد، در شب جمعه، در روز جمعه، موقعی که دل بشکند، موقعی که ترس از خداوند حاصل شود و در صورتی که با گریه باشد بهتر است، در نماز وتر، ما بین طلوع فجر و طلوع آفتاب، موقع نزول باران، نیمه دوم از شب). ۶- قبل و بعد از دعا به پیامبر و اهل بیتش (ع) صلوات بفرستد. ۷- بهتر است به صورت جمعی باشد دعا کردن و تعدادشان از ۴ تا ۴۰ نفر باشند و یکی دعا کند و دیگران آمین گویند. ۸- قبل از بیان حاجت خود، ابتدا خداوند را تعظیم کند - حمد و ثنای خداوند بگوید و به گناهان خود اقرار کند- استغفار و توبه کند. ۹- قبل از اینکه برای خود دعا کند ابتدا، برای پدر و مادر و چهل نفر دعا کند. ۱۰- وقتی دعا کرد و حاجتش را بیان کرد بگوید: «ماشاء الله، لا حول و لا قوة الا بالله».

سوره‌های شفا بخش قرآن کریم

امام (ع) فرمود: کسی که گرفتار بیماری شد هفت مرتبه سوره حمد را بخواند که بیماری او آرام می‌گیرد و اگر خوب نشد هفتاد مرتبه بخواند که آرام می‌شود. پیامبر (ص) فرمود: خواندن هفت مرتبه سوره حمد، شفای تمام امراض است و نیز صد مرتبه خواندن آن برای صاحبش تعویذی هست و اگر روح از بدن جدا شود، خداوند آن را به بدن بر می‌گرداند. امام صادق (ع) فرمود: اگر سوره حمد را بر مرده هفتاد مرتبه خواندی او زنده شد تعجب نکنی. امام باقر (ع) فرمود: اگر



نمی‌کند و در دنیا اصلاً بدبختی نمی‌بیند و در روایتی دیگر آمده است که خواندن این سوره شفا برای مسموم و گزیدگی است. کسی که سوره بروج را بر آب بخواند و بیاشامد آن آب به او ضرری نمی‌رساند ان شاء الله تعالی. کسی که در تمام نمازهای واجب خود سوره قدر را بخواند به او گفته می‌شود: ای بنده خدا! تمام گناهان گذشته‌ات بخشیده شد پس اعمال‌ت را از نو شروع کن. کسی که سوره زلزال را در نوافل بخواند اصلاً گرفتار زلزله نمی‌شد و به زلزله، صاعقه و آفتی از آفات دنیا نمی‌میرد. کسی که سوره همزه را در نمازهای واجب بخواند، فقر از او دور می‌شود و روزی‌اش به دست می‌آید و مرگ بد و غیرطبیعی از او دفع می‌شود. کسی که سوره کافرون و توحید را در یکی از نمازهای واجب خود بخواند خود و والدین و فرزندان‌ش آمرزیده می‌شود و اگر جزو بدبختان باشد اسم او از دفتر بدبختان محو می‌گردد و داخل دفتر خوشبختان نوشته می‌شود و خداوند او را در آن دنیا در حالی که خوشبخت است زنده می‌کند و او را شهید می‌میراند و شهید برمی‌انگیزد. پیامبر (ص) فرمود: هرگاه یکی از شما دچار سردرد یا بیماری دیگری شد دست‌های خود را بگشاید و سوره حمد، توحید، فلق و ناس را بخواند و دست را به صورت بکشد تا بیماری‌اش رفع شود. امام صادق (ع) فرمود: خداوند به حضرت زهرا (ع) به جای فدک، تب را به فرمان ایشان درآورد، پس هریک از محبین زهرا (ع) و فرزندان ایشان دچار تب شد پس هزار مرتبه سوره توحید را بخواند و به حق ایشان از خداوند بخواهد که تبش برطرف گردد. کسی که سوره نصر را در نافله و با نماز واجب بخواند خداوند او را بر تمام دشمنان پیروز می‌گرداند. امام صادق (ع) فرمود: کسی که دچار بیماری یا سختی شد و سوره توحید را بخواند و در آن بیماری یا سختی بمیرد پس جزو اهل جهنم

فرمود: کسی که هر جمعه سوره صافات را بخواند از هر نوع آفتی در امان است و در زندگی دنیایی‌اش تمام بلیات از او دفع می‌گردد، و نیز در این دنیا روزی وسیعی به او داده می‌شود و به مال و فرزند و بدن او از طرف شیطان رانده شده، ستمگر و دشمن آسیبی نمی‌رسد. و در روایت دیگر آمده است که خواندن این سوره شرف، مرتبت و عزت در دنیا و آخرت می‌دهد. و نیز ایشان فرمود: کسی که سوره زمر را در روز یا در شب بخواند، خداوند شرف دنیا و آخرت را به او عطا می‌کند و بدون خاندان و مال عزت به او می‌بخشد. کسی که سوره طور را بخواند خداوند خیر دنیا و آخرت را برایش جمع می‌کند. کسی که سوره واقعه را در هر شب جمعه بخواند، خداوند او را دوست می‌دارد و محبت او را در قلوب تمام مردم قرار می‌دهد و در دنیا ابد فقر، تنگدستی و ضرری از آفات دنیا نمی‌بیند و این برای امیرالمومنین و فرزندان ایشان (ع) است. کسی که در نماز واجب خود سوره حدید و مجادله را بخواند و بر آن مداومت نماید در خانواده، بدن و مال خود بدی و نیازی نمی‌بیند. امام سجاد (ع) فرمود: کسی که سوره ممتحنه را در نمازهای واجب و نوافل بخواند خداوند قلب او را با ایمان می‌آزماید و در دیدگان او نور قرار می‌دهد و فقر و دیوانگی به او و فرزندان‌ش هرگز نمی‌رسد. و در روایت دیگر آمده است که در نزد مردم فردی پسندیده قرار می‌گیرد. امام صادق (ع) فرمود: کسی که بسیار سوره جن را بخواند در زندگی‌اش آسیبی از جن و انس نمی‌بیند و جادو، سحر و حيله‌شان به او نمی‌رسد. کسی که سوره مزمل در نماز عشا و یا در آخر شب بخواند، این سوره به‌عنوان نگهبان و محافظ در طول شبانه روز با او خواهد بود در واقع زندگی و مرگ پاکیزه خواهد داشت. کسی که سوره نازعات را بخواند، خداوند او را تشنه و عطشان وارد بهشت



مهم‌تر از دارو درمانی می‌دانند. حتی امروزه در غرب مؤسسات و پژوهشگاه‌هایی تأسیس شده که هدف آنها بررسی کردن تأثیر دعا در درمان و برطرف شدن مشکلات روحی و جسمی می‌باشد. دین اسلام که در تمام مسائل بشر حرفی برای گفتن دارد و حتی در بعضی موارد مهم‌ترین و اصلی‌ترین نظریه را دارد، در این مسائل یعنی مسائل دعا درمانی و روان‌درمانی کامل‌ترین و مفیدترین مطالب و مضامین را به خود اختصاص داده است به طوری که در دعاهایی که در اسلام وارد شده اگر از جهت مضمون و مفهوم بررسی شود شگفتی‌های آن بیشتر ظاهر می‌شود. شگفتی‌هایی که بسیاری از دانشمندان غرب به آن اعتراف کرده و دستور به خواندن آنها داده‌اند مانند (جرجی جرداق) مسیحی که دربارهٔ نهج‌البلاغه سخنان عجیبی دارد. در این دوران که شگفتی‌های کلام اهل بیت (ع) و ادعیه روزبه‌روز بیشتر آشکار می‌شود بر ما لازم است که از آنها پیروی کرده و به راه و روش آنها تمسک بجوییم. باشد که از پیروان حقیقی اسلام و اهل بیت (ع) باشیم.

خواهد بود. و نیز ایشان فرمود: کسی که به رختخواب برود و یازده مرتبه سوره توحید را بخواند، خانه خودش و همسایگانش محافظت می‌شوند.

نتیجه‌گیری

تأثیر دعا در سلامتی انسان از نگاه اسلام یک امر مهم و قطعی می‌باشد. به گونه‌ای که دین مبین اسلام برای اکثر مشکلات جسمی و روحی دعاها را خاص و عامی را بیان کرده است. امروزه در بسیاری از مکاتب طبی جدید با این امر که دعا در سلامتی انسان تأثیر دارد مخالفت می‌شود که شاید یکی از دلایل آن مسائل اقتصادی باشد که بر مکاتب طبی جدید ورود پیدا می‌کند، اما این یک واقعیت و حقیقت می‌باشد که دعا کردن و دعا درمانی در بعضی اوقات تأثیری بیشتر از دارو درمانی دارد، به طوری که در بعضی از بیماری‌ها حتی دانشمندان و پزشکان امروزی هم اذعان دارند که دعا کردن و درمان روحی و روانی بهتر از دارو درمانی جواب می‌دهد. مثلاً پزشکان امروزی و روانپزشکان امروزی در بعضی بیماری‌های روحی و بعضی بیماری‌های جسمی مانند سرطان دعا درمانی و روان‌درمانی را

منابع

۱. (ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن
۲. قاموس قرآن
۳. فرقان: ۷۵
۴. فلاح السائل، سید بن طاووس، ص ۶۵
۵. انعام: ۴۳
۶. فلاح المسائل، سید بن طاووس، ص ۶۶
۷. یعنی سیاه دانه
۸. فلاح السائل، سید بن طاووس، ص ۶۱
۹. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص: ۳۴۵
۱۰. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۴۷۰
۱۱. الفقه المنسوب إلى الإمام الرضا عليه السلام، ص: ۳۴۷
۱۲. طب الرسول المصطفی، عباس تبریزیان، ج ۲، ص ۱۲۴.
۱۳. طب الأئمة عليهم السلام، ص: ۳۷



۱۴. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص: ۵۶۷
۱۵. الکافی (ط - دارالحدیث)، ج ۴، ص: ۵۲۴
۱۶. ثواب الاعمال، ص ۱۱۱.
۱۷. دراسه، فی طب الرسول المصطفی، عباس تبریزیان، ج ۲.
۱۸. همان
۱۹. المحاسن، ج ۱، ص ۴۲.
۲۰. دراسه، فی طب الرسول المصطفی، تبریزیان عباس، ج ۲.

قرآن، محیط زیست

هادی اسماعیل‌زاده^۱ و محبوبه نیکبخت^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد واحد شیروان (نویسنده مسئول: h951311@gmail.com)

۲- کارشناس ارشد ژئومورفولوژی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

محیط زیست یکی از مهم‌ترین موضوعات جوامع بشری است، که امروزه به جهت رشد بی‌رویه جمعیت و کمبود منابع با مشکلات متعددی روبرو گشته است. هرچند که راه حل‌ها و امکانات بی‌شماری را بشر برای حل این مشکل به ثبت و اجرا رسانده است اما هیچ یک از این راه حل‌ها نتوانسته این مشکلات و معضلات زیست محیطی را به حداقل برساند در واقع تا زمانی که انسان تنها به عقل خود متکی باشد و وحی را کنار بگذارد قادر به رفع هیچ یک از معضلات از جمله محیط زیست نخواهد بود، و رفع کامل آن جز با توجه به تعالیم و حیانی و پایبندی به آموزه‌های قرآنی ممکن نیست. مقاله حاضر با روشی توصیفی - تحلیلی برخی از آیات مربوط به محیط زیست را بررسی کرده و بر اساس آیات به کارگرفته شده در این پژوهش به این نتیجه رسیده‌ایم، که انسان در مقابل همه چیز مسئول است، و به موجب این احکام انسان موظف به عمران و آبادانی زمین و حفظ حقوق سایر موجودات است.

واژگان کلیدی: محیط زیست، قرآن کریم، انسان

مقدمه

از مهم‌ترین تاکیدات این است که بسیاری از سوره‌های قرآن کریم مانند نور، رعد و ... به نام یکی از عناصر طبیعی است. به طور کلی در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های آینده باید در آن اجتماعی روبه رشدی داشته باشند یک وظیفه دینی تلقی می‌شود و زمین و آنچه در آن است به عنوان امانت در دست ما قرار دارد که انسان‌های عصر حاضر نباید در این امانت خیانت کنند. برخی از پژوهش‌های قرآنی که من باب قرآن کریم و محیط زیست صورت گرفته است می‌توان به مقالاتی تحت عنوان جهان‌بینی قرآنی و محیط‌زیست از نورائی، چگونگی حمایت از محیط زیست در فقه اسلامی از تقی‌زاده انصاری و بررسی مبانی وحیانی حفظ از محیط زیست از انتظاری و ... اشاره کرد. ما نیز در این پژوهش برآنیم تا با توجه به برخی از آیات قرآن کریم درباره محیط زیست به سوالات ذیل پاسخ دهیم:

به موازات افزایش فعالیت‌های انسانی و تأثیرات آنها، مخاطرات و پیامدهای ناشی از آنها نیز افزایش یافته است. همچنان که شدت و اهمیت تهدیدات علیه منابع زمین، سیستم‌های طبیعی و جمعیت جهان بیشتر و آشکارتر شده است، نیاز گسترده و همه‌جانبه افراد در ازای مسئولیتی که در برابر محیط زیست دارند، نیز محسوس‌تر شده است (قائمی و همکاران، ۱۳۹۵). ناتوانی از حل این بحران، برخی اندیشمندان را واداشت تا راه حل‌هایی معنوی اخلاقی را برای این مشکل بیابند و به ادیان توحیدی به‌ویژه اسلام و آموزه‌های قرآن کریم چشم بدوزند (نورائی، ۱۳۹۱). حفاظت از محیط زیست و طبیعت یکی از سفارشات مورد تاکید دین مبین اسلام است که در آیات و روایات متعددی بر آن تاکید شده است به‌طوریکه در هیچ مکتب دیگری چنین سفارشات و وجود ندارد.



سوالات:

۱. مفهوم محیط زیست از منظر اسلام چیست؟
۲. اهمیت حفاظت از محیط زیست از منظر قرآن کریم چیست؟

۱ «اسلام و حفاظت از محیط زیست»

احکام اسلام درباره محیط زیست فراوان و متنوع است. انسان به موجب این احکام موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید. او نه فقط موظف است به پدر و مادر خود مهربانی کند، بلکه باید درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت کند (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۶). در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، یک وظیفه‌ی دینی تلقی می‌شود. خداوند، طبیعت را هدفمند و هدفدار خلق و تمام مخلوقات را به لحاظ کمیت و کیفیت به اندازه و متناسب آفریده است. مؤید این جمله را گفتار خداوند در قرآن کریم است که می‌فرماید: «ما هرچه آفریدیم به اندازه آفریدیم». جهان هستی از نظم دقیقی برخوردار و تمامی مخلوقات در تعادل و تناسب و به‌اندازه آفریده شده‌اند و هریک از اجزا و عناصر خلق شده در بقای این کره‌ی خاکی و در نتیجه در ادامه‌ی زندگی انسان نقش دارد؛ بنابراین هر تغییر نابجا و زیان رساندن به هریک از اجزای این سیستم عظیم، سبب به‌خطر افتادن حیات هستی می‌شود. دین مبین اسلام مملو از توصیه‌های حفاظت از آنچه که خدا خلق کرده است می‌باشد و این به مفهوم حفاظت از محل زیستن مخلوقات و یا همان حفاظت از محیط زیست است (اکبری‌راد، ۱۳۹۱).

۲ «انسان و محیط زیست»

بسیاری از آیات قرآن کریم جهان را به زیبایی ستوده‌اند، که خداوند متعال در این باره در آیه ۷ سوره مبارکه سجده می‌فرماید: "الَّذِي أَحْسَنَ

كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ" انسان نیز در کمال زیبایی آفریده شده است. و همچنین خداوند در آیه ۳ سوره مبارکه تغابن می‌فرماید: "خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوَرَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ" و باید از زیبایی‌ها پیروی کند همانگونه که خداوند متعال در آیه ۱۸ سوره مبارکه زمر می‌فرماید: "الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُو الْأَلْبَابِ" یعنی: همان کسانی که سخنان را می‌شنوند و از نیکوترین آنها پیروی می‌کنند؛ آنان کسانی هستند که خدا هدایتشان کرده، و آنها خردمنداند. و با توجه به آیه ۳۰ سوره مبارکه بقره که خداوند متعال می‌فرماید: "وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ" یعنی: و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خون‌ها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید. خداوند در این آیه اشاره کرده است که ای انسان تو جانشین من هستی و اعمالی را باید انجام دهی که بهترین باشد. و باید از بهترین اعمال و اقوال پیروی کنی که یکی از بهترین این اعمال حفاظت از محیط زیست است چنانکه خداوند متعال در آیه ۶۱ سوره مبارکه هود می‌فرماید: "هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا" «اوست که شما را از زمین پدید آورد و از شما خواست تا در آن آبادی کنید». کلمه و استعمرکم نشان می‌دهد که هدف تمامی انسان‌ها باید آبادی و عمران زمین باشد نه

یعنی: و آنها را برایشان رام کرده‌ایم که هم بر آن سوار می‌شوند و هم از آن می‌خورند "و لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ مَشَارِبٌ أَفْلا يَشْكُرُونَ" یعنی: و برایشان در آن حیوانات سودها و نوشیدنی‌هاست، پس چرا سپاس نمی‌گزارند 73. در سوره مبارکه نمل آیه ۶۰ نیز خداوند می‌فرماید: "أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ" یعنی: برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستان‌هایی شادانگیز رویانیدیم. این دسته از آیات که در قرآن کریم به‌وفور مشاهده می‌شوند همه بیانگر آن هستند که عناصر محیط زیست برای بهره‌مندی تمام انسان‌ها آفریده شده‌اند و انسان با قوه عقل و اختیار خویش حق دخل و تصرف معقولانه را از آن دارد و هیچ‌کسی نمی‌تواند این حق و حقوق را از او سلب نماید.

۲-۳. آیاتی از قرآن که محیط زیست و عناصر آن را مسخر انسان می‌داند

دسته‌ی دیگری از آیات قرآن کریم اشاره به تسخیر شدن عناصر محیط زیست برای انسان است. در این آیات، آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها و سبزه‌زارها، حیوانات و سایر منابع زمینی و خلاصه همه موجودات را در خدمت انسان در آورده و همه را فرمانبردار انسان ساخته است تا او بتواند از همه آنها بهره‌برده و زندگی سعادت‌مندی را داشته باشد. واژه «تسخیر» در فرهنگ قرآن دو معنا دارد: یکی مهیا ساختن و در خدمت منافع و مصالح انسان قرار دادن؛ مانند تسخیر خورشید و ماه، و دیگری تسلط انسان و زمام‌اختیارش در دست بشر بودن؛ مانند تسخیر کشتی‌ها و دریاها و زمین و اینگونه نیست، که در همه مواردی که براساس قرآن، چیزی به تسخیر آدمی درآمده، انسان قدرت داشته باشد تا بر جریان طبیعی حیات، اعمال نفوذ کرده و تأثیرگذار باشد و به‌عنوان نمونه، خورشید مسخرشده را چون یک کشتی مسخر شده به مسیر دلخواه خویش هدایت کند (مکارم شیرازی، ج ۱۰، ص ۳۵۵-۳۵۶).

تخریب آن بوسیله نابودی محیط زیست. و همچنین خداوند متعال کسانی را که در زمین فساد می‌کنند دوست ندارد همانگونه که در آیه ۲۰۵ سوره مبارکه بقره "وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ" (نشانه آن، این است که) هنگامی که روی برمی‌گرداندند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با اینکه می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد. این آیه شریفه نشان می‌دهد که اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش اهمیت ویژه‌ی برای محیط زیست قائل بوده است. بدین جهت ضربه به محیط زیست را در ردیف افساد فی‌الارض شمرده است. مباحث زیست محیطی قرآن کریم در دو دسته جای می‌گیرد: دسته نخست، مبانی نظری است که نگرش ویژه قرآن را به طبیعت بازگو می‌نماید؛ مانند مفاد آیاتی که بیانگر مسخر بودن طبیعت برای انسان است. دسته دوم، اصول و قواعدی عملی است که تعیین‌کننده بایدها و نبایدهای رفتار زیست محیطی در سه سطح فرد، جامعه و حکومت است؛ مانند آیاتی که انسان‌ها را از نابودی و تباهی زمین برحذر می‌دارد و به آنان فرمان می‌دهد تا به آبادانی آن همت گمارند (نورائی).

۲-۲. آیاتی از قرآن که آفرینش عناصر محیط زیست را برای انسان می‌داند

خداوند متعال در برخی از آیات قرآن کریم با نام بردن عناصر محیط زیست، بر آفرینش آنها برای انسان تأکید می‌کند. در سوره مبارکه یاسین آیه ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ می‌فرماید: "أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمَلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا فَهُمْ لَهَا مَالِكُونَ" یعنی: آیا نمی‌بینند که برای آنها به‌دست قدرت خود حیواناتی آفریده‌ایم که مالک آن هستند؟ "و دَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَ مِنْهَا يَأْكُلُونَ"



هستی است، پس نمی‌تواند از سایر حلقه‌ها جدا باشد، چون معلول بسیاری از علل و علت بسیاری از معالیل است به طوری که از موجودهای دریایی، صحرایی، زمینی و هوایی اثر می‌پذیرد و متقابلاً در آنها اثر می‌گذارد، بنابراین اعمال انسان بر رویدادهای گوارا و ناگوارای جهان، مؤثر و از آنها متأثر است. این تأثیر و تأثر متعامل در خصوص قلمرو بدن انسان نیست، بلکه در عقاید، اخلاق، رفتار و گفتار نیز مشهود است. شاید برای جزئیات این مسئله نتوان برهان آورد؛ ولی رابطه مستقیم انسان و طبیعت برهان عقلی دارد، هرچند جزئیات آن با نقل ثابت می‌شود، پس اینکه فلان کار نیک موجب بارش باران مناسب یا نزول برکات الهی است یا فلان گناه سبب زلزله یا مرگ نابهنگام است، با شرایطی پذیرفته است. برهان نقلی: قرآن کریم رابطه مستقیم اعمال انسان و طبیعت را در آیات گوناگونی بیان و برهان عقلی مزبور را تأیید کرده است. مقصود از تأیید همانا اثبات جریان اصل تعامل انسان و طبیعت است که مطلبی است کلی و قابل تعلیل عقلی؛ نه تبیین یک رخداد خاص جزئی. منظور از عمل در اینجا عنوان حسنه و سیئه است که وصف حرکات خارجی است؛ نه خود حرکات و سکناات که از آثار طبیعی اجسام و مشترک بین بد و خوب است. آیات قرآن در این باره به چند دسته تقسیم می‌شود. الف: آیاتی که دال بر رابطه کارهای نیک و پیامدهای گوارای جهان است. ب: آیاتی که ناظر به ارتباط کارهای بد و حوادث ناگوار جهان هستی است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷). دسته اول شامل چند آیه می‌شود از جمله: آیه ۹۶ سوره مبارکه اعراف: "وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ". یعنی: و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و

۳۵۹). برای اینکه این موضوع روشن شود به چند آیه از قرآن کریم در باب مسخر کردن عناصر برای بهره‌وری انسان اشاره می‌کنیم: سوره مبارکه جاثیه آیات ۱۳ و ۱۲ "اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمُ الْبَحْرَ لَتَجْرِيَ الْفَلَكَ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ" یعنی: خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتی‌ها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانید از فضل او بهره‌گیری کنید، و شاید شکر نعمت‌هایش را بجا آورید! "وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ" یعنی: او آنچه در آسمان‌ها و آنچه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند! و در سوره دیگر خداوند متعال چنین می‌فرماید: "وَسَخَّرَ لَكُمُ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَائِبِينَ وَسَخَّرَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ" یعنی: و خورشید و ماه را - که با برنامه منظمی در کارند - به تسخیر شما درآورد؛ و شب و روز را (نیز) مسخر شما ساخت؛ ابراهیم آیه ۳۳. و موارد فراوان دیگری که بر همین معنا دلالت دارند (نحل ۱۲، لقمان ۲۰، ابراهیم ۳۲، بقره ۱۶۴).

۳. تأثیر اعمال نیک و بد بر محیط زیست

خداوند متعال در سوره مبارکه روم آیه ۴۱ می‌فرماید: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» یعنی: فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند! این آیه نشان می‌دهد میان نیت‌ها و کارهای نیک و بد آدمیان در حوادث خیر و شر عالم رابطه‌ی وجود دارد، چون این اعمال با حوادث پیوندی ناگسستنی دارند. پشتوانه این مطلب برهان عقلی و نقلی است: برهان عقلی: انسان با همه شئونش حلقه‌ای از زنجیره جهان

زمین بر سر آنها می‌بارد، و گاهی آتش جنگ‌های جهانی یا منطقه‌ای سرمایه‌های آنها را در کام خود فرو می‌گیرد، و گاهی ناامنی‌های جسمانی و روانی آن‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد، و به تعبیر قرآن، این وابسته به اعمالی است که خود انسان انجام می‌دهد، فیض خدا محدود و ممنوع نیست، همانطور که مجازات او اختصاص به قوم و ملت معینی ندارد! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۶، ۲۶۷). نظیر چنین مطلبی در آیه ۶۶ سوره مبارکه مائده نیز بیان شده است: "وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنَ رِبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ" یعنی: و اگر آنان، تورات و انجیل و آنچه را از سوی پروردگارش بر آنها نازل شده برپا دارند، از آسمان و زمین، روزی خواهند خورد؛ جمعی از آنها، معتدل و میانه‌رو هستند، ولی بیشترشان اعمال بدی انجام می‌دهند. همان‌طور که ایمان و تقوا و امرزش گناهان با ورود به بهشت رابطه دارد، ایمان و عمل به دستورهای تورات و انجیل و قرآن، با برخوردارگی از نعمت‌های آسمانی و زمینی مرتبط است. (من فَوْقِهِمْ)، نعمت‌های آسمانی است، که به شکل بارش برف و باران یا تابش آفتاب ظاهر می‌شود و (وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ)، نعمت‌های زمینی، حاصل‌خیز شدن زمین و جوشش آب‌های زیرزمینی (چشمه‌ها و قنات‌ها) است (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۹۰). ایمان و تقوا با انجام دادن واجبات و مستحبات و پرهیز از محرمات و مکروهات که در کتاب و سنت معصومین (علیهم‌السلام) بیان‌شده است تحقق می‌یابد. این یک اصل کلی است و اختصاص به پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) ندارد. برای روشن نمودن این مطلب می‌توان از خود مثل‌های قرآن بهره برد. در جایی که قرآن برای کسی که انفاق می‌کند مثال می‌آورد می‌فرماید: که یک دانه گندم او

تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم. برکات آسمان و زمین را به چندگونه می‌توان معنا کرد. - برکات آسمانی، بارش برف و باران و تابش آفتاب و برکات زمینی، آمادگی زمین و جوشش چشمه‌ها و قنات‌ها و روییدن گیاهان و میوه‌هاست. - برکات آسمانی، علوم و معارف است و برکات زمینی، نعمت‌های مادی. - برکات آسمانی، علوم کشفی و شهودی و برکات زمینی، علوم حصولی است؛ لیکن معنای آیه منحصر در این سه احتمال نیست و می‌تواند مصادیق دیگری هم داشته باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۶، ۱۹۳). در جمله "لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ" استعاره به کنایه به کار رفته، برای این که برکات را به مجرای تشبیه کرده که نعمت‌های الهی از آن مجرا بر آدمیان جریان می‌یابد، باران و برف هرکدام در موقع مناسب و به مقدار نافع می‌بارد، هوا در موقعش گرم و در موقعش سرد شده، و در نتیجه غلات و میوه‌ها فراوان می‌شود، البته این در موقعی است که مردم به خدای خود ایمان آورده و تقوا پیشه کنند و گرنه این مجرا بسته‌شده و جریانش قطع می‌گردد. جمله "وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا..." دلالت دارد بر اینکه افتتاح ابواب برکت‌ها مسبب از ایمان و تقوای جمعیت‌ها است، نه ایمان یک نفر و دو نفر از آن‌ها، چون کفر و فسق جمعیت، با ایمان و تقوای چند نفر، باز کار خود را می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۸، ۲۵۴). هم‌چنین اطلاق کلمه (لَفَتَحْنَا) شامل کلیه خیرات و برکات آسمانی و زمینی می‌گردد (نجفی خمینی، ۱۳۹۸ق، ج ۵، ۲۷۷). این آیه یک سنت الهی است که افراد بی‌ایمان و آلوده و فاسد گرفتار انواع واکنش‌ها در همین زندگی دنیای خود خواهند شد، گاهی بلاهای آسمان و



است که خداوند در آن به این موضوع پرداخته آیه ۱۶ سوره مبارکه جن است "وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا" یعنی: و اینکه اگر آنها [= جن و انس] در راه (ایمان) استقامت ورزند، با آب فراوان سیرایشان می‌کنیم! مراد از طریقه در این آیه طریقه اسلام است و استقامت بر طریقه به معنای ملازمت و ثبات بر اعمال و اخلاقی است که ایمان به خدا و آیات او اقتضای آن را دارد. ماء غدق به معنای آب بسیار است، و بعید نیست از سیاق استفاده شود که جمله "لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا" مثلی باشد که بخواهد توسعه در رزق را برساند، جمله "لِنُفْتِنَهُمْ فِيهِ" هم این احتمال را تایید می‌کند، چون خدای تعالی غالباً با توسعه رزق بندگان را امتحان می‌کند. و اعراض از ذکر خدا لازمه استقامت نداشتن بر طریقه است، و اصل در سلوک عذاب هم همین است، و به همین جهت بجای اینکه ملزوم را بیاورد و بفرماید "و من لم يستقم على الطريقة يسلكه ..."، لازمه آن را ذکر کرد، تا به این وسیله بفهماند سبب اصلی در دخول آتش همین اعراض از ذکر خداست (طباطبایی، ۱۳۷۴ ج ۲، ۷۱، ۷۲). طبق این آیه آنچه مایه وفور نعمت می‌شود، استقامت بر ایمان است نه اصل ایمان، زیرا ایمان موقت و زودگذر نمی‌تواند چنین برکاتی از خود نشان دهد، مهم استقامت بر ایمان و تقوی است که پای بسیاری در آن لنگ و لرزان است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ج ۲، ۲۵، ۱۲۲).

ب) دسته دیگر از آیات، رابطه کار بد آدمی را با جهان بررسی می‌کند از جمله آن‌ها:

آیه ۴۱ سوره مبارکه روم ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ" یعنی: فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه

هفتصد دانه می‌شود. این اصل قرآنی را قدیمی‌ترها درک کرده‌اند؛ ولی در زمان کنونی به‌خاطر کم‌رنگ شدن تقوا یک دانه گندم هفت تا ده دانه می‌دهد بدین‌گونه برکت از کشاورزان و دیگر ابقشار گرفته شده است. یا افرادی که با دادن خمس و زکات و انفاق‌های دائمی بدون منت برکت را به زندگی خود آورده‌اند؛ برعکس کسانی که با ربا و گران فروشی در زندگی‌شان برکتی ندارند. برای گشایش و فتح انواع روزی، مستحباتی در دین وارد شده که شخص با تقوا به‌خاطر ایمان و توکلش به خدا و انجام آن مستحبات از جمله: بیداری بین الطلوعین، اداء نمازهای اول وقت، صدقه، صله رحم، صدقه دادن هنگام تهی دستی می‌تواند برکت را در زندگی خود مشاهده نماید. هم‌چنین خداوند سبحان، در آیه ۵۲ سوره مبارکه هود می‌فرماید: وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَى قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ. یعنی: و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به‌سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی‌درپی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید. استغفار را سبب فزونی روزی و رحمت خلق قرار داده، و فرموده از پروردگارتان طلب آمرزش کنید که او بسیار آمرزنده است، باران پر برکت آسمان را بر شما می‌فرستد. حقیقت این است که مجازات بسیاری از گناهان محرومیت‌هایی در این جهان است و هنگامی که انسان از آن توبه کند و راه پاکی و تقوی را پیش گیرد خداوند این مجازات را از او بر طرف می‌سازد. در این آیات خداوند پیوند روشنی میان مسائل معنوی و مادی بر قرار می‌سازد و استغفار از گناه و بازگشت به سوی خدا را مایه آبادانی و خرمی و طراوت و سرسبزی و اضافه شدن نیرویی بر نیروها معرفی کرده است. یکی دیگر از آیاتی



بعضی از اعمالشان را به آنان بچشانند، شاید (بسوی حق) بازگردند! که این آیه به ظاهر لفظش عام است، و مخصوص به یک زمان و یا به یک مکان و یا به یک واقعه نیست و در نتیجه مراد از "بر و بحر" همان معنای معروف است که شامل همه روی زمین می‌شود. مراد از فساد در زمین، مصایب و بلاهایی عمومی است که یکی از منطقه‌ها را گرفته و مردم را نابود می‌کند، مانند زلزله، نیامدن باران، قحطی، مرض‌های مسری، جنگ‌ها، غارت‌ها، و سلب امنیت، و کوتاه سخن هر بلایی که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را برهم می‌زند، چه اینکه مستند به اختیار بعضی از مردم باشد، و یا نباشد، چون همه آنها فساد است که در دریا و خشکی عالم پدید می‌آید، و خوشی و طیب عیش انسان‌ها را از بین می‌برد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۶، ۲۹۳). این فساد ظاهر در زمین، بر اثر اعمال مردم است، یعنی به‌خاطر شرکی است که می‌ورزند، و گناهای است که می‌کنند، بین اعمال مردم و حوادث عالم رابطه مستقیم هست، که هر یک متأثر از صلاح و فساد دیگری است. این آیه شریفه آگاهی به اثر وضعی نحوست و نکبت ارتکاب معاصی و گناهان بندگان و ظهور آثار و نتایج و خیم آن را بیان می‌کند که در صحرا و دریا بلکه در ملک و ملکوت ایجاد می‌شود. گناهایی که نعمت را تغییر می‌دهد، سرکشی است. گناهایی که موجب پشیمانی است، قتل می‌باشد. گناهایی که نعمت را نازل می‌کند، ظلم است. گناهی که پرده‌ها را پاره می‌کند، شرب خمر است. گناهی که روزی را حبس کند، ربا است. گناهی که فنا را عجله کند، قطع رحم است. و گناهی که دعا را حبس کند و هوا را تاریک گرداند، عقوق والدین است (حسینی شاه عبدالعظیمی، ۱۳۶۳، ج ۱۰، ۳۰۸). هر کار خلافی در وضع جامعه، و از طریق آن در وضع افراد اثر می‌گذارد، و موجب نوعی فساد در

سازمان اجتماعی می‌شود. گناه و کار خلاف و قانون‌شکنی همانند یک غذای ناسالم و مسموم است، که در سازمان بدن انسان تأثیر نامطلوب خواهد گذاشت و انسان گرفتار واکنش طبیعی آن می‌شود. یکی دیگر از آیاتی که در این باره بحث می‌کند آیه ۳۰ سوره مبارکه شوری است، "وَمَا أَصَابَكُمْ مِنْ مُصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ" یعنی: هر مصیبتی به شما رسد به‌خاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز عفو می‌کند. این آیه به‌خوبی نشان می‌دهد، مصائبی که دامن‌گیر انسان می‌شود یک نوع مجازات الهی و هشدار است. هر چند ظاهر آیه عام است و همه‌ی مصائب را در برمی‌گیرد؛ مصائب عمومی و همگانی از قبیل قحطی، گرانی، و با، زلزله و امثال آن، ولی مطابق معمول در عموماً استثناهایی وجود دارد، مانند مصائب و مشکلاتی که دامن‌گیر انبیا و ائمه معصومین می‌شد که برای ترفیع درجه آن‌ها بود. کلمه مصیبت به‌معنای هر ناملایمی است که به انسان برسد، گویی از راه دور به قصد آدمی حرکت کرده تا به او رسیده است و مراد از جمله "فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ" گناهان و زشتی‌ها است. و معنای جمله "وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ" این است که خداوند بسیاری از همان گناهان و زشتی‌هایتان را می‌بخشاید. پس مصائب و ناملایماتی که متوجه جامعه شما می‌شود، همه به‌خاطر گناهایی است که مرتکب می‌شوید، و خدا از بسیاری از آن گناهان درمی‌گذرد و شما را به جرم آن نمی‌گیرد. اگر جوامع بشری عقائد و اعمال خود را برطبق آنچه که فطرت اقتضاء دارد وفق دهند، خیرات به سویشان سرازیر و درهای برکات بروی شان باز می‌شود، و اگر در این دو مرحله به فساد بگرایند، زمین و آسمان هم تباه می‌شود، و زندگی‌شان را تباه می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸، ۸۶).



نتیجه‌گیری

زیست همت گماشت. ۳. برهم‌زدن تعادل طبیعت، با معارف قرآنی تعارض دارد؛ زیرا نظم طبیعت آئینه قدرت خداوند و نمایانگر آفرینش یکتایی اوست. ۴. اعمال و اقوال انسان رابطه مستقیمی با تخریب و حفاظت محیط زیست دارد، به‌طوری‌که اگر عملکرد انسان نیک باشد تاثیر نیک بر محیط زیست دارد و اگر اعمال او شر باشد تاثیر بدی بر آن خواهد داشت. همانگونه که خداوند متعال در آیه ۹۶ سوره مبارکه اعراف اشاره به تاثیر مثبت تقوی و ایمان بر بارش و فزونی برکات دارد و در سوره مبارکه روم آیه ۴۱ اشاره به تاثیر عملکرد بد انسان به خشکی دریا و تخریب محیط زیست دارد.

۱. به‌طورکلی از زمانی که انسان پا به عرصه‌ی زمین گذاشت پیوسته مسئولیت حفاظت و دخل و تصرف معقولانه از محیط زیست همواره عهده‌دار او بوده و انسان باید بکوشد تا از عهده این مهم برآید. و منظور از حفاظت از محیط زیست همانگونه که خداوند متعال در سوره مبارکه هود آیه ۶۱ فرموده عمران و آبادانی زمین است. و این حفاظت از محیط زیست ابتدا فایده آن به‌خود انسان و سپس به جهان هستی باز می‌گردد. ۲. قرآن کریم اشارات سودمندی درباره محیط زیست دارد که براساس آن می‌توان به استخراج برنامه جامعی از حفاظت از محیط

منابع

۱. قرآن کریم
۲. حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین بن احمد (۱۳۶۳): «تفسیر اثنا عشری»، تهران: انتشارات میقات، اول.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶): «اسلام و محیط زیست»، قم: انتشارات اسراء، اول.
۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۲): «تفسیر المیزان»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، سی و سوم.
۵. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۱): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، سی و پنجم.
۶. نجفی خمینی، محمد جواد (۱۳۵۶): «تفسیر آسان»، تهران: انتشارات اسلامی، اول.
۷. اسماعیلی، عباس، رضائیان، محسن، وزیری نژاد، رضا، طباطبایی، سید ضیاء، سالم، زینب، مهدیان، فرشته (۱۳۸۶): «حفاظت محیط زیست در اسلام»، ویژه نامه اولین همایش بهداشت در آموزه‌های پیامبر اعظم (ص)، ششم، ۷.
۸. اکبری راد، طیبه (۱۳۹۱): «نقش تعالیم اسلام در کاهش بحران‌های زیست محیطی»، محیط شناسی، یکم، ۱۰.
۹. اکبری راد، طیبه (۱۳۷۸): «حفظ محیط زیست از دید قرآن و روایات»، الهیات نامه، دوم، ۱۰.
۱۰. قائمی، پونه، شبیری، سید محمد، لاریجانی، مریم، کرک، بهروز (۱۳۹۵): «ارزیابی روش‌های آموزش محیط زیست بر اساس مدل AHP»، فصل‌نامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، چهارم، ۱۳.
۱۱. قلندریان، ایمان، تقوایی، علی اکبر، کامیار، مریم (۱۳۹۵): «مطالعه تطبیقی رابطه‌ی انسان و محیط زیست در تفکر توسعه پایدار و تفکر اسلامی»، فصل‌نامه پژوهش‌های معماری اسلامی، چهارم، ۱۸.
۱۲. نورائی، محسن (۱۳۹۱): «جهان بینی قرآن و محیط زیست»، آموزه‌های قرآنی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، یازدهم، ۲۰.

قرآن، غذا و تغذیه

هادی اسماعیل‌زاده^۱ و محبوبه نیکبخت^۲

۱- دانشجوی ارشد فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد واحد شیروان (نویسنده مسئول: h951311@gmail.com)
۲- کارشناس ارشد، جغرافیای طبیعی، دانشگاه فردوسی مشهد

چکیده

یکی از مهم‌ترین عوامل سلامت و تندرستی رعایت آموزه‌های بهداشتی در خوردن و آشامیدن است. قرآن کریم نیز بعنوان کتابی جامع و پاسخگوی نیازهای مادی و معنوی بشر در هر عصری در خصوص تغذیه بشر آموزه‌ها و توصیه‌هایی ارائه داده است، که رعایت آنها نه تنها باعث سلامت جسم می‌شود بلکه به تبع آن بر رشد روح او و معنویاتش نیز تاثیر مثبتی می‌گذارد. از این رو حفظ سلامت جسم، وسیله‌ای ارزشمند در جهت کمال و تعالی او محسوب می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد قرآنی و روایی سعی دارد، که بین قرآن کریم و تغذیه سالم ارتباط برقرار نماید. برخی از توصیه‌های قرآنی در امر سلامت و بهداشت تغذیه که در قرآن کریم بدان اشاره شده عبارتند از: توصیه به خوردنی‌های حلال و طیب و پیروی نکردن از امیال شیطانی "يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ" و توصیه به پرهیز از خوردنی‌های حرام "إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَمَا أُهْلَ بِهِ لِغَيْرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ" و توجه به نوع تغذیه "فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ" و توصیه به اهمیت دادن به روزه و بیان جایگاه آن در بهداشت تغذیه "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ" و اشاره نمود. بهداشت تغذیه در قرآن کریم از مرتبه والایی برخوردار است؛ چنانکه در این رابطه پیامبر اکرم (ص)، حضرات معصومین (ع) و حکمای اسلام در کنار دستورات قرآنی درباره تغذیه توصیه‌های ارزشمندی داشته‌اند. از توصیه‌های بسیار ارزنده قرآنی در امر بهداشت تغذیه، استفاده و بهره‌مندی از روزی‌های حلال و طیب و پرهیز از غذاهای حرام اشاره نمود که پایبندی به آن انسان را در مسیر توحید یگانگی قرار می‌دهد.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، تغذیه، حلال و طیب

مقدمه

این امور تغذیه است که مورد توجه موکد قرآن کریم می‌باشد. چراکه ارتباط مهمی بین تغذیه سالم، جسم و روان سالم وجود دارد. و این تغذیه سالم است که باعث حرکت و جهش انسان به سمت اعمال صالح می‌شود. همان‌گونه که خداوند متعال در سوره مبارکه مومنون آیه ۵۱ می‌فرماید: "يَا أَيُّهَا الرَّسُلُ كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ"، (یعنی: ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم). کنترل غذایی و اینکه انسان بداند که چه باید بخورد و چه نباید بخورد و اینکه اگر جایز به

قرآن کریم کتاب هدایت بشریت است همانگونه که خداوند متعال در سوره مبارکه اسراء در آیه ۹ "إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا"، یعنی: این قرآن، به راهی که استوارترین راه‌هاست، هدایت می‌کند؛ و به مؤمنانی که اعمال صالح انجام می‌دهند، بشارت می‌دهد که برای آنها پاداش بزرگی است. به این مهم اشاره داشته است. لذا از هیچ‌یک امور مهم و تاثیرگذار در زندگی انسان چشم‌پوشی نکرده است، یکی از

خوردن باشد، چه میزان و چگونه باید خورده شود، بی‌تردید رعایت اینگونه آداب غذایی، موجب پیشگیری از ابتلا شدن به انواع بیماری‌های جسمی و به دنبال آن آلام روحی می‌شود. انسان‌ها باید در مسیر تلاش برای کسب شناخت و آگاهی لازم در امر مدیریت تغذیه سالم و رسیدن به تندرستی و زندگی سالم قرار گیرند که هرگونه غفلت از آن موجب هلاکت آنها خواهند بود: طبق آیه ۱۹۵ سوره مبارکه بقره "وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ" (یعنی: و در راه خدا، انفاق کنید! و (با ترک انفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیفکنید! و نیکی کنید! که خداوند، نیکوکاران را دوست می‌دارد) (غفاری، ۱۳۹۲). پژوهش‌های بسیاری درباره تغذیه صورت گرفته است اما از منظر قرآنی مقالات محدودی انجام پذیرفته است که ما در این پژوهش به برخی از این پژوهش‌ها اشاره خواهیم نمود، از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به مقالاتی چون: «تغذیه سالم از نگاه قرآن» از فرزانه غفاری، «بهره‌گیری از برخی آموزه‌های اسلامی در زمینه آداب تغذیه سالم» از مهرناز گلی و وحیده شهریاری، «تاثیر تغذیه بر اخلاق با توجه به اثر متقابل نفس و بدن بر مبنای قرآن و روایات اهل بیت (ع)» از حسین فصیحی و همکاران، اشاره کرد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی با رویکرد قرآنی و روایی می‌باشد که به کتاب‌های تفسیری و حدیثی چون قرآن و تفسیر نمونه و المیزان مراجعه و مطالب موردنظر استخراج و خلاصه گردید. مقاله حاضر به بیان آموزه‌های قرآنی در زمینه آداب تغذیه سالم می‌پردازد.

سوالات پژوهش

۱. رهنمودهای تغذیه از منظر قرآن کریم چیست؟

۲. اهمیت تغذیه در قرآن کریم چگونه است؟

۲. مفهوم‌شناسی پژوهش

- تغذیه در لغت: تغذیه در لغت به معنای تقویت کردن و نیرومند ساختن موجودات آلی به وسیله مواد لازم، خوراک دادن، غذا دادن می‌باشد.

- تغذیه در اصطلاح: تغذیه در اصطلاح به معنی خوردن موادی که به نمو جسم کمک می‌کند و انرژی لازم را برای بدن به وجود می‌آورد (یونسی، ۱۳۹۱).

۳. اهمیت تغذیه از منظر قرآن و روایات

قرآن کریم در خصوص بعد جسمانی انسان که جایگاه و میزبان روح مقدسی است که از جانب خالق یکتا در این کالبد جسمانی دمیده شده است، اهتمام ویژه‌ای دارد و در پی آن آگاهی از اصول تغذیه صحیح به منظور بهره‌مندی از یک تغذیه مناسب و حفظ و صیانت از امانت ارزشمند الهی از هرگونه بیماری امری کاملاً ضروری به شمار می‌رود (خادمی، ۱۳۸۷). شاید یکی از آیاتی که در زمینه تغذیه اهمیت بالایی داشته و بیشتر مورد استفاده و استناد قرار گرفته باشد آیه ۲۴ سوره مبارکه عبس می‌باشد، که خداوند متعال می‌فرماید: "فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ" (یعنی: انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد!) است (یوسفی و شیرافکن، ۱۳۹۳). از آنجاکه نزدیکترین اشیاء خارجی به انسان غذای او است که با یک دگرگونی جزء بافت وجود او می‌شود، و اگر به او نرسد به زودی راه فنا را پیش می‌گیرد، و به همین دلیل قرآن از میان تمام موجودات روی مواد غذایی آن‌هم موادی که از طریق گیاهان و درختان، عائد انسان می‌شود تکیه کرده است. روشن است که منظور از نگاه کردن تماشای ظاهری نیست، بلکه نگاه به معنی دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی، و اجزاء حیات بخش آن، و تاثیرات شگرفی که در وجود انسان دارد، و

سپس اندیشه در خالق آنها است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۱، جلد ۲۶، ۱۵۴).

۴. دستورات کلی درباره تغذیه در آیات قرآن کریم

قرآن کریم برای تغذیه اهمیت و ارزش ویژه‌ی قائل است به گونه‌ای که بیش از ۲۵۰ آیه از آیات قرآن اشاره به بحث تغذیه دارد، و دستورات و توصیه‌های مهم و کلی در این باب ارائه داده است، که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: - توصیه به خوردنی‌های حلال و طیب، - پرهیز از خوردنی‌های حرام، - روزه و اهمیت آن در سلامتی و بهداشت تغذیه

۴-۱. توصیه به خوردنی‌های حلال و طیب

یکی از مهم‌ترین توصیه‌های قرآنی در امر تغذیه سالم، مصرف خوردنی‌های «حلال» و «طیب» است که جز آن برای انسان زیان‌بار است. «حلال» چیزی است که ممنوعیتی نداشته باشد و «طیب» به چیزهایی گفته می‌شود که موافق با طبع سالم انسانی است. نقطه مقابل آن «خبیث» است که طبع آدمی از آن متنفر می‌باشد (غفاری، ۱۳۹۲): "قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تَفْلِحُونَ" ترجمه: بگو: «هیچ‌گاه» ناپاک و پاک مساوی نیستند؛ هر چند فزونی ناپاک‌ها، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید!

همانگونه که امام رضا(ع) می‌فرماید:

إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّ مَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صَلَاحَ الْعِبَادِ وَبَقَاؤُهُمْ وَ لَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَعْنُونَ عَنْهَا وَ وَجَدْنَا الْمُحْرَمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ بِالْعِبَادِ إِلَيْهِ وَ وَجَدْنَا مُفْسِدًا دَاعِيًا الْفَنَاءَ وَ الْهَلَاكَ.

همانا چنین یافتیم هر آنچه را که خدای تبارک و تعالی حلال فرموده صلاح و بقای بندگان در

آن بوده و به آن احتیاج دارند و بی‌نیاز از آن نیستند و در آنچه حرام نموده نیازی برای بندگان به آن نیافتیم بلکه مایه فساد است که ایشان را به سوی نابودی سوق می‌دهد(اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۹).

در واقع بین خوردنی‌های حلال و سالم و حرکت و جهش انسان به سمت اعمال صالح ارتباط مستقیمی وجود دارد، و این ارتباط به گونه‌ای است که بر سلامتی جسم و روح انسان تاثیر ویژه‌ای می‌گذارد:

۱- يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ ۱۶۸، إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ۱۶۹ (سوره مبارکه بقره، آیات ۱۶۸-۱۶۹). (ترجمه: ای مردم! از آنچه در زمین است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست! او شما را فقط به بدی‌ها و کار زشت فرمان می‌دهد؛ (و نیز دستور می‌دهد) آنچه را که نمی‌دانید، به خدا نسبت دهید).

در این دو آیه که خطاب عمومی برای مردم است، ارتباط بین خوردنی‌های حلال و طیب و پیروی نکردن از راه شیطان که دشمن قسم خورده بشریت است، وجود دارد. در حقیقت پیام الهی این چنین است که مصرف خوردنی‌های غیر طیب و بی توجهی به خوردن لقمه‌های غیر حلال، انسان را در وادی شیطان می‌افکند که از تبعات شوم آن گرفتار شدن در گرداب است.

اعمال سوء و فحشاگرایانه و جسارت در بیان گفتنی‌های نا به حق و غیر توحیدی می‌باشد. عبارت " لا تتبعوا خطوات الشيطان" در پنج مورد از آیات قرآن کریم به چشم می‌خورد که دو مورد آن درباره استفاده از غذاها و روزی‌های الهی است(بقره: ۱۶۹، انعام: ۱۴۲). خالق هستی هشدار می‌دهد که مصرف روزی‌های حلال را در



۵. تغذیه‌ی طیب و سالم و عمل صالح، مورد توجه تمام ادیان الهی است. "یا ایها الرسل - الطَّيِّبَاتِ - صَالِحًا" (قرآنی، ۱۳۹۴، جلد ۶، ۱۰۶).

۳. "وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ" ترجمه: واز آنچه خدا روزیتان کرده و حلال و طیب است بخورید و بپرهیزید از خدایی که به او ایمان آورده‌اید.

این تکرار و تأکید آیه سابق است و امر بعد از تحذیر و نهی دلالت بر جواز می‌نماید و خوردن به معنای تغذیه کردن یا مطلق وجوه تصرف در نعم الهی است و شاید مراد از اکل همان خوردن به معنای واقعی خود باشد و سبب نزول این دو آیه این بود که بعضی از مؤمنان در روزهای نزول این دو آیه بعضی از خوردنی‌های طیب را بر خود حرام کرده بوده‌اند، لذا خداوند به آنها امر می‌کند که از خدا پروا داشته باشند (همان خدایی که به او ایمان دارند)، و تسلیم اوامر پروردگار باشند (طباطبایی، ۱۳۹۲، جلد ۶، ۱۶۲-۱۵۷). به بیانی دیگر، خوردن غذاهای حلال و طیب رابطه‌ی متقابل و مستحکمی با تقوی الهی دارد.

۲-۴. انواع خوردنی‌های حلال و طیب از

دیدگاه قرآن کریم

انواع خوردنی‌های حلال و طیب را که قرآن کریم در آیات مختلف از آنها یاد کرده را می‌توان به: عسل، خرما، انجیر، انار، زیتون، شیر و... اشاره نمود. که به دلیل طولانی شدن مبحث ما فقط به توضیح سه مورد از این خوردنی‌ها اکتفا خواهیم کرد.

۱-۲-۴. عسل

"ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ"

مسیر اطاعت و بندگی بکار برند نه در مسیر طغیان و فساد در زمین. در تأکید همین مطلب خداوند به دنبال دستور استفاده از غذاهای حلال انسان‌ها را از هر گونه فتنه و فساد باز داشته است: "وَإِذْ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ" (بقره: ۶۰). (ترجمه: از روزی‌های الهی بخورید و بنوشید، اما فتنه و فساد در زمین به راه نیندازید). چنانکه در آیه دیگر همین معنا به گونه‌ای دیگر آمده است: "كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَمَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوِيَ" (طه: ۸۱)، (ترجمه: از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما ارزانی داشته‌ایم بخورید، اما در آن طغیان و سرکشی ننمایید) (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، جلد ۱، ۵۶۲).

۲- "یا ایها الرسل کُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ" ترجمه: ای پیامبران! از غذاهای پاکیزه بخورید، و عمل صالح انجام دهید، که من به آنچه انجام می‌دهید آگاهم (سوره مبارکه مومنون، آیه ۵۱).

پیام‌های قابل استناد از این آیه شریفه عبارتند از:

۱. در آنچه می‌خورید، دو اصل مهم را فراموش نکنید: الف: حلال بودن. ب: طیب و پاکیزه بودن. "كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ"
۲. غذا خوردن نیز باید هدفدار باشد، نه بر اساس هوس. "كُلُوا - وَاعْمَلُوا"
۳. عفت در شکم و تقوا در عمل، مقارن هستند. "كُلُوا مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا"
۴. توفیق عمل صالح، در سایه‌ی تغذیه حلال و طیب است. "الطَّيِّبَاتِ - صَالِحًا"

ترجمه: سپس از تمام ثمرات (و شیره گل‌ها)، بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی بپیما! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند (سوره مبارکه نحل، آیه ۶۹).

در اهمیت زنبور عسل و عسل همین بس که خداوند متعال سوره‌ی مبارکه‌ای تحت عنوان سوره "نحل" نازل کرده است، و همچنین در سوره مبارکه "محمد" آیه ۱۵ یکی از نهرهای بهشتی را به نام نهر عسل مصفا نامیده است. با این همه برکاتی که در عسل نهفته است، بهترین توصیف برای آن، همان تعبیر شفاء است که در آیه فوق بدان اشاره شده است آمده است، و شاید فواید دیگری هم داشته باشد که هنوز کشف نشده است، "وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا" (سوره مبارکه اسراء، آیه ۸۵). ذکر عسل در قرآن با تعبیر شفاء، با توجه به بسیاری از خواص آن و اشاره قرآن به چگونگی ساخت عسل که بعدها کشف شد، ضمن نشان دادن توجه قرآن کریم به تغذیه، گویای اعجاز علمی قرآن است. طبق پزشکی نوین نیز مهم‌ترین ویژگی که عسل را به عنوان یک دارو از سایر داروها متمایز می‌سازد نداشتن عوارض جانبی زیان‌آور است بلکه بر عکس عملکرد سایر دستگاه‌های بدن را نیز بهبود می‌بخشد که این خود در کوتاه کردن زمان بیماری و سرعت درمان موثر است. با توجه به مزایا و ارزش‌های واقعی عسل از دیدگاه قرآن و طب، الزام است که به این نعمت خدادادی و هدیه آسمانی چه از نظر درمانی و چه از نظر غذایی بیشتر توجه داشت (قدسی و همکاران، ۱۳۹۴).

۲-۲-۴. خرما

نام خرما در قرآن در سوره‌های مریم، شعراء، انعام، رعد، عبس، اسراء، مومنون، یس، ق، قمر، حاقه، کهف، نحل، طه و الرحمن آمده است و یکی از بهترین نعمت‌های بهشتی می‌باشد همچنین نام این سوره در سایر کتب مذهبی ذکر شده است. که در ادامه به یکی از معجزات خرما اشاره می‌کنیم.

۱-۲-۲-۴. خرما و بارداری

"وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِدْعِ النَّخْلِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا"

ترجمه: و این تنه نخل را به طرف خود تکان ده، رطب تازه‌ای بر تو فرو می‌ریزد! (سوره مبارکه مریم، آیه ۲۵).

با توجه به اهمیت و نقشی که نوع و کیفیت تغذیه دوران بارداری و دوران پس از آن در سلامتی زنان و فرزندان آنها می‌تواند ایفا کند، توجه به تغذیه دوران حاملگی و دوران پس از آن نیز از نظر روایت‌های اسامی دور نمانده است که در این خصوص روایت‌هایی از دریای بیکران احادیث معصومان(ع) بیان می‌گردد: الف. در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده است: «زن‌ها (در دوران بارداری و زایمان) به چیزی جز خرماي تازه و رسیده شفا و بهبود نمی‌یابند؛ زیرا خداوند حضرت مریم (س) را در دوران نفاس از آن اطعام نمود (حسینی کارنامی و اصغری ولوجائی، ۱۳۹۴).

ب. در روایتی دیگر نیز پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «هنگامی که زنی می‌زاید، پس نخستین چیزی که تناول می‌کند، باید خرماي تازه و شیرین و یا خرماي رسیده باشد؛ زیرا اگر چیزی بهتر و با فضیلت‌تر از آن می‌بود، خداوند تعالی حضرت مریم (س) را در حین



متجاوز نباشد، گناهی بر او نیست؛ (و می‌تواند برای حفظ جان خود، در موقع ضرورت، از آن بخورد)؛ خداوند بخشنده و مهربان است.

خلاصه احکام خداوند براساس مفاسد و مصالح است یعنی اگر عملی را واجب کرده به خاطر این است، که آن عمل دارای منافع مهم و حیاتی است و یا اگر منفعت آن مهم نباشد مستحب است و اگر عملی دارای ضرری است و آن ضرر خطرناک و مهلک باشد انجام آن را حرام نموده است و اگر ضرر آن مهلک و خطرناک نباشد مکروه است و اگر منفعت و ضرر آن غالب نباشد و مساوی باشد آن عمل مباح است. البته منظور از مفاسد و مصالح آن صرفاً مصالح و مفاسد دنیوی آن نمی‌باشد بلکه منظور تمام ابعاد مصالح و مفاسد می‌باشد هم در امور دنیوی و هم در امور اخروی.

از جمله نمونه‌های مواد خوراکی که در دو آیه از سوره مکی (انعام و نحل) و دو آیه از سوره مدنی (بقره و مائده) از آنان نام برده شده غذاهایی مانند گوشت خوک است، که مصرف آنها برای انسان زیان‌های جسمی، روانی و یا اخلاقی دارد لذا از نظر بهداشت تغذیه شناخت آنها اهمیت و ضرورت خواهد داشت. و به نظر می‌رسد ترتیب نزول آیات مذکور چنین باشد که ابتدا آیه‌ی 115 سوره‌ی مبارکه نحل به صورت کوتاه و فشرده با مطلب را عنوان کرده سپس در آیه‌ی 145 سوره‌ی انعام با تفصیل « شما مردم » یعنی « علیکم » خطاب بیشتر همان مطلب ذکر شده است و پس از آن در آیه 173 سوره‌ی بقره بار دیگر موضوع را یادآوری کرده و سرانجام در آیه‌ی 3 سوره‌ی مائده به تفصیل بیشتر مطالب قبلی را تأکید و تکمیل نموده است (یغموری، ۱۳۹۱).

۳-۴-۱. گوشت خوک

در چهار آیه از قرآن کریم، گوشت خوک حرام شمرده شده است. این تکرار نشانه اهتمام

تولد حضرت عیسی (ع) از آن می‌خورانید» (کلینی، ۱۳۹۰، جلد ۶، ۲۲).

۱-۳-۴. زیتون

کلمه‌ی «زیتون»، شش بار در قرآن آمده است و یکبار هم، در سوره‌ی مؤمنون آیه‌ی ۲۰ به طور غیر مستقیم، از آن، به عنوان درختی که دارای روغن است و در کوه «صنعا» یافت می‌شود، یاد شده است. در قرآن، زیتون، دوبار، به صورت تنها و دوبار، همراه با سایر میوه‌ها مثل: خرما، انار، انگور و انجیر آورده شده است.

زیتون، دارای خواص دارویی و ارزش غذایی بالایی است. آرامش بخش و «مسهل» نیز هست و در درمان «سوء هاضمه» و زخم‌های «اثنی عشر» مؤثر می‌باشد. زیتون، می‌تواند، در مدت درمان بیماری‌های «کلیوی»، یک رژیم مناسب باشد. این روغن، دارای خاصیت لطیف‌کنندگی است و مصرف خارجی آن سبب لطافت پوست در «اگزما» و «پسوریازیس» می‌شود.

همچنین روغن زیتون، سوخت مناسبی، برای چراغ می‌باشد. این مطلب، به طرز زیبایی در سوره‌ی یوسف، آیه‌ی ۳۵ توضیح داده شده است. آنهایی که از روغن زیتون استفاده کرده‌اند، به راحتی، به مفهوم این آیه پی می‌برند. روغن زیتون بسیار شفاف و زلال است (موسوی، ۱۳۸۶).

۳-۴. پرهیز از خوردنی‌های حرام

"إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلَ بِهِ لغيرِ اللَّهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَ لَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ"

ترجمه: خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است. (ولی) آن کس که مجبور شود، در صورتی که ستمگر و



خوک مانند بی‌غیرتی، حرص، پرخوری، و... به کسی که گوشت آن را تناول کند، منتقل خواهد شد. به تعبیر یکی از نویسندگان معاصر، کسی که به خوردن گوشت خوک عادت دارد، از پرخوری و بهره بردن از هر نوع ناهنجاری مالی مثل رشوه، ربا، دزدی و... نیز باکی ندارد.

- بیماری‌های جسمی

از میان بیماری‌های فراوانی که از خوک به انسان منتقل می‌شود، برخی منشأ باکتریایی یا ویروسی دارند و برخی دیگر موجب تکثیر نوعی کرم در معده یا روده انسان می‌شوند. دسته‌ای نیز سرطان‌های خطرناک موضعی را در بدن انسان ایجاد می‌کنند (علایی، ۱۳۹۶).

۵. روزه و اهمیت آن در سلامتی و بهداشت تغذیه

۵-۱. فلسفه روزه

«روزه» ابعاد گوناگونی دارد و آثار فراوانی از نظر مادی و معنوی در وجود انسان می‌گذارد که از همه مهمتر «بُعد اخلاقی» و فلسفه تربیتی آن است. از فوائد مهم روزه این است، که روح انسان را «تلطیف»، اراده انسان را «قوی» و غرائز او را «تعدیل» می‌کند. روزه دار باید در حال روزه با وجود گرسنگی و تشنگی از غذا و آب و همچنین لذت جنسی چشم‌پوشد و عملاً ثابت کند که او همچون حیوان در بند اصطبل و علف نیست، او می‌تواند زمام نفس سرکش را به دست گیرد و بر هوس‌ها و شهوات خود مسلط گردد. در حقیقت بزرگ‌ترین فلسفه روزه همین اثر روحانی و معنوی آن است، انسانی که انواع غذاها و نوشیدنی‌ها را در اختیار دارد و هر لحظه تشنه و گرسنه شد به سراغ آن می‌رود، همانند درختانی است، که در پناه دیوارهای باغ بر لب نهرها می‌رویند، این درختان ناز پرورده، بسیار کم مقاومت و کم دوامند، اگر چند روزی آب از پای آنها قطع شود پژمرده می‌شوند و می‌خشکنند؛ اما

خاص خداوند متعال به خوردنی‌های بشر و اهمیت و تأیید در پرهیز از مصرف گوشت خوک است. قرآن کریم، در سوره مبارکه نحل آیه ۱۱۵ آمده است: «خداوند، تنها مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را با نام غیر خدا سر بریده‌اند، بر شما حرام کرده است، اما کسانی که ناچار شوند، در حالی که تجاوز و تعدی از حد نمایند، خدا آنها را میبخشد، خدا بخشنده و مهربان است».

علاوه بر قرآن در بیان ائمه معصومین (ع) نیز به ضرورت پرهیز از مصرف گوشت خوک اشاره شده است و یکی از حکمت‌های تحریم گوشت خوک فساد اخلاق و بی‌تعصبی در فرد مصرف کننده ذکر شده است. انسان‌هایی که گوشت گوشت‌خواران را می‌خورند دارای شخصیت وحشی و فاقد رفتارهای انسانی هستند و حتی میل به قتل دیگران بدون دلیل ممکن است پیدا کنند (فوسیان مقدم و ملکی، ۱۳۸۹).

۱-۳-۴. زبان‌های گوشت خوک از منظر علمی

به گفته دانشمندان بیماری‌هایی که ممکن است از خوک منتقل شود، به ۴۵۰ بیماری می‌رسد. از این میان ۵۷ بیماری ممکن است به انسان منتقل شود که برخی مهلک و کشنده و برخی دیگر بسیار خطرناک هستند.

بیماری‌هایی که ممکن است به واسطه خوردن گوشت خوک به انسان منتقل شود، می‌توان به دو دسته روحی و جسمی تقسیم کرد:

- بیماری‌های روحی

برخی دانشمندان معتقدند خوردن گوشت یک حیوان (به دلیل تأثیر بر ترشح هورمون‌های مشابه در بدن) موجب انتقال صفات روحی آن حیوان به انسان می‌شود. در صورت اثبات قطعی این نظریه می‌توان ادعا کرد برخی اوصاف زشت



می‌سوزاند و در واقع بدن را «خانه تکانی» می‌کند. به علاوه یک نوع استراحت قابل ملاحظه برای دستگاه گوارش و عامل مؤثری برای سرویس کردن آن است و با توجه به اینکه این دستگاه از حساس‌ترین دستگاه‌های بدن است و در تمام سال به طور دائم مشغول کار است، این استراحت برای آنها نهایت لزوم را دارد. بدیهی است شخص روزه‌دار طبق دستور اسلام به هنگام «افطار» و «سحر» نباید در غذا افراط و زیاده روی کند تا از این اثر بهداشتی نتیجه کامل بگیرد، در غیر این صورت ممکن است نتیجه برعکس شود. «الکسی سوفورین» دانشمند روسی در کتاب خود می‌نویسد: «درمان از طریق روزه فائده ویژه‌ای برای درمان کم خونی، ضعف روده‌ها، التهاب بسیط و مزمن، دمل‌های خارجی و داخلی، سل، اسکلیروز، روماتیسم، نقرس، استسقاء، نوارستی، عرق النساء، خراز (ریختگی پوست)، بیماری‌های چشم، مرض قند، بیماری‌های جلدی، بیماری‌های کلیه، کبد و بیماری‌های دیگر دارد. معالجه از طریق امساک، اختصاص به بیماری‌های فوق ندارد؛ بلکه بیماری‌هایی که مربوط به اصول جسم انسان است و با سلول‌های جسم آمیخته شده همانند: سرطان سفلیس، سل و طاعون را نیز شفا می‌بخشد» (مکارم شیرازی و سوفورین، ۱۳۷۵، ۶۵). در حدیث معروفی پیغمبر اسلام (صلي الله عليه و آله و سلم)، می‌فرماید: «صَوْمًا تَصِحُّوا»؛ (روزه بگیرید تا سالم شوید) (نعمان، حیون، ترجمه: امیدوار، ۱۳۴۲، جلد ۱، ۳۴۲).

نتیجه‌گیری

انسان دارای دو بعد است بعد جسمانی و بعد روحانی و همانقدر که بعد روحانی او مهم است. به همان مقدار نیز بعد جسمانی او مهم است، چرا که این جسم و روح لازم و ملزوم یکدیگرند. همانطور که بعد روحانی او نیازمند معنویات و

درختانی که از لابلای صخره‌ها در دل کوه‌ها و بیابان‌ها می‌رویند و نوازشگر شاخه‌های‌شان از همان ابتدای عمر، طوفان‌های سخت و آفتاب سوزان و سرمای زمستان است و با انواع محرومیت‌ها دست به گریبانند، محکم و بادوام و پراستقامت و سخت کوش و سخت جانند! روزه نیز با روح و جان انسان همین عمل را انجام می‌دهد و با محدودیت‌های موقت به او مقاومت و قدرت اراده و توان مبارزه با حوادث سخت می‌بخشد و چون غرائز سرکش را کنترل می‌کند بر قلب انسان نور و صفا می‌پاشد. خلاصه روزه، انسان را از عالم حیوانیت ترقی داده و به جهان فرشتگان صعود می‌دهد، جمله «لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»؛ (باشد که پرهیزکار شوید) در آیه ۱۸۳ سوره «بقره» در بیان فلسفه وجوب روزه اشاره به همه این حقایق است و نیز حدیث معروف: «الْصَّوْمُ جَنَّةٌ مِنَ النَّارِ»؛ (روزه سپری است در برابر آتش دوزخ) اشاره به همین موضوع است (کلینی، ترجمه: مصطفوی، ۱۳۸۲، جلد ۴، ۶۲).

۲-۵. اثر بهداشتی و درمانی روزه

در طب امروز و همچنین طب قدیم، اثر معجز‌آسای «امساک» در درمان انواع بیماری‌ها به ثبوت رسیده و قابل انکار نیست، کمتر طبیبی است که در نوشته‌های خود اشاره‌ای به این حقیقت نکرده باشد؛ زیرا می‌دانیم عامل بسیاری از بیماری‌ها، زیاده روی در خوردن غذاهای مختلف است؛ چون مواد اضافی، جذب نشده به صورت چربی‌های مزاحم در نقاط مختلف بدن یا چربی و قند اضافی در خون باقی می‌ماند، این مواد اضافی در لابلای عضلات بدن در واقع لجنزارهای متعفن برای پرورش انواع میکرب‌ها و بیماری‌های عفونی است و در این حال بهترین راه برای مبارزه با این بیماری‌ها، نابود کردن این لجنزارها از طریق امساک و روزه است! روزه زبانه‌ها و مواد اضافی و جذب نشده بدن را



مائده می‌فرمایند: کَلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا و اگر انسان نسبت به تغذیه جسم خود بی‌مبالات باشد و هر آنچه را که خداوند منع فرموده تغذیه کند بدون شک او را هلاک می‌سازد، غذا و تغذیه از مهم‌ترین و پایه‌ترین نیازهای بشر است و این تغذیه می‌باشد که باعث حرکت انسان است. اما انسان باید به تغذیه خود دقت کند همانطور که خداوند متعال می‌فرماید فليَنْظُرُوا الْإِنْسَانَ الْإِلٰهِي طَعَامَهُ چِرا که این غذا است که با یک دگرگونی جز بافت او می‌شود و اگر به او نرسد انسان راه فنا را پیش می‌گیرد.

ارتباط با عالم معنا است جسم انسان هم برای اینکه روح او را همراهی کند و به سرانجام برساند نیازمند عوامل مادی و تغذیه است و تغذیه روح ارتباط با معنویت و ملکوت و تغذیه جسم همان خوردن و تغذیه کردن است نکته‌ای که در بحث تغذیه حائز اهمیت است این است که تغذیه باید جهت‌دار و هدف‌دار باشد همانطور که خداوند متعال می‌فرماید: کَلُوا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَ عَمَلُوا صَالِحًا یعنی ای انسان در قبال تغذیه‌ای که انجام داده‌ای باید عمل صالحی را به انجام برسانی و تغذیه جهت‌دار پیوند مستحکمی با تقوی دارد همانطور که خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اسماعیل زاده، هادی، (۱۳۹۹)، «فلسفه احکام، بنابر حکمت ۲۵۲ نهج البلاغه»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد واحد شیروان.
۳. حسینی کارنامی، سید حسین، اصغری ولوجائی، علی اصغر، (۱۳۹۴): «بررسی تاثیر رطب در زایمان براساس تفسیر علمی آیات ۲۳ الی ۲۶ سوره مریم (ع)»، مجله دین و سلامت، سوم، ۱۳.
۴. خادمی، نرجس، (۱۳۸۷): «فرهنگ تغذیه در قرآن و حدیث»، مجله بینات، پانزدهم، ۲۱.
۵. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۲)، «تفسیر المیزان»، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، سی و سوم.
۶. قرائتی، محسن، (۱۳۹۴)، «تفسیر نور»، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، بیست و یکم.
۷. قوسیان مقدم، محمد حسن، ملکی، مریم، (۱۳۸۹)، «بررسی تاثیر مصرف گوشت خوک بر سلامت انسان از دیدگاه قرآن و طب»، مجله علمی و پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی اراک، سیزدهم، ۱۰.
۸. علایی، حسینعلی، (۱۳۹۲)، «حکمت تحریم گوشت خوک در قرآن، حدیث و علم»، قرآن و علم، هفتم، ۲۱.
۹. «
۱۰. غفاری، فرزانه، (۱۳۹۳)، «تغذیه سالم از نگاه قرآن»، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، بیست و دوم، ۱۴.
۱۱. کلینی، یعقوب، (۱۳۸۲)، «اصول کافی»، مترجم سید جواد مصطفوی، جلد ۴، قم: طاووس بهشت، اول.
۱۲. موسوی، میرحسن، شایوسی، نسیم، خطیبی، سید امین، (۱۳۹۶)، «بررسی خواص تغذیه‌ای و درمانی خرما در قرآن، احادیث طب سنتی و نوین»، طب سنتی اسلام و ایران، هشتم، ۱۳.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۹۱)، «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب السلامیه، جلد ۲۶، سی و پنجم.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، سوفورین، الکسی، (۱۳۷۵)، «روزه روش نوین برای درمان بیماری‌ها: آب درمانی»، مترجم محمد جواد امامی، قم: دارالکتب السلامیه، چاپ ششم.
۱۵. حیون، نعمان، (۱۳۴۲)، «دعائم الاسلام (و بیان حلال و حرام و قضا و احکام)»، ترجمه: امیدوار، عبدالله، تهران: دارالمعارف، جلد اول، چاپ اول.
۱۶. یغموری، مهتاب، (۱۳۹۱)، «تغذیه سالم از دیدگاه قرآن و احادیث»، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشکده غیر انتفاعی اصول دین.
۱۷. یوسفی، مهدی، شیرافکن، هدی، (۱۳۹۶): «اهمیت و جایگاه طعام از منظر قرآن کریم»، نشریه اسلام و سلامت، اول، ۶.
۱۸. یونس، مریم، (۱۳۹۱)، «تغذیه در اسلام»، پایان نامه کارشناسی ارشد، مشهد: مدرسه علمیه نرجس.

قرآن، آب و خاک

محبوبه نیکبخت^۱ و هادی اسماعیل‌زاده^۲

۱- کارشناس ارشد، جغرافیای طبیعی
۲- دانشجوی ارشد فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد واحد شیروان
(نویسنده مسئول: h951311@gmail.com)

چکیده

آب از همان ابتدا و از زمان پیدایش حیات، نقش اساسی در ادامه زندگی و طبیعتاً موجودیت انسان ایفا کرده است. و این وابستگی موجودات به آب بگونه‌ای است که علاوه بر پیدایش، برای ادامه بقا نیز بدان نیازمند هستند. آب جزء جدایی‌ناپذیر زندگی انسان و موجودات است، این برداشت را می‌شود از سوره مبارکه انبیا آیه ۳۰ " وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ " دریافت کرد. و از دیگر اهمیت آب در قرآن کریم که به آن ذکر شده می‌توان به: مظهر قدرت الهی ("أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا. ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا. فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعِنَبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا. وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا. مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ") (سوره مبارکه عبس، آیات ۳۲-۲۵)، طهارت ("وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا") (سوره مبارکه فرقان، آیه ۴۸)، منشا حیات ("وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ") (سوره مبارکه نور، آیه ۴۵)، و.. اشاره نمود. خاک نیز مانند آب از مهم‌ترین عناصر طبیعت به شمار می‌رود و در کنار آب، خاک بعنوان منشا حیات بنابر آیه ۳۲ سوره مبارکه نجم " إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ "، از منظر قرآن کریم معرفی شده است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد قرآنی و روایی با هدف اهمیت عناصر آب و خاک از منظر قرآن کریم مطالعه شده است، که آب و خاک با یکدیگر رابطه‌ی تنگاتنگی داشته و لازم و ملزوم یکدیگرند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آب، خاک، حیات

مقدمه

را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟! و درباره اهمیت خاک نیز خداوند متعال در سوره مبارکه مومنون آیه ۱۲ می‌فرماید: " وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ " ترجمه: و ما انسان را از عصاره‌ای از گِل آفریدیم. اهمیت دو عنصر آب و خاک در قرآن کریم توأم با هم ذکر نشده‌اند و ما در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی و با مطالعه آثار پیشینیان، درصدد هستیم که به بیان اهمیت دو عنصر آب و خاک از منظر قرآن کریم بپردازیم. تاکنون مطالعات تلفیقی درباره آب و خاک از منظر قرآن کریم نگارش نیافته است و هر کدام به تنهایی در مقالات مختلف ذکر گشته‌اند که در ادامه اسامی چند پژوهش را که به مطالعه آب و خاک بطور جداگانه از منظر

اولین تمدن‌های بشری در کنار رودخانه‌های خروشان و خاک‌های حاصلخیز شکل گرفتند. امروزه نیز با وجود پیشرفت‌های روزافزون دانش بشری در عرصه‌های مختلف علوم، همچنان حیات، وابسته به آبی سالم و خاکی حاصلخیز است. آب و خاک مهم‌ترین عناصر موجود در طبیعت می‌باشند که قرآن کریم بعنوان معجزه‌ی جاوید و عرضه کننده علوم مختلف در تمام عصرها بدان‌ها توجه خاصی کرده است، اهمیت این دو عنصر در قرآن کریم به گونه‌ای است که خداوند متعال در سوره مبارکه انبیاء آیه ۳۰ درباره آب می‌فرماید: " وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ " ترجمه: و هر چیز زنده‌ای



۱-۲. آب منشأ حیات

قرآن کریم، آغاز آفرینش انسان را از آب دانسته است:

"وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا" (سوره مبارکه فرقان: آیه ۵۴)

و اوست کسی که از آب بشری آفرید.

در آیه‌ای دیگر نه تنها انسان، که مبدأ آفرینش هر جنبنده‌ای را آب معرفی کرده است:

"وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ" (سوره مبارکه نور: آیه ۴۵)

و خداست که هر جنبنده‌ای را [نخست] از آب آفرید.

و در آیه زیر به صورت کلی‌تر، مبدأ آفرینش هر موجود زنده‌ای را آب می‌داند:

"وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ" (سوره مبارکه انبیاء: آیه ۳۰)

و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.

بر اساس این آیات نورانی، آب نخستین بستر حیات برای موجودات زنده مانند انسان، حیوان و گیاه است. آب نه تنها مایه آفرینش همه موجودات مادی، که عامل اساسی برای ادامه حیات آن‌ها نیز هست؛ به گونه‌ای که امام صادق علیه‌السلام آن را قوام زندگی می‌داند و می‌فرماید: «زمین را قوامی نیست؛ جز به آب» (حرانی، ۱۳۶۷، ترجمه احمد جنتی، ۳۷۱).

در حقیقت، قوام و بقای زندگی، مرهون آب است؛ زیرا آب مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده یک موجود زنده است و در همه فعل و انفعالات درون آن نقش اساسی دارد. برای نمونه، بدن انسان به اسفنجی می‌ماند که آب، آن را فراگرفته است که میزان این آب در یک انسان بالغ «۵۸ تا ۶۸ درصد بدن اوست که اگر به میزان ۱۰ درصد از آن کاسته شود، پیامدهای ناگواری برای او به بار خواهد آورد و اگر به ۲۰ درصد برسد، ممکن

قرآن کریم پرداخته‌اند را می‌توان به آثاری چون: «آب و اهمیت حفاظت از آن از دیدگاه قرآن کریم» از محمدی و یزدان پناه، «اهمیت و نقش آب در قرآن» از توکل‌یان اکبری، «اهمیت خاک و زمین از دیدگاه قرآن»، از بی‌ریا، بختیاری فر و خدابخشی، و «بررسی اهمیت خاک و کشاورزی در قرآن و روایات اسلامی»، از خاقانی و... اشاره کرد.

سوالات پژوهش

۱. اهمیت دو عنصر آب و خاک از منظر قرآن کریم؟

۲. آب

آب، سرچشمه‌ی حیات و یکی از مواهب عظیم الهی است و به لحاظ اهمیتی که دارد از دیدگاه‌های علوم مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است. اهمیت وجودی و عظمت آفرینش آب در جمله‌ی کوتاه و پرمعنای آیه ۳۰ از سوره‌ی مبارکه‌ی انبیاء نهفته است که می‌فرماید: "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ" ترجمه: و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟! آب از مواهب طبیعی است که با فراهم ساختن بستر حیات، تداوم زندگی همه‌ی موجودات را میسر می‌سازد و همگان بر نقش تاثیرگذار آب در شکل‌دهی توسعه‌ی پایدار اذعان دارند (مقیسه، ۱۳۹۵). از نقش‌های گوناگون آب در زمین از منظر قرآن کریم می‌توان به: سر منشأ حیات، آرامش با آب، آب و بهداشت، آب و ثبات قدم، آب و دامداری، آب و حوادث، آب و رفع تشنگی، آب و افزایش قدرت، آب و طهارت و آب و کشاورزی اشاره کرد. که در ادامه به چندین مورد از اهمیت آب از منظر قرآن کریم شرح خواهیم داد.



«وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ
وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ» (مؤمنون: ۱۸).

ترجمه: و از آسمان آبی به اندازه [معین] فرود
آوردیم و آن را در سرزمین جای دادیم و ما برای
از بین بردن آن مسلما توانایییم.

این آیه مبارکه نیز قدرت خدا را به هنگام نزول
باران و حکمت او را در کمیت نزول آن و
چگونگی ذخیره کردن نشان می‌دهد؛ به گونه‌ای
که نه آن اندازه زیاد نازل کرده تا زمین‌ها را
غرقابی کند که امکان زندگی نباشد و نه آن قدر
کم، که تشنه کامان در روی زمین، گیاهان و
جانداران دیگر از آن سیراب نگردند. و از همه
مهم‌تر کیفیت پوسته زمین را به گونه‌ای آفریده
که بخش زیادی از آب‌ها با گذشتن از لایه‌های
نفوذپذیر رویین به لایه‌های نفوذناپذیر زیرین
رسیده و در آن جا ذخیره می‌گردند؛ سپس از
طریق چشمه‌ها، قنات‌ها و چاه‌ها مورد استفاده
انسان قرار می‌گیرند.

بخش دیگری از این آب‌ها نیز همه ساله به
صورت برف و یخ در مناطق مرتفع و سرد ذخیره
می‌شوند تا روزی که فرمان نزول به آن‌ها داده
شود و بر اثر دگرگونی‌های جوی به سوی دشت
و هامون سرازیر شده و تشنه کامان را سیراب
کنند (مکارم شیرازی، ۱۳۶۹، ج ۱۴، ۲۱۸-
۲۱۷).

۲-۳. آب، مظهر پاکی، طهارت و معنویت

در آیات و روایات

آب، از مهمترین وسائل نظافت و بهداشت در
متون فقه اسلام، شمرده شده است. در
قرآن کریم و روایات احکام فراوانی در «مطهرات»
آمده که بر طبق آنها آب اسلامی برای آب اثرات
فراتری را بر شمرده‌اند؛ زیرا آب برای انسان‌ها
طهارت معنوی به ارمغان می‌آورد و افزون بر
شستن تن، جان را جلا می‌بخشد و روح را

است سبب مرگ او شود» (راپینا، ۱۳۷۲، ترجمه
صادق حداد کاوه، ۱۱، ۱۰).

جالب این که، یافته‌های علمی، امروزه منشأ
حیات بودن آب را اثبات می‌کند. بر اساس این
یافته‌ها «اصل حیات، ریشه در آب دارد و
نخستین موجود یا موجودات زنده به صورت
حیوان بسیط تک سلولی از آب و دریا پدید
آمده‌اند» (دایره‌المعارف قرآن کریم، ۱۳۹۲، ج ۱،
۴۰). این موضوع می‌تواند دست آوردی بزرگ
برای علم باشد. علامه طباطبایی آن را «معجزه
جاوید قرآن» می‌داند و می‌فرماید:

مسئله ارتباط حیات با آب که امروزه در دیگر
بررسی‌های علمی جدید روشن شده، معجزه
مانندی قرآن کریم است (طباطبایی، ۱۳۸۳، ج
۱۴، ۲۷۹).

۲-۲. آب مظهر قدرت الهی

خداوند، در آیاتی به توانمندی خود در نزول آب
باران و به وجود آوردن پدیده‌ها اشاره می‌کند از
جمله می‌فرماید:

«إِنَّا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا. ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا. فَأَنْبَتْنَا
فِيهَا حَبًّا وَعَنْبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا. وَحَدَائِقَ
غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا. مَتَاعًا لَكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ» (سوره
مبارکه عبس، آیات ۲۵ - ۳۲).

ترجمه: ما آب را به صورت بارشی فرو ریختیم.
آن گاه زمین را با شکافتنی [لازم] شکافتیم. پس
در آن دانه رویانیدیم. و انگوری سبز. و زیتون و
درختان خرما. و باغ‌های انبوه. و میوه و چراگاه.
[تا وسیله] استفاده شما و دام‌هایتان باشد.

در این آیه، خداوند توجه می‌دهد که این ما
هستیم که آب را فرو فرستادیم؛ این ما هستیم
که شکافتیم و این ما هستیم که رویانیدیم. یعنی
گام به گام موجودیت پدیده‌ها را به قدرت لایزال
الهی ارتباط می‌دهد و آن را بارها یادآور می‌شود.
در آیهای دیگر می‌فرماید:

آماده‌ی صعود و حضور در پیشگاه پروردگار متعال می‌کند (مقیسه، ۱۳۹۵). قرآن کریم می‌فرماید: "إِذْ يُغَشِّبِكُمُ النَّعَاسُ أَمْنَةً مِنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رَجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ" (سوره مبارکه انفال، آیه ۱۱).

ترجمه: و (یاد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دل‌هایتان را محکم، و گام‌ها را با آن استوار دارد!

قریب به ۵ آیه از قرآن کریم اشاره به نقش آب در طهارت و پاکیزگی دارد، که از جمله این آیات می‌توان به:

سوره مبارکه نساء آیه ۴۳

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّى تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا"

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! در حال مستی به نماز نزدیک نشوید، تا بدانید چه می‌گویید! و همچنین هنگامی که جنب هستید مگر اینکه مسافر باشید تا غسل کنید. و اگر بیمارید، یا مسافر، و یا «قضای حاجت» کرده‌اید، و یا با زنان آمیزش جنسی داشته‌اید، و در این حال، آب (برای وضو یا غسل) نیافتید، با خاک پاکی تیمم کنید! (به این طریق که) صورتها و دست‌هایتان را با آن مسح نمایید. خداوند، بخشنده و آمرزنده است.

سوره مبارکه مائده آیه ۶

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوْهُكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ"

وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ"

ترجمه: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! هنگامی که به نماز می‌ایستید، صورت و دست‌ها را تا آرنج بشویید! و سر و پاها را تا مفصل [= برآمدگی پشت پا] مسح کنید! و اگر جنب باشید، خود را بشویید (و غسل کنید)! و اگر بیمار یا مسافر باشید، یا یکی از شما از محل پستی آمده [= قضای حاجت کرده]، یا با زنان تماس گرفته (و آمیزش جنسی کرده‌اید)، و آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [= پیشانی] و دست‌ها بکشید! خداوند نمی‌خواهد مشکلی برای شما ایجاد کند؛ بلکه می‌خواهد شما را پاک سازد و نعمتش را بر شما تمام نماید؛ شاید شکر او را بجا آورید!

سوره مبارکه فرقان آیه ۴۸

"وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا"

ترجمه: او کسی است که باده‌ها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم.

سوره مبارکه ص آیه ۳۷

"ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ"

ترجمه: (به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است!

۳. خاک

خاک سطحی‌ترین قسمت پوسته‌ی جامد زمین را تشکیل می‌دهد که به صورت پوششی سست



جایگاهی استوار نهادیم، سپس نطفه را خونی بسته (علقه) و آنگاه خون بسته را گوشت پاره‌ای و گوشت پاره را به گونه‌ی استخوانی‌های آفریدیم پس از آن، بر استخوان‌ها گوشت پوشانیدیم، سپس آن را آفرینشی دیگر دادیم، پس بزرگوار است خداوند که نیکوترین آفریدگاران است. درباره‌ی منشأ خلقت جسمانی انسان، قرآن تعبیرهای متفاوتی را به کار برده است که مجموع آنها را می‌توان در سه تعبیر، خلاصه کرد: اول، واژه‌ی خاک؛ در بعضی آیات قرآنی منشأ، حیات انسانی به خاک نسبت داده شده است، مثل این آیه: "وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ أَزْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمِّرُ مِنْ مَعْمَرٍ وَلَا يَنْقُصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ" (سوره مبارکه فاطر، آیه ۱۱)؛ ترجمه؛ خداوند شما را از خاک آفرید، سپس از نطفه‌ای.

دوم، واژه گل یا گل چسبنده؛ در آیات مورد بحث، واژه‌ی "وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ" (سوره مبارکه مومنون، آیه ۱۱). آمده است؛ یعنی: "عصاره‌ای از گل و نیز در آیه‌ی دیگر می‌فرماید: "فَأَسْتَفْتِهِمْ أَهُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَنْ خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ" (سوره مبارکه صافات، آیه ۱۱) ترجمه؛ ما آنها را از گلی چسبناک آفریدیم.

سوم، واژه‌ی گل خشک یا سفالین؛ "وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمَإٍ مَسْنُونٍ" (سوره مبارکه حجر، آیه ۲۶)؛ ترجمه؛ و به راستی ما انسان را از گلی خشک برآمده از لایه سیاه بویناک آفریدیم. این تعبیر در آیات ۲۸ و ۳۳ همین سوره تکرار شده است. در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: "خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ" (سوره مبارکه الرحمن، آیه ۱۴) ترجمه؛ آدمی را از گلی خشک چون سفال آفرید (ابراهیمی و فاضل، ۱۳۹۱).

و کم ضخامت سنگ‌هایی را که هنوز تخریب نشده‌اند می‌پوشاند. ضخامت این پوشش (خاک) در شرایط عادی 5/0 تا 2 متر است. این قشر نازک در واقع بین جو اتمسفر و قسمت سخت زمین، که هنوز تحت تأثیر عوامل جوی واقع نشده و تخریب نگردیده (لیتوسفر)، قرار گرفته است (واروی پور، ۱۳۸۹، ۱).

خاک بخش زنده‌ای از کره زمین است که زندگی همه موجودات زنده بدان وابسته است. قرآن کریم توجه و عنایت خاصی به طبیعت و عناصر موجود در آن دارد، که در این میان خاک یکی از مهم‌ترین عناصر طبیعت به شمار می‌رود؛ و در کنار زمین از اهمیت والایی برخوردار است. از جمله‌ی آیاتی که به خاک اشاره شده، (سوره مبارکه ملک، آیه ۱۵، سوره مبارکه نوح، ۶۱، سوره مبارکه ذاریات، ۲۰، بقره سوره مبارکه، ۶۱، سوره مبارکه یونس، ۲۴، سوره مبارکه فصلت، ۳۹، سوره مبارکه زخرف، ۱۰، سوره مبارکه مرسلات، ۲۵، سوره مبارکه حج، ۵، سوره مبارکه قمر، ۱۲، سوره مبارکه یوسف، ۵۵، سوره مبارکه اعراف، ۶۹، سوره مبارکه زلزله، ۴، و سوره مبارکه اسراء، ۴۴) می‌باشد. همانگونه که در آیات گفته شد، در قرآن بیان شده که خاک محل رویش گیاهان است و می‌تواند به عنوان رکن اصلی کشاورزی محسوب شود (بی‌ریا، ۱۳۹۴).

۲-۳. خاک منشأ حیات و خلقت انسان

قرآن در آیاتی سوره‌ی مؤمنون به مراحل خلقت انسانی اشاره می‌کند و می‌فرماید: "وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سَلَالَةٍ مِنْ طِينٍ" (۱۲)، "ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ" (۱۳)، "ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ" (۱۴)؛ ترجمه؛ بی‌گمان ما انسان را از چکیده‌ای از گل آفریدیم، سپس او را نطفه‌ای در



آن و رسیده شدن آن بنگرید. که در اینها برای آنان که ایمان دارند، نشانه‌هاست.

یا اینکه در سوره مبارکه ق، آیه ۹ می‌فرماید: "وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَاهُ جَنَاتٍ وَحَبَّالْحَبِيدِ؛"

ترجمه: از آسمان، باران‌های پرمفعت فرو فرستادیم و به وسیله این آب‌ها رویاندیم باغ‌هایی را که در آن انواع و اقسام میوه‌های لذیذ وجود دارد (طبرسی، 1372، ج 23، 243).

از این آیات این نکته به دست می‌آید که میان بارش باران، خاک و رویش و پویش گیاهان ارتباط عمیقی وجود دارد و خداوند آدمیان را به تأمل در این نظام شگفت انگیز فرا می‌خواند (خاقانی، ۱۳۹۴).

در روایت نیز کشاورزی شغل انبیاء شمرده شده است. و امام جعفر صادق (ع) می‌فرمایند: کشاورزان گنج‌های خلق خداوند متعال هستند آنها پاکیزه و طیب می‌کنند و خدا آن را بیرون می‌آورد و گیاه و سبزه می‌کند (تویسرکانی، ۱۳۷۴، ج ۳، ۲۷۹).

در روایت دیگر نیز بر اهمیت کشاورزی آمده است، هرکس که درختی را بکارد و بار دهد خداوند به اندازه میوه و محصولی که بار می‌دهد به او اجر و پاداش عطا می‌کند (حیدری نسب، ۱۳۹۰، ج ۱۳، ۲۶۰).

نتیجه‌گیری

آب هدیه مبارک الهی و سبب پیدایش حیات است، همان گونه که خداوند متعال در سوره مبارکه انبیاء آیه ۳۰ می‌فرماید: "و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟!"، و این آیه بیانگر آن است که نه تنها آب مایه آفرینش همه‌ی موجودات مادی است، بلکه عامل اساسی برای حیات آن‌ها نیز می‌باشد، چرا که خداوند متعال در کنار آب واژه

قرآن کریم در سوره مبارکه هود آیه ۶۱ و سوره مبارکه النجم آیه ۳۲، منشأ خلقت انسان را زمین می‌داند که می‌توان گفت این تعبیر، تعبیری استعاری هستند، یعنی همانطور که گیاه از مواد زمینی می‌روید و رشد می‌کند، شما نیز همان مواد زمین بودید که خداوند به شما حیات بخشید، یعنی هنگامی که شما خاک بودید، خدا در خاک شما روح دمید و به صورت انسان در آمدید. لذا منشأ پیدایش انسان تراب که آن نیز بخشی از زمین است، می‌باشد (خاقانی به نقل از مصباح یزدی، ۱۳۹۴).

۴-۳. فضیلت خاک و کشاورزی در قرآن و

روایات

قرآن کریم در موارد متعددی انسان را دعوت به تفکر و تعقل در عوالم هستی کرده است تا انسان بوسیله تفکر و تعقل پی بوجود خداوند متعال ببرد، و قدردان نعمات بی‌شمار خداوند گردد. خداوند متعال در قرآن کریم خاک و کشاورزی را لطف بی‌کران حق برای بشر دانسته و در آیات متعددی به این امور اشاره کرده است.

از جمله در سوره مبارکه انعام آیه ۹۹ می‌فرماید: "وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نَخْرُجُ مِنْهُ حَبًّا مَتْرًا كَبُؤًا مِنَ النَّخْلِ مَنْ طَلَعَهَا فُتْنًا وَدَانِيَةً وَجَنَّاتٍ مِّنْأَعْنَابٍ وَزَيْتُونٍ وَاللِّمَّانِ مِثْلَهُنَّ وَأَعْيُنَ مِثْلَهُنَّ وَرِيًّا وَنَخِيلٍ وَسَبْأٍ وَمِشَاطٍ وَمِثْلَهُنَّ وَمِنْ أَشْجَارٍ أُخْرَىٰ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَسَاءَ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ؛"

ترجمه: اوست که از آسمان آبی نازل کرده است که رویش هر چیزی بدان پدیدآورده‌ایم و از جمله سبزه‌ای پدیدآورده‌ایم که از آن دانه‌های روی هم چسبیده پدید می‌آوریم و از نخل، از طلح آن، خوشه‌های نزدیک و باغ‌ها، از تاک‌ها و زیتون و انار، بوجود آورده‌ایم که به یکدیگر مانند و نا همانند هستند. هنگامی که ثمر می‌دهد، به میوه



"حی" را به کار می‌برد، یعنی هر جا آب باشد زندگی و حیات است و هر جا نباشد مسبب هلاکت است. علاوه بر آنکه قرآن کریم آب را منشأ حیات دانسته آن را عامل مهمی نیز برای طهارت و پاکیزگی، بهداشت و... معرفی نموده است.

اهمیت خاک نیز در آیات قرآن کریم به گونه‌ای که خداوند متعال به طور غیرمستقیم آن را در سوره مبارکه بقره، منشاء سخاوت و برکت و نعمت‌های مختلف برای بشر دانسته است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی، مهدی، فاضل، علیرضا، (۱۳۹۱)، «نگاهی به پدیده‌ی جنین‌شناسی در تفسیر علمی آیات قرآن»، فصل‌نامه اندیشه دینی دانشگاه شیراز، —.
۳. بی‌ریا، میلاد، بختیاری، فری، مرضیه، خدابخشی، سعید، (۱۳۹۴)، «اهمیت خاک و زمین از دیدگاه قرآن»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، خوزستان دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین.
۴. تویسرکانی، محمد نبی، (۱۳۷۴)، «لئالی الاخبار»، تهران: ایران، اول.
۵. حرانی، ابن شعبه، (۱۳۶۷)، «تحف العقول»، مترجم احمد جنتی، تهران: امیرکبیر، اول.
۶. حیدری نسب، علیرضا، (۱۳۹۰)، «حاکم نیشابوری، مستدرک علی‌الصحیحین»، تهران: شرکت علمی و فرهنگی، اول.
۷. خاقانی، رقیه، (۱۳۹۴)، «بررسی اهمیت خاک و کشاورزی در قرآن و روایات اسلامی»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، خوزستان دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین.
۸. دایره‌المعارف قرآن، (۱۳۹۲)، تهران: حکمت، جلد اول، اول.
۹. راپینا، میشل، (۱۳۷۳)، «آب»، ترجمه صادق حداد کاوه، تهران: آموزش انقلاب اسلامی، اول.
۱۰. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۸۳)، «تفسیر المیزان»، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جلد چهاردهم، سوم.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۲)، «مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: انتشارات ناصر خسرو، بیست و سوم، سوم.
۱۲. مقیسه، مرضیه، (۱۳۹۵)، «بررسی قداست آب و ضرورت حفاظت از آن در قرآن و روایت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
۱۳. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، (۱۳۶۹)، «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب اسلامی، جلد چهاردهم، هفتم.
۱۴. واروی پور، مریم، (۱۳۸۹)، «خاک شناسی عمومی»، تهران: دانشگاه پیام نور، اول.

قرآن، تکامل موجودات

محبوبه نیکبخت^۱ و هادی اسماعیل‌زاده^۲

۱- کارشناس ارشد، جغرافیای طبیعی، دانشگاه فردوسی مشهد
۲- دانشجوی ارشد فقه و حقوق اسلامی، دانشگاه آزاد واحد شیروان
(نویسنده مسئول: h951311@gmail.com)

چکیده

پرسش از منشأ حیات از مهم‌ترین مباحث اندیشمندان جهان به شمار می‌آید که در این خصوص آرای متفاوتی مطرح شده است. و مهم‌ترین این نظریات نظریه داروینسم و فیکسیسیسم بوده است. که نظریه داروین معتقد به تکامل بقای انسان از یک تک سلولی بوده و فیکسیسیسم نیز معتقد به آن است که نه تنها جانوران بلکه انسان دارای آفرینش مستقل و تغییر ناپذیری بوده‌اند و پیش از پیدایش نیز وجود داشته‌اند و بعد به مرحله بالفعل رسیده است و ما در این نوشتار ضمن بررسی آرای ذکر شده در باب منشأ حیات به تفصیل و توضیح هر یک از نظریه‌ها پرداخته‌ایم و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی و با رویکرد قرآنی، به این نتیجه رسیده‌ایم که، تضادی بین آرای بررسی شده با دین وجود ندارد بلکه هر یک از آرای ذکر شده فقط براساس ظن خود به بررسی تکامل موجودات پرداخته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، تکامل، موجودات زنده

مقدمه

خویش اشاره‌ی به آیاتی از قبیل آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا" (ترجمه: و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم) داشته‌اند. و بر این اساس تکامل موجودات از آب را مبنای پژوهش خویش قرار داده‌اند. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی با رویکرد قرآنی و روایی سعی بر آن دارد که به اثبات عدم تضاد میان دین و علم در این مسئله بپردازد. و در این راستا پژوهش‌ها و مقالات بسیاری هم چون؛ "آفرینش انسان در قرآن کریم با توجه به تفسیر المیزان با نگاهی انتقادی به نظریه تکامل" از یوسف حیدری چناری و رمضان مهدوی آزاد بنی، "تکامل در آفرینش انسان از نگاه اندیشمندان معاصر با محوریت نقد کتاب «خلقت انسان» از محمد صفر جبرئیلی و "تبیین موضع تعارض ظاهری نظریه تکامل و آیات آفرینش و آرای قرآن پژوهان در حل آن" از محمد حسن کلانتری، و... صورت گرفته است.

با وجود پیشرفت‌های بسیار، در عرصه‌های مختلف علوم اعم از صنعت، پزشکی، مهندسی و... بشر هنوز قادر به ارائه تصویر روشنی از گذشته تاریک خود و موجودات زنده پیرامون خود نبوده است. در این میان تنها کاری که او برای رفع کنجکاوای خویش نموده این بوده است، که با توجه به شناخت سطحی از ظواهر زندگی خویش و سایر موجودات اطراف خود داشته شروع به بیان نظریات و فرضیات نموده تا بتواند این حس کنجکاوای را متناسب با نیاز خویشتن مرتفع نماید. در حال حاضر بعد از گذشت قرن‌ها و سال‌های متمادی هنوز یکی از مشغله‌های اصلی اندیشمندان جهان پی بردن به منشأ حیات موجودات زنده اعم از انسان و... در زمین می‌باشد، که در این زمینه دانشمندان علوم اسلامی با توجه به آیات قرآن کریم اهتمام خاصی به این مهم داشته‌اند و برای صحه گذاشتن به بیانات



۱-۱. سوالات پژوهش

۱. آیا قرآن کریم موافق با نظر داروینیسیم می‌باشد؟ و یا فیکسیسیم؟

۲. قرآن کریم و پیدایش موجودات

طبق آیات قرآن کریم آب، سرچشمه‌ی حیات و یکی از مواهب عظیم الهی است و به لحاظ اهمیتی که دارد از دیدگاه‌های علوم مختلفی مورد مطالعه قرار گرفته است. اهمیت وجودی و عظمت آفرینش آب در جمله‌ی کوتاه و پرمعنا یه ۳۰ از سوره‌ی مبارکه‌ی انبیاء نهفته است که می‌فرماید: "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ" ترجمه: و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟! آب از مواهب طبیعی است که با فراهم ساختن بستر حیات، تداوم زندگی همه‌ی موجودات را میسر می‌سازد و همگان بر نقش تاثیرگذار آب در شکل‌دهی توسعه‌ی پایدار اذعان دارند (مقیسه، ۱۳۹۵). که در ادامه به اختصار به ارائه آیات مرتبط با منشأ حیات می‌پردازیم:

"وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ"

ترجمه: و اوست کسی که آسمان‌ها و زمین را در شش هنگام آفرید و عرش او بر آب بود (سوره مبارکه هود، آیه ۷).

"وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مِمَّنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مِمَّنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ"

و خدا هر جنبنده‌ای را (ابتدا) از آبی آفرید، پس برخی از آن‌ها بر روی شکم و برخی بر روی دو پا و بعضی بر روی چهار (پا) راه می‌روند. خدا هر چه بخواهد می‌آفریند. در حقیقت خدا بر هر چیزی تواناست (سوره مبارکه نور، آیه ۴۵).

و در این باره پیامبر اکرم (ص) نیز درباره

اهمیت آب می‌فرماید:

كل شئ خلق من الماء هر چیزی از آب آفریده شده است (کلینی، ۱۳۹۴، ج ۸، ۹۴).

بر اساس این آیات نورانی، آب نخستین بستر حیات برای موجودات زنده مانند انسان، حیوان و گیاه است. آب نه تنها مایه آفرینش همه موجودات مادی، که عامل اساسی برای ادامه حیات آن‌ها نیز هست؛ به گونه‌ای که امام صادق علیه‌السلام آن را قوام زندگی می‌داند و می‌فرماید: «زمین را قوامی نیست؛ جز به آب» (حرانی، ۱۳۶۷، ترجمه احمد جنتی، ۳۷۱).

در اصطلاح آب از ترکیب شدن دو عنصر اکسیژن (O) و هیدروژن (H) ساخته شده است. آب تنها ماده‌ای است که به هر سه حالت جامد (یخ)، مایع (آب) و گاز (بخار آب) در طبیعت یافت می‌شود. نزدیک به ۷۵ درصد از سطح زمین از آب پوشیده شده است (شورای تألیف گروه شیمی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری، ۱۳۹۳، ۱۴).

واژه دابّه به معنای آرام راه رفتن و حرکت

خفیف در حیوان بکار می‌رود و در حشرات

بیشتر استعمال می‌شود و بطور کلی هر راه

رونده بر روی زمین را دابّه گویند (قرشی،

۱۳۹۱، ج ۱، ۳۵۱).

۳. دیدگاه مفسران

استاد مکارم شیرازی درباره ی آفرینش جنبندگان از آب، سه احتمال را مطرح می‌کند:

الف) هم چنان که در روایات نیز آمده است، منظور از آب، نطفه است (این احتمال اشکال دارد؛ زیرا برخی حیوانات تک سلولی از طریق تقسیم سلول‌ها به وجود می‌آیند نه از طریق نطفه).



مستقل و تغییرناپذیر می‌داند که در دامن خود نظریه (تشکیل قبلی) را نیز پرورانده است و (گوویه) که از پایه گذاران نظریه ثبات انواع است، به (تشکیل قبلی) نیز باور داشت. بر اساس نظریه تشکیل قبلی، تخم پیش از لقاح، شامل موجود کاملی است، که برای رشد آماده است. وجود این موجود نیز باید شامل تخم‌هایی باشد که در هر یک از آنها موجود کاملی باشد، موجودات مزبور نیز از نو تخم‌هایی شامل موجودات دیگر دارند و همین طورا بر این اساس در جسم (حوا) طبقه به طبقه تخم‌های مربوط به نسل‌های آینده وجود داشته است (سجادی، ۱۳۷۷).

۴-۲. فرضیه‌ی تکامل انواع یا داروینیسیم

این نظریه (تکامل)، وجود تناسب و ارتباط را میان موجودات زنده نشان می‌دهد و رابطه بین اشکال مختلف گیاهی و جانوری را توضیح می‌دهد. اهمیت تکامل در امکان دسترسی به ریشه موجودات گوناگون است. تکامل، خلقت مستقل و بی ارتباط بین انواع را قبول نمی‌داند. تکامل لازمه خلق حیات را تولید ملکول‌های آلی در بدو پیدایش زمین در نظر می‌گیرد. از این رو مادی بودن مبنای حیات را با دلایل مختلف تجربی مسلم می‌داند. مهم‌ترین نظریات در این ریشتر، اوپارین، چارلز لایل، باتیست لامارک و داروین مطرح شد. درباره منشأ حیات، در این نظریه دو گونه باور را می‌توان یافت. باورهایی که منشأ حیات را در معرض توجه قرار داده‌اند و ایده‌هایی که شواهد تکامل را جست و جو می‌کرده‌اند. طبق باور نخست، بر اثر ترکیب شیمیایی برخی از مواد موجود در آب لخته‌هایی به وجود آمد که تقریباً جاندار بوده اما اعضای بسیار ساده‌ای داشته‌اند. ولی به مرور زمان و بر اثر تغییرات محیطی این تک سلولی‌ها پیچیده و پیچیده‌تر گشته تا به مرحله فعلی که آخرین مرحله

(ب) منظور، پیدایش نخستین موجود است؛ زیرا طبق بعضی روایات اسلامی اولین موجودی که خدا آفرید، آب بود، سپس انسان‌ها؛ طبق فرضیه-های علمی جدید نیز، نخستین جوانه‌ی حیات در دریاها ظاهر شده است.

(ج) مقصود این است که در حال حاضر، ماده‌ی اصلی موجودات زنده و قسمت عمده‌ی ساختمان آنها را آب تشکیل می‌دهد. هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند بدون آب به حیات خود ادامه دهد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱۳ و ۱۴، ص ۵۰۸-۳۹۶).

هم چنین علامه طباطبایی قایل است که اشیای زنده از آب خلق شده‌اند، پس آب، ماده‌ی حیات است (طباطبایی، ۱۳۹۲، ج ۱۰، ۲۴۴).

۴. تئوری تحول و تکامل

در اینکه آیا موجودات بصورت دفعی یا تدریجی به وجود آمده‌اند همواره بین دانشمندان در رسته‌های گوناگون علوم اختلافاتی وجود داشته که در این باره نیز به ارائه فرضیاتی پرداخته‌اند. که در این میان دو فرضیه مهم وجود دارد:

۴-۱. فرضیه ثبوت انواع یا فیکسیسیم و طرفداران آن

آفرینش مستقل و معجزه آسای نخستین انسان که مورد باور اکثر قریب به اتفاق فلاسفه و دانشمندان گذشته بوده و تا سال ۱۸۲۶، اعتقاد مردم اروپا را به خود اختصاص داده بود؛ تکیه گاهش آموزه‌های ارسطویی و سرچشمه‌اش تورات و انجیل شناخته شده است و در قرن هفده و هجده توسط دانشمندانی چون (جان ری) (۱۷۰۵ - ۱۶۲۷ م)، و (کارل لینه) (۱۷۷۸ - ۱۷۰۷ م) و (جورج گوویه) (۱۸۳۲ - ۱۷۶۹ م) به مرحله اتقان و استحکام رسیده است. فیکسیسیم نه تنها انواع جانوران و انسان را دارای آفرینش



پرداخته‌اند، که به طور مختصر به ادله‌ی آن‌ها اشاره می‌کنیم:

بررسی‌ها نشان می‌دهد غالب اندیشمندانی که به حمایت از امکان تاویل آیات براساس نظریه تکامل پرداخته‌اند، پیشفرض "امکان عدم قطعیت" این دستاورد علمی را لحاظ نموده‌اند. این مطلب در میان صاحب نظران برجسته‌ی ایرانی پر رنگ‌تر می‌نماید. مرتضی مطهری در رویکردی مشابه معتقدست که "به فرض قطعی بودن نظریه تکامل"، با استناد به متون دینی، این نظریه، تضاد^۱ی با خالقیت خداوند ندارد. ایشان صراحتاً اذعان می‌کند که برای یک نفر معتقد به خدا و قرآن کاملاً ممکن است که ایمان خود را به خدا و قرآن حفظ کند و در عین حال داستان کیفیت خلقت آدم را به نحوی توجیه کند. امروز ما افرادی با ایمان و معتقد به خدا و رسول و قرآن را سراغ داریم که داستان خلقت آدم را در قرآن به نحوی تفسیر و توجیه می‌کنند که با علوم امروزی (نظریه تکامل) منطبق است. آیت الله علی مشکینی معتقدست که نظریه تکامل با قرآن سازگار است و می‌توان آیاتی در تایید آن آورد. وی وجود آیات^۲ مو^۳ید^۴ تکامل را از معجزات قرآنی می‌داند. اندیشمندانی همچون جعفر سبحانی نیز، علیرغم تاکید بر خلقت دفعی؛ آیات قرآن را به گونه‌ای قابل تاویل می‌دانند که با نظریه تکامل معارض نباشد. لذا برخی صاحب نظران مسلمان، صراحتاً عنوان نمودند که به فرض قطعی بودن تکامل، این نظریه با آیات قرآن تعارضی ندارد و با این قید و پیش فرض، از قطعیت^۵ آیات^۶ وحیانی حراست^۷ منطقی به عمل آوردند (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۷).

پیچیدگی و تکامل می‌باشد، رسیده است. فرضیه تکامل و تبدل داروین بر چهار اصل و پیش فرضی استوار است پیروان این نظریه تلاش می‌کنند که با پذیرش و حتمی نشان دادن این اصول، شکل علمی و قانون به این فرضیه ببخشند (رضانیا، ۱۳۹۹). که این اصول عبارتند از:

۱. سازش با محیط متغیر؛ با مطالعه بر روی موجودات، مشخص گردید که جانوران با محیط زندگی‌شان سازش پیدا می‌کنند، تغییراتی در اعضای جدید پیدا می‌شود که به صورت وراثت به نسل‌های بعدی منتقل می‌گردد (داروین این نظریه را از لامارک به عاریه گرفت).
 ۲. تنازع بقا: به طور کلی، تعداد موجودات زنده، از موجوداتی که می‌توانند به حد تولید برسند، بیش‌تر است و اگر آن‌ها آزادانه رها شوند و تولیدمثل نمایند، کره‌ی زمین گنجایش یک نوع از آن جانداران را نخواهد داشت؛ لذا بر اساس تنازع بقا، جانداران نیرومند به حیات خود ادامه می‌دهند و دیگران از بین می‌روند. این قانون در گیاهان و بذرافشانی آن‌ها نیز قابل انطباق است.
 ۳. وراثت: هنگامی که دگرگونی‌های شرایط محیطی و زیستی، در جانداران تغییراتی پدید می‌آورد، اگر آن عامل، به عملکرد خود مداومت ورزد، آثار کوچک روی هم جمع شده، نسل به نسل تقویت و تحکیم یافته، موجب پیدایش انواع جدید می‌گردند (سهرابی فر، ۱۳۹۷).
- اصول دیگر فرضیه‌ی تکامل انواع عبارتند از: انتخاب اصلح یا بقای انساب، تغییرات تصادفی، اصل استعمال، و ...

۵. ادله‌ی عقلی و نقلی طرفداران نظریه‌ی تکامل

طرفداران نظریه‌ی تحول انواع یا تکامل، از طریق عقلی و تجربی و نقلی به اثبات این نظریه



ترجمه: همانا ما شما را آفریدیم، سپس صورت-بندی کردیم، بعد به فرشتگان گفتیم به آدم سجده کنید.

آیه الله مشکینی درباره‌ی این آیه می‌نویسد: این آیه از جمله بهترین آیات قابل استفاده برای اثبات این نظریه (تکامل) است؛ زیرا خداوند در این آیه بیان می‌کند که قبل از شکل دادن به انسان او را آفرید و بعد از مدت نامعلوم (به قرینه‌ی کلمه‌ی ثم) او را به شکل انسان فعلی در آورد، سپس فرشتگان را امر به سجده در برابر یکی از افراد نوع انسان کرد.

آیه الله مکارم نیز، آیه‌ی فوق را بهترین دلیل برای طرف داران تکامل می‌داند.

(ج) آیاتی که به مرحله‌ی اول آفرینش انسان اشاره دارند (ماده‌ی اولیه):

"هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى عِنْدَهُ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ"

ترجمه: اوست که شما را از گل (آب و خاک) آفرید و سپس مهلتی مقرر داشت (تا انسان کامل گردد) و اجل حتمی نزد اوست.

از مجموع مطالب گذشته می‌توان به چند نکته‌ی مهم دست یافت:

۱. نباید از این نکته غافل شد که هدف از نزول قرآن هدایت معنوی و تربیت اخلاقی جامعه بشری است. قرآن در جایگاه حل مسائل علمی و تجربی نیست، تا مستقلاً و مستقیماً درباره‌ی آنها آیه مطرح کند بلکه از باب این است که راه خداشناسی و تفکر در آیات الهی و جهان و کهکشان‌ها و ... را تشویق و ترغیب نماید؛ لذا قرآن به صورت گذرا و مبهم به مبدأ پیدایش حیات اشاره کرده و موجب تفاسیر گوناگون و احتمالات مختلف شده است و نمی‌توان با آن در زمینه‌ی علوم تجربی به یک نتیجه‌ی قطعی رسید، مگر این که علوم تجربی در این باره به

برخی از دانشمندان مسلمان نیز، برای اثبات آن نظریه، به برخی آیات استدلال کرده‌اند که آنها به چند دسته تقسیم می‌شوند:

(الف) آیاتی که خلقت همه چیز را از آب می‌دانند: آیه‌ی اول:

"وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ"

ترجمه: و هر چیز زنده را از آب به وجود آوردیم ...

با توجه به این آیه که می‌گوید آفرینش همه‌ی موجودات (حتی انسان) از آب است، برخی قائل شده‌اند که در این جا قسمتی از عقاید قایلین به تکامل اثبات می‌شود. و بعضی نیز آیه‌ی فوق را اثبات نظریه‌ی تحول انواع می‌دانند.

"وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَىٰ أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ"

ترجمه: و خداوند تمام جنبندگان را از آب آفرید، پس برخی از آن‌ها بر روی شکم خود (خزندگان) و برخی بر دو پا و برخی نیز بر چهار پای خود راه می‌روند. خداوند هر آنچه بخواهد می‌آفریند. ...

برخی از صاحب نظران معاصر، از این آیه مراحل پیدایش موجودات در کره‌ی زمین را به نطفه‌ی جنس نر را خلاف ظاهر می‌دانند و « آب » استفاده نموده‌اند و تفسیر است و شاید علت مقدم « آب مخلوط با خاک » معتقدند منشأ پیدایش موجود زنده داشتن حیوانات (خزندگان) این است که معروف‌ترین آنها که خزندگان آبی هستند، نخستین موجودات زنده‌اند، سپس حیوانات خزنده‌ی خشکی و بعد انسان و پرندگان و برخی انواع میمون‌ها آفریده شده‌اند.

(ب) آیاتی که به مراحل خلقت اشاره دارند: "وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ"



۴. برخی از نویسندگان معتقدند که نظریه ی تحول انواع، نوعی تضاد با خداشناسی دارد و خدا را از عرصه ی خلقت کنار گذاشته، بلکه منکر خداوند شده است. در پاسخ آنها باید گفت: اولاً مبدع این نظریه در نامه ای به کلیسا و متفکران عالم ادعا کرده است. من در تحولات فکری خویش به انکار وجود خدا نرسیدم و آنچه در نظریاتم به آن تکیه کردم، تأثیر علل طبیعی برای ظهور انواع مختلف حیوانات است (مشکینی، ۱۳۷۰، ۹-۸).

نتیجه‌گیری

از آنچه در این تحقیق گذشت، نتایج ذیل برداشت می‌شود:

۱. یکی از اصلی‌ترین مسائل زندگی انسان‌ها تفکر در منشا خلقت موجودات می‌باشد که خداوند متعال در قرآن کریم به آن اشاره کرده است.
۲. براساس نظریه ثبات انواع یا فیکسیسیسم تنها انواع جانداران و انسان دارای آفرینش مستقل و تغییر ناپذیری بوده‌اند بلکه قبل پیدایش نیز وجود داشته‌اند.
۳. اصول و اساس نظریه داروین قبل از او نیز در میان دانشمندان علوم تجربی وجود داشت ولی داروین این نظریه را نظم بخشید و سخت کوشی بیشتری در این نظریه انجام داد. و در پایان این نظریه را به نام خودش ثبت کرد.
۴. در قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که درباره ی خلقت موجودات بحث کرده است، که برخی درباره خلقت نخستین انسان و برخی در رابطه با سایر موجودات است.

مسایل یقینی و قطعی برسند، که در این صورت می‌توان آیات قرآن را با علوم تجربی تطبیق داد. ۲. یکی از شرایط مفسر، آگاهی از همه ی آیات قرآن است؛ زیرا برخی از آیات قرآن مفسر برخی دیگرند و نیز گاهی آیات، مقید، عام، خاص، ناسخ، منسوخ، متشابه یا محکم‌اند، لذا از یک آیه که با نظریه ی تکامل سازگار است، یا از آیه ی دیگر که به نظر می‌آید فرضیه ی اثبات انواع را می‌رساند؛ نمی‌توان نتیجه قطعی گرفت؛ بلکه باید به تمام جوانب قرآن، لغت، تاریخ، علوم تجربی و طبیعی توجه کرد.

۳. ما همانند کلیسا در قرن (18 و 19) درصد نیستیم که با چماق انکار و تکفیر با این نظریه مقابله کنیم. نظریه‌ای که بیش از دو قرن در میان دانشمندان تجربی تحقیق شده و برخی آن را پذیرفته و برخی دیگر به شدت آن را مخالف تحقیقات زیست‌شناسی و وراثت و تنازع بقا می‌دانند و آن را به نقد می‌کشند. دانشمندان اسلامی نیز که منبع و مأخذ آنها قرآن و سنت است درباره ی این نظریه با احتیاط سخن گفته‌اند؛ چنانکه علامه طباطبائی می‌فرماید: ظاهر آیات قرآن نسل کنونی بشر را از حضرت آدم و حوا، و آدم را از خاک می‌داند، ولی قرآن درباره ی چگونگی خلقت حضرت آدم و دفعی یا تدریجی بودن و... ساکت است (طباطبائی، ۱۳۹۲، ج ۱۶، ۲۶۹ و ۲۶۳).

هم چنین آیه الله مصباح یزدی در بحث نظریه ی تکامل، اشتقاق انسان فعلی از انسان نئاندرتال و مانند آن را در حد یک احتمال می‌پذیرد، ولی آن را منافات با بعضی از ظواهر آیات می‌داند. حضرت آیه الله مشکینی نیز صراحت آیات قرآن را در دو نظریه رد می‌کند و قایل است (مصباح یزدی، ۱۳۹۳، ۳۴۹-۳۴۸).



منابع

قرآن کریم

۱. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم، (۱۳۶۶)، «گذشته و آینده جهان»، تهران: بعثت، اول.
۲. حرانی، ابن شعبه، (۱۳۶۷)، «تحف العقول»، مترجم احمد جنتی، تهران: امیرکبیر، اول.
۳. رضائیا، حمید، (۱۳۹۹)، «بازخوانی فرضیه ثبوت با فرضیه تکامل انواع و ارتباط آن با رویکرد قرآن کریم»، فصل‌نامه مطالعات قرآنی، ۱۱، ۲۶.
۴. سجادی، سید ابراهیم، (۱۳۷۷)، «نخستین انسان در نگاره‌های بشری»، مجله علمی - پژوهشی پژوهش‌های قرآنی ویژه‌نامه علوم انسانی، ۴، ۹.
۵. سعدی، مریم، رسولی‌پور، رسول، جوادی محسن، (۱۳۹۷)، «تکامل، خلقت و خداپاوری» و مواضع اندیشمندان مسلمان تحلیل و بررسی آرای جیمز کلارک»، دو فصل‌نامه علمی - پژوهشی حکمت معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۹، ۲۳.
۶. سهرابی‌فر، محمدتقی، (۱۳۹۷)، «فرضیه تکامل و انسان متعالی»، فصل‌نامه علمی - پژوهشی حکمت معاصر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۵، ۲۲.
۷. شورای تألیف گروه شیمی دفتر تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری، (۱۳۹۳).
۸. طباطبایی، سید محمد حسین، (۱۳۹۲)، «تفسیر المیزان»، مترجم سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جلد دهم و شانزدهم، سی و سوم.
۹. قرشی، سید علی اکبر، (۱۳۹۱)، «مفردات نهج البلاغه»، قم: دفتر انتشارات اسلامی، جلد اول، سوم.
۱۰. کلینی، شیخ صدوق، (۱۳۹۴)، «اصول کافی»، ترجمه داوود روحانی معین، قم: بهار دلها، جلد هشتم، پنجم.
۱۱. محمدرضایی، محمد، (۱۳۸۲)، «نگاهی به دین پژوهی»، مجله قیاسات، دوره ۸، ۳۳.
۱۲. مشکینی اردبیلی، علی، (۱۳۷۰)، «تکامل در قرآن»، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، اول.
۱۳. مصباح یزدی، محمد تقی، (۱۳۹۳)، «معارف قرآنی»، قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، هفتم.
۱۴. مقیسه، مرضیه، (۱۳۹۵)، «بررسی قداست آب و ضرورت حفاظت از آن در قرآن و روایت»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه پیام نور مرکز تهران جنوب.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران، (۱۳۹۱)، «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب اسلامی، جلد سیزده و چهارده، سی و پنجم.

رابطه قرآن با دانش بشری

هادی اسماعیل‌زاده

دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان
(نویسنده مسئول: mahbobehnikbakht@yahoo.com)

چکیده

موضوع دانش بشری در قرآن کریم از مهم‌ترین مباحث قرآنی است، که از دیر زمان تا به امروز در میان دانشمندان اسلامی و حتی مستشرقان غربی، مورد بحث و گفت و گو قرار گرفته است اینک قلمرو موضوعی انسان شامل چه مباحثی می‌شود؟ آیا فقط مسائل عبادی ارزشی و اخروی در قرآن کریم مطرح شده است؟ یا آنکه حوزه‌های گوناگون زندگی فردی و اجتماعی دنیوی و اخروی و حتی مسائل علمی تخصصی از جمله دانش بشری را نیز در بر می‌گیرد. در قرآن کریم اصول، کلیات دانش بشری وجود دارند و با مراجعه به قرآن کریم و استنباط و استخراج این اصول می‌توان دانش بشری را مبتنی بر قرآن کریم تدوین و تولید، یا دانش بشری کنونی را تهذیب و اصلاح کرد. این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی در صدد است تا جامعیت قرآن کریم و رابطه آن با دانش بشری را مورد بررسی قرار دهد. در انتها به این نتیجه رسیده‌ایم، که هر روز ابعاد تازه‌ای از اعجاز این کتاب آسمانی بر بشر روشن خواهد شد که موجب تکمیل مباحث قبل می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، دانش بشری

مقدمه

در تمامی ادیان الهی و غیر الهی، علم و دانش جایگاه ویژه‌ای دارد. از جمله این ادیان می‌توان به دین مبین اسلام بعنوان خالص‌ترین دین که کتاب آن قرآن کریم می‌باشد اشاره کرد. در این دین اولین کلمه‌ای که بر پیامبرش (ص) نازل شد "اقرأ" یعنی بخوان می‌باشد. که این کلمه حاکی از اهمیت ویژه‌ی کتاب آسمانی این دین مبین یعنی قرآن کریم نسبت به علم و دانش است. همچنین پیامبر اکرم (ص) طلب علم را بر هر مسلمانی واجب می‌شمارد، "طلب العلم فریضه علی کل مسلم" ترجمه: جست و جو و تحصیل علم بر هر مسلمانی واجب است (کلینی)، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ۳۰). این جمله هیچ استثنایی از لحاظ زن و مرد ندارد. این حدیث فریضه دانش را یک فریضه عمومی می‌داند و اختصاص به طبقه یا صنفی یا جنسی خاص نمی‌داند. ممکن

است یک چیز مثلاً بر جوانان فرض باشد نه بر پیران، بر حاکم فرض باشد نه بر رعیت، وظيفه مرد باشد نه وظیفه زن مانند: جهاد که فقط بر مردان فرض و واجب است و بر زنان واجب نیست اما این فریضه که نامش فریضه علم و دانش است بر هر مسلمانی واجب و هیچگونه اختصاصی ندارد (مطهری، ۱۳۶۸، ۱۵۸).

در حدیث دیگری پیامبر اکرم (ص)، در باب اهمیت علم می‌فرماید: "أَطْلَبُوا الْعِلْمَ مِنَ الْمَهْدِ إِلَى اللَّحْدِ" ترجمه: از گهواره تا گور در جست و جوی دانش باشید. یعنی علم فصل و زمان معینی ندارد در هر زمانی باید از این فرصت استفاده کرد همانگونه که شاعر بزرگ فردوسی می‌فرماید:

به گفتار پیغمبر راستگویی
تا گور دانش بجویی

و در روایت دیگری نیز می‌فرماید: "اطلبوا العلم و لو بالصین" ترجمه: علم را جست و جو



ذروته و عزاً لمن تولاہ و سلماً لمن دخله و ہدیٰ لمن ائتم بہ و عذراً لمن انتحلہ و برہاناً لمن تکلم بہ و شہداً لمن خاصم بہ و فلجاً لمن حاج بہ و حاملاً لمن حملہ و مطیہ لمن اعملہ و آیہ لمن توسم و جنہ لمن استلام و علماً لمن وعی و حدیثاً لمن روی و حکماً لمن قضی"

ترجمه: خداوند بر پیامبر چنین کتابی فرو فرستاد، نوری که چراغهایش را خاموشی نباشد و چراغی که روشنایش به خاموشی نگراید، اقیانوسی که کسی را به ژرفایش دسترسی نباشد، راهی که رهروش به گمراهی نرود، پرتوی که تابشش را تیرگی ای نیالاید، مرزگذاری که برهانش خمودی نگیرد، بنیادی که پایه هایش فرو نریزد، درمانی که از پی آمدهایش جای نگرانی نباشد، عزتی که یاورانش شکست نپذیرند و حقی که یارانش تنها وانمانند. آری قرآن معدن ایمان و گوهر ناب آن سرچشمه‌ها و دریاهای دانش بوستانها و آبگیرهای عدالت زیرینا و ساختار اسلام و وادیها و دشت‌های گسترده حق است. قرآن آن دریا است که هرچه از آبش ببرند پایان نگیرد، چشمه ساری است که هرچه آن بگیرند فرو نخشد، آبشخوری است که خیل واردان بر آن از آن نگاهند، منزلگاهی است که مسافران راه آن را گم نکنند، نشانه‌هایی است که رهروان با دیدن آنها گمراه نشوند، جای جای راهش به سرعت گیرهایی مجهز باشد، زلال گوارا برای عالمان، بهاران خرم برای قلب‌های ژرف اندیش و برای حرکت صالحان راهی روشن مقرر داشته است که با هیچ ظلمتی همراه نباشد، ریسمانی است که دست آویزش اطمینان بخش است و دژی است که بلندایش تسخیرناپذیر است. آن را که پذیرای ولایتش شود مایه عزت است و هر که را که در نظامش پای گذارد رمز امنیت، و تمامی کسانی را که به پیشوایش گیرند عین هدایت و هر کس را که راه و رسم خویش

کنید و به دست آورید ولو اینکه در چین باشد(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱۰۱۸)، عبارتی دیگر علم را جست و جو کنید ولو مستلزم این باشد، که به دورترین نقاط جهان مانند چین سفر کنید. یکی از برداشت‌هایی که از این حدیث می‌توان داشت این است، علمی که در آن زمان در چین بوده علم دینی نبوده در حالی که مرکز یادگیری علم دینی مکه - مدینه و نقاطی که پیروان شرایع پیشین می‌زیستند بوده، و چین در آن زمان به عنوان یک مهد علمی و صنعتی معروف بوده است. این روایات نشان می‌دهد، که قرآن - کریم به دانش بشری و فراگیری علوم تأکید به سزایی دارد. در حالی که اگر این علوم مخالف قرآن کریم باشد، این تأکید صحیح نیست از این رو می‌توان گفت یافته‌های علوم نمی‌تواند با آموزه‌های قرآن کریم در تناقض باشد. حتی می‌توان گفت یکی از ابعاد اعجاز قرآن کریم، اعجاز علمی آن است.

امام علی (ع) درباره‌ی قرآن کریم در نهج‌البلاغه می‌فرماید:

"ثم انزل عليه الكتاب نوراً لا تطفأ مصابيحہ و سراجاً لا یخبو توقده و بحراً لا یدرک قعره و منهاجاً لا یضل نہجہ شعاعاً لا یظلم ضوءہ و فرقاناً لا یخمد برہانہ و تبياناً لا تہدم ارکانہ و شفاءً لا تخشی اسقامہ و عزاً لا تہزم انصارہ و حقاً لا تحذل اعوانہ فهو معدن الايمان و بحبوحتہ و ینابیع العلم و بحورہ و ریاض العدل و غدرانہ و ائافی الاسلام و بنیانہ و اودیہ الحق و غیطانہ و بحر لا ینزفہ المستنزفون و عیون لا ینضبہا الماتحون و مناہل لا یغیضہا الواردون و منازل لا یضل نہجہا المسافرون و اعلام لا یعمی عنہا السائرون و آکام لا یجوز عنہا القاصدون. جعلہ اللہ ریاً لعطش العلماء و ربیعاً لقلوب الفقہاء و محاجاً لطرق الصلحاء و دواءً لیس بعدہ داء و نوراً لیس معہ ظلمہ و حبلاً وثیقاً عروثہ و معقلاً منیعاً

۱-۱. سوالات پژوهش

اهمیت و جایگاه دانش بشری در قرآن کریم، چگونه است؟

۲. دیدگاه قرآن کریم درباره‌ی دانش بشری خداوند متعال در قرآن کریم به تفکر و تعقل، تأکید بسیاری نموده، آن گونه که در سوره مبارکه اسراء می‌فرماید: "وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ" ترجمه: از آنچه به آن آگاهی نداری، پیروی مکن. و به انسان‌ها و بشریت سفارش می‌کند، که به خلقت حیوانات و آسمان‌ها و زمین بنگرید تا به عظمت خداوند متعال پی ببرید.

از منظر قرآن کریم بدترین جنبدنگان روی زمین نزد خداوند متعال کسانی هستند که تعقل نمی‌کنند همانگونه که خداوند متعال در سوره مبارکه انفال آیه ۲۲ می‌فرماید: "إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصَّمَّ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ" ترجمه: بدترین جنبدنگان نزد خدا، افراد کر و لالی هستند که اندیشه نمی‌کنند.

همچنین اهل دوزخ را کسانی می‌داند مطابق عقل رفتار نکرده‌اند همان عقلی که امام موسی کاظم (ع) می‌فرماید: "إِنَّ لِلَّهِ عَلَيَّ النَّاسِ حُجَّتَيْنِ: حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ، فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَالْأَنْبِيَاءُ وَالْأئِمَّةُ، وَأَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ؛" طبق روایت فوق امام (ع) عقل را را به منزله‌ی حجت باطنی انسان و پیامبر درونی معرفی می‌کند و در این حدیث شریف می‌فرماید: خداوند متعال بر مردم دو حجت دارد؛ حجت آشکار و ظاهری و حجت نهان و باطنی، که انبیاء و ائمه اطهار (ع) حجت آشکارند و عقول مردم حجت باطنی (کلینی، ۱۳۸۸ق، ج ۱، ۶۱). دانش بشری از منظر قرآن کریم مهم و مورد توجه می‌باشد قرآن کریم گر چه قوانینی کلی و اساسی را بیشتر مدنظر قرار داده ولی از لا به لای آیات قرآن کریم اشاراتی هم به مسئله دانش بشری داشته است.

بدو واگذار عذری موجه است، برای کسی که با منطق آن سخن گوید برهان و برای کسی که با تکیه بر آن درگیر شود شاهد و برای کسی که بدان احتجاج ورزد موجب پیروزی است. هر که بار معارف قرآن را به دوش کشد قرآنش بر دوش می‌کشد و هر که قرآن را به کار گیرد مرکوبی راهوارش باشد و هر که را بدان راه جوید نشان و هر آن کسی را که در پناهش درآید سپر است. قرآن دانش اندوزان را دانش، روایت گران را حدیث و داوران را حکم است (امام علی (ع)، ۱۳۸۷، مترجم محمد دشتی، ۲۹۶).

امام علی بن الحسین (ع) در دعای ختم قرآن -

کریم در فرازی از سخنان می‌فرماید:
"اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَعْتَصِمُ بِحَبْلِهِ ، وَ يَاوِي مِنَ الْمُتَشَابِهَاتِ إِلَى حَرْزِ مَعْقَلِهِ ، وَ يَسْكُنُ فِي ظِلِّ جَنَاحِهِ ، وَ يَهْتَدِي بِضَوْءِ صَبَاحِهِ ، وَ يَقْتَدِي بِتَبْلُجِ إِسْفَارِهِ ، وَ يَسْتَصِيحُ بِمِصْبَاحِهِ ، وَ لَا يَلْتَمِسُ الْهُدَىٰ فِي غَيْرِهِ"

ترجمه: خدایا! بر محمد و آلش درود فرست و ما را از کسانی قرار ده که به ریسمان محکم قرآن چنگ می‌زنند و از متشابهات که محل لغزش عقول است، در پناه آیات محکمش مأوی می‌گیرند و در سایه پر و بال رحمتش آرامش می‌یابند و به نور صبحگاهش راه می‌یابند و به درخشندگی سپیده‌اش که موجب آشکار شدن حق است اقتدا می‌کنند و از چراغش، چراغ می‌افروزند و از غیر آن هدایت نمی‌جویند (امام سجاد(ع)، ۱۳۹۱، مترجم حسین انصاریان، ۱۵۷).

در این راستا پژوهش‌های و کتب متعددی انجام شده که از جمله آنها می‌توان به: "اعجاز علمی قرآن" از رضایی اصفهانی، "تفسیر نمونه" از مکارم شیرازی و همکاران، "گذشته و آینده جهان" از عبدالکریم بی‌آزار شیرازی و... اشاره کرد.



فرضیه اثبات شده و عدم پیروی قرآن از فرضیه نادرست مشهور آن زمان، خود معجزه زنده‌ای از این کتاب آسمانی است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ۱۹-۱۷). نکته جالب دیگر اینکه از نظر علم امروز مسلم است که چشمک زدن زیبایی ستارگان به خاطر قشر هوایی است که اطراف زمین را فرا گرفته و آنها را به این کار وا می‌دارد و این با تعبیر «السماء الدنيا» (آسمان پایین) بسیار مناسب است، اما در بیرون جو زمین، ستارگان حالت زیبایی چشمک زنی را ندارند.

۲- جایگاه و مسیر مشخص ستارگان

"فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ" (سوره مبارکه واقعه، ۷۵ و ۷۶)؛

ترجمه: و به جایگاه ستارگان، سوگند یاد می‌کنم! و مسلماً، آن سوگند بزرگی است، اگر (بر فرض) بدانید.

نکته علمی

امروزه برای ما روشن شده است که ستارگان آسمان هر کدام جایگاه مشخصی دارد و مسیر و مدار آنها که طبق قانون جاذبه و دافعه تعیین می‌شود، بسیار دقیق و حساب شده است. سرعت سیر هر کدام از آنها با برنامه معینی انجام می‌پذیرد. این مسأله گرچه در کرات دور دست دقیقاً قابل محاسبه نیست، اما در منظومه شمسی که خانواده ستارگان نزدیک به ما را تشکیل می‌دهد، دقیقاً مورد بررسی قرار گرفته و نظام مدارات آنها به قدری دقیق و حساب شده است که انسان را به شگفتی وا می‌دارد.

هنگامی که به این نکته توجه کنیم که طبق گواهی دانشمندان تنها در کهکشان ما حدود یک هزار میلیون ستاره وجود دارد و در جهان، کهکشان‌های زیادی موجود است که هر کدام

قرآن کریم کتاب هدایت است نه کتابی درباره علوم. به همین جهت اگر گاهی به یک نکته علمی می‌پردازد برای نشان دادن و وا داشتن انسان‌ها به تفکر در جهان است از این رو است که این نکات علمی را به صورت کوتاه و در حد اشاره مطرح می‌کند.

۳. دانش بشری در قرآن کریم

قرآن کریم به صورتی زیبا و لطیف اشاره به این نکته دارد، که دو دسته آیات درباره‌ی دانش و جهل انسان وجود دارد یک دسته آیاتی که می‌گوید بشر به همراه سرمایه‌های علمی آفریده شده است. و دسته دیگر آیات، بشر را در حال آفریده شدن جاهل می‌داند که به تدریج در طول عمر خود از جهل به سوی علم حرکت می‌کند مضمون دسته اول علوم و دانش‌ها و معارف‌های الهی و اصول ارزشی خدانشناسی، معارف‌شناسی، شناخت فضائل است و دسته دوم درباره‌ی دانش‌هایی چون علوم تجربی، ریاضی و... است که محصول کاوش‌های بشری و مهمان روح آدمی است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ۱۵۵-۱۵۳). که در ذیل به چندین مورد از دانش‌های بشری از منظر قرآن کریم اشاره خواهیم کرد:

۱. تزیین آسمان با ستارگان

"إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ" (سوره مبارکه صافات، آیه ۶).

ترجمه: در حقیقت، ما آسمان نزدیک را با زیور سیارات آراستیم.

نکته علمی

خدای متعال در آیه فوق می‌فرماید: «آسمان پایین را با کواکب تزیین کردیم». در حالی که فرضیه‌ای که در آن زمان بر افکار و دانشمندان حاکم بود می‌گفت فقط آسمان بالا (آسمان هشتم طبق فرضیه بطلمیوس) آسمان ستارگان ثوابت است. ولی چنان که می‌دانیم، بطلان این



۳- حرکت دورانی و جریانی خورشید

"وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ وَالْقَمَرَ قَدَرْنَا مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ لَأَشْمَسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَاللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ" (سوره مبارکه یس، آیه ۳۸-۴۰)؛

ترجمه: و خورشید که تا قرارگاهش روان است؛ این اندازه‌گیری (خدای) شکست‌ناپذیر داناست. و ماه را برایش منزلگاه‌هایی قرار دادیم، تا این که هم‌چون شاخک دیرینه [قوسی شکل زرد رنگ] برگردد، نه خورشید برایش سزاوار است که ماه را دریابد، و نه شب بر روز پیشی گیرنده است؛ در حالی که هریک در مداری شناورند.

نکته علمی

آن روز که این آیات نازل شد، فرضیه هیأت بطلمیوس با قدرت هر چه تمام بر محافل علمی حاکم بود. طبق این فرضیه، اجرام آسمانی به خودی خود گردشی نداشتند، بلکه در دل افلاک که اجسامی بلورین و همچون طبقات پوست پیاز روی هم متراکم بودند، می‌خکوب شده بودند و حرکت آنها تابع حرکت افلاکشان بود؛ بنابراین، در آن روز نه شناور بودن خورشید مفهومی داشت و نه حرکت طولی و جریانی آن، اما بعد از فرو ریختن پایه‌های فرضیه بطلمیوس در پرتو کشفیات قرون اخیر و آزاد شدن اجرام آسمانی از قید و بند افلاک بلورین، این نظریه قوت گرفت که خورشید در مرکز منظومه شمسی ثابت و بی‌حرکت است و تمام منظومه شمسی پروانه‌وار به گرد آن می‌چرخند. در اینجا باز مفهوم تعبیرات آیات فوق که حرکت طولی و دورانی را به خورشید نسبت می‌داد، روشن نبود تا اینکه باز علم به پیشرفت خود ادامه داد و حرکت‌هایی برای خورشید ثابت شد حرکت‌هایی از قبیل:

۱- حرکت وضعی آن به دور خودش؛

مسیر خاصی دارد، به اهمیت این سوگند قرآن بیشتر پی می‌بریم.

هم‌چنین دانشمندان فلکی معتقدند این ستارگان که تعداد آنها بیش از میلیاردها عدد است، فقط قسمتی از آنها را با چشم غیرمسلح می‌توان دید و قسمت بسیار بیشتری را جز با تلسکوپ‌ها نمی‌توان دید. حتی قسمتی از آنها با تلسکوپ هم دیده‌شدنی نیست، بلکه فقط با وسائل خاصی می‌توان از آنها عکس‌برداری کرد و همه اینها در مدار مخصوص خود شناورند و هیچ احتمال نیز وجود ندارد که یکی از آنها در حوزه جاذبه ستاره دیگری قرار گیرد یا با ستاره دیگری تصادف کند. در واقع، چنین تصادفی همانند این است که فرض کنیم یک کشتی اقیانوس‌پیما در دریای مدیترانه با کشتی دیگری در اقیانوس کبیر تصادف کند، در حالی که هر دو کشتی به یکسو و با سرعت واحدی در حرکتند. چنین احتمالی اگر محال نباشد، لافل بعید است. با توجه به این اکتشافات علمی از وضع ستارگان اهمیت سوگند بالا بیشتر روشن می‌گردد؛ از این رو، آیه بعد می‌افزاید "وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ" (سوره مبارکه واقعه، آیه ۷۶)؛ ترجمه: «و مسلماً، آن سوگند بزرگی است، اگر (بر فرض) بدانید!».

این آیه به خوبی گواهی می‌دهد که علم و دانش بشر در آن زمان این حقیقت را به طور کامل درک نکرده بود و این خود که در عصری که شاید هنوز عده‌ای می‌پنداشتند ستارگان میخ‌های نقره‌ای هستند که بر سقف آسمان کوبیده شده‌اند، یک اعجاز علمی قرآن به شمار می‌رود. یک چنین بیانی، آن هم در محیطی که به حق محیط جهل و نادانی بود، محال است از یک انسان عادی صادر شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۲۳، ۲۶۵).



روز می‌باشد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۹۱، ج ۱۸، ۳۸۸).

بررسی

در باره انطباق حرکت‌های خورشید با آیات مورد بحث، تذکر چند نکته لازم است:

نکته اول - سه احتمال در کلمه «مستقر» وجود دارد؛ مصدر میمی اسم مکان و اسم زمان. هم‌چنین چند احتمال در معنای لام در «لمستقر» وجود دارد؛ به معنی «الی»، «فی» و به معنی غایت. هم‌چنین در مورد کلمه «جریان» چهار احتمال وجود دارد؛ حرکت انتقالی طولی، حرکت وضعی، ادامه حیات زمانی و حرکت درونی خورشید.

با ترکیب این احتمالات با یکدیگر ۳۶ احتمال در معنای آیه متصور است که ممکن است همه این احتمالات مراد آیه باشد.

پس این احتمال هم وجود دارد که جریان (حرکت) دیگری هم برای خورشید وجود داشته باشد که هنوز کشف نشده باشد و آن هم مراد باشد؛ از این رو، نمی‌توان به طور قطعی گفت که مقصود آیه یکی از این احتمالات است و دیگر احتمالات شناخته شده یا کشف نشده را نفی کرد. البته ظاهر آیات ۳۷-۴۰ سوره یس، همان معنای حرکت دورانی خورشید در یک مدار ثابت است که با واژه «یسبحون» در ذیل آیه تأیید می‌شود.

نکته دوم - حرکت انتقالی خورشید به طرف یک مکان نامعلوم را می‌توان از کلمه «لمستقر» استفاده کرد، اما تعیین این مکان (ستاره و گا یا...) یا تحمیل آن بر آیه قرآن صحیح به نظر نمی‌رسد؛ چرا که تعیین قطعی این مکان مشخص نیست؛ لذا نمی‌توان مکان‌های حدسی را به قرآن نسبت داد.

نکته سوم - اشارات صریح قرآن به حرکت خورشید - هر کدام از معانی حرکت و جریان را

۲- حرکت طولی آن همراه منظومه شمسی به سوی نقطه مشخصی از آسمان؛

۳- حرکت دورانی آن همراه مجموعه کهکشانی که جزیی از آن است.

و بدین ترتیب، یک معجزه دیگر علمی برای قرآن به اثبات رسید.

برای روشن تر شدن این مسأله، قسمتی از بحثی را که در یکی از دایرةالمعارف‌ها پیرامون حرکت خورشید آمده است، در اینجا می‌آوریم. خورشید دارای حرکات ظاهری (حرکت یومی و حرکت سالیانه) و حرکات واقعی است. خورشید در حرکت یومی و حرکت ظاهری کره آسمان شرکت دارد. در نیمکره ما از مشرق طلوع می‌کند، در طرف جنوب از نصف النهار محل می‌گذرد و در مغرب غروب می‌نماید. عبور آن از نصف النهار (ظاهر حقیقی) را مشخص می‌سازد. خورشید، حرکت (ظاهری) سالیانه‌ای به دور زمین نیز دارد که هر روز آن را نزدیک یک درجه از مغرب به طرف مشرق می‌برد. در این حرکت، خورشید سالی یکبار از مقابل برج‌ها می‌گذرد. مدار این حرکت در صفحه دائرة البروج واقع است. این حرکت در تاریخ نجوم اهمیت فراوان داشته است، اعتدالین و انقلاب و میل کلی مربوط به آن، و سال شمسی مبتنی بر آن است. علاوه بر این، حرکات ظاهری حرکت دورانی کهکشان، خورشید را با سرعت حدود یک میلیون و یکصد و سی هزار کیلومتر در ساعت در فضا می‌گرداند، اما در داخل کهکشان ثابت نیست بلکه با سرعتی قریب هفتاد و دو هزار و چهارصد کیلومتر در ساعت! به جانب صورت فلکی حرکت می‌کند و اینکه ما از این حرکت سریع خورشید در فضا بی‌خبریم، به سبب دوری اجرام فلکی است که مأخذ تشخیص این حرکت وضعی خاص نیز هست. دوره حرکت وضعی خورشید در استوای آن حدود بیست و پنج شبانه



نکته علمی

قرآن در این آیه به مسأله مبدأ و معاد و نشانه‌های قدرت و عظمت خداوند در عالم هستی و هم‌چنین حوادث رستاخیز پرداخته است. بسیاری از مفسران معتقدند این آیه به حوادث آستانه رستاخیز اشاره دارد؛ چرا که می‌دانیم در پایان این جهان و آغاز جهان دیگر، زلزله‌ها، انفجارها و دگرگونی‌های عظیم واقع می‌شود و کوه‌ها از هم متلاشی می‌گردند. این نکته در بسیاری از سوره‌های آخر قرآن صریحاً آمده است. قرار گرفتن این آیه در میان آیات رستاخیز، دلیل و گواه این تفسیر است، ولی قراین فراوانی در آیه وجود دارد که تفسیر دیگری را تأیید می‌کند و آن اینکه آیه فوق از قبیل آیات توحید و نشانه‌های عظمت خداوند در همین دنیاست و به حرکت کره زمین که برای ما محسوس نیست، اشاره می‌کند. در توضیح این تفسیر، مطالب زیر جالب توجه است:

۱. آیه می‌گوید: گمان می‌کنی کوه‌ها جامد و ساکنند، در حالی که همچون ابر در حرکتند. معلوم است این تعبیر با حوادث آغاز رستاخیز سازگار نیست؛ چرا که این حوادث به قدری آشکار است که به تعبیر قرآن از مشاهده آنها مادران کودکان شیرخوار خود را فراموش می‌کنند و زنان باردار سقط جنین می‌نمایند و مردم از شدت وحشت همچون مستانند، در حالی که مست نیستند.

۲. تشبیه به حرکت ابرها متناسب حرکات یکنواخت و نرم و بدون سر و صداست نه انفجارهای عظیمی که صدای رعدآسایش، گوش‌ها را کر می‌کند.

۳. تعبیر بالا نشان می‌دهد، در عین اینکه کوه‌ها ظاهراً ساکنند، در واقع، در همان حال به سرعت حرکت می‌کنند؛ یعنی آیه دو حالت از یک شیء را در آن واحد بیان می‌کند.

که در نظر بگیریم - از مطالب علمی قرآن و نوعی رازگویی است؛ چون قرآن کریم در زمانی سخن از مدار (فلک) خورشید و جریان و حرکت واقعی آن گفته که هیأت بطلمیوسی فقط همین حرکت کاذب را به رسمیت می‌شناخت و این مطلب، عظمت علمی قرآن و آورنده آن، یعنی پیامبر اکرم (ص) را نشان می‌دهد.

نکته چهارم - در مورد اینکه آیا این اشارات علمی قرآن اعجاز علمی آن را اثبات می‌کند یا خیر، می‌توان تفصیل قایل شد؛ بدین معنی که بگوییم بخشی از این حرکت‌ها قبلاً توسط کتاب مقدس گزارش نشده بود، بلکه توسط قرآن و بر خلاف هیأت بطلمیوسی بیان شده است، پس اعجاز علمی قرآن است. آنچه کتاب مقدس از آن خبر داده، همان جمله‌ای است که می‌گوید: و «خورشید» مثل پهلوان از دویدن در میدان شادی می‌کند» (حضرت داوود(ع)، ۱۳۷۹، ج ۵، ۱۹). از این جمله فقط حرکت انتقالی دورانی خورشید استفاده می‌شود؛ چون پهلوانان در میادین به طرف جلو و به صورت دورانی می‌دوند. اما حرکت‌های دیگر مثل حرکت انتقالی طولی، حرکت وضعی، حرکت زمانی و حرکت دورانی خورشید از ابتکارات قرآن است که اعجاز علمی آن را ثابت می‌کند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ۱/ ۱۶۹).

4- حرکت زمین

"وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ صَنَّ اللَّهُ الَّذِي آتَقَنَ كُلَّ شَيْءٍ إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ" (سوره مبارکه نمل، آیه ۸۸)؛

ترجمه: کوه‌ها را می‌بینی و آنها را ساکن و جامد می‌پنداری، در حالی که مانند ابر در حرکتند. این صنع و آفرینش خداوندی است که همه چیز را متقن آفریده است. او از کارهایی که شما انجام می‌دهید، آگاه است.



این عقیده را برملا کردند، هر چند ارباب کلیسا به شدت آنها را محکوم کرده، تحت فشار گذاشتند. با این حال می‌بینیم که قرآن مجید حدود یک‌هزار سال قبل از آن دو، پرده از روی این حقیقت برداشت و حرکت زمین را به صورت فوق به عنوان یک نشانه توحید مطرح ساخت (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ۱۵/۵۶۳).

بررسی

در مورد حرکت زمین چند نکته لازم است که بیان شود.

نکته اول - به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت که حرکت زمین اجمالاً مورد پذیرش قرآن کریم بوده است؛ هر چند این آیات به حرکت‌های متفاوت زمین اشاره می‌کند و تنها یک حرکت خاص را در نظر ندارد.

نکته دوم - تعبیرات قرآن و اشارات علمی آن به حرکت زمین، بر خلاف هیأت بطلمیوسی حاکم بر فضای علمی زمان نزول قرآن است؛ چرا که در هیأت بطلمیوسی زمین را ساکن و مرکز جهان می‌دانستند، اما قرآن سخن از حرکت آن گفته است و این یکی از مطالب علمی حق و صادق قرآن بود که حدود ۹ قرن بعد از نزول آن توسط امثال کپرنیک به اثبات رسید و این گونه عظمت قرآن و پیامبر(ص) را اثبات می‌کند.

نکته سوم - خبر دادن قرآن از حرکت زمین، هر چند که عظمت قرآن را می‌رساند، اعجاز علمی قرآن به شمار نمی‌رود؛ چرا که افرادی مثل فیثاغورث، فلوته خوس، ارشمیدس، استرخوس ساموسی و کلیانتوس آسوسی قبل از بطلمیوس قایل به حرکت زمین شده بودند. پس قبل از اسلام دو دیدگاه در محافل علمی جهان در مورد حرکت و سکون زمین بوده است که دیدگاه حاکم و مشهور همان سکون زمین یعنی نظریه بطلمیوس بود و دیدگاه مغلوب همان حرکت زمین بود.

۴. تعبیر به اتقان که به معنی منظم ساختن و محکم نمودن است نیز تناسب با زمان برقراری نظام جهان دارد، نه زمانی که این نظام فرو می‌ریزد و متلاشی و ویران می‌گردد.

۵. جمله (إِنَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ) مخصوصاً با توجه به اینکه «تفعلون» فعل مضارع است، نشان می‌دهد که مربوط به این دنیاست؛ چرا که می‌گوید: او از اعمالی که شما در حال و آینده انجام می‌دهید با خبر است؛ لذا اگر مربوط به پایان این جهان بود، می‌بایست گفته شود «ما فعلتم» (کاری که انجام دادید). از مجموع این قراین دقیقاً چنین استفاده می‌شود که این آیه یکی دیگر از عجایب آفرینش را بیان می‌کند.

نتیجه‌ای که از تفسیر آیه می‌گیریم، این است که این کوه‌ها که ما آنها را ساکن می‌پنداریم، با سرعت زیاد در حرکتند. مسلماً حرکت کوه‌ها بدون حرکت زمین‌های دیگر که به آنها متصل است، معنی ندارد و به این ترتیب معنی آیه چنین می‌شود که زمین با سرعت حرکت می‌کند، همچون حرکت ابرها. طبق محاسبات دانشمندان امروز سرعت سیر حرکت زمین به دور خود نزدیک به ۳۰ کیلومتر در هر دقیقه است و سرعت سیر آن در حرکت انتقالی به دور آفتاب از این هم بیشتر است.

اینکه چرا قرآن کوه‌ها را مرکز بحث قرار داده، شاید بدین جهت است که کوه‌ها از نظر سنگینی و وزن و پا بر جایی ضرب‌المثل‌اند و برای تشریح قدرت خداوند نمونه خوبی هستند؛ زیرا آنجا که کوه‌ها با این عظمت و سنگینی به فرمان خدا (همراه زمین) حرکت کنند، قدرت او بر هر چیز به ثبوت می‌رسد. به هر حال، آیه مورد نظر از معجزات علمی قرآن است؛ زیرا می‌دانیم نخستین دانشمندانی که حرکت کره زمین را کشف کردند، گالیله ایتالیایی و کپرنیک لهستانی بودند که در اواخر قرن ۱۶ و اوائل قرن ۱۷ م.



رسید که افلاک پوست پیازی، به کلی موهوم است و آنچه واقعیت دارد، این است که کرات آسمان هر کدام در مدار و جایگاه خود معلق و ثابتند بی‌آنکه تکیه‌گاهی داشته باشند و تنها چیزی که آنها را در جای خود ثابت می‌دارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی با جرم این کرات ارتباط دارد و دیگری به حرکت آنها. این تعادل جاذبه و دافعه به صورت یک ستون نامریی، کرات آسمان را در جای خود نگه داشته است.

حدیثی که از امیر مؤمنان علی ۷ در این زمینه نقل شده، بسیار جالب است. طبق این حدیث امام فرمود: «هذه النجوم التي في السماء مدائن مثل المدائن التي في الارض مربوطة كل مدينة الى عمود من نور؛ این ستارگانی که در آسمانند، شهرهایی هستند همچون شهرهای روی زمین که هر شهری با شهر دیگر (هر ستاره‌ای با ستاره دیگر) با ستونی از نور مربوط است» (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۵۵، ۹۱).

آیا تعبیری روشن‌تر و رساتر از ستون نامریی یا ستونی از نور در افق ادبیات آن روز برای ذکر امواج جاذبه و تعادل آن با نیروی دافعه پیدا می‌شد؟ سپس می‌فرماید: خداوند بعد از آفرینش این آسمان‌های بی‌ستون که نشانه بارز عظمت و قدرت بی‌انتهای اوست، بر عرش استیلا یافت؛ یعنی حکومت عالم هستی را به دست گرفت (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۰، ۱۱۱). هم‌چنین در تفسیر نمونه ذیل آیه ۱۰ سوره لقمان در باره نیروی جاذبه چنین آمده است:

عمد (بر وزن قمر) جمع عمود به معنی ستون است و مقید ساختن آن به «ترونها» دلیل بر این است که آسمان ستون‌های مریی ندارد. مفهوم این سخن آن است که ستون‌هایی دارد، اما غیر قابل رؤیت نیست. تعبیری که در این آیه به کار رفته است، اشاره لطیفی است به قانون جاذبه و

اعجاز علمی قرآن وقتی ثابت است که قرآن نظریه‌ای را ابراز کند و کسی نتواند مثل و مانند آن را به صورت عادی بیاورد، در حالی که نظریه حرکت زمین قبل از قرآن آورده شده بود، ولی مشهور نبود؛ هر چند این مطلب ضرری به عظمت قرآن نمی‌زند چرا که قرآن در عصری که مشهور دانشمندان مقهور نظریه سکون زمین بطلمیوس بودند، شجاعانه و با صراحت بر خلاف آن سخن گفت و مطالب علمی حق و صادقی را به جهان عرضه کرد که قرن‌ها بعد به صورت قطعی به اثبات رسید (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۰، ۱/۱۸۵).

۵. قانون جاذبه

"اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بَلْقَاءَ رَبِّكُمْ تَوْفَنُونَ" (سوره مبارکه رعد، آیه ۲)؛

ترجمه: خدا کسی است که آسمان‌ها را، بدون ستون‌هایی که آنها را ببینید، برافراشت؛ سپس بر تخت (جهان‌داری) تسلط یافت؛ و خورشید و ماه را رام ساخت هر کدام تا سرآمد معینی روان‌اند. کارها را تدبیر می‌کند؛ آیات (و نشانه‌های خود) را شرح می‌دهد؛ تا شاید شما به ملاقات پروردگارتان یقین پیدا کنید.

نکته علمی

این آیه با توجه به حدیثی که در تفسیر آن وارد شده است، پرده از روی یک حقیقت علمی برداشته که در زمان نزول آیات بر کسی آشکار نبود؛ چرا که در آن زمان گمان می‌کردند آسمان‌ها به صورت کراتی تو در تو همانند طبقات پیاز روی هم قرار دارند و چنین کراتی طبعاً هیچ کدام معلق و بی‌ستون نیست، بلکه هر کدام بر دیگری تکیه دارد، ولی حدود هزار سال بعد از نزول این آیات، علم و دانش بشر به اینجا



نتیجه‌گیری

باتوجه به پژوهش انجام شده به این نتیجه می‌رسیم، دانش بشری از منظر قرآن کریم از مباحث مهم و مورد توجه می‌باشد، که بشریت بخصوص دانشمندان مسلمان در طول قرون مختلف و سالیان متمادی از برکت قرآن کریم به خیلی از دانش‌ها دست یافته است. اگر چه قرآن کریم کتاب هدایت بشر است اما در لا به لای آیات آن اشاراتی به دانش بشری هر چند گذرا داشته است. بدیهی است با پیشرفت علوم، هر روز ابعاد تازه‌ای از اعجاز این کتاب آسمانی بر بشر روشن خواهد شد که موجب تکمیل مباحث قبل می‌شود.

دافعه که همچون ستونی بسیار نیرومند اما نامرئی، کرات آسمانی را در جای خود نگه داشته است.

در حدیثی که حسین بن خالد از امام علی بن موسی الرضا نقل کرده، به این معنی تصریح شده است. ایشان فرمودند: «سبحان الله، الیس الله یقول بَعِیْرَ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا؟ قلت بلی، فقال: ثم عمد و لكن لا ترونها؛ (ترجمه) منزه است خدا، آیا خداوند نمی‌فرماید بدون ستونی که آن را مشاهده کنید؟ راوی می‌گوید: عرض کردم: آری، فرمود: پس ستون‌هایی هست ولی شما آن را نمی‌بینید» (قمی، ۱۳۶۳، ج ۲، ۱۲۵).

منابع

۱. قرآن کریم
۲. امام علی (ع)، (۱۳۸۷): «بہج البلاغہ»، مترجم محمد دشتی، مشهد: عروج اندیشه، اول.
۳. امام سجاد (ع)، (۱۳۹۱): «صحیفہ سجادیہ»، مترجم حسین انصاریان،
۴. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۹): «صورت و سیرت انسان در قرآن»، جلد چهاردهم، قم: اسراء، اول.
۵. حضرت داوود (ع)، (۱۳۷۹): «کتاب مقدس، کتاب مزامیر»، تهران: انجمن کلیمیان تهران، اول.
۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، (۱۳۸۰): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، رشت: کتاب مبین، اول.
۷. قمی، علی بن ابراہیم، (۱۳۶۳): «تفسیر قمی»، قم: دارالکتاب، اول.
۸. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران (۱۳۹۱): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب الاسلامیہ، سی و پنجم.
۹. مطہری، مرتضی، (۱۳۶۸): «دہ گفتار»، قم: صدرا، اول.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۸۸ ق): «اصول کافی»، بیروت: دارالکتب اسلامیہ، اول.
۱۱. مجلسی، محمد باقر، (۱۴۰۳ ق): «بحار الانوار»، بیروت: موسسہ الوفا، اول.

قرآن و آب و هوا و تغییر اقلیم

هادی اسماعیل زاده^۱ و محبوبه نیکبخت^۲

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شیروان
۲- کارشناس ارشد جغرافیای طبیعی، دانشگاه فردوسی (نویسنده مسئول: mahbobehnikbakt@yahoo.com)

چکیده

از جمله آثار طبیعی و مادی که قرآن کریم متذکر و متوسل به آن می‌شود باد و باران است، نام باد و باران بعنوان دو عنصر مهم اقلیمی ۱۰۵ بار در آیات متفرق قرآن کریم با اسامی گوناگون و در حالات و آثار مختلف مربوطه تماماً یا جداگانه آورده شده است. باد و باران ارتباط وسیع و عمیق با نواحی گسترده زمین و طبقات بالا رونده و فضا و تغییر اقلیم دارند و در برگیرنده مناطق و نتایج کثیری هستند. در این راستا نیز یکی از مسائل مهمی که اندیشمندان مسلمان را از آغاز نزول قرآن کریم به خود مشغول کرده است موضوع آب و هوا و تغییرات اقلیمی در قرآن کریم است. زیرا قرآن کریم از حیث موضوعات و جوه متعدد دارد و جوه آن به دلیل عظمت قرآن- کریم و گسترده‌گی آن برای انسان‌های اهل تدبیر و بصیرت در هر برهه‌ی از زمان، جنبه جدیدی از موضوعات قرآن کریم را آشکار می‌کند. بی‌تردید هر چه زمان بگذرد عظمت قرآن کریم و برخی از جوه اعجاز علمی قرآن- کریم و سری از اسرار و رازهای نهفته آن آشکار می‌شود. پیرامون موضوع آب و هوا و تغییرات اقلیمی شواهد و علل مختلفی وجود دارد که در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و با اطلاعات کتابخانه‌ای به تحلیل هر یک از آنها پرداخته‌ایم و آنگاه نظر قرآن کریم را شرح داده‌ایم. و در انتها به این نتیجه رسیده‌ایم، دیدگاه حقایقی قرآن کریم با واقعیت‌های محکم علمی سازگاری بیشتری دارد هر چه انسان‌ها در ژرفای آن فرو روند به انتهایش نخواهند رسید زیرا دامنه‌ی موضوعی و محتوایی قرآن کریم وسیع‌تر از آن است که بتوان آن را درک نمود.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، آب و هوا، تغییر اقلیم

مقدمه

آثار فراوان از باد و باران پیش می‌کشد، گاهی بصورت تمثیل و شبیه، زمانی صریح و مستقیم، بعضی اوقات بعنوان نمونه با مقیاس کوچک و ... بالاخره در لباس قسم و تأکید می‌آورد (بازرگان: ۱۳۵۳، ۸). ذیلاً چند مورد از این آیات را شاهد می‌آوریم:

۱. در عبرت از تاریخ گذشتگان: سوره مبارکه قمر آیات ۲۱-۲۰
"فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ ۚ ۲۰ تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ"
ترجمه: که مردم را همچون تنه‌های نخل ریشه‌کن شده از جا برمی‌کنند! ۲۰ پس (ببینید) عذاب و انذارهای من چگونه بود! ۲۱

از جمله آثار طبیعی و مادی که قرآن کریم متذکر و متوسل به آن می‌شود باد و باران است، نام باد و باران بعنوان دو عنصر مهم اقلیمی ۱۰۵ بار در آیات متفرق قرآن کریم با اسامی گوناگون و در حالات و آثار مختلف مربوطه تماماً یا جداگانه آورده شده است. باد و باران ارتباط وسیع و عمیق با نواحی گسترده زمین و طبقات بالا رونده و فضا و تغییر اقلیم دارند و در برگیرنده مناطق و نتایج کثیری هستند. قرآن کریم در آیه ۹۱ سوره مبارکه اسراء "أَوْ تَكُونُ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خَلَالَهَا تُفَجِّرُهَا"، ترجمه: یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد؛ و نهرها در لایه‌لای آن جاری کنی...چهره‌های گوناگون و حرکات و



ترجمه: همانا علم ساعت (قیامت) نزد خداست و او باران را فرو بارد و او آنچه (از نور و ماده و زشت و زیبا) که در رحم‌های آبستن است می‌داند و هیچ کس نمی‌داند که فردا (از سود و زیان) چه خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که به کدام سرزمین مرگش فرا می‌رسد (و به خاک می‌رود)، که تنها خدا دانا و آگاه است.

«وَيَسِّحُ الرِّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ» (سوره مبارکه رعد/۱۳).

ترجمه: و رعد، تسبیح و حمد او می‌گوید؛ و (نیز) فرشتگان از ترس او! و صاعقه‌ها را می‌فرستد؛ و هر کس را بخواهد گرفتار آن می‌سازد، (در حالی که آنها با مشاهده این همه آیات الهی، باز هم) درباره خدا به مجادله مشغولند! و او قدرتی بی‌انتها (و مجازاتی دردناک) دارد!

۵. تشبیه برای افکار و اعمال اشخاص و بعضی آثار طبیعت: سوره مبارکه ابراهیم آیه ۲۱ و نحل آیه ۹۰

«وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ۗ قَالُوا لَوْ هَدَانَا اللَّهُ لَهْدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَحِيصٍ» (ابراهیم/۲۱)

ترجمه: و (در قیامت)، همه آنها در برابر خدا ظاهر می‌شوند؛ در این هنگام، ضعفا [= دنباله‌روان نادان] به مستکبران (و رهبران گمراه) می‌گویند: «ما پیروان شما بودیم! آیا (اکنون که بخاطر پیروی از شما گرفتار مجازات الهی شده‌ایم)، شما حاضرید سهمی از عذاب الهی را بپذیرید و از ما بردارید؟» آنها می‌گویند: «اگر خدا ما را هدایت کرده بود، ما نیز شما را هدایت

۲. در روانشناسی و روحیات مردم: سوره مبارکه یونس آیات ۳۲-۳۳
«فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ ۚ ۳۲ فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ كَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ» ۳۳

ترجمه: آن است خداوند، پروردگار حق شما (دارای همه این صفات)! با این حال، بعد از حق، چه چیزی جز گمراهی وجود دارد؟! پس چرا (از پرستش او) روی گردان می‌شوید ۳۲، اینچنین فرمان پروردگارت بر فاسقان مسلم شده که آنها (پس از این همه لجاجت و گناه)، ایمان نخواهند آورد ۳۳.

۳. ذکر رحمت الهی: سوره مبارکه روم آیه ۳۵
«أَمْ أَنْزَلْنَاهُ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ»

ترجمه: آیا ما دلیل محکمی بر آنان فرستادیم که از شرکشان سخن می‌گوید (و آن را موجه می‌شمارد)؟!

۴. آیات قدرت و علم خداوند متعال: سوره مبارکه واقعه آیات ۶۸-۶۷ و لقمان آیه ۳۴ و رعد آیه ۱۳
«بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ ۚ ۶۷ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ ۚ ۶۸»

ترجمه: بلکه ما بکلی محرومیم! ۶۷ آیا به آبی که می‌نوشید اندیشیده‌اید؟! ۶۸

«إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مِمَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (سوره مبارکه لقمان/ ۳۴)



در تشکیل باد و باران طبق آیات قرآنی نقش اساسی با خورشید و حرکت وضعی زمین است، که سبب به گردش در آوردن بادهای و ریزش باران می‌شود که در سوره مبارکه بقره آیه ۱۵۹ "إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا بَيَّنَّاهُ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ أُولَٰئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ وَيَلْعَنُهُمُ اللَّاعِنُونَ" ترجمه: کسانی که دلایل روشن، و وسیله هدایتی را که نازل کرده‌ایم، بعد از آنکه در کتاب برای مردم بیان نمودیم، کتمان کنند، خدا آنها را لعنت می‌کند؛ و همه لعن‌کنندگان نیز، آنها را لعن می‌کنند؛

ملاحظه می‌شود. باد و باران بعنوان دو عنصر مهم اقلیمی معرف تغییرات اقلیمی در غالب ترسالی‌ها و خشکسالی‌های می‌باشند. این پژوهش با هدف بررسی آیات مربوط به تغییر اقلیم سعی در اثبات آن دارد که به مخاطب بقبولاند که قرآن کریم تمامی جوانب زندگی بشر را اعم از مادی و معنوی پوشش می‌دهد و با توسل به آن بشر قادر خواهد بود دری از درهای حکمت و علوم دیگر الهی را به روی خود بگشاید. درباره تغییرات اقلیمی و قرآن کریم در حال حاضر با توجه به محدود بودن علم بشر مطالبی در این باب صورت نگرفته است و فقط بحث آب و هوا و قرآن کریم مقالاتی نگارش یافته است که می‌توان به؛ "اقلیم‌شناسی در قرآن کریم" از اکرم صابر مقدم، و ... اشاره فرمود.

۱-۱. سوال پژوهش

آیاتی که مرتبط با تغییرات اقلیمی می‌باشند، کدامند؟

در ابتدای بحث لازم می‌دانیم که عناصر و عوامل اقلیمی را برشماریم، تا ذهن خواننده نسبت نسبت به موضوع پژوهش روشن‌تر گردد. و پس

می‌کردیم! (ولی کار از اینها گذشته است)، چه بیتابی کنیم و چه شکیبایی، تفاوتی برای ما ندارد؛ راه گریزی برای ما نیست!»

"إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ" (سوره مبارکه نحل/۹۰)

ترجمه: خداوند به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان فرمان می‌دهد؛ و از فحشا و منکر و ستم، نهی می‌کند؛ خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید!

۶. نمونه مقیاس کوچک رستاخیز: سوره مبارکه فاطر آیه ۱۰

"مَنْ كَانَ يُرِيدِ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَٰئِكَ هُوَ يَبُورٌ"

ترجمه: کسی که خواهان عزت است (باید از خدا بخواهد چرا که) تمام عزت برای خداست؛ سخنان پاکیزه به سوی او صعود می‌کند، و عمل صالح را بالا می‌برد؛ و آنها که نقشه‌های بد می‌کشند، عذاب سختی برای آنهاست و مکر (و تلاش افسادگرانه) آنان نابود می‌شود (و به جایی نمی‌رسد)!

۷. بعنوان قسم برای قیامت: سوره مبارکه ذاریات

آیه ۱، مرصلات آیه ۱

"وَالذَّارِيَّاتِ ذُرُوءًا" (سوره مبارکه ذاریات/۱)

ترجمه: قسم به نفس بادهای عالم که (به امر حق بذرافشانی کنند و تخم نباتات را به هر جا) نیکو بپرا کنند.

"وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا" (سوره مبارکه مرصلات/۱)

ترجمه: سوگند به فرشتگانی که پی در پی فرستاده می‌شوند.

۱-۴. علل تغییر اقلیمی از منظر قرآن کریم و علوم روز

تغییر اقلیم از منظر علوم روز - در بررسی علت تغییرات اقلیمی، اساساً به دو عامل توجه بسیار کرده‌اند: اول عامل زمینی (پدیده‌های رخ دهنده در درون زمین یا در سطح زمین، تغییرات مقدار نمک آب اقیانوس‌ها، تغییرات اتمسفری، سرگردانی قطب‌ها و رانه یا جابجایی قاره‌ای)، دوم عامل کیهانی (تغییر مدار زمین، جذب انرژی به وسیله ذرات و غبارهای کیهانی و سرانجام تغییرات ابتدایی انرژی تابشی خورشید) (علیجانی و کاویانی: ۱۳۹۱، ۴۱۵).

علل کیهانی

مهم‌ترین علل کیهانی در تغییرات اقلیمی زمین، تغییرات در انرژی گسیل شده از خورشید و نوسان‌های مدار زمین به شمار می‌روند.

۱. تغییرات در انرژی تابشی خورشید: تغییرات ناگهانی در انرژی تابشی خورشید با طغیان‌های گاه و بی‌گاه در خورشید همراه‌اند. در اینگونه مواقع، مقدار تابش ماورای بنفش، طی چند دقیقه تا نیم ساعت، به هزاران برابر مقادیر معمول آن می‌رسد و همزمان با تابش مزبور، تابش‌های ذره‌ای نیز گسیل می‌شود که طی یکی دو روز به محدوده سیاره زمین می‌رسد و میدان مغناطیسی زمین آن را منحرف می‌کند. ذرات مزبور در ارتفاع ۲ هزار کیلومتری از قطب مغناطیسی زمین «نورهای قطب» را به وجود می‌آورند (همان منبع: ۴۱۶).

آیات قرآنی

"أَلَمْ تَرَ إِلَى رَيْبِكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا ۴۵ ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا ۴۶" (سوره مبارکه لقمان، آیات ۴۶ - ۴۵).

از درک خواننده از عناصر و عوامل اقلیمی به بیان تفاوت هوا و آب و هوا که اصطلاحات رایج در میان علوم بشری است خواهیم پرداخت، و پس از آن علل تغییر اقلیم و شواهد آن و را از دیدگاه قرآنی و علمی شرح خواهیم داد.

۲. عناصر و عوامل اقلیمی

رطوبت، فشار، دما، خورشید و همچنین عناصر تلفیقی مزبور که معرف خاصیت فیزیکی معین جوی است مانند گرما، بارش و ابرناکی عنصر اقلیمی تلقی می‌شوند، اما تمامی عواملی که به نحوی در فضای مورد مطالعه تاثیر دارند از قبیل ارتفاع، جهت و پوشش سطح زمین عوامل اقلیمی نامیده می‌شوند (کاویانی و علیجانی: ۱۳۹۱، ۳۰).

۳. تعریف آب و هوا (اقلیم) و هوا

هوا: شرایط لحظه‌ای جو یک منطقه، که تمام عناصر هوا را در بر می‌گیرد و یک تیپ هوایی ویژه را به وجود می‌آورد هوا نامیده می‌شود. آب و هوا: هوایی که در منطقه‌ای، در مدتی طولانی بیشتر تکرار شود، هوای غالب یا آب و هوای منطقه را تشکیل می‌دهد، آب و هوا نامیده می‌شود (همان منبع بالا: ۲۸).

۴. تغییر اقلیم (Climate Change)

تغییر اقلیم عبارت است از تغییرات رفتار اقلیمی یک منطقه در مقایسه با رفتاری که در طول یک دوره زمانی بلندمدت منطقه از مطالعات ثبت شده و مشاهدات مورد انتظار است (آذرخشی و همکاران: ۱۳۹۲). که در این میان تغییرات دما و بارش به عنوان پایه‌ای‌ترین عنصر آب و هوایی در رخداد تغییر اقلیم از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (ملکوتی خواه و فرج‌زاده: ۱۳۹۹).



شده تا به خورشید دور و نزدیک بشود و گرمای زمین متغیر باشد.

منظور از "چگونه" دور بردن گرما در آیه نیز "تا کجا بردن آن" است. که منظور این است که زمین حساب شده از خورشید فاصله داده شده است. یعنی اگر مثلاً دورتر برده می شد آبهای کمتری از سطح زمین تبخیر می شد و یا اگر نزدیکتر از آنچه هست قرار داده می شد آبهای بیشتری تبخیر می شد، و وضعیت آب و هوایی زمین به گونه فعلی خود که بهترین وضع است نمی بود.

۲- علاوه بر دور بردن گرما، خورشید نیز دلیلی (سببی) برای عدم یکسانی گرما قرار داده شده: نقاط سیاهی که روی خورشید می بینیم مناطقی هستند که سردتر از بقیه سطح خورشید هستند. از آنجا که خورشید به دور خود می چرخد (تقریباً هر ۴ هفته یک دور به دور خود می چرخد)، گاهی آن نواحی از خورشید روبروی زمین قرار می گیرند و گاهی نیز نیستند. وقتی روبروی زمین هستند گرمای کمتری به طرف زمین می آید. و به این شکل خود خورشید نیز در عدم یکنواختی گرما نقش دارد.

۳- گرما (زمین) در چنگ خورشید است و بطور نامحسوسی بطرف آن کشیده می شود: گرما (که پیش از این گفتیم منظور از آن زمین است) در چنگ خورشید است (که ما آنرا نیروی جاذبه خورشید می نامیم). و خورشید زمین را به طوریکه برای ما نامحسوس است بطرف خود می کشد، و ما به خورشید نزدیک تر می شویم و هوا گرمتر می شود، که همان فصل تابستان است (<http://www.quranology.com>).

ترجمه: « آیا نمی بینی خدا چگونه (تا کجا) گرما را کشید و دور برد؟ و اگر می خواست آنرا یکنواخت می کرد. افزون بر آن، خورشید را نیز دلیلی برای آن قرار دادیم سپس آنرا در چنگ خود به طرف خود کشیدیم کشیدنی نامحسوس».

ظلّ اسم است بمعنی: چیز یکنواخت، یکسان، یکسانی و یکنواختی. در معنی دوم خود از جمله به "سایه" اطلاق شده (به اعتبار: "یکنواختی حرکت آن و یا یکنواختی و یکسانی آن با صاحب خود") و بعد به "گرما" اطلاق شده (که اشاره ضمنی و تلویحی بوده به: رفتن به "سایه"). در آیه به بمعنی "گرما" بکار گرفته شده است. و گرما در آیه مجاز است. یعنی منظور از دور بردن گرما "دور بردن زمین" است. (در مقدمه در رابطه با مجاز صحبت شده).

حرف « ثَمَّ » پیش از فعلِ «جَعَلْنَا» برای بیان رده و رتبه است. که چیزی را بالاتر یا افزون بر چیزی قرار می دهد.

«قبض» به معنی: در چنگ داشتن و در چنگ خود گرفتن است. و این به این معنی است که زمین در چنگ خورشید است (که ما آنرا نیروی جاذبه خورشید می نامیم).

نکات آیه:

۱- گرما دور برده شده است و متغیر قرار داده شده. ۲- علاوه بر دور بردن گرما خورشید نیز دلیلی (سببی) برای عدم یکسانی گرما قرار داده شده. ۳- گرما (زمین) در چنگ خورشید است و بطور نامحسوسی بطرف آن کشیده می شود.

۱- گرما دور برده شده است و متغیر قرار داده شده:

زمین در آغاز پیدایش و شکل گیری خود در نزدیکی خورشید بوده است. بعد دور برده شده و مداری تقریباً بیضی شکل برای آن در نظر گرفته



وَالْقَمَرَ كُلَّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ
الْغَفَّارُ"
آسمان‌ها و زمین را بحق آفرید؛ شب را بر روز
می‌پیچد و روز را بر شب؛ و خورشید و ماه را
مستخر فرمان خویش قرار داد؛ هر کدام تا
سرآمد معینی به حرکت خود ادامه می‌دهند؛
آگاه باشید که او قادر و آمرزنده است!

نکته آیه: سیارات، زمین، خورشید و ماه تا زمان
تعیین شده‌ای در حرکت خواهند بود:
علم نجوم عصر پیامبر می‌گفت: زمین ثابت و
مرکز جهان است. این تئوری تا سال ۱۵۴۳
بقوت خود باقی بود. در آن تئوری (یعنی وقتی
زمین ثابت و مرکز جهان باشد و خورشید و
سیارات بدور زمین بچرخند)، ما می‌بایست
سیاره زهره را همیشه به شکلی که در تصویر
سمت چپ می‌بینیم، بصورت هلال‌های ماه
بینیم. ولی وقتی انسان تلسکوپ بکار گرفت دید
که سیاره زهره به شکل ماه کامل (ماه شب
چهارده) پیدا است (تصویر سمت راست). نتیجه
این شد که زهره می‌بایست به آن طرف خورشید
رفته باشد و آن طرف خورشید باشد تا بتواند به
این شکل نور خورشید را بازتاب بدهد. و نتیجه
این شد که زهره در واقع دور خورشید می‌گردد
نه به دور زمین. و از اینجا بود که انسان نتیجه
گرفت که خورشید در مرکز است و سیارات به
دور آن می‌گردند.

از آنجا که مسلمانان معمولاً چیزهای خارجی را
دوست دارند و می‌پسندند، دنبال اندیشه‌های
علمی آن دوران رفته بوده‌اند و مانند بقیه نوشته
اند که زمین به دور خورشید می‌گردد، در حالیکه
آیه خیلی صریح و واضح پس از اینکه از سیارات
و زمین و ماه و خورشید صحبت می‌کند می-
گوید: همه آنها (یعنی هر یک از سیارات و زمین
و خورشید و ماه) تا زمان تعیین شده‌ای در

۲. **نوسان‌های مدار زمین:** مدار زمین نیز
نوسان‌های منظمی دارد که خود عاملی مهم در
بروز تغییرات و دگرگونی‌های منظم اقلیمی به
شمار می‌آید. عمده‌ترین نوسان‌های یاد شده
عبارتند از: خروج از مرکز، تقدیم، و انحراف دایره
البروج.

- تغییرات در انحراف دایره البروج

به نظر شرهاگ، بیش‌ترین تاثیر تغییر اقلیمی را
تغییرات انحراف دایره البروج ایجاد می‌کند که
دوره آن ۴۰ هزار ساله است و بین ۲۴ درجه و
۳۶ دقیقه تا ۲۲ درجه و ۵۹ دقیقه تغییر می‌کند.
این انحراف در سال ۱۹۵۸ معادل ۲۳ درجه و
۲۶ دقیقه و ¼ ثانیه و در ۱۰۰۰ سال قبل پیش
از ۱ درجه بیش‌تر از امروز بوده است. محاسبات
نشان می‌دهد که در حال حاضر، انحراف مزبور
سالانه ۰.۴۶۸۴ ثانیه کم می‌شود و در ۲۰ هزار
سال آینده به حداقل می‌رسد. با تغییر انحراف
دایره البروج، موقعیت مدارهای رجعت و قطبی و
همراه با آنها فصول نیز تغییر می‌کند. افزایش
انحراف در مورد عرض‌های جغرافیایی بالا با
افزایش تابستانی و کاهش زمستانی همراه است
و این امر باعث کاهش اختلافات منطقه‌ای انرژی
در سطح کره زمین می‌شود. در حالی که کاهش
انحراف دایره البروج باعث کاهش انرژی خورشید
مخصوصاً در تابستان مناطق قطبی و در نتیجه
گسترش یخچال‌ها خواهد شد از آنجا که برف
تابش خورشیدی را تقریباً بطور کامل باز می-
تاباند نقش مولد سرما را ایفا می‌کند بطوریکه
هرگاه یخبندانی شروع شود بطور فزاینده‌ای
گسترش می‌یابد (همان منبع: ۴۱۶).

آیات قرآنی

"خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكُوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى
النَّهَارِ وَيَكُوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ



به معنی: «گهواره وار». و آیه به این معنی است که: «ما زمین را گهواره وار نمودیم».

نکات آیه:

۱- زمین گهواره وار است: یکی از حرکات زمین حرکت گهواره واری آن است. در این نوع حرکت قطب شمال آن در تابستان و زمستان به یک طرف مایل می‌شود. در تابستان تمایل آن رو به خورشید است. در پائیز محور آن راست است. در زمستان تمایل آن در جهت خلاف خورشید است. و در بهار محور آن راست است. این حرکت گهواره واری زمین حرکت وضعی نامیده می‌شود.

۲- زمین حرکت دارد: تشبیه زمین به "گهواره" به معنی: "متحرک" بودن آن است. (و این برخلاف علم نجوم عصر پیامبر است که در آن زمین ثابت و مرکز جهان بود (http://www.quranology.com).

- خروج از مرکز مدار زمین

از دید یک ناظر زمینی چنین به نظر می‌رسد که خورشید در طی دوره زمانی مشخصی مدار دایره شکل را به دور زمین می‌پیماید. اگر ارتفاع خورشید در طی روزهای متوالی (مثلاً با نصب شاخص ساده‌ای بر روی زمین) سنجیده شود، می‌توان دید که خورشید در طی سال یک بار به بیشینه ارتفاع در هنگام گذر نصف النهار می‌رسد (انقلاب تابستانی)، سپس ارتفاع نصف النهار آن در روزهای بعد کاهش می‌یابد تا در زمانی که در آن طول مدت روشنایی روز و شب برابر می‌شود (اعتدال پاییزی)، سپس کاهش ارتفاع ادامه می‌یابد تا به کمترین مقدار در طی سال برسد (انقلاب زمستانی)، پس از آن، ارتفاع رو به افزایش می‌گذارد تا دوباره زمانی

جریان هستند (یعنی حرکت می‌کنند). یکی از حرکت‌های خورشید حرکت آن در مداری در کهکشان راه شیری با سرعت ۹۰۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت است، که ۲۲۵ میلیون سال طول می‌کشد تا آن را طی کند. و حرکت ماه نیز اینست که بدور زمین در حرکت است. مدت زمان حرکت آنها نیز چنانکه آیه مطرح کرده جاودانه نیست بلکه مدت زمان مشخصی دارند (http://www.quranology.com).

- تاثیر تقدیم

گرچه تاثیر تقدیم چندان زیاد نیست، نمی‌توان آن را کاملاً نادیده گرفت می‌دانیم که در حال حاضر با توجه به مدار بیضوی زمین به دور خورشید این سیاره در اوایل دی ماه به خورشید نزدیک است؛ بنابراین زمستان نیمکره شمالی که در آن شدت تابش خورشیدی بیشتر است کوتاه‌تر و تابستان آنکه با شدت کمتر تابش خورشیدی همراه است طولانی‌تر است بدیهی است مجموعه اشعه دریافتی از خورشید در طول یک سال در نتیجه تقدیم تغییر نمی‌کند بلکه اختلافات فصلی در دو نیمکره دستخوش تغییر می‌شود با این حال ممکن است تغییرات دما حاصل شود (علیجانی و کاویانی: ۱۳۹۱، ۴۱۷).

آیات قرآنی

"أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهَادًا" (سوره مبارکه نبا، آیه ۶)

ترجمه: آیا قرار نداده‌ایم زمین را فرش گسترده تا قرارگاه شما باشد.

«أَلَمْ نَجْعَلِ» به معنی: «فَدُّ جَعَلْنَا» است. (پرسش منفی برای "اقرار گرفتن" است). و «مِهَادًا» تشبیه بلیغ است، به معنی: «كَالْمِهَادِ»



واژه «مستقر» به معنی: جای ثابت و مشخصی است که شیء یا فرد در آن است ضمن اینکه به اینطرف و آنطرف نیز رفت و آمد می‌کند. خورشید همانطور که آیه توصیف می‌کند در «مستقر» خود در حرکت است.

«مستقر» آن مرکز منظومه شمسی است که جای ثابت و مشخص آن است. و حرکت آن از جمله حرکت آن بدور خود است که هر ۲۷ تا ۲۸ روز یک دور است و حرکت دیگر آن حرکت در مدار در کهکشان راه شیری است که با سرعت ۹۰۰۰۰۰ کیلومتر در ساعت در آن در حرکت است و ۲۲۵ یا ۲۵۰ میلیون سال طول می‌دهد تا آن را طی کند و کل منظومه شمسی را نیز با خود دارد. بنابر محاسباتی که فعلاً وجود دارد خورشید تا کنون ۱۸ دور در مدار خود دور زده است.

(بنابر علم نجوم عصر پیامبر: زمین مرکز جهان بود و خورشید و سیارات بدور آن می‌چرخیدند. این تئوری تا سال ۱۵۴۳ بقوت خود باقی بود. ولی قرآن خورشید را در «مستقر» خود (که مرکز منظومه شمسی باشد) در حرکت بیان کرده است (<http://www.quranology.com>)).

- علل زمینی تغییر اقلیمی

در طول دوران‌های زمین‌شناسی، سطح زمین به تحولات عظیمی از لحاظ توزیع آب و خشکی، کوهزایی و برخاست پوسته (به ترتیب در مواقع پیشروی و پسروی یخچال‌ها) تغییر موقعیت قطب‌ها (سرگردانی قطبی) و سرانجام جدایی و جابجایی قاره‌ای دچار شده است. کدر شدن کلی اتمسفر به وسیله خاکستر آتشفشان‌ها به هنگام فعالی‌های کوهزایی و رابطه آن با کاهش انرژی خورشیدی ممکن است نقش مهمی در ایجاد یا تسریع دوره‌های یخبندان گذشته داشته باشد. در این زمینه، نظریه رانه قاره‌ای، دست کم برای

فرا می‌رسد که در آن طول مدت زمان روشنایی روز و شب برابر می‌شود (اعتدال بهاری) و این افزایش ارتفاع نصف‌النهار تا رسیدن به بیشینه مقدار ادامه می‌یابد و دوباره این چرخه تناوبی تکرار می‌شود. فاصله زمانی بین دو نقطه اعتدال و انقلاب متوالی با یکدیگر مساوی نیست. بنابراین، در ساده‌ترین شکل چنین استنباط می‌شود که خورشید در مدار دایره‌ای به گرد زمین می‌چرخد که مرکز آن بر مرکز زمین منطبق نیست. این تجربه ساده سالیانه دو مفهوم اولیه ایجاد می‌کند: (۱) خروج از مرکز مدار خورشید، و (۲) نقطه‌ای از آن مدار فرضی که بیشترین فاصله را از مرکز زمین دارد، یعنی نقطه اوج و نقطه مقابل آن (حضیض) که بردار خروج از مرکز مداری روی خط متصل بین نقاط اوج و حضیض قرار می‌گیرد. مدت زمان یک بار چرخش ظاهری خورشید را اگر از نقطه‌ای بر روی این دایره فرضی بسنجیم که در آن طول مدت روز و شب برابر می‌شود، به مفهومی از «سال» می‌رسیم که «سال اعتدالی» نامیده می‌شود که مبدأ زمانی آن لحظه اعتدال بهاری است، یعنی زمانی که خورشید ظاهراً از محل تلاقی استوای سماوی و دایره البروج (اول برج حمل) این مفاهیم تجربی اولیه پارامترهای بنیادین در حال گذر است (مظفری: ۱۳۹۰).

آیات قرآنی

"وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا" (سوره مبارکه یس آیه ۳۸)
ترجمه: و خورشید بسوی قرارگاه خود روان است (قرائتی: ۱۳۸۶، ۵۴۱).

نکته آیه: خورشید در قرارگاه خود در حرکت است:



مفیدی که از زمین بالا می‌روند را به زمین برگشت می‌دهد یا در جو نگه می‌دارند. (در بخش جو راجع به این مسائل صحبت شده است).

۲- زمین شقه شقه است:

سطح زمین در واقع شقه شقه است. سطح زمین در مجموع از ۱۰ تا شقه‌های کوچک و بزرگ تشکیل شده است. محل تماس لایه‌ها عمده‌تاً در سطح اقیانوس‌ها و برخی از دریاها است و هزاران کیلومتر طول دارند. از شکاف میان آنها مواد مذاب بیرون می‌ریزد که از ضروریات زنده نگه داشتن زمین و مناسب نمودن و مناسب نگهداشتن آن برای زندگی است. طوریکه اگر نمی‌بودند زمین از همان آغاز سرد شدن قشر خود منفجر می‌شد، و یا اصلاً حیاتی روی آن پا نمی‌گرفت (<http://www.quranology.com>).

۵. شواهد تغییر اقلیم

از ابتدای آفرینش تاکنون بشر به کرات شاهد تغییرات اقلیمی بوده است، که بشر با اطمینان فقط قادر به بیان ۴ یا ۶ دوره تغییرات آب و هوایی در دوره کوتاه‌تر بوده است، در سایر دوره‌ها فقط در غالب حدس یا گمان تغییرات اقلیمی را اظهار داشته که در ادامه در جدول ۱ دوران‌های مختلف را شرح خواهیم داد.

زمین‌شناسان، بسیار معتبر است. بر اساس این نظریه که آن را نخست آلفرد وگنر، زمین‌شناس و هواشناس آلمانی، در سال ۱۹۱۲ پیوسته بوده و سرزمین واحدی را تشکیل می‌داده‌اند؛ به عبارت دیگر، روزگاری فقط یک قاره عظیم (پانگه آ) و یک اقیانوس سراسری (پانتالسا) در زمین وجود داشت که به دلایلی از هم گسیخته و به قطعات کوچک تقسیم شد. این قطعات به تدریج از یکدیگر دور شدند و به موقعیت امروزی خود سیاره رسیدند (علیجانی و کاویانی: ۱۳۹۱، ۴۱۷).

آیات قرآنی

"وَالسَّمَاءَ ذَاتَ الرَّجْعِ ۱۱ وَالْأَرْضَ ذَاتَ الصَّدْعِ ۱۲ إِنَّهُ لَقَوْلٌ فَصْلٌ ۱۳ وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ ۱۴"

ترجمه: سوگند به جو برگشت دهنده و به زمین شقه شقه - که این قرآن گفتار جدا جدا است نه اینکه چیز بیهوده‌ای باشد.

نکات آیه:

۱- جو بازگشت دهنده است. ۲- زمین شقه شقه است.

۱- جو بازگشت دهنده است:

جو موارد مضر را از آمدن به زمین منع می‌کند و آنها را به فضا برگشت می‌دهد، و موارد

تحولات	بازه زمانی دوره‌ها و زیر دوره‌ها	دوره‌ها
این دوران مصادف با آغاز آفرینش بوده، به روایتی که زمین از گازهای بین ستاره‌ای تشکیل شده بود و بتدریج مایع گذشته بود، دارای پوسته‌ای جامد می‌شود. اتمسفر زمین که سرشار از بخار آب است، بر اثر سرما شروع به بارش می‌کند و رودخانه‌ها و دریاچه‌ها به وجود می‌آیند. آب و هوای گرم این دوران دچار تناوب بوده و به دفعات به دلیل وقوع عصرهای یخ قطع شده است.	از ۴.۵ میلیارد سال تا ۶۰۰ میلیون سال قبل	پره کامبرین



پالئوژئیک	کامبرین: ۶۰۰ تا ۵۰۰ م سال قبل، اردوویسین: ۵۰۰ تا ۴۴۰ م سال قبل، سیلورین: ۴۴۰ تا ۴۰۰ م، دونین: ۴۰۰ تا ۳۴۵ م، کرینفر: ۳۴۵ تا ۲۷۵ م، پرمین: ۲۷۵ تا ۲۳۰ م	کامبرین: گستردگی اقلیمی گرم و یکنواخت، اردوویسین: آب و هوا گرم و یکنواخت و فاقد مناطق اقلیمی متمایز. سیلورین: اقلیمی خشک، دونین: اقلیم گرم و یخبندان در آفریقای جنوبی، کرینفر: نیمکره شمالی گرم و مرطوب اما گویای اقلیمی کاملاً یکنواخت نبوده، نیمکره جنوبی آغاز یخبندان بوده، پرمین: نیمکره جنوبی و هندوستان یخبندان‌های وسیعی فراگرفت، در نیمکره شمالی آثار یخبندان دیده نمی‌شود.
مزرورئیک	تریاسیک: ۲۳۰ تا ۱۸۰ میلیون سال قبل، ژوراسیک: ۱۸۰ تا ۱۳۵ م، کرتاسه: ۱۳۵ تا ۷۰ م	تریاسیک: خشکی و گرما در قسمت‌های وسیعی از نیمکره شمالی و جنوبی، شواهد نشان می‌دهد که دما حتی در قطب شمال هم زیاد بوده اما در اواخر این دوره هوا سرد و مرطوب‌تر شده است. ژوراسیک: اقلیم گرم‌تر از امروز بوده، ام در اواخر این دوره اقلیم سرد استیلا می‌یابد. کرتاسه: بخش‌های وسیعی از زمین گرم و قسمت‌هایی از آن مرطوب بوده است.
سنوزوئیک	ترشیاری و انوسن: ۷۰ تا ۴۰ میلیون سال قبل، الیگوسن: ۴۰ تا ۲۵ م، میوسن: ۲۵ تا ۱۱ م، پلیوسن: ۱۱ تا ۱ م	پالئوسن و انوسن: تا پایان انوسن اقلیمی یکنواخت و گرم بر زمین حاکم بوده است. الیگوسن: آب و هوا گرم و معتدل و در بعضی نواحی اقلیم خشک با دوره‌ای از زمستان‌های سرد غلبه داشته است. میوسن: تشدید سرما محسوس می‌شود. پلیوسن: آب و هوا مانند امروز و شاید کمی گرم‌تر بوده است.
کواترن	پلئستوسن: ۱ میلیون تا ۱۱ هزار سال قبل، هولوسن: ۱۱ هزار تا به امروز	پلئستوسن: ۴ دوره یخچالی و بین یخچالی معرف تحولات اقلیمی این دوره‌اند، هولوسن: پسروی یخچال‌ها و بالا آمدن آب اقیانوس‌ها همراه با نوسانات اقلیمی

جدول ۱. سیر تحولات اقلیم در دوران‌های مختلف زمین‌شناسی (کاویانی و علیجانی: ۱۳۹۴، ۴۱۴-۴۱۲)

آیات مرتبط به شواهد تغییر اقلیم

در جستجوی شواهد اقلیمی که راهنمای ما به آگاهی از چگونگی اقلیم گذشته باشد، تظاهرات مربوط به آب و هوا در زمان حال و تعمیم نتایج حاصل به گذشته تعیین کننده است. این گونه تعمیم شواهد را «اونیفورمی تاریخیسم» می‌نامند که از آن به عبارت «حال کلید گذشته است» تعبیر می‌شود. براساس این اصل، چون تاثیر اقلیم در طبیعت به زمان بستگی ندارد، می‌توان از روی تظاهرات معینی که امروزه بر اثر عملکرد عوامل اقلیمی ایجاد می‌شود و برای ما ثابت شده است، به چگونگی اقلیم در گذشته پی برد (علیجانی و کاویانی: ۱۳۹۴، ۳۹۸). شواهد اقلیمی را بر اساس ویژگی‌هایشان به سه گروه، زیست‌شناختی، سنگ‌شناختی، ریخت‌شناختی تقسیم می‌کنند. از شواهد زیست‌شناختی، با توجه به نزدیکی سیستماتیک که بین انواع

نباتات و حیوانات وجود دارد و همچنین شناختی که امروزه از شرایط زیست‌محیطی و فیزیولوژیکی جانداران در دست داریم، استفاده می‌شود. از مطالعه شواهد سنگ‌شناختی، نحوه جریان‌های فرسایشی و شرایط رسوبگذاری در دوره‌های گذشته، مشخص می‌شود که خود می‌تواند بیانگر روند شرایط اقلیم در گذشته باشد و بلاخره شواهد ریخت‌شناختی تأثیر بعضی عناصر اقلیمی را بر روی پاره‌ای از تظاهرات که می‌توانند معرف شرایط اقلیم در زمان تأثیر خود باشد مورد بررسی قرار می‌دهد (بیرجندی و همکاران: ۱۳۹۴).

در اینجا با توجه به محدود بودن علم بشر در زمینه کشفیات جدید در عرصه علوم قرآنی فقط به یک مورد که فرسایش است اشاره می‌فرمائیم.

- شواهد تغییر اقلیمی (فرسایش)

مطالعه تاریخ زمین تایید می‌کند که در دنبال دوره‌های تشکیل کوه‌ها، دوره‌های دیگری وجود داشته است که در طی آن دوره‌ها کوه‌هایی که قبلاً تشکیل شده، در معرض فرسایش شدیدی قرار می‌گیرد. این فرسایش حتی در زمان تشکیل کوه‌ها نیز وجود دارد، ولی بعداً شدت یافته و بیشتر می‌شود. سیکل‌های زمین‌ساختی زیر را در تاریخ زمین می‌توان تشخیص داد. دوران‌های آرکئن، کالدونین، نیمه اول و سیکل هرسینین یا واریسین در طول مدت نیمه دوم و سیکل آلپی که مشخص و متضمن دوره سوم و چهارم است. درباره فرسایش نظریه دیویس از اهمیت زیادی برخوردار می‌باشد. از نظر دیویس حرکات زمین‌ساختی موجب بالا آمدن سطح زمین شده و ناهمواری‌ها را ایجاد می‌کند. بعد از این که حرکات زمین‌ساختی به اوج خود رسید و منجر به حداکثر بالا آمدگی شده، دوره آرامش تکنونیک فرا می‌رسد و با شروع فرسایش، پستی و بلندی‌های ایجاد شده، تخریب و فرسوده می‌شوند و سرانجام به صورت یک ناحیه به نسبت هموار و صاف در می‌آیند. این تئوری روی سه پدیده « ساختمان»، « فرسایش» و « فرآیندها» تکیه کرده است که در تغییر شکل و تحول پدیده‌ها موثرند و از این سه مورد فرسایش، تغییر شکل در سطح پوسته زمین است که به طور مداوم و برگشت ناپذیر صورت می‌گیرد و دارای مراحل « جوانی»، « بلوغ» و « پیری» است (فرخ-زاد: ۱۳۹۰، ۲۳-۲۲).

آیات قرآنی

"الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً
وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا
لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ" (سوره

مبارکه بقره، آیه ۲۲). ترجمه: آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [= جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد؛ و از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد. بنابر این، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده‌اند، و نه شما را روزی می‌دهند).

تفسیر قرآنی

این جا منظور آیه احتمالاً فرسایش طبیعی یا «بطئی» که فرسایش عادی هم نامیده می‌شود پیوسته در طبیعت بوسیله آب یا باد صورت گرفته می‌باشد و در نتیجه تاثیر قوه ثقل، سرازیری دامنه‌ها، جریان آب سطحی در روی زمین وجود نهرها و رودها و یخچال‌ها و غیره است. عوامل طبیعی موثر در فرسایش سبب فرسایش یافتن قله مرتفع و کاهش ارتفاع آن‌ها و همچنین پر کرده دره‌ها و چاله‌ها می‌شود که نتیجه آن صاف و هموار شدن سطح زمین است (مکارم شیرازی و همکاران: ۱۳۶۶، ۱۰۱).

نتیجه‌گیری

یکی از زمینه‌های مهم در قرآن کریم مبحث آب و هوا و تغییرات اقلیمی است، پس از دقت و مطالعه پیرامون دیدگاه‌های مختلف در این خصوص می‌توان گفت که دیدگاه حقایقی قرآن-کریم با واقعیت‌های محکم علمی سازگاری بیشتری دارد عظمت قرآن کریم بویژه در بعد آب و هوا و تغییرات اقلیمی از جوانب مختلف قابل بررسی و کنکاش است هر چه انسان‌ها در ژرفای آن فرو روند به انتهایش نخواهند رسید زیرا دامنه‌ی موضوعی و محتوایی قرآن کریم وسیع‌تر از آن است که بتوان آن را درک نمود.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. آذرخشی، مریم، فرزادمهر، جلیل، اصلاح، مهدی، صحابی، حسین، (۱۳۹۲): « بررسی روند تغییرات سالانه و فصلی بارش و پارامترهای دما در مناطق مختلف آب و هوایی ایران»، نشریه مرتع و آبخیزداری (منابع طبیعی ایران)، ۶۶، ۶۶.
۳. بازرگان، مهدی، (۱۳۵۲): «باد و باران در قرآن»، تهران: شرکت سهامی انتشار، اول.
۴. بیرجندی، وحید، قربانی، سید علیرضا، کاوسی، ابراهیم، (۱۳۹۴): « بررسی تغییرات اقلیمی و عوامل مؤثر بر آن»، ترکیه، دومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش در علوم و تکنولوژی.
۵. فرخ‌زاد، میترا، (۱۳۹۰): «اشارات و شواهد علمی در قرآن کریم»، مشهد: انتشارات سخن گستر و معاونت پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی مشهد، اول.
۶. قرائتی، محسن، (۱۳۸۶): «تفسیر نور»، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، جلد نهم، یازدهم.
۷. کاویانی، محمدرضا، علیجانی، بهلول، (۱۳۹۱): «مبانی آب و هواشناسی»، تهران: سمت، ششم.
۸. مظفری، سید محمد، (۱۳۹۰): « بررسی میزان دقت خروج از مرکز مدار زمین - خورشید در ادوار میانه اسلامی»، پژوهشنامه تاریخ تمدن اسلامی، ۴۴، ۲۹.
۹. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، (۱۳۶۶): «تفسیر نمونه»، تهران: دارالکتب اسلامی، جلد اول، اول.
۱۰. ملکوتی‌خواه، زهرا، فرج زاده، زکریا، (۱۳۹۹): « اثر تغییر اقلیم بر رشد اقتصادی ایران»، نشریه اقتصاد و توسعه کشاورزی، ۳۴، ۱۷.

11. <http://www.quranology.com> (سایت قرآن شناسی)

نشانه‌هایی از نگاه قرآن کریم به علوم طبیعی و زیستی

سعید صفدری

استادیار، گروه زبان انگلیسی، واحد چالوس، دانشگاه آزاد اسلامی، چالوس، ایران (نویسنده مسئول: saeed_safdari@iauc.ac.ir)

چکیده

پژوهش حاضر در صدد تبیین برخی از معجزات و شگفتی‌های بی‌شمار کتاب عظیم و ارزشمند قرآن کریم در علوم مختلف می‌باشد. اعجاز قرآن از مباحث مهم علوم قرآنی است که به دلایل معجزه بودن قرآن کریم می‌پردازد. قرآن که کتابی آسمانی و وحی شده بر پیامبر صلی الله می‌باشد، معجزه‌ای جاوید است که جنبه‌های گوناگونی از اعجاز آن اثبات شده است و با پیشرفت علوم و فنون بشری، هر زمان، بعد تازه‌ای از اعجاز آن به اثبات می‌رسد. مفسران و علمای دین و یا دانشمندان علوم تجربی کوشش کردند با استخدام علوم تجربی، اعجاز قرآن را اثبات کنند. همچنین نمونه‌های زیادی از آیات قرآن وجود دارد که معجز بودن آن را نشان می‌دهد. قرآن در چهارده قرن قبل در سرزمین عربستان مطالبی در مورد آسمان‌ها، حرکت خورشید، زمین و دیگر علوم بیان کرده است که امروز پس از هزار و اندی سال دانشمندان علوم تجربی به حقیقت آنها پی برده‌اند. قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به توجه و دقت در جهان آفرینش فرا خوانده و از سوی دیگر خود آیاتی دارد که به صورت صریح یا اشاره، حقایقی را از راز و رمز جهان بیان کرده است. اگر چه رسیدن به لایه‌های عمیق قرآن کاری دشوار و از مرحله‌ای به بعد، برای بشر عادی محال است، اما این دریای ژرف همواره شیفتگان معرفت و شناخت را به خود مجذوب کرده است. پروردگار حکیم از زیباترین مثال‌ها برای جلب انسان به یگانگی آفرینش استفاده کرده است. به این دلیل، در پژوهش حاضر سعی شده است تا نور الهی را در یافته‌های علمی ببینیم و پیوندی محکم‌تر با خالق هستی بیابیم.

واژگان کلیدی: قرآن، معجزات، اعجاز علمی، علوم زیستی

مقدمه

تفکر در نظام آفرینش و هستی کائنات است تا از این طریق بشر از غفلت درآید. در واقع انسان با اندیشیدن و تعقل در جهان و پدیده‌های هستی پی میبرد که جهان را آفریننده‌ای هست. قرآن مرز زمان و مکان را در هم شکسته و مافوق مکان و زمان قرار گرفته است چرا که معجزات پیامبران گذشته و حتی معجزات خود پیامبر اسلام(ص) غیر از قرآن، روی نوار معینی از زمان و منطقه مشخصی از مکان و در برابر عده‌ای خاص صورت گرفته است. همانطور که میدانیم اموری که رنگ زمان و مکان را به خود گرفته باشند به همان نسبت که از آن دور تر می‌شویم حقیقت آن‌ها کم رنگ تر جلوه می‌

قرآن کتاب هدایت است، و از بین صفات و خصوصیات آن، این مهمترین ویژگی آن است. قرآن تنها کتابی است که ویژگی "اعجاز و هدایتگری" با هم در آن جمع شده است. قرآن معجزه‌ای باقی و ابدی است که هادی انسانها در همه اعصار و زمانهاست. قرآن جامع و کامل است و همه علوم اجتماعی، سیاسی و تجربی را دربر می‌گیرد. به عبارت دیگر قرآن مجید، جهت دهنده تمامی علوم و معارف خلقت جهان و آفرینش آسمان، زمین، انسان و حیوانات و علوم انسانی و تجربی است. یکی از راه‌های هدایت‌گری قرآن، تشویق انسان‌ها به

فرضیات علمی، پیوسته در حال تغییر و تحول‌اند و قرآن، واقعیتی ثابت است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹). جهت بهره‌گیری از قرآن کریم برای تامین سلامت جسم و روح انسان، مستلزم فهم صحیح و دقیق و مطالعه آیات این کتاب عظیم و ارزشمند هستیم. در این پژوهش به تعداد معدودی از اعجاز و شگفتی‌های فراوان قرآن کریم می‌پردازیم.

شگفتی‌های قرآن کریم در نگاه به علوم طبیعی و زیستی

قرآن که کتاب آسمانی و معجزه‌ای جاوید است جنبه‌های گوناگونی از اعجاز آن ثابت شده است مانند فصاحت، بلاغت، عدم تعارض و تناقض در آن، آهنگ عجیب آن و تاثیر فوق العاده بر انسان‌ها که با پیشرفت علوم و فنون بشری، هر زمان بعد تازه‌ای از اعجاز آن به اثبات می‌رسد. یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن که در یک قرن اخیر مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است، جنبه اعجاز علمی قرآن است. قرآن کریم مثال‌ها و مطالب علمی فراوانی ارائه می‌کند که با جدیدترین قوانین و نظریات اثبات شده علمی موافقت دارد و همین نکته عجیب مورد توجه دانشمندان مسلمان، مفسران و حتی بسیاری از پزشکان و مهندسان مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفت، تا آنجا که بسیاری از غربی‌ها مجذوب این بعد علمی قرآن شدند و به حقانیت اسلام پی بردند و به دین اسلام مشرف شدند (سلطان محمدی، ۱۳۹۲).

در این زمینه نمونه‌های زیادی از آیات قرآن که نشان‌دهنده اعجاز آن است وجود دارد. قرآن در چهارده قرن قبل در سرزمین عربستان مطالبی در مورد آسمان‌ها، زوجیت گیاهان، حرکت خورشید، زمین و غیره بیان کرده است

کنند و کهنه می‌گردند، این از خواص حوادث زمانی است. اما قرآن بستگی به زمان و مکان ندارد، همچنان به همان شکلی که در هزار و چهارصد سال پیش در محیط تاریک حجاز تجلی کرد، امروز بر ما تجلی می‌کند. بلکه گذشت زمان و پیشرفت علم و دانش به ما امکاناتی داده که بتوانیم استفاده بیشتری از آن نسبت به گذشته بنماییم.

کتابی که اسرار بسیاری که در طبیعت وجود دارد را گفته، و ناگفته‌های بسیاری را نیز برای پژوهش و تحقیق بشر به کنه کائنات و حیات روی زمین قرار داده. علی‌رغم اینکه اگر بنا بود تمامی سخنان خداوند ذکر شود تمام دریاها برای مرکب شدن و تمامی درختان برای قلم شدن نیز کمبود (لقمان، ۲۷) و از جهت دیگر قرآن از شیوایی و بلاغت خارق‌العاده و شگفت‌انگیزی برخوردار است. ویژگی‌ای که بسیاری از متفکران و اندیشمندان را به تامل و تفکر وا داشته، به طوری که با تلاش و تحقیقات فراوان به نتایجی فوق‌العاده و جالب دست پیدا کرده‌اند و بدین ترتیب بود که اندیشمندان و متفکران اسلامی به این حقیقت دست یافتند که خارق‌العاده بودن قرآن تنها در مفهوم آن ختم نمی‌شود. با وجود پیشرفت‌های فراوان در علوم مختلف، همچنان شاهد اعترافات دانشمندان در زمینه هم‌نوایی علوم با قرآن هستیم. دانشمندان اسلامی بر این عقیده هستند که قرآن در بر دارنده تمام علوم است. غزالی می‌گوید: "قرآن شامل هفتاد و هفت هزار و دویست نوع علم است، زیرا هر کلمه علمی است و هر کلمه چهار جهت دارد و برای هر کلمه ظاهری و باطنی و حدی و سر‌آغازی است" و از ابن مسعود نقل می‌کند که گفت: "هر که خواهان علم اولین و آخرین است باید در قرآن تدبر کند" (مقدسی، ۱۳۹۰).



لَعَلَّكُمْ يَلْقَاءَ رَبِّكُمْ تَوْقِنُونَ" خدا همان کسی است که آسمان را - بدون ستونی که قابل رؤیت باشد - آفرید سپس خدا همان کسی است که آسمانها را چنانکه می بینید بدون ستون بر پا داشت یا آنها را با ستونهای نامرئی بر افراشت (سوره رعد، آیه ۲).

این آیه پرده از روی یک حقیقت علمی برداشته که در زمان نزول آیات، بر کسی آشکار نبود، چرا که در آن زمان هیأت بطلمیوس با قدرت هر چه تمام تر، بر محافل علمی جهان و بر افکار مردم حکومت می کرد، و طبق آن آسمان ها به صورت کراتی تو در تو همانند طبقات پیاز روی هم قرار داشتند و طبعاً هیچکدام معلق و بیستون نبود، ولی حدود هزار سال بعد از نزول این آیات، علم و دانش بشر به اینجا رسید که افلاک پوست پیازی، به کلی موهوم است و آنچه واقعیت دارد، این است که کرات آسمان هر کدام در مدار و جایگاه خود، معلق و ثابتند، بی آنکه تکیه گاهی داشته باشند و تنها چیزی که آنها را در جای خود ثابت میدارد، تعادل قوه جاذبه و دافعه است که یکی ارتباط با جرم دارد و دیگری مربوط به حرکت آنهاست.

این تعادل جاذبه و دافعه به صورت یک ستون نامرئی، کرات آسمان را در جای خود نگه داشته است. حدیثی که از امیر مؤمنان علی(ع) در این زمینه نقل شده بسیار جالب است، طبق این حدیث امام فرمود: این ستارگانی که در آسمانند، شهرهائی هستند همچون شهرهای روی زمین که هر شهری با شهر دیگر (هر ستاره ای با ستاره دیگر) با ستونی از نور مربوط است. آیا تعبیری روشن تر و رساتر از ستون نامرئی یا ستونی از نور در افق ادبیات آن روز برای ذکر امواج جاذبه و تعادل آن با نیروی دافعه پیدا می شد؟ (مکارم شیرازی، ۱۳۷۲).

که امروز پس از هزار و اندی سال دانشمندان علوم تجربی به حقانیت آن ها پی برده اند و جالب این است که بسیاری از نظرات قرآن در محیط های علمی آن زمان مانند تمدن ایران، روم و یونان، قابل قبول نبوده، چرا که هیأت بطلمیوسی حاکم بر افکار دانشمندان نمی پذیرفت که زمین حرکت کند و حتی گالیله را به جرم چنین سخنی (قرن ها پس از بیان قرآن) محاکمه و محکوم کردند (سرافرازی، ۱۳۹۱).

اعجاز قرآن را می توان به دو بعد اعجاز در لفظ و اعجاز در معنی تقسیم کرد. از جهتی قرآن دریچه ای نوین را به جهان هستی و جهان آخرت باز کرد. کتابی که افقی دیگر نسبت به هستی و حیات رت برای بشر به ارمغان آورد. در قرآن حکمتی بی پایان نهفته است که توانسته در طول تاریخ علت و منشاء تحولات روحی عمیقی بشود، به طوری که این تحولات مبدا تحولات اجتماعی گردیده است (طالقانی، ۱۳۸۹). علمای قدیمی مانند ابن ابی الفضل المرسی، غزالی و ... کوشیده‌اند، تا همه علوم را از قرآن استخراج کنند، زیرا عقیده داشتند که همه چیز در قرآن، وجود دارد و در این راستا، آیاتی که ظاهر آنها با یک قانون علمی سازگار بود، بیان می کردند. از این جا بود که علم هندسه، حساب، پزشکی، هیأت، جبر، مقابله و جدل را از قرآن استخراج می نمودند (سلطان محمدی، ۱۳۹۲). با توجه به تعداد فراوان اعجاز علمی در قرآن کریم و محدودیت این پژوهش، در ادامه تنها به تعدادی از اعجاز ها و شگفتی های فراوان علمی آن می پردازیم:

۱-۲- قرآن کریم و قانون جاذبه زمین
"اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلًّا يَجْرِى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ



"وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ : هر کدام آنها در سپهری شناور اند".

انسان عصر قدیم، حرکت ستارگان را مشاهده می‌کرد و می‌دید که این موجودات آسمانی، در زمان معینی از یکدیگر فاصله گرفته یا به همدیگر نزدیک می‌شوند. از این روی، تعبیر قرآنی فوق الذکر برای خورشید و ماه، هیچ تعجب یا استعجابی را در میان مخاطبانش بر نمی‌انگیخت. اما ره‌آوردهای علمی جدید، به این تعبیرات جامه نوینی پوشانده و ابعاد و اعماق جدیدی را بر آن افزود. چه آنگونه که مشاهدات و مطالعات جدید علمی نشان دادند، قرآن نه فقط برای حرکت این اجرام آسمانی تعبیرات دقیقی را به کار گرفته است، بلکه حتی با این تعبیرات، کلیدهای اصلی بحث‌های نجومی و نجومی را نیز در اختیار دانش نوین بشری قرار داده است. طوری که همه می‌دانیم، قرآن کریم در زمانی نازل گردید که علم نجوم به حقایق مطرح شده در قرآن به این ارتباط، دسترسی پیدا نکرده بود، بلکه بررسیهای علمای نجوم چندین قرن پس از نزول قرآن ادامه یافت تا سرانجام با اختراع آلات و ابزارهای چون رصدخانه‌ها و تلسکوپها، بشر به یافته‌های جدیدی از دانش نجومی دست پیدا کرد و آنگاه به همان جایی رسید که قرآن کریم قرن‌ها قبل از آن مطرح کرده بود.

هنگامی که گالیله در سال ۱۶۰۹ میلادی به اختراع تلسکوبی موفق گردید که می‌توانست اجسام واقع شده در فاصله‌های دور را سی بار و سطح آنها را هزار بار به ساحه دید انسان نزدیکتر سازد، درست در این زمان بود که دانش نجوم امکان علمی آن را یافت که به پاره‌یی از حقایق مهم در این زمینه دست پیدا نماید و از جمله به این حقیقت که خورشید بر مدار خاص خود شناور است. چه با ترصد

قرآن کریم و حرکت زمین

آیه‌ی شریفه "والشمس تجري لمستقر لها..." (سوره یس، آیه ۳۸) خورشید در جریان است تا در محل خود استقرار یابد، در زمان صدر اسلام که نازل شد، مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می‌دانستند و به این ترتیب از این آیه، همین حرکت را می‌فهمیدند، در حالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است، زیرا خطای حس باصره ماست و در حقیقت، زمین در حرکت است، از این رو ما خورشید را متحرک می‌بینیم، همانطور که مسافر یک قطار خانه‌های کنار جاده را در حرکت می‌بیند. با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید معلوم شد که خورشید هم خود دارای حرکت انتقالی است و نه خورشید بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری، در حرکت است و کهکشان‌ها و ستارگان با سرعت سرسام‌آوری از همدیگر دور می‌شوند و عالم انبساط پیدا می‌کند (اوبلاکر، ۱۳۷۰). پس می‌گوییم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حال حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می‌گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی انتقالی، خورشید است. ضمناً این نوع تفسیر علمی، اعجاز قرآن نیز ثابت می‌شود، چرا که برای مثال قانون زوجیت عمومی گیاهان، در قرن هفدهم میلادی کشف شد، اما قرآن حدود ده قرن قبل از آن، از زوج بودن همه گیاهان سخن گفته است (سلطان محمدی، ۱۳۹۲).

قرآن کریم و علم نجوم

قرآن کریم در آیه‌ی چهل سوره مبارکه یس در باره خورشید و ماه می‌گوید:



توحید و ربوبیت الهی، نشان دادن عظمت خداوند، بیان امکان داشتن معاد و تحقق حتمی آن، تشویق به استفاده از آن در طبیعت، بیان مبدأ پیدایش و نحوه تکون موجودات، بیان نظم و انسجام طبیعت، خبر دادن از پایان یافتن عالم، یادآوری نعمتهای الهی و ترغیب به شکرگذاری، بیان برخی حقایق نجومی و کیهانی مانند موجودات زنده در آسمانها و غیره (مسترجمی، ۱۳۸۷).

قرآن کریم و علم کیهان شناسی

علوم بشری مانند کیهان شناسی، در برابر علوم قرآنی همچون پول خردی هستند که تجارت با آن یا ناممکن و یا بسیار سخت است. "ذلک مبلغهم من العلم" (سوره نجم، آیه ۳۰) کیهان شناسی بیشتر با حس و حدس سروکار دارد. قرآن شریف می فرماید: "آسمان همچون خیمه ای به زمین سایه افکنده و مانند سقفی بنا شده است و این بخش از آسمان با آسمانی که محل ریزش باران است فرق دارد. آسمان اول محل نظام کیهانی و اختران ثابت و سیاری است که در مدارهای ریاضی، نه طبیعی سیر می کنند، ولی آسمان دوم همان جو متراکم بالای زمین است که جایگاه ابرهاست (جوادی آملی، ۱۳۷۸).

قرآن کریم و موضوع نبود اکسیژن در فضا

یکی از مسائلی را که قرآن در قالب تشبیه آن را بیان کرده است نبود اکسیژن در آسمان است. خداوند در ضمن تشبیهی حال افراد گمراه را این گونه بیان می کند "فَمَنْ يَرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ يَشْرَحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يَرِدِ أَنْ يُضِلَّهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيِّقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ" "و هر کس را که خدا بخواهد راهنماییش کند، سینه اش را برای (پذیرش)

خورشید به وسیله این تلسکوپ، وجود مناطق سیاهی در کرهء فوق الذکر به مشاهده رسید که این مناطق از یک کنارهء قرص خورشید به کنارهء دیگر آن در حال انتقال و حرکت بوده، سپس به مدت دو هفته کاملاً ناپدید می گردیدند و باز مجدداً ظاهر می شدند. گالیله از طریق این مشاهدات، به این نتیجه دست یافت که خورشید بر مدار خود حرکت دورانی دارد. با ترصد سیارات دیگر نیز ثابت شد که زمین نیز دارای حرکت دورانی است و آنگونه که قبلاً پنداشته می شد ساکن و بی حرکت نمی باشد. به همین ترتیب دیری نگذشت که حرکت دورانی هر یک از خورشید و ماه در مدارهای مخصوص آنها نیز ثابت گردید و بر مبنای این رهیافتها این حقیقت که هرگز متصور نیست تا خورشید بتواند مهتاب را دریافته و خود را به آن برساند، به اثبات رسید. پس چرا نباید به اعجاز علمی قرآن کریم باور کنیم، در حالی که حدود ۱۰۳۹ سال قبل از آنکه گالیله و همکارانش به این نتایج نجومی دست پیدا کنند، قرآن کریم در آیهء چهل از سورهء مبارکهء یس به صراحت بیان کرد که:

"لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِيْ نُجُومٍ يَسْبَحُونَ" : نه در گردش منظم عالم، خورشید را شاید که به ماه فرا رسد و نه شب بر روز سبقت می گیرد و هر یک در مدار معینی در فضای بی پایان شناورند". چنانکه قرآن یک هزار و چهارصد سال قبل، نه فقط در یک آیه، بلکه در آیات عدیده‌ای که بعداً روی آنها مروری خواهیم داشت، حرکت دورانی منظم زمین را نیز به اثبات رساند (سوره یس، آیه چهل).

خداوند از بیان مباحث نجومی در قرآن اهدافی دارد که انسان را به کمال مقصود می رسانند که این اهداف عبارتند از: اثبات ناظم، اثبات



تصفیه می‌شود (یزدی، ۱۳۶۹). فرو بردن نفس به وسیله انقباض عضلات تنفسی است. این عضله‌ها قفسه سینه را گشاد می‌کنند. بیرون دادن نفس نیز نتیجه برگشت این عضلات به حال استراحت و تنگ شدن قفسه سینه می‌باشد. تعداد تنفس براساس جثه حیوان است، مثلاً موش در هر دقیقه صد و پنجاه مرتبه، نوزاد چهل مرتبه و انسان بالغ شانزده مرتبه نفس می‌کشد (علایی و رضایی، ۱۳۹۰). تورشیلی اولین کسی بود که فشار جو را کشف کرد. وی میزان این فشار را معادل فشار عمود هوای دور کره زمین بر یک سانتی مترمربع از آن تخمین زد که معادل فشار عمودی از جیوه به طول هفتاد و شیش سانتی‌متر است. هرچه از سطح زمین بالاتر رویم، از میزان این فشار کاسته می‌شود و باعث ایجاد اختلال در رسیدن هوا از راه ریه‌ها به خون می‌گردد. از طرفی کاهش فشار هوا باعث انبساط گازهای موجود در معده و امعاء می‌شود و در پی آن دیافراگم به طرف بالا می‌رود و موجب ایجاد نارسایی در کار انبساط ریه‌ها و تنفس می‌گردد. (دیاب، ۱۳۸۳). بنابراین نبود اکسیژن در آسمان در قرون اخیر کشف شد، اما قرآن چهارده قرن پیش در قالب تشبیه به آن اشاره کرده است و این از معجزات قرآن است.

قرآن کریم و اعجاز پزشکی

بیماری و سلامت از بدو خلقت بشر با انسان عجین بوده و با آن آشنا می‌باشد، به همین سبب انسان همواره برای درمان و دست یافتن به دارو تلاش می‌کرده است. انبیاء نیز به مسأله طبابت اهتمام خاصی داشتند (مقدسی، ۱۳۹۰) و برای آن ارزش قائل بودند (بحار الانوار، ص ۶۶). حتی اقدامات حضرت عیسی (ع) در امر طبابت، اعجاز‌آفرین بود. در

اسلام می‌گشاید و هر کس را که بخواد (بخاطر اعمالش) در گمراهی‌اش وا نهد، سینه‌اش را تنگ‌تنگ می‌کند، گویا می‌خواهد در آسمان بالا برود" (سوره انعام، آیه ۱۲۵).

واژه "صدر" به معنی سینه و "شرح" به معنی گشاده ساختن و "حرج" به معنای تنگی فوق العاده و محدودیت شدید است. در آیه فوق تشبیه لطیفی به کار رفته است. این سوال مطرح است که چرا خدا تنگی سینه را به کسی که به سوی آسمان می‌رود، تشبیه کرد؟ و آسمان چه ویژگی‌ای دارد که به تنگی سینه و نفس می‌انجامد؟

بافت‌های زنده بدن برای تداوم حیات به یک منبع انرژی نیاز دارند و آن محصول سوخت قند و نشاسته (چربی یا پروتئین) یعنی آمیخته شدن سوخت با اکسیژن است. این نیاز به گونه‌ای است که انسان در شبانه‌روز یازده متر مکعب یعنی چهارده کیلوگرم هوا لازم دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۸). سوختن چربی در آتش و در بدن گرما تولید می‌کند. هر فرد عادی در حال استراحت کامل به حدود یکصد و دو کالری در دقیقه نیازمند است و برای تولید آن باید دویست و پنجاه سی سی اکسیژن به کار ببرد. انسان در حال استراحت حدود ۳/۷۵ لیتر هوا را در دقیقه با عمل دم به درون ریه‌ها می‌برد. این مقدار هوا حاوی هفتصد و پنجاه سی سی اکسیژن است که یک سوم آن برای تولید کالری به کار می‌رود. این نیاز در حین تنفس عمیق و سریع به حدود پانزده برابر افزایش می‌یابد (علایی و رضایی، ۱۳۹۰).

هوایی که به ریه‌ها داخل می‌شود هفتاد و هشت درصد ازت، بیست و یک درصد اکسیژن و مقدار ناچیزی (۰/۰۳) گاز کربنیک دارد که به وسیله موهای دهلیز بینی و مژک‌های سلول‌های سطحی مخاط مجاری تنفسی



کشف شده است و مردم عصر نزول نیز از آن اطلاعی نداشتند. قطعاً کسی که بشر را خلق و قرآن را نازل کرده به تمام جوانب آن آشنایی دارد و به اسرار آن آگاهست. "قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ" "بگو کسی آن (قرآن) را فرو فرستاده که راز [ها] را در آسمان‌ها و زمین می‌داند" (سوره فرقان، آیه ۶).

۷-۲- قرآن کریم و بهداشت تغذیه
"يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ..." از درون (شکم) آن شهیدی به رنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن برای مردم درمانی است (سوره نحل، آیه ۶۹). این آیه بر شفا بخشی عسل تأکید دارد که تحقیقات پزشکی آن را ثابت کرده است. همچنین می‌فرماید: "يَا بَنِي آدَمَ ... كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ" ای فرزندان آدم... بخورید و بیاشامید ولی زیاده‌روی نکنید که او اسراف‌کاران را دوست نمی‌دارد (سوره اعراف، آیه ۳۱). در این آیه همه انسان‌ها از زیاده‌روی در خوردن و آشامیدن نهی شده‌اند. این دستورالعمل بهداشتی در باب خوردن و آشامیدن که از نظر علوم پزشکی نیز به اثبات رسیده است. رعایت اندازه در خوردن و آشامیدن عامل مهمی در ایجاد سلامت جسمی

و روحی انسان و طول عمر به شمار می‌رود. "إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَلَحْمَ الْخَنزِيرِ وَ مَا أَهْلٌ بِهِ لَعَبِ اللَّهِ..." خداوند تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که هنگام سر بریدن نام غیر خدا بر آن برده شده بر شما حرام گردانیده است (سوره بقره، آیه ۱۷۳). این آیه به زیان‌های خوردن مردار، خون و گوشت خوک اشاره دارد. مطلبی که علوم پزشکی پس از سال‌ها تحقیقات به آن پی برده است.

متون مقدس پیشینیان به امر سلامت اهمیت می‌دادند. قرآن حکیم که رسالت اصلی خود را در هدایت بشر به سوی کمال خلاصه و سلامت و پرورش روح را در قالب اخلاق و اعتقاد و احکام اشاره کرده (علایی و رضایی، ۱۳۹۰) به سلامت جسم که مقدمه سلامت روح است توجه کامل داشته است (آیات بهداشت تغذیه، جسم، جنسی، روان...) زیرا که نبود سلامتی، انسان را از مسیر تعالی روح باز می‌دارد.

شگفتی پزشکی عبارت است از آموزه‌های طبی که در قرآن آمده ولی در عصر نزول برای اکثر مردم روشن نبوده، بلکه خلاف دیدگاه مشهور پزشکان آن عصر بوده است و بعد از نزول قرآن صحت آن مطالب کشف شده است ولی قبل از قرآن به صورت غیر مشهور مطرح بوده است (علایی و رضایی، ۱۳۹۰).

مطالب پزشکی که در قرآن مطرح شده دارای اعجاز و شگفتی است، در حالی که عقول بشر در آن زمان از کشف آن عاجز و در این زمان از شگفتی آن متعجب است. آنچه در این مسائل انسان را به تعجب وادار می‌دارد آن است که قوانین و مقررات قرآن با نظم طبیعت و سلامت جسم و روح انسان همگون است، به این معنا که نمی‌توان در قرآن مسأله‌ای یافت که با سلامت انسان در تضاد باشد. پزشکی در فارسی به معنای دانش مداوای بیماران است. (عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، دهخدا، لغت نامه دهخدا، انوری، حسن، فرهنگ بزرگ سخن، ذیل واژه پزشکی) از این تعریف استفاده می‌شود که واژه پزشکی برای درمان بیماری‌های جسم و روح و روان به کار می‌رود. اعجاز از ماده عجز به معنای ناتوان ساختن در کاری است که کسی قادر به انجام آن نیست. اعجاز پزشکی به این معناست که مطلبی طبی در قرآن آمده و سالیان بعد اسرار نهفته آن



کروموزوم های هم مرد Y و X و هم شامل کروموزوم های زن که X است می باشد. در سوره قیامت گفته شده: او نطفه‌ای از منی که در رحم ریخته می‌شود نبود سپس بصورت خون بسته در آمد و خداوند او را آفرید و موزون ساخت و از او دو زوج مرد و زن آفرید. همچنین اگر دقت کنید می بینید که شخصی که کروموزوم Y داشته باشد مرد است و مرد کروموزوم Y را وارد چرخه می کند پس عامل موثر در تعیین جنسیت مرد است زیرا اگر X بدهد فرزند دختر و اگر Y بدهد فرزند پسر می شود در زمانهای گذشته حتی تا قبل از بوجود آمدن علم ژنتیک تصور بر این بود که زن جنسیت جنین را تعیین می کند ولی در قرآن کریم به طور غیر مستقیم نکته این مساله در آیه بالا اشاره شده است (سوره قیامت، آیه ۳۹-۳۷).

قرآن کریم و علم انگشت نگاری

گرچه از زمان های گذشته "سرانگشتان انسان" از شگفتی های خلقت به شمار میرفته و انسان از هزاران سال پیش به اشکال مختلف اثر انگشت خود توجه داشته، اما نمی توان مدعی بود که علم آن زمان به ریزه کاری های موجود در خلقت "بنان" واقف بوده است بلکه گذشت سیزده قرن لازم بود تا علم بشری چنین مطلبی را کشف کند و برای سقف آن نیز باید اسباب و مقدماتی فراهم می آمد که مردم آن زمان به آن دسترسی نداشتند. این در حالی است که در آیه سه و چهار سوره قیامت می خوانیم: "أَ يَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعُ عِظَامَهُ - بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ" آیا انسان گمان می کند که استخوان های او را جمع نخواهیم کرد، آری ما قادریم که (حتی

قرآن کریم و مراحل خلقت انسان
" ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ..."
آنگاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم، پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم و آنگاه مضغه را استخوان‌هایی ساختیم بعد استخوان‌ها را با گوشتی پوشانیدیم (سوره مومنون، آیه ۱۴). در این آیه به چهار مرحله از مراحل تکامل جنین در رحم مادر اشاره شده است. علم جنین‌شناسی نیز به این مطلب دست یافته است.
" إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ " ما انسان را از نطفه مختلطی آفریدیم و او را می‌آزماییم (سوره انسان، آیه ۲). در این آیه به اختلاط نطفه مرد و زن و ترکیب آن دو اشاره شده است. امروزه این مطلب از دانسته‌های علم جنین‌شناسی به شمار می‌آید. (آقایانی چاوشی، ۲۰۱۲).

قرآن کریم و وجود کروموزوم XY

در علوم میخوانیم که در آمیزش بین زن مرد ژن های مرد به صورت XY و ژن های زن بصورت XX است که شامل ۲۳ جفت کروموزوم غیر جنسی و یک جفت کروموزوم جنسی است و در هنگامی که قرار است نطفه تشکیل شود یک کروموزوم از زن و یک کروموزوم از مرد برای تعیین جنسیت جنین وارد می شود یعنی کسی که کروموزوم X از مرد وارد شود فرزند حتما دختر خواهد بود و اگر Y وارد شود فرزند پسر خواهد بود البته گاهی اختلالاتی نیز در این فرآیند انجام می شود که منجر به بروز افراد دو جنسیتی و یا صفات مردانه و زنانه در زنان و مردان می شود. با مشاهده کروموزوم XY می بینیم که کروموزوم مرد شامل



اجتماعی انسان بررسی کرده اند. در این تحقیقات تجربی نتایج مثبت و چشمگیری در مورد برخی مفاهیم و دستورات قرآن بدست آمده است که در اینجا به صورت فهرست وار بدانها اشاره می کنیم (میرزمانی و محمدی، ۱۳۸۰).

یکی از صاحب نظران می نویسد: "پژوهشها در منابع و مجموعه آثار در سلامت روان نشان می دهد که اساسی ترین و مهم ترین مسئله در شخصیت سالم، وحدت روان و تعهد مذهبی است. وحدت روان با سیستم ارزشی که بتواند به حیات معنا و هدف دهد مرتبط است. در بین سیستم‌های ارزشی، مذهب بالاترین قابلیت را برای ایجاد وحدت شخصیت داراست. اساس و مبنای مذهب اسلام بر وحدت و توحید می باشد. وحدت شخصیت و یگانگی روان انسان، مظهر و نماینده بارز توحید ذات مقدس خالق است ... (میر زمانی و محمدی، ۱۳۸۰). همچنین دانستن خداوند به عنوان منشأ قدرت و آرامش و انجام فرایض دینی به صورت معنی داری با درجه پایین افسردگی در هنگام ترخیص از بیمارستان ارتباط داشته است (پرسمن و همکاران، ۱۹۹۰).

در این مورد پژوهش های متعددی تحت شرایط کنترل شده و با توجه به ضوابط پزشکی توسط پزشکان متخصص یا زیر نظر آنان انجام شده و به نتایج مثبتی رسیده است از جمله اینکه در پژوهشی که توسط دو تن از محققان در تهران به روش آزمون اضطراب "کتل" انجام شد، نشان داده شده که در بین گروه آزمایشی شصت نفره دختر که بصورت تصادفی از بین دانش آموزان دبیرستانی انتخاب شدند، گروهی که حد اقل شش ماه روزانه نیم ساعت به قرائت قرآن مجید می پرداختند میزان اضطراب و گرایش به افسردگی آنان به شکل چشمگیری

خطوط سر) انگشتان او را موزون و مرتب کنیم".

به تعبیر دیگر می توان گفت که وجود انگشتان در انسان، یکی از عوامل مهم پیشرفت تمدن او است، و تعبیر به "بنان" از ماده اقامت و دوام، اشاره لطیفی به همین حقیقت است چرا که بدون آنها، اقامت در جهان برای او مشکل است. از نکاتی که این آیه، می تواند اشاره به آن باشد کشف مهمی است که در عصر ما نسبت به خطوط سر انگشتان شده است، زیرا این معنی مسلم شده که خطوط سر انگشتان هر کس معرف شخص او است، و از هر امضایی اطمینان بخش تر و دقیقتر است، به همین دلیل در عصر ما مساله «انگشت نگاری» به صورت علمی در آمده است (مکارم شیرازی، ۱۳۹۲). بنابراین همین اشاره قرآن می تواند دلالت بر اعجاز علمی این کتاب داشته باشد.

قرآن کریم و علم روانشناسی

برخی از آیات قرآن حاوی دستورات و سفارش هایی در زمینه عقاید، اخلاق، عبادات و ... است که در آرامش روانی و تعادل روحی انسان تأثیر مثبت دارد و نتیجه آنها سلامت روانی انسان است. چرا که موجب رفع اضطرابها و نگرانی های بشر می شود و به اصطلاح او را شفاء می دهد. نکته جالب آن است که داروهای شفابخش دردهای جسمانی، معمولا آثار نامطلوبی بر ارگان های بدن می گذارند. اما این داوری شفابخش (یعنی قرآن) هیچ اثر نامطلوبی بر روی جان و فکر و روح انسان ندارد (نهج البلاغه، نسخه ۱۹۸).

برخی از محققان و متخصصان علوم پزشکی، پژوهش های متعددی در این مورد انجام داده اند و تأثیرات آموزه ها (دستورات و توصیه ها) و آیات قرآن را در بهداشت روانی فردی و



تعداد آیات قرآن یعنی ۶۲۳۶ و جمع اعداد فرد مساوی با ۶۵۵۵ است که حاصل جمع شماره سوره‌ها می‌باشد و بدین ترتیب نمونه دیگری از اعجاز عددی قرآن را اثبات می‌کند (فرهنگی، ۱۳۷۵).

نتیجه‌گیری

در یک قرن اخیر، تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن مورد توجه مسلمانان و مفسران قرار گرفت و کتاب‌های زیادی در این مورد نوشته شد و با آنکه بیش از هزار سال، از عمر تفسیر علمی می‌گذرد اما در یک قرن اخیر، اوج گرفت و مورد توجه طبقه تحصیل کرده جامعه و مفسران و دانشمندان قرار گرفت. در مصر، ایران و هند و دیگر کشورهای اسلامی، تلاش و سعی برای انطباق آیات قرآن با علوم تجربی آغاز شد.

قرآن کتاب آسمانی و وحی شده بر پیامبر صلی الله و معجزه‌ی جاوید اوست و جنبه‌های گوناگونی، از اعجاز آن اثبات شده است، مانند فصاحت، بلاغت، عدم تعارض و تناقض در آن، آهنگ عجیب آن و تأثیر فوق‌العاده بر انسان‌ها و با پیشرفت علوم و فنون بشری، هر زمان بعد تازه‌ای از اعجاز آن به اثبات می‌رسد. یکی از جنبه‌های اعجاز قرآن که در یک قرن اخیر، مورد توجه دانشمندان قرار گرفته است جنبه اعجاز علمی قرآن است.

قرآن مثال‌ها و مطالب علمی فراوانی ارائه می‌کند که با جدیدترین قوانین و نظریات اثبات شده علمی موافقت دارد و همین نکته عجیب مورد توجه دانشمندان مسلمان، مفسران، حتی بسیاری از پزشکان، مهندسان مسلمان و غیر مسلمان قرار گرفت، تا آنجا که بسیاری از غربی‌ها، مجذوب این بعد علمی قرآن شدند و به حقانیت اسلام پی بردند و به

کمتر از آزمودنی‌های گروه مقایسه است (یوسفی و حسن پور، ۱۳۷۶).

همچنین در پژوهشی که تحت عنوان بررسی میزان تأثیر آوای قرآن کریم بر کاهش درد و اضطراب توسط آقای علیرضا نیک بخت نصرآبادی انجام شد به این نتیجه رسیده است که آوای قرآن باعث کاهش شدید درد در بیماران می‌شود (نیکبخت، ۱۳۷۷).

اعجاز عددی و نظم ریاضی در قرآن

برخی از نویسندگان و صاحب‌نظران در چند دهه اخیر بعد دیگری برای اعجاز قرآن بیان کرده‌اند که همان اعجاز عددی قرآن است. اینان ادعا می‌کنند که یک نظم ریاضی بر قرآن حاکم است. هر چند که در کتاب "الاتقان فی علوم القرآن" سیوطی، رد پای این فکر دیده می‌شود (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱). اما تا چند سال اخیر این راز علمی پنهان مانده بود و با ظهور رایانه‌هایی که می‌تواند حساب‌های بسیار زیادی را در مدت زمان کمی و با دقت بالایی انجام دهد، پرده از روی نظم ریاضی قرآن برداشته شد و اعجاز این کتاب مقدس بار دیگر بر جهانیان ثابت گردید.

آیه‌الله مکارم شیرازی در جلد دوم تفسیر نمونه نتیجه می‌گیرند که حروف قرآن که طی بیست و سه سال بر پیامبر (ص) نازل شده حساب بسیار دقیق و منظمی دارد که حفظ و نگهداری نسبت‌های آن بدون استفاده از مغزهای الکترونیکی امکان‌پذیر نیست (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰).

کورش جم‌نشان، با توجه به آیه سوم سوره و الفجر که خداوند متعال به زوج و فرد سوگند یاد کرده است به فکر افتاده است که شاید یک نظام عددی بر مبنای زوج و فرد در قرآن باشد. در نهایت جمع اعداد زوج دقیقاً مساوی با جمع



نیست. ممکن است این هدف منظور باشد که انسان با نگرشی به عالم از آن جهت که آفریده‌ی خدا و در تدبیر اوست معرفت فطری و شناخت حضوری خود را شکوفا کرده و شدت و نیروی بیشتری بخشد. به عبارت دیگر، قرآن کتاب فیزیک، گیاه‌شناسی، زمین‌شناسی و یا کیهان‌شناسی نیست. قرآن کتاب انسان‌سازی است و نازل شده است تا آنچه را که بشر در راه تکامل حقیقی تقرب به خدای متعال نیاز دارد به او بیاموزد. قرآن می‌خواهد ما از این طریق به وجود خداوند یکتا پی برده و در برابر عظمت و حکمت او سر فرود آوریم و با یقین اعتراف نماییم که: "ربنا ما خلقت هذا باطلاً"، و از این تصدیق و اعتراف به این نتیجه برسیم که اگر بعد از تفکر در کائنات دریافتیم که عالم بی‌هوده خلق نشده است، ما نیز بی‌هوده خلق نشده ایم و برای هدف والائی که شناخت خدا و پیروی از دستورات اوست آفریده شده ایم. پس باید خود و دیگران را به سوی ربوبیت و کمال پیش ببریم و از خودخواهی و شهوت‌رهایی یابیم. و این همان تربیت و هدایت قرآنی است که تحولی در روح و فکر ایجاد می‌کند.

دین اسلام مشرف شدند. از این رو بسیاری از مفسران مسلمان کوشش کردند با کنار هم گذاردن مطالب علمی و آیات قرآن اعجاز علمی قرآن را اثبات نمایند. قرآن که سعادت و خوشبختی دنیا و آخرت پیروان خود را تضمین نموده است هم شامل دستوراتی است که سبب رستگاری اخروی انسان‌ها باشد و هم برای آبادانی و آرامش دنیوی آنها برنامه‌ها و ارشاداتی را دربر دارد. این منصفانه‌ترین و واقع‌بینانه‌ترین قضاوتی است که در مورد قرآن این کتاب آسمانی می‌توان داشت.

بیان مطالب علمی، از اهداف قرآن است چون اعجاز قرآن را ثابت می‌کند، ولی هدف اصلی و عمده قرآن نیست. این مطلب خصوصاً با این نکته روشن می‌شود که آیاتی که همه چیز را به قرآن نسبت می‌دهد، در مورد هدایت و دین است، پس هدف اصلی، هدایت انسان و بیان معارف دینی است ولی یکی از اموری که مربوط به دین است، اثبات اعجاز قرآن است و یکی از ابعاد اعجاز قرآن اعجاز علمی قرآن است. از این رو مطالب علمی قرآن در بعضی از موارد خود از هدف قرآن است، اما اهداف عمده و اصلی

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آقایانی چاوشی، اکبر، (۲۰۱۲). روش‌شناسی تفسیر آیات طبی قرآن کریم، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم پزشکی بقیه الله، تهران
۳. اوبلاکر، اریک، (۱۳۷۰). فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضاوی، انتشارات قدیانی، تهران، ص ۴۵
۴. پرسمن، لیونز، لارسون، استرین، (۱۹۹۰). فصلنامه اندیشه و رفتار (مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی) ضمیمه شماره ۹ و ۱۰، ص ۴۱
۵. جوادی آملی، (۱۳۷۸). تفسیر تسنیم، جلد دوم، ص ۳۹۳
۶. دیاب، عبدالحمید، (۱۳۸۳). طب در قرآن، ترجمه: علی چراغی و احمد فرقوز، انتشارات حفظی، تهران، صص ۱۸ و ۱۹
۷. رضایی اصفهانی، محمدعلی، (۱۳۸۱). پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، انتشارات کتاب مبین، قم
۸. سرفرازی، عباسعلی، (۱۳۹۱). رابطه علم و دین، انتشارات بعثت، تهران، ص ۱۶
۹. سلطان محمدی، فاطمه، (۱۳۹۲). سنخیت زبان قرآن در بیان گزاره‌های علمی با زبان دانشمندان علوم تجربی
۱۰. شریفی خضارتی، امیر، (۱۳۸۷). نگاهی به علم انگشت‌نگاری، تهران



۱۱. طالقانی، محمود، (۱۳۸۹). پرتوی از قرآن، انتشارات خانه کتاب، تهران، صص ۴۶ و ۴۷
۱۲. علایی، حسین و رضایی، حسن رضا، (۱۳۹۰)، شگفتی‌ها و اعجاز پزشکی در قرآن، فصلنامه تخصصی قرآن و علم، سال ششم، شماره ۸
۱۳. فرهنگ، کیهان، (۱۳۷۵)، پیام خداوند در ریاضی، شماره ۶۷، صص ۷۱-۷۳
۱۴. مجلسی، محمد باقر، بهار الانوار، ص ۶۶
۱۵. مسترحمی، سید عیسی، (۱۳۸۷)، قرآن و کیهان شناسی، قم، انتشارات پژوهش‌های قرآن و علوم قرآن، چاپ اول
۱۶. مقدسی، مطهر بن طاهر، (۱۳۹۰)، آفرینش و تاریخ، مترجم: محمد رضا شفیعی کدکنی، انتشارات آگه، تهران، ص ۴۱۹
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، قرآن و آخرین پیامبر، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران، جلد دوم
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۲)، پیام قرآن، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران، جلد هشتم، ص ۱۸۶
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران، جلد دوم، ص ۱۸۶
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۷۲)، تفسیر نمونه، انتشارات دار الکتب الاسلامیه، تهران، جلد هشتم، صص ۱۰۸ و ۱۰۹
۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۸)، در جستجوی خدا، انتشارات نسل جوان، قم، جلد هشتم، ص ۸۷
۲۲. میرزمانی، محمود و محمدی، محمد رضا، (۱۳۸۰)، ارزش مذهبی در گروهی از بیماران روانی، ص ۸۸
۲۳. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۸ «شفاء لا تخشی اسقامه» قرآن داروی شفابخش است که هیچ بیماری از آن بر نمی‌خیزد
۲۴. نیکبخت، علیرضا، (۱۳۷۷)، بررسی تأثیر آوای قرآن کریم در کاهش اضطراب، مجله طب و تزکیه، شماره ۲۹، ص ۷۸
۲۵. یزدی، مرتضی، (۱۳۶۹)، دانستنی‌های پزشکی، انتشارات افکار، تهران، صص ۱۵۶-۱۵۹
۲۶. یوسفی لویه، مجید و حسن پور، فاطمه، (۱۳۷۶)، مقالات همایش نقش دین در بهداشت روان، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ایران، صص ۷۹-۹۳

واقعیت هستی در نگاه مکانیک کوانتومی و قرآن کریم: تعارض یا توافق؟

مطهره‌السادات حسینیان^۱ و مجید شمس^۲

۱- دکتری فیزیک اتمی مولکولی دانشگاه تحصیلات تکمیلی صنعتی کرمان و سطح ۳ تفسیر علوم قرآنی دانشگاه الزهرا (س)
۲- دکتری تفسیر علوم قرآنی و استادیار موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (نویسنده مسئول: Motaharesadat63@gmail.com)

چکیده

اصل واقعیت مهمترین دغدغه موجود زنده‌ای چون انسان است. در قرون اخیر واقعیت از دیدگاه‌های مختلف علوم دینی، فلسفی و مکانیک کوانتومی بررسی شده است. به نحوی که عده‌ای را در سردرگمی و تحیر غرق ساخته است تا جایی که برخی از این علوم، هستی بشر و حتی زندگی پس از مرگ را زیر سوال برده و بر این تحیر افزوده است. در این مقاله سعی شده است واقعیت هستی از نگاه قرآن کریم و نگاه مکانیک کوانتومی پرداخته شود و جواب قاطعی بر توافق واقعیت موجودات و جهان هستی ارائه دهد.

واژگان کلیدی: واقعیت، تجربه گرایان، اصل عدم قطعیت، مکانیک کوانتومی، قرآن

مقدمه

توسط روابط نامساوی بل زیر سوال رفت
(Aspect, ۱۹۸۱).

از طرفی از آیات قرآن کریم این چنین بر می‌آید که واقعیت از نگاه خداوند در آیات الهی به گونه‌ای است که تمامی خلقت عالم در هاله‌ای از امور معین شده و برنامه‌ریزی شده و هدفمند پروردگار عالم قرار گرفته است و همه امورات این عالم در ارتباط با یکدیگر قرار دارند.

موضوع واقعیت و رئالیسم در شاخه‌های مختلف علوم من جمله فلسفه و ادیان مختلف مورد بحث قرار گرفته است و میان محققان و فیلسوفان مسلمان نیز با عنوان واقعیت خارجی و ذهنی مورد بحث قرار گرفته است اما اینکه از طریق آیات قرآن کریم واقعیت موجودات بیان شده باشد مقاله و تحقیقی یافت نشده است. هرچند که در قرآن کریم انسان از بعد جسمانی و روحانی (مطهری، ۱۳۷۳، ۸۶) و از منظر اسلام (گرامی، ۱۳۸۴، ۲۲۴) مورد توجه قرار گرفته است اما نحوه خلقت جهان و واقعیت خارجی در آیات قرآن کریم بررسی نشده است.

فیزیک کلاسیک واقعیت عینی را قبول دارد و وجود یک جهان عینی مستقل، موضعی و خارج از ذهن بشر را می‌پذیرد به این معنی که توجه یا عدم توجه ما به یک شیء در واقعیت وجودیش تاثیری ندارد و وجودش مستقل از هر چیزی است و این یک واقعیت فیزیکی از نظر فیزیک کلاسیک است اما با ظهور نظریه مکانیک کوانتومی، رئالیسم کلاسیک مورد حمله قرار گرفت به این معنی که تا زمانی که مشاهده کننده و ناظر به شیئی نگاه کنند آن شیئی وجود دارد و وجود آن شیئی بستگی به ناظر و مشاهده کننده و ناظران دیگر دارد یعنی وجودی مستقل از پدیده‌های اطراف خود ندارد. بنیانگذاران این نظریه غالباً منکر واقعیتی وراء پدیده‌ها شدند و فرمالیسم ریاضی نظریه کوانتوم را به عنوان نسخه‌ای برای پیش‌بینی پدیده‌ها تلقی کردند (Vladimir B, 2009).

اینشتین و همکارانش سعی کردند وجود واقعیت و موضعی بودن را در آزمایشاتی به عنوان EPR نشان دهند که موفق شدند ولی بعدها



نیست. این موضوع برمی‌گردد به خاصیت دوگانگی موجی و ذره‌ای. دوگانگی موج و ذره (Wave-particle duality) بر این فرض استوار است که تمامی ذرات دارای هر دو خاصیت موجی و ذره‌ای هستند که بیان می‌کند که یک پدیده می‌تواند به صورت یکی از این اشکال دوگانه مشاهده شود نه هر دو به صورت همزمان. ورنر هایزنبرگ اظهار داشت که مشاهده یک ذره، ویژگی‌های آن را تغییر می‌دهد و داشتن اطلاعات دقیق را ناممکن می‌سازد. بنابراین رفتار گذشته و آینده هیچ یک از ذرات بنیادی را نمی‌توان دقیقاً پیش‌بینی کرد، یعنی قطعیت از بین می‌رود.

الکترون تا زمانی که دیده نشود یعنی ناظری به آن ننگرد مانند موج است و مکان‌های متفاوتی در هر کجای هستی دارد، اما هنگامی که دیده شد معادلات موج آن از هم پاشیده و به صورت ابری از احتمال بسیار قوی در مکان مورد نظر آرام می‌گیرد. الکترون زمانی در مکانی خاص قرار می‌گیرد که ناظری آن را ببیند، البته صحیح است که بر اساس اصل عدم قطعیت مکان دقیق الکترون مشخص نمی‌شود اما در مقیاس ماکروسکوپی زمانی که احتمال وجود الکترون در مکانی زیاد می‌شود یعنی در همان حوالیست. بنابراین بنا بر معادلات کوانتومی، هیچ پدیده اتمی به تنهایی مستقل از ناظر واقعیت ندارد و برخلاف فیزیک کلاسیک جدا کردن کامل شی مورد مطالعه از وسایل آزمایش میسر نیست و باید کل آنها را در نظر گرفت. از دید اینشتین این تعریف ریاضی قابل قبول نیست و فیزیک باید نمایش واقعی از آنچه در فضا و زمان می‌گذرد ارائه دهد.

بنابراین این تحقیق و پژوهش حاضر که از گونه تحقیقات بنیادی نظری است بر آن است تا با ارائه آیاتی در خصوص واقعیات وجودی و ادراکی موجودات،

اولاً: تعارض و یا سازگاری واقعیت کوانتومی با واقعیت قرآنی مشخص شود.

دوم اینکه: راهی جهت بهتر اندیشیدن در مورد خلقت و دوری از ابهام و کج اندیشی و استدلالی جهت مواجهه با موضوعات رئالیسم در فلسفه‌های غربی باشد.

واقعیت و تعریف

ریشه کلمه واقعیت از «وَقَعَ» به معنای روی دادن یا اتفاق افتادن است. واقعیت اشاره به امور عینی یا اموری که اتفاق می‌افتند دارد؛ همچنین این واژه به معنای واقع شدن، فرود آمده، قرار گرفته، برقرار و نیز به معنی حقیقت امر اعمال شده؛ است.^۲

واقعیت را می‌توان به گونه‌ای تعریف کرد که آن را به جهان‌بینی‌ها یا بخش‌هایی از آن (چارچوب‌های مفهومی) پیوند دهد. واقعیت، کلیت همه چیزها، ساختارها (واقعی و مفهومی)، وقایع (گذشته و حال) و پدیده‌ها، اعم از قابل مشاهده یا غیر قابل مشاهده است. این همان چیزی است که یک جهان‌بینی (خواه براساس تجربه فردی یا مشترک انسانی بنا شود) در نهایت سعی در توصیف آن دارد.

از طرفی واقعیت از دو جنبه وجودی و ادراکی محل بحث در میان همه فلاسفه اعم از اسلامی و غربی می‌باشد.

با پیدایش نظریه عدم قطعیت هایزنبرگ، اندازه‌گیری دقیق مکان و تکانه (جرم ضرب در سرعت) اجسام به طور همزمان امکان‌پذیر



قابل فهم از واقعیت عینی به دست دهد اما تمام نتایج نظریه کوانتوم را می‌توان به این صورت درآورد که اگر این یا آن مشاهده را انجام دهیم، این یا آن نتیجه را به دست می‌آوریم».

بنابراین این سوال مطرح می‌شود که آیا نظریه کوانتوم عملاً توصیف کاملی از واقعیت فیزیک به دست می‌دهد یا نه؟ اگرچه نظریه کوانتوم، توصیفی صحیح از توزیع آماری و احتمالی سیستم‌های میکروسکوپی (که از تکرار یک آزمایش روی تعدادی از سیستم‌های مستقل و دارای یک تابع موج حاصل می‌شود) به دست می‌دهد ولی نمی‌تواند مدعی توصیف کامل یک سیستم مستقل بشود. گرچه این عقیده قابل دفاع است، بینش رایج بر این است که نظریه کوانتوم توصیف کاملی از پدیده‌های طبیعی به دست می‌دهد. این مبتنی بر تحلیل بور است که در شرایط خاص مشاهده و در مقیاس میکروسکوپی از یک اصل عام به نام اصل مکملیت ناشی می‌شود (Messiah, 1995, 151). در اصل مکملیت گفته می‌شود، توصیف علی و توصیف زمانی-مکانی سیستم‌های کوانتومی مکمل یکدیگرند و ممکن نیست هر دو توصیف را در یک زمان برای یک سیستم به کار برد.

در حالت کلی وجود واقعیت هستی نزد مکانیک کوانتوم پذیرفته شده است زیرا آثار و نشانه‌های وجود واقعیت هستی وجود دارد ولی از جنبه ادراک واقعیت و هستی توسط ناظر قطعیتی وجود ندارد و جنبه احتمال به شرط وجود ناظر در مورد واقعیت هستی وجود دارد.

به عقیده اینشتین، حالت واقعی یک سیستم فیزیکی که به طور عینی وجود دارد مستقل از هرگونه مشاهده یا اندازه‌گیری و مستقل از ذهن است که به وسیله مفاهیم فیزیکی قابل توصیف است. همچنین بر طبق عقیده وی نمی‌توان طبیعت را صرفاً از راه داده‌های تجربی شناخت بلکه باید به سراغ ذهن فعال رفت و با تعبیر ساختارهای نظری، نمایشی از واقعیت فیزیکی به دست آورد.

ماریو بونخه^۱ نیز در مورد رئالیسم، موضعی شبیه به اینشتین دارد. رئالیسم در نظر وی دارای مشخصات زیر است:

- اشیائی مستقل از ذهن ما وجود دارد.
- این گونه اشیاء قابل شناخت هستند اما به طور ناقص و به طریق تقریبی‌های متوالی نه به طور کامل و یکدفعه.
- شناخت چنین اشیائی از ترکیب نظریه و تجربه به دست می‌آید.
- دانش ما درباره این اشیاء فرضی است و بنابراین اصلاح پذیر است.
- دانش ما درباره چنین اشیائی بدون اینکه مستقیم و تصویری باشد، سمبولیک و کنایی است. به عقیده بونخه اینگونه بینش حاصل‌خیزترین نوع معرفت‌شناسی است زیرا ما را بر آن می‌دارد که در جایی متوقف نشویم و دنبال راه‌های جدیدتر بگردیم (Bunge, 1973, 85-86).

در این میان اکثریت فیزیکدانان نیز اصلاً توجهی به بحث‌های تفسیری نداشتند و این‌گونه بحث‌ها را فلسفی و در نتیجه غیر مهم برای فیزیک تلقی می‌کردند. به عنوان مثال از جمله افرادی که در این زمینه صحبت کردند مسیا^۲ است طبق گفته وی «هدف نظریه فیزیکی این است که توجیهی

2 Albert Messiah

1 Mario Bunge



واقعیت از منظر قرآن

وجود واقعیت در قرآن کریم در آیات متعددی از جمله خلقت آسمان‌ها و زمین و موجودات در میان آنها به وفور اشاره شده است. از جمله:

«وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ وَ يَوْمَ يَقُولُ كُنْ فَيَكُونُ قَوْلَهُ الْحَقُّ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يَنْفَخُ فِي الصُّورِ عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَ هُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ (۷۳ انعام)

اوست که آسمانها و زمین را بحق آفرید؛ و آن روز که (به هر چیز) می‌گوید: «موجود باش!» موجود می‌شود؛ سخن او، حق است؛ و در آن روز که در «صور» دمیده می‌شود، حکومت مخصوص اوست، از پنهان و آشکار با خبر است، و اوست حکیم و آگاه.

خداوند آسمان‌ها و زمین را به حق و حقیقت آفرید حتی برای آن موضع زمانی نیز تعیین فرمودند:

«إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ (اعراف ۵۴)

پروردگار شما، خداوندی است که آسمانها و زمین را در شش روز [شش دوران] آفرید؛ سپس به تدبیر جهان هستی پرداخت؛ با (پرده تاریک) شب، روز را می‌پوشاند؛ و شب به دنبال روز، به سرعت در حرکت است؛ و خورشید و ماه و ستارگان را آفرید، که مسخر فرمان او هستند. آگاه باشید که آفرینش و تدبیر (جهان)، از آن او (و به فرمان او) ست! پر برکت (و زوال‌ناپذیر) است خداوندی که پروردگار جهانیان است.

و یا آیه:

«هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ

ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (۵ یونس)

او کسی است که خورشید را روشنایی، و ماه را نور قرار داد؛ و برای آن منزلگاه‌هایی مقدر کرد، تا عدد سالها و حساب (کارها) را بدانید؛ خداوند این را جز به حق نیافریده؛ او آیات (خود) را برای گروهی که اهل دانشند، شرح می‌دهد.

اگر جسمیت و زمان را از ماده بگیریم دیگر ماده نیست این آیه به درستی نشان می‌دهد که منظور خداوند خلقت مواد بوده است. این خلقت آنقدر دقیق است که از روی نظم آن می‌توان به حساب و کتاب و ساخت تقویم پرداخت. اگر ذره‌ای تصادف و اتفاق در خلقت وجود می‌داشت قطعاً تقویم و محاسبات نجومی نیز به درستی کار نمی‌کردند.

در حالت کلی اصل «خلق» به معنی اندازه‌گیری و تقدیر است و چون آفریدن توأم با اندازه‌گیری است لذا خلق را آفریده و آفریدن معنی می‌کنند. راغب می‌گوید: اصل خلق بمعنی اندازه‌گیری درست می‌باشد (التقدیر المستقیم) و در ابداع شیء ... و ایجاد آن بکار می‌رود ... در قاموس گفته خلق به معنی تقدیر است طبرسی ذیل آیه ۲۹ بقره می‌گوید: «أَصْلُ الْخُلُقِ التَّقْدِيرُ» همچنین است قول ابن اثیر در نهاییه (قرشی، ۱۳۸۶، ۲۹۳).

آیاتی نیز در قرآن کریم وجود دارد که از عاقبت این مادیات و آسمان و زمین بیان می‌کند که در نهایت آنها مانند طومار در هم پیچیده شده و وعده قیامت حتمی است. این آیات نیز نشان می‌دهند که برهه زمانی برای وجود خلاق تعیین شده است که اگر حقیقت وجودی این مواد نبود این تعبیر قیامت نیز بی معنی می‌نمود.



«وَقُلْ أَعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (توبه ۱۰۵)»

و بگو ای پیغمبر! بکنید هر چه می‌کنید به زودی ببیند خدا عمل شما را و ببینند رسول خدا و مؤمنین اعمال شما را. و به زودی برگردید به سوی خدای دانای پنهان و آشکار؛ و آگاه کند شما را به آنچه می‌کردید.

این نکته ارتباط و پیوستگی عالم را نشان می‌دهد که اعمال یک انسان به گونه‌ای است که صورت ملکوتی آن هرگز نابود نمی‌شود و توسط اولیای الهی قابلیت رؤیت دارد و حتی در قیامت نیز در مقابل فرد آشکار خواهد شد.

کلمه "عزوب" که فعل مضارع "يعزب" از آن گرفته شده به معنای غیبت و دوری و خفاء است، و این تعبیر اشاره دارد به اینکه همه اشیاء عالم نزد خدای تعالی حاضرند، و هیچ چیز از ساحت مقدس او غایب نیست، و او هر چیزی را در کتابی حفظ و ضبط کرده و از آن کتاب چیزی زایل نمی‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۲۹) و تمامی اعمال ما ثبت خواهد شد. قطعاً چیزی ثبت خواهد شد که واقعیت خارجی دارد.

همچنین در آیه ۴۰ سوره نمل از انتقال تخت بلقیس در یک چشم برهم زدن نام می‌برد:
قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَأَاهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِنْ فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ (۴۰ نمل)

آن کسی که نزد او دانشی از کتب الهی بود گفت: (گویند: او «أصف بن برخیا» وزیر سلیمان و وصی او بود و اسم اعظم می‌دانست) من می‌آورم تخت بلقیس را برای تو پیش از اینکه برگردد به سوی تو چشمت. پس چون دید سلیمان تخت به آن عظمت را قرار گرفته نزد خود گفت: این از

«يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُّعِيدُهُ وَعَدًّا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ (۱۰۴)»

کف) در آن روز که آسمان را چون طوماری در هم می‌پیچیم، (سپس) همان گونه که آفرینش را آغاز کردیم، آن را بازمی‌گردانیم؛ این وعده‌ای است بر ما، و قطعاً آن را انجام خواهیم داد. بنابراین در وجود واقعیت هستی شکی نیست و در قرآن کریم به صورت واضحی بیان شده است. از جنبه ادراک ناظر و موجودات، نیز آیاتی وجود دارند که به این مهم اشاره نموده اند:

در آیه ۶۱ یونس آمده است که
«وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِنْ قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ (يونس ۶۱)»

و نباشی تو در کاری و نخوانی تو آیه‌ای را از آنچه فرستاده خدا از قرآن و نمی‌کنید هیچ کاری را مگر اینکه ما بر شما گواهییم، وقتی که شروع می‌کنید و داخل در کار می‌شوید. و پوشیده نمی‌شود از پروردگار تو هم وزن ذره‌ای در زمین و نه در آسمانها. و نیست کوچکتر از ذره و نه بزرگتر از آن مگر ثبت شده در کتابی روشن.

در اینجا متکلم مع الغیر در «انا کنا علیکم شهودا» به حساب آمده، و نکته این التفات این است که خواسته است اشاره کند به اینکه شهود و گواهان بر اعمال شما تنها خدای تعالی نیست، بلکه بسیاریند، هم ملائکه شاهدند و هم برخی مردم، و خدای تعالی هم در ما ورای اینها محیط بر شما است و وقتی که گوینده شخصی بزرگ و دارای اعوان و خدمه باشد، از سوی خود و اعوانش سخن می‌گوید، و چه بزرگی بزرگتر از خدای تعالی (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ۱۲۸). شاهد این تعبیر آیه زیر است از سوره توبه:



اجنه مسخر حضرت داوود و سلیمان به اذن الهی بودند.

بنابراین در حالت کلی واقعیت از دیدگاه قرآن کریم شامل ویژگی‌های زیر است:

تمامی این جهان نتیجه خلقت پروردگار است و خلق کردن یعنی چیزی که از روی اندازه‌گیری و مقدار چه از نظر زمانی و چه مکانی ایجاد شده باشد.

خود انسان و اعمال وی ماهیت خارجی دارند زیرا ثبت می‌شوند.

ماهیت رویت اعمال در این دنیا فقط برای خداوند و فرشتگان و رسول و مومنان امکان پذیر است نه برای عموم مردم. این نشان می‌دهد اعمال تنها ماهیت مادی ندارند بلکه ماهیت غیر مادی هم دارند و گرنه برای همه قابل شهود می‌بود.

آگاهی خداوند متعال از تمامی امورات جهان چه ریزترین و چه بزرگترین آنها و نیز مسخر شدن کوه‌ها و پرندگان و ... توسط اولیای الهی حاکی از این است که جهان و تمامی امورات آن یک کل پیوسته است که بر یکدیگر تاثیر می‌گذارند. مواد در این جهان، خواصی غیر مادی از خود می‌توانند بروز دهند.

ادراک موجودات از خلقت هستی توسط پروردگار عالم قابل تغییر است و مواد این عالم خواصی غیر از خواص مادی می‌توانند از خود بروز دهند.

به عبارتی در نگاه قرآن جهان یک حقیقتی است که وجود خارجی دارد و یک کلی است که از ریزترین تا بزرگترین بخش آن بر یکدیگر قابلیت تاثیرگذاری وجود دارد و با قابلیت افراد و ناظران امکان تحول در مواد به وجود می‌آید به عبارتی ناظر در روند حوادث موثر خواهد بود در عین حالی که همه مواد این جهان خواصی غیر از ماده بودن دارند.

فضل پروردگار من است تا بیازماید مرا که آیا شکر می‌کنم خدا را یا کفران کنم. و هر که شکر کند، جز این نیست که شکر کند برای نفع و بهره خود. و هر که کفران کند، البته پروردگار من بی‌نیاز مطلق و کریم است.

نکته‌ای که قابل تامل است این است که با خواص عادی نمی‌توان تخت را در یک چشم به هم زدن انتقال داد به عبارتی مواد در این جهان خواص دیگری نیز دارند که تنها عده‌ای از افراد با کشف ارتباطات خاص بین خود و جهان قادر به تغییرات در جهان و تسخیر آنها هستند. و همچنین مانند آیه:

«فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَ كَلَّا أَتَيْنَا حُكْمًا وَ عِلْمًا وَ سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ (۷۹ انبیاء)

ما (حکم واقعی) آن را به سلیمان تفهیم کردیم و به هریک از آنها (شایستگی) داوری و علم دادیم و کوهها و پرندگان را مسخر داود ساختیم که با او تسبیح (خدا) می‌گفتند و ما قادر بر انجام این کار بودیم.»

«وَ لِسُلَيْمَانَ الرِّيحِ غُدُوها شَهْرٌ وَ رَوَاحُها شَهْرٌ وَ أَسَلْنَا لَهُ عَيْنَ الْقَاطِرِ وَ مِنَ الْجِنِّ مَن يَمْعَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَ مَن يَزْعُ مِنْهُمْ عَن أَمْرِنَا نُدْفِعُهُ مِّنْ عَذَابِ السَّعِيرِ (۱۲ سبأ)

و برای سلیمان باد را مسخر ساختیم که به وسیله آن صبح‌گاهان مسیر یک ماه را می‌پیمود و عصرگاهان مسیر یک ماه را و چشمه مس (مذاب) را برای او روان ساختیم و گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگار کار می‌کردند و هر کدام از آنها از فرمان ما سرپیچی می‌کرد او را عذاب آتش سوزان می‌چشانندیم.»

که بیان می‌کند ارتباطی غیر مادی بین پدیده‌ها وجود دارد که با آگاهی از آن می‌توان امورات جهان را به تسخیر خود درآورد. که در این آیه اشاره شده است که کوه‌ها و پرندگان و بادها و



شامل قطعیت نمی‌داند مگر هنگامی که به مرحله مشاهده برسد. در قرآن کریم وجود واقعیت، خلقتی است که خداوند وعده حق در مورد آن داده است و نمی‌توان آن را احتمالی دانست از طرفی واقعیت این جهان، کل به هم پیوسته‌ای است که دارای خصوصیتی غیر از خصوصیات مادی است که توسط ناظران خاصی بروز می‌یابد و منشأ تحول و تغییر می‌گردد. بنابراین وجود و ادراک واقعیت در دیدگاه کوانتوم و قرآن کریم تعارضی با یکدیگر ندارند و آیات قرآنی واقعیت مبتنی بر وجود تأثیر ناظر را بر هستی بیان می‌دارد.

بنابراین واقعیت چه در مرتبه وجود و چه در مرتبه ادراک از دیدگاه مکانیک کوانتومی و دیدگاه قرآنی، تعارضی احساس نمی‌شود بلکه در این مورد تعبیر یکسانی در هر دو دیدگاه احساس می‌شود.

نتیجه‌گیری

واقعیت در مکانیک کوانتومی عبارت است از اینکه هیچ پدیده اتمی به تنهایی مستقل از ناظر واقعیت ندارد و بر خلاف فیزیک کلاسیک جدا کردن کامل شی مورد مطالعه از وسایل آزمایش میسر نیست و باید کل آنها را در نظر گرفت زیرا همه امورات این جهان بر یکدیگر دائما در حال تأثیرگذاری هستند و هیچ چیزی را در جهان

منابع

1. Vladimir B. Braginsky, Farid Ya Khalili, Kip S. Thorne (2009), "Quantum Measurement", Cambridge University Press, pp 94-103.
2. Aspect .A et al (۱۹۸۱): "Experimental Tests of Realistic Local Theories via Bell's Theorem" ,Phys. Rev. Lett., 460, P.47.
۳. مطهری، مرتضی (۱۳۷۳): «انسان در قرآن مقدمه‌ای بر جهان بینی اسلامی»، تهران: انتشارات صدرا، چاپ ۴.
۴. گرامی، غلامحسین (۱۳۸۴): «انسان در اسلام»، قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، معارف، چاپ ۱.
5. Einstein's Essays in Science", Alan Harris, New York, Courier Corporation, 2.
6. Bunge. M (1973), "Philosophy of physics", Dordrecht-Holland: D. Reidel, Springer Netherlands, 1.
7. Messiah, Albert. (1995), "Quantum Mechanics", Paris, Dunod, 1.
۸. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۸۶ش)، «قاموس قرآن»، تهران: دارالکتب اسلامی، چاپ ۱۶.
۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۴ ش)، «ترجمه تفسیر المیزان»، موسوی، محمدباقر، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ ۵.



رابطه قرآن با دانش بشری

سید باقر حسینی^۱ و محسنعلی شهرکی^۲

۱- دکتری، عضو هیئت علمی دانشگاه زابل،

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث گرایش اعجاز (نویسنده مسئول: mohsenali627590@gmail.com)

چکیده

قرآن کریم همانند چراغی پرفروغ فراروی بشریت قرار دارد؛ تا راه روشن را ببیماید و از علم بهره‌وافر ببرد و در عمل بکوشد به آموخته‌های علمی خود عمل کند و آنها را در معرض استفاده دیگران قرار دهد. در این مطالعه با استفاده از روش تحقیقی، توصیفی و با استفاده از گردآوری منابع کتابخانه‌ای به بررسی رابطه قرآن با دانش بشری پرداخته شد. طبق نتایج به دست آمده می‌توان گفت قرآن کریم به عنوان کتابی جامع در بردارنده همه علوم بشری هر چند به صورت گذرا می‌باشد. قرآن به صورت رمز و رازی است که دانشمندان می‌توانند با تفحص و تفکر در آن به خیلی از علوم بشری دست یابند.

کلیدواژه: قرآن کریم، دانش بشری، علم، دانشمندان، بشریت

مقدمه

توجه تشریح الهی است. فضای بی‌کران معارف قرآن در راستای رسیدن انسان‌ها به کمال، از جنین تا جنان و از ملک تا ملکوت و از ذره تا کهکشان را فرا می‌گیرد و در یک کلام، همه لوازم هدایت و تربیت انسان را در خود نهفته دارد: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» (سوره نحل، آیه ۸۹). علوم بشری، از منظر قرآن کریم، یکی از مباحث مهم و مورد توجه می‌باشد، قرآن کریم، اگرچه قوانین کلی و اصولی را بیشتر مورد توجه قرار داده است، ولی از لابه‌لای آیات قرآن کریم اشاراتی هم به مسأله علوم شده است؛ اگرچه هدف اصلی قرآن کریم، هدایت بشر و آشنایی انسان با دستورات انبیاء الهی و رساندن انسانها به سر منزل مقصود می‌باشد. خداوند تبارک و تعالی، روح بشر را با فطرت توحیدی آفریده، و آن را غیر قابل تبدیل معرفی میکند: «فَطَرَتَ اللَّهُ التَّائِبِينَ فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ» (سوره روم، آیه ۳۰). در همین رابطه پیام قرآن به پیامبر اکرم (ص) این است:

قرآن کلام خدا و تجلی اسم جامع، محیط و اعظم حق تعالی است که همه اندیشه‌های حقیقت جو و خردورز را به دل سپاری فرا می‌خواند: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ» (سوره ص، آیه ۲۹). قرآن معجزه جاودانه رسول گرامی (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و تنها نسخه شفاف و فرجامین وحی آسمانی است که راه و رسم زندگی توحیدی و سعادت آفرین را به انسان می‌آموزد: «بَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ» (سوره انفال، آیه ۲۴). قرآن به عنوان پیام هدایت الهی برای انسان، همه ساحت‌های حیات مادی و معنوی را در بر می‌گیرد. در این کتاب جامع، تمام قلمروهای زندگی مادی و معنوی، فردی، اجتماعی، اخلاقی و حقوقی، دنیایی و آخرتی و جز آن، از آغاز آفرینش و مبدا شناسی تا مسیر و برنامه زندگی و سرمنزل نهایی، همه مورد



- خدای متعال آنچه که، توان علم به آن نداشتی -
به تو آموخت: «وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ يَكُن تَعْلَمُ» (نساء)
، آیه ۱۱۳) و به دیگران میفرماید: «وَيُعَلِّمُكُم مَّا
لَمْ يَكُن تَكُونُوا تَعْلَمُونَ» (بقره، آیه ۱۱۵) یعنی به
شما، می‌آموزد آنچه را که نمی‌دانستید. لذا هدف -
از این مطالعه بررسی ارتباط دانش بشری و قرآن
کریم می باشد.

بیان مساله

علوم بشری شاخه ای از علوم است که متعلق و
موضوع آن با اندیشه های بشر مرتبط است
(مصباح یزدی، ۱۳۷۸، ۷۷). از جمله ویژگی های
قرآن کریم که هم از روایات به دست می آید و
هم خود قرآن به آن اشاره دارد جامعیت، جهانی
بودن، حاودانگی است. این ویژگی ها مستلزم آن
است که قرآن در همه ابعاد زندگی انسان و برای
هر عصر و زمانی برنامه وسخن داشته باشد
(محقق، ۱۳۹۶: ۲). علوم بشری، از نگاه قرآن
کریم مورد توجه است؛ در مرحله اول، قرآن
کریم، خیلی از علومی که بشر قدرت بر یادگیری
و کشف آنها را نداشت به بشر تعلیم داد، توسط
پیامبر اکرم (ص)، قرآن کریم همانند چراغی
پرفروغ فراروی بشریت قرار دارد؛ تا راه روشن را
بپیماید و از علم بهره وافر ببرد و در عمل بکوشد
به آموخته‌های علمی خود عمل کند و آنها را در
معرض استفاده دیگران قرار دهد (اسمعیلی،
۱۳۹۶: ۴۲)

اهمیت و ضرورت تحقیق

قرآن کریم کتاب آسمانی است که صفت
جامعیت به آن داده شده است از این رو ضرورت
دارد که این کتاب از لحاظ ارتباط با دانش و علوم
بشری مورد بررسی قرار گرفته که بتواند مطالعه
ای برای جوانان و اهم مردم شود.

سوالات تحقیق

- رابطه قرآن با دانش بشری چگونه است؟

دلایل کسانی که قرآن را در بردارنده همه علوم
می دانند چیست؟

دلایل کسانی که قرآن را در بردارنده همه علوم
نمی دانند چیست؟

آیا قرآن کریم در بردارنده همه علوم بشری به
صورت جامع می باشد؟

فرضیه تحقیق

در این مطالعه فرض بر این است که قرآن کتابی
جامع در بردارنده همه علوم بشری هر چند به
صورت گذرا است.

پیشینه تحقیق

برخی از مطالعات صورت گرفته در خصوص
موضوع مورد مطالعه به شرح ذیل می باشد:

مصباح یزدی در سال ۱۳۶۸ به بررسی رابطه
قرآن با علوم بشری پرداخت. وی در مطالعه خود
اشاره داشت که گرچه علوم تجربی از جزمیت و
ثبات بیشتری برخوردار است و تحولات بنیادی
در آن کمتر رخ می‌دهد، و نتایج آن نسبتاً قوی‌تر
از نتایج علوم انسانی است، ولی ارتباط علوم
انسانی با قرآن، بیش از علوم تجربی است، زرا
موضوع و هدف قرآن با علوم انسانی که اخلاق،
جامعه، تاریخ، اقتصاد، حقوق و... را در بر می‌گیرد،
پیوند زیادی دارد. بر خلاف علوم تجربی که
کاربرد آن در معارف قرآنی، جنبه استطرادی
دارد.

غروی نایینی و ابیضی در سال ۱۳۸۷ به بررسی
انواع پرسش پرسش گران عصر نزول قرآن کریم
و رابطه آن با دانش پرداختند. آنان در مطالعه
خود اشاره داشتند که قرآن کریم همه ی انسان
ها را به فراگیری علم دعوت کرده و از آنان
خواسته است تا چیزی را که نمی دانند از دانایان
بپرسند. پرسش با ابزارهای چون لفظ، کتابت،
اشاره و... از سوی انسان برای کشف مجهولی ابراز
می شود. هر پرسشی مقداری روشنایی و معارف
به همراه دارد، بدین سبب کسانی که بیشتر می



روش تحقیق

در این مطالعه با استفاده از روش تحقیقی، توصیفی و با استفاده از گردآوری منابع کتابخانه‌ای به بررسی رابطه قرآن با دانش بشری پرداخته شد و نتایج به شرح ذیل گردآوری گردید:

نتایج

۸-۱ جایگاه علم در قرآن و روایات

علم به معنای آگاهی و دانستن در مقابل جهل و نادانی کاربردهای گوناگونی دارد؛ از جمله: اعتقاد یقینی مطابق با واقع در برابر جهل بسیط و مرکب؛ مجموعه قضایایی که مناسبتی بین آن‌ها در نظر گرفته شده؛ مجموعه قضایای کلی، اعم از حقیقی و اعتباری؛ و مجموعه قضایای کلی حقیقی، حسی و تجربی و در عرصه رابطه قرآن و علوم، علم به معنای علم تجربی، اعم از انسانی و طبیعی، در نظر گرفته می‌شود که شامل مسائل هستی‌شناسی، ریاضیات، هندسه، جامعه‌شناسی، زیست‌شناسی، مفاهیم طبیعی، کیهان‌شناسی، حقوق، پزشکی، گیاه‌شناسی، تاریخ و مدیریت می‌شود. از سوی دیگر، قرآن با برابر نهادن علم و برهان قطعی عقلی با وحی و نبوت آسمانی و نیز هدایت و شهود عرفانی در جهت کشف حقایق و شناخت معارف و ارائه سه طریق به سوی مطلق علم (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۲۱۲) و نیز سرزنش کسانی که بدون بهره‌مندی از یکی از این راه‌ها به مجادله برمی‌خیزند «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُّجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَ لَا كِتَابٍ مُنِيرٍ» (سوره حج، آیه ۸). و همچنین با تکیه بر منابع شش‌گانه شناخت و دعوت ضمنی به لزوم به کارگیری آن‌ها، و نیز دعوت انسان‌ها به مطالعه آیات آفاقی و انفسی، به عنوان مهم‌ترین راه شناخت خدا، و با تکریم و بزرگداشت مقام علم و نکوهش جهل و جاهلان، (مجادله، آیه ۱۱). ضمن ایجاد انگیزه برای کسب علم

دانند، بهتر می‌پرسند میان پرسش و دانش ارتباط تنگاتنگ و لاینفک وجود دارد. پرسش در قرآن کریم صورت‌های گوناگونی دارد، گاه سوال‌کننده انسان‌های عصر رسول الله هستند، گاه خداوند از آنها سوال می‌کند و زمانی سوال‌ها برای آموزش و دعوت انسان‌ها به دین الهی است که از زبان پیامبران و مردم هم‌عصر ایشان مطرح می‌شود. این مقاله تنها به نوع پرسش‌هایی پرداخته که از جانب انسان‌ها طرح شده است. پرسش‌ها را با توجه به انگیزه‌ی پرسش‌گر می‌توان به سه دسته‌ی عمده تقسیم کرد: ۱. پرسش‌های منطقی یا واقعی که قرآن کریم به طرح آن توصیه کرده است. ۲. پرسش‌های بیجا و غیر منطقی که در آیاتی از قرآن کریم طرح آنها نهی شده است. ۳. پرسش‌های غرض‌آلود که در کتاب و سنت شدیداً مورد مذمت قرار گرفته است.

ستاری ساریانقلی و ملکی در سال ۱۳۹۷ به بررسی ارتباط واژگان قرآن کریم با مولفه‌های اجتماعی و کالبدی محیطی دانش شهرسازی پرداختند. آنان در مطالعه خود اشاره داشتند که تدوین الگوی شهرسازی اسلامی، ایجاب می‌کند تعریف دین از مفهوم شهر و شهرنشینی با استناد روشمند به منابع دست اول به ویژه قرآن کریم جستجو شود. از اینرو، پژوهشگران مقاله حاضر در پی اثبات ارتباط معناداری بین آیات قرآن کریم و دانش شهرسازی می‌باشند که بر این اساس به بررسی ارتباط مولفه‌های اجتماعی و کالبدی- محیطی دانش شهرسازی با واژگان قرآن کریم پرداخته شد. این مولفه‌ها در بعد اجتماعی شامل نیازهای اعتقادی مانند زکات، خمس و غیره، نیازهای اخلاقی مانند اسراف، امنیت و غیره، در بعد کالبدی سه عنصر اصلی شهر به نامهای مسجد، بازار و خانه و در آخر بعد محیطی مانند آب، خاک، باد و غیره را شامل می‌شود.

متحرک و دائم در حال خلق شدن است، جهان یک واقعیت هدایت یافته در چارچوب نظام متقن سبب و مسببی است و قوانین تغییرناپذیر دارد، زمین و آسمان به حق و عدل برپاست (مطهری، ۱۳۸۲: ۷۰-۲). (به نقل از اسمعیلی، ۱۳۹۶: ۴۲-۴۶)

۸-۲-۱ زوجیت در قرآن

قرآنکریم در آیاتی به زوجیت هر شیء اشاره میکند و میفرماید رعد « وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رِوَاسِيَ وَأَنْهَارًا: وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ » (سوره رعد، آیه ۳). او کسی است که زمین را گسترده و در آن کوه ها و نهرهایی قرار داد و از تمام میوهها در آن دو جفت آفرید تمامی اشیاء مینماید و بیان میدارد که در زندگی انسان، حیوانات، نباتات، جامدات و ... زوجیت وجود دارد و هرکدام دارای نر و ماده هستند که از طریق عمل لقاح، بارور میشوند. اگر دانشمند معروف سوئدی، در قرن ۱۸ میلادی، موفق به کشف مسأله زوجیت در گیاهان میشود و بیان میدارد که جهان گیاهان، همچون حیوانات از طریق آمیزش نطفه نر و ماده بارور میشوند، قرآن در چهارده قرن قبل، آن را بیان داشته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰: ۱۰-۱۵). زوجیت در همه اشیاء وجود دارد و از جمله در عالم اتمها، امروزه روشن شده است که اتم از اجزاء مختلفی تشکیل شده، اجزائی که دارای بار الکتریسیته منفی هستند و الکترون نامیده میشوند و اجزائی که دارای بار الکتریسیته مثبت هستند و پروتون نامیده می شوند، ممکن است مقصود از زوجیت دو جنس متقابل باشد، مانند شب و روز، آسمان و زمین، دریا و خشکی، نور و ظلمت و ... چنانچه در روایتی از امام رضا (ع) آمده است که: خداوند اشیاء جهان را متضاد آفرید تا روشن شود، « برای او ضدی نیست و آنها را با هم قرین ساخته تا معلوم شود قرینی برای او نیست،

و معرفت، رویکرد علمی خود را نیز نمایان ساخته است. ماده «علم» به صورت‌های گوناگون ۷۵۰ بار در قرآن تکرار شده است. علامه طباطبائی در این باره می‌فرماید: «تجلیل و تمجیدی که قرآن از علم و دانش نموده، در هیچ کتاب آسمانی دیگر یافت نمی‌شود». (طباطبائی، ۱۳۵۳: ۹۲). در احادیث متعددی قرآن به عنوان کتاب حاوی علم و اخبار و هر آنچه در جهان رخ داده و خواهد داد مطرح می‌شود، هرچند خرد آدمیان قادر به درک همه این علوم نباشد (کلینی، ۱۳۷۹: ۱۵۳-۱۵۸). بنابراین، یکی از ویژگی‌های ممتاز و منحصر به فرد قرآن کریم، عمق و ژرفای شگفت آور آن است؛ چنان که قرآن ناطق، امام علی (علیه‌السلام) درباره آن فرمود: «و بحرًا لا یدرک قعره» (رضی، ۱۳۸۸: ۵۰۱) و تاریخ نشان داده است که راز جاودانگی و ماندگاری قرآن در جای زمان، تازگی و طراوت همیشگی آن برای افکار و اندیشه‌های بشر، همین عمق و ژرفای آن است که همچون دریای بی کران، غواصان فکر و فهم را در خود می‌پذیرد و هیچ گاه به نقطه پایان نمی‌رساند.

۸-۲ علوم بشری ملهم از قرآن کریم

قرآن کریم از حوادثی نام میبرد: استاد مطهری میفرماید: در سراسر قرآن کریم آیات بسیاری است که طبیعت، یعنی زمین، آسمان، ستارگان، خورشید، ماه، باران، جریان باد، حرکت کشتیها در دریاها، گیاهان، جانداران و بالاخره هر امر محسوسی را که بشر در اطراف خود میبیند، به عنوان واقعیهایی که درباره آنها دقیقاً باید اندیشید و تفکر و نتیجهگیری کرد، یاد کرده است؛ بگو به مردم: به آنچه در آسمانها و زمین است ژرف بنگرید (یونس، آیه ۱۰۱) افزون بر این در نگاه قرآنی، جهان، واقعیتی از اویی ور به سوی اویی دارد؛ یعنی یک واقعیت متغیر و

۸-۲-۴ گهواره بودن زمین

خداوند متعال میفرماید «الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا» (طه، آیه ۵۳) همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راههایی در آن ایجاد کرد خداوند زمین را تشبیه میکند به همچون گهواره که مکانی است آماده برای نشستن و خوابیدن، در آیه شریفه، زمین را مهد آرامش و آسایش قرار داده است و حرکت‌های وضعی و انتقالی آن بسیار آرام است و به واسطه کرویت زمین و قانون جاذبه آن، و همچنین قشر عظیم هوایی که اطراف آن را گرفته است میتواند محل آسایش و راحتی و مکان امنی برای زندگی باشد (سیدرضا مؤدب، ۱۳۹۶: ۴۶-۱۳۷۹). (به نقل از اسمعیلی، ۱۳۹۶: ۴۶-۴۲)

۸-۲-۵ آب مایه حیات

خداوند متعال میفرماید «جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُمْنُونَ كُلُّ شَيْءٍ حُلِقَ مِنْ (انبياء، آیه ۳۰). پیامبر اکرم طبق آیه شریفه فرمود همه موجودات منشا هستی خود را از آب گرفته اند، مرحوم صدوق از جابر بن جعفی که از بزرگان تابعین به شمار می رود، از امام باقر پرسش هایی دارد از جمله در رابطه با آغاز آفرینش جهانی پرسد اما در جواب فرمود نخستین آفریده ای که خداوند خلق کرد چیزی است که تمامی اشبا از آن است (اسمعیلی، ۱۳۹۶، ص ۴۶).

قرآن از سنخ مباحث مذکور مطالبی دارد و چنانکه گفتیم به صرف در برداشتن این سنخ مباحث نمی توان گفت قرآن کتاب فلسفه سیاسی یا اجتماعی یا... است. همانطور که نمی توان گفت قرآن کتاب فقه است، بلکه بیانگر احکام فقهی هست، ولی کتاب فقه-به معنای اصطلاحی آن- نیست. در قرآن سنت‌های الهی در مورد تاریخ و جامعه و قوانی حاکم بر آنها ذکر شده است ولی با این حال قرآن کتاب جامعه

نور را ضد ظلمت و خشکی را ضد تری، و خشونت را ضد نرمش، و سرما را ضد گرما قرار داده در عین حال اشیاء متضاد را جمع کرده و موجودات نزدیک به هم را از هم جدا نموده تا این جدایی، دلیل بر جدا کننده، و آن پیوستگی دلیل بر پیونددهنده باشد (اسمعیلی، ۱۳۹۶: ۴۵).

۸-۲-۲ حرکت فلکها

خداوند حکیم میفرماید « وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ » (انبیا، آیه ۳۳). کسی است که شب و روز و خورشید و ماه را آفرید که هر آیه مذکور، اشاره به یک از آنها در مداری در حرکتند حرکت فلکها دارد که در آسمان شناورند، منظور از حرکت خورشید، حرکت دورانی به دور خویش و یا حرکتی است که همراه منظومه شمسی دارد. گفته شده تمامی فلکها در حرکتی شناورند که علم امروز به برخی از آنها رسیده است، ولی قرآن در هزار و چهارصد سال پیش بر آن اشاره نموده است. حرکت شهابها به سوی زمین و کنترل آن توسط نیرویی در برابر زمین و گازهای اطراف زمین و دیگر کرات، از شگفتیهایی هست که امروزه دانشمندان بر برخی از آنان آگاه شده اند (همان: ۴۵).

۸-۲-۳ عمل لقاح بادها

خداوند کریم میفرماید «وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ» (حجر، آیه ۲۲) «ما بادها را برای تلقیح فرستادیم» که برخی از درختان و... برای بارور شدن نیاز به عمل لقاح، بادها دارند. از این روی بادها بارورکننده اند. آیه شریفه، میتواند اشاره به تلقیح گیاهان به وسیله بادها و گردافشانی باشد. زیرا بادها نقش مهمی در انتقال گرده های نطفه نر و بارور ساختن گیاهان دارد، همچنان که آیه شریفه میتواند اشاره به عمل لقاح ابرها توسط بادها باشد که موجب نزول باران است (همان، ۴۵).



خلاف علوم تجربی که کاربرد آن در معارف قرآنی، جنبه استطرادی دارد (همان، ص ۶). ضرورتی ندارد که قرآن همه مسائل علوم تجربی و عقلی و نقلی را با تفصیلات و فرمولهای آنها بیان کرده باشد، بلکه به آیات الهی در زمین و آسمان برای سیر در ملکوت و تفکر در صنع الهی اشاراتی دارد تا به هدف تربیت و تزکیه انسانها نایل شود و بعید نیست منظور از بیان همه چیز در قرآن مسائل دینی و هدایتی مردم باشد همان طور که بعضی از مفسران هم گفته اند. این مطلب از بعضی روایات که در ذیل آیات مورد بحث آورده شده است استنباط می شود (بحرانی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۴). چون در این روایات به حلال و حرام و حدود مثال می زنند و سپس کل ما یحتاج الیه الناس (هر چیزی را که مردم به آن احتیاج دارند) را ذکر می کنند پس ممکن است منظور احتیاجات دینی و هدایتی مردم باشد، هر چند علم پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام به علوم و معارف بشری از طریق باطن قرآن یا از ناحیه وحی یا الهام ممکن است، اما بحث در این است که آیا این آیات دلالت بر این مطلب دارد یا ندارد. بلی در قرآن اشاراتی به بعضی علوم و مطالب علمی شده است که استطرادی و عرضی است، ولی همه علوم بالفعل در قرآن مذکور نیست، و این آیات (مثل آیه ۸۹ سوره نحل و ۳۸ و ۵۹ سوره انعام) دلالت بر این مطلب دارد که تمام احتیاجات دینی و هدایتی مردم در قرآن به طور مفصل یا مجمل ذکر شده است.

۳-۸ دلایل کسانی که معتقدند همه

علوم در قرآن کریم موجود است

۱ - ظاهر آیات قرآن دلالت بر این دارد که همه چیز در قرآن هست:

شناسی و فلسفه اجتماعی نیست. قرآن کتاب هدایت بشر و حاوی مطالب متنوعی است که به هدایت همه جانبه او مربوط می شود. و به هر موضوع تا بدان پایه پرداخته که به اقتضای حکمت و مورد نیاز واقعی انسان بوده است (مصباح یزدی، ۱۳۶۸: ۳). اگرچه قرآن در جزئیات امور وارد نشده ولی خطوط کلی و اصولی را در هریک از این زمینه‌ها بیان داشته است، و همین خطوط کلی، اساس و مبنای فلسفه‌های یاد شده را تشکیل می دهد، و ارزش و اعتبار هر فلسفه اجتماعی و سیاسی و حقوقی... به همین اصول زیر بنایی است. و اما فروع هم ممکن است متغیر باشد و هم می توان از طریق کاوش در اصول بدانها راه یافت و هم امکان دارد که قرآن بیان فروع را به پیامبر (ص) و معصومان (ع) ارجاع داده باشد. همانطور که در مباحث فقهی چنین است «اقیموا الصلاه» را قرآن می گوید، ولی کیفیت و شرایط و ارکان آن را سنت بیان می دارد. به هر حال مهم در هر نظام و سیستم علمی و علمی همان خطوط کلی، عناصر زیر بنایی است که قرآن هم ضرورتاً بدانها پرداخته است و مثلاً در زمینه فلسفه تاریخ، تاریخ را بسوی کمال در حرکت می داند و سرانجام دین خود را بر همه ادیان پیروز معرفی می کند. پس هیچ مانعی ندارد که بگوییم قرآن کتاب فقه، فلسفه سیاسی، فلسفه تاریخ، فلسفه اجتماعی، فلسفه اخلاق است. یعنی قرآن همه اینها هست، ولی در هیچکدام محصور نیست. گرچه علوم تجربی از جزمیت و ثبات بیشتری برخوردار است و تحولات بنیادی در آن کمتر رخ می دهد، و نتایج آن نسبتاً قوی تر از نتایج علوم انسانی است، ولی ارتباط علوم انسانی با قرآن، بیش از علوم تجربی است، زرا موضوع و هدف قرآن با علوم انسانی که اخلاق، جامعه، تاریخ، اقتصاد، حقوق و... را در بر می گیرد، پیوند زیادی دارد. بر



تا رابطه انسان و جهان با خدا روشن شود و مردم معرفت بهتری به خدا پیدا کنند.

دوم: ظهور آیاتی که دلالت بر این دارد که هر چیزی که در قرآن هست قابل اخذ نیست، یعنی نمی توان عمومیت آنها را پذیرفت و گفت همه علوم بشری و همه معارف دینی با هم و به صورت مفصل در قرآن موجود است.

سوم: در مورد آیات قرآن که اشاراتی به علوم طبیعی و تجربی و شناخت طبیعت دارد می توان پرسید آیا هدف آن بیان و کشف فرمولهای هندسه و شیمی است یا به طور استطرادی و تطفلی (حاشیه ای) این بحثها را مطرح کرده است. در اینجا بسیاری معتقدند که ذکر مثالهای علمی در قرآن موضوعیت ندارد یعنی مثال است و هدف آموزش علوم نیست بلکه مثال را برای هدف دیگر آورده است.

چهارم: اما در مورد بطون قرآن و این که منشا علم ائمه علیهم السلام به تمام معارف و علوم گذشته و آینده از طریق قرآن است و یا علم به مبادی و مقومات اسباب می باشد.

پنجم: دلیل دیگر بر این که نمی توان گفت همه علوم بشری در قرآن وجود دارد این است که بر اساس این قول اشکالات و محظورات متعدد بوجود می آید،

نتیجه گیری

طبق نتایج به دست آمده می توان گفت قرآن کریم به عنوان کتابی جامع در بردارنده همه علوم بشری هر چند به صورت گذرا می باشد. قرآن به صورت رمز و رازی است که دانشمندان می توانند با تفحص و تفکر در آن به خیلی از علوم بشری دست یابند.

۲ - دلیل دوم بر این که تمام معارف بشری در قرآن وجود دارد آیاتی است که اشاره به علوم مختلف می کند.

۳ - دلیل سوم بر وجود همه علوم در قرآن این است: روایاتی در این زمینه وارد شده است که مؤید عمومیت مستفاد از لفظ آیات است به علاوه ائمه علیهم السلام در مورد علوم مختلف (همچون پزشکی و فزائی و ...) سخن گفته اند و سپس فرموده اند که تمام علوم ما از قرآن است. پس معلوم می شود که علوم مختلف در قرآن وجود دارد، لکن افراد خاصی از آن مطلع هستند.

۴ - دلیل دیگر بر وجود همه علوم در قرآن مساله بطون قرآن است. در بسیاری از روایات اسلامی به بطون قرآن و این که هر آیه ای چندین بطن دارد اشاره شده است. این اعجاز قرآن است که عارف و فقیه و فیلسوف و فیزیکدان هر کدام یک برداشت جداگانه از آیات قرآن دارند، و هر کدام از یک آیه چیزی متوجه می شوند که دیگران از آن غفلت می کنند. پس هیچ کدام نباید برداشت دیگری را رد کند زیرا اگر فیلسوف هم فیزیکدان بود شاید مثل او برداشت می کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۸۹، ص ۹۴)

۴-۸ دلایل کسانی که معتقدند همه

علوم بشری در قرآن کریم موجود نیست

اول: قرآن کتاب هدایت اخلاقی و تربیتی و دینی انسان است و نازل شده تا انسانها رابه سوی فضیلتها و خداشناسی هدایت کند تا از خرافه پرستی دور شوند، و حقوق (افراد و خانواده و اجتماع) را به صورت کلی بیان کرده تا مردم با رعایت احکام الهی زندگی سالم داشته باشند و بر جهانشناسی و معرفت طبیعت تکیه می کند

منابع

۱. اسمعیلی، حسین، (۱۳۹۶)، « علوم بشری از منظر قرآن کریم»، صهای نور، شماره سوم، ۴۱-۴۸.
۲. بحرانی، هاشم، (۱۳۸۹)، « تفسیر البرهان»، کتاب صبح، جلد اول، ۷۹۴۸.



۳. ستاری ساریانقلی، حسن، ملکی، شهرام، (۱۳۹۷)، «بررسی ارتباط واژگان قرآن کریم با مولفه‌های اجتماعی و کالبدی- محیطی دانش شهرسازی»، ششمین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم جغرافیا و برنامه ریزی، معماری و شهرسازی، تهران
۴. سید رضی، شریف، (۱۳۸۸)، «نهج البلاغه»، انتشارات الحسون، خطبه ۱۹۸، ص ۵۰۱.
۵. شیرازی، مکارم، (۱۳۷۰)، «تفسیر نمونه»، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ نهم، قم.
۶. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۹۱)، «تفسیر المیزان»، ج ۲۸، ص ۲۱۲.
۷. طباطبائی، محمدحسین، (۱۳۵۳)، «قرآن در اسلام»، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ص ۹۲.
۸. غروی نایینی، نهله، ابیضی شلمانی، حسین، (۱۳۸۷)، «انواع پرسش پرسش گران عصر نزول قرآن کریم و رابطه آن با دانش»، پژوهشنامه علوم و معارف قرآن کریم، دوره ۱.
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، «اصول کافی»، انتشارات ط دارالحدیث، ج ۱، ص ۱۵۳.
۱۰. محقق، جواد، (۱۳۹۶)، «رابطه قرآن و علوم انسانی از دیدگاه علامه آیت الله مصباح یزدی»، پژوهش نامه علوم انسانی اسلامی، شماره هشتم، ۱-۱۹.
۱۱. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۸۹)، «میزان الحکمه»، موسسه علمی و فرهنگی دارالحدیث، قم.
۱۲. مصباح یزدی، محمدتقی، (۱۳۶۸)، «رابطه قرآن با علوم بشری»، کیهان اندیشه، شماره ۲۸.
۱۳. مطهری، مرتضی، (۱۳۸۲)، «مجموعه آثار» انتشارات صدرا، ج ۲، تهران.
۱۴. مودب، محمدرضا، (۱۳۷۹)، «اعجاز قرآن»، چاپ احسن الحدیث، قم.

حقوق حیوانات از دیدگاه قرآن و احادیث

سمیه قهاری^۱، سجاد قهاری^۲، سعید قهاری^۳

۱-دکتری شیمی آلی، پژوهشکده ژنتیک و زیست فناوری کشاورزی طبرستان، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران،

۲- دانشجوی دکتری زیست فناوری میکروبی، گروه زیست شناسی، دانشکده علوم، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

۳- کارشناسی ارشد، گروه زراعت، دانشکده علوم کشاورزی، دانشگاه شاهد تهران، تهران، ایران

(نویسنده مسئول: Sghahari@gmail.com)

چکیده

یکی از مظاهر خلقت خداوند متعال که نقشی مهم و درخور توجه در نظام طبیعت و زندگی بشری دارد، حیوانات هستند. نامیده شدن سوره‌هایی از قرآن به نام حیوانات (بقره، فیل، نحل، نمل و عنکبوت) نشان‌دهنده اهمیت در نظر گرفتن حقوق حیوانات از دیدگاه خداوند سبحان و قرآن کریم می‌باشد. حیوانات نیز مانند انسان دارای حقوقی می‌باشند و انسان مجاز به هر نوع استفاده و بهره‌وری از آنها نیست. همچنین، حیوانات دارای درک و شعور بوده و صاحب روح می‌باشند. از منظر سنت و فقها نیز حیوانات از حقوق مختلفی برخوردارند. حق حیات حیوانات مورد احترام است و کشتن آنها جز در موارد خاص و برای استفاده‌ی معقول و منطقی جایز نیست. علاوه بر این، نفقه‌ی حیوان بر مالک او واجب است و انسان مجاز به آزار دادن جسم و روح حیوان نیست. بر این اساس استفاده و بهره‌وری بیش از توان حیوان و هر نوع رفتاری که موجب آزار و اذیت حیوان شود جایز نیست. در این بررسی به مسأله‌ی حقوق حیوانات از دیدگاه قرآن و احادیث پرداخته خواهد شد. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی مطالعات کتابخانه‌ای، آیات و روایاتی که این موضوع را مورد بررسی قرار دادند، استخراج، دسته‌بندی و بررسی گردیدند. بر مبنای یافته‌های این تحقیق مشخص گردید که در قرآن مجید به حقوق حیوانات و توجه انسان به این مسأله اشاره شده است.

کلید واژه‌ها: حقوق حیوانات، قرآن و احادیث، سنت، نفقه حیوان

مقدمه

الهی گاهی درست و گاهی با شیوه‌های ظالمانه بهره می‌برد. دامداری، پرورش طیور و زنبورداری از راه‌های شناخته شده برای تأمین نیازهای زندگی و کسب و کار حلال هستند که میلیون‌ها خانواده در جهان از این راه ارتزاق می‌نمایند. استفاده از حیوانات برای انجام آزمایش‌های علمی، در باغ وحش‌ها و مراکز پرورش و نگهداری انواع حیوانات اهلی و وحشی، هزاران راز علمی و نیاز اجتماعی را حل کرده است. پرورش کرم ابریشم برای تولید منسوجات لباس و فرش از کهن‌ترین شیوه‌های فعالیت اقتصادی در جوامع بشری است (حسینی، ۱۳۹۱).

حیوانات در زندگی انسان آثار و فواید بیشماری دارند. خدای سبحان با آفرینش حیوانات و تسخیر آنها به دست انسان‌ها، نعمت‌های فراوانی بهره‌ی آنها کرده است (حسینی، ۱۳۹۱). قرن‌هاست که بشر در حمل و نقل بار، مسافر، کشاورزی و آبرسانی از حیوانات بهره می‌برد. انتفاع از گوشت، پوست، پشم، کرک، مو، شیر و فرآورده‌های لبنی و اجزای بدن حیوانات از سرمایه‌های بزرگ جوامع سنتی و صنعتی بوده و هست. انسان در نگهداری، دفاع، تفریح و سرگرمی از حیوانات بهره برده و هنوز هم از این نعمت‌های



حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیوانی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند، به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

۲- اشاره به سفارش قرآن کریم درباره‌ی حیوان‌ها

قرآن کریم در این زمینه آیه‌های بسیاری دارد که تنها به سه مورد اشاره می‌شود:
در آیه‌ی ۳۸ سوره انعام آمده است: و هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند مگر آنکه آنها نیز گروه‌هایی مانند شما هستند، ما هیچ چیزی را در کتاب (لوح محفوظ) فروگذار نکرده‌ایم سپس همه به سوی پروردگارشان محشور خواهند گردید (وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَلِكُمْ مَا قَرْنًا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ).

حجت الاسلام محسن قرائتی در جلد دوم کتاب تفسیر نور در تفسیر این آیه می‌فرماید: قرآن توجه خاصی به زندگی حیوانات دارد و از یادآوری خلقت، شعور و صفات آنها در راه هدایت مردم استفاده می‌کند. در این رابطه خداوند در آیه‌ی ۴ سوره‌ی جاثیه می‌فرماید: و در آفرینش شما و آنچه از جنبده‌ها که (در هستی) پراکنده نموده، برای اهل یقین، نشانه‌هایی (از قدرت الهی) است (وَفِي خَلْقِكُمْ مَا يَبْتَغِي مِنَ دَابَّةِ آيَاتٍ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ) (جلد ۲، صفحه ۴۵۰). همچنین از آیات و روایات و تجارب برمی‌آید که شعور، ویژه‌ی انسان نیست. در این زمینه به نمونه‌هایی اشاره شده است:

۱- حضرت سلیمان همراه با سپاهیان از منطقه‌ای عبور می‌کردند، مورچه‌ای به سایر

در فقه اسلامی نیز حقوق و وظایفی برای انسان در تعامل با جانوران اهلی و غیر اهلی وجود دارد که حد و مرز رفتارهای مشروع و نامشروع را مشخص می‌کند و بهره‌گیری حلال و حرام از آنها را نشان می‌دهد. در بخش‌های مختلف فقه به چگونگی رسیدگی به حیوان از قبیل آب، غذا، درمان و ستم نکردن اشاره شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۱).

۱- مجازات حیوان آزاری در قانون

حیوانات، بخشی از جامعه‌ی طبیعی و زیست محیطی را تشکیل می‌دهند و در برقراری توازن در نظام طبیعت، نقش مؤثر و غیرقابل انکاری دارند. حیوانات به مانند انسان‌ها از حقوق خاص خویش مانند؛ حق حیات، حق درمان، حق آرامش، حق زیست جمعی، حق پرهیز از هر نوع خشونت، حق پرهیز از هرگونه نسل کشی، حق استفاده از حیات وحش و مانند آنها برخوردارند و هرگونه تعدی و تفریط نسبت به آنها یا حقوق آنها، به منزله‌ی نقض حقوق آنان محسوب شده و ضروری است، مستوجب مسئولیت باشد. تضييع حقوق حیوانات طبق قانون مجازات اسلامی جرم بوده و به نوعی، ترویج خشونت نیز محسوب می‌شود و از طرفی نظم عمومی جامعه را برهم زده و بهداشت عمومی را به مخاطره می‌اندازد. طبق ماده ۶۸۰ قانون مجازات اسلامی هر کس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده کند، به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد. همچنین فصل بیست و ششم بخش تعزیرات قانون مجازات اسلامی تحت عنوان «احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات» به تعیین مجازات حیوان آزاری پرداخته است. در ماده ۶۷۹ این قانون می‌خوانیم: هرکس به عمد و بدون ضرورت



۹- آیه‌ی ۴۱ سوره‌ی نور نشانه‌ی شعور و عبادت آگاهانه‌ی حیوانات است (وَ الطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عِلْمٌ صَلَاتُهُ وَ تَسْبِيحُهُ).

۱۰- وجود وفا در برخی از حیوانات، از جمله سگ نسبت به صاحبخانه.

۱۱- تعلیم سگ شکاری و سگ پلیس برای کشف قاچاق، یا خرید جنس، نشانه‌ی آگاهی خاص آن حیوان است.

۱۲- اسلام از ذبح حیوان در برابر چشم حیوان دیگر، نهی کرده است که این نشانه‌ی شعور حیوان نسبت به ذبح و کشتن است (جلد ۲، صفحه ۴۵۲).

همچنین، آیت الله مکارم شیرازی در کتاب برگزیده تفسیر نمونه در تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه به دنبال آیات گذشته که درباره‌ی مشرکان بحث می‌کرد و آنها را به سرنوشتی که در قیامت دارند متوجه می‌ساخت، سخن از «حشر» و رستاخیز عمومی تمام موجودات زنده، و تمام انواع حیوانات به میان آورده، نخست می‌گوید: (هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند نیست مگر این که امت‌هایی همانند شما هستند) و به این ترتیب هر یک از انواع حیوانات و پرندگان برای خود امتی هستند همانند انسان‌ها یعنی: آنها نیز در عالم خود دارای علم و شعور و ادراک هستند، خدا را می‌شناسند و به اندازه‌ی توانایی خود او را تسبیح و تقدیس می‌گویند، اگر چه فکر آنها در سطحی پایین‌تر از فکر و فهم انسانهاست. سپس در جمله‌ی بعد می‌گوید: «ما در این کتاب هیچ چیز را فروگذار نکردیم» و در پایان آیه می‌گوید «تمام آنها به سوی خدا در رستاخیز جمع می‌شوند». روی این جهت آیه به مشرکان اخطار می‌کند خداوندی که تمام اصناف حیوانات را آفریده، و نیازمندی‌های آنها را تأمین کرده، و مراقب تمام افعال آنهاست و

مورچگان گفت: فوری به خانه‌هایتان بروید، تا زیر پای ارتش سلیمان له نشوید (سوره نمل، آیه ۱۸). شناخت دشمن، جزو غریزه‌ی مورچه است، ولی این‌که نامش سلیمان و همراهانش ارتش اویند، این بالاتر از غریزه است.

۲- ههد از شرک مردم مطلع شده، به سلیمان گزارش می‌دهد که مردم منطقه‌ی سبأ، خداپرست نیستند. آنگاه مأموریت ویژه‌ی می‌یابد. شناخت توحید و شرک و زشتی شرک و ضرورت گزارش به سلیمان پیامبر و مأموریت ویژه‌ی پیام‌رسانی، مسأله‌ای بالاتر از غریزه است (سوره نمل، آیه ۲۲).

۳- این‌که ههد در جواب بازخواست حضرت سلیمان از علت غایب بودنش، عذری موجه و دلیلی مقبول می‌آورد، نشانه‌ی شعوری بالاتر از غریزه است (سوره نمل، آیات ۲۶-۲۲).

۴- این‌که قرآن می‌گوید: همه‌ی موجودات، تسبیح‌گوی خدایند ولی شما نمی‌فهمید (سوره اسراء، آیه ۴۴)، تسبیح تکوینی نیست، زیرا آن را ما می‌فهمیم، پس قرآن تسبیح دیگری را می‌گوید (جلد ۲، صفحه ۴۵۱).

۵- در آیات قرآن، سجده برای خدا، به همه‌ی موجودات نسبت داده شده است (وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةُ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ) (سوره نحل، آیه ۴۹).

۶- پرندگان در سپاه (لشکر) حضرت سلیمان شرکت داشتند (وَ حَشَرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودَهُ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ وَالطَّيْرِ) (سوره نمل، آیه ۱۷).

۷- حرف زدن پرندگان با یکدیگر و افتخار سلیمان به اینکه خداوند، زبان پرندگان را به او آموخته است «عَلَّمَنَا مَنطِقَ الطَّيْرِ» (سوره نمل، آیه ۱۶).

۸- آیه‌ی ۵ سوره‌ی تکویر محشور شدن برخی از حیوانات را در قیامت مطرح می‌کند (وَ إِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ).



در روایات اسلامی نیز احادیث متعددی در زمینه‌ی رستاخیز حیوانات دیده می‌شود، از جمله: از ابودر نقل شده که می‌گوید: ما خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم که در پیش روی ما دو بز به یکدیگر شاخ زدند، پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمود، می‌دانید چرا اینها به یکدیگر شاخ زدند! حاضران عرض کردند: نه، پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود ولی خدا می‌داند چرا!! و به زودی در میان آنها داوری خواهد کرد.

همچنین خداوند در آیه‌ی ۶۰ سوره عنکبوت فرموده است: و چه بسیار جنبنده که عهده‌دار روزی خود نیستند، بلکه خداوند روزی‌بخش او و شماسست و او شنوای داناست (وَكَأَيُّنَ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ).

آیت الله مکارم شیرازی در جلد سوم کتاب برگزیده تفسیر نمونه در تفسیر این آیه می‌فرماید: این آیه در پاسخ مؤمنین مکه نازل شده است زیرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفته بودند ما در مدینه اموال و منازلی نداریم و اگر ما از شهر و دیار خود هجرت کنیم چه کسی به ما روزی می‌دهد؟ خداوند در پاسخ این افراد می‌فرماید: غم روزی را نخورید و ننگ ذلت و اسارت را نپذیرید، روزی رسان خداست، نه تنها شما که بسیاری جنبندگان که حتی نمی‌توانند روزی خود را حمل کنند (و هرگز ذخیره غذایی در لانه خود ندارند، و هر روز نو روزی نو می‌خواهند) اما خدا آنها را گرسنه نمی‌گذارد و روزی می‌دهد، و همو شما را نیز روزی می‌بخشد. در پایان آیه تأکید می‌کند: «و او شنوا و داناست» سخن همه شما را می‌شنود و حتی زبان حال شما و همه جنبندگان را می‌داند، از نیازهای همه به خوبی باخبر است و چیزی از دایره علم بی‌پایان او پنهان نیست (ج ۳، ص ۵۱۴).

برای همه رستاخیزی قرار داده، چگونه ممکن است برای شما حشر و رستاخیزی قرار ندهد و به گفته‌ی بعضی از مشرکان چیزی جز زندگی دنیا و حیات و مرگ آن در کار نباشد. همچنین ایشان در ادامه‌ی تفسیر این آیه اینگونه سوال می‌فرمایند:

آیا رستاخیز برای حیوانات هم وجود دارد!

شک نیست که نخستین شرط حساب و جزا مسأله‌ی عقل و شعور و به دنبال آن تکلیف و مسؤولیت است، طرفداران این عقیده می‌گویند: زندگی بسیاری از حیوانات آمیخته با نظام جالب و شگفت انگیزی است که روشنگر سطح عالی فهم و شعور آنهاست، کیست که درباره‌ی مورچگان و زنبور عسل و تمدن عجیب آنها و نظام شگفت انگیز لانه و کندو، سخنانی نشنیده باشد و مسلم است آنها را به آسانی نمی‌توان ناشی از غریزه دانست، زیرا غریزه معمولاً سرچشمه‌ی کارهای یکنواخت و مستمر است، اما اعمالی که در شرایط خاصی که قابل پیش‌بینی نبوده به عنوان عکس‌العمل انجام می‌گردد، به فهم و شعور شبیه‌تر است تا به غریزه. مثلاً گوسفندی که در عمر خود گرگ را ندیده برای نخستین بار که آن را می‌بیند به خوبی خطرناک بودن این دشمن را تشخیص داده و به هر وسیله که بتواند برای دفاع از خود و نجات از خطر متوسل می‌شود. از همه‌ی اینها گذشته، در آیات متعددی از قرآن، مطالبی دیده می‌شود که دلیل قابل ملاحظه‌ای برای فهم و شعور بعضی از حیوانات محسوب می‌شود، داستان فرار کردن مورچگان از برابر لشکر سلیمان، و داستان آمدن هدهد به منطقه‌ی «سبا و یمن» و آوردن خبرهای هیجان انگیز برای سلیمان شاهد این مدعاست.



انسان و حیوان هست، ساختار اجتماعی آنان نیز با هم فرق دارد، اما با وجود این فرق، حیوان‌ها نیز جوامع حیوانی دارند؛ دوم اینکه، روزی و رزق هر دو (انسان و حیوان) بر عهده خداوند می‌باشد؛ سوم اینکه مثله کردن را کاری شیطانی شمرده و از آن به خسارتی بزرگ تعبیر کرده است.

۳- جایگاه حیوانات در سنت

در مکتب اسلام، درباره‌ی دفاع از حیوانات و حمایت از آنها سفارش‌های بسیاری شده است که بیانگر جامعیت این مکتب و مهرآمیز بودن آن است. ترحم بر حیوان موجب پاداش و آزار و اذیتش، باعث عذاب آخرت است؛ به گونه‌ای که در کتاب‌های فقه و حدیث، فصل‌های مفصلی در این زمینه نگارش یافته است. در این بخش نمونه‌هایی از این سفارش‌ها آورده شده است.

۱- بر صاحبان حیوانات لازم است که برای آنها وسایل زندگی و رفاه مانند؛ مسکن و آب و مواد غذایی فراهم کنند و بر چهارپایان بیش از اندازه-ی طاقت و توان آنها بار نگذارند و راه نبرند؛ یعنی با توجه به اندازه‌ی توان حیوانات از آنها استفاده کنند.

۲- در صورتی که چهارپایان بچه دارند، بر صاحبان آنها لازم است که تمام شیر آنها را ندوشند و به اندازه‌ای که برای بچه‌ی آنها کافی باشد، شیر در پستان باقی بگذارند.

۳- در صورتی که دوشیدن شیر برای حیوان ضرر داشته باشد، نباید شیر آن را بدوشند؛ مستحب است کسی که شیر حیوان را می‌دوشد، ناخن خود را کوتاه کند تا در موقع دوشیدن، برای حیوان ناراحتی ایجاد نکند.

۴- اگر کسی در جایی که آب پیدا نمی‌شود مقداری آب همراه دارد که اگر با آن وضو بگیرد، حیات یک حیوان بر اثر تشنگی به خطر می‌افتد،

در آیه‌ی ۱۱۹ سوره نساء از زبان شیطان رحیم آمده که: سخت گمراهشان کنم و به آرزوهای باطل و دور و دراز درافکنم و دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند (که اینها نصیب بتهاست) و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، و (ای بندگان بدانید) هر کس شیطان را دوست گیرد نه خدا را، سخت زیان کرده زبانی آشکار (و لَأُضِلَّهُمْ وَ لَأَمْنِيَهُمْ وَ لَأَمْرُهُمْ فَلْيَتَّكِنِ آذَانَ الْأَنْعَامِ وَ لَأَمْرُهُمْ فَلْيَغْيِرْ خَلْقَ اللَّهِ وَ مَنْ يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا).

این آیه اشاره به یکی از اعمال خرافی و زشت دوران جاهلیت است که در میان بت‌پرستان رواج داشت. آنان برای علامت‌گذاری، گوش بعضی از چهارپایان زنده را می‌شکافتند و یا به کلی قطع می‌کردند و سوار شدن بر آنرا ممنوع می‌دانستند و از آن استفاده نمی‌کردند و در واقع حلال خدا را حرام می‌کردند (فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۲۳۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۳، ص ۱۷۳). در آن دوره، برخی مردم شتری را که پنج بار زاییده و پنجمین بچه‌اش نر بود به گمان خود مورد احترام و تقدیس قرار داده و گوش حیوان را از بالا شکاف داده و یا آنرا می‌بریدند تا کسی او را نکشد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۵۶۶). بریدن گوش این حیوانات، بخشی از آیین بت‌پرستی به شمار می‌آمد؛ از این‌رو در این آیه، خداوند چنین سنت جاهلی را به رسمیت نشناخته و نتیجه‌اش حلال بودن این حیوانات می‌باشد که شامل گوش آنان نیز خواهد بود. نقل چنین بدعتی می‌تواند تنها برای نشان دادن یکی از راه‌های فریب شیطان از راه ترویج خرافه‌گرایی باشد.

در این سه آیه به سه نکته‌ی بسیار مهم اشاره شده است: نخست آنکه همه‌ی موجودات را دارای نظام اجتماعی برشمرده است، مانند انسان‌ها. البته با توجه به تفاوت‌هایی که در ذات



حتی برای شکننده‌ی یک تخم شترمرغ و قاتل یک کک، کفاره معین شده است.

۱۳- حمایت از حیات حیوانات گمشده و نجات آنها از مرگ.

۱۴- انداختن کالا به دریا برای حفظ حیوانات موجود در کشتی به منظور جلوگیری از غرق شدن آنها (حق حیات حیوان و حفظ آن).

۱۵- نداشتن جواز جداسازی قطعه‌های غضبی کشتی، در صورتی که این کار باعث غرق شدن کشتی حامل حیوانات شود (حق حیات حیوان و حفظ آن).

۱۶- نداشتن جواز جداسازی نخ‌های ترمیمی (بخیه) غضبی از بدن حیوان، در صورتی که این کار باعث مرگ یا آسیب دیدن آنها شود (حفظ سلامتی و بهداشت حیوان).

۱۷- لزوم پانسمان جراحات حیوان؛ هرچند مواد مصرفی متعلق به دیگری (غضبی) باشد (حفظ سلامتی حیوان).

۱۸- لزوم رهایی حیوان از ظرف یا مکان دیگری (غضبی) که در آنجا گرفتار شده است؛ هرچند منجر به تخریب آنها شود (آزادی حیوان).

۱۹- لزوم تأمین علوفه، آب و سایر نیازمندی‌های حیوانی که در اختیار دیگری قرار دارد (ودیعه)؛ هرچند مالک حیوان با این کار مخالف باشد (حقوق اساسی حیوان).

۲۰- براساس قوانین و منابع حقوق اسلامی، رفتار جنایت آمیز درباره‌ی حیوانات موجب پرداخت دیه می‌شود (حق حیات حیوان). این مسئله نشانگر ارزشمندی جان و سلامت اعضای بدن حیوانات حتی حیوانات نجس و عدم جواز تجاوز به آنها در اسلام است.

۲۱- با اینکه براساس احکام و قوانین اسلامی سگ نجس است؛ اما قوانین حمایتی و حیاتی اسلام شامل آن نیز می‌شود و آسیب رساندن به

باید آن آب را به حیوان بدهد و آن را از مردن نجات دهد و برای نماز تیمم کند.

۵- مالک زنبور عسل باید امکانات و وسایل رفاهی را برای آن فراهم کند. در زمان برداشتن عسل نیز نباید تمام عسل را برای خودش بردارد؛ بلکه باید به اندازه‌ی احتیاج آن حیوان، عسل در کندو باقی بگذارد؛ هرچند مستحب است که بیشتر از مقدار نیاز زنبور، برایش عسل باقی بگذارد.

۶- مالک کرم ابریشم باید نیازهای زندگی آن را تأمین، و غذایش (برگ توت) را به اندازه‌ی کافی فراهم آورد.

۷- در صورتی که مالک هر حیوانی به تأمین نیازهای آن اقدام نکند، بر حاکم لازم است که او را به این وظیفه اجبار کند؛ در صورتی که خود حاکم نتواند این کار را انجام دهد، باید افراد دیگر به این وظیفه اقدام، و حیات آن حیوان را حفظ کنند (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ ق، ج ۲، ص ۵۵ - ۵۶؛ اخوان، ۱۳۷۰).

۸- آزار رساندن به هر جاندار حرام گوشتی منع شده است؛ چه رسد به قتل؛ مگر حیوان مودی، که براساس برخی روایت‌ها، آن نیز باید به روشی مناسب از بین برود.

۹- کشتن حلال گوشت جایز نیست؛ مگر برای خوردن؛ آن هم به نحوه‌ی خاص.

۱۰- به بند کشیدن حیوانات و شکنجه‌ی آنها ممنوع است. همچنین تجاوز به حریم، اموال، بچه‌ها و تخریب خانه‌های آنها نیز نهی شده است.

۱۱- به متجاوز و خائن به حقوق حیوانات، اخطار و وعده‌ی عذاب و حسابرسی شدید در قیامت داده‌اند.

۱۲- کشتن حیوانات در برخی مکان‌ها و زمان‌ها (مانند حرم مکه و موسم حج برای محرم) ممنوع است؛ حتی برخی از حیوان‌های حلال گوشت؛



نهی از «به جان هم انداختن» حیوانات: رسول خاتم صلی الله علیه و آله از به جان هم انداختن حیوان‌ها نیز نهی کرده است: «خدای تعالی کسی را که حیوان‌ها را به جان هم می‌اندازد تا با هم بجنگند، لعن کرده است» (دمیری، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸؛ ج ۲، ص ۲۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۲۷؛ ناصف، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۵۱).

وجوب فراهم آوردن آب و علف مورد نیاز حیوانات: رسول خاتم صلی الله علیه و آله در روایتی، حقوق شش‌گانه‌ی حیوانات را برشمرده است. بخشی از این روایت، درباره‌ی حق آب و علف حیوان می‌باشد: «بر مالک چهارپایان واجب است که به آنها آب و علف بدهد؛ به خاطر حرمت روح که در حیوان می‌باشد» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۷).

نهی از زدن بر صورت حیوان و سوزاندن و داغ نهادن بر اعضایش: رسول رحمت از هر نوع شکنجه حیوان بسیار ناراحت می‌شدند و از این کار نهی می‌کردند: «از جمله حقوق حیوان بر صاحبش، این است که بر صورتش نزند؛ چون این حیوان نیز تسبیح و حمد خدای را می‌گوید» (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص ۴۵۵). پیامبر صلی الله علیه و آله از زدن و داغ نهادن بر صورت حیوانات نیز نهی کرده‌اند.

طبق روایت امیرالمؤمنین علیه السلام، رسول خاتم صلی الله علیه و آله فرمودند: «به صورت حیوان‌ها نزنید؛ چون هر موجودی، تسبیح‌گوی خداست. صورت آنها را داغ ننمایید؛ زیرا چه بسیارند مرکوب‌هایی که از راکبشان بهترند و بیش‌تر مطیع‌خدایند، و زیاده‌تر از کسی که بر آنها سوار است، خدا را یاد می‌کنند» (عرب باغی، ۱۳۲۹، ص ۴۸؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص

انواع سگ‌ها، موجب پرداخت دیه است (نظری توکلی، ۱۳۸۷، ص ۷۸-۷۹؛ اخوان، ۱۳۷۰).
۲۲- نهی از آلوده کردن محیط زیست؛ چه دریا و چه خشکی.

۴- سفارش و دستورهای رسول رحمت در دفاع و حمایت از حیوان‌ها

الف) سخنان و سفارش‌های مشترک و عام دستور به مهربانی با حیوانات و گرمی داشتن آنها: پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله درباره‌ی مدارا و مهربانی با حیوانات و نیز مراعات حال ضعیف‌شان هنگام سوار شدن و در مسیر حرکت، سفارش‌های بسیاری داشته‌اند؛ مانند: «خدا مدارا کردن را دوست دارد و بر انجام آن کمک می‌کند. پس هرگاه بر چهارپایان لاغر سوار شدید، آنها را در منزل‌هایشان (توقف گاه‌ها) فرود آورید. اگر زمین خشک و بی‌گیاه بود، با شتاب از آن بگذرید، و اگر سرزمین سرسبز و پرعلف بود، آنها را در آنجا استراحت دهید!» (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۳). براساس روایت دیگری، وقتی که از آن حضرت پرسیدند: ای رسول خدا! آیا حمایت از حیوان‌ها و مهربانی با آنها، ثوابی برای ما دارد، در جواب فرمودند: «حمایت از هر جگر "تری" (سیراب کردن هر تشنه‌ای) پاداشی نزد خدا دارد» (دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۸؛ زبیدی شافعی، ۱۳۴۶ق، ج ۲، ص ۱۱۴).

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شب معراج بر بهشت اطلاع یافتیم، در آنجا زنی زنا کار را دیدم. درباره‌ی او پرسیدم، گفته شد که او روزی گذرش به سگی افتاد که از شدت تشنگی زبانش بیرون افتاده بود، وی لباس خود را در چاه فرو برد، آب آن را در گلوئی سگ فشرد تا سیراب شود. بدین سبب خدا او را بخشید (الطوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۷).



هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۶۶؛ ابن حجر عسقلانی، بی تا، ج ۹، ص ۵۵۴).

دستور به فراهم ساختن جای مناسب برای استراحت حیوان: پیامبر صلی الله علیه و آله درباره مکان استراحت گوسفند فرموده‌اند: جایگاه و خوابگاه گوسفندها را تمیز کنید و گرد و خاک آنها را بزدایید؛ زیرا آنها از حیوان‌های بهشتی‌اند (برقی، ۱۴۱۳ق، ص ۴۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۱۵۰). حضرت در روایت دیگری فرمودند: «خاک زیر پا و محل استراحت گوسفندان را عوض کنید؛ زیرا آنها از حیوان‌های بهشتی هستند» (برقی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۴۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۱، ص ۱۵۰).

ب) سخنان و سفارش‌های اختصاصی پیامبر صلی الله علیه و آله

سفارش‌های مخصوص حیوانات باربر

نهی از بار بیش از قدرت حیوان: حضرت علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: حیوان، شش حق بر صاحبش دارد: وقتی که پیاده شد، برای او علف بگذارد؛ هر وقت از آبی عبور کرد، درنگ کند و آب را به او نشان دهد؛ به صورتش نزند؛ زیرا که تسبیح پروردگار می‌گوید؛ پشت او را چون مجلس و میلان و جایگاه برای سخنرانی نکند؛ مگر در راه خدا؛ بیش از توان، بارش نکند؛ بیش از قدرت و طاقت از او سواری نگیرد (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۰۱ و ۲۱۰).

تعیین جای بار بر پشت حیوان جهت راحتی حیوان: پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی حیوانات باربر اینگونه سفارش کرده‌اند: بار حیوانات را عقب‌تر بگذارید؛ زیرا اگر جلو باشد، خوب راه نمی‌روند؛ چون ساختار بدنشان طوری است که پاهای عقبشان بیش‌تر تحمل بار

۶۶ و ۶۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۰ و ۲۱۷).

امام صادق از پدر بزرگوارش نقل کردند که نبی خاتم صلی الله علیه و آله از نشانه و داغ کردن صورت چهارپایان و نیز از زدن بر صورتشان نهی فرمودند؛ زیرا آنها تسبیح پروردگارش را می‌گویند (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۳، ص ۱۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۲۸). رسول رحمت از آزار و شکنجه حیوان با آتش نهی کرد و فرمود: «هیچ کس نمی‌تواند با آتش، حیوانی را شکنجه و عذاب نماید؛ مگر خدای متعال» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۴۴).

نهی از نفرین و ناسزاگویی به حیوان: رسول خاتم صلی الله علیه و آله افزون بر آنکه به مدارا و مهربانی با حیوانات سفارش و از آزارشان نهی می‌کردند، حتی از ناسزاگویی به آنها نیز نهی می‌فرمودند و در مقابل چنین ناسزاگویانی عکس‌العمل نشان داده، یا به آنان تذکر می‌دادند و یا در صورت لزوم برخورد می‌کردند و با آنان راه نمی‌رفتند. در روایات آمده است: پیامبر صلی الله علیه و آله از بدگویی و ناسزا به خروس نهی می‌کرد و می‌فرمود: به خروس ناسزا نگویند؛ زیرا خروس انسان را برای نماز و دعا بیدار می‌کند (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۴، ص ۳؛ زبیدی شافعی، ۱۳۴۶ق، ج ۴، ص ۱۸۰؛ طبرسی، ۱۳۹۲ق، ص ۴۲۵). انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «به صورت حیوان‌ها نزنید و آنها را لعن ننمایید؛ چون خدای عزوجل بر لعن کننده حیوان‌ها لعن و از خیر و رحمتش به دور می‌کند» (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۸).

لعنت نمودن بر کسانی که اعضای بدن حیوان را می‌برند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله افرادی را که اعضای حیوانات را قطع می‌کنند، لعن فرموده‌اند: «لعنت و نفرین و عذاب خدا بر کسی که حیوان را مثله می‌کند» (متقی



ص ۲۱۹-۲۲۰؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، ص ۶۴؛ زبیدی شافعی، ۱۳۴۶ ق، ج ۲، ص ۱۱۵).

نهی از سوار شدن چند نفر بر حیوان: نبی خاتم صلی الله علیه و آله از سوار شدن سه نفر بر پشت یک حیوان نهی فرمود (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۴، ص ۲۱۶؛ دمیری، بی تا، ج ۱، ص ۲۲۱). حضرت علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: سه نفر بر پشت حیوان سوار نشوید؛ زیرا در این صورت یکی از آنان لعن شده است (مجلسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۲، ص ۴۵۹).

دستور به مراعات حال مرکوب لاغر هنگام سوار شدن: رسول خدا صلی الله علیه و آله به مدارا و مهربانی کردن با حیوان ضعیف در زمان سوار شدن سفارش کرده‌اند: هرگاه بر چهارپایان لاغر سوار شدید، آنها را در منزل‌هایشان (توقف گاه‌ها) فرود آورید! اگر زمین خشک و بی‌گیاه بود، با شتاب از آن بگذرید و اگر زمین سرسبز و پرغلف بود، آنها را در آنجا استراحت دهید (صدوق، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۴، ص ۲۱۳).

دستور به بردن حیوان از راه‌های هموار و آسان: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی نیکو، اینگونه به یکی دیگر از حقوق مرکوب اشاره کرده‌اند: هر وقتی که یکی از شما بر حیوانی سوار شد، آن را از راه‌های هموار و آسان ببرد و آن را به راه‌های دشوار و سخت نکشاند (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، ص ۶۲).

تشویق و بشارت به کسی که هنگام گذر از گردنه از حیوان پیاده شود: از سفارش‌های نبی خاتم صلی الله علیه و آله درباره حیوانات سواری این بود که: کسی که در گردنه (سربالایی) از مرکب خود پیاده شود و پشت سر آن راه برود، همچون کسی است که بنده‌ای را در

سنگین را دارد و راحت‌تر راه می‌رود (صدوق، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۹۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۴، ص ۲۱۵؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، ص ۶۲).

❖ سفارش‌های مخصوص حیوانات سواری

نهی از سواری خواستن بیش از توان حیوان: پیامبر صلی الله علیه و آله یکی دیگر از حقوق حیوانات در هنگام سوار شدن بر صاحبش را اینگونه بیان کرده‌اند: بیش از قدرت و طاقت حیوان، از او سواری نگیرد (صدوق، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۴، ص ۲۰۱ و ۲۱۰؛ حرّ عاملی، ۱۴۱۸ ق، ج ۳، ص ۳۴۸).

نهی از ناموزون و کج سوار شدن بر حیوان: رسول رحمت درباره‌ی کیفیت نشستن و سوار شدن بر مرکوب می‌فرمود: به طور ناموزون و نامناسب در حالی که پاهایتان را روی هم انداخته‌اید، بر حیوان‌ها سوار نشوید و پشت آنها را محفل و مجلس‌گفتمان خود نسازید؛ یعنی در حالی که ایستاده‌اند، همچنان بر پشت آنها سوار نشوید و مشغول سخن گفتن؛ بلکه پایین بیایید و با هم صحبت کنید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۴، ص ۲۱۴؛ مجلسی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۲، ص ۴۵۶؛ صدوق، ۱۴۱۰ ق، ج ۲، ص ۱۸۸) همچنین فرمودند: در حق این حیوانات زبان بسته، از عذاب خدا بترسید؛ به طور شایسته‌ای بر آنها سوار شوید (متقی هندی، ۱۴۰۹ ق، ج ۹، ص ۶۲ و ۶۷).

نهی از نشستن طولانی بر پشت حیوانات: سفارش همیشگی رسول خاتم صلی الله علیه و آله این بود که: «پشت مرکبتان را همچون منبر سخنرانی قرار ندهید! خداوند آنها را برای شما تسخیر کرده تا شما را در راه‌های سخت به منزل برساند. پیاده شوید و بر روی زمین با هم سخن بگویید (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۶۴،



کنید (زبیدی شافعی، ۱۳۴۶ق، ج ۲، ص ۱۰۶). از منظر پیامبر صلی الله علیه و آله، حیوان هر اندازه هم کوچک باشد، خردی او دلیلی بر رعایت نکردن حقوق آن حیوان نیست؛ بلکه باید حق او را نیز به خوبی ادا کرد؛ حتی اگر یک گنجشک کوچک باشد؛ هر کسی گنجشکی را بدون رعایت حق آن بکشد، خدای تعالی در روز قیامت از او بازخواست خواهد کرد. سؤال شد که ای رسول خدا! حق آن گنجشک چیست؟ فرمود: اینکه او را ذبح کند، نه اینکه گردنش را بگیرد و سرش را بکند و پرت نماید (دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۱۲۰؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۳۰۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۷ و ۴۰). همچنین در روایتی نقل شده است قصابی درب طویله گوسفندش را باز کرد تا آن را ببرد و سرش را ببرد. ناگهان گوسفند گریخت و خود را به رسول رحمت رساند و به دنبال ایشان به راه افتاد. قصاب او را به چنگ آورد و پایش را گرفته و روی زمین می‌کشید! رسول خدا صلی الله علیه و آله ابتدا خطاب به گوسفند فرمودند: بر فرمان خدا، صبر پیشه کن و بعد هم خطاب به قصاب فرمودند: و اما شما هم ای قصاب او را با مهربانی و ملایمت به سوی مرگ ببر (صنعانی، بی تا، ج ۴، ص ۴۹۳).

نهی از ذبح کردن شبانه پرنده‌ای که در آشیانه خوابیده: امام صادق علیه السلام نقل می‌کنند که پیامبر صلی الله علیه و آله از بیرون کشیدن جوجه و مرغ از آشیانه و نیز در هنگام خوابشان، نهی فرموده‌اند (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۲۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۵۶). در روایت دیگری از گرفتن پرنده‌ها در شب منع کرد و فرمود: شب امان پرنده‌هاست و در این وقت در امانند (هیثمی، ۱۶۹۷م، ج ۴، ص ۳؛ مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۵۶).

راه خدا آزاد کرده باشد (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۶۹؛ دمیری، بی تا، ج ۱، ص ۳۶۶).
امر به فرصت دادن به حیوان برای چریدن در زمان عبور از مرغزارها و چراگاه‌ها: پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: هر موقعی که بر این حیوان‌ها سوار می‌شوید، در طول طریق، حقتان را (در منازل و توقف گاه‌ها) رعایت نمایید و مانند شیاطین بر آنها سوار نشوید (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۶۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۱).

دادن آب و علف به حیوان بعد از پیاده شدن: رسول رحمت درباره مرکب خسته چنین سفارش کرده‌اند: هر کسی از شما مسافرت کرد و مرکوبش یک حیوان بود، بعد از آنکه از حیوان پیاده شد، نخستین کاری که می‌کند، آب و علف دادن به آن حیوان باشد (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۹).

❖ **سفارش‌های مخصوص حیوانات و پرندگان که ذبح می‌شوند**

حقوق مذبوح و شرایط ذبح (کیفیت ذبح): پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی حیوانات قابل ذبح چنین سفارش کرده‌اند: در حق این حیوانات زبان بسته، از عذاب خدا بترسید و حلال آن را نیز به گونه‌ای شایسته بخورید و ذبح کنید، چاق و پروار آنها را بخورید، درباره‌ی حیوانات، از عذاب خدا بترسید، چاقشان را بخورید و بر سالم و سزاوارشان سوار شوید (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۶۲). پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله اینگونه به حقوق حیوان مذبوح تصریح کرده‌اند: خداوند احسان و نیکوکاری را بر همه چیز نوشته است؛ پس شما هم هر زمانی که می‌خواهید حیوانی را بکشید، به طور شایسته‌ای بکشید و هر وقت که می‌خواهید ذبح کنید، نیکو ذبح نمایید، کارد را تیز کرده و ذبیحه را زود راحت



❖ مخصوص حیوانات بچه‌دار

نهی از دوشیدن تمام شیر حیوان و سهم نوزاد: یکی از یاران آن حضرت می‌گوید: یک شتر شیرده را به رسول خدا هدیه دادند. ایشان مرا امر فرمودند تا آن را بدوشم. بنده نیز آن را دوشیدم؛ البته در دوشیدن تلاش زیادی کردم و سخت آن را دوشیدم؛ وقتی آن جناب این زیاده روی مرا در دوشیدن دید، فرمود: اینگونه ندوش و برای بچه‌ی او نیز سهمی باقی بگذار (دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۳۱۸؛ بیهقی، بی تا، ج ۶، ص ۱۳۱).

جلوگیری از جدایی (دائمی) بین مادر و بچه اش: پیامبر صلی الله علیه و آله درباره‌ی مادران و نوزادان این چنین سفارش کرده‌اند: «مادران را حیران و واله‌ی بچه‌هایشان نکنید؛ بین مادر و فرزندش جدایی نیندازید که حیران می‌شوند (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۹، ص ۷۵). در روایتی از ابن مسعود نقل شده است: در خدمت رسول خدا به جایی می‌رفتیم. یکی از همراهان وارد جنگلی شده و تخم‌های پرنده‌ای را با خود آورد. پرنده‌ی مادر به دنبال ما آمده، بر گرد سر رسول خدا صلی الله علیه و آله و ما می‌چرخید و بال بال می‌زد. وقتی که پیامبر این صحنه را دید، فرمودند: کدام یک از شما، این پرنده را آزرده و مصیبت زده کرده است؟ مردی از میان گفت: من یا رسول الله تخم‌های (طبق روایتی دیگر، جوجه) او را برداشته‌ام. حضرت رسول به خاطر رحم کردن بر آن پرنده فرمودند: تخم‌ها (یا جوجه‌هایش) را به او برگردانید (دمیری، بی تا، ج ۱، ص ۲۶۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۷۱ و ۷۲).

❖ سفارش‌های مخصوص حیوانات خاص

نهی از بستن و زندان کردن سگ: رسول خاتم صلی الله علیه و آله از اسیر کردن حیوانات

ناراحت می‌شدند و از این کار برحذر می‌داشتند؛ حتی اسارت سگ را کاری نادرست دانسته و باعث نقص خیرات و عذاب آخرت شمرده‌اند. ایشان در این زمینه فرموده‌اند: کسی که سگی را ببندد و نگه دارد (اسیر نماید)، هر روز از عمل او، قیراطی (و طبق برخی روایات، دو قیراط) کم می‌شود؛ به جز این سگ‌ها که بستن آنها جایز است: سگ موزی و خطرناک، سگ شکاری، سگ حافظ زراعت یا حافظ گوسفند و در روایت دیگر و سگ نگهبان خانه (بخاری، ۱۴۰۱ق، ج ۳، ص ۶۷؛ حنبل، بی تا، ج ۲، ص ۳۷ و ۶۰).

از بین بردن حیوان موزی جایز است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۶۹؛ دمیری، بی تا، ج ۱، ص ۲۱۵ و ۳۸۳) و یکی از این حیوانات سگ هار است؛ اما اسلام تأکید دارد که جایز نیست همین سگ مؤذی را حبس کنند تا از گرسنگی و تشنگی بمیرد؛ بلکه باید آن را به طور مناسبی از بین ببرند. نکته‌ی دیگر، اینکه، در اسلام، کشتن سگ‌ها نیز دیه دارد؛ دیه‌ی سگ شکاری چهل درهم و دیه‌ی سگ نگهبان بیست درهم است (صدوق، ۱۴۱۵ق، ص ۵۳۴).

بر حذر داشتن از به بند کشیدن گربه و حبس آن: رسول خدا صلی الله علیه و آله در سخنی دیگر، حبس حیوان را باعث عذاب شدید آخرت بیان کرده‌اند. ایشان در جریان سفر معراج فرمودند: در شب معراج بر آتش دوزخ اطلاع یافتم، در آنجا دیدم زنی عذاب می‌شود، درباره‌ی او پرسیدم، گفته شد سبب کیفر دیدن او این است که او گربه‌ای را بسته بود؛ بدون آنکه آب و غذایی به او بدهد یا آزادش نماید تا خودش چیزی پیدا کند و بخورد تا اینکه مرده است بدین سبب خدا او را کیفر می‌دهد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۶۸؛ الطوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۶، ص ۴۷).



داده و آنان را از محاکمه‌ی آخرت باخبر ساخته است: هر حیوانی، پرنده یا غیرپرنده که به ناحق کشته شود، در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد کرد (محمدی ری شهری، ۱۳۷۹، ج ۳، ص ۱۳۴۶).

حضرت در کلامی دیگر، به طور مشخص به کشندگان پرنده‌ها، به ویژه گنجشک اشاره کرده- اند: اگر کسی گنجشکی را بیهوده بکشد، آن گنجشک در روز قیامت در پیشگاه خدا فریاد می‌زند و شکایت می‌کند که: فلانی مرا بیهوده کشت؛ بدون آنکه از این کشتن، سودی ببرد و نگذاشت که از حشرات زمین، استفاده نمایم و چیزی بخورم. طبق روایت دیگری، شکوه می‌کند و می‌گوید: خدایا از این قاتل من، بپرس که چرا بی‌جهت مرا کشت؟ (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۱، ص ۳۰۶؛ ج ۶۴، ص ۴؛ متقی هندی، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۳۷-۳۸).

نهی از شکار شبانه پرنده‌گان و تیراندازی به جوجه‌هایشان: پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله در مورد شکار پرنده‌گان سفارش‌هایی کرده‌اند تا حقوق آنها در حد امکان رعایت شود. یکی از آن سفارش‌ها، روایتی است که امام صادق علیه- السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند: شبانگهان، جوجه را از آشیانه‌اش در نکشید؛ چه اینکه پرنده را برای سر بردن هنگام خوابش از لانه بیرون نیاورید تا اینکه صبح شود. مردی سؤال کرد که «هنگام خوابش» چه وقتی است؟ آن حضرت فرمود: شب، هنگام خواب اوست. بنابراین شبانه به سراغش نروید تا اینکه صبح شود و همین طور جوجه‌ی پرنده‌گان را در لانه‌شان و قبل از پر درآوردن و پرواز کردن شکار نکنید (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۶، ص ۲۱۶؛ مجلسی، ۱۴۰۹، ج ۲۱، ص ۳۵۶).

هشدار به شکارچیان: رسول رحمت در برخی از سخنانشان، از آسیب شکار کردن برای

دستور به رعایت حقوق اسب در وقت پیرایش: رسول رحمت درباره‌ی آرایش و پیرایش می‌فرمودند: موی پیشانی اسبان را نچینید؛ زیرا خیر در آنهاست. موی یال آنها را مچینید؛ چون آنها را گرم می‌نماید. دم آنها را کوتاه نکنید؛ زیرا که پشه‌پران آنهاست (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۱۷۳؛ ابن اثیر، بی تا، ج ۳، ص ۳۵۲ و ۳۶۳).

تشویق به پاک کردن جو برای اسب: از حضرت علی علیه السلام نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: تا قیامت قیامت، خیر بر پیشانی اسبان بسته شده. کسی که برای رضای خدا از اسبی نگهداری کند، تمیز کردن استراحتگاه و دادن آب و علف به آن حیوان، در روز قیامت جزء اعمال نیک او محاسبه می‌شود؛ به بیانی دیگر، کسی که اسبی را برای رضای خدا به استراحتگاهش ببرد و به او آب و علف بدهد؛ و جایش را جارو نماید، آن آب و علف و زحمات در ترازوی حسناتش در روز قیامت، سنگینی خواهد کرد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۱۶۵؛ طبرانی، ۱۴۰۵، ج ۷، ص ۹۷).

یکی از اصحاب را دیدند که خودش جوهایی اسبش را پاک می‌کند، به او گفتند: چرا نمی‌گذاری تا دیگران این کار را بکنند؟ گفت: از پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمود: مردی نیست که خودش برای اسبش جوها را پاک کند؛ مگر آنکه خداوند به قدر هردانه‌ای، حسنه‌ای برایش می‌نویسد (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۴، ص ۱۷۷؛ دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۲۱۱).

❖ مخصوص پرنده‌گان

نهی از کشتن پرنده و اخطار به محاکمه قاتل: پیامبر رحمت به کسانی که بیهوده جانداران را به قتل می‌رسانند هشدار سخت



برای خوردن باشد (دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۳؛ کتانی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶)؛ البته این کشتن نیز شرایط نیکویی دارد (مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۶۹).

❖ سفارش‌های مخصوص آبیان

پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله برای آبیان حقوقی برشمرده‌اند و به دیگران نیز سفارش کرده‌اند تا آنان را اذیت نکنند. گاهی آن سفارش‌ها به طور عمومی و در مورد رعایت حقوق تمام ساکنان آسمان و زمین و آبیان بوده و گاهی نیز به طور خاص از آنها نام برده‌اند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: آب هم ساکنانی و آبیانی دارد؛ با ادرار کردن در آب، آنان را اذیت نکنید (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱، ص ۲۷۱؛ عرب باغی، ۱۳۲۹، ص ۴۵).

نهی از قتل قورباغه و تعیین جریمه برای قاتل: جابر از نبی خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است: هر کس قورباغه‌ای را بکشد چه در حال احرام باشد یا نباشد باید یک گوسفند کفاره بدهد (دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۸۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۹۵). همچنین فرموده‌اند: قورباغه‌ها را نکشید؛ چون غرغر کردن و صداکشیدن او تسبیح خداست (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۹۴).

روایت شده است یک پزشک در محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله، از قورباغه و استفاده‌ی دارویی از آن سخن به میان آورد. آن حضرت بی‌درنگ، آن پزشک را از کشتن قورباغه نهی فرمود (جوزیه، بی تا، ص ۱۲۲ و ۲۹۴؛ دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۸۶).

❖ **سفارش‌های مخصوص حشرات، موجودات شبگرد و ذره بینی**

شکارچی سخن گفته‌اند و پیامدهای آن را نیز بیان کرده‌اند. ایشان درباره‌ی اصل شکار کردن می‌فرمایند: هر کسی به دنبال شکار رود (شکارچی)، غافل می‌گردد (قضاعی، ۱۳۶۱، ص ۴۴۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۵، ص ۲۸۱).

براساس روایتی آن حضرت فرموده‌اند: هیچ شکاری صید نمی‌شود، مگر اینکه یک تسبیح-گوی کم می‌شود؛ خدای متعال هیچ نبات و گیاهی را نمی‌رویاند، مگر اینکه یک فرشته را بر آن می‌گمارد؛ فرشته‌ای که تسبیح و ذکر آن گیاه را تا روز قیامت بشمارد و بنگارد؛ شاخ و برگ هیچ درختی ریخته نمی‌شود و هیچ درختی قطع نمی‌گردد، مگر به نقص تسبیح (دمیری، ج ۲، ص ۱۷۶؛ متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۴۴-۴۴۵؛ ج ۲، ص ۲۵۴).

پیامبر صلی الله علیه و آله از شکار کردن در ایام تولیدمثل حیوان نهی می‌فرمودند (کتانی، بی تا، ج ۲، ص ۶۶).

نهی از کشتن چند جنبنده و پرنده خاص: از امام صادق و امام رضا علیهما السلام با اندکی تفاوت نقل شده است: رسول خاتم صلی الله علیه و آله از قتل شش موجود زنده نهی فرمودند: زنبور عسل، مورچه، قورباغه، مرغ سبزک (سبزقبا)، هدهد (شانه به سر) و پرستو (دمیری، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۴؛ ج ۲، ص ۸۶، ۲۰۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۴۴، ۲۹۱ و ۲۹۴).

نهی از کشتن جانداران؛ به جز مودّی: ابن عباس می‌گوید: رسول خاتم صلی الله علیه و آله از کشتن هر جاندار نهی فرمود؛ مگر آنکه جانور مودّی باشد و آزار برساند آن هم به روشی نیکو. (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۹؛ سیوطی، ۱۴۰۱ق، ج ۲، ص ۷۰۲). رسول خاتم صلی الله علیه و آله در روایت دیگری، از کشتن حیوانات نهی فرمودند مگر آنکه حیوان حلال گوشت و



نهی از کشتن مورچه و آتش زدن لانه‌اش: رسول مهربانی بارها از کشتن مورچه نهی کرده- اند؛ گاهی به تنهایی و در برخی موارد در کنار نام زنبور عسل و چند پرنده‌ی دیگر از کشتن آن نهی کرده است. انس بن مالک می‌گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مورچه را نکشید (دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۳۶۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۲۴ و ۲۹۱).

نتیجه گیری

حیوانات در زندگی روزمره‌ی ما نقش بسیار مهمی دارند. در آیات قرآن کریم و روایات معصومین (ع) به حیوانات و حقوق آنان اشاره شده است از قبیل: حق حیات و نفقه و بهداشت و غیره. همچنین، در این پژوهش دیدگاه رسول خاتم صلی الله علیه و آله درباره‌ی حقوق انواع حیوانات مورد بررسی قرار گرفت. از موجودات ذره‌بینی تا غول پیکر، از اهلی تا وحشی، از درنده تا گزنده و چرنده و پرنده و آبری و خشک‌زی، همه و همه از نگاه مهربان ایشان پنهان نماندند. با قاتلان حیوانات وعده برخورد دنیوی و اخروی داد. برای کشته‌ی یک قورباغه جریمه تعیین فرمود و برای قاتل یک گنجشک، محاکمه در قیامت. از محل خواب، خوراک، علف، و تمام مواد و ضروریات زندگی حیوان سخن و سفارش فرمود. از مهربانی با حیوانات تعریف نمود و همه را به رعایت حال حیوانات و شکنجه نکردن آنها تشویق و ترغیب فرمود. با این وصف، چنین رسول مهربانی که این همه به حیات و حقوق حیوانات سفارش و عمل می‌نماید؛ نسبت به انسان چقدر مهربان است تنها خدای بزرگ می‌داند و بس؛ به همین دلیل خدا در وصفش فرمود: تو را رحمتی برای جمیع جوامع فرستادم (حتی جوامع حیوانی).

هشدار به مزاحمان موجودات ذره بینی و شبگرد: امام صادق علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند: وقتی که پاسی از شب بگذرد، کمتر بیرون بروید و از تردهای غیرضروری در معابر بپرهیزید؛ زیرا خداوند ریزموجوداتی دارد که در آن ساعت، آنها را در زمین می‌پراکند؛ یعنی ممکن است که آنها را نبینید و زیر پایتان کشته و لگدمال شوند؛ چون برخی از موجودات در روز از لانه خود بیرون نمی‌آیند و شب هنگام، بیرون آمده و به دنبال روزی می‌افتند (مفید، ۱۴۱۴ ق، ص ۶۴؛ مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷۳، ص ۲۶۴).

نهی از کشتن زنبور و آتش زدن لانه آن: براساس روایت‌های بسیاری، رسول رحمت از کشته شدن زنبور عسل نهی فرموده است (عرب باغی، ۱۳۲۹، ص ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۴۴، ۲۹۱ و ۲۹۴). انس بن مالک نقل کرده است: پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله هرگز دوست نداشت که لانه‌ی زنبور بی‌عسل را هم با آتش بسوزانند (دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۱۰).

نهی از غارت اموال (دسترنج) مورچه: پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله نگران نابودی اموال و از بین رفتن زحمت ریزموجودات نیز بود؛ به گونه‌ای که درباره‌ی آنها سفارش می‌کرد. امام صادق علیه السلام در این زمینه می‌فرماید: رسول خدا نهی فرمود از اینکه آنچه را که مورچه با دست و دهان حمل می‌کند، از چنگش بگیرند و بخورند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۶۱؛ دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۳۷۰). همچنین امام علی بن ابی طالب علیه السلام فرمودند: به خدا قسم اگر همه‌ی آسمان‌ها و زمین را به من ببخشند و در مقابل این عطا، از من بخواهند تا با گرفتن پوست یک جو از دهان مورچه‌ای عصیان کنم، چنین نخواهم کرد (نهج البلاغه، خ ۲۲۴).



منابع

۱. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی (بی تا)، فتح الباری بشرح صحیح البخاری، ط. الثانية، بیروت، دارالمعرفة.
۲. ابن حنبل، احمد (بی تا)، مسند احمد، بیروت، دار صادر.
۳. ابن اثیر، عزالدین بن حسن (بی تا)، اسدالغابة، قم، اسماعیلیان.
۴. اخوان، عبدالحمید (۱۳۷۰)، «تگرشی به حقوق حیوان در رابطه با انسان در اسلام»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال سی و یک، ش ۸، ص ۷۲-۷۳.
۵. برگزیده تفسیر نمونه، ناصر مکارم شیرازی و جمعی از فضلا (۱۳۸۶ ش)، تنظیم احمد علی بابایی، تهران: دارالکتب اسلامیه.
۶. برقی، احمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، المحاسن، تحقیق سیدمهدی رجایی، قم، المعاونة الثقافية للمجمع العالمي لأهل البيت.
۷. بیهقی، ابی بکر (بی تا)، معرفة السنن والآثار، بیروت، دارالکتب العلمیة.
۸. بخاری، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۱ق)، صحیح بخاری، بیروت، دارالفکر.
۹. تفسیر نور، محسن قرائتی (۱۳۸۳ ش)، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۱۰. جوادى آملی، عبدالله (۱۳۹۱) مفاتیح الحیاة، قم، اسراء، دهم، ص ۶۴۵.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۸ق)، الفصول المهمة فی اصول الأئمة؛ تكملة الوسائل، تحقیق و اشراف محمد قاینی، قم، مؤسسه امام رضا علیه السلام.
۱۲. حسینی، سید هادی (۱۳۹۱)، حقوق حیوانات، فصلنامه تخصصی اسلام پژوهان، شماره دوم، ۱۱۱-۱۲۱.
۱۳. دمیری، کمال الدین (بی تا)، حیاة الحیوان الکبری، بیروت، دارالفکر.
۱۴. زبیدی شافعی، عبدالرحمن (۱۳۴۶ق)، تیسیر الوصول الی جامع الاصول من حدیث الرسول، مصر، السلفية.
۱۵. زمخشری، محمود، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۱، ص ۵۶۶، بیروت، دار الکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ق.
۱۶. سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۱ق)، الجامع الصغیر، بیروت، دارالفکر للطباعة والنشر والتوزیع.
۱۷. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۰ق)، من لا یحضره الفقیه، تعلیقه و تصحیح سیدحسین موسوی خراسانی، تهران، دارالکتب الاسلامیه. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۵ق)، مقنع، قم، الیهادی.
۱۸. صنعانی، ابی بکر عبدالرزاق (بی تا)، المصنف، بی جا، منشورات المجلس العلمی.
۱۹. طبرانی، سلیمان بن احمد (۱۴۰۵ق)، المعجم الکبیر، تحقیق و تخریج حمدی عبدالمجید السلفی، ط. الثانية، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۷۳، تهران، ناصر خسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش.
۲۱. الطوسی، محمد بن الحسن (۱۳۸۷ ق)، شیخ الطائفه، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران، مکتبه مرتضویه، ج ۶، ص ۴۷.
۲۲. عرب باغی، سیدحسین آقا (۱۳۲۹)، دعائم الاسلام، ج دوم، تهران، چاپخانه آفتاب.
۲۳. فیض کاشانی، ملا محسن (۱۴۱۸ق)، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۳۹، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول.
۲۴. قمی، شیخ عباس (۱۴۱۴ق)، سفینه البحار، بیروت، دارالاسوة للطباعة و النشر.
۲۵. قضاعی، قاضی (۱۳۶۱)، شهاب الاخبار؛ کلمات کوتاه پیغمبر خاتم صلی الله علیه و آله، با شرح فارسی سیدجلال الدین ارموی محدث، ج دوم، تهران، علمی و فرهنگی.
۲۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷)، الکافی، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، ط. الثالثة، تهران، دارالکتب الإسلامیة.
۲۷. کنانی، سیدمحمد عبدالحی (بی تا)، نظام الحکومة النبویة، ط. الثانية، بیروت، دارالارقم.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۹)، میزان الحکمة، قم، دارالحدیث.
۲۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، ط. الثالثة، بیروت، مؤسسه الوفا.
۳۰. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۹ق)، مراه العقول، تهران، دارالکتب الاسلامیة.
۳۱. متقی هندی، حسام الدین (۱۴۰۹ق)، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرسالة.
۳۲. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۴ق)، المزار، تحقیق سیدمحمدباقر ابطحی، ط. الثانية، بیروت، دارالمفید للطباعة و النشر والتوزیع.
۳۳. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل الی مستنبط المسائل، قم، مؤسسه آل البيت لأحیاء التراث.
۳۴. نظری توکلی، سعید، حیوانات؛ قوانین حمایتی و حدود بهره وری در اسلام، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۷ ش.
۳۵. ناصف، شیخ منصور علی (۱۴۰۶ق)، التاج الجامع للاصول فی احادیث الرسول، بیروت، دارالفکر.
۳۶. نهج البلاغه (۱۳۷۳)، ترجمه سیدجعفر شهیدی، ج پنجم، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۳۷. هیثمی، حافظ نورالدین علی (۱۹۶۷م)، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، ط. الثانية، بیروت، دارالکتب.

جستارهایی بر پایه‌های دانش اخلاق زیست محیطی در قرآن

بتول میرزایی پور

دبیر رسمی آموزش و پرورش شهرستان زرنند، استان کرمان (نویسنده مسئول: batoulmirzaripur@yahoo.com)

چکیده

بشر امروز از آثار سوء تخریب بی رویه محیط زیست، شامل آلودگی آب، خاک و هوا و طبیعت به خوبی آگاه شده است و در صدد راه حل آن بر آمده است. با توجه به اهمیت این مشکل، استفاده از قرآن برای حل آن یک ضرورت است. چون قرآن کتاب جامع زندگی و هدایت انسان بسوی تأمین نیازهای دنیوی و اخروی اوست. قرآن کریم به نیازهای اخلاقی انسان سخت توجه کرده است. اهمیت پرورش این بعد تا آنجاست که پیامبر(ص) هدف بعثت خود را تکمیل اخلاق انسان‌ها می‌داند. کسانی که سعی دارند اخلاق زیست محیطی را از دین جدا کنند و به طور مستقل در تکمیل آن بکوشند، کاملاً در اشتباهند. چرا که چنین اخلاقی پایه و اساسی برای تعهد و التزام و مسئولیت ندارد. در مکاتب توحیدی، اصول حاکم بر ارتباطات متقابل انسان با عوامل محیطی در چارچوب دین الهی تعیین می‌گردد. بنابراین، اخلاق زیست محیطی با پشتوانه دینی در عین آنکه به ارتباطات انسان با طبیعت معنی می‌بخشد، این ارتباطات را آرمان ساز، شورانگیز و تعهد آور می‌نماید. هدف این تحقیق بررسی جستارهایی بر پایه‌های دانش اخلاق زیست محیطی در قرآن انجام می‌شود. روش این تحقیق توصیفی و گردآوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای و با استفاده از مطالعه کتاب، منابع اینترنتی، مقالات منتشر شده در مجلات علمی و استفاده از تفاسیر قرآن است. و این پژوهش در پی پاسخگویی به این سوال اصلی است: چگونه الگوهای اخلاقی برآمده از قرآن کریم سبب ایجاد و ارتقاء اخلاق زیست محیط می‌شود؟ فرضیه بر این است که درک انسان از هستی، از نگاه قرآن سبب ارتقاء اخلاق زیست محیط می‌شود.

واژگان کلیدی: قرآن، اخلاق زیست محیطی، محیط زیست

مقدمه

پذیرش خالی نبودن طبیعت از ارزش را میتوان سرآغاز اخلاق زیست محیطی دانست. اخلاق زیست محیطی بر این ایده استوار است که اخلاق باید به شکلی گسترش یابد تا روابط انسان‌ها و طبیعت را نیز شامل شود. عده‌ای بر این باورند که بررسی روابط با محیط زیست در قالب مسایل اخلاقی، به عصر حاضر مربوط می‌شود و شروع حمایت از اخلاق زیست محیطی را می‌توان از دهه ۱۹۶۰ میلادی دانست که با رشد پذیرش جنبش زیست محیطی، همراه بوده است (شفیعی، مازندرانی، ۱۳۹۳: ۵۲). اخلاق زیست محیطی، شاخه‌ای از فلسفه کاربردی و از حیطه‌های اساسی اخلاق زیستی

اخلاق زیست محیطی بخشی از اخلاق کاربردی است و شامل زیر مجموعه‌هایی مثل اخلاق و حیوانات، اخلاق و گیاهان، اخلاق و زمین، اخلاق و هوا و... می‌شود. اراده و اختیار و آزادی شرط اصلی یک فاعل اخلاقی است و این عناصر در نظام فکری ما مصداقی به جز انسان ندارد، پس اخلاق صرفاً برای انسان‌ها قابل تعریف است. اخلاق زیست محیطی در وسیع‌ترین معنای خود، عبارت است از مطالعه‌ی روابط ما با هر چیزی که بتواند بخشی از محیط زیست یک فاعل اخلاقی یعنی کسی که برای او سؤال از درست و نادرست مطرح است - باشد (نصر، ۱۳۸۹: ۱۵۲).



اخلاق تاحدی است که اغلب دانشمندان و بسیاری از متخصصان محیط زیست، حفاظت محیط زیست را یک موضوع مهم اخلاقی می‌دانند (امین زاده، ۱۳۷۷: ۵۰).

اخلاق به طور سنتی، به تعریف روابط بین افراد، و روابط بین افراد و جامعه پرداخته است و بنا بر نظر برخی صاحب‌نظران، اخلاقی که رابطه دوجانبه بین انسان و زمین، حیوانات و گیاهان را تنظیم کند. از نظر آنان، گسترش اخلاق به این جزء سوم، یعنی رابطه انسان با محیط زیست، یک فرصت انقلابی و ضرورتی زیست محیطی است. امروزه، این نیاز بیشتر احساس می‌شود که علائق انسان در مقابل علائق سایر موجودات، متعادل شود؛ زیرا نکته مهم، چگونگی حفاظت از جمعیت غیرانسانی در برابر آسیب‌های انسانی است (ثلاثی، ۱۳۸۴: ۵۹). از این رو، به اخلاق زیست محیطی به عنوان مبنایی برای پاسخگویی به این قبیل دغدغه‌ها توجه می‌شود از دلایل دیگر ضرورت اخلاق زیست محیطی، تأثیری است که جهان بینی و راهنمایی‌های اخلاقی، بر رفتارهای فردی و جمعی دارند باورهای زیست محیطی یا جهان بینی، به عنوان نظامی از گرایش‌ها و باورها درباره رابطه بین انسان و محیط زیست، تعیین کننده رفتارهای حفاظتی یا چارچوب‌های مرجعی هستند که هنگام تعامل با محیط زیست از آنها استفاده می‌شود در این رابطه می‌توان گفت که طرز فکر ما اولین چیزی است که وارد محیط می‌شود و با شکل دهی چگونگی ارزش گذاری اجزای مختلف زیست‌بوم، چگونگی رفتار ما با آن را تعیین میکند. لذا، نوع رفتار ما با محیط زیست تا حد زیادی به چگونگی درک ما از رابطه خود با آن وابسته است این که ما چگونه برای محیط زیست ارزش قائلیم، تعیین کننده این است که نقش و عملکرد خود را بر زمین چگونه می‌بینیم و برای به اشتراک گذاردن

محسوب می‌شود که می‌بایست قادر باشد تا میان مجموعه پیچیده‌ای از واقعیات سرگردان تجربی، ایدئولوژی‌ها و ارزش‌های انسانی، داوری کند، سعی اخلاق زیست محیطی، ارائه دلایل نظام مند و جامعی برای این منظور است که چرا باید روابط اخلاقی بین انسان‌ها و محیط زیست طبیعی وجود داشته باشد و می‌توان آن را، مطالعه رفتار درست و اشتباه در درون یک محیط زیست مشخص، تعریف نمود بنابراین، نقش اصلی اخلاق زیست محیطی، ایجاد موانع درونی اخلاقی در آحاد جامعه برای رفتار نسبت به طبیعت است (عابدی سروستانی، ۱۳۸۶: ۶۱). این پژوهش در نظر دارد تا دانش اخلاق زیست محیطی در قرآن را مورد بررسی قرار دهد.

1- ضرورت اخلاق زیست محیطی

شاید اولین و مهم‌ترین دلیل برای نیاز ما به وجود اخلاق زیست محیطی، وجود یک بحران زیست محیطی فراگیر در کل جهان است. و به جرأت می‌توان گفت که بحران زیست محیطی از خطیرترین بحران‌های کنونی جهان و بشریت است. بسیاری از صاحب‌نظران چاره حل این بحران را وجود یک اخلاق زیست محیطی جامع دانسته‌اند. عده‌ای روش‌های حقوقی و دیگران راه‌های دیگری را برای برون رفت از این بحران معرفی کرده‌اند. به هر حال اهمیت وجود اخلاق زیست محیطی، به اندازه‌ی بزرگی بحران زیست محیطی می‌باشد. از ریشه‌های تاریخی بحران‌های زیست محیطی، دیدگاه‌های فلسفی، مذهبی و اخلاقی ما نسبت به آنها یعنی ارزش‌ها، باید‌ها و نبایدها و خوبی‌ها و زشتی‌ها، کمتر سخنی به میان می‌آید در حالی که، بدون پرداختن صحیح به این مباحث در فراگیرترین شکل فلسفی و اخلاقی آنها، هر چه از تباه شدن محیط زیست و ضرورت حفظ آن گفته شود، راه به جایی نخواهیم برد، اهمیت درک و شناخت

این منابع با دیگران، چگونه رفتار میکنیم (عابدی سروستانی، ۱۳۸۶: ۶۱).

انسان و محیط زیست

اتصال جدایی ناپذیری میان انسان و طبیعت وجود دارد. او از موقعیت ویژه‌ای در این جهان برخوردار است و در کانون فضای کیهانی قرار دارد و در عین حال نگهبان طبیعت است. بشر برای طبیعت مجرای فیض و رحمت است و از طریق مشارکت فعال در جهان معنوی به داخل جهان طبیعت نور افشانی می‌کند و چنانچه به سمت تاریکی و بی‌نظمی رو کند، طبیعت نیز به جانب عدم تعادل و بی‌نظمی خواهد رفت. انسان در مقام خلیفه الله فی الأرض، اشرف مخلوقات و متولی دیگر مخلوقات است و بر آنان حقوقی دارد. او دقیقاً باید همان نقشی را که خداوند ایفاء می‌کند، یعنی آفریدن، حفظ خلقت، فزون بخشی و خیر رسانی را در جهان ایفاء کند (نصر، ۱۳۸۹: ۱۴۲)

محیط زیست جایگاه و پناهگاه همه‌ی موجودات است. خدای سبحان، نظام کیهانی و محیط زیست را آفرید و در اختیار انسان قرار داد تا او را بیازماید و نحوه‌ی عمل او را با آنها ببیند. انسان باید بداند محیط زیست متعلق به همه است و در احیاء و نگهداری آن کوشا باشد. قرآن، حقیقت خلافت انسان در زمین را بر اساس آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره‌ی بقره بیان می‌کند. «وإذ قال ربک للملائکة إني جاعل فی الأرض خلیفه» و به این ترتیب ارزش وجودی انسانها و سروری آنان را نسبت به همه‌ی موجودات زمینی مشخص می‌کند، او عالی‌ترین موجود در این صحنه‌ی پهناور و از تمامی آنها ارزشمندتر است. اراده‌ی خداوند بر این بود که روی زمین موجودی بیافریند که نماینده‌ی او باشد، صفاتش پرتوی از صفات پروردگار، مقام و شخصیتش برتر از فرشتگان در قرآن آیات فراوانی می‌یابیم که خلافت انسان را

یادآور می‌شود و او را هدف نهایی آفرینش کل موجودات جهان معرفی می‌کند و نکته‌ی مهم در این مقام والا، امانتداری اوست که لازمه‌اش انتقال سالم محیط زیست به نسل‌های آینده است (جوادی عاملی، ۱۳۸۲: ۸۵). قرآن به طور مکرر انسان را به عنوان خلیفه و نماینده‌ی خدا در زمین معرفی کرده است، این تعبیر ضمن روشن ساختن مقام بشر، این واقعیت را نیز بیان می‌کند که در حقیقت تمام مواهبی که به انسان داده شده، مالک اصلیش خداست و انسان تنها نماینده و مجاز و مأذون از طرف او می‌باشد و بدیهی است که نماینده در تصرفات خود استقلال ندارد بلکه باید تصرفاتش در حدود اجازه و اذن صاحب اصلی باشد پس مالکیت برای خداست و انسانها نماینده‌ی اویند و باید در چگونگی مصرف، قیود و شروطی قائل شوند (حکیمی، ۱۳۸۰، ۱۵۸)

انسان مجاز نیست بیش از اندازه، از آنچه که در اختیارش به امانت گذاشته شده استفاده نماید و سبب تخریب و نابود کردن محیط زیست شود (اعراف، ۸۷).

انسان همچون سایر موجودات، وجودش وابسته و مربوط به سایر اجزای عالم است و اعمالی که از او سر می‌زند و حرکاتی که در مسیر زندگی و در سیر به سوی سر منزل سعادت از خود نشان می‌دهد با سایر اجزای عالم که محیط به اوست، ارتباط کامل دارد، به طوری که اگر حرکاتش صالح و سازگار با آن اجزاء و موجودات باشد آن موجودات نیز سازگار با او خواهند بود، و برکات آسمان به سوبش سرازیر خواهد شد، و اگر سازگار نباشد عالم نیز با او سازگاری نداشته و در نابود ساختن او سعی خواهد نمود (حدادی، ۱۳۸۷: ۱۵۷).

2- مبانی نظری اخلاق محیط زیست

مبنای خداشناختی

باید رنگی از اخلاق‌های خدا را داشته باشد و سعی کند شبیه خدا بشود. خداوند مهربان است، این مهربانی باید در سراسر جهان منعکس شود و بشر متصف به اخلاق الهی گردد (محقق داماد، ۱۳۸۰: ۳۷)

همه ی آنچه در زمین خلق شده و می شود از جمادات و نباتات و حیوانات، برای استفاده انسان در زندگی است که می توان در جهت تأمین خوراک و پوشاک و مانند اینها، از آن بهره جست و هم به واسطه ی آن به معرفت خالق دست یافت. پایه های اخلاق را استحکام بخشید به سعادت رسید و صلاح دنیا و آخرت را تأمین کرد. عالم فقط خلق خداوند نیست، بلکه به معنای باطنی تر تجلی و انکشاف مبدأ الهی است. عالم نه فقط نتیجه ی اراده ی الهی است، بلکه فیضان تجلی از ذات الهی نیز هست (نصر، ۱۳۸۸: ۵۴). بسیاری از حکیمان مسلمان طبیعت را کتاب خداوند دانسته اند. در قرآن هم پدیده های طبیعت و هم آیات قرآن، هر دو آیات یا نشانه ها خوانده شده اند. فلسفه ی طبیعت در عصر و زمان ما اهمیت بیشتری دارد زیرا در این زمانه به دلیل ظاهر بینی و ظاهر گرایی محض، ما انسانها به جای آن که حافظ طبیعت و مجرای فیض و رحمت باشیم، ویران کننده ی طبیعت شده ایم. اگر جهان آفرینش را مظهر رحمت و تجلی خدا ببینیم از قید و بندهای غیر اخلاقی نجات خواهیم یافت و اخلاق مدارانه با آن روبرو خواهیم شد (همان).

۳- رابطه ی بین خداوند و محیط زیست و ستایش و پرستش خداوند توسط عناصر طبیعت

آنچه در آسمان ها و در زمین از جنبنده و فرشتگان وجود دارد، خدا را سجده می کنند و آنها سرکشی نمی کنند (النحل، ۴۹) همه ی موجودات خداوند را تسبیح می گویند. قرآن

خداوند عالم، یگانه ای است که زمین و آسمان و هر آنچه میان آنهاست آفرید و عشق خود را در شریان های عالم جاری ساخت. او خالق همه ی موجودات، و نظم دهنده به آنها است. اوست خداوندی که حیات را به موجودات بخشید و تمام هستی وابسته به اوست. او اداره کننده ی جهان است و هدایت و حمایت او در جهان هستی هر لحظه به مخلوقات می رسد (شاکرین، ۱۳۸۷: ۲۴) طبیعت مخلوق خدا

نظام آفرینش بر مدار رحمت می گردد. رحمان از اسماء ذات الهی است و از طریق این نفس رحمانی، عالم پا به عرصه ی هستی می نهد و اگر به خاطر خیریت و رحمت نامتناهی خداوند نبود، هیچ چیز به وجود نمی آمد. از آنجا که همه ی آفاق به فیض نفس رحمانی وجود یافته، رحمت ما هم باید به حیوانات، گیاهان، کوه ها، بیابان ها، نهرها و اقیانوس ها تعمیم یابد. اما بحران زیست محیطی تأیید می کند که انسان ها، به مخلوقات خداوند کاملاً بی اعتنا هستند و رحمت آنها، رحمت راستین نیست. خداوند جهان آفرینش را به نیکوترین وجه آفرید و به هر موجودی آن داد که در خور او بود. یعنی همه ی موجودات با شرایط زیستی و طبیعی این جهان، هماهنگ و متناسبند (نصر، ۱۳۸۸: ۱۰۸).

نگاهی مختصر به آفرینش جهان، ما را با اخلاق خداوند آشنا کرده و مسئولیت ما را نسبت به محیط زیست و گزینش برترین ها در رفتارهای اخلاقی زیست محیطی یاری خواهد کرد. همان گونه که عشق و رحمت خداوند در شریان های جهان هستی جاریست ما هم باید به همه ی آفریده های خدا عشق همراه با رحمت داشته باشیم. قرآن می فرماید، خدا موجودی اخلاقی است که با اسماء الله خوانده شده، در واقع صفات خدا همان اخلاق های خداوندست. اخلاق خدایی باید در انسان و جهان بازتاب یابد. بشر

همه ی موجودات حتی حیوانات و گیاهان و جمادات بهره از عقل و شعور دارند و خدا را می شناسند. در قرآن خطاب به حیوانات و دستور به آنها از جانب خداوند و انبیاء بسیار است (سید امامی، ۱۳۸۹: ۷۳).

قرآن کریم در آیاتی مردم را به شناختن عموم حیوانات و تفکر در کیفیت خلقت آنها و کارهایی که می کنند، ترغیب نموده، و در آیات دیگری به عبرت گرفتن از آنها، مانند: چهار پایان، پرندگان، مورچه و زنبور عسل دعوت کرده است. از آنجا که فساد محیط زیست محبوب خدا نیست، انسان هایی که به فساد و تخریب محیط زیست می پردازند، مبعوض خداوند می باشند (فتحعلی، ۱۳۹۰: ۱۷۵). و "کسانی که پیمان خدا را پس از بستن آن می شکنند و آنچه را خدا به پیوستن آن فرمان داده، می گسند و در زمین فساد می کنند، بر ایشان لعنت است و بد فرجامی آن سرای ایشان راست" (رعد، ۲۵)

4- اخلاق زیست محیطی در رابطه با گیاهان

یکی دیگر از نشانه ها و هنرنمایی خداوند در زمین گیاهان هستند. آیا آنها به زمین نگاه نکردند چه بسیار گیاهان از انواع مختلف، نر و ماده، زیبا و جالب و پر فایده در آن آفریدیم (الشعراء، ۷)

فواید گیاهان با پیشرفت علم روز به روز آشکارتر می شود. پیدایش انواع گل‌های زیبا و درختان پر ثمر و میوه های رنگارنگ با خواص کاملاً متفاوت، علاوه بر آن که به زندگی انسانها نشاط و آرامش می بخشند و منبع مهمی برای تولید اکسیژن، تغذیه ی انسانها و حیوانات، تولید دارو جهت درمان بیماری ها و ... محسوب می شوند، وسیله ی مهمی برای دستیابی به حکمت الهی است که در آفرینش تجلی نموده است (تقی زاده، ۱۳۸۲: ۷۸). خداوند در قرآن به ما دستور داده است که از آفرینش او مراقبت کنیم "ای کسانی که ایمان

اظهار می دارد که شما تسبیح آنها را درک نمی کنید، یعنی آنها نوعی شعور دارند که برای ما قابل درک نیست (رعد، ۱۳)

جمادات؛ این حیات و زندگی نشان دهنده ی شعور و آگاهی آنهاست. البته درجات این شعور متفاوت است. از این رو، همه ی مخلوقات خداوند مقدس و ارزشمند هستند و هر مخلوق ارزشمند، واجد حقوقی است که باید از طرف دیگران محترم شمرده شود. با توجه به آیات شریفه، تسبیح حقیقی عبارت است از تکلم، که برای هر وجودی اثبات می شود. هر موجودی با وجودش و آنچه مربوط به وجودش می باشد و با ارتباطی که با سایر موجودات دارد خدای را تسبیح می کند و بیانش این است که پروردگار من منزله تر از این است که بتوان مانند مشرکین نسبت شریک و یا نقص به او داد. تسبیح برای خدا اختصاص به طایفه و یا نوع معینی از موجودات ندارد بلکه تمامی موجودات او را تسبیح می گویند و حمد هم می کنند و خدا را به صفات جمیل و افعال نیکش می ستایند (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۳: ۱۵۲) تسبیح به معنای حقیقی در کلام خدای تعالی به طور مکرر برای آسمان و زمین و آنچه در بین آن دو می باشد اثبات شده است.

اخلاق زیست محیطی در رابطه با حیوانات

خداوند به تمام آنچه روی زمین وجود دارد، مانند: کوهها، دریاها، حیوانات و گیاهان حیات بخشیده و آنها را از احسان و محبت خود برخوردار کرده است که این عین عدالت و در بر دارنده ی اخلاق است. و از آنجایی که خداوند ما را به صورت خود آفرید؛ ما نیز موظف به رعایت حقوق آنها هستیم. «محققا بدانید هر جنبنده ای در زمین و هر پرنده ای که به دو بال در هوا پرواز می کند همگی مانند شما از نوعی آفرینش مخصوص برخوردارند» (انعام، ۳۸)



را از آیات به صاحب آیات برساند. با مقایسه نظرات طیف‌های زیست‌محیطی مختلف و همچنین مکاتب اخلاقی گوناگون به این نتیجه می‌رسیم که تنها از راه دین و وحی و توحید و عمل به تعالیم شریعت، می‌توان راهکار مناسبی برای ارتباط بشر با طبیعت پیدا کرد و اخلاق زمانی به کارآیی لازم خود می‌رسد که از منبع ماورایی و ملکوتی وحی به دست انسان برسد چراکه ثابت شده عقل، انسان را در حل مشکلاتش نمی‌تواند صد در صد یاری دهد و در این راه به نیروی قدرتمند دیگری برای جلوگیری بشر، از تخریب و نابودی زمین نیاز است. باتوجه به نظر اسلام از دو منظر قرآن و روایات؛ به این نتیجه می‌رسیم که یکی از کامل‌ترین و کارآمدترین مکاتب اخلاقی که حول مسئله محیط زیست آموزه‌های خود را بیان می‌کند؛ اسلام است و در جزئی‌ترین امور و شئون زندگی بشر و ارتباط او با عناصر زیست‌بوم مثل حیوانات، گیاهان، زمین و هوا و... تعالیم و رهنمودهای جامعی را ارائه کرده است. همچنین با بیان اهمیت و قداست طیف‌های مختلف جانداران و غیرجانداران چهارچوب رفتاری انسان را برای مواجهه با طبیعت روشن ساخته است. علاوه بر آن به ترغیب انسان برای حفظ و نگهداری از طبیعت، اصلاح و آبادانی زمین، و رفتاری محبت‌آمیز با آنها، پرداخته است که برای ایجاد انگیزه برای حفظ محیط زیست از روش‌های تشویقی مانند قرار دادن اجر و ثواب دنیوی و اخروی و رسیدن به قرب و رضایت الهی و از روش‌های بازدارنده مثل عذاب برای خاطیان و مفسدان و... بهره‌جسته است.

آورده‌اید چیزهای پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده حرام بشمارید و از حد مگذرید که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد (مائده، ۸۶).

وابستگی و ارتباط ما با محیط زیست از اهمیت بنیانی برخوردار است ولی ما تعادل محیط زیست را بر هم زده ایم و با آن هماهنگ نیستیم. ما رابطه‌ی خود را با جهان به ناهنجاری کشانده ایم و در نهایت رابطه‌ی خود را با خداوند به تباهی سوق داده ایم (جوادی، ۱۳۸۵: ۱۹۳).

یکی دیگر از جلوه‌های آفرینش در زمین، جنگل است که از عوامل مهم و مؤثر در سلامت محیط زیست می‌باشد، اما انسانها با استفاده‌ی غیر اصولی و غیر اخلاقی در حال نابودی آن هستند. از این رو حفظ جنگل‌ها و پوشش‌های گیاهی لازم و ضروری است. و به طور مسلم، تخریب محیط زیست با مسئولیت انسان که مراقبت از زمین است، سازگاری ندارد و هر رفتاری که سبب آلودگی و نابودی طبیعت گردد، ناسپاسی از خداوند متعال شمرده می‌شود.

۵- نتیجه‌گیری

دین اسلام و مفاهیم و حیاتی ما ارزش ذاتی را مختص خداوند باریتعالی می‌داند و ارزش سایر مخلوقات را در این رابطه قابل تعریف برمی‌شمرد. به این صورت که تمامی مخلوقات (اعم از زنده و غیر زنده) همگی آیات و نشانه‌های خداوند هستند و تفکر و تحقیق در مورد آن‌ها، راهی برای رسیدن به شناخت خداوند است برای مثال، از نظر اسلام و قرآن، موجودات طبیعی، آیات و نشانه‌های حق تعالی هستند و طبیعت شناسی باید به منزله آیت شناسی تلقی شود و ما



منابع

۱. القرآن الکریم
۲. امین زاده، بهناز(۱۳۷۷)، جهانبینی دینی و محیط زیست، تهران: انتشارات یاس.
۳. تقی زاده؛ محمد(۱۳۸۲)، جهانبینی و حفاظت محیط زیست، تهران: نشر آوا.
۴. ثلاثی، محسن(۱۳۸۴)، اخلاق زیست محیطی، تهران: نشر اندیشه.
۵. جوادی عاملی، عبدالله(۱۳۸۶)، اسلام و محیط زیست، قم: انتشارات اسراء
۶. جوادی، محسن(۱۳۸۵)، آشنایی با متون اخلاق اسلامی، تهران: انتشارات پیام نور.
۷. حدادی، محسن(۱۳۸۷)، مبانی اخلاق زیست محیطی در ادیان، تهران: انتشارات حکمت.
۸. حکیمی، محمدرضا(۱۳۸۰)، جایگاه محیط زیست در اسلام، مشهد: نشر ققنوس
۹. سید امامی، کاووس(۱۳۸۹)، اخلاق و محیط زیست، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۱۰. شاکرین، علی(۱۳۹۱)، اخلاق در زیست محیط، تهران: نشر آسمان.
۱۱. شفیعی مازندرانی، سیدمحمد(۱۳۹۳)، تاثیر محیط زیست بر انسان، تهران: انتشارات آموزش.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین(۱۳۷۴)، تفسیر المیزان، سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. عابدی سروستانی، احمد(۱۳۹۰)، رهیافت‌های اخلاق‌های زیست محیطی، تهران: انتشارات حکمت.
۱۴. فتحعلی، محمود(۱۳۹۰)، نظریه اخلاق زیست محیطی اسلام، تهران: انتشارات سخن.
۱۵. محقق داماد، سیدمصطفی(۱۳۸۹)، مفاهیم اخلاقی در قرآن، تهران: انتشارات اندیشه.
۱۶. نصر، سیدحسین(۱۳۸۸)، گلشن حقیقت، تهران: انتشارات سوفیا.
۱۷. نصر، سیدحسین(۱۳۸۹)، انسان و طبیعت، تهران: نشر نی.

جواز یا عدم جواز استفاده از محصولات تراریخته از منظر قرآن

سید ابوالقاسم نقیبی^۱، بهنام قنبرپور^۲، جابر رضایی جنید^۳

۱-استاد دانشگاه شهید مطهری تهران

۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد قایم شهر، گروه حقوق و الهیات، قائم شهر، ایران

۳- دانشجوی دکتری تخصصی رشته حقوق خصوصی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد قائمشهر، ایران

(نویسنده مسئول: Jaber.rezae@gmail.com)

چکیده:

بر مبنای گزارش‌های مکرر از منابع رسمی بین‌المللی با توجه به افزایش رشد جمعیت در جهان، در آینده به دلیل بحران کمبود غذا مشکلاتی ایجاد خواهد شد. یکی از راهکارهای برون رفت از این مشکلات، استفاده از محصولات تراریخته می‌باشد. مضرات یا عدم مضرات چنین محصولاتی همچنان در پرده ابهام است. مقاله حاضر که به روش توصیفی و تحلیلی سامان یافته است با هدف پاسخ به این پرسش است که حکم شرعی چنین محصولاتی از منظر قرآن چیست؟ و در این راستا به نقد و تحلیل دیدگاه موافقین و مخالفین می‌پردازد و در نهایت دیدگاه منصفانه‌ای را ارائه می‌کند یافته‌های پژوهش پیش رو بیان گر آن است که عمده‌ترین دلیلی قرآنی که مخالفین تولید تراریخته استناد نمودند تمسک به آیه شریفه ۱۱۹ سوره نساء و آیه ۷۰ سوره اسراء است، آنان چنین عملی را مغایر با قوانین آفرینش الهی و کرامت انسان تلقی کردند و آن را به نوعی تغییر در خلقت به شمار می‌آورند. برخی دیگر در مقابل دیدگاه مخالفین به آیاتی چون جواز تسخیر بشر در کائنات و جانشینی و خلافت وی از طرف خداوند در زمین تمسک جستند. نگارندگان با ارائه نظری بینابین با عنایت به مقتضیات زمان و ضروریات زیستی انسان در جهان معاصر، بکارگیری این محصولات نوین را امری اجتناب ناپذیر می‌دانند مشروط بر این که ضرر و خطر استفاده از این محصولات مسلم نباشد و بین شرایط مجاز استفاده از آن و شرایط رعایت اصل احتیاط ترجیحی نباشد.

واژگان کلیدی: محصولات تراریخته، تغییر در خلقت، ژنتیک، تسخیر، خلافت.

مقدمه:

حاضر در صدد آن است در خصوص جواز یا عدم جواز استفاده از محصولات تراریخته با استفاده از مستندات قرآن، تجزیه و تحلیل نماید و پاسخی منصفانه ارائه نماید.

لذا با عنایت به ضروریات اجتماعی جهان معاصر افزایش و رشد جمعیت و کمبود غذا و کاهش ذخایر زیرزمینی در آینده‌ای نه چندان دور و مستحده بودن موضوع تولیدات تراریخته از یک سو و اختلاف فقیهان در خصوص حکم بکارگیری این نوع تولیدات و فواید و ثمرات عملی مترتب بر فرآورده‌های تراریخته از سوی دیگر محققان را بر آن داشته تا به ارزیابی و سنجش میزان

تراریخته با انتقال ژن از موجودات و گیاهان به موجودات و گیاهان دیگر حاصل می‌شود مخالفین معتقدند محصولات تراریخته دارای ضرر می‌باشد اما در مقابل؛ موافقین محصولات تراریخته معتقدند که این محصولات دارای مزیت می‌باشد یکی از کاربرد های محصولات تراریخته افزایش تولید می‌باشد. بنابراین کمبود غذا، گرسنگی و فقر در آینده به واسطه‌ی محصولات تراریخته حل می‌شود با توجه به این که در مورد مضرات محصولات تراریخته همچنان ابهام وجود دارد و در مرحله‌ی شک و تردید است. پژوهش



محصولات تراریخته پرداخته اند؛ اما نو آوری پژوهش حاضر و تفاوت آن با تحقیقات مشابه این است که نگارندگان در این پژوهش کوشیدند نخست با بیان سیر تاریخی و فواید و مضرات محصولات تراریخته به صورت دسته بندی شده دلایل مخالفین و موافقین را تشریح نمایند سپس به تجزیه و تحلیل و نقد دلایل موافقین و مخالفین بپردازند و در انتهای تجزیه و تحلیل دلایل موافقین و مخالفین حکم جواز مقید محصولات تراریخته را با توجه به مکتب بینابینی صادر کرده اند یعنی نه به طور کلی استفاده از تراریخته مردود است و نه صادر صد آزاد؛ بلکه بایسته است تولید، واردات و صادرات چنین فرآورده هایی با لحاظ جوانب احتیاط و نظارت متخصصین متعهد و مومن صورت پذیرد و ضرر قریب الوقوع و حتمی به همراه نداشته باشد.

۱- مفهوم شناسی تراریخته:

۱-۱- تعریف تراریخته:

از طریق روش های بیوتکنولوژی یا مهندسی ژنتیکی، ژن یک موجود زنده را به موجود زنده ی دیگر انتقال می دهند و در واقع در اثر آن، ژن بعضی از موجودات و گیاهان را تغییر می دهند که از طریق روش های بیوتکنولوژی تشخیص می دهند ژن چه موجوداتی یا گیاهانی مقاوم و مفید هستند و به دنبال آن ژن مفید و مقاوم را به سایر موجودات که دارای آن خصوصیات خوب نیستند انتقال می دهند و موجودات و گیاهانی که ژن آن ها تغییر یافته است تراریخته نام دارد. (امانی، ۱۳۹۲، ص ۶۵)

۱-۲- تاریخچه تراریخته:

نخستین بار در قرن ۱۷ میلادی (۱۶۶۵م) رابرت هوک دانشمند انگلیسی توانست سلول را با کمک میکروسکوپ مشاهده کند و با گذشت

ضرر و زیان و فواید تراریخته از منظر متخصصان پرداخته و با عنایت به عموم و اطلاق قرآنی به سوالات ذیل پاسخ دهند:

آیا از دیدگاه کارشناسان و متخصصین امر، ضرر و خطر مشهود و مسلم بر استفاد از تراریخته وجود دارد؟ آیا با عنایت به مقتضیات زمان و تغییر الگوهای زندگی استفاده از این نوع محصولات ضرورت اجتناب ناپذیر است؟ موافقین استفاده از تولیدات تراریخته به کدام آیات قرآنی استدلال می کنند؟ مخالفین به کدام ادله قرآنی استناد جستند؟

برای پاسخ به پرسش های فوق بایسته است ابتدا به تعریف مفاهیم و فواید و مضرات تراریخته بپردازیم و دلایل قرآنی ارایه شده از سوی موافقان و مخالفان را مورد نقد و بررسی قرار دهیم.

اگر چه پیرامون تولیدات تراریخته و مبانی فقهی و حقوقی آن که از موضوعات مستحدثه است پژوهش های پراکنده ای صورت گرفته است، به عنوان مثال: هفته نامه حریم امام (۱۳۹۵) در مقالات متعدد صرفا به فواید و مضرات و حکم شرعی محصولات تراریخته بسنده نموده است؛ یا محققان محترم دیگر نظیر: غنی زاده، مهدیه (۱۳۹۷) در مقاله ای تحت عنوان «حکم تکلیفی محصولات تراریخته از منظر فقه امامیه» و پورداود، مهدی (۱۳۹۵) در همایش محصولات تراریخته در خدمت تولید غذای سالم و قدرتی، فاطمه (۱۳۹۹) مقاله ای تحت عنوان ادله مشروعیت دستکاری ژنتیکی مواد غذایی با اشاره مختصر به ادله مخالفین تراریخته با استناد به قول مراجع عظام هرگونه ضرر احتمالی را ملاک و میزان برای توقف و ممنوعیت این گونه محصولات تلقی نمودند و برخی دیگر از پژوهشگران نیز مانند: بیگدلی، سعید (۱۳۹۳) تنها به مبنای مسوولیت مدنی ناشی از



ها بالغ بر ۱۱۴ میلیون هکتار رسید و پیشبینی می‌شد که تا سال ۲۰۱۵ به حدود ۲۰۰ میلیون هکتار برسد و بیشترین سطح زیر کشت محصولات تراریخته دنیا به چهار محصول سویا، ذرت، پنبه و کلزا اختصاص دارد و در سال ۲۰۰۷ بیش از ۱۰ میلیون کشاورز در سراسر دنیا اقدام به کشت این محصولات نمودند که ۹۰ درصد آن‌ها کشاورزان کوچک و فقیر کشورهای در حال توسعه بوده‌اند. بیشترین سطح زیر کشت این محصولات مربوط به آمریکا و پس از آن آرژانتین، برزیل، کانادا، هند، چین، پاراگوئه، آفریقای جنوبی، اروگوئه، فیلیپین، استرالیا، اسپانیا، مکزیک، کلمبیا، فرانسه، هندوراس، جمهوری چک، پرغال، آلمان، اسلواکی، رومانی و لهستان می‌باشد. (رهنما، ۱۳۸۷، ص ۲)

۳-۱- انواع محصولات تراریخته:

محصولات تراریخته با توجه به اینکه در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد؛ برای مصرف مردم جهان به بازار کشورها عرضه می‌شود بر همین اساس بسیاری از مردم حق دارند از انواع محصولات تراریخته آگاهی داشته باشند بنابراین؛ شایع‌ترین محصولات تراریخته سویا، روغن (کانولا یا کلزا)، ذرت، پنبه هستند. (مهدی زاده و دیگران، ۱۳۹۰، ص ۱۱۵)

۴-۱- خطرات محصولات تراریخته:

۱-۴-۱- مقاومت نسبت به آنتی بیوتیک:

بر اساس تحقیقاتی که در کشور هلند، با استفاده از یک معده‌ی شبیه‌سازی شده، انجام گرفت، محققان متوجه شدند که ژن‌های حاصل از غذا‌های تراریخته علی‌رغم ادعای شرکت زیست فن‌آوری، به طور کامل حذف نشد و از بین نمی‌رود بلکه حدود ۶ درصد از آن‌ها در سیستم گوارشی بدن انسان باقی مانده و می‌توانند به وسیله

زمان و پیشرفت علم در زمینه‌های مختلف، آدمی دانست که تمام اطلاعات لازم برای ادامه حیات به دی‌ان‌ای که درون این سلول‌های کوچک قرار دارد و مولکول دی‌ان‌ای تمام اطلاعات لازم برای ساخته شدن یک موجود زنده را داراست. این مولکول از واحد‌های وراثتی تشکیل شده که به آن‌ها ژن گفته می‌شود و ژن از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسند و باعث بروز بسیاری از ویژگی‌ها می‌شود. و با پیشرفت علم، بشر یاد گرفت که می‌تواند در این مکانیسم‌ها که پایه حیاتند، دستکاری کند که به دنبال آن توانست تراریخته را خلق کند. (اسمعیلی پوزان، رجائی پور، رزمی، ۱۳۹۶، ص ۵۱) پس از کشف دی‌ان‌ای دانشمندان به منظور تغییر هدفمند آن تلاش کردند در دهه ۱۹۷۰ دانشمندان دی‌ان‌ای اصلاح شده کوچکی را در درون باکتری، گیاهان و حیوانات قرار دادند، تا آن‌ها را مطالعه کنند روش جدید مهندسی ژنتیک امکان انتقال ژن بین دو گونه را فراهم کرد آنان در سال ۱۹۸۰ با وارد کردن ژنی در گوجه فرنگی توانستند از آنزیم فسادپذیری آن تا حدودی جلوگیری کرده و میوه مقاومی را عرضه کنند. محصولات زراعی متعددی مانند، سویا، ذرت، کلزا و پنبه در سطح تجاری تولید و عرضه شد به طوری که هم‌اکنون تمامی سویای موجود در بازار مبادلات جهانی تراریخته است. (علیدوست، حسینی کمال آبادی، ۱۳۹۶، ص ۳۵) و همچنین بیان شده است اگرچه اولین محصولات تراریخته (گوجه فرنگی) در سال ۱۹۹۴ کشت شد، ولی سال ۱۹۹۶ اولین سالی بود که سطح قابل توجهی (۱/۶۶ میلیون هکتار) از زمین‌های زراعی دنیا زیر کشت محصولات تراریخته قرار گرفت. از آن پس کشت این محصولات همه ساله افزایش قابل توجهی داشته به طوری که در سال ۲۰۰۷ سطح زیر کشت آن



رشد غیر طبیعی سلول‌ها (سرطانی شدن) در بدن آن‌ها رخ داده است این موش‌ها که به مدت ۹۰ روز با ذرت تراریخته، دچار مشکلات گسترده از جمله عفونت، رشد غیر طبیعی سلول‌ها در کبد، کلیه و روده شده، همچنین سلول‌های خونی آن‌ها نیز به طرز غیرطبیعی افزایش یافت با این حال بذرهایی که توسط متصدیان بخش تغذیه مورد ارزیابی دقیق قرار نگرفته و بدون حصول اطمینان از بی‌خطر بودن آن‌ها وارد زنجیره غذایی انسان‌ها شده‌اند و با توجه به تحقیقات انجام شده نگرانی‌های جدی پیرامون تجاری‌سازی محصولات زراعی تراریخته، ابراز شده است. (همان، ص ۱۴۸)

۱-۴-۴- از میان رفتن حاصل خیزی خاک:
مطمئناً یکی از خطرات محصولات تراریخته که به محیط زیست آسیب می‌رساند از میان رفتن حاصل خیزی خاک می‌باشد بنابراین یکی از مواردی که می‌تواند در تولیدات انواع محصولات کشاورزی از جهت کمی و کیفی موثر باشد حاصل‌خیزی خاک است که با سلب آن در آینده می‌تواند تبعات منفی برای حقوق مادی و معنوی انسان‌ها داشته باشد.

۱-۴-۵- کاهش امنیت غذایی برای زنان و بچه‌ها و به خطر افتادن امنیت غذایی نسل آینده. (واحدی، ملاابراهیمی، ارزانیان کرم‌الهی، ص ۳)

یکی از دلایل مخالفت با محصولات تراریخته این است که، در اثر استفاده از محصولات تراریخته احتمال ورود ضرر وجود دارد بر همین اساس امنیت غذایی نسل آینده نه تنها کاهش پیدا می‌کند بلکه همراه با خطر خواهد بود. (ج.ر.)

باکتری‌های معده جذب شوند. لذا خطر گسترش این توانایی در جذب باکتری‌های عفونی، به وجود خواهد آمد. چراکه باکتری با جذب ژن مقاوم، این صفت را کسب نموده و در هنگام ایجاد بیماری در بدن انسان، امکان درمان بیماری با مصرف آنتی‌بیوتیک ضعیف یا غیر ممکن می‌شود. (عباسی، رزمخواه، حیدری، ۱۳۹۳، ص ۱۴۶)

۱-۴-۲- ایجاد مشکل در فرآیند تولید مثل و باروری و رشد نوزادان:

موسسه آمریکایی طب زیست محیطی، ضمن اعلامیه‌ای که در ۱۹ می سال ۲۰۰۶ خطاب به پزشکان و جوامع پزشکی صادر نمود، در خصوص خطرات غذاهای تراریخته برای سلامتی جوامع بشری هشدار داد و این موسسه بیان داشت روی حیوانات آزمایشگاهی حالتی از وجود خطرات جدی در خصوص مصرف غذاهای تراریخته از جمله نازایی، پیری زودرس، سقط جنین می‌باشد و وجود ارتباط قوی و محکم میان مصرف غذاهای تراریخته و بیماری‌های مزبور در مطالعات صورت گرفته بر روی حیوانات به اثبات رسیده است. (همان، ص ۱۴۷)

۱-۴-۳- ایجاد تومور (غدد) سرطانی:

طی تحقیقاتی که محققان فرانسوی به مدت دو سال، پیرامون عوارض خطرناک محصولات تراریخته زراعی، انجام داده‌اند مشخص شده است که در نتیجه مصرف این ماده غذایی آسیب جدی در کبد و کلیه موش‌های آزمایشگاهی به وجود آمده و این علائم همراه با ایجاد غدد بزرگ سرطانی در بدن آن‌ها گزارش شده است و در مورد ذرت تراریخته نیز آثار مشابهی را بر روی موش‌های آزمایشگاهی داشته است و دستگاه ایمنی این حیوانات به شدت دچار مشکل شده و



۵-۱- فواید محصولات تراریخته:

با توجه به این که در مورد محصولات تراریخته احتمال ورود ضرر در صورت مصرف، وجود دارد بر همین اساس موافقین به فواید این محصولات برای جواز استفاده از آن ملاحظه می نمایند که عبارت است از:

الف- استفاده از این تکنولوژی موجب افزایش بهره وری و راه حلی مناسب برای مساله رفع بحران غذا می باشد.

ب- دستکاری ژنتیکی موجب کاهش استفاده از سموم شیمیایی در محصولات کشاورزی می شود.

پ- در اثر دستکاری ژنتیکی، با تولید محصولاتی همراه خواهد بود که نه تنها ارزش غذایی بالایی دارد. (یزدان پناه، فروزانی، بختیاری، ۱۳۹۵، ص ۱۰۸) بلکه ماندگاری این محصولات بیشتر خواهد بود و برای مدت زمان بیشتری با کیفیت باقی خواهند ماند. (یزدی صمدی، شاه نجات بوشهری، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

ت- کاشت محصولات دستکاری ژنتیکی شده به دلیل احتیاج به سموم کمتر، منفعت بیشتری دارد. (یزدان پناه، فروزانی، بختیاری، ۱۳۹۵، ص ۱۰۸) و همچنین محیط در برابر سموم که مواد شیمیایی دارند حفظ خواهد شد. (یزدی صمدی، شاه نجات بوشهری، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

ث- رشد در شرایط نامطلوب اقلیمی، خاکی و منطقه ای.

ج- افزایش تولید محصولات غذایی و دامی و از بین بردن فقر و گرسنگی.

چ- تولید واکسن.

ح- پیشگیری و درمان بسیاری از بیماری های ژنتیکی و غیر ژنتیکی.

خ- جلوگیری از به وجود آمدن انسان های ناقص الخلقه و دارای بیماری ژنتیکی جسمی و

روحی. (اسمعیلی پرزان، رجائی پور، رزمی، ۱۳۹۶، ص ۵۲)

د- جنگل زدایی کمتر که با افزایش جمعیت، دنیا نیاز به تخریب جنگل بیشتر دارد اما اگر غذای کافی برای این جمعیت فراهم شود نیازی به جنگل زدایی نیست.

ذ- کاهش قیمت غذا و اگر تولید محصولات افزایش پیدا کند قیمت آن کاهش میابد. (یزدی صمدی، شاه نجات بوشهری، ۱۳۸۰، ص ۱۴)

۲- دیدگاه مخالفین و ادله آنان:

مخالفین می خواهند به دلیل دغدغه هایی که در مورد مضرات این محصولات وجود دارد به نوعی استفاده از آن را ممنوع نمایند تا به جهت از ایجاد احتمالی بیماری در انسان ها برای آینده پیشگیری نمایند و همچنین در جهان؛ کفار نتوانند با کنترل غذا مشکلاتی را برای کشور های ضعیف ایجاد نمایند و مخالفین محصولات تراریخته برای اثبات ادعای خود به دلایل متعددی از قرآن مجید استدلال نمودند که برخی از آن اشاره می شود.

۱-۲- حفظ کرامت و جایگاه انسانی

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ
وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ
مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء، ۷۰)

محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن ها را بر مرکب در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن ها را روزی دادیم و آن ها بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.

رژیم حقوق بشر به دلیل توجه به (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۴) حق حیاط، آزادی، امنیت فردی و عدالت اجتماعی، از اهمیت ویژه ای برخوردار است. (همان، ص ۵) نخستین حقی که قرآن کریم برای انسان بر شمرده، حق حیات است.



آیه مخالفین می توانند خواستار ممنوعیت استفاده از این محصولات شوند. اما اگر از این آیه از یک سو و به طور مطلق استدلال شود دارای نقد می باشد زیرا باید بیان شود که این آیه دو تفسیر را به همراه دارد از یک جهت انسان ها برای داشتن زندگی مناسب دارای غذای کافی باشند تا در معرض کمبود غذا قرار نگیرند و به نوعی محصولات تراریخته گام بزرگی را بر رفع بحران کمبود غذا به دلیل افزایش جمعیت در آینده بر می دارد و بسیاری از دغدغه ها را از بین می برد اما در تفسیر دوم منظور از حمایت از حق حیات انسان ها و غذای لذیذ و پاکیزه می تواند کیفیت خوب غذا باشد بنابراین، غذاهای دارای ضرر، نباید در اختیار مردم قرار بگیرد لکن کرامت انسانی و احترام به انسان ها اقتضاء دارد غذای کافی، خوب و سالم در اختیار مردم قرار بگیرد، اما در خصوص محصولات تراریخته احتمالات ورود زیان ناشی از این محصولات وجود دارد و حتی به آزمایش هایی که منتج به زیان شده است در خصوص محصولات تراریخته، هم در مقالات و هم توسط دانشمندان به آن استناد شده است با این شرایط تا زمانی که مضرات محصولات تراریخته به اثبات نرسیده است در این راستا باید احتیاط های لازم قرار گیرد و قوانین مربوط به تراریخته به درستی اعمال و اجرا شود تا حقوق مردم از جهت حق بر غذای کمی و کیفی مجتمعا نادیده گرفته نشود.

ج.ر)

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَالٍ
مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ (۲۸) فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَنَفَخْتَ فِيهِ مِنْ
رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ (۲۹) فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ
كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (۳۰) (حجر، ۲۸ الی ۳۰)

و یاد آر که پروردگارت به فرشتگان اظهار فرمود که من بشری از ماده گل و لای کهنه متغیر خلق خواهم کرد پس چون آن را معتدل بیاریم و در

هیچ کس مجاز نیست حیات مادی یا معنوی دیگران را سلب کند. امام علی نیز احترام خاصی به حق حیات قائل بود. (همان، ص ۸) و طبق آیه ی ۷۰ سوره اسراء که بیان شده است محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن ها را بر مرکب در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن ها را روزی دادیم و آن ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم. (اسراء، ۷۰) از آن جاکه حق کرامت انسانی به عنوان موهبت الهی به انسان عطا شده است، دولت ها و هیچ شخصی نمی توانند این حق مسلم را از ملت خود سلب نمایند و این حق بدون هیچ تبعیضی شامل همه ی مردم اعم از مسلمان و غیر مسلمان می شود. (جعفری، ۱۳۹۴، ص ۱۴) به عبارتی مخالفین می توانند با استناد به آیه مذکور بیان نمایند که از دیدگاه خداوند کرامت انسان ها محترم و دارای درجات والا می باشند به عبارت دیگر به حق حیات انسان ها توجه شده است بر همین اساس کرامت و جایگاه رفیع انسان ها باید حفظ شود و کرامت انسان ها ذاتی و فطری است. دولت ها، دستگاه های اجرایی و در راس آن متصدیان محصولات تراریخته برای امنیت همه ی انسان ها به ویژه امنیت مربوط به تغذیه آن ها مکلفند تلاش نمایند و حقوق فردی و اجتماعی آن ها از جهت مادی و معنوی حفظ شود. (ج.ر) بنابراین؛ در آیه ی ۷۰ سوره اسراء بیان شده است ما به فرزندان آدم از هر غذای لذیذ و پاکیزه روزی دادیم و مخالفین با استناد به این آیه می توانند استدلال نمایند کیفیت غذاهایی که در اختیار مردم قرار می گیرد دارای خطر نباشد زیرا؛ محصولات تراریخته احتمال ورود ضرر در اثر مصرف آن وجود دارد بر همین اساس به دلیل احترام به کرامت و حق حیات انسان ها غذای لذیذ، پاکیزه و سالم در اختیار آن ها قرار بگیرد و طبق این



های جدید برای تولید محصولات تراریخته از سوی برخی دانشمندان، دارای نقص می باشد و این احتمال وجود دارد استفاده از این محصولات در آینده باعث ایجاد بیماری در مصرف کنندگان شود و با توجه به این که حق حیات انسان ها با استناد به این آیات ارزشمند می باشد باید از استفاده ی این محصولات خودداری نمود لکن، اگر ما خواهیم به طور مطلق و از یک جهت به تفسیر و استدلال از آیات مذکور بپردازیم دارای نقد می باشد؛ بنابراین تفسیری که دو بعدی می توان از آیات مذکور ارائه داد این است که به حق حیات انسان ها توجه شود چون حقوق انسان ها محترم شمرده شده است وضعیت محصولات تراریخته به گونه ای است از یک جهت، با رفع بحران کمبود غذا در آینده در مسیر حمایت از حقوق انسان ها و حق حیات آن ها حرکت می کند و از طرفی اگرچه در مورد محصولات تراریخته احتمال ورود ضرر وجود دارد اما این امر با براءت نفی می شود و از جهت دیگر حق حیات انسان ها اقتضاء دارد جهت رعایت احتیاط، به خطر های احتمالی این محصولات به دلیل تامین زندگی مناسب انسان ها توجه شود نکته ی مهم این است با توجه به این که هم موافقین و هم مخالفین جهت تایید و عدم تایید این محصولات می توانند از آیات مذکور برداشت متفاوت نمایند بر همین اساس ضروری است استفاده از این محصولات طبق مکتب بینابینی باشد یعنی حکم جواز مقید صادر شود به ویژه واردات آن ها به گونه ای انجام شود که تهدیداتی برای ازبین رفتن حقوق مصرف کنندگان در آینده و حال هم از جهت حق بر غذای کمی و هم از جهت حق بر غذای کیفی وجود نداشته باشد.(ج.ر)

۲-۲- آیه ۱۱۹ سوره ی نساء؛ وَلَا مَرْتَهُمْ
فَلْيَغْيِرْنَ خَلْقَ اللَّهِ:

آن از روح خویش بدمم همه از جهت حرمت و عظمت آن روح الهی بر او سجده کنید پس همه فرشتگان سجده کردند.

در حکومت شیعی حق حیات به عنوان طبیعی ترین حق انسان ها محسوب می شود و هیچ کس نمی تواند آن را به طور مستقیم و یا غیر مستقیم از کسی یا جامعه ای سلب نماید.(جعفری، ۱۳۹۴، ص ۹) حق کرامت انسانی به عنوان اصول حقوق بشر جزو ماهیت انسان به حساب می آید و بر اساس آیه ی قرآنی، خداوند به کلیه فرزندان آدم کرامت بخشیده است.(همان، ص ۱۳) او حتی از فرشتگان خود می خواهد به آدم سجده نمایند. بنابراین خداوند انسان را اشرف المخلوقات می داند و منشاء بزرگی و کرامت بشر به دلیل دمیدن روح خدایی در آدم است.(همان، ص ۱۳) مهم این است که انسان دارای کرامت بالذات است، زیرا خداوند او را گرمی داشته و آسمان و زمین و پاکی ها را برای او خلق نموده و او را بر بسیاری از مخلوقات برتری داده است و در سوره حجر آیات ۳۰ و ۳۱ تکریم انسان علیرغم اینکه از خاک آفریده شده است، به خاطر روح خدایی اوست و بر این اساس به فرشتگان دستور داده شد که بر وی سجده کنند.(شهبازی، تقی زاده، شهبازی نیا، ۱۳۹۶، ص ۸۸) و از این آیات از تمام جهات می توان احترام به حقوق مادی، معنوی و روحانی انسان را مشاهده کرد و هیچ کس حق ندارد با اقدامات خود موجبات نقض حقوق انسان ها را فراهم نماید بلکه باید تلاش در این راستا باشد؛ که احترام به حقوق انسان ها تامین شود البته این حقوق و احترام به انسان ها به صورت پایدار در زمان و مکان متعدد برای آن ها مشترکا ایجاد شود و تحت هیچ شرایطی قائل به تمایز نباشند مخالفین می توانند با استناد به این آیات استدلال نمایند که حق حیات انسان ها محترم شمرده شده است روش



و استیفاء باشد و در خلقت اصلی تغییری ایجاد نشود، ایرادی وجود نخواهد داشت بنابراین؛ هر تغییری حرام نخواهد بود چراکه اگر تغییری وجود نداشته باشد انسان‌ها نه تنها باسختی‌های غیر قابل تحمل، مواجه خواهند شد بلکه متحمل ضرر فاحش نیز می‌شوند مطمئناً این معقولات مخالف با قاعده‌ی لاجرح و لاضررمی باشد لازم به ذکر است همه‌ی تغییرات حرام نیست بلکه تغییراتی که موجب ضرر می‌باشند و انسان‌ها را با سختی مواجه می‌کنند و یا به عبارت دیگر تغییرات عرضی که مخالف با هدف خلقت اصلی باشد حرام خواهد بود به عنوان مثال با تغییرات در عرصه‌ی بیوتکنولوژی در خصوص محصولات تراریخته، تغییر ژنتیک گندم تغییری در مسیر خلقت اصلی گندم ایجاد نکرده است و از طرفی دیگر جنبه‌ی مثبت این محصولات در راستای افزایش تولید و حل مشکلات مربوط به کمبود غذا از جمله ویژگی‌های تراریخته است که در مسیر تغییر الهی حرکت می‌کند اما نکته‌ی مهم این است که بخش مضرات این محصولات در حالت شک و تردید وجود دارد اگرچه مشکلات مضرات با برائت حل می‌شود اما با توجه به رعایت شرایط احتیاط در استدلال نهایی به طور مطلق تغییرات ایجاد شده در این محصولات را نمی‌توان الهی شمرد به عبارت دیگر؛ از این جهت که، این تغییر دارای عیب و نقص می‌باشد، به اثبات نرسیده است به نظر می‌رسد طبق این آیه در عرضه‌ی محصولات تراریخته ایرادی نیست اما چون در سلامتی آن اختلاف نظر وجود دارد نمی‌توان به طور مطلق و آزادانه تولید، واردات و عرضه‌ی این محصولات را حتی طبق این آیه جایز دانست زیرا تصمیم‌گیری در خصوص این که تغییرات حاصله در این محصولات دارای نقص می‌باشد یا خیر؟ و در موارد شک و تردید تصمیم‌گیری در این مورد

(اشاره به سوگند شیطان به تخریب آفرینش) در واقع شیطان به انسان‌ها دستور می‌دهد که خلقت خداوند را تغییر دهد. (پورداد، ۱۳۹۵، ص ۴) بر همین اساس به استناد این آیه تغییراتی که در راستای محصولات تراریخته ایجاد شده است را نفی می‌کنند و معتقدند باید از استفاده از محصولات تراریخته خودداری نمود. در خصوص پذیرش مطلق نظریه‌ی ممنوع نمودن استفاده از این محصولات طبق آیه مذکور اولین پاسخی که داده می‌شود؛ حرمت مشمول تغییر ناهمسو با هدف خلقت اصلی پدیده‌ها می‌باشد؛

براساس این اندیشه زندگی انسان وقتی رو به سعادت دارد که بر وفق این، حرکت طبیعی شکل گیرد و با آن در تصادم نباشد؛ (علیدوست، حسینی کمال آبادی، ۱۳۹۶، ص ۲۰) به عنوان مثال کندن یا شکافتن گوش یک حیوان تضاد با عرصه آفرینش و جعل است؛ که آن را از حرکت طبیعی خارج می‌سازد براین اساس، می‌توان معیاری ارائه کرد و میان آن دسته از تغییرها که در گستره بهره‌بری و تسخیر صورت می‌گیرد و آن دسته که در گستره هدف از خلق آن و انحراف از آن، صورت می‌گیرد؛ تفاوت قائل شد. و آیه مورد سخن از تغییر در دسته دوم نهی می‌کند. (همان، ص ۲۱) بنابراین تغییرات طولی که در ادامه‌ی فرآیند حرکت طبیعی در گستره تسخیر حلال است ولی تغییرات عرضی و تغییر مسیر اصلی خلقت، حرام است. (همان، ص ۳۰) لکن آن چه که از آیه ۱۱۹ سوره نساء برداشت می‌شود اول این که اگر چه به ظاهر نشان از منع تغییر در خلقت خدا دارد اما تغییراتی که همراه با نقص باشد را شامل می‌شود و دوم این که نکته‌ی مهم این است که تغییراتی را شامل می‌شود که مخالف با خلقت اصلی و ذاتی باشد یعنی تغییراتی که برای تصرف



تغییراتی باشد که سبب بروز مشکل برای مردم نشود؛ دارای ایراد نخواهد بود اما در مورد محصولات مذکور حتی اگر فوائد آن به اثبات رسیده باشد در هر حال از طرف دیگر عده ای اعتقاد دارند این محصولات مضر است اگرچه مضرات آن همراه با شک و تردید است اما جهت حمایت از حق حیات و کیفیت زندگی انسان‌ها نمی توان نسبت به بروز ضرر احتمالی ناشی از این محصولات در آینده در اثر مصرف؛ بی اعتنا بود پس به این سادگی نمی توانیم نظر بدهیم که در راستای محصولات تراریخته، تغییرات ایجاد شده مطلقاً الهی می باشند در واقع امکاناتی که خداوند در استیلای انسان‌ها قرارداده است بهره بردن از آن باید به گونه ای باشد برای انسان‌ها خطری ایجاد نکند و به درستی از آن‌ها استفاده شود و برای سعادت انسان‌ها تلاش شود و نباید همراه با تهدید باشد مطمئناً به دلیل مردود بودن وضعیت سلامتی محصولات تراریخته با استناد به اصل احتیاط این را نمی توان به طور مطلق از تغییرات الهی دانست با استناد مطلق به الهی بودن این تغییرات نمی توانیم وضعیت این محصولات را صحیح نشان بدهیم بنابراین؛ از جهت افزایش تولید تغییرات حاصله الهی می باشد اما از جهت احتمال ایجاد ضرر تغییرات موجود الهی نمی باشد به همین دلیل با توجه به این که مضرات این محصولات در حالت شک و تردید است استفاده از این محصولات طبق مکتب بینابینی، با ملاحظه ی دیدگاه‌های موافقین و مخالفین باشد به عبارت دیگر واردات محصولات تراریخته به گونه ای باشد که فرقی بین شرایط مجاز بودن استفاده از محصولات تراریخته و رعایت شرایط احتیاطی نباشد تاکید می شود از این محصولات استفاده شود اما شرایط احتیاطی رعایت شود. (ج.ر)

باید جمعا با رعایت اصل احتیاط و اصل ایاحه اتخاذ شود به عبارت دیگر از این جهت که تغییرات در محصولات تراریخته ناقص و معیوب می باشد یا خیر؟ با شک و تردید مواجه هستیم و با توجه به اینکه اصل ایاحه بر اصل احتیاط برتری دارد به نظر می رسد باید اصل بر درستی دانست تا خلاف آن ثابت شود اما به دلیل احترام به تضمین سلامتی انسان‌ها علاوه بر اصل ایاحه به اصل احتیاط نیز باید توجه نمود و طبق مکتب بینابینی به صورت مشروط با رعایت شرایط احتیاطی از این محصولات استفاده شود و آن هم به صورت تعلیقی تا زمان مشخص شدن مسلم وضعیت این محصولات، این دیدگاه برای استفاده از محصولات تراریخته کاربرد دارد. (ج.ر)

و دومین پاسخی که می توان در خصوص پذیرش مطلق ممنوع نمودن استفاده از این محصولات طبق آیه مذکور داد این است که؛ در این آیه شیطان به انسان دستور می دهد که خلقت خداوند را تغییر بدهد بر همین اساس مصداق این آیه شامل تغییراتی هستند که شیطانی باشند و در گستره ی تامین منافع مردم نباشد بلکه موجبات ایجاد مشکلات متعدد برای مردم را فراهم نماید و در خصوص محصولات تراریخته یکی از جنبه های مثبت این محصولات افزایش تولید می باشد و در رفع بحران کمبود غذا نقش مهمی دارد بر همین اساس تغییرات ناشی از این محصولات در نگاه اول و مطلق؛ الهی می باشد و البته اگر مخالفین به مضرات این محصولات استناد می نمایند با توجه به این که در حالت شک و تردید قرار دارد با استناد به اصل برائت این محصولات بدون ضرر شناخته می شوند بنابراین؛ اگر تغییرات ایجاد شده در محصولات تراریخته به طور قطعی باعث پیشرفت و توسعه باشد و برای تسهیل ارائه خدمات به مردم گامی بزرگ برداشته شود و به نوعی



۳- دیدگاه موافقین و ادله آنان:

موافقین معتقدند در آینده به دلیل افزایش جمعیت جهان با کمبود غذا مواجه خواهد بود و محصولات تراریخته قابلیت حل بحران غذا در آینده را خواهد داشت و به جهت این که مضرات این محصولات به اثبات نرسیده است معتقدند این محصولات دارای ضرر نیست و در استفاده از آن هیچ مشکلی وجود ندارد.

۳-۱- نفی سبیل (آیه ۱۴۱ سوره نساء):

وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا (نساء، ۱۴۱)
خدا هیچ گاه برای کافران نسبت به اهل ایمان راه تسلط باز نمی گذارد.

موافقین با استناد به این آیه معتقدند که خداوند از هرگونه سلطه از سوی کفار بر اهل ایمان نفی می کند و با توجه به وضعیت خاص اقلیمی و چالش های زراعی که ممکن است در آینده ایجاد شود و در کنار آن با توجه به افزایش جمعیت مساحت زمین ها افزایش پیدا نخواهد کرد بر همین اساس مسلمانان جهت تامین غذای مردم افزایش تولید ضرورت دارد و محصولات تراریخته با توجه به کاربرد هایی که دارد باعث افزایش تولید می شود و همین امر مانع تسلط کفار بر اهل ایمان خواهد شد مطمئناً مخالفین نیز در پاسخ بیان می کنند محصولاتی که خود ممکن است دارای ضرر باشد می تواند عامل تسلط کفار بر اهل ایمان باشد در هر حال در جمع بندی نهایی استفاده از محصولات تراریخته مجاز باشد اما شرایط سخت احتیاطی در آن رعایت شود.

۳-۲- تسخیر (آیه ۱۳ سوره جاثیه)

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُنَّ فِي ذَلِكِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (جاثیه، ۱۳)

۴-۲- اکل حلال و طیب (آیه ۱۶۸ سوره

بقره):

يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ (بقره، ۱۶۸)

ای مردم، از آنچه در زمین است بهره برید، که خدا آن را برای شما حلال و پاکیزه ساخته است و گام های شیطان را دنبال نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است،

مخالفین با استناد به این آیه استدلال می نمایند از آن چه که در زمین حلال و پاکیزه است، بخورید بر همین اساس محصولات تراریخته حلال یا پاکیزه بودن آن در مرحله ی شک و شبهه وجود دارد و به اثبات نرسیده است بر همین اساس معتقدند باید از استفاده از این محصولات خودداری کرد تا علمی را جهت عدم زیان محصولات تراریخته کسب نماییم و از طرفی دیگر موافقین می توانند به این استدلال نقد نمایند در پاسخ اول از این آیه، مفهوم مخالف استخراج خواهند کرد زیرا به مردم هشدار می دهد از آن چه که حرام هستند استفاده نکنید یا به صراحت آیه گام های شیطانی را دنبال نکنید در حالی که نه تنها در مورد محصولات تراریخته حکمی جهت حرام یا حلال وجود ندارد بلکه در پاسخ دوم، با توجه به اصل براءت، ضرر و زیان احتمالی این محصولات را نفی می نمایند و اصل را بر پاکیزه و سالم بودن این محصولات می گذارند و در جمع بندی نهایی دو نظریه فوق، به دلیل ارتباط تام این محصولات با حق حیات انسان ها استفاده از این محصولات مجاز باشد اما به صورت تضمینی با توجه به مکتب اعتدال از تمام جهات شرایط احتیاطی رعایت شود. (ج.ر)



گماشت که در آن فساد کنند و خونها بریزند و حال آن که ما خود تو را تسبیح و تقدیس می کنیم؟ خدا فرمود: من چیزی از اسرار خلقت بشر می دانم که شما نمی دانید.

موافقین از این آیه می توانند استدلال نمایند که انسان ها با توجه به قابلیت و توانایی هایی که دارد می تواند جانشین خداوند در زمین باشد تا با بهره گیری از استعداد بالقوه ای که خداوند در فطرت وی قرار داده است موجبات حل مشکلات مردم را فراهم نماید بر همین اساس انسان توانست با پیشرفت علمی شرایط های مناسبی را جهت زندگی همه ی بشر فراهم نماید در نتیجه موافقین معتقدند تغییرات حاصل از محصولات تراریخته دارای نقص نمی باشد بلکه بشر حق ایجاد تغییرات را خواهد داشت البته پذیرش مطلق این نظریه دارای نقد است زیرا همانطور تغییرات در جهان توسط انسان با استدلال از این آیه دارای نقص نیست بلکه تغییرات حاصله نیز باید الهی باشد اگرچه تغییرات حاصل از محصولات تراریخته از جهت افزایش تولید الهی است اما همین محصولات ممکن است مضر باشد اگرچه چنین مضراتی با براءت نفی می شود اما ایجاد زندگی مناسب برای انسان ها و تامین حقوق معنوی آن ها اقتضاء دارد به خطرات ناشی از این محصولات بی اعتنا نبود بلکه استفاده از این محصولات مجاز باشد اما شرایط احتیاطی قطعی رعایت شود.

۴-۳- قدرت آباد گری انسان (آیه ۶۱ سوره

هود):

هُوَ أَنشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود، ۶۱) او خدایی است که شما را از زمین آفرید و برای آباد ساختن آن برگماشت.

در مقابل مخالفین؛ موافقین با استناد به آیه ی مذکور نیز؛ اعتقاد به جواز استفاده از محصولات

آن چه در آسمان و زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته در این نشانه های مهمی است برای کسانی که اندیشه می کنند.

هرچیزی در آسمان و زمین است در تسخیر بشر است و تغییراتی که در اثر محصولات تراریخته ایجاد می کنند با آیه شریفه مذکور تایید می شود. بنابراین؛ تغییراتی که بشر ایجاد می کند دارای ایراد نیست مشروط بر اینکه تغییرات سبب بروز مشکلات برای مردم نباشد به عبارتی با اعمال حق خودشان نمی توانند موجبات بروز ضرر را برای مردم فراهم نمایند و طبق اصل ۴۰ قانون اساسی هیچ کسی نمی تواند اعمال حق خود را وسیله ی اضرار به غیر قرار دهد از جهتی محصولات تراریخته با افزایش تولید، دغدغه های مردم را جهت رفع بحران کمبود غذا حل می نماید اما به جهت احتمال بروز ضرر ناشی از این محصولات، اگرچه ضرر مذکور با براءت نفی می شود و استفاده از این محصولات نباید ممنوع باشد اما با اعمال شرایط احتیاطی از این محصولات استفاده شود که در صورت ایجاد اضطراب جهت تامین غذای کافی بتوان استفاده از این محصولات را گسترش داد همچنین تا زمانی که شرایط اضطراری وجود ندارد استفاده از این محصولات به گونه ای باشد تا در صورت اثبات زیان بار بودن این محصولات از بروز ضرر فاحش در آینده خودداری نمود.

۳-۳- خلافت (آیه ۳۰ سوره بقره):

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۖ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ (بقره، ۳۰)

و به یاد آر وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه ای خواهم گماشت، گفتند؛ آیا کسانی در زمین خواهی



و همین نکته توأم با شک و تردید می باشد؛ مخالفین با استناد به آیه ۷۰ سوره اسراء و آیات ۲۸ الی ۳۰ سوره حجر به حق حیات انسان ها، با وجود محترم بودن کرامت انسان ها و تسلیم غذای لذیذ و پاکیزه توجه دارند معتقدند با توجه به احتمال ورود ضرر؛ از این محصولات استفاده نشود اما برداشت مطلق و یک سویه از این آیات دارای نقد است؛ چراکه موافقین معتقدند اگر کرامت و حق حیات انسان ها مورد حمایت می باشد و همچنین از دراختیار قرار دادن غذای سالم و پاکیزه جمعا برداشت دیگری نیز از آیات مذکور استخراج می شود زیرا؛ محصولات تراریخته ارتباط مستقیم با رفع بحران کمبود غذا در آینده دارد بر همین اساس از این جهت نیز به حمایت از حق حیات انسان ها پرداخته می شود و با توجه به این که غذای کافی دراختیار مردم قرار می دهد، این امر نیز با حق حیات انسان ها و تسلیم غذای لذیذ و پاکیزه ارتباط دارد و در ادامه مخالفین با استناد به آیه ۱۱۹ سوره نساء به شیطانی بودن تغییرات حاصله از تراریخته اعتقاد دارند در این خصوص نیز موافقین می توانند استدلال نمایند از یک طرف به دلیل افزایش تولید تغییرات حاصله الهی است و از طرف دیگر اگرچه تغییرات حاصله به دلیل احتمال ورود ضرر الهی نیست اما هنوز مضرات مشهود آن ثابت نشده است بر همین اساس ضرر آن با براءت نفی می شود و در پایان موافقین با استناد به آیات ۶۱ هود و ۳۰ بقره مستندا اشاره به این امر دارند که انسان خلیفه خداوند در زمین است و تغییرات حاصل از تراریخته را موجه می دانند اما با تمام استدلال های متعددی که؛ موافقین و مخالفین می توانند از آیات مذکور ارائه نمایند ضروری است استفاده از این محصولات بر مبنای مکتب اعتدال باشد با احترام کامل به استدلال هایی که موافقین می توانند در

تراریخته دارند، معتقدند انسان خلیفه ی خداوند در زمین است بر همین مینا حق هرگونه تغییرات طولی و در حیطة ی تسخیر خواهد داشت اما پذیرش مطلق این نظریه در مورد محصولات تراریخته دارای نقد می باشد لاکن تا جایی که تغییرات با ضرر همراه نباشد بلکه برای توسعه باشد و مخالف با هدف خلقت اصلی پدیده ها نباشد؛ اشکالی وجود ندارد چراکه انسان خلیفه ی خداوند در روی زمین است بلکه برای رفع مشکلات می تواند، اقدامات لازم را انجام بدهد و در بحث مربوط به محصولات تراریخته آن چه ظاهر است؛ تغییرات برای پیشرفت از قبیل رفع مشکلات کمبود غذا؛ اشکال ندارد اما در مورد این محصولات؛ احتمال ورود ضرر وجود دارد اگرچه در زمان شک و تردید با براءت ضرر نفی می شود اما جهت حمایت از حق حیات انسان ها همانطور قبلا بیان شده است در این مورد مکلفیم به احتیاط توجه نماییم به عبارتی تا زمانی که جهت رفع بحران کمبود غذا با استفاده از محصولات تراریخته اضطراری وجود ندارد استفاده از این محصولات طبق مکتب بینابینی و با ملاحظه دیدگاه مخالفین و موافقین؛ به استفاده از این محصولات پرداخت مشروط بر این که محدودیت های ویژه ای در استفاده از این محصولات در نظر گرفته شود تا بین جواز استفاده از محصولات تراریخته جهت تامین غذای کافی برای مردم و رعایت شرایط احتیاطی جهت تامین حق حیات انسان ها فرقی نباشد.

نتیجه گیری

محصولات تراریخته دارای دو مکتب موافق و مخالف می باشد و هر مکتب برای اثبات سخن خود به ادله متعددی تمسک جستند البته در مورد مضرات این محصولات ابهاماتی وجود دارد



قرآنی بایسته است استفاده از این محصولات به گونه ای باشد که شرایط جواز استفاده از این محصولات نسبت به رعایت شرایط احتیاطی ترجیح نداشته باشد.

دفاع خود از نظریات مخالفین ارائه نمایند اما حق حیات انسان ها اقتضاء دارد به احتیاط نیز توجه شود. لذا با استناد به اصل اباحه و صحت و با جمع عرفی دیدگاه های قابل ارائه از سوی موافقین و مخالفین و با برداشت از اطلاق آیات

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۱- امانی، علی رضا(۱۳۹۲): «جبران خسارات در بیوتکنولوژی»، حقوق راه وکالت، شماره ۱۰
- ۲- اسمعیلی پرزان، مریم، رجائی پور، مصطفی، رزمی، سید محسن(۱۳۹۶): «دستکاری ژنتیکی و ممنوعیت ضرر در اسلام»، اخلاق زیستی، شماره ۲۳
- ۳- پورداود، مهدی، بحری شعبانی پور، امیر هوشنگ، محمدی زاده فلوراء، (۱۳۹۵): «بررسی محصولات تراریخته از دیدگاه دینی و سیاسی»، همایش محصولات تراریخته در خدمت تولید غذای سالم، حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان
- ۴- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۴): «حقوق بشر در حکومت شیعی پیشگام حقوق بشر بین الملل»، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره اول
- ۵- رهنما، حسن (۱۳۸۷): «اخلاق زیستی و تولید محصولات تراریخته»، فصلنامه اخلاق در علوم و فناوری، سال سوم، شماره های ۱ و ۲
- ۶- شهبازی، حشمت اله، تقی زاده، ابراهیم، شهبازی نیا، مرتضی(۱۳۹۶): «حقوق بشر در حقوق خصوصی»، فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی، سال پنجم، شماره نوزدهم
- ۷- عباسی، محمود، رزمخواه، نجمه، حیدری، بهار (۱۳۹۳): «محصولات غذایی تراریخته و چالش های پیش رو از منظر اخلاق زیستی و حق بر غذا»، فصلنامه اخلاق زیستی، سال چهارم، شماره دوازدهم
- ۸- علیدوست، ابوالقاسم، حسینی کمال آبادی، سید مرتضی(۱۳۹۶): «مبانی فقهی مهندسی ژنتیک و محصولات تراریخته»، فصلنامه تخصصی دین و قانون، شماره ۱۴
- ۹- مهدی زاده، مهرانگیز، ربیعی، مریم، آل بویه، محمود، رستگار، حسین(۱۳۹۰): «برچسب گذاری مواد غذایی یا تراریخته و حقوق مصرف کنندگان»، فصل نامه حقوق پزشکی
- ۱۰- واحدی، مرتضی، ملا ابراهیمی، عماد، ارزانیان کرم الهی، نوربخش، بررسی ابعاد حقوقی تولید و کاربرد محصولات تراریخته با تاکید بر قانون ایمنی زیستی، پروتکل کارتاها، پروتکل ناگویا
- ۱۱- یزدان پناه، مسعود، فروزانی، معصومه، بختیاری، زیبا(۱۳۹۵): «بررسی تمایل کارشناسان جهاد کشاورزی خوزستان نسبت به محصولات کشاورزی تراریخته»، علوم ترویج و آموزش کشاورزی ایران، جلد ۱۲، شماره ۱

اهمیت و جایگاه طعام از منظر قرآن کریم

مریم رضازاده^۱ و رضا فرهمند فر^۲

۱- کارشناسی، گروه علوم و صنایع غذایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران (نویسنده مسئول: maryam631863@gmail.com)

۲- دانشیار، گروه علوم و صنایع غذایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران

چکیده

تغذیه یکی از مقولاتی است که در بسیاری از مکاتب طبی، سرفصلی خاص برای آن باز شده است. ارتباط بین غذا با روح، از مسائلی است که در جهان بینی توحیدی و عمدتاً در مکتب اسلام به آن اشاره شده است. قرآن به مسئله اطعام به عنوان یک روش انفاق توجه دارد. چنان که به این مسئله به عنوان یکی از روش‌های کسب تقوا و نیز رهایی از آتش دوزخ و همچنین به عنوان مجازات و تنبیه در دنیا توجه داشته است. تأثیرات فرامادی یک امر مادی همچون غذا و ابعاد اثرگذاری آن از جمله در اخلاق، رفتار، سعادت و سلوک الی الله از جمله مقولاتی است که به استناد عمده تفاسیر موجود از آیه ۲۴ سوره مبارکه عبس قابل برداشت است. لذا براساس این آیه شریفه، اگر آدمی به تغذیه و تندرستی خود عنایت ویژه داشته باشد، بهتر می‌تواند عبادت خدا و خدمت به خلق کند. غذای جسم، طعام است و غذای روح، علم و عبادت. تغذیه سالم جسم، مقدمه ای است بر یک امر مهم تر که عبارت است از تهذیب و تربیت روح و یکی از لوازم سلامت روح، توجه بر سلامت جسم از طریق حصول غذای حلال است.

واژگان کلیدی: تغذیه، قرآن کریم، اطعام، حلال، اسلام

مقدمه

سهل انگاری در تشویق دیگران به اطعام نیازمندان و مساکین را از علل غل و زنجیر شدن در دوزخ می‌شمارد. آیات و روایات زیادی در دین اسلام وجود دارد که در رابطه با غذای پاکیزه و اثرات آنها روی خلق و خوی انسان است، در این میان برخی غذاها وجود دارد که تأثیرات مستقیم بر روی خلق و خوی انسان دارد که در خوردن آنها نیز حد اعتدال رعایت شود، مانند گوشت که موجب خوش اخلاقی، اعتماد به نفس و شجاعت شده اما زیاده روی در خوردن آن قساوت قلب را به همراه دارد. در روایات، پاداش دنیوی اطعام زیاد شدن روزی^[۱] دفع و رفع بلاها و بیماری‌ها^[۲] ایجاد محبت^[۳] دانسته شده است. هم چنین باید دانست که تغذیه از نظر سلامت نیز حائز اهمیت است لذا یکی از راهکارهای مهم در مدیریت سلامت تغذیه، هدفمند

اطعام به معنای طعام و غذا دادن یکی از دستورهای دینی شریعت اسلام است. قرآن به مسئله اطعام به عنوان یک روش انفاق توجه دارد؛ چنانکه به این مسئله به عنوان یک روش کسب تقوا و رهایی از آتش دوزخ و همچنین به عنوان مجازات و تنبیه در دنیا مینگرد به سخنی دیگر گاه اطعام به عنوان مجازاتی در نظر گرفته شده است که شخصی مرتکب شده است که ظهار کرده و همسران خویش را همانند مادران و خواهران خویش دانسته اند. قرآن همچنین مردم را تشویق به اطعام مساکین می‌کند و حتی کسانی را که دیگران را به این کار نیکو تشویق و ترغیب میکنند ستایش میکند (ماعون آیه ۱ تا ۳ و فجر آیه ۶۱ تا ۸۱ و حاقه آیه ۵۲ تا ۵۳) از طرفی این مسئله ان چنان حائز اهمیت است که



میکند نه چیز دیگر^[۵].

غذا های قرآنی

در قرآن کریم به برخی از مواد غذایی سوگند یاد شده است. و التین و زیتون (تین/۱). نام برخی از سوره ها نیز در ارتباط با مواد غذایی است؛ مانند: بقره، نحل، تین، ماعون، انعام و ماعده. قرآن کریم به مناسبت های مختلف به نام برخی خوراکی ها اشاره میکند، نظیر زیتون (تین/۱)، انعام/۱۴۴)، انجیر (تین/۱)، خیار، عدس، سیر، پیاز (بقره/۱۶)، انگور (نحل/۶۷، مومنون/۱۹)، نان (یوسف/۳۶)، انار (انعام/۹۹ و ۱۴۱)، کدو (صافات/۱۴۶ و ۱۴۴)، موز (واقعه/۲۹)، سبزیها (عبس/۲۸)، گوشت (هود/۶۸).

سفارش قرآن به بعضی خوراکی ها

در قرآن کریم از خرما و انگور به عنوان رزق نیکو نام برده شده است. غذاهایی مثل خرما و کشمش، قند خون را فوری به بدن میرساند و با تأمین گلوکز سلول های مغز، عواطف انسان را تحریک می کند. بدین گونه، انسان بدون تحمل حجم زیاد از غذا در معده، به انرژی لازم دست می یابد. همچنین خداوند در قرآن وقتی از خوردنی های خام نام می برد، آن را منحصر به انسان و حیوان می داند و شگفت این است که نام آدمی را پیش از حیوان می آورد و او را برای خام خواری مقدم بر حیوان و سزاوارتر میداند^[۶].

رابطه تغذیه و اخلاق

رابطه نزدیک میان تغذیه و روحیات و اخلاقیات وجود دارد، هرگز نمی گوئیم غذا ها علت تامه برای اخلاق خوب یا بد است، بلکه همین اندازه میدانیم که طبق روایاتی که عرض میکنم یکی از عوامل زمینه ساز پاکی و اخلاق، تغذیه است

کردن زندگی مادی با تفکر و اعتقادات معنوی است. اگر انسانها با الهام گیری از دستورات حیات بخش قرآن به کنترل و مدیریت غذایی بپردازند و به جنبه های اعتدال در تغذیه، ارتزاق^۱ از روزی های حلال و خوردن طیبات و افراط نکردن در آن و پرهیز از خوردنی های حرام و غیر مجاز و توصیه های دیگر از این دست توجه نمایند و هدف از زیستن سالم و مطلوب در این دنیا را بشناسند و این اعتقاد را داشته باشند که همه چیز به خواست و اراده خداوند در اختیار انسانها قرار گرفته و انسانها موظفند به عنوان یک امانت خوب و مقبول از آنها بهره مند شوند، به طور یقین به زندگی سالمی خواهند رسید^[۴].

طعام در روایات

نه تنها در قرآن از واژه ی طعام، به مفهوم گندم و خشکبار نمیتوان رسید، بلکه در روایات نیز از آن، چنین مفهومی استفاده نمیشود.

۱- امام صادق (ع) فرمود:

(الوضوء قبل الطعام و بعد ینفی الفقر و یزید فی الرزق)

شستن دست، پیش و پس از غذا، فقر را از بین می برد و روزی را زیاد می کند.

۲- رسول خدا (ص) فرمود:

(سید الطعام الدنيا والاخره اللحم ثم الارز) سرور خوراکی های دنیا و آخرت، گوشت، سپس برنج است.

بنابراین، با توجه به مصداق ها و نمونه های قرآنی و روایی یاد شده، هیچ دلیلی بر اینکه طعام به معنای گندم و خشکبار و مانند آن باشد، حتی در اصطلاح اهل حجاز، بدست نمی آید. برابر بیشتر مفسران و علمای لغت، طعام در آیه (و طعام الذین اوتوا الكتاب حل لکم) گوشت حیوان های حلال گوشتی است که اهل کتاب کشتار



خوردن خون را حرام کرده به خاطر آن است که سبب جنون و سنگدلی و کمبود رأفت و مهربانی می شود تا آنجا که ممکن است فرزند یا پدر و مادرش را به قتل برساند! [۱۰]

در بخش دیگری از این روایت می فرماید: «وَأَمَّا الْخَمْرُ فَإِنَّهُ حَرَمٌ لِفَعْلِهَا وَ فُسَادِهَا وَ قَالَ : إِنْ مَدُمِنَ الْخَمْرِ كَعَابِدِ وَثْنٍ، وَ يورثه ارتعاشا و يذهب بنوره و يهدم مروته؛ اما شراب خداوند آن را به خاطر تأثیر و فسادش حرام کرده است و فرمود شخص دائم الخمر مانند بت پرست است بدنش لرزان می شود و نور (معنویت) او را از بین می برد و شخصیت او را ویران می سازد! [۱۱]

نتیجه‌گیری

از آنجا که اسلام دینی فطری است و توجه به غذا و خوردن آن از فطریات است، لذا بر این امر تأکید گشته است. غذای خوب خوردن و تن و جسم را سالم نگه‌داشتن تا مقدمه کمال انسانی در راه بندگی خدا شود، از تعالیم اسلام است. غذاهایی که در بدن انسان تأثیر بد بگذارد و آدم را بیمار کند، در شریعت اسلامی حرام گشته است. برای اینکه همه انسان‌ها از سفره طبیعت بهره گیرند و شکمی خالی نباشد، دستور به اطعام داده است. اصل دادن زکات و انفاق و کفارات برای این است که تفاوت طبقاتی در جامعه کم شود و انسانی محروم نماند. مهمتر اینکه در کنار مسئله طعام بر امر بهداشت و شستن دستها تأکید شده است، تا غذای انسان از هر جهت طیب و گوارا باشد.

هم از نظر نوع غذاها و هم از نظر حلال و حرام بودن آنها.

دانشمندان امروز نیز معتقدند بسیاری از پدیده های اخلاقی بخاطر هورمون هایی است که غده های بدن تراوش میکنند و تراوش غده ها رابطه نزدیکی با تغذیه انسان دارد؛ بر همین اساس، بعضی معتقدند که گوشت هر حیوانی حاوی صفات آن حیوان است، و از طریق غده ها و تراوش آنها در اخلاق کسانی که از آن تغذیه میکنند اثر می گذارد. گوشت درندگان انسان را درنده خو می کند، و گوشت خوک صفت بی بندوباری جنسی را که از ویژگی های این حیوان است به خورنده آن منتقل می سازد [۷].

در حدیثی از رسول خدا (ص) می خوانیم که به جعفر (ابن ابی طالب) (ع) فرمود: «یا جَعْفَرُ كُلِّ أَسْفَرٍ جَلٌّ فَإِنَّهُ يَقْوَى الْقَلْبَ وَ يَشْجَعُ الْجَبَانَ؛ ای جعفر «به» بخور قلب را تقویت میکند و ترسو را شجاع می سازد! [۸]

در احادیث متعددی نیز رابطه خوردن انار و از میان رفتن وسوسه های شیطانی و به وجود آمدن نورانیت قلب دیده می شود؛ از جمله در حدیث معتبری از امام صادق (ع) آمده است که می فرمود: «مَنْ أَكَلَ رَمَانَةَ عَلَى الرَّيْقِ أَنْارَتْ قَلْبَهُ أَرْبَعِينَ يَوْمًا؛ کسی که یک انار را ناشتا بخورد، چهل روز قلبش را نورانی می کند.» [۹]

در روایت مشروحی از تفسیر عیاشی از امام صادق (ع) نقل شده درباره این که چرا خداوند خون را حرام کرده می فرماید: «وَأَمَّا الدَّمُ فَإِنَّهُ يورث الكلب و قسوة القلب و قلة الرأفة و الرحمة لا يؤمن أن يقتل ولده و والديه...؛ اینکه خداوند



منابع

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، الکافی، محمد باقر کمره ای، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ج ۱، ج ۶، ص ۲۸۴، مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۱۱۱ق)، بحارالانوار، محمودی، محمد باقر، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، ج ۷۱، ص ۳۶۲، ۳۶۸
۲. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، (۱۱۱۱ق)، بحارالانوار، محمودی، محمد باقر، بیروت - لبنان، دار احیاء التراث العربی، ج ۷۱، ص ۳۷۹، ۳۸۶
۳. همان، ج ۷۲، ص ۴۴۹
۴. دکتر غفاری، فرزانه، (۱۳۹۳)، تغذیه سالم از نگاه قرآن، مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره ۲۲، ص ۹۸
۵. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، (۱۳۷۲)، فقه، قم، فصلنامه، فقه و علوم وابسته، ج ۳۱، ص ۳
۶. نعمتی، رزینا، (آذر ۱۳۸۸)، تأثیر تغذیه بر جسم و جان با توجه به برخی آداب آن از نگاه اسلام، مجله طبوبی، دوره ۲۴، ص ۴۸
۷. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۵)، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)، ج ۴
۸. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، الکافی، محمد باقر کمره ای، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ج ۱، ج ۶، ص ۳۵۷
۹. کلینی، محمد بن یعقوب، (۱۳۷۹)، الکافی، محمد باقر کمره ای، تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، ج ۱، ج ۶، ص ۳۵۴
۱۰. بحرانی، هاشم بن سلیمان، (۱۴۱۵ق)، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، واحد تحقیقات اسلامی، قم، مؤسسه البعثة، مرکز الطباعة و النشر، ج ۱، ج ۲، ص ۲۲۲
۱۱. عیاشی، محمد بن مسعود، (۱۳۸۰)، التفسیر (للعیاشی)، هاشم رسولی، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه، ج ۱، ص ۲۹۱

نقش تعلیمات قرآنی بر تربیت جامعه دوستدار محیط زیست

مریم میرمحمدی

کارشناسی ارشد الهیات؛ علوم قرآن و حدیث (نویسنده مسئول: maryasmir55@gmail.com)

چکیده:

یکی از اهداف تعلیم و تربیت در جامعه رسیدن به رشد فکری تربیتی و فرهنگی آن است که مهمترین عضو مدرسه یعنی معلم می تواند این مسئله را به تحقق برساند؛ چراکه نقش آن در این امر خطیر بسیار مهم تلقی می شود و سبب روابط تنگاتنگ موثر بین دانش آموزان و آگاهی از ارزش های تربیتی در تعالی و شکوفایی شخصیت جوانان در جامعه با معلم وجود دارد. در این مقاله ضمن پرداختن به فلسفه نظام تعلیم و تربیت به نقش معلم بعنوان الگوی آموزشی موثر در هویت بخشی دانش آموزان در راستای جامعه دوستدار محیط زیست و همچنین به بررسی این معقوله از دیدگاه بزرگان پرداخت است که با روش کتابخانه ای؛ بررسی کمیت و مقالات مرتبط با موضوع؛ انجام گرفته است با توجه به بررسی صورت گرفته و تاثیر آموزش معلمان بر گسترش نقش تربیتی و بهره مندی از روشهای جدید و مداوم به خوبی مشخص شده است.

واژگان کلیدی: تعلیم و تربیت، آموزش، نقش معلم، علوم قرآنی، دوستدار محیط زیست

مقدمه:

زیست به مفهوم نخست آن مجموعه ای از پدیده های طبیعی و تعادل بین عناصر مؤثر در طبیعت است که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران را تضمین می نماید و محیط زیست به مفهوم دوم رابطه تعاملی است که بین تأسیسات و محیطی که در آن ایجاد می شود وجود دارد. بنابراین محیط زیست برای خاک، آب و هوا (منابع طبیعی) و انواع حیوانات و گیاهان و تعادل بیولوژیک بین آنها (طبیعت) شهر و مناظر آن، به کار می رود.

تعادل اکولوژیک

اکولوژی (ecologuo) دانشی است که به مطالعه ی انواع جانداران، گیاهان و حیوانات در محیط طبیعی آنها می پردازد و بنابراین مراد از تعادل اکولوژیک شرایط و مناسباتی است که در طبیعت شکل می گیرد و حیات گیاهان، حیوانات و انسان ها را تضمین می نماید و امکان حداکثر بهره مندی آنها را فراهم می آورد. امروزه دو مفهوم اکولوژی و محیط زیست به نحوی به هم

آب، خاک، هوا، گیاهان، حیوانات و مناسبات بیولوژیک متعادل بین آنها شکل دهنده ی محیط زیست طبیعی است. این سرمایه ی طبیعی موهبتی بزرگ است که خداوند متعال به بشر ارزانی داشته تا در تمامی ادوار تاریخ با عمران و آبادانی زمین همه ی انسان ها و موجودات از آن بهره مند باشند؛ از این رو حق بهره مندی از آنرا باید از مصادیق مهم حقوق بشر یاد نمود، که قرآن کریم در آموزه های خود ضمن یادآوری این مطلب، بر مصونیت طبیعت و منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هر گونه تجاوز و تعدی تأکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت.

مفهوم محیط زیست

مفهوم محیط زیست یا از علوم طبیعی نشأت می گیرد و یا از علوم معماری و شهرسازی؛ محیط



به تعلیم و تربیت صحیح است. نظر به اهمیت تعلیم و تربیت، بزرگان علم اخلاق، تعلیم و تربیت را «اشرف صناعات» و برترین دانش‌ها دانسته‌اند. ثمره ی تعلیم و تربیت صحیح به اصلاح فرد منحصر نمی‌شود، بلکه جامعه را هم متحول می‌کند. با نگرش دقیق به ساختار روحی و روانی انسان، ضرورت و اهمیت تعلیم و تربیت صحیح رخ می‌نماید؛ زیرا هر چند در نفس آدمی گرایش به خیر و شر وجود دارد و به تعبیر قرآن کریم، فجور و تقوا به او الهام گردیده است، اما گرایش یا آگاهی فطری به خیر و شر و سعادت و کمال، کفایت نمی‌کند؛ زیرا کمال و سعادت در پرتو تلاش و حرکت و تعلیم و تربیت به دست می‌آید. تربیت یا آموزش و پرورش، با رشد و تکامل، رابطه تنگاتنگی دارد؛ یعنی رشد و تکامل، باعث ظهور استعدادها می‌شود آموزش و پرورش آن‌ها را تحقق می‌بخشد و جهت می‌دهد. چنان‌که می‌دانیم کلمه ی تعلیم به معنی آموزش، و کلمه ی تربیت به معنی پرورش است و در گذشته به جای «آموزش و پرورش»، «تعلیم و تربیت» به کار می‌رفت.

در مورد این که آیا این دو واژه یک مفهوم و معنی را می‌رسانند یا آن که هر کدام بر عمل خاصی اطلاق می‌شوند و از یکدیگر، جدا هستند، اختلاف است. معمولاً در نظر عامه ی مردم این دو واژه از هم جدا هستند و هر یک بر عمل خاصی اطلاق می‌شوند:

تعلیم یا آموزش به یاد دادن موضوع‌ها و مهارت‌های خاص به دانش‌آموزان و دانشجویان گفته می‌شود، مانند آموزش ریاضی، فیزیک، شیمی، عربی، و تربیت یا پرورش، به آموزش‌های دینی و اخلاقی و انسان‌بارآوردن دانش‌آموزان و دانشجویان؛ ولی در روان‌شناسی اعتقاد بر این است که هر عملی که از انسان سر می‌زند به کل وجودش مربوط است و هر گونه تفکیک و جدایی

تقریب یافته‌اند که اکولوژیست‌ها به مهمترین قشر مدافع محیط زیست تبدیل شده‌اند به گونه‌ای که یکی از رسالت‌های مهم خود را حفظ تعادل مناسبات محیط زیست می‌دانند.

تعلیم و تربیت، به هر شکل که تعریف شود و هدف آن هر چه باشد، مستلزم ایجاد ویژگی‌ها و خصوصیات است که در مرتبه ی به عنوان یک انسان صورت می‌گیرد، بنابراین موضوع تعلیم و تربیت همان انسان است.

لازمه ی تربیت، شناخت روح و روان و قوا و استعدادهای انسان است، و به گفته ی بعضی از صاحب‌نظران، تعلیم و تربیت به صورتی که در خور مقام و موقع انسان باشد، مستلزم شناخت انسان و مقام و موقع او در مراحل تطوّر نوعی و فردی است.

از این رو، در آغاز کتب اخلاق از قبیل تهذیب الاخلاق، اخلاق ناصری، جامع السعادات و معراج السعاده موضوع معرفت نفس یا تجرّد نفس و قوای نفسانی مطرح گردیده است.

البته بحث گسترده در مورد اثبات نفس و تجرّد آن در حکمت نظری یا فلسفه صورت می‌گیرد، و در علم اخلاق به عنوان مبادی و اصول مورد پذیرش واقع می‌شود.

به طور کلی محور تعلیم و تربیت، روح و روان آدمیان است؛ چنان‌که جسم و ساز و کار آن در حیطه ی کار پزشکان است.

درباره اهمیت تعلیم و تربیت همین بس که شکوفا شدن استعدادها و به فعلیت رسیدن قوای آدمی و تحقق گوهر وجود او در گرو آن است. تعلیم و تربیت صحیح، شرط لازم کمال آدمی است. اگر آدمی زیر نظر مربیان الهی تربیت شود فرشته خو می‌گردد، و گاه از فرشتگان فراتر می‌رود و گرنه به قهقرا رفته، به مرتبه ی حیوانات و فروتر از آن تنزل خواهد کرد. رشد صحیح فردی و اجتماعی و پرورش استعدادهای آدمی، منوط



مسئولیت انسان در حفظ محیط زیست

انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین، حق دارد از نعمتهای الهی استفاده کند؛ اما این استفاده نباید آنچنان باشد که حق دیگران در بهره‌برداری از این نعمت الهی در خطر قرار گیرد. به عبارت دیگر، انسان همان‌گونه که حق استفاده و بهره‌مندی از محیط زیست سالم را دارد، مسئولیت درست استفاده کردن از آن را نیز بر عهده دارد.

با نگاهی به وضعیت فعلی محیط زیست، در می‌یابیم که انسانها در بهره‌برداری از طبیعت و محیط زیست به مسئولیت خود در حفظ و حراست از آن به درستی عمل نکرده‌اند. شاهد این سخن، بحران عظیمی است که محیط زیست دچار آن شده است. تخریب و نابودی روز افزون جنگلها و مراتع، نابودی گونه‌های نادر گیاهی و جانوری، آلودگی آب، خاک و هوا، استفاده از سلاحهای هسته‌ای و شیمیایی، ورود مواد نفتی و آلاینده‌های دیگر مانند:

فاضلاب کارخانه‌ها و مجتمعهای صنعتی به رودخانه‌ها و دریاها، آسیب دیدن لایه ازن، بارانهای اسیدی، مصرف روز افزون سوختهای فسیلی، استفاده بی‌رویه از سموم دفع آفات نباتی و دهها عامل آلوده‌کننده دیگر که نام بردن از آنها فقط بر تلخ کامی و ناراحتی انسان می‌افزاید گویای این واقعیت مهم است که بشر در داد و ستد خود با محیط زیست، راه خطرناک و مهلکی را در پیش گرفته که نتیجه آن چیزی جز به خطر افتادن سلامت و حیات انسان و دیگر موجودات نخواهد بود.

اندکی تأمل و تفکر در آمارهایی که همه روزه در مورد وضعیت محیط زیست بیان می‌شود، کافی

در رفتار انسان، یک امر ذهنی یا تصویری است که با وجود واقعی انسان همخوانی ندارد. هیچ یک از اعمال و رفتار و حرکات انسان را نمی‌توان یافت که با کل وجود او ارتباط نداشته باشد. در قرآن کریم نیز همیشه کل وجود انسان، مخاطب قرار گرفته است و خداوند او را به صورت یک کل یا واحد، مسؤول قرار داده است، اگر چه برای تعبیر از این وحدت، کلمات گوناگون از قبیل: بنی آدم، انسان، نفس، قلب و... به کار برده است.

سرچشمه ی تربیت اسلامی، وحی و تعالیم آسمانی است. قرآن کریم، کتاب تربیت و هدایت است و در این تردیدی نیست که هیچ کتابی به پایه ی قرآن کریم نمی‌رسد و تربیت اسلامی، تربیتی الهی است.

قرآن کریم تأکید می‌کند که تربیت و تزکیه ی پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) جنبه ی الهی و منشأ وحیانه دارد:

هو الذی بعث فی الامیین رسولا منهم یتلوا علیهم آیاته و یزکیهم و یعلمهم الکتاب و الحکمة و ان کانوا من قبل لفی ضلال مبین. جمعه/ ۲
اوست که در میان امیین، رسولی از خود آنان بر انگیخت که آیاتش را بر آنان تلاوت می‌کند و آنان را تزکیه می‌نماید و کتاب و حکمت می‌آموزد؛ هر چند پیش از آن، در گمراهی آشکار بودند.

رسول گرامی اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) که خاتم پیامبران و افضل آنان است، به طور مستقیم با منبع وحی مرتبط بود و خود نیز تحت تربیت ویژه الهی قرار داشت. به عبارت دیگر خدای سبحان، پیش از آن که این مربی بزرگ بشریت را مبعوث کند، او را از دوران کودکی تحت پوشش خاص تربیتی خود قرار داده و بزرگ ترین فرشته خود را با او همراه ساخته بود تا وی را به سلوک درمسیر مکارم و محاسن اخلاقی رهنمون شود.



در این کنفرانس که به موجب قطعنامه ۴۴/۲۲۸ مجمع عمومی تشکیل شد، ۱۷۲ دولت، ۶ سازمان بین‌المللی وابسته به سازمان ملل، ۱۰/۰۰۰ نفر شرکت کننده شامل ۱۱۶ نفر از سران دولتها، ۱۴۰۰ نفر از سازمانهای غیردولتی و حدود ۹۰۰۰ روزنامه‌نگار شرکت داشتند. مسائل مطرح شده در این کنفرانس عبارت بود از: محافظت از اتمسفر، کنترل آلودگی هوا، حفاظت از تنوع گونه‌ها، دفع صحیح مواد زائد، بهبود کیفیت زندگی، سلامت انسانها، حفاظت از اقیانوسها، حفاظت از جنگلها و بالاخره مسائل مالی جهت مبارزه با آلودگی محیط زیست. اسناد تصویب شده در این کنفرانس عبارت بودند از: «اعلامیه کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه»، «اعلامیه اصول در مورد جنگلها»، «طرح اقدام برای قرن ۲۱». در ضمن در حاشیه این کنفرانس دو سند مهم دیگر با عناوین «کنوانسیون تنوع گونه‌های زیستی» و «کنوانسیون تغییرات آب و هوایی» هم به تصویب رسید.

و به تازگی، برگزاری اجلاس ژوهانسبورگ پس از گذشت ۱۰ سال از کنفرانس ریو، کنفرانس بزرگ زیست محیطی با عنوان کنفرانس سران توسعه پایدار، از بیست و ششم آگوست تا چهارم سپتامبر ۲۰۰۲ در ژوهانسبورگ، پایتخت آفریقای جنوبی با هدف بررسی و ارزیابی اجرای دستور کار ۲۱، که در کنفرانس ریو به تصویب رسیده بود، برگزار شد. در این کنفرانس راه‌های مبارزه با فقر، تخریب محیط زیست، مقابله با رشد بی‌رویه جمعیت و مباحث زیست محیطی دیگر مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در پایان نیز سندی جهت اجرایی کردن تصمیمات متخذه، به تصویب رسید. WWW. Johannesburg summit. org بخشی از اقدامات جهانی در مقابله با بحران عظیمی است

است تا انسان خود را بر لب پرتگاهی احساس کند که ساخته و پرداخته خود اوست.

تلاشهای انجام گرفته برای کم شدن الودگی محیط زیست

در مقابله با این خطر بزرگ که موجودیت انسان و دیگر جانداران را با تهدید رو به رو کرده است، تلاشهای فراوانی در سطح جهان صورت گرفته تا از شدت و پیشرفت این بحران کاسته شود. برگزاری دهها کنفرانس بزرگ جهانی مانند «کنفرانس استکهلم» درباره محیط زیست انسانی»، (این کنفرانس به موجب قطعنامه شماره III(××) ۲۳۹۸ مجمع عمومی، از پنجم تا شانزدهم ژوئن ۱۹۷۲، در شهر «استکهلم» پایتخت سوئد برگزار شد. این کنفرانس، بزرگترین کنفرانس بین‌المللی در مورد محیط زیست بود که تا این تاریخ تشکیل شده بود و در آن، بیش از ۶۰۰۰ نفر به نمایندگی از ۱۱۳ کشور و نزدیک به همین تعداد نمایندگانی از سازمانهای بین‌المللی و ۷۰۰ ناظر اعزامی از ۴۰۰ سازمان غیر دولتی و ۱۵۰۰ خبرنگار شرکت داشتند. در این کنفرانس چند سند مهم به تصویب رسید، که از جمله می‌توان به «اعلامیه کنفرانس ملل متحد در مورد محیط زیست» در ۲۶ اصل با هدف حفاظت از محیط زیست و یک دستورالعمل یا «برنامه عمل» مشتمل بر ۱۰۹ توصیه، در مورد تمهیدات هماهنگ برای مقابله با مشکلات زیست محیطی اشاره کرد.

کنفرانس ریو، درباره محیط زیست و توسعه بیست سال پس از کنفرانس استکهلم، سازمان ملل در راستای رفع نارسایی‌ها و کمبودهای موجود، و با توجه به شرایط جدید، کنفرانسی را تحت عنوان کنفرانس ملل متحد درباره محیط زیست و توسعه، از سوم تا چهاردهم ژوئن ۱۹۹۲، در شهر ریودوژانیرو پایتخت برزیل برگزار کرد.



بهره‌مندی از محیط زیست شایسته، سالم و امن» شناسایی شود.

این حق، ضمن این که، داشتن محیط زیستی امن و سالم را برای همگان تضمین می‌کند، وظیفه خودداری از فعالیت‌هایی را که به محیط زیست صدمه می‌زند، بر افراد، سازمانها، شرکتهای و دولت‌ها تحمیل می‌کند.

اسلام به عنوان دینی جهان‌شمول و جامع‌نگر، مدعی است که پاسخگوی نیازهای متغیر انسان در هر عصری است و برای کلیه روابط و شؤون او، دارای قوانین و مقرراتی است. البته این بدان معنا نیست که برای هر موضوع با عنوان خاص و متداول امروزی آن، حکم خاصی را مقرر داشته باشد؛ بلکه کلیات، اصول و قواعدی در اسلام وجود دارد، که می‌توان حکم هر موضوع را از آن به دست آورد.

یکی از همین موضوعات محیط زیست است. محیط زیست با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است؛ اما می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می‌توان یک مکتب زیست محیطی جامع را ارائه کرد.

به طور قطع، یکی از اموری که زمینه‌ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم و امن است؛ که انسان بتواند در پناه آن، به تربیت جسم و جان خویش پردازد و اصولاً یکی از وظایف مهم بشر که حفظ جان است، جز با زیستن در محیطی امن و سالم امکان‌پذیر نیست. بدین سبب، شرط اولیه داشتن روحی سالم، جسم سالم است و جسم سالم نیز فقط زمانی حاصل می‌شود که انسان از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد.

که جهان به واسطه آلودگی و تخریب محیط زیست گرفتار آن است.

علاوه بر این، تهیه و تصویب اسناد بین‌المللی فراوان در جهت مقابله با بحران زیست محیطی جهان، از جمله «اعلامیه استکهلم، اعلامیه ریو» و منشور جهانی طبیعت، بخش دیگری از اقدامات بین‌المللی در این باره است.

یکی از اقدامات مهم در این باره، ایجاد رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر و شناسایی حقی بشری، نسبت به محیط زیست با عنوان «حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم» است.

طبیعت رو به پیشرفت مسائل بین‌المللی، اقتضا می‌کند که حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسل‌های آینده، مورد توجه جدی همگان قرار گیرد؛ اما این که چگونه این امر تحقق می‌یابد، سوالی است که باید به آن پاسخ داده شود.

برای یافتن پاسخ این سوال اقدامات متعددی صورت گرفته و نظریات گوناگونی نیز بیان شده است، تا بشر همچنان بتواند از محیط زیست سالم خود بهره‌مند باشد. یکی از اموری که پیشنهاد شده و می‌تواند در حفظ محیط زیست مؤثر باشد، ایجاد رابطه بین محیط زیست و حقوق بشر است؛ زیرا حمایت قانونی از حقوق بشر می‌تواند وسیله‌ای جهت رسیدن به حفاظت از محیط زیست باشد. حقوقی مثل حق حیات، آزادی بیان، مشارکت سیاسی، برابری و... شامل ابزارهای قانونی بین‌المللی هستند که حفاظت بیش‌تر از محیط زیست را می‌طلبند. به همین جهت، برخی از حقوق‌دانان پیشنهاد کرده‌اند که برای برخورد با مسائلی که از طریق نابودی تدریجی محیط زیست گریبان‌گیر بشر می‌شود، حق جدیدی در چارچوب حقوق بشر، مبنی بر «حق بر محیط زیست» یا «حق



یکی از اهداف آن ایجاد رابطه‌ی معنوی با طبیعت و محیط زیست انسانی و بهبود ضمانت اجرایی قواعد شناسایی شده، در زمینه‌ی محیط زیست طبیعی و انسانی در وجدان انسان هاست.

قرآن کریم

قرآن کریم سند نهایی وحی مشتمل بر گزاره‌هایی توصیفی از طبیعت و دستوری نسبت به رابطه انسان با طبیعت است که از مجموع آنها می‌توان به قواعد اخلاقی و حقوقی مورد نظر قرآن در زمینه‌ی محیط زیست طبیعی و انسانی دست یافت. بنابراین آنچه در این نوشتار ارائه می‌گردد نگاه توصیفی قرآن به طبیعت و محیط زیست طبیعی و الگوی تعامل مطلوب با آن است. با نگاهی به متون دینی - و از جمله قرآن کریم - می‌توان دریافت که محیط زیست و تلاش برای به حفظ و حمایت از آن، برای بهره‌مندی بشر از محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است.

آیات متعددی در قرآن بر این مسأله دلالت دارند. این آیات چند دسته هستند که به آن‌ها اشاره می‌کنیم.

این دسته از آیات بیان می‌کنند که خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسانها در همه زمانها وجود دارد.

خداوند در سوره بقره می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا يَعْنِي: و اوست آن (آفریننده‌ای) که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید.

در آیه دیگر خداوند می‌فرماید: وَ لَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ يَعْنِي: شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.

در آیه ۱۰ سوره الرحمن آمده است:

از آن‌جا که انسان به عنوان جزئی از جهان عظیم خلقت، با مجموعه بزرگی از مخلوقات دیگر، از جمله طبیعت و محیط زیست در ارتباط است، بدیهی است که زندگی شایسته او، در گرو تنظیم مناسب روابط با آن‌ها خواهد بود. اسلام در این باره راهکارهای اساسی ارائه داده است؛ به طوری که می‌توان گفت در اسلام، جامع‌ترین دیدگاه و صحیح‌ترین شیوه تعامل با طبیعت و محیط زیست بیان شده است.

بعد معنوی محیط زیست

محیط زیست به معنای اعم آن از چنان گستره‌ای برخوردار است که علاوه بر عناصر طبیعت و تعادل آن، مسأله کیفیت زندگی انسان را شامل می‌شود. انسان، با استفاده و قدرت مسخرسازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، کار و تفریح، محیط زیستی را برای خویش سامان بخشد که ضمن بهره‌مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی و معنوی را پدید آورد که شکل دهنده‌ی بعد انسانی محیط زیست بوده و شایسته است از آن به بعد معنوی محیط زیست یاد شود.

حقوق محیط زیست، شاخه‌ای از علم حقوق است که به مطالعه‌ی قواعد حقوقی موجود در زمینه‌ی محیط زیست طبیعی و انسانی می‌پردازد، که یکی از اهداف آن حفظ تعادل اکولوژیک طبیعت در رابطه با فعالیت‌های انسان است. بنابراین حقوق محیط زیست فعالیت‌های انسان‌ها را بر روی عناصر و محیط‌های طبیعی تعریف کرده و سازمان دهی کرده و کیفیت زندگی بهتر را تضمین می‌نماید.

اخلاق محیط زیست، مشتمل بر مجموعه‌ای از گزاره‌های اخلاقی و بایسته‌های ارشادی در زمینه‌ی محیط زیست طبیعی و انسانی است که



وَ الْأَرْضِ وَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

یعنی: و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد. در دسته‌ای از آیات قرآن، خداوند با نام بردن از عناصر محیط زیست، بر آفرینش آن‌ها برای انسان تأکید می‌کند. در سوره نحل خداوند می‌فرماید:

وَ الْأَنْعَامَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دَفءٌ وَ مَنَافِعُ وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ یعنی: چهارپایان را آفرید که برای شما از آن‌ها گرما (جامه‌های گرم) و سودهای دیگر فراهم می‌آید و از آن‌ها می‌خورید.

در همین سوره خداوند همچنین می‌فرماید:

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

یعنی: اوست (خدایی) که از آسمانها آب فرستاد که از آن می‌آشامید و بدان درخت و گیاه می‌روید، که در آن (رویده‌ها)، دامهای خود را می‌چرانید.

و در آیه بعد می‌فرماید:

يُنَبِّئُكُمْ بِهِ الزَّيْتُونَ وَ الرِّبُّونَ وَ النَّخِيلَ وَ الْأَعْنَابَ وَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ

یعنی: و با آن برایتان کشتزارها و درختهای زیتون و خرما و انگور و همه گونه محصول می‌رویند.

در سوره نمل نیز خداوند می‌فرماید:

وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ

یعنی: برای شما از آسمان آب فرستاد، پس با آن آب، بوستانهایی شادانگیز رویانیدیم.

خداوند در سوره نحل می‌فرماید:

وَ سَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَ الْقَمَرَ

یعنی: خداوند، خورشید و ماه را مسخّر شما ساخت.

و در سوره دیگر چنین می‌فرماید:

وَ سَخَّرَ لَكُمْ اللَّيْلَ وَ النَّهَارَ

یعنی: خداوند، شب و روز را برای شما تسخیر کرد.

و در جای دیگر اشاره می‌کند:

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ

یعنی: آیا ندیدید که خداوند آنچه در آسمانها و زمین است، مطیع شما کرد.

در جای دیگر نیز، خداوند با مضامین مشابه قبل می‌فرماید:

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ

یعنی: آیا ندیدی خداوند آنچه را در زمین است، مسخّر شما ساخت.

در قرآن کریم، خداوند همان طور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در سوره هود آمده است:

هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا

یعنی: خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما واگذاشت.

در این بیان، ضمن شناسایی عناصر کلیدی شکل دهنده ی محیط زیست طبیعی و انسانی، آیات مربوط به هر دو گستره با روش تفسیری قرآن به قرآن و قرآن به حدیث ارائه شده است و بر روابط عمیق بین انسان و مناسبات انسان ها با محیط زیست طبیعی تأکید شده و فرضیه مسئولیت اخلاقی، مدنی و کیفری متجاوز به حقوق محیط زیست طبیعی و انسانی در حقوق اسلام اثبات گردیده است.

نتیجه گیری :

امروزه بحران و مشکلات محیط زیست به شکلی و خیم زندگی انسان را تهدید می کند و بر رشد و تربیت انسان تاثیر می گذارد از این رو تربیت



آموزش در واقع تعلیم و تربیت از تغییر فردی جامعه و از درون انجام می‌گیرد قرآن مجید برای اثبات این حقیقت هدف غائی تربیت می‌باشد غالباً آن را مقدم بر تعلیم آورده تا در تعلیم و تربیت انسان اولین مرحله حرکت تغییر دادن و اصلاح جهان‌بینی اصول و محتوای فکری اوست چنانچه اصول فکری و اعتقادی فرد بر پایه بر اساس محیطی استوار باشد به طور طبیعی در رفتار و گفتار وی هم تاثیر مثبت خواهد داشت. از ویژگی‌های بازر تعلیم و تربیت اسلامی، نقش هدایتی آن است. قرآن، کتاب تربیت و هدایت است و درباره این نقش خود می‌فرماید:

ذَلِكِ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ (بقره / ۲)

این است کتابی که در (حقانیت) آن هم تردیدی نیست؛ و مایه‌ی هدایت تقوا پیشگان است.

2- قد جاءتكم موعظة من ربكم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمة للمومنین (یونس / ۵۷)

ای مردم، به یقین، برای شما از جانب پروردگارتان اندرزی و درمانی برای آنچه در سینه هاست و رهنمود و رحمتی برای گروندگان (به خدا) آمده است.

طبیعت منبع خردورزی است. یکی از ویژگی‌های بارز و برجسته‌ی نظام تربیتی اسلام، تأکید فراوان بر روی عنصر عقل و خرد است.

در اسلام هم تعلیم و تربیت، عبادت است و هم تفکر. بلکه تفکر بالاترین و برترین عبادت به شمار آمده است «افضل العبادة التفکر» یا «لا عبادة كالتفکر» (۱۷) یا «كان اكثر عبادة ابي ذر التفکر» (۱۸) با تفکر - صرف نظر از نتایج آن برای آدمی - خود فکر نیز رشد می‌کند و توسعه می‌یابد.

در قرآن کریم در بیش از ۱۸ آیه درباره تفکر، و در ۴۹ آیه در مورد تعقل، و در ۱۶ آیه در مورد اولواالباب، سخن گفته شده است.

زیست محیطی، رشد و پرورش و تعلیم گرایشها و دانش، منوط به این امر است که برای حفظ و تقویت محیط زیست و تربیت انسان تاثیر دارد نتایج حاصل از این یافته‌ها که بر اساس معانی فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و اهداف مسئولیتی اعم از درک وجود خداوند شکل گرفته و شواهد حاضر در این امر جهان هستی و طبیعت موزون و انسان هدف دار منتهی به رفتار و اخلاق سنجیده و عاقلانه با محیط زیست را متبلور می‌سازد نظام قانونمند طبیعت و نظم و اعتدال حاکم بر آن موجب شده بشر به تبعیت از این قانون حس تعلق و زیبایی و ارزش گذاری و نهایتاً احترام را به طبیعت به عنوان موجودی مقدس در نظر بگیرد و رعایت حقوق حاکم بر محیط زیست سالم را دنبال کند نتایج این پژوهش از دید جهان شناسی ناظر بر این است که طبیعت ماهیتی هدفمند از اویی و به سوی اویی دارد که سراسر هماهنگی و تعادل حسن هستی است و تبلور حاکمیت خداوند در ساختار همگون جهان می‌باشد تقویت رفتارهای سازگار با محیط زیست و طبیعت سالم را می‌طلبد از آنجا که زیست سالم و موزون از نعمت‌های ارزشمند الهی است و به بشر هدیه شده؛ انسان متجدد این توازن را برهم زده و ناچار از این تغییر و دگرگونی در اصول و مبانی اخلاقی و تربیتی به جستجوی هماهنگی می‌پردازد انسان به عنوان امانت دار و مسئول در قبال آفریده‌های خداوند در تبلور باورهای سالم و با کمک که غنی سازی فرهنگ و آموزش اعضای جامعه مبتنی بر اخلاق و معنویت صحیح می‌باشد در این امر با الهام گرفتن از نظام دقیق هستی و پیروی از سیره نبوی آموزه‌های دینی و محیط اسلامی به تعالی فلسفه زیست محیطی و نقش افراد می‌پردازد بر طبق آموزه‌های دینی و تعلیمات اسلامی پیامبر بزرگوار اسلام تاکید فرمودند که اول تربیت و بعد



اصول و مبانی تعلیم و تربیت اسلامی قادر هستند فعالیت‌های کودکان و جوانان را در زمینه‌های احساسی، عاطفی، اخلاقی، آموزشی و همچنین روابط صحیح وی با همسالان و دیگر افراد اجتماع، رهبری و هدایت نمایند. آنان بدین وسیله می‌توانند برای تحقق بخشیدن به آرمان‌های متعالی تعلیم و تربیت اسلامی، در جهت سازندگی شخصیت کودکان که آینده‌سازان و سرمایه‌های عظیم و آینده‌ساز کشور اسلامی هستند، گامی به پیش نهاد.

ارزش و اهمیت طبیعت و محیط زیست برای حیات انسان غیر قابل انکار است و مکرراً در قرآن کریم بر اهمیت آن اشاره شده است که بایستی منبع تعلیم و مشا علم آموزی و همچنین مراقبت قرار گیرد.

به طور خلاصه می‌توان گفت والدین و مربیان و اساتید و نهادهای آموزشی تنها با ایمان و اعتقاد راسخ خود نسبت به مبدا آفرینش و شناخت و تهذیب نفس خویش و آشنایی لازم با روان و شخصیت فرزندان و دانش آموزان و شناخت

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اسماعیل شفیعی سروستانی (مقاله تعلیم و تربیت)
۴. اکرم سلاطینی اسلامی (فلسفه تعلیم و تربیت)
۵. زهرا دستان. (مقاله تعلیم و تربیت)
۶. محسن نورائی، جهان بینی قرآنی و محیط زیست، آموزه‌های قرآنی پاییز و زمستان ۱۳۹۱ شماره ۱۶
۷. سید ابوالقاسم نقیعی عضو هیئت علمی دانشگاه شهید مطهری محیط زیست و حقوق آن از منظر قرآن کریم
۸. سفارش قرآن به حفاظت از محیط زیست
۹. ابراهیم فتایی، عزیزه عالی پناه - مرتضی عالیقدری - ویدا امیری دانشگاه آزاد اردبیل

اهداف و زمینه‌های ذکر پدیده‌های طبیعی در قرآن کریم

زهره بابااحمدی میلانی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران
(نویسنده مسئول: z.babaahmady@scu.ac.ir)

چکیده:

هدف اصلی طبیعت‌شناسی و ذکر آثار صنع الهی از دید قرآن، افزودن معرفت انسان‌ها نسبت به خداوند متعال است. این پیشنهاد مکرراً در قرآن کریم جلب نظر می‌کند که باید آنچه خدا آفریده، مورد مطالعه و بررسی دقیق و عمیق قرار داده شود تا به این حقیقت پی ببریم که هر کدام از فرآورده‌های صنع الهی نه تنها در جای خود برای ادامه حیات انسانی ضروری می‌باشند، بلکه تک تک آن‌ها قدرت شگرف و توان بی‌کران آفریدگار را بازگو می‌سازند. از این رو، قرآن از زوایای گوناگون به طبیعت نگرسته، مظاهر طبیعی را آیات الهی شمرده، به برخی از آن‌ها سوگند یاد کرده، به آثار و آیات طبیعت استناد و استدلال کرده و در آیات متعدد پس از اشاره به پدیده‌های طبیعی با تعبیری مانند ﴿لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (الاعراف: ۵۷)، ﴿لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الحديد: ۱۷)، ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الحشر: ۲۱)، انسان را به تفکر و تأمل در مظاهر طبیعت دعوت می‌کند. گرچه هدف اصلی و بیشترین بسامد ذکر طبیعت در قرآن، طرح مباحث خداشناسی است اما در کنار این مسئله، اهدافی دیگر نیز قرار دارد که به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به این هدف اصلی مطرح هستند، این مسائل عبارتند از: «شناخت و اثبات نبوت»، «صالت وحی قرآن و محمد (ص)»، «دلاری دادن به پیامبر (ص)»، «بیان مسائل فقهی»، «بزرگداشت دین اسلام و نشان دادن پیشرفت حیرت انگیز آن»، «بیان افکار خرافی در مورد بهره‌وری از طبیعت و تصحیح آن» است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی به بررسی هر کدام از این موارد خواهیم پرداخت.

کلید واژگان: خداشناسی، آثار صنع الهی، قرآن، معاد، آیات، پدیده‌ها

مقدمه

بدانند که چگونه باید زندگی کنند تا به سعادت واقعی و ابدی نائل شوند.

مراد از آثار صنع الهی، پدیده‌های طبیعی در عالم آفرینش است، در ارتباط با ذکر آثار صنع الهی باید گفت قرآن کتابی در علوم طبیعی نیست بلکه کتاب هدایت است و اگر از پدیده‌های طبیعی صحبت می‌کند برای آن است که مردم با کاوش و تدبر در موجودات طبیعی به عظمت خالق مدبر عالم پی برند و خود را به او نزدیک کنند. قرآن نیز پدیده‌های طبیعی را آیات (نشانه‌های) حق تعالی می‌داند و طبیعت‌شناسی را به منزله آیت‌شناسی تلقی می‌کند: ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَاللُّوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ﴾ (الروم: ۲۲).

بر طبق صریح آیات شریفه قرآن کریم، این کتاب برای هدایت بشر نازل شده است: ﴿ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (البقره: ۲)، لذا هر چه در قرآن آمده در راستای هدایت انسان‌ها است؛ اگر از وجود باری تعالی و صفات آن ذات اقدس سخن به میان آمده، به خاطر آن است که انسان‌ها بعد از شناخت کمالات خداوند، خود را به او نزدیک سازند؛ اگر از نبوت سخن رفته به خاطر آن است که انسان به پیام‌های انبیاء گوش دهند تا هدایت شوند و نیز اگر از معاد حرفی به میان آمده برای آن است که انسان‌ها راه را بیابند و



به مردم، تأثیرات مهم دیگری نیز در تکامل انسان‌ها دانسته اند که مهمترین آن‌ها از این قرار است:

۱. بسیاری از مطالب هست که عقل انسان، توانایی درک آن‌ها را دارد ولی یا نیاز به گذشت زمان و تجارب فراوان دارد و یا در اثر اهتمام افراد به امور مادی و غلبه گرایش‌های حیوانی بر ایشان مورد غفلت و فراموشی قرار می‌گیرد و یا در اثر بدآموزی‌ها و تبلیغات سوء، بر توده‌های مردم، پنهان می‌ماند. چنین مطالبی نیز بوسیله انبیاء بیان می‌گردد و با تذکرات و یادآوری‌های پی در پی، از فراموش شدن کلی آن‌ها جلوگیری بعمل می‌آید و با آموزش‌های صحیح و منطقی، از اینجاست نکته نامیده شدن به «مذکر» و «نذیر» و نامیده شدن قرآن کریم به «ذکر» و «تذکره» روشن می‌گردد.

۲. یکی از مهمترین عوامل تربیت و رشد و تکامل انسان، وجود الگو و نمونه رفتار است که اهمیت آن، در مباحث روان‌شناسی به ثبوت رسیده است. انبیاء الهی بعنوان انسان‌های کامل و تربیت شده الهی، این نقش را به تربیت و تزکیه مردم نیز می‌پردازند. و می‌دانیم که در قرآن کریم «تعلیم و تزکیه» توأم با هم ذکر شده و حتی در بعضی از موارد «تزکیه» مقدم بر «تعلیم» آمده است (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۱۳۱-۱۳۲).

از آنجا که میان خدا و پیامبر، هیچگونه وسیله ارتباطی مشاهده نمی‌شود و در ظاهر هیچ دستگاه گیرنده و فرستنده‌ای وجود ندارد که کلام الهی را از جایی به جایی دیگر و یا از شخصی به شخص دیگر انتقال دهد، بسیاری از مردم با دیده شک و تردید به صحت این ادعا نگریسته‌اند. از این رو خداوند برای اینکه شک و تردید انسان‌ها را از بین ببرد و در شناسایی پیامبران راستین به آن‌ها کمک کند، آن‌ها را به

بنابراین، طبیعت‌شناسی از دید قرآن مطلوب بالذات نیست و تنها در صورتی که ما را با خالق مدبر این جهان آشنا و نزدیک کند مطلوب است. از طرف دیگر باید گفت: گرچه هدف غائی طبیعت‌شناسی و بیان آثار صنع الهی در عالم تکوین از دید قرآن، افزودن معرفت انسان‌ها نسبت به خداوند و تقرب به اوست، اما به عنوان اهداف متوسط می‌توان یک رشته مسائل دیگری را ذکر کرد که پی بردن به آن‌ها مقدمه رسیدن به آن هدف نهایی است؛ این اهداف عبارت از شناخت «معاد»، «نبوت»، «حقانیت وحی قرآن و محمد (ص)»، «دلداری دادن به پیامبران»، و «بیان مسائل فقهی» است، که درک هر یک از آن‌ها انسان را به خدا نزدیک‌تر می‌کند. البته باید گفت، در برخی از این موارد ذکر پدیده‌های طبیعی صرفاً به دنبال بیان آن هدف است مانند ذکر پدیده‌های طبیعی در آیاتی که در مقام اثبات معاد هستند، اما در برخی دیگر، ذکر پدیده‌های طبیعی صرفاً زمینه را برای بیان هدفی آماده نموده‌اند مثلاً در بیان مسائل فقهی، ذکر پدیده‌های طبیعی زمینه را برای بیان احکام آماده نموده است. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ خواهیم داد که فلسفه ذکر پدیده‌های طبیعی در قرآن کریم چیست؟

۲- اهداف ذکر آثار صنع الهی-

پدیده‌های طبیعی - در قرآن

۱-۲ اثبات نبوت

در عقاید دینی، پس از اعتقاد به خدا و معاد، اعتقاد به رسالت و نبوت پیامبران قرار دارد؛ بدین معنا که خداوند، کلام و سخن خود را بر یکی از انسان‌ها نازل فرموده، توسط او سایر انسان‌ها را از دستوره‌های خود، آگاه می‌سازد.

انبیاء الهی علاوه بر نشان دادن راه صحیح برای تکامل حقیقی انسان، و دریافت وحی و ابلاغ آن



همراه معجزه می‌فرستاد. بسیاری از این معجزات در رابطه با پدیده‌های طبیعی است که در این بخش به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

از جمله آثار صنع الهی، پدیده‌های طبیعی دریا و شکافته شدن آن ﴿وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمُ الْبَحْرَ﴾ (البقره: ۵۰)، نزول صاعقه ﴿فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ﴾ (البقره:

۵۵)، سایه افکندن ابر و نزول «من» و «سلوی» ﴿وَظَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَ السَّلْوَى﴾ (البقره: ۵۷)، جوشیدن دوازده چشمه از

سنگ ﴿أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشَرَ عَيْنًا﴾ (البقره: ۶۰)، فرستادن طوفان، ملخ،

شپش و قورباغه ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجَرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ﴾ (الاعراف: ۱۳۳)، ماندن کوه

طور بر بالای سر بنی اسرائیل ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ﴾ (البقره: ۶۳)، تبدیل شدن

عصا به مار ﴿وَ أَنْ أَلْقَى عَصَاكَ فَلَمَّا رآهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ﴾ (القصص: ۳۱)، خشکسالی و کمبود

محصولات ﴿وَ لَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَ نَقْصِ الْمَنِّ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ﴾ (الاعراف: ۱۳۰)، به معجزات حضرت موسی (ع)

به منظور اثبات نبوت او اشاره دارد. زنده شدن پرندگان مرده ﴿إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِأَظْفَارِنَا﴾ (المائده: ۱۱۰) نزول مائده از آسمان ﴿أَنْ يَنْزَلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ... قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنزِّلُهَا عَلَيْكُمْ﴾ (المائده: ۱۱۰-۱۱۵)، اشاره به معجزات

حضرت عیسی (ع) دارد. خروج شتر از وسط کوه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُ مِنَ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ﴾ (الاعراف: ۷۳) متضمن یکی از معجزات حضرت

صالح (ع) است؛ مسخر بودن کوه‌ها و پرندگان در برابر حضرت داود ﴿سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَ الطَّيْرَ وَ كُنَّا فَاعِلِينَ﴾ (الانبیاء: ۷۹) یکی

از معجزات آن حضرت به شمار می‌رود. تسخیر باد شدید ﴿وَ لَسَلِيمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ﴾ (الانبیاء: ۸۱) و فهمیدن سخن

پرندگان ﴿قَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ﴾ (النمل: ۱۶)، اشاره به معجزات حضرت سلیمان (ع) دارد. دو نیم شدن ماه ﴿وَ أَنْشَقَ الْقَمَرَ﴾ (القمر: ۱) نیز اشاره به صدق نبوت حضرت رسول (ع) دارد؛ و فرستادن طوفان بر قوم نوح و نابودی

آن‌ها ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَ هُمْ ظَالِمُونَ﴾ (العنكبوت: ۱۴) اشاره به معجزه آن حضرت دارد. اینک برای روشن شدن این معجزات به شرح برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

آیه شریفه ﴿فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَ الْجَرَادَ وَ الْقُمَّلَ وَ الضَّفَادِعَ وَ الدَّمَ آيَاتٍ مُفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَ كَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ﴾ (الاعراف: ۱۳۳)

به چهار تا از معجزات حضرت موسی (ع) یعنی فرستادن طوفان، ملخ، شپش و قورباغه که همگی

از مظاهر طبیعی هستند اشاره دارد (طیب، ۱۳۷۸، ج ۵، ص ۴۳۶).

بعد از بلایای زیادی که بنی اسرائیل متحمل شده بود، حضرت موسی (ع) و هارون نزد فرعون رفتند و از او رخصت مهاجرت خواستند اما

فرعون اجازه نداد. بعد فرعون به حضرت موسی (ع) گفت: چه کسانی می‌خواهند مهاجرت کنند؟ موسی (ع) گفت: تمام بنی اسرائیل با زن

و فرزند و هرچه دارند و قابل انتقال است، مهاجرت می‌کنند. فرعون گفت: فقط مردان بروند. حضرت موسی (ع) مایوس شد و عصای

خود را بر زمین زد و بادی از جانب مشرق وزیدن گرفت و ملخ‌های گوناگونی را به همراه آورد تا

هوا تاریک شد و زمین در زیر انبوه ملخ‌ها ناپدید گردید. ملخ‌ها هر چه را می‌یافتند می‌خوردند و

نابود می‌کردند. مردم از ترس قحطی و هلاکت با یک دیگر به نزاع پرداختند. فرعون وقتی وضع را

اینگونه دید، به هراس افتاد و به حضرت موسی (ع) گفت: من چندین بار خلاف عهد کرده‌ام.



ذکر پدیده طبیعی شتر و خروج آن از وسط کوه در آیه شریفه ﴿قَدْ جَاءَكُمْ بَيْنَهُ مِنْ رَبِّكُمْ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ﴾ به یکی از معجزات حضرت صالح (ع) اشاره دارد (کاشانی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۱۶۴).

مسخر بودن کوه‌ها و پرندگان ﴿سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ﴾ (الانبیاء: ۷۹) برای حضرت داود، یکی از معجزات آن حضرت به شمار می‌رود.

منظور از تسخیر این است که کوه‌ها و مرغان به هنگام تسبیح داوود با او هم صدا می‌شدند و او را پاسخ می‌گفتند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۹، ص ۱۵۲). و این معجزه او بود.

تسخیر باد شدید و تند به دست حضرت سلیمان ﴿وَلَسَلِيمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِ إِلِي الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَالِمِينَ﴾ (الانبیاء: ۸۱)، نیز یکی از معجزات حضرت به شمار می‌رفت.

باد چنان مطیع حضرت سلیمان بود که هر گاه اراده می‌کرد که تند بوزد اطاعت می‌کرد و هر گاه او می‌خواست نرم و ملایم بوزد هم چنان از او اطاعت می‌کرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۱۶۷).

۲-۲ اثبات حقانیت وحی بر حضرت

محمد (ص)

گاه ذکر پدیده‌های طبیعی و آثار صنع الهی در راستای بیان حقانیت وحی بر محمد (ص) قرار دارد. در این موارد که اکثر آن‌ها مربوط به پدیده‌های آسمانی و پاره‌های شبانه‌روزی است، پس از قسم به این پدیده‌ها، این مسئله با جملات خبری بیان شده است حتی گاهی مخاطب این آیات خود رسول خدا هستند (هاوتینگ، جرالدا/ شریف عبدالقادر، ۱۳۸۹، ص ۴۵). مثلاً در آیات ۲-۱ سوره تکویر پس از سوگند به روشنایی و بر

اینک این ملخ‌ها را بران و دور کن و هر کجا که می‌خواهی با قوم خود مسافرت کن. حضرت موسی (ع) از خداوند خواست و بادی از مغرب وزیدن گرفت و ملخ‌ها را برد و به دریای قلمز ریخت چنان‌که ک ملخ به جای باقی نماند. اما فرعون خلف وعده کرد از این رو قمل (شپش) را بر آن‌ها مسلط کرد دوباره فرعون نزد موسی رفت و از او درخواست کرد که این بلا را رفع کند. حضرت موسی دعا کرد و خداوند دعای او را اجابت کرد. اما باز هم در پی دیدن این معجزه تسلیم نشد حضرت موسی هم عصای خود را را به رود نیل زد که قورباغه‌ها از رود نیل بیرون ریختند و شهر را فرا گرفته و از سر و روی مردم بالا می‌رفتند، به طوری که مردم به ستوه آمدند. فرعون نزد حضرت موسی رفت گفت: اگر قورباغه‌ها را برگردانی اجازه می‌دهم بنی اسرائیل را کوچ دهی. حضرت موسی دعا کرد، هفت روز طول کشید تا همه قورباغه‌ها از شهر به دریا ریختند و بلا مرتفع شد (اصفهانی، ۱۳۸۸، ص ۴۵۰ - ۵۲۱).

ساخت پرنده از گل در آیه شریفه ﴿إِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي﴾ (المائدة: ۱۱۰)، اشاره به معجزه حضرت عیسی (ع) دارد (سبزواری نجفی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص ۲۵۳). ایشان از آب و گل چیزی شبیه پرنده می‌ساخت، و به آن می‌دمید آنگاه به خواست پروردگار اجزای آن آب و گل به صورت گوشت و خون و اعضاء درونی و بیرونی پرنده‌ای در آمده، پرواز می‌کرد که شاهد بر نیروی حیاتی آن است. قرآن برای این‌که ابهامی در دعوت حضرت مسیح نباشد کلمه «باذنی» را قید نموده تا تصریح کند که این امر به خواست خداوند صورت گرفته است.

آمدن روز ﴿وَالضُّحَى﴾ و به شب و فراگیر بودن تاریکی آن ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى﴾ با جمله خبری ﴿مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى﴾ (التکویر: ۳)، در پاسخ کسانی- که می‌گویند محمد در مورد وحی جبرئیل توهم زده، اگر راست می‌گوید، پس چرا دیگر جبرئیل بر او نازل نمی‌شود- می‌گوید وحی بر تو از جانب من بوده و اگر چند صباحی قطع شد، روی مصالحی است که خدا می‌داند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۹۸). همان‌گونه که فرا گستردن پدیده طبیعی شب را پس از درخشش روشنایی روز مشاهده می‌کنید، در مورد وحی نیز پس از ایام انس و آشنایی وحی و تجلی یافتن نور آن بر مصطفی (ص) چند روزی آن متوقف شد و دوران فترتی حاصل آمد و بعد وحی شروع شد. بنابراین، نمی‌توان گفت یا گمان برد که پروردگار محمد (ص) او را واگذارده یا بر او خشم گرفته است (بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۸).

گاه نیز در پاسخ آن‌هایی که پیامبر (ص) را متهم می‌کردند که قرآن را خود ساخته و پرداخته و به خدا نسبت داده، پس از سوگند به ستارگان ﴿فَلَا أَقْسَمُ بِالْخَنَسِ﴾ (التکویر: ۱۵)، که در روز پنهان می‌شوند ﴿الْجَوَارِ الْكُنَّسِ﴾ (التکویر: ۱۶) و به رفت و آمد شب ﴿وَاللَّيْلِ إِذَا عَسَسَ﴾ (التکویر: ۱۷) و آمدن بامداد ﴿وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ﴾ (التکویر: ۱۸)، با جمله خبری ﴿إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ﴾ (التکویر: ۱۹)، حقانیت وحی جبرئیل بر پیامبر را بیان می‌کند. سپس برای اطمینان بر این وحی، پنج خصوصیت از جبرئیل، پیک وحی خدا را بیان می‌کند که در حقیقت اوصافی است که برای هر فرستاده جامع‌الشرایط لازم است:

۱) او را رسول خواند (التکویر: ۱۹)، تا به مردم بفهماند؛ او قرآن را از جانب خدا به رسول خدا (ص) وحی می‌کند. ۲) او را کریم خواند (التکویر: ۱۹)، تا بفهماند ایشان نزد خدا احترام و کرامت دارد. ۳) او را دارای قدرت خواند (التکویر: ۲۰) تا

بفهماند او دارای قوت، قدرت و شدت بسیاری است. ۴) او را نزد خدا صاحب عرش مکین خواند (التکویر: ۲۰) تا بفهماند که او در نزد خدا دارای مقام و منزلت است. ۵) او را «مطاع» خواند (التکویر: ۲۱) که دلالت دارد بر اینکه جبرئیل در آن‌جا یعنی نزد خدا دستوردهنده‌ای است، که زیر دستتانش، دستوراتش را اجرا می‌کنند. ۶) او را امین خواند (التکویر: ۲۱) تا بفهماند او در گفتار و دستورات خدا هیچ‌گونه خیانت و دخل و تصرفی نمی‌کند (طباطبائی، ۱۴۷۱، ج ۲۰، ص ۲۱۸).

گاه نیز به منظور رد گفته کفار که می‌گفتند قرآن جادو یا شعر یا افسانه گذشتگان است، به جایگاه ستارگان قسم خورده ﴿فَلَا أَقْسَمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ﴾ (الواقعه: ۷۵)، و با عبارت ﴿إِنَّهُ لَقُرْءَانَ كَرِيمٍ﴾ (الواقعه: ۷۷)، هدف خود را بیان می‌کند.

گاه نیز برای اثبات این مسئله، به سقوط ستارگان در افق سوگند می‌خورد ﴿وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَى﴾ (النجم: ۱)، و با جملات خبری ﴿مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَى وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَى إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَى﴾ (النجم: ۴)، هدف خود از این سوگند را بیان می‌کند؛ خداوند با این سوگند ما را به توجه به پدیده‌ای طبیعی و مشهود فرا می‌خواند و می‌گوید: همان‌طور که ستاره فرو می‌افتد و در برابر دیدگان مردم آسمان با خطی از نور به زمین متصل می‌شود. نور وحی نیز از افق‌های علی‌البدن پدیدار می‌گردد، نزدیک می‌شود و فرود می‌آید تا زمانی که به پیامبر مصطفی (ص) می‌رسد (بنت‌الشاطی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۸).

۲-۳ دلداری دادن به پیامبران

یکی دیگر از موارد ذکر پدیده‌های طبیعی و آثار صنع الهی در قرآن، آیاتی است که در سیاق دلداری دادن به پیامبران است. به عنوان نمونه برای دلداری موسی (ع) از پدیده طبیعی کوه نام



را معبود خود گرفته‌اند کارشان به جایی برسد که نه بشنوند و نه بفهمند بلکه در گمراهی کامل مثل گمراهی چارپایان حتی گمراه‌تر از آن‌ها باشند ﴿أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾ (الفرقان: ۴۴). این داستان چیز نوظهوری از ناحیه خدای سبحان نیست، زیرا در عجایب صنع او و آیات بیناتش در عالم هستی نظایر زیادی دارد مثلاً سایه را گسترده‌تر و آن‌گاه آفتاب را دلیل آن قرار داده تا آن را نسخ کند و از بین ببرد ﴿أَلَمْ تَرَ إِلَى رَيْبِكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَ لَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا﴾ (الفرقان: ۴۵) و نیز شب را پوشش، و خواب را برای آرامش و روز را برای حرکت قرار داده ﴿وَ هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَ النَّوْمَ سُبَاتًا وَ جَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا﴾ (الفرقان: ۴۷) و نیز بادها را مژده‌آور باران کرده، زمین مرده را زنده، چارپایان و انسان‌ها را سیراب ساخته است ﴿وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَ نُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَمًا وَ أَنْاسٍ كَثِيرًا﴾ (الفرقان: ۴۸ - ۴۹). پس، وجود مومن و کافر، که آن یکی راه می‌یابد و این یکی گمراه می‌شود با اینکه هر دو بندگان خدایند و در یک کره خاکی زندگی می‌کنند و هر دو یک پیامبر دارند، محال نیست. و مثل آن دو مثل دو تا آب است که یکی شیرین و گوارا است و دیگری شور و تلخ و خدا هر دو را پهلوی هم قرار داده، ولی بین آن دو فاصله و برزخی قرار داده است ﴿وَ هُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فَرَاتٌ وَ هَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَ جَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَ حِجْرًا مَحْجُورًا﴾

برده و برای آرامش قلب و آسودگی خیال موسی - که قومش به اصرار خواستار دیدن خداوند با چشم ظاهری بودند- به او گفته شد: ﴿وَ لَكِنْ انظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَيْنِي...﴾ (الاعراف: ۱۴۳)

مسلماً این آیه در مقام دلداری پیامبر بزرگ خدا حضرت موسی (ع) صادر شده که وقتی کوهی با این عظمت و صلابت نمی‌تواند تحمل جلوه خداوند را داشته باشد، پس انسان با این همه ضعف قادر نیست ذات پاک الهی را ببیند. ابو حیان اندلسی می‌نویسد: در این آیه دلداری و تسکین قلب موسی است تا سنگینی منع از رؤیت خداوند را تحمل کند (اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۲۱۴).^{۲۷۹}

رسول گرامی اسلام (ص) آن پیامبر رحمت، نیز از هدایت نشدن کافران و مشرکان بسیار ناراحت بود و دلسوزانه بر حالشان تأسف می‌خورد که چرا حق و حقیقت را باور نمی‌کنند و چرا بدبختی و شقاوت را به جان می‌خرند و چرا در مقابل نشانه‌های روشن خداوند سر تسلیم فرود نمی‌آورد. خداوند با تعابیر مختلف به دلداری حضرت می‌پردازد؛ خداوند او را مسئول گناه کافران ﴿وَ لَا تُسْئَلُ عَنْ أَصْحَابِ الْجَحِيمِ﴾ (البقره: ۱۱۹) و مراقب اعمال آن‌ها ﴿أَفَأَنْتَ تَكُونُ عَلَيْهِ وَكَيْلًا﴾ (الفرقان: ۴۳) نمی‌داند بلکه

تنها مسؤولیت ایشان را بشارت و انذار انسان‌ها معرفی می‌کند ﴿وَ مَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا﴾ (السبا: ۲۸) تا بعضی از آنان که خدا می‌خواهد هدایت یابند ﴿وَ يَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنَابَ﴾ (الرعد: ۲۷) و بعضی دیگر را که هوای نفس خود

۲۷۹. ناگفته نماند که این آیه بیشتر معنای اقتناع دارد تا دلداری دادن، اما از آن‌جاکه اندلسی آن را تفسیر به دلداری کرده ما نیز آن را در ذیل این عنوان ذکر کرده‌ایم.



حیوانات بیان شده است؛ گاهی دیگر، زمان‌های عبادت بندگان معین شد و گاه نیز با ذکر پدیده‌های طبیعی به دیگر احکام اشاره می‌شود:

الف. بیان حرمت و حلیت گوشت حیوانات: حیوانات یکی از پدیده‌های زمینی هستند که قرآن گاه از ذکر نام آن‌ها، به دنبال بیان حرمت یا حلیت گوشت آن‌ها برای مصرف بندگان است. ۱. خداوند در آیه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ أَحَلَّتْ لَكُمْ بِهِ لَيْمَةً الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُتْلَى عَلَيْكُمْ غَيْرَ مَحَلِّي الصَّيْدِ وَ أَنْتُمْ حَرَمٌ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ مَا يُرِيدُ﴾ (المائدة: ۱)، خوردن گوشت تمام چارپایان را حلال می‌شمارد به استثنای آن‌هایی که در آیه ۳ همین سوره بیان می‌کند و چارپایانی که شخص محرم آن‌ها را در حال احرام ذبح می‌نماید.

به گزارش طبرسی در مورد «بهیمه الانعام»، در این آیه، سه احتمال مطرح است: الف. مقصود از آن، چارپایان (انعام) است و ذکر «بهیمه» برای تاکید است. یعنی گاو و گوسفند و شتر بر شما حلال است. ب. مقصود جنینی است که در شکم حیوانات است. ج. مقصود از آن، حیوانات وحشی نظیر: آهو، خر و گاو وحشی است؛ ایشان بعد از مطرح کردن این احتمالات، همه آن‌ها را در مورد آیه می‌پذیرد (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۴۴). اما مؤلفان تفسیر نمونه احتمال دوم را مطرح نموده (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۴۸) و صاحب کتاب معانی القرآن احتمال سوم را قبول دارد. ۲. هر حیوان حلال گوشتی که شخص محرم در دریا صید کند ﴿أَحَلَّ لَكُمْ صَيْدَ الْبَحْرِ وَ طَعَامَهُ﴾ (المائدة: ۹۶)، در این آیه، از حلیت صید، جواز شکار کردن حیوانات دریایی حلال گوشت استفاده می‌شود، و از طعام دریا، حلیت خوردن هر چیزی حلالی که از دریا گرفته شود، بدست

(الفرقان: ۵۳) (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۵، ص ۲۲۳-۲۲۸).

و در جای دیگر برای دلداری دادن به پیامبر به پدیده‌های طبیعی روشنائی روز و آرامش شب ﴿وَ الضُّحَى وَ اللَّيْلِ إِذَا سَجَى مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَ مَا قَلَى﴾ (الضحی: ۱-۳) سوگند یاد می‌کند؛ زیرا چند روزی به رسول خدا (ص) وحی نشد، به طوری که مردم به تمسخر به او گفتند خدا با تو وداع کرده و خداوند در پاسخ آن‌ها به منظور دلداری به پیامبر این سوره را نازل کرد تا بگوید: همانگونه که فرا گستردن پدیده طبیعی شب را پس از درخشش روشنائی روز مشاهده می‌کنید، در مورد وحی نیز پس از ایام انس و آشنایی وحی و تجلی یافتن نور آن بر مصطفی (ص) چند روزی متوقف شد و دوران فترتی حاصل آمد و بعد وحی شروع شد (بنت الشاطی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۸). زیرا مسأله تناسب نور روز با مساله وحی، و تاریکی شب با انقطاع وحی بر کسی پوشیده نیست (طباطبایی، ۱۴۷۱، ج ۱۵، ص ۲۲۵).

به هر حال این تعبیر دلداری و تسلی خاطری است برای شخص پیامبر (ص) که بداند اگر گاهی در نزول وحی تأخیر افتد روی مصالحی است که خدا می‌داند، و هرگز دلیل بر آن نیست که طبق گفته دشمنان، خداوند نسبت به او خشمگین شده باشد یا بخواهد او را ترک گوید، او همیشه مشمول لطف و عنایات خاصه خدا است، و همواره در کنف حمایت ویژه او است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷۷، ص ۹۸).

۲-۴ بیان مسائل فقهی

یکی دیگر از اهداف یادکردهای قرآن از پدیده‌های طبیعی و آثار صنع الهی بیان حکم فقهی است؛ در این راستا گاه حرمت و حلیت گوشت



... وَ مَا أَهْلَ لَعِينِ اللَّهِ بِهِ (المائدة: ۳) (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۹۸). ۳. گوشت هر حیوانی که به ضرب شاخ حیوان دیگری مرده باشد. ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ... وَ الطَّيْحَةُ﴾ (المائدة: ۳) (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۱۶۳). ۴. گوشت هر حیوانی که باقیمانده صید حیوان درنده باشد حرام است مگر تا موقع رسیدن به آن و ذبح آن زنده باشید. ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ... وَ مَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ﴾ (المائدة: ۳).

۵. هر حیوانی که شخص محرم در خشکی صید کند. ﴿وَ حَرَّمَ عَلَيْكُمْ صَيْدَ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا﴾ (المائدة: ۹۶) (فراء، بی تا، ج ۱، ص ۳۲۲).

ب) گاه ذکر پدیده‌های طبیعی و آثار صنع الهی در راستای معین کردن اوقات عبادی بندگان قرار دارد از جمله: ۱. زمان مناجات شبانه با اشاره به زمان افول ستارگان یعنی آخرین پاره شب دقیق‌تر بیان شده است. ﴿وَ اصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ حِينَ تَقُومُ وَ مِنْ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَ إِبْرَارِ النَّجْمِ﴾ (الطور: ۴۸-۴۹) هاتونینگ، جرالدا/ شریف عبدالقادر، ۱۳۸۹، ص ۴۷). ۲. از پدیده‌های طبیعی سفیدی فجر و شب در آیه ﴿وَ كَلُوا وَ اشْرَبُوا حَتَّى يَبْيُنَ لَكُمْ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتَمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ﴾ (البقره: ۱۸۷) برای بیان زمان روزه گرفتن که حد شرعی آن از سپیدی صبح تا شب است، نام برده است.

مراد از ﴿الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ﴾ با تبیین «من الفجر»، اولین سپیدی صبح است که در افق پدید می‌آید و مراد ﴿الْخَيْطُ الْأَسْوَدُ﴾ سیاهی شب است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۱۰۵). ۳. زمان به جا آوردن نمازهای پنجگانه با توجه به آیه ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لَدُلُوكَ الشَّمْسِ إِلَى عَسْقِ اللَّيْلِ وَ قَرَأَانَ الْفَجْرِ إِنَّ قَرَأَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ (الاسراء: ۷۸)، به دست می‌آید. ج) گاه ذکر پدیده‌های طبیعی در راستای بیان احکام شرعی دیگر به غیر از موارد

می‌آید (فراء، بی تا، ج ۱، ص ۲۹۸). ۳. گوشت بز و میش ﴿ثَمَنِيَةَ أَزْوَاجٍ مِنَ الضَّأْنِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْمَعْزِ اثْنَيْنِ قُلْ أَلدَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأَنْثَيْنِ أَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْثَيْنِ نَبَوْنِي بَعْلَمُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾ (الانعام: ۱۴۳). ۴. گوشت شتر و گاو ﴿وَ مِنَ الْبَابِلِ اثْنَيْنِ وَ مِنَ الْبَقَرِ اثْنَيْنِ قُلْ أَلدَّكْرَيْنِ حَرَّمَ أَمِ الْأَنْثَيْنِ أَمَا اشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْثَيْنِ﴾ (الانعام: ۱۴۴)

مراد از «الضأن» قوچ و میش (ابن منظور، ۱۹۸۸، ج ۱۳، ص ۲۵۱) و مراد از «المعز» بز (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۴، ص ۱۷۱).

و «ابل» همان شتر و «بقر» گاو است که گوشت هر چهارتای آن‌ها حلال شمرده شده است. ۵.

هر حیوان حلال گوشتی که به وسیله حیوانات تعلیم یافته، شکار شود، حلال است. ﴿يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيْبَاتُ وَ مَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ﴾ (المائدة: ۴)؛ کسانی چون طباطبائی منظور از حیوان تعلیم یافته را با فید «مکلبین» فقط سگ می‌داند (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۲۰۱) اما طبرسی منظور از آن را هر حیوان تعلیم یافته اعم از سگ، مرغ، شکاری، بلنگ و ... می‌داند (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۳، ص ۲۴۹).

گوشت آن‌ها در قرآن بیان شده، عبارتند از: ۱. گوشت خوک ﴿إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَ الدَّمَ وَ لَحْمَ الْخَنزِيرِ﴾ (البقره: ۱۷۳)؛ علت اینکه حرام بودن گوشت آن را تذکر داد با اینکه کلیه قسمت‌های بدن آن حرام است، این است که گوشت مهمترین قسمت‌های بدن را تشکیل می‌دهد. بعلاوه مقصود از آن، خود حیوان است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۴۶۷). یعنی جزء را گفته اما از آن اراده کل کرده است. ۲. گوشت هر حیوانی که به غیر نام خدا و برای غیر او مانند بت و امثال آن کشته شود. ﴿حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ

که به سن بلوغ نرسیده‌اند باید در سه زمان - قبل از نماز صبح، هنگام ظهر و بعد از نماز عشاء - برای ورود به اتاق والدین اجازه بگیرند (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۴، ص ۴۱۶).

۲-۵- بزرگداشت دین اسلام و نشان

دادن پیشرفت حیرت انگیز آن

قرآن اسلام را برای بشر به ارمغان آورده و در عظمت و بزرگداشت این دین بزرگ الهی فراوان سخن گفته است. بر اساس آیات قرآن این دین حنیف که بر مقتضای فطرت آدمی قرار دارد، به تدریج رشد خواهد کرد و به‌رغم میل کافران و ناباوران ریشه در جان انسان‌ها خواهد دوانید و با فداکاری مردانی راست قامت، روز به روز بر شوکت و قدرت و استحکام آن افزوده خواهد شد. این حقیقت در قرآن با مثلی برگرفته از طبیعت و آثار صنع الهی بیان شده است، آن‌جا که کلمه طیبه (پاکیزه) را در مقابل کلمه خبیثه (ناپاک) قرار داده و برای این دو مثالی از طبیعت ارائه کرده است. کلمه طیبه به درختی تنومند و استوار و پرثمر تشبیه شده که ریشه‌های آن به خوبی در زمین جا گرفته و شاخه‌های آن سر به آسمان کشیده است. از سایه نشاطبخش و فرحناک آن همگان بهره‌مند می‌شوند و همواره دارای میوه و ثمر است. بر عکس، کلمه ناپاک به درختی بی‌ثمر می‌ماند که ریشه‌های در زمین ندوانیده و دارای ثبات و استقرار نیست و با اندک نسیمی از جای کنده می‌شود (رستمی، ۱۳۸۶، ص ۱۷۹) ﴿أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كُلَّ مَرْمَةٍ طَيِّبَةٍ كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَ فَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ يَأْتِي رِبَّهَا ... وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ﴾ (ابراهیم: ۲۴ - ۲۶). در این که مراد از کلمه «طیبه» چیست، در تفاسیر مختلف وجوه مختلف ذکر شده است: ایمان، شهادت به توحید، قرآن، استغفار، توبه، دعوت به

فوق است که فهرست‌وار آن‌ها را بیان می‌کنیم:

۱. از پدیده‌های طبیعی کوه صفا و مروه در آیه ﴿إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا﴾ (البقره: ۱۵۸) به منظور بیان جایز بودن طواف صفا و مروه، (همان، ج ۱، ص ۵۳۸) یاد کرده است. تمامی موجودات از شعائر و نشانه‌هایی هستند که آدمی را به سوی آفریدگارش می‌خوانند، اما اینکه در این‌جا فقط شعائر به دو کوه صفا و مروه اختصاص یافته، فهمیده می‌شود که مراد از آن، شعائر و نشانه‌های تکوینی نیست که تمامی موجودات آن را دارند، بلکه مراد، دو مکان است که خداوند آن‌ها را موضع عبادت خود قرار داده است (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۳۸۵). ۲. از پدیده طبیعی آب و خاک در آیه شریفه (النساء: ۴۳) برای تعیین هنگام جواز تیمم بر خاک، یاد شده است. در این آیه تمام موارد تشریح تیمم جمع شده است؛ زیرا با عبارت ﴿أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ﴾، به علل احتیاج به تیمم اشاره کرده: (۱) هنگام برگشت از قضای حاجت. (۲) بعد از آمیزش با زنان. و با عبارت ﴿وَ إِنْ كُنْتُمْ مَرْضَى أَوْ عَلَى سَفَرٍ﴾ زمان جواز به تیمم اشاره کرده است: (۱) هنگامی که مریض باشید و آب برای شما ضرر داشته باشد. (۲) زمانی که در سفر باشید، و امکان دسترسی به آب نداشته باشید (مبیدی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۵۱۶). ۳. یادکرد قرآن از پدیده‌های طبیعی فجر، ظهر و عشاء در آیه شریفه ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَيْسَ لَكُمْ مِنَ الَّذِينَ لَمْ يَدِينُوا بِأِيمَانِكُمْ وَلَا الَّذِينَ لَمْ يُبَلِّغُوا إِلَيْكُمْ الْحَدِيثَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَ لَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَ اللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ﴾ (النور: ۵۸) به منظور بیان این حکم شرعی است که غلامان و کودکانی

اسلام، مؤمن و اوامر و نواهی خداوند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۵۵۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۴۸۰). مؤلفان تفسیر نمونه نیز با توجه به وسعت مفهوم و محتوای کلمه «طیبه»، این سخن را شامل همه دستورها و برنامه‌ها و روش‌های پاک و همه اعمال و انسان‌های پاکیزه می‌داند که دارای آثار و نتایج با برکتی هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۳۲). اسلام آیینی سراسر پاکی و طهارت است و مؤمن جز اسلام مجسم نیست و این اسلام به درختی پاک و استوار و بابرکت تشبیه شده است با وجوه شباهت بسیار: ۱. اسلام موجودی دارای رشد و نمو است نه بی‌روح و جامد و بی‌حرکت، بلکه پویا و رویا همانند درخت است که دارای تکامل و رشد است. ۲. همه ابعاد و دستوره‌های اسلام پاکیزه است و تمامی ابعاد وجودی آن را طهارت فرا گرفته است، همانگونه که هم ظاهر درخت پاک و پاکیزه است و هم میوه‌اش و هم شکوفه‌اش و هم سایه‌اش و هم نسیم عطرآمیزی که از آن برمی‌خیزد. ۳. همان‌گونه که درخت پاکیزه پر بار است و میوه خود را همواره عرضه می‌کند و هر زمان که دست به سوی شاخه‌هایش دراز کنی محروم بر نمی‌گردد، اسلام نیز پرثمر است و هرگاه کسی به شاخه‌های معرفتی اسلام دست دراز کند ثمره‌ای تازه به دست می‌آورد. ۴. چنان‌که میوه دادن درخت بی‌حساب نیست، بلکه مشمول قوانین آفرینش است و طبق سنت الهی و به اذن پروردگار میوه را ارزانی می‌دارد، اسلام نیز مشمول قوانین تکوین است. ۵. ریشه‌های محکم، درخت را از طوفان‌ها محفوظ می‌دارد، اسلام نیز قابل زوال نیست؛ چرا که بر ریشه‌های محکمی قرار دارد. وحی و عقل و فطرت و ... همگی ریشه‌های آن‌اند. ۶. شاخه‌های درخت در محیط پست و محدود قرار ندارد، بلکه شاخه‌ها سینه هوا را شکافته و در آن فرو رفته

است و هر قدر شاخه‌های درخت برافراشته‌تر باشند از آلودگی گرد و غبار زمین دورترند و میوه‌های پاکتری خواهند داشت و از نور آفتاب و هوای سالم‌تری بهره خواهند گرفت و آن‌ها را به میوه خود بهتر منتقل خواهند ساخت. شاخه‌های اسلام نیز کرانه‌های معنوی و ملکوتی را فراگرفته، محدود نیست؛ از فضای آزاد معنویت تغذیه می‌شود و آفات ماده. مادیات بر چهره دل‌آرای آن نمی‌نشینند. ۷. همان‌طور که در مورد این درخت نه در یک فصل یا دو فصل، بلکه در هر فصل، یعنی هر زمان که دست به سوی شاخه‌هایش دراز کنی محروم بر نمی‌گردد، در مورد اسلام نیز چنین است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ص ۱۱۶-۱۱۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۰، ص ۳۳۳).

۲-۶ بیان افکار خرافی در مورد بهره‌وری از طبیعت و تصحیح آن

در جاهلیت مردم بر اثر پیروی از پدران خویش به خرافاتی دچار شده بودند که بهره‌وری از برخی نعمت‌های الهی را بر همه حرام می‌دانستند (المائده/۱۰۳) و برخی را ویژه عده‌ای خاص تلقی می‌کردند (الانعام/۱۳۸) و گاه زنان را از استفاده از برخی نعمت‌ها محروم می‌کردند (الانعام/۱۳۹). خداوند بر همه این خرافات، مهر ابطال زده است، به این گونه که ابتدا بر خلاف عقیده آن، همه لذات مادی را به شرط «طیب» و پاکیزه بودن حلال می‌شمارد (المائده: ۴) و به صراحت به مؤمنان دستور می‌دهد: نعمت‌های پاکیزه‌ای را که برای شما حلال شده است بر خود حرام نکنید (المائده: ۸۷). همچنین نعمت‌های خدادادی را زینت می‌شمارد و می‌پرسد: چه کسی بهره‌مندی از آن‌ها را حرام کرده است؟ (الاعراف: ۳۲) و سپس به ذکر تک‌تک این بدعت‌ها می‌پردازد و آن‌ها را رد می‌کند. هم‌اکنون به ذکر این بدعت‌های مطرح شده در قرآن



بت پرستان می‌گفتند: «این قسمت از چارپایان و زراعت که مخصوص و سهم بت‌هاست، بطور کلی برای همه حرام است، مگر آن‌هایی که ما می‌خواهیم و به پندار آن‌ها تنها بر این دسته حلال بود نه بر دیگران ﴿وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَامٌ وَحَرْتُ حِجْرًا لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ بَزَعْمِهِمْ﴾. این گروه همان خدمه و متولیان بت و بتخانه بودند (قرشی، سید علی اکبر. پیشین، ج ۳ ص ۳۲۳). دوم اینکه آنان سوار شدن بر تعدادی از چارپایان را حرام می‌دانستند. ﴿وَأَنْعَامٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا﴾. این چارپایان، همان وصیله، سائبه، حام و بحیره است که خداوند در آیه ۱۰۳ سوره مائده احکام مربوط به آن‌ها را نفی کرد (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۳۶۱). سوم اینکه آن‌ها نام خدا را بر تعدادی چارپایان نمی‌بردند ﴿وَأَنْعَامٌ لَا يَذْكُرُونَ اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ﴾. این جمله ممکن است اشاره به حیواناتی باشد که به هنگام ذبح تنها نام بت را بر آن‌ها می‌بردند و یا حیواناتی بوده است که سوار شدن بر آن‌ها را برای حج تحریم کرده بودند (مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. پیشین، ج ۵، ص ۴۵۵). در پایان آیه با عبارت ﴿أَفْتَرَاءٌ عَلَيْهِ﴾ جعلی بودن این احکام را نشان می‌دهد. ۳. یکی دیگر از بدعت‌های مشرکان این بود که اگر چارپایان بحیره و سائبه حامله می‌شدند، می‌گفتند بچه‌های آن‌ها فقط برای مردان حلال است و اگر بچه مرده به دنیا می‌آمد مرد و زن از آن می‌خوردند و به همه حلال بود. آیه ﴿وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَامِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مِّمَّتَهُ فَهُمْ فِيهِ شَرٌّ كَأَنَّ سَيِّجِرِيهِمْ وَصَفِهِمْ إِنَّهُ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ (الانعام: ۱۳۹)، از این حکم جاهلی سخن گفته است.

نتیجه گیری

آیاتی که در آن پدیده‌های طبیعی یا آثار صنع الهی ذکر شده بود، در تفاسیر مختلف مورد تحقیق واقع گردید، خداوند متعال به منظور

می‌پردازیم: ۱. در آیه ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ وَ لَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ...﴾ (المائده: ۱۰۳)، به چهار بدعت اشاره شده که در میان عرب جاهلی معمول بود. آن‌ها بر پاره‌ای از حیوانات (بحیره، سائبه، وصیله و حام) به عللی علامت و نامی می‌گذاشتند و خوردن گوشت آن‌ها را ممنوع می‌ساختند یا حتی خوردن شیر و چیدن پشم و سوار شدن بر پشت آن‌ها را مجاز نمی‌شمردند. گاهی این حیوانات را آزاد می‌گذاشتند که هر راهی که می‌خواهند بروند و کسی متعرض آن‌ها نمی‌شد، یعنی عملاً حیوان را بی‌استفاده و بی‌بیهوده رها می‌کردند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۱۰۳). گرچه به ظاهر این احکام جاهلی جلوه‌هایی از روح شکرگزاری و قدردانی در برابر خدمت این حیوانات است ولی از آن جا که این حیوانات رها می‌شدند و با حالت دردناکی می‌مردند- و در نتیجه اثر عکس برای این حیوانات داشت- اسلام از آن جلوگیری کرد. علاوه بر این آن‌ها، همه یا قسمتی از این برنامه را به خاطر بت‌ها انجام می‌دادند و در واقع آن‌ها را نذر بت می‌کردند، در این صورت مبارزه اسلام با این کار شکل مبارزه با بت پرستی نیز به خود می‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، پیشین). بنابراین، آیه شریفه با دو استدلال ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ...﴾ یعنی خدا چنین جعلی نکرده، و ﴿وَلَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ...﴾ یعنی و لیکن کسانی که کافر شدند بر خدا افتراء می‌بندند، در این مقام است که اینگونه احکامی را که عرب جاهلی از پیش خود برای این چهار صنف از حیوانات تراشیده و به خدا نسبت می‌دادند، از خدای متعال سلب نماید (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۶، ص ۱۵۶). ۲. در آیه ۱۳۸ سوره انعام، نیز به سه حکم خرافی بت پرستان در مورد طبیعت اشاره شده است: نخست اینکه



«بیان مسائل فقهی»؛ «بزرگداشت دین اسلام و نشان دادن پیشرفت حیرت انگیز آن»؛ «بیان افکار خرافی در مورد بهره‌وری از طبیعت و تصحیح آن» است.
سپاسگزاری: بدین وسیله از حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اهواز در قالب پژوهانه‌ی (SCU.TQ99.38572) در انجام این تحقیق تشکر و قدردانی می‌شود.

تقریب و آشنایی اذهان، از مثال‌های گویا و روشن طبیعت یاد کرده است. گرچه هدف اصلی و بیشترین بسامد ذکر طبیعت در قرآن، طرح مباحث خداشناسی است اما در کنار این مسئله، اهدافی دیگر نیز قرار دارد که به عنوان مقدمه‌ای برای رسیدن به این هدف اصلی مطرح هستند، این مسائل عبارتند از: «شناخت و اثبات معاد»، «شناخت و اثبات نبوت»، «اصالت وحی قرآن و محمد (ص)»، «دلداری دادن به پیامبر (ص)».

منابع

۱. ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۹۸۸، لسان العرب. چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲. اصفهانی، عماد الدین حسین. ۱۳۸۸، قصص الانبیاء. چاپ ششم، تهران: هاد.
۳. اندلسی، ابو حیان محمد بن یوسف. ۱۴۲۰، البحر المحیط فی التفسیر. بیروت: دار الفکر.
۴. بنت‌الشاطی، عایشه عبدالرحمن. ۱۳۷۶، اعجاز بیانی قرآن. چاپ اول، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی. ص ۲۶۸.
۵. حسینی، جعفر. ۱۴۱۳، أسالیب البیان فی القرآن، الطبعة الاولى، طهران، انتشارات وزارة الثقافة، الإرشاد الإسلامی.
۶. رستمی، محمد حسن. ۱۳۸۶، سیمای طبیعت در قرآن. قم: مؤسسه بوستان قم.
۷. زمخشری، محمود. ۱۴۰۷، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل. چاپ سوم، بیروت: دار الکتب العربی.
۸. سبزواری نجفی، محمد بن حبیب الله. ۱۴۱۹، ارشاد الازهان الی تفسیر القرآن. چاپ اول، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۹. صادقی تهرانی، محمد. ۱۳۶۵، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. چاپ دوم، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن الکریم. چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۲. طبیب، سید عبد الحسین. ۱۳۷۸، اطیب البیان فی تفسیر القرآن. چاپ دوم، تهران: انتشارات اسلام.
۱۳. فخر رازی، محمد بن معمر. ۱۴۲۰، مفاتیح الغیب. چاپ سوم، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۴. فراء، زکریا بن زیاد. بی تا، معانی القرآن. تحقیق: احمد یوسف نجاتی / محمد علی نجار / عبدالفتاح اسماعیل شلی، چاپ اول، مصر: دار المصریة.
۱۵. قاسمی، حمید محمد. ۱۳۸۷، جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر. ۱۳۷۱، قاموس قرآن. چاپ ششم، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۷. کاشانی، ملا فتح الله. ۱۳۶۶، تفسیر منهج الصادقین فی الزام المخالفین. تهران: کتابفروشی محمد حسن علمی.
۱۸. مراغی، احمد بن مصطفی. بی تا، تفسیر المراغی. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی. ۱۳۸۹، آموزش عقائد. چاپ چهل و ششم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۷۴، تفسیر نمونه. چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۲۱. میبدی، احمد بن محمد، کشف الأسرار و عدة الأبرار، تهران: انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱
۲۲. هاوتینگ، جرالدا / شریف عبدالقادر. ۱۳۸۹، رهیافت‌هایی به قرآن. ترجمه، به کوششی و ویرایش مهرداد عباسی، تهران: حکمت.

خداشناسی (براهین اثبات وجود خدا و معرفی برخی از اسماء حسناء الهی) در پرتو پدیده‌های طبیعی در عالم تکوین

زهره بابااحمدی میلانی

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران (نویسنده مسئول: z.babaahmady@scu.ac.ir)

چکیده

هدف اصلی طبیعت‌شناسی از دید قرآن، افزودن معرفت انسان‌ها نسبت به خداوند متعال است. این پیشنهاد مکرراً در قرآن کریم جلب نظر می‌کند که باید آنچه خدا آفریده، مورد مطالعه و بررسی دقیق قرار داده شود تا به این حقیقت پی ببریم که هر کدام از فرآورده‌های صنع الهی نه تنها در جای خود برای ادامه حیات انسانی ضروری می‌باشند، بلکه تک تک آن‌ها قدرت شگرف و توان بی‌کران آفریدگار را بازگو می‌سازند. و در آیات متعدد پس از اشاره به پدیده‌های طبیعی با تعبیری مانند ﴿لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (الاعراف: ۵۷)، ﴿لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾ (الحدید: ۱۷)، ﴿لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (الحشر: ۲۱)، انسان را به تفکر و تأمل در مظاهر طبیعت دعوت می‌کند. از طرفی اولین مسئله در وادی شناخت خدا، ابتدا شناخت وجود اوست، سپس شناخت توحید و اسماء حسناء او از جمله علم، قدرت، رحمت و ... است. در این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی به بررسی خداشناسی از طریق برهان فطرت و حکمت و همچنین شناخت اسماء حسناء الهی با تأکید بر پدیده‌های طبیعی در عالم تکوین خواهیم پرداخت.

کلید واژه: خداشناسی، قرآن، پدیده‌های طبیعی، ربوبیت

مقدمه

انبیاء گوش دهند تا هدایت شوند و نیز اگر از معاد حرفی به میان آمده برای آن است که انسان‌ها راه را بیابند و بدانند که چگونه باید زندگی کنند تا به سعادت واقعی و ابدی نائل شوند. همچنین در ارتباط با ذکر پدیده‌های طبیعی باید گفت قرآن کتابی در علوم طبیعی نیست بلکه کتاب هدایت است و اگر از پدیده‌های طبیعی صحبت می‌کند برای آن است که مردم با کاوش و تدبر در موجودات طبیعی به عظمت خالق مدبر عالم پی برند و خود را به او نزدیک کنند. (گلشنی، ۱۳۷۵، ص ۱۱).

بنابراین، از نظر قرآن پدیده‌های طبیعی آیات (نشانه‌های) حق تعالی هستند و طبیعت‌شناسی باید به منزله آیت‌شناسی تلقی شود و ما را از آیات به صاحب آیات برساند: (وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ

منظور از پدیده‌های طبیعی در این نوشتار، عالم مادی می‌باشد که از آثار صنع الهی است یعنی عالمی که بشر به واسطه‌ی حواس با آن در ارتباط است. زمین، آسمان، کوه، دشت، دریا، رودخانه، حیوانات، گیاهان، ابرها، باده‌ها، و رعد و برق از مصادیق بارز آن است.

طبق صریح آیات شریفه قرآن کریم، این کتاب برای هدایت بشر نازل شده است: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ» (الاسراء، ۹/۱۷)، لذا هر چه در قرآن آمده در راستای هدایت انسان‌هاست، اگر از وجود باری تعالی و صفات آن ذات اقدس سخن به میان آمده به خاطر آن است که انسان‌ها بعد از شناخت کمالات خداوند خود را به او نزدیک سازند؛ اگر از نبوت سخن رفته به خاطر آن است که انسان به پیام‌های

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ اٰخْتِلَافُ اَلْسِنَتِكُمْ وَ اَلْوَاوَانِكُمْ
اِنَّ فِيْ ذٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعٰلَمِيْنَ (الرُّوم، ۳۰ / ۲۲)،
از طرف دیگر باید گفت هدف غائی طبیعت-
شناسی از دید قرآن، افزودن معرفت انسان‌ها
نسبت به خداوند و تقرب به اوست، در قرآن
مهمترین مسئله‌ای که به آن، بیش از دیگر
موضوعات پرداخته شده، مسئله شناخت
خداست و شاید صفحه‌ای از قرآن نباشد که نامی
از خدا در آن نرفته باشد؛ اولین مسئله در وادی
شناخت خدا، شناخت وجود او، بعد شناخت
توحید و اسماء حسناى او از جمله علم، قدرت،
رحمت و ... است. (مصباح یزدی، ۱۳۸۹، ص ۷۶).
در این پژوهش به تحلیل و بررسی برهان فطرت
و حکمت و معرفی اسماء حسناى الهی مانند
قدرت، علم، عدالت، و ... خواهیم پرداخت.

۲- براهین اثبات وجود خدا

۲-۱ برهان فطرت

یکی از راه‌های خداشناسی که پیوسته مورد
توجه پیامبران الهی و متفکران و دانشمندان بوده
است، و از این طریق بشر را به دین و خداپرستی
هدایت کرده‌اند، راه فطرت است.
مفاد برهان فطرت این است که انسان زمانی که
در شرایط خاص نظیر غرق شدن در دریا و یا
هنگام رخ دادن حوادث مشابه از تمام اسباب
عادی ناامید و مایوس می‌شود و تمام توجهات و
تعلقات دنیوی او قطع می‌شود در درون خود
هنوز امیدی و کششی به یک قدرت ماورائی و
غیرمادی احساس می‌کند که می‌تواند او را
نجات دهد، وجود این گرایش درونی در عمق
نهاد انسان در حالی به خاطر وضعیت فرد در آن
شرایط همه آموخته و معلومات و افکار او تحت

الشعاع قرار گرفته و به فراموشی سپرده شده
است وجود چنین گرایش دوسویه‌ای در عمق
نهاد او، نشان می‌دهد منشأ این امید در خارج
وجود دارد(جوادی آملی، ۱۳۷۵، ص ۲۸۴).

قرآن گاهی در استدلال به توحید در ربوبیت خدا
از طریق برهان فطرت با ذکر عناصر طبیعی دریا
و خشکی، تندباد و امواج سهمگین تصویری از
انسان به کشتی نشسته و گرفتار تندباد و امواج
سهمگین را ترسیم می‌کند که خدا را از اعماق
قلب، خالصانه می‌خواند ﴿هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّىٰ إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَ جَرَيْنَ
بِهِمْ بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَ فَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَ
جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ
بِهِمْ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ
هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ (یونس: ۲۲) و در
صورت نجات، وعده شکرگزاری می‌دهد ﴿لَئِن
أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ﴾ (الانعام:
۶۳)؛ از آنجا که انسان عادت کرده همواره در
اعمال اجتماعی چیزی داده و چیزی بستاند و
این امر منحصر به انسان‌ها هم نیست، بلکه
سنتی جاری در میان همه موجودات است،
درباره خدای سبحان هم که بی‌نیاز مطلق است،
نیز همین عادت را به کار می‌برد و چون می‌داند
در مقابل پروردگارش کوتاهی کرده و با آن همه
نافرمانی که کرده شایستگی نجات را ندارد، برای
اینکه استحقاقی به دست آورد و دعایش
مستجاب گردد، با خدا عهد می‌بندد و همه‌گونه
وعده‌ای از استجابیت دعوت الهی، اطاعت
پیامبران ﴿نُجِبْ دَعْوَتِكَ وَ تَتَّبِعِ الرَّسُولَ﴾ (ابراهیم:
۴۴)، ثناخوانی و یا دادن مال را می‌دهد. اما پس
از رفع گرفتاری‌ها، بار دیگر به اسباب ظاهری
اعتماد نموده و بدان‌ها آرامش می‌یابد و در

۱. آیات ۶۵ سوره عنکبوت، ۳۲ سوره لقمان، ۶۳ سوره اسراء و ۶۳
سوره انعام نیز بر این برهان اشاره دارند.

نتیجه از یاد خدا اعراض می‌کند ﴿ فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا ﴾ (الاسراء: ۶۷). (نیل ساز، ۱۳۸۵، ص ۳).

این آیات بیانگر این است که انسان فطرتاً خدا را می‌شناسد که در سختی‌ها و تنگی‌ها، به یاد کسی جز او نمی‌افتد. در واقع باید گفت: این برهان، یعنی فراموش کردن غیر خدا در شداید و سختی‌ها و تضرع به درگاه الهی، صریح‌ترین برهان بر اصل ربوبیت خالق و صانع متعال است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۳۳).

۲-۲ برهان حکمت

حکمت در لغت به معنای استواری و منع از نقص و خلل و تباهی است. چنان‌که لجام اسب را «حکمه» گویند، زیرا اسب را از سرکشی و حرکت‌های ناموزون باز می‌دارد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ماده حکم) و در اصطلاح آن است که عمل برای هدف مشخص انجام شود. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱-۱۹۳؛ تجلیل، ۱۳۷۱، ص ۲۲)

مقدمات این برهان به طور خلاصه به این شکل است که:

الف: طبیعت و پدیده‌های طبیعی در جهان آفرینش دارای هدف خاص و معین هستند.
ب. هر هدف در جهان داری خالقی حکیم است.
نتیجه: خداوند حکیم وجود دارد که طبیعت را با هدف خاص آفریده است.

در بسیاری از آیات قرآنی، وجود هدف در خلقت مظاهر طبیعی «آسمان» و «زمین» به عنوان دلیلی بر وجود خالق حکیم متعال ذکر شده است. این هدف گاه با نفی باطل بودن خلقت آسمانها و زمین ﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾ (آل عمران: ۱۹۱) و آنچه در بین آن دو است ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَاطِلًا﴾ (ص: ۲۷) و گاه با نفی لعب و لهو در خلقت آن‌ها و آنچه

بین آن دو است ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾ (الانبیاء: ۱۶) و گاه با اثبات حقانیت خلقت آسمان و زمین ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ﴾ (ابراهیم: ۱۹) و آنچه در بین آن دو است ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ (الحجر: ۸۵)، بیان می‌شود.

باید افزود مراد از آسمان و زمین در این آیات کنایه از کل پدیده‌ها و عالم هستی است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۴۶)، مؤید این ادعا آن است که قرآن در ابتدا فقط خلقت پدیده‌های آسمان و زمین را هدفدار معرفی می‌کند و بعد برای اینکه بیان کند منظورش همه پدیده‌های طبیعی موجود در آسمان و زمین است، عبارت «و ما بینهما» را ذکر نموده و حتی در آیه ۵ سوره یونس ﴿هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَرَهُ مَنَازِلَ لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا بِالْحَقِّ﴾ به طور جزئی از دو پدیده آسمانی- ماه و خورشید- به طور جداگانه نام می‌برد و با عبارت «بالحق» آفرینش آن دو را هدفدار معرفی می‌کند.

کلمه "باطل" به معنای هر چیزی است که در آن هدف و غرض معقولی نباشد. پس نفی باطل بودن خلقت آسمان و زمین یعنی وجود هدف و غرض در آفرینش آن‌ها (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۸۷) که در آیات فوق خلقت آسمان و زمین و آنچه بین آن دو است، به این صفت متصف شده است.

کلمه «بالحق» یعنی آنچه خدا آفریده بهبوده و باطل نیست بلکه درست و از روی حکمت است (نخجوانی، ۱۹۹۹، ج ۱، ص ۲۲۴) که این امر دلالت بر وجود صانع دارد زیرا خلق کردن این مخلوقات عظیم بر حسب اتفاق نیست پس ناچار به دست آفریننده یکتا و عالم و قادر داشته



جهان که شامل مجموعه پدیده‌های طبیعی بی-شمار گذشته و حال و آینده می‌شود، تحت تدبیر حکیمانه یک پروردگار اداره می‌شود. (مصباح-یزدی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۳۸۹)

قرآن با ذکر پدیده‌های طبیعی به ۳ روش به اثبات توحید در ربوبیت اشاره می‌کند:

۱-۱-۳. تعبیر «رب»

در اکثر آیات، قرآن برای استدلال بر توحید و ربوبیت خداوند یکتا، با تعبیر «رب»، ربوبیت مطلقه پدیده‌های آسمان و زمین ﴿فَقَالُوا رَبَّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوًا مِنْ دُونِهِ إِلَهًا﴾ (الکهف: ۱۴) را از آن خداوند یگانه می‌داند. و برای اینکه بگوید، منظور از آسمان و زمین همه پدیده‌های طبیعی موجود در آن دو است در آیاتی دیگر مثل ﴿خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يَكْوَرُ اللَّيْلُ عَلَى النَّهَارِ وَ يَكْوَرُ النَّهَارُ عَلَى اللَّيْلِ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ الْأَنْعَامِ ثَمَانِيَةَ أَزْوَاجٍ يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّنْ بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلُمَاتٍ ثَلَاثَ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ﴾ (الزمر: ۵-۶)، بعد از خلقت پدیده‌های آسمان و زمین به صورت کلی، از خلقت پدیده‌هایی همچون ماه و خورشید، شب و روز چارپایان و تاریکی به صورت جزئی یاد می‌کند.

این دو آیه از سوره زمر در این سیاق و مقامند که توحید در ربوبیت را اثبات کنند. (ابن عربی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۱۹۸؛ مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۱۱، ص ۴۳۴) زیرا آیه دومی با جمله

باشد، (ابن عطیه، ۱۴۲۰، ج ۴، ص ۵۵۶) که خلقت پدیده‌های طبیعی متصف به آن شده است. کلمه "لعب" به معنای عملی است که با نظمی خاص ولی بدون غرض عقلایی و به منظور غرضی خیالی و غیر واقعی انجام شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۲۵۸) که در آیات مذکور بیان کردیم که خداوند این وصف را در مورد خلقت پدیده‌های طبیعی نفی کرد^۱.

۳- معرفی برخی از اسماء حسنا الهی

۱-۳ اثبات توحید در ربوبیت مطلقه

خداوند بر همه هستی

توحید، اصطلاحی مهم در فرهنگ و معارف اسلام است که در لغت به معنای یگانگی است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ذیل ماده وحد) و از حیث عقیده باور به یکتایی خداوند، و از حیث عمل، منحصر به عبادت خدای یکتاست. بر اساس تعالیم قرآن کریم پایه و اساس دین، توحید است: ﴿قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌ وَاحِدٌ قَهْلَ أَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ﴾ (الانبیاء: ۱۰۸). علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌گوید: یعنی آنچه از دین به من وحی می‌شود، چیزی جز توحید و معارف دیگری که متفرع بر توحید است، چه معارف عقیدتی و چه اخلاقی و عملی، نیست. دلیل این مطلب آن است که حصر «آتما» بر روی حصر «آتما» آمده است. (طباطبائی، محمد حسین، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۳۲)

توحید دارای مراتب بسیاری است، که یکی از آن‌ها، توحید در ربوبیت تکوینی است. مراد از توحید در ربوبیت آن است که نظام این

۸. الزخرف: ۹؛ ق: ۳۸؛ الاعراف: ۵۴، ۵۷؛ الانبیاء: ۳۳؛ الغافر: ۶۱؛ البقره: ۱۶۴؛ یس: ۳۷؛ فصلت: ۳۷؛ یونس: ۶، ۲۲؛ الجاثیه: ۵؛ الزمر: ۵؛ المؤمنون: ۱۸؛ المرسلات: ۲۷؛ العنکبوت: ۶۳. نیز به اثبات خالق و صانع متعال اشاره دارند.

۱. همچنین پدیده‌های طبیعی در آیات، ابراهیم: ۳۲؛ الاسراء: ۶۶؛ الشوری: ۳۲؛ الانعام: ۷۳، ۷۹، ۹۹؛ نوح: ۱۵، ۱۹؛ الفرقان: ۴۸، ۶۰؛ النمل: ۱۲، ۶۰؛ النور: ۴۳؛ الرحمن: ۱۰؛ الذاریات: ۲۰؛ لقمان: ۲۵، ۳۲؛ آل عمران: ۱۹۰، ۱۹۱؛ الحجر: ۲۲، ۸۵؛ ص: ۲۷؛ الدخان: ۳۸؛ الشعراء: ۲۴؛ الروم:



بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَ جَعَلَ
خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَ جَعَلَ لَهَا رَوَاسِي وَ جَعَلَ بَيْنَ
الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا أَلَيْسَ بِاللَّهِ بِأَكْثَرَهُمْ لَايَعْلَمُونَ
أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَ يَكْشِفُ السُّوءَ وَ
يَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ بِاللَّهِ قَلِيلًا مَا
تَذَكَّرُونَ أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ
مَنْ يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ أَلَيْسَ بِاللَّهِ
تَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ أَمَّنْ يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ
يُعِيدُهُ وَ مَنْ يُرْزِقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ أَلَيْسَ بِاللَّهِ
قُلُّ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ (النمل: ۶۰-۶۴)،
بعد از ذکر خلقت پدیده‌های طبیعی
مانند آسمان، زمین، باران، باغ، درخت، رودخانه،
کوه، دریا و خشکی با استفهام تقریری «أَلَيْسَ بِاللَّهِ
تَعَالَى» هرگونه شرک را نفی می‌کند.

در آیات مذکور توحید خالق و توحید
در ربوبیت (توحید تدبیر کننده این جهان) پایه-
ای برای توحید معبود شمرده شده است؛ یعنی
این آیات پس از این که خلقت عناصر مختلفی را
به خداوند نسبت می‌دهد و بیان می‌کند که تدبیر
کننده همه آن عناصر (پس از خلقت) نیز کسی
جز او نیست نتیجه می‌گیرد: پس تنها باید به
پرستش ذات او پرداخته شود و نباید معبودی
غیر او مطرح باشد. (رستمی، محمد حسن،
۱۳۸۶، ص ۱۴۵)

۳-۱-۳. نفی شرک

یکی یگر از راه‌های اثبات توحید در
ربوبیت نفی شرک از خداوند متعال است؛ از
نمودهای شرک، انتساب فرزند به خداوند است
که حتی در میان کسانی که به ظاهر موحد
بودند، وجود داشت. به این پندار غلط در قرآن ۹
بار اشاره شده است: یهودیان عزیر را پسر خدا
می‌خواندند (التوبه: ۳۰) و مسیحیان به فرزند
بودن عیسی مسیح برای خدا معتقد شدند و آن
پیامبر بزرگ الهی را ناخواسته و بدون رضایت
خود او فرزند خدا دانسته، به الوهیت او سر

﴿ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ...﴾ ختم می‌شود، تقریباً صریح
در این است که آیه مورد بحث مربوط به ما قبل
نباشد، و بیانی مستقل و از نو برای احتجاج بر
توحید ربوبیت باشد. به این منظور در این دو آیه
بین خلقت و تدبیر جمع شده، و این بدان جهت
است که مشرکین خلقت و ایجاد را منحصر در
خدای تعالی می‌دانند، اما معتقدند که خداوند
کار تدبیر امور را به دست اربابانی که آن‌ها می-
پرستند، قرار داده است، از این رو خدای سبحان
در کلام عزیزش هر جا در صدد اثبات توحید در
ربوبیت و الوهیت بر می‌آید، بین خلقت و تدبیر
جمع می‌کند و به این نکته اشاره می‌کند که
تدبیر خارج از خلقت نیست، بلکه به یک معنا
همان خلقت است، هم چنان که خلقت به یک
معنا همان تدبیر است. تا به آن‌ها بفهماند که
تدبیر نیز مانند خلقت منحصر در خدای تعالی
است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۲۳۶).

ذکر دو اسم «عزیز» و «غفار» نیز در
عبارت پایانی آیه ﴿أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ﴾ ممکن
است به منظور اشاره به همان برهان باشد که بر
یگانگی خدای تعالی در ربوبیت و الوهیت دلالت
دارد، چون عزیزی که هرگز دچار ذلت نمی‌شود،
تنها خدای تعالی است، پس تنها اوست که باید
عبادت شود، و همچنین اسم "غفار" هنگامی که
با بخشش دیگران مقایسه می‌شود، پرستش
مخصوص او می‌گردد. (همان، ص ۲۳۷)

۳-۱-۲. صنعت بلاغی استفهام تقریری

قرآن علاوه بر ذکر صریح ربوبیت خدا
با لفظ «رب»، گاهی بعد از ذکر خلقت پدیده‌های
طبیعی با صنعت بلاغی استفهام تقریری از
بندگان درباره توحید و یگانگی خدا در ربوبیت
اقرار می‌گیرد و هرگونه شرک را نفی می‌کند.
مثلاً در آیات ﴿أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ
أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتِ
بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ بِاللَّهِ

سپردند (المائدة: ۱۱۶-۱۱۷)، (التوبة: ۳۰)، گاه نیز یهود و نصاری خودشان را فرزندان و محبوبان خدا می‌دانستند (المائدة: ۱۸) و اعراب جاهلی نیز از سر جهل برای خداوند دخترانی فرض می‌کردند (النحل: ۵۷)، (الانعام: ۱۰۰)، (الصفات: ۱۴۹، ۱۵۳)، (الطور: ۳۹).

خداوند در قرآن کریم برای ردّ این اتهام (داشتن فرزند اعم از دختر یا پسر) از جمله به پدیده‌های طبیعی اشاره کرده است. یک بار برای نشان دادن عظمت و زشتی این بهتان، آن را در قالب تعبیری محسوس عرضه داشته می‌فرماید: آن‌ها گفتند خداوند رحمن فرزندی برای خود اختیار کرده! چه سخن زشت و زنده‌ای آوردید. نزدیک است آسمان‌ها به خاطر این سخن از هم متلاشی گردد و زمین شکافته شود و کوه‌ها به شدت فرو ریزد: ﴿تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَ تَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًا﴾ (مریم: ۹۰)، و بار دیگر مسئله عذاب کردن آن‌ها ﴿وَ قَالَتِ الْيَهُودُ وَ النَّصَارَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَ أَحِبُّهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ﴾ (المائدة: ۱۷)، را مطرح کرده است. همچنین تعبیر ﴿بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ در آیه ۱۰۱ سوره انعام جواب از همان اعتقاد شرک آلود است، و حاصلش این است که: داشتن فرزند مشروط به گرفتن همسر است. در حالی که داشتن همسر برای خدا امر غیر معقول است چگونه می‌شود داشتن فرزند برای او امری معقول تلقی شود؟ علاوه بر این، خداوند خالق همه چیز است، و صاحب فرزند نمی‌تواند خالق فرزند خود باشد چون فرزند جزئی از پدر است که به وسیله عمل لقاح به محیط تربیتی رحم منتقل می‌شود، و معقول نیست که جزء خداوند مخلوق خودش باشد. این دو دلیل در جمله کوتاه ﴿بَدِيعَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ نهفته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۲۹۱)

۲-۳. نشان دادن عظمت و قدرت خداوند

یکی دیگر از صفات ثبوتی و ذاتی خداوند، قدرت است و آیات بسیاری خدا را «قادر» و «قدیر» می‌خواند. قدرت نیز از جمله صفاتی است که ما می‌توانیم مرتبه محدودی از آن را در خود بیابیم. از این رو، مفهوم قدرت - و نیز مفهوم عجز که در مقابل قدرت قرار دارد - تا حد زیادی برای ما روشن است. با این حال، لازم است برای وضوح بیشتر بحث، تعریفی از قدرت ارائه کنیم که بر قدرت خداوند نیز قابل تطبیق باشد؛ متکلمان تعاریف مختلفی از قدرت ارائه کرده‌اند. بر اساس یکی از تعاریف، قادر کسی است که اگر بخواهد، فعلی را انجام می‌دهد و اگر بخواهد، آن را ترک می‌کند. بر این اساس، هنگامی گفته می‌شود که فاعل بر انجام دادن فعلی قادر است که انجام دادن یا ترک آن فعل، تابع خواست و مشیت او باشد. بنابراین، در کلیه مواردی که فاعل فاقد مشیت است و فعل بدون آنکه مسبوق به خواست و مشیت او باشد، محقق می‌شود، فاعل مزبور در انجام آن فعل فاقد قدرت است. از این رو، می‌توان گفت که آتش بر ایجاد حرارت و فعل سوزاندن قادر نیست، زیرا فعل آن از مشیت و خواست بر نمی‌خیزد و نمی‌توان گفت که اگر بخواهد، فعل سوزاندن را ترک می‌کند. با تأمل در تعریف یاد شده چنین به نظر می‌رسد که اطلاق این مفهوم بر خداوند، از آن رو که مشتمل بر نقص و محدودیتی نیست، مانعی ندارد. بنابراین، قادر بودن خدا بدین معناست که اگر مشیت به تحقق فعلی تعلق پذیرد، آن را انجام می‌دهد و اگر مشیت او به ترک آن تعلق گیرد، آن را ترک می‌کند. (سعیدی‌مهر، ۱۳۸۹، صص ۲۱۵-۲۱۷)

قرآن در مقام استدلال به قدرت قاهره الهی، گاه این موضوع را در قالب تصاویری گویا و صحنه‌هایی بدیع به تصویر می‌کشد که در این - جا نمونه‌هایی از این گونه تصاویر را به نظاره می‌

نشینیم: گاه برای نشان دادن قدرت خداوند به خلقت آسمان‌های هفتگانه (الملک: ۳) که بدون ستون افراشته شدند (لقمان: ۱۰)، اشاره می‌کند.

فخر رازی در این مورد می‌نویسد: این آسمان‌ها از آن جهت که بدون ستون و پایه در هوا معلق مانده‌اند، دلالت بر قدرت خداوند دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۵، ص ۱۹۲) و گاه از پدیده‌های آسمانی مانند ماه و خورشید (یونس: ۵) و ستارگان ﴿وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا﴾ (الانعام: ۹۷)، یاد می‌کند. و در مورد زمین و پدیده‌های آن، گاه از خود زمین یاد کرده، می‌فرماید ﴿وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا﴾ (ق: ۷)، و گاه از آنجا که آفرینش کوه‌ها دارای فوایدی است به آن پرداخته جَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ (الرعد: ۳) و گاه مهمترین عامل زندگی بشر و همه جانداران یعنی گیاهان را ذکر کرده ﴿وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ﴾ (الحجر: ۱۹) و نهایتاً از قدرت در آفرینش انواع حیوانات سخن می‌گوید: ﴿وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾ (النور: ۴۵)

۳-۳. نشان دادن رحمت خداوند

یکی از اسماء الهی رحمان است. هر پدیده‌ای که در طبیعت مشاهده می‌شود، جلوه‌ای از رحمت الهی نسبت به بندگانش است. اما آنچه از مظاهر طبیعی در قرآن به صراحت به عنوان رحمت ذکر شده، پدیده باران همراه با مقدمه‌اش یعنی باد است ﴿وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ﴾ (الفرقان: ۴۸). (۶) مراد از کلمه "رحمه" در این آیه، باران است. (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۱۷۵) تصویر کامل رحمت الهی، یعنی باران، در آیه ۵۷ سوره اعراف آمده است: در آنجا خداوند باد را با عبارت «بین یدیه» به عنوان مقدمه‌ای برای رحمت، یعنی باران، معرفی کرده که سبب حمل ابرهای باران‌زا شده و آن‌ها را به سوی سرزمین‌های بایر می‌برد و آن‌ها در آن سرزمین شروع به بارش نموده و انواع میوه‌ها را می‌رویانند: ﴿وَهُوَ الَّذِي يَرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَاهُ لِبَلَدٍ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾ (الاعراف: ۵۷)

علاوه بر پدیده باران، از پدیده‌های طبیعی شب و روز نیز در آیه ﴿وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ

زمخشری در تفسیر آیه ۴۵ سوره نور می‌نویسد: خداوند در این آیه اول از خزندگان نام برد؛ زیرا نشان دهنده قدرت بیشتری از ناحیه خالق هستند، چرا که بدون ابزار راه رفتن، راه می‌روند و سپس راه رفتن بر روی دو پا سخت‌تر است از چهار پا؛ بر این اساس چهار پایان در آخر ذکر شدند. (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۲۴۷). آیه در بیان قدرت الهی با استفاده از پدیده‌های عالم تکوین مانند خلقت انسان است. نجفی نیز در تفسیر این آیه می‌نویسد: یکی دیگر از قدرت‌نمایی‌های پروردگار توانا که همتایی ندارد، این است که هر جنبنده‌ای را از آب مخصوصی

لَكُمْ اللَّيْلُ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَ لِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ
وَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿القصص: ۷۳﴾ با صراحت به
عنوان یکی دیگر از مصادیق رحمت‌های الهی
نسبت به بندگان یاد شده است. و علت این
رحمت را خود قرآن چنین می‌داند که انسان در
شب استراحت می‌کند و در روز در پی روزی
می‌رود.

۴-۳. توصیف علم خداوند

یکی از صفات ثبوتی خداوند، «علم»
است. در بینش اسلامی، خدا به همهٔ امور عالم
آگاه است. علم، هم از صفات ذاتی خداوند است
و هم از صفات فعلی او. به عبارت دیگر، علم الهی
مراتب گوناگونی دارد که برخی از آن‌ها، صفت
ذاتی و برخی صفت فعلی است. علم عبارت است
از حضور معلوم در نزد عالم. جامعیت این تعریف
از آن روست که در علم حصولی، صورت ذهنی
شیء در نزد عالم حضور دارد و در علم حضوری،
خود شیء؛ لیکن در هر دو صورت، معلوم نحوه‌ای
از حضور در نزد عالم دارد و بر اساس این حضور،
عالم دارای نوعی احاطه علمی بر معلوم است. از
آنجا که تعریف یاد شده از قیود مربوط به علوم
موجودات خالی است و هیچ‌گونه شائبه نقص و
نقصانی در آن راه ندارد؛ می‌توان آن را برای اشاره
به علم الهی نیز به کار گرفت؛ بنابراین، وقتی
سخن از علم خدا به میان می‌آید، مقصود آن
است که همهٔ امور و تمام اشیاء در نزد خدا
حاضرند و این حضور، ملاک علم خدا به ذات
خود و همهٔ موجودات است. (سعیدی‌مهر،
۱۳۸۹، ص ۱۹۵-۱۹۶)

گاه یادکرد قرآن از پدیده‌های طبیعی
در راستای وصف این صفت خداوند قرار دارد. در
این زمینه ظاهراً بیشتر از پدیده‌های آسمان و
زمین یاد شده است که با تعبیر ﴿غَيْبِ السَّمَاوَاتِ
وَ الْأَرْضِ﴾ سه بار، با تعبیر ﴿مَا فِي السَّمَاءِ وَ
الْأَرْضِ﴾ یک بار، با تعبیر ﴿مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا

فِي الْأَرْضِ﴾ چهار بار و با تعبیر ﴿مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ
وَ الْأَرْضِ﴾ یک بار و با تعبیر ﴿وَ مَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ
مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَ لَا فِي السَّمَاءِ﴾ یک بار و با
تعبیر ﴿يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ یک بار
و با تعبیر ﴿فِي السَّمَاوَاتِ وَ لَا فِي الْأَرْضِ﴾ و با
تعبیر ﴿يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ
مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا﴾ یک بار آمده
است. همان‌طور که قبلاً گفتیم لفظ «السماء» با
«الارض» کنایه از کل هستی است، که شمول
علم خداوند به همه چیز را می‌رسانند. این مفهوم
را می‌توان از آیهٔ ۵۹ سورهٔ انعام فهمید، در این
آیه قرآن نخست از وسعت دامنهٔ علم الهی یاد
نموده می‌فرماید: ﴿وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا
إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ﴾ این عبارت علم
غیب و پنهان را منحصر برای خدای تعالی
می‌داند. تعبیر «مفاتیح الغیب» که در آیه آمده یا
به معنای کلیدهای غیب و یا به معنای گنجینه-
های غیب است. که در هر دو صورت علم غیب
را مختص به خدا معرفی می‌کند. اما عبارت ﴿وَ
يَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَ الْبَحْرِ...﴾ منحصر در بیان علم
غیب نیست، بلکه از شمول علم او به هر چیز،
چه غیب و چه شهود، خبر می‌دهد. و اگر از
خشکی‌ها و آنچه را که در آن‌ها است جلوتر ذکر
شد، برای این بود که روی سخنش با مردمی بود
که سر و کارشان بیشتر با خشکی‌ها است.
(طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۷، ص ۱۲۴-۱۲۸)

سپس برای آن که احاطهٔ علمی خداوند
بر تمام هستی را به وضوح ترسیم نماید، تصاویر
متعددی را پیش روی انسان قرار می‌دهد که
حقیقتاً هر یک از آن‌ها انسان را شگفت‌زده می-
کند. قرآن این صحنه‌ها را چنین به تصویر می-
کشد که:

﴿وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا﴾ برای
این، برگ درختان را بخصوص اسم برد که بر
بی‌پایانی علم خداوند دلالت کند، چون کثرت



است که تصرف آمرانه و ناهیانه در توده‌های مردم داشته باشد... و ملک مانند جنس است برای ملک. پس هر ملکی ملک است، ولی چنین نیست که هر ملکی ملک باشد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل مادهٔ ملک)

گاه ذکر پدیده‌های طبیعی در قرآن در راستای بیان این اسم خداوند می‌باشد. در این زمینه در اکثر موارد از پدیده‌های آسمان و زمین (حدود ۴۵ مورد)؛ با تعبیر ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾، هشت بار با تعبیر ﴿لَهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ۹ بار، با تعبیر ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ﴾ ۱۱ بار، با تعبیر ﴿لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ۵ بار، با تعبیر ﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَ مَا فِي الْأَرْضِ﴾ و ﴿مَا بَيْنَهُمَا﴾ ۱ بار، با تعبیر ﴿لِلَّهِ مِيرَاتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ۲ بار، و با تعبیر ﴿لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ۸ بار، ﴿لِلَّهِ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ ۱ بار ﴿لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ و ما بینهما یک بار یاد شده است. علاوه بر این تعبیرها، ذکر مالکیت مشرق و مغرب با تعبیر ﴿لِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَ الْمَغْرِبُ﴾، ۲ بار نیز بر مالکیت مطلقهٔ خداوند دلالت دارد. در صحنه‌های دیگر، جلوهٔ دیگری از قدرت او را به تصویر کشیده و می‌فرماید: ﴿لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ﴾ این تعبیر کنایهٔ لطیفی از مالکیت یا سلطه بر چیزی است، چنان که می‌گوییم: «کلید این کار به دست فلان است» و همچنان که تصرف در یک خزانه برای کسی که کلید آن را در اختیار ندارد مقدور نمی‌باشد، حاکمیت آسمان‌ها و زمین نیز تنها به دست خداوند قادری است که کلیددار جهان هستی است و مالکیت و ربوبیت نظام هستی تنها در دست با کفایت اوست. بنابراین، مفهوم این عبارت نزدیک به عبارت شریفهٔ (وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ) (الانعام: ۵۹) است. (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۷، ص ۴۷۱)

برگ درختان به حدی است که انسان از شمردن آن و تشخیص هر کدام از دیگری و احاطه به حالاتی که هر کدام دارند و همچنین مراقبت بر اینکه کدام یک از درخت می‌افتد، عاجز است. (همانجا)

﴿وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ﴾ در حقیقت خداوند با ذکر برگ درختان و دانهٔ توی زمین دست روی دو نقطهٔ حساس گذاشته است که برای هیچ انسانی هر چند میلیون‌ها سال از عمر او بگذرد و دستگاه‌های صنعتی و پیچیدهٔ حیرت‌انگیز پیدا کند، احاطه بر آن ممکن نیست. (قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۱)

قرآن در ادامهٔ آیه با عبارتی کوتاه، وسعت بی‌انتهای علم خدا را چنین به تصویر کشیده است: ﴿وَ لَا رَطْبٌ وَ لَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ روشن است که منظور از دو کلمهٔ تر و خشک، معنای لغوی آن‌ها نیست، بلکه این تعبیر کنایه از عمومیت است و حکایت از وسعت احاطهٔ بی‌انتهای خدا به همهٔ موجودات دارد. (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۷۴، ج ۵، ص ۲۷۱). عبارت ﴿إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ﴾ نیز تکرار عبارت ﴿إِلَّا يَعْلَمُهَا﴾ است و یا بدل از «إِلَّا يَعْلَمُهَا» است که شمول علم خدا را می‌رساند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۳۸۳)

۳-۵. مالک بودن خدا

یکی دیگر از اسمای حسنیای خداوند «مالک» بودن است. مالک، ملک و ملیک، سه اسم از اسمای حسنیای خدای سبحان است که دارای ریشه واحد (ملک یا ملک) و به معنای سلطه خاصی است که زمینه ساز هر گونه تصرف در شیء مملوک باشد؛ همانند سلطه‌ای که انسان بر مال خود دارد یا استیلا و سلطه‌ای که حاکمان بر مردم دارند (و به آن ملک گفته می‌شود) ملک اعم از ملک است (جوادی‌آملی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۵) و از این رو راغب می‌گوید: ملک کسی



۳-۶. عدالت الهی

یکی دیگر از صفات ثبوتیه خداوند، عدالت است، مسئله عدل الهی یک از اصول بسیار مهم اعتقادی و کلامی است. هر چند در نگاه نخست، عدل یکی از صفات فعلی خداوند است که هم‌ردیف سایر صفات فعلی قرار می‌گیرد، اما به دلیل اهمیت وصف‌ناپذیر آن، جایگاه ویژه‌ای در مباحث اعتقادی و کلام یافته است؛ این اهمیت تا آنجاست که بر حسب یک تعبیر رایج، یکی از اصول پنج‌گانه دین یا مذهب و در کنار اصولی مانند توحید، نبوت و معاد به‌شمار می‌آید. (سعیدی‌مهر، ۱۳۸۹، ص ۳۱۵)

عدل در لغت به معنای برابر تقسیم کردن، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل ماده عدل) حکم به حق کردن، داد دادن و هر چیزی را به جای خود نهادن است (فراهیدی، ۱۴۱۰، ذیل ماده عدل) و در اصطلاح آن است که خداوند در پاداش و کیفر دادن به هیچ کس ظلم نمی‌کند و بلکه بر اساس عدل، پاداش هر کسی را به او عنایت می‌فرماید. (اسدی گرمارودی، ۱۳۶۱، ج ۲، ص ۱۲)

قرآن برای نشان دادن عدالت الهی در تصویری از سنجش دقیق اعمال در روز قیامت و نهایت عدالتی که در حق بندگان روا داشته می‌شود، با این تعبیر حسی یاد نموده: «ما ترازوهای عدل را در روز قیامت نصب می‌کنیم، پس به هیچ کس کم‌ترین ستمی نمی‌شود و اگر به مقدار سنگینی یک‌دانه خردل (کار نیک و بدی باشد) ما آن را حاضر می‌کنیم و کافی است که ما حساب‌کننده باشیم ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَىٰ بِنَا حَاسِبِينَ﴾ (الانبیاء: ۴۷). در این تصویر هم می‌بینیم از خردل که در کوچکی و حقارت ضرب‌المثل است، استفاده شده و این تعبیر، مبالغه در نوع سنجش و دقت

در میزان را می‌رساند؛ تا آن‌جا که اعمال بندگان حتی اگر به کوچکی و ناچیزی دانه خردل باشد مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۴، ص ۳۱۹)

در جایی دیگر، شاهد آن هستیم که عدم ظلم خدا به بندگان با ذکر پدیده «فتیل» به صورتی عینی به تصویر کشیده شده و برای این که احتمال کوچک‌ترین بی‌عدالتی را از ساحت پاک الهی بزداید، از این تعبیر تصویری استفاده می‌کند که: به آنان به مقدار رشته‌ای که در میان هسته خرماست ستم نخواهد شد. ﴿وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا﴾ (النساء: ۴۹). «فتیل» در لغت به معنای رشته بسیار باریکی است که در شکاف هسته خرما به چشم می‌خورد، یا به معنای فتیله‌ای است که افراد با مالیدن دو انگشت خود از نخ و یا چرک (انگشتان یا چرک بدن) درست می‌کنند، (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ذیل ماده فتل) و به هر حال این کلمه کنایه‌ای است از حقارت و بی‌مقداری (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۴، ص ۳۷۱)

و باز به همین سیاق در جایی دیگر با ذکر پدیده «نقییر» تصویری دیگر از عدالت خداوند ارائه می‌شود: به قدر گودی پشت هسته خرمایی مورد ستم قرار نمی‌گیرند. ﴿وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا﴾ (النساء: ۱۲۴)، فتیل چیزی است که در شکم هسته است و نقیر چیزی است که بر پشت هسته است، (ابن منظور، ۱۹۸۸، ذیل ماده نقر) و این الفاظ که همگی حکایت از حقارت و کوچکی دارند، آن‌چنان انتخاب شده‌اند که ذهنیت مخاطب را از احتمال هرگونه بی‌عدالتی و عمل خلاف حکمتی از ساحت الهی می‌زدایند (قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۳۶).



نتیجه‌گیری

الف. مشهودترین نتیجه این پژوهش این است که قرآن پدیده‌های طبیعی را آیات (نشانه‌های) حق تعالی می‌داند و طبیعت‌شناسی را به منزله آیت‌شناسی تلقی می‌کند (الروم: ۲۲). بنابراین، طبیعت‌شناسی از دید قرآن مطلوب بالذات نیست و تنها در صورتی که ما را با خالق مدبر این جهان آشنا و نزدیک کند مطلوب است. یعنی یکی از راه‌های مهم شناخت خداوند تفکر در پدیده‌های طبیعی است. زیرا انسان به طبیعت مأنوس است، فکر و اندیشه او نیز به طبیعت خو کرده است.

ب. اولین مسئله در وادی شناخت خدا، شناخت وجود او، بعد شناخت توحید و اسماء حسنا و از جمله علم، قدرت، رحمت و ... است. البته باید گفت اگر این مسائل را در عین پیوستگی‌شان از هم جدا می‌کنیم، در مرحله

مفاهیم و تفکر بشر است اما در عالم واقع، آن‌ها یکی هستند.

ج. همچنین قرآن برای آشنا کردن مردم با خدا با ذکر پدیده‌های طبیعی به توصیف اسماء حسنا الهی پرداخته است گاه به توصیف توحید او پرداخته و گاه نیز عدالت، رحمت و مالکیت گوشزد کرده، گاه نیز عدالت، رحمت و مالکیت او را بر همه‌ی هستی بیان کرده است تا بتواند جواب برای همه‌ی محققین بدهد؛ آن‌ها که وجود خدا را قابل اثبات می‌دانند از آیاتش بهره ببرند و آن‌ها که آن را قابل اثبات نمی‌دانند و به دنبال توصیف اسماء و صفاتش هستند بی‌نسیب نمانند. به درستی قرآن کتاب جاوید است و برای همه‌ی افراد راهنما می‌باشد.

سپاسگزاری: بدین وسیله از حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اهواز در قالب پژوهانه‌ی (SCU.TQ99.38572) در انجام این تحقیق تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع

۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد. ۱۳۶۴، النهایة فی غریب الحدیث. تحقیق: محمود محمد الطناحی، قم: مؤسسه‌ی اسماعیلیان.
۲. ابن رشد، محمد، ۱۹۴۸، تفسیر مابعدالطبیعه، به کوشش مورس بویژ، بیروت.
۳. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب. ۱۴۲۲، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز. چاپ اول، بیروت؛ دار الکتب العلمیه.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۹۸۸، لسان العرب. چاپ اول، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۵. اشعری، علی، ۱۹۵۲، اللمع، به کوشش جوزف مکاری، بیروت
۶. جواد املی، عبدالله. ۱۳۸۶، تفسیر موضوعی قرآن (توحید در قرآن). چاپ سوم، قم: مرکز نشر اسراء.
۷. ۱۳۷۵، تبیین براهین اثبات وجود خدا، تهران: مرکز نشر اسراء.
۸. سبحانی، جعفر؛ ۱۳۵۷، خدا و نظام آفرینش، بی جا، نشر توحید
۹. شیرازی، سید حسن؛ صادقی اردستانی، احمد؛ بی تا، آشنایی با خدای جهان، تهران، نشر جهان.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین. ۱۴۱۷، المیزان فی تفسیر القرآن. چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم.
۱۱. طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن الکریم. چاپ سوم، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۱۲. فراهیدی، خلیل‌بن‌احمد. ۱۴۱۰، کتاب العین. چاپ دوم، قم: انتشارات هجرت.
۱۳. قاسمی، حمید محمد. ۱۳۸۷، جلوه‌هایی از هنر تصویرآفرینی در قرآن. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۴. غزالی، محمد، ۱۹۸۶، احیاء علوم الدین، بیروت.
۱۵. گلشنی، مهدی. ۱۳۷۵، قرآن و علوم طبیعت. چاپ اول، تهران: مطهر.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد؛ ۱۳۶۱، بهترین راه شناخت خدا، بی جا، نشر پائیز، چاپ اول.



۱۷. مراغی، احمد بن مصطفی. بی تا، تفسیر المرآی. چاپ اول، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۱۸. مصباح‌یزدی، محمد تقی. ۱۳۷۳، آموزش فلسفه. تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
۱۹. ۱۳۸۹، آموزش عقائد. چاپ چهل و ششم، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل.
۲۰. مکارم‌شیرازی، ناصر. ۱۳۷۹، آفریدگار جهان. قم: انتشارات مدرسه‌الامام علی بن ابی‌طالب علیه‌السلام.
۲۱. ۱۳۷۴، پیام قرآن. قم: نشر مطبوعاتی هدف.
۲۲. ۱۴۲۱، الامثل فی تفسیر کتاب الله المنزل. قم: مدرسه امام علی ابن ابی طالب.
۲۳. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران. ۱۳۷۴، تفسیر نمونه. چاپ اول، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۲۴. منوچهری، فرامرز. ۱۳۸۷، "مدخل توحید"، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی، کاظم تهران؛ مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلام.
۲۵. نیل ساز، نصرت. ۱۳۸۵، "مدخل دعا"، دانش‌نامه جهان اسلام، زیر نظر حدادعادل، تهران: بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.

بررسی تطابق زیست محیطی زنبور عسل با ابعاد وحیانی آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل

علی محمد کاملی

کارشناس ارشد تفسیر - دانشگاه مبدد و کارشناس گیاهپزشکی - دانشگاه ارومیه (نویسنده مسئول: ali.kamelie.amoli@gmail.com)

چکیده

با تفکر و تحقیق بایسته و شایسته علمی و زیست محیطی زندگی گونه‌های زنبور عسل، می‌توان ارتباطات منطقی با عالمانه و حکیمانه بودن نزول آیات ۶۸ و ۶۹ سوره نحل، در زمینه تشکیل کلنی مستقل در مکانی کاملاً مناسب، بررسی سیر انتخاب گل‌های خاص برای تولید عسل همان گیاه، شهادت‌گیری، فرآوری آن و از همه مهمتر گرده افشانی گونه‌های بی‌حدی از گیاهان و گل‌ها که مطابق با مقتضیات و عملکرد شرایط محیطی و زیستی این حشره دارد، بدست داد؛ که علاوه بر اثبات علمی و عقلی بودن نوع وحی مختص به این موجود، نزول آیات علمی هم، مانند آیات اعتقادی، کلامی، اخلاقی و معرفتی، واجد ابعاد هدایت و کمال انسان‌های موحد است، با همان نگاه، انزال آیات علمی قرآن کریم، واجد آموزه‌های معرفتی و منطبق بر فطرت برای دیگر حقیقت‌جویان عالم می‌تواند باشد. در این عرصه زنبور عسل با ویژگی‌های مرفولوژی، بیولوژی و فیزیولوژی، که علاوه بر بقا و دوام حیات، بخاطر گرده افشانی جمعیت زیادی از گیاهان و گل‌ها و تأمین یکی از مواد غذایی موثر چون عسل، می‌تواند الگوی مهم نظم اجتماعی در مدیریت کلنی و منبع الهام بزرگ برای ساخت سازه‌های انسانی امن بخاطر دارای بودن ویژگی انحصاری تشکیل‌شان مسدوسی و نظافت محیط زیست خود، یکی از تأثیرگذارترین موجود کره زمین باشد، که بر این اساس با بررسی دست آوردهای قطعی علمی و زیست محیطی این حشره و تطابق با دیدگاه‌های واقع‌گرایانه تفسیری مطروحه با آیات مد نظر، می‌توان به این حقایق مورد اشاره دست یافت. لذا در این نوشتار سعی بر این است که علاوه بر کشف ارتباط تنگاتنگ علمی و زیست محیطی این موجود با فرازهای وحیانی آیات مطروحه، به این نتایج تطبیقی دست یابیم.

کلمات کلیدی: نحل، آیات علمی، زنبور عسل، زیست محیطی، حشره و گرده افشانی.

مقدمه

بیرون می‌آید که در آن شفای مردم است. به راستی در این [امر] برای مردمی که تفکر می‌کنند نشانه‌ی [قدرت] هست». (بهرام پور، ۱۳۸۷)

خداوند منان در آفرینش مرحله به مرحله همه عوالم، علاوه بر هدایت متفکرانه و اتمام حجت مدبرانه، تعقل موشکافانه را برای نوع بشر به ارمغان آورد که متضمن کلیات برنامه زندگی در جهت هدایت و کمال انسان‌هاست. در این میان در انزال و تنزیل آیات - مخصوصاً آیات علمی قرآن عظیم - که با اختصار بیان شده، علاوه بر دارا بودن اعجاز علمی و اشاره

«وَ أَوْحِي رَبِّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كَلَّمِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَأَسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلَّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل آیات ۶۸ و ۶۹). «و پروردگارتو به زنبور عسل الهام کرد که از کوه‌ها و درختان و از داربست‌هایی که [مردم] می‌سازند لانه‌هایی بگیرد، سپس از همه‌ی میوه‌ها بخورد [بمک] و راه‌های پروردگارت را مطیعانه طی کن از شکم آنها شربتی رنگارنگ



ویژگی انحصاری، منبع الهام بزرگ برای ساخت سازه‌های امن برای انسان و تولید و فرآوری یکی از مواد غذایی موثر چون عسل می باشد که همین عوامل اهمیت و ضرورت تأمل و تفکر در آیات ۶۸ و ۶۹ نحل به نوعی توجه و پرداختن به ابعاد وحیانی زندگی زنبور عسل را مبرهن می سازد. شاید یکی از ابعاد کاربرد واژه وحی برای زنبور عسل در این آیات، متذکر شدن نوعی الهام دائمی به جامعه بشری برای الگو برداری و ایجاد نظم و اتحاد اجتماعی و خدمت و سود رسانی به جوامع انسانی بوده باشد. از نظر مارالا اسپیواک یکی از برجسته ترین پژوهشگران زنبور عسل از دانشگاه مینه سوتا، زنبورهای عسل مدخل و باب ورود به مسائل بسیار بزرگ تر - مسأله حفاظت از محیط زیست - بوده است وی می گوید «نگرانی برای زنبورهای عسل کمک کرد تا افراد بیشتری متوجه شوند که چرا اهمیت دارد تا زمین های بیشتری پوشیده از گل ها و درخت ها و عاری از آفت کش ها باشند. ترجیح می دهم روی سیاره ای زندگی کنم که در آن گل های فراوان و سخاوتمند برای حمایت از تمام زنبورهای ما وجود داشته باشد». (دن چارلز ۲۰۱۸، ظریف)، به دلیل همین نقش بسیار مهم زنبور عسل در گرده افشانی و افزایش باروری محصولات کشاورزی و میوه ها، سازمان جهانی غذا و کشاورزی (فائو) روز ۲۰ می هر سال را به عنوان «روز جهانی زنبور» نامگذاری کرده است؛ لذا چگونگی کشف این موضوعات مهم است که در ارتباط با تطابق بین آیات مد نظر و ابعاد محیط زیستی از نظر قرآن و علوم روز، چه دستاوردهایی قابل استنباط است و نقش و جایگاه متقابل قرآنی و علوم روز برای درک بهتر نزول آیات علمی مورد نظر را چگونه می

به شگفتی های این آیات، سرمنشاء و راهکار بدست آوردن تحقیق و کشف راز آفرینش موجودات ارضی و سمائی را برای همه انسان های منصف، بخصوص برای موحدان به ارمغان خواهد آورد، تا به معارف و حقایق ارزشمندی در زمینه های گوناگون هستی شناسی دست یابند. «طبق شواهد موجود حدود ۴ میلیارد سالی که از آفرینش زمین می گذرد، گیاهان و جانوران - به طرز اولی بشر- با این راهکارها تدریجی - هدایتی و الگو گیری از آفریده های عالم و با بکارگیری روش های منطقی و عقلی توانستند روش های لازم را برای تطابق با محیط زیست و فائق آمدن خود بر مشکلات محیط فراهم نمایند. شاید بتوان نظریه انتخاب طبیعی ارائه شده توسط داروین را اشاره ای به همین موضوع دانست» (قاسمی خادمی، ۱۳۹۵). ملاحظه می گردد که اکثر ساخته ها و طراحی انسان با ارزان ترین، سریع ترین، بهترین و قابل اعتمادترین شیوه، جهت ساخت سازه های انسانی برای فراهم آوردن و زندگی بهتر اجتماعی و در مرتبه والاتر حیات معقول، الهام گرفته از طبیعت و محیط زیست اطراف از جمله؛ زندگی زنبور عسل نیز می باشد. بدرستی که انسان، زنبور و بلکه همه موجودات مخلوق خداوند متعال، به إذن و اراده او خالق بهترین، زیباترین، بدیع ترین و شگفت آورترین مجموعه ها شده اند. از مصادیق بارز این الگو برداری از زنبور عسل به عنوان یکی از تأثیر گذارترین موجود کره زمین با ویژگی های مرفولوژی، بیولوژی و فیزیولوژی خاص خویش، در زمینه گرده افشانی جمعیت زیادی از گیاهان و گل ها که باعث بقاء و دوام حیات است، مدیریت کلنی و تشکیل شان مسدسی بخاطر دارای بودن



مبانی بهداشت و سلامت در قرآن، حسین علی علایی و حسن رضا رضایی؛ خواص عسل از دیدگاه قرآن و روایات، ندا پرتو دزفولی؛ عسل در قرآن و علم پزشکی، سعید آشتیانی و همکاران؛ تأثیر ضد کاندیدی و ضد باکتریایی مخلوط عسل و عصاره‌های گیاهی، کیانوش خسروی دارانی و همکاران؛ نگاهی اجمالی به جایگاه عسل و زنبور عسل در اسلام و سایر مکاتب، ماشاءاله جمشیدی و پایان‌نامه عسل و شفابخشی آن در قرآن و روایات، زهره حیدری. بنابراین می‌توان گفت پژوهشی با دیدگاه‌های فوق و نقطه عزیمت‌های یاد شده، به رشته تحریر در نیامده است. از همین رو این پژوهش، نوآوری لازم را می‌تواند برای ارائه دیدگاه منطقی قابل تأمل، در تطابق تفسیری و علمی بین رشته‌ای داشته باشد. لازم به تذکر است با توجه به روش بکار برده شده و سمت و سو و نوع مطالب مطروحه در این نوشتار، مباحثی از آن نیاز به کارهای آزمایشگاهی و بالینی و عملیات میدانی دارد. روش تحقیق و اساس کار این پژوهش بر تحلیل داده‌ها براساس قواعد مورد اتفاق تفسیری و علوم حشره‌شناسی و محیط زیست استوار بوده و از روش توصیفی - تحلیلی و روش‌های نقد متن و نیز مطالب به اثبات رسیده جانورشناسی به فراخور مباحث، بهره گرفته خواهد شد. گردآوری منابع نیز کتابخانه‌ای بوده و قسمتی از اطلاعات از پایگاه داده‌ها و نرم افزارهای مرتبط استخراج شده است.

ضرورت‌ها و اهمیت تفسیر علمی

تحقیقاً درک ارائه تفسیر علمی منطبق با فرازهای آیات علمی قرآن، ارتباط مستقیم به سه مقوله ارائه تعریف قابل قبول، اطلاعات و احاطه قرآن پژوه از موضوع علمی اشاره شده

توان کشف نمود؟ از سوی دیگر در میراث اسلامی چه دیدگاه‌های مشترک و متمایز در ارتباط با حیات زیست محیطی زنبور عسل و تفسیر آیات مورد نظر می‌تواند وجود داشته باشد؟ لذا فرضیه‌های پژوهشی متعدد و متفاوت مرتبط به هم در ارتباط با تطابق بین آیات مد نظر و ابعاد محیط زیستی از نظر قرآن و علوم روز با دقت در ابعاد مختلف از جمله نظام حاکم بر زندگی زنبور عسل و ترتیب اعجاز آمیز آیات نازل شده مورد بحث، بدست آورد و درک بهتر و روشن تری نسبت به نقش، جایگاه علمی و تأثیر کاربردی آیات علمی قرآن از جمله آیات مورد نظر می‌توان داشت؛ از سوی دیگر می‌توان دیدگاه‌های مشترک و متمایز در تحقیقات اسلامی در شرح و تفسیر ارائه شده آیات مورد نظر، با دستاوردهای قطعی حیات زیست محیطی این حشره کشف نمود؛ لذا در این زمینه با مراجعه به پیشینه تحقیقات صورت گرفته، علاوه بر کتب کهن، در منابع تفسیری به شرح و تفسیر آیات مورد نظر و بیان گوشه‌ای از زندگی این موجود توسط مفسران اسلام اختصاص یافت. در عصر حاضر با اهمیت یافتن جایگاه بیولوژی و مرفولوژی و زیست محیطی زنبور عسل، کتب و مقالات بی شماری تألیف گردید مهم‌ترین آن‌ها که به نوشتار حاضر شباهت بیشتری دارد، از این قبیل است: کتب پرورش زنبور عسل، مسعود هاشمی؛ معجزات درمان عسل و انگبین‌ها، محمد رسول دریایی؛ زنبور عسل و پرورش آن، نعمت الله شهرستانی و مقالات نقش زنبور عسل در محیط زیست، دن چارلز، ترجمه آیدین ظریف؛ نقش زنبور عسل بر محیط زیست، سلامت و اقتصاد کشور، عفت ریسی سرحدی؛ درمان اعجاز آمیز قرآن و



مسلمانان معرفی می‌کرد» (دانشنامه جهان اسلام، طنطاوی بن جوهری، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۳۵-۳۶). پس تفسیر علمی حاصل دغدغه دینداران در این دوره است. البته در میان تفاسیر متقدمین، «التفسیر الکبیر» فخر رازی را می‌توان دارای سبقه عملی دانست.

بنابر این می‌توان نتیجه گرفت که از اهداف تفسیر علمی آیات مورد نظر، استخدام مباحث قطعی علوم روز در فهم و تبیین بهتر این آیات با رعایت معیارها و ضوابط روش‌های تفسیری مورد نیاز می‌باشد. لذا تعریف ذیل می‌تواند رهگشا باشد که: «تلاش دائمی متخصصان علوم بین‌رشته‌ای در کشف و استنباط حقایق و معانی آیات اعجازی و شگفت‌آور مرتبط با همه علوم بشری جهت اثبات جنبه‌های اعجازی، هدایتی و کشف اشارات علمی قرآن کریم در همه اعصار». در این روش تفسیری، تلاش می‌گردد بین آیات علمی قرآن و یافته‌های علوم تجربی ارتباطی کشف شده و علوم اثبات شده قطعی در خدمت فهم بهتر آیات علمی قرآن کریم قرار گیرد.

ارتباط متقابل ماهیت وحیانی و زیست

محیطی و علمی الهام به زنبور عسل

علی‌رغم معنای کاملاً روشن و بسیط این آیات در طول تاریخ تفسیر، اختلاف دیدگاه‌ها و برداشت‌های متفاوت، به این فراز از آیه «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ...» و نگاه متعالی به عسل و اغراق و افراط در خواص و آثار آن، باز می‌گردد؛ لذا در شرح و تفسیر «أَوْحَىٰ» دیدگاه‌های مختلفی ارائه شده است و اکثراً به معنای الهام معنا نمودند (راغب، ج ۴، صص ۲۲۹-۲۲۸). مقاتل بن سلیمان آورده است: «إلهاما من الله عز و جل يقول قذف فيهما...».

در آن آیات علمی و بدور ماندن از استنباطات غیر منطبق با موضوع آیه دارد؛ بر این اساس می‌توان تعریف و نظرات جامع‌تر و بر اساس حقایق قابل قبول از تفسیر علمی، جهت به حداقل رساندن اختلاف، ارائه داد و از این طریق مرز بین تفسیر علمی قابل قبول با تفاسیر غیر علمی مبرهن گردد. با توجه به مطرح بودن دیدگاه‌های مخالفان و موافقان، تعاریف مختلفی ارائه شده و در اغلب آنها «به‌سخنان امام محمد غزالی و نقد ابوالقاسم شاطبی استناد گردیده است که آیا می‌توان در تفسیر قرآن از علوم بهره‌گرفت که در زمان نزول قرآن برای مردم ناشناخته بوده است؟!.

مفسران متأخری همچون امین‌خولی، بر مبنای آرای شاطبی ولی در شکلی جدید، با تفسیر علمی مخالفت کرده‌اند» (رومی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۷۲؛ ر.ک: شرقاوی، ۱۹۷۹م، ص ۳۹۳). «از نظر مخالفان، در این روش تفسیری، قرآن اصل و مبنا نیست، بلکه امری فرعی و الحاقی است و به همین سبب این روش مردود است» (دانشنامه جهان اسلام؛ ابوحجر، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۶۶). در مقابل، موافقان، بر مباحثی مانند «اعجاز علمی قرآن و شایستگی آن برای همه زمان‌ها و مکان‌ها یا استخراج علوم از آن تأکید می‌کنند» (دانشنامه جهان اسلام، بکری، امین، ۱۳۹۳ق، ص ۱۲۵) و با علمی‌دانستن آن به دفاع از آن برخاستند. «این‌نگرش را

سخنان پیشگامان اصلاح‌طلبی این‌دوره، از جمله سید جمال‌الدین اسدآبادی می‌توان یافت. طنطاوی، تمام‌ذلت و حقارت مسلمانان را دوری آنان از علم می‌دانست و اقدام خود را در فراهم‌آوردن تفسیر الجواهر، تلاشی برای وارد کردن علم به خانه



خوردگی و بی‌مقداری از اسباب عادی خارج است و به کمک ملائکه عمال، واقع گردیده، زیرا ظاهراً خود زنبور عسل، علم به علم و عمل خود ندارد و الهام، مخصوص به اولیاء است، مگر اینکه وحی را تعمیم دهیم و مشترک لفظی بدانیم و در هر موقعی با قرینه استعمال شود» (امین، ج ۷، ص ۲۱۲). همچنین آورده‌اند: «وحی به معنی اشاره و تفهیم مخفی» (قرشی، ۱۳۷۵، ج ۵، ص ۴۶۴)؛ «نوعی تدبیر پروردگار درباره موجودات و سوق آنها به سوی کمال دانسته که نیروی ادراک را در آنها سپرده که به هدف خود نایل می‌شوند» (حسینی همدانی، محقق: بهبودی، ۱۴۰۴. ه. ق، ج ۹، ص ۴۸۵) که «بر اساس توکل و اعتماد به ساحت کبریایی» (همان، ج ۹، ص ۴۸۵) است. وحی را به فارسی، بدل افکندن معنی کرده که «الهامات و روابط به موجب غریزه ذاتی از آنجا سرچشمه می‌گیرد که در دیگر پدیده‌ها و موجودات یافت و نمودار» (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۳، ص ۱۷۵) می‌شود. همچنین وحی را به «القاء حقیقت یا انشاء و هدایت و نمایاندن طریق انجام کاری در ضمیر و درون وحی گیرنده بر اساس آیات دانسته‌اند» (طالقانی، ۱۳۶۲، ج ۴، ص ۲۱۷)؛ لذا این وحی «از سنخ شعور و آگاهی است؛ منتها کار آگاهانه یا حرف آگاهانه» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری سوره نحل، جلسه ۷۰) و «به آن بخش و مجرای عزم و اراده و تصمیم و فعلشان وحی شده است». (همان، جلسه ۷۱)؛ لذا «این کار را به خودش اسناد می‌دهد که مع‌الواسطه است و مخاطب، ذات مقدس پیغمبر (ص) شد و تعلیم شفاف روشن که دیگری هم باخبر شود، نیست و شعور یا اشعاری که گاهی قولی است گاهی

او وحی را به مفهوم الهامی می‌داند که همیشه و با نوعی سرعت همراه است» (مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۴۷۶؛ رک: طبری، ۱۳۵۶، ج ۳، ص ۱۸۳). طوسی وحی را بر چهار وجه می‌داند و نوع وحی به نحل را الهام القای معنا به نحل دانسته که «زنبور عسل بر حسب اراده خداوند و آن چه مورد نیاز نحل به این الهام برای انجام وظیفه دارد» (طوسی، مصحح: عاملی، ج ۶، ص ۴۰۳). رشید الدین میبیدی، با بر شمردن وجوه وحی، به نوع الهام ایجابی و سلبی اشاره دارد که «رب العزه در دل جانور افکند تا در طلب منافع خویش برود و آنچه مضرت وی در آنست بپرهیزد» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۴۱۰). امین الاسلام طبرسی در دو تفسیر خویش، بیان می‌دارد که «ارشادهای خداوند به زنبور عسل و نیروی غریزی‌ای در درون وی به ودیعت نهاده که دیگر موجودات از آن بی‌اطلاعند، زیبایی و دقت در خانه سازی و شگفتی‌ها در طبایع او نشانه‌های روشن چنین ویژگی خاص است. (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۹۹؛ طبرسی، مترجم: نوری همدانی، ج ۲۳، ص ۳۷۵ و ج ۱۴، ص ۸). عده ای «أوحی»، را به معنی امر دانستند» (ابوالفتوح رازی، ج ۷، ص ۲۰۴) که می‌تواند جنبه دیگری از الهام امر گونه باشد. بعضی وحی را «الهام فطری و تکوینی به معنای تدبیری که خدای تعالی در وجود زنبور به ودیعت گذاشته می‌داند که عقلاً از انجام آن عاجزند» (سلطان علی شاه، مترجم: رضا خانی و ریاضی، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۱۴۸؛ رک: مغنیه، مترجم: دانش، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۸۱۹). صاحب تفسیر مخزن العرفان علت کاربرد وحی به زنبور را نظر به بزرگی صنعت دانسته که «چنین عملی از حیوان به آن



بلاغی، التفات به این موضوع است که خداوند خطاب خویش را به پیامبر تغییر داده؛ یعنی همزمان وحی به پیامبر(ص)، به ایشان خطاب می‌گردد که ما به نحل وحی کردیم؛ یعنی دو مرحله وحی مستمر و سه زمان صرفی و نحوی در اینجا تبیین می‌شود؛ یعنی علی الظاهر زمان دریافت وحی، مضارع است و وحی به نحل نیز ماضی است؛ اما در واقع هر دو ایحاء، مستقبل هستند و این سنت جاریه الهی؛ یعنی وحی بودن و اعجاز بودن کتاب الهی، وحی مخصوص و منحصر به نحل، ساری و جاری است. هم چنین خداوند، دو نوع یا مرتبه کامله وحی الهی به اشرف مخلوقات عالم، پیامبر اکرم(ص) که بالاترین مرتبه وحی به حضرت ایشان صورت می‌پذیرد و نازل آن به یکی از کوچک‌ترین موجود عالم را در قرآن تبیین نموده است. اما اینکه بیان داریم «لفظ اوحی نشان می‌دهد که خداوند این مأموریت را به این حشره داده است که از دست دیگر حشرات ساخته نیست» (قرشی، ج ۵، ص ۴۶۸)؛ یعنی جبری در انتخاب زنبور عسل بوده و با زنبور بالذات این ویژگی را داشته که خداوند می‌بایست حتماً نحل را برای این کار انتخاب می‌کرد! این موضوع با حکمت و علم الهی و مبسوط الید بودن حضرت حق و توصیه تفکر در این آیات در تعارض می‌تواند باشد. همچنین الهام به معنای القای معنا در فهم حیوان از طریق غریزه نمی‌تواند به معنای وحی باشد (طباطبایی، ج ۱۲، صص ۴۲۴ و ۴۲۳؛ ر.ک: مکارم شیرازی و جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۱، ج ۱۳، ص ۲۱۳ و ج ۲۰، ص ۴۸۹؛ معرفت، ج ۱، ص ۲۷). چون همه جانوران دارای غریزه هستند و با زنبور عسل تفاوتی ندارند و هیچ امتیازی برای زنبور عسل ایجاد

فعلی» (همان، جلسه ۷۱). همچنین از نظر زمان صرفی «وَأَوْحَى رَبُّكَ» یک فعل ماضی نیست در برابر فعل مضارع یا اسم فاعل؛ یعنی در گذشته این طور بود این بیان سنت الهی است، که ذات اقدس الهی به زنبور عسل وحی فرستاد، می‌فرستد و خواهد فرستاد؛ پس منسلخ از زمان است گرچه گیرندگان این وحی در ماضی یا حال یا در استقبالیاند» (همان، جلسه ۷۰) و دلایل شروع آیات ۶۸ و ۶۹ با وحی الهی را «دارا بودن ملکه و فرمانروا و جامعه متمدنانه، زندگی در جایگاه‌های بلند و رفیع با ننگبانان و مأموران ویژه و تولید عسل با تلاش جمعی» دانسته‌اند (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۴۶، ص ۴۷۵).

نقد و بررسی

در تکمیل مباحث فوق الذکر، باید افزود مواردی از استنباطات با عملکرد زنبور عسل حداقل در جمع آوری شهد با نوعی تعارض همراه است؛ چون در این ارتباط یک سری تخطی‌هایی توسط عده‌ای از زنبوران صورت می‌پذیرد و از شهدی می‌کنند که باعث مرگ آن‌ها می‌گردد یا حتی گزارش شده که عسل سمی تولید کرده اند و عده‌ای از زنبورها به جای گل وارد دام شده و باعث مرگ آنها شده است» (دریایی، ۱۳۸۱، صص ۱۵۲، ۱۰۸، ۱۰۵، ۱۰۴). شاید بتوان آیات ۱۱۲ و ۱۱۳ انعام را مصداقی در وسوسه زنبوران عسل دانست، لذا در تعریف وحی به زنبور، نیاز به تجدید نظر باشد؛ البته شاید نام این نوع وحی را «وحی اقتضایی» نام نهاد که هماهنگ با فطرت یا ذات درونی زنبور است که همراه با نوعی اختیار است. توضیحاتی که صاحب مخزن العرفان اشاره داشت نیز قابل توجه است (امین، ج ۱۲، ص ۳۶۷). از دیگر نکات قابل توجه واجد اعجاز بیانی و



تفسیر «بناء نمودن خانه‌ها و یا کندوهایی در مکان‌های مناسب و در جهت بهره‌برداری از ثمرات که نتیجه این اعمال، عسل‌سازی است» بیان شده (مقاتل بن سلیمان، ج ۲، ص ۴۷۶؛ ر.ک: طبری، ۱۳۵۶، ج ۱۵، ص ۴۹؛ طوسی، ج ۶، ص ۴۰۳). میبیدی گفته است: «کار زنبورهای عسل، از دو حال بیرون نیست: یا فرا گذاشته در کوه و صحرا که ایشان را خداوند و مالک نبود، خانه در کوه، درخت، بیشه‌ها و صحرا سازند و اگر ایشان را مالکی بود خانه در سقف و ابنیه خداوندان خود سازند» (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۴۱۰). این بهترین نوع تقسیم بندی زنبوران عسل از نظر تفسیری و به نوعی می‌تواند علمی می‌باشد.

جوادی آملی در بیان دلایل ایحاء می‌گوید: «خدای سبحان به نحل وحی فرستاده که اول باید یک مسکن مناسب داشته باشند، چه از سنتی، چه از صنعتی. برای اهمیت مطلب این کلمه «بُیُوتًا» قبل ذکر شده و گرنه این بُیُوتًا متعلق به همه این‌هاست» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری سوره نحل، جلسه ۷۰). ایشان دلایل ساخت لانه در جاهای مرتفع مثل کوه‌ها و بالای درختان و داربست‌ها را «نیاز زنبور به فضای و محیط باز، جای شفاف، روشن، پاک، تمییز، دور از آلودگی و آسان بدست آوردن عسل» می‌داند (همان، جلسه ۷۰) و در ادامه آورده «اینکه فرمود: «مِنَ الْجِبَالِ» نه «فِي الْجِبَالِ» این‌ها در هر کوه حتی زنبور وحشی و در هر جایی هم مسکن انتخاب نمی‌کند؛ یک جای تمیزی که محفوظ، سالم، در دسترس باشد، عسل هدر نرود لذا با «مِنَ» تبعیضه ذکر شده است» (همان، جلسه ۷۲؛ ر.ک: طبری، ج ۳، ص ۳۹۹؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص

نمی‌کند و لزومی نداشت خداوند یک امر غریزی را مجددا یادآوری نماید و می‌توانست آن را به عنوان یک قانون عام و برای همه موجودات مقرر نماید.

بعد دیگر اعجاز این فراز از آیه ۶۸؛ به ارتباط، تطابق عملکرد علمی و هماهنگی با حیات زیست محیطی زنبور عسل برای تولید عسل طبیعی و سالم در دامن طبیعت و نوع کاربرد فعل امری خداوند به این حشره در قالب وحی در نظم و ترتیب لانه‌گزینی در کوه‌ها و روی درختان و زیر داربست‌هایی که در محیط طبیعی است با عالمانه و حکیمانه بودن وحی الهی و ترتیب و چینش این قسمت از آیه و ادامه آیه است. پس این قسمت از آیه علاوه بر علمی و عقلی بودن آن، انسان را، تطابق می‌باشد، رهنمون می‌سازد. بعد دیگر این است که خدای متعال فرمود: «وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ» و نفرموده «وَأَوْحَىٰ اللَّهُ» با وجود اینکه اسم «اللَّهُ» علم است و بر ذات واجب الوجود دلالت می‌کند و تمامی اسمای الهی در لفظ جلاله «اللَّهُ» تجمیع شده است؛ لذا خدای سبحان، جهت ظهور بعد تربیتی، آیات علمی را نازل فرمود که این ربّ کریم و پرورش دهنده همه عالم است و خداوند همان واجد الوجود بالذات است که زنبور عسل را به خاطر تعادل چرخه حیات و الهام و بهره‌برداری خلق کرده است؛ لذا ربّ در اینجا واجد آموزه‌های تربیتی و هدایتی می‌باشد.

تطابق زیست محیطی کلنی زنبور عسل با ابعاد و حیانی اماکن این حشره

با بررسی این فراز و حیانی از آیه «أَنْ اتَّخَذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ» چه ارتباطی بین تطابق ابعاد زیست محیطی تشکیل کلونی زنبور عسل و دستور و حیانی الهی، می‌توان دریافت نمود؟! در منابع



عسلی است که به صورت طبیعی و بدون دخالت انسان و در این مکان‌ها بر اساس وحی الهی تولید می‌شود. البته عسلی که در کندو تولید می‌گردد، آن هم بر اساس وحی می‌باشد؛ اما به علت اینکه انسان در مراحل از تولید آن، از شکر سفید استفاده می‌نماید، عسل تولیدی را از بعضی از خاصیت آن ساقط می‌سازد.

اما برداشت‌هایی که توسط عده‌ای از مفسران در این زمینه شده است به نوعی با اصول تفسیر از جمله ظاهر آیه ۶۸ نحل تطابق ندارد؛ مثلاً در تفسیر «مِمَّا يَعْْرِشُونَ» بیان شده: «مراد از مِمَّا يَعْْرِشُونَ ظاهراً کندوهای است که به وسیله انسان‌ها ساخته می‌شود و کندوهای مصنوعی عرش و تختی است نسبت به زنبور عسل» (قرشی بناپی، ج ۷، ص ۳۵). یا یکی از مفسرین در رد و قبول دیدگاه فوق‌الذکر گفته است: «منظور از عرش، ساختن است، و از جمله «مِمَّا يَعْْرِشُونَ» گرفته‌اند و معنایش «مما یبنون» است، سخن درستی نیست، زیرا از فهم دور است». (طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۲۵). در جای دیگر تفسیر بیان کردند که: «ظاهراً مراد از «مِمَّا يَعْْرِشُونَ» همان محلی است که کندوهای عسل را در آنجا می‌گذارند». (همان، ج ۱۲، ص ۴۲۴). در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که آن زمانی که کندوی دست بشر ابداع نشده بود، عرش چه مفهومی می‌توانست داشته باشد؟! او کجای کندو دست ساز، برای ببیند مفهوم عرش، تخت و یا داربست را تداعی می‌نماید؟! از سوی دیگر کندو، ساخته دست بشر است و انتقال زنبور از محیط‌های طبیعی، به یک فضای محدود مصنوعی و سکنا دادن در کندوی دست بشر و جایگزین کردن شکر که با ماده شیمیایی

۳۹۹) «زیرا زنبور عسل، خانه‌هایش را نه در همه کوه‌ها، درختان و داربست‌های انگور می‌سازد بلکه در همه جا، از قسمتی از آنها استفاده می‌کند» (طبری، ج ۳، ص ۳۹۹). طبری «معنای یَعْْرِشُونَ را به مفهوم تخت می‌داند» و می‌گوید: «ضمیر در «یَعْْرِشُونَ» به «النَّاس» برمی‌گردد یعنی از بوته انگوری که مردم از آن سایبان و جفت (جفت) و داربست می‌سازند» (همان، ج ۳، ص ۳۹۹).

نقد و بررسی

دستور خداوند حکیم جهت ساخت کلنی در اماکن اشاره شده، دارای پیام‌های وحیانی از ابعاد اعجازی، هدایتی، علمی، طبی و اجتماعی و از نظر استراتژی، امکانی ویژه برای زنبور نوع انسان می‌باشد. حتی تأکید بیان واژه «یَعْْرِشُونَ» که منظور آن داربست است که انسان‌ها برای سایبان یا نگهداری انگورهای پایه بلند می‌سازند، همچون اماکن کوهستانی و جنگلی، مکانی مناسب برای لانه سازی زنبور است و برای همین به تخت هم تعبیر شده است؛ به خاطر این است که مکانی راحت برای تولید عسلی بدور از آلودگی کمتر چون؛ گرد و خاک، میکروب‌ها، حشرات و جوندگان و حتی در امان ماندن از سرقت‌ها و قرار گرفتن در معرض شرایط طبیعی مانند؛ نور خورشید، باد ملایم مناسب با تولید عسل، می‌تواند باشد؛ لذا خداوند از ساختن کلنی در کندو سخن به میان نیاورد چرا که عسل ساخته شده در کندو، از یک سری ویژگی طبیعی مطرح شده تولید عسل، برخوردار نمی‌باشد و از طرفی دخالت ناروای دست طمع کار انسان، عسل را از حالت طبیعی بودن، به نوعی ساقط می‌نماید. شاید عسلی که شفای بعضی از بیماری‌ها می‌تواند باشد،



شش ضلعی و مهندسی شده با هندسه و زوایای مساوی - نظیر منفرجه - بدون استفاده از ابزار هندسی است؛ ساخته‌ای که به صورت کامل از فضا و مکان استفاده شود، دسترسی آسانی داشته باشد و در سالم و تمیز ماندن عسل و تباہ نشدن و مصونیت آن از آلودگی و دستبرد بیگانه بیشتر کاربرد داشته باشد» (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۴۶، ص ۴۸۳).

نقد و بررسی

ساختن سلول‌های مسدسی توسط زنبور عسل واجد شگفتی است؛ آن هم در جهت قرارگرفتن ماده مایع عسل است «اشکال شش ضلعی وقتی در کنار هم قرار گیرند، یکی از محکم‌ترین سازه‌های هندسی را می‌تواند ایجاد کنند و فضای خالی و بلااستفاده بین آن‌ها ایجاد نمی‌شود و شاید ظرفیت پذیرش مایع بیشتری مانند عسل را داشته باشند. اما همه این‌ها که توسط خالق توانا بصورت اعجاز تجلی نموده است، می‌تواند جذابیت بیشتری داشته باشد. از طرف دیگر باید در نظر داشت که خیلی از موجودات دیگر دارای ویژگی‌های خارق‌العاده‌ای در زمینه ادامه بقای خویش هستند که چون لانه سازی زنبور عسل واجد شگفتی‌های آموزنده می‌باشند و الهام بخش برای جامعه بشری می‌تواند باشد. در همین راستا و در ارتباط با ویژگی‌های لانه سازی زنبور عسل از لحاظ هندسی بخاطر نظم و ترتیب آن بهتر است بدانیم «که وقتی می‌خواستند در فرانسه مقیاس ثابتی برای واحد طول پیدا کنند، رئومور دانشمند علوم طبیعی پیشنهاد کرد که ضلع خانه زنبور عسل را مقیاس طول قرار دهند زیرا با مرور زمان هرگز تغییر نمی‌کند. محققان با تلفیق دو واژه

سفیدکننده، سفید شده و گرده خام و یا مصنوعی، از سوی اکثر تولیدکنندگان عسل برای منافع بیشتر، در پاییز و زمستان به جای فرآورده‌های طبیعی تولیدی خود زنبور عسل، علاوه بر اینکه روند تولید عسل طبیعی را با مشکل مواجه می‌نماید، شاید بتواند به مرور زمان در قسمتی از مرفولوژی و فیزیولوژی زنبور عسل دچار اختلال نماید؟! آیا این عسل می‌تواند خاصیت طبیعی خود را داشته باشد تا چه رسد به اینکه شفابخش هم باشد! با توجه به بررسی‌های میدانی و در جهت تبیین وحیانی و علمی و زیست محیطی موضوع باید افزود اولین شان‌کندوی طبیعی، «طوری ساخته می‌شوند که تا حد امکان، بیش‌تر با سقف تماس داشته و همه چیز آن‌ها به سقف بچسبد که استحکام بیش‌تری پیدا کند» (قاسمی خادمی، ۱۳۹۵)؛ لذا شاید معنی تخت برای «مِمَّا یَعْرِشُونَ» را ایجاد شرایط لازم برای تماس بهتر و مستحکم‌تر کندو به سقف داربست دانست.

ابعاد تفسیری، علمی و زیست محیطی

مسدس بودن کندو

برخی مفسران درباره لانه مسدس و مقایسه با ساخته دست بشر و برتری ساخته زنبور آورده‌اند: «صناعتی که اگر همه بانیان عالم جمع شوند همچون خان‌های مسدس ایشان نتوانند ساخت» (کاشفی، ص ۵۸۹). ویا بیان شده «قدرتی ندارد که مثل زنبور عسل، خانه بسازد و زنبور عسل به همان غریزه خدا داده، خانه مسدس، با آن ظرافت کاری‌ها که هیچ مهندس و نقاشی هر قدر ماهر باشد نتواند کوچک‌تر از آنرا بنا کند» (امین، ج ۷، ص ۲۱). برخی دیگر تنوین «بُیوتاً» را دال بر تفخیم و تعظیم دانسته‌اند و آن را این‌گونه شرح داده‌اند که «مقصود اشاره به خانه‌های خاص



می‌کند که سنگینی ساختمان را نگاه می‌دارد و موجب استحکام بنا می‌گردند و ثابت شده که از لحاظ صرفه‌جویی در سرعت کار، امتیاز مخصوصی دارند. یکی دیگر از ویژگی‌های این لانه‌ها این است که «در مناطقی که زنبورها در معرض هوای گرم قرار می‌گیرند، با هوشی که دارند منازل خود را در طبقات خیلی بالا و در معرض نسیم‌های خنک و غیر گرم می‌سازند. لذا چند نوع سلول شامل؛ سلول‌های که شبیه تنه درختان بزرگ شاه بلوط می‌باشند، سلول‌های مخصوص تربیت زنبوران نر و انبارکردن آذوقه عسل و سلول‌های کوچک که مخصوص زندگی زنبورهای کارگر است. به گفته دکتر رید از مشاهیر علم هندسه، اگر ما بخواهیم از فضایی که هیچ نقطه خالی بین بناهای آن باقی نماند، استفاده کنیم، مزیت‌های شش ضلعی متساوی الاضلاع بر سایر اشکال بیشتر است» (همان، ۱۳۹۵). پس فایده نظم زنبورها در ساختن لانه عبارتند از: حد اعلائی صرفه‌جویی در استفاده از موم، نبود فضای خالی و بدون مصرف بین ردیف‌شان‌ها، لحاظ نمودن استحکام ساختمان، آسانی تهویه، عدم خروج آسان حرارت ایجاد شده از لانه، هم‌جهتی ساخت لانه با جهت تابش طلوع خورشید و رفت و آمد کم و غیر ضروری. مترلینگ دانشمند معروف بلژیکی از یکی از دانشمندان، به نام رایت نقل می‌کند که «از سه روش علمی در هندسه (مثلث قائم الزاویه، مربع و شش ضلعی) برای تقسیم فاصله‌های منظم و ارتباط آن‌ها و ایجاد اشکال بزرگ و کوچک، در ساختمان حجره‌های زنبور عسل از روش سوم استفاده شده است و این شکل شش ضلعی از هر طرف مانند طاق‌های ضربی است که در برابر فشار

بیولوژی (زیست‌شناسی) و تکنولوژی، علمی بنام علم «بیونیک (بیومتریک یا مهندسی خلاق زیستی)» را بنا نهاده‌اند. دانشی که مسائل فنی را از راه‌های زیستی حل می‌کند و به معنای «زیستارشناختی» یا به کارگیری اندام‌های ساختگی طبیعت است و اولین بار این واژه در سال ۱۹۵۹ توسط دانشمند آمریکایی به نام جک. ائی. استیل به کار برده شده است. معماری بیونیک سعی دارد تا از قواعد و فرم‌های طبیعی که طی هزاران سال شکل گرفته و به صورت پایداری تولید می‌شوند، برای ایجاد سرپناه استفاده کند. ساخت سازه‌های انسانی به شکل خانه زنبور عسل، از مصادیق کاربردی الگوبرداری فرم و ساختار از طبیعت خانه‌های شش ضلعی که انسان در ساخت آن از زنبور ایده گرفته و نمونه‌ای از معماری با طراحی بیونیک است» (فاسمی خادمی، ۱۳۹۵). به طور کلی می‌توان میان گیاهان و جانوران سطوح بیولوژیکی تقلید از مکانیزم‌ها و روش‌های تولید طبیعی و اصول سازمانی رفتارهای اجتماعی و ارگانیزم‌ها ارائه داد. شاید نظریه انتخاب طبیعی ارائه شده توسط داروین گویای همین موضوع باشد که در طبیعت جاندارانی قادر به ادامه حیات است که بیشترین سطح سازگاری را با محیط زیست خود داشته باشد و در تنازع برای بقا، چنین جاندارانی می‌تواند موفق‌تر عمل نماید. یکی از مصادیق این الگو برداری استحکام لانه سازی مسئله زنبور عسل است، که به هیچ وجه دچار خرابی نمی‌شوند؛ چرا که «گوشه یا عمق هر سلول ساختمان هر می شکل به طوری مسدوس‌ها را بهم پیوند می‌دهند و در این متوازی‌الاضلاع یا دوزنقه‌ای شکل بودن دیوارهای مسدوس، ستونی را ایجاد



الکساندریا، هندسه دان یونانی قرن چهارم میلادی درباره این شگفتی طبیعت نوشت: «به کمک محاسبات هندسی خاص، زنبورها می‌دانند که شش ضلعی شکلی مناسب تر از مربع و مثلث است و با صرف مصالحی کمتر مقدار بیشتری عسل را در خود جای می‌دهد» (مردم سالاری). لذا از لحاظ خانه‌سازی، زنبوران عسل در میان سایر جانوران به نوعی به انسان‌ها نزدیک‌ترند و مانند سازندگان و معماران شهرهای پرجمعیت رفتار می‌کنند. به گونه‌ای که بسیاری از حالات آن‌ها با آدمی همسان است. اگر روزی همه انسان‌ها بتوانند این گونه ساختمان بسازند، هرگز این خانه‌ها ویران نخواهد شد. برای این که هر خانه نگه‌دارنده خانه دیگر است و خود نیز از طرف خانه‌های دیگر نگاه داشته می‌شود. بنابر این بدیهی است که این ابداعات در عالم خلقت با دخالت هوش، عقل و ذکاوتی به وجود آمده است که از دیدگاه زیست محیطی، قانون خلقت، زمینه این نظم را فراهم کرده است و از منظر معنوی علم و حکمت وحیانی بر اساس آیه مبارکه فوق‌الذکر دخیل در ایجاد این شگفتی‌ها می‌باشد. البته پیشرفت علمی بشر در عرصه کشف مواد و عناصر و ابداع و اختراع انواع صنایع و ماشین‌ها می‌تواند در این زمینه هم او را به این نتیجه برساند با الگوگیری از نوع لانه‌سازی زنبور عسل، چنان ابنیه‌هایی را برپا نماید.

یکی دیگر از مسائل مطروحه در تعدادی از تفاسیر و منابع، تقسیم زنبور عسل به زنبور وحشی و اهلی است. «نوعی از زنبور در کوه‌ها و بیشه‌ها سکونت دارند و کسی آن را نمی‌شناسد...» (مغنیه، مترجم: دانش، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۸۱۹) و یا مطرح شده: «زنبور هم دو قسم است: زنبور اهلی و زنبور

حداکثر مقاومت را دارد، حجم بدن زنبور، به طور تقریبی استوانه‌ای شکل است و برای ورود و خروج در چنین خانه‌ای مناسب است» (پویان، ۱۳۸۸). یکی دیگر از شگفتی‌های سیر زندگی زنبور عسل، نحوه ساخت کندو است. به گزارش خبرگزاری فرانسه به نقل از نشریه «رویال سوسایتی اینترفیس»، یافته‌های پژوهشی جدید یک تیم سه نفره از دانشمندان بریتانیایی و چینی به سرپرستی «بوشان کارپهالو» از دانشگاه کاردیف، نشان می‌دهد، سلول‌های کندو در ابتدا به شکل دایره ساخته می‌شوند، به تدریج بر اثر نرم شدن و جریان یافتن آرام موم در اثر گرمای ناشی از فعالیت نوعی زنبورکارگر به حالت نیمه‌دوب در آمده و به شکل شش ضلعی در می‌آیند. دیواره‌های سلول‌های مومی، علاوه بر حفظ ساختار کندو، هوشمندانه‌ترین روش برای نگهداری عسل را نیز ارائه می‌دهند. زنبورها به دور خود استوانه‌هایی مدور می‌تندند و با پوسته‌های مومی خمیری یک به یک حفره‌های سه گوش ایجاد شده بین استوانه‌های کوچک شش میلی متری را پر کرده؛ گرمای ۴۵ درجه‌ای ناشی از فعالیت زنبورها باعث به جریان افتادن موم به شکل مایعی کشسان و چسبناک می‌شود. در قسمت اتصال استوانه‌ها، انبساط سطحی، موجب کش آمدن موم به شکل خمیر شده و آن را به قسمت بالا هدایت می‌کند و یکایک گوشه‌های شش ضلعی را تشکیل می‌دهد. این روند با کشیده شدن مداوم دیواره‌های سلول به شکل خطوطی صاف در می‌آیند. لذا از نقش قوانین فیزیک و ریاضی در شکل‌گیری کندو، توسط زنبور عسل و دیدن چگونگی گرم کردن، ورز دادن و نازک کردن موم توسط زنبورها شگفت زده نشد. پاپوس



تشکیل کلنی، زنبور آن را برگزیده است و انسان هم از قبل این گونه لانه سازی زنبور، توانست از عسل زنبور بهره ببرد و عسلی که زنبوران دیگر در کوه‌ها که شامل صخره‌ها و غارها و بالای درختان تولید می‌نمایند توسط دیگر موجودات از جمله انسان‌های مناطق کوهستانی و جنگلی مورد بهره برداری باشد. از سوی دیگر دستور خداوند به لانه‌گزینی در کندو متصل به داربست‌ها از جنبه الگوگیری از زندگی متمدنانه زنبور و آموزش صحیح تولید عسل و تفکر در زندگی شگفت این موجود می‌تواند باشد. از دیگر سو این تقسیم زمانی مفهوم دارد که بین روند و خاصیت تولید عسل و فرآورده‌های طبیعی با نوع روش تولید عسل در کندوهای دست ساز، تفاوت قائل شویم. همچنین این تقسیم بندی زمانی کاربرد دارد که شما نتوانید زنبور وحشی را در کندو دست ساز جای دهید. وقتی انسان همان بهره‌ای که از تولیدات و فرآورده‌های زنبورهای کندو دارد، به همان شکل می‌تواند از تولیدات و فرآورده زنبور مستقر در همه مکان‌های بکر و طبیعی بهره ببرد؛ لذا این تقسیم بندی غلط و غیر علمی می‌باشد. ضمناً کاربرد واژه وحشی برای موجوداتی مثل تعدادی از گربه‌سانان و سگ‌سانان و خرس‌ها و غیره مفهوم دارد که در اختیار تام انسان نیستند.

نگاه تفسیری و علمی و زیست محیطی

به مفهوم «ثُمَّ كَلِيَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»

اکثر مفسران در راستای نظر تابعین، معتقدند زنبور عسل، بدون محدودیت «از همه گل‌های گیاهان و درختان برای تولید عسل استفاده می‌کند» (طوسی، ج ۶، ۴۰۳، ر.ک: طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۳۹۹؛ نسفی، ج ۲، ص ۴۲۱). در این

وحشی، زنبورهای وحشی معمولاً در دامنه‌های کوه به آن کوه‌ها پناه می‌برند، از کوه مسکن می‌گیرند و از درخت‌های کوهستانی، زنبورهای اهلی از «مَمَّا يَعْرِشُونَ» مدد می‌گیرند...». (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری از سوره نحل، جلسه ۷۲).

اما با توجه دقیق به آیات ۶۸ و ۶۹ نحل این دیدگاه و تقسیم، قابل تطبیق با نظر قرآنی، علمی و محیط زیست زنبور عسل نمی‌تواند باشد؛ چرا که اگر ما قبول داریم که از آغاز خلقت این حشره تا امروز، تمام اعمال و رفتار، اعم از لانه سازی و فعالیت آن برای تولید عسل و دیگر فرآورده‌های آن، بر اساس وحی الهی بوده است پس مفهوم ندارد وقتی که در کوه‌ها و جنگل‌ها زندگی می‌کرده است وحشی باشد، اما وقتی بشر توانست او را از موطن اصلی به داخل کندوهای با نواقص زیاد محصور نماید، زنبور اهلی شود. افزون بر این، این تقسیم بندی با ظاهر آیه همخوانی ندارد؛ چون سکنا نمودن زنبور در آن سه مکان که بر اساس وحی می‌باشد؛ به اینکه این زنبور اهلی و یا وحشی باشد، اشاره‌ای ندارد. اتفاقاً از بیان روشن این آیات و از نظر علمی و بهداشتی، موطن اصلی زنبور عسل، بر اساس آنچه خداوند طبق بیان این دو آیه مقرر فرموده است، همان طبیعت بکر است. خداوند محل مسکن‌گزینی نحل را در کوه‌ها و بالای درختان و داربست‌هایی که انسان برای اهداف خود ساخته، معین کرده و این جنبه سوم هم شاید به این خاطر بوده که آسایشی برای انسان فراهم ساخته که راحت‌تر عسل طبیعی که زنبور ساکن در کندو متصل به داربست‌ها مأوا گزیده است و تولید می‌کند، بهره ببرد و یا بر اساس شرایطی که این داربست‌ها دارند برای



نفسی؛ «مِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» این طور نیست که هر گیاهی چه تلخ، چه شیرین، چه عسل‌زا، چه غیرعسل‌زا برای او سودمند است، بخورد». (حسنی واعظ، ۱۳۸۱، ص ۳۶۲؛ ر.ک: قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، ص ۱۳۵). با توجه به اینکه «ثمر به گل هم معنا شده است» (قرشی، قاموس قرآن، ج ۱، ص ۳۱۶). «یعنی از عصاره و نتیجه گل بهره ببرد». «از طرف دیگر» این امر بخور، هم امر تکوینی است؛ یعنی ما برای شما این غذا را آماده کردیم تا شما بخورید» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری از سوره نحل، جلسه ۷۰). که می‌تواند امر طبیعی زنبور باشد طبق عملکرد زنبور عسل، می‌تواند از امر تکوینی تخطی نماید. لذا نمی‌توان «مِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ» را، همه شکوفه‌های میوه‌ها تعبیر کرد.

نقد و بررسی

بعضی از استنباطات تفسیری فوق‌الذکر با توجه به ظاهر این فراز آیه، مفهوم واژه «کل»، دستاوردهای قطعی علمی از جمله آناتومی و فیزیولوژی قطعات دهانی زنبور و دلایل دیگر همخوانی ندارد. زنبور یکی از وظایفش عسل‌سازی است و در این راستا، از شهد گل‌های خاص بهره خواهد برد. با توجه به عملکرد اکثریت جمعیت زنبورها، زنبور عسل از میوه نمی‌خورد بلکه براساس اینکه نوع خرطومی که دارد، از شهد گل‌های مورد نیاز برای ساخت عسل می‌مکد. از سوی دیگر به طور معمول و با توجه به ویژگی زنبور و نوع محصولی که تولید می‌کند، منظور از «کُلِّی» چنین نیست که زنبور اجازه داشته باشد روی هر گیاهی قرار گیرد و یا از شهد و گرده هر گلی بتواند بهره‌برد؛ چرا که علم ثابت کرده است که نوع عسل تولیدی با نوع شهدی که زنبور استفاده می‌کند، ارتباط

میان، طبرسی معتقد است این «کل» به معنی استغراق نیست؛ او توضیح می‌دهد منظور «هر میوه‌ای و شکوفه پاکیزه‌ای که خوش بوی و خوش طعم باشد است» (طبرسی، ج ۱۲، ص ۶۳). میبیدی نظر بهتری ارائه نموده است: «پس می‌خورید از گل هر میوه‌ای» (میبیدی، ج ۵، ص ۴۰۸). وی در شرح آن بیان می‌دارد: «یعنی من نور الثمرات کُلِّها و النَّحْلُ لَا تَأْكُلُ مِنَ الثَّمَرَاتِ إِلَّا وَرَدَهَا وَ هُوَ السَّبَبُ فِي الْعَسَلِ لِلشَّفَاءِ»، معنای این جمله این است که از شهد همه میوه‌ها، زنبورها بهره‌برند و نه آنکه از میوه‌ها بخورند، دلیل آن این است که اسباب تولید عسل برای درمان، همین شهد گل‌هاست». (همان ج ۵، ص ۴۱۱). منظور این نیست که زنبورها از نور (شهد) همه میوه‌ها بخورند؛ بلکه از شهد تمام میوه‌هایی چون گل رز و آن هم برای عسل شدن است، بمکد». (همان ج ۵، ص ۴۱۱). یعنی زنبور، اولاً از همه قسمت‌های گیاهان بهره نمی‌برد؛ ثانیاً از همه گیاهان نمی‌تواند بهره‌برد؛ ثالثاً فقط از شهد گل‌هایی مشخص برای تغذیه و مهمتر از آن برای تولید عسل که هم جنبه غذایی و هم جنبه شفابخشی داشته باشد، می‌تواند استفاده نماید. در نتیجه به گوشه‌ای از مفهوم کل اشاره نموده است. بعضی نیز در توضیح واژه کل آورده‌اند: «لَيْسَ مَعْنَى الْكُلِّ الْعَمُومُ وَ هُوَ كَقَوْلِهِ: وَ أَوْتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ نَمْلٌ». (ثعلبی، ۱۴۲۲ ه. ق، ج ۶، ص ۲۸). آیه برای تبیین و مصداق واژه «کل» آورده شده است. یعنی این کل به معنای همه نیست بلکه منظور این است که «هر شهد گلی که نحل، انحصاراً برای تولید عسل نیاز دارد، در اختیار اوست یا بر اساس وحی الهی دستور دارد، بهره‌برد. این کل، نسبی است؛ نه



نجس و ناپاک و بیرون نمی‌آید از او الا طیب طاهر و لطافت خود را به کثافت بدل نمی‌کند». (کاشانی، ج ۳، ص ۳۴۸). و یا بیان دیگر که: «ورعی که جز پاک و پاکیزه نخورند و طهارتی که هرگز بر قاذورات ننشینند و از آن نخورند». (کاشفی، ص ۵۸۹). و باز آورده‌اند: «زنبوران عسل، معمولاً از ماده قندی مخصوصی که در ریشه گل‌ها قرار داده شده است، می‌مکند و آن را جمع‌آوری می‌کنند، ولی زنبورشناسان می‌گویند کار زنبوران تنها استفاده از این ماده قندی بن گلهای نیست، بلکه احیاناً از تخمدان گل‌ها و دمبرگ‌ها و میوه‌ها نیز استفاده می‌کنند...».

مکارم شیرازی و همکاران، ج ۱۱، ص ۳۰۰. زنبور عسل بخاطر سیستم دهانی مکند، برای تغذیه خودش از شهد ۲ یا ۳ گل می‌مکد؛ اما بقیه شهد مکیده شده را به چینه‌دان مخصوص فرآوری عسل می‌فرستد. پس عسل یک ماده آماده شده در طبیعت نیست که زنبور فقط مأموریت حمل و نقل آن را برعهده داشته باشد. اگر دیدگاه مطرح شده فوق‌الذکر مفسران را بپذیریم پس کارکرد ویژه وحی و اعجاز و شگفتی‌هایی که از عملکرد زنبور دیده شده و در تحقیقات دانشمندان زنبورشناسی بیان شد، چه می‌شود؟! از طرف دیگر همین عسل با گرده گل‌ها مخلوط می‌شود و این گرده برای عده‌ای از مصرف‌کنندگان ایجاد حساسیت می‌نماید. از بعد دیگر از نظر ادبی و تفسیری، مطالب مطروحه عده‌ای از مفسران بیشتر به جملات احساسی شبیه است. بر اساس تحقیقات صورت گرفته، هم زنبور، آلوده به انواع میکروب و گرد و خاک می‌شود و هم عسل تولید شده نیز به تصفیه نیاز دارد، چون آلوده به گرد و خاک و باکتری و قارچ می‌شود و هم کندو توسط

مستقیم دارد. همچنین اگر زنبور عسل، اختیار تام داشته باشد از شهد هر گلی بهره ببرد، با توجه به اینکه شهد بعضی از گل‌ها مضر به حال زنبور و تولید عسل است، لذا زنبور به خودش اجازه نمی‌دهد روی هر گلی بنشیند. چرا که در راستای وظیفه عسل‌سازی نیست. البته استثنایی در عملکرد زنبور در بهره‌برداری از شهد گل‌های در مقیاس محدود دیده شده است. شاید یکی از دلایل کاربرد واژه «ثَمَرَات» این باشد که نحل به دستور الهی، امر شده از شهد نتیجه و ثمره و عصاره و از ارزشمندترین قسمت گل و گیاه که همه حیات و فلسفه وجود نبات به آنجا ختم می‌شود، بهره ببرد؛ جایی که همه مواد لازم برای میوه و بذر شدن و وجود و حیات نسل آینده گیاه به همان بذر و هسته و تخم داخل میوه وابسته است که شاید یکی از دلایل به کار بردن واژه «کل» از نظر علمی به همین مساله بازگردد. شاید بتوان از واژه «کل» برداشت علمی دیگری نمود و آن اینکه مکیدن از شهد گل‌های خاص توسط زنبور عسل به نفع گیاهان مد نظر باشد که با این عمل غیر از فایده گرده افشانی در تهییج گیاه برای ایجاد شهد تازه برای جایگزینی شهد مکیده شده، آن هم در جهت بقای قسمت‌های گل و تولید میوه با خاصیت بیشتر، اندازه بزرگتر، عطر و بوی طبیعی تر یا تولید بذر درشت تر و بیشتر با قوه نامیه بادوام تر باشد. البته می‌توان در این زمینه با تحقیقات میدانی و آزمایشگاهی در جهت اثبات این دیدگاه اقدام نمود.

یکی دیگر از دیدگاه‌های قابل تأمل در تفاسیر، در زمینه نحوه تغذیه زنبور است که گفته شده: «اشارتست به آنکه هم چنان که نحل نمی‌خورد مگر پاک و نمی‌نشیند بر



ترین کار زنبورعسل در طبیعت، انتقال گرده گل (اسپرم نر) از پرچم یک گیاه به مادگی (تخمدان) گلی از گیاه دیگر از همان گونه است. « ارزش گرده افشانی زنبورعسل در بخش زراعت و منابع طبیعی ۹۰ برابر تولیدات زنبورعسل مثل عسل، موم، بره موم، ژله رویال، زهر و ... است؛ به طوری که اگر گل‌ها به وسیله زنبورعسل گرده افشانی نشوند، به مرور زمان دانه‌ها کوچک‌تر، ضعیف‌تر و ناقص می‌گردند و میوه‌ها با کیفیت کمتر و افت تولید در باغات صورت گرفته و باغداران را دچار زیان مالی و خسارت سنگین مینماید؛ البته در این ارتباط نتیجه پژوهشی که در نشریه Nature

Communications توسط دو زیست‌شناس تکاملی دانشگاه زوریخ آلمان انجام شد، مشخص شده است گونه‌های گیاهی گرده افشانی شده با زنبورعسل، هم به لحاظ عطر و هم رنگ‌های فرابنفش متساع شده از این گیاهان، نسبت به گونه‌های قبلی از جذابیت مضاعفی برخوردار شده‌اند که می‌تواند گویای نقش متقابل و به قول معروف زیست‌شناس‌ها همزیستی مسالمت‌آمیزی باشد که انتفاع نهایی آن از هر دو سو عاید خود انسان‌ها شود» (ریسی سرحدی، ۱۳۹۷) و در نهایت پایداری محصولات کشاورزی و حفظ محیط زیست را به همراه دارد و نشان از جایگاه و مزیت بالای این حشره در این زمینه‌ها باشد و ابعاد وحیانی حیات زنبورعسل و شاید یکی از دلائل آفرینش آن را می‌تواند مبرهن سازد. حدود یک سوم از کل غذای انسان مستقیم یا غیر مستقیم از گیاهانی بدست می‌آید که به وسیله حشرات گرده افشانی می‌شوند. تقریباً ۸۰ درصد عمل گرده افشانی در بین حشرات،

بندپایانی چون کنه وارووا و جوندگان آلوده می‌شود

یکی از ابعاد اعجاز آیه ۶۹ نحل، که خدای متعال در ۱۴۰۰ سال پیش به آن تذکر داده است در فعل «کَلِمَی» نهفته است که مونث است. افزون بر مؤنث بودن واژه نحل در زبان عربی، کاربرد این واژه به مونث یا مذکر بودن زنبور کارگر دلالت دارد. در دستور زبان وقتی که ضمیر متوجه مؤنث باشد باید فقط از ضمیر مؤنث استفاده نمود و خطاب به زنبور عسل به صورت مؤنث آمده چونکه فقط زنبورهای کارگر ماده هستند که عسل می‌سازند. پس استفاده از «فَاسْلُکِی و کَلِمَی»، برای جنس مؤنث زنبور است. به عبارت دیگر، زنبور کارگر یا سرباز، زنبور مؤنث هستند. این در قبل از زمان پیامبر (ص) مکشوف نبوده است؛ لذا انسان خردمند باید در نشانه‌های اعجاز این آیات دقت کند تا ایمانش به خداوند افزون شود. یکی دیگر از ابعاد شگفتی این حشره همانا دانائی ملکه از مذکر یا مؤنث بودن تخم داخل شکمش است و این هنگامی است که هر کدام از آنها را سر جای خود در مکان مناسب می‌گذارد. چونکه ترتیب این آیه و نظم آن و مدلول کلمات آن و زیبایی اشارات آن با جدیدترین نظریات زنبورشناسی موافقت می‌کند. عده‌ای نحل را مؤنث معنوی دانستند (جرجانی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۷۲۹) بنا براین «ان اتخذی» را مؤنث آورد. و حرف «یا» در «اتخذی» یای مونث مخاطب است و آیه فقط در بر دارنده مؤنث‌ها می‌شود نه مذکرها. مهمترین موضوعی که در ارتباط با فواید و تأثیرات خلقت زنبور عسل با توجه به فراز مورد بحث آیه و تحقیقات علمی باید به آن اشاره کرد ارزش و جایگاه بسیار مهم گرده افشانی زنبورعسل است بهترین و با ارزش



جلو، دانه های گرده را از بساک پرچم بیرون آورده و با کمی عسل، مرطوب و چسبنده می کند تا ذرات گرده که به صورت پودر می باشند، به یکدیگر بچسبند و با حرکتی منظم در اندامی به نام سبد گرده، بسته بندی و به صورت دو برجستگی به نام بار گرده، در دوطرف پاهای زنبور جمع آوری شده و به کندو حمل می شوند» (پویان، ۱۳۸۸) و در اطراف منطقه پرورش لاروها ذخیره می نماید. زنبورهای کارگر دیگر این سلول ها را به وسیله آرواره ها و سر کوبیدن در ته سلول، فشرده می کنند تا ذرات هوا از آن ها خارج گردد و به وسیله بزاق آن را مرطوب کرده و مقداری عسل یا شهد به آن اضافه می نمایند. پس از اینکه دو سوم ظرفیت یک سلول با گرده پر شد، سطح آن را با قشر نازکی از عسل می پوشانند تا به طور مستقیم با هوا تماس نداشته باشد و فاسد نگردد.» (پویان، ۱۳۸۸)

مفهوم پیمودن مطیعانه راه پروردگار چیست؟

طبرسی در تحلیل «فَأَسْلِكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلًّا» آورده است: «ذلالا» جمع ذلول و حال از «سُبُلَ رَبِّكِ» است؛ زیرا خداوند آن راه‌ها را برای زنبور عسل هموار کرده و در اختیار او گذاشته است و یا حال برای ضمیر «اسلکی» است؛ یعنی در حالی که تو، رام و منقاد در برابر چیزی هستی که امر به آن شده‌ای.» (طبرسی، جوامع الجامع، ج ۳، ص ۳۹۹). یکی از مفسران معاصر گفته است: «فأ تفریع متفرع بر امر به خوردن نموده و این تفریع مؤید این است که مراد از خوردن، برداشتن و به منزل بردن است تا عسلی را که از ثمرات گرفته به خانه‌ها برده، ذخیره نمایند و اضافه "سبل" به کلمه رب در جمله «ربک» دلالت

به وسیله زنبور عسل انجام می‌شود. زنبورهای عسل، برای بررسی گل ها دارای الگوهای رفتاری پیچیده ای هستند. گل ها اغلب با نشان دادن یک سری تغییرات و در اختیار گذاشتن منابع پنهان شهد و گرده، گرده افشانی زنبورها را تسهیل می کنند» (مجمع فعالان زیست محیطی کشور (انجمن حمایت از حیوانات و محیط زیست)، ۱۳۹۹). « بنا به اظهارات اتحادیه ملی پرورش دهندگان زنبور عسل در فرانسه، زنبور عسل اقدام به تلقیح و باروری گل آفتابگردان و درختان سیب به میزان ۷۰٪ و توت فرنگی و گیلاس ۸۰٪ و درختان میوه دار کوچک ۹۰٪ و شیدر و یونجه بنفش ۱۰۰٪ می‌نماید. بر اساس یک تحقیق که سال ۲۰۱۵ در دانشگاه نیویورک انجام شده تغییر اقلیمی کره زمین تأثیر ویرانگری بر جمعیت زنبور عسل در نیمکره شمالی گذاشته و موجب کاهش سریع جمعیت آن‌ها شده است. در آمریکای شمالی این کاهش به بیش از ۹۰ درصد خواهد رسید» (ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، ۲۰۲۱).

از دلایل برتری و ویژگی های عمل گرده افشانی توسط زنبور عسل، جمعیت زیاد کلنی ها، شعاع پرواز زنبور عسل، وفاداری ذاتی زنبور عسل به یک گونه گیاه و به یک منطقه (ثابت گل بودن) در جمع آوری گرده و یا شهد، سهولت جابجایی کندوهای زنبور عسل، تأثیر کمتر سموم حشره کش روی زنبور عسل به دلیل تولید مثل زیاد و رفتار آن، اطلاعات بیشتر انسان در مورد پرورش، تکثیر و نگهداری آن، سازش و فعالیت در هرگونه شرایط آب و هوایی، تولید عسل و سایر محصولات می باشد. یکی دیگر از فعالیت زنبور ها جمع آوری دانه گرده است» زنبور گرده آور، با حرکات آرواره ها و پاهای



سامانه های خاصی باشد که بتواند امتثال اوامر الهی نماید شاید بتوان موارد ذیل را با فراز «فَاسْئَلُكَ سُبُلَ رَبِّكَ ذُلًّا» تطبیق داد یکی از آن ها داشتن غدد در زنبور عسل باشد. مهم ترین غده های زنبور عبارتند از: «غده های شیری غنی از پروتئین در کارگران (غده ترشح ژله رویال)، غده های بزاقی (تنیدن پیله جهت تکمیل دگردیسی و تبدیل به یک زنبور کامل شدن)، غده زیر آرواره ای در ملکه برای ترشح مواد عطری یا فرومون و شناختن ملکه از سایر زنبورها و برقراری ارتباط، غده های مومی، غده های بویایی (حس جمعیت کندوی خود)، غده ی مخزنی و غده ی سمی . غدد بویایی قرمز رنگ در هجوم دشمنان، بازگشت از پروازهای بلند مدت در زنبورهای مزرعه رو، کاربرد دارد، غدد دوفور قرمز رنگ در شکم ملکه و زنبورهای کارگر، غدد موم قرمز رنگ و مایع و متشکل از سلول های اپیدرمی که از طریق پاهای پشتی به آرواره رفته است» (پویان، ۱۳۸۸؛ ر.ک: مجمع فعالان زیست محیطی کشور (انجمن حمایت از حیوانات و محیط زیست)، ۱۳۹۹؛ علی نژاد، ۱۳۹۹). همچنین زنبور عسل دارای حواس «بینایی زنبور عسل به وسیله دو چشم مرکب و سه چشم ساده و بسیار ریز که بین دو چشم مرکب و در وسط پیشانی، که به زنبور می فهمانند که نور یا خورشید در کدام سمت قرار دارد. رنگ هایی را که چشم های زنبور عسل قادر به تشخیص آن ها می باشد، عبارتند از نارنجی، زرد، سبز، آبی، سبزی، آبی بنفش و فرابنفش. از بین گل ها، آن هایی که رنگ های آبی و زرد دارند، برای زنبور عسل خیلی واضح بوده و وی را جذب می کنند. چشم های زنبور که در مقابل رنگ

کند بر این که تمامی کارها و رفت و آمدهای زنبور عسل با الهام انجام می‌گیرد». (طباطبایی، ، ج ۱۲، ص ۴۲۴). همچنین دلایل دیگری بر این امر آورده شده است: «پیمودن راه‌هایی برای ساختن عسل و خانه‌های شش ضلعی، تشخیص شکوفه‌های سودمند و تغذیه، راه‌هایی آسان که خدای سبحان آماده کرده که از راه بو کردن یا سیستم راداری یا ... گل‌ها و شکوفه‌های مناسب را تشخیص داده و نرم رفتارانه آن را می‌پیمایند» (جوادی آملی، ۱۳۹۷، ص ۴۸۶ و ۴۸۷). برای اینکه آن «سُبُل» ذلول است شما هم دارید سبیل ذلول را طی می‌کنید؛ دارید راه خدا را طی می‌کنید خواه از درون، خواه از بیرون، می‌شود «فی سبیل الله». (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری از سوره نحل، جلسه ۷۳)

نقد و بررسی

در راستای تولید عسل طبیعی و شفاف‌بخش، طی طریق صحیح و قرین با وحی یکی از عملکردهای طبیعی زنبور می‌تواند باشد، این روند با یک سری اختلالات از جمله؛ به دام افتادن های مختلف، تولید عسل غیر مناسب، آلوده شدن زنبور و عسل و غیره همراه است؛ لذا مشاهده می‌شود که نه زنبور ذلول است و نه راه برای او نرم و هموار! و دلیل نرمی و آسانی راه‌های پروردگار، ارتباطی به رهبر و راهنما داشتن و مستقیم و صاف بودن راه ندارد» (جوادی آملی ، ۱۳۹۷، ج ۴۶، ص ۴۸۹). در نتیجه باید بگوییم عملکرد زنبور بر اساس وحی اقتضایی که اختصاص به این موجود دارد، قابل درک و تبیین خواهد بود؛ یعنی به زنبور عسل نوعی اختیار در عملکرد داده شده که عملاً زنبور بتواند از آن خطوط وحی عبور نماید. بنابر این زنبور باید دارای



ها پشت سر هم با بدن او تماس می‌گیرند و طرز حرکات او را خوب بررسی می‌نمایند. آن گاه بدون استفاده از کمک دیگری مستقیم و بدون اشتباه به همان مکان می‌روند» (پویان، ۱۳۸۸).

یکی دیگر از روش‌های برقرار ارتباط و انجام وظایف محوله الهی، استفاده از یک زبان پیچیده و نمادین باشد، «زنبورهای عسل یکی از پیچیده‌ترین زبان نمادین روی کره زمین را دارند. این حشرات دارای بیش از یک میلیون نرون (سلول عصبی) در مغز خود بوده و از آن‌ها جهت برقراری ارتباط با یکدیگر استفاده می‌کنند و اطلاعات دقیق در مورد یافته‌های خود را با دیگر زنبورها به وسیله نوعی رقص پیچیده، به اشتراک می‌گذارند. کارل وون فریش، استاد جانورشناسی در مونیخ آلمان، در سال ۱۹۷۳ به دلیل نتایج شگفت‌انگیز تحقیقات خود در مورد رقص زنبور عسل، موفق به دریافت جایزه نوبل شد» (علی نژاد، ۱۳۹۹). «زنبورهای عسل ۲ نوع رقص دارند: ۱- چرخشی یا دایره‌ای که برای منبع غذایی است که کمتر از ۵۰ متر از کندو فاصله دارد. ۲- جنباندن شکم که برای منبع غذایی انجام می‌شود که بیشتر از ۱۵۹ متر با کندو فاصله دارد. طول مدت رقص نشان دهنده مقدار فاصله است» (مجمع فعالان زیست محیطی کشور (انجمن حمایت از حیوانات و محیط زیست)، ۱۳۹۹).

«حس چشایی زنبور عسل مزه‌های شیرین، ترش، تلخ و شور را تشخیص می‌دهد، ضعف حس چشایی شیرینی وی، دارای حکمتی است؛ زیرا سبب می‌شود که زنبور عسل تنها در جستجوی شهدهای غلیظ باشد؛ در نتیجه انرژی‌ای که وی برای حمل هر کیلو شهد به

های فرابنفش حساسند، آن‌ها را دریافت و جذب می‌کنند، نوری که از خورشید بر روی گلبرگ‌های قرمز رنگ خشخاش می‌تابد، مقدار زیادی اشعه فرابنفش از خود منعکس می‌کند زنبور، روی گل خشخاش با وجود رنگ قرمز تندش نشست و از آن، گرده گل بسیاری جمع‌آوری می‌نماید. گرچه قدرت بینایی زنبور عسل، ضعیف است، اما قدرت تشخیص رنگی قوی‌ای دارد و اگر در جمع‌آوری شهد، نقصی وجود داشته باشد، حس بینایی رنگی و حس بویایی، این نقص و کمبود را جبران می‌کنند؛ و به وسیله بوییدن، زنبور عسل قادر به تشخیص انواع گل‌ها و شهدشان از یکدیگر است. مسئولیت بوییدن به عهده شاخک‌های زنبور عسل است که به کمک آن‌ها زنبور عسل اجسام مختلف را لمس می‌کند. همین موهای لامسه، در تعامل با حس بویایی، باعث آن می‌شوند که زنبور قادر گردد اجسام را سه بعدی ببوید؛ یعنی بتواند فقط با بوییدن، شکل اجسام را تشخیص دهد، بدون اینکه جسم را دیده باشد» (پویان، ۱۳۸۸). یکی دیگر از ویژگی‌های زنبور عسل دامنه فعالیت زنبور عسل است. «زنبور کارگر جهت جمع‌آوری شهد و گرده حداکثر تا فاصله ۳ کیلومتر اطراف کندو پرواز می‌کند. در صورت در دسترس بودن منابع شهد و گرده، معمولاً از شعاع ۳۰۰ الی ۵۰۰ متر این پرواز متجاوز نمی‌شود» (دانشکده دامپزشکی گرمسار، ۱۳۹۰). زنبوران کارگر که جمع‌آوری شهد یا گرده را به عهده دارند، بعد از مراجعت به کمک حرکاتی مخصوص، سایر زنبوران را از محل و مقدار گرده مطلع می‌نمایند تعدادی از زنبوران متوجه این حرکت دایره‌ای شده، دنبالش می‌روند و با شاخک



هنگامی به سمت آن‌ها پرواز می‌کند که بتواند بیشترین مقدار شهد و گرده را در کوتاه‌ترین زمان با خود به کندو حمل نماید» (پویان، ۱۳۸۸) «سیستم بویایی حشرات آنها را قادر می‌سازد تا بتوانند مقدار بسیار اندک از وجود آلاینده‌های محیطی مختلف مانند فلزات سنگین، سموم شیمیایی و متابولیت‌های ثانویه عوامل بیماری‌زای مختلف مانند باکتریها را شناسایی نمایند. این فرایند «پایش زیستی» نامیده می‌شود که می‌توان موجودات مختلف مانند زنبور عسل را بدلیل حساسیت بالای حس بویایی از طریق شرطی‌سازی موثر مبتنی بر پاسخ رفتاری قابل مشاهده به بوه‌ها، برای تشخیص داروهای قاچاق، مواد منفجره و حتی بیماری‌های انسانی آموزش داده و در مکان‌های خاص جهت شناسایی استفاده نمود. بطور کلی پایش آلاینده‌های زیست محیطی از طریق ارزیابی رفتارهای خاص زنبور عسل مانند واکنش گسترش خرطوم در پاسخ به تحریک با آلاینده‌ها و همچنین سنجش بقایای آنها در فرآورده‌های کندو و یا در بدن زنبورهای عسل امکان‌پذیر است. محققین با تکیه بر واکنش کشیده شدن خرطوم و نیز استفاده از روش شرطی‌سازی، قدرت یادگیری و حافظه زنبور عسل را ارزیابی و از این حشره جهت تشخیص بو و سیگنال‌های شیمیایی در تشخیص ایزومرهای کروماتول (به عنوان آلاینده‌های فرار شناخته شده در آلودگی

کندو صرف می‌نماید، خیلی کمتر می‌شود و نیز تبدیل نمودن شهد غلیظ به عسل به زمان و انرژی کمتری نیاز دارد» (پویان، ۱۳۸۸). «حس سنجش گرما در زنبور عسل سلول‌های ویژه‌ای که در شاخک‌هایشان قرار دارند، بسیار قوی و دقیق کار می‌کند؛ زنبور عسل می‌تواند حتی تغییرات ۲/۰ درجه سانتی‌گراد را به طور دقیق تشخیص دهد. این حس برای تنظیم گرمای مورد نیاز نوزادان و آسیب‌نرسیدن و جلوگیری از پائین آمدن گرمای از مقدار ۳۴/۵ تا ۳۵/۵ درجه سانتی‌گراد که باعث طولانی‌تر شدن دوره رشد نوزادان گشته و زنبورها با شکل‌های غیر طبیعی و یا ناقص به دنیا می‌آیند و بالا رفتن حرارت باعث مرگ فوری لاروها و نوزادان می‌گردد» (پویان، ۱۳۸۸). «هرگاه هوای داخل کندو سرد شود، زنبورها نخست مقداری عسل می‌خورند و آن‌گاه پهلوی به پهلوی کنار یکدیگر چسبیده و روی لاروها جمع می‌شوند؛ سپس هر زنبور با لرزاندن عضلات خود مقدار کمی گرما تولید می‌نماید. هرگاه دمای هوای داخل کندو بالاتر رود، زنبورها روی قاب‌ها ایستاده و با حرکت دادن سریع بال‌هایشان، هوای داخلی را به جریان انداخته و آن را به خارج از کندو می‌فرستند تا هوای خنک بیرون، به داخل کندو بیاید، یا زنبوران، مقداری آب با خود به داخل کندو حمل می‌کنند و شروع به پاشیدن یا فوت کردن آب با فشار زیاد به صورت ریز می‌نمایند» (پویان، ۱۳۸۸). «گیاهانی وجود دارند که گل‌هایشان در ساعات معینی از روز باز بوده و زنبور با استفاده از حس زمان‌شناسی در ساعاتی که این گل باز است، به سمت آن پرواز می‌کند زنبور با کمک این حس،



عسل توسط ترکیبات شیمیایی تولید شده توسط عوامل بیماریزای مختلف، بتوان از آنها در تشخیص بیماریهای مختلف استفاده ص ۴۶ نمود. میتوان به توانایی زنبورهای عسل برای شناسایی ترکیبات شیمیایی تولید شده توسط باکتری عامل بیماری سل در انسان اشاره نمود. اینسنتیل، از زنبورهای عسل بعنوان حسگرهای زیستی، اخیرا در پروژه ای شروع به بررسی کارایی زنبورها برای شناسایی مراحل اولیه سرطان در انسان نموده است. در مطالعه انجام شده توسط مرکز تحقیقات سلامت محیط زیست ارتش آمریکا به منظور استفاده از کلونی های زنبور عسل بعنوان حسگرهای سنجش آلودگی سریع، برای فیلترینگ مناطق دفن زباله ها از نظر مواد شیمیایی سمی و نظارت بر آزادسازی هرگونه مواد شیمیایی، پنجاه کندوی هوشمند برای پایش آزادسازی مواد شیمیایی در مناطق دفن زباله های سمی استفاده شدو منجر به شناسایی بیش از ۲۰۰ ماده شیمیایی فرار و نیمه فرار شد. ص ۴۷ با مطالعه بر روی کندوهای زنبورعسل با استفاده از شمارشگرها مشخص شد که در حالت طبیعی نرخ بازگشت روزانه برای کلونی های سالم بیشتر از ۹۰ درصد است اما زمانی که کلونی ها در معرض مواد سمی قرار می گیرند، این تعداد به ۸۰ درصد یا کمتر کاهش می یابد. داشتن چنین فناوری هایی باعث می شود که دیدگاه های جدیدی از نقطه نظر اکوسیستم های طبیعی به ویژه ص ۴۸ اکوسیستم های کشاورزی و تولید

محیطی) در محیط برنامه ریزی نموده اند. همچنین برای بررسی توانایی زنبورهای عسل در امور نظامی و جهت شناسایی مواد شیمیایی مانند مین های جنگی استفاده شده است. در علوم ژنتیک گیاهی و گرده افشانی، برای پایش وارپته های گیاهی جذاب برای زنبورهای عسل و شناسایی مواد شیمیایی جلب کننده آنها بهره برده اند. تشخیص و مسیر یابی زنبورهای عسل نشانه گذاری شده با تگ ها زنبورهای عسل در طول سفرهای جستجوگری خود ممکن است در معرض آفتکش ها و آلاینده های مختلفی قرارگیرند که می تواند سبب ناتوانی در حرکت و یا جهت گیری فضایی شده و نهایتا منجر به تلفات آنها گردد. ص ۴۴ در مطالعه اثرات کشندگی سموم ایمیداکلوپراید، کلویتانیدین ، روی رفتار کاوشگری زنبورعسل از طریق قراردادن خوانشگرها در قسمت ورودی کندو و نیز در منبع ماده غذایی مصنوعی نشان داد که هر دو حشره کش باعث کاهش قابل ملاحظه ای در فعالیت های تغذیه ای گردیدند. زنبورعسل در طول فعالیت های کاوشگری خود و جمع آوری گرده و شهد، می تواند باقی مانده آلاینده های موجود در طبیعت را بر روی بدن خود نگه داشته و در نتیجه از این طریق امکان آلودگی کندو و محصولات وجود خواهد داشت. از عسل، گرده، بره موم، موم و خود زنبورعسل می توان در ارزیابی درجه آلودگی فلزات سنگین موجود در محیط زیست استفاده نمود. این امکان وجود دارد که با شرطی سازی زنبورهای



أحمر، مع أنها تأكل الحامض و المر فيحيلة
اللّه عسلاً حلواً لذيذاً فيه شفاءٌ للنّاسِ» لما
شفأئها فيه». منظور این است که عسل،
بیرون می آید از شکم زنبورها "که نوشیدنی
است به رنگ های مختلف" که به رنگ های
زرد و سفید و قرمز است، هر چند زنبورها
از گیاه ترش و تلخ می خورند، خدا او را شیرین
کرد» (طوسی، ج ۶، ص ۴۰۴). میبیدی
می گوید: «هو العسل تلقیه من افواہها لکنه
قال من بطونہا». (میبیدی، کشف الاسرار
وعدۃ الابرار، ج ۵، ص ۴۱۱). اما در ارتباط
با فرآوری عسل، از گفته‌های میبیدی می توان
دریافت که او اعتقاد دارد که عسل در شکم
زنبور فرآوری می گردد لذا به قول حسن
بصری استناد می کند». (همان، ج ۵، ص
۴۱۲). جوادی آملی می گوید: «این یَخْرُجُ
امری است که به داعی انشا القا می شود،
خارج می شود یا عسل خود به خود خارج
بشود بدون فرمان و رهبری کسی. این جمله
خبریه‌ای است، این راه را نشان دادیم، این
راهی است که ما تعیین کردیم، عسل،
دستگاه گوارشی زنبور و خود زنبور هم باید
سبیل الله را طی کند». (جوادی آملی، ۱۳۹۰،
جلسات تفسیری از سوره نحل،
جلسه ۷۰) و «ظاهر آیه این است که عسل در
درون او، در حفره‌ای از حفرات او، در
دستگاهی از دستگاه‌های نهانی و نهادی او،
عسل ساخته می شود و از آنجا عسل به کندو
می آید نه اینکه مواد خام را به کندو ببرند.
اختلاف رنگ‌ها هم برای آن است که سلیقه‌ها
و ذوق‌ها مختلف است». (همان، جلسه ۷۱).
بعضی عسل را «بخاری می دانند که از زمین
بالا می رود و در فضا پخته می گردد و شب‌نم
مانند پر مایه می شود و فرود می آید و بر برگ
و غیره می نشیند و انگبین بوجود می آید.

محصولات کشاورزی ایجادشود و می
توان از آن در جنبه های مختلف زندگی
انسان ها به ویژه در حوزه های سلامت
و کشاورزی بهره گرفت. (نجمه صاحب
زاده و زهره خوشه بست، ۱۳۹۷)

یکی دیگر از سامانه های در زنبور عسل هوش
جمعی (الگوریتم) است ملکه، مراحل انتخاب
جمعیت اولیه و مرتب کردن آنها بر اساس
تابع هزینه و دور ریختن بدترین اعضا، است.
در این الگوریتم برای تولید فرزندان فقط یک
مادر که همان ملکه زنبورهاست انتخاب می
گردد و ملکه با تعدادی از افراد جمعیت که
پدرها هستند با استفاده از
اپراتور (Crossover) فرزندان مختلف را تولید
می کند. (صاحب زاده و خوشه بست، ۱۳۹۷،
ص ۴۱؛ ر.ک: سلیم، وکیل باغمیشه). با وجود
این همه غدد و حواس چندگانه موجود در
زنبور عسل و موارد کاربردی آن در عرصه
های مختلف ذکر شده می توان درک صحیح
تر و ملموس تر و کاربردی تر نسبت به این
فراز آیه «فَاسْلِكِي سَبْلَ رَبِّكِ ذَلِلاً» داشت.

**تطابق علمی و زیست محیطی روند
تولید عسل با ابعاد وحیانی «يَخْرُجُ مِنْ
بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ»**

طبرانی در تفسیر این قسمت از آیه مطلبی را
بیان کرده است که ظاهراً در تفاسیر مفسران
قبل از او مشاهده نشده است؛ اینکه «عسل
سفید توسط زنبورهای جوان، عسل زرد
توسط زنبورهای میانسال و عسل قرمز نیز
توسط زنبورهای پیر تولید می گردد». (طبرانی،
۲۰۰۸، ج ۴، ص ۷۳؛ ر.ک: نسفی، ج ۲،
ص ۴۲۱). شیخ طوسی در این زمینه
مطلب قابل تأمل بیان داشته ، آورده است:
«ثم قال يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا یعنی بطون النحل
«شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ» من أصفر و أبيض و



دیگری توسط زنبور به آن افزوده می‌گردد تا تبدیل به عسل با رطوبت مطلوب شود. مثلا یکی از مفسران در تأیید این نظر آورده است: «يَخْرُجُ بِيرون آيد مِنْ بُطُونِهَا از شکم‌های ایشان به طریق لعاب شَرَابٍ مُخْتَلَفٍ أَلْوَانُهُ شربتی که خلاف یکدیگر باشد». (کاشانی، ج ۵، ص ۲۰۳). ثالثا: دهان، مرحله ابتدایی روند هضم غذا برای جانوران است؛ لذا حتی اگر در نظر بگیریم که دهان زنبور هم چنین باشد، باز فراوری عسل تکمیل نیست. از طرف دیگر، دهان زنبور آن ظرفیت‌های لازم برای فراوری را ندارد و آنقدر هم وسیع نیست که بتواند چنین عملیات‌های مختلف را انجام دهد.

همچنین در ارتباط با علت تفاوت رنگ عسل، «آن را وابسته به شرایط سنی زنبور دانسته‌اند». (نسفی، ج ۲، ص ۴۲۱). و یا مفسر دیگری در یک جا همین دیدگاه غیر علمی را بیان داشته و در جای دیگر «اختلاف الوان عسل را به حسب اختلاف فصول دانسته». (کاشانی، ج ۵، ص ۲۰۳؛ رک: شاه‌عبدالعظیمی، ج ۷، صص ۲۳۶ و ۲۳۷؛ جرجانی، جلاء الأذهان و جلاء الأحزان (تفسیر گازر)، ج ۵، ص ۱۸۰). همه این دیدگاه‌های با تحقیقات قطعی و مسلم علمی در تضاد و تعارض است چرا که ثابت شده رنگ عسل به بهره برداری زنبورها از شهد گل‌های مختلف با رنگ‌های متفاوت ارتباط دارد و ماده اولیه تولید عسل، از شهد گل‌های انواع گیاهانی است که برای تولید عسل لازم است. از طرف دیگر، حداکثر عمر زنبورهای کارگر ماده تولید کننده عسل، حدود دو ماه می‌باشد و این تغییرات سنی و مدت عمر اندک، فرصتی نیست که اصلا محسوس باشد که بخواهیم عمر زنبور را به چند مرحله

گاهی انگبینی شود که آن را عسل گویند» (همان، جلسه ۷۳). در تفسیر و شرح واژه بطون عده‌ای از مفسران تصور کردن که بطن می‌تواند همان دهان یا حفراتی از دهان زنبور عسل باشد که زنبور، عسل را آنجا فراوری می‌کند و بعضی هم گفتند که فقط شهد را منتقل می‌کند. مثلا آورده‌اند: «اطبا تصریح کرده‌اند که دهان نیز موضع هضم است بنا براین مراد از بطن دهان خواهد بود...». (اشکوری، ج ۲، ص ۷۳۰) و یا «خرطوم و حفره دهانی را باطن و بطن دانسته می‌گویند که لازم نیست از دستگاه گوارشی درون باشد». (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری از سوره نحل، جلسه ۷۳).

نقد و بررسی

در ارتباط با برداشت صحیح از واژه بطون موارد ذیل قابل بیان است: اولاً: خداوند در آیه، «بُطُونِهَا» را جمع آورده است یعنی عسل در هنگام خروج، از قسمت‌های مختلفی که به نوعی از لایه‌های درونی زنبور می‌گذرد و از منظر چشم پنهان است؛ تا به فضای دهان و از آن جا به سلول‌های مسدوسی منتقل گردد؛ لذا این قضیه جنبه بطون پیدا می‌نماید چون به نوعی با فضای بیرون بطور مستقیم در ارتباط نیست اصحاب هم بطون را آورده‌اند. در آیات مختلف و کتب لغت این واژه به معنای شکم آمده است. ثانياً: وقتی خروج عسل از بطون است، مسلماً باید شهدی که زنبور می‌مکد از لایه‌های مختلف عبور کند تا مفهوم بطون تحقق یابد؛ پس زنبور، شهد را بعد از عبور از قسمت‌های مختلف به مکانی می‌فرستد که از نظر حشره‌شناسان و زنبورشناسان، به آن معده دوم (چینه‌دان) زنبور می‌گویند و شهد در مسیر عبور و یا در معده دوم فراوری می‌گردد و مواد مفید



نگردد. همچنین در این زمینه حسان شمسی پاشا درباره این قسمت از آیه گفته است: «چرا خداوند می‌فرماید: از درون شکم آن‌ها نوشیدنی خارج می‌شود؛ و آشکارا نفرموده از درون شکم آن‌ها عسل خارج می‌گردد؟ چون زنبور تنها، عسل تولید نمی‌کند، بلکه او غذای شاهانه (ژل رویال)، زهر، موم عسل و گرده گل را هم تولید می‌کند. بنابراین قرآن کریم به عسل که فقط از درون شکم آن‌ها و اینکه به تنهایی درمان همه بیماری‌هاست اشاره نکرده است، زیرا خداوند مواد شفابخش متنوعی از شکم زنبور بیرون می‌آورد. ولی تمام این چیزها در عصر نزول قرآن کریم برای مردم زمان پیامبر گرامی هنوز شناخته نشده بود» (دریایی، ۱۳۸۱، صص ۲۹۰ و ۲۹۱). پس مفرد و نکره آوردن شراب، دلالت می‌کند که مایع واحدی است که به صورت های گوناگون از قسمت های مختلف بدن او خارج می‌شود، در عبارت (مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ) مفاهیمی چون مختلف بودن رنگ های عسل، اختلاف نسبت به ماده اولیه ای (شاهد) که زنبور مکیده و تفاوت آن با شرابی که رنگ و حالت آن با ماده اولیه فرق دارد، مزه و بو و ترکیبات هر نوع عسل با دیگری متفاوت است قابل دریافت می‌تواند باشد.

یکی دیگر از دیدگاه‌های مطرح شده در تفاسیر، نقل قول‌های مختلف از نحوه تولید عسل این است که عسل از شنبم نشسته بر روی درختان توسط زنبور درست می‌شود؛ یعنی «شبنمی که بر درخت‌ها می‌نشیند از درخت برگیرد و در خانه خود برد عسل شود؛ و یا عسل از شکوفه‌های مختلف ظاهر می‌گردد و آن چنان بود که شکوفه‌ها برگیرد و در آشیانه خود برد و بر زیر یکدیگر نهد به

تقسیم نمود و رنگ عسل را وابسته به سنین مختلف زنبور دانست.؟!

درباره دلایل کاربرد واژه شراب در آیه باید گفت یکی از استانداردهای عسل که باعث ترش و یا کریستاله نشدن عسل می‌شود، دارا بودن رطوبت بین ۱۷ تا ۲۳ درصد است؛ یعنی اگر عسل دارای رطوبت بالا باشد ترش و برعکس اگر رطوبت پایین باشد، سفت یا کریستاله می‌گردد؛ لذا عسلی که از بطون زنبور خارج می‌گردد، رقیق است؛ یعنی دارای رطوبت مورد نیاز است و زنبور بعد از خارج کردن و ریختن در لانه‌های مسدوسی، شروع به بال زدن روی لانه نموده تا آب زیادی عسل تبخیر شود؛ لذا اگر این عسل دارای رطوبت بالا باشد، امکان انتقال آن برای زنبور سخت یا غیر ممکن خواهد بود و امکان ریخته شدن و از دست رفتن عسل مطرح خواهد بود؛ از سوی دیگر اگر رطوبت آن خیلی پایین باشد، امکان خروج از حفرات شکم و دهان و انتقال آن فراهم نخواهد بود و شاید باعث مرگ زنبور شود؛ لذا خداوند به گونه‌ای به زنبور تعلیم داده است که عسل را به صورت شربت، آماده سازی و منتقل سازد. لذا از واژه «شراب» بهره برده است. در اینجا می‌توان نتیجه گرفت که کاربرد واژه شراب بر اساس عملکرد زنبور عسل برای تکمیل روند فراوری این ماده و تبدیل آن به عسل واجد ابعاد علمی و زیست محیطی این حشره است. همچنین یکی از ابعاد اعجاز‌آمیز و مهم عملکرد زنبور عسل که تا عصر حاضر کشف نشده بود، تشخیص اندازه رطوبت و میزان و مدت تعداد بال زدن زنبور عسل بر روی لانه مسدوسی است تا رطوبت به حد تعادل برسد و عسل ترش نشود با بستن لانه مسدوسی با موم رطوبت خود را حفظ نموده و کریستاله



«جمله‌ای مستانفه که امتثال امر خدای سبحان و رام بودن دانسته که در نتیجه عمل و مجاهدت وی از شکم او بیرون می‌آید، شرابی به نام "عسل" که دارای رنگ‌های مختلف که برای بیشتر امراض شفا است.» (طباطبایی، ج ۱۲، ص ۴۲۴). این نتیجه گیری زمانی می‌تواند درست باشد که زنبوران عسل، همواره امتثال امر الهی نمایند که بیان کردیم چنین نیست و عده‌ای از وحی الهی، تخطی نموده و در نتیجه یا کشته شدند و یا حتی عسل سمی تولید کردند و از نظر علمی نیز با زندگی زنبور عسل در تناقض است. در ارتباط با نحوه تولید عسل از نظر علمی باید گفت زنبور کارگر حوالی بیست و یکمین روز زندگی می‌تواند شروع به جمع‌آوری شهد یا عصاره قندی موجود در گل‌ها نماید. جمع‌آوری شهد بعد از یک سری پروازهای شناسایی انجام می‌گیرد شهد (Nectar) مایع شیرین که توسط سلولهای مخصوص شهدزای داخل گل‌های گیاهان که شامل: قند (ساکاروز) و آب بوده و بسته به نوع گیاه دارای مقادیر متنوعی از املاح معدنی و ویتامینها ، دیاستازها ، مواد رنگی و مواد معطر میباشد ترشح می‌شود، وقتی میزان شهد جمع‌آوری شده به حدود چهل میلی گرم رسید، زنبور به سمت کندو پرواز میکند. در کندو از طریق دهانی شهد را به زنبورهای کارگر می‌دهند تا آنها شهد را حدود ۳۰ دقیقه بجوند. فرآیند انتقال شهد از یک زنبور به زنبور دیگر تا تبدیل شدن آن به عسل ادامه می‌یابد. تغییر و تبدالاتی در آن بعمل آورده به طوری که برای تبدیل شیرابه گیاه (نکتار) به عسل، ساکاروز که قسمت عمده قند گیاهی را تشکیل میدهد، در اثر عمل آنزیمهایی بزاقی مترشحه به وسیله زنبور

مرور روزگار صورتش بگردد و عسل شود.» (حسنی واعظ، ص ۳۶۲). «امام رازی و همفکرانشان معتقدند که ترشحاتی شبانه به صورت ژاله، شبنم و مانند آن در فضا به وسیله ذات اقدس الهی نازل می‌شود این برکات می‌آید روی این برگ‌ها و شاخه‌ها و این‌ها می‌نشینند آن‌هایی که درشت‌ترند و محسوس‌اند می‌شوند ترنجبین، آن‌ها که ذرات ریز قندی‌اند همان مواد عسل‌اند زنبور عسل از راه بو یا غیر بو این‌ها را می‌شناسد می‌مکد می‌شود عسل.» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری سوره نحل، جلسه ۷۳). «فخر رازی می‌گوید اولی اوسخ است یعنی ذات اقدس الهی مواد قندی را که اگر این ذرات کنار هم جمع بشوند، عسل می‌شوند آن را نازل می‌کند و زنبور عسل آنها را منتقل می‌کند به کندو نه این که عسل بسازد؛ دیگری می‌گوید نه او عسل می‌سازد، تجربه علمی می‌خواهد، پژوهش علمی می‌خواهد.» (همان، جلسه ۷۰). «در حقیقت عسل را ذات اقدس الهی نازل کرده است و این‌ها عسل‌شناس‌اند و جمع‌آوری می‌کنند در کندو می‌ریزند. دیگری می‌گوید خیر اینها این مواد قندی را می‌مکند در دستگاه درونی‌شان قدرت عسل‌سازی هست.» (همان، جلسه ۷۳) این دیدگاه‌ها در صورتی است که علم امروز ثابت کرده است ماده اولیه تولید عسل از شهد گل‌های انواع گیاهانی است که برای تولید عسل لازم است و مطالب مطرح شده در تفاسیر با علم قطعی و تحقیقات صورت گرفته در زمینه تولید عسل در تعارض تام است .

یکی از مفسران، تولید عسل را نتیجه امتثال امر خدا دانسته است. در شرح جمله «يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ»، آن را



وحی مطرح شده در قرآن کریم است. (پویان، ۱۳۸۸)..

حیطه وحیانی و علمی و زیست محیطی

شفابخشی عسل

فراز «فیه شفاء للنَّاس»، دیگر قسمت مهم آیه ۶۹ است که منشاء اظهار نظرهای مختلف و مناقشات فراوان، در بین مفسران و علما و دانشمندان شده است. برخی از مفسران مرجع ضمیر را قرآن دانسته‌اند (ثعلبی، ج ۶، ص ۲۹؛ ر.ک: آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲، ص ۴۲۴). اما این دیدگاه‌ها توسط اکثر مفسران رد شده است. شاید علت اینکه عده‌ای از مفسران، این گونه استنباطات تفسیری را مطرح کردند، این است که عسل نمی‌توانست در شفابخشی، همانند قرآن باشد، در صورتی که شفابخشی قرآن با عسل تفاوت ماهوی دارد. عده‌ای دیگر ارجاع ضمیر را به قرآن و عسل دانسته‌اند (میبدی، ۱۳۷۱ش، ج ۵، ص ۴۱۲). شاید این دیدگاه شاید ناشی از روش تفسیر قرآن به قرآن و ارجاع آیه به آیاتی که واژه «شفاء» در آنها ذکر شده و استنباط براساس اصول پیوستگی آیات و بهره بردن از تأویل آیات و برداشت معنای عام از واژه شفا و اینکه عسل به تنهایی نمی‌تواند شفای هر درد و بیماری است، باشد. اکثر مفسران اعتقاد دارند بر اساس موضوع سیاق، ضمیر به عسل باز می‌گردد؛ مثلاً طبری می‌نویسد: «این گفته یک قول ضعیف است و عسل که یک درمان برای مردم است، باید به نزدیکترین اسم ذکر شده، بازگردد و ارجاع ضمیر به قرآن که ذکری از آن نیامده است، نامناسب است. این قید، شایسته آن است که ضمیر به عسل بازگردد» (طبری، ج ۲۰، ص ۲۳۹؛ ر.ک: طوسی، ج ۶، ص ۴۰۴؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱۴، ص ۹). قرطبی از قاضی ابوبکر بن عربی

عسل به قند های ساده گلوکز و لولوز (فروکتوز) تبدیل می شود زنبور عسل پیش از رسیدن به کندو در بین راه مقداری از آب شهد را جذب میکند، در اثر تبخیر و از دست دادن آب زیادی، شیرابه گیاهی تغلیظ شده ، یعنی شهد گلها که حاوی ۵۰ الی ۸۰ درصد آب است با این عمل میزان رطوبت عسل را به حدود ۱۷ درصد (حداکثر ۲۲ درصد) کاهش میدهد (مجمع فعالان زیست محیطی کشور (انجمن حمایت از حیوانات و محیط زیست)، ۱۳۹۹؛ ر.ک: دانشکده دامپزشکی گرمسار، ۱۳۹۰).

همچنین طبق گزارشات «از سال ۴۰۱ قبل از میلاد، عسل مسموم برای انسان مشکلاتی ایجاد نمود که یک سری از گیاهان دارای شیره خاصی هستند که برای انسان ها و تعدادی از گیاهان و حیوانات به نسبت مصرف و تأثیر، سمی هستند؛ شهد یک سری از گیاهان و گل ها برای زنبور عسل سمی بوده و باعث مرگ آنان می شود مانند گیاه یاسمن زرد، شاه بلوط کالیفرنایی، خربق غربی، چوب چرمی و تی تی سیاه» (دریایی، ص ۱۵۳). اما شهد یک گروه از گیاهان برای خود زنبور کشنده نیست اما همان شهدی که زنبور از آن برای تولید عسل استفاده می نماید برای انسان مسموم کننده است مثلاً عسلی که از گیاهانی مانند؛ خرزهره، آسکوپولامین، آتروپین، آلورنیتین و توتو بدست آمده، برای انسان مسموم کننده بوده است؛ مثلاً عسلی که از گیاه گالیکولاتا بدست می آید در انسان قی یا سرگیجه و درد شدید معده ایجاد می کند» (همان، صص ۱۰۴، ۱۰۷، ۱۰۵، ۱۴۸، ۱۰۸، ۱۵۲، ۱۵۳). همچنین یکی از نتایجی که از این موضوع می توان گرفت تفاوت نوع وحی به زنبور عسل با دیگر انواع



می‌گوید: «بعید می‌دانم که ضمیر جمله به قرآن برگردد و درست باشد. زیرا اگر از لحاظ نقلی صحیح باشد باید عقل، آن را قبول کند؛ سخن بر محوریت عسل است». (قرطبی، ۱۳۶۴ ش، ج ۱۰، ص ۱۳۶). فخر رازی به نوعی به بعد علمی این موضوع اشاره نمود که: «نخست آنکه بازگشت ضمیر به چیزی که پیش از آن طرح نشده، غیرمناسب است و ثانیاً شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ وصف است که مناسب عسل است». (فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۰، صص ۲۳۸ - ۲۳۹؛ نیز ر.ک: ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ۴۹۹).

در زمینه حیطة شفا بخشی عسل، اکثر مفسران و علما، بر اساس اصول و قواعد تفسیری، اعتقاد دارند عسل شفای همه بیماری‌ها نیست؛ یکی از این مفسران، مقاتل بن سلیمان است که باید تفسیر وی را از اولین تفاسیر عقلی در عالم اسلام دانست که می‌توان آن را راهنمای خوبی در زمینه تفسیر آیات الهی در رسیدن به نظر صائب، دانست. وی این چنین آورده است: «...یعنی العسل شفاء لبعض الأوجاع». (مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۴۷۶). عسل شفای برخی از بیماری‌هاست؛ لذا کسی چون او که در نزدیکترین زمان به نزول وحی می‌زیسته و هنوز دیدگاه‌های متفاوت، که می‌تواند در اظهار نظر اشخاص موثر باشد و روش‌ها و گرایش‌های تفسیری گوناگون بوجود نیامده بود، در ارتباط با شفا بخشی عسل، به صراحت از واژه «لبعض الأوجاع» استفاده می‌نماید و اعتقادی به شفا بخشی عسل برای همه بیماری‌ها ندارد. طبرسی از سدی و حسن گوید: «مقصود این است که عسل، شفای دردهایی است که بتوان برای معالجه، از آن استفاده کرد» (طبرسی، ج ۱۴، ص ۶؛

نیز ر.ک: کاشفی، ص ۵۸۹). ابن کثیر ضمن بیان این مطلب که عسل، «شفای دردها و بیماری‌هایی است که از برودت عارض شده باشد و از آنجا که عسل، طبع گرمی دارد و بیماری‌ها بواسطه تجویز خلاف آن بهبود می‌یابند، عسل شفای دردهای ناشی از سردی است و با تمسک جستن به این فراز آیه «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ»، اثبات می‌کند که شفای برخی از بیماری‌هاست و عسل را شفای بیماری‌هایی می‌داند که خداوند شفایش را در آن قرار داده است». (ابن کثیر، ۱۴۱۹ ق، ج ۴، ۴۹۹؛ ر.ک: طبرانی، ۲۰۰۸، ج ۴، ص ۷۳؛ ر.ک: سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۳۰۸). در تائید این دیدگاه‌ها برخی آورده اند: «عسل برای مردم داروست و البته مقصود این نیست که برای همه امراض وسیله بهبود است و زیان ندارد با این که مضر به صفر است و موجب سرگیجه می‌شود، بلکه مقصود این است که در بعضی امراض و برای بعضی مردم، وسیله بهبودی است». (عاملی، ۱۳۶۰، ج ۵: ص ۳۴۷). جوادی آملی آورده‌اند: «این فی‌الجمله است، نه بالجمله؛ این چنین نیست که عسل حتی برای کسانی که بیماری قند دارند، شفا باشد؛ نظیر اطلاق و عموم‌های دیگر که تخصیص و تقیید دارد؛ پس این منافات با آیه ندارد». (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری از نحل، جلسه ۷۴). در مقابل، عده ای یا شفا را به معنای دارویی دانسته‌اند که در اکثر موارد، اثر می‌گذارد و یا اینکه چیزی را در تقدیر گرفته و معتقدند عسل، داروی بسیاری از بیماری‌هاست. شیخ طوسی در تفسیر خود از پیشینیان آورده است: «وهو الشراب الذی ذکره و أن فيه شفاء من كثير من الأمراض و فيه منافع جمعة (طوسی، ج ۶: ص ۴۰۴). نوشیدنی که در



۱۲۳-۱۲۲؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۸۹؛
خرم‌دل، ۱۳۸۴، ج ۴، ۵۴۶.

قاسمی در محاسن التأویل بر این نکته اشاره داشته است که «یا عسل در بسیاری از بیماری‌ها سودمند است و اثر دارویی دارد و یا آنکه در معجون‌های دارویی، عسل حضور دارد». (قاسمی، ۱۴۱۸، ج ۶، ص ۳۸۶). فخر رازی، در این زمینه آورده است: «قرآن کریم نگفته است عسل برای تمامی بیماری‌ها و در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها شفاست بلکه گفته است در آن شفایی برای بیمارهاست و از آنجا که شفای بعضی از بیماری‌هاست، شایسته است که گفته شود در آن شفاست: «إِنَّه تعالی لم یقل إِنَّه شفاء لكل الناس و لكل داء و فی کل حال، بل لما كان شفاءً للبعض / و من بعض الأدوية صلح بأن یوصف بأنه فیه شفاء».

(فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰: ص ۲۳۸).
ألوسی نیز چنین می‌گوید: «إنما المراد بالناس الذین ینجع العسل فی أمراضهم و التنوین فی شفاءً إما للتعظیم ای شفاء ای شفاء، و إما للتبعیض ای فیه بعض الشفاء فلا یقتضی أن کل شفاء به و لا أن کل أحد یستشفى به». (ألوسی، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۴۲۳). یعنی در این جمله قرآن، شفاء نکره آمده و این تنوین، شاید هم عظمت درمانی که انجام می‌شود را نشان می‌دهد و یا شاید برای اینکه حدود آن معلوم نیست و به تمام بیماری‌ها برنمی‌گردد و نیازی نیست که درمان هر بیماری توسط آن انجام شود. بلاغی نیز در این زمینه آورده است: «آیه «فیه شفاءً للناس» را چنین باید معنی کرد: در عسل شفائی است برای مردم نه اینکه عسل شفاء است برای مردم». (بلاغی، ۱۳۸۶، ج ۷، ص ۴۳۶). نسیمی نکره بودن شفا را با این توضیحات همراه کرده است: «عسل در آیه

قرآن از آن یاد شده است، درمانی برای بسیاری از بیماری‌هاست که مزایای زیادی دارد. اما قائلان شفابخشی عسل برای تمام بیماری‌ها، بدون در نظر گرفتن یافته‌های مسلم علمی-طبی، ضمن بحث در ذیل آیه مورد نظر، با نوعی افراط در این زمینه، بر این باور اصرار ورزیده و بر اساس باورهای مفسران و اطباء قدیم بر دیدگاه خویش پا می‌فشارند و واژه «شفا» را دارویی ضرورتاً اثربخش معنا کرده و جمله را در عمومیت مطلق آن فهم کرده‌اند و در نتیجه به این گزاره رسیدند که عسل برای تمام بیماری‌ها شفاست.

در تعیین تنوین شفاء و ارتباط آن با گستره شفابخشی عسل، عده ای از مفسران بیان داشتند «شفا بودن عسل به حالت نکره گفته شده است. بنابراین صدق سخن خداوند ثابت شده است؛ زیرا این عبارت به یکی از چهار حالت نکره است که حکم کلی دارد». (دریابی، ۱۳۸۹، صص ۲۹۰-۲۹۱). در مقابل، اکثر مفسران تنوین را بر تبعیض دانسته‌اند بدان معنا که عسل برای برخی بیماری‌ها مفید است. میبیدی نوشته است: «جمهور مفسران بر آنند که شفاء بنکره گفت یعنی که بعضی دردها را شفا است نه همه». (میبیدی، ۱۳۷۱، ج ۵، ص ۴۱۲). این جمله می‌تواند فصل الخطاب همه در این عرصه باشد. در مجمع البیان استناد شده که: «دلیل نکره آوردن «شفاء» یا به خاطر اهمیت و عظمت درمانی است که در این دارو وجود دارد و یا به این سبب است که بعضی از شفا، در آن قرار دارد» (طبرسی، ۱۴۱۵، ج ۳، ص ۴۰۰؛ ر.ک: نسفی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۲۱؛ ر.ک: حسنی واعظ، ۱۳۸۱، ص ۳۶۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲: ص ۶۱۹؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۴، صص



آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری نحل، جلسه (۷).

نقد و بررسی

با بررسی‌های دقیق موضوعات آیاتی که واژه «شفاء» در آن بکار برده شده و بر اساس اصول تفسیر و مشتقات واژه شفاء، تا ابعاد مختلف شفاء بودن قرآن نیز با شرايطی مطرح شده است، پس چگونه ما می‌توانیم از آیه ۶۹ سوره نحل این برداشت را داشته باشیم که عسل، بهبودی همه مراحل بیماری است و یا از این بالاتر که درمان همه بیماری‌ها باشد!؟ لذا جمله «فیه شفاءٌ للنَّاسِ» حدود و حصار برای شفا بخشى عسل قائل است. همچنین قرآن کریم نمی‌فرماید عسل (شراب) شفای است بلکه می‌فرماید: «در آن شفایی است»؛ از این نکته می‌توان این چنین مورد بهره‌برداری قرار داد که عسل یا فرآورده‌های زنبور، می‌تواند مواد خامی باشند که بر اساس ظرفیت درمانی، داروهای شفا بخش، برای درمان بیماری‌هایی که آن معجون دارا ست می‌باشد. شاید بعضی مفسران از جمله «فیه شفاءٌ للنَّاسِ» برداشت کل نموده باشند؛ لذا درباره واژه «کل» در قرآن، بسیاری از جملات مصدر به کل، قضیه کلیه منطقی نیست، بلکه کلیت عرفی دارد. شاید منظور از شفا بخشى واقعی و حقیقی تعدادی از بیماری‌ها توسط عسل، شامل عسل طبیعی که زنبور با وحی الهی از عصاره زیباترین قسمت یک گل یعنی شهد استفاده و فرآوری می‌نماید باشد، جایی که بهترین و مهمترین و همه مواد مورد نیاز گیاه برای تولید میوه و بذر در آن تجمع شده است. اینکه خداوند از عسل هم به عنوان ماده شفا بخش یاد کرده است شاید بخاطر مواد ترکیبی عسل، جامعیت قرآن جهت ترغیب و تلاش

مذکور برای درمان برخی بیماری‌ها مفید است. لیکن برای عده‌ای خاص که اعتقاد و ایمانشان در سطح بالایی است و به دلیل عنایت ویژه خداوند به این عده، برای تمام بیماری‌های آن‌ها شفا بخش خواهد بود». بنابراین طبق گفته دکتر نسیمی نتیجه می‌گیریم: از عنایت خداوند به عده‌ای خاص نمی‌توان حکم کلی را از آن نتیجه گرفت و نیز کلمه شفا را در آیه مذکور نکره می‌داند و چون نکره در مرحله اثبات است، از این رو نکره دانستن شفا و عدم اظهار منافع فواید طبی عسل، انگیزه مومنان را برای تلاش مضاعف در چارچوب کشف هرچه بیشتر فواید طبی عسل، بیشتر می‌کند». (دریایی، ۱۳۸۹، صص ۲۹۰-۲۹۱). برخی دیگر این احتمال را طرح کرده‌اند که تنوین شفاء، بر نوعیت دلالت کند یعنی «نوعی از شفا» در عسل نهفته است. (اشکوری، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۷۳۰). نسیمی اعتقاد دارد «چون پیامبر گرامی اسلام (ص) برای بیماری‌های دیگر نیز به سیاه‌دانه و حجامت و داروهای دیگر توصیه نموده است، دلالتی بر اینکه عسل، تنها داروی شفا و درمان بخش باشد، وجود نخواهد داشت؛ زیرا پیامبر به نیکی می‌داند که واقعیت‌های پزشکی نشان می‌دهد که عسل و یا هر ماده‌ای دیگر، نمی‌تواند به تنهایی دارویی برای همه بیماری‌ها باشد. منطقی عقل این اجازه را نمی‌دهد که آیا وجود بیماری‌های متعارض مانند فشار و سردرد را می‌توان با یک ماده (عسل) مداوا کنیم. پس نباید فکر کرد که عسل درمانی برای هر دردی است». (دریایی، ۱۳۸۹، صص ۲۹۰ - ۲۹۱). جوادی آملی نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که گاه عسل باید با مواد دیگر ممزوج شود تا «شفاءٌ للنَّاسِ» تحقق یابد». (جوادی



عسل را شربتی برای شفا دانسته که یا به تنهایی برای امراض بلغمیه و یا مختلط با غیر خود برای سایر امراض استفاده می‌نمایند». (کاشانی، ج ۵، ص ۲۰۳؛ ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۰؛ ص ۲۳۸؛ مجلسی، ج ۶۳، ص ۱۳۶۰، عاملی، ۱۳۶۰، ج ۵، ص ۲۹۷.۳۴۷). همچنین آورده اند: «عسل، موجب بهبود بیماری‌هایی همچون کم‌خونی، سوء هاضمه، التهاب دهان و ریه و مثانه و نیز بیماری‌های کبد و دیگر بیماری‌هایی که پزشکان گفته‌اند، می‌شود». (مغنیه، ۱۳۷۸، ج ۴، ص ۸۲۰). برخی گفته اند: «عسل به تنهایی شفاست، یا در حالی که با غیر خودش ترکیب شود، عسل هم برای مزاج گرم و هم برای مزاج سرد شفاست». (سلطان علی‌شاه، ۱۳۷۲، ج ۸، ص ۱۴۹).

معرفت آورده است: «عسل از نظر طب قدیم، اساس و پایه نگهداری سیستم بدن، مایه استحکام قوا و باعث تعامل و اعتدال مزاج مخالف است و موجب کیفیت بخشیدن قوای متقابل است که بازگشت سیستم سلامت، پس از عدم تعادل و بهبودی بدن، پس از آسیب دیدگی است» وی آورده: «عسل را در هضم آنزیم‌های گوارشی، کاهش اسیدیته بیش از حد معده، درمان پوکی استخوان، اسهال، جلوگیری از یبوست، مفید برای بیشتر بیماری‌های کبد و صفرا، سل، سرفه، برونشیت، آسم و پنومونی، ادم پلنگ و برای قرنیه، سوختگی چشم، خونریزی بینی مزمن، آکنه و فارنژیت موثر می‌داند». (معرفت، ج ۶، ص ۱۷۸). جوادی آملی در این باره گفته‌اند: «دانشمندان از طریق تجربه به این حقیقت رسیده‌اند که زنبوران به هنگام ساختن عسل، آن چنان ماهرانه عمل می‌کنند که خواص درمانی و دارویی گیاهان، کاملاً به عسل

بندگان برای استفاده از نعمت تفکر، جهت شناخت جهان مادی و تقرب الهی و خدمت به خلق باتعاون فکری انسان‌های مومن و رعایت اصول تولید عسل طبیعی از جمله؛ در اختیار قرار دادن مواد طبیعی برای زنبور عسل و ظهور ابعاد والاتر و بالاتر اهداف نزول این آیات، مد نظر باشد که علاوه بر دارای بودن همه مواد قندی، ویتامینی، پروتئینی و دیاستاز های لازم، ابعاد شفابخشی عسل که براساس کار آزمایشگاهی و بالینی قطعی میشود است، تأمین گشته و علاوه بر آن، مفهوم تسکین و آرامش انسان در تولید چنین عسلی تحقق یافته و الگویی خواهد شد برای دیگر زمینه‌های تحقیقاتی محیط زیست محور در جهت تعاون بین انسان، محیط زیست و طبیعت رام و مسخر انسان با هدف ایجاد محیطی سالم با غذایی سالم و ارگانیک (امیری، زنبورداری ارگانیک).

مصادیق فواید و شفابخشی محصول عسل از دیدگاه مفسران

عسل بخاطر ویژگی‌ها و مواد قندی متفاوت، واجد فواید غذایی می‌باشد؛ هم در قرآن و هم در احادیث اسلامی قابل اعتماد و کتب طبی قدیم بر این موضوع صحه گذاشته شده است. برخی از مفسران به مصادیق فواید غذایی و درمانی عسل اشاره نمودند. از جمله قرطبی نقل کرده است: «از ابن عمر نقل شده که او از دردی شکایت نکرد و با چیزی جز عسل، درمان نمی‌کرد؛ حتی دمل زخم را با عسل درمان کرد. همچنین نقل شده است که او با عسل به درمان چشم می‌پرداخت و یا با عسل سرمه می‌کشید و به طور کلی با عسل درمان انجام می‌داد». (قرطبی، ۱۳۶۴، ج ۱۰، صص ۱۳۵-۱۳۸). در منهج الصادقین،



منتقل شده و محفوظ می‌ماند! گذشتگان هر وقت پایشان هم زخم می‌شد برای دم‌لی، چشم درد، گوش درد یک قدری عسل می‌مالیدند». (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسات تفسیری نحل، جلسه ۷۵).

نقد و بررسی

با توجه به مطالب مفسران و نویسندگان اسلامی در زمینه زنبور عسل و عسل، باید یاد آور شد که این حشره، یکی از موجودات چرخه حیات است که خداوند برای تکمیل روند ادامه هرم حیات، خلق کرده است با ویژگی‌هایی که برای انجام وظیفه محوله، لازم داشته است. در گذشته به علت محدودیت اطلاعات علمی در زمینه آناتومی، فیزیولوژی و مرفولوژی زنبور، اطلاعات دقیقی وجود نداشت. مفسران متقدم، می‌توانستند در یک مشاهده میدانی به طور مستقیم به بررسی زندگی زنبور عسل و فرآورده‌های تولیدی توسط آن پرداخته و یا با سوال از تولیدکنندگان عسل، از روند تولید عسل تا حدودی واقف شوند تا بتوانند حقایق بهتری را ارائه نمایند؛ بلکه دستاوردهای والاتری نسبت به دیگر افراد جامعه داشته باشند. تعجب آورتر اینکه مفسران عصر حاضر نیز مطالبی بیان داشته اند که متناقض با ظاهر و معنای آیه است که می‌توانستند برای ارائه نظر صائب، از متخصصان علم حشره و زنبورشناسی پرس و جو نموده و یا با مطالعه در این زمینه به حقایق قطعی دست یابند؛ اما با این تئوری‌پردازی‌ها غیر منطبق با علوم قطعی، علاوه بر اینکه تناسب بین لازم و ملزوم در آیات الهی را رعایت نکرده و در بیان مقصود الهی از انزال آیات علمی، یا مجبور شده اند، سکوت نمایند یا مطالبی را بر اساس اطلاعات شخصی بیان دارند که بعداً بعثت

تناقض با علوم قطعی دچار اشتباه شده و به بی‌راهه رفته‌اند. در این زمینه محققان این عرصه بدون اینکه در رابطه با زنبور عسل و عسل، دریافت وحی گونه داشته باشند، در ارتباط با ریزترین موارد زندگی زنبور عسل و ترکیبات عسل، سال‌ها تحقیقات آزمایشگاهی و میدانی صورت دادند و حدود شفابخشی عسل را مشخص کردند؛ لذا باید گفت قسمت وسیعی از ابعاد و جزئیات زندگی زنبور عسل با همین کشفیات میدانی و آزمایشگاهی که کاربرد وسیعی در تفسیر آیات الهی داشته و دارد، حاصل شده است. در اینجا باید به این موضوع اشاره داشت که غالب مفسران «للنَّاسِ» را به معنای عموم مردم جهان تفسیر کرده‌اند؛ فارغ از اینکه چه مذهب و دینی داشته باشند؛ خواه مسلمان باشند و خواه نباشند. عده ای «للنَّاسِ را به مسلمانان و مؤمنان قید زده‌اند و این گروه را مورد خطاب آیه دانسته اند؛ به عبارت دیگر، شفابخشی عسل تنها بر آنها کارگر خواهد افتاد». (ابوالفتوح رازی، ج ۱۲، ص ۶۳، ر.ک: عاملی، ج ۵، ۳۴۷). به عبارت دیگر این دسته از مفسران از آنجا که نمی‌توانند شفابخشی عام عسل را بپذیرند، تخصیص را بر مصرف‌کنندگان عسل وارد کرده‌اند.

ارتباط تفکر و شفابخشی عسل

دلیل ذکر این فراز بلند «إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» به ابعاد اعجاز‌آمیز زندگی زنبور عسل در وحیانی بودن مسکن‌گزینی در اماکن مرتفع، آوردن واژه‌های «کلی»، «بَطُون» و «شَفَاء» نهفته است که انسان‌های عصر نزول تا همین امروز و حتی از دید برخی از مفسران نیز مغفول مانده است و به طور کلی و در حد گفتار مبهم و نه تفکر عمیق، گفته شده حیات زنبور عسل نشانه «یکتایی



و برداشت غلط از آیات قرآن واحادیث و یا اهداف منفعت طلبانه به نوشتن مطالب غیر علمی و توصیه های غیر پزشکی مشغول هستند که متأسفانه با مطالب قرآن و روایات اهل بیت (ع) سازگاری ندارد. پس تفکر در خلقت آفریده‌ها تکمله این مبحث است که خداوند در قرآن به همه علوم که حکم راهنما و تذکر را دارد. از جمله از زنبور عسل به عنوان نشانه‌هایی یاد می‌کند تا متفکران پی ببرند که تمام نعمت های الهی می‌تواند هر یک به نوعی برای انسان مفید باشد؛ ولی این انسان است که به واسطه خردی که خداوند بدو بخشیده است، باید تلاش کند تا با کنجکاو و پژوهش، به فواید و کاربردهای آفریده‌های خداوند پی ببرد.

تغذیه عسل طبیعی در پایداری عوامل زیست محیطی

در علوم تغذیه، عسل طبیعی مثل خیلی از مواد غذایی دارای خواص و کارکرد های پیشگیرانه می‌تواند باشد لذا بیان مطالب ذیل برای تشریح و تنویر ویژگی غذایی و تاثیر عسل طبیعی در بدن در حالت عادی است و نشان دهنده درمان کنندگی بیماری ها بطور مطلق نمی‌تواند مد نظر قرار گیرد. در عسل و شهد، وجود سه عامل قدرت اسیدی، فشار اسمزی و خاصیت ضد میکروبی بخش عمده فعالیت ضد میکروبی را بر عهده دارند. قدرت اسیدی عسل بین ۲/۳ تا ۴/۵ می‌باشد؛ این میزان، به تنهایی قادر به جلوگیری از رشد بسیاری از باکتری ها خواهد بود. از بین اسیدهای یافت شده در عسل، گلوکونیک اسید، بیشترین مقدار را به خود اختصاص داده است. عسل، محلولی فوق اشباع از کربوهیدرات هاست. چنین حالتی، عسل را به

خداوند» (عاملی، ج ۱۴، ص ۹۵)؛ «عبرت‌گیری» (ثعلبی، ۱۴۲۲ ه. ق، ج ۶، ص ۲۹؛ ر.ک: قرطبی، ج ۱۰، ص ۱۳۵)؛ «دلالتی روشن برای فکرکنندگان» (ابوالفتوح رازی، ج ۱۲، ص ۶۴؛ ر.ک: عاملی، ج ۳، ص ۲۶۳، ج ۱۴، ص ۹ و ۱۰)؛ «شاهدی برای درک یقین» (قرطبی، ج ۱۰، ص ۱۳۵)؛ «آیت و حجتی برای تفکرکنندگان» (نسفی، ج ۱، ص ۵۱۷؛ ر.ک: کاشانی، ج ۵، ص ۲۰۴؛ طباطبایی، ج ۱۰، ص ۲۲۵)؛ «خداشناسی با منطق صحیح» (جرجانی، ج ۲، ص ۵۴۶)؛ «نشانه‌ای، برای اندیشه گروهی درباره آفرینش خداوند حکیم و دانا و زیبایی‌ها و شگفتی‌های آن» (مغنیه، ج ۴، ص ۸۲۰)؛ «افزودن علم، دانش و ایمان در آثار مخلوقات با فکر، تدبیر و نظر نمودن» (امین، ج ۷، ص ۲۱۳)؛ «دلیل بر نفوذ مشیت حق در اداره جهان، علامت، آیت و نشانه توحید و معاد» (قرشی، ج ۷، ص ۳۶)؛ «برانگیختن فکرها توسط اقدس الهی باعث قبول دین» (جوادی آملی، ۱۳۹۰، جلسه ۷۴)؛ «نشانه روشنی از عظمت و قدرت پروردگار برای اندیشمندان» (مکارم شیرازی، ج ۱۱، ص ۵۸۱)؛ «پی بردن به فواید و کاربردهای آفریده‌های خداوند» (ایزانلو، صص ۸۱ - ۹۴) است که بعضی از این مطالب می‌تواند از اهداف نزول این آیات علمی، به دور باشد!

نقد و بررسی

اگر مفسران و نویسندگان اسلامی با دقت بیشتر، استنباطات خویش را در زمینه زنبور عسل و عسل، در عرصه میدانی نسبت به زمانه محک می‌زدند به دستاورد هایی مطابق با حقایق و واقعیات این حشره نزدیک تر می‌شدند. از سوی دیگر، عده‌ای به اصطلاح اطبای طب اسلامی بر اساس دیدگاه افراطی



عسل گردش خون در رگها را تسریع می‌بخشد و موجب تولید آنتی اکسیدان‌های خاصی در بدن انسان می‌شود. این امر در دویست و بیست و هفتمین نشست جامعه دارویی آمریکا، به اثبات رسید». (کرمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۷۳).

تطابق زیست محیطی خواص و کاربرد پیشگیرانه عسل با علم پزشکی

امروزه علم پزشکی به خاصیت پیشگیرانه عسل برای جلوگیری از بروز برخی از بیماری‌ها و پایداری سلامت طبیعی انسان پی برده است. لازم به تذکر است که باید بین خاصیت پیشگیرانه یک ماده غذایی و حیطة درمان‌کنندگی آن تفاوت قائل شد این قاعده برای عسل نیز صادق است. «عسل یک آنتی اکسیدان بیولوژیک و در مقابل اکسیداسیون لیپوپروتئین‌ها قندها مؤثرترند». (فرسی، ۱۳۸۳، ص ۱۳). «به طور کلی عسل‌های تیره‌تر، حاوی آنتی اکسیدان‌های بیشتری هستند و قدرت بازدارندگی (ضد باکتریایی) بیشتری دارند. اجزای پراکسیدی (هیدروژن پراکسید) و هم چنین غیر پراکسیدی (آنتی اکسیدان‌ها) موجود در عسل در ممانعت از رشد شیگلایسون‌های لیستریا منوستیوژنز، استافیلوکوکوس اورئوس و باسیلوس سرئوس نقش دارند. عسل غنی از آنتی اکسیدان‌های آنزیمی و غیر آنزیمی، از جمله کاتالاز، اسید آسکوربیک، فلاونوئیدها و آلکالوئیدها می‌باشد. آنتی اکسیدان‌ها با صدمات حاصله از عوامل اکسید کننده در غذاها و در بدن انسان مقابله می‌کنند». (همان، صص ۲۲-۲۳). «در تحقیقات دپارتمان بیولوژی گیاهی و حشره شناسی دانشگاه ایلینویز، بالاترین ظرفیت آنتی اکسیدان مربوط به عسل گندم سیاه و پایین‌ترین ظرفیت مربوط به عسل

صورت محیطی با فشار اسمزی بالا در آورده است. هنگامی که یک موجود تک سلولی وارد چنین محیطی شود، اختلاف فشار اسمزی، به حدی بالاست که موجود تک سلولی به سبب خاصیت اسمزی، آب خود را از دست می‌دهد و ادامهٔ آبیگری، در نهایت موجود زنده را خواهد کشت» (پویان، ۱۳۸۸). اجزای اصلی ترکیب شیمیایی عسل شامل: «آب، قند های فروکتوز، گلوکز، ساکاروز، مالتوز، آمیلاز، کاتالاز، فسفاتاز، گلوکز اکسیداز و...، پروتئین، اسید آمینه های کلین، استیل کلین، مواد معدنی، نمک های سدیم، پتاسیم، کلسیم، آهن، منگنز، مس، منیزیم و فسفات ها، دیاستازها، ویتامین های ب ۱، ب ۲، ب ۳، ب ۵، ب ۶، کاه‌سی، ائی، نیاسین، پریدوکسین و سایر مواد دیگر می باشد. ویتامین های سی، ائی و بتا کاروتن از مشهورترین آنتی اکسیدان‌ها هستند» (پویان، ۱۳۸۸). «عسل به لحاظ داشتن برخی مواد تخمیری آمیلاز، اینورتاز، کاتالاز و پراکسیداز در تبدلات غذایی و کمک به هضم غذا بالاترین مرتبه را در میان غذاها دارد. عسل دارای اسیدهای آلی مثل اسید فرمیک و مشتقات کلروفیل و مقداری آنزیم و رایحه‌های معطر است». (کرمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۷۲). «انورتاز خاصیت آنتی اکسیدانی داشته، توسط زنبورها به صورت گلوکوانورتاز یا فروکتوانورتاز به شهد اضافه می‌شود. دیاستاز (آمیلاز)، هضم کربوهیدرات‌ها را تسهیل کرده و زنجیره‌های نشاسته را به دکسترین و مالتوز تبدیل می‌نماید. دیاستاز در هنگام عمل‌آوری شهد توسط زنبورها به شهد اضافه می‌شود. نگهداری طولانی عسل و حرارت بالا منجر به بی اثر شدن این آنزیم می‌شود». (فرسی، ۱۳۸۳، ص ۴). مصرف روزانه یک قاشق



دارای التهاب گوارشی میکروبی می‌باشند، کوتاه می‌نماید و از مخاطات آسیب دیده محافظت و با تحریک جریان خون در آن و عمل ضد التهابی ناشی از خاصیت ضد اکسیدانی، رشد سلول‌های پوششی جدید را تحریک و مخاطات آسیب دیده را درمان نماید» (فرسی، ۱۳۸۳، ۱۳).

« سه نوع تغذیه مختلف شامل آب سیب، عصاره ریشه و گلهای شیرین بیان برای زنبورها در نظر گرفته شد. عسل سیب، خواص آنتی اکسیدانی بیشتری از خود نشان داد. تغذیه زنبورها با گیاهان دارای مواد مؤثره باعث ایجاد تحول در بخش تولید عسل دارویی و ارتقای سلامت جامعه میگردد. فعالیت ضد میکروبی عسل شیرین بیان در مقایسه با آنتی بیوتیکهای مورد استفاده، بجز سیپروفلوکساسین، بیشتر بوده است. بیشترین فعالیت ضد میکروبی عسلهای مورد استفاده در این آزمون علیه باکتریهای لیستریا و سودوموناس به ترتیب مربوط به عسل شیرین بیان، سیب و سپس عسل مرتعی دیده شد. ترکیبات فنلی سیب در پیشگیری از بسیاری از بیماریهای رایج مانند برخی از سرطانها و بیماریهای قلبی عروقی موثر میباشند. با توجه به ظهور سوشهای مقاوم به اکثر آنتی بیوتیکها و عوارض جانبی آنتی بیوتیکها، وجود خواص ضد میکروبی عسل و نداشتن عوارض جانبی، ترکیب عسل و عصاره گیاهانی که دارای فعالیت آنتی باکتریال و آنتی اکسیدان به طور طبیعی هستند، می تواند در این مورد خاص راهگشا باشد و تولید این نوع عسل با استفاده از گیاهان دیگر با خواص درمانی متفاوت پیشنهاد میشود» (امین سلاخورزیان و همکاران، ۱۳۹۴). همچنین در تحقیق دیگر

مریم گلی بود». (همان، ص ۱۳). « عسل رقیق شده، از رشد میکروب هایی که به فعالیت آبی حدود ۰/۹۹ نیاز دارند، جلوگیری می‌کند». (همان، صص ۹ و ۱۰). « تحقیقات نشان داده که باکتری هلیکو باکتر پیلوری به عنوان عامل زخم معده نسبت به عسلهایی با قدرت ضد میکروبی متوسط در غلظت ۲۰٪، به دلیل حضور پراکسید هیدروژن و به عسل مانوکا نیز در غلظت ۵٪ پاسخ داده است». (همان، ص ۱۳).

نقش کاربردی و پیشگیرانه مصرف عسل در بهبود برخی بیماری ها

عسل به خاطر تسریع و ترمیم ضایعات بافتی و کاهش التهاب در بهبودی بیماری آرتریت روماتوئید موثر است». (کرمی و همکاران، ۱۳۹۱، ص ۲۷۰). «محققان دانشگاه منچستر و مرکز تحقیقات آرتریت طی بررسی روی بیست و پنج هزار نفر به مدت هشت سال، تاثیر رژیم غذایی را بر آرتریت مشاهده کردند. آرتریت (MS) حتی درمان با نیش زنبور نیز برای بیماران روماتوئید اثرات فوق العاده ای داشته است که به افزایش استقامت، کاهش خستگی و همین طور کاهش تشنج و انقباض عضلات می توان اشاره کرد» (همان، ص ۲۷۳). « عسل برای از بین رفتن نفخ و باد سیستم گوارشی (سوء هاضمه، زخم اثنی عشر و روده بزرگ)، ترمیم انواع جراحات، زخم، سوختگی پوست به صورت پانسمان گاز استریل، درمان اسهال و از بین بردن میکروبها، و تسریع بهبود بیماری کنترل ادرار در کودکان مفید است» (عبدالباسط خلیل، ۱۴۳۲، صص ۳۵۹-۳۶۰).

«عسل با غلظت ۵٪، در مقایسه با درمانهای معمولی، دوره اسهال را در مریضهایی که



« کلیوی و کاهش بیماری‌های آن می‌انجامد »
(سازگار و همکاران، ۱۳۹۶).

با توجه به نقش زنبور عسل متاسفانه « کشاورزان به دلیل نا آگاهی از خطرات کاربرد بی رویه سموم گیاهی، موجب کاهش شمار زنبوران عسل و همچنین آلوده شدن محصولات خود و دیگران میشوند. افزایش مصرف سموم موجب به هم خوردن تعادل زیست محیطی، تخریب منابع طبیعی و باقیماندن مواد در عسل میشود. واکر (۱۹۹۳) در تجزیه نمونه‌های عسل از ۷۵ پرورش دهنده نشان داد احتمال باقیماندن بیش از ۹۰ درصد فنل در عسل وجود دارد. فرناندر (۱۹۹۷) نشان داد که تجزیه ۱۰۱ نمونه عسل وازگالیسیا (اسپانیا) نشان دهنده وجود فلووالینات و پرومویلات در عسل بود. مطالعات سوگول و همکاران (۲۰۰۰) نشان دهنده باقیمانده کنه کشتهای مالاتیون، کومافوس و فلووالینیت در عسل بود. بیاسکو و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند هپتوفوس در ۱۶ درصد نمونه‌ها، متیداتیون در ۴ درصد نمونه‌ها و داتیون در ۲ درصد نمونه‌ها دیده شد. نتیجه تجمع بعضی از این مواد، انواع سرطانها، اختلالات دیگر، ایجاد جهش در موجودات، تولد افراد ناقص الخلقه، آلرژی و ... خواهد بود. (بایوردی و قره داغی). در کشور ما به دلیل رعایت عدم کاربرد دز صحیح، تیمار و تکرار سموم طی چندین سال و با توجه به تجمع زیستی (Bioaccumulation) بعضی از این مواد، خطر بر هم زدن تعادل بیولوژیک و باقیماندن مواد در داخل محصولات تولیدی وجود دارد که با برنامه ریزی دقیق و استفاده از قوانین مواد غذایی (Codex) و سازمان بهداشت جهانی

« حداقل غلظت افزودنی برای مهار رشد در مورد عسل های حاوی عصاره ونشاسته زنجبیل و عصاره های نعناع ، آویشن کاهش یافت . پسودوموناس اثر وینوزا نسبت به سایر ارگانسیم ها ، حساسیت بیشتری به عصاره زنجبیل نشان داد و اثر عسل و نشاسته زنجبیل بر کاندیدا آلبیکنس و آسپرژیلوس به طور معنی دار موثر بوده و حداقل اثر مهارکنندگی عسل بر دو باکتری به ترتیب در غلظت های ۴۲ و ۴۶ گزارش شد . پس از افزودن نشاسته زنجبیل به عسل حداقل اثر مهار کنندگی آن بر کاندیدا آلبیکنس و آسپرژیلوس به ترتیب به ۲۸ و ۳۸ درصد کاهش یافت» (کیانوش خسروی دارانی و همکاران، صص ۲۳ و ۲۴). یکی دیگر از نقش های بهبود عسل ، نحوه عملکرد عسل بر روی زخم است «از آنجا که عسل یک پوشش نمدار بر روی زخم بوجود می‌آورد، به ترمیم زخم کمک می‌کند. هم چنین ویسکوزیته بالای آن یک سد حفاظتی بر روی زخم ایجاد نموده و از ایجاد عفونت، جلوگیری می‌نماید» (شایسته آذر و همکاران، ۱۳۹۴، ص ۴۹). بعد دیگر کاربرد عسل « اثربخشی در پیشگیری از سنگ کلیه با وجود آنتی‌اکسیدان‌های موجود در این ماده است که با جلوگیری از تولید رادیکال‌های آزاد در کلیه و با دخالت در فرایند هسته‌سازی و رسوب کریستال‌های اگزالات کلسیم، از رشد آن‌ها در توبول‌های کلیه جلوگیری می‌کند. افزودن عسل به جیره غذایی ، ساخت پروتئین معروف «آلبومین» که از شاخص‌های مهم سنجش فعالیت کبد است و با افزایش در فعالیت کبد، به دفع سموم از بدن کمک کرده و در نتیجه به افزایش فعالیت



متعدد و بی شماری داشته و دارد که به تدریج مشخص و مشهود شده و می شود.

ج- ساختن سلول‌های مسدوسی توسط زنبور عسل، با دخالت هوش، عقل و ذکاوتی است که از دیدگاه زیست محیطی، قانون خلقت، زمینه این نظم را فراهم آورده که علاوه بر ابعاد اعجازی و مرتبط با آن، جنبه‌های مختلف کاربردی آن چون؛ یکی از محکمترین سازه‌های هندسی با ویژگی‌های استفاده از فضا مهندسی شده و ظرفیت پذیرش مایع بیشتری برای عسل، الگوی بدیع برای بشر از ابعاد بهره‌وری بیشتر از ظرفیت آفرینش همه موجودات، پی بردن به حکیمانه و عالمانه بودن خلقت عالم و تقویت ابعاد معنوی علم و حکمت وحیانی و توحیدی، توجه عمیقانه به آیات علمی و حفظ محیط زیست، جهت ادامه حیات و بقای نوع بشر باشد.

د- برداشت علمی از «كُلِّ الثَّمَرَاتِ» به دستور الهی، در بهره برداری از ارزشمندترین قسمت گل و گیاه یعنی شهد، که نتیجه و ثمره و عصاره و همه مواد لازم برای میوه و بذر شدن و وجود و حیات نسل آینده گیاه به همان بذر و هسته و تخم داخل میوه وابسته است، یکی دیگر از آموزه‌های نزول این فراز می تواند باشد و واژه «کل» علاوه بر موضوع فوق الذکر، شاید اشاره به منافع و تاثیرات مثبت مکیدن از شهد گل‌های خاص توسط زنبور عسل برای گیاهان داشته باشد که با این عمل در تهیه گیاه برای ایجاد شهد تازه، آن هم در جهت تولید میوه با خاصیت بیشتر، اندازه بزرگتر، عطر و بوی طبیعی تر یا تولید بذر درشت تر و بیشتر با قوه نامیه بادوام تر باشد.

(WHO) و مدیریت تلفیقی آفات (IPM) می توان علاوه بر حفظ چرخه محیط زیست، موجب تولید محصولی سالم شویم.

نتیجه‌گیری

الف- از زمان آفرینش زمین، گیاهان و جانوران، بشر با راهکارهای هدایتی و الگوگیری از آفریده‌های عالم، روش‌های لازم را برای تطابق با محیط زیست از جمله توجه و الهام از زندگی زنبور عسل و فائق آمدن بر مشکلات محیط خویش، با ارزان‌ترین، سریع‌ترین، بهترین و قابل اعتمادترین شیوه، ساخت سازه‌های انسانی را کسب نموده و این روند ادامه دارد؛ پس این دستاورد تجربی و علمی گرانبگی است که می تواند در زندگی بشر جاری و ساری گردد.

ب- تطابق علمی و زیست محیطی عملکرد زنبور عسل در نظم و ترتیب لانه‌گزینی درکوهها، روی درختان و زیر داریست ها، با ترتیب و چینش آیه ۶۸ و ۶۹ نحل، انسان خردمند را به ابعاد اعجاز عالمانه و حکیمانه بودن وحی الهی و علمی و عقلی بودن این آیات رهنمون می سازد که از دستاوردها و اهداف تفسیر علمی آیات، نشأت گرفته که با استخدام مباحث قطعی علوم روز، می توان در فهم و تبیین بهتر این آیات با رعایت معیارها و ضوابط روش‌های تفسیری نائل آمد.

پس تفکر در خلقت آفریده‌های خداوند حکم راهنما و تذکر را دارد؛ از جمله از زنبور عسل به عنوان نشانه‌هایی یاد می‌کند تا متفکران پی ببرند که تمام نعمت‌های الهی از جمله تولید عسل طبیعی و سالم در دامن طبیعت، می‌تواند هر یک به نوعی برای انسان مفید باشد. بنابر این خلقت موجودات عالم، اهداف



زمین و هوشی جمعی در زنبور عسل را با فراز «فَاسْلِكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا» تطبیق داد؛ بنابراین این زنبور باید دارای سامانه‌های خاصی باشد که بتواند امتثال اوامر الهی نماید. در نتیجه باید بگوییم عملکرد زنبور بر اساس وحی اقتضایی که اختصاص به این موجود دارد، قابل درک و تبیین خواهد بود؛ یعنی به زنبور عسل نوعی اختیار در عملکرد داده شده است. ط- حکیمانانه بودن نزول فراز «فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» حیطة شفابخشی عسل را از ابعاد اعجازی، ادبی، اصول تفسیر، علمی، طبی، چنان مبرهن ساخته که باید هر حدیث یا سخن دیگر را بر اساس آن سنجید که قرآن کریم نمی‌فرماید عسل (شراب) شفایی است بلکه می‌فرماید: «در آن شفایی است»؛ یعنی عسل یا فرآورده‌های زنبور، می‌تواند ترکیبی از مواد خامی باشند که بر اساس ظرفیت درمانی، داروهای شفابخش، برای درمان بیماری‌هایی که آن معجون داراست می‌باشد. شفابخشی عسل شاید بخاطر جامعیت قرآن جهت ترغیب و تلاش بندگان برای استفاده از نعمت تفکر، جهت شناخت جهان مادی و تقرب الهی و خدمت به خلق باتعاون فکری انسان‌های مومن و رعایت اصول تولید عسل طبیعی از جمله؛ در اختیار قرار دادن مواد طبیعی برای زنبور عسل و ظهور ابعاد والاتر و بالاتر اهداف نزول این آیات و مد نظر داشتن حفاظت از محیط زیست، با هدف ایجاد محیطی سالم با غذایی سالم و ارگانیک بر اساس دستاوردهای علمی بشر، باشد؛ لذا برداشتهای ناروا از آیات قرآن کریم، نه تنها فایده‌مند نیست بلکه به حیثیت قرآن آسیب می‌رساند و به اعتقادات دینی مردم، مخصوصاً جوانان نیز لطمه می‌زند.

ر- یکی از ابعاد اعجاز آیه ۶۹ نحل، که خدای متعال در نزول آن تذکر داده و قبل از زمان پیامبر (ص) مکشوف نبوده در فعل «کَلِي» نهفته است که مؤنث است. افزون بر مؤنث بودن واژه نحل در زبان عربی، استفاده از جنس مؤنث برای زنبور «فَاسْلِكِي و کَلِي»، نشان می‌دهد که شهد و گرده توسط زنبور کارگر یا سرباز مؤنث صورت می‌گیرد. بنابر این برای انسان خردمند مومن، دقت در این آیه‌ها و نشانه‌ها، باعث افزونی ایمانش به خداوند و پی بردن به حکمت تطبیق زیست محیطی و علمی و ابعاد وحیانی این انتخاب خواهد بود.

س- فواید و تأثیرات گرده افشانی، به عنوان مهمترین، بهترین و با ارزش ترین عمل زنبور عسل، یکی از دلایل خلقت این حشره با توجه به ابعاد وحیانی آیات مورد بحث و تحقیقات علمی می‌تواند باشد؛ که از مصادیق این عمل، ارزش ۹۰ برابری گرده افشانی زنبور عسل در بخش زراعت و منابع طبیعی نسبت به دیگر تولیدات زنبور عسل، وابستگی مستقیم یا غیر مستقیم حدود یک سوم از کل غذای انسان به گیاهانی که به وسیله حشرات گرده افشانی می‌شوند که تقریباً ۸۰ درصد گرده افشانی به وسیله زنبور عسل انجام میشود، خواهد بود و همزیستی مسالمت آمیز و پایداری محصولات کشاورزی و حفظ محیط زیست را به ارمغان می‌آورد، در غیر این صورت کاهش میزان تولیدات گیاهی، ناقص، کوچک، ضعیف تر شدن دانه‌ها به مرور زمان، افت کیفیت، کمیت، جذابیت، عطر و رنگ میوه‌ها را به همراه دارد.

ص- شاید بتوان داشتن غدد مختلف و حواس بینایی، بویایی، چشایی، سنجش گرما و زمان شناسی و پیچیده ترین زبان نمادین روی کره



و کاهش گلپا، تا سال ۲۰۳۵ حتمی است. قطعاً تغییر در عملیات کشاورزی، کاهش علفزارها رابطه مستقیمی با کاهش و بقای تعداد زنبورهای عسل دارد. تا امروز یک گونه از زنبورهای عسل منقرض شده و بیش از ۹ گونه دیگر در معرض خطر انقراض قرار دارند. بنابراین با اندکی تامل منصفانه، می‌توان به عمق فاجعه انسانی و زیست محیطی کاهش جمعیت زنبورها برای انسان‌ها عصر حاضر و نسل‌های آینده پی برد که با برنامه ریزی و مدیریت‌های صحیح گسترش زیانهای ناشی از این بحران را تا حدودی کاهش داد.

ع- تغییر اقلیمی کره زمین، تأثیر ویرانگری بر کاهش سریع جمعیت زنبور عسل در نیمکره شمالی گذاشته است. «سازمان ملل متحد هشدار داده نسل اکثر گونه‌های زنبور و دیگر حشرات و پرندگان گرده افشان رو به کاهش و در حال انقراض است؛ لذا به عنوان پیشنهاد، سازمان حفاظت محیط زیست زنبورعسل را در لیست گونه‌های حمایت شده خود جای دهد و برداشت عسل طبیعی را غیر قانونی اعلام کند. دانشمندان می‌گویند: انقراض زنبورعسل به دلیل گرمایش جهانی، استفاده کشاورزان از سموم دفع آفات

منابع

۱. آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق)، «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۲. ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق)، «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ اول.
۳. ابوالفتح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق)، «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، آستان قدس رضوی، مشهد، چاپ اول.
۴. ابوحجر، احمد عمر، «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان»، بیروت، دار قتیبه، ۱۴۱۱ق، ص ۲۰۹-۲۱۰؛ نفیسی، شادی، «تفسیر علمی»، دانشنامه جهان اسلام، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، ۱۳۸۲ش، ج ۷، صص ۶۵۹-۶۶۰، چاپ اول.
۵. اسدی، احسان (۱۳۹۶)، «نقش زنبور عسل بر محیط زیست»، جهان اقتصاد، کد خبر ۵۴۵۲۸۲، کانال خبری ایلنا.
۶. اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، «تفسیر شریف لاهیجی»، مصحح: جلال‌الدین محدث، تهران، دفتر نشر داد، چاپ اول.
۷. امیری، محمد، «عسل ارگانیک»، سازمان جهاد کشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد، مدیریت هماهنگی ترویج کشاورزی.
۸. امین سلحورزیان و همکاران (۱۳۹۴)، «فعالیت آنتی اکسیدانی و خاصیت ضد میکروبی دو نوع عسل حاصل از تغییر در جیره غذایی زنبور»، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی لرستان، دوره هفدهم، شماره ۳، مسلسل ۶۵.
۹. امین، نصرت بیگم (بی تا)، «تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن»، بی جا، بی تا.
۱۰. ایزانلو، امید (۱۳۹۵)، «بررسی کلمه شفاء در قرآن»، دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن کریم، سال هفتم، شماره اول.
۱۱. پویان، حکیمه (۱۳۹۳)، «زندگی اسرار آمیز زنبور عسل»، مبلغان، شماره ۳۵، قم، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۲. یابوردی، سیما و قره داغی، اکرم، «نقش کاهش مصرف سموم در ارتقای کیفیت و سالم سازی غذا»، ماهنامه سنبله، ۹۸، مرکز تحقیقات کشاورزی و منابع طبیعی استان آذربایجان شرقی.
۱۳. بهرام پور، ابوالفضل (۱۳۸۷ش)، «تفسیر یک جلدی قرآن کریم»، تهران، آوای قرآن.
۱۴. بکری، امین (۱۳۹۳ق)، «التعبیر الفنی فی القرآن»، بیروت، دار الفکر، ص ۱۲۵. چاپ اول.
۱۵. تقوی زاد، راضیه (۱۳۹۰ش)، «شفابخشی عسل در قرآن و احادیث»، دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری.
۱۶. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، «الکشف و البیان»، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.



۱۷. جرجانی، ابوالفتح بن مخدوم (۱۳۶۲ش)، «تفسیر شاهی او آیات الأحکام»، تهران، نوید، چاپ اول.
۱۸. جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ق)، «جلاء الأذهان و جلاء الأحران (تفسیر گازر)»، تهران، دانشگاه تهران، ایران، چاپ اول.
۱۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷ش)، «تفسیر تسنیم»، قم، اسراء، چاپ اول.
۲۰. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰)، «جلسات تفسیری سوره نحل»، بنیاد بین المللی و حیاتی اسراء.
۲۱. حسنی واعظ، محمود بن محمد (۱۳۸۱ش)، «دقائق التأویل و حقائق التنزیل»، تهران، مرکز پژوهشی میراث مکتوب، چاپ اول.
۲۲. حسینی همدانی، محمد (۱۴۰۴ق)، «انوار درخشان در تفسیر قرآن»، ناشر: لطفی، ایران- تهران، چاپ اول.
۲۳. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، «تفسیر نور الثقلین»، مصحح: هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان، چاپ اول.
۲۴. خاکسار، رامین و همکاران، «تاثیر ضدکاندیدی و ضدباکتریایی مخلوط عسل و عصاره های گیاهی»، دانشگاه شهید بهشتی.
۲۵. خرم‌دل، مصطفی (۱۳۸۴ش)، «تفسیر نور (خرم دل)»، تهران، احسان، چاپ چهارم.
۲۶. خسروانی، علیرضا (۱۳۹۰ق)، «تفسیر خسروی»، تهران، کتاب فروشی اسلامیة، چاپ اول.
۲۷. دانشکده دامپزشکی گرمسار (۱۳۹۰)، «همه چیز در باره ی زنبور عسل زنبور»، کد خبر: ۵۷۴۵۸، ۲۹.
۲۸. دن چارلز (۲۰۱۸)، نقش زنبور عسل در محیط زیست ترجمه آیدین ظریف.
۲۹. دریایی، محمد (۱۳۸۹ش)، «معجزات درمانی عسل و انگبین‌ها بر اساس طب النبوی و طب الائمه و دانش روز»، تهران، انتشارات یاس بهشت، چاپ دوم.
۳۰. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۹ش)، «ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن»، مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا، تهران، نشر مرتضوی.
۳۱. رومی، فهد بن عبدالرحمان (۱۴۰۷ق)، «اتجاهات التفسیر فی القرن الرابع عشر»، ریاض، مؤسسه الرساله، چاپ اول.
۳۲. ریسی سرحدی، غفت (۱۳۹۷)، «نقش زنبور عسل بر محیط زیست، سلامت و اقتصاد کشور»، همایش ملی فرآورده های زنبور عسل از منظر زیست شناسی، سلامت و اقتصاد، اصفهان.
۳۳. زرکشی، محمد بن بهادر (۱۴۱۰ق)، «البرهان فی علوم القرآن»، بیروت، دار المعرفة، چاپ اول.
۳۴. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق)، «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل»، بیروت، دار الكتاب العربی، چاپ سوم.
۳۵. زنبور عسل (۲۰۲۱)، ویکی‌پدیا، دانشنامه آزاد، بنیاد ویکی مدیا.
۳۶. سازگار و همکاران (۱۳۹۶)، «عسل در کم‌اثر کردن مضرات نانوذره‌ها چه تاثیری دارد؟» مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی تهران، کد خبر: ۳۹۷۴۶۳.
۳۷. سلیم، مینا و وکیل باغمیشه، محمدتقی، «طراحی کنترلر PID با استفاده از الگوریتم ملکه زنبور عسل»، دانشگاه تبریز.
۳۸. سید کریمی حسینی، عباس (۱۳۸۲ش)، «تفسیر علیین»، قم، اسوه، چاپ اول.
۳۹. سلطان علی‌شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۷۲ش)، «بیان السعادة فی مقامات العبادة»، مترجم: خانی، رضا؛ ریاضی، محمد، سر الاسرار، تهران، چاپ اول.
۴۰. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی‌بکر (۱۴۰۴ق)، «الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور»، قم، کتابخانه حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی، چاپ اول.
۴۱. شاه عبدالعظیمی، حسین (۱۳۶۳ش)، «تفسیر اثنی عشری»، ناشر: میقات، تهران، چاپ اول.
۴۲. شایسته آذر، مسعود و همکاران (۱۳۹۴)، «دیدگاه اسلام و طب سنتی و مدرن درباره عسل»، مجله تعالی بالینی، دوره چهارم، شماره ۱.
۴۳. صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ش)، «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن والسنة»، ناشر: فرهنگ اسلامی، قم، چاپ اول.
۴۴. طالقانی، محمود (۱۳۶۲ش)، «پرتوی از قرآن»، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
۴۵. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۷۴ش)، «ترجمه تفسیر المیزان»، مترجم: موسوی، محمد باقر، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه، چاپ پنجم.
۴۶. طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، «تفسیر القرآن، العظیم»، اردن، دار الكتاب الثقافی، چاپ اول.
۴۷. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۵ق)، «مجمع البیان»، به کوشش گروهی از علماء، بیروت، علمی، چاپ اول.



۴۸. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۴۱۲ق)، «تفسیر جوامع الجامع»، مصحح: گرجی، ابوالقاسم، قم، حوزه علمیه.
۴۹. طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۶ش)، «جامع البیان»، تهران، توس، چاپ دوم.
۵۰. طنطاوی بن جوهری (۱۴۱۲ق)، «الجواهر فی التفسیر القرآن الکریم»، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۵۱. طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، «التبیین فی تفسیر القرآن»، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
۵۲. طبیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش)، «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران، اسلام، چاپ دوم.
۵۳. عاملی، ابراهیم (۱۳۶۰ش)، «تفسیر عاملی»، مصحح: غفاری، علی اکبر، تهران، کتاب فروشی صدوق، چاپ اول.
۵۴. عباسی، مهرداد (۱۳۸۲ش)، «دانشنامه جهان اسلام»، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی، چاپ اول.
۵۵. عبدالباسط خلیل محمد الدرویش (۱۴۳۲ق)، «الطب النبوی فی نسجه جدید»، بیروت، المكتبة العصرية، چاپ اول.
۵۶. علی نژاد، مرضیه (۱۳۹۹)، «حقایق درباره زندگی حیرت‌انگیز زنبور عسل»، پایگاه داده مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور.
۵۷. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، «کتاب التفسیر عیاشی»، تهران، چاپخانه علمیه.
۵۸. فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق)، «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)»، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ سوم.
۵۹. فرسی، محمد، «۱۳۸۳ش»، (عسل و نقش آن در سلامتی انسان)، سازمان دامپزشکی کشور - دفتر مبارزه با بیماری‌های طیور زنبور عسل و کرم ابریشم.
۶۰. قاسمی خادمی، تقی (۱۳۹۵)، «خانه زنبور عسل از دیدگاه قرآن، علم بیولوژی و معماری بیونیک» (قرآن و علوم زیستی/ ۲۳)، کد خبر: ۳۵۱۳۸۳۷، خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا).
۶۱. قاسمی، جمال‌الدین (۱۴۱۸ق)، «تفسیر القاسمی المسمی محاسن التأویل»، بیروت، دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۶۲. قرائتی، محسن (۱۳۸۸ش)، «تفسیر نور»، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ اول.
۶۳. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۵ش)، «تفسیر احسن الحدیث»، تهران، بنیاد بعثت، چاپ دوم.
۶۴. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۱ش)، «قاموس قرآن»، تهران دارالکتب الإسلامیه، چاپ ششم.
۶۵. قرطبی، محمد بن احمد (۱۳۶۴ش)، «الجامع لأحكام القرآن»، تهران، ناصر خسرو، چاپ اول.
۶۶. کاشانی، فتح‌الله بن شکرالله (بی تا)، «منهج الصادقین فی إلزام المخالفین»، تهران، اسلامیه، چاپ اول.
۶۷. کاشفی، حسین بن علی (بی تا)، «تفسیر حسینی (مواهب علیه)»، سراوان، کتاب فروشی نور، چاپ اول.
۶۸. کریمی، محمود همکاران (۱۳۹۱)، «ارزیابی اثر بخشی عسل در بیماری مزمن آرتریت روماتوئید»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، سال سوم، شماره سوم.
۶۹. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، «بحار الأنوار»، بیروت، مؤسسه الوفاء، چاپ اول.
۷۰. مجمع فعالان زیست محیطی کشور (انجمن حمایت از حیوانات و محیط زیست) (۱۳۹۹)، «زنبور عسل در حال انقراض».
۷۱. محمود مهدی محمود (بی تا)، «الطب النبوی بین الوحي و الاجتهاد»، ترجمه: سیدهادی رضائیان.
۷۲. معرفت، آیه الله محمدهادی (بی تا)، «التمهید فی علوم القرآن»، قم، نشر ذی القربی، چاپ ششم.
۷۳. معرفت، محمد هادی، «جامعیت قرآن کریم نسبت به علوم و معارف الهی و بشری»، نامه مفید (فصلنامه دارالعلم لمفید)، ش ۶.
۷۴. مغنیه، محمد جواد (۱۳۷۸ش)، «تفسیر کاشف»، مترجم: دانش، موسی، دفتر تبلیغات اسلامی، بوستان کتاب قم، ایران، چاپ اول.
۷۵. مقاتل بن سلیمان (۱۴۲۳ق)، «تفسیر مقاتل» شحاته، عبدالله محمود، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ اول.
۷۶. مکارم شیرازی، ناصر و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۱ش)، «تفسیر نمونه»، تهران، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دهم.
۷۷. میبیدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، «کشف الاسرار و عدة الابرار (معروف به تفسیر خواجه عبدالله نصاری)»، نویسنده: انصاری، عبد الله بن محمد، چاپ پنجم، تهران، امیر کبیر، چاپ پنجم.
۷۸. نجمه صاحب زاده و زهره خوشه بست (۱۳۹۷)، «زنبورهای عسل بعنوان حسگرهای زیستی ترکیبات شیمیایی در محیط»، دو فصلنامه علمی ترویجی علوم و فنون، زنبور عسل جلد ۹، شماره ۱۷، دانشگاه زابل، شناسه دیجیتال ۱۰.۲۲۰۹۲.نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۶ش)، «تفسیر نسفی»، مصحح: جوینی، عزیز الله، تهران، انتشارات سروش، چاپ اول.

جوانه‌های ساینس از درخت علم

قربانعلی نعمت‌زاده قراخیلی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، پژوهشکده ژنتیک و زیست فناوری کشاورزی طبرستان، (نویسنده
مسئول: gh.nematzadeh@gmail.com)

چکیده

کلمات کلیدی، کانونی و یا محوری خاصه کلمات انتزاعی و ابر معنی در هر فرهنگ و ادبیاتی، دارای معانی خاص خود بوده و امکان ترجمه به زبان‌های دیگر را ندارند (باید با روش تفسیری به آنها پرداخت نه روش ترجمه کلمه به کلمه). در صورت ترجمه چنین کلمات، یا مفاهیم آنها ناقص بوده و یا باعث انحراف در معانی، و حتی ممکن است زمینه ساز شبهات در جهان بینی و اعتقادات فردی و اجتماعی گردند. یکی از چنین کلمات کلیدی، کلمه ساینس (science) می باشد که متأسفانه به علم (Ilm) ترجمه شده و در مراکز علمی و پژوهشی کشور به صورت یک پس زمینه ذهنی و غلط مصطلح، جا خوش کرده است. اینگونه اشتباهات ترجمه ای، از زمان قاجار و تشکیل دارالفنون و استخدام معلمان غربی و کم توجهی مترجمان وقت و با تکیه بر فرهنگ لیبرال غالب آن دوره آغاز گردید، چنین اشتباهات نه فقط برای کلید واژه ساینس به جای علم رخ داده است بلکه، برای بسیاری از واژه های کلیدی دیگر از جمله، هیومن (human) به انسان (ensan)، آنتروپولوژی (anthropology) و یا هیومنولوژی (humanology) به انسان شناسی (ensanology)، تطور (evolution) به تکامل (perfection) و ... نیز رخ داده است. تحقیقاً با چنین واژگان وارداتی، ناقص و مغالطه آمیز، نمی توان به تمدن سازی اسلامی - ایرانی همت گماشت. بنا بر این، باید از ترجمه ساینس به علم پرهیز گردد و مراکز دانشگاهی، حوزوی، خاصه فرهنگستان زبان فارسی در این زمینه اقدام جدی به عمل آورند.

کلمات کلیدی: ساینس، جوانه های ساینس، علم، درخت علم، ترجمه، انسان.

مقدمه

بجا ترجمه گردیدند و به صورت رسوب فکری در مجامع علمی کشور ساری و جاری اند، رسوب زدائی نموده و سپس با خلق، ابداع و یا با به کارگیری کلمات حقیقی، اصیل ایرانی - اسلامی، خشت‌های زیرین تعاریف حقیقی علم، انسان، تطور، ساینس و... را پی ریزی نمود. بدیهی است که، کلمات و معانی آنها، خاصه در موضوعات انتزاعی و ابر معنی، از حریم، قداست و محدوده خاصی بر خوردارند، عدم توجه به حریم معانی آنها، می تواند (حتی)، در جهان بینی و ایدئولوژی انسان اثر بگذارد. بدیهی است که، حق بشر در اقصی نقاط عالم (صرف نظر از رنگ، نژاد، مذهب و ملیت)، در اختیار داشتن بسته های آموزشی، پژوهشی، تربیتی و

مقاله حاضر را، با یک سؤال آغاز می نمایم و آن اینکه، آیا ساینس (science) معادل و یا هم وزن علم (Ilm) می باشد؟ و یا می توان آنرا به جای علم بکار برد یا خیر؟ برای پاسخ به این سؤال، ضروری است که، در باره یکی از زیر بنایی ترین و متأسفانه غلط مصطلح رایج، در مجامع علمی کشور، که به صورت یک فرهنگ عمومی در آمده، و پس زمینه ذهنی نظام آموزشی کشور را شکل می دهد بحث نمائیم. نویسنده مقاله بر این عقیده است که، ابتدا باید با سئوالات ذهن شکن، برخی از مفاهیم معادل سازی شده، غیرعلمی و یا شبه علمی (pseudoscience) را، که از واژگان بیگانه به غلط و یا به مسامحه، غیر واقعی و نا



گاهی هم ممکن است تجاوز در حریم حق باشد. علم حق است، نور است (الْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبٍ مَنْ يَشَاءُ؛ مصباح الشریعة، ص ۱۶) باید از حریم علم، دفاع شود. بدیهی است که، بیگانگان فقط به دنبال غارت منابع مادی نیستند بلکه، غارت سرمایه‌های معنوی و تهی کردن جامعه از واژه‌گان اصیل و پر مغز کلمات کلیدی، بخشی از راهبرد نظام سلطه در عصر علم و تکنولوژی است. یکی از امتیازات ویژه اسلام، قائل بودن حق برای همه اشیاء مادی و معنوی عالم از جمله، حق علم می باشد. حدیثی از امام جعفر صادق علیه السلام نقل است که وی از رسول گرامی اسلام نقل می نماید که، شخصی به محضر پیامبر صلی الله علیه وآله آمد، عرض کرد ای رسول خدا، حق علم چیست؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در پاسخ فرمودند: «سکوت کامل در برابر علم، آنگاه پرسید: دیگر چه حقی دارد؟ فرمودند: استماع و خوب گوش دادن. سپس پرسید: پس از آن چیست؟ فرمودند: حفظ آن. آنگاه پرسید: دیگر چیست؟ فرمودند، عمل به آن. باز پرسید: دیگر چیست؟ فرمودند: نشر آن (بحار الانوار جلد ۲، ۲۸). ممکن است به هر دلیلی، حریم علم، نقض گردد و موضوعات شبه علمی و یا علوم کاذب (pseudo science) و یا ترجمه‌های نا بجا، جای حقیقت علم را بگیرند، تحریف شوند و یا اینکه، بخشی از حقیقت علم باشند. کم توجهی به چنین نقض حریم کلمات کلیدی ممکن است جای همه حقیقت کلمات کلیدی مثل علم را بگیرند (مثلاً کلمه ساینس به جای علم). در این صورت به جای نور و چراغ هدایت، ممکن است زمینه ساز ضلالت گردد و خسران دنیا و آخرت را در پی داشته باشد.

بسیاری از مردم، عالمان، دانشگاهیان، حوزویان و متخصصان، ساینس را همان علم می دانند.

فکری سالم می باشد. حق طبیعی، فطری و درتراز انسانی وی نیست که، از آبشخور آلوده و مسموم کسب معارف کند. زیرا بنیان انسان بر پایه فطرت پاک الهی سرشته و انسان برای فلاح و سعادت ابدی آفریده شده است نه برای عذاب و عقاب ابدی.

علی علیه السلام می فرماید: خُذِ الْحِكْمَةَ حَيْثُ كَانَتْ وَ انْظُرْ اِلَى مَا قَالِ وَ لَا تَنْظُرْ اِلَى مَنْ قَالِ، حکمت را هر جایی است، فرا گیرید و نگاه کنید به آنچه که گفته می‌شود نه به گوینده سخن (تمیمی ۱۳۶۶). تراز انسان به گونه ای است که، عقل (ترازوی سنجش حق از باطل)، یکی از ویژگی‌های بارز و فصل ممیزه وی از سایر موجودات می باشد و مثل هر موضوع دیگر در عالم، دارای آفتی است. زوال و آفت عقل ممکن است، دارای آثار غیر مستقیم، مخرب و خانمان سوز باشد و می تواند دنیا و دین آدم و جامعه را، به تباهی بکشد. علم ضاله، شبه علم و یا کلماتی با معانی غیر واقعی (وارداتی) خطرناکترین خوراک و آفت، برای زایل کردن حقیقت عقلی اند. آیه ۶ سوره مبارکه لقمان (وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ) هوشداری به چنین موضوع یعنی، معرفت ضاله دارد: «و برخی از مردم کسانی‌اند که سخن بیهوده را خریدارند تا [مردم را] بی [هیچ] دانشی از راه خدا گمراه کنند، و [راه خدا] را به ریشخند گیرند؛ برای آنان عذابی خوارکننده خواهد بود». همانگونه که حریم ارضی هر کشور و یا ملک شخصی هر کسی مهم است و باید از آن به نحو مطلوب مراقبت و حفاظت شود و در صورت هر نوع تجاوز باید با تمام قوا به آن پاسخ داد و مقابله نمود، حریم علم و معرفت حق نیز، باید حفظ شود و نیازمند به مراقبت ویژه است. گاهی ممکن است تجاوز، مادی و اشغال سر زمینی باشد و



بلکه، مخالفت با ترجمه نا بجا و توسعه لیبرالیسم، سکولاریسم و مش لسه فر (ولش کن، به ما چه مربوطه) است. متاسفانه با چنین ترجمه های نا بجا، سنگینی بار و قبح انسان گرایی (humanism) غربی ها شکسته شده و بسیاری از رفتارهای غیر الهی در جامعه، مشروع جلوه داده می شوند، پاره ای از معادل سازی نا بجا و گمراه کننده در کلمات کلیدی را می توان به شرح ذیل متذکر شد:

آیا می شود با واژه هیومن (Human) با همه مفاهیم حیوانی مستتر در آن، انسان (Ensan) را تعریف نمود؟

و یا با آنترپولوژی (Anthropology)، ویا Humanology، انسان شناسی (Ensanology) را به بحث گذاشت؟

حکمت (Hekmat) را با ویزدم (Wisdom) و فلسفه (Phylosophy) چطور؟

همینطور معرفت (Maraphat) را با نالج (Knowledge)، بیولوژی (biology) را با علم الحیاه (Elmolhayat)؟

دهها و صدها واژه های انتزاعی دیگر را با بار سنگین فرهنگی و معرفتی چگونه باز مهندسی کنیم؟

مثلا وحی (Vayeh) را، آیا می توان با اصطلاح روایشن (revelation) و یا اینسپیریشن (Inspiration) توصیف نمود؟

الهام (Elham) را چطور می شود با ویژن (Vision) و یا آپوکالیپس (apocalypse) بیان کرد؟

متاسفانه یکی از آفت های مهم و تاثیر گذار در فرایند خود سازی، جامعه سازی و تمدن سازی، نفوذ افسارگسیخته فرهنگ غربی در حوزه های مختلف علوم (انسانی و طبیعی) و معادل سازی غلط و ناصواب کلمات کلیدی، محوری و کانونی

زمانیکه با آنها در این زمینه صحبت می شود و به آنها گفته می شود که، علم با ساینس متفاوت است و بکار گیری ساینس به جای علم نا صواب می باشد و این دو واژه، معادل هم و هم وزن هم نمی باشند، و ترجمه ساینس به علم گمراه کننده است. بلا فاصله موضع می گیرند و برخی هم بر آشفته می گردند. استدلال عمده آنها این است که، همه گان ساینس را همان علم می دانند و آنرا پذیرفته و باور دارند و هیچ مشکلی هم، با معادل سازی چنین واژگان ندارند. اما، پس از دقایقی گفتگو با آنها، به تدریج آرام شده و می گویند بله، حق با شما است اما، همگان آنرا پذیرفته و قبول دارند و در همه جا هم رایج و متداول است و هیچ مشکلی هم، با آن ندارند. اینجا است که، یک سؤال کلیدی پیش خواهد آمد و آن اینک:

آیا می توان، حق را با اکثریت سنجید؟ یعنی، هر کجا اکثریت بود حق هم همان جا است؟ و یا اینک، حق، اقلیت و اکثریت نمی شناسد؟

برای ورود به چنین مباحثی، باید متذکر شد که، اولاً ریشه چنین غلط مصطلح کجا است؟ در جواب باید گفت که، مشکل دیدگاه های

ماتریالیستی در نظام آموزشی و پژوهشی کشور، از آنجا آغاز شد که، نگاه اثبات گرایی اگوست کنت (پوزتیویستی) در هستی شناسی، معرفت شناسی و انسان شناسی، توسط اساتید وارداتی اروپائی، با آغاز به کار مدرسه دارالفنون در سال ۱۲۳۰ شمسی مصادف با ۱۹۵۱ میلادی، شکل

گرفت، سپس با ادامه همین نگاه اثبات گرایی در دانشگاه تهران که در سال ۱۳۱۳ شمسی تاسیس گردید، ادامه یافت، و به تدریج در نظام آموزشی و پژوهشی کشور نهادینه گردید. اشتباه

نکنیم، چنین مخالفت با ترجمه کلمات کلیدی، هیچگاه، مخالفت با ساینس و قدرت نفوذ ساینس در کشف حقایق عالم طبیعی نمی باشد



هدف از این تحقیق، روشن ساختن حریم کلمات کلیدی علم و ساینس بوده و تبیین عدم هم‌ترازی ساینس با علم و توصیه بکارگیری هر یک از چنین واژگان در جای حقیقی خود و پرهیز از ترجمه ساینس به علم می‌باشد.

روش تحقیق - یکی از روش‌های مورد نظر در این تحقیق، روش استنتاج (به نطق در آوردن کلام الهی) است یعنی، یکی از روش‌های مهم و موکد اهل البیت (ع) در ارتباط با معرفت به قرآن کریم می‌باشد. و یا عبارتی، حضور معنی دار تفکر قرآنی در جوامع بشری است (ازدردی زاده، ۱۳۹۳، ایزدی مهدی و زهره اخوان مقدم، ۱۳۹۲). مفهوم این کلام این است که، سئوالات راهبردی که در جهان بینی انسان تأثیر گذارند (مثل کلمات کلیدی) باید، از متن جامعه استخراج (توسط خواص)، بر قرآن کریم عرضه گردد و در مقابل، پاسخ آنها از قرآن کریم دریافت و در جامعه تسریع یابد. همانگونه که در مقدمه اشاره شد، علم کلید واژه الهی است، در حالیکه، ساینس شاخه تجربی درخت علم است. به همین دلیل ضروری است که، حد و حدود ساینس به قرآن عرضه گردد و پاسخ آن از منظر قرآن دریافت و در جامعه تسریع یابد. علاوه بر این (در این تحقیق)، سعی گردید تا از روش تحلیل محتوا نیز، استفاده گردد (دلور ۱۳۹۸). نویسنده مقاله معتقد است که، با رعایت جمیع حدود قرآنی و شئون تفسیری، نیازمند به نوعی از روش تحلیلی از متون تجربی و یا به نوعی روش اجتهاد تجربی نیز، احساس می‌گردد.

تقابل اندیشه‌ها - تقابل اندیشه‌ها (حق و باطل) از خلقت آدم (ع) و امتناع ابلیس از سجده بر آدم، آغاز و همچنان ادامه داشته و خواهد داشت. به طور کلی، اندیشه‌ها، یا خداگرایانه (Theism) اند و یا انسان‌گرایانه (Humaism). تفکر و یا اندیشه خداگرایانه، باور به انسان

غربی‌ها به فارسی و معادل سازی نا بجا آنها می‌باشد.

از نظر تاریخی، علم (Ilm) درخت تنومند، قطور و بی‌نهایتی است که، ریشه در ذات خداوند تبارک و تعالی (انا لله) دارد و به خداوند تبارک و تعالی نیز بر می‌گردد (و انا الیه راجعون). در حالیکه، ساینس، ریشه در پیدایش اجزاء عالم هستی، جهان فیزیکی و دنیای زیستی دارد (البته منشاء آن هم، از خداوند سبحان است) و تا قبل از پیدایش آدم (ع) هر چه بود، علم بود (علم تکوینی)، و از علم تشریحی، علم اکتسابی و یا حصولی (ساینس) و یا علم حضوری هم، خبری نبود (یعنی انسانی نبود تا کسب علم کند).

ساینس، پس از خلقت انسان از خاک و دمیده شدن روح الهی بر وی، به مجموعه علم تکوینی اجزاء عالم هستی اضافه گردید. بنا بر این، قدمت ساینس (معرفت حاصل از حس و تجربه) به خلقت حضرت آدم علیه السلام، می‌گردد. جوانه‌های ساینس به مفهوم معرفت حاصل از حس و تجربه (برای کشف روابط بین پدیده‌های جهان طبیعی)، پس از پیدایش انسان در روی کره زمین آغاز گردید. بسیار روشن است، آنهائیکه داعیه ساینس و دفاع از آن را دارند و هر علمی غیر از ساینس را، علم کاذب (pseudo science) می‌خوانند به خوبی می‌دانند که، دامنه، هدف و نفوذ ساینس صرفاً مطالعه جهان طبیعی است. و هیچ راهی به عالم مجرد (غیب) ندارد. به عبارتی دیگر، می‌توان کلیات علم را به صورت زیر تقسیم نمود:

- علم، هستی شمول (علم تکوینی، تشریحی، حضوری و ساینس)،
- وحی، انسان شمول (مختص تراز انسان) و
- ساینس، طبیعت شمول (مختص انسان در شناخت جهان طبیعی از طریق حس و تجربه).



اندیشه خدا گرائی، منظومه معرفتی است که، شامل همه منابع معرفت از جمله، وحی، عقل، نقل، ریاضیات و حس و تجربه می‌گردد و قامتی به وسعت هر دو عالم (جهان عین و جهان غیب) داشته و مشتمل بر رابطه با خود، رابطه با دیگران، رابطه با طبیعت و رابطه با خالق هستی (رابطه اربعه) دارد در حالیکه، ساینس به‌عنوان شاخه‌ای (شاخه تجربی و اثباتی عالم هستی) از این درخت الهی (علم)، تنها قابلیت معرفت شناختی عالم مادی یا جهان فیزیکی را عهده‌دار می‌باشد (رابطه تسخیری).

قطع شاخه از درخت، پژمرده شدن و مرگ آن شاخه را در پی خواهد داشت. زیرا شاخه بریده از تنه درخت، قادر نیست آب و مواد غذایی جذب کند و از سوی دیگر از خورشید نور و انرژی گرفته، فتوسنتز کند و مواد غذایی بسازد. چنانچه شاخه ساینس و یا بخش معرفت شناختی تجربی، از تنه درخت علم (علوم وحیانی) قطع شود(همانند شاخه بریده) پژمرده خواهد شد. این موضوع همان حالتی است که، تعبیر به لاشه علم می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۳).

علم (Ilm) و انسان شناسی (ensanology) و... دارد، در حالیکه، تفکر و یا اندیشه انسان گرایانه، به هیومن (human)، ساینس (science) و هیومن شناسی (humanology or anthropology) منتهی می‌گردد (البته، در نگاه خداگرایانه ساینس به عنوان بخش تجربی درخت علم، جایگاه ویژه ای در درک حقایق اجزاء عالم طبیعی دارد).

فاصله بین تفکر خدا گرایانه (علم، انسان، انسان شناسی و ...) با تفکر انسان گرایانه (ساینس، هیومن، انتروپولوژی و یا هیومنولوژی و ...)، بسیار زیاد و غیر قابل جمع می‌باشند. به همین نسبت، خروجی آنها (نتایج حاصل در تولید علمی، انسان شناسی و...) نیز، قابل جمع نمی‌باشند. بسیار ساده لوحانه است که تصور شود ساینس همان علم است و با آن (ساینس) بخواهند به همه نیازها و پرسش‌های جامعه بشری پاسخ دهند.

پیرامون علم و ساینس - همانگونه که در شکل ۱ نشان داده شده است، درخت علم در



شکل ۱- جایگاه و یا شاخه ساینس در منظومه درخت علم،



نمود. نسبت علم به ساینس نسبت عام و خاص مطلق است. معادل هم فرض نمودن چنین اصطلاحات کلیدی، زمینه ساز انحراف جدی در درک مفاهیم لغوی و اصطلاحی واژه‌ها، می‌گردد. نسبت ساینس با حیات - آنچه را که ما (انسان) از موجودات مختلف می‌بینیم و به اصطلاح، آنرا حیات (life) می‌نامیم، درحقیقت، حیات نیست بلکه، تجلی حیات در موجودات مختلف می‌باشد. حیات، امر مجردی است و عالم مجرد (عالم غیب و ناپیدا) را چون حد نمی‌باشد، در نتیجه، رابطه‌ای مستقیم با ساینس هم، ندارند. یعنی، نمی‌توان آنرا دید در اختیار گرفت، آزمایش نمود و با معرفت ساینس (ابزار حسی و تجربی) تجربه و مطالعه کرد. اساساً، پیدایش حیات سری است از اسرار الهی و ساینس (علم حصولی) به دلیل ماهیت روش‌شناختی (methodology) و روش (method)، ظرفیت اثبات و یا نفی آن را ندارد. آنچه که، ساینس (علم حصولی و یا علم اکتسابی) با آن روبرو است قواعد تکوینی عالم خلق (جهان طبیعی) است که با ارائه فرضیه، مشاهده، تکرار، آزمون، نتیجه‌گیری، و سنجش در ترازوی عقل صورت می‌گیرد، در حالیکه امورات در عالم امر (عالم روحانی و یا عالم غیب)، با مفهوم و قاعده دیگری سر و کار دارند (الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا). بنا بر این، علم حصولی و یا ساینس ظرفیت نفی و یا اثبات حیات مجرد را ندارد. نکته دیگر اینکه، ارزش علم به قدر موضوع است. اگر موضوع زمینی (طبیعی) باشد، یک ارزش دارد و ابزار آن ساینس است. اگر موضوع علم الهی باشد ارزش دیگری دارد و ابزار شناخت آن، علم می‌باشد. علم زمینی (ساینس) ظرفیت و یا مسئولیت دنیای مادی انسان را دارد در

هنر عالمان این است که، در حین استفاده از ساینس، اسیر ساینس نشوند و از منطق علم فاصله نگیرند. ساینس ترازویی نیست که ظرفیت سنجش رفتار کل عالم لایتناهی (جهان غیب و شهود) را داشته باشد. برای توزین عالم لایتناهی، ترازوی دیگر (علم) لازم است و آن ترازو، علم الهی است (وحی بخشی از منظومه علم الهی است). خالق عالم لایتناهی، خود لایتناهی است و مثل و مانند ندارد (لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ) چگونه می‌توان ذات لایتناهی، ازلی و ابدی و نادیدنی و بی‌مثل و مانند را، مستقیم با ساینس اثبات‌گرایی شناخت؟ برای شناخت خالق هستی باید به دنبال معرفت دیگری غیر از ساینس محض جزء نگر، و اثبات‌گرایی رفت. البته از ساینس باید به طور مطلوب، منطقی در تسخیر عالم طبیعی استفاده نمود. بدیهی است که، کار عقل تصویربرداری از رویدادها و مصادیق خارجی، تجزیه و تحلیل آن‌ها و کسب معرفت است. چگونه ممکن است از چیز نادیدنی، نامرئی و بی‌نهایت (لایتناهی)، تصویربرداری نمود و آن را با ساینس تجربی شناخت؟ به همین دلیل خدا را باید از روی وحی، پیامبران، امامان و آیات و نشانه‌های او شناخت، نه از روی ساینس اثبات‌گرایی، تسخیری. ظرفیت ساینس ارزیابی آندسته از موضوعاتی است که، دارای حد باشند. اما اگر علم همانند وجود، روح و عقل فاقد حد تجربی و حسی باشند، دیگر نمی‌توان آن را با علوم حصولی یا اکتسابی (حسی و تجربی) و یا عبارتی با ساینس مطالعه نمود. به همین دلیل، شایسته است که، در حد مقدرات و ظرفیت علمی به بررسی و نقد تئوری‌ها و واژگان وارداتی همت گماشت و زوایای مختلف تئوری‌های رنگا وارنگ جهان غرب را به محک علم و ساینس اعتبارسنجی کرد و از مغالطه و مسامحه پرهیز



آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است، بخشی از آیه ۸۵ سوره اسراء)، بناچار مجبور است که علوم را دسته بندی کند و به صورت موضوعی از نعمات علم (علم عالم تکوین، علم عالم تشریح، علم طبیعی، یا همان ساینس) بهره مند گردد.

از آنجائی که موضوعات جهان طبیعی (جهان مادی) متنوع و متکثراند، بالضروره و بنا بر نسبت و یا رابطه موضوع و علم، باید، علم مجرد محض غیر قابل تقسیم در ذات، در تشریح احوال و عوارض جهان متکثر و متنوع طبیعی، به صورت مختلف، دسته بندی و یا رشته ای ظاهر گردد (برای فهم موضوعات متکثر).

باید اعتراف نمود که علم الهی، ازلی و ابدی است و سایر رشته های معرفتی، از جمله، وحی، عقل، نقل، ریاضیات و ساینس پس از خلقت عالم و آدم(ع) از درخت علم الهی در زمان و مکان خاص خود، جوانه می زنند. هر شاخه ای میوه خاص خود را دارد و در بین شاخه های آن، شاخه وحی، ام العلوم و در حقیقت ملاک و معیار صحت سایر شاخه های معرفتی از جمله ساینس می باشد. با شاخه معرفت شناسی حسی و تجربی (ساینس) می توان، تنوع و تکثر جهان مادی را کشف نمود (بِمَا تَبْصُرُونَ) به عبارتی دیگر، فضا پیما ساخت و به مریخ رفت، اما نمی توان به عالم غیب راه یافت (معراجی گردید). براق دیگری باید، تا سیر این معنا کند.

به همین دلیل، هنگامیکه، به تدریج دامنه موضوعات عالم متکثر و متنوع طبیعی (جهان شهود)، متنوع تر و گسترده تر می گردند، علم مجرد هم، دامانش را، برای پوشش آنها وسیع تر و عمیق تر می گرداند. یعنی، همانند وجود و به صورت تشکیکی بر موضوعات مختلف تجلی (نزول تجلی) می یابد.

حالیکه علم آسمانی دنیا و آخرت انسان را رصد می کند.

از نگاه قرآن کریم، هر علمی که باعث رسوب انسان شود و او را زمین گیر کند و به چنگال مادیات و دنیا بسپارد، و زمینه ضلالت و گمراهی وی را، سبب شود، مذمت و نکوهش گردید، (ذَلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ) (منتهای علم و فهم این مردم، تا همین حد است) (شاخه ساینس بریده از درخت علم)، (إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ اهْتَدَى،) (خدا به حال آن که از راه حق گمراه شد و آن که هدایت یافت کاملا آگاه است،، آیه ۳۰ سوره مبارکه نجم).

جوانه ساینس از درخت علم - به اعتقاد نویسنده، رابطه و یا نسبت علم با جهان طبیعی، همانند رابطه و یا نسبت، وجود و ماهیت در حرکت جوهریه ملا صدرا است. همانگونه که اصلت از آن وجود است و ماهیت امر اعتباری است، در اینجا هم باید گفت که، اصلت از آن علم است و ساینس امر اعتباری است. همانگونه که وجود، امر تشکیکی است و هر موجودی پس از انقضای مدت زمان ذاتی حیات، از هر کجا که آمد بود به همانجا بر می گردد (كَمَا بَدَأْنَاهُمْ تَعْوَدُونَ، چنانکه شما را در اول بیافرید دیگر بار (در محشر)، به سویش باز آید، آیه ۲۹ اعراف)، علم هم امر تشکیکی است و به تناسب ظرفیت و سعه وجودی هر موجودی (به صورت تکوینی) به وی اعطا گردید و در تراز نوع انسان، علاوه بر علم تکوینی (علم تکوینی جسمانی)، ظرفیت علم تشریحی (وجود رحمانی)، علم حضوری و علم اکتسابی و یا حصولی نیز (بالقوه)، به وی اعطا گردید.

بنابر این، علم امر مجرد و غیر قابل تقسیم و تفکیک است، لیکن، انسان به دلیل محدودیت شناخت موضوع، زمان و مکان و محدودیت ظرفیت ادراک (وَمَا أَوْتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا،



آن (شاخه بریده از درخت علم) و نادیده گرفتن دنیای علم، بر جوامع غربی (خودی) و سایر ملل (غیر خودی) وارد کرده اند، به برخی از مستندات حاصل از ساینس زدگی، اشاره می‌گردد.

دین تطوری (evolutionary religion) -

جی ال شلینبرگ (J.I.Schellinberg) فیلسوف کانادائی و مشهور در زمینه فلسفه دین، چندین کتاب ضد دینی؛ از جمله، استدلال از نهان الهی (argument from divine hiddenness) را، برای خداستیزان (atheists) نوشته است. وی علاوه بر این، کتابی هم بنام، دین تطوری (evolutionary religion) را در سال ۲۰۱۵ میلادی بکمک دانشگاه آکسفورد منتشر نمود. شلینبرگ، در بخش پایانی این کتاب (epilogue)، می‌نویسد:

بر اساس نظریه هگل، از تز (قضیه) به آنتی‌تز (ضد قضیه) و سپس به سنتز خواهیم رسید، در مورد قضیه حاضر، اعتقاد به دین سنتی (ادیان الهی) ممکن است، همانند تز هگلی باشد. اندیشه روشنفکری (ساینتیفیک) با سوخت تطوری (به مسامحه تکاملی)، هم، نقش آنتی‌تز هگلی را ایفا می‌نماید. این دو قضیه، یعنی دین و ساینس (تز و تز آنتی‌تز) در عصر ما، در حال نبردند (جدائی دین از سیاست) و سرانجام، یکی از آنها از میدان خارج شده و دیگری باقی خواهد ماند. بنا بر این، ما می‌توانیم بهترین نتیجه ممکن را از چنین برخوردها (تنازع) داشته باشیم، و چیزی تولید کنیم که بالاتر از حقیقت (higher level of truth) باشد. یعنی می‌توانیم سنتز جدیدی از ایده و یا عقیده دینی و عقلی (متاسفانه، ساینس را کار کرد عقل و دین را کارکرد توهم می‌دانند) بسازیم که بسیار مناسب‌تر برای مراحل بعدی تطور انسان می‌باشد (J.I.Schellinberg, 2015). مراحل بعدی، تطور انسان و اشتقاق به ترابشر

بهر حال، این بدان معنی نیست که، علم مجرد، متکثر و متنوع می‌گردد، بلکه، زوایای تابش آن (همچون نور افکن واحد) گسترده تر و عمیق تر می‌شود. لذا ساینتیست‌های عاقل، با تهذیب نفس و تفکر در مجموعه عالم متکثر و وحدت آن در سطح هستی‌شناسی، باید از تکثر و تنوع جهان طبیعی عبور کنند (سکون در این دنیا، زیان بار و جایز نیست). شناخت یک پارچگی و وحدت در عین کثرت، با ساینس (معرفت حاصل از حس و تجربه) کرونولوژی و کرونوبایولوژی، کار چندان مشکلی نخواهد بود (کثرت در عین وحدت) و از آنجا براق تازه‌ای زین کنند و سفری دیگری آغاز نمایند تا به علم برسند و از علم نیز، حرکت تعالی و استکمالی خود را، به سوی صادر مطلق علم یعنی خداوند تبارک و تعالی ادامه دهند (از تکثر و تنوع به وحدت راه یابند) سپس از احد (وحدت مطلق) به سوی کثرت باز گشته و آنچه را در احد دیده اند، در کثرت پیاده کند.

گریز از علم، اسیر خیمه ساینس - بدیهی است که، با فاصله گرفتن غرب از حقیقت علم (منظومه کامل معرفتی) و صرفاً تکیه بر معرفت حسی - تجربی و یا ساینس (اثبات‌گرایی)، سوء استفاده‌های بسیار گسترده‌ای از جایگاه و قدرت ساینس در حوزه‌های مختلف، در سطح جهانی صورت گرفته است. عدم تفکیک و تمایز قدرت، حریم و ظرفیت، و نا دیده گرفتن سایر منابع معرفتی علم (وحی، نقل و ... در بسیاری از کشور های اسلامی خاصه در ایران نیز، تاثیر بسیار جدی در دانشگاه و مراکز آموزشی گذاشته و طرفداران زیادی را در حوزه جدائی دین از سیاست و غرب زدگی، نظامات اجتماعی و سبک زندگی، رقم زده است.

برای نزدیک شدن به عمق فاجعه‌ای که، جهان سکولار غرب با تکیه بر ساینس محض (فراموش نمودن بخش الهی علم) و در پی ترویج



که نسبت به تطور طبیعی (پیدایش انسان از میمون‌ها) شک و تردید دارند. علاوه بر آن، تهیه لیستی از دانشمندانی که به کتب مقدس اعتقاد داشته و به تدریس کتب مقدس و منشأ آفرینش و یا خلقت گرائی مشغول اند می‌باشد. به عبارتی دیگر، این پروژه با تنظیم درخواستی به ظاهر خیرخواهانه (Light-hearted)، به دنبال جمع‌آوری اطلاعات از مجموعه فعالان نظام طراحی هوشمند و یا خلقت گرایان و بطور کلی نظام‌های الهی می‌باشد.

حماسه تطور (epic of evolution)
داستان حماسه تطور از این قرار است که، هر انسانی نیازمند باور به یک حماسه تطوری است زیرا، نیازمند نوعی داستان اسطوره‌ای و یا اخبار بزرگ است که، جهان چگونه خلق شده است؟ و یا بشریت (آدم) چگونه بوجود آمده است؟ در ادامه می‌گویند، حماسه‌های دینی (regious epic)، نیازهای اولیه بشر را در این زمینه، پر کرده‌اند و بر این باورند که، هیومن (که به غلط، به انسان ترجمه می‌گردد) بخش دیگری از آنچه خودشان بودند، می‌باشد. لذا، امروزه معرفت‌حسی - تجربی و یا ساینس می‌تواند، بهترین داستانی باشد که بشر به دنبال آن است. تا خلاء اعتقادی وی را پر کند و بهترین رقیب، برای حماسه‌های مذهبی و یا معنوی باشد (Edward O. Wilson 1999). وی بر این باور است که، اگر حماسه‌های تطوری با زبان مناسب ساینس به کار گرفته شوند، می‌توانند به آسانی جایگزین حماسه‌ها و یا اسطوره‌های مذهبی و یا دین شوند (Edward O. Wilson, 1999).

پروژه تاریخ بزرگ (Big history)، دیوید گلبرت مسیحی و از مورخان آمریکا، و با نوشتن تاریخ بزرگ (Vanessa, 2012)، سعی در ارائه نموداری از تاریخ زمین و جریان تطور زیستی با نگاه اثبات گرائی (ساینسیفیک) دارد. وی با

(transhumanism) و یا ماشین‌های زیستی است (نعمت زاده ۱۳۹۶).

تلاش گسترده‌ای در غرب با تمسک به ساینس، در تخریب دیدگاه الهی در جریان است. تا به هر شکل ممکن، نظام طراحی هوشمند و یا خلقت‌گرایی جدید را (Neo Creationism) و بطور کلی ادیان الهی را، غیر علمی و جعلی جلوه داده و آن را به عنوان علوم کاذب (Pseudosciences) معرفی کنند (Alan et al., 2006) و یا آن را علوم جعلی (Junk Science) بخوانند (Mark Bergin, 2006). در سال ۲۰۰۵ میلادی، سی و هفت نفر از برندگان جایزه نوبل، طی بیانیه‌ای اعلام داشتند که نظام طراحی هوشمند، از اساس و پایه، غیر ساینسیفیک است. زیرا با تئوری‌های ساینسیفیک قابل آزمایش و نتیجه‌گیری نمی‌باشد (The Elie wiessel foundation, 2006). متعاقب آن، ۷۰۰۰۰ نفر از اساتید دانشگاهها و معلمان حوزه بیولوژی (در غرب)، طی بیانیه‌ای اعلام نمودند که نظام طراحی هوشمند و یا خلقت گرائی (ادیان الهی)، ساینسیفیک نبوده و نباید اجازه داد که در مدارس و دانشگاهها غرب تدریس شوند (Mike et al, 2005). ۷۲ نفر از برندگان جایزه نوبل، ۱۷ انجمن ساینسیفیک و بسیاری از انجمن‌های دیگر، طی بیانیه‌ای از دیوان عالی آمریکا خواستند که، مانع از تدریس (علوم الهی) خلقت گرائی در مراکز آموزشی دولتی شوند (Amicus Cuiaie, 2007).

پروژه استیو (Project Steve) درصدد تهیه لیستی از ساینس‌تیس‌هایی است که از ساینس، تطور و یا فرگشت حمایت می‌کنند. این پروژه بوسیله مرکز ملی آموزش ساینس / NCSE (National Center for Science Education) به اجرا درآمد. هدف از اجرای این پروژه، برقراری تماس و متقاعد ساختن آن دسته از کسانی است



راه‌اندازی انجمن بین‌المللی تاریخ بزرگ / IBHA به عنوان رئیس آن انتخاب گردید (Michael, Dowd, 2012). گیلبرت با راه‌اندازی دوره‌های آموزشی تاریخ هیومن با زبان ساینس، توجه بیل گیتس (Bill Gates) سرمایه‌دار معروف آمریکایی را جلب و به سفارش بیل گیتس، پروژه تاریخ بزرگ (Big history Project) را با زبان ساینس تعریف و با ساختن مستند بسیار جذاب آموزشی، آن را در سراسر دنیا ترویج نموده و بعنوان بخشی از دروس دبیرستان‌های سراسر دنیا تجویز می‌نمایند (Vanessa, 2012).

بنیاد آزادی از مذهب (The Freedom From Religion Foundation)، بنیاد آزادی از مذهب (FFRF)، یک نهاد آمریکایی است، و پایگاه اصلی آن در مادیسون، ویسکانسین می‌باشد و در ۵۰ ایالت آمریکا، شعبه دارد (Aubele, 2012) و یکی از بزرگترین سازمان ملی حمایت از سکولارها و طرفداران تطور طبیعی است، و به شدت خواهان جدایی کامل کلیسا از دولت (جدائی دین از سیاست) و آموزش موضوعات مرتبط با الحاد (Atheism)، بی‌عقیدتی (agnosticism) و بی‌خدایی (nontheism) است. این بنیاد، دارای روزنامه رسمی و شبکه رادیویی مستقل می‌باشد. این بنیاد با همکاری، آنی نیکل گیلور (Anne Nicol Gaylor) و دخترش آنی لوری گیلور (Annie Laurie Gaylor) در سال ۱۹۷۶ میلادی تأسیس گردید (FFRF, 2017).

این بنیاد (FFRF) در سال ۲۰۱۱ میلادی با همکاری بنیاد تحقیق و ساینس ریچارد داوود کنیز (Richard Dawkins Foundation for Research and Science)، پروژه روحانیت / کلرچی (The clergy project) را راه‌اندازی نمودند. در حقیقت، این پروژه محرمانه بر خط (On-line) از آندسته از انسان‌هایی که از عقیده خود دست بکشند را، مورد حمایت قرار می‌دهد (Winston, 2012).

بنیاد عقل و ساینس ریچارد داوکینز / RDRS (The Richard Dawkins Foundation for Reason and Science)

بنیاد بیولوگوس (Biologos Foundation)، بنیاد بیولوگوس یک گروه (به ظاهر) حامی مسیحیت است که توسط فرانسیس کالینز (Francis Collins) در سال ۲۰۰۷ میلادی تأسیس گردید. هدف این بنیاد برقراری رابطه بین ساینس و مذهب است و تأکید دارد که نوعی سازگاری و یا هماهنگی بین ساینس و ایمان مسیحیت وجود دارد (Biologos website and Of faith and reason, 2010).

کالینز با تأسیس چنین بنیادی، خود به عنوان رئیس آن معرفی و تا سال ۲۰۰۹ میلادی به کار خود ادامه داد و سپس دارل فالک (Darrel Falk) کار وی را پیگیری نمود. کالینز کتابی را تحت عنوان زبان خدا (The language of God) در سال ۲۰۰۶ میلادی منتشر نمود و در کتابش، خود را به عنوان یکی از طرفداران تطور الهی (Theistic evolution) معرفی می‌نماید.

در حقیقت فعالیت کالینز، همان استمرار حرکت و نهضت حماسه تطور (epic of evolution) است که در دهه ۱۹۹۰ میلادی توسط بیولوژیست اجتماعی به نام ادوارد ویلسون مطرح گردید و میشل داوود با استفاده از آن



۴- ملحدان باید افتخار کنند نه عذرخواهی، زیرا ملحد بودن گواه بر سلامت و استقلال فکری است.

داروکینز دارای چندین کتاب تطوری و به شدت ضد دینی دارد که در این مقاله، نمی توان به آنها پرداخت.

پروژه مردان ایکس (X-men)، ویکتور جی. استنجر (Victor J. Stenger) آمریکایی، متخصص فیزیک ذرات، ملحد (atheist) و نویسنده کتاب‌های مختلف در حوزه فلسفی و ضد دینی مطلبی دارد و می‌گوید:

ساینس شما را به کره ماه پرواز می‌دهد، در حالی که، دین شما را به ساختمان (کلیسا و یا مسجد).

Science flies you to moon and religion flies you to building

وی که یکی از مدافعان پرو پا قرص تطور طبیعی (Natural evolution) است. کتابی دارد به نام:

خدا: فرضیه شکست خورده؛ چگونه ساینس نشان می‌دهد که خدا وجود ندارد:

God: the failed hypothesis; How science shows that God does not exist

این کتاب در سال ۲۰۰۷ میلادی منتشر گردید. وی می‌نویسد:

ساینس، همه جنبه‌های زندگی بشر را متحول ساخته و هیچ ادله ساینتیفیک، درباره وجود خداوند یافت نمی‌شود. استنجر معتقد است که:

اگر خدایی وجود داشته باشد و نقش کلیدی در اداره هستی دارا باشد باید، با شواهد تجربی و به روش‌ها و مکانیسم حسی - تجربی وجود آن،

اثبات گردد. وی می‌افزاید:

تلقی مفهوم سنتی خداوند که معمولاً توسط

یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به نمایش گذاشته می‌شود باید همانند تئوری‌های

ساینتیفیک (حسی - تجربی) عملیاتی باشد. کتاب دیگر وی، به نام: ملحدین جدید: پایبندی به عقل و ساینس

بنیاد ریچارد داوکینز (RDFRS) بخشی از مراکز تحقیقاتی / DFI (Center for inquiry) است که، به وسیله یک بیولوژیست بریتانیایی در سال ۲۰۰۶ میلادی تأسیس و به ظاهر هدف آن، افزایش سطوح معلومات ساینتیفیک و سکولاریسم بوده است. داوکینز پس از انتشار کتاب توهم خدا (The God Delusion) در سال ۲۰۰۶ میلادی، اقدام به تأسیس سازمان مرکزی این بنیاد در ایالات متحده آمریکا نمود وی بر این باور است که:

با وجود ساینس دیگر نیازی به دین نمی‌باشد. داوکینز در کتاب توهم خدا ادعا می‌کند که:

قطعاً، خالق فوق‌العاده ماورای طبیعی وجود ندارد و اعتقاد به خداوند، یک توهم بیش نیست و در واقع در عصر کنونی و با وجود ساینس اعتقاد به خدا نوعی، توهین به شعور مردم محسوب می‌شود. وی می‌نویسد:

وقتی که شخصی از یک توهم رنج می‌برد آن را جنون و یا دیوانگی (Insanity) نامند و

زمانی که، گروهی از مردم از توهم در عذابند آن را دین (Religion) می‌نامند (Dawkins, 2006).

دلیلی ندارد که، برای اخلاقی بودن، دین‌دار بود. ریشه دین و اخلاق هم، می‌تواند در اصطلاحات

غیر دینی توضیح و تشریح شوند. ریچارد داوکینز می‌نویسد:

تصور ضد خدایی، دارای چهار پیام آگاهی بخش، به شرح زیر است:

۱- ملحدان می‌توانند خوشحال، متعادل، اخلاقی و آدم‌های فکری باشند،

۲ - انتخاب طبیعی و تئوری‌های مشابه ساینتیفیک، خیلی قوی تر از فرضیه خدایی‌اند،

۳- بچه‌ها نباید به وسیله والدین آنها، بر چسب دینی و یا کودک کاتولیک و یا کودک مسلمان

زده شوند؛



وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُم بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (آیه ۹۷ سوره مبارکه نحل) باشد و یا خبیثه، همانند درخت شومی که نه ترقی دارد و نه کمال، همانند قطعه چوب خشکی است که بدرد سوزاندن می خورد). حیات طیبه، یکی از ممیزات انسان نسبت به سایر موجودات شناخته شده عالم هستی است. پیش فرض (default) خلقت انسان، برای حیات طیبه است نه حیات خبیثه، مگر آنکه در دوران حیات دنیوی خود با پشت کردن و نادیده گرفتن اولین فرمان الهی (وَأَنْ أَعْبُدُونِي ۝ ذَا صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ، و مرا پرستش کنید، که این راه مستقیم (سعادت ابدی) است، آیه ۶۱ سوره مبارکه یاسین) به حیات خبیثه روی آورند. از سوی دیگر، برای رسیدن به حیات طیبه، نیازمند بکار گرفتن مجموعه و یا ترکیبی از منابع مختلف شناخت (وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ) (آیه ۲۶ سوره مبارکه ابراهیم) وحی، عقل و براهین عقلی، نقل و براهین نقلی، ریاضیات و حس و تجربه) است

نباید علم (Ilm) صرفاً به مفهوم آگاهی و دانستن در مقابل جهل و ندانستن و یا در مقابل شک و ظن و وهم در نظر گرفته شود (دایره شمول علم خیلی بالاتر از آگاهی و دانستن است. دانستن، چه دانستن و چگونه عمل کردن و ...). علم دربر گیرنده، کلیه خطوط اتصال بین منابع شناخت با فاعل شناسا (انسان) است. هر یک از منابع شناخت راهی به درون نهاد انسان (نفس وی) دارند. مهم این است که چنین راه ها مسدود نگردند، لایروبی شوند تا انسداد بین نفس انسان با هر یک از منابع شناخت رخ ندهد. انسان باید بداند که، کلیه منابع شناخت آنچه در اختیار وی قرار می گیرد، فی نفسه خود (منبع شناخت) مادی‌اند در حالیکه، علم نهفته در آن ها دیگر مادی نیست بلکه مجرد است و به صادر اصلی

The new Atheism: taking a stand for science and reason

می‌باشد که در سال ۲۰۰۹ میلادی منتشر گردید. کتاب دیگر وی نیز به نام: خدا و ایمان احمقانه: ناسازگاری بین ساینس و مذهب است. God and folly of faith; the incompatibility of science and religion که در سال ۲۰۱۲ میلادی منتشر گردید. کتاب دیگر وی بنام، خدا و چند جهانی است که در سال ۲۰۱۴ میلادی منتشر گردید.

God and the multiuniverse (2014): Humanity expanding view of the Cosmos.

با چنین توصیف غربیها از ساینس، آیا می توان همچنان ساینس را معادل علم فرض نمود؟

فقر ذاتی انسان - یک اصل راهبردی قرآنی می‌گوید:

انسان در هر شرایط و در هر سطح از دانائی (علم) و دارائی (ثروت) و در هر مقطع زمانی، فقیر و محتاج است. يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (آیه ۱۵ سوره فاطر)، بر پایه همین اصل یعنی، احساس فطری و ذاتی نیاز و فقیر بودن و ناکافی دانستن سطح دانائی و قدر دارائی، تلاش و پا نهادن در دنیای مجهولات و ناشناخته‌های هستی را، همواره در پی دارد. انسان در هر مقطعی از تاریخ حیات خود و در هر لحظه در تکاپو است تا بر سطح و قدر دانائی و دارائی خود بیافزاید. میل سیری ناپذیر انسان در کسب دانائی و دارائی، و دستیابی به قدرت برتر، در هیچ برهه‌ای از تاریخ بشریت، اشباع نشده و نخواهد شد. حضرت علی (ع) می‌فرمایند: مَنهُومَانِ لَا يَشْبَعَانِ : طَالِبُ عِلْمٍ. و طَالِبُ دُنْيَا (دو کس هرگز سیر نخواهند شد، یکی طالب علم و دیگری طالب دنیا) (حکمت ۴۴۹ نهج البلاغه).

ضرورت شناخت - شناخت برای زندگی و یا حیات، همانند هوا برای زنده ماندن است. زندگی و یا حیات می‌تواند طیبه (مِنْ عَمَلٍ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً



وسيله زبان) يا نوشتاری انتقال مفاهيم می‌نماید، یعنی، تمامی ظروف منابع علمی، مادی‌اند، اما، اصل علم (دانائی) و یا آگاهی حاصل از آنها، مجرد است. ساینس هم اینگونه است. تمام اجزاء عالم ممکنات مملو از علم و معرفت اند یعنی، ظرف ساینس مادی اما، مظلوف آن مجرد است. در حقیقت ساینس مرتبه ای از مراتب علم است (تشکیکی) که به اجزاء و پدیده های عالم طبیعی حیات می بخشد و هنر انسان در کشف چنین مراتب علمی از طریق (method) حسی و تجربی است.

خود (خداوند تبارک و تعالی) باز می‌گردد. یعنی ابزاز علم مادی، ولیکن خود علم، مجرد است. مثلاً قرآن کریم که کلام خدا، وحی و ام العلوم است و ما آنرا مطالعه می‌نمائیم، خود قرآن (کتاب قرآن)، مجموعه‌ای از صفحات کاغذ که با جوهر و قلمی نوشته شده و یا چاپ می‌گردد؛ مادی است اما، آگاهی، دانائی و معرفتی که، که از آن چون چشمه ای فوران می‌کند، دیگر مادی نیست بلکه، مجرد است. همینطور قلبی که کشف و شهود می‌کند، مغز و یا قلبی که داده‌های دریافتی را از جهان خارج و یا داخل راه، پردازش می‌کند، نقلی که خواه به صورت شفاهی (به

جدول ۱- منابع شناخت منظومه فکری عقل دین بنیادی (خدا محوری) و عقل خود بنیادی (انسان محوری).
تنظیم جدول از نویسنده مقاله.

منابع منظومه	وحیانی	کشف و شهود	عقل و براهین عقلی	نقل و براهین نقلی	ریاضیات	حس و تجربی	منبع
عقل خود بنیادی (انسان محوری)	-	-	+	-	+	+	Moody, Ernest a (1951)
عقل دین بنیادی (خدا محوری)	+	+	+	+	+	+	علامه جوادی آملی ۱۳۹۵

میان آن معنی اصلی و وسیع (علم)، و این معنی تازه و محدود (ساینس)، راه را برای یک **مغالطه** گمراه‌کننده هموار کرده است (بهشتی و همکاران ۱۳۹۰). وی در ادامه می‌افزاید، ترکیب این مغالطه چنین است: ۱- هرگونه معرفتی که علمی نباشد ارزش ندارد و تنها معرفت علمی است که می‌توان بر اساس آن، واقعیتی را اذعان کرد و بدان سندیت و اعتبار داد. ۲- معرفت علمی یعنی معرفت تجربی، بنابراین، هر آگاهی که از راه تجربه بدست نیاید، ارزش و اعتبار ندارد و نمی‌توان آن را پذیرفت. چنین مغالطه‌ای (بسیار خطرناکتر) فقط در باره ساینس و علم نمی‌باشد بلکه، در بسیاری از کلمات کلیدی دیگر نیز، صورت گرفته است. مثلاً، هیومن

مغالطه بزرگ - استاد شهید، **دکتر بهشتی** در این زمینه می‌گویند: متاسفانه، در فارسی امروزی، معمولاً بر شناخت تجربی، شناخت علمی و بر علم تجربی هم، علم اطلاق می‌شود. به همین دلیل در معنی واژه علم، محدودیتی پیش آمده است. در زبان‌های اروپائی برای دانش و آگاهی به معنی عام آن که شامل هر نوع شناخت آگاهانه است کلمه‌ای خاص یعنی نالج (Knowledge) و در خصوص دانش تجربی هم، کلمه دیگری مانند ساینس (Science) بکار می‌رود، اما، متاسفانه در فارسی، هر دو واژه به **علم** ترجمه شده است (البته در دنیای سکولار غرب نالج را هم مشاهده ای کردند، بحث آن گذشت). مشترک بودن واژه علم در فارسی امروز،



ارزش‌ها الهی می‌شوند نه ذوب در دنیا و تجملات آن. چنین مباحث نه گزاره خبری است که ممکن است صدق و کذب در آن راه داشته باشد، نه تحلیل است، و نه نتیجه‌گیری بلکه، به تعبیر قرآن کریم، انسان بریده از خداوند، فقط دنیا را می‌بیند و از آخرت غافل است، *يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ* (آیه ۷ سوره مبارکه روم).

منظومه فکری عالم، شامل محورهای عرضی و طولی (خواه سطحی، خواه عمقی، یعنی، رابطه پدیده‌ها در عالم تکوین، با خالق هستی، رابطه انسان با عالم تکوین) تسخیری و الهی است، در حالیکه، در منظومه فکری ساینستیک سکولار، محور اصلی محور عرضی است (خواه سطحی، خواه عمقی، رابطه بین پدیده‌های طبیعی و اجتماعی و رابطه خود با طبیعت)، رابطه تسخیری است.

ماهیت تمدن بر پایه علم یا ساینس - منظومه فکری عالم، در جهت ساختن تمدن اسلامی است، تمدنی که بر پایه هستی‌شناسی الهی، معرفت‌شناسی دینی، انسان‌شناسی قرآنی، طبیعت (دنیا) شناسی تجربی (Science)، علم‌شناسی بر پایه خاصیت علم، (ضار، خنثی، نافع و انفع) (مطیع حسین، ۱۳۹۳ و مجلسی، بحار الانوار، ج ۲، ص ۹۹) استوار است. دین‌شناسی بر اساس **حقانیت، جامعیت و جاودانگی**، ارزش‌شناسی بر پایه **حلال و حرام** و غیره بنا نهاده می‌شود. در حالی که ماهیت تمدن سکولار، مبتنی بر ساینس محض، در ذات یا ماهیت خویش، هیچگونه، از چنین ارزش‌ها را، در بر ندارد، بلکه، همین انسان بهره‌بردار است که جاعل و شارح همه این ارزش‌ها در قالب قوانین اجتماعی می‌باشد.

(Human) به، انسان (Ensan)، آنترپولوژی (Anthropology) و یا هیومن‌شناسی (Humanology) به انسان‌شناسی (Ensanology)، حکمت (Hekmat) به ویزدم (Wisdom) و فلسفه (Phylosophy)، علم و معرفت (Maraphat) به نالج (Knowledge)، بیولوژی (biology) به علم الحیاه (Elmolhayat)، و صد ها کلمات کلیدی دیگر که مجال بحث آنها در این مقاله نمی‌گنجد.

منظومه معرفت‌شناسی - دستگاه عقلا نیت عالم، وحی بنیادی (vahycentrism) است یعنی، منظومه‌ای از وحی، کشف و شهود، عقل و براهین عقلی، نقل و براهین نقلی، ریاضیات و حس و تجربه (ساینس) است در حالیکه، دستگاه عقلا نیت ساینستیک سکولار، بر مبناء عقل خودبنیادی (egocentrism)، یعنی، صرفاً حس و تجربه (ساینس) است. دستگاه عقلا نیت عالم، منطبق بر عقلا نیت اسلامی و بر اساس قرآن و سیره اهل بیت (ع) و به طور قطع و یقین همراه با معرفت حس و تجربه (ساینس) است، مقوله‌هایی از جمله؛ تقوا (فردی و اجتماعی)، عدالت (بر خود و جامعه) و نظم (هماهنگ و منطبق با عالم تکوین و عالم تشریح) بوده و مبداء و معاد، دنیا و آخرت، موضوعیت حقیقی دارند (نه مجازی)، در حالیکه، در دستگاه عقلا نیت خودبنیادی ساینستیک، این خود فرد و یا انسان است که موضوعیت دارد و همه نسبت‌ها، حتی اعضاء و جوارح وی (انسان) نیز منطبق بر میل و هوا و هوس او بکار گرفته می‌شوند (هدونیسیم). علم در دستگاه عقلا نیت وحی بنیادی، انسان‌ساز است، نه بدن‌ساز، انسانیت‌پرور است نه انسان‌پرور، آرامش‌درون، آسایش‌برون را به فرد و جامعه هدیه می‌نماید نه آسایش‌ساز، آرامش‌سوز، تکیه بر تجربه، عقل و وحی دارند نه صرفاً تکیه بر تجربه. ذوب در موضوعیت خدا و



الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ،
موتور ذکر، صاحب فکر را به راه انداخته و آنگاه
می‌فرماید: وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ،
نتیجه آن می‌شود، هدفدار بودن عالم هستی،
آنگاه معرفت حقیقی نصیبش شده و می‌گوید:
رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا، سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ
(پروردگارا، ما را بیهوده خلق نکردی، منزهی تو،
پس از عذاب آتش ما را رهائی بخش).

اما اگر به جای یذکرون الله، یذکرون
الطاغوت، یذکرون النفس و... جایگزین شود، اگر
به جای عالم الهی شدن، ساینست سکولار
گردد، ذکر طاغوت و یا نفس به مفهوم عام (هر
نوع فکر و ذکری غیر خداوند سبحان)، موتور
حرکت فکر دنیوی و هواهای نفسانی را به راه
می‌اندازد (محبت دنیا، لذت طلبی، حرص و
طمع، خودمحوری، فراموشی خدا و...) آنگاه، به
جای فارغ التحصیل شدن در هستی‌شناسی
الهی، هستی‌شناس مادی، فارغ‌التحصیل می‌شود.
امام صادق (ع) در باب دنیا و دنیابریستی می‌گوید:
ای مردم، دنیا مثل آب دریا است (مثل دنیا
کمثل ماء البحر)، هر چقدر تشنه از آن بیاشامد
(كلما شرب منه)، تشنگی او را زیادتیر می‌کند
(العطشانُ ازداداً عطشا) تا اینکه او را هلاک کند
(حتى یقتله).

رابطه ساینس با عالم غیب - چه رابطه‌ای بین
ساینس تجربی، قابل آزمون، نمونه‌گیری،
کمی‌سازی با عالم غیب (عالم ناپیدا و غیر
محسوس) وجود دارد؟ از باب لغت بر این باورند
که، الغیب کل ما غاب عنک (هر آنچه از تو غایب
و مخفی است). در قرآن کریم غیب در مقابل
شهادت (حاضر) آمده (عَالِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ ۝
، آیه ۷۳ سوره مبارکه انعام)، غیب و با حواس
عادی قابل فهم نیست و باید آنرا با ابزار و ادوات
دیگر مطالعه نمود (متقین، فهم غیب کنند).
متقین چه کسانی هستند؟ قرآن کریم در ابتداء

در ماهیت تمدن بر پایه علم، هر گونه
جهت‌گیری‌ها، محاط در دایره فکر و ذکراند. فکر
در سایه فلسفه و یا حکمت شکل می‌گیرد و
قطب‌نمای آن، ذکر است. همانگونه که، فلسفه،
معرفتی است که عقلانیت پشتوانه آن است، هر
عملی که عقلانیت پشتوانه آن نباشد، فلسفه
نیست بلکه، سفسطه است. فلسفه ای که،
پشتوانه وحی نداشته باشد، عقلانیتی است بر
پایه ساینس و حاصل آن، می‌شود تمدن وحشی
غرب. در حالیکه علم به حکمت ختم می‌شود و
حکمت نیز معرفتی است که عقلانیت و وحی آنرا
پشتیبانی می‌کنند. هر عملی که وحی و
عقلانیت پشتوانه آن نباشد، حکمت نیست بلکه،
جهالت است.

به اعتقاد نویسنده مقاله، برای شکل‌گیری تمدن
اسلامی - ایرانی، نیاز به کلید واژگان قرآنی از
جمله علم به جای ساینس، انسان به جای
هیومن، حکمت به جای فلسفه و ... می‌باشد،
مدارس و یا دانشگاهی که در آن منظومه علم
به جای ساینس محض تدریس شود (ساینس
در نهاد علم مستتر است) به جای تربیت
ساینست، حکیم پرورش خواهند داد، و زمینه
خلق دانشگاه تراز انقلاب اسلامی شکل خواهد
گرفت. چیزی که در راهبرد انقلاب اسلامی تبیین
گردید. فکر و ذکر دو یار صمیمی در تربیت نفس
آدمی به شمار می‌آیند. در ساینس فکر هست اما
معلوم نیست که ذکر هم باشد. فکر شمشیر دو
لبه‌ای است که هم می‌تواند دل را جلا دهد و
عقل را منور گرداند و یا ممکن است دل را تیره
ساخته و عقل را زایل کند. اما اگر ذکر، منبع
تغذیه‌کننده فکر باشد. اگر عالم و جهت علم به
مفهوم عام (شامل همه منابع معرفتی از جمله
ساینس) آن، خدایی باشد همان تعبیر پر فروغ
قرآن کریم در آیه ۱۹۱ سوره مبارکه آل عمران
که می‌فرماید:



معنوی، روحانی و غیبی حیات وجود داشته باشد و آن راه، ساینس نخواهد بود. برای آنجا، چه سلاحی و یا علمی مورد نیاز است؟ به در خانه کدام عالم و علم باید رفت؟ زیرا، ساینس فی الذاته نسبت به ارزش‌ها، ساکت و صامت است، ابزار شناس است نه راهبرد شناس. این انسان است که به ساینس جهت می‌بخشد. جهت دادن ساینس توسط انسان بستگی به جهان بینی و یا هستی شناسی (مادی و یا مادی و معنوی)، تهذیب نفس و اتصال به عالم وحی (قرآن) و شارحان حقیقی (اهل البیت علیهم السلام) آن دارد. در مقابل، جهت دادن انسان بوسیله ساینس، همانند هدایت کفار بوسیله بتان می باشد که هیچ افعالی از آنها سر نمی زند.

جایگاه و نسبت علم با ساینس - واژه علم و مشتقات آن یکی از مانوس‌ترین و پر بسامدترین واژه‌ها در قرآن کریم و احادیث و روایات و ادعیه‌های مأثوره می‌باشد و به عبارتی با حقیقت دین گره خورده است (اتحاد جوهری). وجود علم در کنار ساینس (Science)، نقطه اتکا، جهت دهنده و تعیین‌کننده حدود ارزشی ساینس (معرفت حاصل از حس و تجربه) محسوب می‌شود. بعبارتی، به حقیقت علوم تجربی و یا ساینس، روح می‌بخشد. نسبت علم به ساینس، نسبت عام به خاص مطلق است و هیچگاه گزاره خاص، نمی‌تواند در جایگاه و در مقام گزاره عام ظاهر شده و نقش آن را ایفا نماید. از سوی دیگر، باید متذکر شد که، ساینس، علم جزئی و روش مطالعه آن، استقرائی است. بنابراین معادل قرار دادن عام و خاص در منطق، جایز نمی‌باشد.

سؤال این است که، آیا همه مجهولات عالم، حسی- تجربی‌اند؟ و یا اینکه، دانشمندان علوم تجربی، ظرفیت آنرا دارند که، همه اجزاء عالم حسی- تجربی را آزمایش کنند؟ و اینکه

سوره مبارکه بقره، صفات متقین را احصاء نموده و آن را در ۵ صفت خلاصه نمود:

۱- ایمان به غیب (الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ)، ۲- نماز را بر پا دارند (وَيَقِيمُونَ الصَّلَاةَ)، ۳- آنچه را که ما به آنها دادیم در راه خدا بخشش کنند (وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ)، ۴- به آنچه که بر شما و پیامبران پیشین نازل شده ایمان بیاورند (وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ) و ۵- وبه آخرت یقین داشته باشند (وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ). همانگونه که ملاحظه می‌گردد، اولین شرط تقوا (متقین) ایمان به غیب می باشد.

کدام یک از این بند های پنجگانه فوق را می توان با شناخت شناسی (methodology) و یا روش (method) تجربی مشاهده، تکرار، آزمون و نتیجه گیری نمود؟

از سوی دیگر همانگونه که قبلاً اشاره شد، رابطه علت و معلول در ساینس، بر پایه محورهای عرضی (رابطه بین پدیده‌ها و درهم کنش آنها) است و هیچ ارتباطی (بالذات) با محور های طولی (خواص متقین) ندارد.؟ به همین دلیل، علی‌رغم کارکرد وسیع و عمیق ساینس در جهان شهادت (جهان خلق)، اما در هستی‌شناسی و جهان غیب عاجز است.

لذا منطقی است بپذیریم که، هر سلاحی و یا هر علمی، کارکرد خاص خود را دارد، هر راهی وسیله نقلیه خود را می‌طلبد، کشتی برای دریا، هواپیما برای پرواز، قطار بر روی ریل و ماشین در جاده. ساینس برای شکافتن دنیای طبیعی، پیدا نمودن قدرت نهادینه در ذات و وجود اشیاء و به خدمت گرفتن آنها در جهت رفع نیازهای مادی (حیات) انسان و غیره، وحی در جای خود، عقل در جای خود، نقل در جای خود، ریاضیات در جای خود. طبیعی است که هریک از چنین منابع معرفتی در جای خود، بسیار مهم، ضروری و حیاتی اند. باید راهی برای شناخت وجه



فیزیکی را از طریق مشاهدات و آزمایشات مورد بررسی قرار می‌دهد. برای روشن تر شدن موضوع و برای آندسته از اندیشمندانی که گاه و بیگاه و در مباحث خود و برای تلطیف نمودن موضوع بحث، نالج را همان علم می‌دانند و ساینس را بخش تجربی آن می‌پندارند. مولف مقاله با استناد از منابع غربی، می‌گوید: اینگونه نیست. بی جهت و نداشتن کار کرد، خشن و زمخت ساینس غرب (مادیگرا) را تلطیف نمایند. به همین دلیل، عین متن انگلیسی نسبت و رابطه ساینس با نالج را از فرهنگ لغات معتبر آنها (در اینجا) درج می‌نمایم.

Science (from the Latin word scientia, meaning "knowledge") (Harper, Douglas. "science". Online Etymology Dictionary. Retrieved September 20, 2014.) is a systematic enterprise that builds and organizes knowledge in the form of testable explanations and predictions about the universe (science". Merriam-Webster Online Dictionary. Merriam-Webster, Inc. Retrieved October 16, 2011)

ساینس (از لغت لاتین ساینشیا، یعنی نالج) (منبع)، امر مهم سیستماتیکی است که، نالج را به صورت شرح و یا توضیح قابل آزمون و قابل پیش بینی در باره جهان ساخته و سازمان دهی می‌کند (منبع).

از کسانی که نالج را همان علم می‌دانند پرسیده می‌شود که، آیا وحی، نقل، ایمان، تقوا، کفر، و... که در علم از آنها یاد می‌شود، قابل آزمون (تجربی) است؟

متأسفانه، فرهنگستان زبان و ادب فارسی از علم به عنوان معادل واژه انگلیسی **Science** استفاده کرده‌است. برای نمونه science food را به علوم تغذیه، crop science را به علوم زراعی و information science را به علم اطلاعات معادل‌سازی نموده اند (واژه‌های مصوب

آیا، ساینس، ظرفیت ذاتی آنرا دارد که به همه مجهولات عالم و مطلوبات آدم، پاسخ دهد؟ همانگونه که می‌دانیم منطق شاخه‌ای از فلسفه بوده و مشتمل بر قواعدی است که ذهن را از وقوع خطا در تفکر باز می‌دارد. به عبارتی، معیار درست اندیشیدن و یا تفکر صحیح می‌باشد. یکی از موضوعات و مباحث مهم در تصورات منطق، نسبت‌های چهارگانه و یا نسبت‌های اربعه می‌باشد. یعنی، نسبت دو مفهوم کلی، با یکدیگر عبارتند از:

۱- نسبت تساوی، ۲- نسبت تباین، ۳- نسبت عام و خاص مطلق و ۴- نسبت عام و خاص منوجه. حال باید دید که علم و ساینس از نظر تصورات منطقی در کدام یک از نسبت‌های چهارگانه قرار می‌گیرند.

بدیهی است که، نسبت علم با ساینس (قطعاً) نسبت‌های تساوی و تباین نمی‌باشد. یعنی علم و ساینس نه در تمامی اجزاء، روش‌ها و استدلال‌های خود، دارای مصادیق مشترک‌اند (نسبت تساوی) و نه اجزاء و مصادیق آنها در تضاد و خارج از حیطه یکدیگر عمل کنند (نسبت تباین). بنابراین، نسبت آنها با یکدیگر می‌بایست یا عموم و خصوص مطلق باشد و یا نسبت عموم و خصوص منوجه. در هر دو صورت، نمی‌توان از نظر تصورات منطقی، آنها را، یکی فرض نمود و معادل هم دانست. بنا بر این ترجمه ساینس به علم غلط می‌باشد و عواقب ناگواری را در حوزه‌های مختلف خاصه، در حوزه اعتقادی بر جای می‌گذارد.

ساینس (Science)

به مجموعه فعالیت‌های فکری، عملی و مطالعه سیستماتیکی از جهان فیزیکی و یا طبیعی، از طریق مشاهده و تجربه را، اصطلاحاً ساینس (شناخت تجربی) نامند. ساینس شاخه‌ای از نالج (Knowledge) است که، جهان مادی و یا



ساینسیست هم، اگر بخواهد می‌تواند با تهذیب نفس و عقیده به خداوند، عالم شود.

تئوری‌های تجربی (قانون) قانون نمی‌شوند؟

- صرف نظر از بدیهیات (مباحث منطقی در باب علم)، اولاً، چنانچه ساینس نتواند به کل یک موضوع و یا تمامی اجزاء یک سیستم (Whole system or subject) دست یابد و همه اجزای داخلی آن را مشاهده و آزمون کند و به تک تک رابطه‌های متقابل (دو جانبه، چند جانبه، ترکیبی، مرکب و ...) دست یابد، نمی‌تواند درباره کل اظهار نظر کند و هر نتیجه‌ای را، به کل تعمیم دهد. بدیهی است که در سیستم‌های پیچیده (سیستم بیولوژی یا سیستم‌های کیهکشانی)، ساینس امکان دست‌یابی به کل را ندارد. اظهار نظر ساینس منوط به آن بخشی از کل است که به آن دست یافته باشد، تشریح کند و به قضاوت بنشیند.

ثانیاً، هیچگاه در یک سیستم باز (مثلاً سیستم بیولوژی)، جمع جبری رفتاراجزاء یک سیستم، معادل رفتارکل نمی‌باشد، مفهوم این دو جمله آن است که، نه تنها ساینس به کل اجزا و اثرات متقابل چند جانبه یک سیستم دسترسی ندارد، بلکه، به فرض محال اگر هم بتواند، به چنین مرحله‌ای دست یابد، یعنی، تک تک اجزاء یک سیستم باز را یک به یک مشاهده، بررسی و آزمون کند، باز هم نمی‌تواند نسبت به رفتارکل سیستم اظهار نظر قطعی کند زیرا، همانگونه که اشاره شد در یک سیستم باز، هیچگاه جمع جبری رفتار مجموعه اجزاء معادل و یا مساوی با رفتار کل نمی‌باشد. در نتیجه هیچگاه، ساینس نمی‌تواند (ظرفیت ذاتی آن را ندارد) نسبت به عالم هستی اظهار نظر کند، آنرا نفی و یا اثبات نماید. تحقیقاً چنین نقاط ضعف ساینس نسبت به کل، زمانیکه وارد عالم مجرد می‌گردد دو چندان می‌شود (ساینس در عالم غیب نا بینا است). به

فرهنگستان زبان و ادب فارسی، وبگاه فرهنگستان. ۲۹ آذر ۱۳۹۰). به نظر می‌رسد برای حفظ حرمت و جایگاه حقیقی علم و پرهیز از دوگانگی و با توضیح نسبت و رابطه علم و ساینس، بهتر است که کلمات فوق به صورت ساینس تغذیه، ساینس علوم زراعی، ساینس اطلاعات و غیره ترجمه شوند (مؤلف مقاله).

سیاهه و یا چک لیست ساینس - متدولوژی

و سیاهه (Checklist) ذاتی معرفت حسی - تجربی (Science) به شرح ذیل خلاصه گردد:

- Focuses on the natural world
- تمرکز بر جهان طبیعی،
- Aim to explain the natural world
- اهداف آن تشریح جهان طبیعی است،
- Uses testable ideas
- استفاده از ایده‌های آزمون‌پذیر،
- Relies on evidence
- اعتماد به شواهد،
- Involves the scientific community
- درگیر کردن انجمن‌های تجربی،
- Leads to ongoing research
- هدایت تحقیقات لازم،
- Benefits from scientific behavior

منفعت از رفتارهای تجربی
آیا تعریف علم اینگونه است؟ کدام علم (با کلیه منابع شناختی) صرفاً در چارچوب دنیای طبیعی (مادی) خلاصه می‌گردد؟

بدیهی است که با سعی و تلاش می‌شود، ساینسیست (Scientist) شد، اما نمی‌شود هر ساینسیستی را، عالم (Alem) دانست. با مبانی محض تجربی می‌توان فیلسوف شد اما، نمی‌توان حکیم (Hakim) گردید و خشیت الهی را در دل پروراند.

باید با تزکیه نفس، تعلیم و تربیت عالم شد تا خردمند گردید. عالم خشیت خداوند را در دل دارد (آتما یخشی الله من عبادی العلما)



۵- انتخاب تصادفی متغیرها

(Randomization) - برای حصول اطمینان از برآوردهای آماری و

۶- کنترل داخلی (Local control) یا

شاهد (Check) - برای جلوگیری از تفسیر نادرست آزمایش و مقایسه تیمارهای مورد نظر با شاهد محلی.

ساینس و عدم قطعیت - نکته حائز اهمیت دیگر اینکه، همواره در آزمایشات تجربی، صحبت از درصد احتمال (Probability) و یا عدم قطعیت می‌شود، یعنی درصدی از عدم اطمینان (uncertainty). بر اساس اصل علت و معلول (Cause and effect)، هیچ پدیده‌ای بدون علت نیست.

آیا در عالم حقیقی و یا عالم تکوینی (مادی و یا فیزیکی) چیزی بنام عدم قطعیت، احتمال و یا تصادف وجود دارد؟ عدم قطعیت از ضعف‌های متدولوژی و متد، معرفت تجربی است. در جهان طبیعی، هیچ معلولی بدون علت نیست. آیا ندانستن همه دلایل علی (اجزا و روابط چند جانبه بین آنها در یک سیستم پیچیده) می‌تواند بهانه‌ای باشد تا اصل تصادف و یا اتفاق را، رویه کار قرار داد؟ و هر کجا که از درک علت تامه، عاجز بودیم، وقوع پدیده را، تصادفی قلمداد نمود؟

اگر قدری عمیق‌تر به سیستم‌های پویا از یک سلول (میکروارگانیسم‌ها)، تا موجودات پر سلولی (یوکاریوت‌ها) مثلاً انسان پرداخته شود و در امتداد آن، زمین و آسمان، منظومه‌ها و کهکشان‌ها و هماهنگی، ارتباط و تأثیر حرکت و چرخش کهکشان‌ها بر حیات، رفتار حیاتی، غرایز، مهاجرت‌ها، فحلیت حیوانات، پرندگان و گیاهان و سرانجام عالم هستی یکپارچه با میلیاردها میلیارد سیستم‌های فرعی و هر کدام

همین دلیل، حق هیچگونه اظهار نظر (نفعاً و یا اثباتاً) در باره کل عالم هستی، عالم غیب و جهان مجردات را ندارد.

باید متذکر شد که، به هیچ وجه، قصد ما کم رنگ جلوه دادن جایگاه و اهمیت ساینس در کشف روابط جهان طبیعی نمی‌باشد، وظیفه ما صرفاً، روشن ساختن مفاهیم اصطلاحات و تعیین حدود و ثغور آنها (واژه‌ها) است، یعنی روشن شدن آوار و مصیبتی است که از طریق ترجمه و معادل‌سازی نابجا، گریبان دانشگاها و حوزه‌های ما را گرفته است. زیرا هر منع شناخت (وحی، کشف و شهود، عقل، نقل، ریاضیات، حس و تجربه) راهی به نفس انسان دارند و هر راه شناخت ملزومات خاص خود را می‌طلبد. نباید مسر هیچیک از آنها بسته بماند. شناخت تجربی (ساینس) بر سکوی مشاهده، آزمون و تجربه می‌نشیند و نمی‌تواند جای علم بنشیند. مگر، همه حقیقت عالم، فیزیکی است تا با ساینس حل و فصل گردد و یا مجموع رفتار جمع جبری اجزاء برابر با رفتار کل در یک سیستم باز می‌باشند؟ آزمایشات تجربی (science experiment)، قوانین خاص خود دارد و از آن، تبعیت می‌نماید (البته هر یک از منابع شناخت قوانین خاص خود را دارند و از آن تبعیت می‌کنند. این موضوع، مخصوص علوم تجربی نمی‌باشد):

۱- مسئله (Problem) - مشکل و یا

پیش رو،

۲- فرضیه (Hypothesis) - ایده اولیه

انجام کاری بدون ارائه مستندات و آزمون،

۳- تئوری (Theory) - شرح یک فرضیه

و یا ایده با پشتوانه‌ای از مستندات آزمون شده،

۴- تکرار (Replication) - برای برآورد

خطای آزمایش (کم کردن خطای آزمایش)،



بنا بر این باید مرز معین و حریم مشخصی برای ساینس و علم قائل شد. زیرا در علم به هیچ عنوان عدم قطعیت و یا احتمال وجود ندارد.

ماهیت علم - علم کلید واژه‌ای آبر معنی است، واژه‌ای که، مثل و مانند و قرینه‌ای ندارد و قابل ترجمه به هیچیک از زبان‌های دیگر نمی‌باشد. از آنجائیکه، علم، امری مجرد و فاقد حد است در نتیجه، نه قابل تعریف است و نه قابل ترجمه. از سوی دیگر، علم همانند وجود و یا حیات، چون امر مجرد و فاقد حد طبیعی است در نتیجه مطالعه آن مستقیماً میسر نبوده بلکه آنچه که مطالعه می‌شود تجلی علم بر موضوعات متکثر عالم طبیعی و یا موضوعات تشریحی (فقط برای انسان) است. بدیهی است چیزی که، قابل تعریف، و حد نباشد را، نمی‌توان به کلمات دیگر ترجمه نمود. در ادبیات قرآن کریم، عالم (صاحب علم) کسی است که به وحدانیت خداوند تبارک و تعالی ایمان داشته باشد (شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ، عالمان در کنار خداوند تبارک و تعالی و فرشتگان به وحدانیت خداوند گواهی دهند، آیه ۱۸ سوره آل عمران) هر هر ساینستی را عالم نمی‌گویند.

باید مراقب بود تا علم، به زبان‌های دیگر، دانسته و یا ندانسته به ساینس (شاخه تجربی از درخت علم) مصادره نگردد. هر واژه‌ای که به جای علم بکار گرفته شود، بخشی از حقیقت علم را در بر می‌گیرد. علم نور است (أَلْعِلْمُ نُورٌ يَقْدِفُهُ اللَّهُ فِي قَلْبِ مَنْ يَشَاءُ، علم، نوری است که خداوند به قلب هر کس که بخواهد می‌افکند) بحارالانوار، ج ۱، ص ۲۲۴) و منظومه آن (علم)، سلسله مراتب اقماری همچون، وحی، عقل و براهین عقلی، نقل و براهین نقلی، ریاضیات و معرفت حاصل از حس و تجربه (کلیه منابع معرفت) دارد. وحی در عالی‌ترین مرتبه منظومه علم (نزدیکترین قمر) قرار داشته، و معرفت

با میلیاردها میلیارد اجزاء و شبکه‌های موثر و متأثر داخلی و بیرونی و هر کدام با انگیزه و اهداف خاص و ملزومات لازم، برای حرکت به سوی مقصدی را در نظر بگیرم، آیا می‌توانیم بگوئیم که، همه این عالم با بی‌نهایت عوارض آن، اتفاقی، تصادفی و بر اساس اصل عدم قطعیت می‌باشد؟ اگر چنین تصور شود سنگ بر روی سنگ بند نخواهد شد.

بنا بر اصل عدم قطعیت، بی‌نهایت احتمال (∞) برای شکل‌گیری، هر یک از سیستم‌های موجود در عالم کائنات وجود خواهد داشت، من باب نمونه می‌خواهیم بدانیم که، چقدر و یا چند در صد احتمال دارد که، بنا به اعتقاد سانتیست‌های تطور گرا و بر اساس اصل عدم قطعیت و تصادف و احتمال، انسان از پستاندار نخستین (primate) و یا از خانواده میمون‌های بزرگ تطور یافته باشد:

درصد احتمال شکل‌گیری انسان (از میمون‌های بزرگ)

$$\text{صفر} = \frac{\text{عدد}}{\text{بی‌نهایت}} = \frac{\text{تعداد نتایج مساعد}}{\text{تعداد کل نتایج}}$$

و یا اینکه بی‌نهایت نتایج مساعد (حالات ممکن)، تقسیم بر بی‌نهایت نتایج، حاصل آن نیز مبهم است. یعنی،

$$p = \frac{\text{بی‌نهایت}(\omega)}{\text{بی‌نهایت}(\omega)} = \text{مبهم}$$

در اینصورت بر اساس کدام قاعده و قانون (تصادفی و با عدم قطعیت)، عالمی با چنین نظم، انسجام، موزون و هماهنگ و انسانی با چنین ظرفیت فطری، ارادی، و علمی بصورت تصادفی از خاندان میمون‌های بزرگ تطور یافته است؟

نازل شده است از جانب پروردگار تو به حق نازل گردیده است و رهنمای خلق به راه خدای بی‌همتای ستوده صفات است آیه ۶ سوره مبارکه سبأ،

۵ - علم، منشاء تولید قدرت است (قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ...)، (اما) کسی که دانشی از کتاب آسمانی [داشت گفت: من پیش از آن که چشم بر هم زنی، آن را نزد تو خواهم آورد، آیه ۴۰ سوره نمل)،

۶ - علم، عامل تزکیه است (...وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ...)، و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را (از هر زشتی) پاک و منزه سازد، آیه ۱۲۹ سوره مبارکه بقره).

۷ - علم، عامل صبر و شکیبائی است (وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا، و چگونه صبر توانی کرد بر چیزی که از علم آن آگاهی کامل نیافته‌ای؟ آیه ۶۸ سوره مبارکه کهف)، و ده ها موارد متعدد دیگر.

آیا چنین ظرفیتی در ساینس نهفته است؟ در نتیجه آیا می شود ساینس را معادل علم ترجمه نمود؟

ترجمان عالم به علم - باید بدانیم که، عالم (جهان غیب و شهود) را نمی شود با ساینس (معرفت حاصل از حس و تجربه) ترجمه و تفسیر نمود بلکه، باید عالم را، با علم ترجمه و تبیین نمود. در تبیین و ترجمان عالم به وسیله علم، توجه به چند اصل راهبردی، ضروری است:

الف - اصل اول، هر آنچه که، روزی از عالم بالا تنزل یافتند (نزل تجلی نه نزول تجافی) مثل علم، حیات، روح که، به اجزاء عالم هستی موضوعیت و موجودیت بخشیدند، روزی، به عالم بالا بر می گردند (... کَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ خَلْقٍ نُعِيدُهُ...، آیه ۱۰۴ سوره انبیاء). زبان عالم بالا، ملکوتی و مجرد است و زبان عالم پائین (دنیا) مادی و

حاصل از حس و تجربه در نازلترین مرتبه (دورترین قمر) منظومه علم قرار دارند. به همین دلیل، هر معرفتی از هر منابع غیر از وحی، باید بر وحی (قرآن کریم) عرضه گردد (روش استنطاقی)، آزمون شود و در صورت تأیید آن (توسط قرآن کریم) مجوز صعود به عالم بالا را کسب کند (...يُصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ... کلمه نیکو (ی توحید و روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد، آیه ۱۰ سوره فاطر).

با چنین قداست، جایگاه و ماهیت علم، آیا واژه ای هم وزن و معادل آن (مثلاً ساینس) سراغ دارید؟ از سوی دیگر برای درک حقیقت جایگاه و ماهیت علم و معرفی آن توسط قرآن کریم (وحی)، به گوشه هائی از مفاهیم مستتر در کلید واژه علم، اشاره می گردد.

ظرفیت معنوی کلید واژه علم

۱ - علم، دیدن در مقابل ندیدن و نور در مقابل ظلمت است (... هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ، یا ظلمات (شرک و بت پرستی) با نور (معرفت و خدا پرستی) مساوی است؟ آیه ۱۶ سوره مبارکه رعد)،

۲ - علم، خیر کثیر است (...وَمَنْ يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ خَيْرًا كَثِيرًا...) و هر که را به حکمت و دانش رسانند در باره او مرحمت و عنایت بسیار کرده‌اند، آیه ۲۶۹ سوره بقره)،

۳ - علم، منشاء خشیت الهی است (... إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ، ... و از میان اصناف بندگان، تنها مردمان عالم و دانا مطیع و خدا ترسند، آیه ۲۸ سوره فاطر)،

۴ - علم، سر چشمه ایمان است (وَيَرْيَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ هُوَ الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ، و آنان که اهل دانش و معرفت گردیدند (یعنی مؤمنان و نیکان اهل کتاب) یقین دارند که قرآنی که بر تو



طبیعی است. بنابراین، اگر روزی برای نزول از عالم بالا، یعنی، از زبان ملکوتی و مجرد به زبان مادی و یا طبیعی ترجمه شدند حال باید، برای صعود، از زبان پائین (مادی و یا طبیعی)، دو باره به زبان عالم بالا (ملکوتی و مجرد) بر گردانده و یا ترجمه شوند تا امکان صعود فراهم گردد. به همین دلیل، تا مادامیکه، چنین تبدیل و یا ترجمه‌ای صورت نگیرد، امکان صعود هیچ عملی از انسان به بالا، ممکن نخواهد بود. از آنجائیکه، جنس عالم ملکوت مجرد پاک و طیب است، بنا بر این، فقط کلمات پاک و اعمال شایسته و طیب انسان صلاحیت ترجمه و صعود به عالم بالا را دارند (...يُصْعَدُ الْكَلِمُ الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ ۝ ...، آیه ۱۰ سوره مبارکه فاطر).

ب - اصل دوم، جنس و نوع اتصال بین فاعل شناسا (انسان) با هر یک از منابع شناخت (وحی، عقل، نقل، ریاضیات، حسی و تجربی)، متفاوت است. به تعبیر فلسفی، عالم و علم، علی رغم ظاهر متنوع و متکثر، هر کدام در ذات خود، واحداند (یک ابر سیستم اند) اما، به حسب ظاهر، اجزاء عالم (به ظاهر) متنوع و متکثر و منابع علمی (به ظاهر) هم، متنوع و کثیر به نظر می‌رسند. همانگونه که در جهان طبیعی و یا عالم محسوس، از زندگی فیزیولوژیک کوچکترین سلول (باکتری‌ها)، تا بزرگترین جانداران (وال، فیل و زرافه و غیره) و انسان (دارای عقل، اراده و ظرفیت علمی)، حرکت وضعی و انتقالی زمین، گردش منظومه شمسی و کهکشان راه شیری و سایر کهکشان‌ها، به گونه‌ای تنظیم شده که، یکپارچه، موزون و به صورت یک ابر سامانه بر مدار دوآر مثلاً ریتم شبانه روزی (circadian rthym) تعریف و تنظیم (نظام تکوین) می‌شوند (کثرت در عین وحدت) و هر سامانه‌ای، از زیر سامانه‌های خود تاثیر می‌پذیرد و زمینه، تشکیل سامانه بزرگتر و وسیع‌تری را (تا انتهای جهان

هستی) مهیا می‌کند، تا همگی در خدمت انسان باشند (بوم زیست انسان)، به همین ترتیب، تمامی منابع معرفتی و یا شناخت علمی نیز، همچون سامانه‌های مستقل وابسته (مستقل نسبی در منبع، وابسته و زمینه ساز منابع دیگر)، یک ابر سامانه معرفتی واحدی را شکل می‌دهند (وحدت علم و کثرت منابع) و با محوریت و یا مرکزیت قرآن کریم (وحی) یک مجموعه واحد، هماهنگ و موزونی را به نام ریتم و یا آهنگ قرآنی شکل می‌دهند (Quranian rthym). همانگونه که، انسان در مرکز مدار جهان مادی قرار دارد و همه عالم خلق (جهان طبیعی)، به اذن خداوند، مسخر انسان اند و بر گرد کعبه وجود وی در طواف اند، قرآن نیز، در مرکز مدار معرفتی و علمی همه منابع شناخت، قرار داشته، و همه منابع علمی در طواف قرآن کریم، معنی شده، حقیقت می‌یابند. حذف هر یک از منابع شناخت از چنین محوریتی، یعنی از قرآن کریم یعنی، لاشه و یا جسد منبع شناختی، بی روح و بی معنی. قرآن کریم حبل الله است و همه عالم طبیعی و عالم معرفتی (منابع مختلف شناختی) را به صادر مطلق (خداوند تبارک و تعالی) وصل می‌نماید. لازم به ذکر است که، قرآن کریم مرکز و مدار صامت منابع شناختی است و حتماً در کنار و با مدار شارحان ناطق (ائمه معصومین علیهم السلام) معنی و مفهوم تام و کمال پیدا می‌نمایند.

حال این دو ثقل عالم، یعنی، عالم طبیعی (با مرکزیت انسان) و عالم شناختی (با مرکزیت قرآن و اهل البیت علیهم السلام) چه نسبت و رابطه‌ای باید باهمدیگر داشته باشند تا حقیقت انسان به عنوان خلیفه الهی، تحقق پیدا کند، بحث مستوفائی را می‌طلبد که اگر عمری باقی بود در مقاله‌ای دیگر (در این زمینه) به بحث آن خواهیم نشست.



انسان) به زبان مجرد بی نیاز از زمان و مکان (با مرکزیت قرآن و اهل بیت علیهم السلام) قابل تعالی و ترجمه گردد. بنا بر این، قبل از صعود به عالم بالا، باید رخت طبیعی خود را از تن به در کرده، و با شاقول و یا ترازوی الهی یعنی، وحی (قرآن صامت)، و اهل بیت علیهم السلام (شارحان ناطق) راست آزمائی (verification) گردند تا صلاحیت صعود به عالم بالا را داشته باشند. فهم این دو جهان (عالم طبیعی با مرکزیت انسان و عالم معرفت با مرکزیت قرآن و اهل بیت علیهم السلام)، انطباق و هماهنگی بین آنها با هم، از طریق علم (الذین آمنوا) و عمل صالح (وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ) تحقق می یابد. در غیر اینصورت، مشمول فراز سوره دوم والعصر یعنی، إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ قرار می گیرند.

آیا ساینس، معرفت حاصل از حس و تجربه دارای چنین جایگاهی است؟ بنا بر این، آیا می شود ساینس را معادل علم تصور نمود؟ توخود حدیث مفصل بخوان از این مجمل.

ج - اصل سوم، توجه به اصول یاد شده (اول و دوم) یعنی، بیداری، بصیرت، معرفت، یعنی، درک انطباق عالم تکوین با عالم تشریح و یا انطباق عالم ملک (ظاهر اشیاء) با عالم ملکوت (باطن اشیاء) و فهم اینکه، همه اشیاء (کل شیئی) از اویند، و به سوی او بر می گردند (وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ). همانگونه که اشاره شد، اما، در ریتم شبانه روزی (Circadian rthym) جهان خلق به مرکزیت انسان و به دلیل ماهیت اجزاء تشکیل عالم طبیعی، پیوستگی و وابستگی به زمان و مکان، دوره زمانی مثلاً ۲۴ ساعته، ماهیانه، فصلی و دوره ای، مورد توجه قرار می گیرد و هر گونه تغییرات در چرخه زمانی خاص، محاسبه می گردد، در ریتم قرآنی (Quranian rthym)، چون علم و مفاهیم نهفته در آن، از جنس مجرد اند، زمان و مکان در آن راه نداشته و معنی ندارد بلکه، این مفاهیم (conception) هستند که، در آنها معنی پیدا می کنند، یعنی، بگونه ای باید، زبان مادی عالم طبیعی زمان دار (با مرکزیت

منابع

۱. اژدری زاده، حسین. ۱۳۹۳. روش شناسی نظریه معرفتی - اجتماعی علامه طباطبائی، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال پنجم، شماره سوم، تابستان.
۲. بهشتی، سید محمد حسین، محمد جواد باهنر، علی گزاده غفوری. ۱۳۹۰. شناخت اسلام، بنیاد نشر آثار و اندیشه های شهید بهشتی، تهران، ص ۵۳.
۳. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم. ۱۳۶۶. قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ص ۵۸.
۴. جواد آملی، عبدالله. ۱۳۹۵. انسان از آغاز تا انجام، سیری در آثار آیت الله جواد آملی، گردآوری و تنظیم، مرکز پژوهش‌های علمی و فرهنگی مؤسسه فرهنگی تحقیقات اسراء ص ۴۱ - ۴۰.
۵. جواد آملی، عبدالله. ۱۳۶۳، ده مقاله پیرامون مبدأ و معاد، جلد ۱، ص ۱۴۵، تهران.
۶. جواد آملی، عبدالله. ۱۳۹۳. کتاب نقد، فصلنامه کتاب نقد شماره ۷۰-۷۱، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۷. دلاور، علی، ۱۳۹۸. روش تحقیق در روان شناسی و علوم تربیتی، ناشر ویرایش. شابک، 964-6184-02-2.
۸. مطیع، حسین. ۱۳۹۳ علم نافع در قرآن و حدیث، انتشارات سروش
۹. ایزدی مهدی، زهره اخوان مقدم، ۱۳۹۲، ضرورت، ماهیت و روش استنتاج از منظر روایات اهل بیت(ع)، دوره ۶، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صفحه 103-126.
۱۰. نعمت زاده، قربانعلی. ۱۳۹۶. آینده بشریت، ویژه نامه صالحات، معاونت تعلیم و تربیت، بسیج مازندران، صفحه ۹۸ - ۹۷.
11. Alan D. Attie, Elliot Sober, Ronald L. Numbers, Richard M. Amasino, Beth Cox, Terese Berceau, Thomas Powell, and Michael M. Cox, 2006, Defending science education against intelligent design: a call to action Journal of American Society for Clinical Investigation, 116:1134-1138.



12. Amicus Curiae brief in *Edwards v. Aguillard*, 2007. (United States Supreme Court 1986-08-18). available at "Edwards v. Aguillard: Amicus Curiae Brief of 72 Nobel Laureates". From TalkOrigins Archive. Retrieved 10-19.
13. Aubele, Michael. 2013. (April 1, 2012). "Those who don't believe just as adamant as religious folk". Pittsburgh Tribune-Review. Retrieved June 30.
14. Biological website and Of faith and reason". *Nature Immunology*. 11 (5): 357–357. May 2010
15. Dawkins, Richard .2006. *The God Delusion*. Boston: Houghton Mifflin. p. 406. ISBN 0-618-68000-4.; "Preface on-line"
16. Edward O. Wilson, Foreword of *Everybody's Story: Wising Up to the Epic of Evolution* by Loyal D. Rue, Suny Press, 1999, page ix and x.
17. Faculty of Science, University of New South Wales. 20 October 2005. Intelligent Design is not Science - Scientists and teachers speak out
18. Francis S. Collins, 2006, *Language of God: A Scientist Presents Evidence for Belief* Paperback – July 1, 2007.
19. Freedom From Religion Foundation, Inc. 2017. Wisconsin Department of Financial Institutions. Retrieved August 5.
20. J. L. Schellenberg, 2015. *The Hiddenness Argument: Philosophy's New Challenge to Belief in God*. (abstract) Oxford University Press. ISBN 978-0-19-873308-9.
21. Mark Bergin, 2006. *Junk science*. *World Magazine*, Vol. 21, No. 8, February 25.
22. Michael Dowd (May 8, 2012). "Big History Hits the Big Time". HuffPost. Retrieved 2012-12-13.
23. Mike Archer, Bradley Smith, Sue Serjeantson, Paul Carnemolla, 2005. Faculty of Science, University of New South Wales. 20 October 2005. Intelligent Design is not Science - Scientists and teachers speak out.
24. The Elie Wiesel Foundation for Humanity Nobel Laureates Initiative. Intelligent design cannot be tested as a scientific theory "because its central conclusion is based on belief in the intervention of a supernatural agent." Nobel Laureates Initiative Archived December 9, 2006,
25. Vanessa Thorpe. 2012. Big History theories pose latest challenge to traditional curriculum: Maverick academic's 'Big History' – which is backed by Bill Gates – is subject of new documentary. *The Guardian*. Retrieved 2012-12-13. Big History, a movement spearheaded by the Oxford-educated maverick historian David Christian.
26. Winston, Kimberly. 2012. For clergy, lost faith can lead to lost family, jobs. *The Washington Post*. Archived from the original on December 16, 2013.

جستاری در علم و ساینس

قربانعلی نعمت‌زاده

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، پژوهشکده ژنتیک و زیست فناوری کشاورزی طبرستان
(نویسنده مسئول: gh.nematzadeh@gmail.com)

چکیده

علم اساسی‌ترین ویژگی انسان و فصل ممیزه وی با سایر موجودات کره زمین می‌باشد (بقره/۳۰). نوع و یا گونه انسان در بین ممکن الوجود، از حیث عقل، علم و ژنوم (مجموعه مواد ژنتیکی)، مثل و مانند ندارد (البته چنین ویژگی در انسان، از الطاف خداوند و برای حمل امانت الهی است). به برکت وجود چنین ظرفیت استثنائی (عقل، فطرت، علم و اراده) بنی آدم، امتیاز تسخیر عالم هستی (عالم شهود) به وی واگذار گردید (جاثیه/۱۳). علاوه بر این، مسئولیت پاسخگویی (از نعمت‌ها) و لیاقت خلیفه‌اللهمی شدن (بصورت بالقوه) نیز به وی عنایت شده است (بقره/۳۰). وحی را بعنوان ام‌العلوم و سنجح صحت و سقم هر آنچه که از انسان سر می‌زند، عقل را به منزله محک سنجش و هندسه معرفت، کشف و شهود را در کنار نقل و براهین آن، بانضمام ریاضیات و حواس مبتنی بر حس و تجربه (علم) را، مجموعه معابر ورود به جهان شهود و غیب ویا عیان و نهان قرار داد تا، هستی را آنچنانکه هست (هستی‌شناسی)، و انسان را آنچنانکه می‌باشد (انسان‌شناسی) و خدا را آنچنان که قرآن و اهل البیت (ع) معرفی می‌نمایند بشناسد و طبیعت را آنگونه که لازم است درک کند و از آن، آنگونه که، شایسته است بهره‌برداری کند (بقدر طاقت بشری). به همین دلایل، ظرفیت علمی و ابزار آنرا به انسان عطا نمود. علم و مشتقات آن، یکی از پر بسامدترین واژه‌ها در قرآن کریم می‌باشند و نه تنها با حقیقت دین، گره خورده است بلکه، وجود آن بعنوان مکمل، در کنار ساینس و جهت‌دهی درست آن، امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در غیر اینصورت، ساینس (ساینس بدون حضور علم)، جز لاشه علمی و بی‌روح چیز دیگری نخواهد بود. نسبت علم به ساینس نسبت عام به خاص مطلق است و هیچگاه گزاره خاص نمی‌تواند در جایگاه و در مقام گزاره عام ظاهر شده و نقش آنرا به طور کامل ایفا نماید. بنابراین، معادل قرار دادن گزاره عام با گزاره خاص در منطق، جایز نمی‌باشد. یعنی، هیچگاه ساینس نمی‌تواند معادل علم باشد و یا به علم ترجمه گردد.

کلمات کلیدی: علم، ساینس، نسبت عام و خاص مطلق، معادل‌سازی واژگان.

مقدمه

می‌گردد، یا هستی را در مجموعه‌ای از شهود و غیب می‌بیند و برای آن مبداء و معاد قائل است و آنرا هدفمند، هدایت شده و غایت مدار می‌پندارد و یا اینکه، آنرا صرفاً فرآیند طبیعی دانسته و نه مبدائی برای آن متصور است و نه مقصدی برای آن قائل. هر آنچه که می‌بیند و هست را، نتیجه واکنش‌های فیزیکی و شیمیائی مولکول‌ها، تصادفی، بی‌هدف و حاصل انتخاب هدایت‌نشده طبیعی (undirected) تفسیر می‌نماید.

سبک زندگی (فردی و اجتماعی) هر فرد، تابعی از تصور هستی‌شناسی و انسان‌شناسی وی است. زیرا انسان هر آنچه را (از هستی) قرائت می‌کند به همان نحو هم، می‌نگارد و هر آنچه را که می‌نگارد، به همان سیاق نیز، تولید علمی و تجربه می‌نماید، نظامات اجتماعی را شکل می‌دهد و سبک زندگی خود را تعریف می‌نماید. فاصله بین انسان تا کشف حقیقت و یا کشف واقع (هدف علم) بوسیله تصویری از هستی‌شناسی پر



مقصد (مثلاً در شرق و یا در جوامع ایرانی) داشته باشد. در واقع چنین خلط معادل‌سازی، نقطه آغازین یک انحراف بسیار بزرگ در تولید و فلسفه علمی خواهد بود. اتفاق ناگواری که متاسفانه از دوره قاجار و عصر نهضت ترجمه در ایران رخ داد و نه تنها بر تاریخ و فلسفه علمی کشور اثر گذاشت بلکه، تأثیر عمیق منفی در تولید علمی گذاشته است (تقلید علمی بجای تولید علمی و یا لاشه علمی به جای علم). اگر چه بعد از انقلاب اسلامی تا حدودی در صد ترمیم آن برآمدند اما، اثر آن در جامعه علمی کشور همچنان باقی است. بدیهی است با کلید واژه‌های غربی و در بستر واژه‌های وارداتی نمی‌توان، تمدن نوین ایرانی - اسلامی را بر پا نمود، استاد و دانشگاه تراز انقلاب اسلامی تاسیس و تربیت کرد.

مرحوم تشیهیکو ایزوتسو، اسلام‌شناس و استاد دانشگاه مگیل کانادا، کتابی دارد بنام God and Man in the Quran (خدا و انسان در قرآن) که بوسیله احمد آرام ترجمه و چاپ هشتم آن در سال ۱۳۹۲ ه.ش، وارد بازار گردید. ایزوتسو در این کتاب، بسیار هوشمندانه کلمات و یا زبان فهم قرآن را در سه گروه مختلف، دسته‌بندی نمود، یعنی: کلمات کلیدی (key words)، کلمات کانونی (focal words) و کلمات محوری (axial words). سپس به تشریح تک تک واژه‌ها پرداخت (به اختصار اشاره می‌شود).

کلمات کلیدی، کلماتی هستند که نقش اساسی در ساختن جهان بینی دارند. مثلاً کلمه الله، اسلام و غیره. (بدیهی است که، ساینس (science) و هیومن (human) و تطور (evolution) هم، در فرهنگ ماتریالیستی غرب، نقش کلیدی در ساختن جهان‌بینی دارند (نویسنده مقاله)، ترجمه و یا معادل‌سازی این نوع کلمات به زبان‌های دیگر، به هیچ‌وجه جایز

عالم هستی یک آبر سیستم و یا آبر سامانه واحد (وحدت در کثرت)، سراسر تنوع و تکثر است. چه در حوزه زیستی (bio system)، چه در حوزه‌های طبیعی (natural systems) و هر آنچه در عالم شهود (عالم طبیعی) تصور می‌شود، هویت مستقل و به ظاهر آزاد، تماماً (اجزای عالم ممکن) بصورت کاملاً منطقی، تعریف شده، هدفمند و غایت مدار به همدیگر، گره خورده و در عین تنوع و کثرت بی‌نهایت، یک پارچه و یک سیستم واحد را، رقم می‌زنند. لذا هر متنی از این عالم (عالم طبیعی و فراطبیعی)، دارای زبان خاصی است و شناخت زبان هر متن، کلید درک و فهم آن متن و ایجاد ارتباط با آن قسم از عالم هستی است و برای تعریف و تفسیر هر بخشی از عالم هستی، باید با زبان همان بخش عالم، با آن سخن گفت.

علم یک واژه آبر معنی است و زبان منظومه علم (وحی، کشف و شهود، عقل، نقل، ریاضیات و حس و تجربه و شقوق مختلف آن) بسیار متنوع است و باید، به صورت فنی، دقیق، جامع، مستند و فارغ از هر گونه حدس و گمان به آن بخش از عالم پرداخت (یونس/۳۶). بدیهی است که، پیروی از حدس و گمان، انسان را بی‌نیاز از حق نمی‌نماید. نگاه به عالم هستی، بدون توجه به تمامی جنبه‌های زبان‌های منظومه علوم و ظرفیت ذاتی آن، ناقص، تک بعدی و ناقص در حقیقت هستی‌شناسی است. از سوی دیگر، ابداع و یا خلق واژه ای در یک فرهنگ خاص و با نگاه به هستی‌شناسی خاص (اللهی و یا ماتریالیستی) و اغراض مبدعان و یا شارحان آن در مبداء، بار معنایی خاص خود را به همراه دارد. اشتباه راهبردی است که، تصور شود، واژه‌های آبر معنی و انتزاعی در مبداء پیدایش آن واژه (مثلاً در جهان ماتریالیستی غرب) با معادل‌سازی و ترجمه کلمه به کلمه، همان معنی و مفهوم را در



مبتنی بر ساینس در فرهنگ غرب، بر نفی عالم ماوراء الطبیعی حکم می‌کند. حذف خالق از خلقت و باور بر خود همانندسازی مولکول‌ها در فرآیند طبیعی و پیدایش خود به خودی حیات (abiogenesis) و پیدایش گونه‌ها از طریق تبدیل انواع (transformation) و در نهایت پیدایش انسان از خانواده میمون‌های بزرگ (graet apes) کارکرد نگاه ماتریالیستی ساینس در غرب است. البته، ضروری است و باید توجه داشت، نه اینکه ساینس، ذاتاً دارای چنین ماهیتی است، بلکه در جهان کنونی غرب، چنین ماموریت را برای ساینس تعریف کرده و آنرا اینگونه معرفی می‌نمایند. جهان غرب با چنین نگرش به هستی‌شناسی، درصدد ساختن تمدن غربی بر پایه انسان محوری (humanism)، هستی‌شناسی بر پایه حس و تجربه (imperical ontology)، دین‌ستیزی بر پایه تطور طبیعی (Islamophobia based on natural evolution)، ارزش‌شناسی بر پایه لذت‌گرایی (values based on hedonism) است. آیا در اینصورت و با چنین تفسیر از ساینس (science)، می‌توان آبر و آوازه علم (Elm) را معادل ساینس ترجمه نمود؟ واژه کلیدی علم، مشتمل بر مجموعه منابع و معارف وحیانی، کشف و شهود، عقل و براهین عقلی، نقل و براهین نقلی، ریاضیات، از جمله حس و تجربه است (جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ۱۳۹۰، ۲۹) در اینصورت آیا می‌توان علم را، معادل، هم تراز و هم سنگ ساینس دانست؟

ضرورت شناخت علوم - نیاز مبرم بشر به علوم دینی در کنار علم اکتسابی (ساینس، نویسنده) به لحاظ مبانی اعتقادی چه در عرصه هستی‌شناسی و چه در عرصه عمل و رفتار و نیز برتری ارزش‌های علوم دینی در مقایسه با علوم اکتسابی، در هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و مبانی اخلاقی، ضرورت اسلامی انگاری علوم،

و مجاز نمی‌باشد (آرام، خدا و انسان در قرآن، ۱۳۹۲، رضائی اصفهانی، منطق تفسیر قرآن، ۱۳۹۶، ۱۳۵۹). کلمات کانونی آندسته از کلماتی هستند که، دارای میدان معنا شناختی نسبتاً مستقلی‌اند، مثلاً ایمان، اعتقاد و ... و دسته سوم، کلمات محوری‌اند که آیات و موضوعات مختلف را به یکدیگر پیوند می‌دهد. مثلاً کلمه تقوا و ... کشف و تشخیص هر یک از نوع کلمات سه‌گانه فوق‌الذکر در هر متن و یا زبانی به مفسر و یا مترجم کمک می‌کند تا ضمن بکارگیری درست واژه‌ها، ارتباطات موضوعی و یا بخشی متنی، به نحو صحیح به یکدیگر گره زده شود و مفاهیم رساتر انتقال یابد (بی‌آزار شیرازی، قرآن ناطق، ۱۳۷۷، ۳۱۲). بنابراین، ترجمه این‌گونه کلمات کلیدی، کانونی و یا محوری کار شایسته‌ای نمی‌باشد.

جایگاه علم - با بیان مختصر مطالب یاد شده، باید محرز گردد که آیا، واژه علم (Elm) در فرهنگ قرآنی، از کلمات کلیدی، کانونی و یا محوری است یا خیر؟ و یا از جمله واژه‌های عادی و دارای مصادیق عینی در خارج است و با معادل‌سازی آن با اصطلاحات غربی از جمله ساینس (science) و یا نالج (knowledge)، هیچگونه خدشه و یا اثر منفی و بار فرهنگی و اعتقادی در پی نخواهد داشت؟ به همین نحو، بسیاری از کلمات و واژه‌های دیگر از جمله: انسان (Ensan) با هیومن (Human)، هستی‌شناسی الهی (Elahistic ontology) با هستی‌شناسی مادی (Materialistic ontology)، انسان‌شناسی (ensanology) با هیومن‌شناسی (Humanology) و یا آنترپولوژی (Anthropology) و ده‌ها واژگان کلیدی، کانونی و محوری دیگر.

جایگاه ساینس - منظومه فکری ساینس (Science) و یا مکتب اثبات‌گرایی (positivism)



ساحت مادی عالم هستی و قوانین تشریحی برای هدایت انسان، تفسیر و تبیین خلقت به اندازه، هدفمند بودن هر ذره‌ای در هر نقطه‌ای از عالم وجود، چگونه می‌تواند چنین علمی غیر الهی باشد؟

این عالمان هستند که به علم، جهت غیر الهی می‌دهند، این نگاه فلسفی تطورگرا غربی‌ها است که، حقیقت ساینس را به نفع ماتریالیست‌ها مصادره کردند. نه اینکه علم به معنی عام و ساینس به معنی خاص، بالذات غیر الهی و یا غیر اسلامی باشد. اساساً فلسفه وجودی دین الهی، بر همین معنا است تا ضمن هدایت بشر به سعادت ابدی، نوعی استانداردسازی در بین علما ایجاد کند و تشدد و تفرق آراء را، که منشاء گرفتاری‌های بشر می‌باشد به هم نزدیک و وحدت به بخشد، تا در سایه وحدت علم و دین، تعالی دین و دنیای بشر تضمین گردد.

چگونه میسر است که زبان ساینس (زبان حس و تجربه محض) تنها معرفت حقیقی را، آن معرفتی بدانند که، متأسفانه امروزه نظر اثبات‌گرائی کنت در فرانسه و برزیل و بسیاری از کشورهای دیگر، منتهی به بناهای دین بشری گردید. دین‌های بشری تحت، عناوین مختلف از جمله، chapels of Humanity (چاپل‌های بشری)، معابد اثبات‌گرایی (Temple of positivist)، جوامع اخلاقی (ethical society)، کلیساهای اخلاقی (ethical churches)، جماعت گرایان هیومن ایست (congregational humanist) و سازمان‌های هیومنی سکولار (secular humanist organization) گردید (Davies, 1997:8-29).

آیا در اینصورت می‌توان، دو واژه علم و ساینس را معادل هم دانست و ساینس را به علم ترجمه نمود؟ و یا علم و زبان علمی را که، مشتمل بر مجموعه معارف عالم عین و عالم غیب است را با

تجدید نظر در معادل‌سازی کلمات غربی را محرز، و جدائی میان علوم وحیانی با علوم و دستاوردهای بشری را ناممکن می‌سازد (اسدی نسب، ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبائی، ۱۳۹۵)

آیت‌الله جوادی آملی در مقابل گروهی که نسبت به عقل، راه تفریط و یا راه افراط را در پیش گرفته‌اند می‌گوید: کار علوم طبیعی، شناخت خلقت خدای تعالی است. یعنی مشغول خلقت‌شناسی است و علم (منظور در اینجا علوم تجربی یا ساینس است، نویسنده) محصول عقل و در متن گفتمان دینی قرار دارد و تمامی علوم، دینی هستند و فرض در نظر گرفتن علم غیر دینی محال است، حتی اگر دانشمند آن بی‌دین باشد (جوادی آملی، علم دینی، دیدگاه‌ها و تحلیل، ۱۳۹۵) وی ادامه می‌دهد که: علم اگر علم باشد نه وهم و خیال و فرضیه محض، هرگز غیر اسلامی نیست، علمی که اوراق تکوین را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن می‌گشاید بناچار اسلامی است (جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۹۴).

هدف علم کشف واقع است و کاشف هم، غیر از انسان چه موجود دیگری می‌تواند باشد (هیچ)؟ هدف علم یک بحث و یا موضوع است، (کشف واقع و یا تبیین واقعه) و هدف عالم و یا کاشف از علم، چه می‌باشد؟ بحث دیگر (هزاران راه و بیراهه) و آنچه امروز در جهان ماتریالیستی غرب از ساینس سوء استفاده می‌شود بحث دیگری است. علم بالذات الهی است، مصدر صدور علم از خدا است و انسان کاشف علم است نه تولید کننده آن. استفاده از واژه تولید علم حرف نا بجائی است، بلکه باید اصلاح و به تولید علمی ارتقاء یابد. زیرا همانگونه اشاره شد، علم (به مفهوم عام)، درصدد هویدا نمودن برگ‌های دفتر هستی است، تبیین نظم و هدایت تکوینی برای



همانگونه که پشت هر اندیشه‌ای باید زبانی برای تبیین و انتقال آن به دیگران باشد، آیا نباید واژگان، تعبیر، اصطلاحات، علائم در هر اندیشه خاصی در هر متنی ارزیابی، تجزیه و تحلیل گردد (غروی، وینگشتاین و نظریه معنی، برهان و عرفان، ۱۳۸۵) تا انتقال درست مفاهیم صورت پذیرد؟ بدیهی است چنین ضرورتی نه فقط برای انتقال مفاهیم بسیار حائز اهمیت می‌باشد بلکه، برای حفظ و استمرار هر اندیشه‌ای، زبانی برای پاسبانی آن اندیشه، از تهاجم اغیار نیز، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است.

روش تحقیق - یکی از روش‌های مورد نظر در این تحقیق، روش استنتاج (به نطق در آوردن کلام الهی) است یعنی، یکی از روش‌های مهم و موکد اهل البیت (ع) در ارتباط با معرفت به قرآن کریم می‌باشد. و یا بعبارتی، حضور معنی دار تفکر قرآنی در جوامع بشری است (اژدری زاده، روش‌شناسی نظریه معرفتی - اجتماعی، ۱۳۹۳، ایزدی و اخوان مقدم، ضرورت، ماهیت و روش استنتاج از منظر روایات اهل بیت (ع)، ۱۳۹۲). مفهوم این کلام این است که، سئوالات راهبردی که در جهان‌بینی انسان تاثیر گذارند (مثل کلمات کلیدی) باید، از متن جامعه استخراج (توسط خواص)، بر قرآن کریم عرضه گردد و در مقابل، پاسخ آن‌ها از قرآن کریم دریافت و در جامعه تسریع یابد. همانگونه که در مقدمه اشاره شد، علم کلید واژه الهی است، در حالیکه، ساینس شاخه تجربی درخت علم است. به همین دلیل ضروری است که، حد و حدود ساینس به قرآن عرضه گردد و پاسخ آن از منظر قرآن دریافت و در جامعه تسریع یابد. علاوه بر این (در این تحقیق)، سعی گردید تا از روش تحلیل محتوا نیز، استفاده گردد (دلاور، روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ۱۳۹۸). نویسنده مقاله معتقد است که، با رعایت جمیع حدود

ساینس که صرفاً جهان طبیعی را مورد بررسی قرار می‌دهد، معادل هم قرار داد؟ متأسفانه، و با کم توجهی و مسامحه و به آسانی، در محافل علمی، کتب، نشریات و غیره ساینس را معادل علم فرض نموده و بنای رفیع علم، هستی، انسانیت و ... را به مخاطره انداختند. منطقی نیست که با بی دقتی در معادل سازی و ترجمه کلمات از فرهنگی (مبدأ غربی) به فرهنگ دیگر (مقصد اسلامی) و استقبال از مصنوعات لغوی برخاسته از مکاتب فلسفی مادی‌گرای غرب، مثلاً scientism را، که مربوط به باور مفسران معرفت حاصل از حس و تجربه است به علم گرائی، دانش محوری ترجمه گردد و این واژه را معادل علم‌پرستی، علم‌مداری، علم‌زدگی، اصالت علم جدید تعبیر نمود (شاکرین، سکولاریسم، ۱۳۸۴).

چنانچه چنین مغالطه‌ای صورت گیرد (معادل فرض نمودن علم و ساینس) تکلیف شواهد تجربی (imperial evidences) آنها چه خواهد شد؟ بدیهی است که هر روش شناسی معرفتی، روش‌های تحقیق خاص خود را دارد و هر روش هم، نیازمند ابزار خاص و شواهد خاص خود است. روش حسی - تجربی شواهد عینی و مصادیق خاص خود را دارد و روش‌های وحیانی، روانی و نقلی هم شواهد خاص خود را طلب می‌نمایند. بسیار واضح است که شواهد چنین منابع معرفتی و روش شناختی آنها نمی‌توانند عین هم باشند. اساساً علوم وحیانی کل نگر، استدلالی، شهودی (حضور)، عقلی، فطری و اعتقادی اند، روش‌ها و شواهد مطالعه و تحقیق در آنها با روش‌ها و شواهد علوم تجربی متفاوت است. چگونه ممکن است دو گزاره ای که نسبت بین آنها نسبت عام به خاص باشد را معادل هم ارزیابی و در محافل علمی و نوشتاری علمی آنها را به هم ترجمه و جا بجا نمود؟



همبستگی (linkage) بین عقل، علم و فهم قرآن کریم، ناگسستگی است. ایمان بدون علم، بنائی سست و لرزان است. همانگونه که علم بدون ایمان و جهت الهی، مصیبت است. دین همرا با جهل می‌شود داعش. علم بدون ایمان می‌شود سلطه. دینی که آغاز کارش را با فعل امر قرآناً آغاز می‌کند (علق/۱)، آن خدائی که بشر را علم نوشتن آموخت (علق/۴). قلم از چنان ساحتی برخوردار است که به آن استناد شده و به آن قسم یاد می‌شود (قلم/۲) و واژه علم و مشتقات آن صدها بار در قرآن کریم تکرار شده و بنای خلیفه الهی آدم (انسان) بر پایه علم (بقره/۳۱) استوار گردید، عجیب اینکه، پیامبر مکرم اسلام، اساس دعوت به قرآن و پیروی دیگران از خود را، بر پایه بصیرت و آگاهی مجاز می‌شمارد. چگونه ممکن است چنین دینی با علم در تعارض باشد؟ چگونه ممکن است دینی با علم (به معنی عام کلمه) در تعارض باشد در حالیکه قرآن کریم، به صراحت اعلام می‌دارد قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ ۗ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ (زمر/۹).

چگونه ممکن است دینی با علم در تعارض باشد در حالیکه، نص صریح آیه ۱۱ سوره مجادله، مقام دو گروه را رفیع بر می‌شمارد:

الف- اهل ایمان و

ب- اهل علم.

سراسر زندگی پیامبر خاتم (ص) و ائمه معصومین (ع) ملامال از احادیث و روایتی در شأن علم و پاکدامنی است.

برد آب زین بحر فیروزه‌ای

به گنجایش خویش هر کوزه‌ای

در حکمت ۱۴۷ نهج البلاغه حضرت علی (ع) آمده که، کمیل ابن زیاد نخعی می‌گوید: روزی علی (ع) دستم را گرفت و با خودش به خارج از شهر رفتیم، لحظه ای نفسی عمیق (تَتَنَفَسُ

قرآنی و شئونات تفسیری، نیازمند به نوعی از روش تحلیلی از متون تجربی و یا به نوعی روش اجتهاد تجربی نیز، ضروری به نظر می‌رسد.

ساینس و دامنه شمول آن

مجموعه فعالیت فکری، عملی و مطالعه سیستماتیک از جهان فیزیکی و یا طبیعی، از طریق مشاهده و تجربه را اصطلاحاً ساینس (Science) و یا شناخت تجربی نامند. بعبارتی ساینس شاخه‌ای از نالج (knowledge) می‌باشد که جهان مادی و یا فیزیکی را از طریق مشاهدات و آزمایشات مورد بررسی قرار می‌دهد. نالج هم طبق تعریف لغت‌نامه یعنی، واقعیت و یا شرایط دانستن چیزی با آشنائی بدست آمده از طریق تجربه و یا ارتباطات. و یا آگاهی یا درک ساینس، هنر و یا تکنیک. نه ساینس و نه نالج، هیچکدام معادل و هم عیار با علم نمی‌باشند.

آیا ساینس به معنی و مفهوم یاد شده، مختص به فلسفه مادی‌گرای غرب است و دین با آن در تعارض می‌باشد؟ و یا عقل و وحی با آن (ساینس) مشکل دارند؟ و یا اینکه بهره برداری از جهان طبیعی از طریق حس - تجربه و عقل، از دستورات موکد دین می‌باشد؟

اساساً بخشی از فلسفه آفرینش انسان و مأموریت وی در زمین، خلافت و عمران جهان طبیعی است (... و استعمرکم فیها...، هود/۶۱).

آیا عقب ماندگی حوزه تجربی در کشورهای اسلامی در چند سده اخیر و فریاد بی اساس ساینستیه‌های غربی در تعارض بین علم و دین و همراهی برخی از اندیشمندان سکولار داخلی، یک امر حقیقی، جوهری و ذاتی است و یا یک تعبیر وارونه، سوء برداشت و توهم خیالی است؟ آیا میشود ضعف و سستی خود و اسلاف خود را، بر دوش دین تحمیل کرد و خود را در پیشگاه خداوند و تاریخ تبرئه نمود؟



انسان‌ها، بصائر الناس و در مأموریت هدایت خویش، تیباناً لكل شیء است. چقدر در قرآن کریم در باب هدایت انسان تحقیق و تفحص از طبیعت، عالم طبیعی، آیات آفاقی و انفسی تأکید شده است؟

قریب ۱۳۰۰ آیه درباره علوم تجربی در قرآن کریم، موید چه می‌باشد؟ و فی خَلْقِكُمْ و مایبُتْ من دابه آیات لقوم یوقنون یعنی چه؟ در وجود خود شما خلقت شما (بیش از ۳۷ تریلیون سلول، ۳ میلیارد نوکلئوتید، بیش از ۲۰ هزار ژن، ۲ میلیون نوع پروتئین، ۲۰۰ نوع سلول در ۲۰ نوع ساختمانی، سلول‌های بنیادی، تقسیم نامتقارن، الگوی بیان ژن، حکاکای ژنوم، ژنتیک، اپی‌ژنتیک و هزاران عوامل ریز و درشت دیگر، نظم، هدایت، خلقت به اندازه، هدفمند، نقشه‌های مفهومی و غیره) در خودت، تمامی جنبندگان پیدا و ناپیدا در زمین، یعنی چه؟ آیا همه این‌ها، اشاراتی بر پرداختن به علوم طبیعی نمی‌باشد؟، نکند انتظار دارید که قرآن که کتابی هستی‌شناسی، کتاب هدایت، کتاب تدبیر و تفکر است همانند و در قد و قواره یک کتاب موضوعی مثلاً فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی، ژنتیک و ... ظاهر گردد. قرآن آمده، تا انسان را بسازد و به انسان مأموریت دهد که جهان را بسازد. نه تنها به وی می‌آموزد که جهان را چگونه بسازد؟ علمی که اوراق تکوین (عالم طبیعی و مادی هستی) الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن بر می‌دارد، (جوادی آملی، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، ۱۳۹۴). آیا می‌تواند در تعارض با دین باشد؟

استخدام زبان علوم تجربی (Science) نه تنها برای برخورداری از نعمات طبیعی عالم هستی، در زندگی دنیوی ضروری است و در قرآن کریم کراراً به آن، توصیه شده است، و این که برای انسان جز آنچه تلاش کرده (بهره دیگری) نیست

الصَّعْدَاءِ) کشید و فرمود ای کمیل: إِنَّ هَذَا الْقَلُوبِ أَوْعِيَهُ، فَخَيْرَهَا أَوْعَاها (این قلب من ظرفی است و بهترین آن‌ها گشاده‌ترین آن‌ها است)، فَأَحْفَظْ عَنِّي مَا أَقُولُ (هر آنچه به تو می‌گویم ضبط کن) سپس فرمود: النَّاسُ ثَلَاثَةٌ.

فَعَالِمٌ رَبَّانِيٌّ (عالم ربانی)، وَ مُتَعَلِّمٌ عَلَيَّ سَبِيلِ نَجَاةٍ، (و آموزنده ای بر راه راست) و، وَ هَمَّجٌ رَعَاغٌ (همج رعاع)، أَتْبَاعُ كُلِّ نَاعِقٍ، (کسانی که از پی هر آواز می‌روند) يَمِيلُونَ مَعَ كُلِّ رِيحٍ (و با وزش هر باد به چپ و راست میل می‌کنند)، لَمْ يَسْتَضِيئُوا بِنُورِ الْعِلْمِ (از فروغ دانش بهره‌ور نشده‌اند)، وَ لَمْ يَلْجَأُوا إِلَى رُكْنٍ وَثِيقٍ (و به رکن استواری پناه نجسته‌اند). يَا كَمِيلُ، الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ (ای کمیل، علم بهتر از مال است)،

چرا علم بهتر از ثروت و دارائی است؟

الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ (علم تو را نگه می‌دارد و تو باید مال را نگه‌داری)، وَالْمَالُ تَنْقُصُهُ النَّفَقَةُ، وَالْعِلْمُ يَزُكُّو عَلَى الْإِنْفَاقِ (مال به هزینه کردن کاسته می‌شود و حال آنکه، از علم هر چه انفاق کنی، افزونتر شود)، وَصَنِيْعُ الْمَالِ يَزُولُ بِزَوَالِهِ (و آنچه به مال پرورده شود با زوال مال زوال می‌یابد).

وقتی که امام و معصوم این مکتب، اینگونه از علم دم می‌زند، آنگاه می‌توان چنین دینی را، متهم نمود و آن را معارض با علم دانست؟

بنظر می‌رسد که مدعیان چنین وهم و خیال، یا معنی علم را نمی‌دانند و یا بیگانه از دین می‌باشند. در غیر اینصورت بیمارند، معاند با حقیقت اند، دشمن علم و دین‌اند.

ممکن است جمعی ساده‌اندیش بر این ادعا باشند که، مراد از این همه تأکید از علوم، از علوم تجربی نمی‌باشد بلکه، مراد علم دینی است. اولاً، باید گفت که علم غیر دینی وجود خارجی ندارد (ممکن است عالمان بی‌دین باشند اما، علم غیر دینی وجود ندارد)، ثانیاً قرآن کتاب هدایت



(نجم/۳۹) و قطعاً ثمره کوشش خود را خواهید دید (نجم/۴۰) نه تنها یک قاعده و اصول بنیادی است، بلکه برای فهم و تبیین بسیاری از آیات آفاقی قرآن کریم، یک امر حیاتی و واجب است. او است خدا، که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد ساختن آن برگماشت (... هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا ... آیه هود/۶). چگونه می‌توان زمین را آباد کرد بدون آنکه اجزاء زمین را شناخت؟ توان آباد کردن زمین را به شما داده و از شما آباد کردن زمین را خواسته است.

تسخیر عالم هستی یکی از مضامین بلند قرآن کریم در رابطه با عالم طبیعی است، مفهوم این فراز از قرآن کریم چه می‌باشد؟ آیات متعددی در این زمینه، انسان را به این اصل بنیادین فرا می‌خواند (جائیه/۱۲ و ۱۳، ابراهیم/۳۳ و ...) تسخیر در اصطلاح یعنی، فاعل، فعل خویش را به گونه‌ای قرار دهد که اوامر او را انجام دهد (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۴۲) خداوند چنین مقرر فرمود تا، کائنات مقهور اراده انسان شوند و علم تنها مسیر عمومی تحقق چنین حاکمیتی است. آیه ۳۳ سوره الرحمن ناظر بر این مدعا است که، در زمین و مسافرت‌های فضایی فقط با سلطه علمی و صنعتی و قدرت مادی میسر است. قاعده اصلی چینش عالم هستی در طبیعیات، بر پایه‌های علوم تجربی استوار است. (عالم تکوین) و اهداف اولیه بشر از این حاکمیت، بهره‌برداری از منفعت آن‌ها است و اهداف ثانویه و مستقر در اهداف اولیه، شامل شکر (زبانی و عملی) از نعمات الهی (حج/۱۶)، تفکر و تعقل در هستی‌شناسی (جائیه/۱۲ و ۱۳)، ارتقاء منزلت انسان (اسراء/۷۰) و موارد متعدد دیگر می‌باشد.

کازل بارت (Karl Barth) یکی از متکلمین (Theologian) معروف پروتستان در قرن بیستم

البته از یک نظر (اگر معاند نباشند) حرف درستی است. زیرا اگر کسی بتواند رابطه حقیقی خود را با خداوند تنظیم کند، تحقیقاً خواهد توانست رابطه با خود (رابطه فردی)، با دیگران (رابطه اجتماعی) و با طبیعت (زیست‌بوم انسان) را به همان نحوی که خدا می‌خواهد تنظیم کند. زمین بعنوان گهواره انسان و یکی از منابع اصلی و پایه تولید، آنقدر جایگاه ویژه ای دارد که، خداوند تبارک و تعالی به آن سوگند یاد می‌کند (طارق/۱۲)، خلقت آن را حق و هدفمند می‌داند (انعام/۱۷۳ و دخان/۳۸۶). اگرچه قرآن کریم خلقت آسمان و زمین (کهکشان‌ها) را بزرگتر و پیچیده تر از خلقت بشر می‌داند (غافر/۵۷) اما، در عین حال انسان را بعنوان خلیفه خداوند در زمین معرفی نموده و وی را از چنان عزم و اراده ای برخوردار ساخته تا به برکت عقل، علم و اراده، تمامی نعمت‌های ظاهره و باطنه زمین را هویدا



تقسیم‌بندی ساینس

ساینس از واژه لاتین scientia یعنی، نالج (knowledge) گرفته شده و شامل مجموعه فعالیت سیستماتیکی است که در قالب توضیحات و پیش‌بینی‌های قابل آزمون درباره جهان طبیعی سازماندهی می‌شود. ساینس جدید و یا مدرن (Modern Science). (باید متذکر شد که علم، علم است. اگر علم حقیقی باشد، نه یک فرضیه و یا تئوری، جدید و قدیم ندارد، این‌ها ترفند غربی‌ها است که درصدد به رخ کشیدن تمدن خود برای دیگران می‌باشند)، در واقع نوعی کشف و اختراعی است که به دلیل نظم حاکم بر جهان طبیعی می‌تواند بصورت بدیهیات و تئوری‌های مختلف شرح داده شود و نیازمند به اختراع دستگاه‌ها، روش‌ها و تکنیک‌ها است تا سازماندهی، نظم، انسجام و انتظام عالم طبیعی را به نمایش بگذارد. (Heilborn, Merriam Webster dictionary 2003). بدیهی است در موضوعات مختلف مربوط به ساینس، تئوری‌های قدیم و یا جدید معنی دارد. مثلاً بسیاری از تئوری‌های جعلی گذشته از جمله، تئوری‌های جعلی تطور طبیعی داروینسم، تئوری پان‌ژن‌سیس داروین و یا تئوری قدیمی وراثت مندلی و تئوری‌های وراثتی مولکولی و غیره معنی دارد و می‌توان درباره آن‌ها صحبت کرد اما، علم، قدیم و جدید ندارد. این جمله حرف بی‌معنایی است که ساینس، به علم ترجمه گردد و سپس بگویند علوم دینی قدیمی‌اند و ساینس از علوم جدید و یا علم مدرن می‌باشد. ساینس در عصر معاصر، نوعاً به ساینس طبیعی (Natural Science) و ساینس اجتماعی (Social Science) تقسیم می‌شود. ساینس طبیعی، به مطالعه جهان مادی و یا طبیعی پرداخته و ساینس اجتماعی هم به مطالعه مردم (People) و یا اجتماعات (Societies) و ساینس

و مسخر خود گردانند (لقمان/۲۰). اتفاقاً در ابتدا همین آیه، به درک حس و تجربه انسان اشاره مستقیم شده است. یعنی، آیا با حس و تجربه مشاهده نمی‌کنی (أَلَمْ تَرَوْا) که خداوند انواع موجوداتی که در آسمان‌ها و زمین اند را مسخر شما کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما قرار داده است؟ بشر از نگاه قرآن کریم، موجودی است که برای سکونت در زمین آفریده شده است و خداوند آبادانی زمین را از وی (انسان) خواسته است. اساساً دعوت انبیاء بر بندگی خداوند و بر عمران و آبادانی زمین، استوار است. در مناظره صالح پیامبر با قوم ثمود به صراحت چنین مأموریت اعلام می‌شود ... هُوَ انشَاكُمْ مِنَ الْاَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا (هود/۶۱). چگونه ممکن است زمین آباد گردد بدون آنکه علم خواص اشیاء در زمین (جانوران، گیاهان، خاک، آب و هوا) شناخته نشوند. همانگونه که در آیه ۲۰ سوره مبارکه لقمان ملاحظه می‌شود (... وَ اسْبِغْ عَلَيْكُمْ نِعْمَةً ظَاهِرَةً وَ بَاطِنَةً ...). باید توجه داشت که نعمت‌های الهی هم گسترده و فراوان است (السیغ)، هم امکان دسترسی به آن‌ها (علیکم) با علم میسر و هم بسیار متنوع‌اند (ظاهره و باطنه).

آنچه که مهم است و باید به آن توجه شود تقدم جهان‌بینی دینی بر تمدن است. اساساً انجام کارها با سستی و زبونی با روح و فرهنگ قرآنی سازگار نمی‌باشد (خُدُّوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ ، آنچه که به شما داده شد با قوت بگیرید، بقره/۶۳) و برای برپائی قسط و داد در زمین، پیامبران با بینه روشن، کتاب، سنجش، به همراه حدید به رسالت برخاستند (حدید/۲۵) و کلمه حدید بیانگر انطباق دین و رسالت انبیا با صنایع و ابزار پیشرفته است.



الطبیعی پاسخ دهند (Grady, 2016). فیثاغورث فلسفه را توسعه داد و بطور چشمگیری به علم ریاضی کمک کرد (Burkert, 1972). نظریه اتم بوسیله فیلسوف یونانی بنام لئوسیپوس (leucippus) و دانش‌آموزی، بنام دموکریت (Democritus) ارائه گردید (Cohen et al, 2017) و هیپوکریت (Hippocrates) هم بعنوان پدر علم پزشکی شناخته شد (Touwaide 2005). ساینس در قرون وسطی (Medieval Science) در غرب رو به اضمحلال نهاد و در مقابل، کشورهای اسلامی، خاصه ایران، صاحب تمدن عظیم ایرانی - اسلامی بودند و انقلاب علمی در همه زمینه‌ها به اوج خود رسید. تا اینکه در حمله وحشیانه مغول به ایران در بین سال‌های ۶۱۶ هـ.ق تا ۶۵۶ (قرن ۱۳ میلادی)، ویرانی شهرها، تزلزل در تمدن و فرهنگ و رکود علمی را به همراه داشت (در این زمینه می‌توانید به کتب الکامل ابن اثیر جلد ۲۶، ترجمه ابوالقاسم حالت، تاریخ جهانگشای جوینی، تاریخ ایران از زمان باستان تا امروز نوشته نویسندگان روسی با ترجمه کیخسرو کشاورزی و سایر کتب تاریخی مراجعه شود).

برخی از دانشمندان بنام چون، ابن هیثم ریاضیدان، فیزیکدان و اولین دانشمند فیزیک نور در جهان، مخترع ذره‌بین و دوربین عکاسی، سرعت نور و غیره، از جمله دانشمندانی بود که، با روش‌های مبتنی بر آزمایش، تحقیقات خود را انجام می‌داد. (encyclopedia, 2007, Niall,) (2012). ابوعلی سینا در طب، رازی در کشف و تولید الکل، خواجه نصیر الدین، سازنده رصدخانه مراغه (نصر، ۱۹۹۳) اینان چه کسانی بودند و چگونه موفق به کشف بخش‌هایی از علوم طبیعی شدند؟

تحقیقاً همه چنین افراد قبل از آنکه، ساینتیست باشند حکیم بودند، عالم بودند و از خداوند مدد

رسمی (ریاضیات) می‌پردازد. در اینصورت جایگاه خالق هستی، مبدا و معاد چه می‌شود؟ برخی آنقدر بر ساینس تجربی متمرکز شده که، حتی، ریاضیات را هم، جزء ساینس حقیقی (True Science) به حساب نمی‌آورند، زیرا با مشاهدات فیزیکی امکان آزمون آن وجود ندارد (Bishop, 1997). در حالیکه، برخی هم چنین دیدگاه را، نفی می‌نمایند (Bunge, 1998) و دیسیپلین‌هایی همچون مهندسی و پزشکی را بعنوان ساینس کاربردی (applied Science) شناخته و بقیه را ساینس تئوری (Theoretically Science) می‌دانند و بر این عقیده‌اند که ساینس مرتبط با تحقیق بوده و اساساً بوسیله دانشگاه‌ها و موسسات تحقیقاتی سازماندهی می‌شوند. همانگونه که ملاحظه می‌گردد نقشی برای روحانیت و حوزه‌های دینی قائل نمی‌باشند.

➤ آیا می‌شود هنوز بر این باور بود که، ساینس معادل با علم است؟

در قرن نوزدهم و قرون ما قبل آن، ساینس بعنوان بخشی از نالج (Knowledge) خیلی نزدیک به فلسفه بود. اما امروز در جهان غرب، اصطلاح فلسفه طبیعی (Natural Philosophy)، عموماً شامل زمینه‌های مطالعاتی در حوزه فیزیک، ستاره‌شناسی و پزشکی و ... معطوف می‌گردد (David, 2007) ساینس مدرن امروز، کاملاً در روش (approche) و موفقیت در نتایج (results)، خلاصه می‌گردد (Heilborn, 2003).

بنا بر نوشته تاریخ ساینس در جهان غرب، فیلسوفان مدرسه میله سین (Milesian school) که بوسیله تالس (Thales) بنا نهاده شد و بعدها توسط آنکسیمندر (Anaximander) و آنکسیمنز (Anaximenes) ادامه یافت، جزء اولین کسانی بودند که سعی بر آن داشتند تا پدیده‌های طبیعی را بدون تکیه و اعتماد بر نیروی ماوراء



علل غائی (teology) و علیت رسمی (formal causality) از مجموعه مطالعات دانشمندان دوران اولیه رنسانس بوده است. تحقیقات مدل‌های تفسیر کلیسا از جهان هستی و مصادره ظرفیت‌های مادی و معنوی جامعه به نفع اربابان کلیساها و تحریف مکتب مسیحیت، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در جهت‌گیری فکر و اندیشه محققان و اندیشمندان قرون بعد از وسطی (دوران رنسانس) در غرب داشت. پیشرفت‌های حوزه فیزیک، بدون رعایت اهداف اخلاقی و معنوی ساینس، بتدریج به سمت فیزیک محض، هدایت گردید. یعنی، عناصر ماوراء طبیعی دیگر، نقش محوری در تولیدات علمی نداشتند. توسعه در اپتیک هم، نقش کلیدی در رنسانس داشته و به کمک فیزیک و سایر فناوری‌های نوری، همانند دوربین، تلسکوپ، در به چالش کشیدن عقاید متافیزیکی در زمینه ادراک (perception) متحد شدند. در قرن شانزدهم کوپرنیک (1473 - 1543) مدل دوران بدور خورشید (Helio centric) را در تقابل مدل بطلمیوسی (دوران بدور زمین) فرموله نمود، (Bernard, 2002). کپلر (1571-1630)، گالیله (Galilei, 1564-1642)، رنه دکارت (Reno - Descar, 1596 - 1650) فرانسویس بیکن (Francis Bacon, 1561 - 1626)، مدلی از استدلال فلسفی را درباره ساینس جدا از مدل متافیزیکی ارسطویی ارائه نمودند و بر این عقیده بودند که اصالت از آن تجربه است و این ایده را مطرح نمودند که، ساینس باید قوانین طبیعت را مطالعه کند (Modern science) نه موضوعات غیر قابل مشاهده و آزمایش فرا طبیعی را. در حالیکه، در عالم حقیقی اصالت از آن علم است و ساینس شاخه‌ای از درخت علم، امر اعتباری است.

می‌گرفتند و برای رضای خدا جهاد علمی می‌کردند نه صرفاً برای مال اندوزی و ثروت دنیا. نصیرالدین محمد طوسی از توسعه‌دهندگان علم مثلثات بود که دستاوردهای وی قرن‌ها در سراسر دنیا مورد استفاده قرار می‌گرفت (فناپی، ۱۳۹۵). ابوریحان بیرونی ستاره‌شناس، ریاضیدان و ابداع روشی برای محاسبه شعاع زمین، کتاب الاسطرلاب را نوشت (آرام، تاریخ نجوم اسلامی، ۱۳۴۹)، اپیکتوگرام یا چگالی سنج (ابزاری برای تعیین وزن مخصوص در فیزیک) را اختراع نمود و صدها مورد دیگر زیر ساخت تمدن بشری را فراهم نمودند. متأسفانه غرب همه چیز را به نام خود تمام کرد و با در اختیار گرفتن قدرت تکنولوژیکی، اقتصادی، نظامی و رسانه‌ای خود (از قرن هیجدهم میلادی به بعد) و با رویه استکباری، سعی در محو تلاش‌های علمی سایر ملل نمود.

رنسانس (Renaissance) - الهازن (Alhazen) و یا ابوعلی الحسن بن الهیثم از ستاره‌شناسان، ریاضیدانان و فیزیکدان عصر طلایی اسلام (قرن هشتم الی چهاردهم میلادی)، متولد ۳۵۴ هـ ق متوفی ۴۳۰ هـ ق (۱۰۲۱ - ۲۹۸۵) با رد مدل بطلمیوس (زمین محور) (Ptolemy, s theory) و شناخت عمیق فلسفه ارسطویی (Smith, 2001) یکی از دانشمندان موثر در انقلاب علمی تاریخ بشریت می‌باشد (بعدها غربی‌ها تئوری الهازن را در رد نظریه بطلمیوس به نفع خود مصادره کردند). انقلاب ساینس غرب در آغاز رنسانس، در استمرار مدل‌های تحقیق دانشمندان تجربی جهان اسلام بوده و یکی از دلایل عمده رشد و شکوفایی اروپا، بهره‌گیری از کتاب‌های دوران طلایی اسلام می‌باشد (Grierson, 2007, Farmer, 1988). در خلال رنسانس، اتفاق ناگواری رخ داد و آن حذف تدریجی عناصر متافیزیکی ارسطویی از جمله اخلاق، حکمت،



شیمی و غیر رشد چشمگیری یافتند و از همه مهمتر تلاش گسترده‌ای بعمل آمده تا قوانین فیزیکی را، بر مجموعه نظام زیستی تعمیم دهند و در مقابل دستاوردهای حوزه زیستی را در نظامات اجتماعی و سبک زندگی ساری و جاری سازند.

تئوری تطوری داروین (Darwin, s)
evolutionary theory) و طبقه‌بندی زیست‌شناسی کارلوس لینه (Carl Linnaeus classification) شهرت ویژه‌ای (بدون توجه به صحت و سقم آن) یافتند. فلاسفه عصر روشنگری از جمله، دنیس دیدرو و ولتر فرانسوی، مدافع جدائی دین از سیاست شدند، روسو (متفکر سوئیسی و رادیکال تر از توماس هابس)، جان لاک (نویسنده کتاب معروف قرارداد اجتماعی) امیل، مونتسکیو فرانسوی (نویسنده کتاب روح القوانين)، امانوئل کانت (مبدع فلسفه جدید)، از تجربه‌گرائی جان لاک، باد کلی و دیوید هیوم و عقل‌گرائی رنه دکارت، باروخ اسپینوزا، گوتفرید و دیگران به شدت حمایت کردند. با توجه به سابقه کوتاهی از پیشینیان علوم تجربی از جمله، گالیله، بویل و نیوتن، کاربرد مفاهیم تجربی طبیعت و قوانین طبیعی را در زمینه‌های مختلف فیزیکی و اجتماعی، شالوده و مبناء حرکت علمی (ساینتیفیک) خود قرار دادند (Cassel, 1996).
بعبارتی روشن‌تر، بتدریج مفاهیم ماورای طبیعی را، از مجموعه علل قوانین (قوانین تکوینی) حذف و نتیجه‌گیری‌های ساینتیفیک را تنها ملاک حقیقت قرار دادند و هستی‌شناسی را صرفاً در جهان طبیعی (مادی) خلاصه نمودند.

قرن نوزدهم - جال دالتون (John Dalton)
1844 - 1766) تئوری اتمی را بر اساس ایده اصلی دموکریت بنام اتم پیشنهاد نمود، چارلز داروین (charls Darvwin, 1809 - 1882)
تئوری تطور را بر مبناء انتخاب طبیعی (هدایت

آیا هنوز هم، بر این باوریم که، ساینس معادل علم است؟ آیا علم مأموریت دارد که فقط قوانین طبیعی (مادی) را حل و فصل کند. اگر اینگونه است و ساینس معادل علم می‌باشد، پس جایگاه معرفت‌های وحیانی، روایی و کشف و شهود را چگونه و با چه ابزاری مورد مطالعه قرار دهیم؟

عصر روشنگری (Age of enlightenment) -
نیوتن (Newton, 1624 - 1726) گوتفرید (Gottfried, 1646 - 1716) بعنوان پیشتازان عصر روشنگری، فیزیک جدید (مکانیک کلاسیک) را، توسعه دادند و در این ایام (عصر روشنگری)، اصطلاح ساینس (Science) بتدریج به نوعی از نالچ (Knowledge) تجربی، خاصه، نالچ طبیعی، گرایش بیشتری یافت. و به اصطلاح، به فلسفه طبیعی (Natural philosophy) بسیار نزدیک گردید.

نویسنده مقاله معتقد است که، بکارگیری چنین واژگان (عصر روشنگری، مدرن و ...) تصادفی نبوده بلکه، غرضی را دنبال می‌کنند و می‌خواهند بطور غیر مستقیم در اذهان چنین القاء کنند که، هر عصری غیر عصر ساینس را کهنه، عقب مانده و سنتی جلوه دهند. ساینس در دوره روشنگری (عصر جنبش فلسفی قرن ۱۸ در اروپا) موضوع غالب دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی گردید و بعبارتی حاکمیت علم (متاسفانه یعنی فقط یافته‌های تجربی) از دست دولت‌ها و کلیساها خارج و در محدوده فعالیت‌های دانشگاهی قرار گرفت و به موازات آن، دانشگاه‌ها ستون فقرات و انکوباتور (پرورشگاه) تخصص‌های تجربی (Scientific profesion) شدند. مطبوعات رونق گرفتند و رقابت جدی برای ارائه تئوری‌های تجربی، خرد و کلان، صواب و ناصواب، راست و دروغ در حوزه‌های مختلف به اوج خود رسید. دایره المعارف‌ها و ترجمه متون و تئوری‌ها به زبان‌های مختلف، پزشکی، ریاضیات، فیزیک،



ور نگهداشتن جدائی دین از علم، دین از سیاست و ...

به موازات آن، علم‌گریزی (به مفهوم وحی بنیادی)، خدا گریزی، دین‌ستیزی، اسلام‌هراسی در دستور کار رسمی و غیر رسمی مراکز دانشگاهی قرار گرفت و روز بروز بر دامنه‌اش افزوده گشت. چنین راهبرد تا آنجا پیش رفت که، هر منبع معرفتی غیر از معرفت تجربی (ساینتیفیک) را، با بر چسب علم کاذب (Pseudo science) از میدان بدر کردند و طرفداران آن‌را (علم و اعتقاد به عالم ماوراء طبیعت) مرتجع و سنتی در مقابل مدرن خواندند. چنین راهبرد فقط در جغرافیای اروپا خلاصه نمی‌گردد بلکه، به‌همراه استعمار، تجاوز، اشغال، تطمیع و تهدید، به سراسر دنیا صادر گردید. در حقیقت، آوار وارونگی فکر و اندیشه و جابجائی اولویت‌ها، به سراسر دنیا (در قرون ۱۹ و ۲۰ و ادامه دارد) دیکته کردند.

قرن بیستم - تئوری نسبت انیشتین و توسعه مکانیک کوانتومی منجر به جایگزینی مکانیک کلاسیک با فیزیک جدید گردید. در نیمه اول قرن بیستم با کشف و توسعه آنتی‌بیوتیک‌ها و کودهای شیمیائی زمینه سریع رشد جمعیت جهان و تولیدات کشاورزی را در پی داشت. همزمان کشف ساختمان اتم و هسته، راه را برای آزادسازی انرژی هسته‌ای (قدرت هسته‌ای) هموار و دستاوردهای مختلفی در زمینه‌های مختلف صنعتی، خاصه با راه‌اندازی جنگ‌های منطقه‌ای و جهانی، انقلابی در حوزه‌های مختلف رخ داد.

برخی به غلط تصور کردند که، چنین دستاوردها، حاصل نگاه تجربی به عالم هستی و پشت کردن به علم و اعتقادات مذهبی و کنار گذاشتن تفکر ماوراء الطبیعی است (البته غرب برای توسعه چنین اندیشه‌ای بسیار، هم خود هزینه کرده و

نشده) در سال ۱۸۵۹ میلادی در کتاب (on the origin of species) منتشر نمود و بر این اساس، به نوعی، پیچیدگی زیستی را با قوانین طبیعی تشریح نمود. در حالیکه با چندین ادله متقن تجربی، تئوری تطور داروین جعلی و مردود شناخته می‌شود (نعمت‌زاده ۱۳۹۹ در فرآیند چاپ). قوانین مرتبط با انرژی، حرکت و جرم، جهان پایدار، ظهور موتور بخار و انقلاب صنعتی و قوانین ترمودینامیک (کاهش کیفیت انرژی تجمعی جهان و افزایش آنتروپی جهان در طول زمان)، نظریه‌های الکترومغناطیس، کشف اشعه X، مواد رادیواکتیو و ذرات زیر اتمی و غیره، همه و همه در سایه تلاش‌های تحقیقات مبتنی بر آزمایش و مشاهده، راه ساینس را، برای ورود به افکار و اندیشه جوامع بشری و دنیا گرائی، هموار تر و تسریع نمود. حقیقت این است که، قدرت و توان ساینس را، از کنترل علم خارج نمودند. چنین عمل به مثابه، اتوبوسی روشن در جاده شب دار تند و پر از سر نشین و بدون فرمان و ترمز می ماند در چنین شرایط ویژه، چه سر نوشتی در انتظار سر نشینان چنین اتوبوسی می‌باشد؟

فلسفه ساینتیفیک جهان غرب به چنین اتوبوسی ماند و متأسفانه (به زعم آن‌ها) همه آدم‌ها در کره زمین، سر نشینان آن (اتوبوس) می‌باشند. نمونه‌های بارز آن را می‌توانید در موضوعات مختلف از جمله در سازمان‌های بین‌المللی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، صندوق جهانی پول، جهانی سازی تجارت، فرهنگ اقتصاد، ژاندارم بین الملل و ... به وضوح مشاهده نمود. در حقیقت سر دشمنی غرب با ادیان، آزادی‌خواهان، خاصه با جمهوری اسلامی ایران در همین نگاه سلطه‌گرایانه ساینتیفیک غرب است. این است رمز دشمنی غرب با اسلام و شعله



(Primate) به انسان تبدیل شده و در یک ترانس موتاسیون دیگر، از انسان تبدیل به ماشین خواهد شد (نعمت زاده، ۱۳۹۶) دیگر، چه دلیلی دارد که نگران پاسخ گوئی به نعمت‌های الهی باشند. براساس همین یافته‌های ساینتیفیک، خود را مرکز ثقل عالم تصور کرده و همه چیز را نسبت به خود (egocentrism) محاسبه می‌نمایند.

روش ساینیفیک - روش ساینیفیک، بدنبال عینیت بخشیدن به وقایع طبیعی در یک فرآیند تجدیدپذیر (reproducible way) می‌باشد. یعنی شناخت جهان فیزیکی و یا مادی از طریق مشاهده، حس و تجربه و شواهد کمی و یا کیفی. بطور کلی ساینس را می‌توان در دو شاخه اصلی، ساینس فیزیکی (physical science) و ساینس زیستی (biological science) تقسیم نمود. البته باید توجه داشت که علوم زیستی مصطلح و یا همان بیولوژی (Life science) نمی‌تواند جایگزین و یا معادل علم الحیاه (elmolhayat) قرار گیرد، زیرا، بر اساس نگاه ساینتیفیک و مادی‌گرائی به عالم هستی و با تقسیم‌بندی عمومی جانداران مبتنی بر بیولوژی ساینتیفیک، تئوری تطوری داروین، و رده بندی لینه، با پیدایش خود به خودی حیات و شکل‌گیری تصادفی لوکا (LUCA) جد مشترک همه موجودات کنونی کره زمین، تبدیل به میکرواورگانیسم‌ها، سپس به گیاهان، و از گیاهان به حیوانات و سپس از حیوانات به هیومن (Human being) (به مسامحه انسان) خواهیم رسید. بشر مبتنی بر ساینس، پا را از این هم فراتر نهاده، و انسان را شاخه‌ای از خانواده میمون‌های بزرگ (great apes) و تطور به هیومن مدرن و به جنس و گونه *Home sapiense sapiense* و یا *Homo sapiense sapiense*

هم هزینه غیر قابل جبرانی را بر دنیا تحمیل کرده است). در حالیکه، ماهیت ذاتی ساینس به عنوان شاخه‌ای از درخت علم این نیست و هیچ ارتباطی با عقاید پوچ مادیگرائی ساینتیست‌های غرب ندارد.

کشف ساختار مولکولی دی‌ان‌ای در سال ۱۹۵۳ میلادی، توسعه مهندسی ژنتیک در حوزه زیستی، فضاپیماها در نیمه قرن بیستم، فرود در کره ماه، مدارهای ماهواره‌ای و انقلاب فناوری اطلاعات و اینترنت، گوشی‌های همراه و مدل سازی کامپیوتری و صدها موارد متعدد و دستاوردها در حوزه‌ها تجربی، آنقدر زمینه افراط‌گری تجربی را توسعه داد تا جائیکه، حتی برخی ریاضیات را هم، علم یعنی، ساینس حقیقی (True Science) نمی‌دانند، زیرا معتقدند که ریاضیات را نمی‌توان با مشاهدات فیزیکی آزمون نمود (Bishop, 1997). بنابراین چگونه ممکن است، ساینسی که غرب معرفی می‌نماید، معادل علم ترجمه گردد.

علمی که به تعبیر عالم فرزانه علامه حسن زاده آملی: یعنی، معرفت واقعی به مصنف کتاب نظام هستی و کلمات وجودی آن به قدر طاقت بشری (حسن زاده آملی، شارح داود، ۱۳۸۷). ادامه پیشرفت‌ها تجربی در حوزه‌های مختلف بیولوژی خاصه، تعیین توالی کامل ژنوم انسان، توسعه تکنولوژی‌های سلول‌های بنیادی، همانندسازی موجودات تک سلولی و پر سلولی و هزاران موارد دیگر از یک سو، لوازم آسایش را برای جوامع بشری مهیا می‌نمود، اما، از سوی دیگر آرامش (درونی) را از جامعه جهانی سلب کردند. بسیار طبیعی است که عقل خود بنیادی، انسان‌گرای تجربه محور، هیچگونه جهتی برای سعادت فردای جوامع بشری ندارد. با عقل خود بنیادی چنین می‌پندارند که، در یک ترانس موتاسیون (Transmutation) طبیعی، از پستانداران اولیه



بنیادی روش ساینترفیک این است که، می‌خواهد از طریق جمع جبری رفتار اجزاء به رفتار کل برسد، در حالیکه همواره رفتار و عملکرد کل، متفاوت با جمع جبری رفتار و عملکرد اجزاء آن است. این موضوع در سیستم‌های باز مثلاً سیستم بیولوژی (مبادلات آزادانه ماده و انرژی به داخل و خارج سیستم) حقیقتی است که هیچ نقدی بر آن نمی‌باشد یعنی، در یک سیستم باز (سیستم زیستی)، رفتار کل معادل جمع جبری رفتار اجزاء نمی‌باشد.

انبار علم - استیون مجاگوله، دیرینه شناس می‌گوید: باید توجه داشت که واقعیت‌ها (Facts) و نظریه‌ها (theories) چیزهای متفاوتی‌اند و در هستی‌شناسی و سلسله مراتب هستی، هیچگاه از درجه اطمینان یکسانی برخوردار نیستند. حقایق، واقعیت، داده‌های حقیقی هستی و جهان‌اند. (Facts are the world,s data) در حالیکه، تئوری‌ها، ساختاری از ایده‌های انسان، محقق و یا دانشمندان برای تشریح و تفسیر حقایق‌اند (Theoris are Structuros of idea) (that explain and interpret facts lauri,) (2004). بنابراین، چگونه می‌توان تئوری (theories) را جای حقیقت (facts) نشانده. برای بیان حقیقت، به علم نیاز است، منشاء علم، طبیعت نیست، طبیعت انبار علم است و انسان هم، خالق علم نیست. انسان کاشف چنین انباری (علم) است. حقیقت علم از خدا، خالق هستی‌ها است. به همین دلیل، هیچگاه چیزی بنام تولید علم نداریم بلکه، هر چه هست تولیدات علمی است، نه تولید علم، زیرا جهان طبیعی انبار و یا خزانه علم است و هنر انسان کشف آن‌ها است. **طراحی آزمایش مبتنی بر ساینس** - ارائه یک پیشنهاد (Proposal) مبتنی بر ساینس، باید از جامعیت لازم به شرح زیر برخوردار باشد:

می‌شناسند. با کدام ادله علمی و ساینترفیک چنین ادعا دروغین را بر دنیا تحمیل نموده‌اند؟ از آنجائیکه، انسان را حیوانی پیشرفته می‌شناسند که از تطور میمون‌های بزرگ اشتقاق یافته و به همین دلیل ساینس زیستی را به ساینس اجتماعی (به مسامحه علوم اجتماعی) تعمیم دادند و بسیاری از تئوری‌های باطل را که، ریشه در پالئونتروپولوژی (Paleonthropology) و یا دیرینه مردم‌شناسی دارد، به دنیا صادر کردند. چنین موضوعات مرتبط با ساینس بدان معنی است که، متأسفانه ساینسی که غرب معرفی می‌نماید، هیچگونه ارتباطی با ملکوت اشیاء برقرار نکرده است (فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء، یاسین/۸۳). ساینس غرب با چنین مضامین معرفتی (ملکوت، روح، نفس و عالم مجردات) کاملاً بیگانه است. البته طبیعی هم می‌باشد زیرا، شعاع، محدوده، عمق و روش ساینس، تجربی است و قدرت پرواز در مفاهیم کلی هستی‌شناسی را ندارد. از سوی دیگر باید بدانیم که، تئوری‌های ساینترفیک هیچگاه، قانون نمی‌شوند و در همان حد فرضیه و یا تئوری باقی می‌مانند. اینجا است که، تئوری‌های قدیم و جدید معنی پیدا می‌کند. تصور باطلی است که برخی گمان می‌برند که تئوری‌ها و یا نظریه‌ها تجربی و مشاهده‌ای با تحقیقات کافی، به قانون تبدیل می‌شوند (بدیهیات و تصدیقات اولیه، از شناخت تجربی مستثنی است). دلیل آن روشن است زیرا، ساینس ذاتاً جزء‌گرا و با منطق استقرائی عمل و استدلال می‌نماید و به هستی‌شناسی، کل یک موضوع و یا یک پدیده (whole system) دسترسی ندارد و اگر هم دسترسی داشته باشد ظرفیت تجزیه و تحلیل معادلات M مجهولی با N متغیر و اثرات متقابل چند جانبه و ترکیبی را ندارد. یکی از ضعف‌های



- ۱- طرح مسئله (Problem) مشکل پیش رو و یا کشف مجهول و یا رسیدن به هدف خاص.
- ۲- ارائه فرضیه (Hypothesis) یعنی، ایده اولیه انجام کاری بدون مستندات،
- ۳- تنظیم تئوری (Theory) شرح یک فرضیه و یا ایده ای با پشتوانه‌ای از مستندات اولیه (با آزمون)
- ۴- اهداف (goals)، ممکن است چندین هدف جزئی و اولیه و اهداف اصلی در آزمایش گنجانده شود.
- ۵- تیمارهای تصادفی (random treatments) و تکرارها (replications) برای کم کردن خطا آزمایش و اثرات محیط،
- ۶- کنترل داخلی (local check) و یا شاهد (check) برای مقایسه تطبیقی تیمارهای مورد نظر و قضاوت و
- ۷- معیارهای کمی و کیفی بعنوان شواهد (evidences).
- ساینس و عدم قطعیت** - یکی از نکات برجسته‌ای که در باره ساینس و آزمایشات مبتنی بر ساینس، در مطالعات کل شناسی، هستی‌شناسی و یا انسان‌شناسی مغفول واقع شده است، مسئله درصد احتمال (probability percentage) و یا درصد عدم قطعیت (uncertainty percentage) می‌باشد، متأسفانه این بخش از ضعف ساینس در کل شناسی کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. یعنی، هیچگاه، تحت هیچ شرایطی، بخشی از رخداد، نتایج و قضاوت آزمایش، در دسترس و یا در اختیار محقق قرار ندارد و برای رهائی از چنین ضعف آزمایشات تجربی، بناچار باید به درصد احتمال و یا عدم قطعیت تن در داد تا از بن بست حتمی نجات یافت.
- از همین نکته، سئوالی حادث می‌شود و آن اینکه،
- آیا در حقیقت جهان هستی و روابط بین اجزاء عالم هستی (عالم تکوین)، چیزی بنام احتمال و یا عدم قطعیت وجود دارد؟ مثلاً، سدیم در صد بار تماس با کلر ممکن است چند بار، ترکیب کلرور سدیم ندهد؟ آیا می‌دانید که، اگر این فرض را بپذیرید (در صد احتمال عدم تشکیل کلرور سدیم با ترکیب سدیم با کلر) چه بلایی سر تکنولوژی عالم می‌آورد؟
- مگر در عالم حقیقی و در جهان علی و معلولی و در عالم تکوین (روابط بین اجزاء عالم هستی)، عدم قطعیت، معنی دارد؟ هایزنبرگ فیزیکدان آلمانی در سال ۱۹۲۶ میلادی، اصل عدم قطعیت را در فیزیک کوانتوم مطرح نمود اما، مرکز تحقیقات علوم نوری اسپانیا (ICFO)، خاصه ریچارد فایمن متخصص فیزیک نظری و برنده جایزه نوبل در فیزیک، در سال ۱۹۶۵ میلادی در کتاب خود و معرفی کشف جدید از رزونانس مغناطیسی (MRI)، صراحتاً اصل عدم قطعیت در فیزیک را منتفی دانست. فایمن جمله معروفی دارد و می‌گوید: مهم نیست که چقدر باهوش هستیم که می‌توانیم قوانین فیزیک را کشف کنیم بلکه، باید گفت که: طبیعت چقدر هوشمند است که باید به آن توجه شود (How clever nature is to pay attention to it? (Richard Feynman, 1965).
- من عرض می‌کنم که، هوشمندی طبیعت ستودنی نیست زیرا، هوشمندی وی از خودش نمی‌باشد (نظام تکوین، تحت فرمان اراده تکوینی) بلکه، ستودنی آنکسی است که طبیعت چنین هوشمندی را، آفرید (فتبارک الله احسن الخالقین). این جا است که، سجده بر خداوند تبارک و تعالی معنی حقیقی پیدا می‌کند. این جا است که عبادت عالمانه، عاشقانه است (نه با اکراه و سستی).



باسکول معمولی است (جوادی آملی، تفسیر انسان به انسان، ۱۳۹۰).

وجوه مشترک اجزاء عالم - همه عالم هستی حتی جمادات (از زیر اتم و اتم گرفته تا کهکشان‌ها، از تک سلولی‌ها گرفته تا انسان)، همگی دارای دو ویژگی مشترک یعنی، دارای حیات و علم‌اند. زیرا، همه عالم هستی در نظام تکوین، در حرکت‌اند و با حرکت جوهریه ذات خویش، به سوی کمال (هر موجودی در تراز خاص حیات خود و برای رسیدن به حد کمال خویش) رهسپارند. بدیهی است که، سطوح و تراز حیات یک سنگ و یا کوه با حیات یک باکتری و قارچ و یا با حیات گیاه و حیوان و یا با حیات انسان متفاوت است (تراز حیات متفاوت اما، اصل حیات برای همگان ثابت است). همانگونه که اشاره شد، همه عالم هستی (عالم ممکن)، در حرکت تدریجی‌اند، از بودن به شدن، همه آن‌ها غایت‌مدار و هدفمنداند. همه زمینه‌ساز بستری، برای موجودی بنام انسان می‌باشند. انسان برای چه؟

اگر از نگاه ساینس غرب بسنجی برای خودش (egocentrism) اما، اگر از منظر قرآن بینی، برای خدا (وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ، و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند (الذاریات/۵۶). البته خدا صمد است و هیچ نیازی به انسان ندارد. عبادت و بندگی خداوند هم عین آزادی و برای سعادت ابدی انسان است. بدیهی است که این همه امتیاز برای انسان بی‌جهت، تصادفی و بی حساب و کتاب نمی‌باشد. حتما حکمتی در کار است و آن، امتحان و آزمایش انسان در حیات دنیوی و پاسخ‌گوئی وی در باره نعمت‌های داده شده در جهان اخروی است (لیبلوگم ایگم احسن عملاً، ملک/۲). عجیب است، تازه آن امتحان هم باز به نفع انسان تمام می‌شود، زیرا خداوند دوست دارد

بنابراین، این جا است که، موضوع واقعیت‌ها (Facts)، قطعیت (Certainty) و یا داده‌های (data) حقیقی عالم هستی با نتایج آزمایشات تجربی فرق خواهند داشت. زیرا همواره در آزمایشات تجربی، با عدم قطعیت، درصد احتمال، روبرو بوده و پی می‌بریم که، نظریه‌ها، تئوری‌ها، همه، ساختارهای ذهنی انسان‌ها هستند که، برای تشریح و تفسیر حقایق جهان طراحی می‌شوند. در نتیجه هیچگاه، ساینس نمی‌تواند حقیقت هستی و عالم طبیعی را در سطح هستی شناسی و یا کل (Whole)، یعنی همانگونه که هست به نمایش بگذارد.

بر اساس اصل عدم قطعیت ساینس، همواره بخشی از رفتار ذرات، مولکول‌ها و یا ماده، (به ظاهر) علتی ندارند و یا تصادفی می‌باشند. آیا حقیقتاً و در عالم طبیعی (جهان تکوین) اینگونه‌اند؟ و یا نقص، در متدولوژی و متد علوم تجربی و در حقیقت در ذات ساینس تجربی است.

استیون هاوکینگ، کیهان‌شناس انگلیسی و با روحیه ضد دینی نیز، معتقد به اصل عدم قطعیت است (محجوب، تایخچه زمان، از انفجار بزرگ، تا سیاهچاله‌ها، ۱۳۹۳). در همین راستا، نظریه آشوب و یا نظریه بی‌نظمی (Chaos Theory) و یا همان اثر پروانه‌ای نیز، به نوعی، بدنبال عینیت بخشیدن به عمل تصادفی به پدیده‌های عالم طبیعی است (Tim palmer 2008).

آیا واقعاً عنصر تصادف، در ایجاد و یا خلق رفتارهای آشوبی دخیل‌اند و یا عوامل قطعی (deterministics) که ما نمی‌شناسیم؟ عواملی که ما در حال حاضر، قادر به تعیین رفتار آن‌ها در یک سیستم باز نمی‌باشیم (Boeung, 2016). تفسیر جهان، هستی‌شناسی و انسان‌شناسی مبتنی بر ساینس (علوم تجربی)، همانند سنجش سلسله جبال البرز با ترازو و یا کره زمین با



تدریجی ناشی از حرکت جوهری تولید اسپرم‌ها و تخمک، لقاح و تشکیل سلول $2n$ کروموزومی زایگوت، تولید جنین، تمایز (سلول‌های بنیادی) و تجلی روح بر بدن (جسمانیه الحدوث و روحانیه البقاء بر اساس حرکت جوهریه ملاصدرا) و سر انجام شکل‌گیری هیئت انسان با ظرفیت تکوینی (فطری) و تشریحی آن هم، به برکت عقل و ظرفیت علمی و ارادی، علم نیز، همانند روح مجرد است و همانند روح، در نظام تکوین و تشریح نیازمند، به جسم مادی (در سطوح مختلف خواه به صورت جزء مثل عناصر عالم و خواه به صورت ترکیبی مثل گیاهان، جانوران و یا انسان) است تا در آن تجلی یابد، انباشته شود. هنر انسان کشف علم در میان اجزاء عالم است (علاقمندان در این زمینه می‌توانند به قسمت دوم و تکمیلی این مقاله با عنوان جوانه‌های ساینس از درخت علم رجوع کنند، نعمت‌زاده، آینده بشریت، ۱۳۹۹).

که انسان، بهشتی شود و برای ابد از نعمات الهی بهره‌مند گردد (قُلْ أَذْكَأ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ ۚ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَصِيرًا، بگو (ای پیامبر): آیا این (دنیا فانی) بهتر است یا بهشت ابدی که به متقیان وعده دادند که آن بهشت پاداش و منزل ایشان است (فرقان/۱۵).

از سوی دیگر، همه موجودات عالم (جمادات، نباتات و حیوانات و جسم مادی انسان) در نظام تکوین، عالم‌اند و بدلیل علم تکوینی آن‌ها است که، هوشمندانه، افعال تکوینی را برای مقاصد ترازهای بالاتر هستی بنحو مطلوب انجام می‌دهند. عبارتی دیگر، علم تکوینی برای تجلی، نیاز مند به اتم‌ها، مولکول‌ها، ترکیبات، ماده، جسم، اشیاء، نباتات، حیوانات و حتی نیازمند جسم مادی و بدن فیزیولوژیک انسان‌ها است. عالم سراسر علم است (انباری مملو از علم در قالب اجزاء و پدیده‌های عالم).

همانگونه که روح آدمی مجرد است و برای تجلی نیازمند به جسم آدمی است یعنی، از تکامل

منابع

۱. اژدری زاده، حسین. ۱۳۹۳. روش‌شناسی نظریه معرفتی - اجتماعی علامه طباطبائی، مجله معرفت فرهنگی اجتماعی، سال پنجم، شماره سوم.
۲. اسدی‌نسب، محمدعلی. ۱۳۹۵. ضرورت اسلامی‌سازی علوم انسانی از منظر قرآن در دیدگاه علامه طباطبائی، قیستان، سال ۲۱، زمستان ۱۳۹۵، ص ۱۵۴.
۳. ایزدی، مهدی و اخوان مقدم، زهره. ۱۳۹۲. ضرورت، ماهیت و روش استنتاج از منظر روایات اهل بیت(ع)، دوره ۶، شماره ۲، بهار و تابستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۲۶-۱۰۳.
۴. آرام، احمد. ۱۳۴۹. تاریخ نجوم اسلامی، نویسنده، کرلو آلفونسو، کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
۵. آرام، احمد. ۱۳۹۲. خدا و انسان در قرآن، ترجمه، ص ۲۳ و ۲۲، نشر تهران انتشار تهران.
۶. بی‌آزار شیرازی، عبدالکریم. ۱۳۷۷. قرآن ناطق، ص ۳۱۲، ۳۱۱، ناشر دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۴. منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، مرکز بین‌المللی نشر علوم وحیانی اسرا، ص ۱۴۳.
۸. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۵. علم دینی، دیدگاه‌ها و تحلیل؛ خبرگزاری مهر، شناسه خبر ۳۸۷۴۵۱۷، پنجشنبه ۲۳ دی.
۹. جوادی آملی، عبدالله. ۱۳۹۰. تفسیر انسان به انسان، نشر بین‌المللی علوم وحیانی، اسرا.
۱۰. حسن‌زاده آملی، حسن. ۱۳۸۷. شارح داود صمدی آملی، شرح رساله رابطه علم و دین، انتشارات قائم آل محمد، ص ۲۹.
۱۱. خوش‌منش، ابوالفضل. ۱۳۹۰. قرآن و اسلامی کردن علوم، ماهنامه معرفت شماره ۸۶.
۱۲. دلاور، علی. ۱۳۹۸. روش تحقیق در روان‌شناسی و علوم تربیتی، ناشر ویرایش.



۱۳. فنایی اشکوری، محمد. ۱۳۹۵. درآمدی بر تاریخ فلسفه اسلامی (جلد ۲)، صص ۳۷۷، نا شران سمت، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۱۴. رضائی اصفهانی، محمدعلی. ۱۳۹۶. منطق تفسیر قرآن (۱)، ص ۳۵۹، تهیه کننده جامعه المصطفی، قم.
۱۵. نصر، سید حسن و البور، لیمان. ۱۹۹۳. در کتاب History of Islamic Philosophy، جلد ۱، ص ۵۳۱ - ۵۳۲.
۱۶. شاکرین، محمدرضا. ۱۳۸۴. سکولاریسم، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ چهارم، جلد ۱، ص ۵۴.
۱۷. طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۸۳. میزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶، ص ۳۴۲، ترجمه موسوی همدانی.
۱۸. طباطبائی، محمدحسین. ۱۳۸۳. ترجمه میزان، جلد ۱۹، ص ۳۲۷.
۱۹. غروی، آمنه. ۱۳۸۵. وینگشتاین و نظریه معنی، برهان و عرفان، شماره ۸، تابستان ۱۳۸۵، ص ۱۴۲ - ۱۱۷.
۲۰. محجوب، محمدرضا. ۱۳۹۳. تایخچه زمان، از انفجار بزرگ، تا سیاهچاله‌ها، اثر استیون هاوکینگ، ترجمه محجوب، شرکت سهامی انتشار.
۲۱. نعمت‌زاده، قربانعلی. آینده بشریت، ویژه نامه صالحات، معاونت تعلیم و تربیت، بسیج مازندران، صفحه ۹۸ - ۹۷.
22. Bishop Alan. 1997. mathematical enculturation: A cultural perspective on mathematics Education, Dordrecht: lclumer Academic publication.
23. Boeung G. 2016. visual analysis of nonlinear dynamical systems: chaos fractals, self similarity and limits of prediction, systems 4 (4): 37.
24. Bunge Mario. 1998. the scientific approach. Philosophy of science L Volume 1, from problem to theory.
25. Burket walter. 1972. Lore and science in Acient Pythagoreanism Cambridge, Harvard univ. Press.
26. Cassels Alan. 1996. Ideology and international relations in the modern world, politica science. P.2.
27. Cohen Henri Lefebrie, Claire. 2017. Handbook of categorization in cognitive Science. P427.
28. Craniofact Jsurg. 2014. the whole is more than the sam of its parts: Aristotle, metaphysical.
29. David C. Linberg. 2007. the beginings of western science: The European scientific tradition in philosophical religious and institutional content, univ of chieago press.
30. Davies Tong. 1997. Humanism, the new critical idiom. Drakakis, john, sevies editor. University of starling.ule. p. 8-29.
31. Farmer Henry George. 1998. Historical facts for the Arabian musical influence, Ayer publishing.
32. Grierson Philip. 2007. meadivel European Coinage Combrige univ press.
33. Heilborn J.L. 2003. (sditor in chief), the oxford companionto the history of modern sicence New York: oxford university press, P.vii.
34. Lauri lebo. 2004. form Dover to DNA: How Science liteate communities can chang the narratire, retrires 2014 - 01 - 19, 2016, 907 via youtube.
35. Mc Girath, Alister E. 2011. Christian theology: An introduction, John willy sons, P.77.
36. Niall Fergosen. 2012. cirization: the west and rest, P, 51.
37. Grady, Patricia F. 2016. Thales of miletus: The Beginings of western science and philosophy. New York city. P245.
38. Oxford paleonthro pology. 2015. Oxford university press. Retrired 1.
39. Richard Feyman. 1965. the character of phisical law, lectures deliverd at cornell university.
40. Smith A. Mark. 2001. Alhacens theory of visual perception. American philosophical society, 91 (5) Vol 2.
41. surgen tautz. 2002. more than the sum of all parts, Empo reports, 7, 3(4): 306.
42. Tim Palmer, Edward Norton Lorenz. 2008. Physics today, 61 (9) 81 - 89.
43. Touwaide Alain. 2005. medical science technology and medicine an Encyclopedia, New York, P 224.



حق زیبایی و آراستگی در موجودات با نگاه ویژه به انسان از منظر قرآن

رعنا خلیلی^۱ و غلامعلی یخکشی^۲

۱- کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، مدرس دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول):
khalili.rana@yahoo.com

۲- کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، کارمند دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

چکیده

انسان در ساختار فطری خود به زیبایی‌ها میل دارد و در رفتار اجتماعی خود زیبایی طلب است و لذا خداوند خالق زیبایی‌ها که خود هم زیباست، حق زیبا بودن و زیبا دیدن را در وجود انسان قرار داده است. به گواهی روانشناسان، حسن زیبایی یکی از چهار بعد روح انسانی است، که به ضمیمه ی حس نیکی، حس دانایی و حس مذهبی ابعاد اصلی روان آدمی را تشکیل می‌دهند و معتقدند تمام زیباییهای ادبی، شعری، صنایع ظریف و هنر به معنی واقعی همه موارد این حس هستند. با وجود این چگونه ممکن است، یک قانون صحیح، این حس اصیل را در روح انسان خفه کند و عواقب سوء عدم اشباع صحیح آن را نادیده بگیرد؟! لذا در اسلام استفاده کردن از زیباییهای طبیعت و داشتن آراستگی های جسمانی و ظاهری و همچنین آراستگی های معنوی و باطنی که همان ملکات اخلاقی و صفات انسانی است، نه تنها مجاز شمرده شده بلکه به بهره‌مندی از آن بدون هیچ افراط و تفریطی سفارش شده است. این مقاله با بهره‌گیری از آموزه‌های قرآنی و کتب لغت، مفهوم زیبایی و آراستگی را تبیین، سپس کاربرد واژه زینت در قرآن و مفردات این واژه را بررسی و انواع آراستگی در قرآن که شامل خداوند متعال، طبیعت و انسان می‌شود را بیان نموده است. در آخر به حق انسان در داشتن انواع آراستگی ظاهری و باطنی پرداخته است.

واژگان کلیدی: حق، جمال، زینت، آراستگی باطنی، آراستگی ظاهری، موجودات

مقدمه

سرشت آدمی تعبیه شده و بر ارزش انسان می‌افزاید. به گفته استاد مطهری: «گرایش هر انسان به زیبایی و جمال یکی از خواسته‌های فطری انسان است و احساس لذت از زیبایی و تناسب و پاکیزگی‌ها با سرشت انسان آمیخته شده است (مطهری، ۱۳۶۲، ص ۸۰). در اهمیت آراستگی همین بس که انسان در رفتار اجتماعی خود زیبایی طلب است و لذا آراستگی به برقراری و استحکام روابط اجتماعی یاری می‌رساند. و این حقیقت انکارناپذیر در سراسر هستی مشهود است و پیشوایان ما بیش از هر شخص دیگری آن را بکار بسته و به آن تذکر داده‌اند و از محبوبیت آراستگی نزد خداوند خبر داده‌اند. آیا

از جمله حقوق موجودات زنده حق زیبا بودن و آراسته بودن است. آفریدگار موجودات همه چیز را دارای تناسب اعضا و زیبایی ابداع کرد و این زیبایی آفرینی تنها مخصوص انسان نیست. زیبایی، یکی از حرکات فطری انسان می‌باشد؛ زیبایی با پا نهادن انسان به عرصه وجود، بلکه قبل از آن آغاز می‌گردد و انسان را تا پایان زندگی، بلکه تا پس از مرگ نیز، همراهی می‌کند. زیبایی، از مسائل لاینفک زندگی انسان می‌باشد. در خلقت و طبیعت هر انسانی کمال خواهی به ودیعه نهاده شده است. زیبایی و جمال جزئی از کمالات است و زیباجویی و جمال دوستی از جمله دوستی از جمله چیزهایی است که در



اوج جهان فرشتگان پرواز می‌دهد، آراستگی به ادب و منش‌های شایسته است. با توجه به تعریف ادب که در واقع آراستگی ظاهری مشروع و اختیاری انسان است؛ رعایت آداب فردی و اجتماعی از یک دانشجو و یا کسانی که در مراکز علمی فعالیت می‌کنند انتظار بیشتری می‌رود و نخستین ثمره‌ای که از فرد آگاه و عالم انتظار می‌رود ظاهری شایسته و رفتاری مؤدبانه است، اگر آداب پسندیده از همه سزاوار است از طلایه داران دانش سزاوارتر است. در نتیجه روحیات و خلیات در لابلای اعمال و رفتار انسان جلوه می‌کند.

معناشناسی زیبایی و آراستگی

زیبا یعنی، شایسته، نیکو، جمیل، قشنگ، خوشگل، مقابل زشت؛ زیبا یعنی هر چیز خوب و با ملاحظه و نیکو و آراسته. و همچنین به معنای درخور، لایق، سزاوار، برآورنده و زیننده است. (دهخدا، ۱۳۷۴، ذیل واژه)

زیبایی حالت و کیفیتی است که از نظم و هماهنگی همراه با عظمت و پاکی در شی وجود دارد و عقل و تخیل و تمایلات عالی انسان را تحریک کند و لذت و انبساط پدید آورد و آن امری نسبی است. (معین ۱۳۷۱، ج ۲ ذیل واژه)

زیباشناسی

شناختن زیبایی، رشته‌ای از روانشناسی است و هدف آن زیباشناسی، شناساندن جمال و هنر است و آن درباره مجموعه انفعالات و احساسات درونی و زیبایی و زشتی و هزل و فکاهت و غیره گفتگو کند؛ علم الجمال (معین ۱۳۷۱، ج ۲، ذیل واژه)

انواع زیبایی

۱- زیبایی مطلق؛ جز ذات خداوند، نمونه دیگری ندارد، خدا نمونه و کانون تمام زیبایی‌های موجودات است چنان که طرفداران فلسفه نو

در قرآن آراستگی و زیبایی مطرح شده است؟ اهمیت آن تا چه اندازه است؟ و چه اقسامی دارد؟ با مراجعه به قرآن کریم در می‌یابیم که توجه به آراستگی در کلام خداوند مشهود است و با بکار بردن واژه‌های مختلف، انواع آراستگی را بیان کرده است. زینت از جمله مخلوقات الهی است که برای بندگانش خلق فرموده است. و همه موجودات را به نحوی زیبا آفرید تا اینکه انسان را در نهایت زیبایی آفرید و خداوند بر خلقتش خویشتن ستود. «فتبارک الله احسن الخالقین» (۱۴ مؤمنین)

مقاله حاضر با روش استنادی به مفهوم شناسی واژه زیبایی و آراستگی در کتب لغت و قرآن، همچنین به کاربرد آنها در قرآن پرداخته است. و در ادامه به انواع آراستگی در موجودات از منظر قرآن پرداخته است، که شامل آراستگی در خداوند متعال، مناظر طبیعی روی زمین، آسمان، جانوران و انسان می‌باشد. در آخر به اختصار انواع آراستگی در انسان که شامل آراستگی ظاهری و باطنی می‌شود پرداخته است. در جوانی که زیبایی طبیعی در فرد به اوج خود می‌رسد، این میل به زیبایی، روح او را به خویشتن مشغول کرده و یکی از سردرگمی‌های جوان رسیدگی کردن و افزودن به زیبایی جسمی‌اش است. اما این همه آرایش جسم خاکی است نه آراستگی حقیقت انسانی. از نگاه قرآن و کلام معصومین آراستگی باید هم در ظاهر فرد باشد و هم باطن فرد و حتی زینت درون زیباتر از زینت برون است. یک انسان خصوصاً یک جوان مسلمان باید با زیبای‌های هستی و هستی زیبا، ارتباط برقرار کند، ارتباطی درست، واقعی و دوستانه تا هم روح خود را بیاراید و هم ظاهری زیبا در کلام و رفتار و جسم خود داشته باشد. آنچه آدمی را گرانقدر ساخته و او را از رسته جنبندگان به صفت آدمیان و از صف آدمیان به



نظر خوش جلوه کند نیز آمده است. (قرشی، بی تا، ج ۳ و ۴، ص ۱۹۵؛ شوشتری ۱۳۷۴، ص ۲۱۴)

انواع زینت

الف) باطنی؛ مثل علم و اعتقادات صحیح

ب) بدنی؛ مثل نیرومند بودن

ج) خارجی؛ مثل زیورات، مال و وسایل زندگی (قرشی، بی تا، ج ۲، ص ۱۹۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۰۲).

کاربرد واژه زینت در قرآن: زینت در قرآن با مشتقاتش ۴۴ بار بکار رفته است.

الف). زینت دهندگان

۱- شیطان: (فَزَيْنَ لَهْمَ الشَّيْطَانِ اَعْمَالِهِمْ) / ۴۸ انفال، ۶۳ نحل، ۲۴ نمل و ۳۸ عنکبوت): شیطان برای آنها اعمالشان را زینت داد.

۲- ماموران الهی: (انا زینا السماء الدنيا به زینة الكواكب) / ۶ اصفاف: همانا ما آسمان دنیا را به زینت ستارگان آراستیم. (انا زینا السماء الدنيا بمصابیح) / ۵ ملک و ۱۲ فصلت: همانا ما آسمان را با ستارگانی آراستیم.

ب). زینت داده شده‌ها

۱- قتل فرزندان مشرکین:

و کذالك زين لكثيرين المشركين قتل اولادهم / ۱۳۷ انعام: و این چنین زینت داده شده برای مشرکین قتل فرزندانشان را
۲- اعمال مشرکین: و زين لهم الشيطان ما كانوا يعملون / ۴۳ انعام: و شیطان برای آنها زینت داد آنچه انجام میدادند.

۳- زندگی دنیا: زين للذين كفرو الحياة الدنيا / ۲۱۲ بقره: برای کسانی که کفر ورزیدند زندگی دنیایی زینت داده شده.

۴- حب شهوات، ۵- فرزندان پسر، ۶- کیسه‌های طلا و نقره، ۷- اسب‌های نشاندار، ۸- دام‌ها، ۹- کشتزارها:

افلاطون می‌گفتند، خدا زندگی کامل و لایتناهی و منبع و کانون زندگی است.

۲- زیبایی آرمانی؛ عبارت است از ادراک نبوغ بشری که موجود را چنان که باید باشد (نه چنان که در طبیعت یافت می‌شود) در نظر می‌گیرد؛ یعنی موجودی را که شامل جمیع کمالات ممکن باشد. در آیین روان مجسم می‌کند.

۳- زیبایی طبیعی؛ همان زیبایی است که در طبیعت یافت می‌شود و می‌توان آن را به سه نوع تقسیم کرد.

الف) زیبایی جسمی اشکال محسوس؛ مانند چهره زیبا

ب) زیبایی عقلی؛ مانند فکر زیبا یا تصور عالی
ج) زیبایی هندی اخلاقی؛ مانند رفتار بزرگوارانه و نجیب

۴- زیبایی هنری؛ این زیبایی را بشر خود می‌آفریند و معنی و مفهوم یک زیبایی آرمانی را که درباره آن تأمل و تعمق کرده است، مانند یک قطعه موسیقی، شعر یا مجسمه. (منوچهریان، ۱۳۶۸ ص ۲۳)

« تمایل به زیبایی و احساس هنری انسان، سبب پیدایش شاخه‌های گوناگون هنر در فرهنگ بشر شده و اسلام نیز آن را پذیرفته و حتی بخشی از اعجاز قرآن کریم براساس هنر و زیبایی پایه‌ریزی شده است. البته هنر باید در خدمت تعقل و حقیقت باشد، نه ابزاری برای تشویق آن» (جمعی از نویندگان، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۳۹)

زینت یعنی آراستن، آرایش، و پیرایش و جواهر و زیبایی و رونق و فروغ و لباس و هر چیزی که بپوشاند برهنگی را (دهخدا ۱۳۷۴، ذیل کلمه زینت) در لسان العرب آمده است زین هم به معنای زینت و هم به معنای زشتی می‌آید (یعنی زشتی‌ها را بر گمان خویش آراسته دیدن) (ابن منظور، م ۱۹۷۷، ج ۳، ص ۲۲۲)؛ همچنین زینت به معنای خوش‌نما بودن، آراستگی و آنچه در



۱۹- بدی عمل فرعون: (و کذلک زین لفرعون سوء عمله) (۳۷ غافر): و این چنین برای فرعون بدی عملش زینت داده شد.

۲۰- اعمال اسراف کاران: (کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون) (۱۲ یونس): ای چنین برای اسرافکاران آنچه انجام دادند، زینت داده شده است.

زینت برای چه کسانی؟

۱. مشرکین: (و کذلک زین لکثیر من المشرکین قتل اولادهم) (۱۳۷ انعام) : و اینچنین برای مشرکین قتل فرزندانشان زینت داده شده.

۲. کافران: (زین للذین کفرو حیاه الدنیا) (۲۱۲ بقره): برای کسانی که کفر ورزیدن حیات دنیا زینت داده شده.

۳. مردم: (زین للناس حب الشهوات) (۱۴ عمران): برای مردم دوست داشتن شهوات زینت داده شده.

۴. اسراف کنندگان: (کذلک زین للمسرفین ما کانوا یعملون) (۱۲ یونس): اینچنین برای اسراف کنندگان آنچه را انجام داده بودند زینت دادیم.

۵. فرعون: (و کذلک زین لفرعون سوء عمله) (۳۷ غافر): و اینچنین برای فرعون بدی عملش زینت داده شده.

مفردات مشابه زینت در قرآن

الف) جمال

جمال یعنی حسن و زیبایی بسیار؛ موجودی که دارای تناسب و اعتدال در اعضا باشد. (قرشیبی تا، ج ۲ ص ۵۲؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۲۰۲) جمال یعنی رونق، حُسن، خوبی، (ولکم فیها جمال...) و برای شما در آنها رونق و تجملی است (نحل ۶) (شوشتری، ۱۳۷۴، ص ۱۵۳)

انواع جمال

جمال بر دو نوع است:

اول: آن گونه زیبایی که ویژه جان و بدن و فعل و کار انسان است.

زین للناس حب الشهوات من النساء و البنین و القناطر المقتطرة من الذهب و الفضة و الخیل المسومة و الانعام و الحرث ۱۴ آل عمران
۱۰- اعمال بد: زین لهم سوء اعمالهم ۳۷ توبه
برای آنها بدی اعمالشان زینت داده شده.

۱۱- مکر کافریں: زین للذین کفرو مکرهم ۳۲ اعد: زینت داده شده برای کسانی که کفر ورزیدن مکرشان.

۱۲- آسمان: و لقد جعلنا فی السماء بروجاً و زینها للنظرین ۱۶ حجر: و قرار دادیم در آسمان برجهایی و آنها را برای بینندگان زینت دادیم. افلم ینظروا الی السماء فوقهم کیف بیناها و زینها ۶ ق

آیا نمی‌نگرند به آسمان بالای سرشان که چگونه آن را بنا کردیم و آن را زینت دادیم.

۱۳- وجود زن: و لا یبدین زینتهن الا ما ظهر منها ۳۱ نور: آشکار نسازند زینتشان را جز آنچه که ظاهر می‌شود از زیبایی.

۱۴- ایمان: حب الیکم الایمان و زینة فی قلوبکم ۷ حجرات: ایمان برای شما دوست داشتنی و آنها را خدا در قلب‌های شما زینت داد.

۱۵- اسبان و استران و درازگوشان: ولخیل و البغال و العمیر لتركبوا و زینة ۸ نحل: و اسبان و استران و درازگوشان برای آن است که سوار شوید و زینت هستند.

۱۶- زمین: ((انا جعلنا ما علی الارض زینت لها ۷ کهف: همانا ما قرار دادیم آنچه بر زمین است زینتی برای آن.

۱۷- مال و فرزندان:

المال و البنون زینة الحیاة الدنیا ۴۶ کهف: مال و فرزندان زینت زندگی دنیایی هستند.

۱۸- روز جشن: قال موعدکم یوم الزینة ۵۹ طه: گفت موعد شما روز جشن باشد.



پیدایش و آرایش با آن شیء زیبایی ایجاد می‌شود. اما جمال در ماهیت و ذات شیء است. مثلاً گفته می‌شود؛ این شخص خود به خود و به طور طبیعی زیباست که به آن «جمیل» یا «جمیله» گویند. بنابراین ملاک عمل در آن دو یکی است و آن نمایاندن زیبایی‌هاست.

کاربرد واژه جمال و مشتقات آن در قرآن:

واژه جمال در قرآن یکبار بکار رفته است و زیبایی آمد و رفت چهارپایان را می‌رساند: «و لَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَ حِينَ تَسْرَحُونَ» ۶/انحل

و هنگامی که آنها را شبانگاه از چراگاه بر می‌گردانید یا صبحگاه به چراگاه می‌برید زینت و زیبایی می‌باشد.

واژه جمیل که از مشتقات جمال ست، در قرآن کریم با چهار ترکیب به کار رفته است:

- صفح جمیل: «وَ اِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاَصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ» ۸۵/حجر

و ما آسمانها و زمین و هر چه را که در بین آنهاست جز به حق (و برای مقصودی صحیح و حکمتی بزرگ) خلق نکرده‌ایم.

- صبر جمیل: «فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا تَصِفُونَ» ۱۸/یوسف

پس صبر زیبا صبر بدون جزع و فزع
«بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ اَنْفُسُكُمْ اَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ» ۸۳/یوسف.

پس بلکه بسیار زیبا جلوه داد در نظر شما نفس مکار امری زشت را در هر صورت صبری زیبا کند.

«فَاَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا» ۵/معراج
پس صبری زیبا داشته باش.

- سرح جمیل: «فَتَعَالَيْنِ اُمْتِعْكَنَّ وَاَسْرِحْكَنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا» ۲۸/احزاب

ای پیامبر به زنان خود بگو اگر شما زندگانی با زیور دنیا را میخواهید پس بیایید تا من مهر شما

دوم: زیبایی در سایر پدیده‌های عالم غیر از انسان، و بر این وجه از پیامبر(ص) روایت شده است که (إِنَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَ يُحِبُّ الْجَمَالَ) که هشدار و آگاهی است بر اینکه خیرات زیاد، از خداوند افزه می‌شود و خدا کسی را که به این صفت، یعنی منشأ خیرات متصف باشد دوست می‌دارد. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۱۱)

جمال دوستی و لذت طلبی

یکی از شاخه‌های لذت طلبی، علاقه به جمال و جمال دوستی است که از شعب مختلفی تشکیل می‌شود:

الف) جمال طبیعی یا جمادی؛ مثل دیدن کوه، دریا، چشمه ساران، آسمان، ستارگان، ماه و خورشید.

ب) جمال گیاهی یا نباتی؛ مثل مناظر زیبای گلستان‌ها، بوستان‌ها، باغ‌های سرسبز و پر از میوه‌های رنگارنگ و جنگل‌های خرم سر به فلک کشیده.

ج) جمال حیوانی یا انسانی؛ که خلقت در آنها به اشکال مختلف، زیباست.

د) جمال عقلی؛ که قوه عاقله آن را، از نظم و انتظام و کمال موجودات، درک می‌کند.

ه) جمال عرفانی؛ با این بینش همه هستی زیباست و هر موجودی که کامل تر است از بهره وجودی بیشتری برخوردار خواهد بود و انسان از درک آن، بیشتر لذت می‌برد.

و) جمال ذات الهی؛ جمال را حتی به ذات الهی هم نسبت می‌دهیم و کسانی که مشاهدات توحیدی دارند نه یک باب از مشاهداتشان به اسماء و صفات جمال الهی مربوط می‌شود. (مصباح، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۶۱)

تفاوت زینت با جمال

تفاوت ظریفی بین این دو وجود دارد؛ زینت امر عارضی، خارج از ماهیت شیء است که به واسطه



حریص است و تصویر نمودن قبح و زشتی برای او به صورت حسن و خوبی است (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۲۸۵؛ ابن منظور، ۹۹۷م، ج ۳، ص ۳۷۱)

کاربرد واژه سَوَّلَ در قرآن:

این واژه در چهار جای قرآن بکار رفته و بصورت فعل ماضی می‌باشد. در آیه ۲۵ سوره مبارکه محمد، زیبا جلوه دهنده شیطان معرفی شده (الشیطان سَوَّلَ لهم) و در سه آیه دیگر نفس انسان معرفی شده است (۱۸ و ۸۳ یوسف/۹۶ طه)

(د) زخرف:

به معنای زر، زیور، نقش و نگار، خوبی و زیبایی چیزی، سخن بیهوده و به دروغ آراسته، و جمع آن زخارف است (عمید، ۱۳۷۴، ج ۲، ذیل واژه) زخرف به معنای زینت و کمال حُسن چیزی است (ابن منظور، ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۱۷۶) و آرایشی زرین و طلایی را گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۳۹) و مزخرف یعنی زینت شده، آراسته شده (الرازی، ۱۹۰۵، ص ۳۳۵)

کاربرد واژه زخرف در قرآن

این واژه با مشتقاتش در قرآن کریم چهار بار به کار رفته است و نیز یک سوره به نام زخرف در قرآن می‌باشد. در سوره انعام آیه ۱۱۲ می‌خوانیم (یوحی بعضهم إلی بعض زخرف القول غروراً) ... برای فریب یکدیگر سخنان خوش ظاهر و بی اساس و فریبنده القا می‌کنند. و در سه سوره دیگر به معنای زیور آلات و آراسته شده است.

(ه) ریش:

به معنای رونق، جامه زینتی (در اصل بال پرنده) و تجملات خانه از فرش و غیره را گویند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۲، ص ۱۲/ابن منظور،

را بپردازم و شما را رها سازم رها ساختنی به خوبی و خوشی
« فَمَتَّعُوهُمْ وَ سَرَّحُوهُمْ سَرَاحًا جَمِيلًا » ۴۹
احزاب

پس مهریه آنها را بپرداز و رها ساز آنها را رها طلاق‌ی زیبا.

- هجر جمیل: « وَ أَهْجَرُهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا » ۱۰
مزل

و بر طعن و یاهو گویی کافران و مکذبان صبور و شکیب‌ا باش و به طرزی نیکو (که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است) از آنان دوری گزین.

(ب) حلیه:

به معنای زیور، زینت، حلی (ح ل ی) زیورها، زینت‌ها (عمید، ۱۳۷۴، ج ۲، ذیل واژه) و حلی و یحلی یعنی با زیور پیداست و زینت شد (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۵۲۸) تحلی، بالِحلی یعنی زینت کرد، آرایش کرد (الرازی، ۱۹۰۵، ص ۱۹۹) کاربرد واژه حلیه در قرآن:

این واژه با مشتقاتش در قرآن کریم ۷ بار بکار رفته است در سه سوره بصورت فعل (حَلَّوْا، یَحْلُوْنَ) تعبیر به نعمت‌های بهشتیان شده که با دست بندهایی از نقره (۲۱ انسان) یا طلا (۳۱ کهف و ۲۳ حج) زینت داده شده‌اند. در سه سوره دیگر بصورت اسم مفرد (حلیه) آمده که به معنای زیور و زینت می‌باشد. (۱۲ فاطر، ۱۷ رعد، ۱۸ زخرف) و در آیه ۱۴۸ سوره اعراف بصورت جمع مکسر (حلیهم) آمده که بمعنای زیورها می‌باشد. و بنابراین این واژه هم از واژه‌هایی است که در قرآن کریم به معنای آراستگی می‌باشد.

(ج) سَوَّلَ:

مزین کرد، سختی را که خوش نبود، خوش نما نمود (شوشتری، ۱۳۷۴، ص ۲۳۴/ قرشی، بی تا، ج ۳ و ۴، ص ۳۵۴) سَوَّلَتْ لَهُ نَفْسُهُ امراً یعنی برای او زینت داد (الرازی، ۱۹۰۵، ص ۳۹۵) التسویل یعنی جلوه دادن چیزهایی که نفس بر آنها



- یا ذالغز والجمال: ای دارنده عزت و جمال (همان، داعی حضرت زهرا.....س.)
ولا تحجب مشتاقیک عن النظر الی جمیل
رویتک: خداوندا مشتاقان جمالت را از نظر به دیدارت محروم نفرما (همان مناجات سوم از مناجات خمس عشر)
و عَجَزَتِ الْقُلُوبُ عَنْ ادراک کُنه جمالک...: خداوندا عقول آدمیان از ادراک حقیقت جمالت ناتوان شده است(همان مناجات خمس عشر)
چنانکه از منابع مذکور برمی‌آید صفات جمالی خدا یکی از صفات اوست که با نظر به مفهومی که دارد غیر از حیات و قدرت و علم و اراده و دیگر صفات ذاتی و فعلی او می‌باشد.
با توجه به اینکه همه زیبایی‌های قابل تصور را او بوجود آورده معلوم می‌شود که جمال او مافوق زیبایی‌های محسوس و معقولی است که در دو قلمرو انسان و جهان قابل دریافت می‌باشد. البته ما استعداد دریافت جمال خداوندی را داریم، چون اگر چنین استعدادی در درون ما نبود خداوند این صفت را به پیامبران و اولیای الهی تلقین نمی‌فرمود که آنرا بر مردم القا کنند مانند دیگر صفات جمال و کمال خداوندی که به پیامبران و اولیاء دستور داده شده که در آن صفات بیندیشند و عظمت خدا را دریابند.)
کان جمال دل، جمال باقی است
دولتش از آب حیوان ساقی
است(مولوی، ۱۳۶۶، دفتر دوم)

ب) زیبایی و آراستگی در طبیعت :

- کانت(فیلسوف) می‌گوید:
از تماشای دو منظره هرگز سیر نخواهم شد:
آسمان لاجوردین پرستاره که تجسمی از بیکرانگی دارد؛ وجدان آدمی که شگفتی‌هایش قابل توصیف نیست.
ویکتور هوگو می‌گوید: در دنیا تماشایی بزرگ وجود دارد که دریا نامیده می‌شود، تماشایی

- ۱۹۹۷م، ج ۳، ص ۱۵۶) و به معنای هر پوششی که مایه زینت و جمال باشد. این کلمه در اصل لغت به معنای پر مرغان است و به اعتبار اینکه پر مرغ مایه زینت است در غیر مرغ نیز استعمال می‌شود و چه بسا به اثاث خانه و آن نیز اطلاق می‌شود(طبایطبائی، ۱۳۶۳، ج ۸، ص ۹۵)
کاربرد واژه ریش در قرآن کریم:
این واژه در قرآن کریم یکبار بکار رفته(قد أنزلنا علیکم لباساً یؤاری سواتکم و ریشاً و لباس التقوی): جامعه‌ای که عورت‌های شما را بپوشد و جامه تجملی و جامعه پرهیزگاری.(اعراف ۲۶)
این واژگانی که به عنوان مفردات مشابه زینت در قرآن و متون فقهی ما بکار رفته و از مصادیق آراستگی بوده و به جای واژه زینت به کار می‌روند.

انواع آراستگی :

الف) خداوند متعال :

- خداوند متعال که خالق زیبایی‌هاست در روایت و دعاهای فراوانی به زیبایی توصیف شده است.
ان الله جمیل و یحب الجمال و یحب ان یری اثر نعمه علی عبده: خداوند زیباست و زیباییها را دوست دارد و دوست دارد که نمود نعمتش را در بنده اش ببیند(فیض کاشانی، ۱۳۷۱ج ۱۱ ص ۹۳)
سبحان من لبس البحجۃ والجمال: پروردگارا تویی منزه کسی که ذاتی با فروغ اعلی در جمال خود دارد(قمی، ۱۳۸۲ص ۷۱)
در دعایی در نماز امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده که فرمودند: و انت البهی فی جمالک پروردگارا تویی فروغ اعلی در جمال خود(همان، ص ۷۶)
یا جلیل یا جمیل: ای صاحب جلال و جمال(همان، دعای مشلول، مجیر، نیمه رجب، شب عید فطر)



حین تسرحون(۶/ نحل): برای شماسست در آن جانداران منظره زیبا که در شامگاهان آنها به جایگاه‌های خود بر می‌گردند و صبحگاهان که آنها را به چرامی‌برید.

نکته بسیار قابل توجهی که در تذکر به این زیبایی وجود دارد این است که زیبایی در نوع حرکت که جانداران بطور انفرادی یا دسته جمعی از خود نشان می‌دهند محصول کیفیت حرکت آنان می‌باشد. حرکت صبحگاهی که به دشت‌های سرسبز می‌روند و حال پویندگی در ادامه حیات خود را بروز می‌دهند و حرکت شامگاهی برای استراحت و آرامش و دیدار و انس که با آشیانه‌ها و بچه‌های خود انجام می‌دهند.

ب-۳) مناظر طبیعی روی زمین:

و تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (۵/ حج): و زمین را می‌بینیم که خشک و پژمرده است و هنگامی که آب به آن فرستادیم به حرکت و احتزاز در می‌آید و موادی در آن سر می‌کشد و از هر نوع جفت نباتات و درختان و بهجت انگیز می‌رویاند.

وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ (۶۰/ نحل)

برای شما از آسمان آبی فرستاد بوسیله آن آب باغ‌هایی سرور انگیز رویانیدیم.

زیبایی گل‌ها و درختان و چمنزارها و دیگر رویدنی‌ها از عالی‌ترین انواع زیبایی‌هاست که خداوند متعال برای بشر بوجود می‌آورد و غم‌ها و اندوه‌ها و ملامت یکنواختی زندگی را می‌زداید و بهجت و سرور در دلها ایجاد می‌کند چنانکه ملاحظه می‌شود در این آیات نیز خداوند بروز نمودهای زیبا را به خود نسبت داده است و اثبات می‌شوند که خداوند متعال بوجود آمدن زیبایی‌ها را با مشیعت عالیه خود خواسته است، نه اینکه

بزرگتر از دریا وجود دارد که آسمان نامیده می‌شود، تماشگاهی عظیم‌تر از این دو وجود دارد که وجدان آدمیست.

در دو عبارت مذکور عظمت دو تماشگاه مورد اتفاق دو متفکر بوده است. شبیه این تعبیرات و گاهی بالاتر از آنها از مغز متفکران اسلامی و شعرای زبردستی که گاهی بنیادی‌ترین اصول جهان بینی‌ها را در غالب شعری عرضه کردند بروز نموده است. (جعفری، ۱۳۸۱ ص ۲۹۸) مادامی که در تفسیر و جمال هستی استناد آن دو را به مهندس و نقاش اصلی نادیده بگیرد هیچ یک از تحقیقات و کاوش‌های شما درباره نظام و جمال هستی که شناخت آنها مقدمه شناخت ملکوت آسمان و زمین است بجایی نخواهد رسید. (همان، ص ۳۰۲)

به انواع زیبایی‌ها در طبیعت می‌پردازیم:

ب-۱) زیبایی آسمان با ستارگان:

در چند مورد از آیات قرآن زیبایی آسمان با ستارگان گویا شد و خداوند عمل آراستن آن صحنه زیبا را بطور مستقیم به خود نسبت داده است. انا زینا السماء الدنيا بزينة الكواكب (۶/ اصفاف): ما آسمان دنیا را به زینت ستارگان آراستیم.

مضمون این آیه در سوره‌های فصلت آیه ۱۲، ملک آیه ۵، حجر آیه ۱۶، ق آیات ۷ و ۶ نیز آمده است.

البته با نظر در بعضی از همین آیات و دیگر آیات مشابه این حقیقت روشن می‌شود که ستارگان فضایی در کارگاه هستی به مقتضای طبیعت و نظم و هدفی که در وجود و جریان آنهاست واقعیاتی هستند که در نقشه هندسی کل هستی فعالیت می‌کنند.

ب-۲) زیبایی جانداران:

خداوند زیبایی را درباره جانداران در قرآن مطرح نموده است: ولکم فیها جمال حین تریحون و



خدا کسی است که نیکو آفریده هرچه را. و انسان تنها موجودی است که خداوند بر خلقتش خودش را ستود و فرمود:

فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (۱۴/مومنون)

و برای بهره مندی او همه چیز را آفرید.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا (۲۹/بقره)

خداوند کسی است که همه آنچه در زمین است برای شما خلق کرد. و زینت نیز از جمله مخلوقات الهی است که برای بندگانش خلق نموده است.

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ (۳۲/اعراف)

بگو زینت‌هایی را که خدا برای بندگانش پدید آورده و روزی‌های پاکیزه را چه کسی حرام کرده است.

در این آیه خداوند زینت را به خود نسبت داده است و با کسانی که در عمل یا عقیده بدون اطاعت از خدا و از پیش خود استفاده از زینت‌ها را ممنوع دانسته و خود را از آنها محروم می‌کنند مخالفت می‌کند. بنابراین آیه انسان باید خود را زینت کند.

برای اینکه انسان موجودی دو بعدی است که از روح و جسم تشکیل شده است. همانطور که روح باید آراسته به فضایل اخلاقی باشد جسم او نیز آراسته باشد. آراستگی و پاکیزگی نقش مهمی در جنبه ظاهری فرد داشته و تا حدودی حاکی از باطنی به دور از آشفتگی می‌باشد. آراستگی عاملی برای آرامش روحی و روانی آدمی است و نشان از وقار شخصیت افراد است و در مقابل، بی‌نظمی ظاهری نشان از بی‌ثباتی و عدم طمأنینه روحی دارد.

حال اگر این آراستگی ظاهری به همراه رسیدگی به درون و آراستگی باطل باشد موجب تعادل شخصیت آدمی و نفوذ فرد در دل دیگران

بشر با بازیگری ذهنی خود زیبایی را برای خود تلقین می‌کند و دل به آن می‌بندد.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ (۶۳/احج)

آیا ندیده‌اید که خداوند از آسمان آب فرستاد و زمین سبز و خرم شد، قطعاً خداوند لطیف و آگاه است.

نکته بسیار مهم در این آیه این است که به دنبال بیان بروز نمو زیبایی در روی زمین بوسیله آب صفت لطف الهی را آورده است، یعنی بروز نمود زیبایی از خاک تیره معلول لطف خداوندی بر خاک نشینان است که از تماشای زیبایی‌ها برخوردار شوند، به قول مولوی:

«ور نه در گلخند گلستان از چه رست؟!»
مولوی ۱۳۶۶، غزلیات غزل شماره ۸۳۵

امام جعفر صادق علیه السلام خطاب به مفضل فرمودند:

بدان که نام این جهان در نزد یونانیان قوسموس است. این کلمه به معنی آراستگی است. کسانی که دعوی فلسفه و حکمت دارند نامش را اینگونه نهاده‌اند. آیا این نامگذاری جز برای این است که در آن حساب و کتاب دقیق و نظم و حکمت را دیدند و راضی به اینها نشدند و در نهایت جهان هستی را آراستگی و زینت نام نهادند تا بگویند که با تمام استواری و حکمتی که در آن نهفته در نهایت حسن و بهاء و زیبایی است. (مجلسی، ۱۴۰۴ ق ج ۶۸ ص ۱۷۶)

ج. زیبایی و آراستگی در انسان:

همه موجودات بویژه انسان مخلوق خداوند هستند.

اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ (۶۲/زمر)

خداوند خالق هر چیزی است. و هرچه را خدا آفریده در نهایت زیبایی و آراستگی است.

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ (۷/سجده)



در حالی که از امیرالمومنین علیه السلام نقل شده است:

هر یک از شما برای برادر مسلمانش هرگاه او را دیدار می‌کند باید خود را آراسته کند، همچنان که برای غریبه‌ای که دوست دارد او را به بهترین شکل ببیند آراسته می‌کنند. (همان، ج ۵۷۵۵)

آراستگی و زیبایی در انسان را می‌توان به دو نوع آراستگی ظاهری و باطنی تقسیم کرد. به توضیح هر کدام می‌پردازیم.

ج-۱) آراستگی ظاهری:

آراستگی لبخند روح ماست بر بینندگان و همراهانمان و هم از این رو به برقراری و استحکام روابط اجتماعی یاری می‌رساند، این حقیقت انکار ناپذیر، در سراسر هستی مشهود است.

سرشت انسان او را به سوی آزادی، کمال خواهی، زینت و جمال دوستی سوق می‌دهد. و انسان فطرتاً زیبایی چهره و آرایش عالی و پوشش نیکو را دوست دارد و همواره در عرصه حیات، آن را به کار می‌گیرد.

اهمیت زیبایی و آراستگی ظاهری تا بدان حالت که امام علی(ع) می‌فرماید: «التَّجَمُّلُ مِنَ اخْتِلاَقِ الْمُؤْمِنِينَ» آراستگی از اخلاق مؤمنین است. (آمری، ۱۳۷۸ش، ص ۴۳۵)

الف) آراستگی در گفتار:

زبان از نعمتهای بزرگ خداست که همچون دیگر نعمتهای خداوندی برای بهره برداری در جهت رشد و کمال به انسان ارزانی شده است. انسان فرزانه و فرهمند با شناسایی موقعیت های مناسب، از چنین نعمتی به درستی استفاده می کند؛ نعمتی که پس از آموزش قرآن و آفرینش انسان، بالاترین لطف خداوند متعال به آدمی ست چنان که فرمود:

«الرَّحْمَنُ * عَلَّمَ الْقُرْآنَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ * عَلَّمَهُ الْبَيَانَ» (۱-۴ رحمن) پس باید قدر این نعمت را

و محبوبیت را افزایش خواهد داد، اما بسیاری از ما نمی‌توانیم تمایزی بین آراستگی بخصوص در وجه ظاهری آن با آرایش و آراستگی‌های کاذب بوجود آوریم و فکر می‌کنیم وقتی صحبت از آراستگی بویژه در محیط‌های کاری به میان می‌آید منظور آرایش و پوشش‌های جذاب و جلب توجه کننده است، غافل از اینکه نظم و آراستگی مقوله‌ای جدا از آرایش و پوشش‌های نامناسب و به زعم بعضی مدگرایی است.

بنابراین می‌توانیم آراسته و تأثیرگذار باشیم اما نه با جذابیت‌هایی که تنها بر زیبایی ظاهری ما خواهد افزود و جزء لذت برای دیگران و برآوردن نیازهای شخصی از جمله جلب توجه نتایج مهم دیگری را در بر ندارد.

امروزه کمتر کسی را می‌توان یافت که وقتی از منزل خارج می‌شود نیم نگاهی در آینه نیندازد. در جوامع امروزی مرتب بودن لباس و سرو وضع ظاهری افراد به هنگام حضور در انظار عمومی یکی از امور عادی و فراگیر شده است، در این میان تفاوتی بین کودک و بزرگسال، زن و مرد، ثروتمند و کم درآمد وجود ندارد و همه به نحوی آراستگی خود را هنگام برخورد با دیگران حفظ می‌کنند و این عادت بسیار خوب و پسندیده است بویژه برای دانش آموختگان و معلمان صاحبان شغل.

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: ان الله تعالى يَحِبُّ من عبده إِذا خَرَجَ إِلَى إِخْوَانِهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُمْ وَ يَتَجَمَّلَ (مجلسی ۱۴۰۴ ج ۵ ص ۱۱، ج ۵۷۵۶): همانا خداوند تعالی دوست دارد بنده اش را هنگامی که به سمت برادرانش از خانه خارج می‌شود خود را برای آنها آماده و زیبا کند. برخی بر این باورند که فقط هنگام حضور افراد غریبه باید خود را بیارایند و در دیدار با دوستان و آشنایان صرف رفاقت و خودمانی بودن لزوم آراسته بودن را برطرف می‌سازد



الله علیه وآله وسلم و هم زنان مومنه است. (عسگری، ۱۳۸۲ ج ۱ ص ۳۴۶)

اینکه چرا در آیه عنوان زنان و دختران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بویژه یاد شده است جدا از شأن نزول می‌تواند به این جهت باشد که خانواده پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم در اجرای آموزه‌های دین مسئولیت بیشتری احساس می‌کند و با پیشگامی در این عرصه همانند سایر عرصه‌ها الگوی عینی و عملی برای جامعه ایمانی ارائه دهند تا دیگران با سهولت و رغبت بیشتر انجام دهند.

در قرآن در وصف عبادالرحمن آمده است: وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (۶۳/ فرقان): اگر افراد جاهل با آنها بد صحبت کنند با نیکی و سنجیده با آنها سخن می‌گویند.

زبان در تعامل اجتماعی بسیار با اهمیت است و شخصیت آدمی از میان کلمات و لغات و واژه‌هایی که در حین سخن بکار می‌رود پدیدار می‌شود. لذا انسان‌های بزرگ در بدترین شرایط به هیچ وجه حاضر نیستند زبان خود را با کلامی که در شأن آنها نیست بیالایند. سخن، هویت و شخصیت هر انسانی را می‌نمایاند.

آدمی مخفیست در زیر زبان

این زبان پرده است به درگاه دهان

چون که بادی پرده را درهم کشید

سر سخن خانه شد بر ما

پدید(مولوی، ۱۳۶۶ دفتر دوم، بخش ۲۱)

سخن گاه بهترین و ظریفترین عبادت است که شخص را آسمانی کرده، به معراجش می‌برد، و گاه سنگین ترین گناه لایق کیفر، و نکوهیده ترین رفتار نزد مردم است. امیر مومنان علی. ع. نیز زبان را کلید هر خیر و شری معرفی می‌فرماید و یادآور می‌شود که انسان با ایمان به حفاظت و صیانت خویش از آلودگی به گناهان

دانست و خدای را بر آن سپاس گفت. (مجتهدی تهرانی، ۱۳۹۰، ص ۲۳)

نمونه‌هایی از آراستگی گفتاری در قرآن که از همه مردان و زنان خواهان است عبارتند از:

قُولُوا لِلنَّاسِ حَسَنًا (۸۳/ بقره)

و قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا (۸/ نساء)

و قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا (۷۰/ احزاب)

قل لعبادي يقولوا للتي هي أحسن (۵۳/ اسراء)

بنابراین هر مرد و زنی باید با قرار دادن آراستگی و حجاب و ادب در گفتار دچار افراط و تفریط نشود.

اما آیه دیگری است که به شیوه مخصوصی از سخن گفتن و کارکرد آن در تعامل اجتماعی زنان نظر دارد این است؛

(يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا) (۳۲/ احزاب): ای همسران پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم شما مانند دیگر زنان نیستید پس به ناز سخن مگوئید، تا آنکس که در دلش بیماری است طمع ورزد و سخن به متعارف گوئید.

آیه شریفه با پیش فرض مشروعیت و روا بودن اصل سخن گفتن زن با مرد نامحرم سخن گفتن زنان با مردان نامحرم را به دو گروه تقسیم کرده است:

۱) سخن گفتن معمولی و متعارف بدون هیچ تغییری در آهنگ صدای زن و بکار بردن واژه‌های معمولی.

۲) سخن گفتن غیرمتعارف با واژه‌هایی لطیف، تحریک آمیز با طنین خاص، این گونه سخن گفتن را قرآن نهی کرده و دلیل آنرا جلوگیری از طمع افراد مریض و بهره جویی آنان بیان کرده است.

این تعرض و آزار بیماردلان تا به امروز و تا به قیامت باقیست و لذا خطاب به زنان پیامبر صلی



بلکه افرادی در اطراف او هستند که توسط حجاب او از بسیاری از این انحرافات حفظ خواهند شد.

بنابراین با توجه به زینت بودن جسم زن و عامل انجذاب بودن او، در زمینه روابط زن و مرد میزان اثر پذیری مرد از زن و توان اثر گذاری زن از مرد بیشتر است. سازمان ملل متحد حضور اجتماعی زنان را به عنوان یک شاخص فرهنگی در تعیین درجه توسعه یافتگی یک کشور معرفی کرده است. در این بازار گرم جذب و انجذاب و حضور زنان در اجتماع در ارتباط با نامحرم تنها بوسیله حجاب است که تقوای جامعه تضمین می‌شود. اگر زن و مردی در محیط آموزشی و کاری در کنار یکدیگر مشغول به کار و تحصیل می‌باشند رعایت آراستگی در گفتار، رفتار و پوشش نمایند، یقیناً موجب افساد جامعه خواهد شد.

لباس در زندگی فردی انسان‌ها کارکردهای گسترده و متنوعی دارد. از جمله کارکردهای فردی این مقوله، پاسخگویی به نیاز فطری «خود استتاری» است. بر اساس این نیاز، انسان در هر شرایطی حتی در محیطی که کسی نباشد، تمایل درونی به برخورداری از حداقل میزان پوشش دارد و از برهنگی می‌پرهیزد. همچنین تأمین امنیت فردی از جهت محافظت بدن از گرما و سرما و شریط متنوع جوی (آفتاب شدید، باد و باران)، گزند حشرات و جلوگیری از تحریک هوس بازان، عامل مهمی برای رعایت پوشش محسوب می‌شود. پوشش و لباس به نیاز طبیعی خودآرایی و زیبایی دوستی انسان نیز پاسخ می‌دهد. از سوی دیگر از جمله کارکردهای اجتماعی لباس به هویت بخشی خاص به افراد و حتی جوامع اشاره کرد. الگوهای مختلف پوشش ضمن ایجاد شخصیت و منزلت فردی می‌توانند بیانگر سنت‌ها، ارزش‌ها و نوع فرهنگ حاکم بر جوامع

این عضو موظف است. (کلینی، ۱۳۶۵ ش، ص ۱۱۴ ح ۱۰)

باید کوشش کرد که در گفتگو هم کلمات و هم الفاظ مؤدبانه باشد و هم نحوه بیان و در کنار آنها وضع صوت و کیفیت آهنگ و حرکات سر و دست و چشم مؤدبانه و آراسته به فضائل اخلاقی باشد.

ب) آراستگی در پوشش:

یکی از عمیق‌ترین و سودمندترین قانون آفرینش برای جامعه آراستگی مردان و زنان در حجاب و پوشش است. حجاب آمده است تا روابط جنسی دو انسان را به روابط انسانی دو جنس تبدیل کند.

امروزه فرهنگ حاکم بر جوامع بشری فرهنگ نیمه برهنگی و بدحجابی است. با نگاهی به اوضاع حجاب در قرون گذشته می‌بینیم که همه زنان عالم حتی زنان غربی نیز دارای پوشش نسبتاً مناسبی بوده‌اند، ولی از زمانی که بشر قوانین کامل و حیات بخش الهی که ضامن سعادت او در همه زمینه‌هاست را کنار زد و اسیر هوس‌های نفسانی و انحرافات فطری خود گشت و در انجام فرامین الهی، خصوصاً حجاب، انتخابی عمل کرد و موجب انحراف و شقاوت خود و جامعه شد.

از دیدگاه اسلام، زن و مرد هر دو باید دارای پوشش مناسب باشند و در قرآن کریم به کیفیت حجاب زنان بیشتر تأکید شده و این به خاطر تفاوت زن و مرد در آفرینش است؛ خداوند در قرآن می‌فرماید: «ولایبدین زینتهنّ إلاّ ما ظهر منها...» (۳۱/نور): ... و آشکار نکنند زینتهایشان را جز آنچه از زینت که پیدا است... طبق آیه شریفه تمام وجود زن زینت معرفی شده و دارای ویژگی اثرگذاری و جلب توجه است که خود آثار روانی، اجتماعی و فقهی و... در پی خواهد داشت؛ و لذا با رعایت حجاب تنها یک نفر از آسیب‌های اجتماعی و بیماری‌های جامعه معصون نمی‌ماند،

باشند. امروزه با توجه به لباس حتی می توان
ملیت و تابعیت افراد را تشخیص داد.

ج) آراستگی در رفتار

زنان و مردان در تعامل و مشارکت با یکدیگر با رعایت آراستگی در رفتار پیام‌های ویژه‌ای را در دو سوی طهارت و آلودگی به طرف مقابل می‌دهند. نمونه‌هایی از آراستگی در رفتار در قرآن کریم عبارتند از:

ج-۱) غَض بصر و پاکدامنی:

(قُلْ لِّلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ... وَ قُلْ لِّلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...) (۳۰ نور ۳۱)

با دقت در دو ترکیب (غمض عین: چشم پوشی) و (غض بصر: کاستن نگاه) در قواعد محاوره‌ای عرب، غض بصر به معنای روی هم نهادن پلک چشم است. علامه طبرسی و راغب اصفهانی و ابن عبدالقادر رازی غض را به معنای کاستن و کم کردن از صوت و نگاه معنا کردند (طبرسی، ۱۳۸۷، ج ۱۸، ص ۶۱۵، راغب اصفهانی، ۱۳۸۷، ص ۶۰۷ / الرازی، بی تا، ص ۵۷۶) خدا با توجه به سبب نزول آیه و نظر مفسدان و دیگر نصوص روایی روشن می‌شود که مرا از غض بصر استهزار نگاه و یا نظر دوختن و خیره شدن است.

همچنین مسأله پوشش فرج طبق آیه «و یحفظوا فُرُوجَهُمْ» خطاب به مردان و «یَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ» خطاب به زنان معلوم می‌شود که این حد از پوشش که مربوط به فروج است. بین زنان و مردان مشترک است و تفاوتی بین آنها نیست. اما خود آیه، اولاً... شکی نیست که دلالت بر الزام دارد؛ ثانیاً کلمه حفظ در این آیه، به معنای پوشاندن فروج است. (طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۷، ص ۱۳۷ و ۱۳۸)

ج-۲) عدم تبرج: خداوند این نوع خاص از رفتار اجتماعی را خصوصاً بر زنان پیامبر نهی

فرموده است. واژه تبرج در لغت به معنای آراستن، زینت و محاسن خود را آشکار کردن است. (جر، ۱۳۷۶، ص ۵۱۸، طبرسی، ۱۳۵۰، ج ۷، ص ۳۵۶) و در اصطلاح به معنی آشکار کردن و جلوه‌گری زینت‌های زن، برای مردان (ابن فارس، ۱۴۰۴ هـ، ۲۳۹/۹/۱) و یا اظهار زینت و آنچه که بوسیله آن شهوت مرد برانگیخته می‌شود، می‌باشد. (ابن منظور، ۱۹۹۷، ج ۳، ص ۳۴)

ج-۳) عدم عشوه‌گری در راه رفتن: «... و لَّا یُضْرِبْنَ بِأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ» و هنگام راه رفتن پاهای خود را به زمین نزنند تا زینت پنهانی‌شان دانسته شود [و صدای خلخال که بر پا دارند به گوش رسد] (۳۱ نور)

با توجه به آیه شریفه نه تنها نمایاندن جای زینت، بر زنان مؤمن روا نیست بلکه شنواندن صدای زینت به نامحرم نیز، روا نیست.

از فقره (لَا یُضْرِبْنَ...) و فقره (لَّا یُیَدِّينَ زِينَتَهُنَّ) برداشت می‌شود که نمایاندن هرگونه زیبایی برای برانگیختن شهوت مرد، با استفاده از هر یک از حواس، نارواست. نکته دیگر اینکه پای بر زمین کوبیدن، جز بایسته‌های راه رفتن نیست، یعنی زن می‌تواند بدون پای کوبی بر زمین به گونه‌ای شناخته شده و معمول، راه رود.

روایات فراوانی در مورد آراستگی در رفتار آدمی داریم که شامل هر فعلی که از انسان در حوزه فردی و اجتماعی از او سر می‌زند، می‌باشد. و می‌توان آن را جزء آداب فردی و اجتماعی هم نامید.

در کتب اخلاق فراوان به آن پرداخته شده است. همچنانکه در تعریف ادب گفته شده: « ادب هیأتی زیبا و پسندیده است که طبع و سلیقه چنین سزاوار می‌داند که هر عمل مشروعی بر طبق آن هیأت واقع شود. به عبارت دیگر: ادب عبارت است از ظرافت و زیبایی عمل؛ و عمل



خداوند رعایت عهد و پیمان، عدالت گستری، زهد، تواضع و قناعت است.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «... ولكن الله حَبَّ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانُ وَ زِينَةٌ فِي قُلُوبِكُمْ...»... ولی خداوند ایمان را محبوب شما کرد و آن را در دل‌هایتان بیاراست. (۷ حجرات) پس یکی از آراستگی‌های باطنی، ایمان است. امام علی.ع. می‌فرماید: زیور ایمان، پاک‌ی درون است و نیک‌رفتاری برون. (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۴، ۵۵۰)

فرد با بهره‌مند بودن به این نعمت الهی آراستگی‌هایی دارد از جمله آرامش حقیقی، صبر و بردباری در مشکلات و مصائب، محبوبیت در بین مردم و رستگاری در دنیا و آخرت. پس آراسته بودن به زیور ایمان و رسوخ آن در قلب، فرد مومن را به آراستگی‌های ظاهری هم مزین می‌کند و اینها از آثار و فوائد ایمان است.

هر کدام از آراستگی‌های باطنی که در کلام خداوند و معصومین آمده و به آن اشاره شد، آثار و فوایدی دارند که در زندگی فرد نمایان می‌شود و بنابراین، آراستگی باطنی، آراستگی ظاهری بسیاری هم به دنبال دارد؛ امام علی.ع. می‌فرماید: «إِنَّ أَحْسَنَ الزَّيِّ مَا خَلَّتْكَ بِالنَّاسِ وَ جَمَلَكُ بَيْنَهُمْ وَ كَفَّ أَلْسِنَتَهُمْ عَنكَ»: همانا نیکوترین شکل زندگی، آن است که تو را به مردم نزدیک کند و در میان آنان زیبایت گرداند و زبان آنان را از {گفتگو درباره} تو باز دارد. (محمدی ری شهری، ۱۶۹۷، ۱۳۸۵، ج ۸، ۲۱، به نقل از غرر الحکم ۳۴۷۰)

امام صادق.ع. می‌فرماید: «اگر خواهان زیبایی در دنیا هستی، خلق نیکو کسب کن که مایه‌ی کمال در دین است و تو را به خدا نزدیک می‌کند و خرمی آخرت را به ارمغان می‌آورد. (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۸، ص ۳۹۳)

حدیثی جامع از امیرالمومنین علی(ع) است که آراستگی باطنی را مختصر و مفید اما کامل بیان

وقتی زیباست که اولاً مشروع و ثانیاً اختیاری باشد. (طباطبائی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۲۵۵ و ۲۵۶، ذیل آیه ۱۲۰ سوره مائده)

بنابراین آراستگی ظاهری در گفتار و رفتار و پوشش خود نوعی رعایت آداب فردی و اجتماعی است. و نخستین انتظاری که از یک فرد عالم و تحصیل‌کرده می‌رود ظاهری شایسته و رفتاری مؤدبانه است و رعایت آداب یا همان آراستگی ظاهری بیانگر حالات درونی و نشانگر شخصیت انسانی است؛ زیرا روحيات و خلیقات در لابلای اعمال و رفتار انسان جلوه می‌کند.

پرداختن به همه آراستگی‌های ظاهری که بیش‌تر در لسان اهل بیت.ع. بیان شده است در مجال این مقاله نمی‌گنجد و به این حد بسنده می‌کنیم.

ج- ۲ آراستگی باطنی:

آراستگی درون بسیار مهم‌تر از آراستگی بیرونی است. در اندیشه دینی هم به آراستگی ظاهری افراد و هم به آراستگی باطنی آنها اهتمام ورزیده شده است؛ امام علی علیه السلام می‌فرماید: «زینت به زیبایی اعمال درست است نه به زیبایی لباس، زینت درون زیباتر از زینت بیرون است.» (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱۷۴۵). همچنین می‌فرماید: «زینة البواطن أجمل من زينة الظواهر»: زینت درون بهتر است از زینت بیرون. (همان، ج ۵۵۰۳)

انسان با دیگر مخلوقات فرق می‌کند، او اشرف مخلوقات و گل سرسبد آفرینش است پس زینت او نیز بایستی با دیگر موجودات متفاوت باشد.

از جمله زینت‌های باطنی در کلام معصومین.ع. ایمان، عقل، صلح، رحم، توکل، عفاف، صبر، سخاوت، خوشخویی، خشوع در عبادت، اطاعت



واژه‌های جمال، زینت، حلیه، سَوَّلَ، زخرف، ریش دلالت بر زیبایی و آراستگی در قرآن می‌کند. انواع آراستگی در قرآن، خداوند متعال، طبیعت و انسان است. انواع آراستگی در طبیعت از منظر قرآن شامل آسمان با ستارگان، جانداران، مناظر طبیعی روی زمین می‌باشد. آراستگی در انسان از منظر قرآن شامل آراستگی ظاهری و باطنی است. آراستگی ظاهری شامل آراستگی در گفتار، پوشش و رفتار است. خداوند در قرآن کریم و لسان اهل بیت.ع. انسانها را به آراستگی ظاهری به دور از هرگونه افراط و تفریط توصیه می‌کند. آراستگی باطنی بسیار مهمتر از آراستگی ظاهری بوده و از جمله آراستگی‌های باطنی ایمان، عقل، صلحه رحم، توکل، عفاف، صبر، سخاوت، خوشخوئی و قناعت است. کلام آخر اینکه نباید این آراستگی که در طبیعت است را انسان با اختیارش تخریب کند و دیدن این مناظر زیبا و استفاده درست از این نعمت‌های الهی حق همه انسان‌هاست.

انسان در ساختار فطری خود هم به زیبایی‌ها میل دارد و در رفتار اجتماعی خود زیبایی طلب است و قرآن کریم هم تمام مسائل مطابق با فطرت را تأیید، تشویق و توصیه می‌کند.

می‌کند و در آخر به این سخن حضرت بسنده می‌کنیم.

ایشان می‌فرماید: « أَلْعَافُ زِينَةُ الْفَقْرِ وَالشُّكْرُ زِينَةُ الْغِنَى وَالصَّبْرُ زِينَةُ الْبَلَاءِ وَالتَّوَّاضِعُ زِينَةُ الْحَسَبِ وَالْفَصَاحَةُ زِينَةُ الْكَلَامِ وَ الْعَدْلُ زِينَةُ الْإِيمَانِ، وَ السَّكِينَةُ زِينَةُ الْعِبَادَةِ ، وَ الْحِفْظُ زِينَةُ الرَّوَايَةِ ، وَ خَفَضُ الْجَنَاحِ زِينَةُ الْعِلْمِ وَ حَسَنُ الْأَدَبِ زِينَةُ الزَّهْدِ، وَ بَذْلُ الْمَجْهُودِ زِينَةُ النَفْسِ، وَ كَثْرَةُ الْبِكَاءِ زِينَةُ الْخَوْفِ، وَ التَّقَلُّلُ زِينَةُ الْقَنَاعَةِ، وَ تَرْكُ الْمَنْ زِينَةُ الْمَعْرُوفِ، وَ الْخُشُوعُ زِينَةُ الصَّلَاةِ، وَ تَرْكُ مَا لَا يَعْنِي زِينَةُ الْوَرَعِ » (مجلسی، ۱۴۰۴ق ، ج ۷۸، ص ۸۰)

نتیجه‌گیری

با توجه به آیات قرآن کریم که در این مقاله از آن برای تبیین حق زیبایی و آراستگی در موجودات و خصوصاً انسان و انواع آن بهره بردیم. این نتایج بدست آمده است:

آفریدگار موجودات به قدرت کامله و حکمت بالغه خویش همه چیز را زیبا آفرید و این زیبا آفرینی تنها مخصوص انسان نیست.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه ابوالفضل بهرام پور، تهران، آوای قرآن، ۱۳۸۷، پنجم
۲. صحیفه سجادیه، ترجمه میرزا ابوالحسن شعرانی، تهران، اشکذر، ۱۳۸۷
۳. آمدی، محمد تمیمی تصنیف غررالحکم، تحقیق مصطفی درایتی، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم
۴. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴هـ
۵. ابن منظور، جمال الدین، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، ۱۹۹۷م
۶. اکبری محمود، اخلاق ۱، قم، متون، ۱۳۸۹
۷. جر، خلیل، لاروس، مترجم سید حمید طیبیبیان، تهران، ۱۳۷۶
۸. جعفری، محمد تقی، زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام، تهران، تدوین و نشر آثار علامه جعفری، ۱۳۸۱، اول
۹. جمعی از نویسندگان، فلسفه تعلیم و تربیت، قم، سمت، ۱۳۷۴، دوم
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۷۳، اول



۱۱. الرازی، محمد بن ابی بکر بن عبدالقادر، ترتیب مختار الصحاح، مکه، دارالفکر، ۱۹۰۵ هـ، تحقیق شهاب الدین ابن عمر، ترتیب محمود خاطر، ۱۹۰۵ م
۱۲. راغب اصفهانی، ابوالقاسم حسین بن محمد بن فضل، المفردات فی غریب القرآن تحقیق محمد خلیل یحیایی، تهران، آرایه، ۱۳۴۲ اول
۱۳. شوشتری (مهرین)، عباس، فرهنگ کامل لغات قرآن، تصحیح عزیزا... کاسب، قم، چاپخانه علامه طباطبائی، ۱۳۷۴، سوم
۱۴. طبرسی، ابوعلی الفضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید ابراهیم میرباقری و...، تهران، ۱۳۵۰
۱۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، تهران، امیر کبیر، ۱۳۶۳
۱۶. عدنان سالم، محمد- وهبی سلیمان، محمد، المعجم المفهرس لکلمات القرآن العظیم، تهران، آرایه ۱۳۸۴، چاپ اول
۱۷. عسگری سید مرتضی، نقش ائمه در احیای دین، تهران، مرکز فرهنگی انتشاراتی منیر، ۱۳۸۲، اول، ج ۱
۱۸. عمید، حسن، فرهنگ، عمید، تهران، سپهر، ۱۳۷۴، سوم
۱۹. فیض کاشانی، ملامحسن، الوافی، تهران، کتابفروشی اسلامیة، ۱۳۷۱، اول
۲۰. قرشی، سید علی اکبر، قاموس القرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۸، هشتم
۲۱. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، یاسین، تهران، ۱۳۸۱، سوم
۲۲. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ ش
۲۳. مجتهدی تهرانی، مجتبی، اخلاق الهی، تدوین و تحریر بهمن شریف زاده، زیر نظر علی اکبر رشاد، تهران، سازمان تبلیغات فرهنگ و اندیشه اسلامی، ۱۳۹۰، سیزدهم
۲۴. مجلسی، الشیخ محمدباقر، بحار الانوار الجامعه لدرر الأخبار الأئمه الأطهار، بیروت، الوفاء، ۱۴۰۴ ق
۲۵. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمید رضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۸۵
۲۶. مصباح، محمدتقی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۷۶، اول
۲۷. مطهری، مرتضی، کتاب فطرت، تهران، صدرا، ۱۳۶۲
۲۸. معین، محمد، فرهنگ فارسی (متوسط)، تهران، امیر کبیر، ۱۳۷۱
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، اول، ج ۶
۳۰. منوچهریان، مهرانگیز، زیبایی شناسی، تهران، ناشر: احمد کرمی، ۱۳۶۸، سوم
۳۱. مولوی، جلال الدین، محمد بن محمد، دیوان شمش، تهران، جاویدان، ۱۳۶۶

تفسیرپذیری تجربی آیات قرآن کریم

مریم نقدی نسب^۱، محمد سعید فیاض^۲، حجت نقدی نسب^۳

۱- کارشناس ارشد علوم قرآنی دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم، دانشکده علوم قرآنی میبد (نویسنده مسئول):
naghdinasab@gmail.com

۲- دکترای علوم قرآن و حدیث، استادیار و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور میبد

۳- دانشجوی کارشناس ارشد مدیریت حمل نقل دریایی و بین قاره ای، دانشگاه دریانوردی و علوم دریای چابهار

چکیده

اشارات علمی قرآن کریم از دیر باز مورد توجه دانشمندان اسلامی بویژه مفسران و قرآن پژوهان بوده است. بنظر می رسد مطالعات گسترده آنان بر گرفته از فرضیات علمی که هنوز به قطعیت کامل نرسیده، می باشد از سویی بیگانگی با مسائل علمی و عدم فهم درست از ظاهر آیات و نادیده گرفتن زبانشناسی و لغات در تفسیر و توضیح آیات سبب شده تا نتیجه گیرهای اشتباه رخ دهد. از سویی با تکامل ابزار دقیق دانش و علوم تجربی قطعی پرده از اسرار آیات الهی و شگفتی آن بر داشته می- شود و بینش و درک صحیحی نسبت به آیات قرآن کریم پدیدار می گردد. در این نوشتار سعی شده تفسیر پذیر بودن آیات قرآن با رویکرد تجربی و با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی بررسی گردد.

واژگان کلیدی: تجربی، آیات، اشارات علمی، قرآن کریم، تفسیر علمی، اعجاز علمی.

مقدمه:

قرآن کریم دربردارنده علوم اولین و آخرین می باشد و قرآن کریم تبیان هر چیزی است. تأکید ورزیده اند، از طرفی برخی چون شیخ محمود شلتوت و ذهبی راه تفریط را برگزیده و قرآن را تنها کتاب هدایت می داند که برای نظریات علمی نازل نشده است. (شلتوت، مقدمه تفسیر القرآن الکریم) و از سوی باید راه سومی را جستجو کرد که در نگاه قرآن پژوهان و مفسرین به دیگه تعادلی معروف است و اشارات علمی قرآن را در راستای تفکر در آیات الهی و تعالی انسانها دانسته اند. پرواضح است آراء دانشمندان در هر عصری تحت تأثیر علم زمان خود بوده است. در تحقیق پیشرو تلاش شده است تا تفسیر پذیری تجربی آیات قرآن کریم بررسی گردد. البته آثار گوناگونی در این زمینه پدید آمده که به طور اختصار اشاره می شود. (گلشنی، قرآن و علوم طبیعت، ۱۳۷۵؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، کتاب پژوهشی در اعجاز علمی؛ معارف، ۱۳۸۵،

قرآن کریم نمونه کامل و جامع است که سرشار از معارف و برنامه برای تعالی و رشد انسانها است، یکی از جنبه های مورد توجه این کلام جاویدان اشارات علمی است که همواره کانون توجه دانشمندان اسلامی بویژه قرآن پژوهان و مفسرین بوده و دهه ی اخیر مورد توجه بیشتری قرار گرفته است و نامهای گوناگونی از قبیل؛ اعجاز علمی، آیات علمی و ...، پیرامون آن مطرح شده است. از اینرو از سوی آنان دیدگاههای متفاوتی در این زمینه بوجود آمده؛ برخی چون سید احمد خان هندی یا طنطاوی در تفسیر خود، راه افراط را در پیش گرفته و بیش از هفتصد و پنجاه آیه را علمی می داند بطوری که بسیاری دیگر راه او را پیموده و به سخنانی از گذشتگان مانند غزالی، زرکشی و سیوطی، استناد کرده و بر ادله ای قرآنی و روایی چون؛



زیبیدی، همان، ج ۱، ص ۳۶۴؛ بستانی، ترجمه مهیار، ۱۳۷۵، ص ۳۷).

در فرهنگ لغت فارسی بعنوان «صفت نسبی» و به معنای «آزمایشی» بکار رفته است. (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۱۴، ص ۳۸۸ و ۳۶۴).

در معنای اصطلاحی تجربی می‌توان گفت آنچه را که در قاب کمیت پذیر و نظم تجربی قرار دارد و به عبارتی دیگر آنچه را که برای صحت تئوریها و فرضیه‌ها از دو ابزار یا روش آزمون و خطا بهره گرفت می‌شود و معمولاً این واژه همراه با کلمه «علم» بکار می‌رود از اینرو علوم چون زیست شناسی، شیمی، فیزیک... که متعلق شناسایی آنها رفتار و پدیده‌های غیر انسانی است را علوم تجربی می‌نامند.

در نتیجه می‌توان گفت تفسیری تجربی و یا علمی است که از آن برای فهم آیات و کشف اشارات علمی قرآن در سایه یافته‌های قطعی وقوع خارجی بهره گرفته شود، و از مبنا قرار دادن دستاوردهای ظنی باید به جد خود داری نمود، چرا که که ثمره‌ای جز به تفسیر به رأی ندارد، و با پیشرفت علوم تجربی حقایق آن مطالب آشکار می‌گردد. از اینرو در پرتو علم، شگفتیها و اعجاز‌های علمی قرآن تأیید و حقایق علمی قرآن کشف می‌گردد. (برای مطالعه بیشتر نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۷۵، ص ۲۷۴؛ خان بیگی، ۱۳۹۰، ص ۳۰).

حقانیت قرآن کریم عالی‌ترین نقش را در وصول به اهداف والای معرفت به خدا و رسیدن به لقاء او را در بر دارد. از همین رو، بر سایر تحقیقات بشری اولویت دارد و در اندیشه حامیان قرآن، مسئله اعجاز علمی مورد توجه قرار گرفت و آراء گوناگونی از موافقان و مخالفان را در پی داشت، که نخستین رد پای تفسیر علمی در آثار ابن سینا دیده شده است. (به نقل از: معرفت، ج ۲، ص ۱۵ به بعد) در قرن هیجده میلادی با

خان بیگی، نقد و بررسی روش و تفسیر علمی (۱۳۹۰) ابتدا به معنا و مفهوم تفسیر و تجربی پرداخته می‌شود.

۱- مفهوم شناسی:

الف: تفسیر

تفسیر در لغت از ماده فسر به معنای بیان (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۵۵)، آشکار و روشن کردن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۶۳۶، فیومی، ۱۴۱۴ق، ۴۷۲، ج ۲)، پیدا و آشکار ساختن امر پوشیده (زیبیدی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۴۹) بکار رفته است.

این واژه در اصطلاح در نزد دانشمندان علوم قرآنی به اشکال گوناگون بکار رفته است. طبرسی در مقدمه تفسیر مجمع البیان خود این واژه را ابتدا به معنای کشف مراد خداوند از معنای مشکل می‌داند و در ادامه آن را علمی می‌داند که درباره احوال الفاظ کلام خداوند برای رسیدن به مراد و مقصود خداوند بحث می‌کند. (طبرسی، ج ۱، ص ۸) همچنین آیت الله معرفت تفسیر را به معنای بر طرف کردن ابهام از لفظ مشکل می‌داند. (معرفت، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۳).

در تعریفی دیگر که کامل‌تر از سایر تعاریف است تفسیر را به معنای روشن کردن معانی و پرده برداری از مقاصد و مدالیل آیات قرآن کریم می‌توان بیان کرد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۴). بنابراین می‌توان گفت که تفسیر یعنی برداشتن پرده و حجاب از لفظ مشکل و روشن کردن معانی و اهداف یک آیه است.

ب: تجربی

این واژه در فرهنگ لغت عرب از ماده «جرب» «ج تجارب» به معنای آزمایش، آزمودن، امتحان و تجربه بکار رفته است (حسینی

آمده است، قرآن در هر زمان جدید است و نزد هر قومی تازگی دارد تا روز قیامت. (ابن بابویه قمی، ۱۳۷۸ق، ج ۲، ص ۸۷).

بنابراین قرآن کریم، زمان فهم حقانیت خویش را از رهگذر شکوفایی و بلوغ علم تصریح کرده و نمونه ای از پیشگویی جهش علمی انسان و تصریح اعجاز علمی در سوره فصلت است آنجا که می فرماید: (سَنُرِيهِمْ آيَاتِنَا فِي الْآفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعِنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ) (فصلت/۵۳) (به زودی نشانه‌های خود را در افق‌های گوناگون آ و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است).

به بیان دیگر، بین تبیین آیات و پدیده‌ها در تمام افق‌ها، تنها از رهگذر کشف و شناخت پدیده‌ها خواهد بود. در آیات فراوانی از قبیل؛ (رعد/۳، الشعرا/۷۱، یس/۳۶، الحج/۵، الذاریات/۴۹، لقمان/۱۰، ق/۷، طه/۵۳، نوح/۱۷) به مسئله زوجیت در گیاهان و پدیده‌ها، مراحل تکوین و آفرینش انسان، لقاح ابرها و و در آیاتی دیگر به صدها پدید دیگر اشاره رفته است که این امر در عصر نزول به دلیل محدودیت علمی برای افراد ناشناخته بود و با پیشرفت و تکامل علوم امروزه پرده از این اسرار الهی برداشته شده است البته از طرفی خداوند برای ارائه اشارات علمی در قرآن کریم بنا به ضرورت سرپوشی مناسب بر آن می نهد تا ذهن اهل زمان که هنوز آمادگی ندارد آشفته نگردد تا شرایط لازم آن فراهم گردد و پیشرفت علم حقانیت آن را ثابت کند. برای نمونه می توان به پدیده گسترش کیهان اشاره نمود؛ آیه (وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ) (الذاریات ۴۷)، (و آسمان را به قدرت خود برافراشتیم و بی‌گمان ما آسمان‌گستریم). اشاره نمود، خداوند با استفاده از قرینه‌های

پیشرفت علوم تجربی و شکل‌گیری کتب پزشکی، فیزیک، شیمی و کیهان‌شناسی موجب آشنایی دانشمندان اسلامی با این آثار گشت که آنان در صدد انطباق سازی قرآن با علوم تجربی برآمدند. با استناد به آیات و روایات، در جستجوی استخراج تمام علوم از قرآن کریم شدند از طرف داران این عقیده می توان به غزالی اشاره نمود. (الغزالی، ۱۴۰۹ق، ص ۳۲). اما در برابر این گروه افرادی به مخالفت برخاسته و این روش را تفسیر به رأی و تحمیل بر قرآن دانستند. بنابراین در مواردی که ظاهر آیات با علوم تجربی ناسازگار بود طرفداران تطبیق و تحمیل بر قرآن دست به تأویلات ناروا می زدند که آثار منفی چون: تفسیر به رأی، محتاج بودن قرآن به غیر، شک در صحت قرآن، ضرر به اعجاز ادبی و بلاغت، تبدیل حقایق قرآن به مجاز، راه یابی مطالب باطل و تضاد‌های علوم به قرآن، سوء فهم بودن قرآن و سردرگمی، (نک: رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۵۳) چرا که علوم در معرض خطا قرار دارد و هر روز نظریه ای ثابت و فردا آن نظریه نقض و رد می گردد.

در ذیل به بررسی فهم حقانیت قرآن از رهگذر دانش و مطالعات تجربی پرداخته می شود.

۲- فهم حقانیت قرآن از رهگذر شکوفایی و بلوغ علم

قرآن کریم معجزه جاودان الهی با گذشت زمان رنگ کهنگی به خود نمی گیرد بلکه معارف و حقایق تازه دارد که ریشه امتیاز آن در میان کتب بی شمار، تنها در غیر بشری بودن آن است چه بسا دستیابی به حقایق آن سالها برای بشریت طول کشد. از اینرو همواره مخاطبان خود را به فراگیری علم و دانش دعوت می کند و در آیات بسیاری این امر را مورد تأکید قرار داده است. (الزمر ۹/، العلق/ ۴) پرواضح است که قرآن در هر زمان مطالب جدیدی دارد. در عیون اخبار الرضا

مناسب در این آیه برپایی آسمان و زمین را با فعل ماضی ذکر کرده اما وسعت بخشیدن و گسترش آن را با عبارت «و انا لموسعون» یاد کرده تا مفهوم حال استمراری از آن فهمیده شود و در حال حاضر نیز صادق باشد. (نک: برومند، ۱۳۸۴، ص ۲۴۵-۲۴۷). بحث از آیات اشارت گونه علمی در حوزه علوم تجربی اگرچه محدود به مطالعه این خلقت است اما این امر خواه ناخواه منجر به توقف عقل و اندیشه در استدلال به وجود آفریننده حکیم می گردد. از اینرو قرآن انسان را دعوت به تفکر و تعقل در آیات صنع الهی و دعوت به خدانشناسی می کند. آنجا که می فرماید: (اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرَىٰ فِيهِ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ) * وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (الجماعه/۱۲ و ۱۳)، (خدا همان کسی است که دریا را به سود شما رام گردانید تا کشتیها در آن به فرمانش روان شوند و تا از فزون بخشی او [روزی خویش را] طلب نمایید و باشد که سپاس دارید* و آنچه را در آسمانها و آنچه را در زمین است به سود شما رام کرد همه از اوست قطعا در این [امر] برای مردمی که می اندیشند نشانه‌هایی است).

دعوت قرآن به علوم طبیعی به شرطی که به حق و حقیقت مورد راهنمای انسان قرار گیرند و خدانشناسی را سرلوحه قرار دهند و گرنه علمی که تنها هدف اش سرگرمی باشد انسان را از شناختن حق و حقیقت باز داشته و در قاموس قرآن کریم مرادف با جهل است. (طباطبایی، ص ۱۵۸). همین موضوع در قرآن کریم مورد تأکید قرار گرفته است: (يٰعِلْمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ) (الروم/ ۷) (از زندگی دنیا ظاهری را می شناسند و حال آنکه از آخرت غافلند).

بنابراین نقش روش تجربی در شناخت زبان فهم قرآن انکار نمی کنیم ولی تمام سخن در بطلان انحصاری بودن این روش است چرا که در قرآن موضوعاتی مطرح شده است که در قالب قلمرو روش تجربی جای نمی گیرد. مطابقت آیات قرآن و یافته های قطعی علمی در به تصویر کشیدن تأثیر هدایت و ایمان افراد نقش بسزایی دارد با پیشرفت دانش و علوم تجربی پی بردن به اهداف عالی آیات الهی هر فردی را به خضوع فرا می خواند و آن دلیلی محکم بر حقانیت قرآن کریم می باشد. قرآن کریم در این رابطه می فرماید: (تَلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ قِبَايَ حَدِيثٍ بَعْدَ اللَّهِ وَآيَاتِهِ يُؤْمِنُونَ) اینها است آیات خدا که به راستی آن را بر تو می خوانیم پس بعد از خدا و نشانه‌های او به کدام سخن خواهند گروید. در ذیل به ضرورت صلاحیت علمی با توجه به تفسیر اشارات علمی پرداخته می شود.

۳- ضرورت صلاحیت علمی و هدف آیات در تفسیر اشارتهای علمی

پیشرفت و بلوغ علم و رشد دانش همراه با شناخت پدیده‌ها از رهگذر فرضیات و آزمایشات مکرر فراهم می گردد. اشارات علمی قرآن کریم که در نزد مفسرین و قرآن پژوهان اسلامی که بیشتر تحت عنوان اعجاز علمی از آن یاد شده، از دیرباز مورد توجه بوده است و نظرات گوناگونی را در پی داشته است بطوری که برخی در جستجوی همه پدیده‌های علمی در قرآن بوده اند. و بدون هیچ دلیل معقول و صادقی علمی چون؛ نجوم، آستروفیزیک، زیست شناسی، صنعت و معدن و استخراج فلزات و علوم دیگر را در قرآن می بینند و با چنین بینشی و بدون توجه به واقعیت های خارجی به تفسیر آیات قرآن می پردازند.

علاوه بر دلایل قطعی علمی که بصورت قوانین ثابت اند، لازم و ضروری است که در رساندن



۱۳۸۱، ص ۴۴۴-۴۴۹، برومند، ۱۳۸۸، ص ۴۳-۵۵).

پرواضح است توجه به هدف اصلی و عالی این سوره تذکر به رجوع است چرا که خداوند با ارائه مثالی محسوس، خروج جنین از رحم مادر و تولد انسان توجه افراد را به خروج انسان از قبر به امری نامحسوس و ورود به صحنه قیامت متذکر می‌شود. به عبارتی دیگر خلقت و آفرینش انسان و تحولات هستی دلیل امکان وقوع معاد قرار گرفته است.

نظریه هیئت بطلمیوس که همراه با نظریه و فرضیاتی بود که هنوز به درجه حقیقت علمی ثابت نشده بود و بسیاری از دانشمندان معتقد به «مرکزیت زمین» شده و آن را یقین پنداشته و با رشد دانش و مطالعات جدید علوم تجربی ثابت شد تمام این نظریه‌ها باطل است در حالی آیات قرآن کریم برجای خود ثابت و استوار بود و حکم به کروی بودن زمین در ۱۴۰۰ سال پیش داده بود. بنابراین حقایق دینی و قرآنی با حقایق علمی منافات ندارد. (برای مطالعه بیشتر نک:

الخطیب، ترجمه مبشری، ۱۳۸۱، فصل دوم) در نتیجه بیگانگی عمیق با مسائل علمی از یک طرف و عدم فهم درست از آیات و ظواهر آیات و نادیده گرفتن قرینه عقلی و نقلی معتبر در رابطه با تفسیر اشارات علمی و ارتباط مستقیم آیه با توجیهات بی اساس علمی از طرف دیگر ثمره ای جزء تفسیر به رأی را رقم نمی‌زند. زمانی نقش علوم تجربی پیرامون اشارات و نکات علمی که در بطن قرآن قرار گرفته نمود پیدا می‌کند که سخن از قطعیات باشد و از فرضیات و ظنی بودن که هنوز به مرحله قطعیت نرسیده پرهیز نمود، چرا که آسیب‌های فراوانی از جمله؛ تعمیم یا تخصیص نابجا، تضاد و باطل بودن در قرآن و دور کردن انسان از هدف متعالی قرآن، در پی خواهد داشت.

نکات علمی، داشتن دانش لغوی و معلومات زبان شناختی، دقت در ترجمه صحیح (برای مطالعه بیشتر نک: گوهری، ۱۳۹۷، ص ۱۵۰-۱۷۵؛ سعیدی روشن، ۱۳۸۳، فصل ۱۱)، دقت در سیاق آیات و وجوه آن را باید در نظر داشت. برای نمونه می‌توان به آیاتی از سوره طارق اشاره نمود آنجا که خداوند می‌فرماید: (فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ * يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ) (طارق ۷/۶/۵) (پس انسان باید بنگرد که از چه آفریده شده است. از آب جهنده‌ای خلق شده. [که] از صلب مرد و میان استخوانهای سینه زن بیرون می‌آید). نظرات گوناگونی پیرامون این آیات مطرح شده به اجمال به آن اشاره می‌گردد. بسیاری از دانشمندان شیعه و سنی «ماء دافِقِ آب جهنده» رو به مرد و زن نسبت داده و معتقدند که آیه درصدد تبیین نقش زن و مرد در تکوین نطفه انسانی است و فاعل «یخرج» یعنی «هو» به ماء دافِقِ بر می‌گردد و صلب و ترائب یعنی استخوان زن و مرد در نظر گرفته شده است، و یا ادعا کرده اند ماء دافِقِ در حالت جنینی بود و جنین ابتدا در مجاورت کلیه‌ها بوده و سپس پایین آمده است. (طالقانی، ۱۳۶۲، ص ۳۳۱-۳۳۳؛ طنطاوی، بی تا، ج ۱۵، ص ۳۵۴-۳۵۶؛ مراغی، بی تا، ج ۳۰، ص ۱۱۲-۱۱۶).

در رد این دیدگاه‌ها باید گفت؛ آیه در مقام تبیین خروج جنین از رحم زن می‌باشد و مقصود از صلب و ترائب در اینجا کل بدن زن می‌باشد و فضایی لازمه برای جنین می‌باشد و فاعل «هو» به انسان بر می‌گردد و آیه قرآن تأکید دارد که آب جهنده از میان صلب و ترائب خارج می‌گردد، و تعبیر «ماء دافِقِ» درباره نطفه مرد صادق است. (برای مطالعه بیشتر بنگرید به: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ص ۳۶۶-۳۶۸، رضایی اصفهانی،



۴- نتیجه گیری

جهان هستی، و معرفت به خداشناسی دست یافت و پرده از اسرار الهی برداشت. همچنین بین تفسیر صحیح و حقیقی آیات قرآن و قوانین مسلم و قطعی علم تجربی که پس از آزمایشات مکرر بصورت قانون درآمده و پذیرفته شده اند هیچگاه تعارض و تناقضی نخواهد بود بلکه آن مدرک روشنی است که قرآن کلام غیر بشری است و علم خداوند تمام آفرینشها را در بر می گیرد.

بکارگیری علوم تجربی قطعی در تفسیر و توضیح اشارات علمی آیات که بیش از ۱۴۰۰ سال پیش از آن سخن رفته و قابل اثبات است همراه با ضوابط و معیارهای تفسیری، امری مهم و ضروری است و در پرتو پیشرفت دانش تجربی و کشفیات و دستاوردهای قطعی علمی و مورد مشاهده که اثبات شده اند می توان به بینش و ادراک بیشتری نسبت به آیات قرآن کریم و

منابع

۱. قرآن
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۷ق): «عیون أخبار الرضا علیه السلام» ج ۲، تهران: نشر جان.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق): «لسان العرب»، ج ۵، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، چاپ سوم.
۴. برومند، محمد حسین (۱۳۸۴): «نقد و بررسی روشهای تبیین حقانیت قرآن»، قم: انتشارات عرش اندیشه.
۵. بستانی، فؤاد افرام (۱۳۷۵): «فرهنگ ابجدی»، ترجمه مهیار، رضا، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم.
۶. حسینی زبیدی، محمد مرتضی (۱۴۱۴): «تاج العروس من جواهر القاموس»، ج ۱ و ۷، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
۷. الخطیب، عبد الغنی، ترجمه مبشری، اسدالله (۱۳۸۱): «قرآن و علم امروز»، تهران: انتشارات عطائی، چاپ دوم.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷): «فرهنگ لغات فارسی»، ج ۱۴، تهران: مؤسسه و انتشارات و چاپ دانشگاه.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق): «المفردات فی غریب القرآن»، بیروت: دارالعلم الدار الشامیه، چاپ اول.
۱۰. رضایی اصفهانی، محمد: (۱۳۷۵): «درآمدی بر تفسیر علمی قرآن»، قم: انتشارات اسوه.
۱۱. (۱۳۸۱): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن»، رشت: کتاب مبین.
۱۲. سعیدی روشن، محمد باقر (۱۳۸۳)، «تحلیل زبان قرآن»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
۱۳. طالقانی، محمود (۱۳۶۲): «پرتوی از قرآن»، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم.
۱۴. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۵۳): «قرآن در اسلام»، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم.
۱۵. (۱۴۱۷ق): «المیزان فی التفسیر القرآن»، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۶۰): «ترجمه مجمع البیان فی التفسیر القرآن»، ج ۱، مترجمان، فراهانی، چاپ اول.
۱۷. طنطاوی، محمد(بی تا): «التفسیر الوسیط القرآن الکریم»، ج ۱، بی تا.
۱۸. الغزالی، محمد (۱۴۰۹ق): «جواهر القرآن و دوره»، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول.
۱۹. فیومی، احمد بن محمد (۱۴۱۴ق): «المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر»، ج ۷، قم: مؤسسه دارالهجر، چاپ دوم.
۲۰. گلشنی، مهدی (۱۳۷۵): «قرآن و علوم طبیعت»، تهران: نشر مطهر.
۲۱. مراغی، احمد بن مصطفی (بی تا): «تفسیرالمراغی»، ج ۳۰، قم: داراحیاء التراث العربی.
۲۲. معرفت، محمد هادی (۱۴۱۸ق): «التفسیر المفسرون» ج ۱۱ و ۲، مشهد: الجامعه الرضویه للعلوم الاسلامیه، چاپ اول.
۲۳. - مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): «تفسیر نمونه»، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول.
۲۴. برومند، محمد حسین (۱۳۸۸): «نقد آراء مفسران درباره مفهوم آیه یخرج من بین الصلب و الترانب»، دوفصلنامه پژوهشهای قرآن و حدیث، دفتر ۱، ۴۳-۵۵.
۲۵. خان بیگی، حمزه (۱۳۹۰): «نقد و بررسی روش و تفسیر علمی قرآن»، مجله مطالعات اسلام ندای اسلام: شماره ۴۶، سال دوازدهم، ۲۹-۳۵.
۲۶. گوهری، مریم (۱۳۹۷): «نقش علوم تجربی در ترجمه قرآن کریم در حوزه آیات»، دوفصلنامه علمی پژوهشی مطالعات ترجمه قرآن و حدیث، شماره ۱۰، دوره پنجم، ۱۴۷-۱۷۹.

جایگاه و اهمیت منابع طبیعی و محیط زیست از منظر قرآن

متین شکوری

پژوهشکده اکولوژی دریای خزر، موسسه تحقیقات علوم شیلاتی کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، ساری (نویسنده)
مستول: (matin.shakoori@yahoo.com)

چکیده

از مهمترین موضوعات زندگی بشر، داشتن محیط زیست سالم و حفاظت آن است. نگاه اسلام به طبیعت، که از آن با عنوان محیط زیست یاد می‌شود، فراتر از بعد مادی است و در واقع نگاه قدسی و معنوی است. مطالعه و بررسی محیط زیست در قرآن کریم نشان دهنده اهمیت و جایگاه ویژه آن در کتاب الهی است. بخش‌های زیادی از آیات قرآن به مناسبت‌های مختلف درباره اجزاء طبیعت است و آیات زیادی مبنی بر این که تمام موجودات، تسبیح و تقدیس خداوند می‌کنند، دلالت دارند. هدف از این مطالعه، بررسی جایگاه و اهمیت محیط زیست از دیدگاه قرآن کریم و روایات اسلامی انجام شده است. این مطالعه کیفی با استفاده از مقالات معتبر و متون و منابع اسلامی در زمینه محیط زیست و منابع طبیعی و بهره‌گیری از قرآن کریم جمع‌آوری شده و سعی نموده یک تحلیل علمی از دیدگاه اسلام و قرآن در ارتباط با اهمیت محیط زیست ارائه شود.

واژگان کلیدی: محیط زیست، قرآن کریم، طبیعت، اسلام

مقدمه

پایداری و کارکرد صحیح در آن توسعه می‌یابد. با توجه به اهمیت محیط زیست و تاثیرات به-سزایی که بر روی زندگی انسان دارد، حفظ و پایداری آن امری ضروری است. تفکر اسلامی درست‌ترین و منطقی‌ترین نظریه را در مورد طبیعت و محیط زیست معرفی می‌کند، چنانکه در قرآن کریم اجازه نمی‌دهد انسان، طبیعت را به‌علت عظمت و بزرگی خدای خود بداند و ستایش کند، و نه آن را آفریده‌ای بی‌پهلو و بی-جان که خرابش کند؛ بلکه جلوه‌های طبیعی را آیه‌هایی از عظمت پروردگار یکتا می‌داند که با شعور نسبی، تسبیح گوی خالق خود هستند. در قرآن کریم، حدود ۱۹۸ آیه متضمن مضامین محیط زیست بوده و نیز در ۴۴۴ آیه به زمین اشاره شده که ۹۰ آیه آن در رابطه با محیط زیست می‌باشد. یکی از بارزترین دلایل بر اهتمام قرآن کریم به محیط زیست، نام‌های سوره‌ها است، به نحوی که سوره‌های بقره، انعام، فیل و

یکی از موضوعات مهم جهان معاصر به خصوص پس از دهه ۱۹۷۰ میلادی به این طرف توجه به محیط زیست و مسائل زیست محیطی است. تا جایی که در هر کشور سازمان‌هایی درباره محیط زیست و مسائل زیست محیطی به وجود آمده است. متأسفانه پس از انقلاب صنعتی در اروپا و رشد و توسعه بی‌حد و مرز فن آوری تخریب‌کننده "طبیعت"، محیط زیست در معرض خطر جدی واقع شده که این امر مایه نگرانی جهانیان شده است. از آنجایی که دین اسلام کامل‌ترین دین و کتاب آسمانی آن، قرآن دربرگیرنده جامع‌ترین برنامه زندگی برای انسان‌ها است، نگرش انسان به طبیعت و محیط زیست و جایگاه آن‌ها می‌تواند تاثیر مهمی در زندگی انسان داشته باشد. محیط زیست یکی از مهم‌ترین ارکان توسعه پایدار به‌شمار می‌آید و توسعه سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی نیز درگرو



۱- نگاه قرآن کریم به محیط زیست

با نگاهی به آیات و روایات و سیره ی اهل بیت (علیهم السلام) می‌توان به اهمیت محیط زیست در اسلام پی برد. خداوند متعال ضمن اینکه انسان ها را به مطالعه در طبیعت و عناصر آن دعوت می کند سرنوشت آن ها را به گونه ای تعیین کرده که در عین نیاز به طبیعت در درون آن به راحتی بتوانند زندگی کنند، افزون بر آن بسیاری از سوره های قرآن کریم همچون سوره های نور، رعد، شمس، قمر، لیل، نحل، عنکبوت و تین به نام یکی از پدیده های موجود در آفرینش، محیط زیست، آسمان و زمین نامگذاری شده است. محیط زیست از دو واژه "محیط" و "زیست" تشکیل شده است و در فارسی به معنای جایگاه و محل زندگی است. در فرهنگ‌های مختلف داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته و در اصطلاح، هدیه ای الهی است که از مجموعه منابع، موجودات، علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات وابسته به آن است، تشکیل می‌شود (محمدی و اذانی، ۱۳۹۶). از نگاه قرآن کریم، شناخت ابعاد و توانایی‌های محیط زیست و مطالعه آن از اهداف مهم تربیتی انسان است که سهم مهمی در تعالی روحی انسان دارد. در یک نگاه کلی، عالم و مخلوقات الهی در دیدگاه قرآن دارای درک و شهور است و بر اساس این درک، تسبیح گوی خداست (اسراء/۴۴). از نگاه قرآن، همه اجزای عالم هستی از جمله طبیعت و انسان به هم پیوسته و دارای نظامی هماهنگ و موزون اند (حجر/۱۹، ملک/۳) که به‌سوی هدفی معین و مشخص در حرکت اند (آل عمران/۱۰۹). زیبایی جهان آفرینش در نظام مند بودن آن است، به‌طوری‌که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شده است. لذا هم نظام

عادیات از نام‌های حیوانات و سوره‌های نحل، نمل، عنکبوت از حشرات و سوره تین از نباتات و سوره حدید از معادن می‌باشد. هم‌چنین سوره- های رعد، ذاریات، نجم، فجر، شمس، لیل، ضحی، عصر، طور، بلد، احقاف، حجر و کهف از مظاهر طبیعت و اماکن می‌باشد. عنایت قرآن به محیط زیست با توجه به این نامگذاری‌ها روشن بوده و حتی خداوند به برخی از این نام‌ها قسم نیز یاد می‌کند (نیکخواه، صالحی و جواد، ۱۳۹۸).

در ایران مشکلات زیست محیطی به اشکال گوناگونی در هر نقطه از کشور، چه شهرهای بزرگ و چه شهرهای کوچک و حتی در روستاها نیز پدیدار شده است. برای حل مشکلات پیش روی انسان و علوم مختلف باید آموزش به طریقی ساماندهی گردد تا دانش پژوهان بتوانند با اصول، موضوعات و روش‌های متفاوت در گستره‌های مختلف علوم آشنا گردند، رسیدن به این مهم، در قالب رویکردهای تلفیقی امکان پذیر است. در تاریخ علم، ما فقط شاهد افزایش رشته‌ها نیستیم بلکه شاهد از بین رفتن مرز بین رشته‌ها، ارتباط بین رشته‌ها و تشکیل رشته‌های ترکیبی که به- هم پیوند خورده و ادغام شده، هستیم (مورن، ۱۳۸۷). بدون شک هر قدر ایدئولوژی دینی ریشه‌دار و با طبیعت و نهاد خواست و تمایلات انسان‌ها نزدیک‌تر باشد و هماهنگی بیشتری از خود نشان دهد، از قدرت و توان بیشتری برخوردار است و پدیده‌های برانگیخته از آن نیز تداوم بیشتری دارند. به‌منظور حفظ و نگهداری محیط زیست، لازم است در کنار طرح‌ها و پروژه- های تحقیقاتی، از اقدامات فرهنگی و ترویج اندیشه‌های ارزنده اسلامی در خصوص طبیعت و محیط زیست نیز استفاده نمود.



درایت و کفایت فردی اثر می‌گذارد و سلامتی عقل و روح و میانه‌روی در اعمال و رفتار در گرو سلامت محیط زیست است. ساکنان مناطق معتدل کره زمین، از نظم و شادابی ویژه‌ای برخوردارند، روش آنان معتدل و منشی میانه دارند، افراط و تفریط در زندگی آنان کمتر و آبادانی و عمران در مناطق آنان بیشتر است. اعتدال بر جسم و رنگ پوست و اخلاق و عقاید آنان حاکم است، دوران‌دیشی و تعقل در امور شیوه آن‌هاست و سبک‌سری و شادی بیش از حد کمتر در بین‌شان رواج دارد، نوع قد و قامت، رنگ و چگونگی اندام ظاهری و دورنی و حتی فکر و اندیشه و اخلاق و منش هر کس به طبیعت و محیط زیست وی بستگی دارد (ابن خلدون، ص ۸۶-۸۵).

۲- مسئولیت اخلاقی انسان در مورد محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم

از جمله موضوعات مورد بحث قرآن کریم به عنوان کتاب تکوین و تشریح، روش صحیح تعامل انسان با محیط زیست را با دقت و ظرافت بیان نموده است. در نگاه متعالی قرآن، محیط زیست آیتی الهی و دارای ارزش ذاتی است و برای انسان خلق شده است. دارای اجزای هماهنگ و منظم که هدفی را دنبال می‌کند و در ورای ظاهر پیچیده آن، اسرار و ملکوتی نهفته است که جز اهل یقین به آن دست نمی‌یابند. این نوع نگرش قرآنی اجازه استثمار محیط زیست را به انسان نمی‌دهد و از او در قبال آن مسئولیتی می‌خواهد همچون آبادانی و حفظ محیط زیست، پرهیز از فساد و تخریب محیط زیست، استفاده شکرمدارانه از محیط زیست بدون آلودگی و اسراف و افراط و تفریط، رعایت حق آیندگان، عشق‌ورزی و مهرورزی به محیط زیست (هاشمی علی آبادی، ۱۳۹۸). اخلاق زیست محیطی شاخه

فاعلی آن منسجم و عالمانه است و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

با مقایسه اجمالی بین قرآن و دیدگاه‌های علم نماو منفعت طلب برخی اندیشمندان، عظمت و قداست نگاه قرآن را می‌توان درک نمود. محقق داماد از زبان لوک، بنیان‌گذار ماتریالیسم مدرن نقل می‌کند که طبیعت فاقد ارزش است، مگر این‌که به دست انسان مورد بهره‌برداری قرار گیرد. وی از نگاه مارکس نیز چنین نقل می‌کند که هستی چیزی جز ماده بی‌شعور نیست (محقق داماد، ۱۳۹۳). مقایسه این نگاه با جمله- ای نورانی از رسول گرامی اسلام که از داغ نهادن بر صورت حیوانات و پا زدن به صورت آن‌ها نهی فرمود و دلیل سخن خود را تسبیح گو بودن حیوانات می‌دانست (بحرانی، ۱۳۷۳) کاملاً تفاوت دو نگرش را روشن می‌سازد. به گفته جوادی آملی " بهره‌وری وی از طبیعت به تسخیر الهی وابسته است، یعنی خداوند است که نظام آفرینش را نسخیر کرده و آن‌را مسخر بشر قرار داده است و انسان محصول تسخیر الهی را دریافت می‌کند، نه آن‌که خود تسخیر کننده باشد (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

تاثیر طبیعت بر جسم و جان از نگاه دانشمندان مسلمان: آب و هوا، درختان و گیاهان، غذاها و میوه‌ها و به‌طور کلی طبیعت و محیط زیست نقش عظیمی در زندگی بشر دارد. سلامت محیط زیست بر هوش و استعداد و لیاقت‌های فردی اثر می‌گذارد و میانه‌روی در اخلاق و منش متاثر از میانه‌روی در محیط زیست است. دانشمندان مسلمان نیز با توجه به طبیعت و محیط زیست از تاثیر حیرت آور آن بر جسم و جان سخن به میان آورده‌اند. از جمله ابن خلدون در این‌باره می‌نویسد: محیط زیست بر هوش و استعداد،



روی زمین)، رهنمودهای تشویقی، آموزه‌های اجتماعی (نهاد امر به معروف و نهی از منکر و پیش‌بینی دولت مقتدر) را می‌توان در توسعه اخلاق زیست محیطی استفاده نمود (نجف‌لو و یعقوبی، ۱۳۹۴).

سازمان‌های بین‌المللی و مراکز تحقیقاتی از هزاره سوم میلادی به پژوهش‌های مختلف در حیطه اخلاق زیست محیطی پرداخته‌اند. نقطه شروع توجهات به محیط زیست در فلسفه به سال ۱۹۴۹ و مقاله آلدولف پلند در مقاله‌ای تحت عنوان "اخلاق زمینی" بر اخلاق زیست محیطی نوشت. و در این مقاله بیان نمود که مسائل را نباید فقط از دیدگاه ارزش اقتصادی سنجید، چرا که اهمیت مسائل از دیدگاه زیست محیطی کمتر از مسائل اقتصادی نیست. پس از آن مباحث و موضوعات مربوط به اخلاق و فلسفه زیست محیطی به صورت پراکنده ادامه یافت (علوی مقدم و عباسی، ۱۳۸۹). در اخلاق اسلامی، محیط زیست دارای حیات و ارزش ذاتی است. از این‌رو اسلام قواعدی را درباره نحوه برخورد با محیط زیست بیان نموده و انسان را در برابر آن مسئول دانسته و توصیه می‌کند که انسان با محیط زیست برخورد مسئولانه داشته باشد و ارزش ذاتی آن را به رسمیت بشناسد (نبوی و شهریاری، ۱۳۹۳). آیات بسیاری در سوره‌های مختلف کتاب قرآن وجود دارد که نشان از اهمیت بالای محیط زیست و حفظ آن در دین مبین اسلام است. به‌طوری که در آیاتی از سوره‌های نجم، نحل، بقره، عنکبوت، شمس، لیل، رعد، حجر، حج، طارق، کهف، ابراهیم، ملک، یونس، اعراف، هود، فرقان، مرسلات، نور و فجر بحث طبیعت آورده شده است (میرعباسی، حسن پور و پناهنده، ۱۳۸۹). برای مثال آیه ۱۸۵ سوره اعراف، آیه ۱۰۱ انعام، آیه ۵۴ اعراف و آیه ۴۵ سوره نور خداوند تنها خالق هستی

نسبتاً جدیدی از مباحث اخلاق فلسفی است و در خصوص روابط اخلاقی بین انسان‌ها و دنیای پیرامون آن مطرح است. دیدگاهی که در اخلاق زیست محیطی وجود دارد مبتنی بر نظریه‌های اخلاقی مختلف است. نظریه‌های اخلاقی شامل مکتب جهانشمولی اخلاق (یونیورسالیسم)، دیدگاه نسبی‌گرایانه (رلویتیسیم)، دیدگاه پوچ-گرایبی (نهیلیسم)، دیدگاه اصالت سود (یوتیلاریسم)، مدرنیسم و پست مدرنیسم، دیدگاه مسئولانه، دیدگاه اصالت‌دهنده به حیات (بابوستریک) و بوم (اکوستریک)، دیدگاه انسان‌مدارانه و دیدگاه خدا‌باورانه است (نجف‌لو و یعقوبی، ۱۳۹۴). برخی از این مکاتب، مکاتبی معتقد به ارزش ذاتی طبیعت، حتی برای موجودات بی‌جان هستند و از طرف دیگر، مکاتبی انسان را مجاز و صاحب اختیار به هرگونه دخل و تصرف در جهان طبیعت می‌دانند. به نظر می‌رسد دیدگاه متعادل همان دیدگاه قرآنی است که از یک طرف انسان را خلیفه خدا بر روی زمین می‌داند و لذا معتقد است خداوند همه چیز را برای انسان خلق کرده است و از طرف دیگر انسان را امانت‌دار خداوند می‌داند یعنی چیزی که خداوند به انسان عطا کرده است به عنوان امانتی است که مانند هر امانت دیگر باید به - درستی نگهداری گردد که این نیز به لزوم تلاش انسان‌ها در جهت پایداری محیط زیست اشاره دارد (نجف‌لو و یعقوبی، ۱۳۹۴). چنانچه در تربیت افراد، از ابتدا اصول اسلامی به‌کار گرفته شود، افراد از لحاظ اخلاقی به‌گونه‌ای تربیت خواهند شد که عالم طبیعی را با نگاه منفعت‌طلبی نبینند و به‌عنوان مکمل جهاد دینی انسان دانسته که در حیات زمینی افراد شریک است. به‌طور کلی سه راهکار آموزش تکالیف الزامی (پرهیز از ظلم، پرهیز از ضرر رسانی و اتلاف منابع عمومی، جلوگیری از اسراف و نهی فساد



طوفان نوح، برای جلوگیری از انقراض نسل حیوانات، حضرت نوح (ع) به امر خدا از هر نوع حیوان یک جفت در کشتی خود قرار می‌دهد تا نسل حیوانات نیز همانند انسان‌ها منقرض نگردد. بنابراین باید به تکلیف الهی، مسئولیت آبادانی زمین را مومنین به خدا و روز قیامت به دست گیرند (توبه/۱۸) تا خوی استکباری انسان موجب تخریب بیشتر زمین نگردد.

۲-۲- پرهیز از فساد و تخریب محیط زیست

از نگاه قرآن کریم، رابطه انسان با موجودات و محیط زیست مالکانه نیست، بلکه انسان عامل انجام اراده الهی و امانت‌دار هستی خود و سایر موجودات است و چون به بیان قرآن، خلیفه خداست (فاطر/۳۹ و بقره/۳۰) باید کار مستخلف‌عنه را انجام دهد. معیار فضیلت و کرامت بنی‌آدم خلافت الهی است و خلیف خدا کسی است که حکم مستخلف‌عنه را اطاعت کند و گرنه انسان طاعنی باغی به جای نوای دل‌پذیر کرامت، تازیانه دردناک را باید تحمل کند (جوادی آملی، ۱۳۸۹). قرآن دنیا را گذرگاهی موقتی به سوی ابدیت می‌داند (مریم/۴۰، مومن/۱۶). بنابراین خداوند به انسان هشدار می‌دهد که مراقب اعمال و افکار اوست و وی را در مورد عملکردش مورد بازخواست قرار می‌دهد (فصلت/۴۰) و باید مسئولیت خود را بپذیرد و از فساد در زمین بپرهیزد (اعراف/۵۶، شعرا/۱۵۲، اعراف/۸۵، بقره/۲۰۵). نکته قابل تامل در قرآن آن است که اگر انسان از فساد در زیست انسانی و جانوری و گیاهی دست نکشد، طبق سنت الهی با همان عوامل محیط زیستی مورد عذاب قرار خواهد گرفت (اعراف/۱۳۳). نمونه بارز این امر سرنوشت قوم سبا در قرآن است. قرآن در یک حکم کلی، هشدار می‌دهد که سرنوشت هر قومی به دست خود آن‌هاست و

معرفی شده است و مفهوم یگانگی انسان و طبیعت که برای حفظ محیط زیست ضروری است، در چارچوبی جامع‌تر بیان می‌شود (نبوی و شهریاری، ۱۳۹۳). اسلام نقش مهمی در اخلاق زیست محیطی دارد. از دیدگاه دین اسلام، انسان حق ضرر رساندن به محیط زیست را ندارد و باید از آن حفاظت کند. به طود مثال در آزار رساندن به حیوانات، شکار بی‌مورد حیوانات، قطع بی‌مورد درختان و ... در دین اسلام گناه محسوب می‌شوند (علوی مقدم و عباسی، ۱۳۸۹).

همانگونه که گفته شد، در نگاه متعالی قرآن، محیط زیست آیتی الهی و دارای ارزش ذاتی است و در عین حال، برای انسان خلق شده است، دارای اجزایی هماهنگ و منظم که هدفی را دنبال می‌کند و در ورای ظاهر پیچیده آن، اسرار و ملکوتی نهفته است که جز اهل یقین به آن دست نمی‌یابند. این نوع نگرش قرآنی اجازه استثمار محیط زیست را به انسان نمی‌دهد و از او در قبال آن مسئولیتی می‌خواهد. تکالیف مهم و مسئولیت اخلاقی انسان در قبال محیط زیست با تکیه بر آیات نورانی قرآن که با توضیح اجمالی در ذیل بیان می‌شود:

۲-۱- آبادانی و حفظ محیط زیست

بهره‌گیری از هستی در آیه ۱۰ سوره جمعه فراخوان عمومی قرآن است. «هنگاهی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید» و درخواست آبادانی کردن زمین از سوی خداوند درخواست جدی اوست (هود/۶۱). «اوست که شما را از زمین آفرید و آبادی آن را به شما واگذاشت. از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید که پروردگام (به بندگان خود) نزدیک و اجابت کننده (خواسته‌های آن‌ها) است». و در اهمیت حفظ نسل حیوانات همین اندازه بس که در زمان وقوع



است، حلال و پاکیزه بخورید و شکر نعمت خدا را به‌جا آورید، اگر او را می‌پرستید».

به بیان قرآن، تبدیل و تغییر نابه‌جای نعمت‌های خدادادی عذاب خداوند را در پی خواهند داشت (بقره/۲۱۱). «از بنی اسرائیل بپرس: چه اندازه نشانه‌های روشن به آن‌ها دادیم؟ ولی آنان، نعمت‌ها و امکانات مادی و معنوی را که خداوند در اختیارشان گذاشته بود، در راه غلط به‌کار گرفتند. و کسی که نعمت خدا را، پس از آن که به سراغش آمده، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به‌کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) که خداوند شدیدالعقاب است».

۲-۴- رعایت حق آیندگان

در نگاه قرآن کریم، از مهم‌ترین حقوق، حق سایر افراد انسانی است چه آنان که در حال حیات‌اند و چه آن‌ها که از دنیا رفته‌اند و چه آیندگان که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته‌اند. واژه بیت المال در فرهنگ دینی و دین‌مداران از واژه‌های پرکاربرد است که به حق عمومی تمام انسان‌ها در بهره‌برداری از محیط زیست و دارایی‌های آن اشاره دارد. بنابراین قرآن کریم نه تنها انسان را مسئول اعمال خویش می‌داند بلکه به او گوشزد می‌کند که متوجه آثار اعمال خود نیز باشد (یس/۱۲). «به یقین ما مردگان را زنده می‌کنیم و آن‌چه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم و همه چیز را در کتاب آشکارکننده‌ای برشمرده‌ایم». روشن است که هرگونه رفتاری که ماهیت زیست‌محیطی و انسانی را دچار اخلال و دگرگونی منفی کند، مصداق حق الناس خواهد بود. و از آن‌جا که طبق بیان قرآن، منابع موجود محدود است (حجر/۲۱)، ما حق هرگونه بهره‌وری و اسراف و تبذیر را نداریم. خداوند در قرآن به صراحت، محبت خویش را از اسراف‌کاران دریغ می‌کند

بازگشت نعمت‌های سلب شده الهی با بازگشت آن‌ها از خطای خود ممکن خواهد بود (شوری/۳۰، اعراف/۹۶) امیرالمومنین می‌فرماید: به خداوند سوگند هیچ ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد مگر به‌خاطر گناهایی که مرتکب شدند و راه جبران آن، بازگشت صادقانه به سوی خداوند است.

۲-۳- استفاده شکرمندانه از محیط زیست بدون آلودگی، اسراف و افراط و تفریط

استفاده از نعمت‌های الهی مورد تشویق خداوند در قرآن است (نحل/۸). و حرام شمردن طیبات الهی، به همان میزان، ناپسند است که حلال شمردن حرام‌های الهی. اعراب جاهلی گاه شتر یا گوسفندان را با شرایطی حرام می‌دانستند و یا بخشی از زراعت و چهارپایان را مخصوص بت‌ها می‌دانستند (مائده/۱۰۳، انعام/۱۳۸). خداوند در یک حکم کلی می‌فرماید: «بگو: چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟ این‌ها در زندگی دنیا برای کسانی است که ایمان آورده‌اند، (اگرچه دیگران نیز با آن‌ها مشارکت دارند ولی) در قیامت، خالص (برای مومنان) خواهد بود». این‌گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاه‌اند، شرح می‌دهیم. بنابراین حفاظت از محیط زیست به معنای عدم بهره‌وری صحیح از امکانات محیط زیست موجب تخریب آن خواهد شد (رضائیان و جوزی، ۱۳۹۳).

امیرمومنان می‌فرمایند: محبوب‌ترین مردم نزد خدا شاکرترین آن‌ها بر نعمت‌ها و بدترین مردم ناسپاس‌ترین آن‌ها هستند. بنابراین خداوند وقتی سخن از خوردن روزی حلال و طیب می‌کند، به‌دنبال آن از انسان شکر نعمت‌های خویش را طلب می‌نماید و این را نشانه بندگی خود می‌داند (نحل/۱۱۴)، «پس از آن‌چه خدا روزیتان کرده



تا حد شاهدان روز قیامت گسترانده است (زلزال/۴).

جالب است بدانیم مهرورزی به محیط زیست در نگاه قرآن، تابعی است از مهرورزی‌های انسانی و روابط گرم جامعه انسانی (بقره/۲۷) «فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را پس از محکم ساختن آن، می‌شکنند و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده و در روی زمین فساد می‌کنند که این‌ها زین‌کاران‌اند». نهی از قطع ارتباط‌های انسانی و به دنبال آن، ایجاد فساد در زمین در آیه فوق، ظرافت قرآن را در این باره نشان می‌دهد. این امر بیانگر آن است که اسلام برای تامین سلامت محیط زیست افزون بر ابعاد مادی آن، به بعد معنوی نیز اهمیت داده است (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

۳- دیدگاه ادیان مختلف در حفاظت از محیط زیست

به دلیل تداوم بحران‌های زیست محیطی (علیرغم پیشرفت علم و تکنولوژی) دیدگاه جهانی نسبت به مذهب تغییر نموده و به عنوان عاملی موثر حتی در رفع بحران‌های زیست محیطی مورد توجه قرار گرفته است. بسیاری از طرفداران محیط زیست معتقدند که سیاست‌های زیست محیطی نه تنها باید از جامعیت برخوردار باشند، بلکه این سیاست‌ها در اجرا، محتاج حمایت‌های فرهنگی دینی هستند که زیربنای حفاظت‌های محیطی هستند. به اعتقاد طرفداران این نظریه، نقش تاریخی مذهب در حفاظت از محیط، موید آن است که از دست دادن ارتباط معنوی با طبیعت، حفاظت از آن را دشوار نموده است. در نتیجه با تاکید بر نیاز به حضور عامل مذهب برای حفاظت از محیط زیست را ضروری دانستند (ابراهیمی سالاری، صالح نیا و لشکری پور، ۱۳۹۲). با توجه به الهی بودن ادیان مختلف

(اعراف/۳۱، انعام/۱۴۱). و مردم را از اطاعت مسرفان باز می‌دارد (شعراء/۱۵۱) و آنان را از هدایت الهی محروم (غافر/۲۸) و فرجام آنان را آتش دوزخ می‌داند (غافر/۴۳). این بدان علت است که تذبذب‌کنندگان، برادران شیطان‌اند که سخت کفران نعمت الهی می‌کنند (اسراء/۲۷). از صدقات جاریه مورد تاکید روایات که اثر آن بعد از مرگ انسان نیز می‌ماند، در کنار علم، کندن نهر، حفر چاه، ساخت مسجد، فرزند صالح و نگارش قرآن، "کاشت درخت" است تا انسان‌های دیگر از آن استفاده کنند.

۵-۲- عشق‌ورزی و مهرورزی به محیط زیست

قرآن کریم جنیندگان و پرندگان را امت‌هایی مانند انسان می‌داند (انعام/۳۸) «هیچ جنینده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر این که امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم و سپس همه به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند». و رسول گرامی اکرم زمین را موجودی دارای شعور می‌داند و احترام به زمین را در حد احترام به مادر می‌داند (مجلسی، ۱۴۰۳ق). درک این موضوع که زمین به‌طور خاص و محیط زیست به‌صورت عام شاهد و ناظر انسان است آن هم با تعبیر "مادر"، دو اثر مهم را به دنبال دارد: اولاً موجب نگاه مهربانانه انسان به محیط زیست می‌شود، آن هم مادری که بیان رسول گرامی اسلام باید مراقب آن بود و ثانیاً موجب برانگیختن شرمی عاقلانه و محترمانه از سوی انسان می‌شود که از هرگونه رفتار غیر محترمانه در مقابل محیط زیست بپرهیزد. درک نظارت زمین بر اعمال انسان از مهم‌ترین معارف قرآنی است که در سوره زلزال دایره فهم زمین را



معیار برآورده میهن اسلامی در سطح جهان اسلام و کشورهای منطقه تدوین و تصویب گردید متضمن رویکردی جامع نگر، واقع بینانه و نواندیشانه به تحول در محیط زیست جمهوری اسلامی ایران است. ارزش‌های بنیادین سند محیط زیست جمهوری اسلامی ایران:

- ۱- هدفمندی و معناداری نظام آفرینش.
- ۲- حکمت، تدبیر، اراده و قدرت الهی در حفاظت از زیست کره.
- ۳- وجود سنت الهی و خلیفه الهی انسان در طبیعت.
- ۴- وحدت کلی انسان، جامعه و طبیعت.
- ۵- وجود توازن، تعادل، رحمت و زیبایی در آفرینش.

و اصول محیط زیست:

- ۱- عمومی سازی فرهنگ محیط زیست.
- ۲- کاربست فناوری‌های نوین مدیریت محیط زیست.
- ۳- برقراری عدالت درون نسلی برای بهره‌برداری از منابع.
- ۴- پذیرش سازگاری عدالت و پیشرفت در محیط زیست.
- ۵- خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در حوزه محیط زیست.
- ۶- نقش آفرینی مداوم جامعه برای حفظ محیط زیست (نیکخواه، صالحی و جوادی، ۱۳۹۸).

۵- راهکارهای حفاظت از محیط زیست

بدون شک می‌توان محیط زیست مطلوبی داشت به شرط آن که مردم کره زمین به‌ویژه ممالک اسلامی در اصول ذیل اتفاق نظر داشته و آن‌ها را سرلوحه زندگی خویش قرار دهند:

- رعایت دستورات اسلامی به منظور حراست از تعادل اکولوژیکی و سالم سازی محیط و سکونت‌گاه‌های انسانی.

اسلام، زرتشت، یهود، مسیحی، آیین بودا و هندو و تطابق آن با فطرت انسانی همواره احکام و قوانین ادیان الهی در راستای زندگی سالم انسان‌ها در محیطی پاک مطرح است و در نتیجه هماهنگی فعالیت‌های انسانی طبق اصول دینی، با نظام حاکم بر طبیعت می‌تواند به عنوان عامل اساسی در راه بهتر زیستن بیان شود که به این ترتیب انسان را از تخریب و فساد در طبیعت باز خواهد داشت. بسیاری از متفکرین نیز به این نتیجه رسیده اند که در عصر حاضر تنها آموزه‌های دینی است که توان شتابزدگی بشر را در عصر علم زدگی و مادی گرایی دارد (بنهنگی، خرم دل و قلیزادگان، ۱۳۹۴). در آداب اسلامی انس گرفتن دائم انسان با طبیعت، کاملاً آشکار و نمایان است. مسلمان با آب وضو می‌گیرد، بر خاک سجده می‌کند و برای وقت عبادت به آسمان چشم می‌دوزد. قرآن مجید طبیعت را آیت و مخلوق خداوند دانسته و با دیده احترام به آن می‌نگرد (عطاریه، ۱۳۹۱). انسان‌ها با هر عقده‌ای که دارند خود را ملزم به رعایت یک‌سری اصول اخلاقی فردی و اجتماعی می‌نمایند، زیرا رمز موفقیت و حیات جامعه نیز پای‌بندی به همین اصول است.

۴- محیط زیست در نظرگاه جامعه ایران اسلامی

در نظرگاه جامعه ایران اسلامی، محیط زیست شان و منزلتی بالا و برخاسته از آموزه‌های قرآن کریم، سیره و سنت معصومان علیه سلام و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. بر همین مبنا شایسته است تا جمهوری اسلامی ایران به- عنوان نمادی از حکمرانی مطلوب در تمام شئون فرهنگی - اجتماعی و سیاسی از محیط زیستی سالم برخوردار باشد. سند ملی جمهوری اسلامی ایران که با الهام از آموزه‌های اسلامی تهیه شده



پیچیده محیطی می‌داند. ولی از آنجا که قرآن ارائه دهنده ساختار ویژه‌ای از دین با عنوان دین فطری است، بر این دیدگاه تاکید دارد که در محوریت انسان با محیط زیست، هر انسانی مورد توجه نیست، بلکه آن شخصیتی در محور این تعامل قرار می‌گیرد که بر اساس داده‌های دین فطری به توانمندی ارائه عدالت رفتاری رسیده باشد. همچنین با استفاده از آیات زیست محیطی و اجرای فرامین الهی به شناخت ابعاد مختلف طبیعت و تأثیر محیط زیست در جسم و جان آدمی به این نتیجه می‌رسیم که این دنیای ناچیز همانند مزرعه ای است که نیازمند رسیدگی، پرورش و حفاظت برای رسیدن به آخرتی آباد است که همان "الدنیا مزرعه الاخره" می‌باشد. گذشته از جنبه‌های اخلاقی و معرفتی توجه به طبیعت که ناشی از نگاه توحیدی، یکپارچه دانستن هستی و احترام به آن است، احکام اسلامی که سامان دادن زندگی متعارف را نیز بر عهده دارند محیط طبیعی را در پرتو حمایت خود قرار داده‌اند. در روایات متعددی از آلوده ساختن آب‌ها و اسراف در مصرف آن حتی در غسل و وضو و نوشیدن، نهی شده است لذا با هیچ توجیهی نمی‌توان آن را جایز دانست. در مجموع حمایت اسلام از محیط زیست از برجستگی‌ها و افتخارات دین اسلام محسوب می‌شود به شکلی که امروزه با همه پیچیدگی‌های علوم زیست محیطی و روش‌های حمایت از آن می‌تواند راهگشا باشد، در این رابطه باید خاطر نشان کرد که خطرات زیست محیطی روز به روز پیچیده‌تر می‌شوند و در نتیجه برای پشتیبانی از محیط زیست طبیعی به جهاد پویا و بصیرت در احکام با توجه به روح اسلام برای رویارویی با چنین موقعیتی نیازمندیم.

-از همه منابع طبیعی از جمله: غذا، زمین، انرژی، چوب، خاک، آب و وقت انسان به‌سور کارآمد و بر اساس اصول اسلامی استفاده شود.
-نظریه اقتصاد اسلامی همواره سرلوحه فعالیت‌های اقتصادی اجتماعی ممالک اسلامی باشد.
-حق و حقوق همه شهروندان در مورد مجموعه‌ای از حقوق اساسی محیطی تعیین شود.
-وضع فیزیکی و شیمیایی کره زمین به‌صورت مرتب ردیابی شده و هرگونه اقدام تباه کننده آن اکیداً کنترل گردد.
-همکاری جهانی تمامی ادیان و مذاهب در حفظ و نگهداری از تمامیت اکوسیستم کره.
-تقویت آگاهی‌ها و باورهای دینی، جهت همزیستی مسالمت آمیز با طبیعت.
-منظور نمودن حقوق نسل‌های آینده در بهره‌برداری از منابع محیط زیست.
-تعلیم و تربیت فرزندان بر اساس احترام به طبیعت و شناخت اصول زندگی سالم.
-همه ملت‌ها با هم به توافق برسند تا انرژی و سرمایه‌ای که در حال حاضر به تسهیلات نظامی اختصاص یافته است، تغییر مسیر داده و صرف مبارزه با آلودگی و بهبود زندگی همگان گردد.
-توجه به انسان به‌عنوان محور اصلی توسعه پایدار و شایسته برخورداری از زندگی سالم، پر بار و هماهنگ با طبیعت.
-تقویت وطن دوستی نوین، همه مردم کره زمین همه این سیاره را وطن خود بدانند.
-توجه به اصل مهم "وابسته بودن صلح و توسعه به حفاظت از محیط زیست". (رحم‌بری، ۱۳۸۹).

نتیجه‌گیری

قرآن واقعیت ضرورت تعامل انسان با محیط زیست را تاکید کرده و آن را جزئی از ساختار



منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. ابراهیمی سالاری، تقی، صالح نیا، نفیسه، و لشکری پور، فاطمه (۱۳۹۲). بررسی جایگاه محیط زیست در اسلام و نقش آن در توسعه پایدار. اولین همایش ملی و تخصصی پژوهش‌های محیط زیست ایران.
۳. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴ش). البرهان فی تفسیر القرآن. ج ۱. قم: موسسه بعثه.
۴. بزی، خدارحم. (۱۳۸۹ش). تاملی بر محیط زیست و پایداری آن در جهان اسلام. چهارمین کنگره بین المللی جغرافیدانان جهان اسلام، زاهدان.
۵. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۸ش). اسلام و محیط زیست. ج ۵. قم: اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله. (۱۳۸۹ش). ادب فنای مقربان. ج ۱. قم: اسراء.
۷. رضائیان، سحر. و جوزی، سیدعلی. (۱۳۹۳). اسلام و محیط زیست. ج ۱. تهران: علم و کشاورزی ایران.
۸. علوی مقدم، محمد رضا. و قاسمی، اعظم. (۱۳۸۹). اخلاق و فلسفه محیط زیست و ضرورت توجه به به نقش آن در جهان امروز. انسان و محیط زیست. ۲۶.
۹. عطاریه، م. (۱۳۹۱). طبیعت و محیط زیست در دیدگاه ادیان و آیین‌ها. روزنامه اعتماد ملی. ۱۴: ۱۳۹۱.
۱۰. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی. (۱۴۰۳ق). بحارالانوار. جلد ۲. بیروت: نشر احیاء التراث.
۱۱. محقق داماد، سید مصطفی. (۱۳۹۳ش). الهیات محیط زیست. ج ۱. تهران: موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
۱۲. محمدی، طاهره و اذانی، مه‌ری. (۱۳۹۶). نگرش و اهمیت اسلام به محیط زیست. مجله مطالعات علوم زیستی و زیست فناوری. شماره ۹. دوره سوم.
۱۳. معلم بنهنگی، فاطمه، خرم دل، سرور. و قلیزادگان، عاطفه. (۱۳۹۴). بررسی دیدگاه‌های ادیان مختلف در حفاظت از محیط زیست. اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان. ۳۴۷-۳۵۱.
۱۴. مورن، ادگار (۱۳۸۷). پیرامون میان رشته‌ای، ترجمه سید محسن علوی پور، در میانی نظری و روش‌شناسی مطالعات میان رشته‌ای، ترجمه سید محسن علی پور و همکاران. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی اجتماعی.
۱۵. میرعباسی، اشرف السادات، حسن پور، محمد و پناهنده، محمد. (۱۳۸۹). روش نهادینه سازی فرهنگ زیست محیطی با استفاده از فرهنگ اسلامی. برگرفته از پایگاه اینترنتی مرجع دانش.
۱۶. نبوی، سید عبدالحسین. و شهریاری، مرضیه. (۱۳۹۳). دین، اخلاق و محیط زیست. فصلنامه انسان و محیط زیست. شماره ۴۰.
۱۷. نجفلو، پریسا. و یعقوبی، جعفر (۱۳۹۴). مقابله با بحران‌های زیست محیطی و توسعه اخلاق زیستی از منظر قرآن و آموزه‌های دین اسلام. اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن. دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان. ۱۱۵-۱۲۶.
۱۸. نیکخواه سرنقی، رضا، صالحی، سیدمهدی، جوادی، حسین (۱۳۹۸). بررسی الگوی فقهی و سیاست‌های محیط زیستی جمهوری اسلامی ایران در دریاچه ارومیه. فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۹، ش ۲، تابستان ۹۸، ص ۱۸۳-۲۱۳.
۱۹. هاشمی علی آبادی، سید علی. (۱۳۹۸). تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم. پژوهشنامه معارف قرآنی، سال ۱۰، شماره ۳۹، ۱۰۹-۹۲.

آیه‌شناسی و دسته‌بندی تحلیلی آیات قرآن مرتبط با حوزه زیست فناوری با تاکید بر پیشرفت‌های نوین زیستی و اخلاق زیستی

ابوالفضل میرزاپور ارمکی

دانش آموخته دکتری نانوبیوتکنولوژی، دانشکده علوم زیستی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران و طلبه حوزه علمیه آیت الله ایروانی، تهران، ایران (نویسنده مسئول: a.mirzapour@modares.ac.ir)

چکیده

بسیاری از آیات قرآن کریم به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به پدیده‌های زیستی و یا پدیده‌های مرتبط با حوزه زیست فناوری و زیست‌شناسی و نظام موضوعات این حوزه مرتبط است. بر این اساس بررسی مروری آیات قرآن که می‌تواند منبعی برای درک صحیح از پدیده‌های زیستی باشد اهمیت و ضرورت خواهد داشت. این ضرورت در جایی پررنگ‌تر خواهد شد که بسیاری از مصنوعات علمی و فنی در حوزه زیست فناوری به دلیل بدیع بودن مانند بسیاری از مظاهر فناوری‌های نوین از جمله موارد مستحدثه‌ای است که هم در ذات آن و هم در هدف غایی آن ابهام و انسداد موجود است. نظر به این مساله ضروری می‌نماید که آیات قرآن که به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم به مظاهر نوین زیست فناوری مرتبط است پس از شناسایی، دسته‌بندی و بر اساس الگوی منطقی مختار با نظام موضوعات زیست فناوری مرتبط گردد. بر این اساس آیات قرآنی شناسایی شده در دو دسته کلی پیشرفت‌های نوین زیستی و اخلاق زیستی دسته‌بندی و با نظام موضوعات هر یک از این دسته‌ها تحلیل خواهد شد.

کلمات کلیدی: آیه‌شناسی، پیشرفت‌های نوین زیستی، اخلاق زیستی، آیات قرآن.

مقدمه:

های نوین و به صورت خاص مهندسی ژنتیک به این موضوع توجه می‌دهد که پیشرفت‌های صورت گرفته در علم ژنتیک، هم نویدبخش‌ها هستند و هم هشداردهنده. نویدبخش‌ها به این خاطر که در آینده‌ای نزدیک قادر خواهیم بود طیف وسیعی از بیماری‌های ناتوان‌کننده را ریشه کن کنیم، و هشداردهنده به این دلیل که دانش ژنتیک نوینی که به دست آورده ایم، ما را قادر می‌سازد تا سرشت خودمان را دستکاری کنیم و ویژگی‌های ژنتیکی خود و فرزندانمان را بهبود بخشیم. سوال بزرگی که از سوی این نظریه پرداز مطرح می‌شود بر این محور است که مهندسی دوباره‌ی ذات خودمان، چه اشکالاتی می‌تواند داشته باشد؟ و این سوال در واقع شروعی بر زنجیره‌ای گفتمانی است که بر

بسیاری از پیشرفت‌های علمی و فناورانه که در طول سده‌های اخیر به وقوع پیوسته و نمونه‌های مختلفی از طراحی‌ها و ساخت‌های فناورانه که بسیاری از الگوهای معمول و رویه‌های عادی در الگوهای طبیعی را با تحول و تغییر مواجه کرده است؛ این سوال بزرگ را در ذهن انسان پدیدار نموده که نسبت میان این مظاهر نوین فناورانه که در بازه‌های زمانی گذشته وجود نداشته و قادر به ارائه اثر نبودند و منظومه‌های دینی و اخلاقی چگونه است [۱]. مایکل سندل در کتاب خود با عنوان انسان بی‌نقص به یکی از این دوگانه‌های کلیدی که در تقاطع میان ارزش و فناوری مشهود و قابل تشخیص است اشاره دارد. او ضمن تاکید به ظرفیت‌های ویژه فناوری



شدند. پسرشان گاوین ناشنوا متولد شد. این والدین جدید از اینکه انتشار داستان آن‌ها در واشنگتن پست محکومیت گسترده‌ای را به همراه آورد متعجب شدند. بیش‌تر خشم و عصبانیت مردم ناشی از این اتهام بود که این دو عمداً کودک خود را معلول کرده‌اند. دوشینو و مک‌کولاف (که زوجی همجنس‌دوست هستند) نمی‌پذیرفتند که ناشنوایی معلولیت است و می‌گفتند که فقط خواسته‌اند کودکی مثل خودشان داشته باشند. دوشینو می‌گفت: «فکر نمی‌کنم کاری که ما کردیم، با کاری که بسیاری از زوج‌های عادی موقع بچه‌دار شدن می‌کنند تفاوت داشته باشد.» [۳]. و در ادامه روایت دومی را مطرح می‌کند که مشابه روایت اول بر محور قابلیت انسان در تغییرات هدفمند و مبتنی بر فناوری استوار است اما با این تفاوت که در روایت دوم بر اساس تصور قالب خانواده از فناوری برای دستیابی به صفات کمالیافته در نسل جدید بهره برداری می‌کند. بر این اساس روایت دوم را اینگونه بیان می‌کند: کمی قبل از جنجال کودک ناشنوا، یک آگهی در روزنامه هاروارد کریمسون و سایر روزنامه‌های دانشجویی در دانشگاه‌های برجسته چاپ شد. زوج ناباروری به دنبال اهداکننده تخمک می‌گشتند، ولی نه هر اهداکننده‌ای. آن‌ها به دنبال خانم اهداکننده‌ای با ۱۹۰ سانتی‌متر قد، ورزشکار، و بدون مشکلات خانوادگی عمده می‌گشتند که نمرهٔ آزمون ورودی او به دانشگاه ۱۴۰۰ یا بیش‌تر باشد. این آگهی در ازای تخمکی از چنین اهداکننده‌ای ۵۰ هزار دلار پیشنهاد می‌کرد.

شاید والدینی که این مبلغ سخاوتمندانه را برای یک تخمک عالی پیشنهاد کردند فقط می‌خواستند کودکی داشته باشند که شبیه آن‌ها باشد. یا شاید امیدوار بودند با این بده‌بستان کودکی بلندقدتر یا باهوش‌تر از خودشان پیدا

محور پیچیدگی و پیچیده شدن روابط میان متغیرها با پیشرفت‌های فناورانه استوار است [۲]. همه این تحولات و همه نیازها و انتظارات جدیدی که به سبب این تحولات در انسان‌ها پدیدار می‌شود؛ این سوال بسیار مهم را در ذهن پدیدار می‌کند که آیا آنچه انسان به عنوان تکامل تو تعالی به دنبال آن است و یا آنچه که انسان به عنوان آسایش بیشتر و یا رفاه بالاتر جستجو می‌کند در حقیقت هم تکامل حقیقی و یا آسایش حقیقی است یا تصور انسان از این موضوع به ظاهر ساده است. اینجا است که ذات انسان کمال‌گرا با تردیدی آزار دهنده به دنبال مرجع و شاخصی برای تعریف و تبیین این مفاهیم می‌گردد تا تشنگی درونی او را بر طرف نماید.

برای تبیین دقیق‌تر این موضوع به مثالی که در کتاب انسان بی نقص ذکر شده کمی با دقت بیشتر تامل کنیم. در این کتاب و در یک مقایسه معنا دار دو جریان موازی در کنار هم روایت می‌شود: «چند سال قبل، زوجی تصمیم گرفتند بچه‌دار شوند و ترجیح می‌دادند کودکشان ناشنوا باشد. این دو خود ناشنوا بودند و به این مسئله افتخار می‌کردند. شارن دوشینو و کندی مک‌کولاف، همچون سایر افرادی که به ناشنوایی می‌بالند، ناشنوایی را هویتی فرهنگی می‌دانستند نه معلولیتی نیازمند درمان. دوشینو می‌گفت: «ناشنوایی فقط یک شیوهٔ زندگی است. ما افراد ناشنوا احساس می‌کنیم انسان کاملی هستیم و می‌خواهیم جنبه‌های شگفت‌انگیز و عالی جامعهٔ ناشنوایان (نوعی احساس تعلق و دلبستگی) را با کودکانمان شریک شویم. واقعاً احساس می‌کنیم که ما ناشنواها زندگی غنی و سرشاری داریم.» آن‌ها به امید این که بتوانند کودک ناشنوایی را باردار شوند، به دنبال اهداکنندهٔ اسپرمی می‌گشتند که تا پنج پُشت ناشنوا باشد و موفق



يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
بگو: در زمین بگردید، پس بنگرید که (خداوند)
چگونه آفرینش را آغاز کرده است؟ سپس
(همان) خدا نشأه آخرت (قیامت) را ایجاد می
کند، همانا خداوند بر هر کاری بسیار توانا است.
آنچه در این آیه از آیات کلام الله مورد توجه و
تاکید قرار دارد. صیغه امر در دو بخش آیه فوق
الذکر است: (سَيَرُوا) و (فَانظُرُوا) که بنابر قواعد
اصولی بیانگر انبعاث و تهییج برای کشف و
شناخت در چگونگی خلقت مخلوقات است. در
واقع این آیه قرآن نه تنها مویدی بر امکان
شناخت هستی و مخلوقات است بلکه جواز و
حتی ضرورت این موضوع را مورد تاکید قرار می
دهد. بنابر این که شناخت و درک قوانین و قواعد
حاکم بر چگونگی خلق ملزوم هر گونه دستورزی
و تغییر و تحول در خلق قلمداد می شود می
توان مفهوم امکان و جواز دستورزی در مخلوقات
را نیز از این آیه درک و برداشت نمود. از سوی
دیگر پس از تاکید آیه بر درک و شناخت خلق و
چگونگی آن این امر مقدمه ای برای درک و
کشف چگونگی خلق در نشأه آخرت ذکر شده که
می تواند مویدی بر امکان شناخت از خلق مجدد
مخلوقات باشد. از سوی دیگر در آیه ۴۷ سوره
مبارکه الذاریات می فرماید: «وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ
وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ آسْمَانَ رَا بِدَسْتِ وَتَوَانِيِي خَاصٍ
خود آفریدیم و ما گسترش دهنده آن هستیم»
در حقیقت این آیه به صورت خاص بر وسعت عام
هستس در ساحت های مادی و غیر مادی تاکید
دارد و این گسترش و توسعه دائما در حال وقوع
بوده و ممکن است. داوند در آیه ۶۶ سوره نحل
می فرماید: (وَإِن لَّكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نَسْقِيكُمْ مِمَّا
فِي بُطُونِهِ مِن بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا
لِّلشَّارِبِينَ)، «و قطعاً در (وجود) دام‌ها، برای شما
عبرتی است، از آنچه در شکم آنهاست؛ از میان
غذاهای هضم شده و خون، شیری خالص به شما

کنند. به هر تقدیر این پیشنهاد شگفت‌انگیز،
برخلاف کار والدینی که می‌خواستند کودکی
ناشنوا داشته باشند، کسی را عصبانی نکرد. هیچ
کس اعتراض نکرد که قذبلندی، هوش، و مهارت
ورزشی معلولیت‌هایی هستند که باید از کودکان
در برابر آن‌ها محافظت کرد. با این همه، در این
آگهی نیز چیزی بود که از نظر اخلاقی آزاردهنده
به نظر می‌آمد. حتی اگر به کسی آسیبی نرسد
نیز، آیا از نظر اخلاقی آزاردهنده نیست که
والدین کودکی با ویژگی‌های ژنتیک خاصی را
سفارش دهند؟» این روایت واقع محور در واقع
نقطه ابهام و مساله اصلی این پژوهش را به خود
اختصاص داده است. در واقع مساله این است که
براساس چه شاخص و معیاری می توان در
خصوص قابلیت های فناورانه جدید که امکان
تغییر دلخواه در موجودات زنده را ممکن می
کنند می توان قضاوت نمود. بدین منظور و برای
پاسخ به این سوال استفاده از آیات نورانی قرآن
به عنوان منبع وحی و کلام الهی معصوم از
تحریف یکی از اصلی ترین منابع پاسخگویی به
این سوال تلقی می شود که با بهره مندی از
ظرفیت های عقلی به دنبال پاسخ به سوالات
خواهد بود.

آیه شناسی زیست فناوری

۱- امکان عام شناخت زیستی و زیست پایه

برخی از آیات کلام الله مجید نه به صورت
مستقیم و تخصصی بلکه به صورت غیر مستقیم
و عام از امکان شناخت و ضرورت شناخت انسان
از پدید های مادی که در ارتباط با او قابل کشف
و درک هستند. یکی از این آیات که انسان را
برای درک و شناخت ویژگی های پدیده های
پیرامونی تشویق و تهییج می نماید، آیه ۲۰ سوره
عنکبوت است که خداوند می فرماید : « قُلْ
سَيَرُوا فِي الْأَرْضِ فَنَنْظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ثُمَّ اللَّهُ



بر این آیه قرآن منشا حیات نباتی بر آب استوار است: «و هو الذی انزل من السماء ماء فاخرجنا به نبات کل شیء فاخرجنا منه خضرا نخرج منه حبا متراكبا و من النخل من طلعها قنوان دانية و جنات من اغانب والزیتون و الرمان مشتبها و غیر متشابه انظروا الی ثمره اذا اثمر وینعه ان فی ذلکم لآیات لقوم یؤمنون.» (انعام/۹۹) و اوست کسی که از آسمان آبی فرود آورد پس به وسیله آن از هر گونه گیاه برآوردیم و از آن سبزی خارج ساختیم که از آن دانه‌های متراکمی برمی‌آوریم و از شکوفه رخت خرما خوشه‌هایی است نزدیک به هم و [نیز] باغهایی از انگور و زیتون و انار همانند و غیر همانند خارج نمودیم به میوه آن چون ثمر دهد و به [طرز] رسیدنش بنگرید قطعا در اینها برای مردمی که ایمان می‌آورند نشانه‌هاست. اللّٰهُ الَّذِیْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْفَلَکَ لِتَجْرِيَ فِی الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمُ الْأَنْهَارَ ﴿۳۲﴾ خداست که آسمانها و زمین را آفرید و از آسمان آبی فرستاد و به وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد و کشتی را برای شما رام گردانید تا به فرمان او در دریا روان شود و رودها را برای شما مسخر کرد (۳۲).

- در سوره طارق آیه ۴ نوشته شده است: «إِنَّ كُلَّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَیْهَا حَافِظٌ ﴿۴﴾» هیچ کس نیست مگر اینکه بر او نگهبانی است. این آیه نیز می‌تواند به وجود ساختارها و مسیرهای پیچیده ایمنی سلولی و فردی در بدن انسان اشاره داشته باشد.

- خداوند در آیه ۴۹ از سوره الذاریات می‌فرماید: «وَمِنْ كُلِّ شَیْءٍ خَلَقْنَا زَوْجِیْنٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ» و از هر چیزی زوجی آفریدیم به این منظور که شما بندگان متذکر این اصل بشوید. در واقع این آیه از کلام الله بر اصل ضروری

می‌نوشانیم که برای نوشندگان گواراست «فرث» به غذای هضم شده داخل شکمبه چارپایان گویند. «دم» نیز به معنای خون است، بر این اساس معنای دقیق «من بین فرث و دم» را می‌توان «من بین فرث» و «من بین دم» تبیین نمود. شاهد مثال در این آیه قرآن واژه عبره است که در یک معنا بر تشویق انسان بر انجام شناخت حقایق هستی تاکید و توجه دارد. در حقیقت می‌توان گفت که مفهوم آیین علاوه بر امکان جواز کشف قواعد حاکم بر هستی و مخلوقات را صادر نموده است.

۲- زیست‌شناسی و حقیقت زیستی
این دسته از آیات قرآن که در این گروه مشخص دسته بندی می‌شوند بر مفاهیم و قواعد حاکم بر خلقت و هستی استوار هستند در واقع این دسته از آیات قرآن کریم نسبت به دسته قبل از امکان شناخت و درک سنت‌های حاکم بر عالم هستی پا را فراتر گذاشته قواعد حاکم که شاید در زمان‌های گذشته انسان قادر به درک و شناخت و علم به آن‌ها نبوده است را تبیین می‌نماید از این آیات می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

- خداوند در سوره‌ی مؤمنون مراحل تکامل انسان در رحم مادر و در دوره‌ی جنینی را در بیانی جامع اینگونه تشریح می‌کند: «وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِینٍ. ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نَظْفَةً فِی قَرَارٍ مَّكِیْنٍ. ثُمَّ خَلَقْنَا النَّظْفَةَ عِلْقَةً فَخَلَقْنَا الْعِلْقَةَ مِضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمِضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِیْنَ» در حقیقت فرآیند اصلی تکامل مادی جنین از نطفه تا انتها در این آیه تبیین و تشریح شده است.

- در آیات ۹۹ سوره انعام و ۳۲ سوره ابراهیم خداوند به خلقت نباتی اشاره دارند و چگونگی رشد و نمو در گیاهان، در حقیقت بنا

زوجیت بر گسترش کمی مادی اشاره دارد که به نوعی زمینه ساز توسعه و وسعت کمی عالم هستی هستند.

۳- زیست شناسی نو ترکیب و خلقت جدید

در کنار تمام آیات قرآن که در دو دسته گذشته قرار گرفتند برخی از آیات قرآن در خصوص وجود نو ترکیب ها در سامانه ها زیستی و یا خلق نو سخن می گویند. بنابر این آیات الهی امکان طراحی و ساخت الگو های نوین زیستی با پیچیدگی و طراحی جدید تبیین و تصویر شده است.

- در آیه ۱۷ سوره مریم خداوند می فرماید: فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا ﴿۱۷﴾ و در برابر آنان پرده ای بر خود گرفت پس روح خود را به سوی او فرستادیم تا به [شکل] بشری خوش اندام بر او نمایان شد (۱۷) (پس در مقابل ایشان پرده ای آویخت و ما روح خود را نزد او فرستادیم که بصورت انسانی تمام عیار بر او مجسم شد)، (حجاب) یعنی پرده و ستر و آنچه انسان را از غیرپوشاند، ظاهرا مریم برای آنکه قلبش برای اعتکاف و عبادت آسوده تر باشد، خود را از غیر پوشیده داشت و آنگاه خداوند روح خویش را به جانب مریم فرستاد که بصورت بشری در نزد او مجسم گردید، یعنی آن روح در حواس بینایی مریم به صورت بشری محسوس گشت، ولی در واقع همان روح بود نه بشر، و از قرینه آیات دیگر استفاده می شود که مراد از (روح) جبرئیل است که آن را در لسان قرآن (روح القدس)، یا (روح الامین) نیز نامیده اند. در حقیقت امکان تمثیل روح بر جسم مادی در این آیه قرآن مورد تاکید قرار گرفته است. در واقع می توان از این آیه برداشت کرد که تمثیل مادی در عالم مادی صرفا از مسیر لقاح و ترکیب تخمک و اسپرم در رحم

ماده محقق نشده و مسیر های دیگری نیز برای آن متصور است.

- در آیه ۲۱۹ سوره بقره خداوند می فرماید: يَسْئَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِن نَّفْعِهِمَا در باره شراب و قمار از تو سؤال می کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است؛ و منافعی (از نظر مادی) برای مردم در بر دارد؛ (ولی) گناه آنها از نفعشان بیشتر است». در واقع می توان این آیه قرآن را ناظر به بهره مندی از فناوری های نوین زیستی در استفاده از انواع باکتری ها برای تخمیر و یا تولید پروتئین های دارویی دانست. به گونه ای که در شراب علاوه بر وجود الکل به عنوان فرآورده تخمیر باکتری ها و مخمر هایی وجود دارد که می تواند در صورت جدا شدن و تخلیص مورد استفاده قرار گیرد.

نتیجه گیری

بنابر الگوی مفهومی که در این مقاله مورد استفاده قرار گرفت. از نظر منطق حاکم بر ظام موضوعات زیستی و زیست شناسی، دامنه موضوعات زیستی در سه دسته کلی زیر قابل دسته بندی و تقسیم است:

الف امکان عام شناخت زیستی و زیست پایه

زیست شناسی و حقیقت زیستی

زیست شناسی نو ترکیب و خلقت جدید

بنابر رابطه منطقی و علی و معلولی که میان این سه ساحت علم زیست قابل فهم و درک است می توان استنباط کرد که بنابر آیات قرآن نه تنها ورود به مرحله شناخت و کشف قوانین حاکم بر زیست و هستی تائید و تجویز شده است بلکه در موارد با هدف تهییج و انبعاث در مکلف امر به آن محقق شده است. این موضوع از دو جهت یعنی امکان کسب منافع جدید و همچنین معرفت به حقایق هستی به منظور شناخت قدرت الهی قابل توجه و تأمل می باشد. لذا در مقام بررسی



تطبیقی باید تاکید کرد که قابلیت‌ها و فناوری‌های نوین زیستی که امکان‌های متعدد را برای انسان به ارمغان آورده است در صورتی که منافعی را برای خلق فراهم آورد و منجر به بروز

نقص در انسان نشود و او را از کشف بیشتر محروم ننماید دارای ارزش ذاتی و حسن تلقی می‌شود.

منابع:

۱. شیراوند، محسن؛ عظیمی، سید امین؛ بررسی تکنولوژی و اخلاق فناوری در پرتو تبیین عناصر حوزه انسان‌شناسی دینی، انسان پژوهی دینی، دوره ۱۴، شماره ۳۷ - شماره پیاپی ۳۷ بهار و تابستان ۱۳۹۶ صفحه ۲۲۵-۲۵۰.
۲. سندل، مایک، انسان بی نقص: اخلاق در عصر مهندسی ژنتیک، مترجم: افشین خاکباز، فرهنگ نشر نو، ۱۳۹۹، تهران.
۳. <https://bigbangpage.com/scientific-book>
۴. طباطبایی، محمد حسین؛ تفسیر المیزان.

اهمیت حفاظت از منابع طبیعی از دیدگاه قرآن کریم

سیده معصومه زمانی^۱ و رضا حاجی حسنی^۲

۱- استادیار پژوهش، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران (نویسنده مسئول: mzamani@rifr-ac.ir)

۲- استادیار پژوهش، مؤسسه تحقیقات جنگلها و مراتع کشور، سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی، تهران، ایران

چکیده

قرآن کریم، کتاب دینی مقدس مسلمانان، مجموعه‌ای از اصول و آموزه‌ها است که در برگیرنده تمام جنبه‌های زندگی انسان، مفاهیم دینی، احکام اخلاقی و قوانین و مقررات مربوط به جنبه‌های مختلف زندگی روزمره است. بعلاوه، این کتاب مقدس مشتمل بر قوانین بشماری در مورد طبیعت و حفاظت از محیط زیست است. حدود ۷۵۰ (از ۶۲۳۶) آیه قرآن به جنبه‌های مختلف طبیعت و نیز به رابطه بین انسان و طبیعت اشاره دارد. هدف این مقاله بررسی برخی آیات با مفاهیم اکولوژیکی است، یعنی آیاتی که به بشر روحیه حفاظت از طبیعت و نیز نگرش و تعامل با محیط زیست بعنوان امانت نسل آینده را آموزش می‌دهند. در واقع این مقاله بر اساس یک تحقیق کیفی در قرآن کریم، ابعاد آموزش محیطی قرآن را بر جسته می‌کند و ملاحظات اکولوژیکی مطرح شده در این کتاب مقدس در مورد استفاده منطقی و صحیح از منابع طبیعی، تعاملات مناسب میان انسان و طبیعت، و حقوق گیاهان، حیوانات و عناصر فیزیکی محیط را گزارش می‌نماید. قرآن کریم نشان می‌دهد که طبیعت یک کل است، یک سیستم کامل و البته پیچیده که در آن اجزا از یکدیگر حمایت و محافظت می‌کنند. در این سیستم پیچیده، اگر یک جز تحت تأثیر قرار گیرد، نظم و عملکرد کل سیستم، یعنی طبیعت، مختل می‌شود. از اینرو، قرآن کریم حدود ۱۳۰۰ سال قبل از معرفی مفهوم کلاسیک "کل گرایی"، رویکرد جامع نگر به محیط زیست را اشاعه داده است. آموزه‌های قرآن کریم از حفظ تعادل در رفتار انسان و خودداری از افراط و تفریط پشتیبانی می‌کند. این تعادل را می‌توان از طریق سه اصلی که در مفاهیم قرآن بیان شده است، توصیف نمود: اصل وحدت و یکپارچگی، اصل تعادل و اصل مسئولیت پذیری. آموزه‌های حفظ محیط زیست در آیات قرآن کریم کاملاً صریح و مشهود است. برای حصول و حفظ محیط زیست سالم، باید به این آموزه‌ها احترام گذاشت و در سطوح مختلف به اجرای آنها مبادرت نمود. نتیجه آنکه دستورات کتاب مقدس دین اسلام بعنوان پیشگام حفاظت از محیط زیست را باید سرلوحه اقدامات مدیریت منابع طبیعی، حفظ و توسعه پایدار آن قرار داد.

کلید واژه‌ها: آموزه‌های قرآنی، حفاظت محیط زیست، منابع طبیعی.

مقدمه

قرآن کریم بر داشتن همزیستی مسالمت آمیز و هماهنگ در یک جامعه اسلامی در وجوه مختلف فردی، اجتماعی و اکولوژیکی صحنه می‌گذارد. برای قرن‌های متمادی بشر قادر به درک برخی اطلاعات موجود در قرآن نبود، چراکه پایین بودن سطح ابزار علمی موجود این اجازه را میسر نمی‌ساخت. سرانجام در قرن بیستم بود که انسانها دریافتند که بسیاری از آیات قرآن توصیف کننده پدیده‌های طبیعی می‌باشند. حتی امروزه، بدون

کتاب مقدس دینی مسلمانان، قرآن کریم، که شامل ۱۱۴ سوره و ۶۲۳۶ آیه است، معجزه و کتابی فراتر از یک متن دینی است و نمایانگر مجموعه‌ای از اصول و آموزه‌هایی است که تمام جنبه‌های زندگی و فعالیت‌های انسانی را در بر می‌گیرد. قرآن کریم شامل مفاهیم دینی، احکام اخلاقی و همچنین قوانین و مقرراتی برای جنبه‌های مختلف زندگی روزمره بشر است.



اساس تعریف کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه (World Commission on Environment and Development) موسوم به کمیسیون برانتلند (The Brundtland Commission) و گزارش کمیسیون سازمان ملل در زمینه محیط زیست و توسعه (UN Commission on Environment and Development) در سال ۱۹۸۷ به معنا توسعه ای است که نیازهای حال را بدون وجه المصلحه قرار دادن توانایی نسلهای آینده برای برآوردن نیازهایشان تأمین میکند (WCED, 1987). به عبارت دیگر، توسعه پایدار رویکرد جامعی است که به ارتقا توسعه به شیوه‌هایی می‌پردازد که به محیط زیست ضربه ای وارد نیاید یا منابع طبیعی را ضایع نگرداند به گونه‌ای که در آینده در دسترس باشد. این گزارش می‌افزاید که شرایط مزبور نه تنها بر سیاست‌های زیست محیطی، که بر سیاست‌های اقتصاد و اجتماعی نیز قابل انطباق است (WCED, 1987).

قابل تأمل آنکه این رویکرد پایدار در قرآن کریم تقریباً ۱۳۰۰ سال قبل از تعریف شناخته شده و استناد شده از توسعه پایدار در گزارش برانتلند (کمیسیون جهانی محیط زیست و توسعه) پشتیبانی شده است؛ "توسعه پایدار با هدف نیازهای حال حاضر، بدون به خطر انداختن توانایی نسلهای آینده در رفع نیازهای آنها".

هدف از این مقاله برجسته کردن تاثیر قرآن کریم در آموزش مدیریت منابع طبیعی و حفظ محیط زیست می‌باشد. در این مقاله به برخی از آیات با مضمون اکولوژیکی اشاره شده است؛ یعنی آیاتی که به انسان در مورد اهمیت محیط زیست و مسئولیت پذیری برای حفظ آن برای نسل‌های آینده و همان مفهوم توسعه پایدار را آموزش می‌دهند. در واقع این مقاله بر اساس یک تحقیق کیفی در قرآن کریم، ابعاد آموزش

استفاده از علوم و تحقیقات پیشرفته، دانشمندان در درک کامل و صحیح اطلاعات موجود در قرآن مشکل دارند. نا جایکه، برای فهم برخی از آیات قرآن، یک دانشمند باید دایرةالمعارفی مشتمل بر رشته‌های علمی مختلف و متعدد داشته باشد. با تفحصی دقیق در قرآن کریم می‌توان قوانین زیادی را در کلام الهی برای حفاظت از طبیعت و محیط زیست ملاحظه نمود. تقریباً ۷۵۰ آیه از قرآن کریم به جنبه‌های مختلف طبیعت، رابطه انسان و طبیعت، موجودات گیاهی، حیوانی و محیط پیرامون آنها اشاره دارد. در این کتاب مقدس، توصیه‌هایی بنیادی و کاربردی در مورد مدیریت منابع طبیعی و حفظ طبیعت، درک روابط میان موجودات و محیط اطراف آنها و نیز آموزه‌هایی جهت هدایت بشر در حفظ تعادل و تناسب طبیعت وجود دارد. در دین مبین اسلام نیز بر حفظ و حراست از منابع طبیعی تأکید ویژه‌ای شده است. محیط زیست تنها برای انسانهای حاضر در کره زمین نیست و بشر وظیفه دارد از آن مراقبت کرده و آن را برای همه نسلهای آینده حفظ کند (Arbabi & Noormohamadi, 2014). در واقع مسئولیت انسان فقط به یک نسل محدود نمی‌شود و همه چیز باید در شرایط مناسبی برای انتقال از نسلی به نسل دیگر حفظ شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: وَ الْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ؛ یعنی ما زمین را برای انسان‌ها آفریدیم (آیه ۱۰ سوره رحمن)؛ بدین معنا که زمین متعلق به همه انسان‌ها است و اینگونه نیست که سهم برخی در آن از برخی دیگر بیشتر باشد. همچنین از همین آیه مستفاد می‌شود که این زمین متعلق به همه نسل‌ها در همه اعصار است و به یک نسل اختصاص ندارند و نسل فعلی باید به عنوان یک ودیعه در حفظ و حراست از آن کوشا باشد و این همان مفهوم دقیق "توسعه پایدار" می‌باشد. توسعه پایدار بر



از مولفه‌ها تحت تأثیر قرار گیرد، نظم و عملکرد طبیعی کل سیستم طبیعت را مختل می‌سازد (Aminzadeh, 2013; Bateni, 2013; Bazzi, 2013; Karizi, 2013; Mozafari, 2013; Kamaruzaman & Siti Akmar, 2011). از این نظر، قرآن کریم تقریباً ۱۳۰۰ سال قبل از پیدایش و تعریف مفهوم کلاسیک مفهوم کل‌گرایی (Holistic approach) به رویکرد کلی‌نگری به محیط زیست پرداخته است (الرحمن/۷-۸).

کل‌گرایی، واژه‌ای در برابر مفهوم «جزء‌گرایی» می‌باشد که پیوستگی ساده‌ای بین اجزاء و کل فرض می‌نماید. در مواردی مفهوم جزء‌گرایی کاملاً صحیح می‌باشد. مثلاً کار یک ساعت مکانیکی را می‌توان از روی ارتباط میان اجزایش به خوبی فهمید. اما سیستم‌های معینی وجود دارند که نمی‌توانند به طور دقیقی به صورت مجموع اجزایش توصیف گردند. فرایندهای روان‌شناختی را می‌توان از این جمله دانست. اصطلاح کل‌گرایی را اولین بار توسط جان کریستین اسماتز (Smuts, 1926) در کتاب کل‌گرایی و تطور به کار برده شد. او معتقد بود که نگرش مکانیکی نمایانگر مجموعه‌هایی است که قابل تقسیم به اجزایشان هستند، بدون آن که کیفیتشان از بین رود. در حالی که نگرش کل‌گرایی به بررسی «کل‌هایی» می‌پردازد که بدون از بین رفتن کیفیتشان قابل تقسیم به اجزایشان نیستند.

تمام طبیعت یکپارچه است. اجزای آن به هم پیوسته و یک کل را تشکیل داده‌اند. بشر تمام منابع مورد نیاز برای زندگی را از طبیعت به دست آورده است (Aminzadeh, 2013; Bateni, 2013; Bazzi, 2013; Karizi, 2013; Mozafari, 2013; Arbabi & Noormohamadi, 2014; Miller, 1992). باید از آنها به طرز عاقلانه‌ای استفاده کند و حق سو

محیطی قرآن را آشکار ساخته و ملاحظات اکولوژیکی مطرح شده در این کتاب مقدس در مورد استفاده منطقی و صحیح از منابع طبیعی، تعاملات مناسب میان انسان و طبیعت، و حقوق گیاهان، حیوانات و عناصر فیزیکی محیط را گزارش می‌نماید.

روش پژوهش

قرآن کریم، سند نهایی وحی، مشتمل بر گزاره‌هایی توصیفی از طبیعت و دستورهایی نسبت به نحوه رابطه انسان با طبیعت است که از مجموع آنها می‌توان به قواعد اخلاقی و حقوقی مورد نظر قرآن در زمینه تعاملات انسان با محیط زیست و منابع طبیعی دست یافت. آنچه در این مقاله ارائه می‌گردد نگاه توصیفی قرآن از طبیعت و محیط زیست طبیعی و الگوی تعامل مطلوب با آن است. برای انجام این پژوهش علاوه بر مطالعه و جمع‌بندی آموزه‌های قرآنی منبعث از آیات قرآن کریم، همچنین از احادیث ائمه معصومین و پیامبران، مقاله‌های مختلف و کتاب‌هایی در خصوص اهداف ذکر شده تحقیق مورد مطالعه قرار گرفته است.

نتایج و بحث

آموزه‌های قرآن کریم به حفظ میانه روی و تعادل در رفتار انسان برای جلوگیری از افراط و تفریط تأکید دارد. این میانه روی را می‌توان با استفاده از سه اصلی که در این کتاب مقدس یافت می‌شود، توصیف نمود: اصول وحدت، تعادل و مسئولیت‌پذیری.

۱- اصل وحدت

قرآن کریم نشان می‌دهد که طبیعت یک کل است، یک سیستم کامل و پیچیده که اجزای آن از یکدیگر حمایت و محافظت می‌کنند. اگر یکی



«بحران محیط زیست» یاد می‌شود. برای رهایی از این بحران باید به اصول اخلاقی و متون دینی بویژه قرآن کریم مراجعه نمود، زیرا مبنای پیدایش بحران زیست محیطی کنونی، بحران اخلاق در میان انسان هاست. در واقع اگر قرآن کریم بر حمایت عناصر اساسی در محیط زیست و حفاظت آنها تاکید دارد به خاطر خیر انسان و تأمین ضروریات و حاجت‌های انسان، چه نسل حاضر و چه نسل‌های آینده می‌باشد؛ در واقع حال که بشر تمام مایحتاج زندگی خویش را از طبیعت به دست می‌آورد باید از آنها متعادل و عاقلانه استفاده کند.

آیه ۱۶۴ سوره بقره و آیه ۱۰ سوره الرحمن نیز همین اصل را تاکید می‌کنند. مردم باید خردمندانه همه مواهب طبیعت را مدیریت و حفاظت کنند و همزمان طبیعت، عناصر آن، فرآیندهای آن و نقش آنها را بشناسند تا بهتر از عهده درک منابع طبیعی و احترام به آن برآیند (Aminzadeh, 2013; Bateni, 2013; Bazzi, 2013; Karizi, 2013; Mozafari, 2013; Arbabi & Noormohamadi, 2014; Kamaruzaman & Siti Akmar, 2011; Miller, 1992).

۲- اصل تعادل

در جهان هم از نظر کیفی و هم از نظر کمی تعادل و تناسب کامل وجود دارد (عنکبوت/۴۴؛ القمر/۴۹؛ الرحمن/۷) (Aminzadeh, 2013; Bateni, 2013; Bazzi, 2013; Karizi, 2013; Mozafari, 2013; Islam, 2004) و انسان موظف به درک درستی از ارزش محیط زیست است (غافر/۵۷). همه مولفه‌های جهان هستی نقشی کاملاً تعیین شده و تثبیت شده دارند. به عنوان بخشی از محیط، انسان نیز نقش خود را دارد، به عنوان کاربر و محافظ خردمند آن، و عدم رعایت

استفاده از آنها را ندارد. قرآن کریم در سوره طه آیه ۵۳ و ۵۴ می‌فرماید: همان خدایی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راه‌هایی را در آن ایجاد نمود و از آسمان آبی فرستاد که انواع گوناگون گیاهان را از خاک تیره برآورد. بخورید و دامه‌یبتان را بچرانید که قطعا در اینها برای خردمندان نشانه‌هایی است.

خداوند منان، سرنوشت بشر را به گونه‌ای رقم زده است که در دامان طبیعت رشد کند و به آن نیازمند باشد. با نگاهی به آیات قرآن کریم روشن می‌گردد که هیچ مکتبی مانند اسلام به منابع طبیعی و محیط زیست اهمیت نداده است. از سوی دیگر، قرآن کریم در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده است. همچنین بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به نام یکی از عناصر طبیعت خوانده می‌شود، مانند سوره شریفه بقره، رعد، نحل، نور، عنکبوت، نجم، فجر، شمس، حدید، لیل، قمر، تین، ناس و... خداوند بشر را در دامان طبیعت و نیازمند به آن آفریده است. طبیعت به شکلی خلق شده است که در خدمت انسان باشد و نیازهای او را برطرف کند. با در نظر رفتن این نکته که به حکم قرآن کریم همه چیز در جهان آفرینش بر پایه ی نظم و عدالت استوار است و هر چیزی به اندازه لازم آفریده شده است، (قمر/ ۴۹) این نتیجه به دست می‌آید که نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیست محیطی ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. فعالیت‌های انسان برای رسیدن به رفاه و توسعه اقتصادی و اجتماعی، خود باعث تخریب محیط زیست شده است. این تخریب آنچنان در وضعیت آب و هوای کره زمین، دگرگونی ایجاد کرده که سلامتی و حیات او و سایر موجودات زنده را به خطر انداخته است. شرایط به وجود آمده به حدی وخیم است که امروزه از آن به عنوان



مقرراتی برای جلوگیری از آلودگی و تخریب محیط زیست مبادرت ورزند. در یک نگاه کلی، طی توسعه پایدار با مضمون حفظ تعادل اکولوژیک ارکان زیر باید مورد توجه قرار گیرد: الف) انرژی: استفاده از منابع تجدید ناپذیر با سرعتی کمتر از رشد آنها، استفاده حداکثر از منابع تجدید پذیر و ... ب) محیط زیست: زمین پاک، منابع آب سالم، کیفیت هوا، کیفیت بصری، سلامت جهانی و ...

ج) اکولوژی: توجه به تنوع زیستی موجودات، محل زندگی برای موجودات، عدم اختلال در چرخه زندگی موجودات، جنگلها، و ... میلیاردها کهکشان در جهان، میلیاردها موجود روی زمین، همه چیزهایی که تاکنون آفریده شده است، از کوچکترین ذره اتم تا بزرگترین کهکشان ها، همه آنها بخشی از یک سیستم کامل خلق شده هستند که در آن همه عناصر خود را به هم وابسته می یابند و از طریق تعاملات مثبت یا منفی بر یکدیگر تأثیر می گذارند. هر موجود عملکرد از پیش تعیین شده خود را دارد که باید بدون آسیب و در خور احترام باقی بماند (بقره/۶۰؛ الأعراف/۸۵؛ الأنبياء/۱۶؛ الرحمن/۷-۸) (Arbabi & Noormohamadi, 2014; Mohammadi *et al.*, 2013).

قرآن کریم از تعادل محیط زیست با واژه موزون یاد می نماید زیرا می فرماید: «و زمین را گسترديم و در آن کوه‌های استوار بر نهادیم و در آن از هر چیز متناسب و موزون رویاندیم...» «و الأرض مددناها و ألقينا فيها راسي و انبتنا فيها من كل شيء موزون» (حجر/ ۱۹) بدیهی است هرگونه تصرف در طبیعت که موزون و متناسب بودن عناصر و موجودات طبیعت را بهم زند افساد در ارض است قرآن کریم تخریب محیط زیست را افساد در زمین می داند. لذا می فرماید: «و در زمین از پس اصلاح آن فساد نکنید». «و لا

این نقش منجر به عدم تعادل می شود (Arbabi & Noormohamadi, 2014; Akhtar, 1996).

محیطی که در آن زندگی می کنیم زنجیره ای از پیوندهاست که بر یکدیگر تأثیر می گذارند به گونه ای که هرگونه عدم تعادلی که در یکی از آنها ایجاد شود، تأثیر منفی بر سایر افراد خواهد گذاشت. این دیدگاه اخیراً توسط علوم محیطی اثبات شده است (مفهوم تعادل اکولوژیکی نسبتاً جدید است، که در اواخر قرن ۲۰، توسط سازمان ملل (۱۹۹۷) مطرح شد)، اما در آیات بسیاری از قرآن کریم به آن اشاره شده است (الحجر/۱۹؛ الفرقان/۲؛ القمر/۴۹) (Akhtar, 1996).

اکولوژی دانشی است که به مطالعه انواع جانداران، گیاهان و حیوانات، در محیط طبیعی آنها می پردازد و بنابراین مراد از تعادل اکولوژیک شرایط و مناسباتی است که در طبیعت شکل می گیرد و حیات گیاهان، حیوانات و انسانها را تضمین می نماید و امکان حداکثر بهره مندی آنها را فراهم می آورد. امروزه دو مفهوم اکولوژی و محیط زیست به نحوی به هم تقریب یافته اند به نحوی که اکولوژیست ها به مهمترین قشر دفاع از محیط زیست تبدیل شده اند و آنها یکی از رسالت های مهم خود را حفظ تعادل مناسبات محیط زیست می دانند. بی تردید حفاظت محیط زیست یکی از دل مشغولی ها و نگرانی های جوامع کنونی بشری به شمار می رود. افزایش انفجار آمیز جمعیت، بهره برداری غیر معقول از منابع طبیعی، تخریب و دگرگونی کاهش یافته تنوع زیستی، گسترش روزافزون آلودگی ها که به انحاء گوناگون هوا، خاک و آب های جهان را تحت تأثیر اثرات زیان بار قرار داده است و بالاخره تنزل کیفیت زندگی طبیعی انسان ها در نتیجه بر هم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست موجب شده است تا دولت ها، سازمان ها و مجامع بین المللی به تدوین و اجرای قوانین و

تفسدوا فی الأرض بعد اصلاحها...» (اعراف/ ۸۵) رعایت تعادل محیط زیست و اصلاح در زمین از مصادیق برجسته عهد و میثاق خداوند با آدمی است بدیهی است نادیده گرفتن چنین عهدی موجب خسران است «الذین ینقضون عهد الله من بعد میثاقه و یقطعون ما امر الله به ان یوصل و یفسدون فی الأرض اولئک هم الخاسرون» (رعد/ ۲۵). قرآن کریم، تجاوز به حریم طبیعت و ضایع ساختن و تخریب منابع زیستی را اعتداء دانسته است چنانکه می‌فرماید «ضایع مکنید منابع پاکیزه‌ای که خداوند در اختیار شما قرار داده است و تجاوز نکنید از حدود خویش، چرا که متجاوزین مشمول محبت خداوند نخواهند بود». (مائده/ ۸۶) برخی از محققان از آیه شریفه نتیجه گرفته‌اند که از نظر قرآن بشری که از طریق فساد و تباهی و تجاوز از حدود و مرزها، پیمان الهی را بشکند و رابطه با خدا را از هم بگسلد و تعادل میان محیط با محاط را برهم زند از شمول رحمت، محبت و رأفت الهی دور می‌گردد (محقق داماد، ۱۳۷۱) قرآن کریم ضمن شناسایی حق بهره‌مندی از ارزاق نهفته در زمین از سرکشی در بهره‌وری از آن نهی نموده است. «کُلُوا مِنْ طَیِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِیهِ فِیَحِلَّ عَلَیْكُمْ غَضَبِیْ وَ مَنْ یَحِلِّ عَلَیْهِ غَضَبِیْ فَقَدْ هَوَىٰ» (طه/ ۸۱). با امعان نظر در نهی از طغیان در بهره‌وری از رزق الهی می‌توان ممنوعیت و حرمت تخریب محیط زیست و از بین بردن زمینه استفاده دیگران را استظهار نمود بدیهی است کسی که با طغیان خود رزق الهی برای بشر را تخریب نماید مشمول غضب خداوند می‌گردد و غضب خداوند موجب سقوط او خواهد شد. از لسان قرآن کریم در برخورد با متجاوزان به منابع رزق درمی‌یابیم که تجاوز به حریم طبیعت و منابع زیستی آن گناه و جرمی است که خشم و غضب خداوند و سقوط انسان را بهمراه دارد. لذا

می‌توان مجازات متناسب با آنرا باستناد قواعد حقوقی کیفری اسلامی شناسایی و مقرر نمود. برخی از نویسندگان در این زمینه نوشته‌اند «آیات قرآن کریم و اخبار وارده از معصومین علیهم السلام، آشکارا اهمیت طبیعت و لزوم حمایت از آن و ضرورت «پاسخ دادن» همه جانبه کیفری و غیر آن را بیان کرده است (ناصر قاسمی، ۱۳۸۰، ص ۱۳۳) بنابراین تخریب محیط زیست، افساد در زمین، ظلم به نوع بشر و موجودات زنده است و از مصادیق برجسته ظلم، اثم و جرم است. آلوده‌سازی آب، خاک، هوا که موجب ایراد زیان به انسانها و موجودات دیگر می‌شود را باید ظلم و حرام به شمار آورد و مجازات متناسب و روشهای جبران خسارت را با روش اجتهادی از ادله و منابع فقه استخراج و ارائه نمود.

۳- اصل مسئولیت پذیری

از نظر اسلام، انسان مالک و سرپرست حقیقی طبیعت و جهان نیست. انسان مسئول رفتارهای خود و امانتدار طبیعت است (الأحزاب/ ۷۲) (Aminzadeh, 2013; Bateni, 2013; Bazzi, 2013; Karizi, 2013; Mozafari, 2013; Kamaruzaman & Siti Akmar, 2011; Islam, 2004) و او جانشین خداوند در زمین است؛ «انی جاعل فی الأرض خلیفه» (بقره/ ۳۰). انسان باید از مسئولیت خود بر روی زمین آگاه باشد، زیرا او فقط یک امانتدار و مدیر موقت است؛ در واقع او ذینفع است و نه مالک (القصص/ ۷۷) (Arbabi & Noormohamadi, 2014). قرآن انسان را به حمایت از همه عناصر طبیعی محیط زیست را تشویق می‌کند (Kamaruzaman & Siti Akmar, 2011). در قرآن کریم ذکر شده است که بین رفتار مردم و وضعیت محیط زیست رابطه نزدیک وجود دارد. یک رفتار صالح و اخلاقی در بازگشت منجر به نتایج مثبتی برای خود انسان



است. بنابر این، بر اساس آیات قرآنی، پروردگار متعال، طبیعت را رام و مورد تسخیر و بهره برداری انسان قرار داده است (اسراء/ ۷۰؛ ملک/ ۱۵). اما اگرچه خداوند طبیعت را مقهور انسان آفریده و انسان را به عنوان جانشین خود در زمین قرار داده است، این به آن معنا نیست که او آزاد باشد تا هر گونه که مایل است رفتار کند. انسان در برابر خداوند و تمامی آفرینش مسئول است. او باید در برابر اراده‌ی خداوند تسلیم باشد و با صلح و صفا در کنار طبیعت زندگی کند. به عبارت دیگر، انسانی که جانشین خداوند در زمین است باید همواره در راه حفظ و سلامت طبیعت بکوشد. همانگونه که خداوند حفظ طبیعت و همه موجودات آن است «إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» (هود/ ۵۷) خلیفه‌ی او نیز باید منابع و مواهب طبیعی اعم از گیاهان، حیوانات و ... را از نابودی، تخریب، تلف شدن حفظ نماید. به تعبیر دیگر زمین، آب، آسمان و همه طبیعت ودیعه‌ای است الهی که به دست انسان سپرده شده و برای استفاده متعادل از آنها پدید آمده است. از این روی انسان مسئول حفظ طبیعت است (نصر، ۱۳۸۲، ص ۲۰۴). پیامبر اکرم (ص) بر حرمت نهادن بر زمین تأکید می‌ورزد و آن را به منزله‌ی مادری که انسان از آن ارتزاق می‌نماید معرفی می‌نماید که از اعمال نیک و بد انسان خبر می‌دهد «تَحْفَظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٍ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مُخْبِرَةٌ بِهِ» (نهج الفصاحه، ص ۲۲۶) از جمله اموری که زمین از آن خبر خواهد داد کیفیت بهره‌وری و حفاظت انسان از عناصر و منابع آن است. قانونگذار قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با استفاده از آموزه‌های قرآن کریم و سنت نبی اکرم (ص) در اصل پنجاهم در زمینه‌ی حفظ محیط زیست مقرر نموده است: «در جمهوری اسلامی حفظ محیط زیست که نسل امروز و

خواهد شد (الأعراف/ ۹۶؛ هود/ ۵۲). قرآن پیام و دستوری واضح برای مراقبت و محافظت از محیط زیست و منابع طبیعی فرستاده است. علاوه بر این، قرآن ظلم به حیوانات و پرندگان را منع کرده است. این مسئولیت انسان است که از سلامت و سعادت همه آفرینش اطمینان حاصل کند. به عبارت دیگر، نگرش اسلام به محیط زیست و منابع طبیعی یک نگرش سازنده است، مبتنی بر حفاظت و توسعه، خودداری از هرگونه از استفاده‌ها و تخریب‌ها (Aminzadeh, 2013; Bateni, 2013; Bazzi, 2013; Karizi, 2013; Mozafari, 2013; Arbabi & Noormohamadi, 2014). خداوند با بیان آموزه‌های اکولوژیکی در قرآن کریم و نهادینه‌سازی ظرفیت علمی برای انسان در سلطه بر طبیعت و زمین او را خلیفه خویش در آن قرار داده است تا به آبادانی و عمران آن همت گمارد. «و استعمرکم فیها» (هود/ ۶۱) و او را به بهره‌گیری از مواهب و فضل خود در زمین فرا خوانده است. «و ابتغوا من فضل الله» (جمعه/ ۱۰)، تا به اطراف آن قدم بردارد و از روزی آن بهره جوید... «هو الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ وَآلِيهِ النَّشُورُ» (ملک/ ۱۵) لذا انسان جانشین و خلیفه خداوند در استعمار، عمران و آبادانی زمین است جانشینی و خلافت ایجاب می‌نماید که او امانت زمین را به نیکویی حفظ نموده و آنرا از هرگونه تخریب و فساد مصون نگه دارد و با دانش و علم نسبت به بهره‌وری و عمران زمین بکوشد و فضای زیست محیطی موجودات دیگر را تضمین نماید و امکان بهره‌وری همگانی و دائمی را برای همه موجودات در زمین فراهم آورد. ذکر خداوند متعال و یادآوری خلافت و جانشینی او در زمین و درک محیط بودن آن ذات مقدس بر همه چیز «... و کان الله بکل شیءٍ مُحِيطًا» (نساء/ ۱۲۶) رمز بهره‌وری از طبیعت با حفظ تعادل زیستی آن



به محیط زیست توسط انسان ایجاد شده است. بلایای زیست محیطی و اکولوژیکی و همچنین مداخلات انسانی، به وضوح در قرآن کریم بازگو شده است (الروم/۴۱). هنگامی که مفهوم محیط زیست با توجه به آموزه های قرآن کریم ارزیابی می شود، مشخص می گردد که کتاب مقدس راه حل های قابل ملاحظه، دائمی و پایداری را برای طیف گسترده ای از مشکلات زیست محیطی ارائه داده است، به عنوان مثال اصل تلاش در جهت آموزش و درک منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست را ارائه کرده است. توصیه های دین مبین اسلام و توجه عمیق به آن از طریق اصلاح اخلاق و تربیت بشر می تواند راهگشای حل معضلات زیست محیطی جامعه امروز باشد. اکثر محققان، متفکران و فیلسوفان، این حقیقت را پذیرفته اند که بحران زمین که در حال حاضر گریبانگیر اکثر کشورهای دنیاست، از بحران روحی و اخلاقی سرچشمه گرفته که لازمه گریز از این بحران روی آوری به دین و سنت های مذهبی است. حاصل آنکه، راه حل بحران زمین در گرایش دینی است. به بیان دیگر، در دین اسلام مفهوم رابطه انسان با طبیعت و تسلط او را بر فرآیند استفاده از منابع طبیعی تعریف شده است. بدین معنا که انسان مانند باغبان، آنقدر هوشیارانه عمل کند که به جای تباہ ساختن کیفی و کمی محیط زیست خود آن را غنی و سرشار سازد. آموزه های اکولوژیکی و محیط زیستی در آیات قرآن کریم مشهود است. برای حصول اطمینان از داشتن یک محیط زیست سالم، باید به این آموزه ها احترام گذاشت و در سطوح مختلف به آنها جامه عمل پوشاند. نتیجه آنکه، می توان حضرت محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) را پیشگام حفاظت از محیط زیست، توسعه پایدار و مدیریت منابع طبیعی دانست.

نسلهای بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند وظیفه عمومی تلقی می گردد از این رو فعالیتهای اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است». بنابراین، حق استفاده از منابع طبیعی متضمن تعهد بشر برای حفظ آنها به روشی پایدار است که اطمینان حاصل خواهد کرد نسل های بعدی نیز از مزایای آنها بهره مند می شوند. قرآن کریم در برخی از آموزه های خود باید و نباید را در کنار هم مطرح نموده است به بهره مندی از محصول طبیعت امر نموده و از عدم تعادل در مصرف آن نهی فرموده و اسراف را عامل از دست دادن محبت خداوند دانسته است. «... و کلووا و اشربوا و لا تسرفوا ان الله لا یحب المسرفین» (اعراف/ ۳۱) و آنان را از اهل آتش جهنم معرفی نموده است «و ان المسرفین هم اصحاب النار». (مؤمن/ ۴۳) با تأمل در این دسته از آیات می توان قواعد الزامی و حقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت و استفاده ناروای از آن و وجوب حفظ محیط زیست را بدست آورد. به عنوان امانتدار و مدیر طبیعت، انسان وظیفه دارد از پایداری محیط زیست مراقبت کرده و با استفاده نادرست و اسراف مقابله کند (الأعراف/ ۳۱؛ الأنعام/ ۱۴۱).

نتیجه گیری

اهمیت محیط زیست و منابع آن بر هیچ کس پوشیده نیست و این مواهب الهی، نه تنها میراث گذشتگان ما بلکه امانت نسل های بعدی در نزد ماست که باید بدرستی حفظ، توسعه و استفاده شوند. همه چیز در این سیاره هوشمندانه و با هدف ایجاد شده است (القمر/۴۹). قرآن کریم اشاره می کند که انسان نباید چیزی را در نظام طبیعی طبیعی تغییر داده و تباہ کند (الأعراف/۵۶). در حال حاضر تمام خسارات وارده



منابع

۱. قاسمی، ناصر. ۱۳۸۰. حقوق کیفری محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست.
۲. محقق داماد، مصطفی. ۱۳۷۱. طبیعت و محیط زیست انسان از دیدگاه اسلام. مجله رهنمون، شماره دوم و سوم پاییز و زمستان.
۳. نصر، حسین. ۱۳۸۲. نیاز به علم مقدس، ترجمه حسن میاننداری، تهران: مؤسسه فرهنگی طه.
۴. نهج البلاغه. ۱۳۷۸. سید رضی، مترجم حسین انصاریان، تهران: پیام آزادی.
5. Akhtar, R.M. 1996. Towards an Islamic Approach for Environmental Balance. *Islamic Economic Studies*. 3-2. 57-76.
6. Aminzadeh, B. 2013. Religious Ideology and Environment – An Introduction to Islamic Approach to Nature, Islam and Environment. *Hekmat Quarterly Journal. An International Journal of Academic Research. Sixth Issue*. 17-32.
7. Arbabi, M., & Noormohamadi, M.R. 2014. Evaluating the Situation and Rights of Environment in Islamic Lifestyle, From the Viewpoint of Quran and Narrations. *Islam Life Center Health*. 1:4. 1-7.
8. Bateni, I. 2013. Preservation of environment in Islamic teachings, Islam and Environment. *Hekmat Quarterly Journal. An International Journal of Academic Research. Sixth Issue*. 33-46.
9. Bazzi, K. 2013. A Reflection on Sustainable Environment in Islamic World, Islam and Environment. *Hekmat Quarterly Journal. An International Journal of Academic Research. Sixth Issue*. 77-96.
10. Islam, M.M. 2004. Towards a Green Earth: an Islamic Perspective. *Asian Affairs*. 26:4. 44-89.
11. Kamaruzaman, J., & Siti Akmar, A.S. 2011. Environmental Sustainability: What Islam Propagates. *World Appl. Sci. J. (Special Issue on Creating a Knowledge Based Society)*. 12. 46-53.
12. Karizi, M. 2013. Religions and Environment, Islam and Environment. *Hekmat Quarterly Journal. An International Journal of Academic Research. Sixth Issue*. 47-60.
13. Miller, G. 1992. *The Amazing Quran*. Abul-Qasim Publishing House. Retrieved from <https://ia700801.us.archive.org/12/items/TheAmazingQuran.pdf/TheAmazingQuran.pdf>.
14. Mohammadi, N.M., Najjarzadegan, F. & Masoumbeigi, H. 2013. Evaluating the Relation Between God and Universe, and Its Role in Promotion of Environmental Ethics From the Viewpoint of Quran. *Islamic Lifestyle Centered on Health*. 1:3. 54-60.
15. Mozafari, M.H. 2013. The Fundamentals of Sustainable Utilization of Natural Resources According to the Quran, Islam and Environment. *Hekmat Quarterly Journal. An International Journal of Academic Research. Sixth Issue*. 61-76.
16. Smuts, J.C. 1926. *Holism and Evolution*. New York: The Macmillan Company. Retrieved from <https://archive.org/details/holismevolution00smut>.
17. United Nations. 1997. Glossary of Environment Statistics. *Studies in Methods*. F:67.
18. World Commission on Environment and Development. (1987). "Our common future: Report of the World Commission on Environment and Development". Retrieved from website: <http://www.un-documents.net/wced-ocf.htm>.

قرآن، آب و خاک

رقیه خلیلی^۱ و روح‌الله آدینه^۲

۱. دانش آموخته سطح ۳ حوزه فدک و پژوهشگر مرکز پژوهشی حوزه‌ی علمی‌ی استان همدان (نویسنده مسئول):

(r.khalili@whc.ir)

۲. استادیار گروه فلسفه و حکمت اسلامی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ع):

چکیده

طبیعت و عناصر از جمله موضوعات مهمی است که مورد توجه و عنایت قرآن کریم است. در میان عناصر گوناگون، پدیده‌های طبیعی هم‌چون آب و خاک، از مهم‌ترین عناصر طبیعت هستند که ده درصد از آیات قرآن را به خود اختصاص داده‌اند. این دو عنصر، بستر اصلی کشت و کار و محصولات کشاورزی بوده و از مهم‌ترین عوامل تولید و مؤثر در زندگی اجتماعی و اقتصادی بشر محسوب می‌شوند. پژوهش حاضر به دنبال پاسخی است که بیان کند نگاه قرآن به آب و خاک به چه صورت می‌باشد؟ در این مقاله، نویسنده سعی کرده به بررسی مفاهیم آب و خاک پرداخته و ضمن تعریف آن‌ها، به بیان جایگاه و اهمیت، و وظیفه‌ی انسان‌ها در قبال این دو عنصر طبیعی پرداخته و آیات قرآن را پیرامون آن با شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی بیان نماید. آب و خاک از جمله مواهب الهی است که منشأ خلقت و حیات موجودات زنده بوده و نشانه‌ای بر عظمت و قدرت پروردگار عالمیان می‌باشد. رشد روز افزون جمعیت و استفاده‌ی نامناسب از این دو عنصر می‌تواند موجب خسارات جبران‌ناپذیری گردد. به همین دلیل حراست و نگهداری از منابع آب و خاک یک وظیفه‌ی همگانی بوده و باید به فرهنگ عمومی تبدیل شود تا این نعمت الهی برای آیندگان حفظ و صیانت شود.

واژگان کلیدی: قرآن، آب، خاک، منابع طبیعی

مقدمه

نامگذاری شده است. در میان عناصر طبیعت، به دلیل نقش حیات‌بخشی آب و خاک به سایر موجودات طبیعت، می‌توان این دو عنصر را از اساسی‌ترین و مهم‌ترین عناصر به شمار آورد. خلقت موجودات هستی از آب و خاک، رویش گیاهان از بستر خاک و در نتیجه تأمین مواد غذایی انسان، نشان از اهمیت این دو پدیده، در نظام آفرینش دارد.

سؤال‌هایی در این پژوهش مطرح است که شامل: ۱. نگاه قرآن به دو عنصر طبیعی آب و

دعوت از انسان برای توجه و دقت در هستی و جهان آفرینش در آیات متعددی از قرآن کریم مشاهده می‌شود. گرچه آیات قرآن، پرده از فرازهای جهان برداشته و حقایق آن را آشکار می‌کند، ولی دریافت لایه‌های عمیق آن کاری دشوار و گاهی خارج از دسترس عادی بشر است. مطالعه‌ی آیات قرآن بیانگر این است که این منبع الهی، به طبیعت و عناصر آن توجه و عنایت فوق‌العاده‌ای داشته، تا جایی که بسیاری از سوره‌های قرآن به نام یکی از عناصر طبیعت



جهت در ابتدا، معانی عبارات به کار رفته در پژوهش، بررسی می‌شود.

۱-۱. مفهوم آب

کلمه‌ی «ماء»، برابر عربی واژه‌ی «آب» است که به معنای درخشش، نرمی و سریان است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۴۳/۱۳). اصل ماء، موه می‌باشد که هاء از آخر آن حذف و آن گاه واو، قلب به الف شده، و جمع آن امواه و میاه است (فراهیدی، بی‌تا: ۱۰/۱). در یک تعریف کلی، به هر مایع غیر جامدی که لطیف و جاریست و قابلیت تبدیل شدن به شکل‌های متنوع را دارد، آب می‌گویند (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۲۲۰/۱۱). اکسیژن و هیدروژن، دو اتمی هستند که با اتصال پیوند هیدروژنی، مولکول‌های آب را تشکیل داده و فرمول شیمیایی H_2O را به وجود می‌آورند (موریسون و بوید، ۱۳۹۱: ۸۸). کلمه ماء ۶۶ بار در قرآن کریم، گاه با صیغه‌ی مفرد و گاهی هم با اتصال به ضمیر به کار رفته و توجه خاصی به آن شده است (قرشی، ۱۴۱۲: ۳۲۲/۶). این واژه گاه با اوصاف مثبت از قبیل: ماءً طهوراً (فرقان/۴۸)، ماءً مُبَارَكاً (ق/۹)، ماءً عَذَقاً (جن/۱۶)، ماءً فُرَاتاً (مرسلات/۲۷)، ماءً معین (ملک/۳۰) و ...؛ و گاهی هم با اوصاف منفی و عذاب‌آور هم‌چون؛ ماءً مهین (سجده/۸) و مرسلات/۲۰، ماءً دَافِقٍ (طارق/۶)، ماءً صَدید (ابراهیم/۱۶)، ماءً حَمیمًا (محمد/۱۵)؛ توصیف شده است.

ماده‌ی اصلی بدن تمامی جانوران آب است. به عنوان مثال، ۵۰ لیتر آب در بدن یک انسان ۷۰ کیلویی وجود دارد که با از دست دادن ۲۰٪ آب بدن خود، بیمار گشته و دیگر سلامتی خود

خاک چگونه است؟ ۲. وظیفه‌ی انسان‌ها در قبال آب و خاک از نظر قرآن چیست؟

در بررسی پیشینه، پژوهش‌هایی به چشم می‌خورد که به بحث آب و خاک پرداخته و هر یک مسأله را از نگاهی مورد بررسی قرار داده است. برخی از پژوهش‌هایی که با موضوع تحقیق در ارتباط هستند عبارتند از: ۱. تحقیق «وجوه و مصادیق واژه‌های «ماء» و «سما» در قرآن» اثر پروین بهارزاده که به بررسی معانی لغوی ماء و سما و مصادیق آن در آیات قرآن می‌پردازد. ۲. کتاب «خاک‌شناسی عمومی» اثر مریم وراوی-پور، که در آن به بررسی مفهوم خاک و ذکر عناصر و موادشیمیایی موجود در آن پرداخته و خواص فیزیکی، حاصلخیزی و فرسایش خاک را مورد کنکا قرار داده است. ۳. مقاله‌ی «بررسی اهمیت خاک و کشاورزی در قرآن و روایات اسلامی» اثر رقیه خاقانی، که بیشتر تکیه بر مبحث کشاورزی داشته و آن را مورد مطالعه قرار داده است. ۴. مقاله‌ی «بررسی اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم» اثر محمدجواد محمدی و دیگران، که در آن، اهمیت آب از طریق ذکر آیات متناظر با آن مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش پیش‌رو علاوه بر تعریف واژه‌های آب و خاک، با توجه به نقش ارزنده‌ی این دو ماده، به بررسی نگاه قرآن در رابطه با آن‌ها پرداخته و وظیفه‌ی افراد را در مقابل پدیده‌ی آب و خاک بازگو کرده است.

۱. مفاهیم

از ضروری‌ترین کارها قبل از انجام هر تحقیقی، آشنایی با مفاهیم آن است. به همین

۲. قرآن، آب و خاک

طبیعت و عناصر موجود در آن، همواره مورد توجه و عنایت قرآن بوده است. آب و خاک از جمله نعمت‌های الهی و دو عنصر از عناصر تشکیل دهنده‌ی مواد هستند که به عنوان مهم‌ترین عامل پیدایش حیات و تمدن در روی زمین محسوب می‌شوند. وضوح اهمیت این دو منبع طبیعی، با بررسی و کنکاش آیاتی که در آن، به این دو نعمت بزرگ اشاره شده است را می‌توان دریافت. در ادامه به تبیین اهمیت و ثمرات آب و خاک، با توجه به آیات قرآن پرداخته می‌شود.

۱-۲. درس توحید و خدانشناسی با توجه

به آب و خاک

جهان هستی سرشار از نشانه‌ها و شگفتی‌های خداست که مشاهده‌ی آن با چشم بصیرت و فطرت پاک، سبب تقویت ایمان به معبود یگانه می‌گردد. حدود ۷۵۰ آیه از آیات قرآن کریم در زمینه‌ی خدانشناسی از راه علوم طبیعی است که در آن‌ها از پدیده‌های طبیعی به عنوان نشانه‌های خداوند نام برده شده و بندگان را به تفکر در آن‌ها دعوت می‌کند. آب و خاک از جمله نعمت‌هایی است که با تفکر و دقت در آیاتی که اشاره به این دو نعمت کرده است، می‌توان به وضوح قدرت، تدبیر و حکمت خداوندی را در آن یافت. به عنوان نمونه در آیاتی از قرآن می‌خوانیم: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ...» (زمر/ ۲۱) آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت چشمه‌هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می‌سازد که رنگ‌های مختلف دارد... در این آیه،

را باز نخواهد یافت (حمیدی کلیجی، ۱۳۸۶: ۲۹) یافته‌های علم حاکی از آن است که، تقریباً ۸۵ درصد وزن بدن انسان، ۷۰-۹۰ درصد برگ-های گیاهان عالی و سه چهارم وزن ماهیچه‌های حیوانات خانگی که مورد استفاده‌ی تغذیه‌ی انسان هستند، متشکل از آب است (سیدمظفری، ۱۳۷۶: ۴۹) آب در هوا، خاک، زیرزمین و... وجود دارد و به سه صورت جامد، مایع و گاز یافت می‌شود (حمیدی کلیجی، ۱۳۸۶: ۳۲)

۱-۲. مفهوم خاک

خاک لایه‌ی سطحی روی پوسته‌ی زمین است که در اثر عوامل مختلف فیزیکی، شیمیایی و حیاتی به وجود آمده و سطح سنگ‌هایی که هنوز تحت تأثیر عوامل خارجی قرار نگرفته و تخریب نشده‌اند را، با پوششی سست و کم ضخامت فرامی‌گیرد (وراوی پور، ۱۳۸۹: ۱۵). به گمان برخی، تنها عامل به وجود آورنده‌ی خاک، سنگ است، در حالی که باید تصریح کرد علاوه بر سنگ، عوامل دیگری نیز در تشکیل خاک مؤثرند که اگر غیر از این بود باید علم خاک-شناسی جزئی از علم سنگ‌شناسی می‌شد (کردوانی، ۱۳۸۷: ۴۱). این کلمه معادل عربی واژه‌های «تراب»، «صعید»، «ثری» و «متربه» می‌باشد که هر یک به ترتیب ۱۸، ۴، ۱ و ۱ بار در قرآن تکرار شده است. در دوازده آیه‌ی قرآن، واژه‌ی «طین» (گل) آمده، در بیست مورد صراحتاً کلمه‌ی «تراب» (خاک) به کار رفته است و در بسیاری دیگر از آیات، «ارض» (زمین) به معنای خاک (= محل رویش گیاه)، استعمال شده است.



او، صحبت شده است. آیات ناظر به آفرینش انسان، با یکدیگر اختلاف دارند و این اختلاف به این دلیل است که، هر آیه جهتی از آفرینش را مدنظر داشته و جهات دیگر را لحاظ نکرده است. برخی آیات آفرینش انسان را از خاک، برخی دیگر آفرینش را از آب و برخی هم از گل می‌دانند. که در ادامه به بررسی آیات پرداخته و عدم تناقض و جمع این آیات بیان می‌گردد.

آیاتی که مبدأ آفرینش انسان را خاک می‌دانند، به دو دسته تقسیم می‌شوند. دسته نخست آیاتی هستند که اشاره به خلقت نخستین انسان دارد. به عنوان نمونه آیه‌ی «إِنِّي خَالِقٌ بَشَرًا مِنْ طِينٍ* فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ» (ص / ۷۱ و ۷۲) اشاره به خلقت شخص حضرت آدم (علیه السلام) دارد زیرا اگر منظور خلقت همه‌ی انسان‌ها بود، ابلیس در عبارت «الْأَحْتَنَكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ» (اسراء/۶۲) ضمیر مفرد بکار نمی‌برد. بنابراین، کلمه‌ی «بشر» در این آیه اسم عامی است که مورد استعمال آن، تنها یک شخص است. طبق این آیات، با معین شدن خلقت مبدأ نخستین انسان، خلقت همه‌ی انسان‌ها نیز آشکار می‌گردد، زیرا آفرینش حضرت آدم (علیه السلام) به عنوان مبدأ آفرینش، علت بعید محسوب شده و به اعتباری می‌توان خلقت همه‌ی انسان‌ها را به همان مبدأ نسبت داد. دسته‌ی دوم از این آیات، کلت داشته و ناظر به آفرینش همه‌ی انسان‌ها است که، خلقت آن‌ها را از نطفه می‌داند مثل آیه‌ی «إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ» که خلقت تمامی انسان‌ها را از نطفه می‌داند. باید دقت داشت که آیات دسته‌ی دوم، نفی کننده‌ی آیات دسته‌ی نخست نیست،

ریزش آب باران با نظم خاص سبب احیای زمین شده و در پی آن، رویش گیاهان و درختان مختلف با میوه‌های متنوع را دربردارد. در آیه‌ی دیگری آمده است: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ»؛ (سجده/ ۲۷) آیا ندیدند که ما آب را به سوی زمین‌های خشک می‌رانیم و به وسیله‌ی آن زراعت‌هایی می‌رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می‌خورند و هم خودشان تغذیه می‌کنند؛ آیا نمی‌بینند؟! نزول آب باران، پوشاندن لباس حیات بر زمین مرده، زراعت در آن زمین و محصولی که از این آب و زمین به دست می‌آید، همگی نشانه‌ای بر وجود آفریدگاری با عظمت و قدرتمند است. وجود باغ‌ها و درختانی از انواع انگورها و زراعت‌ها در روی زمین، که گاهی از یک ساقه و گاه از ساقه‌های متعدد رشد می‌کنند، همه نشان از مدیر و مدبری دارد که در پشت پرده‌ی نظام هستی است و می‌توان با استفاده از آن بر وحدانیت و یگانگی خدا استدلال کرد (طباطبایی، بی‌تا: ۲۹۴/۱۱)

تمامی آیاتی که مضمونی شبیه آیات مذکور دارند، با صراحت مظاهر توحید و یکتاپرستی را در آب و خاک و کشاورزی و محصولات آن می‌دانند. از این رو آیاتی که در قرآن کریم در رابطه با آب و خاک و محیط زیست هستند، همه در سیاق توحید بوده و در صدد اثبات ذات حق تعالی، توحید و خدایپرستی است.

۲-۲. منشأ خلقت و حیات بخشی از آب

و خاک

در آیات متعددی از قرآن کریم درباره‌ی مراحل آفرینش انسان و مواد بکار رفته در خلقت



از آن می‌دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۶) آقای مصباح یزدی در تفسیر آیهی «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا» (فرقان/ ۵۴)؛ و اوست خدایی که انسان را از آب آفرید؛ می‌فرماید که منظور از کلمه‌ی ماء در این آیه، همان آب معروف است. اگر چه که در اصطلاح قرآن، کلمه-ی ماء محدود و منحصر در ماده‌ای که از اکسیژن و هیدروژن ترکیب شده باشد نیست، بلکه این واژه گستره‌ی وسیعی داشته و شامل نطفه هم می‌شود (همان).

نکته‌ی حائز اهمیت این است که، این دسته آیات نیز با آیات ماقبل تناقضی نداشته و قابل جمع است. تناقض میان آیات ناظر به آفرینش، زمانی مطرح است که، از هر آیه افاده‌ی حصر در نظر گرفته شود. یعنی زمانی که صحبت از آفرینش انسان از خاک است، آفرینش را منحصر در خاک دانسته و آن جا که بحث آفرینش از آب است هم، آفرینش را منحصر در آب بدانیم. در حالی که حصری در آیات مطرح شده وجود ندارد و آیات درصدد ذکر منشأ آفرینش هستند که به اقتضای بلاغت، برخی از آیات، ناظر به برخی از عناصر آفرینش که آب یا خاک باشد است و برخی دیگر مجموع آن‌ها که طین باشد را ذکر می‌کنند (همان: ۳۲۵).

در سوره‌ی فرقان خداوند تنها آغاز آفرینش انسان را آب دانسته، ولی در آیه‌ی «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنَ الْمَاءِ» (نور/ ۴۵) مبدأ آفرینش هر جنبه‌ای آب معرفی شده و در آیه‌ی «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» (انبیاء/ ۴۰) بصورت کلی و عام، حیات هر چیز زنده‌ای آب شمرده شده است، فرقی نمی‌کند که آب به معنای نطفه باشد

چرا که مواد اصلی نطفه غذاست و غذا هم از خاک به وجود آمده است.

برخی از آیات قرآن هم اشاره به آفرینش انسان از طین «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ» (سجده/ ۷)، حمأ مسنون «انی خالق بشرأ من صلصال من حمأ مسنون» (حجر/ ۲۸) و «صلصال» «خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ» (الرحمن/ ۱۴) دارد. تعبیرات بکار رفته در این آیات، همگی به خاک برمی‌گردد چرا که «طین»، همان خاکی است که با افزودن آب به دست می‌آید، وقتی که آب گِل کم شده و رو به خشکی رود، به آن «صلصال» می‌گویند و «حمأ مسنون»، گل و لای کنار جوی و دریاست. ملاحظه می‌شود که تمامی این آیات، با آیاتی که آفرینش را از خاک می‌دانند قابل جمع بوده و تناقضی در آن دیده نمی‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۳۲۵/۱).

دسته‌ی دیگری از آیات قرآن، آفرینش انسان از آب می‌دانند. در مورد این آیات، دو دیدگاه در میان دانشمندان وجود دارد. دیدگاه اول، منظور از خلقت انسان از آب را به این معنی می‌دانند که، آب زیادی در بدن انسان وجود دارد و بیشترین ماده‌ی متشکل بدن، آب است. اما دیدگاه دوم منظور از این خلقت را، آفریده شدن انسان از نطفه و منی می‌دانند. در سوره‌ی انبیاء آمده است: «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ» (انبیاء/ ۳۰) برخی از اساتید، دو احتمال را در تفسیر این آیه مطرح می‌کنند: احتمال اول این است که، حیات تمامی موجودات زنده چه حیوان و چه نبات، وابسته به آب است. اما در احتمال دوم، ماء را به آب نطفه معنا کرده و حیات موجود زنده را



می‌شود هر چیزی که به آن برخورد می‌کند پاک گردد (جصاص، ۱۴۱۲: ۱/۵). خداوند متعال در آیات ۴۳ سوره‌ی نساء و ۶ سوره‌ی مائده، آب را عامل و ابزار اصلی طهارت دانسته و به مؤمنین سفارش می‌کند که برای طهارت و تطهیر شدن و آمادگی برای عبادت، از آب بهره ببرند.

آیه‌ی «لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْفُسًا كَثِيرًا» (فرقان/۴۹)؛ تا به سبب آن باران زمین خشک و مرده را زنده سازیم و آنچه آفریدیم از چهارپایان و آدمیان بسیار، همه را از آن سیراب گردانیم؛ احیای زمین مرده و فراهم ساختن آب آشامیدنی چهارپایان و انسان‌ها را، از اغراض نزول آب طهور شمرده و با این مناسبت، نقش آب را فراتر از بهداشت فردی می‌داند. این آیه، تطهیر زمین و پیرایش محیط از هر نوع آلودگی مضر و بهداشت اجتماعی را از دیگر ویژگی‌های آب برشمرده و بیان می‌دارد که، نزول آب طاهر بر زمین علاوه بر این که برگ درختان را جلا می‌دهد، میکروب‌های پراکنده‌ی در هوا را نیز فرومی‌ریزد. با جاری شدن آب بر روی زمین، کثافت‌های روی زمین نیز وارد رودخانه‌ها، دریاها یا زمین شده و توسط موجودات ذره‌بینی درون آب از بین می‌روند (بازرگان، بی‌تا: ۲۲-۲۵).

آب طاهر و مطهر بوده و کلید قرب و مناجات با خداوند متعال و حیات قلب است. چنان چه امام صادق (علیه السلام) در روایتی می‌فرماید: «إذا اردت الطهارة و الوضوء فتقدم الی الماء تقدمک الی رحمہ الله تعالی، فان الله تعالی قد جعل الماء مفتاح قربته و مناجاته، و دلیلاً الی بساط خدمته، فکما ان رحمۃ الله تطهر ذنوب العباد، کذلک النجاسات الظاهرة يطهرها الماء لا

یا به‌طور مطلق. برخی با استناد به فرضیه‌های علم جدید که مبدأ اصل حیات را آب دانسته و قائلند نخستین موجودات زنده به صورت حیوان بسیط تک سلولی از آب و در دریا پدید آمده‌اند، درصدد تطبیق آیه با نظریه هستند (معرفت، ۱۳۸۶: ۳۳/۶-۳۴). در ۳۳ آیه از آیات قرآن کریم؛ مانند سوره‌ی نحل آیات ۱۰ و ۶۵، سوره‌ی نمل آیه‌ی ۶۰، سوره‌ی عنکبوت آیه‌ی ۶۳، سوره‌س روم آیه‌ی ۲۴، سوره-ی مرسلات آیه‌ی ۲۷، سوره‌ی ملک آیه‌ی ۳۰، سوره‌ی نور آیه‌ی ۴۵ و ...؛ خداوند آب را مایه‌ی حیات و منشأ تمامی گیاهان و حیوانات و مایه‌ی هستی می‌داند. فهم این حقیقت که نخستین بستر حیات آب است، برای علم دست‌آوردی بزرگ خواهد بود (قطب، ۱۴۱۲: ۴/۲۳۷۶).

۲-۳. خاصیت پاک‌کنندگی آب و خاک

یکی از ویژگی‌های آب و خاک، خاصیت پاک‌کنندگی آن‌هاست. استفاده از آب و خاک برای انجام طهارت، وضو و غسل به خوبی نمایانگر اهمیت این دو عنصر، در بین مسلمانان است. در آیاتی از سوره‌ی فرقان می‌خوانیم: «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا» (فرقان/۴۸)؛ و از آسمان آبی طاهر و مطهر نازل کردیم. در این آیه، صفت طهارت و پاکیزگی که عالی‌ترین صفات است و بر طاهر بودن آب تأکید و مبالغه می‌کند (الاندلسی، ۱۴۲۰: ۱۱۵/۸) برای آب آمده است، همان صفتی که اگر کسی واجد آن باشد محبوب خدا گشته و رحمت الهی شامل حالش می‌شود «... ان الله يحب التوابين و يحب المتطهرين» (البقره/ ۲۲۲). برخی مبالغه را بدین معنا دانسته‌اند که، طهارت زیاد آب، سبب



خداوند آمرزنده و مهربان است. فایده‌ی بهداشتی خاک با توجه به آیه‌ی مذکور در این است که، خاک پاک و زنده به دلیل وجود باکتری‌های فراوانی که در خود دارد، می‌تواند آلودگی‌ها را از بین ببرد، طوری که نبود این خاصیت در خاک، سبب می‌شد که ظرف مدت کوتاهی کره‌ی زمین به یک کانون عفونت تبدیل گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۰/۱/۳)

نکته‌ی قابل توجه در نحوه‌ی پاک‌کنندگی آب و خاک است. آب توانایی کشتن میکروب را ندارد ولی به دلیل خاصیت حلال بودن، می‌تواند انواع میکروب‌ها را در خود حل کرده، شستشو داده و آن‌ها را از بین ببرد. در حالی که خاک، خاصیت میکروب‌کشی دارد و شبیه انتی‌بیوتیک عمل می‌کند. امروزه یافته‌های علمی بیانگر این است که خاک محیط نامساعدی برای میکروب‌های بیماری‌زای انسانی است. برخی از این میکروب‌ها با وجود این که در برابر درمان مقاوم هستند ولی، با ورود در خاک، لحظاتی بعد از بین می‌روند.

به گمان برخی، خاک مخزن عمده‌ی میکروب‌هاست، در حالی که باید به این نکته دقت داشته باشیم که، تمام میکروب‌ها مضر نبوده و در کنار میکروب‌های مضر، میکروب‌های مفید زیادی وجود دارند. باکتری‌ها بیشترین میکروب‌هایی هستند که در خاک وجود دارند. اکثر این باکتری‌ها هوازی بوده و برای زنده ماندن به اکسیژن نیاز دارند. به همین دلیل بر روی لایه‌ی فوقانی خاک زندگی می‌کنند. از این رو، بیشتر میکروب‌ها در قسمت‌های فوقانی خاک هستند و در عمق خاک، میکروب‌های کمتری

غیر؛ (امام جعفر صادق (علیه السلام)، ۱۳۸۱: ۱۸) وقتی اراده‌ی طهارت و وضو کردی، طوری به سوی آب روان شو که گویی به سوی رحمت خدا می‌روی که، خداوند آب و طهارت را کلید قرب و مناجات خود و نشانی برای راهنمایی مردم به سوی خوان خویش قرار داده است. آب نجاسات ظاهری را پاک می‌کند همان‌طور که رحمت خداوند، گناهان بندگان را پاک می‌کند. از این رو، خداوند به سبب فضل و رحمت خویش، حیات قلب باطنی و عبادات را به وسیله‌ی آب (که همانا طهارت است) زندگی و کمال بخشید. در اسلام خاک هم یکی دیگر از مطهرات شمرده شده است. در حدیثی رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) از طرف خداوند می‌فرمایند: «جَعَلْتُ لِي الْأَرْضَ مَسْجِدًا وَ تُرَابُهَا طَهُورًا؛ تمامی زمین را برای تو و امتت مسجد و خاک آن را پاک‌کننده قرار دادیم» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۳۱۳/۱۶؛ صدوق، ۱۳۶۲: ۲۹۲). هم‌چنین امام صادق (علیه السلام) هم در حدیثی دیگر فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَ التُّرَابَ طَهُورًا كَمَا جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا؛ خداوند عز و جلّ خاک را نیز، هم‌چون آب، پاک‌کننده قرار داده است (صدوق: ۲۲۴/۱۰۹/۱).

داشتن طهارت‌هایی هم‌چون وضو و غسل به عنوان مقدمه‌ی عبادات، در وهله‌ی اول باید با آب انجام گیرد و دستور به تیمم بر روی خاک پاک، در صورت عدم امکان بکارگیری آب است. در آیات قرآن آمده است: «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا» (نساء/۴۳)؛ پس اگر آب (برای غسل یا وضو) نیابید، با خاک پاکی تیمم کنید! و از آن، بر صورت [پیشانی] و دست‌ها بکشید! که



کاهش استرس آنان، زندگی را برایشان مطلوب‌تر و دل‌چسب‌تر می‌کند (لووری و دیگران، ۲۰۰۷). روایت شده است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بر کودکانی عبور کردند که مشغول خاک بازی بودند. برخی از صحابه، آنان را از بازی با خاک نهی کردند. اما پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «إِنَّ التُّرَابَ رَبِيعُ الصَّبَّانِ؛ بگذارید بازی کنند، خاک بهار کودکان است» (قضاعی، ۱۳۶۱: ۸۹).

آب و خاک حاوی باکتری‌هایی هستند که در بدن انسان وجود ندارد ولی برای بدن ما مفید بوده و موجب تقویت سیستم ایمنی بدن می‌گردد. ارتباط با آب و خاک، سبب تماس این باکتری‌ها با بدن شده و در نتیجه سیستم ایمنی بدن تقویت گشته و توانایی لازم برای دفاع از خود در برابر میکروب‌ها را به دست آورد.

از این رو، آب و خاک مؤثر در درمان افسردگی و افزایش شادی انسان‌ها بوده که موجب سلامتی جسم و جان می‌گردد. نمونه‌ی عملی این تأثیر را می‌توان، در افرادی که سر و کار زیادی با گل و گیاه دارند به وضوح مشاهده کرد.

راه دیگر مقابله با بیماری افسردگی، گرفتن دوش آب سرد است. شوک سرد که همان برخورد آب سرد با پوست است، منجر به سرعت تنفس و ضربان قلب گردیده و در نتیجه، جذب اکسیژن در بدن بیشتر گشته و تا حدی رگ‌ها منقبض می‌گردند. در این حالت، تلاش بدن در این است که با خون‌رسانی به اندام‌های حیاتی آن‌ها را گرم نگه دارد. نتیجه‌ی این فعالیت‌ها،

زندگی می‌کنند. خود این باکتری‌ها هم، با حمله به کانون‌های عفونت و از طریق تجزیه‌ی مواد آلی موجود در گیاهان مرده و در لاشه و مدفوع حیوانات، نقش به‌سزایی را در کشتن میکروب‌ها ایفا می‌کنند (همان: ۴۰۰/۳).

۴-۲. سلامت جسم و روح با آب و خاک

در دنیای امروز، داشتن احساس غم و ناراحتی و دست و پنجه نرم کردن با مشکل افسردگی، گریبان‌گیر افراد زیادی از جامعه شده است. به گمان برخی تنها راه حل برای رفع این مشکل، استفاده از داروهای ضد افسردگیست، در حالی که باید به این افراد گوشزد کرد که، استفاده از آب و خاک و پرورش گل و گیاه، بهترین راه حل در درمان افسردگی است. پژوهش‌ها حاکی از آن است که، در درون خاک میکروب‌هایی وجود دارد که مغز، سیستم عصبی و رفتار انسان را تحت تأثیر قرار داده و هم‌چون داروی پروراک (ضد افسردگی) عمل می‌کنند. میکروب خاک، مایکوباکتریوم واکه (*Mycobacterium vaccae*) نام دارد که قادر به تحریک «سروتونین» است. سروتونین با بیماری‌های افسردگی، وسواسی، اضطراب و اختلال دو قطبی ارتباط مستقیمی دارد و کاهش آن سبب شدت یافتن این بیماری‌ها می‌شود. ارتباط و تماس بدن با خاک، سبب افزایش «سیتوکینین» خون گشته و این امر خود باعث می‌شود که سروتونین خون زیاد گردد و افزایش ترشح سروتونین در بدن، سبب ایجاد حس آرامش و شادی می‌شود. بازی با خاک حتی در سلامتی بیماران سرطانی هم مفید بوده و با

فعال‌تر شدن سیستم تنفسی و گردش خون است.

شوکی که دوش آب سرد به بدن وارد می‌کند، مکانیسم جنگ و گریز را که مربوط به شرایط خطر است، فعال می‌کند و طبیعتاً بدن هم شروع به بروز پاسخ‌های مربوطه که افزایش انرژی، قدرت و در واقع ترشح آدرنالین است، می‌کند. به همین اساس یافته‌های تحقیقات، راهکاری مناسب برای مواجهه با سندرم خستگی مزمن (CFS) را استفاده از دوش آب سرد می‌داند (Nikolai A Shevchuk، ۲۰۰۷).

۵-۲. رونق چرخه‌ی کشاورزی با آب و خاک

آب و خاک از اعظم نعمت‌هایی است که قرآن و روایات در مناسبت‌های گوناگونی از آن‌ها یاد کرده و با اراده‌ی حضرت حق، از ترکیب این دو، انواع برکات و نعمت‌ها به انسان می‌رسد. این دو عنصر، به عنوان ماده‌ی اصلی و از جمله عوامل تأثیرگذار در زراعت و کشاورزی است. در آیاتی از قرآن آمده است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ» (فاطر / ۲۷)؛ آیا ندیدی که خدا آبی را از آسمان فرود آورد، و به آن انواع میوه‌های گوناگون و رنگارنگ پدید آوردیم؟ و (در زمین) از کوه‌ها طرق زیاد و اصناف و رنگ‌های مختلف سفید و سرخ و سیاه هست (که خدا خلقت فرمود). در جای دیگر می‌خوانیم: «وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ» (ق / ۹)؛ ما از آسمان آب با برکت را نازل کردیم و با آن باغ‌های میوه و دانه‌ی چیده

شده رویانندیم. در آیه‌ی دیگری می‌فرماید: «وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَاتِرًا كَبِيرًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَُمْ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ» (انعام/۹۹)؛ و هم اوست خدایی که از آسمان آبی فرو بارید پس هر نبات را بدان رویانندیم و سبزه‌ها را از زمین برون آوردیم و از آن سبزه‌ها دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده بیرون آریم و از شکوفه‌ی نخل خوشه‌هایی است به هم پیوسته، و باغ‌های انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه به هم است (خلق کنیم)، شما در آن باغ‌ها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد (با چشم تعقل) بنگرید، که در آن آیات و نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای اهل ایمان هویدا است. در این آیات، استفاده از برکت آب و رویش انواع گوناگون میوه‌ها خاطر نشان شده و خداوند با معرفی خود به عنوان زارع و رویاننده‌ی نباتات، انسان‌ها را به تدبیر در آن فرامی‌خواند. آیاتی که به جریان کشت و رویدن گیاهان از زمین اشاره دارند، علاوه بر بیان اهمیت آب و خاک و ارتباط عمیق آن با کشاورزی، بیانگر نمونه‌ای از قدرت الهی بوده که مایه‌ی آگاهی و بصیرت انسان می‌گردد.

کشاورزی از جمله شغل‌های ارزشمندی است که بسیار مورد عنایت خدا بوده و پیشوایات دینی، نه تنها خودشان با علاقه به این کار مبادرت کرده، بلکه دیگران را نیز تشویق می‌نمودند. در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «الزَّارِعُونَ كُنُوزَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ مَا فِي

الأعمال شىء أحبَّ إلى الله من الزَّراعةِ» (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۴۲/۱۷) کشاورزان گنج‌های خدا در زمین اویند، و در میان کارها هیچ کاری نزد خداوند محبوب‌تر از کشاورزی نیست. در حدیث دیگری امام باقر (علیه السلام) می‌فرمایند: «خیرالأعمال زرعٌ یزرعه فیأکل منه البرّ والفاجر» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۶۰/۵) بهترین کار، کشاورزی است که از حاصل آن، نیکوکار و بدکار می‌خورند.

از آن جایی که یکی از منابع اصلی برای دست‌یابی به تغذیه‌ی انسان کشاورزی است، اسلام تأکید فراوانی بر روی آن داشته است. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌فرمایند: «من وجد ماء و ترابا ثم افتقر فابعدہ الله» (مجلسی، ۱۰۳/۶۵) کسی (جامعه‌ای) که آب و خاک در اختیار داشته باشد و به فقر و تنگدستی دچار شود خداوند او را از رحمتش دور می‌سازد. در آیه‌ی «وَوَيْدُكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَيَجْعَلُ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَ يَجْعَلُ لَكُمْ أَنْهَارًا» (نوح/۱۲) شاخصه‌ی پیشرفت جامعه را در توسعه‌ی اقتصادی و افزایش تولیدات کشاورزی می‌داند.

۶-۲. خاک بستری برای ذخیره‌ی منبع

آب

سطح فوقانی زمین به گونه‌ای آفریده شده که وقتی باران می‌بارد، حجم زیادی از آب‌ها در خاک نفوذ کرده و آن هنگام که به طبقات سخت زمین می‌رسند، در زیر زمین انباشته شده و تبدیل به سفره‌های بزرگی از آب می‌گردد. انسان با حفر چاه، آب را از زیر زمین استخراج کرده و از آن برای رفع عطش، انجام زراعت و کشاورزی و یا صنعت استفاده می‌کند. در سوره‌ی مبارکه‌ی

زمر آمده است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ» (زمر/ ۲۱)؛ آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی نازل کرد سپس آن را به صورت چشمه‌هایی در زمین وارد نمود. آیه بیانگر این مطلب است که، آب باران نفوذ کرده در اعماق زمین، منبعی برای آب‌های درونی مثل چشمه‌ها و قنات‌ها و چاه‌ها هستند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۴۲۲/۱۹). آیه‌ی «وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَّا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَى ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ» (مؤمنون/ ۱۸)؛ و از آسمان، آبی به اندازه فرو فرستادیم، پس این آب را در مخازن مخصوص ساکن کردیم در جایی که اگر می‌خواستیم آن را از بین ببریم کاملاً قدرت داشتیم، از دیگر آیاتی است که به مسأله‌ی ذخیره‌ی آب در زمین اشاره داشته است. کلمه‌ی «قدر» در قسمت ابتدایی آیه، اشاره‌ی لطیفی بر نظم حاکم در نزول باران و ثمر بخشی آن دارد. بارش باران نه زیاد است که زمین‌ها را در خود غرق کند و نه کم است که رفع عطش نکند. از ادامه‌ی آیه می‌توان برداشت کرد که، زمین متشکل از دو طبقه‌ی نفوذپذیر و نفوذناپذیر است. سطح فوقانی نفوذپذیر بوده و آب باران را در خود فرومی‌برد. اما سطح زیرین خاک، نفوذناپذیر بوده و آب را در خود ذخیره می‌کند و بعدها به صورت چشمه و چاه . قنات مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد (همان: ۲۳۹/۱۴).

۳. قرآن و وظیفه‌ی ما در قبال آب و

خاک

آب و خاک از بارزترین و آشکارترین مواهب الهی و نعمت‌های خداوندی است. در عرصه‌ی گیتی، انسان به عنوان اشرف مخلوقات، با بهره-



اسراف‌کنندگان اهل آتش‌اند. پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «یاکم و السرف فی المال و النفقہ و علیکم بالاعتقاد» (حکیمی، بی‌تا: ۸۲/۴) از اسراف در مال و خرج زندگی بپرهیزید و هرگز جانب اعتدال را رها نکنید. با استناد به این آیات و روایات، الگوی رفتاری مناسب در استفاده از آب و خاک ترسیم گشته و اسراف، از جمله گناهان کبیره به شمار می‌رود.

بی‌توجهی و سوء مدیریت در مصرف آب و خاک، از مهم‌ترین عوامل در نابودی تمدن است. اتخاذ سیاست‌های بهره‌برداری اصولی و فنی سبب می‌گردد تا این دو ثروت ملی به نسل‌های بعدی مسترد گردد. اجرا و بکارگیری سیاست‌های اصولی، در گرو میزان توجه و عنایت جدی طبقات مردم است که از طریق اراییه‌ی طرح و برنامه، تصویب قانون، اجرای دقیق آن، آموزش و ارتقاء بیشتر سطح آگاهی مردم میسر می‌باشد. توصیه‌ها و تأکیدات اسلام در حمایت از آب و خاک و حفظ و حراست آن‌ها برای تأمین نیازهای انسان امروزی و نسل‌های بعدی است. پس همه در برابر آب و خاک مسؤول هستند و باید از این دو نعمت الهی به درستی بهره‌برده و از آلودگی و هدر رفت آن اجتناب کنند.

نتیجه‌گیری

۱. کلمه‌ی «ماء»، برابر عربی واژه‌ی «آب» است که به معنای درخشش، نرمی و سریان بوده و ۶۶ بار در قرآن کریم، گاه با صیغه‌ی مفرد و گاهی هم با اتصال به ضمیر و اوصاف مثبت و منفی به کار رفته است. خاک هم به معنای لایه‌ی سطحی روی پوسته‌ی زمین است که در اثر

گیری از نیروی تعقل و تفکر توانسته است این مواهب را تسخیر کرده و نقش عمده‌ای را در تغییرات ایجاد شده‌ی پیرامون خود ایفا نماید. تلاش در پی اتخاذ شرایط بهتر و ایده‌آل زندگی، در کنار رشد روزافزون جمعیت، انسان را واداشته که تمام عوامل محیطی را به نفع خود دستخوش تغییر کند، که گاهی این تغییرات، مشکلات بزرگی را به وجود می‌آورند. دقت و کوشش در مصرف، حفظ و حراست از عوامل طبیعی مخصوصاً آب و خاک به عنوان دو ودیعه‌ی ارزشمند الهی، وظیفه‌ی تمام انسان‌هاست.

تأکید اسلام همواره بر استفاده‌ی مشروع و صحیح از نعمت‌های الهی است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در این باره می‌فرمایند: «تحفظوا من الارض فانها امکم» (نوری، ۱۴۰۸: ۲۹۵)؛ از زمین (آب، خاک و آنچه در آن است) حفاظت کنید، به درستی که آن مادر شماست. قرآن کریم در پاره‌ای از آیات خود به مسئله‌ی صرفه‌جویی و عدم اسراف اشاره داشته و می‌فرماید: «کُلُوا و اشربُوا و لا تُسرفُوا» (اعراف/ ۳۱)؛ از نعمت‌های خدا بخورید و بیاشامید و اسراف نکنید. اسراف به معنای تجاوز از حد و اعتدال (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۷۶/۴)، کلمه‌ی بسیار جامعی بوده و شامل هر نوع زیاده‌روی در کم، کیف، بیهوده‌گویی و اتلاف می‌شود. اعتدال، میانه‌روی و پرهیز از سوء استفاده در هنگام استفاده از مواهب آفرینش، روش قرآن بوده و زیاده‌روی و اسراف در هر چیزی، از صفات زشت و مورد غضب خداوند می‌باشد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۸۳/۶). در آیات سوره‌ی غافر می‌خوانیم: «أَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ» (غافر/ ۴۳)؛



۵. ایجاد بستر و زمینه‌ی مناسب برای انجام کشاورزی؛ که بقای عمر بشر به آن وابسته است؛ در گرو فراهم بودن آب و خاک است. رابطه‌ی میان آب، خاک، بارش باران و رویش گیاهان بسیار پیچیده و دقیق بوده و تأمل و اندیشه در آن می‌تواند راهنمای آدمیان به قدرت، علم و حکمت الهی باشد. جریان کشت و رویدن گیاهان از زمین، نمونه‌ای از قدرت الهی و مایه‌ی بصیرت و آگاهی انسان‌ها است.

۶. عواملی هم‌چون رشد روزافزون جمعیت و استفاده‌ی بی‌رویه از آب و خاک، موجب ناسالم شدن محیط زیست و سوق جامعه به سمت تخریب تدریجی و جبران‌ناپذیر منابع زیست محیطی گردیده است. هر فرد مسلمانی در برابر آب و خاک مسؤول بوده و باید از این نعمت‌های الهی به خوبی محافظت کرده و از آلوده کردن و اسراف آن جلوگیری کند.

عوامل مختلف فیزیکی، شیمیایی و حیاتی به وجود آمده و معادل عربی آن واژه‌های «تراب»، «صعید»، «ثری» و «متربه» می‌باشد که هر یک به ترتیب ۱۸، ۴، ۱ و ۱ بار در قرآن تکرار شده است.

۲. دریافت قدرت، تدبیر و حکمت خداوندی از جمله ویژگی‌هایی است که با تفکر و دقت در آیاتی که اشاره به نعمت آب و خاک کرده است، می‌توان به آن دست یافت. آفرینش موجود زنده و پرارزشی هم‌چون انسان از دو عنصر آب و خاک، از شگفتی‌های عالم آفرینش و عجائب بزرگ جهان هستی بوده و دلیلی آشکار و واضح بر مبدأ بزرگ می‌باشد.

۳. قرآن مجید درباره آغاز پیدایش انسان تعبیرات گوناگونی دارد و این اختلاف به این دلیل است که، هر آیه جهتی از آفرینش را مدنظر داشته و جهت دیگر را لحاظ نکرده است. برخی آیات آفرینش انسان را از خاک، برخی دیگر آفرینش را از آب و برخی هم از گل می‌دانند. مجموع مستندات قرآنی حاکی از آن است که خداوند متعال آب و خاک را مایه‌ی حیات و منشأ ایجاد تمامی جانداران اعم از گیاهان، جانوران، تک سلولی‌ها و ... می‌داند.

۴. آب و خاک، عامل و ابزار اصلی طهارت بوده که مسلمانان برای طهارت و آماده شدن برای عبادت، از آن بهره می‌برند. هم‌چنین این دو عنصر، تأثیر بسزایی در درمان افسردگی و افزایش شادی انسان‌ها داشته و موجبات سلامتی جسم و جان او را فراهم می‌کند. نمونه‌ی عملی این تأثیر را می‌توان، در افرادی که سر و کار زیادی با گل و گیاه دارند به وضوح مشاهده کرد.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. الاندلسی، ابوحنان (۱۴۲۰ق). البحر المحيط فی التفسیر. محقق صدقی محمدجلیل، بیروت: دارالفکر.
۳. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمدبن علی (۱۳۶۲). الخصال. تصحیح علی اکبر غفاری، بی‌جا: جامعه‌ی مدرسین.
۴. (بی‌تا). من لا یحضره الفقیه. محقق علی اکبر غفاری، بی‌جا: جامعه‌ی مدرسین فی حوزه‌ی علمیّه.
۵. ابن منظور، محمدبن مکرّم (۱۴۱۴ق). لسان العرب، بیروت: دارصادر.
۶. امام جعفر صادق (علیه السلام) (۱۳۸۱). مفتاح الشریعه و مفتاح الحقیقه. ترجمه‌ی عباس عزیزی، قم: صلاه، چاپ چهارم.
۷. بازارگان، مهدی (بی‌تا). مطهرات در اسلام. تهران: انتشارات جهان آرا.
۸. حرعاملی، محمدبن حسن بن علی (۱۴۱۹ق). وسایل الشیعه. قم: مؤسسه‌ی آل‌البتیت.
۹. حکیمی، محمدرضا و محمد و علی حکیمی (بی‌تا). الحیاه. مترجم احمد آرام، بی‌جا: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۰. حمیدی کلیجی، سعید (۱۳۸۶). قرآن و طبیعت «پدیده‌های شگفت‌انگیز عالم آفرینش». قم: حلم.
۱۱. رازی جصاص، احمدبن علی ابوبکر (۱۴۱۲ق). احکام القرآن للجصاص. محقق محمدصادق قمحوی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.
۱۲. سید قطب، ابراهیم حسین الشاربی (۱۴۱۲). فی ضلال القرآن. بیروت- قاهره: دار الشروق.
۱۳. سید مظفری، فریده دخت (۱۳۷۶). زیست‌شناسی سلولی و مولکولی. تهران: دانشگاه پیام نور.
۱۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۰ش). تفسیر مجمع البیان، ترجمه‌ی مترجمان، تهران: فر اهانی، چاپ اول.
۱۶. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی‌تا). العین. محقق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دار و مکتب الهلال.
۱۷. قرشی، سیدعلی اکبر (۱۴۱۲ق). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم.
۱۸. قضاعی، محمد بن سلاله (۱۳۶۱). شرح فارسی شهاب الاخبار (کلمات قصار پیغمبر خاتم). مصحح میر جلال الدین حسینی ارموی، تهران: مرکز انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۹. کردوانی، پرویز (۱۳۸۷). جغرافیای خاکها. تهران: مؤسسه‌ی انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۲۰. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم.
۲۱. لووری، کریستوفر و دیگران. مقاله‌ی «شناسایی یک سیستم سروتونرژیک مزولیمبیکورتیکال پاسخ دهنده سیستم ایمنی: نقش بالقوه در تنظیم رفتار عاطفی». ۲۸ مارس ۲۰۰۷، مجله‌ی علوم اعصاب <http://www.sage.edu/newsevents/news/>.
۲۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار، بیروت: مؤسسه‌ی الوفاء، چاپ سوم.
۲۳. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰). التحقيق فی کلمات القرآن. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۲۴. معرفت، محمدهادی (۱۳۸۶). التمهید فی علوم القرآن. قم: مؤسسه‌ی فرهنگی انتشاراتی التمهید.
۲۵. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۳ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و ششم.
۲۶. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۳). معارف قرآن ۱-۳: خدانشناسی، کیهان‌شناسی، انسان‌شناسی، قم: انتشارات مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمت الله علیه)، چاپ هفتم.
۲۷. موریسون، تورنتون و نیلسون بوید (۱۳۹۱). شیمی آلی (۱). ترجمه‌ی علی سیدی اصفهانی، عیسی یآوری و احمد میرشکرایی، تهران: نشر علوم دانشگاهی.
۲۸. نوری، میرزا حسن (۱۴۰۸). مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه‌ی آل‌البتیت (علیه السلام)، الاحیاء التراث.
۲۹. وراوی پور، مریم (۱۳۸۹). خاک‌شناسی عمومی. تهران: دانشگاه پیام نور.

31. Nikolai A Shevchuk. Possible use of repeated cold stress for reducing fatigue in chronic fatigue syndrome: a hypothesis. 2007 Oct 24

قرآن، غذا و تغذیه

رقیه خلیلی

دانش آموخته سطح ۳ حوزه‌ی فدک و پژوهشگر مرکز پژوهشی حوزه‌ی علمی‌ی استان همدان (نویسنده مسئول):
r.khalili@whc.ir

چکیده

بر اساس آموزه‌های قرآنی، از حیاتی‌ترین فرآیندهای زندگی، که نقش کلیدی در تأمین سعادت دین و دنیای انسان‌ها ایفا می‌کند، بحث غذا و تغذیه است. نام‌گذاری پنجمین سوره‌ی قرآن به مائده (سفره‌ی آسمانی)، وجود دویست و پنجاه آیه‌ی قرآن درباره‌ی مسأله‌ی غذا و تغذیه، قسم خوردن خداوند به غذا (والتین و الزیتون)، دستور تأمل و تفکر در تغذیه و درخواست غذا توسط حضرت موسی و عیسی (علیهم السلام)، همه دلالت بر جایگاه ارزشمند غذا و تغذیه در آموزه‌های قرآنی دارد. پژوهش حاضر به دنبال پاسخی است که بیان کند نگاه قرآن به مسأله‌ی غذا و تغذیه چگونه است؟ در این مقاله، نویسنده سعی کرده به بررسی مفاهیم غذا و تغذیه پرداخته و ضمن تعریف آن‌ها، به بیان اصول و مبانی غذا و تغذیه، و ره‌آوردهای آن بر اساس آیات قرآن، با شیوه‌ی توصیفی و تحلیلی بپردازد. مبدأ پیدایش غذا از جانب خداوند بوده و در راستای تأمین سلامتی، استمرار حیات و یافتن نیرو برای انجام تکالیف الهی به انسان عطا شده است. تأکیدات آیات قرآن بر کمیّت و کیفیت، حکمت و فلسفه، اصول کلی و اساسی، لزوم و چگونگی و ره‌آوردهای غذا و تغذیه، نشان از اهمیّت فوق‌العاده‌ی موضوع داشته و هشدار برای انسان‌هاست که، باید در امر غذا و تغذیه نهایت دقّت را داشته باشند.

واژگان کلیدی: قرآن، غذا، تغذیه، سلامتی

مقدمه

تغذیه، مقدار آن، استفاده از روزی‌های حلال و طیب و اجتناب از روزی‌های حرام و خبیث است. سؤال‌هایی در این پژوهش مطرح است که شامل: ۱. اصول و مبانی غذا و تغذیه در آموزه‌های قرآن چیست؟ ۲. ره‌آوردهای غذا و تغذیه در قرآن چه می‌باشد؟ در بررسی پیشینه، کتاب‌ها و مقالات مختلفی به چشم می‌خورد که به بحث غذا و تغذیه پرداخته و آن را با توجه به موضوع تحقیق، مورد بحث و بررسی قرار داده است. برخی از پژوهش‌هایی که با موضوع تحقیق در ارتباط هستند عبارتند از: ۱. کتاب «غذا و تغذیه در

غذا و تغذیه از حیاتی‌ترین نیازهای روزمره‌ی هر موجود زنده‌ای است که حتّی انبیاء و پیامبران الهی هم از آن مستثنی نبودند. این موضوع از جمله مقوله‌های کاربردی در جهت تکامل جسم، روح، اخلاق و اجتماع محسوب شده و مانند سایر موضوعات، در آیات قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. دقّت و توجه در آموزه‌های قرآن و احادیث ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) نشان می‌دهد که، سلامت جسم و روح، داشتن اخلاق برتر و قرار گرفتن در مسیر توحیدی، در گرو نوع



آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی» اثر آخوندی که به بیان کلیات و مطالبی از قبیل خوردنی‌های حرام و ناروا، خواص و نتایج آن پرداخته است. ۲. کتاب «اصول نوین تغذیه در سلامتی و بیماری» به قلم منوچهر سعادت نوری، که در آن به بررسی تغذیه، ویتامین‌ها، سوء تغذیه و بیماری‌ها پرداخته است. ۳. مقاله‌ی «تغذیه و نقش آن در سلامت جسم و روان جوانان و نوجوانان» نوشته‌ی محمد جواد صمدی، که بیشتر تکیه بر مباحث تغذیه‌ای جوانان و نوجوانان داشته و آن را مورد مطالعه قرار داده است. ۴. مقاله‌ی «نگاهی به غذا و تغذیه در اسلام» اثر مصطفی آخوندی، که در آن، برخی از آداب تغذیه و تأثیرات آن مورد بررسی قرار گرفته است.

پژوهش پیش‌رو علاوه بر تعریف واژه‌های غذا و تغذیه، با توجه به آموزه‌های قرآن، اصول و مبانی غذا و تغذیه را بررسی کرده و ره‌آورد‌های مختلف آن را بازگو کرده است.

۱. مفاهیم

از ضروری‌ترین کارها قبل از انجام هر تحقیقی، آشنایی با مفاهیم آن از ضروری‌ترین کارهاست. به همین جهت در ابتدا، معانی عبارات به کار رفته در پژوهش، بررسی می‌شود.

۱-۱. مفهوم غذا

اصل کلمه‌ی غذا، غِذَاءٌ با کسر غین بوده و معنای آن در فارسی و عربی یکسان است. در کتب لغت این واژه به معنای هر آنچه که خورده یا آشامیده می‌شود تا بدن با آن نیرو بگیرد، آمده است. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۱۹/۱۵؛ فیروزآبادی، ۳۶۹/۴) فراهیدی منظور از غذا را خوردنی و نوشیدنی و شیر معنا کرده است. (فراهیدی، بی‌تا:

۱۲) کلمه‌ی غذا واژه‌ای است که در احادیث ائمه - ی معصومین (علیهم السلام) نیز استعمال شده است. به عنوان نمونه در حدیثی از امام صادق (علیه السلام) آمده است: «كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ غِذَاءَ الْإِنْسَانِ فِي مَشْرَبِهِ وَ مَلْبَسِهِ فَلَا تَجُوزُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ؛ هر چیزی که از غذای انسان باشد چه خوردنی و چه نوشیدنی، نماز روی آن جایز نیست.» (حرعاملی، ۱۴۱۹: ۳۴۶/۵) به طور کلی برای غذا دو تعریف عمده ارائه شده است. در تعریف اول به ماده‌ای که خورده شده و یکی از نیازهای گوناگون بدن را رفع کند، غذا گفته می‌شود. اما مشاوران تغذیه، غذا را به ماده‌ای که قابلیت خورده شدن و هضم و جذب داشته باشد و بتواند در بدن به تأمین انرژی، رشد و نمو، حفظ تعادل بدن و... بپردازد، تعریف کرده‌اند. (حسینی، ۱۳۸۲: کلمه - ی طعام)

۱-۲. مفهوم تغذیه

واژه‌ی «تغذیه» از ریشه‌ی غِذَوُ یا غِذَاءٌ، مصدر باب تفعیل بوده و به معنای هر گونه طعام از خوردنی و نوشیدنی، (جوهری، ۱۴۰۷: ۴۴۵/۳) خوراندن و خوراک دادن (معین، ۱۳۷۵: ۱۱۰۶/۱) و آن چه که رشد و نمو جسم به آن بستگی دارد (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۱۹/۱۵)، است. در اصطلاح علمی به مجموعه فرایندها



كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا...؛ ای مردم از آن چه خدا در روی زمین از حلال‌ها و پاکیزه‌ها آفریده، بخورید...» (بقره/۱۶۸) در آیه‌ی دیگر آمده که «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛ ای اهل ایمان، از نعمات پاکیزه‌ای که ما نصیب شما کرده‌ایم بخورید و شکر خدا به جای آرید اگر شما خالص خدا را می‌پرستید». (بقره/۱۷۲) یکی از عوامل کرامت و فضیلت انسان‌ها بر سایر مخلوقات، استفاده از روزی‌های پاک است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ و محققاً ما فرزندان بنی آدم را بسیار گرامی داشتیم و آن‌ها را در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آن‌ها را روزی دادیم و آن‌ها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.» (اسراء/۷۰) به همین دلیل هر فطرت سالمی در پی غذاهای سالم بوده و از غذاهای پست و متعفن بیزاری می‌جوید. (کامرانی، ۱۳۹۱: ۴۰) تکیه بر کلمه‌ی طیب در این آیات، به جهت اجتناب دادن همگان از مصرف غذاهای ناپاکی همچون گوشت خوک، مردار، مسکرات، درندگان و حشرات است. از نکات تأمل برانگیز در این بحث، فرق غذای حلال با طیب است. حلال در مقابل کلمه‌ی حرام قرار داشته و به معنای چیزی است که ممنوعیتی نداشته باشد. در حالی که طیب در مقابل کلمه‌ی خبیث بوده و معنای ملایم بودن با نفس و طبع را می‌دهد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۷۴۴/۱-۶۶۰) غالباً در آیات قرآن کلمه‌ی حلال و طیب در کنار هم و در مقابل غذای حرام ذکر شده

خوردن غذا، هضم و جذب غذا، متابولیسم و دفع مواد زائد، تغذیه گفته می‌شود (عبادی، همان) که با رسیدن غذا به ابتدای دستگاه گوارش شروع شده و با فراهم سازی برداشت مواد مفید در روده‌ها پایان می‌یابد. (آخوندی، ۱۳۸۸: ۲۱) در علم تغذیه از نیازهای غذایی انسان از ابتدای تولد با در نظر گرفتن سن، جنس، شرایط فیزیولوژیک، مقدار مصرف غذاها، رابطه‌ی تغذیه با تندرستی و بیماری و ... بحث و گفتگو می‌شود. (عبادی، همان) از این رو به رابطه‌ی بین مواد غذایی که بدن دریافت می‌کند و نحوه‌ی استفاده از آن مواد در جهت تأمین سلامتی بدن را، تغذیه می‌گویند. (حسینی، ۱۳۷۸: ۹)

۲. اصول و مبانی غذا و تغذیه در آموزه -

های قرآن

از مهم‌ترین و اساسی‌ترین نیازهای هر انسانی که از بدو تولد تا مرگ، قرین و همراه اوست، نیاز غذا و تغذیه می‌باشد. دانستن و عمل کردن به اصولی نظیر: چه بخوریم، چقدر بخوریم و چرا بخوریم، از جمله اصول تغذیه‌ای است که رعایت آن‌ها، لذت و طراوت زندگی و دوری از بیماری‌ها را برای انسان به ارمغان می‌آورد. به همین دلیل در ادامه به تبیین اصول و مبانی غذا و تغذیه با توجه به آموزه‌های قرآن پرداخته می‌شود.

۱-۲. حلیت غذا و تغذیه

کنکاش در آیات قرآن نشان می‌دهد که، اولین اصل در مورد غذا و تغذیه، توجه به حلال بودن غذا و پرهیز از محرّمات است. آیاتی از قرآن کریم مؤمنان را به استفاده از غذاهای پاکیزه و حلال دستور داده و فرموده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ



ظاهر نبوده بلکه منظور، دقت در ساختمان مواد غذایی، اجزاء حیات بخش آن، اثرات آن بر وجود انسان و اندیشه در خالق آن‌هاست. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳) در آیات دیگری آمده است: «كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ از روزی خدا استفاده کنید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید چرا که او دشمن آشکار شماست.» (انعام/۱۴۲) این آیه صراحتاً اعلام می‌دارد که بهره‌مندی از غذا و تغذیه، نباید تنها مبتنی بر سلیقه و ذائقه‌ی افراد باشد بلکه لازم است در این امر مهم، از سیاست‌گذاری‌ها و خط‌مشی‌های تعیین شده از جانب خداوند استفاده کنیم. (واسطی، ۱۳۹۱: ۱۶۸) حضرت علی (علیه السلام) در سفارشی به فرزند خود امام حسن مجتبی (علیه السلام)، رعایت کیفیت و دقت در نحوه‌ی تغذیه را ضامن سلامتی دانسته و فرمودند: «فرزندم! آیا چهار نکته به تو نیاموزم که با رعایت آنها از طبابت بی‌نیاز شوی؟ عرض کرد: چرا، ای امیر مؤمنان. حضرت فرمودند: تا گرسنه نشده‌ای غذا نخور و تا اشتها داری از غذا دست بکش و غذا را خوب بجو و قبل از خوابیدن قضای حاجت کن. اگر این نکات را رعایت کنی، از طبابت بی‌نیاز می‌شوی.» (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۹۲)

در آیه‌ای دیگر از سوره‌های قرآن درباره‌ی کیفیت غذا این گونه آمده است: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلِّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى؛ از غذاهای پاکیزه که روزی‌تان کردیم بخورید و در آن طغیان نکنید و از حد و اندازه تجاوز ننمایید (حلال آن را به حرام مبدل نکنید) سپس‌گزار

است. در حقیقت حلیت غذا به معنای منطبق بودن آن با قوانین و ضوابط شرعی و دینی است و طیب بودن هم، به معنای بهره‌مندی از شایستگی‌ها و امتیازات اخلاقی و فرهنگی دین است. (محمدی و فرخی، ۱۳۹۱: ۵۷۵) بررسی آیات قرآن نشان از آن دارد که، تمامی طیبات حلال، و تمامی حلال‌ها برای انسان طیب هستند و این بدان معناست که میان دو کلمه‌ی طیب و حلال؛ با وجود اختلاف در مفهوم؛ رابطه‌ی تساوی برقرار است.

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) درباره‌ی ارزش تغذیه‌ی حلال فرموده‌اند: «هر کس غذای حلال بخورد فرشته‌ای بالای سرش بایستد و برایش آمرزش بخواهد تا از خوردن فارغ شود» (الراوندی، ۱۴۰۷ق: ۲۵). در احادیث دیگری از ائمه‌ی معصومین (علیهم‌السلام)، نورانیت دل (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۳/۱)، توفیق عمل نیکو، تقویت دینداری (حر عاملی، ۱۴۱۹: ۱۵۲/۷۱) و جلب رحمت الهی (متقی هندی، ۱۳۹۷: ۴/۴)، از آثار معنوی بهره‌مندی از تغذیه‌ی حلال برشمرده شده است.

۲-۲. کیفیت غذا و تغذیه

دقت و نظارت بر کیفیت و نوع غذای مصرفی به اندازه‌ای اهمیت دارد که خداوند متعال در آیاتی از قرآن کریم می‌فرماید: «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَى طَعَامِهِ؛ پس انسان باید به خوراکش با تأمل بنگرد.» (عبس/۲۴) توجه به غذا و تغذیه، پاک و تمیز بودن آن، مباح و قابل خوردن بودن، بهداشتی بودن و ... از مواردی است که با دقت و تأمل در آیه به دست می‌آید. برخی از مفسران معتقدند که، منظور از نگاه کردن در آیه، تماشای



ی بیماری‌هاست، و امساک سرآمد همه‌ی داروهاست و آن چه بدنت را عادت داده‌ای آن را از او دریغ مدار.» (طبرسی، ۱۳۶۰: ۴۱۲/۲)

باید دقت داشته باشیم که، زیاده‌روی در خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها، همان طور که در آیات قرآن آمده است: «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي ...؛ بخورید از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما دادیم، ولی در آن طغیان نکنید که غضب من بر شما وارد خواهد شد ...» (طه/۸۱)، زمینه‌ی غضب خداوند را فراهم می‌کند. (طباطبایی، ۲۶۱/۱۴؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۲۶۲/۱۳؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۴۴/۷) امام رضا (علیه‌السلام) درباره‌ی میزان نیاز بدن به غذا، بدن را به زمینی تشبیه کرده و می‌فرماید: «إِنَّ الْجَسَدَ بِمَنْزِلَةِ الْأَرْضِ الطَّيِّبَةِ الْخَرَابِ؛ إِنْ تُعْوِدَتْ بِالْعِمَارَةِ وَالسَّقْيِ مِنْ حَيْثُ لَا تَرْدَادُ مِنَ الْمَاءِ فَتَغْرُقُ، وَلَا تَنْقُصُ مِنْهُ فَتَعْطَشُ، دَامَتْ عِمَارَتُهَا، وَ كَثُرَ رِيْعُهَا، وَ زَكَ زَرْعُهَا. وَ إِنْ تَغَافَلَتْ عَنْهَا فَسَدَتْ، وَ نَبَتَ فِيهَا الْعُشْبُ. وَ الْجَسَدُ بِهَذِهِ الْمَنْزِلَةِ، وَ بِالتَّدْبِيرِ فِي الْأَغْذِيَةِ وَ الْأَشْرِبَةِ يَصْلَحُ وَ يَصِحُّ، وَ تَزْكُو الْعَافِيَةُ فِيهِ؛ بدن انسان، همانند زمینی پاک و آماده برای زراعت است. اگر در آبادانی و آبیاری آن دقت شود به گونه‌ای که نه فراتر از نیاز به آن آب بدهند که غرقاب و باتلاق درست شود، و نه کمتر از نیاز که آن را گرفتار تشنگی کند، همواره آباد خواهد بود. اما اگر از آن غفلت شود، رو به تباهی رفته و علف هرز در آن می‌روید؛ بدن چنین حکایتی دارد و تدبیر آن در خوراک و پوشاک چنین است.» (نوری، ۱۴۰۸: ۴۵۵)

باشید و اسراف و زیاده‌روی نکنید که غضب و خشم من بر شما فرود می‌آید و غضب و خشم من بر هر که فرود آید محققاً هلاک و تباہ خواهد شد.» (طه/۸۱) خداوند متعال در این آیه انسان را به استفاده از غذای پاک، و اجتناب از تصرف خائنه در غذاها، مخلوط کردن حلال و حرام، خراب کردن مواد غذایی امر کرده و آن را از زشتی‌ها و پلیدی‌ها به شمار آورده است.

۲-۳. کمیّت غذا و تغذیه

توجه به کمیّت و مقدار غذا و تغذیه، از دیگر اصولی است که آیات قرآن به آن اشاره کرده است. در رساندن غذا به بدن لازم است که حدّ اعتدال و میانه‌روی رعایت گشته و از هر نوع افراط و تفریطی اجتناب گردد که هر دو برای بدن ضرر و مفسده دارد. آیات قرآن بر مسأله‌ی کمیّت غذا و تغذیه توجه داشته و آورده است: «... كَلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا ...؛ بخورید و بیاشامید ولی در خوردن و آشامیدن، زیاده‌روی و اسراف نکنید ...» (اعراف/۳۱) اسراف و زیاده‌روی در تغذیه، منشأ بسیاری از بیماری‌های جسمی و روحی و مایه‌ی سنگدلی و محروم شدن از چشیدن مزه‌ی عبادت است. (مجلسی، ۱۹۴۳: ۱۸۲/۷۷) امروزه تحقیقات پزشکی، سرچشمه‌ی بسیاری از بیماری‌ها را غذاهای اضافی و جذب نشده‌ی در بدن می‌داند که این مواد اضافی، هم برای قلب و سایر دستگاه‌های بدن سنگین است و هم، منبع انواع عفونت‌ها و بیماری‌هاست. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۲؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۳: ۱۵۲/۶) پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) می‌فرماید: «المعدة بيت الادواء الحمية رأس كل دواء واعط كل بدن ما عودته؛ معده خانه‌ی همه-

۴-۲. فلسفه‌ی غذا و تغذیه

مبدأ پیدایش غذا از جانب خداوند بوده و در جهت یافتن تندرستی، ادامه‌ی حیات و توانایی در انجام تکالیف الهی به انسان عطا شده است. وجود ۲۵۰ آیه از آیات قرآن و دهها روایت از ائمه‌ی معصومین (علیهم السلام) در مورد غذا و تغذیه، دلالت بر اهمیت این موضوع دارد. خداوند متعال در آیات قرآن کریم هدف اصلی از خلقت جن و انس را عبادت دانسته و فرموده: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ و من جن و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند.» (ذاریات/۵۶)، تغذیه‌ی خوب و شکرگذاری از نعمت‌های الهی، قسمی از عبادت محسوب شده و به همین دلیل لازم است که انسان‌ها در نوع ماده‌ی غذایی مصرفی، توجه و دقت لازم را مبذول دارند تا بتوانند به هدف اصلی خداوند دست یابند. مسأله‌ی بسیار مهمی که درباره‌ی تغذیه باید مدنظر داشته باشیم این است که، در نظام آفرینش، «تغذیه و خوردن» ابزاری برای زندگی است، نه این که زندگی، ابزاری برای خوردن باشد. حضرت علی (علیه السلام) در حدیثی به این نکته توجه داشته و فرموده‌اند: «لَا تَطْلُبِ الْحَيَاةَ لِتَأْكُلَ، بَلْ أَطْلُبِ الْاِكْلَ لِتَحْيَا؛ زندگی را برای خوردن نخواه، بلکه خوردن را برای زندگی بخواه.» (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵: ۳۵۹) آن حضرت در این حدیث تأکید دارند که سلامت و شادابی و زندگی انسان‌ها نباید فدای شکم‌بارگی و امیال نفسانی گردد. بررسی آیات قرآن نشان می‌دهد که هرگاه واژه‌ی «کُلُوا» که به معنای بخورید است آمده، به دنبال آن امر به انجام یک کار مطلوب و یا

علاوه بر افراط، لازم است که از تفریط هم در امر تغذیه اجتناب گردد. مطالعه در سلوک غذایی پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) نشان می‌دهد که ایشان علاوه بر افراط، از کم‌خوری هم پرهیز می‌کرد و یاران خود را از گرفتن روزه‌های پی در پی و بدون افطار منع می‌نمود. تمامی پیامبران، پزشکان و دانشمندان بر اعتدال و میانه‌روی در تغذیه اجماع نظر دارند، برای نمونه لقمان حکیم فرزندش را این‌گونه نصیحت می‌کند: «وَإِذَا كُنْتَ فِي الطَّعَامِ فَاحْفَظْ مِعْدَتَكَ؛ اگر به غذا پرداختی معدهات را حفظ کن» (دیاب، ۱۳۸۹: ۱۹۴) یا در حدیث «مَا مَلَأَ آدَمَى وَعَاءَ شَرًّا مِنْ بَطْنٍ بِحَسَبِ ابْنِ آدَمَ لَقِيمَاتِ يَقْمَنُ صَلْبَهُ فَإِنْ كَانَ لِابْدَنِ قُتْلٌ لَطْعَامِهِ وَ ثَلُثٌ لَشْرَابِهِ وَ ثَلُثٌ لِنَفْسِهِ دَمَى؛ آدمی هیچ ظرفی را بدتر از ظرف شکم پر نکرد، زیرا برای انسان چند لقمه کافی است تا او را قوام بخشد و اگر از خوردن گریز نباشد یک سوم آن را به غذا و یک سوم را به نوشیدنی‌ها و یک سوم باقیمانده را برای عبور هوا خالی نگهدارید» (ابن ماجه، بی‌تا، ح ۲۶۸/۳۳۴؛ الترمذی، ۱۴۰۳: ح ۵۵۴/۲۳۰۲)؛ که از پیامبر اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) است؛ ظرافت میانه‌روی و اعتدال در تغذیه بسیار زیبا جلوه می‌شود. آن بزرگوار در حدیث دیگری فرموده است: «إِنَّ مِنَ السَّرْفِ أَنْ تَأْكُلَ كُلَّ مَا اشْتَهَيْتَ؛ یکی از اقسام اسراف این است که هرچه می‌خواهی بخوری.» (نهج الفصاحه، ۱۳۳۹ش، ج ۱۱، حدیث ۹۱۸: ۱۸۵). از این رو، رعایت اعتدال و میانه‌روی در امر غذا و تغذیه، سلامتی افراد را تضمین کرده و اثرات فراوانی را به همراه دارد.



خوردن شام تأکید شده است. به عنوان نمونه پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) در حدیثی می‌فرماید: «خوردن شام را وا مگذارید، هر چند به خوردن دانه‌ی خرماى خشکیده باشد. من بر امت خویش از این بیمناکم که از واگذاردن شام، پیری به سراغشان آید، چرا که شام، موجب نیرومندی پیر و جوان است.» (برقی، ۱۳۷۱: ۱۹۶/۲) در کنار این روایات، روایات دیگری وجود دارد که زمان خوردن را به زمان گرسنگی و اشتها اختصاص داده و سلامتی انسان را در این می‌دانند که، تا گرسنه نشده غذا نخورد. حضرت علی (علیه‌السلام) به فرزند خود سفارش می‌کند که، تا گرسنه نشده‌ای غذا نخور که این کار تو را از طبیب بی‌نیاز می‌کند. (ابن بابویه، ۱۴۰۳: ۲۹۲)

۳. ره‌آوردهای غذا و تغذیه سالم در آموزه‌های قرآن

غذا و تغذیه از مهم‌ترین مسائل در زندگی انسان‌هاست که همواره مورد توجه پزشکان، حکیمان و دانشمندان علوم مختلف بوده است. بر اساس جهان‌بینی اسلامی، سلامت غذا و تغذیه از جایگاه والایی برخوردار بوده و تأثیرگذار بر جسم و جان، روح و روان، اخلاق و رفتار و اجتماع است. در ادامه به دلیل اهمیت ره‌آوردهای تغذیه‌ی سالم و تأثیرات شگفت آن بر سلامت جسم، روح، اخلاق و اجتماع، به بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

۱-۳. ره‌آورد جسمی غذا و تغذیه

در طول سالیان دراز، تأثیر مستقیم تغذیه‌ی خوب و مناسب در برقراری سلامت افراد جامعه، شناخته شده است و سلامتی و تندرستی جسم و تن را می‌توان اولین ره‌آورد تغذیه‌ی سالم به

اجتناب از انجام کار ناپسند ذکر گردیده (بقره/۵۸ و ۱۶۸ و ۱۷۲، مائده/۸۸ و ۸۹، انعام/۱۴۱ و ۱۴۲، انفال/۶۹، نحل/۱۱۴، حج/۲۸ و ۳۶ و...)، تا همگان را متوجه‌ی این نکته مهم گرداند که، خوردن به تنهایی وجه مشترک میان انسان با سایر جانداران بوده و در دین مبین اسلام، هیچ ارزش و جایگاهی در انسانیت انسان ندارد بلکه، معنا و مفهوم خوردن در انسان است که خوردن انسان را متمایز کرده و به همین جهت دقت در امر و نهی‌هایی که به دنبال کلمه‌ی «کُلُوا» ذکر شده، اهمیت دارد.

آگاهی افراد از تغذیه‌ی صحیح، سبب طول عمر بیشتر و استفاده‌ی حداکثری از توان و ظرفیت روحی و جسمی شده و زمینه را برای رسیدن به رشد و کمال انسان‌ها و شکرگزاری از نعمت‌های الهی فراهم می‌آورد.

۵-۲. زمان غذا و تغذیه

در آیات قرآن کریم به مسأله‌ی زمان تغذیه نیز توجه داشته و آمده است: «لَا يَسْمَعُونَ قِيهَا لَعْوًا إِلَّا سَلَامًا وَ مَا لَهُمْ رِزْقُهُمْ قِيهَا بُكْرَةً وَ أُصِيلاً» در آن بهشت هرگز سخن لغوی نشنوند بلکه همه گفتارشان سلام (و ستایش یکدیگر) است و در آن‌جا روزی آن‌ها صبح و شام (بی‌هیچ رنج) به آن‌ها می‌رسد.» (مریم/۶۲) در این آیه، صبحانه و شام به عنوان مهم‌ترین وعده‌ی غذایی شمرده شده است. امام صادق (علیه‌السلام) در حدیثی فرمودند: «صبحانه و شام بخور و در فاصله‌ی میان آن‌ها چیزی نخور، چرا که موجب تباهی تن است، مگر نشنیده‌ای که خداوند می‌فرماید: روزی آنان بامدادان و شامگاهان است.» (کلینی، ۱۳۶۷: ۲۸۸/۶) در برخی از روایت‌ها هم بر



هر نوع آسیب روانی راه سلامت روانی می‌گویند که هدف اصلی آن، پیشگیری از ایجاد ناراحتی-های روانی است. در حقیقت سلامت روانی دانشی است برای بهتر زندگی کردن و تأمین رفاه اجتماعی که تمام زاویه‌های زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. (روشن و خزاعی، ۱۳۹۱: ۸۰) از جمله راه‌آوردهای تغذیه‌ی سالم، سلامت روانی انسان‌هاست. انسان متشکل از دو بعد روحی و جسمی بوده و جسم، جایگاهی برای استقرار روح و رشد و تکامل آن است. سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها در گرو هم‌سازی و هم‌آوایی جسم و روح بوده و تغذیه‌ی صحیح و سالم موجب حفظ و تداوم سلامت روح و جسم می‌شود. (شریعتی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳)

در آیاتی از قرآن کریم آمده است: «... کُلُوا مِنْ الطَّيِّبَاتِ وَاعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ؛ ... از غذاهای پاکیزه (حلال) تناول کنید و به نیکوکاری و اعمال صالح پردازید که من به هر چه می‌کنید آگاهم.» (مؤمنون/۵۱) این آیه با ذکر مسئله‌ی خوردن غذاهای پاک و انجام دادن عمل صالح به دنبال هم، آثار غذا بر روح و روان انسان را ترسیم کرده و ارتباط تنگاتنگ میان آن دو را نشان می‌دهد. هر اندازه غذای انسان پاک و حلال باشد، روح هم تزکیه شده و سرچشمه‌ی عمل صالح می‌گردد و بالعکس، غذای ناپاک و حرام، سبب تیرگی روح و انجام اعمال ناشایست می‌شود. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۳) سلامتی روح و روان انسان، تابع سلامتی جسم بوده و سلامتی جسم هم در گرو تغذیه‌ی صحیح و سالم است. بنابراین می‌توان گفت که سلامتی روح و روان

شمار آورد. آمار به دست آمده حاکی از آن است که، تغذیه‌ی درست می‌تواند مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی را ۲۵٪، سرطان و بیماری‌های تنفسی و عفونی را ۲۰٪ و بیماری‌های قندی را ۵۰٪ کاهش دهد. هر ساله مبالغ هنگفتی صرف پیشگیری و درمان این بیماری‌ها می‌شود در حالی که، تغذیه‌ی مناسب، راهی بهتر و باصرفه‌تر برای پیشگیری از این بیماری‌هاست. (حلم سرشت و دل پیشه، ۱۳۸۹: ۶). امام کاظم (علیه السلام) درباره‌ی تأثیر غذا بر جسم انسان می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الطَّعَامِ لَاسْتَقَامَتِ أْبْدَانُهُمْ؛ اگر مردم در خوردن غذا اعتدال و میانه‌روی را رعایت کنند، بدن‌های آنان محکم و استوار خواهد شد.» (برقی، ۱۳۷۱: ۲۲) غذاهای اضافی باقی مانده در بدن انسان، علاوه بر سنگینی بر قلب و دستگاه‌های بدن، منبعی برای انواع عفونت‌ها و بیماری‌ها هستند. (سلطانی، ۱۳۸۴: ۲۲) به همین دلیل است که حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «لَا تَجْتَمِعُ الصَّحَّةُ وَ النَّهْمُ؛ تندرستی و پرخوری با هم جمع نمی‌شوند.» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ۲۹۶) در حدیث دیگری امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «فَإِنَّ صَلَاحَ الْبَدَنِ وَ قِوَامَهُ يَكُونُ بِالطَّعَامِ وَ الشَّرَابِ وَ فُسَادَهُ يَكُونُ بِهَمَا؛ سلامتی و پایداری بدن و همچنین بیماری آن به غذا و نوشیدنی است.» (نجف، ۱۴۰۲: ۲۶)

۲-۳. راه‌آورد روحی و روانی غذا و تغذیه

یکی از مبانی لازم برای اجرای دستورات الهی در جامعه، سلامت روحی و روانی افراد است و اهتمام قرآن بر امر تغذیه، در راستای دست‌یابی به این مهم است. سالم نگه داشتن روح و روان از



و محروم شدن انسان از درک حقایق و معارف باطنی می‌شود.

۳-۳. ره‌آورد اخلاقی غذا و تغذیه

با مطالعه‌ی منابع اسلامی می‌توان رابطه‌ی تغذیه‌ی سالم و اثرات آن بر روی اخلاق و رفتار انسان را به دست آورد. برخی از غذاها تأثیر مستقیم بر روی خلق و خوی انسان گذاشته و ویژگی‌های اخلاقی همچون خوش‌خلقی (مجلسی، ۱۳۷۴)، بدخلقی (همان)، افسردگی (طبرسی، ۱۳۷۰)، سخت‌دلی، رقت قلب (ورام، ۶۰۵) و قبولی نماز و روزه و عبادات (مآئده/۹۱) را برای انسان به همراه می‌آورد. به عنوان نمونه رعایت اعتدال در تغذیه با گوشت، موجب خوش اخلاقی (کلینی، ۲۸۷/۶)، اعتماد به نفس و شجاعت می‌شود ولی، زیاده‌روی در آن موجب قساوت قلب می‌گردد. (مجلسی، ۱۹۴۳: ۲۹۴/۶۲) امام رضا (علیه‌السلام) در حدیثی فلسفه‌ی حرام بودن گوشت مردار را بد اخلاقی، عصبانیت، قساوت قلب و از بین رفتن مهر و عطف دانسته است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۳۰۸/۵؛ امین، ۱۳۸۸: ۹۱-۹۴)

با توجه به تأثیر تغذیه بر اخلاق و رفتار آدمیان، آیات قرآن کریم میان تغذیه‌ی کافران و مؤمنان تفاوت قائل شده و تغذیه‌ی کافران را به جهت بی‌توجهی در حلال و حرام، غصبی و مباح و پاکی و ناپاکی تغذیه، به خوردن چهارپایان تشبیه کرده است. آن‌جا که می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ؛ كَافِرَانِ هُمُوهَا سَرَاغِمٌ مِّنْ دُونِهَا يُخْرَجُونَ» (محمّد/۱۲) در آیات دیگری از قرآن آمده است:

تابع سلامتی غذا و تغذیه است. (امیر صادقی، ۱۳۷۷)

حضرت علی (علیه السلام) در مورد ارتباط مستقیم تغذیه با روح و روان انسان می‌فرماید: «مَنْ أَقَلَّ أَكَلَهُ صَفَى فِكْرُهُ»؛ کسی که خوراکش اندک باشد، فکر و اندیشه‌اش پاک شود. این حدیث بیانگر آن است که زیاده‌روی در تغذیه، رشد فکری را متوقف می‌کند چرا که عواطف انسان در حالت گرسنگی اندک، رقیق‌تر و هوش و حواس او بیدارتر است. وقتی که در مصرف غذا زیاده‌روی شود، برای هضم غذا لازم است که از دیواره‌های معده، ترشحات فراوان به همراه تعداد زیادی گلبول سفید سرازیر معده شوند. این امر سبب می‌شود که در دستگاه هاضمه خون بیشتری جریان پیدا کند. از این رو، خون‌رسانی به مغز کاهش یافته و اکسیژن و مواد غذایی کمی به مغز می‌رسد و در نتیجه از قدرت درک مطالب و حس ابتکار کاسته می‌شود. (صبور اردوبادی، ۱۳۵۴: ۱۲۴-۱۲۸) در حدیث دیگری امام رضا (علیه السلام) فرموده‌اند: «أَنَّ قُوَّةَ النَّفْسِ تَابِعَةٌ لِمَرْجَةِ الْأَبْدَانِ...؛ قُوا وَ نِيرو روح و روان آدمی تابع مزاج بدن‌ها می‌باشد.» (البار، بی‌تا: ۱۵۳) فکر و اندیشه در اثر پرخوری به خواب رفته و زبان حکمت گنگ می‌گردد. (فیض کاشانی، ۱۴۱۷: ۱۵۱/۵)

از مجموع آیات و روایات گفته شده می‌توان این چنین برداشت کرد که، توجه و دقت در تغذیه‌ی مناسب، حلال و پاکیزه، سبب پالایش و آراستگی روح و روان و درک مسائل فراحسی گشته و عدم دقت در این امر، موجب تیرگی روح



ی سالم استفاده کنند سبب سلامتی بیشتر آن جامعه می‌گردد.

بهره‌مندی از تغذیه‌ی صحیح و سالم، یکی از عوامل تأثیرگذار در سلامت عمومی و پیشرفت اقتصادی جوامع است. شناخت این امر و کاربرد صحیح آن، موجب حفظ بهداشت، تندرستی بدن و افزایش طول عمر انسان‌ها می‌گردد. هر اندازه که در جامعه تغذیه نامطلوب گردد، رشد و نمو کاهش یافته و کسالت و بیماری‌ها افزایش می‌یابد. در اثر این امر، تعداد نیروی انسانی سالم و تندرست کم شده و بر تعداد نیروی انسانی سربار افزوده می‌گردد. (حلم سرشت و دل پیشه، ۱۳۸۹)

نتیجه‌گیری

۱. معنای کلمه‌ی غذا در فارسی و عربی یکسان بوده و به معنای هر آنچه که خورده یا آشامیده می‌شود تا بدن با آن نیرو بگیرد، می‌باشد. در واقع به مجموعه فعل و انفعالاتی که در پی آن، بدن مواد مغذی را اخذ کرده و برای تداوم حیات، سلامتی و انجام فعالیت‌های گوناگون از آن بهره می‌برد، تغذیه می‌گویند.

۲. دلالت قریب دویست و پنجاه آیه از آیات قرآنی و صدها روایت از معصومین (علیهم السلام) بر مسئله‌ی غذا و تغذیه، که مشتمل بر کیفیت، کمیت، حلیت و تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم آن بر انسان‌هاست؛ نشان از اهمیت فوق العاده‌ی امر غذا و تغذیه دارد.

۳. در آموزه‌های قرآن کریم برای تغذیه مبانی و اصولی از قبیل: توجه به حلیت غذا، دقت در نوع و چگونگی غذا، میزان و زمان استفاده‌ی آن و فلسفه‌ی تغذیه، ذکر شده است.

«سَمَاعُونَ لِّلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِّلْسُخْتِ ...؛ آنان (کافران) بسیار سخنان تو را گوش فرامی‌دهند تا آن را تکذیب کنند و بسیار مال حرام می‌خورند ...» (مائده/۴۲) این آیات نشان از تأثیر مستقیم تغذیه بر اخلاق و معنویات داشته و بیان می‌دارد که دل‌های کافران در اثر تغذیه‌ی حرام و ناپاک، آلوده گشته و آنان مرتکب کارهای ناشایستی از قبیل جاسوسی بر علیه اسلام و تکذیب و تحریف حقایق کتب آسمانی شدند. (حقی بروسوی، بی- تا: ۲۷۳/۱)

از این رو، تغذیه با غذای حرام، زمینه‌ی پذیرش صفات منفی را در انسان فراهم کرده و مسیر زندگی وی را به سمت بدی‌ها فراهم می‌کند. امام حسین (علیه السلام) هم در واقعه‌ی عاشورا علت سخت‌دلی و رفتار پست کوفیان و عدم کرنش آنان در برابر سخنان حق را، لقمه‌های حرام دانسته و فرمودند: «فَقَدْ مَلَأْتِ بُطُونَكُمْ مِنَ الْحَرَامِ وَ طَبَعَ عَلَي قُلُوبِكُمْ؛ شکم‌هایتان از حرام پر شده و بر دل‌هایتان مهر [غفلت] خورده است.» (مجلسی، ۱۹۴۳: ۸/۴۵)

۳-۴. راه‌آورد اجتماعی غذا و تغذیه

بر اساس آموزه‌های قرآن، تأثیرات گسترده‌ی تغذیه‌ی سالم بر جامعه، از دیگر راه‌آوردهای غذا و تغذیه است. ساختن جامعه‌ی مطلوب و متعالی در گرو داشتن انسان‌های سالم است به همین جهت، رعایت تغذیه‌ی صحیح و سالم از عوامل مؤثر در پیشرفت هر جامعه به شمار می‌رود. پایه‌ی اصلی و اساسی هر جامعه‌ای، مردمان آن جامعه بوده و سلامتی جامعه در گرو سلامتی افراد آن است. هر اندازه که افراد جامعه از تغذیه-



۴. توجه به غذا و استفاده از تغذیه‌ی سالم، بر جسم، روح و روان، اخلاق و رفتار و در نهایت بر اجتماع تأثیر گذاشته و سلامتی آنان را تأمین خواهد کرد. به دلیل تأثیرات فراوان تغذیه، بر هر فردی لازم است که به نوع تغذیه خود توجه داشته و برای رفع گرسنگی از هر غذایی استفاده نکند.
۵. انسان دارای دو بعد جسم و روح بوده که تابع هم هستند. بهره‌مندی از سبک تغذیه‌ی صحیح و سالم موجب می‌شود که، عملکرد بدن تقویت گشته و بدن در برابر بیماری‌ها مقاوم گردد و سلامت جسم انسان را به ارمغان آورد. از این رو، سلامت جسمی انسان، سلامت روح و روان وی را نیز همراه داشته و سبب پیدایش حالات روانی مثبت می‌شود.
۶. رکن اساسی هر جامعه‌ای، مردمان آن است. سلامت افراد جامعه ارتباط تنگاتنگی با سلامت و پیشرفت جامعه دارد.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۶ق). الخصال. مصحح علی اکبر غفاری، قم: مؤسسه‌ی النشر الإسلامی.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۰۳ق). معانی الاخبار. بیروت: مؤسسه‌ی الأعلمی للمطبوعات.
۴. ابن ماجه، محمد بن یزید القزوینی (بی‌تا). سنن ابن ماجه. تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت: دار الفکر.
۵. ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۴۰۵ق). لسان العرب. قم: ادیب آل حسنی.
۶. آخوندی، مصطفی (۱۳۸۸). غذا و تغذیه در آموزه‌های دینی و یافته‌های علمی، قم: زمزم هدایت.
۷. امین، سیدمهدی (۱۳۸۸). غذا و تغذیه‌ی انسان. تهران: انتشارات مفتاح دانش و بیان جوان.
۸. البار، محمدعلی (بی‌تا). امام علی الرضا و رسالته فی الطب النبوی. بیروت: دار المناهل للطباعة و النشر والتوزیع.
۹. برقی، احمد بن محمد بن خالد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دار الکتب الاسلامیه.
۱۰. الترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۳ق). سنن ترمذی. تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت: دار الفکر.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۲. جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد (۱۴۰۷). الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه. بیروت: دارالعلم.
۱۳. حرعاملی، محمدبن حسن بن علی (۱۴۱۹ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه‌ی آل البیت.
۱۴. حسینی، علی (۱۳۷۸). ورزش، تغذیه، فیزیولوژی سلامت. قم: احسن الهدی.
۱۵. حسینی، سید محمد (۱۳۸۲). فرهنگ لغات و اصطلاحات فقهی. تهران: سروش.
۱۶. حقی بروسوی، اسماعیل (بی‌تا). تفسیر روح البیان. بیروت: دارالفکر.
۱۷. حلم سرشت، پروش و اسماعیل دل پیشه (۱۳۸۹). اصول تغذیه و بهداشت مواد غذایی. تهران: نشر چهر.
۱۸. دیاب، عبدالحمید و احمد قرقوز (۱۳۸۹). طب در قرآن. ترجمه‌ی کمال روحانی، سنندج: انتشارات آراس.
۱۹. روشن، فرشته و مجید خزاعی (۱۳۹۱). سلامت روان از دیدگا قرآن. فصلنامه‌ی مطالعات قرآنی، دانشگاه آزاد جیرفت: شماره‌ی ۱۲.
۲۰. سلطانی، علی محمد (۱۳۸۴). غذای حلال سلامتی پایدار. تهران: نظری.
۲۱. شریعتی، سیدصدر الدین و محسن ایمانی و احمد نوروند (۱۳۹۶). سبک مصرف غذا در تعلیم و تربیت اسلامی. فصلنامه‌ی فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دانشگاه علامه طباطبایی، سال نهم، شماره‌ی ۳۳، ص ۲۱-۴۱.
۲۲. صبور اردوبادی، احمد (۱۳۵۴ش). راه‌های مبارزه با سموم میکروبی روده‌ها (در غرب و اسلام)، دانشگاه آذر آبادگان.
۲۳. طباطبایی، سیدمحمدحسین (بی‌تا). المیزان فی تفسیر القرآن. ترجمه‌ی محمد باقر موسوی همدانی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۴. طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: دفتر انتشارات اسلامی.



۲۵. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۶۰ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه‌ی مترجمان، تهران: فر اهانی.
۲۶. عبادی، فرزانه (۱۳۹۴). «تحلیل و مقایسه‌ی سید غذایی مطلوب ایران با وضعیت تولید محصولات کشاورزی غذایی طی سال‌های برنامه‌ی ششم توسعه و افق ۱۴۰۴». تهران: وزارت جهاد کشاورزی، مؤسسه‌ی پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه‌ی روستایی - مدیریت خدمات پژوهشی.
۲۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (بی‌تا). العین. محقق مهدی مخزومی و ابراهیم سامرائی، قم: دار و مکتب الهلال.
۲۸. فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۷ق). المحجّه البیضاء، تصحیح و تعلیق علی اکبر غفاری، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۲۹. کامرانی، منیره السادات (۱۳۹۱). آثار تربیتی تغذیه در قرآن و سنت. بابل: نشر مبعث - گل‌های بهشت.
۳۰. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۷). الکافی. تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۱. مجلسی، محمد باقر (۱۹۴۳م)، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه‌ی الاحیاء التراث العربیه.
۳۲. محمدی، مهرداد و رضا فرخی (۱۳۹۱). استاندارد غذای حلال و ملاحظات فقهی و اخلاقی آن. مجله‌ی علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران. سال هفتم، شماره‌ی ۵، صص ۵۷۱-۵۷۸.
۳۳. محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۵). دانش نامه‌ی احادیث پزشکی. ترجمه‌ی حسین صابری، قم: مؤسسه‌ی علمی فرهنگی دارالحدیث.
۳۴. معین، محمد (۱۳۷۵). فرهنگ فارسی. تهران: امیرکبیر.
۳۵. مکارم شیرازی، ناصر، و جمعی از نویسندگان (۱۳۷۳ش). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۶. نجف، محمد مهدی (۱۴۰۲). امام رضا (علیه السلام) طب الرضا (علیه السلام) (رساله‌ی ذهبیه). قم: دارالخیمام.
۳۷. نوری، حسین بن محمد تقی (۱۴۰۸ق). مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل. قم: مؤسسه‌ی آل البیت (علیهم السلام) لإحیاء التراث.
۳۸. واسطی، عبدالحمید (۱۳۹۱). نان در اسلام: بررسی استراتژی اسلام در چرخه‌ی نان از تولید تا مصرف. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات راهبردی علوم و معارف اسلامی.



بررسی عوامل اصلی تأمین آب در قرآن کریم با رویکرد تربیتی و هدایتی

سینا فرد مرادی نیا^۱ و محمد مقیمی اسکویی^۲

۱- گروه مهندسی عمران، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تبریز، ایران (نویسنده مسئول: fardmoradina@iaut.ac.ir)
۲- دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوی، ایران

چکیده:

برابر عربی آن «ماء» و ۶۳ بار در قرآن آمده است. این آیات اشاره دارند که عرش خداوند بر روی آب بوده و حیات همه جان‌داران به آب وابسته است و نیز از نقش‌های گوناگون آن در زمین از احیای زمین، در این تحقیق نمونه‌هایی از آیاتی که در آنها به موضوع آب و باران اشاره شده همراه با تفسیر آیات ذکر گردیده است. برای انجام این کار از پاره‌ای از آیات و روایات خدا که بر آب بنا نهاده شده است و سعی گردیده تفاسیر این آیات نیز به اجمال ذکر، و از کلید واژه‌های کلی نعمت بودن آب، نشانه خدا بودن آب، تکیه عرش خدا بر آب، منشأ حیات، استفاده گردیده است. هر کدام از این کلید واژه‌ها با ذکر آیات و منابع معتبر دیگر شرح و بسط داده شده است. نگاه کلی به آیات مربوط به آب نشان می‌دهد که از بین نقش‌های آن در حیات همه موجودات زنده، بر منافع مستقیم و غیرمستقیم آب برای انسان تأکید شده است و به‌طور صریح یا غیر صریح، بندگان خدا را به شکر این نعمت بزرگ می‌خواند. در هیچ‌یک از آیات مربوط به آب، آفرینش یا وجود آب، آیه خدا شناسانده نشده؛ بلکه نزول آب از آسمان و در پی آن، احیای زمین، رویش گیاهان و درختان مختلف با انواع گوناگون میوه‌ها که درک آن برای همه افراد بشر محسوس است، از آیات الهی دانسته شده است. سرچشمه همه آفریدگان آب است؛ همان‌گونه که طبق روایت، اول آفریده خداوند آب بود؛ آن‌گاه از آن، آتش، باد و نور را آفرید. به‌طور کلی سه نظریه درباره آب در آیات خداوند در مورد آب مطرح شده است که عبارتند از: هر موجود زنده‌ای از آب آفریده شده، هر موجود زنده‌ای از نطفه آفریده شده و حفظ و ادامه حیات هر موجود زنده‌ای به آب وابسته است.

واژگان کلیدی: نشانه خدا بودن آب، تکیه عرش خدا بر آب، منشأ حیات، نشانه معاد

مقدمه:

های دور از بدو پیدایش حیات با آب رابطه مستحکم داشته است آب نقش اساسی و حیاتی در ادامه زندگی انسان ایفا کرده است و منابع آبی در ایجاد و شکل‌گیری اکثر تمدن‌ها دارای نقش مهم و حیاتی است بطوریکه بخشی از رسوم و مراسم ملل مختلف درباره ی این مایع مهم و حیاتی است. در سوره ی مبارکه ی کهف آیه ۴۵ خداوند متعال حیات و زندگی آدمیان را به آبی تشبیه نموده است که از آسمان فرو می‌آید و موجب نمو و رشد نباتات می‌شود و پس از دوران کوتاه حیات نباتاتی آن پایان می‌یابد، نکته بسیار مهم و زیبا در همان اصل تشبیه است که حیات،

منابع و مخازن آب چون دریاها، آسمان، کوه‌ها، نهرها، چشمه‌ها و چاه، از دیگر مسائل مربوط به آب است که آیات قرآن به آن اشاره دارند. آیاتی چند نیز از وجود آب در جهان آخرت به صورت یکی از نعمت‌های بهشت، خبر داده است. قرآن کریم در همه این آیات، ذهن انسان را از توجه به علل و عوامل مادی تأمین آب منصرف ساخته و به عامل اصلی تأمین آن، یعنی خداوند سبحان، معطوف داشته است. خداوند متعال به آب ارزش و اهمیت زیادی داده است که در بیش از صد آیه قرآن کریم در مورد آن آمده و انسان از گذشته

آب است و آب، حیات است و نمو و رشد نیز از برکات همین آب حیات است. مقدار آب موجود در کره ی زمین تقریباً ثابت است، این آب به مصارف آشامیدن، زراعت، صنعت و... می رسد و زندگی بشر را بهبود می بخشد. در غرب آن را چشمه جوانی می گویند. اندیشه وجود چشمه جوانی، به ویژه در قرون وسطی در سراسر اروپا رواج گسترده داشت و با کشف «دنیای نو» تبلور بیش‌تری یافت چنان‌که چون در سال ۱۵۱۳م بونس دو لئون (۱۴۶۰-۱۵۲۱م) ایات فلوریدا را کشف کرد، به دنبال شنیدن گفت‌وگوهایی درباره چشمه‌های بهداشتی این ایالت، به جست‌وجوی چشمه جوانی در آن‌جا برخاست [۱]. فکر نوشیدن از آب حیات یا بهره‌ور شدن از هر دارو یا وسیله جاودان‌ساز، فکری است با پیشینه‌ای به درازی عمر آدمی در این کره خاکی، زیرا برای مردم آنچه هرگز چاره‌ای نداشته است و ندارد، مرگ است. این اندیشه در فرهنگ بسیاری از ملت‌ها حضور دارد و آن را قهرمانانی است که در تحولات فرهنگ و داد و ستدهای فرهنگی میان ملت‌ها مبادله شده‌اند و گاه سایه‌هایی از آن‌ها بر روی هم افتاده و آمیزه‌هایی پدید آورده است. از میان متون دینی اسلامی، عهد جدید به صراحت از آن یاد کرده، چه در کتاب مکاشفه یوحنا گفته شده است: نهری از آب حیات به من نشان داد که درخشنده بود مانند بلور؛ و از تخت خدا و بره جاری می‌شود [۲].

یافته‌ها:

این مطالعه نشان داد که آب در قرآن کریم دست کم ۶۷ بار در واژه ی ماء و هفت بار در واژه ی شراب به کار رفته است. (آمار صحیح ۶۳ بار واژه ماء و ۱۰ بار واژه شراب می باشد) در این تحقیق سعی بر این است که بر اهداف تربیتی و هدایتی آن اشاره گردد

۱-۲- نعمت بودن آب
در آیات ۴۸ تا ۵۰ فرقان [۳] با اشاره به نزول آب طهور از آسمان و احیای سرزمین‌های مرده و فراهم کردن آب مورد نیاز دام‌ها و انسان‌ها، مردم را به یادآوری این نعمت الهی دعوت می‌کند: وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا. او خدایی است که بادها را پیشاپیش رحمت خود فرستاد، و از آسمان آبی پاک و طاهر برای شما نازل کرد همین که همه ما در جهت طلب تو هستیم، تو نیز بر بدیهای ما که چون آتش بر جان ما چنبره زده، آب رحمت خود را نازل فرما، تا از ناپاکی نجات یابیم ای بدیده عکس بد بر روی عم بد نه عم است، آن تویی، از خود مرم مؤمنان آیینة همدیگرند این خبر می از پیامبر آورند پیش چشمت داشتی شیشه کبود زان سبب عالم کبودت می نمود گر نه کوری، این کبودی دان ز خویش خویش را بدگو، مگو کس را تو بیش مؤمن آر یَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ هُ نَبُودَ غَيْبٍ، مؤمن را برهنه چون نمود؟ چونکه تو یَنْظُرُ بِنَارِ اللَّهِ بدی در بدی از نیکویی، غافل شدی اندک، اندک، آب بر آتش بزن تا شود نار تو نور، ای بوالحزن تو بزن یا رَبَّنَا آب طَهُور تا شود این نار عالم، جمله نور آب دریا جمله در فرمان تست آب و آتش، ای خداوند، آن تست گر تو خواهی، آتش، آب خوش شود ور نخواهی، آب، هم آتش شود این طلب در ما هم از ایجاد تست رستن از بیداد یا رب، داد تست بی طلب، تو این طلب مان داده ای گنج احسان بر همه بگشاده ای [۴]. (این تفسیر عرفانی است و در مقالات علمی چندان قابل استناد نیست ولی تفاسیری مثل المیزان یا نمونه در این مورد از استناد بهتری برخوردار هستند) لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيِّتًا وَنُسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْآسِي كَثِيرًا. نُحْيِيَ بِهِ تَا زَنْدَه كَنِيم بَانَ آب بَا نَبَات نَبَاتَات و زَرَاعَات بَلْدَةً مَّيِّتًا شَهْرِي مَرْدَه و



و جلب توجه بشر به خداپرستی و باصول توحید و ارکان آن است و اینکه زندگی بشر همیشگی است و هم چنانکه هر سال فروریاریدن باران فضل بهار سبب گسترش حیات در سرزمینهای اقطار جهان می شود برای بشر نیز در صحنه قیامت بار دیگر حیات تازه ای به آنان خواهد دمید [۶]. در آیات ۴۸ تا ۵۰ فرقان " وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْاسِي كَثِيرًا وَلَقَدْ صَرَّفْنَا بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرَ النَّاسِ إِلَّا كُفْرًا" و اوست آن کس که بادها را نویدی پیشاپیش رحمت خویش [باران] فرستاد و از آسمان، آبی پاک فرود آوردیم، تا به وسیله آن سرزمینی پژمرده را زنده گردانیم و آن را به آنچه خلق کرده‌ایم- از دامها و انسانهای بسیار- بنوشانیم. و قطعاً آن [پند] را میان آنان گوناگون ساختیم تا توجه پیدا کنند، و [الی] بیشتر مردم جز ناسپاسی نخواستند. تعبیر به "ریاح" (بادها) به صورت جمع شاید اشاره به انواع مختلف آنها باشد که بعضی شمالی، بعضی جنوبی، بعضی از شرق به غرب، و بعضی از غرب به شرق می‌وزد، و طبعاً سبب گسترش ابرها در کل مناطق روی زمین می‌شود. قابل توجه اینکه در اینجا "ماء" (آب) توصیف به "طهور" شده است که صیغه مبالغه از طهارت و پاکیزگی است، و به خاطر همین معنی مفهوم آن پاک بودن و پاک کردن است، یعنی آب هم ذاتاً پاک است و هم اشیاء آلوده را پاک می‌کند اما غیر از آب، بسیاری از اشیاء پاکند، ولی هرگز نمی‌توانند آلوده‌ای را پاک کنند. و به هر حال آب علاوه بر خاصیت حیاتبخشی، خاصیت فوق العاده مهم پاک کننده را دارد، اگر آب نبود در یک روز سر تا سر جسم و جان و زندگی ما کثیف و آلوده می‌شد، گرچه آب معمولاً میکرب کش نیست ولی به خاطر خاصیت حلال بودن فوق العاده‌اش

خشک شده را که در آن اصلاً اثر گیاه و زراعت نبوده باشد و چون مراد از بلده مکانست لهذا بتذکیره می‌تواند آورد و مضمون آیه « وَ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ » تا آخر در سوره مبارکه اعراف نیز گذشت و نُسْقِيَهُ و بیاشامانیم آب را مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا بَعْضِي مخلوقات ما که چهارپایانند و أَنْاسِي كَثِيرًا و بمردمان بسیار «اناسی» یا جمع انسی است یا جمع انسان اگر جمع انسان باشد اصلش اناسین است که نون آخر متبدل بیا شده و بعد از آن بواسطه اجتماع مثلین ادغام احد بآءین دیگری کردند تخصیص بانعام و اناسی با آنکه همه احتیاج باشامیدن آب دارند بجهت آنست که وحوش و طیور را غالباً آسانست که در طلب آب بامکان بعیده روند و خود را بآب رسانند بخلاف انعام و انسان که بر ایشان طلب آب در اماکن بعیده دشوارست بنا بر این است که گفته اند که مراد از انعام و اناسی انعام و اناسی اند که در بادیه ها جا گرفته اند زیرا که انزال باران برای آنها بیشتر از انعام و اناسی که در شهرها می باشند ضرور است بواسطه آنکه در شهرها آبار و انهار بسیارست که در بادیه ها نمی باشد [۵]. وَلَقَدْ صَرَّفْنَا بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرَ النَّاسِ إِلَّا كُفْرًا. از جمله نعمت که فعل پروردگار معرفی شده فروریاریدن قطرات باران در همه اقطار جهان و سرزمینها است بدون اینکه اختصاص به سرزمین داشته باشد بمنظور اینکه از این نعمت بشر متوجه شده و به سپاس آن قیام نماید و غرض اصلی از فراگرفتن باران در سرزمینها آسایش بشر است که در هر قطعه ای از اقطار جهان بخواهند مورد استفاده قرار دهند ولی بسیاری از افراد مردم فرومایه در مقام کفران نعمت پروردگار برآمده قیامت و صحنه رستاخیز را انکار می نمایند و از جمله: لِيَذَّكَّرُوا: استفاده می شود که غرض اصلی از اجراء این نعمت در اقطار جهان نعمت ارج دارتری است و آن تذکر

همه افراد بشر محسوس است، از آیات الهی دانسته شده است: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ - يَنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالتَّخْلِيلَ وَالْأَعْنَبَ وَ مِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ.» [۱۰] و [۱۱]. در این بخش از آیات، گاه نزول آب از آسمان از نشانه‌های ربوبیت مستمر الهی شناسانده شده که چگونه خدای حکیم، آب را با تدبیر و تقدیر حکیمانه، به اندازه بر زمین مرده می‌ریزد و با آن به زمین و اهل آن حیات می‌بخشد. در آیه ۱۶۴ بقره [۱۲] نزول آب و در پی آن، افزون بر احیای زمین، پراکنده شدن جنیندگان نیز از آیه‌های الهی شمرده شده است: «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ... وَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ... لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ.» همانا در آفرینش آسمان‌ها و زمین و در پی یکدیگر آمدن شب و روز و کشتی‌هایی که برای سودرسانی به مردم در دریا در حرکتند و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده و با آن زمین مرده را زنده نموده و انواع جنیندگان را در آن گسترده و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان آسمان و زمین معلقند، برای مردمی که می‌اندیشند، نشانه‌هایی گویاست [۱۳].

۲-۲- نشانه قدرت الهی

در آیاتی دیگر، همین پدیده، نشانه تحقق معاد و قدرت خداوند بر احیای دوباره مردگان دانسته شده است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسُخِّرْنَا بِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ خُضًا وَاللَّهُ يَخْتَارُ» [۱۴]. و از آیات خداوند آن است که زمین را پژمرده (و بی جان) می‌بینی پس همین که (از آسمان) آب بر آن فرو فرستادیم به جنبش در آمد و نمو کرد، البته همان کسی که (زمین مرده را) زنده کرد، قطعاً زنده کننده‌ی مردگان است؛

انواع میکروبها را می‌تواند در خود حل کند و بشوید و از بین ببرد، و از این نظر کمک بسیار مؤثری به سلامت انسان و مبارزه با انواع بیماریها می‌کند. بعلاوه پاکیزه کردن روح از آلودگیها به وسیله غسل و وضو نیز با آب انجام می‌گیرد پس این مایع حیاتبخش هم پاک کننده روح است و هم جسم. اما این خاصیت پاک کننده بودن با تمام اهمیتی که دارد در درجه دوم قرار داده شده، لذا در آیه بعد اضافه می‌کند "هدف ما از نزول باران این است که سرزمین مرده را به وسیله آن زنده کنیم" (لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَيِّتًا) و نیز "این آب حیاتبخش را برای نوشیدن در اختیار مخلوقانی که آفریده‌ایم: چهارپایان و انسانهای بسیار، بگذاریم" (وَ نُسْقِيهِ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنْسَانًا كَثِيرًا). [۷].

در آیه ۱۲ فاطر [۸] نیز از دو دریای شور و شیرین و منافع آن دو یاد کرده و غرض از یادآوری این نعمت را شکرگزاری مردم دانسته است. «وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمَنْ كُلٌّ تَأْكُلُونَ لِحِمًّا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرٌ لَتُبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ.» دو دریا یکسان نیستند: این یکی شیرین، لطیف (و نوشیدنش گواراست، و آن یکی، شور و تلخ است، ولی شما از هر دو گوشت تازه می‌خورید و زیور (و مروارید) بیرون می‌آورید و می‌پوشید. کشتی‌ها را در آن می‌بینی که امواج را می‌شکافند تا از فضل او (روزی) طلبید و شاید شکرگزار باشید [۹]. نشانه خدا بودن آب با این‌که همه موجودات عالم از جمله آب، از آیات الهی است که نشان از آفریننده آن دارد، در هیچ‌یک از آیات مربوط به آب، آفرینش یا وجود آب، آیه خدا شناسانده نشده؛ بلکه نزول آب از آسمان و در پی آن، احیای زمین، رویش گیاهان و درختان مختلف با انواع گوناگون میوه‌ها که درک آن برای



پس از مرگ زنده خواهید شد، همانا کافران خواهند گفت که این سخن را هرگز حقیقتی جز سحر آشکار نیست. حضرت علی علیه السلام فرمود: آزمایش خداوند برای دانستن نیست، بلکه آزمایش او برای بروز عکس‌العمل از انسان است، تا اگر عملش خوب بود، پاداش گیرد و اگر بد بود، کیفر ببیند (نهج‌البلاغه، خطبه ۱۴۴).

۲-۳-۲- دیدگاه مفسرین

برخی مفسران متأخر گویا با مسلم گرفتن مضمون این روایات، با این پرسش مواجه شده‌اند که چه فایده و حکمتی در این است که عرش خدا بر آب و آب بر روی باد باشد و پاسخ داده‌اند که قرار گرفتن بنای عظیم عرش بر آب، دلالت روشن‌تری بر قدرت خدا دارد که چگونه آن جسم سنگین را بدون هیچ ستونی بر روی آب نگه داشته است [۱۸]. ابومسلم اصفهانی در این باره گفته است: عرش خدا، یعنی بنای آسمان‌ها و زمین که بر روی آب قرار داشت و این شگفت‌انگیزتر است که ساختمان عظیمی بر روی آب بنا نهاده شود؛ [۱۹]. اما این نظریه با ظاهر آیه سازگار نیست؛ زیرا آیه می‌گوید: عرش خدا، پیش از آفرینش آسمان و زمین بر آب بود [۲۰]. دیدگاه عرفا و حکما آن‌چه از مفسران متقدم گزارش شده، عرش را موجودی مادی معرفی می‌کند؛ اما برخی مفسران (به طور عمده عارفان و حکیمان) عرش و ماء را شیء غیرمادی دانسته‌اند؛ (همه ممکنات) از آن برآمده و به واسطه آن وجود یافته‌اند، نفس رحمانی دانسته است [۲۱]. که گاه از آن به «حیات ساریه» در موجودات (فرهنگ جهاد، ج ۱، ص ۱۰۸)، یا «وجود منبسط» و یا «حقیقت محمدیه» [۲۲]. برخی دیگر از مفسران، عرش را کنایه از تدبیر خداوند، یعنی علم او به مصالح، شایستگی‌ها و بایستگی‌های هستی دانسته و برآنند که آیه پیشین خبر می‌دهد پیش از آفرینش آسمان و

بدون شک او بر هر کاری قادر است. «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُسْمَعُونَ» [۱۵]. و خداوند از آسمان آبی فرستاد، پس بواسطه آن زمین را پس از آنکه مرده بود زنده کرد، البته در این (باریدن و روئیدن) برای گروهی که (سخن حق را با جان و دل) می‌شنوند نشانه‌ای روشن است.

نشانه معاد

در آیاتی دیگر، بدون تصریح به نشانه بودن، بلکه با تشبیه احیای دوباره انسان‌ها پس از مرگ به رویش گیاهان از زمین در پی نزول آب، احیای زمین با آب را نشانه قدرت خداوند بر امکان وقوع معاد می‌داند: «وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ» [۱۶]. و آن کس که از آسمان به اندازه‌ای معین، آبی فرو فرستاد، پس به واسطه‌ی آن، سرزمین مرده را زنده کردیم، شما نیز این گونه (از قبرها) خارج می‌شوید.

۲-۳-۳- تکیه عرش خدا بر آب

بر اساس پاره‌ای از آیات و روایات عرش خدا بر آب بنا نهاده شده است که در خصوص این مطلب، اختلافاتی میان عالمان مسلمان وجود دارد.

دلیل قرآنی

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتِ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ. و اوست خدایی که آسمانها و زمین را در فاصله شش روز آفرید و عرش با عظمت او (شاید یک معنی عرش که روح و حقیقت انسان است اینجا مراد باشد) بر آب قرار داشت (شاید مراد از آب علم باشد) تا شما را بیازماید که عمل کدام یک از شما نیکوتر است [۱۷]. و محققا اگر به این مردم بگویی که



زمین، خدا وجود داشت و با او هیچ نبود و خداوند ابتدا آب را آفرید؛ آن‌گاه آسمان‌ها و زمین و به‌طور کلی موجودات مادی را از آب خلق کرد [۲۳].

مؤیدهای روایی

از حضرت باقر (علیه‌السلام) نقل شده که در پاسخ به مردی شامی درباره آغاز آفرینش فرمود: نخست، چیزی را آفرید که همه چیزها از آن خلق شده و آن آب است؛ پس خداوند نسب هر چیزی را به آب می‌رساند؛ ولی برای آب، نسبی که بدان منسوب شود، قرار نداده است [۲۴]. در حدیث دیگری از حضرت صادق (علیه‌السلام) عرش به آفریدگان تفسیر شده است: العرش فی وجه هو جملة الخلق؛ [۲۵]. بنابراین بعید نیست که آیه به پدید آمدن همه مخلوقات از آب اشاره داشته باشد.

منشأ حیات

قرآن کریم در آیه ۵۴ فرقان آغاز آفرینش انسان را از آب دانسته: وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا. "و اوست که از آب، بشری آفرید و او را دارای [دو نوع پیوند] نسبی و سببی کرد؛ و پروردگارت همواره تواناست." در آیه ۳۰ انبیاء به صورت عام و کلی‌تر بیان می‌کند که هرچیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم: أُولَئِكَ يَرْءَا الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ ۚ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ. "آیا کافران ندانسته‌اند که آسمان‌ها و زمین به هم بسته و پیوسته بودند و ما آن دو را شکافته و از هم باز کردیم و هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم؟ پس آیا ایمان نمی‌آورند؟"

۲-۴-۱- معنای ماء

برخی برآنند که «ماء» در آیه، همان آب معروف است؛ بنابراین مبدأ آفرینش جان‌داران آب است؛ در مقابل، برخی دیگر از مفسران مقصود از «ماء»

را نطفه دانسته‌اند؛ شاید به این دلیل که مبدأ آفرینش جان‌داران با آبی جز نطفه مسلم نیست؛ به ویژه که در چند آیه، مبدأ آفرینش انسان هم نطفه شناسانده شده: إِنَّا خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ أَمْشَاجٍ نَبْتَلِيهِ فَجَعَلْنَاهُ سَمِيعًا بَصِيرًا. "ما انسان را از نطفه‌ای آمیخته آفریده ایم و او را مورد آزمایش قرار می‌دهیم؛ از این رو او را شنوا و بینا ساخته ایم."

۲-۴-۲- معنای مخلوق زنده

مفسران مقصود از «كُلِّ شَيْءٍ حَيٍّ» را هر مخلوق زنده دانسته‌اند؛ اما بیش‌تر آنان توضیح نداده‌اند که آیا شامل جن، فرشتگان، گیاهان و درختان هم می‌شود یا نه. فخر رازی با استناد به آیاتی که آفرینش جن را از آتش: وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ. "و جن را پیش از آن، از آتشی برخاسته از سموم خلق کردیم." و آفرینش آدم را از خاک دانسته: إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. "در حقیقت، داستان عیسی نزد خدا مانند داستان آدم است که او را از خاک آفرید، سپس به او گفت: باش، پس به وجود آمد." همچنین فخر رازی در ذیل آیه «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ» با طرح پرسش پیش‌گفته، سه پاسخ برای آن آورده است [۲۶].

همه مخلوقات

ریشه و سرچشمه همه آفریدگان آب است؛ همان‌گونه که طبق روایت، اول آفریده خداوند آب بود؛ آن‌گاه از آن، آتش، باد و نور را آفرید.

جنبندگان روی زمین

مقصود از «كُلِّ دَابَّةٍ» فقط جنبندگان ساکن بر روی زمین است، نه هر موجود زنده‌ای و از آن‌جا که جنبندگان روی زمین یا از نطفه آفریده شده‌اند یا بدون آب نمی‌توانند زندگی کنند، آیه از این‌اکثر به «همه» تعبیر کرده است؛ [۲۷].

معنای منشأ بودن



عده‌ای «جَعَلْنَا» را به معنای «خلقنا» گرفته‌اند [۲۸]، که بنابراین احتمال، آیه، مبدأ آفرینش موجودات زنده را آب می‌داند؛ خواه آب به معنای نطفه یا به‌طور مطلق باشد. برخی در این باره با استناد به فرضیه‌هایی که علم جدید آن را مطرح کرده، مبنی بر این‌که اصل حیات ریشه در آب دارد و نخستین موجود یا موجودات زنده به صورت حیوان بسیط تک سلولی از آب و در دریا پدید آمده است، درصدد برآمده‌اند که آیه را بر این نظریه تطبیق دهند [۲۹]. برخی دیگر «جَعَلْنَا» را به معنای «احیانا» دانسته‌اند؛ یعنی ما به هر موجود زنده‌ای با آب، حیات بخشیدیم [۳۰]. بنابراین، آیه به تأثیر آب در ادامه حیات موجودات ناظر است، نه فقط به اصل آفرینش آن‌ها. طبرسی این نظر را درست‌تر دانسته و روایت عیاشی از امام صادق (علیه‌السلام) را نقل کرده که حضرت در پاسخ پرسشی درباره طعم آب، با استناد به همین آیه فرمود: طعم آب، طعم حیات است [۳۱].

نتیجه‌گیری بدون شک منافع آب باران تنها نوشیدن انسان و رویدن درختان و گیاهان نیست، بلکه شستشوی زمینها، تصفیه هوا، ایجاد رطوبت لازم برای طراوت پوست تن انسان و راحتی تنفس او، و مانند آن همه از فوائد باران است، ولی از آنجا که دو قسمت یاد شده، از اهمیت بیشتری برخوردار بوده روی آن تکیه شده است. خدا در اثر تبخیر دریاها از آسمان باران می‌باراند که آب آشامیدنی از آن است و روئیدنیها از آن می‌رویند و حیوانات را در آن می‌چرانیم آب دریاها را نه می‌شود خورد و نه می‌شود روئیدنیها را آبیاری کرد، همه آبهای شیرین به واسطه تبخیر دریاها و بارانهاست، «منه» در اول بیان و در دوم نشویه است یعنی از آن است برای شما نوشیدنی و از آنست روئیدنی، شجر در اصطلاح درخت را



خورشید تصادفی نیست، حکیمانه و مدبرانه است. «أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ». انسان غرق در نعمت‌هاست، ولی با دیده‌ی عبرت به آنها نمی‌نگرد. «أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ». گستردگی و طولانی شدن مدت سایه به خاطر پرورش و رشد و شکوفایی است. رَبِّكَ ... مَدَّ الظِّلَّ (اگر نور، مستقیم و یا سایه دائمی بود، یا همگی می‌سوختند و یا منجمد می‌شدند). گرچه خداوند قدرت دارد که در طبیعت، تغییر و تحول شدید ایجاد کند، ولی خداوند سنت خود را ترک نمی‌کند. «وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا». شناخت دست اوست. «وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا». شناخت سایه با وجود خورشید و نور ممکن است، زیرا هر چیزی با وجود ضدش شناخته می‌شود. «ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا». حرکت هستی و عملکرد طبیعت، عمل خداست. «مَدَّ- جَعَلْنَا- قبضنا». همان گونه که آفرینش جهان به تدریج و آرامی و در شش مرحله صورت گرفته است، تغییر آن نیز به تدریج خواهد بود. «قَبْضًا يَسِيرًا». گرفتن هیچ چیز برای خدا سخت نیست. «قَبْضًا يَسِيرًا».

همچون کشتی‌ها، هر دو از نعمت‌های الهی هستند. جَعَلَ لَكُمْ ... ما تَرْكُبُونَ. جهان، برای انسان آفریده شده است. خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لِيَبْلُوَكُمْ. گرچه قدرت الهی می‌تواند همه چیز را در یک لحظه بیافریند، ولی حکمت الهی اقتضا می‌کند که آفرینش تدریجی باشد. خَلَقَ ... فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ. سرچشمه‌ی مادی آسمان‌ها و زمین، آب و یا مواد مذاب بوده است. «كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ». آب، قبل از آسمان‌ها و زمین وجود داشته است. «كَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ». هدف از آفرینش همه‌ی موجودات، رشد معنوی و اختیاری انسان بوده است. خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا. کیفیت عمل مهم است، نه کمیت آن. «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا». آسمان و زمین برای کار نیک آفریده شده، نه برای کامیابی و لذت‌طلبی و غافل بودن. «أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا». منکرین معاد، برهان ندارند و فقط تهمت می‌زنند. «إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ». بهترین راه خداشناسی برای همگان، تفکر در پدیده‌های هستی است که بر اساس حکمت الهی آفریده شده‌اند. «أَلَمْ تَرَ». گردش زمین به دور خود و

منابع:

۱. [۱]. قرآن کریم
۲. [۲]. شریف، عدنان، من علوم الأرض القرآنية، ج ۱، ص ۱۰۳.
۳. [۳]. حجیلی، عبدالرحمان، المعاجم المفهرسه لالفاظ القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۷۷.
۴. [۴]. تفسیر عرفانی اشراق علی زیمانی، صفحه ۵۳۶.
۵. [۵]. تفسیر شریف لاهیجی محمد بن علی اشکوری، جلد ۳، صفحه ۳۴۲.
۶. [۶]. انوار درخشان در تفسیر قرآن سید محمد حسینی همدانی، جلد ۱۱، صفحه ۴۸۳.
۷. [۷]. تفسیر نمونه، ج ۱۵، ص: ۱۱۷.
۸. [۸]. تفسیر نور (محسن قرائتی).
۹. [۹]. تفسیر نور (محسن قرائتی).
۱۰. [۱۰]. [۱]. (فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۱۷، ص ۳۱۹).
۱۱. [۱۱]. [۱]. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۴، ص ۴۰۳.
۱۲. [۱۲]. [۱]. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۵، ص ۲۴۵.
۱۳. [۱۳]. [۱]. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۰، ص ۱۵۱.
۱۴. [۱۴]. [۱]. قیصری، داوود، شرح فصوص الحکم، ج ۱، ص ۹۹۱.



۱۵. [۱۵]. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۴۹۷.
۱۶. [۱۶]. اسماعیل، محمد محمود، الاشارات العلمیه فی الآیات الکوئیه، ج ۱، ص ۲۲.
۱۷. [۱۷]. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ج ۸، ص ۹۴.
۱۸. [۱۸]. صدوق، محمد بن علی، معانی الأخبار، ج ۱، ص ۲۹.
۱۹. [۱۹]. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۱۷، ص ۳۱۹.
۲۰. [۲۰]. فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر، ج ۲۴، ص ۴۰۶.
۲۱. [۲۱]. زمخشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، ج ۳، ص ۱۱۳.
۲۲. [۲۲]. معرفت، محمد هادی، التمهید فی علوم القرآن، ج ۶، ص ۳۳-۳۴.
۲۳. [۲۳]. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۸۲.
۲۴. [۲۴]. فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۷، ص ۸۲.

بررسی اهمیت محیط زیست و منابع آب در آیات قرآن کریم و روایات با تاکید بر سیره ائمه اطهار (ع)

محمدصادق رهبانی^۱ و محمدرضا رهبانی^۲

۱- دانشجوی، مهندسی طبیعت، دانشگاه تهران، تهران (نویسنده مسئول: sadeghrohbani@gmail.com)
۲- دانش‌آموخته، علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران.

چکیده

وضعیت بغرنج محیط زیست و منابع طبیعی ایران در دهه اخیر، آن را به یکی از مهم ترین معضلات کشور تبدیل کرده است، به نحوی که به طرق مختلف مورد بررسی کارشناسان و پژوهشگران قرار گرفته است. در حقیقت، در اثر بی توجهی به محیط زیست، کشور به مشکلات متعددی همچون کمبود آب، تغییر اقلیم، از بین رفتن پوشش گیاهی، ورود ایران به یک تنش آبی جبران ناپذیر و در نهایت از بین رفتن این موهبت الهی دچار خواهد شد. در این مقاله، با بررسی تحلیلی آیات قرآن کریم که بسیار بر حفظ و احیا منابع طبیعی تاکید کرده است و همچنین با عنایتی ویژه به روایات متواتری که از ائمه اطهار (ع) در این زمینه وجود دارد، دیدگاه اسلام و قرآن در مورد محیط زیست مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین با توجه به جایگاهی که مفاهیم محیط زیستی در اسلام و آیات قرآن کریم دارد، به نحوی که حتی در توصیه هایی که به حفظ و نگهداری این موهبت الهی می شود، کوچک ترین جزئیات نیز مدنظر قرار گرفته است، راهکارهایی در جهت حفظ و نگهداری محیط زیست، جلوگیری از آلوده کردن منابع آب و ترویج برخوردی صحیح با منابع طبیعی مورد تاکید قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، محیط زیست، منابع طبیعی، منابع آب

مقدمه

شود، زیرا طبق فرموده امام صادق (ع) زندگی بدون محیط زیست پاک (هوای پاکیزه، آب زلال و زمین بارور) گوارا و شیرین نیست. در روایات و سیره زندگی ائمه اطهار (ع) توجه ویژه‌ای به محیط زیست شده است و برای کسانی که در احیا، حفظ و نگهداری آن می‌کوشند، پاداش- های مادی و معنوی فراوانی ذکر شده است؛ برای نمونه رسول خدا (ص) می‌فرماید: «هرکس درختی بکارد خدا به اندازه محصول آن برایش پاداش می‌نویسد». در مقابل اگر از طبیعت و امکانات مادی به گونه‌ای مناسب و شایسته استفاده نشود آثار زیانبار و گاه جبران ناپذیری در پی دارد؛ برای نمونه امام صادق (ع) می‌فرماید: «در آب راکد، ادرار مکن که هرکس چنین کند و به بلایی گرفتار شود جز خویشتن را سرزنش نکند.» (الزام به رعایت بهداشت آب و محیط-

خداوند، زمین را آفرید و آن را در اختیار انسان قرار داد تا آدمی بر اساس نیاز و پس از بررسی و شناخت لازم، از این امانت الهی در مسیر طاعت خالق بهره‌برد و با مزایا و نعمت‌های موجود در زمین به درستی رفتار نماید. خدای سبحان در قرآن کریم می‌فرماید: زمین را آراستیم تا شما را بیازماییم و ببینیم کدام یک به نیکی رفتار می‌کنید. زمانی نعمت‌های الهی در راستای هدف آفرینش قرار می‌گیرند که از آن‌ها به درستی و از روی اعتدال بهره‌برداری شود. روز قیامت نیز از همه نعمت‌ها بازخواست می‌شود و انسان باید بداند که زمین و محیط زیست انسانی متعلق به همگان است و وظیفه دارد در حفظ و آبادانی آن بکوشد تا خود نیز بتواند از مواهبش برخوردار



را دوست می‌داریم.» این سخن به کوه احد اختصاص ندارد و بدین معناست که همه کوه‌ها و به طور عام تمام منابع طبیعی و محیط‌زیست دوست ما هستند و ما هم دوست آن‌ها هستیم. لیکن بایستی در حفظ و نگهداری از این دوستان و نعمت‌های الهی تلاش کرد. در پرتو چنین معرفتی حفظ محیط‌زیست معنا می‌یابد و چنین انسانی، بایستی نه دریا را آلوده کند و نه دشت و کوه را از بین ببرد.

با عنایت به این فرموده پیامبر اکرم (ص) می‌توان دریافت که تمام اجزا محیط‌زیست حتی درختان نیز که برگ و میوه‌هایی برای انسان و حیوانات دارند باید در حفظ و نگهداری از آن‌ها کوشا باشیم. اگر این هم‌نوايي حاصل شود، دریا آلوده، جنگل‌ها تخریب، مراتع و زمین‌های کشاورزی بایر و غیرقابل کشت نمی‌شوند.

شایسته است؛ انسان خلیفه الهی محیط‌زیست را امانت الهی بداند و به حفظ و آلوده نکردن آن اهمیت بدهد و آن را برای خود وظیفه‌ای لازم بداند و حتی در شرایط جنگی نباید از آن دوری کند.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «رسول خدا (ص) هنگامی که رزمندگان را به سوی جنگ می‌فرستاد به آنان سفارش می‌فرمود: جز در هنگام ناچاری درختی را قطع نکنید.» نهی پیامبر (ص) از قطع درخت، می‌تواند به جهت تأثیر درخت در سلامت محیط‌زیست باشد، از همین رو امام-صادق (ع) می‌فرماید: «سکونت در سرزمینی دلپذیر است که هوایی سالم، آبی زلال و زمینی حاصل‌خیز و آماده کشت داشته باشد.» (تضمین‌کننده سلامت روح و روان انسان است) سخن از دل‌پذیری محل زندگی نه فقط زنده-ماندن است، زیرا قحطی‌زدگان نیز با فقر زنده‌اند؛ ولی از حیات با کیفیت بهره‌مند نیستند. اما مردم جامعه‌ای که دارای شرایط محیط‌زیستی و

زیست). همچنین در روایات به این نکته نیز که آلوده کردن آب‌های مورد نیاز مردم مانند آب-های پشت سدها، چشمه‌ها، چاه‌ها و مخزن‌ها عقوبت دارد، متعدد اشاره شده است.

حفظ و نگهداری از محیط‌زیست پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «خدا پاک است و پاکیزگی را دوست دارد، لکن آستان زندگی خود را پاکیزه کنید.» از این حدیث شریف نکات مهمی به دست می‌آید:

الف) اصول محیط‌زیستی و مسائل مربوط به حفظ و نگهداری محیط‌زیست از منظر رسول-گرامی (ص) صبغه ملکوتی دارند و رعایت پاکیزگی بدن، منزل، محل کار و حتی محیط-زیست برای آن است که انسان خلیفه خداست و خلیفه خدا باید سنت و سیرت او را سیره خود قرار دهد و به پاکی و پاکیزگی از آن رو که محبوب خداست، علاقه‌مند باشد.

ب) از منظر حدیث‌شناسی، همه‌جانبه و فراگیر است؛ به گونه‌ای که تمام انسان‌ها، اعم از زن و مرد، پیر و جوان، در تمام دوران زندگی و از هر جهت، باید بدن، منزل، محل کار و محیط‌زیست خود را نظیف، پاکیزه و از آلودگی آن امتناع ورزند و چنانچه آلوده شد، به نظافت آن مبادرت نمایند. این اصل از وظایف متقابل همه شهروندان نسبت به یکدیگر و نیز دولت و ملت در برابر هم است. (همزیستی مسالمت آمیز و حفظ محیط زندگی به دور از آلودگی)

ج) نسیمی که از طبیعت بکر و یا محیط‌زیست طیب و معطر می‌گذرد، نه تنها شامه شهروندان را به بوی خوش نوازش می‌دهد بلکه پیک دوستی و محبت به همراه خواهد داشت، زیرا چنین فضای پاک و خوشبو محبوب خداوند است که زیبایی را دوست دارد.

رسول خدا (ص) درباره کوه احد فرمودند: «این کوهی است که ما را دوست می‌دارد و ما نیز آن



یکی از شما نهالی در دست داشته باشد، اگر به قدر کاشتن آن فرصت باشد، باید فرصت را از دست ندهد و آن درخت را بکارد.» در حدیثی از امام صادق(ع) چنین نقل شده است: «خداوند درخت را برای انسان آفرید، از این رو باید درخت بکارد، آن را آبیاری کند و در حفظ آن بکوشد.» بر پایه روایت دیگری پیامبر اکرم(ص) فرمودند: «کسی که بدون ظلم و تعدی به دیگری درختی بکارد تا زمانی که یکی از مخلوقات خدا از آن بهره برد، خداوند به وی پاداش خواهد داد.» برخی از این روایات درختان بی میوه و جنگلی را نیز شامل می‌شود و اصولاً هرگونه بهره‌وری از درختان در این روایات قرار می‌گیرد. به عنوان مثال پاداشی که خداوند بر پایه روایت اخیر به درخت‌کار می‌دهد در برابر هرگونه استفاده‌ای - است که مخلوق خدا از آن ببرد.

ارزش اقتصادی درخت‌کاری

با این حال نمی‌توان منافع اقتصادی درخت‌کاری را نادیده گرفت و بدون توجه به آن مردم را به این کار دعوت و تشویق کرد. در روایات به این نکته اشاره شده است که باغداری و کشاورزی اگر درست انجام شود می‌تواند منافع اقتصادی مانا و قابل اعتمادی داشته باشد. امام صادق(ع) می‌فرماید: «درخت‌کاری و کشاورزی کنید که هیچ عملی از آن حلال‌تر و پاکیزه‌تر نیست! سوگند به خدا که هنگام ظهور حضرت ولی عصر(عج) درخت‌کاری و کشاورزی بسیار توسعه می‌یابد.» در حدیث دیگری امام صادق(ع) فرمودند: «از پیامبر خدا(ص) سوال شد بهترین ثروت چیست؟ پیامبر(ص) در پاسخ فرمودند: بهترین ثروت کشاورزی است، اگر به طور صحیح و اصلاح شده انجام گیرد و زکات آن داده شود.» حضرت در مرحله بعد به دامداری اشاره فرمودند و آن را پس از کشاورزی بهترین کار دانستند و در مرتبه سوم فرمودند: «درختان استوار و بلند خرما که در گل

بهداشتی مساعد هستند، از زمینه‌های اقتصادی شکوفا و زندگی مرفه برخوردار خواهند بود.

انسان و درخت‌کاری

تا نسل انسان در این کره خاکی زندگی می‌کند، نیاز به گیاهان همچنان ادامه دارد از این رو گیاهان برای انسان آفریده شده‌اند و انسان نیز باید درخت بکارد و درختان را پاس دارد. درخت - کاری به نوعی خدمت به خلق است و عمل صالح تلقی شده و اجر معنوی خاص خود را دارد.

نگاه قرآن به گیاهان با نگاه انسان‌های مادی تفاوت دارد. قرآن به گیاهان نگاه تنگ‌نظرانه مادی ندارد، بلکه با نگاه قدسی بدان می‌نگرد. از این رو به درخت‌کاری تاکید می‌کند که با یاد خدا این عمل را آغاز کنید و دعا بخوانید. در برخی روایات مسلمانان تشویق شده‌اند تا درباره روش کاشت درختان به کاوش بپردازند و شیوه‌های درست آن را فراگیرند.

پاداش معنوی درخت‌کاری

سودمندی‌های درختان تنها برای درخت‌کاران و باغبانان و باغداران نیست، بلکه دیگران نیز از سبزی، خرمی و منافع فراوان درختان بهره می‌برند. در واقع درخت‌کاران و باغبانان با تلاش ارزنده خود سفره سبزی را برای همه انسان‌ها و بسیاری از جانوران پهن می‌کنند و همه آنان خواسته یا ناخواسته بر سر این سفره می‌نشینند و از آن بهره می‌برند.

در فرهنگ اسلامی کسی که به دیگران خدمت کند، اگرچه خدمت وی بسیار ناچیز باشد، پاداش معنوی بزرگی خواهد داشت. پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «هر مسلمانی که درختی بکارد یا کشاورزی کند، در برابر هر مقدار از آنکه انسان، پرند یا حیوانی بخورد، خداوند پاداشی مثل پاداش صدقه به وی خواهد داد.»

در روایتی از پیامبر خدا(ص) چنین آمده است: «اگر عمر جهان پایان یابد و قیامت فرا رسد و



عام تلقی شود. نکته مهم این است که روایات بر اصلاح روش کشت درخت تاکید دارد و به درخت کاری با اتخاذ شیوه‌ای صحیح و موثر تشویق می‌کند.

به عنوان نمونه، پیامبر اسلام (ص) فرمودند: «برادرم عیسی از شهری می‌گذشت که درختان آن دیار کرم‌خورده بود. مردم نزد عیسی آمدند و از این مشکل شکوه کردند. ایشان فرمودند: داروی این مرض در اختیار شماست. شما عادت دارید که به هنگام کاشت درخت فقط خاک به پای آن می‌ریزید و نباید چنین کنید، بلکه سزاوار است نخست آب پایه ریشه‌های درخت بریزید، آن‌گاه خاک بر آن بریزید تا در درختان کرم واقع نشود. پس آنان به دستور آن حضرت عمل کردند و این مشکل برطرف شد.»

صالح بن عقبه می‌گوید، امام صادق (ع) به من فرمودند: «باغ شما را دیدم، آیا پس از آن درختی در آن کاشته‌ای؟ گفتم: من خواستم از باغ شما نهالی بگیرم و در باغ خود بکارم. حضرت فرمودند: آیا نمی‌خواهی راهی بهتر و کوتاه‌تر به تو نشان دهم؟ گفتم: بله! در پی آنم، فرمودند: چون میوه در آستانه رسیدن قرار گرفت و خواستی باغ را آب دهی درخت بکار، در این صورت درختانت مانند درختان من خواهد شد. صالح می‌گوید: همان‌گونه که حضرت فرمود عمل کردم و درختانی مانند درختان امام (ع) رویید.» زراره می‌گوید: امام باقر (ع) فرمودند: «مردی امام-علی (ع) را ملاقات کرد و آن حضرت کیسه‌ای پر از هسته خرما به همراه داشت. عرض کرد: ای امیرمومنان در این کیسه چیست؟ حضرت پاسخ دادند: یک صد هزار درخت خرما ان شاء الله.» آن مرد گفت: حضرت همه را کاشت و همه آن‌ها به عمل آمد.

می‌رویند و درختانی که در بیابان‌های خشک و تفتیده میوه می‌دهند، بهترین ثروت هستند.» در پایان دوباره به درخت خرما اشاره کردند و از فروختن آن به شدت نهی کردند.

بر طبق روایت دیگری پیامبر اکرم (ص) فرمودند: «بهترین مال دسته‌های طولانی، شکیل و منظم خرما و درختان میوه‌دار است.» از این سخن پیامبر اکرم (ص) چنین به دست می‌آید که درخت کاری از شغل‌های بسیار ارزنده و سودمند است و درخت نخل به عنوان نمونه مطرح شده- است.

درخت کاری؛ عمل صالح

به هنگام قرائت قرآن بارها با کلمه «عمل صالح» روبرو شده‌ایم که معمولاً با واژه «ایمان» همراه است. با استناد به آیات قرآن کریم می‌توان با قطعیت درخت کاری و باغبانی را در زمره «عمل صالح» قرار داد و آن را از مصادیق روایات و آیاتی که بر آن تاکید کرده‌اند، دانست.

بر پایه روایتی امام صادق (ع) فرمودند: «مومن پس از مرگ از شش خصلت سود می‌برد؛ فرزند صالحی که برایش آموزش بطلبد، قرآنی که خوانده، چاه آبی که حفر کرده و درختی که کاشته است...»

ضرورت بهسازی شیوه‌های درخت کاری

در برخی روایات شیوه‌های کشت و پیوند صحیح درختان مطرح شده‌است. از این روایات استفاده می‌شود که در روش کاشت درختان باید دقت شود و درخت کار هنگام کاشت و پیوند آن باید از شیوه‌های درست و موثر استفاده کند در غیر این صورت درختان آفت‌زده و یا کم‌ثمر می‌شوند. لازم به ذکر است که امامان معصوم (ع) این سخنان را در زمان و مکان خاصی فرموده‌اند و طبیعی است که رهنمودهای آنان با توجه به آب، خاک، هوا و دیگر شرایط اقلیمی آن منطقه موثر بوده‌است؛ از این رو نمی‌تواند به صورت یک قانون



در روزگار ما جنگل‌ها میدان تاخت‌وتاز و غارتگری طمع‌ورزان و ثروت‌اندوزان شده‌است. آنان به گونه‌ای قطع درختان را سرعت بخشیده- اند که سلامت محیط‌زیست در معرض خطر جدی قرار گرفته‌است.

آمارها نشان می‌دهد که سرعت حیرت‌آور تخریب جنگل‌ها به اندازه‌ای است که شاید برای آیندگان جنگلی باقی نماند. بر پایه گزارش سازمان ملل (UNEP)، از سال ۱۹۹۰ میلادی تاکنون ۲.۴ درصد از پوشش جنگلی زمین از بین رفته و ۲۵ درصد پستانداران و ۱۲ درصد پرندگان در خطر انقراض هستند و اگر این روند ادامه یابد تا ۳۰ سال آینده زمین یک سیاره فقیر و بی‌حاصل باقی خواهد ماند.

دکتر هلن کالدیکوت در این باره می‌نویسد: «در هر دقیقه وسعتی معادل ۶۰ زمین فوتبال از جنگل‌های استوایی باران‌زای کره‌زمین نابود می‌شوند. در هر ۱۶ دقیقه، جنگلی باران‌زا به وسعتی معادل فضای پارک مرکزی نیویورک نابود می‌شود این جنگل‌ها محل زندگی حدود ۵۰ تا ۸۰ درصد گونه‌های گیاهی و جانوری می‌باشند که شمار آن‌ها حدود ۳۰ میلیون گونه برآورد شده‌است. نرخ لجام‌گسیخته جنگل‌زدایی سبب می‌شود جنگل‌های استوایی کره‌زمین به طور کلی ۲۰ تا ۵۰ سال آینده نابود شوند و این نابودی حدود ۱۵ تا ۲۴ میلیون گونه را نیز در بر می‌گیرد.»

در مقابل، غارتگران جنگل‌ها بی‌هیچ دغدغه‌ای به کار خود ادامه می‌دهند و به اعتراض‌های طرفداران محیط‌زیست هیچ توجهی نمی‌کنند، زیرا دولت‌ها برای حل مشکلات کشورشان غالباً اولویت‌های مهم‌تری دارند. فضای فکری و فرهنگی مردم نیز که تا اندازه زیادی نشأت گرفته از رسانه‌های عمومی است به گونه‌ای شکل گرفته‌است که این مسئله در مقایسه با مسائل

آثار پاکیزگی محیط‌زیست پاکیزگی محیط زندگی، افزون بر تاثیر بر سلامت جسم و جان آدمی، در افزایش روزی انسان نیز اثر دارد.

امام‌حسن مجتبی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «ثمره نظافت و جارو کردن محیط زندگی و شست‌وشوی ظرف‌ها، بی‌نیازی آدمی است.» امام‌صادق(ع) نیز می‌فرماید: «شست‌وشوی ظروف و تمیز کردن محیط زندگی، مایه افزایش روزی است.»

امام‌رضاع(ع) می‌فرماید: «نظافت و پاکیزه کردن محیط زندگی روزی را افزایش می‌دهد.» البته لازم به ذکر است در حدیث امام‌حسن مجتبی(ع) بر اثر دنیایی دو نوع پاکیزگی یعنی پاکیزگی خانه و پاکیزگی محیط‌زیست اشاره شده، که شایان توجه است.

زیان آلوده کردن محیط‌زیست رسول‌خدا(ص) می‌فرماید: «زیر درخت مثمر یا در مسیر راه عمومی بول نکنید.» بر این اساس سزاوار نیست که مسلمان پس از استفاده از اماکن عمومی مانند توقفگاه‌ها، پارک‌ها و فضاهای سبز زباله‌های مختلف را در همان مکان بریزند و آن محیط را آلوده کنند.

اگر انسان‌ها عمداً به فضای سبز، سالم و نشاط‌آور نیندیشند و از آلوده کردن آن‌ها نپرهیزند و زیست طبیعی خدا را بیالایند یا در برابر آلودگی آن سکوت کنند، مشمول قهر الهی خواهند بود، همچنان که پیامبر(ص) فرمودند: «سه گروه بر اثر سه کار ناروا از رحمت خداوند دورند:

۱. کسی که مکان عمومی را آلوده کند؛ ۲. کسی که از آب سهمیه‌بندی شده جلوگیری کند (نوبت دیگران را رعایت نکند)؛ ۳. کسی که سد معبر کند و مانع عبور عابران شود.»

قطع درختان و تخریب جنگل‌ها



فرمود: «هرکس درخت سدر را قطع کند، خداوند با سر او را در آتش جهنم خواهد انداخت.» در روایت دیگری آمده است: «پیامبر خدا کسی که درخت سدر را قطع کند، لعنت کرده است.» بررسی روایات نشان می‌دهد که این حکم مختص درخت سدر نیست و درختان دیگر را نیز شامل می‌شود؛ زیرا در آن روزگار در سرزمین حجاز، قطع درختان در امثال درخت سدر مصداق داشته است و امروزه در گونه‌های دیگر و به ویژه تخریب جنگل‌ها.

اهمیت آب

آب و هوای سالم و زمین حاصل‌خیز موهبتی خدایی است که تحصیل و نگهداری از آن‌ها ضرورت زندگی است. به فرموده قرآن: «آب و خاک، ماده نخستین آفرینش انسان اند.» به ویژه آب که ماده نخست آفرینش هر موجود زنده در زمین و مایه حیات زمین است، پس باید به درستی از آن‌ها بهره برد تا حیات آن‌ها در خطر قرار نگیرد.

رسول خدا(ص) در حدیثی می‌فرماید: «خانه مسکونی، لباس و پوشش، نان و آب حقوق ضروری انسان‌ها هستند.» و همچنین می‌فرماید: «مسلمانان در مراتع، آب و آتش حقوق مشترک و سهم مشابه دارند.» امام صادق(ع) می‌فرماید: «همه مردم به سه چیز نیاز دارند: امنیت، عدالت و حاصل‌خیزی.»

لازم است درباره اصل آب و هوا و کیفیت بهره‌برداری از این امانت‌های الهی و آنچه آن‌ها را می‌آیند و همچنین اموری که در پاکیزگی و رفع آلودگی آن‌ها و نیز در چگونگی پالایش و تصفیه آب موثرند، کارشناسی دقیق شده و ابتکار فنی به کار برده شود و لازم است، درباره زمین حاصل‌خیز، کیفیت استفاده از این نعمت الهی و اموری که آن را ویران یا آلوده می‌کند و چیزهایی که در احیا و کویرزدایی تاثیر بسزایی دارد،

مربوط به قدرتمندان و روسای کشورها چندان مهم جلوه نمی‌کند.

از نگاه اسلام قطع درختان و تخریب جنگل‌ها به دلایل زیر از زشت‌ترین اعمال است:

الف) بر طبق آیات قرآن کریم همه نسل‌های انسانی و حیوانی در همه دوران‌ها حق بهره‌برداری از مواهب طبیعی زمین را دارند. از این رو نابودی جنگل‌ها ظلم به همه آنان محسوب می‌شود و در زمره بزرگ‌ترین گناهان است.

ب) قطع درختان و تخریب جنگل‌ها از مصادیق «فساد در زمین» است. قرآن کریم کسانی را که در پی نابودکردن جنگل‌ها، مزرعه‌ها و نسل حیوانات و انسان‌ها بیاورد «مفسد فی الارض» می‌نامد؛ از این رو هرگاه رهبران جامعه‌ای در پی نابود ساختن کشتزاران، گیاهان و نسل حیوانات و آدمیان برآیند نیز مفسد هستند.

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «و چون به قدرت دست یابد یا چون پشت کند و از نزد تو باز گردد می‌کوشد تا در زمین فساد کند و کشت و نسل را نابود کند و خداوند فساد را دوست نمی‌دارد.»

قطع درختان

پیامبر اکرم(ص) و امامان معصوم(ع) مسلمانان را از نابودی درختان برحذر می‌داشته و همواره آنان را به حفظ، رشد و تکثیر درختان تشویق می‌کردند. حضرت علی(ع) در این رابطه می‌فرماید: «پرهیز از قطع درختان سرسبز بر عمر انسان می‌افزاید.» حضرت امام صادق(ع) می‌فرمود: «قطع بی‌رویه درختان میوه‌دار عذاب سخت الهی را در پی دارد.»

پیامبر اسلام(ص) مسلمانان را از قطع درختان مدینه نهی کرده و می‌فرماید: «درختان مدینه نباید قطع شود.»

در زمان پیامبر اسلام(ص) درخت سدر در عربستان فراوان بود. حضرت درباره قطع آن



از مسلمانان بر سر آب فرود آمدند و مسلمانان بر منطقه‌ای خشک و شن‌زار. از این رو بر اثر نداشتن آب هم تشنه شدند و هم نتوانستند بدن خود را از آلودگی‌ها پاک سازند. شیطان به وسوسه آنان پرداخت که با همین حالت آلودگی نماز بخوانید... ولی خداوند متعال باران را بر آنان نازل ساخت؛ مسلمانان در آن آب زلال تن شستند؛ از آن نوشیدند و با آن جان‌ها را جلا بخشیدند و بارش باران مایه دلگرمی، استوارگامی و استقامت بیش‌تر آنان شد.

همان‌طور که در احکام فقهی خوانده‌ایم برای اینکه به سوی بهترین عمل (نماز) بشتابیم در راه ملاقات با خدا گام برداریم باید پلیدی‌ها را بزدااییم و این جز از طریق غسل و وضو و زدودن نجاست لباس و تن با آب میسر نخواهد بود.

اگر آب صفت پاک‌کنندگی را نداشت در مدت کوتاهی آلودگی سراسر جسم و جان انسان را فرا می‌گرفت. حقیقت این سخن را زمانی به خوبی درک می‌کنیم که در نقطه‌ای گرفتار شویم که آبی در دسترس نباشد؛ در نتیجه آب برای انسان روزنه‌های قرب به سوی خداوند را می‌گشاید.

از حضرت امام صادق (ع) در این باره چنین نقل شده‌است: «هرگاه خواستی خود را پاکیزه‌سازی و وضو بگیری به سوی آب برو، همان‌طور که به سوی رحمت خدا می‌روی؛ زیرا خدا آب را کلید قرب و مناجات خود و راهنمای نشستن بر سر سفره خدمتش قرار داده‌است و همان‌گونه که رحمتش گناهان بندگانش را می‌زداید، آب هم آلودگی‌های ظاهری را پاک می‌کند.»

آب؛ منشا حیات

در گروهی دیگر از آیات، آب، سر منشاء حیات همه موجودات زنده معرفی شده‌است. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «هر چیز زنده را از آب پدید آوردیم.» همچنین می‌فرماید: «خدا هر

ارزیابی و براساس آن اقدام شود، چرا که خداوند تمام عناصر محوری مورد نیاز زندگی بشر را تأمین فرمود و بهره‌برداری از آن‌ها را جزو حقوق انسانی قرار داد و جامعه را به صیانت آن‌ها از آفت، انقراض، کمبود و مانند آن مکلف کرده‌است.

آب؛ وسیله طهارت، پاکی و معنویت

آب، نعمت، رحمت و برکت الهی است که خدای مهربان آن را آفرید تا زمین را به وسیله آن زنده، سرسبز و نشاط‌آفرین کند و نیازهای انسان، جانوران و گیاهان را برآورد.

در آیات قرآن کریم از آب به نعمت، رحمت، برکت، رزق، منشاء حیات و ابزار طهارت ظاهری و معنوی تعبیر و بر سهم بسزای نزولات آسمانی در سرسبزی زمین تأکید شده‌است. بر طبق برخی روایات آب سودمندی‌های فراوانی دارد؛ از آن جمله: برآوردن نیازهای جانداران، آبیاری درختان و کشتزارها، بستر زندگی ماهیان و آبیاری، گوارا کردن نوشیدنی‌ها، فراهم آوردن استفاده از خاک، خاموش کردن آتش و... .

در متون فقهی اسلام احکام فراوانی در این رابطه آمده‌است که بر طبق آن‌ها آب از «مطهرات» شمرده شده‌است. اما قرآن و روایات اسلامی برای آب آثاری فراتر از این موارد بر شمرده‌اند؛ آب برای انسان طهارت معنوی به ارمغان می‌آورد و افزون بر شستن تن، جان را جلا می‌بخشد و روح را آماده صعود و حضور در پیشگاه پروردگار متعال می‌کند.

خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «و از آسمان آبی پاکیزه فرو فرستادیم.» و می‌فرماید: «و از آسمان آبی برای شما فرو فرستاد تا شما را پاکیزه سازد و از شما پلیدی شیطان را بزداید و دلگرم‌تان کند و گام‌هایتان را به وسیله آن استواری می‌بخشد.»

در جنگ بدر (نخستین جنگ پیامبر اسلام با مشرکان قریش) مشرکان پیش از مسلمان پیش



آب به نکته مهمی اشاره دارد و بارش باران را حساب شده و به میزان معین می‌داند و می‌فرماید: «خدا با تدبیر دقیق خود آب فرود آمده از باران را در منابع پراکنده زیر زمین ذخیره می‌کند». ذخیره‌سازی منابع آب و حفظ آن دو موضوع مهم در نگاه پیامبر(ص) بود و همواره به ایجاد حریم در نزدیکی منابع آب توصیه می‌کردند و برای استفاده نابجا از آب و آلوده کردن آن نگران بودند و آنگاه که آب فراوان بود، از اسراف آن حتی در وضو و غسل منع می‌کردند. چنانکه فرمودند: «مقدار آب مصرفی در وضو یک مد (کمتر از یک کیلو) و در غسل یک صاع (حدود سه کیلو) است؛ ولی اقوامی پس از من می‌آیند که آن را اندک می‌شمارند. آنان با سنت من مخالفاند و کسی که بر روش من پایدار باشد در بهشت با من خواهد بود. (صرفه جویی در مصرف آب)».

آب و رویش گیاهان

پوشش گیاهی زمین و سرسبزی خرمی آن از جلوه‌های عظمت و حکمت الهی است. قرآن تاکید می‌کند که این نعمت بزرگ الهی در گرو بارش باران است. از نگاه قرآن زمین بی‌گیاه، زمینی است که در خشکی سوخته و مثل گورستان، چهره غم‌زده به خود گرفته‌است و هنگامی که باران می‌بارد، سرسبز می‌شود. در این رابطه قرآن تعبیری مخصوص به خود دارد؛ همان‌طور که پیش از این اشاره شد از نگاه قرآن زمین خشکیده و بی‌گیاه موجودی افسرده و مرده است که در آن هیچ نشاط، شادابی، حیات و جنبشی به چشم نمی‌خورد و بارش باران، روح حیات را در کالبد بی‌جان آن می‌دمد و سرسبزی، خرمی و حیات می‌آفریند. از این رو خداوند در آیات متعددی باران را سبب «احیا زمین» قلمداد کرده‌است. برپایه آیات و روایات، آب مادر هستی و نخستین آفریده مادی خداوند است، عرش خدا

جنبنده‌ای را از آب آفرید.» و درباره انسان می‌فرماید: «و او کسی است که از آب بشری آفرید.» از ظاهر این آیات دریافت می‌شود که ماده اصلی حیات موجودات زنده آب است، در واقع بدون آب هیچ موجود زنده‌ای نمی‌تواند به حیات خود ادامه دهد. طبرسی از مفسران بزرگ قرآن می‌نویسد: «مقصود خداوند از این آیه آن است که به وسیله آبی که از آسمان نازل می‌کنیم هر چیز زنده‌ای را حیات می‌بخشیم.» علامه طباطبایی نیز در تفسیر این آیات می‌نویسد: «مراد آن است که آب دخالت تامی در وجود موجودات زنده دارد.» حضرت امام‌باقر(ع) در این باره سخن لطیفی دارند، آن حضرت می‌فرماید: «طعم آب، طعم حیات و زندگی است.»

برخی آثار آب در روایات

حفظ آب، در آموزه‌های دینی به قدری اهمیت دارد که به فایده‌های مصرف آن نیز توجه شده است، چنان که امام‌علی(ع) می‌فرمایند: «خودتان را با آب از بوهای بد پاکیزه کنید.» (بهداشت بدن) همچنین می‌فرمایند: «بر کسی که تب دارد آب سرد بپاشید تا حرارتش فرونشیند.» امام‌صادق(ع) می‌فرمایند: «آب زمزم سفیدتر از شیر و شیرین‌تر از عسل و بر زمین، روان بود، پس بر دیگر آب‌ها تجاوز کرد و خدا آن را مهار و چشمه‌ای از صبر بر آن جاری کرد.» (بهداشت روح). امام‌صادق(ع) می‌فرمایند: «نگاه کردن به آب چهره را نورانی و شاداب می‌سازد.» پیامبر اعظم(ص) می‌فرمایند: «مردم را از سه چیز نمی‌شود محروم کرد که یکی از آنها آب است.» کنترل و مهار منابع آب

خداوند در قرآن کریم درباره آب می‌فرماید: «به من بگوئید، این آبی که می‌آشامید، آیا شما آن را از ابر فرود آورده‌اید یا ما فرود آورده‌ایم؟ اگر بخواهیم آن را شور می‌گردانیم؛ پس چرا سپاس خدا نمی‌گزارید؟» و درباره ذخیره‌سازی و مهار



نتیجه‌گیری
بر اساس آموزه‌های دینی حیات و بقا بشر، بستگی به حفاظت از محیط‌زیست داشته و رعایت حقوق عناصر زیست محیطی نباید تنها در برهه‌ای خاص از زمان مدنظر قرار گیرد. هر نوع افراط و تفریط در استفاده از منابع و هرگونه کم لطفی نسبت به طبیعت اثرات جبران ناپذیری در کل نظام طبیعت خواهد داشت. همچنین باید به عنوان یک وظیفه الهی به حفظ محیط‌زیست و عدم تخریب آن نگاه کرد. ارتباط و تعاملی که بشر با محیط‌زیست دارد، کیفیت زندگی او را تعیین کرده و بر آن تاثیر بسزایی دارد. زمین، آب و نیروی انسانی سه بازوی بهم پیوسته حیات هستند که باید در تعادل و توازن نگه داشته شوند. چرا که آسیب رسیدن به یکی از این بازوها چارچوب فلسفه زندگی روی زمین را برهم میزند. پس باید با مطالعه آیات و روایات و توصیه‌های متعدد ائمه اطهار(ع) در حفظ و نگهداری از این موهبت‌های الهی کوشا باشیم و همچنین در استفاده و بهره‌برداری نیز جانب اعتدال را رعایت کنیم.

بر آب نهاده شده‌است، زمین بدون آب پایداری و قوام ندارد، بهترین نوشیدنی است و بدون آب، خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های دیگر لذت‌آور نخواهند بود. حضرت امام صادق(ع) درباره فواید آب چنین می‌فرماید: «اگر فراوانی و فوران آب در چشمه‌ها، نهرها و بیابان‌ها نبود زندگی بر مردم دشوار می‌شد؛ زیرا آنان نیاز فراوان به آب دارند؛ آنان برای نوشیدن خود و چهارپایانشان و آبیاری انواع مزرعه‌ها، باغ‌ها و درختان به آب نیازمندند و نیز برای نوشیدن حیوانات وحشی و درندگان و پرندگانی است که همواره از آب بهره می‌برند. آب منافع دیگری دارد که انسان آن‌ها را می‌داند اما از بزرگی و عظمت آن‌ها غفلت ورزیده‌است، زیرا افزون بر اینکه حیات همه موجودات زنده اعم از گیاهان و جانوران در گرو آب است، سودمندی‌های دیگری دارد انواع نوشیدنی‌ها به واسطه مخلوط شدن با آب گوارا و لذیذ می‌شوند؛ با آب خاک را گل می‌سازند و در ساختمان‌سازی به کار می‌برند، با آن شعله‌های افروخته آتش را که مردم را در معرض زیان و نابودی قرار داده‌است، خاموش می‌کنند.

منابع

۱. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، اسلام و محیط زیست، قم: نشر اسرا.
۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۷)، سروش هدایت، جلد اول، قم: نشر اسرا.
۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاه، قم: نشر اسرا.
۴. حر عاملی، شیخ محدث محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ح ۱، قم: انتشارات ذوی القربی.
۵. حر عاملی، شیخ محدث محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۵، ح ۱، قم: انتشارات ذوی القربی.
۶. حر عاملی، شیخ محدث محمد بن الحسن، وسائل الشیعه، ج ۱۳، ص ۱۹۲، ح ۱، قم: انتشارات ذوی القربی.
۷. شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه، مترجم: سلطانی، محمد علی، علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۰۰-۱۰۱، قم: ارمان طوبی.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین، المیزان، ج ۱۴، ص ۳۰۵، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۹. عابدینی مطلق، کاظم (۱۳۸۹)، نهج البلاغه، قم: نشر توسعه قلم.
۱۰. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۷۵، ح ۶، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۱. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۲۶۰، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۲. کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، ج ۵، ص ۲۶۳، ح ۴، قم: مؤسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب، مترجم: حاجیانی دشتی، عباس، روضه کافی، ص ۹۵، قم: موعود اسلام.
۱۴. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۳، ص ۸۶، قم: دارالکتب الاسلامیه.



۱۵. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۶۱، ص ۲۹۵، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۶۴-۶۵، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۷. مجلسی، محمدباقر، مرآت العقول، ج ۱۹، ص ۳۳۲، قم: دارالکتب الاسلامیه.
۱۸. مظاهری، علی اکبر (۱۳۸۹)، نهج الفصاحه، قم: نشر پارسایان.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۰)، قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۲۰. نوری طبرسی، میرزاحسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۳، ص ۴۶۰، قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

مروری بر ضروریات مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم

ایمان محمدپور نیک‌بین

استادیار، دانشگاه آزاد اسلامی واحد رشت، رشت، ایران (نویسنده مسئول: nikbin@iaurasht.ac.ir)

چکیده

هر حوزه علمی از زیر شاخه‌های مختلفی تشکیل شده است که در هر زیر شاخه ابهامات و مسائل متنوعی وجود دارد که نیازمند کنکاش می‌باشد. ابعاد مختلف مسائل و همچنین پیشگیری از یک نظریه که یک پدیده پیچیده را فرو میکاهد منجر شده تا محققین به سوی مطالعات میان رشته‌ای گام بردارند. ضرورت تحقیق در باب مفهوم میان رشته‌ای و ترکیب علوم مختلف در حل یک مسأله اساسی‌ترین معضلات پدیده‌ها را بر طرف مینماید. در حقیقت تعامل میان علوم مختلف باعث می‌گردد که محققین در قلمرو علوم متنوع تری مسائل جدیدی را دنبال نمایند. از سویی دیگر به دلیل ابهاماتی که در این نوع از تحقیقات وجود دارد منجر شده است که تفسیرهای متفاوتی از مفهوم میان رشته‌ای در بین محققین پدید آید. درک مفاهیم قرآن کریم همواره مورد توجه محققین مختلف قرار گرفته است. امروزه تفسیر درستی از بیان مفاهیم قرآن در مفهوم میان رشته‌ای به شدت احساس می‌گردد. با توجه به میزان همپوشانی میان رشته‌ها چندین گونه اساسی برای تحقیقات میان رشته‌ای نظیر چند رشته‌ای، میان رشته‌ای و ترا رشته‌ای شناخته می‌شود. در حقیقت اشکال متفاوتی به منظور یافتن مسیر درست در شناخت گونه‌های میان رشته‌ای قرآن کریم نیاز می‌باشد تا درک محققین را در این راستا جهت دهی نماید. این مطالعه به مروری بر ضروریات مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم می‌پردازد.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، میان رشته‌ای، معیار پژوهش، مبانی

مقدمه

قرآن کریم اصلی‌ترین معجزه پیامبر برای هدایت بشر می‌باشد موجب تمرکز محققین پیرامون مطالعات میان رشته‌ای گردیده است چرا که به دلیل ظرفیت گسترده قرآن امکان بررسی موضوعات و مسائل متنوع در آن وجود دارد. محققین از دیدگاه‌های مختلفی به بررسی مفاهیم قرآنی پرداخته‌اند. نزدیکی مفاهیم قرآنی با علوم مختلف و نظریه پردازی بر مبنای آن امروزه از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. بنابراین تعیین مبنای مناسبی برای گونه‌های مختلف برداشت‌ها از مفهوم میان رشته‌ای موجب پاسخگویی به بسیاری از ابهامات خواهد شد. تاکنون محققین مختلفی به ارزیابی قرآنی بودن تحقیقات پرداخته‌اند. فروزش (فروزش، ۱۳۹۶) در تحقیقات خود نشان

درستی فرایند تحقیق مستلزم معیارهای تحقیق است که در ابعاد مختلف یک تحقیق باید مورد توجه قرار گیرد. مفهوم میان رشته‌ای به حوزه‌های جدیدی در دانش معطوف می‌شود که بیشتر از یک زمینه اختصاصی علم را مورد بحث قرار می‌دهد. تحقیق در باب میان رشته‌ای از مباحث ویژه در علم است که بررسی آنها از طریق روشهای مرسوم چندان موثر واقع نشده است (درزی، ۱۳۹۲). در حقیقت ذات مبهم مسائل موجب شده تا مطالعات میان رشته‌ای از اهمیت خاصی برخوردار باشند. شاید بتوان گفت پیوند معرفت شناختی و هستی شناختی یک علم با علمی دیگر حاصل مطالعات میان رشته‌ای در یک رشته علمی می‌باشد. با توجه به اینکه



میان رشته به بخشی از دامنه علم اطلاق میگردد که ارتباط و همپوشانی میان شاخه‌های مختلف علم را برقرار می‌کند و به عبارتی نقطه مقابل مفهوم انحصار می‌باشد و مبتنی بر کثرت‌گرایی بوده که محقق را و میدارد تا از حوزه تخصصی مورد مطالعه خود فراتر رفته و به دنبال علوم مختلف ناظر بر پدیده‌ای واحد رهسپار گردد (قاراخانی، ۱۳۹۳). ابراهیمی (ابراهیمی، ۱۳۹۳) در تحقیق خود در بررسی ضرورت‌های مطالعات میان رشته‌ای در حوزه علوم انسانی دلایل ضرورت مطالعه خود را خطا پذیر بودن دانش، مکمل‌سازی و جامع‌نگری، چندتباری بودن دانش، تعهد به وحدت علم بنابر ملاحظات اخلاقی عنوان نمود. به عقیده او رهیافت میان رشته‌ای یک گفتمان مشترک و یک زبان مشترک است که در آن تحقیق به صورت فردی انجام نمی‌شود. سجادی (سجادی، ۱۳۹۰) در تحقیقی دیگر نشان داد که توجه به مطالعات میان رشته‌ای، رشد و گسترش آن در جوامع کنونی برای پیشبرد دانش بشری در پیوند با فلسفه و علم تعلیم و تربیت به طور خاص ضروری است. شاید بتوان گفت که مفهوم میان رشته‌ای مرزهای سنتی حاکم بین رشته‌های دانشگاهی را شکسته و به عبارتی مطالعات میان رشته‌ای دیگر یک انتخاب نبوده بلکه یک اجبار و الزام است که موجب پر کردن شکاف‌های مختلف علمی میگردد. بحث میان رشته‌ای بشر را با ابعاد از نظر دورمانده مسائل آشنا می‌سازد و فضا را از تقسیم بندی سنتی علوم خارج مینماید. شاید بتوان گفت که از این طریق چندین رشته برای تفسیر دقیق تر یک مساله پیچیده با همپوشانی و ترکیب مناسب بکار گرفته می‌شود.

۲-۲- مفهوم میان رشته‌ای قرآن کریم

داد که تحقیقات میان رشته‌ای قرآن کریم و روانشناسی زمینه نظری مناسبی برای تحول در علوم انسانی با رویکرد قرآن محور در جامعه اسلامی تلقی می‌شود. تحقیقات او نشان داد که مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم علاوه بر حواس پنجگانه و عقل بر وحی و قلب تکیه داشته است و مهمترین ویژگی تحقیقات میان رشته‌ای قرآنی نسبت به روانشناسی مرسوم، جامعیت و توجه به معاد می‌باشد. یک مفهوم میان رشته‌ای در حقیقت در کنار هم قرار دادن دانش، تجربه در دو یا چند شاخه علمی و تخصصی برای شناخت و حل یک معضل چند وجهی می‌باشد. بطور مرسوم تمامی علوم با وجود دامنه وسیع دارای فصول مشترک می‌باشند و هرگز شاخه‌های مختلف علوم بی‌نیاز از یکدیگر نبوده و تکمیل کننده همدیگرند. از سویی دیگر تحقیقات پیرامون مفهوم میان رشته‌ای از تعابیر متفاوتی رنج می‌برد. به عنوان مثال در مفهوم نظری به شکل میان رشته‌ای و بین رشته‌ای شناخته می‌شود ولی در مفهوم کاربردی مفاهیم متفاوتی دارد. هدف مطالعه حاضر تبیین ضرورت و دلایل مطالعات میان رشته‌ای در آیات قرآنی می‌باشد. بر اساس مقایسه مورد بررسی توسط درزی (درزی، ۱۳۹۲). سه گونه اصلی چند رشته‌ای، میان رشته‌ای و ترا رشته‌ای بر اساس میزان همکاری، تعامل و ترکیب همگرایانه میان رشته‌ها برای حل مساله وجود دارد که از ظهور اندیشه ترقی و مدیریت نشئت میگیرد. بنابراین برای سامان بخشی آن فرا اندیشه، فرا دانش و فرا روش لازم را به تناسب بحث مورد نظر معین مینماید.

۲- مفاهیم پایه و ساختار مفهوم پژوهش میان رشته‌ای قرآن کریم

۲-۱- مفهوم میان رشته‌ای



شناسی تا دانش‌هایی چون فقه و اخلاق و دانش‌های کاربردی فراهم خواهد شد. شاید در گذشته قرآن به مثابه جزیره‌ای پنداشته می‌شد که نمی‌توانست هیچ ارتباطی با سایر علوم داشته باشد. به همین سبب مرزی جدی میان مفاهیم قرآنی و علوم دیگر کشیده شده بود و از ورود عالمان غیر متخصص به قلمرو مفاهیم قرآنی جلوگیری می‌شد ولی امروزه محققین ثابت نموده‌اند که با داشتن دیدگاه کثرت‌گرایانه به همه شاخه‌های علمی می‌توان رهیافتی جامع‌گرا در همه زمینه‌ها دست یافت. شاید بتوان گفت فهم بهتر آیات قرآنی، امکان تفسیر قرآن مبتنی بر مسائل روز پاسخ به پرسش‌ها و نیازهای جدید، نظریه‌پردازی‌های علمی در حوزه‌هایی نظیر علوم انسانی و در نهایت اثبات اعجاز قرآن کریم از مزایای مطالعات میان رشته‌ای قرآن کریم است (ایازی، ۱۳۹۱). شجاعی (شجاعی، ۱۳۹۵) در تبیین مطالعه میان رشته‌ای قرآن کریم بیان داشته‌اند که مطالعه میان رشته‌ای قرآن کریم به عنوان ابزاری مناسب برای مبارزه با نظریه سکولاریسم که به عنوان جهان بینی غالب در دنیای غرب می‌باشد. محققین معتقدند که سه اصل شناخت صحیح قرآن، بومی سازی ادبیات علمی در قالب ادبیات جهان اسلام و تبیین دستیابی به نتایج مورد نظر منشا اصلی ترین مطالعات میان رشته‌ای در حوزه قرآن می‌باشد.

۳- تحلیل تجربی میان رشته‌ای آیات قرآنی
تحلیل تجربی تفسیر آیات قرآنی بر مبنای آزمایش با نگاهی علمی به مسائل برای درک آنها می‌باشد. برخی محققین آیات قرآنی را طبق یافته‌های علمی تفسیر نموده‌اند و به نوعی قرآن را دریچه‌ای برای کشف علوم جدید دانسته‌اند زیرا هدف اصلی قرآن هدایت بشر به سوی خداست. بنابراین اگر اشارات علمی در قرآن وجود دارد در راستای هدایت انسان و اثبات

در حقیقت تطابق علوم مختلف با آیاتی از قرآن کریم به منظور اثبات عدم اختلاف میان مفاهیم قرآنی با علوم مختلف است و هدف از تحقیقات میان رشته‌ای قرآن کریم و سایر علوم بررسی تنگاتنگ مفاهیم الهی با شاخه‌های مختلف تخصصی در علم می‌باشد. از نظر برخی از محققین برخی اوقات حداقل همگرایی میان آیات قرآن و مفاهیم علمی وجود دارد و تفاسیر محققین مختلف تنها با هدف اثبات عدم تعارض میان قرآن و کشفیات علمی است و معرفت‌شناختی چندانی را نصیب نخواهد کرد. به اعتقاد برخی محققین در روشی متفاوت بکارگیری قسمت‌های اثبات شده یک رشته برای تفسیر قسمت مبهم رشته دیگر به کار برد چند رشته‌ای قرآن کریم منجر می‌گردد و به عبارتی ابزاری مناسب برای درک در رشته دیگر می‌باشد. در این مسیر شواهد موجود در علوم به فهم مناسبی از آیه قرآنی کمک می‌نماید. در حقیقت مطالعات میان رشته‌ای در این میان موجب ایجاد نگاهی چندساحتی به انسان و جامعه در پرتو آیات الهی می‌گردد. یعقوب نژاد (یعقوب نژاد، ۱۳۹۳) در تحقیق خود بیان می‌دارد که تفسیر علوم انسانی-اسلامی صرفاً با مطالعه درون رشته‌ای میسر نمی‌شود و لازم است محققین علوم مختلف را با رویکرد میان رشته‌ای مورد توجه قرار دهند. در این راستا مباحثی در میان رشته‌ای قرآن کریم نظیر نقش و کارکرد علوم شناختی در مطالعات حس فرا متن آیات قرآن کریم، چگونگی رابطه علوم انسانی با معارف وحیانی، پدیدارشناسی وحی، گونه‌های تاریخی و زمانی رخدادها در قرآن کریم مورد توجه می‌باشد. شاید بتوان گفت که از این طریق امکان ورود تجربی به واقعیت‌ها در الگوی فرا تاریخی پیشنهادی دین از طریق ایجاد بستری از سطح دانش‌هایی چون هستی‌شناسی و معرفت



در زمینه فیزیک، شیمی، پزشکی و علم نجوم به عربی ترجمه گردید.

۴- نمونه هایی از تحلیل تجربی آیات قرآنی در الگوی میان رشته ای علوم مختلف

خداوند در آیه شریفه ۳۸ سوره یس می فرماید "وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا" و نیز خورشید تابان بر مدار معین خود دایم بی‌هیچ اختلاف به گردش است. تفسیر این آیه بیان می دارد که با پیشرفت علوم بشر و درک حرکت زمین و خورشید آشکار شد که خورشید نیز دارای حرکت انتقالی است، حتی تمام منظومه شمسی و کهکشان راه شیری در حرکت اند. از سویی دیگر در این آیه از جریان خورشید صحبت شده نه حرکت آن که در علوم جدید کیهان شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که همانند یک سیال در جریان است. خداوند در آیه شریفه ۱۶ سوره حجر می فرماید "وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ" و همانا ما در آسمان کاخهای بلند برافراشتیم و بر چشم بینایان عالم آن کاخها را به زیب و زیور بیاراستیم. تفسیر این آیه بیان می دارد که منظور از بروج همان صور فلکی می باشد که در واقع مجموعه ای از ستارگانی هستند که شکل خاصی به خود گرفته اند و وقتی ما در پایین به آنها نگاه میکنیم میگوییم خورشید مثلا در برج حمل، ثور، میزان، عقرب و یا قوس می باشد. خداوند در آیه شریفه ۳۰ سوره انبیا می فرماید "وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ" و از آب هر چیز زنده‌ای را آفریدیم. تفسیر این آیه بیان می دارد که به استناد نظریه داروین ثابت می شود که منظور قرآن از شروع حیات با آب همان حقیقتی است که نظریات علمی جدید می گوید که حیات از دریا ها و آب ها و با موجودات تک سلولی شروع شده است. کلمه (جعل) به معنای خلق است یعنی آب در هستی موجودات زنده دخالت

توحید و معاد است. توجیه این مطلب آیه ۸۹ سوره نمل می باشد که به اشکارا بیان میکند "وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تَبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ" و ما بر تو این کتاب (قرآن عظیم) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند. در همین راستا امام صادق (ع) فرمود: هر مسأله ای که مورد اختلاف دو نفر باشد در کتاب خدا، اصلی که آنرا حل کند وجود دارد، گرچه عقل مردم به آن نرسد (مشهدی، ۱۳۶۸). مبنای تفسیر تجربی علوم مختلف می باشد و از این رو گاهها تحت عنوان تفسیر علمی نیز از آن یاد می شود زیرا که محققین به دنبال انطباق آیات قرآنی با دستاورد های علمی هستند. بکار گیری این روش در فهم بهتر آیات قرآن موثر است و محققین از آن به عنوان ابزاری در تبیین بهتر آیات الهی استفاده می کند. هر چند تفسیر تجربی آیات قرآنی سابقه ای چند صد ساله دارد ولی در صده اخیر بیشتر مورد توجه محققین میان رشته ای قرار گرفته است. امروزه یکی از مباحث مورد توجه محققین چند دهه اخیر رابطه قرآن کریم و علوم جدید می باشد. بسیاری از محققان حتی غیر مسلمان نیز متمایل به درک این رابطه شده اند و هرچند مسائل مربوط به ماهیت علمی قرآن کریم از سوی محققین دچار تعارض دیدگاهها گردیده است و از فراز و نشیب برخوردار است. برخی محققین معتقدند که تفسیر تجربی در بسیاری اوقات منجر به ایجاد نظریه های علمی نادرست و ناپایدار خواهد شد و بر این اساس عده بسیاری با آن به مخالفت پرداخته اند. آنها معتقدند که تفسیر علمی آیات قرآنی به دلیل تحول و دگرگونی نظریات علمی و عدم ثبات آنها چندان صحیح نمی باشد. شاید بتوان گفت که اوج گیری و شکوفایی تحلیل تجربی آیات قرآنی به منظور انطباق آنها با علوم تجربی از زمانی آغاز گردید که کتابهای مختلفی



سطحی در اثر فرو رانش لایه های گوشته به اعماق نفوذ میکند و عمق نفوذ آب بسیار زیاد است و شرایط دما و فشار زیاد است باعث ترکیب آب با مواد معدنی می شود و عمق زیاد نفوذ و تغییر ماهیت آب باعث عدم امکان بازیابی آب میگردد. بنابر این این آیات به پدیده ای علمی اشاره دارند که در عصر نزول شناخته نبود و از مصادیق پیشگویی های علمی و نشانگر اعجاز قرآن خواهد بود. در آیه شریفه ۱۲۴ سوره حجرات می فرماید "اجْتَبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ" از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است. در مطالعات میان رشته قرآن کریم و روان شناسی فروزش(فروزش، ۱۳۹۶) با اشاره به آیه بیان میدارد که اسلام پرهیز از گناه را باعث تذکیر نفس می داند زیرا که منشا اختلالات روانی در انسان و جامعه می باشد. از نظر علم روان شناسی مرسوم نیز تفکر منفی و سو ظن منشا بسیاری از اضطراب ها و اختلالات روانی می باشد. خداوند در آیه شریفه ۲۲۲ سوره بقره می فرماید "وَلَا تَقْرَبُوهِنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ" با آنان نزدیکی نکنید تا آنکه پاک شوند. تفسیر این آیه بیان می دارد با توجه به آثار سو جسمی و روحی آمیزش در دوران قاعدگی برای زن و مرد حرام شده است که امروزه از نظر علم پزشکی ثابت شده است که آمیزش در حال قاعدگی علاوه بر اینکه تنفر آور است زیانهای بسیاری از جمله احتمال عقیم شدن و ایجاد محیطی مساعد برای پرورش میکروب های آمیزشی است. خداوند در آیه شریفه ۱۰ سوره لقمان می فرماید "خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَغْيِرٍ عَمَدٍ تَرْوُنَهَا وَاللَّيْلِ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ" آسمانها را بی ستونی که به حس مشاهده کنید خلق کرده و کوههای بزرگ را در زمین بنهاد تا شما را نجنباند. تفسیر این آیه بیان می دارد

تام دارد و این مسأله در علم امروز نیز به اثبات رسیده که هر جا آب هست ، آثار حیات مشاهده می شود و بالعکس. خداوند در آیه شریفه ۴۷ سوره ذاریات می فرماید "وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ" و آسمان را با قدرتی وصف ناپذیر بنا کردیم، و ما گسترش دهنده ایم. تفسیر این آیه بیان می دارد با استدلال اینشتین در سال ۱۹۱۶، مقاله نسبیت عام را که مطالعه‌ای بر کل کیهان بود، ارائه نمود. بر اساس این تئوری، کائنات یا در حال گسترش هستند و یا در حال انقباض. ادوین هابل در سال ۱۹۲۹ با بررسی داده‌هایی از چند کهکشان متوجه شد که آنها با سرعت ده‌ها کیلومتر در ثانیه در حال دور شدن از یکدیگر هستند. این مشاهدات اثبات می‌کرد که جهان ایستا و پایا نیست و در حال گسترش یافتن است. جایزه نوبل فیزیک در سال ۲۰۱۱ به طور مشترک به سول پرلمتر، برایان اشمیت و آدام ریس برای تحقیقاتشان در مورد ابرنواخترهای دور دست و کشف انرژی تاریک که منجر به انبساط روزافزون جهان می‌شود، اهدا شد. خداوند در آیه شریفه ۱۳ سوره نبا می فرماید "وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَاجًا" و چراغی (چون خورشید) رخشان بر افروختیم. تفسیر این آیه بیان می دارد بر اساس معنی وهاج که مفهوم انتشار خواص و آثار دیگر است و تنها در مورد خورشید صادق است. خورشید است که سرشار از نور، حرارت و انرژی می باشد. در آیه شریفه ۴۱ سوره کهف می فرماید "أَوْ يُصْبِحَ مَأْوَاهَا غُورًا فَلَنْ تَسْتَطِيعَ لَهُ طَلَبًا" یا آبش به زمین فرو رود و دیگر هرگز نتوانی آب به دست آری. تفسیر این آیه بر اساس تحقیقات وحدت آزاد(وحدت آزاد، ۱۳۹۷) بیان می دارد که مطالعه فرا رشته ای میان علم مهندسی و آیات قرآنی منجر به اعجاز قرآن در بحث پدیده نفوذ آب به اعماق زمین می گردد. بنابر این تحقیقات وقتی آبهای



ویژگی مهم آسمانها و کرات، معلق بودن آنهاست. این آیه در زمانی که بشر حتی تصور و گمان آن را نیز نداشت استقرار کرات و اجرام آسمانی را بر اساس قوه جاذبه و نیروی گریز از مرکز به عنوان دو نیروی قدرتمند گردش کرات در مدار را اثبات می نماید. خداوند در آیه شریفه ۴۰ سوره یس می فرماید "وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ" و هر یک بر مدار معینی (در این دریای بی پایان) شناورند. تفسیر این آیه بیان می دارد طبق بررسی های علمی جدید در بحث نجوم حرکت کرات در مدار معین خود به اثبات رسیده است. خداوند در آیه شریفه ۱۹ سوره رحمن می فرماید "مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ" اوست که دو دریا (ی آب شور و گوارا) را به هم در آمیخت تا به هم برخورد کنند. تفسیر این آیه بیان می دارد در شهر چانگان پاکستان دو رودخانه با هم یکجا گردیده و سپس مسیر خود را به سوی شهر اراکان طی مینماید. همواره بیننده خط فاصلی را بعنوان مرز دو رودخانه می بیند که یکی شیرین و یکی شور است. خداوند در آیه شریفه ۱۹ سوره رحمن می فرماید "وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ" و از هر چیزی دو نوع (نر و ماده) بیافریدیم. تفسیر این آیه بیان می دارد طبق یافته های علمی جدید در اصل آفرینش تمام کائنات متشکل از دو جز می باشند که در فیزیک ما آنها را در ریزترین جز پروتون و الکترون می شناسیم. خداوند در آیه شریفه ۱۱ سوره فصلت می فرماید "ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ" و آن گاه به خلقت آسمانها توجه کامل فرمود که آسمانها دودی بود. تفسیر این آیه بیان می دارد که طبق نظریه انفجار بزرگ در باره پیدایش جهان مفهوم دود همان توده بزرگ بخار است که در اثر انفجار بزرگ بوجود آمده است. محققین نشان داده اند «دخنت النار» به معنی بلند شدن دود از آتش است و نیز زمانی به کار می رود که آتش به وسیله

هیزم مرطوب خراب شده و دود شدیدی ایجاد کند. محققین معتقدند که اصل این ریشه به معنای آن چیزی است که از مشتعل شدن هیزم متصاعد می شود و یا به عبارت دیگر، اثر سوختن و مشتعل شدن را دخان می گویند که با توجه به نسبتی که با شعله وری دارد، ملازم و همراه نور و حرارت است. بدین ترتیب با توجه به آنچه که در معنای دخان بیان شد، می توان ویژگی های گازی شکل و کدر بودن و حرارت داشتن را از خصوصیات مهم دخان دانست. خداوند در آیه شریفه ۱۲۵ سوره انعام می فرماید "وَمَنْ يَرِدْ أَنْ يَضْلَهُ يَجْعَلْ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَنَّمَا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ" هر که را خواهد گمراه نماید دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت گرداند که گویی می خواهد از زمین بر فراز آسمان رود. تفسیر این آیه بیان می دارد انسان هر اندازه از سطح زمین بالاتر رود تنفسش برایش دشوار تر شده تا جایی که دچار درد در قفسه سینه و بیهوشی می گردد. خداوند در آیه شریفه ۵ سوره زمر می فرماید "يُكْوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكْوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ" شب را به روز می پیچد و روز را بر شب. تفسیر این آیه بیان می دارد یکور از ریشه تکویر به معنی پیچیدن عمامه دور سر است که نکته علمی نهفته در آن کروی بودن زمین است که به دور خود گردش مینماید و بر اثر آن نوار سیاه شب و نوار سفید روز بوجود می آید. خداوند در آیه شریفه ۲۲ سوره حجر می فرماید "وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ" و ما بادهای باردار کننده (رحم طبیعت) را فرستادیم. تفسیر این آیه بیان می دارد که در علم جدید مقصود بادهایی هستند که گرده گیاهان نر را به گیاهان ماده میرسانند و آنها را بار دار می نمایند. خداوند در آیه شریفه ۲ سوره علق می فرماید "خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ" آن خدایی که آدمی را از خون بسته بیافرید. تفسیر این آیه بیان می دارد علق در اصل به

سپس خرابی سلول‌های کبد و به دنبال آن مرگ سلول‌ها فرا می‌رسد. محققین بیان داشته‌اند پانکراس وظیفه تنظیم میزان استفاده از انسولین بدن و پاسخ به گلوکز را به عهده دارد. با مصرف الکل، پانکراس به درستی کار نمی‌کند و تولید انسولین کافی با اختلال روبه‌رو خواهد شد. این عملکرد منجر به هیپرگلیسمی یا بالا رفتن قند خون می‌شود.

شاید بتوان گفت درک کامل مفاهیم آیات قرآنی مستلزم مطالعات میان رشته‌ای می‌باشد. محققین بیان نموده‌اند برخی واژگان در آیات الهی با استفاده از شیوه‌های معمول قابلیت تحلیل ندارند. عیوضی (عیوضی، ۱۳۹۶) در تحقیقات خود نشان داد که نبود رشته‌زبانهای کهن نظیر زبان سامی موجب ایجاد این خلا در تفسیر بسیاری از واژگان در آیات قرآنی گردیده است. به عنوان نمونه واژه راعنا در آیه ۱۰۴ سوره بقره که در بسیاری از تفسیرها به معنی شبان بکار گرفته می‌شود در یهودیت و مسیحیت و در عهد عتیق به آن اشاره شده است. شاید بتوان گفت نبود رشته‌زبان سامی انگیزه مطالعه محققین را کاسته و شاید این زیر ساخت برای رشته‌های علوم قرآنی باید فراهم گردد تا از طریق روش میان رشته‌ای مواجهه علمی با این نوع مباحث محقق گردد. به عبارتی توجه به زبانهای کهن محدودیت‌های میراث لغوی را جبران خواهد نمود.

۵- نتیجه‌گیری

رابطه علوم مختلف با مبانی دینی ضروریات خاصی را در تحقیق‌های مرتبط با آنها پیش‌رو قرار می‌دهد. امروزه با پیشرفت علوم مختلف و جابجایی مرزهای دانش در حوزه‌های مختلف امکان پاسخگویی به پرسش‌های گذشته فراهم می‌گردد. می‌توان گفت که در پرتو روش‌های میان رشته‌ای با همپوشانی آیات قرآنی با علمی

معنی چسبیدن به چیزی است و لذا به خون بسته و هم‌چنین به زالو علق گفته‌اند. از آنجا که نطفه بعد از گذراندن دوران نخستین در عالم جنین، به شکل قطعه خون بسته چسبنده‌ای در می‌آید که در ظاهر بسیار کم ارزش است، قرآن مبدأ آفرینش انسان را همین موجود ناچیز می‌شمرد. خداوند در آیه شریفه ۲۲ سوره حجر می‌فرماید "يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ" "آن‌گاه از درون آن، شربت شیرینی به رنگ‌های مختلف بیرون آید که در آن شفاء مردمان است. تفسیر این آیه بیان می‌دارد که فواید عسل برای سلامتی بشر بسیار زیاد می‌باشد. محققین ثابت نموده‌اند که عسل موجب رفع خستگی و فشردگی عضلات، ترمیم قوا و تولید انرژی می‌گردد. خداوند در آیه شریفه ۱۴۵ سوره انعام می‌فرماید "قُلْ لَّا أُجِدُّ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مِثْلَهُ أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ" در احکامی که به من وحی شده من چیزی را که برای خوردن‌گان حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته (جهنده) یا گوشت خوک که پلید است. تفسیر این آیه بیان می‌دارد که طبق یافته‌های محققین در بدن خوک انگلهایی به نام بالانتی دیوم زندگی میکنند که موجب اسهال خونی میگردد و همچنین وجود گروهی از آمین‌ها و مواد کارسینوژن و کرم‌تری شینوز منجر میگردد تا انسانهای مبتلا به دلیل مصرف گوشت خوک به تدریج دچار مرگ گردند. خداوند در آیه شریفه ۹۰ سوره مائده می‌فرماید "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ" "شراب و قمار و بت‌پرستی و تیرهای گروندگی همه اینها پلید و از عمل شیطان است. تفسیر این آیه بیان می‌دارد طبق تحقیقات کبد در برابر الکل در ابتدا تغییرات جزئی و تجمع چربی نشان می‌دهد.



توجه به مطالب بیان شده نقش مطالعات میان رشته‌ای آیات قرآن کریم در توسعه علوم مختلف غیر قابل انکار است زیرا با فراهم آوردن زمینه‌های این پیشرفت عمق و گسترده ساختن مفاهیم علمی و همچنین فراهم نمودن امکان تعمیم آنها در جهت یافتن راه حل پیش رفته و گام به گام در جهت توسعه علم حرکت می نماید. لازم به ذکر است که جهت تفسیر بهتر آیات قرآنی و ارتباط آن با علوم مختلف درک زبانهای کهن پیش از اسلام از اهمیت خاصی برخوردار است.

که به عنوان میان رشته درصدد تبیین آیات الهی است درک بهتری از علوم مختلف در پیش رو قرار خواهد گرفت. با توجه به اعتقاد ما مسلمانان، هدف اصلی نزول آیات الهی به عنوان یک معجزه از پیامبر اسلام که نظیر آن تاکنون نیامده هدایت انسانها و رسیدن به اوج کمال است، این نظریه قوت میگیرد که پاسخ بسیاری از مسائل و پدیده های بشری در علوم مختلف در آیات مقدس الهی قرآن قابل استنباط است. به عبارتی این الگو از میان رشته ای به نحو مطلوبی می تواند به عملیاتی شدن رویکردهای قرآنی در جامعه و بهره گیری علوم مختلف از قرآن منجر گردد. با

منابع

۱. ابراهیمی. (۱۳۹۳). بررسی ضرورت‌های مطالعات میان‌رشته‌ای در حوزه علوم انسانی. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*, ۲(۲), ۱۹-۳۲.
۲. ایازی، & سید علی نقی. (۱۳۹۱). درآمدی بر تفسیر اجتماعی قرآن مطالعه موردی «ماهیت قوانین اجتماعی در قرآن». *پژوهش‌های قرآنی*, ۱۸(۷۱), ۱۰۲-۱۱۹.
۳. درزی، قاسم، قراملکی، احد فرامرز، پهلوان، & منصور. (۱۳۹۲). گونه‌شناسی مطالعات میان‌رشته‌ای در قرآن کریم. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*, ۵(۴), ۷۳-۱۰۲.
۴. سجادی، نورآبادی، & سولماز. (۱۳۹۰). تبیین و تحلیل ماهیت و کارکرد میان رشته‌ای فلسفه تعلیم و تربیت. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*, ۲(۲), ۱۹-۴۱.
۵. شجاعی، حسین، مصلائی پور، عباس، اسدبیگی، & سجاد. (۱۳۹۵). الزامات کلامی پژوهش میان رشته ای در قرآن؛ با تکیه بر سطوح معرفت شناسی، اصطلاح شناسی و روش شناسی. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*, ۷(۴), ۲۱-۴۴.
۶. عیوضی، & حیدر. (۱۳۹۶). مفردات قرآن و ریشه‌شناسی تاریخی؛ بایسته‌ها و آسیب‌های موجود. *مطالعات قرآن و حدیث*, ۱۰(۱), ۲۰۵-۲۲۸.
۷. فروزش زیبا. (۱۳۹۶) "مبانی معرفت شناختی مطالعات میان رشته ای قرآن کریم و روان شناسی. دو فصلنامه تخصصی پژوهش‌های میان رشته ای قرآن کریم" ۶۷-۸۴.
۸. قاراخانی. (۱۳۹۳). شرایط امکان و دلایل امتناع میان‌رشته‌ای «سیاست اجتماعی» در ایران. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*, ۶(۲), ۳۳-۵۵.
۹. مشهدی، محمد بن محمد رضا (۱۳۶۸) تفسیر کنزالقائوق و بحرالغرائب، چاپ اول، تهران، سازمان انتشارات وزارت ارشاد اسلامی
۱۰. وحدت آزاد، اباذر، روحانی مشهدی، & فرزانه. (۱۳۹۷). اعجاز علمی قرآن در بیان پدیده نفوذ آب به اعماق زمین. *پژوهشنامه معارف قرآنی*, ۹(۳۲), ۳۳-۵۱.
۱۱. یعقوب‌نژاد، م.، & محمدهادی. (۱۳۹۳). سازمان‌دهی علوم انسانی اسلامی نیازی میان‌رشته‌ای. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*, ۶(۲), ۱۱۱-۱۳۷.

اثربخشی آموزه‌های قرآنی - اعتقادی و فرهنگی دانشجویان بر سطح نگرش به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی

فاطمه رزاقی بورخانی^۱ و طاهر عزیزی خالخیلی^۲

۱- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده علوم زراعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران (نویسنده مسئول: F.Razzaghi@sanru.ac.ir)

۲- استادیار گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشکده علوم زراعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران.

چکیده

هدف از پژوهش حاضر بررسی واکاوی نقش آموزه‌های قرآنی و اعتقادی دانشجویان بر سطح نگرش به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری می‌باشد. جامعه آماری دانشجویان دانشکده علوم زراعی می‌باشد که با نمونه‌گیری هدفمند و در دسترس ۱۴۰ نفر به عنوان حجم نمونه بررسی شدند. ابزار تحقیق پرسشنامه‌ای بود که روایی (صوری و محتوایی) آن توسط متخصصان و پایایی پرسشنامه توسط آلفای کرونباخ تأیید شد. یافته‌های تحقیق نشان داد در اولویت‌بندی کلی شاخص‌های تبیین‌کننده اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی دانشجویان " آموزه‌های اعتقادی و مذهبی "، " آموزه‌های قرآنی و اسلامی " و " آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی به ترتیب اولویت اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. ۳۹/۳ درصد از دانشجویان که بیشترین فراوانی را دارند از سطح نگرش نسبتاً بالا نسبت به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی برخوردارند و اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی در ۴۲/۹ درصد از دانشجویان با بیشترین فراوانی نسبتاً پایین می‌باشد. تنها در ۱۱/۴ درصد از دانشجویان اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی در حد بالا بوده است. بنابراین تقویت هر سه بعد آموزه‌های قرآنی، مذهبی و فرهنگی لازم و ملزوم همدیگر هستند و به‌طور هم‌افزا در توسعه و بهبود دیدگاه اعتقادی، دینی و مذهبی دانشجویان نسبت به نگرش حفاظت زیست‌محیطی مؤثرند.

کلمات کلیدی: آموزه‌های قرآنی، آموزه‌های اعتقادی، آموزه‌های فرهنگی، نگرش دانشجویان، ملاحظات زیست‌محیطی

مقدمه

موضوع که انسان نیز جزئی از آن بشمار آمده، غفلت گردیده است. اخلاق محیط‌زیست که به عنوان یکی از شاخه‌های اخلاق کاربردی با بررسی مسائل اخلاقی مربوط به محیط زیست بسیار مهم می‌باشد. قرآن کریم انسانها را از استثمار طبیعت و اتلاف منابع برحذر می‌دارد. از دیدگاه قرآن انسان اشرف مخلوقات و عهده دار خلافت الهی و حکومتی بر طبیعت است، و زمین بصورت امانت در حالت صلاح و کمال به منظور آباد ساختن و مزرعه آخرت قرار دادن به او سپرده شده، و از هر گونه فساد و تخریب منع

امروزه بحث حفظ محیط‌زیست، حفاظت منابع طبیعی، تولید محصولات سالم، کاهش آلودگی‌های زیستی، یکی از چالش‌های مهم بشر در قرن بیست و یکم می‌باشد. با روند تحولات صنعتی قرن نوزدهم بعد از انقلاب صنعتی با ورود حجم زیادی از آلودگی‌ها به محیط‌زیست خسارات زیادی به طبیعت وارد آمد. بنابراین در دنیای مدرن امروزی قوانین حوزه محیط‌زیست رنگ و بویی مبتنی بر انسان محوری دارند و از رویکردهای طبیعت محوری و بررسی این



وجود انسان و راهنمای وی به سوی خداشناسی، و انسان به عنوان جانشین و خلیفه خداوند بر زمین که قدرت تصرف و غلبه بر عالم طبیعت را دارد، یک مثلث سه ضلعی، خدا، انسان، طبیعت را تشکیل می‌دهد. همچنین، معرفی کردن عالم هستی به عنوان امانتی الهی و بیان برخی آموزه‌ها در نحوه حفظ و نگهداری آن، که اسلام، مومنان را ملزم به اجرای آن گردانده است (رفیعا و ساطع، ۱۳۹۴).

احکام اسلامی درباره محیط‌زیست فراوان است و مسلمانان را به انجام اعمالی درباره منابع طبیعی و محیط‌زیست فرا خوانده‌اند. به عنوان نمونه، آیات قرآن آدمیان را به تفکر در طبیعت و منابع طبیعی فرا می‌خواند و تأمل در جلوه‌های طبیعت را برای انسان‌ها بسیار سودمند و سازنده می‌داند. قرآن کریم در چندین آیه هرگونه ویرانگری طبیعت و نابودی جنگل‌ها و مراتع را با عنوان فساد فی الارض یاد می‌کند. شاید در ابتدا این تعبیر زیبای قرآن را اغراق آمیز بدانیم و بگوییم که خداوند برای جلوگیری از نابودی جنگل‌ها و مراتع این سخن زیبا را در قرآن بیان نموده است، ولی واقعیت همان سخن زیبای قرآن است زیرا اگر درختان و گیاهان و جنگل‌ها و مراتع نباشند، دیگر حیوانات و حیات وحش معنایی ندارد و حیات و نسل آنها و همچنین زندگی انسان نیز به خطر می‌افتد. و با تبدیل شدن باران‌ها به سیل مانند مناطق بیابانی خسارات زیادی به اقتصاد کشور وارد می‌کند. و بدون درخت و گیاه دیگر خبری از هوای پاک نخواهد بود و این معضل می‌تواند همچون امروزه جان انسان‌ها را بگیرد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۴).

بشر در طول تاریخ حیات خویش، همواره در محیط زیست تصرف کرده و آن را مطابق نیاز و سلیقه خود، تغییر داده است و بر عکس، طبیعت به اشکال گوناگون در توسعه و رشد فرهنگی

گردیده است. فساد در زمین خیانت به امانت الهی است (پیری و شمس، ۱۳۹۲). آب، خاک، هوا، گیاهان، حیوانات و مناسبات بیولوژیک بین آنها، شکل دهنده روابط و نظام‌های زیستی طبیعی است. بحران‌های حال حاضر محیط‌زیست، لزوم توجه هر چه بیشتر به تعاملات بین انسان و طبیعت را ضروری کرده است. قرآن کریم در آموزه‌های خود بر مصونیت طبیعت، منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هر گونه تجاوز و تعدی تأکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت. بر اساس آموزه‌های دینی، انسان مسلمان نیز باید خود را در هر مکان و موقعیتی نگه دارنده و پاسدار امانت‌ها و نعمت‌ها از جمله محیط زیست انسانی بداند. بسامد و تکرار بسیاری از واژگان مربوط به طبیعت در قرآن، حاکی از این اهمیت است که از آن جمله می‌توان به واژه ارض ۱۵۴۱ بار، سماء ۳۱۰ بار، ماء ۶۴ بار، شمس ۳۳ بار، جبل ۳۹ بار و قمر ۲۷ بار اشاره نمود. در مجموع در قرآن کریم بیش از ۵۰۰ آیه وجود دارد که در موضوعاتی چون محیط‌زیست و نحوه برخورد ما با آن به راهنمایی می‌پردازد. نام‌گذاری سوره‌ها به نام پدیده‌های طبیعی نیز حکایت از اهمیت آنها است. دین مبین اسلام در این عرصه دستورات مشخص و موکدی دارد و حفاظت محیط زیست را که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، یک وظیفه عمومی بر می‌شمارد (رجنی و همکاران، ۱۳۹۴).

محیط‌زیست در عام‌ترین معنای ممکن به کار رفته و متناظر با عالم طبیعت، در نظر گرفته شده است. تعیین ارتباط میان خداوند، به عنوان خالق کل عالم هستی، عالم طبیعت، به عنوان مسخر



زیست محیطی معمولاً با رشد آموزش زیست‌محیطی در دهه ۱۹۷۰ توأم بوده است (Schmidt, 2007). بنابراین، آگاهی و دانش زیست محیطی دانشجویان به عنوان یکی از مهمترین شاخص‌های نمایش مدنیت ملی که بسیاری از جنبه‌های وضعیت زیست محیطی (مانند ملاحظات و رفتار شخصی، توان مندی عمومی و نگرش شهروندان محلی نسبت به جامعه پایدار) را منعکس می‌سازند (Aminrad et al., 2010).

به دلیل اهمیت قرآن و دین و مذهب و آموزه‌های فرهنگی اجتماعی در رفتار اجتماعی این تحقیق به بررسی اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی دانشجویان بر سطح نگرش به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی پرداخته است. برخی مطالعات مهم در رابطه با عنوان تحقیق در زیر لیست شده است. در تحقیق صالحی و پازوکی نژاد (۱۳۹۳) سطح دانش زیست محیطی دانشجویان نسبتاً بالا است، بین طرز تلقی خانواده از محیط زیست، منابع اطلاعاتی (تلویزیون) و پایگاه اجتماعی و اقتصادی دانشجویان ارتباط مثبت و معنی داری وجود دارد.

از طرفی تحقیق ناصری و همکاران (۱۳۹۵) حاکی از آن است که جوانان مشارکت‌کننده در بعد اعتقادات پایه‌ای دارای اعتقادات مورد تأیید و سفارش دین هستند اما در سایر ابعاد، در خصوص بعد مناسکی پاسخگویان به باز معنایی در این حوزه پرداخته و بر اساس درک و فهم خود حتی در صورت مغایرت با دین روش‌هایی را اتخاذ نموده‌اند. از دلایل این گسست در بستر شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر می‌توان به ضعف محتوای کتب، ضعف کارشناسان دینی، ناسازگاری قول و عمل مدعیان مذهب، جو خانوادگی-محیطی اشاره کرد.

بشر، تاثیر به سزایی داشته است. حفظ محیط زیست یک تلاش ملی است که مستلزم مشارکت آحاد مردم است. این میراث گرانبها و سرمایه عظیم، امانتی است که از گذشتگان ما به جای مانده است و بشر امروز باید با منش اخلاقی و اجتماعی مناسب و توأم با احساس مسوولیت، آن را به صورت مطلوب به آیندگان بسپارد. موثرترین گام به منظور حفظ محیط زیست، ارزیابی رفتار و عملکرد مردم در رسیدن به اصول اولیه زندگی پایدار است. چرا که بهره‌وری صحیح از منابع و جلوگیری از تغییر در مواهب طبیعی باعث پایداری زندگی می‌شود. جامعه دانشگاهی و افراد روشنفکر تاثیر قابل توجهی در تقویت فرهنگ محیط زیستی و رسیدن به هدف‌های توسعه پایدار دارند (مهدوی و وزیری، ۱۳۸۹). تغییر نگرش‌های زیست‌محیطی بی شک می‌تواند نقش مهمی در بسیج افکار عمومی و آمادگی جهت حفظ محیط زیست بازی کند (شهبازی و همکاران، ۱۳۹۷). نهاد آموزش عالی نهادی است که انتظار می‌رود با ارائه آموزش‌های مناسب، آگاهی لازم برای تغییر نگرش و رفتار دانشجویان جهت حمایت از محیط زیست را فراهم نماید. از آنجا که هرگونه برنامه‌ریزی صحیح و ارائه آموزش‌های مفید، نیازمند شناخت و آگاهی از وضع موجود است، معمولاً ایجاد و گسترش دانش و آگاهی زیست محیطی، یکی از راهکارهای مطلوب برای فائق آمدن بر چالش‌های زیست محیطی و دستیابی به توسعه پایدار زیست‌محیطی محسوب می‌شود. در واقع، در اینجا هدف این است که از طریق تربیت و آموزش نیروی انسانی و با ایجاد نگرش زیست محیطی مطلوب، گام مناسب جهت تحقق اهداف توسعه پایدار برداشته شود. دلایل تاریخی این امر به این موضوع بر می‌گردد که تجربه علمی نشان می‌دهد افزایش آگاهی



با جمع‌بندی مبانی نظری موجود می‌توان گفت هدف کلی مقاله حاضر هدف از پژوهش حاضر بررسی واکاوی نقش آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی دانشجویان بر سطح نگرش به ملاحظات زیست محیطی و حفاظت از منابع طبیعی دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری است. در این راستا اهداف جزئی زیر بررسی می‌شود:

بررسی ویژگی‌های فردی- تحصیلی جامعه آماری؛

اولویت‌بندی شاخص‌های تبیین‌کننده آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی دانشجویان؛

بررسی سطح نگرش دانشجویان نسبت به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی؛ و

بررسی رابطه بین اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی دانشجویان با سطح نگرش به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی.

۲- روش تحقیق

این تحقیق از نوع توصیفی (غیرآزمایشی) و از نوع همبستگی با هدف نمایش رابطه میان متغیرها می‌باشد. همچنین یک پژوهش علی است تا دریابد که تغییرات سطح نگرش به ملاحظات زیست محیطی و حفاظت از منابع طبیعی دانشجویان دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری تابعی از تغییرات کدامیک از متغیرهای مستقل اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی دانشجویان است. روش نمونه‌گیری نیز به این صورت بود که به دلیل مجازی بودن کلاس‌ها و عدم حضور دانشجویان در دانشگاه، با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند و به صورت در دسترس لینک پرسشنامه الکترونیکی در اختیار دانشجویان دانشکده قرار گرفت و ۱۴۰ پرسشنامه تکمیل شد و مورد بررسی و تحلیل قرار

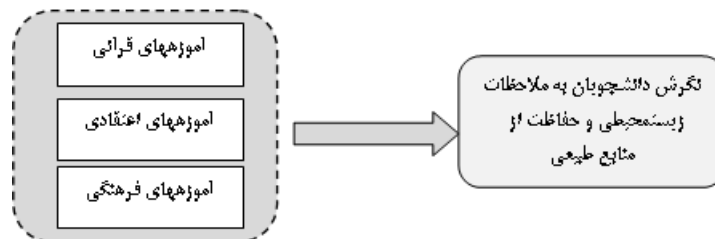
مطابق تحقیق سبزه‌ای و همکاران (۱۳۹۵) در رابطه بین آگاهی، نگرش و رفتار حامی محیط زیست دانشجویان دختر دانشگاه قم برای بهبود رفتارهای حامی محیط زیست لازم است منابع آگاهی بخش تقویت شوند، فرایند «جامعه‌پذیری محیط زیستی» به کمک همه سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی و خانواده‌ها انجام شود و کیفیت آموزش‌ها ارتقا یابند. مطابق نتایج تحقیق شهبازی و همکاران (۱۳۹۷) در تحلیل نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی رشته کشاورزی نسبت به حفظ محیط‌زیست سه ذهنیت (۱) ارزشی (برای محیط زیست ارزش زیادی قائل هستند)، (۲) علمی (اعتقاد دارند که دانش زیست‌محیطی پایین است) و (۳) انتقادگرایانه (معتقدند که روستاییان مسائل زیست محیطی را درک نمی‌کنند و فعالیت‌های صنعتی موجب تخریب محیط‌زیست و اثرات مخربی بر محیط‌زیست داشته است) بدست آمد. Aomolafe (2011) با بررسی عوامل مؤثر بر آموزش زیست محیطی دانشجویان در نیجریه دریافت که نگرش دانشجویان نسبت به محیط زیست و مشکلات مربوط به آن مطلوب نیست. همچنین این محقق دریافت که جنسیت و سطح آموزش والدین، نوع موسسه آموزشی تأثیری بر آگاهی و نگرش زیست محیطی دانشجویان نداشته است.

Kose et al. (2011) در ترکیه با بررسی میزان آگاهی زیست‌محیطی دانشجویان دریافتند افرادی که از سواد، آگاهی و حساسیت زیست محیطی برخوردار بودند، توانایی بالاتری برای حل مسائل و مشکلات زیست محیطی دارند. بنابراین، از دیدگاه آنان آموزش زیست‌محیطی مهم‌ترین روش برای آموزش دانشجویان در شناسایی و مقابله با مشکلات زیست‌محیطی شناسایی شد.



یک از مقیاس‌های اصلی پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ بدست آمد که نشان‌دهنده اعتبار مناسب پرسشنامه بود. در بخش آماری توصیفی با نرم افزار SPSS توزیع پاسخگویان به تفکیک ویژگی‌های مختلف بر حسب فراوانی، درصد، درصد جمعیتی، میانگین، میانه، کمینه، بیشینه، نما، انحراف معیار و ضریب تغییرات (CV) مورد مقایسه قرار گرفت. در آمار توصیفی برای توزیع فراوانی متغیرهایی که به صورت طیف لیکرت تدوین شده بودند از جمع جبری گویه‌های مربوطه به ۴ طبقه (پایین، نسبتاً پایین، نسبتاً بالا، بالا) بر اساس کمینه، میانگین، انحراف معیار، و بیشینه از روش فاصله انحراف معیار از میانگین استفاده شد (Razzaghi Borkhani & Mohammadi, 2018).

گرفت. متغیرهای تحقیق شامل متغیرهای مرتبط با نگرش به مسائل زیست محیطی و حفظ محیط‌زیست به صورت طیف لیکرت از ۰ تا ۵ (۱- کاملاً مخالفم، ۲- مخالفم، ۳- نه موافقم نه مخالفم، ۴- موافقم، ۵- کاملاً موافقم) و اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی دانشجویان در حفظت از محیط زیست و منابع طبیعی به صورت طیف لیکرت از ۰ تا ۵ (۰- اصلاً، ۱- خیلی کم، ۲- کم، ۳- متوسط، ۴- زیاد، ۵- خیلی زیاد) مورد سنجش قرار گرفت. قابلیت اعتماد از ویژگی‌های فنی ابزار اندازه‌گیری است. جهت تعیین اعتبار پرسشنامه ابتدا تعداد ۳۰ پرسشنامه تحت عنوان پیش‌آزمون در میان جامعه مورد مطالعه، توزیع گردید که طی آن اعتبار پرسشنامه توسط آلفای کرونباخ برای هر



شکل ۱- چارچوب مفهومی تحقیق

یافته‌های تحقیق

۲-۳- اولویت‌بندی شاخص‌های تبیین‌کننده اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی دانشجویان با توجه به نتایج حاصل از جدول (۱) در اولویت‌بندی کلی شاخص‌های تبیین‌کننده اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی دانشجویان شاخص‌های "آموزه‌های اعتقادی و مذهبی"، "آموزه‌های قرآنی و اسلامی" و "آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی به ترتیب اولویت اول تا سوم را به خود اختصاص داده‌اند. در مجموع بین ۱۲ گویه مربوط سه بعد قرآنی و اعتقادی و فرهنگی گویه‌های "اعتقاد به حقوق

بررسی ویژگی‌های فردی و حرفه‌ای جامعه آماری بر اساس نتایج حاصل از تحقیق دانشجویان مورد مطالعه از دانشجویان دانشکده علوم زراعی با میانگین سنی ۲۰ سال بودند که حدود ۷۴/۳ درصد مورد مطالعه دختران و ۱۵/۶ درصد پسران هستند. توزیع فراوانی دانشجویان مربوط به گروه‌های مختلف دانشکده نشان می‌دهد که ۲۷/۱ درصد از گروه ترویج و آموزش کشاورزی، ۲۵/۷ درصد از گروه گیاهپزشکی، ۲۱/۴ از گروه خاکشناسی، ۱۷/۱ درصد از گروه باغبانی و ۸/۶ درصد از گروه زراعت می‌باشند.



انسان در حفظ خاک، گیاه، حیوان و "شرایط اعتقادی و مذهبی خانواده" و "اهمیت نقش رسانه‌ها در فرهنگ سازی مسائل زیست‌محیطی" اولویت‌های اول و همچنین "دروس عمومی و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی

دانشگاه‌ها با موضوعات اخلاق زیست محیطی در اسلام و "معاشرات با دوستان با ایمان و مسئولیت‌پذیر" اولویت‌های آخر را از لحاظ اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی از دیدگاه دانشجویان به خود اختصاص داده‌اند.

جدول ۱- اولویت‌بندی شاخص‌های تبیین‌کننده اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی دانشجویان در حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی

اولویت	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین		
۱	۰/۲۵۴	۰/۹۶۰	۳/۷۷	نقش آموزه‌های قرآنی و تفسیر قرآن کریم	آموزه‌های قرآنی و اعتقادی
۲	۰/۲۵۸	۰/۹۸۶	۳/۸۱	تأثیر پذیری از سیره ائمه اطهار(ع) و پیامبر اکرم (ص)	
۳	۰/۲۷۷	۱/۰۲	۳/۶۷	مطالعه احادیث و روایات پیامبر (ص) و ائمه معصومین (ع)	
۲	۰/۱۸۸	۰/۷۰۵	۳/۷۵	اعتقاد به حقوق انسان در حفظ خاک، گیاه، حیوان	آموزه‌های اعتقادی و مذهبی
۱	۰/۱۹۲	۰/۷۹۴	۴/۱۲	شرایط اعتقادی و مذهبی خانواده	
۲	۰/۲۰۹	۰/۸۴۷	۴/۰۴	اعتقاد به نقش انسان به عنوان خلیفه خدا در زمین و امانت دار و پای بند به تعهدات خویش در خلافت	
۳	۰/۲۳۲	۰/۹۴۸	۴/۰۸	ایمان به خدا و هستی شناسی و طبیعت با تفکر و تأمل در هستی طبیعت و پی بردن به قدرت لایزال الهی	
۴	۰/۲۳۷	۰/۹۳۵	۳/۹۴	اعتقاد به آخرت و قیامت	
۵	۰/۲۴۱	۰/۹۴۷	۳/۹۲		کل
۱	۰/۱۵۱	۰/۶۰۹	۴/۰۲		آموزه‌های فرهنگی و اجتماعی
۱	۰/۲۱۶	۰/۸۴۳	۳/۹۰	اهمیت نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی مسائل زیست‌محیطی	
۲	۰/۳۰۲	۱/۰۹	۳/۶۰	فرهنگ محلی و ارزش‌های بومی جامعه	
۳	۰/۳۲۵	۱/۱۶	۳/۵۶	معاشرات با دوستان با ایمان و مسئولیت‌پذیر	
۴	۰/۳۲۹	۱/۲۷	۳/۸۵	دروس عمومی و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها با موضوعات اخلاق زیست محیطی در اسلام	کل
۳	۰/۲۱۷	۰/۷۹۰	۳/۶۴		

با توجه به نتایج تحقیق، ۳۹/۳ درصد از دانشجویان که بیشترین فراوانی را دارند سطح نگرش نسبتاً بالا نسبت به ملاحظات زیست محیطی و حفاظت از منابع طبیعی برخوردارند.

۳-۳- توزیع فراوانی اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی و سطح نگرش دانشجویان به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع طبیعی



و تنها در ۱۵/۷ درصد از دانشجویان سطح نگرش به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع پایین بوده است. اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی در حد بالا و عالی بوده است. (جدول ۲).

و تنها در ۱۵/۷ درصد از دانشجویان سطح نگرش به ملاحظات زیست‌محیطی و حفاظت از منابع پایین بوده است. اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی در ۴۲/۹ درصد از دانشجویان

جدول ۲- توزیع فراوانی اثربخشی آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و فرهنگی و سطح نگرش دانشجویان به ملاحظات زیست‌محیطی

سطح سازه	پایین		نسبتاً پایین		نسبتاً بالا		بالا	
	فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد	فرد	درصد
نگرش	۲۲	۱۵/۷	۳۹	۲۷/۹	۵۵	۳۹/۳	۲۴	۱۷/۱
آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی	۲۲	۱۵/۷	۶۰	۴۲/۹	۴۲	۳۰/۰	۱۶	۱۱/۴

منابع طبیعی و اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی در سطح معنی‌داری ۱ درصد همبستگی مثبت و معنی‌داری بدست آمد.

۳-۴- تحلیل همبستگی بین اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی با سطح نگرش دانشجویان به حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی با توجه به داده‌های جدول ۳، بین متغیرهای با سطح نگرش دانشجویان به حفظ محیط‌زیست و

جدول ۳- تعیین همبستگی بین اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی با سطح نگرش دانشجویان به حفظ محیط‌زیست

متغیرهای تحقیق	مقدار r	سطح معنی‌داری
آموزه‌های قرآنی	۰/۴۱۲**	۰/۰۰۰
آموزه‌های اعتقادی	۰/۴۷۱**	۰/۰۰۰
آموزه‌های فرهنگی	۰/۳۲۷**	۰/۰۰۰

** معنی‌داری در سطح ۱ درصد خطا

و دانشگاه و آموزش و پرورش و شخصیت‌های علمی و فرهنگی در رسالت آموزش فراگیران و دانشجویان و مسئولیت‌پذیری و توانمندسازی دانشجویان و تاثیرپذیری از آموزه‌های قرآنی و اعتقادی و مذهبی نقش مهمی دارند. دانشجویان در راستای مسئولیت‌پذیری به محیط‌زیست و واگذاری آن به نسل‌های آتی بدون اینکه خدشه‌ای به منابع طبیعی آب و خاک و گیاه وارد

نتیجه‌گیری و پیشنهادها
هدف از پژوهش حاضر بررسی اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی با سطح نگرش دانشجویان به حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی بوده است که اثربخشی آموزه‌های قرآنی، اعتقادی، فرهنگی با سطح نگرش دانشجویان رابطه مثبت و معنی‌داری داشته است. در این راستا می‌توان گفت همه نهادهای علمی از حوزه



دانشجویان نسبت به نگرش حفاظت زیست‌محیطی موثرند. در این راستا توجه به ترغیب دانشجویان به کانون‌های انس با قرآن و همنشینی با قرآن‌پژوهان و قرآن‌شناسان و همنشینی و معاشرت با افراد صالح و قرآن‌شناس از دیدگاه آموزه‌های قرآنی حائز اهمیت است. دانشگاه‌ها در تبلیغ این رسالت با ارائه الگوهای مناسب و محبوب اساتید در جامعه دانشگاهی، دانشجویان را به سوی آموزه‌های قرآنی و فرهنگی سوق دهند و دانشجویان با الگوبرداری و یادگیری از اساتید جوان و نمونه در این زمینه که همان یادگیری مشاهده‌ای و تقلید رفتار از الگوی مناسب هست نقش مهمی در تربیت و تعلیم قرآنی دانشجویان و ایجاد انگیزه دانشجویان در تکرار رفتار اساتید و در نهایت الگوبرداری در رفتار حفاظت محیط زیستی دارند.

در پایان به برخی راهکارهای کلی دانشگاه‌ها برای افزایش اثرپذیری و نقش آموزه‌های قرآنی، اعتقادی و فرهنگی در دانشجویان به موضوعات مرتبط به زندگی و محیط‌زیستی اشاره می‌شود. برگزاری مسابقات منظم قرآن در دانشگاه‌ها با نظارت دقیق مسئولان ذیربط؛ افزایش برگزاری تعداد جلسات قرآنی با جلسات تفسیر، شبی با قرآن، پرسش و پاسخ قرآنی، ارائه نرم افزارهای قرآنی با کمک دفتر نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه؛ برگزاری نشست‌های قرآنی با محوریت تلاوت آیات با صوتی زیبا و ارائه مفاهیم دقیق و تفسیر قرآن، و نیز دعوت از قاریان ممتاز کشوری و بین‌المللی و نیز حافظان قرآن، زمینه‌آشنایی بیشتر دانشجویان را با آموزه‌های قرآنی و دینی؛ تفسیر و نوشتن مقالات قرآنی مانند همایش موجود با ارائه برخی مباحث کاربردی زندگی مانند موضوعات زیست‌محیطی؛

شود باید در جهت توسعه پایدار محیط زیست و منابع طبیعی رفتار کنند. در این راستا نقش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در استفاده دانشجویان از آموزه‌های قرآنی، اعتقادی و فرهنگی می‌تواند با دیدگاه‌هایی مثل حفاظت از محیط زیست به عنوان یک وظیفه همگانی و عمومی و با ارزش یا ترجیح به اشتغال در آینده در کسب و کارهایی با رویکرد مدیریت اقتصاد سبز و رعایت ملاحظات زیست در بهبود رفتار مدیریت زیست‌محیطی آنان موثر باشد.

مطابق تحقیق "شرایط اعتقادی و مذهبی خانواده" و "اهمیت نقش رسانه‌ها در فرهنگ‌سازی مسائل زیست‌محیطی" از نظر تاثیرپذیری نقش مهمی در نگرش دانشجویان به حفظ محیط‌زیست داشته است. بنابراین می‌توان با تقویت نقش خانواده و تأثیر دوستان با ایمان و مذهبی در بهبود نگرش خانواده و نقش رسانه‌ها (برنامه‌های رسانه‌ها و رایو و تلویزون و شبکه‌های مجازی) در جهت بهبود اثربخشی آموزه‌های قرآنی و مذهبی گام برداشت و رسانه‌ها در کنار اشاعه و ترویج مباحث زیست‌محیطی به اهمیت موضوعات زیست‌محیطی از دیدگاه قرآن و ائمه اطهار بپردازند.

با توجه به اینکه مطابق یافته‌های تحقیق نقش آموزه‌های قرآنی نسبت به آموزه‌های اعتقادی اولویت پایین‌تر قرار داشته است از طرفی نقش فرهنگی دانشگاه‌ها یا دروس عمومی و برنامه‌های آموزشی و فرهنگی دانشگاه‌ها با موضوعات اخلاق زیست‌محیطی در اسلام و نیز معاشرات با دوستان با ایمان و صالح و مسئولیت‌پذیر مطابق تحقیق پایین‌ترین اولویت را داشته است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت تقویت هر سه بعد آموزه‌های قرآنی، مذهبی و فرهنگی در کنار هم لازم و ملزوم همدیگر هستند و به طور هم‌افزا در توسعه و بهبود دیدگاه اعتقادی، دینی و مذهبی



هدایت و حمایت فکری اساتید گرامی از طریق تبادل نظر و اطلاعات بین استاد و دانشجو و بهبود مهارت‌های ارتباطی اساتید با دانشجویان.

تهیه داستان‌ها و آموزه‌های قرآنی به سبک هنری مانند نمایشنامه، نقاشی، شعر و...؛ ارائه موضوعات مناسب جهت تحقیق دانشجویی با موضوعات قرآنی و دینی توسط اساتید دروس معارف یا دروس آموزشی و ترویجی؛ و

منابع

۱. مهدوی، س.، وزیری، ر. (۱۳۸۹). بررسی عوامل اجتماعی - فرهنگی موثر بر نگرش محیط زیستی دانشجویان علوم و تحقیقات در سال ۱۳۸۸. پژوهش اجتماعی، ۳(۷)، ۱۹-۴۵.
۲. حسنی، سیدمحسن، حسنی، سیدصادق، زاهدی امیری، قوام الدین و مروی مهاجر، محمدرضا. (۱۳۹۴). نگرش قرآن کریم در مورد بهره‌برداری از منابع طبیعی یا تخریب محیط زیست، سومین همایش ملی انجمن‌های علمی دانشجویی رشته‌های کشاورزی و منابع طبیعی، کرج.
۳. پیری، علی، شمس، سمیرا. (۱۳۹۲). نگرش دینی بر اخلاق زیست‌محیطی از منظری نو، پنجمین همایش سراسری «قرآن کریم؛ سفینه‌النجاة عصر ما» با موضوع «قرآن و روایات و مسئله اخلاق کاربردی و اخلاق عملی»، تبریز.
۴. شهبازی، سمیه، میرک‌زاده، علی اصغر، خسروی، سمیه، غلامی، مصیب. (۱۳۹۷). تحلیل نگرش دانشجویان تحصیلات تکمیلی نسبت به حفاظت از محیط زیست (مورد مطالعه: رشته‌های ترویج و آموزش کشاورزی و توسعه روستایی). فصلنامه علوم و تکنولوژی محیط زیست.
۵. رفیعا، مریم، ساطع، نفیسه. (۱۳۹۴). تأثیر باور دینی در نحوه برخورد با محیط زیست انسان و محیط زیست. ۱۳(۳): ۸۹-۱۰۴.
۶. ناصری، میلاد، کاوه، فرزانه، ربانی، علی. (۱۳۹۵). مطالعه چگونگی نگرش دانشجویان به دین (مدلی بر اساس نظریه زمینه‌ای (GT) مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه اصفهان. جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۷(۴): ۹۸-۷۹.
۷. رجنی، مطهره، کوهستانی، فاطمه، برزمینی، حسین. (۱۳۹۴). واکاوی اهمیت محیط زیست از دیدگاه اسلام و قرآن کریم، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم.
۸. سبزه‌ای، محمدتقی، قلی‌پور، سیاوش، آدینه‌وند، معصومه. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین آگاهی، نگرش و رفتار حامی محیط‌زیست دانشجویان دختر دانشگاه قم. آموزش محیط زیست و توسعه پایدار سال چهارم، شماره ۴، صص ۱۶-۵.
9. Razzaghi Borkhani, F, Mohammadi, Y. (2018). Educational-Extension Factors affecting Farmers' Awareness and Knowledge toward Conservation Agriculture and Pro-Environmental Technologies, Asian journal of water environment and pollution. 15(2): 195-202.
10. Akomolafe, O. (2011). Impact of Personal Factors on Environmental Education in Tertiary Institutions in Ekiti State, Nigeria, International Journal for Cross-Disciplinary Subject sin Education. 1(1), 559-564.
11. Kose, S., Genser, A. Genzer, K & Erol, G. (2011). Investigation of Under graduate Students, Environmental Attitudes", International Electronic Journal of Environmental Education. 1(2), 1-12.
12. Aminrad, Z., Azizi, M & Wahab. (2010). Environmental awareness and Attitude among Iranian Students in Malaysian Universities". Environment Asia. 3.1-10.
13. Schmidt, J.E. (2007). "From in tensions to Actions: The Role of Environmental Awareness son College Students". UW-L Journal of Undergraduate Research. 6.1-4.



بهداشت تغذیه از منظر قرآن کریم و تطبیق آن با یافته‌های علمی پزشکی نوین

محمدامین شبانی^{۱*}، سیده‌زینب رضوی^۱، سمانه حکم‌الهی^۱، زهرا طاهری خرامه^۲

۱- کمیته تحقیقات دانشجویی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
۲- استادیار و عضو هیئت علمی، دانشکده پیراپزشکی، دانشگاه علوم پزشکی قم، قم، ایران
(نویسنده مسئول: mohammadamin39751378@gmail.com)

چکیده

مسئله تحقیق: رژیم غذایی و تغذیه، نقش مهمی در سلامت جسم و روان انسان از ابتدای تولد تا هنگام مرگ دارد. افراد با تعیین غذای مصرفی می‌توانند سلامت خود را ارتقا دهند یا در معرض خطر قرار دهند. قرآن کریم بر رعایت بهداشت جسم تاکید داشته، به گونه‌ای که شیوه صحیح، برای سبک زندگی تبیین کرده‌است. در قرآن با بیان اینکه عدم رعایت بهداشت تغذیه ستم بر نفس انسانی است، مردم را به رعایت آن ترغیب کرده‌است. هدف این مطالعه بررسی بهداشت تغذیه از منظر قرآن با یافته‌های علوم پزشکی نوین است. روش تحقیق: این پژوهش با روش کتابخانه‌ای و با مطالعه و تعمق در آیات برگزیده‌ای از قرآن کریم و جستجو در پایگاه‌های علمی معتبر انجام شده‌است و رهنمودهای قرآن کریم با مطالعات پزشکی جدید بررسی شده‌است. یافته‌ها: براساس نتایج مطالعات مرور شده، رهنمودهای قرآن در چهار محور توصیه به خوردنی‌های حلال و طیب، تحریم خوردنی‌های حرام، توجه به کمیت خوردنی‌ها و روزه و اهمیت آن در بهداشت تغذیه، قابل بررسی است. نتیجه‌گیری: با توجه به اینکه قوانین و مقررات قرآن با نظم طبیعت و سلامت انسان همگون است. می‌توان با تاکید بر رعایت بهداشت تغذیه از منظر قرآن، از گسترش بیماری‌های مرتبط جلوگیری نمود و ضمن انجام پژوهش‌های بیشتر این دستورات را در قالب برنامه‌ای جامع به جهانیان توصیه کرد.

واژگان کلیدی: قرآن، تغذیه، علوم بهداشتی، سبک زندگی

مقدمه

مستقیم تغذیه و تندرستی انسان از گذشته‌های دور، شناخته شده‌است. انسان‌ها از قرن‌ها قبل با تجربه و آزمایش، روش‌های صحیح تغذیه را کشف کرده و آن‌هایی که در اثر همان تجارب، تغذیه صحیح‌تری داشته‌اند از زندگی با کیفیت بیشتر و طولانی‌تر برخوردار بوده‌اند. با تغذیه لازم و کافی، پویایی و حیات، کارایی و فعالیت، رضایت خاطر، نشاط زندگی و توانایی روبه‌رو شدن و مبارزه با مشکلات در انسان تأمین می‌شود و به علاوه سلامت و بهداشت نسل‌های بعدی ارتقامجی یابد (zamanian azodi m, ramazankhani a, tavasoli e, gharli poor z, motalebi m, babaee a, 2013). قرآن کریم بر رعایت بهداشت جسم تاکید داشته و توجه

تغذیه، نقش مهمی در زندگی و سلامت انسان از ابتدای تولد تا هنگام مرگ دارد. افراد با تعیین غذای مصرفی می‌توانند سلامت خود را ارتقا دهند یا در معرض خطر قرار دهند (Schaller et al., n.d.) (Makiabadi et al., 2019). به گونه‌ای که مهم‌ترین فاکتور مرگ در سال ۲۰۱۷، رژیم غذایی و تغذیه نامناسب بوده‌است (Afshin et al., 2019). سبک زندگی افراد، به خصوص وضعیت تغذیه، از عوامل مهم در بروز بیماری‌های مزمن مانند سرطان، پرفشاری خون، بیماری‌های قلبی عروقی و دیابت نوع دو می‌باشد (Sabrina et al., 2018). ارتباط



نویسنده تطبیق دارد؟" شکل گرفت. این پژوهش، با روش کتابخانه‌ای و با مطالعه و تعمق در آیات برگزیده‌ای از قرآن کریم و با جست و جو در موتور جستجوی Google Scholar و پایگاه‌های علمی داخلی و خارجی مثل SID، Pub، Magiran و Scince Direct، بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۲۰ انجام شده است. لذا در این مقاله به گردآوری آیاتی از قرآن پرداخته شده و این دستورات را با یافته‌های حاصل از مطالعات پزشکی جدید مطابقت داده‌ایم.

یافته‌ها

از نگاه قرآن برای حفظ سلامت، پیشگیری و درمان بیماری‌ها، باید اصول و قواعدی پیرامون تغذیه رعایت شود. در قرآن کریم برای تغذیه رهنمودهایی در چهارمحور توصیه به خوردن روزی‌های حلال و سودمند، تحریم برخی مواد غذایی، روزه و اهمیت آن در بهداشت تغذیه و توجه به کمیت تغذیه آورده شده است.

۱- توصیه به خوردن روزی‌های طیب: در قرآن کریم در آیات متعددی خوردن روزی‌های طیب توصیه شده است که مواردی ذکر می‌گردد:

«و کُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالاً طیباً و اتقوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ بِهِ مُؤْمِنُونَ» (مائده/ ۸۸)؛ و از نعمتهای حلال و پاکیزه‌ای که خداوند به شما روزی داده است، بخورید! و از (مخالفت) خداوندی که به او ایمان دارید، بپرهیزید!

«یا ایها الذین آمنوا کُلُوا مِن طیباتِ ما رَزَقناکم و اشکروا لِلَّهِ إِن کنتُمْ إیاه تعبدون» (بقره/ ۱۷۲): ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمتهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید؛ اگر او را پرستش می‌کنید! علاوه بر این که به صورت کلی نام برده باشد در مواردی به خوراکی مثل: عسل، میوه‌هایی مثل انگور، انار، زیتون، خرما، شیر، گوشت برخی

ویژه‌ای بر سبک زندگی دارد به گونه‌ای که شیوه صحیح برای سبک زندگی تبیین کرده است. حدود ۳۰۰ آیه از قرآن کریم به پزشکی و بهداشت اختصاص یافته است (Ghaffari, Journal & 2016, n.d.) (2014). تغذیه سالم گام مهمی جهت سلامت جسم و جان به‌شمار می‌رود. در قرآن با بیان اینکه عدم رعایت بهداشت در تغذیه، ستم بر نفس انسانی است مردم را به رعایت آن ترغیب کرده است (Holy Quran; Surah Al-Baqarah, Verse 57). پژوهش بهره‌گیری از برخی آموزه‌های اسلامی در زمینه آداب تغذیه سالم (MEHRNAZ & VAHIDEH, 2016)؛ که در این مطالعه به مفهوم‌شناسی تغذیه، دستورات کلی راجع به تغذیه مثل رعایت کم خوری، پرهیز از پر خوری و ... در جهت برخورداری از سلامت اشاره شده است. در مطالعه‌ی دیگری تغذیه‌ی سالم از نگاه قرآن (Ghaffari, 2014)؛ به خوبی دسته‌بندی شده و هر قسمت شرح داده شده است اما با علوم پزشکی نوین تطبیق داده نشده است. در مطالعه میوه‌های دارویی در قرآن کریم (Farhangi et al., 2014)؛ میوه‌های نام‌برده شده در قرآن کریم با یافته‌های پزشکی جدید بررسی شده و فواید آنها ذکر شده است. اما از آنجا که مطالعه‌ای با دسته‌بندی مناسب و با ذکر کلیات و تطبیق با یافته‌های علوم پزشکی نوین یافت نشد، این مطالعه با هدف بهداشت تغذیه از منظر قرآن کریم و تطبیق آن با یافته‌های علمی پزشکی نوین انجام گردید.

روش تحقیق

مطالعه حاضر یک پژوهش مروری بوده که با بررسی متون، آموزه‌های قرآن را در تغذیه سالم مورد مطالعه قرار داده است. این جست‌وجو با سوال "آیا مبحث تغذیه در قرآن با یافته‌های



شیر و حفظ توده عضلانی در افراد مسن با هم ارتباط دارند (Zanini et al., 2020).

اثرات مثبت شیر در زمینه متابولیسم: شیر شتر می‌تواند تأثیرات سودمندی برای بیماران دیابت نوع یک داشته‌باشد. در اثر مصرف شیر شتر، قند خون این بیماران و نیازشان به انسولین به سمت بهبودی پیش‌رفته‌است. هم‌چنین سطح گلوکوز بعد از مصرف غذا را در افراد با دیابت نوع دو کاهش می‌دهد. البته برای اثرات طولانی‌مدت نیازمند آزمایشات بیشتری هستیم (Shah et al., 2019).

ارتباط مصرف شیر و سرطان: مطالعات در کشور کره نشان می‌دهد؛ مصرف شیر با کاهش خطر ابتلا به سرطان سینه در زنان زیر ۵۰ سال ارتباط دارد (Shah et al., 2019). مصرف محصولات لبنی و شیر با کاهش خطر ابتلا به سرطان دهان ارتباط دارد (Yuan et al., 2019). مصرف ماست احتمال دارد با کاهش خطر ابتلا به سرطان مثانه ارتباط داشته‌باشد (Acham et al., 2020).

مصرف شیر و مشکلات قلبی و عروقی: نتیجه تحقیقات در ۲۱ کشور متفاوت در ۵ قاره‌ی متفاوت نشان می‌دهد که مصرف لبنیات با کاهش خطر ابتلا به سکته و مشکلات قلبی و عروقی ارتباط دارد (M. et al., 2018). مصرف متعادل شیر با کاهش مرگ و میر ناشی از آسیب‌های قلبی و عروقی ارتباط دارد. البته مصرف بالای شیر، خطر ابتلا به سرطان را افزایش می‌دهد (X. J. Wang et al., 2020).

مصرف شیر و کمک به استخوان: تحقیقات بر روی موش‌ها نشان می‌دهد آگزوزم‌های جداشده از شیر گاو می‌تواند از استئوپروزیس جلوگیری کند (Yun et al., 2020).

۱-ب) عسل

حیوانات حلال گوشت و... اشاره کرده است که برخی از این موارد را با علم پزشکی نوین بررسی کرده ایم.

۱-الف) شیر

«وَإِنْ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةٌ لِّسُقِيتِكُمْ مِمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبِنًا خَالِصًا سَاتِعًا لِلشَّارِبِينَ» (نحل/۶۶) : و در وجود چهارپایان، برای شما (درسهای) عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم‌شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نشانیم!

«مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِنْ مَاءٍ غَيْرِ آسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِنْ لَبَنٍ لَمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ...» (محمد/۱۵): توصیف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده، چنین است: در آن نهرهایی از آب صاف و خالص که بدبو نشده، و نهرهایی از شیر که طعم آن دگرگون نگشته...

کاربرد شیر در زمینه عصبی: مصرف شیر بز می‌تواند از مسائل مغزی مربوط به سن جلوگیری کند. شیر بز می‌تواند از ازدست‌دادن حافظه جلوگیری کند و به علت خاصیت آنتی‌اکسیدانی که دارد از دژنره‌شدن نورون‌ها جلوگیری می‌کند (Safdar et al., 2020). همچنین می‌تواند عملکرد مولکولی مغز را در فردی که از کمبود آهن رنج می‌برد بهبود دهد. شیر شتر در برابر اثرات منفی فنوروپاترین که به عنوان حشره کش در کشاورزی کاربرد دارد، مقاوم است (Abd-Elhakim et al., 2020) و خواص ضد اضطراب دارد (Khatoon et al., 2019).

کاربرد شیر در زمینه تقویت عضلات: استفاده از آمینواسیدهای شاخه‌دار به همراه شیر می‌تواند تولید میوفیبریل‌ها را افزایش دهد (Fuchs et al., 2019). تحقیقاتی در جامعه‌ی افراد مسن کشور کره نشان می‌دهد که ابتلا به ساکروپنیا با کمبود مصرف شیر ارتباط دارد (Lim, 2020).



اثبات رسیده است (Irish)(Shahzad et al., n.d.)
(et al., 2006).

خاصیت التیام دهنده زخم عسل: به دلیل خاصیت ضد میکروبی و تعدیل سیستم ایمنی، در بهبود زخم‌هایی مانند زخم سوختگی (Hesami & Haghghighian, 2019)، زخم معده (Almasaudi et al., 2016) و زخم پای دیابتی‌ها (Surahio et al., 2014) موثر است. خاصیت ضد سرطانی عسل: عسل در مراحل شروع، تکثیر و پیشرفت سرطان عمل می‌کند. اثرات ضد توموری آن از طریق مکانیسم‌های مختلفی مثل القای آپتوز، توقف چرخه سلولی، تعدیل استرس اکسیداتیو، بهبود التهاب و مهار رگ‌زایی است (Orsolice et al., 2003).

دیگر خواص عسل: آثار محافظتی عسل بر سیستم قلبی‌عروقی، سیستم عصبی، سیستم تنفسی و سیستم گوارشی ثبت شده است (Cianciosi et al., 2018).

۱-ج خرما

در آیات شریفه قرآن کریم در ۲۰ مورد به درخت خرما به طور آشکارا اشاره شده است. که در ۴ مورد آن به خواص تغذیه ای خرما اشاره شده است. (سوره عبس/ آیه ۲۹) (سوره مریم/ آیه ۲۵) (سوره یس/ آیه ۳۴) (سوره نحل/ آیه ۱۱) تنها میوه ای است که خداوند در قرآن از آن به عنوان رزق نام برده است (سوره نحل/ آیه ۶۷).

خاصیت خرما بر تسهیل زایمان: این میوه با انقباض دهانه رحم عضلات آن را در ماه‌های آخر حاملگی تقویت می‌کند. از دیگر خواص آن کاهش فشار خون به صورت کوتاه مدت، جهت کاهش خون‌ریزی حین زایمان است (Kordi et al., 2010). هم‌چنین بر روی گیرنده‌های اکسی توسین تاثیر گذاشته و باعث پاسخ بهتر عضلات رحم به اکسی توسین میشود و نقباضات موثرتری را ایجاد می‌کند (Kordi et al., 2017).

در قرآن کریم چهار بار واژه شفا آورده شده است که سه بار آن به خود قرآن مربوط می‌شود و عسل تنها تغذیه‌ای است که در قرآن از آن به عنوان شفا یاد شده است (سوره اسرا/ آیه ۸۲) (سوره یونس/ آیه ۵۷) (سوره فصلت/ آیه ۴۴) (سوره نحل/ آیه ۶۹).

عسل به وسیله زنبورهای عسل که شهد گل‌ها را جمع‌آوری می‌کنند و از طریق هضم مکرر و استفراغ تشکیل می‌شود.

خاصیت ضد التهابی و آنتی اکسیدانی عسل: محتوای فلاونوئیدی عسل با مهار آزادسازی فاکتورهای پیش‌التهابی، امکان مقابله با بیماری‌هایی چون آلزایمر و پارکینسون را دارد (Candiracci et al., 2012). عسل به دلیل دارا بودن ترکیب بسیار متنوع ترکیب فنول بر اساس منشا گیاهی خاصیت آنتی اکسیدانی وسیع‌الطیفی دارد (Majtan et al., 2013).

خاصیت ضد دیابتی عسل: از دیگر خاصیت‌های عسل، تاثیر عسل در بهبود دیابت با کاهش غلظت گلوکز سرم (Shambaugh et al., 1991)، بازیابی مسیر سیگنالینگ که استرس اکسیداتیو موجب مقاومت به انسولین می‌شود (Kim et al., 2006)، بهبود بخشیدن استرس اکسیداتیو پانکراس (Erejuwa et al., 2010) و جلوگیری از استرس اکسیداتیو چربی‌ها (Rahimi et al., 2005) می‌باشد.

اثرات آنتی میکروبی عسل: عسل به دلیل مقدار کم آب، فشار اسمزی بالا، PH کم و مقدار پروتئین کم و دارا بودن گلوکز اکسیداز، پراکسید هیدروژن و برخی ترکیبات فنولی مانند پینوکمترین و اسیدسیرینگیک و متیل گلیوکسال، خاصیت ضد باکتریایی علیه باکتری‌های گرم مثبت و گرم منفی دارد. (Agbaje et al., 2008) (Mavric et al., 2006). هم‌چنین اثرات ضد ویروسی و ضد قارچی آن هم به



در آیاتی از قرآن کریم خوردن برخی از چیزها حرام شمرده شده است. «إنما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما أهلّ به لغیر...» (بقره/۱۷۳): خداوند، تنها (گوشت) مردار، خون، گوشت خوک و آنچه را نام غیر خدا به هنگام ذبح بر آن گفته شود، حرام کرده است... «یسألونک عن الخمر و المیسر قل فیهما إثم کبیر...» (بقره/۲۱۹): در باره شراب و قمار از تو سؤال می‌کنند، بگو: «در آنها گناه و زیان بزرگی است...»

در قرآن کریم خوردن مواردی مانند: خون، شراب و گوشت‌هایی مانند خوک مردار و... حرام اعلام شده است که به بررسی برخی موارد با علم پزشکی نوین می‌پردازیم:

۲- الف) گوشت خوک

یکی از مواد غذایی که مصرف آن به هر نحوی منع شده، گوشت خوک است. در چهار آیه از قرآن کریم حرام بودن گوشت خوک بیان شده است (سوره بقره/ آیه ۱۷۳) (سوره بقره/ آیه ۲۱۹) (سوره مائده؟ آیه ۳) (سوره انعام/ آیه ۱۴۵) (سوره نحل/ آیه ۱۱۵).

گوشت خوک و آلرژی: هیستیدین موجود در خوک به علت وجود آنزیم هیستیدین دکربوکسیلاز به هیستامین تبدیل می‌شود که میزان این هیستامین بیشتر از نیاز طبیعی بدن می‌باشد، که در صورت مصرف گوشت خوک می‌تواند موجب واکنش‌های آلرژی، آسم و کهیر گردد (Lorenz et al., 1971).

گوشت خوک و بیماری مفاصل: وجود مقادیر بالایی از گلیکوز آمین‌ها، اسید هیالورونیک و هگزوز آمین‌ها در بافت‌های همبند خوک منجر به آرتروز و درد‌های مفاصل می‌گردد (Ghosian, Moghaddam & Maleki, 2011).

گوشت خوک و ابتلا به بیماری‌های قلبی عروقی: وجود میزان بالای چربی و کلسترول در

خاصیت ضد میکروبی خرما: خرما به دلیل دارا بودن محتوای فنلی زیاد، دارای خاصیت ضد قارچ، ضد باکتری، ضد ویروسی و ضد انگلی است (Nasir et al., 2015) (Taleb et al., n.d.). عصاره متانولی خرما رشد E.coli, S.marcescens, B.cereus و S.aureus را مهار می‌کند (Samad et al., 2016).

خاصیت ضد سرطانی خرما: اکثر فنولیک‌هایی که اثبات شده‌اند فعالیت ضد سرطانی دارند در خرما به وفور یافت می‌شوند. اعتقاد بر این است که فنولیک‌ها در مراحل مختلف در ایجاد تومورهای بدخیم اختلال ایجاد می‌کنند (Nasir et al., 2015).

تاثیر خرما بر بیماری‌های کبدی: ترکیبات پلی فنلی موجود در عصاره خرما مانند فلاونوئیدها، آنتوسیانین‌ها و اسیدهای فنولیک و عناصری مانند سلنیوم، مس، روی، منگنز و ویتامین می‌توانند موجب مصونیت کبد در برابر عوامل اکسیداتیو گردند (Mousavi et al., 2014).

تاثیر خرما بر معده: خرما اثر محافظتی روی مخاط معده دارد که مانع از تخریب آن توسط اسید معده و ایجاد زخم معده می‌شود (Baliga et al., 2011).

دیگر خواص خرما: خرما به دلیل خواص آنتی‌اکسیدانی در جلوگیری از التهاب مفاصل، تصلیب شراین، بیماری‌های خود ایمن، آلزایمر و پارکینسون موثر است و به دلیل محتوای فیبر زیاد و محتوای فنولی می‌تواند نقش مهمی در پیشگیری از بیماری‌های قلبی عروقی و تعدیل سیستم ایمنی بدن داشته باشد. فنوتیک‌های موجود در خرما به دلیل اثر ضدالتهابی و ضدترومبوتیکی ممکن است بتوانند فشار خون را کاهش دهند (Nasir et al., 2015).

۲- تحریم خوردن برخی مواد خوراکی:



باعث بالا رفتن فشار مغز و هیدروسفالی می‌شود. باعث اشکال در بینایی و گاهی تورم عنبیه، میوزیت و آسیب عضلانی ناشی از افزایش حجم کاذب می‌شود. ۴۱ درصد از موارد مبتلا به توکسوپلاسموز در آمریکا که توسط غذا به این بیماری مبتلا شده اند توسط گوشت خوک رخ داده است (Algaba et al., 2020).

۲-ب) مشروبات الکلی

در قرآن کریم برای شراب از صطلاح خمر استفاده شده‌است. خمر به معنای پوشش است ولی در اصطلاح شریعت به هر مایع مست کننده خمر گفته می‌شود، در قرآن کریم در چهار مرحله با مسئله شراب برخورد میکنند ، و با صراحت مردم را از خوردن آن نهی میکند (سوره بقره/ آیه ۲۱۹) (سوره مائده/ آیه ۹۰) (سوره مائده/ آیه ۹۱) (سوره نسا/ آیه ۴۳)

تاثیر الکل بر سیستم عصبی: مهم ترین اثر الکل تضعیف سیستم اعصاب مرکزی است (Chen et al., 2012). اختلالات حاد شامل انسفالوپاتی ورنیکه (WE)، آسیب مغزی مغزی ، خاموشی ، تشنج ، سکتة مغزی و انسفالوپاتی کبدی است. شایعترین تظاهرات مصرف مزمن الکل ، سندرم کورساکوف (KS) و زوال عقل مرتبط با الکل (ARD) است (Logtenberg et (Rao & Topiwala, 2020) al., 2020).

تاثیر الکل بر سیستم قلبی عروقی: کاردیومیوپاتی، فیبروز بطنی، هیپرتروفی بطنی، افزایش خطر فیبریلاسیون دهلیزی، افزایش احتمال سکتة ایسکمیک و هموراژیک ، بیماری عروق کرونر و پر فشاری خون از اثرات مصرف الکل است.

(Fernández-Solà et al., 2002)(Nicolás et al., 2002)(Mukamal et al., 2005)(Sasaki,

گوشت خوک علت اصلی تصلب شرایین و ابتلا به بیماری عروق کرونر و فشار خون بالا است (Ghosian Moghaddam & Maleki, 2011).

گوشت خوک و مشکلات عصبی: مصرف زیاد پروتئین های خوک باعث می شود سیستم گلوتامینرژیک هیپوکامپ دچار اختلال شود (Zhang et al., 2020). مصرف گوشت خوک با ابتلا به بیماری MS ارتباط دارد (Lauer, 2010) و احتمال ابتلا به glioma (نوعی تومور مغزی) را بالا می برد (Mills et al., 1989).

گوشت خوک و مشکلات کبدی: مصرف گوشت خوک با ابتلا به سیروز کبدی ارتباط دارد (Apte & Wilson, 2003).

گوشت خوک و سرطان: مصرف گوشت ناحیه شکم خوک به علت وجود مقادیر زیاد نیتروز آمین و هتروسیکلیک آمین از عوامل ایجاد سرطان میباشد (Lee, 2010)(Ferrucci et al., 2019). نیتروز آمین یکی از عوامل ایجاد سرطان مئانه است (Zeng & Mitch, 2016). مصرف مکرر گوشت خوک با ابتلا به سرطان در ناحیه ی دیستال کولون در بانوان ارتباط دارد (Islam et al., n.d.).

گوشت خوک و مشکلات هورمونی: گوشت خوک به علت دارا بودن سطح هورمون رشد بالا (مترشحه از سوماتوتروپین)، اسید اوریک و چربی بالا، سبب ایجاد بدخیمی ها، التهاب سلولی، چاقی، فشار خون بالا و آکرومگالی می شود (Spotin et al., 2014).

بیماری های باکتریایی و انگلی ناشی از خوک: خوک قادر است بیش از ۱۴۰ بیماری اعم از انگلی، ویروسی و باکتریایی را به انسان انتقال دهد. که به برخی از این بیماری ها اشاره میکنیم: از انگل های مهم کرمی، تنیا سولیوم، کرم نواری خوک است که با استقرار در بطن چهار مغز،



در قرآن آیات متعددی پیرامون روزه وارد شده که نشان دهنده اهمیت آن در دین اسلام است. اثرات روزه بر قلب و عروق: روزه متناوب می‌تواند احتمال وقوع سکته قلبی را کاهش دهد. همچنین می‌تواند احتمال وقوع سندرم‌های متابولیک را کاهش می‌دهد (Malinowski et al., 2019).

روزه و نتایج متابولیک: روزه طیف وسیعی از عملکردهای مفید را در زمینه چاقی، دیابت شیرین، سرطان و آسیب‌های عصبی دارد (de Cabo & Mattson, 2019).

خواص ضد سرطان: استفاده از رژیم‌های غذایی شبه روزه به همراه مصرف دوز مناسبی از ویتامین C می‌تواند در کنار محافظت از ارگان سلول‌های سرطانی را نیز بکشد (Di Tano & Longo, 2020). نوع خاصی از روزه می‌تواند به نابود کردن سلول‌های سرطان سینه کمک کند. و آسیب به DNA را در لنفوسیت T کاهش می‌دهد (Di Tano & Longo, 2020). خواص عصبی روزه داری: کاهش خطاهای شناختی، افزایش فعالیت‌های میتوکندریایی و افزایش ساخت نورون در هیپوکامپ (Liu et al., 2020) (Baik et al., 2020). اثرات هورمونی روزه: گرفتن روزه باعث افزایش غلظت هورمون TSH در بیماران هایپوتیروئیدیسم شده است (Sheikh et al., 2018). تاثیر روزه بر کبد چرب: روزه ماه رمضان می‌تواند در کنترل بیماری کبد چرب و بهبود بیماری steatosis مؤثر باشد (Ebrahimi et al., 2020).

۴. کمیت در تغذیه

آیه شریفه «یا بنی آدم خذوا زینتکم عند کل مسجد و کلبوا و اشربوا و لاتسرفوا إنه لا یحب المفسرین» (اعراف/۳۱): ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی

(Zilkens et al., 2005)(Mukamal et 2000 al., 2020).

تاثیر الکل بر دستگاه تولیدمثل: الکل با تخریب بافت بیضه و تخمدان، اختلال در نعوظ، اختلال در

تعادل هورمون‌های جنسی، اختلال در سیکل جنسی، تاخیر در ارگاسم زنان می‌تواند موجب ناتوانی جنسی و تولید مثل شود (Jafarpur et al., 2005)(Ghosian et al., n.d.)(Moghadam & Moradi, 1970).

تاثیر الکل بر جنین: قرار گرفتن جنین در معرض الکل قبل از تولد باعث ایجاد چندین ناهنجاری در مغز، قلب، کلیه، کبد، دستگاه گوارش و سیستم‌های غدد درون ریز می‌شود (Caputo et al., 2016). چشمگیرترین مورد سندرم الکل جنین است. سندرم جنین الکلی الگویی است از ناهنجاری‌ها با تأخیر رشد داخل رحمی، میکروسفالی، تکامل ناقص منطقه میانی صورت و ناهنجاری‌های مفاصل است (Ghosian et al., 2019)(Ehrhart et al., 2019). تاثیر الکل بر کبد: قرار گرفتن در معرض بیش از حد الکل منجر به بیماری کبدی الکلی (ALD) می‌شود که علت اصلی بیماری و مرگ و میر مربوط به کبد در سراسر جهان است (Yip & Burt, 2019)(M. Wang et al., 2019). تاثیر الکل بر ابتلای سرطان: مصرف الکل باعث افزایش ابتلای طیف وسیعی از سرطان‌ها مانند سرطان پستان، کبد، پانکراس، سرطان اندومتر در خانم‌ها و سرطان پروستات در آقایان می‌شود. (Siegmund & Singer, 2005)(Choi et al., 2018)(Petticrew et al., 2003). تاثیر الکل بر روان: مصرف الکل موجب مشکلات روانی مانند اختلال حافظه، خودکشی، اضطراب، توهم و اختلالات شخصیت میشود (Malakzadeh et al., 2017)(Um et al., n.d.).

۳. روزه



است، حلال و پاکیزه بخورید! و از گام‌های شیطان، پیروی نکنید! چه اینکه او، دشمن آشکار شماست! همچنین در آیه ۵۷ سوره بقره می‌فرماید: «وَوَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ مَدِينًا وَجَعَلْنَا لَكَ الْوَيْلَ الَّذِي كُنْتَ تُكْفِرُ بِهِ لِيُكْفِرَ أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَئِن لَّمْ يَفْعَلْ لَمَّ يَسْتَكْبِرْ» (بقره/۵۷): و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم؛ و «من» [= شیره مخصوص و لذیذ درختان] و «سلوی» [= مرغان مخصوص شبیه کبوتر] را بر شما فرستادیم؛ (و گفتیم): «از نعمتهای پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید!» (ولی شما کفران کردید!) آنها به ما ستم نکردند؛ بلکه به خود ستم می‌نمودند.

نتیجه‌گیری

انسان موجودی است که در حیات خود به تغذیه نیاز دارد. داشتن رژیم غذایی مناسب و متعادل بحث بسیار مهمی در دنیای مدرن است. پیشرفت‌های بشر باعث شده تا سبک زندگی دچار تحولات بسیاری شود. با توجه به این که امروزه از تحرک افراد کاسته شده و مواد غذایی به طور نامتعادلی مصرف می‌شوند، توجه به مبحث رعایت اعتدال در رژیم غذایی از اهمیت بالایی برخوردار است این دستورات با یافته‌های علمی روز تطبیق دارد. قوانین و مقررات قرآن با نظم طبیعت و سلامت انسان همگون است و با نظم طبیعت و سلامت انسان همگون است لذا میتوان با تاکید بر رعایت بهداشت تغذیه از منظر قرآن کریم، از گسترش بیماری‌های شایع مرتبط با تغذیه از قبیل چاقی، بیماری‌های قلبی عروقی، سرطان، فشارخون، دیابت، بیماری‌های واگیردار و بیماری‌های روانی جلوگیری نمود و با پژوهش‌های میان رشته‌ای گسترده تر برنامه‌ای جامع در زمینه بهداشت تغذیه به جهانیان عرضه گردد.

اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد! این آیه شریفه بیانگر آن است که انسان‌ها در هنگام خوردن و آشامیدن باید بهداشت غذایی را به خصوص از لحاظ کمیت و میزان مصرف خوردنی‌ها و آشامیدنی‌ها رعایت نمایند و مرز این مصرف، تشخیص حد (و اسراف و زیاده روی نکنید) می‌باشد (۶). زمانی که انرژی دریافتی نسبت به انرژی مصرفی بالاتر باشد منجر به افزایش وزن و چاقی می‌شود (Finer, 2015). چاقی با بسیاری از بیماری‌ها مانند عروق کرونر قلب، دیابت و فشارخون همراه است. همچنین چاقی با مکانیسم‌هایی نظیر افزایش هرمون‌های متابولیک، جنسی و التهابی، خطر ابتلا به سرطان‌هایی نظیر سرطان پستان، دهانه رحم، کولون و روده را افزایش می‌دهد. حدود ۲۵ درصد سرطان‌ها، به دلیل اضافه وزن و بی‌تحرکی است (Hajian et al., 2013). یکی از دلایل ابتلا به سوء تغذیه، الگوی غذایی نامناسب نظیر کمبود دریافت انرژی، درشت مغزی‌ها و ریز مغذی‌ها است (Brabin & Coulter, 2003) برآورد می‌شود که سوء تغذیه دلیل مستقیم برای حدود ۳۰۰ هزار مرگ در سال و دلیل غیر مستقیم برای نیمی از مرگ و میرهای کودکان جهان است (Nemer et al., 2001). سوء تغذیه سیستم ایمنی را ضعیف می‌کند و با به خطر انداختن پارامترهای مختلف ایمنی توانایی بدن در مبارزه با بیماری‌هایی همچون ایدز کاهش می‌دهد (Duggal et al., 2012). قرآن هرگز انسان را به چشم پوشی از مواهب الهی دعوت نکرده بلکه توصیه به خوردن روزی حلال و پاک دارد. «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ» (بقره/۱۶۸): ای مردم! از آنچه در زمین



منابع

۱. قرآن کریم

2. Abd-Elhakim, Y. M., El-Sharkawy, N. I., Mohammed, H. H., Ebraheim, L. L. M., & Shalaby, M. A. (2020). Camel milk rescues neurotoxic impairments induced by fenpropathrin via regulating oxidative stress, apoptotic, and inflammatory events in the brain of rats. *Food and Chemical Toxicology*, 135. <https://doi.org/10.1016/j.fct.2019.111055>
3. Acham, M., Wesselius, A., van Osch, F. H. M., Yu, E. Y. W., van den Brandt, P. A., White, E., Adami, H. O., Weiderpass, E., Brinkman, M., Giles, G. G., Milne, R. L., & Zeegers, M. P. (2020). Intake of milk and other dairy products and the risk of bladder cancer: a pooled analysis of 13 cohort studies. *European Journal of Clinical Nutrition*, 74(1), 28–35. <https://doi.org/10.1038/s41430-019-0453-6>
4. Afshin, A., Sur, P. J., Fay, K. A., Cornaby, L., Ferrara, G., Salama, J. S., Mullany, E. C., Abate, K. H., Abbafati, C., Abebe, Z., Afarideh, M., Aggarwal, A., Agrawal, S., Akinyemiju, T., Alahdab, F., Bacha, U., Bachman, V. F., Badali, H., Badawi, A., ... Murray, C. J. L. (2019). Health effects of dietary risks in 195 countries, 1990–2017: a systematic analysis for the Global Burden of Disease Study 2017. *The Lancet*, 393(10184), 1958–1972. [https://doi.org/10.1016/S0140-6736\(19\)30041-8](https://doi.org/10.1016/S0140-6736(19)30041-8)
5. Agbaje, E. O., Ogunsanya, T., & Aiwerioba, O. I. R. (2006). Conventional use of honey as antibacterial agent. *Annals of African Medicine*, 5(2), 78–81.
6. Algaba, I. G., Verhaegen, B., Murat, J. B., Coucke, W., Mercier, A., Cox, E., Dorny, P., Dierick, K., & De Craeye, S. (2020). Molecular Study of *Toxoplasma gondii* Isolates Originating from Humans and Organic Pigs in Belgium. *Foodborne Pathogens and Disease*, 17(5), 316–321. <https://doi.org/10.1089/fpd.2019.2675>
7. Almasaudi, S. B., El-Shitany, N. A., Abbas, A. T., Abdel-Dayem, U. A., Ali, S. S., Al Jaouni, S. K., & Harakeh, S. (2016). Antioxidant, anti-inflammatory, and antiulcer potential of manuka honey against gastric ulcer in rats. *Oxidative Medicine and Cellular Longevity*, 2016. <https://doi.org/10.1155/2016/3643824>
8. Apte, M. V., & Wilson, J. S. (2003). Alcohol-induced pancreatic injury. In *Bailliere's Best Practice and Research in Clinical Gastroenterology* (Vol. 17, Issue 4, pp. 593–612). [https://doi.org/10.1016/S1521-6918\(03\)00050-7](https://doi.org/10.1016/S1521-6918(03)00050-7)
9. Baik, S. H., Rajeev, V., Fann, D. Y. W., Jo, D. G., & Arumugam, T. V. (2020). Intermittent fasting increases adult hippocampal neurogenesis. *Brain and Behavior*, 10(1). <https://doi.org/10.1002/brb3.1444>
10. Baliga, M. S., Baliga, B. R. V., Kandathil, S. M., Bhat, H. P., & Vayalil, P. K. (2011). A review of the chemistry and pharmacology of the date fruits (*Phoenix dactylifera* L.). *Food Research International*, 44(7), 1812–1822. <https://doi.org/10.1016/j.foodres.2010.07.004>
11. Brabin, B. J., & Coulter, J. B. S. (2003). Nutrition-associated disease. In: Cook GC, Zumla AI, editors. *Manson's tropical diseases*. London.
12. Candiracci, M., Piatti, E., Dominguez-Barragán, M., García-Antrás, D., Morgado, B., Ruano, D., Gutiérrez, J. F., Parrado, J., & Castaño, Á. (2012). Anti-inflammatory activity of a honey flavonoid extract on lipopolysaccharide-activated N13 microglial cells. *Journal of Agricultural and Food Chemistry*, 60(50), 12304–12311. <https://doi.org/10.1021/jf302468h>
13. Caputo, C., Wood, E., & Jabbour, L. (2016). Impact of fetal alcohol exposure on body systems: A systematic review. In *Birth Defects Research Part C - Embryo Today: Reviews* (Vol. 108, Issue 2, pp. 174–180). John Wiley and Sons Inc. <https://doi.org/10.1002/bdrc.21129>
14. Chen, C. M., Yi, H. Y., Yoon, Y. H., & Dong, C. (2012). Alcohol use at time of injury and survival following traumatic brain injury: Results from the national trauma data bank. *Journal of Studies on Alcohol and Drugs*, 73(4), 531–541. <https://doi.org/10.15288/jsad.2012.73.531>
15. Choi, J. Y., Abel, J., Neuhaus, T., Ko, Y., Harth, V., Hamajima, N., Tajima, K., Yoo, K. Y., Park, S. K., Noh, D. Y., Han, W., Choe, K. J., Ahn, S. H., Kim, S. U., Hirvonen, A., & Kang, D. (2003). Role of alcohol and genetic polymorphisms of CYP2E1 and ALDH2 in breast cancer development. *Pharmacogenetics*, 13(2), 67–72. <https://doi.org/10.1097/00008571-200302000-00002>
16. Cianciosi, D., Forbes-Hernández, T. Y., Afrin, S., Gasparrini, M., Reboledo-Rodríguez, P., Manna, P. P., Zhang, J., Lamas, L. B., Flórez, S. M., Toyos, P. A., Quiles, J. L., Giampieri, F., & Battino, M. (2018). Phenolic compounds in honey and their associated health benefits: A review. In *Molecules* (Vol. 23, Issue 9). <https://doi.org/10.3390/molecules23092322>
17. de Cabo, R., & Mattson, M. P. (2019). Effects of Intermittent Fasting on Health, Aging, and Disease. *New England Journal of Medicine*, 381(26), 2541–2551. <https://doi.org/10.1056/nejmra1905136>
18. Di Tano, M., & Longo, V. D. (2020). A fasting-mimicking diet and vitamin C: turning anti-aging strategies against cancer. In *Molecular and Cellular Oncology* (Vol. 7, Issue 5). Taylor and Francis Ltd. <https://doi.org/10.1080/23723556.2020.1791671>
19. Duggal, S., Chugh, T. Das, & Duggal, A. K. (2012). HIV and malnutrition: Effects on immune system. In *Clinical and Developmental Immunology* (Vol. 2012). <https://doi.org/10.1155/2012/784740>
20. Ebrahimi, S., Gargari, B. P., Aliasghari, F., Asjodi, F., & Izadi, A. (2020). Ramadan fasting improves liver function and total cholesterol in patients with nonalcoholic fatty liver disease. *International Journal for Vitamin and Nutrition Research*, 90(1–2), 95–102. <https://doi.org/10.1024/0300-9831/a000442>
21. Ehrhart, F., Roozen, S., Verbeek, J., Koek, G., Kok, G., van Kranen, H., Evelo, C. T., & Curfs, L. M. G. (2019). Review and gap analysis: molecular pathways leading to fetal alcohol spectrum disorders. In *Molecular Psychiatry* (Vol. 24, Issue 1, pp. 10–17). <https://doi.org/10.1038/s41380-018-0095-4>
22. Erejuwa, O. O., Sulaiman, S. A., Wahab, M. S. A., Sirajudeen, K. N. S., Md Salleh, M. S., & Gurtu, S. (2010). Antioxidant protective effect of glibenclamide and metformin in combination with honey in pancreas of



- streptozotocin- induced diabetic rats. *International Journal of Molecular Sciences*, 11(5), 2056–2066. <https://doi.org/10.3390/ijms11052056>
23. Farhangi, H., Ajiliani, M., Saeidi, M., & Khodaei, G. H. (2014). Medicinal fruits in Holy Quran. *International Journal of Pediatrics*, 2(3), 89–102. <https://doi.org/10.22038/ijp.2014.3461>
 24. Fernández-Solà, J., Oriola, J., Sacanella, E., Estruch, R., Ferná Ndez-Solà, J., Nicolá, M., Estruch, E., Rubin, J., & Urbano-Má Rquez, A. (2002). Angiotensin-Converting Enzyme Gene Polymorphism Is Associated with Vulnerability to Alcoholic Cardiomyopathy View project PREDIMED-Plus View project Angiotensin-Converting Enzyme Gene Polymorphism Is Associated with Vulnerability to Alcoholic Cardiomyopathy Background: Chronic alcohol abuse has a dose-dependent toxic. *Article in Annals of Internal Medicine*, 137(5 J), 321–326. https://doi.org/10.7326/0003-4819-137-5_Part_1-200209030-00007
 25. Ferrucci, L. M., Sinha, R., Ward, M. H., Graubard, B. I., Hollenbeck, A. R., Kilfoy, B. A., Schatzkin, A., Michaud, D. S., & Cross, A. J. (2010). Meat and components of meat and the risk of bladder cancer in the NIH-AARP diet and health study. *Cancer*, 116(18), 4345–4353. <https://doi.org/10.1002/cncr.25463>
 26. Finer, N. (2015). Medical consequences of obesity. In *Medicine (United Kingdom)* (Vol. 43, Issue 2, pp. 88–93). <https://doi.org/10.1016/j.mpmed.2014.11.003>
 27. Fuchs, C. J., Hermans, W. J. H., Holwerda, A. M., Smeets, J. S. J., Senden, J. M., Van Kranenburg, J., Gijzen, A. P., Wodzig, W. K. H. W., Schierbeek, H., Verdijk, L. B., & Van Loon, L. J. C. (2019). Branched-chain amino acid and branched-chain ketoacid ingestion increases muscle protein synthesis rates in vivo in older adults: A double-blind, randomized trial. *American Journal of Clinical Nutrition*, 110(4), 862–872. <https://doi.org/10.1093/ajcn/nqz120>
 28. Ghaffari, F. (2014). Healthy nutrition from the perspective of the holy quran. *Journal of Zanzan University of Medical Sciences and Health Services*, 22(90), 97–109.
 29. Ghosian Moghadam, M. H., & Moradi, M. (1970). Effects of Alcohol Consumption on Human Health from the Perspective of Holy Quran and Modern Medicine. *Quran and Medicine*, 1(3), 45–53. <https://doi.org/10.5812/quranmed.8162>
 30. Ghosian Moghadam, M. H., & Maleki, M. (2011). An investigation of the effect of pork consumption on human health from the perspective of Quran and medicine. *J Arak Univ Med Sci*, 13(5), 107–116.
 31. Hajian, K., Gholizadehpasha, A., & Bozorgzadeh, S. (2013). Association of obesity and central obesity with breast cancer risk in pre- and postmenopausal women. *Journal of Babol University of Medical Sciences*, 15(3), 7–15.
 32. Hesami, S., & Haghghian, H. K. (2019). The Therapeutic Effects of Bioactive Compounds in Honeybee Products. *The Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 22(March), 190–203. <https://doi.org/10.32598/jqums.22.6.190>
 33. Irish, J., Carter, D. A., Shokohi, T., & Blair, S. E. (2006). Honey has an antifungal effect against *Candida* species. *Medical Mycology*, 44(3), 289–291. <https://doi.org/10.1080/13693780500417037>
 34. Islam, Z., Akter, S., Kashino, I., Mizoue, T., ... N. S.-C., & 2019, undefined. (n.d.). Meat subtypes and colorectal cancer risk: A pooled analysis of 6 cohort studies in Japan. *Ncbi.Nlm.Nih.Gov*.
 35. Jafarpur, M., Mofidpur, H., & EBRAHIMZADEH, S. (2005). The effects of ethanol on the microscopic structure of testis in mice.
 36. Jafarpur, M., Sciences, A. E.-T. H. of M., & 2006, U. (n.d.). Study of ovarian Histological changes after Ethanol consumption. *Hms.Gmu.Ac.Ir*.
 37. Journal, S. O.-I. A. H., & 2016, U. (n.d.). Self-care according to Quran and Islam and its compatibility with modern medical science. *Iahj.Ir*.
 38. Khatoon, H., Ikram, R., & Abbas, G. (2019). Neuropharmacological effects of camel milk related to modulation of biogenic amines in experimental animals. *Pakistan Journal of Pharmaceutical Sciences*, 32(6), 2633–2641. <https://doi.org/10.36721/PJPS.2019.32.6.REG.2633-2641.1>
 39. Kim, J. S., Saengsirisuwan, V., Sloniger, J. A., Teachey, M. K., & Henriksen, E. J. (2006). Oxidant stress and skeletal muscle glucose transport: Roles of insulin signaling and p38 MAPK. *Free Radical Biology and Medicine*, 41(5), 818–824. <https://doi.org/10.1016/j.freeradbiomed.2006.05.031>
 40. Kordi, M., Meybodi, F. A., Tara, F. R., Fakari, F., Nemati, M., & Shakeri, M. (2017). Effect of dates in late pregnancy on the duration of labor in nulliparous women. *Iranian Journal of Nursing and Midwifery Research*, 22(5), 383–387. https://doi.org/10.4103/ijnmr.IJNMR_213_15
 41. Kordi, M., Nasiri, N. S., Safarian, M., Esmaili, H., & Shadjoo, K. (2010). The effect of oral honey- date syrup intake during labor on labor progress of nulliparous women. *Iranian Journal of Obstetrics, Gynecology and Infertility*, 13(2), 23–30. <https://doi.org/10.22038/ijogi.2010.5861>
 42. Lauer, K. (2010). Environmental risk factors in multiple sclerosis. In *Expert Review of Neurotherapeutics* (Vol. 10, Issue 3, pp. 421–440). <https://doi.org/10.1586/ern.10.7>
 43. Lee, H. S. (2019). Literature compilation of volatile N-nitrosamines in processed meat and poultry products - an update. *Food Additives and Contaminants - Part A Chemistry, Analysis, Control, Exposure and Risk Assessment*, 36(10), 1491–1500. <https://doi.org/10.1080/19440049.2019.1649472>
 44. Lim, H. S. (2020). Association of dietary variety status and sarcopenia in korean elderly. *Journal of Bone Metabolism*, 27(2), 143–149. <https://doi.org/10.11005/jbm.2020.27.2.143>
 45. Liu, Z., Dai, X., Zhang, H., Shi, R., Hui, Y., Jin, X., Zhang, W., Wang, L., Wang, Q., Wang, D., Wang, J., Tan, X., Ren, B., Liu, X., Zhao, T., Wang, J., Pan, J., Yuan, T., Chu, C., ... Liu, X. (2020). Gut microbiota mediates intermittent-fasting alleviation of diabetes-induced cognitive impairment. *Nature Communications*, 11(1). <https://doi.org/10.1038/s41467-020-14676-4>
 46. Logtenberg, E., Overbeek, M. F., Pasman, J. A., Abdellaoui, A., Luijten, M., van Holst, R. J., Vink, J. M., Denys, D., Medland, S. E., Verweij, K. J. H., & Treur, J. L. (2020). Investigating the causal nature of the

- relationship of subcortical brain volume with smoking and alcohol use. In medRxiv. <https://doi.org/10.1101/2020.09.03.20187385>
47. Lorenz, W., Barth, H., Kusche, J., Reimann, H. J., Schmal, A., Matejka, E., Mathias, C., Hutzel, M., & Werle, E. (1971). Histamine in the pig: Determination, distribution, release and pharmacological actions. *European Journal of Pharmacology*, 14(2), 155–175. [https://doi.org/10.1016/0014-2999\(71\)90209-3](https://doi.org/10.1016/0014-2999(71)90209-3)
 48. M., D., A., M., S., R., P., S., V., M., R., I., R., G., S., L., E., W.-V., A., A., P., L.-J., P., M., R.P., V., R., K., J., C., K.F., A., N., M., A., O., F., L., ... S., Y. (2018). Association of dairy intake with cardiovascular disease and mortality in 21 countries from five continents (PURE): a prospective cohort study. *The Lancet*, 392(10161), 2288–2297.
 49. Majtan, J., Bohova, J., Garcia-Villalba, R., Tomas-Barberan, F. A., Madakova, Z., Majtan, T., Majtan, V., & Klaudivny, J. (2013). Fir honeydew honey flavonoids inhibit TNF- α -induced MMP-9 expression in human keratinocytes: A new action of honey in wound healing. *Archives of Dermatological Research*, 305(7), 619–627. <https://doi.org/10.1007/s00403-013-1385-y>
 50. Makiabadi, E., Hossein Kaveh, M., Mahmoodi, M. R., Asadollahi, A., & Salehi, M. (2019). Enhancing Nutrition-Related Literacy, Knowledge and Behavior among University Students: A Randomized Controlled Trial Behavior Knowledge Literacy Nutrition Students. *Int J Nutr Sci*, 4(3). <https://doi.org/10.30476/IJNS.2019.82709.1027>
 51. Malakzadeh, Z., Ahmadi, N. A., & Nasr, V. (2017). Investigate the effect of alcohol on the human body from the perspective of verses of the Holy Quran, Hadith and Traditional medicine. *Journal of Reaserch on Religion & Health*, 3(1), 102–106.
 52. Malinowski, B., Zalewska, K., Weśnierska, A., Sokolowska, M. M., Socha, M., Liczner, G., Pawlak-Osińska, K., & Wiciński, M. (2019). Intermittent fasting in cardiovascular disorders—an overview. In *Nutrients* (Vol. 11, Issue 3). <https://doi.org/10.3390/nu11030673>
 53. Mavric, E., Wittmann, S., Barth, G., & Henle, T. (2008). Identification and quantification of methylglyoxal as the dominant antibacterial constituent of Manuka (*Leptospermum scoparium*) honeys from New Zealand. *Molecular Nutrition and Food Research*, 52(4), 483–489. <https://doi.org/10.1002/mnfr.200700282>
 54. MEHRNAZ, G., & VAHIDEH, S. (2016). ENJOYING SOME OF THE TEACHINGS OF ISLAM IN THE FIELD OF HEALTHY NUTRITION (Vol. 24, Issue 4, pp. 69–80). *TEB VA TAZKIEH*.
 55. Mills, P. K., Preston-Martin, S., Annegers, J. F., Beeson, W. L., Phillips, R. L., & Fraser, G. E. (1989). Risk factors for tumors of the brain and cranial meninges in seventh-day adventists. *Neuroepidemiology*, 8(5), 266–275. <https://doi.org/10.1159/000110193>
 56. Mousavi, T., Rafiei, A., & Yoosefpoor, M. (2014). Nutritional value and health benefits of dates according to islamic recourses and traditional medicine. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 24(117), 247–265.
 57. Mukamal, K. J., Stampfer, M. J., & Rimm, E. B. (2020). Genetic instrumental variable analysis: time to call mendelian randomization what it is. The example of alcohol and cardiovascular disease. *European Journal of Epidemiology*, 35(2), 93–97. <https://doi.org/10.1007/s10654-019-00578-3>
 58. Mukamal, K. J., Tolstrup, J. S., Friberg, J., Jensen, G., & Grønbaek, M. (2005). Alcohol consumption and risk of atrial fibrillation in men and women: The Copenhagen City Heart Study. *Circulation*, 112(12), 1736–1742. <https://doi.org/10.1161/CIRCULATIONAHA.105.547844>
 59. Nasir, M. U., Hussain, S., Jabbar, S., Rashid, F., Khalid, N., & Mehmood, A. (2015). A review on the nutritional content , functional properties and medicinal potential of dates Date varieties of the world Nutritional value and functional properties of dates Proximate composition of dates. *SCIENCE LETTERS*, 3(1), 17–22.
 60. Nemer, L., Gelband, H., & Jha, P. (2001). The evidence base for interventions to reduce malnutrition in children under five and school-age children in low and middle-income countries. Commission on Macroeconomics and Health.
 61. Nicolás, J. M., Fernández-Solà, J., Estruch, R., Paré, J. C., Sacanella, E., Urbano-Márquez, A., & Rubin, E. (2002). The effect of controlled drinking in alcoholic cardiomyopathy. 136(3), 192–200. <https://doi.org/10.7326/0003-4819-136-3-200202050-00007>
 62. Orsolich, N., Knezevic, A., Sver, L., Terzic, S., Hackenberger, B. K., & Basic, I. (2003). Influence of honey bee products on transplantable murine tumours. *Veterinary and Comparative Oncology*, 1(4), 216–226. <https://doi.org/10.1111/j.1476-5810.2003.00029.x>
 63. Petticrew, M., Maani Hessari, N., Knai, C., & Weiderpass, E. (2018). How alcohol industry organisations mislead the public about alcohol and cancer. *Drug and Alcohol Review*, 37(3), 293–303. <https://doi.org/10.1111/dar.12596>
 64. Rahimi, R., Nikfar, S., Larijani, B., & Abdollahi, M. (2005). A review on the role of antioxidants in the management of diabetes and its complications. *Biomedicine and Pharmacotherapy*, 59(7), 365–373. <https://doi.org/10.1016/j.biopha.2005.07.002>
 65. Rao, R., & Topiwala, A. (2020). Alcohol use disorders and the brain. *Addiction*, 115(8), 1580–1589. <https://doi.org/10.1111/add.15023>
 66. Sabrina, T., Santos, S., Julian, C., Francisco De Andrade, D., Slater Villar, B., Piccinelli, R., González-Gross, M., Gottrand, F., Androutsos, O., Kersting, M., Michels, N., Huybrechts, I., Widhalm, K., Molnár, D., Marcos, A., Castillo-Garzón, M. J., & Moreno, L. A. (2018). Measuring nutritional knowledge using Item Response Theory and its validity in European adolescents. *Public Health Nutrition*, 22(3), 419–430. <https://doi.org/10.1017/S1368980018003269>
 67. Safdar, A., Żakaria, R., Aziz, C. B. A., Rashid, U., & Azman, K. F. (2020). Goat milk attenuates mimetic aging related memory impairment via suppressing brain oxidative stress, neurodegeneration and modulating



- neurotrophic factors in d-galactose-induced aging model. *Biogerontology*, 21(2), 203–216. <https://doi.org/10.1007/s10522-019-09854-x>
68. Samad, M. A., Hashim, S. H., Simarani, K., & Yaacob, J. S. (2016). Antibacterial properties and effects of fruit chilling and extract storage on antioxidant activity, total phenolic and anthocyanin content of four date palm (*Phoenix dactylifera*) cultivars. *Molecules*, 21(4). <https://doi.org/10.3390/molecules21040419>
 69. Sasaki, S. (2000). Alcohol and its relation to all-cause and cardiovascular mortality. *Acta Cardiologica*, 55(3), 151–156. <https://doi.org/10.2143/AC.55.3.2005732>
 70. Schaller, C., today, E. J.-N. education, & 2005, undefined. (n.d.). The nutritional knowledge of Australian nurses. Elsevier.
 71. Shah, K., Yasobant, S., & Saxena, D. (2019). Camel milk for reduction of diabetes risk: Are we heading toward the right direction? *Journal of Family Medicine and Primary Care*, 8(10), 3083. https://doi.org/10.4103/jfmmpc.jfmmpc_501_19
 72. Shahzad, A., biomedicine, R. C.-T., & 2012, undefined. (n.d.). In vitro antiviral activity of honey against varicella zoster virus (VZV): a translational medicine study for potential remedy for shingles. Ncbi.Nlm.Nih.Gov.
 73. Shambaugh, P., Worthington, V., & Herbert, J. H. (1991). Differential effects of honey, sucrose and fructose on blood sugar levels. In *Journal of Manipulative and Physiological Therapeutics* (Vol. 14, Issue 1, pp. 91–92).
 74. Sheikh, A., Mawani, M., & Mahar, S. A. (2018). Impact of ramadan fasting on thyroid status and quality of life in patients with primary hypothyroidism: A prospective cohort study from Karachi, Pakistan. *Endocrine Practice*, 24(10), 882–888. <https://doi.org/10.4158/EP-2018-0038>
 75. Siegmund, S. V., & Singer, M. V. (2005). Wirkungen von alkohol auf den oberen gastrointestinaltrakt und das pankreas - Eine aktuelle übersicht. In *Zeitschrift für Gastroenterologie* (Vol. 43, Issue 8, pp. 723–736). <https://doi.org/10.1055/s-2005-858257>
 76. Spotin, A., Parvizi, P., Shahbazi, A., Najafian, J., Zaman, J., Ahmadvour, E., & Bordbar, A. (2014). Pages: 57-64 Religion and Health Religion &. In *Health* (Vol. 2, Issue 2). Persian.
 77. Surahio, A. R. ashi., Khan, A. A. hma., Farooq, M. U., & Fatima, I. (2014). Role of honey in wound dressing in diabetic foot ulcer. *Journal of Ayub Medical College, Abbottabad : JAMC*, 26(3), 304–306.
 78. Taleb, H., Maddocks, S., ... R. M.-J. of, & 2016, undefined. (n.d.). Chemical characterisation and the anti-inflammatory, anti-angiogenic and antibacterial properties of date fruit (*Phoenix dactylifera* L.). Elsevier.
 79. Um, M., Hershberger, A., Behaviors, M. C.-A., & 2019, U. (n.d.). The relationship among depressive symptoms, urgency, and problematic alcohol and cannabis use in community adults. Elsevier.
 80. Wang, M., Ma, L. J., Yang, Y., Xiao, Z., & Wan, J. B. (2019). n-3 Polyunsaturated fatty acids for the management of alcoholic liver disease: A critical review. In *Critical reviews in food science and nutrition* (Vol. 59, pp. S116–S129). NLM (Medline). <https://doi.org/10.1080/10408398.2018.1544542>
 81. Wang, X. J., Jiang, C. Q., Zhang, W., Sen, Zhu, F., Jin, Y. L., Woo, J., Cheng, K. K., Lam, T. H., & Xu, L. (2020). Milk consumption and risk of mortality from all-cause, cardiovascular disease and cancer in older people. *Clinical Nutrition*, 39(11), 3442–3451. <https://doi.org/10.1016/j.clnu.2020.03.003>
 82. Yip, W. W., & Burt, A. D. (2006). Alcoholic liver disease. *Seminars in Diagnostic Pathology*, 23(3–4), 149–160. <https://doi.org/10.1053/j.semmp.2006.11.002>
 83. Yuan, J., Li, W., Sun, W., & Deng, S. (2019). Milk and dairy products consumption and the risk of oral or oropharyngeal cancer: A meta-analysis. *Bioscience Reports*, 39(12). <https://doi.org/10.1042/BSR20193526>
 84. Yun, B., Maburutse, B. E., Kang, M., Park, M. R., Park, D. J., Kim, Y., & Oh, S. (2020). Short communication: Dietary bovine milk-derived exosomes improve bone health in an osteoporosis-induced mouse model. *Journal of Dairy Science*, 103(9), 7752–7760. <https://doi.org/10.3168/jds.2019-17501>
 85. zamanian azodi m, ramazankhani a, tavasoli e, gharhi poor z, motalebi m, babae a, et al. (2013). Evaluating the Nutritional Status of Dormitory Resident Students in Shahid Beheshti University of Medical Science. *Scientific Journal of Ilam University of Medical Sciences*, 109–120.
 86. Zanini, B., Simonetto, A., Zubani, M., Castellano, M., & Gilioli, G. (2020). The effects of cow-milk protein supplementation in elderly population: Systematic review and narrative synthesis. In *Nutrients* (Vol. 12, Issue 9, pp. 1–26). <https://doi.org/10.3390/nu12092548>
 87. Zeng, T., & Mitch, W. A. (2016). Oral intake of ranitidine increases urinary excretion of N-nitrosodimethylamine. *Carcinogenesis*, 37(6), 625–634. <https://doi.org/10.1093/carcin/bgw034>
 88. Zhang, M., Song, S., Zhao, D., Shi, J., Xu, X., Zhou, G., & Li, C. (2020). High intake of chicken and pork proteins aggravates high-fat-diet-induced inflammation and disorder of hippocampal glutamatergic system. *Journal of Nutritional Biochemistry*, 85. <https://doi.org/10.1016/j.jnutbio.2020.108487>
 89. Zilkens, R. R., Burke, V., Hodgson, J. M., Barden, A., Beilin, L. J., & Puddey, I. B. (2005). Red wine and beer elevate blood pressure in normotensive men. *Hypertension*, 45(5), 874–879. <https://doi.org/10.1161/01.HYP.0000164639.83623.76>

محصولات تراریخته از منظر اسلام

شیدا علیدوست^۱ و بابک پورقهرمانی^۲

۱- کارشناس ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مراغه، ایران
۲- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مراغه، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، مراغه، ایران (نویسنده مسئول):
b.pourgharamani@yahoo.com

چکیده

بیوتکنولوژی کشاورزی و به ویژه مهندسی ژنتیک با تولید محصولات تراریخته، فرصتی برای کاهش فقر، ایجاد امنیت غذایی، رفع سوء تغذیه و جلوگیری از تخریب منابع طبیعی و افزایش توانایی در اصلاح نباتات ایجاد نموده است. با این وجود، ورود بیوتکنولوژی در تحقیقات کشاورزی و تولید محصولات تراریخته در بسیاری از کشورها با چالش‌هایی از جنبه‌های اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی، زیست محیطی، ایمنی زیستی، تجاری و اعتقادی مواجه شده است. در زمینه استفاده از محصولات تراریخته در اسلام، محققان عقیده‌های مختلفی ابراز داشته‌اند. از نظر اسلام، استفاده از محصولات تراریخته و نیز پژوهش و توسعه فناوری‌های مربوط به آن مجاز است، لیکن این جواز منوط به رعایت جنبه‌های مختلف ایمنی و اخلاقی است که لازم است تأمین شود. همچنین می‌توان گفت که ممانعت از سلطه کفار بر جامعه مسلمین بر هر فرد مسلمان واجب است، تولید ملی تراریخته نیز راهی برای ممانعت از سلطه اقتصادی بیگانگان بر جامعه اسلامی به شمار می‌رود، لذا از باب مقدمه واجب، واجب می‌باشد.

کلمات کلیدی: تراریخته، ژنتیک، اسلام، قرآن.

۱- مقدمه

محصول در هر هکتار را به دو یا چند برابر افزایش داد. برخی از مهندسان ژنتیک کشور در توجیه جواز این عمل چنین استدلال می‌کنند که کشاورزی ما قادر به تولید مواد کشاورزی برای بیش از ۳۵ میلیون نفر نیست و ما باید برای جوابگویی جمعیت ۸۰ میلیون نفری چاره‌ای بیاندیشیم تا به اندازه کافی، محصولات کشاورزی داشته باشیم. آنان تولید محصولات تراریخته را روشی مفید برای رفع این نیاز معرفی می‌کنند. در مقابل، افرادی با استناد به برخی از پژوهش‌های بین‌المللی معتقدند، استفاده از محصولات تراریخته موجب جهش ژنتیکی و یا اختلالات ژنتیکی در مصرف کننده شده و در نهایت زمینه بروز برخی بیماری‌ها نظیر سرطان را در وی فراهم می‌آورد. در رابطه با جایز بودن و یا عدم جواز فقهی و حقوقی تولید و واردات

محصولات تراریخته حاصل علم و فناوری مدرن و مهندسی ژنتیک هستند. دانشمندان به وسیله علم مهندسی ژنتیک، این امکان را می‌یابند تا ژن یا ژن‌هایی را از گونه‌های خاص زیستی اخذ نموده، آن را به گونه‌های دیگر انتقال دهند؛ به نحوی که برخی از خواص گونه نخست در گونه دوم پدیدار شود. برای نمونه متخصصان زیستی و بیوتکنولوژی، ژنی از یک باکتری که باعث تولید نوعی پروتئین سمی برای حشرات است را اخذ نموده و آن را به گیاهانی مانند ذرت، سویا، پنبه یا هر گونه دیگری منتقل می‌کنند و به این ترتیب، آفت‌ها با تغذیه از این گیاه از بین می‌روند. مبدعان مهندسی ژنتیک بر این باورند که می‌توان از این طریق به مقابله با آفت‌های محصولات برخاسته و از این مسیر، حجم تولید



موظف به ایجاد معیارهای حقوقی، اداری و سایر موارد لازم و مناسب برای اجرای تعهدات خود براساس این پروتکل شدند. بنابراین وظیفه ایران در ایجاد ساختارهای حقوقی داخلی در جهت تحقق اهداف پروتکل کارتاها، منجر به تدوین قانون ملی ایمنی زیستی شد. لایحه قانون ملی ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران و یا لایحه ضوابط ملی ایمنی زیستی جمهوری اسلامی ایران در ۱۳۸۷/۵/۱۶ توسط دولت به مجلس ارائه شد، ولی تقریباً ۵ ماه بعد دولت رسماً این لایحه را از مجلس پس گرفت. پس از این اقدام دولت، کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس بر مبنای همان لایحه پیشنهادی دولت، طرح قانون ملی ایمنی زیستی را تهیه و در تاریخ ۱۳۸۷/۱۰/۲۵ برای طی مراحل قانونی به مجلس ارائه کرد. طرح پیشنهادی کمیسیون کشاورزی، آب و منابع طبیعی مجلس تحت عنوان قانون ملی ایمنی زیستی ایران در تاریخ ۱۳۸۸/۵/۷ به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

آیین‌نامه اجرایی قانون ایمنی زیستی مشتمل بر ۲۱ ماده به فاصله دو سال از تصویب قانون اصلی در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱۱ به تایید رئیس‌جمهور وقت رسید و برای اجرا به دستگاه‌های اجرایی ابلاغ شد. این آیین‌نامه در هفتمین جلسه شورای ملی ایمنی زیستی در تاریخ ۱۳۹۴/۱/۲۹ توسط معاون اول رئیس‌جمهور و رئیس شورای ملی ایمنی زیستی لغو شد و به جای آن، آیین‌نامه اجرایی بند ۷ ماده ۷ قانون ایمنی زیستی به تصویب رسید و برای کلیه دستگاه‌های اجرایی لازم‌الاجرا شد. آیین‌نامه اجرایی بند ۷ ماده ۷ قانون ایمنی زیستی ناظر به شرایط بسته‌بندی، برچسب‌گذاری و حمل و نقل موجودات زنده تغییر شکل یافته ژنتیکی است.

محصولات تراریخته، اقوال مختلفی بیان شده است. برخی قائل به مضر بودن و عدم وجاهت فقهی و قانونی تولید و کشت محصولات تراریخته هستند و برخی دیگر قائل به نیاز جامعه امروز به استفاده از محصولات تراریخته بوده و در نهایت قائل به جواز فقهی و قانونی تولید این محصولات هستند. به علت کاربرد فراوان این محصولات و نیاز روز به آنها اهمیت دارد که مستندات فقهی و حقوقی مربوط به تولید محصولات تراریخته را بدانیم. بررسی مستندات فقهی و حقوقی اقوالی که در زمینه تولید محصولات تراریخته بیان شده، این امکان را فراهم می‌کند تا با بصیرت و اشراف کامل بر جوانب مختلف موضوع به بررسی آن پرداخته و به این وسیله می‌توان قول ارجح را انتخاب کرد و از مفاسد و مضرات احتمالی تولید این محصولات در امان بود. لذا با توجه به اختلاف نظر در این زمینه، بررسی دیدگاه‌های مختلف و مستندات آنها از دیدگاه اسلام ضروری می‌باشد.

۲- تاریخچه قانون‌گذاری در خصوص محصولات تراریخته

رشد فزاینده تحقیقات حوزه زیست فناوری و تولید محصولات تراریخته از جمله دغدغه‌هایی بود که سبب شد در سطح بین‌المللی، پروتکل ایمنی زیستی کارتاها تدوین شود که دولت جمهوری اسلامی ایران هم‌گام با سایر کشورهای تولیدکننده محصولات تراریخته مانند آرژانتین و ژاپن در تاریخ ۳۰ خرداد ۱۳۸۰ پروتکل ایمنی زیستی کارتاها را امضا نمود و در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۸۲ پس از تصویب مجلس شورای اسلامی به این پروتکل پیوست و در تاریخ ۳۰ بهمن ۱۳۸۲ پروتکل مذکور برای جمهوری اسلامی ایران لازم‌الاجرا گردید.

پس از الحاق ایران به پروتکل ایمنی زیستی کارتاها طبق بند یک ماده ۲ این پروتکل، اعضا

برخی اعتقاد دارند، تولید گیاهان تراریخته، دخالت در خلقت خدا بوده و جایز نیست (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۴۳).

در رابطه با مسئله تراریخته با توجه به نوپدید بودن موضوع، حکم صریحی در کتب فقهی ابراز نگردیده است. از این رو در این مقاله، در پی تبیین حکم موضوع به مدد اطلاعات و عموماً شرعی هستیم.

۳-۱- آیات

قرآن کریم اولین و مهم‌ترین مستند شرعی استنباط احکام می‌باشد. مطابق آیات شریفه قرآن، اصل اولیه حاکم بر تصرف بشر در اشیاء اباحه می‌باشد. این امر در آیات متعدد مورد اشاره قرار گرفته است. به عنوان نمونه در آیه ۱۶۸ سوره بقره چنین آمده: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ كُلُوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ؛ ای مردم از آنچه در زمین برای شما حلال و پاکیزه است، بخورید و برخوردار شوید و از گام‌های شیطان پیروی نکنید که او برای شما دشمنی آشکار است».

علی‌رغم معنای ظاهری واژه اکل، علمای علوم قرآن و برخی از مفسرین از آن تعبیر به جمیع تصرفات نموده‌اند و حکم کلیت تمامی تصرفات به جز آنچه خداوند صراحتاً از آن نهی نموده باشد را برداشت کرده‌اند. در نتیجه تولید محصولات تراریخته نیز به عنوان یکی از تصرفات بشر در طبیعت مشمول عموم آیه شریفه گردیده و از آنجا که نهی صریحی به آن تعلق نگرفته است، بر اباحه آن حکم می‌گردد (رهنما و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۶).

از سوی دیگر، بر مبنای آیات متعددی از قرآن کریم، خداوند متعال جهان آفرینش را مسخر بشر قرار داده است. لازمه این تسخیر، جواز تصرف بشر در جهان خلقت و انتفاع از نعمات

۳- دیدگاه اسلام در مورد محصولات تراریخته پذیرش محصولات تراریخته متأثر از دیدگاه‌های مذهبی افراد است. محققان و مفسران دینی در ادیان الهی اسلام، مسیحیت و یهود دارای دیدگاه‌های متفاوتی در زمینه اجازه از فناوری محصولات تراریخته هستند. اسلام یکی از بزرگ‌ترین مذاهب جهانی است که دارای سریع‌ترین رشد جمعیتی در میان ادیان و فرهنگ‌های مختلف شامل مسیحیت، یهودیت، هندوئیسم، بودیسم و غیره است. مسلمانان با جمعیتی بالغ بر ۶/۱ دهم میلیارد نفر در ۱۱۲ کشور دنیا حدود ۲۵ درصد جمعیت جهانی را شامل می‌شوند. در اسلام علی‌رغم نگرانی‌های مربوط به سلامتی و محیط زیست ناشی از محصولات تراریخته، قانون منع کننده برای تغییرات ژنتیکی در گیاهان و جانوران وجود ندارد (رهنما و همکاران، ۱۳۸۸: ۳۴).

در زمینه استفاده از محصولات تراریخته در اسلام، عقاید مختلفی توسط محققان و مفسران ابراز شده است و تاکنون، اجماع واحدی برای پذیرش این محصولات اعلام نشده است. اگرچه از یک سو در سال ۲۰۰۳ میلادی، مجلس علمای کشور اندونزی با واردات و مصرف محصولات تراریخته موافقت کرد. هم‌چنین شورای تغذیه و غذای اسلامی آمریکا، شورای مذهبی اسلامی سنگاپور، اتحادیه جهانی مسلمانان عربستان سعودی و دولت مالزی، نظرات ابراز شده مبنی بر حلال بودن محصولات تراریخته را پذیرفته‌اند، اما از سوی دیگر، برخی محققان و علمای دینی معتقدند، استفاده از DNA موجودات حرام گوشت باعث حرمت غذای تراریخته ناشی از آن می‌شود. به عنوان مثال، DNA خوک ابراز شده در گیاه سویا باعث حرام شدن گیاه تراریخته است. البته باید توجه داشت، درصد زیادی از ژنوم خوک و سویا با یکدیگر مشابهند. هم‌چنین



حرمت و نامشروع بودن است (محقق داماد، ۱۳۹۶: ۷۶).

در ارتباط با مسئله تراریخته، بر مبنای مستندات علمی معتبر، ضرر متناهی متوجه تولید این محصولات نمی‌باشد. لذا مطابق اصل کلی اباحه، از آنجا که دلیلی بر حرمت آن نیست، حکم اولیه تولید تراریخته اباحه است. آن گونه که فقهای معاصر نیز بر این امر اذعان نموده و تولید تراریخته را جایز شمرده‌اند و این حکم را بر شرط عدم ضرر منوط نموده‌اند. به عبارت دیگر، فتوای فقهای عظام، بیانگر حکم اباحه به عنوان حکم اولیه این محصولات می‌باشد که با عروض عنوان ثانویه ضرر این حکم متغیر خواهد بود. در نتیجه می‌توان گفت که از دید ایشان، قاعده لاضرر به عنوان مبنای اصلی شرط عدم ضرر می‌تواند یکی از قواعد فقهی حاکم بر حکم تراریخته به شمار رود.

با توجه به آنچه بیان شد، حکم اولیه تولید محصولات تراریخته جواز می‌باشد. واضح و مبرهن است که احکام اولیه مربوط به شرایط عادی و بر فرض عدم عروض عناوین ثانویه است و در شرایط خاص و استثنایی، این قسم از احکام به حکم ثانوی بدل می‌گردند. در بحث تراریخته، یکی از قواعد فقهی که می‌تواند بر ادله اولیه حاکم گردد و حکم اولیه را به حکمی دیگر تبدیل نماید، قاعده نفی سبیل می‌باشد. این قاعده، یکی از قواعد مشهور فقهی است که اصلی‌ترین مستند آن، آیه ۱۴۱ سوره نسا می‌باشد. خداوند متعال در این آیه شریفه چنین می‌فرماید: «... وَ لَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا؛ و خداوند هرگز بر [آزبان] مؤمنان برای کافران راه [تسلطی] قرار نداده است». مطابق این آیه، خداوند متعال حکمی که موجب سلطه کافر بر مسلمان شود، جعل نکرده است. لذا بر مبنای قاعده نفی سبیل، هر فعلی که موجب استیلا و

الهی در جهت رسیدن به اغراض خویش می‌باشد. لذا تولید محصولات تراریخته نیز چنانچه به منظور بهره‌برداری از نعمت‌های خدادادی و رفع مشکلات بشری باشد، نمونه‌ای از تسخیر طبیعت و تصرفی است که مطابق آیات الهی، مجاز به شمار می‌رود.

۳-۲- روایات

در روایات به عنوان دومین منبع استنباط احکام نیز بارها اصل اباحه مورد اشاره واقع گردیده است. به عنوان نمونه در روایتی از امام صادق (ع) چنین آمده است: «هر چیزی آزاد است تا آن که درباره آن نهی وارد شود». در روایتی دیگر، مسعده ابن صدقه به نقل از امام صادق (ع) چنین آورده است: «همه چیز بر تو حلال است، تا زمانی که دقیقاً بدانی حرام است». به صراحت بیانگر اصل حلیت قبل از ورود نهی صریح شرعی می‌باشند. لذا بر مبنای روایات نیز با توجه به عدم دلیل قطعی بر ممنوعیت تراریخته، حکم اباحه بر آن جاری می‌گردد (حر عاملی، ۱۴۱۴: ۱۴۶).

۳-۳- قاعده الحل (اصل اباحه)

از جمله قواعدی که از آیات و روایات مذکور منتج گردیده و در باب حکم‌شناسی تراریخته بسیار راهگشا است، قاعده‌ای تحت عنوان قاعده الحل یا اصل اباحه می‌باشد. بر مبنای این قاعده در فرض شک در حرمت یا حلیت موضوعی، اصل بر حلیت و اباحه آن است، مگر اینکه دلیلی بر حرمت آن ارائه گردد؛ چرا که در شرع مقدس، امور ممنوعه به صورت کامل مشخص شده و در مورد آنچه در ممنوعیت آن دلیلی نیست، اصل بر اباحه می‌باشد. به عبارت دیگر، از دیدگاه شرع مقدس اسلام، اصل اولیه حاکم بر اشیا حلیت می‌باشد و آنچه نیازمند دلیل و اثبات است، حکم



با چنین استیلائی و ممانعت از آن، وظیفه هر فرد مسلمان است (خمینی، ۱۳۸۲: ۱۰۱).

دیدگاه‌های مراجع عظام شیعه درباره جنبه‌های مختلف مصرف مستقیم و غیرمستقیم محصولات تراریخته در قالب ۴ پرسش به شرح زیر استفتا شده است (الهیاری‌فرد، ۱۳۹۱):

استفاده از محصولات تغییر یافته ژنتیکی به صورت خوراکی (سبزیجات، دانه‌های روغنی، شیر و محصولات لبنی، گوشت و فرآورده‌های آن) که به طور مستقیم از محصولات تغییر یافته ژنتیکی حاصل شده، چه حکمی دارد؟

استفاده از محصولات موجودات تغییر یافته ژنتیکی که افزایش محصول به طور غیرمستقیم متاثر از تغییرهای ژنتیکی و در محلی جدا از بخش مصرفی (سبزیجات، دانه‌های روغنی، شیر و محصولات لبنی، گوشت و فرآورده‌های آن) است، برای نمونه گیاهی که با تغییر ژنتیکی، برگ‌ها یا ریشه‌های مقاوم‌تر و بهتری دارد و محصول آن دانه است و مانند آن، چه حکمی دارد؟

استفاده از گوشت یا شیر و دیگر فرآورده‌های خوراکی، دام‌هایی که از محصولات تغییر یافته ژنتیکی گیاهی مصرف می‌کنند، چه حکمی دارد؟

استفاده از گیاهان تغییر یافته ژنتیکی غیرخوراکی (کتان، پنبه و غیره) چه حکمی دارد؟

آیت‌الله العظمی بطحایی گلپایگانی: به طور کلی، پاسخ سوالات سه گانه فوق که ریشه در یک مطلب دارند، این است که هرگاه مواد اولیه آنها از محصولات حلال تهیه شده باشد و به مصرف برسد، بلامانع است و تغییرات شکلی و ماهوی با فرض مذکور، خللی در مباح بودن آنها ایجاد نمی‌کند.

برتری کافر بر مسلمان گردد، از نظر شرع ممنوع می‌باشد و چه بسا در این حالت، فقها چنین فعلی را از باب مقدمه حرام، حرام به شمار آورده‌اند. چنانچه در موارد مشابه هم چون استعمال تنباکو در برهه‌ای از زمان به واسطه مقدمیت برای صوتی کفار، چنین عمل نموده و این فعل را از باب مقدمه حرام، حرام و ممنوع دانستند (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶: ۲۹۴).

در ارتباط با بحث حاضر، با توجه به وضعیت بحرانی منابع آب، مراتع و جنگل‌ها، تغییرات آب و هوایی و شوره‌زار شدن زمین‌ها یقیناً در آینده‌ای نه چندان دور، جامعه با چالشی تحت عنوان تامین امنیت غذایی روبه‌رو خواهد بود. لذا به منظور برون رفت از این چالش، با توجه به منابع اندک و شرایط نامساعد آب و هوایی موجود، جامعه نیازمند استفاده از تمامی ابزارها از جمله فناوری پیشرفته علم ژنتیک در جهت افزایش کمی و کیفی گیاهان زراعی است تا با اجرای آن، قابلیت تولید در شرایط اقلیمی دشوار را فراهم آورد (رهنما و همکاران، ۱۳۸۸: ۸۷).

آنچه مسلم است، این که ممانعت از به کارگیری این فناوری و مخالفت با تولید تراریخته می‌تواند جامعه را به منظور رفع چالش امنیت غذایی، ناچار به واردات مواد غذایی نماید. نظر به اینکه در جهان امروز، غذا سلاحی برای سلطه بر ملت‌ها به شمار می‌رود، این امر به نوبه خویش، راهی برای تسلط کفار بر جامعه مسلمین به شمار خواهد رفت، در حالی که چنین تالی فاسدی به واسطه قاعده نفی سبیل محکوم گردیده است. در نتیجه می‌توان گفت، ممانعت از تولید تراریخته به عنوان مقدمه‌ای برای سلطه کفار بر جامعه مسلمین بر مبنای قاعده نفی سبیل از باب مقدمه حرام، حرام می‌باشد. از سوی دیگر، همان گونه که زمینه‌سازی برای سلطه و تفوق کفار بر مسلمین حرام می‌باشد، قطعاً مقابله



آیت‌الله العظمی نوری همدانی: تولید این محصولات جایز است، مگر اینکه ثابت شود برای سلامت انسان مضر است یا تالی فاسد دیگری داشته باشد.

آیت‌الله العظمی وحید خراسانی: در مفروض سوالات چنانچه ضرر مهمی برای انسان نداشته باشد، استفاده بلامانع است و اگر ضرر مهمی داشته باشد، استفاده حرام است.

با توجه به پاسخ استفتاها از نظر مراجع شیعه، استفاده از محصولات تراریخته معنی ندارد. هم‌چنین تولید و توزیع آنها نیز مجاز شمرده شده است. اکثر مراجع محترم، این اجازه را مشروط بر ضرر نرساندن در حال و آینده، آگاهی مشتریان از نوع محصول دریافتی و مشابهت اثرهای استفاده از محصولات تراریخته با محصولات طبیعی اعلام کرده‌اند.

با بررسی استفتاهای مراجع محترم تقلید مشخص می‌شود که تمامی اصول چهارگانه اخلاق زیستی شامل احترام به فرد، زبان نرساندن، خیرخواهی و عدالت در این پاسخ‌ها به صورت واضح یا مستتر وجود دارد و از نظر مراجع محترم، استفاده از محصولات تراریخته و به دنبال آن، پژوهش و توسعه فناوری‌های مربوط به آن مجاز است، اما این جواز منوط به رعایت جنبه‌های مختلف ایمنی و اخلاقی است که لازم است تامین شود.

نتیجه‌گیری

امروزه با رشد سریع جمعیت، فناوری مهندسی ژنتیک، این امکان را در اختیار بشر قرار داده است تا بتواند با جداسازی یک یا چند ژن و انتقال کد ژنتیکی، اقدام به دستکاری ژنتیک موجودات مختلف نماید. موجوداتی که در آنها یک یا چند ژن خارجی وجود دارد، تراریخته نامیده می‌شوند. به دلیل افزایش جمعیت و به

آیت‌الله العظمی حسینی شاهرودی: در تمام موارد مذکور بلامانع است.

آیت‌الله العظمی حسینی شیرازی: جواز استفاده از محصولات مذکور مبتنی است بر اینکه اضرار بالغه‌ای در حال یا آینده پیش نیاید.

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای: در تمامی صورت‌های مذکور، استفاده فی‌نفسه اشکال ندارد.

آیت‌الله العظمی جناتی: تولید، توزیع، استفاده و خوردن محصولاتی که با تغییرات ژنتیک تولید می‌شوند، اگر برای سلامتی انسان ضرری نداشته باشند و اثراتی مانند مواد طبیعی داشته باشند، اشکالی ندارد.

آیت‌الله العظمی سیستانی: استفاده از مواد غذایی غیرگوشتی مانعی ندارد. اما گوشت باید اولاً از حیوان حلال گوشت گرفته شده باشد و دوم باید ذبح شرعی براساس موازین شرع مقدس اسلام به دست ذابح مسلمان انجام شده باشد تا خوردن آن گوشت جایز باشد.

آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی: مفروض سوال در حکم محصولات تأثیری نمی‌گذارد، لذا حکم اصل آن را دارد.

آیت‌الله العظمی علوی گرگانی: در تمام موارد گفته شده، استفاده از آنها مانعی ندارد، مگر بدانید که دارای ضرر متناهی به بدن است.

آیت‌الله العظمی فاضل لنکرانی: در هر سه مورد اشکال ندارد، ولیکن در هنگام فروش باید به خریدار اطلاع داده شود که این محصولات چگونه و از چه موادی تولید شده است تا خیال نکنند که اینها طبیعی است.

آیت‌الله العظمی مکارم شیرازی: در صورتی که ضرری برای سلامتی بدن نداشته باشد، استفاده از هیچ یک از موارد بالا مانعی ندارد.

آیت‌الله العظمی موسوی اردبیلی: استفاده از این فرآورده‌ها چنانچه ضرر مهم و متناهی برای مصرف‌کننده نداشته باشند، مانعی ندارد.



ندارد. گروهی دیگر در مواجهه با فناوری‌های نوین زیستی، رویکرد مبتنی بر جواز و اباحه را اختیار کرده‌اند. با توجه به استفتاهای مراجع مختلف می‌توان گفت که از نظر اسلام، استفاده از محصولات تراریخته بلامانع است، به شرطی که ایمنی و بی ضرری آن تامین شود. از نظر این مراجع، استفاده از این محصولات و توسعه فناوری‌های مربوط به آن مجاز است، لیکن این جواز منوط به رعایت جنبه‌های مختلف ایمنی و اخلاقی می‌باشد که لازم است، تامین گردد.

تبع آن، نیازمندی به تولیدات کشاورزی، بشر ناگزیر به استفاده از این محصولات شده است و از سوی دیگر، مخاطراتی که در نتیجه تولید و مصرف این محصولات برای انسان و محیط زیست ایجاد می‌شود، چالش‌ها و مسائلی را به همراه داشته، به گونه‌ای که علمای دین و فقها نظرات مختلفی را اتخاذ نموده‌اند. برخی معتقدند، محصولات تراریخته سبب می‌شود، بشر در عرصه‌ای گام بگذارد که حوزه خلق خداوند بوده و اجازه دخل و تصرف در آن، راه

منابع

۱. الهیاری فرد، نجف، ۱۳۹۲، بررسی دیدگاه‌های اسلامی (شیعه) درباره مصرف محصولات تراریخته، مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ۱.
۲. حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۱۴، وسایل الشیعه، قم: موسسه آل‌البیت.
۳. رهنما، حسن و همکاران، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر اخلاق زیستی، تهران: انتشارات پژوهشگاه ابن‌سینا.
۴. محقق داماد، سیدمصطفی، ۱۳۹۶، قواعد فقه، تهران: انتشارات سمت.
۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۶، انوارالاصول، قم: انتشارات مدرسه امام علی (ع).
۶. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۲، تحریرالوسیله، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اهمیت حفاظت از محیط زیست از دیدگاه قرآن کریم و ضرورت آموزش آن به کودکان

الهه کشاورز^۱، عاطفه انواری^۲، زهرا جنتی^۳

۱- استادیار گروه علوم پایه، دانشگاه فرهنگیان
۲- دانشجوی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان
۳- دانشجوی گروه علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان
(نویسنده مسئول: iyc.2011@yahoo.com)

چکیده

حفاظت از محیط‌زیست یک امر ضروری و اساسی برای تمامی جوامع محسوب می‌شود. برای پاسداری از محیط-زیست لازم است تا اقداماتی برای جلوگیری از نابودی و تخریب آن انجام شود. خداوند در قرآن کریم آیات بسیاری در رابطه با اهمیت و حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی بیان فرموده است. در این مقاله در رابطه با اهمیت حفاظت از محیط‌زیست از دیدگاه قرآن کریم به بررسی آیات قرآنی و تفسیر آیات پرداخته و در ادامه ضرورت آموزش پاسداری از محیط‌زیست به کودکان دوره ابتدایی به کمک محتوای درسی و معلمان بیان می‌شود. برای آموزش مسئله‌ی حفاظت از محیط‌زیست، لازم است تا برنامه‌ریزان درسی در محتوای آموزشی دروسی مانند علوم تجربی که با محیط‌زیست در ارتباط است، بیشتر توجه کنند. همچنین ضرورت دارد که معلمان حس علاقه نسبت به محیط‌زیست را در کودکان پرورش داده و فرهنگ بهره‌برداری معقولانه از محیط-زیست در آن‌ها نهادینه‌سازی شود و با تاکید بر اهمیت قرآن به موضوع پدیده‌های طبیعی، به پرورش این مهارت اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: قرآن کریم، حفاظت از محیط‌زیست، منابع طبیعی، علوم تجربی

مقدمه

نشان داده و نسبت به حفاظت و جلوگیری از آسیب‌رسانی به آن اقدام نماید. در اسلام احکام بسیاری درباره‌ی محیط‌زیست به چشم می‌خورد و با توجه به آن بشر به درخت‌کاری، عطوفت نسبت به حیوانات و حفاظت از آنان دعوت شده و از آلوده کردن منابع طبیعی از جمله آب، هوا و خاک منع گردیده‌است (اکبری راد، ۱۳۹۲). متأسفانه در کشور ما آن طور که باید به مسئله‌ی محیط‌زیست توجه نمی‌شود (شبییری و دیگران، ۱۳۹۳). بخش وسیعی از بحران‌های زیست-محیطی که کشور ایران با آن مواجه است به این دلیل است که مردم طبقات مختلف جامعه هنوز دانش لازم را در ارتباط با محیط‌زیست و حفاظت از آن ندارند (شبییری و میبودی، ۱۳۹۲). انسان‌ها بدون این که ارزش محیط‌زیست را در نظر

آیات قرآن کریم، نشانه‌هایی برای تفکر انسان‌ها هستند. در قرآن بیش از ۷۵۰ آیه وجود دارد که در آن به پدیده‌های طبیعی پرداخته شده‌است (اسلامی، ۱۳۸۹). در دین اسلام، خداوند انسان-ها را به مطالعه‌ی کتاب قرآن، احکام دین و همچنین تعمق در نشانه‌های الهی دعوت می‌کند (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸). به همان نسبت که در قرآن کریم انسان‌ها گرامی داشته شده‌اند، سایر آفریده‌های خداوند از جمله محیط‌زیست و اجزای آن نیز ارزشمند و قابل احترام هستند، زیرا آنان فرمانبردار امر پروردگارتند و او را خالصانه عبادت می‌کنند. بنابراین انسان وظیفه دارد که در برابر همه‌ی آفریده‌های خدا از جمله محیط‌زیست و منابع طبیعی از خود مسئولیت



حلی برای جلوگیری از تخریب منابع مختلف و ایجاد تحول هستند. اینجاست که نقش آموزش و پرورش در زمینه‌ی آموزش حفاظت از محیط-زیست به افراد، علی‌الخصوص کودکان پررنگ می‌شود (شبیری و دیگران، ۱۳۹۳). یکی از مهم‌ترین نهادهای آموزشی در تمامی کشورها آموزش و پرورش می‌باشد زیرا که این نهاد مهم به تعلیم و تربیت کودکان و نوجوانان پرداخته و تمامی مفاهیم و دانسته‌هایی که در زندگی‌شان باید بدانند را در آن‌ها نهادینه‌سازی می‌کند (بیدگلی و مظاهری، ۱۳۹۸). آموزش محیط-زیست فرآیندی است که هر دو مبحث آموزش و پرورش را شامل می‌شود. آموزش به معنای کسب دانش و توانایی و پرورش به معنای خاص خود به ویژگی‌های شخصیت هر فرد مربوط می‌شود (روی سینگ، ۱۹۹۰، به نقل از دادفر، ۱۳۹۱). حفاظت از محیط‌زیست، مسئله‌ای بسیار مهم است. نهادهای آموزشی باید به این امر مهم در محتوای درسی توجه داشته باشند. استفاده از مفاهیم حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی در برنامه درسی مقاطع مختلف تحصیلی، مخصوصاً مقطع ابتدایی سبب می‌شود تا دانش-آموزان هم‌زمان با تکوین و رشد شخصیت خود، حفاظت از محیط‌زیست را به عنوان یک وظیفه و مسئولیت مهم تلقی کرده و آن را در زندگی خود به کار ببرند (نیرو و حسین نژاد، ۱۳۹۱). به دلیل اینکه در کشور ما ایران، آموزش و پرورش به صورت متمرکز اداره می‌شود، کتب درسی نقش اساسی در امر آموزش دارد. بنابراین این امر ضرورت پیدا می‌کند که مولفان در کتاب‌های درسی مفاهیم و مسائل مهم را به دانش‌آموزان آموزش داده و نهادینه‌سازی کنند. به همین دلیل در برنامه های درسی باید به مسئله حفاظت از محیط‌زیست و ایجاد آگاهی در کودکان و نوجوانان پرداخته شود تا این مسئله

بگیرند دست به فعالیت‌های نامناسب زده و تعادل طبیعت را بر هم می‌زنند و جامعه را دچار بحران‌های زیست‌محیطی می‌کنند (قضاوی و دیگران، ۱۳۸۸). محیط‌زیست به مجموعه‌ای از انواع حیات در کره‌ی زمین گفته می‌شود که پیوسته با هم در ارتباط هستند. محیط‌زیست برای تمامی انسان-ها مسئله‌ای مهم تلقی می‌شود و انسان برای بقای زندگی نیازمند محیط‌زیست می‌باشد. اگر به آگاه‌ساختن و آموزش مناسب به افراد جامعه در رابطه با حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی پرداخته شود، مسلماً انسان‌ها ارزش محیط زیست را بهتر درک کرده و حفاظت از آن در افراد نهادینه‌سازی می‌شود (عینی، ۱۳۸۷). آموزش محیط‌زیست درسی برای زندگی ما انسان‌ها می‌باشد. درواقع با استفاده از آموزش محیط‌زیست دانش و آگاهی ما در مورد محیط-زیست و چگونگی برخورد با آن ارتقا یافته و در زندگی روزمره و رفتارهای ما در جامعه بازتاب پیدا می‌کند. مقوله محیط‌زیست مسئله‌ای است که تمامی افراد جامعه با آن در ارتباط هستند و برای ادامه حیات خود به آن نیاز دارند. بنابراین آموزش محیط‌زیست و فرهنگ سازی زیست-محیطی امری ضروری است و با استفاده از آن آگاهی افراد نسبت به تبعات و خطرات تخریب محیط‌زیست بالا رفته و در حفاظت از آن و اصلاح رفتارهای نادرست خود قدم برمی‌دارند (علی پور مقدم و علی پور مقدم، ۱۳۹۵). آموزش محیط‌زیست تلاش می‌کند افراد را به مرحله‌ای برساند که در مورد محیط‌زیست خود احساس مسئولیت کنند و این احساس را در رفتار و تصمیم‌گیری‌های خود نیز نشان دهند (امینی و ماشالهی، ۱۳۹۳). تخریب منابع طبیعی از جمله موضوعاتی است که امروزه توجه بسیاری از افراد را به خود جلب کرده‌است و آنان به دنبال راه



می‌کند (سیداحمد هاشمی علی آبادی، ۱۳۹۸). نجارپوریان (۱۳۹۰) نیز در مقاله‌ی خود با نام محیط‌زیست از منظر قرآن و سنت به تبیین عناصری مانند هوا، باد، آب، باران، پوشش گیاهی، زمین، خاک و کوه با توجه به آیات قرآن کریم می‌پردازد و پس از آن عوامل تخریب و آلودگی محیط‌زیست و راه‌های اخلاقی، اقتصادی، فقهی و بهداشتی را برای حفاظت از آن بیان می‌کند. همچنین در مقاله‌ای با عنوان نقش اسلام در کاهش بحران‌های زیست‌محیطی به معضلات زیست‌محیطی پرداخته و همچنین درباره‌ی ارتباط انسان و محیط با توجه به آیات قرآنی می‌پردازد و سپس با توجه به روایات، احادیث و آیات در مورد حقوق عناصر زیست-محیطی و محافظت از آنان سخن می‌گوید (طیبه اکبری راد، ۱۳۹۲).

۲- بحث

۲-۱- منابع طبیعی ذکر شده در قرآن کریم
قرآن کریم کتابی جامع و کامل است که در مورد بسیاری از مسائل صحبت می‌کند و در برابر هر یک از آن‌ها بشر را راهنمایی می‌کند. یکی از این مسائل بحث محیط‌زیست است (نورائی، ۱۳۹۱). شایسته است که انسان مسلمان با توجه به آیات قرآن و روایات با محیط‌زیست و عوامل آن آشنا شود تا بسیاری از مسائلی که در این زمینه برای او مبهم است شفاف‌سازی شود و همچنین بتواند در چارچوب قوانین علمی و استاندارد به بهره‌برداری از منابع طبیعی بپردازد (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸).
اکنون با توجه به آیات قرآن کریم در رابطه با اهمیت محیط‌زیست به بررسی لزوم حفاظت از خاک، آب، هوا، گیاهان و جانوران می‌پردازیم:
۲-۱- خاک (زمین)

را به خوبی فراگیرند (بیدگلی ومظاهری، ۱۳۹۸). اهمیت و ضرورت این پژوهش، با نگرش قرآن به طبیعت و پایبندی نسبت به دستورات خداوند در رابطه با حفاظت از محیط‌زیست و تلاش برای بقای آن مشخص می‌شود. مقاله حاضر درصدد آن است، با توجه به دیدگاه قرآن کریم در رابطه با اهمیت حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی و برای جلوگیری از تخریب بیشتر محیط‌زیست آموزش آن را به کودکان مقطع ابتدایی به عنوان شهروندان آینده در دستور کار داشته باشد و راهکارهایی مناسب برای آموزش مسائل زیست محیطی به کودکان در کتب درسی را ارائه دهد. پژوهش‌های بسیاری در زمینه‌ی اهمیت و توجه قرآن و روایات به حفاظت از محیط‌زیست انجام شده است. زهرا سلامی (۱۳۸۹) در پژوهش خود با عنوان ضرورت صیانت از محیط‌زیست از دیدگاه قرآن و حدیث، بهره‌برداری معقولانه از منابع طبیعی را مطرح می‌کند و معتقد است که اگر انسان‌ها برخلاف این قاعده عمل کنند، موجب تخریب و نابودی محیط‌زیست می‌شوند. همچنین برای کاهش تخریب‌های محیط‌زیستی، عدالت در برابر صیانت از محیط‌زیست و امر به معروف و نهی از منکر در این حوزه را بیان می‌کند. دودمان کوشکی (۱۳۸۸) در مقاله‌ی خود تحت عنوان پاسداری از منابع طبیعی در راستای اصول اخلاق زیست‌محیطی به تبیین دیدگاه قرآن، پیامبر اسلام و پیشوایان در مورد آب، هوا، خاک و اهمیت آن‌ها پرداخته و در جهت جلوگیری از آلودگی آن‌ها با استناد به قرآن راه حل‌هایی ارائه نموده است. در مقاله‌ی دیگری به نام تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط‌زیست با تکیه بر آیات و روایات با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی به تبیین نگاه قرآن در مورد محیط‌زیست پرداخته و به عمده‌ترین مسئولیت‌های انسان در مورد محیط‌زیست اشاره



در این آیه معنای طول و عرض زمین و گسترش آن ذکر شده‌است که اگر این گونه نبود، انسان نمی‌توانست در آن کشت و زرع انجام داده و سکونت کند و جانداران نیز حیاتی نداشتند (همان: ج ۱۲/ ص. ۲۰۳).

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سَبِيلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ (سوره مبارکه انبیاء، آیه ۳۱)

و در زمین، کوه‌های ثابت و پابرجایی قرار دادیم، میادا آنها را بلرزاند و در آن، دره‌ها و راه‌هایی قرار دادیم تا هدایت شوند.

در این آیه بیان شده‌است که در زمین کوه‌هایی قرار داده‌شده تا زمین دچار نوسان نشود و تمامی انسان‌ها بتوانند با آرامش بر روی زمین زندگی کنند. اگر این چنین نبود، قشر زمین دچار نوسان شده و پوسته رویی آن دچار ناآرامی می‌شد (همان: ج ۱۴/ ص. ۳۹۴).

وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ (سوره مبارکه ق، آیه ۷)

و زمین را گسترش دادیم و در آن کوه‌هایی عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت‌انگیز در آن رویاندیم.

خداوند به صورتی زمین را آفرید و گسترش داد که با زندگی انسان‌ها سازگاری داشته‌باشد. همچنین در خلقت زمین تدابیر الهی خاصی جریان دارد (همان: ج ۱۸/ ص. ۵۱۰).

وَالْأَرْضِ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ (سوره مبارکه ذاریات، آیه ۴۸)

و زمین را گسترده‌ایم، و چه خوب گستراننده‌ای هستیم.

تفسیر آیه این چنین است که خداوند زمین را گسترش داد و آن را برای سکونت و زندگی موجودات زمین مسطح کرد. البته مسطح بودن زمین با کروی بودن آن منافاتی ندارد (همان: ج ۱۸/ ص. ۵۷۴).

در آیات قرآن کریم آمده‌است که خداوند زمین را برای بشریت آفریده‌است تا از آن بهره‌برداری کرده و در جهت اهداف خود در زندگی به کار ببرد. اما خداوند در قرآن به انسان‌ها در رابطه با نحوه‌ی استفاده از زمین هشدار داده‌است. انسان‌ها جانشین خداوند در زمین هستند و تمامی منابع طبیعی متعلق به خداوند است و بشر می‌تواند برای گسترش و توسعه‌ی زندگی خود در حد مناسب از زمین استفاده کند تا منجر به تخریب و نابودی آن نشود (نجارپوریان، ۱۳۹۰). اکنون به برخی از آیات قرآن کریم در رابطه با حفاظت از خاک و زمین و اهمیت آن پرداخته و با توجه به کتاب تفسیر المیزان این مسئله را شرح می‌دهیم.

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلُ النَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (سوره مبارکه رعد، آیه ۳)

و او کسی است که زمین را گسترده؛ و در آن کوه‌ها و نهرهایی قرار داد؛ و در آن از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید؛ (پرده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند؛ در این‌ها آیاتی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.

در این آیه ذکر شده است که دلیل گسترده بودن زمین آن است که انسان‌ها و حیوانات بتوانند به راحتی و با آسایش روزی خود را بدست آورده و بر روی آن زندگی کنند. اگر این چنین نبود دیگر آب‌های جاری و باغ‌ها به وجود نمی‌آمدند. بنابراین هدف از گسترش زمین آسایش آدمی و استفاده از منابع آن می‌باشد (طباطبایی، بی تا، ج ۱۱، ص. ۳۹۷).

وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ (سوره مبارکه حجر، آیه ۱۹)

و زمین را گسترده‌ایم؛ و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم؛ و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم.



پرداخت تا انسان‌ها بتوانند در آن تصرفاتی انجام داده و احتیاجات خود را برطرف سازند (همان: ج ۱۰/ص. ۴۶۲).

خاک سطحی‌ترین بخش پوسته‌ی جامد زمین را شامل می‌شود. در حقیقت خاک مهم‌ترین زیربنای تمدن هر کشور است. انسان‌ها زمانی به اهمیت خاک و ضرورت آن برای زندگی پی می‌برند که وجود خاک به خطر بیفتد. به مرور زمان ارزش خاک برای انسان‌ها افزایش یافته- است و استفاده از خاک به عنوان یک منبع طبیعی مهم ارزشمند شده‌است (واروی پور، ۱۳۸۹، ص. ۱).

از ضروری‌ترین اقدامات هر کشوری حفاظت و مراقبت از منابع طبیعی خود می‌باشد که خاک یکی از مهم‌ترین این منابع را شامل می‌شود. تخریب خاک در تمامی جهان توسط بشر وجود داشته و باید برای حل مشکل اقداماتی صورت گیرد (طهوری و پروین، ۱۳۹۵). فعالیت‌هایی که انسان‌ها در طول زندگی به کار می‌برند همراه با افزایش جمعیت که روز به روز بر تعداد آن افزوده می‌شود سبب شده تا میزان بهره‌برداری انسان از خاک و زمین بیشتر شده و از مواد شیمیایی بسیاری استفاده کرده و زمینه‌ی بروز مشکلات محیط‌زیستی به وجود آید (واروی پور، ۱۳۸۹). برای داشتن محیط‌زیستی سالم و ایجاد تعادل زیستی باید بیشتر از هر زمانی برای جلوگیری از تخریب خاک و حفاظت از آن اقدام کرد. اگر خاک دچار مشکلات زیست‌محیطی بیشتری شود، قطعا زمینه‌ی از بین رفتن موجودات کره زمین فراهم می‌گردد (طهوری و پروین، ۱۳۹۵).

۲-۱-۲- آب

آب مایعی است که حیات‌بخش زندگی تمام موجودات است. در آیات بسیاری از قرآن به ویژگی‌های شگفت‌انگیز آب اشاره شده‌است. علاوه بر آن، خداوند در قرآن از انسان‌ها می-

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا (سوره مبارکه نوح، آیه ۱۹)

و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده‌ای قرار داد.

تفسیر آیه به این معناست که خداوند زمین را همانند فرش برای انسان‌ها گسترده ساخت تا به آسانی از ناحیه‌ای به ناحیه‌ی دیگر رفت و آمد کنند (همان: ج ۲۰/ص. ۵۱).

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ (سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۰)
ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم؛ اما کمتر شکرگزاری می‌کنید.

این آیه نشان دهنده‌ی مسخرکردن زمین برای انسان‌ها می‌باشد. از طرفی نیز منت‌نهادن به انسان‌ها به دلیل وجود نعمت سکونت در زمین و تسلط داشتن بر آن است که موجب آسایش آن‌ها شده‌است (همان: ج ۸/ص. ۲۳).

وَإِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَووبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ (سوره مبارکه هود، آیه ۶۱)

و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: ای قوم من، خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست. اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت. از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارتان نزدیک و اجابت‌کننده است.

در تفسیر این آیه آمده‌است که انسان‌ها از فواید زمین استفاده کرده و آن را قابل سکونت کنند. همچنین زمین را گسترش داده و در آن زراعت و کشاورزی و اعمالی دیگر به کار ببرند. بنابراین خداوند زمین را خلق کرد و به تکمیل آن



زمین می‌رویند و به طبیعت زیبایی خاصی می‌دهند (نجاریوریان، ۱۳۹۰).

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَتْرَاقِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ (سوره مبارکه انعام، آیه ۹۹)

او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله‌ی آن، گیاهان گوناگون رویانیدیم؛ و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم؛ و از آن‌ها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی‌شبهت، هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد بالیمان است.

خداوند به وسیله‌ی آبی که از آسمان نازل می‌کند گیاهان را می‌رویاند. در واقع می‌توان گفت آب نعمت ارزشمندی است که رویش گیاهان به آن وابسته است (همان: ج ۷/ ص. ۴۰۰).

یکی از بهترین و متداول‌ترین حلال‌های شناخته شده، آب است (عالی بورهفشجانی و دیگران، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۳).

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (سوره مبارکه فرقان، آیه ۴۸)

و او کسی است که بادهای را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم.

ماء طهور به معنای نهایت پاکی است. در حقیقت خداوند در این آیه آب را نعمتی معرفی می‌کند

خواهد در مورد آب تفکر کنند و شکر این نعمت بزرگ را به جای آورند (عالی بورهفشجانی و دیگران، ۱۳۹۸).

اکنون به بررسی برخی از آیات قرآن کریم پیرامون مسئله‌ی آب به همراه تفاسیر آن می‌پردازیم.

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَخْرَجَ بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ (سوره مبارکه بقره، آیه ۱۶۴)

در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبنندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادهای و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند.

آب باران در اثر تابش نور خورشید به بخار تبدیل می‌شود و به سمت بالا حرکت می‌کند. بخار آب در حین بالا رفتن با از دست دادن انرژی به مایع یا یخ تبدیل شده و به صورت باران، برف یا تگرگ به زمین می‌بارد. این بارش موجب رویش گیاهان و سرسبزی زمین می‌شود و اگر سرما مانع رویش گیاه شود، آب‌ها در مناطق مختلف جمع شده و باعث به وجود آمدن چشمه‌سارها می‌شوند (طباطبایی، بی تا، ج ۱، ص. ۶۰۸ و ۶۰۹).

زمین به تنهایی نمی‌تواند موجب رشد و رویش گیاهان شود اما زمانی که باران شروع به باریدن بر سطح زمین می‌کند، می‌بینیم که گیاهان مختلف در رنگ‌ها و اشکال متنوع و زیبا در سطح



و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم؛ ولی آن‌ها از آیات آن روی گردانند.

در تفسیر این آیه وجود پوشش یا سقفی از آسمان را حفاظت از شیطان و حوادث ناگوار دانسته‌است. اما برخی با وجود مشاهده‌ی این حوادث جوی و دلایل روشن آن به کارهای ناپسند خود ادامه می‌دهند (همان: ج ۱۴/ص ۳۹۴).

وَالسَّمَاءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ (سوره مبارکه ذاریات، آیه ۴۷)

و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می‌بخشیم.

تفسیر این آیه در ارتباط با وسعتی است که آسمان دارد و آنقدر بزرگ و قدرتمند است که نشانه‌ی عجزی در آن دیده نمی‌شود. آسمان نعمتی است که نمی‌توان آن را با نعمت‌های دیگر مورد مقایسه قرار داد. خداوند از آسمان به هر طریقی که بخواهد رزق می‌دهد (همان: ج ۱۸/ص ۵۷۴).

اهمیت وجود هوا زمانی مشخص می‌شود که انسان نمی‌تواند بدون آن بیشتر از چند لحظه حیات داشته باشد. هوا در زندگی انسان نقش بسزایی دارد و وجود هرگونه آلودگی در آن سلامت موجودات زمین را به خطر می‌اندازد و در زندگی بشر اختلال ایجاد می‌کند. امری که متأسفانه امروزه در بسیاری از مناطق جهان وجود داشته و بشر را درگیر خود کرده‌است. به همین دلیل باید به دنبال راهکاری برای جلوگیری از افزایش آلودگی هوا بود (درگاهیان، ۱۳۹۶).

۲-۱-۴- گیاهان

در قرآن کریم آیات بسیاری وجود دارد که اشاره به پدیده‌های علمی دارد. پدیده‌هایی که برخی از آن‌ها حتی تا چندین سال برای بشر مبهم و

که علاوه بر طهارت خودش پاک‌کننده هم محسوب می‌شود (همان: ج ۱۵/ص ۳۱۴).

با گذشت زمان و پیشرفت علم، نیاز بشر به آب نیز افزایش پیدا می‌کند (نجاپوریان، ۱۳۹۰). امروزه، بحران دسترسی به آب سالم به حدی رسیده است که در بسیاری از کشورها با وجود این که آب شیرین به حد کافی وجود دارد اما همچنان دسترسی به آب شیرین مورد نیاز مشکل‌ساز شده‌است. کارشناسان معتقدند که اگر به چنین بحرانی توجه نشود، در آینده میلیون‌ها انسان برای تامین نیازهای خود محل زندگی خود را ترک می‌کنند و با این کار خود تعادل زیست‌محیطی را بر هم خواهند زد (دولت‌شاهی پیروز و طهماسبی آشتیانی، ۱۳۸۹).

۲-۱-۳- هوا

هوا یکی از منابع طبیعی می‌باشد که وجود آن در زندگی انسان و نقش آن برای ادامه حیات او بیشتر از هر چیزی است. وجود هوای پاک و سالم مسئله‌ای مهم برای بشر است. هوای پاک و دور بودن از هرگونه آلودگی زیست‌محیطی سلامت انسان‌ها را تأمین خواهد کرد. بنابراین لازم است از آلوده کردن هوا جلوگیری کرده و از آن محافظت نماییم. اهمیت این مسئله در آیات قرآن کریم نیز آمده‌است و خداوند ادامه‌ی حیات انسان‌ها را وابسته به وجود هوای سالم می‌داند. از آنجا که همه‌ی موجودات زمین با هوا تنفس می‌کنند نگهداری و محافظت از هوا در قرآن کریم تأکید بسیار شده‌است (علیانسب و سرووند، ۱۳۹۷).

اکنون به بررسی برخی از آیات قرآن کریم در رابطه با اهمیت هوا و محافظت از آن می‌پردازیم: وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَّحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ (سوره مبارکه انبیاء، آیه ۳۲)



(نجارپوریان، ۱۳۹۰). از جمله تاثیرات دیگر گیاهان بر روی انسان‌ها، تغییر روحیه و افزایش نشاط و سرزندگی در آن‌ها می‌باشد. علاوه بر آن گیاهان و درختان منبع اصلی تغذیه‌ی موجودات محسوب می‌شوند (کریمی و دیگران، ۱۳۹۳). امروزه پیشرفت تکنولوژی روی ذهن و روان انسان‌ها تاثیر منفی گذاشته‌است و همچنین موجب شده که به مرور زمان بشر از طبیعت و فضای سبز فاصله بگیرد و تبدیل به انسانی ماشینی شود (پور امرایی و دیگران، ۱۳۹۴). در کنار پیشرفت‌های تکنولوژی و تاثیرات آن، رشد جمعیت در آینده باعث خواهد شد که انسان‌ها بخواهند برای تامین نیازهای مختلف خود از جمله مسکن، تامین مواد غذایی بیشتر و... زمین‌های بیشتری را در اختیار بگیرند که در نهایت موجب می‌شود محیط زیست و جنگل‌ها با سرعت بیشتری به سمت نابودی سوق پیدا کنند. با توجه به این شرایط آینده‌ی روشنی برای مردم پیش‌بینی نخواهد شد مگر این که تغییراتی اساسی در حیطه‌ی دانش و تکنولوژی رخ دهد (دولتشاهی پیروز و طهماسی آشتیانی، ۱۳۸۹).

۲-۱-۵- جانوران

خداوند در قرآن کریم به حقوق حیوانات و اهمیت آن‌ها اشاره کرده و تمامی گونه‌های جانوران را هدفمند و با دلایل معین و مشخصی آفریده‌است. هر کدام از حیوانات در زندگی بشر بسیار اهمیت دارند. رعایت حقوق جانوران و پرهیز از هرگونه ظلم در برابر آن‌ها توسط خداوند در قرآن بیان شده‌است و آدمی وظیفه دارد در حد امکان زمینه‌ی حفاظت از انواع گونه‌های جانوران را فراهم آورد (زارع بیدکی و دیگران، ۱۳۹۱). دین اسلام نیز در رابطه با حقوق حیوانات سفارش بسیاری کرده و حق حیوانات را برابر با حق الله می‌داند. بنابراین طبق این

ناشناخته بوده‌است. در همین راستا، آیاتی در مورد گیاهان و مسائل مربوط در این کتاب مقدس یافت می‌شود که بیانگر اهمیت این موضوع است. قرآن از چهارده قرن پیش توصیه‌هایی در مورد اهمیت و جایگاه گیاهان ذکر می‌کند (رضایی هفتادر و هم‌تیمان، ۱۳۹۱). در برخی از آیات، گیاهان به عنوان نمادی از قدرت و حکمت خداوند معرفی شده‌اند. گیاهان آفریده‌ی خداوند هستند. آن‌ها حق حیات دارند و می‌خواهند زنده بمانند، بنابراین انسان‌ها حق آسیب‌رساندن به گیاهان و تخریب آن‌ها را ندارند. به همان اندازه که کاشت گیاه و مراقبت از آنان کار پسندیده‌ای است، قطع درختان و آسیب رساندن به گیاهان امری ناپسند محسوب می‌شود و در اسلام انجام آن منع شده‌است. از نظر اسلام تمام موجودات از جمله گیاهان خداوند را عبادت می‌کنند که این عبادت در واقع به معنای اطاعت بی‌چون و چرا از پروردگار است (کریمی و دیگران، ۱۳۹۳).

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ (سوره مبارکه نحل، آیه ۱۰)
او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است؛ و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، نیز از آن است.

در این آیه نیز خداوند به روئیدنی‌هایی اشاره دارد که بشر و غیربشر از آن استفاده می‌کنند و عواملی را که بر پیدایش آن‌ها نقش دارد نام می‌برد (طباطبایی، بی تا، ج ۱۲، ص. ۳۱۵).

گیاهان و جنگل‌ها تاثیرات مختلفی در زندگی انسان‌ها دارند. مثلاً یکی از فواید جنگل‌ها و درختان این است که آن‌ها جلوی سرعت بیش از حد وزش باد را می‌گیرند و با این کار مانع نابودی آبادی‌ها و مدفون شدن پوشش گیاهی در زیر خاک و سنگ در هنگام طوفان می‌شوند



وَمِنَ الْأَنْعَامِ حَمُولَةً وَفَرْشًا كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ (سوره مبارکه انعام، آیه ۱۴۲)

(او کسی است که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید؛ از آنچه به شما روزی داده‌است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی ننمایید، که او دشمن آشکار شماست.

در این آیه خداوند از انسان‌ها می‌خواهد که از شیطان و وسوسه‌های او پیروی نکنند و حلال خداوند را حرام ننمایند. همچنین خداوند پیروی از شیطان را تحریم حلال دانسته است (همان: ج ۱/ص ۵۰۲).

برای بهره‌مندی کامل از محیط‌زیست لازم است تا انسان‌ها در جهت حفاظت از گونه‌های متعدد و متنوع جانوران بپردازند. انسان‌ها وظیفه دارند از نعمت‌های خداوند مراقبت کنند. به دلیل اهمیت انواع جانوران در زندگی بشریت باید نگهداری درست از آن و ایجاد محیطی مناسب و به دور از هرگونه آلودگی و آزار و اذیت فراهم شود تا از نابودی گونه‌های جانوری جلوگیری به عمل آید (خوشیاری حاجی بابا و محمدی، ۱۳۹۲). این سخن درست است که خداوند حیوانات را برای بهره‌مندی انسان خلق کرده است، اما انسان‌ها نمی‌توانند تصرفات غیر-معقولانه داشته باشند و باید چارچوب مشخصی را در تصرفات خود رعایت کنند. همچنین باید امکانات لازم را برای انواع حیوانات فراهم نموده و با مهربانی به آن‌ها توجه کنند (مرادی کهنگی و دیگران، ۱۳۹۷).

سفارشات انسان در برابر حیوانات مسئول است و باید آن‌ها را از خطرات و نابودی دور نگه دارد (جوادی و مسعودی، ۱۳۹۲).

در ادامه آیاتی از قرآن کریم در رابطه با اهمیت حفاظت از جانوران را مورد بررسی قرار می‌دهیم. **يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكَنَّ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ** (سوره مبارکه مائده، آیه ۴)

از تو سؤال می‌کنند چه چیزهایی برای آن‌ها حلال شده‌است؟ بگو: آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده؛ (و نیز صید) حیوانات شکاری و سگ‌های آموخته (و تربیت‌یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آنها یاد داده‌اید، (بر شما حلال است)؛ پس، از آنچه این حیوانات برای شما (صید می‌کنند و) نگاه می‌دارند، بخورید؛ و نام خدا را (به هنگام فرستادن حیوان برای شکار،) بر آن ببرید؛ و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند سریع الحساب است.

این آیه ضابطه‌ای برای تشخیص حلال از حرام است. حلال شامل تصرفاتی است که انسان‌ها به صورت معقولانه از آن استفاده می‌کنند. در پایان آیه نیز پرهیز از شکار بیش از حد حیوانات ذکر شده است. و اینکه در مسئله‌ی شکار کردن باید از خداوند ترسید و بیهوده حیوانات را بی‌جان نکرد، به این دلیل که انجام این اعمال عاقبت خوبی ندارد (طباطبایی، بی تا، ج ۵، ص ۳۲۵).

جدول شماره (۱)، آیات قرآن کریم درباره حفاظت از منابع طبیعی

آیه ۳	سوره رعد	و او کسی است که زمین را گسترده؛ و در آن کوه‌ها و نهرهایی قرار داد؛ و در آن از تمام میوه‌ها دو جفت آفرید؛ (برده سیاه) شب را بر روز می‌پوشاند؛ در اینها آیاتی است برای گروهی که تفکر می‌کنند.	خاک (زمین)	
آیه ۱۹	سوره حجر	و زمین را گسترده؛ و در آن کوه‌های ثابتی افکندیم؛ و از هر گیاه موزون، در آن رویاندیم.		
آیه ۳۱	سوره انبیاء	و در زمین، کوه‌های ثابت و پابرجایی قرار دادیم، مبادا آن‌ها را بلرزاند و در آن، دره‌ها و راه‌هایی قرار دادیم تا هدایت شوند.		
آیه ۷	سوره ق	و زمین را گسترش دادیم و در آن کوه‌هایی عظیم و استوار افکندیم و از هر نوع گیاه بهجت‌انگیز در آن رویاندیم.		
آیه ۴۸	سوره ذاریات	و زمین را گسترده؛ و چه خوب گستراننده‌ای هستیم.		
آیه ۱۹	سوره نوح	و خداوند زمین را برای شما فرش گسترده‌ای قرار داد.		
آیه ۱۰	سوره اعراف	ما تسلط و مالکیت و حکومت بر زمین را برای شما قرار دادیم؛ و انواع وسایل زندگی را برای شما فراهم ساختیم؛ اما کمتر شکرگزاری می‌کنید.		
آیه ۶۱	سوره هود	و بسوی قوم «ثمود»، برادرشان «صالح» را (فرستادیم)؛ گفت: ای قوم من، خدا را پرستش کنید، که معبودی جز او برای شما نیست. اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت. از او آمرزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگارم نزدیک، و اجابت‌کننده است.		
آیه ۱۶۴	سوره بقره	در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکتند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبنندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند.		آب
آیه ۹۹	سوره انعام	او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم؛ و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم؛ و از آن‌ها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی‌شباهت، هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است.		
آیه ۴۸	سوره فرقان	و او کسی است که بادها را بشارت‌گرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم.		
آیه ۳۲	سوره انبیاء	و آسمان را سقف محفوظی قرار دادیم؛ ولی آن‌ها از آیات آن روی گردانند.		
آیه ۴۷	سوره ذاریات	و ما آسمان را با قدرت بنا کردیم، و همواره آن را وسعت می‌بخشیم.	گیاهان	
آیه ۱۰	سوره نحل	او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است؛ و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، نیز از آن است.		
آیه ۴	سوره مائده	از تو سؤال می‌کنند چه چیزهایی برای آن‌ها حلال شده است؟ بگو: آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده؛ (و نیز صید) حیوانات شکاری و سگ‌های آموخته (و تربیت یافته) که از آنچه خداوند به شما تعلیم داده به آن‌ها یاد داده‌اید، (بر شما حلال است)؛ پس، از آنچه این حیوانات برای شما (صید می‌کنند و) نگاه می‌دارند، بخورید؛ و نام خدا را (به هنگام فرستادن حیوان برای شکار) بر آن ببرید؛ و از (معصیت) خدا بپرهیزید که خداوند سریع الحساب است.	جانوران	
آیه ۱۴۲	سوره انعام	(او کسی است که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید؛ از آنچه به شما روزی داده‌است، بخورید و از گام‌های شیطان پیروی ننمایید، که او دشمن آشکار شماست.		

جدول شماره (۲)، آیات قرآنی در کتب علوم تجربی ابتدایی

علوم تجربی اول	به وسیله آب به همه‌ی جانداران زندگی بخشیدیم.	سوره مبارکه	آیه ۳۰
علوم تجربی دوم	در زمین بگردید و بنگرید خداوند چگونه آفرینش را آغاز کرده است.	سوره عنکبوت	آیه ۲۰
	و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.	سوره انبیاء	آیه ۳۰
	خدا کسی است که شب را برای شما پدید آورد تا در آن آرام بگیرید و روز را روشنی بخش قرار داد.	سوره غافر	آیه ۶۱
	اوست (خدا) کسی که زمین را برای شما رام گردانید.	سوره ملک	آیه ۱۵
	خداوند کسی است که خورشید را روشنایی قرار داد.	سوره یونس	آیه ۵
	خداست که در زیر خاک دانه‌ها و هسته‌ها را می‌شکافد و می‌رویانند.	سوره انعام	آیه ۹۵
	ای مردم، از آنچه در زمین حلال و پاکیزه است، تناول کنید.	سوره بقره	آیه ۱۶۸
علوم تجربی سوم	به وسیله‌ی آب به همه‌ی جانداران زندگی بخشیدیم.	سوره مبارکه	آیه ۳۰
علوم تجربی چهارم	---	---	---
علوم تجربی پنجم	---	---	---
علوم تجربی ششم	آهن را که در آن قدرت و استحکام و منافع برای مردم است، فرو فرستادیم.	سوره حدید	آیه ۲۵

محیط‌زیست و حقوق هم‌نوعان خود و همچنین حقوق گیاهان و جانوران احساس مسئولیت می‌کنند (فراهانی فرد و محمدی، ۱۳۹۰). با استفاده از تعالیم قرآن است که بشر می‌آموزد به محیط‌زیست و منابع طبیعی احترام بگذارد و برای محافظت از آن چاره‌اندیشی کند (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸). خداوند در قرآن کریم انسان را ملزم می‌کند که در حفظ محیط‌زیست بکوشد، از آن به درستی استفاده کند و سپاس این نعمت را به جای آورد. محیط‌زیست مخلوق خداوند بزرگ به شمار می‌رود و چون از نظر قرآن محیط‌زیست دارای فهم و شعور است، بنابراین انسان مجاز به هرگونه بهره‌وری از آن نمی‌باشد (هاشمی علی آبادی، ۱۳۹۸). بر اساس همین گفته‌ها، می‌توان اظهار داشت که صرفه‌جویی در مصرف آب، تلاش برای حفاظت از هوا در برابر آلودگی، جلوگیری از تخریب زمین‌های کشاورزی و به طور کلی حفاظت از محیط‌زیست وظیفه‌ی همه‌ی افراد جامعه به شمار می‌آید و فقط مختص سازمان یا قشر خاصی از افراد نیست (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸). برای جلوگیری

۲-۲- حفاظت از محیط زیست در آینده
محیط‌زیست شبکه‌ای گسترده از منابع طبیعی می‌باشد که متأسفانه استفاده‌ی بیش از حد انسان‌ها از این منابع و همچنین کمبود آن‌ها موجب شده‌است که بشر از دسترسی راحت و استفاده مطلوب از نعمات ارزشمند محروم شود (فراهانی فرد و محمدی، ۱۳۹۰). یکی از مهم‌ترین مسائلی که در سطح جهانی با آن روبرو هستیم، بحث حفاظت از محیط‌زیست است. به دلیل شرایط بحرانی زیست‌محیطی‌ای که در حال حاضر با آن مواجهیم لازم است، برای حفاظت از زیست‌کره و رویایی با این شرایط برنامه‌ای در سطح جهانی طرح‌ریزی شود (نجاوریان، ۱۳۹۰). اگر چه برای مقابله با این بحران اقدامات علمی پژوهشی زیادی صورت گرفته اما مهار کامل این معضل وابسته به تعالیم دینی، آیات و دستورات قرآن است (نورائی، ۱۳۹۱). دین اسلام نه تنها انسان را به تخریب محیط‌زیست دعوت نمی‌کند، بلکه بشر را از انجام این کار ناپسند منع کرده‌است. اسلام با تعالیم خود افرادی با ایمان تربیت می‌کند که در برابر



بیشتر از نابودی و تخریب‌هایی که به محیط-زیست و منابع طبیعی وارد شده، لازم است آموزش‌هایی در زمینه‌ی حفاظت از محیط‌زیست و نهادینه‌سازی آن در درون افراد انجام‌شود و به دلیل این که کودکی دوره‌ای است که عادت‌های مطلوب و ارزش‌ها بهتر درونی می‌شوند و به صورت یک رفتار مثبت در می‌آید، بهتر است آموزش‌ها از این دوره آغاز گردد (علی پور مقدم و علی پور مقدم، ۱۳۹۵). آموزش محیط‌زیست وسیله‌ای برای آشنایی افراد جامعه با نحوه‌ی برخورد با محیط‌زیست و خطرات و عواقب آن است. آموزش مسائل زیست‌محیطی به انسان‌ها این اجازه را می‌دهد که با اقدامات مناسب، مشکلات را شناسایی کنند و درصدد حل آن برای حفاظت از محیط‌زیست و حفظ بقای آن باشند (چراغعلی، ۱۳۹۳). با توجه به مطلب گفته شده، از آنجایی که دوره‌ی آموزش ابتدایی، با کودکان سر و کار دارد می‌تواند بر نگرش و دیدگاه زیست‌محیطی آنان تاثیر بگذارد و با استفاده از برنامه‌های آموزشی مناسب شهروندانی مطلوب را پرورش دهد (زینلی پور وفخاری، ۱۳۹۵). بررسی‌های انجام‌شده نشان-دهنده‌ی وجود ضعف آموزش و پرورش ابتدایی در زمینه‌ی ارتباط بین حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی و راهکارهای محافظت از آن با دانش‌آموزان می‌باشد. به دلیل نظام متمرکزی که در طراحی برنامه‌های درسی وجود دارد و محدود بودن مطالب محیط‌زیستی در کتب درسی ابتدایی موفقیت‌چندانی در فرهنگ‌سازی دانش-آموزان برای توجه و حفاظت از محیط‌زیست حاصل نشده‌است. از آن جایی که کتب درسی تاثیرات فراوان بر دانش‌آموزان دارد، برنامه‌ریزان کتب درسی در آموزش و پرورش باید سعی کنند تا محتوا را به گونه‌ای سازماندهی نمایند که دانش‌آموزان به سمت حفاظت از محیط‌زیست

تمایل پیدا کرده و برای آن ارزش قائل شوند و باتجاری که کسب می‌کنند، بتوانند در آینده از خطرات بیشتری که محیط‌زیست را تهدید می‌کند جلوگیری نمایند (علی پور مقدم و علی پور مقدم، ۱۳۹۵). کودکان نسل آینده جوامع را تشکیل می‌دهند. اگر آموزش حفاظت از محیط-زیست و منابع طبیعی در سنین پایه و زمانی که شخصیت افراد شکل می‌گیرد آغاز شود، قطعاً موجب می‌شود تا دانش‌آموزان در آینده اعمال معقولانه‌ای نسبت به این مسئله حیاتی نشان-دهند. با گنجاندن محتوای مناسب در کتب درسی و ایجاد دانش، آگاهی و مهارت لازم در زمینه‌ی حفاظت از محیط‌زیست می‌توان به سلامت محیط زندگی خود در آینده کمک فراوانی کرد (دادفر، ۱۳۹۱). با توجه به سند برنامه درسی ملی، آموزش حفاظت از محیط-زیست و منابع طبیعی در کتب درسی علوم تجربی بسیار حائز اهمیت است. محتوای کتب درسی علوم تجربی به دانش‌آموزان کمک می‌کند تا به شهروندی مسئول در برابر محیط‌زیست تبدیل شده و در آینده به کاهش معضلات زیست‌محیطی و نابودی منابع طبیعی کمک نمایند (ماشاءاللهی نژاد و دیگران، ۱۳۹۸). کتب درسی علوم تجربی یکی از مهم‌ترین برنامه‌های درسی در جهت ارتقای درک و دانش دانش-آموزان نسبت به محیط‌زیست می‌باشد. گنجاندن مفاهیم و مطالب مربوط به محیط‌زیست و منابع طبیعی در کتب درسی علوم تجربی باعث می‌شود دانش‌آموزان در مقابل محیط‌زیست، خود را مسئول دانسته و در جهت ساخت محیطی سالم و آینده‌ای روشن تلاش کنند. بنابراین نمی‌توان نقش کتب درسی علوم را به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع آموزشی محیط-زیست نادیده‌گرفت (رضایی و دیگران، ۱۳۹۶). دانش‌آموزان با آموزش مناسب، ارزشمندی



محیط‌زیست نیز از جمله مباحثی است که پیوندی ناگسستنی با زندگی انسان دارد و برای آموزش آن مثال‌های زیادی وجود دارد (مهدوی ایکدلو، ۱۳۹۲).

نتیجه‌گیری

باتوجه به آیات بسیاری که خداوند در کتاب آسمانی خود بیان کرده‌است، ضرورت حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی در همه‌ی جوامع امری مهم تلقی می‌شود و این مسئله وظیفه‌ی انسان‌ها می‌باشد که مسئولیت پاسداری از محیط‌زیست را برعهده بگیرند. متأسفانه امروزه بهره‌برداری‌های غیرمعقولانه انسان‌ها از محیط‌زیست افزایش پیدا کرده که باعث به خطر افتادن حیات تمامی موجودات کره‌ی زمین شده‌است. برای جلوگیری از تخریب بیش از حد محیط‌زیست و تبعات سنگین خطرات آن لازم است تا اقدامات و راه‌حلهایی مشخص شود. با توجه به نقش اساسی تعلیم و تربیت به خصوص در کودکان و نوجوانان یکی از اقدامات اساسی برای حل این مسئله در آینده، آموزش حفاظت از محیط‌زیست در مقطع ابتدایی می‌باشد. اگر کودکان هم‌زمان با رشد و تکامل شخصیت خود مسئولیت‌پذیری در برابر محیط‌زیست خود را آموزش ببینند، می‌توانند در بزرگسالی به عنوان یک شهروند مطلوب جامعه که فرهنگ استفاده-ی درست از طبیعت را آموخته است، عمل نمایند. بنابراین لازم است در محتوای کتب ابتدایی به مسئله‌ی حفاظت از محیط‌زیست بیشتر پرداخته شود. یکی از پیشنهادهایی که می‌توان مطرح کرد، این است که معلمان مقطع ابتدایی در تدریس محتوای آموزشی می‌توانند آیات قرآنی و روایاتی که خداوند و بزرگان دین اسلام در رابطه با اهمیت محیط‌زیست و حفاظت از آن وجود دارد را با تدریس خود ارتباط دهند

محیط‌زیست و منابع طبیعی را درک می‌کنند. بنابراین اگر در برنامه‌ی درسی دوره ابتدایی مطالب مناسبی در زمینه‌ی حفاظت از محیط‌زیست در کتب درسی گنجانده‌شود، می‌توان فرهنگ استفاده‌ی درست از محیط‌زیست را در جامعه پرورش داد. متأسفانه در کتب علوم تجربی دوره‌ی ابتدایی، آموزش زیست‌محیطی، آن طور که باید انجام شود، در تمامی پایه‌ها وجود نداشته و لازم است برای تربیت بهتر دانش‌آموزان محتوای آن مورد بازنگری قرار بگیرد (عینی مهران، ۱۳۸۷). برای آموزش مفاهیم زیست‌محیطی به کودکان، استفاده از روش‌هایی فعال و نوین پیشنهاد می‌شود. در روش‌های فعال تدریس کودکان تشویق به یادگیری شده و مفاهیم را بهتر یاد می‌گیرند. از جمله روش‌های تدریس موثر در زمینه‌ی آموزش حفاظت از محیط‌زیست، روش گردش علمی می‌باشد که به کودکان کمک می‌کند به صورت ملموس و عینی به درک درستی از محافظت از محیط‌زیست برسند. اگر معلمان و برنامه‌ریزان درسی در محتوای آموزشی و روش‌های تدریس خود به این مسئله‌ی مهم توجه داشته باشند قطعاً در بلندمدت نتایج بسیار خوبی در زمینه‌ی نگهداری درست از محیط‌زیست و منابع طبیعی اتفاق می‌افتد (شبیری، ۱۳۹۴). تالیف‌کنندگان کتب علوم سعی می‌کنند محتوای کتاب‌ها را طوری تهیه و تنظیم کنند که متناسب با زندگی روزمره مردم باشد. نتیجه‌ی مثبت این عمل این است که یادگیری در سه سطح دانشی، مهارتی و نگرشی به صورت استاندارد، به خوبی صورت خواهد گرفت (محمدی، ۱۳۹۶). انگیزه‌ی کلید یادگیری فعال کودکان است. اگر یک معلم حرفه‌ای بتواند مباحث مختلف را در شرایط واقعی و مرتبط با وضعیت زندگی آموزش دهد، آن زمان است که یادگیری معنادار اتفاق می‌افتد.



و در آموزش دروسی مانند علوم تجربی که بیشترین سهم را در انتقال مطالب محیط‌زیستی در کتب درسی ابتدایی دارد، استفاده نمایند تا دانش‌آموزان بیشتر به اهمیت این مسئله توجه-کنند. امید است که با تقویت و پرورش فرهنگ

زیست‌محیطی به نسل آینده و کاربردی کردن این مهارت در زندگی آن‌ها، در جهت کاهش تخریب‌ها و آسیب‌های محیط‌زیستی گام برداریم.

منابع

- ۱- اسلامی، زهرا. (۱۳۸۹). ضرورت صیانت از محیط‌زیست از دیدگاه قرآن و حدیث. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم قرآن و حدیث. دانشکده الهیات و معارف اسلامی. دانشگاه الزهرا
- ۲- اکبری راد، طیبه (۱۳۹۲): «نقش تعالیم اسلام در کاهش بحران‌های زیست‌محیطی»، مجله محیط‌شناسی، دوره ۳۹، ۸۰-۷۳
- ۳- امینی، محمد، ماشااللهی، زهرا (۱۳۹۳): «جایگاه مغفول آموزش محیط‌زیست در کتب درسی (مطالعات موردی)؛ کتب علوم و تعلیمات اجتماعی مقطع راهنمایی»، مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۲۱، ۸۲-۵۹
- ۴- پورامرابی، سمیرا، اکبری، محمد رضا، صابری، امیر (۱۳۹۴): «جایگاه فضاهای سبز شهری در گذران اوقات فراغت و گردشگری شهروندان»، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۰، ۸۴-۷۱
- ۵- جوادی، محسن، مسعودی، اصغر (۱۳۹۲): «حقوق حیوانات از منظر اسلام»، پژوهش‌نامه‌های اخلاقی، دوره ۳، ۴۸-۲۱
- ۶- چراغعلی، لیلا. (۱۳۹۳). جایگاه آموزش اخلاق محیط‌زیست در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی (با رویکرد ایرانی-اسلامی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه الزهرا
- ۷- خموشی بیدگلی، صفیه، مظاهری، حسن (۱۳۹۸): «بررسی میزان و نوع توجه به مولفه‌های زیست‌محیطی در کتاب‌های درسی دوره ابتدایی»، فصلنامه مطالعات برنامه درسی ایران، دوره ۱۴، ۲۰۰-۷۷
- ۸- خوشیاری حاجی بابا، رزاق، مجدلی، علی (۱۳۹۲): «حمایت از حیوانات در قوانین ایران و اسناد بین‌المللی»، فصلنامه حقوق پزشکی، دوره ۷، ۱۹۳-۱۷۳
- ۹- دادفر، مهناز. (۱۳۹۱). بررسی نقش و تاثیر آموزش محیط‌زیست در آموزش رسمی دروس هدیه‌های آسمان و علوم تجربی دوره ابتدایی (از دیدگاه معلمان شهرستان دماوند). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه برنامه‌ریزی درسی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه پیام نور
- ۱۰- درگاهیان، فاطمه (۱۳۹۶): «عوامل موثر بر رخداد روزهای همراه با هوای پاک در تهران»، مجله جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، دوره ۱۵، ۲۱۱-۱۹۳
- ۱۱- دودمان کوشکی، علی (۱۳۸۸): «پاسداری از منابع طبیعی در راستای اصول اخلاق زیستی و حفظ سلامت انسان از دیدگاه قرآن»، فصلنامه اخلاق پزشکی، دوره ۳، ۷۶-۴۵
- ۱۲- دولتشاهی پیروز، محرم، طهماسبی آشتیانی، پیروز (۱۳۸۹): «انسان، انرژی، محیط‌زیست و چشم‌اندازی به آینده»، فصلنامه راهبرد، دوره ۱۹، ۳۴۳-۳۱۳
- ۱۳- رضایی، مریم، احمدی، غلامعلی، امام جمعه، محمدرضا، نصری، صادق (۱۳۹۶): «بررسی میزان توجه به آموزش برای توسعه پایدار در برنامه درسی علوم تجربی دوره ابتدایی» مجله علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره ۲۴، ۶۸-۴۹
- ۱۴- رضایی هفتاد، حسن، همتیان، مهدی (۱۳۹۱): «بررسی مقاله کشاورزی و گیاهان در قرآن دیوید وینز»، دو فصلنامه علمی - ترویجی قرآن و علم، دوره ۶، ۱۸۰-۱۶۱
- ۱۵- زارع بیدکی، محمد، رضائیان، محسن، علی، بوران (۱۳۹۱): «مروری بر جنبه‌های اخلاقی در پژوهش‌های حیوانی»، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۱، ۵۹۸-۵۷۵
- ۱۶- زینلی پور، محمد، فخاری، رضا (۱۳۹۵): «ارزیابی تجربیات معلمان آموزش ابتدایی جهت ایجاد نگرش و فرهنگ‌سازی موثر حفاظت از محیط‌زیست و منابع طبیعی» فصلنامه تربیت معلم فکور، دوره ۲، ۱۰۰-۸۷
- شیرینی، سید محمد (۱۳۹۴): «روش‌های تدریس و یادگیری موثر آموزش‌های زیست‌محیطی در آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۳۱، ۱۷۷-۱۵۹
- ۱۸- شیرینی، محمد، میبودی، حسین (۱۳۹۲): «ارزیابی آموزش محیط‌زیست در ایران و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت موجود»، فصلنامه علوم محیطی، دوره ۱۱، ۱۳۰-۱۱۹
- ۱۹- شیرینی، محمد، میبودی، حسین، ملکی پور، احمد، سرادی پور، عادل (۱۳۹۳): «ارزیابی و آماده سازی مربیان مهدکودک‌ها برای آموزش محیط زیست به کودکان»، دو فصلنامه شناخت اجتماعی، دوره ۳، ۱۲۴-۱۱۴



- ۲۰- طباطبایی، سیدمحمد حسین (بی تا): «تفسیر المیزان»، ترجمه سیدمحمدباقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول
- ۲۱- طه‌پوری، پریسا، پروین، محمدرضا (۱۳۹۵): «حفاظت و بهره برداری پایدار از خاک و جایگاه آن در حقوق بین الملل محیط زیست»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره ۱۸، ۱۶۱-۱۴۵
- ۲۲- عالی پور هفشجانی، فتح الله، مهدوی هفشجانی، فرنگیس، عالی پور هفشجانی، محمد (۱۳۹۸): «بررسی علمی دیدگاه قرآن درباره‌ی نقش سلامتی بخش آب در زندگی بشر»، مجله پژوهش در دین و سلامت، دوره ۵، ۱۵۶-۱۳۹
- ۲۳- علیانسیب، ضیاءالدین، سرووند، اکرم (۱۳۹۷): «اهمیت بهداشت هوای پاک در راستای بهزیستی انسان از دیدگاه آیات و روایات»، مجله مطالعات اسلامی در حوزه سلامت، دوره ۲، ۶۲-۵۵
- ۲۴- علی پور مقدم، خدیجه، علی پور مقدم، حوا (۱۳۹۵): «بررسی جایگاه آموزش‌های زیست‌محیطی در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی» دو فصلنامه حقوق محیط‌زیست، دوره ۱، ۳۷-۳۰
- ۲۵- عینی مهران، نادر. (۱۳۸۷). تحلیل محتوای کتب درسی فارسی و علوم دوره ابتدایی در ارتباط با محیط‌زیست و حفاظت از آن در سال تحصیلی ۸۵-۸۶. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه آموزشی علوم تربیتی. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید بهشتی
- ۲۶- فراهانی فرد، سعید، محمدی، یوسف (۱۳۹۰): «قرآن، چالش‌های زیست‌محیطی و مبانی نظام محیط‌زیست در اسلام»، پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۲، ۴۳-۲۳
- <http://fazellankarani.com/persian/quran/?joz=30>
- ۲۸- قضاوی، منصوره، لیاقتدار، محمد جواد، عابدی، احمد. (۱۳۸۸): «تحلیل محتوای کتاب‌های علوم تجربی دوره ابتدایی از لحاظ توجه به مضامین زیست محیطی»، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۲۵، ۱۵۲-۱۲۷
- ۲۹- کرمی، محمد، مستقیمان، موسی، نقی زاده، حامد (۱۳۹۳): «زیربنای حقوق گیاهان از دیدگاه قرآنی»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، دوره ۵، ۶۷-۶۱
- ۳۰- ماشاء الهی نژاد، زهرا، جعفری ثانی، حسین، مه‌رام، بهروز، سعیدی رضوانی، محمود، جلایری لایین، شیوا (۱۳۹۸): «تحلیل محتوای برنامه درسی درس علوم تجربی دوره ابتدایی از منظر توجه به مولفه‌های محیط‌زیست»، پژوهش در برنامه‌ریزی درسی، دوره ۱۶، ۱۳۸-۱۲۲
- ۳۱- محمدی، ایرج. (۱۳۹۶). چالش‌ها و راه‌کارهای آموزش محیط‌زیست (مطالعه موردی: تحلیل کتاب‌های علوم تجربی دوره اول متوسطه). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم محیط‌زیست. دانشکده علوم. دانشگاه زنجان
- ۳۲- مرادی کهنگی، فاطمه، چراغی‌وش، حسین، نظری، علی (۱۳۹۷): «نقش آخرت‌گرایی در رابطه انسان و محیط‌زیست از دیدگاه نهج البلاغه»، فصلنامه پژوهشنامه نهج البلاغه، دوره ۶، ۱۳۸-۱۱۹
- ۳۳- مهدوی ایکدلو، فریده. (۱۳۹۲). بررسی وضعیت محتوای زیست‌محیطی موجود و مورد نیاز در کتاب‌های درسی علوم تجربی پایه‌های اول تا نهم کشور ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم محیط‌زیست. دانشکده علوم پایه. دانشگاه تربیت‌دبیر شهید رجایی
- ۳۴- نجاریوریان، علی (۱۳۹۰): «محیط‌زیست از منظر قرآن و سنت»، مجله بینات، دوره ۱۸، ۲۰۳-۱۷۸
- ۳۵- نورائی، محسن (۱۳۹۱): «جهان‌بینی قرآنی و محیط‌زیست»، آموزه‌های قرآنی، دوره ۲۲، ۱۱-۳
- ۳۶- نیرو، محمد، حاجی حسین نژاد، غلامرضا (۱۳۹۱): «تاثیر آموزش محیط‌زیست بر اساس نظریه هوش‌های چندگانه گاردنر در ایجاد نگرش و اصلاح فهم دانش‌آموزان» فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، دوره ۱، ۱۲-۱
- ۳۷- واروی پور، مریم (۱۳۸۹): «خاک‌شناسی عمومی»، اکرم مبارکی، کمال‌سادات اسمعیلان، تهران: انتشارات دانشگاه پیام نور، چاپ سوم
- ۳۸- هاشمی علی آبادی، سیداحمد (۱۳۹۸): «تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط‌زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم»، پژوهشنامه معارف قرآنی، دوره ۱۰، ۹۲-۱۰۹



بررسی ضرورت مشاوره ژنتیک در پیشگیری از بیماریهای مادرزادی و پیش آگهی سرطان جهت تشخیص و درمان به موقع

محمد سجاد معظمی گودرزی^۱، دکتر فاطمه کشاورز^۲، فاطمه داودآبادی^۳، جواد عرب‌پور^۴ و
محمدعلی رنجبر^۵

۱- پزشک عمومی، دانشگاه سمنان

۲- دکترای پزشکی ملکولی، دانشگاه تهران

۳- دانشجوی کارشناسی، گروه زیست شناسی، دانشگاه پیام نور

۴- دانشجو کارشناسی، گروه میکروب شناسی، دانشکده علوم نوین دانشگاه علوم پزشکی آزاد اسلامی تهران

۵- ارشد مهندسی پزشکی، دانشگاه تهران

(نویسنده مسئول: sajad.moazemi@yahoo.com)

چکیده

یکی از عوامل غیرقابل انکار در سرنوشت انسان، قانون وراثت است. خصوصیات روحی و اخلاقی همچون ویژگی‌های جسمانی از طریق عوامل وراثتی (ژنها) از والدین به فرزندان منتقل می‌شود. برخی قابل به نقش انحصاری وراثت در تعیین سرنوشت انسان می‌باشند، ولی از منظر برخی دیگر، قانون وراثت تنها به منزله یک بستر است و به نحو اقتضا در اعمال فرد اثر دارد نه به نحوه علیات تامه. از این رو، تحت تأثیر عوامل محیطی به خصوص شیوه‌های تربیتب قابل تقویت یا اتضاعی، است، مضاف بر آنکه اراده انسان نیز تأثیر بسزایی در سعید یا شاقی شدن او دارد. در این تحقیق تالش شده تا جایگاه وراثت در سرنوشت انسان از دیدگاه دانش ژنتیک، قرآن و روایات بررسی شود و این نتیجه حاصل شده که عامل وراثت حاکم بار سرنوشت انسان نیست و نقاش انحصاری در تعیین آن ندارد و در نتیجه، افراد با هر نوع وراثتی قابل تربیت است و یکی از اهداف بعثت انبیاء نیز تقویت سرمایه‌های موروثی پسندیده و اصل زمینه‌های موروثی ناپسند می‌باشد.

واژگان کلیدی: قرآن، حدیث، وراثت، سرنوشت، دانش ژنتیک، اخلاق، روح.

مقدمه:

سرطان هم نقش بسزایی را ایفا میکند به خصوص سرطان پستان که سابقه فامیلی مهمترین علت بروز را دارد به طوری که بر اساس اطلاعات موجود ۱۰ تا ۱۵ درصد سرطانهای پستان ارثی هستند [۳-۶].

تحلیل کوتاه: نابسامانیهای ارثی پس از بیماریهای عفونی و تغذیه‌های شایعترین مشکلات بشر هستند، ۱۰ درصد مرگ و میر دوران نوزادی و ۲۵ درصد تلفات دوران کودکی ناشی از بیماریهای ارثی است. ترسیم شجره‌نامه و یادداشت نمودن اطلاعات به دست آمده به تعیین تشخیص صحیح و پاسخگویی به دیگر

مشاوره ژنتیک قبل از ازدواج نقش بسزایی در پیشگیری از بروز ناهنجاریهای ژنتیکی یا ارثی دارد [۱]. اهمیت مشاوره ژنتیک این است که میتواند نقش حیاتی در تشخیص بیماری داشته باشد، ارثی بودن یک اختلال را نشان دهد و اطلاعاتی پیرامون تنوع و نحوه بروز بیماری فراهم کند. با انجام مشاوره ژنتیک میتوان خطر ابتلا برای سایر اعضای خانواده را تخمین زد و بر اساس آن روشهای درمانی، پیشگیری و مشاوره مناسب برای بیمار و خانواده در نظر گرفت [۲]. مشاوره ژنتیک در پیش‌آگهی بروز



و گمان صورت می‌گیرد و این هم خالی از اشکال نیست. در خصوص ناهنجاریهای مادرزادی ۲-۳ درصد نوزادان زنده متولد شده دچار اختلال مادرزادی واضحی هستند. که حتی در مراکز مجهز تخصصی و فوق تخصصی علت ۴۰ تا ۵۰ درصد موارد آن کشف نمی‌شود. لازم به یادآوری است که تمامی ناهنجاریها مادرزادی نیست و همه بیماریهای ارثی در بدو تولد تظاهرات واضحی ندارند [۷].

سوالات کمک فراوانی میکند. سپس معاینه کامل کودک مورد نظر با سایر افراد خانواده تا حد ممکن و یاری جستن از سایر همکاران و متخصصین رشتههای پزشکی و پیراپزشکی ما را به شناخت نوع بیماری نزدیکتر می‌سازد. با وجود اینکه گاه حتی با استفاده صحیح از امکانات پاراکلینیکی نسبتا پیشرفته، دقیق و تخصصی نمیتوان به تشخیص قطعی رسید، نوع و علت بیماری همچنان ناشناخته میماند و پاسخگویی به سایر سوالات ناقص و بیشتر بر اساس حدس

جدول شماره ۱: برآورد میزان بروز بیماریهای ارثی مادرزادی و بیماریهای متابولیک در کشور

گروه ناهنجاری / بیماری	میزان بروز در ۱۰۰۰۰ تولد زنده	بروز در ۱۰۰۰۰ تولد زنده	بروز در ۱۰۰۰۰ تولد زنده	میزان بروز در ۱۰۰۰۰ تولد زنده	میزان بروز در ۱۰۰۰۰ تولد زنده
بیماریهای ارثی دارای تواتر غالب	۶۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
فلس اریب (CFTR)	۱۲	۹۰	۱۰	۱۰	۱۰
تالاسمی ماژور	۲۰	۱۰۰	-	۱۰	۱۰
کتیول فریب ناشی از تواتر	۰.۳	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰
بیماریهای ارثی دارای تواتر متوسط	۱.۲	۹۰	۱۰	۱۰	۱۰
بیماریهای ارثی با تواتر نادر	۱۱.۲	۹۰	۱۰	۱۰	۱۰
بیماریهای ارثی با تواتر بسیار نادر	۲۸	۹۰	۱۰	۱۰	۱۰
بیماریهای ارثی با تواتر بسیار نادر	۱.۲	۹۰	۱۰	۱۰	۱۰
سندرم تاورنر	۱.۲	۱۰۰	-	۱۰	۱۰
سایر بیماریهای ارثی نادر	۱.۳	۱۰۰	-	۱۰	۱۰
بیماریهای ارثی با تواتر بسیار نادر	۱.۲	۱۰۰	-	۱۰	۱۰
ناهنجاریهای بدو تولد	۲۲.۸	۹۰	۱۰	۱۰	۱۰
کل موارد در کشور	۶۹.۶	۸۲.۱	۱۹.۹	۱۹.۹	۱۹.۹

جدول شماره ۲: فرآیند ناهنجاریها و بیماریهای ارثی بدو تولد و درصد بیلانهای (ازها در کشورهای اروپایی (EU))

گروه ناهنجاری / بیماری	شیوع بدو تولد در ۱۰۰,۰۰۰	بیلانهای خدمات درمانی		بیلانهای (C)	
		مراکز زودهنگام	لایوانی	درمان موفق	درمان موفق
ناهنجاریهای ماژور بدو تولد	۳۰.۰	۲۲	۲۲	۲۲	۲۲
بیماریهای کروموزومی	۳.۲	۳	۳	۳	۳
بیماریهای تک ژنی	۷.۰	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱
کل	۴۰.۲	۳۶	۳۶	۳۶	۳۶

دریافت میکند و سپس بر اساس تشخیص بیماری، بیماران و یا افراد در معرض خطر از پیامدهای بیماری و احتمال ابتلا یا انتقال آن به سایر خویشاوندان و راه ها و مداخلات پیشگیرانه یا درمان بیماری در شرایط موجود آگاه شده و

مشاوره ژنتیک در ژنتیک اجتماعی مشاوره ژنتیک فرآیندی است که از طریق آن، خانواده و یا فردی که احتمالاً در معرض خطر است بررسی بالینی و آزمایشگاهی لازم شامل ارزیابیها، مشورتهای بالینی و آزمایشگاهی، را



حتی‌المقدور تسهیل نماید و اگر بتواند و موثر باشد باید مشورت‌های بالینی بدون ارجاع مراجعه کننده را ترجیحاً به انجام رساند. ارجاع باید با خلاصه شرح حال استاندارد در برگ ارجاع انجام شود و تقاضا واضح بیان گردد و پاسخ مکتوب در زمان مناسب پیگیری شود. مشاور ژنتیک همچنین باید ارجاع‌شونده را بدرستی از اقدامات هدفمند و برنامه‌ریزی شده خود، آگاه نماید و مشارکت وی را با همکاری فعال وی به حداکثر برساند تا موفقیت ارجاعات به حداکثر برسد. اهداف از انجام مشاوره ژنتیک:

برای تشخیص به موقع بیماری‌های ژنتیکی
بررسی عوامل خطر ابتلا به بیماری‌های ژنتیکی
ارائه راهحل احتمالی برای درمان بیماری‌های ژنتیکی

(کمک‌های روانشناسی) روان درمانی)

در حال حاضر حدود 300 مرکز مشاوره ژنتیک در کشور وجود دارد و وظیفه این مراکز مشاوره ژنتیک کاهش معلولیت‌های ناشنوایی، نابینایی، عقبماندگی ذهنی و است معلولیت‌های جسمی و حرکتی که جزء معلولیت‌های شایع کشور هستند بین 50 تا 60 درصد این معلولیت‌ها ژنتیکی است و در سایر موارد ممکن است ناشی از یک حادثه و موارد غیر از ژنتیک باشد. با توجه به اینکه در ازدواج‌های فامیلی دو تا سه برابر خطر بروز بیماری‌های ژنتیکی بیشتر است، بنابراین بیشتر مراجع‌هکنندگان به مراکز مشاوره ژنتیک افرادی هستند که ازدواج فامیلی دارند. بعد از آنها خانواده‌هایی هستند که دارای فرزند معلول یا بیمار هستند و یا مادر دچار سقط‌های مکرر است. همچنین زنانی که بیش از 35 سال سن داشته و قصد بارداری دارند یا اینکه مرد بیش از 50 سال سن دارد، از مراجعه کنندگان هستند، چرا که این موارد باعث میشود، ریسک بیماری‌های ژنتیک افزایش پیدا کند، اما همانطور که گفته

جهت اخذ تصمیم آگاهانه به طور کامل تا برخورداری عادلانه از خدمات همراهی میگردند. در نظام سلامت ایران، خدمت مشاوره ژنتیک از نظر تئوری و فنی در برنامه ژنتیک اجتماعی و از نظر ساختاری در نظام سلامت ایران ادغام شده است و در چهارچوب برنامه ژنتیک اجتماعی ارائه می‌گردد:

با توجه به اینکه مشاور ژنتیک محور برنامه ژنتیک اجتماعی است و ارجاعات از پایین به بالا و پس خوراندها از بالا به پایین عمدتاً از مسیر مشاوره ژنتیک میگذرد نقش مدیریتی مشاور ژنتیک در ارجاعات بسیار تعیین کننده است و یکی از وظایف مهم مشاور ژنتیک در برنامه ژنتیک اجتماعی است، لذا مدیریت ارجاعات در همین بخش مورد بحث قرار میگیرد. لازم است این نکته مورد تاکید قرار گیرد که با وجود محوری بودن نقش مشاور ژنتیک در ارجاعات، اجرای صحیح ارجاع و پس خوراند در هر مرحله از مشورت‌های بالینی به همکاری حرفه‌ای و تیمی سایر بخش‌ها ارتباط مستقیم و تعیین کننده دارد:

ضوابط مشورت بالینی / آزمایشگاهی مشاوران ژنتیک در سطوح نظام سلامت
مشاور ژنتیک برای مشورت بالینی باید برنامه مشخص و هدفمند داشته باشد و نباید اقدامات غیر هدفمند و متعدد را به مراجعه کننده تحمیل نماید. مشاور ژنتیک باید پیش از ارجاعات، متخصصین / فوق تخصصها از هر حوزه را شناسایی و با ارتباط تلفنی و یا حضوری از همکاری شایسته ایشان از هر گروه پزشکی و یا پیراپزشکی اطمینان حاصل نماید. همچنین پیش از ارجاع هر مورد ایشان را با شرایط ارجاع شونده آگاه نماید و همکاری ایشان و مراکز مرتبط را با مراجعه کننده، تقویت و شرایط پذیرش و حتی پرداخت تخفیف یافته را



بارداریها مجاز است، اما در برخی موارد خانوادهها با وجود تشخیص بیماریهای ژنتیک علاقهای به سقط جنین ندارند و تمایل دارند که نوزاد را با وجود بیماری به دنیا بیاورند. در هر بارداری دو درصد احتمال بروز بیماریهای ژنتیک وجود دارد، حدود هزار و ۳۰۰ نفر در سال ۹۸ برای سقط درمانی به پزشکی قانونی ارجاع داده شدهاند و در واقع از تولد ۱۳۰۰ نوزاد دارای معلولیت شدید جلوگیری شدهاست. فرآیند قانونی، شرعی و اخلاقی سقط جنین به درستی نیز رعایت میشود. با توجه به نوع بیماری گاهی اوقات ممکن است، بیش از ۵۰٪ آزمایش انجام شود تا به تشخیص رسید و آزمایشات متنوعی برای تشخیص بیماریهای ژنتیک انجام میشود و به همان اندازه که آزمایشها متنوع هستند، قیمت آنها نیز متنوع میشود، اما به طور متوسط در خانوادهای که افراد معلول زیاد باشد، ممکن است هزینه آزمایشات تا به نتیجه قطعی برسیم به ۷ الی ۱۰ میلیون تومان نیز برسد [۹]. برخی از آزمایشها در مشاوره ژنتیک در ایران انجام نمیشود، کیت‌های آزمایشهایی که در ایران انجام میشود از خارج کشور وارد میشود و نوسانات دلار بر آن تأثیرگذار بوده که این باعث میشود، قیمت آزمایشات بالاتر برود. همچنین تحریمها باعث شده است که بسیاری از کیت‌های آزمایشگاهی به صورت مستقیم وارد ایران نشود و چون با واسطه وارد کشور میشود، هزینه واردات این کیتها برای ما بالا میرود و متأسفانه تحریمها در این زمینه بسیار موثر بوده است، حتی در برخی موارد نمیتوان دستگاههای مورد نیاز را وارد کرد. نیم میلیون خانوار دارای معلولیت تحت پوشش بهزیستی قرار دارد که این تستهای برای آنها رایگان است اما این آزمایشات به قدری گران است که حتی یک کارمند هم نمیتواند هزینه آن را به صورت کامل پرداخت کند، از آن طرف اگر

شد شایعترین علت مراجعه به مراکز مشاوره ژنتیک ازدواجهای فامیلی است. بر اساس آمارهای موجود به علت کمبود اهمیت به این مراکز به آمار ترسناک تولد حدود 30 هزار کودک دارای مشکلات ژنتیکی سالانه در کشور رسیدیم، بسیاری از بیماریهای ژنتیکی به صورتی است که وقتی کودک به دنیا می‌آید، کاملاً سالم است و در سن نوجوانی یا بزرگسالی بیماری ژنتیکی بروز میکند به طور مثال بیماری دوشن که یک بیماری عضلانی است، به نوعی است که کودک در بدو تولد سالم است و در سالهای بعد دچار مشکل میشود، یا برخی از بیماریهای ژنتیک چشمی به گونه است که افراد تا سن 30 سالگی مشکلی ندارند و پس از آن دچار کمبینایی و نابینایی میشوند [۸]. مناسبترین زمان برای مشاوره ژنتیک قبل از بارداری است، در صورتی که قبل از بارداری مراجعه صورت نگیرد، زمان مناسب برای شناسایی بیماریهای ژنتیک تا سه ماهگی است، اما اگر بعد از این زمان به مراکز مشاوره ژنتیک مراجعه کنند، دیگر نمیتوان هیچ اقدامی برای مراجعان انجام داد، بنابراین پس از اینکه تست بارداری مثبت شد، مادر باید بلافاصله برای انجام مشاوره ژنتیک مراجعه کند. اما با توجه به شرایط کرونا که باعث عدم پذیرش بسیاری از مراکز از بیمار شده و از آنجا که ۳ ماه اول بارداری برای تشخیص بیماریهای ژنتیک بسیار اهمیت دارد، از همین رو در باید اولویت پذیرش با زنان باردار باشد. پس از اینکه در مشاوره ژنتیک بیماری ژنتیک تشخیص داده شود، سقط درمانی تجویز میشود. سقط درمانی نیز تابع قوانین پزشکی قانونی است و باید حتماً جنین کمتر از ۱۹ هفته داشته باشد. یک لیست از بیماریهای ژنتیک در اختیار پزشکی قانونی است. این بیماریها برای مادر یا فرزند عسر و حرج دارد و سقط نوزاد در این



تاسیس مراکز مشاوره ژنتیک در مراکز بهداشت روستایی:

یکی از دلایل عمده برای بیماریهای ژنتیکی ازدواج فامیلی است، در مناطق بدلیل جمعیت کم و آداب رسوم اکثر ازدواجهای به صورت فامیلی انجام میشود و البته بدلیل یکی از کمبودهای روستایی نیز اطلاعات عمومی راجع به بیماریهای ژنتیکی نوظهور و ناشناخته ژنتیکی است. پس میتوان در هر مراکز بهداشت روستایی فردی را به عنوان مشاور برای رساندن این اطلاعات به مردم قرارداد.

اجباری شدن تستهای ژنتیکی قبل از تولد: بدلیل اجباری نشدن تستهای ژنتیکی قبل از ازدواج، بسیاری از مردم با خطرهای احتمالی در گذشته ازدواج کردند و که در این صورت احتمال بدنی آمدن کودک معلول بسیار زیاد خواهد بود. پس میتوان با اجباری کردن تستهای ژنتیکی قبل از تولد جلوی بسیاری از این دست موارد را گرفت.

تامین اعتبار مورد نیاز خدمات درمانی مرتبط برای معلولان: اعتبارات تسهیلات ویژه به شدت محدود بوده، بنابراین مدیریت اعتبارات مذکور به منظور توزیع عادلانه آن ضروری است. بدیهی است مسئولیت این موضوع بر عهده تیم مشاوره ژنتیکی است.

فرایند آموزشی: آموزش اختصاصی ژنتیک افراد برای تسلط به حیطه دانشی است که پرسنل در آن حیطه دارای وظایف تعریف شده در اجرای برنامه ژنتیک اجتماعی هستند. گروه هدف این آموزش پرسنل اختصاصی مجری برنامه مانند کارشناس ژنتیک در ستاد دانشگاه علوم پزشکی، مراقب سلامت مسئول غربالگری ژنتیک در مرکز خدمات جامع سلامت ارائه‌دهنده خدمات زمان

خانواده‌های از خانواده‌های پر ریسک بوده و مشاوره ژنتیک را انجام نداده و یک بچه بیمار یا معلول به دنیا بیاورد، هزینه‌های زیادی به خانواده به تحمیل خواهد شد، بنابراین به نفع خانواده است که برای پیشگیری از تولد فرزند معلول هزینه کند تا در آینده به خانواده هزینه‌های زیادی وارد نشود، وقتی فرزند معلولی در خانواده به دنیا می‌آید خانواده بیشتر در معرض طلاق و آسیبهای عاطفی قرار می‌گیرد، بنابراین با مشاوره ژنتیک میتواند از تمامی این مشکلات جلوگیری کند [۱۰].

پیشنهادات:
اجباری شدن تستها و مشاوره‌های ژنتیکی قبل از ازدواج:

مشاوره ژنتیک برای اکثر زوجهایی که باردار هستند و یا برای بارداری برنامه‌ریزی میکنند توصیه میشود. در موارد وجود عوامل خطر) مانند غیر طبیعی بودن نتایج آزمایشات روتین، تست سلامت جنین و یا اینکه کودک قبلا دارای نقص مادرزادی یا اختلال ژنتیکی باشد (نیاز به مشاوره ژنتیک محسوستر است اما در با نگاه به آمار تاسف بر انگیز کودکان معلول متولد شده به نظر میرسد که صرفا پیشنهاد به این آزمایشها نتوانسته از این معلولیتها جلوگیری کند.

تحت پوشش قرار گرفتن همه تستهای ژنتیکی متاسفانه هر ساله بارها متخصصان ژنتیک به دولت موضوع عدم پوشش بسیاری تستهای مهم ژنتیکی را گوشزد کردند اما گاه بیمهها برخی هزینه‌های آزمایش ژنتیک را در صورت درخواست توسط پزشک متخصص و یا مشاور ژنتیک پوشش می دهند. اگرچه گاه سازمان های بیمه ای مختلف سیاست های متفاوتی را در ارتباط با پوشش آزمایشات ژنتیک اتخاذ می کنند. بخش دیگر هزینه ای توسط بیمه های تکمیلی خاص می تواند پوشش داده شود



نبود، اینک هر روز روشنتر می‌گردد. امروز در بسیاری از بیماریهای غیر واگیردار شایع نظیر بیماریهای عروق کرونر و سرطانهای شایع ایران، نظیر سرطان پستان و سرطانهای گوارشی به ویژه روده بزرگ و بیماریهای روانی شایع نظیر افسردگی، ژنتیک میتواند در برنامه کنترل و پیشگیری نقش موثر داشته باشد. به عبارت دیگر خدمات پیشگیرانه ژنتیک در خصوص بیماریهای غیر واگیر ساز و کاری عملیاتی و قابل طراحی و اجرا در قالب برنامههای پیشگیری و کنترل بیماریها در سطح جمعیت و گروههای هدف ویژه به نحوی هزینهی اثربخش دارد.

طبق بررسی و بازنگری وزارت بهداشت در سال ۹۶، سرطان پستان چهارمین علت مرگ زنان میانسال در کشور به خود اختصاص داده و از این تعداد ۱۰ درصد آنها ارثی - فامیلی است. اگر این آمار را با آمار سایر کشورها مقایسه کنیم، میبینیم که نسبت به کشورهای غربی بالاتر است. اکثر محققان اپیدمیولوژی سرطان در جهان عقیده دارند که در ازای تشخیص هر ۱۰۰ مورد سرطان پستان در خانمها یک مورد در آقایان تشخیص داده میشود یعنی سرطان پستان در مردان ۱٪ کل جمعیت مبتلایان به سرطان پستان را شامل میشود [۱۱]. با توجه به مطالعاتی در گذشته انجامشده حدوداً یک سوم از مراجعین نیاز به معیارهای NCCN مشاوره ژنتیک داشتهاند. بنابراین به نظر میرسد که با توجه به تعداد زیاد مبتلایان به سرطان پستان در کشور، لازم است همه مراکز درمانی سرطان به یک بخش مشاوره ژنتیک مجهز شوند تا به این طریق بتوانند پاسخگوی نیاز تعداد زیاد بیماران مبتلا باشند [۱۲].

در بیماریهای غیر واگیر شایع، به طور روز افزون مداخله پیشگیرانه مستقیم شامل درمان دارویی و جراحی پیشگیرانه است. یکی از این بیماریها

ازدواج، پزشک مشاور ژنتیک و سایر پرسنل تخصصی و فوقتخصصی مرتبط است. آموزش عمومی ژنتیک و برنامههایی با هدف افزایش سواد ژنتیک پایه برای عموم سازماندهی شوند. بکارگیری دانش ژنتیک در مدیریت بیماریها از سه طریق اثر بخشی مداخلات مربوط به این بیماریها را افزایش میدهد:

شناسایی افراد در معرض خطر قبل از ایجاد تغییرات بیماریزا:

با توجه به تمرکز بسیاری از افراد مبتلا در خانواده و خویشاوندان فرد مبتلا، مداخلات ژنتیک میتواند با کمترین هزینه، بیشترین افراد در معرض خطر در جامعه را شناسایی کرده و ارتقاء بخشیده و سطح پیشگیری از ثانویه به اولیه را در این خانوادهها موجب شود.

افزایش اثر بخشی مداخلات اصلاح سبک زندگی: شروع مداخلات در سنین پایینتر برای افراد در معرض خطر خانواده انجام میشود و به دلیل آموزشپذیری بیشتر در سنین پایین، ایجاد تغییر رفتار در کودکان نسبت به بزرگسالان و در نتیجه اصلاح سبک زندگی در ایشان محتملتر است. افزایش انگیزش افراد برای مشارکت:

به دلیل تشخیص موارد در معرض خطر در خانواده، رعایت سبک زندگی جمعی و خانوادگی صورت می‌گیرد و پذیرش افراد بهتر و مستمر میگردد. درک صحیح از خطر فامیلی ابتلا به بیماری، میزان تمایل و کیفیت مشارکت افراد در پیشگیری را در خصوص خود افراد و به ویژه فرزندان در معرض خطر ایشان بهبود میبخشد. شناسایی موارد تکژنی از بین بیماریهای چند عاملی غیر واگیردار و سپس شناسایی افراد در معرض خطر در خانواده خویشان و مداخله پیشگیرانه:

نقش تعیینکنندهی ژنتیک در کنترل بیماریهای غیر واگیردار که تا دو دهه پیش چندان روشن



میشود [۱۳]. با وجود این هم اکنون اکثر افراد در معرض خطر از دریافت چنین خدماتی محروماند. این در حالی است که با توجه به قدرت رابطه علی‌هایپرکلسترولمی فامیلی برای ابتلا به بیماریهای قلبی و عروقی و مرگ ناشی از آن خصوصاً در سنین پایین و متناسب با میزان شیوع هایپرکلسترولمی فامیلی در هر جامعه، محرومیت از تشخیص زودهنگام و اعمال مداخلات پیشگیرانه برای گروه پرخطر، مسبب درصد معنیداری از موارد بروز و مرگهای زودهنگام و البته قابل پیشگیری ناشی از بیماریهای قلبی و عروقی در جمعیت میباشد [۱۴].

هایپرکلسترولمی فامیلی است. هایپر کلسترولمی یا افزایش کلسترول یک اختلال متابولیک است که به دلیل نقص در عملکرد گیرنده های LDL (لیپو پروتئین با دانسیته پایین) ایجاد میشود و با افزایش شدید سطح خونی LDL یا کلسترول بد بروز مینماید. کلسترول اضافه در خون در دیواره رگها رسوب کرده و شانس ابتلاء به بیماریهای قلبی در سنین پایین را بالا میبرد. در مقایسه با جمعیت عمومی، افراد ناقل این ژن در خطر بسیار افزایش یافته‌ای برای ابتلا به بیماریهای قلبی در سن زیر 11 سال و مداخله درمانی پیشگیرانه در حال حاضر Cascade Screening قرار دارند. شناسایی موارد در معرض خطر در خانواده و خویشان انجام

بیماری	بروز سالانه	بروز سالانه موارد ارثی / فامیلی	نوع پیامد سلامت
سرطان کولون	۶۰۰۰	۶۰۰	مرگ زودرس
سرطان پستان	۸۰۰۰	۸۰۰	کاهش کیفیت زندگی
بیماری‌های زودرس عروق کرونر (PCAD)*	۳۷۰۰۰	۱۰۰۰۰	

البته نیاز به اطلاعات وسیع دانش عمیق صحیح و جدید و وقت کافی ابزار و امکانات ظریف و اختصاصی و بالاخره گروهی از افراد متخصص و متعهد و دلسوز دارد که دست در دست هم برای حل مشکل مراجعه کنندگان، بی‌امان و بدون چشم داشت مادی برای حل مشکل مراجعه کنندگان به امان و بدون چشم داشت مادی به این کار اهتمام ورزند بدیهی است که فراهم نمودن شرایط و امکانات از وظایف دولت است با سرمایه‌گذاری همه‌جانبه در این زمینه موجبات داشتن جامعه‌های سالم و بی‌عیب را فراهم سازد.

منابع

1. McGrath, B.B. and K.L. Edwards, *When Family Means More (or Less) Than Genetics: The Intersection of Culture, Family, and Genomics*. Journal of transcultural nursing: official journal of the Transcultural Nursing Society/Transcultural Nursing Society, 20 (۳):۲۰۰۹p. 270.
2. Rich, E.C., et al., *Reconsidering the family history in primary care*. Journal of general internal medicine, 2004. 19(3): p. 273-280.
3. Lynch, H.T., et al., *Clinical/genetic features in hereditary breast cancer*. Breast cancer research and treatment, 1990. 15(2): p. 63-71.
4. Read, A.P. and D. Donnai, *New clinical genetics*. 2007: Scion Oxfordshire.



5. Modell, B. and A. Darr, *Genetic counselling and customary consanguineous marriage*. Nature Reviews Genetics, 2002. 3(3): p. 225-229.
6. Modell, B., *Recommendations for introducing genetics services in developing countries*. Nature Reviews Genetics, 2003. 4(1): p. 61-68.
7. Nilforushan, M., *PHYSICIAN AND GENETIC COUNSELING*. Razi Journal of Medical Sciences, 1994. 1: p. 117-124.
۸. پوررضا، د.ب.، مشاوره ژنتیک و نقش آن در ارتقای سلامت. اولین همایش کشوری سبک زندگی سالم، علوم پزشکی گیلان.
۹. پور، م.، et al.، ارزیابی بالینی و آزمایشگاهی مبتلایان به سندروم داون استان بوشهر ۱۳۸۷. ۲۰۰۹، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی بوشهر.
۱۰. مجید، خ. and ر.م. السادات، گزارش یک مورد اگزوستوز غضروفی متعدد.
11. Jemal, A., et al., *Cancer statistics, 2008*. CA: a cancer journal for clinicians, 2008. 58(2): p. 71-96.
12. Antoniou, A., et al., *Average risks of breast and ovarian cancer associated with BRCA1 or BRCA2 mutations detected in case series unselected for family history: a combined analysis of 22 studies*. The American Journal of Human Genetics, 2003. 72(5): p. 1117-1130.
13. Khoury, M.J., R.J. Coates, and J.P. Evans, *Evidence-based classification of recommendations on use of genomic tests in clinical practice: dealing with insufficient evidence*. Genetics in Medicine, 2010. 12(11): p. 680-683.
14. Muin J Khoury, D., *A Million Hearts, A Thousand Genes, and Your Family History*. 2011, CDC.

بررسی زیست‌شناسانه نهی قرآن و ادیان الهی از همزیستی انسان با سگ

زینب شریفی اسدی^۱، فاطمه پژوم^۲، مریم امامی قرا^۳

۱- دکترای تاریخ اسلام (هیئت علمی دانشگاه پیام نور خوزستان) (نویسنده مسئول: zeinab.sh.a@gmail.com)

۲- دانشجوی دکتری تخصصی انگل‌شناسی دامپزشکی دانشگاه شهید چمران اهواز

۳- کارشناسی ارشد کشاورزی اصلاح نباتات دانشگاه کشاورزی ساری

چکیده

با توجه به سبک زندگی انسان مدرن در همزیستی با سگ (و برخی حیوانات) و سرایت آن به سایر کشورها، و با عنایت به کاربردهای موثر سگ در اموری مثل نگهبانی، گله‌داری و... با وجود حجم بیماری‌های زئونوز ناشی از تماس سگ با انسان چون؛ کنه، کک، شپش، جرب، هاری، توکسوکارا، آنکیلوستوما، ژیا ردیا، سالمونلا و...، این پژوهش بر آن است تا دیدگاه قرآن را در نهی از تماس با سگ به طور علمی به بحث بنشیند و داده‌های علمی و دینی از ادیان گذشته تا اسلام را در بوته‌ی مقایسه قرار دهد تا بتواند به دقت‌ترین علمی در این رابطه دست یابد. در نتیجه توجه به عدم همزیستی با سگ در قرآن و زیست‌شناسی تاکید می‌گردد. از این رو، دقت‌ترین علمی مساله، در تعلق هر موجود به محیط زیستی خود و نفی همزیستی انسان و حیوان تاکید شده، در عین بهره‌وری انسان از کاربردهای حیوانات و دقت در رعایت حقوق آنان. در پایان این نتیجه حاصل شد که در سایه لزوم مطالعات بین رشته‌ای، هر گزاره‌ای که قرآن، اسلام و ادیان الهی در رابطه با آن انسان را نهی کرده‌اند، در بررسی از منظر علوم زیستی، به تنهایی عامل یک یا چند بیماری مشترک انسان و سگ می‌شدند. از این رو، برای حفظ ایمنی و بهداشت در جوامع انسانی باید به حفظ و لزوم اجرای احکام دینی پیرامون موضوع سگ، صحه‌گذاشت، تا سلامت زیستی و روانی افراد، خانواده‌ها و جوامع انسانی محقق شود.

کلید واژه: سگ، ادیان الهی، قرآن، بیماری‌های زئونوز (بیماری‌های مشترک انسان و حیوان)

مقدمه

این رو در حیطه‌ی مطالعات بین رشته‌ای به بررسی علمی نهی از سگ در قرآن و ادیان الهی پرداخته شد! این پژوهش در صدد بررسی زیست‌شناسانه‌ی علت تاکید قرآن بر عدم همزیستی انسان با سگ برآمده است. و از منظر زیست‌شناسی با یافته‌های کنونی، فهرستی از بیماری‌های مشترک انسان و سگ مورد اشاره قرار گرفته تا هر موردی که قرآن و اسلام به آن توجه داشته را بررسی نماید که عدم توجه به هر یک عامل چه بیماری‌هایی می‌شود. تا به گوشه‌ای از علل این عدم همزیستی در قرآن بتوان دست یافت. این پژوهش می‌تواند انسان معاصر را نسبت به بیماری‌های مشترک انسان و سگ آگاه نماید تا در این مقوله هر دو از آسیب محفوظ

امروزه به علت سبک زندگی مدرن و دوری از نظام خانواده در غرب که کم‌کم به سمت کشورهای مسلمان کشیده می‌شود، مشکلاتی را هم با خود به همراه می‌آورد مشکلاتی مثل پر کردن خلا خانواده با حیواناتی نظیر سگ که آلودگی‌های فراوانی را در همزیستی با انسان‌ها به او منتقل می‌کنند و چه بسا در صورت شدت گرفتن آن، جامعه با بحران‌های زیستی مواجه گردد. حال آن‌که اسلام و سایر ادیان الهی پیروان خود را با هشدار عدم تماس با سگ آگاه کرده بودند. به صورت مختصر و مجزا به برخی از این بیماری‌ها اشاره شده بود اما در دانش علوم انسانی پرداختن به بیشتر از این مقدر نبود. از



چون واق واق می‌کند درد و رنج و آزار و نافرمانی را از بین می‌برد (مهدوی، ۱۳۷۹، ص ۵۶). در آیین مهر هم سگ یار وفادار میترا است که با او به شکار می‌رود. در برخی نقش برجسته‌های تاریخی، سگ‌های شکاری در پیرامون میترا دیده می‌شود (مهدوی، ۱۳۷۹، ۵۵). سگ در آثار زرتشتی: به اعتقاد زرتشتیان، سگ از جمله موجوداتی است که از نطفه‌ی کیومرث به وجود آمده و به دلیل وجود نطفه‌ی وی در این حیوان گوشت آن خوردنی نیست. در بندهشن آمده است: "از آفریدگان مادی، سگ، نگهبان و از میان برنده‌ی دروج و درد است و با چشم هم‌می‌نایکی‌ها را از بین می‌برد." در روایات داراب هرمز دیار از سگ مقدسی به نام زرین‌گوش سخن به میان آمده‌است که پاسبان کالبد کیومرث است و به تنهایی از آن کالبد نگهداری می‌کند چنان‌که هفت امشاسپند نتوانستند از آن محافظت کنند اما زرین‌گوش از عهده‌ی این کار برآمده، در زمره‌ی محافظان پل چینوت قرار می‌گیرد (مهدوی، ۱۳۷۹، ۵۶). فرگرد سیزدهم و نود و یک با ۵۶ بند درباره‌ی کیفر و مجازات قتل انواع سگ‌ها و ایذاء و آزار آنهاست. در بخش نخست از این فرگرد بیان می‌شود که از میان آفریده‌های اهورامزدا سگ بسیار محترم است چون از سپیده‌ی کاذب تا فجر صادق با اهریمن مقابله می‌کند و پاسبان آفرینش نیک است (رضی، ۱۳۹۰، ۳۷۱). در دنیای باستان از توانایی و هوشیاری‌های سگ در بخش‌های مختلفی نظیر طب هم استفاده می‌شد. آن‌ها سگی را بر بالین محتضر یا مرده می‌بردند و با نشان دادن جسد به سگ و مالیدن پوزه به آن جسد، حیوان مذکور در شناخت مرگ، مرگ ناگهانی و بی‌هوشی قادر به تشخیص مردگان از زندگان بود. کاری که

بمانند. از این رو در مراحل این پژوهش بین رشته‌ای، علاوه بر روش کتابخانه‌ای از نتایج آزمایشگاهی پژوهشگران علوم زیستی نیز بهره برده شده‌است. پس از بررسی‌ها، این پژوهش به این نتیجه رسیده که در اکثر مواردی که قرآن و اسلام و ادیان الهی انسان را در رابطه با سگ نهی می‌نمودند، مستعد ایجاد یک بیماری مشترک حیوان به انسان (زئونوز) بود. ممکن است در آینده محققان در بررسی روایات و بیماری‌های زئونوز و سایر بیماری‌های موثر به کشفیات جدیدی نائل گردند. که با توجه به وجود کثرت بیماری‌های موجود و بیماری‌هایی که در آینده کشف خواهد شد، قوانین عدم تماس با سگ در اسلام راه‌گشا خواهد بود. و این بیانگر افق دید اسلام در اشاره به نهی از تماس و همزیستی با سگ بوده که به صورت علمی نیز اثبات می‌شود. همان‌گونه که امروزه تک‌یاخته توکسوپلازما را کشف کرده‌اند که از گربه به انسان منتقل می‌شود و می‌تواند باعث تغییر رفتار و شناخت در برخی از افراد آلوده گردد.

الف- تاریخچه (سگ در ادیان پیش از اسلام)
سگ یکی از جاندارانی است که خدا آفریده و خداوند می‌فرماید: هیچ چیز در هستی را بی‌هوده و بی‌هدف نیافریده‌است. (دخان، ۳۹) منتها هر جانداری در این نظام هستی ویژگی و کاربرد خاص خودش را دارد. و باید با علم به ویژگی‌های هر موجود از کارایی‌های آن بهره برد به گونه‌ای که هیچ‌کدام از طرفین آسیب نبینند و به حقوق هم احترام بگذارند. سگ در دین زردشت: سگ در دین زردشتی با انسان هم رتبه است و حتی گفته‌اند سه یک او از انسانهاست و از این جهت سگ خوانده شده است. ایرانیان باستان معتقد بودند که "سگ با کمک خروس ارواح پلید و جادوگران را هنگام شب از زمین دور می‌کند و سروش را یاری می‌نماید. دشمن اهریمن است و



امروزه سگ‌های زنده‌یاب انجام می‌دهند (مهدوی، ۱۳۷۹، ۵۶). سگ در دین یهودیت: ادیان مختلف خوردن انواع مختلفی از خوراکی‌ها را ممنوع کرده‌اند. مثلاً قوانین شفافی در دین یهود وجود دارد به نام کوشر که تصریح می‌کند چه چیزهایی نباید خورده شود. که بسیار شبیه دسته بندی غذاهای حلال و حرام در اسلام است. خوردن گوشت سگ در یهودیت بر طبق تورات، حرام اعلام شده است. زیرا سگ روی پنجه راه می‌رود و پنجه داران حلال گوشت نمی‌باشند (تورات، بخش لاویان، باب ۱۱).

سگ در دین مسیحیت: تفاسیر مختلفی از انجیل وجود دارد که حاوی دو دیدگاه عمده است:

الف- دیدگاه اول: با استناد به بخش‌هایی از عهد جدید هیچ حیوانی را نجس نمی‌داند حتی اگر برای سلامتی مفید نباشد و کسی آن را استفاده نکند (عهد جدید، انجیل مرقس، باب ۷، آیه ۱۸)

ب- دیدگاه دوم: قوانین تورات را به طور دقیق تایید و اجرا می‌کند. بنابراین گوشت‌هایی که در تورات حرام اعلام شده در مسیحیت هم حرام است و در عهد جدید هم بیان شده است. (عهد جدید، انجیل متی، باب ۱۵، آیه ۲۰) در نتیجه سگ حرام است.

دین چین هم که گیاه‌خواری را رواج می‌دهد. دین هندو هم گیاه‌خواری را ایده‌آل می‌داند در راستای اصل عدم خشونت. (David Arnold- 1993) مطابق با متون قدیمی هندو، گوشت سگ ناپاک‌ترین غذای ممکن است. گوشت سگ همچنین مطابق شریعت اسلام و یهود نجس و ناپاک و حرام و نجس است. بنابراین هر سه این سنت‌های مذهبی مصرف آن را نهی کرده‌اند (مسلم نیشابوری، ۴۷۵۲: ۲۱).

ب_ سگ در قرآن

۱- عدم همزیستی با سگ در بیان ماجرای سگ اصحاب کهف:

خداوند در سوره کهف در مورد سگ اصحاب کهف چنین می‌فرماید: «... سگشان بر آستانه‌ی غار دو دست خود را دراز کرده بود.» (نقش یک سگ نیز بر دیوار غار است، و بالای غار، صومعه‌ای قدیمی است و مسلمانان نیز مسجدی ساخته‌اند (قرآنی، ج ۰۷ ص ۱۴۳)) «... وَكَلَبُهُمْ بِاسِطٍ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ...» (کهف/۱۸).



تماس‌های حداکثری. همه فقها اعم از متقدمین و متاخرین از فقهاء شیعه قائل به حکم نجاست سگ هستند این حکم به گونه‌ای مشهور و اتفاقی است که بعضی از فقها از آن به عنوان ضروری فقه(اراکي، ج ۱، ص: ۴۹۱) یاد کرده‌اند. روایات فراوان بلکه در حد تواتر(اشتهاردی، ج ۲، ص: ۵۰۰ - حر عاملی، ج ۱، ص: ۲۲۷ روایت ۵۷۴ و...) در مورد نجاست سگ در کتب معتبر روایی شیعه وجود دارد که مانع از تماس با سگ است. از نبی مکرم اسلام(ص) به طور مکرر و در روایات متعدد نقل شده است که: جبریل به ایشان فرموده است که من در خانه‌ای که در آن سگ وجود داشته باشد وارد نمی‌شوم(کلینی، ج ۳ ۳۹۳ باب الصلاة فی الکعبه و... ص: ۳۸۷).

۲- توجه به بیماری سگ در ماجرای بلعم باعورا: خداوند در سوره اعراف، بلعم باعورا را به سگ تشبیه کرده است و چنین می‌فرماید: «فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلُ عَلَيْهِ يَلْهَثُ أَوْ تَتْرُكُهُ يَلْهَثُ» (اعراف/ ۱۷۶). سخن از یک عالم دانشمند است که ابتدا در مسیر حق بود، به گونه‌ای که کسی انتظار انحراف او را نداشت. سرانجام دنیاپرستی و پیروی از هوای نفس او را به سقوط کشاند. به نحوی که تشبیه به سگ شده است. اما چرا به سگ تشبیه شده؟ زیرا او بر اثر شدت هواپرستی و چسبیدن به لذات جهان ماده، یک حال عطش نامحدود به خود گرفته که همواره دنبال دنیاپرستی می‌رود نه به خاطر نیاز و احتیاج بلکه به شکل بیمارگونه‌ای همچون یک «سگ هار» که بر اثر بیماری هاری، حالت عطش کاذب به او دست می‌دهد و در هیچ حال سیراب نمی‌شود(مکارم، ج ۷، ص ۲۵).

۳- توجه به کاربرد سگ در مورد سگ شکاری: خداوند در ابتدای سوره مائده می‌فرماید: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أَحَلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُم مِّنَ الْجَوَارِحِ مُكَلِّبِينَ تَعْلَمُونَهُنَّ مِمَّا

اصحاب کهف سگ نگهبانی را همراه داشتند.(اشاره به کاربرد سگ در نگهبانی) نکته‌ی دوم اشاره به محل سگ در دهانه غار است، یعنی محلی غیر از محل استراحت اصحاب کهف آرمیده بود(بِالْوَصِيدِ). «وَصِيدٌ» چنان که «راغب» در کتاب «مفردات» می‌گوید: در اصل به معنی اطاق و انباری است که در کوهستان برای ذخیره اموال ایجاد می‌کنند و در اینجا به معنی دهانه غار است(مکارم، ج ۱۲، ص ۴۰۶). که نشان از عدم همنشینی اصحاب کهف با سگ نگهبانشان است. در رابطه با عدم همزیستی انسان با سگ از ابی رافع نقل کرده‌اند که گفت: جبرئیل بر رسول خدا(ص) نازل شد و اجازه ورود خواست، رسول خدا(ص) به وی اجازه داد، اما جبرئیل وارد نشد، ناگزیر رسول خدا(ص) ردای خود را گرفت و بیرون شد و فرمود: ما به تو اجازه ورود دادیم؟ جبرئیل گفت: بله، و لیکن ما فرشتگان به خانه‌ای که در آن سگ و یا مجسمه باشد داخل نمی‌شویم. رسول خدا(ص) - که گویا تا آن لحظه از وجود سگ در خانه خبر نداشت - نظر کرد و دید که در بعضی از مرافق خانه ایشان توله سگی وارد شده(طباطبایی، ج ۵، ص ۳۳۶ و ۳۳۷).

از مجموع روایات برداشت می‌شود که نگهداری سگ‌های با کاربردهای مفید مثل سگ نگهبان کراهت ندارد(حسینی عاملی، ۸/ ۸۵ - انصاری، ۱/ ۱۹۷ - نجفی، ۲۲/ ۱۳۸). اما بهتر است محل زندگی آنها جدای از محل زندگی انسان باشد، به گونه‌ای که حداقل بینشان دربی فاصله شود، یعنی خانه‌ای جداگانه برای سگ ساخته شود.

توجه به اجتناب از تماس با سگ: پس از ادیان الهی گذشته، اسلام هم مواضع مشترکی را در قبال سگ دارد. تقریباً همه‌ی ادیان الهی از کارایی‌های غیرخوراکی سگ بهره می‌برند با حفظ بهداشت در این تماس‌ها و پرهیز از



به انسان به صورت کاملاً علمی قابل اثبات است که در بخش بعدی به آن پرداخته خواهد شد.
۲- تاثیرات منفی معنوی نگهداری سگ در اسلام: در کنار تمام ابعاد مادی توجه به سگ، به ابعاد فرامادی‌ای از آن نیز در روایات اشاره شده است. سگ از آن دسته نجاساتی است که مفسده معنوی آن مورد تاکید است. اما از آنجا که با علوم تجربی و عقل ابزاری راهی برای رسیدن به فلسفه معنوی و فرامادی احکام وجود ندارد ناگزیر باید این دسته از مفاسد و مصالح را در کلام معصومین علیهم السلام جویا شد. در روایات متعدد به چند فلسفه معنوی حکم نجاست سگ اشاره شده که عبارتند از:

الف- عدم نزول فرشتگان در خانه‌ای که سگ در آن وجود دارد. (کلینی، ج ۳، ۳۹۳، باب الصلاة فی الکعبه و..... ص ۳۸۷. همان، ج ۳، ۳۹۵، باب الصلاة فی ثوب واحد..... ص ۳۹۳- مجلسی، ج ۵۶، ۱۷۷، باب ۲۳ حقیقه الملائکه و..... ص ۱۴۴).

ب- کراهت نماز در خانه‌ای که سگ وجود دارد. (مرحوم علامه حلی در کتاب منتهی می فرماید: نماز خواندن در خانه‌ای که در آن سگ باشد، کراهت دارد) (مجلسی، ج ۶۲، ص ۵۳).

ج- همنشینی با سگ سبب از بین رفتن اعمال خوب انسان می‌گردد (مجلسی، ج ۶۲، ص ۵۰).
۳- حقوق سگ در اسلام:

در کنار توجه به کاربرد سگ به حقوق آن نیز در اسلام اشاره شده است. هرچند در اسلام سگ حیوانی نجس است، اما این سبب نشده تا حقوق او به عنوان یک حیوان، نقض شود. رعایت حقوق سگ به این نیست که به آن دست بزنی، و او را مونس و هم بازی خود قرار دهی! بلکه با رسیدگی به آب و غذایش و آزار نرساندن به او، حقوقش را رعایت کرده‌ای. همانطور که به رعایت حقوق سایر حیوانات و سیرکردن و رفع تشنگی آنها

عَلَمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَادْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ...» (مائده/۴) از تو سؤال می‌کنند چه چیزهایی برای آن‌ها حلال شده است؟ بگو: آنچه پاکیزه است، برای شما حلال گردیده؛ و (نیز) صید حیوانات شکاری و سگ‌های تربیت یافته. در این آیه سخن از حلال بودن گوشت حیوانی است که توسط سگ شکاری صید شده است نه نجاست یا طهارت سگ. هرچند دلالت بر قابل استفاده بودن صیدی که توسط سگ شکاری انجام شده دارد و در روایات نیز آمده است که این صید را می‌توان پس از شستن محل تماس سگ استفاده کرد. سایر مواردی که در اسلام به نحوه‌ی ارتباط با سگ دقت شده، به شرح زیر است:

۱- مفاسد بهداشتی سگ در اسلام:

بسیار در اسلام توصیه شده که ظرفی که سگ از آن استفاده کرده باید شستشو داده شود و بدون شستن برای استفاده‌ی انسان قابل بهره برداری نیست. در گامی دیگر نه تنها ظرف که رطوبت سگ اگر به لباس کسی هم برخورد کرد باید شسته شود: *إن أصاب ثوبك من الكلب رطوبة فاغسله؛* اگر رطوبتی از سگ به لباست برخورد کرد آن را بشوی» (حر عاملی، ج ۱، ص: ۲۲۵) روایت ۵۷۱ و همان ج ۳، ص: ۴۱۵) در گامی دیگر نه تنها ظرف و لباس، که اگر قسمتی از بدن انسان هم با سگ تماس داشت، نیازمند شستشو است. *«يُغْسَلُ الْمَكَانَ الَّذِي أَصَابَهَا الْكَلْبُ»؛* مکانی از بدن را که با سگ تماس پیدا نموده است تطهیر کنید» (حر عاملی، ج ۱، ص: ۲۷۶) روایت (۷۲۲).

توصیه‌ی بهداشتی دیگر در مورد سگ این است که: از دم‌خورده سگ هم نباید چیزی نوشید» (حر عاملی، ج ۱، ۱۵۸). و تمامی این موارد امروزه به واسطه بیماری‌های قابل سرایت از سگ



سخنشان برگرفته از روایات معصومین (ع) است. در متون روایی ما، روایات فراوانی هستند که توجه به حقوق سگ را - به عنوان یک حیوان - تأیید می‌کنند. در بعضی از روایات از اذیت و آزار سگ منع شده، در دسته‌ای دیگر به اطعام و سیراب کردن سگ توجه شده است. علاوه بر این روایاتی هستند که قاتل سگ را ملزم به پرداخت دیه می‌کند. از این روایات نیز شاید می‌توان حق و حقوقی برای سگ در اسلام ثابت کرد. هرچند عده‌ای می‌گویند: روایات دیه سگ، حقی را برای این حیوان ثابت نکرده بلکه تنها خسارت مالی صاحبش را جبران می‌کند، (انصاری، ص ۷) اما با در نظر گرفتن همه روایات، خلاف این مطلب ثابت می‌شود چرا که دیه انسان را نیز به ولی او می‌پردازند اما این سبب نمی‌شود خود آن شخص ارزش و قدری نداشته باشد. پس وقتی در دین اسلام برای سگ دیه قرار داده می‌شود، می‌توان نتیجه گرفت که به این حیوان، ارزش و بهایی داده شده است و پرداخت دیه به صاحب آن جبرانگر همین بها و ارزش فوت شده است. ج- برخی بیماری‌های مهم قابل انتقال سگ به انسان

از نظر بهداشت عمومی سگ‌ها به عنوان یک نگرانی در نظر گرفته می‌شوند، زیرا ممکن است پاتوژن‌های مختلف انسان و دام از جمله گونه‌های توکسوکارا را در خود جای دهند. (Berrett ۲۰۱۷) از سوی دیگر، پذیرش برخی از رفتارهای فرهنگی کشورهای غربی مانند نگه‌داری از حیوانات خانگی بدون توجه به مسئولیت‌های اجتماعی و قانونی این رفتار، منجر به افزایش خطر ابتلای انسان به بیماری‌های عفونی منتقله توسط این حیوانات شده است

۱- برخی بیماری‌های گرمی قابل انتقال از سگ
۱-۱- /کینوکوکوس گرانولوزوس

در روایات اسلامی تأکید شده است. لازم به ذکر است که غذاهای فاسد و آلوده خود باعث ایجاد بیماری در سگ گشته و این بیماری‌ها قابل سرایت به انسان می‌باشد پس رعایت حقوق حیوانات که در قرآن و اسلام بیان شده خود به گونه‌ای دیگر در جهت حفظ سلامت انسان نیز می‌باشد. در کتب فقهی آمده است: اگر شخصی، به مقدار وضو گرفتن آب داشته باشد، و بترسد که اگر با آن وضو بگیرد، دچار تشنگی شود، بر او واجب است که تیمم کند و آب را برای نوشیدن نگهدارد. صاحب جواهر (قدس سره)، پس از نقل این فتوا می‌نویسد: «و کذا الحيوان اذا كان كذلك وان كان كلباً» (نجفی، ج ۵/ ص ۱۱۴) اگر از تشنگی حیوانی نیز بترسد، حکم همین است، گرچه آن حیوان، سگ باشد. شهید ثانی در بحث اطعمه و اشربه کتاب مسالک، می‌نویسد: «و لو كان للانسان كلب غير عقور جائع و شاة فعليه اطعام الشاة» (شهید ثانی، ج ۲/ ص ۲۵۰) (اگر انسان، دارای سگ - بی‌آزار- و گوسفندی گرسنه باشد، بر او واجب است تا گوسفند را آب و علف دهد). یعنی نجات گوسفند بر سگ اولویت دارد. صاحب جواهر، در این حکم به شهید ثانی ایراد گرفته و می‌گوید: «فیه منع، بل قد يقال باولوية الكلب لامكان ذبح الشاة بخلاف الكلب» (جواهر الکلام، ج ۳۶/ ص ۴۳۷) (حفظ جان سگ اولویت دارد. زیرا می‌توان گوسفند را سر برید؛ ولی این کار، در مورد سگ ممکن نیست). کلام این دو فقیه، گویای واجب بودن حفظ جان حیوان حتی سگ است، هرچند در این مورد اختلاف بر سر این است که حفظ حیات کدامیک اولویت دارد (جعفری، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۱۹-۱۱۸). که بازهم دلالت بر حرام گوشت بودن سگ دارد. اگر فقهای اسلام در نظرات فقهی خود این‌گونه حقوق حیوانات حتی سگ را در نظر می‌گیرند، بخاطر این است که



توکسوکار یازیس یک بیماری انگلی و مشترک بین انسان و دام است که توسط گونه‌های توکسوکارا و توکساسکاریس ایجاد می‌شود و در سگ‌ها شایع است محل زندگی کرم بالغ، روده‌ی سگ است، از این رو به عنوان منبعی برای انتشار عفونت در نظر گرفته می‌شود (Lötsch ۲۰۱۷). با خوردن تخم‌های حاوی جنین توسط میزبان دیگر، لاروها ظاهر می‌شوند و به مخاط روده حمله می‌کنند، سپس از طریق احشایی مانند ریه‌ها، کبد و کلیه‌ها مهاجرت می‌کنند (Macpherson ۲۰۱۳). نوزاد در روده آزاد شده و پس از نفوذ به عروق مخاطی همراه با خون به اندام‌های مختلف مهاجرت می‌کند. با این‌که نوزاد این انگل در بدن انسان بالغ نمی‌شود و در نهایت از بین می‌رود، ولی استقرار آن در اندام‌ها منجر به تحریک و التهاب بافت و بروز نشانه‌ها و علائم می‌گردد. کبد، ریه و سیستم اعصاب مرکزی بیش از سایر اندام‌های بدن تحت تأثیر این انگل قرار می‌گیرند. عفونت انسان با بلعیدن تصادفی تخم و به میزان کمتری از طریق بلعیدن میزبان‌های پارانتیک از جمله مرغ، گاو، بره، خوک و کرم خاکی اتفاق می‌افتد (Strube ۲۰۱۳). (۲۰۱۳) (Akao ۲۰۰۷). دو شکل عمده‌ی این بیماری وجود دارد: الف. شکل چشمی: توکسوکار یازیس می‌تواند منجر به بیماری‌های چشمی شود که در نهایت به کوری می‌انجامد. شکل چشمی زمانی ایجاد می‌شود که انسان یا حیوان تخم انگل را بلعد. هر ساله حدود ۷۰۰ نفر از کودکان مبتلا به شکل چشمی توکسوکار یازیس، بینایی خود را از دست می‌دهند. (Woodhall ۲۰۱۴). ب. شکل احشایی: تخم بلعیده شده در روده به لارو تبدیل شده در داخل بدن شروع به مهاجرت می‌کنند، اما به کرم‌های بالغ تبدیل نمی‌شوند. از این رو، آنها

کیست هیداتیک یک عفونت انگلی مشترک انسان و دام است که در اثر مرحله لاروی اکینوکوکوس گرانولوزوس ایجاد می‌شود. و یکی از مهم‌ترین عوامل بیماری‌زای منتقله از سگ در انسان است. کیست هیداتیک کیسه‌ای آبکی حاوی مرحله‌ی نوزادی انگل است که امکان ایجاد آن در اعضای مختلف بدن وجود دارد. بسته به این‌که در ریه، کبد، مغز یا هر بافت دیگری ایجاد شده باشند قادر به بروز عوارض مختلفی هستند و برای برداشتن آن‌ها نیاز به عمل جراحی است و عمدتاً کبد (۸۰٪) و ریه (۱۵٪) را گرفتار می‌کند. راه انتقال این بیماری از طریق دست آلوده به مدفوع سگ و خوردن آبو مواد غذایی است که به وسیله‌ی مدفوع حیوان بیمار، آلوده شده باشد. علی‌رغم شایع بودن کیست هیداتیک در انسان، بروز آن در استخوان و قلب نادر است. گزارشاتی مبنی بر وجود کیست در استخوان ران و قلب در ایران از حلیمی و جودتی وجود دارد (جودتی ۱۳۸۱) (حلیمی ۱۳۹۰). در ازبکستان در ۱۴ بیمارستان، ۸۱۴۴ بیمار در طی سالهای ۲۰۰۲-۲۰۱۰ عمل جراحی برداشتن یا تخلیه کیست هیداتیکرا انجام داده اند (Sung ۲۰۱۳). در رابطه با میزان شیوع آلودگی افراد در ایران هنوز آمار دقیقی وجود ندارد (Norjah ۱۹۸۸). در ایران این بیماری در دام‌های اهلی شایع است و عفونت انسانی از مناطق مختلف کشور گزارش شده است (Alvarezrojas ۲۰۱۴) (Scott ۱۹۹۷) (Rostaminejad ۲۰۱۲). نتایج برخی از مطالعات حاکی از بیماری‌زاتر بودن برخی از سویه‌ها برای انسان نسبت به سایر سویه‌ها می‌باشد (McManus ۱۹۸۶).
۱-۲- توکسوکارا:



در بین افراد ۵ تا ۱۵ ساله مبتلا به آسم در شهر اراک ۱/۸ درصد است (Mosayebi ۲۰۱۶). نتایج متاآنالیز وفا اصلاحی میزان شیوع قابل توجهی از توکسوکارا و توکساسکاریس، به ویژه در گربه‌ها و سگ‌های مناطق شمالی ایران را نشان می‌دهد (Vafae Eslahi ۲۰۲۰). باید توجه داشت که انگل زئونوز بوده و بین جمعیت انسان و حیوان قابل انتقال است در ایالات متحده تخمین زده می‌شود که سالانه هزار مورد از آلودگی در انسان مشاهده می‌شود (Neo ۲۰۱۷).

۱-۳-۱ تکیلوستوما:

بیماری دیگری که از دسته انگل‌های کرمی می‌تواند از طریق سگ‌ها انسان را درگیر کند کرم‌های قلابدار هستند لارو مهاجر پوستی نوعی بیماری پوستی خود محدود شونده است و عامل آن کرم‌های گردی است که در حالت عادی انسان را آلوده نمی‌کند و انسان میزبان تصادفی است شایع‌ترین علت آن *Ankylostoma braziliensis* کرم قلابدار سگ و گربه است.

۲-۳-۱ تک‌یاخته خونی

: *لشمانیا* به عنوان تک‌یاخته نسجی از اهمیت بهداشتی بالایی در پزشکی و دامپزشکی برخوردار است. این انگل به وسیله پشه‌های خاکی فلботومیینه به میزبان‌های حساس منتقل می‌شود بر اساس گزارش سازمان بهداشت جهانی سالانه بیش از دو بیست میلیون از جمعیت جهان در معرض ابتلا به بیماری هستند. سگ‌ها مخزن اصلی *لشمانیا اینفانتوم* عامل *لشمانیای* احشایی بوده و یکی از عوامل مهم چرخه انتقال

مجموعه‌ای از سندرم‌های VLM، NLM و OLM و همچنین عفونت پنهان را به وجود آورده و باعث تحریک سایر نقاط می‌شوند (Zibaei ۲۰۱۴) لارو توکسوکارا می‌تواند باعث ایجاد بیش از حد ائوزینوفیلی و درگیری‌های آلرژیک شود (Badri ۲۰۱۴) (de Ruiter ۲۰۱۷). بارزترین علائم این بیماری تب نامنظم، بزرگی کبد و ائوزینوفیلی شدید می‌باشد. سایر علائم به محل استقرار نهایی انگل بستگی دارد. به عنوان مثال، علائم تنفسی (شبهه به حمله آسم) در زمان استقرار انگل در ریه و علائم عصبی در زمان استقرار انگل در سیستم عصبی بروز خواهد کرد (Despommier ۲۰۰۳).

اگرچه نادر است اما توکسوکاریازیس مرتبط با قلب VLM، یک عارضه جدی و تهدید کننده زندگی است که در سال‌های اخیر مورد تأکید قرار گرفته است (Zibaei ۲۰۱۷). بسیاری از افراد آلوده علائم غیر اختصاصی مانند سرفه و تنگی نفس را همراه با و گرانولوم ائوزینوفیلیک کبد نشان می‌دهند (Macpherson ۲۰۱۳) (Badri ۲۰۱۴). این انگل در خانم‌هایی که به خصوص برای اولین بار باردار می‌شوند، می‌تواند منجر به سقط جنین یا زایمان نارس شود. به دنبال عفونت توکساسکاریس در سگ‌ها هیچ علامت قابل توجهی دیده نمی‌شود و معمولاً وجود انگل را به خوبی تحمل می‌کنند (Lee ۲۰۱۴) (Lötsch ۲۰۱۷). دستورالعمل قطعی برای درمان این انگل وجود ندارد، (Despommier ۲۰۰۳) مطالعات در ایران میزان آلودگی خاک پارک‌ها به انگل مذکور را بین حداقل ۳/۹ درصد (ارومیه) و حداکثر ۶۳/۳ درصد (خرم آباد) گزارش نموده است (Tavassoli ۲۰۰۸) (Mohamadi ۲۰۱۶) (Zibaei ۲۰۱۰). از طرفی، نتایج یک مطالعه سرولوژیکی نشان داد که شیوع توکسوکاریازیس



که دچار نقص سیستم ایمنی هستند خطر بزرگتری محسوب می‌شود. در مطالعه کاکه خانی، نمونه‌های مدفوعی که به‌طور مستقیم از رکتوم ۱۱۲ قلاده سگ ولگرد در استان ایلام جمع آوری شدند، ۴۱/۰۷ درصد آلودگی به انگل‌های تک‌یاخته‌ای را نشان دادند. فراوانی میزان آلودگی به *ژیاردیا* ۱۸/۷۵ درصد، *آیزوسپورا* ۱۵/۱۷ درصد و کریپتوسپوریدیوم ۷/۱۴ درصد بود (کاکه خانی ۱۳۹۰). در مطالعه ۳۰۵ نمونه مدفوع از سگ‌های خانگی تهران ارجاع داده شده به درمانگاه دام‌های کوچک دانشکده دامپزشکی تهران از لحاظ آلودگی به انگل‌های گوارشی ۲۱/۳۱ درصد به حداقل یک انگل تک‌یاخته‌ای و با کرمی آلوده بوده‌اند (دیلمی اصل ۱۳۸۰).

۳- برخی بندپایان قابل انتقال از طریق سگ به انسان

۳-۱- کک:

کک‌ها بندپایانی خون‌خوار هستند و حرکات جهشی سریع دارند. کک‌ها روی کف لانه یا بستر تخم می‌گذارند و تخم‌ها در عرض ۲ تا ۳ هفته به کک‌های بالغ تبدیل می‌شوند. کک سگ (*Ctenocephalides canis*) به عنوان میزبان واسط برای لارو، یک کرم نواری شایع به نام *دیپلیدیوم کانینوم* عمل می‌کند. کک‌ها میزبان اختصاصی قطعی ندارند و می‌توانند از دیگر میزبانان نیز تغذیه کنند کک سگ می‌تواند باعث گزش شدید صاحب حیوان نیز بشود. جالب است که بدانید کک انسان یا همان پولکس *ایریتانس* (*pulex irritans*) روی بدن سگ نیز زندگی می‌کند. مجاورت سگ‌ها با مجامع انسانی باعث می‌شود که انگل‌های خارجی به راحتی منتقل شده و از میزبان‌های انسانی تغذیه شوند. با توجه به طبیعت خونخوار کک قادر به انتقال عوامل بیماری‌زا از حیوان به حیوان یا

بیماری به انسان محسوب می‌گردد (Dantas-Torres ۲۰۰۷).

لیشمانیازیس احشایی از مهمترین بیماری‌های زئونوز کشور ایران بشمار می‌آید. این بیماری در سگ‌های مناطق شمال غرب و جنوب کشور گزارش شده است. در این مناطق علاوه بر آلودگی سگ‌های ولگرد، سگ‌های خانگی به ظاهر سالم می‌توانند بدون نشان دادن علائم آلوده شوند بر اساس نتایج حاصله از مطالعه ۱۱۲ قلاده سگ از ۲۴ قلاده سگ‌های دارای علائم بالینی، ۸۳/۳٪ و از ۸۸ قلاده سگ فاقد علائم ۱۸/۶٪ از نظر لیشمانیا مثبت بودند (Molaei ۲۰۱۶). سگ‌های فاقد علائم همانند سگ‌های علامت‌دار قادر به نگهداری عفونت لیشمانیا اینفانتوم بوده و می‌توانند در برقراری چرخه انتقال بیماری در مناطق اندمیک، نقش داشته باشند.

۲-۲- تک‌یاخته‌های مدفوعی:

انگل‌های تک‌یاخته‌ای *ژیاردیا*، *انتاموبیا*، *آیزوسپورا* و کریپتوسپوریدیوم به عنوان عوامل بیماری‌زای مهم هستند که رنج وسیعی از حیوانات و انسان را آلوده می‌کنند و سبب اسهال در انسان و حیوانات می‌شوند. این تک‌یاخته‌ها مسئول شیوع بیماری‌ها اپیدمیک در بخش‌های وسیعی از جهان هستند. آلودگی به انگل‌های تک‌یاخته‌ای روده‌ای در سگ در تمام سنین رایج است اما در توله‌ها بیشتر است. انگل‌های تک‌یاخته‌ای زئونوز سگ هم رایج و هم حائز اهمیت هستند چرا که می‌توانند سبب بیماری‌های جدی در انسان شوند گرچه افراد در سنین مختلف در معرض خطر آلودگی به این تک‌یاخته‌ها قرار دارند، اما آلودگی به این تک‌یاخته‌ها برای بچه‌ها و افرادی



شپش گزنده *تری‌کودکتس کانیس* (*Trichodectes canis*) شپش باعث خارش شدید و پوسته پوسته شدن پوست می‌گردد. این موجودات با تماس مستقیم منتقل می‌شوند. تخم‌های شپش به موهای بدن می‌چسبند و لاروهای آن نیز در همان جا از تخم خارج می‌گردند. پوسته‌های ناشی از شپش‌های جویده باعث آلرژی‌های شدید در افراد می‌گردد.

۳-۳- جرب:

بیماری ناشی از جرب *سارکوپتیس اسکابی* یک بیماری انگلی بسیار خارش‌دار است (Guaguère ۲۰۰۸). این بیماری معمولاً سگ‌های خانگی، به ویژه حیوانات جوان را با توزیع جهانی درگیر می‌کند. بسیار مسری بوده و مشترک بین انسان و دام است. نیمی از سگ‌ها و تا ۵۰٪ از همراهان انسانی آن‌ها پس از تماس با سگ‌های آلوده می‌توانند دچار ضایعات پوستی شوند (Russell ۲۰۱۳). جرب *سارکوپتیس* در سطح یا داخل لایه شاخی پوست سگ وارد شده و با حفر تونل در پوست در آنجا زندگی و تخم‌ریزی می‌نماید. این جرب باعث خارش شدید حیوان شده و به این علت به آن جرب خارشی نیز می‌گویند. *سارکوپتیس* در بیشتر موارد از طریق تماس مستقیم سگ آلوده به حیوان سالم انتقال پیدا کرده و بعد از گذشت حدود ۳ هفته علائم بیماری پدیدار می‌شود. خوشبختانه، جرب‌ها نمی‌توانند در پوست انسان تولیدمثل کنند و انسان‌ها یک نوع میزبان بن‌بست برای این جرب‌ها هستند، که معمولاً فقط در بعضی از قسمت‌های بدن آنها واکنش اریتماتیک و پوستی ایجاد می‌کند (Miller ۲۰۱۳).

۳-۴- کنه:

کنه‌ها بندپایان با توانایی خون‌خواری از روی انسان و حیوان می‌باشند که نه تنها در انتقال

حیوان به انسان دیگر هستند و از این رو به عنوان پاتوژن مشترک انسان و دام در نظر گرفته می‌شوند. در ضمن کک‌ها این توانایی را دارند که ناقل بیماری‌هایی از جمله طاعون، تیفوس و تولارمی باشند بنابراین، شناسایی کک‌ها ضروری است. *Ctenocephalides orientis* در *Ctenocephalides felis orientis* میان سگ‌ها در کشورهای آسیایی مانند هند، مالزی و تایلند شیوع دارد (Changbunjong ۲۰۰۹).

آلودگی سگ‌ها به کک برای کنترل پیشگیری از بیماری‌های منتقله از کک در سگ‌ها برای انسان مهم است. کک‌های *کتنوسفالیدس*، به ویژه *C. felis* شناخته شده در انتقال انواع پاتوژن‌های مشترک انسان و دام مانند *Bartonella Bartonella* و *B. B. clarridgeiae henselae* *Rickettsia typhi quintana* و *Rickettsia felis* است که، در انسان، می‌تواند باعث بیماری تب خالدار، خراش گریه، آندوکاردیت و ... شود (Azad ۱۹۹۸) (Bitam ۲۰۰۶).

در مطالعه‌ای روی ۳۰ فرد آلوده به علائم گزش حدود ۵۰ کک جمع‌آوری شد. بر اساس نتایج از ۵۰ کک جمع‌آوری شده از افراد آلوده ۸۶٪ به عنوان *کتنوسفالیدس کنیس* و ۱۴٪ به عنوان *پولکس ایریتانس* شناخته شدند (Bahrami ۲۰۱۶). باکتری *Yersinia pestis* می‌تواند از طریق مسیرهای انتقال متعدد در جمعیت انسان گسترش یابد. امروزه، بیشتر موارد طاعون انسانی بوبونیک است که در اثر گزش کک‌های آلوده از جوندگان منتقل می‌شود (Katharine ۲۰۱۸).

۳-۳- شپش:

سگ به دو گونه از شپش‌ها مبتلا می‌شود: یک شپش مکنده *لینوگناتوس پیلیروس* (*linognathus piliferus*) و



از مجموع 60 نمونه مدفوع سگ، 18 مورد (30 درصد) آلوده به کمپیلوباکتر بودند که از این میان کمپیلوباکتر ژژرونی 8.33 درصد (5 مورد) از آلودگی‌ها را به خود اختصاص داد (محمد زاده ۱۳۹۱).

گاستروآنتریت از جمله بیماری‌هایی است که در تمام دنیا شایع بوده و یکی از معضلات بهداشتی اکثر جوامع می‌باشد و همه ساله موجب زیان‌های جبران ناپذیر اقتصادی و تلفات انسانی می‌گردد. در هر سال حدود 2 میلیون موارد منتهی به مرگ به علت ابتلا به اسهال اتفاق می‌افتد که سالمونلا، شیگلا و کمپیلوباکتر سه عامل شایع اسهال‌های باکتریایی در سراسر جهان هستند (فیض آبادی ۱۳۸۴). انتقال این باکتری از راه‌های مختلف به انسان مانند آلوده شدن دست در اثر تماس با مدفوع حیوانات خانگی، خوردن گوشت و محصولات لبنی آلوده و مصرف آب آلوده و تماس‌های شغلی صورت می‌گیرد تماس با حیوانات خانگی از جمله سگ‌های اهلی یکی از راه‌های انتقال این میکرو ارگانیسم است. اهمیت این نوع انتقال زمانی زیاد می‌شود که سگ‌های بدون علائم بالینی، حامل این باکتری باشند (Kim ۲۰۰۹). تب کیو یک بیماری مشترک با گسترش جهانی است که توسط باکتری گرم منفی، میله‌ای و داخل سلولی اجباری به نام کوکسیلا بورتتی ایجاد می‌شود. با توجه به اهمیت بیماری‌های مشترک و لزوم اطلاع رسانی و ارتقای سطح آگاهی جامعه از آن‌ها و همچنین با توجه به این که سگ به عنوان مخزن بیماری لایم و تب کیو مطرح می‌باشد و حتی برخی از کارشناسان بهداشتی معتقدند که سگ به عنوان نگهبان این دو بیماری برای انسان مطرح است و برای تعیین ظهور بیماری در انسان در یک منطقه

عوامل بیماری‌زا دخالت دارند بلکه با تزریق بزاق خود هنگام تغذیه از روی میزبان، می‌توانند سبب آزار و اذیت و عوارضی همچون واکنش‌های پوستی، آلرژی، شوک آنافیلاکسی و حتی فلج کنه‌ایی در میزبان خود گردند. آلودگی با کنه‌ها ممکن است با علائمی همچون خارش، درد و تحریک محل گزش نیز همراه باشد (کرمی ۱۳۹۷). ریپی سفالوس سنگوئینوس مهمترین کنه سگ است اما هیالوماها، ایکسودس، همافیزالیس و درماستور هم از روی سگ‌ها جدا شده است. کنه‌ها توانایی انتقال بیماری‌های نظیر لایم، تب کوه‌های راک، تب کنه‌ای کلرادو، بابزیوز، بوریلیا، تولارمی، ارلشیوز، راش، تب راجعه، آناپلاسموز، ویروس پوواسان، ریکتزیوز، ویروس هارتلند و تب کریمه کنگو را دارا می‌باشند. برخی از این بیماری‌ها به شدت خطرناک و گاهی کشنده است.

۴- برخی باکتری‌های قابل انتقال از طریق سگ

کمپیلوباکتر، سالمونلا، یرسینیا، کوکسیلا بورتتی، کلسترییدیوم دیفیسیل و اشریشیاکلی کمپیلوباکتریوزیس بیماری مشترک بین انسان و دام محسوب می‌شود در طی 30 سال گذشته، کمپیلوباکتر به عنوان شایع‌ترین عامل باکتریال گاستروآنتریت انسان در کشورهای توسعه یافته مطرح بوده است. در این میان سگ‌ها به عنوان ناقلین بدون علامت، نقش مهمی در انتقال این باکتری به انسان دارند. به همین دلیل و با توجه به مشکلات جداسازی باکتری تشخیص سریع و دقیق حیوانات آلوده مهم است (محزونیه ۱۳۹۲). در مطالعه‌ای که با نمونه‌گیری از مدفوع 60 سگ سالم خانگی در شهر کرد انجام گرفت. بعد از استخراج DNA از نمونه‌های مدفوع و سپس با تکنیک PCR گونه کمپیلوباکتر ژژرونی که در انسان بسیار بیماری‌زاست شناسایی شد.



حامل عوامل بیماری‌های مشترک دستگاه گوارش هستند که می‌توانند به صاحبانشان منتقل شوند. (هاشمی ۱۳۹۴). در پژوهش میر ۲۵۰ سگ روستایی فاقد علائم بالینی ۵۸ ایزوله سالمونلا از ۲۵۰ نمونه سواب رکتال تعیین هویت گردید. جداسازی سویه‌های زئونوتیک سالمونلا از سگ‌های فاقد علائم بالینی، آن‌ها را به عنوان یکی از خطرناکترین عوامل انتشار باکتری سالمونلا در محیط و خطری برای بهداشت عمومی و سلامت حیوانات معرفی می‌کند (میر ۱۳۹۷). در تحقیقی روی ۸۰ قلاده سگ خانگی پس از بررسی باکتريولوژیک چهار باکتری اشریشیاکلی و کلستریدیوم و کمپیلوباکتر و سالمونلا از نمونه‌ها جدا گردید که از مجموع ۸۰ قلاده سگ ۲۱/۲۵ درصد مبتلا به سالمونلا و ۸/۷۵ درصد مبتلا به کلستریدیوم و ۲۶/۲۵ درصد مبتلا به کمپیلوباکتر و ۴۳/۷۵ درصد مبتلا به اشریشیاکلی بودند (پورمیربلوک جلالی ۱۳۸۸).

کلستریدیوم دیفیسیل باکتری گرم مثبت تولید کننده توکسینی است که عامل بیماری‌زای مهم روده‌ای در حیوانات و انسان می‌باشد و منجر به مشکلات گوارشی مثل آنتریت، درد شکمی، تب و اسهال می‌شود در بررسی ۱۵۱ نمونه از مدفوع سگ‌ها ۱۲ نمونه کلستریدیوم دیفیسیل جدا شد (قویدل ۱۳۹۵).

۵- بیماری ویروسی قابل انتقال از طریق سگ

بیماری‌های یکی از خطرناکترین بیماری‌های ویروسی مشترک بین انسان و حیوان می‌باشد. بیماری‌های با میزان کشندگی بالا، دارای اهمیت می‌باشد. عامل بیماری‌های یک ویروسی از خانواده رابدو ویریده و جنس لیسا ویروس است که از طریق تماس با بزاق در گاز

بایستی پایش شود (Joppert ۲۰۰۱) اما مطالعات اندکی در ایران در این زمینه انجام شده است (بشیری‌بد و همکاران ۱۳۸۷) (حنیفه و همکاران ۱۳۹۲) کوکسیلا بورنتی عامل تب کیو است که بیش از ۴۰ گونه کنه در انتقال آن نقش دارند مهم‌ترین راه آلودگی در انسان از طریق استنشاق آئروسول‌های آلوده به کوکسیلا بورنتی در شیر، مدفوع، ادرار و ترشحات زایمانی نشخوارکنندگان آلوده است (Khalili 2011). بیماری سالمونلوز با گسترش بالای جهانی، یکی از مهم‌ترین بیماری‌های زئونوتیک انسان و حیوانات می‌باشد. مدفوع تقریباً همه حیوانات از قبیل سگ ممکن است به عنوان یک منبع بالقوه عفونت سالمونلا در انسان و حتی دیگر حیوانات باشد. با توجه به افزایش نگهداری سگ در میان مردم، به ویژه کسانی که در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، خطر افزایش انتقال عفونت سالمونلا به انسان وجود دارد. این ارگانیزم از راه غذای آلوده یا مدفوع و بزاق حیوان بیمار منتقل می‌شود. مدفوع یا بزاق دهان سگ بیمار، تا مدت‌ها بعد بیمار شدن سگ، عفونت سالمونلا را منتقل می‌کند. سگ‌های روستایی ممکن است به مدت طولانی بدون بروز هیچ علائمی حامل سروتیپ‌های مختلف سالمونلا باشند (نمرودی ۱۳۹۵).

با توجه به نتایج مطالعه هاشمی در سگ و گربه‌های به ظاهر سالم در شهر تهران میزان شیوع یرسینیا و سالمونلا در ۸ تا ۲۲ درصد از حیوانات خانگی بدون هیچ گونه علائم بالینی تشخیص داده شد. مواد غذایی آلوده حیوانات ممکن است منبع اصلی عفونت باشد. حیوانات خانگی مانند گربه و سگ منبع بالقوه انتقال آلودگی به انسان، به ویژه کودکان هستند. آنها



نجات می دهد (تاج بخش ۱۳۸۶). پس از طی دوره نهفتگی اولین علامت بیماری تغییر در رفتار و عادات حیوان می باشد. به گونه‌ای که حیوان بیش از اندازه به صاحب خود انس می گیرد و به گوشه‌ای پناه می برد و یا در بیشتر مواقع حیوان مضطرب و کم کم به صورت وحشی و درنده درآمده و به هر کس و هر حیوان که سر راه او باشد حمله می کند حیوان غذای خود را به خوبی نمی خورد، به تدریج اندام هایش فلج می شود و پریشان و مضطرب می گردد دهانش باز و از آن کف خارج می شود و از آب و نور می ترسد و به علت عدم امکان بلع بر اثر گرسنگی تشنگی و سرانجام بر اثر فلج دستگاه تنفسی می میرد. مهمترین عوامل بیماری زای بیان شده در بالا به اختصار در جدول ۱ ذکر گردیده است.

گرفتن چنگ زدن، نسوج مخاطی، تنفس، جفت، وسایل آلوده و پیوند اعضا انتقال می یابد. این بیماری یک سندرم حاد و کشنده ویروسی غالباً با اشکال تحریکی یا سندرم فلجی می باشد این بیماری در کشور ما به شکل بومی وجود دارد و سالانه بیش از پنجاه هزار نفر به علت گزش حیوانات مشکوک به هاری تحت درمان ضد هاری قرار می گیرند (سیمانی ۱۳۸۱). در مورد هاری و سگ هار، پزشکان بزرگ ایران مطالب زیادی نوشته و کشفیات و ابداعات جالبی داشته اند، رازی، خوارزمی، اخوینی بخارایی، ابن سینا، جرجانی و غیره نشانی های بیماری را به خوبی شرح داده و در مواردی درمان هایی را ذکر کرده اند. باید گفت به طور طبیعی تنها نیمی از کسانی که به وسیله سگ هار گزیده شده اند به هاری مبتلا می شوند و بقیه را دستگاه ایمنی بدن

جدول ۱: برخی از عوامل بیماری های مهم منتقله از طریق سگ به انسان

مهم ترین کرم های منتقله توسط سگ		اکینوکوکوس گرانولوزوس (کیست هیک)		توکساکارا کتی	توکساکاس	مهم ترین انگلیس توکسوما کتینوم	
مهم ترین تک یاخته های منتقله توسط سگ		لشمانیا		کریپتوسپورید یوم	انتاموبا	ایزوسپورا	
مهم ترین بندپایان منتقله توسط سگ		کتوسفالیدس		سارکوتیس اسکابی		کلیه کنه ها	
مهم ترین باکتری های منتقله توسط سگ		کمپیلوباکتر		اشریشیا کولی	کوکسیلا پورتنی	سالمونلا	
مهم ترین ویروس های منتقله توسط سگ		هاری				پشه ها	

نتیجه گیری:

تقریباً تمامی ادیان الهی به دوری از تماس با سگ به انحاء مختلف اشاره دارند و از واژه ی نجاست سگ بهره می برند. سگ در دیدگاه اسلام چه از نگاه اهل سنت و چه شیعیان همانند سایر ادیان الهی است امروزه علم هم همین هشدارها را در تماس با سگ مدنظر دارد چرا که هر نوع رابطه با آن منشا انواع خاصی از بیماری هاست. در سال های اخیر، تعداد سگ و گربه محیط

پیرامون انسان در کشور ما افزایش یافته و به تبع آن میزان آلودگی خاک به اجرام بیماری زا از جمله تخم توکسوکارا و اکینوکوس نیز افزایش پیدا کرده است. پیامد این پدیده افزایش شانس تماس و آلودگی انسان به تخم این انگل ها و ابتلا به بیماری توکسوکاریازیس و کیست هیداتیکاست. با توجه به شیوع نسبتاً زیاد انگل توکسوکارا در بین سگ و گربه در ایران، لزوم توجه به بیماری ناشی از این انگل



بیماری‌های ویروسی و باکتریایی مختلف که اشاره شد می‌داند. بسیار در اسلام توصیه شده که ظرفی که سگ از آن استفاده کرده باید شستشو داده شود و بدون شستن برای استفاده‌ی انسان قابل بهره‌برداری نیست. و علم عدم توجه به این نکات بهداشتی را عامل بیماری‌های نظیر سالمونلا، هاری و گاستروانتریتی می‌داند. اسلام همچنین، از خوردن دم‌خورده سگ نهی می‌کند و علم بی توجهی به آن را عامل بیماری هاری برمی‌شمرد.

در اسلام به حفظ حقوق سگ تاکید شده تا مسلمانان با رسیدگی به آب و غذایی و آزار نرساندن به او، او را از آسیب حفظ کنند. و علم، غذاهای فاسد و آلوده را عامل انتقال بیماری‌های سگ به انسان معرفی می‌کنند چرا که؛ غذاهای فاسد حاوی باکتری و یا گوشت و امعا و احشای حاوی کیست هیداتیک است که باعث آلوده شدن سگ و تجدید چرخه بیماری و ابتلای انسان می‌شود.

قرآن به بیماری‌ای اشاره دارد که حالت عطش نامحدود به سگ می‌دهد و علم از آن به بیماری هاری یاد می‌کند که بیماری سگ بوده و قابل انتقال به انسان است. همان‌گونه که در روایات آمده که حالت عطش کاذب به او دست می‌دهد و در هیچ حال سیراب نمی‌شود بیماری هاری در سگ قابل درمان نمی‌باشد.

با علم به نقش دستورات قرآن حداقل در بحث بهداشت فردی و اجتماعی و همچنین در ایمنی طبیعی مقابل بیماری‌های زئونوز منتقله از سگ، توجه به راهکارهای قرآنی برای ایمنی و بهداشت اجتماعی پیشنهاد می‌گردد.

(توکسوکاریازیس) به عنوان یک خطر بالقوه پزشکی و بهداشتی در کشور احساس می‌گردد (اسلامی راد ۱۳۹۷). نتایج یک مطالعه مروری نشان داد که شیوع کلی توکسوکاریازیس انسانی در جمعیت عمومی ایران ۱۵/۸ درصد بوده و این میزان در کشور رو به افزایش است (Abdi ۲۰۱۲).

در اسلام به عدم نزول فرشتگان و کراهت نماز در خانه‌ای که سگ وجود دارد اشاره و در قرآن به عدم همزیستی با سگ مطرح می‌شود. امروزه علم تعدادی بیماری که ارتباط مستقیم با حضور سگ در خانه‌ها و نزدیکی آن به زندگی انسان هاست را تشریح کرده است به عنوان مثال: به وجود آلرژی ناشی از پوسته‌های حاصل از شپش و بیماری لارو مهاجر احشایی تخم حاوی جنین توکسوکارا و توکساکاریس و لارو مهاجر جلدی یا خارش رونده ناشی از آنکیلوستوما کینوم و خارش و اگزمای حاصل از جرب سارکوپتس در سگ اشاره دارد که همگی از سگ‌ها به انسان منتقل می‌شوند و ناشی از همزیستی با سگ است. همچنین وجود تخم‌های کرم اکینووکوس سگ که می‌تواند هم به صورت مستقیم و هم همراه با مواد غذایی وارد بدن انسان شده و مشکلات جدی به وجود آورد مطرح است. تخم‌های کوچک اکینووکوک دفع شده در مدفوع سگ توسط پای سگ یا حتی صاحب سگ وارد محیط خانه و آشپزخانه شده و می‌تواند موجب ابتلای صاحب حیوان و خانواده اش به کیست هیداتیک گردد.

در اسلام به نجاست سگ و شستن دقیق ظرف و بدن و لباس در تماس سگ تصریح شده است. حال آنکه علم بی توجهی به آن‌ها را عامل



منابع

۱. قرآن کریم
۲. عهد قدیم (تورات)
۳. عهد جدید (انجیل مرقس)
۴. عهد جدید (انجیل متی)
۵. اراکی محمدعلی (۱۴۱۵ق): «الطهاره» قم، موسسه در راه حق
۶. اسلامی راد، زهرا (۱۳۹۷): «توکسوکاریازیس: خطر بالقوه بهداشتی در جوامع شهری ایران» مجله دانشگاه علوم پزشکی اراک (ره آورد دانش) خرداد و تیر، دوره ۲۱، شماره ۳، پیاپی ۱۳۲، صفحه ۴-۱
۷. اشتهاوردی علی پناه (۱۴۱۷ق): «مدارک العروه» تهران، دار الاسوه للطباعه و النشر
۸. انصاری مرتضی (۱۴۱۵ق): «المکاسب» قم، المؤتمر العالمی بمناسبه شیخ الانصاری
۹. بشیری بد حسن؛ رهبریان نورینا؛ اسلامی گیتا؛ کاظمیبهرام؛ جنت شریف، ابراهیم؛ محمودی راد، مهناز وهمکاران (۱۳۸۷): «بررسی شیوع کوکسیلا بورنتی در انسان، میزبانان حیوانی و کنه‌های سخت در غرباستان مازندران در سال‌های ۱۳۸۳-۸۴» پژوهش در پزشکی، ۳۲(۳) صفحات: ۲۵۳-۲۵۷
۱۰. پورمیربلوک جلالی ابراهیم، داداش بیگی محمد، اسدپور لیلیا (۱۳۸۸): «جدا سازی باکتری‌ها از سگ‌های بیمار مبتلا به آنتریت هموراژیک و تعیین حساسیت آنتی بیوتیکی» پژوهش‌های بالینی دام‌های بزرگ دامپزشکی، دوره ۳، شماره ۹
۱۱. تاج بخش، حسن (۱۳۸۶) «بیماری هاری در طول تاریخ ایران» مجله تحقیقات دامپزشکی دوره 62، شماره 6، صفحه ۳۳۲-۳۲۹
۱۲. جعفری محمد تقی (۱۳۷۷ش): «رسائل فقهی» تهران، مؤسسه نشر کرامت
۱۳. جودتی احمد رضا، یوسف نیا محمد علی، طباطبایی سید محمدباقر (۱۳۸۱): «گزارش دو مورد جالب و نادر کیست هیداتیک قلب» مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز، سال بیست و چهارم شماره ۲ (پیاپی ۵۴، تابستان) صفحه ۶۷.
۱۴. حسینی عاملی جواد (۱۴۱۹ق) «مفتاح الکرامه»، قم، دفتر انتشارات اسلامی
۱۵. حلیمی منیره، شریعتی کوهبنانی سعیده، ترابی سید باقر، پوراصغری بهروز (۱۳۹۰): «گزارش یک مورد کیست هیداتیک استخوان ران» مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی تبریز، سال سی و سوم شماره ۱ (پیاپی ۹۱، فروردین و اردیبهشت) صفحه ۸۶
۱۶. حنیفه محسن، ملماسی عبدالعلی؛ داودی محمود؛ نیکبخت غلامرضا؛ نبیانصدیقه؛ باهنر علیرضا (۱۳۹۲): «تأثیر فاکتورهای اقلیمی استان‌های ایرانی حاشیه دریای خزر بر بیماری لایم بورلیوزسگ‌ها» مجله تحقیقات دامپزشکی، ۶۸(۱) صفحات ۲۱-۳۰
۱۷. دشتی حسین (۱۳۸۵ش): «معارف و معاریف» تهران، آرایه
۱۸. دلیمی اصل عبدالحسین، مجرد خانقاه سعید، جمشیدی شهرام (۱۳۸۰): «انگل‌های گوارشی سگ‌های خانگی شهر تهران و بررسی میزان آگاهی صاحبان آن‌ها در مورد خطر انتقال آلودگی انگلی سگ به انسان» مجله تحقیقات دامپزشکی دوره ۵۶، شماره ۴ - شماره پیاپی ۱۳۴۵
۱۹. سیمانی سوسن، جنانی علیرضا، امیرخانی عارف، شریفیان جمال، فیاض احمد (۱۳۸۱): «بررسی اپیدمیولوژیک بیماری هاری انسانی در ایران از سال ۱۳۷۴ تا نیمه دوم ۱۳۷۸» بیماری‌های عفونی و گرمسیری ایران، دوره 7، شماره 16، از صفحه ۴۸-۴۲
۲۰. طباطبایی محمد حسین (۱۳۷۸): «ترجمه تفسیر المیزان» محمدباقر موسوی، دفتر انتشارات اسلامی، قم
۲۱. عاملی شیخ حر (۱۴۱۴ق): «وسائل الشیعه» قم، آل البيت
۲۲. عاملی (شهید ثانی) (۱۳۸۱): «مسالك الافهام» قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل بیت
۲۳. فیض آبادی م، دولت آبادی س، سلمانزاده، س، معزاردلان، س، جاراللهی، ع، زالی، م (۱۳۸۴): «بررسی میزان شیوع عفونت‌های کمپیلوباکتریائی در کودکان مبتلا به اسهال در دو بیمارستان تهران و تعیین مقاومت دارویی سویه‌های جدا شده» مجله پژوهشی دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی شهید بهشتی، دوره ۲۹، شماره 3: ۲۱۹-۲۲۴



۲۴. قرآنتی محسن (۱۳۷۴ش): «تفسیر نور» موسسه در راه حق
۲۵. قویدل مهدیس سالاری صدیق حمیده رزم‌یار جمشید (۱۳۹۵): «جداسازی کلستری‌دیوم دیفیسیل و تشخیص مولکولی توکسین‌های دوگانه A و B در مدفوع سگ‌ها» دوره ۱۷، شماره ۴ - شماره پیاپی ۵۷ پاییز صفحه ۲۷۳-۲۷۶
۲۶. کاکه خانسیامک، بهرام‌علی محمد، احمدی اسب چین‌سلمان، زمان دوستیعلی (۱۳۹۰): «مطالعه آلودگی‌های تک‌باخته‌ای (ژیاردیاز، انتامویا، آیزوسپورا و کریپتوسپوری‌دیوم) در سگ‌های ولگرد استان ایلام» دوره ۵، ۳ (۱۹) پاییز - شماره پیاپی ۱۹ پاییز صفحه ۱۳۲۸-۱۳۳۰
۲۷. کریمی محسن، متولی حقی سیدفرزاد، غلامی، علیرضا (۱۳۹۷): «درماتیت ناشی از گزش کنه سخت در انسان» نوین سلامت بهار و تابستان، دوره ۳، شماره ۱؛ از صفحه ۵۲-۴۸
۲۸. کلینی محمد (۱۳۶۵ش): «الکافی» تهران، دار الکتب الاسلامی
۲۹. مجلسی محمدباقر (۱۴۰۳ق): «بحار الأنوار» بیروت، موسسه الوفاء
۳۰. محزونیه محمدرضا، قربانی مهوش، زهرایی صالحی تقی (۱۳۹۲): «شناسایی گونه‌های کمپیلوباکتر در مدفوع سگ‌ها و گربه‌های به ظاهر سالم با استفاده از واکنش زنجیره‌ای پلیمرز چندگانه» M-PCR توبیولوژی مقایسه‌ای، علمی - پژوهشی، سال دهم، زمستان، شماره ۴، ۱۳۹۲، ۱۱۰۱-۱۱۰۶
۳۱. محمدزاده عبدالمجید، حکیمی آلی رضا، شریفی آرام، قربانی مهوش (۱۳۹۱): «بررسی میزان آلودگی سگ‌های خانگی به جنس کمپیلوباکتر با استفاده از تکنیک PCR پژوهش‌های بالینی دام‌های بزرگ (دامپزشکی)، دوره ۶، شماره ۲؛ از صفحه ۲۵ تا صفحه ۳۰
۳۲. مکارم شیرازی ناصر (۱۳۸۰): «تفسیر نمونه» انتشارات امام علی بن ابیطالب (ع)
۳۳. مهدوی ملیحه (۱۳۷۹): «سگ‌دید، رانش اهریمن» کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ص ۴۰
۳۴. میر رضا، راشکی زهرا (۱۳۹۷): بررسی فراوانی و الگوی مقاومت آنتی‌بیوتیکی سالمونلاهای جدا شده از سگ‌های بدون علائم کلینیکی در شهرستان زابل» دوره ۱، شماره ۱ - شماره پیاپی ۱ بهار و تابستان صفحه ۴۴-۵۰
۳۵. نجفی محمدحسن (۱۴۳۲ق): «جواهر الکلام» قم، موسسه نشر اسلامی
۳۶. نمرودیسیمیه، استاجیحیمید، دهمردهمیلاد (۱۳۹۵): «بررسی فراوانی و الگوی مقاومت آنتی‌بیوتیکی سالمونلا در سگ‌های روستایی» مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران جلد ۲۶ شماره ۱۳۵ صفحات ۱۵۷-۱۵۳
۳۷. نیشابوری مسلم (۱۴۱۲ق): «صحیح، قاهره» دار الحدیث
۳۸. هاشمی شبنم، محزونیه محمدرضا، قربانی مهوش (۱۳۹۴): «جداسازی یرسینیا و سالمونلا از سگ و گربه‌های به ظاهر سالم در تهران، ایران زیست‌شناسی میکروارگانیسم‌ها» زمستان، دوره ۴، شماره ۱۶ صفحه ۴۹-۵۴
39. Abdi J, Darabi M, Sayehmiri K (2012): «Epidemiological situation of toxocarasis in Iran meta-analysis and systematic review», *Pakistan journal of biological sciences, PJBS*. 15(22), 1052-5.
40. Akao N, Ohta N (2007): «Toxocarasis in Japan», *Parasitol Int*, 56:87-93.
41. Alvarezrojas CA, Romig T, Lightowlers MW (2014): «E. granulosus sensu lato genotypes infecting humans - review of current knowledge». *Int J Parasitol*, 44, 9-18
42. Azad AF, Beard CB (1998): «Rickettsial pathogens and their arthropod vectors», *Emerg Infect Dis*, 4(2), 179.
43. Badri M, Kiani Z, Faridnia R, Mousavi M, Mehrabi H, Pestechian N (2014): «Effect of Toxocara canis and Toxascaris leonina egg antigens on induction of eosinophilia in animal model», *J Shahrekord Univ Med Sci*, 16(4), 95-9. 12.
44. Bahrami S, Kharrati L, Makki M (2016): «The First Case Report of Human Infestation with Ctenocephalides canis in Behbahan (Khuzestan Province)», *J Ardabil Univ Med Sci*, 16 (3), 317-322.
45. Berrett AN, Erickson LD, Gale SD, Stone A, Brown BL, Hedges DW (2017): «Toxocaraseroprevalence and associated risk factors in the United States», *Am J Trop Med Hyg*. 97(6), 1846-50.3.
46. Bitam I, Parola P, De La Cruz KD, Matsumoto K, Baziz B, Rolain J-M (2006): «First molecular detection of *Rickettsia felis* in fleas from Algeria», *Am J Trop Med Hyg*, 74(4), 532-535.
47. Changbunjong T, Buddhirongawatr R, Suwanpakdee S, Siengsanon J, Yongyuttawichai P, Cheewajorn K (2009): «A survey of ectoparasitic arthropods on domestic animals in Tak Province, Thailand. Southeast Asian», *J Trop Med Public Health*, 40(3), 435.
48. David A and Peter R (1993): «Institutions and Ideologies: A SOAS South Asia Reader (Studies in Asian Topics) 1st Edition»
49. Dantas-Torres (2007): «The role of dogs as reservoirs of *Leishmania* parasites, with emphasis on *Leishmania (Leishmania) infantum* and *Leishmania (Viannia) braziliensis*», *Veterinary Parasitology*, 149, 3-4, 10, 139-146

50. de Ruiter K, Tahapary D, Wammes L, Wiria A, Hamid F, van Lieshout L, et al (2017):« The effect of three-monthly albendazole treatment on Th2 responses:differential effects on IgE and IL-5», *Parasite Immunol*, 39(6),e12428.14.
51. Despommier D(2003):«Toxocariasisclinical aspects, epidemiology, medical ecology, and molecular aspects», *Clinical Microbiology Reviews*, 16(2), 265-72.
52. Guaguère E, Beugnet F (2008):«Parasitic skin conditions, in A Practical Guide to Canine Dermatology», Editors Kalianxis, 179–226.
53. Joppert, A.M.; Hagiwara, M.K. and Yoshinari,N.H (2001):«Borrelia burgdorferi antibodies indogs from Cotia county», São Paulo State,Brazil. *Revista do Instituto de Medicina Tropicalde São Paulo*, 43 (5), 251-255.
54. Katharine R. Dean, Fabienne Krauer, Lars Walløe, Ole Christian Lingjærde, Barbara Bramanti, Nils Chr. Stenseth, and Boris V. SchmidHuman (2018):« ectoparasites and the spread of plague in Europe during the Second PandemicProc Natl Acad Sci », *U S A.Feb 6*, 115(6), 1304–1309.
55. Khalili, M., Shahabi-Nejad, N. & Aflatoonian, M.R (2011):« Q fever a forgotten disease in Iran», *Journal ofKerman University of Medical Sciences*, 18, 93-97
56. Kim, S., Lee, Y.M., Hwang, I.G., Kang, D.H., Woo, G.J., Rhee, M.S (2009):« Eightenrichment broths for the isolation of Campylobacter jejuni from inoculated suspensions and ground pork», *Lett Appl Microbiol*, 49, 620-626.
57. Lee RM, Moore LB, Bottazzi ME, Hotez PJ (2014):« Toxocariasis in North America: asystematic review», *PLoS Negl Trop Dis*, 8(8),e3116.4.
58. Löttsch F, Vingerling R, Spijker R, Grobusch MP (2017):«Toxocariasis in humans inAfrica—a systematic review», *Travel Med Infect Dis*. 20:15–25.6.
59. Macpherson CN (2013):« The epidemiology and public health importance oftoxocariasis: a zoonosis of global importance», *Int J Parasitol*, 43(12–13),999–1008.5.
60. McManus DP, Smyth JD (1986):« Hydatidosischanging cocepts in epidemiology andspeciation», *Parasitol Today*, 2,163-8
61. Miller WH, Griffin CE, Campbell KL, Muller GH (2013):«. Muller and Kirk’s Small Animal Dermatology», 7th edition Elsevier Mosby, St Louis, Missouri, 952.
62. Mohamadi S, Eslamirad Z, Hajihosseini R, Didehdar M (2016):« The Study of Soil Contamination with Toxocara Eggs in Arak Public Parks», *Journal of Arak University of Medical Sciences*, 18(12), 67-73.
63. Molaei S, Dalimi A, Mohebbi M, Zareii Z, Mohamadi B, Akhondi B (2016):« Study of Canine Visceral Leishmaniasis in Symptomatic and Asymptomatic Domestic Dogs in Meshkinshahr City», *Iran. J Ardabil Univ Med Sci*,16 (1) ,105-115.
64. Mosayebi M, Moimi L, Hajihosseini R, Didehdar M, Eslamirad Z (2016):« Detection of Specific Antibody Reactivity to Toxocara Larval Excretory-secretory Antigens in Asthmatic Patients (5-15 Years)», *The Open Microbiology Journal*, 10, 162-7.
65. Neo JPS, Tan BH (2017):« The use of animals as a surveillance tool for monitoringenvironmental health hazards, human health hazards and bioterrorism», *VetMicrobiol*, 203,40–8.2.
66. Norjah N (1988):« Economic losses caused byparasitic liver. Ph.D in ParasitologyThesis Faculty of Public Health», *Tehran University of Medical Sciences*.
67. Rostaminejad M, Jahani S,Cheraghpoor K, NazemalhosseiniimoharadE, Taghipour N, Zali MR (2012):« Hydatid cystprevalence in slaughtered animals aneglected health problem», *Paramed Sci J*,3,25-9.
68. Russell RC, Otranto D, Wall RL (2013):«The Encyclopedia of Medical & Veterinary Entomology, Ed CABI, UK, 429 p.
69. Scott JC, Stefaniak J, Pawlowski ZS,Mcmanus DP(1997):« Molecular genetic analysisof human cystic hydatid cases from Poland:identification of a new genotypic group(G9) of E. granulosus», *Parasitol*, 114,37-43.
70. Strube C, Heuer L, Janecek E (2013):« Toxocara spp. infections in paratenichosts», *Vet Parasitol*, 193(4),375–89.7.
71. Sung-Tae Hong, Yan Jin, Khikmat Anvarov, Abdulkhakim Khadjibaev, Samin Hong, Yusufjon Ahmedov, and Utkir Otaboev (2013):«Infection Status of Hydatid Cysts in Humans and Sheep in Uzbekistan Korean », *J Parasitol*, Jun, 51(3), 383–385.
72. Tavassoli M, Hadian M, Charesaz S, Javadi S (2008):« Toxocara Spp. Eggs in Public Parks of Urmia City, West Azerbaijan Province Iran», *Iranian Journal of Parasitology*, 3(3), 24-9.
73. Vafae Eslahi A , Badri m, KhorshidiA, MajidianiH.r, HooshmandE, HosseiniH, TaghipourA, ForoutanM, PestehchianN, Firoozeh,F Riahi,S M and ZibaeiM (2020):«Prevalence of *Toxocara* and *Toxascaris* infection among human and animals in Iran with meta-analysis approach BMC Infect Dis», *Published online Jan 7*.
74. Woodhall DM, Fiore AE (2014):« Toxocariasis: A Review for Pediatricians», *Journal of the Pediatric Infectious Diseases Society*, 3(2), 154-9.
75. Zibaei M, Abdollahpour F, Birjandi M, Firoozeh F (2010):« Soil contamination with Toxocara spp. eggs in the public parks from three areas of Khorram Abad, Iran», *Nepal Medical College Journal, NMCJ*, 12(2), 63.
76. Zibaei M, Sadjjadi SM, Jahadi-Hosseini SH (2014):« Toxocara catilarvae in the eye of a child: a case report», *Asian Pac J Trop Biomed*, 4(Suppl 1),S53–5.8.
77. Zibaei M (2017): « Helminth infections and cardiovascular diseases:Toxocarasppecies contributing to the disease», *Curr Cardiol Rev*, 2017,13(1),56–62.11.

حقوق حیوانات در آینه فلسفه غرب و قرآن

دکتر اعلی تورانی

دانشیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه الزهرا (س) (نویسنده مسئول: toran@alzahra.ac.ir)

چکیده

مسئله حقوق حیوانات از مسائلی است که به طور مستمر از گذشته علی‌الخصوص در نگاهی دینی و اسلامی تا به امروز که جنبش‌هایی به نام حمایت از حقوق حیوانات را شکل داده است، مورد توجه قرار گرفته است. ب امروزه این موضوع روشن شده است که حیوانات نیز به مانند انسان‌ها از احساس و درک درد و... برخوردارند. در اسلام نیز علاوه بر انسانها، حیوانات از حقوق و جایگاهی برخوردارند. آنچه به طور کلی در نگاهی منصفانه به مسئله حقوق حیوانات به دست می‌آید، آن است که هرچند حیوانات به دلیل فقدان مشخصه عقلانیت نمی‌توانند به عنوان فاعل اخلاقی تلقی شوند، اما به جهت دارا بودن قابلیت درک تجارب مثبت و منفی که به عنوان موضوع اخلاق محسوب می‌شود، به عنوان عضو جامعه‌ی اخلاق که باید مشمول ملاحظات اخلاقی قرار گیرند، شناخته می‌شوند.

واژگان کلیدی: حیوانات، حقوق، اخلاق، علم جدید، قرآن، اسلام

مقدمه

معطوف گردیده است. پژوهش حاضر بر آن است تا جایگاه و حقوق حیوانات را در راستای دیدگاه برخی از متفکرین مغرب زمین و نیز از چشم انداز قرآن کریم بررسی نماید.

برخی از مهم‌ترین رویکردها در بحث اخلاق حیوانات

در نگاهی کلی به بحث حقوق حیوانات، می‌توان از وجود پنج دیدگاه مهم یاد کرد که عبارتند از: ۱- رویکرد تحلیلی که خود شامل دو جریان عمده می‌شود: یکی دفاع از حقوق حیوانات بر مبنای فایده‌گرایی و دوم دفاع از حقوق حیوانات بر مبنای وظیفه‌گرایی. شایان ذکر است که رویکرد تحلیلی متأثر از فلسفه تحلیلی در آمریکا و انگلیس است و بیطرفی، کلیت و عینیت و استدلال و منطق، عناصر اصلی این رویکرد را

مسئله حقوق حیوانات از موضوعاتی است که به ویژه در قرون اخیر از سوی بسیاری از جمله فعالان و جنبش‌های حمایت از حقوق حیوانات مورد توجه قرار گرفته است و در این راستا در حوزه اخلاق کاربردی، شاخه‌ای به نام اخلاق حیوانات که حقوق حیوانات نیز خوانده می‌شود شکل گرفته است. به نحوی که توجه جوامع به این موضوع جلب شده که تنها انسان‌ها نیستند که از حقوق مختلف برخوردارند. برای علم امروز این موضوع روشن شده است که حیوان هم مانند انسان‌ها از احساس و درک امور و... بهره‌مند است. در اسلام نیز علاوه بر انسانها، حیوانات نیز حقوق و جایگاهی دارند. به طوری که در آموزه‌های دینی توجه ویژه‌ای به حقوق حیوانات



نگاهی بر حقوق حیوانات نزد برخی از متفکرین مغرب زمین

سیر در تفکر فلسفه مغرب زمین، وجود آراء متنوع و گوناگون در باب مسئله جایگاه و حقوق حیوانات در میان فیلسوفان را به ما نشان می‌دهد. برای نمونه فیثاغورث در فلسفه یونان باستان به عنوان نخستین فیلسوف مدافع حقوق حیوانات، قائل بود کشتن و خوردن حیوانات مانند هم‌نوع خواری، عملی زشت و وحشیانه است. (عمانی سامانی و بهنام منش، ۱۳۹۱، ش ۲، ص ۲۵). البته به طور کلی تا اواخر قرن هجدهم میلادی از آنجا که نگرش حاکم بر این اصل استوار بود که آنچه یک موجود جاندار را ذی‌حق می‌کند، «دارا بودن عقل و مرتبه وجودی بالا و یا برگزیدگی» است، بر این اساس نگاه فلسفه غرب به حیوانات بسیار بی‌رحمانه بود. چرا که بر اساس دیدگاه ایشان، مثلا در فلسفه ارسطو و رواقیان، معیار صاحب حق بودن عقل است. در نظام کیهان‌شناختی ارسطو، حیوانات در سلسله مراتب وجودی، در پایین جدول قرار دارند و در خدمت مراتب بالای جدول هستند و بدین ترتیب روشن است که با چنین نگاهی، هرگونه بهره‌کشی از حیوانات می‌تواند توجیه پذیرد. بدین ترتیب مشاهده می‌شود که طبق دیدگاه ارسطو، سلسله مراتبی طبیعی تحت عنوان نردبام طبیعت در میان موجودات زنده وجود دارد که بر اساس آن موجودات بر اساس مقدار توانایی‌هایشان دسته بندی می‌شوند. بنابر نگاه او اگرچه سه دسته گیاهان، حیوانات و انسانها هر سه قادر به رشد هستند ولی تنها حیوان و انسان توانایی درک و تجربه ی پاره ای از امور را دارند.

تشکیل می‌دهد. ۲- رویکرد پست مدرن که بر خلاف دیدگاه پیشین بر آن است، بی طرفی و کلیت در مباحث فلسفی ممکن نیست و آدمیان همه معرفت‌شناسی و دیدگاه‌های خود را دارند و همه امور را از آن جهت مشاهده می‌کنند. ایشان بر اساس چنین رویکردی، نه بی طرف هستند و نه در قضاوت‌های خود با ارزش یکسان قضاوت می‌کنند. از طرفداران این دیدگاه کرل آدامز است که بنابر دیدگاه او انسان حیوانات را مانند موجوداتی فاقد ذهنیت و حیات می‌بیند. طبق رویکرد پست مدرن، ما در صحبت‌های خود در مورد حیوانات از کلماتی استفاده می‌کنیم که تنها حاکی از جسم آنهاست. حیوانات نزد غایب هستند و این غیبت نتیجه شیء انگاری آنها است که در حقیقت ما از ارزش ذاتی آنها چشم پوشیده و بیان نمی‌کنیم. ۳- رویکرد پراگماتیستی. این رویکرد بیشتر با جنبه خاص عملی مانند آزمایش حیوانات سر و کار دارد و کمتر واجد وجهه فلسفی است. در مقایسه دیدگاه اخیر با دو دیدگاه پیشین باید گفت، دو رویکرد تحلیلی و پست مدرن، تولید گوشت را مجاز نمی‌دانستند اما نظریه پراگماتیستی آن را جایز می‌خواند و صرفا تأکید بر این مسئله دارد که روند تولید گوشت و ذبح حیوانات به نحو مطلوب و معقول صورت گیرد و تا جای ممکن بیشترین رفاه برای حیوانات فراهم شود. ۴- رویکرد الهیاتی. در این رویکرد سعی بر آن است، با بهره گیری از متون مقدس، مبانی نظری حمایت از حیوانات فراهم شود. (جاهد، ۱۳۹۲، ش ۱۰، ص ۱۶۳ و ۱۶۵).



مکانیکی تنزل یافته‌اند؛ به بیان روشن تر از نگاه او حیوانات روح ندارند و درد و لذت را درک نمی‌کنند و آنها در واقع ماشین هستند. و همانطور که شکستن قطعات یک ماشین دردی برای آن ماشین ایجاد نمی‌کند، جدا کردن بخشی از بدن حیوان نیز رنجی بر ایشان تحمیل نمی‌سازد. (جاهد، ۱۳۹۲، ش ۱۰، ص ۱۷۳). بدین ترتیب نکته مهمی که در اینجا وجود دارد، آن است که از جمله نظرات مهم دکارت، اعتقاد به فقدان آگاهی، علاقه و احساس کامیابی در حیوانات بوده است که این نگاه او منجر به رویکرد اخلاقی بودن هر نوع استفاده از حیوانات گردیده است. (بیدکی و رضائیان، ۱۳۹۱، ص ۵۷۷). شایان ذکر است که در جهت مخالف دیدگاه مذکور، رویکرد دیگری وجود دارد که بر اساس آن حیوانات واجد احساس درد و لذت هستند و در کارهایشان رفتار خاصی را دنبال می‌کنند. به عبارت دیگر مخالفان نظریه دکارت توسط استدلال و از طریق مشابهت ثابت کردند که حیوانات و انسان‌ها در سه حوزه رفتار، ساختار فیزیکی و مقیاس تکاملی شباهت‌های زیادی با یکدیگر دارند. مثلاً حیوانات در برابر محرک‌های دردآور واکنش‌هایی مانند انسان دارند و دارای مغز و اعصاب شبیه انسان‌ها هستند و این شباهت‌ها دلالت بر احتمال بالای وجود آگاهی در حیوانات است. البته در اینجا این نکته شایان ذکر است که بر اساس این اصل مشهور که "کمال همان وجود است" می‌توان گفت همه موجودات حتی حیوانات و نباتات و حتی جمادات هم دارای علم و سایر صفات کمالی هستند، و البته چون شدت وجودی موجودات با یکدیگر متفاوت است،

و به همین خاطر در جهان بینی او، گیاهان در رتبه ی پایینتری از حیوانات و انسان‌ها و به عنوان ابزاری برای زیست بهتر آنان شمرده می‌شوند. (عمانی سامانی و بهنام منش، ۱۳۹۱، ش ۲، ص ۲۵) کوتاه سخن آنکه بنا بر اعتقاد ارسطو، از آنجا که انسان تنها موجود صاحب عقل است، بنابراین مالک مطلق بوده و سایر موجودات به منزله ابزاری صرف برای او خواهند بود. و بنابراین انسان هیچ تعهد و وظیفه برای برآورده ساختن نیازهای ایشان نخواهد داشت. شایان ذکر است از بعد ارسطو، نیز به دلیل آنکه جریان فکری غالب بر کلیسای کاتولیک تحت تأثیر افکار وی بود، کسانی چون آگوستین و توماس آکوئیناس نیز بر این باور شدند که تنها موجودات عقلانی هستند، که توانایی تصمیم‌گیری راجب کارهایشان را دارند و ایشان حق هدایت و نگهداری موجوداتی که این ویژگی را ندارند، را دارا می‌باشند. بر اساس تفسیر آکوئیناس، فیلسوف رسمی کلیسا از سفر آفرینش، خداوند به انسان‌ها اجازه داده است بر حیوانات مسلط باشند و برای خداوند مهم نیست انسان با حیوانات چه می‌کند. تنها دلیل نزد آکوئیناس برای ضرورت پرهیز از رفتار سنگدلانه با حیوانات این است که این کار می‌تواند سبب سنگدلی انسان گردد. بنابراین رنج حیوانات برای آکوئیناس اهمیت نداشت. رنه دکارت فیلسوف فرانسوی نیز چنین رویکردی داشت. باید گفت، نزد او هر چند انسان و حیوان در مواردی مشابهت‌هایی با یکدیگر داشته‌اند و هر دو بُعدی که دکارت آن را ماشینهای خودکار می‌نامد، را واجدند، از نظر دکارت حیوانات رنج نمی‌کشند و همچون اشیای



ی خود عمل می‌کند. بر این اساس کانت بر آن است انسان تنها فاعل مطلق است که نسبت به هم‌نوع خویش دارای وظایف مستقیم اخلاقی می‌باشد و چنین نتیجه می‌گیرد که از آنجا که حیوانات فاعل اخلاقی محسوب نمی‌شوند، بدین ترتیب، مشمول توجهات مستقیم اخلاقی نیز نمی‌گردند. کوتاه سخن آنکه از آنجا که کانت در حقیقت ارزش ذاتی را منوط به عقل می‌کند و بر این باور است که موجودی دارای ارزش ذاتی است که عاقل باشد، معتقد بود که انسان مستقیماً وظیفه‌ای در قبال حیوانات ندارد و حیوانات فقط وسیله‌ای برای رسیدن انسان به اهداف خود است. البته شایان ذکر است که کانت بر خلاف کسانی چون دکارت درباره‌ی کیفیت رفتار با حیوانات، به نوعی توجهات غیرمستقیم اخلاقی اشاره کرده و معتقد است که حیوانات اگر چه خود فی‌نفسه غایت محسوب نمی‌شوند، اما از آنجا که خشونت با حیوانات شخصیتی در انسان ایجاد می‌کند که ممکن است به همین خشونت ورزی با آدمیان منجر شود، به همین دلیل انسان باید نسبت به حیوانات مهربانی ورزد. و البته این مهربانی از نگاه کانت نه به خاطر حیوانات بلکه به جهت آن است که اگر چنین نکنیم ممکن است رفتار خشونت‌آمیز با حیوانات ممکن است به رفتار خشونت‌آمیز با انسان‌ها بیانجامد. (پویمان، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۱۵۳ و ۵۰). از نگاه جان لاک^۱ فیلسوف تجربه‌گرای انگلیسی، علیرغم آنکه حیوانات فاقد عقلانیت و درک هستند، اما آنها توانایی حس و درک جهان

بنابراین میزان بهره‌آنها از کمالات وجودی نیز متفاوت خواهد. توضیح آنکه به این دلیل که مرتبه وجودی حیوان نازلتر از انسان است، در نتیجه همانند انسان نیست که از قوه عاقله بهره‌مند باشد و بتواند موجودات عقلی را ادراک کند بلکه حیوان تنها دارای قوای حسیه و خیالیه است و بر این اساس ادراکات او هم منحصر به ادراکات حسیه و خیالیه هستند. از طرفی، علم حیوانات نیز در حیطة حس و خیال، می‌تواند افزایش یابد. برای نمونه اسبی که پانصد سال قبل نزد انسانی بوده صور حسی و خیالی داشته است، اما صوری که اسب امروزی در اثر ارتباط با امور و وسایل جدید دارد متفاوت است. بنابراین حیوانات هم با رویارویی با امور حسی جدید، واجد صور حسی و به تبع آن صور خیالی جدیدی می‌شوند. البته چنان که روشن است، حیوانات هرگز قادر به درک صور عقلی نیستند زیرا که فاقد قوه عاقله که همان نفس ناطقه انسانی است، می‌باشند. (میرزایی، ش ۱، ۱۳۹۷، ص ۱۳۴). اما در مورد دیدگاه فیلسوف آلمانی ایمانوئل کانت به طور کلی باید گفت دیدگاه کانت شبیه به دیدگاه دکارت است. او در تعیین معیارهای دآوری اخلاقی و اعمال، بر عنصر اراده تأکید دارد. به بیان روشن‌تر نزد او، تنها موجودات صاحب اراده، جایگاه و ارزش اخلاقی دارند. به گفته کانت، تنها آدمی است که با استفاده از اراده‌ی برگرفته شده از عقل توانایی کنترل و انتخاب نوع و کیفیت اعمال خویش را دارد. اما حیوان به اعتقاد او تنها به وسیله‌گریزه

1 John Locke



که آنها نیز قادر به احساس درد و لذت هستند. (عمانی سامانی و بهنام منش، فروردین ۹۱، ش ۲، ص ۲۵) باید گفت روسو در تکمیل نظر خود در کتاب «درآمدی بر اصول اخلاق و قانونگذاری» (۱۷۸۹) اعلام داشت، تنها معیاری که در هنگام سنجش حقوق اخلاقی باید ملاک قرار گیرد، قابلیت درد کشیدن و احساس کردن لذت است و یک عمل تنها زمانی صحیح است که حداکثر میزان لذت و خیر را برای بیشترین افراد تولید نماید. برای تصمیم‌گیری در مورد اینکه آیا عملی این قابلیت را دارد یا خیر، باید تمامی موجوداتی که قابلیت درک درد و لذت را دارند از جمله حیوانات مورد توجه قرار بگیرد. از اینرو، وی به صراحت عنوان نمود، مسأله این نیست که آیا حیوانات قابلیت تعقل و یا سخن گفتن دارند یا خیر، بلکه مهم اندیشیدن به این موضوع است که آیا آنها می‌توانند رنج بکشند و یا لذت ببرند یا خیر؟ از سوی دیگر بر اساس دیدگاه اسلامی حق تصرف انسان در حیات موجودات مطلق نیست و سلب حیات از آنان باید در حد ضروریات باشد. در این خصوص محدودیت‌هایی در بهره‌برداری از حیوانات وجود دارد از جمله اینکه بیش از توان حیوان از او کار کشیده نشود. در پاره‌ای موارد شکار حیوانات حرام است که از آن جمله می‌توان حرمت شکار جوجه یا شکار برای تفریح و بدون احتیاج را ذکر کرد. از دیدگاه اسلام حیوانات نشانه‌های قدرت و حکمت پروردگار متعال اند و انسان می‌بایست به حال آنها تأمل کند. حیوانات نیز در روز قیامت مورد

اطراف خود را داشته و به بیان دیگر درکی از امور مثبت و منفی دارند. بدین جهت از نظر لاک، خشونت و رفتارهای غیراخلاقی غیر ضروری نسبت به آنها توجیه اخلاقی ندارد. در واقع باید گفت لاک به مانند کانت بر آن است که رفتارهای خشن و نامناسب انسان با حیوانات، آنها را نسبت به سایر هموعان خود نیز غیرمنعطف می‌کند. فیلسوف دیگر به نام ژان ژاک روسو^۱، که از طرفداران گیاهخواری است، دیدگاهی شبیه با لاک دارد. از نگاه او، حیوانات به رغم آنکه توانایی تعقل و آگاهی ندارند، اما از نظر ظرفیتها و قابلیت‌های احساسی شباهت بسیاری به انسان‌ها دارند. او از این موضوع این نتیجه مهم را می‌گیرد که، انسان نسبت به حیوانات دارای وظایفی است که از جمله حداقل‌های آن این است که او حق ندارد با آنان بد رفتاری کند. او در کتاب خویش به نام «گفتار در باب نابرابری» می‌گوید که هر چند هنوز انسان به عنوان تنها موجودی که توانایی تعقل و انتخاب اعمال خود در حوزه‌های فردی و جمعی را دارد، دانسته می‌شود و توانایی به کمال رساندن و هدایت خود را داراست، حیوانات نیز دارای درجه‌ی خاصی از توانایی اندیشیدن هستند. بنابراین، از نگاه روسو نیز که به عنوان پدر مکتب سودانگاری شناخته می‌شود، آنچه که ملاک چگونگی برخورد ما با دیگران را تشکیل می‌دهد، توانایی درک و حس درد و لذت و به طور کلی هرگونه تجربه‌ی مثبت و یا منفی و نه صرف عقلانی بودن است که این در مورد حیوانات نیز صادق است. به این معنی



خویش، «اودین» می‌انگاشتند. (کزازی، ۱۳۶۸، ص ۷۲ و ۷۳) گفته می‌شود در ایران زمان باستان بهرام گور از پادشاهان ساسانی تلاش زیادی در جهت رشد پرورش اسب و اسب دوانی کرد و انوشیروان به دامپروری علاقه بسیاری داشت. در ادیان مانی و مزدک نیز حیوانت دارای اهمیت زیادی بودند. مانی فردی ایرانی و دین او دین ترکیبی از دین زرتشت، مسیح و احتمالاً سایر ادیان زمان بود. پیروان این آیین از خوردن گوشت و هر گونه آزار رسانیدن به حیوانات و گیاهان به شدت امتناع می‌کردند (تاج بخش، ۱۳۸۲، ص ۳۳۸)

اسلام، قرآن و حقوق حیوانات

آیات متعددی از قرآن کریم درباره حیوانات بر این مسئله اذعان دارد که حیوانات نشانه قدرت الهی و مایه‌ی عبرت بشر هستند و در آنها سود های زیادی برای انسانها قرار داده شده است. دین اسلام درباره نگهداری و برخورد با حیوانات دستورالعمل‌های ویژه ای را در قالب دستورات الهی قرآن و احادیث پیامبر (ص) و ائمه اطهار (س) مطرح نموده است. بر اساس اصول اسلامی حق تصرف انسان در حیات موجودات مطلق نیست و سلب حیات از آنان باید در حد ضروریات باشد. همه اجزای عالم از دیدگاه قرآن و احادیث، دارای شأن و جایگاه خاصی می‌باشند و خلقت هیچ موجودی عبث و بیهوده به شمار نمی‌رود. حیوانات نشانه‌های حق و مایه عبرت انسان محسوب می‌شوند و از انسانها خواسته شده که در حیوانات مختلف مانند چهارپایان، پرندگان، مورچگان و زنبور عسل تدبیر کنند. برای نمونه خداوند در قرآن می‌فرماید: أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَيَّ

مواخذه قرار می‌گیرند و از شان و جایگاه خاصی در خلقت برخوردار هستند. انسان نسبت به امکانات و حیواناتی که در اختیار دارد مسئول است که از آن جمله می‌توان ضرورت بهداشت و تغذیه مناسب آنها را برشمرد. در فقه اسلامی حیوانات دارای نفقه هستند و هر کدام برای خود حرمتی دارند و سوء استفاده از حیوانات به هر شکل ممنوع است. بنابراین مسئله مهمی که پس از نگاه بر آراء مهم مذکور در باب حقوق حیوانات وجود دارد و در واقع ما را وارد حوزه بحث از حقوق حیوانات می‌کند، روشن شدن این مسئله است که آیا حیوانات دارای ذهن، آگاهی یا شعور هستند یا خیر. اگر بتوان وجود گونه ای آگاهی را در مورد همه یا برخی از حیوانات اثبات کرد، در این صورت بدون شک آن حیوانات قابلیت آن را دارند که لذت یا درد و رنج را تجربه کنند. (زارع بیدکی و رضائیان، ۱۳۹۱، ص ۵۸۲) در این صورت، پای بحث از حقوق حیوانات به میان می‌آید و ما با این مسئله مهم روبرو خواهیم بود که به چه نحو می‌توان به کارگیری شیوه‌هایی را در مورد حیوانات موجه شمرد که منجر به تحمیل درد و رنج یا کشتن آنها می‌شود. این مسئله ایست که همان «حقوق حیوانات» خوانده می‌شود.

نگاهی بر حقوق حیوانات در ایران باستان

اگر نگاهی بر فرهنگهای دوران باستان بیاندازیم، حیوانات به جهت تقدس و ارزش در طبقات مختلفی قرار می‌گرفتند و هر کدام نماد اسطوره‌های به شمار می‌آمدند. ایرانیان باستان «کلاغ» را پرنده مهر و سروش میدانستند و ژرمنهای باستان، کلاغ را یار و همراه خدای



و به آرزوها سرگرم می‌سازم و به آنان دستور می‌دهم که (اعمال خرافی انجام دهند و) گوش چهارپایان را بشکافند و آفرینش (پاک) خدایی را تغییر دهند؛ (و فطرت توحید را به شرک بیالایند)، و هرکس شیطان را به جای خدا، ولی خود برگزیند، زیان آشکاری کرده است» (نساء: ۱۱۹). مشاهده می‌شود که در آیات فوق به سه نکته بسیار مهم اشاره شده است: یکی آنکه به وجود نظام اجتماعی در همه موجودات اذعان دارد؛ البته با توجه به تفاوت‌هایی که در ذات انسان و حیوان هست، ساختار اجتماعی آنان نیز با هم فرق دارد؛ اما با وجود این فرق، حیوان‌ها نیز واجد جوامع حیوانی دانسته شده‌اند؛ دوم اینکه، روزی و رزق هر دو (انسان و حیوان) بر عهده خداوند می‌باشد؛ سوم اینکه مثله کردن را کاری شیطانی شمرده و از آن به خسارتی بزرگ تعبیر کرده است. در همین رابطه، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان در ذیل آیه ۳۸ سوره انعام که به محشور شدن حیوانات اشاره دارد، حیوانات را دارای آرا و عقاید فردی و اجتماعی و نوعی فطرت و استعداد برای پذیرفتن دین الهی می‌داند که این امر آنها را سزاوار حشر و بازگشت به سوی خداوند می‌سازد. اهمیت حقوق حیوانات عبارتند از: تدارک آب و خوراک مناسب، جایگاه و شرایط زیستی و روانی صحیح، رسیدگی به بهداشت و درمان آنها به ویژه با توجه به بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوان، بهکارگیری شایسته و عدم سوء استفاده و آزار آنها. به طور کلی باید گفت در مکتب اسلام، درباره دفاع از حیوانات قوانین و مقرراتی وضع شده که در آن رعایت اخلاق و حقوق و توجه به

الْبَابِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ (غاشیه، ۱۷) در شتر نمی‌نگرند که چگونه آفریده شده است؟ در اسلام، از مهمترین حقوق حیوان بر صاحبش، تأمین وسیله زندگی حیوان است؛ به طوری که در برخی کتب فقهی، یکی از مصادیق صدقات، غذا دادن به حیوانات نظیر حیوانات آبری معرفی شده و برای آن ثواب بسیاری زیادی ذکر گردیده است که نشان از اهمیت دادن اسلام به مسأله نفقه و غذای حیوانات دارد. (پورمحمدی، ۱۳۸۳، ش ۳۹ ص ۱۱ به نقل از: نجفی، بی تا). بدین ترتیب تدبیر در قرآن روشن می‌سازد که مسئله محیط زیست و از جمله نباتات و حیوانات در قرآن کریم مورد اشاره و توجه بسیار قرار گرفته است. در این راستا می‌توان به آیاتی اشاره نمود که از فراهم کردن نیازهای ضروری و احتیاجات حیاتی حیوان‌ها سخن گفته و آن را در کنار انسان‌ها ذکر کرده و فرموده است: «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، وجود ندارد؛ مگر اینکه امت‌هایی مانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب فروگذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌شوند» (انعام: ۳۸). درآیه دیگری به فراهم کردن نیازهای ضروری و احتیاجات حیاتی حیوان‌ها اشاره و آن را در کنار انسان‌ها ذکر کرده و فرموده است: «چه بسا جنبنده‌ای که قدرت حمل روزی خود را ندارد، خداوند، او و شما را روزی می‌دهد؛ و او شنوا و داناست» (عنکبوت/۶۰). شایان ذکر است، در قرآن هرگونه آزار و اذیت کردن حیوان‌ها، مانند بریدن گوش و دم و... کاری زشت و شیطانی محسوب شده است: «شیطان می‌گوید و آنان را گمراه می‌کنم



تأمین وسیله زندگی حیوان است. در صورتی که مالک هر حیوانی به تأمین نیازهای آن اقدام نکند، بر حاکم لازم است که او را به این وظیفه اجبار کند؛ در صورتی که خود حاکم نتواند این کار را انجام دهد، باید افراد دیگر به این وظیفه اقدام، و حیات آن حیوان را حفظ کنند (جاهد، ۱۳۹۲، ش ۱۰، ص ۱۶۹) در متون فقهی در مورد نفقه حیوانات آمده است که: اگر کسی حیوانی را مالک شود، رسیدگی و نفقه آن حیوان بر او است؛ خواه حلال گوشت باشد یا حرام گوشت. و این مسئله در پرند و غیر پرند هیچ تفاوتی ندارد. به این دلیل که هر کدام از آنها برای خود حرمتی دارند. اگر آن حیوان حلال گوشت باشد، صاحبش مخیر است بین سه چیز: ۱- غذا؛ ۲- ذبح؛ ۳- فروش. و اگر حرام گوشت باشد مالک آن بین دو راه می تواند تصمیم بگیرد: ۱- غذا؛ ۲- فروش (نائینی، ۱۳۷۸ ص ۴۸؛ پورمحمدی، ۱۳۸۳، ش ۳۹ ص ۱۱). همچنین در اسلام آزار رساندن به هر جاندار حرام گوشتی منع شده است؛ چه رسد به قتل؛ مگر حیوان موذی، که براساس برخی روایت‌ها، آن نیز باید به روشی مناسب از بین برود. به نحوی که به متجاوز و خائن به حقوق حیوانات، اخطار و وعده عذاب و حسابرسی شدید در قیامت داده اند. در مورد کشتن حیوانات همانطور که می دانیم در برخی مکان‌ها و زمان‌ها (مانند حرم مکه و موسم حج برای محرم) ممنوع است؛ همچنین براساس قوانین و منابع حقوق اسلامی، رفتار جنایت آمیز درباره حیوانات موجب پرداخت دیه می شود (حق حیات حیوان). لزوم تأمین علوفه، آب و سایر نیازمندی‌های حیوانی که در اختیار دیگری

موجودات را در هیچ حالی فراموش نکرده است. که می توان گفت این مسئله گویای جامعیت این مکتب و مهرآمیز بودن آن است. توضیح آنکه در اسلام، سفارش‌ها و رفتارهای اعجاب انگیزی درباره ترحم بر جانداران بیان شده است. طوری که گفته می‌شود ترحم بر حیوان موجب پاداش؛ و آزار و اذیتش، باعث عذاب آخرت است. و در این زمینه بخش‌های گسترده‌ای از کتاب‌های فقه و حدیث، به این مسئله اختصاص یافته است. برای نمونه گفته می‌شود بر صاحبان حیوانات لازم است که برای آنها وسایل زندگی و رفاه - مانند مسکن و آب و مواد غذایی - فراهم کنند و بر چهارپایان بیش از اندازه طاقت و توان آنها بار نگذارند و راه نبرند؛ یعنی با توجه به اندازه توان حیوانات از آنها استفاده کنند. یا در صورتی که چهارپایان بچه دارند، بر صاحبان آنها لازم است که تمام شیر آنها را ندوشند و به اندازه‌ای که برای بچه آنها کافی باشد، شیر باقی بگذارند. و به طور کلی گفته می‌شود در صورتی که دوشیدن شیر برای حیوان ضرر داشته باشد، نباید شیر آن را بدوشند؛ یا مستحب است کسی که شیر حیوان را می‌دوشد، ناخن خود را کوتاه کند تا در موقع دوشیدن، برای حیوان ناراحتی ایجاد نکند. یا در مورد زنبور عسل بیان می‌دارد که صاحب آن لازم است امکانات و وسایل رفاهی را برای آن فراهم کند. در زمان برداشتن عسل نیز نباید تمام عسل را برای خودش بر دارد؛ بلکه باید به اندازه احتیاج آن حیوان، عسل در کندو باقی بگذارد؛ و بلکه می‌گوید بهتر است که بیشتر از مقدار نیاز زنبور، برایش عسل باقی بگذارد. در اسلام، از مهمترین حقوق حیوان بر صاحبش،



کرده است: «رسول خاتم صلی الله علیه و آله، از به جنگ انداختن حیوان ها نهی فرمودند؛ مگر سگ ها» (دمیری، بی تا، ج ۱، ص ۱۵۸؛ ج ۲، ص ۲۷۱؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۲۷؛ ناصف، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۳۵۱) «خدای تعالی کسی را که حیوان ها را به جان هم می اندازد تا با هم بجنگند، لعن کرده است» (دمیری، بی تا، ج ۲، ص ۲۷۱). رسول خاتم صلی الله علیه و آله در روایتی، حقوق شش گانه حیوانات را برشمرده است. بخشی از این روایت، درباره حق آب و علف حیوان می باشد: «بر مالک چهارپایان واجب است که به آنها آب و علف بدهد؛ به خاطر حرمت روح که در حیوان می باشد (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۷). پیامبر صلی الله علیه و آله از زدن و داغ نهادن بر صورت حیوانات نیز نهی کرده اند. نهی از زدن بر صورت حیوان و سوزاندن و داغ نهادن بر اعضایش: رسول رحمت از هر نوع شکنجه حیوان بسیار ناراحت می شدند و از این کار نهی می کردند: «از جمله حقوق حیوان بر صاحبش، این است که بر صورتش نزند؛ چون این حیوان نیز تسبیح و حمد خدای را می گوید» (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۷؛ مجلسی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۲، ص ۴۵۵) در حدیثی تکان دهنده و تأمل برانگیز از رسول خدا (صلی الله علیه و آله)، ایشان کسی را که حیوانات را مثله (زجرکش) کند لعنت کردند (کنز العمال/ ۲۴۹۷۱). و نیز در جای دیگر می فرمایند بسیاریند مرکوب هایی که از راکبشان بهترند و بیش تر مطیع خدایند، و زیادتر از کسی که بر آنها سوار است، خدا را یاد می کنند (عرب باغی، ۱۳۲۹، ص ۴۸؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص

قرار دارد (ودیعیه)؛ هرچند مالک حیوان با این کار مخالف باشد (حقوق اساسی حیوان) از دیگر حقوق حیوانات در اسلام محسوب می شود. آنچه تا بدینجا گفته آمد حاکی از ارزشمندی جان و سلامت اعضای بدن حیوانات - حتی حیوانات نجس - و عدم جواز تجاوز به آنها در اسلام است. به طوری که حتی هرچند براساس احکام و قوانین اسلامی، سگ «نجس» است؛ اما قوانین حمایتی و حیاتی اسلام شامل آن نیز می شود و آسیب رساندن به انواع سگ ها، موجب پرداخت دیه است. از سخنان پیشوایان معصوم (ع) به دست می آید که حیوانات دارای شعوری مطابق با وجود حیوانی خود بوده و دارای احساسات و عواطفند. در ادامه نمونه هایی دیگر از رعایت حقوق حیوانات را نزد روایات بررسی می کنیم. پیامبر اسلام (ص) از کشتن هر جانداري نهی فرمود، مگر آنکه آزار و آسیب برساند (کنز العمال/ ۳۹۹۸۱). پیامبر خاتم (ص) درباره مدارا و مهربانی با حیوانات و نیز مراعات حال ضعیف شان هنگام سوار شدن و در مسیر حرکت، سفارش های عجیبی داشته اند؛ مانند: «خدا مدارا کردن را دوست دارد و بر انجام آن کمک می کند. پس هرگاه بر چهارپایان لاغر سوار شدید، آنها را در منزل هایشان (توقف گاه ها) فرود آورید. اگر زمین خشک و بی گیاه بود، با شتاب از آن بگذرید، و اگر سرزمین سرسبز و پر علف بود، آنها در آنجا استراحت دهید!» (صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴، ص ۲۱۳)

نهی از «به جان هم انداختن» حیوانات: پیامبر (ص) از به جان هم انداختن حیوان ها نیز نهی



حیات موجودات مطلق نیست و سلب حیات از آنان باید در حد ضروریات باشد (نائینی، ۱۳۷۸، ش ۲۶ ص ۴۷). کوتاه سخن آنکه اینکه انسان به لحاظ اخلاقی و دینی تا چه اندازه مجاز به تصرف در حیات حیوانات و موجودات زنده است، مسأله مهمی است که در احادیث و روایات بدان توجه زیادی شده است. اهمیت این بحث در مباحث علمی امروزه بیش از پیش احساس می‌شود. زیرا بهره‌گیری از حیوانات در تحقیقات علوم پزشکی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده است. امروزه بدون به کارگیری آزمایش‌های مقدماتی بر روی حیوانات، کمتر می‌توان از روش‌های نو راجع به انسان استفاده کرد. در حقیقت حیوانات مانند عصای دست محققان علوم پزشکی و زیستی به شمار می‌آیند. چنان که در مورد بیماری‌هایی که برای آنها مدل حیوانی وجود ندارد، تحقیقات با اشکال زیادی مواجه می‌شود. اما حد مجاز این تصرفات مسأله مهمی است که از دیدگاه اخلاق در پژوهش باید به آن توجه کرد.

نتیجه‌گیری

- گر چه حیوانات نمی‌توانند به دلیل فقدان فاکتور عقلانیت به عنوان فاعل اخلاقی تلقی شوند، لکن به دلیل قابلیت درک تجارب مثبت و منفی، به عنوان موضوع اخلاق و در نتیجه عضو جامعه ی اخلاق که باید مشمول ملاحظات اخلاقی قرار گیرند، شناخته می‌شوند. در نتیجه، دیگر انسان در برابر حیوان مصونیت اخلاقی محض نداشته و ناگزیر است در تمامی ابعاد زندگی که در تماس با آنها قرار می‌گیرد مراقب کیفیت رفتاری خود با آنان بوده و اصول خاصی را در زمینه‌ی تأمین رفاه آنان رعایت نماید. بدین

شایان ذکر است که در فقه اسلامی، هر چند حیوانات فاقد قوه ناطقه و عاقله انسانی هستند ولی از عقل غریزی و احساسات و عواطف برخوردار هستند و به همین دلیل برای حیوانات حرمتی قائل شده است و حقوقی را برای حیوان و تکالیفی را برای صاحبان آنها به همراه دارد. بدین ترتیب در فقه شیعه اگر کسی حیوانی داشته باشد بر او واجب است نفقه (غذا و ضروریات ادامه‌ی حیات) را برای آن مهیا کند. (علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۱۱۸) همچنین علامه حلی (ره) می‌گوید: لان للحیوان حرمة فی نفسه. زیرا حیوان به خودی خود و ذاتاً از حرمت و احترام برخوردار است. توضیح آنکه ایشان حیوان را به خودی خود دارای حرمت می‌داند و از این روی استفاده‌ی نامتعارف از حیوان را به گونه‌ای که باعث آزار و اذیتش بشود حرام می‌شمارد. (علامه حلی، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۳۰۷) شیخ طوسی در دیدگاهی مشابه، در جایگاه استدلال برای وجوب نفقه حیوانات تصریح می‌کند: لأن لها حرمة. (شیخ طوسی، ۱۳۶۳، ج ۶، ص ۴۷) بر اساس متون اسلامی، زیربنای حقوق حیوانات و لزوم رعایت آنها به واسطه برخورداری حیوانات از نوعی درک و شعور و ارتباط آنها با خالق هستی است. شواهدی که در این زمینه وجود دارند عبارتند از: درک خالق و رازق، درک نیکی و بدی و مسائل غیرمادی مانند مرگ و پیش بینی خطرات و حوادث، درک جنسیت خود، درک معیشت و جستجوی غذای مناسب. با توجه به اصل «عبث نبودن جهان خلقت» و احادیث منقول از ائمه معصومان و سیره آنان به نظر می‌رسد تصرف انسان در



مستلزم تحمیل درد، رنج و یا کشتن آنهاست را دیگر نمی‌توان توجیه کرد. رعایت حقوق حیوانات و مسایل اخلاقی در پژوهش‌های حیوانی از پایه های محکم نظری، علمی و اسلامی و قانونی برخوردار است. ضروری به نظر میرسد که پژوهشگران علاوه بر شناخت و رعایت حقوق حیوانات، به روح مقررات، یعنی به حداقل رساندن کاربرد حیوانات و بهبود کیفیت زندگی سوژه های حیوانی، توجه کافی داشته باشند. - فقط انسانها از حقوق مختلف برخوردار نیستند بلکه تمام آنچه که بر روی زمین وجود دارد دارای حقوقی می‌باشند.

صورت که انسان از نظر اخلاقی تنها در صورت ضرورت و برای رفع نیازهای اساسی خویش و ضمن رعایت اصول خاصی حق استفاده از حیوانات را خواهد داشت. از این رو، به طور کلی اخلاق حیوانات این نتیجه را به دنبال داشته که بر استفاده ی مطلق و بی قاعده ی انسان از حیوان استثنائات و اصولی را وارد ساخته است. به همین دلیل در حال حاضر علاوه بر نوع انسان، حیوان نیز مشمول توجهات و قواعد اخلاقی قرار داشته و انسان مسؤولیت مستقیم نسبت به اعمال و رفتار خویش در برابر حیوان دارد. - از نظر فلسفی با اثبات وجود آگاهی و قابلیت تجربه درد و رنج در حیوانات، کاربرد روشهایی که

منابع

۱. - جاهد، محسن، (۱۳۹۲)، اخلاق و حیوانات: رویکرد ها و نظریه ها، شماره ۱۰، فصلنامه اخلاق زیستی.
۲. - عمانی سامانی، رضا، شیما بهنام منش، (۱۳۹۱)، «جایگاه حیوانات در سیر تاریخی اخلاق و فلسفه در غرب» مجله ایرانی اخلاق و تاریخ پزشکی، شماره ی ۲ دوره ی پنجم.
۳. - زارع بیدکی، محسن رضائیان و... (۱۳۹۱)، «مروری بر جنبه های اخلاقی در پژوهش های حیوانی، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ۱۱.
۴. - میرزایی، حمیدرضا، (۱۳۹۷)، و ابراهیم سعدی، «علم و ادراک حیوانات در حکمت صدرایی»، حکمت صدرایی، شماره ۱، سال ۷.
۵. - پویمان، (۱۳۸۲)، اخلاق زیست محیطی، ترجمه م ثلاثی م و دیگران، ج ۱، تهران، نشر توسعه.
۶. - کزازی، (1368)، کزازی، میر جلال الدین، از گونه ای دیگر جستارهایی در فرهنگ و ادب ایران، نشر مرکز، چاپ اول.
۷. - تاج بخش، حسن، (۱۳۸۲)، تاریخ دامپزشکی و پزشکی ایران، تهران، انتشارات سازمان دامپزشکی کشور با همکاری دانشگاه تهران.
۸. - پورمحمدی، شیما (۱۳۸۳)، «گستره حقوق حیوانات در اسلام و غرب» ندای صادق، شماره ۳۹ ص ۱۱
۹. - نجفی، محمد حسن، (بی تا)، جواهر الکلام فی مسائل الحلال و الحرام، بیروت دار احیاء التراث العربی، چاپ هفتم
۱۰. - نائینی، علیرضا؛ ربانی، محمد (1378)، «حقوق حیوانات از دیدگاه قرآن و احادیث»، فصلنامه علمی پژوهشی دانشور، سال هفتم، دانشگاه شاهد.
۱۱. - صدوق، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۸۹؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۴
۱۲. - عرب باغی، قانون الاسلام، (۱۳۲۹)، کتابخانه حضرت عبد العظیم حسنی (ع).
۱۳. - علامه حلی، قواعد الاحکام، (۱۴۱۳ق)، قم، موسسه نشر اسلامی.
۱۴. - علامه حلی، تذکره الفقها، (۱۴۱۶ق)، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، قم.
۱۵. - شیخ طوسی، (۱۳۶۳)، مبسوط فی فقه الامامیه، به تصحیح محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویه.

راههای بهره‌مندی انسان از تجلی علم خدا در تکامل موجودات از منظر قرآن کریم

سید جابر حسینی

دانشجوی سطح ۴ حوزه علمیه (نویسنده مسئول: s.jaber.hosseini.66@gmail.com)

چکیده

یکی از صفات الهی علم و علیم بودن است که در عالم تکوین در ابعاد مختلفی تجلی کرده و به مرحله ظهور و بروز رسیده است. یکی از آن ابعاد رشد و تکامل موجودات است که کاملاً به صورت هدفمند و با برنامه صورت می‌گیرد به طوری که همه موجودات عالم هستی هر روز و هر لحظه از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر رشد و پرورش داده می‌شوند تا به تکامل نهایی خود برسند و این رشد بدون علم منتهی به نقصان شده و از تکامل نهایی بی بهره می‌ماند. قرآن کریم نیز ذیل آیات فراوانی به علم الهی و مباحث علمی و زیستی تکامل موجودات: جماد، نبات، حیوان و بویژه انسان اشاره کرده است. مانند: حج / ۵؛ نحل / ۶۸؛ أنعام / ۱۰۱؛ که اهمیت این نوشتار در این است که اگر کسی از تجلی علم خدا در رشد و پرورش موجودات بهره و الگو بگیرد می‌تواند در زندگی اش به تکامل برسد و کارهایش را نیز طوری تنظیم کند که به سمت رشد و تکامل برود. مانند مخترعین که در اکتشافات دنبال اکتشاف مسائلی هستند که سبب رشد زندگی خود و افراد جامعه می‌شوند. ما نیز در ساختار این مقاله تکامل موجودات را با توجه به آیات قرآنی ذیل چهار گروه انسان - حیوان - گیاه و جماد بحث می‌کنیم و روش تحقیق ما در این نوشتار کتابخانه ای است. اطلاعات مورد نیاز را از طریق اسناد نوشتاری و نرم افزارهای قرآنی - تفسیری گردآوری شده است و به روش توصیفی و تحلیلی مورد پردازش قرار گرفته است.

کلید واژه: تجلی، علم الهی، رشد و پرورش، تکامل، قرآن کریم، بهره‌مندی و الگوگیری

مقدمه

که اشرف مخلوقات است، همگی برای رسیدن به هدف و مقصد مشخص خلق شده‌اند و ابزار رشد و کمال هر موجودی در اختیارش قرار داده شده است و هر یک با برنامه مخصوصی به سوی کمال می‌شتابند. همه موجودات جهان هر روز و هر لحظه از مرحله‌ای به مرحله‌ای دیگر از رشد و کمال می‌رسند مثلاً یک درخت برومند روز نخست یک سلولی بیش نبوده سپس به تدریج پس از طی مراحل رشد کرده و به صورت عظیم‌ترین درخت جهان درآمد است و یا آن جاندار بزرگ در آغاز به صورت سلولی در رحم مادر یا در میان تخمی سرپیسته محبوس بود، اما از پایین‌ترین مرحله رشد به آخرین مرحله رشد

یکی از تجلیات علم الهی و علیم بودن خداوند متعال در عالم تکوین، رشد و پرورش موجودات است که رشد گاهی به صورت کمیّت است و گاهی به صورت کیفیت. رشد به معنای رسیدن به واقع مطلب و حقیقت امر و وسط طریق یا به تعبیر دیگر هدایت و اصلاح کردن موجودات است. (موسوی همدانی، ۱۳۸۱، ۵۲۴) انسان‌ها با مطالعه اجمالی در جهان آفرینش، می‌توانند به این حقیقت روشن برسند که سراسر جهان هستی محل رشد و پرورش موجودات و تکامل آنهاست. هر موجودی از جماد (مثل سنگ)، نبات (مثل گیاهان) و حیوان تا برسد به انسان



پژوهشی/ISC) در حد مختصر و به صورت اشاره از بهره‌مندی انسان از صفت علیم سخنی بیان کرده است.

اما هیچ‌یک از این نوشته‌ها به گونه خاص به بیان تجلی علیم بودن خداوند متعال در عالم تکوین و به طور اخص آن در مورد رشد و پرورش و تکامل موجودات و بهره‌مندی انسان از این تجلی پرداخته نشده است؛ اما این پژوهش درصدد است که و راه‌های بهره‌مندی انسان از تجلی علم خداوند متعال در عالم تکوین در مورد رشد و تکامل موجودات با مستندات آیات قرآن کریم بررسی نماید.

مفاهیم

تجلی در لغت:

تجلی از ماده جَلَوَ بوده، به معنای انکشاف و ظهور و بروز و آشکار شدن است.

در مجمع البحرین به معنای ظهور و انکشاف آمده است؛ «وَالنَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى (اللیل/۲) یعنی ظهور و انکشاف. ... و قوله: ... فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكَّاءُ (اعراف/۱۴۳) یعنی آشکار شد نشانه‌های خداوند که در کوه ایجاد کرده بود و التَّجَلَّى یعنی ظهور» (طریحی ۱۳۷۵: ۹۰/۱).

التحقیق نیز تجلی را به معنای انکشاف و کشف و پیداشدن در نظر گرفته و ذیل ماده "جلو" نوشته است: «جلو: أصل واحد و قیاس مطرد و هو انکشاف الشیء و بروزه... تجلی الشیء إذا انکشف، أن الحقیقه فی هذه المادّة: هی الانکشاف، و هو نقیض الخفاء، كما أن الظهور خلاف البطون» (مصطفوی ۱۳۶۸: ۱/۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴).

صاحب کتاب مفردات نیز ذیل ماده جَلَوَ می‌نویسد: أصل الْجَلَوِ: الكشف الظاهر و التَّجَلَّى قد یكون بالذات نحو: وَ النَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى [اللیل/۲] و قد یكون بالأمر و الفعل، نحو: فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ [الأعراف/۱۴۳] (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۱/۲۰۰). تاج العروس می‌نویسد: علم: شناختن،

و کمال شایسته خود رسیده است. انسان نیز جزئی از جهان آفرینش است و همین قانون نیز در مورد او برقرار است. آیات قرآن نیز به این مبحث اشاره کرده است که در ذیل مباحث به آن‌ها می‌پردازیم.

پیشینه علمی

موضوع علیم بودن خداوند متعال و تجلی علمش در عالم هستی از زمان حضرت آدم تا دوران پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در تمام ادیان آسمانی دیرینه سابقه داشته، ولی در قرآن به صورت ویژه‌ای به این موضوع پرداخته شده است که مفسرین قرآن در ذیل آیاتی که بحث علم و علیم در آن‌ها آمده، به تفسیر آن پرداخته‌اند. تفاسیری مانند تبیان، مجمع‌البیان، المیزان، نمونه و ... و همچنین متکلمان و فلاسفه و عرفا در ذیل بحث اسماء و صفات (اسماء الله الحسنی) از علم و علیم بحث کردند. در کتاب‌های اسماء الحسنی و شرح آن مانند: موسوعه اسماء الله الحسنی، شاهرذیب ابوشریح و المنهاج الأسنی فی شرح اسماء الله الحسنی، دزین محمد شحاته، اسماء و صفات الهی فقط در قرآن، محمدباقر محقق، اسماء الحسنی سید کاظم ارفع و کتاب اسماء الله الحسنی و تجلیاتها فی القرآن الکریم صالح قنادی و همچنین در رساله‌های علمی سطح ۳ و سطح ۴ بحث علم خدا در ذیل مباحث فلسفی و کلامی و قرآنی به طور خلاصه مباحثی مطرح شده است. در مقاله پژوهشی در باب علم باری تعالی (عباس نیکزاد، مجله: رواق اندیشه بهمن ۱۳۸۲ - شماره ۲۶) و در مقاله نسبت «توجه به علم خدا» و «خویشتن‌داری در انسان» از دیدگاه آیات و روایات (عبدالهادی مسعودی، عبدالحسین کافی، مجله: پژوهش‌های اخلاقی زمستان ۱۳۹۲ - شماره ۱۴ علمی-



علم و ادراک و شعور سالک فانی می‌شود. (علاءالدوله سمنانی ۱۳۸۳: ۲۰۳-۲۰۴).

تجلی از دیدگاه مفسران

ولی در این بحث برای ما مهم از منظر مفسران است. صاحب کتاب معناشناسی واژگان قرآن می‌نویسد: تجلی به آشکاری چیزی پس از ناپیدایی گویند. در قرآن کریم آمده است: «وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى» (اللیل/۲) یعنی پس از پنهان بودن در پشت شب، واضح و روشن و آشکار گردید. یا در آیه دیگر دارد: «وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا» (شمس/۳) و قسم بروز وقتی که آشکار و هویدا می‌کند خورشید را و تجلی می‌دهد آن را (عضیمه، ۱۳۸۰، ۱۳۱) در تفسیر احسن الحدیث آمده است: «تجلی» ظاهر شدن خواه عینی باشد یا با دلیل. (قرشی بنابی ۱۳۷۵: ۳/۵۰۱). علامه طباطبایی می‌فرماید: کلمه «تجلی» به معنای قبول جلاء و ظهور است و بعد از آن توضیح می‌دهد که تجلی حق تعالی محال نیست، به شهادت اینکه برای کوه تجلی کرد، بلکه غرض از آن نشان دادن و فهماندن این معنا است که موسی قدرت و استطاعت تجلی را ندارد و اگر تجلی خدا واقع شود او در جای خود قرار نمی‌گیرد و خواسته است به وی بفهماند اگر تجلی کنم وجودت به کلی از بین می‌رود، همان طوری که دیدی کوه از بین رفت (موسوی همدانی، ۱۳۸۱، ذیل آیه ۱۴۳ سوره اعراف). صاحب کتاب قاموس قرآن می‌نویسد: گاهی هم به معنای «از وطن و خانمان دور شدن» است، همچنان که در آیه ۳ سوره حشر می‌خوانیم: وَ لَوْ لَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا... البته جلاء در این آیه، خروج از شهر و یا اخراج از آن است (صحاح) و آن بامعنای اصلی (آشکار شدن) مغایرت ندارد زیرا خروج از بلد یک نوع ظهور است گوئی شخص در شهر مخفی است و با خروج آشکار. (قرشی بنابی ۱۳۸۷: ۴۶).

دانستن، علم، معرفت و شعور هر سه به یک معنی هستند. (الحسینی الواسطی الزبیدی ۱۴۱۴: ۸ / ۴۰۵). نتیجه این است که: آنچه از معنای لغوی تجلی می‌توان فهمید، همان معنای کشف و ظهور و بروز و پیدایی و هویدایی است.

تجلی در اصطلاح:

برای تجلی در اصطلاح تعاریف مختلفی ارائه شده است:

تجلی نزد عرفا

تجلی در نزد عرفا (اهل معرفت) و متکلمین و مفسرین و فلاسفه؛ «التجلی عند السالکین عبارة عن ظهور ذات الله و صفاته» (تهانوی ۱۹۹۶ م: ۱/۱۳۸۴). خواجه عبدالله انصاری نیز در مورد تجلی می‌گوید: «تجلی برقی است که چون تابان گردد عاشق از تابش وی ناتوان گردد. تجلی ناگاه آید ولی بر دل آگاه آید. هر که را خبر پیش، تجلی را در وی اثر بیش. تجلی صفات، عاشق را پست کند و تجلی ذات، عاشق را مست کند. تجلی صفات وی را نیست کند و تجلی ذات وی را هست کند و به محبوب خود وصل کند». (انصاری هروی ۱۳۸۸: ۱۷۰ و ۱۷۱). بعضی عرفا تجلی حق بر سالکان را چهار نوع دانسته‌اند: ۱. تجلی صوری (آثاری) که دیدن حق در اشیا و صورت‌های مرئی عالم است. این تجلی به مرتبه ربوبیت تعلق دارد؛ که کامل‌ترین تجلی به شمار می‌رود. ۲. تجلی نوری (افعالی) است، یعنی دیدن حق به صفتی از صفات فعلی به صورت انواری به رنگ‌هایی مانند سبز و کبود و سرخ و زرد و سفید. این تجلی به مرتبه رحیمیت مربوط است. ۳. تجلی معنوی (صفاتی) است و آن عبارت است از اینکه خداوند، به صفات هفت گانه خود (حیات، علم، قدرت، اراده، سمع، بصر، کلام) در دل سالک تجلی کند. این تجلی متعلق به مرتبه رحمانیت است. ۴. تجلی ذوقی (ذاتی) است که به مرتبه الوهیت مربوط است و در آن

تجلی در روایات

در روایات درباره ظهور و تجلی آمده است: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْخَلْقَ فِي ظِلْمَةٍ ثُمَّ رَشَّ عَلَيْهِمْ مِنْ نُورِهِ فَظَهَرَ» خدای سبحان آفرینش آفریده‌ها را در تاریکی قرارداد و سپس از نور خود بر آن تابانید تا آشکار شدند (حسینی همدانی ۱۳۶۳: ۵/۲۳۶). جمع‌بندی اینکه تجلی خدای سبحان در واقع همان تجلی فعل و آثار اوست که در همه امور جاری و ساری است و تجلی آثار به منزله تجلی خودش هست. خداوند متعال با فعل و آثار خود عالم هستی را هویدا کرد که خلقت مخلوقات و به تکامل رساندن و رشد و پرورش و به تکامل رساندن آنها تجلی فعل اوست و با توجه به علیم بودن و حکیم بودن و قدرت داشتن ذات احدیت است.

۱-۲: علم در لغت:

واژه علم در لغت، در بررسی‌هایی که از فقه اللغه عربی و فارسی به عمل آمده است در این معانی استعمال شده است: «دانستن، یقین کردن، دریافتن، ادراک، استوار کردن، اتقان، دانش، آگاهی، معرفت، شناسایی» (دهخدا ۱۳۷۳: ۱۰/۱۶۰۵۳). صاحب مفردات ذیل واژه علم می‌نویسد: علم ادراک حقیقت چیزی است و بر دو گونه است: ۱- ادراک ذات شیء. مانند آیه ۶۰ سوره انفال. ۲- حکم کردن بر وجود چیزی با وجود چیز دیگر که برایش ثابت و موجود است یا نفی چیزی که از او دور و منفی است. مانند آیه ۱۰ سوره ممتحنه (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۵۸۰).

علم در اصطلاح:

کاربرد واژه علم خیلی وسیع است و با توجه به هر دیدگاهی معنای خاص خودش را دارد. مثلاً نگاه علمی و ساینس به علم متفاوت از نگاه متکلمان و نگاه مفسران متفاوت از نگاه فلاسفه

است و اهل منطق نیز علم را به نحوی دیگر معنا کرده اند. لذا تعریف علم یکی از تعاریفی است که نمی‌توان به‌طور خاصی آن را بیان کرد یعنی یک تعریف جامع افراد و مانع اغیار؛ زیرا هر مکتبی بر اساس نیاز خود آن را بیان می‌کند و هر گروهی تعریفی خاصی را برمی‌گزیند.

کاربردهای علم در استعمالات قرآنی:

مفسرین نظرات متفاوتی داده‌اند. صاحب تفسیر المیزان می‌نویسد: برخی در تعریف اصطلاحی علم گفته‌اند: حقیقت علم، کشف امر خارج از ذهن به واسطه صورت ذهنی است (طباطبایی، محمد حسین، المیزان، ۱۳۷۵، ۵۰/۱ و ۵۳/۸) که از راه حس، عقل و تجربه، حاصل می‌شود (همان، ۵۰/۸-۴۷) و در برابر آن علوم اعتباری است که ما به ازای خارجی ندارند، مانند اعتبار ریاست برای فردی. (همان، ص ۵۳)

از نظر برخی، ادراک، شعور، تصور، حفظ، تذکر، ذکر، معرفت، فهم، فقه، عقل، حکمت و... هم‌معنا و مترادف با «علم» است. (فخر رازی ۱۴۲۰: ۲/۱۸۷-۱۹۱)

در تفسیر نمونه ذیل آیه ۷۴ سوره انبیاء آمده است: منظور از «علم» هرگونه دانشی است که در سعادت و سرنوشت انسان اثر دارد. (مکارم شیرازی ۱۳۷۱)

قاموس قرآن می‌نویسد: علم: دانستن. دانش. قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ «بقره/۶۰» و هر گروه محل آب خوردن خود را دانستند قَالُوا سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا «بقره/۳۲»؛ و علم گاهی به معنی اظهار و روشن کردن آید مثل ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَى لِمَا لَبِئُوا أَمَدًا «کهف/۱۲» و طبری ذیل آیه ۱۴۰ سوره آل عمران وَ لِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا... و در المیزان ذیل لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ... که همگی علم در این آیات را به معنای اظهار گرفته و ترجمه کرده‌اند؛ و علم گاهی به معنی دلیل و حجت آید: مثل



بهره‌مندی در اصطلاح:

بهره‌مندی انسان از نظام تکوین و تشریح به دو گونه تحقق می‌پذیرد:

۱. بهره‌گیری: یک‌وقت بهره‌مندی به این صورت است که چیزهایی که خداوند برای انسان خلق کرده به نحو صحیح آن را بکار گیرد تا به سعادت برسد.

۲. الگو گیری: یک‌وقت دیگر مراد از بهره‌مندی به یک نحو الگو گیری از آن چیزی که از ناحیه خداوند در اختیار انسان‌ها نهاده شده است که از آن، جهت گسترش، اختراع و تولید هر چیزی، الگو، مدل و سرمشق بگیرد تا برای رسیدن به کمال، خود و دیگران از آن استفاده کنند چون الگو برداری از نیازهای سرشتی بشر به شمارد می‌رود و خدای سبحان برای رفع این نیاز پیامبرانی را فرستاده تا بشر بتواند از آن الگو بردارد.

۱-۴: الگو گیری:

الگو گیری در لغت

الگو در لغت به معنای سرمش و مدل و نمونه است (دهخدا ۱۳۷۳: ۲۲۱/۱) که به معنای مصدری آن یعنی حالت پیروی کردن نیز آمده است. (ابن منظور ۱۴۱۴: ۱۴۷/۱) در مفردات راغب آمده است که اُسوه عبارت از حالتی است که انسان هنگام پیروی از غیر پیدا می‌کند چه آن الگو خوب باشد و چه بد (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۷۶) که در واقع همان تأسی کردن و اقتدا نمودن است. و معمولاً الگو به معنای طرح هم هست که عمدتاً در مسائل آموزشی و یادگیری کاربرد دارد و گاهی هم در ابعاد مختلف اخلاقی و رفتاری و شناختی انسان نیز بکار می‌رود.

الگو در اصطلاح:

الگو دهی و ارائه نمونه‌های عینی و عملی توسط مربی است که نمونه رفتار و کردار مطلوب را عملاً در معرض دید متری قرار دهد تا شرایط

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا. مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ «كهف/ ۴ و ۵»؛ «حج/ ۳»؛ «لقمان/ ۱۵». (قرشی ۱۳۸۷: ۵/ ۳۴-۳۲)

در روایات اسلامی علم در معنای دیگری از جمله معنای «نور» نیز بکار رفته است: عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْسَ الْعِلْمُ بِالْتَّعَلُّمِ إِنَّمَا هُوَ نُورٌ يَقَعُ فِي قَلْبٍ مَنْ يُرِيدُ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْدِيَهُ..... (مجلسی ۱۴۰۳: ۳۴۸)

و اما در مورد علیم بودن خداوند متعال: صاحب مفردات می‌نویسد: علیم اشاره به انسانی دارد که از نظر رتبه علمی بالاتر از دیگران است و تخصیص لفظ علیم برای مبالغه است. لفظ حقیقی علیم برای خداوند تبارک و تعالی است که عالم به اسرار همه است اسرار هر یک از افراد. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ذیل واژه علم)

و «العلیم» عزوجل؛ هو محیط علماً بکلّ شیء، ظاهره و باطنه، دقیقه و جلیله و العلیم، صفه قدیمه قائمه بذات الحقّ تتعلق بالمعلومات، واجبه کانت أو جائزه، تعلق إحاطه و انکشاف، فهو تعالی علیم بذاته و أسمائه و صفاته و بعلم ما کان و ما یکون و یعلم الغیب و ما یجهر. (قنادی ۱۳۹۰: ۱۰۰)

بهره‌مندی و الگوگیری در لغت و اصطلاح:

در حقیقت مراد ما در اینجا از بهره‌مندی همان الگوگیری به نحو خاص است یعنی انسان‌ها اگر در زندگی همواره بتوانند از تجلی علم خدا در رشد و تکامل موجودات الگو بگیرند یقیناً از نتایج خوب و متقنی در زندگی نیز بهره‌مند می‌شوند. لذا در اینجا مقداری این دو را توضیح می‌دهیم.

۱-۳: بهره‌مندی

بهره‌مندی در لغت:

«بهره» کلمه فارسی در لغت به معنای حصه، قسمت، نصیب، سود، فایده آمده است. (دهخدا ۱۳۷۳: ۴۸۳/۱) و بهره‌مندی به معنای کامیابی و سعادت‌مندی است. (همان)



نزدیک و باید دید در هر آیه ای معنای رشد به کدام واژه نزدیکتر است. (قرشی، ۱۳۶۱: ۱۰۰) و صاحب المیزان رشد را به معنای رسیدن به واقع امر و واجد امر می داند. (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۷/۲۰) و برخی دیگر رشد را در اصل به معنای راه یافتن به مقصد (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۶۸، ۴۲۸/۱۳) یا راهیابی به سوی هدفهای برتر (طالقانی، ۱۳۶۲: ۷۱/۲) ذکر کرده اند. در جای دیگری نیز گفته شده است که ریشه کلمه رشد به معنای سنگ است و صاحب رأی سدید و محکم را راشد می گویند از آن روی که در آن رأی استقامت دارد و نسبت به آنچه می کند یقین دارد. (مدرسی، ۱۳۷۷: ۳۷۴/۱۳-۳۷۸). حال با توجه به معانی تکامل و رشد می توانیم بگوییم که اگر کسی صاحب صلاح و استقامت شد و به رشد عمیقتری برسد به تکامل رسیده است. این رشد به نحوی هم دست یابی به هدف برتر است که این هم همان کمال است و تکامل روبه کمال رفتن، به کمال رسیدن، بتدریج کامل شدن است. ولی کمال هر چیزی متناسب به همان چیز است که ما در ذیل مباحث به آن اشاره می کنیم. مثلاً تکامل چوب و میخ به این است که میز شود و در معرض استفاده انسان قرار بگیرد.

نوشتار اول: تجلی علم خداوند متعال در رشد و تکامل موجودات

۱-۱: تجلی علم خدا در رشد و تکامل انسان
از جمله تجلیات علیم بودن خداوند متعال در عالم تکوین، رشد و پرورش انسان هاست. یکی از آیات مورد بحث این آیه شریفه است: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» «خدا همان کسی

لازم برای الگوبرداری و تقلید برای وی فراهم آید یا به عبارت دیگر: الگو به آن پیروی گفته می شود که شکل گرفته است و در یک گروه اجتماعی حضور می یابد تا به عنوان مدل یا راهنمای عمل در رفتارهای اجتماعی به کار آید (بیرو آلن ۱۳۸۰: ۲۶۴)

۵-۱: تکامل و رشد:

تکامل و رشد در لغت: تکامل و رشد هر دو به یک معنا هستند و در طول همدیگرند نه در عرض یکدیگر.

تکامل از ریشه کمل أصل صحیح یدل علی تمام الشیء. يقال: كَمَلَ الشیء و کمل فهو کاملٌ أى تام. قال الله تعالى اليوم أكملت لكم دينكم. (ابن فارس ۱۴۰۴: ۵ / ۱۳۹) و صاحب العین می نویسد: کمل الشیء و الکمال: التمام الذی یجزأ منه أجزاءه . أكملت الشیء: أجملته و أتممته. (فراهیدی ۱۴۰۹: ۵ / ۳۷۸)

رشد در لغت

صاحب المفردات می نویسد: الرشد: راهیابی در حق که در برابر - غی- یعنی گمراهی است. واژه رشد مثل واژه هدایت بکار میرود. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۵۴/۱). مجمع البحرین می نویسد: الرشد هو خلاف العمی و الضلال و فسر بإصابة الحق. (طریحی، ۱۳۷۵: ۵۰/۳) و در قاموس قرآن نیز به معنای هدایت و نجات و صلاح و کمال معنا شده است. (قرشی، ۱۳۷۱، ۱۰۰/۳). در فرهنگ فارسی عمید واژه «رشد» به معنای به راه راست شدن، از گمراهی به راه آمدن، پایداری و ایستادگی در راه راست و نمو و ترقی و بالیدگی آمده است. (عمید، ۱۳۶۳: ۶۵۲و۶۵۳)

تکامل و رشد در اصطلاح:

برای واژه رشد در فرهنگ قرآنی، معانی ای ذکر شده است. مانند: هدایت، نجات، صلاح، کمال، استقامت در طریق حق که البته همه به یکدیگر



البته می‌توان به نحوی هم گفت که این پیری هم نوعی رشد و تعالی در آن است؛ زیرا انسان‌ها هر چه بیشتر بزرگ‌تر می‌شوند، از جهت معنوی و مادی، بیشتر رشد می‌کنند و از نظر مادی و جسمی توانایی‌شان بیشتر می‌شود و اگر هم در مقاطعی و مواردی از نظر جسمی و مادی رو به پیری و افول بروند، اما به لحاظ معنوی و روحی رشد کرده و به کمالاتی هم می‌رسند. (مکارم شیرازی ۱۳۷۱: ۴۷۹ و ۴۸۰)

خداوند متعال اشراف و آگاهی و علم به دگرگونی احوال و رفتار و فرجام انسان‌ها داشته و علیم بودن حق تعالی در امور مخلوقات ظهور و بروز دارد. «أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ يَوْمَ يَرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيَنْبِئُهُمْ بِمَا عَمَلُوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» «آگاه باشید که برای خداست آنچه در آسمان‌ها و زمین است؛ او می‌داند آنچه را که شما بر آن هستید، و (می‌داند) روزی را که به سوی او بازمی‌گردند؛ و (در آن روز) آن‌ها را از اعمالی که انجام دادند آگاه می‌سازد؛ و خداوند به هر چیزی داناست» (نور/ ۶۴) و تفسیر راهنما می‌نویسد: «آفرینش انسان و مراحل حیات وی، همگی امری عالمانه و از روی آگاهی و علم بوده است و تمام تحولات مراحل زندگی و عمر انسان‌ها از کودکی تا پیری، تجلی علم الهی است **يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ**» (هاشمی رفسنجانی ۱۳۸۶: ذیل آیه ۵۴ سوره روم)

اما رشد انسان‌ها دو بُعد دارد. یکی مادی و دیگری معنوی است که در جنبه معنوی، انسان‌ها آن قدر می‌توانند رشد کنند که به مقام خلافت الهی بر روی زمین برسند. هرچه انسان‌ها بزرگ‌تر می‌شوند و رشد کمی و کیفی پیدا می‌کنند در فهم و شعور نیز رشد کرده و حقایق بیشتری را درک می‌کنند. انسان‌ها در ابتدای

است که شما را آفرید در حالی که ضعیف بودید؛ سپس بعد از ناتوانی، قوت بخشید و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرار داد؛ او هر چه بخواهد می‌آفریند، و دانا و تواناست» (روم/ ۵۴)

در این آیه بحث از رشد و پرورش و تکامل انسان به میان آمده است. انسان در ابتدای آفرینش قبل از آنکه به عالم دنیا بیاید نطفه‌ای بیش نبوده است و وقتی به عالم دنیا می‌آید کودکی است که توانایی هیچ کاری را ندارد و حتی قادر نیست که ضعیف‌ترین و کوچک‌ترین کارهای خودش را انجام داده و نیازهایش را برطرف کند، اما بعد از مدتی که به مرحله بلوغ و رشد جسمی و روحی و عقلی می‌رسد توانایی‌اش دوچندان می‌شود و قادر است که نیازهای مادی و معنوی خویش را برآورده کند و خداوند علیم است که انسان را از ناتوانی دوران جنینی و کودکی رهایی می‌بخشد و او را به کمال جسمانی و روحانی می‌رساند، این همان تجلی علم خداوند است. «**يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ**» خداوند متعال بر آفرینش هر چیزی که بخواهد هم قادر است و هم داناست و علمش متجلی می‌شود. اما سیر تکاملی و رشد موجودات و مخصوصاً انسان‌ها که اشراف مخلوقات‌اند و بر همه برتری دارند، در عالم تکوین تخلف‌ناپذیر و غیرقابل تغییر است. تمام موجودات ابتدا ناتوان‌اند و بعد، کم‌کم صاحب توانایی و کمالاتی می‌شوند و بعد از گذراندن کمالاتی و درجاتی و قوتی، کم‌کم رو به افول و کهنگی و نابودی و ضعف می‌روند. در میان موجودات انسان‌ها که به لحاظ رتبه و درجه اشراف مخلوقات حق تعالی هستند نیز مبتلا به ضعف جسمی و روحی می‌شوند. انسان در ابتدای خلقت از نظر روحی و جسمی ضعیف بوده و بعد از مدتی به قوتی دست می‌یابند، اما بعد از مدتی دوباره رو به افول و پیری و ضعف سوی می‌رود «**ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً**» که



مَخْلَقَةً لِّنَبِّينٍ لَّكُمْ وَ نَقَرَّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نَخْرُجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لْتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يُتَوَفَّى وَ مِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْدَلِ الْأَعْمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِنْ بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَ تَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَ رَبَّتْ وَ أَنْبَتَتْ مِنْ كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ» «ای مردم، اگر از برانگیخته شدن (پس از مرگ) در شکید پس (در آفرینش خود دقت کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم (جدد و جدّه نخستین‌تان را بلاواسطه و به نحو اعجاز، و نسل آن دو را با واسطه به جذب مواد اولیه خاک و انتقال آن به بدن) سپس از نطفه سپس از علقه (لخته خون مبدل از نطفه) سپس از مضغه (پاره گوشتی مبدل از علقه) که برخی دارای خلقت کامل و برخی غیر کامل است، تا (کمال قدرت و حکمت خود را در این آفرینش تدریجی) برای شما روشن سازیم، و ما آنچه را بخواهیم (از مضغه) در رحم‌ها تا مدت معینی (که جنین کامل شود) برقرار می‌داریم، سپس شما را در حال کودکی بیرون می‌آوریم، سپس (حفظ می‌کنیم) تا به کمال رشد بدنی و روحی خود برسید، و برخی از شما (قبل از پیری) قبض روح می‌شود و برخی از شما به پایین‌ترین مرحله عمر بازگردانده می‌شود تا عاقبت بعد از دانش (فراوان) چیزی نداند. و (روی) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی، پس چون آب را (به صورت باران و برف و تگرگ) بر آن فرو فرستیم می‌جنبد و بالا می‌آید و از هر نوع (گیاه و نهال) بهجت‌انگیز می‌رویاند». (حج/ ۵)

۲-۱: تجلی علم خدا در رشد و تکامل

حیوانات

از دیگر تجلیات علیم بودن خداوند متعال در عالم تکوین، رشد و پرورش حیوانات است.

خلقت هیچ چیزی نداشتند؛ وقتی حق تعالی آن‌ها را خلق کرد، وسیله ارتباطی (گوش) و دیداری (چشم) و احساسی (قلب) را به انسان‌ها داد. «وَ اللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَ جَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَ الْأَبْصَرَ وَ الْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» «و خداست که شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد درحالی که چیزی نمی‌دانستید، و برای شما گوش و چشم و دل قرارداد تا حقایق را درک کنید و باشد که سپاس بگذارید» (نحل/ ۷۸) و انسان‌ها در اثر استفاده درست و صحیح از این وسیله‌ها می‌توانند به رشد و تکامل حقیقی برسند. و حقیقت وجودی انسان این‌گونه است که می‌تواند و قابلیت تکامل معنوی را دارد. «... وَ مِنْ تَزَكِيٍّ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ». «و هر کس پاکی (و تقوا) پیشه کند، نتیجه آن به خودش بازمی‌گردد؛ و بازگشت (همگان) به سوی خداست» (فاطر/ ۱۸) و اگر انسان‌ها تقوای الهی را پیشه کنند، به رشد معنوی رسیده و مقرب درگاه خداوند متعال می‌شوند «أَنْ كَرَّمَكُمُ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَكُمُ أَنْ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» «گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تفاوت‌ترین شماست؛ خداوند دانا و آگاه است» (حجرات/ ۱۳) و این رشد و پرورش مادی و معنوی انسان‌ها از تجلیات علیم بودن خداوند متعال است. «أَنْ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» «خداوند دانا و آگاه است» «يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» «او هر چه بخواهد می‌آفریند، و دانا و تواناست». (روم/ ۵۴)

از دیگر آیاتی که می‌توان در این بحث از آن استفاده کرد که به رشد و پرورش انسان‌ها اشاره کرده و مراحل آن را بیان کرده است، این آیه شریفه است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ مِنْ نُطْفَةٍ ثُمَّ مِنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِنْ مُضْغَةٍ مُخَلَّقَةٍ وَ غَيْرِ



قدیمی‌ترین آن‌ها ارکتورنیت است که دارای پرو استخوان و جمجمه شبیه به پرندگان و به جثه کیبوتری بوده ولی نمی‌توانسته است خوب پرواز کند و پره‌های او بیشتر برای جلوگیری از حملات دشمنان بوده است. در دوره بعد پرندگانی پدید آمدند که عبارت بودند از ایکتیورنیتس که به جثه کلاغی بوده و به‌خوبی می‌توانسته پرواز نماید و هسپرونیتس که دارای قیافه مرغان ماهی‌خوار بوده است. این حیوانات جزء آن دسته‌اند که بر دو پا راه می‌روند. نخستین آثار پستانداران در دوره تریاس در اواخر دوره دوم پیداشده است، این پستانداران اکثراً جثه‌ای کوچک داشته‌اند، گرچه از بقایای کامل این جنیدگان به حد کافی به دست فسیل شناسان نرسیده ولی احتمال می‌رود که از دسته کیسه‌داران بوده‌اند. از اوایل دوران سوم پستانداران و آن‌هایی که بر چهارپا راه می‌روند به یک‌باره کثرت و تنوع پیدا کرده‌اند تا به انواع بیشمار کنونی از قبیل اسب، گاو، شتر، فیل، کرگردن و میمون رسیده‌اند و این حیوانات جزو آن دسته‌اند که بر چهارپا راه می‌روند.» (انصاریان، بی‌تا، ۳۹۹ و ۴۰۰)

حق تعالی هر موجودی را به نحو خاصی رشد داده است که هرکدام بتوانند به سراغ تأمین نیازهایشان بروند. همگی این‌ها از تجلیات علیم بودن خداوند متعال است. اما این رشد و پرورش در جسمشان بوده است ولی یک نحوه دیگر از رشد و تکامل نیز در حیوانات وجود دارد که در مرتبه بالاتری قرار دارد. حق تعالی حیوانات را در زمینه هوش و استعداد و نیز رام شدن و موارد دیگر، نیز رشد و پرورش داده است. پرورش و رشد حیوانات بدین صورت است که یک حیوان با حیله و نیرنگ، صید خود را شکار می‌کند و مواد غذایی خود را مهیا می‌گرداند.

امام صادق به مفضل می‌فرماید: «روباه وقتی که طعمه به دستش نیاید خود را به روش مرده

خداوند متعال حیوانات را خلق کرد و برای هر موجودی رشد و پرورشی قرارداد. برای برخی از حیوانات بال‌وپر قرارداد تا بتوانند پرواز کنند و برای خودشان آذوقه و غذا تهیه کرده و نیازشان را تأمین کنند. «أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ» «آیا آن‌ها به پرندگانی که بر فراز آسمان‌ها نگه‌داشته شده، نظر نیفکندند» (نحل / ۷۹) و برخی از حیوانات بدون پروبال بوده و بر روی شکمشان راه می‌روند و یا برخی دیگر دست‌وپا دارند. «وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» «و خدا همه جنبنندگان را از آب پدید آورد، برخی برشکم و بعضی بر دوپا و بعضی بر چهارپا راه می‌روند خدا هرچه را بخواهد می‌آفریند زیرا بر هر کاری تواناست» (نور / ۴۵)

تفسیر حکیم می‌نویسد: «اکنون اگر با کمک علم دیرین‌شناسی و فسیل‌شناسی به قهقرا برگردیم و به تماشای جنبنندگان و حیوانات ابتدائی بپردازیم به همان ترتیبی که در قرآن آمده است ابتدا به خزندگان آن‌هایی که برشکم راه می‌روند و بعد به پرندگان و آن‌هایی که بر دو پا راه می‌روند و بعد به پستانداران و آن‌هایی که بر چهارپا راه می‌روند برمی‌خوریم. قدیمی‌ترین فسیل‌هایی که از دوران اول به دست دیرین‌شناسان رسیده است عبارت‌اند از: تریلوبیتها، براکیوپودها، برخی از انواع مرجان‌ها، گرایتولیتها، فوزولین و ماهیان زره دار و در دوره بعد بعضی دیگر از ماهی‌ها و هم‌چنین گروه سوسماران و ماران و لاک‌پشتان و تمساحان و خزندگان زمینی پدید آمدند، این حیوانات جزء آن دسته‌اند که برشکم راه می‌روند. در دوران دوم (دوره ژوراسیک) پرندگان پیدا شدند که



اشتباه به خانه صاحب خود می‌رود. همچنین دیده‌ایم که هیچ گوسفندی اجازه نمی‌دهد غیر از نوزاد خودش از پستانش بنوشد؛ و هنگامی که در تاریکی شب نوزادان را رها می‌کنند و وارد گله گوسفندان می‌شوند، هر نوزادی به سراغ مادر خود می‌رود، و مادر بعد از شناخت او آماده شیر دادنش می‌شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶، ۴۲۲) و همچنین در مرحله نهایی، حق تعالی حیوانات را رشد و تکامل می‌دهد تا منبع تغذیه‌ای برای بشریت باشد. انسان‌ها اشرف مخلوقات اند که می‌توانند به مقام خلافت الهی در روی زمین برسند و چون انسان‌ها برای به کمال رسیدن نیازمند هستند که جسمشان را تقویت کرده و از این رهگذر بتوانند عبادت کنند و کمالات را به دست بیاورند، بنابراین خداوند علیم حیوانات را رشد و پرورش داد تا منبع تغذیه مناسبی برای رشد و به کمال رسیدن بشریت بشود که به نوعی هم اینکه یک حیوانی بتواند منبع رشد انسان مؤمنی بشود، این خودش نیز یک کمال محضی برای آن حیوان محسوب می‌شود و همه این‌ها از تجلیات علیم بودن حق تعالی است زیرا حق تعالی است که حیوانات را رشد و پرورش داده و به تکامل می‌رساند و از ابتدا به تمام آن‌ها آگاه است... **وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا...** «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است! ادر لوح محفوظ، در کتاب علم خدا» (هود/ ۶) **«... إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ».** «او به آنچه در سینه‌هاست آگاه است. آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آن‌ها آگاه نیست؟! درحالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است». (ملک/ ۱۳ و ۱۴)

می‌اندازد و شکمش را باد می‌کند به حیثیتی که مرغی که بر آن می‌گذرد گمان می‌کند که مرده است، پس به طمع آن که آن را بدرد و از گوشت او بخورد بر جثه آن می‌نشیند، آنگاه روباه می‌جهد و آن را شکار می‌کند، پس خداوندی که او را محتاج به روزی گردانیده و آن را نطق و عقل نداده، طبع آن را برای تحصیل روزی بر این اصناف روباه بازی‌ها مجبول گردانیده، زیرا که روباه توانائی که سایر درندگان دارند در مغالبه و معارضه با شکار خود مانند شیر و ببر و پلنگ و امثال آن‌ها ندارد، پس حکیم علیم به عوض آن توانائی، مزید فطنت و زیرکی به او ارزانی داشته که معاش خود را تحصیل تواند نمود. دلفین که یکی از حیوانات دریایی است در میان آب چون خواهد که مرغی را شکار کند، ماهی را می‌کشد و شکمش را می‌شکافت که بر روی آب بایستد و در زیر ماهی پنهان می‌شود و آب را حرکت می‌دهد که جثه‌اش در آب نمایان نشود و چون مرغ از هوا می‌آید که ماهی مرده را شکار کند بر می‌جهد و مرغ را می‌گیرد، پس نظر کن که چگونه آن جانور ملهم شده است به چنین حيله برای مصلحت روزی خود». (مجلسی، بی‌تا، ۱۳۷ و ۱۳۸)

و همچنین حیوانات برای رام شدن و یا در زمینه هوش و استعداد که بسیار تعجب‌آور است نیز رشد و تکامل یافته‌اند. آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد: «و ما انسان‌ها معمولاً افراد کودن را به چهار پایان تشبیه می‌کنیم؛ ولی آن‌ها در پاره‌ای از مسائل چنان هوش و درایتی از خود نشان می‌دهند که اعجاب‌آور است. بسیاری از ما دیده‌ایم که وقتی گله گوسفندان از صحرا بازمی‌گردند- در روستاهایی که هرچند رأس گوسفند و بز متعلق به خانواده‌ای است- نزدیک آبادی که می‌رسند هرکدام از آن‌ها با سرعت از پیچ‌وخم‌های کوچه‌های ده می‌گذرد و بدون



نشانه‌ای از رشد و پرورش در زنبورعسل است که حق تعالی به او الهام کرده است. خود الهامات به حیوانات یک‌درجه‌ای از رشد و پرورش است که در رتبه بالایی قرار دارد. زندگی زنبورعسل از ابتدا تا انتها بسیار زیباست که در مورد این حیوان کتاب‌های زیادی نوشته شده است و قرآن هم در مورد این حیوان مسائلی را مطرح کرده است که یکی از آن‌ها رشد و پرورش این حیوان است که همه این‌ها از تجلیات علیم بودن خداوند متعال است.

آنچه از تفاسیر به دست می‌آید این است که ابتدا خداوند به زنبورعسل الهام می‌کند که خود این الهامات همان رشد و پرورش است که زنبور برای تهیه غذا و فراهم آوردن شهد و عسل، می‌بایست برای خود مسکنی آماده کند که آن مسکن مناسب، در دل کوه، بالای درختان، بناها و سایبان‌هاست. بعد باید راهی را بییامد و به سمت درختان و شکوفه‌ها برود و از گل‌ها، درختان و محصولات آن‌ها بخورد و در درون شکمش عسل سازی کند. اینکه یک حیوان مسیری را می‌پیماید برای هدف معینی، همان پرورش است و همین مسئله که شکم یک حیوان مکان مناسبی می‌شود برای تهیه یک منبع غذایی بسیار مفید برای چرخه طبیعت انسان‌ها و حتی خود حیوانات، این در حقیقت نشانی از رشد و پرورش آن حیوان است که از تجلیات علیم بودن خداوند متعال است. «وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَ يَعْلَمُ مُسْتَقَرَّهَا وَ مُسْتَوْدِعَهَا ...» «هیچ جنبنده‌ای در زمین نیست مگر اینکه روزی او بر خداست! او قرارگاه و محل نقل و انتقالش را می‌داند؛ همه این‌ها در کتاب آشکاری ثبت است! ادر لَوْحٍ مَحْفُوظٍ، در کتاب علم خدا» (هود/ ۶) «... إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَ هُوَ

از دیگر مواردی که می‌توان در این بحث به آن اشاره کرد، این آیه شریفه است.

« وَ أَوْحِيَ رَبِّيَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كَلِي مِنَ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلَّا يَخْرُجُ مِنْ بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ » «پروردگار تو به زنبورعسل وحی نمود که: از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم بالا می‌برند، خانه‌هایی برگزین! سپس از تمام ثمرات بخور و راههای هموار پروردگارت را بپیمای! از درون شکم آن‌ها شربتی بارنگ‌های گوناگون بیرون می‌آید که در آن، شفای مردمان است. به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای گروهی که می‌اندیشند». (نحل/ ۶۸و۶۹)

زنبورعسل از جمله حیواناتی است که قرآن کریم در مورد رشد و پرورشش سخن گفته است.

آیت‌الله مکارم شیرازی می‌نویسد: « زندگی زنبوران عسل از شگفت‌انگیزترین پدیده‌های آفرینش است، و در پرتو مطالعات دانشمندان عجایبی از زندگی این حشره کوچک کشف شده که بعضی معتقدند تمدن و زندگی اجتماعی آن‌ها از انسان پیشرفته‌تر است! شما هیچ جامعه پیشرفته‌ای را پیدا نمی‌کنید که مسئله بیکاری و گرسنگی را به‌طور کامل حل کرده باشد؛ ولی این مسئله در کشور زنبوران عسل (کندوها) کاملاً حل شده است. در تمام این شهر یک زنبور بیکار و نیز یک زنبور گرسنه پیدا نمی‌شود! خانه‌سازی، طرز جمع‌آوری شیره گل‌ها، ساختن و ذخیره کردن عسل و پرورش نوزادان و کشف مناطق پر گل و دادن آدرس به سایر زنبوران و پیدا کردن کندو از میان صدها یا هزاران کندو، همگی نشانه هوش فوق‌العاده این حشره است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ذیل همین آیات) همه این‌ها



وقتی نباتی سر از خاک برمی‌آورد و دارای تنه، برگ، شاخه، ریشه و میوه می‌شود، یعنی در حقیقت رشد کرده و پرورش یافته است.

تفسیر نمونه می‌نویسد: «پیدایش میوه‌ها درست همانند تولد فرزند در جهان حیوانات است، نطفه‌های نر با وسایل مخصوصی (وزش باد یا حشرات و مانند آن‌ها) از کیسه‌های مخصوص جدا می‌شوند، و روی قسمت مادگی گیاه قرار می‌گیرند، پس از انجام عمل لقاح و ترکیب شدن با یکدیگر، نخستین تخم و بذر تشکیل می‌گردد، و در اطرافش انواع مواد غذایی همانند گوشتی آن را در برمی‌گیرند. این مواد غذایی از نظر ساختمان بسیار متنوع و همچنین از نظر طعم و خواص غذایی و طبی فوق‌العاده متفاوت‌اند، گاهی یک میوه (مانند انار و انگور) دارای صدها دانه است که هر دانه‌ای از آن‌ها خود جنین و بذر درختی محسوب می‌شود و ساختمانی بسیار پیچیده و تو در تو دارد.» (مکارم شیرازی ۱۳۷۱: ج ۵، ۳۷۲)

رشد و تکامل میوه‌ها و گیاهان به‌عنوان منابع حیاتی در چرخه طبیعت بسیار مهم است. یکی از مراحل رشد نباتات، رشد جسمی است یعنی در زمینه شکل و شمایل، رشد می‌کنند. «و فِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مِّنْ جَبَلٍ وَ جَنَاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ صِنَوَانٍ وَ غَيْرِ صِنَوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضَلُ بَعْضُهَا عَلَيَّ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوت‌اند؛ و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک‌پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجیب‌تر آنکه) همه آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند! و باین‌حال، بعضی از آن‌ها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم؛ در این‌ها نشانه‌هایی

اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. «او به آنچه در سینه‌هاست آگاه است. آیا آن کسی که موجودات را آفریده از حال آن‌ها آگاه نیست؟! درحالی که او (از اسرار دقیق) باخبر و آگاه است» (ملک/ ۱۳ و ۱۴)

در زمینه نیش زنبورعسل، زندگی آن، هدایت و پرورشش، عسل و شفا بودنش و مسائل دیگر، کتاب‌های زیادی نوشته‌شده و مفسرین نیز بحث‌هایی کرده‌اند که از عهده این مقاله خارج است.

۳-۱: تجلی علم خدا در رشد و تکامل

نباتات

از تجلیات علیم بودن حق تعالی در عالم تکوین، رشد و پرورش نباتات است. حق تعالی از آسمان آبی را نازل کرد و در اثر برخورد آب با زمین و باروری زمین و دانه‌های موجود در آن، زمینه رشد نباتات شکل گرفت:

« وَ هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَّتْرَاكِبًا وَ مِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَ جَنَاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَ الزَّيْتُونِ وَ الرِّمَّانِ مَشْتَبِهًا وَ غَيْرِ مِثْلِهِمْ أَنْظُرُوا إِلَيَّ ثَمْرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَ يَنْعِهِ إِن فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. » «او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویانیدیم؛ و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم؛ و از آن‌ها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی‌شباهت! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است.» (أنعام/ ۹۹)

است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند» (رعد/ ۴)

تفسیر نمونه ذیل همین آیه شریفه می‌نویسد: «در زمین قطعات مختلفی وجود دارد که در کنار هم و در همسایگی یکدیگرند. باینکه این قطعات همه با یکدیگر متصل و مربوطاند، هرکدام ساختمان و استعدادی مخصوص به خود دارند، بعضی محکم، بعضی نرم، بعضی شور، بعضی شیرین و هرکدام استعداد برای پرورش نوع خاصی از گیاهان و درختان میوه و زراعت را دارد، چراکه نیازهای انسان و جانداران زمینی بسیار زیاد و متفاوت است، گویی هر قطعه از زمین مأموریت برآوردن یکی از این نیازها را دارد، و اگر همه یکنواخت بودند، و یا استعدادها به صورت صحیحی در میان قطعات زمین تقسیم نشده بود، انسان گرفتار چه کمبودهایی از نظر مواد غذایی و دارویی و سایر نیازمندی‌ها می‌شد، اما با تقسیم حساب شده این مأموریت و بخشیدن استعداد پرورش آن به قطعات مختلف زمین همه این نیازمندی‌ها به‌طور کامل برطرف می‌گردد» (همان، ۱۰ / ۱۱۷ و ۱۱۶) تکامل گیاهان و میوه‌ها، بسیار دیدنی و جذاب است. نباتات بعد از جذب آب، بارور شده و رشد می‌کنند و ترکیبات شیمیایی را از زمین جذب کرده و در طول مدت رشد، دارای اشکال مختلف و طعم‌های متفاوت و رنگ‌های گوناگون می‌شوند. رشد برخی از نباتات در تنه است و به قطر ۲ الی ۵ متر می‌رسند و رشد برخی دیگر در برگه است و عده‌ای هم در میوه. مثلاً آناناس با سیب در رشد و پرورش بسیار متفاوت‌اند.

نباتات بعد از شکل‌گیری و رشد جسمانی که دارای اشکال و خصوصیتی می‌شوند، هم‌زمان نیز در بعدهای دیگر نیز رشد می‌کنند. مثلاً در زمینه رنگ نیز رشد می‌کنند. سیب و موز در ابتدا سبز رنگ هستند، وقتی رشد کرده و به مرحله

بهره‌برداری می‌رسند، رنگشان زرد می‌شود. در زمینه طعم و مزه هم رشد می‌کنند. مثلاً پرتقال و نارنگی در ابتدا کمی ترش بوده و مزه کزی و تلخی می‌دهند، اما بعد از رسیدن، شیرین می‌شوند و آن مزه تلخی از بین می‌رود.

اما یک مرحله تکامل در نباتات وجود دارد که مرحله کمال آن نبات محسوب می‌شود و آن زمانی است که از آن نبات به‌عنوان غذای مفید برای انسان‌ها و حیوانات قرار می‌گیرد. «فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ إِلَىٰ طَعَامِهِ / أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا / ثُمَّ شَقَقْنَا الْأَرْضَ شَقًّا / فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا وَعَنْبًا وَقَضْبًا وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا وَحَدَائِقَ غُلْبًا وَفَاكِهَةً وَأَبًّا مَتَاعًا لَكُمْ وَ لِنَعَامِكُمْ» «انسان باید به غذای خویش (و آفرینش آن) بنگرد. ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم، سپس زمین را از هم شکافتیم و در آن دانه‌های فراوانی رویاندیم، و انگور و سبزی بسیار، و زیتون و نخل فراوان، و باغ‌های پردرخت، و میوه و چراگاه، تا وسیله‌ای برای بهره‌گیری شما و چهارپایانتان باشد» (عبس/ ۲۴-۳۲)

حیوانات برای زنده‌بودن و زندگی کردن نیاز به انرژی دارند که این انرژی از طریق غذا و تغذیه فراهم می‌شود. یکی از منابع مهم تغذیه حیوانات، نباتات هستند. وقتی حیوانی از نباتی مصرف می‌کند و آن حیوان رشد می‌کند، همین عاملی است که آن نبات رشد و پرورش یافته و این بنیه در او زنده شده است که مورد مصرف حیوانات که یکی از چرخه‌های اصلی طبیعت‌اند و منافع زیادی دارند، قرار می‌گیرند. اما چون انسان‌ها اشرف مخلوقات هستند و نیازمند به تأمین مواد مصرفی برای به کمال رسیدن هستند، لذا یکی از منابع مهم غذایی انسان‌ها نیز نباتات هستند که وقتی نباتی رشد کرد، خداوند متعال آن را پرورش می‌دهد که یک منبع غذایی برای



باین‌حال، بعضی از آن‌ها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم؛ در این‌ها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند» (رعد/ ۴)

اما این نباتات علاوه بر مفید بودن برای حیوانات و انسان‌ها، برای جمادات نیز مفید هستند که در چرخه طبیعت نقش مؤثری دارند. زیست‌شناسان و کارشناسان محیط‌زیست می‌گویند وقتی میوه‌ای پوسیده شود و یا گیاهی خشک شود و به روی زمین بریزد، در اثر برخورد هوا و زمین و آن نبات، فعل‌وانفعالات شیمیایی صورت می‌گیرد که در رشد آن زمین برای کاشت محصول بسیار مفید است. در این زمینه زیست‌شناسان بحث‌های زیادی کرده‌اند که از عهده این مقاله بیرون است. صاحب تفسیر نمونه ذیل آیه ۵ سوره اعلیٰ نیز اشاره‌ای به این مطلب دارد و می‌نویسد: «حال غُثَاءُ أَحْوَى (گیاهان خشکیده تیره‌رنگ) منافع زیادی در بر دارد هم‌غذای مناسبی است برای زمستان حیوانات، و هم وسیله‌ای است برای سوخت‌وسوز انسان، و هم کود مناسبی است برای زمین‌ها.» همان، ۱۳۷۱: ۳۸۹/۲۶

اما در نهایت می‌توان گفت که رشد و تکامل نباتات بسیار مفید و مؤثر برای همه هستی و چرخه طبیعت است که از تجلیات علیم بودن خداوند متعال است. «سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ» «منزه است کسی که تمام زوج‌ها را آفرید، از آنچه زمین می‌رویانند، و از خودشان، و از آنچه نمی‌دانند.» (یس/ ۳۶) امام صادق علیه‌السلام به مفضل درباره فواید نباتات می‌فرماید: «نظر کن ای مفضل در نباتات و انواع منافعی که واهب حیات و خالق ارضین و سماوات در

مؤمنین شود. همین موضوع که خداوند متعال نباتی (خواه میوه‌ها و یا سبزی‌ها و یا ...) را برای منبع غذای انسانی که اشرف مخلوقات است، مفید می‌داند، یعنی آن نبات را به مرحله رشد نهایی و تکامل اش رسانده و آن را پرورش داده که برای انسان‌ها مفید باشد و ضررهایی نداشته باشد که همه این‌ها از تجلیات علیم بودن خداوند متعال است: «إِلَيْهِ يَرْدُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِنْ أَكْمَامِهَا» «آگاهی از [لحظه وقوع] رستاخیز تنها مربوط به خداست، و خروج هر میوه‌ای از شکوفه‌اش» (فصلت/ ۴۷)

«و عنده مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ... وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ ...» «و کلیدهای (چیزهای) نهان نزد اوست؛ (هیچ کس) جز او آن‌ها را نمی‌داند ... هیچ برگی فرو نمی‌افتد مگر که او آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین» (انعام/ ۵۹)

در مرحله رشد و تکامل نهایی که نباتات به‌عنوان منبع غذایی قرار می‌گیرند، خداوند برخی از نباتات را بر برخی دیگر ترجیح داده و تفاوت بینشان قائل شده است و همین موضوع دال بر این است که آن نباتی که پایین‌تر است و رجحانی ندارد، مورد پرورش نهایی قرار نگرفته و رشد و تکامل حقیقی را ندارد که به‌عنوان منبع غذایی برای چرخه طبیعت قرار بگیرد: «وَ فِي الْأَرْضِ قَطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٍ وَ جَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَ زُرْعٌ وَ نَخِيلٌ صُنُوانٌ وَ غَيْرُ صُنُوانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَ نَفْضُلٌ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ» «و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوت‌اند؛ و (نیز) باغ‌هایی از انگور و زراعت و نخل‌ها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجیب‌تر آنکه) همه آن‌ها از یک آب سیراب می‌شوند؛ و



تبدیل شوند. وقتی دانه کاشته شد، خاک باید با آب مرطوب شود. دانه آب را از طریق پوشش خود جذب خواهد کرد و رطوبت را برای جنین لانه کرده در درون خود تأمین خواهد کرد. این امر آنزیم‌هایی را فعال می‌کند که به تکثیر سلول‌های گیاهی کمک می‌کند و آن‌ها را وادار به استفاده از انرژی و یا غذای ذخیره‌شده در دانه می‌کنند تا سبب ایجاد گیاه رویانی شود. دانه‌ها از این انرژی بهره می‌برند تا پوشش اولیه و اصلی را تولید کنند که به خاک نفوذ می‌کند و عمل جذب مواد غذایی و آب را شروع می‌کند. این امر منجر به رشد بیشتر جنین می‌شود تا سبب ایجاد شاخه‌ی گیاه شود. وقتی شاخه بسیار بزرگ شد در جستجوی نور برای شروع فوتو سنتز، شکافی در پوشش دانه ایجاد کرده و به بیرون راه پیدا خواهد کرد در نتیجه گیاه در حال رشد، ظهور می‌کند. هم‌ریشه و هم شاخه به سمت پایین و بالا به ترتیب و به‌طور هم‌زمان حرکت می‌کنند. در یک لحظه نهال تخمی راه خود را درون خاک باز می‌کند و بعد از مدتی رشد کرده و پرورش می‌یابد و خداوند تمام مراحل رشد و پرورش دانه از زمانی که در دل خاک تیره و ظلمانی است تا زمانی که از خاک سربرمی‌آورد و رشد می‌کند، علیم است و این همان تجلی علیم بودن خداست. «وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ ... وَ مَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا أَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ ...» و کلیدهای (چیزهای) نهان نزد اوست؛ (هیچ کس) جز او آن‌ها را نمی‌داند ... هیچ برگ‌ی فرو نمی‌افتد مگر که او آن را می‌داند و هیچ دانه‌ای در تاریکی‌های زمین». (انعام / ۵۹)

۴-۱: تجلی علم خدا در رشد و تکامل جمادات

آن‌ها مقرر ساخته، پس میوه‌ها را برای غذا آفریده و کاه‌ها را برای علف حیوانات و همیزم را برای برافروختن آتش و چوب را برای اصناف نجاری‌ها و پوست درختان و برگ و ریشه و ساق و صمغ آن‌ها را برای انواع منفعت‌ها. اگر میوه‌ها که می‌خوریم برای ما بی‌درخت بر روی زمین به هم می‌رسید و بر شاخ درختان نمی‌بود هرآینه خلل بسیار در امور معاش ما به هم می‌رسید هرچند از فواکه منتفع می‌شدیم زیرا که منافع چوب و همیزم و علف و کاه و غیر ذلک از ما فوت می‌شد. و این‌ها منفعت‌های عظیم است قطع نظر از التذادی که آدمی را از دیدن گیاه‌های سبز و درختان خرم و گل‌های الوان و شکوفه‌های گوناگون حاصل می‌شود که هیچ لذتی را با آن برابر نمی‌توان کرد.» (مجلسی، بی‌تا، ۱۹۴)

«مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سَنبَلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ» «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد؛ و خداوند آن را برای هر کس بخواهد (و شایستگی داشته باشد)، دو یا چند برابر می‌کند؛ و خدا (از نظر قدرت و رحمت،) وسیع، و (به همه چیز) داناست.» (بقره / ۲۶۱)

خداوند متعال در این آیه شریفه تمثیل زده است کسانی را که اموالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند به بذری که هفت خوشه برویاند؛ که در هر خوشه، یکصد دانه باشد.

اگرچه این بحث تمثیل است ولی این نکته را در مورد رشد نباتات باید مورد دقت قرارداد. دانه که در این آیه شریفه از آن تعبیر به «حَبَّةٌ» شده است، از دسته نباتات بوده که وقتی شرایط برای فرآیند رویش دانه فراهم شود، فقط لحظه‌ای طول می‌کشد تا آن‌ها به نهال تخمی



تَمِيدَ بَكُمْ وَ أَنْهَاراً وَ سُبُلًا لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ» «و در زمین، کوه‌های ثابت و محکمی افکند تا لرزش آن را نسبت به شما بگیرد؛ و نهرها و راه‌هایی ایجاد کرد، تا هدایت شوید» (نحل/ ۱۵) و زمین را مانند گهواره‌ای برای آرامش و استراحت قرارداد: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ مَهْدًا» «همان کسی که زمین را محل آرامش شما قرارداد» (زخرف/ ۱۰) و برای زمین حرکت قرارداد که یکی از نشانه‌های حرکت زمین، گردش منظم و دقیق شب و روز است: «تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَ تُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ...» «پیوسته با کاستن از ساعات روز، و افزودن آن بر شب، شب را در روز فرومی‌بری و با کاستن از ساعات شب و افزودنش بر روز، روز را در شب فرومی‌بری» (آل عمران/ ۲۷)

و زمین را رشد داد و پروراند یعنی به تکامل رساند تا اینکه انسان‌ها از آن‌ها استفاده کنند «وَ الْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» (الرحمن/ ۱۰) این یک رشد و پرورش زمین بود، اما یک رشد و پرورش زمین نیز وجود دارد که به گونه دیگری است. قرآن کریم می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» «بدانید که خدا زمین را پس از مردنش، با رویش گیاهان زنده می‌کند» (حدید/ ۱۷) که این احیاء زمین بعد از موت، همان رشد و تکامل است.

خداوند متعال در ابتدا که زمین را خلق کرد، زمین دارای زمین‌های سرسبز و محصولات گیاهی و میوه‌های مفید نبود، اما بعد از نزول باران و باد، زمین را زنده کرد و از حالت خموشی به حالت تحرک و زنده‌بودن درآورد. این که زمین زنده می‌شود یعنی حیات دوباره برایش ایجاد می‌شود و همین سیر از ممات به حیات را رشد می‌گویند. حیات به چند معنا به کاررفته است که یکی از معانی آن نیروی رشد دهنده و نمو دهنده

یکی از مخلوقات خداوند متعال زمین است. زمین جزو جماداتی است که دارای حرکت و رشد و تکامل است. خداوند متعال زمین خلق کرد و به واسطه خلقت زمین، موجودات دیگر مانند حیوانات و انسان‌ها نیز به فواید کثیری دست یافتند. شاید خیلی‌ها فکر کنند که زمین و آسمان به‌عنوان یکی از جماداتی که در اذهان مردم، معروف هستند، حرکت و رشدی ندارند؛ درحالی که زمین و آسمان هم حرکت دارند و هم در حال رشد و تکامل هستند.

صاحب تفسیر انوار درخشان می‌نویسد: «حیات و تغییرات زمین کاملاً محسوس است، نیروهایی که در درون خاک به‌صورت مواد شیمیایی ذخیره‌شده، در فصل مناسبی از سال سبب رشد و نمو گیاهان می‌شود، عبارت از تبدیل حالات و نشانه حیات و موت زمین است، معادنی که در درون زمین پنهان و نهفته‌اند، پیوسته در حرکت هستند.» (حسینی همدانی ۱۴۰۴: ۸/ ۲۱۰)

خداوند متعال ابتدا زمین را خلق کرد «بَدِيعُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ ... وَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَ هُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ» «او پدیدآورنده آسمان‌ها و زمین است ... و همه‌چیز را آفریده؛ و او به همه‌چیز داناست» (انعام/ ۱۰۱) که این زمین در ابتدای خلقت، به‌هم‌پیوسته بود: «أَوْ لَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا...» «آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به‌هم‌پیوسته بودند، و ما آن‌ها را از یکدیگر باز کردیم» (انبیاء/ ۳۰) اما بعد زمین را نیز مانند آسمان دارای طبقات کرد: «اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَ مِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ ...» «خداوند همان کسی است که هفت آسمان را آفرید، و از زمین نیز همانند آن‌ها را» (طلاق/ ۱۲) و سپس زمین را گستراند و در آن راه‌ها و کوه‌ها را به وجود آورد: «وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ

است. (راغب اصفهانی ۱۴۱۲: ۱/ ۵۶۹) که در مورد زمین میت باید گفت که نیروی رشد دهنده آن مرده است و هیچ حیاتی ندارد. اما خداوند متعال با بارش باران و نزول بادهای سبب احیا و زنده شدن زمین می‌گردد. **وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سَقَنَاهُ لِيَكْدَ مَيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ** «او کسی است که بادهای را بشارت‌دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد؛ تا ابرهای سنگین‌بار را (بر دوش) کشند؛ (سپس) ما آن‌ها را به سوی زمین‌های مرده می‌فرستیم؛ و به وسیله آن‌ها، آب (حیات‌بخش) را نازل می‌کنیم؛ و با آن، از هرگونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم» (اعراف/۵۷) و نباتات نیز می‌رویند: **«أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ** «از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد» (بقره/ ۲۲) و زمین را محلی برای رویش گیاهان و درختان متنوع میوه قرارداد: **«وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَاهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لِقَادِرُونَ / فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّاتٍ مِنْ نَجِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَكُمْ فِيهَا فَوَاكِهٌ كَثِيرَةٌ / وَ مِنْهَا تَأْكُلُونَ وَ شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبْغٍ لِلْأَكْلِينِ** «و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم؛ و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم؛ و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم. سپس به وسیله آن باغ‌هایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغ‌هایی که در آن میوه‌های بسیار است؛ و از آن می‌خورید. و (نیز) درختی را که از طور سینا می‌روید ادرخت زیتون، و از آن روغن و «نان خورش» برای خوردن‌گان فراهم می‌گردد (آفریدیم)» (مؤمنون/ ۱۸-۲۰) و محلی برای

زندگی جنبنندگان قرارداد: **«إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... وَ بَثِّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ»** «در آفرینش آسمان‌ها و زمین ... و انواع جنبنندگان را در آن گسترده» (بقره/۱۶۴) و همین‌طور زمین رشد کرد. اما مرحله تکامل و رشد و پرورش زمین درجایی است که اشرف مخلوقات بتواند از آن‌ها استفاده کند. حق تعالی از زمین منابع مهمی غذایی را رویاند تا انسان‌ها از آن‌ها بهره‌برند **«وَ الْأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ»** «و زمین را فرو گسترده برای مردم» (الرحمن/۱۰) **«الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَ السَّمَاءَ بِنَاءً وَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ»** «همان خدایی که زمین را برای شما بساطی (گسترده) و آسمان را بنایی (برافراشته) قرارداد و از آسمان آبی (به صورت باران و برف و تگرگ) فرود آورد و به وسیله آن از میوه‌ها برای شما روزی بیرون آورد.» (بقره/ ۲۲) و زمین را رشد داد تا محلی برای بندگان شود که هم از نعمات آن استفاده کنند: **«هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا»** «اوست آن که همه آنچه را در زمین است برای شما آفرید» (بقره/ ۲۹) و هم اینکه دنیا وسیله و پلی برای آخرت گردد. زیرا در دنیا می‌توان فهمید که چه کسی خوب است و متقی و چه کسی بد است و شقی: **«وَ هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ...»** «او کسی است که آسمان‌ها و زمین را خلق کرد ... (به خاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدام‌یک عملتان بهتر است» (هود/۷) و این همان رشد و تکامل زمین است که از تجلیات علیم بودن خداوند متعال است: **«رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَ عِلْمًا»** «پروردگارا! رحمت و علم تو همه‌چیز را فراگرفته است» (غافر/ ۷) زیرا خداوند متعال هم علیم به



مرحله رشد جسم و روح خود برسد و خلیفه حق تعالی بر روی زمین بشود که کامل‌ترین انسان‌ها، ائمه معصومین و انبیاء الهی هستند. رشد و پرورش حیوانات و نباتات و جمادات سبب شد که این‌ها در چرخه غذایی و طبیعی انسان‌ها قرار گیرند و انسان‌ها از آن منافع بهره کافی را ببرند. انسان‌ها باید در مرحله اول خدا را شکر گذاری کنند و بعد آن‌ها را اِسراف نکنند. اما نکته مهم این است از این تکامل موجودات باید الگو بگیریم و بتوانیم اعمال و افکارمان را نیز تکامل داده تا در این راستا به فوائد بهتر و بیشتری برسیم. اِسراف نکردن خود عملی است که سبب رشد و پرورش مسائل اجتماعی شده و عاملی برای استفاده بهتر دیگران می باشد. آب و گاز و نفت و بنزین و سرمایه‌های دیگر زمینی و آسمانی که خدا داده است برای همه است. عالمان دین و دانشمندان طبیعی باید ابعاد مختلف اسراف و هدر رفتن منابع زمینی و آسمانی را برای مردم بازگو کنند تا مردم صاحب علم شده و رشد کنند تا بتوانند در گروه عدم اسراف هم به دیگران منافع بهتری برسانند و هم موجب پیشرفت جامعه شوند.

۲-۳: ایجاد اسباب رشد و پرورش برای رسیدن به مقصود نهایی:

حق تعالی همه موجودات را پرورش و به طرف کمال حرکت داد. تکامل انسان در عبودیت است و تکامل حیوان و نبات و جماد در این است که انسان‌ها از آنها استفاده کنند و به طاعت و عبودیت بیشتری دست یابند. ما انسان‌ها نیز باید الگو گرفته و در زندگی روزمره‌مان کارهایی بکنیم که سبب رشد و کمال خودمان و دیگران بشود و به هدف نهایی برسیم و پیشرفت جامعه تضمین گردد. هر یک از انسان‌ها، با توجه به شغلی که دارند، متناسب با آن شغل، می‌توانند سبب رشد و تعالی خودشان و افراد جامعه

آنچه که از زمین می‌آید و می‌روید است: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي ... يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا» «حمد (و ستایش) مخصوص خداوندی است که ... آنچه در زمین فرو می‌رود و آنچه را از آن برمی‌آید می‌داند» (سبأ/۱ و ۲) و هم به احوال بندگان و کارهایشان بر روی زمین علم دارد: «وَهُوَ الْفَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ» «اوست که بر بندگان خود، قاهر و مسلط است؛ و اوست حکیم آگاه» (انعام/۱۸)

«يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ عِلْمًا» «آنچه [آدمیان] در پیش دارند و آنچه پشت سر نهاده‌اند می‌داند، و [الی] آنان احاطه‌ای به علم او ندارند» (طه/۱۱۰)

نوشتار دوم: راههای بهره مندی از تجلی علم خدا در رشد و تکامل موجودات

۱-۲: ایجاد رشد و جلوگیری از کسلی و تنبلی برای رسیدن به منافع:

یکی از شاخصه‌های علم الهی رشد و پرورش هست که موجودات در مسیر چرخه هستی بتوانند به منافع خود دست یابند و برخی برای برخی دیگر مفید واقع شوند و در غیر اینصورت در چرخه هستی نواقصی ایجاد می‌شود. انسان‌ها نیز باید الگو گرفته و در اثر همین رشد و پرورش فکرها، عملکردها، ایده‌ها، راهکارها، توانایی‌ها، کارایی‌ها، مدیریت‌ها و امثال ذلک بتوانند منافع خود و دیگران را تامین کنند و در چرخه زندگی به مشکلی برنخورند و بتوانند مشکلات را حل کنند و در صورت خمودگی و کسلی، به منافی دست نمی‌یابند.

۲-۲: ایجاد رشد و پرورش دادن برای فایده بهتر و بیشتر:

انسانی که در ابتدا نطفه‌ای بیش نبود که در رحمی ظلمانی قرار داشت می‌تواند به بالاترین



۲-۵: داشتن برنامه و نظام حرکتی در کارها: نظام خلقت بر اساس حق و نظام أحسن آفریده شده است. حق تعالی در این نظام آفرینش یک سیر حرکتی را در چرخه حیاتی و طبیعی عالم مقرر و طراحی کرده است که هم زمینه‌ساز فعالیت‌های انسان‌هاست که بشر دچار چالش در زندگی نشود و هم موجب حاصل شدن خواسته‌ها و برآورده شدن نیازهای انسان‌ها می‌شود که ما انسان‌ها باید از این موهبت الهی شکر گذاری کرده و به نحو أحسن در راستای اعتلای علمی و فرهنگی و نیز عبودیت خودمان بکوشیم و از آن استفاده بکنیم. اما نکته در این است که ما باید الگو نیز بگیریم. مثلاً تولیدکنندگان و طراحان کشوری برای پیشبرد اهداف جامعه و پیشرفت آن و برای برون رفت از چالش‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی، سیر حرکتی با برنامه‌ای منسجم طراحی کنند که دشمنان ملت و مملکت، نتوانند به آن‌ها آسیب بزنند و مردم را از چالش‌ها مصون و محفوظ بدارند. مشاوران و مبلغان دینی و مربیان پروشی در امور مربوط به تعلیم و تربیت، نیز نیازمند یک نظم و انسجام و یک طرح هدفمند هستند تا مشکلات فردی و اجتماعی را حل کنند و از کار حق تعالی الگو بگیرند. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «قَدَرٌ مَا خَلَقَ فَأَحْكَمَ تَقْدِيرَهُ وَ دَبَّرَهُ فَأَلْطَفَ تَدْبِيرَهُ وَ وَجَّهَهُ لَوَجْهَتِهِ فَلَمْ يَتَعَدَّ حُدُودَ مَنَزَلَتِهِ وَ لَمْ يَقْصُرْ دُونَ الْأَنْتِهَاءِ إِلَى غَايَتِهِ وَ لَمْ يَسْتَصِعِبْ إِذْ أَمَرَ بِالْمُضِيِّ عَلَى إِرَادَتِهِ...»؛ «آنچه را آفرید با اندازه‌گیری دقیقی استوار کرد، و با لطف و مهربانی نظم‌شان داد، و به‌خوبی تدبیر کرد. هر پدیده را برای همان جهت که آفریده شد به حرکت درآورد، چنانکه نه از حدود مرز خویش تجاوز نماید و نه در رسیدن به مراحل رشد خود

بشوند؛ مثلاً یک مخترع ماشین‌آلات می‌تواند هر روز اختراعاتش را رشد داده و با امکانات بهتری وارد بازار و زندگی مردم کند. یک کشاورز می‌تواند هر روز با استفاده از کودها و بذره‌های مختلف و متفاوت باعث رشد و به کمال رساندن محصولش شود تا بتواند از محصولش بازدهی و بهره بیشتری ببرد. روان‌شناسان و مشاوران مذهبی و مشاوران کشوری در حوزه اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و نظامی می‌توانند سبب رشد و پرورش افکار و اعمال خودشان و دیگران شوند و با علم و دانایی، این کارها را به نحو أحسن و اکمل انجام بدهند. اما مهم‌ترین عاملان رشد و پرورش انسان‌ها در زندگی‌شان، ائمه علیهم السلام بوده‌اند که هر کس به سنت اهل بیت علیهم السلام دقت کرده و عمل کند، حتماً در زندگی‌اش به رشد حقیقی می‌رسد. امام علی علیه السلام می‌فرماید: طَرِيقَتُنَا الْقَصْدُ وَ سُنَّتُنَا الرُّشْدُ. (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ۳۵۳)

۲-۴: جلوگیری از کارهای پوچ و بیهوده:

خداوند علیم کار عبث و بیهوده، لغو و بی‌فایده انجام نمی‌دهد. تکامل موجودات آن هم با این ظرافت‌ها و پیچیدگی‌های و تنوع بالا، حتماً براساس حق و با هدفی بوده است. ما انسان‌ها نیز باید الگو بگیریم و در مسیر تکامل و رشد خود و جامعه از کارهای بیهوده و عبث خودداری کنیم. طراحان کشوری و قانون‌گذاران حقوقی و وکلای ملت طرح و برنامه‌ای برای رشد جامعه و افراد آن بنویسند که در مرحله اجراء سبب رشد و تکامل زندگی افراد جامعه شود نه اینکه سبب خسارات گردد. اولیاء و مربیان درسی و اخلاقی و عرفانی افراد باید در مسیر رشد جوانان و بزرگسالان از کارهای پوچ و سخنان بیهوده دوری گزینند و کلماتی یا مسائلی را مطرح کنند که در رشد افراد و به تکامل رسیدنشان بسیار مفید باشد.



رنگ‌آمیزی‌های مختلف استفاده کنند و طرح‌های متنوعی را به وجود بیاورند و در دسترس بشریت قرار بدهند. مثلاً داروسازان می‌توانند با توجه به رنگ‌آمیزی قرص‌ها و دواها، موجبات کمک به افراد بی‌سواد و مریض را فراهم کنند.

۷-۲: به کار بردن ابتکار و خلاقیت در مسیر رشد و تکامل:

خداوند علیم ابتکار و خلاقیت در خلقت به کار برده است: «إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ» (حجر/ ۸۶). و از آنجاکه دین اسلام دین پویایی و ابتکار و نوآوری و خلاقیت است تشویق به علم و دانش و سفارش به تعقل و تدبر و تفکر در آیات الهی حکایت از روحیه تحول‌گرایی و نوآوری اسلام دارد. پس انسان باید با توجه به سفارش قرآن کریم از این مساله در مسیر رشد و تکامل الگوگیری کند، تا بسیاری از نیازمندی‌های عصر خویش را پاسخ‌گو باشد. در قرآن کریم آمده است: «وَأَعِدُوا لَهُمْ مَا اسْتَنْعَمْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ»؛ «در مقام مبارزه با کافران، خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری برای تهدید دشمنان خدا و دشمنان خودتان کاملاً مهیاسازید.» (أنفال/ ۴۰) قرآن ما را امر کرده که خود را مجهز کنیم ولی معنایش این نیست که مانند زمان قدیم اسب و شمشیر فراهم کنیم، درواقع نوع وسیله مناسب با اقتضائات زمانه است (ما استنعمتم) و در حدی که برای ما مقدور باشد. این آیه زمینه تنوع و خلاقیت و نوآوری را در عرصه نیروی دفاعی، که امروزه مصداقش در تانک، بمب، اسلحه، موشک، زیردریایی و سلاح‌های دیگر است به ما یادآور می‌شود تا نهایت سعی و کوشش را در به دست آوردن وسایل دفاعی

کوتاهی کند، و این حرکت حساب‌شده را بدون دشواری به سامان رساند تا بر اساس اراده او زندگی کند.» (دشتی، خطبه ۹۱، قسمت ۲۶/ ۱۱۲)

۶-۲: پرهیز از یکنواختی و داشتن تنوع همراه اقتضای زمانه در مسیر رشد و تکامل: مخترعین و مبتکرین محصولات غذایی یا خوراکی یا ابزارآلات و ماشین‌ها و غیره، می‌توانند با عنایت به نظام هستی که در آن موجودات و مخلوقات متنوعی در رنگ‌ها و اندازه‌های مختلفی است و همچنین با بکار بردن ابتکار و خلاقیت، محصولات متنوعی تولید و اختراع کنند. نرم افزارهای خلاق و فضای سایبری خلاق امروزه نقش بسیار بالایی در پیشرفت جامعه دارد. امروزه اکتشافات دانشمندان در زمینه طب دارو، این‌گونه است که هر دارویی برای مریضی تجویز می‌شود و هر دارویی دردی خاص را دوا می‌کند. ما می‌توانیم برای رشد و تکامل خودمان و افراد دیگر، در اختراعات و اکتشافاتشان و یا حتی در کارهای روزمره‌مان، از یکنواختی پرهیز کنیم و رو به کارهای متنوع بیاوریم. مثلاً یک مبلغ دین برای رشد دین و دنیای افراد جامعه نباید تنها به منبر و موعظه بسنده کند بلکه بهتر است از روش‌های متنوع دیگر مثل درس دادن، ورزش، اردو، نویسندگی و از این قبیل امور استفاده کند. مخترعین نیز باید به اختراعاتشان رنگ و بوی متنوع بدهند و ابزارهای متنوع با نیازهای متنوع جامعه و افراد درست کنند. امروزه افراد هنرمند و گرافیکست (کسی که کار گرافیکی انجام می‌دهد) و انیماتور (کسانی که کارهای انیمیشن و پویانمایی انجام می‌دهند) از این رنگ‌آمیزی‌ها بسیار استفاده می‌کنند. امروزه سازندگان فیلم و سریال‌ها و حتی مخترعین نیز می‌بایست از



مخترعین نیز باید در اختراعات خود به فکر رشد و هدایت دیگران باشند. هرکسی به هر نحوی که می‌تواند بستر را برای رشد و تکامل جامعه در زمینه مادی و معنوی فراهم کند. سازندگان ساختمان‌ها و برج‌ها و آپارتمان‌ها باید به گونه‌ای عمل کنند که خانه بستر مناسبی برای رفاه و آرامش افراد شده و انسان‌ها دلهره و اضطراب خرابی یا ویرانی آن را نداشته و نگران از دست دادن محل رفاه و استراحتشان نباشند. مخترعین ماشین‌آلات از جمله مخترعین صنعت خودروسازی باید بتوانند ماشین‌هایی را بسازند که استحکام داشته باشد و سبب رفاه مردم شود و انسان‌ها با آرامش و آسوده‌خاطر از آن‌ها استفاده کنند و از این منظر بستر خدمت‌رسانی به هم نوعان را فراهم کنند. آئمه علیهم‌السلام نیز بر خدمت‌رسانی به هم نوعان و انسان‌ها اصرار می‌ورزیدند و از خداوند متعال تقاضای توفیق آدای خدمت‌رسانی به دیگران می‌کردند. امام زین‌العابدین در فراز دعای بیست و دوم می‌فرماید: «بار خدایا، بر محمد و خاندانش درود بفرست و مرا توفیق ادای آن ده که مرا بر آن ملزم ساخته‌ای و در راه طاعت خویش یا خدمت به خلق بر عهده من گذاشته‌ای، هر چند تنم از گزاردن آن ناتوان باشد و نیرویم به سستی گراید و توانم بدان پایه نرسد و مال و دارایی‌ام از آن قاصر آید، خواه به یادش داشته باشم یا از یادش برده باشم». (آیتی ۱۳۷۵: ۱۴۷)

نتیجه‌گیری:

خداوند علیم موجودات را پروراند تا در مسیر چرخه هستی بتوانند به منافع خود دست یابند و برخی برای برخی دیگر مفید واقع شوند. اگر رشد و تکاملی نبود در چرخه هستی نواقصی ایجاد می‌شد که این نقص‌ها از خدای علیم و حکیم بعید و غیرممکن است. اما در چرخه

جدید و مطمئن در برابر دشمن بکار ببندیم و تکنولوژی و فناوری روز دنیا را در امور نظامی فراهم نمائیم تا دشمنان جرأت تعرض به ما را نداشته باشند

در راستای الگوگیری موارد بسیار زیاد دیگر مانند: الگوگیری انسان از طبیعت، الگوگیری در زمینه صنعت، دقت و دانش افزایی، تنوع طلبی در مسیر تکامل، برنامه‌های منظم و منسجم، هدفدار بودن روند تکاملی در زندگی شخصی و اجتماعی، وجود داشت که انشالله محققین بتوانند با هر کدام از این موارد موضوعاتی را در جامعه علمی رقم بزنند و سبب رشد و پرورش علوم حقیقی شده و به جامعه علمی کشور کمک رسانند.

۸-۲: بسترسازی برای خدمت و رشد و تکامل بهتر و مفیدتر:

خداوند علیم برخی از چیزها خلق کرده و آن‌ها را زمینه‌ساز و بسترساز برای برخی امور دیگر قرارداد. مثلاً زمین را خلق کرد و آن را مهد و گهواره‌ای قرارداد که موجودات بتوانند از آن استفاده کنند و در آن به رشد و هدایت برسند. «الذی جعل لکم الارض مهّداً» و یا در روی زمین راه‌هایی قرارداد که موجبات هدایت موجوداتش را فراهم کند و آن‌ها را راهنمایی نماید. «وجعل لکم فیها سبلاً». ما انسان‌ها نیز باید بسترسازی کنیم و راه هدایت را به دیگران یاد دهیم تا از این رهگذر انسان‌ها هم به آرامش و رفاه برسند و هم به رشد و کمالات برسند. مثلاً پدران و مادران برای پیشرفت درسی فرزندان‌شان می‌بایست جای خوب برای مطالعه، استادان خوب و همچنین وسایل موردنیاز مانند مداد و خودکار یا تبلت و لب تاب را فراهم کنند. مدیر یک اداره برای کارکنانش، کارفرما برای کارکنانش، مبلغین دینی برای افراد جامعه، دولت‌مردان برای مردمان ملتشان و حتی



دوری از گناه) فرموده است: «(از نافرمانی) دوری کنید به خدا سوگند هرآینه (گناهان را چنان) پنهان نموده که گویا (آن‌ها را) آمرزیده و بخشیده است (پس اکنون که مهلت داده و گناهان را پنهان نموده ترس و دوری از خشم او واجب است، و باید معصیت نکرده از گذشته پشیمان بوده توبه نمایید، زیرا همان‌طور که حلم و بردباریش بسیار است عقاب و کيفرش سخت هست)» (فیض الاسلام، بی‌تا، ج ۶، ۱۰۹۹) و این دوری از گناه که همان تقوا است، برایمان رشد دنیوی و اخروی می‌آورد. امام علی علیه‌السلام در خطبه همام می‌فرماید: «اهل تقوا در دنیا اهل فضایل هستند، سخنانشان درست و حساب‌شده است، روش زندگی‌شان صرفه‌جویی است، راه و رفتارشان تواضع و فروتنی است، خداوند را شایسته طاعت دانسته، پس خود را بر آن واداشته و چشم‌های خویش را از آنچه خداوند حرام گردانده پوشانده‌اند، گوشه‌ای خود را بر دانشی که برایشان سودمند باشد متوقف نموده‌اند.» (ابن همام اسکافی، ۱۳۸۸، ۱۶۳).

هستی موجودی به نام انسان قرار دارد که اشرف مخلوقات بوده و می‌تواند به مقامی برسد که حتی فرشتگان قادر به رسیدن به آن مقام نیستند و آن مقام، مقام خلافت الهی است که بالاترین درجه برای انسان‌هاست و این عالی‌ترین درجه تکامل بشریت است که کامل‌ترین انسان‌ها، ائمه معصومین و انبیاء الهی هستند. اما بهره‌برداری ما انسان‌ها اینگونه است که باید در مرحله اول خدا را شکر گذاری کنیم به خاطر همه منافع و نعمت‌هایی که در راستای رشد و پرورش موجودات نصیب ما کرد و از آن‌ها به نحو احسن استفاده کنیم آن‌ها را اسراف و حیف و میل نکنیم و ثانیاً از این رشد و پرورش موجودات بهره ببریم در جهت اعتلا و تعالی و رشد معنوی و جسمانی خودمان نه اینکه از منافع در راستای گناه و محرمات استفاده کنیم. دوری از معصیت و وظیفه بشریت است که اگر گناه کنیم، هم نعمات الهی که از رشد و پرورش موجودات نصیبمان شده است را زایل کردیم و هم از مسیر هدایت خارج شده و دیگر رشد و کمالی برایمان حاصل نمی‌شود. امام علی علیه‌السلام (در ترغیب به

منابع:

- ۱- قرآن کریم
- ۲- قرآن کریم، ترجمه آیت الله مکارم شرازی
- ۳- ابن فارس، أحمد ابن فارس، معجم مقائیس اللغة، چاپ اول، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۴- ابن همام اسکافی، محمد بن همام بن سهیل، تکامل و طهارت روح / ترجمه التمحصی، نورالسجاد، قم، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- ۵- انصاریان، حسین، تفسیر حکیم، نشر دار العرفان، قم، چاپ اول، بی‌تا.
- ۶- بیرو آلن، (ترجمه: ساروخی، باقر)، ۱۳۸۰ ش، فرهنگ علوم اجتماعی، نشر کیهان، تهران.
- ۷- تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، ایران - قم، ۱۳۶۶ ه. ش.
- ۸- تهنوی، محمدعلی بن علی، کشف اصطلاحات الفنون و العلوم، چاپ اول، مکتبه لبنان ناشرون، بیروت، ۱۹۹۶ م.
- ۹- حسینی همدانی نجفی، محمددرخشان، درخشان پرتوی از اصول کافی، چاپخانه علمیه قم، قم، ۱۳۶۳ ش.
- ۱۰- حسینی همدانی، محمد، انوار درخشان در تفسیر قرآن، لطفی، ایران - تهران، چاپ اول، ۱۴۰۴ ه. ق.
- ۱۱- حسینی الواسطی الزبیدی، سید محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، چاپ اول، دار الفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ه. ق.
- ۱۲- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، نشر روزنه، تهران، ۱۳۷۳ ش.



- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، دار الشامیة، لبنان- بیروت، ۱۴۱۲ ه. ق.
- ۱۴- سمنانی علاءالدوله، مصنفات فارسی (بیان الاحسان لأهل العرفان)، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۳ ش.
- ۱۵- الصحیفة السجادیة، علی ابن الحسین علیه السلام، امام چهارم علیه السلام، ترجمه عبدالمحمد آیتی، نشر سروش، تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
- ۱۶- طالقانی، محمود، پرتوی از قرآن، چاپ چهارم، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۲.
- ۱۷- طباطبایی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۷۵.
- ۱۸- طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، چاپ سوم، مرتضوی، تهران، ۱۳۷۵ ه. ش.
- ۱۹- عضیمه، صالح، معنا شناسی واژگان قرآن، نشر آستان قدس رضوی، شرکت به نشر، مشهد مقدس، چاپ اول ۱۳۸۰.
- ۲۰- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳ ش.
- ۲۱- فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ط- القدیمة)، انتشارات رضی، ایران، قم، ۱۳۷۵ ش.
- ۲۲- فخر رازی، محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ سوم، دار احیاء التراث العربی، لبنان- بیروت، ۱۴۲۰ ه. ق.
- ۲۳- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ: دوم، نشر هجرت، قم، ۱۴۰۹ ه. ق.
- ۲۴- فیض الاسلام اصفهانی، علی نقی، ترجمه و شرح نهج البلاغة (فیض الإسلام)، شریف الرضی، محمد بن حسین، مؤسسه چاپ و نشر تألیفات فیض الإسلام، تهران، بی تا.
- ۲۵- قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، بنیاد بعثت، مرکز چاپ و نشر، ایران- تهران، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ه. ش.
- ۲۶- قرشی بنابی، علی اکبر، قاموس قرآن، چاپ دارالکتب اسلامیة، تهران، ۱۳۸۷ ش.
- ۲۷- قنادی، صالح، أسماء الله الحسنى و تجلیاتھا فی القرآن الکریم، قم، اسوه، اول، ۱۳۹۰ ش.
- ۲۸- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، ترجمه توحید مفضل، مفضل بن عمر، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، بی تا.
- ۲۹- مدرسی، محمد تقی، تفسیر هدایت، ترجمه: احمد آرام، مشهد، پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷.
- ۳۰- مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ب: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ ش.
- ۳۱- مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، دارالکتب الإسلامیة، چاپ نهم، ایران- تهران، ۱۳۸۶ ه. ش.
- ۳۲- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ دهم، دارالکتب الإسلامیة، ایران- تهران، ۱۳۷۱ ه. ش.
- ۳۳- موسوی همدانی، سید محمد باقر، ترجمه تفسیر المیزان، انتشارات جامعه مدرسین، قم، ۱۳۸۱.
- ۳۴- نهج البلاغه، علی ابن ابی طالب علیه السلام ترجمه دشتی، محمد.
- ۳۵- هاشمی رفسنجانی، اکبر، تفسیر راهنما: روشی نو در ارائه مفاهیم موضوعات قرآن، تفسیر راهنما، چاپ اول، بوستان کتاب قم (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ایران- قم، ۱۳۸۶ ه. ش.

حجاب‌گریزی و بدحجابی از منظر قرآن کریم

فربیا حسن زاده^۱ و زهرا ملک‌ان^۲

۱- گروه علوم انسانی، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، استان گلستان، ایران
۲- کارشناسی ارشد نرم افزار کامپیوتر، دانشکده آیت ... املی آمل
(نویسنده مسئول: Artemis.com.2@gmail.com)

چکیده

قرآن کریم تمایل به پوشیدن را در امور فطری می‌داند که از آغاز خلقت آدم و حوا در نهاد انسان به ودیعه گذاشته شده است و در آیات فراوانی به این مهم پرداخته است. از طرفی علم روانشناسی به ویژه روانشناسی اسلامی از دیدگاه روانشناختی به این موضوع اهمیت زیادی داده و جنس زن و تمایل او به حفظ عفت را مورد بحث و بررسی قرار داده است. این مقاله همانطور که از عنوان برمی‌آید، به بررسی مسأله بدحجابی پرداخته و از طریق مراحل طراحی آموزشی به آن پرداخته شده است. ابتدا تعریفی جامع از بدحجابی ارائه دادیم، سپس آن را تبیین و نشانه‌های آن را بررسی کردیم. حجاب‌گریزی آسیب‌های متعددی در فرد، خانواده، اجتماع و... دارد بنابراین همراهی جامعه و آحاد مردم را می‌طلبد. دلایل مختلفی زمینه پیدایش آن را فراهم می‌کند در نتیجه باید راهکارهای بسیطی را ارائه داد، هر چند هر یک از آن‌ها دارای محاسن و معایبی هستند که باید آن‌ها را نیز در نظر داشت. در مرحله آخر گزارشی را از تمام نتایج حاصل شده ارائه می‌دهیم.

واژگان کلیدی: بدحجابی و حجاب‌گریزی، طراحی آموزشی، شناخت مسئله، تبیین و آسیب‌شناسی، دلایل پیدایش، ارائه راهکار، گزارش.

مقدمه

بیشتر می‌شود، به همان نسبت مزاحمت‌های جنسی افزایش می‌یابد و به عکس، در زمستان که زنان، پوشش بیشتر دارند؛ این گونه مزاحمت‌ها کمتر می‌شود. بدیهی است که برداشتن حجاب، مقدمه برهنگی، آزادی جنسی و بی‌بند و باری است که مشکلات و مفاصد ناشی از آن، در عصر و زمان ما بر کسی پوشیده نیست. بی‌حجابی سبب می‌شود که گروهی از زنان، در یک مسابقه بی‌پایان، در نشان دادن اندام خود و تحریک مردان هوسباز شرکت کنند. این امر در عصر و زمان ما که به خاطر گرفتاری‌های تحصیلی و اقتصادی سن ازدواج بالا رفته و قشر عظیمی از جامعه را جوانان مجرد تشکیل می‌دهد، آثار بسیار مخربی دارد. علاوه بر این، از نظر اخلاقی نیز سبب ناامنی خانواده‌ها و بروز جنایات می‌شود و هیجان‌های مستمر عصبی و

حجاب برای حفظ شخصیت زن، جلوگیری از انحراف جوانان و مانع گسترش فساد در جامعه اسلامی است. همان گونه که اصل پوشیدن لباس برای زنان و مردان منافات با آزادی آنها ندارد، حجاب نیز چنین است (۲). بدون شک، یکی از اموری که به شهوت جنسی دامن می‌زند، «برهنگی و خودآرایی زنان و مردان» برای یکدیگر است که تأثیر آن، به خصوص در میان جوانان مجرد، قابل انکار نیست، به گونه‌ای که می‌توان گفت: آلودگی به بی‌عفتی رابطه مستقیمی با بی‌حجابی، برهنگی و خودآرایی در انظار عموم دارد؛ حتی طبق بعضی از آمارهای مستند، هر قدر این مسئله تشدید شود، به همان نسبت آلودگی به بی‌عفتی بیشتر می‌شود؛ مثلاً، در تابستان که به خاطر گرمی هوا، برهنگی زنان



۱-۲- تعریف فقهی حجاب

احکام پوششی خطاب به زن و مرد که برای دور داشتن آنان از آسیب، سلسله‌ای از پیش‌بینی‌ها و عاقبت اندیشی‌ها را در بر می‌گیرد. از این رو حجاب در جامعه دینی، هنجاری خواهد بود که زنان به آن مکلف و مأمورند تا میل به خودنمایی و خودآرایی، آنان را به انحراف نکشاند.

۱-۳- تعریف بد حجابی و حجاب‌گریزی از دید

روانشناختی

با وجود این تفاسیر، در جامعه مسلمانان بعضی هنجار گریزی‌ها در مسئله حجاب به چشم می‌خورد که ما آن را با نام «بی‌حجابی یا بد حجابی» شناخته‌ایم، یعنی همان خودنمایی‌های زنانه در قالب خودآرایی یا پرده بر گرفتن از اندام خود یا پوشش‌های کامل؛ اما تحریک‌آمیز و حساسیت‌برانگیز که عواملی مثل: شناخت، فرهنگ، خانواده، اجتماع، تاریخ، سیاست، اقتصاد و... هر کدام در این رفتار سهمی دارند. (۵)

۲- تبیین مسأله

- خود آرایی افراطی.
- استفاده از پوشش‌های جذب و بدن نما.
- خیره شدن به چشمان جنس مخالف هنگام محاوره (طولانی مدت).
- تعقیب جنس مخالف با نگاه‌های متوالی.
- انجام حرکات موزون با هدف جلب توجه.
- طنزازی و عشوهِ گری در محاوره (۶)

۳- اهمیت و ضرورت

۱-۳- آسیب شناسی و پیامد فردی

۳-۱-۱- سقوط شخصیت انسانی زن

نخستین کسانی که به واسطه حضور نامناسب خود، در میان نامحرمان، در معرض آسیب و

حتی بیماری‌های روانی را در پی دارد که ثمره آن سستی پیوند خانواده‌ها و کاهش ارزش شخصیت زن در جامعه می‌شود (۳). در این میان عده‌ای روشنفکر نما از روی علم و آگاهی و یا از روی بغض و یا جهالت، مخالف حجاب و پوشش زنان هستند و حجاب را سبب انزوای این قشر از جامعه می‌دانند. یا اینکه حجاب را یک لباس دست و پاگیر می‌بینند که با فعالیتهای اجتماعی مخصوصا در عصر ماشینهای مدرن سازگاری ندارد و یا اینکه حجاب از این نظر که میان زنان و مردان فاصله می‌اندازد، طبع حریص مردان را آزمندتر می‌کند، و به جای اینکه خاموش کننده باشد آتش حرص آنها را شعله ورتر می‌سازد. در حالی که: با چشم خود گروه گروه زنانی را می‌بینیم که با داشتن حجاب اسلامی در همه جا حاضرند، در اداره‌ها، در کارگاهها، در راهپیمایی‌ها و تظاهرات سیاسی، در رادیو و تلویزیون، در بیمارستانها و مراکز بهداشتی، و در مراقبتهای پزشکی، در دانشگاه. این افراد از رسالت عظیم زن که نقش بسیار مهمی در خانواده و تربیت فرزندان برای ساختن یک اجتماع سالم و آباد و پر حرکت دارد، بی‌خبرند (۴). البته باید توجه داشت که سفارش به حجاب زن به سبب فتنه آفرینی او نیست؛ بلکه چون مرد در برابر جاذبه‌های جنسی وی شکیبیا نیست از او خواسته شده از جلوه دادن اندام ناپوشیده خود در حضور مردان اجتناب ورزد. اکنون به تفسیر موضوع مورد نظر می‌پردازیم.

۱- بیان مسئله

۱-۱- روانشناختی و تعریف لغوی حجاب

هدف نهایی مقاله، ارائه روشی خودکار و با دقت و قابلیت‌بازیابی قابل قبول (بهتر از روش‌های پیشین) جهت کشف قوانین تغییر موردنیاز برای به‌روزرسانی برنامه‌ها جهت سازگاری با نسخه‌های مختلف چارچوب‌های موردنظر است.



قادر به تهیه آن نوع پوشش نیستند نیز دچار فشارهای روانی گردند و تعادل روحی خود را از دست دهند. این التهابات، بیماری‌ها و اختلالات روحی و جسمی فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

علاوه بر این که فرد بدحجاب ناخواسته در مسابقه خودنمایی و خودآرایی با دیگر زنان دچار شده، همواره این دغدغه پنهان برای او وجود دارد که آیا توانسته گوی سبقت را در این زمینه از دیگران برآید و یا حداقل خود را به دیگران برساند یا نه؟

۲-۳ پیامدهای خانوادگی

بنیان خانواده، مقدس‌ترین پیوند اجتماعی است. برای ثبات این نهاد، عفت و حجاب مهم‌ترین عامل به شمار می‌آید. اگر زنان آرایش‌ها و خودنمایی‌ها را به بیرون منزل بکشانند، و مورد نگاه‌های هوس‌آلود نامحرمان قرار بگیرند گاهی ناخواسته عامل پیامدهای منفی خواهند شد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌شود:

ماجولار بودن: چارچوب‌ها باعث افزایش ماجولاریتی از طریق کپسوله‌سازی پیاده‌سازی جزئیات در واسطه‌های کاربری پایدار می‌شوند. این امر باعث ارتقاء کیفیت نرم‌افزار و کاهش تلاش مورد نیاز برای درک و نگهداری برنامه می‌شود.

۱-۲-۳ تأخیر در ازدواج

جلوه‌نمایی دختران و زنانی که هر یک دارای محاسن خاص خود می‌باشند، موجب تردید پسران در برگزیدن همسر شایسته‌شان می‌شود و در آرزوی رسیدن به دختری که جامع تمام زیبایی‌ها باشد ازدواج را به تأخیر می‌اندازند.

این موضوع در حالی است که برخی دختران تصور می‌نمایند چنانچه با چهره‌ای آرایش‌کرده در اجتماع حاضر شوند زمینه ازدواج آنها بیشتر

تهدید قرار می‌گیرند خود زنان بدحجاب می‌باشند. به‌طور طبیعی بدحجابی و آرایش‌چهره، به نوعی توجه و نگاه نامحرمان را به خود جلب می‌کند، بدیهی است که این کار زمینه‌ی برخی از تحریکات را برای طمع و ورزی ایجاد می‌نماید، و زمینه‌تزل شخصیت زن را تا حد یک عروسک، یا یک کالای بی‌ارزش به سقوط میکشاند و ارزش‌های والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می‌شود، و تنها به عنوان وسیله‌ای برای کامیابی‌های جسمی مورد توجه قرار می‌گیرد. (۸)

خانم‌ها باید بدانند که بیشترین آستانه تحریک‌پذیری مردها از طریق «نگاه» است. به گونه‌ای که تحت تأثیر نگاه و شهوت به طور معمول تا یک سوم کنترل عقلایی خود را از دست می‌دهند و کسانی که هوس‌ران هستند به فکر رهنمی‌افتند و خواسته و ناخواسته هم‌چون صید، دختران را به دام می‌اندازند و هم‌چون سارق حرفه‌ای که ماشینی نظر او را جلب کرده برای سرقت اقدام می‌کند. به همین جهت اگر کسی می‌خواهد خویشتن را یا مال خویش را محافظت کند، باید هرچه بیشتر مراقبت کند که از دید رهن‌زنان به دور باشد.

۲-۱-۳ افزایش التهاب روحی و روانی

بی‌تردید، اگر زنان با حجاب و پوشش مناسب در جامعه حضور یابند، خود و خانواده و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود، اما اگر زنان به صورت تحریک‌آمیز در اجتماع ظاهر شوند، التهاب و هیجان روحی بینندگان هر لحظه با دیدن صحنه‌ای تازه افزایش می‌یابد و از آن جا که ارضای غریزه در تمامی موارد دلخواه، ممکن نیست، باعث برهم خوردن تعادل روحی بینندگان می‌گردد. همچنین بی‌حجابی و بدحجابی و پیروی از مد و آرایش، موجب می‌شود که زنان دیگری که



دوران ازدواج خویش از لحاظ جنسی به همسر خود وفادار نمی‌مانند و ۲۹ درصد از زنان آمریکایی نیز در دوران ازدواج خود به همسرشان خیانت می‌کنند. حیرت‌آور تر از آن این است که از هر ۵ کودک آمریکایی که در سال ۱۹۸۶ به دنیا آمده‌اند، سه نفر تا قبل از ۱۸ سالگی شاهد طلاق و جدایی والدین خود خواهند بود. (۱۲)

3-3- پیامدهای اجتماعی

۳-۳-۱ پایمال شدن ایمان و فضایل اخلاقی جامعه

بی‌حجابی یکی از این عوامل مهم است که نقش عمده ای در تضعیف و پایمال کردن فضایل اخلاقی همچون حیاء، عفت و غیرت دارد. در جامعه بی حجاب شهوت‌رانی، هوس‌رانی، هرزه‌گری، گناه، ارتباطات نامشروع و اختلاط‌های غیرشرعی جای معنویت، صفا، عشق و محبت واقعی را می‌گیرد. در این جامعه بذر شهوت به سرعت در دل و جان مردم به خصوص جوانان نفوذ کرده و آنان را از امور اساسی و اصلی زندگی و پرداختن و معنویات و تکالیف الهی بازمی‌دارد. طبیعی است جامعه ای که فاقد ایمان و اخلاق باشد بستر بسیار مناسبی است برای افزایش ناهنجاری‌ها، خصایص رذیله، خشونت، فساد، فحشاء، ناامنی، بزهکاری، آدم ربایی، خیانت، جنایت و ده‌ها معضل دیگر که همگی محصول بی‌توجهی به حکم شرعی حجاب بوده و دیر یا زود شعله آن دامن خود فرد را هم آتش خواهد زد. (۱۳)

۳-۳-۲ افزایش التهاب و ناهنجاری اجتماعی

حضور نامناسب زنان، جذابیت آنها را در نظر جنس مخالف بیشتر کرده و تلاش و پی‌گیری جنس مخالف را برای وصالش فزونی خواهد بخشید. لذا اگر زنان آرایش کرده و به صورت

فراهم می‌گردد اما واقعیت آمارها خلاف آن را اثبات نموده است. (۹)

۳-۲-۲ کاهش جذابیت زنان در نزد همسران

بر اساس پژوهش‌های به عمل آمده از سوی پژوهشگران جهاد دانشگاهی؛ در اثر رعایت نکردن حجاب و افراط در جلوه‌گری زنان، آستانه ادراکی مردان تغییر کرده و درک آنها از زیبایی زنان کمتر می‌شود؛ در نتیجه، اثرات زبان بخشی در روابط خانوادگی آنان گذاشته و به ایجاد تنش، جدایی و طلاق می‌انجامد. (۱۰)

در محیطی که فرهنگ حجاب و عفاف، مطرح است، دو همسر، متعلق به یکدیگرند و احساسات و عواطفشان مخصوص یکدیگر است. پیوندهای قلبی، عمیق و محکم و عشق در خانواده حاکم است. اما اگر مردان به راحتی و به آسانی در تمام صحنه‌های اجتماعی به زنان آرایش کرده و متنوع دسترسی داشته باشند، ضمانتی برای ثبات محبت و دلبستگی آنان به همسرانشان نخواهد بود؛ چرا که به قول بابا طاهر «هر آنچه دیده بیند دل کند یاد»

و هر آنچه دل از آن یاد کند به هر قیمتی که باشد در پی آن خواهد رفت؛ بدین ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و از دیگری دل می‌برد. (۱۱)

از سوی دیگر، وقتی زن با آرایش و بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شود، چه بسا با پیشنهاد های وسوسه‌انگیزی از سوی دیگر مردان مواجه شود، در نتیجه نسبت به زندگی فعلی خود دلسرد شده و یکی از دو راه خیانت یا جدایی را برگزیند. نگاهی به آمار وحشت‌ناک طلاق در آمریکا به عنوان بزرگترین نماد برهنگی و آزادی‌های جنسی گواه بر این ادعا می‌باشد. گزارشی که از سوی مؤسسه کنیسی منتشر شده است، نشان می‌دهد که ۳۷ درصد از مردان آمریکایی در



مطابق برآوردها «هر ساله یازده درصد از دختران زیر ۲۰ سال ازدواج نکرده حامله می‌شوند». به عبارت دیگر «در هر ۶۴ ثانیه یک مادر جوان ازدواج نکرده یک فرزند به دنیا می‌آورد». ویلیام جی. بنت، وزیر پیشین آموزش ایالات متحده بیان می‌دارد: «تولدهای نامشروع در ایالات متحده از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، ۴۰۰ درصد افزایش یافته است».

مرکز گزارش «نیوز اند ورد (اخبار و جهان) ایالات متحده» برآورد می‌کند که مطابق روندهای موجود در ابتدای دهه‌ی اول قرن ۲۱ از هر دو کودک آمریکایی یکی به‌طور نامشروع به دنیا می‌آید. «هر ساله بیش از یک میلیون دختر جوان آمریکایی حامله می‌شوند که ۷۵ درصد آنها خارج از ازدواج صورت می‌گیرد». شیوع این روابط جنسی نامشروع به دیگر ملت‌های غربی نیز سرایت کرده است.

نیوزویک در شماره‌ی اروپایی خود در ۲۰ ژانویه ۱۹۹۷ نوشت: «در سوئد بیش از نیمی از کودکان متولد شده، به پدر و مادرانی تعلق دارند که ازدواج نکرده‌اند. در فرانسه و انگلیس این آمار در حد یک سوم است». (۱۵)

جالب آن است که در گزارشی که از سوی فعالین خویشتن داری جنسی در سال ۲۰۰۶ منتشر شده، درصد تحمیلی یا اختیاری بودن روابط جنسی دانش‌آموزان زیر هجده سال به تفکیک جنسی مورد بررسی قرار گرفت. براساس این گزارش ۸۱ درصد از دخترانی که رابطه جنسی را تجربه کرده بودند، جامعه را در اطلاع‌رسانی ناصحیح و فرهنگ غلط را در الزام به ناپوشیدگی و بی‌عفتی مقصر دانسته و بیان کردند که به انتخاب و اختیار خود در روابط شرکت نکرده‌اند. این دختران در بیان عوامل، تأثیرهای محیط و همسالان و نگرانی از قضاوت‌های دوستانشان را

تحریک آمیز در اجتماع ظاهر شوند، التهاب و هیجان روحی بینندگان هر لحظه با دیدن صحنه‌ی تازه افزایش می‌یابد و از آن جا که ارضای غریزه جنسی در تمامی موارد دلخواه، ممکن نیست، باعث برهم خوردن تعادل روحی بینندگان می‌گردد.

۳-۳-۳ - گسترش فساد اجتماعی

حضور تحریک آمیز زنان و نگاه آلوده مردان به آنها زمینه تحریک قوای جنسی را فراهم می‌نماید و این امر مخصوصاً نسبت به دختران و پسرانی که در مراحل بلوغ قرار دارند شدت بیشتری یافته به گونه‌ای که اغلب مفسده‌های اجتماعی در همین سنین تولید و رشد می‌کنند.

دقت در آمار و اخبار منتشره از وضعیت اجتماعی تمدن غرب به عنوان مهد برهنگی و آزادی پوشش زنان صحت چنین بینشی را مورد تأیید قرار می‌دهد که در اینجا به برخی از آنها اشاره می‌نماییم:

سطح روابط جنسی پیش از ازدواج و حاملگی در میان جوانان، پیشرفت‌های مخربی را در میان کشورهای غربی شاهد بوده است. در پاسخ به این سؤال که «چه تعداد از جوانان آمریکایی زیر ۲۰ سال در روابط جنسی نامشروع شرکت دارند؟» اکثر متخصصان این زمینه به عددی بالاتر از ۶۰ درصد اشاره می‌کنند. در انگلستان براساس گزارش‌ها بیش از یک پنجم جوانان تا پیش از ۱۶ سالگی سابقه‌ی روابط جنسی نامشروع را پیدا می‌کنند. در آمارگیری‌ای در سال ۱۹۹۶، ۳۱ درصد از پاسخگویان مونث ابراز داشته‌اند که پیش از آن که به بلوغ برسند و از لحاظ جنسی آماده باشند، برای روابط جنسی تحت فشار قرار گرفته‌اند. (۱۴)

به‌طور قطع چنین آماری، اثر فراوانی بر میزان حاملگی پیش از ازدواج دارد. در ایالات متحده،



نماید و زیان‌های جبران‌ناپذیری بر اقتصاد خانواده و کشور تحمیل می‌نماید .

آخرین بررسی‌های انجام شده در کشور نشان می‌دهد که ایران، سومین کشور مصرف‌کننده و هفتمین کشور واردکننده لوازم آرایشی در جهان است در حالی که تنها یک سوم مواد آرایشی زنان ایرانی، تولید داخل و بیش از دو سوم آن به صورت واردات، پشت ویترین‌های وسوسه‌انگیز خرید می‌نشینند؛ وارداتی که بنا به آمارهای غیر رسمی ۲۵ تا ۳۰ درصد کل آن طریق قاچاق و تجارت چمدانی وارد کشور می‌شود و به دلیل تقلبی و غیراستاندارد بودن نه تنها زیبایی را به پوست‌های ایرانی هدیه نمی‌کند، بلکه زمینه‌ساز شیوع انواع بیماری‌های پوستی همچون پیری زودرس پوست، حساسیت‌های پوستی، عفونت‌های پوستی و... می‌باشد.

(۲۰)

۳-۳-۶ بروز ناامنی

در جامعه‌ای که بی‌حجابی رواج پیدا کند، چشم و هم‌چشمی‌ها و ارائه هر چه بهتر زینت آرایشی، تمامی نخواهد داشت و برخی از کجروی‌های اجتماعی نظیر مدگرایی، خشونت‌های خیابانی، ناهم‌نوایی اجتماعی و آزارهای جنسی گسترش خواهد یافت و بی‌حجابی ارزش‌های راستین دختران و زنان را تحت الشعاع ظاهر جنسیشان قرار می‌دهد.

۳-۳-۷ برهم زدن نظم روابط جنسی

پوشش و حجاب، زمینه بروز بزهکاری‌های جنسی را به حداقل می‌رساند و اعضای جامعه را به سمت تشکیل خانواده و روابط جنسی و عاطفی قاعده‌مند سوق می‌دهد. حجاب باعث می‌شود فاصله‌های اجتماعی محفوظ بماند و تعاملات قاعده‌دار و معنی‌دار شود.

از مهمترین عوامل رفتارهای جنسی خود برشمرده اند. (۱۶)

۳-۳-۴ افزایش خشونت و آزار جنسی زنان

یکی از آثار سوء بدحجابی، اذیت و آزار جنسی زنان بدحجاب به وسیله مردان و جوانان ولگرد و لایبالی است. گویا این قبیل مردان پوشش ناقص و نامناسب برخی دختران و زنان را به منزله چراغ سبزی می‌دانند که نشان‌دهنده تمایل زنان بدحجاب به کارهای خلاف و گناه‌آلود است و همین نکته از نظر ذهنی و روانی از دیدگاه آنان مجوز اذیت و آزار جنسی زنان بدحجاب است.

(۱۷)

مدیر کل مبارزه با مفاسد نیروی انتظامی در این باره می‌گوید: «با بررسی و رجوع اجمالی به آمار مزاحمت برای نوامیس در سال ۸۵، می‌بینیم بیشتر مزاحمت‌ها برای خانم‌هایی اتفاق می‌افتد که نوع پوشش آنها خارج از حد متعارف بوده است و درصدی از آدم‌ربایی و تجاوز به عنف نیز اختصاص به همین افراد داشته است. وی اظهار داشت: به طور کلی پوشش‌های نامناسب برای جامعه ناامنی به وجود می‌آورد و بیشترین تعرضات نیز به افراد بدحجاب بر می‌گردد و این تعرض ممکن است یک متلک یا آدم‌ربایی و تجاوز به عنف باشد. (۱۸)

فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ نیز در این باره چنین می‌گوید: خانم‌هایی که بد پوشش می‌باشند چهار برابر خانم‌هایی با پوشش مناسب مورد مزاحمت‌های خیابانی قرار می‌گیرند. (۱۹)

۳-۳-۵ ترویج فرهنگ مصرف و زیان‌های اقتصادی ناشی از آن

اشتغال زنان به آراستگی خویش و عرضه زیبایی‌های جسمی، فرهنگ غلط مصرف را ترویج می‌کند.



۵-۱ علل پیدایش

جملاتی که در پی می‌آیند، برآند از عوامل و انگیزه‌های این هنجار گریزی پرده بر گیرند و نمایی از آن‌ها هر چند کم و کوتاه و به قدر توان نویسنده نشان بدهند. شناخت، فرهنگ، خانواده، اجتماع، تاریخ، سیاست، اقتصاد و... هر کدام در این رفتار سهمی دارند که با رعایت ترتیب به چند و چون آن‌ها خواهیم پرداخت.

۵-۲ اعتقاد

یکی از عوامل حجاب‌گریزی جهان‌بینی نادرست انسان‌هاست.

۵-۲-۱ جهان‌بینی

نوع پوشش بشر، جدا از پیوستگی با شرایط و حالات گوناگون، با «جهان‌بینی و نظام فکری» او پیوند می‌خورد. (۲۳). هرگاه زنی پوشش مناسب دینی را روی کتف خود آزار دهنده و سنگین و غیر قابل تحمل می‌بیند، شاید این کار به جهت جهان‌بینی نادرست او و برگرفته از اعتقادش به دیدگاه «اومانیستی» باشد؛ زیرا طبق این تفکر، آرزوها از زمین‌گرایز سر بر می‌آورند و آخر کار در خاک همین دنیا دفن می‌شوند؛ از این روی باید غرایز را تشنه و ناکام نگذاشت و وعده انبیا درباره قیامت را باور نکرد و به اشباع کامل غرایز روی آورد. طبیعی است که در این فرهنگ و میان مریدان و بین مصرف‌کنندگان محصولات فکری و اعتقادی، لباس‌های مردانه و زنانه «تنگ، تُنک، کوتاه و چسبان» بوده و حاصل این خصوصیات بدن‌نمایی و رونمایی حجم و پوست اندام بوده باشد.

۵-۲-۲ ضعف اعتقاد دینی

ضعف اعتقاد به دین بنیاد هر کار مطلوب دینی را بر می‌اندازد. دل کردن در بود یا نبود خالق آفرینش، شکاکیت در حقانیت پیامبران و مکاتب آنان و کامل ندانستن روش دینی برای زندگی، برداشت ماتریالیستی از آموزه‌های مختلف دینی

۳-۳-۸ اختلالات جسمانی

حجاب ممکن است، زمینه فساد را که عامل اصلی بیماری‌های مقاربتی است از بین ببرد یا کاهش دهد و از این طریق نقش خود را در سلامت جسمانی افراد جامعه ایفا کند. ایدز، بیماری عصر حاضر است که یک راه انتقال آن، فساد و بی بند و باری در روابط جنسی است. (۲۱)

۴- پیشینه تحقیق (فرهنگی)

۴-۱-۱-۱ وازدگی در برابر فرهنگ بیگانه

فرآیند بی‌حجابی، مقدمه هنجارشکنی و جایگزین ساختن هنجارهای مورد نظر فرهنگ مهاجم و زمینه ساز احساس بیگانگی در برابر فرهنگ خودی و پذیرش تهاجم فرهنگی است.

۴-۱-۲-۲ گسترش فساد

در جامعه ای که حجاب ارزش تلقی شود، زن پایه‌های این ارزش را از رفتار و کردار خود، به باور خویش سرایت می‌دهد و نه تنها زنان بلکه مردان نیز متوجه این ارزش خواهند شد و جامعه را به سوی سلامت و ارزش‌های واقعی سوق خواهند داد. اما اگر زن، حجاب را رعایت نکند ممکن است، خود و اجتماع را به فساد، تباهی و ضدارزش‌ها سوق دهد.

۴-۱-۳-۳ تضعیف اعتقادات و تقیدات دینی در جامعه

جامعه ای که در سطح بالایی از باورهای دینی باشد، در برابر بسیاری از آسیب‌ها مصون می‌ماند. بی‌حجابی، نشانه پایبند نبودن و بی‌مبالاتی فرد نسبت به احکام و اعتقادات اسلامی است. (۲۲)

۴-۲-۲ روانی

۴-۳-۳ تعارض فردی و خانوادگی و اجتماعی

بین افراد

۵- سوالات و فرضیات تحقیق

و آسمانی، تفسیر فردی از اعتقادات و احکام که همه معنایی دیگرند از سستی اعتقاد به دین، روش افراد را نسبت به اسلوب زندگی و زاویه دید آنان را درباره زندگی تغییر می‌دهد. تا زمانی که داریست اعتقادات انسانی استوار نایستد بنای ثبات رفتاری نیز شکل نمی‌گیرد. حجاب فرع بر اعتقاد تحقیقی و غیر تقلیدی به دین، حکیم بودن خداوند و توجه او به مصالح و مفاسد در تشریحات احکام است که اگر کسی به این‌ها با چشم شک بنگرد انگیزه‌ای بر رعایت آن نخواهد داشت.

۳-۲-۵ ناآگاهی و کم‌آگاهی

نویسنده کتاب «اخلاق و رفتارهای جنسی»، نظر سنجی و تحقیق هشت ساله خود را دلیل مناسب می‌داند که اساسی‌ترین علت پدیده کم توجهی دختران و زنان بدحجاب نا آگاهی آنان است: «اظهارات هشتاد درصد از آنان نشان داد که بی‌اطلاعی از فواید پوشیدگی و پیامدهای ناپوشیدگی، اصلی‌ترین عامل کم حجابی است. برخی از نتایج آن نظر سنجی به قرار ذیل است: الف) در میان بانوان بی‌اعتنا به حجاب برخی دختران از خانواده‌های مذهبی بودند که خانواده ایشان در توجیه و تربیت آنان موفق نبوده‌اند. ب) عده‌ای از دختران و زنان، پوشش ناکامل خود را کافی می‌دانستند.

ج) به اظهار عده‌ای دیگر، مراعات پوشش اسلام مانع فعالیت‌های اجتماعی است.

د) بعضی با اعتقاد به لزوم پوشش بهتر اعتراف می‌کردند که برای این کار باید ایمان قوی داشت که آنان از ایمان قوی بی‌بهره‌اند.

و) گروهی حجاب را در زندگی خود عامل خوشبختی و موفقیت یا پیشرفت نمی‌دانستند و نقش آن را خنثی می‌پنداشتند، نزد این عده نه فقط حجاب، بلکه بیشتر امور خلاقه‌ای عامل خوشبختی یا پیشرفت نیست.» (۲۴)

۳-۵ اخلاقی

وسوسه شیطان (جنی و انسی) و خواهش غریزه‌گرایی نفسانی (عجب، تکبر، غرور و...)، هر کار متصل به معنویت را سخت و سنگین جلوه می‌دهند و فرد را نسبت به کلاس تربیت دینی گریز پا می‌کنند. بدون شک داشتن حجاب، ارزشی است دینی و الهی. نفس اماره از درون و شیطان (انسی و جنی) از برون در کمین ارزش‌ها نشستند و چون از بی‌حجابی و خودآرایی زنان برای خودنمایی، گناهان فراوانی سر بر می‌آورد، ارزش حجاب بیشتر در معرض رصد و هدفگیری آن دو قرار می‌گیرد و با القائات گوناگونی مثل اظهار روشنفکری، تجدد، پیشرفت، تکامل اجتماعی و... باعث کشیده شدن چادر از سر زنان می‌شوند.

۴-۵ روان‌شناختی

از عوامل دیگر حجاب‌گریزی بحث روان‌شناختی آن است.

۱-۴-۵ شهوترانی خاموش

تنوع‌طلبی و لذت‌جویی زن ممکن است دو محور فرعی و اصلی داشته باشد: اول جلب علاقه و محبت فرد غیر هم‌جنس (فرعی)، دوم برقراری رابطه زناشویی (اصلی). زنان متدین و آشنا به اصول اخلاقی و حجاب، این دو تمایل را به همسر خود بروز می‌دهند؛ اما با عدول از این روش و عادت به ناپوشیدگی اندام و موها تمایل نوع اول برای افراد غیر همسر نیز سر می‌جنباند؛ با آن‌که تمایل نوع دوم، هم‌چنان برای همسر خود دست نخورده مانده است.

با عدم ارضاء عاطفی و جنسی در منزل، دریافت مهر و محبت از نامحرم، با گذشت زمان و هم‌سخنی با بیگانه و جلب توجه و محبت آنان در بعضی از زنان، میل رابطه زناشویی به میل به زنا تغییر جهت می‌دهد. در بعضی از جوامع غربی و دارای فضای باز جنسی معمولاً این اتفاق بدون

**۴-۴-۵ تایید و تحسین خواهی**

یکی از خصوصیات انسان به خصوص زنان، میل به ستایش‌گری و تایید دیگران از آنان است زن می‌خواهد مقبولیت کسب کند و از این راه به آرامش درونی دست بیابد. او می‌خواهد شخصیت و حقیقتش را بشناسند و او را تایید کنند و بستايند. اگر این حس از گذرگاه سنجیده‌ای نگذرد، از بیراهه‌های جلوه‌نمایی اندام و فرم و خصوصیات و جاذبه‌های ظاهری او سر بر می‌آورد و با نوعی بی‌قراری، هر پدیده باز دارنده‌ای مثل حجاب را از سر راه بر می‌دارد.

۴-۴-۵ تقلید از فرهنگ غرب

یکی از آسیب‌هایی که در مسیر فطری «میل به تقلید» وجود دارد، تعمیم در تقلید رفتارها، منش‌ها و گفتار الگوهاست. افرادی که به الگویی وابسته‌اند و چشم دوخته‌اند و می‌خواهند پا جای پای آنان بگذارند فراتر از آن چه آن الگوها را الگو کرده به مسائل فرعی و شخصی آنان نیز نظر می‌دوزند، مثل چگونگی سخن گفتن، غذا خوردن، سبک زندگی، پوشاک آنان و... که نام این کار را بیش تعمیمی می‌گذاریم. این بیش تعمیمی در تقلید از فرهنگ غربی نیز اتفاق افتاده است: افراد به جای آن که به آن چه غربی‌ها را پیش برده بنگرند به مظاهر و نمادهای زندگی آنان توجه کرده‌اند و روی آورده‌اند. (27)

۴-۴-۶ تنوع طلبی

انسان به ویژه جوانان، بسیاری از چیزها را جدید و دگرگونه می‌خواهند و دوست دارند قالب‌ها را بشکنند و از خود فردی جدید بسازند. (مراجعه شود به مباحث الگوها و جنبه‌های روان‌شناختی آنها). این موضوع در طریقه پوشش، تفکر، به کار بردن لغات و اصطلاحات تازه و... ظهور می‌یابد. این حس اگر درست رهبری نشود به رویگردانی از ارزش‌ها می‌انجامد؛ زیرا این اعتقاد پدید می‌آید

مانع و نکوهش می‌افتد؛ ولی در جاهایی که زمینه ظهور این میل منع و قبح قانونی و عرفی دارد، اتفاق دیگری رخ می‌دهد: زنان کم‌پوشش می‌کوشند تا حدی که می‌توانند با جلا و جلوه هر چه بیشتر خود را در دیدرس جویندگان لذت در آورند که از این کار به شهوت‌رانی خاموش تعبیر می‌شود (۲۵)

۴-۴-۲ احساس گناه و ناامیدی

عده‌ای که خواسته یا ناخواسته به گناهان و بدحجابی و عواقب برخاسته از آن گرفتار آمده‌اند در خود نوعی احساس گناهکاری غیر قابل بازگشت و ناامیدی دارند. احساس گناه و ناامیدی از نجات راه آنان را برای بازگشت به حجاب می‌بندد.

۴-۴-۳ هویت جویی

اشخاصی که هنوز به دلیل اعتماد به نفس عزت نفس و احساس ارزشمندی پایین از درون تهی مانده‌اند و هنوز به شخصیتی ارزنده و ممتاز دست نیافته‌اند در پی آنند که چیزهایی را بجویند جذابیت دار و چشم پرکن، با این تصور که بر جذابیت و استقلال شخصیتی خود افزوده‌اند و در نظر این و آن تشخص و امتیازی یافته‌اند. (۲۶)

روی آوری به خود جلوه‌گری اجتماعی در دختران نوجوان و جوان از این عامل نیز ریشه می‌گیرد. لباس‌های رنگارنگ، نمایش موها و اندام‌ها و آرایش آن‌ها و حرکات توجه برانگیز در آنان نشان از هویت گم‌شده‌ای دارد که در پی آنند. مسائلی مثل بحران هویت، تلاش برای بازسازی باورها و شناخت‌ها، پی بردن به رمز و راز وجودی خود و یافتن سؤال‌های بنیادین در مسیر رشد اگر به موقع و از کانال صحیح پاسخ داده نشوند، مخرب شخصیت می‌شود.



فرد خودنما نیروی متراکم آزاد نشده‌ای در خود احساس می‌کند که نمی‌داند از چه راهی باید آن را آزاد و دیگران را از وجود آن با خبر سازد؛ بنابراین این بخشی از نیروی آماده و آشکار خود را استفاده می‌کند تا شاید بتواند راهی برای نفوذ در دل‌ها بیابد و قدرت و استعداد خود را به اثبات رساند. (29)

۱۱-۴-۵ خود نمایی و جنسیت زن

زن در صفات جنسیتی خود و به‌طور ذاتی میل به خودنمایی دارد، چیزی که خداوند به او داده مثل همه نعمت‌های دیگر. اگر این میل در محیط خانواده و بین محارم مورد بی‌مهری قرار بگیرد سلامت روانی زن را به مخاطره و این حس شخصیتی خود را به عرصه جامعه خواهد کشاند و هنجارشکنی در خودنمایی را پدید می‌آورد.

۵-۵ عامل فرهنگی حجاب‌گریزی

یکی از عوامل مهم حجاب‌گریزی، عامل فرهنگی آن است.

۱-۵-۵ وارفنگی فرهنگی و فهم عرفی

آن‌که فرهنگ خودش را، ارزش‌های اصیلش را و آن‌را که دارد، نشناسد یا خرد و ناچیز بیندارد و داشته‌های دیگران برایش غنی و با هیبت و همینه جلوه کند به وارفنگی در مقابل فرهنگ دیگران دچار شده است، چنان‌چه این اتفاق در کشورهای شرقی و اسلامی در مقابل فرهنگ غربی رخ نمود.

به مرور زمان یک برداشت فراگستر اجتماعی در گوشه‌ها و خیابان‌ها در گوشی رد و بدل شد که فرهنگ خودی یعنی عقب‌ماندگی، در جا زدن یا بازگشت به گذشته‌های دور و فرهنگ غربی یعنی نویدی خوش برای آینده و راه و رسمی نیکو برای تعالی بشر؛ از این‌رو حجاب که یکی از نمادهای اصلی و اصیل ملی و مذهبی در ایران به شمار

که هر چیز نو بر کهنه آن می‌چربد که به جدال نمایان با سنت‌ها از جمله حجاب کشیده می‌شود.

۷-۴-۵ گریز از سنت‌ها

افراد بی‌توجه به عدم همه شمولی این قاعده ظاهراً بی‌نقص هر چیزی نو را با هر آن‌چه به نظر کهنه می‌آید به راحتی عوض می‌کنند و سنت‌گرایی را مساوی با تحجر و جمود فکری دانسته و شعار مدرنیته سر می‌دهند.

۸-۴-۵ مد زدگی

بعضی در زندگی خود با ابزارهای نفسانی، شیوه‌های روان‌شناختی، تبلیغاتی و... به اسارت «مد» در آمده‌اند و به هیچ شکلی نیز توان گسستن از آن را ندارند، بدون این‌که بدانند «مدها» با خود چه پیامی می‌آورند، چه به او می‌دهند و چه چیزی را از او می‌گیرند هر روز خیره به در می‌نشینند، که مد امروز بیاید و تا از آن پیروی کند.

۹-۴-۵ مرد نمایی

زنانی هستند که به هر دلیلی از زن‌بودن خود سیرند و در رؤیاهای خود عالم مردانگی را نقش می‌بندند، آن‌گاه می‌خواهند این عالم را در خارج و در مرحله عمل نیز از تجربه بگذرانند. از این روی نیم برهنگی راهی خواهد بود برای ورود به دنیای مردانگی و تبدیل شدن به یک بدل برای مرد. تبلیغات خزنه فمینیستی نیز در این‌جا کارگر و موثر عمل می‌کند. (28)

۱۰-۴-۵ ابراز وجود و اظهار لیاقت

زن تحقیرشده به سبب ضعف جسمی‌اش و نادیده گرفتن بعد وجودیش و رسالت‌های بزرگش، می‌کوشد در مقایسه خود با مردان و حق از دست رفته‌اش با پوشیدن لباس کمتر رقیب خود را مجذوب توانایی خودش کند و به این دلخوش باشد که دیگران در او چیزی یافته‌اند که در خور توجه است.



۳-۵-۵-۵-۵-۳-۵-۳ تهاجم فرهنگی

تهاجم فرهنگی یکی از عوامل مهم حجاب‌گریزی است.

۶-۵-۵-۵-۵-۳-۵-۳ عامل محیط خانواده و اجتماع

یکی از عوامل مهم حجاب‌گریزی، عامل محیط خانواده و اجتماع است.

۱-۶-۵-۵-۵-۳-۵-۳ وراثت اخلاقی

خانواده‌هایی که حجاب‌گریزی را از نان شب واجب‌تر می‌دانند و اخلاقی ماندگار، سنتی و دیرینه در آن‌ها به شمار آید فرزندان‌شان نیز به‌طور کاملاً طبیعی چنین صفتی را به ارث می‌برند و گذر زمان این کار را در آنان نهادینه می‌کند.

۲-۶-۵-۵-۵-۳-۵-۳ اثر وضعی محیط و فضای اجتماعی

محیطی که افراد در آن زندگی می‌کنند و یا معمولاً با آن سر و کار دارند همانند محیط فامیل، بستگان، دوستان مراکز آموزشی و محل کار و کسب و نوع هنر و معماری و... دانسته یا ندانسته فرد را به هم‌رنگی و همسانی با خود می‌کشاند که در این میان برای نوجوانان و جوانان، دوستان قوی‌ترین و برنده و برنده‌ترین عامل‌اند برای گرایش به هم‌فکری و هم‌داستانی در رفتارهای مشابه و موازی.

۳-۶-۵-۵-۵-۳-۵-۳ کنترل نداشتن مرد بر خانواده

مردانی که به هر دلیلی کنترل و نظارت موثر را در سلوک و رفتار و اخلاق خانواده خود از کف نهاده‌اند راه را برای روی‌آوری اعضای خانواده به هر نوع نگرش و رفتاری باز گذاشته‌اند. نداشتن تعصب و غیرت دینی، نبود حساسیت نسبت به حجاب برتر، تسامح و تساهل بی‌ضابطه، اشتغالات بیش از اندازه، عدم ارضای جنسی و عاطفی همسران خود، جذاب نبودن آنان برای زنان‌شان، رفت و آمدهای ناسالم خانوادگی و بسیاری موارد مشابه سر آغاز انحرافات فکری،

می‌رود به معنای نماد عقب‌گرد، تحجر، کهنگی و... تلقی شد و برهنگی و اندام‌نمایی مظهر تعالی و پویایی افراد بشر؛ چنین اتفاقی یک اعتقاد عرفی را بر جای گذاشت که زنان رو گرفته و پوشیده زنانی از همه‌جا رانده و مانده‌اند، زنانی اجتماع گریز، افسرده، جامد و امل (کسی که به آداب تمدن و تجدد آشنا نباشد)، (30) و زنان روباز، زنده، اجتماعی، قابل توجه، بالنده، سیال و نوگرا.

۲-۵-۵-۵-۳-۵-۳ رسانه‌ها و تبلیغ منفی حجاب

در رسانه‌ها به تبع فهم عرفی از حجاب و خودباختگی فرهنگی رسوب گرفته در لایه‌های ذهنی جامعه، در بسیاری از مجموعه‌های تلویزیونی، فیلم‌های سینمایی، تئاترها و... کسانی که ارزش اجتماعی پایینی دارند با پوشش اسلامی و ظاهری دینی نقش بازی می‌کنند و کسانی که دارای جایگاهی ستودنی و بالا هستند با نمایی از فرهنگ بیگانه، نقش افراد ساه‌لوح، فقیر، فال‌گیرها، گداه‌ها، جادوگران، جن‌زده‌ها، فلک‌زده‌ها و بخت برگشته‌ها حق بی‌بازگشت چادرها و ریش‌دارها و نمازخوان‌ها و تسبیح به دست‌ها است و نقش افراد زیرک، باسواد، مودب، ثروتمند، فعال و رنگ و رودار حق زنان فاقد پوشش دینی و مردان متظاهر به فرهنگی غربی. از جمله تبلیغات منفی حجاب، بعضی از مجریان تلویزیونی و هنر پیشگانی هستند که در مجموعه‌ها و فیلم‌ها نقش یک زن یا دختر دارای پوشش دینی را بر عهده گرفته‌اند. رها کردن چادر روی سر، پوشیدن مانتوهای کوتاه و جلوه‌دار و... از مصادیق پوشش‌های تحریک‌کننده و حساسیت‌برانگیز است که به جامعه الگو می‌دهند؛ علاوه بر آن گسترش چادرهایی به نام چادر ملی، دانشجویی و رنگی و امثال آن‌ها که بی‌ضابطه و عجولانه و بودن بازرسی کافی فضای جامعه را در می‌نوردد آینده مبهمی را پیش روی حجاب اسلامی خواهد گذاشت. (31)



فرهنگی انجام شده برای تثبیت آن که ما اکنون با نام یک حادثه تاریخی از آن یاد می‌کنیم تخم و ترکه‌های خود را بر جای گذاشته و رفته است.

(۳۳)

۸-۵ عامل سیاسی و اجرایی

از نبود قانون قابل ملاحظه و مراجعه و دارای شفافیت و ضمانت اجرایی مناسب و مداوم و سیاست‌های سلیقه‌ای و چندگانه دولت‌ها در رویارویی با حجاب و لوازم سلبی و اثباتی آن بی‌توجه نباید گذشت.

۹-۵ عامل اقتصادی

یکی از عوامل مهم حجاب‌گریزی، عامل اقتصادی است.

۱-۹-۵ دنیای سرمایه‌داری

دنیای سرمایه‌داری: برای اینکه انبوه اجناس مراکز تولیدی و کارخانجات روی دست سرمایه‌داران نماند و بازار همواره جدید و همیشگی باشد و گاو صندوق‌های دنیای سرمایه‌داری لاغر و کم‌پول نماند، ضرورت دارد هر روز و پیاپی کالاهایی جایگزین کالاهای دیروز بشود و شمایی تازه‌تر به آن بدهند و مردم را به مد زندگی بیشتر دچار کنند.

اگر زن با پوششی مثل چادر قدم به میدان تماشای هزاران چشم بگذارد دیگر مجبور نیست نگران جلوه، آرایش و رنگ و لعاب لباس خود باشد و انگیزه چندانی هم به خرید وسواسی و مداوم لباس و تزئینات نخواهد داشت؛ این حجاب و این پوشش در برابر نظام سرمایه‌داری خواهد بود؛ برای همین آنان باید بخشی از پول خود را صرف مبارزه با حجاب و گسترش فرهنگ حجاب‌گریزی و گرایش‌های فمینیستی کنند.

(۳۴) (۳۵)

۲-۹-۵ فقر و بی‌کاری

«کاد الفقر ان یكون کفراً» (۳۶) و «من الفراغ تکون الصبوه» (۳۷) این‌که فقر با کفر همسایگی

اخلاقی و رفتاری خانواده‌هاست که مرد در به وجود آمدن آن نقش اصلی را دارد.

۴-۶-۵ کنترل شدید

در بعضی از خانواده‌ها آن‌چه را خداوند نیز دستور به حرام بودنش، حتی مکروه بودنش نداده آنان حرامش می‌کنند. تعصب ورزی‌های بی‌مورد، غیرت‌ورزی‌های نامعقول و احساسی، منع از تفریح، مسافرت، مهمانی،

بازی و سرگرمی و معاشرت‌های سالم نمونه‌هایی است که فضای خانه را به تنگی و فشار قبر شبیه‌تر می‌کند. وقتی از خردسالی به دختران به‌طور مستقیم و غیر مستقیم تحمیل و تفهیم شود که دختر باید مقید، محدود و تحت سلطه باشد و پسر قرعه‌رهایی، قدرتمندی و سلطه‌گری را به نام خود زده، در بزرگی و سن استقلال شخصیت، او را به کوششی تلافی‌جویانه وا داشته‌ایم که با چشیدن طعم آزادی به همه مسائل تحمیلی پشت پا خواهد زد. این کارهای او اعتراضی خواهد بود به آن‌چه تاکنون روح او را می‌آزرده است. (۳۲)

۵-۶-۵ تمرین نداشتن

تقید به حجاب کامل و رعایت کم و کیف آن علاوه بر پیوند شناختی و عاطفی نیاز به تمرین‌های رفتاری دارد. بی‌تردید خانواده‌هایی که خود در این جهت تلاش نکرده‌اند و یا برنامه‌ای حساب شده برای حجاب کردن فرزندان‌شان به‌طور کامل از قبل از بلوغ و پس از آن نداشته‌اند. نمی‌توان انتظار داشت فرد بدون تمرین کارهای مثبت، خوب عمل کند.

۷-۵ عامل تاریخی

هر رویداد تکان‌دهنده و تاثیرگذار تاریخی اگرچه با گذشت زمان فرو می‌نشیند و به موزه تاریخ می‌رود؛ اما پس لرزه‌های آن‌گاه تا چند نسل بعد یا چند قرن بعد هم چنان پا برجاست. واقعه کشف حجاب در تاریخ ایران و کارهای اجرایی و



آشنایی با دنیای رازناک مردان، گریز از تحقیر، آزار رسانی (سادیسیم)، تحقیرپذیری (۳۸)، ضعف حیا، ازدواج و ملامت‌گریزی (۳۹) از آن جمله‌اند.»

۶- هدف تحقیق: ارائه راهکاری مناسب

۱-۶ اعتقادی: جهان بینی

▪ آشنایی با دیدگاه‌های اومانیستی، ماتریالیستی، توحیدی اسلامی و...

▪ تفسیر دو بعدی بودن انسان و توجه به روح و جسم

▪ یادآوری هدفمند بودن جهان (معاد)

▪ شرکت در مساجد و برنامه‌های آن

۲-۶ ناآگاهی و کم آگاهی

▪ تبیین مسئله بدحجابی حتی در خانواده‌های مذهبی به دلیل عدم درک درست از معنا و

مفهوم حجاب و یا وجود اجبار و دل‌زدگی

▪ تبیین عدم کفایت پوشش ناکامل

▪ بررسی مکمل بودن حضور فعالانه افراد، مخصوصاً زنان، و رعایت حجاب

▪ بحث و بررسی موضوع «فقط مسلمان بودن و مذهبی بودن دلیلی بر درک درست از حجاب و رعایت آن نیست.»

▪ اثبات نقش پررنگ حجاب در خوشبختی و موفقیت افراد و گفتگو با افرادی که نمونه‌ای از آن هستند.

۳-۶ اخلاقی

• یادآوری وجود وسوسه شیطانی برای انسان

• بیان توجیهات اشتباه در زمینه عدم رعایت حجاب و رد آنها با دلایل منطقی و درست

• توضیح عدم دشوار بودن رعایت معنویات و اصول دینی با توجه به هدفمندی جهان

۴-۶ روانشناختی: شهوت‌رانی خاموش

▪ اصل قرار دادن رابطه زناشویی و مهر زوجین

دارد و بیکاری سبک‌سری می‌آورد یکی از مصادیق خود را در پوشش زنان نشان می‌دهد. فقر مالی، انسان‌های ضعیف، کم اراده، مطیع و منفعل را در بسیاری موارد به خودفروشی وا می‌دارد. خودفروشی نیز جلوه‌گری می‌خواهد و نمایش‌گری، بلکه مشتری‌کالایش را بجوید و بپسندد و بپذیرد.

۳-۹-۵ ثروت و توانایی

از دیگر سو رد پای ثروت سرشار و جیب‌پر، در حجاب‌گریزی کم از دست‌تنگی ندارد. ثروت یکی از عوامل جنون‌زا و بر هم زننده تعادل روانی و روحی بعضی افراد است. خوشحالی توانایی و ثروت به نوعی فرد را در گرداب خود فراموشی می‌غلتاند و توجه صرف به غرایز را دربردارد.

۴-۹-۵ فساد اقتصادی

بی‌شک، حجاب در زمره عبادات قرار می‌گیرد. فساد اقتصادی با تاثیر گذاشتن بر کسب درآمد نامشروع و غذای حرام و با اثر وضعی خود بر قلب، انسان را نسبت به عبادت بی‌اشتها می‌کند و لوازم خداپرستی و توجه به معنویات را از او می‌دزدد. حجاب نیز در این میان استثنا نیست.

۵-۹-۵ بازار عرضه و تقاضا

در بازار عرضه و تقاضای جامعه ما این اتفاق می‌افتد که اجناس دارای ارزش‌های هویتی و فرهنگی از چند چیز کم نصیب مانده‌اند: «تبلیغ، کیفیت و طراحی مناسب و مطابق با خواست افراد و منطبق با فرهنگ بومی، فراوانی و ارزانی» و کالاهای بیگانه و وارداتی در موارد گفته شده از نصیب بیشتری بهره‌مندند با این تفاوت که آن کالاها متاع فرهنگ خویش را به ما القا می‌کنند. نکته: عوامل دیگری که هر کدام به عوامل کلی پیش‌گفته باز می‌گردند، را نیز بر شمرده‌اند: «الگوهای ناپذیرفته، احساس محدودیت، خشونت و سخت‌گیری، خودآزمایی، کشف دنیای اسرارآمیز درون، شوق نظاره شادمانی دیگران،



- ۸-۶ تقلید از فرهنگ غرب
- مطالعه فرهنگ‌های متفاوت جوامع و بررسی تفاوت‌های آن
- ارائه جلوه‌هایی از مظاهر منفی فرهنگ غرب
- تشویق به پیروی از مظاهر مثبت فرهنگ غرب
- اثبات غنی بودن فرهنگ اسلامی
- ۹-۶ تنوع طلبی
- لزوم خود ساختگی مثبت برای انسان
- آموزش خودساختگی مثبت و روش ایجاد آن
- رهبری میل به دگرگونی
- هویت مثبت تنوع طلبی و ارزشمندی آن
- ۱۰-۶ گریز از سنت‌ها
- تبیین درست و منطقی از سنت‌ها
- درک درست از مدرنیته بودن
- تفهیم عدم تساوی سنت گرایی با تحجر
- اجبار نکردن افراد به پیروی از سنت‌ها
- ۱۱-۶ مدزدگی
- کمک به افراد برای داشتن درکی صحیح از مد و مد گرایی
- ارائه مظاهر مثبت و منفی از مدگرایی
- داشتن حجاب و پوشش اسلامی در عین مدرن بودن
- پی بردن به پایه و اساس مدگرایی : چه چیز را از ما سلب کرده و چه چیز را به ما ارائه می‌کند.
- ۱۲-۶ مرد نمایی
- تبیین دیدگاه فمینیستی و مضرات آن
- تفسیر ارزش‌های وجودی زن و مرد
- بیان هدفمند بودن خداوند در آفرینش و جنسیت انسان‌ها
- درک و تفهیم ناشایست بودن جلب توجه و محبت نامحرمان
- تلاش برای ایجاد رابطه عمیق و عاطفی بین زوجین در چارچوب منزل
- کمک گرفتن از مشاور خانواده
- ۵-۵ احساس گناه و ناامیدی
- یادآوری صفات رحمان، رحیم، غفور بودن خداوند
- تشویق و ترغیب به توبه که راهی برای بازگشت به سوی خداوند است.
- یادآوری توانایی انسان برای جبران گناهان و تقصیرات خود
- ۶-۶ هویت جویی
- کمک به فرد برای تشخیص هویت خود
- ارائه راه‌های مناسب برای افزایش اعتماد به نفس و عزت نفس
- استفاده از راهکارهایی برای افزایش جذابیت فرد با احترام به شأن والای اسلام و انسان
- منحصر نبودن شخصیت اجتماعی و انسانی فرد به زیبایی ظاهری او
- ارزشمندی هویت انسان و در خطر انداختن آن بوسیله بدحجابی
- ۷-۶ تأیید و تحسین خواهی
- مضر و بی ارزش بودن بعضی راه‌های انتخابی برای دستیابی به تحسین دیگران
- اثبات این موضوع که « آرامش درونی فرد از زیبایی سیرت درونی اوست نه جلوه‌گری نامناسب ظاهر او »
- پیشنهاد راهکارهایی برای رسیدن درست به تحسین دیگران از جمله بالا بردن علم و دانش، ورزش کردن، عفاف و پاکدامنی و...
- اثبات این موضوع که « حجاب مایه رسیدن فرد به آرامش درونی است »



- وجود حکمت خداوند و رابطه بین توانایی های وجودی و جنس انسان
- ۱۳-۶ ابراز وجود و اظهار لیاقت
- بیان ارزش‌های والای وجودی زن
- ارائه شواهدی مبنی بر احترام خاص خداوند بر منزلت زن مانند نقش مادری
- وجود زیبایی‌های بی‌شمار زن
- عدم رعایت حجاب باعث پست شدن مقام والای انسان بویژه زنان است.
- ۱۴-۶ خودنمایی و جنسیت زن
- احترام به احساس خودنمایی زن در بین محارم و درک آن
- توجه به عواطف لطیف زن
- ارزش قایل شدن به احساس زیبایی زن
- پذیرفتن ظاهر واقعی همسر (زن) از سوی مرد و توجه به سیرت درونی او
- ۱۵-۵ فرهنگی : وارفتمگی فرهنگی و فهم عرفی
- آگاهی از ارزش اصیل فرهنگ شخص و جامعه او
- ارائه نقاط مثبت فرهنگ
- معرفی حجاب به عنوان نماد اصیل ملی و مذهبی ایران و ارائه شواهدی از آن
- تعریفی از برهنگی فرهنگی مضرات آن
- معرفی کتاب، مقاله، همایش‌هایی در رابطه با فرهنگ کشور و عرفیات آن
- ۱۶-۶ رسانه ها و تبلیغات منفی حجاب
- نظارت بیشتر بر تولیدات رسانه‌ای اعم از : سریال، فیلم،...
- تبلیغات و تولید محتواهای ارزنده و متناسب با شأن والای حجاب و عفاف
- تمرکز بیشتر رسانه بر موضوع حجاب
- درخواست از افراد مطرح در رسانه مانند مجری‌ها، بازیگران و... به رعایت حجاب و احترام به آن
- نظارت بیشتر بر تولید البسه اسلامی (انواع چادرها، با انواع رنگ ها و...)
- ۱۷-۶ تهاجم فرهنگی
- پی بردن به غنی بودن فرهنگ جامعه از طریق مقایسه
- یادآوری عرق ملی و فرهنگ آن
- اجازه ندادن به جوامع دیگر برای توهین و تجاوز به فرهنگ اسلامی
- مطالعه کامل همراه فرهنگ اسلامی و اثبات اصیل بودن آن با دلایل مستحکم و معتبر
- ۱۸-۶ عامل محیط خانواده و اجتماع :
- وراثت اخلاقی
- ارائه مشاوره در حیطه مسائل اجتماعی و آسیب های بد حجابی سطح فردی و خانوادگی
- وجود توانایی اختیار و انتخاب در اعضای خانواده و عدم لزوم اجبار در تبعیت فرد از بدحجابی موجود در آن
- ترسیم درست از موضوع حجاب
- مصاحبه و گفتگو با افرادی که به دلیل بد حجابی مورد بی احترامی یا تجاوز قرار گرفتند.
- جویا شدن دلیل بد حجابی خانواده و تلاش برای حل آن
- ۱۹-۶ اثر وضعی محیط و فضای اجتماعی
- انتخاب دوستان هم سطح و هم فکر
- عدم لزوم هم‌رنگ شدن با جماعت
- تربیت و آموزش درست دینی، اخلاقی و... فرزندان به خصوص در دوران بلوغ و جوانی
- استخدام اساتید متعهد و پاسخگو به شبهات دینی
- ۲۰-۶ کنترل نداشتن مرد بر خانواده



- انجام وظیفه درست همسری و پدری در زمینه های متعدد از جمله حجاب در خانواده
- یادآور شدن تعصبات دینی و غیرت مردان (در حد اعتدال)
- توصیه به عدم تساهل مردان در این موارد
- رسیدگی به امور تربیتی فرزندان
- اجتناب از عدم برنامه ریزی و اشتغال افراطی مردان
- **۶-۲۱ کنترل شدید**
- مراجعه به مشاور و انجام مشاوره در زمینه کنترل مناسب و سالم در خانواده
- یادآوری اهمیت بحث حجاب در هر دو جنس دختر و پسر
- مشاهده فیلم های آموزشی کنترل خانواده
- تفریح، سفر، مهمانی و... بصورت معتدل و با حفظ شئونات اسلامی برای دختر و پسر
- **۶-۲۲ تمرین نداشتن**
- تلاش افراد برای رعایت حجاب در شرایط و موقعیت های متفاوت و استثناء قائل نشدن برای آن (عروسی ها و...)
- تأکید خانواده برای آموزش درست و منطقی رعایت حجاب در فرزندان
- ایجاد زمینه هایی برای رغبت به موضوع حجاب
- هدیه دادن به افراد باحجاب و تحسین آن ها
- انجام بازی هایی که نقش های آن با حجابند (برای سنین پایین)
- **۶-۲۳ تاریخی**
- آشنایی با پیشینه حجاب از زمان آفرینش انسان و تاریخ آن
- تبیین حادته های تاریخی مبنی بر عدم رعایت حجاب و آثار منفی بر جای گذاشته (کشف حجاب در زمان رضا خان)
- آشنایی با محدوده حجاب در زن و مرد از ایام گذشته
- آشنایی با اقدامات انجام شده در راستای حفظ حجاب در جامعه و انسان های شریفی که در این راه جان خود را فدا کردند.
- **۶-۲۴ سیاسی و اجرایی**
- آگاهی جامعه از انواع حيله ها و توطئه های سیاسی مستکبرین جهانی
- ورود دشمنان اسلام از موضع فرهنگ و ایجاد فساد در جامعه
- وضع قوانینی برای رعایت حجاب در جامعه و برخورد با متخلفین
- گسترش امر به معروف و نهی از منکر در سطح جامعه
- **۶-۲۵ اقتصادی : دنیای سرمایه داری**
- مهیا کردن شرایط اقتصادی و ایجاد فرصت برای فروشنندگان البسه اسلامی
- مبارزه با مد گرایی
- تمرکز بر زیبایی چارچوب دار پوشش اسلامی
- تلاش در افزایش گرایش مردم به خرید البسه اسلامی و تولیدات ایرانی
- اجرای دستور العمل هایی به منظور تشویق فروشنندگان برای فروش و عرضه البسه اسلامی و ایرانی
- **۶-۲۶ فقر و بیکاری**
- ایجاد زمینه اشتغال در کشور
- کمک های مردمی
- حمایت خیریه ها
- افزایش فعالیت نهادهای کشور از جمله نهاد مستضعفین و...
- پرداخت خمس و زکات و صدقه ...
- **۶-۲۷ ثروت و توانایی**
- شرکت در کلاس های علمی و آموزنده



موجود می‌پردازد که در عده‌ای منجر به ناامیدی از آینده می‌شود.

توجیه کردن بی تفاوتی مردان نسبت به زنان با دلایلی چون محقر بودن او از گذشته تا حال، احساساتی بودن و...

اتکای بیشتر مردان به اشتغال خود در مقایسه با گذران وقت در کنار خانواده به دلیل اوضاع نامناسب اقتصادی

سوء استفاده هنرمندان از موقعیت شغلی و اعتماد مردم در مسأله بدحجابی

نپذیرفتن مصاحبه توسط افراد آسیب دیده نپذیرفتن واقعیت موجود به دلیل غرور

کاذب

۸- ارائه گزارش

دانش آموز مورد نظر به دلیل تکرار بدحجابی در مدرسه بطور مستمر، با وجود تذکرات مستقیم و غیر مستقیم، دارای مسأله بدحجابی و حجاب‌گریزی است.

دانش آموز با پوشش نامناسب و تنگ، استفاده افراطی از زینت‌ها، آرایش چهره و ... در مدرسه حضور می‌یابد.

نوع پوشش دانش‌آموز منجر به عدم تمرکز در کلاس، تأثیر گذاری بر دانش‌آموزان دیگر، ایجاد مزاحمت‌هایی در محلی که مدرسه در آن مستقر است و عدم امنیت سایر دانش‌آموزان، نگرانی خانواده سایر دانش‌آموزان و ... شده است.

با توجه به تحقیقات به عمل آمده توسط مدیر، معلم، مشاور مدرسه و ... دلیل پیدایش این

مسأله در دانش آموز، محیط خانواده و اجتماع و زیرمجموعه آن یعنی کنترل شدید خانواده است.

پس از در میان گذاشتن موضوع با خانواده دانش‌آموز از جمله راهکارهای ارائه شده به آن‌ها

عبارتند از: مراجعه به مشاور و انجام مشاوره در زمینه کنترل مناسب و سالم در خانواده، یادآوری اهمیت بحث حجاب در هر دو جنس دختر و

استفاده هدفمند از ثروت و برنامه ریزی

برای مصرف آن

دستگیری از افراد ناتوان

حمایت مالی از برگزاری همایش‌ها و مراسمات مفید و کاربردی از جمله فرهنگی، علمی، دینی و...

۲۸-۶ فساد اقتصادی

تبیین اثرات زیان بار کسب حرام در افراد و نسل‌های آنان

تشویق افراد به کسب حلال

یادآور شدن هدفمندی جهان و وجود خداوندی که ناظر بر اعمال انسان‌هاست.

۲۹-۶ بازار عرضه و تقاضا

مانند راهکار «دنیای سرمایه داری»

۷-۱-۱ محاسن

آشنایی با انواع دیدگاه‌های جهان بینی مانند ماتریالیستی، اومانیستی، توحیدی و ...

یادآوری وجود خداوند که بر اعمال انسان‌ها ناظر است.

الگو نگرفتن از افراد به ظاهر مسلمان

عدم وجود چهره ریاکارانه حجاب

پی بردن به نقش حجاب در شخصیت افراد

راحت تر پذیرفتن حجاب بواسطه دلایل و مستندات مستحکم در افراد حجاب‌گریز

۷-۲-۲ معایب

زمان بر بودن، پیچیدگی و ... بحث‌های فلسفی در دلایل و راهکارهای دینی

مقابله افراد با جنبه نصیحتی و مقایسه‌ای راهکارها

نادیده گرفتن پیشینه حجاب اسلامی با توجیه تفاوت شرایط زمانی حال با روزگار

پیامبران، امامان و...

در زمینه آگاهی دادن به افراد درباره پیامدهای منفی حجاب در جامعه به ترسیم فساد



راهکارهای اثرگذاری ارائه کرد، البته بهتر است راههای پیشنهادی دارای درصد کمتری از معایب باشند. به مسائلی مانند حجاب باید از همان ابتدا در محیط خانواده توجه شود تا فرزندان در آینده، بخصوص در دوران حساس بلوغ، دچار کم‌کاری در این حوزه نشوند. علاوه بر آن باید فرهنگ‌سازی بیشتری در جامعه صورت گیرد که متأسفانه در اجرای قوانین اسلامی در سطح جامعه به دلیل افراطی‌گری و نادرست عمل کردن بعضی نهادها و عوامل اجرایی نتیجه‌ای کاملاً ضد آن را به دنبال داشته است. فرزندان این مرز و بوم به عنوان آینده‌سازان این کشور باید به اصیل و غنی بودن فرهنگ ایرانی و اسلامی، نقش بسیار موثر حجاب در پیشرفت و موفقیت افراد و ... پی ببرند به امید آنکه از آمار فساد، تجاوز و سایر پیامدهای منفی بدحجابی کاسته شود و جامعه‌ای اسلامی و خودکفا پدید آید (۴۱).

پسر، مشاهده فیلم‌های آموزشی کنترل خانواده، داشتن تفریح و سفر و مهمانی و... بصورت معتدل و با حفظ شئون اسلامی برای دختر و پسر، ارائه شواهدی از آیات قرآن کریم، احادیث و... مبنی بر لزوم حجاب در دختر و پسر، جایگزین کردن تربیت و درک درست مبنی بر رعایت حجاب به جای تحمیل بر آن، اعتقاد به محرمانه قرآنی و نه بیش از آن (افراطی)، احترام به اختیار و انتخاب انسان.

۹- نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده، متأسفانه مسئله حجاب‌گریزی بصورت هنجارشکنی بدحجابی در جوامع بخصوص جوامع اسلامی رو به فزونی است و به دلیل اهمیت بسیار این معضل، بررسی‌های زیادی در مورد آن انجام شده و تبدیل به یک موضوع میان رشته‌ای در دانشگاه‌ها شده است. عوامل فردی، خانوادگی، اجتماعی، فرهنگی و... بسیاری در پیدایش آن موثرند؛ بنابراین می‌توان

منابع

- ۱- مکارم شیرازی، ناصر، احکام خانواده، ۱۳۸۹، تنظیم حجت الاسلام وحید علیان نژاد، انتشارات امام علی ابن ابی طالب (ع)، قم، چاپ دوم، ص ۳۳. [کتاب]. جلد ۲.
- ۲- اکبری، محمدرضا، ۱۳۸۹، حجاب در عصر ما، تهران، پیام آزادی، [کتاب]. <http://wikifeqh.ir>. ۳۹.
- ۳- آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۱، ص ۶۷۱. [کتاب]. ۳۷.
- ۴- جام جم آنلاین، شنبه ۰۳ مهر ۱۳۸۹، شماره خبر ۱۰۰۸۸۶۷۱۴۲۵۲، [گزارش]. ۹.
- ۵- رجیبی، عباس، مجله معرفت، س ۱۳، اسفند ۱۳۸۳، ص ۴۹. [کتاب]. <http://wikifeqh.ir>. ۶.
- ۶- رجیبی، عباس، ۱۳۸۴، حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، اول، ص ۱۶۷ به نقل از: منطقی، مرتضی، بررسی تأثیر جاذبه‌های زنان در آستانه ادراکی دیگران، طرح پژوهشی، جهاد دانشگاهی مرکز، ۱۳۷۳ ش. [کتاب]. ۱۰.
- ۷- غلامی، یوسف، ۱۳۸۴، اخلاق و رفتارهای جنسی، قم: معارف، ص ۱۹۸. [کتاب]. ۲۵.
- ۸- غلامی، یوسف، اخلاق و رفتارهای جنسی، [کتاب]. ص ۲۰۷، ۲۸.
- ۹- غلامی، یوسف، اخلاق و رفتارهای جنسی، ص ۲۰۷. [کتاب]. ۲۹.
- ۱۰- غلامی، یوسف، اخلاق و رفتارهای جنسی، ص ۲۰۹. [کتاب]. ۳۲.
- ۱۱- غلامی، یوسف، اخلاق و رفتارهای جنسی، ص ۲۰۹. [کتاب]. ۳۳.
- ۱۲- مجله صباح، ش ۱۷ و ۱۸، ص ۱۱۰. [کتاب]. ۲۷.
- ۱۳- مجله صباح، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۶. [کتاب]. ۳۴.



- ۱۳- مهدوی، بیتا، وقتی صورت‌ها شبیه یک ماسک نقاشی می‌شوند، روزنامه جام جم، ۱۳۸۵/۵/۲۴. [گزارش] <http://porseman.com>. ۲۰.
- ۱۴- احمدی و همکاران، ۱۳۸۹: ۱۰۲-۹۷ [گزارش]. - [مکان نشر نامشخص]: <http://mmousavinejd.blogfa.com>. ۲۲.
- ۱۵- مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۷، اخلاق در قرآن، با همکاری جمعی از فضلا، مدرسه امام علی ابن ابی طالب (ع)، قم، چاپ اول، ج ۲، ص ۳۱۹. [کتاب]. ۳.
- ۱۶- اکبری، محمود، ۱۳۸۰، مروارید عفاف، قم، انتشارات ظفر، ۱۳۸۰، ش، اول، ۷۱. [کتاب]. ۱۱.
- ۱۷- ایندیندند، ۱۶ سپتامبر ۱۹۹۶. [گزارش]. ۱۴.
- ۱۸- بخش فرهنگی دفتر آیت الله فاضل لنکرانی، پرسمان حجاب‌شناسی، قم، انتشارات امیرالعلم، بی تا، اول، ص ۴۱. [کتاب]. ۱۷.
- ۱۹- برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۹۲. [کتاب]. ۸.
- ۲۰- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تهیه و تنظیم جمعی از فضلا، دار الکتب الإسلامیه، [کتاب]. - تهران، چاپ سی و دوم، ج ۱۴، ص ۴۴۶. [۴].
- ۲۱- تفسیر نمونه، مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تهیه و تنظیم جمعی از فضلا، دار الکتب الإسلامیه، تهران، چاپ سی و دوم، ج ۱۴، ص ۴۴۶. [کتاب]. ۴.
- ۲۲- جعفری یزدی، حمیده، مصاحبه با دکتر مهدی ثریا، مجله حدیث زندگی، س ۳، ش ۴، ص ۸۹. [کتاب]. ۲۶.
- ۲۳- حداد عادل، غلام علی، ۱۳۷۲، فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی، تهران: سروش، سروش، چ ۵، ص ۶. [گزارش]. - ۲۳.
- ۲۴- حسینیان، حامد، ۱۳۹۰، صدفی برای مروارید، قم، موسسه بوستان کتاب، اول، ص ۶۹ به نقل از نشریه حورا، غرب و گرداب بحران اخلاقی، ش ۳ و شماره ویژه‌ی مجله‌ی The good News، ۲۰۰۰. [کتاب]. ۱۲.
- ۲۵- حسینیان، حامد، ۱۳۹۰، صدفی برای مروارید، قم، موسسه بوستان کتاب، اول، ص ۷۰ - ۷۱ به نقل از نشریه حورا، غرب و گرداب بحران اخلاقی، ش ۳، شماره ویژه‌ی مجله‌ی The good News، ۲۰۰۰. [کتاب]. ۱۵.
- ۲۶- حسینیان، حامد، صدفی برای مروارید، اول، [مقاله] // موسسه بوستان کتاب. - قم، ص ۷۰ - ۷۱، ۱۳۹۰، ش. - به نقل از نشریه حورا، غرب و گرداب بحران اخلاقی، ش ۳. : جلد شماره ویژه‌ی مجله‌ی The good News. - ۲۰۰۰. [کتاب]. ۴۱.
- ۲۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ماده (حجب)، معین، محمد، فرهنگ فارسی، واژه (حجاب). [کتاب]. ۵ - جلد.
- ۲۸- زیبایی نژاد، محمدرضا و سبحانی، محمدتقی، ۱۳۷۹، درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام، قم: نصاب، ص ۱۵۱-۱۷۵ [کتاب]. ۳۱.
- ۲۹- سردار رادان، ۱۳۸۷، فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ، شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی، برنامه «چراغ خاموش» تاریخ ۱۳۸۷/۲/۲۹. [گزارش]. ۱۹.
- ۳۰- صفی‌باری، مسعود، ۱۳۸۹، راز حجاب، قم، نور السجاده، ش دوم، ص ۷۱. [کتاب]. ۱۳.
- ۳۱- غلامی، یوسف، اخلاق و رفتارهای جنسی، ص ۲۰۹. [کتاب]. ۳۸.
- ۳۲- غلامی، یوسف، ۱۳۸۴، اخلاق و رفتارهای جنسی، قم: معارف، ص ۱۶۸ و ۱۶۹. [کتاب]. ۲۴.
- ۳۳- برخوردار، زینب، فضیلت انگاری عفاف و حجاب با تکیه بر دیدگاه فارابی، جاش مکداول، فصلنامه اخلاق، شماره ۱۶، به نقل از کتاب "Why true love waits"؟، ۲۰۰۲، ص ۱۴ و ۱۴۰. [کتاب]. ۱۶ - جلد.
- ۳۴- کیهان، مورخ ۸۶/۱/۲۷. [گزارش]. ۱۸.
- ۳۵- مجله صباح، شماره ۱۷ و ۱۸، ص ۱۰۸. [کتاب]. ۳۵.
- ۳۶- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۴۳۸. [کتاب]. ۳۷.
- ۳۷- محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۴۳۸. [کتاب]. ۳۶.
- ۳۸- معین، محمد، فرهنگ معین، ج ۱، آ - خ، ماده «اصل» [کتاب]. ۳۰.



بررسی تطبیقی میوه‌های گرمسیری و نیمه گرمسیری منطبق با میوه‌های قرآنی جهت ارائه طبقه‌بندی کاربردی به روش داده‌کاوی

رضا نوروز ولاشدی^۱، سیدعلی هاشمی خانباسی^۲، مهدی حدادی نژاد^۳

۱- استادیار هواشناسی کشاورزی، گروه مهندسی آب دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۲- استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول: a.hashemi1@yahoo.com)

۳- استادیار گروه آموزشی باغبانی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

چکیده

بر مبنای اشارات قرآنی از میوه‌هایی نظیر خرما، زیتون، انار و انجیر و غیره می‌توان نام برد. اخیراً با مطرح شدن طب سنتی و شاخه طب اسلامی رویکرد استفاده از گانیک و محدود از محصولات سنتی و قدیمی در بین میوه‌ها نیز رایج شده و برخی فقط میوه‌های ذکر شده در قرآن و احادیث را معتبر می‌دانند. در حالی که تعداد زیادی از میوه‌ها هستند که با طی کردن مراحل به‌نژادی و پس از نزول قرآن به جامعه اسلامی در حال اصلاح معرفی شده‌اند. لذا هدف این پژوهش بررسی تطبیقی، مطالعه و خوشه‌بندی میوه‌های مناطق گرمسیری و نیمه گرمسیری (اطلاعات بالغ بر ۵۵ میوه) برای انطباق با میوه‌های ذکر شده در قرآن (خرما، انار، زیتون، موز و انجیر) است. این دسته‌بندی‌ها بر مبنای خصوصیات مشترک آن‌ها نظیر آب، انرژی، پتاسیم، روی و کربوهیدرات موجود انجام شد. نتایج نشان داد در حالات و روش‌های مختلف بررسی به روش تحلیل اکتشافی سایر میوه‌ها در پنج دسته اصلی قرار خواهند گرفت. با رهیافت الگوریتم GMM برخی پارامترها که شامل وزن، میانگین و کوواریانس بوده، عمل بهینه سازی برای شباهت توزیع خصوصیات مشترک انجام شد. در نهایت خوشه‌بندی منجر به ارائه درختواره‌ای به صورت ۵ خوشه اساسی شد. این خوشه‌ها دقیقاً منطبق با ۵ میوه قرآنی مورد بررسی بود. خوشه C1 (انار) در مجاورت خوشه C4 (زیتون) قرار گرفت، خوشه C2 (انجیر) و خوشه C5 (موز) و C3 خرما در ادامه این درختواره مشاهده شد. در نهایت از این ۵۵ میوه به ترتیب ۷، ۲۶، ۵، ۷ و ۹ میوه در خوشه‌های ۵ گانه میوه‌های قرآنی قرار گرفت.

واژگان کلیدی: آمار، تحلیل اکتشافی، طبقه‌بندی، قرآن، میوه.

مقدمه

بومی اعراب صدر اسلام معرفی شده است. به همین دلیل در طب اسلامی برخی افراد، تنها میوه‌های ذکر شده در قرآن و احادیث را معتبر و قابل استفاده می‌دانند و به مابقی میوه‌ها نظری نداشته و یا در مواردی نفی استفاده آن‌ها را ترویج می‌کنند. در حالی که برخی میوه‌ها همچون توت‌فرنگی پس از اسلام و در شرایط اروپا، به شکل امروزی به‌نژادی و سپس نمونه‌های تکامل یافته و برتر آن‌ها به جامعه بشری معرفی شده‌اند، با گسترش علوم تجربی علاوه بر کشف خصوصیات و معرفی میوه‌های مختلف، در موارد

میوه‌های مختلف بخش عمده‌ای از تولید باغبانی کشور را تشکیل می‌دهند. به طوری که در مجموع حدود ۲/۷ میلیون هکتار مناطق قابل کشت را باغ‌ها تشکیل داده‌اند. باغ‌ها در مناطق مختلف کشور شامل میوه‌های معتدله (خران‌دار)، نیمه گرمسیری (خران‌دار و همیشه‌سبز) و گرمسیری (همیشه‌سبز) می‌شود. میوه‌های مختلف دارای خصوصیات متفاوتی از نظر ارزش غذایی و دارویی هستند. تنها برخی از میوه‌ها نظیر خرما، زیتون، انجیر، انگور و غیره در قرآن یاد شده و به جامعه



باغبانی میوه عبارت است از قسمت گوشتی و خوراکی یک گیاه چندساله که به‌طور معمول به‌صورت تازه مصرف می‌شود (خوشخوی، ۱۳۸۳). در قرآن کریم ۱۹ مورد لفظ «فاکبه»، «ثمره» و اشتقاقیات آن آمده است (فتاحی معصوم و زروندی، ۱۳۹۵). همان‌طور که پیش‌تر بیان شد نام برخی میوه‌ها نیز در این کتاب آسمانی آمده است. حال سؤال اینجاست که با توجه به تداوم اثر تکاملی قرآن بر دین جوامع پس از صدر اسلام، جایگاه میوه‌هایی همچون توت‌فرنگی که پس از دوران صدر اسلام در دنیا تکامل یافته‌اند، کجاست؟ از نظر باغبانی میوه‌ها در سه گروه مناطق معتدله (خزان‌دار)، نیمه گرمسیری (خزان‌دار و همیشه‌سبز) و گرمسیری (همیشه‌سبز) دسته‌بندی می‌شوند. این دسته‌بندی از نقطه‌نظر هواشناسی و تحمل دمایی میوه‌هاست. که بر مبنای مهم‌ترین عامل اثرگذار در کشت و پرورش آن‌ها یعنی دما گروه‌بندی شده‌اند. نکته جالب اینکه دین اسلام در منطقه گرمسیری و نیمه گرمسیری عربستان طلوع نموده و سپس جهان شمول شده است. محققان معتقدند که هر فرد سالم در روز تا ۹-۵ میوه و سبزی، باید میل کند تا از لحاظ تغذیه فردی دچار مشکل نشود و در شرایط امروزی که ۳-۴ میوه مصرف روزانه می‌شود توصیه می‌کنند، از میوه‌های فراسودمند مثل بلوبری، انار، تمشک سیاه، گیلاس، توت‌فرنگی و بلوبری و غیره. که سرشار از مواد پاداکساینده‌اند، استفاده کنند و با خوردن یک میوه اثر دو میوه را در بدن ایجاد کنند. همچنین در ادامه پیشنهاد می‌کنند برای صرفه‌جویی در وقت می‌توان میوه‌های آبدار را آب‌گیری نموده یا از خشک میوه‌هایی مثل گردو، پسته، فندق، خرما ... که آب کمتری دارند استفاده کنند (فتاحی مقدم، ۱۳۹۷). تا با صرف

بسیاری شاهد مشخص شدن نگاه صحیح قرآن به مطالب علمی همچون باروری ابرها و مضرات مصرف محصولات تخمیری انگور و غیره هستیم. پاسخ این پرسش که میوه‌های قرآن از چه نوع دسته‌بندی برخوردارند و میوه‌های نام‌برده نشده در کدامین دسته یا طبقه از میوه‌های قرآنی و با چه میزان ارتباطی با آن‌ها قرار می‌گیرند، می‌تواند تا حدودی راهگشای اختلاف پیش‌آمده باشد. فرض بر این است که با یافتن عامل یا عوامل محیطی اثرگذار بر تفکیک دسته‌های مختلف میوه‌های نیمه گرمسیری و گرمسیری از بعد آب، هوا و اقلیم می‌توان مبنایی برای این دسته‌بندی‌ها ارائه نمود. کره زمین، ۴/۵ میلیارد سال پیش به وجود آمده است (دانشنامه رشد، ۱۳۹۶). حیات بر روی کره زمین، ۱/۵ میلیارد سال پیش به وجود آمده و اولین گیاهان، بیش از ۴۰۰ میلیون سال پیش و بسیار زودتر از جانوران به وجود آمده است (عزیزیان، ۱۳۷۲). زندگی جانوران بسیار وابسته به گیاهان است و در رأس این عوامل وابستگی، فرآیند فتوسنتز (فروغ آمایی) قرار دارد که فقط توسط گیاهان صورت می‌گیرد. فتوسنتز پدیده‌ای است که طی آن ابتدا کربوهیدرات‌ها تولید و در فرایندهای بعدی اسیدهای چرب و اسیدهای آمینه تولید می‌شود که از آن‌ها هم چربی و پروتئین حاصل می‌گردد، در کنار این مهم اکسیژن کره زمین نیز تأمین می‌گردد. تا جایی که، هر ۲۰۰۰ سال یک‌بار تمام اکسیژن کره زمین توسط گیاهان تجدید می‌شود (آلبرت، ۲۰۱۵). انواع مختلفی از تقسیم‌بندی و گروه‌بندی گیاهان و درختان باغبانی از نظر چرخه زندگی، شرایط محیطی، عادت رشد و جنبه‌های علمی و باغبانی ارائه شده است (خوشخوی، ۱۳۸۳). بنا به تعریف ارائه شده میوه از نظر گیاه‌شناسی عبارت است از تخمدان رشد کرده و تکامل‌یافته یک گل اما از نظر



تقوی‌زاد (۱۳۹۲) به شگفتی‌های علمی قرآن در میوه‌های انگور، انار و زیتون پرداخت. ایشان بر مبنای آیه ۹۹ سوره انعام و آیات دیگر این سه میوه را از نظر گیاه‌شناسی و اقلیم‌شناسی مورد بررسی قرار داد. از جنبه‌های مختلف موارد کاربرد و مصرف آن را مورد بررسی و شگفتی علمی قرآن در این سه میوه را مورد ارزیابی قرار داد. نتایج ایشان حاکی از آن است که گیاهان یادشده در کتب آسمانی قرآن در تغذیه، تنوع و اعتدال در مصرف آن‌ها از اهمیت بسزایی برخوردار است (تقوی‌زاد، ۱۳۹۲). در پژوهشی دیگر مجیدی‌خامنه در سال ۱۳۷۹ در سه شماره متوالی مجله گلستان قرآن میوه‌های بهشتی در قرآن (زیتون، انگور و انار) را مورد کنکاش قرار داد. ایشان در باب کلمه زیتون بیان داشتند که نوع خاردار آن مورد نظر است. و در جایی که درباره باغ شریعت پیغمبر (ص) بحث می‌کند، کلمه تین و زیتون را به کار برده است و می‌گوید: تین و زیتون درین باغ و آن شهر امین و طور سینین آمده است. در باب انار نیز در اشعار و واژگان به کار رفته نار و انار به‌طور مفصل بحث می‌کند. در باب انگور تکرار آن را در آیات مختلف مورد بحث قرار داده و بیان می‌کند که در سوره النحل آیه ۱۱ قرآن مجید آمده است: و هم زراعت‌های شما را از آن آب باران برویاند و درختان زیتون و خرما و انگور و هرگونه میوه بپرورد و در این کار آیت قدرت الهی برای اهل تفکر پدیدار است. نوری در سال ۱۳۴۱ در مجله درس‌هایی از مکتب اسلام مقاله‌ای با عنوان شگفتی‌های آفرینش/ اسرار سلسله گیاهان/ نقش میوه‌ها و سبزی‌ها در تأمین مواد زندگی ارائه نمود. ایشان درباره یکی از محتویات مهم میوه‌ها و سبزی‌ها یعنی «ویتامین» بحث می‌کند و نقش مهم آن را در تعادل اعمال حیاتی بیان می‌کند. و هدف از مقاله را قرآن می‌داند، که در آیات

هزینه و وقت کمتر نیاز یک بدن سالم را تأمین کنند.

باآنکه قرآن کتاب هدایت است و امر هدایت مربوط به روح است، ولی به سبب چندبعدی بودن زندگی انسان، این کتاب الهی دارای برخی اشارات علمی سودمند برای تغذیه و سلامت جسم نیز هست. مطالعه تحلیلی در رویکرد قرآن به میوه‌ها نشان می‌دهد که همواره ذکر میوه در قرآن مقدم بر دیگر خوراکی‌هاست. طیب حسینی در مقاله‌ای به‌عنوان جغرافیای میوه‌ای قرآن بیان دارد، تقدم در ذکر و تکرار میوه می‌تواند مشعر به تقدم استفاده از میوه بر گوشت باشد. از بین میوه‌های مختلف یازده میوه به‌صراحت در قرآن آمده که از این میان میوه نیمه گرمسیری خرما با بیست و یک‌بار تکرار جایگاه ممتازی دارد. الهام از نحوه اهتمام قرآن به میوه‌ها و تنظیم استفاده از آن‌ها از سویی، گامی در جهت بهبود سلامت و تقلیل هزینه‌هاست و از سویی دیگر، حرکت به‌طرف سبک زندگی اسلامی و حیات طیبه است (طیب حسینی و همکاران، ۱۳۹۵). نصیری و همکاران در سال ۱۳۹۳ به بررسی خواص درمانی میوه‌های قرآنی و میزان همخوانی آن با یافته‌های نوین علوم پزشکی پرداختند (نصیری و همکاران، ۱۳۹۳). در تاریخ دوره اسلامی نیز کتاب‌های مستقلی در باب نباتات و گیاهان به رشته تحریر درآمده است. برای مثال کتب نبات و شجر بانام‌های مشابه در سده سوم هجری و نیز پس‌از آن ارائه شده است. "کتاب النبات و الشجر" نوشته ابی سعید عبد الملک بن قریب الاصمعی (۲۱۶هـ/ ۸۳۱ م). النبات و الشجر، رساله‌ای لغوی است به روایت ابوحاتم سجستانی که مؤلف در آن به شرح و توضیح واژگان و اصطلاحات مربوط به انواع گیاهان و ویژگی‌های هر یک پرداخته است.



می‌سازد. دانش رده‌بندی سابقه‌ای به قدمت تاریخ انسان دارد، ولی رده‌بندی عملی که از ۱۵۰ سال پیش شروع شده است، هر روز با پیشرفت علم عملی‌تر شده و تکامل بیشتری پیدا می‌کند. با مطالعه‌ی متون داروشناسی دوره‌ی اسلامی نوعی طبقه‌بندی عالم گیاهان قابل استنتاج است. گاه این طبقه‌بندی بر اساس ویژگی‌های زیستی و محیطی گیاه صورت گرفته است. نوعی طبقه‌بندی درباره‌ی گیاهان خوراکی و دارویی نیز در مباحث مربوط به غذاها و داروها دیده می‌شود که در مقاله (محمدی‌فر، ۱۳۹۴) پرداخته شده است.

در نظام رده‌بندی گروه‌هایی که اصطلاحاً واحدهای رده‌بندی نامیده می‌شوند، مانند گونه، جنس، تیره و غیره گروه‌هایی هستند که هر گروه بزرگ‌تر شامل چندین گروه کوچک‌تر از خود است و شباهت افراد به هم در گروه‌های کوچک‌تر بیش از گروه‌های بزرگ‌تر است. طبقه‌بندی مصنوعی و طبیعی دو روش رده‌بندی است که روش مصنوعی را لینه اختراع کرده است، البته در نوشتار سال ۱۳۵۳ در مجله پیام یونسکو نویسنده معتقد است در هفت قرن پیش از لینه توسط بیرونی اختراع شده است (بی‌نام، ۱۳۵۳). اما امروزه به دلیل کثرت اطلاعات و گونه‌های مختلف، رده‌بندی یا خوشه‌بندی‌های نوین به‌وسیله نرم‌افزارهای قدرتمند آماری و تحلیل داده صورت می‌پذیرد. در مقاله‌ای تحت عنوان، کشاورزی و گیاهان در قرآن دیویدوینز، به بررسی و نقد مدخل «کشاورزی و گیاهان» در دایرة المعارف قرآن لیدن می‌پردازد. نویسنده ضمن بررسی مفصل کشاورزی و گیاهان در قرآن به معرفی کتبی می‌پردازد که در زمینه کشاورزی و گیاهان به رشته تحریر درآمده و یا از زبان‌های غیرعربی به عربی ترجمه شده‌اند. ذخیره محصولات کشاورزی، نظام‌های آبیاری

بسیاری از این کتاب آسمانی از اسرار سلسله گیاهان نام برده شده و به فوائد و اهمیت حبوبات و میوه‌ها توجه مخصوصی شده است، می‌پردازد. ولی عنایت و اصراری که این کتاب مقدس در این زمینه دارد این است که فکر و تعقل را در این نقطه متمرکز کند که این همه میوه‌های گوناگون و حبوبات متنوع در اثر چه عاملی پدید می‌آید؟ و کدام عاملی است که از آب و خاک ساده انواع سبزی‌ها و دانه‌های غذایی و میوه‌ها را به‌وجود می‌آورد؟ راستی تفکر در این موضوع ما را هرچه بیشتر به قدرت و حکمت خداوندی که از پشت پرده عوامل محسوس آفرینش، این جهان را اداره می‌کند متوجه و معتقد می‌سازد. برای نمونه به آیه «۹۹» از سوره انعام اشاره می‌کند (نوری، ۱۳۴۱).

گیاه‌شناسی یا علم النبات، دانش مطالعه‌ی جنبه‌های گوناگون زیستی گیاهان، از جمله ویژگی‌های ریختی آن‌هاست. این علم در برخی تمدن‌ها علم مستقلی بوده اما در متون اسلام، علم مجزایی نبوده است. در کتاب الحدود جابر بن حیان که کهن‌ترین اثر عربی موجود درباره تقسیم‌بندی علوم است، گیاه‌شناسی و حتی کشاورزی به‌عنوان علوم مستقل عرضه نشده‌اند. در دیگر آثار مرتبط با دسته‌بندی و تعریف علوم مانند جامع العلوم فخر رازی، ارشاد القاصد بن اکفانی و نوادر التبادر لتحفة البهادر دنیسری نیز نامی از این علم به میان نمی‌آید (محمدی‌فر، ۱۳۹۴). علم رده‌بندی گیاهان در واقع رده‌بندی تمام اطلاعاتی است که در مورد علوم گیاهی وجود دارد. مطالعه خیل عظیم گیاهان که امروزه نزدیک ۳۰۰ هزار گونه دارند، بدون رده‌بندی آن‌ها امری امکان‌ناپذیر است. شناخت گیاهان و تعیین نام آن‌ها در حد گونه که ارزش کلیدی برای انجام هر نوع مطالعات در علوم گیاهی دارد، آشنایی با علم رده‌بندی را امری غیرقابل انکار



جامع البیان، ۵/۲۲؛ طبرسی، مجمع البیان، ۶۰۵/۸؛ ابن کثیر، تفسیرالقرآن العظیم، ۴۴۹/۶؛ شبر، تفسیرالقرآن الکریم، ۴۰۷/۱؛ طباطبایی، المیزان، ۳۶۴/۱۶؛ میرزا خسروانی، تفسیرخسروی، ۸۱/۷. "به نقل از (رضایی هفتاد و همتیان، ۱۳۹۱). همچنین اخوت و تقوایی در سال ۱۳۸۸ میزان استفاده از کلمه درخت و مشتقات آن در قرآن کریم را ارائه نمودند. علاوه بر موارد عنوان شده درختان خاص نیز مانند نخل، خرما، زیتون، انگور، انار، انجیر و... بارها در آیات قرآن نام برده شده‌اند؛ که نشان دهنده اهمیت بالای رویدنی‌ها و علی‌الخصوص انواع درختان در کتاب آفرینش است. ایشان بیان دارند باز مفاهیم درخت و میوه در آیه ۱۸ سوره حج آمده است: «آیا مشاهده نکردی که هرچه در آسمان‌ها و هرچه در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از آدمیان همه به سجده خدا مشغول‌اند؟» درخت و تمثیل در قرآن بسیاری از موضوعات و مفاهیم عمیق را جهت فهم بهتر بندگان به صورت تمثیل بیان می‌کند و در برخی از آیات از درخت برای تمثیل بهره می‌جوید. در آیه ۶۰ سوره اسراء داریم: «وقتی را که به تو گفتیم خدا البته به همه مردم محیط است و ما رؤیایی را که به تو ارائه دادیم نبود جز برای آزمایش و امتحان مردم و درختی که به لعن در قرآن یاد شد و ما به ذکر این آیات عظیم آن‌ها را می‌ترسانیم». در حقیقت درخت نه تنها در آیین‌های کهن مانند دین زرتشت، آیین بودائی، آیین شینتو و آیین برهمنی از اهمیت بالایی برخوردار است و همواره در این آیین‌ها از درخت مقدس یاد می‌شود، در دین مبین اسلام نیز نقش عمده‌ای داشته به طوری که در قرآن از انواع درختان نام برده شده است. " (اخوت و تقوایی، ۱۳۸۸). در

زیرزمینی، باد سرد و سوزان، مزارع سرسبز آخرت، دو باغ سرسبز و پر آب، گیاهان روئیده در جهنم مواردی است که در مقاله ایشان آسیب‌شناسی شده و مورد بررسی و نقد قرار گرفته است (رضایی هفتاد و همتیان، ۱۳۹۱). "وی در این باره می‌گوید: در قرآن بسیاری از اصطلاحات مرتبط با کشاورزی و گیاهان در بافت‌هایی به کار می‌روند که حاکی از قدرت مطلق خداوند است؛ مثلاً کلمه حصید (یونس/۲۴) به معنای «کاه بن» برای توصیف مزارع سابقاً حاصلخیزی به کار می‌رود که از سوی خدا ویران شده‌اند تا خیالات باطل صاحبان آن‌ها مبنی بر قادر بودن بر آن مزارع، مجازات گردد. بررسی و نقد چنان که گذشت آقای وینز آیه ۲۵ سوره بقره را بدین گونه ترجمه کرده است: «باغ‌هایی که در زیر آن رودخانه‌ها جریان دارند»؛ مراجعه به تفاسیر متعدد و مهم شیعیه و اهل سنت نشان می‌دهد که منظور از (من تحتها) در آیه، زیر زمین نیست، بلکه منظور جریان آب روی زمین و لابه‌لای درختان است؛ زیرا اگر منظور جریان آب زیر زمین بود آنگاه برای اهل زمین بهره و حظی نداشت، چون آنچه از دیده پنهان باشد لذت دیداری برای مردم ندارد و خداوند در این آیه در مقام تشویق و ترغیب بندگان است، بنابراین، با چیزهایی ترغیب می‌کند که دیدنش برای مردم لذت آور باشد (طبری، جامع البیان، ۱۳۲/۱؛ طوسی، التبیان، ۱۰۸/۱؛ طبرسی، مجمع البیان، ۱۶۲/۱؛ ابن کثیر، تفسیرالقرآن العظیم، ۱۱۳/۱؛ نیشابوری، إیجازالبیان، ۷۶/۱؛ ابن عجبیه، البحرالمدید، ۸۹/۱). کلمه «سدر» دو بار در قرآن به کار رفته که در آیه ۱۶ سوره سبأ به معنای یک درخت بی ارزش دنیایی و در آیه ۲۸ سوره واقعه به معنای یک درخت بهشتی، درست برخلاف آنچه نویسنده مقاله گفته است، اشاره دارد (طبری،



با اصول زندگی سالم نمی‌دانند. به نظر می‌رسد استفاده از روش‌های علمی می‌تواند ضمن برطرف کردن ابهامات موجود، زمینه توسعه بیشتر این رویکردها و در نتیجه آن بهبود سطح سلامت تغذیه‌ای و روحی افراد جامعه کمک نماید. لذا نتایج این پژوهش در سازمان جهاد کشاورزی، وزارت بهداشت و درمان در زمینه داوری در مورد نظرات مطرح‌شده در طب اسلامی قابل‌استفاده است.

روش پژوهش و مراحل انجام طرح

این پژوهش به صورت کتابخانه‌ای و تحلیلی به روش خوشه‌بندی انجام خواهد شد. پرواضح است از داده کاوی برای کاوش در اطلاعات و کشف دانش استفاده می‌شود. ابتدا خصوصیات ثابت ۵ میوه ذکر شده در قرآن (طیب حسینی و همکاران، ۱۳۹۵) به عنوان میوه‌های قرآنی جمع آوری گردید (جدول ۱)، سپس فهرستی بالغ بر ۵۵ میوه از میوه‌های تازه معرفی شده و رایج در سید مصرف میوه امروزی از دسته‌های مختلف معتدله، نیمه گرمسیری و گرمسیری تشکیل و ترکیبات آن‌ها نیز از منابع معتبر جمع آوری و تدوین گردید (جدول ۲) تا در ادامه از تطابق آن‌ها برای دسته بندی میوه‌ها استفاده گردد. برای این کار الگوریتم‌های متعددی وجود دارد که هر یک برای هدف خاصی کاربرد دارند. کلاسترینگ (Clustering) یا خوشه‌بندی از جمله الگوریتم‌های طبقه‌بندی به حساب می‌آید. الگوریتم خوشه‌بندی اطلاعاتی را که ویژگی‌های نزدیک به هم و مشابه دارند را در دسته‌های جداگانه که به آن خوشه گفته می‌شود قرار می‌دهد. به بیان دیگر خوشه‌بندی همان (طبقه‌بندی یا دسته‌بندی‌های) ساده‌ای است که در کارهای روزانه نیز مورد استفاده بشر است. در یک مجموعه کوچک از صفات دسته‌بندی

نهایت تحلیل و طبقه‌بندی سایر میوه‌ها بر مبنای میوه‌هایی که در قرآن آمده است هدف از اجرای این پژوهش است. این خوشه‌بندی می‌تواند به برخی از خصوصیات ناشناخته سایر میوه‌ها بر مبنای میوه‌های قرآنی کمک کند. اهداف و فرضیات این پژوهش به شرح ذیل ارائه می‌شود.

اهداف پژوهش

یافتن عوامل (از دیدگاه علم هوا و اقلیم‌شناسی کشاورزی و باغبانی) اثرگذار بر تفکیک دسته‌های مختلف میوه

خوشه‌بندی نظارت‌شده میوه‌های نیمه گرمسیری و گرمسیری موجود بر مبنای تشابه آن‌ها در برخورداری از عوامل ذکر شده و تطبیق با میوه‌های قرآنی و معرفی دسته‌های مشابه میوه با آنچه در منابع دینی صدر اسلام ذکر شده است.

فرضیات پژوهش

- بین خصوصیات مختلف میوه‌های ذکر نشده در قرآن (۵۵ میوه) با میوه‌های قرآنی (۵ میوه) تطابق معنی‌داری وجود دارد.
- بر مبنای شاخص‌های ویژه مشترک میوه‌های قرآنی می‌توان دیگر میوه‌ها را طبقه‌بندی (دسته بندی) نمود. طب سنتی و به‌خصوص شاخه طب اسلامی به دلیل داشتن رویکردهای غیر مبتنی بر داروهای شیمیایی و سازگار با طبع افراد به‌خصوص در زمینه درمان بیماری‌ها با تغییر سبک زندگی و تغذیه افراد از استقبال روز افزونی در جامعه برخوردار شده است. در حالیکه تناقض‌هایی هم در گفتار متولیان امر دیده می‌شود و مانع از گره خوردن این بخش از جامعه که دارای رویکرد زیستی (ارگانیک) هستند با بخش دانشگاهی خصوصاً دانشگاه کشاورزی به‌عنوان مرجع توسعه این رویکردها است. بطوریکه مصرف میوه‌هایی همچون توت‌فرنگی که در سال‌های اخیر به‌صورت تجاری به جامعه معرفی شده را منطبق



می‌دهد. به عبارت دیگر، می‌توان گفت تحلیل خوشه‌ای ابزار تحلیلی داده‌ها و اطلاعات، جهت گروه‌بندی آن‌هاست. اگر داده‌ها متعلق به یک گروه باشند، بیش‌ترین درجه شباهت و در غیر این صورت کمینه درجه شباهت را خواهند داشت (ویلک، ۲۰۰۶). یکی از مشکلات انجام این پژوهش کمبود برخی آمار و اطلاعات برای میوه‌هایی است که در اقلیم کشور ما موجود نیست و یا قابلیت کشت ندارد. بدین منظور از آمار و اطلاعات موجود در مقالات، وبسایت‌های رسمی و گزارش‌های علمی موجود در مورد صفات و خصوصیات آن‌ها استفاده شد.

به سادگی قابل اجرا است، حال آنکه تعداد صفات، ویژگی‌ها و خصوصیات کیفی و کمی چند عنصر مدنظر باشد، کار کمی پیچیده می‌شود. در این پژوهش که باهدف شناسایی و معرفی میوه‌های مختلف در طبقه‌بندی جدید بر مبنای میوه‌های قرآنی (صفات اقلیمی و یا درونی) انجام خواهد گرفت از روش آنالیز خوشه‌بندی k -means استفاده شد (شکل ۱). چراکه همچون برخی دیگر از تحلیل‌های پیشرفته آماری تعداد خوشه‌ها معلوم نبود. تحلیل خوشه‌ای شامل تعدادی روش و الگوریتم جهت گروه‌بندی داده‌های آماری مشابه است. این روش داده‌های مشابه آماری را در طبقه‌های مناسب قرار



شکل ۱- الگوریتم خوشه‌بندی k -means جهت طبقه‌بندی میوه‌ها بر مبنای میوه‌های قرآنی

اطلاعاتی نظیر قرآن، کتب تفاسیر، روایات و کتب علوم باغبانی و میوه کاری استفاده شد. برای محاسبه معنی داری روش‌های ارائه شده از نرم افزار اکسل استت و بر پایه معادلات توزیع آماری داده‌ها و خصوصیات مشترک آن‌ها به روش‌های اشاره شده استفاده شد. تحلیل همبستگی در سطح اعتماد ۹۵ درصد به روش ناپارامتری اسپیرمن برآورد شد. از معیارهای BIC و NEC

از روش‌های آماری دسته‌بندی آمار و اطلاعات و آنالیز خوشه‌بندی Nearest Neighbor Analysis به منظور تحلیل کانونی یا همسایگی برای دیگر میوه‌های موجود بر اساس شباهت و نزدیکی آن با میوه‌های قرآنی استفاده شد. از نرم‌افزارهای آماری و بانک اطلاعاتی نظیر Microsoft Excel 2010، EndNote X7، XLSTAT Version 2016 و منابع غنی



NEC برای اطلاعات تحلیلی مقداری کمتر از ۱ را اختیار نمود، و براساس روش مذکور مشخص شد یک ساختار خوشه‌ای در داده‌ها وجود دارد. و بر اساس داده‌کاوی به روش خوشه بندی k-means مشخص شد در ۵ دسته اساسی قرار خواهند گرفت. تحلیل همبستگی داده‌ها نیز با سطح اعتماد ۹۵ درصد بر صحت این مدعا افزود. نتایج تحلیل همبستگی به روش اسپیرمن نیز در جدول شماره ۲ ارائه شده است. مقادیر پرننگ به غیر از مقادیر صفر و یک در سطح معنی داری $\alpha = 0.05$ دارای همبستگی قوی با علامت مثبت و منفی هستند. عوامل پنج‌گانه مشخص شده یعنی میزان کالری، کربوهیدرات، پتاسیم، روی و آب موجود در میوه‌ها بعنوان شاخص‌های اصلی طبقه بندی اختیار شدند. ارتباط دو به دوی متغیرهای مورد استفاده در تحلیل خوشه‌ای و نقاط پراکنش آن در شکل شماره ۲ ارائه شده است.

جهت تحلیل خوشه بندی به روش اکتشافی استفاده شد. جهت کسب اطلاعات بیشتر به مقاله (تنایی و همکاران، ۲۰۱۱) مراجعه شود.

نتایج و بحث

پس از جمع آوری اطلاعات و تکمیل بانک داده به منظور دسته بندی میوه‌ها لیستی کامل از میوه‌ها استخراج و اطلاعات مهم و اساسی مربوط به هر کدام در تحلیلی ابتدایی منجر به انتخاب عوامل مهم و تأثیر گذار در هر دسته شد. به روش تحلیل عاملی به منظور کاستن متغیرها در نهایت عوامل مهم جهت دسته بندی به شرح جدول ۱ انتخاب شدند. در تحلیلی ابتدایی به روش خوشه بندی در نرم افزار آماری XLSTAT با توجه به معیار BIC، مشخص شد اطلاعات مربوط به تمامی میوه‌ها با بهترین مدل مخلوط EEE (یعنی حجم برابر، شکل برابر، جهت گیری برابر) دارای ۵ جز اساسی است. از طرف دیگر معیار

جدول ۱- اطلاعات مربوط عوامل منتخب و میانگین طبقه‌های پنج‌گانه در هر دسته

Class	۱	۲	۳	۴	۵
Mean (Calories)	۵۵.۰	۶۴.۶	۹۳.۷	۱۵۲.۴	۲۸۲.۷
Mean (Carbohydrate (g))	۱۳.۷	۱۵.۲	۸.۴	۲۱.۱	۷۴.۶
Mean (Water (g))	۸۴.۵	۸۳.۲	۸۱.۷	۶۶.۱	۲۰.۳
Mean (Omega 3s (mg))	۲۵.۰	۳.۴	۵۱.۱	۳۸.۷	۲۱.۳

جدول ۲- ماتریس همبستگی به روش اسپیرمن برای عوامل مورد بررسی در میوه‌ها جهت خوشه‌بندی

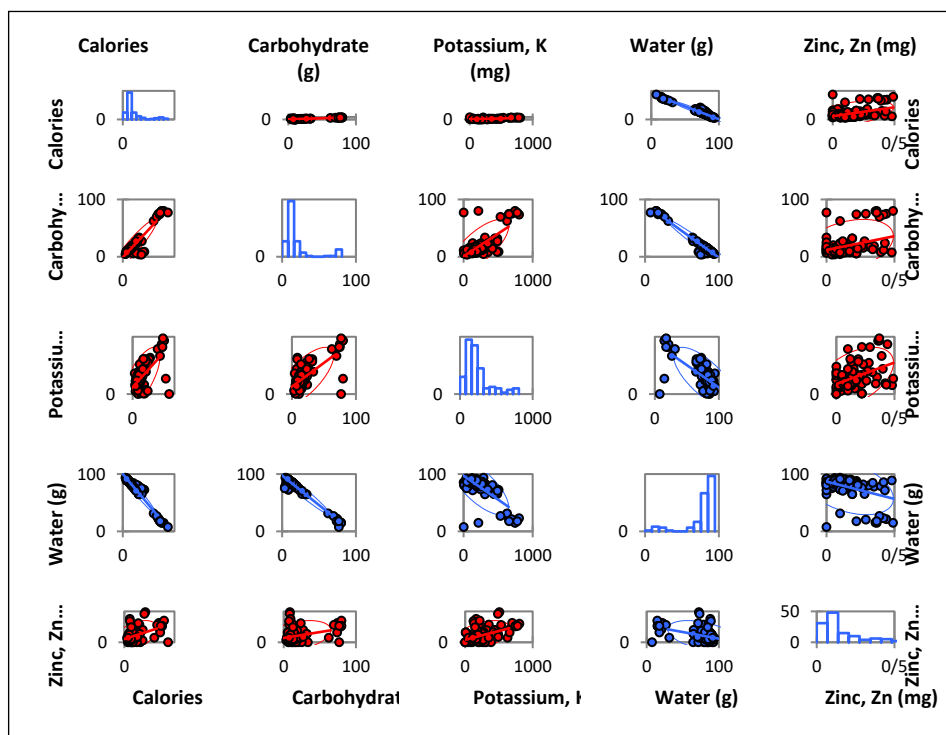
Variables	Calories	Carbohydrate (g)	Potassium, K (mg)	Water (g)	Zinc, Zn (mg)
Calories	1	0.737	0.427	-0.984	0.320
Carbohydrate (g)	0.737	1	0.496	-0.808	0.151
Potassium, K (mg)	0.427	0.496	1	-0.486	0.392
Water (g)	-0.984	-0.808	-0.486	1	-0.308
Zinc, Zn (mg)	0.320	0.151	0.392	-0.308	1

Values in bold are different from 0 with a significance level $\alpha=0.05$

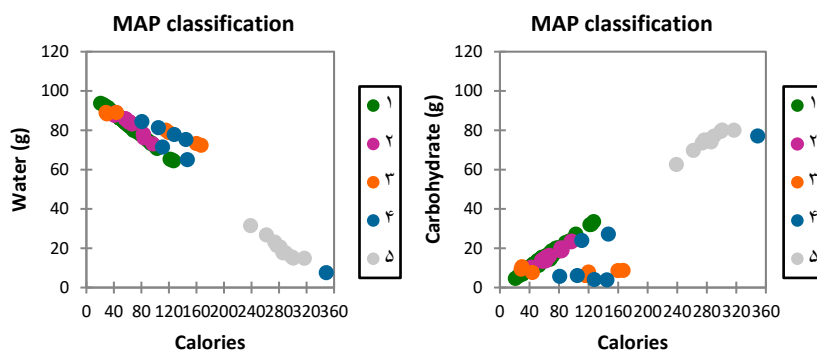
در مرحله بعد به روش خوشه‌بندی (k-means clustering) که روشی در کمی‌سازی بردارهاست استفاده شد، در این روش که در اصل از پردازش سیگنال گرفته‌شده و برای تحلیل خوشه بندی در داده کاوی مورد استفاده می‌شود، بهره برده شد. در این روش با هدف تجزیه تعداد مشخصی از مشاهدات به تعداد k خوشه است که در آن هر یک از مشاهدات متعلق به خوشه‌ای با نزدیکترین میانگین آن است،



این میانگین به عنوان پیش‌نمونه استفاده می‌شود. در نهایت هر عنصر این مجموعه که یک میوه با مشخصات معین اندازه گیری شده است به بخش‌هایی از داده تعلق می‌گیرد و در پایان به یک دندروگرام خوشه‌ای در درختواره تبدیل می‌شود. در اینجا از خوشه‌بندی تجزیه‌ای با یک خوشه که شامل تمامی مشاهدات پنج گانه میوه‌های مورد نظر بوده است آغاز شده، و سپس به‌طور بازگشتی یکی از خوشه‌های موجود را به خوشه‌های کوچکتری تقسیم نمود. یکی از برتری‌های این روش نسبت به دیگر روش‌های خوشه‌بندی تجمعی برای مواردی است که مقرر شود داده‌ها به تعداد کمی خوشه تجزیه شود. در نهایت برای تجزیه هر خوشه از الگوریتم K-Means استفاده شد. با عنایت به این موضوع که هر الگوریتم خوشه‌بندی بتواند حداقل دو خوشه خروجی تولید کند، در خوشه‌بندی تجزیه‌ای قابل استفاده است. مشخص شد در مورد اطلاعات کلی مربوط به میوه‌ها ۵ خوشه اصلی استخراج خواهد شد. که تحلیل ابتدایی مشخصه‌های پنج گانه در جدول شماره یک نشان داد نقاط پراکنش در شکل ۳ و شکل ۴ که با رنگ‌هایی متفاوت نمایش داده شده است، حاوی ۵ خوشه اصلی در داده‌هاست. این خوشه‌ها در ابتدا با اعداد ۵ گانه ۱-۵ نمایش داده شد. و از ابتدای واژه (Cluster) یعنی خوشه استفاده و با نام‌های C1 الی C5 نام‌گذاری شدند. خلاصه اطلاعات مربوط به خوشه‌ها در جدول شماره ۳ ارائه شده است.

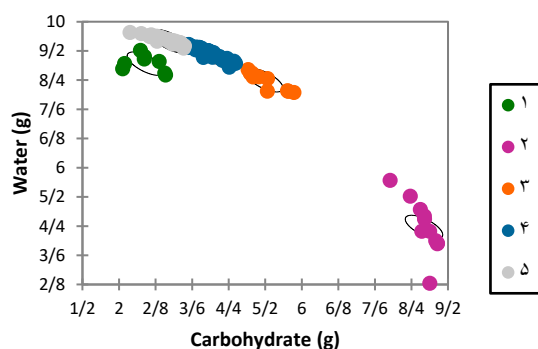


شکل ۲- نمودار ماتریسی نقاط پراکنش عوامل خوشه‌بندی میوه‌های قرآنی و ارتباط آن‌ها با هم



شکل ۳- طبقه بندی پنج گانه میوه‌ها و تجزیه مشاهدات بر مبنای عواملی نظیر مقدار آب، کالری و کربوهیدرات موجود در هر دسته بر اساس میوه‌های قرآنی

MAP classification and Fitted model



شکل ۴- نمودار پراکنش مدل برازش یافته بر دسته بندی میوه‌ها به روش طبقه بندی در پنج دسته اساسی میوه‌های قرآنی

جدول ۳- میانگین اطلاعات عوامل خوشه‌های پنج گانه برای میوه‌های قرآنی

Class	Calories	Carbohydrate (g)	Potassium, K (mg)	Water (g)	Zinc, Zn (mg)
C1	18.902	19.506	29.426	81.791	51.471
C2	16.159	20.137	28.928	83.161	22.059
C3	79.573	93.450	81.796	15.132	42.647
C4	28.963	2.888	0.998	84.183	32.353
C5	20.732	24.941	44.638	78.284	22.059

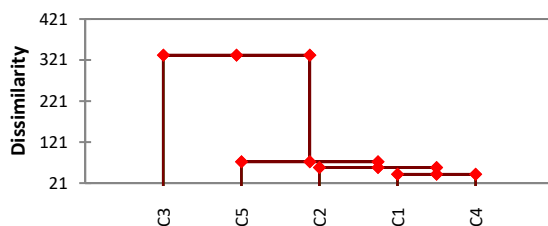
در ادامه تحلیل خوشه بندی مشخص شد، میانه‌های هر خوشه مرتبط با همان ۵ میوه اشاره شده در قرآن است، در تحلیل الگوریتم خوشه‌بندی Gaussian Mixture Model یا همان GMM که این الگوریتم خود از روش بیشینه سازی انتظارات (Expectation



پارامترها که شامل وزن، میانگین و covariance است در هر دور به روزرسانی شده و در نهایت توزیع گوسی برای هر کدام از خوشه‌ها تشکیل شود و در واقع شباهت توزیع داده‌ها به صورت گوسی بیشینه می‌شود. شایان ذکر است جهت استفاده از ساختار و توزیع گوسی برای تکمیل خوشه‌بندی دیگر میوه‌های موجود در جهان بر مبنای این پنج میوه اشاره شده در قرآن از این خاصیت بسیار مهم الگوریتم GMM استفاده شد. این دو خاصیت، اول اینکه این الگوریتم می‌تواند خوشه‌هایی غیر کروی (دایره‌ای) را پیدا کند. دوم اینکه هر میوه (نقطه) می‌تواند به چند خوشه تعلق پیدا کند (به نسبت عضویت در ساخت توزیع گوسی آن خوشه). در واقع GMM نوعی خوشه بندی نرم (Soft Clustering) است که هر میوه (نقطه) می‌تواند به بیش از یک خوشه تعلق داشته باشد. این خوشه‌بندی در نهایت منجر به ارائه دندروگرام یا درختواره‌ای به صورت شکل ۵ شد. خوشه C1 (انار) در مجاورت خوشه C4 (زیتون) قرار گرفت، خوشه C2 (انجیر) و خوشه C5 (موز) و C3 خرما در ادامه این درختواره مشاهده شده است. لازم به ذکر است خوشه‌های مشابه بر اساس گره‌های فوقانی در کنار یکدیگر قرار دارند.

(Maximization یا همان EM استفاده می‌کند، دارای دو بخش اساسی است. بخش اول Expectation یا همان انتظار است، که در این قسمت، الگوریتم می‌خواهد ببیند که هر کدام از نمونه‌ها یا میوه‌های مورد انتظار ما (که با نقاط مشخص شده است) به کدام توزیع گوسی بیشتر نزدیک هستند و در واقع احتمال عضویت یک میوه (نقطه) را به تابع گوسی پیدا کند. که با قرار دادن مرکز خوشه یعنی همان ۵ میوه قرآنی (انار، انجیر، خرما، زیتون و موز) مشخص شد، الگوریتم k-means در هر دور (Iteration) از تحلیل، هر کدام از میوه‌ها (نقاط) را که به نزدیک‌ترین مرکز خوشه تعلق دارد را پیدا می‌کند و در آن دسته قرار می‌دهد. این یعنی الگوریتم انتظار دارد که این نمونه (نقطه) به یک خوشه‌ی خاص تعلق داشته باشد. حال در GMM در هر بار تلاش، الگوریتم انتظار دارد تا احتمال عضویت یک میوه (نقطه) را به هر کدام از توزیع‌های گوسی مورد نظر نسبت دهد. این جا بخش اول تمام می‌شود. و در بخش دوم روش EM در واقع Maximization یا بیشینه‌سازی است. در الگوریتم k-means در هر دور نیاز بود که مرکز خوشه را تغییر داده، تا شباهت مرکز خوشه با تمامی نمونه‌ها (نقاط) داخل آن خوشه بیشینه شود. در الگوریتم GMM نیز

Dendrogram



شکل ۵- نمودار دندروگرام (درخت‌واره) خوشه‌های اصلی میوه‌های قرآنی و ارتباط آن‌ها



پتاسیم موجود در این میوه انجام گرفته است. با توجه به تحلیل داده‌های هواشناسی و باغبانی مشخص می‌شود ارتباط بسیار قوی بین عوامل محیطی نظیر نور، شدت نور، انرژی و دما و رطوبت و تبخیر و تعرق درختان به ویژه شرایط اقلیمی میوه‌های گرمسیری و نیمه گرمسیری در خروجی نهایی این طبقه بندی نقش دارد.

در جدول شماره ۴ نتایج نهایی دسته بندی میوه‌های گرمسیری و نیمه گرمسیری مورد استفاده در این پژوهش مشاهده می‌شود، تحلیل خوشه بندی به روش k-means هر کدام از میوه‌ها را در یکی از خوشه‌های C1 تا C5 قرار می‌دهد. این خوشه بندی بر اساس بیشترین شباهت مقادیر آب، انرژی، کربوهیدرات، روی و

جدول ۴- دسته‌بندی نهایی میوه‌ها بر مبنای میوه‌های قرآنی به روش داده‌کاوی K-Means

Class	(C1 انار)	(C2 انجیر)	(C3 خرما)	(C4 زیتون)	(C5 موز)
Objects	۷	۲۶	۵	۷	۹
Within-class variance	۶۷۴۴.۷	۳۲۴۲.۷	۱۹۸۵۷.۲	۱۷۵۷۳.۷	۴۳۱۰.۰
Minimum distance to centroid	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰	۰.۰
Average distance to centroid	۶۸.۵	۵۲.۸	۱۲۰.۷	۱۰۸.۳	۵۶.۹
Maximum distance to centroid	۱۵۲.۵	۱۲۱.۱	۲۳۳.۳	۱۷۸.۵	۹۰.۵
	۱. ابیوج	۱. ساپودیلا	۲. انبه	۱. آووکادوها	جک فروت
	۲. تمشک‌ها	۳. سیب	۴. انگور	۲. زیتون جامبو	چرمویا
	۳. توت قرمز و سفید	۵. شلیل	۶. آلو	۲. زیتون سیاه	چنار
	۴. خربزه شاخدار (کیوانو)	۷. عناب	۸. آناناس	۴. زیتون‌های سبز	زغال اخته
	۵. دوریان	۹. فیخوآ	۱. لانگان خشک	۵. آووکادوها	گل‌ابی خاردار
	۶. روال	۱. کار	۱. پاپایا	۶. زیتون جامبو	گواوا
	۷. لوگانبری	۱. کام	۱. ملو	۱. زیتون سیاه	لیچیس
	۱. نبری	۱. کرا	۱. پیتانگا		مامی ساپوته
	۱. کیوی	۱. ت	۱. تو		میوه نان
	۱. ابی	۱. گل	۲. ت فرنگی		
	۲. لاس	۲. گی	۲. خ		
	۲. لون	۲. رمالو	۲. ر		
	۲. گان	۲. وزل	۲. ز		
	۲. و	۲. لیم	۲. ردآلو		



منابع

۱. اخوت، هانیه، و تقوایی، علی‌اکبر. ۱۳۸۸. بررسی مفهوم و موارد استفاده از درخت در قرآن. بینات (موسسه معارف اسلامی امام رضا علیه السلام). ۱۶: ۱۲-۲۳.
۲. بی‌نام، روش طبقه بندی گیاهان، هفت قرن پیش از لینه. ۱۳۵۳. پیام یونسکو. ۵: ۳۳-۳۳.
۳. تقوی‌زاد، راضیه. ۱۳۹۲. شگفتی‌های علمی قرآن در میوه‌های انگور انار و زیتون. قرآن و علم. ۷: ۱۲۷-۱۴۴.
۴. خوشخوی، مرتضی. ۱۳۸۳. کتاب اصول باغبانی، مرکز نشر دانشگاه شیراز. ۵۹۶ ص.
۵. دانشنامه رشد، ۱۳۹۶. آدرس وبسایت: daneshnameh.rosh.ir.
۶. دوروبرتیس و دوروبرتیس. ۱۳۷۵. مبانی زیست شناسی سلولی و مولکولی. ترجمه سید علی حسینی تهرانی، محمود عرفانیان احمدپور. انتشارات تهران اورست. ۵۳۰ ص.
۷. رضایی‌هفتاد، حسن، و همتیان، مهدی. ۱۳۹۱. بررسی مقاله کشاورزی و گیاهان در قرآن دیویدوینز. قرآن و علم. ۰: ۱۸۰-۱۶۱.
۸. طیب حسینی، سیدمحمود، حیدری‌نسب، علیرضا، و حیدری‌نسب، حمیده. ۱۳۹۵. جغرافیای میوه‌های قرآن. قرآن و علم. ۱۰: ۹۱-۱۱۵.
۹. عزیزیان، دینا، ۱۳۷۲. مورفولوژی مقایسه‌ای گیاهان آوندی. انتشارات دانشگاه شهید بهشتی. ۲۸۹ ص.
۱۰. فتاحی معصوم، سیدحسین و زروندی، مهدی. ۱۳۹۵. تغذیه از دیدگاه اسلام و دانش پزشکی. انتشارات به نشر (آستان قدس رضوی). ۲۹۲ ص.
۱۱. مجیدی‌خامنه، فریده. ۱۳۷۹. a. میوه‌های بهشتی در قرآن مجید- انگور. گلستان قرآن. ۳: ۳۸-۴۰.
۱۲. مجیدی‌خامنه، فریده. ۱۳۷۹. b. میوه‌های بهشتی در قرآن/ زیتون. گلستان قرآن. ۳: ۲۷-۲۸.
۱۳. مجیدی‌خامنه، فریده، ۱۳۷۹. c. میوه‌های بهشتی در قرآن: انار. گلستان قرآن. ۳: ۲۷-۲۹.
۱۴. محمدی‌فر، شمامه. ۱۳۹۴. طبقه بندی گیاهان در آثار گیاه شناسی و پزشکی دوره‌ی اسلامی. میراث علمی اسلام و ایران. ۴: ۱۶-۳۴.
۱۵. نصیری، مرتضی، صادقی، امید، و اسحاقی‌شهرضایی، حسام. ۱۳۹۳. بررسی خواص درمانی میوه‌های قرآنی و میزان همخوانی آن با یافته‌های نوین علوم پزشکی. پژوهش‌های علم و دین. ۵: ۱۳۳-۱۵۲.
۱۶. نوری، حسین. ۱۳۴۱. شگفتی‌های آفرینش/ اسرار سلسله گیاهان/ ساختمان اسرارآمیز میوه‌ها. درس‌هایی از مکتب اسلام. ۴: ۳۰-۳۴.
17. Adinsoft, S. A. R. L. 2010. XLSTAT-software, version 10. Addinsoft, Paris, France.
18. Hilbe, J. M. 2007. "STATISTICA 7". The American Statistician.
19. Wilks, D. S. 2006. "Statistical methods in the atmospheric sciences". (2ed.): Academic press is an imprint of Elsevier.
20. Alberts, B., Bray, D., Hopkin, K., Johnson, A. D., Lewis, J., Raff, M., ... & Walter, P. (2015). Essential cell biology. Garland Science.
21. Tanai, M., Kim, J., & Chang, J. H. (2011, September). Model-based clustering analysis of student data. In International Conference on Hybrid Information Technology (pp. 669-676). Springer, Berlin, Heidelberg.

واکاوی تطبیقی نظریات علمی با قرآن پیرامون خلقت زمین

علی اصغر شعاعی^۱، مهیار خانی مقدم^۲

۱- استادیار دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم

۲- استادیار قرآن و حدیث دانشگاه گیلان (نویسنده مسئول: m.khani@guilan.ac.ir)

چکیده

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی به واکاوی چگونگی خلقت جهان از منظر قرآن و علوم تجربی پرداخته است. نظریات مختلفی که پیرامون خلقت زمین وجود که برجسته‌ترین آنها شامل نظریه لاپلاس، وایسکر، اوری، اشمیت و هویل است و رایج‌ترین نظریه که انفجار بزرگ نام دارد، در قرآن کریم نیز در ۳۰ انبیاء، درباره چگونگی خلقت زمین به نکته مبنایی اشاره شده است. در این پژوهش پس از بررسی مفهوم دو واژه «رتق» و «فتق»، دو نتیجه برجسته به دست آمد: به رغم اختلافات برداشتهای مختلف مفسران درباره جزئیات دقیق آیه مذکور، با توجه به سیاق آیه و روایات مآرده از اهل بیت(ع)، بهترین نظر آن است که آسمان و زمین در ابتدا به هم پیوسته و بصورت توده هاگاز(دخان) بودند و بعد با انفجارهایی که به اذن الهی انجام پذیرفت، از یکدیگر جدا شده و به تدریج وضعیت فعلی جهان شکل گرفت. ۲. با توجه به اینکه نظریه انفجار بزرگ هنوز به طور کامل از نظر علمی اثبات نشده و صرفاً به دلیل شواهد بیشتر، مورد اقبال واقع شده، نمی توان آیه فوق را اعجاز قرآن دانست.

کلیدواژگان: خلقت زمین، رتق، فتق، ۳۰ انبیاء، انفجار بزرگ؛

مقدمه

مرحله ماء که در فضای خالی جهان(شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۱۵)، هیچ چیز، جز مایعی که قرآن از آن به عنوان «ماء» یاد کرده، و عرش آفرینش خدا بر آن بوده است، وجود ندارد(مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش، ج ۹، ص ۲۶؛ صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ ش، ج ۱۷، ص ۲۸۵): «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ» (هود/۷)؛ و به صورت گازهایی بسیار فشرده بوده که شکل مواد مذاب را داشته است(فصلت/۱). مسلماً این مواد، آب معمولی با ترکیب «H₂O» نبوده است؛ بلکه مواد مذاب دارای حرارت بسیار و فوق العاده بوده است؛ زیرا آب، در حرارت بیش از صد درجه، به طور کلی به بخار تبدیل می‌شود. افزون بر آن، آب در حالت غلیان، آتش و زبانه تولید نمی‌کند؛ چه رسد به اینکه دود (دخان) ایجاد کند(صادقی، ۱۳۵۶ ش، ص ۱۸). امام باقر(ع)، درباره آغاز

بشر تاکنون درباره بزرگی، گستردگی و پیچیدگی آسمان‌ها و کرات، بسیار تحقیق و تفحص کرده و کتاب‌های فراوانی نوشته؛ ولی یافته‌ها و دانسته‌های او در مقایسه با نادانسته‌هایش اندک است. عظمت خلقت جهان هستی، تا آنجاست که در روایتی زمین و موجودات آن در برابر آسمان اول، حلقه‌ای در بیابان تشبیه شده است(مجلسی، ۱۳۶۲ ش، ج ۵۷، ص ۸۳). در زمینه نقطه آغازین خلقت، نظریه‌های متعددی از سوی دانشمندان ارائه شده است، که هیچ‌کدام یقینی نیست و با گذشت زمان، ضعف‌هایشان هویدا می‌شود؛ اما با بررسی آیات قرآن کریم می‌توان اطلاعات روشن‌تری از خلقت جهان به دست آورد. با توجه به آیات قرآن کریم و همچنین روایات، برای آفرینش آسمان‌ها، چهار مرحله می‌توان در نظر گرفت؛



که این ستارگان بی‌شمار آسمان، آغازی دارند و تمام آن‌ها، از گازهای بسیار داغ پدید آمده‌اند (گاموف، ۱۳۳۵ش، ص ۲۰۳). در روایات امامان نیز از این مرحله، گاهی به بخار-در: «...مِمَّ خُلِقَ السَّمَاوَاتُ قَالَ مِنْ بَخَارِ الْمَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۴، ص ۷۳ و ج ۵۵، ص ۸۸) و گاهی به دخان-در: «ثُمَّ أَمَرَ النَّارَ فَخَمَدَتْ فَارْتَفَعَ مِنْ خَمُودِهَا دُخَانٌ فَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ مِنْ ذَلِكَ الدُّخَانِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۴، ص ۷۳ و ج ۵۵، ص ۸۸)- تعبیر شده است. پس از مرحله دخان، مرحله شکل گرفتن هفت آسمان بوده است: «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ... فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَى فِي كُلِّ سَمَاءٍ أَمْرَهَا» (فصلت/ ۱۱ و ۱۲) چنان‌که در روایت امام باقر علیه السلام نیز به این دوره اشاره شده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۴۱). مرحله چهارم آفرینش آسمان‌ها، مرحله رتق وفتق آسمان‌ها است. درباره پیدایش زمین، نظریه‌های علمی بسیاری ارائه شده است. یک تئوری، زمانی پذیرفتنی است که بتواند به تمامی مسائلی که پیش می‌آید، پاسخ صحیح بدهد. تا به امروز، علیرغم تعدد تئوری‌های مربوط به خلقت زمین، چنین تئوری جامعی، درباره چگونگی پیدایش زمین ارائه نشده است. پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش است: واکاوی تطبیقی نظریات علمی با قرآن پیرامون چگونگی خلقت زمین، چه آموزه‌هایی را به دست می‌دهد؟ نگرش جامع این نوشتار را می‌توان وجه تمایز آن بر شمرد.

۱- خلقت زمین از منظر علم

برجسته ترین نظریات علمی پیرامون خلقت زمین بدین شرح است:

۲-۱- نظریه لاپلاس

لاپلاس منجم و ریاضی‌دان فرانسوی، معتقد بود که زمین، به صورت توده‌های عظیم گازی شکل

آفرینش می‌گوید: همه چیز آب بود و عرش الهی بر آن قرار داشت؛ سپس خداوند، اشتعال و انفجاری در آب پدید آورد و پس از آن، شعله و زبانه‌اش را خاموش کرد و در پی آن، گازی پدید آمد که ماده آفرینش آسمان‌ها شد (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۵۴۰). حضرت، در روایتی دیگر، ماده نخستین آفرینش را «ماء» و ویژگی آن را سابقه و نسب نداشتن دانسته است. از آن سخن چنین مستنبط است که «ماء»، آب معمولی دارای سابقه و ترکیب نبوده است (صادقی، ۱۳۵۶ش، ص ۲۱). با توجه به این روایات، برخی معتقدند که پیدایش و تکامل جهان، از فضایی مملو از ماده‌ای بسیار گرم آغاز شده و تحت تأثیر فشار حیرت‌آور آن، گسترش یافته؛ در این مدت، انبساط جهان و درجه حرارت ماده، به کندی در حال تنزل است، و در مرحله معینی از این گسترش، گاز پیوسته، بریدگی یافته و به پاره ابرهای منظم گردی که همان ستارگان است، مبدل گشته است (گاموف، ۱۳۳۵ش، ص ۲۰۳). برخی نیز معتقدند که «ماء» در این روایت، استعاره از عقل یا نور است که نخستین آفریده خدا به شمار می‌رود؛ بنابراین منظور از آن آب جسمانی نیست (صدوق، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۵۱۸). قرآن، پس از بیان آفرینش زمین، بر دوره دخان آسمان تصریح می‌کند: «ثُمَّ اسْتَوَى إِلَى السَّمَاءِ وَ هِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَ لِلأَرْضِ ائْتِيَا طَوْعاً أَوْ كَرْهاً قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» (فصلت/ ۱۱). برخی این بحث اخیر را، با فرضیه انفجار بزرگ (Bigbang) در ماده نخستین آفرینش، مرتبط دانسته‌اند (الشریف، ۱۹۹۰، ص ۳۰). درباره شکل و ترکیب دخان باید گفت: همان‌گونه که مقصود از ماء، آب معمولی نیست، دخان نیز نباید دود ساده و معمولی باشد. ژرژ گاموف می‌نویسد: ادله نجومی، ما را به این حقیقت رهنمون می‌سازد



از سیلیکات مذاب با دمای افزون بر ۸۰۰ درجه به وجود آورده است. در چنین وضعیتی، آب‌ها به صورت گاز بوده‌اند و با توجه به حجم کنونی آب اقیانوس‌ها، فشار آن می‌بایست در حدود ۲۶۰ اتمسفر باشد.

البته اقیانوس سیلیکات‌دار و اتمسفر احتمالی کره زمین، به همین حالت باقی نماندند و پس از سرد شدن تدریجی به صورت کنونی درآمدند. وقتی دمای زمین پایین آمده، به ۸۰۰ درجه می‌رسد، در سطح اقیانوس سیلیکاتی، قشری از سیلیکات جامد تشکیل می‌شود. این قشر با متوقف کردن تبادلات حرارتی بین طبقات زیرین زمین و اتمسفر به سرد شدن کره زمین کمک می‌کند (همان، ص ۸). بعضی از زمین‌شناسان معتقدند این قشر ممکن است از جنس بازالت باشد؛ ولی غالباً آن را از نوع گرانیت می‌دانند. در نقاطی که دما به پایین‌تر از ۱۰۰ درجه، دمای جوش آب، تنزل می‌کند، نخستین ذرات آب مایع تشکیل می‌شود و بخار آب در هوای کره زمین ظاهر می‌شود (همان، ص ۹).

۲-۳- نظریه اوری

به نظر اوری دانشمند آمریکایی، زمین در ابتدا از ذرات جامد تشکیل شده و سپس در اثر فشردگی گرم‌تر شده، تا به حدی که هسته آن تجزیه و یک قسمت از آن جدا شده و سیاراتی را تشکیل داده که به دور خورشید در حرکت هستند (شایسته فر، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۸).

۲-۴- نظریه اشمیت

نظریه اشمیت، در سال ۱۹۴۳ ارائه شد و پس از مرگ او در سال ۱۹۵۶، با تغییراتی جزئی توسط همکارانش مجدداً منتشر شد. اشمیت معتقد بود که خورشید در حین حرکت از میان ابرهای پر از گاز و غبار، که در بین ستارگان وجود داشته، قسمتی از این گاز و بخار را جذب کرده و به صورت قرص عدسی شکلی درآمده که

بوده که از خورشید جدا شده و به دور خود شروع به گردش کرده است. این توده‌های گازی شکل، به تدریج سرد و متراکم شدند و از تراکم آن‌ها زمین به وجود آمد. دانشمندان دیگری نظیر کانت (Immanuel Kant) و هرشل (Herschel) نیز، پیش‌تر نظریات خود را ذکر کرده بودند که با فرضیه لاپلاس در بسیاری جهات مشابهت داشت. به همین سبب، گاهی از این دو فرضیه باهم و تحت عنوان واحد «فرضیه کانت-لاپلاس» یاد می‌شود. این تئوری، در سراسر قرن نوزدهم به دلیل سادگی مطالب آن، مورد تأیید همه بود (اسدیان، ۱۳۸۶ ش، ص ۸).

اساس نظریه لاپلاس بر این است که سیارات، از یک ماده بسیار گرم و رقیق گازمانند که اطراف خورشید اولیه را فراگرفته و مانند جسمی که به خورشید چسبیده باشد، به دور محور آن می‌چرخیده است و به تدریج هر چه سرعت دورانی این ماده افزایش یافته، قدرت گریز از مرکز زیادت‌ر شده و در نتیجه این نیرو، حلقه‌هایی از خورشید جدا شده که جهت چرخش آن‌ها در جهت حرکت وضعی خورشید بوده است (شایسته فر، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۷).

۲-۲- نظریه وایسکر

بر اساس این نظریه، زمین به صورت ذرات گرد و غبار مانندی بوده که به تدریج سخت و سفت شده‌اند و با به هم پیوستن خود، این کره را پدید آورده‌اند (اسدیان، ۱۳۸۶ ش، ص ۸). البته این نظریات از این جهت محل نقد است که اگر زمین، مطابق یکی از دو فرضیه فوق شکل می‌گرفت، دمای آن باید بسیار بالا می‌بود و عناصر موجود در آن و یا دست‌کم عناصر سطحی آن به حالت مذاب درمی‌آمد. به همین دلیل دانشمندان زمین‌شناسی معتقدند زمین کمی پس از تشکیل، در سطح خارجی خود، اقیانوسی



مسئلاً زمین پس از تعداد زیادی از ستارگان که آیات قرآن به آن اشاره داشته به وجود آمده است، زمین از اجرام بسیار کوچک آسمانی تشکیل شده که همدیگر را جذب و دفع کرده و باهم برخورد کردند سپس به وسیله نیروی جاذبه بین اشیای کوچک و بزرگ به هم چسبیدند؛ اما اصل ستارگان به گوی اولیه برمی گردد (الشریف، ۲۰۰۴م، ص ۲۰). هنوز دانشمندان نمی‌توانند با اطمینان چگونگی آغاز و مراحل رشد و تکامل زمین را بیان کنند (مور، ۱۳۶۷ش، ص ۳۳)؛ اما برخی از مفسران از آیه ۳۰ انبیا نتایجی را به دست آورده‌اند.

۲- بررسی برجسته ترین آیه مرتبط با

خلقت زمین

یکی از مهم‌ترین آیاتی که درباره مراحل آفرینش و روند آن در قرآن کریم آمده است، آیه ۳۰ سوره مبارکه انبیاء است: «أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ» «یعنی: آیا کافران ندیدند که آسمان‌ها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آن‌ها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟!»

خداوند در این آیه، از به هم پیوسته بودن آسمان‌ها و زمین و جداسازی آن‌ها، سخن گفته است. ما به منظور بررسی دیدگاه‌های مختلف مفسران و اندیشمندان در خصوص این آیه، ابتدا به بیان مباحث لغوی و سپس به بیان دیدگاه‌های مختلف می‌پردازیم.

۲-۱- مفهوم شناسی واژه‌ها

مفهوم واژه اصلی بدین شرح است:

۲-۱-۱- رتق

اصل واحد در ماده رتق، مقابل فتق قرار دارد و به معنای چسبیدن و پیوسته شدن است. در

خودش در وسط آن قرار گرفته است؛ این ماده ابری شکل به دور خورشید در حرکت بوده است (همان، ص ۱۸).

۲-۵- نظریه هویل

هویل دانشمند انگلیسی در رشته فیزیک و نجوم، به کمک شیمی‌دانی به نام تالر، معروف‌ترین نظریه را در این حوزه ارائه داد. این فرضیه امروزه طرفداران بسیار زیادی دارد. وی معتقد است که تمامی سیارات از ابر گازی شکل تشکیل شده‌اند، این ابر در حین چرخش دارای میدان مغناطیسی بوده است و در اثر نیروی جاذبه مرکز آن متراکم شده و انرژی جنبشی ذرات در اثر جذب به مرکز، تبدیل به انرژی حرارتی شده و داخل هسته بدین صورت گرم می‌شود تا اینکه حرارت تقریباً به پنج میلیون درجه سانتی‌گراد برسد. در این حرارت است که نخستین فعل و انفعالات شیمیایی انجام می‌گیرد، و انرژی حاصل از این فعل و انفعال هم به گرم شدن درون هسته کمک می‌کند. فعل و انفعالات فوق‌الذکر آن قدر انجام می‌شود تا تمام هیدروژن درون سیاره به اتمام برسد. البته به علت فشار و حرارت کم در خارج از هسته، هیچ‌گونه واکنشی رخ نمی‌دهد، به طوری که درون این سیاره، از هلیوم و خارج از آن هیدروژن تشکیل می‌شود. عمل جذب ذرات به داخل هسته، و آزاد شدن انرژی آن قدر انجام می‌شود تا حرارت درون هسته، به ۱۰۰ میلیون درجه سانتی‌گراد برسد؛ در این حرارت است که از یک عنصر هلیوم، عنصر کربن تشکیل می‌شود. همچنین در حرارت‌های بالاتر، عناصر سنگین‌تر نیز تشکیل می‌شوند (اسدیان، ۱۳۸۶ش، ص ۱۰). مطالعات زمین‌شناسی نشان می‌دهد که زمین، چهار میلیارد و نیم سال پیش یعنی (۱۰ میلیارد سال بعد از شروع جهان هستی) و بعد از پیدایش ستارگان و سیارات زیادی، شکل گرفت.



می‌بینیم که انواع نباتات از زمین، و حیوانات از حیواناتی دیگر، و انسان‌ها از انسان‌های دیگر، جدا می‌شوند، و بعد از جدا شدن صورتی دیگر به خود می‌گیرند، و هر یک آثاری غیر آثار زمان اتصال، از خود بروز می‌دهند؛ آثاری که در زمان اتصال هیچ خبری از آن‌ها نبود. آری این آثار که در زمان جدایی، فعلیت پیدا می‌کند، در زمان اتصال نیز بوده، ولی به‌طور قوه در آن‌ها به ودیعه سپرده شده بود؛ همین قوه که در آن‌ها است، رتق و اتصال است، و فعلیت‌ها، فتق و جدایی (همان، ج ۱۴، ص ۲۷۸).

علامه طباطبایی سپس اضافه می‌کند که آسمان‌ها و زمین و اجرامی که دارند، حالشان حال افراد یک نوع است که درباره آن‌ها صحبت شد، اجرام فلکی و زمین که ما بر روی آن هستیم، هر چند که عمر ناچیز ما اجازه نمی‌دهد تمام حوادث جزئی را که در آن صورت می‌گیرد ببینیم، و یا بدو خلقت زمین و نابود شدنش را شاهد باشیم؛ لیکن این قدر می‌دانیم که زمین از ماده تگون یافته، و تمامی احکام ماده در آن جریان دارد، و زمین از احکام ماده مستثنا نیست. از همین راه که مرتب جزئیاتی از زمین جدا گشته، به صورت مرکبات و موالید جلوه می‌کنند؛ و همچنین موالیدی که در جو پدید می‌آید، ما را راهنمایی می‌کند بر اینکه روزی همه این موجودات منفصل و جدای از هم منظم و متصل به هم بودند، یعنی یک موجود بوده، که دیگر امتیازی میان زمین و آسمان نبوده، یک موجود رتق و متصل الاجزاء بوده، و بعداً خدای تعالی آن را فتق کرده، و در تحت تدبیری منظم و متقن، موجوداتی بی‌شمار از شکم آن یک موجود بیرون آورده، که هر یک برای خود دارای فضیلت‌ها و آثاری شدند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۷۹).

رتق، چسبیده شدن و پیوستن دو شیء به هم مورد نظر است، خواه این دو به هم متصل و یا از هم جدا باشند، چه از نظر خلقت و طبیعت یا از نظر کار و صنعت است (راغب اصفهانی، ۱۴۲۶ق، ج ۱، ص ۳۴۱؛ مصطفوی، ۱۳۷۰ش، ج ۴، ص ۴۳).

۲-۱-۱-۲- فِتْقُ

اصل واحد در این ماده، بر گشایش در شیء دلالت دارد (فارس، ۱۴۲۰ق، مدخل فتق). همچنین اصل واحد در این ماده، در مقابل رتق قرار دارد و به معنی شکافته شدن در مقابل چسبیدن و به هم پیوستن است؛ به گونه‌ای که این شکافته شدن در نفس شیء صورت گیرد (مصطفوی، ۱۳۷۰ش، ج ۹، ص ۱۹). الفِتْقُ یعنی جدا شدن دو چیز به هم پیوسته، که نقطه مقابل رتق است. در لسان العرب آمده: این واژه، برای خروج از سختی به سوی گشایش به کار می‌رود و الفِتْقُ به معنای صبح نیز گفته شده و گاهی به جای پر گیاه نیز اطلاق می‌شود و این نام‌گذاری به خاطر شکافته شدن زمین با گیاه است. بر اساس جمع‌بندی کلی آرای اهل لغت، به نظر می‌رسد فتق، شکافته شدن شیء به همراه آشکار شدن محتویات آن باشد.

۲-۲- دیدگاه‌های مفسران و صاحب‌نظران

علامه طباطبایی می‌گوید: ضمیر تشبیه در جمله «کانتا»، و «فتقناهما»، به سماوات و ارض برمی‌گردد؛ در حقیقت آسمان‌ها را طایفه‌ای، و زمین را طایفه‌ای (دیگر) دانسته، و اگر خبر «کان»، یعنی «رتقا» را مفرد آورد، بدین جهت بود که مصدر است، و مصدر تشبیه و مفردش یکی است، هر چند که به معنای مفعول باشد، و معنایش این است که: این دو متصل به هم بودند ما جدایشان کردیم (طباطبایی، ۱۳۷۰ش، ج ۹، ص ۱۹). علامه طباطبایی، در توضیح آیه می‌نویسد که ما به‌طور دائم جداسازی مرکبات زمینی و آسمانی را از هم مشاهده می‌کنیم، و

از نگاه علامه این نظریه را علم امروز نیز تأیید می‌کند؛ زیرا علم امروز، این معنا را روشن کرده که آنچه از اجرام عالم محسوس ماست، هر یک مرکب از عناصری متعدد و مشترک است که عمری معین و محدود دارد، یکی کمتر و یکی بیشتر. این معنا در صورتی درست است که مقصود از رتق آسمان‌ها و زمین یکی بودن همه، و نبودن امتیاز میان ابعاض و اجزای آن باشد، که قهراً مراد از فتق هم جداسازی، و متمایز کردن ابعاض آن خواهد بود (همان، ج ۱۴، ص ۳۹۲). از همین‌رو، برخی معتقدند این آیه نشان می‌دهد که همه جهان در اول یک‌چیز بوده و خداوند آن یک‌چیز گلوله مانند را شکافته و میان اجزای آن فاصله ایجاد کرده و به صورت آسمان‌ها و زمین درآورده است (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۶، ص ۵۰۶). طبری ضمن بیان روایاتی پیرامون این آیه معتقد است منظور، یکی بودن آسمان‌ها و زمین است که باعث ایجاد هفت آسمان شده است (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۱۴).

ثقفی تهرانی این معنا را نمی‌پذیرد و می‌نویسد: «...مراد از رتق و فتق آسمان‌ها، بسته بودن و باز شدن جهات علوی و ابواب رحمت الهیه است؛ و مراد از رتق و فتق زمین اتصال اجزای ارضیه و انفصال آن‌ها از یکدیگر است و این معنای واضح و منطبق با احساس و مناسب با نسبت دیدن به آن و موافق با مضمون روایات متعدده معتبره از ائمه اطهار (ع) می‌باشد؛ به خلاف آنکه مراد از رتق چسبیده بودن آسمان‌ها به زمین در بدو خلقت و مراد از فتق جدا شدن آن‌ها از زمین بعداً باشد یا مراد چسبیده بودن آسمان‌ها به هم و یکی بودن طبقات زمین و تقسیم شدن هر یک بعداً به هفت باشد یا مراد از رتق نبودن و مراد از فتق پیدایش آن‌ها باشد که تمامی خلاف ظاهر و منافی با صدر و ذیل آیه شریفه است؛ چون در صدر آیه، به‌طور استفهام

انکاری سؤال از عدم رؤیت شده که معنای آن نسبت رؤیت است به کفار و این نسبت، وقتی مناسب است که رتق و فتق آسمان و زمین مرئی یا در وضوح مانند آن باشد و معانی مرقومه هیچ‌یک از این قبیل نیست و در ذیل آیه، خداوند تصریح فرموده که آب مایه حیات تمام موجودات حیّه است...» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۳، ص ۵۴۵)

علامه طباطبایی در بخشی دیگر می‌گوید: پس اگر مراد از رتق آن‌ها، این باشد که زمین از آسمان، و آسمان از زمین، جدا نبود تا چیزی از آسمان به زمین فرود آید و یا چیزی از زمین بیرون شود؛ و مراد از فتق آن، مقابل این معنا باشد، آن وقت معنای آیه شریفه این می‌شود که: آسمان رتق بود، یعنی بارانی از آن به زمین نمی‌بارید، پس ما آسمان را فتق کردیم، و از آن پس باران‌ها به سوی زمین باریدن گرفت، و زمین هم رتق بود، یعنی چیزی از آن نمی‌رویید، پس ما آن را فتق کردیم، و در نتیجه روییدن آغاز کرد، و با این آیت خود، برهان خود را تمام کردیم. در این صورت، دیگر آیه شریفه، با آن معنایی که علم امروز اثباتش می‌کند ارتباطی ندارد، و چه بسا جمله «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ» که بعد از آیه مورد بحث است، این معنای دوم را تأیید کند؛ چیزی که هست در این صورت، برهان آیه شریفه مختص مسئله باریدن آسمان، و روییدن زمین می‌شود، و نظری به سایر حوادث ندارد، به خلاف معنای اول که برهان آیه، بر آن معنا شامل همه حوادث می‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۹۲).

صاحب مجمع‌البیان از برخی نقل می‌کند که این معنا را پذیرفته و گفته‌اند: یعنی زمین و آسمان باران و گیاه نداشتند و ما آن‌ها را گشودیم. از آسمان باران نازل کردیم و از زمین گیاه رویاندیم. این معنا از امام باقر (ع) و امام



به‌گونه‌ای به‌هم‌پیوسته بودند که بین آن‌ها هیچ هوایی حائل نبود و از این لحاظ به دیدگاه علمی نزدیک می‌شوند (زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۳، ص ۱۱۳). فخر رازی قول ابن‌عباس را برگزیده است و معتقد است، رتق و فتق در این آیه ناظر به بارش باران و ایجاد حیات است (فخر رازی، ۱۴۲۰، ج ۲۲، ص ۱۳۷).

علی‌الخصر نیز معتقد است منظومه شمسی، در اصل توده‌ای فشرده و به‌هم‌پیوسته بوده و سپس از هم جدا شده است و تساوی عمر منظومه شمسی و عمر زمین (هر دو برابر با ۴/۶ میلیارد سال) و نیز مفهوم آیه سی‌ام سوره مبارکه انبیا را مؤید این مطلب دانسته است (الخصر، القرآن و الکتون، ۲۰۰۶م، ص ۶۸۵). طنطاوی نیز از آیات یادشده نظریه انفجار بزرگ را نتیجه گرفته است. وی رتق را مصدری به معنای اسم مفعول دانسته است؛ به معنای متصل و به‌هم‌پیوسته. و فتق را به معنای جدا شدن زمین از خورشید و سایر ستارگان می‌داند (طنطاوی، ۱۳۴۱ق، ج ۱۰، ص ۱۹۹). او ذیل آیه محل بحث، می‌گوید: در اروپا به این مطلب رسیده‌اند که خورشید، کره‌ای آتشین بود. میلیون سال از عمرش می‌گذشت و زمین و سایر سیارات با خورشید بودند. سپس زمین و دیگر سیارات از خورشید جدا شدند (همان، ج ۱۰، ص ۱۹۸).

بعضی از مفسران، نکته‌ای را به‌عنوان احتمال مطرح کرده‌اند، و آن این است که مراد از رتق آسمان‌ها و زمین تمیز نداشتن از یکدیگر در حال عدم، و قبل از وجود، و مراد از فتق آن، تمیز یافتن بعضی از بعض دیگر در وجود بعد از عدم است و برهان آیه شریفه احتجاج به حدوث آسمان‌ها و زمین، بر وجوب آفریننده، و پدیدآورنده آن است (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۳۹۲). اما سید بن قطب، ذیل این آیه

صادق (ع) نیز روایت شده است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۷۲). آسمان‌ها رتق بودند؛ یعنی محکم بودند و خلل و فُرَجی در آن‌ها نبود و خداوند، آن‌ها را با باران گشود و این معنای «و السَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ» است. زمین نیز رتق و محکم بود و آمادگی رویش گیاهان را نداشت و خداوند آن را فتق کرد و برای رویدن گیاهان آماده ساخت: «و الْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ» (همان، ج ۱۰، ص ۷۱۶؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۲، ص ۱۶۳) امام صادق (ع) در تفسیر رتق و فتق، می‌گوید: آسمان به رنگ آب سبز، و زمین خشک و به رنگ آب زلال، و هر دو «مرتوق» بودند و در نداشتند. زمین، دارای دری (منفذی) که محل رویش گیاهان است، نبود و آسمان بر زمین نمی‌بارید تا از آن گیاه بروید؛ پس خداوند، آسمان را با باران و زمین را با رویش گیاهان گشود (عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۴۲۵).

محمدتقی مدرس می‌گوید که به‌گونه‌ای، برخورد علمی با آیه دارد؛ اما دو معنا را در آیه محتمل می‌داند. به اعتقاد وی، ماده اولیه‌ای که خدای تعالی آفرید و عرش قدرتش و سلطه‌اش بر آن بود، کپه‌ای بود سخت فشرده. خدای تعالی در آن انفجاری عظیم پدید آورد که هنوز هم با وجود گذشت پانزده میلیارد سال، انعکاسش در اطراف فضا منتشر است؛ علم جدید هم همین نظریه را دارد و می‌افزاید که عالم پیوسته در حال اتساع است و دستگاه‌های تلسکوپ هر بار که نگاه را تا اعماق فضا می‌برد، کهکشان‌هایی تازه را به ما نشان می‌دهد. ایشان معتقدند این آیه همچنین می‌تواند بیانگر پدیده بارش باران باشد (مدرس، تفسیر هدایت، ج ۷، ص ۲۴۶-۲۴۷). شیخ طوسی نیز معانی فوق را ذکر کرده است (طوسی، ج ۷، ص ۲۴۲).

زمخشری ضمن بیان اقوال مختلف، این دیدگاه را می‌پذیرد که آسمان‌ها و زمین،



را گشود، از آسمان باران نازل کرد و از زمین انواع گیاهان را رویانید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۱۳، ص: ۳۹۴-۳۹۵، فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۳۴۷).

همان‌طور که برخی مفسران اشاره کرده‌اند، تفسیر اخیر چیزی است که با چشم قابل‌رؤیت است که چگونه از آسمان باران نازل می‌شود، و زمین‌ها شکافته می‌شوند و گیاهان می‌رویند. این تفسیر با جمله «أَوْ لَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا» و نیز جمله «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا» هماهنگی کامل دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۳، ص ۳۹۶-۳۹۵). مکارم شیرازی معتقد است تفسیر اول و دوم نیز با معنای وسیع این جمله‌ها، مخالف نیست؛ چرا که رؤیت گاهی به معنای «علم» می‌آید، درست است که این علم و آگاهی برای همه نیست، تنها دانشمندان‌اند که می‌توانند درباره گذشته زمین و آسمان و به هم‌پیوستگی آن‌ها و سپس جدایی‌شان آگاهی‌هایی پیدا کنند؛ ولی می‌دانیم قرآن کتاب یک قرن و یک عصر نیست؛ بلکه راهنما و راهگشای انسان‌ها در تمامی قرون و اعصار است. مکارم شیرازی پس از این توضیحات، پذیرش برخی احتمالات دیگر را نیز صحیح دانسته است (همان، ج ۱۳، ص ۳۹۵ و ۳۹۴). برخی مفسران، با اشاره به نظر دانشمندان گفته‌اند: جهان ابتدا به صورت توده بزرگی از بخار سوزان بود که بر اثر انفجارهای درونی و حرکت، آرام آرام تجزیه شد و کواکب و ستاره‌ها، از جمله منظومه شمسی و کره زمین پدید آمد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵ش، ج ۱۶، ص ۲۸۵؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵، ج ۱۳، ص ۳۹۴).

۳- آسمان‌ها طبقه‌های به هم‌پیوسته بودند و خداوند آن‌ها را فتق (جدا) کرد و به شکل هفت آسمان پدید آورد، زمین نیز چنین است (طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۷، ص ۸۲). امام

می‌نویسد: قرآن کتاب تجربی و علمی نیست؛ بلکه کتاب هدایت و زندگی بشر است و برای همین نباید به گونه تجربی با این دسته از آیات برخورد کرد (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۲۳۷۶).

۲-۳ بررسی و نقد نظرات

با توجه به مطالب ذکرشده می‌توان مجموعه دیدگاه‌های ارائه‌شده درباره معنای رتق و فتق در آیه محل بحث را در موارد ذیل خلاصه کرد:

۱- رتق، به هم‌پیوستگی آسمان‌ها با زمین در آغاز آفرینش است. قائلان به این نظر دو گروه‌اند؛ عده‌ای می‌گویند منظور یکی بودن مجموعه جهان و تجزیه آن به کواکب است. توضیح اینکه طبق دیدگاه‌های دانشمندان، مجموعه این جهان به صورت توده واحد عظیمی از بخار سوزان بوده که بر اثر انفجارهای درونی و حرکت، به تدریج تجزیه شده و کواکب و ستاره‌ها از جمله منظومه شمسی و کره زمین به وجود آمده است و باز هم جهان در حال گسترش است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ش، ج ۱۳، ص ۳۹۵ و ۳۹۴؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق ذیل آیه ۳۰ انبیاء). گروهی دیگر می‌گویند منظور از پیوستگی، یکنواخت بودن مواد جهان است، به طوری که همه در هم فرورفته بود و به صورت ماده واحدی خودنمایی می‌کرد؛ اما با گذشت زمان، مواد از هم جدا شدند، و ترکیبات جدیدی پیدا کردند، و انواع مختلف گیاهان و حیوانات و موجودات دیگر، در آسمان و زمین ظاهر شدند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۴، ص ۲۷۹ و ۲۷۸).

۲- رتق و فتق اشاره به مسئله بارش از آسمان و نروئیدن گیاه در زمین دارد. منظور از به هم‌پیوستگی آسمان این است که در آغاز بارانی نمی‌بارید؛ و به هم‌پیوستگی زمین این است که در آن زمان گیاهی نمی‌روئید؛ اما خدا این هر دو



علی(ع) نیز در داستان آغاز آفرینش، به این موضوع تصریح می‌کند: خداوند، آسمان را به طبقه‌ها تبدیل کرد و طبقه‌ها را از هم گشود و آن را هفت آسمان ساخت؛ پس از آنکه به یکدیگر بسته و به فرمان او، چنگ در یکدیگر نهاده بودند(شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق، ص ۳۲۸). در نهج‌البلاغه خطبه ۲۱۱ چنین آمده است: «ثُمَّ فَطَّرَ مِنْهُ أَطْبَاقًا فَفَتَّقَهَا سَبْعَ سَمَاوَاتٍ بَعْدَ ارْتِاقِهَا»؛ یعنی از آن پوسته جامد طبقاتی شکافت و آن‌ها را باز کرد و هفت آسمان قرار داد پس از آنکه رتق و درهم فرورفته بودند.

۴- آسمان‌ها و زمین، رتق یعنی تاریک بودند و موجودات آن‌ها دیده نمی‌شدند. خداوند آن‌ها را با اجرام نورانی، فتق (روشن) کرد(میبدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۶، ص ۲۳۰).

۵- آسمان‌ها و زمین «رتق» بودند؛ یعنی موجود نبودند و با فتق، وجود یافتند. فخر رازی تفسیر اول، دوم و سوم را به ترتیب راجح دانسته و سوم را به بیشتر مفسران نسبت داده است(فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳).

۶- مقصود از «رتق»، وحدت حقیقت وجود واحد بسیط، و مقصود از «فتق»، تفصیل آن به صورت آسمان، زمین، عقل، نفس و... است(شیرازی، ۱۳۸۶ ش، ج ۶، ص ۱۱۷). طبق این قول، رتق و فتق طولی خواهند بود و بر این اساس، تحقق مرحله فتق، مستلزم از بین رفتن مرحله رتق نیست؛ چنان‌که خود این قول نیز در طول اقوال پیشین بوده و با هر یک از آن‌ها قابل جمع است.

چنان‌که مشاهده می‌شود محل اختلاف مفسرین، تبیین معنای رتق و فتق درباره آسمان‌ها و زمین است. هرچند هر متنی، خاصیت هرمنوتیکی دارد و می‌توان معانی متفاوتی را از آن برداشت کرد و در این آیات نیز می‌توان بر اساس سیاق معانی متفاوتی را دریافت؛ اما حقیقت بودن و تطابق آن برداشت با واقعیت، امری دیگر است؛ بر این اساس، باید گفت دیدگاه اول با واقعیت سازگارتر و با ساختار تجربی علم مطابقت بیشتری دارد.

از آنجایی که بین نظریه‌های مطرح این حوزه، نظریه انفجار بزرگ (Big bang) از لحاظ علمی مقبول‌ترین نظریه است، برخی از مفسران و صاحب‌نظران، متصل بودن آسمان و زمین به هم و جدا شدن آن‌ها را از یکدیگر، که در این آیه مطرح شده است، بر این فرضیه منطبق کرده‌اند(طنطاوی، ۱۳۴۱ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۹). گودرز نجفی(نجفی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۷)، جواد افتخاریان(افتخاریان، بی‌تا، ص ۲۳۵)، محمد سامی(سامی، بی‌تا، ص ۳۴)، هارون یحیی(یحیی، ۱۳۸۵ ش، ص ۱۲)، زغلول

موجود نبودند و با فتق، وجود یافتند. فخر رازی تفسیر اول، دوم و سوم را به ترتیب راجح دانسته و سوم را به بیشتر مفسران نسبت داده است(فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳).

الفرقان، میان آرای پیشین جمع کرده و چنین می‌گوید: «رتقا» که به صورت مصدر و مفرد آمده، دلیل بر آن است که آن دو، در آغاز یکی بودند و زمین و آسمانی وجود نداشت؛ بلکه هر دو، ماده واحد نخستین بودند که از آن به «ماء» تعبیر می‌شود و در این ماده، به هم پیوسته بودند؛ سپس ماء، فتق، و به دخانِ سماء و زبدِ ارض تقسیم شد.

علامه طباطبایی، جدا شدن ترکیبات زمینی و هوایی را از یکدیگر، از جمله گیاهان از زمین، حیوان از حیوان و انسان از انسان، و پدید آمدن ترکیبات و ویژگی‌های تازه را رتق و فتق در جهان مادی می‌داند، که در آسمان‌ها و زمین و کواکب نیز جاری است و تکرار آن در این جهان، دلیل بر آن است که روزی همه آن‌ها، رتق

۴- آسمان‌ها و زمین، رتق یعنی تاریک بودند و موجودات آن‌ها دیده نمی‌شدند. خداوند آن‌ها را با اجرام نورانی، فتق (روشن) کرد(میبدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۶، ص ۲۳۰).

۵- آسمان‌ها و زمین «رتق» بودند؛ یعنی موجود نبودند و با فتق، وجود یافتند. فخر رازی تفسیر اول، دوم و سوم را به ترتیب راجح دانسته و سوم را به بیشتر مفسران نسبت داده است(فخر رازی، ۱۴۲۰ ق، ج ۲۲، ص ۱۶۲ و ۱۶۳).

الفرقان، میان آرای پیشین جمع کرده و چنین می‌گوید: «رتقا» که به صورت مصدر و مفرد آمده، دلیل بر آن است که آن دو، در آغاز یکی بودند و زمین و آسمانی وجود نداشت؛ بلکه هر دو، ماده واحد نخستین بودند که از آن به «ماء» تعبیر می‌شود و در این ماده، به هم پیوسته بودند؛ سپس ماء، فتق، و به دخانِ سماء و زبدِ ارض تقسیم شد.

علامه طباطبایی، جدا شدن ترکیبات زمینی و هوایی را از یکدیگر، از جمله گیاهان از زمین، حیوان از حیوان و انسان از انسان، و پدید آمدن ترکیبات و ویژگی‌های تازه را رتق و فتق در جهان مادی می‌داند، که در آسمان‌ها و زمین و کواکب نیز جاری است و تکرار آن در این جهان، دلیل بر آن است که روزی همه آن‌ها، رتق



عظیمی از گاز، که هر یک می‌رفت تا کهکشانی شود، تقسیم شد (مایر، ۱۳۸۲ ش، ص ۱۵۵). نکته دیگر اینکه اگرچه برخلاف ادعای برخی نویسندگان (نجفی، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۷)، فرضیه انفجار بزرگ، به رغم شواهد بسیار، هنوز به اثبات قطعی نرسیده است؛ و احتمال‌های دیگری از جمله بارش از آسمان و نروئیدن گیاه در زمین درباره رتق و فتق وجود دارد، که شواهد و روایاتی، از جمله روایت امام باقر (ع) (کلینی، ۱۴۲۹ ق، ج ۸، ص ۹۵؛ قمی، ۱۳۶۳ ش، ج ۲، ص ۷۰؛ بحرانی، ۱۴۱۹ ق، ج ۳، ص ۵۸) آن را تأیید می‌کند؛ اما می‌توان آن را به‌عنوان یک احتمال پذیرفت. از سوی دیگر، با توجه به عدم وجود برخی معیارهای اعجاز، همان‌طور که برخی اندیشمندان اشاره کرده‌اند (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ج ۳، ص ۳۳۷-۳۳۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۴، ص ۲۷۸-۲۷۹؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۵ ش، ج ۱۳، ص ۳۹۵-۳۹۶؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵ ش، ج ۱، ص ۹۶-۹۷)، اعجاز علمی قرآن در این مورد پذیرفته نیست. ضمناً سخن طنطاوی، مبنی بر اینکه زمین و دیگر سیارات از خورشید جدا شدند (طنطاوی، ۱۳۴۱ ق، ج ۱۰، ص ۱۹۸) برگرفته از نظریه لاپلاس فرانسوی (۱۷۹۶ م) است و صحیح نیست؛ چراکه اولاً در آیه، سموات به کار رفته نه الشمس. ثانیاً در دیدگاه لاپلاس، زمین از خورشید، یعنی ستاره منظومه شمسی جدا شدند، نه از خورشیدهای بسیار.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش پس از بررسی مفهوم دو واژه «رتق» و «فتق»، دو نتیجه برجسته به دست آمد: به رغم اختلافات برداشت‌های مختلف مفسران درباره جزئیات دقیق آیه مذکور، با توجه به سیاق آیه و روایات مارده از اهل بیت (ع)، بهترین نظر آن است که آسمان و زمین در ابتدا

نجار (نجار، ۱۴۲۵ ق، ص ۳۷۸)، و سعید صلاح الفیومی (فیومی، بی تا، ص ۳۴)، این مطلب را اعجاز علمی قرآن شمرده‌اند. احمد محمد سلیمان نیز اشاره قرآن را به این نکته علمی، نشانه علم غیب پیامبر و از اسرار علمی قرآن می‌داند (سلیمان، ۱۹۸۱ م، ص ۵۳). سلیم الجابی، آیه را گویای نظریه جدید اروپاییان (جابی، ۱۹۹۵ م، ص ۱۰۶) و عبدالرزاق نوفل اخبار علمی قرآن می‌شمرد (نوفل، ۱۳۹۳ ق، ص ۱۶۲). محمدحسین امیددانی، نخستین و چشمگیرترین نشانه‌ها برای تأیید نظریه مهبانگ را این می‌داند که کل عالم در حال انبساط است (امیددانی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۱-۱۹۷). نظریه «انفجار بزرگ»، در اوایل قرن بیستم ارائه و با یافته‌های «ادوین هابل» (Edwin hubble) (۱۹۱۹ م) تأیید شد (اولاکر، ۱۳۷۰ ش، ص ۵۱). «جرج لمایتر» (Lemaître George) بلژیکی و «ژرژ گاموف» (George gamow) روسی از اولین طرفداران این نظریه بودند (نیکلسون، ۱۳۷۵ ش، ص ۱۳۵؛ عدالتی، فرخی، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۹). این نظریه، که به نظریه «ابر چگال» نیز مشهور است (گراهیل، ۱۳۷۸ ش، ص ۲۰)، مدعی است که جهان آغازی داشته و به انتهایی می‌رسد (عدالتی، فرخی، ۱۳۸۵ ش، ص ۸۹)؛ بنابراین روزگاری «آتش‌گویی» وسیع از گازهای بی‌نهایت چگال و سوزان با بیش از تریلیون‌ها درجه حرارت (غلامی، ۱۳۸۳ ش، ص ۲۲)، که بیشتر متشکل از هیدروژن و هلیوم بود، وجود داشت. این آتش‌گویی، ۱۵ میلیارد سال پیش، بر اثر واکنش‌های درونی (و یا به امر خداوند) ناگهان منفجر شده است [انفجار بزرگ] (هقانیان، ۱۳۸۱ ش، ص ۳۵). با گذشت زمان، تراکم ماده در بسیاری از نقاط این توده منبسط شونده گاز، پدید آمد. این تراکم‌ها، با جذب ماده از محیط اطراف رشد کردند و جهان به توده‌های بسیار



نظریه انفجار بزرگ هنوز به طور کامل از نظر علمی اثبات نشده و صرفاً به دلیل شواهد بیشتر، مورد اقبال واقع شده، نمی توان آیه فوق را اعجاز قرآن دانست.

به هم پیوسته و بصورت توده هاگاز(دخان) بودند و بعد با انفجارهایی که به اذن الهی انجام پذیرفت، از یکدیگر جدا شده و به تدریج وضعیت فعلی جهان شکل گرفت. ۲. با توجه به اینکه

منابع

۱. قرآن کریم ترجمه ناصر مکارم شیرازی
۲. شریف الرضی، محمد بن حسین(۱۴۱۴ق): نهج البلاغه، للصبیحی صالح، قم: هجرت.
۳. ابن فارس، احمد(۴۲۰ق)، مقاییس اللغة، بیروت، نشر دارالکتب اسلامیه.
۴. اسدیان، خدیجه(۱۳۸۶ش): زمین شناسی برای جغرافیا، قم: ناشر مهر.
۵. افتخاریان، سید جواد(بی تا): قرآن و علم روز، تهران: انتشارات افتخاریان.
۶. امیددانی، سیدحسین(۱۳۸۱ش): "فیزیک ستارگان در قرآن"، بینات، ش ۳۵، ص ۱۸۱-۱۹۷.
۷. اوپلاکر، اریک(۱۳۷۰ش): فیزیک نوین، ترجمه بهروز بیضایی، تهران: نشر قدیانی.
۸. بحرانی، هاشم بن سلیمان(۱۴۱۹ق): البرهان فی تفسیر القرآن، بیروت: نشر مؤسسه اعلمی.
۹. تهرانی، محمد ثقفی(۱۳۹۸ق): روان جاوید در تفسیر قرآن مجید، تهران: انتشارات برهان، چ سوم.
۱۰. جابی، سلیم(۱۹۹۵م): نظریه القرآنیة الكونیه حول خلق العالم، سوریه: دمشق.
۱۱. الخضر، اسامه علی(۲۰۰۶م): القرآن و الكون، بیروت: المكتبة العصرية.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد(۱۴۲۶ق): المفردات فی غریب القرآن، قم: ذوی القربی.
۱۳. رضایی اصفهانی، محمد علی(۱۳۸۵ش): پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، قم: نشر پژوهش‌های تفسیر و علوم قرآن.
۱۴. زمخشری، محمود(۱۴۰۷ق): الکشاف، بیروت: دارالکتب العربی.
۱۵. سامی، محمد علی محمد(بی تا): الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم، دمشق: نشر دارالمحبة.
۱۶. سلیمان، احمد محمد(۱۹۸۱م): القرآن و العلم، بیروت: نشر دارالعودة.
۱۷. سید قطب(۱۴۱۲ق)، فی ظلال القرآن، بیروت: دارالشروق.
۱۸. شایسته فر، محمد رضا(۱۳۹۰ش): اصول زمین شناسی عمومی و کاربردی، تهران: انتشارات ستایش.
۱۹. الشریف، عدنان(۱۹۹۰م): من علم الفلك القرآنی، بیروت: نشر دار العلم للملایین.
۲۰. شیرازی، محمد بن ابراهیم(۱۳۸۶ش): الحکمة المتعالیه، (مصحح حسن حسن زاده آملی)، تهران: وزارت فرهنگ.
۲۱. صادقی، محمد (۱۳۵۶ش): زمین، آسمان و ستارگان از نظر قرآن، بی جا: نشر کتاب فروشی مصطفوی.
۲۲. صادقی تهرانی، محمد(۱۳۶۵ش): الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنة، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
۲۳. صدوق، محمد(۱۳۹۸ق): التوحید، قم: جامعه مدرسین.
۲۴. طباطبایی، سید محمد حسین(۱۴۱۷ق): المیزان، قم: انتشارات اسلامی.
۲۵. طبرسی، فضل بن حسن(۱۳۷۲ش): مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: انتشارات ناصر خسرو.
۲۶. طبری، محمد بن جریر(۱۴۱۲ق): جامع البیان، بیروت: دارالمعرفه.
۲۷. طنطاوی، ابن جوهر(۱۳۴۱ق): الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، قاهره: بی نا.
۲۸. طوسی، محمد بن حسن(بی تا): التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۲۹. عبد الرزاق نوفل، القرآن و العلم و الحدیث، (بی جا: نشر دارالکتب العربی، ۱۳۹۳ق)، ص ۱۶۲.
۳۰. عدالتی، تقی؛ فرخی، حسن(۱۳۸۵ش): اصول و مبانی جغرافیای ریاضی، مشهد: آستان قدس رضوی(ع).
۳۱. عروسی حویزی، عبد علی(۱۴۱۵ق): تفسیر نور الثقلین، قم: انتشارات اسماعیلیان.
۳۲. غلامی، احمد(۱۳۸۳ش): جهان چگونه متولد شد؟ تهران: انتشارات هدف صالحین.
۳۳. فخر رازی، محمد بن عمر(۱۴۲۰ق): التفسیر الکبیر، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۳۴. فیض کاشانی، ملا محسن(۱۴۱۵ق): تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
۳۵. فیومی، سعید صلاح(بی تا): الاعجاز العلمی فی القرآن الکریم مع الله فی السماء، قاهره: مکتبة القدسی.



۳۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق): قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۳۷. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش): تفسیر احسن الحدیث، تهران: بنیاد بعثت، چ سوم.
۳۸. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش): تفسیر القمی، قم: دارالکتب، چ ۳.
۳۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹ق): اصول کافی، قم: دار الحدیث.
۴۰. کاشانی، ملا محسن فیض (۱۴۱۵ق): تفسیر الصافی، تهران: انتشارات الصدر.
۴۱. گاموف، جورج (۱۳۳۵ش): پیدایش و مرگ خورشید، مترجم احمد آرام، بی‌جا: نیل.
۴۲. گراهیل، مک (۱۳۷۸ش): واژه‌نامه نجوم و اختر فیزیک، ترجمه عدالتی، بی‌جا: پژوهشگاه علوم انسانی.
۴۳. مایر، دگانی (۱۳۸۲ش): نجوم به زبان ساده، ترجمه محمدرضا خواجه‌پور، تهران: گیتاشناسی.
۴۴. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۲ش): بحار الانوار، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق): بحار الانوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴۶. مدرسی، محمدتقی (۱۳۷۸ش): تفسیر هدایت، مشهد: نشر آستان قدس رضوی (ع).
۴۷. مصطفوی، حسن (۱۳۷۰ش): التحقیق فی کلمات القرآن، تهران: وزارت ارشاد اسلامی.
۴۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۵ش): تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۹. مور، پاتریک (۱۳۶۷ش): سرگذشت زمین، ترجمه عباس جعفری، تهران: گیتاشناسی.
۵۰. میبدی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش): کشف الأسرار (تفسیر خواجه عبد الله انصاری)، تهران: امیر کبیر، چ پنجم.
۵۱. نجار، زغلول (۱۴۲۵ق): السماء فی القرآن الکریم، بیروت: نشر دارالمعرفه.
۵۲. نجفی، گودرز (۱۳۷۸ش): مطالب شگفت‌انگیز قرآن، بی‌جا: نشر سبحان.
۵۳. نجفی، گودرز (۱۳۷۸ش): مطالب شگفت‌انگیز قرآن، بی‌جا: نشر سبحان.
۵۴. نیکلسون، آین (۱۳۷۵ش): ۱۸۶ پرسش و پاسخ نجومی، ترجمه عبدالمهدی ریاضی وهادی رفیعی، مشهد: آستان قدس رضوی (ع).
۵۵. هفانیان، عباس (۱۳۸۲ش): از زمین تا کهکشان‌ها، تهران: انتشارات پرشکوه.
۵۶. یحیی، هارون (۱۳۸۵ش): اعجاز قرآن در پرتو ساینس و تکنولوژی معاصر، مترجم محمد فرید آسمند، بی‌جا: بی‌نا.

عوارض آلودگی صوتی از منظر آموزه‌های قرآن و علم فیزیک

سید قاسم حسینی^۱، کبری بهاری^۲، زهرا محمدی^۳

۱- دکتری تفسیر و علوم قرآن، عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قرآنی امل

۲- طلبه سطح ۳، مرکز تخصصی ریحانه الرسول صلی الله علیه و آله

۳- طبقه سطح ۳، مرکز تخصصی ریحانه الرسول صلی الله علیه و آله (نویسنده مسئول: zahramohammadi2520@gmail.com)

چکیده

محیط زیست از مجموعه‌ای موجودات تشکیل شده که استمرار حیات آنها وابسته به هم است اما موارد بسیاری وجود دارد که سبب آسیب و اختلال در آن می‌شود که یکی از آنها آلودگی صوتی است. آلودگی صوتی عوارض بسیاری دارد که نه تنها انسان بلکه حیوانات را نیز درگیر می‌کند. دین اسلام به عنوان یک دین کامل بیشترین توجه را به محیط زیست دارد و با توجه به گستردگی آن و افزایش آن در طول این سال‌ها علم نیز به آن پرداخته تا بتواند از آسیب آن کم کند. نتایج این پژوهش به روش توصیفی-تحلیلی است که بر اساس آن نشان می‌دهد عوارض آن بر انسان‌ها سبب اختلالات شنوایی، استرس، فشارهای عصبی و روانی، اختلالات خواب و حتی با توجه به آیه قرآن سبب مرگ می‌شود. در حیوانات اثر مخرب صدا در طول عمر، تولید مثل و سیستم ایمنی و عصبی آنها تأثیر منفی می‌گذارد. کنترل صوت در قرآن هم آمده است. راهکارهای کاهش آلودگی صوتی بصورت اخلاقی، طراحی بافت‌های شهری، مکان‌یابی و انتخاب محل مناسب برای فعالیت‌های مختلف و ایجاد موانع فیزیکی و پوشش گیاهی می‌باشد.

واژگان کلیدی: آلودگی صوتی، دین، علم فیزیک، محیط زیست

مقدمه

اطراف آنها ایجاد می‌شود در منابع دینی و دانش‌های مختلف به آن پرداخته شده است. از این رو، این پژوهش در صدد است موارد زیر را بررسی کند: ۱- از نظر دین آلودگی صوتی چه اثراتی دارد و راه‌های کنترل آن چگونه است؟ ۲- از نظر علم فیزیک آلودگی صوتی چه اثراتی دارد و راه‌های کنترل آن چگونه است؟ استفاده صحیح از محیط زیست مهم است و آسیب به آن فقط بر گروه خاصی تأثیر منفی نمی‌گذارد، بلکه بر تمام موجودات و محیط پیرامون آنها اثر می‌گذارد و حتی برای آیندگان نیز باقی می‌ماند. آلودگی صوتی در عصر حاضر با توجه به افزایش جمعیت و زندگی‌های شهری و آپارتمان‌نشینی، وسایل نقلیه شخصی و عمومی و... در حال بیشتر شدن است. مردم نیز چون در طول زندگی بسیار

هر آنچه که در جهان هستی وجود دارد آفریده خداوند حکیم و عادل است، تا هر موجودی به سهم خود از آن بهره‌برد و در محیطی سالم با یکدیگر به حیات خود ادامه دهند. اما عوامل مختلفی می‌تواند به این محیط زیست آسیب وارد کند، که یکی از آنها آلودگی صوتی است. مردم به طرق مختلف یا خودشان مستقیم یا با وسایلی مختلف سبب ایجاد صداهایی بلند و آزاردهنده می‌شوند. زیرا هر چه که ما می‌شنویم دارای انرژی است و اگر این انرژی بیش از حد معمول شنوایی باشد، سبب آسیب‌های مختلف می‌شود، زیرا برای هر موجودی مرزشنوایی خاصی وجود دارد. به همین سبب مشکلات بسیاری برای انسان‌ها و سایر موجودات و محیط



۲-صواتی که ترکیب نامعین و بی نظمی از صوت های ساده اند و دارای ارتعاشاتی هستند که از قاعده معینی پیروی نکرده و معمولاً به گوش انسان نامطبوعند (ملکوتیان، ۱۳۵۷: ۱۶).

آلودگی صوتی: هر نوع صدایی که انسان تمایل به شنیدن آن نداشته باشد و به گونه ای نسبت به آن احساس آزرده‌گی کند یا سبب ایجاد آسیب و اختلال اعصاب شنوایی شود، در حکم آلودگی صوتی شناخته و تعریف می شود (فرشید فر و اولیازاده، ۱۳۹۰: ۲۲۰).

۲- اثرات آلودگی صوتی و راه های کنترل آن از منظر قرآن

۱-۲- کنترل صوت در قرآن

اسلام مردم را به نرمی و اعتدال و آرامش در همه امور زندگی دعوت می کند. ایجاد آلودگی صوتی به طور کلی، با فرهنگ و ادب اسلامی منافات دارد. آیات و احادیث فراوانی دلالت دارند بر اینکه پسندیده است، فرد مسلمان در همه امور زندگی رفتارهای توأم با آرامش و سکینه و وقار داشته و با صدایی در حد متوسط یا پایین سخن بگوید. در قرآن در سه مورد سخن از انضباط صوتی در سخن گفتن به میان آمده است.

در سوره حجرات آمده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید صدای خود را بالاتر از صدای پیامبر صلی الله علیه و آله نبرید، و در برابر او بلند سخن مگویید (و او را بلند صدا نزنید) آن گونه که بعضی از شما در برابر بعضی بلند صدا

با آن مواجه هستند و عدم آگاهی از مضرات آن سبب ایجاد عادت برای آنها می شود. و همین مسأله بر اهمیت موضوع می افزاید و لازم می دارد که بیشتر به آن پرداخته شود و تحقیق بیشتری صورت گیرد. غلامپور و شکاری در آلودگی صوتی ناشی از تجهیزات نظامی در محیط زیست دریافتند که ادوات نظامی که دارای صدای بلندی هستند چه از نظر بقا و چه از نظر کیفیت، زندگی انسان و حیات وحش را تهدید می کند و باید کاری کنیم تا جایی که امکان دارد با وجود این لوازم نظامی زندگی طبیعی با هم نخورد (غلامپور و شکاری / ۱۳۸۷) محمدی و اذائی در نگرش و اهمیت اسلام به محیط زیست به این موضوع رسیدند که تعالیم اسلامی از جهات گوناگون به طبیعت و عناصر آن پرداخته، و فواید آن را بیان کرده است (محمدی و اذائی / ۱۳۹۶) محمد زاده قوشچی در آلودگی صوتی و روش های کنترل آن با بهره گیری از دانش برنامه ریزی فیزیکی، راه کارهایی برای کنترل آلودگی صوتی رادر چند قسمت بیان کرده است (محمدزاده و قوشچی / ۱۳۷۵) این پژوهش در صدد است به بررسی نظر دین و علم فیزیک نسبت به آلودگی صوتی و عوارض آن و روش های کنترل آن بپردازد.

مفهوم شناسی

محیط زیست یک هدیه الهی است که از مجموع منابع، موجودات، علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات منوط و وابسته به آن است تشکیل می شود (کردوانی، ۱۳۷۵: ۶).

اصوات را می توان به دو گروه تقسیم نمود:

۱-صواتی که ساده یا ترکیب معینی از صوت‌های ساده اند و معمولاً به گوش انسان ناخوشایند هستند.



۱- صدای خود را کوتاه کنیم، از فریاد بیهوده بپرهیزیم و بیانی نرم و آرام داشته باشیم. ۲- فریاد کشیدن و بلند کردن صدا، امری ناپسند و نکوهیده است (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷: ۲۷۱) در نصیحت لقمان صدای ناپه‌نجان به صدای الاغ تشبیه شده است که آقای مکارم در این مورد می‌فرمایند: آنچه به راستی از صداهای معمولی که انسان می‌شنود از همه زشت‌تر است همان صدای الاغ می‌باشد که نعره‌ها و فریادهای مغروران و ابلهان به آن تشبیه شده است. نه تنها زشتی از نظر بلندی صدا و طرز آن، بلکه گاه به جهت بی‌دلیل بودن چرا که به گفته بعضی از مفسران، صدای حیوانات دیگر غالباً به واسطه نیاز است، اما این حیوان گاهی بی‌جهت و بدون هیچ‌گونه نیاز و بی‌هیچ مقدمه فریاد را وقت و بی‌وقت سر می‌دهد! (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۷: ۵۶)

اثرات آلودگی صوتی

۲-۲- اختلال‌کننده و مرگ

در قرآن کریم آمده در موارد آلودگی صوتی می‌تواند منجر به مرگ و هلاکت گردد: «و کسانی را که ستم کرده بودند، صحه (مرگبار آسمانی) فرو گرفت. و بامدادان در خانه‌هایشان به روی افتاده و مرده بودند»^۳ (هود/۶۷) در آیات قرآن می‌خوانیم که چند قوم گهنگار به وسیله صیحه آسمانی مجازات شدند، یکی قوم ثمود بودند و دیگری قوم لوط، و دیگری قوم شعب. از آیات دیگر قرآن در مورد قوم ثمود استفاده می‌شود که مجازات آنها به وسیله

می‌کنند، مبدا اعمال شما ناپود گردد، در حالی که نمی‌دانید^۱. (حجرات/۲) گر چه بلند کردن صدا در مقابل پیامبر بی ادبی به پیامبر صلی الله علیه و آله است که به خاطر مقام والای آن حضرت، سبب حبط اعمال می‌شود، ولی قرآن به ما سفارش کرده که نسبت به همه ی مردم ادب را رعایت کنیم و آرام سخن بگوییم. مسأله صدای بلند و آلودگی صوتی، امروزه یکی از مشکلات جامعه بشری است که گاهی به اسم عروسی، گاهی به اسم عزا، گاهی در مسجد و گاهی در کوچه و خیابان و زمین ورزش، آرامش را از مردم سلب می‌کند (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۵۹).

خداوند در ادامه آیه بعد می‌فرماید: به یقین کسانی که صدای خود را نزد پیامبر خدا پایین می‌آورند، همان کسانی هستند که خداوند دل‌هایشان را برای تقوا خالص نموده و برای آنان آمرزش و پاداش عظیمی است^۲ (حجرات/۳) غض به معنای پایین آوردن و کوتاه کردن است. این واژه در قرآن، هم در مورد کوتاه کردن صدا به کار رفته و هم در مورد کوتاه کردن نگاه، آهسته سخن گفتن، نشانه ادب، تواضع، وقار و آرامش انسان (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۹: ۱۶۴) در سوره لقمان ایشان در نصیحتی به پسرشان می‌فرمایند: (پسر من!) در راه رفتن، اعتدال را رعایت کن. از صدای خود بکاه (و هرگز فریاد مزن) که زشت‌ترین صداها، صدای خران است^۳. (لقمان/۱۹)

این آیه ۲ مطلب دارد:

۳- وَ أَقْصِدْ فِي مَسَلِكِ وَ اغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ.

۴- وَ أَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْحَوْا فِي ديارِهِمْ جاثمين.

۱- يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَنْ تَحْبَطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ.

۲- إِنَّ الَّذِينَ يُغْضُونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أَلَيْكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّنْوِي لِهِمْ وَ أُجْرٌ عَظِيمٌ.

صاعقه بود و این نشان می‌دهد که منظور از صیحه صدای وحشتناک صاعقه است. آیا صدای وحشتناک صاعقه می‌تواند جمعیتی را نابود کند؟ جواب این سوال مسلماً مثبت است، زیرا امواج صوتی از حد معینی که بگذرد می‌تواند شیشه‌ها را بشکند، حتی بعضی از عمارت‌ها را ویران کند و ارگانسیم درون بدن انسان را از کار بیاندازد. این را شنیده ایم به هنگامی که هواپیما دیوار صوتی را می‌شکند، افرادی بیهوش به روی زمین می‌افتند و یا زنانی سقط جنین می‌کنند و یا تمام شیشه‌های عمارت‌هایی که در آن منطقه دارند می‌شکند. طبیعی است اگر شدت امواج از این هم بیشتر شود به آسانی ممکن است اختلالات کشنده‌ای در اعصاب و رگ‌های مغزی و حرکات قلب تولید کند و سبب مرگ انسان‌ها شود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج: ۹: ۱۶۴-۱۶۵)

۲-۳- راه کارهای حفاظت از محیط زیست در اسلام

بحران محیط زیست در جهان امروز در حقیقت، بحران اخلاقی است که به تعهد و بی‌تعهدی و مسئولیت‌شناسی و مسئولیت‌ناشناسی باز می‌گردد. از این رو خروج از این بحران نخست راه حل اخلاقی می‌طلبد، یعنی بشر نیازمند اصول اخلاقی است که تنظیم‌کننده نحوه دخالت در محیط زیست است. چگونگی تعهد انسان به اخلاق و ارتباط او با طبیعت با این نگرش است که، مالک و خالق یگانه طبیعت و مخلوقات خداست چون انسان معترض‌ترین مخلوق اوست، و خدا او را خلیفه خود بر روی زمین قرار داد. آموزه‌های الهی در این زمینه، به طور معمول دو گونه هستند. دسته‌ای به عنوان رهنمودهای اخلاقی و به منظور حرکت به سوی جامعه مطلوب خداوند، با نگاه فردی و دسته‌ای دیگر با نگاه اجتماعی بیان شده است.

۲-۳-۱- آموزه‌های فردی تعلیم و تربیت
تأکید نخست اسلام بر تعلیم و تربیت افراد جامعه و ساختن انسان‌هایی است که به لحاظ اعتقادی، روانی و رفتاری تعادل داشته باشند و از هر گونه گمراهی و اختلال روانی و رفتاری دور باشند. انسان‌هایی که با اعتقاد راسخ به مبدأ هستی خود را در برابر او مسئول می‌دانند و معاد را میعادگاه پاسخگویی در برابر این مسئولیت و رسیدن به نتایج عملکرد خود می‌شمرند و این اعتقاد، آنان را به حرکت در مسیری که خداوند برای آنان ترسیم کرده است، بر می‌انگیزد و رفتار آنان را در حوزه‌های مختلف زندگی اعم از فردی و اجتماعی تحت کنترل قرار می‌دهد (خسرو شاهی، ۱۳۹۳: ۳۹)

بنابراین همین حس مسئولین به انسان کمک می‌کند تا در اعتدال صدا هم در صحبت کردن مراعات کنند و هم در فعالیت‌های روزمره زندگی

پرهیز از ظلم

بر اساس قاعده عدالت، باید در رفتار خود با محیط زیست طوری رفتار کنیم که موجب ظلم و تعدی به انسان‌ها و دیگر نشود و شکی نیست که آلودگی صوتی از مصادیق بارز ظلم و آزار دیگران به شمار می‌رود.

۲-۳-۲- آموزه‌های اجتماعی

دین اسلام یک مکتب اجتماعی است که بخش قابل توجهی از احکام و دستوراتی که در آن بیان شده است جنبه اجتماعی دارد و برای بهتر شدن شرایط مردم در جامعه، در مسأله آلودگی صوتی نیز یک سری راهکارهای اجتماعی وجود دارد که با انجام آن می‌توان در سطح جامعه امید به کنترل آن پیدا کنیم.



امر به معروف و نهی از منکر

از بیانات شارع استنباط می‌شود که بسیاری از اهداف اجتماعی لازم است در وهله اول، از طریق خود مردم صورت گیرد و ضمانت اجرای آن نیز خودشان باشند. تأسیس نهاد امر به معروف و نهی از منکر و یا نهاد لاحسبه و قرارداد آن در کنار نماز و روزه و به عنوان یکی از فروع دین، شاهد بر احتیاط مکتب بر این فرآیند است. نهادینه شدن امر به معروف و نهی از منکر بر تمام مسائل و از جمله، حفظ محیط زیست تأثیر زیادی دارد، زیرا عموم مردم خود را در آن سهیم خواهند دانست و انگیزه فراوانی برای انجام آن پیدا خواهند کرد و نوعی نظارت عمومی بر چگونگی استفاده از منابع و حفظ محیط فراهم خواهد آورد. ناگفته نماند گر چه امر به معروف و نهی از منکر از واجبات محسوب می‌شود، ولی تشویق به انجام این واجب و به ویژه فرهنگ سازی آن را می‌توان از موارد اخلاقی به شمار آورد. علاوه بر آن، در برخی از واجبات، که ضمانت اجرایی حکومتی در آنها وجود ندارد و انجامشان بستگی به ایمان افراد و زمینه‌های درونی آنان دارد، می‌توان تویق به انجام آنها را از مسائل اخلاقی دانست، هر چند فقه هم از جنبه دیگر در آنها وارد شده است (فراهانی فرد، فراهانی فرد، ۱۳۹۲: ۱۶۴-۱۶۵) بنابراین وقتی مردم هم میان افراد خانواده و هم در اجتماع و در برخورد با یکدیگر زمانی که مواردی که سبب سرو صدای زیاد می‌شود به طرف مقابل که به آن توجهی ندارد با احترام تذکر بدهد و در صورت امکان راهکاری ارائه دهند، همین امر به تدریج موجب می‌شود تا مردم کم کم نسبت به آن آگاه و با حساسیت بیشتری رفتار کنند.

آموزش

آموزش، ابزار رشد و شکوفایی جسم و روان و شخصیت انسان است. آموزش از یک سو جزء

حقوق فردی می‌باشد و از سوی دیگر جزء حقوق اجتماعی است. به عبارتی حق بر آموزش چند بعدی است. در جنبه اجتماعی بودن حق بر آموزش ایجاد می‌کند که دولت کنترل آموزش را در جامعه به عنوان امری عمومی بر عهده گیرد و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه ریزی‌های لازم را در جهت ایجاد سازگاری بین انسان و محیط زیست را انجام دهد. تأکید دین مبین اسلام بر آموزش و سوادآموزی در تمام زمینه‌ها بر کسی پوشیده نیست و بر اساس آن باید در نظر داشت آموزش زیست محیطی مد نظر اسلام به گونه‌ای است که تمام جنبه‌های انسان، محیط زیست و جهان هستی را در یک ارتباط هماهنگ و موزون در مسیر الهی مورد توجه قرار داده و بین آنها ارتباط ایجاد می‌نماید. بر این اساس، آموزش زیست محیطی بایستی انسان را متوجه مقام خلیفه الهی نموده و از طریق پرورش صفات الهی که بطور بالقوه در فطرت الهی انسان قرار داده شده است آنها را فعلیت بخشیده و به عبارت دیگر، با استعانت از مایه‌های فطری انسان، بایستی او را برای احراز این مقام آماده کند (اصغری لضمجانی، ۱۳۷۸: ۱۵۳). در این صورت حفاظت از محیط زیست و عدم آلودگی صوتی به صورت یک فرهنگ عمومی در می‌آید که همگان در رعایت آن تلاش می‌کنند.

پوشش گیاهی

جنگل‌ها و مراتع به عنوان بخش عمده‌ای از انفال به حساب می‌آیند که به عنوان ثروت‌های عمومی در اختیار حکومت عدل اسلامی قرار می‌گیرد و باید به نفع مردم استفاده گردد. به علاوه جنگل‌ها و مراتع به عنوان یکی از مواهب بزرگ الهی بستر حیات مادی، اجتماعی و اقتصادی، میراث نسل‌ها، عامل نگهدارنده تعادل اکولوژیک، پشتوانه کشاورزی و به عنوان محور توسعه‌اند، که جایگاه واقعی خود را در برنامه



آلودگی صوتی از جمله آلودگی‌های عصر جدید و زندگی شهری معاصر می‌باشد که موجب آثار مضر در انسان‌ها و سایر موجودات می‌شود.

۳-۱-۱- انسان

آلودگی صوتی در انسان‌ها اثرات بسیاری دارد که گاهی برخی از آنها به مرور زمان آسیب آن بیشتر می‌شود و همین امر سبب می‌شود که گاه متوجه نباشیم که این علائم به سبب تأثیرات سرو صدای اطرافمان به وجود آمده است. در اینجا به آنها اشاره می‌کنیم:

اختلالات شنوایی

اثر سروصدا روی گوش از زمان‌های قدیم شناخته شده، «رامازینی» دانشمند معروف ایتالیایی که پدر طب کار لقب گرفته، کری کارگران دیگ سازی را نوشته است و «آمبرواز پاره» فرانسوی از ناشنوایی توپچی‌های ارتش فرانسه سخن گفته است. از همه جالب تر لقب کرها است که به ساکنان شهر کوچک ویل دیوله پوال در فرانسه داده شده که از قدیم مرکز دیگ سازی و همچنین ساختن زنگ‌های کلیسا در فرانسه بوده است و سکنه آن مثل کارگران یک کارخانه پرسروصدا همگی به ناشنوایی حاصل از سروصدای مربوط به آن شهر دچار بوده اند (قضایی، ۱۳۷۶: ۳۰۳). معمولاً گوش به صداهای یکنواخت و در حد متوسط معمول یک شهر شلوغ عادت می‌کند اما بعضی صداهای ناگهانی، غیرمترقبه، ناهنجار و گوش خراش هستند که برای عصب شنوایی در حکم صداهایی عادی نبوده، به آن سیب رسانده، موجب ناشنوایی زودرس می‌گردند؛ مثلاً اتومبیلی که لوله آگزوز آن خراب است، صدای ترقه، ترمز ناگهانی، صدای بوق ماشین، موتور سیکلت، موزیک تند و ... (زرنفلند، ۱۳۷۶: ۳۳). شورت در این زمینه می‌نویسد: خیابان شلوغ یک شهر حداقل معادل ۸۰ الی ۹۰ دی سی بل آلودگی صوتی تولید می‌کند.

ریزی و مدیریت هر جامعه‌ای پیدا نموده و حفظ شود. تخریب جنگل‌ها و مراتع موجب بهم خوردن تعادل جریان‌ات آبی و فرسایش خاک شده و در نهایت موجب بهم خوردن تعادل محیط زیستی خواهد بود (همان: ۱۷۶)

پوشش گیاه، جنگل‌ها و مراتع نقش مهمی در کاهش آلودگی صوتی دارند و بسته به نوع آن و انبوه و تراکم و نوع برگ‌های آن‌ها با همدیگر فرق دارند و نقش مهمی در زیبایی شهر هم ایفا می‌کنند. در سنت اسلام روایات بسیاری در مورد درختان و جنگل‌ها آمده است: مانند: امام علی علیه السلام می‌فرمایند: از جمله عوامل افزایش طول عمر عبارتت از: پرهیز از مردم آزاری و قطع و نابود ساختن درختان سرسبز (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۷۶: ۳۱۹) امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: درختان ثمر دار را قطع نکنید، که عذاب سختی را در پی دارد (حر عاملی، بی تا، ج ۳، ۱۹۸). همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به رزمندگان توصیه کرده و می‌فرمود: از کشتن زنان و کودکان شیرخوار، پیران فرتوت و نیز از قطع درختان، به ویژه نخل و خرما، سرزمین دشمن، خودداری کنید (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۱: ۶۰). از رهنمودها و هشدارهای فوق می‌توان اولاً: اهمیت درختکاری و سبز نگه‌داری محیط زیست در نگرش اسلام را درک نمود. اهمیتی که متخصصان محیط زیست پس از قرن‌ها، به گوشه‌ای از آن پی برده و اظهار داشته‌اند. ثانیاً نکوهش از عمل کسانی که به تخریب باغ‌ها، مزارع و جنگل‌ها می‌پردازند را بدست آورد (شفیعی مازندرانی، ۱۳۷۶: ۷۱)

۳- اثرات آلودگی صوتی و راه‌های کنترل

آن از منظر علم فیزیک

۳-۱- اثرات آلودگی صوتی



فواصل زمانی نامنظم، در طول یک دوره کلی ۹ ساعته و با زمان ارائه ۲۰ ثانیه، پخش می‌شد. مشخص شد که ریتم امواج مغزی پس از ایجاد سروصدا سریع‌تر می‌شود و حداقل تا ۵ دقیقه پس از قطع سروصدا به همان حالت باقی ماند، که خود نشان دهنده سبک‌تر شدن خواب است. صبح روز بعد از آزمایش، فعالیت و کارهای افرادی که در معرض نوفه بودند، ارزیابی شد. مشخص شد که عملکرد این افراد، به میزان قابل توجهی افت پیدا کرده است (یماتنو، ۱۳۷۸: ۴۶۸)

بیماری ریتال یا انگشتان مرده

تحقیقات نشان می‌دهد که بعضی از افراد که دارای مشاغل با صدای بلند بالای ۱۲۵ دسی بل هستند، دچار این بیماری می‌شوند. به این صورت که انگشت آنها سبز رنگ و سپس سفید می‌شود که علائم بیماری و ازو اسپاتیک است که در نتیجه انقباض رگ‌ها و نارسایی جریان خونی عارض می‌شود که به بیماری انگشتان مرده یا رینال معروف است (غلامپور، شکاری، ۱۳۷۸: ۱۲۵)

تأثیر به شرایط انجام کار

سروصدا در کارهای فکری بیش از فعالیت‌های فیزیکی بدن، ایجاد مزاحمت می‌کند. هنگامی که میزان سروصدا بیش از ۹۰ دسی بل باشد، کارها به ۳ شکل تغییر می‌کنند: ۱- بازده کار ثابت می‌ماند ولی اشتباهات بیشتری صورت می‌گیرد، به ویژه در کاری که نیاز به توجه بیشتری وجود دارد. ۲- در تشخیص زمان اختلال ایجاد می‌کند. ۳- حفظ حالت هوشیاری و آگاهی نیاز به کوشش بیشتری پیدا می‌کند. همچنین قدرت انسان برای پیگیری افکارش تقلیل می‌یابد، درک و حفظ اطلاعات به زمان بیشتری نیاز دارد، و برای جلوگیری از تداخل مسائل فکری، کوشش بیشتری لازم است (معینیان، ۱۳۹۸:

سکونت در چنین خیابان‌هایی به مدت ۱۵ سال متوالی توان شنوایی فرد را به طور متوسط تا ۵۰ درصد کاهش می‌دهد (تولائی، ۱۷۳: ۱۱۴)

آثار روانی عصبی

آثار روانی سروصدا بر حسب شخص، موقعیت، زمان و حالات روانی شخص متفاوت بوده و به هیچ وجه قابل اندازه‌گیری نیست. ولی به طور کلی می‌توان گفت محیط پر سروصدا علاوه بر آن که موجب اختلال در مکالمه و تفهیم می‌شود باعث کاهش دقت فعالیت‌های مغزی و ناهماهنگی کارهای فکری می‌گردد. به علاوه دقت فراگیری کاسته شده و بر تعداد اشتباهات کارهای فکری افزوده می‌شود. در اثر صدای ناگهانی و بلند که موجب دلهره و ترس می‌گردد، فشار خون به ویژه فشار خون داخل جمجمه بالا رفته، ترشحات بزاق کم شده و دهان خشک می‌شود. ترشحات معده کم شده دچار انقباضات دردناکی می‌شود. همچنین حرکات دودی شکل روده‌ها نیز دچار رکد می‌گردد (عباسپور، ۱۳۷۷: ۶۸۳). در اروپای قرون وسطی از شیوه اعدام با زنگ اخبار (ناقوس) استفاده می‌شد، زیرا صدای یکنواخت زنگ موجب مرگ تدریجی محکوم می‌گردید (کرمخانی، ۱۳۷۵: ۵۶)

اختلالات خواب

محرومیت از خواب به نوبه خود در توانایی‌های شناختی سطح بالا، نظیر حافظه، زبان و مهارت‌های عددی و نیز کارهایی که همانند تصمیم‌گیری نیازمند توانایی‌های فکری و داوری اند، اختلال عمده‌ای ایجاد کند، همچنین محرومیت از خواب به اختلالات عاطفی نظیر افسردگی می‌انجامد. در تحقیقاتی که در دانشگاه کارولینای شمالی انجام شد، نحوه اثر نوفه موتور جت هواپیما بر خواب، مورد بررسی قرار گرفت. در شرایطی که افراد داوطلب، در آزمایشگاه خوابیده بودند، صدای هواپیما با بلندی ۸۰ دسی بل، در



های تراوش کننده ی شیر از پستان گاو منتقل می گردد. همچنین در پرواربندی ها معمولاً افزایش میزان صداها باعث کاهش وزن پرواری می گردد، در مرغداریه‌ها نیز چنین وضعیتی پیش می آید. آلودگی صوتی بر سیستم تولید تخم مرغ اثر نهاده میزان تخم گذاری در مرغ ها را کاهش می دهد. غرش هواپیماهای جک به ویژه زمانی که دیواره صوتی را می شکنند، باعث تلف شدن جوجه های پرندگان می شود. دانشمندان فرانسوی کشف کرده اند که غرش هواپیما موجب فقدان موقت حس در زنبور عسل شده، در نتیجه آن راز فعالیت باز می دارد. حیوانات به طور طبیعی از محلی که دارای آلودگی صوتی است و آسایش آنها را بر هم می زند، دور می شوند. پرندگان بیشترین واکنش را به آلودگی صوتی نشان می دهند. در یک تحقیق، یک هواپیما به مدت ۳ ثانیه بالای سر ۹۶ پرونده با صدای 2KHZ پرواز می کند و فقط ۳ پرونده در این ۳ ثانیه منحرف نشدند، و این نشان می دهد که پرندگان نیز از آلودگی صوتی بیزارند. با محاسبات انجام شده، مشخص گردید که بیش از ۹۶ درصد از حیوانات به خصوص پرندگان، از آلودگی صوتی گریزانند و مهاجرت می کنند (کرمخانی، ۱۳۷۵: ۵۶).

۳-۲- راه های کنترل آلودگی صوتی از منظر علم فیزیک

روش هایی که سبب کنترل سروصدا توسط برنامه ریزی و علم فیزیک می شود به روش های زیر مطرح می شود: طراحی بافت: اینکه بافت شهری باز یا بسته، خودجوش یا شطرنجی، خوشه ای یا خطی و یا هر نوع دیگر باشد، هر یک ترافیک خاص خود را داشته و پیامد آن در شدت و ضعف آلودگی محیطی و از جمله آلودگی صوتی منعکس می گردد. اگر برنامه ریزی ها و طراحی های شهری و بویژه آموزش نظام

۱۲). نوفه ای با سطح متوسط به گونه ای بارز زمان عکس العمل ساده را طولانی می کند، عملکرد افراد وقتی در معرض نوفه های ادواری اتفاقی قرار می گیرد، بدتر می شود (در این راستا نباید مسأله عادت نسبت به حضور نوفه را از نظر دور داشت) در حضور نوفه تعداد خطاهای عملکردی، به خصوص در فعالیت های متوالی و سری، زیاد می شود. گاه علی رغم عدم تغییر در سرعت انجام کار، صحت انجام آن کاهش می یابد (صفازاده، ۱۳۸۲: ۶۱). سروصدا از شنیدن مکالمات یا آژیر اعلام خطر جلوگیری می کند و در این حالت مانند یک عایق صوتی است. نشنیدن یا اختلال در رسیدن پیام، ممکن است در میزان کارایی، اجرای دستورات کاری، درک علائم اضطراری و روابط بین افراد اثر سوء داشته باشد (ورنیه، ۱۳۷۳: ۶۶)

۳-۱-۲- حیوان

اثر مخرب صدا در بقایای حیوانات، طول عمر، تولید مثل، سیستم ایمنی و عصبی بدن تأثیر منفی دارد. در آزمایش روی موش نتایج زیر حاصل شده است که البته روی انسان نیز مشابه است: ۱- موش های آزمایشگاهی که در معرض صدای شدید قرار می گیرند، به بیماری های ویروسی حساس تر می گردند. ۲- صدای فوق العاده شدید در فعالیت ها و عملکرد کبد حیوانات تغییر ایجاد می کند. ۳- صدای بلند بیش از ۱۵ دسی بل موجب فساد دندانها می گردد. ۴- کلسترول و چربی خون نیز افزایش می یابد. میزان اسید اسکوریک کاهش و مقدار گلبول های سفید تا ۵۰ درصد تقلیل می یابد. ۵- تغییر ضربان قلب و انقباض نایزکها (غلامپور، شکاری، ۱۳۸۷: ۱۲۱). همچنین در گاوداری ها افزایش صدای دستگاه شیردوش، موجب کاهش میزان شیردهی گاو می شود. زیرا صدای زیاد، سیستم عصبی گاو را تحریک کرده و اثر آن به ماهیچه



ضعف حساسیت کاربری‌ها به سروصدا، مطلوبیت مکانی آنها نیز متفاوت خواهد بود. در این میان کاربری‌های اراضی همچون مراکز تجاری و ورزشی که وجود سروصدا تأثیر چندانی در عملکرد آنها ندارد، می‌توانند در نوار حاشیه خیابان و کاربری‌های حساس در درون بافت استقرار یابند. سازگاری یا همجواری کاربری‌ها: استقرار هر نوع کاربری دارای اثرات متفاوتی است. از دیدگاه زیست محیطی بهترین مکان استقرار برای یک کاربری، مکانی است که کمترین فشار بر محیط وارد آید و خود کاربری نیز کمترین آسیب را در نتیجه استقرار جدید متحمل گردد (همان: ۱۰۶)

تأثیر سروصدا بر شرایط فیزیولوژیک انجام کار
سروصدا در کارهای فکری بیش از فعالیت‌های فیزیکی بدن، ایجاد مزاحمت می‌کند. هنگامی که میزان سروصدا بیش از ۹۰ دسی بل باشد، کارها به ۳ شکل تغییر می‌کنند. ۱- بازده کار ثابت می‌ماند ولی اشتباهات بیشتری صورت می‌گیرد، به ویژه در کاری که نیاز به توجه بیشتری وجود دارد. ۲- در تشخیص زمان اختلال ایجاد می‌کند. ۳- حفظ حالت هوشیاری و آگاهی نیز به کوشش بیشتری پیدا می‌کند. همچنین قدرت انسان برای پیگیری افکارش تقلیل می‌یابد، درک و حفظ اطلاعات به زمان بیشتری نیاز دارد و برای جلوگیری از تداخل مسائل فکری، کوشش بیشتری لازم است (معینیان، ۱۳۹۸: ۱۲)

ایجاد مسیر ویژه عابرین پیاده

در بسیاری از مواقع، عامل مهم افزایش سروصدا در سطح شهر در نتیجه تلفیق و ترکیب صداهای رفت و برگشت وسائل نقلیه مسیر اصلی حتی دو مسیر مجاور هم بوده که این مسأله در تقاطع و گروه‌های اصلی شهر تشدید می‌گردد. به همین دلیل ایجاد مسیرهای ویژه عابرین پیاده و

دانشگاهی نظری افکنده شود ملاحظه می‌گردد که بعد از جنگ جهانی دوم طبقه بندی عملکردی، راه‌های شهری که اصطلاحاً طبقه بندی متعارف نامیده می‌شود با تکیه بر دو اصل جابه‌جا کردن وسائل نقلیه موتوری و فراهم ساختن دسترسی به کاربری‌های در ساختار خوشه‌ای تجلی یافته است؛ در حالیکه بر اساس مطالعات اخیر، بکارگیری این ساختار در محیط‌های شهری به دلیل توجه انحصاری به حرکت وسائل نقلیه موتوری که در نهایت منجر به توسعه مکان‌های کم‌تراکم از نظر مسکونی و خیابان‌های عریض گشته مورد تأمل قرار گرفته است. در طبقه بندی پیشنهادی جدید نقش اجتماعی خیابان به عنوان یکی از دو رکن اساسی طبقه بندی در نظر گرفته می‌شود. در این طبقه بندی، ابتدا راه‌های شهری بر حسب نقش اجتماعی آنها تعریف شده و بر این اساس به دو گروه شریانی و محلی تقسیم می‌گردند و در حقیقت وجه تمایز این دو سیستم دخالت و یا عدم دخالت نقش اجتماعی در آنهاست (زریونی، ۱۳۷۲: ۶۰-۳). از آنجائیکه در این ساختار، رعایت ضوابط کنترل دسترسی‌ها مشخص کننده نوع ساختار شبکه است، به روشنی پیداست که بر عکس ساختمان سلسله‌مراتبی شبکه راه‌ها، تأکید بیشتر بر دسترسی‌ها از طریق پیاده روی، دوچرخه سواری و استفاده از وسائل نقلیه عمومی می‌باشد (محمدزاده قوشچی، ۱۳۷۵: ۱۰۵)

مکان یابی

از روش‌های مهم کنترل آلودگی صوتی، مکان یابی کاربری‌ها است و عبارتست از انتخاب محل مناسب برای عناصر، عملکردها، فعالیت‌ها و کلاً هر نوع کاربری اراضی شهری، آلودگی صوتی از نقطه مکانیابی به دو طریق قابل کنترل می‌باشد: مطلوبیت مکانی کاربردی: با توجه به شدت و



راه نفوذی برای عبور صدا از میان موانع وجود داشته باشد. (همان: ۱۱۳-۱۱۴). پوشش گیاهی اعم از درختان، درختچه‌ها می‌توانند آلودگی صوتی را به میزان قابل ملاحظه بکاهند. اگر چه خود صدا ممکن است رشد گیاه را به مخاطره اندازد. کاهش رشدی در حدود ۴۱ درصد در مزرعه تنباکویی که در معرض صدای شدید قرار گرفته بود، دیده شده است. به هر حال کیفیت کاستن صدا در درختان و درختچه‌ها بر حسب اندازه برگ، تراکم شاخ و برگ، گونه درخت و بلندی درخت فرق می‌کند. همچنین کاهش صدا بر روی جنگل کمتر است تا در داخل جنگل که این خود، اثر پدیده توپوگرافی و یا شکل زمین را در کاهش صدا پیش می‌آورد. به عنوان نمونه تپه‌های پوشیده از درخت در کاهش صدا موثرتر از تپه‌های بی درخت یا دشت‌های پردرخت اند (مخدوم، ۱۳۸۶: ۶۱). گیاهان به طرق مختلف روی تقلیل صدا تأثیر می‌گذارند به این ترتیب که: ۱- گیاهان صدا را جذب می‌کنند. ارتعاش امواج صوتی به وسیله برگ‌ها و شاخه‌های درختان جذب می‌شود. عواملی نظیر نور، دیواره‌ی متخلخل، انعطاف پذیری، در جذب صدا موثر می‌باشند. شاخه‌ها اجازه می‌دهد که صداهای ناهنجار بیشتر جذب شوند. ۲- گیاهان باعث انکسار انحراف صدا می‌شوند. شاخ و برگ درختان به دلیل قابلیت انعطاف، نرمش و صاف بودن، صدا را جذب می‌کنند. تنه‌ی درخت و شاخه‌های سنگین باعث انحراف صدا می‌شوند. همان‌طور که گفته شد پخش و شکستن صدا و جذب امواج صوتی به وسیله‌ی گیاهان کف جنگل باعث کاهش شدت صوتی می‌شود. جنگل‌ها می‌توانند صدایی با فرکانس ۱۰۰۰ سیکل در ثانیه را در هر صد فوت تا ۷ دسی بل کاهش دهند. انرژی صوتی با افزایش مسافت کاهش پیدا می‌کند. انرژی صوتی اندازه‌گیری

دوچرخه از جمله روش‌هایی است که می‌تواند از شدت نفوذ صدا به کاربری‌های کنار خیابان کاست. خیابان چهارباغ اصفهان هر چند که بدین منظور طراحی نشده، لیکن وجود مسیرهای پیاده رو در دو طرف سطح سواره‌رو و همچنین وجود مسیر پیاده و دوچرخه در بین مسیرهای رفت و برگشت سواره به همراه درخت و فضای سبز در حد فواصل هر یک نمونه موفق و قابل توجه در این خصوص می‌باشد. لازم به توضیح نخواهد بود که جداسازی مسیر پیاده و سواره از طریق فضای سبز علاوه بر کاهش انواع آلودگی‌های زیست محیطی شهرها و از آن میان آلودگی صوتی، عامل مهمی در رونق دوچرخه سواری و بویژه افزایش سفرهای پیاده و در عین حال جابجایی مردم به ویژه سالمندان و معلولین و کودکان خواهد بود (محمدزاده قوشچی، ۱۳۷۵: ۱۱۱).

ایجاد موانع فیزیکی و گیاهی

به طور کلی انتشار امواج صوتی در فضای آزاد بیش از فضاهایی است که موانعی اعم از طبیعی و مصنوعی در آن وجود دارد. با ایجاد سد و دیوار بین منبع صدا و گیرنده آن می‌توان سرو صدا را کاهش داد. بدیهی است هر چه دیوار یا سد سنگین‌تر، ضخیم‌تر و متراکم‌تر باشد از انتقال سروصدای بیشتری جلوگیری می‌شود. وضعیت و طبیعت سطح زمین ساختمان‌ها و جاده‌ها نیز بر کیفیت صدا موثر است. با توجه به اینکه معمولاً صدا از ارتفاع نسبتاً کمی از سطح زمین به سوی ساختمان‌ها انتقال یابد، اگر زمین بین ساختمان‌ها و منبع تولید صدا در حالت طبیعی خود باشد، اثر آن از حالتی که صدا از سطحی صاف نظیر سح آسفالت بگذرد، کمتر است. برای محافظت موثر یک محل از نفوذ صدا، حصارها را باید نزدیک به جاده و یا نزدیک به محل مورد نظر ایجاد کرد. بدیهی است که نباید هیچ‌گونه



کنترل آلودگی صوتی در قرآن و سنت بیشتر به مباحث اخلاقی پرداخته تا بدین وسیله مردم با نزدیک شدن به خداوند و افزایش ایمانشان آگاه تر شوند و حس مسئولیت پذیری در آنها تقویت شود و خودشان در طول زندگی همیشه آن را مدنظر داشته باشند که چیزی که سبب آزار دیگران و آسیب به محیط زیست شود از آن دوری می کنند و به همدیگر هم در مواردی تذکر دهند، تا رعایت آن به صورت همگانی و اجتماعی شود. اما علم فیزیک با توجه به افزایش جمعیت ها و سروصداهای ایجاد شده به سوی روش های تجربی و تحقیقاتی رفته است و راه کارهایی در زمینه نحوه شهرسازی یا راه کارهایی برای چگونگی فعالیت ها و مشاغل متناسب با هر مکان ارائه کرده است. در یک مورد هم دین و علم با هم بر آن تأکید دارند و آن هم مسأله پوشش گیاهی، درختان و جنگل های هستند. روایات بسیاری در اهمیت آن و نهی از قطع درختان آمده است. علم نیز با بررسی هایی که انجام می دهد به تدریج به فواید بیشتری از آن دست می یابد.

نتیجه گیری

آلودگی صوتی سروصداهایی است ناخوشایند و آزار دهنده که انسان مایل به شنیدن آنها نیست، بنابراین باید در کارهای روزانه کنترل صوت خود را داشته باشیم. چنانچه در همین مورد آیاتی در قرآن آمده است عوارض صدای بلند تنها بر شنوایی نیست بلکه جنبه های روحی و روانی و جسمانی انسان ها و حتی حیوانات را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. و به تبع آن جامعه را هم دچار اختلال می کند، در حالی که انسان ها حق دارند در محیطی زندگی و کار کنند که سلامت آنها تهدید نشود. دین و علم یک سری راه کارهایی را در این زمینه بیان کرده اند که در صورت انجام آن می توان امید به کم شدن

شده در ۲۵ فوت وقتی در ۱۲۵ فوت دوباره اندازه گیری شد، ۱۴ دسی بل کاهش را به طور طبیعی به علت وجود فاصله نشان داد. به هر صورت اگر بین منبع صدا و گیرنده های صدا، صد فوت جنگل قرار گرفته باشد، میزان تقلیل صدا به ۲۱ دسی بل می رسد (مجنونیان، ۱۳۶۹: ۱۸۳). علاوه بر تأثیر گیاهان در کاهش واقعی شدت صوت، وجود آنها در کاهش احساس آلودگی صوتی موثر است. زمانی که مردم منبع اصلی صدا را نبینند نسبت به آن حساسیت پیدا می کنند. همچنین نقش درختان در کاهش سروصدای دریافتی به دلیل صدای خش خش برگ ها در مقابل باد می باشد. این صدا که برای انسان مطبوع و خوشایند است، سروصداهای مکانیکی ناشی از ترافیک و صنعت را تحت الشعاع خود قرار می دهد (هیگینز، ۱۳۸۱: ۱۶۰).

مقایسه دیدگاه قرآن و علم پیرامون آلودگی صوتی

محیط زیست در اسلام دارای اهمیت بسیاری است و آیات و روایات فراوانی در این زمینه وجود دارد. بدین جهت آموزه های قرآن در موارد مختلف زیست محیطی کاربرد دارد. در بیان عوارض آلودگی صوتی در قرآن کریم آمده که خداوند قوم هایی را به وسیله صداهاى بلند عذاب و به هلاکت رسانیده است. در تفسیر آنها آمده که اگر صدا از یک حدودی بالاتر برود به سیستم های بدن از اعصاب و روان گرفته تا قلب و سایر اندام آسیب وارد می کند و در نهایت منجر به مرگ می شود. علم نیز همین مورد را تأیید می کند، زیرا در همین راستا تحقیقاتی صورت گرفته که نشان می دهد سروصدا می تواند موجب اختلال شنوایی و اختلال خواب، ناراحتی های روحی و روانی و حتی جسمانی در انسان و حیوانات شود و حتی موجب مرگ شود. در



راهکارهای علمی نیز بیشتر جنبه عملیاتی دارند که با پیشرفت‌های علمی به روزتر می‌شود، و باید سعی شود با توجه به مکان شهرها و جمعیت آنها و فعالیت‌های صورت گرفته انجام شود تا موثرتر نتیجه را بدهد.

صداهاى مازحم داشت و با گسترش زندگى شهري ضرورت انجام آن را مى رساند. با توجه به اهميت محيط زيست، در آيات و روايات بسيارى در مورد آن سخن گفته شده است و از نظر اخلاقي سعي بر آموزش پذيرش مسئوليت و تعهد مسائل مختلف در زندگى بر انسان دارد.

منابع

- ۱- قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی، ناصر (بی تا)، تهران: عابد زاده
- ۲- اصغری لقمجانی (۱۳۷۸)، مبانی حفاظت محیط زیست در اسلام، تهران: فرهنگ اسلامی
- ۳- تولائی، سیمین (۱۳۷۳)، شهر و پیامدهای زیست محیطی، «فصلنامه تحقیقاتی جغرافیایی»، ش ۳۳، صص ۱۱۷-۱۰۰.
- ۴- حرعاملی، محمدبن حسن (بی تا)، وسائل الشیعه الی عقیل مسائل الشریعه، بیروت، دارحیاء التراث العربی.
- ۵- خسروشاهی، قدرت الله (۱۳۹۳)، مراحل سه گانه پیشگیری از جرم در آموزه های قرآن، قم و مشهد: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۶- زرسلند (۱۳۷۶)، آخرین مطالعات جهان پزشکی، ج ۵، تهران: همشهری .
- ۷- زریونی، محمد رضا (۱۳۷۳)، مشکل ترافیک عبوری شهرها، تبریز: دانشکده تحقیقات اجتماعی و علوم انسانی.
- ۸- شفیعی مازندرانی، محمد (۱۳۷۶)، تأثیر محیط زیست در انسان، بی جا: اسلامی.
- ۹- صفارزاده، محمود، رحیمی، فرزاد (۱۳۸۲)، آلودگی صوتی در سیستم های حمل و نقل، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- ۱۰- عباسپور، مجید (۱۳۷۷)، مهندسی محیط زیست، ج ۲، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۱- غلامپور، مهدی، شکاری، لیلیا (۱۳۷۸)، آلودگی صوتی ناشی از تجهیزات نظامی در محیط زیست، «مدیریت نظامی»، ش ۳، صص ۱۱۵-۱۲۸
- ۱۲- فراهانی، فرد، سعید، فراهانی فرد، محمدعلی (۱۳۹۲)، محیط زیست و مبانی اخلاقی آن در اسلام، «مجله معرفت اقتصاد اسلامی»، ش ۸.
- ۱۳- فرشید فر، انوشیروان، اولیازاده، پوریا (۱۳۹۰)، آلودگی صوتی ناشی از پرواز هواپیما و آثار آن، «نشریه مهندسی مکانیک» ش ۷۶، صص ۱۶-۲۲.
- ۱۴- قرائتی، محسن (۱۳۸۳)، تفسیر نور، ج ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
- ۱۵- قضایی، صمد (۱۳۷۶)، بیماری ها و عوارض ناشی از کار، ج ۳، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۶- کردوانی، پرویز (۱۳۷۵)، اکوسیستم های طبیعی و عمومی، ج ۲، تهران: قومس.
- ۱۷- کرمخانی، حسام (۱۳۷۵)، آلودگی محیط زیست و ارتعاشات، «فصلنامه محیط زیست»، ش ۴، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.
- ۱۸- مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی (۱۴۰۴ ق)، بحارالانوار الجامعه لدررالائمه الاطهار، بیروت: الوفاء.
- ۱۹- مخدوم، مجید (۱۳۶۸)، بررسی آلودگی صدا در شهر تهران، «مجله محیط شناسی»، ش ۱۵، صص: ۱۱۵-۱۲۸.
- ۲۰- مجنونیان، هنریک (۱۳۶۹)، درختان و محیط زیست، تهران: سازمان حفاظت محیط زیست.



- ۲۱- محمدزاده قوشچی، رحمت (۱۳۷۵)، آلودگی صوتی و روش‌های کنترل آن با بهره‌گیری از دانش برنامه ریزی فیزیکی، ص ۹۹-۱۱۹.
- ۲۲- معینیان، نرمینه (۱۳۹۸)، بررسی جامعه شناختی آلودگی صوتی و کنترل سروصدا با گسترش فضای سبز شهری، «فصلنامه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی»، ش ۴۴، صص ۱-۲۴.
- ۲۳- ملکوتیان، محمد (۱۳۵۷)، آلودگی صوتی، تهران: دانشگاه آزاد ایران.
- ۲۴- ورنیه، ژاک (۱۳۷۳)، محیط زیست چه می‌دانیم، ترجمه: صمدی، پریسا، تهران: فرهنگ اسلامی.
- ۲۵- هیگنیز، کاترین و همکاران (۱۳۸۱)، برنامه ریزی محیطی برای توسعه زمین، ترجمه: بحرینی، سید حسن و همکاران، تهران: دانشگاه تهران.



سیمای محیط زیست از منظر قرآن و اهمیت آن در زندگی بشر

حسین محمدی

عضو هیأت علمی گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان (نویسنده مسئول):
hmoammadi45h@gmail.com

چکیده:

امروزه، محیط زیست مورد تهدید جهانیان بوده و بروز بحران‌های زیست‌محیطی این میزان آگاهی را پدید آورده، که منابع طبیعی جهان روبه به کاهش است. در عصر حاضر نیاز و آفری به توافق درباره چگونگی رفتار نسبت به این سیاره خاکی احساس می‌شود. اگر چه تلاش‌های انجام شده در ارائه نظریه‌ها و رهیافت‌های اخلاق زیست‌محیطی، در جای خود با ارزش‌اند؛ اما، جهان همچنان نیازمند نظریه‌ای جامع در این رابطه است. از منظر قرآن کریم، زمین و محیط زیست آن، از حقی برخوردار است که همگان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند؛ لذا باید به گونه‌ای رفتار شود که ضمن حفاظت از محیط‌زیست، نسل آینده نیز بتوانند از آن استفاده نمایند. انسان به موجب آموزه‌های قرآنی در حوزه محیط زیست موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید، درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت نماید. همچنین در باب منع از اسراف، توصیه‌های قرآن مجید تکیه بر اصلاح، بهسازی و حفاظت از محیط‌زیست دارد. از دیدگاه قرآن، انسان مالک زمین است و توازن رفتار جامعه را در قبال محیط‌زیست خواستار است و پاسداری از محیط‌زیست را به مثابه شکر نعمت و توسعه محیط‌زیست و قناعت تمام افراد جامعه می‌داند. آموزه‌های قرآنی که برای دین‌باوران الزام و تکالیف دینی را به دنبال دارد، می‌تواند انسان دیندار را در حفظ منابع طبیعی و امتناع از تخریب زیست‌محیطی کمک کند. در این مقاله علاوه بر پرداختن به سیمای محیط‌زیست در آموزه‌های قرآنی به نقش این آموزه‌ها در کاهش بحران‌ها و چالش‌های زیست‌محیطی اشاره شده است.

کلمات کلیدی: آموزه‌های قرآنی، اسلام، محیط زیست، سیمای محیط زیست.

مقدمه:

خداوند، سرنوشت بشر را به گونه‌ای رقم زده است که در طبیعت رشد کنند و بدان نیازمند باشند. در آیاتی از قرآن کریم، همه چیز در جهان آفرینش برپایه نظم و عدالت و به اندازه لازم آفریده شده است. (سوره قمر آیه ۴۹). لذا با توجه به رقم زدن سرنوشت بشر در اسلام، طبیعت به عنوان آیه و تجلی الهی مطرح است. در واقع بر اساس قرآن کریم، عناصر عالم وجود، چنان بی‌واسطه به وجود خالق توأنا اظهار دارند که می‌توان آن‌ها را آیه نامید (نقی‌زاده، ۱۳۸۸: ۵۳). هدف نهایی آیات قرآنی در حوزه محیط‌زیست، ساخت محیط برای زیست

محیط‌زیست شامل تمام مواردی می‌باشد که در اطراف ما قرار دارد که روی آن‌ها می‌توانیم تأثیر بگذاریم و آنها نیز ما را متأثر سازند (بخشکی، ۱۳۸۱). بر این اساس، تعریف زاکس از محیط‌زیست به میزان عملکرد منابع طبیعی معطوف گردیده و از طرف دیگر، آن را مرتبط با کیفیت محیط‌زیست می‌داند. همچنین او کیفیت محیط زیست را عاملی مهم در شکل‌گیری کیفیت زندگی بر می‌شمارد (زاکس، ۱۳۷۳). قرآن کریم در بسیاری از آیات، انسان‌ها را به مطالعه طبیعت و عناصر آن فراخوانده است. لذا



اسماعیلی و همکاران (۱۳۸۶)، نویسندگان در مقاله خود تحت عنوان حفاظت محیط‌زیست در اسلام، به بررسی و تفحص در آیات و روایات اسلامی پیرامون حفاظت محیط‌زیست پرداخته‌اند و همچنین بر نقش حیاتی محیط‌زیست در سلامت انسان تأکید نموده‌اند. آن‌ها نشان دادند که جهان هستی، از نظم دقیقی برخوردار بوده و تمامی مخلوقات در تعادل و تناسب و به اندازه آفریده شده‌اند و هر یک از اجزاء و عناصر خلق شده، در بقاء این کره خاکی و در نتیجه ادامه زندگی انسان نقش دارند. اکبری‌راد (۱۳۹۲)، نویسنده در مقاله خود با عنوان نقش تعالیم در کاهش بحران‌های زیست‌محیطی، تخریب محیط زیست در سراسر جهان را یکی از سه دغدغه اصلی انسان بر می‌شمارد. او در مقاله خود تأکید می‌کند؛ از منظر اسلام، مالک مطلق طبیعت و مخلوقات، خداوند متعال و انسان خلیفه او بر روی زمین است. خلیفه و نماینده بودن انسان اقتضا می‌کند که تصرف او در زمین همانند تصرف امانت‌دار باشد.

لغات و اصطلاحات:

اسلام:

از نظر ماهیت؛ اسلام دین صلح، سلامت و آرامش است که در آن به سعادت و خوشبختی انسان‌ها تأکید شده؛ به طوری که در باب معنی اسلام در فرهنگ لغت دهخدا آمده، اسلام عبارت است از: گردن نهادن، اسلام آوردن، مسلمان شدن، فرو گذاشتن، رویانیدن زمین درخت سلم راه، به صلح درآمدن، به سلامتی در آمدن، دین پذیرفتن، اطاعت از امر و نهی خدا (دهخدا، ۱۳۷۳: جلد ۲۸).

محیط زیست:

طبق تعریف سازمان ملل متحد، محیط زیست مأوای کامل انسان تعریف شده است. اما در

نمی‌باشد؛ بلکه محیط باید به حالتی از کمال درآید و انسان در مقام خلیفه‌ی الهی باید بار امانت الهی را که پذیرفته به دوش بکشد. همچنین قرآن، طبیعت را به مثابه موجودی می‌داند هوشمند و دارای ملکوت؛ که اگرچه برای انسان خلق شده است؛ اما انسان نمی‌تواند هرآن گونه که تمایل دارد با آن برخورد و یا از آن استفاده نماید. در گذشته تنها خوی اهریمن‌منشی و تهدیدگونه برای طبیعت و حیات وحش در انسان‌ها وجود داشته است؛ این در حالی است که پس از سپری شدن این دنیای خشن، انسان‌ها از طریق رشد و تکامل خود توانسته‌اند کنترل و مداخله آن را به دست گرفته و بر وظیفه خود بر زمین، آگاهی و تسلط یابند و مقام خلیفه الهی انسان‌ها در زمین، موجبات آرامش، تربیت و سر و سامان دادن به طبیعت و حیات وحش را فراهم نموده است (شکویی، ۱۳۸۲: ۱۵-۱). در رویکرد اسلام و از منظر قرآن، محیط‌زیست آفریده خداوند است و غایت مشخصی دارد. محیط باید به حالتی از کمال درآید و طبیعت، ذی‌شعور است. در آموزه‌های قرآنی، هم به جنبه‌های کمی و هم کیفی طبیعت توجه می‌شود (قلندریان و همکاران، ۱۳۹۵: ۶۲-۷۷).

پیشینه تحقیق:

پوراحمد و حیدری (۱۳۹۵)، مقاله‌ای با عنوان بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای جهان اسلام ارائه دادند. آن‌ها بیان نمودند آلودگی‌های زیست‌محیطی از چالش‌های اصلی و مهم جهان، به ویژه جهان اسلام است. آلودگی محیط‌زیست، پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب و هوا، خاک یا زمین است، به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده، گیاهان، آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد.



هانلی، شوگرن و وایت محیط‌زیست را به مثابه لایه‌ای نازک روی سطح زمین در نظر گرفتند که حیات و زندگی در آن جریان دارد و شامل تمام گیاهان و جانوران روی زمین می‌باشند. بر این اساس بیان داشتند محیط‌زیست شامل تمام اشکال حیات، منابع انرژی و معدنی، استراتوسفر و تروپوسفر می‌شود (Hanley, 1997) در نهایت، محیط‌زیست یک موضوع فراگیر به شمار رفته و به سه بخش کلی تقسیم می‌گردد، اما باید در نظر داشت که این سه بخش همیشه با یکدیگر در ارتباط بوده، نسبت به یکدیگر کنش متقابل داشته و در عالم واقع هرگز از هم تفکیک‌پذیر نیستند.

ضرورت محیط زیست در آموزه‌های قرآنی
موجودات طبیعی از منظر قرآن کریم، موجوداتی بی‌روح و بی‌جان نیستند، بلکه جان داشته و می‌توانند با طبیعت مأنوس شوند. از جمله مهم‌ترین وظایفی که در خلال دستورات و باید و نیایدهای شرع برای مسلمانان مشخص شده، اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. محیط زیست سالم از نیازمندی‌های اصلی انسان برای رشد و تعالی خود محسوب می‌شود و تمام عوامل محیط‌زیست سالم باید در تعادل اکولوژیکی با یکدیگر قرار داشته باشند. خداوند در بسیاری از آیات، توجه انسان‌ها را به مواهب الهی جلب نموده است و در باب حفظ محیط‌زیست و روابط انسان با محیط پیرامون در قرآن سفارشات عدیده‌ای نموده است. طبق آیات الهی، فرایند خلقت موجودات، موزون و در چارچوب عدالت صورت گرفته است، تا بدان‌جا که حقوق حیوانات نیز در نظر گرفته شده است (صباغیان و همکاران، ۱۳۸۹).
با عنایت به اهمیت محیط‌زیست در زندگی بشر پژوهش‌های فراوانی در این زمینه صورت گرفته است. در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و تحقیقاتی

تعریف بوم‌شناختی، محیط زیست عبارت است از محیط زندگی جانداران اعم از انسان‌ها، حیوانات و گیاهان و ... این محیط نه تنها محیط فیزیکی ما را تشکیل می‌دهد، بلکه محیط اخلاقی، فرهنگی و نیز محیط ارتباطی ما را با انسان‌های دیگر، جانداران و نیز عوامل طبیعی تشکیل می‌دهد (دانشنامه رشد، ۱۳۷۵).
روش پژوهش:

این تحقیق از نوع بنیادی بوده و با استفاده از منظر اسلام و آموزه‌های دینی، در مورد شاخص‌های محیط‌زیست به بحث و تبادل نظر خواهیم پرداخت. در این پژوهش مطالب جمع‌آوری شده در قالب روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس رابطه علی و معلولی مورد بررسی قرار خواهند گرفت. برای جمع‌آوری مطالب مختلف از کتب، مقالات، سایت‌های اینترنتی و تهیه فیش‌برداری‌های مرتبط با موضوع مقاله استفاده شد.

محیط زیست

از موجودات زنده به عنوان رکن اصلی محیط‌زیست نام برده می‌شود که هم با یکدیگر و هم با محیط غیرزنده خود ارتباطی متقابل دارند. ارتباط بین موجودات اعم از زنده و غیرزنده در محیط‌زیست برای بقای محیط‌زیستی الزام‌آور می‌باشد. همچنین، این ارتباط دوسویه، تکمیل‌کننده چرخه طبیعی محیط زیست نیز به‌شمار می‌رود. این ارتباطات در محیط‌زیست، شامل ارتباط غذایی (بهره غذایی جانداران از یکدیگر جهت بقا)، ارتباط رقابتی (تلاش و رقابت جهت زنده ماندن و حفظ نژاد و گونه)، ارتباط همزیستی (مهم‌ترین نوع ارتباط بین جانداران جهت حفظ و بقا در تقابل با موجودات مهاجم و عوامل غیرزنده) می‌باشد (شیخی، ۱۳۸۰: ۶۴-۶۳).



بدنه کشتی را در پی داشته باشد. بر این اساس، در نظام تربیتی اسلام از دیده‌بانی و مراقبت از یکدیگر در جامعه و حفاظت و مراقبت از محیط زیست بشر تحت عنوان « امر به معروف و نهی از منکر » یاد شده است. ضرورت حفاظت از محیط زیست در راستای حفظ ارتباط بین موجودات زنده می‌تواند ناشی از حفظ زنجیره حیات، تأمین منابع سالم زندگی، منابع غذایی بسیار بزرگ و منابع اولیه مواد خام باشد. حفاظت از محیط زیست در کشور ما همانند وضعیت و پیشینه آن در جهان از قدمت چندانی برخوردار نیست ولی از لحاظ رویکرد به مسائل محیط‌زیست و تدوین قوانین و مقررات زیست‌محیطی در مقایسه با بسیاری از کشورهای جهان سوم و حوزه غرب آسیا پیشتاز کشورهای دیگر بوده است (دانشنامه رشد، ۱۳۷۵).

سیمای محیط‌زیست در جهان اسلام

متأسفانه امروزه مشکلات محیط‌زیست که از پیشرفت اقتصاد صنعتی ناشی شده، رفته رفته کشورهای اسلامی را با دشواری‌هایی روبه‌رو کرده است. از زمان خاتمه جنگ جهانی دوم تاکنون، رشد سریع مراکز شهری، شهرهای جدیدی را ایجاد کرده است که اغلب مراکز ملی آن مناطق به شمار می‌روند. رشد این شهرها عامل رکود شهرهای دیگر شده است.

همراه با رشد این روند و کاربرد روش‌های نوین تولید صنعتی و حمل و نقل، سطح زندگی شهری بالا رفته است. پیامدهای جدی این رشد سریع بر محیط‌زیست، همیشه به سود مردم منطقه نبوده است. نواحی وسیعی از زمین‌های کشت‌شده یا بالقوه قابل کشت در اثر توسعه بسیاری از شهرها نابود شده است. رشد مراکز جمعیتی، ذخیره منابع موجود محلی، به‌ویژه منابع آشامیدنی را به شدت کاهش داده است.

مربوط به رشته‌های علوم کشاورزی و منابع طبیعی، محققان، اساتید و دانشجویان مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری از منظر رشته‌های مرتبط علمی تحقیقات بسیاری انجام داده‌اند. در مراکز غیر دانشگاهی، همچون سازمان محیط‌زیست، جهاد کشاورزی و سازمان جنگل‌ها و مراتع و منابع طبیعی نیز پژوهش‌های قابل توجهی صورت گرفته و در حال انجام است. با کمی تأمل در منابع دینی، بخصوص قرآن کریم و سخنان ائمه اطهار (ع)، چنین فهمیده می‌شود که آموزه‌های قرآنی بسیاری در مورد منابع طبیعی، از جمله محیط‌زیست و اخلاق مربوط به آن وجود دارد. از این رو، اندیشمندان، محققان و اساتید آشنا به مبانی دینی نیز در هر دوره بی‌توجه به این امر حیاتی نبوده و تحقیقات نسبتاً قابل توجهی، چه در داخل و چه در خارج از کشور انجام داده‌اند.

قرآن کریم را می‌توان به عنوان اولین اثر در این زمینه در نظر گرفت. زیرا که قرآن کتاب هدایت است و از امور طبیعی از جمله مسائل مربوط به طبیعت در این راستا کمک گرفته است و در باب مواجهه با طبیعت سفارش به اعتدال در تولید و مصرف کرده است و آن را از نعمت‌های الهی بر می‌شمارد که در اختیار انسان قرار داده است، حفظ و صیانت از آن را مورد توجه قرار داده است.

حفاظت محیط‌زیست از دیدگاه اسلام

وقتی که محیط زیست در اثر عملکردهای عده‌ای دچار انواع آلودگی‌ها می‌شود و یا وقتی که کره‌ی زمین دچار بحران‌های زیست‌محیطی مختلف می‌گردد، این مسایل گریبان همه‌ی انسان‌ها را خواهد گرفت که باید بهای آن را بپردازند. آثار این‌گونه مسایل اجتماعی، فراگیر است؛ همانند مسافران یک کشتی که اقدام به انجام اعمالی نمایند که سوراخ شدن قسمتی از

**آب:**

از منابع اساسی و ضروری برای انسان محسوب می‌شود و در دین اسلام از اهمیت بسیاری برخوردار است. در اسلام از آب به عنوان موهبت الهی یاد شده و ادامه حیات به حضور آن بستگی مستقیم دارد و در ضمن باعث پاک‌سازی زمین می‌شود (محمدی و حسینی، ۱۳۷۸: ۴۲۴-۴۱۳). از آن چه در آیات و روایات مشخص است اساس و منشأ حیات، آب است. در قرآن کریم آمده است: «هر چیز زنده‌ای را از آب آفریدیم» (قرآن کریم، سوره الزخرف، ۱۱). از نکات اساسی در توجه به این نعمت الهی، چگونگی تهیه و مصرف آن است که در واقع، انتساب یک نوع مدیریت منابع حیاتی مطرح است (Naser et al., 2001).

آب علاوه بر نیاز ضروری برای حیات انسان، برای حیوانات، گیاهان و سایر جانداران نیز حیاتی بوده و مقدار آن در جهان هستی، مشخص و معین است (علویان و فرمحمدی، ۱۳۷۸: ۴۰۹-۳۹۵). هدر دادن و آلوده کردن آب در دستورات الهی شدیداً قدهن شده و در آیات ۷۰-۶۸ سوره واقعه آمده است که «به من خبر دهید آبی که می‌نوشید، آیا شما آن را از ابر باران‌زا، فرود آورده‌اید یا ما؟ اگر بخواهیم آن را تلخ می‌گردانیم، پس چرا سپاسگزاری نمی‌کنید؟» (اسماعیلی و همکاران، ۱۳۸۶: ۵۷).

هوا:

این جزء از محیط‌زیست از لحاظ میزان اهمیت جهت ادامه حیات کمتر از آب نمی‌باشد. خداوند کریم هوا را برای اهداف نامحدود و زیادی آفریده است که در قرآن، بعضی از موارد از قبیل عملیات و فرآیند گرده‌افشانی را برای بشر روشن نموده است (Anubakr et al., 2006).

در مورد نقش با اهمیت و حیاتی باد و هوا، قرآن می‌فرماید: «خداست که بادها را فرستاد تا ابری

آلودگی زباله‌های مراکز شهری مشکل دیگری است که در سراسر سرزمین‌های اسلامی وجود دارد. روش‌های انتقال زباله، معمولاً روش‌هایی عقب‌مانده‌اند. شیوه متداول این است که زباله‌های خانگی یا صنعتی در نزدیک‌ترین آبراه‌های اطراف شهر یا روستا، صرفنظر از این‌که آبراه‌ها خشک باشد یا در آن جریان آب وجود داشته باشد، تخلیه می‌شود یا این‌که یکسره به بیرون شهر انتقال می‌یابد. از این‌رو، خطر شیوع بیماری، بسیار تهدیدکننده است. متأسفانه، آلودگی جوی هم اکنون ویژگی محیط‌زیست شهری در بسیاری از کشورهای اسلامی است. دود ناشی از سوخت اتومبیل شاید بزرگ‌ترین و تنها عامل ایجاد آلودگی باشد. اما مصرف خانگی و صنعتی هیدروکربن‌ها نیز عامل مهم دیگری به‌شمار می‌رود. مشکل دیگری که با اتومبیل و آلودگی هوا ارتباط نزدیکی دارد، افزایش سر و صدا در محیط‌های شهری و تأثیرات مخرب آن بر ساکنان شهر است. از این دیدگاه، بازدید از شهرهایی چون قاهره و تهران و کار کردن در آن‌ها به همان اندازه ناخوشایند و خالی از لذت است که زندگی در لندن و نیویورک (رحم بزی، ۱۳۸۹: ۵).

اجزاء محیط‌زیست از منظر آموزه‌های قرآن

بر اساس آیات و روایات می‌توان گفت که تمامی مقررات زیست‌محیطی به نحوی در کلام خداوند باری تعالی، فرستاده او (خاتم انبیاء) و ائمه معصومین (ع) گنجانده شده و در واقع اساس و بنیاد علوم مختلف در دین اسلام آمده، اما استخراج و استفاده از آن‌ها برحسب شرایط روزگار به عهده علما و اندیشمندان گذاشته شده است (Farooq, 2006: 7). بنابراین اجزاء مهم و اصلی محیط‌زیست از منظر اسلام، شامل آب، خاک، هوا، گیاهان و حیوانات به ترتیب مورد بحث قرار می‌گردد:



پس انسان باید به خوراکش با تأمل بنگرد. ما از آسمان آب فراوانی فرور ریختیم. سپس زمین را به صورتی سودمند از هم شکافتیم. پس در آن دانه‌های فراوان، انگور، سبزیجات، زیتون، درخت خرما و بوستان‌های پر از درخت تناور و بزرگ و چراگاه رویاندیم، تا مایه برخورداری شما و دام‌هایتان باشد». به طور کلی در قرآن و احادیث، فواید گوناگون و زیاد گیاهان و حیوانات را با تعبیرهای بسیار دقیق بر شمرده‌اند. گیاهان و حیوانات، زیبایی خاص و جلوه‌های غیرقابل وصفی را به محیط پیرامون انسان می‌دهند که انسان با سیر کردن در آن‌ها، تازه و شاداب می‌شود (کرباسی، ۱۳۷۸: ۴۸۱-۴۶۵).

علل وجود ناهنجاری‌های محیط زیست

امروزه با توجه به افزایش سریع جمعیت و شدت فشارهای وارده بر منابع طبیعی، مشکلات زیست‌محیطی در بخش وسیعی از جهان و از جمله کشورهای اسلامی پدیدار گردیده است. اگرچه برخی از این مشکلات، منشأ طبیعی دارند، لیکن بسیاری از آن‌ها، ناشی از عدم آگاهی از رابطه انسان و محیط و روش‌های نادرست بهره‌برداری از منابع محیطی است. با وجود دستورات عالیه قرآن کریم و سایر منابع اسلامی در زمینه نحوه رفتار و بهره‌برداری صحیح و اصولی از امکانات و منابع محیطی، متأسفانه شاهد ناهنجاری‌های بسیاری در محیط زیست سرزمین‌های اسلامی هستیم که عمدتاً ریشه در علل و عوامل ذیل دارند:

۱- عدم آگاهی و بی‌توجهی به اصول و قوانین عالیه اسلامی و درست بکار نبستن آن‌ها؛ در این زمینه الطنطاوی، مفتی الازهر مصر بیان دارد که: « انحطاط مسلمین و ترقی اروپا از یک نقطه شروع و آن اعراض از دین است. ما از دینی که سعادت‌بخش بود رو برگرداندیم، زبون و خوار شدیم و آن‌ها از اوهام و خرافاتی که به نام دین

را براگیزند، پس ما آن را به سوی سرزمین مرده راندیم و زمین را پس از مردگی‌اش به وسیله آن زنده کردیم». همچنین بادها شواهد روشنی از عظمت و لطف خداوند متعالی است و این نشان‌دهنده طراحی و نظم بدون عیب و نقص عالم هستی، توسط خالق اوست (عسگری، ۱۳۷۸: ۴۳۵-۴۴۶).

خاک و زمین:

از مواد معدنی موجود در پوسته زمین تشکیل شده، به طوری که اجزاء موجودات زنده (گیاهان و جانوران) از آن‌ها ساخته شده است. قرآن کریم می‌فرماید: «از نشانه‌های قدرت و ربوبیت او، این است که شما را از خاکی (بی‌جان) آفرید؛ پس اکنون بشری هستید که روی زمین پراکنده و منتشرید» (قرآن کریم، سوره روم، ۲۰). همچنین می‌فرماید: «انسان را از گل خشکیده‌ای هم چون سفال آفریدیم» (قرآن کریم، سوره الرحمن، ۱۴).

قرآن کوه‌ها را لنگرهایی می‌داند، تا به منظور آرامش انسان، زمین را از لرزاندن باز دارد و زمین را به عنوان فرشی گسترده معرفی نموده است که ابناء بشر، در آن سکنی می‌کنند و از نعمات و برکات آن بهره‌مند می‌شوند (میرهندی و نیک‌آئین، ۱۳۷۸: ۳۲۱-۳۲۱).

گیاهان و حیوانات

بدون حضور حیوانات و گیاهان، حیات انسان‌ها و سایر گونه‌های دیگر، غیر ممکن می‌گردد. در واقع، خلق هیچ‌یک از آن‌ها عبث و بیهوده نبوده و به دلیل وجود تفاوت‌های آشکار و پنهان در آن‌ها، غیرقابل جایگزین هستند. گیاهان با استفاده از نور خورشید و منابع معدنی موجود در خاک و آب، به عنوان تولیدکنندگان واقعی در عالم خلقت محسوب می‌شوند (Anubakr et al., 2006). این در حالی است که خداوند در آیات ۳۲-۲۴ سوره عبس چنین می‌فرماید: «



وجود چنین احکامی برای هر سیستم حقوقی که ادعای کامل بودن و قابل انطباق بودن با هر زمان و مکان و هر جامعه‌ای را دارد، لازم است (میرابراهیمی، ۱۳۸۹: ۱۴۸).

اگر حاکم جامعه اسلامی نتواند براساس اصول و موازین فقهی حکم موضوعی را تعیین کند، به اصل دخالت دولت و مصلحت نظام متوسل می‌شود. بر اساس این اصل، هرگاه بین دو یا چند قاعده و قانون، تعارض و اختلافی پیش آید، آن قاعده و قانونی باید مورد استناد قرار گیرد که منافع جامعه را بهتر و بیشتر حفظ می‌کند؛ مثلاً اگر بین یکی از اصول و قوانین زیست محیطی و یکی از قوانین جامعه تعارضی پیش آید، حاکم با توجه به اصل منفعت عمومی باید ببیند که کدامیک بیشتر حافظ منافع همگانی است و چون قوانین زیست محیطی، منافع جامعه را بیشتر از منافع خصوصی تأمین می‌کند، حاکم باید به آنها استناد کند (تقی زاده انصاری، ۱۳۷۴: ۴۵).

چالش‌های زیست محیطی جهان اسلام

در حال حاضر مسائل محیط زیستی یکی از مهم‌ترین مسائل مطرح در سطح جهانی و ملی در بسیاری از کشورهای دنیاست. داشتن اطلاعات کافی از وضعیت محیط زیست کشورها و بررسی روند تغییرات محیط زیستی یکی از موضوعات مورد توجه مجامع جهانی طی سال‌های اخیر بوده است. آلودگی‌های زیست محیطی نیز، از چالش‌های اصلی و مهم جهان، به ویژه جهان اسلام است.

جنگل‌زدایی و افزایش گاز CO₂ در اثر تخریب جنگل‌ها و افزایش آلودگی هوا، مشکلات زیست محیطی ناشی از پروژه‌های عظیم استخراج معدن، وجود رویدادهای جوی نامطلوب و آسیب‌پذیری منطقه در برابر صدمات ناشی از طوفان، افزایش خطرات زیست محیطی

پذیرفته بودند، دست برداشتند و جلو رفتند» (سعیدی رضوانی، ۱۳۶۷: ۳۳).

۲- بی‌اعتنایی حکام و زمامداران ممالک اسلامی به اجرای دقیق اصول اسلامی از جمله در زمینه حفاظت از محیط‌زیست، به گونه‌ای که خود دولت‌ها نیز عاملی در تخریب جنگل‌ها، بهره‌برداری بیش از حد از منابع و ذخایر زیر زمینی، آتش افروزی جنگ‌ها و ... هستند.

۳- گسترش روز افزون روحیه فردگرایی و توجه به منافع آنی و فردی، به جای توجه به منافع عمومی و جمعی.

۴- ضعف علمی و تکنولوژیکی، باعث ناآگاهی و در پرده ابهام ماندن بسیاری از واقعیات تلخ زیست محیطی در جوامع اسلامی شده است.

۵- وجود روحیه خرافه‌گرایی در بین برخی گروه‌های اسلامی باعث رفتار نامناسب با طبیعت و محیط زندگی شده است.

۶- گسترش روحیه دنیاگرایی محض در بین مسلمانان.

۷- نقش استعمار در نابودی منابع کشورهای اسلامی و بروز آلودگی‌های زیست محیطی، مانند غارت منابع نفتی کشورهای حاشیه خلیج فارس و نیز تبعات ناگوار جنگ خلیج فارس در سال ۱۹۹۱ میلادی.

احکام کلی و عام در مورد محیط‌زیست

هدف اصلی از حفاظت محیط زیست جلوگیری از صدمه و آسیب رسیدن به عناصر طبیعی (آب، خاک، هوا و موجودات زنده) است و هر عملی که بر خلاف آن صورت گیرد باید مورد تعقیب و پیگرد قرار گیرد. در اسلام احکام کلی و عامی وجود دارد که می‌توان با استناد به آنها به هدف مذکور رسید؛ چرا که این احکام را بنا به مقتضیات زمانی می‌توان با مسائل روز تطبیق داد و اصولاً علت وجودی آنها حل مشکلاتی است که با گذشت زمان به وجود می‌آید و البته،



منطقه به علت جنگل‌زدایی، برداشت دائم و چراندن بیش از حد مراتع توسط مردم چوپان در منطقه ساحل، تهدید امنیت غذایی و انسانی در منطقه به علت تغییرات جوی و کویرزایی اشاره کرد (پوراحمد و حیدری، ۱۳۹۵: ۱۶۶-۱۶۵).

کاهش بحران‌های زیست محیطی از منظر قرآن کریم

بحران محیط زیست، مشکل اصلی و دغدغه خاطر بشریت امروز را تشکیل می‌دهد. مواجهه خشن و بی‌رحمانه با طبیعت در قرون اخیر ناشی از انگیزه توسعه‌طلبی، فزون‌خواهی و بهره‌وری بی‌رویه از منابع اولیه است، آلوده کردن دریاها، سوزاندن جنگل‌ها، گرم‌شدن آب و هوای کره زمین و تخریب لایه اوزون، سرانجام او را از خواب غفلت بیدار کرده است. ناله معصومانه پرندگان رو به زوال در اثر شکار مترفانه، انقراض گونه‌های زیستی، خاموشی نفس مرغان هوایی، مرگ و میر ماهیان و نهنگ‌های دریایی، تخریب وسیع زیستگاه‌ها و خشک شدن محیط‌های آبی، زنگ خطر جدی برای ادامه حیات در این کره مسکون است. این فجایع از پیامدهای زیاده‌طلبی و سرانجام زندگی سلطه‌جویانه و انحصار گرایانه‌ای می‌باشد که گویی حیات هیچ مخلوق دیگری روی کره خاکی اهمیتی ندارد (اکبری‌راد، ۱۳۹۲: ۷۹-۷۳).

از منظر قرآن کریم مالک و خالق یگانه، طبیعت و مخلوقات خداست. انسان خلیفه خدا بر روی زمین است. خلیفه و نماینده بودن انسان به طور طبیعی اقتضا می‌کند که تصرف او در زمین همانند تصرف امانت‌دار در امانت باشد. زمین از آن خدا و مردم همه بندگان او هستند. بنابراین، برای هیچ کس مالکیت دائمی قرار داده نشده است. طبیعت و محیط‌زیست در همه ابعاد خود ملک خاص هیچ یک از نسل‌های بشری نیست،

ناشی از تغییرات اقلیمی، از جمله چالش‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای آسیای جنوب شرقی به شمار می‌آیند. همچنین، رشد مداوم جمعیت و صنعتی‌سازی سریع، ورود آب آلوده به رودخانه‌ها، کاسته‌شدن آب رودخانه‌ها به علت بسته شدن سد بر روی آن‌ها، تخلیه سفره‌های زیرزمینی آب منطقه، کاهش سرانه سالانه آب در دسترس، آسیب‌پذیری چندین دلتای ساحلی، افزایش خطرات ناشی از گرمایش جهانی، از چالش‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای آسیای جنوبی و مرکزی می‌باشند. علاوه بر این‌ها، از چالش‌های زیست‌محیطی جنوب غربی آسیا /خلیج فارس، نیز می‌توان به آلودگی شدید هوا و آب، اختصاص بیش‌ترین مصرف سرانه آب در جهان در پیشرفته‌ترین کشورهای حاشیه خلیج و روی آوردن آن‌ها برای تأمین آب آشامیدنی خود به تصفیه آب دریا، خشک‌شدن تالاب‌ها و مرداب‌های عراق، کمبود آب در تمام کشورهای خاورمیانه به جز عراق، رویدادهای نامطلوب جوی در نتیجه تغییرات جوی و آلودگی هر چه بیشتر مناطق دریایی و ساحلی اشاره کرد. علاوه بر کشورهای آسیایی، در کشورهای آفریقای شمالی و ساحل نیز چالش‌ها و آلودگی‌های زیست‌محیطی وجود دارد. از جمله این چالش‌ها، می‌توان به کمبود آب دائمی، وجود طبیعت صحرایی بیش از سه چهارم آفریقا و پیشروی هرچه بیشتر بیابان‌ها، گسترش آلودگی در سراسر منطقه به علت افزایش تراکم جمعیت، شهری‌سازی و صنعتی‌سازی، تأثیرات جدی تغییرات جوی بر آفریقای شمالی از جمله کاهش دسترسی به آب، افزایش میزان تخریب طوفان‌های شن و گرد و خاک در مناطقی چون مصر و سودان، ضعیف‌بودن خاک منطقه و دشواری کشاورزی پایدار، در معرض خطر واقع شدن اکوسیستم

**نتیجه‌گیری:**

دین اسلام به محیط‌زیست از جنبه معرفت‌شناسی الهی و با سه دیدگاه عمده می‌نگرد: دیدگاه حفاظت، دیدگاه بهره‌برداری و دیدگاه توسعه پایدار.

دیدگاه قرآن در حوزه محیط زیست، تنوع و فراوانی آموزه‌ها در حفاظت محیط زیست را نشان می‌دهد و انسان به موجب این احکام، موظف است از آلوده کردن آب و خاک پرهیز نماید، به پدر و مادر خود مهربانی کند، باید درخت بکارد و حیوانات را با رأفت و مهربانی تربیت نماید.

بر اساس آیات قرآن کریم، می‌توان گفت که تمامی مقررات زیست‌محیطی به نحوی در کلام خداوند باری تعالی گنجانده شده است. بر این اساس، اجزاء مهم و اصلی محیط‌زیست از منظر اسلام، شامل آب، خاک، هوا، گیاهان و حیوانات می‌باشند.

اسلام در زمینه اخلاق زیست‌محیطی، رفتار تک‌تک افراد جامعه را به گونه‌ای در نظر گرفته است که به جامعیتی متوازن برسد که در طبیعت این حالت را «وضعیت متعادل» می‌نامند. لذا قرآن کریم در سوره اسراء این گونه بیان می‌دارد که برای داشتن محیط سالم، نیاز به جسم، روان و اجتماع سالم می‌باشد و از سوئی دیگر پاسداری از محیط‌زیست بایستی با شکر نعمت و توسعه محیط‌زیست و قناعت تمام افراد جامعه همراه باشد.

پیوند انسان با طبیعت نوعی ارتباط اشتراکی و قراردادی برای تولید و مصرف و ادامه زندگی بوده است. انسان با تغییر در فن‌آوری‌ها همواره محیط زیست خود را تغییر می‌دهد و برای زندگی در محیط‌زیست تغییر یافته حاصل از پیشرفت علم و فن‌آوری، نیازمند آموزش و آگاهی است تا ارتباط مناسبی با محیط زیست پیرامون

تا هر طور که خواست در آن تصرف کند. محیط و طبیعت میراث همه بشر و پشتوانه و اعتبار دائمی همه انسان‌هاست، که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. هیچ نسلی اجازه ندارد از طبیعت به نفع خود استفاده‌هایی بی‌جا کرده و آن را فرسوده، ضایع و آلوده کند. چنین رفتاری مغایر چیزی است که خداوند از ما خواسته است. لازمه امانت‌داری این است که همچنان که ما این محیط را پاک و سالم از نسل‌های پیش تحویل گرفته‌ایم، پاک و سالم به نسل بعد خود بسپاریم (اکبری‌راد، ۱۳۹۲: ۷۹-۷۳).

از دیدگاه قرآن کریم همان طور که انسان دارای کرامت است، همه‌ی موجودات طبیعت نیز مقدس‌اند؛ زیرا همه‌ی اجزای طبیعت تسبیح‌گوی حق هستند. بر این اساس، انسان در مقابل همه چیز، از جمله حیوانات و طبیعت اطراف خود مسئولیت دارد. مهم‌ترین وظیفه انسان در قبال طبیعت اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. یکی از وجوه اصلاح زمین، عمران و آبادی است. منظور از عمران در زمین تأمین اصول زیست محیطی برای حیات همه موجودات زنده است. احکام اسلام درباره محیط‌زیست، فراوان و متنوع است. انسان به موجب این احکام موظف است از آلوده کردن آب و خاک و هوا پرهیز کرده، درخت کاشته و با حیوانات با رأفت و مهربانی رفتار کرده، از آنان حمایت کند و تنوع زیستی را برهم نزند (همان، ۱۳۹۲: ۷۳-۷۹).

اگر با وجود تأکیدات دین مبین اسلام بر پاکیزگی، نظافت، رعایت حقوق طبیعت و تمامی زیست‌مندان آن، باز هم شاهد ناهنجاری‌های زیست‌محیطی در کشورمان هستیم؛ شاید به این دلیل است که مردم و مسئولان از آموزه‌های دینی یا آگاهی ندارند و یا اگر آگاهی دارند به آنها عمل نمی‌کنند.



- ۱- استفاده از طبیعت با رضایت مالک حقیقی (خداوند) مجاز است؛
 - ۲- انسان در مقام خلیفه الهی باید بار امانت الهی را که پذیرفته به دوش بکشد؛
 - ۳- انسان به عنوان خلیفه خدا برای سعادت بیش‌تر باید به تعالی طبیعت کمک کند؛
 - ۴- حق به تنهایی وجود ندارد و حقوق و تکالیف به هم آمیخته است؛
 - ۵- ضایع نمودن و تخریب محیط‌زیست تجاوز محسوب می‌شود.
- خود برقرار کند. در آموزه‌های قرآنی، انسان مسئول حفظ و نگهداری محیط‌زیست قلمداد می‌شود و داشتن محیط زیست سالم و مناسب به انسان کمک می‌کند تا جهت تحقق توسعه در حوزه زیست‌محیطی؛ به دستورات قرآنی در این حوزه گوش فرا دهد.
- رویکرد قرآن و دین مبین اسلام در مورد رابطه انسان و محیط‌زیست بر اساس اصول زیر استوار است:

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. اسماعیلی، عباس؛ رضائیان، محسن؛ وزیری‌نژاد، رضا؛ طباطبایی، سید ضیاء، سالم، زینت و مهدیان، فرشته. حفاظت محیط زیست در اسلام، ویژه‌نامه اولین همایش بهداشت در آموزه‌های پیامبر اعظم (ص)، مجله دانشگاه علوم پزشکی رفسنجان، دوره ششم، ۱۳۸۶. صص ۵۵-۶۰.
۳. اکبری‌راد، طیبه. نقش نعالیم اسلام در کاهش بحران‌های زیست‌محیطی، محیط‌شناسی، سال سی و نهم، شماره ۱، ۱۳۹۲. صص ۷۳-۸۰.
۴. پوراحمد، احمد و حیدری، رقیه. بررسی آلودگی‌های زیست‌محیطی در کشورهای جهان اسلام، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال ششم، شماره اول، ۱۳۹۵، صص ۱۷۰-۱۴۳.
۵. تقی زاده انصاری، م. حقوق محیط زیست در ایران، سمت، ۱۳۷۴.
۶. دهخدا، علی اکبر، فرهنگ لغت، جلد ۲۸، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۷۳.
۷. رحم بزی، خدار. تأملی بر محیط زیست و پایداری آن در جهان اسلام، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، ۱۳۸۹.
۸. زایکس، اینیاسی، بوم‌شناسی و فلسفه توسعه، ترجمه سید حمید نوحی، موسسه فرهنگی کیان، چ اول. ۱۳۷۳. صص ۵۸-۵۹.
۹. سعیدی رضوانی، عباس. بینش اسلامی و پدیده‌های جغرافیایی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد، ۱۳۶۸.
۱۰. شکویی، حسین. فلسفه‌های محیطی و مکتب‌های جغرافیایی، انتشارات موسسه جغرافیایی و کار توگرافی، ۱۳۸۲.
۱۱. شیخی، محمدتقی. جامعه‌شناسی شهری، نشر انتشار، تهران، ۱۳۸۰.
۱۲. ضباغیان، سمیه؛ حمیدپناه، زهرا و حمیدپناه، سمیه. جایگاه محیط زیست در اسلام. چارمین همایش و نمایشگاه تخصصی مهندسی محیط زیست، تهران، ۱۳۸۹.
۱۳. عسگری، فریدون. منابع طبیعی از دیدگاه قرآن کریم و احادیث، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط‌زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸. صص ۴۴۶-۴۳۵.
۱۴. علویان، زهرا و فرمحمدی، سیف‌الله. حفاظت از اکوسیستم‌های طبیعی و قوانین اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط‌زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸. صص ۴۰۹-۳۹۵.
۱۵. قلندریان، ایمان؛ تقوایی، علی‌اکبر و کامیار، مریم. مطالعه تطبیقی رابطه‌ی انسان و محیط زیست در تفکر توسعه‌ی پایدار و تفکر اسلامی، فصلنامه پژوهش‌های معماری اسلامی، شماره دهم، سال ۴، ۱۳۹۵.
۱۶. کرباسی، حسین. نگرشی به محیط زیست از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط‌زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸. صص ۴۸۱-۴۶۵.



۱۷. محمدی، زهره و حسینی، میترا. آب از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط‌زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸. صص ۴۲۴-۴۱۳.
۱۸. میرابراهیمی، سید علی. محیط زیست و استراتژی حقوق اسلامی، مجله چشم‌انداز جغرافیایی، سال پنجم، شماره ۱۲، ۱۳۸۹. صص ۱۵۲-۱۳۸.
۱۹. میرهندی، حسین و نیک‌آئین، مهن. منزلت آب و خاک از دیدگاه اسلام، مجموعه مقالات همایش اسلام و محیط‌زیست، تهران، سازمان حفاظت محیط زیست، ۱۳۷۸. صص ۳۳۱-۳۲۱.
۲۰. نقی‌زاده، محمد. میانی هنر دینی در فرهنگ اسلامی، جلد اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۸.
۲۱. یخکشی، علی. شناخت، حفاظت و بهسازی محیط زیست ایران، تهران، موسسه آموزش عالی علمی-کاربردی جهاد کشاورزی، ۱۳۸۱.
22. Abubakr, B, Abdullatif El-S, Mohamad Al-G, and Mawil S. Environmental Protection in Islam, 2006.
23. Farooq, H, Islam: Environmental Protection, Pakistan Ecology Council at the Karachi Hall, Lahore High Court Bar Association, 2006.
24. Hanley Nick, Jason F. Shgren, Ben Whith: Environmental Economics in Theory and Practice, 1997, pp 1 - 13.
25. Naser, I., Faruqui, A.K., Biswas, Y and Murad, J. Water Management in Islam, 2001.

بررسی حق بر محیط زیست سالم در پرتو کرامت انسانی از منظر قرآن

فاطمه پیرامن

استادیار، گروه حقوق، واحد ایلام، دانشگاه آزاد اسلامی، ایلام، ایران (نویسنده مسئول: piramanf@yahoo.com)

چکیده

حق بر محیط زیست سالم یکی از حقوق بشری است که در تقسیم بندی حقوق بشر، در نسل سوم حقوق بشر مقوله بندی می شود. دین مبین اسلام بویژه آموزه های قرآنی بر حفظ و صیانت از محیط زیست برای بهره مندی بشر تأکید ویژه دارد اما آن جایی که انسان راه تعدی و تفریط را در پیش گیرد او را محدود می سازد. از طرف دیگر اصل کرامت انسانی که به معنای ارزش ذاتی برابر همه افراد بشر فارغ از ویژگی های عرضی است، از مباحث اساسی در حوزه علم حقوق است و در اسلام نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است. مقاله پیش رو با رویکرد توصیفی-تحلیلی در پی یافتن پاسخ این پرسش است که آیا مقتضیات اصل کرامت انسانی(حق حیات، برابری، آزادی و امنیت) تضمین کننده ی حق بر محیط زیست سالم هستند؟ برای پاسخ به پرسش فوق، پس از بسط فضای مفهومی مورد تحقیق، رابطه مقتضیات اصل کرامت انسانی با تضمین حق بر محیط زیست سالم مورد بررسی قرار گرفت و نهایتاً یافته های پژوهش نشان داد که تضمین حق بر محیط زیست سالم با اصل کرامت انسانی و مقتضیات آن ارتباط مستقیم دارد، در واقع با تحقق مقتضیات اصل کرامت انسانی، حق بر محیط زیست سالم به نحو مؤثری مورد تضمین و صیانت قرار می گیرد.

واژگان کلیدی: حق، محیط زیست سالم، کرامت انسانی، حیات، برابری، امنیت، آزادی

مقدمه

مناسب در اجرای قواعد بین المللی، اجرای قوانین زیست محیطی جهانی بستگی به اراده و تصمیمات داخلی کشورها دارد. در تعالیم دین مبین اسلام علی الخصوص در قرآن کریم محیط زیست و حق انسان ها در داشتن محیط زیست سالم برای زندگی تأکید شده است. در قرآن کریم از انسان به عنوان خلیفه الله نام برده و طبیعت مسخر انسان قرار داده شده و انسان امانت دار این مواهب الهی قلمداد می گردد که باید آن را به نسل های بعدی منتقل کند. هم چنین قرآن کریم در آموزه های خود بر مصونیت طبیعت و عدم تعدی و تجاوز به آن تأکید کرده است. حفاظت از محیط زیست به معنای آن نیست که هیچ گونه بهره برداری از محیط زیست صورت نگیرد، زیرا در این صورت توسعه ی اقتصادی بی معنا خواهد بود. بلکه مقصود از

محیط زیست، بستر زندگی بشر است و حق بر داشتن محیط زیست سالم، از حقوق بنیادین بشری است. این حق از مصادیق نسل سوم حقوق بشر و از جمله ی حقوق همبستگی است، که امروزه با تخریب محیط زیست، این حق بنیادین در معرض تهدید و گاه نقض قرار گرفته است. بنابراین حفظ و احیای محیط زیست یکی از اساسی ترین اهداف کشورها را تشکیل می دهد و تصویب قواعد بین المللی و برگزاری گردهمایی های متعدد و رو به افزایش در سطح بین المللی اهمیت هر چه بیشتر موضوع محیط زیست جهانی را نشان می دهد و با تصویب قواعد بین المللی حمایتی، بشریت در تلاش است که از این تهدیدها و تخریب های زیست محیطی بکاهد که البته به دلیل عدم ضمانت اجرای



کرامت انسانی می‌تواند موجبات تضمین حق بر محیط زیست سالم را فراهم آورد؟

حق بر محیط زیست سالم در قرآن

خداوند در قرآن کریم، همه آنچه مورد نیاز زندگی بشر است را بیان فرموده است. همانگونه که در آیه ۳۸ سوره انعام می‌فرماید: «...مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ...» ما در این کتاب از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم.

حق بر محیط زیست سالم نیز یکی از نیازهای زندگی بشر است و با بررسی آیات، روشن می‌شود که محیط زیست به عنوان یکی از مباحث حیاتی مورد توجه قرار گرفته است و آیات بی شماری اختصاص به محیط زیست دارند.

قرآن کریم تنها به نگاه ظاهری در خصوص طبیعت نمی‌پردازد بلکه ضمن بیان اصول و جزئیات نحوه ارتباط انسان با محیط زیست، چگونگی تعامل با آن را بیان می‌نماید (قدیر، ۱۳۹۴).

خداوند در آیه ۲۹ سوره بقره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا...» و خداست آفریننده‌ای که همه آنچه در زمین است را برای شما آفرید... و در آیه ۱۰ سوره اعراف می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ...» و شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسایل معیشت شما را در آن فراهم کردیم.

آیاتی با این مضمون در قرآن فراوان است که دلالت بر این دارند که خداوند محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها و در همه زمان‌ها وجود دارد. (همان، ۱۱۳)

البته با توجه به قاعده ملازمه حق و تکلیف، در کنار این حق بر محیط زیست که خداوند برای انسان قرار داده، تکلیف نیز ایجاد می‌شود مبنی

حفاظت، مدیریت صحیح در چگونگی مصرف انسان از بیوسفر است، به طوری که هم بیشترین استفاده ممکن از منابع را برای نسل حاضر فراهم کند و هم ذخیره منابع را برای برآوردن نیاز نسل‌های آینده نگهداری کند. از این رو حفاظت از محیط زیست هیچگونه تباینی با بهره‌وری اصولی از طبیعت و توسعه اقتصادی ندارد (مشهدی، ۱۳۹۹). از طرفی کرامت انسانی (کرامت انسانی ذاتی)، مفهومی است جهان‌شمول و هر انسانی فارغ از ویژگی‌های عرضی چون نژاد، زبان، مذهب و ... دارای ارزش و منزلت ذاتی است. به این معنا که هر انسانی دارای حرمت است و باید در جامعه به طور محترمانه زندگی کند. این ملاحظه حتی در تدوین و اجرای قوانین باید مورد توجه گیرد و نباید به گونه‌ای عمل شود که با کرامت انسانی ذاتی همخوانی نداشته باشد (افتخاری، ۱۳۹۲).

اصل کرامت انسانی مقتضیاتی دارد که عبارتند از: حق حیات، آزادی، برابری، امنیت که تحقق اصل کرامت انسانی در گرو تحقق مقتضیات آن است و عدم توجه به هر کدام از این الزامات خدشه دار شدن کرامت انسانی را به دنبال خواهد داشت. در دیدگاه قرآن کریم، خداوند سبحان از روح خود در انسان دمیده است و از چنان منزلتی برخوردار است که خداوند دیگر موجودات را برای او آفریده است و همه این امور بیانگر این حقیقت است که خداوند تا آنجا انسان را برتری داده که به فرشتگان دستور داده تا به انسان تعظیم کنند. پس انسان از کرامت و فضیلت ذاتی برخوردار است و این کرامت در مقام انسانیت اوست. پس از طرح مقدمه فوق اکنون پرسشی که مطرح است این است که دیدگاه قرآن کریم در زمینه حق بر محیط زیست سالم در پرتو اصل کرامت انسانی چیست؟ در واقع این مقاله تلاش دارد به این پرسش بنیادین پاسخ دهد که آیا مقتضیات



ممنوعیت تعدی و تجاوز به محیط زیست
بررسی آیات متعدد در قرآن نشانگر این امر بود حق بر محیط زیست سالم، از حقوق بشری است که قرآن کریم هم بر آن دلالت دارد اما همان گونه که گذشت در برابر این حق، تکلیفی هم برای انسان‌ها وجود دارد و آن هم عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسل‌های آینده است.

خداوند در قرآن کریم در رابطه با این تکلیف، احکامی را مقرر داشته است. در آیه ۵۶ سوره اعراف می‌فرماید «وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا...» هرگز در زمین پس از آنکه کار آن (به امر حق و شرع رسول حق) نظم و صلاح یافت به فساد و تباهکاری برنخیزید.

روشن است که هر رفتاری که ماهیت زیست محیطی را دچار اخلال کند، مصداق حق الناس خواهد بود و از آنجا که طبق بیان قرآن منابع محدود است، انسان حق اسراف و تبذیر را در استفاده از محیط زیست ندارد. (هاشمی علی آبادی، ۱۳۹۸)

بنابراین خداوند آباد کردن محیط زیست را از وظایف انسان برشمرده است و در نتیجه هر عملی از سوی انسان نسبت به محیط زیست که این آبادانی را به مخاطره اندازد ممنوع است و قطعاً آلوده سازی محیط زیست، از مصادیق رفتارهای فسادانگیز در زمین است چرا که حق بر داشتن محیط زیست سالم برای سایر انسان‌ها را خدشه دار می‌کند.

خداوند در آیه ۸۶ سوره مائده می‌فرماید: «وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ» و آنان که کافر شدند و تکذیب آیات ما نمودند ایشان اهل جهنمند.

با توجه به آیه فوق، بشری که از طریق فساد و تباهی از حدود مرزها، پیمان الهی را بگسلد و

بر اینکه انسان وظیفه دارد به گونه ای از این حق استفاده کند که به حقوق دیگران لطمه ای وارد نگردد.

عناصر محیط زیست، مخلوقات برای انسان
خداوند در آیاتی از قرآن تاکید بر این موضوع دارد که عناصر محیط زیست هم، تماما برای انسان افریده شده است. در آیه ۵ سوره نحل می‌فرماید: «وَاللَّائِمَاتُ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنَافِعُ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ» خداوند چهارپایان را افرید که برای شما از آن‌ها گرما و سودهای دیگر فراهم می‌آید و از آن می‌خورید.

هم چنین در آیه ۱۰ سوره نحل می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ...» او خدایی است که از آسمان‌ها آب فرستاد که از آن می‌آشامید و بدان درخت و گیاه می‌روید که در آن دام‌های خود را می‌چرانید.

و بسیار آیات دیگر در قرآن که تمام آنها حاوی یک پیام برای بشریت هستند و آن اینکه آنچه از عناصر طبیعت در روی زمین است برای انسان هاست.

محیط زیست، مسخر انسان

در برخی آیات قرآن که در رابطه با محیط زیست هستند از واژه «تسخیر» در مورد عناصر محیط زیست برای انسان به کار رفته است و همه موجودات و عناصر طبیعت من جمله آفتاب و ماه، باد و باران، کوه‌ها و دره‌ها، جنگل‌ها و سبزه زارها، حیوانات و همه منابع زمینی در خدمت و مسخر انسان قرار گرفته است.

با این همه تصرف در محیط زیست باید به گونه ای باشد که انسان را در جهت دست یابی به حیات طیبه و توسعه تعادل که ضامن ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند. (نجفی، ۱۳۹۹)



. سوره اسراء آیه ۷۰ «ولقد کرمنا بنی آدم و حملناهم فی البر و البحر و رزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلاً» و ما انسان را کرامت بخشیدیم.... بنابراین انسان‌ها از کرامتی اعطایی از جانب خداوند برخوردارند.

هم چنین در آیه ۴ سوره تین می‌فرمایند: «لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَن تَقْوِيمٍ» منظور از این آیه آن است که: تمامی جهات وجود انسان و همه شئونش مشتمل بر تقویم است. معنای «تقویم انسان» آن است که او را دارای قوام کرده باشند و «قوام» عبارت است از هر چیز و هر وضع و هر شرطی که ثبات انسان و بقایش نیازمند بدان است. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۲۰، ۵۴۰)

آیه ۱۴ از سوره مؤمنون نیز کرامت انسانی را مورد اشاره قرار داده است. «ثُمَّ خَلَقْنَا النَّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً...» علامه طباطبائی در تفسیر این آیه عنوان می‌کنند: «نفس انسان امر عظیمی دانسته شده که شایسته حیرت است و انشاکننده آن از هر عیب و نقص منزّه است. این امر نشانگر کرامت انسانی انسان است.» (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱۵، ۲۷)

زمینه‌های کرامت انسانی در اسلام

در مبحث قبل مطرح شد: در دیدگاه دین اسلام، نوع انسان، فارغ از تعلقات قومی، نژادی، دینی و ... دارای کرامت و ارزش ذاتی است. در این مبحث محقق به دنبال آن است که چه اموری باعث شده که از دیدگاه اسلام، انسان چنین جایگاهی پیدا کند. در واقع زمینه‌های وجود کرامت انسانی در انسان چه اموری بوده‌اند.

جایگاه ویژه انسان در جهان آفرینش

انسان در نظام آفرینش جایگاه ویژه و منحصر به فردی دارد؛ به نحوی که هیچ موجود

تعالی میان محیط و محاط را می‌زند، از شمول رحمت الهی دور می‌گردد. (محقق داماد، ۱۳۹۳)

کرامت انسانی در قرآن

اصولاً اندیشمندان در بیان تعریف از کرامت این واژه را به کرامت ذاتی و اکتسابی تقسیم می‌نمایند.

برخی نیز با اندک تغییر در الفاظ کرامت را به دو نوع کرامت ذاتی این جهانی و کرامت اکتسابی آن جهانی تقسیم کرده‌اند. (علیخانی، ۱۳۸۵)

در دیدگاه دینی کرامت انسانی به این صورت تعریف شده است: «در اسلام دو نوع کرامت برای انسان‌ها ثابت شده که عبارت‌اند از: ۱- کرامت ذاتی که همه انسان‌ها مادامی که با اختیار خود به جهت ارتکاب به خیانت و جنایت بر خویشتن و دیگران آن را از خود سلب نکنند، از این صفت شریف برخوردارند. ۲- کرامت ارزشی که از به کار انداختن استعدادها و نیروهای مثبت در وجود آدمی و تکاپو در مسیر رشد و کمال ناشی می‌شود. این کرامت اکتسابی است و ارزش نهایی و غایی انسان به همین کرامت است.» (جعفری تبریزی، ۱۳۷۰، ۲۷۹)

کرامت ذاتی به جهت اینکه برای تمام انسان‌ها برابر است نمی‌تواند منشأ نابرابری‌های سیاسی - اجتماعی قرار گیرد (علیخانی، ۱۳۸۶). از طرف دیگر این کرامت ذاتی انسان بوده و قابل سلب شدن از انسان نیست. بر همین اساس به شرط مشخص شدن مصادیق آن، می‌تواند مبنایی عام و قابل اتکا در وضع قوانین حقوقی قرار گیرد. با عنایت به مراتب فوق‌الاصول کرامت اکتسابی فاقد این قابلیت است که به‌عنوان مبنای وضع قاعده حقوقی قرار گیرد. (پیرامن، ۱۳۹۷)

در قرآن کریم آیات متعددی مبنی بر اعتقاد اسلام بر وجود کرامت انسانی ذاتی برای بشر وجود دارد.



انسان است. این موضوع در آیات متعدد قرآن دیده می‌شود.

یکی از صریح‌ترین آیات قرآن که مبین این موضوع است، آیه ۱۳ سوره ۱۳۰ جاثیه است. در این آیه خداوند می‌فرماید: «و آنچه در آسمان‌ها و آنچه در این زمین است همه را که (وجود و حفظ و تدبیرشان) از اوست به سود شما مسخر نمود. حقا که در این (تسخیر) نشانه‌هایی (از توحید و قدرت و رحمت او) است برای گروهی که می‌اندیشند».

— ارزش والای حیات انسان: در دیدگاه قرآن، انسان ارزشی والا دارد تا جایی که حیات یک انسان مساوی با حیات همه انسان‌ها و مرگ او مساوی با مرگ همه انسان‌هاست.

خداوند در آیه ۳۲ سوره مائده این امر را صریحا مورد حکم قرار داده است. در این آیه آمده: «... هر کس انسانی را جز برای قصاص نفس یا فسادی که در روی زمین کرده بکشد (از اسلام به کفر درآورد) چنان است که گویی همه مردم را کشته (و گمراه ساخته و در جهنمی مخصوص قاتلان بی‌گناهان خواهد بود) و هر کس انسانی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد یا از کفر به اسلام آورد) گویی همه مردم را زنده کرده (و هدایت نموده) است...»

ویژگی‌های مختص انسان

انسان ویژگی‌هایی دارد که در هیچ موجود دیگری یافت نمی‌شود. این ویژگی‌های خاص یکی دیگر از زمینه‌هایی بوده که موجبات کرامت انسان را فراهم آورده است. انسان، موجودی است دوبعدی و در هر دو بُعد به کامل‌ترین نحو آفریده شده است. (قرآنی، ۱۳۸۳، ج ۶، ۳۳۱) در بعد جسمی بهره‌مندی از عقل، خرد و قوه اختیار وجه ممیز انسان از سایر موجودات است. این نعمت در وجود همه انسان‌ها است و لذا

دیگری در جهان آفرینش دارای آن جایگاه نیست. این موضوع با رجوع و توجه به آیات قرآنی قابل استنباط است. نگرش دین اسلام در خصوص جایگاه ویژه انسان را می‌توان از چهار منظر کلی بررسی کرد.

— خلیفه/الله بودن انسان: از دیدگاه مکتب اسلام انسان جانشین خداوند بر روی زمین است. منظور از جانشینی خداوند نیز این است که انسان به امر خدا امر و به نهی خدا نهی و به دادگری خدا دادگری کند. (گنابادی، ۱۳۷۲، ۵۹۵)

این خلیفه الله بودن در آیات مختلفی مورد تصریح قرار گرفته است. از جمله در سوره انعام، آیه ۱۶۵ و سوره فاطر، آیه ۳۹. از مهم‌ترین این آیات آیه ۳۰ سوره بقره است. «وَ إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» در این آیه خداوند در گفتگویی که با فرشتگان دارد علت خلیفه قرار دادن انسان در زمین را چنین تبیین می‌نماید: انسان از خدای سبحان کمالاتی را نمایش می‌دهد و اسراری را تحمل می‌کند که در وسع و طاقت ملائکه نیست. (موسوی همدانی، ۱۳۷۴، ج ۱، ۱۷۹)

— مسجود فرشتگان بودن: خداوند در آیه ۱۱ سوره اعراف و آیه ۳۴ سوره بقره اشاره به این مورد می‌نماید که انسان مسجود فرشتگان است. این آیات مبین این هستند که خداوند در آغاز انسان‌ها را آفریده، سپس به او صورت انسانی داده و خواسته او را خلیفه روی زمین قرار دهد. سپس به ملائکه دستور داده تا انسان را سجده کنند، از این آیه استفاده می‌شود که انسان علاوه بر مقام متعالی بر ملائکه نیز برتری دارد.

— مسخر نمودن جهان برای انسان: از ویژگی‌های دیگر انسان که از زمینه‌های کرامت وی به حساب می‌آید این است که: جهان آفرینش، مسخر



شایسته سجود و خضوع است. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۵، ۳۷۵)

تقدیر خداوند بر هدایت انسان

یکی دیگر از زمینه‌های کرامت انسان این است که تقدیر خداوند بر هدایت وی قرار گرفته است. در واقع خداوند تنها به فراهم کردن شرایط حیات انسان اکتفا نکرده است؛ بلکه اسباب و لوازم هدایت انسان را نیز فراهم نموده است که مجرای هدایت انسان بر اساس نگرش دین اسلام، از طریق ارسال پیامبر و کتاب بوده است.

بحث هدایت آن قدر اهمیت دارد که در برخی آیات، مثل آیه ۱۶۴ سوره آل عمران، بعثت پیامبر را از بزرگ‌ترین نعمات بر شمرده است. این است رسول خدایی که خدا او را همچون نعمتی برای مؤمنان به ایشان مخصوص گردانید و او را به رسالت خود مبعوث کرد تا آنان را بر اساس پرهیزگاری تربیت کند و به ایشان دستور ثابت زندگی و نظام حیات متغیر (کتاب و حکمت) را بیاموزد و آنان را از گمراهی سابق بیرون آورد و به نور هدایت رهبری کند. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۱، ۶۴۶)

یکی دیگر از مجاری هدایت انسان، نزول کتاب است. همانطور که خداوند در آیه ۳ سوره آل عمران می‌فرماید: «کتاب را به حق بر تو فرو فرستاد که آنچه را که پیش از آن بوده تصدیق می‌کند و تورات و انجیل را فرو فرستاد.»

مقتضیات کرامت انسانی و تضمین حق بر

محیط زیست سالم

کرامت انسانی همچون هر مفهوم مبنایی دیگری دارای مقتضیات و لوازمی دارد. عدم توجه به این مقتضیات به نوعی خدشه دار کردن و نهایتاً نقض این مفهوم را موجب می‌گردد. این مقتضیات اصولی‌ترین و مبنایی‌ترین پایه‌های کرامت انسانی را تشکیل می‌دهند.

امتیازی عام به شمار می‌رود. این موضوع از رجوع به آن دسته از آیات قرآن که با خطابی عام به تمام انسان‌ها، با تعابیر مختلف آن‌ها را به خاطر عدم تعقل «افلا تعقلون، افلا تتفكرون و...» مورد سرزنش قرار می‌دهد، روشن می‌گردد. این جایگاه در حدی رفیع است که «عقل» به عنوان یکی از ادله استنباط احکام شرعی، در کنار کتاب و سنت قرار گرفته است.

وجه ممیز بعدی انسان، اختیار است که این جنبه، انسان را منحصر به فرد می‌کند. آزمودن انسان به آزمایش‌های ایزدی نشانه و دلیلی بر اختیار انسان است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۷، ۱۴۳) بر مبنای این ویژگی است که با اراده خود سرنوشت خویش را رقم می‌زند و با افکار و اندیشه‌های خودشان برای زندگی مادی و معنوی، دنیوی و اخروی خود برنامه ریزی می‌کند.

علاوه بر بعد جسمی، در بعد روحی نیز انسان ویژگی‌های خاص خود را دارد. خداوند در آیات ۷ الی ۹ سوره سجد ضامن تبیین سیر آفرینش انسان اشاره به دمیدن روح خود در انسان می‌نماید: «آن که هر چه را آفرید به نیکوترین وجه آفرید و خلقت انسان را از گل آغاز کرد» «سپس نسل او را از عصاره آبی بی‌مقدار پدید آورد» «آنگاه اندام او را درست و تمام ساخت و از روح خود در آن دمید و برایتان گوش و چشم‌ها و دل‌ها آفرید چه اندک شکر می‌گویید»

با عنایت به این ماده می‌توان گفت: امتیاز آدم در این نبود که از خاک است، بلکه امتیاز اصلی او همان «روح انسانیت» اعطاشده از جانب پروردگار بوده است. در واقع در مرحله دوم آفرینش (بعد از ساخته شدن جسم انسان) خداوند به فرشتگان اعلام کرد که انسان طبیعت دیگری نیز دارد و آن روح الهی اوست که بدان



حق حیات

حق حیات حقی است که از دو بعد ایجابی و سلبی تشکیل شده است. بر اساس بعد سلبی، هیچ‌کس را نمی‌توان خودسرانه از حیاتش محروم کرد و بر اساس بعد ایجابی، باید برای حفظ و صیانت از حیات انسان اقداماتی مثبت به عمل آورد. (باقری و ملک‌شاه، ۱۳۹۰)

نگرش اسلام به بحث حیات انسان، دویعدی است؛ بعد انسانی و بعد بشری. بعد انسانی در زن و مرد مشترک و یکسان است. بعد بشری حیات که از خواص ناسوتی زن و مرد است باهم اختلاف دارد؛ اختلافی که مکمل ذات و به سود آن‌هاست (همان، ۳). در اسلام آنچه تحت عنوان حق حیات از آن یاد می‌شود از حقوق ذاتی بشر است و ارتباط باکرامت انسانی دارد. در نتیجه جنسیت و یا هیچ عامل دیگری در آن راه ندارد. (پیرامن، ۱۳۹۷)

در تلقی قرآن، زندگی اساسی‌ترین هدیه‌ای است که به انسان‌ها داده شده است. در آیه ۲۸ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «کیف تکفرون بالله و کنتم أمواتاً فأحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم إلیه ترجعون» چگونه به خدا کفر می‌ورزید، در حالی که شما مرده بودید خدا شما را زنده کرد، پس از آن شما را خواهد میراند، و سپس شما را زنده می‌کند، و پس از آن به سوی او بر می‌گردید.

برای اینکه این حق محفوظ بماند و مورد تجاوز دیگران قرار نگیرد، قرآن برای کسانی که حیات دیگران را تهدید کنند، مجازاتی سخت در نظر گرفته است. در آیه ۳۳ سوره اسراء می‌فراید: «ولاتقتلوا النفس الّتی حرّم الله إلاًّ بالحقّ» نفسی را که خدا برای آن حرمت قرار داده است، جز به حق، به قتل نرسانید. یا در سوره نساء آیه ۲۹ نیز می‌فرماید: «یا ایها الذین آمنوا لاتأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلاًّ أن تکن تجارة عن

تراض منکم و لاتقتلوا أنفسکم إنّ الله کان بکم رحیماً» ای کسانی که ایمان آورده اید... و خودتان را نکشید، بی تردید خدا بر شما مهربان است.

در قرآن کریم تا جایی اهمیت حفظ حیات انسان مورد تأکید است که احیای یک شخص را به منزله احیای تمام بشریت دانسته و قتل یک شخص را نیز کشتن تمام بشریت تلقی کرده است. چنان که در سوره مائده آیه ۳۲: می‌فرماید: «من أجل ذلک کتبنا علی بنی اسرائیل أنه من قتل نفساً بغیرنفس أو فساد فی الأرض فکأنما قتل الناس جمیعاً و من أحیاهما فکأنما أحیا الناس جمیعاً... برای همین بر بنی اسرائیل نوشتیم (واجب کردیم) که هر کس شخصی را بکشد بدون اینکه قتلی انجام داده یا در زمین فساد کرده باشد، مانند این است که تمام انسان‌ها را کشته است، و کسی که یک شخص را زنده کند، مانند این است که تمام انسان‌ها را زنده کرده است». بنابراین حق حیات از الزامات اولیه کرامت انسانی است و مخدوش شدن حق حیات، مخدوش شدن کرامت انسانی بشر است. حق بر محیط زیست سالم نیز در واقع حقی است متعلق به هر سه نسل حقوق بشر، لذا حق حیات (از حقوق نسل اول) به عنوان مهم‌ترین حق بشری وابسته به وجود محیط زیست سالم است. پس توجه به صیانت از حق حیات انسانی و اینکه انسان برای حیات، نیازمند استفاده از امکانات طبیعی و منابع سالم است، می‌تواند تضمین‌کننده صیانت از محیط زیست و بهره‌مندی بشر از حق بر محیط زیست سالم در راستای احترام به حق حیات بشر باشد.

حق آزادی

یکی دیگر از مقتضیات کرامت انسانی آزادی است که مفهومی با حیطة گسترده است که از



بنابراین پر واضح است که حق بر آزادی اگر در تمامی زمینه‌ها محقق گردد، می‌تواند تحقق بخش کرامت انسانی بشر باشد.

تحقق حق بر آزادی، تضمین‌کننده بهره‌مندی از حق بر محیط زیست سالم نیز می‌باشد. با توجه به آنکه حق بر محیط زیست جزء حقوق شهروندی محسوب می‌گردد، قاعده دینی امر به معروف و نهی از منکر هم که بهترین راه برای سعادت هر جامعه به شمار می‌آید، می‌تواند در صیانت از این حق، نقش اساسی داشته باشد. (مشهدی، ۱۳۹۷)

در واقع وقتی افراد جامعه، آزادانه حق استفاده از محیط زیست را (البته به شرط عدم اضرار به غیر) داشته باشند، یا هنگامی که محیط زیست توسط دولت یا سایر افراد جامعه مورد تعرض و تخریب قرار گیرد، از آزادی بیان برخوردار باشند تا به استناد حکم واجب دین مبین اسلام «قاعده امر به معروف و نهی از منکر» به تخلفات و تجاوزات زیست محیطی اعتراض نمایند و پاسخگویی نهادهای متولی و سایر افراد خاطی را بخواهند، یا در بحث مشارکت اجتماعی، آزادی مشارکت در مسایل مربوط به حفظ محیط زیست را در قالب انجمن‌ها یا سازمان‌های مردم‌نهاد داشته باشد، رابطه‌ای مستقیم بین این آزادی‌ها و تضمین حق بر محیط زیست سالم ایجاد خواهد شد

حق برابری

از دیگر مقتضیات کرامت انسانی برابری است. کرامت انسانی ریشه در امری دارد که از یک طرف میان تمامی انسان‌ها مشترک بوده و از طرف دیگر قابل زایل شدن نیز نیست. همین دو موضوع باعث می‌شود کرامت ویژگی یکسان و مستقر در میان انسان‌ها باشد. در فرض پذیرش این مبنا، برابری از نتایج بدیهی و گریزناپذیری

مصادیقی چون آزادی بیان، تبلیغ عقیده، آزادی اجتماعات، آزادی دین و مذهب و حق مساوی برای همه افراد جامعه برای انتخاب و تشکیل احزاب و جمعیت‌های سیاسی و شرکت در حکومت، تشکیل می‌شود (روشن و شفیعی سیف‌آبادی، ۱۳۹۰).

براساس روح توحیدی که در نگرش اسلامی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، انسان تنها باید بنده خداوند باشد؛ نه غیر خدا و اراده خود را تابع مشیت و اراده خداوند قرار دهد و آزادی تکوینی خود را محدود و مقید به خواست خداوند گرداند که در این صورت، به زندگی با سعادت، در دنیا و آخرت، دست خواهد یافت.

آزادی تشریعی نیز حق مسلم و طبیعی بشر است و هیچ انسانی حق بازستانی آن را ندارد؛ البته برای آزادی بیان و عمل از نظر عقل و شرع، خطوط قرمزی وجود دارد که رعایت حقوق دیگران، تعرض نکردن به مال و جان و آبروی انسان‌ها و نگه داشتن احترام خالق از آن جمله است (پیرامن، ۱۳۹۷) که مراد از آزادی به عنوان یکی از مقتضیات کرامت انسانی، همین آزادی تشریعی است.

در قرآن کریم آیات متعددی در باب آزادی و جنبه‌های مختلف آن مطرح هستند:

آیاتی که به صراحت انسان را دارای آزادی اندیشه می‌دانند: (بقره، ۲۱۹، ق، ۶، ۷، اسرا، ۴۱، ...)

آیاتی که بر آزادی سیاسی انسان تاکید دارند: (آل عمران، ۱۵۸، فتح، ۱۰، توبه، ۶ و ۸۵ و ...)

آیاتی که از آزادی عقیده و دین بحث می‌کنند: (بقره، ۲۵۶ و ۲۱۷ و ...)

آیاتی که بر آزادی بیان تاکید دارند: (زمر، ۱۸، آل عمران، ۶۱، ...)

حق امنیت

در اصطلاح «امنیت، اطمینان خاطر است که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند، نسبت به حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند.» (هاشمی، ۱۳۸۴، ج ۱، ۲۷۶) با این وصف امنیت مستلزم دو تأسیس است. اول: تضمین امنیت افراد در مقابل هر نوع توقیف، زندانی شدن، مجازات و دیگر تعرضات خودکامانه و غیرقانونی حکومتی و دوم: تضمین امنیت افراد از طریق حمایت‌های اعمال شده توسط جامعه برای هر یک از اعضای خود، به منظور حفظ حقوق و تعلقات و برخورداری از آزادی‌های انسانی (همان، ۲۷۷). حق امنیت را در دو جنبه امنیت شخصی و قضایی می‌توان بررسی نمود: حق آزادی و امنیت شخصی بدین معنا است که هر فردی در پناه قانون و موازین حقوق بشری حق دارد تا از آزادی و امنیت بهره‌مند گردد. (آشوری، ۱۳۸۷، ۳۸). امنیت شخصی مصادیقی چون امنیت جان، مال، حیثیت، شغل و مسکن و حریم خصوصی را دربر می‌گیرد. امنیت قضایی عبارت است از: اعتماد شهروندان به قوه قضائیه^۱ توانمند و سالم و احترام و التزام به قانون و تساوی تمام افراد جامعه در برابر قانون (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۲، ۴۲).

در اسلام نیز مقوله امنیت بسیار مورد تأکید است. در قرآن کریم، امنیت فردی و اجتماعی مبتنی بر عدالت که بواسطه آن حقوق انسان از تعرض مصون باشد، بسیار مورد تأکید قرار گرفته است. (عرف، ۵۶). مایده، ۳۳، بقره، ۹۳. نسا، ۳۰، انعام، ۸۲ و... با توجه به آیات مذکور سه عامل عمده را به عنوان تهدید کننده امنیت بشر مطرح می‌کند:

است که تحصیل می‌گردد. این اصل در تمامی حوزه‌های حقوق شهروندی، از حقوق مدنی گرفته تا حقوق اجتماعی و همچنین حقوق قضایی جریان می‌یابد و عدم رعایت آن به نوعی خدشه به کرامت انسانی را موجب می‌گردد. (پیرامن، همان)

در دیدگاه مکتب اسلام نیز برابری مورد تأکید است. در این دیدگاه، برابری‌ها عمدتاً در پنج مورد مطرح می‌شود: برابری مردم در نگرش حاکمان؛ برابری مردم در رفتار حاکمان؛ برابری مردم و حاکمان؛ برابری در امکانات و امکان‌ها و در نهایت برابری صاحبان ادیان مختلف (علیخانی، ۱۳۸۶).

در قرآن کریم هم آیاتی به موضوع برابری انسان‌ها پرداخته اند. یکی از آیاتی که در این رابطه جلب توجه می‌کند آیه ۱۳ سوره حجرات است. (... وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا... و شما را جماعت‌ها و قبیله‌ها کردیم تا یکدیگر را بشناسید) بر طبق این آیه، خداوند متعال تفاوت‌های ظاهری بین انسان‌ها از نظر جنس و قبیله و نژاد واقعیتی طبیعی است و کارکرد آن فقط کمک به شناسایی افراد است. پس این گونه‌گونه بودن انسان‌ها، نمی‌تواند ملاک ارزش‌گذاری و برتری دادن افراد بشر از جنبه‌های اخلاقی، فقهی و حقوقی باشد. (خسروی، ۱۳۹۵)

رعایت برابری و نگرش عدم تبعیض نیز به عنوان یکی از مقتضیات کرامت انسانی، با بهره‌مندی از محیط زیست سالم رابطه‌ای مستقیم دارد، زیرا حمایت و صیانت از فرصت‌های برابر افراد جامعه جهت برخورداری از محیط زیست سالم و مواهب خدادادی و اعمال محدودیت‌های برابر از طرف دولت جهت بهره‌مندی از منابع گوناگون زیست محیطی در تضمین حق بر محیط زیست سالم برای همه افراد جامعه نقشی تعیین کننده دارد.



زیست سالم را به عنوان سومین نسل حقوق بشر فراهم کرد.

مکتب اسلام به ویژه قرآن کریم توجه خاصی به محیط زیست داشته است تا جایی که انسان را خلیفه الله معرفی کرده و طبیعت را مسخر انسان مطرح می کند. اما این ویژگی خلیفه الهی، به معنای جواز تعدی و تفریط انسان در استفاده از منابع طبیعی و محیط زیست نیست و در واقع نگرش انسان به محیط زیست باید به عنوان امانتی باشد که خداوند در دسترس قرار داده تا ضمن بهره وری اصولی از محیط زیست، در صیانت از آن نیز بکوشد و این امانت الهی را به نسل های آینده منتقل کند. این نگرش نشان دهنده شناسایی حق بر محیط زیست سالم در مکتب اسلام، برای انسان است.

اصل کرامت انسانی نیز در دین اسلام مورد توجه قرار گرفته است و به معنای وجود کرامت ذاتی برای انسان بوده و تمامی انسان ها فارغ از هر ویژگی عرضی از این صفت شریف به طور برابر برخوردارند. مقرر کردن جایگاه ویژه برای انسان در جهان آفرینش، ویژگی های مختص انسان و تقدیر خداوند بر هدایت انسان همگی نشان از تأکید بر کرامت انسانی در قرآن کریم است که این اصل مقتضیاتی را داراست که عدم توجه به این مقتضیات به نوعی خدشه دار کردن یا نقض کرامت انسانی است.

لوازم و مقتضیات کرامت انسانی در تضمین حق بر محیط زیست سالم نقش بسزایی را داراست. حیات بشر، وابسته به محیط زیست سالم بوده و صیانت از حق حیات، مستلزم استفاده بشر از امکانات طبیعی سالم است. بنابراین در هر جامعه ای حق حیات افراد به عنوان ابتدایی ترین حق بشری مورد توجه قرار گیرد، قطعاً در جهت حفظ محیط زیست و بهره مندی شهروندان از یک

۱- ظلم که دشمن امنیت است و حتی ظالم هم در شرایطی که ظلم حکمفرماست امنیت نخواهد داشت.

۲- تجاوز به حریم حقوق دیگران که قرآن از آن به تعدی نام می برد

۳- فساد و ایجاد بی نظمی و اختلال در روابط اجتماعی (اخوان کاظمی، ۱۳۸۶)

همانطور که گذشت؛ امنیت، اطمینان خاطر نسبت به حقوق افراد است. یکی از جنبه های امنیت، امنیت زیست محیطی است که افراد جامعه نسبت به حفظ محیط زیست و برخورداری از آن احساس امنیت کنند.

بنابراین چالش های زیست محیطی که منجر به گسترش فقر و تهدید حقوق افراد می شود این احساس امنیت را در افراد جامعه متزلزل می کند. بنابراین عملکرد صحیح دولت ها در حفاظت از محیط زیست و توسعه پایدار، می تواند امنیت خاطر افراد جامعه را به جهت تحقق حقوق اجتماعی و حقوق مالی شان به ارمغان آورد. (نجفی، ۱۳۹۹)

در مقابل هنگامی که در یک جامعه افراد، احساس امنیت نسبت به حفظ جان و حیثیت و حقوق مادی و معنوی خود داشته باشند، نسبت به چالش های زیست محیطی به طرق مختلف در جهت احقاق حقوق خود بخواهند آمد و بدین صورت تحقق امنیت در جامعه، مسلماً می تواند تضمین کننده حق بر محیط زیست سالم باشد.

نتیجه گیری:

محیط زیست، بستر زندگی بشر است که همواره در معرض تهدید و تخریب بوده است. بهترین اندیشه در مورد در معرض تخریب قرار گرفتن محیط زیست، منتسب دانستن طبیعت به بشر است که موجبات شکل گیری حق بر محیط



موجب می‌گردد که افراد نسبت به چالش‌های زیست محیطی بدون هیچ‌واهمه‌ای، به طرق مختلف در جهت احقاق حق خود برآیند و بدین صورت در جهت تضمین و بهره‌مندی از محیط زیست سالم گام بردارند. بنابراین میان اصل کرامت انسانی و حق بر محیط زیست سالم رابطه‌ای مستقیم وجود دارد. در واقع عمده آسیب‌های وارده بر حق بر محیط زیست و خسارات زیست محیطی، نتیجه عدم توجه به کرامت انسانی و مقتضیات آن است. لذا تحقق لوازم و مقتضیات کرامت انسانی، قطعاً می‌تواند تضمین‌کننده حق بر محیط زیست سالم باشد.

محیط زیست سالم اقدامات کاربردی لازم و کافی صورت خواهد گرفت. هم‌چنین در رابطه با حق بر آزادی نیز آنچه مسلم است اینکه تحقق و احیای مقوله‌های مختلف آزادی در یک جامعه، از جمله آزادی بیان و آزادی مشارکت اجتماعی، مانعی در راه تجاوزات زیست محیطی دولت و شهروندان خواهد بود. علاوه بر این‌ها حق بر برابری نیز که مورد تأکید دین اسلام است با حمایت از فرصت‌های برابر و اعمال محدودیت‌های برابر برای افراد جامعه جهت برخورداری از محیط زیست، در صیانت از محیط زیست تعیین‌کننده است. هم‌چنین احساس امنیت خاطر شهروندان یک جامعه نسبت به تمام حقوق مادی و معنوی‌شان

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ۱- آشوری، محمد و بهمنی قاجار، محمدعلی، ۱۳۸۷، رویه کمیته حقوق بشر در حمایت از آزادی و امنیت شخصی، حقوق، دوره ۳۸، ش ۳.
۳. ۲- اخوان کاظمی، بهرام، ۱۳۸۶، امنیت و ابعاد آن در قرآن، مطالعات اسلامی، ش ۷۵.
۴. ۳- افتخاری، اصغر و اسدی، مهدی، ۱۳۹۲، کرامت انسانی در قرآن کریم و پیامدهای سیاسی و اجتماعی آن، پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، سال سوم، ش ۱.
۵. ۴- باقری، شهلا و ملک‌شاه، آرزو، ۱۳۹۰، مطالعه تطبیقی حق حیات زن از دیدگاه اسلام و غرب (با تأکید بر اسناد بین‌المللی)، پژوهشنامه زنان، سال دوم، ش ۲.
۶. ۵- پیرامن، فاطمه، ۱۳۹۷، بررسی منشور حقوق شهروندی بر مبنای کرامت انسانی، حقوق شهروندی، تهران.
۷. ۶- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ۱۳۸۹، ترمینولوژی حقوق، گنج دانش، تهران.
۸. جعفری تبریزی، محمدتقی، ۱۳۷۰، حقوق جهانی بشر از دیدگاه اسلام و غرب، دفتر خدمات حقوق بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، تهران.
۹. ۸- خسروی، حسن، ۱۳۹۵، حق بر محیط زیست سالم در پرتو حکمرانی مطلوب، اخلاق زیستی، سال ششم، ش ۲۰.
۱۰. ۹- روشن، امیر و شفیعی سیف‌آبادی، محسن، ۱۳۹۰، تفسیر دین و تأثیر آن بر مفهوم آزادی در اندیشه سیاسی محمد مجتهد شبستری و محمد تقی مصباح یزدی، پژوهش‌های سیاست نظری، ش ۹.
۱۱. علی‌خانی، علی اکبر، ۱۳۸۶، برابری و نابرابری در اندیشه سیاسی امام علی(ع)، پژوهش‌نامه علوم سیاسی، سال سوم، ش ۱.
۱۲. ۱۱- علی‌خانی، علی اکبر، ۱۳۸۵، کرامت انسانی و خشونت در قرآن، پژوهشنامه علوم سیاسی، ش ۳.
۱۳. ۱۲- قدیر، محسن، ۱۳۹۴، حق بر محیط زیست از منظر حقوق بشر بین‌الملل و اسلام، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ش ۴.
۱۴. ۱۳- قرابتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، ج ۶، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.



- ۱۴.۱۵-قرایتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، ج ۷، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، تهران.
- ۱۵.۱۶-گنابادی، سلطان محمد، ۱۳۷۲، بیان السعاده فی مقامات العباد، ترجمه خانی، رضا و ریاضی، حشمت الله، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور، تهران.
- ۱۶.۱۷-محقق داماد، سید مصطفی، ۱۳۹۳، الهیات محیط زیست، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- ۱۷.۱۸-مدرسی، سیدمحمدتقی، ۱۳۷۸، تفسیر هدایت، ج ۵، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- ۱۸.۱۹-مدرسی، سیدمحمدتقی، ۱۳۷۸، تفسیر هدایت، ج ۱، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، مشهد.
- ۱۹.۲۰-مشهدی، علی و همکاران، ۱۳۹۹، راهکارهای حفاظت از محیط زیست در فعالیتهای اقتصادی ایران، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۵۰، ش ۳.
- ۲۰.۲۱-مشهدی، علی و همکاران، حفاظت از محیط زیست توسط شهروندان و سازمان‌های مردم‌نهاد در چهارچوب اصول ۸ و ۳۴ قانون اساسی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۷، دانش حقوق عمومی، سال هفتم، ش ۳.
- ۲۱.۲۲-موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۱۵، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- ۲۲.۲۳-موسوی همدانی، سید محمد باقر، ۱۳۷۴، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲۰، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم.
- ۲۳.۲۴-نجفی، زین العابدین، ۱۳۹۹، تراحم حق بر محیط زیست انسان با حق بر توسعه از منظر شریعت، انسان پژوهی دینی، سال ۱۷.
- ۲۴.۲۵-هاشمی، سیدمحمد، ۱۳۸۴، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی، نشر میزان، تهران.
- ۲۵.۲۶-هاشمی علی آبادی، سیداحمد، ۱۳۹۸، تحلیل مسؤلیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم، پژوهشنامه معارف اسلامی، سال ۱۰، ش ۳۹.

اهمیت تنوع زیستی گیاهان و جانوران از منظر قرآن کریم

علیرضا جعفری^۱، آمنه رحیمی دادوکلائی^۲، محمدعلی فدایی^۳ و سمیه نامدار آزادگله^۴

۱- دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول): alirezajafari@sanru.ac.ir

۲- دانش‌آموخته دانشکده توحید آمل

۳- دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۴- آموزش و پرورش استان مازندران

چکیده

تنوع زیستی را می‌توان به ساده‌ترین شکل، نوع و تعداد موجودات زنده در یک سطح خاص مثلاً گونه تعریف کرد. تنوع زیستی دارای اهمیت اکولوژیکی خاص با تأثیری که بر روی عملکرد، پویایی و پایداری اکوسیستم‌ها دارد، می‌باشد. دین اسلام که یک مجموعه هماهنگ از هدایت‌ها و تعالیم می‌باشد تمام مصلحت‌های گوناگون حیات بشر را در بر می‌گیرد و بدون شک از پدیده تنوع زیستی که اهمیت چشمگیری بر روی زندگی بشر و حیات کره زمین دارد، نگذشته است. با گذری بر تعالیم اسلامی و مهمترین کتاب آسمانی دین اسلام یعنی قرآن می‌توان به نگاه قرآن به تنوع زیستی پی برد. خداوند در قرآن می‌فرماید ما آسمان‌ها و زمین را به حق آفریدیم و برای آن سرآمد معینی قرار دادیم و در حفظ زمین و اجزای آن انسان را از اسراف برحذر داشت آنجا که فرموده است خدایی که درختان و باغ‌های خودرو و ناخودرو بیافرید، اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد. همچنین تأکید پیامبر اسلام قبل از جنگ‌ها به عدم قطع درختان می‌تواند نشانگر اهمیت حفظ تنوع زیستی در اسلام باشد و یا زمانی که به نوح پیامبر فرمان داده شد از هر حیوانی، یک جفت نر و ماده به کشتی بیاورد، فرمانی در جهت حفظ و بقا نسل و همچنین اهمیت، رعایت و حفظ تنوع زیستی بوده است که نشان از آن است که اهلی بودن یا وحشی بودن حیوان، مفید یا غیرمفید بودن حیوان مورد تأکید نیست، بلکه آن چیزی که مهم است حفظ تنوع زیستی همه‌ی موجودات عالم در آن زمان می‌باشد که قرآن جهت عبرت دیگران این داستان و موضوع را بیان نموده است. در اسلام همه پدیده‌ها بر اساس خدا محوری تفسیر و تبیین می‌شود و به موجودات اعم از گیاهان و جانوران به عنوان آیات و مخلوقات خدا نگریسته می‌شود و طبیعتاً این مخلوقات احترام خاص خودشان را دارند. بر اساس این دیدگاه انسان‌ها هرگز مجاز به تخریب طبیعت نبوده و نمی‌تواند حیوانات و گیاهان را فدای امیال نفسانی خود کند. با گذری بر تعالیم اسلامی و مهمترین کتاب آسمانی دین اسلام یعنی قرآن می‌توان به نگاه قرآن کریم به تنوع زیستی پی برد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که انسان‌ها می‌بایست با استفاده از تمامی امکانات قانونی، اخلاقی و شرعی موجود در کتاب آسمانی، از نابودی تنوع زیستی جلوگیری کنند.

کلید واژه‌ها: قرآن، آیات، تنوع زیستی، اسلام، طبیعت، زمین

مقدمه:

است. قرآن کریم در آموزه‌های خود بر مصونیت طبیعت، منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هر گونه تجاوز و تعدی تأکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت. بر اساس آموزه

آب، خاک، هوا، گیاهان، حیوانات و مناسبات بیولوژیک بین آنها، شکل دهنده‌ی روابط و نظام‌های زیستی طبیعی است. بحران‌های حال حاضر محیط زیست، لزوم توجه هر چه بیشتر به تعاملات بین انسان و طبیعت را ضروری کرده



خاصیت‌های مختلف است که خداوند در محیط زیست ایجاد کرده است. برای شناخت ابعاد متنوع طبیعت، آشنایی با تنوع گونه‌های زنده و عوامل غیرزنده محیط زیست اهمیت دارد، اما علاوه بر بعد فیزیکی، تنوع زیستی ابعاد دیگری نیز دارد، تمام کتب الهی به تنوع به‌عنوان عنصر اصلی خلقت تأکید کرده‌اند. در جهان امروز با توجه به فعالیت‌های بدون حد و مرز انسان‌ها در چرخه زندگی گیاهان و جانوران، بسیاری از گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری در حال نابودی می‌باشد و نگرانی زیادی در خصوص انقراض تعدادی از این موجودات را در پی داشته است، به همین جهت اهمیت حفظ تنوع زیستی را می‌طلبند زیرا از دست دادن تنوع زیستی، سلامتی بشر را تهدید می‌کند. در این تحقیق سعی بر آن شد تا اهمیت این موضوع حساس (اهمیت حفظ تنوع زیستی گیاهان و جانوران) و ابعاد مختلف آن از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته و اهمیت آن بیشتر از همیشه سرلوحه رفتارمان با محیط اطرافمان باشد.

تنوع زیستی:

تنوع زیستی تعداد، گوناگونی و آرایش موجودات زنده (تمامی حیات روی کره زمین) را شامل می‌شود و در سه سطح تنوع ژنتیکی درون گونه‌ای، تنوع بین گونه‌ای و تنوع بین اکوسیستم‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد. تنوع گونه‌ای خود شامل دو بخش غنای گونه‌ای و یکنواختی است. به تعداد گونه در واحد سطح معینی از جامعه، غنای گونه‌ای گفته می‌شود که کل گونه‌ها را در بر می‌گیرد، اما به نحوه توزیع کلیه افراد در بین این گونه‌ها یکنواختی گفته می‌شود و از ترکیب این دو مؤلفه، تنوع گونه‌ای که به مفهوم سنجش غنای گونه‌ای، توسط یکنواختی است، به دست می‌آید (امیدی، ۱۳۹۲). اجتماع جمعیت‌های گیاهی و جانوری در یک ناحیه،

های دینی، انسان مسلمان نیز باید خود را در هر مکان و موقعیتی نگه دارنده و پاسدار امانت‌ها و نعمت‌ها از جمله محیط زیست انسانی بداند (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۷). در حال حاضر، روند نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری ناشی از فعالیت‌های بشر، به ویژه کشاورزی صنعتی، نگران کننده است، زیرا کارکرد نظام‌های بوم-شناخت پایدار را به مخاطره انداخته است. به همین جهت مطالعه تنوع زیستی کشاورزی و حفاظت از آن، در سالهای اخیر، مورد توجه بوم-شناسان کشاورزی بوده و از ابعاد مختلف مورد کنکاش قرار گرفته است (موسوی طغانی، ۱۳۹۳). آگاه نمودن عموم مردم در خصوص جنبه‌های مختلف اهمیت حفاظت از تنوع زیستی و نقش حفظ تنوع زیستی در زندگی روزمره، در جلب مشارکت آنها برای حفاظت زیست محیطی با اهمیت است. کاهش تنوع زیستی، خطر انقراض گونه‌ها را افزایش می‌دهد (اجتهادی و همکاران، ۱۳۸۸). امروزه محیط زیست با رشد جمعیت، مهاجرت بی‌رویه به شهرها و گسترش بی‌ضابطه شهرنشینی، تسریع در نابودی مراتع و جنگل‌ها و بیابانی شدن اراضی، افزایش سیل‌ها و خشکسالی‌ها و بدنبال آن کاهش تنوع زیستی و نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، مصرف بی‌رویه آلاینده‌های صنعتی و شیمیایی، افت شدید آب‌های سطحی و استخراج بی‌رویه آب و تخریب لایه ازن درگیر نابسامانی‌های تخریب‌کننده و نگران کننده است. عامل اصلی این نابسامانی‌ها دورافتادن بشر از معارف نورانی وحی و اخلاق دینی است که ریشه در نگرش‌های منفعت طلبانه انسان دارد (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۷). تامین نیازهای دارویی، غذایی و نیز خلق چشم اندازهای زیبا و ایجاد تفرجگاه‌های متفاوت و زیبا نیازمند آفرینش موجودات متعدد با رنگ و شکل و



زیستی، بسیاری از امور از جمله سلامتی بشر را تهدید می‌کند. ثابت شده است که آسیب دیدن تنوع زیستی می‌تواند باعث گسترش بیماری‌هایی منتقل شده از حیوانات به انسان شود.

دیدگاه قرآن کریم در خصوص حفظ تنوع زیستی:

گستره اعجاز علمی قرآن را می‌توان در تنوع موضوعاتی که در قرآن منعکس شده است را یافت به عنوان نمونه: آن جا که خداوند از آب به عنوان عامل حیات نام برده و یا از پرواز پرندگان و ... سخن به میان آورده است، هر یک نمودی از جنبه‌های علمی را فرا روی بشر نهاده است که توانسته است پس از قرن‌ها به لایه‌هایی از این اعجاز و یا شگفتی علمی دست یابد. این همه تکرر مطالب علمی در لایه‌ها و بطن آیات که هدف اولیه‌اش هدایتگری است، چیزی جز هماهنگی کتاب تشریح و تکوین خداوند نمی‌باشد که قرآن، قرن‌ها قبل و با زبانی ساده برای بشر برخی از کتاب تکوین طبیعت پرده برداشته است (نصیری و نقدی، ۱۳۹۱). با گذری بر تعالیم اسلامی و مهمترین کتاب آسمانی دین اسلام یعنی قرآن می‌توان به نگاه قرآن به تنوع زیستی پی برد. همچنین تأکید پیامبر اسلام قبل از جنگ‌ها به عدم قطع درختان می‌تواند نشانگر اهمیت حفظ تنوع زیستی در اسلام باشد و یا زمانی که به نوح پیامبر فرمان داده شد از هر حیوانی، یک جفت نر و ماده به کشتی بیاورد، فرمانی در جهت حفظ و بقا نسل بوده است که قرآن جهت عبرت دیگران آن را بیان نموده است (عرفان‌زاده و بهرامی، ۱۳۹۱). مهمترین وظیفه انسان در قبال طبیعت اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. یکی از وجوه اصلاح زمین، عمران و آبادی است. منظور از عمران در زمین،

تنوع زیستی آن ناحیه نامیده می‌شود. به عبارت دیگر، تنوع زیستی به عنوان گنجینه زیستی یا بانکی از داده‌های زیست شناختی در نظر گرفته می‌شود و شکل‌های متفاوتی از زندگی و فرم‌های رویشی در سطح کره زمین را نشان می‌دهد. پژوهشگران معتقدند که تنوع زیستی، یک مفهوم سلسله مراتبی است و باید در سطوح مختلف در نظر گرفته شود و عموماً تنوع زیستی، شامل سه سطح ژنتیکی، گونه‌ای و بوم‌نظام است (اجتهادی و همکاران، ۱۳۸۸). واژه تنوع زیستی همه اشکال حیات بر روی کره زمین در تمامی سطوح از ژن‌ها تا اکوسیستم‌ها را شامل می‌شود و فرآیندهای تکاملی، اکولوژیک و فرهنگی را در راستای غنا و تثبیت زندگی فراهم می‌کند. اهمیت حفاظت از تنوع زیستی شامل انواع مختلف گیاهان، جانوران، میکروارگانیسم‌ها و اکوسیستم‌های می‌باشد. منحصر به فردترین خصوصیت کره زمین، وجود حیات بر روی این سیاره و شگفت‌انگیزترین وجهه حیات، تنوع زیستی است. تنوع زیستی با فراهم کردن اجزا و زیرساخت‌های ضروری حیات از جمله غذا، منابع آبی، آب و هوای سالم، تشکیل و حفاظت از خاک، حفاظت در برابر مخاطرات طبیعی و بیماری‌ها (از طریق تعدیل آب و هوا، سیلاب‌ها، آفات و...)، حفظ تعادل اکولوژیک و سایر خدمات باارزش اقتصادی به ویژه در بخش کشاورزی و صنعت نقش بسزایی در تشکیل و رونق جوامع انسانی داشته است. در واقع وقتی تنوع زیستی مشکلی دارد، بشریت هم مشکل دارد. همچنین باید یادآور شد تنوع زیستی فقط شامل انواع حیات وحش نمی‌شود. این حقیقت بنیادین شامل تفاوت‌های ژنتیکی در هر گونه، به عنوان مثال، بین انواع محصولات و نژادهای دام و انواع اکوسیستم‌ها (دریاچه‌ها، جنگل‌ها، بیابان‌ها، مناطق کشاورزی) است. از دست دادن تنوع



رویانده‌ایم؟». با لحن استفهام انکاری و توبیخی می‌فرماید آیا اینها هیچ نظر و تفکری درباره‌ی انواع و ازواج مختلف نباتات (گیاه، حیوان و انسان) که ما آنها را از زمین رویانیدیم نمی‌کنند؟ (شاکر، ۱۳۹۲). بسیاری از مفسران کلمه «زوج» را به معنی «نوع» و «صنف» تفسیر کرده‌اند که اشاره به تنوع فوق‌العاده موجود در گیاهان و نباتات دارد ولی برخی نیز آن را به معنی «زوجیت» معنی کرده‌اند. آیه ۴۸ سوره مبارکه مائده: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيِّمًا عَلَيْهِ فَاحْكُم بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شُرْعَةً وَمَنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَيْتُمْ فَأَسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ؛ و ما این کتاب [قرآن] را به درستی به سوی تو نازل کردیم در حالی که تصدیق‌کننده‌ی کتاب‌های پیش از خود و گواه صادق بر [حقانیت همه‌ی] آنان است، پس میان آنان بر طبق آنچه خدا نازل کرده است داوری کن و [به هنگام داوری] به جای حقی که به سوی تو آمده [اطاعت کن و] از خواسته‌های نامشروع آنان پیروی مکن. برای هر یک از شما شریعت و راه روشنی قرار دادیم و اگر خدا می‌خواست همه‌ی شما را امت واحدی قرار می‌داد، ولی می‌خواهد شما را نسبت به آنچه به شما داده امتحان کند، پس به سوی کارهای نیک بر یکدیگر پیشی گیرید. بازگشت همه‌ی شما به سوی خداست، نهایتاً شما را به آنچه همواره درباره‌ی آن اختلاف می‌کردید آگاه می‌کند.» در تفسیر این آیه آمده است که خداوند می‌فرماید: اگر می‌خواستیم همه‌ی شما را بر یک مذهب و ملت قرار می‌دادیم، ولی به حسب مصلحت و به تناسب دوره‌های زمان، خداوند شرایع مختلفی را وضع نمود، چون انسان در طول زمان از نظر

تأمین اصول زیست محیطی برای حیات همه موجودات زنده است. احکام اسلام درباره‌ی محیط زیست فراوان و متنوع است. انسان به موجب این احکام موظف است از آلوده کردن آب و خاک و هوا پرهیز کرده، درخت کاشته و با حیوانات با رأفت و مهربانی رفتار کرده، از آنها حمایت کند و تنوع زیستی را برهم نزند (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). بنابراین حفظ آن‌ها از سوی ما واجب و ضروری است و در آیاتی چند خداوند اشاره به تنوع موجود در عالم زنده می‌فرماید.

در قرآن کریم چندین آیه در خصوص مفهوم تنوع دیده می‌شود:

آیه ۲۲ سوره مبارکه روم: « وَمِنْ آيَاتِهِ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافُ أَلْسِنَتِكُمْ وَأَلْوَانِكُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ؛ و از آیات او آفرینش آسمان‌ها و زمین و گوناگونی رنگ پوست و اختلاف زبان‌ها شماسست، همانا در این امر نشانه‌هایی برای دانایان وجود دارد». در تفسیر این آیه آمده است که، آفرینش آسمان‌ها و زمین و تدبیر نظام دقیق جاری در آنها و نیز گوناگونی لغات و زبان در میان اقوام مختلف به دلیل تفاوت نژاد یا تفاوت‌های فردیست، همچنان که هرگز دونفر تن صدایشان دقیقاً مانند هم نیست و یا تفاوت رنگ پوست در میان اقوام مختلف است که یکی سفیدپوست و دیگری سیاه‌پوست یا سرخ‌پوست و یا زردپوست هستند و نیز هرگز دونفر از یک نژاد دقیقاً رنگ پوستشان مانند هم نیست و اینها همه آیاتی است که حکایت از عظمت تدبیر صانع عالم و قادر می‌نماید (شاکر، ۱۳۹۲). در این آیه نشان از تنوع آفرینش انسان‌ها به میان آمده است و دلیل و اهمیت تنوع زیستی در آفرینش انسان‌ها بیان شده است.

آیه ۷ سوره مبارکه شعرا: «أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ؛ آیا به زمین نمی‌نگرند که چقدر از انواع گیاهان نیکو را در آن



کار این رنگ‌آمیزی است. این تدبیر الهی زمانی نمایان‌تر می‌شود که منظور از «الوان» در این آیه، منحصر در رنگ‌های ظاهری میوه‌ها نباشد؛ بلکه بگوییم ممکن است کنایه از تفاوت در طعم و ساختمان و خواص گوناگون آنها بوده باشد، تا آن‌جا که حتی در یک نوع میوه، اصناف گوناگونی وجود دارد، چنان‌که مثلاً در انگور شاید بیش از ۵۰ نوع، و در خرما حدود ۷۰ نوع وجود دارد؛ اما بخاطر دلالت کلام بر مزه‌ها و بوی آنها، از ذکر آنها خودداری کرده است. در ادامه، به تنوعی که در کوه‌ها وجود دارد، اشاره کرده است که مراد از راه‌ها در این آیه، یا راه‌هایی است که در کوه‌ها قرار دارد و دارای رنگ‌هایی مختلف است؛ و یا مراد خود کوه‌ها است که به صورت خطوطی کشیده شده در روی کره زمین قرار دارند که به رنگ‌های سفید، سرخ، سیاه و یا مرکب از چند رنگ دیده می‌شوند. این قسمت از آیه، دلالت بر قدرت خداوند متعال بر همه چیز دارد؛ زیرا تفاوت رنگ‌ها در کوه‌ها از یک سو زیبایی خاصی به آن می‌بخشد، و از سوی دیگر سببی برای پیدا کردن راه‌ها و گم نشدن در جاده‌های پرپیچ و خم کوهستانی است. بعد از بیان تنوع در میوه‌ها و کوه‌ها، به بیان تنوع در میان انسان‌ها و جانداران در آیه ۲۸ اشاره می‌کند. انسان‌ها و جنندگان در عالم نیز به نوعی از قدرت بی‌نهایت خداوند متعال دم می‌زنند، چرا که انسان‌ها با این‌که همه از یک پدر و مادر هستند، دارای نژادها و رنگ‌های کاملاً متفاوتند، حتی در یک نژاد نیز تفاوت در میان رنگ‌ها بسیار است، بلکه فرزندان دو قلو هم که تمام مراحل جنینی را با یکدیگر طی کرده، و از آغاز در آغوش هم بوده‌اند، از نظر رنگ کاملاً یکسان نیستند، با این‌که از یک پدر و یک مادر و در یک زمان نطفه آنها منعقد شده و از یک نوع غذا تغذیه کرده‌اند. گذشته از چهره ظاهری، رنگ‌های باطنی آنها، و خلق و

استعداد و مدارج متفاوت می‌گردد و خداوند به قصد آزمایش و امتحان برای امت‌ها شرایع گوناگون قرار داد و نعمت‌های گوناگون به آنان ارزانی نمود و این اختلاف نعمت اختلاف امتحان را می‌طلبد (شاکر، ۱۳۹۲). این آیه نشان دهنده دلیل بر تنوع مذاهب و ملت‌ها در آفرینش انسان‌ها می‌باشد و این دلیلی بر تنوع امتحان و آزمایش الهی دارد. آیه ۲۷ و ۲۸ سوره مبارکه فاطر: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ * وَ مِنَ النَّاسِ وَ الدَّوَابِّ وَ الْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ كَذَلِكَ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ؛ آیا ندیده‌ای که خدا از آسمان آبی فرود آورد و به [اوسيله] آن میوه‌هایی که رنگ‌های آن‌ها گوناگون است بیرون آوردیم و از برخی کوه‌ها راه‌ها [و رگه‌ها]ی سپید و گلگون به رنگ‌های مختلف و سیاه پررنگ [آفریدیم] * و از انسان‌ها و جنندگان و چهارپایان انواعی با رنگ‌های مختلف، [آری] [حقیقت چنین است: از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند خداوند عزیز و غفور است]. شروع آیه ۲۷ با استفهام تقریری، پرسشی را مطرح می‌سازد که ضمن تحریک حس کنجکاوی انسان‌ها، اشاره به این است که این مطلب آن‌چنان روشن و آشکار است که هرکس بنگرد می‌بیند که از آب که بی‌رنگ است و زمین، این همه رنگ‌های مختلفی از میوه‌های گوناگون، گل‌های زیبا، برگ‌ها و شکوفه‌ها، در چهره‌های مختلف به وجود آمده است و اگر بیرون آمدن میوه‌ها از مقتضای همین آمدن باران بود، باید همه میوه‌ها به یک رنگ باشند، چون آب باران یکی است، و حال این‌که می‌بینیم رنگ‌های مختلفی دارند، پس همین اختلاف در رنگ‌ها دلالت می‌کند بر این‌که تدبیر الهی دست اندر



خواه‌های آنها، و ویژگی‌های آنان و استعداد و ذوق‌هایشان، کاملاً متنوع و مختلف است، تا مجموعاً یک واحد منسجم با تمام نیازمندی‌ها را به وجود آورد. علاوه بر انسان، در جهان جنبندگان هزاران نوع حشره، پرنده، خزنده، حیوانات دریایی، و حیوانات وحشی بیابانی وجود دارد که هر کدام با ویژگی‌ها و عجایب خلقتشان نشانه‌ای از قدرت و عظمت و علم آفریدگارند (شاکر، ۱۳۹۲). در آیه ۲۷ اشاره به تنوع میوه‌ها و بالتبع تنوع در درختان و گیاهان و تنوع در رنگ‌های آنان و حتی اشاره به تنوع کوه‌ها دارد و در ادامه در آیه ۲۸ اشاره به تنوع انسان‌ها و موجودات دارد. آیه ۱۰ سوره مبارکه لقمان: «خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَالْأَرْضَ فِي أَرْبَعِ رِجَالٍ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» (سقف رفیع) آسمانها را بی ستونی که به حس مشاهده کنید خلق کرده و کوه‌های بزرگ را در زمین بنهاد تا شما را نجنباند و در روی زمین انواع مختلف حیوانات را منتشر و پراکنده ساخت، و هم از آسمان آب باران فرود آوردیم و به آن آب در روی زمین نباتات پرفایده برویانیدیم». خصوصیت مهم کوه‌ها، ثبات و جلوگیری از لرزش زمین است. جهت مهم حیوانات، تنوع و گستردگی آنها در زمین، و ویژگی مهم گیاهان، زوجیت و پر ارزش بودن آنها است (قرائتی، ۱۳۸۳). دیگر از شواهد قدرت الهی آنکه: وَ بَثَّ فِيهَا: و پراکنده فرمود در زمین، مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ: از هر جنبنده چرنده و درنده و پرنده صحرائی و دریائی، وحشی و اهلی که عدد آنها را غیر از خدا کسی اطلاع ندارد، هر طبقه، و صنفی را به فراخور حال قسمت زندگی آنها را از حیث غذا و مسکن و لوازمات نشو و نما را مرتب و منظم ساخته که عقول در تدبیر آنها واله و متحیر باشد. از جمیع حیوانات که دارای حس و حرکت

اختیاری هستند از وحوش و طیور و سباع و انعام و هوام که در تمام نقاط زمین صحراها بیابانها مسکن فراوان هستند که هر نوع از آنها عدد افراد آنها از میلیونها و میلیاردها بیشتر است. تعبیر «كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ» استنباط می‌شود که تنوع گیاهان مفید و سودمند نیز می‌باشد. آیه ۱۴۱ سوره مبارکه انعام: « وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرِّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كَلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتَوْا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ »؛ و او آن خدایی است که برای شما بستانها از درختان داربستی و درختان آزاد و درختان خرما و زراعتها که میوه و دانه‌های گوناگون آرند و زیتون و انار و میوه‌های مشابه و نامشابه آفرید. شما هم از آن میوه‌ها هرگاه برسد تناول کنید و حق آن را (زکات فقیران را) در روز درو و جمع‌آوری آن بدهید و اسراف نکنید، که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد». در تفسیر آنشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ: تنوع میوه‌ها و محصولات کشاورزی، آن هم از یک آب و خاک، نشانه قدرت الهی است. این درختان از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند (مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ) یعنی با این که از زمین واحدی می‌رویند هر کدام طعم و عطر و خاصیتی مخصوص به خود دارند [تنوع]، که در دیگری دیده نمی‌شود (قرائتی، ۱۳۸۳). آیه ۲۱ سوره مبارکه زمر: « أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فِتْرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ * آیا ندیده‌ای که خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد، پس آن را به صورت چشمه‌هایی در زمین راه داد، سپس با آن، زراعتی که رنگ‌های گوناگونی دارد بیرون می‌آورد، آن گاه آن کشت (و زراعت) با هیجان رشد



می‌یابیم؛ چراکه خداوند بعد از آن که از رویاندن گیاهان متنوع سخن به میان می‌آورد، می‌فرماید «وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» بدین معنا که ما برای شما در این زمین که در آن گیاهان متنوع را رویاندیم، دست مایه‌های زندگی را قرار دادیم (قرآنتی، ۱۳۸۳). در روایات قرآنی و احادیث بیشماری به غرس درختان و حفظ گیاهان و همچنین حقوق حیوانات اشاره شده است و تداوم زندگی بشر را به استفاده صحیح از این منابع حیات دانسته است. تنوع زیستی در ساده ترین تعریف به سطوح مختلف زندگی بر روی زمین، همچنین به گوناگونی زیستی این نوع از حیات اشاره دارد؛ تعداد گونه های گیاهی، جانوری و میکروارگانیسم ها، تنوع شگفت انگیز ژن ها در این گونه ها، تفاوت بسیار در اکوسیستم های موجود در سطح سیاره زمین از قبیل؛ بیابان ها، جنگل های بارانی، تپه های مرجانی و ... همه بخشی از تنوع زیستی زمین هستند. تنوع زیستی که امروز شاهد آن هستیم، محصول میلیاردها سال تکامل موجودات است که به وسیله فرآیندهای طبیعی و البته به طور فزاینده ای تحت تأثیر انسان به وجود آمده است. زمانی یک گونه از بین می رود، در واقع محصول میلیون ها سال زمان و صرف انرژی که منجر به تکامل آن گونه شده است از بین رفته است. انقراض یک گونه، سفری بی بازگشت است و همه تلاش ها و ثروت های جهان برای بازگرداندن آن بی ثمر خواهد بود بنابراین، انسان بخش جدایی ناپذیر از این تنوع زیستی و به طور کامل وابسته به آن می باشد. تنوع زیستی و سطوح مختلف زندگی بر روی زمین با توجه به

می کند (تا آن که می خشکد) پس آن را زرد می بینی، سپس آن را به صورت کاه و خاشاک در می آورد، همانا در این (تغییر و تحوّل) برای خردمندان پند و یادآوری است (که بدانند دنیا ناپایدار است)». در تفسیر این آیه آمده است، رنگ‌های گوناگون گیاهان، میوه ها و گل ها که از یک آب و خاک می روید [تنوع گیاهان، میوه‌ها و گل‌ها] نشانه قدرت خداست. «زراً مختلفاً الوانه» (قرآنتی، ۱۳۸۳). آیه ۱۹ سوره مبارکه حجر: «وَالْأَرْضُ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ» و در زمین همه چیز را موزون رویاندیم» که منظور حفظ توازن و پویایی است که در همه زیست‌مندان در شرایط طبیعی دیده می‌شود، حفظ تنوع زیستی به دلیل ارزش‌های خاص که گونه‌های مختلف گیاهی و جانوری دارند اهمیت فراوانی دارند، ارزش‌هایی از قبیل ارزش اقتصادی شامل استفاده برای خوراک، پوشاک، مواد خام و ... و همچنین ارزش‌های علمی، آموزشی، فلسفی، تفریحی، اجتماعی، زیباشناختی و ... که هر یک اهمیت بسیاری دارند^۱. از بررسی تفسیر این آیه می‌توان تنوع زیستی گیاهی را استفاده نمود. رویاندن گیاهان از همه چیز «من کل شیء»، به معنای سخن گفتن از گیاهان در زمین در مقیاس وسیع و متنوع است که این همان تنوع گیاهی است به معنای دیگر این آیه مستقیماً به تنوع و تعدد گیاهی اشاره دارد. اشاره به این که نظم و سنجیدگی مختص به طیف گسترده گیاهان، یک نظم و سنجیدگی است که در سیاق آیه، معنای خود را باز می‌یابد، آن را سیاق ربط دادن گیاهان به انسان‌ها و زندگی و حیات آن‌ها

۱ (دیدگاه اسلام در مورد توازن در طبیعت/ انقراض گونه‌های زیستی؛ بزرگ‌ترین تهدید برای بشر، خبرگزاری بین المللی قرآن <http://iqna.ir/fa/news>).



تأمین غذا به طور دسته ای به مزارع کشاورزی حمله ور می شوند. این تخریب مزارع حاصل بر هم زدگی تنوع زیستی و تعادل اکوسیستم است. با ویرانی زیستگاه‌ها، برداشت بیش از حد از زمین های کشاورزی و آب‌های زیرزمینی و آلودگی آنها در اثر افزایش بی رویه جمعیت، تغییر اقلیم و سایر مشکلات بوجود آمده در اثر بی توجهی‌ها، روند نابودی تنوع زیستی جهان همچنان ادامه دارد و بالا رفتن سطح آگاهی جوامع مختلف به ویژه جوامع محلی از اهمیت تنوع زیستی، در امر حفاظت از آن نقش بسزایی خواهد داشت^۱.

نتیجه‌گیری

قرآن کریم تنوع گیاهان را عامل معیشت و حیات می‌داند. نظم و سنجیدگی در گیاهان به‌گونه‌ای است که آن‌ها برای انسان حیات‌آور بوده و غذا و معیشت انسان را تأمین می‌کنند، این همان چیزی است که امروزه در علم با عنوان تنوع بیولوژیکی شناخته می‌شود. از دیدگاه قرآن گیاهان طیف وسیعی از عوامل معیشت هستند. هر اندازه که تنوع زیستی بیشتر باشد، زنجیره‌های غذایی بیشتر و فراگیرتر خواهد شد و در نتیجه، حیات انسان پایدارتر می‌گردد چراکه حیات انسان به سلامت گیاهان گره خورده است. اگر این نکته را مد نظر قرار دهیم که تنوع زیستی گیاهی نقش اساسی برای حیات و زندگی انسان دارد و از طرف دیگر توجه کنیم که بسیاری از گیاهان در معرض خطر انقراض هستند، در این صورت لازم است حفظ تنوع زیستی را به عنوان یک سیاست کلی قرار دهیم. متأسفانه در طول دو دهه گذشته و به استناد

این که تنوع زیستی سرمایه ای عمومی و متعلق به همگان است، متأسفانه بشر با سوء رفتار در طبیعت، زمینه انقراض تنوع زیستی و نابودی زیستگاه ها را ایجاد کرده که مشکلات فراوانی برای ادامه حیات و بقا در زمین به وجود آورده است. ترکیب عملکرد تمام گونه ها در مجموع، باعث افزایش توانایی اکوسیستم و افزایش مقاومت در برابر انواع مختلف صدمات و خسارات احتمالی، همچنین بهبود و بازسازی خسارات وارده می شوند. تنوع در گونه ها، اکوسیستم ها و مناظر طبیعی یکی از مهم ترین عوامل جذب گردشگری و در نتیجه آن رشد اقتصادی منطقه می باشد. به عبارت دیگر، حفظ تنوع زیستی می تواند علاوه بر کمک به محیط زیست و حفظ جمعیت های حیات وحش، به یک منبع مناسب برای جذب گردشگر و ایجاد منافع اقتصادی نیز تبدیل شود. آنچه که حفظ تنوع زیستی را برای ما انسان‌ها دارای اهمیت ویژه‌ای می کند نقش و کارکرد تنوع زیستی در تأمین غذا، تأمین معاش، کاربرد های پزشکی، تجارت و صنعت، کاربرد کشاورزی و بسیاری کاربرد های دیگر آن می باشد. تنوع زیستی برای انسان بسیار مهم است زیرا تنوع و افزایش گونه‌های گیاهی به معنی افزایش محصولات غذایی برای انسان و تنوع و افزایش گونه های جانوری به معنی پایدار بودن محیط زیست در جهت تعادل طبیعت می باشد. حفظ تنوع زیستی برای ما انسان ها اهمیت ویژه ای دارد. برای نمونه در یک اکوسیستم به دنبال افزایش شکار پرنده‌گانی که از ملخ ها تغذیه می کنند، جمعیت ملخ ها به طور بی رویه افزایش می یابد و ملخ ها برای

۱) کتابچه آموزه های محیط زیست در اسلام، تهیه شده توسط: معاونت آموزش و مشارکت های مردمی، سازمان حفاظت محیط زیست، شهریور ماه سال ۱۳۹۹.



یک سیستم برای بقای دیگری نشان‌گر نظم ذاتی خلقت و اندیشه یگانه ایجاد و مدیریت نظام هستی است؛ در این رابطه باید خاطر نشان کرد که خطرات محیط زیست روز به روز پیچیده تر می شوند و در نتیجه برای پشتیبانی از محیط زیست طبیعی و بالطبع تنوع زیستی نیاز به کار و فعالیت گسترده در سایه راهنمایی‌های قرآن و ائمه اطهار می‌باشد. در اسلام همه پدیده‌ها بر اساس خدا محوری تفسیر و تبیین می‌شود و به موجودات اعم از گیاهان و جانوران به عنوان آیات و مخلوقات خدا نگریسته می‌شود و طبیعتاً این مخلوقات احترام خاص خودشان را دارند. بر اساس این دیدگاه انسان‌ها هرگز مجاز به تخریب طبیعت نبوده و نمی‌تواند حیوانات و گیاهان را فدای امیال نفسانی خود کند. با گذری بر تعالیم اسلامی و مهمترین کتاب آسمانی دین اسلام یعنی قرآن می‌توان به نگاه قرآن کریم به تنوع زیستی پی برد. بنابراین می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که انسان‌ها می‌بایست با استفاده از تمامی امکانات قانونی، اخلاقی و شرعی موجود در کتاب آسمانی، از نابودی تنوع زیستی جلوگیری کنند.

اطلاعات موجود، فعالیت‌های انسانی به تخریب نگران‌کننده اکوسیستم‌ها، حذف ژن‌ها، گونه‌ها و قابلیت‌های زیستی منجر شده‌اند و با توسعه بی‌ضابطه و مغایر با اصول توسعه پایدار و مدیریت سبز در مناطق شهری، بخش کشاورزی و صنعت، تهدیدات و فشار غیر متعارف و غیر قابل قبولی بر این ذخایر زیستی وارد آمده است. تهدیدات انسانی بر روی تنوع زیستی در طول سال‌های گذشته سرعت بسیار بیشتری نسبت به تمامی تاریخ حیات بشر داشته است. تنوع موجودات زنده نه تنها به‌عنوان یک اصل مهم در تداوم حیات بر روی کره زمین پذیرفته شده، بلکه باعث ایجاد یک تفکر و نگاه فلسفی به بنیان‌های خلقت نیز شده است؛ بزرگ‌ترین ثروت زمین تنوع زیستی موجود در آن است، تنوعی که انسان با اعمال خود در حال نابودی و کاهش آن است، چنان‌چه وسعت نگاه خود را بیشتر کنیم آیات دیگری در قرآن کریم وجود دارد، گرچه مستقیماً تنوع را بیان نمی‌کنند ولی مفاهیم ظریفی از این نشانه الهی را نشان می‌دهند. روشن شدن روابط متعدد گونه‌های گیاهی و جانوری و لزوم حضور متقابل گونه‌ها در

منابع

۱. اجتهادی، حمید، سپهری، عادل و عکافی، حمیدرضا (۱۳۸۸): «روش‌های اندازه‌گیری تنوع زیستی»، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
۲. اکبری‌راد، طیبیه (۱۳۹۲): «نقش تعالیم اسلام در کاهش بحرانهای زیست محیطی»، محیط شناسی، سال سی و نهم، شماره ۱، صفحه ۷۳-۸۰.
۳. امیدی، جواد (۱۳۹۲): «مطالعه تنوع گونه‌های کنه‌های خانواده Phytoseiidae و بررسی تنوع ژنتیکی گونه غالب در شهرستان ساری». پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ۱۰۷ ص.
۴. عرفان‌زاده، رضا و بهرامی، بهنام (۱۳۹۱): «آموزه‌های زیست محیطی مکتب اسلام در مورد حفظ و همی تنوع زیستی»، دومین همایش ملی تنوع زیستی و تاثیر آن بر کشاورزی و محیط زیست، ارومیه.
۵. قرائتی، م. (۱۳۸۳): «تفسیر نور»، انتشارات مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، چاپ یازدهم.
۶. مصطفی شاکر، کمال (۱۳۹۲): «خلاصه تفسیر المیزان علامه طباطبایی»، مترجم فاطمه مشایخ، انتشارات اسلام، چاپ هشتم.
۷. موسوی طغانی، سیدیوسف (۱۳۹۳): «مقایسه تنوع زیستی بوم‌نظام‌های برنج تحت مدیریت‌های مختلف»، رساله دکتری، دانشکده کشاورزی دانشگاه فردوسی مشهد، ۲۰۴ ص.



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و
انگاره‌های علوم زیستی - ۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی ساری

-
۸. نصیری، علی و نقدی، محمدرضا (۱۳۹۱): «اعجازها و شگفتی‌هایی از قرآن در زیست جانوری»، مجله قرآن و علم شماره ۸.
۹. هاشمی‌علی‌آبادی، سیداحمد (۱۳۹۷): «تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم»، اولین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و انگاره‌های علوم زیستی، ساری.

اهمیت حفظ محیط زیست از منظر قرآن کریم

علیرضا جعفری^۱، سیدعباس میراحمدی^۲، علی جعفری^۳ و رقیه رحیمی دادوکلابی^۴

۱- دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول: alirezajafari@sanru.ac.ir)

۲- دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۳- اداره کل زندان‌های استان مازندران

۴- دانش‌آموخته دانشگاه پیام نور استان مازندران

چکیده:

محیط زیست موهبتی از سوی خداوند متعال می‌باشد که در اختیار ما قرار گرفته است تا از آن استفاده کنیم. بی تردید، موضوع آلودگی محیط زیست یکی از مهمترین معضلاتی است که انسان معاصر را با چالش‌های جدی روبه رو کرده است. این مسأله از آن جهت دارای اهمیت است، که علائم تهدید کننده حیات، آشکار شده و نسل حاضر و آینده را به دلیل آلودگیهای گسترده زیست محیطی، با تهدید مواجه ساخته است. این مطالعه باهدف بررسی جایگاه محیط زیست از منظر قرآن و اهمیت آن در زندگی بشر و بیان اهمیت آموزش برای حفاظت از محیط زیست انجام شده است. بشر امروزی در شرایطی قدم به هزاره سوم گ قرآن، مدیریت منابع آب، بحران آب داشته است که با چالش‌های زیادی به ویژه در رابطه با مسائل محیط زیستی مواجه می‌باشد. عدم پایداری به قوانین الهی و احکام و فضایل اخلاقی، از مهمترین عوامل پیدایش این مشکلات و بحران هاست. محیط زیست مکان و فضایی است که انسان و سایر موجودات زنده در آن زندگی می‌کنند و با آن در کنش و واکنش هستند از سوی دیگر، انسان بدون داشتن محیط زیستی امن و سالم، قادر نخواهد بود به زندگی طبیعی خود ادامه دهد. به همین جهت، حفظ و حمایت از محیط زیست و سالم نگه داشتن آن، به عنوان یکی از مهمترین نیازهای اساسی برای ادامه حیات، مورد توجه و عنایت همگان قرار گرفته است. درادیان آسمانی به خصوص اسلام به موضوع محیط زیست به گونه عمیق و برجسته توجه شده است. از دیدگاه قرآن، محیط زیست و مواهب طبیعی، حق همه انسانها در همه دوران‌ها می‌باشد و این حق، تکالیفی را به دنبال دارد.

واژگان کلیدی: محیط زیست، قرآن، اسلام، انسان، احکام

مقدمه:

جریان دارد، گفته می‌شود. مجموعه‌ای از عوامل فیزیکی خارجی و موجودات زنده که با هم درکنش هستند، محیط زیست را تشکیل می‌دهند و بر رشد و نمو و رفتار موجودات تأثیر می‌گذارند. محیط زیست عبارت ترکیبی از دانش‌های متفاوت در علم است که شامل مجموعه‌ای از عوامل زیستی و محیطی در قالب محیط زیست و غیر زیستی (فیزیکی، شیمیایی) است که بر زندگی یک فرد یا گونه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. تبیین «محیط زیست»، ضرورت اهتمام به تامین سلامت آن،

مقام معظم رهبری درباره حفظ محیط زیست می‌فرمایند: «هدف متعالی اسلام، برخوردار ساختن همه نسل‌ها از نعمت‌های الهی و ایجاد جامعه‌ای سالم و به دور از فاصله طبقاتی و مستعد برای رشد و شکوفایی است و الزامات شرعی، برای حفظ تعادل و توازن در استفاده از مواهب طبیعی، با پرهیز از زیاده روی و تعبد به عدم اضرار به غیر را فراهم آورده است». محیط زیست به همهی محیط‌هایی که در آن‌ها زندگی



طبیعت است که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران را تضمین می‌نماید و همچنین رابطه و تعاملی است که بین تأسیسات و محیطی که در آن ایجاد می‌شود وجود دارد. بنابراین محیط زیست برای خاک، آب و هوا (منابع طبیعی) و انواع حیوانات و گیاهان و تعادل بیولوژیک بین آنها (طبیعت) شهر و مناظر آن به‌کار می‌رود (ابراهیم چراغی، ۱۳۹۰، تدبر). بشر در کمتر از دوپست سال گذشته تغییرات شگرفی در سراسر فضای زیست خود صورت داده است. با این همه، این آزادی، قدرت و دانش نو پدید، رویه سیاهی نیز پیدا کرده است. آلودگی شیمیایی، سرطان، گرم شدن خطرناک جهانی، کاهش لایه اوزون (لایه نازکی که از ما در برابر اشعه ماوراء بنفش محافظت می‌کند و فواید بسیار دیگری برای سایر موجودات زمینی و دریایی دارد) بر اثر تولید گاز کلروفلورو کربن (سی.اف.سی) توسط یخچال‌ها و دستگاه‌های سرد کننده هوا، خطرات و تهدیدات ناشی از کاربست ضد اخلاقی قدرت هسته‌ای، انباشت زباله‌های هسته‌ای، تولید گاز سولفور دی‌اکسید هوا توسط سوخت‌های فسیلی و به‌ویژه زغال سنگ و به وجود آمدن باران‌های هسته‌ای که رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و درختان را در خطر نابودی قرار می‌دهد، همگی از جمله شاخصه‌های بحران زیست محیطی هستند. انسان به عنوان اشرف مخلوقات و جانشین خداوند بر روی زمین، حق دارد از نعمت‌های الهی استفاده کند؛ اما این استفاده نباید آنچنان باشد که حق دیگران در بهره برداری از این نعمت الهی در خطر قرار گیرد. به عبارت دیگر، انسان همان گونه که حق استفاده و بهره‌مندی از محیط زیست سالم را دارد، مسئولیت درست استفاده کردن از آن را نیز بر عهده دارد. با نگاهی به وضعیت فعلی محیط زیست، در می‌یابیم که انسان‌ها در بهره-

اصول مبادی زیست محیطی، راه‌های نیل به محیط سالم و بالاخره اهداف اصیل آن، از حقوق اساسی بشر و جزء وظایف بشری است و تأمین آن از علوم انسانی و قدرت‌های بشری مایه می‌گیرد. چنانکه تخریب آن نیز در اثر عدم معرفت به حقوق بشر یا انجام ندادن وظایف بشری می‌باشد. قرآن کریم آرایش نظام هستی را پایه آرامش بشر معرفی می‌کند و زیبایی جهان آفرینش را در نظام‌مند بودن آن دانسته و اگر آسیبی به ساختار آن برسد، هم‌اواز نیل به هدف اصیل‌اش بازمی‌دارد، هم دیگران را از فیض او محروم می‌کند (جوادی آملی، ۱۳۸۶). حفظ محیط زیست، پاسخ به یکی از نیازهای امروز جامعه برای نگاهداری بیشتر از محیط زیست و رعایت حقوق عمومی است و تخریب محیط زیست معلول نابرابری‌های اجتماعی و استفاده‌های غلط از طبیعت و یکی از عوامل تضییع حقوق انسانهاست. با نگاهی به متون دینی می‌توان دریافت که محیط زیست و توجه به تأمین سلامت آن و حرکت در جهت دستیابی به محیط سالم، از حقوق اساسی بشر است؛ همانگونه که تخریب محیط زیست در اثر نشناختن حقوق بشر است (فیروزی، ۱۳۸۸). از مهم‌ترین موضوعات زندگی بشر، محیط زیست و حفاظت از آن می‌باشد. داشتن محیط زیست سالم، زمینه ساز توسعه و پیشرفت هر جامعه است. افزایش جمعیت و توسعه تمدن صنعتی، سلامت محیط نسل‌های کنونی و آینده را در معرض تهدید قرار داده است. یکی از راه‌های مهم حفاظت از محیط زیست و ارتقای سلامت آن، افزایش سطح آگاهی جامعه است (عالیقدری و حضرتی، ۱۳۹۰). مفهوم محیط زیست از علوم طبیعی نشأت می‌گیرد یا از علوم معماری و شهرسازی ناشی می‌شود. محیط زیست به مجموعه‌ای از پدیده‌های طبیعی و تعادل بین عناصر مؤثر در



آموزه‌های قرآن کریم طبیعت در تسخیر انسان است. قرآن کریم در آیاتی بر تسخیر همه موجودات در زمین تاکید دارد: «آیا نمی‌بینی خداوند همه آنچه را روی زمین است مسخر شما گردانید» (حج، ۶۵) و در نهایت خداوند از تسخیر هر آنچه که در زمین و آسمان است برای انسان خبر می‌دهد: «خداوند آنچه در زمین و آسمان است مسخر شما ساخت» (جاثیه، ۱۳). با این همه، تصرف در محیط زیست باید به گونه ای باشد که انسان را در جهت دستیابی به حیات طیبه و توسعه متعادل که ضامن ارتقای وضع جسمی و روحی بشر است، یاری کند. به عبارت دیگر، تصرف در محیط زیست باید به شیوه ای باشد که آدمی را به غایت و هدف خلقت برساند. بدین جهت، استفاده از آن به طور دلخواه و بدون در نظر گرفتن این که این نعمتها وسیله اند نه هدف، خود باعث گمراهی و انحراف انسان از مسیر حق خواهد بود. انسان به عنوان موجودی مختار، باید به این واقعیت تن دهد، که زمین همان گونه که محل رشد تکوینی و جسمی اوست، باید محیط تکامل روحی و معنوی او نیز باشد؛ و چون اسباب و مقدمات تکامل روحی اش، ارادی و اختیاری است، پس باید به شیوه ای عالمانه و مدبرانه از محیط زیست، برای این هدف متعالی استفاده کند؛ زیرا رسیدن به تکامل روحی و معنوی بدون بهره مندی از محیط زیستی امن و سالم امکان پذیر نخواهد بود (فیروزی، ۱۳۸۸). بهره وری از آسمان‌ها و زمین و موجودات آن حق همه انسان‌هاست و هر گونه تصرف و بهره‌وری از طبیعت نباید با حق بهره وری دیگری منافات داشته باشد. محیط زیست طبیعی در تسخیر آدمی است تا با تکیه به حق تسخیر از موجودات بهره ببرند ولی بهره‌گیری که موجب از بین رفتن گونه‌های مختلف موجودات زنده شود و بشر آینده را از استفاده از آنها محروم کند،

برداری از طبیعت و محیط زیست به مسؤولیت خود در حفظ و حراست از آن به درستی عمل نکرده اند (فیروزی، ۱۳۸۸). قرآن مجید به عنوان کتاب هدایت، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است. (عالیقدری و حضرتی، ۱۳۹۰). قرآن کریم مهم‌ترین و کامل‌ترین کتاب الهی، متضمن واژگان کلیدی است که در شناسایی محیط زیست و عناصر شکل‌دهنده آن و ارشادات اخلاقی و الزامات حقوقی مربوط به آن موثر است. انسان جانشین و خلیفه خداوند در استعمار، عمران و آبادانی زمین است؛ جانشینی و خلافت ایجاد می‌نماید که او امانت زمین را به نیکویی حفظ کرده و آن را از هر گونه تخریب و فساد مصون نگه دارد و با دانش و علم نسبت به بهره وری و عمران زمین بکوشد و فضای زیست محیطی موجودات دیگر را تضمین نماید و امکان بهره‌وری همگانی و همیشگی را برای همه موجودات در زمین فراهم آورد. تنها انسان‌های عالم به سنت‌های حاکم بر طبیعت و پایبند به تعهدات خویش در خلافت، از آلوده‌سازی طبیعت و بهره وری نادرست از آن اجتناب می‌ورزند و تمامی همت خویش را در حفظ تعادل محیط زیست به کار می‌گیرند و همان‌گونه که خداوند حفیظ طبیعت و همه موجودات آن است، «... إِنَّ رَبِّي عَلِيٌّ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» (هود، ۵۷) خلیفه او نیز باید منابع و مواهب طبیعی اعم از گیاهان، حیوانات و... را از نابودی، تخریب و تلف شدن حفظ نماید. به تعبیر دیگر زمین، آب، آسمان و همه طبیعت ودیعه‌ای الهی است که به دست انسان سپرده شده و برای استفاده متعادل از آنها پدید آمده‌اند. از این روی انسان مسئول حفظ طبیعت است (نصر، ۱۳۸۲). بر اساس



بیماری‌های روحی و روانی انسان امروز بدون ارتباط به آسیب رساندن به محیط زیست نیست. امروزه نقش زیانبار جنگ‌های بین المللی و منطقه‌ای در تخریب محیط زیست و اثرات سوء آنها بر زندگی انسان‌ها را نمی‌توان انکار نمود. روند زندگی ماشینی سبب شد که بشر از زیبایی‌های طبیعت فاصله گرفته و رابطه مستقیم با طبیعت را از دست بدهد و برای جبران کمبودها به تاراج طبیعت پرداخته تا از این طریق رفع محرومیت‌های خویش نماید. تقریباً تمامی عوامل تشکیل‌دهنده محیط زیست تحت تأثیر فعالیت‌های انسان قرار گرفته‌اند. عوامل متعددی محیط زیست انسان و سایر موجودات را تهدید می‌کند اما نکته حایز اهمیت اینکه همه این تهدیدها از ناحیه انسان و عملکرد مختلف آن سرچشمه می‌گیرد. یکی از مهم‌ترین موارد فعالیت انسان‌ها، فرسایش خاک زمین‌های کشاورزی به دست انسان می‌باشد. مهم‌ترین آثار فعالیت‌های انسان بر خاک عبارت‌اند از: مسمومیت و فرسایش که موجب تخریب و کاهش توان زمین‌های زراعی می‌شوند. هرچند فرسایش خاک پدیده‌ای طبیعی است که به وسیله‌ی عواملی چون باد، رواناب‌های سطحی و تغییرات دما انجام می‌گیرد اما فعالیت‌های انسان از جمله زراعت مفرط، آبیاری زمین‌های زراعی، محصولات تک‌کشتی، چریدن بیش از حد دام‌ها در مراتع، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی باعث از بین رفتن تعادل موجود میان روند تخریب و ایجاد خاک، و در نهایت آلودگی آن می‌شود. مورد دیگری از فعالیت انسان‌ها، استفاده بیش از حد آب و از بین رفتن منابع آب و آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی می‌باشد. آب‌های سفره‌های زیرزمینی و رودها و دریاچه‌ها منابع مهم تأمین آب شیرین هستند که مستقیماً در معرض آلودگی توسط فعالیت‌های انسان قرار دارند.

کفران نعمت الهی است و از مصادیق قطعی سوءاستفاده از حق، به شمار می‌آید. حفاظت از طبیعت و محیط زیست یکی از سفارشات مؤکد دین مبین اسلام است که در آیات و روایات متعددی بر آن تأکید شده است به طوری که در هیچ مکتب دیگری اینچنین تأکیدات و سفارشات برای طبیعت وجود ندارد. امروزه نیز به سبب سودجویی‌های ظالمانه و خودکامگی‌های قدرت‌های بزرگ بیشتر از پیش در معرض نابودی است. آلودگی‌های فزاینده خاک، آب و هوا بیش از پیش محیط زیست را تهدید نموده و آسیب‌های جبران ناپذیری به آن وارد نموده است. این پژوهش از طریق تحقیق و مطالعه اطلاعات موجود در منابع مختلف و مقالات معتبر و با بهره‌گیری از قرآن کریم در خصوص حفظ محیط زیست و حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم، از دیدگاه قرآن کریم مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

اثرات متقابل انسان بر محیط زیست و بالعکس:

طبیعت رو به پیشرفت مسائل بین المللی، اقتضا می‌کند که حفاظت از محیط زیست برای انسان امروز و نسل‌های آینده، مورد توجه جدی همگان قرار گیرد؛ اما این که چگونه این امر تحقق می‌یابد، سوالی است که باید به آن پاسخ داده شود. محیط زیست طبیعی تأثیر زیادی بر روح و روان آدمی داشته، و محیط پاک و خرم، زندگی را شاداب می‌سازد. آواز روح بخش پرندگان، ترنم لطیف جویباران، آهنگ دلربای چشمه ساران، صفای سبزه زاران، نسیم لطیف کوهستان، رقص دلنشین درختان و زیبایی شهر و دیار تأثیر بسزایی بر زندگی و حیات انسان دارند. هر بیننده‌ای احساس آرامش و نشاط، امنیت و آسایش می‌کند. برعکس، افسردگی و افزایش



طبیعت و تعادل آن، مسأله کیفیت زندگی انسان را شامل می‌شود، انسان با استعداد و قدرت مسخرسازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، کار و تفریح، محیط زیستی را برای خویش سامان ببخشد که ضمن بهره‌مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی و معنوی را پدید آورد که شکل‌دهنده بعد انسانی محیط زیست است و شایسته است از آن به بعد معنوی محیط زیست یاد شود (ابراهیم چراغی، ۱۳۹۰، تدبر). انسان به عنوان جزئی از این جهان، باید با دیگر مخلوقات خداوند همکاری سازنده و پایدار داشته باشد. محیط زیست و طبیعت، محلی است که انسان در آن متولد شده و رشد و نمو کرده است و گهواره انسان محسوب می‌شود. بدین سبب، باید به گونه‌ای با آن رابطه برقرار کند که ضمن برخوردار شدن از مواهب طبیعی، در حفظ سلامت و پایداری آن نیز بکوشد. اندیشه زندگی مرفه و آباد در محلی با برکت و نعمت برای انسان‌ها آرزویی منطقی می‌باشد. چنان که انسان به امنیت اجتماعی، اقتصادی و سیاسی نیاز دارد، نیازمند امنیت بهداشتی نیز می‌باشد تا سلامت جسم و جان او از خطر انواع آلودگی‌ها و امراض در امان و تامین باشد. قوانین الهی وظایف انسان‌ها را نسبت به نظم طبیعت و محیط زیست، به صراحت بیان کرده است. انسان به موجب احکام شرعی، موظف است به انسان‌های دیگر کمک کند و نیازهای بینوایان را برآورد، از آلوده کردن آب و خاک پرهیز کند. از دیدگاه اسلام انسانی که در طبیعت زیست می‌کند، همواره باید به آبادانی و عمران آن اقدام کند، احکام و آداب تعیین شده اسلام برای رابطه انسان با طبیعت به عنوان راه‌کارهایی در حوزه‌های مختلف مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

مورد مهم بعدی فعالیت انسان‌ها بر محیط زیست، آلودگی هوا می‌باشد که عبارت است از ورود مستقیم یا غیرمستقیم هر عنصری توسط انسان یا عامل طبیعی که احتمال ایجاد اثرات نامطلوب بر سلامتی انسان و محیط زیست را داشته باشد که انواع مختلفی از جمله گازهای شیمیایی سمی که غالباً حاصل واکنش‌های سوختن هستند، گرد و غبار و ذرات معلق در هوا، گازهای گلخانه‌ای همچون دی‌اکسید کربن، متان و فلئوئوروکربن‌ها، فلزات سنگین همچون آرسنیک، سرب، روی، مس، کروم، جیوه و کادمیوم که در اثر فعالیت‌های صنعتی وارد هوا می‌شوند، را می‌توان نام برد. محیط زیست و توجه به بهداشت و سلامت آن و حرکت در جهت دستیابی به محیط سالم از حقوق اساسی بشر است. محیط زیست سالم، تاثیر شگرفی بر جسم، روح و روان آدمی دارد، زیبایی دل‌انگیز محیط زیست، امواج نیلگون دریا و رود، نسیم دلنواز کوهستان، جنگل، سبزه زار و دشت و او از دلنشین‌ترین پدیده‌ها، همه و همه تاثیر شگفت‌انگیزی بر سلامت آدمی داشته و موجب خاطر او می‌شود. در آموزه‌های دینی به حق برخوردار شدن از محیط زیست سالم بهر برداری اصولی و عادلانه از آن تاکید شده است (مهرابی‌ان و کشاورز محمدیان). عدم پیروی از اصول اخلاقی، تنها در فرایند اخلاق‌زدایی و یا یک عارضه اقتصادی صرف محدود نمی‌شود. بلکه از آنجا که تامین این نیازها از طبیعت و در طبیعت انجام می‌پذیرد، به طور مستقیم با سلامت بهداشتی و زیست محیطی جامعه و مردم ارتباط دارد و تاثیر مستقیم بر محیط زیست دارد و بخش عمده تخریب و آلودگی محیط زیست از تصرف‌های غیرضروری و غیراخلاقی بشر ناشی می‌شود. محیط زیست به معنای اعم آن از چنان گستره‌ای برخوردار است که علاوه بر عناصر

**بعد معنوی حفظ محیط زیست:**

از مهمترین موضوعات زندگی بشر، محیط زیست و حفاظت از آن می باشد. داشتن محیط زیست سالم، زمینه‌ساز توسعه و پیشرفت هر جامعه است. افزایش جمعیت و توسعه تمدن صنعتی، سلامت محیط نسل‌های کنونی و آینده را در معرض تهدید قرار داده است. یکی از راه‌های مهم حفاظت از محیط زیست و ارتقای سلامت آن، افزایش سطح آگاهی جامعه است. قرآن مجید به عنوان کتاب هدایت، انسان را به احترام نسبت به موجودات پیرامون خود و نیز پاکیزگی محیط اطرافش ترغیب کرده و اصول و ضوابطی را به منظور حفاظت از محیط زیست مقرر داشته است (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). در ادیان آسمانی به خصوص اسلام به موضوع محیط زیست به گونه عمیق و برجسته توجه شده است؛ در قرآن کریم، خداوند انسان را خلیفه خویش در زمین معرفی نموده است (آیه ۳۰ سوره بقره). جانشینی و خلافت ایجاب می نماید که انسان امانت زمین را به نیکویی حفظ نموده و آن را از هرگونه تخریب و فساد مصون نگه دارد و با دانش و علم نسبت به عمران و استفاده بهینه از زمین بکوشد. حفاظت از محیط زیست به عنوان بخشی از اعمال عبادی و ارزشمند است و برای عمل کنندگان به دستورات اسلام در این زمینه پاداش و مزد نیز در نظر گرفته شده است. دقت و تأمل در مبانی اعتقادی محیط زیست در اسلام نشان می دهد که پیروان این مکتب والا در برابر حفاظت و صیانت از محیط زیست و تلاش برای پاک نگهداشتن و بهبود آن مسئول و مکلف هستند و رعایت مسائل محیط

زیستی نه تنها یک موضوع انسانی صرف به حساب می‌رود بلکه یک تکلیف شرعی و دینی است که تخطی از آن نافرمانی آشکار در برابر دستورات خالق هستی محسوب می شود^۱. همانگونه که خداوند حفیظ طبیعت و همه موجودات آن است «إِنَّ رَبِّيَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» (هود/ ۵۷) خلیفه او نیز باید منابع و مواهب طبیعی اعم از گیاهان، حیوانات و ... را از نابودی، تخریب، تلف شدن حفظ نماید. به تعبیر دیگر زمین، آب، آسمان و همه طبیعت ودیعه‌ای است الهی که به دست انسان سپرده شده و برای استفاده متعادل از آنها پدید آمده است. از این روی انسان مسئول حفظ طبیعت است. پیامبر اکرم (ص) بر حرمت نهادن بر زمین تأکید می‌ورزد و آن را به منزله مادری که انسان از آن ارتزاق می‌نماید معرفی می‌نماید که از اعمال نیک و بد انسان خبر می‌دهد «تَحَقُّطُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أَمَّكُمْ وَإِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَحَدٍ عَامِلٍ عَلَيْهَا خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَهِيَ مُخْبِرَةٌ بِهِ» (نهج الفصاحه، ص ۲۲۶) از جمله اموری که زمین از آن خبر خواهد داد کیفیت بهره‌وری و حفاظت انسان از عناصر و منابع آن است (ابراهیم چراغی، ۱۳۹۰). آب، خاک، هوا، گیاهان، حیوانات و مناسبات بیولوژیک بین آنها، شکل دهنده‌ی روابط و نظام های زیستی طبیعی است. بحران‌های حال حاضر محیط زیست، لزوم توجه هر چه بیشتر به تعاملات بین انسان و طبیعت را ضروری کرده است. قرآن کریم در آموزه های خود بر مصونیت طبیعت، منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هر گونه تجاوز و تعدی تأکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در

۱ کتابچه آموزه های محیط زیست در اسلام تهیه شده توسط: معاونت آموزش و مشارکت های مردمی دفتر مشارکت های مردمی و مسوولیت اجتماعی



زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت. بر اساس آموزه های دینی، انسان مسلمان نیز باید خود را در هر مکان و موقعیتی نگه دارنده و پاسدار امانت ها و نعمت ها از جمله محیط زیست انسانی بداند. دین مبین اسلام در این عرصه دستورات مشخص و موکدی دارد و حفاظت محیط زیست را که نسل امروز و نسل های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، یک وظیفه عمومی برمی شمارد. از جمله موضوعات مورد بحث در حوزه زیست، اخلاق کاربردی و حقوق بحث از بایدها و نبایدهای تعامل انسان با محیط زیست است. قرآن کریم نیز به عنوان کتاب تکوین و تشریح در گزاره‌های توصیفی و الزامی خود نحوه صحیح تعامل انسان را با محیط زیست با ظرافت، دقت و عمیق بیان نموده است (هاشمی علی‌آبادی، ۱۳۹۷). محیط زیست به معنای اعم آن از چنان گستره‌ای برخوردار است که علاوه بر عناصر طبیعت و تعادل آن، مسأله کیفیت زندگی انسان را شامل می‌شود، انسان با استعداد و قدرت مستخرسازی طبیعت و با قدرت آفرینندگی خویش قادر است با تلفیق عناصر طبیعت با عناصر کیفیت زندگی خویش در محل زندگی، کار و تفریح، محیط زیستی را برای خویش سامان ببخشد که ضمن بهره‌مندی از طبیعت، ابعاد فرهنگی، تاریخی و معنوی را پدید آورد که شکل‌دهنده بعد انسانی محیط زیست است و شایسته است از آن به بعد معنوی محیط زیست یاد شود (ابراهیم چراغی، ۱۳۹۰). آلودگی هوا، آب، خاک و بسیاری از ضروری‌ترین عوامل بقای حیات موجودات زنده از دستاوردهای صنعت در دنیای معاصر می‌باشد و در کنار این آلودگی‌ها نباید از آلودگی‌های معنوی غافل ماند یا آنها را دست کم گرفت. آلودگی به این معنا جلوه‌ای از فساد در زمین به

دستان بشر بوده که مصداق روشن آیه شریفه قرآن می‌باشد: «ظهر الفساد فی البرّ والبحر بما کسبت ایدی الناس». برخلاف مردمان گذشته که جدالشان با طبیعت برای زنده ماندن بود، در دنیای معاصر جدال انسان با طبیعت به منظور دستیابی به رفاه بیشتر است، رفاهی که حاصل آن سرانجام به نابودی طبیعت و محیط زیست می‌انجامد. مسأله آلودگی محیط زیست هر چند در آغاز بحرانی منطقه‌ای به نظر می‌رسید اما امروزه به یک بحران جهانی تبدیل شده است. تنفس در هوای پاک و لطیف مایه نشاط و شادابی است و در اهمیت و ارزش هوای پاک، همین بس که حیات آدمیان و حیوانات بدان وابسته است. در آیات قرآن کریم و سخنان معصومان (علیهم السلام) اصول، قواعد و کلیاتی آمده است که مسأله آلودگی هوا از مصادیق آن به شمار می‌آید. آلودگی آنها از موارد تخریب زیست محیطی می‌باشد که نباید از آن غافل بود و به عنوان نمونه امروزه سهم نفت در آلودگی دریاها از جمله آنهاست. اسلام از آلوده کردن سواحل رودها و چاه‌ها و آبهای جاری نهی کرده است و آلوده کردن آنها از مصادیق فساد در زمین و تبدیل نعمت‌های الهی به نعمت می‌باشد. امام صادق (ع) فرمود: لا یطیب السکنی الا بثلاث، الهواء الطیب والماء الغزیر العذب، والارض الخواره» زندگی بدون احراز سه عامل حیاتی گوارا نیست: هوای پاک و تمیز، آب فراوان و گوارا، زمین حاصلخیز و قابل کشت و زرع. خداوند تمام عناصر محوری مورد نیاز زندگی بشر را تامین کرده و بهره‌برداری از آنها را جزو حقوق بشر قرار داد و جامعه را به صیانت آنها از آفت، انقراض، کمبودی و مانند آن مکلف کرده است. قاصرین از دولت و ملت در شناخت، تحصیل و نگهداری این عناصر به وظیفه دینی خویش عمل نکردند؛ یعنی لازم است کیفیت بهره برداری و انتفاع از آنها را



دید می شود. اسلام با کلام نورانی (النظافه من الایمان) نقش پاکیزگی و بهداشت را به تمامی مسلمانان و پیروان این مکتب حیات بخش اعلام کرده است (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). قرآن کریم انسان را در پیشگاه خداوند متعال در برابر موهبت‌هایی که در این دنیا به او داده شده است مسوول و پاسخ‌گو می‌داند. یکی از این موهبت‌های الهی، محیط زیست و طبیعت پیرامون اوست که با حفاظت از آن در کنار بهره‌مندی صحیح از منابع، سلامت جامعه نیز حفظ می‌شود. اگر انسان طبیعت را امانتی از سوی خداوند بداند هرگز به مثابه ملک خود با آن رفتار نمی‌کند و در بهره‌برداری از آن زیاده‌روی نکرده و آن را آلوده نمی‌سازد. آیات و روایات فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد خداوند، طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و او حق تصرف در آن را دارد؛ اما از سوی دیگر تأکید می‌کند، که حق بهره‌مندی از محیط زیست، اختصاص به یک نسل ندارد. از این رو، باید بهره‌برداری از آن اصولی و عادلانه باشد؛ به طوری که هم نسل حاضر و هم نسل‌های آینده بتوانند در پناه آن زندگی سالمی داشته باشند. بنابراین، سوء استفاده از این حق که منجر به آلوده سازی، تخریب و نابودی محیط زیست شود و در نتیجه به حق دیگران بویژه نسل‌های آینده در استفاده از آن خللی وارد کند، ممنوع است. تفکر اسلامی درست‌ترین و منطقی‌ترین نظریه را در مورد طبیعت و محیط زیست معرفی می‌کند، چنانکه در قرآن کریم اجازه نمی‌دهد انسان، طبیعت را به علت عظمت و بزرگی خدای خود بداند و ستایش کند، و نه آن را آفریده‌ای بی‌هوده و بی‌جان که خرابش کند؛ بلکه جلوه‌های طبیعی را آیه‌هایی از عظمت پروردگار یکتا می‌داند که با شعور نسبی، تسبیح‌گوی خالق خود هستند. پروردگار عالم با تأکید بر اینکه نظام هستی

دانسته و از چیزهایی که در آلوده کردن آنها موثرند جلوگیری نمایند تا به دستور اسلام عمل شود. خاک عنصری است که نزد بسیاری از انسانها از ارزش واقعی برخوردار نیست، زیرا بدون زحمت و منت در اختیار قرار دارد، قرآن کریم با تعابیر مختلف اهمیت و ارزش خاک را به انسان گوشزد می‌کند و اگر انسان‌ها گوش می‌کردند هر سال میلیاردها تن خاک حاصلخیز در جهان به سبب فرسایش از چرخه انتفاع خارج نمی‌گردید.

دیدگاه اسلام در خصوص محیط زیست:

هدف اصلی از حفاظت محیط زیست در منابع اسلامی و حقوقی، پرهیز از آسیب رساندن به عناصر طبیعی و جلوگیری از تخریب آنهاست. محیط زیست موهبتی است الهی، که استفاده مفید و صیانت از آن می‌تواند اثرات رو به رشدی در زندگی انسان و ارتقاء کرامت انسانی داشته باشد. احکام اسلامی و اسناد حقوقی به قواعد مرتبط با حفظ محیط زیست که هدف آنها حفظ منافع مشترک بشریت است توجه ویژه‌ای داشته و ابراز می‌دارند که حق بر محیط زیست، تکلیف و مسئولیت در برابر محیط زیست را به همراه دارد. محیط زیست با مفهوم رایج و متداول آن در عصر حاضر، بحثی کاملاً نو و تازه است که نه در اسلام و نه در هیچ مکتب دیگری سابقه نداشته است؛ اما می‌توان قواعد و مقررات مورد نیاز آن را از متون دینی استخراج کرد؛ به طوری که می‌توان یک مکتب زیست محیطی جامع را ارائه کرد (فیروزی، ۱۳۸۸). در اعتقادات اسلامی، انسان مسئول حفظ و نگهداری محیط زیست می‌باشد. در گذشته که اصول و اعتقادات اسلامی، محیط زیست شهرها را تعادل و توازن می‌بخشید، ناشی از این تفکر اسلامی بود که امروزه برخی از نهادر تفکرات علمی برنامه ریزان شهری، جغرافیدانان، جامعه شناسان و معماران



خود کنند، با انواع بحران‌های اجتماعی، بهداشتی و اخلاقی رویاروی می‌گردند و در نتیجه خود و محیط زندگی همه انسان‌ها را نابود و تباہ می‌سازند. قرآن کریم برای زیست‌های تجمل‌گرایانه و اشرافی مصرف‌گرایانه طبقات برخوردار جامعه مفهوم «اتراف و مترفین» را استفاده نمود، زیرا مصرف زندگی اینها بر کل محیط زیست و منابع خاکی-آبی زمین، تاثیر ویرانگر گذاشته است. از مهمترین اموری که زمینه ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم که انسان بتواند در پناه آن، به ترتیب جسم و روح خویش بپردازد. محیط زیست مجموعه‌ای بسیار عظیم و در هم پیچیده از اجزا و ترکیبات مختلفی است که تحت تاثیر فعالیت‌های انسان قرار گرفته و بر آن تاثیر گذار است. خمیر مایه زندگی انسان در برخورد با طبیعت شکل گرفته است. برخلاف انسان‌های گذشته که جدالشان با طبیعت برای زنده ماندن بود، امروزه جدال انسان با طبیعت به منظور دستیابی به رفاه بیشتر است. رفاهی پایان ناپذیر که صرفا با تسخیر مواهب طبیعی می‌توان به آن دست یافت که حاصل آن در نهایت به نابودی طبیعت و محیط زیست و انقراض بسیاری از موجودات و نعمات خواهد انجامید. بحران محیط زیست در جهان امروز در حقیقت حاصل بحران اخلاقی و عدم آگاهی انسان‌ها است که به بی‌تعهدی انسان باز می‌گردد. از این رو، خروج از این بحران، نخست راه حل اخلاقی می‌طلبید. یعنی بشر امروز نیازمند اصولی اخلاقی است که تنظیم کننده ی نحوه ی رفتار با محیط زیست باشد. اصولی که هم از لحاظ طبیعی مناسب و هم از لحاظ انسانی و اجتماعی، مسئولیت آفرین باشد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). انسان‌ها برخلاف اصول اخلاقی سفارش شده از سوی ادیان و مذاهب،

براساس مصلحت و نیاز انسان‌ها آفریده شده است، آنها را از فساد و تخریب در این نظام به شدت نهی کرده است؛ زیرا که استفاده بی حساب و بی تعقل از منابع طبیعت و زیاده روی در بهره برداری از آن باعث تباہی و فتنه در زمین می‌شود. تخریب محیط زیست در سراسر جهان یکی از سه دغدغه اصلی انسان است. در نتیجه حوادث آثار گسترده که منجر به خسارات فیزیکی، تخریب حیات، و یا تغییرات وسیع در محیط زیست می‌شود، رخ می‌دهد. این وقایع می‌توانند خسارات زیادی به اموال، زندگی، اقتصاد و فرهنگ مردم وارد کند. بیشتر این وقایع اگر نه تمامی آنها نتیجه دخل و تصرف لجام گسیخته انسان در محیط زیست و بهره‌کشی بی حد و حصر او از منابع طبیعی است (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). محیط زیست سالم از دیدگاه علما و دانشمندان دینی و غیراسلامی هم مورد توجه قرار گرفته است. آنان معتقدند که شرایط زندگی، آب و هوا و شرایط جغرافیایی در زندگی انسان و در شکل گیری شخصیت تاثیر به سزایی دارد. ارسطو بر این باور بود که انسان و محیط زیست دو چیز جدا ناپذیر از یکدیگرند. به نظر وی، انسان هم از عوامل جغرافیایی (محیط طبیعی) و هم از نهادهای سیاسی تاثیر می‌پذیرد و برعکس آن نیز صادق است. ابن سینا، پستی و بلندی‌های زمین را در چگونگی سامان یابی تن و روان آدمی موثر می‌دانست. وی کوهستانی بودن منطقه‌ی سکونت انسان را سبب چالاکی و دلیری دانسته و متقابلا بر این باور بود که پستی و خفگی منطقه سکونت، افسردگی و بیماری را در پی دارد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). از این رو سنت جاری الهی نیز بر این تعلق گرفته که هر گاه ملتی به خوشگذرانی‌های افراطی مشغول شدند و منابع و سرمایه‌ها و امکانات خود را فدای شادخواری و لذت پرستی



داده، رفتار منطقی با محیط زیست داشته باشد و با خردورزی دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). قرآن کریم در آیات متعددی انسان را به توجه و دقت در جهان آفرینش فرا خوانده و از سوی دیگر خود آیاتی دارد که به صورت صریح یا اشاره، حقایقی را از راز و رمز جهان بیان کرده است. اگر چه رسیدن به لایه های عمیق قرآن کاری دشوار و از مرحله ای به بعد، برای بشر عادی محال است، اما این دریای ژرف همواره شیفتگان معرفت و شناخت را به خود مجذوب کرده است. از جمله زوایایی که به خصوص در قرن حاضر، مورد توجه محققین و صاحب نظران قرار گرفته است، مباحث میان رشته ای قرآن و علم است که سرانگشت اشاره قرآن کریم، محققان را به حقایقی از جهان آفرینش در این حوزه، رهنمون کرده است (نصیری و نقدی، ۱۳۹۱). قرآن کریم از جنگل-ها، منابع طبیعی و مراتع تحت عنوان انفال یاد می کند و آن را یکی از نعمت‌های مهم الهی و حیاتی برای انسان ها می شمارد. تاریخ نشان می دهد که پیامبر اسلام و امامان شیعه الگوی شایسته‌ای در حفاظت از انفال و محیط زیست و بهداشت محیط زندگی برای مسلمانان بوده‌اند. قرآن مجید درباره اثر طبیعت در آیه ۵۸ سوره مبارکه اعراف می فرماید: سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می روید، اما سرزمین‌های بدطینت (شوره زار)، جز گیاه ناچیز و بی ارزش از آن نمی روید. از این آیه مبارک چنین استنباط می شود که همان طوری که طبیعت و سرزمین پاک، در رشد و پرورش بهینه گیاهان موثر هستند، در رشد و تکامل انسانی نیز موثر می باشند و همان گونه که از زمین های شوره زار جز گیاهان بی ارزش چیزی نمی روید، محیط آلوده نیز تأثیر منفی و اثرات زیان

سرگرم منافع خویش شده‌اند و مسئولیت خود را در برابر طبیعت و سایر هم‌نوعان خود فراموش کرده‌اند که رسالت ایجاد عمران و آبادانی در زمین است. دین مبین اسلام در این عرصه دستورات مشخص و موکدی دارد و حفاظت محیط زیست را که نسل امروز و نسل های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، یک وظیفه عمومی برمی شمارد. قرآن کریم در آموزه‌های توصیفی و حتی دستوری خود بر مصونیت طبیعت و منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هرگونه تجاوز، تعدی و فساد در آن تأکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت (رجبی باقرآباد، ۱۳۹۳). مطالعه و بررسی در قرآن کریم نشانگر آن است که محیط زیست مورد عنایت ویژه کتاب الهی است. رعایت نظم و اعتدال در استفاده از مواهب طبیعی، همگانی بودن مسئولیت حفاظت از محیط زیست، توجه به آب و جوانب بهداشتی آن (صرفه جویی، پاک کنندگی آب، اهمیت آب گوارا، آلوده نکردن آب و...)، ویژگی های مسکن بهداشتی (تامین آرامش و آفتاب گیر بودن آن)، پاکیزگی مکان های عمومی، توجه به عناصر اصلی محیط زیست (آب، باد، زمین، هوا، خاک، گیاهان و...)، حمایت از حیوانات، امر به آبادانی زمین، احیای طبیعت، نقش بسیار مهم آموزش و فرهنگ قرآنی در بالابردن سطح دانش و مسئولیت پذیری افراد در برابر جامعه و محیط زیست، از مهم ترین رهنمودهای قرآن کریم در خصوص جایگاه محیط زیست و اهمیت آن در زندگی بشر می باشد. قرآن کریم آموزه های کاربردی فراوانی در زمینه ی محیط زیست بیان کرده است. انسان می تواند با استفاده از توانایی ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار



زیستی را برهم نزند (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). آب، خاک، هوا، گیاهان، حیوانات و مناسبات بیولوژیک متعادل بین آنها شکل دهنده ی محیط زیست طبیعی است. این سرمایه ی طبیعی موهبتی بزرگ است که خداوند متعال به بشر ارزانی داشته تا در تمامی ادوار تاریخ با عمران و آبادانی زمین همه ی انسان ها و موجودات از آن بهره مند باشند؛ از این رو حق بهره مندی از آنرا باید از مصادیق مهم حقوق بشر یاد نمود، که قرآن کریم در آموزه های خود ضمن یادآوری این مطلب، بر مصونیت طبیعت و منابع طبیعی و تعادل زیست محیطی از هر گونه تجاوز و تعدی تأکید ورزیده است و بر این اساس، تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته که عذاب اخروی و مسئولیت دنیوی را در پی خواهد داشت. محیط زیست طبیعی که حیات بیولوژیکی گیاهان و جانوران در آن شکل گرفته و استمرار می‌یابد از چنان اهمیتی برخوردار است که به‌عنوان مهمترین موضوع زیستی انسان و دیگر موجودات زنده مورد توجه قرار گرفته است از طرف دیگر تمدن صنعتی ناشی از تأسیسات و بناها و مکان‌ها و محل زندگی انسان‌ها و تمدن مدنی مربوط به مناسبات اجتماعی انسانها و تأثیر متقابل محیط زیست طبیعی با محیط زیست انسانی هر دین‌پژوه را به مطالعه عمیق متون دینی جهت دریافت موضع دین در این زمینه فرا می‌خواند. قرآن کریم مهمترین منبع شناخت موضع دین اسلام در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی است (ابراهیم چراغی، ۱۳۹۰). از منظر اسلام مالک مطلق طبیعت و مخلوقات، خداوند متعال و انسان خلیفه او بر روی زمین است. خلیفه و نماینده بودن انسان اقتضا میکند که تصرف او در زمین همانند تصرف امانت دار باشد. طبیعت ملک خاص هیچ یک از نسلهای بشری نیست تا

باری بر تربیت انسان دارد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). خداوند در قرآن می‌فرماید ما آسمان‌ها و زمین را به حق آفریدیم و برای آن سرآمد معینی قرار دادیم و در حفظ زمین و اجزای آن انسان را از اسراف برحذر داشت. آنجا که فرموده است خدایی که درختان و باغ‌های خودرو و ناخودرو بیافرید، اسراف نکنید که خداوند اسراف‌کاران را دوست ندارد (عرفانزاده و بهرامی، ۱۳۹۱). تعالیم دینی نظرات منحصر به فرد و کاملاً متمایزی را در مورد طبیعت و موضوعات مرتبط با آن ارائه می‌نمایند. در ادیان مختلف (اسلام، مسیحیت، آیین یهود، زرتشت، بودا و بسیاری از آیین‌ها) بردرخت کاری توصیه شده استوحتی روزهایی ازسال را به درخت کاری اختصاص می‌دهندوآن را جشن می‌گیرند. درهمه ادیان الهی و آیین‌های بزرگ، پاکی، تمیزی و عدم آلودگی جزو وظایف دینی شمرده شده است. دین اسلام ضمن بیان موهبت‌ها و نعمتهای بی‌کران خدادادی، این نکته را یادآور می‌شود که بی‌توجهی به آیین نعمت‌ها از راه‌هایی مانند آلوده سازی محیط زیست، شکار بی‌رویه ی حیوانات، از بین بردن درختان، گیاهان وآنهه که میبورد نیاز عموم می‌باشد در واقع تجاوزبه حقوق دیگران است که قبیح و حرام شمرده شده است. (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). مهمترین وظیفه انسان در قبال طبیعت اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. یکی از وجوه اصلاح زمین، عمران و آبادی است. منظور از عمران در زمین، تأمین اصول زیست محیطی برای حیات همه موجودات زنده است. احکام اسلام درباره محیط زیست فراوان و متنوع است. انسان به موجب این احکام موظف است از آلوده کردن آب و خاک و هوا پرهیز کرده، درخت کاشته و با حیوانات با رأفت و مهربانی رفتار کرده، از آنها حمایت کند و تنوع



زیست درجهان امروز در حقیقت حاصل بحران اخلاقی و عدم آگاهی انسان‌ها است که به بی‌تعهدی انسان باز می‌گردد. از این رو، خروج از این بحران، نخست راه حل اخلاقی می‌طلبید. یعنی بشر امروز نیازمند اصولی اخلاقی است که تنظیم‌کننده‌ی نحوه‌ی رفتار با محیط زیست باشد. اصولی که هم از لحاظ طبیعی مناسب و هم از لحاظ انسانی و اجتماعی، مسئولیت‌آفرین باشد. (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). متون مختلف تعالیم اسلامی به انحاء گوناگون به طبیعت و عناصر آن و همچنین به فواید و اثرهای آن اشاره نموده‌اند و در کنار این اشارات به لزوم حفاظت از آن نیز پرداخته‌اند. آیاتی از قرآن کریم انسان را مورد سوال قرار داده و یا او را به دستورهای امر کرده‌اند که یکی از مصادیق بارز این سوالات و اوامر می‌تواند محیط زیست باشد. این در عین حالی است که قرآن کریم به بسیاری از اصول و قوانین که ضامن بقا و تداوم حیات عالم هستی و حرکت آن به سوی کمال است، اشاره می‌فرماید که مراعات این قوانین خود مرحله‌ای از حفاظت از محیط زیست است. برای نمونه می‌توان به موزون بودن عالم هستی و خلق عالم بر اساس توازن اشاره کرد. [ر.ک: سوره حجر، آیه ۱۹] به این معنا که انسان نباید عملی مرتکب شود که سبب برهم خوردن این توازن و تعادل گردد. موضوع بعدی اشاره شده در قرآن کریم که تجاوز به آن سبب برهم خوردن این تعادل محیط می‌گردد، اندازه و قدر است. به بیان دیگر، در تماس با طبیعت و بهره‌گیری از منابع آن باید به گونه‌ای رفتار شود که اولاً قدر و اندازه ملاک عمل قرار گیرد و ثانیاً تغییرات اندازه‌ها به حدی نباشد که سبب تخریب محیط زیست و از بین رفتن گونه‌هایی گردد. انسان جانشین و خلیفه خداوند در استعمار، عمران و آبادانی زمین است. جانشینی و خلافت ایجاب

هر طور که خواست در آن تصرف کند، بلکه میراث همه بشر است که از نسلی به نسل دیگر به ارث می‌رسد. لازمه امانت داری انتقال محیط پاک و سالم به نسل‌های بعدی است. از منظر قرآن کریم همانطور که انسان دارای کرامت است، همه موجودات طبیعت نیز مقدسند زیرا همه اجزای طبیعت تسبیح‌گوی حق هستند. بر این اساس، انسان در مقابل همه چیز، از جمله حیوانات و طبیعت اطراف خود مسئولیت دارد. مهمترین وظیفه انسان در قبال طبیعت اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. یکی از وجوه اصلاح زمین، عمران و آبادی است. منظور از عمران در زمین، تأمین اصول زیست محیطی برای حیات همه موجودات زنده است. احکام اسلام درباره محیط زیست فراوان و متنوع است. انسان به موجب این احکام موظف است از آلوده کردن آب و خاک و هوا پرهیز کرده، درخت کاشته و با حیوانات با رأفت و مهربانی رفتار کرده، از آنها حمایت کند و تنوع زیستی را برهم نزند (اکبری-راد، ۱۳۹۲). از مهمترین اموری که زمینه ساز سعادت و کمال انسان در دنیا و آخرت است، داشتن محیطی سالم کیه انسان بتواند در پناه آن، به ترتیب جسم و روح خویش بپردازد. محیط زیست مجموعه‌ای بسیار عظیم و در هم پیچیده از اجزا و ترکیبات مختلفی است که تحت تاثیر فعالیت‌های انسان قرار گرفته و بر آن تاثیر گذار است. خمیرمایه زندگی انسان در برخورد با طبیعت شکل گرفته است. برخلاف انسان‌های گذشته که جدالشان با طبیعت برای زنده ماندن بود، امروزه جدال انسان با طبیعت به منظور دستیابی به رفاه بیشتر است. رفاهی پایان‌ناپذیر که صرفاً با تسخیر مواهب طبیعی می‌توان به آن دست یافت که حاصل آن در نهایت به نابودی طبیعت و محیط زیست و انقراض بسیاری از موجودات و نعمات خواهد انجامید. بحران محیط



گونه‌های مختلف- اعم از لشکرکشی و طرح نقشه‌های استعماری- محیط زیست بشر را آلوده می‌کنند و این مهمترین نافرمانی بشر نسبت به دستورات خداوند در نظام هستی است که نتیجه این بی‌اعتنایی زندگی سخت و رنج آور خواهد بود. حفظ جسم و روان، جز با زیستن در محیط سالم امکان پذیر نیست. خداوند در طبیعت و جهان آفرینش نظم و حکمت الهی قرار داده است و قرآن مجید در بحث‌های توحیدی بیش از هر چیزی روی برهان نظم تاکید می‌نماید. دگرگونی در اوصاف و ترکیب طبیعی عناصر حیاتی و موثر بر محیط زیست باعث آلودگی در محیط زیست می‌گردد(فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). تصرف و تسخیر مدبرانه در طبیعت تصرف متعادل و میانه است که علاوه بر تامین نیازهای زندگی منجر به آبادانی و عمران طبیعت می‌شود ولی چنانچه تصرف از اعتدال و عدالت خارج شود و منافع زودگذر ترجیح پیدا کند بر منافع بلندمدت، عملکرد طبیعت هم از روال عادی و سالم خود خارج می‌شود و در این صورت انسان با دست خود، سلامت خود را به خطر انداخته و به عبارت فرهنگ دینی «کفران نعمت و اسراف» کرده است و عواقب وخیمی در انتظار اوست. قرآن کریم سند نهایی وحی مشتمل بر گزاره‌هایی توصیفی از طبیعت و دستوری نسبت به رابطه انسان با طبیعت است که از مجموع آنها می‌توان به قواعد اخلاقی و حقوقی مورد نظر قرآن در زمینه محیط زیست طبیعی و انسانی دست یافت. بنابراین آنچه در این نوشتار ارایه می‌گردد نگاه توصیفی قرآن از طبیعت و محیط زیست طبیعی و الگوی تعامل مطلوب با آن است (ابراهیم چراغی، ۱۳۹۰). رابطه‌ی انسان با منابع حیاتی مانند هوا، گیاهان، جنگل‌ها، منابع آبی و جانوران هرگز رابطه مالکانه نیست که به هر شکل دلخواه بتواند در آن تصرف کند. در قرآن

می‌نماید که او امانت زمین را به نیکویی حفظ نموده و آنرا از هرگونه تخریب و فساد مصون نگه دارد و با دانش و علم نسبت به بهره‌وری و عمران زمین بکوشد و فضای زیست محیطی موجودات دیگر را تضمین نماید و امکان بهره‌وری همه‌گانی و همیشگی را برای همه موجودات در زمین فراهم آورد. ذکر خداوند متعال و یادآوری خلافت و جانشینی او در زمین و درک محیط بودن آن ذات مقدس بر همه چیز «... و کان الله بکل شیء مُحیطاً» (نساء/۱۲۶) رمز بهره‌وری از طبیعت با حفظ تعادل زیستی آن است. تنها انسانهای عالم به سنت‌های حاکم بر طبیعت و پایبند به تعهدات خویش در خلافت از آلوده‌سازی طبیعت و بهره‌وری نادرست از آن اجتناب می‌ورزند و تمامی همت خویش را در حفظ تعادل محیط زیست به کار می‌گیرند (ابراهیم چراغی، ۱۳۹۰). حق بودن خلق الهی و یا به باطل و باز یچه آفریده نشدنی نیز موضوع مهم دیگری است که به بشر می‌آموزد تا از انهدام طبیعت و عناصر طبیعی در راههای باطل و بیهوده احتراز نماید. علاوه بر اینها قواعد فقهی متعددی همچون قاعده لاضرر ضمان، اتلاف، تسبیب و عدالت را نیز می‌توان به عنوان بستری برای حقوق محیط زیست در فرهنگ اسلامی معرفی نمود. مضافاً بر اینکه بسیاری از اصول که به ظاهر به عنوان یک ارزش اخلاقی تلقی می‌شوند و می‌توانند در قلمروی حیات مصداق خاص خویش را داشته باشند، مثل قناعت، خودکفایی، احتراز از اسراف و تبذیر نیز پشتوانه‌های محکمی در حمایت از حقوق محیط زیست هستند. تأمین فضای سالم و محیط زیست مناسب مقدم بر جبران خسارت‌های ناشی از محیط زیست آلوده است، اما عده‌ای برای تامین منافع خویش به همه اصول زیست محیطی پشت کرده و هیچ حریمی را رعایت نمی‌کنند. امروزه کشورهای استعمارگر به



محیط زیستی امن و سالم جهت نیل به کمال، مورد اهتمام اسلام است.

سفارش قرآن به حفاظت از محیط زیست:

خداوند در آیه ۳۸ سوره مبارکه انعام می‌فرماید: «مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ» یعنی: ما در این کتاب از بیان هیچ چیز فروگذار نکردیم. در آیه ۸۹ سوره مبارکه نحل خطاب به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ» یعنی: کتابی به سوی تو فرستادیم که بیان کامل هر چیزی در آن هست. امام صادق علیه السلام نیز بر جامعیت اسلام تأکید کرده و می‌فرماید: خداوند در قرآن هر چیزی را بیان کرده است. به خدا سوگند، چیزی را که مورد نیاز مردم بوده، رها نکرده است، تا کسی نگوید اگر فلان مطلب درست بود، در قرآن نازل می‌شد. آگاه باشید همه نیازهای بشر را خداوند در آن نازل کرده است. از امام باقر علیه السلام نیز روایت شده که فرمودند: خداوند متعال چیزی را که مورد نیاز این امت است، در کتابش فروگذار نکرده است و برای رسولش تبیین نموده است و برای هر چیزی حدی قرار داده و دلیل روشنی بر آن نهاده است و برای هر کسی که از این حد تجاوز کند، حد و مجازاتی قرار داده است (فیروزی، ۱۳۸۸). گاهی اوقات فعالیت‌های انسانی برای رسیدن به توسعه و رفاه موجب ضربه زدن به طبیعت می‌شود و حیات موجودات زنده دیگر را به خطر می‌اندازد به حدی که امروز بحران محیط زیست وجود دارد و برای رهایی از این بحران نیز باید به اصول اخلاقی و متون دینی خود مراجعه کنیم. در آیه ۸۷ سوره مائده خداوند فرموده است: «... لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»؛ از حد مگذرید که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست با محیط زیست دارند

تعبیرهای قاطعی یافت می‌شود که با بیانی روشن، حدود تصرف را محدود می‌سازد. «لا تاكلوا اموالكم بينكم بالباطل: اموال یکدیگر را به باطل مخورید»، «ولا تسرفوا: اسراف نکنید» مانند آدمی تا روزی که زنده است، حق بهره برداری از امکانات و مواهب طبیعی را دارد و هم اینکه حق ندارد که در دوره‌ی حیات و بهره برداری خود آسیبی به طبیعت وارد کند که اثر مستقیم یا غیر مستقیم این آسیب، سلامت طبیعت و نسل حاضر و نسل‌های بعدی را به خطر بیندازد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). آلوده ساختن محیط زیست و نابود کردن طبیعت و منابع طبیعی از واضح‌ترین نمونه‌های زیان زدن به دیگران است که اسلام با قاطعیت آن را مردود شمرده است. قاعده لاضرر در قالب حدیث در حد تواتر به اثبات رسیده و اهل سنت نیز به این قاعده اهتمام دارند. پس با توجه به قاعده لاضرر و لاضرار فی الاسلام، انسان‌ها نمی‌توانند به دلیل بهره‌برداری افراطی از طبیعت به دیگران ضرر و زیان وارد کنند. اگر بهره‌برداری و سودجویی بی‌رویه از محیط زیست انسان‌ها و جانداران موجب اضرار به خود و یا دیگران باشد، از نظر اسلام مردود است، پس آلودگی صوتی، هوا، خاک و آب چون موجب ضرر به دیگران می‌شود جایز نمی‌باشد. با پیشرفت علم و تکنولوژی و افزایش توان فناوری‌ها در بهره‌برداری از منابع طبیعی تعادل زیست محیطی، در دو قرن حاضر به زیان طبیعت بر هم خورده است که پدیده‌ای نگران‌کننده و گاه جبران‌ناپذیر می‌نماید. از این رو جامعه بین‌الملل برون رفت از این معضل را محافظت از محیط زیست دانسته و در این راه مایل به معاضدت و مدد رسانی دین می‌باشد. با نگاهی به متون دینی و از جمله قرآن کریم می‌توان دریافت که محیط زیست و تلاش برای به حفظ و حمایت از آن، برای بهره‌مندی بشر از



به آن نیازمند باشد. به حکم قرآن کریم، همه چیز در جهان آفرینش بر پایه ی نظم و عدالت و هر چیزی به اندازه ی لازم آفریده شده است (سوره قمر آیه ۴۴). دسته‌ای از آیات که در قرآن فراوان هستند، همه یک پیام دارند و آن این که آنچه از عناصر محیط زیست در روی زمین است، برای انسانهاست و همه انسانها حق دارند از این الطاف الهی بهره‌مند شوند و هیچ کس نمی‌تواند این حق خدادادی را از آنها سلب کند. در آیات قرآن کریم همچون آیه ۴۹ سوره قمر «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ؛ مایمیم که هر چیزی را به اندازه آفریده‌ایم» که حکایت از نظم حاکم بر جهان و طبیعت دارد و از آن این نتیجه به دست می‌آید که نابسامانی‌های موجود در طبیعت و آلودگی‌های زیستی ناشی از بهره‌وری نادرست از طبیعت و منابع آن است. گاهی اوقات فعالیت‌های انسانی برای رسیدن به توسعه و رفاه موجب ضربه زدن به طبیعت می‌شود و حیات موجودات زنده دیگر را به خطر می‌اندازد به حدی که امروزه بحران محیط زیست وجود دارد و برای رهایی از این بحران نیز باید به اصول اخلاقی و متون دینی خود مراجعه کنیم. در آیه ۸۷ سوره مائده خداوند فرموده است: «... لَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ؛ ...از حد مگذرید که خدا از حد گذرندگان را دوست نمی‌دارد» و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست با محیط زیست دارند از رحمت خداوند محروم خواهند بود. همچنین در آیه ۲۷ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «... وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ ... و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند که زیانکارانند» پس هر کسی که در زمین فساد می‌کند و ضرر می‌زند، خودش زیانکار خواهد شد. به طوری که قرآن کریم کامل‌ترین دیدگاه و جامع‌ترین شیوه تعامل با محیط زیست را بیان نموده است. آیاتی از قرآن کریم که از تخریب محیط زیست به

از رحمت خداوند محروم خواهند بود. همچنین در آیه ۲۷ سوره بقره خداوند می‌فرماید: «... وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ ... و در زمین به فساد می‌پردازند آنانند که زیانکارانند» پس هر کسی که در زمین فساد می‌کند و ضرر می‌زند، خودش زیانکار خواهد شد. به طور کلی در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، یک وظیفه دینی تلقی می‌شود. علاوه بر اینها در روایاتی از پیامبر و معصومین (ع) نیز سفارشات درباره محیط زیست شده است. به عنوان مثال پیامبر (ص) فرمودند: «تحفظوا من الارض فإنها أمکم»؛ یعنی از زمین حفاظت کنید به درستی که آن مادر شماست و در جای دیگری نیز فرمود: «ان قامت علی احدکم القیامه و فی یده فسیله فلیغرسها»؛ یعنی اگر قیامت برپا شود و در دست نهالی باشد باید آن را بکارد. از سوی دیگر طبیعت‌گردی پایدار نوعی از گردشگری است که در عین استفاده از مواهب طبیعی به طبیعت آسیبی نمی‌رساند البته در سفر به مناطق طبیعی باید نکاتی را رعایت کنیم. به عنوان مثال از فروختن آتش در جنگل خودداری کنیم و در صورت استفاده از اجاق‌های صحرایی با اطمینان از خاموش شدن آن محل را ترک کنیم. محصولات جنگلی و گیاهان دارویی را نیز برداشت نکنیم (هاشمی علی آبادی، ۱۳۹۷). هیچ مکتبی مانند اسلام به طبیعت و محیط زیست اهمیت نداده است. قرآن کریم در بسیاری از آیات انسان‌ها را به مطالعه‌ی طبیعت و عناصر آن فراخوانده است. همچنین بسیاری از سوره‌های قرآن کریم (مانند سوره ی بقره، رعد و ...) به نام یکی از عناصر طبیعت خوانده شده است. خداوند، سرنوشت بشر را به گونه ای رقم زده است که در دامان طبیعت رشد کند و



ها صورت پذیرد (فیروزی، ۱۳۸۸). قرآن مجید نگاه بسیار جالب و عمیقی به طبیعت دارد. مظاهر طبیعی را مخلوق خدا معرفی کرده و انسان را متوجه آن می‌سازد. "و من آیاته الليل و النهار و الشمس و القمر ..." فصلت/۳۷ از نشانه‌های خداوند شب و روز و خورشید و ماه است. موجودات طبیعی از نظر قرآن کریم هر چند مخلوق و آفریده خدا هستند، موجوداتی بی روح و بی جان نیستند بلکه جان داشته و میتوانند با طبیعت مأنوس شوند، به گفتگو نشسته و نسبت به آن عشق بورزند (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). در آیه ۱۰ سوره مبارکه اعراف خداوند می‌فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» یعنی: شما را از امکانات زمین بهره‌مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم. این آیه نیز، بیان‌کننده توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم شده است. روشن است که داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند نیز، پهنه طبیعت را زیستگاه انسانی قرار داده است (فیروزی، ۱۳۸۸). همچنین در سوره الرحمن آیه ۱۵ می‌فرماید: خداوند زمین را برای همگان قرار داد. بر مبنای این آیه کریمه، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین استفاده از این حق باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن برای نسل‌های حاضر و آینده حفظ شود. از مصادیق بارز فساد در زمین که مورد نهی خداوند سبحان است، تخریب جنگل‌ها، قطع درختان و از بین بردن مراتع، کشتزارها و نسل حیوانات است. خداوند متعال در توصیف گروهی از مفسدان فی الارض در آیه ۲۵۰ سوره مبارکه

عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده است و کسانی که رفتار ناشایست با محیط زیست داشته باشند از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود (مائده، ۸۶). همچنین قرآن کریم تخریب محیط زیست را فساد در زمین دانسته و می‌فرماید و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها (اعراف، ۸۵). استفاده از طبیعت و محیط زیست از منظر قرآن کریم حق همه انسانها در تمام دورانهاست. آموزه‌های دینی بر مصونیت طبیعت و منابع طبیعی از هرگونه تجاوز و تعدی تأکید نموده است و تجاوز و تعدی به طبیعت را فساد در زمین دانسته است تخریب نابودی و آلوده‌سازی محیط زیست یکی از مصادیق مهم رفتارهای فساد انگیزی در زمین می‌باشد (مهربیان و کشاورز محمدیان، ۱۳۹۱). همچنین در خصوص امانت داری از محیط زیست در سوره بقره، آیه ۲۱۱ خداوند متعال می‌فرماید: هر کس نعمت خدا را پس از آنکه برای او آمد به کفران بدل کند خدا سخت کیفر است. در قرآن مجید در خصوص عمران و آبادانی زمین در سوره بقره، آیه ۲۰ می‌فرماید: آنانکه در زمین فساد می‌کنند از زیان کارانند. در این آیه قرآن، آبادسازی و آباد نگهداری محیط زیست انسان و جانوران را از انسان خواسته است (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و انسان حق تصرف و استفاده از آن را دارد و این حق برای همه انسان‌ها در همه زمان‌ها وجود دارد. خداوند در آیه ۲۹ سوره مبارکه بقره می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا» یعنی: و اوست آن (آفریننده ای) که همه آنچه در زمین است برای شما آفرید. این آیه بهره‌برداری از منابع و منافع زمین را متعلق به همه انسان‌ها، در همه زمان‌ها می‌داند؛ که باید به طور اصولی و صحیح، در جهت رفع نیازها و رعایت حقوق دیگر انسان‌ها در همه دوره

بقره می‌فرماید: می‌کوشد تا در زمین فساد کند و حرث و نسل رانابود کند و خداوند فساد را دوست نمی‌دارد (فتاحی و همکاران، ۱۳۹۷). موجودات طبیعی از نظر قرآن مقدس هستند و هیچ گاه قداست و معنویت از آنها منفک نمی‌شود. همه اجزای طبیعت همواره تسبیح گوی حق هستند. "یسبح الله ما فی السموات و ما فی الارض...." (جمعه/۱). قرآن کریم با صراحت می‌گوید: "و ان من شیء الا یسبح بحمده" (اسراء/۴۴). همه موجودات تسبیح خدا می‌گویند. کوه و دشت و دریا و درختان که در نظر علوم تجربی موجوداتی گنگ و خاموش بوده که فقط به عنوان مواد خام و برای بهره‌برداری بیرحمانه انسان پدید آمده‌اند، از نظر اسلام درک و عاطفه دارند. رسول خدا (ص) با اشاره به کوه احد می‌فرماید: "هذا احد، جبل یحبنا و نحبه" این کوه احد است، ما را دوست می‌دارد و ما نیز آن را دوست می‌داریم. این کلمات نشان دهنده دوستی و الفت و هماهنگی موجود در قلب نخستین مسلمان حضرت محمد (ص) با طبیعتی است که ظاهری سخت و خشن دارد (اکبری‌راد، ۱۳۹۲). در آیه ۱۰ سوره مبارکه الرحمن آمده است: «وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ» یعنی: و (خداوند) زمین را برای همگان قرار داد. بر مبنای این آیه کریمه، زمین و محیط زیست آن، حق همگانی است و همه حق دارند از آن بهره‌مند شوند. بنابراین، استفاده از این حق، باید به گونه‌ای باشد که امکان استفاده و بهره‌برداری از آن، برای نسل حاضر و نسل‌های آینده حفظ شود (فیروزی، ۱۳۸۸). تصرف انسان در طبیعت و محیط زیست مطلق و نامحدود نیست؛ بلکه مقید به چارچوب‌هایی است که باید آنها را رعایت کند. از جمله: عدم اضرار به غیر، رعایت حقوق دیگران و حفظ حقوق نسل‌های آینده.

عواملی همچون ایمان و اخلاق اسلامی از اموری است که می‌تواند رابطه‌ای مسالمت‌آمیز بین انسان و محیط زیست برقرار کرده و به سلامتی و شادابی انسان و محیط زیست منجر شود. بر همین اساس، در قرآن کریم، خداوند همان‌طور که حق بهره‌برداری از محیط زیست و طبیعت را برای انسان قرار داده، مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را هم بر عهده او گذاشته است. در آیه ۶۱ سوره مبارکه هود آمده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» یعنی: خداوند شما را از زمین پدید آورد و آبادی آن را به شما واگذاشت. از این آیه استفاده می‌شود که محافظت، عمران و آباد کردن محیط زیست از وظایف انسان است و هر عملی که با آبادانی محیط زیست منافات داشته باشد، ممنوع است. نکته ظریفی که در این آیه وجود دارد آن است که قرآن نمی‌گوید، خداوند زمین را آباد کرد و در اختیار شما گذاشت؛ بلکه می‌فرماید: عمران و آبادانی زمین را به شما واگذار کرد. پس انسان مسؤولیت عمران و آبادانی زمین را بر عهده دارد و مفهوم آیه این است که تخریب محیط زیست و نابودی آن، مخالف عمران و آبادانی است، پس باید از آن پرهیز نمود (فیروزی، ۱۳۸۸). حضرت علی (ع) فرمود: "اتَّقُوا اللَّهَ فِي عِبَادَةِ وَ بِلَادِهِ فَانْكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّىٰ عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ" (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸ق). یعنی در میان بندگان خدا و شهرها بر پایه تقوا عمل کنید زیرا همه شما مسئول هستید حتی نسبت به بقعه‌ها و حیوانات. پس اطاعت کنید از فرمان الهی و گناه نکنید. در واقع در این حدیث هم به اصل مسئولیت اشاره شده و هم به وظیفه‌ای که از این اصل نشأت می‌گیرد. بدین‌سان که انسان در مقابل همه چیز و از جمله حیوانات و طبیعت اطراف خود مسئولیت دارد و باید در برخورد با محیط زیست و مردم تقوای الهی را رعایت



یعنی بحران اخلاقی و درونی آنها و عملکرد نامشروع آنها نسبت به طبیعت و دیگر نعمت‌های الهی دارد. «فَكَفَرْتَ بِنِعْمِ اللَّهِ فَاذْأَقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ» (نحل/ ۱۱۲) در مقابل رعایت حدود و سنت‌های الهی و پایبندی به اصول زیست محیطی و زیست انسانی بر پایه آموزه‌های آسمانی موجب شکوفایی و طراوت محیط زیست و امکان بهره‌مندی حداکثری از طبیعت می‌شود چنانچه پایداری در مسیر مستقیم سبب بهره‌مندی از آب فراوان می‌شود. «وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا» (جن/ ۱۶) و ایمان و عمل به دستورات الهی موجب برخورداری از نعمت‌های آسمانی و زمینی می‌شود. «وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَ مَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ» (مائده/ ۶۶). از مجموع گزاره‌های سلبی و ایجابی حداقل باید‌ها و نباید‌های ارشادی و اخلاقی یا احکام تکلیفی استحباب و کراهت استظهار می‌شود قرآن کریم در برخی از آموزه‌های خود باید و نباید را در کنار هم مطرح نموده است به بهره‌مندی از محصول طبیعت امر نموده و از عدم تعادل در مصرف آن نهی فرموده و اسراف را عامل از دست دادن محبت خداوند دانسته است. «... و كلوا و اشربوا و لا تسرفوا ان الله لا يحب المترفین» (اعراف/ ۳۱) و آنان را از اهل آتش جهنم معرفی نموده است «وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هم اصحاب النار». (مؤمن/ ۴۳) با تأمل در این دسته از آیات می‌توان قواعد الزامی و حقوقی و احکام تکلیفی حرمت تخریب طبیعت و استفاده ناروای از آن و وجوب حفظ محیط زیست را بدست آورد. قرآن کریم، تجاوز به حریم طبیعت و ضایع ساختن و تخریب منابع زیستی را اعتداء دانسته است چنانکه می‌فرماید «ضایع مکنید منابع پاکیزه‌ای که خداوند در اختیار شما قرار داده

کند. از جمله مهمترین وظایفی که در خلال دستورات و باید و نبایدهای شرع برای مسلمانان مشخص شده، اصلاح در زمین و اجتناب از فساد در آن است. آیات متعددی از قرآن کریم انسان را از فساد در زمین بر حذر داشته و به اصلاح در آن که همانا عمل صالح است امر می‌کند. از جمله در آیه ۵۶ اعراف می‌فرماید: "و لا تفسدوا فی الارض بعد اصلاحها....." در آیه بعدی از جمله مصادیق اصلاح زمین را ، باران، روئیدنی ها و درختان میوه دار ذکر می‌کند. بافت آیه نشان می‌دهد که منظور از فساد در زمین بعد از اصلاح آن با باران و روئیدنیهانابود کردن و از بین بردن محیط زیست است (اکبری- راد، ۱۳۹۲). طبیعت و آنچه در آن است از مصادیق نعمت‌های الهی برای بشر است. «و ما بکم من نعمه فمن الله» (نحل/ ۵۳) خداوند نعمت را در اختیار انسان قرار داده است تا شکرگزار باشد یعنی از آن به نحو مطلوب استفاده نماید. در صورتیکه از آن به نحو مطلوب استفاده نماید زیادت نعمت به شکل تداوم آن نعمت یا اختصاص نعمت دیگر به عنوان پاداش عملکرد صحیح خویش در بهره‌وری از نعمت بهره‌مند می‌گردد. «إِن شکرتم لأزیدنکم» (ابراهیم/ ۷) ولی اگر با بهره‌برداری خود، طبیعت و محیط زیست را آلوده و تخریب نماید او نسبت به نعمت بزرگ طبیعت کفر ورزیده و مستحق عقاب دنیوی محرومیت از این نعمت و موهبت الهی می‌شود «و لئن کفرتم إن عذابی لشدید» (ابراهیم/ ۷) محرومیت از نعمت‌های الهی در حقیقت ناشی از ویژگیهای درونی مانند حرص و طمع‌ورزی و نادیده گرفتن سنت‌ها و پیمان‌های الهی است «ذلک بأن الله لم یک مَغیراً نِعْمَه أَنْعَمَهَا علی قوم حتی یغیروا ما بأنفسهم» (انفال/ ۵۲) لذا بحران محیط زیست ریشه در انسان‌ها



یادآوری می‌کند: «وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشٍ...»؛ (حجر ، ۱۹ و ۲۰) ما زمین را امتداد داده و در آن کوه‌ها را قرار دادیم و در آن از هر شیء موزون رویندیم و روزی شما را در زمین قرار دادیم و بعد از نزول باران و رویندن گیاهان و انواع میوه‌ها و پیدایش بستان‌ها که محل ارتزاق انسان و حیوانات است، سخن می‌گوید و بعد نسبت به خطر ظالمین در زمین اشاره کرده و می‌فرماید: «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَ يُهْلِكَ الْحَرْثَ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ»؛ (بقره ، ۲۰۵) زمانی که ظالمین مستولی بر زمین گردند تلاش در هلاکت نسب و مزارع می‌کنند و خداوند فساد را دوست ندارد. به وضوح از این آیه می‌توان برداشت کرد که ویرانگری در نسل و محیط زیست حرام است. در اهمیت حفظ نسل نمونه‌ای که زمان وقوع طوفان نوح، برای جلوگیری از انقراض نسل حیوانات، حضرت نوح(ع) به امر خدا، از هر نوع حیوان یک جفت در کشتی خود قرار می‌دهد تا نسل حیوانات نیز همانند انسان‌ها منقرض نشود. از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که طبیعت و محیط زیست در متون دینی، حق همه انسانها در همه دورانهاست. بنابراین، در مقابل حق استفاده ای که خداوند برای انسان در محیط زیست و طبیعت قائل شده است، وظیفه ای نیز بر عهده او گذاشته است که آن، حفظ و حمایت و بهره برداری صحیح از محیط زیست است؛ زیرا هدف خداوند از در اختیار گذاشتن طبیعت برای انسان این است که جهت رفاه، آسایش و تکامل خود از آن بهره مند شود. بنابراین، اگر در استفاده از این امکانی که در اختیار او قرار گرفته، زیاده روی کند، بر خلاف آن هدف متعالی اقدام کرده که نتیجه اش به خطر افتادن حیات خود او و دیگران و بازماندن از سیر تکاملی در مسیر

است و تجاوز نکنید از حدود خویش، چرا که متجاوزین مشمول محبت خداوند نخواهند بود». (مائده/ ۸۶) برخی از محققان از آیه شریفه نتیجه گرفته‌اند که از نظر قرآن بشری که از طریق فساد و تباهی و تجاوز از حدود و مرزها، پیمان الهی را بشکند و رابطه با خدا را از هم بگسلد و تعادل میان محیط با محاط را برهم زند از شمول رحمت، محبت و رأفت الهی دور می‌گردد. قرآن کریم در آیه ۸۱ سوره مبارکه طه ضمن شناسایی حق بهره‌مندی از ارزاق نهفته در زمین از سرکشی در بهره‌وری از آن نهی نموده است. «كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ لَا تَطْغَوْا فِيهِ فَيَحِلَّ عَلَيْكُمْ غَضَبِي وَ مَنْ يَحِلَّ عَلَيْهِ غَضَبِي فَقَدْ هَوَى» (ابراهیم چراغی، ۱۳۹۰). مسلمانی که از وحی الهام می‌گیرد و پیوند خود را با عالم ملکوت پاس می‌دارد، از تخریب طبیعت دوری می‌کند و نگرهبانی از طبیعت را وظیفه خود می‌داند چرا که آلوده کردن هوای محیط زیست، فساد در زمین محسوب می‌شود. «...هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...»؛ (هود، ۶۱) خداوند شما را از زمین خلق کرد و شما را مأمور آبادانی آن کرد. عوامل زیست محیطی مانند آب و هوا، از جمله مسائل مهمی هستند که باید در جوامع شیعه طرح و بستر مناسب خود را باز یابند؛ در مکتب اسلام با احکامی روبرو می‌شویم که بعضی جنبه جلوگیری‌کننده دارد مثل «...وَ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» ؛ (اعراف ، ۸۵) یعنی بعد از اصلاح زمین در آن فساد به پا نکنید که این برای شما نیکوتر است اگر مؤمن بوده باشید. بعضی از این آیات جنبه آمرانه و ایجابی دارد، مثل «قل سیروا فی الارض فانظروا کیف بدأ الخلق»؛ یعنی بگو در زمین سیر کنید و بنگرید که پیدایش خلقت چگونه بوده است، بعضی از آیات نیز کیفیت شکل‌گیری و اهمیت زمین در ارتزاق مردم را



اختصاص نیافته است و در آموزه های دینی، حتی حقوق حیوانات نیز در نظر گرفته شده است. اجتناب از فساد، هماهنگی فعالیت‌های انسان با نظام حاکم بر طبیعت، عامل اساسی در راه بهتر زیستن او بوده و او را از تخریب و فساد در طبیعت بازمی‌دارد. محیط زیست زمینه‌ی فعالیت‌های مادی انسان می‌باشد. نگرش اسلام به رابطه انسان محیط بسیار روشن و متفاوت با دیدگاه غرب در قرون اخیر می‌باشد. با مروری بر تعالیم اسلامی و عنایت به موضوعاتی از قبیل شناخت نظام طبیعت و اصلاح و آبادی آگاهانه زمین که در آن نقش و وظیفه خطیر انسان در جهت ارتقای و کمال بخشی به محیط مشخص شده است می‌توان به نسخه ای منحصر به فرد از پایداری رسید. انسان اشرف مخلوقات و خلیفه خداوند در زمین است. خداوند طبیعت و محیط زیست را برای انسان و سایر موجودات آفریده است و در مقابل آن حق و تکلیفی را برعهده انسان گذاشته است. انسان در جهت حفظ محیط زیست نیاز به آگاهی، بینش و دانش دارد. استفاده از دستورات و رهنمودهای قرآن در زمینه محیط زیست از اصلی‌ترین منابع در این زمینه قلمداد می‌گردد. لذا نقش فرهنگ قرآنی در سلامت محیط زیست مهم بوده و برای این کار نیازمند اصولی هستیم که نظر بر آرمان‌های اخلاقی داشته باشد و در عین حال توسعه و بهبود زندگی مادی را نیز در برگیرد. تبیین اخلاق زیست محیطی بایستی مبتنی بر باورها، ارزش‌ها و اعتقادات جامعه باشد تا به صورت قابلیت و توانایی فنی، تخصصی و نگرشی در افراد ظاهر شود، چرا که ریشه اصلی نابسامانی‌های موجود در حفاظت از منابع طبیعی، به چگونگی درک و باورهای انسان نسبت به محیط زیست برمی‌گردد. با اوج گیری دانش بشر و توانایی‌های علمی و تکنولوژیکی، تعادل زیست

سعادت دنیا و آخرت خواهد بود. به عنوان مثال، علم و فناوری، مهمترین ابزار تصرف انسان در طبیعت است. تلاش علمی و به کارگیری فناوری در طبیعت و محیط زیست برای این است، که انسان بتواند از محیط زیست و طبیعت، جهت فراهم آوردن یک زندگی سعادت‌مندانه همراه با امنیت و آرامش استفاده کند؛ اما اگر انسان در استفاده از علم و فناوری برای تصرف در محیط زیست زیاده روی کند، ثمره ای جز مقهوریت و مغلوبیت او در مقابل سلطه زندگی ماشینی و صنعتی نخواهد داشت. این همان چیزی است که امروزه شاهد آن هستیم و به طور قطع هم خلاف دستورات و تعالیم اسلام است؛ زیرا اسلام، تسلط بر طبیعت را می‌خواهد، اما زیاده روی در این امر باعث شده که کار از دست انسان خارج شود؛ به گونه ای که سلامت، امنیت و انسانیت او در میان پیچ و مهره های این زندگی صنعتی و ماشینی گم شده است (فیروزی، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری

دین اسلام نسبت به محیط زیست انسانها، بی‌توجه نبوده و برای آن احکام جامع و مانعی پیش بینی کرده است و آن را متعلق به همه انسانها می‌داند که باید به طور صحیح و با توجه به میزان سهم‌شان از آن استفاده کنند و باقی منابع را برای آینده‌گان محافظت نمایند و از نابود کردن آن بپرهیزند. خداوند در آیات بسیاری انسان‌ها را متوجه مواهب الهی و برخورداری مناسب از آنها کرده است و با هشدارها و بشارت‌های بسیار او را به یافتن و پیمودن راه درست الهی دعوت کرده است. همچنین سفارش‌های فراوانی درباره حفظ محیط زیست و تنظیم رابطه انسان با محیط پیرامون در قرآن ارایه شده است. طبق آیات الهی، فرآیند خلقت موجودات، موزون و در چارچوب عدالت قرار دارد. برخورداری از مواهب طبیعی به یک نسل خاص



موجب ایراد زیان به انسانها و موجودات دیگر می‌شود را باید ظلم و حرام به شمار آورد و مجازات متناسب و روش‌های جبران خسارت را با روش اجتهادی از ادله و منابع فقه استخراج و ارائه نمود. انسان ضمن برخوردار شدن از مواهب طبیعی، در حفظ سلامت و پایداری آن نیز بکوشد. آیات و روایات فراوانی وجود دارد که نشان می‌دهد خداوند، طبیعت و محیط زیست را برای انسان آفریده و او حق تصرف در آن را دارد؛ اما از سوی دیگر تأکید می‌کند، که حق بهره‌مندی از محیط زیست، اختصاص به یک نسل ندارد. از این رو، باید بهره‌برداری از آن اصولی و عادلانه باشد؛ به طوری که هم نسل حاضر و هم نسل‌های آینده بتوانند در پناه آن زندگی سالمی داشته باشند. بنابراین، سوء استفاده از این حق که منجر به آلوده‌سازی، تخریب و نابودی محیط زیست شود و در نتیجه به حق دیگران بویژه نسل‌های آینده در استفاده از آن خللی وارد کند، ممنوع است. اهمیت، زیبایی، و کارآمدی این نظام بیشتر از آن جهت است که اجزای کوچکتر آن، یا همان خرده نظام‌ها، هر کدام به نوبه خود هوشمندانه و هدفمندانه با سایر موجودات هماهنگ و منسجم شده و نظام احسن را سامان داده‌اند. بی تردید اگر همه انسان‌ها توصیه‌های ادیان الهی به خصوص قرآن را در ارتباط با محیط زیست عمل می‌کردند امروزه ما شاهد بحران‌های سهمگین زیست محیطی نبودیم و زندگی سالمتر و شادتری را تجربه می‌کردیم. از دیدگاه قرآن، محیط زیست و مواهب طبیعی، حق همه انسان‌ها در همه دور آنهاست و این حق، تکالیفی را در پی می‌آورد؛ یعنی همان طور که آدمی حق بهره‌مندی از نعمت‌های خدادادی را دارد، مکلف است این حق را برای دیگران هم به رسمیت بشناسد و از رفتارهایی که حق دیگران را در برخورداری از محیط زیست سالم

محیطی به زیان طبیعت برهم می‌خورد، به گونه‌ای که لطمات وارده گاه جبران ناپذیر می‌نماید. از سوی دیگر طبیعت‌گردی پایدار نوعی از گردشگری است که در عین استفاده از مواهب طبیعی به طبیعت آسیبی نمی‌رساند البته در سفر به مناطق طبیعی باید نکاتی را رعایت کنیم. به طور کلی در دین اسلام حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعدی باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، یک وظیفه دینی تلقی می‌شود. قرآن کریم مشتمل بر گزاره‌های توصیفی در زمینه‌ی محیط زیست است و علاوه بر مسئولیت اخروی و محرومیت وضعی ناشی از تجاوز به طبیعت و محیط زیست، مسئولیت کیفری و مدنی متجاوز در حقوق اسلام قابل شناسایی و تأکید است. قوانین لازم و امور کشف شده مهمی که انسان را در جهت حفظ و نگهداری محیط زیست و بهداشت فردی و اجتماعی به بهترین شکل یاری می‌رساند در آموزه‌های دین اسلام به صورت تشویق مسلمانان به کاشت درخت، ساخت فضاهای سبز، ایجاد و پاکیزه نگه داشتن آب‌های روان در محل‌های زندگی بیان شده است. مطالعه و بررسی درقرآن کریم نشانگر آن است که محیط زیست مورد عنایت ویژه خداوند است. انسان می‌تواند با استفاده از توانایی‌ها و خلاقیت‌هایی که خداوند در سرشت او قرار داده، رفتار منطقی با محیط‌زیست داشته باشد و با خردورزی دنیا را مزرعه آخرت و سرمایه زندگی اخروی خویش قرار دهد. اگر انسان از محیط زیست استفاده می‌کند، باید استفاده او، به گونه‌ای باشد که به حقوق دیگران در استفاده از آن خدشه‌ای وارد نشود. بنابراین تخریب محیط زیست، افساد در زمین، ظلم به نوع بشر و موجودات زنده است و از مصادیق برجسته ظلم، اثم و جرم است. آلوده‌سازی آب، خاک، هوا که



و مهمترین کتاب آسمانی دین اسلام یعنی قرآن می توان به نگاه قرآن کریم به حفظ محیط زیست پی برد. بنابراین می توان چنین نتیجه گیری کرد که انسان‌ها می بایست با استفاده از تمامی امکانات قانونی، اخلاقی و شرعی موجود در کتاب آسمانی، مانع از نابودی محیط زیست شوند.

پایمال کند، اجتناب ورزد. در مجموع حمایت اسلام به ویژه قرآن در خصوص حمایت از محیط زیست روشن و مبرهن است. در این رابطه باید متذکر شد که آلودگی‌های محیط زیست روز به روز بیشتر می شوند و در نتیجه برای حمایت از محیط زیست طبیعی عمل کردن به احکام دین مبین اسلام در خصوص مقابله با چنین رویداد مهم نیازمند می‌باشد. با گذری بر تعالیم اسلامی

منابع:

۱. اکبری راد، ط.، نقش تعالیم اسلام در کاهش بحرانهای زیست محیطی محیط شناسی، سال سی و نهم، شماره ۱، ۱۳۹۲.
۲. جوادی آملی، ع، اسلام و محیط زیست، اسراء، چ سوم، ۱۳۸۶، صص ۱۹-۲۳.
۳. رجیبی باقرآباد، م.، قرآن، طبیعت و حقوق آن از منظر دو تفسیر فقهی شیعه و سنی، فصلنامه اخلاق زیستی، ۱۳۹۳، سال چهارم، شماره دوازدهم.
۴. عالیقدری، م. و حضرتی، ص.، جایگاه محیط زیست از منظر قرآن، کنگره قرآن پژوهی و طب / همایش انسان سالم، دانشگاه علوم پزشکی اردبیل آبانماه، ۱۳۹۰.
۵. عرفان‌زاده، ر. و بهرامی، ب.، آموزه های زیست محیطی مکتب اسلام در مورد حفظ و همی تنوع زیستی، دومین همایش ملی تنوع زیستی و تاثیر آن بر کشاورزی و محیط زیست، ارومیه، ۱۳۹۱.
۶. فتایی، ا.، عالی پناه، ع.، عالیقدری، م. و امیری، و.، محیط زیست از منظر قرآن، اولین کنفرانس ملی علوم و مدیریت محیط زیست ایران، اردبیل، ۱۳۹۷.
۷. مهربان، ف. و کشاورز محمدیان، س.، محیط زیست و حقوق آن از منظر قرآن کریم، احادیث و روایات و آموزه های دینی : بایدها نبایدها، پانزدهمین همایش ملی بهداشت، ۱۳۹۱.
۸. نصیری، ع. و نقدی، م.ر.، اعجازها و شگفتی هایی از قرآن در زیست جانوری، مجله قرآن و علم شماره ۸، (۱۳۹۱).
۹. هاشمی علی آبادی، س.ا.، تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم، اولین همایش ملی پژوهش های میان رشته ای قرآن و انگاره های علوم زیستی، ساری، ۱۳۹۷.

اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم و ضرورت آموزش حفاظت از آن به دانش آموزان مقطع ابتدایی در درس مطالعات اجتماعی

پری موسی پورمیاندهی^۱، عاطفه انواری^۲، مائده خوشحال پهمدانی^۳

۱- استادیار، دانشگاه فرهنگیان (نویسنده مسئول: Dr_parimosapour@yahoo.com)

۲- دانشجوی کارشناسی، دانشگاه فرهنگیان

۳- دانشجوی کارشناسی، دانشگاه فرهنگیان

چکیده

از آنجا که حیات تمامی موجودات زنده وابسته به آب است، و در قرآن نیز به صورت گسترده به آن توجه شده است، مدیریت و برنامه‌ریزی درست برای حفاظت از آب ضرورت پیدا می‌کند. آموزش حفاظت از آب از زمان کودکی و در مقطع ابتدایی به دانش آموزان می‌تواند بسیار تأثیرگذار باشد. یکی از دروسی که در انتقال این مسئله به دانش آموزان موثر است، درس مطالعات اجتماعی است. این مطالعه مروری از نوع سنتی بر اساس هدف توسعه ای بر اساس موضوع پژوهش اهمیت آب از دیدگاه قرآن - کریم و ضرورت آموزش حفاظت از آن به دانش آموزان مقطع ابتدایی در درس مطالعات اجتماعی می‌باشد. در این مقاله ابتدا آیات مختلف در مورد آب و اهمیت آن از دیدگاه قرآن را بررسی کرده و سپس با توجه به محتوای کتب مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی، ضرورت آموزش حفاظت از آب به دانش آموزان را بیان کردیم. متأسفانه آن طور که باید به مسئله آب توجه شود، در محتوای کتب مطالعات اجتماعی یافت نشد. همچنین از آیات قرآنی مرتبط با آب نیز تنها یکبار در کتاب پایه ششم استفاده شده بود. بنابراین لازم است در محتوای کتب مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی، در مورد مسئله اهمیت حفاظت از آب بیشتر توجه شود، و استفاده از آیات قرآنی درباره آب و تأکید خداوند به این نعمت مهم در کتب درسی می‌تواند اهمیت این مسئله را بهتر به دانش آموزان نشان دهد.

کلمات کلیدی: قرآن کریم، آب، حفاظت از آب، آموزش، مطالعات اجتماعی، مقطع ابتدایی

مقدمه

حوزه‌ی مراقبت از محیط‌زیست است و همه‌ی جنبه‌های انسانی را در ارتباطی هماهنگ با مسیر الهی در قرآن کریم نشان داده است (محمدی نیا و دیگران، ۱۳۹۱). خداوند در قرآن کریم، کلمه «ماء» و مشتقات آن یعنی (الماء، ماء، ماء) را ۶۳ دفعه بیان کرده است (کاظمی، ۱۳۹۵). وجود آب برای بشریت الزامی است و بدون آن حیاتی در جهان وجود نخواهد داشت. خداوند استفاده از آب را علاوه بر انسان، بر سایر موجودات دیگر نیز ضروری دانسته و این وظیفه را بر عهده بشریت قرار داده که با مدیریت درست این منبع حیات‌بخش در حفظ آن بکوشند (عالی‌پور

یکی از اصلی‌ترین عوامل در توسعه‌ی احترام به محیط‌زیست و حفظ آن، آموزه‌های قرآنی و پیشوایان دین است (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸). در دین اسلام و قرآن کریم نسبت به ادیان دیگر، به طور جامع تری به نقش اساسی آب در تداوم حیات انسان‌ها پرداخته شده است و در آن بعد از خلقت انسان، عنصر آب، گرانبهاترین خلقت خداوند معرفی شده است (محمدی و دیگران، ۱۳۹۴). از دیدگاه دین اسلام، آدمی و محیط - زیست مکمل یکدیگرند و از هم جدا نیستند بنا - براین اسلام شامل جامع‌ترین سفارشات در



است، بنابراین مدیریت مصرف آب در کشور ما، از مسائل ضروری و حیاتی است (کاظمی، ۱۳۹۵). با اینکه میزان بارندگی در کشور ما، یک سوم متوسط بارندگی در جهان است و از نظر جغرافیایی، کشوری گرم و خشک محسوب می‌شود هر شهروند ایرانی چند برابر متوسط الگوی مصرف درست و تعیین شده در سازمان بهداشت جهانی، آب مصرف می‌کند (رجاییان و دیگران، ۱۳۹۶). با بررسی شرایط کشور ایران از نظر دسترسی به آب، می‌توان این مسئله را پیش‌بینی کرد که در سال‌های آینده شرایط نامطلوبی را از این منبع طبیعی حیاتی مهم خواهیم داشت. و متأسفانه عوامل انسانی متعددی در تشدید این شرایط تاثیر گذاشته است (مریدی و دیگران، ۱۳۹۵). به دلیل اینکه کشور ایران از نظر دسترسی به آب، با کمبود مواجه است، باید راه-حل‌ها و اقدامات متنوعی برای کمک به حل این مشکل صورت گیرد (رونقی، ۱۳۹۵). برای حل این مشکل بهتر است از مدارس آغاز کرد. مدارس، از جمله سازمان‌ها و نهادهایی هستند که تاثیر بسزایی بر مسئله‌ی محیط‌زیست دارند. مدارس به دلیل توانایی ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان نسبت به محافظت از محیط اطراف خود و مراقبت از آن برای آیندگان، نقش بسیار اساسی و بنیادی در حفاظت از محیط‌زیست دارد (مومنی، ۱۳۹۶). آموزش و پرورش باید در کتاب‌های درسی خود از محتواهایی استفاده کند که دانش‌آموزان را علاقه‌مند به حفاظت از منابع طبیعی از جمله آب کرده و آن‌ها را درگیر مسائل پیرامون خود کند تا درباره آن به تفکر و فعالیت بپردازند (علی‌پورمقدم و علی‌پورمقدم، ۱۳۹۵). برنامه‌ریزان و مولفان کتاب‌های درسی، بایستی مطالبی را که نظام آموزشی خواستار یادگیری آنان توسط کودکان و نوجوانان است، در کتاب-های درسی قرار دهند زیرا در کشور ما کتاب‌های

هفشجانی و دیگران، ۱۳۹۸). در قرآن اشاره‌های متعددی در ارتباط با محیط‌زیست مطرح شده- است. هرگونه برهم زدن و از بین بردن تعادل طبیعت و تسخیر آن توسط انسان به گونه‌ای که بهره‌برداری نادرستی از طبیعت صورت بگیرد، در تضاد با قرآن بوده و ناسپاسی از نعمت‌های خداوند تلقی می‌گردد (نورائی، ۱۳۹۱). وجود آب، یک نعمتی است که خداوند آن را به صورت پاکیزه در طبیعت قرار داده است. اما متأسفانه این آب در شرایط نامناسبی آلوده می‌گردد. خداوند در قرآن آب را ماده‌ای طهور نامیده و لازم است انسان از آلوده کردن این منبع پاکیزه جلوگیری کند (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸). اهمیت آب برای ادامه حیات به حدی است که دومین نیاز تمامی موجودات برای بقا تلقی می‌شود. و بعد از هوا نقش گسترده‌ای را در زندگی ما به عهده دارد (رونقی، ۱۳۹۵). تصور روزی که آدمی بدون داشتن آب، حیات خود را بگذراند محال است، همچنین آب نقشی اساسی در حوزه‌های مختلف مانند صنعت، کشاورزی، نظافت، آشامیدن و ... دارد (کاظمی، ۱۳۹۵). آلودگی آب باعث از بین رفتن حیات و زندگی موجودات کره-زمین شده و این آلودگی بر سایر بخش‌های محیط-زیست تاثیر خواهد گذاشت (چراغعلی، ۱۳۹۳). از نظر دینی و الهی، در حوزه-ی حفاظت از محیط-زیست هیچ-گونه مخالفتی با بهره-برداری درست و اصولی از آن وجود ندارد. در واقع توسعه-پایدار به معنای نوعی استفاده از طبیعت است که به بقای زمین آسیبی نرساند (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸). از عوامل مهم و بنیادی شناخته شده در قرآن کریم و زندگی انسان، در جهت رسیدن به آسایش و آرامش، قدرت، ثروت و تمدن، مدیریت مصرف آب است (کاظمی، ۱۳۹۵). یکی از کشور های خشک و نیمه خشک در جهان، کشور ایران



محیط‌زیست در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی (با رویکرد ایرانی-اسلامی)، به بررسی محتوای کتب درسی مطالعات اجتماعی پایه سوم تا هشتم پرداخته و مولفه‌های مختلف مربوط به محیط‌زیست از جمله آب را تحلیل نمود. و در نهایت به این نتیجه رسید که میزان آموزش‌های مربوط به محیط زیست در کتب شش پایه مطالعات اجتماعی در حد کافی نبوده است. مرتضی کاظمی (۱۳۹۵) در مقاله‌ی خویش تحت عنوان نگرشی بر منزلت آب و مدیریت مصرف آن در قرآن، به بیان تعریف، ضرورت، اهمیت و چگونگی تشکیل، نقش و مدیریت مصرف آب در قرآن کریم با بیان سوره‌ها و آیات متنوع پرداخته است. محمد جواد محمدی و همکارانش (۱۳۸۵) در مقاله‌ی خویش تحت عنوان بررسی اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم به بیان اهمیت و نقش آب در شکل دادن و توسعه‌ی زندگی بشر، زبان، فرهنگ و ... در طول تاریخ و آیات قرآن کریم، احادیث و روایات اسلامی راجع به اهمیت آب پرداختند. مرضیه مقیسه (۱۳۹۵) در پایان‌نامه خود با عنوان بررسی قداست آب و ضرورت حفاظت از آن در رابطه با اهمیت آب پرداخته و ضرورت حفاظت از آن و فرهنگ‌سازی مناسب بهره‌برداری درست از این منبع را با توجه به قرآن و آیات مربوط به آب مورد بررسی قرار داد. سیده زهره محمدی (۱۳۹۴) در مقاله‌ی خویش تحت عنوان آب و اهمیت حفاظت از آن از دیدگاه قرآن کریم، به بیان معنای واژه‌ی آب، تکرار این واژه در قرآن، آیات مشتمل بر این آیه از سوره‌های متفاوت و تفسیر آن می‌پردازد.

مواد و روش پژوهش:

این مطالعه مروری از نوع سنتی بر اساس هدف توسعه‌ی ای بر اساس موضوع پژوهش اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم و ضرورت آموزش حفاظت

درسی، نقش اساسی در جهت‌دادن به کلاس درس و معلم برای آموزش مفاهیم دارد (خموشی بیدگلی و دیگران، ۱۳۹۸). از آن جا که بخش مهمی از دوران زندگی دانش‌آموزان در مدارس سپری میشود، بالا بردن آگاهی و کسب دانش و مهارت لازم در برخورد با طبیعت در کتب درسی می تواند شخصیت آن‌ها را برای حفاظت از منابع طبیعی از جمله آب در آینده آماده ساخته و پرورش دهد (شبیبری، ۱۳۹۴). در نهایت با توجه به نقش مهمی که آب در زندگی تمام موجودات کره زمین دارد و خداوند نیز در قرآن بارها به آن اشاره کرده است، مسئله حفاظت از آب و نحوه استفاده صحیح از آن ضرورت پیدا می‌کند. بنابراین برای حیات بشریت ضروری است، آموزش‌های لازم در زمینه حفاظت از آب و بهره‌برداری درست از آن به دانش‌آموزان مقطع ابتدایی که نسل آینده را تشکیل می‌دهند، انجام شود. مقاله حاضر درصدد آن است، با توجه به مطالب عنوان شده در این پژوهش به این سوال پاسخ دهد که آیا اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم و ضرورت آموزش حفاظت از آن به دانش‌آموزان، در دروس مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی آمده است؟ و از آیات قرآنی مرتبط با آب برای نشان دادن اهمیت این منبع طبیعی در دروس مذکور استفاده شده است؟ از جمله پژوهش‌هایی که در این زمینه صورت گرفته است: فتح‌الله عالی‌پور هفشجانی و همکارانش (۱۳۹۸) در مقاله خود تحت عنوان بررسی علمی دیدگاه قرآن درباره‌ی نقش سلامتی بخش آب در زندگی بشر، آیاتی را بر اساس کلیدواژه‌های مختلف مربوط به آب انتخاب کرده و سپس به بررسی اهمیت آب از منظر قرآن پرداختند و با استفاده از متون علمی خواص و ضرورت آب را در زندگی اثبات نمودند. لیلیا چراغعلی (۱۳۹۳) در پایان نامه خود با عنوان جایگاه آموزش اخلاق



و قنات‌های باقی مانده، نمونه‌هایی از شاهکارهای مهندسی بشر به وسیله‌ی آب است (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۷۲). از منابع اصلی جهت تامین آب، نزول باران و برف و تگرگ از آسمان است (کلانتری، ۱۳۹۴، ص ۹). از لحاظ ذخایر منابع-آبی، بزرگترین آن، دریاها و اقیانوس‌هاست که به دلیل وجود املاح زیاد در آن، انسان نمی‌تواند به‌همین‌صورت از آن استفاده کند. بعدی، یخ‌های قطبی و کوه‌های یخی هستند که از آن‌ها هم نمی‌توان به‌همین‌صورت استفاده کرد. تنها بخشی که موجودات زنده اعم از انسان، گیاهان و جانوران می‌توانند از آن بهره ببرند، تقریباً ۰/۷٪ از تمام ذخایر آب بر روی زمین است (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۴۹). هر انسان، بایستی روزانه ۳ لیتر آب از طریق نوشیدن و غذا خوردن مصرف کند، زیرا آب، مهم‌ترین ماده‌ی غذایی است. آب، جزء ارزشمندترین مواد غذایی محسوب می‌شود و استفاده از آن به صورت روزانه ضروری است (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۵۰). آب علاوه بر آشامیدن در فعالیت‌های مختلف اقتصادی، کشاورزی، صنعتی، نظافت و... بسیار حائز اهمیت است و نقش مهمی در زندگی بشر دارد. بنابراین مدیریت منابع آب توسط دولت‌ها و مردم ضروری است (امامقلی زاده و رئیس، ۱۳۹۱، ص ۳۶ و ۳۷). بهترین و کاراترین عامل شستشوی طبیعت و محیط‌زیست برای موجودات زنده، آب است زیرا این ماده توسط خداوند، ذاتاً پاک آفریده شده است (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۵۷). آبیان برای تأمین اکسیژن خود به آب نیاز دارند. از سویی آلودگی آب، مشکلاتی را برای تنفس آبیان به وجود آورده که منجر به مرگ آن‌ها میشود. همچنین وجود گونه‌های متعدد گیاهی وابسته به آب می‌باشد که شرایط ادامه زندگی را فراهم می‌نماید (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۵۱). آب، ماده‌ی

از آن به دانش آموزان مقطع ابتدایی در درس مطالعات اجتماعی باشد. به منظور استخراج مطالعات انجام شده در کشور، جست و جو مقالات در پایگاه‌های اطلاعاتی فارسی شامل: Sid، Ensani، Noormags، Ganj.irandoc انجام شد. شناسایی مقالات مرتبط با اهداف پژوهش در پایگاه‌های مورد جست و جو با استفاده از کلیدواژه‌های مرتبط صورت گرفت. در مجموع تعداد ۷۴ مقاله جست و جو شد که از این تعداد، ۱۰ مقاله در پایگاه داده Ganj.irandoc، ۲۷ مقاله در پایگاه Sid، ۱۸ مقاله در پایگاه Ensani و ۱۹ مقاله در پایگاه Noormags یافت شدند. بررسی اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم از یک طرف، و آموزش حفاظت از آب به دانش آموزان از سویی دیگر، شرط ورود مقالات به این مطالعه مروری بود. در مرحله غربال کردن مقالات، مقالاتی که از نظر عنوان معیار ورود به مطالعه ارتباط موضوعی نداشتند یا عناوین جست و جو شده تکراری بودند، حذف گردید. از مجموع ۷۴ مقاله جست و جو شده، تعداد ۲۲ مقاله به دلایل ذکر شده از مطالعه خارج شدند. تعداد ۵۲ مقاله باقی مانده از نظر محتوا مورد بررسی قرار گرفت. در این مرحله نیز تعداد ۱۸ مقاله از نظر محتوا منطبق نبودند که حذف شدند. در نهایت ۳۴ مقاله مورد بررسی قرار گرفت و اطلاعات لازم مورد تجزیه و تحلیل واقع شدند.

۲- بحث

۲-۱- اهمیت آب

یکی از عوامل مهم در تشکیل جوامع بشری و پیدایش تمدن‌های گوناگون، آب است زیرا یکی از مهم‌ترین عوامل در مکان‌یابی شهری در تمام تمدن‌ها، عنصر آب بوده است (کلانتری، ۱۳۹۴، ص ۵). ایجاد آبراه‌های سنتی در دوران امپراتوری ایران و روم، ساخت حمام‌های عمومی، سدهای کوچک، لوله کشی‌های سفالینی و چاه‌ها



های زیر زمینی و چه سطحی به خصوص منابع آب شیرین، با مواد شیمیایی جدید آلوده شده که از عوامل مهم آن، افزایش جمعیت و در نتیجه افزایش نیاز به مواد اولیه است (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۷۳). افزایش جمعیت در جهان، نیازمند استفاده از منابع آبی است. آب منبعی تجدیدپذیر بوده و اگر در مصرف آن برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح اعمال شود، نه تنها آب هدر نمی‌رود، بلکه با ادامه دادن چرخه خود، مقدار ثابت خود را بر روی کره زمین حفظ خواهد کرد. استفاده از سفارشات قرآن در این امر می‌تواند کمک‌کننده باشد (علیخانی، ۱۳۹۲، ص ۱۱۳). هیچ یک از مکتب‌های در جهان همانند مکتب اسلام در ارتباط با آب اینگونه گسترده صحبت نکرده است. و لازم است از سفارشات دین و قرآن در ارتباط با حفاظت و صرفه‌جویی در مصرف آب در تصمیم‌گیری‌های مختلف کشورهای اسلامی استفاده شود (علیخانی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۵). ایران کشوری اسلامی است و به وسیله قرآن از اهمیت حفاظت از آب کاملاً آگاه است. بنابراین باید توجه و حساسیت بیشتری نسبت به سایر کشورها به این مسئله داشته باشد. آلوده نکردن منابع آبی در وهله اول باید مورد توجه قرار بگیرد و از انجام فعالیت‌های مختلفی که جزء تخریب و نابودی محیط‌زیست ثمری ندارد، جلوگیری شود (محمدزاده و دیگران، ۱۳۸۸، ص ۲۳۷). در قرآن کریم این کتاب آسمانی آیات زیادی در مورد اهمیت آب آورده شده اما در آیات ارتباط با آب، به دو اصل توجه شده است. ابتدا اصل تشکیل موجود زنده از آب و اصل دیگر، بقای آن به کمک آب است (جعفری، ۱۳۹۷، ص ۲۴). خداوند متعال در ۳۳ آیه از آیات قرآن - کریم، راجع به عنصر مهم آب، این‌گونه می‌فرماید: بعد از آفرینش آسمان - ها و زمین ما آب را فروفرستادیم تا زمین مرده را حیات بخشد.

ارزشمندی است که از لحاظ خواص شیمیایی و فیزیکی بر سایر مواد برتری دارد. یکی از مهم ترین آن، حلال بودن آب است که حتی آب را یک حلال جهانی می‌دانند، به این دلیل که اکثر مواد شیمیایی موجود در جهان، بدون اینکه بعد از انحلال، خاصیت شیمیایی آنان تغییر پیدا کند، در اندازه‌های متفاوت در آب محلول می‌شوند. یکی دیگر از ویژگی‌های فوق‌العاده و ارزشمند آب، پاک‌کننده بودن آن است که از پاک‌کننده‌های اصلی به شمار می‌آید. امروزه بشر با پیشرفت علم و تکنولوژی هنوز نتوانسته ماده‌ای را از این لحاظ جایگزین آب کند. این ویژگی منحصر به فرد عیناً در قرآن کریم بیان شده است (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۷۷). بخار آب به وسیله ی جذب تشعشعات، سبب تعادل حرارتی محیط زندگی می‌شود همچنین به شکل مایع، فرسایش خاک و شکل گرفتن کره‌ی زمین را به ارمغان می‌آورد. دفع و حمل مواد معدنی و شیمیایی حاصل از فعالیت‌های صنعتی و کشاورزی و تشکیل خاک مفید، از موارد دیگر نیز است (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۷۶). امروزه دانشمندان علم هیدرولوژی پی برده اند که بخار آب از جو زمین خارج و وارد فضای کیهانی نمی‌شود بلکه به دلیل وجود چرخه‌ی آب در طبیعت، بخار به وجود آمده از آب سطح اقیانوس‌ها و دریاها، به شکل‌های برف و باران به زمین بر می‌گردد. بنابراین، حجم آب در روی زمین بدون تغییر باقی می‌ماند و ذخیره‌ی آب و هوا کم نمی‌شود (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۷۹). رابطه‌ی متقابل میان محیط‌زیست و هر موجود زنده‌ی اطراف آن وجود دارد. در این بین انسان موجودی است که با استفاده از نیروی تفکر قادر به تسلط بر طبیعت و در نتیجه تغییر آن مطابق با نیازهای خود است (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۴۶). به تدریج با گذشت زمان، منابع آب پاکیزه و سالم چه آب-



است (محمدی نیا و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۵). از منظر قرآن، آب به سه دسته تقسیم‌بندی می‌شود: ۱- آبی که به وسیله باران نازل می‌شود و بسیاری از آلودگی‌ها را از بین می‌برد. ۲- آبی که در رودها جاری است و وسیله‌ای برای آشامیدن و سایر احتیاجات انسان‌ها است. ۳- آب دریا که وسیله‌ای برای انجام امور مختلف و مورد نیاز است (عالی پور هفشجانی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۱۵۳). با مشخص کردن اهمیت آب و صرفه‌جویی در مصرف آن از دیدگاه قرآن می‌توان این فرهنگ را در جوامع اسلامی از جمله ایران گسترش داد که با توجه به تاکید خداوند به استفاده درست از این منبع حیاتی، در حفظ آن بکوشند و این فرهنگ را به صورت مستمر در زندگی خود ادامه دهند (مقیسه، ۱۳۹۵، ص ۱۴۲). در جدول زیر سعی کردیم تمامی آیاتی که مرتبط با آب است و اهمیت آن را از دیدگاه قرآن کریم در جنبه‌های مختلف نشان می‌دهد، با ذکر سوره و آیه مربوطه جمع‌آوری کرده و بیان کنیم.

بنابراین بر اساس آن، منشا و حیات همه گیاهان، حیوانات و هستی عنصر آب است. (عرفت پور و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۸۴). خداوند در قرآن کریم، با استفاده از تصویرپردازی هنری، همچنین با بهره‌گیری از حرکت، موسیقی، تخیل حسی و هماهنگی هنری در صورت نیاز، آیات مربوط به آب را، به عنوان منشا رزق و روزی، به صورت زیبا، هنری و قابل درک بیان کرده است (عرفت پور و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۱۰۹). از نظر دینی، یکی از اصول کلی درباره‌ی مسئله بهره‌برداری از طبیعت، اصل «لاضرر» است که هر عمل و حکمی را که سبب آسیب به طبیعت شود، نهی می‌کند (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۴۷). خداوند در قرآن کریم، بسیار در زمینه‌ی ایجاد فساد در زمین هشدار داده در نتیجه در دین اسلام هر عملی که سبب ایجاد فساد و آسیب در عرصه‌ی محیط‌زیست شود، خطا شمرده می‌شود (محمدی نیا و دیگران، ۱۳۹۱، ص ۱). در دستورات اسلامی، مصرف بی‌رویه و آلوده کردن منابع آب شدیداً نهی شده

جدول شماره (۱)، آیات قرآن کریم درباره اهمیت آب

آیه ۲۷	سوره فاطر	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ ثَمَرَاتٍ مَخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بَيْضٌ وَحُمْرٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٍ آیا ندیدی خداوند از آسمان آبی فرو فرستاد که بوسیله آن میوه‌هایی رنگارنگ (از زمین) خارج ساختیم و از کوه‌ها نیز (به لطف پروردگار) جاده‌هایی آفریده شده سفید و سرخ و به رنگهای مختلف و گاه به رنگ کاملاً سیاه!
آیه ۶۸ تا ۷۰	سوره واقعه	أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ (۶۸) أَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ (۶۹) لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أَجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ (۷۰) آیا به آبی که می‌نوشید اندیشیده‌اید؟! (۶۸) آیا شما آن را از ابر نازل کرده‌اید یا ما نازل می‌کنیم؟! (۶۹) هرگاه بخواهیم، این آب گوارا را تلخ و شور قرار می‌دهیم؛ پس چرا شکر نمی‌کنید؟! (۷۰)
آیه ۳۰	سوره انبیاء	أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا أَفَلَا يُؤْمِنُونَ آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین به هم پیوسته بودند، و ما آنها را از یکدیگر باز کردیم؛ و هر چیز زنده‌ای را از آب قرار دادیم؟! آیا ایمان نمی‌آورند؟! (۳۰)



آیه ۱۲	سوره جاثیه	اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لَتَجْرَىٰ فِيهِ بِأَمْرِهِ فَلْتَبْتَعُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ خداوند همان کسی است که دریا را مسخر شما کرد تا کشتیها بفرمانش در آن حرکت کنند و بتوانند از فضل او بهره گیرید، و شاید شکر نعمتهایش را بجا آورید!
آیه ۴۸-۴۹	سوره فرقان	وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا (۴۷) وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا (۴۸) او کسی است که شب را برای شما لباس قرار داد، و خواب را مایه استراحت، و روز را وسیله حرکت و حیات! (۴۷) او کسی است که بادها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم... (۴۸)
آیه ۶۹	سوره نحل	ثُمَّ كَلِيَ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكَ ذَلَّلًا يَخْرُجُ مِنْ بَطُونِهَا شَرَابٌ مَخْتَلَفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ سپس از تمام ثمرات (و شیره گلها) بخور و راههایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، براحتی ببیما! «از درون شکم آنها، نوشیدنی با رنگهای مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است؛ به یقین در این امر، نشانه روشنی است برای جمعیتی که می‌اندیشند.
آیه ۴۲	سوره ص	ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ (به او گفتیم:) پای خود را بر زمین بکوب! این چشمه آبی خنک برای شستشو و نوشیدن است!
آیه ۱۱	سوره انفال	إِذْ يَغْشَىٰكُمْ النَّعَاسُ أَمِنَةٌ مِنْهُ وَنُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ و (باد آورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از سوی خدا بود، شما را فراگرفت؛ و آبی از آسمان برایتان فرستاد، تا شما را با آن پاک کند؛ و پلیدی شیطان را از شما دور سازد؛ و دلهایتان را محکم، و گامها را با آن استوار دارد!
آیه ۹	سوره ق	وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم، و بوسیله آن باغها و دانه‌هایی را که درو می‌کند روپاندیم
آیه ۳۲	سوره ابراهیم	اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْفَلَكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْأَنْهَارَ خداوند همان کسی است که آسمانها و زمین را آفرید؛ و از آسمان، آبی نازل کرد؛ و با آن، میوه‌ها (ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد؛ و کشتی‌ها را مسخر شما گردانید، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند؛ و نهرها را (نیز) مسخر شما نمود



		آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم؛ بعد شما را بصورت طفل بیرون می‌آوریم؛ سپس هدف این است که به حد رشد و بلوغ خویش برسید. در این میان بعضی از شما می‌میرند؛ و بعضی آن قدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی (و پیری) می‌رسند؛ آنچنان که بعد از علم و آگاهی، چیزی نمی‌دانند! (از سوی دیگر)، زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی، اما هنگامی که آب باران بر آن فرو می‌فرستیم، به حرکت درمی‌آید و می‌روید؛ و از هر نوع گیاهان زیبا می‌رویانند!
آیه ۲۵	سوره عبس	أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا ما آب فراوان از آسمان فرو ریختیم
آیه ۴۵	سوره نور	وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ مَاءٍ فَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَنْ يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ خداوند هر جنبنده‌ای را از آبی آفرید؛ گروهی از آنها بر شکم خود راه می‌روند، و گروهی بر دو پای خود، و گروهی بر چهارپا راه می‌روند؛ خداوند هر چه را بخواهد می‌آفریند، زیرا خدا بر همه چیز تواناست!
آیه ۳۱	سوره اعراف	يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد!
آیه ۶۰	سوره بقره	وَإِذْ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَا عَشْرَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَشْرِبَهُمْ كَلُوا وَاشْرَبُوا مِنْ رِزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مَغْسِدِينَ و (به یاد آورید) زمانی را که موسی برای قوم خویش، آب طلبید، به او دستور دادیم: «عصای خود را بر آن سنگ مخصوص بزن!» ناگاه دوازده چشمه آب از آن جوشید؛ آن گونه که هر یک (از طوایف دوازده‌گانه بنی اسرائیل)، چشمه مخصوص خود را می‌شناختند! (و گفتیم): «از روزی‌های الهی بخورید و بیاشامید! و در زمین فساد نکنید!»
آیه ۱۸	سوره مومنون	وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَتْهُ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّا عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهِ لَقَادِرُونَ و از آسمان، آبی به اندازه معین نازل کردیم؛ و آن را در زمین (در جایگاه مخصوصی) ساکن نمودیم؛ و ما بر از بین بردن آن کاملاً قادریم
آیه ۵۲	سوره هود	وَيَا قَوْمِ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا وَيَزِدْكُمْ قُوَّةً إِلَىٰ قُوَّتِكُمْ وَلَا تَتَوَلَّوْا مُجْرِمِينَ و ای قوم من! از پروردگارتان طلب آمرزش کنید، سپس به سوی او بازگردید، تا (باران) آسمان را پی در پی بر شما بفرستد؛ و نیرویی بر نیرویتان بیفزاید! و گنهکارانه، روی (از حق) بر نتابید»



آیه ۶	سوره انعام	<p>لَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ</p> <p>آیا ندیدند چقدر از اقوام پیشین را هلاک کردیم؟! اقوامی که (از شما نیرومندتر بودند؛ و قدرت‌هایی به آنها داده بودیم که به شما ندادیم؛ باران‌های پی‌درپی برای آنها فرستادیم؛ و از زیر (آبادی‌های) آنها، نهرها را جاری ساختیم؛ (اما هنگامی که سرکشی و طغیان کردند،) آنان را بخاطر گناهانشان نابود کردیم؛ و جمعیت دیگری بعد از آنان پدید آوردیم.</p>
آیه ۱۶۴	سوره بقره	<p>إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَالْفَلَكَ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَع النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَبَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيَّاحِ وَالسَّحَابِ الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ</p> <p>در آفرینش آسمان‌ها و زمین، و آمد و شد شب و روز، و کشتی‌هایی که در دریا به سود مردم در حرکت‌اند، و آبی که خداوند از آسمان نازل کرده، و با آن، زمین را پس از مرگ، زنده نموده، و انواع جنبندگان را در آن گسترده، و (همچنین) در تغییر مسیر بادها و ابرهایی که میان زمین و آسمان مسخرند، نشانه‌هایی است (از ذات پاک خدا و یگانگی او) برای مردمی که عقل دارند و می‌اندیشند!</p>
آیه ۲۲	سوره بقره	<p>الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فَرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ فَلَا تَجْعَلُوا لِلَّهِ أُندَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ</p> <p>آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان [= جو زمین] را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد؛ و از آسمان آبی فرو فرستاد؛ و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد؛ تا روزی شما باشد. بنابراین، برای خدا همتایانی قرار ندهید، در حالی که می‌دانید (هیچ یک از آنها، نه شما را آفریده‌اند، و نه شما را روزی می‌دهند).</p>
آیه ۹۹	سوره انعام	<p>وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنَ النَّخْلِ قَنَاطِيرَ دَانِيَةً وُجْتَاتٍ مِنْ أَغْنَابٍ وَالزَّيْتُونِ وَالرَّيْحَانِ مِثْمَبًا وَعَبَّرَ مِثْمَبًا أَنْظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ</p> <p>او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویاندیم؛ و از آن، ساقه‌ها و شاخه‌های سبز، خارج ساختیم؛ و از آنها دانه‌های متراکم، و از شکوفه نخل، شکوفه‌هایی با رشته‌های باریک بیرون فرستادیم؛ و باغ‌هایی از انواع انگور و زیتون و انار، (گاه) شبیه به یکدیگر، و (گاه) بی‌شباهت! هنگامی که میوه می‌دهد، به میوه آن و طرز رسیدنش بنگرید که در آن، نشانه‌هایی (از عظمت خدا) برای افراد باایمان است!</p>
آیه ۶۵	سوره نحل	<p>وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لآيَةً لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ</p> <p>خداوند از آسمان، آبی فرستاد؛ و زمین را، پس از آنکه مرده بود، حیات بخشید! در این، نشانه روشنی است برای جمعیتی که گوش شنوا دارند!</p>



آیه ۴۸	سوره روم	<p>اللّٰهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَيُنزِلُ الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ</p> <p>خداوند همان کسی است که بادها را می‌فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند و متراکم می‌سازد؛ در این هنگام دانه‌های باران را می‌بینی که از لای لای آن خارج می‌شود، هنگامی که این (باران حیات‌بخش) را به هر کس از بندگانش که بخواهد می‌رساند، ناگهان خوشحال می‌شوند</p>
آیه ۲۲	سوره حجر	<p>وَأَرْسَلْنَا الرِّيَّاحَ لَوَاقِحَ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُ بِخَازِنِينَ</p> <p>ما بادها را برای بارور ساختن (ابرها و گیاهان) فرستادیم؛ و از آسمان آبی نازل کردیم، و شما را با آن سیراب ساختیم؛ در حالی که شما توانایی حفظ و نگهداری آن را نداشتید!</p>
آیه ۹۶	سوره اعراف	<p>وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ</p> <p>و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم؛ ولی (آنها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.</p>
آیه ۵۷	سوره اعراف	<p>وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ حَتَّىٰ إِذَا أَقْلَتِ سَحَابًا تَقَالًا سَقَاهُ لِيُنزِلَ مِثْرًا فَيَأْتِيَنَّهُ بِمِائِدَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ فَيَكْنُزُهُنَّ كَمَا تَعْلَمُونَ</p> <p>او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد؛ تا ابرهای سنگین‌بار را (بر دوش) کشند؛ (سپس) ما آنها را به سوی زمینهای مرده می‌فرستیم؛ و به وسیله آنها، آب (حیات‌بخش) را نازل می‌کنیم؛ و با آن، از هر گونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم؛ این گونه (که زمینهای مرده را زنده کردیم،) مردگان را (نیز در قیامت) زنده می‌کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکر شوید!</p>
آیه ۱۱	سوره زخرف	<p>وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَنْشَرْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذَلِكَ تُخْرَجُونَ</p> <p>همان کسی که از آسمان آبی فرستاد بمقدار معین، و بوسیله آن سرزمین مرده را حیات بخشیدیم؛ همین گونه (در قیامت از قبرها) شما را خارج می‌سازند!</p>
آیه ۶۳	سوره حج	<p>أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتَصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ</p> <p>آیا ندیدی خداوند از آسمان، آبی فرستاد، و زمین (بر اثر آن) سرسبز و خرم می‌گردد؟! و خداوند لطیف و آگاه است.</p>
آیه ۴	سوره رعد	<p>وَفِي الْأَرْضِ قَطْعٌ مِّنْجَاوِرَاتٍ وَجَنَاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ وَزُرْعٌ وَنَخِيلٌ وَصُنُوفٌ غَيْرِ صُنُوفٍ يَسْقَىٰ بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفْضِلُ بَعْضَهَا عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ</p> <p>و در روی زمین، قطعاتی در کنار هم قرار دارد که با هم متفاوتند؛ و (نیز) باغهایی از انگور و زراعت و نخلها، (و درختان میوه گوناگون) که گاه بر یک پایه می‌رویند و گاه بر دو پایه؛ (و عجیب‌تر آنکه) همه آنها از یک آب سیراب</p>



		می‌شوند! و با این حال، بعضی از آنها را از جهت میوه بر دیگری برتری می‌دهیم؛ در اینها نشانه‌هایی است برای گروهی که عقل خویش را به کار می‌گیرند!
آیه ۷-۸	سوره سجده	الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (۷) ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ (۸) او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید؛ و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد؛ (۷) سپس نسل او را از عصاره‌ای از آب ناچیز و بی‌قدر آفرید. (۸)
آیه ۵۴	سوره فرقان	وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا او کسی است که از آب، انسانی را آفرید؛ سپس او را نسب و سبب قرار داد (و نسل او را از این دو طریق گسترش داد)؛ و پروردگار تو همواره توانا بوده است.
آیه ۲۷	سوره سجده	أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ آیا ندیدند که ما آب را بسوی زمینهای خشک می‌رانیم و بوسیله آن زراعت‌هایی می‌رویانیم که هم چهارپایانشان از آن می‌خورند و هم خودشان تغذیه می‌کنند؛ آیا نمی‌بینند؟!
آیه ۱۲	سوره فاطر	وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٍ سَائِعٌ شَرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِنَ كُلِّ تَأْكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَآخِرَ لَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ دو دریا یکسان نیستند: این یکی دریایی است که آبش گوارا و شیرین و نوشیدنش خوشگوار است، و آن یکی شور و تلخ و گلوگیر؛ (اما) از هر دو گوشتی تازه می‌خورید و وسایل زینتی استخراج کرده می‌پوشید؛ و کشتیها را در آن می‌بینی که آنها را می‌شکافند (و به سوی مقصد پیش می‌روند) تا از فضل خداوند بهره‌گیرید، و شاید شکر (نعمتهای او را) بجا آورید!
آیه ۲۴	سوره یونس	إِنَّمَا مِثْلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَازْبَيَّتْ وَظَنَّ أَهْلِهَا أَنَّهُمْ قَادِرُونَ عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرًا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَنْ لَمْ تَغْنَبْ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ مثل زندگی دنیا، همانند آبی است که از آسمان نازل کرده‌ایم؛ که در پی آن، گیاهان (گونگون) زمین - که مردم و چهارپایان از آن می‌خورند - می‌روید؛ تا زمانی که زمین، زیبایی خود را یافته و آراسته می‌گردد، و اهل آن مطمئن می‌شوند که می‌توانند از آن بهره‌مند گردند، (ناگهان) فرمان ما، شب‌هنگام یا در روز، (برای نابودی آن) فرامی‌رسد؛ (سرما یا صاعقه‌ای را بر آن مسلط می‌سازیم)؛ و آنچنان آن را درو می‌کنیم که گویی دیروز هرگز (چنین کشتزاری) نبوده است! این گونه، آیات خود را برای گروهی که می‌اندیشند، شرح می‌دهیم!



آیه ۴۵	سوره کهف	وَأَضْرِبْ لَهُمْ مَثَلِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَا أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ فَأَخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتَ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيَّاحُ وَكَانَ اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا (ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم؛ و بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می‌شود و) در هم فرومیرود. اما بعد از مدتی می‌خشکد؛ و بادها آن را به هر سو پراکنده می‌کند؛ و خداوند بر همه چیز تواناست!
آیه ۶۰	سوره نمل	أَمْ نَخْلُقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلْنَا لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَلِيمٍ قَوْمٍ يَعْدِلُونَ (آیا بتهایی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمانها و زمین را آفریده؟! و برای شما از آسمان، آبی فرستاد که با آن، باغهایی زیبا و سرورانگیز رویانیدیم؛ شما هرگز قدرت نداشتید درختان آن را برویانید! آیا معبود دیگری با خداست؟! نه، بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی، مخلوقات را) همپراز (پروردگارشان) قرار می‌دهند!
آیه ۱۱-۱۲	سوره قمر	فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ (۱۱) وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ (۱۲) در این هنگام درهای آسمان را با آبی فراوان و بی‌درپی گشودیم؛ (۱۱) و زمین را شکافتیم و چشمه‌های زیادی بیرون فرستادیم؛ و این دو آب به اندازه مقدر با هم درآمیختند (و دریای وحشتناکی شد)؛ (۱۲)
آیه ۱۴ تا ۱۶	سوره نبا	وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا (۱۴) لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا (۱۵) وَجَنَّاتٍ أَلْفَافًا (۱۶) و از ابرهای باران‌زا آبی فراوان نازل کردیم، (۱۴) تا بوسیله آن دانه و گیاه بسیار برویانیم، (۱۵) و باغهایی پردرخت! (۱۶)
آیه ۱۷	سوره رعد	أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَةٌ بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلْيَةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُثُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ خداوند از آسمان آبی فرستاد؛ و از هر دره و رودخانه‌ای به اندازه آنها سیلابی جاری شد؛ سپس سیل بر روی خود کفی حمل کرد؛ و از آنچه (در کوره‌ها، برای به دست آوردن زینت آلات یا وسایل زندگی، آتش روی آن روشن می‌کنند نیز کفهایی مانند آن به وجود می‌آید - خداوند، حق و باطل را چنین مثل می‌زند! - اما کفها به بیرون پرتاب می‌شوند، ولی آنچه به مردم سود می‌رساند [= آب یا فلز خالص] در زمین می‌ماند؛ خداوند اینچنین مثال می‌زند!
آیه ۴۳	سوره نور	أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ وَيُنَزِّلُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ جِبَالٍ فِيهَا مِنْ بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ عَنِ مَنْ يَشَاءُ يَكَادُ سَنَا بَرْقُهُ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند، سپس میان آنها پیوند می‌دهد، و بعد آن را متراکم می‌سازد؟! در این حال، دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود؛ و از آسمان -از کوههایی که در آن است [= ابرهایی که همچون کوهها انباشته شده‌اند]- دانه‌های تگرگ نازل می‌کند، و هر کس را بخواهد بوسیله آن زیان می‌رساند، و از هر کس بخواهد این زیان را برطرف می‌کند؛ نزدیک است درخشندگی برق آن (ابرها) چشمها را ببرد!



آیه ۵۳-۵۴	سوره طه	الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ شَتَّىٰ (۵۳) كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَامَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي النَّهْيِ (۵۴)
		همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد؛ و راههایی در آن ایجاد کرد؛ و از آسمان، آبی فرستاد! که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاک تیره) برآوردیم. (۵۳) هم خودتان بخورید؛ و هم چهارپایانتان را در آن به چرا برید! مسلماً در اینها نشانه‌های روشنی برای خردمندان است! (۵۴)
آیه ۶۳	سوره عنکبوت	وَلَئِن سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ
		و اگر از آنان بپرسی: «چه کسی از آسمان آبی فرستاد و بوسیله آن زمین را پس از مردنش زنده کرد؟ می‌گویند: «الله!» بگو: «حمد و ستایش مخصوص خداست!» اما بیشتر آنها نمی‌دانند.
آیه ۲۴	سوره روم	وَمِن آيَاتِهِ بِرِيكُمُ الْبَرْقُ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ
		و از آیات او این است که برق و رعد را به شما نشان می‌دهد که هم مایه ترس و هم امید است (ترس از صاعقه، و امید به نزول باران)، و از آسمان آبی فرو می‌فرستد که زمین را بعد از مردنش بوسیله آن زنده می‌کند؛ در این نشانه‌هایی است برای جمعیتی که می‌اندیشند!
آیه ۱۰	سوره لقمان	خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بَغِيرَ عَمَدٍ تَرْوَاهَا وَالْقَىٰ فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيًا أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ (او) آسمانها را بدون ستونی که آن را ببینید آفرید، و در زمین کوههایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هر گونه جنبنده‌ای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و بوسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از چغتهای گیاهان پر ارزش رویاندیم.
آیه ۷	سوره هود	وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا وَلَئِن قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مِعْوَةٌ مِّن بَعْدِ الْمَوْتِ لَيُقُولُنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ
		او کسی است که آسمانها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت؛ (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است! و اگر (به آنها) بگوی: «شما بعد از مرگ، برانگیخته می‌شوید!»، «مسلماً» کافران می‌گویند: «این سحری آشکار است!»
آیه ۳۹	سوره فصلت	وَمِن آيَاتِهِ أَنْكَرُ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحْيِي الْمَوْتِ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ
		و از آیات او این است که زمین را خشک (و بی‌جان) می‌بینی، اما هنگامی که آب (باران) بر آن می‌فرستیم به جنبش درمی‌آید و نمو می‌کند؛ همان کسی که آن را زنده کرد، مردگان را نیز زنده می‌کند؛ او بر هر چیز تواناست!

و فرهنگ سازی مناسب توسط دولت، تمامی مردم جامعه برای بهره‌برداری درست از آب و حفاظت از آن با صرفه جویی در مصرف آب، با

۲-۲- آموزش حفاظت از آب

برای اینکه بتوانیم از آب استفاده درستی انجام دهیم، لازم است علاوه بر یک برنامه‌ریزی درست



که می‌تواند در جهت حفظ و نگهداری آب استفاده شود، تشویق و تعلیم انسان‌ها از زمان کودکی برای بهره برداری و نگهداری درست از آب است. تا از آلودگی و تخریب بیشتر این منبع طبیعی جلوگیری گردد (صفری پور چافی و امانی، ۱۳۸۸، ص ۸). یکی از عوامل مهم جهت انتقال مفاهیم و اندیشه‌ها به افراد (کودکان، نوجوانان و جوانان) و همچنین تصویرسازی ذهنی در یادگیری اجتماعی آنان، رسانه‌ی بادوام کتاب است. بعد از نهاد خانواده، تاثیرگذارترین نهادی که مسئول جامعه‌پذیری دانش آموزان است، نهاد مدرسه است. در مقابل، از مهم‌ترین منابع آموزشی در مدارس کتاب‌های درسی را می‌توان نام برد (افخمی، ۱۳۸۷، ص ۱). نقش آموزش در جلوگیری از آسیب به محیط زیست، بسیار مهم است زیرا بخشی از آسیب‌هایی که به محیط‌زیست وارد می‌شود، به دلیل عدم آگاهی و دانش عموم مردم نسبت به مسائل زیست محیطی است (رمضانی قوام آبادی، ۱۳۹۱، ص ۲۳۴). آموزش مسائل مربوط به محیط‌زیست و حفاظت از آن در کشور ایران سابقه زیادی ندارد. و همین مسئله، دانش و آموزش مربوط به حفاظت از منابع طبیعی را دچار محدودیت کرده است (شبییری، ۱۳۹۲، ص ۱۲۷). آموزش در سنین پایین منجر به شکل‌گیری دانش، نگرش، ارزش و کسب مهارت‌های لازم می‌شود. آموزش حفاظت از محیط‌زیست در سنین کودکی، منجر به کاربردی شدن اعمال مختلف مربوط به حفاظت در زندگی روزمره می‌گردد (خارستانی، ۱۳۹۸، ص ۴۱).

متأسفانه در مدارس ایران آموزش‌هایی که در زمینه حفاظت از منابع طبیعی است، به صورت صحیح و منطقی عمل نشده است و می‌توان آن را ضعیف ارزیابی کرد. و ضروری است که در محتوای کتب درسی گسترده‌تر به این مسئله

یکدیگر مشارکت داشته و در جهت حفظ آن بکوشند (حر، ۱۳۹۰، ص ۱۳۹). امروزه، وجود منابع آب در جوامع، از مشخصه‌های توسعه همه‌جانبه آن‌ها است (محمدی، ۱۳۸۵، ص ۷۶). برای حفظ حیات، انسان‌ها باید در حفظ و نگهداری آب بکوشند، در مصرف آن اسراف نکنند و زمینه آلودگی‌های آب را فراهم نسازند. از آن جا که آب حق تمامی موجودات زنده است، بهره‌برداری نامناسب از آن یک گناه بزرگ محسوب می‌شود (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۶۱). یکی از مهم‌ترین عوامل شکرگذاری نعمت آب، عدم اسراف و استفاده‌ی صحیح از آن است (دودمان کوشکی، ۱۳۸۸، ص ۶۲). صرفه جویی، به معنای مصرف هر چیزی، درجهت رفع نیاز اساسی و لازم خود است نه به معنای کم مصرف کردن (کاظمی، ۱۳۹۵، ص ۹). مقابله با صدمه و آسیب رسیدن به عناصر طبیعی محیط‌زیست (آب، خاک، هوا و موجودات زنده) و پیگیری جدی اعمال مخالف با آن، از اهداف اصلی حفاظت از محیط‌زیست است (میر ابراهیمی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۸). برای اینکه بتوانیم از منابع طبیعی از جمله آب حفاظت کنیم، باید عادات و رفتارهای مناسب و سازنده‌ای را از زمان کودکی برای به کارگیری درست منابع طبیعی درونی کرده و آموزش دهیم. بنابراین باید بستر فرهنگ‌سازی مناسبی را فراهم کرده تا با آموزش درست محیط‌زیست، در حفظ و نگهداری این منابع موفق عمل کنیم (علی‌پورمقدم و علی‌پور مقدم، ۱۳۹۵، ص ۳۱).

فرهنگ، دین و شریعت هر جامعه و الگوی مصرف آن، بایستی با هم هماهنگ باشد، بنابراین در کشور ما ایران، الگوی مصرف صحیح توسط نظام آموزش و پرورش بایستی متناسب با فرهنگ، دین و ... بازگو شود (خزایی علی آبادی، ۱۳۹۷، ص ۳۵). از جمله اقدامات و راهکارهایی



روش‌های تدریس فعال می‌توان روش بازی و گردش علمی را عنوان کرد که دانش‌آموزان در جریان یادگیری مشارکت دارند و با محیط‌زیست خود ارتباط برقرار می‌کنند (شبییری، ۱۳۹۴، ص. ۱۷۲). همچنین می‌توانند از این راهکارها جهت حفظ محیط‌زیست و آب استفاده کنند: مانند استفاده از انیمیشن و فیلم با محوریت موضوع حفاظت از آب و محیط‌زیست، قرار دادن مطالب مرتبط با این موضوع در کتاب‌های درسی، بهره‌گیری از فضای مجازی و اینترنت، بهره‌گیری از گاهنامه‌ها و بیلبردهای آموزشی و ... (یوسفی و دیگران، ۱۳۹۵، ص ۷۱).

متأسفانه علیرغم اهمیت آب برای ادامه زندگی، محتوای موجود در کتاب‌های درسی مختلف به خصوص در درس جغرافیا که سهم مهمی در آگاه‌سازی دانش‌آموزان درباره حفاظت از آب دارد، بسیار اندک بوده و باید محتوای نوین و متنوعی طراحی شود و سهم مطالب مربوط به آب در کتب مختلف افزایش پیدا کند (ذوالفقاری، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۳). اگر آموزش حفاظت از محیط‌زیست از جمله آب به صورت رسمی انجام نشود، تأثیر قابل توجهی نخواهد داشت. اینگونه آموزش در محتوای کتاب درسی به صورت محدود کافی نمی‌باشد و لازم است در خلال دروس مختلف مانند جغرافیا مطرح شود و با استفاده از فعالیت‌های مختلف علمی در جهت حل مشکلات زیست‌محیطی برنامه‌ریزی صورت بگیرد (صانعی، ۱۳۹۸، ص. ۷). در جدول زیر محتوای کتاب مطالعات اجتماعی مقطع ابتدایی در پایه‌های سوم، چهارم، پنجم و ششم از نظر میزان توجه به آب مورد بررسی قرار گرفت. که با توجه به اهمیت آب، مطالب گسترده و مناسبی در کتاب مطالعات اجتماعی یافت نشد. همچنین با بررسی کتاب مطالعات اجتماعی از منظر استفاده از آیات قرآنی مرتبط با آب برای نشان

توجه شود تا به درونی‌سازی منجر گردد (علی - پورمقدم و علی‌پور مقدم، ۱۳۹۵، ص. ۳۵). در زمینه آموزش صرفه‌جویی در مصرف آب، پژوهش‌هایی انجام شده که نتیجه آن نشان می‌دهد، آگاه‌سازی مردم در رابطه با اهمیت آب سبب شده تا شیوه مصرف خود را تغییر دهند و مصرف آب آن‌ها به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش پیدا کند (بازدار و دیگران، ۱۳۹۵، ص. ۶).

در یکی دیگر از پژوهش‌هایی که در زمینه حفاظت از آب و لزوم آموزش مصرف درست آن انجام شده، نتیجه نشان دهنده‌ی این مسئله است که آموزش و پرورش تأثیرات بسیار خوبی در نحوه مصرف دانش‌آموزان دارد. و با بررسی وضعیت آموزش آب در مقاطع مختلف تحصیلی، مسئله توجه به آب را ضعیف ارزیابی نمودند. و اکثریت شرکت‌کنندگان در مقطع ابتدایی و متوسطه رفتار ضعیفی در برابر این مسئله مهم داشتند (ذوالفقاری، ۱۳۹۹، ص. ۱۴۰). برای آموزش زیست‌محیطی به دانش‌آموزان در مدارس روش‌های متنوعی وجود دارد که معلمان برحسب شرایط و امکانات می‌توانند از آن استفاده نمایند. از جمله این روش‌ها، روش تدریس مطالعه موردی، حل مسئله، بازدید میدانی، روش‌های گروهی، مسیرهای طی شده و ... را می‌توان به کار برد (شبییری، ۱۳۹۴، ص. ۱۶۴ و ۱۶۵). استفاده از شیوه آموزش سنتی دیگر جوابگو نیست. و باید از روش‌های فعال مناسبی برای آموزش مسائل زیست‌محیطی به دانش‌آموزان در سنین مختلف استفاده شود. و باید کودکان این موضوع را درک کنند که لازم است از زیستگاه خود حفاظت کنند و این باور و اعمال را در بزرگسالی نیز ادامه دهند (خارستانی، ۱۳۹۸، ص. ۵۲). اکثریت معلمان به روش‌های تدریس فعال برای آموزش مسائل مربوط به حفاظت از محیط‌زیست علاقه مند هستند. از



دادن اهمیت این منبع طبیعی، تنها یکبار در کتاب مطالعات اجتماعی پایه ششم، همان طور که در جدول آمده، استفاده شده است.

جدول شماره (۲)، بررسی مسئله توجه به آب در کتب مطالعات اجتماعی ابتدایی

مطالعات اجتماعی سوم	۱- اهمیت منابع طبیعی از جمله آب در انجام امور مختلف ۲- صرفه جویی در مصرف منابع طبیعی از جمله آب
مطالعات اجتماعی چهارم	۱- اهمیت آب و رودخانه‌ها در تشکیل روستا و شهر ۲- جلوگیری از آلودگی آب و توجه به حفاظت از آن ۳- نقش میزان بارش در تعیین آب و هوای مناطق و پوشش گیاهی ۴- نحوه تشکیل رود، جویبار، آبرفت و جلگه
مطالعات اجتماعی پنجم	۱- حفاظت از محیط‌زیست از جمله آب ۲- حفاظت از آب و صرفه‌جویی در مصرف آن ۳- کم‌آبی در ایران ۴- پراکندگی رودها در ایران ۵- منابع آب شیرین و شور ۶- اهمیت دریا و آب از جهت فعالیت‌های اقتصادی ۷- مصرف نادرست آب ۸- چگونگی تشکیل رودها ۹- آب‌های زیرزمینی
مطالعات اجتماعی ششم	۱- آب از عوامل مهم و موثر در فعالیت‌های کشاورزی ۲- صرفه جویی در مصرف آب با کشت گلخانه‌ای ۳- تولید انرژی برق از آب ۴- معرفی دریا به عنوان نعمتی مهم برای کشور ایران از طرف خداوند. ۵- حفاظت از منابع انرژی ۶- حفاظت از دریاها ۷- اهمیت دریا در تأمین منابع غذایی و منابع انرژی، بازرگانی، اقتصادی و گردشگری ۸- سوره نحل/ آیه ۱۴: وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حَلِيبًا تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ مَوَازِرَ فِيهِ وَلَتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۳- نتیجه‌گیری

مقاله حاضر، با هدف بررسی میزان اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم و لزوم آموزش آن به دانش آموزان مقطع ابتدایی در دروس مطالعات اجتماعی و همچنین میزان استفاده از آیات مرتبط با اهمیت آب در این دروس، نگاشته شده است. برای یافتن پاسخ سوال تحقیق، به بررسی آیات مرتبط با اهمیت آب در قرآن کریم پرداختیم، که نتیجه نشان داد قرآن کریم در آیات متعددی به اهمیت عنصر آب و حفاظت از آن پرداخته است و آن را مایه‌ی طهارت و حیات

بشریت معرفی کرده است و این وظیفه انسان است که در حفظ و بهره برداری درست از آب بکوشد و زمینه نابودی و هدر رفتن آن را فراهم نکند. و از آنجا که آب نقش بسیار مهمی در زندگی تمام موجودات کره‌ی زمین به ویژه انسان دارد، باید برای حفاظت از آن اقدامات مختلفی انجام شود. با بررسی آیات قرآن کریم در مجموع تعداد ۶۰ آیه در ارتباط با آب یافت شد که اهمیت آن را از دیدگاه خداوند نشان می‌دهد. سپس با بررسی دروس مطالعات اجتماعی در مقاطع سوم، چهارم، پنجم و ششم ابتدایی به این



و ... است. زیرا این دوره، در تکوین شخصیت و رفتار کودکان در بزرگسالی، بسیار اهمیت دارد. کشور ما ایران، کشوری اسلامی است، اسلام و قرآن کریم درباره‌ی موضوعات مختلف اعم از موضوعات زیست‌محیطی سفارشات متعدد و مفیدی کرده است که با بهره بردن از آن، می‌توان بسیار در آموزش مسائل زیست‌محیطی به ویژه آب به دانش آموزان، موفق تر عمل کرد. بنابراین بهتر است برنامه‌ریزان درسی برای گسترش فرهنگ حفاظت از آب در بین دانش آموزان اقدامات لازم را در محتوای کتب درسی از جمله مطالعات اجتماعی انجام دهند، و معلمان نیز متناسب با محتوای دروس در مورد آب، با شیوه‌های متنوع انگیزه لازم برای مدیریت درست از آب را فراهم نمایند.

نتیجه رسیدیم که از بین ۴ پایه تنها در درس مطالعات اجتماعی پایه‌ی ششم، به یک آیه از آیات مرتبط با مسئله آب در قرآن کریم (او کسی است که دریا را مسخر (شما) ساخت تا از آن، گوشت تازه بخورید؛ و زیوری برای پوشیدن (مانند مروارید) از آن استخراج کنید؛ و کشتیها را می‌بینی که سینه دریا را می‌شکافند تا شما (به تجارت پردازید و) از فضل خدا بهره گیرید؛ شاید شکر نعمتهای او را بجا آورید! / سوره‌ی نحل، آیه‌ی ۱۴) اشاره شده است. البته در تمام پایه‌های دوره‌ی ابتدایی، درباره‌ی عنصر آب و اهمیت آن، سخن گفته شده است اما از آیات قرآن کریم در باب این موضوع بهره نبرده‌اند. همانطور که در متن مقاله هم بیان شد، دوره‌ی ابتدایی، مقطع بسیار مهمی جهت آموزش مسائل مهم تربیتی، فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی

منابع

۱. افخمی، حسین (۱۳۸۷): «صرفه‌جویی آب در کتاب‌های درسی مدارس». رسانه جهانی، دوره -، ۱۸-۱
۲. ۲-امامقلی زاده، صمد، رئیسی، مهدیه (۱۳۹۱): «فرهنگ مصرف آب از دیدگاه اسلام و قرآن و راهکارهای بهبود آن»، نشریه مهندسی فرهنگی، دوره ۶، ۴۷-۲۹
۳. ۳-بازدار، محمد، گودینی، حاتم، طراحی، محمدجواد، زارع، سودابه، یاراحمدی، مرتضی، محمدیان ظفرآبادی، جلال، احمدی‌فرد، طیبیه (۱۳۹۵): «بررسی تأثیر آموزش بر میزان صرفه‌جویی در مصرف آب در شهر خرم آباد در سال ۱۳۹۴»، نشریه مهندسی بهداشت محیط، دوره ۴، ۹-۱
۴. ۴-جعفری، یعقوب (۱۳۹۷): «ارزش و اهمیت آب در قرآن»، نشریه مکتب اسلام، دوره ۵۸، ۲۷-۲۱ خزایی علی آبادی، فاطمه. (۱۳۹۷). رویکرد کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به «آب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته برنامه‌ریزی درسی. دانشگاه فرهنگیان
۵. ۵-چراغعلی، لیلیا. (۱۳۹۳). جایگاه آموزش اخلاق محیط‌زیست در کتاب‌های درسی مطالعات اجتماعی (با رویکرد ایرانی-اسلامی). پایان‌نامه کارشناسی ارشد. گروه تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه الزهرا
۶. ۶-حرّ، حسین (۱۳۹۰): «نقش آب در پیشبرد جهاد اقتصادی از منظر قرآن و روایات»، نشریه قرآنی کوثر، دوره ۱۵۶-۱۳۹ خارستانی، اسماعیل (۱۳۹۸): «آموزش حفاظت از محیط‌زیست به کودکان (با تأکید بر آموزه‌های دینی)»، نشریه فلسفه و کودک، دوره ۴، ۵۴-۴۱
۷. ۷-خارستانی، اسماعیل (۱۳۹۸): «آموزش حفاظت از محیط‌زیست به کودکان (با تأکید بر آموزه‌های دینی)»، نشریه فلسفه و کودک، دوره ۴، ۵۴-۴۱
۸. ۸-خزایی علی آبادی، فاطمه. (۱۳۹۷). رویکرد کتاب‌های درسی دوره ابتدایی به «آب». پایان‌نامه کارشناسی ارشد. رشته برنامه‌ریزی درسی. دانشگاه فرهنگیان



۹. ۹- خموشی بیدگلی، صفیه، مظاهری، حسن، زمستان (۱۳۹۸): «بررسی میزان و نوع توجه به مولفه‌های زیست‌محیطی در کتاب‌های درسی دوره‌ی ابتدایی»، فصلنامه مطالعات برنامه‌درسی ایران، دوره ۱۴، ۲۰۰-۱۷۷
۱۰. ۱۰- دودمان کوشکی، علی (۱۳۸۸): «پاسداری از منابع طبیعی در راستای اصول اخلاقی زیستی و حفظ سلامت انسان از دیدگاه قرآن»، فصلنامه اخلاقی پزشکی، دوره ۳، ۷۶-۴۵
۱۱. ۱۱- ذوالفقاری، مرتضی (۱۳۹۹): «بررسی نقش آموزش‌های رسمی در تغییر رفتارهای زیست‌محیطی (مطالعه موردی: استفاده بهینه از آب)»، فصلنامه پژوهش در آموزش مطالعات اجتماعی، دوره ۲، ۱۴۵-۱۲۷
۱۲. ۱۲- رجاییان، ندا، کشتی‌آرای، نرگس، نادى، محمدعلی، بهار (۱۳۹۷): «تجارب زیسته دانش آموزان دوره تحصیلی ابتدایی از پدیده مصرف آب»، فصلنامه علمی - پژوهشی آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، دوره ۶، ۶۰-۴۷
۱۳. ۱۳- رضائی قوام آبادی، محمد حسین (۱۳۹۱): «بررسی راهبردی آموزش حفاظت از محیط‌زیست در ایران؛ ضرورت‌ها و تنگناها»، فضانامه راهبرد، دوره ۲۱، ۲۵۷-۲۳۳
۱۴. ۱۴- رونقی، فریبا (۱۳۹۵). بحران آب و راهکارهای مصرف بهینه. دومین کنفرانس بین‌المللی تحقیقات در عمران، معماری، شهرسازی و محیط‌زیست پایدار (ص ۱-۱۴). استانبول، خرداد ۱۳۹۵
۱۵. ۱۵- شبیری، سید محمد (۱۳۹۴): «روش‌های تدریس و یادگیری موثر آموزش‌های زیست‌محیطی در آموزش و پرورش»، فصلنامه تعلیم و تربیت، دوره ۳۱، ۱۷۷-۱۵۹
۱۶. ۱۶- شبیری، محمد، میبودی، حسین (۱۳۹۲): «ارزیابی آموزش محیط‌زیست در ایران و ارائه پیشنهاداتی برای بهبود وضعیت موجود»، فصلنامه علوم محیطی، دوره ۱۱، ۱۳۰-۱۱۹
۱۷. ۱۷- صانعی، محبوبه (۱۳۹۸). طراحی الگوی استقرار آموزش‌های زیست‌محیطی در مدارس: یک مطالعه ترکیبی. پایان-نامه کاشناسی ارشد. گروه تحقیقات آموزشی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. دانشگاه علامه طباطبائی
۱۸. ۱۸- صفری پور چافی، پریسا، امانی، عبدالرضا (۱۳۸۸). نقش منابع طبیعی در دستیابی به توسعه پایدار (حفاظت از آب و خاک). همایش ملی انسان. محیط‌زیست و توسعه پایدار (ص ۱-۱۱). همدان، اسفند ۱۳۸۸، دانشگاه آزاد اسلامی
۱۹. ۱۹- عالی پور هفشجانی، فتح‌الله، مهدوی هفشجانی، فرنگیس، عالی پور هفشجانی، محمد (۱۳۹۸): «بررسی علمی دیدگاه قرآن درباره‌ی نقش سلامتی بخش آب در زندگی بشر»، مجله پژوهش در دین و سلامت، دوره ۵، ۱۵۶-۱۳۹
۲۰. ۲۰- عرفت پور، زینة، محسنی، حمیده سادات (۱۳۹۶): «تصویرپردازی هنری آب به مثابه منشأ حیات و رزق‌وروزی در قرآن کریم». مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، دوره ۱، ۱۱۳-۸۳
۲۱. ۲۱- علی‌پورمقدم، خدیجه، علی‌پورمقدم، حوا (۱۳۹۵): «بررسی جایگاه آموزش‌های زیست‌محیطی در کتاب‌های درسی مقطع ابتدایی» دو فصلنامه حقوق محیط‌زیست، دوره ۱، ۳۷-۳۰
۲۲. ۲۲- علیخانی، امیر (۱۳۹۲): «منزلت آب و تضمین منابع آبی برای توسعه از منظر آیات قرآن». فصلنامه مطالعات تفسیری، دوره ۴، ۱۱۶-۹۹
۲۳. ۲۳- قرآن کریم، ترجمه آیت الله فاضل لنکرانی
۲۴. ۲۴- کاظمی، مرتضی (۱۳۹۵): «نگرشی بر منزلت آب و مدیریت مصرف آن در قرآن»، کنگره علوم و مهندسی آب و فاضلاب ایران، (ص ۱-۱۰)، تهران، بهمن ۱۳۹۵. دانشگاه تهران
۲۵. ۲۵- کلانتری، مائده (۱۳۹۴). حفاظت از معنا (نمونه موردی: حفاظت از معنای آب). همایش ملی معماری و شهرسازی بومی ایران (ص ۱-۱۳). یزد بهمن ۱۳۹۴، دانشگاه هنر اصفهان
۲۶. ۲۶- محمدزاده، رضا، احرامپوش، محمدحسن، حسینی، سیدحمید، حسین‌شاهی، داود (۱۳۸۸). نقش آب در بهداشت و سلامت از دیدگاه قرآن کریم. همایش ملی پژوهش‌های قرآنی حوزه و دانشگاه (ص ۲۳۱-۲۳۸). اردیبهشت ۱۳۸۸
۲۷. ۲۷- محمدی، سیده زهره، یزدان پناه، مسعود (۱۳۹۴): «آب و اهمیت حفاظت آن از دیدگاه قرآن کریم»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، (ص ۲۵۱-۲۶۵)، اسفند ۱۳۹۴. دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی خوزستان
۲۸. ۲۸- محمدی، محمد جواد، امین، محمد مهدی، معطریان، علی، حیدرماه، فلاح (۱۳۸۵): «بررسی اهمیت آب از دیدگاه قرآن کریم»، انسان و محیط‌زیست، دوره ۲، ۷۹-۷۳
۲۹. ۲۹- محمدی نیا، طیبه، دسترنج، منصوره، نگهداری، سمیه، سلیمی شورباخورلو، نیلوفر، پاییز (۱۳۹۱): «تهادینه سازی فرهنگ زیست‌محیطی بر مبنای فرهنگ اسلامی»، فصلنامه آموزش محیط‌زیست و توسعه پایدار، دوره ۱، ۷-۱



- ۳۰.۳۰- مریدی، علی، کراچیان، رضا، ذکایی، محمد (۱۳۹۵): «تحلیل وضعیت کیفیت منابع آب ایران»، تحقیقات منابع آب ایران، دوره ۱۲، ۲۳-۳۵
- ۳۱.۳۱- مقیسه، مرضیه. (۱۳۹۵). بررسی قداست آب و ضرورت حفاظت از آن. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه آموزشی محیط زیست. دانشگاه پیام نور
- ۳۲.۳۲- مومنی، هادی. (۱۳۹۶). بررسی راهکارهای توانمندسازی فرهنگی برای حفظ محیط‌زیست با تاکید بر نقش آموزش و پرورش. پایان نامه کارشناسی ارشد. گروه علوم تربیتی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه پیام نور
- ۳۳.۳۳- میرابراهیمی، سید علی، پاییز (۱۳۸۹): «محیط‌زیست و استراتژی حقوق‌اسلامی»، مجله چشم‌انداز جغرافیایی (علمی-پژوهشی)، دوره ۵، ۱۵۲-۱۳۹
- ۳۴.۳۴- نورائی، محسن (۱۳۹۱): «جهان بینی قرآنی و محیط‌زیست»، آموزه‌های قرآنی، دوره ۱۱، ۲۲-۳
- ۳۵.۳۵- یوسفی، حسین، مومنی، مرضیه (۱۳۹۵): «برنامه‌ریزی توافقی به منظور اولویت‌بندی راهکارهای ارتقای سطح آموزش جهت افزایش مشارکت عمومی در زمینه توسعه پایدار و حفاظت از منابع آب زیرزمینی». فصلنامه آموزش محیط زیست و توسعه پایدار، دوره ۵، ۶۷-۷۷

رابطه قرآن و بهداشت روانی

عباس اکبری

دانشجوی دکتری

(نویسنده مسئول: akbari1391@chmail.ir)

چکیده

قرآن کریم کتاب هدایت و تبیاناً لکل شیء می‌باشد که دارای مجموعه‌ای از دستورات، پندها، موعظه‌ها و قصص است که هر کدام به جنبه‌ای از زندگی انسان نظر دارد و از این آموزه‌ها می‌توان برای سعادت دنیوی و اخروی بشر استفاده کرد اما امروزه بدلیل فشارهای روحی و روانی که در جوامع بشری وجود دارد و منجر به افزایش استرس، اضطراب و بیماری‌های روحی و روانی می‌شود این سوال بوجود خواهد آمد که قرآن کریم که قرار است برای تمام لحظات زندگی بشر برنامه داشته باشد در این جور مواقع برای کاهش یا درمان بیماری‌های روانی چه راه‌کارهایی را ارائه کرده است؟ این نوشتار با روش توصیفی به بررسی برخی مصادیق و راه‌های درمان بیماری‌های روانی از نگاه قرآن پرداخته است که از آن به عنوان بهداشت روانی یاد می‌کنند و در نهایت به این نتیجه رسیده است که قرآن کریم کتاب بهداشت روانی نیست اما مطالبی که ارائه کرده است در پیشگیری بسیاری از این بیماری‌های روانی مؤثر می‌باشد و اتفاقاً جوامع بشری نیز بدنبال همین مطلب هستند که پیشگیری بهتر از درمان است.

کلید واژه: قرآن، بهداشت روانی، ایمان به خدا، صبر، بیماری روحی

مقدمه

برخی از مصادیق کاهش بیماری‌های روانی را بررسی کنیم و به جوامع دنیا ثابت کنیم که بهترین راه درمان، پیشگیری است و این نسخه پیشگیری بشر، تمسک کردن به قرآن کریم و دستورات دینی می‌باشد.

بهداشت روانی

از آنجایی که علم بهداشت جنبه پیشگیری دارد باید بهداشت روانی را اینگونه تعریف کرد: مراد این است که چگونه می‌توان روح و روان را سالم نگه داشت تا به امراض روحی دچار نشود. البته باید یادآور شویم که تعریف کردن بهداشت روانی و بیماری روانی دشوار است بدلیل اینکه افرادی که رفتارشان صحیح و مسؤلیت‌های خود را به خوبی انجام می‌دهند سالم هستند و افرادی که در جامعه نمی‌توانند مسؤلیت‌های خود را انجام

بشر برای اینکه به سعادت و پیشرفت دست یابد نیاز به آرامش و آسایش دارد به همین علت لازم است که به همه چیزهایی که ممکن است برای بشر، آرامش بخش باشد تمسک کند بدلیل اینکه به نظر می‌رسد که بشر امروز با حجم عجیبی از مشغله‌ها و کارهایی روبه رو شده است که برخی از اینها عواقبی جز بیماری‌های روحی و روانی بدنبال ندارد لذا انسانها با وجود پیشرفت‌های صنعتی و تکنولوژی که امروزه وجود دارد هنوز نتوانسته آسایش قطعی برای خود فراهم کند اما خداوند متعال که خالق بشر می‌باشد از طریق کتاب آسمانی (قرآن) دستورات و توصیه‌هایی ارائه کرده است که بشر در صورتی که آنها را مراعات کنند دچار این مشکلات روحی و روانی نخواهند شد و ما در این نوشتار سعی کرده‌ایم



۲. راهکارهای اجتماعی: بیماران روانی و عقب ماندگی ذهنی و حسن ظن به مردم

۳. راهکارهای عاطفی: محبت به والدین، صله رحم، سفارش به صبر و توبه

۴. راهکارهای شناختی: آموزه‌های اسلام با تغییر و اصلاح شناخت و تفکر نسبت به جهان و تبدیل جهان بینی بشر به جهان بینی الهی، بر نگرش انسان به مسائل زندگی و رفتار، عواطف و احساسات شخص تاثیر گذاشت که ایمان و توکل به خدا، و رضا، مثبت اندیشی، امیدواری به زندگی، الگوقرار دادن پیامبر و اولیای الهی، اعتقاد به معاد از نتایج آن می‌باشد.

۵. راهکارهای رفتاری: اصلاح و هدایت تفکر به سمت جهان بینی الهی که باعث اصلاح رفتار شخص می‌شود که این رفتارهای صحیح در خانواده، روابط بین فردی، روابط اقتصادی می‌تواند بهداشت روانی افراد را تامین کند و یا ارتباط با منبع قدرت معنوی، قوانین بازدارنده و قوانین کنترل کننده شهوت.

آیات و عوامل مؤثر در بهداشت روانی

از آنجایی که انسان‌ها از حیث اخلاق و رفتار و روحیات متفاوت هستند ممکن است از حیث بیماری روحی و روانی نیز دچار مشکل شوند لذا قرآن کریم سعی کرده است برای پیشگیری از این امراض روحی و روانی، دستوراتی را بیان کند که ما در این نوشتار به برخی از آنها اشاره خواهیم کرد.

۱. یاد خدا

یکی از بزرگترین بیماری‌های روانی که بشر به آن مبتلا هست اضطراب و نگرانی است، اضطراب و نگرانی باعث به وجود آمدن عوامل دیگری از قبیل؛ ترس و وحشت، ضعف و ناتوانی، بدگمانی

دهند و رفتارشان نامناسب است را بیمار انگاشته‌اند.^۱

هدف بهداشت روانی

برخورداری از روان سالم و معتدل برای موفقیت در زندگی و رسیدن به آسایش و سعادت از اهداف بشر است و همچنین سعی می‌کند تا شرایطی را فراهم کند که عوامل مخربی که باعث برهم خوردن روان بشر می‌شود و راحتی روان و درون بشر را آزار می‌دهد را از بین ببرد به گونه‌ای که آسایش و رفاه او تامین شود.

قرآن و بهداشت روانی

قرآن کریم کتاب هدایت بشر است و دستوراتی را برای زندگی بشر، (یعنی هر چیزی که باعث پیشرفت معنوی و هدایت بشر شود) را بیان کرده است از جمله این دستورها و توصیه‌ها، راه- کارهایی را برای تامین بهداشت روانی ارائه کرده است که حضرت علی (ع) در بیانی به این مطلب اشاره فرموده‌اند که: «برای دردهایتان، از قرآن سلامت بخواهید و با قرآن بر سختی‌ها یاری جوئید» حال این سوال قابل طرح است که قرآن برای بهداشت روانی چه راه کارهایی ارائه کرده است؟

پژوهش حاضر سعی بر این دارد آیاتی را که در زمینه راهکارهای معنوی وارد شده است استخراج کرده و مقداری در مورد آنها توضیح دهد که در مجموع به چند محور دست پیدا کردیم که عبارتند از:

۱. راهکارهای معرفتی: وحدت شخصیت انسان، نقش ایمان، ممنوعیت یأس و ناامیدی، هدفمندی و معناداری زندگی، اصل قضا و قدر و تصادفی نبودن رویدادها، اعتقاد به معاد، نگاه مثبت به مرگ و توکل.

۱. جفری نوید. اسپنسر راتوس، بهداشت روانی، (مترجم: یحیی سید

محمدی)، ص ۲



علم امروز به آن اعتراف دارد، علاوه بر آن برخی آیات مربوط تقوا با صراحت پرده‌های یأس و نومیدی را بر می‌دارد و به تمام افراد پرهیزگار وعده نجات و حل مشکلات می‌دهد و فرموده است: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا».^۶

۳. ایمان به خدا و توجه به صفات الهی

یکی از نیازهای اساسی بشر نیاز به احساس امنیت است که این احساس امنیت با ایمان به خدا بدست می‌آید که عبارت است از احساس آزادی نسبی از خطر، این احساس وضع خوشایندی را ایجاد می‌کند و فرد آرامش روحی و جسمی می‌یابد. در سایه توحید هست که احساس امنیت بوجود می‌آید. چون افراد به دلیل ترس، میل به احساس ایمنی دارند. ترسی که از یک محرک موجود یا احتمالی در محیط بیرون ارگانیزم ایجاد می‌شود؛ ولی شخص موحد و مؤمن می‌داند که تمام حوادث جهان معنی دار و به صلاح او هستند. او احساس می‌کند پشتیبانی دارد که در همه مسائل او را کفایت می‌کند؛ یآوری که از آینده به خوبی خبر دارد، مصالح و مفاسد شخص را می‌داند و با او مهربان است. دوستان خدا به جهان مادی وابستگی ندارند و «زهد» به معنی حقیقی اش بر وجود آنها حکومت می‌کند، نه با از دست دادن امکانات مادی ناراحت می‌شوند و نه ترس از آینده در این گونه مسائل افکارشان را به خود مشغول می‌دارد.»^۷ در مورد ایمان به خدا و اثرات آن در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد که ما به چند مورد آن اشاره خواهیم کرد: «مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ

و خیال‌بافی، دنیاپرستی، احساس پوچی در زندگی، آینده تاریک، گذشته‌های ظلمانی و... می‌باشد؛ و شکی در این وجود ندارد که یاد خداوند، این دغدغه‌ها را از بین می‌برد و به انسان آرامش می‌دهد همانطور که قرآن کریم فرموده است: «الا بذکر الله تطمئن القلوب»^۱ یا اینکه در جای دیگر فرموده است: «هو الذی انزل السکینه فی قلوب المؤمنین»^۲ همانا خداوند کسی است که سکینه و آرامش در قلوب مؤمنین ایجاد می‌کند. برخی مفسیرین نوشته‌اند: «یاد خدا برای انسان، که همواره اسیر حوادث است و در جستجوی یک چیز محکمی است که سعادت او را ضمانت کند و گاه در امور خود متحیر است، نمی‌داند به کجا می‌رود و به کجایش می‌برند و برای چه آمده، مایه و آرامش است.»^۳ از سوی دیگر درباره فراموش کردن یاد خدا به بشر هشدار داده است و می‌فرماید: «و لا تکنوا کالذین نسوا الله فانساهم انفسهم».^۴ همچون کسانی نباشید که خدا را فراموش کردند، خدا آنها را به خودفراموشی گرفتار کرد. خلاصه اینکه قرآن کریم ثمره یاد کردن خدا را اینگونه بیان کرده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَأَخَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۵

۲. تقوا و تزکیه

گناه یک نوع بیماری است که قرآن کریم برای پیشگیری و در امان ماندن از بیماری‌های روانی، پیروان خود را به تقوی و پرهیزگاری سفارش می‌کند لذا تمام آیاتی که دستور به تزکیه و تقوای الهی می‌دهد، نیز می‌تواند به عنوان آیات بهداشت روان مطرح شود و این سخنی است که

۵. یونس، ۶۲

۶. طلاق، ۲

۷. مکارم، تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۳۴

۱. رعد، ۲۸

۲. فتح، ۴

۳. طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۱، ص ۳۹۲

۴. حشر، ۱۹



هرکس برخدا توکل کند کفایت امرش را می‌کند، خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند.

معنای توکل

توکل یعنی شخص به دیگری اعتماد کند و دیگری را نایب خود بگیرد. ^۴ منظور از توکل این است که انسان در چارچوب علل مادی و محدوده توانایی خود محاصره نشود و چشم خود را به حمایت و لطف پروردگار بدوزد، این توجه مخصوص، آرامش، اطمینان و نیروی فوق العاده روحی و معنوی به انسان می‌بخشد که در رویارویی با مشکلات اثر عظیمی خواهد داشت. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از جبرئیل پرسید: توکل بر خداوند چیست؟ جواب داد: فهمیدن این که مخلوقات نمی‌توانند به انسان ضرری بزنند یا نفعی برسانند، نه می‌توانند به انسان چیزی بدهند و نه می‌توانند خیری را از انسان منع نمایند، لذا انسان از خلق و مردم مأیوس می‌گردد و اگر بنده چنین شد برای غیرخدا کار نمی‌کند و به کسی غیر از خداوند امید ندارد و از غیر خداوند نمی‌ترسد و در احدی غیر از خداوند طمع نمی‌کند. شخص متوکل اگر هم شکست بخورد، چون معتقد است خداوند قادر به فراهم ساختن اسباب موفقیت انسانهاست و مصالح آنها را بهتر از خودشان می‌داند، می‌پذیرد که شکست ظاهری به صلاح و نفع او بوده است، لذا از لحاظ روانی ضربه نخواهد خورد. پس توکل باعث از بین رفتن نگرانی و وحشت از اوضاع مبهم آینده است و جلوی بروز اضطراب و فشارهای روانی را می‌گیرد.

يَحْزَنُونَ؛ کسانی (از آنان) که به خدا و روز بازپسین ایمان آوردند، و [کار] شایسته انجام دادند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست، و نه آنان اندوهگین می‌شوند. ^۱ «وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ فَمَنْ آمَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ؛ و (ما) فرستادگان [خود] را، جز مژده آور و هشدار دهنده نمی‌فرستیم؛ و کسانی که ایمان آوردند و اصلاح نمایند، پس هیچ ترسی بر آنان نیست و نه آنان اندوهگین می‌شوند». ^۲ در این آیات ایمان به خدا، یکی از راهکارهای شناختی است که باعث امنیت روانی انسان می‌شود و از راهکار رفتاری به «عمل صالح» یا «اصلاح» تعبیر شده است. دانشمندان اسلامی می‌گویند: اگر تمام آیاتی که در آنها نامها و صفات خداوند بیان شده است را مطالعه کنیم، متوجه می‌شویم که به نوعی در آرامش روحی انسان مؤثرند؛ صفاتی مانند علیم، سمیع، غفور، قدیر، ستار، جبار، تواب، حکیم و نصیر. به عنوان نمونه اگر کسی در مقامی قرار گیرد که انجام کاری برای او سخت باشد چون توان آن را ندارد و یآوری نیز ندارد در این صورت وقتی معتقد باشد که خدایی دارد که هم قادر است و هم ناصر، در این صورت یک آرامش روحی و روانی برای او حاصل خواهد شد و آن کار را پی‌گیری خواهد کرد «یا من اسمه دواء».

۴. توکل بر خدا

از دیگر بیماری‌های روانی، یأس و نومیدی و سستی است که توکل کردن بهترین راه‌کار درمان آن است و در قرآن فرموده است: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ» ^۳

۴. راغب، مفردات الفاظ قرآن، ص ۵۶۱

۱. مائده، ۶۹

۲. انعام، ۴۸

۳. طلاق، ۳

۵. صبر

در قرآن کریم برای بیان جایگاه و اهمیت صبر و استقامت و تربیت آدمیان بر این اساس، در پنجاه آیه به صبر و استقامت توصیه و تشویق شده و از آن تمجید گردیده است و انسان‌های صابر محبوب حق معرفی شده‌اند و نتایج و ثمرات شگفت آن یادآوری شده است. «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ». «فرشتگان گویند: سلام بر شما به پاداش صبوری که کردید؛ پس چه نیک است سرانجام این سرای. «وَلَنَجْزِيَنَ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»^۴ و کسانی را که شکیبایی ورزیده‌اند، به بهتر از آن چه کرده‌اند پاداش می‌دهیم. «وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ»^۳ و خدا شکیبایان را دوست دارد. بدین ترتیب درمی‌یابیم که رشد همه کمالات در بستر صبر و استقامت است و ریشه در آن دارد؛ و رمز و راز پیروزی‌ها و شرط موفقیت در امور شکیبایی و پایداری است به همین دلیل است که وقتی خداوند می‌خواهد به پیامبر گرامی‌اش هدیه دهد، صبر و تبعات آن را هدیه می‌کند، چنان که در حدیث امام صادق (ع) آمده است: «جَاءَ جَبْرِئِيلُ عَ إِلَى النَّبِيِّ ص فَقَالَ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَرْسَلَنِي إِلَيْكَ بِهَدِيَّةٍ لَمْ يُعْطِهَا أَحَدًا قَبْلَكَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص قُلْتُ وَ مَا هِيَ قَالَ الصَّبْرُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الرِّضَا وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْإِخْلَاصُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ قَالَ الْيَقِينُ وَ أَحْسَنُ مِنْهُ قُلْتُ وَ مَا هُوَ يَا جَبْرِئِيلُ قَالَ إِنَّ مَدْرَجَةَ ذَلِكَ التَّوَكُّلُ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ»^۴ جبرئیل (ع) به نزد پیامبر (ص)

آمد و گفت: ای رسول خدا، خداوند مرا با هدیه‌ای به سوی تو فرستاده است که چنین هدیه‌ای به کسی پیش از تو نداده است. رسول خدا گفت، پرسیدم: آن هدیه چیست؟ گفت: صبر و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: رضا و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: زهد و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: اخلاص و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: یقین و نیکوتر از آن. پرسیدم: آن چیست؟ گفت: ای جبرئیل؟ گفت: آن مرتبه توکل بر خدای عز و جل است. تمام این صفات و کمالات از صبر برمی‌خیزد و تا کسی صبر پیشه نکند به این مراتب دست نمی‌یابد؛ و روشن است که بیشتر اخلاق و کمالات داخل در صبر است.

اقسام صبر و استقامت

صبر و استقامت با جایگاه و اهمیتی که برای آن یادآور شدیم اقسامی مختلف دارد و در میدان‌های گوناگون زندگی و مبارزه و سیر به سوی کمال راهگشا و نجات دهنده است. درباره اقسام صبر در حدیثی از رسول خدا (ص) چنین آمده است: «الصَّبْرُ ثَلَاثَةٌ صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصِيبَةِ وَ صَبْرٌ عَلَى الطَّاعَةِ وَ صَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِيَةِ فَمَنْ صَبَرَ عَلَى الْمُصِيبَةِ»^۵ صبر بر سه قسم است: صبر بر مصیبت، و صبر بر طاعت، و صبر در برابر گناه. همچنین امیر مؤمنان (ع) فرموده است: «الصَّبْرُ صَبْرَانِ صَبْرٌ عَلَى مَا تَكْرَهُ وَ صَبْرٌ عَمَّا تُحِبُّ». صبر دو گونه است: صبوری بر آنچه خوش نمی‌شماری و صبوری بر آنچه آن را دوست می‌داری. به طور کلی می‌توان گفت که قرآن

۱. رعد، ۲۴

۲. نحل، ۹۶

۳. آل عمران، ۱۴۶

۴. شیخ صدوق، معانی الاخبار، ص ۲۶۰؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج

۱۵، ۱۹۴، باب ۴، ح ۳۱

۵. کلینی، الکافی (ط - الاسلامیه)، ج ۲، ص ۹۱؛

۶. نهج البلاغه، ص ۴۵۰

کلید پیروزی در بسیاری از مشکلات را صبر می‌داند و این باعث دلگرمی انسان می‌شود.

۶. توبه و استغفار

انسان گناه کار بدلائل مختلفی از جمله احساس حقارت، ترس و... دچار یأس و ناامیدی می‌گردد و قطعا در چنین زمانی نیاز به یک قدرت امیدبخش دارد تا بتواند خود و مسیرش را پیدا کند و باید گفت که بهترین راه درمان و جبران این ناامیدی، توبه و استغفار است که او را امیدوار و به او روح امید می‌بخشد، در قرآن کریم فرموده است: «قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ * وَ أُنَبِّئُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَ أَسْلَمُوا لَهُ مِن قَبْلِ أَنْ يُاتِيَكُمُ الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ»^۱ بگوای بندگان من! که برخود اسراف و ستم کردید از رحمت خدا نومید نشوید که خداوند همه گناهان را می‌آمزد، زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است و به درگاه پروردگارتان باز گردید (انابه کنید) و در برابر او تسلیم شوید...

۸. ازدواج و اهتمام به خانواده

یکی از دستورات قرآن برای تأمین بهداشت روانی ازدواج است، انسان موجودی اجتماعی است، به طوری که به تنهایی و بدون همراهی سایر انسان‌ها و یا کسی که همدم او باشد نمی‌تواند به زندگی ادامه دهد البته گاهی مواقع فشارهای زندگی ممکن است انسان را دچار نگرانی و مشکلات عصبی و روحی کند که جهت کاهش و کنترل آن باید به یک نیروی قوی تمسک کرد که به نظر می‌رسد اهتمام به خانواده، بعد از یاد خدا، مایه آرامش و سلامتی روان انسان است به همین دلیل خداوند با واژه «لتسکنوا»، این نکته را بیان کرده است و می‌فرماید: «وَمِن آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنفُسِكُمْ

أَزْوَاجًا لَتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَ جَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً»^۲ از نشانه‌های او این که همسرانی از جنس خودتان آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودت و رحمت قرار داد. هم چنین برای زن و مرد وظایفی را تعیین کرد که اگر این وظایف را رعایت کنند بهداشت روانی را به ارمغان می‌آورد. مثل: روابط مناسب بین زن و شوهر، ارضای نیازهای جنسی یکدیگر، ارتباط درست کلامی، ارتباط غیر کلامی مناسب که عبارتند از: تواضع، وفای به عهد، راز داری، گذشت، حسن معاشرت، ابراز محبت، تشکر اعضای خانواده از همدیگر، خوش اخلاقی زن و شوهر، هدیه دادن به یکدیگر، توجه زن و مرد به خواست یکدیگر و ... هم چنین برای والدین در مقابل فرزندان هم وظایفی را مشخص کرده است، از قبیل انتخاب و گزینش همسر مناسب که مادر خوبی برای فرزندان باشد - توصیه‌های هنگام بارداری مادر - مراقبت‌های دوران کودکی (شیر دادن، یادگیری، تعامل با فرزندان) توصیه‌ها در ارضای محبت به فرزندان، لزوم آشنایی با توانایی‌های شناختی کودکان و برآوردن نیاز به امنیت کودک. در مقابل برای فرزندان در مقابل والدین وظایفی را مشخص نموده است که عبارتند از: احترام گذاردن به والدین و احسان به آنها، نگاه محبت آمیز به والدین و غیره (ر.ک: صادقیان، قرآن و بهداشت روان، فصل سوم). تعالیم و آموزه‌های دینی هم چنین به روابط خویشاوندی و صله رحم دستور داده و بدین وسیله نیز بهداشت روانی را تأمین کرده است.

۹. عفاف

هرجا که بی‌عفتی و عدم پایبندی به دستورات اخلاقی زیاد باشد فکر و رفتار انسانها دچار تغییراتی می‌گردد که ثمرهای جز خسران



نتیجه‌گیری

تعریف کردن بهداشت روانی دشوار است بدلیل اینکه افرادی که رفتارشان صحیح و مسؤلیت‌های خود را به خوبی انجام می‌دهند سالم هستند و افرادی که در جامعه نمی‌توانند مسؤلیت‌های خود را انجام دهند و رفتارشان نامناسب است را بیمار انگاشته‌اند. یکی از اهداف بشر برای موفقیت و رسیدن به آسایش، برخورداری از روان سالم و معتدل است و در مقابل باید تمام عواملی که باعث تخریب و برهم زدن، مسائل روحی و روانی انسان می‌شود از بین ببرند به همین خاطر پیشگیری بهتر از درمان است و بهترین راه‌کارها توسط قرآن ارائه گردیده لذا حضرت علی (ع) در بیانی به این مطلب اشاره فرموده‌اند که: «برای دردهایتان، از قرآن سلامت بخواهید و با قرآن بر سختی‌ها یاری جویید» ما در این نوشتار به برخی از عوامل مؤثر در بهداشت روانی از جمله: یاد خدا، تقوا و تزکیه، ایمان به خدا و توجه به صفات الهی، توکل بر خدا، صبر، توبه و استغفار، ازدواج و اهتمام به خانواده، عفاف، استعاذه پرداخته‌ایم و در نهایت به این نتیجه رسیده‌ایم که قرآن کریم کتاب بهداشت روانی نیست اما مطالبی که ارائه کرده است در پیشگیری بسیاری از این بیمارهای روانی مؤثر می‌باشد و اتفاقاً جوامع بشری نیز بدنبال همین مطلب هستند که پیشگیری بهتر از درمان است.

جسمی و روحی برای آنها ندارد در این مواقع بهترین راه درمان را باید در مراعات عفاف دید که قرآن کریم در رابطه با نقش عفاف بر روح و روان انسانها (مرد باشد، یا زن) تعبیراتی زیبا و دقیقی دارد؛ در یک مورد در رابطه با چشم‌پوشی از نامحرم می‌فرماید: «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ذَلِكَ أَزْكَى لَهُمْ إِنْ اللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ * وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...»^۱

۱. استعاذه

پناه بردن به خداوند نقش به سزائی در رفع بیماری‌های روانی دارد؛ یکی از بیماری‌های روانی و سوسه‌های شیطانی است، بدین جهت است که خداوند به پیامبر دستور می‌دهد، هرگاه و سوسه‌های شیطانی به تو روی آورد به خدا پناه ببر «وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ؛ بگو: پروردگارا از و سوسه‌های شیطانها به تو پناه می‌برم»^۲ و در مورد دیگر می‌فرماید: «وَأِمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْغٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ؛ هرگاه و سوسه‌ای از شیطان به تو برسد به خدا پناه ببر».^۳ موارد ذکر شده، فقط برخی از مواردی است که قرآن برای درمان و آرامش روان انسان به آنها اشاره فرموده است.



منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه
۳. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، مفردات الفاظ قرآن، دارالعلم- دار الشامیه، لبنان- سوریه، ۱۴۱۲ ق
۴. اصفهانی، مجلسی دوم، محمد باقر، بحار الانوار، الطبع و النشر، بیروت، ۱۴۱۰ ق.
۵. جفری اس. نوید، اسپنسر ا. راتوس، بهداشت روانی، مترجم: یحیی سید محمدی، ارسباران، تهران، ۱۳۹۲ ش.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، موسسه آل البيت (علیهم السلام)، قم، ۱۴۰۹ ق
۷. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۱۷.
۸. قمی، صدوق، محمد بن بابویه، معانی الاخبار، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ۱۴۰۳ ق.
۹. کلینی، ابوجعفر، محمد بن یعقوب، الکافی (ط- الاسلامیه)، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۴۰۷ ق
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران، ۱۳۷۴

نقش احکام اسلام در سلامت جسم از منظر علم و دین

عباس اکبری

دانشجوی دکتری (نویسنده مسئول: akbari1391@chmail.ir)

چکیده

دین مبین اسلام برای انسان ارزش و احترام فوق العاده ای قائل است و به تمامی مسائل حیاتی انسان از جمله بهداشت و سلامت عنایت خاصی دارد زیرا قرآن کتاب سعادت بشر است و سعادت روحی انسان در گرو داشتن جسمی سالم است از جمله شواهدی که می توان بر تاکید قرآن بر سلامت جسم انسان، ارائه داد؛ آیاتی می باشد که به بیان انواع خوراکی هایی که برای انسان مفید هستند پرداخته است؛ خوراکی هایی مثل خرما، عسل و انجیر همچنین آیاتی که ممنوعیت خوردن برخی غذاها و بعضی اعمال را بیان کرده اند ، نیز بیانگر اهمیت سلامت جسم انسان نزد قرآن است. پژوهش حاضر که با روش توصیفی - تحلیلی ، بهداشت و سلامت در آیات قرآن کریم را مورد بررسی قرار داده و به این نتیجه می رسد که استفاده از رهنمودهای قرآنی نقش موثری در پیشرفت فرهنگ سلامت و بهداشت جامعه دارد.

واژگان کلیدی: انسان، بهداشت، جسم

مقدمه:

مقاله‌های با عنوان بهداشت و سلامت در آیات قرآن کریم اثر ابراهیم نعیمی که دستورات بهداشتی قرآنی را بیان کرده است و مقاله سلامت جسم در قرآن اثر صدیقی و... به اهمیت سلامت جسم در قرآن را مورد بررسی قرار داده است. در میان پژوهش‌های فوق، اثری که به طور مجزا به موضوع بهداشت جسم انسان در قرآن بپردازد یافت نشد، در این نوشتار سعی شده است که با جست و جو در آیات و روایات، بخشی از بهداشت جسم انسان، در تعالیم الهی مورد بررسی قرار گیرد.

مفهوم شناسی، معنی لغوی و اصطلاحی

در فرهنگ عمید درباره لغت بهداشت آمده است: « نیکو نگاه داشتن ، نگاهداری تندرستی، سابقاً حفظ الصحه می گفتند» (عمید ، ۱۳۷۴ ، ص ۴۶۱). و در اصطلاح: «روشها و کارهای لازم برای حفظ تندرستی» را گویند. (صدری اغشار، حکمی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۷)

تعالیم دین اسلام بگونه ای است که برای روح و جسم انسان ارزش فوق العاده ای قائل شده و انسان را از هرگونه وارد کردن آسیب به جسم و جان نهی می کند و بر حذر می دارد. در قرآن کریم آیات زیادی در زمینه بهداشت و سلامت وجود دارد که دستورات بهداشتی از جمله: رعایت و پیشگیری، اعتدال در رفتار تغذیه ای، حفظ جان و توجه به بهداشت فردی از آن قابل استنباط است. همیشه و در همه موارد پیشگیری بهتر از درمان است؛ بهداشت نیز یکی از موارد پیشگیری در بیماری ها است. لذا لازم است که به بهداشت جسم انسان پرداخته شود تا حداقل با آگاهی از اثر برخی فوائد آن به تندرستی و سلامت جسم کمک شود. فوایدی که در این زمینه مطرح شده این است که چگونه سلامت جسم در عبادت فردی و اجتماعی تاثیر دارد؟ و پرهیز از محرمات الهی در سلامت جسم انسان چه تاثیری دارد؟

گرفته‌اند که اصل قرء بمعنی جمع است، در اینصورت می‌توانند بگویند که: آن مصدر از برای فاعل است. قرآن یعنی جامع حقائق و فرموده‌های الهی.» (قرشی، ۱۳۷۶، ص ۲۶۲). « کتاب آسمانی مسلمانان که شامل ۶۶۰۰ آیه و صدو چهارده سوره است» هشتاد و دو سوره آن در مکه نازل شده و به سوره‌های مکی معروف می‌باشد و سی و دو سوره هم در مدینه نازل شده و آنها را سوره‌های مدنی می‌گویند.» (عمید، ۱۳۷۴، ص ۱۸۸۲). سپاس و ستایش شایسته پروردگار هستی است که ذرات عالم وجود را مظهر جمال و جلال خویش قرار داد، پروردگار و معبودی که همواره همه موجودات در پرتو عنایات پر مهرش قرار دارند، کسی که شایسته یاد کردن است و برماست که نعمتهای خالصانه اش را شاکر باشیم و نمازگزاران و پیشانی سائیدن جز بر پیشگاه او نباشد. چنانچه خداوند متعال نیز از بندگانش خواسته است که همواره او را یاد کنند و به یاد او باشند، و در قرآن مجید خطاب به انسان آمده است: «أنا الله لا إله إلا أنا فأعبدني وأقم الصلاة لذكري.» «بدان که منم خدای یکتا هیچ خدایی جز من نیست پس مرا به یگانگی بپرست و نماز را برای یاد ما بپا دار.» (طه / ۱۴). «نماز به عنوان یکی از ارکان دین مبین اسلام عالیترین و کاملترین نوع نیایش و ارتباط با خداوند می باشد بطوریکه قرآن در بیش از ۱۲۰ آیه از سوره های مختلف این کتاب الهی از نماز، احکام، آداب و آثار آن به کرات یاد نموده است. اگر چه افزون بر نماز، عبادات دیگری همچون خمس، زکات، حج، جهاد و ... وجود دارند که هر کدام نقش سازنده و تربیتی مهمی بر روی انسان دارند ولی در این میان نقش نماز بسیار سازنده‌تر است زیرا نماز جلوه‌ای از حضور بنده در محضر ربوبیت است و ما در هیچ یک از عبادات اسلامی همچون نماز در تمامی مراحل

لغت جسم به معنای: «بدن، تن، هر چیزی که دارای طول و عرض و عمق باشد، هر چیزی که قسمتی از فضا را اشغال کند، جمع آن، اجسام و جسام» (عمید، ۱۳۷۴، ص ۸۱۵) در مفردات آمده است: «هر چیزی است که دارای دراز و پهنا و ژرما باشد (طول و عرض و عمق)، اجزاء هر جسمی از جسمیت خارج نمی‌شود هر چند که تکه تکه و جزء جزء شود باز آن جزء ابعاد دارد.» (راغب اصفهانی، ۱۳۵۷، ص ۳۹۸) «آنچه دارای حجم و وزن است و فضایی را اشغال می‌کند، ماده ۲- ساختمان مادی یک زیستمند، بویژه انسان یا جانور، پیکر، کالبد، جسد، تن» (صدری افشار، حکمی، ۱۳۷۷، ص ۷۲۷) انسان در لغتبه معنای: «آدمی، مردم، بشر، اناسی و آناس جمع» (عمید، ۱۳۷۴، ص ۲۹۲) و در اصطلاح: «انسان: (انسانها): ۱- جاننداری که طبیعتدانان او را در رده پستانداران، زیر راسته آدم نمایان، بالاتیره آدم نمایان و تیره انسانها قرار می‌دهند و دارای ویژگی حرکت بر روی دو پا، وجود مرکز گویایی در مغز و توانایی ابزارسازی دارد. ۲- شخص خوب و پای‌بند به اصول اخلاقی، آدم؛ آدمی» (صدری افشار، حکمی، ۱۳۷۷، ص ۹۸). درباره قرآن باید گفت: «این لفظ در اصل مصدر است بمعنی خواندن. چنانکه در بعضی از آیات معنای مصدری مراد است مثل «إِن عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ فَإِذَا قَرَأْنَاهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ» (قیامت / ۱۸-۱۷) قرآن در اینجا مصدر است مثل فرقان و رحجان و هر دو ضمیر راجع بومی‌اند یعنی در قرآن عجله نکن زیرا جمع کردن آنچه وحی می‌کنیم و خواندن آن بر عهده ماست... و چون آنرا خواندیم از خواندش پیروی کن و بخوان. قرآن کتابی است خواندنی باید آنرا خواند در معانیش دقت و تدبر نمود. بعضی‌ها قرآن را در اصل بمعنی جمع

در محضر خدا نیستیم، تمامی حرکات، صحبتها و ذکرها همه با خداست و لحظه‌ای غفلت از احکام آن باعث ابطال نماز می‌گردد، در صورتیکه در دیگر عبادات مثل روزه، اگر چه انسان به نیت قرب به خداوند و خودسازی از خوردن امساک می‌نماید اما در همین حال در تمامی روز می‌تواند اعمال روزمره خود را انجام دهد همچنین نماز تکرار بندگی انسان در برابر ذات لایزال الهی است و این تذکر و یاد مکرر خداوند در طول شبانه روز باعث می‌شود تا بشر کمتر از یاد خدا غافل باشد و به همان نسبت از گناه و عصیان او می‌کاهد» (احسان منش، ۱۳۸۲، ص ۵۲). جهان، محراب وسیعی است که همه کائنات، در آن به تسبیح و عبادت و سجود در برابر خدا مشغولند. «تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» (اسراء / ۴۴). «هفت آسمان وزمین و هر چه در آنهاست همه به ستایش خداوند مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه تسبیح و ستایش پروردگار می‌نماید ولیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. بدرستیکه خداوند بسیار بردبار و آمرزنده است». به نماز ایستادن، همراهی با همه آفریده‌ها و فرشتگان در پرستش و ذکر پروردگار است. به نماز ایستادن رنگ و بوی الهی گرفتن و جلوه و آئینه جمال حق شدن است. لحظاتی را به یاد او، به نیایش او و راز و نیاز با او بگذرانیم و روح آلوده را در چشمه صاف وزلال الهی شستشو دهیم. این است نمازی که مسلمان روزانه پنج بار می‌خواند. نماز در اسلام جایگاه ویژه‌ای دارد و نماز گزار لازم است برای انجام این عبادت مقدماتی را فراهم کند: ۱- وضو بگیرد. ۲- غسل کند. (در صورتی که جنب و ... است). ۳- لباس و بدن خود را از نجاسات (مثل خون، بول و ... پاک گرداند. ۴- مکانی پاک را

برای سجده فراهم کند» [بنی هاشمی خمینی، ۱۳۷۷، ص ۴۲۲]. اسلام عباداتی دارد که دارای دو جنبه است: یکی بعد عبادی آن که موجب تقرب انسان به خدا و کمال معنوی او می‌شود و دوم بعد بهداشتی و درمانی آن که آثار مفیدی در محیط اجتماعی و یا شخصی انسان دارد و سلامت انسان را تامین می‌کند. نماز، وضو، غسل، روزه و ... از این قبیل عبادات هستند. و در اینجا به بررسی جنبه‌های بهداشتی وضو و غسل که جزء این عبادات و از مقدمات نماز هستند پرداخته می‌شود.

۱- وضو

«وضو در لغت به معنای بسیار پاکیزه شده و شرعاً یعنی شستشوی مخصوص که شرط صحت نماز و طواف و موجب جواز مس کتابت قرآن و اسماء مقدسه است» (حسینی دشتی، ۱۳۷۹، ص ۳۷۰)

قرآن کریم در مورد دستور وضو می‌فرماید:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (مائده/۶)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چون به (عزم) نماز برخیزید، صورت و دستهایتان را تا آرنج بشویید و سر و پاهای خودتان را تا برآمدگی پیشین (هر دو پا) مسح کنید. . . . خدا نمی‌خواهد بر شما تنگ بگیرد، لیکن می‌خواهد شما را پاک و نعمتش را بر شما تمام گرداند، باشد که سپاس (او) بدارید.»

وضو دارای دو فایده روشن است:

- فایده بهداشتی

- فایده اخلاقی و معنوی

از نظر بهداشتی شستن صورت و دستها آن هم پنج بار و یا لااقل سه بار در شبانه روز، اثر قابل

شسته شود به طوری که آب به پوست برسد و چربی و کثیفی‌ها را رفع نماید، نکته اینک، دیگر اعضاء بدن که غیر از اعضاء وضو هستند، زیر لباسند و کمتر آلوده به میکروب و کثافات محیط می‌شوند.

۲- پیش از این گمان می‌کردند، ورود میکروب به داخل بدن، منحصر به سوراخ‌های بدن (مثل دهان) است ولی اخیراً ثابت شده است که ممکن است میکروب از سطح پوست نیز وارد بدن شود و چون دست و صورت بیشتر در معرض آلودگی‌ها واقع می‌شود دستور به شستن داده شد و در پا و سر به مسح اکتفا شده تا موجب سختی نشود.

۳- در مسح سر و پا اگر مانعی باشد صحت مسح سر و پا از بین بردن مانع است در نتیجه نظافت محل سر و پا هم تحقق می‌یابد و این خود یک نکته بهداشتی است.

۴- ماساژ دادن به روشهای مختلف خاصیت و فوائد فراوانی برای بدن دارد که وضو نیز همان خاصیت ماساژ را دارا می‌باشد زیرا وقتی به سطح اعضاء وضو آب سرد رسیده و محل آن سرد شد برای حفظ درجه حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته‌ی اعضاء وضو، دستگاه گردش خون به فعالیت سریع مشغول می‌شود تا درجه حرارت بدن متعادل شود و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه دوران خون که مهمترین عضو بدن است به وجود آید و بهداشت بدن را تامین می‌نماید» (اهتمام، ۱۳۴۴، صص ۱۸۸ و ۱۹۰). یکی از پزشکان در مورد وضو می‌نویسد: «اگر دست آوردهای علمی جدید را درباره بهداشت پوست مورد مطالعه قرار دهیم به عمق اهمیت تشریح وضو و طهارت در قرآن پی خواهیم برد. بهداشت پوست در درجه اول به نظافت و شستشوی بدن، به ویژه قسمت‌های باز آن متمرکز است نظافت مستمر

ملاحظه‌ای در نظافت بدن دارد، مسح کردن بر سر و پشت پاها که شرط آن رسیدن آب به موها یا پوست تن است، سبب می‌شود که این اعضا را نیز پاکیزه بداریم و تماس آب با پوست بدن اثر خاصی در تعادل اعصاب سمپاتیک و پاراسمپاتیک دارد و از نظر اخلاقی و معنوی چون با قصد قربت و برای خدا انجام می‌شود اثر تربیتی دارد. مخصوصاً چون مفهوم کنایی آن این است که از فرق تا قدم در راه اطاعت تو گام برمی‌دارم موبد این فلسفه اخلاقی و معنوی است.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۲۹۱)

در روایتی از امام رضا (ع) نقل شده که در مورد حکمت وضو فرمودند:

«لَأَنَّهُ يَكُونُ الْعَبْدُ طَاهِرًا إِذَا قَامَ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ عِنْدَ مُنَاجَاتِهِ آيَاهُ، مُطِيعًا لَهُ فِيمَا أَمَرَهُ، نَقِيًّا مِنَ الْأَدْنَسِ وَالْتَجَاسَةِ، مَعَ مَا فِيهِ مِنْ ذَهَابِ الْكَسَلِ وَ طَرْدِ النَّعَاسِ، وَتَرْكِيهِ الْفَوَادِ لِلْقِيَامِ بَيْنَ يَدَيِ الْجَبَّارِ» (شیخی، ۱۳۷۷، ص ۶۸۴۸)

«برای اینکه بنده وقتی برای مناجات با خداوند جبار در برابر او می‌ایستد، پاک باشد، فرمان او را اطاعت کرده باشد و از آلودگی‌ها و نجاست پاکیزه باشد، به علاوه اینکه وضو باعث از بین رفتن حالت کسالت و زدودن خواب آلودگی و پاک ساختن دل برای ایستادن در حضور خدای جبار می‌شود». امام باقر (ع) وضو را معیاری برای شناخت اطاعت و معصیت خدا معرفی کرده و می‌فرماید: «أَنَّ مَا الْوُضُوءُ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ، لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يُطِيعُهُ وَ مَنْ يَعْصِيهِ» [همان‌آ]. «وضو در حقیقت حدی از حدود خداست تا اینکه خداوند بداند چه کسی از او فرمان می‌برد و چه کسی نافرمانیش می‌کند». برخی از صاحب نظران در مورد وضو حکمت‌هایی بیان کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از: ۱- دست و صورت که غالباً در معرض میکروبهای مختلف می‌باشد واجب شد که در هر روز چند مرتبه با عنوان وضو



ممکن است میکروب از همان مسامات جلدی وارد بدن می شود .

چون دست و صورت بیشتر در معرض کثافات واقع (می شود) و پا و سر کمتر است لهذا در سر و پا به مسح تنها اکتفا شد تا موجب حرج نشود .

وضوی اسلامی عیناً همان خاصیت ماساژ [در متن و حاشیه توضیح می دهند که ماساژ مالش بدن است . و ماساژ سوئدی ان است که تمام اعصاب را به کار اندازد] «ماساژ سوئدی» را به نحو اتم حاوی می باشد زیرا وقتی روی سطح اعضا وضو آب سرد رسید و محل آن سرد شد قهرا جریان خون به آن سمت شدت یافته و برای حفظ درجه ۳۷ از حرارت طبیعی بدن و جبران حرارت از دست رفته اعضاء وضو تا به حال طبیعی برسد ، دستگاه گردش خون به فعالیت سریع مشغول و در نتیجه نشاط و سلامتی و تعدیل در دستگاه دوران خون که مهمترین جهازات بدن است به وجود آید و بهداشت بدن را تامین می نماید . « (اهتمام ۱۳۴۴، صص ۲۳۲-۲۳۵)

«برخی مفسران گفته اند: مقدمات نماز تخفیف بردار است و تعطیل بردار نیست» [قرائتی، ۱۳۷۶، ص ۳۸] منظور از اینکه گفته شده تخفیف بردار است ولی تعطیل بردار نیست این است که در این آیه (۶/ مائده) خداوند گفته است در صورت نبود آب از خاک برای وضو استفاده شود حال سوالی که در این پیش می آید این است که این خاک چه خصوصیتی باید داشته باشد و آیا از لحاظ بهداشتی مشکلی پیش نمی آید ؟

خداوند می فرماید: «وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ » [مائده ۶]

پوست برای باز ماندن سوراخ های غدد عرقی و چربی امری حیاتی است به طوری که لازم می شود هر فرد روزانه حداقل دو بار دست و صورت و گردن خود را بشوید» (دیاب و قر قور ، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰)

و در مورد برخی از فواید های بهداشتی وضو نوشته اند: «پیشگیری از ابتلاء به بسیاری از بیماری های گوارشی به دلیل آلودگی های دستها عارض می شود . مهمترین این بیماریها ، بیماری های عفونی (مثل وبا، تیفوئید، التهاب معده، مسمومیت های غذایی) معروفند.

تاثیر مثبت بر فعالیت دستگاه گردش خون و نشاط یافتن شخص به دلیل تحریک اعصاب و ماساژ اعضای بدن ، زدودن آلودگی های بدن و فراهم شدن شرایط مساعد برای فعالیت پوست «(دیاب و قر قور، ۱۳۷۰، صص ۱۲۸-۱۲۹]

یکی از صاحب نظران دیگر می نویسد: «دست و صورت که غالباً در معرض مزاولت و مباشرت با کثافات و میکروبهای مختلف می باشند در هر روزی چند مرتبه واجب شد به واسطه وضو شسته شود، به طوری که آب به بشره برسد ، رفع چربی و کثافات و موانع وصول آب را بنماید ، تا از ضرر میکروبهای آن مصون ماند و نظافت اجباری حاصل شود و استنشاق جلدی از مسامات بشره میسر گردد.

غیر از اعضای وضو، باقی اعضای بدن زیر لباس است و کمتر آلوده به میکروب و کثافات محیط می شود و لهذا این تکلیف مکرر و مداوم در همه روز و شب ، ویژه تنظیف اعضاء وضو گردید تا مسامات باز شود و میکروبهای مرتفع گردد و استنشاق جلدی در همه این اعضا حاصل شود .

سابقاً گمان می کردند ورود میکروب در داخل بدن منحصر به ثقب (سوراخ) مخرج و مدخل (مثل دهان) بدن است. اخیراً به ثبوت رسیده که



در اسلام برای وضو احکامی ذکر شده است، اینکه برای انجام بعضی از عبادات وضو واجب و برای برخی از عبادات وضو مستحب است مثلاً: ۱- «وضو به عنوان مقدمه نماز بر هر شخص نماز گزار واجب می شود.»

۲- برای طواف کعبه (تحت شرایطی خاص) وضو واجب می شود و دست گذاشتن به قرآن کریم و نام خدا و پیامبران و ائمه (علیه السلام) بدون وضو جایز نیست.

۳- وضو به خودی خود مستحب است و خوب است انسان در هر حال وضو داشته باشد و حتی آن را تکرار کند که نور است.

۴- در وضو ابتدا با نیت خاص، ابتدا صورت و سپس دست راست و سپس دست چپ شسته می شود و آنگاه مسح سر و پا صورت می گیرد» (موسوی خمینی، ۱۳۸۶، صص ۳۱-۳۲)

با توجه به مطالب بهداشتی که در مورد وضو بیان شد نتیجه گرفته می شود که اسلام همه این احکام را به خاطر انسان و برای سلامتی جسم و روح او قرار داده است تا انسان به طراوت جسمی و معنوی نائل شود.

۱- غسل

غسل: «شستشوی تمام بدن» یکی از عبادات شرع است که به دو کیفیت انجام می گیرد:

ترتیبی: که ابتدا سر و گردن شسته می شود و سپس بقیه بدن و بعضی ترتیب بین طرف راست و چپ را نیز لازم می دانند. **ارتماسی:** که همه بدن یکباره در آب فرو رود» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۶۱۰)

غسل یکی از مقدمات نماز است (البته در صورتی که جنب و... باشد). غسل هم مانند وضو دارای دو بعد ظاهری و باطنی بوده و اقسام متعددی دارد، که بعضی از آنها واجب و بعضی دیگر مستحب هستند «غسل های واجب هفت قسم است که عبارتند از: جنابت، حیض

«و اگر بیمار یا در سفر بودید، یا یکی از شما از قضای حاجت آمد، یا با زنان نزدیکی کرده اید و آبی نیافتید پس با خاک پاک تیمم کنید، و از آن به صورت و دستهایتان بکشید»

«(صعید) از صعود، رمز زمین بلند است خاک زمینهای برجسته و بلند، دور از آلودگی ها است، یا مقصود خاکی است که روی زمین و قسمت فوقانی آن است.

آن گونه که آب زداينده آلودگی است، خاک پاک هم خاصیت میکروب کشی دارد چون آفتاب به آن تابیده است.» (قرائتی، ۱۳۷۶، ص ۳۶)

«دستور داده شده که هنگام عدم امکان غسل یا وضو با آب، با خاک تیمم کرده بر صورت و دستهایش بکشد، با این کار یعنی مالیدن خاک به صورت و دستها که از اعضای رئیسه و اصلی بدن هستند در واقع انسان خود را در مقابل خدا به نوعی حقارت و ذلت می کشاند» (شبر، ۱۳۸۱، ص ۶۰)

«وضو با آهنگ اخلاص و با ایمان به خدا و برای انجام نماز، لغزش های گذشته را می پوشاند خدا بر آن نیست که بر شما سخت بگیرد و شما را در تنگنای مقررات قرار دهد و به هنگام نبودن آب یا عذر داشتن شما از به کار بردن آن، دچار سختی و رنجتان کند بلکه می خواهد به وسیله غسل و وضو و انجام آنها با آهنگ تقرب به خدا و فرمانبرداری از او، شما را پاک و پاکیزه سازد» (طبرسی، ۱۳۸۰، ص ۵۷۵)

«هدف از غسل و وضو و تیمم پاکیزگی جسم است و پاکیزگی روح. جسم را با آب و خاک می توان پاکیزه نمود. خداوند وقتی مقرر داشت که مردم خود را پاکیزه سازند قصدش تکمیل دین خود بود زیرا دین جنبه های معنوی نیست، بلکه هدف آن همه جانبه است و این کامل شدن نعمت خداوندی است در حق انسان» (مدرسی، ۱۳۷۸، ص ۲۷۵)



اعظم است . آنها می گویند: «غسل نه تنها کثافات را از بدن دور می کند، بلکه گناهان و پلییدی های نفس را نیز از بین می برد . آبی که نور را منعکس می کند شکلی از نور است و کسی که غسل کرده است پوششی از نور دارد. (حجتی و بی ازار، ۱۳۶۲، ص ۶)

«در اسلام نیز به غسل و شستشوی چهره و دست و مسح سر و پا «وضو» به معنای نور و روشنایی گفته شده می شود . غسل تمام بدن نه تنها آلودگیهای جسمی را از بین می برد و موجب ترمیم آب کاهش یافته بدن می گردد ، بلکه موجب طهارت و پاکی قلب و روح نیز می شود.» (حجتی و بی ازار، ۱۳۶۲، ص ۵۶)

در پایان آیه برای آنکه روشن شود هیچ گونه سخت گیری در دستورات گذشته (وضو- تیمم - غسل) در کار نبوده بلکه همه آنها بخاطر مصالح خود مردم وضع شده می فرماید : خداوند نمی خواهد شمارا به زحمت بیفکند بلکه می خواهد شما را پاکیزه سازد و نعمت خود را بر شما تمام کند .

«در حقیقت این جمله این واقعیت را تاکید می کند که تمام دستورات الهی و برنامه های اسلامی به خاطر مردم و برای حفظ منافع آنها قرار داده شده و به هیچ وجه هدف دیگری در کار نبوده است . خداوند می خواهد باین دستورها هم طهارت معنوی و هم جسمانی برای مردم فراهم شود .» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۴)

اسلام دستور میدهد که به هنگام جنب شدن تمام بدن را بشویند در حالی که فقط عضو معینی آلوده می شود مثل بول کردن که عضو معینی آلوده می شود و با شستن همان عضو انسان پاک می شود . آیا میان بول کردن و خارج شدن منی تفاوتی است که در یکی فقط محل را باید شست و در دیگری تمام بدن را ؟

نفس، استحاضه، مس میت، میت، غسلی که به واسطه نذر و قسم و مانند آنها واجب می شود» [تحریرالوسیله - امام خمینی (ره) - مترجم علی اسلامی - مبحث غسل] محور اصلی بحث در این بخش غسل جنابت و حیض می باشد . قرآن کریم در آیات متعدد افراد پاکیزه را ستایش کرده و آنها را محبوب خدا معرفی می کند . در مورد غسل تعبیر «طهارت» را به کار می برد و در چند مورد دستور انجام غسل می دهد .

الف - غسل جنابت :

فرد جنب «کسی که با جنس مخالف نزدیکی کرده یا به هر دلیلی منی از او بیرون آمده است» (دشتی، ۱۳۷۹، ص ۲۱۰)

که در قرآن کریم در این مورد آمده است که : «وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا... مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُنِمْ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» (مائده / ۶)

«ای اهل ایمان هنگامی که می خواهید برای نماز بپاخیزید) و اگر جنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید) . . . خدا هیچ گونه سختی برای شما قرار نخواهد داد ولیکن می خواهد (جسم و جان) شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند»

(جنب) به معنای بعید، دور و بیگانه است و چون شخص بعد از آمیزش جنسی و یا احتلام، از خواندن نماز و قرآن و رفتن به مساجد دور و بیگانه می گردد، به وی جنب گفته می شود .

در میان ادیان آسمانی، دین اسلام و دین حضرت ابراهیم (علیه السلام) و دین صائبان بعد از جنابت، غسل را واجب می دانند . در فهرست ابن ندیم، صائبان به نام مغتسله نامیده شده اند . کلمه «صابی» واژه ای است کلدانی به معنای شوینده و جمع آن صابون و صابین است . آنها در کنار نهر ها می زیستند تا دائما در آب جاری غسل کنند . از نظر آنها آب جاری رمز و نشانه حیات



شسته شود و در پرتو اثر حیات بخش آن تعادل کامل در میان این دو دسته اعصاب در سراسر بدن برقرار گردد. البته فایده غسل منحصر به این نیست بلکه غسل کردن علاوه بر این یک نوعی عبادت و پرستش نیز می باشد که اثرات اخلاقی آن قابل انکار نیست و به همین دلیل اگر بدن را بدون نیت و قصد قربت و اطاعت فرمان خدا بشویند غسل صحیح نیست در حقیقت به هنگام خروج منی یا آمیزش جنسی، هم روح متأثر می شود و هم جسم، روح به سوی شهوات مادی کشیده می شود، و جسم به سوی سستی و رکود، غسل جنابت که شستشوی جسم است و به علت اینکه به قصد قربت انجام می شود شستشوی جان است، اثر دوگانه ای در آن واحد روی جسم و روح می گذارد تا روح را به سوی خدا و معنویت سوق دهد و جسم را به سوی پاکی و نشاط و فعالیت. از همه اینها گذشته، وجوب غسل جنابت یک الزام اسلامی برای پاک نگه داشتن بدن و رعایت بهداشت در طول زندگی است زیرا بسیاری کسانی که از نظافت خود غافل می شوند ولی این حکم اسلامی آنها را وادار می کند که در فواصل مختلفی خود را شستشو دهند و بدن را پاک نگه دارند. بنابراین به هنگام خروج منی (در خواب یا بیداری) و همچنین آمیزش جنسی (اگر چه منی خارج نشود) باید غسل کرد و تمام بدن را شست. تمام دستورات الهی و برنامه های اسلامی به خاطر مردم و برای حفظ منافع آنها قرار داده شده و به هیچ وجه هدف دیگری در کار نبوده است، خداوند می خواهد با این دستورات هم طهارت معنوی و هم جسمانی را برای مردم فراهم شود» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، صص ۲۹۳-۲۹۴). برخی از پزشکان و صاحب نظران در مورد غسل جنابت نوشته اند: ۱- «این غسل باعث نشاط بخشیدن به بدن، و ورزیده شدن آن از طریق تحریک پایانه های عصبی

«خارج شدن منی از انسان یک عمل موضعی نیست (مانند بول و سایر زوائد) بدلیل اینکه اثر آن در تمام بدن آشکار می گردد و تمام سلولهای تن بدنال خروج آن، در یک حالت سستی مخصوص فرو می روند و این خود نشانه تاثیر آن روی تمام اجزا بدن است.

توضیح اینکه: طبق تحقیقات دانشمندان در بدن انسان دو سلسله اعصاب نباتی وجود دارد که تمام فعالیتهای بدن را کنترل می کنند «اعصاب سمپاتیک» و «اعصاب پاراسمپاتیک» این دو رشته اعصاب در سراسر بدن انسان و در اطراف تمام دستگاهها و جهازات داخلی و خارجی گسترده اند، وظیفه اعصاب سمپاتیک «تند کردن» و به فعالیت واداشتن دستگاههای مختلف بدن است و وظیفه اعصاب پاراسمپاتیک «کند کردن» فعالیت آنهاست، در واقع یکی نقش «گاز» و دیگری نقش «ترمز» را دارد و از تعادل فعالیت این دو دسته اعصاب نباتی، دستگاههای بدن بطور متعادل کار می کند. گاهی جریانهایی در بدن رخ می دهد که این تعادل را بهم می زند، از جمله این جریانها مسئله «ارگاسم» (اوج لذت جنسی) است که معمولا مقارن خروج منی صورت می گیرد. در این موقع سلسله اعصاب پاراسمپاتیک (اعصاب ترمز کننده) بر اعصاب سمپاتیک (اعصاب محرک) پیشی می گیرد و تعادل به شکل منفی بهم می خورد.

این موضوع نیز ثابت شده است که از جمله اموری که می تواند اعصاب سمپاتیک را بکار وادارد و تعادل از دست رفته را تامین کند تماس آب با بدن است و از آنجا که تاثیر «ارگاسم» روی تمام اعضای بدن به طور محسوس دیده می شود و تعادل این دو دسته اعصاب در سراسر بدن بهم می خورد دستور داده شده است که پس از آمیزش جنسی، یا خروج منی تمام بدن با آب



را مسدود می‌کند و محیط مساعدی برای پرورش و ازدیاد انگلهای ساس و جرب و شپش می‌شود و در حال عمل آمیزش (در اثر حرکات زیاد) عرق زیاد تری حاصل می‌شود و در نتیجه رسوبات زیاد تری حاصل می‌شود (بصورت متوسط در هر ۲۴ ساعت یک لیتر عرق از بدن خارج می‌شود و اگر سوراخ‌های سطح بدن انسان با وسیله‌ای مسدود شود، طولی نمی‌کشد که انسان هلاک می‌شود) لهنذا شارع مقدس اسلام، غسل جنابت را واجب فرمود تا بدن شسته و رسوبها که لانه انگلها است مرتفع گردد و از خطر آن مصونیت حاصل گردد و نیز غسل جنابت باعث می‌شود که منافذ پوستی بدن باز شود و تنفس جلدی که از لوازم سلامتی و حیات است عادی شود و حیات و نشاط را ارمغان می‌آورد. (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۹) در سابق خیال می‌شد که منی از همان محل مخصوص بیرون می‌آید تا اینکه به قوت علم ثابت شد که منی از تمام بدن بیرون می‌آید. یکی از پزشکان می‌نویسد: «چون منی دارای مقداری مایع لزج است موسوم به موسین، اطراف سوراخ (های بدن) را به خوبی می‌گیرد و به کلی تنفس (جلدی از دو میلیون سوراخ پوست) قطع می‌شود. هنگام عمل آمیزش در اثر حرکات عنیفه اعصاب خسته و منقبض می‌شود و غسل کردن به آب گرم، اعصاب را منبسط و آنها را به حال طبیعی و عادی بر می‌گرداند و نیز جریان خون را در همه بدن تشدید و تجدید می‌نماید» (اهتمام، ۱۳۴۴، ص ۲۵۲). و در روایات نیز در مورد علت غسل جنابت آمده است که: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ سَنَانَ عَنِ الرَّضَاعِ) أَنَّهُ كَتَبَ إِلَيْهِ فِي جَوَابِ مَسْأَلِهِ ، عَلَيْهِ غُسْلُ الْجَنَابَةِ النَّظَافَةَ، وَ لَتَطْهِيرِ الْإِنْسَانَ مِمَّا أَصَابَهُ مِنْ آذَاهُ، وَ تَطْهِيرِ سَائِرِ جَسَدِهِ ، لِأَنَّ الْجَنَابَةَ خَارِجَةٌ مِنْ كُلِّ جَسَدٍ فَلِذَلِكَ وَجِبَ عَلَيْهِ تَطْهِيرُ جَسَدِهِ كُلِّهِ وَ عَلَيْهِ التَّخْفِيفُ فِي الْبَوْلِ وَ الْغَائِطِ أَنَّهُ أَكْثَرُ وَ

موجود در پوست می‌گردد. ۲- این غسل موجب احتقان خون در پوست و دستگاه تناسلی و رفع خون‌های جمع شده در این قسمت‌ها به سایر قسمت‌های بدن بویژه قلب و مغز می‌شود. ۳- عمل غسل یک فعالیت عضلانی است که موجب نشاط قلب و حسن جریان خون در بدن و ورزش عضلات ارادی بدن است. ۴- غسل، سلامتی پوست را تامین می‌کند تا بهتر به وظایف متعدد خود عمل نماید که از مهمترین آنها انتقال احساسات و تنظیم دمای بدن و حفظ سلامتی است. ۵- زدودن سلولهای مرده، چربی زائد و گرد و غبار و سایر آلودگی‌ها از پوست از دیگر فوائد غسل می‌باشد» (دیاب و قرقور، ۱۳۷۰، ص ۱۳۰). ۶- «برخی در مورد ترتیب غسل (سروگردن - سمت راست - سمت چپ) نیز نکات بهداشتی و جسمانی ذکر کرده اند که: وقتی انسان با آب سرد مشغول به شستن یک عضو شد درجه حرارت در اعضای بدن مختلف می‌گردد در نتیجه گردش خون به آن سمت شدید می‌شود و به دنبال آن عمل حیاتی، دوران خون شدت پیدا می‌کند همانطور که در وضو صورت می‌گیرد، حتی اگر با آب گرم هم انجام شود باز این فرایند جریان پیدا می‌کند» (اهتمام، ۱۳۴۴، ص ۲۰۶). یکی از صاحب نظران معتقد است: «روی پوست بدن منافذی است که قریب دو میلیون عدد هستند که از طریق آنها پوست مبادله گازی با هوای مجاور دارد. یعنی از آن طریق اکسیژن جذب می‌کند بطوری که هفت درصد تنفس بدن از این طریق است و از طرف دیگر گازهای سمی و عرق از پوست بیرون می‌رود که در اثر تبخیر دائمی عرق‌های خارج از پوست بدن، مواد سمی و کانی آن باقی می‌ماند و مواد گازی و مائی آن تصعید می‌شود. بنابراین رسوبی روی جلد از این مواد چربی و مواد کانی و سمی باقی می‌ماند. این رسوبات منافذ جلدی



مبحث «ممنوعیت با زنان در حال حیض» مورد بررسی قرار خواهد گرفت. فقط در اینجا اشاره می‌شود که «زنان در هر ماه حدود سه روز خون باوصاف خاص می‌بینند که آن را خون عادت ماهیانه یا حیض نامند و زن را در این حالت حائض گویند» (رضائی اصفهانی، ۱۳۸۱، ص ۳۵۵). جمله «فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ» می‌رساند که وقتی زنان پاک شدند نزدیکی با آنان جایز است. از این جمله برخی استفاده کرده‌اند که غسل کردن برای زنان قبل از عمل زناشویی لازم است ولی اکثر فقهای شیعه می‌فرمایند: عمل زناشویی بعد پاک شدن زن از حیض و حتی قبل از غسل جایز است و وجوب غسل حیض را از دلایل دیگر ثابت می‌کنند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۶، ص ۹۱).

۲- روزه:

روزه که در عربی از آن به «صوم» تعبیر می‌شود، در لغت به معنای امساک است و در اصطلاح فقهی به کسی که از سپیده دم تا غروب شرعی از مفطرات ده گانه به نیت روزه امساک کند، صائم می‌گویند. روزه از کهن‌ترین عبادت‌هاست که در میان اقوام و ملل جهان رایج بوده است. رومانی‌ها و هندوها به کثرت روزه مشهور بودند. در تمام ادیان آسمانی، روزه جزو احکام واجب به شمار می‌رود. در تورات از روزه چهل روزه حضرت موسی و الیاس و روزه سه هفته‌ای حضرت دانیال و روزه حضرت داوود و یونس یاد شده است. یهودیان پای بند، هفته‌ای دو روز، روزه می‌گیرند. جامع‌ترین و عالی‌ترین روزه، روزه ماه مبارک رمضان است. که در آئین اسلام بر هر مرد و زن واجد شرایط واجب است. رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «صوموا تصحوا». (ابوحنیفه نعمان بن محمد تمیمی (مغربی)، ۱۳۸۵، ق، ص ۳۴۲) یعنی روزه بگیرید تا تندرست باشید. روزه داری یکی از مهم‌ترین

أَدْوَمُ مِنَ الْجَنَابَةِ، فَرَضِي فِيهِ بِالْوُضُوءِ لِكَثْرَتِهِ وَ مَشَقَّتِهِ وَ مَجِيئِهِ بِغَيْرِ إِرَادَةٍ مِنْهُ وَ لَأَ شَهْوَةٍ وَ الْجَنَابَةُ لَأَ تَكُونُ إِلَّا بِالِاسْتِلْدَازِ مِنْهُمْ وَالْإِكْرَاهِ لِأَنْفُسِهِمْ. امام رضا (ع) در جواب پرسش‌های محمد بن سنان نوشتند: علت غسل جنابت نظافت (وپاکی جسم) و طهارت (و پاکی روح) انسان از اذیت و فشاری است که به او رسیده و همچنین پاکی بقیه اعضاء بدن، چون که جنابت از تمام بدن خارج می‌شود، پس به خاطر این پاک کردن تمام بدن بر او واجب شده و علت تخفیف در ادرار و مدفوع آنست که بیشتر و دائمی‌تر از جنابت است پس خداوند در آنها به وضو گرفتن راضی شد چون (دفعات) ادرار و مدفوع زیاد و (غسل برای هر مرتبه) سخت و خروج هر یک از آنها از اختیار انسان بیرون است و از روی شهوت هم نیست ولی جنابت از روی شهوت و فشار روحی صورت می‌گیرد» (حیدری نراقی، ۱۳۸۲، ص ۷۵).

ب- غسل حیض:

حیض: «بیرون آمدن خون از زن، ماهی یک مرتبه به مدت چند روز، که آن را «عادت» و «قاعد» و «قاعدگی» و «بی‌نمازی» هم می‌گویند» (شریعت‌مداری، ۱۳۸۱، ص ۶۲۸). در قرآن کریم در این مورد آمده است که: «وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذًى فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّى يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره / ۲۲۲). «از تو درباره عادت ماهانه (زنان) می‌پرسند، بگو: «آن رنجی است، پس به هنگام عادت ماهانه از (آمیزش با) زنان کناره‌گیری کنید، و به آنان نزدیک نشوید تا پاک شوند، پس چون پاک شدند، از همان جاکه خدا به شما فرمان داده است، با آنان آمیزش کنید، خداوند توبه‌کاران و پاکیزگان را دوست می‌دارد». این آیه به صورت مفصل در



دانشمند شهیر روسی می گوید: «جسم به هنگام روزه به جای غذا از مواد داخلی استفاده و آنها را مصرف می کند و بدین وسیله خود را بوسیله روزه، پاکیزه می سازد». اکثر بیماری های حاد و مزمن را می توان به وسیله روزه بهبود بخشید یا از شدت آنها کاست. بهترین درمان بیولوژیکی این است که بوسیله دفع مواد مضر، سلامت فرد را تامین نماییم. به محض اینکه نیروهای نوسازی موجود زنده، در هنگام روزه فعال و آزاد بشوند، تصفیه مواد زائد حاصل از متابولیسم ایجاد می گردد. مشاهدات علمی تفاوت بین روزه داری و گرسنگی را نشان داده اند. نوعی داوطلبی واقعی توام با آسایش درونی لازمه روزه درمانی است. وضع فکری بیمار، در هدایت اعمال متابولیک تمام بدن تاثیر اساسی دارد. روزه داری سبب افزایش قدرت انقباضی قلب و دفع چربی های زائد می گردد. آثار مثبت جسمی زیادی در افراد سالم و بیمار، برای روزه داری بیان شده است، که از جمله اثر بر سوخت و ساز، غلظت هورمون ها، فعالیت کلیه، آزمایش های کبدی، دستگاه گوارش، دستگاه قلب و عروق، آثار عصبی و روانی، اثر بر الکتروولت ها و شاخص های خون سازی، اثر بر کاهش وزن و ... می باشد. شیوع حملات صرعی در روزه داران ماه مبارک رمضان کاهش می یابد. روزه داری سبب کاهش افسردگی، افکار پارانوئیدی و وسواس می گردد و عزت نفس فرد را افزایش می دهد. درمان نفس را نباید در راضی ساختن آن جستجو کرد. درمان واقعی عبارتست از مجاهدت در راه حق، تربیت و تمرین نفس، همراه صدق و اخلاص در عبادت و ستردن آفات که فرد روزه دار، تجسم حقیقی این ارزش ها می باشد. ماه رمضان را از آن جهت ماه صبر نامیده اند چون صابر و روزه دار خود را از تاثیر درگیری ها و شکوه ها و آلام می رهند و خویشان را از آن ها باز می دارد. صبر یکی از

فرائض اسلامی است و مسلمانان به مدت یک ماه آن را انجام می دهند که دارای اثرات و فواید متنوعی است. روزه ابعاد مختلف روحی، تربیتی، اجتماعی و جسمی فراوانی دارد که در این نوشتار امکان بررسی آنها نیست و بیشتر بعد جسمی آن مورد توجه قرار گرفته است. در احادیث اسلامی به نقش روزه در سلامتی و درمان آلام جسمی اشارات زیادی شده است. علم پزشکی و تغذیه نیز با تایید این مساله، تاثیر روزه در تامین سلامتی انسان را از زوایای مختلف مورد بحث و بررسی و کنکاش قرار داده است. یافته ها حاکی از آن است که فریضه روزه، به مدت هزاران سال انجام شده، اما اخیرا مطالعاتی در مورد نقش و تاثیر آن بر سلول های سیستم ایمنی انجام شده که باعث کاهش آسیب اکسیداتیو و التهاب، تنظیم متابولیسم انرژی و تقویت حفاظت از سلول های بدن می شود. در برخی سلول های یوکاریوتی محدودیت غذایی باعث افزایش طول عمر به واسطه تغییر در متابولیسم می شود و در برخی دیگر باعث جلوگیری از دیابت، سرطان و بیماری های قلبی و عصبی می شود. در انسان روزه به کاهش فشار خون، چاقی، آسم و روماتیسم مفصلی کمک می کند. بعلاوه روزه پتانسیل بالقوه در به تعویق انداختن پیری و کمک به جلوگیری و درمان بیماری ها با به حداقل رساندن عوارض جانبی آن از طریق رژیم های غذایی مناسب را دارد (نجاتی کشکی، سلالی، علی وند، نجاتی، ۱۳۹۴، ص ۳۸). در طب قدیم، روزه اهمیت خاصی داشته، فیثاغورث و بقراط برخی از امراض را با روزه معالجه می کردند. حارث بن کلدیه طبیب معروف زمان بعثت رسول اکرم (ص)، روزه را یگانه طریق معالجه بیماری ها می دانست و ابن سینا فصلی از کتاب قانون را به مداوا با روزه اختصاص داده است. دکتر الکسی سوفورین



به پاکیزگی اهمیت زیادی داده شده است، تا آنجا که نظافت، بخشی از ایمان به شمار می‌آید قرآن کریم، آخرین سروش آسمانی است که پیامبر اکرم (ص) آن را برای بشریت به ارمغان آورده است. این کتاب الهی، از جهات مختلفی مانند فصاحت و بلاغت، معارف عالی و قوانین استوار، خبرهای غیبی و اعجاز علمی و ... معجزه محسوب می‌شود. و در باب اعجاز علمی مباحثی چون فیزیک، شیمی، علوم پزشکی و ... در آیات قرآن به چشم می‌خورد. امروزه بهداشت جایگاه رفیعی در بین علوم پزشکی پیدا کرده است چرا که توجه به امور مربوط به بهداشت موجب سلامت اقشار مختلف جامعه خواهد شد. همه شاخه‌های متنوعی که امروز در بهداشت مورد مطالعه قرار گرفته است همگی در جهت توسعه سلامت و امنیت افراد قرار گرفته است. اگر به بهداشت و اصول آن توجه کافی بشود بطور یقین اقتصاد جامعه رونق بخصوصی خواهد گرفت و از ناحیه این عنایت و برنامه ریزی می‌توان به سمت قلّه‌های تمدن و توسعه انسانی قدم برداشت که سلامت و بهداشت جسم و روح زمینه‌ای برای عبادت و بندگی خداست که خود تکامل انسان محسوب میشود و بشر با آرامش خاطر بهتری می‌تواند در مسیر رضایت الهی گام بردارد.

طرق سلامت و بهداشت روانی است که در روزه دار تجلی می‌یابد. صبر تجهیز و آراستن نفس به عفو و گذشت و بعد و دوری از آفات اخلاقی و انسانی و برخورداری از نعمت داشتن قلب سلیم است و روزه دار الگویی والا است که صبر در وی نمودی بی نظیر دارد. [خزاعی، پاییز ۱۳۸۰، ص ۶۱].

نتیجه‌گیری:

خداوند در قرآن، آن چه مورد نیاز انسان‌ها در زمینه سعادت و سلامت جسمی و روانی آنها بوده دستور داده است، البته اوامر و نواهی خداوند و تعالیم انبیاء و اوصیاء الهی هیچ کدام بدون حکمت نیست و از آنجا که اسلام یک برنامه کامل برای زندگی و رشد فکری و معنوی انسان است به تمام جنبه‌های مختلف حیات او از جمله به سلامت جسمی و روحی انسانها توجه کرده است، چرا که سلامت نفس و جسم برای ایجاد جامعه‌ای که بتواند فرامین خداوند را به کار بسته و در راه حق گام بردارد ضروری است. اگر بعضی از امور مثل خوردن گوشت خوک و یا انجام برخی کارها مثل زنا را حرام کرده است به خاطر ضرر و زیان‌های جسمی و روحی است که برای انسان دارد. میان روح و جسم ارتباط ناگسستنی وجود دارد و فساد و آلودگی هر یک در دیگری دارای تاثیر مستقیم است و نیز در اسلام

منابع

- ۲- قرآن کریم
- ۳- اهتمام، احمد (۱۳۴۴): «فلسفه احکام»، اصفهان، چاپخانه اسلام
- ۴- تمیمی (مغربی)، ابوحنیفه نعمان بن محمد (۳۸۵ق): «دعائم الاسلام»، ج ۱، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ دوم
- ۵- حجتی، سید محمد باقر و بی‌ازار شیرازی، عبد الکریم (۱۳۶۲) «تفسیر کاشف» ج ۳، بیجا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ اول
- ۶- حسین بن فضل، ابوالقاسم (معروف به راغب اصفهانی متوفاتی ۵۰۲) (۱۳۵۷): «مفردات الفاظ قرآن» مترجم: خسروی حسینی، غلامرضا، ج ۱، بی‌جا، انتشارات مرتضوی، چ دوم
- ۷- حسینی دشتی، سید مصطفی (۱۳۷۹): «معارف و معاریف»، ج ۱ و ۲ و ۳، تهران بی‌نا، چ سوم



- ۸- حیدری نراقی، علی محمد (۱۳۸۲): «نسخه‌های شفا بخش» تهران، انتشارات مهدی نراقی، چ دوم
- ۹- خزاعی، سهیلا (پاییز ۱۳۸۰): «روزه داری و سلامت»، مجله غدغد درون ریز و متابولیسم ایران، دوره ۳، ص ۶۱
- ۱۰- دیاب، عبدالحمید و قر قور، احمد (۱۳۷۰): «طب در قرآن»، چراغی، علی، بیجا، انتشارات پیام، چ سوم
- ۱۱- رضائی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۱): «پژوهشی در اعجاز علمی قرآن» ج ۲، بیجا، انتشارات کتاب مبین، چ دوم
- ۱۲- شیر، سید عبد الله (۱۳۸۱): «اخلاق شبر (ترجمه کتاب الاخلاق)»، جباران، محمدرضا، بیجا، موسسه انتشارات هجرت، چ هشتم
- ۱۳- شریعتمداری، جعفر (۱۳۸۱): «شرح و تفسیر لغات بر اساس تفسیر نمونه» ج ۱، مشهد، موسسه چاپ آستان قدس رضوی، چ دوم
- ۱۴- صدیقی اغشار، غلامحسین، حکمی، نسرین، حکمی، نسترن (۱۳۷۷): «فرهنگ فارسی امروز»، تهران، آرین، چ سوم
- ۱۵- طبرسی، فضل ابن حسن (۱۳۸۰): «تفسیر مجمع البیان» کرمی، علی، ج ۳، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چ اول
- ۱۶- عمید، حسن (۱۳۷۴): «فرهنگ عمید»، ج ۱ و ۳، تهران، سپهر، چ چهارم
- ۱۷- قرائتی، محسن (۱۳۷۶): «تفسیر نور» ج ۳، بیجا، موسسه در راه حق، چ دوم
- ۱۸- قرشی بنایی، سید علی اکبر (۱۳۷۶): «قاموس قرآن» ج ۵، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چ دوازدهم
- ۱۹- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۷۷): «میزان الحکمه»، ج ۱۴، مترجم: حمید رضا شیخی، دار الحدیث، قم، چ اول
- ۲۰- مدرسی، سید محمد تقی (۱۳۷۸): «تفسیر هدایت» اتابکی، پرویز، ج ۲، مشهد، موسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، چ اول
- ۲۱- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۶): «تفسیر نمونه»، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴ و ۳ و ۲، تهران، بی نا، چ بیست و نهم
- ۲۲- موسوی خمینی، روح الله، (۱۳۸۶): «تحریر الوسیله» اسلامی، علی، ج ۱، قم، دفتر انتشارات (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم)، چ بیست و سوم
- ۲۳- نجاتی کشکی، کاظم، سلالی، سعید، علی وند، محمدرضا، نجاتی، امیر (تابستان ۱۳۹۴): «تأثیر روزه بر سلامت بر اساس یافته‌های مولکولی»، نشریه اسلام و سلامت، دوره ۲، شماره ۲، از صفحه ۳۸ تا صفحه ۴۳، ص ۳۸
- ۲۴- هاشمی خمینی، سید محمد حسن (زمستان ۱۳۷۷): «توضیح المسائل مراجع»، ج ۱، قم، انتشارات اسلامی، چ دوم



بررسی خاصیت آنتی‌اکسیدانی انار به‌عنوان یک میوه قرآنی

راضیه رضوی^۱، رضا اسماعیل‌زاده کناری^۲

۱- دانش‌آموخته دکتری صنایع غذایی، گروه مهندسی علوم و صنایع غذایی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران
(نویسنده مسئول: razavirazie@yahoo.com)

۲- استاد گروه مهندسی علوم و صنایع غذایی دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران

چکیده

در قرآن به میوه انار به‌عنوان یک میوه بهشتی اشاره شده است و لذا مصرف انار به‌عنوان یک میوه قرآنی می‌تواند سلامت جسمی و روحی انسان را تأمین نماید. در این پژوهش تلاش شده است تا توصیه قرآن به مصرف انار از دیدگاه خصوصیات آنتی‌اکسیدانی این میوه قرآنی مورد بررسی قرار بگیرد. آب دو رقم مختلف انار به صورت دستی تهیه شد و میزان ترکیبات فنولی و خصوصیات آنتی‌اکسیدانی آن اندازه‌گیری شد. میزان ترکیبات فنولی انار رقم بهشهر برابر ۴۲۱/۲ و در انار ساوه برابر ۳۱۰/۷ میلی‌گرم اسید گالیک بر ۱۰۰ میلی‌لیتر آب انار بود. نتایج نشان داد آب هر دو واریته انار دارای خاصیت آنتی‌اکسیدانی در دو روش مهار رادیکال آزاد بود که با افزایش غلظت فعالیت آنتی‌اکسیدانی آن افزایش یافت. استفاده از آب انار به‌عنوان یک میوه قرآنی به دلیل دارا بودن ترکیبات فنولی موجب حفظ سلامتی و جلوگیری از بیماری‌ها می‌شود.

کلید واژه‌ها: انار، آنتی‌اکسیدانی، تغذیه قرآنی، سلامتی، بهشهر، ساوه

مقدمه

نام خود میوه آمده است، و لا بد هر کدام نکته ای دارد. اما ذکر خصوص میوه‌ها از میان غذاهای بهشتی بخاطر اهمیتی است که میوه‌ها در تغذیه دارند، تا آنجا که انسان را موجودی میوه خوار نامیده‌اند، و نقش میوه‌ها در طراوت و شادابی و نشاط انسان نه تنها از نظر علمی بلکه از نظر تجربه عمومی مردم نیز آشکار است. یکی از میوه‌هایی که در قرآن از آن نام برده شده است، انار است. سه آیه از قرآن مجید به اهمیت انار پرداخته است. در سوره انعام/۱۴۱ درباره میوه این درختان توصیه مهمی شده است. در آن ذکر شده: چون ثمر آوردند از آنها بخورید و در روز درو، حق آن را بپردازید؛ معنی این دستور آن است که خداوند انحصار یا مالکیت فردی محصولات کشاورزی و نباتی را نمی‌پسندد. وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرَجُ مِنْهُ حَبًّا مَتْرَاقِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِنْ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ

تغذیه یکی از مسائل مهم در زندگی بشر است. سوگند به غذا در قرآن، در ردیف سوگندهای پروردگار آمده است. در حدود ۵۰ سوره از قرآن به مواد غذایی با منشأ گیاهی اختصاص داده شده است. قرآن به‌عنوان یکی از محکم‌ترین متون اسلامی، نگاه خاصی به غذا دارد. در آیه ۲۴ سوره عبس می‌فرماید: "انسان باید به غذای خویش بنگرد". لذا در این مطالعه خصوصیات آنتی‌اکسیدانی انار به‌عنوان یک میوه بهشتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت (الزمان امامیان و همکاران، ۱۳۹۱). ارزش میوه‌ها در قرآن قابل توجه اینکه در آیات قرآن از میان غذاهای بهشتی بیشتر روی میوه‌ها تکیه شده و از میان تمام میوه‌ها علی‌الخصوص در سوره الرحمن خرما و انار را نام می‌برد، و عجب اینکه بجای خرما درخت نخل گفته شده، ولی در مورد انار



"بحار الانوار جلد ۶۶ صفحه ۱۶۵". و در حدیث دیگری از امام باقر و امام صادق (ع) آمده است که فرمودند: ما علی وجه الارض ثمره کانت احب الی رسول الله (ص) من الرمان: هیچ میوه ای در روی زمین نزد رسول خدا محبوبتر از انار نبود "کافی جلد ۶ صفحه ۳۵۲" (تفسیر نمونه، ج ۲۳، ص: ۱۸۰). از امیرالمومنین علی (ع) روایت شده است که فرمودند: انار را با پیه اش بخورید که معده را دباغی میکند و همچنین فرمودند: کودکان خود را انار بخورانید که زودتر زبانشان باز میشود. ایشان در جایی دیگر به یاران خود فرمودند: انار بوی بد دهان را برطرف میکند و نفس را خوشبو می سازد. از امام باقر (ع) روایت شده که فرمودند میوه صدویست نوع است که رأس همه آنها انار است. در روایت دیگر آمده است که امام صادق (ع) هر شب جمعه انار میخوردند و نیز فرموده اند: به کودکان خود انار بخورانید زیرا آنها را زودتر به جوانی میرساند. یکی از یاران امام صادق (ع) نقل می کند که حضرت فرمودند: میخوش (ترش و شیرین) آن در معده سازگارتر است. امام موسی کاظم (ع) می فرمایند: دود ساقه انار، حشرات را از بین میبرد. از امام رضا (ع) همچنین نقل شده است که خوردن انار شیرین، مرد را توانا و نیکو می سازد. امام صادق (ع) نیز میفرمایند: هر کسی در حال گرسنگی (ناشتا) انار بخورد، تا چهل روز قلب او را روشن می سازد. روایاتی از رسول خدا صلی الله علیه واله و ائمه طاهرين عليهم السلام نیز در این باره آمده است: مستدرک الوسائل عن کتاب التعریف: روى: لا یقرن بین شیء من الفواکه إلا العنب والرمان؛ فإنه قد روى: أنه لا بأس أن یقرن بین الحبتین من العنب والرمان. به نقل از کتاب التعریف: روایت شده است که هیچ دو میوه‌ای را نباید با هم خورد، مگر انگور و انار را؛ زیرا روایت شده است که اشکال ندارد دانه‌های

أَعْنَابَ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ أَنْظُرُوا إِلَيَّ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ. (انعام/۹۹). اوست خدایی که از آسمان باران فرستاد و بدان باران هر گونه نباتی را رویانیدیم، و از آن نبات ساقه ای سبز و از آن دانه هایی بر یکدیگر چیده و نیز از جوانه های نخل، خوشه هایی سر فروهشته پدید آوردیم، و نیز بستانهایی از تاکها و زیتون و انار، همانند و ناهمانند. به میوه هایش آنگاه که پدید می آیند و آنگاه که می رسند بنگرید که در آنها عبرتهاست برای آنان که ایمان می آورند. وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرِ مَّعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرَّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ. (انعام/۱۴۱). و اوست که باغهایی آفرید نیازمند به داربست و بی نیاز از داربست، و درخت خرما و کشتزار، با طعمهای گوناگون، و زیتون و انار، همانند، در عین حال ناهمانند. چون ثمره آوردند از آنها بخورید و در روز درو حق آن را نیز بپردازید و اسراف نکنید که خدا اسراف کاران را دوست ندارد. فیها فاکهه و نخل و رمان. (رحمن/۶۸). در آن دو، میوه هست و نخل هست و انار هست. فوائد فراوان دیگری برای انار (شیرین و ترش) در کتب آمده است. از جمله تقویت معده، دفع تب‌های صفراوی، یرقان، جرب (بیماری خارش) تقویت دید چشم، رفع جراحات مزمن، تقویت لثه، دفع اسهال است. ائمه اطهار نیز در فرمایشات خود از انار به نیکی یاد کرده و از خواص آن سخن گفته اند. در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم: اطعموا صبیانکم الرمان، فانه اسرع لشبابهم: به کودکان خود انار دهید که موجب رشد سریع آنها است "بحار الانوار جلد ۶۶ صفحه ۱۶۴". و در حدیث دیگری آمده است: فانه اسرع لالسنتم: زودتر به سخن می آیند



یکی از مباحث مهم و مطرح در صنعت غذا می‌باشد در جریان متابولیسم هوازی اغلب مقداری رادیکال آزاد مانند رادیکال‌های پراکسیل، هیدروکسیل، سوپراکسید و گونه‌های فعال اکسیژن تولید می‌شود که بسیار خطرناک و مضر هستند (زربان و همکاران، ۱۳۸۶). رادیکال‌های آزاد در تمام موجودات زنده در مسیرهای متابولیکی طبیعی و در طول واکنش‌های اکسیداسیون تشکیل می‌شوند. آن‌ها همچنین به وسیله آلاینده‌های محیطی، پرتوهای فرابنفش و بسیاری از فرآیندهای سوخت و ساز عادی تولید می‌شوند و می‌توانند به موجودات زنده آسیب بزنند. از سوی دیگر، آنتی‌اکسیدان‌ها نقش مهمی در حفظ سلامت بدن در برابر فرآیندهای اکسیداسیونی و رادیکال‌های آزاد، دارند و به صورت طبیعی یا مصنوعی هستند. در برخی پژوهش‌ها سمیت آنتی‌اکسیدان‌های مصنوعی موجب نگرانی شده و اخیراً توجه زیادی به استفاده از منابع غنی از آنتی‌اکسیدان‌های طبیعی، مانند گیاهان و مکمل‌های غذایی شاده است، زیرا آنها شامل ویتامین‌ها، بتاکاروتن و پلی‌فنول‌های گیاهی هستند. آنتی‌اکسیدان‌ها از تخریب اکسیداسیونی مواد جلوگیری می‌کنند، و می‌توانند به عنوان مکمل‌های غذایی استفاده شوند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸). با توجه به اینکه تولید میوه انار در ایران زیاد است و انار از جمله میوه‌هایی است که در قرآن از آن نام برده شده است و همچنین در طب سنتی و احادیث قرآنی نیز به درمان با غذا قبل از درمان با دارو تاکید شده است، در این مطالعه لازم دیدیم تا خصوصیات آنتی‌اکسیدانی آب میوه انار را به عنوان یک غذای دارویی و قرآنی مورد بررسی قرار دهیم.

مواد و روش‌ها

انگور و انار، در کنار هم قرار داده شتوند. رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم: الرَّمَّانُ سَيِّدُ الْفَاكِهَةِ، وَمَنْ أَكَلَ رَمَّانَهُ أَغْضَبَ شَيْطَانَهُ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم: انار، مهتر همه میوه‌هاست و هر کس یک انار بخورد، چهل پگاه، شیطان خویش را به خشم می‌آورد. الإمام الصادق علیه السلام: الْفَاكِهَةُ مِئَةٌ وَعِشْرُونَ لَوْ نَا، سَيِّدُهَا الرَّمَّانُ. امام صادق علیه السلام: میوه، صد و بیست گونه است و مهتر همه آنها، انار است. مکارم الأخلاق عن زید الشَّحَّام: كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَعَا بِالْحَجَّامِ، فَقَالَ لَهُ: اغْسِلْ مَحَاجِمَكَ وَعَلِّقْهَا، وَدَعَا بِرَمَّانَةٍ فَأَكَلَهَا، فَلَمَّا فَرَّغَ مِنَ الْحَجَّامَةِ دَعَا بِرَمَّانَةٍ أُخْرَى فَأَكَلَهَا، وَ قَالَ: هَذَا يَطْفِئُ الْمَرَارَ. انار با نام علمی *Punica granatum* از خانواده *Punicaceae* می‌باشد که در زبان لاتین به آن سیب پر هسته نیز می‌گویند. انار در ایران، مدیترانه و شمال هند گسترش دارد. ایران و هندوستان به ترتیب بزرگترین تولیدکنندگان انار در جهان هستند. انار درختچه کوچک با ارتفاع حدود ۶ متر است و در مناطق نیمه گرمسیری رویش دارد. گل‌های انار درشت و به رنگ قرمز اناری می‌باشند. میوه انار کروی شکل با پوست قرمز و ضخیم است. دانه‌های انار در پوشش شفاف و شیشه‌ای قرار دارند که قسمت خوراکی میوه را تشکیل می‌دهند (رضوی و اسماعیل زاده کناری، ۱۳۹۷). آب انار تازه حاوی ۸۵٪ آب، ۱۰٪ قند، ۱/۵٪ پکتین، آسکوربیک اسید و ترکیبات فنولیک است. پلی‌فنول‌ها گروه مهمی از ترکیبات شیمیایی موثره میوه را تشکیل می‌دهند. پلی‌فنول‌ها، آنتی‌اکسیدان‌های بسیار قوی با خاصیت آنتی‌اکسیدانی بسیار بالا هستند (امت محمدی و همکاران، ۱۴۰۰). امروزه موضوع رادیکال‌های آزاد و گونه‌های فعال اکسیژن و اثرات آن‌ها بر سیستم‌های بیولوژیک

و منابع طبیعی ساری منتقل گردید. پوست انارها با استفاده از چاقو جدا شد و سپس آب انارها با استفاده از آبمیوه گیری گرفته شد.

مواد
میوه رسیده انار از بازار شهر ساری تهیه شد و به آزمایشگاه صنایع غذایی دانشگاه علوم کشاورزی



شکل ۱- تصویر انار بهشهر (راست) و ساوه (چپ)

دقیقه در دمای اتاق نگهداری شد و سپس جذب نمونه ها در ۵۱۷ نانومتر قرائت شد. میزان مهار رادیکال آزاد DPPH در برابر اسید آسکوربیک قرائت شد (Fawole et al., 2012).

تجزیه و تحلیل آماری

برای تجزیه و تحلیل آماری داده ها از روش کاملا تصادفی با استفاده از دانکن و روش مقایسه ای تی تست استفاده شد. میانگین داده ها در سطح اطمینان ۹۵٪ با یکدیگر مقایسه شد. نرم افزار مورد استفاده SPSS نسخه ۲۰ بود و نمودارها با استفاده از نرم افزار اکسل ترسیم شدند.

نتایج و بحث

مقدار ترکیبات فنولی آب انار

نتایج مربوط به میزان ترکیبات فنولی انار دو واریته ساوه و بهشهر در شکل ۲ نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود میزان ترکیبات فنولی انار رقم بهشهر برابر ۴۲۱/۲ و در انار ساوه برابر ۳۱۰/۷ میلی گرم اسید گالیک بر ۱۰۰ میلی‌لیتر آب انار است. آب انار حاوی مقادیر بالایی از ترکیبات فنولی است که توسط

روش‌ها

اندازه گیری مقدار ترکیبات فنولی آب انار برای اندازه گیری ترکیبات فنولی آب انار از روش اولانیوی و همکاران (۲۰۱۱) استفاده شد. بدین منظور از روش رنگ سنجی فولین سیوکالتیو استفاده شد. غلظت ترکیبات فنولی کل آب انار با استفاده از دستگاه طیف سنج در طول موج ۷۵۰ نانومتر اندازه گیری شد. مقدار کل ترکیبات فنولی بر اساس میلی گرم معادل اسید گالیک در ۱۰۰ میلی‌لیتر از آب انار گزارش گردید. (Fawole, Opara, & Theron, 2012).

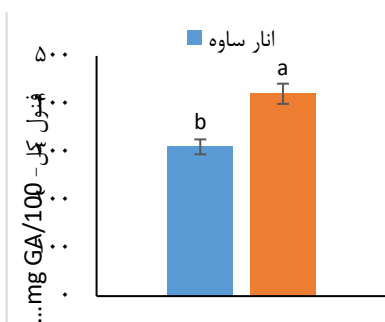
اندازه‌گیری فعالیت آنتی اکسیدانی آب انار

برای اندازه گیری فعالیت آنتی اکسیدانی آب انار از روش مهار رادیکال آزاد DPPH استفاده شد. بدین منظور مقدار ۱۵ میکرولیتر از غلظت های مختلف آب انار تهیه شده که با استفاده از ۷۳۵ میکرولیتر از متانول رقیق گردیده بود برای ارزیابی فعالیت آنتی اکسیدانی استفاده شد. محلول متانولی DPPH (۰/۱ میلی مولار به میزان ۷۵۰ میکرولیتر) با آب انار در غلظت های مختلف ترکیب شد. مخلوط حاضر به مدت ۳۰



گالیک اسید در لیتر گزارش شد (Anahita, Asmah, & Fauziah, 2015). میزان ترکیبات فنولی موجود در چهار نوع آب انار (آب انار تازه، آب انار ارگانیک، آب انار تجاری، آب انار تجاری ارگانیک) را بررسی کردند و میزان فنول کل در محدوده ۲۲۸۵ تا ۲۴۵۷ میلی گرم گالیک اسید در لیتر بود (Nuncio-Jáuregui, Cano-Lamadrid, Hernández, Carbonell-Barrachina, & Calín-Sánchez, 2015).

پژوهشگران دیگر نیز گزارش شده است (Fawole et al., 2012; Tehranifar, Zarei, Nemati, Esfandiyari, & Vazifeshenas, 2010). حسینی و همکاران (۱۳۹۸) مقدار ترکیبات فنولی و فلاونوئیدی آب انار را اندازه گیری نمودند که مقدار ترکیبات فنولی بدست آمده از آب انار روش های مختلف ۱۵۴۴/۰ تا ۲۵۱۷/۰ میلی گرم اسید گالیک بر لیتر متغیر بود. در یک بررسی، محتوای فنول کل آب انار قرمز شیرین اسپانیا در محدوده ۲۵۰۲ میلی گرم



شکل ۲- میزان ترکیبات فنولی دو واریته آب انار

^{۳۱۵}DPPH, ^{۳۱۶}FRAP و ^{۳۱۷}TAC اندازه گیری نمودند که مشخص گردید در تمام روش‌های بکار برده شده، خاصیت آنتی اکسیدانی مشاهده می‌شود (Fawole et al., 2012). امت محمدی و همکاران (۱۴۰۰) خصوصیات آنتی اکسیدانی آب انار و زرشک را مورد بررسی قرار دادند و مشخص گردید که آب انار در روش مهار رادیکال آزاد DPPH خاصیت آنتی اکسیدانی خوبی دارد (امت محمدی و همکاران، ۱۴۰۰).

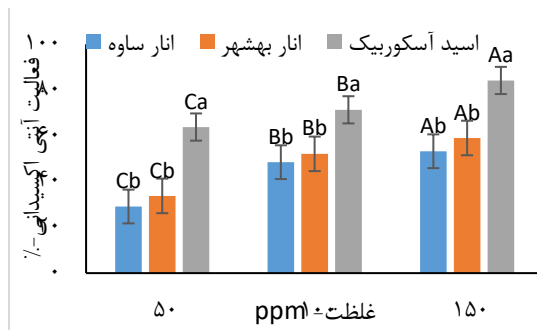
فعالیت آنتی اکسیدانی آب انار

نتایج مربوط به فعالیت آنتی اکسیدانی غلظت‌های مختلف آب انار در شکل ۳ نشان داده شده است. همانطور که مشاهده می‌شود با افزایش غلظت، فعالیت آنتی اکسیدانی افزایش یافته است اما خاصیت آنتی اکسیدانی بین آب انار واریته‌های مختلف از نظر آماری معنی‌دار نیست. هرچند آب انار رقم بهشهر بالاتر بود. اولانیوی و همکاران (۲۰۱۱) خاصیت آنتی اکسیدانی آب انار را با استفاده از روش‌های مهار رادیکال آزاد

317- Total antioxidant capacity

315- 2,2-diphenyl-1-picrylhydrazyl

316- Ferric Ion-Reducing Antioxidant Power



شکل ۳- خاصیت آنتی‌اکسیدانی دو وارسته آب انار

اگرچه انار رقم بهشهر مقدار ترکیبات فنولی بیشتری داشت اما خاصیت آنتی‌اکسیدانی دو رقم انار باهم اختلاف معنی دار آماری نداشت. نتایج این تحقیق با توصیه‌های ارائه شده توسط دین مبین اسلام برای مصرف انار همسو می‌باشد. با مصرف انار می‌توان از وقوع بسیاری از بیماری‌ها جلوگیری نمود.

نتیجه‌گیری

در این مقاله مقدار ترکیبات فنولی و خصوصیات آنتی‌اکسیدانی دو رقم انار بهشهر و ساوه با هم مقایسه گردید. نتایج نشان داد هر دو انار رقم بهشهر و ساوه دارای ترکیبات فنولی و خاصیت آنتی‌اکسیدانی هستند. با افزایش غلظت آب انار میزان فعالیت آنتی‌اکسیدانی آن افزایش یافت.

منابع

- الزمان امامیان، م. سعیدی، ج. نقش، ن.، فرهمند، ک. (۱۳۹۱). اثر ترکیب عصاره آبی میوه انجیر، زیتون و انار بر شاخص‌های سلامتی کبد در موش‌های صحرایی نر. (۱۳۹۱). فصلنامه فیزیولوژی و تکوین جانوری دانشگاه زنجان. ۵۷-۴۹، (۵)، ۱۹.
- المحاسن، جلد ۲، صفحه ۳۵۶، حدیث ۲۲۳۶، بحار الأنوار، جلد ۶۶، صفحه ۱۶۰، حدیث ۳۱، دانش نامه احادیث پزشکی: ۲ / ۳۱۶ پیه انار، سپیدی‌ای است که در درون انار است و دانه‌ها بر آن تعبیه شده است (لغت‌نامه دهخدا).
- امت محمدی، الف.، فیضی، ج.، خانی، م. (۱۴۰۰). بررسی حفظ خواص فیزیوشیمیایی، آنتی‌اکسیدانی و حسی نوشیدنی انار و زرشک و مخلوط این دو طی مدت نگهداری یک‌ماهه. مجله نوآوری در علوم و فناوری غذایی، ۱۳(۲) ۶۴-۵۳.
- حسینی، ث.، رشیدی، ل.، هماپور، م. (۱۳۹۸). بررسی ترکیبات پلی فنولی و خواص آنتی‌اکسیدانی آب انار رقم پوست سیاه ساوه (Punica granatum) علوم تغذیه و صنایع غذایی ایران. ۱۴ (۱) ۹۹-۱۰۸.
- رضوی، ر. و اسماعیل زاده کناری، ر. (۱۳۹۷). مقایسه تاثیر تیمار حلال و روش استخراج بر میزان ترکیبات فنولی آزاد و باند شده عصاره پوست انار ساوه، اولین همایش ملی علوم کشاورزی و زیست محیطی. ایران. خوزستان.
- زربان، ا.، ملکانه، م.، بقراطی، م.ر. (۱۳۸۶). خواص آنتی‌اکسیدانی آب انار و توانایی آن در خنثی سازی رادیکال‌های آزاد. مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ۱۴، (۳)، ۲۷-۱۹.
- مستدرک الوسائل، جلد ۱۶، صفحه ۳۲۷، حدیث ۲۰۰۴۷ دانش نامه احادیث پزشکی: ۲ / ۱۳۸
- مکارم الأخلاق، جلد ۱، صفحه ۱۷۰، حدیث ۴۹۴، بحار الأنوار، جلد ۶۲، صفحه ۱۲۴، حدیث ۶۱ دانش نامه احادیث پزشکی: ۲ / ۳۱۲.
- Anahita, A., Asmah, R., & Fauziah, O. (2015). Evaluation of total phenolic content, total antioxidant activity, and antioxidant vitamin composition of pomegranate seed and juice. *International Food Research Journal*, 22(3).



10. Fawole, O. A., Opara, U. L & ,Theron, K. I. (2012). Chemical and phytochemical properties and antioxidant activities of three pomegranate cultivars grown in South Africa. *Food and Bioprocess Technology*, 5(7), 2934-2940 .
11. Nuncio-Jáuregui, N., Cano-Lamadrid, M., Hernández, F., Carbonell-Barrachina, Á. A., & Calín-Sánchez, Á. (2015). Comparison of fresh and commercial pomegranate juices from Mollar de Elche cultivar grown under conventional or organic farming practices. *Beverages*, 1(2), 34-44 .
12. Tehranifar, A., Zarei, M., Nemati, Z., Esfandiyari, B., & Vazifeshenas, M. R. (2010). Investigation of physico-chemical properties and antioxidant activity of twenty Iranian pomegranate (*Punica granatum L.*) cultivars. *Scientia Horticulturae*, 126(2), 180-185.

محیط زیست از دیدگاه قرآنی

مرضیه رضوی^۱، راضیه رضوی^۲، تهمینه گودرزی^۳

- ۱- عضو هیات علمی گروه عمران، موسسه آموزش عالی آفرینش بروجرد، بروجرد، ایران
۲- دانش آموخته دکترای صنایع غذایی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران (نویسنده مسئول):
(marzie.razavi@afarinesh.ac.ir)
۳- مدرس گروه مهندسی پزشکی، موسسه آموزش عالی آفرینش بروجرد، بروجرد، ایران

چکیده:

امروزه یکی از مهمترین مباحث در عرصه زندگی بشر، بحث حفاظت از منابع طبیعی و محیط زیست می باشد. زندگی کنونی بشر دستخوش تغییرات بسیار زیادی اعم از درگیری با تکنولوژیهای مختلف شده و از همین رو محیط زیست طبیعی دستخوش تغییرات بسیار زیادی شده است. اما این تغییرات گاه بسیار زیاد و خارج از توان تحمل محیط زیست بوده و خسارات جبران ناپذیری به میراث آیندگان تحمیل شده است. با توجه به غنای فرهنگی و حاکمیت اسلامی کشور ایران، بسط مباحث دینی و علوم قرآنی در امر حفاظت و نگهداری از محیط زیست و منابع طبیعی امری ضروری و وظیفه هر انسان متعهدی محسوب می شود. در تحقیق حاضر با ارائه ی آیاتی از قرآن کریم اشاره ای مختصر به دو بحث حفظ و نگهداری محیط زیست و همچنین خودداری از فساد در محیط زیست و منابع طبیعی پرداخته شد. لازم به ذکر است که دو مورد ارائه شده در تحقیق، تنها گوشه ای از دیدگاه جامع و کامل قرآن کریم در دین اسلام به مساله ی محیط زیست بوده است.

کلید واژه: قرآن، محیط زیست، منابع طبیعی، حفظ و نگهداری، فساد در زمین

مقدمه

محسوب میشود. در قرآن کریم از نابود کردن و تخریب محیط زیست به عنوان اعتداء (تجاوز) نام برده شده است و بر این اساس کسانی که رفتار ناشایست نسبت به محیط زیست داشته باشند، از رحمت و محبت خداوند محروم خواهند بود (سوره مائده، آیه ۸۶). در آیه دیگر خداوند می فرماید: «وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَ جَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ» (سوره بقره، آیه ۲۶). یعنی: شما را از امکانات زمین بهره مند ساختیم و وسائل معیشت شما را در آن فراهم کردیم. این آیه نیز، بیان کننده توانایی و امتیازی است که انسان روی زمین دارد، تا جایی که در آن وسائل زندگی او فراهم شده است. روشن است که داشتن محیط زیستی سالم، جزء اولین حقوق انسان برای زندگی در روی زمین است. بر همین اساس، خداوند نیز، پهنه طبیعت را زیستگاه

تاکنون بحث محیط زیست از دیدگاه و جنبه های مختلفی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است و علوم مختلف، تعاریف جامع و البته متفاوتی برای آن ارائه داده اند. نظریه های علوم فنی و مهندسی، علوم طبیعی، علوم شناختی و اجتماعی همگی در راستای توضیح و بسط تعاریف و دیدگاهها مطرح شده اند. با توجه به تلاقی فرهنگ غنی ایرانی و همچنین دین حاکم بر کشور ایران، لذا بررسی محیط زیست از دیدگاه قرآن از جنبه های بسیاری حائز اهمیت است. در کتاب آسمانی مسلمانان تاکید بسیار زیادی بر حفظ و نگهداری و جلوگیری از تخریب محیط زیست اشاره شده است و بنابراین اهمیت حراست از این میراث گرانبها، بعنوان مسئولیت فردی و اجتماعی همه ساکنین کره زمین



همه چیز، «...وَ كَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا» (سوره نساء، آیه ۱۲۶) رمز بهره‌وری از طبیعت با حفظ تعادل زیستی آن است. تنها انسان‌های عالم به سنت‌های حاکم بر طبیعت و پایبند به تعهدات خویش در خلافت، از آلوده‌سازی طبیعت و بهره‌وری نادرست از آن اجتناب می‌ورزند و تمامی همت خویش را در حفظ تعادل محیط زیست به کار می‌گیرند و همانگونه که خداوند حفیظ طبیعت و همه موجودات آن است، «...إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ» (سوره هود، آیه ۵۷) خلیفه او نیز باید منابع و مواهب طبیعی اعم از گیاهان، حیوانات و... را از نابودی، تخریب و تلف شدن حفظ نماید. به تعبیر دیگر زمین، آب، آسمان و همه طبیعت ودیعه‌ای الهی است که به دست انسان سپرده شده و برای استفاده‌ی متعادل از آنها پدید آمده‌اند. از این‌رو انسان مسئول حفظ طبیعت است (نصر، ۱۳۸۲). خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ» (سوره قمر، آیه ۴۹). یعنی "ما هر چیز را به اندازه خلق کردیم". پس هر چیز مقدار و حدودی دارد و بایستی به‌طور صحیح و درست بهره‌برداری شود تا نابود و منهدم نگردد. چرا که ثروت‌های طبیعی فقط به این نسل تعلق ندارد بلکه این اندوخته‌ها به نسل‌های بعدی از ما نیز تعلق دارند. همچنین در آیه ۶۱ سوره هود آمده است: «...هُوَ أَنْشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا...»؛ یعنی خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت. آب نیز به‌عنوان یکی از مظاهر طبیعت که باید از آلودگی مصون بماند مورد توجه است. آیات ذیل از قرآن کریم اشاره به اهمیت و نقش آب در زندگی بشر دارد. (آیه ۳۰ سوره انبیاء): «از آب همه چیز را زنده کردیم». بنابراین زندگی همه موجودات زنده به آب بستگی دارد. آیه ۱۶۴ سوره بقره: «خداوند آب را نازل کرد و زمین مرده

انسانی قرار داده است (فیروزی، ۱۳۸۴). بی‌هیچ تردیدی، محیط زیست بعنوان یکی از بزرگترین نعمتهای الهی محسوب شده و بخش مهمی در نظام خلقت است، این بدان معنی است که هر چه در این عالم وجود دارد نشانه‌ای وجود خدای یکتاست. همچنین در دین اسلام هر فعالیتی که منجر به فساد در محیط زیست شود، نهی شده، چرا که خداوند بارها در قرآن کریم درباره ایجاد فساد در روی زمین هشدار داده است. کتاب آسمانی مسلمانان، تمامی جنبه‌های انسانی و زیست محیطی را به بهترین شکل نمایان کرده است. در این تحقیق سعی بر آن است تا گوشه‌ای از دیدگاه قرآن کریم در زمینه محیط زیست از دو جنبه "حفظ و نگهداری محیط زیست" و "خودداری از فساد در محیط زیست" ارائه شود.

حفظ و نگهداری محیط زیست

محیط زیست بعنوان میراثی برای انسان قرار داده شده و حفاظت و حراست از آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. به یقین در هیچ یک از منابع دین اسلام مشخصاً حکمی با عنوان محیط زیست حکمی وجود ندارد ولی بدون تردید در مواد مختلف همچون آب، زمین، پاکی و ناپاکی، آتش سوزی و مسائلی از این قبیل، آیات فراوانی وجود دارد که به کمک آنها می‌توان مقررات دقیقی برای مسائل محیط زیست به دست آورد. انسان جانشین خداوند در استفاده از نعمات او در زمین است؛ بر هر جانشینی واجب است تا از امانتهای خداوند به خوبی حفاظت نماید و مانع از هر گونه تخریب و تضییع آن نماید. همچنین باید با استفاده از دانش خود، سلامت و کیفیت فضای زیست محیطی موجودات دیگر را تضمین نماید و امکان بهره‌وری همیشگی و همگانی را برای کلیه موجودات در زمین فراهم آورد. ذکر خداوند متعال و یادآوری خلافت و جانشینی او در زمین و درک محیط بودن آن ذات مقدس بر



إصلاحها...» (سوره اعراف، آیه ۸۵)؛ و همچنین «وَ الَّذِينَ يَنْقُصُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقْطَعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يَفْسُدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمُ اللَّعْنَةُ وَ لَهُمْ سُوءُ الدَّارِ» (سوره رعد، آیه ۲۵). در جای دیگری تضييع و تخریب منابع طبیعی را اعتداء دانسته و می‌فرماید: «ضایع مکنید منابع پاکیزه ای که خداوند در اختیار شما قرار داده است و تجاوز نکنید از حدود خویش، چرا که متخلفین مشمول محبت خداوند نخواهند بود» (سوره مائده، آیه ۸۶). در کلیه آیات اشاره شده، حفاظت از محیط زیست از مصادیق برجسته پیمان خداوند با انسان بوده و در صورت عدول از آن موجبات زیان فراهم خواهد گردید. قرآن کریم در بیان پاره‌ای از مسائل اقتصادی، با نگاهی جامع و فراگیر، انسان را از هر گونه فساد در زمین باز می‌دارد و می‌فرماید: "در زمین، پس از اصلاح آن فساد مکنید (سوره اعراف، آیه ۶۲). بدیهی است که نابودی منابع و آلوده کردن محیط زندگی، از مصداق های فساد در زمین هستند. در روایت های اسلامی، زمین، منبع خیر و برکت و همچون مادری مهربان دانسته شده که نگهداری سالم آن بر همگان لازم است (کتابچه آموزه های محیط زیست در اسلام، ۱۳۹۹).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب ذکر شده به وضوح می‌توان نتیجه‌گیری کرد که حفظ منابع طبیعی بعنوان یک وظیفه اخلاقی و شرعی بوده و از بین بردن منابع طبیعی، گونه‌ای از فساد بر روی کره زمین است و ظلم به نوع بشر و موجودات زنده محسوب می‌شود. آلودگی های آب، خاک، هوا و غیره موجب ایجاد انواع امراض و بیماری های در موجودات زنده شده و لازم به جبران خسارت از سوی این افراد می‌باشد. ورود انواع آلاینده ها به محیط زیست بعنوان ماده خروجی صنایع، انواع

را به وسیله آب زنده کرد». مساله دیگری که به وفور در آیات کلام الله مجید ارائه شده است، بحث خاک می‌باشد.

خودداری از فساد در محیط زیست

قرآن کریم از بین بردن محیط زیست و طبیعت را اعتداء و فساد در زمین بر می‌شمارد و فرد خاطی را محروم از رحمت الهی و مستحق غضب و عذاب الهی معرفی می‌کند. علاوه بر این مطلب، مسئولیت کيفری و مدنی متجاوز در احکام حقوقی دین اسلام قابل شناسایی است. واژه هایی همچون خلقت، رحمت، آیه و مالکیت، از مفاهیم کلیدی محیط زیست در قرآن کریم به شمار می‌آید. قرآن کریم مشتمل بر آموزه هایی است که از الگوی تعامل اخلاقی انسان با محیط زیست حکایت دارد (صادقی روش، ۱۳۹۴). در آبان قرآنی بین روابط انسانی و محیط زیست طبیعی نسبت مستقیم برقرار است. همانگونه که رفتارهای ناشایست انسان ها موجب بروز فساد در همه عرصه ها می‌شود. «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ» (سوره روم، آیه ۴۱) به همین دلیل آموزش ها بر پایه اصول اخلاقی می‌تواند توسعه و شکوفایی محیط زیست را به همراه داشته باشد. همچنین در جای دیگری از تعادل موجود در طبیعت با کلمه "موزون" یاد می‌کند. در این قسمت می‌فرماید: «و زمین را گستردیم و در آن کوه های استوار برنهادیم و در آن از هر چیز متناسب و موزون رویندیم...»؛ «وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ». (سوره حجر، آیه ۱۹) بنابراین هر فعالیتی که تناسب و تعادل موجود در طبیعت را مختل نماید نوعی فساد فی الارض محسوب می‌گردد. همچنین در جای دیگری می‌فرماید: «و در زمین از پس اصلاح آن فساد نکنید»؛ «...وَ لَا تَفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ



فاضلاب‌ها، آلودگی‌های هوا از قبیل دود آگزوز خودروها و کارخانجات، از بین بردن مراتع و زیست بوم‌های گیاهی و جانوری، در صورت تجاوز از حدود مجاز تعیین شده توسط سازمان -

های مسئول، همگی از مصادیق جرم به حساب آمده است و در آیات قرآن نیز به وفور در این زمینه تاکید شده است.

منابع:

۱. صادقی روش، محمدحسن (۱۳۹۴): «تحلیل جایگاه محیط زیست از دیدگاه قرآن»، نشریه قرآن و علم، شماره ۱۷، صفحه ۱۱۵.
۲. فیروزی، مهدی (۱۳۸۴): «مبانی حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم در قرآن کریم»، رواق اندیشه، شماره ۴۲.
۳. معاونت آموزش و مشارکت‌های مردمی (۱۳۹۹): «کتابچه آموزه‌های محیط زیست در اسلام»، دفتر مشارکت‌های مردمی و مسوولیت اجتماعی سازمان حفاظت محیط زیست، تهران.
۴. نصر، سید حسین (۱۳۸۲)، «آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام»، ترجمه انشاءالله رحمتی، تهران، جامی.

اعجاز علمی قرآن، فرایند جوانه‌زنی گیاهان

الهام یونسی^۱، قربانعلی نعمت‌زاده^۲ و ایوب فرهادی^۳

۱- فارغ التحصیل دکتری بیوتکنولوژی کشاورزی، پژوهشکده ژنتیک و زیست فناوری کشاورزی طبرستان، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران (نویسنده مسئول: eyonesi@gmail.com)

۲- استاد گروه زراعت و اصلاح نباتات، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران

۳- دانشیار گروه علوم دامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ساری، ایران

چکیده

رابطه بین قرآن و علم شگفت‌انگیز است، بخصوص زمانی که مشخص می‌شود که این رابطه، از یک هارمونی و نظم خاصی تبعیت می‌کند. از نگاه عقاید سکولار، رابطه بین کتاب‌های مقدس و کتاب‌های علمی یک رابطه متناقض و نفع‌کننده است در صورتی که اسلام به عنوان کامل‌ترین دین الهی علاوه بر اینکه، در کتاب مقدس- (قرآن کریم) به راهنمایی پیروانش برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی پرداخته است، در تعداد زیادی از آیات به مطالب علمی اشاره دارد. چنین اشارات علمی از معجزات این کتاب (قرآن کریم) محسوب می‌شود. با توجه به اهمیت گیاهان در چرخه غذایی، گیاهان در میان اشارات علمی قرآن، از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند. نه تنها نام تعداد زیادی از گیاهان در قرآن کریم آمده بلکه، در باره خواص دارویی و التیام بخش آنها گفته است. اما، با تدبیر در آیات قرآن کریم، می‌توان دریافت که، توجه قرآن به گیاهان تنها محدود به خواص ویژه آنها نیست، بلکه، به مراحل رشد و نمو گیاهان نیز اشاره شده است. یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مرحله رشد گیاهان جوانه زنی است. بنابراین، در این تحقیق آیاتی که در آنها به فرایند جوانه زنی و مراحل مختلف و ملزومات آن اشاره شده، از منظر تفاسیر مختلف بررسی شده است. برای روشن تر شدن مطلب، به نام سوره و شماره آیه ارجاع داده شده و متن اصلی، ترجمه فارسی و انگلیسی آیات نیز، جمع‌آوری گردیده است. در نهایت در این پژوهش هفت آیه مرتبط با جوانه زنی معرفی شده‌اند.

واژگان کلیدی: معجزات قرآن، جوانه‌زنی، زوجیت، شکافته شدن پوسته دانه.

مقدمه

"کتاب‌های مقدس، قرآن و علوم" در بخشی از کتابش به تحلیل درجه سازش‌پذیری متون مخصوص ادیان مختلف با علم مدرن امروزی پرداخته است و در نهایت ثابت می‌کند که، هیچ یک از متون مقدس به اندازه قرآن کریم با علم روز (ساینس) سازگاری ندارد (Bucaille, 1980). قرآن کریم، اسراری در مورد حقایق علمی شگفت‌انگیزی مانند انفجار بزرگ و منشا حیات^۱ (سوره انبیا، آیه ۳۰)، انبساط جهان^۲)

۱۴۰۰ سال قبل، قرآن کتاب مقدس مسلمانان به محمد (ص) پیامبر اسلام نازل گردید و تا کنون مسلمانان جهان آن را به عنوان راهنمای معنوی و رفتاری خود مورد توجه قرار داده و می‌دهند. اشارات این کتاب مقدس، تنها به راهنمای دنیوی و اخروی محدود نمی‌شود بلکه، رازهای نهفته علمی فراوانی را متذکر می‌شود. به طوریکه موریس بوکای نویسنده فرانسوی کتاب



فرایندهای مرتبط با رشد و نمو این موجودات نیز در قرآن مورد توجه قرار گرفتند. در مطالعه حاضر آیاتی که در آنها به جوانه زنی بذور اشاره شده گردآوری شدند و نگاه اجمالی نیز به تفاسیر مختلفی که بر این آیات آمده است ارائه شده است.

متن اصلی

جوانه زنی اولین مرحله فنولوژی رشد در گیاهان است. این فرایند فیزیولوژیکی، بسیار پیچیده و به شرایط درونی و محیطی بذر وابسته است. دسترسی به نور، آب، دما مناسب و اکسیژن برای رخداد این فرایند عظیم ضروری است (Biswas et al., 2019; Vandana et al., 2020). به طور کلی، تکثیر گیاهان با دو روش غیر جنسی و جنسی اتفاق می‌افتد. در تکثیر غیرجنسی بخشی از گیاه والد برای تولید یک گیاه جدید استفاده می‌شود و نتاج از نظر ژنتیکی کاملاً مشابه گیاه والد است. در مقابل، جوانه زنی، اولین مرحله در تکثیر جنسی است و طی آن، نتاج از لقاح گامت‌های نر و ماده ایجاد می‌شوند و نتاج حاصل (بدلیل ترکیب دو گامت پدری و مادری)، متفاوت از والد و متنوع هستند. بنابراین، در این نوع تولید مثل مسئله زوجیت مطرح است. مسئله‌ای که اثبات وجود آن در گیاهان از دیدگاه علم زیست‌شناسی به اوایل قرن هجدهم توسط لینه گیاه‌شناس سوئدی باز می‌گردد. وی (لینه) اظهار داشت که گیاهان نیز مانند همه موجودات از آمیزش نطفه نر و ماده بارور می‌شوند. بر همین اساس سیستم دسته‌بندی ساده‌ای را برای تقسیم بندی گیاهان طراحی کرد (Reid et al., 2009). این در حالی است که، قرآن کریم دوازده قرن قبل از این گیاه‌شناس (کارلوس لینه)، به وجود زوجیت در گیاهان در آیات شریفه ۳۶ سوره یس و آیه ۷ سوره شعرا اشاره کرده است (جدول ۱). در گذشته از آنجا که مفهوم وجود

سوره الذاریات، آیه ۴۷)، مدار خورشید (سوره انبیا، آیه ۳۳) را آشکار می‌کند (Bucaille., 1980; Sheikh et al., 2015). حقایقی که در مورد برخی از آنها رسیدن به این مفاهیم توسط مجامع اکادمیک علمی جهان، نیاز به گذشت حداقل ۱۴۰۰ سال بعد از نزول قرآن داشت. به طور مثال در ۱۰۰ سال قبل بهترین ذهن‌های علمی اظهار می‌داشتند که جهان همیشه وجود داشت و با این استدلال، لزوم وجود خالق را نفی می‌کردند. تا اینکه انیشتن با استدلال‌های محکم ریاضی و فیزیک توانست آن را تغییر دهد و ایده او که با نام انفجار بزرگ شناخته می‌شود امروزه اساس درک ما از منشا حیات است. گیاهان جز مهم و کلیدی جهان و زنجیره غذایی انسان‌ها در زمین محسوب می‌شوند. چنین موضوعات کراراً در قرآن به آنها اشاره شده است. از جمله گیاهانی که در قرآن کریم، به آنها اشاره شده است شامل زیتون، درخت خرما (نخل)، انجیر (تین)، انگور (عنب)، سیر (فوم)، انار (رمان)، خیار (قثاء)، می‌باشند. حتی یک سوره از قرآن با نام گیاه انجیر (التین) نام‌گذاری شد. قرآن کریم، یکی از بهترین منابعی است که به اهمیت گیاهان در سوره‌های مومنون، الرحمن، انعام و بقره اشاره کرده است (Sajid et al., 2019). در قرآن به دفعات، اهمیت گیاهان دارویی و خواص التیام بخش آنها یادآوری شده است. به طوریکه تاریخ طب اسلامی با الهام از این کتاب مقدس و روایات از قرن دوم پس از هجرت شروع می‌شود و بر همین اساس، اولین کتاب در این حوزه با نام طب النبوی توسط عبدالملک بن حبیب اندلسی ابیری، (متوفای سال ۲۳۸ ه. ق) تالیف شد (Ghaznavi., 1987). اشاره قرآن به گیاهان از منظر خواص دارویی، یکی از جنبه‌های نگاه علمی این کتاب مقدس به گیاهان است. به طوریکه علاوه بر اشاره به نام و خواص گیاهان،



تنزیه و تسبیح خداست، نه اینکه بخواهد از منزه بودن او خبر دهد. و جمله "نبت الارض" با جمله بعدیش، بیان برای ازواج است و شامل هر چه را که زمین از خود می‌رویند همه گیاهان و حیوانات و انسان‌ها می‌شود. "و من انفسهم" یعنی از خود مردم و "مما لا یعلمون" یعنی از آنچه مردم نمی‌دانند و آن عبارت است از مخلوقاتی که هنوز انسان از وجود آنها خبردار نشده، یا از کیفیت پیدایش آنها، یا از کیفیت زیاد شدن آنها اطلاع پیدا نکرده است (تفسیر المیزان، ج ۱۷، ص ۱۲۸).

حکمت حق در قضا و در قدر

کرد ما را عاشقان همدگر

جمله اجزای جهان زان حکم پیش

جفت جفت و عاشقان جفت خویش

هست هر جزوی ز عالم جفت‌خواه

راست همچون کهربا و برگ کاه

آسمان گوید زمین را مرحبا

با تو چون آهن و آهن‌ربا

آسمان مرد و زمین زن در خرد

هرچه آن انداخت این می‌پرورد^۱

در تفسیر نمونه و در تایید زوجیت، اشاره به مفهوم زوجیت به معنای مذکر و مؤنث آمده است که، قرآن مجید در این آیه خبر از وجود زوجیت به همان معنی خاص یعنی جنس مذکر و مؤنث در تمام جهان، گیاهان، انسانها و سایر موجودات دیگری که مردم از آن اطلاعی ندارند می‌دهد. این موجودات ممکن است گیاهان باشد که وسعت دایره زوجیت در آن روز هنوز در آنها کشف نشده بود. یا اشاره به حیوانات اعماق دریاها که در آن روز کسی از آن آگاه نبود، و امروز گوشه‌ای از آن برای انسان‌ها کشف شده است. یا اشاره به موجودات دیگری که احتمالاً

زوجیت در گیاهان شناخته شده نبود، مفسران پیشین زوج را به معنی نوع و صنف تعبیر می‌کردند ولی مفسرین کنونی با اذعان به این واقعیت علمی، تفسیر روشنتری از این آیات ارائه دادند به طوری که در تفسیر المیزان در باب آیه ۳۶ سوره یس با نفع تعبیر نوع و یا صنف برای زوج آمده است که:

چه بسا بعضی در تفسیر این آیه گفته اند که، مراد از ازواج انواع و اصناف است، نه نر و ماده بودن موجودات، براین اساس، اظهار داشتند که معنی این آیه این است که، منزّه است آن خدایی که همه انواع موجودات را او آفریده ولی آیات دیگری که متعرض خلقت ازواج است، با این گفتار سازگار نیست، مانند آیه، و من کل شیء خلقنا زوجین لعلکم تذكرون (سوره الذاریات، آیه ۴۹). علاوه بر این، اصولاً مقارنه دو چیز با هم، و نوعی تالف و ترکیب، از لوازم مفهوم زوجیت است، و بنا بر معانی که کرده‌اند، نه مقارنتی در کار است، و نه تالف و ترکیبی. در ادامه تفسیر آمده است که این آیه تنزیه خدای تعالی را انشاء می‌کند، در ضمن این آیه اشاره می‌کند به اینکه: مسأله تزویج دو چیز با هم و پدید آوردن چیز سوم، اختصاص به انسان و حیوان و نبات ندارد، بلکه تمامی موجودات از این راه، پدید می‌آیند، و عالم مشهود را از راه استیلاد تنظیم می‌فرماید، و به طور کلی عالم را از دو موجود فاعل و منفعل درست کرده که این دو به منزله نر و ماده حیوان و انسان و نبات اند. هر فاعلی با منفعل خود برخورد می‌کند و از برخورد آن دو، موجودی سوم پدید می‌آید، آنگاه خدا را تنزیه کرده، "سبحان الذی خلق الأزواج کلها مما تنبت الارض" "منزه است خدایی که همه جفت‌ها را آفریده". جمله مذکور به دلالت سیاق، انشای



حیوانات و سایر موجودات عالم می‌دانند. ولی روشن است وقتی ما بتوانیم این الفاظ را بر معنی حقیقی (جنس مذکر و مؤنث) حمل کنیم و قرینه‌ای بر خلاف آن نباشد دلیلی ندارد که به سراغ معانی کنائی برویم، و چنانکه دیدیم چندین تفسیر جالب برای معنی حقیقی زوجیت در اینجا وجود دارد. بنابراین، این آیه به محدود بودن علم انسان نیز اشاره دارد (وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا، آیه ۸۵ سوره اسراء) و بیان می‌کند که در این جهان حقایق بسیاری است که از علم و دانش ما پوشیده است (تفسیر نمونه، ج ۱۸، ص ۳۷۶). آیه دیگری که در آن به مفهوم زوجیت در گیاهان اشاره می‌شود، سوره شعرا آیه ۷ است (جدول ۱). در تفسیر المیزان در باب واژگان زوج کریم که در این آیه آمده است گفته‌اند: به معنای زوج نیکو است، آن نباتاتی است که خدای سبحان نر و ماده شان را خلق کرد. بعضی از مفسرین گفته‌اند: مراد از آن، همه موجودات رویدنی است، چه نبات و چه حیوان، و چه انسان، به دلیل اینکه در جای دیگر در خصوص انسان فرموده "و الله انبتکم من الارض نباتات" (جدول ۱).

در کرات دیگر آسمانی زندگی می‌کنند. یا موجودات زنده ذره بینی، هر چند امروز دانشمندان، نر و ماده‌ای در آنها سراغ ندارند، ولی دنیای این موجودات زنده آنقدر مرموز و پوشیده از معماهاست که ممکن است علم و دانش انسان‌ها هنوز به این قسمت از آن راه نیافته باشد. حتی وجود زوجیت در جهان گیاهان نیز در عصر نزول قرآن جز در موارد خاصی مانند درختان نخل و امثال آن ناشناخته بود، و قرآن از آن پرده برداشت، در قرون اخیر از طرق علمی این معنا به ثبوت رسید که، مساله زوجیت در عالم گیاهان یک مساله عمومی و همگانی است. این احتمال نیز داده شده است که زوجیت در اینجا اشاره به وجود ذرات مثبت و منفی در دل تمام اتم‌ها است، زیرا می‌دانیم همه اشیاء این جهان از اتم تشکیل یافته، و اتم در حقیقت همچون آجر برای ساختمان عظیم این کاخ بزرگ عالم ماده است. تا آن روز که اتم شکافته نشده بود خبری از وجود این زوجیت نبود، ولی بعد از آن، وجود زوجهای منفی و مثبت در هسته اتم و الکترونی‌هایی که به دور آن می‌گردند به ثبوت رسید. بعضی، آن را کنایه از اصناف و انواع مختلف گیاهان و انسانها و

جدول ۱- فهرست و متن آیات که در آنها به فرایند جوانه زنی بذر اشاره شد.

نام و شماره سوره	شماره آیه	متن آیه	ترجمه به فارسی	ترجمه به انگلیسی
------------------	-----------	---------	----------------	------------------



Glory be to Him who has created all the kinds of what the earth grows, and of themselves, and of what they do not know.	منزه است آن کسی که تمامی جفت‌ها را بیافرید چه آن جفت‌هایی که از زمین می‌رویند و چه از خود انسانها و چه از آن جفت‌هایی که انسانها از آن اطلاعی ندارند.	سِحَانِ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنْ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ	۳۶	یس (۳۶)
Have they not regarded the earth, how many of every splendid kind [of vegetation] We have caused to grow in it?	آیا در زمین به دیده عبرت نظر نکردند که ما چه انواع گوناگون از نباتات پر سود از آن برویانیدیم؟	أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَيْفَ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ	۷	شعراء (۲۶)
He, who made the earth for you a cradle, and in it threaded for you ways, and sent down water from the sky, and with it We brought forth various kinds of vegetation.	همان که زمین را برای شما گهواره‌ای کرد و برایتان در آن راهها کشید و از آسمان آبی فرود آورد و با آن انواع مختلف گیاه پدید آوردیم.	الذی جعل لکم الارض مهذا و سلک لکم فیها سیلا و انزل من السماء ماء فاخرجنا به ازواجاً من نبات شتی	۵۳	طه (۲۰)
Is He who created the heavens and the earth, and sends down for you water from the sky, whereby We grow delightful gardens, whose trees you could never cause to grow...? What! Is there a god besides Allah? Indeed, they are a lot who equate [others with Allah].	کیست که آسمان‌ها و زمین را آفرید؟ و از آسمان برای شما آب فرستاد، پس به وسیله آن، باغ‌هایی بهجت انگیز رویانید؛ کار شما نبود که درختانش را برویانید، آیا معبودی با خداست؟ (نه) بلکه آنان قومی منحرفند.	أَمِنْ خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَاتَّبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تُعْمَلُونَ	۶۰	نمل (۲۷)
We send down from the sky salubrious water, with which We grow gardens and the grain which is harvested,	و ما از آسمان رحمت آب باران با برکت را نازل کردیم و باغهای میوه و دانه‌های درو شدنی برویانیدیم.	وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُبَارَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ الْحَصِيدِ	۹	ق (۵۰)
and tall date palms with regularly set spathes,	و نیز نخلهای بلند خرما که میوه آن منظم روی هم چیده شده است برانگیختیم.	وَالنَّخْلَ بَاسِقَاتٍ لَهَا طَلْعٌ نَضِيدٌ	۱۰	ق (۵۰)
And We spread out the earth, and cast in it firm mountains, and We grew in it every kind of balanced thing,	و زمین را هم ما بگستریدیم و در آن کوههای عظیم بر نهادیم و در آن از هر گیاه و هر نبات مناسب و موافق حکمت و عنایت برویانیدیم.	وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ	۱۹	حجر (۱۵)

ایجاد شکاف در پوسته بذر و ظهور گیاهچه پایان می‌یابد. بر همین اساس آن را به سه مرحله: ۱- جذب آب، ۲- فعال شدن و ۳- ظهور گیاهچه تقسیم می‌کنند. هر کدام از این مراحل وقایع متعددی شامل جذب آب توسط پروتئین‌ها، تغییرات ساختار سلولی و زیر سلولی، سنتز ماکرو مولکول‌ها و طویل شدن سلول را شامل می‌شوند (Nonogaki et al., 2010; Han et al., 2015). آب اهمیت ویژه‌ای در شکل‌گیری این

آیات فوق‌الذکر به فرایند شکل‌گیری بذر و لزوم وجود جنس نر و ماده و تولید مثل جنسی در گیاهان برای رخداد این فرایند اشاره می‌کنند. معجزات کلام قرآن در باب این فرایند حیات بخش در همین جا به پایان نمی‌رسد، در قرآن آیات متعددی را می‌توان یافت که به مراحل فرایند جوانه زنی و ملزومات آن اشاره می‌کند. از منظر علم گیاه‌شناسی جوانه زنی شروع نمو فعال جنین که با جذب آب آغاز می‌شود و با



و بذر بیفشاند ناتوانی انسان را در فرایند آفرینش مطرح می‌کند و تاکید می‌دارد که این آفریدگار هستی و تدبیرگر امور جهان است که حیات و رشد و تکامل را پدید آورده است (تفسیر مجمع البیان، جلد ۲۰). در این آیات، تلویحا و به عنوان یک سبب استدلال برای توحید و یکانگی پروردگار به اهمیت آب به عنوان عنصر کلیدی در فرایند جوانه زنی اشاره شده است. آزمایشات فیزیولوژیک نیز روشن کرده‌اند که جوانه زنی بذر به آب عنوان یک فاکتور حیاتی وابسته است و میزان جذب آب برای اندازه گیری نرخ جوانه زنی استفاده می‌شود. پس از اینکه بذر رطوب کافی جذب کرد، وارد مرحله بعدی جوانه زنی یعنی فعال و متورم شدن جنین می‌شود و تولید هورمون‌هایی را که فعالیت آنزیم‌های تخریب کننده نشاسته و پروتئین‌های ذخیره شده در بذر را تحریک می‌کند انرژی لازم برای رشد جنین فراهم می‌شود تا اینکه با رشد جنین پوسته بذر شکافته می‌شود و اولین نشانه‌های قابل مشاهده جوانه زنی ظاهر می‌شود (Maraghi et al., 2010). در قرآن در آیه ۹۵ سوره انعام به شکافتن شدن بذر اشاره شده است. اینکه به طور کلی در این آیه، به سه قسمت از این شگفتی‌ها که در زمین است اشاره شده، نخست می‌گوید: "إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى" خداوند شکافنده دانه و هسته است (جدول ۱). جالب این که دانه و هسته گیاهان غالبا بسیار محکمند، یک نگاه به هسته خرما و میوه‌هایی مانند هلو و دانه‌های محکم بعضی از حبوبات نشان می‌دهد که چگونه آن نطفه حیاتی که در حقیقت نهال و درخت کوچکی است در دژی فوق العاده محکم محاصره شده است، ولی دستگاه آفرینش آنچنان خاصیت تسلیم و نرمش، به این دژ نفوذ ناپذیر، و آنچنان قدرت و نیرو به آن جوانه بسیار لطیف و ظریفی که در درون هسته و دانه پرورش می‌یابد،

فرایند دارد به طوری که نرخ جذب آب و نرخ تنفس به عنوان شاخص‌های برای تعیین مرحله جوانه زنی استفاده می‌شود در قرآن در چندین آیه به اهمیت آب در فرایند جوانه زنی اشاره شد، از جمله این آیات ۵۳ سوره طه و آیه ۶۰ سوره نمل می‌باشد (جدول ۱). در سوره طه در بخشی از سخنان حضرت موسی در برابر فرعون پیرامون مسئله توحید به چهار بخش از نعمتهای بزرگ خدا شامل: ۱- محل سکونت و آرامش، ۲- و به دنبال آن راههای ارتباطی، ۳- سپس آب، و ۴- فرآورده‌های کشاورزی اشاره شده است. اجزاء یاد شده، که اولویتهای زندگی انسان را تشکیل می‌دهد (تفسیر نمونه ج ۳، ص ۱۲۵). براین اساس، به اهمیت آب، برای تولید گیاهان و فرآورده‌های کشاورزی، تاکید می‌شود. در تفسیر المیزان در باب این آیه آمده است که، خداوند از آسمان آب باران را نازل کرد که همه آبهای روی زمین از آن تأمین می‌شود و به وسیله آن آب انواع و اصناف گیاهان نزدیک به هم را رویانید و انسانها را به طریقه بهره برداری و خوردن از آنها راهنمایی نمود تا با تغذیه از آن بدن هایشان استقامت بیابد و عقل هایشان از طریق این نعم به ربوبیت خدای واحد استدلال نماید. در این تفسیر این نکته، که همه انواع گیاهان مختلف از یک آب واحد سیراب می‌شوند را مصداق معجزات قرآن معرفی شده است (تفسیر المیزان ج ۱۴: ص ۲۳۸). در آیات سوره نمل قرآن کریم به ترسیم زنجیره‌های از دلایل روشنگر یکتایی و بی‌همتایی ذات پاک آفریدگار هستی پرداخته و در انتها با مطرح کردن سوالاتی وجدان‌ها را به سوی بیداری هدایت می‌کند. از جمله نکات مطرح شده این است که، خداوند با بیان اهمیت آب در رویاندن گیاهان (وَ أَنْزَلَ لَكُم مِّنَ السَّمَاءِ مَاءً وَ قَاتَبْنَا بِهٖ حَدَائِقَ ذَاتِ بَهْجَةٍ) و اشاره به اینکه نقش انسان تنها این است که نهال را بکارد



و دنیوی است و به منظور رسیدن به این هدف از روش‌های متفاوتی از قبیل برهان، موعظه و اشارات علمی استفاده می‌کند. بنابراین، نباید انتظار داشت که در این کتاب به جزئیات و استدلال‌های مبسوط حسی و تجربی پرداخته شده باشد. ولی، اشارات ارزشمند آن می‌تواند راهنمای بسیارگرانقدری برای استدلال‌های و آزمایشات علمی (حسی - تجربی) باشد. در این پژوهش سعی گردید تا، آیاتی که در آنها به فرایند جوانه زنی از مرحله تشکیل بذر و فعال سازی جنین تا شکافت بذر و خارج شدن گیاهچه اشاره شده است، جمع آوری و تذکر داده شود. اشاره به مفهوم زوجیت گیاهان در قرآن به عنوان یکی از مصادیق معجزات بدیعی علمی قرآن می‌باشد پس از گذشت ۱۲ قرن از نزول قرآن کریم، این مهم توسط مجامع علمی شناخته شد. همچنین آیات دیگری هم که در این مقاله به آنها اشاره شده است هر یک می‌تواند معجزه علمی قرآن در نظر گرفته شوند. هر عقل سلیمی اگر نگاهی به دور از غرض ورزی به این آیات داشته باشد می‌تواند به اعجاز قرآن و رهنمودهای علمی آن اذعان کند. اشارات علمی قرآن بسیار فروان است به طوریکه اغلب علوم را شامل می‌شود بنابراین، دانشمندان مسلمان می‌توانند با نگاهی موشکافانه از این گنجینه ارزشمند برای تعالی علم و خود سازی استفاده کنند.

می‌دهد که بتواند دیواره آن را بشکافد و از میان آن قد برافرازد. به راستی این حادثه در جهان گیاهان، حادثه شگرفی است که قرآن به عنوان یک نشانه توحید انگشت روی آن گذاشته است. سپس می‌گوید: "خُرَجُ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَ مُخْرَجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ" «موجود زنده را از مرده بیرون می‌فرستد، و موجودات مرده را از زنده». و این یک نظام دائمی و عمومی در جهان آفرینش است مسأله حیات و زندگی موجودات زنده از پیچیده‌ترین مسائلی است که هنوز علم و دانش بشر نتوانسته است پرده از روی اسرار آن بردارد و به مخفیگاه آن، گام بگذارد که چگونه عناصر طبیعی و مواد آلی با یک جهش عظیم، تبدیل به یک موجود زنده می‌شوند. در پایان آیه، به عنوان تأکید و تحکیم مطلب می‌فرماید: «این است خدای شما و این است آثار قدرت و علم بی‌پایان او، با این حال چگونه از حق منحرف، و به راه باطل کشانده می‌شوید» (ذَلِكُمْ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ). (برگزیده تفسیر نمونه، ج ۱، ص: ۶۲۵). آیات دیگری که در آنها به فرایند جوانه زنی اشاره شده است می‌توان به آیات ۹ و ۱۰ سوره ق و ۱۹ سوره حجر اشاره کرد (جدول ۱).

نتیجه گیری

با در نظر گرفتن اینکه، قرآن کتاب زندگی و راهنمای بشریت برای رسیدن به سعادت اخروی

منابع

- طباطبایی، سیدمحمد حسین (۱۳۸۲): المیزان فی تفسیر القرآن (تفسیر المیزان)، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی. دفتر انتشاراتاسلامی. قم. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴): تفسیر نمونه. انتشارات دار اکتب الاسلامیه. تهران.



۲. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۰): تفسیر مجمع البیان، ترجمه علی کرمی. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
3. Biswas, P. S., Rashid, M. M., Khatun, H., Yasmeen, R., & Biswas, J. K. (2019). Scope and Progress of Rice research harnessing cold tolerance. In *Advances in Rice Research for Abiotic Stress Tolerance* (pp. 225-264). Woodhead Publishing.
 4. Bucaille, M. (1980). *The Qur'an & Modern Science* (No. 2). Peace Vision.
 5. Ghaznavi, K. Tib-i-Nabvi and modern science. Al Faisal, Lahore, Pakistan. 1987; 1(2): 1-14.
 6. Han, C., & Yang, P. (2015). Studies on the molecular mechanisms of seed germination. *Proteomics*, 15(10), 1671-1679.
 7. Maraghni, M. G. M. N. M., Gorai, M., & Neffati, M. (2010). Seed germination at different temperatures and water stress levels, and seedling emergence from different depths of *Ziziphus lotus*. *South African Journal of Botany*, 76(3), 453-459
 8. Nonogaki, H., Bassel, G. W., & Bewley, J. D. (2010). Germination—still a mystery. *Plant Science*, 179(6), 574-581
 9. Reid, G. M. (2009). Carolus Linnaeus (1707–1778): His life, philosophy and science and its relationship to modern biology and medicine. *Taxon*, 58(1), 18-31.
 10. Sheikh, D. K., & Dixit, A. K. (2015). Plants in the holy quran: a look. *World J Pharm Pharm Sci*, 4(8), 715-38.
 11. Sajid, H., Salma, A., & Muhammad, I. (2019). Medicinal Plants and their Uses; Mentioned In The Holy Quran and Hadith. *RJLBPCS*, 5(2), 848.
 12. Vandana, U. K., Singha, B., Gulzar, A. B. M., & Mazumder, P. B. (2020). Molecular mechanisms in plant growth promoting bacteria (PGPR) to resist environmental stress in plants. In *Molecular Aspects of Plant Beneficial Microbes in Agriculture* (pp. 221-233). Academic Press.

بررسی مزاج گیاهان ذکر شده در قرآن کریم و خواص دارویی آنها

ماندانا بهبهانی

دانشیار دانشکده علوم و فناوری های زیستی، دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول: ma_behbahani@yahoo.com)

چکیده:

در این مقاله سعی شده، تا به ضرورت و اهمیت بررسی و تحقیق بر روی مزاج گیاهان ذکر شده در قرآن و کاربرد آنها در طب سنتی پرداخته شود. قرآن کریم در برخی از آیات از انسان خواسته است، تا معرفت بیشتری نسبت به خداوند متعال و آیات او کسب کند. مطالب ذکر شده در قرآن همواره شفاء و رحمت برای مؤمنین است. یکی از این شگفتیهای جهان آفرینش که در آیات قرآن به آن توجه شده، گیاهان هستند. ۵۴ سوره از قرآن به طرق مختلف از گیاهان نام برده شده است. از گیاهانی که در قرآن از آنها یاد شده خرما، خیار، ریحان، زنجبیل، زیتون، سدر، سیر، انجیر، عدس، کدو، ترنجبین، موز، عدس و پیاز را می توان نام برد. مطابق با طب سنتی، گیاهان دارویی دارای چهار طبع گرم و خشک، گرم و تر، سرد و تر، سرد و خشک هستند که متناسب با این طبع، آثار متفاوتی در هر یک از افراد با مزاج‌های مختلف ایجاد می کنند. خداوند بعضی از گیاهان را بر بعضی دیگر از نظر میوه برتری داده است. گیاهان دارویی با مزاج گرم و تر جایگاه ویژه ای در طب سنتی دارند و برای سوداوی مزاج ها مفید هستند. از میان انواع میوه ها در قرآن روی خرما، انگور، انجیر و زیتون تاکید شده است. این گیاهان دارای طبع گرم و تر می باشد و گزارشات متعددی از کاربرد درمانی همه قسمتهای این گیاهان از جمله برگ، ساقه، میوه آنها وجود دارد. گیاهان خیار، و سیر و عدس و پیاز در آیه ۶۱ سوره بقره در رده پایین تری در قرآن ذکر شده و در طبع این گیاهان عموماً سردی و خشکی غالب می باشد. در پایان می توان گیاهان ذکر شده در قرآن را از لحاظ طبع گیاه و خاصیت دارویی آنها طبقه بندی کرد.

کلمات کلیدی: مزاج، گیاهان، قرآن، دارویی

مقدمه

گونگون برای ایرانیان داشت که یکی از آن حوزه ها طب سنتی است. در این دوره طب سنتی ایران ارتقا پیدا کرد و به طب سنتی اسلامی تبدیل شد. اروپائیان نیز در ارتباط با مسائل پزشکی، دانش خود را از دانش آموختگان مدارس طب در کشورهای اسلامی به دست آوردند. در واقع، طب در اروپا رویکردی ارتقا یافته از طب ایرانی- اسلامی بود. اصل مزاج یکی از محوری ترین مبانی طب سنتی ایران می باشد. بسیاری از تشخیص ها و درمان های حکمای طب سنتی ایران بر اساس وضعیت مزاج سلامت و بیماری افراد استوار بوده است. توجه به مزاج خوراکی ها جزء اصلی ترین توصیه های طبای

مروری بر مزاج گیاهان ذکر شده در قرآن و ارتباط آن با طب سنتی

شروع استفاده وسیع از گیاهان دارویی و کاربرد درمانی آنها در کشورهای شرقی، به زمانی مربوط میشود که شرقی ها به آثار بقراط و جالینوس دسترسی یافتند. محمد زکریای رازی دایره المعارفی در درمانشناسی به نام کتاب "الحاوی فی الطب" را نوشت. بوعلی سینا پیش از هشتصد گونه داروی گیاهی و معدنی را در کتاب قانون، همراه با اثرات آنها بر بدن انسان، شرح داده است (شرفکندی، ۱۳۶۴). ظهور اسلام در ایران برکات بسیاری در حوزه های



خرما دارای خاصیت آنتی‌اکسیدان و ضد سرطانی می‌باشد و فیبر موجود در میوه خرما از بیماریهای کشنده ای مثل بیماریهای قلبی، سرطان، دیابت و... جلوگیری می‌کند (Sabu et al, 2002). عصاره برگ خرما نیز به دلیل دارا بودن عناصری مثل پلی فنلها (فلاونوئیدها، کاتشین)، کاروتنوئیدها و توکوفرولها اهمیت زیادی دارد (AlGhalbana, 2021). نتایج محققان نشان می‌دهد که عصاره برگ خرما دارای فعالیت ضد میکروبی است و علیه باکتری استافیلوکوک اورئوس که منجر به عفونتهای پوستی، اندوکاردیت و آرتریت میگردد، نقش موثری ایفا میکند (Hanen El Abed, 2018). همچنین هسته خرما نیز خواص درمانی فراوانی است که در رفع اسهال -سنگ شکن -کمک به التیام زخمهای چرکی میتوان نام برد (AlaviShirazi, 2012).

ارزش انگور با توجه به قرآن کریم و طب سنتی

در قرآن بیش از ده بار با عناوینی همچون عنب و اعناب به انگور اشاره شده و به تأمل در پدید آمدن و رسیدن آن (انعام/۹۹) و تأمل در کیفیت انگور ها (رعد/۴) دعوت شده است. خداوند در قرآن (نبأ/ ایه ۳۲) انگور را جزء میوه های اهل بهشت دانسته است (فولادوند، ۱۳۷۶). تمام قسمتهای این گیاه نیز مانند خرما دارای خاصیت درمانی می‌باشد. میوه انگور در طب سنتی ایران به عنوان صاف کننده خون و دفع کننده مواد زائد شناخته شده است. بر همین اساس برای مبتلایان به بیماری روماتیسم، نقرس و کسانیکه دچار ناراحتیهای عصبی هستند بسیار مفید است. همچنین گزارشاتی وجود دارد که عصاره هسته انگور بدلیل دارا بودن ترکیبات پلی فنولیک مثل پروآنتوسیانیدین ها قادر به کاهش تخریب اکسیداتیو DNA در

سنتی است. در این مقاله سعی شده، تا به ضرورت و اهمیت بررسی و تحقیق بر روی گیاهان ذکر شده در قرآن با توجه به مزاج آنها پرداخته شود. قرآن کریم در برخی از آیات به ذکر نام برخی از گیاهان پرداخته، که شاید یکی از دلایل اهمیت و ویژگیهای خاص این گیاهان از جهت خواص دارویی یا خوراکی آنها است (صفدر صناعی، ۱۳۷۳). در هر صورت هر کدام از این امور می‌تواند رهنمودی برای ما باشد تا ساده و بی اهمیت از کنار آنها نگذریم. در جدول زیر گیاهان ذکر شده در قرآن و تکرار آنها در آیه های مورد نظر همراه با مزاج آنها را نشان می‌دهد. این جدول نشان دهنده این است که گیاهان دارویی ذکر شده در قرآن دارای چهار طبع گرم و خشک، گرم و تر، سرد و تر، سرد و خشک هستند که متناسب با این طبع، آثار متفاوتی در هر یک از افراد با مزاجهای مختلف ایجاد می‌کنند. از میان انواع میوه ها در قرآن روی خرما ، انگور، انجیر و زیتون تاکید زیاد شده است بطوریکه خداوند در قرآن به انجیر و زیتون سوگند خورده (والتین و الزیتون/ سوره تین/ آیه ۱) است (فولادوند، ۱۳۷۶).

ارزش خرما با توجه به قرآن کریم و طب سنتی

خرما از جمله گیاهانی است که نام آن چندین بار در قرآن آمده است. در قرآن بیش از بیست مورد با عناوینی همچون نخل، نخیل، لینه و رطب، به خرما اشاره شده و از نوشیدنی فراهم شده از آن به عنوان رزق نیکو یاد شده است (نحل/۶۷). با توجه به وجود ریزمغذیه‌های فراوان و متابولیت‌های ثانویه موثر در خرما، در روایات اسلامی و طب سنتی همواره بر مصرف آن در سلامت و بیماری تاکید شده است (فولادوند، ۱۳۷۶). مطالعات نشان میدهد که تمامی قسمتهای درخت خرما دارای اثرات درمانی می‌باشد. میوه



بیماریهای متعددی از جمله بواسیر، نقرس، جذام و صرع مؤثر میباشد (فولادوند، ۱۳۷۶). جوشانده برگ درخت انجیر در پزشکی سنتی ایران به همراه عسل برای رفع گوش درد، دندان درد و میگرن استفاده می شود. در آمریکای جنوبی و مرکزی از انجیر به عنوان ضد میکروب استفاده می شد (Mousa et al, 2021,) (Kunwar, 2006).

نتیجه گیری:

در قرآن کریم توجه ویژه ای به زوایای مختلف زندگی انسان از جمله سلامت و تغذیه شده است. میوه هایی است که در قرآن و احادیث به آنها توجه ویژه ای شده است، در طب سنتی برای درمان بیماریهای مختلف استفاده شده است. میتوان چنین نتیجه گرفت که احتمالاً بشر با الهام از این منابع توانسته است اثرات درمانی این گیاهان را اثبات کند (فولادوند، ۱۳۷۶). در مطالعات انجام گرفته در طب نوین ، خرما ، انگور، انجیر و زیتون دارای ترکیبات مفید و مؤثر فراوانی در همه قسمت‌های گیاه است که می تواند در بهبودی و پیشگیری از بیماریهای مختلف نقش داشته باشد. یافته های علمی محققان در سالهای اخیر مؤید توصیه های قرآن در مورد این چهار گیاه بوده و بیانگر لزوم تفکر و تعمق بیشتر در منابع طب اسلامی و سنتی است.

لازم به ذکر است این گیاهان دارای طبع گرم و تر می باشند و مقالات متعددی در مورد خاصیت ضد سرطانی، آنتی اکسیدانت و ضد میکروبی آنها منتشر شده است (شرفکندی، ۱۳۶۴، صفدر صانعی، ۱۳۷۳). این گیاهان برای افرادی با طبع سرد توصیه می شود و مصرف آنها در تغییر مزاج انسان ها از طبع سرد به طبع گرم نقش به سزایی دارد. طبع سرد در انسان می تواند باعث ایجاد بیماری هایی از جمله سرطان و سودا شود (صفدر

سلولهای مغز میباشد. تخریب اکسیداتیو DNA یکی از مهمترین وقایع در بیماری پارکینسون است (Aghili et al, 2009). پوست انگور نیز دارای ویتامینهای E و C و رزوراترول و کوئرستین است که خاصیت آنتی اکسیدانی داشته و برای پیشگیری از آلزایمر مفید است (lu et al, 2009).

ارزش زیتون با توجه به قرآن کریم و طب

سنتی

زیتون و درخت آن دو بار به تنهایی و پنج بار همراه با دیگر میوه ها همچون خرما، انار، انگور و انجیر در قرآن آمده است. (نحل/ ۱۱ ، نور/ ۳۵). میوه زیتون دارای خواص بسیار زیادی از جمله خواص آنتی اکسیدانی، ضدباکتریایی و ضد التهابی می باشد که در طب سنتی به عنوان داروی کاهنده چربی و قند خون و نیز در پیشگیری از سرطان و بیماریهای قلبی استفاده می شود. برگ زیتون و عصاره آن به عنوان مواد ضد پیری، تحریک کننده سیستم ایمنی بدن و حتی ضد میکروبی بفروش می رسد. این برگ حاوی ترکیبات فنولی، ترپنی، ترکیبات محلول در چربی، کربوهیدرات، پروتئین و مواد معدنی است. برگ زیتون بالاترین فعالیت آنتی اکسیدانی و قدرت گیرندگی رادیکال آزاد در بین بخش های مختلف درخت زیتون دارد (Esmaeili et al, 2006).

ارزش انجیر با توجه به قرآن کریم و طب

سنتی

ایران یکی از مهمترین کشورهای تولیدکننده انجیر در جهان محسوب میشود. انجیر در کتابهای مقدس یهودیان و یونانیان قدیم نامبرده شده . انجیر در قرآن کریم تنها در آیه شماره ۱ سوره مبارکه تین آمده است که در این آیه خداوند به دو میوه انجیر و زیتون سوگند یاد میکند. این میوه در طب سنتی در درمان



طبع این گیاهان عموماً سردی و خشکی غالب می‌باشد. در پایان از بررسی کتب طب سنتی و گیاهان ذکر شده در قرآن می‌توان نتیجه گرفت که مزاج گیاهان ذکر شده در قرآن ارتباط مستقیمی با تعداد تکرار آنها و اهمیت آنها دارد به طوری که مزاج گرم و تر که امروزه در گیاهان مورد توجه دانشمندان می‌باشد به تعداد بیشتری در قرآن ذکر شده و در برخی از آیات در مورد آنها قسم یاد شده است

صانعی، ۱۳۷۳). البته باید توجه داشت که مصرف زیاد از حد این گیاهان خصوصاً در مناطق غیر جنوب نیز می‌تواند مضراتی داشته باشد که اطباء در این خصوص، هشدارهای را ذکر کرده‌اند و افراد با مزاج گرم باید در خوردن آن احتیاط نمایند. خداوند در قرآن کریم از برخی گیاهان از جمله عدس، سبزی و خیار و سیر و پیاز بعنوان گیاهان کم اهمیت نامبرده است (بقره/۶۱). نتایج نشان داده که در

جدول ۱- گیاهان ذکر شده در قرآن همراه با ذکر سوره و ذکر مزاج آنها

نام گیاه	طبع	سوره‌های ذکر شده	تعداد تکرارهای ذکر شده
خیار	سرد و تر	بقره- آیه ۶۱	۱
ریحان	گرم و خشک	الرحمن- آیه ۱۲ واقعه- آیه ۸۹	۲
سدر	گرم و خشک	سبا- آیه ۱۶ واقعه- آیه ۲۸ نجم- آیه ۱۶ و ۱۴	۴
سیر	گرم و خشک	بقره- آیه ۶۱	۱
پیاز	گرم و خشک	بقره- آیه ۶۱	۱
انجیر	گرم و تر	تین- آیه ۱	۱
عدس	سرد و خشک	بقره- آیه ۶۱	۱
کدو	سرد و خشک	صافات- آیه ۱۴۶	۱
موز	گرم و تر	واقعه- آیه ۲۹	۱
ترنجبین	گرم و تر	طه- آیه ۸۰ بقره- آیه ۵۷ اعراف- آیه ۱۶۰	۳
طوبی		رعد- آیه ۲۹	۱
خرما	گرم و تر	حشر- آیه ۵ مریم- آیه ۲۳ و ۲۵ عبس- آیه ۲۹ فاطر- آیه ۱۳ انعام- آیه ۹۹ و ۱۴۱ یس- آیه ۳۴ و ۳۹ نحل- آیه ۱۱ و ۶۷ رعد- آیه ۴ ق- آیه ۱۰ الرحمن- آیه ۶۸ و ۱۱ مومنون- آیه ۱۹ اسرا- آیه ۹۱ کهف- آیه ۳۲ طه- آیه ۷۱	۲۰



	شعرا - آیه ۱۴۸		
۷	مومنون - آیه ۲۰ نحل - آیه ۱۱ نور - آیه ۳۵ تین - آیه ۱ انعام - آیه ۱۴۱ عبس - آیه ۲۹ انعام - آیه ۹۹	گرم و خشک	زیتون
۱	انسان - آیه ۱۷	گرم و خشک	زنجبیل

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. عبدالرحمان شرفکندی، ابوعلی سینا، قانون در طب (کتاب دوم)، ۱۳۶۴، انتشارات سروش
۳. صفدر صانعی، ۱۳۷۳، نسخه شفا: گل و گیاه، انتشارات حافظ نوین
4. AlaviShirazi A, hosseinEbneMohammad Hadi SM. makhzanol adviyeh (tebe jadid). 2 th ed. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 2012. p. 262.
5. Aghili MH. Makhzan-al-Advia. Tehran: Tehran University of Medical Sciences; 2009. 328.
6. Esmaeili M, Delphan B, Tavakkoli A, Tarrahi MJ. Effect of Morus Nigra L., Trigonella foenum - graecum L. Seed and olive leaf extract on plasma level of cholesterol and lipid layers in Rabbit aortic wall. Yafteh Journal (Lorestan University of Medical Sciences) 2003; 16: 3-9.
7. Hanen El Abed, Mouna Chakroun, Zaineb Abdelkafi-Koubaa, Noureddine Drira, Antioxidant, Anti-Inflammatory, and Antitumoral Effects of Aqueous Ethanolic Extract from Phoenix dactylifera L. Parthenocarpic Dates, BioMed Research International, 2018, 25, 1-12
8. Kunwar RM, Bussmann RW. Ficus (Fig) species in Nepal: a review of diversity and indigenous uses. Lyonia. 2006; 11(1): 85-97.
9. Khanavi M, Saghari Z, Mohammadirad A, Abdollahi M, Khademi R, Hadjiakhoondi A. Comparison of antioxidant activity and total phenols of some date varieties. DARU 2009; 17(2): 104-108.
10. Lu J, Zhang K, Chen S, Wen W. Grape seed extract inhibits VEGF expression via reducing HIF-1alpha protein expression. Carcinogenesis 2009; 30(4): 636-644.
11. Mousa AlGhalbana F, AliKhan A, KhanKhattak M. Comparative, Anticancer activities of Ficus carica and Ficus salicifolia latex in MDA-MB-231 cells, Saudi J Biol Sci, 2021, 28 (6): 3225-3234
12. Sabu M C, Kuttan R. Anti-diabetic activity of medicinal plants and its relationship with their antioxidant property. J Ethnopharmacol 2002; 81(2): 155-160.

قرآن و تغذیه سالم

سیداسماعیل هاشمی اندبیلی^۱ اصغر محمدی^۲

۱- دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی (نویسنده مسئول: hashemy1925@gmail.com)
۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

زمینه و هدف: تغذیه همان بهره‌گیری از خوراک و غذاست، از مهمترین مسائل در حیات انسان است و در دین مبین اسلام به عنوان امری مهم در سلامت جسم مورد توجه قرار گرفته است. هدف از این مقاله بهره‌گیری از برخی آموزه‌های اسلامی در زمینه آداب تغذیه سالم می‌باشد. روش بررسی: این مطالعه یک بررسی توصیفی و استنادی می‌باشد که با استفاده از منابعی از جمله قرآن، کتاب‌ها و سایر انتشارات مرتبط صورت گرفته است. یافته‌ها: تغذیه سالم در تکامل روح و جسم انسان مؤثر می‌باشد، از این رو در اسلام مسأله تغذیه مناسب، مورد توجه واقع شده و دستورات ارزشمندی در قرآن و احادیث، پیرامون این موضوع آمده است. نتیجه‌گیری: بهداشت تغذیه در قرآن از جایگاه بالایی برخوردار است؛ چنانکه رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و دیگر حکمای اسلامی (تحت تأثیر آموزه‌های اسلام) در امر بهداشت به طور عام و بهداشت تغذیه به طور خاص؛ توصیه‌های ارزشمندی در این رابطه داشته‌اند.

کلمات کلیدی: قرآن - تغذیه - تغذیه سالم و حلال

مقدمه

می‌شود) است. با این حال در اکثر مکاتب طبی، حتی مکتب طب سنتی ایران که مرهون و متأثر از آرای حکمای متدین مسلمان است، نقش تغذیه در تکامل روحی انسان مغفول مانده و کمتر سخن از اثربخشی و تاثیر و تأثیر روح و غذا به میان آمده است (یوسفی و شیرافکن، ۱۳۹۳). توجه به موضوع غذا و تغذیه را در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (ص) و امامان معصوم (علیهم السلام) فراوان می‌توان یافت؛ به طور کلی این توجهات ناظر بر ترغیب و تحریض انسان به اندیشه در غذای مورد مصرف از جنبه‌های گوناگون مادی و معنوی و آثار مترتب بر آن در همه ابعاد از جمله ابعاد اجتماعی، دنیوی و اخروی، پرهیز از مصرف خبائث و تشویق به بهره‌گیری از طیبات و در هر حال توجه به اصل اعتدال در مصرف و بالاخره صدها رهنمود برای تأمین و ارتقاء سلامت و

تغذیه مهمترین عامل سلامتی می‌باشد که تأثیر به‌سزایی در روند تکامل روح و جسم انسان دارد؛ بنابراین نوع و کیفیت تغذیه بسیار مورد توجه اسلام بوده و احکام و دستورات ارزشمندی در قرآن به آن موضوع پرداخته است (خادمی، ۱۳۸۷). موضوع تغذیه یکی از مقوله‌های راهبردی در تکامل جسمی و روحی انسان به شمار می‌آید. به طور کلی در مکاتب طب کل نگر، غذا به عنوان جزئی از اکوسیستم جهانی در نظر گرفته شده و از تأثیر محیط پیرامونی، گردش افلاک و صور فلکی بر نبات و حیوان (که دو منبع اصلی مواد غذایی انسان را شامل می‌شود) صحبت می‌شود. مثلاً در مکتب هومیوپاتی برای هر غذا، شعور و روحی قابل شده که در تعامل و گفتگو با شعور فیزیولوژیک حاکم بر بدن انسان (که اصطلاحاً از آن به داینامیس یاد کرده



خرما و انجیر انگور، انار، ترنجبین، سدر، گزشاهی، مسواک، زنجبیل، خردل، سیر، پیاز، خیار، کدو و ریحان می باشند (پارمحمدی سامانی، ۱۳۹۱). در مورد تعدادی از میوه های اشاره شده، به ذکر برخی از آیات، پرداخته شده است. زیتون، خرما و انگور: در قرآن آیاتی پیرامون مصرف این میوه ها آمده است: سوره مومنون، آیه ۱۹: "سپس به وسیله آن باغ هایی از درختان نخل و انگور برای شما ایجاد کردیم؛ باغ هایی که در آن میوه های بسیار است؛ و از آن می خورید". سوره مومنون، آیه ۲۰: "و (نیز) درختی را که از طور سینا می روید [= درخت زیتون] و از آن روغن و (نان خورش) برای خورندگان فراهم می گردد". سوره عبس، آیات ۲۹-۳۲: (رویانندیم در آن (زمین) دانه را * و انگور و علوفه را * و زیتون و خرما را * و باغ های پر درخت را * و میوه و چراگاه را * تا از آن بهره مند شوید". سوره نحل، آیه ۱۱: "(خداوند) با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون نخل و انگور و از همه ی میوه ها می رویند؛ مسلماً در این، نشانه ی روشنی برای اندیشمندان است" (شیرازی، ۱۳۸۰).

توصیه و تاکید بر گیاه‌خواری و میوه‌خواری به‌جای گوشت‌خواری:

امروزه غذاهای حیوانی سهم عمده ای از رژیم غذایی افراد را به خود اختصاص می دهد. در حالی که در قرآن پس از توجه دادن انسان به غذا، سخن از گیاهان به میان آمده است و بنا بر آیات، غذای بهشتیان نیز در عین متنوع بودن، عمدتاً از جنس میوه هاست که با عباراتی چون "فاکهه"، "فواکه"، "ثمره" و "ثمرات" به آن ها اشاره شده است. در آیات ۲۰-۲۱ سوره واقعه آمده است: (وَ فَاكِهَةٌ مِّمَّا يَتَخَيَّرُونَ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ) و از هر میوه ای که بر گزینند و از گوشت مرغانی که بخواهند. مقدم داشتن

دفع بیماری ها و نابسامانی های گوناگون است که از دیرباز در قالب کتب و رسائل مستقل یا همراه با مباحث دیگر مورد بررسی و تأکید قرار گرفته است. در طب برجای مانده از حکیمان ایرانی و مسلمان نیز که میراث برجای مانده از تمدن اسلامی است، باب مأكول و مشروب یا خوردنی ها و آشامیدنی ها و آداب تغذیه هم در بحث حفظ الصحة و پیشگیری از بیماری ها و هم در بحث معالجات و درمان بیماری ها و نشانه های آنها از اهمیت ویژه ای برخوردار است (غفاری، ۱۳۹۲). کنترل غذایی و اینکه انسان بداند که چه باید بخورد و چه نباید بخورد و اینکه اگر جایز به خوردن باشد، چه میزان و چگونه باید خورده شود، بی تردید رعایت اینگونه آداب غذایی، موجب پیشگیری از ابتلا شدن به انواع بیماری های جسمی و به دنبال آن آلام روحی می شود. انسانها باید در مسیر تلاش برای کسب شناخت و آگاهی لازم در امر مدیریت تغذیه سالم و رسیدن به تندرستی و زندگی سالم قرار گیرند که هرگونه غفلت از آن موجب هلاکت آنها خواهد بود "و لا تَلْفُوا بِأیدیکم إلی التهلکة" (بقره: ۱۹۵). (ترجمه: خود را به دستان خود به هلاکت نیفکنید) (غفاری، ۱۳۹۲).

روش بررسی

این مطالعه یک بررسی توصیفی و استنادی می باشد که با استفاده از منابعی از جمله قرآن، کتاب ها و سایر انتشارات مرتبط صورت گرفته است. مطالب ابتدا فیش برداری و سپس جمع بندی و در نهایت به صورت موضوعی ارائه گردید.

یافته‌های تحقیق

در حدود ۱۸ میوه و گیاه در قرآن مورد توجه قرار گرفته است. مطالعات انجام شده نشان داده است که این مواد از نظر فیتوشیمیایی متعلق به ۱۵ تیره می باشند. این میوه ها شامل: زیتون،



است ولی مصرف زیاده از حد آن هم بر اعصاب اثر گذاشته و هم موجب کم حافظه شدن و سستی می شود. در نتیجه مصرف گوشت و به خصوص فرآورده های لبنی برای بدن لازم است، البته با رعایت این نکته که میزان استفاده از آن بایستی کمتر از مواد گیاهی باشد (لسانی فشارکی و همکاران، ۱۳۸۹).

اشارات قرآنی در باب خاصیت درمانی میوه‌ها و گیاهان:

الف) خرما و داستان تولد حضرت عیسی (ع):
داستان به دنیا آمدن حضرت عیسی (ع) در آیات ۳۴-۱۹ سوره مریم بیان شده است. در این آیات به حضرت مریم دستور داده می شود که درخت خرما را تکان دهد تا از میوه آن بخورد و خداوند خرما را به عنوان غذای ایشان انتخاب کرد «وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقِطُ عَلَيْكَ رَطْبًا حَنِئًا. فَكَلِيَ وَأَشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا» (خدادادی، ۱۳۸۶). مفسرین از این آیه چنین برداشت کرده اند که خرما برای زنی که وضع حمل کرده است بهترین غذاست. ضمن این که این میوه دارای ارزش غذایی بالایی است (هر ۱۰۰ گرم حدود ۳۵۰ کیلو کالری) به واسطه ی گلوکزی که در آن موجود است می تواند به راحتی جذب بدن شده، نیاز حرارتی آن را تأمین کند. هم چنین این میوه دارای ماده ای شبیه "اکسی توسین" است که موجب می شود با افزایش انقباضات رحم در حین زایمان، عمل وضع حمل را تسرع و تسهیل نموده، زمان و میزان خون ریزی عروق رحمی را کاهش می دهد. از خرما هورمونی استخراج می شود که شبیه کورتیزون انسانی عمل کرده، موجب می شود طفل به دنیا آمده صبور و بردبار باشد. امام صادق (ع) فرمودند: «ما استشففت نفساء بمثل الرطب لأن أطمع مریم رطباً جنياً فی نفاسها». «هیچ چیز مانند خرما برای زنی که تازه وضع حمل کرده شفا بخش

(فاکبه) بر (لحم) اشاره ای است به برتری میوه ها بر گوشت ها، زیرا میوه ها لطیف تر بوده و گوارش و هضم آن ها سریع تر و آسان تر می باشد و برای سلامتی مفید تر می باشند. در قرآن واژه "فاکبه" مجموعاً به صورت مفرد و جمع ۱۴ بار آمده است که از این تعداد ۱۱ بار به عنوان غذای بهشتیان و مقربین و اصحاب یمین ذکر شده در حالیکه "لحم" به عنوان ماده ی غذایی ۸ بار در قرآن آمده، که ۴ مورد آن اشاره به گوشت خوک و تحریم آن دارد (بقره/۱۷۳؛ مائده/۳؛ انعام/۱۴۵؛ نحل/۱۱۵) و از ۴ مورد دیگر ۲ مرتبه به عنوان غذای بهشتی به آن اشاره شده است که در هر دو مورد پس از فاکبه ذکر شده است (نحل/۱۴؛ فاطر/۱۲). و این می تواند اشاره ای به اهمیت بیشتر میوه ها برای بدن باشد. و از برنامه ی غذایی معصومین هم معلوم است که سفره ی آنها هیچگاه خالی از سبزی نبوده است. چنان که علم ثابت کرده، قند فراوان موجود در میوه ها سریع الهضم بوده به آسانی جذب بدن می شوند، در حالی که هضم گوشت به بیشتر از سه ساعت زمان نیاز دارد. در علم میکروب شناسی ثابت شده است که میکروب ها به هیچ وجه نمی توانند آن طوری که در بقایای گوشتی نشوونما می کنند در مواد گیاهی فعالیت داشته باشند. و این بوی زننده که از مدفوع انسان متصاعد می شود، بدلیل گندیدن مواد گوشتی در روده های آنهاست (شیرازی، ۱۳۸۲). البته این مطالب به این معنا نیست که مصرف گوشت برای انسان ممنوع است بلکه وجود غذاهای با منشأ حیوانی نیز در رژیم غذایی انسان ضروری است. زیرا بخشی از مواد مورد نیاز بدن مانند آهن، کلسیم و ویتامین B12 در فرآورده های حیوانی به مقدار بیشتری وجود دارند. گوشت به خاطر داشتن "ازت" فراوان محرک مناسبی برای سلول های بدن مثل سلول های کبدی و قلب

**ج) میوه های نامبرده در قرآن:**

در قرآن کریم به میوه انجیر و زیتون قسم یاد شده است و در آیات متعددی از میوه های انار، انگور و خرما نام برده شده است. این میوه ها علاوه بر جنبه خوراکی از دیدگاه دارویی و اثرات درمانی نیز قابل توجه هستند و همواره در طب سنتی و نوین برای درمان بسیاری از بیماری ها توصیه شده اند.

انجیر:

انجیر میوه ای است که جنبه دارویی فراوانی دارد. در حدیثی از حضرت رضا (ع) آمده است: «انجیر بوی بد دهان را از بین می برد، لثه ها و استخوانها را محکم می کند، مو را می روپاند، درد را بر طرف می سازد و با وجود آن نیاز به دارو نیست.» و نیز فرمود: «انجیر شبیه ترین میوه به میوه های بهشتی است». سقراط پدر علم طب همیشه انجیر را برای بیماران به خصوص بیمارانی که تشنگی و تب داشتند، تجویز می کرد و آن را جذب کننده مواد نافع و دفع کننده مواد مضر می دانست. امروزه نیز کارخانجات بزرگ داروسازی، از مواد موجود در انجیر برای ساخت داروهای لازم جهت درمان و دفع سموم بدن استفاده می کنند (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵).

زیتون:

به گفته ی برخی متخصصین زیتون معجزه گراست و برای درمان بسیاری از بیماریها از جمله درمان نقرس، تصلب شرائین، فشارخون و دردهای عصبی موثر است (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۵). در حدیثی از امیر مومنان چنین آمده است: «خانه ای که در آن از سرکه و روغن زیتون به عنوان نان خورش استفاده ی کنند هر گز از طعام خالی نمی شود و این غذای پیامبران است.» در حدیث دیگری از از حضرت رضا (ع) آمده است: روغن زیتون غذای خوبی است، دهان را خوش بو و بلغم را بر طرف می سازد،

نیست زیرا خداوند در آن موقع به مریم خرما داد.»

ب) گیاه کدو و داستان حضرت یونس(ع):

در سوره صافات آیات ۱۴۷-۱۳۷ داستان حضرت یونس(ع) و افکنده شدن ایشان در دریا و بلعیده شدن توسط ماهی و خروج ایشان از شکم ماهی بیان می شود. در آیات به این موضوع اشاره می گردد که ایشان هنگامی که به ساحل می رسند، بیمار و ناخوش بوده و به همین خاطر خداوند بالای سر وی گیاه کدو را می روپاند. (فَنَبِّدْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ. وَأُنَبِّتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَقْطِينٍ) (صافات/۱۴۵-۱۴۶): (پس او را در حالی که بیمار بود به بیابان- دشت خشک و بی گیاه- بینداختیم. و بر [سر] او کدویی روپانیدیم). در تفسیر نور آمده که این گیاه علاوه بر خاصیت حشره زدایی و سایبان بودن، برای درمان کوفتگی نیز مؤثر است. همچنین گفته شده برگ این گیاه برای کسی که پوست وی آسیب دیده است مفید است. در اختصاص دادن بوته کدو به عنوان پوشش و پرده (محافظ) برای یونس(ع) هنگامی که از شکم ماهی خارج شد، اعجاز و نکته علمی واضح و قابل توجهی وجود دارد و به بعضی بحث های طبیعی اشاره کرده است، مثل اینکه در عصاره این گیاه و میوه آن خواص طبیعی زیادی است که از آن می توان به باز گرداندن رنگ پوست و روپاندن نسوج و تقویت بدن اشاره کرد. و این همان چیزی بود که یونس(ع) به آن احتیاج داشت. زیرا به خاطر ماندن در بدن ماهی و نتابیدن آفتاب پوستش تغییر رنگ داده و بعضی از نسوج بدنش از بین رفته بود. (لسانی فشارکی و همکاران، ۱۳۸۹). پیامبر اکرم (صلی الله علیه) نیز فرموده اند: «کدو را بخورید، اگر خدا گیاهی را سبک تر (سریع الهضم تر) از آن می دانست آن را برای برادرم یونس می روپاند.»



انگور:

انگور یکی از مهمترین میوه های نام برده شده در قرآن است. خداوند آن را میوه اهل بهشت دانسته و بی تردید برای جلب توجه مومنان به اهمیت این میوه نام آن را در ۱۱ سوره قرآن (در آیات ۲۶۶ سوره بقره، ۴ سوره رعد، ۱۱ سوره نمل، ۶۷ سوره نحل، ۱۹ سوره مومنون، ۹۱ سوره اسراء، ۳۲ سوره کهف، ۳۴ سوره یس، ۳۱ و ۳۲ سوره نبا، ۲۸ سوره عبس و ۹۹ سوره انعام ذکر کرده است. این میوه ارزشمند برای بیماری هایی مانند برونشیت مزمن، بیماریهای قلبی، التهاب کلیه و تقرس مفید است. قند انگور به طور مستقیم و آسان وارد خون و در عضلات و کبد ذخیره میشود در حالی که سایر قندها اول باید به قند خون تبدیل و سپس وارد خون شوند. انگور تنها میوه‌ای است که وقتی خشک می شود ارزش غذایی آن بالا میرود و تنها میوه ای است که از نظر ترکیبات می توان آن را با شیر مادر مقایسه کرد. در روایتی از پیامبر آمده است: «بهترین طعام شما نان و بهترین میوه شما انگور است» (تقوی زاد، ۱۳۹۲). با توجه به تحقیقات انجام شده در مورد خواص این میوه ها و با استناد به آیات قرآنی و احادیث ائمه اطهار (ع) که همگی بر استفاده از آنها تاکید دارند، باید گفت که مصرف صحیح و به میزان متعادل این میوه ها می تواند افراد را در مقابل ابتلا به بسیاری از بیماری ها مصون بدارد.

د) عسل و سوره ی نحل:

عسل غذای لذیذی است که از زنبور عسل به دست می آید و قرآن نیز بدان توصیه کرده است: «فیه شفاء للناس»: «خوردن عسل برای مردم شفاء است». پیامبر اسلام (صلی الله و علیه و آله) فرمودند: «لم یستشف المریض بمثل شربة العسل»: «هیچ مریضی، به مانند نوشیدن عسل شفاء پیدا نمی کند». همچنین می فرمایند: «

رنگ صورت را صفا و طراوت می بخشد، اعصاب را تقویت کرده، بیماری و درد و ضعف را از میان می برد و آتش خشم را فرو می نشاند. در حدیثی از پیامبر بزرگ چنین آمده است: روغن زیتون را بخورید و بدن را با آن چرب کنید که از درخت مبارکی است.

انار:

در قرآن مجید نام میوه انار سه بار در آیات ۹۹ و ۱۴۱ از سوره انعام و آیه ۶۸ از سوره الرحمن آمده است. بوعلی سینا پزشک بزرگ ایرانی در کتاب قانون خود در مورد انار آورده است که انار از میوه هایی است که تمام قسمت های آن خواص دارویی دارد، گل انار خون ریزی را بند می آورد و لثه ها را تقویت می کند. پودر انار زخم های کهنه و مزمن را معالجه می کند و پوست درخت انار برای معالجه التهاب کبد، سرفه و زخم مفید است. امام علی (ع) فرموده است که «انار را با پیه آن پوست زرد و ضخیمی که روی دانه های انار قرار دارد، بخورید». آن حضرت همچنین در حدیث دیگری فرموده است: «به کودکان انار بخورانید زیرا قدرت تکلم آنها را سرعت می بخشد». از پیامبر اکرم (ص) نیز نقل شده است که، انار شیرین بخورید چراکه دانه ای از آن نیست که به معده برود و درد و ناراحتی را از بین نبرد (قرقوز و دیاب، ۱۳۹۳).

خرما:

این میوه سرشار از فیبر طبیعی است و روغن، کلسیم، گوگرد، آهن، پتاسیم، فسفر، منگنز، مس و منیزیم به وفور در آن یافت می شود. به علاوه خرما سرشار از ویتامین ها و مواد معدنی مختلف است. خرما به دلیل دارا بودن قند، چربی، پروتئین و انواع ویتامین های ضروری، بخشی از رژیم غذایی سالم و ثابت شده است. در روایتی از علی (ع) آمده است: خرما بخورید که شفای بیماری هاست (قرقوز و دیاب، ۱۳۹۳)



نتیجه‌گیری

پس انسان، این گوهر یگانه با ساختار جسمی پیچیده که هنوز اطباء بزرگ دنیا و دانشمندان از شگفتی آن انگشت به دندان می‌گزند، با پیروی از دستورات کتاب آسمانی و همچنین انبیاء و اولیاء الهی، می‌تواند راه سلامت جسم را یافته تا بتواند روح سالمی نیز داشته باشد. بهداشت تغذیه در قرآن از جایگاه بالایی برخوردار است؛ چنانکه رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین (علیهم السلام) و دیگر حکمای اسلامی (تحت تأثیر آموزه‌های اسلام) در امر بهداشت به طور عام و بهداشت تغذیه به طور خاص؛ توصیه‌های ارزشمندی در این رابطه داشته‌اند. از رهنمودهای بسیار ارزنده‌ی قرآن در امر بهداشت تغذیه، استفاده و بهره‌مندی از روزی‌های حلال و طیب و پرهیز از روزی‌های حرام و خبیث که پایبندی به آن انسان را در مسیر توحیدی قرار می‌دهد. در این راستا ضرورت دارد که انسان‌ها به ساختار کیفی و کمی تغذیه خود توجه کامل نمایند که آن موجب اصلاح روش زندگی از بعد مادی و معنوی می‌شود.

قرآن و عسل هر دو وسیله شفا بخش هستند» و حدیث دیگری از آن رسول (صلی الله و علیه و آله) وجود دارد که می‌فرماید: «کسی که در هر ماه سه بامداد عسل بخورد به قصد شفایی که خداوند متعال در قرآن کریم درباره عسل فرموده است از بیماری‌های زیاد مصون می‌ماند». و جالب آن است که واژه‌ی «شفاء» در قرآن، درباره‌ی خوردنی‌ها به کار نرفته است، مگر برای عسل. و نام یک سوره از قرآن، اختصاص به نحل (زنبور عسل) داده شده است و قرآن درباره‌ی وحی به زنبور عسل می‌فرماید: «وَ أَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ ثُمَّ كُلِي مِن كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سَبِيلَ رَبِّكِ ذَلَّلْنَا بَخْرَجٍ مِّن بَطُونِهَا شَرَابٌ مُّخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ» (سوره نحل، ۶۹-۶۸). «و پروردگار تو به زنبور عسل وحی (الهام‌گریزی) نمود که از کوه‌ها و ثمرات گل‌ها بخورد و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است به راحتی بپیما؛ از درون شکم آنها نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود. که در آن شفا برای مردم است». بسیاری از صاحب‌نظران، مفسران و پزشکان در مورد اهمیت غذایی و دارویی عسل سخن گفته و بر قرآن کریم، آفرین گفته‌اند که آن را «شفا» خوانده است.

منابع

۱. امین شیرازی، احمد (۱۳۸۲)، اسلام پزشک بی دارو، انتشارات قم، موسسه تحقیقات و نشر معارف اهل‌البیت (ع).
۲. تقوی‌زاد، راضیه (۱۳۹۲). شگفتی‌های علمی قرآن در میوه‌های انگور، انار و زیتون، مجله تخصصی قرآن و علم.
۳. خادمی، نرجس (۱۳۸۷)، فرهنگ تغذیه در قرآن و حدیث، بینات سال پانزدهم، شماره ۳، پیاپی ۵۹.
۴. خدادادی، جمشید (۱۳۸۶)، پانزده روز تا سلامتی، دفتر پژوهش و نشر سهروردی، تهران.
۵. رضایی‌اصفهانی، محمد علی (۱۳۸۵)، پرسش‌های قرآنی جوانان، دانش مهر، نشر اسراء، ص ۱۹۴.
۶. شیرازی، مکارم (۱۳۸۰)، ترجمه قرآن کریم، تهران: دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی.
۷. غفاری، فرزانه (۱۳۹۲)، تغذیه‌ی سالم از نگاه قرآن، مجله‌ی علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی زنجان، دوره‌ی ۲۲، شماره‌ی ۹۰.
۸. قرقوز، احمد، دیاب، عبدالحمید (۱۳۹۳)، طب در قرآن (ترجمه کمال روحانی)، نشر آراس، ص ۵۵.
۹. لسانی فشارکی، آل رسول، سوسن، فریدونی، زهره (۱۳۸۹)، نقش گیاهان در تغذیه و سلامت انسان از دیدگاه قرآن، نشریه قرآنی کوثر، شماره ۳۴، ۵-۲.



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و
انگاره‌های علوم زیستی - ۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی قزوین

-
۱۰. یارمحمدی سامانی، پریسا و یارمحمدی سامانی، پرستو (۱۳۹۱)، قرآن و تغذیه سالم، ویژه نامه سومین همایش استانی قرآن و سلامت، ۲۴-۳۰.
 ۱۱. یوسفی، مهدی و شیرافکن، هدی (۱۳۹۳)، اهمیت و جایگاه طعام از منظر قرآن کریم، دانشگاه علوم پزشکی بابل، نشریه اسلام و سلامت، دوره اول، شماره اول، ۲۴-۲۸.

قرآن، غذا و تغذیه

سیداسماعیل هاشمی اندبیلی^۱ و اصغر محمدی^۲

۱- دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی (نویسنده مسئول): hashemy1925@gmail.com
۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان

چکیده

اسلام بعنوان کامل‌ترین دین آسمانی توجهی خاص به تمام جوانب حیات انسان داشته و هر آنچه که جهت رشد مطلوب و رسیدن به شکوفایی استعدادهای جسمی و روحی، ضروری است را مد نظر قرار داده است. در این راستا توجهی خاص به مبحث غذا و تغذیه در قرآن شده است. در این پژوهش به جایگاه و اهمیت تغذیه از منظر آیات قرآنی پرداخته شده است. غذا و تغذیه در آموزه‌های دینی همچون سایر موضوعات، مورد توجه قرار گرفته است. مبداء پیدایش غذا از جانب خداوند است که جهت تندرستی، تداوم حیات و توانمندی در انجام تکالیف به انسان عطا شده است. قریب به ۲۵۰ آیه قرآنی و دهها روایت از معصومین علیهم السلام بر اهمیت غذا و تغذیه دلالت می‌کنند.

کلیدواژه: غذا، تغذیه، قرآن کریم، اسلام

مقدمه

صور فلکی بر نبات و حیوان) که دو منبع اصلی مواد غذایی انسان را شامل میشود (صحبت می‌شود. مثلاً در مکتب هومیوپاتی برای هرغذا، شعور و روحی قابل شده که در تعامل و گفتگو با شعور فیزیولوژیک حاکم بر بدن انسان) که اصطلاحاً از آن به داینامیس یاد کرده می‌شود) است با این حال در اکثر مکاتب طبی، حتی مکتب طب سنتی ایران که مرهون و متأثر از آرای حکمای متدین مسلمان است، نقش تغذیه در تکامل روحی انسان مغفول مانده و کمتر سخن از اثربخشی و تاثیر و تاثیر روح و غذا به میان آمده است (یونسی، ۹۳، ص ۲۵). توجه به موضوع غذا و تغذیه در قرآن کریم و روایات پیامبر اکرم (ص) و امامان مهصوم (علیه السلام) فراوان می‌توان یافت و به طور کلی این توجهات ناظر بر ترغیب و تحریض انسان به اندیشه در غذای مورد مصرف از جنبه‌های گوناگون مادی و معنوی و آثار مترتب بر آن در همه ابعاد از جمله ابعاد اجتماعی، دنیوی و اخروی، پرهیز از مصرف

در منطق اسلام، اگر چه روح و بدن دو موجود مستقل هستند ولی چنان با هم پیوستگی دارند که سلامت و بیماری هر یک در دیگری مؤثر است. بهداشت اسلام، حافظ سلامت روح و بدن و هر دو می‌باشد. هر چیزی که در قرآن بیان شده است، برای جهانبیان هدایت و رحمت است. گنج‌های دانش در قرآن نهفته است. تغذیه مهمترین عامل سلامتی می‌باشد که تأثیر به‌سزایی در روند تکامل روح و جسم انسان دارد؛ بنابراین نوع و کیفیت تغذیه بسیار مورد توجه اسلام بوده و احکام و دستورات ارزشمندی در قرآن به آن موضوع پرداخته است (یار محمدی سامانی، ۱۳۹۱، ۲۴). موضوع تغذیه یکی از مقوله‌های راهبردی در تکامل جسمی و روحی غذا به (holistic) انسان به شمار می‌آید. به طور کلی در مکاتب طب کل نگر عنوان جزئی از اکوسیستم جهانی در نظر گرفته شده و از تاثیر محیط پیرامونی، گردش افلاک و



بنابراین برای اهمیت تغذیه صحیح و خوب می‌توان ادعا کرد که سبک تغذیه، جزء اساسی‌ترین و مهم‌ترین برنامه‌های هدایتی و تربیتی قرآن کریم می‌باشد، زیرا بین سلامتی و سعادت جامعه بشری با شیوه بهره‌وری انسان‌ها از مواهب و نعمت‌های الهی و یا نحوه کم و کیف تغذیه‌ای آنان، ارتباط بسیار تنگاتنگی وجود دارد، خداوند در قرآن کریم در قالب آیه‌های بسیار، مسأله بهداشت تغذیه را به جامعه انسانی متذکر شده است. از جمله استفاده از مواد غذایی حلال و پاکیزه و بهداشتی، پرهیز از مصرف مواد غذایی حرام و غیر پاکیزه، و همچنین پرهیز از افراط و تفریط در مسأله خوردن غذا و رعایت مصرف صحیح و به اندازه مواد غذایی، و مضموم شمردن مصرف ناصحیح و نابجا از مواد غذایی، بیان آثار و پیامدهای ناگوار آن، همچنین رعایت ادب و سپاس و... بیان کرده است (عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۱۷۸).

لذا در این مطالعه، برخی از آیات و روایات نقل شده پیرامون تغذیه بیان شده است خداوند در قرآن هر بار که سخن از میوه و گوشت به عنوان مواد خوراکی انسان سخن به میان می‌آورد، ابتدا از میوه سخن می‌گوید بعد از گوشت. البته بنابر توصیه شرع مقدس اسلام بهتر است، میوه را قبل از غذا تناول کرد و این نکته‌ای است که امروزه علم پزشکی به آن پی برده و آن را توصیه می‌کند. فرمایش پیامبر اکرم (ص) هم در این زمینه که افطار روزه با خرما برای بدن برکت دارد و ثواب زیادی هم برای آن قائل شده‌اند به همین دلیل است. در قرآن مجید در آیات: **(وفاکبهه مما یتخیرون) ولحم طیر مما یشتهون** (واقعه/ ۲۰-۲۱) **(امدناهم بفاکبهه ولحم مما یشتهون)** (نمل/ ۱۴-۱۳) بیانگر همین نکته است.

خبثت و تشویق به بهره‌گیری از طیبات و در هر حال توجه به اصل اعتدال در مصرف و بلاخره صدها رهنمود برای تأمین و اتقاء سلامت و دفع بیماری‌ها و نابسامانی‌های گوناگون است که از دیر باز در قالب کتب و رسائل مستقل یا همراه با مباحث دیگر مورد بررسی و تأکید قرار گرفته است در طب برجای مانده از حکیمان ایران و مسلمان نیز که میراث برجای مانده از تمدن اسلامی است باب مأكول و مشروب یا خوردنی و آشامیدنی‌ها و آداب تغذیه هم در بحث حفظ الصحة و پیشگیری از بیماری‌ها و هم در بحث مطالعات و درمان بیماری‌ها و نشانه‌های آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است (غفاری، ۹۳، ص ۹۸). عقل سالم به انسان حکم می‌کند که با مصرف غذاهای پاک و طیب این ارزش والا را حفظ کند و به اهداف عالی خود که مقام بندگی است برسد، ارزش‌های انسانی را نباید با ضد ارزش‌ها از بین برد. قرآن کریم گاه توصیه‌های مستقیمی در مورد کاربرد درمانی بعضی غذاها دارد، مثلاً در مورد عسل می‌فرماید: **فیه شفاءٌ للناس** (نحل/ ۶۹). به حضرت مریم نیز موقع زایمان توصیه می‌شود از رطب و آب استفاده کند (مریم/ ۲۴-۲۶) و در مورد حضرت یونس پس از خروج از شکم ماهی و رفتن به ساحل دریا، استفاده از کدو تجویز می‌شود (صافات/ ۱۴۴-۱۴۶).

الف. جایگاه تغذیه در قرآن

در قرآن کریم واژه تغذیه و غذا یا مشتقاتی از این دو واژه عیناً نیامده است ولی الفاظ و کلماتی که به نحوی می‌تواند بامسائل تغذیه در ارتباط باشد، همچون **اکل**، **شرب** و **طعام** از ماده **اکل**، **شرب** و **طعم** فراوان به چشم می‌خورد، به طوری که از ماده **«اکل»** که به معنای خوردن است، ۱۰۹ مورد با ۳۰ اشتقاق آمده است. (مرزبند و افصلی، ۹۲، ص ۳۷۲)



ساده را در مدت بسیار کوتاهی که از چند دقیقه تجاوز نمی کند، جذب می نماید و موجب برطرف شدن عوارض گرسنگی و نیاز بدن به مواد قندی می شود. در حالی که اگر کسی معده خود را از انواع مختلف مواد غذایی انباشته کند، حداقل سه ساعت طول می کشد تا مواد قندی موجود در غذا جذب بدن شود. عوارض گرسنگی نزد این افراد مدت بیش تری طول می کشد. مواد قندی علاوه بر سهل الهضم بودن، منبع انرژی مناسبی برای تمام سلول های بدن هستند از جمله سلول هایی که به سرعت از این مواد قندی استفاده می کنند، سلول های دیواره امعاء و پرزهای روده ای که پس از دریافت مواد قندی، آمادگی پیدا می کنند تا وظیفه خود را در جذب سایر مواد غذایی مفید و به نحو احسن انجام دهند(سیف اللهی، ۱۳۷۸: ۴۷-۴۸).

ب) تعریف بهداشت تغذیه در فرهنگ

قرآن

از آنجایی که خداوند انسان را آفریده و بهتر از خود او به تمام ابعاد وجودی و نیاز های واقعی او آشنایی دارد، لذا جهت راهیابی انسان به هدف آفرینش و رسیدن به کمالات الهی و انسانی، عوامل پیش برنده و بازدارنده و در فرآیند سلامت انسان در همه جنبه های وجودی او(از جسم تا عقل، دل و جان) را از طریق ارسال رسل و کتب آسمانی ابلاغ کرده است. بنابراین با ظهور اسلام و نزول قرآن کریم، مسلمانان با عمل به دستورات حیاتبخش آن، به پیشرفت هایی در تمام عرصه ها، خصوصاً علوم پزشکی و بهداشتی دست یافتند تا آنجا که «یکی از پادشاهان اروپا(منطقه باسیتل) هنگامی که بیمار شد برای معالجه نزد دشمنان خود(یعنی مسلمانان) به شهر قرطبه آمد»(رضایی اصفهانی، ۱۳۸۱: ۲۹۷).

استفاده از غذاهای متنوع و گروه های گوناگون غذایی یکی از اصول اساسی تغذیه صحیح است. قرآن اصل تنوع را در آیات متعددی مطرح می کند(بقره آیه ۶۱، عبس آیه ۳۲-۳۷، مومنون آیه ۱۹-۲۹). آیاتی که در ارتباط مواد غذایی با منشأ گیاهی یا حیوانی نازل شده است. در قرآن حدود ۴۹ مورد از مواد غذایی با منشأ گیاهی یا ترکیب مواد قندی یاد شده است و جمعاً حدود ۱۶ بار هم از فرآورده های حیوانی به عنوان مواد گوشتی مورد استفاده انسان نام برده است. ۱۰ بار از چهارپایان گیاه خواری که گوشت آنها برای مصرف، حلال شده، ۲ بار از گوشت ماهی، ۲ بار از گوشت گوساله، یک بار از شیر و یک بار هم از عسل (عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۵).

برخی از آیاتی که در آنها خداوند به رویش گیاهان یا درختان میوه دار به عنوان نعمتی از انعام خود برای انسان اشاره فرموده ۲۶۱ سوره بقره، ۹۹ سوره ی انعام، است. عبارتند از: آیات ۶۱-۲۴ سوره ی یونس، ۱۹ سوره حجر و ... که این مجموعه نیز، می تواند لزوم و ارزشمندی سبزیجات و میوه را در برنامه مناسب غذایی انسان نشان دهد (۱۸). مطالعه در آیات بیانگر این است که قرآن در میان غذاها، غلات را رکن غذایی دانسته (الحدید آیه ۳۳) و سپس میوه را بر گوشت ترجیح داده است. (طور، آیه ۲۲) در میان گوشت ها بر مصرف ماهی تاکید خاص کرده است(مائده، آیه ۹۶) از طرفی دیگر شیر و لبنیات را یکی از الطاف خداوند به انسان دانسته است. (مومنون، آیه ۹۶۵)

خوردن میوه قبل از وعده ای غذا دربرگیرنده فواید بهداشتی بسیاری است. میوه دارای مواد قندی ساده و سهل الهضمی است که به سرعت جذب بدن می شود. زیرا امعاء این مواد قندی



مختلف رشد و سلامت و بیماری، تأمین کند. (ایلدراآبادی، ۱۳۸۴، ص ۴۷۵).

به طور کلی شاید بتوان با یک برآورد ساده آیاتی را که در ارتباط با مسائل تغذیه در قرآن وجود دارد به چند دسته مختلف تقسیم کرد که هر کدام بیانگر نوعی از سبک تغذیه صحیح در جامعه اسلامی مورد قبول است و برای هر کدام مؤید حدیثی از پیامبر اکرم و ائمه معصومین آورده ایم که عبارتند از:

۱- آیاتی هستند که در آن‌ها خداوند مفاهیم حلال و یا انواع طیبات را برای انسان متذکر شده است که پاک و حلال بودن غذا اثرات عجیبی در روح و جسم آدمی دارد، با استفاده از این غذاها انسان تحولی عظیم پیدا می‌کند و به خود و خدای خود پی می‌برد و فردی مفید برای خود و دیگران می‌گردد و می‌تواند سرنوشت خود و دیگران را عوض کند و مردم را به سوی الله هدایت کند. (خدادادی، ۱۳۸۵، ص ۱۴۱)، از جمله این آیات:

(یا ایها الناس کلو مما فی الارض حلالا طیبا و لا تتبعوا خطوات الشیطان انه لکم عدو مبین) (بقره / ۱۶۸-۱۶۹)

(و یحل لهم طیبات و یحرم علیهم الخبائث) (اعراف / ۱۵۷)

(و کلو مما رزقکم الله حلالا طیبا) (مائده / ۸۸)

(یا ایها الرسل کلو من الطیبات و اعلموا صالحا) (مؤمنون / ۵۱)

در روایات آمده رسول خدا(ص) می‌فرماید: «هر کس غذای حلال بخورد فرشته‌ای بالای سرش بایستد و برایش آمرزش بخواهد تا از خوردن فارغ شود» (الراوندی، ۱۴۰۷ق: ۲۵). در حدیث معراج آمده است: «ای احمد! اگر خوردن و آشامیدن

بنابراین چنین به نظر می‌رسد بهداشت غذایی از دیدگاه قرآن به معنی دریافت و خوردن از مواد غذایی است که دارای ویژگی‌های زیر باشد:

۱- غذای طیب، یعنی مواد خوراکی پاک و پاکیزه ای که انسان از خوردن آن لذت می‌برد (راغب اصفهانی، ج ۲، ۱۳۸۹: ۵۰۶). خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: **(یا ایها الذین آمنوا کلو من طیبات ما رزقناکم)** (بقره / ۱۷۲)

۲- ممنوعیت غذاهای غیر طیب و خبیث؛ خبائث به چیزهایی گفته می‌شود که از امور پست و فاسد و متعفن باشند به طوری که عقل انسان آن را نمی‌پذیرد و طبع انسان آن را نمی‌پسندد. قرآن کریم آورده: **(یحل لهم الطیبات و یحرم علیهم الخبائث)** (اعراف / ۱۵۷). دستورات بهداشت غذایی در قرآن کریم دقیقاً برآمده از فطریات آدمی است چراکه خداوند متعال «دین اسلام را بر اساس فطرت انسان‌ها بنا نهاده» (روم / ۳۰). لذا هر فطرت سلیمی غذای پاکیزه را می‌پذیرد و از غذاهای پست و متعفن بیزاری می‌جوید (کامرانی، ۱۳۹۱ ص ۴۰).

پ) تعریف بهداشت تغذیه از منظر علم علم بهداشت دارای شاخه‌های متعددی است، مانند بهداشت فردی، عمومی، روانی که یکی از رشته‌های آن، علم بهداشت تغذیه است.

بهداشت تغذیه عبارت از دستیابی و بکاربردن تمام اصول و قوانینی که سبب پاکیزگی، حفظ و سلامت مواد خوراکی در مراحل مختلف از تهیه، نقل و انتقال، نگهداری تا مصرف آن می‌گردد که از طریق این علم می‌توان سطح سلامت جامعه را بالا برد. به عبارتی غذای تهیه شده از نظر ظاهری باید از هرگونه عوامل آلوده و بیماری زا به دور بوده و از نظر کیفی و عناصر مغذی و انرژی زا نیز غنی باشد به طوری که بتواند نیازهای بدن را به احتیاجات غذایی در شرایط



تفصیل آنکه در قرآن حدود ۴۹ مورد از مواد غذایی با منشأ گیاهی یا ترکیب مواد قندی برتر، یاد شده است و جمعاً حدود ۱۶ بار هم از فرآورده‌های حیوانی به عنوان مواد گوشتی مورد استفاده انسان نام برده شده است (۱۰ بار از چهارپایان گیاهخواری که گوشت آن‌ها برای مصرف حلال شده، ۲ بار از گوشت ماهی، ۲ بار از گوشت گوساله، یک بار از شیر و یک مورد هم از عسل) در حالی که از سومین نوع ماده غذایی یعنی چربی‌ها فقط در آیه ۲۰ سوره مؤمنون به عنوان «دهن» یاد شده که آن هم مربوط به روغن زیتون است و چون منشأ غالب چربی‌ها حیوانی شیر حیوانات حلال گوشت آن‌ها می‌باشد لذا می‌توان گفت جمعاً ذکر دو مورد از مواد چربی مستقل (یک بار با منشأ گیاهی و یک بار با منشأ حیوانی) و ده مورد گوشت و چربی در کنار ۴۹ مورد مواد نشاسته‌ای یا هیدرو کربنه و ۱۶ مورد مواد پروتئینی را شاید نسبت مناسبی از یک برنامه غذایی سالم و بهداشتی دانست. برخی از آیاتی که در آن‌ها خداوند به رویش و وجود گیاهان یا درختان میوه دار به عنوان نعمتی از انعام خود به انسان اشاره فرموده است، عبارت‌اند از بقره/ ۹۹، انعام/ ۲۴، یونس/ ۱۹، حجر/ ۱۱، طه/ ۵، یس/ ۱۷، نوح/ ۱۵، شعراء/ ۶۰ و... که این مجموعه نیز می‌تواند لزوم ارزشمندی سبزیجات و میوه‌ها را در برنامه مناسب غذایی انسان نشان دهد (عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۴).

۳- بالأخره آیاتی که در آن‌ها تکیه و تأکید بر اعتدال در مصرف و پرهیز از اسراف شده و خداوند از طریق امر پیشگیری نسبت به پیامدها و مخاطرات بسیار افراط و تفریط در هر کاری از جمله مسأله تغذیه انسان را راهنمایی فرموده است. چون در فرهنگ قرآن هر کاری که از نظر کمی یا کیفی از حد و مرز خود خارج شده

پاک باشد در حفظ و حمایت من هستی
«(الدیلمی، ۱۴۱۲ق: ۲۰۳).

۱- آیاتی که مفاهیم حرام و خبیث یا انواع خبائث و نحوه حرمت غذاهای منع شده را برای انسان متذکر شده است تا به وسیله این رهنمودها و از طریق «بهداشت اولیه» سلامت جسمی و روانی وی را تأمین و حفظ کند (عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۳) مانند آیات:

﴿و یحل لهم طیبات و یحرم علیهم الخبائث﴾
(اعراف / ۱۵۷)

﴿انما حرم علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیرو.. لغير الله﴾ (بقره/ ۱۷۳)

و آیه سوم سوره مائده که در این آیه خداوند پلیدها را مفصل تر بیان می‌کند:

﴿حرمت علیکم المیتة و الدم و لحم الخنزیر و ما اهل لغير الله به و المنخنقة و الموقوذة﴾
(مائده/ ۳)

امام علی (ع) فرموده اند: «بئس الطعام الحرام»: «حرام، بد غذایی است» (آمدی، ۱۳۸۷، حدیث ۴۳۷۹: ۳۵۴).

۲- آیاتی که در ارتباط مواد غذایی با منشأ گیاهی یا حیوانی نازل شده است و در آن‌ها به نحو تلویحی نسبت معنی دار این دو دسته آیات را که بیش از ۱/۳ می‌شود به انسان نموده است، نسبتی که می‌تواند ارزشمندی یا ضرورت توصیه به مصرف غذاهای گیاهی را به میزان سه برابر بیش از غذاهای با منشأ حیوانی مشخص کند و این حقیقت همان است که امروزه از نظر علمی نیز روشن شده است و مزیت الگوی رژیم‌های تغذیه با برتری مواد گیاهی نسبت به غذاهایی با منشأ حیوانی را از نظر جنبه‌های مختلف بهداشتی نشان داده است. (اکران، ۱۳۹۶، ش ۳۲)



زیرا دل‌ها مانند زراعت اند که آب بسیار آن‌ها را نابود می‌کند (همان، ۱۴۹).

ث) تغذیه سالم و معنویت

سلامت معنوی اصطلاحی است که در دانش جدید پزشکی درباره زمانی سال ۱۹۷۹ میلادی توسط بهداشت جهانی به عنوان رکن چهارم سلامت مطرح و در معاهده کنهناک برای توسعه اجتماعی مورد توافق دولت‌های اروپایی قرار گرفت (فرهنگستان پزشکی، ۸۹، ص ۱۱). در تبیین معنویت و سلامت معنوی دیدگاه‌های مختلف وجود دارد. در آموزه وحیانی معنویت، یعنی نسبت یافتن با خداوند در اندیشه و رفتار است (مرزبند، ۹۱، ص ۷۰).

سلامت معنوی به برخورداری از حس پذیرش، احساسات مثبت، اخلاق و حس ارتباط متقابل مثبت با یک قدرت حاکم و برتر قدسی، دیگران و خود اطلاق می‌شود که در یک فرآیند پویا، هماهنگ، شناختی، عاطفی، کنشی و پیامدی شخصی حاصل می‌شود. (مرزبند، ۹۲، ص ۳۷۴) برخورداری از سلامت معنوی و یا به تعبیر قرآن قلب سلیم تنها سرمایه نجات انسان در روز قیامت شمرده می‌شود. (شعرا، آیه ۸۸-۸۹)

ج) بررسی کمی و کیفی خوردنی‌ها

تفکر و تأمل در کیفیت غذاها و نیز کمیّت آنها از نگاه قرآن بسیار اهمیت دارد؛ انسان باید به آنچه که می‌خورد، توجه نماید: «فلینظر الإنسان إلى طعامه. أنا صببنا الماء صباً. ثمّ صققنا الأرض شقاً. فأنبتنا فيها حباً و عنباً و قصباً. و زيتوناً و نخلاً. و حدائق غلباً و فاكههً و آباءً و متاعاً لكم و لأنعامكم». (عبس: ۳۲-۲۴)

ترجمه: پس باید نسان به خوراک خویش بنگرد، ما آب را به فراوانی فرو ریخته ایم. سپس زمین را به نیکی برشکافته ایم و در آن دانه‌ها رویانده ایم و بوستان‌های انبوه و میوه و علف برای

و حالت افراط یا تفریط پیدا کند و یا در راه غیر اطاعت خدا صورت گیرد اسراف است، یکی از دو آیه‌ای که با «انه لا یحبُ المسرفین» (انعام/ ۱۴۱ و اعراف/ ۳۱) پایان یافته مربوط به زیاده روی و افراط در امر تغذیه است که خداوند همه ابنای بشر را نسبت به آن امر و نهی کرده است. چون اساساً قرآن اسراف را در همه شئون زندگی نوعی تجاوز یا خروج از حد اعتدال شمرده و مردود کرده است از آن جمله آیات در این زمینه آیات سوره یونس / ۲۷، سوره اعراف/ ۸۳ و .. (عباس نژاد و همکاران، ۱۳۸۵: ۵۵).

ت) میانه روی در تغذیه

میانه روی در هر عملی، پسندیده است، اما میانه روی در خوردن و نوشیدن خداوند در آیه ۱۲ سوره محمد ابتدا انسان را به خوردن و نوشیدن فرا می‌خواند و در پایان، او را از پرخوری و اسراف بر حذر می‌دارد. میانه روی در زندگی رسول خدا و اصحابش به معنی واقعی کلمه موج می‌زد، یعنی عملکرد و سلوک غذایی ایشان فقط در عدم زیاده روی در خوردن غذا منحصر نمی‌شد، بلکه از کم خوری نیز تحذیر می‌کردند و افراد را از روزه‌های پی در پی و بدون افطار بازمی‌داشتند، میانه روی در خوردن و نوشیدن چیزی است که تمام افراد روی زمین چون پیامبران، دانشمندان و پزشکان بر آن اجماع نظر دارند، برای مثال لقمان حکیم اینگونه فرزندش را نصیحت می‌کند: «وإذا کنت فی الطعام فاحفظ معدتک»: «اگر به غذا پرداختی معده ات را حفظ کن» (دیباب، ۱۳۸۹: ۱۹۴).

رسول خدا می‌فرماید: «خود را از غذا سیر نکنید، زیرا نور معرفت در دل هایتان خاموش می‌شود» (الطبرسی، ۱۴۱۲ق: ۱۵۰)؛ نیز فرمود: «دل هایتان را با پرخوری و پرنوشی نمیرانید،



علیه السلام و دیگر حکمای اسلامی (تحت تاثیر آموزه های دینی) در امر بهداشت و تغذیه توضیه های ارزشمندی در رابطه داشته اند که با توجه به جایگاه تغذیه در قرآن نتایج نشان داد ؛ در ارشادات تغذیه ای قرآنی، سلامت جسمی، از طریق استفاده از غذای طیب، تنوع غذایی، تعادل در مصرف دنبال می شود و با دعوت به غذای حلال و پرهیز از غذای حرام بعد معنویت در سلامت تغذیه را جستجو می کند. از این رو، تغذیه در قرآن به همه ابعاد سلامت از قبیل سلامت جسمی، روانی، معنوی واجتماعی توجه دارد

برخورداری شما و چهارپایانتان چنانکه مشهود است در آیات فوق خداوند از انسان می خواهد که به نوع طعام خود و مسیر تهیه آن بنگرد، اینکه خداوند به واسطه آب ، حبوبات و دانه ها و نیز انواع میوه ها را برای انسان ها و برای چهار پایانشان به عنوان متاع رویانده است و بدین طریق خداوند با ذکر مراحل و نوع طعام بشر از او دعوت می کند که به کیفیت و چگونگی تهیه و مواد تشکیل دهنده غذایی توجه نماید. (غفاری، ۹۳، ص ۱۰۴)

نتیجه گیری

بهداشت تغذیه در قرآن از جایگاه بالای برخوردار است . چنانکه رسول اکرم (ص) و ائمه معصومین

۱. منابع
۲. آمدی، عبدالواحد. ۱۳۸۷، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه محمدعلی انصاری، چ ششم، قم: مؤسسه انتشاراتی امام عصر.
۳. ایلدرآبادی، اسحاق. ۱۳۸۴، درسنامه پرستاری بهداشت جامعه، چ دوم، تهران: نشر جامعه نگر.
۴. الدلمی، حسن بن علی بن محمد. ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب الی الصواب، چ دوم، قم: شریف رضی.
۵. خدادادی، جمشید. ۱۳۸۵، پانزده روز تا سلامتی(باز خوانی آیات مربوط به تغذیه انسان در قرآن کریم)، چ اول، تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی.
۶. دیاب، عبدالحمید و قرقوز، احمد. ۱۳۸۹، طب در قرآن، ترجمه کمال روحانی، چ اول، سندج: انتشارات آراس.
۷. راغب اصفهانی. ۱۳۸۹، مفردات الفاظ قرآن کریم، ترجمه حسین خداپرست، چ دوم، قم: انتشارات نوید اسلام.
۸. رضایی اصفهانی، محمدعلی. ۱۳۸۱، پژوهشی در اعجاز علمی قرآن، رشت: نشر کتاب مبین.
۹. سیف اللهی، وجه الله. ۱۳۷۸، شگفتی های قرآن، رشت: جهاد دانشگاهی.
۱۰. عباس نژاد، محسن و همکاران. ۱۳۸۵، قرآن و طب، چ اول، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش های قرآنی حوزه و دانشگاه.
۱۱. قرآن کریم
۱۲. فرهنگستان پزشکی ، پرس و جو در سلامت معنوی ، تهران ، ۱۳۸۹: ص ، ۱۱ [به فارسی]
۱۳. کامرانی، منیره السادات. ۱۳۹۱، آثار تربیتی تغذیه در قرآن و سنت، چ اول، بابل: نشر مبعث- گل های بهشت.
۱۴. اکران، طیبه / گلی، مهرناز ، مطالعات قرآنی ، زمستان ۱۳۹۶ شماره ۳۲ .
۱۵. غفاری فرزانه، مجله علمی پژوهشی تغذیه سالم از نگاه قرآن، اردیبهشت ۱۳۹۳، شماره ۹۰
۱۶. مرزبند، رحمت اله، افضلی، محمد علی مجله طب سنتی اسلام و ایران زمستان ۱۳۹۲، سال چهارم شماره ۴
۱۷. مرزبند رحمت اله، زکوی علی اصغر شاخص های سلامت معنوی ، مجله اخلاق پزشکی؛ ۶، ۱۳۹۱، (۲۰): ۷۰-۹۹. [به فارسی]
۱۸. یارمحمدی سامانی پریسا ، یارمحمدی سامانی پرستو ، قرآن و تغذیه سالم، ۱۳۹۱، ش (۹۰) ۳۰-۲۴
۱۹. یوسفی مهدی، شیرافکن هدی، نشریه اسلام و سلامت ، اهمیت و جایگاه طعام از منظر قرآن، دوره اول، شماره اول، بهار ۱۳۹۳

ارائه راهکارهایی معنوی از منظر قرآن کریم جهت توسعه پایدار در کشاورزی

رضا نوروز ولاشدی^۱، میترا روشن‌روز طوسی^۲

استادیار هوشناسی کشاورزی، گروه مهندسی آب دانشکده مهندسی زراعی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری، ایران
(نویسنده مسئول: r.norooz@sanru.ac.ir)
دانش آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم، قم.

چکیده

امروزه امنیت غذایی، یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های هر موجود زنده در دنیا است. بقا و حیات بشر وابسته به این موضوع مهم است. بر همین اساس گفته شده که سعادت و خوشبختی در تأمین نان و امان است که از آن به آسایش و آرامش تعبیر می‌شود. زیرا نان اشاره به اقتصاد و آسایش و جنبه مادی بشر و امان ناظر به جنبه آرامشی روان است. هر چند که در دنیا به طور کامل و جامع و ابدی، چنین آسایشی و آرامشی فراهم نخواهد شد؛ اما اگر انسان مسیر درستی را ببیماید، در همین دنیا به سطح قابل قبولی از آرامش و آسایش می‌رسد، به طوری که امنیت نان و امان وی تأمین می‌شود و هیچ مشکلی برای بقای تن و روان وی ایجاد نمی‌شود. هدف از ارائه این مقاله بیان راهکارهایی قرآنی جهت تأمین اقتصاد کشاورزی و حفاظت و صیانت از آن است. همچنین نامگذاری پنجمین سوره قرآن به نام مائده (سفره غذایی) از صفات خداوند، رزاق و معطم بودن، سوگند خداوند به غذا (والتین والذیتون)، درخواست مائده آسمانی توسط حضرت عیسی علیه السلام و درخواست غذا توسط حضرت موسی علیه السلام هر کدام مهر تاییدی بر اهمیت غذا و تغذیه و ریشه‌ی آن یعنی کشت و زرع و کشاورزی است. همچنین خداوند بر دو چیز اهمیت داده است: «غذا» و «امنیت». لذا با جستار در آیات و کلام وحی می‌توان لزوم اهمیت کشاورزی و توسعه پایدار و نقش مدیریتی انسان بعنوان یک واسطه برای حفظ و رونق کشاورزی را مشاهده نمود. برای مثال عامل مدیریت جهادی انسان به‌عنوان خلیفه الهی در زمین را می‌توان در آیات ۴۶ تا ۴۹ و ۵۵ و ۶۵ و ۸۸ سوره یوسف مشاهده نمود. لذا تلاش و جهاد در بخش کشاورزی از منظر قرآن یک مسئله‌ی مدیریتی است که در امر رونق و توسعه کشاورزی بایستی مورد توجه قرار گیرد.

کلیدواژه‌ها: قرآن، کشاورزی، امنیت غذایی، اقلیم، محیط‌زیست، توسعه پایدار.

مقدمه

خوف در امنیت نگه داشت (قریش، آیه ۴). این آیه اشاره است به منت واضحی که در ایلاف دو رحلت وجود دارد، و نعمت ظاهری که نمی‌توانند آن را انکار کنند، و آن تأمین معاش قریش و امنیت آنان است که در سرزمینی زندگی می‌کردند که نه نشان تأمین بوده و نه جانشان، و نه سرزمین خرمی بود که دیگران به آنجا آیند، و نه جان دیگران در آنجا تأمین می‌شد پس باید ربی را بپرستند که این‌چنین به بهترین وجه امورشان را تدبیر نمود، و او همان رب بیت است.

یکی از مهم‌ترین راه‌های تأمین اقتصاد و نان، کشاورزی در کنار دامداری و صید جانوران دریایی است. آنچه بااهمیت‌تر از همه است، تأمین امنیت غذایی است که ضامن بقای تن انسان است؛ از این رو در آیات قرآن از اطعام برای رهایی از گرسنگی به‌عنوان مهم‌ترین جنبه مادی سعادت در کنار تأمین امنیت جانی برای تأمین سعادت روانی سخن به میان آمده است و خدا می‌فرماید: **الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَأَمَّنَّهُمْ مِنْ خَوْفٍ؛** خدایی که از گرسنگی غذایشان داد و از



دسترسی به غذای کافی و مطلوب و سلامت تغذیه‌ای از محورهای اصلی توسعه و سلامت جامعه است؛ بنابراین در بین اولویت‌های اهداف توسعه‌ی هر کشور دستیابی به امنیت غذایی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. علاوه بر این تولید کافی غذای سالم و ایمن برای دستیابی به نیازهای همه‌ی ساکنین جهان و درعین حال توجه به پایداری اکولوژیکی در حال تبدیل شدن به چالش در حال رشد در دهه‌های پیش‌رو خواهد بود (دهیوری و فرج‌الله حسینی، ۱۳۸۸). آنچه مسلم است، این که ممانعت از به کارگیری این فناوری و مخالفت با تولید تراریخته می‌تواند جامعه را به منظور رفع چالش امنیت غذایی، ناچار به واردات مواد غذایی نماید. نظر به اینکه در جهان امروز، غذا سلاحی برای سلطه بر ملت‌ها به شمار می‌رود، این امر به نوبه خویش، راهی برای تسلط کفار بر جامعه مسلمین به شمار خواهد رفت، در حالی که چنین تالی فاسدی به واسطه قاعده نفی سبیل محکوم گردیده است. در نتیجه می‌توان گفت، ممانعت از تولید تراریخته به‌عنوان مقدمه‌ای برای سلطه کفار بر جامعه مسلمین بر مبنای قاعده نفی سبیل از باب مقدمه حرام، حرام می‌باشد. از سوی دیگر، همان گونه که زمینه‌سازی برای سلطه و تفوق کفار بر مسلمین حرام می‌باشد، قطعاً مقابله با چنین استیلائی و ممانعت از آن، وظیفه هر فرد مسلمان است (خمینی، ۱۳۸۲).

کشاورزی مهم‌ترین شغل در تمدن‌های کهن بوده است (سپهری، ۱۳۹۶). با ظهور اسلام، کشاورزی توسط مسلمانان توسعه بیشتری یافت، اهمیت کشاورزی نزد مسلمانان ناشی از دو عامل تعالیم دینی و مذهبی و شناخت نقش کشاورزی به‌عنوان یک عامل اقتصادی در تأمین مواد غذایی بود. بر این اساس، مسلمانان در مطالعه علوم کشاورزی و منابع طبیعی توانستند

در تفسیر قمی آمده چون قریش معاششان از دو رحلت تابستانی و زمستانی به یمن و شام تأمین می‌شد، از مکه پوست و محصولات دریایی و کالاهایی که در ساحل دریا پیاده می‌شده از قبیل فلغل و امثال آن را بار می‌کردند و به شام می‌بردند، و در شام جامه و آرد خالص و حبوبات (غلط مشهور است، و صحیح آن حبوب است که در روایت آمده)، خریداری می‌کردند، و همین مسافرت باعث می‌شد وحدت و الفتی در بینشان برقرار گردد، هر وقت به یکی از این دو سفر دست می‌زدند یکی از بزرگان قریش را رئیس خود می‌کردند، وزندگی‌شان از این راه تأمین می‌شد. بعد از آنکه خدای تعالی رسول گرامی‌اش را مبعوث فرمود: مردم قریش بی‌نیاز از سفر شدند، چون از اطراف حجاز مردم رو به آن جناب نهاده، هم آن حضرت را زیارت می‌کردند، و هم خانه خدا را، و لذا در این سوره فرمود: "فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ" پس رب این خانه را بپرستند، که ایشان را از گرسنگی نجات داد، و دیگر احتیاج ندارند به شام بروند، "وَأَمْنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ" یعنی راهزنان به پاس حرمت کعبه کاری به کار آنان ندارند.

در ارتباط با بحث حاضر، با توجه به وضعیت بحرانی منابع آب، مراتع و جنگل‌ها، تغییرات آب و هوایی و شوره‌زار شدن زمین‌ها یقیناً در آینده‌ای نه‌چندان دور، جامعه با چالشی تحت عنوان تأمین امنیت غذایی روبه‌رو خواهد بود. لذا به‌منظور برون‌رفت از این چالش، با توجه به منابع اندک و شرایط نامساعد آب و هوایی موجود، جامعه نیازمند استفاده از تمامی ابزارها از جمله فناوری پیشرفته علم ژنتیک در جهت افزایش کمی و کیفی گیاهان زراعی است تا با اجرای آن، قابلیت تولید در شرایط اقلیمی دشوار را فراهم آورد (رهنما و همکاران، ۱۳۸۸).



به غذا داشته و از تأمین آن در آینده نیز مطمئن باشند و از آن بدون اسراف مصرف کنند، می‌باشد. نظام اقتصاد اسلامی نیز بر همین مبنا یعنی تولید مدبرانه، توزیع عادلانه و مصرف بدون اسراف بنا نهاده شده است. لذا استخراج و تبیین برخی راهکارهای اصلی و معنوی که در دنیای امروز بعنوان گمشده بشر شناخته شده است جز اهداف اصلی این مقاله است.

اهمیت کشاورزی و استخراج راهکارها از کنکاش در قرآن

از نظر قرآن، کشاورزی نیز به‌عنوان یک بخش از زندگی مهم بشر نیز می‌تواند ابزاری برای کيفر یا ابتلاء باشد؛ البته این مصیبت‌ها همواره در قالب ترسالی یا خشکسالی و سیل و امور طبیعی به کشاورزی وارد نمی‌شود، بلکه گاه به شکل دزدی و یا آفات گیاهی یا هجوم ملخ یا جانوری نمایان می‌شود؛ به‌عنوان نمونه قرآن در سوره انبیا آیه ۷۸ می‌فرماید: و داود و سلیمان را یاد کن هنگامی که درباره آن کشتزار که گوسفندان مردم شب‌هنگام در آن چریده(و آن را تباہ کرده) بودند، داوری می‌کردند و ما شاهد داوری آنان بوده‌ایم.

خداوند در سوره آل عمران آیه ۱۴ می‌فرماید هر آن چیزی که زینت زندگی دنیوی است می‌تواند به‌عنوان یک ابزار آزمونی و کيفری قرار گیرد که از جمله آنها زن و فرزند و مال و کشت است.

خداوند در آیات قرآن، به کشاورزی و دامداری اهمیت بسیاری داده است؛ زیرا از طریق این روش‌ها است که امنیت غذایی برای بقای انسان فراهم می‌آید. البته از نظر قرآن، آنچه که انسان انجام می‌دهد، کشت و کار است نه کشاورزی؛ زیرا او تنها کاری که انجام می‌دهد، شخم‌زنی و دانه‌پاشی و خاک‌پاشی و به تعبیر قرآنی «حرث» است؛ نه آنکه «بذر» را «ورز» دهد و در مقام «زارع» باشد. خدا بصراحت بیان می‌کند: أفرأیتم

هزاران گیاه مؤثر در سلامت انسان، کشف و هزاران کتاب ارزشمند تألیف کنند که در پیشرفت و تکامل جامعه انسانی بسیار مؤثر می‌باشد (سپهری، ۱۳۸۷). به‌طوری که دانشمندان مسلمان (ابوریحان بیرونی، ابن سینا، رشیدالدین الصوری، عبدالله بن احمد بن البیطار و ...) در آشنایی اروپاییان با درختان و گیاهان مختلف بالاخص گیاهان دارویی نقش به‌سزایی داشتند. به‌عنوان مثال رازی دانشمند ایرانی ۶۳۰ گیاه دارویی را در کتاب الحاوی معرفی کرد (سپهری، ۱۳۹۶). هم‌چنین در توسعه کشاورزی، ایرانیان با اختراع ابزار و اسباب کار (خیش و داس) و تهیه آب و ساخت قنات و انبار آذوقه نقش به‌سزایی داشتند (سپهری، ۱۳۹۶). هدف اصلی این مقاله ارائه راهکارهایی معنوی مستخرج از آیات کلام وحی الهی است که در نهایت به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود. لزوم توجه به این منبع زندگانی تا آنجاست که خداوند متعال در سوره‌ی الرحمن (آیات ۱۰ الی ۱۲) می‌فرماید: «وَاللَّأَرْضِ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ (۱۰) فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ (۱۱) وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ (۱۲)؛ و زمین را برای مردم گسترده کرد، زمینی که در آن میوه‌ها و نخل دارای غلاف هست، و دانه‌های دارای سبوس و گیاهان معطر است.» (قرآن کریم). لذا، زمین و عبارت دیگر خاک، برای آسایش و انتفاع بشر و دیگر مخلوقات آفریده شده است. زندگی سالم و پایدار بدون کشاورزی پایدار، بدون آب و خاک سالم امکان‌پذیر نمی‌باشد زیرا، آب و خاک سالم، امنیت غذایی را تأمین می‌کند. رزاقی (۱۳۸۸) امنیت غذایی را از دیدگاه قرآن این‌گونه بیان می‌کند که امنیت غذایی، تولید آگاهانه و مدبرانه انواع غذاهای طیب و حلال در جامعه اسلامی بدون وابستگی به غیرمسلمانان و توزیع عادلانه آن به‌طوری که تمام افراد جامعه، دسترسی دائم



می‌توان به‌گونه‌ای عمل کرد که آسیب کمتری به انسان وارد شود و حتی در ابتلا و آزمون سربلند شد یا کیفی را دفع و رفع کرد و حتی به جلب نعمت رسید. این امر در همه ابعاد زندگی از جمله در بخش کشاورزی امکان‌پذیر است. پس برای صیانت و حفاظت از نعمت کشاورزی و بهره‌مندی از محصولات آن و نیز دفع آفات و بلاها می‌توان از اموری سود برد که در آیات قرآن بیان شده است.

در دوره‌های پیش از اسلام، در بسیاری از مناطق شبه جزیره عربستان به علت بدی آب و هوا، ناآگاهی مردم از دانش کشاورزی، ناآگاهی نسبت به شیوه‌های جمع‌آوری آب‌های سطحی و استخراج آب‌های زیرزمینی و نیز نبود قوانین صحیح برای تضمین امنیت محصولات کشاورزی، کشت و زرع رونق چندانی نداشت. با طلوع خورشید اسلام و تابش شعاع مهرگستر آن پیشوایان دینی همواره بر اهمیت دینی تأکید کرده و افزون بر آن با تعابیر رسا و زیبا ارزش و منزلت کشاورزی را بیان کرده‌اند و خود در حالی که عرق از بدن‌های مبارکشان سرازیر بود، کشاورزی می‌کردند.

علاوه بر این احکامی که در دین اسلام برای کشاورزی بیان شده است توجه خاص اسلام را به این مسئله آشکار می‌سازد. مهم‌ترین وظیفه‌ای که اسلام برای کشاورزان بیان نموده، پرداخت صدقه است. در قرآن کریم آمده است: «وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرِّمَانَ مُتَشَابِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ؛ و اوست که باغ‌هایی داربست زده و بدون داربست، و درخت خرما و زراعت یا حاصل گوناگون و زیتون و انار شبیه به هم و غیرشبهه به هم را بیافزید، از میوه و محصول آن‌ها هنگامی

مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكُهُونَ؛ آیا آنچه را کشت می‌کنید ملاحظه کرده‌اید؛ آیا شما آن را کشاورزی می‌کنید یا ماییم که زراعت می‌کنیم؟ اگر بخواهیم قطعاً خاشاکش می‌گردانیم. پس در افسوس و تعجب می‌افتید. (واقعه، آیات ۶۳ تا ۶۵)

واژه «حرث» به معنای شخم زدن و کشت کردن است؛ اما واژه «زرع» به معنای پرورش گیاه و تبدیل دانه و بذرهایی چون گندم و جو یا شاهی و تره و جعفری به گیاه است. از نظر قرآن، کاری که انسان انجام می‌دهد، همان «حرث» است نه «زرع»؛ زیرا تصرفات تکوینی در چیزی از مقام «ربوبیت» الهی است که مقام پروردگاری است و انسان‌های عادی که تصرفات تکوینی ندارند، نمی‌توانند تصرفات تکوینی در چیزی، داشته باشند که مربوط به حوزه ربوبیت است. از همین رو خدا انسان را کشتکار (حارث) می‌داند، نه زارع (کشاورز). راهکارهای حفاظت از کشاورزی

انسان‌ها در دنیا همواره گرفتار اقسام مصیبت‌ها (بقره، آیه ۱۵۶)، آزمایش‌ها (عنکبوت، آیات ۲ و ۳) و بلاها هستند، که بخشی از آنها به شکل کیفر و مجازات گناهان است. به سخن دیگر، انسان با دو نوع مصیبت مواجه است، مصیبت‌هایی که ابتلا و آزمون الهی است؛ و مصیبت‌هایی که انسان به سبب گناهان و به‌عنوان کیفر و مجازات با آنها مواجه می‌شود. هر دو نوع از مصیبت‌ها می‌تواند نعمتی را از انسان سلب و به نعمت تبدیل کند. بنابراین ممکن است که نعمت آسایش و آرامش از انسان سلب شود و انسان‌ها مثلاً با بحران‌هایی مانند سیل و زلزله و جنگ یا خشکسالی و ترسالی و مانند آنها مواجه شوند.

پس احتمال اینکه کشاورزی انسان به سبب کیفر یا ابتلاء الهی آسیب ببیند وجود دارد، با این همه



تکثیر نسل و تولیدمثل و ... را در انسان مرتفع می‌سازد. رشد جمعیت در جهان نیاز به فرآورده‌های کشاورزی را افزایش داده است. افزایش نیاز به محصولات زراعی که بر اثر عواملی مانند زیاد شدن جمعیت، توسعه شهرنشینی، رشد درآمد و تغییر الگوی مصرف غذایی، لزوم افزایش بهره‌وری از زمین‌های زراعی و منابع در دسترس کشاورزان را ضروری می‌کند، بنابراین مدیران بخش‌های کشاورزی باید برای تولید بهینه محصولات کشاورزی به روش‌های گوناگون همت کنند و با برنامه‌ریزی، سهم مهمی در تنظیم عرضه و تقاضا و استفاده بهینه از منابع و عوامل تولید داشته باشند.

از نظر قرآن این راهکارها را می‌توان به دو دسته اصلی **مادی و معنوی** تقسیم کرد. راهکارهای مادی برای افزایش یا صیانت از کشاورزی شامل اموری چون شخم مناسب، آبیاری (بقره، آیه ۷۱)، سدسازی، بهبود و اصلاح خاک، صیانت از بذر و بهره‌گیری از نظرات کارشناسی و مانند آنها اشاره کرد که در آیات قرآن از جمله آیات ۴۷ تا ۵۵ سوره یوسف و آیات سوره سباء بیان شده است.

اما راهکارهایی که جز اهداف این مقاله است، ناظر به راهکارهای معنوی مستخرج از آیات کلام وحی الهی است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

۱- **ایمان به خدا:** یکی از مهم‌ترین عوامل صیانت از کشاورزی و بهره‌مندی بیشتر ایمان به خدا است؛ چنانکه خدا می‌فرماید: و اگر مردم شهرها ایمان آورده و به تقوا گراییده بودند، قطعاً برکاتی از آسمان و زمین برایشان می‌گشودیم ولی تکذیب کردند. پس به کیفر دستاوردها گریبان آنان را گرفتیم. (مائده، آیه ۹۶) از این آیه به دست می‌آید که یکی از علل خشکسالی یا ترسالی شدید که موجب از میان رفتن برکت

که به ثمر نشست بخورید و حق (خدایی) آن را در روز درو کردن (و چیدن حاصل) آن‌ها بدهید، و اسراف نکنید، که همانا خدا اسراف کنندگان را دوست ندارد» (انعام/ آیه ۱۴۱). علاوه بر پرداخت زکات که صدقه واجب است، دادن صدقات مستحبی نیز برکت محصول را در پی دارد و دعای خیر فقیران و نیازمندان را در پی دارد که بیمه‌کننده‌ی محصولات کشاورزی از گزند آفات است (خاکسار و خاکسار، ۱۳۹۶).

علاوه بر مراحل رشد و اهمیت پرورش گیاهان و کشاورزی، در قرآن کریم به دفعات مکرر اهمیت گیاهان در درمان و التیام دردها اشاره گردیده است. قرآن یکی از مهم‌ترین کتاب‌های مرجع در جوامع اسلامی است که در سوره‌های مختلف با اشاره نمودن به گیاهان دارویی و خصوصیات آن‌ها که در بعضی موارد هنوز هم در پزشکی مدرن بی‌پاسخ مانده است، اهمیت و نقش آن‌ها را یادآور می‌شود که در برخی از موارد در پزشکی و طب سنتی مدارک با ارزشی قابل دسترسی است (اطمینانی و اطمینانی، ۱۳۹۶).

یکی از منابع اصلی تغذیه انسان، کشاورزی است. کشاورزی به هر نوع فعالیت که به تولید مواد غذایی و کالا از راه‌های زراعت، باغداری، دامداری، جنگلداری و پرورش آبزیان منجر شود اطلاق می‌گردد (موحدی‌راد، ۱۳۹۴). کشاورزی موجب ظهور تمدن شد. توسعه کشاورزی به معنای مدرنیزه کردن بخش کشاورزی و رسیدن به رشد کشاورزی است که دو وظیفه اصلی، یکی تهیه و تولید غذای ارزان قیمت و دیگری تأمین نیروی انسانی برای اشتغال در صنایع نوپای شهری را بر عهده دارد (شاهی جاجان و تیموری کوهسار، ۱۳۹۴). بنابراین غذا نیازهایی از جمله رشد، طول عمر، تندرستی، آرامش اعصاب و روان، خلق و خوی و رفتار، توانمندی و قدرت،

از جمله کشاورزی می‌شود، بی‌ایمانی و تکذیب مردم نسبت به خدا و آموزه‌های وحیانی است. در حقیقت کفرگرایی و کفرگویی مردم موجب می‌شود تا خداوند آنها را این‌گونه کیفر دهد. لذا، اگر مردم بخواهند از برکات کشاورزی بهره‌مند شوند می‌بایست اهل ایمان به خدا و آموزه‌های وحیانی آن باشند. (همان) ممکن است گفته شود که پس چرا کافران و غربی‌ها از نظر بهره‌مندی از برکات از جمله کشاورزی وضعیت بهتری از مسلمانان و امت اسلام دارند؛ در پاسخ باید گفت که اولاً مسلمانان به آنچه می‌دانند و می‌گویند عمل نمی‌کنند که گناهی بزرگ است و مجازات آن را در دنیا متحمل می‌شوند (صف، آیات ۲ و ۳)؛ از سوی دیگر، کافران نیز با انواع مصیبت‌ها از جمله در کشاورزی مواجه هستند (توبه، آیه ۶۹؛ روم، آیات ۴۱ و ۴۲)؛ سوم اینکه خدا برای کارهای نیک آنان پاداشی قرار داده که در همین دنیا از آن بهره‌مند می‌شوند؛ اما در آخرت بهره‌ای نخواهند داشت. (زخرف، آیات ۳۲ تا ۳۵؛ بقره، آیه ۲۰۰)

۲- تقوای الهی: چنانکه از آیه ۹۶ سوره مائده به دست می‌آید مردم علاوه بر ایمان باید به تقوای الهی گرایش داشته باشند و بر خلاف آموزه‌های وحیانی عمل نکنند؛ یعنی همان طوری که به تصدیق علمی می‌پردازند و تکذیب نمی‌کنند، می‌بایست در حوزه عملکرد نیز به تصدیق عملی پرداخته و بر خلاف آموزه‌های وحیانی عمل نکنند؛ زیرا بسیاری از مشکلات در حوزه‌های گوناگون زندگی از جمله کشاورزی به سبب همین بی‌تقوایی و انجام کارهای زشت و گناه است. از همین رو در همین آیه علت از دست رفتن برکات به خاطر دستاوردها و خلافکارهای امت بیان شده است. خدا در جایی دیگر نیز می‌فرماید که اگر فساد در زمین و دریا و محیط زیست انسانی از جمله کشاورزی

ایجاد شده است، به سبب بی‌تقوایی و عملکردهای غلط انسان‌هاست که به‌عنوان کیفر، مبتلا به آن شده‌اند؛ خدا می‌فرماید: به سبب آنچه دست‌های مردم فراهم آورده فساد در خشکی و دریا نمودار شده است تا سزای بعضی از آنچه را که کرده‌اند به آنان بچشاند، باشد که بازگردند. (روم، آیه ۴۱) پس اگر در کشاورزی آفات رواج یافته یا سیلی آن را بر می‌دارد می‌برد یا یخبندانی آن را نابود می‌کند یا باد سوزانی می‌سوزاند، همه آنها بخشی از کیفر الهی است که نصیب خلق از این طریق می‌شود. اما اگر انسان تقوای الهی را پیشه کند، به‌طور طبیعی مورد عنایت قرار می‌گیرد و راهکارهایی برای برونرفت از مشکلات و همچنین رزق و روزی بی‌حساب نصیب او می‌شود و مثلاً کشاورزی وی بهبود می‌یابد و محصولاتی می‌دهد که اصلاً گمان نمی‌کرد در آن حد و اندازه از نظر کمی و کیفی این زمین این مقدار محصول خوب بدهد. خدا می‌فرماید: وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ؛ هر کسی تقوای خدا پیشه کند خدا برایش راه برونرفت قرار می‌دهد و از جایی که گمان نمی‌کند روزی می‌دهد. (طلاق، آیات ۲ و ۳)

۳- استغفار: گفتن «استغفرالله ربی و اتوب الیه» با اعتقاد می‌تواند نه تنها بلای آمده را رفع کند بلکه دفع بلا کرده و اجازه ندهد سیل و زلزله و ملخ و آفات دیگر از باد سرد و گرم زمین و کشت او را نابود کند و حتی موجب می‌شود تا باد مخالف به باد موافق تبدیل شود و او را بهره‌مندتر از پیش کند. از این رو گفته شده که استغفار دفع و رفع بلا کرده و جلب منفعت می‌کند.

۴- صدقه دادن و پرداخت حقوق مالی الهی: هرگونه انفاقات به‌ویژه صدقه باعث حفظ و صیانت کشاورزی از آفات و عاملی جهت جذب



از جایی که گمان نمی‌برند، ضربه بخورند(مانده، آیات ۹۶ تا ۱۰۰) پس کسانی که می‌خواهند خدا را دور بزنند و مکرری کنند که حقوق دیگران از سهم و قسط آنان داده نشود، خودشان از آن نعمت محروم می‌شوند؛ در حالی که اگر صدقه می‌دادند مال ایشان حفظ می‌شد بلکه برکت می‌یافت.

۵- ماشاءالله گفتن: انسان هرکاری را که می‌خواهد انجام دهد افزون بر بسم‌الله‌الرحمن‌الرحیم باید با ان‌شاءالله گفتن آن را تضمین کند، یعنی من کارم را انجام می‌دهم اگر مشیت الهی بخواهد به نتیجه می‌رسد. همچنین وقتی انسان نعمتی را دید یا خدا به او داد، با گفتن «ماشاءالله» آن را از تأثیر چشم زخم دور می‌سازد. پس همواره باید فعل خود را به مشیت الهی گره زد؛ زیرا این نشان‌دهنده اعتقاد به مالکیت خدا بر هستی از جمله فعل خودش است. در سوره کهف در داستان دو نفر باغدار که یکی باغش تخریب می‌شود، آمده است که آن دیگری به او گفت: وَ لَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ؛ چرا وقتی وارد باغ و بوستان خودت شدی «ماشاءالله» نگفتی. پس گفتن ماشاءالله موجب دفع خطر از کشاورزی و صیانت از آن می‌شود.

۶- دعا: دعا در کنار دیگر اعمال عبادی نقش تعیین‌کننده‌ای در صیانت از محصولات کشاورزی و مانند آن دارد که در جای خود بیان شده است. انسان با دعا به توحید فعل نزدیک شده و از اینکه کسی را در این امور شریک قرار دهد رها می‌شود.

۷- خواندن آیاتی خاص: به نظر می‌رسد که خواندن برخی از آیات قرآن از جمله آیات ۶۳ تا ۶۵ سوره واقعه در دفع بلا و رفع آن نقش اساسی دارد و می‌توان ضامن محصولات کشاورزی باشد؛ زیرا این آیات به توحید فعل اشاره دارد و شخص

نعمت و افزایش آن است. از نظر قرآن، در هر مالی حقی برای سائلان و محرومان قرار داده شده است. (معارج، آیات ۲۴ و ۲۵؛ ذاریات، آیه ۱۹) پس در محصولات کشاورزی نیز حقی است که باید پرداخت شود؛ عدم پرداخت آن به معنای ظلم به این دو دسته است و از مصادیق خوردن سهم دیگران است؛ پس کسی که بخواهد از بلا و آفات در کشاورزی در امان بماند می‌بایست از همان مال کشاورزی خویش صدقه بدهد و حقوق مالی سائل و محروم را پرداخت کند. خدا در قرآن به صراحت بیان می‌کند که چگونه حتی نیت عدم پرداخت صدقه از سوی برخی از اهل اسلام و ایمان موجب شد تا خداوند محصولات باغی آنان را با بادی گرم یا سرد از میان ببرد و آن را نابود سازد. در قرآن آمده است: ما آنان را همان گونه که باغداران را آزمودیم، مورد آزمایش قرار دادیم؛ آنگاه که سوگند خوردند که صبح برخیزند و میوه آن باغ را حتماً بچینند؛ ولی محروم و سائل را استثناء نکردند یا ما شاءالله نگفتند. پس در حالی که آنان خوابیده بودند، بلایی از جانب پروردگارت بر آن باغ به گردش در آمد و باغ آفت‌زده و چیده شده گردید و محصولات باغ از میان رفت؛ پس باغداران بامدادان یکدیگر را صدا زدند که اگر میوه می‌چینید بامدادان به سوی کشت خویش روید، پس به راه افتادند و آهسته به هم می‌گفتند که امروز نباید در باغ بینوایی بر شما در آید و صبحگاهان در حالی که خود را بر منع بینوایان توانا می‌دیدند، رفتند؛ و چون آن باغ ویرانه را دیدند گفتند: قطعاً ما راه گم کرده‌ایم و این باغ ما نیست؛ بعد دقت کردند و متوجه شدند که از محصول باغ محروم شده‌اند. (قلم، آیات ۱۷ تا ۲۷) خدا در قرآن به این دسته افراد که به نوعی گرفتار بی‌تقوایی هستند، هشدار می‌دهد که از تدبیر خدا در امان نباشند، چرا که ممکن است



کند. اگر خداوند زراعت را پدید می‌آورد و گیاهان را می‌رویاند، ولی نمی‌بایست نقش واسطه‌ای انسان را نادیده گرفت. بر انسان است که با پاشیدن بذر در زمین و مدیریت آن، اجازه دهد تا کشت در راستای نیازهای غذایی مردم انجام گیرد. از این رو به نقش انسان در آیه ۴۷ سوره یوسف اشاره شده است؛ هر چند که انسان نمی‌بایست از نقش واسطه‌ای خود فراتر رود و گمان برد که او زارع واقعی است و گیاه را می‌رویاند؛ بلکه او تنها در نقش واسطه عمل می‌کند. (واقعه، آیات ۶۳ و ۶۴ و نیز روم، آیه ۹). در همین رابطه یعنی عامل مدیریتی و انسانی می‌توان به آیات ۴۶ تا ۴۹ و ۵۵ و ۶۵ و ۸۸ سوره یوسف اشاره کرد که به مسئله مدیریت در امر رونق و توسعه کشاورزی توجه می‌دهد و نمونه‌ای از مدیریت موفق حضرت یوسف (ع) را گزارش می‌کند.

را به این نکته توجه می‌دهد که همواره زراعت را از خدا بخواهد: أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ أَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ. این گونه است که دانه پرورش می‌یابد و همان طوری بی‌جان و مرده در زمین رها نمی‌شود و هیچ آفتی آن را نابود نمی‌کند مگر آنکه مشیت الهی به ابتلای شخص باشد که جزو اموری است که هیچ امری آن را دفع نمی‌کند.

نتیجه‌گیری

نقش انسانی و مدیریتی عامل مهمی در مسئله رونق کشاورزی است، نقش انسانی در کشت و زرع افزون بر نقش خداوند و طبیعت است. به این معنا که توسعه کشاورزی هرگز با گوشه‌گیری انسان تحقق نخواهد یافت. حتی اگر باران و آب به اندازه کافی وجود داشته باشد، می‌بایست انسان به‌عنوان خلیفه خداوندی در این حوزه وارد شده و نقش خود را به درستی ایفا

منابع

۱. قرآن کریم
۲. اطمینانی، فائقه و اطمینانی، ادیبه (۱۳۹۶): «مطالعه‌ی گیاهان دارویی در قرآن مقدس»، دومین کنفرانس بین‌المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت، موجود در سایت <https://civilica.com/doc/659703>
۳. خاکسار، کاوه و خاکسار، کیوان (۱۳۹۶): «کشاورزی در قرآن»، تهران: انتشارات پادینا، ۷۴ صفحه.
۴. ده‌یوری، سحر و فرج‌الله حسینی، جمال (۱۳۸۸): «بررسی تأثیر تولید و پذیرش محصولات نانوفناوری بر کشاورزی پایدار از دیدگاه محققان کشاورزی»، پژوهش‌های ترویج و آموزش کشاورزی، سال ۲، شماره ۳، صص ۱۴-۱.
۵. رزاقی، علی (۱۳۸۸): «منیت غذایی از دیدگاه قرآن کریم»، فصلنامه اخلاق پزشکی، سال ۳، شماره ۹، صص ۱۷۱-۱۹۰.
۶. رهنما، حسن و همکاران، ۱۳۸۸، مقدمه‌ای بر اخلاق زیستی، تهران: انتشارات پژوهشگاه ابن‌سینا.
۷. سپهری، بدالله (۱۳۹۶): «جستاری بر توسعه و رشد علوم کشاورزی در تمدن اسلامی: گیاهشناسی و گیاهان دارویی»، نشریه پژوهش‌های تولید گیاهی (دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان)، جلد ۲۴، شماره ۲، صص ۱۳۹-۱۴۵.
۸. شاهی‌جاجان، مقصود و تیموری کوهسار، زهرا (۱۳۹۴): «بررسی اهمیت توسعه کشاورزی از منظر قرآن کریم»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صص ۱۰۵-۱۱۴.
۹. محمدی‌ری‌شهری، محمد (۱۳۹۳): «دانشنامه احادیث پزشکی»، ترجمه: حسین صابری، بیروت: انتشارات دارالحدیث، ۶۷۲ صفحه.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۱): «تفسیر نمونه»، قم: دارالکتب الاسلامیه. جلد ۴، چاپ ۴۳.
۱۱. موحدی‌راد، زهرا (۱۳۹۴): «جایگاه ویژه کشاورزی در کلام الهی و احادیث»، اولین همایش ملی رهیافت‌های علوم کشاورزی در پرتو قرآن، اسفند ۱۳۹۴، دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان، صص ۴۹۴-۵۰۷.
۱۲. موسوی خمینی، سیدروح‌الله، ۱۳۸۲، تحریرالوسیله، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. نهج‌البلاغه (۱۳۹۷): «نهج‌البلاغه، خطبه ۱۶۷»، ترجمه محمد دشتی، تهران: انتشارات پیام عدالت، صص ۳۲۰.

بررسی واژگان غریب قرآن درباره کوه، دریا، ابر و باران

اعظم فرجامی^۱ و مرضیه اکبری^۲

استادیار گروه الهیات، دانشگاه رازی (نویسنده مسئول): azamfarjami@yahoo.com
کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث، دانشگاه رازی

چکیده

پژوهش حاضر درباره تفسیر لغوی قرآن، از رویکردهای جدید در پژوهش‌های تفسیری و مطالعات قرآنی است. در این پژوهش بر آنیم که برخی واژگان مرتبط با مفاهیم و مظاهر طبیعت مانند کوه، دریا، ابر و باران را در قرآن بررسی کنیم. برای این بررسی ابتدا کاربرد لغوی این واژگان را در کتابهای لغت و اکاوی می‌کنیم و اشتقاق معنایی واژگان، معانی اصلی و سپس معانی فرعی آن‌ها را بر اساس نظر لغویون بیان می‌کنیم. پس از آن برای کاربرد قرآنی، سراغ دیدگاه‌های غریب القرآن‌نویسان و مفسران درباره این واژه‌ها می‌رویم. در مرحله سوم به مقایسه دو کاربرد لغوی و قرآنی هر واژه می‌پردازیم تا مشخص شود کدام معنای واژه که لغویان به آنها اشاره کردند در قرآن کاربرد دارد و آیا معنای اصلی واژه هم در قرآن به کار رفته است. «صدف» و «طور» واژگانی هستند که به مفهوم کوه پرداختند. طور واژه‌ای معرب از زبان سریانی است که به کوه خاصی حضرت موسی در آن الواح تورات را دریافت کرد، اطلاق می‌شود و گاه در زبان سریانی به هر کوهی، به صورت عام گفته شده است. «یم» به معنای دریا نیز معرب از زبان سریانی است که در قرآن به معنای رود نیل در داستان حضرت موسی (ع) به کار رفته است. «خلال» به معنای ابر یا شکاف میان ابر به سبب عدول از معنای رایج، در قرآن غریب دانسته شده است. «ودق» به معنای باران در قرآن تنها دو بار به کار رفته است؛ از این رو به سبب قلت استعمال واژه غریب القرآن محسوب می‌شود.

کلید واژه‌ها: غریب القرآن؛ تفسیر لغوی؛ صدف، یم، طور، خلال، ودق.

مقدمه

قبیله انتخاب کرده و بدین‌گونه یک نوع وحدت لغت در میان عرب ایجاد کرده است (معرفت، ۱۳۷۸: ۳۳۰). درباره مفهوم کوه، دریا، ابر و باران واژگان متعددی در قرآن به کار رفته‌اند که همگی از الفاظ اصیل عربی هستند و فراوان در زبان عربی و قرآن کاربرد دارند. با اینهمه برای چهار مفهوم کوه، دریا، ابر و باران واژگانی غریب در قرآن به کار رفته است که موضوع این پژوهش هستند. درباره انجام این پژوهش درباره مفاهیم مرتبط با طبیعت، روش کار به این صورت است که ابتدا به کتاب لغت مراجعه می‌کنیم. برای تک تک واژگان، معنا و کاربرد لغوی آن نزد لغویان عرب در کتاب‌های لغت کهن مانند العین، الجیم، جمهره اللغه و... به دست می‌آید که عصاره

قرآن کریم دارای واژگانی از جمله واژه‌های معرب، غریب، چندمعنایی و... است. مقصود از لغات غریب، الفاظ و کلمات است که قرآن آنها را مورد استفاده قرار داده و در عین آشنا بودن ظاهر لفظ، معانی آنها برای بیشتر مردم تازگی داشته است. علل غرابت برخی مفاهیم قرآنی متعدد است اما یکی از آنها اختلاف لهجه‌های زبان است؛ زیرا قرآن از لغات تمامی قبایل عرب استفاده کرده که گاهی معنای آن‌ها برای فرد عرب روشن نبوده است و بسیاری از کلمات و اصطلاحات در میان برخی قبایل رواج داشته که قبایل دیگر از آن بی‌خبر بودند. قرآن از تمامی این لغات بهره برده و مناسب‌ترین واژه را از هر



درباره برخی نشانه‌های طبیعت مانند کوه، دریا، ابر و... در قرآن پژوهش‌هایی انجام شده است. برای نمونه دیاری و دیگران (۱۳۹۳) تحقیقی با نام «حرکت کوه‌ها از منظر قرآن کریم و علم زمین شناسی» و علیخانی (۱۳۹۳) به موضوع «دریا از منظر قرآن کریم و علم» پرداخته‌اند. همچنین حاجی خانی و جلیلیان (۱۳۹۵) به بحث درباره باران در قرآن در مقاله «واکاوی عوامل معنوی بارش باران از نگاه قرآن» واکاوی کرده‌اند. درباره واژگان ریب قرآنی نیز تحقیقاتی انجام شده است. از جمله جعفر نکونام (۱۳۸۱ ش) در مقاله خود، نگاهی انتقادی به علل پیدایش غرابت در الفاظ قرآن داشته و به این نتیجه رسیده که استعمال الفاظ غریب در هر کلامی اعم از قرآن و غیر قرآن، زمانی به فصاحت و بلاغت کلام خلل وارد می‌کند که بدون قرینه به کار رود، ولی کاربرد آن با قرینه عین فصاحت و بلاغت است. در قرآن هیچ لفظ غریبی را نمی‌توان یافت که بدون قرینه به کار رفته باشد، بنابراین وجود الفاظ غریب در قرآن به فصاحت و بلاغت آن خللی وارد نمی‌سازد. طاهره السادات معصومی (۱۳۹۵ ش) پایان نامه خود را با عنوان «تفسیر واژگان غریب در ۱۵ جزء اول با تکیه بر کتاب اللغات فی القرآن ابن حسنون» کار کرده‌اند. ایشان در این پژوهش لغات قرآن را براساس منابع لغوی دست اول بررسی کرده‌اند و نگاه به تفسیر واژگان قرآن براساس منابع تفسیری پرداخته‌اند. همچنین دامنه بسامد هر واژه در قرآن نشان داده شده تا ضمن ترسیم شبکه‌ای از آیات برای هر واژه در قرآن، کاربرد قرآنی و استعمال معنای اصلی واژه‌ها مشخص شود.

کوه

به مفهوم کوه معمولا با کلمه جبل و رواسی اشاره می‌شود. واژگان «جبل» و جمع آن «جبال»، ۴۱ بار و «رواسی»، ۱۴ بار به معنای کوه در قرآن به

معنایی یا معنای اصلی هر واژه مد نظر قرار می‌گیرد. سپس دامنه و بسامد هر واژه غریب در همه آیات قرآن بررسی می‌شود. سرانجام بین کاربرد لغوی و قرآنی هر واژه ارتباط برقرار می‌شود؛ به این صورت که کدام یک از معانی اصلی یا فرعی واژه غریب که لغویان به آن اشاره کرده‌اند در آیات قرآن به کار رفته است. در نهایت علت غرابت هر واژه را مشخص می‌کنیم. در این میان اگر واژه‌های دارای وجوه و نظائر و یا معرب باشد به آن اشاره می‌شود. لازم به ذکر است که هر آنچه در این پژوهش گفتیم بر اساس برخی شرایط اجتماعی و جغرافیایی عرب و شبه جزیره و یافته‌هایمان از میان کتاب‌های لغت اولیه و کتب غریب القرآن است و یقینی و قطعی نیست؛ زیرا به هدف وضع لغت توسط کاربران آن لغات دسترسی نداریم. به گونه‌ای دیگر می‌توان گفت بسیاری از نتایج، بر اساس استنباط و اجتهاد، مستند بر قرائن و شواهد به دست آمده است. مبنای این پژوهش کتاب‌های غریب القرآن شامل لغات قبائل الوارده فی القرآن الکریم از قاسم بن سلام، اللغات فی القرآن از ابن حسنون، تذکره الاریب فی تفسیر الغریب از ابن جوزی، غریب القرآن از سجستانی، تفسیر غریب القرآن از طریحی و التبیان فی تفسیر غریب القرآن از ابن‌هائم مصری است. همچنین این تفاسیر مشهور، مبنای مراجعه ما بودند: التبیان فی تفسیر القرآن از محمدبن حسن طوسی، الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل از محمود زمخشری، المحرر الوجیز فی تفسیر الکتاب العزیز از ابن عطیه اندلسی، مجمع البیان فی تفسیر القرآن از طبرسی، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم از آلوسی، البحر المحیط فی التفسیر از ابوحیان اندلسی، المیزان فی تفسیر القرآن از علامه طباطبایی. بنابراین هر جا نام مفسران یا کتب تفسیر را می‌بریم منظور، همین تفاسیر است.

کار رفتند. با اینهمه دو واژه صدف و طور از جمله واژگان غریب قرآن به معنای کوه است. صدف به معنای انحنای کوه و دره در داستان ذی القرنین و ساختن سد در برابر حمله‌های یاجوج و ماجوج به کار رفته است. واژه طور نیز بیشتر در قصص قرآنی مربوط به داستان حضرت موسی به کار رفته است.

۱-۱. صدف

(الصَّدَقِینَ)^۱ (کهف/ ۱۸ / ۹۶)؛ الجبلین بلغة تمیم^۲ (قاسم بن سلام، بی تا: ۸).

کاربرد لغوی

لغویون برای این واژه دو اصل معنایی در نظر گرفته‌اند؛ یکی انحراف و کجی و دیگری روی گردانی که هر دو یکی هستند (ابن فارس، ۱۹۷۹م: ۳ / ۳۳۸) و برای این واژه، نزدیک به بیست معنی پرشمرده‌اند؛ از جمله: «غِشَاءٌ خُلِقَ فِي الْبَحْرِ تَضُمُّهُ صَدَقَتَانِ مَفْرُوجَتَانِ عَنْ لَحْمٍ فِيهِ رُوحٌ يَسْمَى الْمَحَارَةَ فِيهِ اللَّوْلُؤُ» یعنی پوسته‌ی موجودی در دریا که دو صدف شکافته آن را در بر می‌گیرند و از جنس گوشت است و جان دارد و صدف نامیده می‌شود که در آن مروارید وجود دارد (فراهیدی، بی تا: ۷ / ۱۰۱)؛ ازهری، ۲۰۰۱م: ۱۲ / ۱۰۳؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۵ / ۷۰؛ ابن فارس، همان). فراهیدی و ازهری، با عباراتی شبیه به هم، این واژه را به معنی «برخورد کردن و به هم رسیدن» دانسته‌اند؛ چه برخورد کردن دو شیء و چه برخورد کردن و به هم رسیدن دو انسان (جَبَلَانِ مُتَصَادِفَانِ أَيْ مُتَلَاقِيَانِ، صَادَفْتُ فَلَانًا:

لَقِيْتَهُ) (فراهیدی، بی تا: ۷ / ۱۰۲؛ ازهری، همان). ازهری ادامه می‌دهد: «صَدَقَةٌ، یعنی: جانب و کناره. این جانب و کناره با کناره‌ای که به آن رسیده است، برخورد می‌کند و میان آن‌ها شکاف یا دره‌ای ایجاد می‌شود» (ازهری، ۲۰۰۱م: ۱۲ / ۱۰۴). لغویون همچنین این واژه را به «الْمَيْلُ عَنِ الشَّيْءِ» یعنی کجی و انحراف در چیزی دانسته‌اند؛ همچنین «الْأَصْدَفُ: مَنْ فِي يَدِهِ اِعْوَجَاجٌ» به معنی انسان یا حیوانی است که در دست یا پایش کجی و اعوجاج باشد (فراهیدی، همان؛ ابن درید، ۱۹۸۷م: ۲ / ۶۵۵؛ ازهری، همان؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۵ / ۷۰؛ ابن فارس، ۱۹۷۹م: ۳ / ۳۳۸ و ۳۳۹). این واژه به معنی «روی گردانی» نیز آمده است (ابن درید، همان؛ ازهری، همان؛ جوهری، همان؛ ابن فارس، ۱۹۷۹م: ۳ / ۳۳۸). همانطور که ملاحظه می‌شود در تمامی معانی مذکور نوعی کجی و انحراف وجود دارد. به نظر می‌رسد معنای مادی واژه «الصَّدَقِینَ»، «صدف و گوش ماهی» باشد؛ بخاطر مدور بودن و حالت کجی که در آن است و منظور همان انحراف پوسته محافظ است.

کاربرد قرآنی

مشتقات واژه «صَدَفَ» در قرآن کریم، پنج بار آمده که چهار مورد به صورت فعل و یک مورد به صورت اسم است. این کلمه دارای اختلاف قرائت و به صورت‌های صَدَفَانِ، صَدْفَانِ، صَدْفَانِ و صَدْفَانِ قرائت شده است (ابن جنی، ۱۹۹۹م: ۲ / ۳۴).

الصَّدَقِینَ	صَدَفَ	يَصْدِفُونَ
۱ بار	۱ بار	۳ بار

دانسته‌اند. قاسم بن سلام و ابن‌حسنون واژه «الصَّدَقِینَ» را به «جبلین» (دو کوه) تعبیر

از بین این اشتقاقات، غریب‌ترین نویسان تنها به واژه «الصَّدَقِینَ» اشاره کرده و آن را غریب

۱. میان دو کوه.

۲. این واژه در لغت «تمیم» به معنای دو کوه است.



زندان را قرار داده‌اند (ابن جوزی، ۱۴۲۵ق: ۲۱۹).
راغب اصفهانی نیز ذیل واژه صَدَفَ به معنای ای
چون روی گردانی، انحراف در چیزی و صدفی که
از دریا استخراج می‌شود، اشاره کرده است (راغب
اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۴۷۸). لازم به ذکر است
برخی غریب القرآن نویسان واژه «يَصْدِفُونَ» را هم
غریب می‌دانند (برای مطالعه بیشتر نک: قاسم
بن سلام، بی تا: ۵؛ ابن حسنون، ۱۳۶۵ق: ۲۶؛ ابن-
هائم، ۱۴۲۳ق: ۱۵۷؛ طریحی، همان). مشتقات
معنایی واژه «صَدَفَ» را بر اساس کتب تفسیر
می‌توان در جدول ذیل، چنین دسته‌بندی کرد:

کرده‌اند که به زبان قبیله تمیم است (قاسم بن
سلام، بی تا: ۸؛ ابن حسنون، ۱۳۶۵ق: ۳۶).
دیگران آورده‌اند: «ناحیتی الجبل» و «بَيْنَ
الصَّدْفَيْنِ أَى مَا بَيْنَ النَّاحِيَتَيْنِ مِنَ الْجَبَلَيْنِ» که
به معنای قسمتی از کوه و آنچه بین دو کوه باشد،
است (سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۳۰۹ و ۳۱۰؛ ابن-
هائم، ۱۴۲۳ق: ۲۲۲؛ طریحی، بی تا: ۳۳۳). ابن
جوزی نیز در این باره می‌گوید: کلمه الصَّدْفَانِ به
معنای دو کوه است که بین آن دو را با آهن پر
کرده‌اند و بین طبقه‌های آهن، آتش و ذغال
چوب ریخته‌اند و بر روی آن ابزاری که با آن باد

معانی	آیات	آدرس آیات	تفاسیر
جَبَلَانِ (دو کوه)	(مَا تَوْنِي زَبَرَ الْحَدِيدِ حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدْفَيْنِ قَالَ أَنْفَخُوا) ^۱	کهف/ ۱۸ / ۹۶	شیخ طوسی، بی تا: ۹۳ / ۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱ / ۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۳، ۵۴۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶ / ۶۳ و ۷۶۴؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳ / ۳۶۴

معانی	آیات	آدرس آیات	تفاسیر
إِعْرَاضِ (روی گردانی)	(انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ) ^۲	انعام/ ۶ / ۴۶	شیخ طوسی، بی تا: ۱۴۰ / ۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲ / ۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۲ / ۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴ / ۴۶۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۷ / ۷ و ۲۹۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۷ / ۹۴
	(فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَ صَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ يَصْدِفُونَ عَنْ آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ) ^۳	انعام/ ۶ / ۱۵۷	شیخ طوسی، بی تا: ۳۲۵ / ۴ و ۳۲۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۲ / ۲؛ ۳۶۵ و ۳۶۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴ / ۵۹۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۸ / ۹۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۷ / ۳۸۳

که به سمت هم مایل باشند. همچنین به یک
کوه «الصَّدْفَيْنِ» گفته نمی‌شود؛ بلکه حتما باید
دو کوه باشند چون یکی از آن‌ها به دیگری

لازم به ذکر است که واژه «الصَّدْفَيْنِ» در آیه
(حَتَّى إِذَا سَاوَى بَيْنَ الصَّدْفَيْنِ) (کهف/ ۱۸ / ۹۶)
به «دو کوه» تفسیر شده است؛ البته دو کوهی

۱. قطعات بزرگ آهن برآیم بیاورید (و آنها را روی هم بچینید)؛ تا وقتی که کاملاً میان دو کوه را پوشانید، گفت: «(در اطراف آن آتش بیفزوزید، و) در آن بدمید!»

۲. ببین چگونه آیات را به گونه‌های مختلف برای آنها شرح می‌دهیم، سپس آنها روی می‌گرداند.

۳. پس، چه کسی ستمکارتر است از کسی که آیات خدا را تکذیب کرده، و از آن روی گردانده است؟! اما بزودی کسانی را که از آیات ما روی می‌گردانند، بخاطر همین اعراض بی‌دلیلشان، مجازات شدید خواهیم کرد!



مَعْرُوفٌ» است و آن به معنای کوهی معروف است. برخی می‌گویند تمام کوه‌ها، در زبان سریانی چنین نامی دارند و البته خداوند به این موضوع عالم‌تر است. (فراهیدی، بی‌تا: ۴۴۶/۷؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م: ۷۶۱/۲؛ ازهری، ۲۰۰۱م: ۱۰/۱۴؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۴۱۹/۶؛ ابن‌فارس، ۱۹۷۹م: ۴۳۰/۳ و ۴۳۱). «طُورِیُّون: أی وَحْشِیُّونَ یَحِیدُونَ عَنِ الْقَرْیَةِ حَذَارَ الْوَبَاءِ وَالتَّلْفِ، کَأَنَّھُمْ نُسِبُوا إِلَى الطُّورِ، وَهُوَ جَبَلٌ بِالشَّامِ» یعنی وحشی‌ها از ترس وبا و تلف شدن، از روستاها کناره‌گیری می‌کنند و آن‌ها را ترک می‌کنند، گویی آن‌ها به طور که کوهی در شام است، تعلق دارند (ازهری، همان؛ ابن‌فارس، ۱۹۷۹م: ۳/۴۳۱). برخی از لغویان به معنای دیگری چون: «طُوراً بعد طُورِ أی تَارَةً بعد تَارَةً» (یعنی گاهگاهی) می‌پردازند (فراهیدی، همان؛ ازهری، همان؛ ابن‌فارس، همان). اما قابل ذکر است که ریشه «طُوراً»، «طُور» است، نه «طُور». پس واژه «طُور» تنها در حد یک کلمه گسترش پیدا کرده است و آن «طُوری» به معنای وحشی و بیابانگرد است. برخی از لغویان درباره واژه «سیناء» می‌آورند: طور سینا نام کوهی است. همچنین می‌گویند طور سیناء نام کوهی در شام است. بنا به قولی سیناء نوعی سنگ است و این کلمه اگر چه خداوند عالم‌تر به آن است، اسم مکان است. پس کسی که «سیناء» را بر وزن «صَحراء» تلفظ می‌کند، این لفظ در این حالت غیرمنصرف است و اگر به صورت «سیناء» تلفظ و خوانده شود، در این حالت اسم مکان و غیرمنصرف است؛ چرا که در زبان عرب وزن «فعلاء» را که ممدود باشد، سراغ نداریم (ازهری، ۲۰۰۱م: ۵۵/۱۳). این کوه به سیناء که درختی است، متصل شده است.

برخورد می‌کند (ابن‌عطیہ، ۴۲۲ق: ۳، ۵۴۳). با توجه به مطالبی که گفته شد ریشه صَدَف در قرآن دو کاربرد دارد؛ یکی میل و انحراف در چیزی و دیگری اعراض و روی گردانی است. با دقت در تفاسیر و کتب غریب القرآن در می‌یابیم که هر دو معنا در آیات قرآن کریم به کار رفته است. در آیه ۹۶ سوره مبارکه کهف، میل و انحراف در کوه‌ها مد نظر است که به سبب انحرافشان به هم برخورد می‌کنند و در آیات ۴۶ و ۱۵۷ سوره مبارکه انعام اعراض و روی گردانی مدنظر است. به نظر می‌رسد روی گردانی می‌تواند از میل به کجی و انحراف که مصادیقی همچون کوه و صدف و گوش ماهی دارد، مشتق شده باشد. زیرا نهایت میل به کجی، روی برگرداندن از مسیر اصلی است که پدیده‌ای در حال طی کردن آن بوده است و این مفهوم توسط قرآن بیشتر بار منفی گرفته و درباره انسانی که از حق و ایمان به خداوند روی گردان باشد، به کار می‌رود. غریب القرآن نویسان واژه «الصدفین» در آیه ۹۶ سوره کهف را غریب می‌دانند و آن می‌تواند به دلیل عدول از معنای رایج آن باشد (قاسم بن سلام، بی‌تا: ۸؛ ابن‌حسنون، ۱۳۶۵ق: ۳۶؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۳۰۹ و ۳۱۰؛ ابن‌هائم، ۱۴۲۳ق: ۲۲۲؛ طریحی، بی‌تا، ۳۳۳).

۱-۲. طُور

«طُورِ سَیناء»^۱ (مؤمنون/ ۲۳ / ۲۰)؛ الطور: الجبل بلغة توافق السریانیة، وسینا: الحسن بلغة توافق النبطیة^۲ (قاسم بن سلام، بی‌تا: ۹).

کاربرد لغوی

ریشه این واژه «طُور» است و لغویان اولین معنایی که برای این کلمه می‌آورند «الطُور: جَبَلٌ

۱. طور سینا.
۲. در زبان سریانی واژه «طُور» به معنای کوه است و در زبان نبطی «سیناء» به معنای خوب و نیک است.

مقصود از «طور سینین» نیز چنین است. برخی دیگر می‌گویند سینین، به معنای درخت و مفرد آن، سینینه است (جوهری، همان).

کاربرد قرآنی

کلمه طُور ده بار در قرآن کریم و به صورت اسم به کار رفته است. عبارت «طور سیناء» و «طور سینین» نیز هرکدام یک بار تکرار شده‌اند. غریب القرآن نویسان، عبارت «طُور سیناء» در آیه ۲۰ سوره مؤمنون را غریب حساب کرده‌اند و در توضیح آن می‌آورند که طور به معنای جَبَل (کوه) و سیناء به معنای حسن (نیکویی) است (قاسم بن سلام، بی‌تا: ۹؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۳۲۱؛ ابن حسنون، ۱۳۶۵ق: ۳۸؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵ق: ۲۴۹؛ ابن هائم، ۱۴۲۳ق: ۳۰۲؛ طریحی، بی‌تا: ۲۳۷ و ۲۳۸).

مفسران کلمه «طور» در تمامی آیات را به معنای «کوه» گرفته‌اند و برای هر کدام نیز توضیح مختصری ارائه داده‌اند. در توضیح آیه ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ﴾^۱ (بقره/ ۶۳) می‌گویند: «طُور» مطلق کوه و همچنین کوه خاص حضرت موسی علیه السلام و بنی اسرائیل است و گفته‌اند: طور کوهی است معین که خدای تعالی در آن با موسی علیه السلام سخن گفت. این لغت به زبان سریانی یا عربی است (طوسی، بی‌تا: ۱/ ۲۸۶ و ۲۸۷؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۱۴۷؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۱۵۸؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱/ ۲۶۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱/

۳۱۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۲۹۹). مفسران تفسیر این آیات را به آیه قبل ارجاع داده‌اند: ﴿وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاَسْمَعُوا﴾^۲ (بقره/ ۹۳) (طوسی، بی‌تا: ۱/ ۳۵۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۱۶۶؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۱/ ۱۸۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱/ ۳۱۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲/ ۵۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱/ ۲۲۲)، ﴿وَ رَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ﴾^۳ (نساء/ ۱۵۴) (طوسی، بی‌تا: ۳/ ۳۷۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱/ ۵۸۵؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۲/ ۱۳۱ و ۱۳۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۳/ ۲۰۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۶/ ۱۷۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵/ ۱۳۱).

مفسران در تفسیر آیه ﴿وَ نَادَيْنَاهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَ قَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا﴾^۴ (مریم/ ۵۲) می‌گویند: طور، کوهی است در شام که خداوند از جانب راست کوه، به موسی علیه السلام ندا کرد. مقصود این است که هنگامی که از مدین می‌آمد و در درخت، آتش دید، خداوند با او تکلم کرد و برخی، تنها می‌گویند که یمین صفت برای طور است (طوسی، بی‌تا: ۷/ ۱۳۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۲۳؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴/ ۲۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶/ ۸۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۳/ ۹۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/ ۶۳).

در این آیات نیز مراد همان کوه طور است: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ قَدْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ عَدُوِّكُمْ وَوَعَدْنَاكُمْ جَانِبَ الطُّورِ الْأَيْمَنِ﴾^۵ (طه/ ۸۰) (طوسی، بی‌تا: ۷/ ۱۹۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۷۹؛ ابن-

۱. و (به یاد آورد) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما قرار دادیم (و به شما گفتیم) «آنچه را (از آیات و دستورهای خداوند) به شما داده‌ایم، با قدرت بگیرید و آنچه را در آن است به یاد داشته باشید (و به آن عمل کنید) شاید پرهیزکار شوید.

۲. و (به یاد آورد) زمانی را که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم (و گفتیم) «این دستوراتی را که به شما داده‌ایم محکم بگیرید، و درست بشنوید!»

۳. و کوه طور را بر فراز آنها برافراشتیم.

۴. ما او را از طرف راست (کوه) طور فراخواندیم و نجوانان او را (به خود) نزدیک ساختیم.

۵. ای بنی اسرائیل! ما شما را از جنگال دشمنان نجات دادیم و در طرف راست کوه طور، با شما وعده گذاردیم.



و همچنین دارای درختان فراوانی است (طوسی، بی تا: ۷/ ۳۵۷ و ۳۵۸). برخی از مفسران اقوالی می‌آورند و می‌گویند: این عبارت مضاف و مضاف الیه است و آن نام کوهی است. برخی هم می‌گویند آن کوهی در فلسطین است. برخی هم می‌گویند آن کوهی در بین مصر و ایله است که در آن خداوند با حضرت موسی سخن گفت (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۱۸۰؛ ابن عطیه، ۴۲۲ق: ۴/ ۱۳۹ و ۱۴۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/ ۱۶۴ و ۱۶۵). برخی از مفسران معتقدند که کلمه سیناء دارای اختلاف قرائت است و کسانی مانند نافع، أبو عمرو، ابن کثیر و اهل حجاز، سیناء را به «کسر سین» خوانده‌اند و باقی قراء به «فتح سین» (ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۴/ ۱۴ و ۱۵). مفسران در تفسیر آیه (وَ طُورِ سَيْنَاءَ)^۴ (تین/ ۹۵/ ۲) می‌گویند: مراد از «طُورِ سَيْنَاءَ»، کوهی است که در آن خدای تعالی با موسی بن عمران تکلم کرد، که «طور سیناء» هم نامیده می‌شود و سینین به معنای حسن و برکت است؛ چرا که در آن خیر زیاد و گیاهان و درختان فراوانی وجود دارد (طوسی، بی تا: ۱۰/ ۳۷۶؛ ابن عطیه، ۴۲۲ق: ۵/ ۵۰۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۱۰/ ۷۷۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۰/ ۳۲۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰/ ۳۱۹). ابن عطیه در تفسیر خود به اختلاف قرائت این واژه می‌پردازد و می‌گوید عده‌ای سینین را به فتح سین و عده‌ای به کسر سین می‌خوانند (ابن عطیه، همان). آرتور جفری، واژه «طُور» را معرب می‌داند. او معتقد است که این واژه دوبار آشکارا در ترکیب با «سیناء» آمده است و به استثنای آیه ۱ سوره طور که ممکن

عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴/ ۵۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/ ۳۹؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۳/ ۱۷۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/ ۱۸۶)، (فَلَمَّا قَضَى مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ آنَسَ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ نَارًا)^۱ (قصص/ ۲۸/ ۲۹) (طوسی، بی تا: ۸/ ۱۴۶؛ ابن عطیه، ۴۲۲ق: ۴/ ۲۸۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/ ۳۹۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۵/ ۱۳۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶/ ۳۱)، (وَ مَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا)^۲ (قصص/ ۲۸/ ۴۶) (طوسی، بی تا: ۸/ ۱۵۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۴۱۸؛ ابن عطیه، ۴۲۲ق: ۴/ ۲۹۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/ ۴۰۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۵/ ۱۳۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶/ ۵۱)، (وَ الطُّورِ)^۳ (طور/ ۵۲/ ۱) بعضی از مفسرین گفته‌اند: «طور» به معنای مطلق کوه است و هر کوهی را طور می‌گویند. ولی استعمال آن برای کوهی که موسی علیه السلام با خدای تعالی سخن گفت، غلبه یافته و در آیه مورد بحث هم مناسب‌تر آن است که همان کوه منظور باشد؛ چون سوگند همواره به چیزی می‌خورند که نوعی قداست داشته باشد و از میان کوه‌ها این کوه است که خدای تعالی آن را مقدس دانسته و پر برکتش ساخته است (طوسی، بی تا: ۹/ ۴۰۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴/ ۴۰۸؛ ابن عطیه، ۴۲۲ق: ۵/ ۱۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۹/ ۲۴۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۸/ ۱۲۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۹/ ۶). (وَ شَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذَّهْنِ وَ صَبِغٍ لِلْأَكْلِينِ)^۴ (مؤمنون/ ۲۳/ ۲۰) شیخ طوسی می‌گوید: طور سیناء نام کوهی است که در آن خداوند با حضرت موسی علیه السلام تکلم کرد

۴. و (نیز) درختی را که از طور سینا می‌روید ادرخت زیتون، و از آن روغن و «نان خورش» برای خوردندگان فراهم می‌گردد (آفریدیم).
۵. و سوگند به «طور سینین».

۱. هنگامی که موسی مدت خود را به پایان رسانید و همراه خانواده‌اش (از مدین به سوی مصر) حرکت کرد، از جانب طور آتشی دید.
۲. تو در کنار طور نبودی زمانی که ما ندا دادیم.
۳. سوگند به کوه طور.

قوم حضرت موسی علیه السلام است و به داستان او و بنی اسرائیل می‌پردازد. علت غرابت این واژه نیز، می‌تواند معرب بودن آن باشد.

۲. دریا

متداول‌ترین واژه‌ای که در قرآن برای مفهوم دریا به کار رفته «بحر و بحار» است که ۴۲ مرتبه در قرآن تکرار شده است. ولی واژه یم در داستان حضرت موسی و سامری با مفهوم دریا به کار رفته است.

۱-۲. یم

﴿ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّ فِي الْيَمِّ نَسْفًا﴾^۱ (طه / ۹۷)؛ الیم: البحر بلغه توافق القبط^۲ (قاسم بن سلام، بی‌تا: ۸).

کاربرد لغوی

واژه «یم» معرب و وام‌واژه است و عرب‌ها آن را به عربی برگردانده‌اند. این واژه سریانی و اصل آن «یمأ» است. آرتور جفری معتقد است که «الیم» واژه‌ای معرب و تنها در داستان حضرت موسی علیه السلام آمده است و مراد از آن، گاهی رود نیل و گاهی دریاست. از قدیم می‌دانستند که واژه‌های بیگانه است؛ هر چند که نمی‌دانستند اصل آن از کجاست و چیست. عده‌ای معتقدند که این واژه سریانی است، عده‌ای عبری و عده‌ای قبطی. چون واژه در شعر کهن عربی به کار رفته و یک واژه قرضی قدیمی است، امکان دارد که از یک منبع کهن بومی - همچنان که به دیگر زبان‌های سامی رفته است - به زبان عربی نیز داخل شده باشد. بنابراین صددرصد نمی‌توان اصل و بدایت آن را رد کرد (جفری، ۱۳۸۳: ۴۰۰ و ۴۰۱). لغویون به سبب شباهت این واژه، با یم عرب، این کلمه را در ذیل این ماده آورده‌اند. از جمله معانی‌ای که برای این واژه آورده‌اند: «الیم: البحر الذی لا یدرک قعره ولا شطاه» یعنی

است معنای آن، کوه به صورت عام باشد، در جاهای دیگر در ارتباط با تجارب و اعمال قوم اسرائیل در کوه سیناء به کار رفته است. لغویان مسلمان آن را واژه‌ای بیگانه شناخته بودند. جوالیقی، ابن قتیبه و سیوطی آن را واژه‌ای سریانی می‌دانند. بعضی آن را واژه‌ای عبری به معنای تخته سنگ می‌دانند که تحول پذیرفته و مفهوم صخره یافته است و در آرامی به معنای کوه آمده است و بعضی گفته‌اند به معنای طور سینا می‌باشد که این واژه‌ای سریانی است. وی همچنین واژه سیناء را هم معرب می‌داند و می‌گوید: نام معمول و متداول کوه سیناء در قرآن «طور» است. کلمه سیناء را تقریباً همه دانشمندان مسلمان بیگانه دانسته‌اند؛ بعضی آن را نبطی، بعضی سریانی و بعضی حبشی شمرده‌اند و عده‌ای دیگر ادعا کرده‌اند که واژه، عربی محض است و صیغه فیعال از السناء به معنای بلندی (الارتفاع) است. جای شگفتی است که مفسران به درستی نمی‌دانسته‌اند که مقصود از سیناء، خود کوه سیناء است یا نواحی‌ای که کوه در آن جا واقع شده است. صورت سینین که در سوره تین آیه ۲ به کار رفته است، از قرار معلوم صورت دیگری از سیناء است که به خاطر رعایت وزن این‌گونه تغییر یافته است. اما بعضی از دانشمندان مسلمان می‌خواهند آن را واژه‌ای مستقل و گرفته شده از حبشی بپندارند (جفری، ۱۳۸۳: ۲۹۶، ۲۶۹ و ۲۷۰). با توجه به مطالب بالا، عبارت «طور سیناء» هر دو غریب و همچنین معرب هستند. کلمه طور می‌تواند دو معنای اصلی داشته باشد؛ یکی کوه خاص حضرت موسی علیه السلام که در آن خدا با او تکلم کرد و دیگری، کوه به طور مطلق یا هر کوهی. اما هر جا کلمه طور به کار رفته، درباره

۱. سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم.

۲. «الیم» در لغت قبط به معنای دریا است.



حسنون، ۱۳۶۵ق: ۳۶؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۴۶۵؛ ابن‌هائم، ۱۴۲۳ق: ۲۲۹؛ طریحی، بی‌تا: ۳۴۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۹۳). مفسران این کلمه را به دریا تفسیر می‌کنند (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴/۶۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/۴۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۳/۱۸۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/۱۹۸). در این آیات واژه «الیم» به معنای دریا است: «فَأَنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَعْرَفْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»^۱ (اعراف/ ۱۳۶) (طوسی، بی‌تا: ۴/۵۲۴؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱۴/۱۴۸؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۱۲/۴۴۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۴/۷۲۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۸/۳۶۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۸/۲۲۸)، «أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْذِفِهِ فِي الْيَمِّ فَلْيَلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ»^۲ (طه/ ۲۰/ ۳۹) مراد از «الیم» در این آیه رود نیل است (طوسی، بی‌تا: ۷/۱۷۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/۱۳۷۲؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۳/۱۴۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/۱۴۹)، «ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا»^۳ (طه/ ۲۰/ ۹۷) (ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴/۶۲؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/۴۷؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۳/۱۸۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۴/۱۹۸)، «فَإِذَا خَفَتْ عَلَيْهِ فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ»^۴ (قصص/ ۲۸/ ۷) مراد از «الیم» در این آیه نیز رود نیل است (طوسی، بی‌تا: ۸/۱۳۱؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/۳۹۳؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴/۲۲۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/۳۷۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۵/۹۵؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶/۱۰)، «فَأَخَذْنَا وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ»^۵ (قصص/ ۲۸/ ۴۰) (طوسی، بی‌تا: ۸/۱۵۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/۴۱۵؛ ابن‌عطیه، ۱۴۲۲ق: ۴/۲۸۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/۳۹۸؛

دریایی که قعر و کرانه‌های آن نامعلوم است و قابل درک نیست، «الیم: لُجَّتُهُ» یعنی قعر و عمق دریا، «يَمُّ الرَّجُلُ فَهُوَ مِيمُوم» یعنی او در دریا افتاد و در آن غرق شد (فراهیدی، بی‌تا: ۸/۴۳۱؛ ازهری، ۲۰۰۱م: ۱۵/۴۶۰؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۶/۳۴۳؛ ابن‌فارس، ۱۹۷۹م: ۶/۱۵۳). وقتی گفته می‌شود: «يَمُّ السَّاحِلِ» یعنی دریا بر ساحل غلبه یافت و بر آن سرریز شد (فراهیدی، همان؛ ازهری، همان). همچنین برای این واژه معانی دیگری نیز آورده‌اند: «الیمامة» یعنی کبوتر. «تَيَمَّمْتُ فَلَانًا بِسَهْمِي وَ رُمَحِي» یعنی فقط او را قصد کردم و فقط او هدف تیر و نیزه‌ام بود، «رَجُلٌ مِيمٌ» یعنی مردی که به هر آنچه خواسته، دست یافته است (فراهیدی، همان؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م: ۱/۲۴۸؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۶/۳۴۲ و ۳۴۳؛ ابن‌فارس، همان). «التَّيَمُّمُ: مَسْحُ الْوَجْهِ وَالْيَدَيْنِ بِالتُّرَابِ»: یعنی مسح کردن صورت و دست‌ها با خاک (جوهری، ۱۹۹۰م: ۶/۳۴۲). به نظر ازهری «الیم» یعنی دریا و این معنا برای این واژه، معروف و مشهور است (ازهری، همان). لازم به ذکر است که واژه «تَيَمُّمٌ» ریشه‌ای متفاوت از یم دارد و همچنین این واژه به طور محدود در عربی اشتقاق یافته است.

کاربرد قرآنی

ریشه واژه «الیم»، «یَمَم» (یَم) است. «یَم» هشت بار در قرآن کریم آمده و گفتنی است واژه «تَيَمَّمُوا» با «الیم» اشتراک لفظی دارد. غریب القرآن‌نویسان، واژه «الیم» در آیه «ثُمَّ لَنَنْسِفَنَّهُ فِي الْيَمِّ نَسْفًا» (طه/ ۲۰/ ۹۷) را غریب می‌دانند. آن‌ها این کلمه را به معنای «البحر» یعنی دریا می‌دانند (قاسم بن سلام، بی‌تا: ۸/ ابن-

۳. سپس ذرات آن را به دریا می‌پاشیم.

۴. و هنگامی که بر او ترسیدی، وی را در دریا (ی نیل) بیفکن.

۵. ما نیز او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم.

۱. سرانجام از آنها انتقام گرفتیم، و آنان را در دریا غرق کردیم.

۲. که: «او را در صندوقی بیفکن، و آن صندوق را به دریا بینداز، تا دریا

آن را به ساحل افکند».



طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۶/۳۸)، (فَأَخَذْنَا وَ جُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَ هُوَ مُلِيمٌ) (ذاریات/ ۴۰ / ۵۱) (طوسی، بی تا: ۹/ ۳۹۲؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۵/ ۱۸۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۹/ ۲۴۱؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۸/ ۱۱۱؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸/ ۳۸۰). همان‌طور که گفتیم این واژه معرب است و ریشه آن با ریشه کلماتی که لغویون برای آن اشتقاق گرفته‌اند متفاوت است. می‌توان گفت علت غرابت این واژه، معرب بودن آن است.

۳. ابر

معمولا به مفهوم ابر در قرآن با واژه «سحاب» اشاره می‌شود که ۱۱ بار تکرار شده است.

۱-۳. خلل

(فَتَرَى الْوَدُقَ يَخْرُجُ مِنْ خَلَالِهِ) (نور/ ۲۴ / ۴۳)؛ خلاله: الخلال السحاب بلغه جرهم^۳ (قاسم بن سلام، بی تا: ۹).

کاربرد لغوی

لغویون برای این واژه یک اصل معنایی در نظر می‌گیرند و آن فاصله میان دو چیز است (ابن-فارس، ۱۹۷۹م: ۲/ ۱۵۵). لغت‌نویسان برای این واژه معانی و مشتقات زیادی ذکر کرده‌اند؛ از جمله: «الخلل منفرج ما بین کل شیئین» یعنی فاصله یا شکاف بین دو چیز. «خلل السحاب: ثقبه و هی مخارج مصب القطر» منفذ و سوراخ که محل خروج قطرات باران است (فراهیدی، بی تا: ۴/ ۱۴۰؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م: ۱/ ۱۰۷؛ ازهری، ۲۰۰۱م: ۶/ ۳۰۴؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۵/ ۳۷۳؛ ابن‌فارس، ۱۹۷۹م: ۲/ ۱۵۵ و ۱۵۶). «الخلل: الثوب البالی»: لباس مندرس. «الخلال: اسم خشبة أو حديدة یخل بها» چوب یا آهنی که با آن دندان را خلل می‌کنند. «الخلل: خلول الجسم، أي: تغیره وهزاله» تغییر کردن جسم و

لاغر شدن آن. «رجل خلّ، وجمعه: خلون، أي: مهزلون». مردی که بیماری لاغری دارد یا به شدت لاغر است. «والخلیل: الضعیف الجسیم»: خلیل به معنای کسی است که جسم ناتوانی دارد. «الخلیل: الفقیر الذی أصابته ضروره فی ماله، و غیر ذلک»: خلیل فقیری است که ضرر مالی یا غیر آن، به او رسیده است. «الخلّة: الحاجّة» به معنای نیاز است. «الخلیل: المحتاج»: به معنای نیازمند است. تخللت القوم، إذا دخلت بین خللهم» وقتی که بین یک گروه اختلاف و شکاف ایجاد شود. «الخلل: الرقة فی الناس»: ضعف و ناتوانی در مردم (فراهیدی، بی تا: ۴/ ۱۴۰ و ۱۴۱؛ ابن‌درید، همان؛ ازهری، ۲۰۰۱م: ۶/ ۳۰۳ و ۳۰۴؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۵/ ۳۷۳ و ۳۷۵؛ ابن-فارس، همان). «الخلال جمع الخلة، وهي الخصلة الحسنّة»: به معنای خصلت‌ها و ویژگی‌های نیکو است. «الخلیل: الحبيب، الصديق»: یعنی دوست. «الخلیل: المحب الذي ليس في محبته خلل»: خلیل به معنای کسی است که در محبتش خللی نباشد. «الخلل: ما دخل بین الأسنان من الطعام» آنچه از غذا لابه‌لای دندان بماند. «الخلّة: کل نبت حلو» هر گیاه شیرینی را خله می‌گویند. «الخلل فی العنق: عرق متصل بالرأس»: یعنی رگی در گردن که به سر متصل است (فراهیدی، همان؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م: ۱/ ۱۰۷ و ۱۰۸؛ ازهری، ۲۰۰۱م: ۶/ ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۵/ ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵؛ ابن‌فارس؛ همان).

کاربرد قرآنی

مشتقات واژه «خلل» سیزده بار در قرآن کریم به کار رفته که همگی به صورت اسم هستند.

۲. در این حال، دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود.
۳. در لغت جرهم، واژه خلل به معنای ابر آورده شده است.

۱. از این رو ما او و لشکریانش را گرفتیم و به دریا افکندیم در حالی که درخور سرزنش بود!



خَلَّةٌ	خَلِيلًا	خَلال	الأخْلَاءُ
۱ بار	۳ بار	۸ بار	۱ بار

در توصیف ابر کلمه «خَلالَه» را می‌آورد که به همین معناست (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۹۰).
غریب القرآن نویسان، دیگر مشتقات واژه «خَلَل» را نیز غریب می‌دانند: «خَلَّة»، «خَلِيلًا» و «الأخْلَاء» (برای مطالعه بیشتر نک: سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۳؛ ابن‌هائم، ۱۴۲۳ق: ۱۱۳ و ۱۴۴؛ طریحی، همان). مفسران نیز این کلمه را به معنای شکاف بین دو چیز می‌دانند (زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/۲۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/۲۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۹/۳۸۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۵/۱۳۶). با توجه به نظر مفسران، مشتقات معنایی واژه «خَلَل» را در جدول ذیل، این‌گونه می‌توان دسته‌بندی کرد. لازم به ذکر است که واژه «خَلال» با هشت مورد تکرار، بیشترین فراوانی را دارد و در اینجا به ذکر چند مورد بسنده می‌کنیم.

غریب القرآن نویسان، کلمه «خَلالَه» در آیه ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ﴾^۱ (نور/۲۴/۴۳) را غریب می‌دانند. اما توضیحات متفاوتی را برای این واژه می‌آورند. عده‌ای آن را به معنای «سحاب» (ابر) می‌دانند (قاسم‌بن‌سلام، بی‌تا: ۹؛ ابن‌هائم، ۱۴۲۳ق: ۲۴۶). عده‌ای می‌گویند: «خَلال السَّحَابِ وَخَلَلَهُ: الَّذِي يَخْرُجُ مِنْهُ الْقَطْرُ»: شکاف بین ابرها، که از لابه‌لای آن قطرات باران خارج می‌شود (سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۲۱۵؛ طریحی، بی‌تا: ۳۸۰ و ۳۸۱). راغب اصفهانی در توضیح این واژه می‌آورد: «الخلل: فرجة بين الشيئين، وجمعه خَلال، كخلل الدار و السحاب و الرماد وغيرها، قال تعالى في صفة السحاب: فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ». خلل به معنای شکاف بین دو چیز و جمع آن خَلال است؛ مانند فاصله بین خانه، ابر، خاکستر و مانند آن. خداوند تعالی

معانی	آیات	آدرس آیات	تفاسیر
الفرجة بين الشيئين (شکاف میان دو چیز، وسط)	﴿كَلَّمَا الْجَنَّتَيْنِ آتَتْ أُكُلَهُمَا وَ لَمْ تَظْلِمْ مِنْهُ شَيْئًا وَ فَجَرْنَا خِلَالَهُمَا نَهْرًا﴾ ^۲	كهف/ ۱۸ / ۳۳	طوسی، بی‌تا: ۷/ ۴۱؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶/ ۷۲۳؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۲/ ۳۵۳؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳/ ۳۰۹.
		نور/ ۲۴ / ۴۳	زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳/ ۲۴۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۷/ ۲۳۴؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۹/ ۳۸۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۵/ ۱۳۶.

۲. هر دو باغ، میوه آورده بود، (میوه‌های فراوان) و چیزی فروگذار نکرده بود و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم.

۱. آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند، سپس میان آنها پیوند می‌دهد، و بعد آن را متراکم می‌سازد؟! در این حال، دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود.



معانی	آیات	آدرس آیات	تفاسیر
صداقه، دوستی، دوست	(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَّةَ وَلَا شَفَاعَةَ وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ) ^۱	بقره / ۲ / ۲۵۴	طوسی، بی تا: ۳۰۶ / ۲؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱ / ۲۹۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲ / ۶۲۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۳ / ۳۹۶؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۲ / ۶.
	(وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا) ^۲	نساء / ۴ / ۱۲۵	طوسی، بی تا: ۳۴۰ / ۳؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۱ / ۵۶۹؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۲ / ۱۱۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۳ / ۱۷۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۶ / ۱۲۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵ / ۸۸.
	(وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتَنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ لِتَفْتَرِيَ عَلَيْنَا غَيْرَهُ وَإِذَا لَا تَخْدُوكَ خَلِيلًا) ^۳	اسراء / ۱۷ / ۷۳	طوسی، بی تا: ۵۰۷ / ۶؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶ / ۶۶۵؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۲ / ۲۶۲؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳ / ۱۷۲.
	(الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ) ^۴	زخرف / ۴۳ / ۶۷	طوسی، بی تا: ۲۱۴ / ۹؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۴ / ۲۶۳؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۹ / ۸۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۷ / ۱۸۶؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۸ / ۱۲۰.
	(قُلْ لِمَا دَى الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ يُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالَ) ^۵	ابراهيم / ۱۱۴ / ۳۱	طوسی، بی تا: ۲۹۶ / ۶؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۲ / ۵۵۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۳ / ۳۳۹؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۶ / ۴۸۶؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۱ / ۲۷۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۲ / ۵۸.

۱. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از آنچه به شما روزی داده‌ایم، انفاق کنید! پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن، نه خرید و فروش است (تا بتوانید سعادت و نجات از کيفر را برای خود خریداری کنید)، و نه دوستی (و رفاقت‌های مادی سودی دارد)، و نه شفاعت (زیرا شما شایسته شفاعت نخواهید بود). و کافران، خود ستمگرند (هم به خودشان ستم می‌کنند، هم به دیگران).
۲. دین و آیین چه کسی بهتر است از آن کس که خود را تسلیم خدا کند، و نیکوکار باشد، و پیرو آیین خالص و پاک ابراهیم گردد؟ و خدا ابراهیم را به دوستی خود، انتخاب کرد.
۳. نزدیک بود آنها تو را (با وسوسه‌های خود) از آنچه بر تو وحی کرده‌ایم بفریبند، تا غیر آن را به ما نسبت دهی و در آن صورت، تو را به دوستی خود برمی‌گزینند!
۴. دوستان در آن روز دشمن یکدیگرند، مگر پرهیزگاران!
۵. به بندگان من که ایمان آورده‌اند بگو نماز را برپا دارند و از آنچه به آنها روزی داده‌ایم، پنهان و آشکار، انفاق کنند پیش از آنکه روزی فرا رسد که نه در آن خرید و فروش است، و نه دوستی! (نه با مال می‌توانند از کيفر خدا رهایی یابند، و نه با پیوندهای مادی!)



طوسی، بی‌تا: ۵۱۹/۶؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق؛ ۳/۴۸۵؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش؛ ۶/۶۸۰؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق؛ ۱۲/۲۹۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق؛ ۱۳/۲۰۲.	إسراء/ ۱۷ / ۹۱	﴿أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجَّرَ الْأَنْهَارُ خِلَالَهَا تُفَجِّرُهَا﴾ ^{۳۵۶}	الفرجة بين الشيئين (شکاف میان دو چیز، وسط)
---	----------------	--	---

کاربرد لغوی

اولین معنایی که اکثر لغت‌نویسان برای این واژه می‌آورند، این است: «الْوَدَقُ: المطر كله، شديده وهينه» که به معنای باران شدید و زیبا است (فراهیدی، بی‌تا: ۵/۱۹۸؛ ابن‌درید، ۱۹۸۷م: ۲/۶۷۷؛ ازهری، ۲۰۰۱م: ۹/۱۹۷؛ جوهری، ۱۹۹۰م: ۴/۱۵۶۳؛ ابن‌فارس، ۱۹۷۹م: ۶/۹۶). به نظر ابن‌فارس و جوهری، این واژه به آمدن و آرام یافتن و انس گرفتن دلالت می‌کند. وقتی گفته می‌شود «وَوَدَّقْتُ بِهِ» یعنی به آن انس گرفت (ابن‌فارس، همان؛ جوهری، همان). «الْوَدَقَةُ: داء يأخذ في العين»، از معنای شادی که در این باب آمده بیماری چشم، یا وجود نقطه سرخی در چشم است (فراهیدی، همان؛ شیبانی، ۱۹۷۴م: ۳/۲۹۱؛ ابن‌درید، همان؛ ازهری، همان؛ ابن‌فارس، همان).

کاربرد قرآنی

واژه «الْوَدَقُ» تنها دو بار در قرآن کریم و به صورت اسم آمده است: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَرْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ رُكَامًا فَتَرَى الْوَدَقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ﴾^{۳۵۸} (نور/ ۲۴/ ۴۳)، ﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلَ الرِّيحَ فَتَنْثِيرُ سَحَابًا فَيَسْطُرُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدَقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ﴾^{۳۵۹} (روم/ ۳۰/ ۴۸).

با توجه به مطالب گفته شده به نظر می‌رسد معنای اصلی این واژه فاصله میان دو چیز باشد؛ چرا که در اکثر معانی‌ای که لغویون گفتند معنای شکاف و فاصله وجود دارد. به عنوان مثال خلیل به معنای کسی است که در محبتش خللی نباشد و هیچ چیزی نتواند بین او و محبوبش یا دوستش فاصله بیندازد. وسیله‌ای که با آن لابه‌لای دندان را تمیز می‌کنند، در واقع بین دو دندان را تمیز و میان آن‌ها فاصله ایجاد می‌کند. لباس، در گذر زمان، بین تار و پودش فاصله می‌افتد و نخ نما و کهنه می‌شود (ثوب البالی). از میان معانی‌ای که لغویان گفته‌اند تنها دو معنای دوستی و شکاف و فاصله در قرآن به کار رفته است. با توجه به اینکه بین دو معنای دوستی و فاصله، پیوندی دیده نمی‌شود، به نظر می‌رسد این واژه دارای اشتراک لفظی باشد.

۴. باران

قرآن به مفهوم باران بیش از همه با واژه «مطر» ۱۵ بار اشاره کرده است.

۱-۴. ودق

﴿فَتَرَى الْوَدَقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ﴾^{۳۵۶} (نور/ ۲۴/ ۴۳)؛ الودق: المطر بلغه جرهم^{۳۵۷} (قاسم بن سلام، بی‌تا: ۹).

۱. یا باغی از نخل و انگور از آن تو باشد و نهرها در لابه‌لای آن جاری کنی.

۳۵۶. در این حال، دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود.

۳۵۷. کلمه «وَدَق» در لغت جرهم به معنای باران است.

۳۵۸. آیا ندیدی که خداوند ابرهایی را به آرامی می‌راند، سپس میان آن‌ها پیوند می‌دهد، و بعد آن را متراکم می‌سازد؟! در این حال، دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود.

۳۵۹. خداوند همان کسی است که بادها را می‌فرستد تا ابرهایی را به حرکت در آورند، سپس آنها را در پهنه آسمان آن گونه که بخواهد می‌گستراند و متراکم می‌سازد در این هنگام دانه‌های باران را می‌بینی که از لابه‌لای آن خارج می‌شود.



نتیجه‌گیری

صدف از واژگانی چندمعنایی در قرآن است که به معنای روی گردانی و انحراف از حق و راه مستقیم به کار رفته است. همچنین یکی از معانی آن در قرآن کوه و انحنای آن است؛ زیرا روی گردانی می‌تواند از میل به کجی و انحراف که مصادیقی همچون کوه و صدف و گوش ماهی دارد، مشتق شده باشد. از سوی دیگر واژه طور در قرآن کریم از واژگان معرب از زبان سریانی است که در داستان حضرت موسی و پیمانی که از بنی اسرائیل گرفته شد، مطرح شده است. برخی آن را نام کوه خاصی دانستند و برخی به طور کلی هر کوهی طور نامیدند. این واژه معرب جامد است؛ زیرا در زبان عربی اشتقاقی از آن رخ نداده است. واژه یم نیز به معنای دریا در داستان حضرت موسی آمده که زبان‌شناسان آن را معرب دانستند. واژه خلال در آیه‌ای به معنای ابر به کار رفته است که برخی مفسران آن را به معنای شکاف ابری که باران از آن بیرون می‌آید تفسیر کردند. همچنین ودق از جمله واژگان کم کاربرد قرآنی است که معنای باران دارد.

غریب القرآن نویسان واژه «لُودَقَ» در آیه ۴۳ سوره نور را غریب می‌دانند و آن را به معنای باران و به زبان جرهم می‌دانند (قاسم بن سلام، بی تا: ۹؛ ابن حسنون، ۱۳۶۵ق: ۳۹؛ سجستانی، ۱۴۱۶ق: ۴۸۳؛ ابن جوزی، ۱۴۲۵ق: ۲۵۸؛ ابن هائم، ۱۴۲۳ق: ۲۴۶؛ طریحی، بی تا: ۳۶۰؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۸۶۱).

مفسران نیز این واژه را، در هر دو آیه به معنای باران می‌دانند (طوسی، بی تا: ۴۴۶/۷ و ۲۶۱/۸؛ زمخشری، ۱۴۰۷ق: ۳، ۲۴۵؛ ابن عطیه، ۱۴۲۲ق: ۱۸۹/۴، ۳۴۲/۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۲۳۳/۷ و ۴۸۴/۸؛ ابوالفتوح رازی، ۱۴۰۸ق: ۱۴/۱۶؛ ۱۶۴ و ۲۶۹/۱۵؛ آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۳۸۲/۹؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۱۳۶/۱۵ و ۲۰۱/۱۶ و ۲۰۲). با توجه به مطالب بالا، به نظر می‌رسد معنای اصلی این واژه باران باشد و در قرآن کریم نیز به همین معنا به کار رفته است. علت غرابت نیز می‌تواند قلت استعمال باشد.

منابع

۱. قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
۲. ابن جنی؛ الخصائص؛ تحقیق محمد علی النجار؛ عالم الکتب؛ بیروت؛ بی تا.
۳. ابن جوزی، عبدالرحمن؛ تذکره الاریب فی تفسیر الغریب؛ تحقیق طارق فتحی السید؛ دارالکتب العلمیه؛ بیروت؛ ۱۴۲۵هـ.
۴. ابن حسنون، عبد الله بن الحسین؛ أبو أحمد السامری؛ اللغات فی القرآن؛ مطبعة الرسالة، قاهره؛ چاپ اول، ۱۳۶۵هـ.
۵. ابن عطیه، عبدالحق بن غالب؛ المحرر الوجیز فی تفسیر الکتب العزیز؛ دارالکتب العلمیه؛ بیروت؛ چاپ اول؛ ۱۴۲۲ق.
۶. ابن فارس، أبو الحسین؛ معجم مقاییس اللغة؛ محقق: عبد السلام محمد هارون؛ دار الفکر؛ بی جا؛ ۱۹۷۹م.
۷. ابن هائم، أحمد بن محمد بن عماد الدین بن علی، أبو العباس، شهاب الدین؛ التبیان فی تفسیر غریب القرآن؛ محقق: د ضاحی عبد الباقی محمد؛ دار الغرب الإسلامی بیروت؛ چاپ اول، ۱۴۲۳ هـ.
۸. ابن درید، أبوبکر محمد بن الحسن؛ جمهرة اللغة؛ محقق: رمزی منیر بعلبکی؛ دار العلم للملایین، بیروت؛ چاپ اول، ۱۹۸۷م.



۹. أبو عبید القاسم بن سلام؛ لغات القبائل الواردة في القرآن الكريم؛ بی‌جا؛ بی‌تا.
۱۰. أزهری، أبو منصور محمد بن أحمد؛ تهذیب اللغة؛ محقق: محمد عوض مرعب؛ دار إحياء التراث العربی؛ بیروت؛ چاپ اول؛ ۲۰۰۱م.
۱۱. جفری، آرتور؛ واژه‌های دخیل در قرآن مجید؛ ترجمه دکتر فریدون بدره‌ای؛ انتشارات توس؛ ۱۳۸۳ش.
۱۲. جوهری، إسماعیل بن حماد؛ الصحاح؛ تاج اللغة وصحاح العربية؛ دار العلم للملایین؛ بیروت؛ چاپ چهارم؛ ۱۹۹۰م.
۱۳. راغب اصفهانی، أبو القاسم الحسین بن محمد؛ المفردات فی غریب القرآن؛ دار القلم، الدار الشامیة؛ چاپ اول؛ دمشق بیروت؛ ۱۴۱۲هـ.
۱۴. زمخشری، محمود؛ الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل؛ دارالکتب العربی؛ چاپ سوم؛ بیروت؛ ۱۴۰۷ هـ.ق.
۱۵. سجستانی، ابوبکر محمد بن عزیز؛ غریب القرآن؛ تحقیق محمد اذیب عبد الواحد جمران؛ ناشر دار قتیبة؛ ۱۴۱۶هـ.ق.
۱۶. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم؛ چاپ پنجم؛ قم؛ ۱۴۱۷هـ.ق.
۱۷. طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ انتشارات ناصر خسرو؛ تهران؛ چاپ سوم؛ ۱۳۷۲ش.
۱۸. طریحی، شیخ فخرالدین؛ تفسیر غریب القرآن؛ عنی بتحقیقه والتعلیق علیه ونشره؛ محمدکاظم الطریحی.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن؛ التبیان فی تفسیر القرآن؛ داراحیاء التراث العربی؛ بیروت؛ بی‌تا.
۲۰. فراهیدی البصری، أبو عبدالرحمن الخلیل بن أحمد؛ العین؛ محقق: د مهدی المخزومی، د إبراهيم السامرائی؛ دار ومکتبة الهلال؛ بی‌جا؛ بی‌تا.
۲۱. معرفت، محمدهادی؛ علوم قرآن؛ موسسه فرهنگی تمهید قم؛ قم؛ ۱۳۷۸.

شناسه کارکرد طبیعت و چگونگی تعامل انسان با آن از منظر قرآن و سنت

محمد اسماعیل قاسمی طوسی

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول: m.ghasemitoosi@umz.ac.ir)

چکیده

در منطق وحی، همه مخلوقات عالم با دست قدرت آفریدگار حکیم، پدید آمده است. موجوداتی که بعضی‌ها بسیار ریز و به ظاهر نادیدنی و برخی دیگر بیش از هزاران برابر این کره خاکی‌اند! همه و همه در زمان‌بندی خاص و در یک چرخه منظم و با هدفی مشخص یا به عرصه وجود گذاشته‌اند! با دقت در کتاب مقدس و سخنان آمیخته با وحی پیشوایان راستین دین، این نکته مبرهن است که همه این مخلوقات شریف در راستای خدمت به انسان به عنوان اشرف مخلوقات، خلق شده‌اند. البته این فرایند، بستگی تام به چگونگی استفاده انسان (درست یا نادرست) از این موجودات دارد. سؤال پژوهش حاضر این است که هدف پروردگار حکیم از تکون مخلوقات تسخیری چه بوده و وظایف انسان در برابر آن چیست؟ پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع مکتوب کتابخانه‌ای و دیجیتال به نگارش درآمده است. نگارنده پس از بحث و بررسی و جستجو در قرآن و سنت، به نتایج ذیل دست یافت: قرآن و روایات بر این امر تأکید دارند که همه آن‌چه که در آسمان‌ها و زمین است، برای انسان آفریده شدند و در این مسیر، امکان هیچ‌گونه سرپیچی در برابر انسان نداشته و همواره باید در تسخیر انسان و تحت فرمان وی باشند. اما انسان نیز با توجه به برخورداری از عقل و اختیار و لزوم استفاده مسوولانه از امکانات و فرصت‌های خداداد، باید با فرمانبری از فرمان الهی، حداکثر تعامل را با طبیعت تسخیر شده خدا داشته باشد تا ادامه حیات آنان و حیات بشر به خطر نیفتد، و نیز این انسان حاکم باید با الگوگیری از طبیعت و محیط زیست خدامحور، با اطاعت از قوانین آسمانی، و سیاست‌گذاری نسبت به انواع نعمت‌های در اختیار، قدر و ارزش خود، خدا و طبیعت را شناخته و با اثبات اشرفیت خویش، شایستگی جانشینی‌اش از خدا و برخورداری از نعمت‌های بی‌شمار الهی را به اثبات برساند. همچنین، عواملی مثل اسراف، معصیت و نیز حس بی‌نیازی به خدا و دیگران و نیز غرور و خودخواهی ناشی از آن و نیز خود شیفتگی موجب آسیب رساندن به خود و دیگران و طبیعت می‌شود.

واژگان کلیدی: خدا، طبیعت، انسان، تعامل انسان با طبیعت، قرآن، روایات

مقدمه

خودش مستخر شما ساخته» (جائیه/۱۳) سند قطعی مالکیت و بهره‌وری صحیح از همه زمین و حتی آسمان (در صورت امکان) را به‌نام انسان نوشت و در مرآی و منظر فرشتگان اعظم و سایر فرشتگان تحویل انسان داد. اما به همین‌جا تمام نشد بلکه انسان را با میراث و سندهای اهدایی بزرگ‌تری به‌نام رهبران و پیشوایان آسمانی، کتاب‌ها و پیامبران معصومش پشتیبانی کرد تا انسان با استفاده از خطوط ریل‌گذاری شده توسط هدایت یافتگان بزرگ، راه و رسم زندگی

طبیعت خداداد، موهبتی است که دست قدرتمند پروردگار عالم با سرانگشت علم و تدبیر خویش، به زیبایی آن‌را نقاشی کرده و پیش از خلقت انسان، مائده‌های حیات‌بخش آسمانی را برای این مخلوق ویژه مهیا کرد. آن‌گاه بهره‌بردار بزرگ یعنی انسان جانشین و خالق را بر سر سفره خلقت نشانند و با مَهر «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ؛ او آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است همه را از سوی



السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ او آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین است همه را از سوی خودش مسخر شما ساخته؛ در این نشانه‌های (مهمی) است برای کسانی که اندیشه می‌کنند! (جاثیه/۱۳). وَالسَّخِرِ: «هَوَالِدِي يُقَهَّرُ فَيَتَسَخَّرُ بِإِرَادَتِهِ، او کسی است که مقهور دیگری بشود. بنا بر این، تحت تسخیر و مورد سلطه اراده دیگری قرار می‌گیرد» (راغب اصفهانی: ۱۴۱۶ق، ص ۴۰۲). السَّخْرَةُ: «الاجبار علی العمل بغير اجْر، اجبار کردن یک نفر بر کاری بدون اجرت است»

مفهوم شناسی واژه اطاعت

«الطاعة» مصدر طاع، در لغت به معنی طوع و رغبت است و در اصطلاح «امتثال الامر عن رغبة بغير إكراه». با این تعریف، طاعت یعنی انجام اوامر و ترک نواهی الهی با طوع و رغبت، بدون احساس اکراه و اجبار و یا حتی به‌دور از احساس تکلیف (واجب و حرام). بی‌شک با این تعریف ارتباط بین عبد و معبود یک رابطه عاشقانه است و بنده مؤمن در انجام عملیات مؤمنانه، به میل و رغبت خویش در خانه معبود می‌رود و فرمانش را بالای سر دیده و دلش گذاشته، می‌بوسد و اجرا می‌کند.

مفهوم شناسی واژه «معصیت»

العصيان (المعصية) مصدر «عصى» در لغت به معنی تمرد، سرپیچی و نافرمانی و در اصطلاح، نافرمانی در برابر قانون (الاهی) و زیرپا گذاشتن اوامر و نواهی پروردگار متعال و دستورات آسمانی پیامبر (ص) و (جانشینان معصوم آن حضرت) است؛ به عبارت دیگر اوامر الهی را ترک کردن و نواهی الهی را انجام دادن. کما این که در اصول فقه نیز در باب «اوامر و نواهی» آمده است: «أَنَا نَقَطُ بَانَ السَّيِّدِ إِذَا قَالَ لِعَبْدِهِ إِفْعَلْ كَذَا فَلَمْ يَفْعَلْ عَدَّ عَاصِيًا؛ هنگامی که مولا، نوکرش را به انجام کاری فرمان می‌دهد، اگر

و سبک زندگی صحیح و استفاده بهینه از طبیعت خداداد را تابلوی اجرایی زندگی خویش قرار دهد. سؤال این‌جاست که بسته‌های سرویسی و حمایتی یاد شده (آسمان و زمین و کوه و دشت و حیوانات و گیاهان و ...) تا چه زمانی در اختیار انسان قرار دارد؟ آیا استفاده از آن، محدودیت زمانی دارد یا نامحدود است؟ و اصول‌ها چه مکانیسمی برای استفاده دائم از این امانت‌ها وجود دارد؟ پر واضح است که از یک طرف ضرورت پرداختن به این بحث، دارای اهمیت بالایی است، چرا که حیات انسان در این کره خاکی به حفظ و پایداری سرمایه‌های اهدایی خالق طبیعت، وابسته است، و از طرف دیگر بی-توجهی نسبت به داده‌های حیات بخش آسمانی، هم، سفره بشر را روزبه‌روز کوچک‌تر و هم بهره‌برداران را گام به گام ضعیف‌تر و به کام مرگ خواهد کشاند. بنابراین در مقاله‌ی حاضر، عوامل پایداری منابع طبیعی و محیط‌زیست و نیز عوامل زوال نعمت‌ها به دلیل ناسپاسی از طریق جلب رضایت پدید آورنده آن از طریق اجرای اوامر و نواهی و پیامدهای استفاده ناصحیح از موهبت‌های یاد شده مورد بحث قرار می‌گیرد. بر این اساس ابتدا چند واژه منتخب اطاعت، تسخیر، طغیان، استغناء و مورد دقت مفهومی قرار می‌گیرد، آن‌گاه مالکیت خداوند بر همه‌ی عالم و نقش انسان به‌عنوان مستأجر از نگاه قرآن کریم و همچنین عوامل پایداری و ناپایداری سرمایه‌های خداداد در دستور کار پژوهش بوده سپس با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

مفهوم شناسی واژه تسخیر

التَّسْخِيرُ: «سَيَاقَةً إِلَى الْغَرَضِ الْمُخْتَصِّ قَهْرًا، قال تعالى، تسخير یعنی سوق دادن اجباری کسی به سمت هدف خاص» (معجم لغت الفقهاء: ص ۲۴۲) آیه شریفه قرآن با منت گذاری به انسان اینگونه تذکر و هشدار می‌دهد: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي

انجام ندهد، نافرمان به‌شمار می‌آید». (عاملی، بی‌تا: ص ۴۶)

شناسه خلقت در قرآن

بر اساس آموزه‌های اعتقادی- کلامی، از شئون کمال مطلق و پروردگار فیاض این است که همواره در حال خلق جدید و بارش فیض بر مخلوقات و به‌ویژه بر انسان جویای کمال است. بر این اساس، خدای حکیم هیچ‌گاه دست از خلقت نکشیده و همواره بر موجودات عالم و آدم، تسلط داشته و فیض مستمر دارد و مهم آن است که همه این فعل و انفعالات در عرصه خلقت را به اراده خود نسبت می‌دهد: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ؛ اوست که آسمان‌ها و زمین را بحق آفرید» (انعام/۷۳). این آیه خطاب به همه بشریت می‌فرماید که همه عالم هستی، محصول اراده و فرمان الهی است. بدیهی است که این فرمان، یک فرمان لفظی نیست بلکه هرگاه اراده او به چیزی تعلق گرفت، بدون نیاز به هیچ عامل دیگری، اراده‌اش جامه عمل به خود می‌گیرد. حال اگر اراده کرده است که دفعته موجود شود، همان می‌شود و اگر اراده کرده، تدریجاً موجود شود، آن‌گاه برنامه به تدریج شروع شده و به پایان خواهد رسید (بهرام‌پور، ۱۳۹۰ش: ص ۱۳۶). در پرونده خلقت الهی، انواع مخلوقات از حیث حجم، نوع و جنس دیده می‌شود. در قرآن کریم به اختلاف شب و روز، مرگ و حیات و مذکر و مؤنث و ... اشاره شده است که البته در این اختلاف‌ها، حکمت‌هایی نهفته است: «إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ؛ مسلماً در آمد و شد شب و روز، و آن‌چه خداوند در آسمان‌ها و زمین آفریده، آیات (و نشانه‌هایی) است برای گروهی که پرهیزگارند (و حقایق را می‌بینند)» (یونس/۶). این آیه آمد و شد شب و روز را یکی از نشانه‌های الهی شمرده است؛ چرا

که اگر همیشه تابش خورشید بود، زمین از لحاظ حرارت، قابل زندگی نمی‌شد و اگر پیوسته شب حاکم بود، سرمای شدید، ادامه حیات را مشکل می‌نمود (همان: ص ۲۰۸) و همچنین خلقت مرگ و حیات (ملک/۲) و نیز اشاره به خلقت مذکر و مؤنث در آیه‌ای دیگر که گویای حکمت الهی است (لیل/۳). اما جالب است که در آیه‌ای دیگر با اشاره به اختلاف موجود می‌گوید هیچ تفاوت و اختلافی در این خلقت‌های به ظاهر متضاد، نمی‌بینید و از انسان‌ها می‌خواهد با دقت نگاه کنند که آیا خلل و نقصانی می‌بینند؟ «مَا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ مِنْ تَفَاوُتٍ فَارْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ؛ در آفرینش خداوند رحمان، هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟!» (ملک/۳). در ادامه می‌فرماید: «ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ حَسِيرٌ؛ بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان است!» (ملک/۴). به نظر می‌رسد در دو آیه یاد شده، خدای حکیم قصد تحدی (مبارزطلبی) دارد که اگر اختلافی می‌بینید، آشکار کرده و ابراز نمایید! در واقع پروردگار علیم و حکیم، اذهان را متوجه این نکته می‌کند که نه تنها اختلافی بین این زوجها نبوده و آلترناتیو هم نیستند، بلکه این‌ها مکمل یکدیگرند، به طوریکه اگر قرار بود لا ینقطع روز باشد، بدون شب و بالعکس! چه بسا جهان از گرمای مستمر و یا سرمای فراگیر از بین می‌رفت و نیز اگر انسان و سایر مخلوقات، تک جنسیتی بودند، مشکلات عدیده دیگری متوجه مخلوقات می‌شد و چه بسا جهانی دیگر اما ناقص می‌داشتیم و یا اینکه اگر همواره حیات بود بدون مرگ! کهنسالان ناکارآمد و فرتوت، عرصه را بر جوانان تنگ می‌کردند.



شان به مکان‌های دور (نحل/ ۷ و ۸) و نیز به آب نازله از آسمان جهت نوشیدن نوشندگان و روئیدن گیاه و درخت و انواع ثمرات دل‌چسب از آب و زمین، اشاره دارد (نحل/ ۱۰ و ۱۱). سپس با اشاره به شب و روز، خورشید و ماه، ستارگان و چگونگی نورافشانی آنان، انسان را به تعقل می‌خواند. در آیه بعدی به دریا، گوشت‌های تازه و زیورهای نهفته در آن و هم‌چنین به حرکت کشتی‌های مسافری و باری و تفریحی، کوچک و بزرگ در آبراه دریایی و اقیانوسی اشاره می‌کند که فرصت‌های بسیار بزرگی را پیش‌روی انسان می‌گذارد (نحل/ ۱۴). در ادامه همین آیات، به نقش کوه در استواری زمین و جاری شدن رودها و راه‌هایی که از آن منشاء می‌گیرد آکه در گذشته عمدتاً مردم در کنار رود مسکن می‌گرفتند و راه‌ها هم در کنار آن‌ها احداث می‌شد و حتی کسانی که راه را گم می‌کردند اگر از امتداد رودخانه‌ها حرکت می‌کردند به آبادی می‌رسیدند، می‌پردازد (نحل/ ۱۵). و با اشاره به ستارگان آزیبایی‌های آن‌ها شناسایی راه‌ها و راه‌یابی توسط ستارگان را به انسان‌ها گوشزد می‌کند. اما آن‌چه که پس از ذکر این نعمت‌ها، گوشزد می‌کند بسیار مهم است: نشانه‌ی رأفت و رحمت الهی (نحل/ ۷)، وجوب نشان دادن راه راست بر پروردگان «و علی‌الله، قصد السبیل» معرفی نعمت‌ها به‌عنوان آیات و نشانه‌های الهی. علاوه، برای ایجاد تفکر، تعقل، تذکر، تشکر و هدایت (به ترتیب: نحل/ ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۷) و نیز در آیه ۱۸ سوره مبارکه نحل، پس از نام بردن از نعمت‌های خداداد و کارکردهای مادی و معنوی آن، به بی‌شمار بودن آیات الهی اشاره می‌کند تا به انسان‌ها هشدار دهد که همه را برای تو خلق کرده و در تسخیر تو قرار داده است. یعنی ای انسان، این امکانات و فرصت‌ها همه در اختیار تو هستند تا تو نانی به

بدین ترتیب اگر اختلاف را به معنای غیر مشهور آن یعنی آمد و شد (منظم)، خَلْفَهُ (جانشین) (سیاح، بی تا: ج ۱، ص ۳۶۶) در نظر بگیریم، این اختلافات، با وصف کمال و مکمل بودنش چه جهان زیبایی را می‌سازد!

حیات تسخیری طبیعت

از مباحث پیشین، این نکته مهم را به یاد می‌آوریم که همه‌ی عالم و آدم، مخلوق خداست! مفهومی چیست؟ آیا خدای متعال نیازمند مخلوقات خویش است؟ آیا این پدیده‌ها می‌توانند در برابر کمال وجودی خدا عرض اندام کنند؟ با اطمینان باید گفت طرح چنین پرسشی هرگز نباید موهم این تلقی باشد که واجب‌الوجود برای رفع نیازمندی‌اش به ممکن‌الوجود، پناه برده است؛ البته چنین نگاهی در برابر عقل اثبات‌کننده صمدیت و بی‌نیازی مطلق پروردگار (سوره توحید)، بسیار ناقص و ناصواب است. اما آیات زیادی به این معنی تصریح کرده است که خَلْقَ مطلق، همه مخلوقات را برای اشرف مخلوقات (انسان)، خلق کرده است با این تعبیر که همه‌ی آن پدیده‌ها را در تسخیر انسان قرار داده است. در مفهوم‌شناسی گفته شد که تسخیر به‌معنای اجبار بر عمل، بدون اجر و مزد است یعنی ابر و باد و مه و خورشید و فلک، همه در تسخیر انسان و در خدمت وی هستند. «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَاهِرَةً وَبَاطِنَةً؛ آیا ندیدید که خدا آن‌چه در آسمان‌ها و در زمین است مسخّر شما ساخت، و نعمت‌های آشکار و پنهان خود را بر شما کامل کرد؟ همچنین آیات دیگری وجود دارد که به‌صورت جزئی، انواع مخلوقات مسخّر در برابر انسان‌ها را مورد تأکید قرار داده است. اشاره به انعام و چهارپایان و منافعی از قبیل گوشت حلال و پوست آنان جهت گرمایش و سایر منافع آن مثل مرکب‌بودنشان و حمل بار



وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ او کسی است که آسمان‌ها و زمین را در شش روز [= شش دوران] آفرید؛ و عرش (حکومت) او، بر آب قرار داشت؛ (بخاطر این آفرید) تا شما را بیازماید که کدامیک عملتان بهتر است! (هود/۷). اما آن چه که در این آیه محل استشهاد است جمله: «لیبلوکم» است، یعنی هدف از خلقت این است تا شما را بیازماید. و در سطحی دیگر، هدف از خلقت جن و انسان را «لیعبدون» (ذاریات/۵۶) معرفی کرده است. اما در پاسخ به هدف از خلقت، پاسخ کلی این است که آفرینش این‌ها برای تحصیل کمالات بیشتر است (مصباح یزدی، بی تا، ص ۱۷۱).

حقوق و وظایف متقابل انسان و طبیعت

با توجه به رابطه‌ی تسخیری طبیعت با انسان، همه‌ی عوامل طبیعی با تمام وجود در خدمت انسان بوده و به تمام وظایف تکوینی خویش درباره‌ی انسان، جامه عمل می‌پوشند و انگار به همه‌ی تعهدات نانوشته‌شان با انسان‌ها، پایدار مانده و هیچ حقی از آنان برعهده بشر نیست، بدیهی است عنوان تسخیری آنان، گویای خدمت تمام قد طبیعت و تسلیم‌شان در برابر انسان است. البته چنین رفتاری از ناحیه‌ی آنان براساس برنامه‌ی مکتوب و امر خداوند در تار و پود وجود تکوینی سایر مخلوقات نسبت به کرامت و شرافت انسان بوده و تخلف‌ناپذیر است. آیه شریفه گویای همین واقعیت است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا؛ ما آدمیزادگان را گرامی داشتیم؛ و آن‌ها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم؛ و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم؛ و آن‌ها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم» (اسراء/۷۰). بنابراین، کرامت و فضیلت انسان بر اکثر

کف آری و به غفلت نخوری. البته خلقت عالم و آدم، جزء ذات خداست و چه بسا جهان‌های دیگری نیز آفریده است. امام باقر(ع) می‌فرماید: «لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ اللَّهَ إِنَّمَا خَلَقَ هَذَا الْعَالَمَ الْوَاحِدَ، وَتَرَى أَنَّ اللَّهَ لَمْ يَخْلُقْ بَشَرًا غَيْرَكَمَ! بَلَى وَاللَّهِ، لَقَدْ خَلَقَ اللَّهُ أَلْفَ أَلْفِ عَالَمٍ، وَأَلْفَ أَلْفِ آدَمَ، أَنْتَ فِي آخِرِ تِلْكَ الْعَوَالِمِ وَأَوْلَتُكَ الْآدَمِيَّيْنَ؛ شاید فکر می‌کنی که خداوند همین یک جهان را آفریده و بشری جز شما خلق نکرده است. به خدا سوگند که خداوند هزارهزار جهان و هزارهزار آشبیه حضرت آدم] آفریده است که تو در آخرین آن جهان‌ها و آن آدمیان هستی (فیض کاشانی، ۱۳۷۴ش: ج ۵، ص ۶۰). دستگاه خلقت، با همه عظمتش مثل همه پدیده‌های کوچک و بزرگ، نمی‌تواند عبث و بیهوده باشد، لاجرم دارای غایت و هدف است. البته هدف افعال الهی با هدف افعال بشری، متفاوت است. ما کاری می‌کنیم تا از آن نتیجه‌ای عاید خودمان شود، به این معنی، هدف اصلی، تأمین مصالح شخصی است. اما خداوند متعال نیاز به چیزی ندارد تا برای تأمین آن کاری انجام دهد، او کمال مطلق است و هیچ کاری را برای خود انجام نمی‌دهد بلکه برای منفعت مخلوقات و همه بشریت انجام می‌دهد. به عبارت دیگر، فیاض بودن خدا ایجاب می‌کند که موجودی به نام انسان خلق شود و اقتضای وجود خدا، نفع رساندن به دیگران است، به زبان فلسفی، هدف از افعال الهی، خود ذات است و به زبان عرفانی، خدا دوست دارد صفاتش تجلی کند (ایرانمنش، ۱۳۹۵: ص ۸). بی شک، خداوند از آفرینش جهان و ایجاد آیه‌های بزرگ الهی در آسمان و زمین، هدفی دارد که باید در جست‌وجوی آن باشیم. درباره آفرینش جهان و تدبیر آن در قرآن کریم آمده است: هدف از آفرینش جهان این است که شما انسان‌ها آزمایش شوید: «وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ

مخلوقات حتی بر فرشتگان، جای مسامحه نیست؛ رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «ما شیءٌ أكرمُ على الله من ابنِ آدمٍ. قيل: يا رسولَ الله، ولا الملائكةُ؟! قال: الملائكةُ مَجْبُورُونَ، بمنزلةِ الشمسِ والقمر؛ هیچ چیز نزد خدا گرامی‌تر از فرزند آدم نیست. عرض شد: ای پیامبر خدا! و نه [حتی] فرشتگان! فرمود: فرشتگان بسان خورشید و ماه مجبورند» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق: ج ۱۲، ص ۱۹۲). قابل توجه اینکه، چنین ارتباط تسلیم‌گونه‌ای از طرف طبیعت، اطاعت از انسان به‌شمار نمی‌آید؛ چرا که اطاعت از ماده «طوع» و پیروی از روی اختیار و علاقه و دلدادگی است اما از آن‌جا که عناصر طبیعت اراده و اختیاری از خود نداشته و مجبور به سرویس‌دهی انسان‌اند، لذا اطاعت، درباره‌ی آنان زینده نیست! با توجه به بحث پیش‌گفته پیرامون خلقت عالم برای انسان، و فرمان تکوینی خداوند در تسخیر و تسلیم سایر مخلوقات نسبت به انسان، بدیهی است که این حق برای بنی‌آدم تعریف شده که در چارچوب حقوق شناخته شده از منظر عقل و شرع، حداکثر استفاده مفید و حساب شده را از خادمان طبیعی خویش داشته باشند.

وظایف انسان در برابر حقوق سایر مخلوقات
اما آن‌چه که مهم و مورد تأکید است این است که حقوق طبیعت و وظایف انسان در این‌باره چیست؟ به‌طور کلی می‌توان گفت، موجودی به‌نام انسان که اشرف مخلوقات است، نسبت به همه موجودات زنده دیگر و حیات آنان، مسئولیت دارد، پس نمی‌تواند در حفظ و نگهداری آنان (جهت استفاده سودجویانه خویش) کوتاهی کند، همان‌گونه که درباره جان و مال خویش نمی‌تواند بی‌تفاوت باشد و یا احیاناً اسراف کرده و یا به خویش ضرر برساند، براساس قاعده «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» همین‌طور

نمی‌تواند نسبت به خانواده خویش (برنارد، ۱۳۸۴ش: ص ۱۲۸) و نه انسان‌های دیگر و سایر مخلوقات را برای نفع بیشتر خویش، در معرض ضرر و اضرار قرار دهد؛ چرا که مقتضای قاعده‌ی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» چنین حکم می‌کند که: در عالم خارج، هیچ ضرر یا حکم مستلزم ضرری از ناحیه شارع وجود ندارد (ملکی اصفهانی، ۱۳۸۱ش: ص ۳۲). روایات ذیل نیز هر چند کوتاه اما گویای حقوق سایر مخلوقات و مسئولیت انسان در برابر آنان است: پیامبر اعظم (ص): «تَمَسَّحُوا بِالْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ وَ هِيَ بَكْمُ بَرِّهِ؛ زمین را مسح کنید، به‌درستی که آن مادر شماست و با شما رفتار نیکو دارد» (بحارالانوار، ج ۵۷، ص ۹۴). امام علی (ع): «فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبِهَائِمِ؛ شما در پیشگاه خداوند مسئول بندگان خدا، خانه‌ها و حیوانات هستید» (نهج‌البلاغه، ۱۳۸۰ش: خطبه ۱۶۷، ص ۳۲۰). نظر اسلام در مورد آباد کردن زمین و پایداری محیط زیست آمده است: «هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ» یعنی خداوند شما را در زمین خلق کرد و شما را به عمارت و آباد کردن زمین گماشت. در این رابطه پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید: «ان قامت علی احدکم القیامه و فی یده فسیله فلیغرسها»، یعنی اگر قیامت برپا شود و در دست نهالی باشد باید آن را بکارد». پیامبر خدا (ص): «مَنْ نَصَبَ شَجْرَةً وَ صَبَرَ عَلَی حِفْظِهَا وَ الْقِيَامِ عَلَیْهَا حَتَّى تُثْمَرَ، كَانَ لَهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ يَصَابُ مِنْ ثَمَرِهَا صَدَقَةٌ عِنْدَ اللَّهِ؛ هر که درختی بنشاند و در راه نگهداری و رسیدگی به آن صبر کند تا میوه دهد، در قبال هر میوه‌ای که از آن بخورند، یک صدقه نزد خدا برایش منظور شود» (متقی هندی، ۱۴۰۱ق: ج ۳، ص ۵۲۴). در مستدرک الوسائل در باب انفاق بر حیوانات آمده است: عن علی (ع): أن رسول الله (ص)، قال: «يجب للدابة علی صاحبها ست



های بسیار وزین، زمین به‌عنوان مادر انسان‌ها تلقی شده است. زمینی که پس از خالق و رازق مطلق، خاستگاه انسان بوده و روایت حاکی از این است که سرشت مادی انسان از خاک برآمده، دوباره به خاک پیوند می‌خورد (به تعبیر دیگر، از نگاه مادی و معنوی، ماهیت از اویی و به اویی دارد) و بقیه نیازمندی‌های زیستی انسان که تحت عنوان محیط‌زیست مطرح است (اعم از حیوان، درخت، گیاه، انواع غذاها و میوه‌ها و ...) اکثر آن از مادری به‌نام زمین، سربرمی‌آورد، بنابراین همه انسان‌ها در آزمون بزرگی قرار دارند و آن حفظ و نگهداری مادری که در دامن آن پرورده شده‌اند. و آیه شریفه می‌گوید: «إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لِّهَا لِنَبْلُوَهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا؛ ما آن‌چه را روی زمین است، زینت آن قرار دادیم، تا آن‌ها را بیازماییم که کدامینشان بهتر عمل می‌کنند!» (کهف/۷). در فرهنگ قرآن، خداوند همه‌گونه امکانات و فرصت‌ها را در اختیار انسان قرار داد و به تعبیری همه جانداران و غیرجانداران را در چارچوب اصول امانت‌داری در تسخیر و تصرف مالکانه موجود ذی‌شعوری به‌نام انسان قرار داد تا وی را در لابراتوار «قالوا بلی» آزموده و در ترازوی عدالت، عیار تعهد و انسانیتش را بسنجد. بدیهی است، نوع انسان با چنین مسئولیت و اختیارات آسمانی، به یقین باید مورد سؤال قرار گیرد و درجهان‌پسین باید پاسخ‌گو باشد: «لَتُسْأَلُنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ؛ در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که داشته‌اید بازپرسی خواهید شد!» (تکواثر/۸). با توجه به آموزه‌های دینی، انسان نسبت به انواع مشخص نعمت‌های خداداد (که ما آن‌ها را به‌عنوان محیط‌زیست می‌شناسیم) مسئول است و به دو دلیل باید در حفظ و حراست از آنان متعهد باشد:

خصال: بیداً بعلفها إذ نزل، و يعرض عليها الماء إذا مرّ به، ولا يضربها إلّا علی حق، ولا يحملها ما لا تطيق، ولا يكلفها من السير ما لا تقدر عليه، ولا يقف عليها فوّاقاً؛ حیوان شش حق به گردن صاحبش دارد: هرگاه از آن پیاده شد علفش دهد، هرگاه از آبی گذشت آن را آب دهد، بی‌دلیل آن را نزند، بیشتر از قدرتش آن را بار نکند، بیشتر از توانش آن را راه نبرد و مدت زیادی روی آن درنگ نکند» (نوری، بی تا: ج ۸، ص ۲۵۸). هیچ حیوان (جنبنده‌ای) را بدون ضرورت نمی‌توان کشت، چون در روز قیامت شاکی خواهد شد. پیامبر خدا(ص) می‌فرماید: «ما من دابةٌ - طائرٌ و لا غيره - يُقتلُ بغيرِ الحقِّ إلّا ستُخصمه يومَ القيامةِ؛ هر حیوانی - پرنده یا جز آن - که به ناحق کشته شود در روز قیامت از قاتل خود شکایت خواهد (متقی هندی، ۱۴۰۱ق: ج ۱۵، ص ۳۷). البته در شریعت اسلام، هیچ موجود ذی روحی را نباید کشت مگر اینکه موذی و آسیب رسان باشد. ابن عباس از پیامبر اعظم(ص) نقل کرده است که: «نهی عن قتلِ كلِّ ذی روحٍ إلّا أن یؤذی؛ از کشتن هر جانداري نهی فرمود، مگر آن که آزار و آسیب برساند» (همان، ص ۳۹).

تحلیل روایات پیش‌گفته

در تحلیل محتوای روایات یاد شده می‌توان گفت: خداوند حکیم، آسمان و زمین و نیز تمام آن‌چه که برای زینت انسان لازم است را آفرید و تحت سیطره و قدرت وی قرار داد تا بدین‌وسیله ضمن تأمین نیاز انسان، وی را در دایره‌ی آزمایشات حکیمانه بیازماید تا عیار بشر در حفظ مانده‌ها و امانت‌های خدا آشکار شده و اهلیت و امانت‌داری و یا خیانت وی سنجیده شود و با همه شعارهای طبیعت دوستانه‌اش در قالب سازمان‌های عریض و طویل بین‌المللی لااقل برای خودش اثبات شود که سطح وفاداری‌شان نسبت به طبیعت و محیط زیست تا چه حد صادق است. در یکی از روایت-



شان عمل می‌کنند، حرکت افلاک و نجوم را لحظه‌ای توقف نبوده و برای آنان استراحت و خوابی نیست؛ اگر خورشید را در نظر بگیرید برخلاف زمین که شب و روز دارد خورشید هیچ-گاه، شب را تجربه نمی‌کند. اگر غروبی هست برای زمین است و خورشید را غروبی نیست! بنابراین خورشید و ستاره‌ها و ... از زمانی که خلق شدند تا زمانی که انرژی‌شان تمام نشده، به حکم تکوین و امر الهی بدون تخلف و بی تاخیر، در حرکت‌اند و غروب آن‌ها زمانی است که دیگر عمرشان به پایان می‌رسد. (به دلیل فرمانبری‌شان و انجام دقیق وظایف محوله). اما مخلوقی به نام انسان به خاطر در اختیار داشتن موهبت «اختیار» و نقش اراده انسانی در «فعل و ترک»، به‌طور کلی به دو دسته‌ی انسان‌های فرمانبر و مطیع فرمان الهی و انسان‌های غیرمطیع و نافرمان تقسیم شده که برطبق اوامر و نواهی آسمانی و یا برخلاف اراده‌ی الهی حرکت می‌کنند. براساس منطق قرآن، اگر انسان‌ها منطبق با اراده الهی و تحت فرمان او باشند آثار و برکات فراوانی را در باردهی و بازدهی عوامل آسمانی و زمینی تجربه خواهند کرد: «ولو أن أهل القرى آمنوا و اتقوا» (اعراف/ ۹۶). بنابراین، با توجه به آیه فوق، باید به باطن عالم چنگ زد و نه باطن زمین؛ چرا که اخبار و اسرار در باطن عالم است، اما مادی‌گرایان آن را در دل زمین و گنج‌های مادی نهفته در آن می‌جویند که کمتر به آن می‌رسند. علامه طباطبایی در ذیل آیه به حقیقتی اشاره می‌کند که معیار نزول نعمت و نعمت بر آدمیان است؛ «اجزای عالم مانند اعضای یک بدن به یکدیگر متصل و مربوط‌اند به‌طوری که صحت و سقم و استقامت و انحراف یک عضو در صدور افعال از سایر اعضا تأثیر داشته و این تعامل در خواص و آثار در همه اجزاء و اطراف آن جریان دارد. [مهم اینست که] این اجزاء همه به

محیط زیست به‌عنوان امانت الهی
حفظ امانت و ودیعه‌ی الهی بر انسان واجب است؛ چرا که ادامه زیست سالم انسان به بهداشت محیط و سلامت محیط زیست بستگی دارد. امام صادق(ع) در این زمینه می‌فرماید: «لا تطیب السُّکْنی الا بثلاث: الهواء الطَّیْب والماء الغزیر الحَدْب والارض الخَوَّارَة؛ زندگی بدون محیط-زیست پاک (هوای پاکیزه، آب فراوان و زمین بارور، گوارا و شیرین نمی‌شود)» (تحف العقول، ص ۳۱۵).

پاسخ‌گویی در قبال نعمت‌های خداداد از قبر تا قیامت

عقل سلیم حکم می‌کند انسانی که دارای اختیارات است باید به میزان اختیارات و به اندازه برخورداری از امکانات و فرصت‌های پاسخ‌گو باشد، کما این‌که طبیعت به‌عنوان موجود غیرمختار با هدایت تکوینی، (شریعتی، بی‌تا، ص ۱۴۷). از آن‌جا که مجبور به انجام امور محوله است بالطبع بلا تخلف بوده و ضرورتی برای پاسخ‌گو بودنش نیست. به‌عبارت دیگر، مخلوقات غیرمختار موجود در آسمان‌ها و زمین مثل کهکشان‌ها و ستاره‌ها در حکم دست قدرت خداوند و ابزار اجرای اراده الهی‌اند. (همان).

چرایی و چگونگی تعامل بین مخلوقات مختار و غیرمختار

آفرینش آسمان و زمین با دست قدرت الهی است و در این آفرینش، بخش اعظم آفریده شدگان، غیرمختاراند و بخش اندکی از آن مخلوقات اعم از انسان و جن، موجوداتی مختاراند. اما موجودات غیرمختار با خلقت تکوینی‌شان، به‌طور کامل و به اذن الهی تحت فرمان بشراند، اما ویژگی الهی و عمده‌ی آن این است که براساس برنامه تدوین شده‌ی خلقت و براساس تکوین حرکت می‌کنند، و همه‌ی اینان بدون کمترین تخلف به وظایف-



افتخار تسخیری پیدا کردند و به شکل لاینقطع در خدمتگزاری این مخدوم بزرگ اند، از چنان شهرتی برخوردار شدند که انگار خداوند متعال به پاس قدردانی از آنان دستشان را بالا برده و نامشان را در لوح محفوظ قرآن، ثبت کرده است. (البته این مخلوقات با آثار و برکات فراوان - شان در جای جای قرآن ستایش شده، حتی شاهد قسم‌های متعددی از طرف خداوند متعال به نام آنان در کتاب وحی وارد شده است: «وَالشَّمْسُ وَضَحَاهَا * وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَاهَا * وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّاهَا * وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا * وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا * وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا * وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا * به خورشید و گسترش نور آن سوگند * و به ماه هنگامی که بعد از آن درآید * و به روز هنگامی که صفحه زمین را روشن سازد * و به شب آن هنگام که زمین را بپوشاند * و قسم به آسمان و کسی که آسمان را بنا کرده، * و به زمین و کسی که آن را گسترانیده * و قسم به جان آدمی و آن کس که آن را (آفریده و) منظم ساخته» (شمس/۱-۷). همانطور که ملاحظه می‌شود، در این سوره خداوند به خورشید و ماه، روز و شب، آسمان و زمین و البته به جان انسان قسم یاد کرد! هر چند قسم‌های قرآن اغلب دو دلیل دارد: یکی اهمیت چیزی است که به آن قسم خورده شده و دیگری اهمیت چیزی که برای اثبات آن قسم یاد شده است! (بهرام پور، ۱۳۹۰: ص ۵۹۵). بدیهی است فلسفه وجودی این شرافت یابی، به اطاعت تکوینی شان از فرمان الهی و در خدمت اشرف مخلوقات بودن است، بالطبع، بقاء انسان بر شرافت اولیه اش و استمرار آن منوط به مسوولیت پذیری انسان بوده که بر عقل و اختیار بنا شده است. و الا اگر هر انسانی به مقتضای آزادی خویش، ناجوانمردانه، مبدا اعلی را فراموش کند نه تنها شرافتش را از دست می‌دهد که از

سوی خدای سبحان و آن هدفی که خداوند برای آن‌ها مقدر نموده در حرکت‌اند. انحراف و اختلال در حرکت یک جزء از اجزای آن، در سایر اجزاء به‌طور نمایان اثر سوء می‌گذارد. [که اجزاء برجسته فاسد، فساد بیشتری ایجاد می‌کند] البته اگر جزء فاسد، استقامت قبلی خود را به دست آورد به حالت رفاه قبل از انحرافش نیز برمی‌گردد. و اگر به انحرافش ادامه دهد، فساد حال و ابتلاش نیز ادامه خواهد یافت تا آن‌جا که طغیانش از حد بگذرد و کار سایر اجزاء را به تباهی بکشاند، در این‌جا همه اسباب جهان علیه او قیام نموده و با قوایی که خداوند به منظور دفاع از حریم ذات وجودشان در آن‌ها به ودیعه سپرده جزء مزبور [فاسد] را تا خبردار شود از بین برده و نابود می‌سازند (طباطبایی، بی‌تا، ج ۸، ص ۲۴۷). البته آیه‌الله مکارم می‌فرماید: «منظور از برکات آسمان و زمین، نزول باران و روییدن گیاهان است» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ج ۲، ص ۶۹). در تفسیری دیگر در ذیل آیه پیش‌گفته آمده است: «برکات، به موهبت‌هایی اطلاق می‌شود که پایدار و نافع به حال مردمان است.» (بهرام‌پور، ۱۳۹۰: ص ۱۶۳). با توجه به آیه و برخی نکات تفسیری، مشخص شد که همه مخلوقات عالم (خادمین و مخدوم) را خدا مثل یک سیستم پیشرفته، تحت فرمان مخدومی به نام انسان قرار داد تا انسان بهره‌بردار، براساس نیازمندی‌های منطقی خویش و نیازمندی‌های نسل‌های آینده و نیز به اقتضای حفظ و استمرار نظام طبیعت، ضمن استفاده ضروری‌اش از طبیعت خداداد، آن را با راه‌کارهای توسعه‌بخش در مسیر استفاده عموم بهره‌برداران امروز و نسل‌های آینده قرار دهد.

اهتمام خالق به خدمتگزاران انسان

بی شک، همه موجوداتی که برای رشد انسان خلق شده و تنش‌ها به تن انسان خورده و



یک مسئله مهمی است که می‌تواند الگویی برای ارزش گذاری طبیعت در نگاه مومنین باشد.

ناسازگاری انسان با طبیعت

با توجه به سیر بحث و اینکه همه عالم، ملک مطلق خدا و مخلوق اوست. همچنین، همه مخلوقات در تسخیر انسان و ابزار دست وی به حساب می‌آیند، و هر موجودی برای کار خاصی به وجود آمد که باید در مسیر کارکرد خودش به کار گرفته شود! بنابراین، اگر بهره‌برداری انسان از خدمات مخلوقات ابزاری، در کانال تعریف شده به کار گرفته شود چه خادم و چه مخدوم، به‌ویژه انسان (مخدوم) به تدریج در راستای اهداف آسمانی گام برخواهند داشت و به آن نائل خواهند شد. اما اگر بهره‌گیری انسان غیر عادلانه باشد یعنی اگر موجودات تسخیری به صورت افراطی یا تفریطی در مسیر نادرست به کارگیری شوند، بدیهی است که آسیب‌های ناشی از بی-نظمی، ثمرات نامبارک و سرنوشت غیرقابل دفاع و بلکه شوم را در دنیا و آخرت رقم خواهند زد که در فرهنگ قرآن و سنت چنین رویکردی تحت تأثیر عوامل ویران‌گر روحی- رفتاری ذیل بوده و نتایج غیر قابل دفاعی را رقم خواهد زد:

اسراف، گناه، افراط - تفریط

همه پدیده‌های خداداد در زمین به اقتضای محدودیت مادی‌شان، برای همگان و همه نسل‌های بی‌شمار بشری پا به عرصه وجود گذاشتند، اگر با رفتار اسراف آلود، مورد بی‌مهری قرار گیرند بنا به قانون طبیعت، نه تنها قرارداد همکاری، تسخیری و وفاداری‌شان را به هم خواهند زد که گاهی در قالب سیل و زلزله و رویکرد کویرزایی، واکنش سختی نشان خواهند داد. خداوند خالق، در این زمینه حرف آخر را زد: «وَمَا أَصَابَكُمْ مِّنْ مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ» هر مصیبتی به شما رسد بخاطر اعمالی است که انجام داده‌اید، و بسیاری را نیز

خادمینش (سایر مخلوقات) عقب می‌افتد: «أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ» آن‌ها هم‌چون چهارپایانند؛ بلکه گمراه‌تر! اینان همان غافلانند (چرا که با داشتن همه‌گونه امکانات هدایت، باز هم گمراهند!)» (اعراف/۱۷۹)

اسامی سایر مخلوقات بر پیشانی سوره‌ها

سوره بقره: به معنی گاو

سوره انعام: به معنی چهارپایان

سوره انفال: به معنی کویر، جنگل، دریا و دریاچه

سوره رعد: به معنی رعد و برق

سوره نحل: به معنی زنبور

سوره کهف: به معنی غار

سوره نور: به معنی همان نور

سوره نمل: به معنی مورچه

سوره عنکبوت: همان عنکبوت

سوره دخان: به معنی دود

سوره طور: نام کوهی است

سوره نجم: به معنی ستاره

سوره حدید: به معنی آهن

سوره قلم: به معنی همان قلم

سوره جن: به معنی همان جن

سوره بروج: به معنی ستارگان

سوره غاشه: به معنی شب

سوره فجر: به معنی همان فجر

سوره لیل: به معنی شب

سوره قارعه: به معنی کوبنده

سوره عصر: به معنی عصر

سوره شمس: به معنی خورشید

سوره قمر: به معنی ماه

بنابراین می‌توان گفت: از افتخارات اسلام این است که بسیاری از سوره‌های قرآن کریم به نام یکی از عناصر طبیعت خوانده شده است و این



دسترس انسان‌ها خارج خواهد شد. هم‌چنین در فرایندی دیگر، نابودی موجودات مفید دریایی و نیز تولید گردبادها را در پی خواهد داشت (ووین - آن‌وین، ۱۳۸۱: ص ۲۵). و هم‌چنین انواع آلودگی‌های محیطی و آلودگی هوا را موجب خواهد شد (هویدی، ۱۳۹۰: ص ۱۴۴).

استغناء و غرور

با ظرفیت‌های موجود در انسان (فطری و خداداد) و با استفاده درست از این ظرفیت، انسان می‌تواند روزبه‌روز بر قدرت خویش افزوده و توانمندتر شود و البته چنین قدرتی می‌تواند فسادزا باشد (اگر اخلاق، عقل و قانون نتواند موانع را شناخته، غریب‌گری و مهارگری کند) چرا که چنین روحیاتی موجب حالتی مثل استغناء (احساس بی‌نیازی به خدا و خلق) و غرور و گردن‌فرازی انسان می‌شود. «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ * أَن رَّاهُ اسْتَفْتَنَىٰ؛ به یقین انسان طغیان می‌کند از این که خود را بی‌نیاز ببیند!» (علق/۶). باین معنی که با حس تنوع‌طلبی به شکار بی‌رویه اقدام نموده و نسل حیوانات وحش را خواهد زد و نیز با استفاده بی‌رویه و غیراصولی از آب، این سرمایه‌ی حیات را با تهدید مواجه خواهد کرد. چنین انسان‌هایی با گنج‌سازی سرمایه‌های خویش مانع رشد متوازن جامعه شده و در کنار آنان، انسان‌های دیگر ضعیف و لاغر شده و این رویکرد، موجب شکل‌گیری جامعه طبقاتی و موجبات نفرت خلق و خشم خالق و زندگی جهنمی در دنیا و آخرت را فراهم خواهد کرد (توبه/ ۳۴-۳۵). اما مهم این است که گاهی جامعه دستخوش جنگ و درگیری و تنازع برای بقا و یا دستخوش جابه‌جایی قدرت، همراه با خشونت می‌شود و باید چاره‌ای کرد تا با هم-زیستی مسالمت‌آمیز انسان‌ها با یکدیگر و نیز تعامل انسان‌ها با سایر حیوانات، محیط‌زیست را

عفو می‌کند!» (شوری/۳۰). آیه دیگر، سرگذشت تجاوز انسان به حدود الهی و حقوق خلق‌الله و طبیعت را با پیامد بد چنین رفتاری، هشدار می‌دهد و البته به‌دنبال آن است که انسان متجاوز (افراط‌کار و تفریط‌کار) از ادامه‌ی راه خطرناکش برگردد: «ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ؛ فساد، در خشکی و دریا بخاطر کارهایی که مردم انجام داده‌اند آشکار شده است؛ خدا می‌خواهد نتیجه بعضی از اعمالشان را به آنان بچشاند، شاید (بسوی حق) بازگردند!» (روم/۴۱). در تفسیر عطیه عوفی آمده است: «وَلَا تَعْصُوا فِي الْأَرْضِ مُسِكًا لِلَّهِ الْمَطَرِ وَيُهْلِك الْحَرْسَ بِمَعَاصِيكُمْ؛ در زمین عصیان نکنید پس خداوند بارش باران را قطع می‌کند و انواع روئیدنی‌ها به خاطر گناهتان از بین خواهد رفت» (عطیه عوفی، ۱۳۸۸: ج ۲، ص ۳۶۱). بدیهی است از آن‌جا که آب حیات انسان و همه مخلوقات است حالا اگر گناه، اسراف، افراط و تفریط طبق وعید الهی بخواهد موجب کاهش بارش یا منع آن شود چه فاجعه‌ای در زمین رخ خواهد داد. در نسخه‌های قطعی عالمان تجربی نیز چه رویکرد خودخواهانه‌ای در قالب هشدارها پیچیده شده که اگر انسان انحصارطلب و سودجو بخواهد محیط‌زیست آباد و جنگل‌ها را به شکل بی-رحمانه‌ای مورد آسیب قرار دهد، به یقین، سطح نزول باران کاهش و یا قطع خواهد شد و در پی آن حیوانات و گیاهان بسیار مفید، نابود خواهند شد و در ادامه زمین تفتیده جنگل، با باران‌های معمولی، آب‌های جاری را به شکل سیل، روانه محیط‌زیست انسانی، خواهد کرد و ویرانه‌ای بر جای خواهد گذاشت و از نگاه دیگر، آب‌های ذخیره نشده در زمین‌های سخت جنگل، آب‌های زیرزمینی را در درازمدت آسیب زده و سطح آب-های زیرزمینی به تدریج فروکش کرده و از



پس از تولد، زمین به عنوان پروازگاه انسان به سوی معراج است.

تفاوت دو پرواز

اکنون سؤال این است که تفاوت دو پرواز در چیست؟ و اینکه هواپیما در باند فرودگاه با چه شرایطی می‌تواند به پرواز درآید؟ بدیهی است که یک پرواز سالم و فرود دوباره به زمین، تا زمانی میسر است که همه شرایط برای سلامت پرواز و باز فرود هواپیما فراهم باشد و این یعنی فرآیند پرواز و بازگشت سالم، مدیون دو گام ضروری است: گام اول، ساخت یک فرودگاه مجهز و گام دوم، حفظ و نگهداری مستمر آن برای همه پروازهای آینده. این تمثیل، به دنبال واگویه روایتی از زندگی انسان است که خالق بزرگ، زمین را در حکم فرودگاه انسان مهیا کرده و پرواز به آسمان را هدف غایی انسان می‌داند بنابراین، تفاوتی در اندرون تشبیه انسان با هواپیما وجود دارد که زمین، در واقع، نه فرودگاه، بلکه پروازگاه روح متعالی انسان به سوی بی‌نهایت است برخلاف هواپیما که باند فرودگاه، فرصت دوگانه - ی پرواز و نیز بازنشست هواپیماست. بی‌شک اگر زمین محل برخورداری انسان از سوخت خداداد و پرواز به سوی اوست. پس باید قدر آن را دانست و با تشکر از خدا و نعمت‌هایش در حفظ و نگهداری آن کوشید تا از این طریق ضمن سپاس از خدا، استمرار این نعمت‌ها را تضمین کرد: «لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَلَئِنْ كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ» اگر شکرگزاری کنید، (نعمت خود را) بر شما خواهم افزود؛ و اگر ناسپاسی کنید، مجازاتم شدید است! (ابراهیم/۷).

محیط زیست

خدای متعال پس از خلقت انسان، وی را در خلاء قرار نداد، بلکه محل زندگی و زیست وی را روی زمین قرار داد و همه نوع امکانات را برای ادامه

به‌طور متعادل و به شکل راهبردی، پیش برد (ماهینی، ۱۳۹۱ش: ص ۳۹۹).

تذکار نعمت‌های آسمانی در قرآن

خدای حکیم با ارسال رسل و انزال وحی و قرآن، سعادت این جهانی و جهان واپسین انسان را هدف گرفته است، اگر آخرین نسخه هدایت الهی (قرآن) را تورق کنیم، آیه‌های نورانی بسیاری را می‌بینیم که در قالب اوامر و نواهی، نسخه‌های حرکت آفرین و شفابخش را مدنظر دارد و برای هم‌زیستی مسالمت آمیز انسان با طبیعت و استفاده درست از آن با بردن نام مصادیق طبیعی در قرآن، از انسان مطالبه شکرگزاری دارد. بدیهی است، خدای خلاق و رزاق با اعطای نعمت‌ها، چیزی از وی کم نمی‌شود تا با شکرگزاری بندگان جبران شود، چه این‌که، شکرگزاری نمی‌تواند به ذات احدیت چیزی اضافه کند. با اندکی دقت در مطالبه یاد شده و با نگاه به نیازمندی مطلق انسان و نیز بی‌نیازی مطلق خدا و خود واجب‌ی خدا برای هدایت بشر این مطلب را به انسان‌های آزاده القاء می‌کند که او هر چه می‌خواهد و فرمان می‌دهد برای حرکت انسان در پیمودن پله‌های نردبان ترقی و بالا رفتن به سوی او و کمال مطلق است تا جایی که مدال جانشینی را گردن آویز بشر بنماید، یعنی در واقع او می‌خواهد انسان با استفاده درست از نعمت‌ها، طبیعت را سکوی پرش به سوی آسمان قرار داده و به اوج و عروج بیندیشد. با این تحلیل، همه زمین، فرودگاهی برای پرواز انسان است و نه ماندن در آن و زمین‌گیر شدن. این تشبیه (انسان به هواپیما و فرودگاه) به وضوح نشان می‌دهد که صاحب قرآن در کتابش از انسان همین را می‌خواهد که سوختش را از زمین گرفته و به سوی بی‌نهایت به پرواز درآید. در منطق قرآن، هر چند زمین، هنگام تولد انسان، فرودگاه وی بوده اما



اما به دلایل مختلف، و بر اساس خودخواهی های عده ای ویژه خوار که با رفتار بی رحمانه شان، محیط زیست و طبیعت رویایی مازندران (اعم از جنگل، دریا، زمین های کشاورزی و) را دستخوش تغییرات ویرانگری قرار دادند که در آینده نه چندان دور طبیعت مازندران به سطوح کوبری ایران اضافه خواهد شد. اما آنچه که با همه خطراتش به چشم نمی آید کاشت محصولات بظاهر ضروری و مفیدی است که حیات محیط زیست و طبیعت خداداد را تهدید می کند. بنابراین ضرورت دارد تا با برنامه ریزی های استراتژیک و راهبردی، حداکثر بهره وری از این خاک طلائی را در راستای نیاز کشور و نیز توسعه استان به ارمغان آورد، اما متأسفانه فقدان برنامه ریزی کلان و راهبردی در کشاورزی ایران، و بحران های مالی کشاورزان، موجب شده است تا این قشر زحمتکش در راستای منافع شخصی و مالی خویش گاهی به جای محصولات استراتژیک، سراغ امور غیر استراتژیک اما به ظاهر کم هزینه و پر درآمد بروند که چنین رویکردی زمین های حاصلخیز استان را سال های نه چندان دور، به زمینهای لم یزرع، مسکونی و حتی کویری تبدیل خواهد کرد. اگر بخواهیم از منظر قرآن و روایات اسلامی به مسئله یاد شده بنگریم می بینیم که از یک طرف قرآن کریم سرنوشت انسانها را محصول رفتارها و کارکردهای خویش می داند: « کل نفس بما کسبت رهینه، هر کسی در گرو عمل خویش است» (مدثر/۳۸). و از طرف دیگر فقه اسلامی، قاعده «اهم و مهم» را به انسان مومن می آموزد تا با وجود امر مهم تر، سراغ کارمهم نروند چه رسد به اینکه چنین کاری نه تنها مهم نبوده حتی مضرو ضرر آفرین هم باشد که در این صورت مصداق بارز قاعده «لاضرر» می شود. بنابراین، بر اساس آیه یاد شده و نیز دو قاعده فقهی پیش

زیست انسان فراهم کرد. بنابراین همه امکانات و پدیده‌هایی که با عناوین مختلف، محیط بر زندگی انسان و در اختیار وی قرار دارند «محیط-زیست» به‌شمار می‌آیند از جمله: آب، خاک، هوا، انواع حیوانات موجود خشکی، آبی و هوایی و نیز امکانات و مواد خامی که پیرامون زندگی بشر قرار دارند (جوادی آملی، ۱۳۹۱ش: ص ۶۸۹). شاید بتوان گفت که ستارگان و خورشید و ماه و همه موجوداتی که در آسمان‌ها به‌نوعی در خدمت زیست انسانی قرار می‌گیرند، می‌توانند محیط - زیست به‌شمار آیند، اما دامنه محیط‌زیست در این مقاله، محدود به همه مواردی است که در دسترس انسان بوده و در حوزه اختیار وی قرار دارند، به‌نحوی که انسان در تعامل با آن قرار داشته و می‌تواند از وجودشان بهره گرفته و بر آنان تأثیر (مثبت یا منفی) بگذارد. امروزه، امکانات دنیا بسیار زیاد است و انسان‌ها نیز بشدت رفاه‌طلب شده و رفاه فراگیر نیز در دسترس است! اما از آنان به صورت عادلانه و بهینه استفاده نمی‌شود که با توجه به محدودیت منابع، برای نسل‌های آینده باید چاره ای اندیشید. البته یکی از کارکردهای مهم دوران ظهور این است که قوانین کاربری (بهره‌برداری) درست و بهینه را به همگان آموزش داده و با استفاده بهینه از عمر و جان و مال و امکانات و فرصت‌ها و توزیع عادلانه آن‌ها بین مردم، خدمات عمومی گسترش می‌یابد

طبیعت مازندران در بوته نقد

استان مازندران به لطف دریای خزر در شمال و جنگل سرسبز در جنوب آن به همراه رطوبت نسبتاً بالا، خاک های حاصلخیزی را رقم زد که در ایران و شاید در جهان کم نظیر است. و از این خاک سفره‌های اهالی مازندران بلکه ایرانیان رنگین می‌شود.



کامل در خدمت انسان قرار داد. بر اساس قرآن، آسمان‌ها و زمین در تسخیر انسان قرار داده شده‌اند تا انسان با استفاده درست از آنان، طبق فطرت کمال‌جوی خویش و شناخت هستی‌بخش، حرکت به سوی جهان آفرین را هدف خویش قرار داده و با استفاده بهینه از نعمت‌های خداداد و نیز احترام به حقوق طبیعت و محیط زیست، تا رسیدن به معراج و قرب الهی از حرکت باز نایستد. و نیز مطرح شد، آیا مالکیت انسان به صورت مطلق و نامحدود است؟ به گونه‌ای که بتواند حتی اراده منفی خویش را بر طبیعت و محیط زیست، تحمیل کند! گفتیم که در منطق وحی، هرگز چنین نیست و نخواهد بود! بنابر این، انسان بر اساس حکم عقل و حس مسئولیت‌پذیری نسبت به عوامل تحت امر خویش، و با الگو گرفتن از تمکین تکوینی همه جهان در برابر خداوند، باید با تمکین و اطاعت از خالق هستی، و بهره‌گیری منصفانه از امانت‌های حکیم مطلق، از فرصت‌های موجود حداکثر استفاده را بکند، و نیز موظف است طبق اوامر و نواهی الهی و فرمانبری از خدا با نگاه مثبت اندیشانه به طبیعت و محیط زیست، ضمن حفظ منافع خویش، موجودیت و حقوق طبیعت و محیط زیست را (برای استمرار حیات خویش و زیست بلامنازع نسل‌های آینده) به رسمیت بشناسد. بنابر این، بر اساس فرهنگ قرآن، اگر با محیط زیست ارتباط سالمی داشته باشد، آثار و برکات آسمانی نازل می‌شود. اما اگر با ناسپاسی و به شکل خودخواهانه، با طبیعت و محیط زیست ناسازگاری کند، و تحت تاثیر عواملی مثل اسراف، گناه، حس بی‌نیازی به خدا و دیگران و طبیعت، حقوق ماسوی الله را به رسمیت نشناسد و یا حتی مورد تجاوز قرار دهد، آنان نیز طبق سنت الهی در قالب سیل، زلزله، قطع بارش آسمانی، کویرزایی و ... واکنش سختی نشان

گفته: اولاً مالک زمین، مسئول اعمال خویش است و در صورت دائرشدن امر بین کاشت محصول مهم و مهمتر، باید سراغ محصولات استراتژیک و حیاتی تر را بگیرد. اما چالش مهم تر مربوط به موردی است که آن زراعت همراه با آسیب‌هایی برای آب و خاک بوده و نیز موجب از دست رفتن محصولات اساسی و نیز عامل وابسته شدن به بیگانگان شود که این وابستگی خود امری ارتجاعی و مصادیقی روشن برای قاعده لاضرر «نفی سبیل» است. ازین منظر اگر بخواهیم آب حیات بخش و خاک طلائی را شرط لازم برای کشاورزی بهینه بدانیم باید در مازندران به محصولاتی فرصت بیشتر بدهیم که بتوانند آب و خاک موجود را حفظ و یا حتی توسعه کمی و کیفی ببخشند. بی تردید برای نیل به شرائط ایده آل در حفظ طبیعت بکر و محیط زیست (زمین‌های کشاورزی، مراتع، جنگل، دریا، حیوانات وحشی و اهلی، گیاهان و تنوع محصولات، معادن و...)، دولت و نهادهای حاکمیتی باید با برنامه‌های دقیق و زمانبندی شده، ورود کنند و با عمل به وظیفه اخلاقی، دینی و عقلی خویش به کمک مردم بی پناه استان (برای مقابله با زمین خواران و ... مازندران ستیزان) برآمده و این بلای خانمانسوز را از این استان و استان‌های مشابه، برطرف کنند.

نتیجه‌گیری

در این مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش بودیم که رابطه انسان با محیط زیست و طبیعت خداداد چگونه است؟ و اصولاً وظایف انسان در برابر طبیعت و ... چیست؟! در مباحث مقدماتی طرح شد که خلقت، جزء ذات خدای متعال است و او همواره در حال خلقت است. پس از خلقت همه مخلوقات عالم، انسان را خلق کرد و با اختصاص عقل برتری بخش به وی، همه موجودات را به‌طور

خواهند داد، و در برخی از خشم‌هایشان (که درحقیقت، خشم الهی است) اثری از خاک و خاک نشان، نگذاشته و نخواهند گذاشت!

منابع

۱. قرآن
۲. نهج البلاغه، (۱۳۸۰ش)، ترجمه: محمد، دشتی، انتشارات ارم، قم.
۳. اووین، لوئیس- آن وین، تیم، (۱۳۸۱)، مدیریت محیط زیست، انتشارات سازمان حفاظت محیط زیست، تهران
۴. ایرانمش، قاسمعلی، (۱۳۹۵)، کتاب زمین، بی جا.
۵. بهرام‌پور، ابوالفضل، (۱۳۹۰ش)، تفسیر مبین، انتشارات آوای قرآن، قم.
۶. برناردز، جان، (۱۳۸۴ش)، درآمدی به مطالعات خانواده، ترجمه حسین قاضیان، تهران، نشرنی.
۷. جوادی آملی، عبدالم...، (۱۳۹۱ش)، مفاتیح الحیات، نشر اسراء، قم.
۸. سلمان ماهینی، عبدالرسول، (۱۳۹۱)، شالوده حفاظت محیط زیست، نشر ری نگار، تهران، چاپ اول.
۹. سیاح، احمد، (بی تا)، فرهنگ بزرگ جامع نوین، جلد اول، کتابفروشی اسلام، تهران.
۱۰. شریعتی، محمدتقی، (بی تا)، تفسیر نوین، بی جا، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۱. صاحب معالم، حسن بن زین الدین ابن شهید ثانی، (بی تا) معالم الاصول، بی جا.
۱۲. طباطبایی، محمدحسین، (بی تا)، تفسیر المیزان، دفتر انتشارات اسلامی، قم.
۱۳. عبد الباقی، محمد فواد، (۱۳۶۴)، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، دار الکتب المصریه، قاهره.
۱۴. عوفی، عطیه، (۱۳۸۸)، تفسیر قرآن کریم، انتشارات دلیل، قم.
۱۵. فیض کاشانی، محسن، (۱۳۷۴ش)، تفسیر صافی، مکتبه الصدر، تهران، چاپ دوم.
۱۶. قلعه جی، محمد رواس، قنیبی، حامد صادق، (۱۴۰۵ق)، معجم لغت الفقهاء، دار النفاثس، بیروت.
۱۷. متقی هندی، علاء الدین علی، (۱۴۰۱ق)، کنز العمال، موسسه الرساله، بی جا، چاپ پنجم.
۱۸. نوری، حسین بن محمدتقی، (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل، موسسه آل البيت (ع) لاحیا التراث، بیروت.
۱۹. مصباح یزدی، محمد تقی (بی تا)، معارف قرآن (۳-۱)، در راه حق، قم.
۲۰. مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۸۷)؛ برگزیده تفسیر نمونه، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران.
۲۱. ملکی اصفهانی، مجتبی (۱۳۸۱)، فرهنگ اصطلاحات اصول، انتشارات عالمه، تهران.
۲۲. هویدی، حسن، (۱۳۹۰)، شناخت، پیشگیری و کنترل آلودگی های محیط زیست، انتشارات خانیران، تهران، چاپ سوم.



بررسی ارزش و اهمیت گیاهان دارویی در درمان بیماری‌های انسان از منظر قرآن و حدیث

مریم امامی قرا^۱ و رقیه اصغرزاده^۲

۱- کارشناس ارشد اصلاح نباتات، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری

۲- کارشناس ارشد بیوتکنولوژی و ژنتیک مولکولی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی ساری (نویسنده مسئول):

(r.asgharzadeh@yahoo.com)

چکیده

گیاهان یکی از اجزای اصلی جهان هستی می‌باشند. انسان‌ها، گیاهان را به عنوان دارو از زمان‌های بسیار قدیم مصرف می‌کردند. بعد از مشاهدات و تجربیات زیاد گیاهان دارویی به عنوان منابع دارویی شناخته شدند. بنابراین درمان از طریق این گیاهان به تمدن اولیه انسان برمی‌گردد. در این مقاله با بررسی آیات مرتبط و مراجعه به تفاسیر و روایات، به بررسی گیاهان دارویی در کتاب مقدس قرآن است و احادیث پرداخته شده است. تا اهمیت جایگاه آن‌ها و غنای فرهنگی پزشکی اسلامی را بیان نماییم. کتاب قرآن، هدایتی برای مسلمانان است که در آن از گیاهان دارویی همانند کافور، درخت خرما، انجیر، زنجبیل، انگور، سیر، عدس، زیتون، پیاز، انار، کدو، ریجان، درخت گز، سیواک، خردل، افاقیا، خیار، تره و .. اشاره شده است. ما در این پژوهش به بررسی برخی از این گیاهان دارویی از جمله خرما، کدو و ریجان پرداختیم. با مروری بر آن‌ها می‌توان به این نتیجه دست یافت که از منظر قرآن، اهمیت گیاهان در تغذیه‌ی انسان بیشتر از سایر مواد خوراکی است، به گونه‌ای که حتی در بیان خوراک‌ها و نعمت‌های بهشتی نیز خداوند میوه‌ها را بر گوشت مقدم داشته است. گیاهان علاوه بر تغذیه‌ی انسان، به عنوان دارو و درمان بیماری‌های او نیز کاربرد دارند و قرآن کریم در داستان حضرت یونس(ع) و ماجرای به دنیا آمدن حضرت عیسی(ع) به این نقش گیاهان اشاره دارد. بنابراین با عنایت به آیات قرآن کریم و روایات مربوطه، اهمیت توجه بیشتر به گیاهان در رژیم غذایی و تهیه‌ی دارو و درمان بیماری‌ها به روشنی آشکار می‌گردد.

کلید واژه‌ها: قرآن، حدیث، گیاهان دارویی، خواص دارویی، درمان

مقدمه

داروها در کنار اثرات فارماکولوژی، دارای اثرات جانبی از قبیل، آثار سوء محیطی یا داخلی مانند عوارض کبدی- قلبی و عروقی و یا اثرات مرکزی و وابستگی هستند. هنوز دارویی ایده آل که فاقد اثرات جانبی باشد به دنیای طب معرفی نشده است. اما گیاهان به دلیل مصارف دارویی به عنوان چاشنی و یا ترکیبات آروماتیکی برای قرن‌ها مورد استفاده قرار گرفته‌اند و امروزه ترکیبات گیاهی از امنیت بالاتری در مقایسه با ترکیبات سنتزی برخوردار هستند و بیش تر مورد توجه قرار می‌گیرند. تحقیقات نیز نشان می‌دهد که نزدیک به ۸۰ درصد از مردم جهان

طی هزاران سال انسان برای رفع و درمان بیماری‌ها و دردهایش به گیاهان مراجعه کرده و در مقابل پاسخی از آن‌ها دریافت می‌نموده که سلامتی را برای وی به ارمغان می‌آورد، اما در یک تجربه ناموفق برای چند دهه از گیاهان (به عنوان دارو) فاصله گرفت که منجر به روبرو شدن با عوارض مختلف مواد سنتزی گردید، به طوری که ناچار گردید نگرش خود را تغییر داده و دوباره به استفاده از گیاهان به عنوان دارو و مواد بهداشتی و آرایشی روی آورد (فشارکی و همکاران، ۱۳۸۹). از آنجایی که بسیاری از



در کنار قرآن، شناختن تفاسیر و احادیث ائمه وحی (ع) در ارتباط با آیات ضروری است، زیرا از یک سو مشکل اختلافی را که بین تفاسیر گوناگون وجود دارد حل می‌کنند و از سوی دیگر تطبیق‌های فراگیرتری برای آیات فراهم می‌آورد (قنادی و داودی، ۱۳۹۲).

بنابراین هدف از این تحقیق، جست‌وجو در متون ترجمه و تفاسیر آیات قرآن و احادیث و بهره‌گیری از منابع علوم زیستی جهت بررسی اهمیت گیاهان دارویی در درمان بیماری‌های انسان از دیدگاه قرآن و حدیث و علوم زیستی می‌باشد.

متن اصلی

گیاهان در طول تاریخ به عنوان منبع تغذیه‌ای برای انسان و حیوانات مورد استفاده قرار گرفته است. اما در کنار مصرف تغذیه‌ای، از گیاهان در درمان عوارض و بیماری‌های گوناگون نیز استفاده شده است. خدا در آیه ۴۵ سوره کهف و آیه ۲۲ سوره حدید به زندگی انسان و گیاه می‌پردازد و نسبت آن را با یکدیگر می‌سنجد. در طب اسلامی نیز ابوعلی سینا تلاش‌های بسیاری در معرفی خواص گیاهان دارویی انجام داد که نتایج مطالعات او در کتاب قانون، قابل دسترسی است. با پیشرفت صنعت داروسازی، اجزای اصلی درمانی گیاه جدا شده و به شکل پودر، عصاره، اسانس و ... در اختیار بیماران قرار گرفته است. در دو قرن گذشته با پیشرفت علم شیمی و با الگو برداری از ساختار شیمیایی طبیعی، مواد بسیار با ارزشی سنتز شده و کمک فراوانی به توسعه درمان‌های دارویی کرده است. و در همین مدت میزان استفاده از گیاهان دارویی کاهش یافته است. اما بروز عوارض جانبی بسیار و ایجاد برخی مشکلات جدی برای مصرف‌کنندگان داروهای شیمیایی، باعث افزایش گرایش‌ها در بین دانشمندان و مردم

به خصوص در کشورهای در حال توسعه از گیاهان دارویی برای درمان اولیه بسیاری از بیماری‌ها کمک می‌گیرند. استفاده از گیاهان دارویی به دلیل اثرات مفید آن‌ها و نداشتن عوارض جانبی در مقایسه با داروهای شیمیایی بایستی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، تحقیقات جهت یافتن داروهایی با منشأ گیاهی برای درمان عوارض و بیماری‌ها از اولویت‌های تحقیقاتی در دنیا به شمار می‌رود (کریمی و همکاران، ۱۳۹۲).

کتاب قرآن، هدایتی برای مسلمانان است که در آن حداقل ۱۹ گیاه دارویی همانند کافور، درخت خرما، انجیر، زنجبیل، انگور، سیر، عدس، زیتون، پیاز، انار، کدو، ریجان، درخت گز، سیواک، خردل، افاقیا، خیار، تره و... اشاره شده است. تمام گیاهان آفریده و نشانه عظمت خداوند متعال هستند و گیاهانی که نام آن‌ها در قرآن آمده است هم از نظر خواص و کاربرد و هم از نظر وقایع و رویدادهایی که همراه آن‌ها ذکر شده اهمیت ویژه‌ای دارند. گیاهانی که نام آن‌ها به کلام الهی راه یافته‌اند باید از سوی محققان علوم زیستی مورد توجه خاص قرار گیرند.

اهمیت گیاهان در قرآن در سوره‌های مختلفی همانند الماعون، الرحمن، بقره، انعام ذکر شده است و به استفاده از گیاهان به منظور تامین غذا و یا کاربرد آن به عنوان دارو و درمان بیماری‌های مختلف اشاره و توصیه‌هایی شده است (وین و همکاران، ۲۰۱۱). معالجات و درمان بیماری‌ها به کمک گیاهان داورویی از مباحث مورد توجه در مطالعات اسلامی بوده است. قرآن به عنوان کتابی مرجع به خوبی در سوره‌های مختلف به اهمیت گیاهان و کاربردهای آن اشاره فرموده است (اطمینانی و همکاران، ۱۳۹۶).



(بخاری. محمد بن اسماعیل ۲۵۶-۱۹۴) خداوند دردی را نازل نکرده مگر آن که شفای آن را نیز فرو فرستاده است. (پهلوان منصور ، ۱۳۹۱)

در نتیجه این پژوهش با روش مرور مقالات و کتب چاپ شده در مورد گیاهان دارویی از منظر قرآن کریم انجام شده است. برای این منظور با جستجو در بانک های اطلاعاتی الکترونیکی، مقالات مرتبط استخراج و بررسی گردید. همچنین منابع کتابخانه های غیرالکترونیکی شامل گزارش ها و کتاب هایی مانند قرآن کریم، تفاسیر المیزان و کتب فقهی اسلامی، مورد ارزیابی قرار گرفت.

گیاهان مختلفی که در قرآن به آن ها اشاره شده، در حیطه های مختلف از جمله پزشکی کاربرد دارند. که هم جنبه دارویی آن ها و هم نقش موثر آن ها در تغذیه موثر به اثبات رسیده است (Sanower و همکاران، ۲۰۱۶). قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام با بردن نام گیاهان و میوه ها و ذکر دستورات درمانی شان، فواید و جایگاهشان را در درمان بیماری ها و امراض روحی و جسمی بشر یادآور شده اند. در اینجا به بررسی دستورات و نسخه های شفابخش چند نمونه از گیاهان و میوه ها می پردازیم.

خرما (نخل)

در روایات و همچنین آیات بسیاری از قرآن از خرما به اشکال گوناگون نام برده شده است. سوره بقره آیه ۲۶۶ - انعام آیات ۹۹ و ۱۴۱ - رعد آیه ۴ - نحل آیات ۱۱ و ۶۷ - اسراء آیه ۹۱ - کهف آیه ۳۲ - مریم آیات ۲۳ و ۲۵ (طرب) - طه آیه ۷۱ - مومنون آیه ۱۹۱ - شعراء آیه ۱۴۸ - یس آیه ۳۴ - سوره ق آیه ۱۰ (طلع: شکوفه خرما) - قمر آیه ۲۰ - رحمن آیات ۱۱ و ۶۸ - حاقه آیه ۷ - عبس آیه ۲۹ - حشر آیه ۵ (لینه: نوعی از درخت خرما) - نساء آیات ۴۹ و ۷۷ (فتیال: شکاف هسته خرما) - فاطر آیه ۱۳ (قطمیر: پوسته نازک

برای استفاده بیشتر از داروهای با منشاء طبیعی شده است. علاوه بر مواد موثره در محصولات نهایی دارو (چه با منشاء طبیعی و چه سنتزی)، در بسیاری از داروها از مواد همراه (اکسیپیان ها) استفاده می شود. مانند متلاشی کننده ها (مانند نشاسته)، چسباننده ها و اسانس ها، که این مواد نیز اغلب از منشاء گیاهی تهیه می شوند. می توان بیان نمود که از بیشتر بخش های تشکیل دهنده گیاهان به عنوان ماده دارویی استفاده می شود (آزادبخت، ۱۳۷۸، ص ۳-۴).

همچنین در قرآن توصیه به مصرف غذاهای گیاهی، بیشتر از غذاهای با منشاء حیوانی شده و امروزه نیز حقیقت این امر از نظر علمی روشن شده است و مزیت الگوی رژیم های تغذیه با برتری مواد گیاهی نسبت به غذاهای با منشاء حیوانی ثابت شده است. همچنین در آیات و روایات متعدد به صورت مستقیم و غیر مستقیم به تنوع در مصرف گیاهان و خواص دارویی آن ها از جمله تسکین درد، ضد عفونی کردن، درمان کوفتگی، خون سازی، جلوگیری از عفونت معده و روده، صبر و بردباری، تقویت حافظه، شادابی بدن و ... اشاره شده است و خداوند آن را از نشلنه های وجودی و موهبت هایی دانسته که به بشر عنایت فرموده است (عرب نژاد و همکاران، ۱۳۹۶).

خداوند قادر چنین تقدیر نموده که درمان هر بیماری و مرضی را در همان منطقه ای که بیماری در آن وجود دارد، قرار داده است و برای هر درد دوايي است و علاج بیماری هر سرزمینی در همان منطقه است و محققین باید در طبیعت به جستجوی این داروها بپردازند چرا که قطعاً درمان و شفای آن بیماری در دامان طبیعت وجود دارد (مهران، ۱۹۹۹). از پیامبر اکرم (ص) نقل شده: «ما أنزل من داء الا انزل له شفاء



شدن توسط ماهی و خروج ایشان از شکم ماهی بیان می‌شود. در آیات به این موضوع اشاره می‌گردد که ایشان هنگامی که به ساحل می‌رسند، بیمار و ناخوش بوده و به همین خاطر خداوند بالای سر وی گیاه کدو را می‌رویانند. (فَبَدَّنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ وَأَنْبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّقُطِينِ) (سوره صافات آیات ۱۴۵-۱۴۶) پس او را در حالی که بیمار بود به بیابان بینداختیم و بر سر او کدو بنی رویانیدیم. تقریباً همه ی مفسرین بر این عقیده اند که "عرا" عبارتست از محلی بدون گیاه، درخت و دیوار یا هر چیزی که انسان بتواند در زیر سایه آن قرار گیرد و می‌توان گفت اشاره به ساحل دریا دارد و "سقیم" را نیز به معنای بیمار و ناخوش گرفته اند. حضرت یونس(ع) هنگامی که به ساحل رسید بیمار بود و خداوند گیاهی به نام "یقطين" بالای سر او رویاند. و اغلب نقل کرده اند (به خصوص از ابن عباس) که مراد از یقطين کدو است و رویش این گیاه به این خاطر بود که بر وی سایه بیفکند(فشارکی و همکاران، ۱۳۸۹). از پیامبر اکرم(ص) نقل شده که فرمودند: کل الیقطين فلو علم الله تعالی شجرة أخف من هذه النبتها علی أخی (یونس 13) کدو را بخورید، اگر خدا گیاهی را سبک تر (سریع الهضم تر) از آن می دانست آن را برای برادرم یونس می‌رویانند با توجه به داستان یونس که در آیات و روایات بیان شده فهمیدن بیماری و مشکلات جسمی یونس(ع) کار سختی نیست. یونس(ع) در دریا غرق میشود و پس از آن در معده نهنگ حبس می‌شود، طبیعتاً وی با مشکلات تنفسی ناشی از کمبود اکسیژن و ضعف جسمانی به علت شرایط سخت محیط رو به رو می‌گردد. گیاه کدو، حاوی مقدار زیادی آنتی اکسیدان، ویتامین A و ویتامین B6 می‌باشد، که به ترتیب در درمان آسم و تنگی نفس، سینه پهلو و اکسیژن رسانی به مغز کاربرد دارند. همچنین

هسته خرما)- یس آیه ۳۹ (عرجون: شاخه خشک خوشه خرما)
داستان به دنیا آمدن حضرت عیسی(ع) در آیات ۱۹-۳۴ سوره مریم بیان شده است. در این آیات به حضرت مریم دستور داده می‌شود که درخت خرما را تکان دهد تا از میوه آن بخورد و خداوند خرما را به عنوان غذای ایشان انتخاب کرد. (وَهَزَىٰ إِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسَاقُطُ عَلَيْكَ رَطْبًا جَنِيًّا. فَكَلَىٰ وَأَشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا) و خرما بن را به سوی خویش بجنبان تا بر تو خرمای تر و تازه چیده فرو ریزد. پس، بخور و بیاشام، و چشم روشن می‌دار.

مفسرین از این آیه چنین برداشت کرده‌اند که خرما برای زنی که وضع حمل کرده است بهترین غذاست. ضمن این که این میوه دارای ارزش غذایی بالایی است (هر ۱۰۰ گرم حدود ۳۵۰ کیلو کالری) به واسطه ی گلوکوزی که در آن موجود است می‌تواند به راحتی جذب بدن شده، نیاز حرارتی آن را تأمین کند. هم چنین این میوه دارای ماده ای شبیه اکسی توسین است که موجب می‌شود با افزایش انقباضات رحم در حین زایمان، عمل وضع حمل را تسرع و تسهیل نموده، زمان و میزان خون‌ریزی عروق رحمی را کاهش می‌دهد(کردی و همکاران، ۱۳۹۲). از خرما هورمونی استخراج می‌شود که شبیه کورتیزون انسانی عمل کرده، موجب می‌شود طفل به دنیا آمده صبور و بردبار باشد. همچنین امام صادق(ع) فرمودند: (ما استشففت نفساء بمثل الرطب لأن أطمع مریم رطباً جنياً فی نفاسها)(رنانی، ۱۳۸۴). هیچ چیز مانند خرما برای زنی که تازه وضع حمل کرده شفا بخش نیست زیرا خداوند در آن موقع به مریم خرما داد)

کدو

در سوره صافات آیات ۱۴۷-۱۳۷ داستان حضرت یونس(ع) و افکنده شدن ایشان در دریا و بلعیده



یونس اشاره دارد. یک بیمار دارو نیاز دارد و خداوند از بین تمامی گیاهان بوته‌ی کدو را برای وی می‌رویند.

ریحان

در قرآن کریم در دو آیه به طور مستقیم به گیاه ریحان اشاره شده است. خداوند در سوره الرحمن آیه ۱۲ می‌فرماید: *وَ الْأَحْبَبُ ذُو الْعَصْفِ وَ الرِّيحَانُ* (و دانه‌هایی دارای برگ و ساقه و گل خوشبو) همچنین در آیه ۸۹ از سوره واقعه می‌فرماید: *فَرُوحٌ وَ رِيحَانٌ وَ جَنَّةُ نَعِيمٍ* (برای اوست آسایش و روزی و بهشت پر نعمت). در این آیه خداوند وجود ریحان در زمین را لطف و رحمت خدایی دانسته است. ریحان مقدس (*Ocimum basilicum*) گیاهی علفی، یکساله، معطر، از گیاهان مهم متعلق به خانواده نعناع (*Lamiaceae*) است که به عنوان گیاه دارویی، ادویه‌ای و به صورت سبزی تازه در ایران استفاده می‌شود. (امیدبیگی، ۱۳۹۳، ص ۳۴۶) ریحان در طب سنتی به عنوان خلط آور، ضد نفخ، جهت تسکین درد معده، ضد انگل، اشتها آور و محرک و موثر در بهبود بیماری‌های ریوی شناخته شده است (لیما و همکاران، ۲۰۰۴).

در احادیث فراوانی استفاده از ریحان به منظور درمان بیماری‌ها و تضمین سلامتی مورد تاکید قرار گرفته است. مطالعات نشان داده که علاوه بر قسمت‌های هوایی و دانه‌ها و ریشه‌ها، اسانس روغنی که از این گیاه به دست می‌آید ارزش فراوانی دارد، که اثرات ضد باکتری، ضد زخم و کرم‌کشی در مورد این اسانس گزارش شده که با توجه به متابولیت‌های ثانویه موجود در این گیاه قابل توجیه می‌باشد (وینک و همکاران، ۲۰۱۶). امام صادق (ع) می‌فرماید: امان انسان از جذام است. چون در درون انسان جای می‌گیرد، همه بیماری‌ها را فرو می‌نشانند. همچنین می‌فرماید: سرکه دوست داشتنی‌ترین نان خورش و ریحان

کدو سینه را نرم، اخلاط و سرفه را آسان می‌کند. حتی تخم کدو نیز برای درمان خشونت سینه، اخلاط خونی، خونریزی ریه و تسکین سرفه مفید است. خوردن کدو باعث تجدید قوای جسمی و روحی بدن و موجب استحکام بافت‌های بدن می‌شود. پوست و موی بدن یونس (ع) در مجاورت اسید معده‌ی نهنگ، به شدت آسیب می‌بیند؛ همانطور که در روایتی امام باقر (ع) می‌فرمایند: موهای یونس (ع) همه ریخته بود و پوستش نازک شده بود (قمی، ۱۳۹۲، ص ۳۲۰). امروزه متخصصان پوست تاکید می‌کنند، کدو در زمینه مراقبت از پوست قدرتمند و بی‌نظیر است. این گیاه حاوی اکسیدهای قدرتمند آنتی‌هیستروکسی است که سلول‌های مرده پوست را برطرف کرده و پوست را درخشان می‌کند. همچنین حاوی ویتامین A است که به تولید سلول‌های پوستی جدید، و نرم‌تر و جوان‌تر شدن این بافت کمک می‌کند. از طرفی تخم کدو اسید آمینه‌های منحصر به فردی دارد که برای درمان ریزش مو بسیار مفید است. نهنگ، یونس را می‌بلعد و ضربات فیزیکی و انقباضات عضلات دستگاه گوارش نهنگ، باعث آسیب استخوان‌ها و مفاصل یونس (ع) می‌گردد. تخم کدو، یک منبع غنی از روی است که باعث افزایش تراکم مواد معدنی در استخوان و نیز استحکام آن می‌گردد. همچنین تخم‌های کدو، تأثیر زیادی در کاهش التهاب مفاصل دارند. در واقع اثر آن را با داروهای ضدالتهابی غیراستروئیدی و ایندومتاسین مقایسه می‌کنند؛ البته با یک تفاوت مهم که این تخم‌ها در مقایسه با ایندومتاسین هیچ نوع عوارض و مضراتی ندارند؛ یعنی باعث افزایش چربی‌های بد خون نمی‌شوند. خداوند تنها با یک آیه از قرآن کریم درمان تمامی این بیماری‌ها را بیان می‌کند و در این آیه می‌بینیم خداوند به صراحت به بیمار بودن



معدنی زیادی را در خود جای داده که هر یک از آنها در بدن نقش مهمی ایفا می‌کند و کمبود آن زمینه بیماری‌های مختلفی را فراهم می‌کند. بنابراین خوب است به جای این که از داروهای مکمل و تقویتی استفاده شود، این سبزی در سبد مواد غذایی قرار داده شود.

نتیجه گیری

آیات متعددی در قرآن به گیاهان و نقش آن‌ها در تغذیه ی انسان به صورت مستقیم و غیر مستقیم اشاره دارند که با مروری بر آن‌ها می‌توان گفت از منظر قرآن، اهمیت گیاهان در تغذیه‌ی انسان بیشتر از سایر مواد خوراکی است، به گونه‌ای که حتی در بیان خوراک‌ها و نعمت-های بهشتی نیز خداوند میوه‌ها را بر گوشت مقدم داشته است. گیاهان علاوه بر تغذیه‌ی انسان، به عنوان دارو و درمان بیماری‌های او نیز کاربرد دارند و قرآن کریم در داستان حضرت یونس(ع) و ماجرای به دنیا آمدن حضرت عیسی (ع) به این نقش گیاهان اشاره دارد. با اشاره به این که نتایج پژوهش‌های علمی پزشکی در واقع توضیح‌دهنده نقش درمانی گیاهان قرآنی است و این امر نشان می‌دهد که قرآن معجزه علمی دارد. مهم‌ترین نتیجه این است که موارد درمانی که درباره گیاهان دارویی ۱۴۰۰ سال گذشته در قرآن بیان شده است، هم اکنون در مطالعات علمی ثابت شده است که نشان می‌دهد گیاهان دارویی قرآنی می‌تواند به تنهایی چندین بیماری را درمان کنند. بنابر آیات قرآن کریم و روایات مربوطه، لزوم توجه بیشتر به گیاهان در تهیه ی دارو و درمان بیماری‌ها به روشنی آشکار می-گردد.

دوست داشتنی‌ترین سبزی است. در جای دیگر می‌فرماید: (الْحَوْكُ بَقْلُهُ الْاَنْبِيَاءُ، اَمَّا اِنْ فِیْهِ ثَمَانٌ خِصَالٌ: يَمْرُؤٌ وَ يَفْتَحُ السَّدَدَ وَ يَطْبِيبُ الْجِشَاءَ وَ يَطْبِيبُ اَلنَّ كَهَهَ وَ يَشْهِي الطَّعَامَ وَ يَسْلُ الدَّاءَ وَ هُوَ اَمَانٌ مِنَ الْجَذَامِ وَ اِذَا اسْتَقَرَّ فِی جَوْفِ الْاِنْسَانِ قَمَعَ الدَّاءَ كُلَّهُ) ریحان، سبزی انبیاست و در آن هشت خاصیت است: هضم کننده است، رگ‌ها و مجاری را باز می‌کند، بازدم را خوشبو می‌سازد، بدن را بوی خوش می‌بخشد، اشتها آور است، درد را از بدن بیرون می‌برد، از جذام در امان می‌دارد و چون وارد معده شود درد را به کلی از بین می‌برد. در حدیث دیگر امام کاظم (ع) فرمود: ریحان مرض سل را از بین می‌برد. همچنین امام صادق می‌فرماید: هرگاه ریحانی به شما داده شد آن را ببوید و بر چشم خود بگذارید زیرا از بهشت است(کلینی، اصول کافی، جلد ۶، صفحه ۳۶۴).

گیاه ریحان به صورت سنتی و بومی در مناطق مختلف ایران به طور قابل توجهی مورد استفاده قرار می‌گیرد. به طور معمول کاربردهایی از قبیل درمان دل‌درد، رفع یبوست، رفع کم‌خونی، جلوگیری از سکت قلبی، ممانعت از افسردگی، افزایش تولید اسپرم، جلوگیری از تهوع، افزایش شیر مادر و ایجاد احساس شادی و نشاط را در مناطق مختلف ایران میتوان دید. ریحان به عنوان گیاه دارویی مورد استفاده در طب سنتی به اثبات رسیده است. طبق مونوگراف کمیسیون دارویی سازمان بهداشت جهانی دارای رتبه ۲ درمانی است (قوام و همکاران، ۱۳۹۵). در نتیجه خواص درمانی این گیاه در قرآن و احادیث و روایات مطرح شده و از سویی دیگر نشان می‌دهد که پژوهش‌های جدید پزشکی این کاربردها را تأیید می‌کند و آنها را با تفسیر بیان علمی گزارش می‌دهد. ریحان، ویتامین‌ها و املاح

منابع

۱. قرآن کریم
۲. آزادبخت، م، (۱۳۷۸) «رده بندی گیاهان دارویی»، موسسه فرهنگی انتشاراتی تیمورزاده، چاپ اول، تیمورزاده، طبیب، صفحات ۳-۴.
۳. امیدبیگی، رضا (۱۳۹۳) «تولید و فرآوری گیاهان دارویی» آستان قدس رضوی، به نشر، چاپ هفتم.
۴. اطمینانی، فایقه و اطمینانی، ادیبه، (۱۳۹۶): «مطالعه ی گیاهان دارویی در قرآن مقدس»، دومین کنفرانس بین المللی مطالعات اجتماعی فرهنگی و پژوهش دینی، رشت.
۵. بخاری. محمد بن اسماعیل ۲۵۶-۱۹۴ صحیح بخاری. دار معروفه بیروت
۶. پهلوان منصور، شکوه چینی فروشان. اعجاز قرآن از دیدگاه امیرمؤمنان علی(ع). پژوهشنامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی سال سوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۴۷-۶
۷. تفسیر هدایت، ج. ۱. مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۷، صص ۸۴-۲۵.
۸. حر عاملی، ۲۱/۴۰۴
۹. رنای سلطانی، سید مهدی (۱۳۸۴) «طبّ گیاهی و خواصّ میوه ها در کلام امام باقر(ع)»، فرهنگ کوثر، شماره ۶۲.
۱۰. صفایی خرم، مهدی ساسان جعفرنیا، سارا خسروشاهی مشهد: مایکل، بن اریک ون وایک (۲۰۱۶) «مهم ترین گیاهان دارویی جهان» مجتمع آموزش کشاورزی سبز ایران، سخن گستر، چاپ دوم.
۱۱. عرب نژاد، زهره و بلندآشین، سیده مهری (۱۳۹۶): «>گیاهان دارویی از منظر قرآن و حدیث<<»، کنفرانس بین المللی علوم کشاورزی، گیاهان دارویی و طب سنتی، مشهد.
۱۲. فشارکی، محمد علی لسانی، آل رسول، سوسن، فریدونی زهره، (۱۳۸۹): «>نقش گیاهان در تغذیه و سلامت انسان از دیدگاه قرآن<<»، کوثر بهار، شماره ۳۴.
۱۳. فاروقی، محمد اقتدار حسین. گیاهان در قرآن. ترجمه. نمائی، احمد. مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۸۴.
۱۴. قوام، منصوره و سلیمانی نژاد، زینب (۱۳۹۵): «>بررسی تطبیقی کاربردهای دارویی گیاه ریحان (Ocimum basilicum L.) در قرآن احادیث و طب<<»، نشریه اسلام و سلامت، دوره سوم، شماره اول، صفحه: ۶۶-۷۱.
۱۵. قمی علی ابن ابراهیم (۱۳۹۲) «تفسیر قمی»، جلد ۱، نشر بنی الزهراء، چاپ دوم.
۱۶. قنادی علیرضا، نعیمه سادات داودی. ضرورت و اهمیت بررسی خواص دارویی گیاهان ذکر شده در قرآن کریم و احادیث. زمستان ۱۳۹۲، دوره ۲۲، شماره ۴، صفحه ۴۳ تا ۵۰.
۱۷. کریمی، محمد، مستقیمان، موسی، تقی زاده، حامد (۱۳۹۲): «>زیر بنای حقوق گیاهان از دیدگاه قرآنی<<»، مجله طب سنتی اسلام و ایران، سال پنجم، شماره ی اول بهار ۱۳۹۳، صفحه ۶۱-۶۷.
۱۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۹): «>اصول کافی<<»، نشر تهران، دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی، جلد ۶، صفحه ۳۶۴.
۱۹. کردی معصومه، فاطمه آقایی میبیدی، دکتر فاطمه تارا، دکتر محسن نعمتی (۱۳۹۲) «تأثیر مصرف خرما در اواخر بارداری بر شروع زایمان در زنان نخست زا» دوره شانزدهم، شماره ۷۷، صفحه ۹-۱۵.
۲۰. مهران، جمال الدین حسین (1999) «>النباتات فی القرآن الکریم<<»، مکتبه النجلی المصریه، ۹۰ صفحه.
21. Ahmad M, Khan M. A. and Marwat S. K (2009): «>Useful medicinal flora enlisted in Holy Quran and Ahadith<>»: American- Eurasian Journal of Agriculture and Environment Science, 5(1), pp. 126-140.
22. Ebeling, E (2009): «>Herbs, Quran, and Mashetani: Practice, Use, Perception, and Integration of Traditional Medicine in Bodo<>»: Spring, 38 pp.
23. Koshak A, Alfaleh A, Abdel-Sattar E. and Koshak, E.(2012): «>Medicinal Plants in the Holy Quran and their Therapeutic Benefits<>», Planta Medica, 78, pp. 109.
24. Lima RJC, Moreno AJD, Diniz EM, et al. (2004): «>Characterization of a Crystal Grown from Ocimum Basilicum leaves and branches<>», Crystal Research and Technology, 39(10): 864-7.
25. Malik HMA. Treatment through Herbs. In: Medicinal Plants of Pakistan. 2001.
26. Nasr, S. H (1976): «>>> Islamic Science- An illustrated study, Westerham press, Ltd, Ghaznavi, K (1987): Tib-i- Nabvi and modern science, Al Faisal, Lahore, Pakistan, 1(2), pp. 1-14.
27. Pashaei F, Adelzadeh K. and Ghanimat, P. (2012): «>>>», Journal of Applied and Environmental Biological Sciences, 2, pp. 162-167.
28. Sohrab G, Sotoudeh G, Siasi F, Neyestani Tirang R, Rahimi Foroushani A, Chamari M. Effect of pomegranate juice consumption on blood pressure in type 8 diabetic patients. Iranian J Endocrinol Metab



- 8002; 9: 799-7Slimestad R, Fossen T, Vagen IM. Onions: a source of unique dietary flavonoids. *J Agric Food Chem* 8008; 11: 10028-20.
29. Sanower Hossain, Zannat Urbi, Fatematuz Zuhura Evamoni, Fatama Tous Zohora, K.M. Hafizur Rahman(2016). «A Secondary Research on Medicinal Plants Mentioned in the Holy Qur'an Journal of Medicinal Plants ».Volume 15, No. 59.
30. Westerham, Kent (England): pp: 15.
31. Wni, B. A, Wani, F. M, Khan A. Bodha R.H, Mohiddin F.A. and Hamid A (2011): << Some Herbs Mentioned in the Holy Quran and Ahadith and their Medicinal Importance in Contemporary Times>>, *Journal of Pharmacy Research*, 4(11), pp. 3888-3891.
32. Yari, K.H. Kazemi, E, Yarani, R. and Tajhmiri, A (2011): << Medicinal Plants in Holy Quran >>. *American Journal of Scientific Research*, 18, pp. 118-121.

جایگاه کشاورزی در تمدن اسلامی با تکیه بر آیات قرآن

محمد فلاح سلوکلابی

دانش آموخته حوزه علمیه قم (درس خارج فقه و اصول)- کارشناس ارشد حقوق عمومی- مسئول حوزه نمایندگی ولی فقیه سازمان جهاد کشاورزی استان مازندران- حاکم شرع در هیأت واگذاری زمین استان مازندران (نویسنده مسئول : mfs1392@yahoo.com)

چکیده

جامعه انسانی بر اساس مشیت الهی بسوی ظهور در پیش است. هر چه به عصر ظهور نزدیک‌تر می‌شویم تقابل فرهنگ‌ها بیشتر شده و دامنه‌ی اختلافات نیز رو به فزونی خواهد بود. هر یک از ادیان، مکاتب، نحله‌ها و حتی جریان‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تلاش دارند تا جهان‌بینی خویش را بر جهان‌بینی‌های دیگر غالب نمایند. کشاورزی نیز در این سالیان متممادی بی‌بهره از همین کشمکش‌های مبتنی بر جهان‌بینی‌های مختلف نبوده است. آنچه امروزه شاهد آن هستیم، غلبه‌ی اندیشه‌ی سکولار در کشاورزی و حاکمیت جهان‌بینی لیبرالی و اصالت سود در کشاورزی است. دین مبین اسلام از رکن مهم جامعه یعنی کشاورزی غافل نبوده و همواره آن را بر مبنای جهان‌بینی اسلامی مطرح کرده است. قرآن کریم و سیره‌ی گفتاری و عملی ائمه‌ی طاهریین (علیهم‌السلام) بر این نوع نگرش تأکید دارند. این دو منبع عظیم، هم بر کشاورزی در اسلام و هم بر کشاورزی اسلامی توجه ویژه نموده‌اند. کتاب آسمانی قرآن کریم مملو از آیاتی است که کشاورزی اسلامی را تبیین نموده است. این کتاب الهی هم بر اهداف متعالی کشاورزی که توحیدمحوری است تأکید نموده و هم به باورمندی نسبت به قیامت به‌درستی اشاره دارد. آنچه که مهم است این است که قرآن کریم تنها به توصیف کشاورزی و دو هدف گفته شده‌ی آن اکتفا ننموده است؛ بلکه سازوکار اجرایی آن را هم بیان نموده و در واقع کشاورزی سالم و مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی را بصورت عملیاتی بیان نموده است. نوع زمین کشاورزی، تولید محصولات طیّب، نوع آب مورد استفاده در کشاورزی از جمله مسائلی است که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته است. نیل به تمدن نوین اسلامی که در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب متبلور گشته در صورتی ممکن است که جهان‌بینی اسلامی در همه‌ی اصول و فروع تمدن اسلامی جاری و ساری گردد. از این رو، باید با طرحی نو از کشاورزی سکولار و لیبرال محور بسوی کشاورزی در تراز تمدن اسلامی عزیمت نمود.

واژگان کلیدی: تمدن نوین، تمدن اسلامی، کشاورزی اسلامی، کشاورزی قرآنی، زمین طیّب، غذای طیّب، آب باران.

مقدمه

ارکان و اجزاء نظام دارای رشدی متوازن باشند زیرا تمدن اسلامی، تبعیض‌بردار نیست. کشاورزی نیز که یکی از ارکان مهم جامعه و تمدن می‌باشد باید در تراز تمدن اسلامی شکل بگیرد. سابقه شغل با ارزش کشاورزی و دیگر مشاغل مرتبط با آن به بلندای آفرینش انسان و هبوط حضرت آدم (علیه‌السلام) بر زمین بوده (حر عاملی، بی‌تا، ج ۱۹، ص ۳۴)

اندیشه‌ی تشکیل تمدن نوین اسلامی همواره از آرمان‌های علمای اسلام، بنیان‌گذار انقلاب اسلامی ایران و رهبر معظم انقلاب بوده است. این اندیشه‌ی متعالی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب نیز به درستی تبلور یافت. بدیهی است زمانی می‌توان به تمدن اسلامی دست یافت که تمام



گرفتن در تراز تمدن اسلامی را داراست؟ بدیهی است در حالی می‌توانیم به تمدن اسلامی، اسلامی بگوییم که مبتنی بر منابع دینی یعنی قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) باشد. به عبارت دیگر ارکان نظام و تمدن اسلامی بر اساس آموزه‌های دینی پدید آیند. کشاورزی نیز از این اصل مسلم مستثنی نیست. اما آیا کشاورزی کنونی بر پایه منابع دینی استوار شده است؟ میزان بهره‌گیری علوم کشاورزی از منابع دینی چقدر است؟ آنچه در این تحقیق به آن پرداخته خواهد شد، تبیین کشاورزی اسلامی از منظر قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام) است تا هم میزان انطباق کشاورزی کنونی با منابع دینی تمدن اسلامی روشن شود و هم زمینه‌ای برای طراحی برنامه‌ی جامع کشاورزی در تمدن اسلامی باشد.

بیان مسأله

قرآن کریم شغل کشاورزی را به عنوان یک شغل موحدانه نام برده است: «ایا آنچه را کشت می‌کنید، ملاحظه کرده‌اید؟ آیا شما آن را می‌رویانید یا ماییم که می‌رویانیم؟!» (واقعه (۵۶): ۶۷-۶۳) بر اساس این نگرش قرآنی، کشاورز هیچ چیز را تولید نمی‌کند؛ این طبیعت است که تحت ربوبیت و هدایت الهی، تولید می‌کند و کشاورز، تنها این روند را مدیریت می‌نماید. متأسفانه در سالیان اخیر، شاهد فاصله گرفتن فعالیت‌های کشاورزی از آموزه‌های دینی شده‌ایم و علی‌رغم پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ی علمی و تکنولوژی در صنعت کشاورزی، اعتقاد به سکولاریزم در این صنعت تقویت شده است. شاید بتوان گفت به دلیل نفوذ همین نگرش خطرناک و مسموم به کشاورزی و جدایی روز افزون بدنه‌ی کارشناسی از آموزه‌های دینی، موجب شده است تا این ایده-ی قرآنی که باید از زمین طیب، غذای طیب و

و مرحله مهمی از تاریخ بشر است که منجر به ظهور تمدن گردید. دین اسلام کامل‌ترین و جامع‌ترین دین الهی است. این دین آسمانی همه‌ی نیازهای بشر را مورد توجه قرار داده و برای تأمین بهتر آنها به صدور دستور و رهنمود لازم مبادرت ورزیده است. قرآن کریم به عنوان سند جامع و زنده که از سوی خالق بی‌همتا برای بشر نازل شده است، تنها بعد معنوی و اخروی ندارد، بلکه به زندگی مادی بشر و سلامت آن به عنوان مقدمه‌ی ورود به سرایی دیگر پرداخته است. جمهوری اسلامی ایران مقدمه انقلاب جهانی امام عصر (عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف) است. امام خمینی (رضوان‌الله‌علیه) در واپسین روزهای عمر با برکت خویش (پیام امام خمینی به مناسبت نیمه شعبان، دوم فروردین ۱۳۶۸) در این باره گفتند: «مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران، نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام، به پرچمداری حضرت حجت - ارواحنا فداه - است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد.» (امام خمینی، بی‌تا، ج ۲۱، ص ۳۲۷) و در جایی دیگر ابراز امیدواری کرد: «امیدوارم که این انقلاب، یک انقلاب جهانی بشود و مقدمه برای ظهور بقیت الله - ارواحنا له الفداء - باشد.» (همان، ج ۱۶، ص ۱۳۱) بنابراین، هدف‌گذاری انقلاب اسلامی ایران، رسیدن به تمدن جهانی و حکومت واحد اسلامی است. این نگرش الهی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب نیز به درستی توسط مقام معظم رهبری تبیین شده و سه مرحله‌ی اساسی برای آن ذکر شد: خودسازی، جامعه-پردازی و تمدن سازی (ر.ک: خامنه‌ای، بیانیه گام دوم انقلاب). اکنون پرسش اساسی این است که جایگاه کشاورزی در تمدن اسلامی چگونه است؟ آیا کشاورزی امروز صلاحیت و قابلیت قرار



موجب شد تا این شکاف عمیق به وجود آید. در حالی که آیات زیادی در قرآن کریم به کشاورزی اختصاص دارد. همچنین در سیره گفتاری و عملی حضرات معصومین (علیهم‌السلام) نیز بر اهمیت کشاورزی و ضرورت آن تأکید فراوان شده است. اهداف و مبانی کشاورزی، پاکیزه بودن زمین کشاورزی از آلودگی‌ها، تولید محصولات کشاورزی طیّب، نوع آب کشاورزی، دخالت علوم مختلف در تولید محصولات کشاورزی، اولویت‌بندی تولید غذاهای مفید و مؤثر و نکوهش تولید محصولات کم‌کالری، تولید میوه‌های مغذی، مکان احداث باغات، ضرورت مصرف میوه‌ی رسیده و در فصل، خواص دارویی میوه‌ها، تأکید بر توسعه دامپروری، آبی‌پروری و ضرورت مصرف ماهی تازه، اهمیت زنبورداری، نقش ابلیس در تغییر سیستم و سبک زندگی در بعد کشاورزی، پدیده‌ی نفوذ دشمنان در کشاورزی و دامپروری و تلاش آنان در از بین بردن کشاورزی و نابودی نسل مسلمانان و... بخشی از موضوعاتی است که در قرآن کریم به آنها پرداخته شده است.

بنابراین، باید با طرحی نو در کشاورزی، به شکل-گیری تمدن اسلامی کمک نمود و به وضعیت موجود سامانی دیگر بخشید.

اهداف و مبانی کشاورزی اسلامی

اساس قرآن کریم و هدف آن، نهادینه ساختن نگرش توحیدی به عنوان سبک زندگی است. قصه‌ها و تمثیل‌های قرآن، قصص و مثال‌های واقعی هستند که مایه‌آزای عینی و خارجی داشته و هرگز خیالی و غیر واقعی نیستند. (طارق (۸۶): ۱۳-۱۴)

در واقع، قصص قرآن، بیان‌گر زوایای مختلف زندگی بشر بوده و تمثیل‌های قرآنی نیز قابلیت پیاده شدن خواهند داشت. آنچه که مهم است،

گورا تولید نمود؛ به تولید غذای نَکد و غیرگورا روی آورده شد! و حتی از این نشانه‌گذاری که از هر دانه می‌شود هفت خوشه و از هر خوشه، صد دانه استحصال نمود (بقره (۲): ۲۶۱)؛ غفلت زیاد شده و اساساً در قاموس آموزش و تحقیقات ما در حوزه‌ی کشاورزی وارد نشده و بلکه موجب استبعاد شدید است! با عنایت به این نارسایی‌ها و غفلت‌ها، باید صنعت کشاورزی را به تراز قرآنی نزدیک نمود. در دنیای کنونی، با رشد فزاینده‌ی جمعیت، نگرانی‌های موجود در تأمین غذای سالم و کمبود منابع به عنوان یک چالش مهم، روز به روز عمیق‌تر می‌شود. آنچه که می‌تواند هم نگرانی تأمین غذا را برطرف نموده و هم امنیت غذایی و سلامت آن را تضمین نماید، ابداع روش‌های خلاقانه و گذار از کشاورزی سنتی به سوی کشاورزی مدرن و پیشرفته می‌باشد. تجربه‌ی دیگر کشورها در "هوشمندسازی" صنعت کشاورزی و حتی بکارگیری شرکت عظیم "مایکروسافت" در ساخت نرم‌افزارهای جدیدی به نام "هوش مصنوعی" در عرصه تولید فزاینده و سالم محصولات کشاورزی و همچنین گسترش دامنه‌ی کشاورزی به محیط‌های شهری با سازوکار مناسب با شهرنشینی از روش‌های نوینی است که می‌توانند صنعت کشاورزی را متحول نمایند. تحول اساسی در این رکن مهم، منافاتی با انطباق یافته‌های علمی در حوزه کشاورزی با قرآن و سنت معصومین ((علیهم‌السلام)) نداشته، بلکه همواره می‌توان با تلفیق این یافته‌ها و نظریه‌ها به نتایج ارزشمندی دست یافت.

اهمیت و ضرورت کشاورزی اسلامی

روشن است که کشاورزی کنونی به دلایل مختلف از منابع دینی تهی بوده و فاصله زیادی با آن دارد. عدم ورود حوزه‌های علمیه به بحث کشاورزی و تعیین حدود و ثغور آن و نیز بیگانگی دانشگاه‌ها و مجامع علمی از آموزه‌های دینی



از مجموع آیات فوق می‌توان نتیجه گرفت که هدف نهایی از کشاورزی، توحیدباوری و باورمندی نسبت به معاد است.

این نوع توحیدمحوری و فرجام‌باوری در برخورد انسان با زمین، آب، مسایل زیست‌محیطی، سلامت تولید غذا، بهره‌وری بیشتر از نعمت‌های الهی و... مؤثر بوده و کشاورز و تولیدکننده را فردی مسئولیت‌پذیر بار می‌آورد.

طیب و پاکیزه بودن زمین کشاورزی

در قرآن کریم و آموزه‌های دینی خاک و زمین، به عنوان اساسی‌ترین عنصر آفرینش (طه: ۲۰): ۵۵ و حج (۲۲): ۵، جایگاه تکوین و رشد موجودات (حج: ۲۲): ۵، امانت در دست بشر (هود: ۱۱): ۶۱، اصلی‌ترین رکن کشاورزی (رعد: ۱۳): ۴-۳ و بستر تأمین غذای بشر (یونس: ۱۰): ۳۱ دانسته شده است.

قرآن کریم همواره بر حفظ خاک و جلوگیری از فرسایش آن تأکید دارد:

- «سرزمین پاکیزه، گیاهش به فرمان پروردگار می‌روید اما سرزمین‌های بد طینت، جز گیاه ناچیز و بی‌ارزش، از آن نمی‌روید این‌گونه آیات (خود) را برای آنها که شکرگزارند، بیان می‌کنیم!» (اعراف: ۷): ۵۸

در این آیه‌ی شریفه سه واژه‌ی مهم به‌کار رفته است. واژه‌ی طیب، خبیث و نکد. اکنون به توضیح مختصری درباره‌ی این سه واژه می‌پردازیم:

علامه طباطبایی در بیان معنای معنای طیب و تفاوت آن با طاهر می‌نویسد:

«کلمه‌ی "طیب" به عاری بودن هر چیزی از خلطی که آن را تیره و ناپاک سازد و خلوص آن را از بین ببرد، گفته می‌شود: "طاب لی العیش" یعنی زندگی برایم طیب شد؛ یعنی از هر چیزی که کدر و ناگوارش کند پاک گردید، و "قول

این است که در تمام آنها، نگرش توحیدی موج می‌زند.

کشاورزی هم، در راستای همین هدف متعالی است. یعنی توجه بشر به توحید و قدرت لایزال الهی در رویاندن گیاه و نبات و نیز باورمندی نسبت به معاد است.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید:

- «وست که باغ‌های معروش و باغ‌های غیر معروش را آفرید همچنین نخل و انواع زراعت را که از نظر میوه و طعم با هم متفاوتند و (نیز) درخت زیتون و انار را که از جهتی با هم شبیه و از جهتی تفاوت دارند...» (انعام: ۶): ۱۴۱.

- «آیا هیچ درباره آنچه کشت می‌کنید اندیشیده‌اید؟! آیا شما آن را می‌رویانیید یا ما می‌رویانییم؟! هر گاه بخواهیم آن را مبدل به کاه در هم کوبیده می‌کنیم که تعجب کنید! (به-گونه‌ای که بگویید): به‌راستی ما زیان کرده‌ایم، بلکه ما به‌کلی محرومیم!» (واقعہ: ۵۶): ۶۷-۶۳

- «(علاوه بر این،) مخلوقات را که در زمین به رنگ‌های گوناگون آفریده نیز مسخر (فرمان شما) ساخت در این، نشانه روشنی است برای گروهی که متذکر می‌شوند!» (نحل: ۱۶): ۱۳

- «(ای پیامبر!) زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم و به-وسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می‌شود و) در هم فرومیرود. اما بعد از مدتی می‌خشکد و بادها آن را به هر سو پراکنده می‌کند و خداوند بر همه چیز تواناست...» (کهف: ۱۸): ۴۵

- «.. (او کسی است که) از چهارپایان، برای شما حیوانات باربر، و حیوانات کوچک (برای منافع دیگر) آفرید از آنچه به شما روزی داده است، بخورید! و از گام‌های شیطان پیروی ننمایید، که او دشمن آشکار شماست!» (انعام: ۶): ۱۴۲



ممکن است گفته شود هدف از مصرف کودها و سموم شیمیایی، افزایش تولید است! قرآن کریم پاسخ می‌دهد:

«بگو: «هیچ گاه» خبیث و طیب مساوی نیستند هر چند فزونی خبائث، تو را به شگفتی اندازد! از (مخالفت) خدا بپرهیزید ای صاحبان خرد، شاید رستگار شوید». (مائده (۵): ۱۰۰)

بنابراین زمین کشاورزی باید طیب و عاری از هرگونه آلودگی باشد.

تولید غذای طیب

قرآن کریم نه تنها بر طیب بودن زمین کشاورزی تأکید دارد بلکه همواره بر طیب و گوارا بودن محصولات کشاورزی و نیز ضرورت مصرف غذای طیب هم تأکید دارد:

- «و ابر را بر شما سایبان قرار دادیم و "من" و "سلوی" را بر شما فرستادیم (و گفتیم): از نعمت-های طیب و پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم بخورید! (ولی شما کفران کردید!) آنها به ما ستم نکردند بلکه به خود ستم می‌نمودند.» (بقره (۲): ۵۷)

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از نعمت‌های پاکیزه‌ای که به شما روزی داده‌ایم، بخورید و شکر خدا را بجا آورید اگر او را پرستش می‌کنید!» (بقره (۲): ۱۷۲)

- «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از قسمت‌های پاکیزه اموالی که (از طریق تجارت) به دست آورده‌اید، و از آنچه از زمین برای شما خارج ساخته‌ایم (از منابع، معادن، درختان و گیاهان)، انفاق کنید! و برای انفاق، به سراغ قسمت‌های ناپاک نروید در حالی که خود شما، (به هنگام پذیرش اموال)، حاضر نیستید آنها را بپذیرید مگر از روی اغماض و کراهت! و بدانید خداوند، بی‌نیاز و شایسته ستایش است.» (بقره (۲): ۲۶۷)

طیب " آن کلامی است که از لغو و شتم و خشونت و سایر کدورت‌ها پاک باشد، و فرق میان "طیب" و "طهارت" این است که طهارت به معنای بودن هر چیزی است بر وضع و طبع اولیش، بطوری که از هر چیزی که مایه‌ی تنفر باشد پاک بوده باشد، و اما طیب به معنای بودن هر چیزی است بر وضع اصلی خود، بطوری که از هر چیزی که آن را کدر و فاسد کند خالی و عاری باشد، چه این که از آن تنفر بشود و چه نشود، و به همین جهت طیب را در مقابل خبیث به کار می‌برند، که مشتمل بر خبائث زائد بر اصل خود باشد». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۳۶)

در تعریف نکد در لغت آمده است: «نکد به معنای شوم و لثیم است... و هر چیزی که صاحبش را بسوی شر و بدی بکشاند...». (ابن منظور، ۴۱۴ق، ج ۳، ص ۴۲۷)

همچنین در تعریف دیگری علاوه بر معنای فوق، به معنی «تیره‌بختی، نحس، بدفرجامی و خیر اندک آمده است». (الزبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۵، ص ۲۸۵)

نکته‌ی اساسی این است که زمین کشاورزی باید بر وضع اصلی و طبع اولیش باشد یعنی عاری از چیزی باشد که آن را کدر و فاسد می‌کند.

اکنون پرسش اساسی این است که آیا رها سازی فاضلاب‌ها، پسماندها و پساب‌های صنعتی در اراضی کشاورزی و مصرف کودها و سموم شیمیایی زمین را از طبع اولی خارج ننموده و آن را خبیث نمی‌کند؟!

روشن است که این آلودگی‌های مسموم و خطرناک و باقی ماندن طولانی مدت آنها در خاک، به مرور، زمین کشاورزی را خبیث و حتی عقیم نموده و باکتری‌های مفید خاک را از بین برده و قدرت باروری خاک را کاهش می‌دهند.



این حال چه می‌شود ایشان را که شکرگزاری نمی‌کنند. مؤید این که: کلمه "ما" نافیه است، آیه اواخر سوره است (یس (۳۶): ۷۳-۷۱) که در مقام منت‌گذاری بر مردم به خلقت چارپایان، به منظور تدبیر امر ارزاق آنان و حیاتشان می‌فرماید: «أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمَلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَامًا ... وَ مِنْهَا يَأْكُلُونَ وَ لَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَ مَشَارِبُ أَفَلَا يَشْكُرُونَ» چون در این آیه نیز می‌فرماید: خلقت چارپایان که وسیله اکل و شرب شمامست، عمل دست من است، یعنی عمل دست شما نیست، در نتیجه کلمه "ما" در آیه مورد بحث نافیه است». (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۷، ص ۸۶) با دقت در آیه، نکاتی فهمیده می‌شود: اولاً؛ مقصود از عدم دخالت دست در ساختن محصول کشاورزی، خلق نیست زیرا بشر به خلق محصول زراعی یا باغی قادر نیست و اساساً چنین توانایی را هم ندارد بلکه مقصود، دخالت در خلقت است. و ثانیاً؛ عبارت «أَفَلَا يَشْكُرُونَ» نیز بر نافیه بودن "ما" تأکید دارد. زیرا زمانی باید شکرگزاری نمود که تمام کار به دست خدای سبحان انجام شود و اگر قرار باشد دست بشر هم در آفرینش دخالت داشته باشد، شکرگزاری جایگاهی نخواهد داشت. از این آیه شریفه هم فهمیده می‌شود که دستکاری در طبع اولی محصول کشاورزی، خارج ساختن آن از طیب بودن و خلاف آفرینش است که تأثیر نامطلوبی هم بر طبیعت و هم بر سلامت انسان و دیگر جانداران بر جای خواهد داشت. قرآن کریم درباره شیر هم، بر سلامت، خلوص و گوارا بودن آن تصریح نموده است: «و در وجود چهارپایان، برای شما (درس‌های عبرتی است: از درون شکم آنها، از میان غذاهای هضم شده و خون، شیر خالص و گوارا به شما می‌نوشانیم». (نحل (۱۶): ۶۶) مقصود از خالص در اینجا، ناب و سره بودن آن و نیز عدم ترکیب آن با مواد خارجی است.

«ما آنها را به دوازده گروه - که هر یک شاخه‌ای (از دودمان اسرائیل) بود - تقسیم کردیم. و هنگامی که قوم موسی (در بیابان) از او تقاضای آب کردند، به او وحی فرستادیم که عصای خود را بر سنگ بزن! ناگهان دوازده چشمه از آن بیرون جست آن چنان که هر گروه، چشمه و آبشخور خود را می‌شناخت. و ابر را بر سر آنها سایبان ساختیم و بر آنها "من" و "سلوی" فرستادیم (و به آنان گفتیم): از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم، بخورید! (و شکر خدا را بجا آورید! آنها نافرمانی و ستم کردند ولی) به ما ستم نکردند، لکن به خودشان ستم می‌نمودند». (اعراف (۷): ۱۶۰)

« از روزی‌های پاکیزه‌ای که به شما داده‌ایم، بخورید و در آن طغیان نکنید که غضب من بر شما وارد شود و هر کس غضبم بر او وارد شود، به هلاکت می‌افتد» (طه (۲۰): ۸۱) شاید بتوان گفت، اصرار قرآن بر طیب بودن زمین کشاورزی و نیز مصرف غذای طیب برای این است که بشر نباید ماهیت آنها را دستکاری کرده و تغییر دهد و آنها را از طبع اولی خارج سازد. به عبارت دیگر زمین طیب اگرچه لازم است اما کافی نیست زیرا غذا هم باید طیب باشد. قرآن کریم درباره اجتناب از تغییر طبع اولی محصولات کشاورزی می‌فرماید:

«تا از میوه آن بخورند در حالی که دست آنان هیچ دخالتی در ساختن آن نداشته است! آیا شکر خدا را بجا نمی‌آورند؟!» (یس (۳۶): ۳۵) علامه طباطبایی (ره) می‌نویسد: «کلمه‌ی "ما" در جمله "وَمَا عَمَلْتُمْ" نافیه است و معنایش این است که: تا از میوه آن بخورند، میوه‌ای که دست خود آنان درستش نکرده تا در تدبیر ارزاق شریک ما باشند، بلکه ایجاد میوه و متمیم تدبیر ارزاق به وسیله آن از چیزهایی است که مخصوص ماست، بدون این که از آنها کمکی گرفته باشیم، پس با



«(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۸۸) کلمه "سائغ" اسم فاعل از "سوغ" است، گفته می‌شود: "ساغ الطعام و الشراب: غذا و شراب روان شد" و این را وقتی گویند که شراب (مایعات)، آشامیدنی گوارا باشد و به آسانی در گلو رود. تعبیر آیه به خالص و سائغ، نشان‌دهنده‌ی خلوص شیر از هر ماده‌ی افزودنی و نیز گوارا بودن آن است. در واقع خالص و سائغ، همان طیب بودن است. اکنون پرسش اساسی این است که آیا شیرهای کارخانه‌ای می‌توانند این ویژگی مهم یعنی طیب بودن را دارا باشند؟ آیا انواع افزودنی‌ها که حتی طعم و مزه‌ی شیر را نیز از بین می‌برند با خالص و سائغ بودن آن منافات ندارند؟ و آیا گوارای وجود انسان است؟

روشن است که این فعالیت‌ها و دخالت‌ها که منافی طبع اولی و طیب بودن شیر است مورد تأیید وحی و خالق انسان و طبیعت نیست. بنابراین، هدف از کشاورزی، تولید غذای طیب و گوارا است و نه تولید غذا به هر قیمتی! بر اساس آیه‌ی شریفه‌ی قرآن کریم که می‌فرماید: «من جن و انس را نیافریدم جز برای اینکه مرا عبادت کنند»؛ (ذاریات (۵۱): ۵۶) مقصود از عبادت، تنها نماز و روزه نیست که هدف خلقت بیان شده است؛ بلکه عبادت و بندگی زمانی محقق می‌شود که انسان بر مدار طبیعت به طبع اولی آن حرکت نماید و با علم اندک خویش، ساختار طبیعت هوشمند را تغییر نداده و مشکلاتی را متوجه بشر ننماید.

نوع آب کشاورزی

آب، ماده‌ای حیاتی بخش است (انبیاء (۲۱): ۳۰) و اساساً بدون آب، حیات و زندگی موجودات خاتمه یافته و غیرممکن خواهد بود. همواره

در لغت وارد شده که به هر چیز سفیدی، خالص می‌گویند... و آب خالص یعنی سفید. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۲۹)

مقصود از سفید یعنی بی‌رنگ بودن و به عبارت دیگر یعنی رنگی خارج از ذات نداشتن است. این که به آب خالص، سفید گفته می‌شود به همین معناست یعنی بی‌رنگ است.

مرحوم طبرسی (ره) می‌گوید: «قوله "مَنْ بَيَّنَّ فَرْثٌ وَ دَمٌ لَبَنًا خَالِصًا" لَا يَشُوْبُهُ الدَّمُّ وَ لَا الْفَرْثُ» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۶، ص ۵۷۳) یعنی خون و غذای هضم‌شده (سرگین) با آن مخلوط نیست. در واقع خود شیر است بدون ماده‌ای که به آن افزوده شده باشد.

علامه طباطبایی در بیان "لبناً خالصاً" می‌نویسد: معنای آیه این است که ما شما را از آنچه که در بطون انعام است شیری از میان سرگین و خون آنها بیرون کشیدیم و به شما نوشاندیم، که به هیچ یک از آن دو آلوده نبود و طعم و بوی هیچ یک از آن دو را با خود نیاورد، شیری گوارا برای نوشندگان. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۲، ص ۲۸۹) سائغ نیز به می‌گوارا که به آسانی در گلو فرو رود اطلاق می‌شود.

ابن منظور می‌نویسد: «ساغَ الشرابُ فِي الحَلْقِ یعنی به آسانی در حلق فرو رفت... و شراب سائغ یعنی نوشیدنی گوارا». (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۸، ص ۴۳۵)

در کتاب "التحقیق فی کلمات القرآن الکریم" آمده است: «سائغ به هر نوشیدنی که به جهت داشتن ویژگی‌های مطلوب، به راحتی نوشیده شود و مطابق میل و طبع و ذائقه شخص باشد، اطلاق می‌شود». (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج ۵، ص ۲۶۷-۲۶۶)

علامه طباطبایی در بیان واژه "سائغ" می‌نویسد: «و السائغ اسم فاعل من السوغ يقال: ساغ الطعام و الشراب إذا جرى في الحلق بسهولة»



- «او کسی است که از آسمان، آبی نازل کرد، و به وسیله آن، گیاهان گوناگون رویندیم...» (انعام (۶): ۹۹)

- «او کسی است که بادها را بشارت دهنده در پیشاپیش (باران) رحمتش می‌فرستد تا ابرهای سنگین‌بار را (بر دوش) کشند (سپس) ما آنها را به سوی زمین‌های مرده می‌فرستیم و به وسیله آنها، آب (حیاتبخش) را نازل می‌کنیم و با آن، از هر گونه میوه‌ای (از خاک تیره) بیرون می‌آوریم این‌گونه (که زمین‌های مرده را زنده کردیم)، مردگان را (نیز در قیامت) زنده می‌کنیم، شاید (با توجه به این مثال) متذکر شوید!» (اعراف (۷): ۵۷)

- «او کسی است که از آسمان، آبی فرستاد، که نوشیدن شما از آن است و (همچنین) گیاهان و درختانی که حیوانات خود را در آن به چرا می‌برید، نیز از آن است. خداوند با آن (آب باران)، برای شما زراعت و زیتون و نخل و انگور، و از همه میوه‌ها می‌رویند مسلماً در این، نشانه روشنی برای اندیشمندان است.» (نحل (۱۶): ۱۰-۱۱)

- «ای پیامبر! برای آنان مثالی بزن: آن دو مرد، که برای هر یک از آنها دو باغ از انواع انگورها قرار دادیم و گرداگرد آن دو (باغ) را با درختان نخل پوشاندیم و در میانشان زراعت پر برکتی قرار دادیم. هر دو باغ، میوه آورده بود، (میوه‌های فراوان)، و چیزی فروگذار نکرده بود و میان آن دو، نهر بزرگی جاری ساخته بودیم.» (کهف (۱۸): ۳۳-۳۲)

- «ای پیامبر! زندگی دنیا را برای آنان به آبی تشبیه کن که از آسمان فرو می‌فرستیم و بوسیله آن، گیاهان زمین (سرسبز می‌شود) و در هم فرو می‌رود. اما بعد از مدتی می‌خشکد و بادها آن را به هر سو پراکنده می‌کند و خداوند بر همه چیز تواناست!» (کهف (۱۸): ۴۵)

کشاورزی، دامداری، صنعت و... نیازمند آب هستند.

اصلی‌ترین و اساسی‌ترین عامل توسعه و تولید محصولات کشاورزی، آب است. آب‌های مورد استفاده در کشاورزی عبارتند از آب باران، آب رودخانه‌ها و نهرها، آب چشمه و آب چاه. قرآن کریم در آیات متعددی بر نوع آب کشاورزی هم تأکید نموده است. تأکید قرآن کریم بر استفاده از آب باران، رودخانه‌ها و نهرها و آب چشمه در کشاورزی است. اگرچه استفاده از آب-های سطحی به معنای نفی آب چاه و آب‌های زیرزمینی نیست اما می‌توان اولویت استفاده از آب‌های باران و سطحی را دریافت.

همان‌گونه که می‌دانیم باران از بی‌نهایت قطرات آب هستند که از آسمان پیوسته نازل شده و گاهی روزهای متوالی ادامه دارد. این قطرات ریز اما پر برکت، زمین تشنه را سیراب کرده و بذر گیاهان و درختان را روینده و به طبیعت مرده، حیاتی دوباره می‌بخشند.

از بخار آب سطح دریاها و اقیانوس‌ها و سایر آب-های سطحی، ابرهای سهمگین و فشرده تشکیل شده و با بارور شدن ابرها، باران خالص و عاری از هرگونه آلودگی نازل می‌شوند. املاح همراه باران نیز در حکم تغذیه کامل برای زراعت است. از ویژگی‌های مهم آب باران و سطحی، علاوه بر مغذی بودن آنها، هزینه‌ی پایین در استفاده و بهره‌وری از آنهاست.

آیات متعددی در قرآن کریم بر استفاده از آب-های باران، نهرها و چشمه‌ها در کشاورزی تأکید نموده است:

- «آن کس که زمین را بستر شما، و آسمان آجو زمین را همچون سقفی بالای سر شما قرار داد و از آسمان آبی فرو فرستاد و به وسیله آن، میوه‌ها را پرورش داد تا روزی شما باشد...» (بقره (۲): ۲۲)



پساب‌های صنعتی در رودخانه‌ها و دریاها سرازیر می‌شوند، اگر آب‌های زمین در روند تبخیر شدن و ابر شدن و باریدن نمی‌بودند آب‌های زمین بسیار آلوده و غیرقابل استفاده می‌شدند.

به‌علاوه این‌که تبخیر آب‌ها و بارش باران موجب گردش دائمی آب می‌شود و همین چرخش معنادار می‌تواند به پالایش آب کمک شایانی نماید.

- «و از آسمان، آبی پربرکت نازل کردیم، و به- وسیله‌ی آن باغ‌ها و دانه‌هایی را که درو می‌کند رویانندیم، و نخل‌های بلندقامت که میوه‌های مترکم دارند. همه این‌ها برای روزی بخشیدن به بندگان است...» (ق (۵۰): ۹-۱۱)

مقصود از پر برکت، این است که آب باران موجب لطافت هوا، جاری شدن نهرها و چشمه‌ها، رشد و نمو گیاهان و باغات، نابودی آفات و به عبارت دیگر تأمین روزی انسان‌ها می‌شود و در واقع نزول باران علت زنده شدن زمین مرده می‌باشد. - «آیا ندیدی که خداوند از آسمان آبی فرستاد و آن را بصورت چشمه‌هایی در زمین وارد نمود، سپس با آن زراعتی را خارج می‌سازد که رنگ- های مختلف دارد...» (زمر (۳۹): ۳۱)

- «و شما را با اموال و فرزندان فراوان کمک کند و باغ‌های سرسبز و نهرهای جاری در اختیارتان قرار دهد!» (نوح (۷۱): ۱۲)

بنابراین، تأکید قرآن بر استفاده از آب باران به- خاطر طهور بودن و نیز با برکت بودن آن است. قرآن بر استفاده از آب چاه‌ها برای کشاورزی توصیه نمی‌کند و به عبارت دیگر، اولویتی برای استفاده از آب چاه قائل نیست (اگرچه در جاهای کم بارش چاره‌ای غیر از آب چاه نیست). آب چاه‌ها هم آلودگی‌هایی که بدست بشر در روی زمین پدید می‌آید را داراست و هم از نظر مواد مغذی کم بهره است و هم به دلیل سرد بودن، رشد و نمو گیاه و یا نهال را با تأخیر مواجه نموده،

- «همان خداوندی که زمین را برای شما محل آسایش قرار داد و راه‌هایی در آن ایجاد کرد و از آسمان، آبی فرستاد که با آن، انواع گوناگون گیاهان را (از خاک تیره) برآوردیم.» (طه (۲۰): ۵۳)

- «خداوند همان کسی است که آسمان‌ها و زمین را آفرید و از آسمان، آبی نازل کرد و با آن، میوه‌ها (ی مختلف) را برای روزی شما (از زمین) بیرون آورد و کشتی‌ها را مستخر شما گردانید، تا بر صفحه دریا به فرمان او حرکت کنند و نهرها را (نیز) مستخر شما نمود.» (ابراهیم (۱۴): ۳۲)

- «او کسی است که بادها را بشارتگرانی پیش از رحمتش فرستاد، و از آسمان آبی پاک‌کننده نازل کردیم. تا به‌وسیله‌ی آن، سرزمین مرده‌ای را زنده کنیم و آن را به مخلوقاتی که آفریده‌ایم - چهارپایان و انسان‌های بسیار - می‌نوشانیم.» (فرقان (۲۵): ۴۸-۴۹)

آب باران در آیه، آب طهور نامیده شده است. واژه طهور و طهارت (مصدری) به‌معنی: پاکی از نجاست است. یعنی پاکی از چرک، پلیدی، بو، عرق، گندیدگی و مواردی از این قبیل. و طهور (فاعلی و وصفی) به‌معنی: چیزی است که موارد مزبور را ندارد یا آنها را برطرف می‌کند.

وصف "طهور" بیان‌گر پاکی و پاک‌کنندگی باران است. مرحوم طبرسی می‌گوید: «طهور یعنی پاکیزه است و پاکیزه‌کننده؛ هم آلودگی‌های ظاهری را می‌زداید و هم نجاسات معنوی را از بین می‌برد.» (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۷۱)

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) فرمود: «از آب آسمان بنوشید که پاک‌کننده بدن و زداینده بیماری‌ها است...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۶۶، ص ۴۵۳)

اما چرا آب باران را آب طهور نامیده است؟ پاسخ این است که در هر لحظه میلیون‌ها جانور در آب‌های زمین متولد می‌شوند و می- میرند، حجم عظیمی از فاضلاب‌ها، پسماندها و



از این رو، اهمیت و ضرورت پرداختن به کشاورزی از منظر قرآن و سنت و رساندن آن به تراز تمدن اسلامی نمایان می‌شود.

اکنون جهت نیل به این امر مهم موارد ذیل پیشنهاد می‌گردد:

۱. باورمندی نسبت به این‌که قرآن کریم به عنوان آخرین کتاب آسمانی بیان‌کننده‌ی هر چیزی (نحل (۱۶): ۸۹) است. این کتاب آسمانی بر اساس نظم مهندسی شکل گرفته و کتابی صرفاً اخلاقی نیست بلکه کتابی است که سبک زندگی توحیدی و سالم را ترویج می‌نماید؛

۲. فعالیت‌های علمی و پژوهشی روی آموزه‌های دینی در حوزه کشاورزی جدی گرفته شود؛

۳. سند جامع کشاورزی و در واقع نقشه جامع کشاورزی اسلامی تدوین گردد؛

۴. تغییر سیستم آموزشی و پژوهشی و نیز احیای کشاورزی سنتی سالم و جاری نمودن دیدگاه متعالی قرآن کریم و آموزه‌های حضرات معصومین (علیهم‌السلام) در کشاورزی و نحوه‌ی انطباق آن با دستاوردهای نوین مجامع علمی و دانشگاهی کشور و نیز تکنولوژی و صنعت، مد نظر قرار بگیرد.

۵. کشاورزی کنونی فاصله‌ی زیادی با کشاورزی اسلامی - تولید غذای طیب - داشته و اصلاً منطبق با آموزه‌های قرآن و سیره معصومین (علیهم‌السلام) نیست! از این رو، باید کوشش شود تا تولید غذای طیب، سلامت جسم، روان و اخلاق مردم را تأمین نموده و جامعه‌ای عاری از هرگونه بیماری جسمی، روانی و اخلاقی داشته باشیم.

طبع آن را تحت تأثیر قرار داده و حتی در کاهش میزان برداشت محصول کشاورزی تأثیر چشم‌گیری دارد.

از این رو، می‌توان بر اهمیت جمع‌آوری و حفظ آب‌های باران و سطحی، آبخیزداری، آبخوان-داری، مرمت آب‌بندان‌ها و نهرها، چشمه‌ها، سدها و... جهت مدیریت آب‌های کشاورزی پی برد.

نتیجه‌گیری

از آنچه تاکنون گفته شد (که تنها بخشی از مواردی است که در قرآن کریم ذکر شده‌اند) می‌توان نتیجه گرفت موارد فوق بیان‌کننده‌ی اهمیت و ضرورت پرداختن به کشاورزی اسلامی است. آنچه امروزه دغدغه‌ی اندیشمندان دلسوز حوزه کشاورزی است، انحراف کشاورزی از مدار اسلامی بسوی کشاورزی با خاستگاه غربی است که بر مبنای اصالت سود بنا شده و سلامت جسمی، روانی و اخلاقی جامعه را تحت‌الشعاع خویش قرار داده است!

کشاورزی مبتنی بر اندیشه لیبرالی، جامعه کشاورزی را به سوی کشاورزی اقتصادی و بر مبنای بازار با سودآوری مضاعف تنظیم می‌نماید در حالی‌که قرآن کریم و سنت معصومین (علیهم‌السلام)، صنعت کشاورزی را بسوی تولید غذای طیب، سالم و به دور از هرگونه آلودگی و غیر مخرب بر جسم، روان و اخلاق مردم رهنمون می‌شود.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرّم، لسان العرب، بیروت: دار صادر، چ سوم، ۱۴۱۴، ج ۸.
۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام لإحياء التراث، بی‌تا، مجلدات ۳۰، ج ۱۹.
۴. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانیه گام دوم انقلاب.
۵. خمینی، روح‌الله، صحیفه نور، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۹، چ سوم، ج ۲۱.



مرکز پژوهش‌های قرآن و علوم طبیعی

دومین همایش ملی پژوهش‌های میان رشته‌ای قرآن و
انگاره‌های علوم زیستی - ۲۸ مهرماه ۱۴۰۰



دانشگاه علوم کشاورزی
و منابع طبیعی گیلان

۶. طباطبایی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه علمیه، ۱۴۱۷ق، چ پنجم، ج ۱۲.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصرخسرو، ۱۳۷۲ش، چ سوم، ج ۶.
۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، ۱۴۰۳، ج ۶۶.
۹. الزبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۴، ج ۵.
۱۰. مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۸ش، چ اول، ج ۵.